علی‌محمد باب و همهٔ مدعیان دروغین؛ سفیران شیطان و ثمرهٔ الهامات استدراجی

بسم الله الرحمن الرحیم

نویسنده: حسن ارشاد

نسخه آزمایشی اول

از شکار علی‌محمد باب تا ناکامی شیطان در فریب یک عارف؛ مقدمه‌ای بر کالبدشناسی استدراج شیطانی

چکیده ای از مقاله زیر را بشکل فیلم تقدیم می شود

مقدمه :

کتاب العبقری الحسان نوشتهٔ فقیه نامدار و محدث برجستهٔ شیعه، آیت‌الله شیخ علی‌اکبر نهاوندی، سندی کم‌نظیر از یک ماجرای سرنوشت‌ساز در میانهٔ قرن سیزدهم هجری در اختیار پژوهشگران می‌گذارد. در این روایت، **ملا صادق سریزدی**—عارفی پارسا و اهل تهجد—پس از دوره‌ای طولانی از انزوا و ریاضت، با ندایی پنهانی روبه‌رو می‌شود که خود را «ملک‌الموت» می‌خوانَد. این ندا، با وعدهٔ «مقامات عالیه» و پیش‌گویی‌های دقیق، قدم به قدم او را به سوی فرمان‌های غریب و آشکارا خلاف شرع می‌کشاند: از اذان شبانه بر بام خانه تا دستور پرتاب انسان از سقف و حتی پرواز معجزه‌آسا به مکه.

اما این جریان استدراجی، به‌جای پیروزی، با مقاومت عقلانی و تربیت فقهی ملا صادق روبه‌رو می‌شود و نقاب از چهره برمی‌دارد. نقطهٔ اوج داستان در یک جملهٔ تکان‌دهنده نهفته است که نهاوندی با دقت ضبط کرده است:

«من از نزد تو پیش **میرزا علی‌محمد شیرازی** می‌روم که قابلیت دارد.»

این اعتراف صریح، روایت را از سطح یک تجربهٔ فردی بسیار فراتر می‌برد. **شخصی که فردای تاریخ با نام «علی‌محمد باب» به عنوان بنیان‌گذار فرقهٔ بابیّه شناخته شد، همان کسی است که این جریان مرموز، پس از ناکامی در فریب ملا صادق، او را «قابل» تشخیص داد و مقصد بعدی خود قرار داد.**

بر اساس آموزهٔ قرآنی «الی یوم الوقت المعلوم»، شیطان تا قیام قائم مهلت دارد و در این مهلت، شبکه‌های انحرافی خود را می‌پرورد. حکایت ملا صادق نمونه‌ای عینی از این **مهندسی شیطانی برای تولید مدعیان دروغین** است:

طراحی مرحله‌به‌مرحلهٔ فریب، انتخاب و جایگزینی سوژه، و انتقال مأموریت به فردی که از نظر روحی و اجتماعی آمادهٔ پذیرش نقش مدعی باشد.

این مقدمه، که می‌تواند سرآغاز هر یک از مقالات تحلیلی باشد، نشان می‌دهد که **پیدایش بابیت را نمی‌توان صرفاً به عوامل اجتماعی یا نبوغ فردی علی‌محمد باب فروکاست**؛ بلکه باید آن را ادامهٔ یک نقشهٔ استدراجی دانست که نخست در شخصی پرهیزگار ناکام ماند و سپس در بنیان‌گذار فرقهٔ باب به ثمر نشست.

فهرست محتویات و چکیده مقالات

الهامات شیطانی و پیدایش مدعیان دروغین؛ از بقا تا یوم الوقت المعلوم تا مدیریت فتنه‌های فِرَق

ساختار تفصیلی مقاله

مقدمه

- تعریف الهام، وحی، استدراج
- بیان ضرورت بحث در شرایط معاصر

بخش اول: آموزه‌ی بقای شیطان تا یوم الوقت المعلوم

- تحلیل آیات قرآن (اعراف، حجر، ص)
- روایت‌های معصومان درباره‌ی قتل شیطان به دست قائم(عج)

بخش دوم: شیطان به‌مثابه الهام‌بخش و مدیر حرکت‌های انحرافی

- شواهد قرآنی بر امکان الهام منفی
- نمونه‌های تاریخی از صدر اسلام تا دوره‌های بعد (سبئیه، غلات، مدعیان نبوت)

بخش سوم: سازوکارهای نفوذ شیطانی در تجربه‌های باطنی

- از وسوسه‌ی فردی تا ساختن جریان
- تحلیل روان‌شناسی توهّمات قدسی

بخش چهارم: معیارهای تشخیص الهام الهی از استدراج شیطانی

- عرضه بر کتاب و سنت
- آزمون عقل و شریعت

• نشانه‌های هشداردهنده (دستور خلاف شرع، طلب مقام و امتیاز)

بخش پنجم: نسبت این آموزه‌ها با مطالعهٔ موردی روایت ملا صادق سریزدی

• معرفی اجمالی روایت (بدون ورود به متن)
• جایگاه آن در کتاب العبقری الحسان و نقش آن در نقد بابیان

نتیجه‌گیری

• جمع‌بندی آموزه‌ها
• تأکید بر ضرورت مراقبت علمی و فقهی

الهامات شیطانی و پیدایش مدعیان دروغین؛ از بقا تا «یوم الوقت المعلوم» تا مدیریت فتنه‌های فِرَق

مقدمه: صورت مسئلهٔ عصر ما

در تمام سنت‌های توحیدی، مبارزه‌ی انسان و شیطان یک نزاع پایان‌ناپذیر تا روز موعود تلقی شده است. قرآن کریم با صراحت خبر می‌دهد که ابلیس پس از رانده شدن از درگاه الهی، با درخواست «فَأَنْظِرْنِی إِلَیٰ یَوْمِ یُبْعَثُونَ» (اعراف: ۱۴) مهلتی یافت و خداوند نیز فرمود: «فَإِنَّکَ مِنَ الْمُنظَرِینَ * إِلَیٰ یَوْمِ الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ» (حجر: ۳۷-۳۸). این دو آیه مبنای مهمی در الهیات شیعه است:
۱. شیطان تا «یوم الوقت المعلوم» زنده و فعّال می‌ماند.
۲. پایان کار او با قیام حجت الهی و تحقق وعدهٔ «لأغوِیَنَّهُم أجمَعین إلا عبادک منهم المخلصین» پیوند خورده است.

از این رو، تا ظهور قائم موعود، میدان عمل شیطان باز است؛ نه در سطح وسوسهٔ فردی، بلکه در سطحی پیچیده‌تر: **الهام‌بخشی و مدیریت حرکت‌های فرقه‌ای و مدعیان کاذب**. اگر قرار است بنا بر روایات معتبر، شیطان به دست قائم کشته شود، معنایش این است که او تا پیش از آن، مهم‌ترین بازیگر پنهان در انحرافات و بدعت‌ها خواهد بود.

این صورت مسئله، نه یک بحث صرفاً اعتقادی، که پاسخی است به بحران‌های معاصر: چرا با وجود گسترش دانش و رسانه، هر از گاهی «مدعیان وحی، مهدویت یا بابیت» پیدا می‌شوند و پیروانی می‌یابند؟ پاسخ بنیادین، ریشه در آموزهٔ قرآنی و روایی دربارهٔ بقا و کارکرد شیطان دارد.

۱. بقا و کارکرد شیطان در قرآن و حدیث

۱.۱. مهلت تا «یوم الوقت المعلوم»

دو آیهٔ کلیدی (حجر: ۳۸ـ۳۷ و ص: ۸۱ـ۷۹) تصریح دارند که ابلیس تا زمانی معین مهلت دارد. مفسران شیعه و سنی، از جمله شیخ طوسی در «تبیان» و علامه طباطبایی در «المیزان»، این «یوم الوقت المعلوم» را پایان تاریخ و مقارن با قیام مهدی دانسته‌اند.

۱.۲. نقش فعال در اغوا

آیهٔ «لأغوینَّهُم أجمعین» (حجر: ۳۹) نشان می‌دهد که ابلیس نه تنها وسوسه‌گر، بلکه **برنامه‌ریز انحراف جمعی** است. او می‌تواند با آراستن باطل به لباس حق، مدعیان وحی و نبوت را پدید آورد.

۱.۳. روایات اهل‌بیت

روایات متعددی از امام باقر و امام صادق علیهماالسلام تأکید می‌کند که **قتل شیطان به دست قائم عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف واقع می‌شود**. این روایت معنای روشنی دارد: تا آن هنگام، شیطان زنده، فعال و در سطح کلانِ تاریخ، الهام‌بخش جریان‌های گمراه‌کننده است.

۲. شیطان به‌مثابه الهام‌بخش مدعیان دروغین

۲.۱. الگوی نخستین: مسیلمه و سجاح

در صدر اسلام، مسیلمه کذّاب و سجاح ادعای پیامبری کردند. منابع تاریخی مانند «تاریخ طبری» و «مروج الذهب» گزارش می‌کنند که هر دو با خواب‌ها، الهامات و اشارات غیبی برای پیروان خود حجت می‌ساختند.

۲.۲. غلات و مدعیان مهدویت

از قرن دوم هجری به بعد، فرقه‌های غالی و مدعیان مهدویت (مانند مهدی سودانی و ابوالخطاب) غالباً بر تجربه‌های مکاشفه‌ای و صداهای غیبی تکیه می‌کردند. تحلیل کلامی شیعه این مکاشفات را «استدراج شیطانی» می‌نامد.

۲.۳. نمونهٔ قرن سیزدهم: بابیّت

در سدهٔ سیزدهم هجری، علی‌محمد باب با ادعای بابیت و سپس نبوت، نمونهٔ تازه‌ای از همین الگو بود. متون مخالف باب، از جمله «العبقری الحسان»، صریحاً پیدایش این حرکت را به **الهامات شیطانی و مدیریت ابلیس** پیوند می‌دهند.

۳. سازوکارهای نفوذ در تجربه‌های باطنی

الهام شیطانی صرفاً «وسوسهٔ فکری» نیست، بلکه می‌تواند با تجربه‌های حسی و ماورایی همراه شود. مطالعهٔ موردی که در مقالهٔ سوم به‌تفصیل خواهد آمد (حکایت ملا صادق سریزدی در العبقری الحسان، ص۷۴۴ به بعد) نمونه‌ای کلاسیک است. از دل آن می‌توان چند سازوکار را استخراج کرد:

1. **زمینه‌سازی جسمی و روانی**: انزوا، ریاضت افراطی، کم‌خوابی، بی‌اشتهایی، همه عواملی هستند که آستانهٔ توهمات شنوایی و دیداری را پایین می‌آورند.
2. **اعتمادسازی تدریجی**: با پیش‌گویی‌های به ظاهر درست و فرمان‌های به ظاهر عبادی (تهجد، اذان گفتن) احساس قدسیت ایجاد می‌شود.
3. **تست مرز شرع**: دستورهای بعدی آرام‌آرام از عبادت به کارهای خلاف شرع (خشونت، خودآزاری یا دیگرآزاری) می‌رسند.
4. **پیوند با مدعی مشخص**: در پایان، الهام مدعی را به یک شخص یا جریان معین (مثلاً «میرزا علی محمد شیرازی») ارجاع می‌دهد تا حلقهٔ تاریخی بسته شود.

این مراحل به‌روشنی نشان می‌دهد که چگونه یک تجربهٔ شخصی می‌تواند به ابزار شکل‌دهی به یک فرقه بدل شود.

۴. معیارهای تمییز وحی الهی از استدراج شیطانی

عالمان امامیه برای پرهیز از افتادن در دام چنین القائاتی، معیارهای دقیقی نهاده‌اند:

1. **عرضه بر کتاب و سنت**: هر الهامی که با نصوص قرآن یا سنت قطعی مخالف باشد، باطل است.
2. **عدم تخطی از عقل و شرع**: دستورهایی که منتهی به قتل، خودآزاری، یا نقض احکام قطعی شوند، استدراج است.
3. **شفافیت و مشورت**: وحی الهی با روشنی و حجت آشکار همراه است، نه با پنهان‌کاری و انحصار در فرد.
4. **عدم طلب مقام و امتیاز**: الهامی که مدعی «مقام عالی» و تبعیت کورکورانه از یک فرد شود، نشانهٔ انحراف است.

۵. نسبت این مباحث با حکایت ملا صادق سریزدی

کتاب «العبقری الحسان» اثر آیت‌الله شیخ علی‌اکبر نهاوندی، روایت تفصیلی تجربهٔ ملا صادق سریزدی را از ص۷۴۴ به بعد آورده است. در این روایت، همهٔ مؤلفه‌های فوق عیناً دیده می‌شود:

- انزوای طولانی و ضعف جسمانی؛
- شنیدن صدا و دیدن صورت‌های هوایی؛
- پیش‌گویی‌های ظاهراً درست؛
- فرمان‌های خلاف شرع مانند پرتاب شخص از بام؛
- و سرانجام جملهٔ کلیدی: «من از نزد تو به نزد میرزا علی‌محمد شیرازی می‌روم که قابلیت دارد.»

نهاوندی این روایت را نه صرفاً به‌عنوان یک داستان شگفت، بلکه به‌مثابه **گواهی روایی بر نقش شیطان در پیدایش بابیه** می‌آورد.

۶. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

الهیات شیعی بر اساس آیات و روایات، از بقا و کارکرد فعال شیطان تا روز ظهور حجت خدا خبر می‌دهد. این آموزه در پرتو تجربه‌های تاریخی، تفسیر زنده‌ای می‌یابد:

- مدعیان کاذب، از مسیلمه تا باب، می‌توانند محصول «الهام و مدیریت شیطان» باشند.
- تجربه‌های شخصی—even همراه با پیش‌گویی‌های درست—تا زمانی که از آزمون کتاب و سنت و عقل نگذرد، **حجت دینی محسوب نمی‌شود**.
- روایت ملا صادق سریزدی در العبقری الحسان، یک مطالعهٔ موردی دقیق است که نشان می‌دهد چگونه استدراج می‌تواند با چهرهٔ الهی جلوه کند و در نهایت به یک جریان تاریخی پیوند بخورد.

بنابراین، این مقاله صورت مسئله را برای کل مجموعهٔ پژوهش حاضر روشن می‌سازد:
هرگونه الهام و کشفِ بدون عرضه به معیارهای شرع و عقل، در قلمرو استدراج شیطانی است؛ و تا روزی که قائم قیام کند و شیطان کشته شود، این خطر به‌طور مستمر در تاریخ دینی و اجتماعی بشر وجود خواهد داشت.

اعتبار علمی و جایگاه آیت‌الله شیخ علی‌اکبر نهاوندی و کتاب «العبقری الحسان» در سنت حدیثی و کلامی شیعه

مقدمه: چرا اعتبار منبع، ستون استدلال است

هر پژوهش کلامی یا فرقه‌شناسی که به متون تاریخی و روایی استناد کند، در گام نخست نیازمند اثبات اعتبار منبع است. اگر نقلِ واقعه‌ای—even اگر شگفت و پرجاذبه باشد—به دست فردی فاقد وثاقت صورت گیرد، ارزش استدلالی آن فرو می‌ریزد. بر همین اساس، در مجموعهٔ مقالاتی که به تحلیل حکایت ملا صادق سریزدی و نقش شیطان در پیدایش مدعیان دروغین می‌پردازد، دومین گام منطقی آن است که **پیش از ورود به متن روایت، از اعتبار علمی و روایی مؤلف کتاب «العبقری الحسان» سخن بگوییم**.

۱. زندگینامهٔ تفصیلی آیت‌الله شیخ علی‌اکبر نهاوندی

۱.۱. تولد و آغاز تحصیل

علی‌اکبر نهاوندی فرزند حسین نهاوندی خراسانی، در سال ۱۲۷۸ قمری (برابر با ۱۲۳۸ شمسی) در نهاوند به دنیا آمد. از کودکی با علوم دینی مأنوس شد و دروس مقدماتی را نزد **شیخ جعفر بروجردی** و **حاج ملا محمد سره‌بندی** فرا گرفت.

۱.۲. سیر تحصیلی چندمرحله‌ای

مسیر تحصیلی نهاوندی به‌طرزی کم‌نظیر گسترده و چندلایه بود:

- **بروجرد**: دروس سطح نزد آقا حسین شیخ‌الاسلام و آقا ابراهیم تویسرکانی.
- **مشهد**: شاگردی نزد شیخ عبدالرحیم بروجردی، آقا میرزا سید علی حائری یزدی و حاج شیخ محمدتقی بجنوردی.
- **اصفهان و تهران**: فلسفه و علوم عقلی نزد میرزا محمدرضا قمشه‌ای، میرزا ابوالحسن جلوه و حیدرخان نهاوندی.
- **عتبات عالیات (سامرا و نجف)**: اوج تحصیل در فقه و اصول نزد **میرزا محمدحسن شیرازی، سید محمدکاظم یزدی، آخوند خراسانی، شیخ محمد طه نجف، میرزا حبیب‌الله رشتی، سید مرتضی کشمیری، میرزا حسین نوری (صاحب مستدرک)** و دیگر بزرگان.

این تنوع استادان سبب شد که نهاوندی در علوم عقلی، نقلی، فقه، اصول، حدیث، رجال و درایه هم‌زمان به مرتبهٔ اجتهاد برسد.

۱.۳. بازگشت به ایران و دورهٔ تدریس

در سال ۱۳۱۷ قمری به سبب بیماری به ایران بازگشت. شش سال در تهران اقامت کرد و سپس به مشهد مهاجرت نمود. بیش از چهار دهه در این شهر به تدریس علوم دینی، اقامهٔ نماز جماعت و تبلیغ معارف اهل‌بیت اشتغال داشت. **مسجد گوهرشاد** محل اصلی امامت جماعت او بود و بسیاری از اهل علم خراسان از محضرش بهره بردند.

۱.۴. وفات و جایگاه اجتماعی

وی در ۱۹ ربیع‌الثانی ۱۳۶۹ قمری در سن نودویک سالگی درگذشت و در **رواق دارالسعادهٔ حرم امام رضا علیه‌السلام** به خاک سپرده شد؛ مکانی که ویژهٔ بزرگان علم و تقواست.

۲. جایگاه علمی و وثاقت حدیثی

۲.۱. مهارت در علم رجال و درایه

آیت‌الله سید شهاب‌الدین مرعشی نجفی، از بزرگ‌ترین مراجع قرن چهاردهم، دربارهٔ او تصریح کرده است:

«او مهارت ویژه‌ای در علم حدیث و مقدمات آن مانند علم رجال و درایه داشت. فقیهی اصولی، مفسری متکلم و از اعاظم حدیث‌پژوهان بود.»

علم رجال و درایه بنیان اعتبارسنجی روایات است؛ تسلط نهاوندی بر این دو علم نشان می‌دهد که نقل‌های او بر اساس اصول دقیق نقد حدیثی سامان یافته است.

۲.۲. مشایخ روایی و اجازه‌نامه‌ها

نهاوندی از مشایخ نامداری چون **میرزا حسین نوری (صاحب مستدرک الوسائل)**، **حبیب‌الله رشتی** و **سید مرتضی کشمیری** اجازهٔ روایت داشت. داشتن اجازهٔ روایت به معنای تأیید صلاحیت در نقل حدیث است.

۲.۳. شاگردان و راویان

از شاگردان و راویان او می‌توان به **سید شهاب‌الدین مرعشی نجفی**، **سید علی‌نقی فیض‌الاسلام (مترجم نهج‌البلاغه)** و **شیخ محمد شریف رازی (نویسندهٔ گنجینه دانشمندان)** اشاره کرد. حضور این بزرگان به عنوان ناقلان مستقیم، وثاقت روایات نهاوندی را مضاعف می‌کند.

۲.۴. کرامات و نفوذ اجتماعی

روایت‌های معاصر از کرامات و بصیرت‌های او—مانند تغییر ناگهانی محل نماز جماعت پیش از زلزلهٔ شبستان گوهرشاد—در میان مردم مشهد شهرت یافته و به شخصیت معنوی او افزوده است.

۳. کارنامهٔ تألیفی و جایگاه کتاب «العبقری الحسان»

نهاوندی در طول عمر پربرکت خود **حدود ۳۰ کتاب** در حوزه‌های مختلف فقه، حدیث، تفسیر و تاریخ نگاشت. برخی از مهم‌ترین آثار او عبارتند از:

- **انوار المواهب**: در مناقب معصومان.
- **راحه الروح**: شرح حدیث سفینه.
- **خزینه الجواهر**: مجموعه‌ای از آیات، روایات، مواعظ و حکایات.
- **گلزار اکبری و لاله زار منبری**: کشکولی منظم به تعداد سوره‌های قرآن.
- **العبقری الحسان فی احوال مولانا صاحب الزمان**: اثر شاخص در موضوع مهدویت.

۳.۱. ساختار و هدف کتاب العبقری الحسان

این کتاب عظیم که به منزلهٔ جلد دوم انوار المواهب است، در دو مجلد رحلی چاپ سنگی منتشر شد و به گفتهٔ مؤلف، شامل **پنج «بساط»** است که هر یک به جنبه‌ای از حیات و شئون امام عصر عجل‌الله‌تعالی‌فرجه اختصاص دارد. سبک نگارش کشکولی است اما بر اساس موضوعات دسته‌بندی شده و به جای پراکندگی، از انسجام تحلیلی برخوردار است.

۳.۲. ویژگی‌های علمی و روایی کتاب

- **استناد به منابع کهن**: نقل از اصول معتبر شیعه، مانند کتب اربعه، و بهره‌گیری از منابع اهل‌سنت برای تقویت استدلال.
- **ترکیب روایت و تحلیل کلامی**: نهاوندی صرفاً ناقل نیست، بلکه با مهارت فقهی و فلسفی، روایات را شرح و نقد می‌کند.
- **نگاه ضدبدعت و ضدمدعیان کاذب**: بخشی از بساطها به ردّ جریان‌های مدعی مهدویت، از جمله بابیه، اختصاص دارد.

۳.۳. جایگاه در سنت مهدویت‌پژوهی

«العبقری الحسان» امروز یکی از **مراجع معتبر در کتابشناسی مهدویت** است. پژوهشگران معاصر—از جمله در حوزهٔ مهدویت قم و بنیاد فرهنگی مهدی موعود—این کتاب را در کنار «کمال‌الدین» شیخ صدوق و «الزام الناصب» علی یزدی حائری از متون پایه می‌شمارند.

۴. حکایت ملا صادق سریزدی در العبقری الحسان

یکی از بخش‌های مهم کتاب، که در مقالات بعدی محور تحلیل قرار خواهد گرفت، **حکایت ملا صادق سریزدی** است (ص۷۴۴ به بعد). در این حکایت، نهاوندی تجربهٔ یک عالم زاهد را نقل می‌کند که به سبب انزوا و ریاضت، صداها و رؤیاهای غیبی می‌شنود و سرانجام صدای مزبور با جمله‌ای تکان‌دهنده می‌گوید:

«من از نزد تو پیش میرزا علی‌محمد شیرازی می‌روم که قابلیت دارد.»

این نقل از چند جهت اهمیت دارد:

1. **مستند بودن**: نهاوندی تصریح می‌کند که روایت را با اجازهٔ کتبی از بزرگان و به خط آنان دریافت کرده است.
2. **پیوند با بحث مدعیان دروغین**: حکایت، نمونهٔ عینی برای تبیین نقش شیطان در القای ادعاهای کاذب است.
3. **بیانگر روش علمی مؤلف**: آوردن سند، ذکر نام ناقلان، و امانت در نقل، نشان می‌دهد که او نه صرفاً قصه‌گو بلکه محدثی نقاد است.

۵. ارزش پژوهشی در دوران معاصر

اعتبار کتاب العبقری الحسان فقط برای پژوهش‌های سنتی نیست، بلکه برای مطالعات میان‌رشته‌ای امروز نیز اهمیت دارد:

- **روان‌شناسی دین**: متن ماجرای ملا صادق سریزدی نمونه‌ای کلاسیک از تجربه‌های توهمی و استدراجی است که می‌تواند در پژوهش‌های علوم اعصاب و روان‌کاوی مورد استفاده قرار گیرد.
- **تاریخ اجتماعی قاجار**: کتاب پنجره‌ای کم‌نظیر به فضای فکری و مذهبی ایران در قرن سیزدهم قمری می‌گشاید.
- **مطالعات فرقه‌شناسی**: نحوهٔ مواجههٔ یک فقیه برجسته با جریان نوپدید بابی را مستند می‌سازد.

نتیجه‌گیری

آیت‌الله شیخ علی‌اکبر نهاوندی یکی از برجسته‌ترین فقها و محدثان قرن چهاردهم هجری است که در طول عمر خود هم از نظر علمی (اجتهاد در فقه و اصول، مهارت در رجال و درایه)، هم از نظر اخلاقی (زهد و کرامت) و هم از نظر تألیفی (بیش از ۳۰ اثر مهم) جایگاهی کم‌نظیر دارد.
کتاب **العبقری الحسان فی احوال مولانا صاحب الزمان**، که حکایت ملا صادق سریزدی در آن ثبت شده، به دلیل روش امانت‌دارانهٔ مؤلف، پشتوانهٔ استناد روایی و جایگاه در سنت مهدویت‌پژوهی، از منابع **معتبر درجهٔ اول** به شمار می‌رود.

بدین ترتیب، وقتی این اثر به‌عنوان منبع اصلی در تحلیل الهامات شیطانی و پیدایش مدعیان کذّاب به کار گرفته می‌شود، پژوهشگر بر زمینی استوار قدم می‌گذارد؛ زمینی که از نظر حدیثی، تاریخی و کلامی، مورد اعتماد مراجع بزرگ شیعه بوده و هست.

متن کامل و تحلیل تفصیلی حکایت ملا صادق سریزدی در «العبقری الحسان»

مقدمه

پس از طرح کلی مسئلهٔ «الهامات شیطانی» و اثبات اعتبار علمی مؤلف کتاب العبقری الحسان، اکنون به اصل روایت می‌رسیم. این حکایت که از صفحهٔ **۷۴۴ به بعد** در جلد مربوط به احوال حضرت ولی عصر (عج) درج شده، گزارشی است عین‌به‌عین از تجربهٔ شگفت‌انگیز یک عالم زاهد به نام **ملا صادق سریزدی** در میانهٔ قرن سیزدهم قمری.
هدف این مقاله، نخست **نقل کامل و مصحَّح متن** و سپس **تحلیل کالبدی روایت** از منظر تاریخی، کلامی و روان‌شناختی است؛ بی‌آنکه حتی یک سطر از اصل حکایت حذف شود.

بخش نخست: متن کامل حکایت (بر اساس چاپ سنگی العبقری الحسان)

حکایه للتنبه کفایه

در کتاب مذکور است حکایت غریبی در یزد اتفاق افتاده که از آن معلوم می‌شود چه کسی این حیله را به مرد شیرازی تعلیم داد و فی نقلها عبره لاولی الابصار.

از جماعت کثیری به نقل از مرحوم آخوند ملا صادق سریزدی مسموع شد و استاد معظم، عالم و فاضل کامل و عارف زاهد محقق، سید سند المشرّف بیت الله الحرام و زیارت جدّه خیر الأنام، الحاج میرزا سید حسین وامق ادام افضاله از آن جمله است که بعد از استماع شفاهی به خط مبارک برای این حقیر مرقوم فرمودند: بعبارتهم الشریفه نقل می‌شود سنه ۱۲۷۰ هجری حکایتی ظریفی از مرحوم آخوند ملا صادق سریزدی که اسمش موافق مسمّایش بود استماع شد و چون تفصیل آن در نظرم نیست آنچه در خاطر مانده ذکر می‌شود و آن این است:

زمانی که در دارالعباده یزد به تحصیل علوم مشغول بودم، مزاجم اختلال و اشتهایم نقصان یافت. همّ و غمّ بسیار شد به حدی که از ابنای جنس متوحش گردیده عزلت می‌نمودم. کار به جایی رسید که توقّف در بلده میسّر نبود، ناچار به قریه سریزد رفتم. آنجا هم از معاشرت مردم دلتنگ شده، روزها در قبرستان خارج قریه به تنهایی به سر می‌بردم.

روزی ندایی شنیدم که به اسم مرا صدا می‌زد. هر چه به جهات نظر و دقت کردم کسی را نیافتم. مکرّر ندا می‌شنیدم. متفکر و متحیر ایستاده گفتم: ای صاحب صدا! من تو را نمی‌بینم؛ کیستی و مطلب تو چیست؟

جواب داد: من ملک موت و به قبض روح تو مأمورم. به هیئت محتضر بخواب تا روحت را قبض نمایم.

به فرموده عمل نمودم، پای به قبله خوابیدم و دامن خود را بر روی افکندم. طول کشید؛ گفتم: چه شد، چرا به امر خود مشغول نمی‌شوی؟

جواب داد: الحال موت تو به تأخیر افتاد تا به خانه بروی، جمعی از عدول را طلبیده وصیّت نمایی. حال برخیز و برو.

برخاستم، به خانه رفتم، وصیت نمودم، به اطاق خلوتی رفتم، خوابیدم و بسم الله گفتم.

جواب داد: بدا حاصل شد و موت تو به تأخیر افتاد، چون باید به مقامات عالیه فایز شوی و ترقیات کلیه برایت حاصل شود.

چند روز همه‌گونه صحبتی با هم می‌کردیم. او مکرّر مرا تسلّی می‌داد و می‌گفت: مردم دربارهٔ تو پریشانی حواس و اختلال مشاعر و جنون گمان می‌کنند، ولی تو اندیشه مکن که عن قریب صاحب مقامات خواهی شد.

تا آنکه شبی احساس نمودم چیزی به پایم خورد؛ مثل آنکه سر پایی به کسی بزنند. صدایی به گوشم رسید که: برخیز و تهجد به جای آور، قبل از آن بر بام خانه برو و اذان بلند بگو.

موافق آنچه گفته بود عمل کردم. بعد از اتمام اذان، به من گفت: به فلانی و فلانی که به خانه‌ات می‌آیند و اعتراض می‌کنند اعتنا مکن، باید ترقی کلی کنی.

طولی نکشید همان اشخاص آمدند و اعتراض نمودند که این اذان با شریعت مخالف بود. یکی از آنها اصرار داشت. به من گفت: به او تعرض کن و بگو تو که در خلوت مرتکب چنین معصیت و عمل خلاف شرع می‌شوی، مرا از عبادت منع می‌کنی؟

به محض گفتن این سخن دیدم در حال آن شخص قلق و اضطرابی حاصل و به نهایت خجل شد طوری که سر به زیر افکند و دیگر سخن نگفت.

بالجمله بر این منوال گذشت. مدتی هر روز و هر شب صدا می‌شنیدم، مرا امر و نهی می‌نمود و اخبار غریب به من می‌داد. از آن جمله، روزی شهرت یافت که شخصی که به سفر تبریز رفته بود فوت شده. به من گفت: این خبر اصلاً ندارد، او زنده است، چند روز دیگر کاغذش می‌آید و مطالبش چنین و چنان است. بعد از چند روز همان طور شد.

دیگر آنکه انتشار یافت شریعت مدار آخوند ملا محمدتقی عقدایی به رحمت خدا رفته. به من گفت: این خبر کذب است، او زنده است و از مرضی که دارد سالم می‌شود. چند روز بعد همان طور شد.

آخوند مذکور می‌گوید: زمانی در هوا هیولایی در نهایت نزدیکی مشاهده می‌کردم؛ گویا تمثال هوایی و صورت و نقش بر هوا بود، در نهایت لطافت. با من مکالمه می‌نمود و مرا امر و نهی و به این طور ترغیب می‌کرد که عمل به اینها موجب رسیدن به مقامات عالیه است.

اندک اندک تجردم به جایی رسید که به نظرم می‌آمد جمیع بلاد، اقالیم و خلایق را می‌بینم و همه افلاک را مشاهده می‌کنم که در حرکتند و مردم به تبعیت آنها موافقت دارند. گاهی می‌دیدم یکی در حرکت توقّف می‌کند، فی‌الفور می‌افتاد و می‌مرد و مکرّر از فوت هر کسی خبر می‌دادم، بعداً خبر می‌رسید و موافق بود.

تا آنکه وقتی به من امر کرد کسی را از بالای بام به زیر اندازم. ترسیدم و عمل نکردم. بار دیگر به من گفت: امام غایب در مکه ظهور کرده، باید حضور ایشان بروی. اگر بخواهی تو را برابر سوار می‌نمایم و اگر خواستی صلوات بخوان و بر هوا راه روا.

گفتم: هر چه تو بهتر دانی. گفت: بر بام برو، صلوات فرست و بر هوا برو. رفتم و صلوات خواندم تا لب بام آمدم، اما ترسیدم و ایستادم.

گفت: چرا نمی‌روی؟ گفتم: می‌ترسم به زمین افتم. گفت: مترس، برو. قبول نکردم. مدتی معارضه کردیم تا اینکه به کلی مأیوس شد و گفت: تو بایست تا به مقامات عالیه برسی. در فلان امر و فلان امر هم ترسیدی مخالفت کردی و به بخت خود پا زدی؛ من از نزد تو پیش میرزا علی‌محمد شیرازی می‌روم که قابلیت دارد.

آخوند می‌گوید: دیگر آن صورت را ندیدم. از اهل خانه خواهش کردم تا گوشتی را بریان نموده، قدری استشمام و قلیلی تناول کردم. خورده خورده مزاجم به اعتدال آمد و ملتفت شدم مرا به چه کارهای خلاف شرعی امر می‌کرده و من در آن حال ملتفت نبوده‌ام. شکر الهی را به جای آوردم. بعد از چندی خبر میرزا علی‌محمد منتشر شد، دانستم چه شد و او بر باطل است. سابقاً اسمش را نشنیده بودم مگر از صورتی که مشاهده می‌نمودم.

این ناچیز در کتاب «راحه الروح» که به طبع رسیده، در وجه دهم از وجوه تشبیه اهل بیت به کشتی نوح نقل نموده‌ام. مراجعه شود که بسیار مناسب این مقام است.

(العبقری الحسان، ج ۴، ص۷۴۴–۷۴۶؛ تصحیح بر اساس اسکن چاپ سنگی)

بخش دوم: تحلیل کالبدی روایت

اکنون که متن بی‌کم‌وکاست در دست است، می‌توان آن را لایه به لایه واکاوی کرد.

۱. مرحلهٔ آغاز: انزوا و اختلال جسمی-روانی

- **علائم بارز**: بی‌اشتهایی، افسردگی، کناره‌گیری از اجتماع، اعتکاف در قبرستان.
- **تحلیل روان‌شناختی**: اینها همگی محرک‌های شناخته‌شدهٔ توهم شنوایی و بینایی‌اند.

1. **مرحلهٔ «اعتمادسازی قدسی»**

- معرفی خود به‌عنوان «ملک الموت» و وعدهٔ «مقامات عالیه»؛ القای قداست.
- خبرهای دقیق از حیات و مرگ اشخاص به‌عنوان آزمون موفق (reinforcement).

1. **مرحلهٔ عبور از مرز شرع**

- فرمان‌های خلاف شریعت: اذان غیرشرعی بر بام، اتهام بی‌پایه به معترض، و اوج آن، دستور به قتل.

1. **مرحلهٔ پیوند تاریخی**

- جملهٔ کلیدی «من از نزد تو پیش میرزا علی محمد شیرازی می‌روم که قابلیت دارد» حلقهٔ استدراج را به یک مدعی تاریخی می‌بندد: باب.

بخش سوم: ارزش کلامی و تاریخی

1. **برای الهیات شیعه**: شاهدی بر فعال بودن شیطان تا قیام قائم (عج) و توان او در القای الهامات به مدعیان کذّاب.

2. **برای تاریخ بابیّت**: یک سند هم‌عصر که نشان می‌دهد پیش از شهرت باب، نام او در تجربه‌های مکاشفه‌اِی انحرافی به میان آمده است.
3. **برای روان‌شناسی دین**: نمونهٔ کلاسیک توهمات صوتی و دیداری در بستر زهد افراطی.

نتیجه‌گیری

حکایت ملا صادق سریزدی در العبقری الحسان نه صرفاً یک داستان شگفت، بلکه **یک مطالعهٔ موردی کم‌نظیر از پیوند تجربهٔ شخصی، روان‌شناسی دینی، و جدال کلامی با فرقه‌های نوظهور است.**
آیت‌الله نهاوندی با دقت حدیثی و تحلیل کلامی، این واقعه را ثبت کرده تا به نسل‌های بعد هشدار دهد که تا روز «یوم الوقت المعلوم» شیطان می‌تواند با پوشش الهام و مکاشفه، جریان‌های بزرگ انحرافی بسازد.

کالبدشناسی روایت «ملا صادق سریزدی» (بخش اول):

از انزوا و اختلال جسمانی تا نخستین «صوت غیبی»

مقدمه: چرا مرحلهٔ آغازین روایت کلید فهم کل ماجراست

در بررسی‌های تاریخی و کلامی، نخستین لحظات شکل‌گیری یک تجربهٔ به ظاهر قدسی، اهمیت سرنوشت‌سازی دارد. مرحلهٔ شروع، جایی است که «بذر» انحراف کاشته می‌شود و نوع واکنش فرد، مسیر آینده را رقم می‌زند. حکایت ملا صادق سریزدی در کتاب العبقری الحسان، به روایت آیت‌الله شیخ علی‌اکبر نهاوندی، نمونه‌ای کم‌نظیر است که این فرآیند را با جزئیات فراوان نشان می‌دهد. در این مقاله، با تکیه بر متن کامل حکایت (ص۷۴۴ به بعد)، **گام نخست این تجربه، یعنی از انزوا و ضعف جسمانی تا شنیدن نخستین «صوت غیبی»** را به‌طور جامع تحلیل می‌کنیم.

۱. زمینه‌های تاریخی و روانی

۱.۱. زمان و مکان

سال ۱۲۷۰ هجری قمری، یزدِ قاجاری، دوره‌ای است که بابیّت در برخی نواحی ایران زمزمه می‌شد. محیطی پرتنش و آکنده از شایعات آخرالزمانی، که زمینهٔ پذیرش هرگونه «خبر غیبی» را مهیا می‌کرد.

۱.۲. وضعیت شخصی ملا صادق

طبق متن:

«مزاجم اختلال و اشتهایم نقصان یافت... از ابنای جنس متوحش گردیده عزلت می‌نمودم... روزها در قبرستان خارج قریه به تنهایی به سر می‌بردم.»

این توصیف‌ها نشان از **افسردگی شدید، اضطراب اجتماعی و کم‌خوری مزمن** دارد. از دیدگاه روان‌شناسی بالینی، چنین شرایطی آستانهٔ بروز توهمات شنیداری و دیداری را به‌شدت پایین می‌آورد.

۱.۳. خلوت در قبرستان

انتخاب قبرستان به‌عنوان محل سکونت موقت، معنایی نمادین و روانی دارد:

- پیوند با مرگ و رهایی از زندگی عادی؛
- تشدید تنهایی و سکوت، که شنیدن صداهای درونی را آسان‌تر می‌کند.

۲. لحظهٔ نخست تماس: ندا از غیب

۲.۱. شرح واقعه

«روزی ندایی شنیدم که به اسم مرا صدا می‌زد؛ هر چه به جهات نظر و دقت کردم کسی را نیافتم؛ مکرر ندا می‌شنیدم...»

نخستین تماس، در اوج انزوا، با **صوتی بی‌منبع** صورت می‌گیرد. این تجربه از نظر علم عصب‌شناسی دین (neurotheology) می‌تواند نتیجهٔ تحریک نواحی شنوایی مغز در شرایط کم‌خوابی و کم‌غذایی باشد.

۲.۲. معرفی خود به‌عنوان «ملک الموت»

«من ملک موت و به قبض روح تو مأمورم.»

این معرفی دو کارکرد دارد:

1. **قداست فوری**: مخاطب احساس می‌کند با فرشتهٔ مرگ روبه‌رو است.
2. **ایجاد شوک هیجانی**: خبر مرگ، تمرکز فکری و عاطفی را به نقطهٔ واحدی می‌کشاند و پذیرش بعدی را تسهیل می‌کند.

۲.۳. دستور نخست: «به هیئت محتضر بخواب»

عمل به این دستور نشان می‌دهد که **اعتماد اولیه شکل گرفته است**؛ اعتماد بدون آزمون که در روان‌شناسی فرقه‌ها، گام نخست «تسلیم شناختی» نام دارد.

۳. کارکرد کلامی: استدراج شیطانی در پوشش قدسی

۳.۱. استدراج در متون شیعی

قرآن از کسانی سخن می‌گوید که «نَسُوا اللَّهَ فَأَنساهُمْ أَنفُسَهُمْ» (حشر: ۱۹). مفسران این حالت را مقدمهٔ استدراج می‌دانند؛ یعنی قرار گرفتن در مسیری که به ظاهر نورانی است ولی به تدریج به گناه و هلاکت می‌انجامد.

۳.۲. نمونهٔ عینی

در همین روایت، ملک الموت به‌جای انجام مأموریت، مرگ را «به تأخیر» می‌اندازد تا صادق را به «مقامات عالیه» برساند. این دقیقاً همان الگویی است که عالمان کلام، «فریب در لباس تکریم» می‌نامند.

۴. نخستین پیوند با جامعه: آزمایش اذان بر بام

گرچه در این مقاله تمرکز بر مرحلهٔ آغازین است، اما اشاره به نخستین دستور جمعی لازم است:

«صدایی به گوشم رسید که برخیز و تهجد به جای آور، قبل از آن بر بام خانه برو و اذان بلند بگو.»

از دید جامعه‌شناسی دین، این دستور **کارکردی دوگانه** دارد:

- ایجاد شهرت و جلب توجه همسایگان؛
- تثبیت نقش «فرد برگزیده» در ذهن خودش.

مخالفت عالمان محلی و واکنش موفق صادق (که باعث خجلت معترض شد) اعتمادش را دوچندان کرد.

۵. جمع‌بندی مرحلهٔ اول: از انزوا تا اعتماد

با کنار هم گذاشتن شواهد، مسیر روشن می‌شود:

1. **انزوای جسمی و روانی** ← کاهش آستانهٔ توهم.
2. **ندای بی‌منبع** ← نخستین تجربهٔ فوق‌طبیعی.
3. **معرفی به‌عنوان ملک الموت** ← قداست‌بخشی فوری.
4. **دستور خواب محتضر** ← آزمایش میزان تسلیم.
5. **پیشگویی‌های درست و تأخیر مرگ** ← تقویت باور.

از نگاه کلامی، این دقیقاً **نقشهٔ استدراج شیطانی** است که با ظاهری رحمانی آغاز می‌شود.

۶. پیامدهای کلامی و تاریخی

- این مرحله نشان می‌دهد که انحرافات فرقه‌ای می‌تواند **از یک تجربهٔ شخصی و درونی آغاز شود** بی‌آنکه ابتدا پیوندی با قدرت یا سیاست داشته باشد.

- بر اساس آموزهٔ «شیطان تا یوم الوقت المعلوم»، چنین القائاتی نه استثنا بلکه **انتظار طبیعی عصر غیبت** است.
- از حیث تاریخ بابیّت، این مرحلهٔ آغازین بیانگر بستری است که چند سال بعد ادعای باب در آن شنونده یافت.

نتیجه‌گیری

کالبدشناسی گام نخست روایت ملا صادق سریزدی نشان می‌دهد که **پیش از هر دستور خلاف شرع یا پیوند با مدعیان تاریخی، یک فرایند دقیق روانی و معنوی در سکوت و انزوا شکل می‌گیرد.**
شناخت این مرحله برای هر پژوهشگر مهدویت و فرقه‌شناسی ضروری است، زیرا به ما می‌آموزد که **شیطان می‌تواند در هیئت ملک الموت، با وعدهٔ مقامات و با خبرهای دقیق، اعتماد یک مؤمن زاهد را به دست آورد و پایهٔ یک فتنهٔ بزرگ را بریزد.**
این مقاله، نخستین لایهٔ کالبدشناسی را تکمیل کرد و زمینهٔ مقالات بعدی—دربارهٔ وعدهٔ مقامات، عبور از مرز شرع و پیوند نهایی با باب—را فراهم می‌سازد.

کالبدشناسی روایت «ملا صادق سریزدی» (بخش دوم)

تکنیک اقناع: از وعدهٔ مقامات عالیه تا آزمون‌های آیینی

مقدمه

روایت تفصیلی که آیت‌الله شیخ علی‌اکبر نهاوندی در العبقری الحسان (ص۷۴۴ به بعد) از تجربهٔ ملا صادق سریزدی آورده است، نمونه‌ای بی‌همتا از چگونگی مهندسی یک انحراف مذهبی است. در مقالهٔ چهارم، مرحلهٔ نخست این فرایند یعنی زمینه‌های جسمی و روانی و نخستین تماس با «صوت غیبی» بررسی شد. اکنون نوبت به **مرحلهٔ دوم** می‌رسد؛ جایی که صدا با **وعدهٔ مقامات عالیه و دستورهای آیینی خاص**، اعتماد را از سطح ابتدایی به مرتبهٔ التزام کامل ارتقا می‌دهد.

این مقاله نشان می‌دهد چگونه استدراج شیطانی می‌تواند با ابزارهایی چون **امید به ارتقای روحانی، آیین‌های ظاهراً عبادی و پیش‌گویی‌های دقیق**، فردی زاهد را به نقطه‌ای برساند که در برابر فرمان‌های خطرناک و خلاف شرع، کمترین مقاومت را داشته باشد.

۱. متن روایت: از «بدا حاصل شد» تا «پیش‌گویی‌های دقیق»

بخش مورد نظر روایت چنین آغاز می‌شود:

«بسم الله گفتم. جواب داد: بدا حاصل شد و موت تو به تأخیر افتاد، چون باید به مقامات عالیه فایز شوی و ترقیات کلیه برایت حاصل شود... چند روز همه گونه صحبتی با هم می‌کردیم. او مکرر مرا تسلّی می‌داد و می‌گفت: مردم دربارهٔ تو پریشانی حواس و اختلال مشاعر و جنون گمان می‌کنند ولی تو اندیشه مکن که عن قریب صاحب مقامات خواهی شد...»

سپس دستورهای عبادی و اجتماعی پدیدار می‌شود:

«... صدایی به گوشم رسید که برخیز و تهجد به جای آور، قبل از آن بر بام خانه برو و اذان بلند بگو! ... به فلانی و فلانی که به خانه‌ات می‌آیند و اعتراض می‌کنند اعتنا مکن...»

و سرانجام **پیش‌گویی‌های شگفت**:

«... روزی شهرت یافت شخصی که به سفر تبریز رفته بود فوت شده؛ به من گفت این خبر اصلی ندارد، او زنده است... دیگر آنکه انتشار یافت شریعت مدار آخوند ملا محمدتقی عقدایی به رحمت خدا رفته؛ به من گفت: این خبر کذب و او زنده است و از مرضی که دارند، سالم می‌شوند...»

این فرازها نقطهٔ اوج اعتمادسازی و اقناع روانی است.

۲. وعدهٔ «مقامات عالیه»: مکانیسم انگیزش

۲.۱. امید به ارتقای معنوی

صوت غیبی با عبارت «بدا حاصل شد و موت تو به تأخیر افتاد... تا به مقامات عالیه فایز شوی» در واقع **محرک انگیزشی اصلی** را ارائه می‌کند. تأخیر مرگ نه تهدید، بلکه **پاداش** معرفی می‌شود.
این دقیقاً مطابق الگویی است که روان‌شناسی دینی آن را **پاداش غایی** می‌نامد: وعدهٔ جایگاه برتر، بدون نیاز به اثبات عقلانی.

۲.۲. پاسخ به فشار اجتماعی

وقتی «مردم گمان جنون می‌کنند»، صدا با جملهٔ «تو اندیشه مکن که عن قریب صاحب مقامات خواهی شد» از او **سپر روانی** می‌سازد. چنین جملاتی فرد را از نقد بیرونی جدا می‌کند و به تقویت «ما علیه دنیا» می‌انجامد؛ عنصری محوری در شکل‌گیری فرقه‌های بسته.

۳. آیین‌های خاص: تهجد و اذان بر بام

۳.۱. تهجد شبانه

دستور به «تهجد» در نگاه نخست فضیلتی دینی است، اما در این روایت **کارکردی دوگانه** دارد:

- افزایش محرومیت خواب و تشدید وضعیت خلسه و توهم.
- تقویت حس «برگزیدگی» از طریق عمل به عبادتی ویژه و مستمر.

۳.۲. اذان بر بام

این دستور آشکارا **برخلاف روال شرعی محل** است و واکنش اجتماعی برمی‌انگیزد. صدا پیشاپیش هشدار می‌دهد که معترضان را بی‌اعتبار کن:

«به فلانی و فلانی که به خانه‌ات می‌آیند و اعتراض می‌کنند اعتنا مکن.»

از دید جامعه‌شناسی دین، این **آزمون وفاداری** است: فرد باید میان اطاعت از الهام و پذیرش هنجار عمومی یکی را برگزیند. وقتی ملا صادق به توصیهٔ صدا پاسخ می‌دهد و حتی با نسبت دادن گناه پنهانی به یکی از معترضان او را خجل می‌کند، حلقهٔ اعتماد بسته می‌شود.

۴. پیش‌گویی‌های دقیق: تقویت باور به منبع غیب

یکی از نیرومندترین ابزارهای اقناع، **خبرهای درست دربارهٔ آیندهٔ نزدیک** است. روایت چند نمونه برجسته نقل می‌کند:

- زنده بودن مسافری که شایعهٔ مرگش پیچیده بود.
- صحت‌یابی آخوند ملا محمدتقی عقدایی برخلاف خبر شایع وفات.

از منظر روان‌شناسی شناختی، حتی چند پیش‌گویی درست می‌تواند به پدیدهٔ **«سوگیری تأییدی» (confirmation bias)** بینجامد: ذهن انسان خطاها یا سکوت‌های بعدی را نادیده می‌گیرد و هر موفقیت را اثبات الهی می‌پندارد.

از دید کلامی نیز، این نمونه‌ها مصداق **استدراج** است؛ یعنی تأیید ظاهری برای بردن فرد به مرحلهٔ نهایی گمراهی.

۵. الگوی استدراج در متون دینی

قرآن کریم در آیهٔ «سَنَسْتَدْرِجُهُم مِنْ حَيْثُ لَا يَعْلَمُونَ» (اعراف: ۱۸۲) می‌فرماید: «آنان را از جایی که نمی‌دانند، گام به گام فرو می‌بریم.»
مفسران، این فرایند را دقیقاً چنین توضیح داده‌اند:

- **گام اول**: موفقیت‌های ظاهری یا کرامات‌نما.
- **گام دوم**: عادت دادن به اعتماد بر منبع غیرالهی.
- **گام سوم**: سوق دادن به امر باطل و هلاکت.

روایت ملا صادق، تصویری زنده از این سه گام است.

۶. نقش این مرحله در کل روایت

اگر مرحلهٔ نخست (انزوا و توهم نخستین) **بذر** انحراف بود، این مرحله **دورهٔ پرورش و استحکام ریشه‌ها** است. بدون این دوره، نه دستور به قتل از بام و نه پیوند نهایی با مدعی تاریخی ممکن می‌شد.

۷. پیامدهای تاریخی و فرقه‌شناختی

۷.۱. بسترسازی برای بابیه

چند سال بعد از این ماجرا، نام **میرزا علی‌محمد شیرازی (باب)** در ایران پیچید. صدای غیبی که در پایان می‌گوید «من از نزد تو به سوی او می‌روم» نشان می‌دهد که **میدان روانی و اجتماعی برای پذیرش باب، پیش‌تر آماده شده بود.**

۷.۲. هشدار برای عصر حاضر

در روزگار شبکه‌های اجتماعی، الگوی اقناع این روایت همچنان زنده است: وعدهٔ «مقام معنوی»، آیین‌های اختصاصی و خبرهای به ظاهر خارق‌العاده، هنوز ابزار مدعیان نوظهور است.

نتیجه‌گیری

مرحلهٔ دوم روایت ملا صادق سریزدی در کتاب العبقری الحسان، نمایش‌نامه‌ای کامل از **تکنیک اقناع شیطانی** است:

- وعدهٔ مقامات عالیه به‌عنوان محرک امید و برتری،
- آیین‌های خاص برای ایجاد تمایز و وفاداری،
- و پیش‌گویی‌های دقیق برای بستن حلقهٔ اعتماد.

شناخت این لایه به ما می‌آموزد که **الهام باطنی—even همراه با اخبار درست—حجیت شرعی و معرفتی ندارد** مگر آنکه بر کتاب و سنت عرضه شود.

کالبدشناسی روایت «ملا صادق سریزدی» (بخش سوم)

عبور از مرز شرع: از خبرهای درست تا فرمان‌های آشکارا خلاف شریعت

مقدمه

در دو مقالهٔ پیشین، دو گام نخستین فرآیند استدراج در حکایت ملا صادق سریزدی را واکاویدیم:

۱ زمینه‌سازی جسمی و روانی و نخستین تماس با «صوت غیبی».

۲ وعدهٔ مقامات عالیه، آیین‌های به ظاهر عبادی و پیش‌گویی‌های دقیق که حلقهٔ اعتماد را کامل کرد.

اکنون به **مرحلهٔ سوم و سرنوشت‌ساز** می‌رسیم؛ مرحله‌ای که در آن صدا از مرز شرع می‌گذرد و فرمان‌های آشکارا خطرناک و خلاف احکام مسلم دین صادر می‌کند. این مرحله نه‌تنها جوهرهٔ استدراج شیطانی را عیان می‌سازد، بلکه معیار قطعی بطلان تجربهٔ باطنی را به دست می‌دهد.

۱. روایت متن: نقطهٔ گسست

در صفحات ۷۴۵ و ۷۴۶ کتاب العبقری الحسان، ملا صادق چنین می‌نویسد:

«... گاهی می‌دیدم یکی در حرکت توقف می‌کند، فی‌الفور می‌افتاد و می‌مرد و مکرر از فوت هر کسی خبر می‌دادم، بعداً خبر می‌رسید و موافق بود، تا آنکه وقتی به من امر کرد کسی را از بالای بام به زیر اندازم؛ ترسیدم و عمل نکردم. بار دیگر به من گفت: امام غایب در مکه ظهور کرده باید حضور ایشان بروی؛ اگر بخواهی تو را برابر سوار می‌نمایم و اگر خواستی صلوات بخوان و بر هوا راه روا. گفتم هر چه تو بهتر دانی. گفت بر بام برو، صلوات فرست و بر هوا برو. رفتم و صلوات خواندم تا لب بام آمدم، اما ترسیدم و ایستادم. گفت چرا نمی‌روی؟ گفتم می‌ترسم به زمین افتم. گفت مترس، برو! قبول نکردم...»

این چند سطر، مرحله‌ای تازه از روایت را آغاز می‌کند: **فرمان قتل دیگری و خودآزاری شبه‌انتحاری**.

۲. تحلیل فقهی: مرز قطعی بطلان

۲.۱. قاعدهٔ «حرمت نفس محترمه»

در فقه اسلامی، قتل نفس محترمه از کبائر قطعی است: «مَن قَتَلَ نَفْسًا بِغَيْرِ نَفْسٍ... فَكَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا» (مائده: ۳۲). هیچ «الهام»، «کشف» یا «رؤیا» نمی‌تواند مجوز چنین امری باشد.

۲.۲. حرمت خودآزاری

احادیث متواتر، از جمله «لا ضرر و لا ضرار فی الإسلام»، هرگونه ضرر به جان خود را ممنوع می‌دانند. دستور به پرش از بام—even با ادعای پرواز معجزه‌آسا—خلاف این اصل است.

۲.۳. آزمون قطعی استدراج

فقهای شیعه از قرون نخستین تأکید کرده‌اند که اگر الهامی به کار خلاف شرع فرمان دهد، «باطل است ولو جاء بألف معجزه»؛ یعنی حتی اگر هزار معجزه بیاورد، حجیت ندارد. ملا صادق دقیقاً در این نقطه ایستاد و به حکم فطرت و تربیت دینی، فرمان را نپذیرفت.

۳. تحلیل روان‌شناختی: از تقویت مثبت تا آستانهٔ خطر

۳.۱. دامِ پیش‌گویی‌های درست

پیش از این مرحله، صدا چندین خبر صحیح داده بود. این موفقیت‌ها «سوگیری تأییدی» ایجاد کرده و اعتماد بی‌چون و چرا ساخته بود. این دقیقاً همان الگویی است که روان‌شناسی فرقه‌ها «پلهٔ اعتماد» می‌نامد.

۳.۲. جابه‌جایی تدریجی مرزها

فرمان‌های نخستین—مانند تهجد شبانه و اذان بر بام—به ظاهر معنوی بودند اما **به آرامی مرزهای عادی را عقب می‌راندند**. وقتی نوبت به قتل و پرواز رسید، ذهن تا حدی آمادهٔ پذیرش بود.

۳.۳. لحظهٔ مقاومت

با این همه، دو عامل مانع سقوط کامل شد:

- **ترس فطری از قتل و خودآزاری**؛
- **بقای تربیت شرعی** که حتی در اوج توهم، قدرت بازدارندگی داشت.

این مقاومت نشان می‌دهد که تربیت دینی می‌تواند «آخرین سدّ» در برابر استدراج باشد.

۴. مفهوم «استدراج» در قرآن و روایات

قرآن می‌فرماید:

«سَنَسْتَدْرِجُهُم مِّنْ حَيْثُ لَا يَعْلَمُونَ» (اعراف: ۱۸۲).

مفسران شیعه این آیه را چنین شرح داده‌اند:

- استدراج یعنی پیش بردن گام به گام بندهٔ گناهکار به سوی هلاکت، با ظواهر خیر و کرامت.
- هدف، سلب توفیق توبه و سقوط نهایی است.

حکایت ملا صادق مصداق دقیق این معناست: چند پیش‌گویی درست، چند دستور عبادی و سپس امر به جنایت.

۵. پیوند تاریخی: از فرمان قتل تا «رفتن نزد باب»

مرحلهٔ عبور از شرع، راه را برای گام آخر هموار کرد:

«... من از نزد تو پیش میرزا علی‌محمد شیرازی می‌روم که قابلیت دارد.»

یعنی پس از ناکامی در کشاندن ملا صادق به قتل یا خودآزاری، صدا مأیوس شد و سراغ فردی رفت که به زعم او «قابلیت» داشت: باب.
از منظر فرقه‌شناسی، این جمله کلیدی نشان می‌دهد که **مدعیان نوظهور حاصل طراحی یک جریان شیطانی مستمرند، نه الهام‌های منفصل و بی‌ریشه**.

۶. پیامدهای معرفتی و عملی

1. **ملاک قاطع تشخیص الهام الهی**: هر فرمانی که به نقض حرمت جان—even به شکل نمادین—منجر شود، به‌طور بدیهی باطل است.
2. **ضرورت تربیت فقهی**: تنها آگاهی عمیق از احکام شرع می‌تواند در لحظهٔ بحران، نقش ترمز را ایفا کند.
3. **هشدار برای عصر حاضر**: در روزگار ما هم مدعیان با خبرهای دقیق و معجزه‌نما اعتماد می‌سازند و گام‌به‌گام مخاطب را به مرزهای خطرناک می‌کشانند.

۷. جمع‌بندی

مرحلهٔ سوم روایت ملا صادق سریزدی نشان می‌دهد که استدراج شیطانی چگونه کار می‌کند:

- **شروع با خیرات ظاهری،**
- **تقویت اعتماد با پیش‌گویی‌های موفق،**
- **آزمایش‌های عبادی برای عادی‌سازی تخلف،**
- و نهایتاً **فرمان آشکارا حرام**.

ملا صادق با نپذیرفتن این فرمان‌ها، از سقوط نهایی رَست؛ اما صدا راه خود را به سوی دیگران—از جمله باب—ادامه داد.

نتیجه نهایی

از دیدگاه قرآن، روایات اهل‌بیت و تجربهٔ تاریخی ثبت‌شده در العبقری الحسان، **عبور از مرز شرع معیار قطعی بطلان هر الهام است**.
این اصل، نه تنها راهنمای نقد مدعیان گذشته است، بلکه برای امروز نیز سپری است در برابر هر صدای درونی یا بیرونی که—even با معجزات ظاهری—به خشونت و بی‌قانونی فرابخواند.

کالبدشناسی روایت «ملا صادق سریزدی» (بخش چهارم)

پیوند نهایی با مدعی تاریخی: جملهٔ کلیدی «من از نزد تو پیش میرزا علی‌محمد شیرازی می‌روم که قابلیت دارد»

مقدمه

حکایت ملا صادق سریزدی که آیت‌الله شیخ علی‌اکبر نهاوندی در العبقری الحسان (ص۷۴۴–۷۴۶) ثبت کرده، گام‌به‌گام ما را به نقطه‌ای می‌رساند که حقیقت استدراج شیطانی را آشکار می‌کند. پس از سه مرحلهٔ پیشین—انزوای جسمی و روانی، وعدهٔ مقامات عالیه همراه با آیین‌های خاص، و سپس فرمان‌های آشکارا خلاف شرع—در واپسین لحظه صدایی که خود را «ملک الموت» معرفی کرده بود، پرده از نقشهٔ اصلی برمی‌دارد:

«... مدتی معارضه کردیم تا اینکه به کلی مأیوس شد و گفت: تو بایست تا به مقامات عالیه برسی، در فلان امر و فلان امر هم ترسیدی مخالفت کردی و به بخت خود پا زدی؛ من از نزد تو پیش میرزا علی‌محمد شیرازی می‌روم که قابلیت دارد.»

این جمله، کانون این مقاله است؛ جمله‌ای که نه‌تنها سرانجام ماجرای شخصی ملا صادق را روشن می‌کند، بلکه **کلید فهم پیوند تاریخی میان استدراج شیطانی و پیدایش بابیت** است.

۱. متن و بافت تاریخی

۱.۱. سال ۱۲۷۰ قمری و وضعیت ایران

سال وقوع این واقعه، یعنی ۱۲۷۰ ق، درست در دوره‌ای است که بابیّت هنوز در حال سربرآوردن بود. دعوت‌های پنهانی علی‌محمد باب از ۱۲۶۰ ق آغاز شد و در دهه‌های بعد به بحران‌های اجتماعی و سیاسی کشید. این‌که نام «میرزا علی‌محمد شیرازی» در یک مکاشفهٔ شخصی در همان سال‌ها مطرح شود، از دیدگاه تاریخ فرقه‌ها **نشان‌دهندهٔ شبکه‌ای فرامحلی از شایعات و الهامات است که فراتر از ارتباطات عادی عمل می‌کرده است**.

۱.۲. موقعیت جغرافیایی یزد و ارتباطات بابی

یزد در آن سال‌ها یکی از مراکز مهم تجارت و رفت‌وآمد کاروانی میان شیراز، اصفهان و کرمان بود. شواهد تاریخی نشان می‌دهد که نخستین هسته‌های بابی در همین مسیرها فعال بودند. از این رو بعید نیست که نام باب حتی پیش از علنی شدن دعوی او در محافل محدودی شنیده می‌شد، هرچند ملا صادق در روایتش تأکید می‌کند که «سابقاً اسمش را نشنیده بودم مگر از صورتی که مشاهده می‌نمودم». این تصریح، بار معنوی ماجرا را برجسته‌تر می‌کند.

۲. تحلیل کلامی: استدراج تا یوم الوقت المعلوم

۲.۱. بقا و کارکرد شیطان

طبق آموزهٔ قرآنی، ابلیس تا «یوم الوقت المعلوم» مهلت دارد و به گفتهٔ روایات، به دست قائم (عج) کشته خواهد شد. این بدین معناست که تا پیش از ظهور، شیطان می‌تواند **پروژه‌های بلندمدت** برای انحراف بشر سامان دهد.

۲.۲. پیوند استدراج با پیدایش فرقه

جملهٔ «من از نزد تو پیش میرزا علی‌محمد شیرازی می‌روم که قابلیت دارد» به‌وضوح نشان می‌دهد که هدف الهامات، صرفاً یک بازی فردی نبوده است؛ بلکه **مدیریت حرکت مدعیان کاذب در سطح تاریخی** است. این همان معنای عمیق استدراج است: طراحی انحرافی که از یک فرد به فردی دیگر منتقل شود تا طرح کلانِ گمراهی استمرار یابد.

۳. روان‌شناسی اجتماعی: از شکست فردی تا موفقیت شبکه‌ای

۳.۱. استراتژی جایگزینی

صدا پس از ناکامی در واداشتن ملا صادق به قتل یا پرواز بر فراز بام، ناامید نمی‌شود؛ بلکه بی‌درنگ گزینهٔ دیگری معرفی می‌کند: «میرزا علی‌محمد شیرازی که قابلیت دارد». این دقیقا همان چیزی است که در مطالعات شبکه‌ای به آن «**انعطاف استراتژیک**» می‌گویند: شکست در یک نقطه به معنی شکست کل پروژه نیست.

۳.۲. جستجوی «قابلیت»

کلمهٔ «قابلیت» بار روانی خاصی دارد. از نگاه فرقه‌شناسی، این واژه حاکی از **پروفایل‌سازی** است: شناسایی افرادی که از لحاظ روحی، اجتماعی و فکری آمادگی پذیرش نقش «مدعی» را دارند. این گزاره با اسناد تاریخی دربارهٔ روحیهٔ علی‌محمد باب (انزوا، ریاضت، علاقه به مکاشفه) همخوان است.

۴. ابعاد تاریخی و تطبیقی

۴.۱. مقایسه با نمونه‌های صدر اسلام

در تاریخ ادیان، نمونه‌های مشابهی دیده می‌شود که یک تجربهٔ مکاشفه‌ای در فردی ناکام می‌ماند و سپس در فرد دیگری به جریان اجتماعی بدل می‌شود. مقایسهٔ این روایت با داستان‌های مسیلمه و سجاح در صدر اسلام یا برخی غلات شیعی، شباهت‌های معناداری را آشکار می‌کند.

۴.۲. کارکرد روایت در نقد بابیّت

آیت‌الله نهاوندی با درج این حکایت در کتابی که محور اصلی آن امام مهدی (عج) است، می‌خواهد به مخاطب بفهماند که **بابیت نه از الهام الهی، بلکه از سلسلهٔ استدراج شیطانی برخاسته است**. ذکر زمان دقیق (۱۲۷۰ ق) و اشاره به نام باب، سندی کم‌نظیر برای این مدعاست.

۵. از فرد به تاریخ: فرایند مهندسی انحراف

با کنار هم گذاشتن چهار مرحلهٔ روایت، الگویی روشن به دست می‌آید:

1. انزوا و اختلال جسمی ← آماده‌سازی روانی.
2. وعدهٔ مقامات و آیین‌های خاص ← ایجاد اعتماد کامل.
3. فرمان‌های خلاف شرع ← آزمون نهایی و اثبات ماهیت شیطانی.
4. پیوند با مدعی تاریخی ← انتقال پروژه به فرد «قابل».

این فرایند نشان می‌دهد که استدراج، **پروژه‌ای شبکه‌ای و نسلی** است، نه حادثه‌ای مقطعی.

۶. پیام‌های الهیاتی و عملی برای امروز

1. **هشدار پایدار**: تا روز قیام قائم (عج)، امکان تکرار این سناریو در قالب‌های نو (مدعیان مهدویت، عرفان‌های نوظهور، رهبران کاریزماتیک) وجود دارد.
2. **لزوم مراقبت معرفتی**: تربیت فقهی و معرفت توحیدی می‌تواند همان نقش «ترمز درونی» را ایفا کند که در ملا صادق مانع سقوط کامل شد.
3. **اهمیت ثبت تاریخی**: اگر آیت‌الله نهاوندی این روایت را ثبت نمی‌کرد، یکی از روشن‌ترین اسناد پیوند میان الهامات شیطانی و پیدایش بابیت از دست می‌رفت.

نتیجه‌گیری

جملهٔ کلیدی «من از نزد تو پیش میرزا علی‌محمد شیرازی می‌روم که قابلیت دارد» نه فقط پایان یک داستان شخصی، بلکه **افشای یک طرح تاریخی است**: طرحی که طبق آموزه‌های شیعی، زیر نظر شیطان تا «یوم الوقت المعلوم» ادامه دارد و از فردی به فرد دیگر منتقل می‌شود تا انحرافی بزرگ پدید آورد.

آیت‌الله نهاوندی با دقت حدیثی و تحلیل کلامی، این سند را برای همیشه در العبقری الحسان ثبت کرد تا نشان دهد که پیدایش بابیت، از آغاز در متن یک **مهندسی شیطانی برای انحراف اعتقادی و اجتماعی** ریشه داشته است.

روش‌شناسی نقد تجارب باطنی: تمایز وحی، الهام و استدراج در فقه و کلام شیعی

مقدمه

پس از آن‌که چهار مرحلهٔ روایت ملا صادق سریزدی در کتاب العبقری الحسان به‌صورت دقیق تحلیل شد—از انزوا و وعدهٔ مقامات تا فرمان‌های آشکارا خلاف شرع و پیوند با مدعی تاریخی—اکنون نوبت آن است که **یک گام**

نظری و روش‌شناختی برداشته شود. پرسش کلیدی این است:
چگونه می‌توان در مواجهه با تجربه‌های باطنی و «الهامات» میان وحی الهی، الهام رحمانی، مکاشفهٔ صادق، و استدراج یا فریب شیطانی فرق نهاد؟

این مقاله به‌عنوان هشتمین حلقه از این مجموعه، به‌طور منظم به این پرسش می‌پردازد؛ هم با تکیه بر متون قرآنی و روایی و هم با بهره‌گیری از دستاوردهای معاصر در روان‌شناسی دین و فلسفهٔ معرفت.

۱. ضرورت بحث: تکثّر تجربه‌های قدسی و خطر مدعیان

از صدر اسلام تا روزگار ما، افراد بی‌شماری مدعی «دیدار فرشته»، «شنیدن صدا» یا «مکاشفهٔ الهی» بوده‌اند. در برخی موارد این ادعاها به شکل‌گیری فرقه‌های عظیم منتهی شده است. اگر نتوان معیار تمییز را به‌درستی به کار گرفت، جامعهٔ دینی یا به دام پذیرش نابجا می‌افتد یا در برابر تجارب اصیل نیز بی‌اعتماد می‌شود.

۲. تعریف مفهومی چهار واژهٔ کلیدی

۲.۱. وحی

ارتباط مستقیم و اختصاصی پیامبران با خداوند که با قطع و یقین همراه است و عصمت حامل آن تضمین شده است. قرآن کریم وحی را منحصر در پیامبران می‌داند و پس از ختم نبوت، راه آن بسته است.

۲.۲. الهام رحمانی

الهامی که به مؤمنان می‌رسد، مانند «وَأَوْحَی رَبُّکَ إِلَی النَّحْلِ» (نحل: ۶۸) یا «فَأَلْهَمَهَا فُجُورَهَا وَتَقْوَاهَا» (شمس: ۸). این الهام به هدایت درونی و تقوا کمک می‌کند، ولی **حجیت تشریعی ندارد**.

۲.۳. مکاشفهٔ صادق

تجربهٔ عرفانی یا شهودی که می‌تواند واقعی باشد اما **نیازمند عرضه بر کتاب و سنت** است و خطاپذیر است.

۲.۴. استدراج

فرایندی که قرآن در آیهٔ «سَنَسْتَدْرِجُهُم مِّنْ حَیْثُ لَا یَعْلَمُونَ» (اعراف: ۱۸۲) توصیف کرده است:
هدایت‌نما اما باطن گمراه‌کننده، که فرد را گام به گام به سوی هلاکت می‌برد.

۳. معیارهای تمییز در فقه و کلام شیعی

۳.۱. عرضه بر کتاب و سنت

امام صادق(ع) فرمود: «ما وافق کتاب الله فخذوه وما خالف فذروه.» هر الهامی که مخالف نص قرآن یا سنت قطعی باشد، باطل است—even اگر با کرامات همراه باشد.

۳.۲. عدم مخالفت با عقل

عقل به‌عنوان «حجت باطنی» معیار مهمی است. دستوری که به قتل، خودآزاری یا نقض آشکار اخلاق منتهی شود، مردود است.

۳.۳. عدم طلب مقام و امتیاز

پیامبران الهی هرگز از مردم تبعیت کورکورانه یا امتیازات شخصی نخواسته‌اند. الهامی که بر تمایز شخصی و انقیاد بی‌چون‌وچرا اصرار دارد، استدراجی است.

۳.۴. شفافیت و قابل‌محاسبه بودن

تجربهٔ رحمانی در معرض نقد عالمان و عرضه بر جماعت مؤمن قرار می‌گیرد؛ استدراج اما در خلوت می‌ماند و از آزمون می‌گریزد.

۴. نسبت این معیارها با روایت ملا صادق

تمام مراحل روایت، از وعدهٔ مقامات تا دستور قتل و پرواز، با معیارهای فوق تعارض دارد:

- مخالفت صریح با قرآن و سنت (حرمت قتل و خودآزاری).
- تلاش برای انقیاد مطلق به «صدا».
- پنهان‌کاری و مقاومت در برابر نقد علما.

بنابراین از همان ابتدا می‌توان آن را **استدراج شیطانی** دانست، هرچند چند خبر درست برای فریب آمده است.

۵. دیدگاه حکمای اسلامی

ابن‌سینا در اشارات و تنبیهات، تفاوت میان «وحی قدسی» و «تخیل نفسانی» را بر اساس «اتصال عقل فعال» و «حفظ تعادل مزاج» شرح می‌دهد. ملاصدرا نیز تأکید می‌کند که الهام حقیقی هرگز با حکم عقل و شرع ناسازگار نیست.

۶. پیوند با یافته‌های معاصر روان‌شناسی دین

پژوهش‌های نوروساینس نشان می‌دهد که کم‌خوابی، گرسنگی و انزوا می‌تواند فعالیت لوب گیجگاهی را افزایش دهد و به توهمات شنوایی منجر شود. این یافته‌ها تجربهٔ ملا صادق در قبرستان و ریاضت‌های افراطی را تبیین می‌کند.

۷. پیام عملی برای جامعهٔ معاصر

1. **ضرورت تربیت معرفتی و فقهی** برای جوانان و سالکان تا معیار تمییز داشته باشند.
2. **ایجاد نهادهای مشاورهٔ دینی و روان‌شناختی** برای افرادی که مدعی تجربه‌های ماورایی می‌شوند.
3. **آگاهی‌بخشی عمومی** که کرامات و پیش‌گویی‌های دقیق به تنهایی حجت نیست.

نتیجه‌گیری

از «استدراج فردی» تا «فرقه‌سازی تاریخی»

الگویی عام بر پایهٔ روایت ملا صادق سریزدی و پیدایش بابیّت

مقدمه

هشت مقالهٔ گذشته با دقت مراحل استدراج در حکایت ملا صادق سریزدی را گشود:

① زمینه‌های جسمی و روانی.
② وعدهٔ مقامات و آیین‌های خاص.
③ فرمان‌های آشکارا خلاف شرع.
④ پیوند نهایی با مدعی تاریخی.
⑤ روش‌شناسی تمییز وحی از استدراج.

اکنون زمان آن است که این یافته‌ها را به سطحی کلان‌تر ببریم و **یک الگوی عام برای فهم فرقه‌سازی شیطانی در تاریخ ادیان** ترسیم کنیم؛ الگویی که از تجربهٔ فردی فراتر می‌رود و روند پیدایش بابیّت را به‌مثابه نمونه‌ای عینی روشن می‌سازد.

۱. استدراج فردی: بازخوانی مراحل چهارگانه

۱.۱. آماده‌سازی روانی

انزوا، ریاضت افراطی و کم‌خوابی ملا صادق، آستانهٔ توهم و پذیرش الهامات کاذب را پایین آورد.

۱.۲. اعتمادسازی

پیش‌گویی‌های دقیق و آیین‌های به ظاهر عبادی حلقهٔ اعتماد را بست و زمینهٔ فرمان‌های خطرناک را فراهم کرد.

۱.۳. عبور از شرع

فرمان به قتل و خودآزاری مرز نهایی بطلان بود؛ ولی به دلیل تربیت دینی، ملا صادق مقاومت کرد.

۱.۴. انتقال پروژه

با ناکامی در این نقطه، صدا مأیوس شد و آشکارا اعلام کرد که مأموریتش را به «میرزا علی‌محمد شیرازی» واگذار می‌کند.

این چهار مرحله، الگویی مینیاتوری از آن چیزی است که می‌توان آن را **فرقه‌سازی شیطانی** نامید.

۲. از فرد به جمع: منطق انتقال استدراج

۲.۱. اصل بقا تا «یوم الوقت المعلوم»

بر اساس آیات قرآن، شیطان تا روز قیام قائم (عج) زنده و فعال است. این به معنای امکان پروژه‌های بلندمدت و شبکه‌ای است که از فردی به فرد دیگر منتقل شود.

۲.۲. انعطاف و جایگزینی

وقتی یک فرد مقاومتی نشان می‌دهد، استدراج پایان نمی‌یابد، بلکه **سوژهٔ جدیدی با «قابلیت» جست‌وجو می‌کند**. همین منطق در روایت با عبارت «من از نزد تو پیش میرزا علی‌محمد شیرازی می‌روم» به صراحت بیان شده است.

۳. از استدراج فردی تا فرقه‌سازی تاریخی: مطالعهٔ موردی بابیّت

۳.۱. زمینهٔ اجتماعی ایران قاجار

فقر، ستم، و عطش مهدویت، فضای آماده‌ای برای مدعیان فراهم کرده بود. این بستر اجتماعی همان چیزی است که به استدراج امکان می‌دهد از سطح فردی به سطح جمعی ارتقا یابد.

۳.۲. ویژگی‌های شخصیتی علی‌محمد باب

انزوا، گرایش شدید به ریاضت، و علاقهٔ افراطی به مکاشفه، همه شاخص‌هایی است که در «پروفایل قابلیت» قرار می‌گیرد. روایت ملا صادق نشان می‌دهد که نام باب حتی قبل از علنی شدن دعوت، در شبکهٔ الهامات شیطانی حاضر بوده است.

۳.۳. فرقه‌سازی گام‌به‌گام

- **مرحلهٔ کرامات و اخبار دقیق**: همان‌گونه که در ملا صادق دیده شد، باب نیز از پیش‌گویی و معجزه‌نمایی بهره گرفت.
- **آزمون‌های عبادی و اجتماعی**: از تغییر احکام نماز تا تفسیرهای شاذ قرآنی.
- **عبور از مرز شرع**: اعلان نسخ اسلام و ادعای مقام پیامبری.

این انطباق مرحله‌ای، نظریهٔ انتقال استدراج از فرد به فرقه را تقویت می‌کند.

۴. پیوند با دیگر نمونه‌های تاریخی

فرایند مشابه را می‌توان در ظهور غلات شیعی، مسیلمهٔ کذّاب و حتی برخی مدعیان معاصر مهدویت ردیابی کرد. در همهٔ این موارد، **یک تجربهٔ فردی آغازین با الگوی استدراجی مشابه، به هستهٔ یک جریان اجتماعی تبدیل شده است.**

۵. آموزه‌های کلامی و عملی

۵.۱. ضرورت مراقبت نهادی

برای جلوگیری از تکرار این سناریو، جامعهٔ دینی باید علاوه بر تربیت فردی، ساختارهای مراقبتی—از حوزه‌های علمیه تا رسانه‌های دینی—را تقویت کند.

۵.۲. پایش روان‌شناختی

تجربهٔ ملا صادق نشان می‌دهد که برخی حالات زهد افراطی می‌تواند به توهمات دینی منتهی شود. خدمات مشاورهٔ روان‌شناسی دینی می‌تواند نقش بازدارنده داشته باشد.

۵.۳. مرجعیت معرفتی قرآن و سنت

بازگشت دائمی به معیارهای قطعی کتاب و عترت، تنها راه نجات از دام استدراج است؛ چه در سطح فرد، چه در سطح فرقه.

۶. نتیجه‌گیری

روایت ملا صادق سریزدی نه تنها یک واقعهٔ شخصی، بلکه **مدل میکروسکوپی فرقه‌سازی شیطانی** است. این مدل به ما نشان می‌دهد که چگونه:

- یک الهام فردی می‌تواند نقطهٔ آغاز یک حرکت تاریخی باشد؛

- شکست در یک فرد به معنی پایان پروژه نیست؛
- و چگونه نام یک مدعی (باب) می‌تواند پیش از ظهور رسمی‌اش در زنجیرهٔ الهامات شیطانی مطرح شود.

شناخت این الگو برای نقد جریان‌های مدعی مهدویت در گذشته و آینده حیاتی است و ابزار نظری قدرتمندی به دست پژوهشگران کلام، تاریخ ادیان و روان‌شناسی دین می‌دهد تا **از استدراج فردی تا فرقه‌سازی تاریخی** را در هر زمان و مکانی رصد و مهار کنند.

از استدراج شیطانی تا استمرار تاریخی فتنه:

نقش روایت ملا صادق سریزدی در تبیین بقا و مهندسی جریان‌های مدعی مهدویت

مقدمه

نه مقالهٔ پیشین، گام به گام ابعاد فردی و تاریخی حکایت ملا صادق سریزدی را واکاوی کرد: از زمینه‌های روانی و جسمی گرفته تا وعدهٔ مقامات عالیه، عبور از مرز شرع، پیوند با مدعی تاریخی (باب)، و سرانجام صورت‌بندی یک الگوی عام برای فرقه‌سازی شیطانی.
اینک مقالهٔ پایانی این مجموعه به پرسشی کلان می‌پردازد:
چگونه می‌توان این روایت را به‌عنوان **مدل تفسیری برای استمرار تاریخی فتنه‌های مدعی مهدویت و الهامات کاذب** در قرون بعدی و حتی عصر حاضر به کار گرفت؟

۱. بقا تا یوم الوقت المعلوم: مبنای قرآنی استمرار فتنه

قرآن کریم، در آیات متعددی (حجر: ۳۶–۳۸، ص: ۷۹–۸۱)، به ابلیس مهلت می‌دهد تا «یوم الوقت المعلوم». این آموزهٔ بنیادین دو پیام اساسی دارد:

1. شیطان تا ظهور قائم (عج) زنده و فعال است.
2. او می‌تواند **پروژه‌های درازمدت و چندنسلی** برای گمراهی بشر سامان دهد.

حکایت ملا صادق به‌مثابه نمونهٔ عینی، نشان می‌دهد که این پروژه چگونه می‌تواند از یک تجربهٔ شخصی آغاز شود و به یک حرکت فرقه‌ای و تاریخی بدل گردد.

۲. روایت ملا صادق به‌عنوان مدل تبیینی

۲.۱. الگویی چهارمرحله‌ای

- **مرحلهٔ آماده‌سازی**: انزوا، ریاضت، اختلال جسمی.

- **مرحلهٔ اقناع**: وعدهٔ مقامات، آیین‌های اختصاصی، پیش‌گویی‌های دقیق.
- **مرحلهٔ عبور از شرع**: فرمان‌های صریح به قتل و خودآزاری.
- **مرحلهٔ انتقال تاریخی**: پیوند با مدعی مشخص.

این الگو فراتر از یک رخداد فردی، طرحی **قابل تعمیم** است که می‌تواند در زمان‌ها و مکان‌های گوناگون تکرار شود.

۲.۲. شاخص‌های بازتولید

هرگاه سه عامل همزمان شود—زمینهٔ اجتماعی بحرانی، فرد مستعد و شبکهٔ تبلیغاتی—امکان بازتولید این الگو فراهم است. نمونه‌های تاریخی از غلات قرون اولیه تا مدعیان معاصر مهدویت، تأییدکنندهٔ این الگو هستند.

۳. استمرار فتنه در قرون بعد

۳.۱. از بابیّت تا بهائیّت

همان «صدا» که در روایت، مأیوس از ملا صادق به باب رجوع می‌کند، در خوانش کلامی می‌تواند نماد انتقال طرح استدراجی به حرکت بابی و سپس به بهائیت باشد. ساختار سازمانی بهائیت در قرن‌های بعد، که بر جذب مکاشفه‌های شخصی و وعدهٔ مدینهٔ فاضله تکیه دارد، شباهت‌های الگویی روشنی با مرحله‌های روایت دارد.

۳.۲. نمونه‌های معاصر

ظهور جریان‌های مدعی یمانی یا مدعیان نیابت خاص در عصر حاضر، غالباً با مکاشفه‌ها، خواب‌های قدسی و اخبار شگفت آغاز می‌شود؛ دقیقاً همان چیزی که در مرحلهٔ دوم روایت ملا صادق دیدیم.

۴. درس‌های کلامی و اجتماعی

۴.۱. ضرورت تربیت معرفتی

تنها جامعه‌ای که بر قرآن و سنت و فقه استوار باشد، می‌تواند در برابر چرخهٔ استدراج مصون بماند. مقاومت ملا صادق در برابر فرمان قتل و پرواز، شاهدی زنده بر کارآمدی تربیت فقهی است.

۴.۲. مراقبت روان‌شناختی

بخش بزرگی از انحرافات از بسترهای روانی چون افسردگی، انزوا و ریاضت افراطی آغاز می‌شود. ترکیب حمایت روانی با هدایت دینی، سپری مؤثر در برابر آغاز استدراج است.

۴.۳. ثبت و تحلیل تاریخی

اگر آیت‌الله نهاوندی این حکایت را با دقت حدیثی ثبت نمی‌کرد، این سند مهم برای درک پیوستگی تاریخی فتنه‌های مدعی مهدویت از میان می‌رفت. پژوهش روایی و مستندسازی دقیق، خود شکلی از جهاد علمی است.

۵. بازخوانی روایت در عصر شبکه‌های دیجیتال

امروز، فضای مجازی امکان گسترش سریع شایعات و کرامات‌نماها را چند برابر کرده است. همان الگویی که در دههٔ ۱۲۷۰ ق با ندای غیبی و خبرهای دقیق رخ داد، می‌تواند در قالب «پیام‌های الهامی اینترنتی» یا «ویدئوهای معجزه‌نما» تکرار شود.
کاربرد مدل ملا صادق برای تحلیل پدیده‌هایی مانند «پیام‌های مهدوی در شبکه‌های اجتماعی» یک ضرورت پژوهشی است.

۶. جایگاه کتاب العبقری الحسان در میراث مهدویت

العبقری الحسان تنها یک کتاب روایی نیست؛ بلکه با نقل این حکایت، **مدلی معرفتی برای سنجش هر تجربهٔ مدعی مهدویت در طول تاریخ فراهم کرده است**. جایگاه مؤلف، آیت‌الله نهاوندی، در علم رجال و درایه، سندیت این مدل را استوار می‌کند.

۷. نتیجه‌گیری

روایت ملا صادق سریزدی فراتر از یک واقعهٔ شخصی، **نقشهٔ مهندسی شیطان برای استمرار فتنه‌های مدعی مهدویت تا قیام قائم (عج)** را برملا می‌سازد. این روایت نشان می‌دهد که:

- استدراج شیطانی یک پروژهٔ چندمرحله‌ای و نسل‌به‌نسل است.
- شکست در یک فرد، پایان فتنه نیست؛ بلکه با یافتن «قابلیت» در فردی دیگر ادامه می‌یابد.
- معیارهای کتاب و سنت تنها سپر مطمئن در برابر این جریان پایدار است.

بدین‌سان، این روایت نه فقط گذشته‌ای شگفت، بلکه **هشدار دائمی برای امروز و فردا** است؛ هشداری که عالمان شیعه با ثبت دقیق آن، چراغ راهی برای صیانت از ایمان در برابر الهامات کاذب و فرقه‌های نوظهور فراهم آورده‌اند.

باب و مهندسی شیطانی فتنه‌های آخرالزمانی؛ از ناکامی در استدراج فردی تا شکل‌گیری فرقه‌ای جهانی

مقدمه

حکایت ملا صادق سریزدی که آیت‌الله شیخ علی‌اکبر نهاوندی در العبقری الحسان (ص۷۴۴–۷۴۶) ثبت کرده است، یکی از مستندترین روایت‌های قرن سیزدهم هجری درباره‌ی **الهامات استدراجی** است. در این ماجرا، صدا یا موجودی نامرئی که خود را «ملک‌الموت» معرفی می‌کند، مرحله‌به‌مرحله می‌کوشد تا یک عالم زاهد را به دام فرمان‌های خلاف شرع بکشاند و سرانجام، پس از ناکامی، پرده از راز برمی‌دارد:

«من از نزد تو پیش میرزا علی‌محمد شیرازی می‌روم که قابلیت دارد.»

این جمله، نقطهٔ اتصال تجربهٔ شخصی ملا صادق با **پیدایش تاریخی فرقهٔ بابیه** است. مقالهٔ حاضر با تمرکز بر همین پیوند، نشان می‌دهد که چگونه یک پروژهٔ شیطانی که در یک فرد ناکام ماند، در علی‌محمد باب به موفقیت اجتماعی رسید.

۱. روایت ملا صادق؛ از زمینه‌سازی تا ناکامی استدراج

بر اساس تحلیل‌های پیشین، چهار گام اصلی در این تجربه رخ داد:

1. **آماده‌سازی روانی**: انزوا، بی‌اشتهایی، اعتکاف در قبرستان.
2. **اعتمادسازی**: وعدهٔ مقامات عالیه، تهجد شبانه، پیش‌گویی‌های دقیق.
3. **عبور از مرز شرع**: فرمان به قتل و پرواز از بام.
4. **انتقال پروژه**: اعلام مأیوسانهٔ صدا مبنی بر رفتن به سوی باب.

ملا صادق به لطف تربیت فقهی و الهی، در برابر مرحلهٔ سوم ایستاد. اما ناکامی این مرحله پایان مأموریت نبود؛ استدراج بلافاصله سوژهٔ دیگری را برگزید.

۲. علی‌محمد باب؛ سوژهٔ «قابلیت‌دار» برای فتنه‌ای نو

۲.۱. ویژگی‌های شخصیتی

مطالعات تاریخی (مانند آثار نبیل زرندی و اسناد بابی) نشان می‌دهد که علی‌محمد باب از نوجوانی گرایش‌های مکاشفه‌گرانه و ریاضت‌های افراطی داشت. خلوت‌های طولانی، میل به تجربه‌های ماورایی و اشتیاق به جایگاه معنوی، او را به هدفی ایده‌آل برای ادامهٔ همان استدراج تبدیل می‌کرد.

۲.۲. زمینهٔ اجتماعی

ایران قاجار گرفتار بحران‌های اقتصادی و سیاسی و تشنگی شدید برای مهدویت بود. چنین فضایی بستر مناسبی برای تبدیل یک تجربهٔ فردی به یک جریان اجتماعی فراهم می‌کرد.

۲.۳. تطابق مرحله‌ای با الگوی استدراج

سیر دعوت باب با چهار مرحلهٔ روایت ملا صادق همخوان است:

- **کشفیات اولیه و اخبار شگفت** (مثلاً تفاسیر ادعایی از سوره یوسف).
- **آیین‌های جدید** که مرزهای شریعت را عقب می‌راند (احکام نماز، نسخ برخی احکام).
- **فرمان‌های خشونت‌آمیز و شورش‌گرانه** در قیّوم الأسماء و سایر آثار.
- **تشکیل سازمانی که به سرعت از سطح فردی فراتر رفت.**

این شباهت‌ها نشان می‌دهد که آن «صدا» یا جریان استدراجی که در ملا صادق شکست خورد، در باب موفق شد.

۳. نگاه کلامی: از استدراج فردی تا فتنهٔ تاریخی

۳.۱. بقا تا یوم الوقت المعلوم

قرآن به روشنی مهلت شیطان را تا «روز وقت معلوم» اعلام کرده است. از این منظر، پیدایش بابیت مصداق عینی پروژهٔ بلندمدت ابلیس برای انحراف بشر در عصر غیبت است.

۳.۲. نقش شیطان در مهندسی فرقه

روایت ملا صادق نشان می‌دهد که شیطان تنها به وسوسهٔ درونی بسنده نمی‌کند، بلکه **مدیریت راهبردی جریان‌های اجتماعی** را بر عهده می‌گیرد:

- شناسایی افراد مستعد،
- آزمودن آنان با کرامات‌نما،
- و در صورت ناکامی، انتقال به سوژهٔ دیگر.

۴. پیامدهای تاریخی بابیت

1. **شورش‌های خونین**: از قلعهٔ شیخ طبرسی تا زنجان، که هزاران کشته بر جای گذاشت.
2. **زمینه‌سازی برای بهائیت**: که بعدها با حمایت قدرت‌های استعماری در عرصهٔ جهانی فعال شد.
3. **چالش فقهی و عقیدتی برای شیعه**: نسخ شریعت و ادعای «مظهر الهی» بودن.

همهٔ این پیامدها نشان می‌دهد که پروژه‌ای که در ملا صادق صرفاً به توهمات فردی محدود ماند، در باب به یک **فتنهٔ تمام‌عیار سیاسی–مذهبی** بدل شد.

۵. درس‌های معاصر

- **هشدار معرفتی**: تجربهٔ باطنی—even همراه با کرامات و اخبار درست—بدون عرضه بر کتاب و سنت هیچ حجیتی ندارد.

- **اهمیت تربیت فقهی**: همان عاملی که ملا صادق را حفظ کرد، می‌تواند جوامع امروز را از افتادن در دام مدعیان نوظهور نجات دهد.
- **ضرورت رصد اجتماعی**: پروژه‌های استدراجی می‌توانند بار دیگر در قالب جریان‌های نوپدید ظاهر شوند.

نتیجه‌گیری

روایت ملا صادق سریزدی نه تنها یک تجربهٔ فردی است، بلکه **پیش‌گفتاری تاریخی بر پیدایش بابیت** به‌شمار می‌رود. صدا یا موجودی که خود را «ملک الموت» معرفی کرد، پس از ناکامی در استدراج یک زاهد پارسا، بی‌درنگ به سوی علی‌محمد باب رفت و در او «قابلیت» لازم را یافت.

بدین‌سان، بابیت را می‌توان **ادامهٔ همان نقشهٔ استدراج شیطانی** دانست که قرآن از بقای آن تا قیام قائم (عج) خبر داده است. تفاوت در آن است که ملا صادق با تربیت دینی نجات یافت، اما علی‌محمد باب در همان دام افتاد و راه را برای یکی از بزرگ‌ترین فتنه‌های فکری و سیاسی تاریخ معاصر ایران گشود.

منبع: https://www.hassanershad.com/13690

فتنه بابیه در بیان رهبران بهایی

نکته اول :بهاء الله از سال ۱۲۶۰ الی ۱۲۹۰ معتقد و امضا کننده دستورات کشتار غیر بابیان بر مبنای فرامین وی بود

نکته دوم : تایید و امضای علنی احکام بیان توسط بهاء الله

نکته سوم : مسئول کلیه اقدامات بابیه مستقیم متوجه بهاء الله بود :

نکته چهارم : نمونه هایی از اقدامات خشن و بر اندازانه و کمک بهحمایت از اقدامات تروریستی با اسناد امری

نکته پنجم : نمونه اعمال وحشی گری بابیان در رفتار بهاء الله

نکته ششم : اعلام برائت و اعتراف به فرامین باب و منفور اعلام کردن آن

نکته هفتم : بیان با اقدس نسخ گردید یعنی دقیقه سال نسخ اقدس ۱۹۷۳ می باشد نه پیش تر

فیلم نقد اول :

فیلم نقد دوم :

فیلم نقد سوم :

فیلم نقد چهارم :

نکته اول :بهاء الله از سال ۱۲۶۰ الی ۱۲۹۰ معتقد و امضا کننده دستورات کشتار غیر بابیان بر مبنای فرامین وی بود

الف) زمان بابی شدن بهاء الله و ملتزم شدن به اصول بابیه ۱۲۶۰ ق ه ۱۸۴۴ م

طریقه ابلاغ باب به بهاء الله توسط ملا حسین بشرویه در مدرسه میرزا صالح واقع در پامنار تهران و بابی شدن بهاءالله سه ماه پس از اظهار امر باب حیات حضرت باب دکتر نصرت الله محمد حسینی ص ۲۰۹-۲۱۰



حضرت باب

شرح حیات و آثار مبارک و احوال اصحاب

عهد اعلیٰ

بمناسبت یکصد و پنجاهمین سال ظهور مبارک حضرت باب

نصرت الله محمّدحسینی

۱۵۲ بدیع - ۱۹۹۵ میلادی

ISBN 1-896193-10-2

موسسهٔ معارف بهائی

P.O. Box 65600 Dundas, Ontario, L9H 6Y6, Canada



هجری قمری (سپتامبر ۱۸۴۴ میلادی) از شیراز عازم سفر حج مکّه شده‌اند (۵) و در آن زمان جناب ملاّحسین در اصفهان نبوده تا در خانهٔ جناب میرزا محمّد علی نهری با جناب مقدّس مذاکره نماید. زیرا ملاّحسین حدود سه ماه پس از ظهور حضرت باب در طهران بوده و صفحاتی از کتاب قیّوم‌الاسماء را وسیلهٔ جناب ملاّمحمّد معلّم نوری به حضور حضرت بهاءالله تقدیم کرده‌است (۶). نکتهٔ چهارم آنکه از صفحات ۸۷ ـ ۸۶ ترجمهٔ فارسی تاریخ نبیل زرندی (وسیلهٔ جناب اشراق خاوری) تقریبا مستفاد می‌شود که جناب مقدّس برای نبیل زرندی حکایت کرده که در خانهٔ جناب نهری با جناب ملاّحسین مذاکره نموده‌است. حال آنکه در متن انگلیسی (ترجمهٔ حضرت ولیّ‌امرالله) (۷) مطلب بدین صورت ادا، نگشته‌است و راوی قول جناب مقدّس معلوم نیست. با توجّه به آنچه معروض افتاد برادران نهری در کربلا مؤمن شده‌اند و قول نبیل زرندی که می گوید در اصفهان مؤمن شده‌اند قابل تعدیل است و یا اشارت است به ایقان کامل بعدی و ارتقاء مقامات عرفانی آن دو برادر بر اثر مذاکره با دیگر مؤمنین از سابقین (۸). جناب فاضل مازندرانی در خصوص ایمان برادران نهری نوشته‌است: « ... و ایّامی که حضرت باب در کربلا می‌زیست چندبار آن بزرگوار را حین ادا، زیارت امام حسین در باب حرم و نیز در حوزهٔ درس حاجی سیّد کاظم دیدند و آداب زیارت و حال خضوع و رقّت قلب

۲۰٤/204

ملاّمحمّد استقبال و امر جدید را به وی ابلاغ نمود. سپس از وی خواست که امانتی را به حضرت بهاءالله برساند و ملاّمحمّد با نهایت میل این مأموریّت را پذیرفت و امانت مذکور را که بصورت طوماری در پارچه پیچیده شده بود وسیلهٔ جناب میرزا موسی کلیم به حضور حضرت بهاءالله تقدیم نمود. حضرت بهاءالله در حضور جناب کلیم وملاّمحمّد مذکور طومار را گشودند و به مندرجات آن نظر نموده و فقراتی از آن را با صدای زیبا و رسای خویش تلاوت فرمودند. چون یک صفحه از آن نوشته را زیارت فرمودند خطاب به جناب کلیم فرمودند. موسی چه می‌گوئی؟ هرکس به قرآن شریف و منشأ الهی آن

۲۰۹/209

اعتقاد دارد اگر لحظه‌ای در حقّانیّت این آیات بدیع تردید نماید از طریق عدالت خارج گشته‌است. حضرت بهاءالله سپس مراتب تقدیر و محبّت خالصانهٔ خویش را وسیلهٔ ملاّمحمّد به ملاّحسین ابلاغ و یک بسته چای و یک کلّه قند روسی بجهت وی ارسال فرمودند. ملاّحسین پس از دریافت مراتب عنایت و هدیهٔ حضرت بهاءالله بر آن هدیه بوسه زد و ملاّمحمّد را سخت در آغوش کشید و بر چشمان وی نیز بوسه نهاد. زیرا که وعدهٔ حضرت باب تحقّق یافته و ملاّحسین کشف راز نموده بود. پس از چند روز ملاّحسین با ملاّمحمّد معلّم تودیع نمود و

ملا محمد استقبال و امر جدید را به وی ابلاغ نمود. سپس از وی خواست که امانتی را به حضرت بهاء الله برساند و ملا محمد با نهایت میل این مأموریت را پذیرفت و امانت مذکور را که بصورت طوماری در پارچه پیچیده شده بود وسیله جناب میرزا موسی کلیم به حضور حضرت بهاء الله تقدیم نمود. حضرت بهاء الله در حضور جناب کلیم وملا محمد مذکور طومار را گشودند و به مندرجات آن نظر نموده و فقراتی از آن را با صدای زیبا و رسای خویش تلاوت فرمودند. چون یک صفحه از آن نوشته را زیارت فرمودند خطاب به جناب کلیم فرمودند. موسی چه میگوئی؟ هر کس به قرآن شریف و منشأ الهی آن اعتقاد دارد اگر لحظه ای در حقانیت این آیات بدیع تردید نماید از طریق عدالت خارج گشته است. حضرت بهاء الله سپس مراتب تقدیر و محبت خالصانه خویش را وسیلهٔ ملامحمد به ملاحسین ابلاغ و یک بسته چای و یک کله قند روسی بجهت وی ارسال فرمودند. ملاحسین پس از دریافت مراتب عنایت و هدیه حضرت بهاء الله بر آن هدیه بوسه زد و ملا محمد را سخت در آغوش کشید و بر چشمان وی نیز بوسه نهاد. زیرا که وعده حضرت باب تحقق یافته و ملاحسین کشف راز نموده بود پس از چند روز ملاحسین با ملامحمد معلم تودیع نمود و عازم خراسان گشت (۲۹)

ب) زمان نسخ احکام باب سال ۱۲۹۰ ه ق مصادف با ۱۸۷۳ میلادی



قاموس کتاب اقدس

به مناسبت یکصدو پنجاهمین سال اظهار امر خفی جمال اقدس ابهی

تالیف: دکتر نصرت الله محمّد حسینی

Century Press Publications



گفتار نخست - در مقدّمات

بخش نخست - سرگذشت نزول و انتشار کتاب اقدس

کتاب اقدس درسال ۱۹۷۳ میلادی (۱۲۹۰هجری قمری) دربیت عودی خمّار Udi Khammar درعکّا ازقلم جمال ابهی نازل گشته است.(۱) حضرت بهاءالله در خصوص تاریخ تقریبی نزول این اثر جلیل در لوح اشراقات می فرمایند: " و این آیات در این مقام در کتاب اقدس دراوّل ورود سجن از سماء مشیّت الهی نازل ..."(۲) و در لوح دیگر به امضاء خادم می فرمایند: "در این حین بآیه مبارکهٔ کتاب اقدس که دراوّل ورود سجن ازملکوت مقدّس نازل متذکر شدم."(۳) این مضمون دراثر حضرت ولیّ امرالله The Promised Day Is Come (صفحه۴۳) نیز آمده است. حضرت عبدالبهاء دریکی از آثار مبارکهٔ حضرتشان ضمن اشاره به میثاق حضرت بهاءالله می فرمایند: " در کتاب اقدس بیست و پنج سال پیش ازصعود این نصّ صریح صحیح منصوص گردید."(۴) بدیهی است که بیانات جمال ابهی و حضرت عبدالبهاء که در بالا نقل گردید به تاریخ تقریبی نزول کتاب اقدس ناظراست. چنانکه

لازم به تذکر است مولف محترم بجای ۱۹۷۳ باید ۱۸۷۳ می نوشت که باید در چاپهای بعدی تصحیح کند

ج) سال نشر ۱۳۰۸ ه ق : با توجه به ملاک مطلع بودن پیروان بهاء الله از نسخ احکام بیان نشر رسمی میزان اعلام علنی برائت از احکام باب است نه تاریخ نگاشتن اقدس لذا پیروان بهاء الله رسما ۴۸ سال معتقد و ملتزم به احکام باب بودند



۱۶

(ابوالبدیع) در سال ۱۲۹۳ هجری قمری (۱۸۷۶ میلادی) نسخه ای از آن را از عکّا جهت احبّای خراسان برده است.

برخی از نسخ خطّی و مطبوع کتاب اقدس حاوی چند اشتباه است. بدین روی حضرت عبدالبهاء امر فرمودند که نسخ موجود با نسخ خطّ جناب زین المقرّبین تطبیق شود. از جمله در لوح مبارك خطاب به جناب میرزا ابوالفضل الله معاون التّجار می فرمایند: " کتاب اقدس را به خطّ من ادرك لقاء ربّه حضرت زین المقرّبین علیه بهاءالله تطبیق نمائید ... خطّ جناب زین صحیح است."(۲۸)

همانطورکه قبلاً مذکور گردید کتاب اقدس نخستین بار به امرجمال ابهی و با اقدام و خطّ میرزامحمّد علی غصن اکبر در سال ۱۳۰۸ هجری قمری (۱۸۹۱ میلادی) در بمبئی انتشار یافته است. الواح متعدّدهٔ عربی نیز همراه آن نشر شده است.(۲۹) این مجموعه (کتاب اقدس و الواح پیوست آن) ده ها سال درایران به نام نسخهٔ کتاب اقدس بزرگ اشتهارداشته است. مجموعهٔ مذکوره مجدّداً در محرّم سال ۱۳۱۴ هجری قمری (ژوئن ۱۸۹۶ میلادی) در بمبئی (مطبعهٔ ناصری) با چاپ سربی مطبوع گشته است. کتاب اقدس چند ده سال بعد نیز در طهران (وسیلهٔ مطبعهٔ آزردگان) با چاپ سربی به طبع رسیده است. همچنین این کتاب جلیل در سال ۱۹۴۵ میلادی وسیلهٔ پروفسور دکتر سلیمان رفعت استانبولی در بیروت به طبع رسیده است. این نسخه گراور نهمین نسخهٔ خطّ جناب زین است که در موصل به سال ۱۲۹۸ هجری قمری (حدود ۱۸۸۱ میلادی) استنساخ گردیده است. کتاب اقدس دو بار دیگر نیز به

نکته دوم : تایید و امضای علنی احکام بیان توسط بهاء الله

الف) سند اول :



تصدیق و تایید احکام بیان در اقتدارات
و ملتزم بودن به احکام آن توسط بهاء الله

بغضاً علی الله در هر حین باعتراضی جدید متمسک با اینکه
کل میدانند که باین ظهور اعظم ما نزل فی البیان ثابت
و ظاهر و محقق شده و اسم الله مرتفع گشته و آثار الله در شرق
و غرب انتشار یافته و بیان فارسی مخصوصاً در این خصوص

امضا شده مع ذلک متصلاً نوشته و می‌نویسند که بیان را
نسخ نموده اند که شاید شبهه در قلوب القا شود و موهومات
عجل محقق گردد * ای اهل بیان متمسک باشید قدری انصاف

اقتدارات ص ۴۵ ــ ۴۶

تذکر :

ظاهرا عبد البهاء این فرمان بهاء الله مبتنی بر امضاء و فرمان بر احرای احکام باب را صادر نموده است را فراموش کرده و در سند زیر می گوید :



منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء - جلد ۴

مکاتیب ۱ — ۲۲۱

دیار معروف و مشهور این دو را قیاس نمایند و از این گذشته کلمات غیرمحصور و مکاتیب او در دست اهل فتور است این نوشتجات را با آثار جمال مبارک مقابله نمایند تا حقیقت حال معلوم و مشهود شود و اگر به عین انصاف در بیان ملاحظه کرده به صریح عبارت جمیع ذکر جمال مبارک است و از احکام و بیان مقصود اجرا و انفاذ نبوده بلکه مقصود ذکر من یظهره الله و مدح و ستایش او بوده چنانکه در هر باب و فصل منتهی به ذکر آن جوهر وجود میگردد و اگر این نبوده بیان را چه ثمره و نتایجی بود؟ انصاف باید داد، از جمله احکام بیان ضرب اعناق اهل آفاق و حرق جمیع کتب و صحف و زبر و اوراق و فتح شرق و غرب و هدم بقاع مرتفعه آیا این احکام در این عصر ممکن الوقوع است؟ لا والله بلکه مستحیل و محال پس نظر در کتاب اقدس نمایند که جمیع احکام مانند روح در جسم امکان است و چون جمیع طوائف و ملل اطلاع یابند بلو ایمان نیارند فریاد برآرند هذا هو العدل و هذا هو الموافق لهذا العصر و هذا هو روح هذا القرن چه برهانی اعظم از این الحمد لله امرالله علم وحدت عالم انسانی در قطب امکان برافراخته و خیمهٔ عمومیت بشری و مساوات تامّ و مواسات حقیقی بلند گردیده بغض و عداوت مبدل به الفت و محبت شده سیف و سنان معطل جنگ و جدال محرّم شده بنیان بیگانگی برافتاده رایت یگانگی برافراخته دشمن دوست گردیده بیگانه آشنا شده دور نزدیک گردیده مهجور و محروم به ایوان درآمده حال ملاحظه فرما چنین قوتی را که روح عالم و محرک امم است آیا میتوان مقاومت نمود؟ لا

ب) سند دوم : بهاء الله نسخ بیان توسط خود را اتهام می شمرد و بر اتهام زنندگان لعنت می فرستد :



۱۰۳

و چه تصریحا که در ظهور بعد توقف نمایند و جز آیات
نخواهید مع ذلک انکار نموده اند و امثال این امور عظیمه
که جمیع میدانند غافل شده اند و نفسی اعتراض نموده
و لکن باین مقر که باختیار او کل کتب ناطق است نسبت
داده اند که احکام بیان را نسخ نموده الا لعنة الله
علی القوم الظالمین مع آنکه بنص بیان این ظهور
مختار بوده و خواهد بود و جمیع بیان بذکر و ثنایش ناطق
و ظهورش مبشر و ما یظهر من عنده هو ما ظهر من ظهور
قبله و من فرق هو مشرک کذاب و منکر مرتاب و از آیات
گذشته اکثری از اهل ادیان از مظهر اقدس خارق
عادات دیده اند علی شأن لا یذکر بالبیان فاسئلوا
المدینة و من حولها لیظهر لکم الحق و معلوم نیست که آن

اقتدارات ص ۱۰۳

نکته سوم : مسئول کلیه اقدامات بابیه مستقیم متوجه بهاء الله بود : (شش سند)

اعتراف بهاء الله و سایر رهبران بهایی مبتنی برنقش عروسک بودن صبح ازل و همه کاره بودن بهاء الله

سند اول :

در مجلد اول **الکواکب الدریه** طی ذکر احوال میرزا یحیی در ص ۳۳۹ می گوید:

« قبلاً گفتیم برای حکمت و مصلحت قرعه را به نام او زده (یعنی به نام میرزا یحیی) واسم وی را بر سر زبان ها انداختند تا قدری مخاطرات صاحب امر تخفیف یابد. و بعد ازشهادت نقطه اولی تا هنگام حرکت بهاءالله از بغداد از کلماتی که از آن حضرت صادرشده وانمود می شود که انظار را متوجه شخص دیگر کرده باشند . و دراین احوال جناب ازل در خلف حجاب مستور و محجوب بود و بعضی کسان تصور می کردند که شخص غائب مستور او است ولی اخیراً معلوم شد که اشارات حضرت بهاءالله راجع به حقیقت فائضه الهیه بوده نه هیکل ازلیه .

سند دوم :

عبدالبهاء درکتاب مقاله سیاح درص ۸۸ می گوید:

« چون از برای بهاءالله در **طهران** شهرت عظیمه حاصل وقلوب ناس به او مایل ، با **ملا عبدالکریم** در این خصوص مصلحت دیدند که با وجود هیجان علما و تعرّض حزب اعظم ایران و قوّه قاهره امیرنظام باب و بهاءالله هر دو در مخاطره عظیمه وتحت سیاست شدیده اند پس چاره باید نمود که افکار متوجه **شخص غائبی** شود و به این وسیله بهاءالله محفوظ ازتعرض ناس ماند. و چون نظر به بعضی ملاحظات شخصی خارجی را مصلحت ندانستند قرعه این فال را به نام **برادر بهاءالله میرزا یحیی** زدند. باری به **تأیید و تعلیم بهاءالله** او را مشهور و در لسان آشنا و بیگانه معروف نمودند **و از لسان او نوشتجاتی** به حسب ظاهر به باب مرقوم نمودند و چون مخابرات سریه درمیان بود این رأی را باب به نهایت پسند نمود. باری میرزا یحیی مخفی و پنهان شد و اسمی از او در السن و افواه بود و این تدبیر عظیم تأثیر عجیب کرد که بهاءالله با وجود آن که معروف ومشهور بود محفوظ ومصون ماند . »انتهی.

سند سوم :

در کتاب بدیع ص ۵۴ از زبان میرزا مهدی نقل می کند که او می گوید:

« احدی از داخل و خارج وشهرت و واقع تواند شکی نمود که حضرت باب تصدیق میرزا یحیی ننموده. به این معنی که به اطراف و اصحاب درحقیقت او به عبارات مختلفه ننوشته که بعد ازمن اوست و اطاعت اوبر همه لازم است » آه. پس در ص ۵۴ بهاءالله جواب می دهد به این عبارات: «**کاش ادراک می شد که شهرت را که داده؟ و حکمت آن چه بوده**؟ لایعرفها الّا اولی الالباب و این عبد متحیر است که تو به چه دلیل اظهار اطلاع نموده ای؟ چه که هیچ وقت داخل این امر نبوده ای ».

سند چهارم :

در کتاب کشف الغطاء ص ۳۳۱ می نویسد که :

«**بهاءالله و ملاعبدالکریم قزوینی لمصحله اسم** بی مسمایی روی **ازل** گذاشتند و به ترویجش کوشیدند و مانند **امام غائب** توقیعات از طرف او صادر کردند.»

سند پنجم :

در مجلد اول رحیق مختوم ص ۷۰ راجع به ازل در لوحی از بهاءالله این کلمات را مذکور داشته:

«انّه کانَ **کأحدٍ من عبادی** و کان یحضَر تلقاءَ الوَجه فی کلّ بُکورٍ وأصیلٍ .. **انّا أشهرنا اسمَه بین العبادِ بحکمهٍ** من لدنّا و انّ ربّک لهو الحاکمُ عَلی ما یُرید»

ترجمه :

(او مانند یکی از بندگان ما بود و صبح و شام نزد ما می آمد..... ما نام او را بین بندگان بلند کردیم به واسطه حکمتی و مصلحتی که درنظر داشتیم و پروردگار تو بر هر چه اراده کند فرمانفرماست.)

سند ششم :

درکتاب اقتدارات در صفحه ۵۹ و ۶۰ و بسیاری از موارد دیگر وسایر کتبی که از زمان توقف در ادرنه به بعد تا پایان عمرش نوشته است این مطلب را مکرراً متذکر شده به این که میرزا یحیی را ما مشهور ومعروف نمودیم واسم بی مسمایی روی او نهادیم و این عمل برای مصحلت وحکمتی بود که در نظر گرفته بودیم. و آن حکمت محفوظ بودن خود بهاءالله است از خطر جانی که **صورتاً مردم او را مرکز و محور بابیه ندانند بلکه او را بابی ندانند** و تمام اذهان متوجه میرزا یحیی شود. و او هم که پنهان ومستور از انظار وبرحسب قرارداد از کلیه کارها برکنار است. لهذا محرمانه به نام او کاغذ به این طرف و آن طرف فرستاده می شد **یعنی بهاءالله به هر کس هر دستوری را که لازم بود به نام این که حضرت ثمره این دستور را داده اند رقعه و نامه می نوشت و می فرستاد. و چون او را محور کار و معروف و مشهور روزگار کرده بود لامحاله از او تعظیم و تجلیل هم می نموده است و او را به عنوان مصدر امر ونور ازلی و امثال ذلک ذکرمی کرده است.** پس روی هم رفته در فاصله **چهارده** سال از قتل سیدباب تا حرکت بهاءالله از بغداد رئیس و مرکز ومطاع بابیان میرزا یحیی بوده و بهاءالله از او اطاعت می

کرده و اورا به پیشوایی می ستوده است. بلی از موقع توقف ادرنه اختلاف علنی شد و بهاءالله گفت که **میرزا یحیی هیچ کاره بوده و من او را معروف کرده** و به عنوان جانشنیی باب و پیشوایی بابیان معرفی می نموده ام برای حکمتی. والّا او به هیچ وجه اهمیت و موقعیتی نداشته نه مرآت بوده و نه نور ازل ونه وصی باب و نه سمت دیگر و تمام انتشارات دروغ بوده . و بعد هم شروع کرد به فحش دادن و بد گفتن و انواع نسبت ها از قبیل زنـای با دختران و زنـان و لواط و مال مردم خـوردن و امثال ذلـک را به او و پیروان او داده چنانچه در ص ۳۱۳ بدیع می گوید: « لازال به أکل و شُرب و تصرّف در ابکار و نساء ناس مشغول بوده و اعمالی که والله خجالت می کشم از ذکرش مرتکب » آه. معلوم است آن عملی که بدتر از زنا است و ایشان از ذکرش خجلند «لواط» است که در اقدس هم از ذکر حکم آن خجالت کشیده اند.

نکته چهارم : نمونه هایی از اقدامات خشن و بر اندازانه و کمک به حمایت از اقدامات تروریستی با اسناد امری

مورد اول : اقدامات لجستیکی و پشتیبانی از تحرکات ضد حکومتی برای برپایی حکومت بیانی بر مبنای تفسیر سوره یوسف باب در قلعه طبرسی

سند اول :

سفر اول و حضور در قلعه

کتاب حضرت باب ص ۴۵۱

چون بنای قلعه رو باتمام رفت یک روز شیخ ابوتراب اشتهاردی به قلعه وارد شد و به ملاّحسین گفت که حضرت بهاءالله اینک در قریهٔ افرا وارد شده‌اند و امشب با اصحاب قلعه ملاقات خواهند فرمود. چون ملاّحسین دانست که حضرت بهاءالله به قلعه تشریف می‌آورند همه را آمادهٔ پذیرائی از آن حضرت نمود. ورود حضرت بهاءالله به قلعه با استقبال بی‌نظیر ملاّحسین و دیگر اصحاب روبرو شد. حضرت بهاءالله اوامری در خصوص تحکیم قلعه و نیز رهائی جناب قدوس از چنگ دشمنان صادر فرمودند. قلعهٔ طبرسی که بدستور ملاّحسین با شتاب بنا گشته بود پس از بازرسی حضرت بهاءالله بشکل قلعهٔ نسبةً مستحکمی در آمد (۲۹). حضرت بهاءالله پس از هدایت و دلالت اصحاب با آنان وداع فرموده و همراه شیخ ابوتراب اشتهاردی و نظرخان سرتیپ مالک قریهٔ افرا بدان قریه مراجعت نمودند و سپس از راه نور به طهران برگشتند (۳۰). هنگامی که در نور تشریف داشتند مقداری آذوقه برای اصحاب قلعه فرستادند. جناب باب‌الباب ملاّمهدی خوئی و شش تن از اصحاب را به ساری فرستاد تا جناب قدوس را که در خانهٔ میرزا محمّد تقی مجتهد ساروی محبوس بود رها ساخته و همراه وی به قلعه باز گردند.

۲۹ ـ GOD PASSES BY صفحات ۴۰ و ۶۸.

۳۰ ـ نبیل زرندی. مطالع الانوار. صفحات ۵۷ ـ ۳۵۶.

سند دوم :

سفر دوم و دستگیر شدن در راه

کتاب حضرت باب به نویسندگی دکتر نصرت الله محمد حسینی ص ۴۴۲



یکی از وقایع مهمّهٔ دوران حوادث قلعهٔ طبرسی عزیمت مجدّد حضرت بهاءالله به مازندران بمنظور کمک به اصحاب قلعه بود. حضرت بهاءالله به ملاّحسین وعده داده بودند که مجدّداً به قلعه عزیمت خواهند فرمود. برخی از همراهان جمال ابهی عبارت بودند از شیخ ابوتراب اشتهاردی، آقا سیدحسین ترشیزی، ملاّباقر تبریزی (حرف حیّ) میرزا جانی کاشانی و میرزا یحیی ازل. مقصود حضرت بهاءالله این بود که سریعاً خود را به قلعه برسانند ولکن اصرار همراهان سبب شد که نزدیک آمل توقّف نمایند. این توقّف موجب گشت که جاسوسان دشمن آنان را دستگیر نموده به آمل برند. در این حادثه بود که پاهای مبارک از ضرب چوب مجروح گشت و بجای همراهان و از جمله میرزا یحیی نیز بخواست خودشان چوبکاری شدند. گذشت و فداکاری جمال ابهی در تحمّل بلا در حادثهٔ آمل نمونه‌ای از سجایای ملکوتی آن حضرت است. هنگامی که مأموران قصد چوبکاری ازل داشتند حضرت بهاءالله فرمودند او نوکر من است وتقصیری ندارد بجای او مرا چوبکاری کنید. این نکته‌ایست که حتّی شاه سلطان خانم (عزّیه خانم) خواهر ازلی جمال ابهی در تنبیه النّائمین بدان اعتراف کرده‌است: «وقتی که می خواستند حضرت را (ازل را) اذیّت کنند ایشان (حضرت بهاءالله) خود را بروی آن حضرت انداخته و از ضرب و لطمه وقایه شده و التماس می کردند که او طفل است و تقصیر ندارد عوض ایشان بمن ایذاء و اذیّت نمائید» (صفحات ۱۰۹ ـ ۱۰۸). بهرحال مقدّر نبود که جمال ابهی به اصحاب قلعه بپیوندند و سرانجام به طهران باز گشتند. ارادهٔ حقّ بجهت آن حضرت مأموریّت دیگر می خواست لذا پیوستن حضرتشان به اصحاب قلعه تحقّق نیافت.

۳۵ ـ مقالهٔ شخصی سیّاح، صفحهٔ ۴۱.

مورد دوم : ترور امام جمعه قزوین توسط طاهره و کمک به فرار طاهره توسط بهاء الله

قسمت اول

طاهره مدرس تفسیر سوره یوسف :

مروج آموزه های تروریستی و اقدامات بنیادگرایانه بابی و فرامین شورشی علیه حکومت :

کتاب طاهره – دکتر نصرت الله محمد حسینی

طاهره به ترجمه کتاب قیّوم الاسماء پرداخت. هر روز آن کتاب را در مدرس خویش تفسیر و تدریس مینمود. نخستین نفسی که در میان نسوان ساکن کربلا افتخار ایمان یافت زوجه‌شیرازی جناب سیّد کاظم رشتی بود. به‌همّت جناب ملاّعلی بسطامی نه تنها جناب طاهره به‌زیارت قیّوم‌الاسمام فائز گشت اصحاب دیگر نیز این افتخار یافتند. غالب بابیان کربلا بر اثر تلاش مداوم جنابان بسطامی و طاهره فائز به ایمان گشته بودند و امرالله در عتبات عالیات شهرت و عظمت مخصوص یافته بود. طاهره و اصحاب بزرگوار در نهایت خضوع به عبادت

میپرداختند و بفرموده حضرت عبدالبهاء : "حتّی از مستحبّات چیزی فرو نمی‌گذاشتند". (۷) گروهی از علماء ساکن کربلا چون گذشته در مدرس او حضور می‌یافتند و از پس پرده از محضرش استفاده مینمودند. طاهره امر جدید را جهراً بدانان ابلاغ مینمود. جناب ابوالفضائل در کتاب کشف‌الغطاء مینویسدکه: "... قرّه‌العین در مجلس درس نزد تلامذه نقاب نمی پوشید و مکشوف الوجه در مجلس درس جالس میشد ولکن در مجالس اُخری و حضور سائر علماء از پشت پرده با آنها تکلّم مینمود ص ۹۶

بخش ششم

سفر جناب طاهره به کربلا

سند ماجرای ترور :

چهارم کمک به تروریستها و حمایت از ایشان :

طاهره و ماجرای ترور عمو و پدر شوهر و امام جمعه قزوین ملا محمد باقر برغانی قزوینی کشف الغطاء ص ۱۰۶



۱۷ باز بحدیث مرحوم محمد مصطفی البغدادی رحمة الله علیه
رجوع نمائیم نوشته است که چون موعد مقرر رسید حضرت طاهره
عزیمت قزوین فرمود و نسوان و برادران حضرتش و شیخ صالح کریمی
و ملا ابراهیم محلاتی و از سادات سید احمد یزدی و سید محمد بایگانی (?)
در خدمتش بودند اما والد ماجد شیخ محمد شبل و شیخ سلطان و جماعت
عرب نزدیک سی روز در همدان ماندند و حضرت طاهره چون بقزوین
وارد شد امر فرمود که احبا همگی ببغداد رجوع نمایند و بیشترین
انها ببغداد برگشتند مگر جناب درویش کمولی (?) و فرزند او جواد و
صهرا (?) و صالح و عبدالهادی زهیراوی و حسن حلاوی و سعید جباوی
که با ما بقزوین توجه کردند و در قزوین خانه ها گرفته و ساکن شدیم
و در نزدیکی خانه ما خانه بود که هر روز وقت عصر ساعتی قرة العین
با چند نفر زن و یک نفر از طلبه علم که محرم انها را گماشته بود برای
حراست طاهره حاضر میشدند و من که سنم تقریبا ده ساله بود در این
موقع بخدمتش مشرف میشدم و چون بر این نهج قریب یکماه گذشت
حضرت طاهره امر فرمود که احبا جملگی سوای شیخ صالح کریمی
و ملا ابراهیم محلاتی از قزوین سفر کنند و بارض طا توجه نمایند چون
پیغام حضرت طاهره را بوالد و شیخ سلطان و غیرهما ابلاغ نمودم
گفتند مقصود از طا ارض طهارتست که ارض طهور و سر ظهور
باشد چون روز دیگر بخدمتش مشرف شدم و چگونگی را معروض
داشتم فرمود طیب بگو بارض قم توجه کنند چون این پیغام را ابلاغ



نمودم گفتند یعنی قوموا بامر الله چون باز بخدمتش رسیدم عرض نمودم که
گفتند قم یعنی قوموا بامر الله تبسم فرمود و فرمود بگو فتوجهوا الی المشهد
بخراسان چون امر حضرتشرا بحضرات ابلاغ داشتم گفتند یعنی توجهوا الی
المشهد النفس الرحمانیة الملکوتیة و بالجمله چون در مرتبه رابعه بخدمتش
رسیدم و فرمود دامر مرا ابلاغ نمودی عرض کردم نعم یا مولاتی ولکن
حضرات امر مبارکترا تاویل نمودند و مشهد را بمشهد نفس رحمانیه و مشهد
نفس ملکوتیه تعبیر کردند حضرت طاهره متغیر شد و فرمود دبایشان بگو
مقام تاویل نیست البته سفر کنید زیرا امر عظیمی پیش خواهد آمد و تزلزل
بزرگی ظاهر خواهد شد که جمیع قزوین از آن خواهد لرزید و خون همه
شماها ریخته خواهد شد بار دیگر مرحوم والد و سائر احبا امر فرمودند که
من بروم و استفسار نمایم که چون فتنه بزرگ مترقب است که اگر بمانیم
همه کشته خواهیم شد حکمت بقای شیخ صالح و ملا ابراهیم چیست چون
پیغام حضراترا خدمت قرة العین معروض داشتم فرمود بگو وقت ایشان
رسیده است و بایست برتبه شهادت نائل گردند ولکن شماها هنوز وقت
نرسیده است و اگر کشته شوید خودخود را بهلکه افکنده اید و باین
موجب پدرم شیخ محمد شبل و شیخ سلطان بجانب طهران و درویش
کمولی و سائر جماعت بجانب قم توجه نمودند و پس از تفرق انها نزدیکی
یازده روز بیشتر نگذشت که حادثه قتل حاجی ملا تقی عم قرة العین پیش
آمد و آشوب عظیمی که بان انذار فرموده بود ظاهر شد انتهی (۱)

۱۷ باز بحدیث مرحوم **محمد مصطفی البغدادی** رحمه الله علیه رجوع نمائیم نوشته است که چون موعد مقرر رسید حضرت طاهره عزیمت قزوین فرمود و نسوان و برادران حضرتش و شیخ صالح کریمی ابراهیم محلاتی و از سادات سیداحمدیزدی و سید محمد بایکانی

در خدمتش بودند اما والد ماجد شیخ محمد شبل وشیخ سلطان وجماعت عرب نزدیک سی روز در همدان ماندند و حضرت طاهره چون بقزوین وارد شد امر فرمود که احبا همکی ببغداد رجوع نمایند و بیشترین انها ببغداد بر کشتند مگر جناب درویش کمولی و فرزنداو جواد و صهرا و صالح و عبدالهادی زهیراوی و حسن حلاوی و سعید جباوی که با مابقزوین توجه کردند و در قزوین خانه ها گرفته و ساکن شدیم و در نزدیکی خانه ما خانه بود که هر روز وقت عصر ساعتی قره العین با چند نفر زن و یک نفر از طلبه علم که عم او انها را گماشته بود برای حراست طاهره حاضر میشدند **و من که سنم تقریبا ده ساله بود** در این موقع بخدمتش مشرف میشدم و چون بر این **نهج قریب یکماه گذشت حضرت طاهره امر فرمود که احبا جملکی سوای شیخ صالح کریمی و ملا ابراهیم محلاتی از قزوین سفر کنند و بارض طا توجه نمایند چون پیغام حضرت طاهره را بوالد و شیخ سلطان وغیرهما ابلاغ نمودم گفتند مقصود از طاارض طهارتست که ارض طهور وسرظهور باشد چون روز دیگر بخدمتش مشرف شدم و چکونکی را معروض داشتم فرمود طیب بگو بارض تم توجه کنند چون این پیغام را ابلاغ نمودم گفتند یعنی قوم و ابامر الله چون باز بخدمتش رسیدم عرض نمودم که گفتند قم یعنی قوموا بامر الله تبسم فرمود و فرمود بکوفتوجهوا الی المشهد بخراسان چون امر حضر تشر ا بحضرات ابلاغ داشتم گفتند یعنی توجهوا الی المشهد النفس الرحمانیه الملکوتیه وبالجمله چون در مرتبه رابعه بخدمتش رسیدم و فرم و دامر مرا ابلاغ نمودی عرض کردم نعم یا مولاتی ولکن حضرات امر مبار کترا تاویل نمودند و مشهد را بمشهد نفس رحمانیه و مشهد نفس ملکوتیه تعبیر کردند حضرت طاهره متغیر شد و فرم و دبایشان بگو مقام تاویل نیست البته سفر کنید زیرا امر عظیمی پیش خواهد آمد و تزلزل بزرگی ظاهر خواهد شد که جمیع قزوین از آن خواهد الرزید و خون همه شماها**

ریخته خواهد شد بار دیگر مرحوم والدوسائر احیا امر فرمودند که من بروم و استفسار نمایم که چون فتنه بزرک مترقب است که اگر بمانیم همه کشته خواهیم شد حکمت بقای شیخ صالح و ملا ابراهیم چیست چون پیغام حضرات را خدمت قره العین معروض داشتم فرمود بکو وقت اینان رسیده است و بایست برتبه شهادت نائل گردند ولکن شما را هنوز وقت نرسیده است و اگر کشته شوید خودخود را بتهلکه افکنده اید و باین موجب پدرم شیخ محمد شبل و شیخ سلطان بجانب طهران و درویش کمولی و سائر جماعت بجانب قم توجه نمودند و پس از تفرق آنها نزدیکی پانزده روز بیشتر نگذشت که حادثه قتل حاجی ملاتقی عم قره العین پیش آمد و آشوب عظیمی که باز انذار فرموده بود ظاهر شد انتهی (۱)

سند دوم :

کشف الغطاء ـ ص ۱۰۶ و ۱۰۷ و ظهور الحق ـ ص ۳۲۴ و کواکب الدریه ج ۱ ص ۱۲۰ :
«(طاهره) چند روز اول به مباحثه و مجادله با پدر وعم خود برگزار نمود و بالاخره پدرش به سکوت و کناره گیری کوشید ولی عمش حاج ملا محمدتقی دمبدم بر اعراض و انکار ومعاندت می افزود. بعد از هر نماز به منبر بر آمده و بدگویی می کرد و بر شیخ وسید لعن می نمود و مردم را از متابعت و پیروی ایشان ممانعت می فرمود تا آن که دو نفر ازپیروان شیخ وسید بر قتل او تصمیم عزم نمودند و قبل از حدوث این حادثه جناب طاهره تمامی احباب و اصحاب را که در قزوین بودند امر به حرکت و مسافرت داده و همگی حرکت کردند. الا شیخ صالح کریمی و ملا ابراهیم محلاتی و میرزا صالح شیرازی که طاهره اصراری بر مهاجرت و مسافرت ایشان ننمود و آنها هم اقدام بر حرکت ننمودند.»

سند سوم :

تاریخ نبیل ـ ص ۲۶۹ (اعترافات میرزاعبدالله دوست طاهره در برابر صاحب دیوان) :
«به بازار رفتم و خنجر و نیزه کوچکی خریداری کردم و آنها را در بغل خود پنهان ساختم یک شب رفتم در میان مسجد ملا تقی بتیوته کرده...ایستادم وقتی که سر به سجده گذاشت نیزه کوچکی را که همراه داشتم بیرون کشیسدم و با نهایت قوت به پشت سرش فرو کردم.»

قسمت دوم :

لذا با توجه به مدرک فوق طاهره تروریست است و کسی که وی را از این واقعه فراری داد و به تهران آورد و از آنجا به بدشت راهی کرد جناب بهاء الله بود

مدارکی که دال بر تمجید و حمایت بهائیان از این تروریستها است :

سند اول :

تذکره الوفاء ـ ص ۳۰۵ :

«**جمال مبارک از طهران آقا هادی قزوینی ... را فرستادند ، جناب طاهره را به حسن تدبیر از آن داروگیر رهانیده شبانه به طهران رسانیدند . وارد به سرای مبارک گشتند و در بالا خانه منزل نمودند**.»

تذکره شعرای بهائی ج ۳ ـ ص ۹۱ و ۹۲ و تلخیص تاریخ نبیل ص ۲۷۲ و ۲۷۳ و حضرت بهاءالله ص ۳۱ تا ۳۴ :

سند دوم :

مطالع الانوار فارسی ـ ص ۲۸۲ :

«آقا محمدهادی بر حسب دستور مبارک با نهایت اطمینان از تهران به قزوین شتافت وحضرت طاهره را از محبس نجات داد و سالماً با هم وارد تهران شدند و در ساعت **موعود به منزل بهاء الله** ورود نمودند.»

سند سوم:

«کدخدا .. موضوع مراجعه ومساعدت حضرت را نسبت به محبوسین به رؤسای خویش خبر داد و آنان حضرتش را احضار نموده و بدین عنوان که مساعدت به محبوسین ومتهمین به قتل عالم جلیل حاج ملا محمدتقی همراه بودن در قضیه و شرکت در جرم است، ایشان را محبوس نمود ند چند روز بر این واقعه گذشت تا جعفر قلیخان برادر میرزا آقاخان نوری و دیگر آشنایان حضرتش بر قضیه مطلع گشته اقدام کردند و **حضرت بهاءالله** مستخلص شدند.»

سند چهارم :

الکواکب الدریه ج ۱ ص ۱۲۵ :

«وشبانه سه اسب حاضر کرده، یکی طاهره و یکی میرزا هادی و یکی قلی نام خادمشان سوار شد بیراهه به طریق تهران رهسپار گشتند و چون وارد طهران شدند به **منزل حضرت بهاءالله** رفته در ملاقات اولیه ارادتی شایان به هم رسانید.»

نکته پنجم : نمونه اعمال وحشی گری بابیان در رفتار بهاء الله

سند اول :

مکاتیب ج ۲ ص ۱۷۷ :

«زلزله در ارکان عراق انداخت و اهل نفاق را همیشه خائف و هراسان داشت. سطوتش چنان در عروق و اعصاب نفوذ نموده بود که نفسی در کربلا و نجف در نیمه شب جرئت مذمت نمی نمود و جسارت بر شناعت نمی کرد.»

سند دوم :

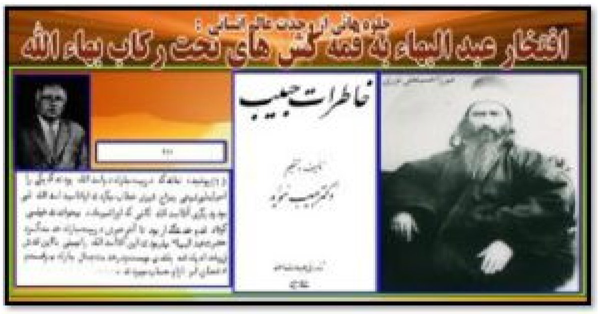


😳جلوه ای از وحدت عالم انسانی جمال مبارک (#بهاءالله)
👈امر به کتک زدن مرد کباب فروش بخاطر زمزمه باز این بابی ها آفتابی شدند....!

خاطرات حبیب: ص ۲۶۶ سال ۱۱۸ بدیع چاپ شده:
فرمودند : وقتیکه جمال مبارک از سلیمانیه تشریف آوردند یکروز توی کوچه تشریف می بردند با مرحوم آقا میرزا محمد قلی ، یک شخص کباب فروش آهسته گفت باز بابی ها آفتابی شدند، جمال مبارک به میرزا محمد قلی فرمودند بزن توی دهنش ، میرزا محمد قلی ریش او را گرفته توی سرش میزد ، رفت نزد ایلچی شکایت کرد، ایلچی خود او را حبس کرد،گفت: یقین جسارت بزرگی کرده ای که بابیها ترا زده اند باری مقصود اینست جمال مبارک که تشریف آوردند روح جدیدی در امرالله دمیده شد 😳 ✌

😱این بود حقیقت شعار های خوش رنگ و لعاب مبلغین بهائی در مورد #صلح و عدم #خشونت سر میدادند؟!

سند سوم :



پوشیده نماند که دربست مبارک **دواسد الله** بودند که یکی را احبا بطور شوخی و مزاح **شیرنر** خطاب میکردند او اقا **سید اسد الله قمی** بود و دیگری آقا اسد الله کاشی که اورا شیر ماده میخواندند خیلی کوتاه قد و خدمتگذار بود تا آخر عمرش دربیت مبارک خدمت کرد حضرت عبد البها میفرمودند این آقا اسد الله را میبینی با این قدش در بغداد یک **قمه بلندی میبست** و د ر خدمت جمال مبارک می رفت و دشمنان امر از او حساب میبردند

سند چهارم :



۱۱ اکتب اکبر

بیانات مبارکه در مجلس ختمی که در مقام اعلی بجهت مرحوم بشیر افندی فراهم شده بود فرمودند

من او را زجر میکردم او مسرور میشد استقامت و ثجابت اینجا معلوم میشود که انسان زجر شود و بر ثبوت بیافزاید میرزا مصطفی شخصی بود در بغداد **جمال مبارک او را انداخته با پاهای خود میزدند** او قدم مبارک را میبوسید و الا بهر کس اظهار خوش نمودند او هم جواب خوش میدهد ولی این اهمیت ندارد در مقام امتحان حقیقت انسان معلم میشود اینست

نکته ششم : اعلام برائت و اعتراف به فرامین باب و منفور اعلام کردن آن

بهاء الله :

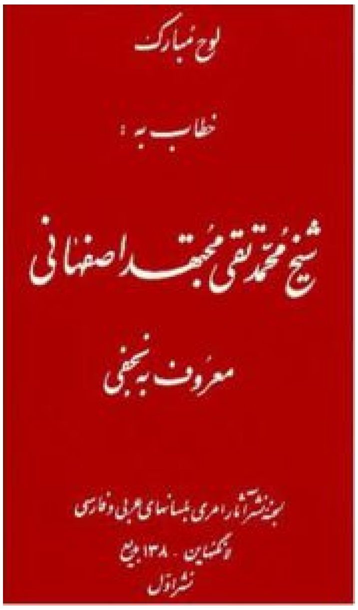
سند اول :

عذر خواهی از واقعه قلعه طبرسی :

رساله ابن الذئب ص ۶۵ ــ ۶۶ :

این مظلوم در لیالی و ایّام بتألیف قلوب و تهذیب نفوس مشغول * امورات واقعه در ایران در سنین اوّلیّه فی الحقیقه سبب حزن مقرّبین و مخلصین بوده و در هر سنه قتل و غارت و تاراج و سفک دماء موجود * **یک سنه در زنجان ظاهر شد آنچه که سبب فزع اکبر بود و همچنین یک سنه در نیریز و سنه دیگر در طبرسی تا آنکه واقعه ارض طا واقع** و از آن ببعد این مظلوم باعانت حقّ جلّ جلاله این حزب مظلوم را **بما ینبغی آگاه نمود** کلّ از ما عندهم و ما عند القوم مقدّس و بما عند الله متشبّث و ناظر * حال باید حضرت سلطان حفظه الله تعالی بعنایت و شفقت با این حزب رفتار فرمایند و این مظلوم امام کعبه الهی عهد مینماید از این حزب جز صداقت و امانت امری ظاهر نشود که مغایر رأی جهان آرای حضرت سلطانی باشد * هر ملّتی باید مقام سلطانش را ملاحظه نماید و در آن خاضع باشد و بامرش عامل و بحکمش متمسّک * سلاطین مظاهر قدرت و رفعت و عظمت الهی بوده و هستند * این مظلوم با احدی مداهنه ننموده کلّ بر این فقره شاهد و گواهند * و لکن ملاحظه شئون سلاطین من عند الله بوده و از کلمات انبیاء و اولیاء واضح و معلوم * خدمت حضرت روح علیه السّلام عرض نمودند *)یا روحَ اللهِ أ یجوز أن تُعطی جزیةٌ لقیصر أم لا؟ قال بلی ما لقیصر لقیصر و ما لله لله) منع نفرمودند و این دو کلمه یکی است نزد متبصّرین چه که ما لقیصر اگر من عند الله نبود نهی میفرمودند * و همچنین در آیه مبارکه **(أطیعوا اللهَ و أطیعوا الرّسولَ و أُولی الأَمر منکم)** * مقصود از این اولو الامر در مقام اوّل و رتبه اولی ائمّه صلوات الله علیهم بوده و هستند ایشانند مظاهر قدرت و مصادر امر و مخازن علم و مطالع حکم الهی و در رتبه ثانی و مقام ثانی ملوک و سلاطین بودهاند

بهاء الله ناصر الدین را اولوا الامر می دانست و اعمال بابیان را محکوم کرد مانند سه جنگ به همراه رمی شاه




٦٥

حقّ را از باطل بمثابهٔ شمس از ظلّ تمیز دهند و مقصود آگاه کرده. حقّ شاهد و گواه که آنچه ذکر شده لوجه الله بوده که شاید آنجناب سبب هدایت خلق شوند و احزاب عالم را از ظنون و اوهام نجات بخشند. سبحان الله الی حین معرضین و منکرین ندانسته‌اند آنچه نزد مبشّر یعنی نقطه رفته از که بوده العلم عند الله ربّ العالمین.

یا شیخ همّت کن در خدمت امر قیام نما امروز رحیق مختوم امام وجوه ظاهر. خذه باسم ربّک ثمّ اشربه بذکره العزیز البدیع. این مظلوم در لیالی و ایّام بتألیف قلوب و تهذیب نفوس مشغول. امورات واقعه در ایران در سنین اولیّه فی الحقیقه سبب حزن مقرّبین و مخلصین بوده. و در هر سنه قتل و غارت و تاراج و سفک دماء موجود. یک سنه در زنجان ظاهر شد آنچه که سبب فزع اکبر بود. و همچنین یک سنه در تبریز و سنهٔ دیگر در طبرسی تا آنکه واقعهٔ ارض طا واقع و از آن ببعد این مظلوم باعانت حقّ جلّ جلاله این حزب مظلوم را بما ینبغی آگاه نمود. کلّ از ما عندهم و ما عند القوم مقدّس و بما عند الله متشبّث و ناظر. حال باید حضرت سلطان حفظه الله تعالی بعنایت و شفقت با این حزب رفتار فرمایند و این مظلوم امام کعبهٔ الهی عهد مینماید از این حزب جز صداقت

٦٦

وأمانت أمري ظاهر نشود که منافی رأی جهان آرای حضرت
سلطانی باشد • هر ملتی باید مقام سلطانش را ملاحظه نماید ودر آن
خاضع باشد وبأمرش عامل وبحکمش متمسّك • سلاطین مظاهر
قدرت ورفعت وعظمت إلهی بوده وهستند • إنّه ظلوم باأحدی
مداهنه ننموده کلّ را بانفقره شاهد وگواهند • ولکن ملاحظة
شئون سلاطین من عند الله بوده واز کلمات أنبیاء وأولیاء واضح
ومعلوم • خدمت حضرت روح علیه السّلام عرض نمودند •
﴿ یاروحَ الله أیجوز أن تُعطی جزیةً لقیصر أم لا قال بل ماللقیصر
لقیصر وما لله لله ﴾ منع نفرمودند • واین دوکلمه یکی است نزد
متبصّرین چه که ماللقیصر اگر من عند الله نبود نهی میفرمودند •
وهمچنین در آیهٔ مبارکهٔ ﴿ أطیعوا الله وأطیعوا الرّسولَ وأولی
الأمر منکم ﴾ مقصود از این أولو الأمر در مقام أوّل ورتبهٔ أولی
أئمّه صلوات الله علیهم بوده وهستند ایشانند مظاهر قدرت
ومصادر أمر ومخازن علم ومطالع حکم الهی • ودر رتبهٔ ثانی ومقام
ثانی ملوك وسلاطین بوده اند یعنی ملوکی که بنور عدلشان آفاق
عالم منوّر وروشن است • امید آنکه از حضرت سلطان نور
عدل إشراق نماید که جمیع أحزاب أمم را احاطه کند • کلّ باید
أز حقّ از برایش بطلبند آنچه را که الیوم سزاوار است •

سند دوم :

خون ریز بودن و غارت اموال مردم

الواح مبارکه حضرت بهاء الله

جلّ ذکره الأعلی

شامل :

اشراقات وچند لوح دیگر



سند سوم :

یا أهل أرض ﴿ بشارت أوّل ﴾ که از أمّ الکتاب در این ظهور أعظم بجمیع أهل عالم عنایت شد محو حکم جهاد است از کتاب * تعالی الکریم ذوالفضل العظیم الّذی به فُتح بابُ الفضل علی من فی السّموات و الأرضین

مجموعه الواح مبارکه ص ۱۱۶ -۱۱۷



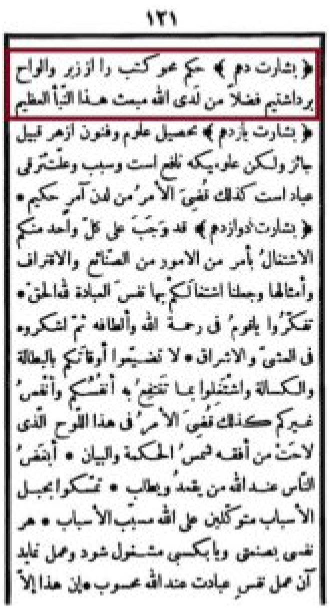
سند چهارم :



سند پنجم :

﴿بشارت دهم﴾ حکم محو کتب را از زبر و الواح برداشتیم فضلاً من لَدی الله مبعث هذا النّبأ العظیم

– مجموعه الواح مبارکه ص ۱۲۱



۱۲۱

﴿بشارت دهم﴾ حکم محو کتب را از زبر والواح برداشتیم فضلاً من لَدی الله مبعث هذا النّبأ العظیم

﴿بشارت یازدهم﴾ تحصیل علوم وفنون ازهر قبیل جائز ولکن علومیکه نافع است وسبب وعلّت ترقی عباد است کذلک قُضِیَ الأمرُ من لدن آمرٍ حکیم •

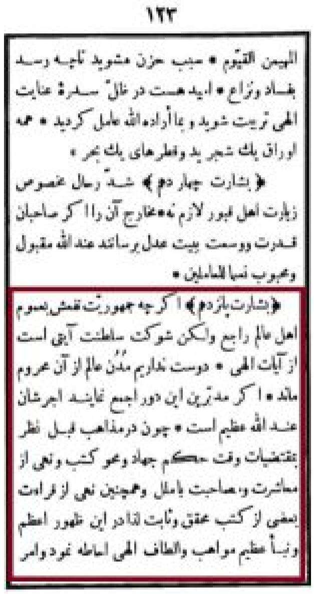
﴿بشارت دوازدهم﴾ قد وَجَبَ علی کلّ واحد منکم الاشتغالُ بأمرٍ من الامور من الصّنائع والاقتراف وأمثالها وجعلنا اشتغالکم بها نفسَ العبادة ...

... فی العشیّ والاشراق • لا تضیّعوا أوقاتکم بالبطالة والکسالة واشتغلوا بما ینتفعُ به أنفسُکم وأنفسُ غیرکم کذلک قُضِیَ الأمرُ فی هذا اللّوح الّذی لاحت من أفقه شمسُ الحکمة والبیان • أبغضُ النّاس عند الله من یقعدُ ویطلب • تمسّکوا بحبل الأسباب متوکّلین علی الله مسبّب الأسباب • هر نفسی بصنعتی ویا بکسبی مشغول شود وعمل نماید آن عمل نفس عبادت عند الله محسوب وإنّ هذا إلاّ

سند ششم :

بشارت پانزدهم ﴾ اگر چه جمهوريّت نفعش بعموم اهل عالم راجع و لكن شوكت سلطنت آيتى است از آيات الهى * دوست نداريم مُدُن عالم از آن محروم ماند * اگر مدبّرين اين دو را جمع نمايند اجرشان عند الله عظيم است * چون در مذاهب قبل نظر بمقتضيات وقت حكم جهاد و محو كتب و نهى از معاشرت و مصاحبت با ملل و همچنين نهى از قراءَت بعضى از كتب محقق و ثابت لذا در اين ظهور اعظم و نبأ عظيم مواهب و الطاف الهى احاطه نمود و امر مُبْرَم از افق اراده مالک قِدَم بر آنچه ذكر شد نازل نَحمِدُ الله تبارک و تعالى على ما أنزله فى هذا اليوم المبارک العزيز البديع

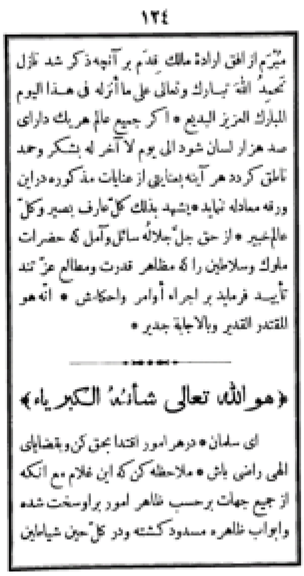
مجموعه الواح مباركه ص ١٢٣ ١٢٤


١٢٣

المهيمن القيّوم * سبب حزن مشويد تا جميع رسيد بفساد ونزاع * اميد هست در ظلّ سدرهٔ عنايت الهى تربيت شويد و بما أراده الله عامل گرديد * همه اوراق يك شجريد وقطرهاى يك بحر *

﴿ بشارت چهاردهم ﴾ شدّ رحال مخصوص زيارت اهل قبور لازم نه مخارج آن را اگر صاحبان قدرت ووسعت بيت عدل برسانند عند الله مقبول ومحبوب نعيما للعاملين *

﴿ بشارت پانزدهم ﴾ اگرچه جمهوريّت نفعش بعموم اهل عالم راجع ولكن شوكت سلطنت آيتى است از آيات الهى * دوست نداريم مُدُن عالم از آن محروم ماند * اگر مدبّرين اين دو را جمع نمايند اجرشان عند الله عظيم است * چون در مذاهب قبل نظر بمقتضيات وقت حكم جهاد ومحو كتب ونهى از معاشرت ومصاحبت با ملل وهمچنين نهى از قرائت بعضى از كتب محقق وثابت لذا در اين ظهور اعظم ونبأ عظيم مواهب والطاف الهى احاطه نمود وامر


١٢٤

مبْرَم از افق ارادهٔ مالك قِدَم بر آنچه ذكر شد نازل نحمدُ الله تبارك وتعالى على ما أنزله فى هذا اليوم المبارك العزيز البديع * اگر جميع عالم هر يك داراى صد هزار لسان شود الى يوم لا آخر له بشكر وحمد ناطق گردد هر آينه بعنايتى از عنايات مذكوره در اين ورقه معادله ننمايد * يشهد بذلك كلّ عارف بصير وكلّ عالم خبير * از حق جلّ جلاله سائل وآمل كه حضرات ملوك وسلاطين را كه مظاهر قدرت ومطالع عزّت‌اند تأييد فرمايد بر اجراء أوامر واحكامش * انّه هو المقتدر القدير وبالاجابة جدير *

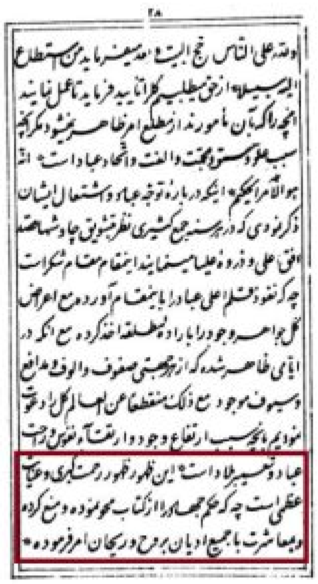
﴿ هو الله تعالى شأنهُ الكبرياء ﴾

اى سلطان * در هر امور اقتدا بحق كن وبقضاياى الهى راضى باش * ملاحظه كن كه اين غلام مع آنكه از جميع جهات بر حسب ظاهر امور بر او سخت شده وابواب ظاهره مسدود گشته ودر كلّ حين شياطين

سند هفتم :

این ظهور ظهور رحمت کبری و عنایت عظمی است چه که حکم جهاد را از کتاب محو نموده و منع کرده و بمعاشرت با جمیع ادیان بروح و ریحان امر فرموده . آن جناب دیده و میدانند آنچه از قلم اعلی در زبر و الواح نازل شده فساد و نزاع و جدال ممنوع و هم چنین امر نمودیم بقرائت کتب قوم جمیع این امور عنایتی است بزرگ از برای عباد چه که از قبل ممنوع بودند و بجهاد مأمور استعمال لباس اجنبیّه و ملاحظه کتب آن قوم از قبل ممنوع و آثار منع در کتب موجود و مشهود و لکن در اینظهور اعظم سدّ منع برداشته شد و بجای آن حرّیّت عطا و عنایت گشت. انشاء الله آن جناب بفتح مدائن قلوب بروح و ریحان مؤیّد شوند و بانتشار آثار بحکمت و بیان موفّق

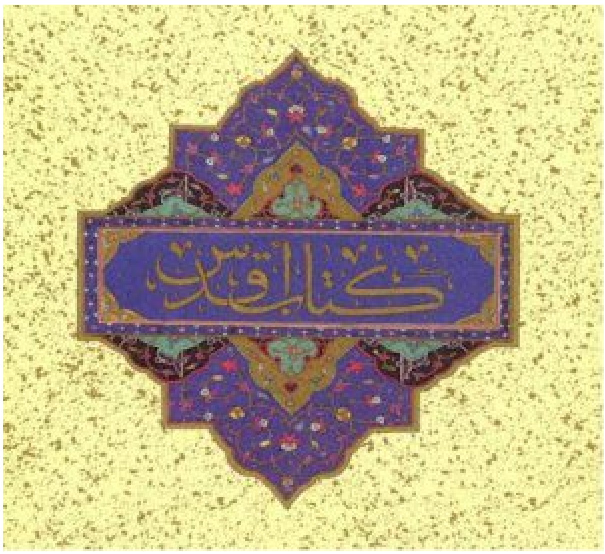
اقتدارات ص ۲۸ ـ ۲۹



سند هشتم :

اقدس (چاپ بمبئی) ص ۲۳:«قد عفی الله عنکم ما نزل فی البیان من محو الکتب و اذناکم بان تقرئوا من العلوم ما ینفعکم.» = * (۷۷) قد عفا الله عنکم ما نزّل فی البیان من محو الکتب و اذنّاکم بان تقرئوا من العلوم ما ینفعکم لا ما ینتهی الی المجادله فی الکلام هذا خیر لکم ان انتم من العارفین

* ص ۷۵ چاپ جدید




لا اوّل له ليتضوّع منكم ما اراد
ربّكم العزيز الحكيم ✿ قد عفا الله ٧٧
عنكم ما نزّل في البيان من محو
الكتب واذناكم بان تقرؤا من
العلوم ما ينفعكم لا ما ينتهي الى
المجادلة في الكلام هذا خير لكم ان
انتم من العارفين ✿ يا معشر ٧٨
الملوك قد اتى المالك والملك لله
المهيمن القيّوم ✿ الّا تعبدوا الّا الله

٧٥

سند نهم :

«و در ایام و لیالی در سجن مذکور در اعمال و احوال و حرکات حزب بابی تفکر می نمودیم که مع علوّ و سموّ و ادارک آن حزب آیا چه شده که از ایشان چنین عملی ظاهر یعنی جسارت وحرکت آن حزب نسبت به ذات شاهانه. و بعد این مظلوم اراده نمود که بعد از خروج از سجن به تمام همت در تهذیب آن نفوس قیام نماید.»





۱۶

ظلّی سواره همراه کلاه از سر برداشت وبسرعت تمام باجمعی
از میر غضبان وفرّاشان مارا بردند وچهار شهر در مقامیکه شبه
ومثل نداشت مقرّ معیّن نمودند • امّا سجن که محلّ مظلوم
ومظلومان بوده فی الحقیقه دخمهٔ تنگ تاریک از آن افضل بوده •
وچون وارد حبس شدیم بعد از ورود مارا داخل دالانی ظلمانی
نمودند از انجا ازسه پلّه سراشیب گذشتیم وبمقرّیکه معیّن نموده
بودند رسیدیم • امّا محل تاریک ومعاشر قریب صدوپنجاه نفس
از سارقین اموال وقاتلین نفوس وقاطعین طرق بوده • مع این
جمعیت محلّ منفذ نداشت جز طریقی که وارد شدیم اقلام از وصفش
عاجز وروائح منتنه اش خارج از بیان وآن جمع اکثری بی لباس
وفراش • الله یعلم ماورد علینا فی ذاک المقام الانتن الاظلم • ودر
ایام ولیالی در سجن مذکور در اعمال واحوال وحرکات حزب
بابی تفکّر مینمودیم که مع علوّ وسموّ وادراک آن حزب آیا چه
شده که از ایشان چنین عمل ظاهر • یعنی جسارت وحرکت
آن حزب نسبت بذات شاهانه • وبعد اینمظلوم اراده نمود که
بعد از خروج از سجن بتمام همّت در تهذیب آن نفوس قیام نماید
ودرشبی از شبها در عالم رؤیا از جمیع جهات اینکلمهٔ علیا اصغا شد
انّا ننصرک بک وبقلمک لاتحزن عمّا ورد علیک ولا تخف انّک

عهد اعلی: صفحه ۴۹۶

سراشب گذشتیم وبقمری که معین نموده بودند رسیدیم امامحل تاریک ومعاشرقریب صدوپنجاه نفس ازسارقین اموال وقاتلین نفوس وقاطعین طرق بود .مع این جمعیت محل منفذ نداشت جز طریقی که وارد شدیم اقلام ازوصفش عاجز ورواوائحمنتنه اش خارج ازبیان وان جمع اکثری بی لباس وفراش .الله یعلم ماوردعلینافی ذاک

المقام الانتن الاظلم ۴۵. ودرایام ولیالی در سجن مذکور دراعمال واحوال وحرکات حزب بابی تفکر می نمودیم که مع علو وسمووادراک ان حزب اباچه شده که ازایشان چنین عملی ظاهر .یعنی جسارت وحرکت ان حزب نسبت به ذات شاهانه وبعداین مظلوم اراده نمود که بعدازخروج ازسجن بتمام همت درتهذیب ان نفوس ...



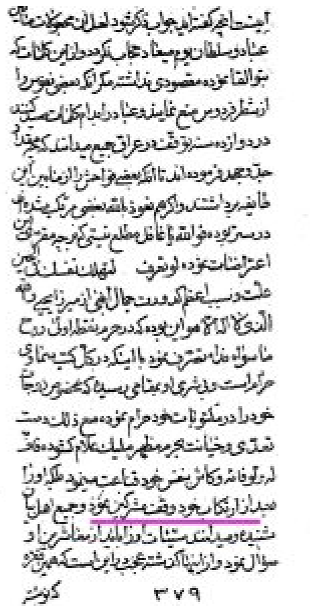
سند دهم :

تجاوز به همسر باب

آنچنان بابیان وحشی بودند که همگی به همسر باب تجاوز کردند :

بدیع ص ۳۷۹ :

اینست آنچه گفته اید جواب ذکر شود لعلّ آن مجعولات ما بین عباد و سلطان یوم میعاد حجاب نگردد و از این کلمات که بتو القا نموده مقصودی نداشته مگر آنکه بعضی نفوس را از شطر فردوس منع نمایند و عباد را بدام کلمات صید کنند در دوازده سنه توقف در عراق جمیع میدانند که چه مقدار جدّ و جهد فرموده اند تا آنکه بعضی فواحش را از مابین این طایفه بر داشتند و اگر هم نعوذ بالله بعضی مرتکب شده اند در ستر بوده فوالله یا غافل مطلع نیستی که بر چه مقری این اعتراضات نموده لو تعرف لتهلک نفسک فی الحین علت و سبب اعظم کدورت جمال ابهی از میرزا یحیی و الله الذی لا اله الاّ هو این بوده که در حرم نقطه اولی روح ما سواه فداه تصرف نمود با اینکه در کلّ کتب سماوی حرام است و بی شرمی او بمقامی رسیده که مخصوص زوجات خود را در مکتوبات خود حرام نموده مع ذلک دست تعدی و خیانت بحرم مظهر ملیک علاّم گشوده فافّ له و لوفائه و کاش بنفس خود قناعت مینمود بلکه او را بعد از ارتکاب خود وقف مشرکین نمود و جمیع اهل بیان شنیده و میدانند سیئات او را باید از معاشرین او سؤال نمود



سند یازدهم :

سخنان بهاء الله

نزاع و جدال شأن درندهای ارض * بیاری باری شمشیرهای برنده حزب بابی بگفتار نیک و کردار پسندیده بغلاف راجع لازال اخیار بگفتار حدائق وجود را تصرّف نمودند * بگو ای دوستان حکمت را از دست مدهید نصائح قلم أعلی را بگوش هوش بشنوید * عموم أهل عالم باید از ضرّ دست و زبان شما آسوده باشند

*** مجموعه الواح مبارکه ص ۲۷۸**



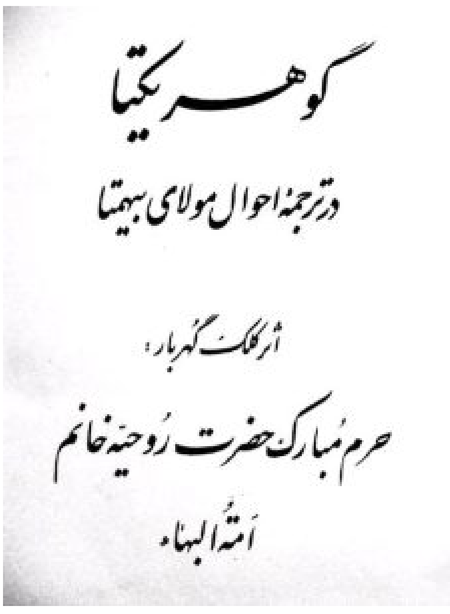
۲۸۷

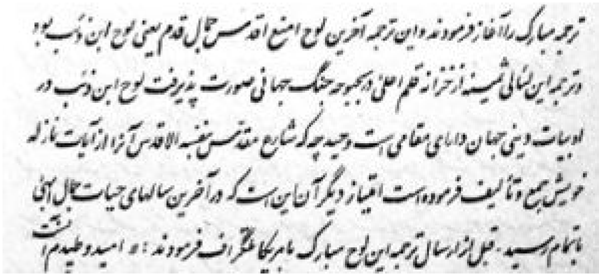
جدید معانی بامر آمر حقیق در اجساد الفاظ دمیده شد
و آثارش در جمیع اشیای عالم ظاهر و هویدا اینست
بشارت اه ظم که از قلم مظلوم جاری شده * بگوای
دوستان ترس از برای چه و بیم از که * کلپارهای عالم
بادنك رطوبتی متلاشی شده ومیشوند * نفس اجتماع
سبب تفریق نفوس موهومه است * نزاع وجدال
شأن درندهای ارض * یاری باری بشمشیرهای برنده
حزب بابی بگفتار نیك وکردار پسندیده بخلاف راجع
لازال اخیار بگفتار حدائق وجود را تصرّف نمودند *
بگوای دوستان حکمت را ازدست مدهید نصائح
قلم أعلی را بگوش هوش بشنوید * عموم أهل عالم
باید از ضرّ دست وزبان شما آسوده باشند * در کتاب
اقدس در ذکر ارض طا نازل شده انچه که سبب
انتباه عالیا نست * ظالمهای عالم حقوق امم را غصب
نموده اند وبتمام قدرت وقوّت بشتهیات نفوس خود
مشغول بوده وهستند * از ظالم أرض یا ظاهر شد آنچه
که عیون ملأ أعلی خون گریست * یا أیّها الشّارب

اعتبار سند فوق از دیدگاه شوقی و آخرین لوح نگاشته بهاء الله به روایت روحیه ماکسول : گوهر یکتا ص ۲۶۷

لینک کتاب

https://t.me/Bahainoorlibrary/2302




ترجمه مبارک را آغاز فرموده‌اند و این ترجمه آخرین لوح امنع اقدس جمال قدم یعنی لوح ابن ذئب بود
و ترجمه این لسانی شیرین از خزانه قلم اعلی در بحبوحه جنگ جهانی صورت پذیرفت لوح ابن ذئب در
ادبیات دینی جهان دارای مقامی است وحید چه که شارع مقدس بنفسه الاقدس آن را از آیات نازله
خویش جمع و تألیف فرموده است امتیاز دیگر آن این است که در آخرین سالهای حیات جمال ابهی
باتمام رسید. قبل از ارسال ترجمه این لوح مبارک بامریکا تلگراف فرموده‌اند: «امید وطیدم

سند دوازدهم :

معرضین و منکرین بچهار کلمه متمسّک * أوَّل کلمه فضرب الرّقاب * و ثانی حرق کتب * و ثالث اجتناب از ملل أخری * و رابع فنای أحزاب * حال از فضل و اقتدار کلمه إلهی این چهار سدّ عظیم از میان برداشته شد و این چهار أمر مبین از لوح محو گشت * و صفات سبعی را بصفات روحانی تبدیل نمود جلّت ارادته و جلّت قدرته و عظم سلطانه * حال از حقّ جلّ جلاله بطلبید و میطلبیم که حزب شیعه را هدایت فرماید و از صفات نالائقه نجات بخشد * از لسان هر یک از آن حزب در هر یوم لعنتها مذکور * و ملعون با عین حلقی از غذاهای یومیَّه آن حزبست

مجموعه الواح مبارکه ص ۲۹۴ ـ ۲۹۵

سند سیزدهم :

مورد بعدی سخن بهاء الله پیرامون اقدامات خشونت آمیزش بر مبنای آموزه های باب طاهره قرت العین در عراق

«در لوح مبارکی نازل شده قوله تعالی: اول فتنه در عراق ظاهر، چه که در اول یوم عاشورا مقام حزن سرور ظاهر و مقام صمت صوت تصنیف مرتفع، باری این کلمات سبب اعلاء کلمه ی نفوس خبیثه شد.»

اشاره به عمل طاهره

مائده آسمانی. چاپ قدیم و جدید، ج ۸، ص ۱۸۶

مائدهٔ آسمانی

جلد هشتم

تألیف

عبدالحمید اشراق خاوری

مؤسسهٔ ملی مطبوعات امری
۱۲۹ بدیع

الی سبیل کذلک نصحناک و امرناک ان اعمل بما امرت من لدن ربّک العزیز الجمیل و اذا حضرت تلقاء وجه عبدنا الذی سمّیناه بالبصیر کبّر من قبلی علی وجهه و انّ له عندنا شأن عظیم قل یا احباء الله آمنوا به و لا تغاروا قوامته و انّه یهدیکم الی الله الملک الفرد العالم الخبیر ثم کبّر من لدنّا علی الذینهم آمنوا بالله و کانوا من الراسخین فی هذا الامر الذی زلّت عنه اقدام المریدین ثمّ ذکّر من قبل الرّحمن عبدنا الذی سمّی بالایمان ثم بشره بنفحات السبحان التی تهب من جهة عرش عظیم قل انّک من الّذینهم فازوا بلقاء الله و ادرکوه فی هذا السجن البعید و الروح من قبل الله علیکم یا ملأ المخلصین و الحمد لله ربّ العالمین ۰ *

مطلب دویست و یازدهم – فتنهٔ عراق

در لوح مبارکی نازل شده قوله تعالی : اول فتنهٔ در عراق ظاهر چه که در اول یوم عاشورا مقام حزن سرور ظاهر و مقام صمت صوت تصنیف مرتفع باری این حرکت سبب اعلاء کلمه نفوس خبیثه شد اگرچه غافلین قصد و نیتشان ظهور و بروز حضرت نقطهٔ اولی روح ما سواه فداه بوده یعنی مولود مبارک در یوم اوّل محرّم و همچنین اعتقاد بر اینکه ائمه صلوات الله علیهم کل رجعت فرموده اند و از قبور بیرون

(١٨٧)

آمده اند بلی این امر حق است ولکن اهل عالم الی حین بر ظهور قائم ملتفت نبوده و نیستند الاّ معدودی لــذا مقتضیات شفقت و عنایت حق جل جلاله آنکه کما فی السابق در ایام عاشورا کل بمصیبت سید الشهداء روح ماسواه فداه مشغول گردند الی ان یکشف الله لعباده اسرار ظهوره و ما انزله فی کتابه المبین این مظلوم در ارض طا شب عاشورا صائم بوده و در یوم بعد از ظهر چای و نان صرف میشد این بود عمل مظلوم و نفوس موجوده بعضی آگاهند و میدانند و در عراق هم ایام عاشورا را بذکر مصیبت مشغول باید احبّـــا بافق اعلی ناظر باشند ....»

مطلب دویست و دوازدهم ــ اولاد

و نیز در لوح سمندر نازل قوله تعالی :

«.... اولاد اگر چه از نعمتهای بزرگ الهی است ولکــن بر حسن آن و مدّت بقای آن احدی جز حق جل جلالـــه مطّلع نه انا نخبرك بثمرة جنية باقية دائمة و هی فی هــذه الایّام کلمة الله المطاعة و او از صد هزار اولاد احبّ و افضل است چه که بطراز بقا مزیّن اگر مالك یك کلمه شوند از نــزد او مالك کل خیر خواهند بود..»

سند چهاردهم :

مائده آسمانی جزء هفتم صفحه۱۳۰ (چاپ قدیم) و ص ۱۳۸ (چاپ جدید) «جمیع ملوک الیوم این طایفه را اهل فساد می دانند چه که فی الحقیقه در اوائل اعمالی از بعضی از این طائفه ظاهر که فرائص ایمان مرتعد. در اموال ناس من غیر اذن تصرف می نمودند و نهب و غارت و سفک دماء را از اعمال حسنه می شمردند حقوق هیچ حزبی را از احزاب مراعات نمی نمودند. مع آن که به طراز محبت الهی مزین و به افسر انقطاع مکلل از غایت سادگی و عدم اطلاع به این اعمال مرتکب.»

مائدهٔ آسمانی

جلد هفتم

تألیف

عبدالحمید اشراق خاوری

مؤسسهٔ ملی مطبوعات امری

۱۲۹ بدیع

-۱۳۸-

مطلب یازدهم

تعلیمات مبارکه و اعراض نفوس . در لوح ملاطی بجستانی

نازل قوله تعالی :

« یا علی از ضوضای غافلین و زماجیر مشرکین محزون مباشید

عنقریب رایات عدل و انصاف در اطراف باسم حق مرتفع شود

جمیع ملوک الیوم این طایفه را اهل فساد میدانند چه که

فی الحقیقه در اوائل اعمالی از بعضی از این طایفه ظاهر که

فرائص ایمان مرتعد در اموال ناس من غیر اذن تصرف مینمودند

ونهب و غارت وسفك دماء را از اعمال حسنه میشمردند حقوق

شیئ حزبی از احزاب را مراعات نمینمودند و آن نفوس

معهود گمان میکردند که این اعمال مقبولست مع آنکه بطهر از

محبت الهی مزین و باقمیص انقطاع مکلل از غایت سادگی

وعدم اطلاع باین اعمال مرتکب وجمیع را من عند الله

میدانستند واین اعمال سبب اجتناب ناس و ضوضاء واعراض

خلق از حق شد حال ازید از بیست سنه نار فساد ومحاربه

ونزاع و جدال در جمیع اطراف و اقطار افسرده و مخمود

مع ذلك هنوز در شك و ریبند سبحان الله در الواح الهی

آنچه سبب حزن است نهی شده تا چه رسد باعمالی که علت

جزع و فزع ناس گردد » انتهی

سخنان عبد البهاء :

سند اول :

جملات عبد البهاء

مکاتیب ، ج ۲ ، ص ۲۶۶ «و در یوم ظهور حضرت اعلی منطوق بیان ضرب اعناق و حرق کتب و اوراق وهدم بقاع و قتل عام الامن آمن و صدق بود، اما در این دور بدیع و قرن جلیل اساس دین الله و موضوع و شریعت الله رأفت کبری و رحمت عظمی و الفت با جمیع ملل وصداقت وامانت و مهربانی صمیمی قلبی با جمیع طوائف و نحل و اعلان وحدت عالم انسان است.»





(۲۶٦)

وأساس شریعت آن صبیح ملیح حسن اخلاق وائتلاف ووفاق وعدم انتقام از أهل نفاق وشقاق بود • لهذا (من ضرب علی خدك الايمن حول له الايسر فرمود)

ودر یوم ظهور جمال محمدی موضوع امر واساس دین الله کسر أصنام ومنع عبادت أوثان وتحقیر فراعنه واذلال طواغیت بود • ودر یوم ظهور حضرت أعلی منطوق بیان ضرب أعناق وحرق کتب وأوراق وهدم بقاع وقتل عام الا من آمن وصدق بود •

امادراین دور بدیع وقرن جلیل أساس دین الله وموضوع شریعت الله رأفت کبری ورحمت عظمی والفت باجمیع ملل وصداقت وامانت ومهربانی صمیمی قلبی باجمیع طوائف ونحل واعلان وحدت عالم انسانست حتی بیگانه آشنا بود واغیار یار شمرده گردد • باجمیع افراد بشر ازهر ملل ونحل باید بنهایت دوستی وراستی وامانت ودیانت والفت واتحاد معامله گردد • حال این صبح نورانی أمر الله واین کوکب رحمانی دین الله

جناب عبدالبهاء در مجلد دوم مکاتیب در صفحه ۱۶۶ می گوید: « درهر ظهوری که اشراق صبح هدی شده موضوع آن اشراق امری از امور بود در ایام ظهور حضرت کلیم موضوع شریعت الله اطاعت و انقیاد رب الجنود بود و احکام درنهایت سختی و گران این است که در قرآن می فرماید: « ربنا ولاتحمل علینا اصرا کما حملته علی الذین من قبلنا و در یوم اشراق نیّر منیر حضرت مسیح علیه السلام موضوع و اساس شریعت آن صبیح ملیح حسن اخلاق و ایتلاف و وفاق و عدم انتقام از اهل نفاق و شقاق بود لهذا من ضرب علی خدک الایمن حول له الایسر فرمود (که هر که سیلی به گونه راست تو زد گونه چپ را به اوتحویل بده) و در یوم ظهور جمال محمدی و موضوع امر واساس دین الله کسر اصنام و منع عبادت اوثان و تحقیر فراعنه واذلال طواغیت بود و در یوم ظهور حضرت اعلی منطوق بیان (باید ناطق بیان بگوید نه منطوق) ضرب اعناق و حرق کتب و اوراق وهدم بقاع و قتل

عام الامن آمن وصدق بود و در این دور بدیع و قرن جلیل اساس دین الله و موضوع شریعت ا لله رأفت کبری و رحمت عظمی و الفت با جمیع ملل و صداقت و امانت و مهربانی صمیمی قلبی با جمیع طوائف و نحل واعلام وحدت عالم انسانی است حتی بیگانه آشنا بود و اغیار یار شمرده گردد با جمیع افراد بشر از هر ملل ونحل (باید از هر ملت بگوید نه ملل) باید به نهایت دوستی و راستی و امانت و دیانت و الفت و اتحاد معامله گردد » آه.

سند دوم :

عبدالبهاء در کتاب «مقاله سیاح» در ص۱۰۰ (از چاپ جدید که موسسه ملی مطبوعات امری تهران در سنه ۱۳۴۱ خورشیدی طبع نموده) می گوید:

« جمعی در محافل (یعنی محافل اسلامبول) و مجالس تزییف وتشنیع می نمودند که این طایفه فتنه آفاقند وهادم عهد و میثاق منبع فسادند و مخرب بلاد آتش افروخته اند و جهانی را سوخته. اگر چه به ظاهر آراسته اند لکن هر نقمت و عقوبتی را شایسته. » انتهی.

سند سوم :

غبد البهاء : بابیان نفوذی میان آخوندها و روشنفکران بودند که دستور قتل بهائیان را می دادند

ماخذ اشعار در اثار بهائی جلد ۳: صفحه ۳۵۴



ز هر طرف که شود کشته سود بهائی است

حضرت عبدالبهاء در لوح مورخ ۱۹ محرم ۱۳۳۹ هـ.ق. خطاب به جناب عزیزالله خان ورقا در پورت سعید چنین میفرمایند:

ای سلیل شهید جلیل دو نامه از پاریس از شما رسید... به حسن تدبیر به مناسبتی به بزرگان و غیره بفهمانید که این محرکین بهائی شدیدی هستند و چون با بهائیان کمال عداوت و حقد دارند ناس را به عنوان تعصب مذهبی جعفری دعوت میکنند تا عداوت به بهائیان حاصل نمایند و فتنه و آشوبی درمیان اندازند و تماشا کنند زهر طرف که شود کشته سود بهائی است. یک روز کمیته جعفری تشکیل نمایند و یک روز کلوب ملّی و مؤسس حقی بهائی و از حسدی که به بهائیان دارند بلکه درمیان بهائیان و سائرین نزاع و جدالی اندازند...

و نیز حضرت عبدالبهاء در لوح «جناب آقامیرزا عبدالمحمد ایرانی علیزاده المحترم» مدیر روزنامه چهرهنما در مصر چنین میفرمایند:

دوست محترم مهربانا نامهٔ نامی شما رسید مضمون مشحون به حقائق و معانی بود معلوم است در نزد عقل شما شخصی مجرب و آگاه که از مبادی استنباط نتائج مینماید و عاقبت هر حرکتی را کشف میکند بعضی مقالات و مبادی توهوسان اهمیتی نمیدهند [illegible] البته در گوش [illegible] تأثیری ندارد پنجاه سال است که این توهوسان هر روز عربده و هایهوئی میاندازند و عاقبت زیان و خسران ولی باز متنبه نمیشوند اساس بنیان باید متین باشد بی پایه و مایه آنچه بسازی البته ویران گردد. حضرات ازاینها ملاحظه کنید چه دسائس و چه وساوسی دارند بعضی از اینها کمیتهٔ جعفری راه انداخته و بظاهر جعفری بسیار متعصب و متّصل تحریک میکنند و بانواع تزویر و وسوسه میکوشند تا میان بهائیان و سایر ایرانیان فتنه و آشوبی اندازند که عاقبت بقتال انجامد آن وقت خود از کنار تماشا کنند و فرح و شادمانی نمایند که الحمدلله ز هر طرف که شود

۳۵۴



ز هر طرف که شود کشته سود یحیائی است

حضرت عبدالبهاء در لوح مورّخ ۱۹ محرم ۱۳۳۹ه .ق. خطاب به جناب عزیزالله خان ورقا در پورت سعید چنین میفرمایند:

ای سلیل شهید جلیل دو نامه از پاریس از شما رسید... به حسن تدبیر به مناسبتی به بزرگان و غیره بفهمانید که این محرکین یحیائی شدیدی هستند و چون با بهائیان کمال عداوت و حقد دارند ناس را به عنوان تعصب مذهبی جعفری دعوت میکنند تا عداوت به بهائیان حاصل نمایند و فتنه و آشوبی درمیان اندازند و تماشا کنند زهر طرف که شود کشته سود یحیایی است. یک روز کمیته جعفری تشکیل نمایند و یک روز کلوب ملی و مؤسس خفی یحیائی و از حسدی که به بهائیان دارند بلکه درمیان بهائیان و سائرین نزاع و جدالی اندازند...

و نیز حضرت عبدالبهاء در لوح جناب آقامیرزا عبدالمحمد ایرانی علی زاده المحترم مدیر روزنامه چهره نما در مصر چنین میفرمایند:

دوست محترم مهربانا نامهٔ نامی شما رسید مضمون مشحون به حقائق و معانی بود معلوم است در نزد مثل شما شخصی مجرب و آگاه که از مبادی استنباط نتائج مینماید و عاقبت هر حرکتی را کشف میکند ببعضی مقالات و مبادی توهوسان اهمیتی نمیدهد، بقول ناس آواز پشه البته در گوش فیل تأثیری ندارد پنجاه سال است که این نوهوسان هر روز عربده و هایهوئی میاندازند و عاقبت زبان و خسران ولی باز متنبه نمیشوند اساس بنیان باید متین باشد بی پایه و مایه آنچه بسازی البته ویران گردد حضرات ازلیها ملاحظه کنید چه دسائسی و چه وساوسی دارند **بعضی از ازلیها کمیته جعفری راه انداخته و بظاهر جعفری بسیار متعصب و متصل تحریک میکنند و بانواع تزویر و وسوسه میکوشند تا میان بهائیان و سایر ایرانیان فتنه و آشوبی اندازند که عاقبت بقتال انجامد آن وقت خود از کنار تماشا کنند و فرح و شادمانی نمایند که الحمد لله ز هر طرف که شود کشته سود از لیهاست و آن**

بیچارگان ایرانیان نمیدانند که اینها یحیائی هستند و عدوّ جان آنان و دشمن بهائیان لهذا گول اینها را میخورند ولکن ان ربک لبالمرصاد ان الله لا یصلح عمل المفسدین. الحمد لله بهائیان در نهایت خیرخواهی جهانیان هستند و شما خود مطلعید، نیتی جز خیر ندارند حتی دشمنان را نیز دوست میانگارند و بدخواهان را معاملهٔ خیرخواهان مینمایند نه حیله ای نه تزویری نه تقیّه ای و نه تدبیری در زیر شمشیر فریاد یا بهاء الأبهی بلند کنند، شفاعت در حق قاتل خویش نمایند چنانکه در عشق آباد واقع شد شخصی محترمی را که بینهایت بعموم مهربان بود و خدماتی نمایان بعموم ایرانیان کرده بود و در کمالات انسانی مشهور و معروف جهانیان هفت نفر او را کشتند و شهید نمودند و در حکومت روسیه ثابت و واضح و مبرهن گشت سه نفر از قاتلین را حکم قتل دادند چهار دیگر را هجده سال بحبس سیبریا اعلان کردند بعد از اعلان بهائیان برخاستند و بحکومت شتافتند خطاً و لساناً نهایت التماس را نمودند که حکومت محکومان را عفو نماید حکومت قبول ننمود عاقبت جمعاً بامپراطور تلغراف کردند که ما نهایت استدعا و التماس داریم که حضرت امپراطور این اشخاص را عفو فرماید و اگر عفو نفرماید ما نومید و مأیوس خواهیم شد و اگر عفو فرماید الی الأبد ممنون و متشکر خواهیم گشت و بادعیه خیریه امپراطور بدرگاه احدیت خواهیم پرداخت بعد محکومان بقتل را امپراطور در زیر دار عفو کرد و به هفت سال حبس امر نمود و محکومان به سیبریا را به پنج سال تخفیف داد این است روش بهائیان ان الله . مع المتقین. باری نامه مطوّل شد و سبب تصدیع گردید ولی شما معذور دارید در خصوص جریده چهره نما میدانید که پیش به ایران مرقوم گردید و هیجان غریبی حاصل شد تا نسخه ای بیک دو قرآن سه قرآن رسید دیگر نمیدانم سبب تأخیر . چه من در آمریکا بودم حال نیز امیدم چنان است که این جریده رواج کلی یابد فی الحقیقه شما بسیار زحمت کشیده و میکشید و تحمل مشقت نموده و مینمائید و جانفشانی میفرمائید اما جریده کاوه بیمایه شد ملاحظه خواهید نمود. و علیک التحیه والثناء بهجی – ۲۵ محرم ۱۳۳۹

شد، مصرعی که حضرت عبدالبهاء آورده اند ناظر به این مثل سائر است

ماخذ اشعار در اثار بهائی جلد ۳: صفحه ۳۵۴

شوقی افندی :



قرن بدیع ج ۲ ص ۱۲۲ چاپ اول و دوم (درمورد اعمال شنیع بابیان در عراق درایام اقامت در کربلا) : «شب هنگام که ظلام دیجور پرده بر اعمال منفور آنها می کشد دستار از سر زوار متمکن برداشته و کفش های آنها را سرقت نمایند. و از مرقد مطهر حضرت سیدالشهداء شمع ها وصحائف را بردارند و جام های آب را از سقاخانه ها بربایند و این نفوس که خود را از اصحاب حضرت باب می پنداشتند و مدعی محبت آن بزرگوار بودند به درجه ای در اعمال رذیله و افعال منکره شنیعه غوطه ورگشتند که نبیل غرق دریای تأثر وتحسر شده.»



مرجع کتب وآثار بهائی – کتاب قرن بدیع' صفحه ۲۶۰ (bahai.org)

===

۵کرور تومان، تحمیل خسارت مالی بابیان بر کشور معادل نصف غرامت عهدنامه ترکمنچای به دولت روس

بابیان به تحریک باب، زمینه‌ساز سه #جنگ داخلی در مازندران، نیریز و زنجان بودند.
این سه جنگ برای کشور ضررهای جانی و مالی فراوان به بار آورد و انگیزه حکومت جهت خاتمه دادن به قائله بابیان شد.

امیر کبیر صدر اعظم ایران در آن دوران اعلام کرد که در اثر اقدامات بابیان که به میدان داری میرزا حسین علی نوری، انجام می شد، ۵ کرور تومان به خزانه‌ی مملکت خسارت وارد آمده است و بدین ترتیب اورا به عراق تبعید کرد
(#شوقی، قرن بدیع ص۱۶۷ هر کرور تومان یعنی ۵۰۰.۰۰۰ تومان)

بعد از برکناری امیرکبیر، میرزا حسین علی نوری به ایران بازگشت و طرح “ترور ناصرالدین شاه” را برپا کرد.
البته این ترور ناموفق ماند و عاملین ترور دستگیر شدند...


کتاب قرن بدیع

صاحب اثر: حضرت ولی امرالله   ناشر: موسسه معارف بهائی، کانادا ۱۹۹۲   صفحات: ۸۴۱

رفتن به صفحه مورد نظر   اجرا   « صفحه قبل | محتویات | صفحه بعد »

صفحه ۱۴۷

نمود. حاجی میرزا آقاسی نیز که با جناب وزیر والد ماجد حضرت بهاءالله از قبل میانهٔ خوبی نداشت و از عدم موفقیتش در تصرف ملک متعلّق به آن حضرت سخت متغیّر و خشمناک شده بود علم خلاف برافراشت و سوگند یاد نمود که تا آخرین نفس از شخصی که مانع اجرای نوایای سیّئهٔ او گردیده انتقام کشد. از طرف دیگر شخص امیرنظام نیز که از عظمت و نفوذ حضرت بهاءالله خوف و هراس داشت پیوسته اقدامات مبارک را مورد تنقید قرار میداد و در محافل و مجالس آنان به تشنیع و تزییف می گشود چنانکه وقتی در حضور جمعی از رجال و اکابر مملکت اظهار داشت که در اثر عملیات ایشان پنج کرور به خزانهٔ مملکت خسارت وارد آمده است این بود که در آن لحظات حسّاس از حضرت بهاءالله صریحاً درخواست نمود محلّ اقامتشان را به کربلا انتقال دهند. پس از امیر نظام میرزا آقاخان نوری به صدارت منصوب شد و چون هیکل مبارک را بین افراد بابی شخص شاخص و نفس نافذی میشمرد در آغاز جلوسش به مسند ریاست بر آن گردید بین حکومت و آن حضرت صلح

https://reference.bahai.org/fa/t/se/GPB/gpb-183.html#pg167

جالب است بدانیم کل خسارات پرداختی به روسها در عهدنامه ترکمنچای ۱۰ کرور بود

بر طبق عهدنامه ترکمان چای مبلغ غرامت جنگ که ایران باید به روسیه می پرداخت ۱۰ کرور تومان ، معادل ۵۰۰ هزار تومان بود، که به علت تنگدستی دولت ایران بجای ۵۰ هزار تومان آخرین بخش کرور هشتم معادل آن جواهر در رهن روسها گذاشتند ، تا زمانیکه پول تهیه شود در رهن آنها بماند.

https://www.cgie.org.ir/popup/fa/system/contentprint/215662

میرزا ابو الفضل گلپایگانی :

سند اول :

کشف الغطاء ، ص ۱۶۶ «حال آن که بابیت و بهائیت هر کدام دینی مستقل وآیینی از یکدیگر ممتاز و منفصلند و کتاب بیان و اقدس در کتابخانه های اروپ و آمریک محفوظ و مضبوط و در نزد خود جناب مورخ منصف نیز موجود ... و این هردو در اصول و فروع با یکدیگر چندان مختلف و متفاوتند که انجیل با تورات و کعبه با سومنات! بنیان دین بیان که اکنون معتقد ازلیان دوستدار جناب برون می باشد، بر محو و اتلاف جمیع کتبی که از غیر دین بیان نوشته شده وهدم و تخریب کل مشاهد و معابد و بقاع و مقابر و قتل نفوس و اباحه اعراض و ناموس و خلاصه افناء کل من لم یتدین بدین البیان و محو آثار ایشان است و اساس اوامر او احکام منزله در کتاب اقدس بر اجرای صلح و...»

سند دوم :

کشف الغطاء ، ص ۱۶۷ «آیین بهائی وضعا و اساسا مغایر دین بابی.»

سند سوم :

کشف الغطاء ، ص ۲۵۲ و ۲۵۳ «عقلای عالم .. می خندند بر کسی که در این دوره علم وتمدن می خواهند دینی را که اساس آن قتل نفوس و محو کتب و هدم بقاع و تخریب معابد و مساجد است در عالم جاری کنند.

سند چهارم :

کشف الغطاء ، ص ۳۶۷ و ۳۶۸ «آیا مستر برون می خواهد که بهاءالله هم مثل باب حکم به احراق جمیع کتب نماید؟ آیا مستر برون می خواهد که بهآء الله هم مثل باب حکم به تخریب وهدم جمیع هیاکل و کنائس و مساجد و مشاهد و بقاع و قباب نماید و مکه و بیت المقدس و هر چه کنیسه و هر چه مسجد است و هر چه تربت است بابی ها بریزند و خراب کنند؟ ... آیا اساس مدنیت امروزه عالم که ندای صلح و سلام عمومی از اقطار و اکناف بلند است به این تعلیمات پیش می رود؟ ما بهائیان می گوییم که متقضای وقت همین است که این احکام تغییر داده شود و به جای حرق کتب و هدم کل بقاع و قتل نقوس و سب ولعن اشخاص، صلح و سلم و وفا مقرر شود، آیا این گونه بهتر نیست؟ امروزه مقتضای وقت و مصلحت اهل علم عموما و ایرانیان خصوصا نیست که عبوس و نفور باشند و هر کس با ایشان مخالفت کرد ،کافر و ملعون بخوانند و هر چه کلیسا و مسجد و تربت و مشهداست خراب کنند و هر چه کتاب غیربیان است، بسوزانند. خدا را و هر منصفی که در عالم هست به شهادت می طلبم که این احکام امروزه مقتضای مصلحت وقت نیست و مصلحت اهل عالم در اینها نمی باشد.»

سند پنجم :

گنجینه حدود و احکام ص ۲۷۲ «در قرآن و بیان حکم تعرض به سایر ادیان است؛ ولی کتاب اقدس ناسخ این احکام، زیرا سیف به کلی نسخ شده و تعرض به کلی ممنوع گشته حتی مجادله با سایر ملل جائز نیست.»

سند ششم :

کشف الغطاء، ص ۱۶۶ و ۲۵۲ و ۳۶۷ «بنیان دین بیان که اکنون معتقد ازلیان و دوستداران جناب برون می باشد بر محو و اتلاف جمیع کتبی که در غیر دین نوشته شده و هدم و تخریب کل مشاهد و معابد و بقاع و مقابر و قتل نفوس و اباحه ی اعراض و ناموس و خلاصه افناء کل من لم یتدیّن بدین البیان و محو آثار ایشان است.» ... «امروزه ... عقلای عالم می خندند بر کسانی که در این دوره علم و تمدن می خواهند دینی را که اساس آن قتل نفوس و هدم بقاع و تخریب معابد و مساجد است در عالم جاری کنند.» ... «آیا مستر برون می خواهد که بهاء الله هم مثل باب حکم به تخریب و هدم جمیع هیاکل وکنائس و مساجد و مشاهد و بقاع و قبات نماید و مکه و بیت المقدس و هر چه کنیسه و هر چه مسجد و هر چه تربت است بابیها بریزند و خراب کنند؟ آیا مستر برون میل دارد که بهائیان هم مثل بابی ها در کتابشان هرجا اسم شخص منکری است ملعون و دجال و امثالهما بنویسند؟ مصلحت اهل عالم عموما و ایرانیان خصوصا نیست که عبوس و نفور باشند و هر کس با ایشان مخالفت کرد کافر و ملعون بخوانند و هرچه کلیسا، مسجد و تربت و مشهد است خراب کنند و هر چه کتاب غیر بیان است بسوزانند»

تصویر اسناد :



Kashf al-Ghita', by Mirza Abu'l-Fadl Gulpaygani and Mirza Mihdi Gulpaygani, Tashkent, 1919.





بمذهب تعبیر نموده وانفصال شریعت بهائیه‌را از دین بیان انسام و تغییر نامیده چنانچه در صفحه (عد سطر ۱۶) از همین مقدمه‌نیز بدان تصریح کرده و حال آنکه بابیت و بهائیت هر کدام دینی مستقل و آیینی از یکدیگر ممتاز و منفصلند و کتاب بیان و اقدس در کتابخانه‌های اروپ و امریک محفوظ و مضبوط و در نزد خود جناب مورخ منصف نیز موجود میباشد

شریعت بهائیه عبارتست از شرائع و احکام و قوانین و آداب و معارف و اخلاق وارده در کتاب اقدس و شارع و مؤسس این دین مبین شخص شخیص بهاءالله و طریقه بابیه مأخوذ از کتاب بیان و اوامر و نواهی و قوانین و نظامات و دستورالعمل‌های مسطوره در آنست و مثل از نفس نفیس باب و این هردو در اصول و فروع با یک دیگر چندان مختلف و متفاوتند که انجیل با تورات و کعبه با سومنات بنیان دین بیان که اکنون معتقدان آن دوستداران جناب پروفسور میباشد بر محو و اتلاف جمیع کتبی که در غیر دین بیان نوشته شده (۱) و هدم و تخریب کل مشاهد و معابد و بقاع و مقابر (۲) وقتل نفوس (۳) و اباحهٔ اعراض و ناموس (۴) و خلاصه افناء کل من لم یتدین بدین البیان و محو آثار ایشان است (۵)

و اساس اوامر و احکام منزله در کتاب اقدس بر اجراء صلح و

بنیان دین بیان که اکنون معتقدان ایشان دوستداران جناب برون میباشد
بر محو واتلاف جمیع کتبی که در غیر دین بیان نوشته شده (۱) و
هدم و تخریب کل مشاهد ومعابد وبقاع ومقابر (۲) وقتل نفوس (۳)
واباحهٔ اعراض وناموس (۴) و خلاصه افناء کل من لم یتدین بدین البیان
ومحو آثار ایشان است (۵)
و اساس اوامر واحکام منزله در کتاب اقدس بر اجراء صلح و

(۱) نظر کن در باب سادس از واحد سادس از بیان (۲) نظر کن در باب ثانی عشر از واحد رابع از بیان (۳) نظر کن در باب سادس عشر از واحد سابع از بیان (۴) نظر کن در باب خامس از واحد خامس از بیان (۵) نظر کن در باب ثانی عشر از واحد رابع از بیان و باب سابع عشر از واحد رابع از بیان

بابیها را بسیار تقویت نمود و بسط داد و جنبهٔ حکمت و عرفان را
بچیزی نمیشمرد وسعی کرد که حتی‌الامکان از اهمیت آن کاسته و
از میان برداشته شود و نیز جهد نمود که با دولت ایران از در صلح
و آشتی داخل گردد ولهذا خود و اتباع خود را رعایای مطیع و با
وفای ناصرالدین شاه که بر سر بابیه آنهمه بلاهای فوق‌التصور آورده
قلمداد می‌نمود باتباع خود توصیه نمود که باید کشته شدن را بر کشتن
ترجیح دهند و با جمیع ادیان با روح و ریحان معاشرت نمایند
و همه بار یکدارند و برگ یکشاخسار و نحو ذلك بابیهای اصلی
دورهٔ اول بر عکس مسلکشان بکلی بر ضد این بود شاید ایشان خود
را مظلوم فرض میکردند ولی در کمال اطمینان و یقین میخواستند
که وارث ارض گردند ایشان کفار را که مؤمن بباب نبودند نجس
و واجب‌القتل میدانستند و بسلسلهٔ قاجار بغض و نفرت شدیدی داشتند
وهیچوجه این حس خود را پنهان نمیکردند (۱) الی آخر عباراته

آیا جناب معترض از اختلاف شریعت بهائیه با شریعت بابیه چه مقصودی
دارند آیا مستر برون میخواهد که بهاءالله هم مثل باب حکم باحراق
جمیع کتب نماید آیا مستر برون میخواهد که بهاءالله هم مثل باب
حکم بتخریب و هدم جمیع هیاکل و کنائس و مساجد و مشاهد و
بقاع و قباب نماید و مکه و بیت‌المقدس وهرچه کنیسه و هرچه مسجد
وهرچه تربت است بابیها بریزند و خراب کنند آیا مستر برون میل

(۱) [illegible]

دارد که بهائیان هم مثل بابیها در کتابشان هرجا اسم شخص منکری
است ملعون و دجال و امثالهما بنویسند از خود مستر برون منصفانه
میپرسیم آیا اساس مدنیت امروزهٔ عالم که ندای صلح و سلام عمومی
از اقطار و اکناف بلند است باین تعلیمات پیش میرود ما بهائیان میگوئیم
مقتضای وقت همین است که این احکام تغییر داده شود وبجای حرق
کتب و هدم کل بقاع و قتل نفوس و سب و لعن اشخاص صلح و صفا
وسلم و وفا مقرر شود آیا اینگونه بهتر نیست حاجی میرزا جانی
ترشیح است باید ادعای مدعی موافق مقتضای وقت باشد اینجه میگوید
امروز مقتضای وقت و مصلحت اهل عالم عموماً و ایرانیان خصوصاً نیست
که عیوب و نفور باشند و هر کس با ایشان مخالفت کرد کافر و ملعون
بخوانند وهرچه کلیسا و مسجد و تربت و مشهد است خراب کنند وهرچه
کتاب غیر بیانست بسوزانند علما را و هر منصفی که در عالم هست
بشهادت میطلبم که این احکام امروزه مقتضای مصلحت وقت نیست
و مصلحت اهل عالم در اینها نمیباشد صلاح امروز صلح است وصفا
انسانیت است تربیت است عمار عالم است تهذیب امم است ومخصوصاً
خدمت حضرات ازلیه ایدهم الله تعالی علی الرجوع الی الحق معروض
میدارم قسم بصدق و حقیقت مصلحت خود شماها در این شرائط که
در دست دارید نیست والله علی ما اقول شهید
اما این ایراد ماند که مستر برون کرده است که بهاءالله با دولت
ایران سعی نمود که از در صلح و آشتی درآید دلیل تخلیط و سوء

نکته هفتم : بیان با اقدس نسخ گردید یعنی دقیقه سال نسخ اقدس ۱۹۷۳ می باشد نه پیش تر

سند اول :

عبد البهاء :

مائده اسمانی – جلد ۲: صفحه ۱۷

احکامی در بیان موجود که بنص کتاب اقدس نسخ گردیده و بهائیان را تکلیف نصوص قاطعه کتاب اقدس است حال اگرکتاب بیان نشر شود و یا ترجمه گردد ملل اجنبیه حتی اهل ایران گمان نمایند که اساس دین بهائیان ان احکام مندرجه شدیده در کتاب بیان است و حال انکه بنص قاطعکتاب اقدس ان احکام بیان منسوخ و مفسوخ است پس بایدکتاب بیان را بعد از انتشار کتاب اقدس در جمیع جهاتارض و اقالیم عالم نشر داد تا خواننده بداند که ان احکام شدیده منسوخ و مفسوخ است و پیش از انتشار کتاب



(۱۶)

دارند و شأنی دیگر هیچ نفس بمقام و رتبه آنان نرسد"
انتهی

باب دهم ـ درجواب سئوال از نعیم و جحیم
درلوحی که عنوانش (ای بنده الهی دونامه شما واصل) است نازل قوله الاحلی :

" نعیم روح قرب جمال قدیمست و جحیم بُعد ازآن نور مبین کمال ونقص است و علویت و اسفلیت و نورانیت و ظلمانیت هرچند روح مجرّد است ولی تجرّد ش ازعالم جسمانی است امّا من حیث هی هی دارنده مراتب ومقام عالی ودانی هرچند ازرنگ امکان آزاد است ولکن بحسب عالم خود اورا مراتب و مقامات وشئون نامتناهی و همچنین رجوعش الی الله رجوع جزء الی الکل مانند قطره و دریا نه بلکه این رجوع مانند رجوع طیور بگلشن عنایت ربّ غفور ملاحظه نمائید که ارواح دراوقات تعلق باجسام درجمیع شئون اینگونه ممتازند بعضی درعلوّ ادراک وکمالات وبعضی درادنی درجه نقص و ضلالات همچنین بعد از رجوع بعوالم الهیّه این فرق و امتیاز موجود" انتهی

باب یازدهم ـ درباره کتاب بیان
حضرت عبد البهاء میفرمایند :
" ای ثابتان میثاق درخصوص ترجمه و طبع کتاب بیان



(۱۷)

احکامی دربیان موجود که بنصّ کتاب اقدس نسخ گردیده و
بهائیان را تکلیف نصوص قاطعه کتاب اقدس است حال اگر
کتاب بیان نشر شود و یاترجمه گردد ملل اجنبیه حتی اهـل
ایران گمان نمایند که اساس دین بهائیان آن احکــــام
مندرجه شدیده درکتاب بیان است و حال آنکه بنصّ قاطع
کتاب اقدس آن احکام بیان منسوخ و مفسوخ است پس باید
کتاب بیان را بعد از انتشار کتاب اقدس درجمیع جهـــات
ارض و اقالیم عالم نشر داد تا خوانندگان بدانند که آن احکام
شدیده منسوخ و مفسوخ است و پیش از انتشار کتاب اقدس
وترجمه اش وشهرت احکامش نشر کتاب بیان جایز نــــــه
وعلیکم التّحیة والثّنـاء ع ع " انتهی

بـــاب دوازدهم ــ مخابره قلبـــی

درصفحه ۲٦۷ سفرنامه جلد اول چنین صادراست :

(درمخابره قلبی و مذاکره بدون زبان پرسیدند فرمودند)
" واضح است اگرحبیبی دست محبوب را بگیرد معلومســت
چه احساسات حاصل میشود روی با روی مخابره مینمایـــد
دل با دل مذاکره میکند چنانکه الآن این نور باچشم انسان
این آفتاب با زمین این ابر با خاک این نسیم با اشجار
مخابره مینماید این درجمیع اشیاء جاریست "

==============



در این سند صراحتا #باب اعتراف می کند که از دیدگاه وی #من_یظهره الله #قائم است
با توجه به این نکته که وی در همین کتاب بارها اعلام کرده خود نیز #قائم است برای محققین روشن می گردد که ادعای قائمیت باب با ادعا انکار امام دوازدهم شیعیان محمد بن الحسن ع ملازم نیست و باب خود را یکی از مصادیق قائم می داند در حالی که بهائیان این حقیقت از اعتقادات باب را کتمان نمودند و ادعایش را سانسور و تحریف نمودند و قائمیت وی را ملازم با انکار امام دوازدهم شیعه قلمداد کردند در حالی که باب در هیچ یک از آثار خویش منکر امام دوازدهم شیعیان نگردید چنانچه در این سند هویداست باب در کتاب بیان ص ۲۳۰ اعلام می کند که من یظهره الله هم مصداقی از مصادیق قائم می باشد با توجه به اینکه بهائیان مدعی اند باب مبشر بهاء الله است وی را من یظهره الله می دانند در حالی که در هیچ منبعی بهاء الله و مبیینین وی برایش مقام قائمیت قائل نبودند در متن فوق می گوید :

" خداوند امر نموده است تا از جایگاهتان بلند شوید هنگامی که نام من یظهره الله را بعد از لقب قائمش شنیدید و حکم کسی که وی را محزون کند اعدام است "

===

در تمجید از واقعه قلعه طبرسی و زنجان که تحت تاثیر کتاب تفسیر سوره یوسف تحقق یافت شوقی می گوید :

قرن بدیع ، ج ۱ ص ۱۴۷ (در توصیف تفسیر سوره یوسف)
«همین سفر جلیل بود که تلاوت صفحه ای از آن روح جناب حجت راتسخیر نمود و شعله عشق و انقطاع در قلوب مدافعین قلعه طبرسی برافروخت و قهرمانان تبریز وزنجان را به ورود درمیدان جانبازی و فدا مبعوث کرد.»

=====

مورد بعدی :

مورد چهارم :

قرن بدیع ج ۲ (چاپ اول) ص ۱۲۳ :

«و اوضاع واحوالشان به درجه ای تباه و منفور گردید که دیگر جرئت عبور در معابر و حضور در مجامع را نداشتند، کرد و عجم در سبّ ولعن این جمع و اهانت به امر الهی از یکدیگر سبقت می جستند.»

====

مورد ششم :

مورد بعدی :

جناب طاهره با نهایت شجاعت و با کمال فصاحت و بلاغت به اثبات حقانیت حضرت باب مالوف بود. در روز اول محرم بجای اجراء مراسم عزاداری شهادت حضرت امام حسین، تولد حضرت

باب را جشن گرفت و تحلیل .نمود (۸) جناب سمندر در تاریخ خویش مینویسد: "... و ماه محرمی پیش میآید و چنانکه معمول بوده همه در خاته مرحوم سید روضه خوانی میشده جناب قره العین و همشیره شان بملاحظه اینکه حضرت نقطه اولی در شب اول محرم تولد شده اند حتا استعمال نموده و البسه رنگین پوشیده و قهوه و قلیان را که در آثار حضرت اعلی مکروه و مذموم و منهی بوده در مجلس نهی میفرمایند دیگر معلوم است که از انتشار این گفتار و رفتار در محضر علماء اغیار چه قیامت و محشری پدیدار میگردد (صص این بود که اهل غرض بهانه بدست آوردند و حکومت و عوام مردم را علیه آن جناب تحریک نمودند. ۳۴۷-۳۴۶).

ایقان رسد. این نسوان محترمه همراه جناب طاهره به‌نشر نفحات الهیّه اشتغال یافتند. جناب طاهره با نهایت شجاعت و با کمال فصاحت و بلاغت به اثبات حقانیّت حضرت باب مألوف بود. در روز اوّل محرّم بجای اجراء مراسم عزاداری شهادت حضرت امام حسین، تولّد حضرت

طاهره ۱۹۱ ایمان به امر بدیع

باب را جشن گرفت و تجلیل نمود. (۸) جناب سمندر در تاریخ خویش مینویسد: "... و ماه محرّمی پیش میآید و چنانکه معمول بوده همه ساله در خانهٔ مرحوم سیّد روضه‌خوانی میشده، جناب قرّة‌العین و همشیره‌شان بملاحظهٔ اینکه حضرت نقطهٔ‌اولیٰ در شب اوّل محرّم تولّد شده‌اند حنا استعمال نموده و البسهٔ رنگین پوشیده و قهوه و قلیان را که در آثار حضرت اعلیٰ مکروه و مذموم و مَنهی بوده در مجلس نهی میفرمایند. دیگر معلوم است که از انتشار این گفتار و رفتار در محضر علماء اغیار چه قیامت و محشری پدیدار میگردد" (صص ۳۴۷-۳۴۶). این بود که اهل غرض بهانه بدست آوردند و حکومت و عوام مردم را علیه آن جناب تحریک نمودند.

تاریخ حضرت طاهره : دکتر نصرت الله محمد حسینی ص ۱۴۱

قرن بدیع ج ۱ ص ۳۲۸ و ۳۲۹ (در مورد طاهره در کربلا) :

«درحینی کـه مردم متعصب آن شهر در ایـام اولیه محـرم مراسـم سوگواری حضرت سیدالشهداء علیه آلاف التحیه و الثنـاء را بـر پا می داشتند، او یوم اول همان ماه را که مصادف با ولادت حضرت باب اعظم بود عید می گرفت و تجلیل می کرد.»

«چقدر کوشش شده است تا آن که بعضی فواحش را از ما بین این طایفه برداشتند و اگر هم نعوذ بالله بعضی مرتکب شده اند در ستر بوده.»

بدیع، ص ۳۷۹

سند ۱۹ :

«ودر اوائل امر اعمال به قسمی منکر مشاهده می شد که هر بصیری به حق پناه می برد و هر سمیعی در لیالی و ایام به عجز و ابتهال نجات می طلبید»

اقتدارات، ص ۲۱

سند ۳۱ :

رحیق مختوم ص۵۳ چاپ قدیم و ص ۷۰ چاپ جدید در ذیل (اخلاق بابی به درجه تدنی نمود)
«اعمال و افعال بعضی از اهل بیان در اول امر بر احدی پوشیده نبوده و نیست و لکن همچو می دانستند که این امور مقبول است و از جانب حق تعالی مأذونند ... عفاالله عما سلف نسئل الله بان یوفقهم»

فراخوان بزرگ و ملی محمد نوری زاد برای نجاست روبی کافر از دیدگاه بهاء الله کیست ؟

متن زیر خطاب به نوری زاد

نوری زاد گرامی سلام

مطالب من در مورد توصیه به بهائیان مبتنی بر اینکه بیائید به بیت العدل هم پول ندهید را به همراه چندین کامنت دیگر حذف کردید نمی دانم چرا ؟

اما مرد باشید و تحمل کنید و مطالب زیرا را اجازه دهید دیگران مشاهده کنند زیرا دقیقا مطلب در ارتباط با موضوع جنابعالی است .

نوری زاد گرامی شما به هر کس و ناکسی که هر چه عقده از اسلام دارد اجازه سخن می دهی در حالی که هیچ ربطی به حقوق شهروندی ندارد اما مطالب این حقیر را که حاصلش تبیین ریشه های سوء تفاهم میان مسلمین و بهائیان می باشد را سانسور می کنید مجددا تقاضا می کنم قدری سخنان این حقیر را تاب بیاورید و قضاوت را به خوانندگان بسپارید .

نوری زاد گرامی آیا این فراخوان شما فقط از آن مسلمین است یا اختصاص به بهائیان هم دارد؟ میشود لطف بفرمایید این فراخوان را عمومی تر اعلام کنید تا اگر قرار است خرمن تعصب البته به زعم شما سوزانده شود این تصمیم بالسویه اجراء شود ؟

نوری زاد گرامی فکر نکنم مشکل شما در ارتباط با نجاست فقط شستن دست پس از تماس البته آن هم در حالی که خیس است باشد بلکه شما با اصل روحیه نگاه تنفر آمیز به دگر باوران مشکل دارید اگر واقعا با نظر این حقیر موافقید لطف بفرمایید دیدگاه بهائیان را هم در مورد اعتقاد به وجود کافر و مشرک و منکرین فضل و غیر باورمندان به بهاء الله را مرور کنید و موضوع نجاست روبی را با این روی کرد تحلیل نمایید و فقط از یک جناح مثال نیاورید بلکه با اصل اندیشه برخورد کنید نه حاملان آن .

نوری زاد گرامی

بهائیان نیز اعتقاد دارند کسانی که در برابر سخنان بهاء الله سر تسلیم فرود نمی آورند کافر هستند البته فرق میان کافر در بهائیت و اسلام فقط حکم نجاست ان می باشد که بهائیان به نجاست جسمی آن قائل نیستند اما کافر را از مصادیق حروف نفی می دانند و مستوجب عذاب روحانی .

اگر حمل بر شهوت کلام بنده نمی کنید فقط چند نمونه از مدارک مستند ادعای خود را تقدیم شما می کنم تا دامنه این فراخوان را ا البته اگر صلاح بدانید به احباء و بهائیان نیز تسری دهید .

نمونه اول :

بهاء الله : مَن قال لِمَ و بِمَ فَقَد کَفَرَ ایقان ص ۱۱۳

نوری زاد عزیز این متن در کتاب آسمانی بهائیان آمده است و اقرار صریح بهاء الله بر اینکه اولا ایشان اعتقاد به کافر دارند و کافر کسی است در سخنان بهاء الله چون و چرا کند و پیروان وی یعنی بهائیان نیز بر این باورند .

نمونه دوم :

بهاء الله می گوید :

اگر اراده فرماید بحرفی جمیع من علی الارض را بسموات امر متصاعد فرماید و بحرف دیگر بادنی رتبه خلق راجع نماید و لیس لاحد ان یقول لم و بم و من قال فقد کفر بالله و اعرض عن قدرته و حارب بنفسه و نازع بسلطانه و کان من المشرکین فی الواح عزّ حفیظ مائده آسمانی ج ۷ ص ۵ – ۶

در جمله بالا علاوه بر تاکید جناب بهاء الله بر اینکه چون و چرا کننده در کلام وی کافر است بلکه پا را فراتر گذاشته و معتقد است کافر در صورت تخطی از وی از قدرت الهی اعراض کرده و وی محارب و منازعه کننده به سلطان وی و از جمله مشرکین است .

نوری زاد گرامی واقعا حاصل فراخوان شما فقط نجاست زدائی است یا تنفر زدائی از دگر اندیشان است ؟ اگر تصدیق می فرمایید بهائیان هم با توجه به مطالب فوق مانند مسلمین از کفار و مشرکین متنفرند و البته آنان را از حقوق شهروندی میان خود تحت عنوان ناقضین یاد می کنند و از شرکت در تشکیلات اداری و در مرحله ای حتی از ارث محروم می کنند لذا لطف کنید و این فراخوان را مقداری گسترده تر ارائه بدهید .

نمونه سوم :

واقعا بهائیان لطفا بفرمایید بگویید ما کافر داریم ولی احکامش با اسلام فرق می کند نه اینکه نداریم

چنانچه بهاء الله می گوید :

" ای سلمان سبیل کل بذات قِدَم مسدود بوده وطریق کل مقطوع خواهد بود محض فضل وعنایت شموس مشرقه از افق احدیه‌را بین ناس ظاهر فرموده وعرفان این انفس مقدسه را عرفان خود قرار فرموده من عرفهم فقد عرف الله ومن سمع کلماتهم فقد سمع کلمات الله ومن أقرّ بهم فقد أقرّ بالله ومن اعرض عنهم فقد اعرض عن الله ومن کفر بهم فقد کفر بالله وهم صراط الله بین السموات والأرض ومیزان الله فی ملکوت الأمر والخلق وهم ظهور الله وحججه بین عباده ودلائله بین بریّته ... "

(منتخباتی از آثار حضرت بهاء الله ص ۴۰)

پس چنانچه مشاهده شد منکر شموس مشرقه که بهاء الله خویش را در زمان خود از مصادیق آن می داند کافر ذکر کرده است آیا باز احباء و بهائیان می گویند کافر نداریم ؟ جناب بهاء الله می گوید منکر من کافر است.

نمونه چهارم :

حضرت بهاء الله میفرمایند:

" قل العرفان هو عرفان نفسی من فاز به قد فاز بالله ومن انکر انه ممن کفر بآیات الرحمن بذلک ینطق لسان العظمه ویشهد انّا زینا الملکوت باسمائنا والجبروت بآیاتنا اتقوا الله یا قوم ولا تتبعوا کل من کفر و ألحَد ... " (کتاب مبین، ص ۲۰۱)

چنانچه مشاهده شد منکر جناب بهاء الله منکر آیات الهی شده است لذا هر کس جناب بهاء الله را منکر شود نباید از وی اطاعت کرد زیرا اطاعت از وی موجب کفر و الحاد است .

نمونه پنجم :

" ... واگر بخضوع وخشوع وسایر سجایای حق بین عباد ظاهر شوید ذیل تقدیس از مفتریات ابلیس و مظاهرش طاهر ماند وآلوده نشود وکذب مفترین بر عالمیان ظاهر وهویدا گردد. واگر نعوذ بالله عمل غیر مرضیه از شما مشاهده شود، جمیع بمقر قدس راجع است وهمان اعمال مثبت مفتریات مشرکین خواهد شد وهذا لحق یقین. "

(آثار قلم اعلی جلد ۴ ص ۳۳۸)

چنانچه در نص بالا ذکر شده است جناب بهاء الله منکرین خویش را مشرک قلمداد کرده است و به احباء توصیه می کند بخاطر اینکه پشت سر ما حرف در نیاورند اعمال مرضیه انجام دهید و اگر انجام ندهید مشرکین اعمال شما را به حساب ما می گذارند.

نمونه ششم :

نوری زاد گرامی بهائیان هر چند غیر بهائیان را نجس نمی دانند اما منکرین بهاء الله را به طبع کلام زیر متعفن و گندیده می دانند (رایحۀ دفراء)

یا غلام حسین اسمت بسیار محبوبست انشآء الله بآنچه سزاوار این اسم مبارکست عمل نمائی، از غلامی در هیچ احوال نگذری و بخدمت مولی که ظاهر و مشهود است قیام کنی، چه مقدار از نفوس مدّعی محبّت بودند و بافق اعلی ناظر و متوجّه و بعد باندک ربحی از هبوب ارياح حديقۀ معانی محروم ماندند، قسم بسلطان ملک و ملکوت که برایحۀ دفراء (دَفراء – مؤنَّث اَدفَر – بسیار بدبو- گندیده) مشغول گشتند و از تضوّعات قمیص منیر ممنوع شدند، انشآء الله تو باستقامت کبری ظاهر شوی بشانیکه احزاب مشرکین ترا از مالک یوم دین باز ندارند، مکتوبت لدی العرش عرض شد و لحاظ عنایت از شطر سجن بتو متوجّه این نعمت کبری را قدر و اندازۀ نبوده و نیست أَنِ اشْكُرْ رَبَّكَ بِهذا الْفَضْلِ الْعَظِيْمِ، جمیع دوستانرا تکبیر میرسانیم و باستقامت کبری امر مینمائیم تا از بیانات هیاکل ظنون و اوهام از مالک انام محروم نشوند، إِنَّهُ يُعَلِّمُ أَحِبّائَهُ ما يَنْفَعُهُمْ فِيْكُلِّ عالَمٍ مِنْ عَوالِمِهِ إِنَّهُ لَهُوَ الْفَرْدُ الْواحِدُ الْعَزِيْزُ الْكَرِيْمُ.- حضرت بهاءالله : لئالئ الحکمه جلد ۳

نمونه هفتم :

حضرت بهاء الله میفرمایند:

"بعضی از دوستان الهی حکمت‌را ملاحظه ننموده اند و از مقامش غافل شده وسبب گشتند در بعضی از بلاد ضوضاء مرتفع شد. بشنوید ندای مظلوم‌را وبآنچه در الواح نازل شده عامل شوید تا سمع نیابید لب نگشائید وتا ارض طيبۀ مبارکه مشاهده نکنید بذر حکمت‌را ودیعه نگذارید. القاء کلمۀ الهی وقتی است که سمع وبصر مستعد باشند وهمچنین ارض. بعضی در بعضی از احیان تکلم نمودند بآنچه که ضرش باصل سدره راجع است... ارض جرز لایق انبات نه وسمع شرک لایق اصغاء کلمه توحید نه... " (ادعیه حضرت محبوب ص۴۰۳)

چنانچه مشاهده میشود جناب بهاء الله کسانی را که از وی سخنی به آنها گفته می شود و آنها آن سخن را قبول نکنند

با لفظ سمع شرک یاد می کند و کسانی که سخنان بهائیان را قبول نکنند مشرک می نامد .
نوری زاد گرامی آزاد مرد باش و اجازه بده این مطالب پخش شود تا همگان بدانند جنس بهائیان هم از جنس خود ماست و آنها هم نیاز به فراخوان دارند نه فقط ما .

فعالان بیت العدل در ایران در حوزه مهدهای کودک و موسیقی

فهرست و لینک گوشه ای از اعضای فعال بیت العدل در ایران و فعال در حوزه کودک – موسیقی

ناقضان حقوق کودک در ایران و ناقضان کنوانسیون ملل متحد در مورد حمایت حقوق طفل ۱۹۸۹

https://t.me/mardomtve/3956

۱ – کامیار حبیبی :

لینک تلگرام :

قسمت اول

https://t.me/Roohi_naghd/307

قسمت دوم :

https://t.me/Roohi_naghd/316

قسمت سوم :

https://t.me/Roohi_naghd/317

قسمت چهارم :

https://t.me/Roohi_naghd/318

لینک آپارات :

قسمت اول

https://aparat.com/v/ITpOA

قسمت دوم :

https://aparat.com/v/RSklV

قسمت سوم :

https://t.me/naghdbahaiat/31224

قسمت چهارم :

https://www.aparat.com/v/6esri

۲ : هاتف دوستدار :

لینک تلگرام :

https://t.me/Roohi_naghd/311

لینک آپارات :

https://www.aparat.com/v/hiL1s

۳ – نازنین عابدی

لینک تلگرام :

https://t.me/Roohi_naghd/314

لینک آپارات :

https://aparat.com/v/D6AGt

۴ – سپهر آفاقی

لینک تلگرام :

https://t.me/Roohi_naghd/312

لینک آپارات :

https://aparat.com/v/uHklT

۵ – نوا انصاری

لینک تلگرام :

https://t.me/Roohi_naghd/313

لینک آپارات :

https://aparat.com/v/cvafM

۶ – افشین حیرتیان

لینک تلگرام :

https://t.me/Roohi_naghd/315

لینک آپارات :

https://aparat.com/v/lPb8p

۷ – رامله تیر گر نژاد

وی همسر کامیار حبیبی است به فایلهای وی رجوع کنید

۸ – شادی ادیب

لینک تلگرام :

https://t.me/Roohi_naghd/319

لینک آپارات :

https://aparat.com/v/KDr3c

۹ – لوا شعایی و همسر وی فرهاد امری

لینک تلگرام :

https://t.me/Roohi_naghd/320

لینک آپارات :

https://aparat.com/v/aX85K

۱۰ – سیده بشری آفاقی

لینک تلگرام :

https://t.me/Roohi_naghd/321

لینک آپارات :

https://www.aparat.com/v/kRjZY

۱۱ – گلنار رحمانی

لینک تلگرام :

https://t.me/Roohi_naghd/322

لینک آپارات :

https://www.aparat.com/v/I9myE

۱۲ – شراره شهید زاده

لینک تلگرام :

https://t.me/Roohi_naghd/323

لینک آپارات :

https://www.aparat.com/v/fwacn

۱۳ – سارا شعبان پور

لینک تلگرام :

https://t.me/Roohi_naghd/325

لینک آپارات :

https://aparat.com/v/eOMKu

۱۴ – نغمه انوری علی آبادی

لینک تلگرام :

https://t.me/Roohi_naghd/326

لینک آپارات :

https://aparat.com/v/fF45r

۱۵ – اشکان روحی

لینک تلگرام :

https://t.me/Roohi_naghd/327

لینک آپارات :

https://aparat.com/v/JfRNA

۱۶ – سحر شیر محمدی

لینک تلگرام :

https://t.me/Roohi_naghd/328

لینک آپارات :

https://aparat.com/v/YtZhJ

۱۷ – هاله هوشمند

لینک تلگرام :

https://t.me/naghdbahaiat/31276

لینک آپارات :

https://aparat.com/v/YtZhJ

۱۸ – پارسا شیخی

لینک تلگرام :

https://t.me/Roohi_naghd/332

لینک آپارات :

https://aparat.com/v/ivAWn

۱۹ – ویدا زاهدی

لینک تلگرام :

https://t.me/Roohi_naghd/331

لینک آپارات :

https://aparat.com/v/qk7mG

۲۰ – ثمین احسانی

لینک تلگرام :

https://t.me/Roohi_naghd/334

لینک آپارات :

https://www.aparat.com/v/iavOg

۲۱ – دانیال بنی هاشمی

لینک تلگرام :

https://t.me/Roohi_naghd/336

لینک آپارات :

https://aparat.com/v/zrAxR

۲۲ – شیرین بنی هاشمی

لینک تلگرام :

https://t.me/Roohi_naghd/336

لینک آپارات :

https://aparat.com/v/zrAxR

۲۳ – ارسلان و سالار محبوبیان

لینک تلگرام :

https://t.me/Roohi_naghd/337

لینک آپارات :

https://aparat.com/v/Lcbls

۲۴ – مژگان شاه رضایی

لینک تلگرام :

https://t.me/Roohi_naghd/338

لینک آپارات :

https://aparat.com/v/PdBkZ

۲۵ – شعله دهقانی خلص

لینک تلگرام :

https://t.me/Roohi_naghd/341

لینک آپارات :

https://aparat.com/v/uvpKr

۲۶ – بشری مطهر

لینک تلگرام :

https://t.me/Roohi_naghd/343

لینک آپارات :

https://aparat.com/v/A26vu

۲۷ – شکیلا آزاد خوش

لینک تلگرام :

https://t.me/Roohi_naghd/344

لینک آپارات :

https://aparat.com/v/Umt95

۲۸ – میلاد رحمانی

لینک تلگرام :

https://t.me/Roohi_naghd/346

لینک آپارات :

https://aparat.com/v/ezQWZ

۲۹ – صهبا امینی کسا

لینک تلگرام :

https://t.me/Roohi_naghd/347

لینک آپارات :

https://aparat.com/v/cqFSp

۳۰ – مهرزاد فروزان

لینک تلگرام :

https://t.me/Roohi_naghd/348

لینک آپارات :

https://aparat.com/v/Jyqiu

۳۱ – ارم هور بد

لینک تلگرام :

https://t.me/Roohi_naghd/349

لینک آپارات :

https://aparat.com/v/bX8BQ

۳۲ – سارا نوروزی

لینک تلگرام :

https://t.me/Roohi_naghd/350

لینک آپارات :

https://aparat.com/v/eNMWs

۳۳ – مظفر نبیلی

لینک تلگرام :

https://t.me/Roohi_naghd/352

لینک آپارات :

https://aparat.com/v/xMpDv

https://t.me/mardomtve/3956

۳۴ – مهتا ایقانی

لینک تلگرام :

https://t.me/Roohi_naghd/354

لینک آپارات :

https://aparat.com/v/0hyQs

۳۵ – بشری دستوری نژاد

لینک تلگرام :

https://t.me/Roohi_naghd/355

لینک آپارات :

https://aparat.com/v/OJ1oN

۳۶ – شهرزاد دستوری نژاد

لینک تلگرام :

https://t.me/Roohi_naghd/356

لینک آپارات :

https://www.aparat.com/v/6Yfxr

۳۷ – سارا اخلاقی (سیندخت)

لینک تلگرام :

https://t.me/Roohi_naghd/357

لینک آپارات :

https://aparat.com/v/dWKhR

۳۸ – پرشان تشکر

لینک تلگرام :

https://t.me/Roohi_naghd/358

لینک آپارات :

https://aparat.com/v/JPFfO

۳۹ – شکیب میر عسکری

لینک تلگرام :

https://t.me/Roohi_naghd/359

لینک آپارات :

https://www.aparat.com/v/LMlSv

۴۰ – مهسا گلزار

لینک تلگرام :

https://t.me/Roohi_naghd/360

لینک آپارات :

https://aparat.com/v/ptvLm

۴۱ – صهبا طائف

لینک تلگرام :

https://t.me/Roohi_naghd/363

لینک آپارات :

https://aparat.com/v/LoRPe

۴۲ – شهیر مظلومی

لینک تلگرام :

https://t.me/Roohi_naghd/361

لینک آپارات :

https://aparat.com/v/TUCWS

۴۳ – فهیم ممتازی

لینک تلگرام :

https://t.me/Roohi_naghd/362

لینک آپارات :

https://aparat.com/v/ubGFi

۴۴ – شیوا الله ردی

در دست تولید

فعالیتهای توسعه اجتماعی اقتصادی بیت العدل دامی برای حکومت موازی

لینک توضیحات ۳۱ جلسه اسناد زیر :   کلیک کنید

از سال ۱۹۷۳ بیت العدل به شکل گسترده برای توسعه منابع انسانی خود و جذب افراد به سازمان در هر کشوری از اقدامات غیر انسانی در پوشش کمک به رفع آسیب های اجتماعی شروع نمود و تا الان ادامه دارد در اسناد زیر که نمونه ای از پیامهای بیت العدل در جهت روشن شدن این نیت شوم است پرده برداری می شود تا ماهیت اقدامات ضد بشری بیت العدل برای همگان هویدا گردد از ویژگی های اسناد زیر این است که به وضوح در می یابیم تمام اقدامات بشر دوستانه بیت العدل در غالب پروژه های خدمتی ایجاد حکومت موازی در راستای براندازی و بر پایی حکومت بهایی است ابتدا به قطعاتی از اعترافات سران بهایی پرداخته می شود و سپس پیامهای بیت العدل تقدیم می گردد

https://www.hassanershad.com/wp-content/uploads/2023/07/video_2023-07-11_10-08-09.mp4

نمونه دیگر از این اظهارات :

https://www.hassanershad.com/wp-content/uploads/2023/07/Media2.mp4

در فیلم زیر پرده های کنار می رود و علنا رهبران بهایی خود را صاحبان کل بر اندازان قلمداد می کنند و سعی در روحیه دادن در راستای براندازی می نمایند :

https://www.hassanershad.com/wp-content/uploads/2023/07/video_2023-06-29_22-42-26.mp4

تشکیلات بهایی به مانند رهبران پیشین‌اش، بقای خود را در تضادهای اجتماعی و سیاسی جوامع انسانی می‌یابد!

از نظر تشکیلات بهایی(که یک تشکیلات توتالیتر فرصت طلب است)، و مبلغانش ، آنچه اهمیت دارد پیشبرد نقشه‌های براندازی حکومت‌ها، در راستای برقراری حکومت مذهبی- فاشیستی بهایی است!

این کار، به دلیل در اقلیت مطلق بودن جامعه بهایی در جهان، احتیاج به قربانی دارد؛ تا با درگیر کردن احساسات انسان‌ها، به وجود ضد انسانی تشکیلات خود، رسمیت دهند!

برای نمونه اقدامات «عرفان ثابتی»(از مبلغان ضد ایرانی تشکیلات بهایی)، را در همین راستا بررسی می‌کنیم.

او در صحبت‌های اخیرش، نه تنها به لازمه وجود حکومتی موازی در هر کشور برای فتح اقالیم اشاره می‌کند؛ بلکه مثالی از حکومت موازی ایجاد شده توسط بهائیان در زاهدان هم اشاره می‌کند.

او به زاهدان(به دلیل شرایط و حساسیت خاص آن) اشاره کرده و جوانان تهرانی(که برای اقدامات انسان دوستانه به آن دیار سفر کرده‌اند) را انقلابی خوانده است.

اما هدف او چیست؟

۱ با انتساب غیرمستقیم آن جوانان به تشکیلات ضدانسانی بهایی، راه را بر همه گروه‌های انسانی ببندد

۲ بر آتش فتنه در آن دیار، بردمد.

۳ قربانیان دیگری برای تشکیلات ضدانسانی بهایی دست و پا کند.

۴ با انتساب غیرمستقیم جوانان تهرانی به بهائیت و انقلابی خواندن آنها، به تشکیلات قرون وسطایی بهایی، وجهه مترقی دهد.

۵ همه اینها در حالی است که در ظاهر، دخالت در سیاست برای بهاییان حرام می‌باشد .

۶ البته بر صاحب‌نظران روشن است که منظور او از جوانان تهرانی، جوانان بهایی تهرانی می‌باشد؛ چون در نظر تشکیلات بهایی، غیربهایی واجد وصف انسان هم نیست چه برسد به وصف انقلابی!

🔶 سخنان نوچه ها و اذناب شهریار آهی و بیت العدل (عرفان ثابتی بهایی) که تا دیروز لفظ سیاست را با یک دریا آب کشیدن هم به زبان نمی آوردند اما حالا شده اند روحیه دهنده به اپوزسیون

🎥 «جمهوری اسلامی را نمی‌شود ساقط کرد؛ جمهوری اسلامی بشار اسد را که در مملکت خودش نبود در قدرت حفظ کرد»

بخشی از نظرات کارشناسان تلویزیون اینترنشنال را ببینید و بشنوید:

🔸 بعد از برهم خوردن همبستگی، حالا احساس افسردگی داریم.

🔸 جمهوری اسلامی را نمی‌شود ساقط کرد؛ آن‌ها در سوریه که حکومت خودشان نبود توانستند بشار اسد را نگه دارند

اقدامات توسعه اجتماعی و اقتصادی در پوشش سمن های اجتماعی و ان جی او ها پوششی است برای توسعه شهر و حکومت موازی در راستای براندازی – اشغال سرزمین و بر پایی حکومت بهایی در هر کشور به روایت بیت العدل

مورد اول :

در اواسط این سلسله نقشه ها اشتغال جامعه در حیات اجتماع مورد تو ّجه مستقیم بیشتری قرار گرفت. در این ّا تشویق شدند که دو مجهو د به هم مرتبط یعنی اقدام اجتماعی و مشارکت در گفتمانهای رایج در اجتماع مورد احب ّه جایگزینی برای کار ترویج و تحکیم نبودند تا چه رسد به انحراف از آن، در واقع را مّد نظر قرار دهند. این دو البته ّ این دو در ترویج و تحکیم مندمج می باشند

۲۰۲۱-۰۴-۲۰ ۹۵۰

مورد دوم :

قابليّت مبادرت به اقدام اجتماعی از ديدگاه بيست و پنج سال اخير به طور چشمگيری افزايش يافته و موجب شكوفايی فوق‌العادۀ فعّاليّت‌ها گرديده است. در مقايسه با سال ۱۹۹۶ كه هر ساله حدود دويست و پنجاه (۲۵۰) پروژۀ توسعۀ اجتماعی و اقتصادی در حال انجام بود اين رقم اكنون به هزار و پانصد (۱,۵۰۰) رسيده و تعداد سازمان‌های ملهم از تعاليم بهائی به چهار برابر يعنی به متجاوز از صد و شصت (۱۶۰) افزايش يافته است. هر سال بيش از هفتاد هزار (۷۰,۰۰۰) ابتكار كوتاه‌مدّت اقدام اجتماعی در سطح تودۀ مردم انجام می‌شود كه افزايشی پنجاه برابر است. اين جمع مشتاقانه اميدوار است كه با حمايت و تشويق مجدّانۀ سازمان توسعۀ بين‌المللی بهائی افزايشی مستمرّ در همۀ اين مجهودات حاصل گردد. در اين ضمن، مشاركت جامعۀ بهائی در گفتمان‌های رايج در اجتماع نيز به مراتب افزايش يافته است. علاوه بر فرصت‌های متعدّدی كه احبّا می‌توانند يک ديدگاه بهائی را در گفتگوهای شخصی خود يا در محيط كاری ارائه دهند، مشاركت منظّم‌تر در گفتمان‌ها پيشرفت قابل ملاحظه‌ای نموده است. منظور نظر ما نه تنها كوشش‌های بسيار گسترده و مجهودات پيچيده و فزايندۀ جامعۀ جهانی بهائی است كه در اين مدّت دفاتر جديدی در افريقا، آسيا، و اروپا تأسيس نمود، بلكه فعّاليّت شبكه‌ای توسعه يافته و مستحكم از دفاتر ملّی امور روابط خارجی است كه توجّه عمده‌شان متمركز بر مشاركت در گفتمان‌ها گشت. ورای اين توفيقات، مشاركت خردمندانه و قابل ملاحظۀ آحاد احبّا در زمينه‌های خاصّ است. نكات فوق مراتب احترام، تقدير و تحسين متفكّران و شخصيّت‌های برجسته در تمام سطوح اجتماع را كه به كرّات از آيين بهائی، پيروان آن و اقداماتشان ابراز داشته‌اند تا حدّی توجيه می‌نمايد.

۲۰۲۱-۰۴-۲۰ ۹۵۰

مورد سوم :

گفتمان اجتماعی – اقدام ::::

با ازدیاد وافر منابع انسانی در محدودهٔ جغرافیایی و استحکام الگوی رشد، مشارکت و همکاری جامعهٔ بهائی با اجتماع میتواند و در واقع میباید افزایش یابد. در این برههٔ خطیر از اجرای نقشه، هنگامی که تعداد بسیاری از محدوده های جغرافیایی به چنین مرحلهای نزدیک شدهاند، مقتضی است که احبّا در کلّیّهٔ نقاط در بارهٔ ماهیّت کمک هایی که جوامع پویا و در حال رشد آنها به پیشرفت مادّی و معنوی اجتماع ارائه خواهند داد تأمّل نمایند. در این خصوص، تفکّر در دو حوزهٔ فعّالیّت که به هم مرتبط و تقویتکنندهٔ یکدیگرند یعنی اشتغال به اقدام اجتماعی و شرکت درگفتمان های رایج در اجتماع، سودمند خواهد بود.

۲۰۱۰-۰۴-۲۱ ۷۸۸

مورد ۴ :

گفتمان اجتماعی منجر به تسجیل بشود -اقدام اجتماعی – توسعه ::::

احبّا در مساعی خود برای معرّفی ساده و واضح حقایق اساسی امرالله، از نمونهٔ بارز و گویای کتاب ششم مؤسّسهٔ روحی بهرهٔ وافر برده ا ند. هر جا که منطقِ اصلی این طرز معرّفی درک شود و از گرایش تبدیل آن به یک فرمول اجتناب گردد، استفاده از آن گفتگویی را آغاز میکند که خصوصیّت ممیّزهٔ آن حسن تفاهم و کیفیّت روابط حاصله بین طرفین است. مادام که این گفتگو از ملاقات اوّلیّه فراتر رود و یک دوستی واقعی شکل گیرد، این نوع تبلیغ مستقیم میتواند عاملی راهگشا برای یک فرایند پایدار تقلیب روحانی باشد. این مسئله که تماس اوّلیّه با این دوستانِ تازه یافته منجرّ به دعوت آنان به تسجیل و یا شرکت در یکی از فعّالیّتهای جامعهٔ بهائی شود، چندان مهم نیست. آنچه حائز اهمّیّت بیشتری میباشد این است که هر فرد احساس کند که همکاریش با جامعهٔ بهائی در کمک به بهسازی اجتماعبا گرمی مورد استقبال قرار میگیرد و از این طریق در مسیری از خدمت به بشریّت گام مینهد که ممکن است در بدایت و یا در مراحل بعدی به تسجیل او بیانجامد.

۲۰۱۰-۰۴-۲۱ ۷۸۸

مورد ۵ :

موسسه طرح و توسعه اجتماعی و اقتصادی در اسرائیل طراح این سیستم است – شبکه ایجاد کرده از کل دنیا می روند اسرائیل یاد می گیرند بر می گردند انجام می دهند :::

اینکه قسمت عمدهٔ این برنامه مطالب را از دیدگاه بهائی ولی نه به صورت آموزش دینی بررسی میکند، راه را برای عرضهٔ آن به نوجوانان در محیط ها و شرایط مختلف باز کرده است. در نتیجه در بسیاری از موارد، مجریان این برنامه با اطمینان به میدان اقدام اجتماعی وارد میشوند و با مسائل و امکانات گوناگونی رو به رو میگردند. این اقدامات و مسائل و امکانات توسّط دفتر توسعهٔ اجتماعی و اقتصادی در ارض اقدس به صورت یک فرایند یادگیری در سطح جهانی دنبال و تنظیم میگردد. تا کنون به مدد دانش و تجربهٔ به دست آمده، چند محدودهٔ جغرافیایی در اطراف جهان این توانمندی را کسب نمودهاند که هر یک متجاوز از هزار نوجوان را تحت پوشش این برنامه قرار دهند. برای اینکه محدوده های جغرافیایی دیگر نیز بتوانند به سرعت در این جهت پیش روند، دفتر توسعهٔ اجتماعی و اقتصادی، با کمک گروهی از احبّا، مشغول تأسیس شبکه ای از جایگاههایی در همهٔ قارّات عالم برای تعلیم هماهنگ کنندگان در صدها محدوده میباشد. این افراد کاردان پس از بازگشت هماهنگ کنندگان به محدوده های جغرافیایی خود، به حمایت آنان ادامه میدهند تا آنها بتوانند محیطی سرشار از روحانیّت در جهت تداوم برنامهٔ نوجوانان به وجود آورند.

۲۰۱۰-۰۴-۲۱ ۷۸۸

نکات :

۱- اعتراف به اقدام پوششی توسط دفتر توسعه در سطح بین المللی

۲- این اقدام در سطح محدوده های جغرافیایی

۳ – محل تجمیع تمام اقدامات و اطلاعات در مورد مسائل اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی در اسرائیل نزد این دفتر می باشد

۴ – تجاوز به حقوق کودک

۵ – نقش دفتر توسعه در آموزش مستقیم به کلیه بهائیان جهان و بازگشت به کشورشان

۶- نقض حاکمیت ملی و سلب تمامیت ارضی

مورد ۶ :

اقدام اجتماعی به همراه بهایی کردن و تسجیل کردن ::::::

به همان گونه که بینش حاصله از شرکت در برخی گفتمانها میتواند به روشن شدن مفاهیمی کمک کند که اقدام اجتماعی را شکل میدهد، اقدام مؤثّر اجتماعی نیز موجب غنی شدن مشارکت در گفتمانهای عمومی میگردد. مشارکت در گفتمانهای اجتماعی در سطح محدودهٔ جغرافیایی میتواند شامل یک عمل ساده مثل استناد به اصول دیانت بهائی ضمن یک صحبت روزمرّه تا فعّالیّتهای منظّمتری مانند تهیّهٔ مقالات و حضور در جلساتی راجع به مسائل اجتماعی، از جمله تغییر آب و هوا و محیط زیست یا حاکمیّت و حقوق بشر، باشد. این مشارکت مستلزم

تعامل هدفمند و مفید با گروههای مدنی و سازمانهای محلّی در دهکده و محلّه نیز میباشد. در این رابطه ذکر یک هشدار را ضروری میدانیم. حائز اهمّیّت است که همگان به خوبی متوجّه باشند که ارزش شرکت در اقدام اجتماعی و گفتمانهای عمومی را نباید بر حسب امکان تسجیل افراد تعیین نمود. گرچه مساعی در این دو زمینه ممکن است در افزایش تعداد تسجیل شدگان مؤثّر باشد ولی اصولاً این اقدامات به این منظور انجام نمیشود. اصل ضروری در این مورد خلوص نیّت است. به علاوه باید از مبالغه در بارهٔ تجارب جامعهٔ بهائی و یا از جلب توجّه غیر ضروری به مساعی نوپایی مانند برنامهٔ تواندهی روحانی به نوجوانان که بهتر است با سرعت طبیعی خود به پیش رود دوری جست. آنچه در همهٔ موارد باید مورد نظر باشد تواضع و فروتنی است. احبّا در اظهار شور و اشتیاق در بارهٔ عقاید خود باید از ابراز هر نوع احساس برتری بر دیگران بپرهیزند، احساسی که ابراز آن حتّی در بین خود احبّا شایسته نیست تا چه رسد به مجامع دیگران.

۲۰۱۰-۰۴-۲۱ ۷۸۸

مورد ۷ :

مهمممم سند پشتیبانی موسسه طرح و توسعه در اسرائیل برای کلاستر ها :::

پیام رضوان، معدودی از مشخّصه های اقدام اجتماعی در میان توده ها، و شرایطی را که باید ملحوظ داشت، توصیف میکند. عموماً مساعی متوجّه به یک روستا، در مقیاس کوچک شروع میشود. معمولاً عدّه ای از یاران پا در میدان میگذارند، و هر یک، نیازی اجتماعی یا اقتصادی را که خود تشخیص داده است، هدف قرار میدهد و به معدودی از اقدامات مناسب متوسّل میشود. در این راستا، مشورت در ضیافت نوزدهروزه، فضای مناسبی را فراهم میآورد که در آن، آگاهی رشد یابندهٔ جامعه، بتواند مجاری بروز سازنده، پیدا کند. طبیعت فعّالیتها هرچه که باشد، محفل محلّی باید مراقب تله های بالقوّه بوده، در صورت لزوم، احبّا را یاری کند از کنار آنها بگذرند. از جملهٔ این تله ها است: وسوسهٔ طرّاحی برنامه های بیش از حدّ جاه طلبانه که توان افراد را میگیرند و نهایتاً هم، از کنترل خارج میشوند؛ تمایل به اخذ کمکهای مالی که دوری از اصول بهائی را الزام میکند؛ قول فناوریهای گول زننده که دهکده را از میراث فرهنگیاش تهی مینماید و به فروپاشی و ناسازگاری منتهی میشود. در نهایت، توانی که فرایند مؤسّسه در دهکده ایجاد کرده، و قابلیتهایی که در افراد برانگیخته، میتواند یاران را قادر سازد از روشها و برنامه هایی که ثمرده یشان به اثبات رسیده است بهره برند؛ برنامه هایی که بعضی ازسازمانهای مُلهَم از تعالیم بهائی طرّاحی و تدوین کرده اند و به پیشنهاد و حمایت دفتر توسعهٔ اجتماعی و اقتصادی ما، وارد کلاستر شده اند. علاوه بر این، محفل باید بیاموزد با ساختارها و سازمانهای اجتماعی و سیاسی موجود در محلّ تعامل داشته باشد و به تدریج، آگاهی از حضور امر الهی در روستا و تأثیری را که بر پیشرفت آن اِعمال میکند، افزایش دهد.

نکات :

۱ – هدف جذب توده ها و غیر بهائیان

۲ – پهن کردن دام بر اساس نیازهای اجتماعی و اقتصادی و در پوشش رفع آن نیاز توده ها را جذب می کنند تا منجر به اقدام اساسی و رسیدن به اهداف نقشه شود

۳ – متناسب با فرهنگ محدوده های جغرافیایی عمل کنند تا اهداف در تله نیفتند

۴ – سازمانهای ملهم از تعالیم بهایی با هماهنگی بیت العدل و با پشتیبانی دفتر فوق وارد محدوده های جغرافیایی می شوند
۵ – به بهانه اقدام اجتماعی به مرور در نهادهای تاثیر گذار سیاسی و اجتماعی در محدود جغرافیایی نفوذ کنند برای رسیدن به اهداف نقشه

مورد ۸ :

حکومت طلبی – اقدام اجتماعی – گفتمان اجتماعی – تحریک جهت اجرای نقشه :::

آرزوی اهل بها به فرمودهٔ حضرت عبدالبها آن است که ...ایران سبب حیات جاودان جهان گردد و علم صلح عمومی و امان و روحانیّت محضه در قطب امکان برافرازد.... این بینش روحانی است که به شما نیرو میبخشد تا به رغم همهٔ مشقّات و تضییقاتی که پیوسته بر شما وارد میشود همچنان مشتاق خدمت به این آب و خاک بمانید. پس کما کان به حکمتهای بالغه و وعود حتمیّهٔ الهیّه ناظر باشید، با اطمینان کامل به آینده بنگرید و همچون گذشته زندگی خود را وقف خدمت به نوع انسان نمایید: به انجام وظایف روحانی فردی خود قائم باشید، گفتمانهای هدفمند خود را در فضاهای موجود با جدّیّت دنبال کنید و در فعّالیّتهای اجتماعی و امور عامّ المنفعه تا حدّ امکان مشارکت نمایید. در راهی که برای زندگی خود انتخاب کردهاید با شادی و سرور گام بردارید و مطمئن باشید که در تحمّل شداید و بلایا شریک مولای توانای خود هستید.

۲۰۱۱-۰۵-۱۴ ۸۰۴

مورد ۹ :

مختصری فهرست دوره روحی – قتل عام فرهنگی :::::

در حال حاضر دوره های متسلسل اصلی شامل هشت دوره است. ولی تعداد این دوره ها از قرار معلوم ممکن است نهایتا به هجده برسد و مطالبی راجع به خدماتی در رابطه با نیازمندیهای جامعه از قبیل هماهنگ سازی و اداره امور، اشتغال به اقدام اجتماعی و مشارکت در گفتمان های جامعه را در بر گیرد. در طی این دوره های متسلسل، در حال حاضر دو مقطع وجود دارد که در آن فرد مختار است وارد یک مسیر خاص خدمت گردد. اولین مقطع بعد از مطالعه کتاب ۳ می باشد. از میان دوستانی که این کتاب را تمام می کنند و کلاس نسبتا ساده ای را برای شاگردان کلاس اول از یک برنامه تربیت روحانی کودکان شروع می نمایند درصد معینی مایل خواهند بود وقت خود را وقف این خدمت نموده به مرور دوره های منشعب جامع تری را برای تدریس شاگردان سالهای ۲ تا

۶بگذرانند. این بدان معنی نیست که این افراد دوره های متسلسل اصلی را مطالعه نخواهند کرد. در واقع دوره هایی که یک مسیر خاص خدمت را تشکیل می دهند بر این فرض تهیه شده اند که شرکت کنندگان هر یک با سرعتی متناسب با وضعیت خود دوره های متسلسل اصلی را نیز خواهند گذارند. کتاب ۵ که هدف آن پرورش مشوقین گروه های نوجوانان می باشد مقطع دومی است که مجموعه ای از دوره ها از آن منشعب می گردد.
بدون شک راه های دیگری در امتداد دوره های اصلی برای خدمت پدیدار خواهد شد. بعضی از آنها مانند دو موردی که در فوق به آن اشاره رفت ممکن است برای استفاده عمومی در سراسر عالم باشد ولی برخی دیگر شاید به نیازهای خاص محلی منحصر گردد. در این مورد نیز همانند دوره های متسلسل اصلی، محتوا و ساختار باید نتیجه تجربه جمعی مستمر در میدان عمل باشد، تجربه ای که اتفاقی و بی رویه و یا حاصل سلیقه شخصی نبوده بلکه توسط مؤسسات امری هدایت می شود. کسب چنین تجربه ای مستلزم صرف قوای زیادی از بخش بسیار بزرگ تری از جامعه خواهد بود و در این مرحله از بسط سلسله نقشه های جهانی کنونی بذل توجه از طرف مؤسسه آموزشی به تهیه و تدریس دوره های فرعی دیگر، به جز در مواردی معدود، اقدامی عجولانه و نابهنگام خواهد بود.

۲۰۱۱-۱۲-۱۲ ۸۰۹

مورد ۱۰ :

اقدام اجتماعی – کلاستر و مدیریت محدوده جغرافیایی – مدیریت تدریجی آن توسط موسسات امری :::

مشاهدۀ عالم بهائی در حالی که به انجام وظایف خویش مشغول میباشد چشم اندازی بس روشن است. در حیات افراد مؤمنی که بیشتر از هر چیز آرزومندند دیگران را به عبادت پروردگار بی نیاز و خدمت به عالم انسانی فراخوانند نشانه های تقلیبی روحانی را میتوان یافت که ربّ مجید برای هر نفسی اراده فرموده است. در روحیّه ای که مشوّق و محرّک فعّالیّتهای هر جامعۀ بهائی است – جوامعی که همّ خود را وقف افزایش توانمندی اعضای خود از پیر و جوان و نیز دوستان و همکاران خود برای خدمت به مصالح عمومی مینمایند – میتوان بینشی از چگونگی بسط و توسعۀ یک اجتماع یافت که بر اساس تعالیم الهی پایه ریزی شده است. و در آن محدوده های جغرافیایی پیشرفتهای که فعّالیّت در چارچوب نقشه افزایش یافته و نیاز به ایجاد انسجام در بین خطوط عمل کاملاً احساس میشود، بسط ساختارهای اداری نمایانگر بارقه ای است از اینکه چطور مؤسّسات امری به تدریج مسئولیّتهای بیشتر و جامعتر خود را در جهت ترویج رفاه و پیشرفت بشریّت به عهده خواهند گرفت. بنا بر این واضح است که بلوغ و تکامل فرد، جامعه و مؤسّسات بسیار امیدبخش است ولی فراتر از این، با نهایت سرور شاهد آن هستیم که روابطی که این سه را به هم پیوند میدهد سرشار از محبّت و حمایت متقابل است.

۲۰۱۲-۰۴-۲۱ ۸۱۵

مورد ۱۱ :

اقدام اجتماعی – مکالمه هدفمند :::

در مکالمات هدفمند خود با همسایگان، دوستان، آشنایان، همکاران و همفکران کنجکاو خود، در مورد آنچه موجب توانمندی انسان برای کمک به رفاه مادّی و معنوی دیگران میشود، به تبادل افکار پرداخته، سهم خود را در بنای جهان و ایرانی متحّد، آباد و آزاد بیش از پیش ادا مینمایند. برادران و خواهران روحانیشان نیز در سراسر عالم با الهام گرفتن از خدمات و فداکاریهای آنان با عزمی راسخ و روحی مصمّم در میادین خدمت به پیش میروند. وسایل پایان کامل تضییقات و آزادی امر مبارک در آن سرزمین نیز در میقات معیّن به ید غیبی الهی مهیّا خواهد شد. مطمئن باشید.

-۲۰۱۳-۰۱-۱۳ ۸۲۰

مورد ۱۲ :

مبنای نقشه در پوشش اقدام اجتماعی برای تصرف کلاستر – نقض حاکمیت ملی :::

این جمع در کمال مسرّت شاهد آنست که چگونه فرایندهای نقشهٔ پنجساله در جوامع مختلف بهائی روح خدمت را برمیافروزند و اشتیاق به اقدامات هدفمند را سبب میگردند. هر روز نمونه های مشهود حاکی از آن است که چطور ایجاد ارتباطات قلبی، آشنا ساختن نفوس با کلام الهی و دعوت آنان به مشارکت در بهبود اجتماع میتواند مآلاً موجب سعادت مردمان گردد. این جنبش دسته جمعی که خصوصیّات پویای آن به نحوی فزاینده شناخته شده زمانی ملموس و محسوس میشود که عناصر نقشه در یک کوشش هماهنگ در سطح محدودهٔ جغرافیایی تلفیق گردد. یک چنین محدودهٔ جغرافیایی هم برای احبّای مجرّب و هم برای کسانی که جدیداً با امر مبارک آشنا شده اند، از هر سنّ و هر پیشینه ای، میدانی است که در آن دوش به دوش هم کار کنند، یکدیگر را در خدمات همراهی نمایند و همگان را قادر سازند تا در اجرای نقشه مشارکت جویند.

۲۰۱۳-۰۲-۰۸ ۸۲۱

مورد ۱۳ :

فرمان به بهائیان ایران برای اجرای نقشه با مکانیزم اقدام اجتماعی – قرائت منطقه جاسوسی – تغییر بافت جمعیتی

جامعه نیز آنچه در توان دارد به کار میگیرد تا بر تحرّک ثمربخش خود بیفزاید. جامعه ای پویا و در حال رشد میکوشد تا محیطی فراهم آورد که در آن استعدادهای درونیِ هر یک از اعضایش اعمّ از جدید و قدیم، زن و مرد، پیر و جوان، شهرنشین و روستایی، از هر قوم و قبیله در سراسر آن سرزمین مقدّس شکوفا گردد و قابلیّت آنان برای مشورت و اتّخاذ تصمیم و همکاری در سطح محلّی پرورش یابد تا بتوانند به نحوی مؤثّر در جهت بهبود و پیشبرد اجتماع خدمت نمایند. این جامعه می آموزد تا قرائتی صحیح از واقعیّات محیط داشته باشد، امکانات موجود را تشخیص دهد، از منابع خود استفاده نماید و به نیازها پاسخ گوید؛ متعهّد به گسترش فرهنگی برونگرا است که

در آن همه با توافق کامل به تقویت قابلیّتها برای تحقّق اهداف عالی آیین بهائی چون صلح و آشتی، ترویج وحدت در کثرت، استخلاص نوع بشر از یوغ جور و ستم و برقراری عدالت و انصاف مشغولاند و در اقدامات توسعهٔ اجتماعی و اقتصادی و گفتمانهای مفید اجتماع کوشا میباشند؛ جوانان را خادمان با کفایت عالم انسانی میداند و آنان را حمایت مینماید تا با اتّصاف به اخلاق شایستهٔ مرضیّه و اعمال طیّبهٔ طاهره، از قوای معنوی مدد گیرند و با اقدامات منظّم و پیگیر در میدان خدمت به عالم بشریّت جولان نمایند. در چنین جامعه ای، همگی به مثابه اجزای یک هیکل واحد به پیش میروند و تلاش مینمایند تا کل از منابع مادّی کافی برای ادارهٔ زندگی روزمرّه و خدمات امریّهٔ خود برخوردار باشند.

۲۰۱۶-۰۵-۱۲ ۸۸۵

مورد ۱۴ :

اقدام اساسی – اقدام اجتماعی :::

علاوه، بهائیان در شهرها و دهکده ها در سراسر کرهٔ ارض به تأسیس الگویی از زندگی اشتغال دارد که تعداد فزایندهای از مردم، بدون توجّه به پیشینهٔ آنان، دعوت میشوند تا در آن مشارکت نمایند. این الگو که نمایانگر انسجامی پویا بین ابعاد مادّی و معنوی زندگی میباشد شامل کلاسهایی است برای تعلیم و تربیت روحانی کودکان که در آن درکی عمیق از وحدت بنیادین ادیان جهان کسب میکنند؛ گروه هایی برای کمک به نوجوانان تا بتوانند این مرحلهٔ حساس و مهم از زندگی خود را هدایت کنند و در مقابل قوای مخرّبی که به خصوص آنان را هدف قرار داده ایستادگی نمایند؛ حلقه هایی برای مطالعه که شرکتکنندگان در بارهٔ ماهیّت روحانی عالم هستی تفکّر و تأمّل مینمایند و قابلیّت خدمت به جامعه و اجتماع را کسب میکنند؛ گردهمایی هایی برای عبادت دسته جمعی که خصیصهٔ نیایشی جامعه را تقویت میکند؛ و در زمان مناسب انواع فزایندهای از مجهودات برای توسعهٔ اجتماعی و اقتصادی. این الگوی حیات جامعه منتهی به ایجاد جوامع پویا و هدفمند جدیدی میگردد که در آن روابط بر اساس یگانگی نوع بشر، مشارکت عمومی، عدالت، و رهایی از تعصّب استوار گشته است. این جامعه به روی همه باز است. فرایندی که در حال شکل گیری است در پی ترویج همکاری بین گروه ها و قابلیّتسازی افراد است تا همگی بدون در نظر گرفتن طبقه یا پیشینهٔ مذهبی، بدون توجّه به قومیّت یا نژاد، صرف نظر از جنسیّت یا وضعیّت اجتماعی بپا خیزند و به پیشبرد تمدّن کمک نمایند.

۲۰۱۷-۱۲-۲۷ ۹۰۵

مورد ۱۵ :

جامعه سازی امر مبارک – سازمانهای ملهم از تعالیم بهایی – اقدام اجتماعی – گفتمان هدفمند – :::::

با شدّت یافتن فعّالیّتهای جامعه سازی، دوستان قابلیّتهای نویافتهٔ خود را که برای بهبود شرایط اجتماع اطراف خویش پرورش داده اند، به کار میگیرند و اشتیاقشان با مطالعهٔ تعالیم الهی شعله ور میشود. تعداد پروژه های کوتاه

مدّت افزایش بسیاری یافته، برنامه های منظّم گسترش پیدا کرده، و اکنون تعداد بیشتری از سازمانهای توسعه ملهم از تعالیم بهائی به فعّالیّت در زمینه های آموزش، بهداشت، کشاورزی، و غیره مشغولند. از تقلیب مشهود در حیات فردی و جمعی میتوان نشانه های اوّلیّهٔ قدرت غیر قابل تردید اجتماع سازی امر حضرت بهاالله را ملاحظه نمود. پس جای تعجّب نیست که دفاتر جامعهٔ بین المللی بهائی در کوششهای خود برای مشارکت در گفتمانهای متداول در اجتماع از چنین موارد اقدام اجتماعی، اعمّ از ساده یا پیشرفته و کوتاه مدّت یا درازمدّت، الهام میگیرند. این میدان دیگری از مجهودات امر مبارک میباشد که پیشرفت قابل توجّهی نموده است. در سطح ملّی، مشارکت در گفتمانهای هدفمند اجتماع از جمله تساوی زن و مرد، مهاجرت و ائتلاف، نقش جوانان در تقلیب اجتماعی، همزیستی بین ادیان، و غیره با اطمینان، کارآیی و بینشی روزافزون انجام میگیرد. به علاوه، احبّا از هر سنّ و پیشینه، هر جا که ساکن میباشند، کار میکنند، و یا درس میخوانند، کمکهای ارزشمندی به گفتمانهای خاصّ نموده توجّه اطرافیانشان را به دیدگاه والایی جلب مینمایند که بر اصول و تعالیم ظهور وسیع حضرت بهاالله استوار است.

۲۰۱۸-۰۴-۲۱ ۹۰۹

مورد ۱۶ :

اعلام رسمی تاسیس سازمان توسعهٔ بین المللی بهائی در اسرائیل – اقدام اجتماعی – جاسوسی :::

بدین ترتیب بار دیگر نیروهایی در داخل و خارج از امر مبارک ظهور مرحلهٔ جدیدی را در کار توسعهٔاجتماعی و اقتصادی در عالم بهائی ممکن ساخته است. لذا در این ایّام مبارک جشنهای میلاد دو مظهر ظهور الهی با نهایت خوشوقتی اعلام میداریم که دفتر توسعهٔ اجتماعی و اقتصادی اکنون به صورت مؤسّسهٔ جهانشمول جدیدی مستقرّ در مرکز جهانی تحت عنوان سازمان توسعهٔ بین المللی بهائی شکوفا میگردد. بعلاوه، یک صندوق توسعهٔ بهائی تأسیس خواهد شد که این سازمان جدید از آن برای کمک به فعّالیّتهای توسعه در سراسر جهان، اعمّ از طرحهای درازمدّت و یا جدید، استفاده خواهد کرد. این صندوق توسّط بیت العدل اعظم حمایت خواهد شد و افراد و مؤسّسات میتوانند به آن تبرّع نمایند. یک هیئت مدیرهٔ پنج نفره منصوب خواهد شد که در مقام هیئتی مشورتی به منظور پیشبرد و هماهنگی مجهودات جامعهٔ جهانی در زمینهٔ توسعهٔ اجتماعی و اقتصادی انجام وظیفه خواهد نمود. دورهٔ خدمت این هیئت مدیره پنج سال خواهد بود که از یوم میثاق آغاز میگردد. به منظور هماهنگی و انسجام فعّالیّتهای توسعه با مجهودات متعدّد عالم بهائی، این هیئت که در قلب روحانی و اداری امر مبارک خدمت میکند با بیت العدل اعظم و دارالتّبلیغ بین المللی مشورت خواهد کرد. این مؤسّسهٔ جدید با عهده دار شدن وظایف و اموری که قبلاً توسّط دفتر توسعهٔ اجتماعی و اقتصادی انجام میشد کار خود را آغاز خواهد کرد و به تدریج قابلیّت آن افزایش یافته این وظایف را در مقیاسی وسیع و در سطوحی بالاتر و پیشرفته تر انجام خواهد داد و با تقویت مساعی افراد، جوامع، و مؤسّسات بهائی در سراسر جهان، دامنهٔ اقدامات آنها را گسترش داده تحکیم میبخشد. از جمله با ایجاد نهادهای جدید و پیدایش سازمانهای توسعهٔ پیشرفته، این مؤسّسه به تقویت قابلیّت تشکیلاتی توسعهٔ اجتماعی و اقتصادی در جوامع ملّی کمک خواهد کرد و رویکردهای توسعه و روشهایی را که در این راستا مؤثّر واقع شده در مقیاسی بین المللی ترویج خواهد داد. این مؤسّسه راجع به آخرین یافته ها در زمینهٔ توسعه، مطّلع خواهد ماند و

کاربرد آنها را در تطبیق با اصول روحانی با کمک بهائیان کارآزموده در زمینه های مربوطه بررسی خواهد نمود. در سراسر قارّات عالم شبکه هایی از افراد کاردان و مؤسّساتی با تمهیداتی که برای انجام خطوط عمل گوناگونش مورد نیاز است تشکیل خواهد داد. مهمتر آنکه مانند دفتر سابق توسعهٔ اجتماعی و اقتصادی، هدف اوّلیّهٔ این سازمان تسهیل یادگیری در بارهٔ توسعه از طریق ترویج و حمایتِ عمل، تأمّل در عمل، مطالعه، مشورت، جمع آوری و سیستماتیک کردن تجربه، مفهوم سازی، و آموزش است که همه با توجّه به تعالیم امر مبارک انجام میشود.

۲۰۱۸-۱۱-۰۹ ۹۱۷

نکات :

۱ – تبدیل دفتر طرح و توسعه در سال ۲۰۱۸ به " سازمان توسعهٔ بین المللی بهائی "

۲ – تامین مالی فعالیتهای این سازمان توسط " یک صندوق توسعهٔ بهائی تأسیس خواهد شد "

۳ – رابطه سیستماتیک جامعه جهانی بهایی در سازمان ملل " bic " با سازمان توسعه بین المللی بهایی

۴ – سه ضلع جامعه جهانی بهایی در آمریکا – نیویرک و سازمان توسعه بین المللی بهایی در اسرائیل حیفا و موسسه آموزش ملی در سطح ملی کشورها مهمترین عامل هماهنگ بیت العدل برای نیل به اهداف نقشه های بیت العدل و فلسطینیزه کردن کشوهاست

۵ – هدف از فرایند این سه ضلع " تقویت قابلیّت تشکیلاتی توسعهٔ اجتماعی و اقتصادی در جوامع ملّی " به عبارتی تقویت حکومت موازی است .

۶ – بهانه طرح های توسعه پوششی برای توسعه منابع انسانی و حکومت موازی است مستند به این جمله

" این مؤسّسه راجع به آخرین یافته ها در زمینهٔ توسعه، مطّلع خواهد ماند و کاربرد آنها را در تطبیق با اصول روحانی با کمک بهائیان کارآزموده در زمینه های مربوطه بررسی خواهد نمود "

۷ – سازمان توسعه بین الملل بهایی همان " دفتر سابق توسعهٔ اجتماعی و اقتصادی " می باشد

۸ – اهداف اولیه سازمان : " هدف اوّلیّهٔ این سازمان تسهیل یادگیری در بارهٔ توسعه از طریق ترویج و حمایتِ عمل، تأمّل در عمل، مطالعه، مشورت، جمع آوری و سیستماتیک کردن تجربه ((جاسوسی)) ، مفهوم سازی، و آموزش است که همه با توجّه به تعالیم امر مبارک ((توسعه پوششی برای توسعه منابع انسانی حکومت موازی)) انجام میشود."

مورد ۱۷ :

محدوده جغرافیایی نقش نهاد امنیتی در آن مشاورین وو – برنامه رشد – موسسه آموزشی – اقدام اجتماعی و اقدام اساسی گفتمان هدفمند ::::

این بررسی مختصر البتّه نمی تواند میزان کامل تقلیبِ در حال وقوع را منعکس نماید. چشم انداز دو سالی که از نقشه باقی مانده درخشان است. انتشار وسیع تجربه های آموخته شده از برنامه های فشردهٔ رشد در آن دسته از محدوده های جغرافیایی که برحسب انتظارمان گنجینه ای از آموخته ها و ذخیره ای از منابع شده اند، باعث حصول توفیقات زیادی در سال گذشته شده است. دارالتّبلیغ بین المللی، مشاورین قارّهای و معاونین خستگی ناپذیرشان برای اینکه احبّا در همهٔ نقاط جهان بتوانند از این تسریعِ یادگیری بهره مند گردند تا بینشهای کسب شده را در رابطه با واقعیّتهای محیط خود به کار گیرند از هیچ اقدامی فروگذار نکرده اند. موجب خرسندی است که در تعداد فزایندهای از محدوده های جغرافیایی، و در محلّه ها و دهکده های آنها، یک هستهٔ مرکزی از دوستان شکل گرفته که با عمل و تأمّل درمی یابند که برای پیشرفت فرایند رشد در محیط اطرافشان در هر زمان چه اقدامی مورد نیاز است. این دوستان از وسیلهٔ قدرتمند مؤسّسهٔ آموزشی که از طریق آن قابلیّت کمک به رفاه معنوی و مادّی جامعه تقویت میگردد بهره میگیرند و در ضمنِ عمل، تعداد کسانی که به آنان می پیوندند افزایش مییابد. شرایط و خصوصیّات رشد طبیعتاً از محل تا محل بسیار متفاوت است. امّا با جدّ و جهد منظّم، همه میتوانند مشارکت بیش از پیش مؤثّری در این فعّالیّتها داشته باشند. در هر محیطی، مبادرت به گفتگویی هدفمند و متعالی با دیگر نفوس که سریعاً یا تدریجاً موجب برانگیختن استعداهای روحانی میشود، بسیار سرورانگیز است.

۲۰۱۹-۰۴-۲۱ ۹۲۱

مورد ۱۸ :

اقدام اساسی – اقدام اجتماعی – موسسه آموزشی ::::

چطور دوستانی در مقام هستهٔ مرکزی یک گروهِ در حال تزاید میتوانند الگوی فعّالیّتِ در حال رشد را به وجود آورند، چطور کودکان میتوانند به کلاس بالاتر و نوجوانان به مطالعهٔ متن بعدی آموزش ارتقا یافته صفات و خصایص اخلاقی و روحانی خویش را بیشتر پرورش دهند، چطور دوره های مؤسّسهٔ آموزشی میتواند موجب دستیابی به مهارتها و قابلیّتهایی گردد که بسیار مورد نیاز است، چطور میتوان مسیر خدمت را گسترش داد تا تعداد بیشتری را پذیرا باشد، چطور امید راستین به بهبود اجتماع را میتوان در عمل به منصّهٔ ظهور رساند، و چطور تمام بندگان خدا میتوانند از ظهور جدیدش الهام گیرند و چگونه نفوس مستعدّ و علاقمند را میتوان دعوت نمود که به امر جمال ابهی منتسب شوند.

۲۰۱۹-۱۰-۲۴ ۹۲۶

مورد ۱۹ :

اقدام اجتماعی ::::

همانطور که مطّلعید اوضاع نگران کنندهای که مردم جهان با آن رو به رو هستند و مشکلات پی در پی حاصله از عدم اتّحاد در درون ملّتها و بین ملّتها موضوعی بارز و آشکار در پیامهای بیت العدل اعظم بوده است. بهائیان البتّه

همواره اوضاع جهان را مدّ نظر دارند. رفاه عالم انسانی و صلح و آرامش آن آرزوی همیشگی همهٔ کسانی است که این پند حضرت بهاالله را به گوش جان شنیده اند که میفرمایند امروز را نگران باشید و سخن از امروز رانید. بعلاوه، کاملاً بدیهی است که اشتیاق احبّا برای کمک به اصلاح و بهبود عالم انسانی و مشارکت سازنده در حیات اجتماع به هیچ وجه با عدم مداخلهٔ آنان در امور سیاسی در تضاد نیست. اگرچه آگاهی از شداید و مشقّاتی که بسیاری از مردم را مبتلا ساخته موجب افزایش تعهّد به تغییر بنیادین اجتماعی میگردد، ولی فعّالیّتی سیاسی از جانب بهائیان صرفاً موجب تضعیف قوای جامعه و مانع تحقّق این تغییر خواهد گشت. تغییر باید از تحوّل روحانی اجتماع ناشی گردد. بیت العدل اعظم در پیام ۲ مارس ۲۰۱۳ خطاب به بهائیان ایران این موضوع را مورد بررسی بیشتری قرار داده اند، پیامی که بسیاری از جوامع بهائی مراجعهٔ مکرّر به آن را مفید یافته اند. معهد اعلی مقرّر فرموده اند نکات بیشتری را در مورد موضوعی که کاملاً به این مسئله مربوط می گردد به اطّلاع شما برسانیم. این نامه را میتوانید به هر طریقی که صلاح میدانید با احبّا در میان گذارید.

۲۰۱۹-۱۲-۰۱ ۹۲۸

مورد ۲۰ :

اقدام اجتماعی – جامعه سازی امر بها الله :::

اصول و نصایحی که راهنمای اقدامات شماست به خوبی از آثار حضرت عبدالبها و حضرت ولیّ امرالله بر شما معلوم است. مفاهیم و روش های تقلیبِ اجتماعی که در سلسله نقشه های کنونی شکل گرفته اند و می توانند برای ترویج وحدت نژادی در بستر جامعه سازی، اقدام اجتماعی و مشارکت در گفتمان های اجتماع به کار گرفته شوند در پیام های این جمع به تفصیل بیان گردیده اند. بر هر مؤمن ثابت قدم است که در مقام مروّج اصل وحدت عالم انسانی که اساس تعالیم حضرت بهاالله است، .... هر محلّه و فضای اجتماعی را که در آن به قصد ایجاد قابلیّت برای جاری ساختن نیروی اجتماع سازِ امر حضرت بهاالله سِیر می کنید از این عشق سرشار نمایید و تا زمانی که نتیجهٔ مقدّر حاصل نشده میاسایید

۲۰۲۰-۰۷-۲۲ ۹۳۸

مورد ۲۱ :

اعتراف به نقش دفتر توسعهٔ اجتماعی و اقتصادیِ بیت العدل اعظم در تمام دنیا از اسرائیل – جاسوسی :: تمام اطلاعات اقدامات اجتماعی از سراسر عالم طی سی سال گذشته قرائت منطقه شده رفته اسرائیل داخل این دفترو ارتباط تنگاتنگ این موسسه با موسسه آموزشی در ایران ::::

با پیشرفت مستمرّ ترویج و تحکیم در سال گذشته، کوشش در سایر عرصه های مهم نیز غالباً به موازات آنها پیش رفته است. یکی از بارزترین نمونه ها آنست که پیشرفتهایی که در سطح فرهنگِ برخی از دهکده ها و محلّه ها مشاهده میگردد تا حدّی مدیون آموخته های ناشی از مشارکت بهائیان در اقدام اجتماعی است. دفتر توسعهٔ اجتماعی

و اقتصادیِ بیت العدل اعظم اخیراً سندی در این زمینه تهیّه نموده که حاوی عصارهٔ تجربهٔ سی ساله، یعنی از ابتدای تأسیس آن دفتر در مرکز جهانی بهائی تا امروز است. از جمله نکات مذکور در این سند این است که فرایند مؤسّسهٔ آموزشی تا چه حدّ به مشارکت در اقدام اجتماعی نیز تحرّک میبخشد. این امر به تنهایی در اثر افزایش منابع انسانی صورت نمی پذیرد بلکه تجربه نشان داده است که بینشهای روحانی و خصایص و تواناییهای منبعث از فرایند مؤسّسهٔ آموزشی به همان اندازه که برای کمک به فرایند رشد ضروری است برای مشارکت در اقدام اجتماعی نیز حائز اهمّیّت میباشد. نکتهٔ دیگری که در این سند توضیح داده شده این است که چگونه یک چارچوب ذهنی مشترکِ در حال تکامل و متشکّل از عناصری که متقابلاً یکدیگر را تقویت میکنند، بر تمامی فعّالیّتهای جامعهٔ بهائی حکمفرما است هرچند این عناصر در عرصه های متمایزِ عمل جلوه های متفاوتی به خود میگیرند. سند مذکور اخیراً به محافل روحانی ملّی ارسال شده است. حال از آن محافل دعوت مینماییم که در مشورت با مشاورین این مسئله را مورد بررسی قرار دهند که چگونه مفاهیم مندرج در آن میتواند به پیشبرد مساعی جاری در عرصهٔ اقدام اجتماعی در مناطق تحت اشراف آنها کمک کند و آگاهی از این بُعد مهمِ مجهودات بهائی را افزایش دهد. این دعوت نباید به عنوان فراخوانی عمومی برای تلاشهای گسترده در این زمینه تعبیر گردد زیرا در یک جامعهٔ در حال رشد شروعِ اقدام اجتماعی به طور طبیعی صورت میپذیرد ولی

بجاست که احبّا در بارهٔ نتایج و مقتضیات مساعی خود در جهت تقلیب اجتماع عمیقتر به تفکّر و تأمّل پردازند. ازدیاد یادگیری در اقدام اجتماعی مشغلهٔ بیشتری برای دفتر توسعهٔ اجتماعی و اقتصادی ایجاد مینماید و تمهیداتی در دست تهیّه است تا عملیّات این دفتر به نحو متناسبی بسط و تکامل یابد.

۱ – ارتباط تنگاتنگ سازمانی موسسه آموزشی در تهیه محتوای اساسی و اجتماعی با موسسه طرح و توسعه اجتماعی در اسرائیل و استفاده از بانک سی ساله این مرکز در محدوده های جغرافیایی منطقه خود

۲ – اعتراف به ارتباط با کشور متخاصم

۳ – دقیقا این جمله یعنی در پوشش سوء استفاده از نقائص جوامع به بهانه رفع نیاز در پوشش اقدامات اجتماعی به هدف اجرای نقشه های بیت العدل و تصرف و تجاوز به سرزمین عمل کردن : " فرایند مؤسّسهٔ آموزشی تا چه حدّ به مشارکت در اقدام اجتماعی نیز تحرّک میبخشد "

۴ – این جمله یعنی نقض حاکمیت ملی و سلب تمامیت ارضی " سند مذکور اخیراً به محافل روحانی ملّی ارسال شده " آیا باید برای اقدامات فرهنگی و اقتصادی و اجتماعی از بیرون مرزها دخالت در جغرافیایی ممالک انجام داد ؟

۲۰۱۳-۰۴-۲۱ ۸۲۵

مورد ۲۲ :

تاسیس دفتر گفتمان عمومی در اسرائیل برای هندل کردن گفتمان اجتماعی در پروسه رشد ::::

مصائب احبّای ثابت قدم ایران به خصوص در چند ده های که از آغاز موج اخیر تضییقات میگذرد برادران و خواهران روحانی آنان را در سایر کشورها بر آن داشته تا به دفاع از حقوق آن مظلومان برخیزند. از جمله مواهب

گرانبهائی که به برکت این استقامت سازنده نصیب جامعهٔ جهانی بهائی شده، تأسیس شبکه ای چشمگیر از دفاتر مخصوص در سطح ملّی میباشد که به طور سیستماتیک با دولتها و سازمانهای جامعهٔ مدنی رابطه بر قرار ساخته است. به موازات توسعهٔ این دفاتر، فرایندهای نقشه های متوالی توانایی جامعه را برای مشارکت در گفتمانهای رایج در فضاهای گوناگون، از مکالمات شخصی تا اجتماعات بین المللی، افزایش داده است. در سطح مردمی، این کار از طریق همان رویکرد ارگانیک که موجب ازدیاد تدریجی اشتغال احبّا به اقدام اجتماعی میشود به طور طبیعی گسترش مییابد و هیچگونه تلاش خاصّی برای تحرّک بخشیدن به آن لازم نیست. امّا در سطح ملّی، شرکت در گفتمانهای رایج اکثراً مطمح نظر این دفاتر است که هماکنون در دهها جامعهٔ ملّی مشغول فعّالیّت هستند و بر طبق الگوی مؤثّر و آشنایِ عمل، تأمل، مشورت و مطالعه به کار خود ادامه میدهند. به منظور افزایش این گونه مجهودات و با هدف تسهیلِ یادگیری در این عرصه، و برای تضمین انسجام این اقدامات با سایر مساعی جامعهٔ بهائی، اخیراً در مرکز جهانی بهائی دفتر گفتمانهای عمومی را تأسیس نمودهایم تا با پیشبرد تدریجی و هماهنگسازی فعّالیّتها و تنظیم تجارب، محافل روحانی ملّی را در این میدان کمک نماید.

۲۰۱۳-۰۴-۲۱ ۸۲۵

مورد ۲۳ :

بسیاری از بهائیان از طریق شغل و حرفهٔ خود در اقدام اجتماعی و گفتمانهای عمومی مشارکت – استفاده از تجربیات انجمن مطالعات بهایی در گفتمانهای اجرایی:::::

بیت العدل اعظم مشاهده نموده اند که احبّا به نحو فزایندهای در محدوده های جغرافیاییای که فرایند رشد در آنها شدّت مییابد، در گفتمانهای اجتماع و در سطح ملّی در بارهٔ مواضیعی که محفل ملّی انتخاب مینماید اشتغال خواهند داشت. در عین حال ملاحظه نموده اند که بسیاری از بهائیان از طریق شغل و حرفهٔ خود در اقدام اجتماعی و گفتمانهای عمومی مشارکت دارند. هر فرد بهائی این فرصت را دارد که نیروهای عامل در اجتماع را بررسی کند و در گفتمانهای رایج در هر فضای اجتماعی که در آن حضور دارد جنبه های مرتبطی از تعالیم را ارائه دهد. مساعی انجمن مطالعات بهائی را شاید بتوان وسیلهای برای ازدیاد توانمندیهای احبّا در استفاده از چنین فرصتهایی در ارتباط با علایق پژوهشی آنان دانست. انجمن از طریق ایجاد فضاهای تخصّصی میتواند یادگیری را در بین طیف وسیعی از احبّا در عرصه گستردهای از رشته ها ترویج دهد. اندیشهٔ وجود یک چارچوب مفهومیِ در حال تکامل برای پیشبرد مجهودات ترویج و تحکیم، اقدام اجتماعی، و شرکت در گفتمانهای اجتماع حائز اهمّیّت بسیار است، قالبی که فکر را منظّم میکند، به فعّالیّتها شکل میبخشد و با اندوختن تجربه پیچیدهتر و کاملتر میگردد.

۲۰۱۳-۰۷-۲۴ ۸۳۲

مورد ۲۴ :

اقدام اجتماعی – فرمان متضاد بیت العدل به بهائیان ایران در سیاست دخالت نکنید – اقدام اجتماعی بکنید یعنی بر اندازی کنید :::::::

در پیام ۱۲ اسفند، بیت العدل اعظم دیدگاه دیانت بهائی را در بستر احتیاجات و شرایط جامعه در عصر حاضر برای مشارکت در تغییرات و تحولات اجتماعی با لزوم اجتناب از مداخله در امور سیاسی بیان نموده و چارچوبی را معین می کنند که در آن احبای عزیز می توانند در مورد چگونگی هم کاری با افراد، گروه ها، نهضت ها و یا سازمان هایی که آرمان ها و اهداف شان با اهداف دیانت بهائی هم سو می باشد تصمیم بگیرند. همان طور که در نامۀ مورخ ۲۴ دسامبر ذکر شده، احبای الهی با اجتناب از مداخله در سیاست های حزبی باید مسئلۀ شرکت در زمینۀ اقدامات اجتماعی خود را با
روحیۀ یادگیری دنبال نمایند.

۲۰۱۴-۱۲-۰۷ ۸۶۲

مورد ۲۵ :

فرمان به بهائیان ایران به تبلیغ (نشر مطالب موسسه روحی) و اقدام اجتماعی (زیر بلیط موسسه طرح و توسعه اسرائیل بودند) بر اندازی در ایران – حکومت طلبی ::::

احبای عزیز و مخلص ایران البته همواره مختارند هر پرسشی را که مایلند با معهد اعلی مطرح نمایند. تبلیغ امرالله جزئی از حیات بهائی و وسیله ای برای خدمت به عالم انسانی و طریقی برای کمک به استقرار مدنیت جهانی است. تبلیغ در معنای وسیع خود نشر نفحات الله، اعلا کلمه الله، کمک به التیامآلام بشری و نشانهای از روح نباض مومنین به این امر اعظم است. نور بخشیدن از خصایص ذاتی شمع است و نمیتوان از شمع خواست که نور نبخشد زیرا چنین انتظاری بدان معنا خواهد بود که از شمع خواسته شود تا موجودیت و هویت خود را نفی نماید. به همین منوال اشتیاق به رساندن پیام شفابخش الهی به نوع بشر از خصایص هر نفسی است که قلبش به نور ایمان منور است و نمی توان او را از این فضل و موهبت محروم نمود. به خاطر این مفاهیم عمیق روحانی است که تبلیغ امرالله در آثار حضرت بهاالله فریضه روحانی هر فرد محسوب می شود. در شرایط فعلی ایران که مسئولین امور به وسایل مختلفه متشبث شده و می کوشند تا به زعم باطل خویش جامعه بهائی را در مقام جامعه ای پویا و فعال ریشه کن سازند، تبلیغ انفرادی توأم با دیگر فعالیت های اجتماعی احبا لازمه استمرار وجود جامعه بهائی نیز می باشد

۲۰۱۵-۰۱-۱۹ ۸۶۵

مورد ۲۶ :

دفتر طرح و توسعه اقتصادی اجتماعی در اسرائیل ::::

فعّالیّتهای مختلف در زمینهٔ اقدام اجتماعی در بسیاری از کشورها همچنان در حال افزایش است و امکانات بسیاری را برای یادگیری در بارهٔ این نکته فراهم میسازد که چگونه حکمت مندمج در تعالیم الهی میتواند برای بهبود اوضاع اجتماعی و اقتصادی به کار گرفته شود؛ موفّقیّتهای کسب شده در این میدان آنچنان امیدوارکننده است که این جمع به تأسیس یک هیئت مشورتی بین المللی هفت نفره برای دفتر
توسعهٔ اجتماعی و اقتصادی اقدام نموده است، اقدامی که خود نمایانگر مرحلهٔ بعدی تکامل این دفتر میباشد. سه نفر از اعضای این هیئت بعد از سکونت در ارض اقدس در مقام گروه هماهنگ کنندهٔ امور این دفتر نیز انجام وظیفه خواهند نمود.

۲۰۱۵-۰۴-۲۱ ۸۶۹

مورد ۲۷ :

هدف نقشه ۵ ساله جدید اجرای برنامه رشد در هر سطحی در ۵۰۰۰ محدوده جغرافیایی کلاستر – پروتکل هفتگانه – اقدام اجتماعی – گفتمان اجتماعی :::::::

دستآوردهای چشمگیر نقشه شاهدی است گویا بر مسافت قابل توجّهی که تا کنون طیّ شده است. تحقّق هدف افزایش تعداد محدوده های جغرافیایی به پنجهزار که در هر کدام یک برنامهٔ رشد با هر سطحی از فشردگی در حال اجرا باشد در ماههای باقی مانده تا رضوان ۲۰۱۶ قابل حصول است. دهها محدودهٔ جغرافیایی موجودند که بیش از هزار و گاهی چندین هزار نفر از سکنهٔ آن در یک الگوی مستحکم فعّالیّت که مرتّباً تعداد بیشتری را در بر میگیرد مشارکت مینمایند و جوامعی را پرورش میدهند که عادات فکری و عملیاش از آثار حضرت بهاالله سرچشمه میگیرد. تا به حال نیممیلیون نفر در سراسر جهان توانستهاند حدّ اقلّ کتاب اوّل دورههای متسلسل را تکمیل نمایند، توفیقی خارق العاده که شالودهٔ محکمی را برای سیستم توسعهٔ منابع انسانی بنا نهاده است. بینشی قاطع از اینکه چگونه میتوان در بنای دنیایی جدید مشارکت نمود نسلی از جوانان را به میدان عمل آورده است. رهبران اجتماع در بعضی از نقاط جهان با شگفتی از آنچه مشاهده نمودهاند مؤکّداً از بهائیان میخواهند که برنامه های خود را برای تعلیم و تربیت افراد جوان وسعت دهند. مؤسّسات و نهادهای بهائی که با پیچیدگی روزافزون فعّالیّتها رو به رو هستند راههایی میجویند تا با گسترش همکاری و حمایت متقابل، مجهودات تعداد فزایندهای از دوستان را سازمان دهند. قابلیّت برای یادگیری که میراثی ارزشمند از نقشه های پیشین است از قلمرو ترویج و تحکیم فراتر رفته در حال گسترش به سایر مجهودات بهائی به خصوص اقدام اجتماعی و شرکت در گفتمانهای رایج در اجتماع است. این مشتاقان، جامعهٔ اسم اعظم را جامعه ای مستحکم مشاهده میکنند با موهبت توانایی و تجارب حاصله از دو دهه مجهوداتِ بیوقفهٔ متمرکز بر یک هدف مشترک: پیشبرد قابل ملاحظه ای در فرایند دخول افواج. شکّی نیست که این فرایند باید به مراتب پیشتر رود، معذلک توفیقات حاصله نشان میدهد که پیشرفتی قابل ملاحظه هماکنون حاصل شده است، پیشرفتی که یاران را در استفاده از قابلیّتهای خویش برای انجام وظایف سنگین تری آماده نموده، وظایفی که بر سنگینی کار مؤسّسهٔ شما نیز در صفآرایی دوستان برای برآوردن مستلزمات آن خواهد افزود. در نقشهٔ آینده که در شروع دومین قرن عصر تکوین امر الهی به پایان خواهد رسید از احبّای عزیز عالم

دعوت خواهیم نمود تا برای به ثمر رساندن بذرهایی که در طیّ پنج نقشهٔ قبلی با چنان پشتکار و محبّتی کاشته و آبیاری شده کوشش لازم را مبذول دارند.

-۲۰۱۵-۱۲-۲۹ ۸۷۶

مورد ۲۸ :

الگوی عمل : ۱ تعیین محدوده جغرافیایی – ۲ ایجاد هسته مرکزی در کلاستر همان d یا مهاجر ۳ – شروع اقدام به فرایند رشد الف اقدام اجتماعی و اقدام اساسی ۴ – محور اقدام اجتماعی تحت مدیریت موسسه طرح و توسعه اسرائیل ب : اقدام اساسی مفاد موسسه روحی در چهار عنوان – دعا اطفال نوجوانان بزرگسالان – ۵ گروه اول که آموختند نقش سمپات را دارند (ورود به میدان عمل) مهم : مرحله اول و مهاجر حتما در موسسه ملی آموزش قوی ترین مهارتها را دیده برای آموختنش مانند ۱۳ نفر ۲۰۰۱ به امارات رفتند برای آموزش یا سفر به اسرائیل بازداشتی های اخیر برای یادگیری روحی ۱۳ جامعه سازی ولی همین سری اولی ها که درگیر سمپاتی می شوند همان توئیتری هست که تجربه ندارد که کاویان صادق زاده میلانی می گوید ::::::::

تقویت الگوی عمل

به زودی یک هستهٔ مرکزی از دوستان در محدودهٔ جغرافیایی شکل میگیرد که با هم خدمت میکنند، با یکدیگر مشورت مینمایند، و به تنظیم فعّالیّتها میپردازند. برای پیشرفت بیشتر فرایند رشد، تعداد افرادی که چنین تعهّد مشترکی دارند باید زیادتر شود و قابلیّتشان نیز برای عمل سیستماتیک در چارچوب نقشه افزایش یابد. رشد، به مانند تکامل یک موجود زنده، در شرایط مناسب، میتواند با سرعت حاصل گردد.مهمترین این شرایط وجود یک فرایند آموزشی در حال تحکیم است که نقش عمدهای در حرکت جمعیّتها ایفا میکند. در این صورت، هم شمار کسانی که مطالعهٔ موادّ درسی مؤسّسهٔ آموزشی را آغاز میکنند افزایش مییابد و هم دوستانی که با شروع این مطالعه انرژی خود را همزمان صرف تشکیل کلاسهای کودکان، گروههای نوجوانان، جلسات دعای جمعی و یا فعّالیّتهای مربوطهٔ دیگر مینمایند، حمایت و مساعدت میشوند تا دوره های بعدی را تکمیل کنند. با تداوم حرکت افراد در دوره های مؤسّسه و ورودشان به میدان عمل، دایرهٔ کسانی که فرایند رشد را استمرار می بخشند گسترش مییابد. میزان پیشرفت تا حدّ زیادی بستگی به کیفیّت کوشش افرادی دارد که به عنوان راهنما خدمت میکنند. در این مرحلهٔ اوّلیّه، اکثر راهنمایان ممکن است هنوز از سایر محدوده های جغرافیایی باشند امّا در عین حال چند نفر از احبّای محلّی هم تعلیم می بینند تا با افزایش قابلیّت هایشان به دیگران برای مطالعهٔ موادّ درسی مؤسّسه کمک نمایند. تلاش برای آماده سازی اوّلین گروه راهنمایان از داخل محدوده باید مسیری رابرای عبور از میان دو پیامد نامطلوب بیابد. اگر دوره های مؤسّسه عجولانه به پایان رسد قابلیّت خدمت به حدّ کافی پرورش نمییابد و برعکس اگر مطالعهٔ این دورهها بیش از حدّ طولانی گردد پویایی لازم برای پیشرفت حاصل نمیشود. راه حلّهای مبتکرانه در موقعیّتهای مختلف به کار گرفته شده است تا تعادل لازم حاصل گردد و بعضی از ساکنین محدوده در طول مدّتی معقول قادر شوند به عنوان راهنما خدمت کنند.

-۲۰۱۵-۱۲-۲۹ ۸۷۶

مورد ۲۹ :

گفتمان اجتماعی – اقدام اجتماعی – مواردی از وضعیت کلاسترهای محدوه های جغرافیائی پیشرفته – نماد رشد ۳ ::::

آغاز تحرّکی جدید در زمینۀ اقدام اجتماعی یکی از نتایج طبیعی افزایش منابع و ازدیاد آگاهی از مقتضیات ظهور امر الهی برای زندگی یک جمعیّت است. برنامۀ توانِدهی روحانی به نوجوانان و یا مشاورات در بارۀ شرایط محلّی در گردهمایی های جامعه اغلب به طور ارگانیک موجب شروع اینچنین اقداماتی میشود. این مجهودات میتواند اشکال مختلفی به خود بگیرد مثلاً ارائۀ کمک تدریسی به کودکان، طرحهایی برای بهبود محیط زیست، و فعّالیّتهایی در جهت بهداشت بهتر و پیشگیری از بیماریها. بعضی از این ابتکارات تداوم مییابد و به تدریج رشد میکند. در نقاط مختلف، تأسیس مدرسۀ جامعه بعد از افزایش توجّه به آموزش صحیح کودکان و آگاهی به اهمّیّت آن به طور طبیعی از مطالعۀ موادّ مؤسّسه حاصل شده است. در مواقعی تلاشهای دوستان میتواند از طریق کار یک سازمان ملهم از تعالیم بهائی که در آن حوالی فعّالیّت میکند بسیار تقویت گردد. یک اقدام اجتماعی هر چقدر هم در ابتدا کوچک باشد نشانهایست از اینکه یک جمعیّت در درون خود قابلیّتی بسیار مهم را پرورش میدهد که
امکاناتی بیشمار و اهمّیّتی فراوان برای قرون آینده دارد: قابلیّت یادگیری اینکه چگونه میتوان تعالیم این ظهور اعظم را در ابعاد گوناگون حیات اجتماعی به کار گرفت. مجموعۀ این چنین ابتکاراتی به غنی کردن مشارکت در گفتمانهای متداول در اجتماع در سطح فردی و جمعی نیز کمک میکند و همان طور که انتظار میرفت دوستان بیش از پیش به اشتغال فزاینده در حیات اجتماع جلب میشوند پیشرفتی که بالقوّه از همان ابتدا در الگوی عمل یک محدودۀ جغرافیایی موجود میباشد امّا اکنون آشکارتر شده است.

۸۷۶ ۲۹-۱۲-۲۰۱۵-

مهم مورد ۳۰ :

جواز حضور در شورای شهر :

پیام بیت العدل خطاب به هیئتیاران – اجازه نفوذ در شورای شهر وو- توسعه – اقدام اجتماعی :::::

هیئت مجلله یاران ایران،

رقیمه مورخه ۱۰ آپریل۲۰۰۷ آن هیئت و ضمیمه آن سؤالاتی از آقای به این شطر واصل گردید. بیت العدل اعظم الهی مقرر فرمودند به شرح ذیل مرقوم گردد. امید چنان است که ابلاغ این مطالب به دیگر افراد جامعه نیز مورد توجه آن هیئت محترم قرار گیرد. در مورد انتخابات شورای شهر و شورای محله و اینکه آیایک فرد بهائی می تواند در چنین قسمت هایی خدمت نماید: خدمت بهائیان به عنوان عضوشورای شهر و یا شورای محله بستگی به ماهیت این سمت و ویژگی وظایف آن دارد. اگر وظایف به وضوح در چارچوب خدمت به عامه مردم و عاری از دخالت در سیاست حزبی باشد، قبول سمت از طرف احبا بالامانع است

۲۰۰۸-۰۵-۰۱ ۷۴۳

مورد ۳۱ :

اقدام اجتماعی – توسعه – تبلیغ هجومی – به بهانه تعلیم موارد بهداشتی طرح ملاقات همسایه هیوم ویزیت را اجرا می کردند تا وصل کنند به محتویات کتاب یک و دو روحی ::

در ارتباط با این قضیه، فکر میکنیم که مسئلهٔ دوره های انشعابی محتاج توضیح است. در پیام ۹ ژانویه ۲۰۰۱ خطاب به کنفرانس هیئتهای مشاورین قارّه ای ذکر کردیم که «دوره های متوالی اصلی را میتوان به تنهٔ درختی تشبیه کرد که دورههای دیگری را ــ که هر یک به فعالیّتهای ویژهای اختصاص یافته ــ چون شاخه های منشعب از خود حمایت میکند». مجموعه ای از جزوات در زمینهٔ بهداشت که در آفریقا در دست تهیه است برخی از مختصّات این دوره ها را به خوبی نشان میدهد. بعد از چند سال تعلیم کارمندان بخش بهداشت اجتماعی در اواخر دهه ۱۹۸۰ و آغاز دههٔ ۱۹۹۰، تعدادی از سازمانهای بهائی تصمیم به تهیهٔ یک سلسله واحدهای درسی گرفتند که هدف آن آماده کردن افراد در برخورد با مشکلات روزافزون و پیچیدهٔ بهداشت در سطح محلّی بود. وقتی استفاده از واحد اوّل در شکل ابتدایی آن شروع شد، فرایند مؤسّسهٔ آموزشی قوّت گرفته بود و به مرور روشن شد که کسانی که کتابهای اوّل و دوّم مؤسّسهٔ روحی را به اتمام رسانده بودند آمادگی بیشتری برای ملاقات افراد فامیل و دوستان و گفتگو در مورد مسائل بهداشتی داشتند. طرح این واحدهای درسی تعدیل شد تا بتواند به عنوان شاخه ای بعد از کتاب دوّم عرضه شود و شرکت کنندگان، در حین ادامهٔ دوره های اصلی، آن را مطالعه کنند. مجهوداتی که در این زمینه به عمل آمده بی تردید با موفّقیت کامل همراه بوده است.

۲۰۰۵-۱۲-۳۱ ۶۹۰

۱ – اقدام اجتماعی به بهانه بهداشت نفوذ در افراد فامیل و دوستان

مورد ۳۲ :

توسعه اجتماعی – اقدام اجتماعی ::::

به طور فزایندهای به امورات اجتماع پرداخته و انجام تعداد معتنابه از پروژههای توسعهٔ اجتماعی و اقتصادی را به عهده گرفته است. علی الخصوص بعد از آغاز عهد پنجم در سال ۲۰۰۱ ،جامعه گامهایقابل توجّهی برای ازدیاد نیروی انسانی خود از طریق برنامهٔ آموزشی که در سطح محلّی انجام میشود برداشته و به روشها و لوازمی برای پیاده کردن الگویی برای رشد مستمّر دست یافته است

۲۰۰۶-۰۴-۲۱ ۶۹۲

مورد ۳۳ :

دستگیری جوانان در شیراز – اعلام رسمی فعالیت اقدام اجتماعی – توسعه ::

شرح وقایع اخیر و دستگیری ۵۴ نفر از شما عزیزان در حین انجام خدمات اجتماعی و اقتصادی به اهالی کم بضاعت آن مدینه منوره واصل و موجب سرور و تسکین قلوب این جمع شد که الحمدلله به تأییدات حضرت بهاالله آن جوانان عزیز به دیدگاهی وسیع از اهداف ظهور مظهر کلی الهی واصل و هر یک از آن دلدادگان روی مهرویش در خدمت به عالم انسانی برای تحقق منویات الهیه موفق و مفتخرند.

۲۰۰۶-۱۱-۰۵ ۷۰۱

مورد ۳۴ :

موسسه آموزش :: اصل ارتباط با اسرائیل و گزارش بی آی سی – توسعه – وصل به گزارش ۲۱۰۸ بی آی سی ::::

۲-۴ توسعه ی اجتماعی-اقتصادی

قابل تذکر است که دفتر توسعه ی اجتماعی-اقتصادی با توجه به رهنمونهای بیت العدل اعظم به بعضی از مؤسسات آموزشی کمک میکند تا بُعد دیگری را به فعالیتهای خود بیفزایند. یعنی کارآموزی دادن در زمینه ی توسعه ی اجتماعی و اقتصادی و حتی در حیطه ی مدیریت طرحهای توسعهی اجتماعی و اقتصادی. فعلاً این کمک فقط محدود به چند کشور است. شرط لازم برای این فعالیت افزایش توانایی مؤسسه ی آموزشی است به سطحی که از استقلال بیشتری بر خوردار باشد.
اکنون که پایه های مرحله ی بعدی کار مؤسسه گذاشته شده است بیت العدل اعظم از محفل شما میخواهند که استقلال لازم برای جریان صحیح کار را به مؤسسه بدهید. پرورش نیروی انسانی برای توسعه و تحکیم جامعه و به منظور اجرا و اداره ی برنامه های توسعه ی اجتماعی و اقتصادی وظایف ساده ای نیست و مؤسسه ی آموزشی باید آزادی عمل لازم را داشته باشد تا بتواند مداوماً کار خود را بهبود بخشد.

۱۹۹۸-۰۴-۰۱ ۵۸۴

نکات :
۱ – تربیت افراد در حوزه اقدام اجتماعی در کنار اقدام اساسی در تعامل تنگاتنگ با موسسه طرح و توسعه اقتصادی و اجتماعی در اسرائیل
۲ – ایجاد مهارت برای رسیدن به تغییر بافت جمعیتی در پوشش اقدامات اجتماعی و ان جی او
۳ – اعتراف به ارتباط با نهادهای قانونی در اسرائیل و اجرای فرامین آن در کشور در حوزه های اجتماعی – اقتصادی – فرهنگی وو

مورد ۳۵ :

موسسه آموزشی :: اقدام اساسی و اقدام اجتماعی ::

از اوّلین هدفهای هر جامعه باید تأسیس کلاسهای اطفال و حلقه های مطالعاتی و جلسات دعا و مناجاتی باشد که به روی همهٔ ساکنان آن ناحیه باز باشد. به برقراری ضیافت نوزدهروزه باید توجّه لازم مبذول گردد و باید کوشش مداوم برای تقویت محافل محلّی انجام گیرد. زمانی که جوامع بتوانند فعّالیتهای اساسی حیات بهائی را مداوماً انجام دهند راه طبیعی برای ادامهٔ جریان تقویت و تحکیم آنان اجرای طرحهای سادهٔ اجتماعی و اقتصادی است، از قبیل طرح سوادآموزی، طرح ترقّی نسوان، طرح بهبود محیط زیست یا حتّی ساختن مدرسهٔ روستایی. با افزایش توانایی در جامعه باید محافل روحانی محلّی را تشویق کرد تا مسئولیت اجرای فعّالیتهای متنوّع تری را به عهده بگیرند.

۲۰۰۱-۰۱-۰۹ ۶۳۰

نکات :

۱ – اقدام اساسی و اقدام اجتماعی مندمج در هم

۲ – احصاء مصادیق اقدام اجتماعی

مورد ۳۶ :

موسسه آموزشی : اقدام اساسی و اقدام اجتماعی :: البتّه جامعه های بهائی مشغول فعّالیتهای لازم دیگر نیز از قبیل فعّالیتهای مربوط به اطّلاعات عمومی، کوششهای مربوط به اعلان عمومی امر، روابط خارجی، تهیه و انتشار آثار امری و برنامه های مکمّلی برای توسعهٔ اجتماعی و اقتصادی هستند. شکّ نیست که با طرح ریزی درست برنامه ها، به این امر خطیر نیز توجّه خواهد شد.

نکته :

برنامه های اقدام اجتماعی مکمل اقدام اساسی است

۲۰۰۱-۰۱-۰۹ ۶۳۰

مورد ۳۷ :

اقدامات انفرادی هم باید در سایه تشکیلات و هماهنگی تشکیلات باشد اقدامات دو گونه است انفرادی و سازمانی که هر دو باید زیر نظر تشکیلات صورت پذیرد – اقدام اجتماعی -:::

هیچ یک از دستاوردهای افراد و یا جامعه نمی تواند بدون تشویق و حمایت و هدایت سومین عامل نقشه، یعنی تشکیلات امری استمرار یابد. جای بسی دلگرمی است که تشکیلات تا چه حد ابتکارات شخصی را ترویج می دهند، قوا را در جهت تبلیغ هدایت می کنند، ارزش اقدام سیستماتیک را گوشزد می نمایند، حیات روحانی جامعه را رونق می دهند و در ایجاد محیطی پرروح و ریحان می کوشند. در عمل یاد می گیرند که برای کمک به جامعه در راه حفظ تمرکز خود بر هدف نقشه، چطور وحدت نظر بین احبا را حفظ نمایند، مکانیسم هایی برای هماهنگ کردن مجهوداتشان به وجود آورند و منابع موجود را طبق اولویت هایی حکیمانه توزیع نمایند. این اولویت ها البته فعالیت هایی را که به مهارت های تخصصی افراد محتاج است نیز شامل می شود. آنچه علی الخصوص در میان

این قبیل فعالیت ها شایان تذکر می باشد ارتباط با اولیای امور است که محافل روحانی ملی با جدیت آن را دنبال می کنند و اقداماتی در زمینه ی توسعه ی اقتصادی و اجتماعی است، مثل آنچه به وسیله ی سازمان های ملهم از تعالیم بهائی انجام می شود. تشکیلات به این گونه نیازها رسیدگی می کند و کفایت خود را در هدایت مجهودات قاطبه ی احبا در جهت اجرای اقدامات اساسی نقشه افزایش می دهد.

۲۰۰۵-۱۲-۲۷ ۶۸۸

۱ – عوامل نقشه : سومین عامل نقشه تشکیلات امری
۲ – ارتباط محافل با اولیا امور برای اقدامات اجتماعی در راستای اقدام اساسی
۳ – اقدام اجتماعی توسط سازمانهای ملهم از تعالیم بهایی انجام می شود

مورد ۳۸ :

دستگیری جوانان در شیراز – دروغ بیت العدل در فیلم ادعیه محبوبه می خوانند در اینجا می گوید خدمات اجتماعی ربطی به تبلیغ ندارد ::::

لازمه عرفان مقام حضرت بهاالله و درک مقصود نهایی ظهور آن حضرت نه تنها ایمان، سعی در تمسک به حیات بهائی و تبلیغ امرالله، بلکه ایجاد روحیه خدمت صمیمانه به نوع بشر است. همان طور که مطلع هستید خدمات بهائیان در زمینه های توسعه اقتصادی و اجتماعی به توده مردم که جزیی از حیات بهائی محسوب می شود با فعالیت های تبلیغی آنان کاملاً متفاوت است.

۲۰۰۶-۱۱-۰۵ ۷۰۱

مورد ۳۹ :

فرمان به دانشجویان بهایی به اجرای نقشه قسمت اقدام اجتماعی توسعه ::::

هدف آن قهرمانان شجاع امر مبارک سازندگی، تقویت و بهبود تار و پود اجتماع زادگاه خود بود و به این نیّت به تأسیس مدارس برای تعلیم و تربیت یکسان دختران و پسران، ارائهٔ اصول و عقاید جدید مترقّیانه، ترویج علوم و فنون، ارائهٔ کمک های مهم در زمینه های مختلف از قبیل کشاورزی، بهداشت و صنایع موفّق شدند – اقداماتی که منافع آن متوجّه تمامی ملّت بود. شما عزیزان نیز سعی در خدمت به وطن مألوف و کمک به احیای تمدّنش دارید.

۲۰۰۷-۰۹-۰۹ ۷۲۲

مورد ۱ – ۴۰ :

امر بیت العدل به جوانان ایران برای اجرای قسمت اقدام اجتماعی توسعه نقشه ::::

جوانان عزیز بهائی مهد امرالله باید آگاه و مشعوف باشند که روز تبلیغ امرالله و دعوت نزدیکان و هم نسلان قابل اعتمادشان به حلقه های مطالعه و جلسات دعا در آن سرزمین مقدّس فرا رسیده است اهمّیت و فوریت این خدمت عظیم به دلائلی بی شمار نمایان است و این فرصت گرانمایه را نباید از دست داد زیرا که انجام آن شرط وفا در بندگی جمال اقدس ابهی و پادشاهی در ملکوت اعلی است. اگرچه جوانان عزیز بهائی موقّتاً از کسب تحصیلات عالیه در دانشگاههای دولتی محرومند، ولی اوّلاً هر روز تعداد فزاینده ای از آنها موّفق به تحصیل در دانشگاه علمی آزاد می شوند و ثانیاً بدون شک از طرق دیگر مشغول کمک به پیشرفت وطن عزیز خود در زمینه های توسعه اقتصادی، اجتماعی، اخلاقی و خانوادگی هستند و از این راه نه تنها به ملّت ایران بلکه به مردم جهان نشان می دهند که چطور علی رغم تضییقات متتابعه و ستمهای وارده با استفاضه از پیام روح بخش حضرت بهاالله در مساعی خود برای کسب عزّت و منقبت کشور مقدّس ایران جاهدند. اهمّیت تاریخی و اثرات عمیق این فداکاریها و از خود گذشتگیها برای پیشرفت عالم گیر امر مبارک در آینده روشنتر خواهد شد.

۲۰۰۷-۰۹-۱۳ ۷۲۳

۱ -دخالت در امور داخلی ایران – سلب حاکمیت ملی
۲ – حکومت موازی توسط نیروهای فرا منطقه ای
۳ – تحریک جوانان به اقدامات پوششی اجتماعی برای وصول به اهداف نقشه
۴- دانشگاه بیهه

مورد ۲ – ۴۰ :

اقدام اجتماعی – گفتمان – توسعه ::::

از اساسی ترین آنها نیاز مبرم به رفع موانع پیشرفت زنان در جامعه می باشد. تساوی حقوق زن و مرد برای شما امری ساخته و پرداختهٔ دنیای غرب نیست بلکه حقیقتی روحانی و همگانی و جنبهای از ماهیّت نوع انسان است که صد و پنجاه سال پیش حضرت بهاالله آن را در وطن خویش، ایران، تعلیم فرمودند. احترام به حقوق زنان و پذیرفتن برابری آن با حقوق مردان از مستلزمات عدالت اجتماعی و موجب تقویت و استحکام زندگی خانوادگی است
۱ – گفتمان زنان

۲۰۰۸-۰۶-۲۰ ۷۵۰

مورد ۴۱ :

توسعه – دفتر طرح و توسعه اجتماعی در اسرائیل دقیقا در همین سال تاسیس شد – به بهانه پاسخ به این سوال که اظهار نظر سیاسی بکنیم یا نه دارد اقدام اجتماعی را به خورد مخاطب می دهد :::::

وقتی جامعه ی بهائی کوچک بود، مشارکتش در رفاه اجتماعی طبیعتاً محدود بود. در سال ۱۹۸۳ بیت العدل اعظم اعلام فرمودند که رشد امر بهائی سبب شده مشارکت بیشتر در حیات جامعه ی عمومی عالم لازم اید. شرکت بهائیان در امر توسعه ی اجتماعی و اقتصادی از طریق فعالیت هایی که ازلحاظ میزان پیچیدگی متغیّر بود، به نحوی منظم تر آغاز گردید. مجهودات برای مشارکت در تحوّل اجتماعی، شرکت در گفتگوهای عمومی درباره ی موضوعات مورد علاقه ی عالم انسانی، مانند صلح، امحا کلیه انواع تعصّبات، تواندهی روحانی و اخلاقی نوجوانان و جوانان، و ترویج عدالت را نیزشامل می شود. این دو نوع فعالیت، در طول بیست و پنج سال گذشته، دائماً منظماً تزاید یافت و از لحاظ ابعاد و نفوذ در آتیه ی ایام همچنان رشد و گسترش خواهد یافت.

۲۰۰۸-۱۲-۲۳ ۷۵۸

نکات :

مصادیق اقدامات اجتماعی

مورد ۴۲ :

توسعه – دفتر طرح و توسعه اجتماعی در اسرائیل دقیقا در همین سال تاسیس شد – به بهانه پاسخ به این سوال که اظهار نظر سیاسی بکنیم یا نه دارد اقدام اجتماعی را به خورد مخاطب می دهد :::::

مشارکت در اقدام و گفتگوی اجتماعی، گاهی اوقات، مستلزم آن است که بهائیان با بسط خط مشی عمومی مرتبط شوند. در این رابطه، اصطلاح سیاست به معنای خط مشی ()، مانند اصطلاح سیاست به معنای اعم آن ()، دارای معنایی وسیع است. بهائیان در عین احتراز از بحث های سیاسی مرتبط با روابط سیاسی بین ملل یا امور سیاسی حزبی درون یک کشور، بلا تردید در تدوین و اجرای سیاست هایی (خط مشی هایی) که به بعضی علایق اجتماعی می پردازد شرکت می کنند. نمونه هایی از علایقی از این قبیل عبارت از صیانت از حقوق زنان، توسعه ی تعلیم و تربیت مؤثر برای شمول کلیه ی اطفال، محدود کردن انتشار امراض مسری، حفظ محیط زیست، و از بین بردن افراط و تفریط در فقر و ثروت است.

نکات :

مصادیق اقدامات اجتماعی

مورد ۴۳ :

می گوید مسئول تعهد می خواهند تا فعالیت نکنید می گویند می کنیم – اقدام اجتماعی – توسعه – اجرای نقشه ::::::::

از قرار معلوم بعضی از مسئولین امور خواستار آنند که عدّه ای از اعضای جامعهٔ بهائی کتباً تعهّد نمایند که اقدامات و فعّالیّت های فردی و جمعی نخواهند داشت و در صورت ارجاع خدمتی به ایشان از قبول آن امتناع خواهند ورزید. این اقدام، اگر صحّت داشته باشد، نمایانگر آن است که بعد از تعطیل کار هیئت های یاران و خادمین، گروهی از مقامات مسئول در صدد آن هستند که با اِعمال این قبیل فشارها، شما را از حیات بهائی و ابراز عقاید و منویّات وجدانی خویش باز دارند و برخلاف تعالیم ادیان الهی و موازین انسانی جمعی از شهروندان خود را در واقع خلع عقیده و اندیشه نمایند. قبول تعالیم حضرت بهاالله به معنای تعهّدی شخصی جهت تلاش در راه تکامل روحانی فردی، فعّالیّت های اجتماعی به منظور کمک به شکوفایی جامعه ای فعّال و پویا و کوشش برای بهزیستی و رفاه عمومی است. از جمله اقدامات جمعی جامعه، تمشیت امور مربوط به احوال شخصی، تشکیل ضیافات نوزده روزه و دیگر جلسات بهائی، کوشش در راه تعلیم و تربیت و آموزش و پرورش اطفال، نوجوانان، جوانان و بزرگسالان در زمینه های روحانی، علمی، هنری و اجتماعی و همچنین تشویق و حمایت از یکدیگر در این فعّالیّت ها و در راه خدمت به وطن و هموطنان عزیز میباشد. حقّ مسلّم هر انسانی، آزادی در راه کسب علم و عمل بر اساس عقاید شخصی در چارچوب اطاعت از قوانین مدنی و رعایت حکمت و ملاحظهٔ اوضاع اجتماعی است و هر اقدامی در جهت جلوگیری از این آزادی نقض آشکار حقوق بشر و مغایر میثاق نامه های بینالمللی و موازین عدالت اسلامی میباشد. با توجّه به این اصول اساسی، درخواست امضای تعهّد فوق به منزلهٔ تجاوز به حریم اندیشهٔ انسانی است.

۲۰۰۹_۰۳_۲۶ ۷۶۶

نکات
۱ – اقرار به اقدامات اجتماعی در ایران

مورد ۴۴ :

مهدی آباد شیراز – تجاوز به حقوق کودک – اقدام اجتماعی :::::

هدف اصلی این تلاشها اشاعه تعصّبات در بین مردم و دلسرد کردن بهائیان از مشارکت در فعّالیت های اجتماعی است و مسئولین امور در هر حال خواهند کوشید تا با مقاصد غرض آلود خود، حتّی شایسته ترین فعّالیت های احبّا را واژگون جلوه دهند. دستگیری و زندانی نمودن جوانان عزیز شیراز در سال ۲۰۰۶که به خدمات مورد علاقه و نیاز کودکانی از خانواده های بی بضاعت قیام کرده بودند از جمله شواهد بارز این روند است

۲۰۱۰_۰۱_۲۲ ۷۸۵

نکات :
۱ – فعالیت در اقدام اجتماعی رها و هاله هوشمند در شیراز
۲ – مندمج

مورد ۴۵ :

گفتمان اجتماعی – اقدام – نفوذ در سازمانهای بین المللی :::: جامعهٔ بهائی در طیّ دهها سال تجربیّات زیادی در این دو زمینه کسب کرده است. البتّه بسیاری از بهائیان از طریق شغل و حرفهٔ خود در اقدام اجتماعی و گفتمان های عمومی مشارکت دارند. تعدادی از سازمانهای غیر دولتی که از تعالیم بهائی الهام گرفته اند در حوزهٔ توسعهٔ اجتماعی و اقتصادی در سطح منطقه ای و ملّی برای بهبود اوضاع مردم خود فعّالیّت میکنند. بعضی از نهادهای وابسته به محافل روحانی ملّی از طرق مختلف به ترویج افکاری که در بهبود رفاه عمومی مؤثّر است، کمک مینمایند. در سطح بین المللی، نهادهایی مانند دفتر جامعهٔ بین المللی بهائی در سازمان ملل متّحد وظیفهٔ مشابهی را ایفا میکنند. دوستانی که با تودهٔ مردم فعّالیّت میکنند، تا حدّ لزوم و مطلوب از این تجربیّات و توانمندی برای رسیدگی به مسائل اجتماعی اطراف خود استفاده خواهند نمود.

۲۰۱۰-۰۴-۲۱ ۷۸۸

مورد ۴۶ :

تعریف اقدام اجتماعی ::::

اقدام اجتماعی به بهترین تعریف، طیفی از مجهوداتی است که میتواند از یک سو مساعی نسبتاً غیر رسمی و کوتاه مدّتی را که افراد یا گروههای کوچکی از احبّا انجام میدهند شامل شود و از سوی دیگر، برنامه های پیچیده و پیشرفتهٔ توسعهٔ اجتماعی و اقتصادی سازمانهای ملهم از تعالیم بهائی را در بر گیرد. هر نوع اقدام اجتماعی، صرف نظر از دامنه و مقیاس آن، کوششی برای به کارگیری تعالیم و اصول امر الهی به منظور اصلاح یک و یا بعضی از جنبه های حیات اجتماعی یا اقتصادی گروهی از مردم میباشد. به این ترتیب، شاخص این گونه مجهودات هدف صریح ترویج رفاه مادّی مردم و در عین حال سعادت معنوی آنها است. از جمله تعالیم اساسی دیانت بهائی آن است که تمدّن جهانی که اکنون در افق حیات بشری نمایان گردیده باید انسجامی پویا بین نیازهای مادّی و معنوی زندگی برقرار سازد.

۲۰۱۰-۰۴-۲۱ ۷۸۸

مورد ۴۷ :

محور نهاد امنیتی مشاورین – جامعه سازی امر مبارک – تبرعات – فرد جامعه موسسات – اقدام اساسی – اقدام اجتماعی :::::::::

یاران باوفای جمال قدم مترصّد و آماده اند. گردهمایی های تشکیلاتیِ ماه های اخیر در سراسر عالم همگی حاکی از اشتیاق فراوان برای شروع این مشروع عظیم بوده و مستلزمات مندرج در پیام این جمع خطاب به کنفرانس مشاورین هم اکنون به نقشه های عمل قاطع تبدیل میشود. مجهودات دلیرانهٔ ده ها سال جامعه را متبلور ساخته و

توانایی لازم برای رشد و توسعه را به آن اعطا نموده و برای این لحظه مهیّا ساخته است. علی الخصوص دو دهۀ گذشته به نحو قابل ملاحظه ای به این افزایش مطلوب در کارآیی امور سرعت بخشیده است. در این دوره، اتّخاذ یک چارچوب عملِ در حال بسط دوستان را قادر ساخته است تا مستمرّاً قابلیّتهای اساسی را پرورش و تلطیف نمایند، قابلیّتهایی که انجام خدمات ساده ای را موجب میشود که به نوبۀ خود به الگوهای مبسوط تر عمل می انجامد، الگوهایی که به نوبۀ خود توسعۀ قابلیّتهایی پیچیده تر را ایجاب مینماید. بدین ترتیب یک فرایند سیستماتیک پرورش منابع انسانی و جامعه سازی در هزاران محدودۀ جغرافیایی آغاز گشته و در بسیاری از آنها پیشرفت زیادی کرده است. تمرکز، تنها معطوف به افراد یا به جامعه و یا به مؤسّسات امری نبوده است بلکه قوای روحانی منبعث از بسط نقشۀ ملکوتی حضرت عبدالبها محرّک و مشوّقهر سه مشارکت کننده در شکوفایی نظم جدید جهانی میباشد. نشانه های پیشرفت این عوامل سه گانه بیش از پیش آشکار است

۲۰۱۶-۰۴-۲۱ ۸۸۴

مورد ۴۸ :

تبرعات – قرائت منطقه – اقدام اساسی – اجتماع سازی امر مبارک – ::::

در اعتمادی که مؤمنین بیشماری برای بیان شرح وقایع حیات حضرت بهاالله مذاکره در بارۀ مفاهیم ظهور آن حضرت و عهد و پیمان بی مانندش کسب نموده اند؛ در ازدیاد تعداد نفوسی که به امر مبارک جلب گردیده و در تحقّق بخشیدن به جهانبینی و اصول وحدتبخش آن حضرت مشارکت مینمایند؛ در توانایی بهائیان و دوستانشان در سطح جامعۀ محلّی برای توصیف گویا و واضح تجارب خود از

فرایندی که به تقلیب رفتار و تشکّل حیات اجتماعی می انجامد؛ در قیام تعداد چشمگیر و رو به افزایش مردم بومی کشورها که اکنون به عنوان اعضای مؤسّسات و نهادهای امری امور جوامع خود را هدایت میکنند؛ در تقدیم تبرّعات منظّمِ سخاوتمندانه و فداکارانه که برای تداوم پیشرفت امرالله جنبهای حیاتی دارد؛ در شکوفایی بی سابقۀ ابتکار فردی و اقدام جمعی جهت حمایت از فعّالیّتهای جامعه سازی؛ در شور و اشتیاق جمّ غفیری از نفوسِ از خودگذشته در عنفوان جوانی که مخصوصاً از طریق تعلیم و تربیت روحانی نسلهای جوانتر پویایی فراوان به این مشروع بخشیده است؛ در اعتلای روح ستایش و نیایش از طریق تشکیل جلسات دعا و مناجات؛ در افزایش قابلیّت اداری بهائی در همۀ سطوح؛ در آمادگی مؤسّسات، نهادها، و افراد برای فرایندانديشی، قرائت واقعیّت های موجود، و برآورد منابع خود در محلّی که زندگی میکنند و نقشه ریزی بر آن اساس؛ در خصیصۀ مطالعه، مشورت، عمل، و تأمّل که اکنون همه با آن آشنا هستند و موجب نضج یک گرایش طبیعی برای یادگیری شده است؛ در افزایش درک چگونگی عملی ساختن تعالیم مبارکه از طریق اقدام اجتماعی؛ در استفاده از فرصتهای فزاینده برای ارائۀ چشماندازهای بهائی در گفتمانهای رایج اجتماع؛ در آگاهی از اینکه جامعۀ جهانی بهائی جامعهای است که در تمامی مجهوداتش به دنبال سرعت بخشیدن به ظهور تمدّن الهی از طریق تجلّی نیروی قدرت

اجتماع سازی امر مبارک است؛ و بالاخره در آگاهی فزایندۀ دوستان از اینکه تلاش هایشان برای ایجاد تقلیب درونی، برای گسترش دایرۀ وحدت و اتّحاد، برای همکاری با دیگران در میدان خدمت، و برای مساعدت جمعیّتها

تا بتوانند مسئول پیشرفت روحانی و اجتماعی و اقتصادی خود باشند همه و همه در راه تحقّق اصلاح و بهبود عالم که همانا هدف اصلی نهاد دین الهی است میباشد

۲۰۱۶-۰۴-۲۱ ۸۸۴

فهرست عده ای از اعضای سازمان اطلاعاتی بهائیان بر مبنای رده سازمانی که در دهه ۶۰ اعدام شدند

[vc_row][vc_column css=”.vc_custom_1721832239161{background-color: #ddd7c7 !important;}”][vc_column_text]در فایل زیر که بهائیان خطاب به زیبا کلام لیست بهائیان اعدامی را ارائه کرده اند به ۷۰ نفر نمی رسد که در اسناد زیر حد اقل بیش از ۴۰ نفر از این اعدامی ها از کادر اطلاعاتی تشکیلات بهایی و مجریان نقشه هفت ساله بیت العدل ۱۹۷۹ الی ۱۹۸۶ بودند یعنی این افراد هم مسئول قرائت منطقه بودند برای نگاشتن نقشه و ارسال آن به اسرائیل و هم مجری اوامر صادره برای اجرای نقشه و رسیدن به اهداف نقشه که براندازی و رسیدن به حکومت بهایی در ایران در ابتدای دهه ۶۰ بودند

آمار اعدامی های بهایی خطاب به زیبا کلام سخنی با استاد علوم سیاسی دانشگاه طهران

فایل بهائیان ایران خطاب به زیبا کلام و تعداد ۷۲ نفر اعدامی بهایی از ابتدای انقلاب تا الان

اسامی و مشخصات زیر با توجه به رده سازمانیشان تحت عنوان مشاور قاره ای مانند مسیح فرهنگ و هیئت معاونین و مساعدین از سایت اسناد بهایی ستیزی در ایران استخراج شده است که مستقلا در مقاله ای اسناد مربوط به شرح وظایف این سازمان یعنی دار التبلیغ و زیر مجموعه اش شامل مشاورین معاونین و مساعدین به شرح زیر می باشد تقدیم می گردد :

۱ – متولی طراح اصلی نقشه های بر اندازانه که در مقر دائمی دار التبلیغ توسط همین نهاد طراحی می شود

۲ – متولی رشد عصبه انتصابی و موسسات بهائیان از حالت جنینی و نوزادی تا بلوغش که رسیدن موسسات اداری در کشورها به حکومت بهایی است بر عهده این سازمان و زیر مجموعه اش می باشد

۳ – نظارت بر اجرا و عملی کردن نقشه های بر اندازانه در کشورها

۴ – شان و وظیفه اطلاعاتی و جاسوسی در کلیه مواضع و موقعیتها در کل جهان

۵ – اقدامات خاص اطلاعاتی که در لینک زیر موجود است اعم از قرائت منطقه قبل از طراحی نقشه برای برنامه ریزی و کسب اطلاعات حین نقشه و راستی آزمایی آن با اقدامات اطلاعاتی پی در پی

۶ – مسئول صیانت و ضابط قضائی و برخورد سخت با افراد داخل و خارج تشکیلات مانند طرد روحانی و اقدامات ستیزه جویانه با بهائیان ارتدکس و طرح شکایت علیه منتقدینی مانند حسن ارشاد در مجامع بین المللی که لازمه اش اقدامات اطلاعاتی و جاسوسی می باشد

فهرست :

اعضای هیئت مشاورین قاره ای

اعضای هیئت معاونین

مجموعه مساعدین

اعضای معاونین مشاورین قاره ای از هیئت یاران که محرم و محکوم گردیدند

فیلم :

گزارش تصویری از تقریر همین مطالب در مجموعه مصاف (نجوا واحد سیاسی مصاف)

بررسی برخی از اسناد دلائل اعدام سران اولیه بهایی در
ابتدای انقلاب مانند مسیح فرهنگ مشاور قاره ای
و باند اطلاعاتی تحت امرش

لینک تلگرام :

https://t.me/naghdbahaiat/27728

لینک آپارات :

https://www.aparat.com/v/uzRDd

لینک صدا

https://t.me/mardomtve/2347

اعضای هیئت مشاورین قاره ای

معرفی اعضای سرویس جاسوسی و اطلاعاتی تشکیلات بهایی

عنوان سازمانی : عضو هیئت معاونت مشاور قاره ای دار التبلیغ مستقر در اسرائیل

نام : مسیح فرهنگی

اعدام دهه ۶۰

لینک :

https://iranbahaipersecution.bic.org/index.php/fa/archive/msyh-frhngy-dr-3-tyr-1360-dr-thran-tyrbaran-shd

معرفی اعضای سرویس جاسوسی و اطلاعاتی تشکیلات بهایی
عنوان سازمانی عضو مشاور قاره ای دار التبلیغ مستقر در اسرائیل
نام : مسیح فرهنگی

خانه اسناد
بهائی ستیزی در ایران

خانه | جستجوی پیشرفته

مسیح فرهنگی – در ۳ تیر ۱۳۶۰ در تهران تیرباران شد

شخصی، تهدید جانی وتهاجم، تصاویر شهدا
تهران
مسیح فرهنگی

۰۳ تیر ۱۳۶۰

فارسی English



مسیح فرهنگی

متولد ۱۲۹۱ در لرزین، نزدیک شهسوار، مازندران

در تاریخ ۳ تیر ۱۳۶۰ در تهران تیرباران شد

مسیح فرهنگی پزشکی زبردست بود و در رشت مطب داشت. در سال ۱۳۲۱ برای ترویج آئین بهائی با خانوادهٔ خود به عراق مهاجرت کرد و عضو محفل روحانی ملی[۱] عراق شد. چند سال بعد دولت عراق دستور داد عراق را ترک کند، و او به ایران بازگشت. از سال ۱۳۲۸ تا ۱۳۳۵ عضو محفل روحانی ملی ایران بود تا اینکه به ترکیه مهاجرت کرد و شش سال در آنجا اقامت داشت. در ترکیه هم به عضویت محفل روحانی ملی انتخاب شد. بعد از شش سال دوباره به ایران بازگشت و پس از مراجعت باز هم عضو محفل ملی ایران شد.

در سال ۱۳۴۷ به عضویت هیئت مشاورین قاره[۲] آسیا انتخاب شد و تا زمان بازداشت در این وظیفه مشغول به فعالیت بود. در دی ۱۳۵۸ بازداشت شد و به زندان اوین رفت. در روز ۳ تیر ۱۳۶۰ به همراه سه بهائی دیگر، بدیع الله فرید، یدالله پوستچی و ورقا تبیانیان (تبیانی) تیرباران شدند. اجسادشان در حضور صدها نفر در گورستان بهائی تهران به خاک سپرده شد.

(این معرفی کوتاه بر مبنای اطلاعاتی که در دسترس ما بوده تهیه شده است. اگر به نکته‌ای برخوردید که دقیق نیست و یا اطلاع مهمی ناگفته مانده است، لطفاً به نشانی ایمیل در صفحه تماس با ما بفرستید.)

[۱] **محفل روحانی ملی**: هیئتی متشکل از نه نفر که سالانه با رأی بهائیان بزرگسال در هر کشور انتخاب می‌شود و مسئول رسیدگی به امور جاری جامعه بهائی در آن کشور است.

[۲] **هیئت مشاورین قاره‌ای**: افرادی که با تصمیم بیت‌العدل اعظم برای دوره‌ای پنج ساله انتصاب می‌شوند و در حیطه فعالیتشان که شامل چندین کشور در یک قاره است به تشویق افراد و تحکیم جوامع بهائی می‌کوشند. مشاورین قاره‌ای در ارتباط با محافل روحانی ملی نقش مشورتی دارند.

معرفی اعضای سرویس جاسوسی و اطلاعاتی تشکیلات بهایی

عنوان سازمانی : مشاور قاره ای دار التبلیغ مستقر در اسرائیل

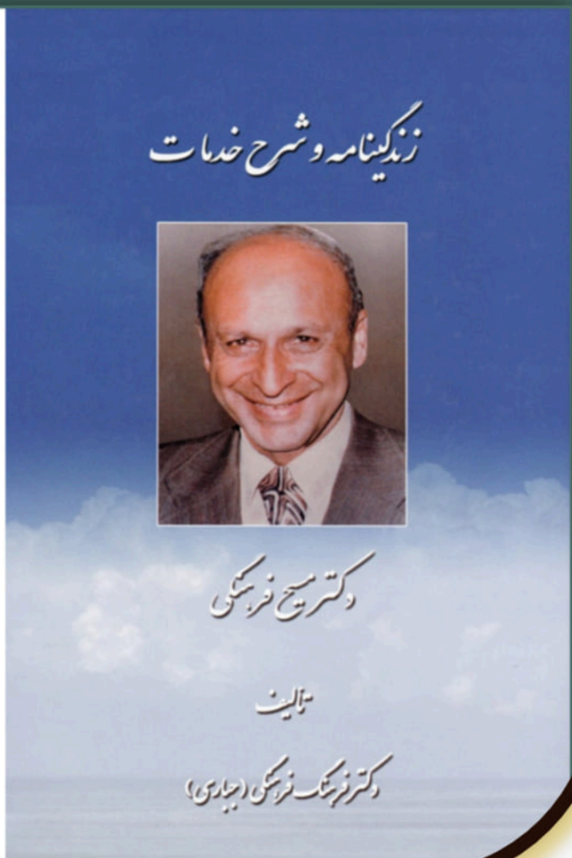
نام : دکتر مسیح فرهنگی

اعدام دهه ۶۰

لینک :

https://t.me/Bahainoorlibrary/6715

معرفی اعضای سرویس جاسوسی و اطلاعاتی تشکیلات بهایی
عنوان سازمانی : مشاور قاره ای دار التبلیغ
نام : دکتر مسیح فرهنگی



عنوان سازمانی : عضو هیئت معاونت مشاور قاره ای دار التبلیغ مستقر در اسرائیل

نام : مسیح فرهنگی

اعدام دهه ۶۰

لینک :

https://iranbahaipersecution.bic.org/index.php/fa/archive/msyh-frhngy-dr-3-tyr-1360-dr-thran-tyrbaran-shd

نام : دکتر مسیح فرهنگی

اعدام دهه ۶۰

لینک :

https://t.me/Bahainoorlibrary/6715

اعضای هیئت معاونین

معرفی اعضای سرویس جاسوسی و اطلاعاتی تشکیلات بهایی

عنوان سازمانی : معاون مشاور قاره ای

نام : ید الله محمود نژاد

اعدام دهه ۶۰

لینک :

/https://bahaichronicles.org/mona-mahmudnizhad

معرفی اعضای سرویس جاسوسی و اطلاعاتی تشکیلات بهایی
عنوان سازمانی : معاون مشاور قاره ای
نام : ید الله محمود نژاد

bahaichronicles.org/mo

family, he had a special love for Mona and would say, "Mona is the very child I have asked the Blessed Beauty to give me." The two developed a deep bond and grew together as Bahá'ís. In 1981, Mr. Mahmudnizhad was appointed as an Auxiliary Board Member for the Province of Pars, and was also elected Secretary of the Local Spiritual Assembly of the Bahá'ís of Shiraz. He was one of the most popular teachers in the Bahá'í school. Those who knew them closely said that Mona would often look deeply into her father's eyes in an almost meditative state and communicate with him silently. He was known as a man who was always smiling.



Mona's life ch

عنوان سازمانی : معاون مشاور قاره ای

نام : ید الله محمود نژاد

اعدام دهه ۶۰

لینک :

https://bahaichronicles.org/mona-mahmudnizhad/

معرفی اعضای سرویس جاسوسی و اطلاعاتی تشکیلات بهایی

عنوان سازمانی : هیئت معاونت مشاور قاره ای دار التبلیغ مستقر در اسرائیل

نام : یوسف عباسیان میلانی

اعدام دهه ۶۰

لینک :

https://iranbahaipersecution.bic.org/index.php/fa/archive/ywsf-basyan-mylany-dr-30-mrdad-1359-dr-thran-rbwdh-w-napdyd-shd



معرفی اعضای سرویس جاسوسی و اطلاعاتی تشکیلات بهایی
عنوان سازمانی : هیئت معاونت مشاور قاره ای دار التبلیغ مستقر در اسرائیل
نام : یوسف عباسیان میلانی

خانه اسناد
بهائی ستیزی در ایران

خانه | جستجوی پیشرفته

یوسف عباسیان میلانی - در ۳۰ مرداد ۱۳۵۹ در تهران ربوده و ناپدید شد

شخصی، قتل و اعدام، تصاویر شهدا
تهران
یوسف عباسیان میلانی

۳۰ مرداد ۱۳۵۹

فارسی English

یوسف عباسیان میلانی

متولد ۱۳۰۶ در عشق‌آباد

در تاریخ ۳۰ مرداد ۱۳۵۹ در تهران ربوده و ناپدید شد

یوسف عباسیان میلانی

متولد ۱۳۰۶ در عشق‌آباد

در تاریخ ۳۰ مرداد ۱۳۵۹ در تهران ربوده و ناپدید شد

یوسف عباسیان میلانی در یک خانوادهٔ بهائی متولد شد. در رشتهٔ دندانپزشکی دانشگاه تهران تحصیل کرد. در سال ۱۳۳۶ برای تخصص به ایالت متحده آمریکا رفت. در بازگشت به ایران به عضویت هیئت معاونت[۱] انتخاب شد.

در روز ۳۰ مرداد ۱۳۵۹ محفل روحانی ملی[۲] جلسهٔ مشترکی با او و یکی دیگر از اعضای هیئت معاونت، حشمت‌الله روحانی داشت. در حدود ساعت ۴ بعدازظهر، عده‌ای پاسدار به جلسه حمله کردند. او و دیگر اعضای محفل روحانی ملی ـ عبدالحسین تسلیمی، هوشنگ محمودی، ابراهیم رحمانی، حسین نجی، منوهر قائم مقامی، عطاءالله مقربی، یوسف قدیمی، کامبیز صادق زاده و بهیه نادری و عضو دیگر هیئت معاونین، حشمت‌الله روحانی را با خود بردند. بعد از آن هیچ نشانی از آنان به دست نیامد.

(این معرفی کوتاه بر مبنای اطلاعاتی که در دسترس ما بوده تهیه شده است. اگر به نکته‌ای برخوردید که دقیق نیست و یا اطلاع مهمی ناگفته مانده است، لطفاً به نشانی ایمیل در صفحه تماس با ما بفرستید.)

[۱] **هیئت معاونت:** افرادی که با تصمیم هیئت مشاورین قاره‌ای برای دوره‌ای پنج‌ساله انتصاب می‌شوند و در حیطه فعالیتشان که معمولاً شامل نواحی کوچک‌تر در یک کشور است، به تشویق افراد و تحکیم جوامع بهائی می‌کوشند. معاونین در ارتباط با محافل روحانی محلی نقش مشورتی دارند.

[۲] **محفل روحانی ملی:** هیئتی متشکل از نه نفر که سالانه با رأی بهائیان بزرگسال در هر کشور انتخاب می‌شود و مسئول رسیدگی به امور جاری جامعه بهائی در آن کشور است.

عنوان سازمانی : هیئت معاونت مشاور قاره ای دار التبلیغ مستقر در اسرائیل

نام : یوسف عباسیان میلانی

اعدام دهه ۶۰

لینک :

-https://iranbahaipersecution.bic.org/index.php/fa/archive/ywsf-basyan-mylany-dr-30
mrdad-1359-dr-thran-rbwdh-w-napdyd-shd

معرفی اعضای سرویس جاسوسی و اطلاعاتی تشکیلات بهایی
عنوان سازمانی : عضو هیئت معاونت مشاور قاره ای دار التبلیغ مستقر در اسرائیل
نام : حشمت الله روحانی

اعدام دهه ۶۰

لینک :

[-https://iranbahaipersecution.bic.org/index.php/fa/archive/hshmt-allh-rwhany-dr-30](https://iranbahaipersecution.bic.org/index.php/fa/archive/hshmt-allh-rwhany-dr-30-mrdad-1359-dr-thran-rbwdh-w-napdyd-shd)
[mrdad-1359-dr-thran-rbwdh-w-napdyd-shd](https://iranbahaipersecution.bic.org/index.php/fa/archive/hshmt-allh-rwhany-dr-30-mrdad-1359-dr-thran-rbwdh-w-napdyd-shd)

معرفی اعضای سرویس جاسوسی و اطلاعاتی تشکیلات بهایی
عنوان سازمانی : عضو هیئت معاونت مشاور قاره ای دار التبلیغ مستقر در اسرائیل
نام : حشمت الله روحانی

حشمت الله روحانی

متولد ۱۳۱۰ در نجف آباد، اصفهان

در تاریخ ۳۰ مرداد ۱۳۵۹ در تهران ربوده شد

حشمت الله روحانی در یک خانوادهٔ بهایی متولد شد. بعد از تکمیل دبستان و دبیرستان، تحصیلات پزشکی خود را در دانشگاه تهران به پایان رساند. سال‌ها به عنوان مدیر پزشکی در سازمان‌های مختلف دولتی در شهرهای کرج، ری و تهران خدمت کرد. در شهرهای کاشان و کرج به عنوان عضو محافل روحانی محلی[۱] انتخاب شد. سپس به عضویت هیئت معاونت[۲] در آمد و تا ساعتی که ربوده شد مشغول به فعالیت بود.

در روز ۳۰ مرداد ۱۳۵۹ جلسهٔ مشترک محفل روحانی ملی[۳] با او و یکی دیگر از اعضای هیئت معاونت، یوسف عباسیان برای مشورت درباره وضع بهائیان زندانی شدهٔ یزد و همدان تشکیل شد. در حدود ساعت ۴ بعدازظهر عده‌ای پاسدار به جلسه حمله کردند. اعضای محفل روحانی ملی ـ هوشنگ محمودی، عبدالحسین تسلیمی، ابراهیم رحمانی، حسین نجی، منوهر قائم مقامی، عطاءالله مقربی، یوسف قدیمی، کامبیز صادق زاده، بهیه نادری، به همراه او و یوسف عباسیان میلانی را با خود بردند. بعد از آن دیگر هیچ نشانی از آنان به دست نیامد.

(این معرفی کوتاه بر مبنای اطلاعاتی که در دسترس ما بوده تهیه شده است. اگر به نکته‌ای برخوردید که دقیق نیست و یا اطلاع مهمی ناگفته مانده است، لطفاً به نشانی ایمیل در صفحه تماس با ما بفرستید.)

[۱] **محفل روحانی محلی:** هیئتی متشکل از نه نفر که سالانه با رأی بهائیان بزرگسال در هر شهر یا روستا انتخاب می‌شود و مسئول رسیدگی به امور جاری جامعه بهائی در آن محل است.

[۲] **هیئت معاونت:** افرادی که با تصمیم هیئت مشاورین قاره‌ای برای دوره‌ای پنج‌ساله انتصاب می‌شوند و در حیطه فعالیتشان که معمولاً شامل نواحی کوچک‌تر در یک کشور است، به تشویق افراد و تحکیم جوامع بهائی می‌کوشند. معاونین در ارتباط با محافل روحانی محلی نقش مشورتی دارند.

۳ **محفل روحانی ملی:** هیئتی متشکل از نه نفر که سالانه با رأی بهائیان بزرگسال در هر کشور انتخاب می‌شود و مسئول رسیدگی به امور جاری جامعه بهائی آن کشور است.

خانه اسناد
بهائی ستیزی در ایران

خانه | جستجوی پیشرفته

حشمت الله روحانی - در ۳۰ مرداد ۱۳۵۹ در تهران ربوده و ناپدید شد

شخصی، قتل و اعدام، تصاویر شهدا
تهران
حشمت الله روحانی

۳۰ مرداد ۱۳۵۹

فارسی | English



حشمت الله روحانی

متولد ۱۳۱۰ در نجف آباد، اصفهان

در تاریخ ۳۰ مرداد ۱۳۵۹ در تهران ربوده شد

عنوان سازمانی : عضو هیئت معاونت مشاور قاره ای دار التبلیغ مستقر در اسرائیل

نام : حشمت الله روحانی

اعدام دهه ۶۰

لینک

https://iranbahaipersecution.bic.org/index.php/fa/archive/hshmt-allh-rwhany-dr-30-mrdad-1359-dr-thran-rbwdh-w-napdyd-shd

معرفی اعضای سرویس جاسوسی و اطلاعاتی تشکیلات بهایی
عنوان سازمانی : عضو هیئت معاونت مشاور قاره ای دار التبلیغ مستقر در اسرائیل
نام : ژینوس نعمت محمودی

اعدام دهه ۶۰

لینک :

https://iranbahaipersecution.bic.org/index.php/fa/archive/zhynws-nmt-mhmwdy-dr-6-dy-1360-dr-thran-tyrbaran-shd

معرفی اعضای سرویس جاسوسی و اطلاعاتی تشکیلات بهایی
عنوان سازمانی : عضو هیئت معاونت مشاور قاره ای دار التبلیغ مستقر در اسرائیل
نام : ژینوس نعمت محمودی

خانه اسناد بهائی ستیزی در ایران

خانه | جستجوی پیشرفته

ژینوس نعمت محمودی - در ۶ دی ۱۳۶۰ در تهران تیرباران شد

شخصی، قتل و اعدام، تصاویر شهدا
تهران
ژینوس نعمت محمودی

۰۶ دی ۱۳۶۰

فارسی English



ژینوس نعمت محمودی

متولد ۱۶ مرداد ۱۳۰۷ در تهران

در تاریخ ۶ دی ۱۳۶۰ در تهران تیرباران شد

ژینوس نعمت محمودی در یک خانوادهٔ بهائی به دنیا آمد. بعد از اتمام دبستان و دبیرستان، در دانشکدهٔ فیزیک دانشگاه تهران تحصیل کرد و فوق‌لیسانس هواشناسی گرفت. او اولین زن هواشناس ایران بود و در حرفه‌اش بسیار موفق شد. استاد دانشگاه تهران و رئیس مدرسهٔ هواشناسی و رئیس سازمان هواشناسی ایران بود. حاصل ۱۵ سال تحقیقات خود را در کتابی به نام اطلس جغرافیائی ایران منتشر کرد. پس از انقلاب اسلامی حقوق کاری و بازنشستگی او قطع شد.

در مقاطع مختلف عضو محفل روحانی محلی[۱] تهران و گوهردشت بود. در سال ۱۳۵۶ عضو هیئت معاونت[۲] برای تهران، همدان و قسمت غرب ایران شد. در ۳۰ مرداد ۱۳۵۹ همسرش، هوشنگ محمودی که عضو محفل روحانی ملی[۳] ایران بود، همراه با هشت عضو دیگر محفل و دو عضو هیئت معاونت ربوده و ناپدید شدند. ژینوس نعمت محمودی به عضویت دومین محفل روحانی ملی ایران انتخاب شد. کمی بیش از یک سال بعد، در ۲۲ آذر ۱۳۶۰ به همراه هفت عضو دیگر محفل ملی، کامران صمیمی، محمود مجذوب، جلال عزیزی، سیروس روشنی، عزت‌الله فروهی، قدرت الله روحانی و مهدی امین امین بازداشت شدند. دو هفته بعد در روز ۶ دی ۱۳۶۰ همگی تیرباران شدند. اجساد آنان را به خانواده‌هایشان تحویل ندادند و احتمالاً مأمورین دولتی آن‌ها را به خاک سپردند.

(این معرفی کوتاه بر مبنای اطلاعاتی که در دسترس ما بوده تهیه شده است. اگر به نکته‌ای برخوردید که دقیق نیست و یا اطلاع مهمی ناگفته مانده است، لطفاً به نشانی ایمیل در صفحه تماس با ما بفرستید.)

[۱] **محفل روحانی محلی:** هیئتی متشکل از نه نفر که سالانه با رأی بهائیان بزرگسال در هر شهر یا روستا انتخاب می‌شود و مسئول رسیدگی به امور جاری جامعه بهائی در آن محل است.

[۲] **هیئت معاونت:** افرادی که با تصمیم هیئت مشاورین قاره‌ای برای دوره‌ای پنج‌ساله انتصاب می‌شوند و در حیطه فعالیتشان که معمولاً شامل نواحی کوچک‌تر در یک کشور است، به تشویق افراد و تحکیم جوامع بهائی می‌کوشند. معاونین در ارتباط با محافل روحانی محلی نقش مشورتی دارند.

[۳] **محفل روحانی ملی:** هیئتی متشکل از نه نفر که سالانه با رأی بهائیان بزرگسال در هر کشور انتخاب می‌شود و مسئول رسیدگی به امور جاری جامعه

عنوان سازمانی : عضو هیئت معاونت مشاور قاره ای دار التبلیغ مستقر در اسرائیل

نام : ژینوس نعمت محمودی

اعدام دهه ۶۰

لینک :

-https://iranbahaipersecution.bic.org/index.php/fa/archive/zhynws-nmt-mhmwdy-dr-6
dy-1360-dr-thran-tyrbaran-shd

معرفی اعضای سرویس جاسوسی و اطلاعاتی تشکیلات بهایی

عنوان سازمانی : عضو هیئت معاونت مشاور قاره ای دار التبلیغ مستقر در اسرائیل

نام : محمد اشراقی

اعدام دهه ۶۰

لینک :

https://iranbahaipersecution.bic.org/index.php/fa/archive/mhmd-ashraqy-dr-9-shhrywr-1362-dr-thran-adam-shd



عنوان سازمانی : عضو هیئت معاونت مشاور قاره ای دار التبلیغ مستقر در اسرائیل

نام : محمد اشراقی

اعدام دهه ۶۰

لینک :

-https://iranbahaipersecution.bic.org/index.php/fa/archive/mhmd-ashraqy-dr-9
shhrywr-1362-dr-thran-adam-shd

معرفی اعضای سرویس جاسوسی و اطلاعاتی تشکیلات بهایی

عنوان سازمانی : عضو هیئت معاونت مشاور قاره ای دار التبلیغ مستقر در اسرائیل

نام : الله وردی میثاقی

اعدام دهه ۶۰

لینک :

**-https://iranbahaipersecution.bic.org/index.php/fa/archive/allh-wrdy-mythaqy-dr-7
mrdad-1360-dr-tbryz-tyrbaran-shdnd**



معرفی اعضای سرویس جاسوسی و اطلاعاتی تشکیلات بهایی
عنوان سازمانی عضو هیئت معاونت مشاور قاره ای دار التبلیغ مستقر در اسرائیل
نام : الله وردی میثاقی

خانه اسناد
بهائی ستیزی در ایران

خانه | جستجوی پیشرفته |

الله وردی میثاقی - در ۷ مرداد ۱۳۶۰ در تبریز تیرباران شدند

شخصی، قتل و اعدام، تصاویر شهدا
تبریز
الله وردی میثاقی

۰۷ مرداد ۱۳۶۰

فارسی | English

اللهوردی میثاقی

متولد سال ۱۲۹۹ در ممقان، آذربایجان

در تاریخ ۷ مرداد ۱۳۶۰ در تبریز تیرباران شد

اللهوردی میثاقی دورهٔ دبیرستان را در ممقان گذراند و بعد به تبریز رفت و از دانشکده هنر دانشگاه تبریز فارغ‌التحصیل شد. در سال ۱۳۳۲ ازدواج کرد و پنج فرزند داشت. در همان اوایل انقلاب اسلامی، بعد از نزدیک به ۴۰ سال خدمت، از وزارت آموزش و پرورش اخراج شد.

در تاریخ ۲ اردیبهشت ۱۳۵۹ در منزل خود بازداشت و در تبریز زندانی شد. در روز ۷ مرداد ۱۳۶۰ به همراه عضو هیئت معاونت[۱]، مسرور دخیلی و هفت عضو دیگر محفل روحانی محلی[۲] تبریز، حسین اسدالله زاده، منوچهر خاضعی، عبدالعلی اسدیاری، اسماعیل زهتاب، پرویز فیروزی، مهدی باهری و حبیب‌الله تحقیقی تیرباران شدند. روز بعد خبر اعدام آن‌ها را به خانواده‌های آنان اطلاع دادند.

(این معرفی کوتاه بر مبنای اطلاعاتی که در دسترس ما بوده تهیه شده است. اگر به نکته‌ای برخوردید که دقیق نیست و یا اطلاع مهمی ناگفته مانده است، لطفاً به نشانی ایمیل در صفحه تماس با ما بفرستید.)

[۱] **هیئت معاونت:** افرادی که با تصمیم هیئت مشاورین قاره‌ای برای دوره‌ای پنج‌ساله انتصاب می‌شوند و در حیطه فعالیتشان که معمولاً شامل نواحی کوچک‌تر در یک کشور است، به تشویق افراد و تحکیم جوامع بهائی می‌کوشند. معاونین در ارتباط با محافل روحانی محلی نقش مشورتی دارند.

[۲] **محفل روحانی محلی:** هیئتی متشکل از نه نفر که سالانه با رأی بهائیان بزرگسال در هر شهر یا روستا انتخاب می‌شود و مسئول رسیدگی به امور جاری جامعه بهائی در آن محل است.

عنوان سازمانی : عضو هیئت معاونت مشاور قاره ای دار التبلیغ مستقر در اسرائیل

نام : الله وردی میثاقی

اعدام دهه ۶۰

لینک :

https://iranbahaipersecution.bic.org/index.php/fa/archive/allh-wrdy-mythaqy-dr-7-mrdad-1360-dr-tbryz-tyrbaran-shdnd

معرفی اعضای سرویس جاسوسی و اطلاعاتی تشکیلات بهایی

عنوان سازمانی : عضو هیئت معاونت مشاور قاره ای دار التبلیغ مستقر در اسرائیل

نام : ید الله وحدت

اعدام دهه ۶۰

لینک :

-https://iranbahaipersecution.bic.org/index.php/fa/archive/ydallh-whdt-dr-10 ardybhsht-1360-dr-shyraz-tyrbaran-shd



معرفی اعضای سرویس جاسوسی و اطلاعاتی تشکیلات بهایی
عنوان سازمانی : عضو هیئت معاونت مشاور قاره ای دار التبلیغ مستقر در اسرائیل
نام : ید الله وحدت

خانه اسناد
بهائی ستیزی در ایران

خانه | جستجوی پیشرفته |

یدالله وحدت - در ۱۰ اردیبهشت ۱۳۶۰ در شیراز تیرباران شد

شخصی، قتل و اعدام، تصاویر شهدا
شیراز
یدالله وحدت

۱۰ اردیبهشت ۱۳۶۰

فارسی English

یدالله وحدت

متولد۱۲۹۲ در اشتهارد، تهران

در تاریخ ۱۰ اردیبهشت ۱۳۶۰ در شیراز تیرباران شد

یدالله وحدت در یک خانوادهٔ بهائی به دنیا آمد. پس از اتمام دورهٔ دبستان و دبیرستان به دانشکدهٔ افسری رفت و به عنوان سرهنگ ارتش در نقاط مختلف ایران خدمت کرد و بعد از ۲۱ سال بازنشسته شد. عضو هیئت معاونت[۱] بود.

در روز ۱۵ خرداد ۱۳۵۹ به اتفاق همسرش که عضو محفل روحانی محلی[۲] شیراز بود بازداشت شدند. آنان را نخست در حظیرةالقدس (مرکز بهائیان) شیراز که بعد از مصادره به زندان موقت تبدیل‌شده بود نگاه داشتند، و سپس به زندان عادل‌آباد منتقل کردند. در روز ۱۰ اردیبهشت ۱۳۶۰ یدالله وحدت به همراه احسان الله مهدی زاده و ستار خوشخو تیرباران شدند. جسد آنان در گورستان بهائی شیراز و با آداب بهائی به خاک سپرده شد.

(این معرفی کوتاه بر مبنای اطلاعاتی که در دسترس ما بوده تهیه شده است. اگر به نکته‌ای برخوردید که دقیق نیست و یا اطلاع مهمی ناگفته مانده است، لطفاً به نشانی ایمیل در صفحه تماس با ما بفرستید.)

[۱] **هیئت معاونت:** افرادی که با تصمیم هیئت مشاورین قاره‌ای برای دوره‌ای پنج‌ساله انتصاب می‌شوند و در حیطه فعالیتشان که معمولاً شامل نواحی کوچک‌تر در یک کشور است، به تشویق افراد و تحکیم جوامع بهائی می‌کوشند. معاونین در ارتباط با محافل روحانی محلی نقش مشورتی دارند.

[۲] **محفل روحانی محلی:** هیئتی متشکل از نه نفر که سالانه با رأی بهائیان بزرگسال در هر شهر یا روستا انتخاب می‌شود و مسئول رسیدگی به امور جاری جامعه بهائی در آن محل است.

عنوان سازمانی : عضو هیئت معاونت مشاور قاره ای دار التبلیغ مستقر در اسرائیل

نام : ید الله وحدت

اعدام دهه ۶۰

لینک :

-https://iranbahaipersecution.bic.org/index.php/fa/archive/ydallh-whdt-dr-10
ardybhsht-1360-dr-shyraz-tyrbaran-shd

معرفی اعضای سرویس جاسوسی و اطلاعاتی تشکیلات بهایی
عنوان سازمانی : عضو هیئت معاونت مشاور قاره ای دار التبلیغ مستقر در اسرائیل
نام : شاپور هوشنگ مرکزی

اعدام دهه ۶۰

لینک :

-https://iranbahaipersecution.bic.org/index.php/fa/archive/shapwr-hwshng-mrkzy
dr-1-mhr-1363-dr-thran-adam-shd

معرفی اعضای سرویس جاسوسی و اطلاعاتی تشکیلات بهایی
عنوان سازمانی : عضو هیئت معاونت مشاور قاره ای دار التبلیغ مستقر در اسرائیل
نام : شاپور (هوشنگ) مرکزی

خانه اسناد بهائی ستیزی در ایران

خانه | جستجوی پیشرفته

شاپور (هوشنگ) مرکزی - در ۱ مهر ۱۳۶۳ در تهران اعدام شد

شخصی، قتل و اعدام، تصاویر شهدا
تهران
شاپور (هوشنگ) مرکزی

۰۱ مهر ۱۳۶۳

فارسی English



شاپور (هوشنگ) مرکزی

متولد ۱۳۰۸ در همدان

در تاریخ ۱ مهر ۱۳۶۳ در تهران اعدام شد

شاپور (هوشنگ) مرکزی در سال ۱۳۱۳ با خانواده‌اش به تهران نقل مکان کرد. در آنجا دورهٔ ابتدائی و دبیرستان را تکمیل کرد. بعد، برای ترویج آئین بهائی به بحرین مهاجرت کرد. هفت سال در بحرین بود، و پس از بازگشت به ایران در موسسهٔ آبیاری در شهرهای مختلف مشغول به کار شد. از اعضای هیئت معاونت[۱] بود. پس از دستگیری و اعدام اعضای دومین محفل روحانی ملی[۲] ایران در سال ۱۳۶۱ به عضویت سومین محفل روحانی ملی ایران انتخاب شد.

در مهر ۱۳۶۲ دستگیر و در زندان اوین حبس شد. شکنجه‌های شدید باعث شکستگی قفسه سینه و از دست دادن بینائی یک چشمش شد. در روز ۱ مهرماه ۱۳۶۳ اعدام شد. جسد وی به خانواده‌اش تحویل داده نشد و احتمالاً مأمورین دولتی او را به خاک سپردند.

(این معرفی کوتاه بر مبنای اطلاعاتی که در دسترس ما بوده تهیه شده است. اگر به نکته‌ای برخوردید که دقیق نیست و یا اطلاع مهمی ناگفته مانده است، لطفاً به نشانی ایمیل در صفحه تماس با ما بفرستید.)

[۱] **هیئت معاونت:** افرادی که با تصمیم هیئت مشاورین قاره‌ای برای دوره‌ای پنج‌ساله انتصاب می‌شوند و در حیطه فعالیتشان که معمولاً شامل نواحی کوچک‌تر در یک کشور است، به تشویق افراد و تحکیم جوامع بهائی می‌کوشند. معاونین در ارتباط با محافل روحانی محلی نقش مشورتی دارند.

[۲] **محفل روحانی ملی:** هیئتی متشکل از نه نفر که سالانه با رأی بهائیان بزرگسال در هر کشور انتخاب می‌شود و مسئول رسیدگی به امور جاری جامعه بهائی در آن کشور است.

عنوان سازمانی : عضو هیئت معاونت مشاور قاره ای دار التبلیغ مستقر در اسرائیل

نام : شاپور هوشنگ مرکزی

اعدام دهه ۶۰

لینک :

-https://iranbahaipersecution.bic.org/index.php/fa/archive/shapwr-hwshng-mrkzy-dr-1
mhr-1363-dr-thran-adam-shd

معرفی اعضای سرویس جاسوسی و اطلاعاتی تشکیلات بهایی
عنوان سازمانی : عضو هیئت معاونت مشاور قاره ای دار التبلیغ مستقر در اسرائیل
نام : عزیز الله ذبیحیان

اعدام دهه ۶۰

لینک :

-https://iranbahaipersecution.bic.org/index.php/fa/archive/zyzallh-dhbyhyan-dr-17
shhrywr-1359-dr-yzd-tyrbaran-shd



عنوان سازمانی : عضو هیئت معاونت مشاور قاره ای دار التبلیغ مستقر در اسرائیل

نام : عزیز الله ذبیحیان

اعدام دهه ۶۰

لینک :

https://iranbahaipersecution.bic.org/index.php/fa/archive/zyzallh-dhbyhyan-dr-17-shhrywr-1359-dr-yzd-tyrbaran-shd

معرفی اعضای سرویس جاسوسی و اطلاعاتی تشکیلات بهایی

عنوان سازمانی : عضو هیئت معاونت مشاور قاره ای دار التبلیغ مستقر در اسرائیل

نام : فرید بهمردی

اعدام دهه ۶۰

لینک :

-https://iranbahaipersecution.bic.org/index.php/fa/archive/fryd-bhmrdy-dr-20
khrdad-1365-dr-thran-bh-dar-awykhth-shd

معرفی اعضای سرویس جاسوسی و اطلاعاتی تشکیلات بهایی
عنوان سازمانی : عضو هیئت معاونت مشاور قاره ای دار التبلیغ مستقر در اسرائیل
نام : فرید بهمردی

خانه اسناد
بهائی ستیزی در ایران

خانه

فرید بهمردی - در ۲۰ خرداد ۱۳۶۵ در تهران به دار آویخته شد

شخصی، قتل و اعدام، تصاویر شهدا
تهران
فرید بهمردی

۲۰ خرداد ۱۳۶۵

فارسی



فرید بهمردی

متولد ۱۳۱۸ در طبریه

در تاریخ ۲۰ خرداد ۱۳٦۵ در تهران به دار آویخته شد

پدر و مادر فرید بهمردی در عدسیه، واقع در فلسطین آن زمان ساکن بودند. او فرزند چهارم خانواده بود و در طبریه متولد شد. در ایام جوانی به ایران آمد، نخست در یزد و سپس در تهران مستقر شد. به عضویت هیئت معاونت[۱] و به عضویت سومین محفل روحانی ملی[۲] ایران انتخاب شد.

در روز ۸ مرداد ۱۳٦۳ بازداشت و در اوین زندانی شد. ۹ ماه را در حبس انفرادی به سر برد و در این مدت سخت شکنجه شد. یک‌بار که او را برای تجسس مدارک، به منزلش آوردند، همسایگان آثار کبودی و شلاق شدید را روی بدنش دیده بودند. او در روز ۲۰ خرداد ۱۳٦۵ به دار آویخته شد. جسد وی را به خانواده‌اش ندادند و احتمالاً مأمورین دولتی او را به خاک سپردند.

(این معرفی کوتاه بر مبنای اطلاعاتی که در دسترس ما بوده تهیه شده است. اگر به نکته‌ای برخوردید که دقیق نیست و یا اطلاع مهمی ناگفته مانده است، لطفاً به نشانی ایمیل در صفحه تماس با ما بفرستید.)

[۱] **هیئت معاونت:** افرادی که با تصمیم هیئت مشاورین قاره‌ای برای دوره‌ای پنج‌ساله انتصاب می‌شوند و در حیطه فعالیتشان که معمولاً شامل نواحی کوچک‌تر در یک کشور است، به تشویق افراد و تحکیم جوامع بهائی می‌کوشند. معاونین در ارتباط با محافل روحانی محلی نقش مشورتی دارند.

[۲] **محفل روحانی ملی:** هیئتی متشکل از نه نفر که سالانه با رأی بهائیان بزرگسال در هر کشور انتخاب می‌شود و مسئول رسیدگی به امور جاری جامعه بهائی در آن کشور است.

عنوان سازمانی : عضو هیئت معاونت مشاور قاره ای دار التبلیغ مستقر در اسرائیل

نام : فرید بهمردی

اعدام دهه ۶۰

لینک :

-https://iranbahaipersecution.bic.org/index.php/fa/archive/fryd-bhmrdy-dr-20
khrdad-1365-dr-thran-bh-dar-awykhth-shd

معرفی اعضای سرویس جاسوسی و اطلاعاتی تشکیلات بهایی
عنوان سازمانی : عضو هیئت معاونت مشاور قاره ای دار التبلیغ مستقر در اسرائیل
نام : فریدون فریدانی

اعدام دهه ۶۰

لینک :

https://iranbahaipersecution.bic.org/index.php/fa/archive/frydwn-frydany-dr-17-shhrywr-1359-dr-yzd-tyrbaran-shd

معرفی اعضای سرویس جاسوسی و اطلاعاتی تشکیلات بهایی
عنوان سازمانی : عضو هیئت معاونت مشاور قاره ای دار التبلیغ مستقر در اسرائیل
نام : فریدون فریدانی

خانه اسناد
بهائی ستیزی در ایران

خانه | جستجوی پیشرفته |

فریدون فریدانی - در ۱۷ شهریور ۱۳۵۹ در یزد تیرباران شد

شخصی، قتل و اعدام، تصاویر شهدا
یزد
فریدون فریدانی

۱۷ شهریور ۱۳۵۹

فارسی English



فریدون فریدانی

متولد ۱۳۰۱ در یزد

در تاریخ ۱۷ شهریور ۱۳۵۹ در یزد تیرباران شد

فریدون فریدانی دریک خانوادهٔ بهائی به دنیا آمد. پس از اتمام دبیرستان، در رشتهٔ علوم تربیتی دیپلم رفت و به عنوان معلم به استخدام وزارت آموزش و پرورش یزد درآمد. پس از چندی در قسمت اداری و امور دفتری آن اداره مشغول کار شد. در سال ۱۳۲۹ به عضویت محفل روحانی محلی[۱] یزد انتخاب شد و چند سال بعد از آن، عضو هیئت معاونت[۲] شد.

در روز ۳۱ تیر۱۳۵۹ بازداشت شد و شش هفته بعد، در روز ۱۷ شهریور۱۳۵۹ به همراه شش بهائی دیگر، عزیزالله ذبیحیان، نورالله اختر خاوری، جلال مستقیم، محمود حسن‌زاده، علی مطهری و عبدالوهاب کاظمی منشادی تیرباران شدند.

جزئیات اعدام آن‌ها معلوم نیست ولی گفته می‌شود در باغی خارج از شهر به دست مأموری، یک به یک تیرباران شدند و هر کدام اصرار داشته که قبل از بقیه کشته شود. اجساد آن‌ها خارج از شهر، در زمینی خالی و دور افتاده با حضور اقوام و ۲۰۰ نفر از بهائیان به خاک سپرده شد.

(این معرفی کوتاه بر مبنای اطلاعاتی که در دسترس ما بوده تهیه شده است. اگر به نکته‌ای برخوردید که دقیق نیست و یا اطلاع مهمی ناگفته مانده است، لطفاً به نشانی ایمیل در صفحه تماس با ما بفرستید.)

[۱] **محفل روحانی محلی**: هیئتی متشکل از نه نفر که سالانه با رأی بهائیان بزرگسال در هر شهر یا روستا انتخاب می‌شود و مسئول رسیدگی به امور جاری جامعه بهائی در آن محل است.

[۲] **هیئت معاونت**: افرادی که با تصمیم هیئت مشاورین قاره‌ای برای دوره‌ای پنج‌ساله انتصاب می‌شوند و در حیطه فعالیتشان که معمولاً شامل نواحی کوچک‌تر در یک کشور است، به تشویق افراد و تحکیم جوامع بهائی می‌کوشند. معاونین در ارتباط با محافل روحانی محلی نقش مشورتی دارند.

عنوان سازمانی : عضو هیئت معاونت مشاور قاره ای دار التبلیغ مستقر در اسرائیل

نام : فریدون فریدانی

اعدام دهه ۶۰

لینک :

https://iranbahaipersecution.bic.org/index.php/fa/archive/frydwn-frydany-dr-17-shhrywr-1359-dr-yzd-tyrbaran-shd

معرفی اعضای سرویس جاسوسی و اطلاعاتی تشکیلات بهایی
عنوان سازمانی : عضو هیئت معاونت مشاور قاره ای دار التبلیغ مستقر در اسرائیل
نام : عزت الله فروهی

اعدام دهه ۶۰

لینک :

https://iranbahaipersecution.bic.org/index.php/fa/archive/zt-allh-frwhy-dr-6-dy-1360-dr-thran-tyrbaran-shd



معرفی اعضای سرویس جاسوسی و اطلاعاتی تشکیلات بهایی
عنوان سازمانی : عضو هیئت معاونت مشاور قاره ای دار التبلیغ مستقر در اسرائیل
نام : عزت الله فروهی

خانه اسناد
بهائی ستیزی در ایران

خانه | جستجوی پیشرفته

عزت الله فروهی - در ۶ دی ۱۳۶۰ در تهران تیرباران شد

شخصی، قتل و اعدام، تصاویر شهدا
تهران
عزت الله فروهی

۰۶ دی ۱۳۶۰

فارسی English

عزت الله فروهی

متولد ۱۰ دی ۱۳۱۳ در بروجن، چهارمحال بختیاری

در تاریخ ۶ دی ۱۳۶۰ در تهران تیرباران شد

عزت الله فروهی پس از پایان دبستان در بروجن برای تحصیل در دبیرستان به تهران رفت و بعد از دیپلم، از دانشگاه اصفهان مدرک پزشکی گرفت. پس از دو سال خدمت نظام وظیفه در شهرهای مختلف ایران، به اصفهان بازگشت و دو سال در آنجا ماند. بعد در تهران به عنوان استادیار در دانشکدهٔ پزشکی دانشگاه تهران مشغول به کار شد. چند سال پس از آن، رئیس قسمت بیهوشی بیمارستان ۷۰۰ تختخوابی شد. یک سال پس از انقلاب اسلامی، بخاطر اعتقاد به دیانت بهائی اخراج شد.

به چندین کشور آفریقایی برای ترویج آئین بهائی سفر کرد و در سال ۱۳۵۸ به عضویت هیئت معاونت[۱] درآمد. در سال ۱۳۵۹ به عضویت محفل روحانی محلی[۲] تهران انتخاب شد. در اواخر ۱۳۶۰ عضو دومین محفل روحانی ملی[۳] شد.

در روز ۲۲ آذر ۱۳۶۰ بازداشت شد. در روز ۶ دی همان سال به همراه هفت عضو دیگر محفل روحانی ملی، ژینوس نعمت محمودی، کامران صمیمی، محمود مجذوب، جلال عزیزی، مهدی امین امین، سیروس روشنی و قدرت الله روحانی تیرباران شدند. جسد آنان به خانواده‌هایشان تحویل داده نشد و احتمالا مأمورین دولتی آنها را به خاک سپردند.

(این معرفی کوتاه بر مبنای اطلاعاتی که در دسترس ما بوده تهیه شده است. اگر به نکته‌ای برخوردید که دقیق نیست و یا اطلاع مهمی ناگفته مانده است، لطفاً به نشانی ایمیل در صفحه تماس با ما بفرستید.)

[۱] **هیئت معاونت:** افرادی که با تصمیم هیئت مشاورین قاره‌ای برای دوره‌ای پنج‌ساله انتصاب می‌شوند و در حیطه فعالیتشان که معمولاً شامل نواحی کوچکتر در یک کشور است، به تشویق افراد و تحکیم جوامع بهائی می‌کوشند. معاونین در ارتباط با محافل روحانی محلی نقش مشورتی دارند.

[۲] **محفل روحانی محلی:** هیئتی متشکل از نه نفر که سالانه با رأی بهائیان بزرگسال در هر شهر یا روستا انتخاب می‌شود و مسئول رسیدگی به امور جاری جامعه بهائی در آن محل است.

[۳] **محفل روحانی ملی:** هیئتی متشکل از نه نفر که سالانه با رأی بهائیان بزرگسال در هر کشور انتخاب می‌شود و مسئول رسیدگی به امور جاری جامعه بهائی در آن کشور است.

عنوان سازمانی : عضو هیئت معاونت مشاور قاره ای دار التبلیغ مستقر در اسرائیل

نام : عزت الله فروهی

اعدام دهه ۶۰

لینک :

-https://iranbahaipersecution.bic.org/index.php/fa/archive/zt-allh-frwhy-dr-6-dy-1360-dr
thran-tyrbaran-shd

معرفی اعضای سرویس جاسوسی و اطلاعاتی تشکیلات بهایی
عنوان سازمانی : عضو هیئت معاونت مشاور قاره ای دار التبلیغ مستقر در اسرائیل
نام : جلال پیروی

اعدام دهه ۶۰

لینک :

https://iranbahaipersecution.bic.org/index.php/fa/archive/jlal-pyrwy-dr-15-ardybhsht-1363-dr-tbryz-tyrbaran-shd

معرفی اعضای سرویس جاسوسی و اطلاعاتی تشکیلات بهایی
عنوان سازمانی : عضو هیئت معاونت مشاور قاره ای دار التبلیغ مستقر در اسرائیل
نام : جلال پیروی

خانه اسناد
بهائی ستیزی در ایران

خانه | جستجوی پیشرفته

جلال پیروی - در ۱۵ اردیبهشت ۱۳۶۳ در تبریز تیرباران شد

شخصی، قتل و اعدام، تصاویر شهدا
تبریز
جلال پیروی

۱۵ اردیبهشت ۱۳۶۳

فارسی English



جلال پیروی

متولد ۶ فروردین ۱۳۱۶ در روستای میلان، اسکو، آذربایجان شرقی

در تاریخ ۱۵ اردیبهشت ۱۳۶۳ در تبریز تیرباران شد

جلال پیروی در یک خانوادهٔ بهائی متولد شد. بیشتر دوران کودکی خود را در روستای میلان سپری کرد و سپس به تبریز رفت. در آنجا دوران دبیرستان را تکمیل کرد و از دانشگاه تبریز، لیسانس مهندسی کشاورزی گرفت. در وزارت کشاورزی استخدام شد و در شهرهای مختلف کار می‌کرد تا سرانجام در ارومیه مستقر شد. در سال ۱۳۶۰ به خاطر اعتقاد به آئین بهائی او را از کار اخراج کردند. عضو هیئت معاونت[۱] برای آذربایجان شرقی و غربی بود و تا وقتی بازداشت شد در این وظیفه فعال بود.

در روز ۲۸ مهر ۱۳۶۰ در ارومیه بازداشت شد. تا ۲۵ روز خانواده‌اش از محل او بی‌خبر بودند. در این مدت سخت شکنجه شد. بالاخره او را به بازداشتگاه ارومیه بردند، و حدود شش ماه بعد، در روز ۹ اردیبهشت ماه ۱۳۶۱ به زندان تبریز منتقل شد. دو سال در زندان تبریز بود، تا سرانجام در روز ۱۵ اردیبهشت ماه ۱۳۶۳ به همراه مقصود علیزاده در میدان تیر تبریز، تیرباران شدند. خانواده و دوستان، روز بعد از واقعه باخبر شدند. اجساد آن‌ها در روز ۱۷ اردیبهشت با حضور جمعیت زیادی از بهائیان با آداب بهائی به خاک سپرده شد.

(این معرفی کوتاه بر مبنای اطلاعاتی که در دسترس ما بوده تهیه شده است. اگر به نکته‌ای برخوردید که دقیق نیست و یا اطلاع مهمی ناگفته مانده است، لطفاً به نشانی ایمیل در صفحه تماس با ما بفرستید.)

[۱] **هیئت معاونت:** افرادی که با تصمیم هیئت مشاورین قاره‌ای برای دوره‌ای پنج‌ساله انتصاب می‌شوند و در حیطه فعالیتشان که معمولاً شامل نواحی کوچک‌تر در یک کشور است، به تشویق افراد و تحکیم جوامع بهائی می‌کوشند. معاونین در ارتباط با محافل روحانی محلی نقش مشورتی دارند.

عنوان سازمانی : عضو هیئت معاونت مشاور قاره ای دار التبلیغ مستقر در اسرائیل

نام : جلال پیروی

اعدام دهه ۶۰

لینک :

https://iranbahaipersecution.bic.org/index.php/fa/archive/jlal-pyrwy-dr-15-ardybhsht-1363-dr-tbryz-tyrbaran-shd

معرفی اعضای سرویس جاسوسی و اطلاعاتی تشکیلات بهایی
عنوان سازمانی : عضو هیئت معاونت مشاور قاره ای دار التبلیغ مستقر در اسرائیل
نام : مسرور دخیلی

اعدام دهه ۶۰

لینک :

**-https://iranbahaipersecution.bic.org/index.php/fa/archive/msrwr-dkhyly-dr-7
mrdad-1360-dr-tbryz-tyrbaran-shd**



معرفی اعضای سرویس جاسوسی و اطلاعاتی تشکیلات بهایی
عنوان سازمانی : عضو هیئت معاونت مشاور قاره ای دار التبلیغ مستقر در اسرائیل
نام : مسرور دخیلی

خانه اسناد بهائی ستیزی در ایران

خانه | جستجوی پیشرفته

مسرور دخیلی - در ۷ مرداد ۱۳۶۰ در تبریز تیرباران شد

شخصی، قتل و اعدام، تصاویر شهدا
تبریز
مسرور دخیلی

۰۷ مرداد ۱۳۶۰

فارسی English

مسرور دخیلی

متولد ۱۳۰۲ در مراغه، آذربایجان

در تاریخ ۷ مرداد ۱۳۶۰ در تبریز تیرباران شد

مسرور دخیلی بعد از اتمام دوره دبیرستان، برای تحصیل مهندسی الکترونیک به تبریز رفت. در آنجا به سمت رئیس رادیو تبریز استخدام شد. پس از این مرحله، تحصیلات خود را در دانشکده پزشکی دانشگاه تبریز ادامه داد و به استخدام صلیب سرخ درآمد. در سال ۱۳۳۶ به مهاباد آذربایجان برای ترویج آئین بهائی مهاجرت کرد و به سمت رئیس بخش بیماری‌های گوارشی در بزرگ‌ترین بیمارستان شهر استخدام شد. چندی بعد به تبریز و سپس به تهران نقل‌مکان کرد. عضو محفل روحانی محلی[۱] تبریز و میاندوآب بود و سپس به عضویت هیئت معاونت[۲] انتخاب شد و تا زمان بازداشت در این سمت انجام وظیفه کرد.

در روز ۱۵ تیر ۱۳۶۰ که برای دیدار دخترش در راه سفر به بندر انزلی و رشت بود، پاسداران اتومبیلش را متوقف کردند و او را به مرکز فرماندهی بردند. بعد از ۵ روز او را به تبریز منتقل کردند. ۱۸ روز در سلول انفرادی بود، سپس به زندان تبریز منتقل شد.

در روز ۷ مرداد ۱۳۶۰ او به همراه هشت نفر دیگر از بهائیان، حسین اسدالله زاده، الله وردی میثاقی، منوچهر خاضعی، عبدالعلی اسدیاری، اسماعیل زهتاب، پرویز فیروزی، مهدی باهری و حبیب الله تحقیقی در تیرباران شد. خانواده‌اش همان روز او را در گورستان وادی رحمت تبریز به خاک سپردند.

(این معرفی کوتاه بر مبنای اطلاعاتی که در دسترس ما بوده تهیه شده است. اگر به نکته‌ای برخوردید که دقیق نیست و یا اطلاع مهمی ناگفته مانده است، لطفاً به نشانی ایمیل در صفحه تماس با ما بفرستید.)

[۱] **محفل روحانی محلی**: هیئتی متشکل از نه نفر که سالانه با رأی بهائیان بزرگسال در هر شهر یا روستا انتخاب می‌شود و مسئول رسیدگی به امور جاری جامعه بهائی در آن محل است.

[۲] **هیئت معاونت**: افرادی که با تصمیم هیئت مشاورین قاره‌ای برای دوره‌ای پنج‌ساله انتصاب می‌شوند و در حیطه فعالیتشان که معمولاً شامل نواحی کوچکتر در یک کشور است، به تشویق افراد و تحکیم جوامع بهائی می‌کوشند. معاونین در ارتباط با محافل روحانی محلی نقش مشورتی دارند.

عنوان سازمانی : عضو هیئت معاونت مشاور قاره ای دار التبلیغ مستقر در اسرائیل

نام : مسرور دخیلی

اعدام دهه ۶۰

لینک :

-https://iranbahaipersecution.bic.org/index.php/fa/archive/msrwr-dkhyly-dr-7-mrdad-1360
dr-tbryz-tyrbaran-shd

معرفی اعضای سرویس جاسوسی و اطلاعاتی تشکیلات بهایی
عنوان سازمانی : عضو هیئت معاونت مشاور قاره ای دار التبلیغ مستقر در اسرائیل
نام : حبیب الله تحقیقی

اعدام دهه ۶۰

لینک :

-https://iranbahaipersecution.bic.org/index.php/fa/archive/hbyb-allh-thqyqy-dr-7
mrdad-1360-dr-tbryz-tyrbaran-shd



معرفی اعضای سرویس جاسوسی و اطلاعاتی تشکیلات بهایی
عنوان سازمانی : عضو هیئت معاونت مشاور قاره ای دار التبلیغ مستقر در اسرائیل
نام : حبیب الله تحقیقی

خانه اسناد
بهائی ستیزی در ایران

خانه | جستجوی پیشرفته

حبیب الله تحقیقی - در ۷ مرداد ۱۳۶۰ در تبریز تیرباران شد

شخصی، قتل و اعدام، تصاویر شهدا
تبریز
حبیب الله تحقیقی

۰۷ مرداد ۱۳۶۰

فارسی English

حبیب‌الله تحقیقی

متولد ۴ آبان ۱۳۰۶ در یزد

در تاریخ ۷ مرداد ۱۳۶۰ در تبریز تیرباران شد

در اوایل کودکی او، پدر و مادرش به اهواز نقل مکان کردند. در آنجا دورهٔ دبیرستان را تمام کرد و به دانشکدهٔ نفت آبادان رفت. سپس برای ادامهٔ تحصیل در انگلستان بورس تحصیلی گرفت. پس از مراجعت به ایران به استخدام پالایشگاه نفت آبادان درآمد. در سال ۱۳۳۶ ازدواج کرد و در سال ۱۳۴۶ به پالایشگاهی نزدیک تهران منتقل شد. ده سال بعد، برای تاسیس پالایشگاه نفت او را به تبریز فرستادند.

عضو محفل روحانی محلی[۱] تبریز بود. در سال ۱۳۶۰، او را به دلیل اعتقاد به آئین بهایی، از کار بازنشسته کردند. در روز ۱۶ فروردین ۱۳۶۰ بازداشت و در زندان تبریز حبس شد و تا سه ماه اجازهٔ ملاقات به او ندادند. در روز ۶ مرداد ۱۳۶۰ به همراه هشت بهائی دیگر ـ اللهوردی میثاقی، مسرور دخیلی، عضو هیئت معاونت[۲] و شش عضو محفل روحانی تبریز، حسین اسدالله زاده، منوچهر خاضعی، عبدالعلی اسدیاری، اسماعیل زهتاب، مهدی باهری و پرویز فیروزی تیرباران شدند.

(این معرفی کوتاه بر مبنای اطلاعاتی که در دسترس ما بوده تهیه شده است. اگر به نکته‌ای برخوردید که دقیق نیست و یا اطلاع مهمی ناگفته مانده است، لطفاً به نشانی ایمیل در صفحه تماس با ما بفرستید.)

[۱] **محفل روحانی محلی**: هیئتی متشکل از نه نفر که سالانه با رأی بهائیان بزرگسال در هر شهر یا روستا انتخاب می‌شود و مسئول رسیدگی به امور جاری جامعه بهائی در آن محل است.

[۲] **هیئت معاونت**: افرادی که با تصمیم هیئت مشاورین قاره‌ای برای دوره‌ای پنج‌ساله انتصاب می‌شوند و در حیطه فعالیتشان که معمولاً شامل نواحی کوچک‌تر در یک کشور است، به تشویق افراد و تحکیم جوامع بهائی می‌کوشند. معاونین در ارتباط با محافل روحانی محلی نقش مشورتی دارند.

عنوان سازمانی : عضو هیئت معاونت مشاور قاره ای دار التبلیغ مستقر در اسرائیل

نام : حبیب الله تحقیقی

اعدام دهه ۶۰

لینک :

https://iranbahaipersecution.bic.org/index.php/fa/archive/hbyb-allh-thqyqy-dr-7-mrdad-1360-dr-tbryz-tyrbaran-shd

معرفی اعضای سرویس جاسوسی و اطلاعاتی تشکیلات بهایی

عنوان سازمانی : عضو هیئت معاونت مشاور قاره ای دار التبلیغ مستقر در اسرائیل

نام : کمال الدین بخت آور

اعدام دهه ۶۰

لینک :

https://iranbahaipersecution.bic.org/index.php/fa/archive/tyrbaran-kmalaldyn-bkht-awr-w-nmtalh-katbpwr-shhydy-dr-kashmr

معرفی اعضای سرویس جاسوسی و اطلاعاتی تشکیلات بهایی
عنوان سازمانی : عضو معاونت مشاور قاره ای دار التبلیغ مستقر در اسرائیل
نام : کمال الدین بخت آور

خانه اسناد بهائی ستیزی در ایران

خانه | جستجوی پیشرفته

کمال الدین بخت آور- در ۴ مرداد ۱۳۶۰ در کاشمر، خراسان تیرباران شد

شخصی، قتل و اعدام، تصاویر شهدا
کاشمر
کمال الدین بخت آور

۰۴ مرداد ۱۳۶۰

فارسی | English



کمال‌الدین بخت آور

متولد ۱۰ مرداد ۱۳۰۶ در اردبیل، آذربایجان

در تاریخ ۴ مرداد ۱۳۶۰ در کاشمر، خراسان تیرباران شد

[روزنامه:] کیهان

[تاریخ:] دوشنبه ۵ مرداد ۱۳۶۰ - ۲۵ رمضان ۱۴۰۱

[شماره:] ۱۱۳۴۳

بحکم دادگاه انقلاب اسلامی

۲ جاسوس سرشناس اسرائیل در کاشمر اعدام شدند

مشهد ـ خبرگزاری پارس ـ بحکم دادگاه انقلاب اسلامی شهرستان کاشمر دو عامل و جاسوس صهیونیزم بین‌المللی سحرگاه دیروز در این شهرستان اعدام شدند.

احکام صادره بدین شرح است: کمال‌الدین بخت آور فرزند صادق بجرم عضویت در تشکیلات صهیونیستی جاسوسی بنفع رژیم اشغالگر قدس، تماس با سران صهیونیسم در اسرائیل، عضویت و شرکت فعال در هیئت معاونت شبکه جاسوسی قاره‌ای، استخدام افراد در کشورهای ایران، پاکستان، تایلند، هند، مالزی و برمه بمنظور جمع‌آوری اطلاعات، ارائه طرح و اجرای نقشه‌های کوتاه مدت و دراز مدت برای گمراه کردن مردم مسلمان منطقه، گزارش نمودار نتایج فعالیتهای خود به نمایندگان صهیونیسم از جمله مسیح فرهنگی صهیونیست معروف معدوم دریافت تقدیرنامه از هیئت مشاورین قاره‌ای تهیه و نشر جزوات گمراه کننده بزبانهای مختلف، تشکیل کلاس‌های گوناگون برای اغفال و فریب مردم مسلمان و مستضعف منطقه، سهیم بودن در مرکز فعالیتهای خود به نمایندگان تحت عنوان شرکت مرابحه‌کاری نونهالان و تقویت آن ارتباط با رژیم منفور پهلوی و ساواک منحله محکوم به اعدام.

نعمت‌الله کاتب‌پور شهیدی فرزند هدایت‌الله به جرم عضویت در تشکیلات صهیونیستی جاسوسی بنفع رژیم اشغالگر قدس ایجاد رابطه مستقیم مالی سیاسی اسرائیل ـ سهیم بودن در شرکت مرابحه‌کاری نونهالان جمع‌آوری اطلاعات دقیق مربوط به وضعیت سیاسی اجتماعی نظامی و فرهنگی شهرها و روستاهای کشور شناسایی شخصیت‌های مملکتی وارد کردن اطلاعات مذکور به سران صهیونیسم و اسرائیل و دریافت تقدیرنامه در این مورد همکاری مستقیم و موثر با موسسه جاسوسی اقتصادی شرکت امنا که یکی از پایگاه‌های اطلاعاتی صهیونیست‌ها در ایران بوده خرید املاک بمنظور تشکیل پایگاه‌های گمراه کننده تبلیغ و نشر اکاذیب و افکار ضد اسلامی و اغفال مردم شرکت در کنگره جهانی بین‌المللی صهیونیست‌های بهائی بمدت ۴۰ روز در انگلستان ارتباط و تماس با رژیم منفور پهلوی ساواک منحله حزب ایران نوین و هویدای معدوم مخالفت با نظام جمهوری اسلامی و سعی در براندازی آن محکوم به اعدام گردید که حکم صادره در مورد دو مجرم یاد شده سحرگاه دیروز (یکشنبه) پس از تلاوت آیاتی از قرآن مجید در محوطه سپاه پاسداران انقلاب اسلامی کاشمر باجرا درآمد.

گزارش خبرنگار خبرگزاری پارس حاکیست که در جریان محاکمه علنی این دو مفسد و محارب با خدا که به ریاست حجت‌الاسلام‌والمسلمین حائری حاکم دادگاههای جنوب خراسان و هزاران تن از مردم این شهرستان حضور داشتند و بطور کامل سیر دادگاه عدل اسلامی را پیگیری کردند.

عنوان سازمانی : عضو هیئت معاونت مشاور قاره ای دار التبلیغ مستقر در اسرائیل

نام : کمال الدین بخت آور

اعدام دهه ۶۰

لینک :

https://iranbahaipersecution.bic.org/index.php/fa/archive/tyrbaran-kmalaldyn-bkht-awr-w-nmtalh-katbpwr-shhydy-dr-kashmr

مجموعه مساعدین

معرفی اعضای سرویس جاسوسی و اطلاعاتی تشکیلات بهایی

عنوان سازمانی : مساعد معاون مشاور قاره ای دار التبلیغ مستقر در اسرائیل

نام : عزت الله اشجاری

اعدام دهه ۶۰

لینک :

-https://iranbahaipersecution.bic.org/index.php/fa/archive/zyz-allh-ashjary-dr-28 aban-1364-dr-tbryz-tyrbaran-shd



عنوان سازمانی : مساعد معاون مشاور قاره ای دار التبلیغ مستقر در اسرائیل

نام : عزت الله اشجاری

اعدام دهه ۶۰

لینک :

https://iranbahaipersecution.bic.org/index.php/fa/archive/zyz-allh-ashjary-dr-28-
aban-1364-dr-tbryz-tyrbaran-shd

معرفی اعضای سرویس جاسوسی و اطلاعاتی تشکیلات بهایی

عنوان سازمانی : مساعد معاون مشاور قاره ای دار التبلیغ مستقر در اسرائیل

نام : کامران لطفی

اعدام دهه ۶۰

لینک :

[-https://iranbahaipersecution.bic.org/index.php/fa/archive/kamran-ltfy-dr-15
frwrdyn-1363-dr-thran-tyrbaran-shd](https://iranbahaipersecution.bic.org/index.php/fa/archive/kamran-ltfy-dr-15frwrdyn-1363-dr-thran-tyrbaran-shd)



معرفی اعضای سرویس جاسوسی و اطلاعاتی تشکیلات بهایی

عنوان سازمانی : مساعد معاون مشاور قاره ای دار التبلیغ مستقر در اسرائیل

نام : کامران لطفی

اعدام دهه ۶۰

لینک :

-https://iranbahaipersecution.bic.org/index.php/fa/archive/kamran-ltfy-dr-15
frwrdyn-1363-dr-thran-tyrbaran-shd

معرفی اعضای سرویس جاسوسی و اطلاعاتی تشکیلات بهایی

عنوان سازمانی : مساعد معاون مشاور قاره ای دار التبلیغ مستقر در اسرائیل

نام : پرویز فیروزی

اعدام دهه ۶۰

لینک :

https://iranbahaipersecution.bic.org/index.php/fa/archive/prwyz-fyrwzy-dr-7-mrdad-1360-dr-tbryz-tyrbaran-shd



معرفی اعضای سرویس جاسوسی و اطلاعاتی تشکیلات بهایی
عنوان سازمانی : مساعد معاون مشاور قاره ای دار التبلیغ مستقر در اسرائیل
نام : پرویز فیروزی

پرویز فیروزی – در ۷ مرداد ۱۳۶۰ در تبریز تیرباران شد

شخصی، قتل و اعدام، تصاویر شهدا
تبریز
پرویز فیروزی

۰۷ مرداد ۱۳۶۰

فارسی English

پرویز فیروزی

متولد ۱۶ فروردین ۱۳۲۱ در تبریز

پرویز فیروزی

متولد ۱۶ فروردین ۱۳۲۱ در تبریز

در تاریخ ۷ مرداد ۱۳۶۰ در تبریز تیرباران شد

پرویز فیروزی در تبریز به دنیا آمد و شش ماهه بود که والدینش به اهر آذربایجان نقل مکان کردند. دورهٔ دبستان را در اهر تکمیل کرد. سپس به تبریز بازگشت و بعد از اتمام دورهٔ دبیرستان، از دانشکدهٔ داروسازی دانشگاه تبریز فارغ‌التحصیل شد. در سال ۱۳۵۵ به عضویت هیئت مساعدین[۱] درآمد و در سال ۱۳۵۸ به عضویت محفل روحانی محلی[۲] تبریز انتخاب شد.

در ۷ مرداد ۱۳۵۹ به همراه شش تن از اعضای محفل روحانی محلی تبریز بازداشت و زندانی شد. پدرش، رضا فیروزی هم بازداشت شد و در هجده آبان ۱۳۵۹ او را اعدام کردند. یکسال بعد، در روز ۷ مرداد ۱۳۶۰، پرویز فیروزی به همراه شش عضو دیگر محفل، حسین اسدالله زاده، منوچهر خاضعی، عبدالعلی اسدیاری، اسماعیل زهتاب، مهدی باهری، حبیب‌الله تحقیقی و عضو هیئت معاونت، مسرور دخیلی و یک بهائی دیگر، اللهوردی میثاقی تیرباران شد.

(این معرفی کوتاه بر مبنای اطلاعاتی که در دسترس ما بوده تهیه شده است. اگر به نکته‌ای برخوردید که دقیق نیست و یا اطلاع مهمی ناگفته مانده است، لطفاً به نشانی ایمیل در صفحه تماس با ما بفرستید.)

[۱] **مساعدین:** اعضای هیئت‌های معاونت، افرادی را با عنوان مساعد انتصاب می‌کنند تا آن‌ها را در انجام وظایفشان در سطح محلی کمک کنند. **هیئت معاونت:** افرادی که با تصمیم هیئت مشاورین قاره‌ای برای دوره‌ای پنج‌ساله انتصاب می‌شوند و در حیطه فعالیتشان که معمولاً شامل نواحی کوچک‌تر در یک کشور است، به تشویق افراد و تحکیم جوامع بهائی می‌کوشند. معاونین در ارتباط با محافل روحانی محلی نقش مشورتی دارند.

[۲] **محفل روحانی محلی:** هیئتی متشکل از نه نفر که سالانه با رأی بهائیان بزرگسال در هر شهر یا روستا انتخاب می‌شود و مسئول رسیدگی به امور جاری جامعه بهائی در آن محل است.

عنوان سازمانی : مساعد معاون مشاور قاره ای دار التبلیغ مستقر در اسرائیل

نام : پرویز فیروزی

اعدام دهه ۶۰

لینک :

-https://iranbahaipersecution.bic.org/index.php/fa/archive/prwyz-fyrwzy-dr-7-mrdad-1360
dr-tbryz-tyrbaran-shd

معرفی اعضای سرویس جاسوسی و اطلاعاتی تشکیلات بهایی
عنوان سازمانی : مساعد معاون مشاور قاره ای دار التبلیغ مستقر در اسرائیل
نام : سیمین صابری
اعدام دهه ۶۰

لینک :

-https://iranbahaipersecution.bic.org/index.php/fa/archive/symyn-sabry-dr-28
khrdad-1362-dr-shyraz-bh-dar-awykhth-shd



معرفی اعضای سرویس جاسوسی و اطلاعاتی تشکیلات بهایی
عنوان سازمانی : مساعد معاون مشاور قاره ای دار التبلیغ مستقر در اسرائیل
نام : سیمین صابری

سیمین صابری - در ۲۸ خرداد ۱۳۶۲ در شیراز به دار آویخته شد

شخصی، قتل و اعدام، تصاویر شهدا
شیراز
سیمین صابری، اعدام دسته‌جمعی ۱۰ زن بهائی در شیراز

۲۸ خرداد ۱۳۶۲

English فارسی

سیمین صابری

متولد ۱۱ اسفند ۱۳۳۷ در دولت آباد، فارس

در تاریخ ۲۸ خرداد ۱۳۶۲ در شیراز به دار آویخته شد

سیمین صابری در یک خانوادهٔ بهائی به دنیا آمد. در دوران کودکی، خانواده‌اش برای ترویج آئین بهائی به شهرهای مختلف ایران مهاجرت کردند. پس از گرفتن دیپلم در یک شرکت کشاورزی در مرودشت فارس مشغول به کار شد. در اوایل انقلاب اسلامی به خاطر اعتقاد به آئین بهائی او را از کار اخراج کردند.

از اعضای مساعدین[۱] بود و در روز ۲ آبان ۱۳۶۱ در منزلش دستگیر شد. نخست در بازداشتگاه سپاه زندانی بود سپس به زندان عادل‌آباد منتقلش کردند.
در روز ۲۸ خرداد ۱۳۶۲ به همراه ۹ زن بهائی دیگر، نصرت غفرانی یلدائی، عزت جانمی اشراقی، رؤیا اشراقی، طاهره
ارجمندی (سیوشی)، منا محمودنژاد، شهین (شیرین) دالوند، اختر ثابت، زرین مقیمی ابیانه و مهشید نیرومند، در میدان چوگان شیراز به دار آویخته شدند.
جسد آنان به خانواده‌هایشان تحویل داده نشد و احتمالاً مأمورین دولتی آن‌ها را در گورستان بهائیان شیراز به خاک سپردند.

(این معرفی کوتاه بر مبنای اطلاعاتی که در دسترس ما بوده تهیه شده است. اگر به نکته‌ای برخوردید که دقیق نیست و یا اطلاع مهمی ناگفته مانده است، لطفاً به نشانی ایمیل در صفحه تماس با ما بفرستید.)

[۱] **مساعدین:** اعضای هیئت‌های معاونت، افرادی را با عنوان مساعد انتصاب می‌کنند تا آن‌ها را در انجام وظایفشان در سطح محلی کمک کنند. **هیئت معاونت:** افرادی که با تصمیم هیئت مشاورین قاره‌ای برای دوره‌ای پنج‌ساله انتصاب می‌شوند و در حیطه فعالیتشان که معمولاً شامل نواحی کوچک‌تر در یک کشور است، به تشویق افراد و تحکیم جوامع بهائی می‌کوشند. معاونین در ارتباط با محافل روحانی محلی نقش مشورتی دارند.

سیمین صابری

متولد ۱۱ اسفند ۱۳۳۷ در دولت آباد، فارس

در تاریخ ۲۸ خرداد ۱۳۶۲ در شیراز به دار آویخته شد

عنوان سازمانی : مساعد معاون مشاور قاره ای دار التبلیغ مستقر در اسرائیل

نام : سیمین صابری

اعدام دهه ۶۰

لینک :

https://iranbahaipersecution.bic.org/index.php/fa/archive/symyn-sabry-dr-28-khrdad-1362-dr-shyraz-bh-dar-awykhth-shd

معرفی اعضای سرویس جاسوسی و اطلاعاتی تشکیلات بهایی

عنوان سازمانی : مساعد معاون مشاور قاره ای دار التبلیغ مستقر در اسرائیل

نام : روح الله حضوری

اعدام دهه ۶۰

لینک :

https://iranbahaipersecution.bic.org/index.php/fa/archive/rwh-allh-hswry-dr-1-bhmn-1363-dr-yzd-tyrbaran-shd

معرفی اعضای سرویس جاسوسی و اطلاعاتی تشکیلات بهایی
عنوان سازمانی : مساعد معاون مشاور قاره ای دار التبلیغ مستقر در اسرائیل
نام : روح الله حضوری

روح‌الله حصوری

متولد ۱۳۲۱ در شریف‌آباد، یزد

در تاریخ ۱ بهمن ۱۳۶۳ در یزد تیرباران شد

روح‌الله حصوری ۴ سال از دوره ابتدائی را در شریف‌آباد به مدرسه رفت و سپس در ضمن کار در تهران در مدرسهٔ شبانه به درس خود ادامه داد. در فناوری برق دیپلم گرفت و در سال ۱۳۵۵ به یزد بازگشت، و در ایستگاه رادیو و تلویزیون آنجا مشغول به کار شد. در سال ۱۳۵۹ پس از شروع انقلاب اسلامی به خاطر اعتقاد به آئین بهائی از کار اخراج شد. در سال ۱۳۵۹ عضو هیئت مساعدین[۱] شد و در سال ۱۳۶۱ به عضویت محفل روحانی محلی[۲] یزد انتخاب شد.

در ۲۶ اردیبهشت ۱۳۶۲ او را بازداشت کردند، اما پس از دو ساعت بازپرسی آزاد شد و به او دستور دادند که صبح فردا بازگردد. روز بعد وقتی دوباره مراجعه کرد، زندانی شد. نخست ۲۵ روز در زندان انفرادی بود و سپس در روز ۱۲ آبانماه ۱۳۶۲ به همراه چهار بهائی دیگر به زندان شهربانی منتقل شد. در ۱۹ آذر ۱۳۶۲ او را به زندان سپاه یزد منتقل کردند، و در روز ۱ بهمن‌ماه ۱۳۶۳ تیرباران شد.

(این معرفی کوتاه بر مبنای اطلاعاتی که در دسترس ما بوده تهیه شده است. اگر به نکته‌ای برخوردید که دقیق نیست و یا اطلاع مهمی ناگفته مانده است، لطفاً به نشانی ایمیل در صفحه تماس با ما بفرستید.)

[۱] **مساعدین:** اعضای هیئت‌های معاونت، افرادی را با عنوان مساعد انتصاب می‌کنند تا آن‌ها را در انجام وظایفشان در سطح محلی کمک کنند. **هیئت معاونت:** افرادی که با تصمیم هیئت مشاورین قاره‌ای برای دوره‌ای پنج‌ساله انتصاب می‌شوند و در حیطه فعالیتشان که معمولاً شامل نواحی کوچک‌تر در یک کشور است، به تشویق افراد و تحکیم جوامع بهائی می‌کوشند. معاونین در ارتباط با محافل روحانی محلی نقش مشورتی دارند.

[۲] **محفل روحانی محلی:** هیئتی متشکل از نه نفر که سالانه با رأی بهائیان بزرگسال در هر شهر یا روستا انتخاب می‌شود و مسئول رسیدگی به امور جاری جامعه بهائی در آن محل است.

خانه اسناد
بهائی ستیزی در ایران

خانه | جستجوی پیشرفته

روح الله حصوری - در ۱ بهمن ۱۳۶۳ در یزد تیرباران شد

شخصی، قتل و اعدام، تصاویر شهدا
یزد
روح الله حصوری

۰۱ بهمن ۱۳۶۳

فارسی | English



روح‌الله حصوری

متولد ۱۳۲۱ در شریف‌آباد، یزد

در تاریخ ۱ بهمن ۱۳۶۳ در یزد تیرباران شد

عنوان سازمانی : مساعد معاون مشاور قاره ای دار التبلیغ مستقر در اسرائیل

نام : روح الله حضوری

اعدام دهه ۶۰

لینک :

[-https://iranbahaipersecution.bic.org/index.php/fa/archive/rwh-allh-hswry-dr-1
bhmn-1363-dr-yzd-tyrbaran-shd](https://iranbahaipersecution.bic.org/index.php/fa/archive/rwh-allh-hswry-dr-1-bhmn-1363-dr-yzd-tyrbaran-shd)

وی مساعد ژینوس محمودی بود



https://t.me/golshaneshgh/3692

معرفی اعضای سرویس جاسوسی و اطلاعاتی تشکیلات بهایی

عنوان سازمانی : مساعد معاون مشاور قاره ای دار التبلیغ مستقر در اسرائیل

نام : هدایت الله دهقانی

اعدام دهه ۶۰

لینک :

[-https://iranbahaipersecution.bic.org/index.php/fa/archive/hdayt-allh-dhqany-dr
tarykh-26-asfnd-1359-dr-shyraz-tyrbaran-shd](https://iranbahaipersecution.bic.org/index.php/fa/archive/hdayt-allh-dhqany-dr-tarykh-26-asfnd-1359-dr-shyraz-tyrbaran-shd)

معرفی اعضای سرویس جاسوسی و اطلاعاتی تشکیلات بهایی
عنوان سازمانی : مساعد معاون مشاور قاره ای دار التبلیغ مستقر در اسرائیل
نام : هدایت الله دهقانی

هدایت الله دهقانی

متولد ۱۳۰۴ در کوشکک، آباده، فارس

در تاریخ ۲۶ اسفند ۱۳۵۹ در شیراز تیرباران شد

در آشوب های ضد بهائی در سال ۱۳۲۲ منزل هدایت الله دهقانی مورد حمله قرار گرفت و از بین رفت. او به همراه خانواده اش از کوشکک اخراج شدند و به آباده رفتند. در آباده ازدواج کرد و به کار تجارت و همچنین کشاورزی مشغول شد. عضو محفل روحانی محلی[۱] آباده و از اعضای مساعدین[۲] بود.

در روز ۱۸ مرداد ۱۳۵۹ به همراه سه عضو دیگر محفل روحانی آباده، مهدی انوری، ابراهیم یزدانی و وجیه الله فروزان دستگیر شدند. دو روز در فرماندهی سپاه آباده بازداشت بود، سپس به زندان عادل آباد شیراز منتقل شد. در روز ۲۴ بهمن ۱۳۵۹ ابراهیم یزدانی و وجیه الله فروزان آزاد شدند، ولی او و مهدی انوری در زندان باقی ماندند. سرانجام بعد از ماه ها شکنجه و آزار، در روز ۲۶ اسفند ۱۳۵۹ تیرباران شدند. اجساد آن ها در حضور خانواده وعدهٔ زیادی از دوستان، به خاک سپرده شد.

(این معرفی کوتاه بر مبنای اطلاعاتی که در دسترس ما بوده تهیه شده است. اگر به نکته‌ای برخوردید که دقیق نیست و یا اطلاع مهمی ناگفته مانده است، لطفاً به نشانی ایمیل در صفحه تماس با ما بفرستید.)

[۱] **محفل روحانی محلی**: هیئتی متشکل از نه نفر که سالانه با رأی بهائیان بزرگسال در هر شهر یا روستا انتخاب می‌شود و مسئول رسیدگی به امور جاری جامعه بهائی در آن محل است.

[۲] **مساعدین:** اعضای هیئت‌های معاونت، افرادی را با عنوان مساعد انتصاب می‌کنند تا آن‌ها را در انجام وظایفشان در سطح محلی کمک کنند. **هیئت معاونت:** افرادی که با تصمیم هیئت مشاورین قاره‌ای برای دوره‌ای پنج‌ساله انتصاب می‌شوند و در حیطه فعالیتشان که معمولاً شامل نواحی کوچک‌تر در یک ... است، به تشویق افراد و تحکیم جوامع بهائی می‌کوشند. معاونین در ارتباط با محافل روحانی محلی نقش مشورتی دارند.

خانه اسناد
بهائی ستیزی در ایران

خانه | جستجوی پیشرفته |

هدایت الله دهقانی - در تاریخ ۲۶ اسفند ۱۳۵۹ در شیراز تیرباران شد

شخصی، قتل و اعدام، تصاویر شهدا
شیراز
هدایت الله دهقانی

۲۶ اسفند ۱۳۵۹

فارسی English



هدایت الله دهقانی

متولد ۱۳۰۴ در کوشکک، آباده، فارس

در تاریخ ۲۶ اسفند ۱۳۵۹ در شیراز تیرباران شد

عنوان سازمانی : مساعد معاون مشاور قاره ای دار التبلیغ مستقر در اسرائیل

نام : هدایت الله دهقانی

اعدام دهه ۶۰

لینک :

https://iranbahaipersecution.bic.org/index.php/fa/archive/hdayt-allh-dhqany-dr-tarykh-26-asfnd-1359-dr-shyraz-tyrbaran-shd

عنوان سازمانی : مساعد معاون مشاور قاره ای دار التبلیغ مستقر در اسرائیل

نام : هدایت الله دهقانی

اعدام دهه ۶۰

لینک :

https://iranbahaipersecution.bic.org/index.php/fa/archive/hdayt-allh-syawshy-dr-11-dy-1361-dr-shyraz-bh-dar-awykhth-shd

معرفی اعضای سرویس جاسوسی و اطلاعاتی تشکیلات بهایی
عنوان سازمانی : مساعد معاون مشاور قاره ای دار التبلیغ مستقر در اسرائیل
نام : منوچهر فرزانه موید
اعدام دهه ۶۰

لینک :

-https://iranbahaipersecution.bic.org/index.php/fa/archive/hdayt-allh-syawshy-dr-11
dy-1361-dr-shyraz-bh-dar-awykhth-shd



معرفی اعضای سرویس جاسوسی و اطلاعاتی تشکیلات بهایی
عنوان سازمانی : مساعد معاون مشاور قاره ای دار التبلیغ مستقر در اسرائیل
نام : منوچهر فرزانه موید

خانه اسناد
بهائی ستیزی در ایران

خانه | جستجوی پیشرفته

منوچهر فرزانه مؤید - در ۱۸ تیر ۱۳۶۱ در قزوین اعدام شد

شخصی، قتل و اعدام، تصاویر شهدا
قزوین
منوچهر فرزانه مؤید

۱۸ تیر ۱۳۶۱

English فارسی

منوچهر فرزانه مؤید

متولد ۵ شهریور ۱۳۰۶ در تهران

در تاریخ ۱۸ تیر ۱۳۶۱ در قزوین اعدام شد

منوچهر فرزانه مؤید پس از تکمیل دورهٔ دبیرستان، در رشتهٔ بانکداری و امور مالی از دانشگاه آبادان لیسانس گرفت. در سال ۱۳۴۳ در بانک اعتبارات ایران و فرانسه در تهران استخدام شد. ده سال بعد، در سال ۱۳۵۳ به قزوین رفت و در آنجا عضو محفل روحانی محلی[۱] شد. در سال ۱۳۵۸ به عنوان رئیس بانک به شیراز منتقل شد. در مدتی که در شیراز بود، عضو هیئت مساعدین[۲] بود. در اوایل انقلاب اسلامی، او را پس از ۱۸ سال خدمت در بانک، به اجبار بازنشسته کردند.

در روز ۱۱ اردیبهشت ۱۳۶۱ در هنگام سفر به قزوین بازداشت شد. او را به زندان چوبیندر بردند و دو ماه بعد در روز ۱۸ تیر ۱۳۶۱ به همراه سه بهائی دیگر، جدیدالله اشرف، محمد منصوری و محمد عباسی اعدام شدند. اجساد آنان در دهکدهٔ ککین در ۵۰ کیلومتری قزوین، در حضور خانواده به خاک سپرده شد.

(این معرفی کوتاه بر مبنای اطلاعاتی که در دسترس ما بوده تهیه شده است. اگر به نکته‌ای برخوردید که دقیق نیست و یا اطلاع مهمی ناگفته مانده است، لطفاً به نشانی ایمیل در صفحه تماس با ما بفرستید.)

[۱] **محفل روحانی محلی**: هیئتی متشکل از نه نفر که سالانه با رأی بهائیان بزرگسال در هر شهر یا روستا انتخاب می‌شود و مسئول رسیدگی به امور جاری جامعه بهائی در آن محل است.

[۲] **مساعدین:** اعضای هیئت‌های معاونت، افرادی را با عنوان مساعد انتصاب می‌کنند تا آن‌ها را در انجام وظایفشان در سطح محلی کمک کنند. **هیئت معاونت:** افرادی که با تصمیم هیئت مشاورین قاره‌ای برای دوره‌ای پنج‌ساله انتصاب می‌شوند و در حیطه فعالیتشان که معمولاً شامل نواحی کوچک‌تر در یک کشور است، به تشویق افراد و تحکیم جوامع بهائی می‌کوشند. معاونین در ارتباط با محافل روحانی محلی نقش مشورتی دارند.

عنوان سازمانی : مساعد معاون مشاور قاره ای دار التبلیغ مستقر در اسرائیل

نام : منوچهر فرزانه موید

اعدام دهه ۶۰

لینک :

-https://iranbahaipersecution.bic.org/index.php/fa/archive/hdayt-allh-syawshy-dr-11 dy-1361-dr-shyraz-bh-dar-awykhth-shd

معرفی اعضای سرویس جاسوسی و اطلاعاتی تشکیلات بهایی

عنوان سازمانی : مساعد معاون مشاور قاره ای دار التبلیغ مستقر در اسرائیل

نام : مهدی انوری

اعدام دهه ۶۰

لینک :

[-https://iranbahaipersecution.bic.org/index.php/fa/archive/mhdy-anwry-dr-26
asfnd-1359-dr-shyraz-tyrbaran-shd](https://iranbahaipersecution.bic.org/index.php/fa/archive/mhdy-anwry-dr-26-asfnd-1359-dr-shyraz-tyrbaran-shd)



معرفی اعضای سرویس جاسوسی و اطلاعاتی تشکیلات بهایی
عنوان سازمانی : مساعد معاون مشاور قاره ای دار التبلیغ مستقر در اسرائیل
نام : مهدی انوری

خانه اسناد
بهائی ستیزی در ایران

خانه | جستجوی پیشرفته |

مهدی انوری - در ۲۶ اسفند ۱۳۵۹ در شیراز تیرباران شد

شخصی، قتل و اعدام، تصاویر شهدا
شیراز
مهدی انوری
۲۶ اسفند ۱۳۵۹

فارسی English

مهدی انوری

متولد ۱۳۰۰ در تفت، شیراز

در تاریخ ۲۶ اسفند ۱۳۵۹ در شیراز تیرباران شد

مهدی انوری از سن ۱۴ سالگی در داروخانهٔ پدرش به کار مشغول بود تا اینکه در سال ۱۳۳۳ خود او داروخانهٔ دیگری باز کرد. در سال ۱۳۳۵ ازدواج کرد. چند سال بعد با همسرش به مشهد نقل‌مکان کردند تا همسرش بتواند به در رشتهٔ پزشکی دانشگاه مشهد تحصیل کند. بعد از اتمام دانشگاه پزشکی به شیراز بازگشتند. بعد به آباده رفتند. در آباده به عضویت محفل روحانی محلی[۱] و همچنین هیئت مساعدین[۲] انتخاب شد.

در روز ۱۸ مرداد ۱۳۵۹ به همراه سه عضو دیگر محفل روحانی آباده، هدایت الله دهقانی، ابراهیم یزدانی و وجیه‌الله فروزان بازداشت شدند. دو روز بعد به زندان عادل‌آباد شیراز منتقل شد. در روز ۲۴ دی ۱۳۵۹ ابراهیم یزدانی و وجیه الله فروزان آزاد شدند. او و هدایت الله دهقانی، دو ماه بعد در روز ۲۶ اسفند ۱۳۵۹ تیرباران شدند. اجسادشان در روز ۲۷ اسفندماه ۱۳۵۹ در حضور خانواده و جمع بزرگی از دوستانشان در شیراز به خاک سپرده شد.

(این معرفی کوتاه بر مبنای اطلاعاتی که در دسترس ما بوده تهیه شده است. اگر به نکته‌ای برخوردید که دقیق نیست و یا اطلاع مهمی ناگفته مانده است، لطفاً به نشانی ایمیل در صفحه تماس با ما بفرستید.)

[۱] **محفل روحانی محلی:** هیئتی متشکل از نه نفر که سالانه با رأی بهائیان بزرگسال در هر شهر یا روستا انتخاب می‌شود و مسئول رسیدگی به امور جاری جامعه بهائی در آن محل است.

[۲] **مساعدین:** اعضای هیئت‌های معاونت، افرادی را با عنوان مساعد انتصاب می‌کنند تا آن‌ها را در انجام وظایفشان در سطح محلی کمک کنند. **هیئت معاونت:** افرادی که با تصمیم هیئت مشاورین قاره‌ای برای دوره‌ای پنج‌ساله انتصاب می‌شوند و در حیطه فعالیتشان که معمولاً شامل نواحی کوچک‌تر در یک ... است، به تشویق افراد و تحکیم جوامع بهائی می‌کوشند. معاونین در ارتباط با محافل روحانی محلی نقش مشورتی دارند.

عنوان سازمانی : مساعد معاون مشاور قاره ای دار التبلیغ مستقر در اسرائیل

نام : مهدی انوری

اعدام دهه ۶۰

لینک :

[-https://iranbahaipersecution.bic.org/index.php/fa/archive/mhdy-anwry-dr-26-asfnd-1359
dr-shyraz-tyrbaran-shd](https://iranbahaipersecution.bic.org/index.php/fa/archive/mhdy-anwry-dr-26-asfnd-1359-dr-shyraz-tyrbaran-shd)

معرفی اعضای سرویس جاسوسی و اطلاعاتی تشکیلات بهایی

عنوان سازمانی : مساعد معاون مشاور قاره ای دار التبلیغ مستقر در اسرائیل

نام : روح الله بهرامشاهی

اعدام دهه ۶۰

لینک :

-https://iranbahaipersecution.bic.org/index.php/fa/archive/rwh-allh-bhramshahy dr-6-asfnd-1363-dr-yzd-adam-shd



عنوان سازمانی : مساعد معاون مشاور قاره ای دار التبلیغ مستقر در اسرائیل

نام : روح الله بهرامشاهی

اعدام دهه ۶۰

لینک :

https://iranbahaipersecution.bic.org/index.php/fa/archive/rwh-allh-bhramshahy-dr-6-asfnd-1363-dr-yzd-adam-shd

معرفی اعضای سرویس جاسوسی و اطلاعاتی تشکیلات بهایی

عنوان سازمانی : مساعد معاون مشاور قاره ای دار التبلیغ مستقر در اسرائیل

نام : جلال مستقیم

اعدام دهه ۶۰

لینک :

[-https://iranbahaipersecution.bic.org/index.php/fa/archive/jlal-mstqym-dr-17
shhrywr-1359-dr-yzd-tyrbaran-shd](https://iranbahaipersecution.bic.org/index.php/fa/archive/jlal-mstqym-dr-17-shhrywr-1359-dr-yzd-tyrbaran-shd)



معرفی اعضای سرویس جاسوسی و اطلاعاتی تشکیلات بهایی
عنوان سازمانی : مساعد معاون مشاور قاره ای دار التبلیغ مستقر در اسرائیل
نام : جلال مستقیم

خانه اسناد بهائی‌ستیزی در ایران

خانه | جستجوی پیشرفته |

جلال مستقیم - در ۱۷ شهریور ۱۳۵۹ در یزد تیرباران شد

شخصی، قتل و اعدام، تصاویر شهدا
یزد
جلال مستقیم

۱۷ شهریور ۱۳۵۹

English فارسی

جلال مستقیم

متولد: ۱۳۰۷، مروست، یزد

در تاریخ ۱۷ شهریور ۱۳۵۹ در یزد تیرباران شد

در یک خانوادهٔ بهائی به دنیا آمد. پدرش از یک خانوادهٔ مسلمان بود و بعد از آنکه بهائی شده بود، خانواده با او قطع رابطه کرده بودند و از ارث محروم شده بود. جلال مستقیم تا کلاس چهار ابتدائی درس خواند. از کودکی شاهد آزار و تبعیض‌های بسیاری بود که به خاطر بهائی بودن خانواده‌اش بر آن‌ها تحمیل می‌شد. حتی شاهد بود که خانه‌شان را غارت کردند. وقتی ۱۸ ساله بود، خانواده‌اش به یزد رفتند. از سال ۱۳۵۲ عضو محفل روحانی محلی[۱] یزد بود، و در سال ۱۳۵۵ به عضویت هیئت مساعدین[۲] هم انتخاب شد.

در روز ۲۸ خرداد ۱۳۵۹ بعد از بازگشت از جلسهٔ محفل در منزلش دستگیر شد. در همان شب دیگر اعضاء محفل روحانی هم دستگیر شدند و همگی را به زندان نظامی بردند.

در روز ۱۷ شهریور ۱۳۵۹ به همراه شش بهائی دیگر، عزیزالله ذبیحیان، فریدون فریدانی، نورالله اختر خاوری، محمود حسن‌زاده، علی مطهری و عبدالوهاب کاظمی منشادی تیرباران شدند.

جزئیات اعدام آن‌ها معلوم نیست ولی گفته می‌شود که در باغی خارج از شهر، یک به یک به دست مأموری تیرباران شدند و هر کدام اصرار داشته قبل از بقیه کشته شود. اجساد آن‌ها خارج از شهر، در زمینی خالی و دور افتاده با حضور اقوام و ۲۰۰ نفر از بهائیان به خاک سپرده شد.

(این معرفی کوتاه بر مبنای اطلاعاتی که در دسترس ما بوده تهیه شده است. اگر به نکته‌ای برخوردید که دقیق نیست و یا اطلاع مهمی ناگفته مانده است، لطفاً به نشانی ایمیل در صفحه تماس با ما بفرستید.)

[۱] **محفل روحانی محلی**: هیئتی متشکل از نه نفر که سالانه با رأی بهائیان بزرگسال در هر شهر یا روستا انتخاب می‌شود و مسئول رسیدگی به امور جاری جامعه بهائی در آن محل است.

[۲] **مساعدین:** اعضای هیئت‌های معاونت، افرادی را با عنوان مساعد انتصاب می‌کنند تا آن‌ها را در انجام وظایفشان در سطح محلی کمک کنند.

هیئت معاونت: افرادی که با تصمیم هیئت مشاورین قاره‌ای برای دوره‌ای پنج‌ساله انتصاب می‌شوند و در حیطه فعالیتشان که معمولاً شامل نواحی کوچک‌تر در یک کشور است، به تشویق افراد و تحکیم جوامع بهائی می‌کوشند. معاونین در ارتباط با محافل روحانی محلی نقش مشورتی دارند.

عنوان سازمانی : مساعد معاون مشاور قاره ای دار التبلیغ مستقر در اسرائیل

نام : جلال مستقیم

اعدام دهه ۶۰

لینک :

-https://iranbahaipersecution.bic.org/index.php/fa/archive/jlal-mstqym-dr-17
shhrywr-1359-dr-yzd-tyrbaran-shd

معرفی اعضای سرویس جاسوسی و اطلاعاتی تشکیلات بهایی
عنوان سازمانی : مساعد معاون مشاور قاره ای دار التبلیغ مستقر در اسرائیل
نام : هدایت الله سیاوشی
اعدام دهه ۶۰

لینک :

-https://iranbahaipersecution.bic.org/index.php/fa/archive/hdayt-allh-syawshy-dr-11
dy-1361-dr-shyraz-bh-dar-awykhth-shd

معرفی اعضای سرویس جاسوسی و اطلاعاتی تشکیلات بهایی
عنوان سازمانی : مساعد معاون مشاور قاره ای دار التبلیغ مستقر در اسرائیل
نام : هدایت الله سیاوشی

هدایت الله سیاوشی

متولد ۱۵ خرداد ۱۳۳۱ در یزد

در تاریخ ۱۱ دی ۱۳۶۱ در شیراز به دار آویخته شد

هدایت الله سیاوشی در یک خانوادهٔ بهائی متولد شد. پس از اتمام دورهٔ دبستان، همراه با خانواده‌اش به شیراز رفتند و در آنجا دبیرستان را تمام کرد. از اعضای مساعدین[1] بود. در سال ۱۳۵۹ به جای یکی از اعضای زندانی محفل روحانی محلی[2] شیراز، به عضویت محفل درآمد.

در روز۲۲ مرداد ۱۳۶۰ به همراه دو بهائی دیگر بازداشت شدند. نخست در بازداشتگاه سپاه شیراز بودند و سپس به زندان عادل‌آباد منتقل شدند. در زندان به شدت شکنجه شد و سرانجام در روز ۱۱ دی ۱۳۶۱ او را به دار آویختند. جسدش را خانواده‌اش در گورستان بهائی شیراز، با حضور ۴۰ نفر از بهائیان و با آداب بهایی به خاک سپردند.

(این معرفی کوتاه بر مبنای اطلاعاتی که در دسترس ما بوده تهیه شده است. اگر به نکته‌ای برخوردید که دقیق نیست و یا اطلاع مهمی ناگفته مانده است، لطفاً به نشانی ایمیل در صفحه تماس با ما بفرستید.)

[1] **مساعدین:** اعضای هیئت‌های معاونت، افرادی را با عنوان مساعد انتصاب می‌کنند تا آن‌ها را در انجام وظایفشان در سطح محلی کمک کنند.

هیئت معاونت: افرادی که با تصمیم هیئت مشاورین قاره‌ای برای دوره‌ای پنج‌ساله انتصاب می‌شوند و در حیطه فعالیتشان که معمولاً شامل نواحی کوچک‌تر در یک کشور است، به تشویق افراد و تحکیم جوامع بهائی می‌کوشند. معاونین در ارتباط با محافل روحانی محلی نقش مشورتی دارند.

[2] **محفل روحانی محلی:** هیئتی متشکل از نه نفر که سالانه با رأی بهائیان بزرگسال در هر شهر یا روستا انتخاب می‌شود و مسئول رسیدگی به امور جاری جامعه بهائی در آن محل است.

خانه اسناد
بهائی ستیزی در ایران

خانه | جستجوی پیشرفته |

هدایت الله سیاوشی - در ۱۱ دی ۱۳۶۱ در شیراز به دار آویخته شد

شخصی، قتل و اعدام، تصاویر شهدا
شیراز
هدایت الله سیاوشی

۱۱ دی ۱۳۶۱

فارسی English



هدایت الله سیاوشی

متولد ۱۵ خرداد ۱۳۳۱ در یزد

در تاریخ ۱۱ دی ۱۳۶۱ در شیراز به دار آویخته شد

معرفی اعضای سرویس جاسوسی و اطلاعاتی تشکیلات بهایی

عنوان سازمانی : مساعد معاونت مشاور قاره ای دار التبلیغ مستقر در اسرائیل

نام : طاهره ارجمند سیاوشی

اعدام دهه ۶۰

لینک :

https://www.iranrights.org/fa/memorial/story/-3368/tahirih-arjumandi-siyavushi



عنوان سازمانی : مساعد معاونت مشاور قاره ای دار التبلیغ مستقر در اسرائیل

نام : طاهره ارجمند سیاوشی

اعدام دهه ۶۰

لینک :

https://www.iranrights.org/fa/memorial/story/-3368/tahirih-arjumandi-siyavushi

معرفی اعضای سرویس جاسوسی و اطلاعاتی تشکیلات بهایی

عنوان سازمانی : مساعد معاونت مشاور قاره ای دار التبلیغ مستقر در اسرائیل

نام : کورش حق بین

اعدام دهه ۶۰

لینک :

https://www.iranrights.org/fa/memorial/story/-4146/kurush-haqbin

معرفی اعضای سرویس جاسوسی و اطلاعاتی تشکیلات بهایی
عنوان سازمانی : مساعد معاون مشاور قاره ای دار التبلیغ مستقر در اسرائیل
نام : کورش حق بین



عنوان سازمانی : مساعد معاونت مشاور قاره ای دار التبلیغ مستقر در اسرائیل

نام : کورش حق بین

اعدام دهه ۶۰

لینک :

https://www.iranrights.org/fa/memorial/story/-4146/kurush-haqbin

https://t.me/golshaneshgh/1191

باقی مانده ها :

عنوان سازمانی : معاونت مشاور قاره ای دار التبلیغ مستقر در اسرائیل

نام : بهروز توکلی

اعدام دهه ۶۰

لینک :

https://t.me/golshaneshgh/311

بهروز توکلی، ۵۹ ساله، تا اوائل دههٔ ۱۹۸۰ (۱۳۶۰) به عنوان مددکار اجتماعی به کار مشغول بود. اما در این زمان به علت اعتقاد به آئین بهائی از کار دولتی اخراج شد. آقای توکلی پیش از دستگیری اخیر نیز به طور متناوب بازداشت و مورد آزار قرار می‌گرفت. وی سه سال پیش، برای مدت چهار ماه، بدون هیچ جرمی، در سلول انفرادی زندانی بود که در نتیجه دچار مشکلات جدی کلیوی و مفصلی شد.
آقای توکلی فارغ‌التحصیل رشتهٔ روانشناسی است. او پس از اتمام دو سال خدمت سربازی (در رتبهٔ ستوانی)، و گذراندن دوره‌های آموزشی تکمیلی، در رشتهٔ مراقبت از معلولین جسمی و ذهنی متخصص شد و تا زمانی که، به علت بهائی بودن، از کار برکنار شد به کار دولتی اشتغال داشت. آقای توکلی و همسرش خانم طاهره فخر توسکی دو پسر دارند که یکی از آنها در کانادا زندگی می‌کند و دیگری در مؤسسهٔ آموزش عالی بهائی (علمی آزاد) به تحصیل در رشتهٔ معماری مشغول است.
آقای توکلی، هنگامی که هنوز دانشجوی دانشگاه بود، به عضویت در شورای حاکمهٔ محلی بهائی (محفل روحانی

محلی) در شهر مشهد انتخاب شد و بعد از آن در شورای محلی دیگری در شهر ساری خدمت کرد. این نهادهای مشورتی در اوائل دهۀ ۱۹۸۰ (۱۳۶۰) به دستور دولت تعطیل شد. وی همچنین در چند کمیتۀ جوانان عضویت داشت و در اوائل دهۀ ۱۹۸۰ به عضویت هیئت معاونت در آمد. بعد از آن که آقای توکلی از شغل دولتی خود محروم شد، برای تکفل خانواده و امرار معاش، یک کارگاه کوچک نجّاری در شهر گنبد تأسیس کرد و در همان شهر، کلاس‌هائی نیز برای مطالعات بهائی برای جوانان و بزرگسالان به راه انداخت.



https://t.me/golshaneshgh/311

عنوان سازمانی : مساعد معاونت مشاور قاره ای دار التبلیغ مستقر در اسرائیل

نام : عنایت الله اشراقی

اعدام دهه ۶۰

لینک :

https://t.me/golshaneshgh/1172

مطالب از منبع بالا که از منابع بهایی است تقدیم می گردد

جناب عنایت الله اشراقی

جناب عنایت الله اشراقی در سال ۱۳۰۰ شمسی در نجف آباد متولد شدند. دورۀ دبستان را در مدرسۀ بهائی سعادت طی نمودند و در چهارده سالگی عازم طهران شدند و در کلاس های انگلیسی شروع به یادگیری زبان نمودند. در

سال ۱۳۲۶ با سرکار خانم عزت جانمی ازدواج نمودند که (این خانم بزرگوار نیز به رتبهٔ شهادت نائل گردید). از ثمرهٔ ازدواج این دو نفس مقدس پنج فرزند به نام های سعید، ناهید، وحید و رویا (که او نیز در عنفوان جوانی در شیراز به شهادت رسید) و رزیتا پا به عرصهٔ وجودگذاردند. محبت بهائی، اخلاق انسانی و تربیت روحانی این فامیل در شیراز ضرب المثل بود. جناب اشراقی از جوانی در شرکت نفت مشغول به کار شدند و آخرین پست رسمی ایشان، ریاست انبارداری شرکت ملی نفت شیراز در بوشهر بود. اعمال و رفتار و سجایای اخلاقی ایشان زبانزد کارکنان مؤسسه بود. در سال ۱۳۶۱ به غلت ایمان به دیانت بهائی و گزارش هیأت پاکسازی از دریافت حقوق محروم گردیدند. در ایام امتحانات شدید در شیراز منزل ایشان به طور رایگان در اختیار آوارگان و ملهوفین قرار داشت. خانم علیا روحی زادگان که یکی از احبای شیراز که در زمان انقلاب در بحبوحهٔ رنج ها و مرارت ها بودند دربارهٔ جناب اشراقی چنین می نویسد: "به خاطر می آورم اولین روز افتخار آشنائیم با خانواده جناب اشراقی روزی بود که املاک جناب میرزا محمد تقی خان افنان در شیراز از طرف دادگاه مصادره شده و دو خواهر بزرگوار و مسن جناب افنان به نام های طوبی خانم افنان (طاهری) و مهین خانم افنان سرگردان و بلا تکلیف بودند. بی اختیار به فکر افتادم که جناب عنایت الله اشراقی پیغام داده بودند چنانچه احبا نیاز به مسکن داشته باشند، می توانند در منزل ایشان سکونت کنند. وقتی که این کمینه به اتفاق دو همشیرهٔ جناب افنان به خانهٔ جناب اشراقی رفتیم مشاهده نمودم آقای اشراقی و خانم محترمشان و رویا با تبسمی شیرین از ما استقبال کردند و با روی گشاده فرمودند: قدمشان را روی چشم می گذاریم، این خانه تعلق به احبا دارد. گرچه این خانه فقط گنجایش خانواده اشراقی را داشت با وجود این، آن مؤمنین و مخلصین ترجیح می دادند که راحتی خود را فدای آسایش دیگران نمایند ... جناب اشراقی از جملهٔ مساعدین و عضو لجنهٔ اصلاح و ناظم ضیافت بودند. پس از زندانی شدن تنی چند از اعضای محفل مقدس روحانی شیراز، ۱ / ۸ / ۱۳۶۱ به عضویت محفل روحانی شیراز برای دوره سوم عضو علی البدل انتخاب شدند. ایشان در نهایت شجاعت و از خودگذشتگی در موقعی که احبای جانفشان شیراز در زندان ها بودند عضویت محفل روحانی شیراز را به دل و جان پذیرفتند. و تا تاریخ گرفتاری خود ۸/۹/۱۳۶۱ شب و روز به خدمت مشغول بودند. داستان زندانی شدن این عائلهٔ مبارک (آقای عنایت الله اشراقی، سرکار خانم عزت اشراقی و دوشیزه رویا اشراقی) آنقدر مهیج و حماسه آفرین است که در این چند سطر کوتاه نمی توان قطره ای از دریای عشق و دلدادگی آن وجودات مقدسه را باز گفت. فقط یک ملاقات پنج دقیقه ای در زندان که بین پدر و دختر اتفاق افتاد سرشگ از دیدگان جاری می کند و وفریاد واحسرتا از گلو بر می خیزد ... "رویا به محض دیدار پدرش رویش را می بوسد و نوازش کرده و می گوید: " پدر خیلی دوستت دارم سعی کن استقامت کنی ... پدر چرا اینقدر ریش صورتت بلند شده. جناب اشراقی توضیح می دهد که در زندان حق تراشیدن صورت را نداریم ... " بازجو به رویا می گوید: "حیف نیست که شما که اینقدر پدرتان را دوست دارید برای یک کلمه این همه زجر به خودتان می دهید؟ فقط یک کلمه بگو بهائی نیستم! رویا با صدای بلند می گوید عشق و محبت پدر و فرزندی امری طبیعی است، اما عشقی که به محبوبم دارم بیش از اینهاست ..... "

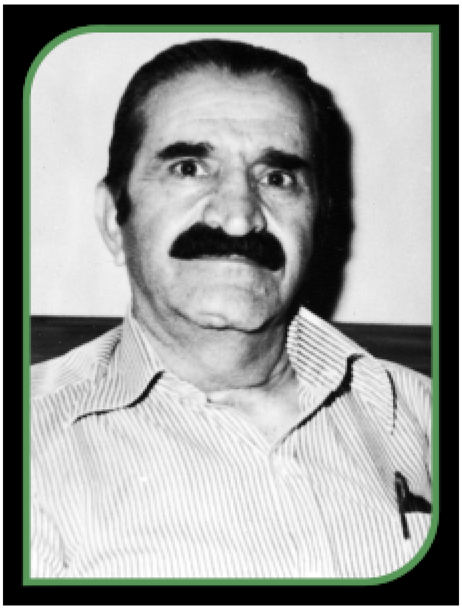
جناب عنایت الله اشراقی به اتفاق پنج رادمرد دیگر در تاریخ بیست و ششم خردادماه ۱۳۶۲ در شیراز به درجهٔ شهادت رسیدند.

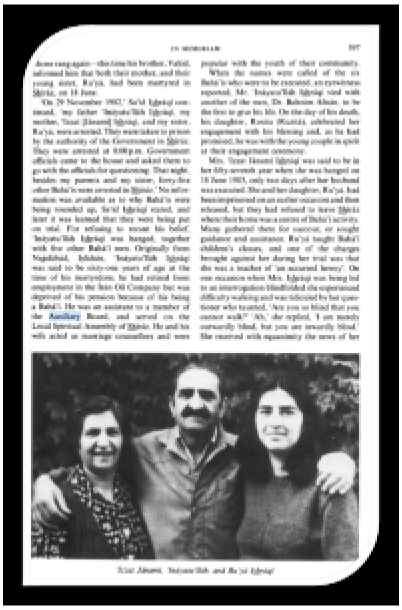
اقتباس و تلخیص از عندلیب شمارهٔ ۱۷ زمستان ۱۳۶۴.

از کتاب بروازها و یادگارها اثر خانم ماه مهر گلستانه


The rose garden of love گلشن عشق

جناب عنایت الله اشراقی





IN MEMORIAM 597

Acme rang again—this time his brother, Vahid, informed him that both their mother, and their young sister, Ru'yá, had been martyred in Shíráz, on 18 June.

'On 29 November 1982,' Sa'íd Ishráqí continued, 'my father 'Ináyatu'lláh Ishráqí, my mother, 'Izzat [Jánamí] Ishráqí, and my sister, Ru'yá, were arrested. They were taken to prison by the authority of the Government in Shíráz. They were arrested at 8:00 p.m. Government officials came to the house and asked them to go with the officials for questioning. That night, besides my parents and my sister, forty-five other Bahá'ís were arrested in Shíráz.' No information was available as to why Bahá'ís were being rounded up, Sa'íd Ishráqí stated, and later it was learned that they were being put on trial. For refusing to recant his belief, 'Ináyatu'lláh Ishráqí was hanged, together with five other Bahá'í men. Originally from Najafábád, Isfahán, 'Ináyatu'lláh Ishráqí was said to be sixty-one years of age at the time of his martyrdom; he had retired from employment in the Iran Oil Company but was deprived of his pension because of his being a Bahá'í. He was an assistant to a member of the Auxiliary Board, and served on the Local Spiritual Assembly of Shíráz. He and his wife acted as marriage counsellors and were popular with the youth of their community.

When the names were called of the six Bahá'ís who were to be executed, an eyewitness reported, Mr. 'Ináyatu'lláh Ishráqí vied with another of the men, Dr. Bahrám Afnán, to be the first to give his life. On the day of his death, his daughter, Rosita (Rozita), celebrated her engagement with his blessing and, as he had promised, he was with the young couple in spirit at their engagement ceremony.

Mrs. 'Izzat Jánamí Ishráqí was said to be in her fifty-seventh year when she was hanged on 18 June 1983, only two days after her husband was executed. She and her daughter, Ru'yá, had been imprisoned on an earlier occasion and then released, but they had refused to leave Shíráz where their home was a centre of Bahá'í activity. Many gathered there for succour, or sought guidance and assistance. Ru'yá taught Bahá'í children's classes, and one of the charges brought against her during her trial was that she was a teacher of 'an accursed heresy'. On one occasion when Mrs. Ishráqí was being led to an interrogation blindfolded she experienced difficulty walking and was ridiculed by her questioner who taunted, 'Are you so blind that you cannot walk?' 'Ah,' she replied, 'I am merely outwardly blind, but you are inwardly blind.' She received with equanimity the news of her

'Izzat Jánamí, 'Ináyatu'lláh and Ru'yá Ishráqí

منبع :

مجله دنیای بهایی شماره ۱۹ . عنایت اله اشراقی مساعد معاون قاره ای بوده است .

عنوان سازمانی : مساعد معاونت مشاور قاره ای دار التبلیغ مستقر در اسرائیل

نام : نصرت الله سبحانی

اعدام دهه ۶۰

لینک :

https://t.me/golshaneshgh/154

مطالب از منبع بالا که از منابع بهایی است تقدیم می گردد :

شهید بزرگوار نصرت الله سبحانی

جناب نصرت الله سبحانی در سال ۱۳۱۱ در شهر قائم شهر (شاهی) پا به عرصهٔ وجود گذاشت نام پدرش علی و نام مادرش خورشید بود.

پس از اتمام دورهٔ دبستان در مغازهٔ خواربار فروشی پدر در طهران و سپس در گنبد کاووس به کار پرداخت. در سال ۱۳۳۲ با خانم بهجت میثاقیان ازدواج نمود. حاصل این وصلت پنج فرزند است که همگی خارج از ایران زندگی می کنند. در امر ثابت هستند و کمال عشق و علاقه را به دیانت بهائی دارند. و خانواده های خویش را بر

اساس تعالیم حضرت بهاءالله تربیت می نمایند. جناب سبحانی با وجود اینکه تحصیلات متداول مدرسه ای نداشت ولی در کتاب های امری فارسی و عربی خود تفحص نموده بود و بر متون آن ها دارای تسلط بود. پس از ازدواج به طور مستقل به کار تجارت و زراعت در گنبد کاووس پرداخت و تا سال ۱۳۴۷ در آن نواحی بود. از سال ۱۳۴۷ تا سال ۱۳۵۴ که به مهاجرت هندوستان رفت، تقریباً فعالیت مادی نداشت و صرفاً به خدمات امری می پرداخت. از جوانی عشق و ذوق خود را منحصر به خدمات و لجنات امریه نموده بود، از جمله شرکت فعال در کلاس های امری و تشکیلات جوانان گنبد کاووس را داشت. در نقشهٔ پنج ساله مدت چهار سال به هندوستان مهاجرت نمود. مدت دو سال عضو محفل روحانی بدگلور و مسافر دائم و مبلغ جان نثار بود. در اوائل انقلاب به ایران مراجعت نمود. عضو لجنه ده طهران گردید و مدتی نیز به سمت مساعد مشغول به خنمت بود. در روز دوم خرداد ماه در حالی که برای تعویض شیشه های عینک از خانه خارج شده بود در یکی از کوچه های فرعی خیابان زرتشت توسط مأمورین دستگیر شد. محل اولیه بازداشت را احتمالاً زندان اوین تعیین کرده اند. در مدت نه ماه زندانی، دو مرتبه مدت ۱۰ یا ۱۵ دقیقه با همسر و مادر و برادر ملاقات نمود. همسر جناب سبحانی دو روز قبل از شهادت برای آخرین بار او را ملاقات کرد.

در شامگاه چهاردهم اسفند ماه ۱۳۶۳ در زندان اوین طهران او را به دار آویختند. چند روز پس از شهادت به فامیل او اطلاع دادند که جناب سبحانی را اعدام نموده اند و در گورستان خاتون آباد طهران بدون هیچ مراسمی به خاک سپرده اند. از ایشان وصیت نامه ای مانده که تحویل خانواده گردیده است.

مأخذ: دارالانشاء بیت العدل اعظم الهی

کتاب پروازها و یادگارها اثر خانم ماه مهر گلستانه

در سایت خانه اسناد بهائی ستیزی در ایران در مورد این شهید مجید می نویسد:

نصرت الله سبحانی – در ۱۴ اسفند ۱۳۶۳ در تهران به دار آویخته شد

متولد ۱۳۱۱ در شاهی [قائم‌شهر]، مازندران

در تاریخ ۱۴ اسفند ۱۳۶۳ در تهران بدار آویخته شد

نصرت‌الله سبحانی در یک خانوادهٔ بهائی متولد شد. وقتی ۹ ساله بود، خانواده‌اش برای ترویج آئین بهائی به شیروان و سپس به گنبدکاووس مهاجرت کردند. در سال ۱۳۵۴ به هند رفت و پنج سال مقیم هند بود. در سال ۱۳۵۹ به ایران بازگشت.

در۲خرداد ۱۳۶۳ در تهران بازداشت شد و او را به زندان اوین بردند. خانواده‌اش تا شش ماه اجازهٔ ملاقات نداشتند، تا اینکه بالاخره به همسرش دو بار اجازهٔ ملاقات دادند، ولی پس از آن، دوباره ملاقات متوقف شد. در روز ۱۳ اسفند ۱۳۶۳ از زندان اوین به همسرش تلفن کردند که فوراً به اوین برود و آخرین بازجوئی او را ببیند، و چنددقیقه‌ای با او صحبت کند. روز بعد خبر اعدام او را به همسرش دادند. وی در روز ۱۴ اسفندماه ۱۳۶۳ به دار آویخته شد.



در سایت اسناد بهایی ستیزی وی معرفی شده است اما عضو مساعد بودنش سانسور شده است :



خانه اسناد
بهائی‌ستیزی در ایران
ARCHIVES OF BAHA'I PERSECUTION IN IRAN

نصرت‌الله سبحانی

متولد ۱۳۱۱ در شاهی [قائم‌شهر]، مازندران

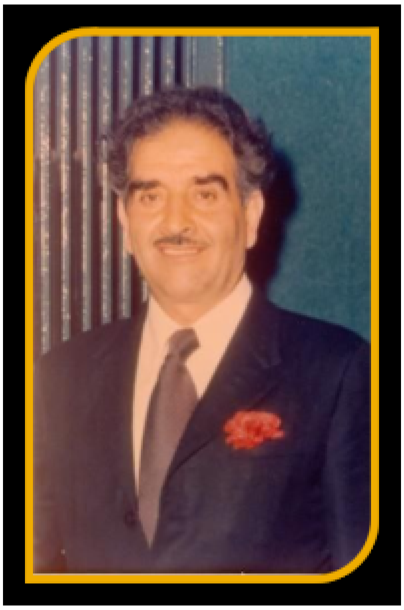
در تاریخ ۱۴ اسفند ۱۳۶۳ در تهران بدار آویخته شد

نصرت‌الله سبحانی در یک خانوادهٔ بهائی متولد شد. وقتی ۹ ساله بود، خانواده‌اش برای ترویج آئین بهائی به شیروان و سپس به گنبدکاووس مهاجرت کردند. در سال ۱۳۵۴ به هند رفت و پنج سال مقیم هند بود. در سال ۱۳۵۹ به ایران بازگشت.

در۲خرداد ۱۳۶۳ در تهران بازداشت شد و او را به زندان اوین بردند. خانواده‌اش تا شش ماه اجازهٔ ملاقات نداشتند، تا اینکه بالاخره به همسرش دو بار اجازهٔ ملاقات دادند، ولی پس از آن، دوباره ملاقات متوقف شد. در روز ۱۴ اسفند ۱۳۶۳ از زندان اوین به همسرش تلفن کردند که فوراً به اوین برود و آخرین بارجولی او را ببیند و چنددقیقه‌ای با او صحبت کند. روز بعد خبر اعدام او را به همسرش دادند. وی در روز ۱۴ اسفندماه ۱۳۶۳ به دار آویخته شد.

(این معرفی کوتاه بر مبنای اطلاعاتی که در دسترس ما بوده تهیه شده است. اگر به نکته‌ای برخوردید که دقیق نیست و یا اطلاع مهمی ناگفته مانده است، لطفاً به نشانی ایمیل در صفحه تماس با ما بفرستید.)

با توجه به سند زیر سبحانی متهم به قتل مسلمین بوده و تحت تعقیب در زمان شاه و محور فتنه شاهرود ذکر گردیده است





منبع :

کتاب یاد ها و یادگار ها

عنوان سازمانی : مساعد معاونت مشاور قاره ای دار التبلیغ مستقر در اسرائیل

نام : حسین خاندل

اعدام دهه ۶۰

لینک :

https://t.me/golshaneshgh/1052

مطالب از منبع بالا که از منابع بهایی است تقدیم می گردد :

شهید عالی قدر حسین خاندل

حسین خاندل فرزند آقای یدالله و توران خانم خاندل در سال ۱۳۲۱ در همدان متولّد شدند. در دوران مدرسه و کلاس های درس اخلاق از شاگردان ممتاز محسوب می گردیدند و از همان عنفوان جوانی به خدمات امری می پرداختند. ایشان عضو کمیسیون امور مالی جوانان، کمیسیون نوجوانان و لجنهٔ نوجوانان بودند. بعد از گرفتن دیپلم دبیرستان تصمیم گرفتند که یار و غمگسار و شریک پدر باشند و در کار تجارت، ایشان را یاری نمایند. در مغازهٔ لوازم ماشین فروشی پدر شریک شدند. در سال ۱۳۴۶ با خانم پوران حبیبی ازدواج نمودند. هنگامی که برای خدمت وظیفه به رضائیه رفتند، همسر را هم به همراه بردند. جناب خاندل در لجنات متعدّدی عضویّت داشتند، از جمله لجنه ی منطقه ای تبلیغ، که در آنجا چندین سال با تمام وجود به خدمات مؤثّر قائم بودند. در استقرار مهاجرین، یافتن کار و تهیّه ی مغازه کوشش بسیار مبذول می داشتند. برای اینکه افراد را تشویق به رفتن به نقاط مهاجرتی بنمایند با آنها به نحوی سرمایه گذاری نموده، مغازه ای افتتاح می کردند یا با آنها شریک می شدند. یک بار هم به اتّفاق دو فامیل، سهیل حبیبی (شهید مجید) و جناب مهندس حجری (مهاجر بولیویا) به یکی از نقاط نزدیک همدان به مهاجرت رفتند و ساکن شدند، ولی به علّت هجوم افراد تبلیغات اسلامی به آن دهات و ایجاد فتنه و آشوب و جنجال و مخالفت اهالی ده (البّته به تحریک دشمنان) چنان عرصه بر آن سه خانواده تنگ شد که برای حفظ جان، آن ده را رها کردند.

جناب خاندل پس از برگشت از زیارت مقامات مقدّسه تصمیم به مهاجرت به کشورهای خارجه گرفتند ولی پدر نسبتاً مسنّ ایشان به این کار راضی نبودند و می گفتند: « پشت و پناه من حسین است.» بعد از مدّتی که به همراهی ایشان به یک سفر تشویقی می رفتیم (چون هر دو مساعد بودیم) از ایشان راجع به تصمیمشان در مورد مهاجرت سئوال کردم. گفتند: « من شب ها کتاب امر و خلق را مطالعه می کنم، از زیارت آن این طور برداشت نمودم که منظور خدمت امر است، حالا هر کجا که باشد. فعلاً تصمیم گرفته ام که همین جا بمانم تا ببینم خدا چه می خواهد.» ایشان دارای چهار فرزند به نام های مینا، مهدی، مینو و مهران گردیدند. در وقتی که ایشان در سجن بودند، چهارمین فرزند را خداوند به ایشان عطا نمود. خدا می داند که چقدر برای خانم ایشان این موضوع مشکل بود که پدر از دیدار فرزندان علی الخصوص طفل نوزاد محروم باشد. جناب خاندل انسانی رئوف، خدوم، افتاده و با صفا بودند. با نهایت محبّت با همسر و اطفال خود رفتار می کردند. کارها و مسئولیّت هایی را که برای دیگران انجامش مشکل به نظر می رسید به عهده می گرفتند.

در سال ۱۳۵۸ به علّت فعّالیّت های مداوم در لجنات جوانان منطقه ای تبلیغ و غیره و به خصوص سمت مساعدت که داشتند با سایر اعضای محفل وقت، به دادگاه احضار گردیدند که برای مدّت کوتاهی آزاد شدند. در سال ۱۳۵۹ به عضویّت محفل مقدّس روحانی همدان انتخاب شدند و پس از اندک زمانی با بقیّه ی اعضای محفل گرفتار و زندانی گردیدند. روحیّه ی شاد، دلسوز و مهربان ایشان در ایّام سجن زبانزد عموم بود و ایشان یار بقیّه ی مسجونین بودند، تا آنکه در بیست و سوم خرداد ماه ۱۳۶۰ با سایر اعضای محفل همدان جام شهادت را نوشیدند.

اقتباس و تلخیص از نامه ی سرکار خانم ژاله وفایی

از کتاب پروازها و یادگارها اثر خانم ماه مهر گلستانهشهید عالی قدر حسین خاندل

حسین خاندل فرزند آقای یدالله و توران خانم خاندل در سال ۱۳۲۱ در همدان متولّد شدند. در دوران مدرسه و کلاس های درس اخلاق از شاگردان ممتاز محسوب می گردیدند و از همان عنفوان جوانی به خدمات امری می پرداختند. ایشان عضو کمیسیون امور مالی جوانان، کمیسیون نوجوانان و لجنهٔ نوجوانان بودند. بعد از گرفتن دیپلم دبیرستان تصمیم گرفتند که یار و غمگسار و شریک پدر باشند و در کار تجارت، ایشان را یاری نمایند. در مغازهٔ لوازم ماشین فروشی پدر شریک شدند. در سال ۱۳۴۶ با خانم پوران حبیبی ازدواج نمودند. هنگامی که برای خدمت وظیفه به رضائیه رفتند، همسر را هم به همراه بردند. جناب خاندل در لجنات متعدّدی عضویّت داشتند، از جمله لجنه ی منطقه ای تبلیغ، که در آنجا چندین سال با تمام وجود به خدمات مؤثّر قائم بودند. در استقرار مهاجرین، یافتن کار و تهیّه ی مغازه کوشش بسیار مبذول می داشتند. برای اینکه افراد را تشویق به رفتن به نقاط مهاجرتی بنمایند با آنها به نحوی سرمایه گذاری نموده، مغازه ای افتتاح می کردند یا با آنها شریک می شدند. یک بار هم به اتّفاق دو فامیل، سهیل حبیبی (شهید مجید) و جناب مهندس حجری (مهاجر بولیویا) به یکی از نقاط نزدیک همدان به مهاجرت رفتند و ساکن شدند، ولی به علّت هجوم افراد تبلیغات اسلامی به آن دهات و ایجاد فتنه و آشوب و جنجال و مخالفت اهالی ده (البّته به تحریک دشمنان) چنان عرصه بر آن سه خانواده تنگ شد که برای حفظ جان، آن ده را رها کردند.

جناب خاندل پس از برگشت از زیارت مقامات مقدّسه تصمیم به مهاجرت به کشورهای خارجه گرفتند ولی پدر نسبتاً مسنّ ایشان به این کار راضی نبودند و می گفتند: « پشت و پناه من حسین است.» بعد از مدّتی که به همراهی ایشان به یک سفر تشویقی می رفتیم (چون هر دو مساعد بودیم) از ایشان راجع به تصمیمشان در مورد مهاجرت سئوال کردم. گفتند: « من شب ها کتاب امر و خلق را مطالعه می کنم، از زیارت آن این طور برداشت نمودم که منظور خدمت امر است، حالا هر کجا که باشد. فعلاً تصمیم گرفته ام که همین جا بمانم تا ببینم خدا چه می خواهد.»

ایشان دارای چهار فرزند به نام های مینا، مهدی، مینو و مهران گردیدند. در وقتی که ایشان در سجن بودند، چهارمین فرزند را خداوند به ایشان عطا نمود. خدا می داند که چقدر برای خانم ایشان این موضوع مشکل بود که پدر از دیدار فرزندان علی الخصوص طفل نوزاد محروم باشد. جناب خاندل انسانی رئوف، خدوم، افتاده و با صفا بودند. با نهایت محبّت با همسر و اطفال خود رفتار می کردند. کارها و مسئولیّت هایی را که برای دیگران انجامش مشکل به نظر می رسید به عهده می گرفتند.

در سال ۱۳۵۸ به علّت فعّالیّت های مداوم در لجنات جوانان منطقه ای تبلیغ و غیره و به خصوص سمت مساعدت که داشتند با سایر اعضای محفل وقت، به دادگاه احضار گردیدند که برای مدّت کوتاهی آزاد شدند. در سال ۱۳۵۹ به عضویّت محفل مقدّس روحانی همدان انتخاب شدند و پس از اندک زمانی با بقیّه ی اعضای محفل گرفتار و زندانی گردیدند. روحیّه ی شاد، دلسوز و مهربان ایشان در ایّام سجن زبانزد عموم بود و ایشان یار بقیّه ی مسجونین بودند، تا آنکه در بیست و سوم خرداد ماه ۱۳۶۰ با سایر اعضای محفل همدان جام شهادت را نوشیدند.

اقتباس و تلخیص از نامه ی سرکار خانم ژاله وفایی

از کتاب پروازها و یادگارها اثر خانم ماه مهر گلستانه



عنوان سازمانی : مساعد معاونت مشاور قاره ای دار التبلیغ مستقر در اسرائیل

نام : یدالله آستانی، فرامرز سمندری

اعدام دهه ۶۰

لینک :

https://t.me/golshaneshgh/1675

مطالب از منبع بالا که از منابع بهایی است تقدیم می گردد :

از کتاب فریادی از اعماق قلب اثر جناب ویلیام سیرز ایادی امر الله
فریادی از اعماق قلب (تبریز)
تلگرافی دیگر: تبریز یدالله آستانی، فرامرز سمندری مساعد و عضو محفل محلی تبریز امروز تیر باران شدند جزئیات خواهد رسید. ۱۴ جولای ۱۹۸۰ تبریز
و بزودی جزئیات رسید. همان اتهامات بی اساس: مقاومت در برابر تبری، بازداشت غیر قانونی، حبس و اعدام
من هر دوی ایشان را می شناختم. هنگامی که در تبریز بودم با اعضاء محفل محلی و سائر احبای آن شهر ملاقاتی داشتم.
تبریز شهری که ناظر تیر باران حضرت باب بوده در همین ماه (جولای) ولی ۱۳۱ سال پیش. بله ، تمام جهان بهائی تبریز را میشناسند که اینک بار دیگر شاهد شهادت دو تن از خدمتگزاران خود بودند و به جرأت می توان

گفت که هیچیک از ساکنان این شهر بیش از این دو نفر به اصطلاح متهم و خائن به مردم ، در حق جامعه خدمت نکرده است در آخرین ساعات از شب ۱۴ جولای ۱۹۸۰ جناب دکتر سمندری و جناب آستانی مطلع شدند که چند ساعتی بیش مهمان این جهان نخواهند بود. آنها به دعا و مناجات نشستند و خود را آماده نمودند. این برگزیدگان شهادت در ایام سجن با رفتار و روح بهائی خویش دیگر زندانیان و نگهبانان را چنان مجذوب خویش ساخته بودند که اینک با پخش حکم اعدام همه متأثر و گریان بودند. درست نیمه شب بود که این دو را از سلول خارج کرده و بسوی جایگاه تیرباران می بردند . در طول راه از راهروها و مقابل سلول سایر زندانیانی که مرتکب قتل ، دزدی و سایر جنایات شده بودند، می گذشتند و همه این دو زندانی نمونه را می شناختند و دوست می داشتند فریاد اعتراض بر آوردند که:

ما مجرم هستیم باید ما را بکشید. این پزشک چه جرمی مرتکب شده که همه را از وجودش محروم می کنید؟""

جناب دکتر سمندری به دستور ستاد زندان در مدت سجن خود ، پزشک زندان گردیده بود. و اینک همه می دانستند که زیر پرده دروغین تهمت های رنگین جرم اصلی او و برادرهایش مذهب و مرام آنها بود.

مدت کوتاهی برای نوشتن وصیت نامه به آنها وقت داده شد و در حالیکه آخرین لحظات زندگی را می گذراندند در سطوری کوتاه با عشقی کامل و در نهایت خویشتنداری ازعزیزانشان خداحافظی کردند.

آخرین یادداشتهای تمام شهیدان امر در این دوره همیشه همینطوری بوده و گهگاه چنان عاشقانه و رهیده از "" آخرین لحظات حیات که توأم با شوق و شادی است "" دم زده اند که نامه هایشان توقیف گشته و به خانواده و بازماندگانشان داده نشده است.

لحظه ای خود را بجای ایشان بگذارید، در مدتی کوتاه و طی چند سطر برای عزیزترین کسانتان چه خواهید نوشت؟ و یا جای همسری باشید که آخرین کلمات شوهرش به دستش می رسد.. عزیزترینش در این جهان که دیگر نخواهد دید

و این آخرین پیام و کلام جناب دکتر فرامرز سمندری است به همسر و فرزندانش:

بنام خداوند بخشنده مهربان

ای پروردگار علیم، تو، تنها واقف اسرار قلب من هستی عبدالبهاء عباس

با شهادت به وحدانیت خدا و اعتقاد به حقانیت پیغمبرانش از جمله حضرت محمد و اعتراف و ایمان به بر حقی حضرت بهاءالله و آئین مقدسش در حالیکه آخرین لحظات حیات را در زندان می گذرانم این سطور را به خواست خود مینویسم: من هیچ جرمی مرتکب نشده ام مگر آنکه بهائی هستم و صادقانه به میهن و هموطنانم خدمت کرده ام.

تمام مایملک من منقول و غیر منقول آنچه را که اکنون دارم و هرآنچه که در آینده به من می رسد به همسرم آنیتا سمندری می گذارم. بعلاوه تمام وجوه نقدی که در حساب بانکی خود دارم . او مختار است که هرطوری می خواهد از آنها استقاده کند.

از همسر عزیزم آنیتا می خواهم که حد اعلای تلاش خود را در تربیت فرزندانمان کیامرز، مریم و کامیار بکار ببرد. و از او طلب عفو می کنم که زیر بار چنین مسئولیتی او را تنها می گذارم. از خواهرانم می خواهم که آنیتا رااز صمیم قلب در این تعلیم و تربیت همراهی و مدد کنند.

خداحافظ پدر و مادر محبوبم، خداحافظ آنیتای عزیزم . خداحافظ کیامرز عزیزم ، مریم جانم و کامیار عزیزم. خداحافظ خواهران مهربانم: فرنگیس، مهر انگیز، روح انگیز، شور انگیز ، سیمین و نسرین . خداحافظ دوستان عزیز بهائی و غیر بهائی. لحظاتی دیگر من به همراهی برادر و یاور عزیزم یدالله آستانی به جوخه اعدام سپرده خواهیم شد.

من از همه سپاسگزارم. امضاء : سمندری. برای آرامش روح من دعا کنید

وصیت نامه فوق دارای مهر و امضاء زندان جمهوری اسلامی ایران می باشد)

خانواده شهداء در آباده , اهرام , اندرون بیرجند , بویر احمد, بوکان , جهرم , کرج , خراسان

مهاباد, میاندوآب , نوک بیرجند, پیران شهر رشت, سنندج , شیراز , تبریز, طهران , ارومیه , یزد و خد ا می داند چه خانواده هایی در چه شهرهای دیگری تاکنون با قلبی شکسته و چشمی گریان چنین وصیت نامه های مشابهی را از زندانهای مختلف کشور و به قلم عزیزی دریافت داشته اند.

و چه بسیار که از تحویل چنین متونی به آنها امتناع شده و دست خالی و بدون آخرین کلمات وداع راهی گورستان شده اند و بر خاک گلگون عزیز خویش اشک و بوسه نثار کرده اند..

.



در سایت اسناد بهایی ستیزی چنانچه مشاهده می گردد خود بیت العدل اعتراف به اتهام جاسوس بودن وی می کند :



[اطلاعات شخصی افراد حذف شده است]

[برای وضوح بیشتر فقط مطالب و اخبار مربوط به افراد و جامعه بهائی تایپ شده است]

[روزنامه:] کیهان

[تاریخ:] شنبه ۲۸ تیر ۱۳۵۹ - ۶ رمضان ۱۴۰۰

[شماره:] ۱۱۰۴۸

[صفحه:] ۴

ایران در هفته‌ای که گذشت

اعدام قاچاقچیان و عاملان توزیع مواد مخدر و رژیم سابق همچنان ادامه دارد

در هفته‌ای که گذشت جمعاً ۳۱ نفر در ۴ شهر، تبریز-اصفهان-رشت-مشهد-همدان-سبزوار به جوخه اعدام سپرده شدند. از این تعداد ۱۹ نفر بجرم قاچاق، سرقت مسلحانه منجر به قتل، باجگیری، در مقابل جوخه اعدام قرار گرفتند. جرم ۱۲ نفر دیگر، فساد، لواط، همکاری با رژیم سابق و شرکت در اقداماتی بر ضد جمهوری اسلامی اعلام شد. در بین معدومین نام رئیس بهائیان آذربایجان و تبریز نیز بچشم می‌خورد که بجرم جاسوسی و دادن اطلاعات به اسرائیل و جمع‌آوری و ارسال پول برای یهودیان، تیرباران شدند. این دو دکتر بنام [فرامرز] سمندری و یدالله آستانی نام داشتند.



فرامرز سمندری

متولد ۲۸ بهمن ۱۳۱۰ در بابل، مازندران

در تاریخ ۲۳ تیر ۱۳۵۹ در تبریز تیرباران شد

فرامرز سمندری در یک خانوادهٔ بهائی به دنیا آمد. بعد از تکمیل دورهٔ ابتدائی و دبیرستان به تبریز رفت و از دانشگاه تبریز مدرک پزشکی گرفت و بعد به خدمت سربازی رفت. برای ادامهٔ تحصیلات پزشکی با بورس تحصیلی عازم کانادا شد. هفت سال در کانادا گذراند و جراح متخصص گوش و حلق و بینی شد. در سال ۱۳۴۷ ازدواج کرد و کمی بعد به ایران بازگشت، و در دانشگاه تبریز به سمت استاد پزشکی مشغول به کار شد. عضو محفل روحانی محلی[1] تبریز بود. در اوایل سال ۱۳۵۷ برای حفظ جان خانواده‌اش، آنان را به آمریکا برد و خودش به ایران بازگشت.

در روز ۲ اردیبهشت ۱۳۵۹ بازداشت و در تبریز زندانی شد. کمتر از سه ماه بعد، در روز ۲۳ تیر ۱۳۵۹ به همراه یدالله آستانی تیرباران شد. اجساد هر دو با آداب بهائی در حضور بیش از هزار نفر به خاک سپرده شد.

(این معرفی کوتاه بر مبنای اطلاعاتی که در دسترس ما بوده تهیه شده است. اگر به نکته‌ای برخوردید که دقیق نیست و یا اطلاع مهمی ناگفته مانده است، لطفاً به نشانی ایمیل در صفحه تماس با ما بفرستید.)

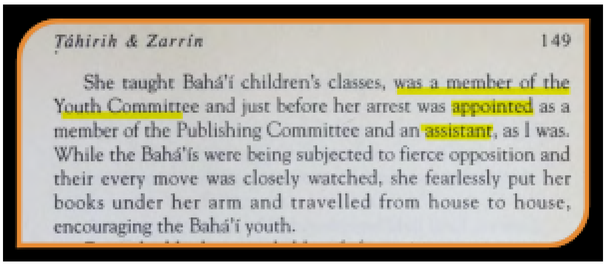
عنوان سازمانی : مساعد معاونت مشاور قاره ای دار التبلیغ مستقر در اسرائیل

نام : زرین مقیمی -مساعد . عضو لجنه جوانان . عضو لجنه نشر . از صیانت کنندگان خانه باب .

اعدام دهه ۶۰

لینک :

https://archive.org/details/olyasstorysurviv00rooh



Ṭáhirih & Zarrín 149

She taught Bahá'í children's classes, was a member of the Youth Committee and just before her arrest was appointed as a member of the Publishing Committee and an assistant, as I was. While the Bahá'ís were being subjected to fierce opposition and their every move was closely watched, she fearlessly put her books under her arm and travelled from house to house, encouraging the Bahá'í youth.

عنوان سازمانی : معاونت مشاور قاره ای دار التبلیغ مستقر در اسرائیل

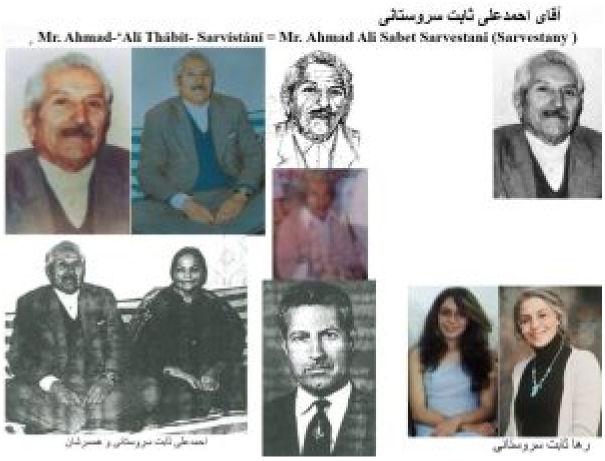
نام : 🟌 احمد علی ثابت سروستانی پدر بزرگ رها ثابت

اعدام دهه ۶۰

لینک :

https://t.me/golshaneshgh/2336

🟌 احمد علی ثابت سروستانی معاون مشاور قاره ای که پست سازمانی اطلاعات و عملیاتی در تشکیلات بهایی است پدر بزرگ رهاثابت می باشد ظاهرا عنوان عامل نیروهای فرا منطقه ای در راستای تامین منافع نظام سلطه و خیانت به وطن در تارو پود این طایفه نهادینه شده است هم نوه یعنی رها ثابت بابت مجری طرح ها و نقشه بیست ساله بیت العدل ۲۰۰۱ الی ۲۰۲۱ در استان فارس در دهه هشتاد محکوم و مجازات گردید هم پدر بزرگ بابت همین عمل شنیع البته در سطحی وسیع تر مجازات شد





عنوان سازمانی : معاونت مشاور قاره ای دار التبلیغ مستقر در اسرائیل

نام : اختر ثابت

اعدام دهه ۶۰

لینک :

پروازها و یادگارها ص ۱۶۶ https://t.me/Bahainoorlibrary/7183

—–

عنوان سازمانی : مساعد معاونت مشاور قاره ای دار التبلیغ مستقر در اسرائیل

نام : رحیم رحیمیان مساعد ژینوس محمودی

اعدام دهه ۶۰

لینک :

پروازها و یادگارها ص ۱۷۹

https://t.me/Bahainoorlibrary/7183

—

عنوان سازمانی : مشاور قاره ای دار التبلیغ مستقر در اسرائیل

نام : فرهاد اصدقی

اعدام دهه ۶۰

لینک :

پروازها و یادگارها ص ۱۹۶

https://t.me/Bahainoorlibrary/7183

—-

عنوان سازمانی : مساعد مشاور قاره ای دار التبلیغ مستقر در اسرائیل

نام : رحمت الله وجدانی مساعد مجید جناب ذبیحیان

اعدام دهه ۶۰

لینک :

پروازها و یادگارها ص ۲۰۷

https://t.me/Bahainoorlibrary/7183

—-

عنوان سازمانی : معاون مشاور قاره ای دار التبلیغ مستقر در اسرائیل

نام :   مجید جناب ذبیحیان

اعدام دهه ۶۰

لینک :

پروازها و یادگارها ص ۲۰۷

https://t.me/Bahainoorlibrary/7183

===

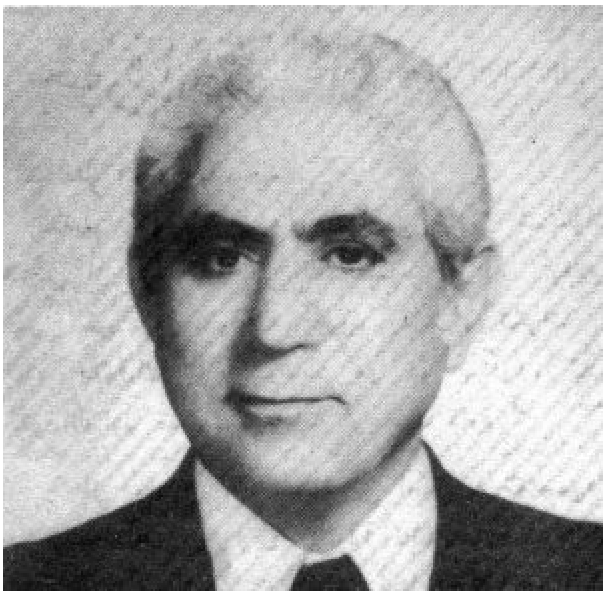
عنوان سازمانی : عضو مساعد معاونت مشاور قاره ای دار التبلیغ مستقر در اسرائیل

نام : غلامحسین فرهمند

اعدام دهه ۶۰

متن توضیح داده شده توسط مقامات و منابع بهایی

غلامحسین فرهمند



تاریخ تولد: سال ۱۳۰۶ شمسی
محل تولد: همدان
نام پدر: جناب رحمت الله
نام مادر: عطائیه خانم
نام همسر: خانم اکرم جهانگیری

پدر و مادر جناب غلامحسین خود به شرف ایمان فائز شدند. ایشان دورۀ ابتدائی را در آموزشگاه شبانه روزی شرکت نفت و دورۀ متوسطه و دبیرستان را در مؤسسات آموزش دولتی طی کرد. سپس در شرکت نفت آغاجاری مشغول به کار شد. در همین زمان با سعی و کوشش شبانه روزی موفق به اخذ لیسانس برق از دانشکاه مکاتبه ای لندن گردید. جناب فرهند تا زمان بازنشستگی در ادارۀ خط لولۀ شرکت نفت در اهواز، آبادان و طهران مشغول به کار بود. در سال ۱۳۴۲ شمسی ازدواج کرد و پس از مدتی همسر نیز به امر مبارک اقبال نمود و صاحب چهار فرزند گردیدند که همگی در ظل امر هستند و اینک خارج از ایران به سر می برند. جناب فرهند در تمام دوران

زندگی قائم به خدمات امری بود. ایشان عضو محفل مقدس روحانی آبادان و لجنات تابعه آن شهر و همچنین مدتی عضو تشکیلات اهواز بود. در دوران بازنشستگی تا زمان دستگیری و شهادت، عضو محفل مقدس روحانی حسین آباد کرج بود. و مساعدت در آن منطقه را عهده داشت جناب فرهند رئیس انجمن محلی کرج نیز بود.

در تاریخ ششم خرداد ماه ۱۳۶۲ ساعت چهار صبح هنگامی که با عائله استراحت می کرد عده ای مسلح از در و دیوار به منزل او هجوم بردند و او را گرفتار نمودند. پس از چندی مشخص شد که در همان شب به منزل ۱۶ نفر دیگر از یاران کرج و اطراف آن هجوم برده و همگی را دستگیر نموده اند.
در ضمن تفتیش منزل جناب فرهند، فرزندش «فرداد» را مورد شتم و ضرب قرار دادند. شانزده ماه دورهٔ مسجونیت آن عزیز به طول انجامید که یازده ماه آن را در زندان انفرادی و بدون ملاقات به سر برد. تنها اخبار واصله در این مدت رسید وجوهاتی بود که می نوشت و به دست فامیل می رسید و پس از این مدت هر ۲۱ روز یک مرتبه ملاقات با او توسط همسر و مادر و خواهرش صورت می گرفت. بالاخره در تاریخ هیجدهم آذر ماه ۱۳۶۳ او را با جمعی دیگر از محبوسین کرج بدون اطلاع خانواده شهید نمودند و توسط مأمورین در محله خاتون آباد که گلستان جاوید جدید طهران است، بدون مراسم بهائی و حضور خانواده مدفون نمودند.

روحش شاد و یادش جاوید باد.

مأخذ: دارالانشاء بیت العدل اعظم الهی.

از کتاب یادگارها و پروازها اثر خانم ماه مهر گلستانه

لینک :

https://t.me/AlbomeTasavireAmri/3097

====

عنوان سازمانی : شیدرخ امیرکیا ، مساعد ژینوس محمودی عضو هیئت معاونت

متن توضیح داده شده توسط مقامات و منابع بهایی

خانم شیدرخ امیرکیا (بقا)

تاریخ تولد: ۱۵ ماه مهر سال ۱۳۱۴
محل تولد: طهران
نام پدر: جناب روح الله
نام مادر: روحانیه خانم
نام همسر: آقای منوچهر بقاء

شهید شیدرخ در خانواده ای بهائی چشم به جهان گشود و در دامن مادری مهربان، متقی، مؤمن و فداکار پرورش یافت. او از طفولیت به هنر عشق می ورزید. پیانو را با مهارت می نواخت. اجداد پدری او از فامیل های جنابان اقراری و میثاقیان بودند که در جوانی در کاشان به امر الهی اقبال نمودند. سپس در طهران ساکن گردیدند و در تمام عمر به خدمات ذیقیمت امری قائم بودند. حدود سال های ۱۳۰۰ شمسی در محلهٔ پامنار در طهران پرچم اسم اعظم بارها در بالای منزل عائلهٔ اقراری (پدربزرگ مادری شیدرخ) به اهتزاز درآمد و بسیاری از یار و اغیار در سفرهٔ گستردهٔ این خاندان پذیرائی شدند. الواح متعددی از حضرت عبدالبهاء به افتخار این دودمان نازل گردید. شیدرخ در نیمهٔ دوم دورهٔ دبیرستان (سال ۱۳۳۱) بود که به عقد ازدواج آقای منوچهر بقاء درآمد. ثمرهٔ این وصلت سه فرزند گردید. (۱) شیدرخ در جوانی به زیارت اعتاب مقدسه شتافت و در کنفرانس های بین المللی بهائی در لندن، پالرمو، انکوویچ آلاسکا، پاریس و بهیه برزیل شرکت نمود. عاشق تبلیغ امر جمال مبارک بود. به مناسبت ازدواج دخترش در سال ۱۳۵۸ به آمریکا سفر کرد. خواهران و برادرش از او خواستند که به سبب جو وحشت و اضطراب به ایران برنگردد . گفت من یک بار در زمان حضرت ولی امرالله نافرمانی کردم و به مهاجرت موفق نشدم، اینک که بیت العدل اعظم فرموده اند سنگر ها را حفظ کنید من باید به ایران برگردم و خدمت کنم" . شیدرخ کدبانوئی ممتاز بود و مدتی در تلویزیون درس آشپزی و خانه داری می داد و در هنر گل آرائی دستی چیره داشت. او فرزندی لایق، مادری دلسوز، خواهری فداکار و دوستی شفیق بود. با زیر دستان مهربان بود و با فامیل در نهایت مهر و الفت رفتار می نمود. دو سال به عنوان مساعد سرکار خانم ژینوس محمودی مشغول به خدمت بود. در ایام انقلاب جلسات دعای مستمر در خانهٔ خویش ترتیب داد. با شهامت بی نظیری افرادی از گروه دشمنان امر که نشریه ای مشابه نشریات امری ولی با محتوای ردیه چاپ می کردند، کشف و معرفی نمود که به دنبال آن ماشین چاپ و اتومبیل ربوده شدهٔ محفل طهران بدست آمد. او در عین طراوت و زیبائی، چون سربازی جان بر کف، در ایام پرافتتان بعد از انقلاب جلسات محفلین را در منازل مطمئن احبا برگزار می کرد. آیات مبارک امری را حفظ می نمود. شاید وی دانست که در موقع نزول بلایا و حبس و زندان تنها امید و مرجع او تلاوت مناجات ها و الواح خواهد بود. شیدرخ از دریافت میراثی که به او و خواهران و برادرش تعلق گرفته بود خودداری کرد، چون رئیس محکمه شرط انحصار وراثت را تبری از امر اعلان نمود و آن شیرزن بی باک، مال و منال دنیا را به چیزی نخرید و مانند همیشه چون کوه استوار ایستاد. در تاریخ ۱۱ آبان ماه سال ۱۳۶۰ (دوم نوامبر ۱۹۸۱) جلسهٔ محفل محلی طهران در منزلش برقرار بود. مأمورین مسلح که به منزل خواهرش که در آن موقع خارج از طهران زندگی می کرد رفته بودند. به اتفاق دو نفر از ملهوفین یزد به منزل شیدرخ که وکیل خواهرش بود، مراجعت نمودند و زنگ در منزل را به صدا درآوردند. اعضای محفل و شیدرخ و همسرش را بازداشت و روانهٔ زندان نمودند. از طرف کمیته بارها برای او پیغام فرستادند که تعهد عدم شرکت در تشکیلات بهائی را بنویس تا آزاد شوی. توطئه ای برای گمراه نمودن شوهرش توسط مأمورین فراهم و اجرا شد، لذا سه روز به اعتصاب غذا در زندان دست زد. بالاخره در روز چهاردهم دی ماه ۱۳۶۰ (چهارم ژانویه ۱۹۸۱) آن نازنین دلبند به اتفاق شش نفر از اعضای محفل طهران شربت شهادت نوشید.

برگرفته از کتاب پروازها و یادگارها با اندکی ویرایش صفحه ۱۰۷: ⬇

https://t.me/Bahainoorlibrary/7183

۱- فرزندان شهید شیدرخ:
خانم منوشید اکدون که با همسر هلندی خانم صاحب دو پسر شده و در منطقهٔ مهاجرتی در اروپا ساکن شدند و آقایان (موزس) و مرآت پسران خانواده که همگی در ظل امر مبارک هستند.

https://t.me/AlbomeTasavireAmri



شیدرخ امیرکیا همراه با خانواده

====

اعضای معاونین مشاورین قاره ای از هیئت یاران که مجرم و محکوم گردیدند

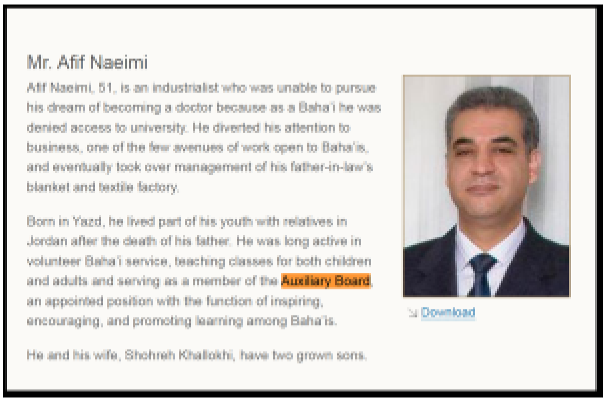
معرفی اعضای سرویس جاسوسی و اطلاعاتی تشکیلات بهایی

عنوان سازمانی : معاون مشاور قاره ای

نام : عفیف نعیمی

لینک :

https://news.bahai.org/human-rights/iran/yaran-special-report/profiles



Mr. Afif Naeimi

Afif Naeimi, 51, is an industrialist who was unable to pursue his dream of becoming a doctor because as a Baha'i he was denied access to university. He diverted his attention to business, one of the few avenues of work open to Baha'is, and eventually took over management of his father-in-law's blanket and textile factory.

Born in Yazd, he lived part of his youth with relatives in Jordan after the death of his father. He was long active in volunteer Baha'i service, teaching classes for both children and adults and serving as a member of the Auxiliary Board, an appointed position with the function of inspiring, encouraging, and promoting learning among Baha'is.

He and his wife, Shohreh Khallokhi, have two grown sons.

Download

===

معرفی اعضای سرویس جاسوسی و اطلاعاتی تشکیلات بهایی

عنوان سازمانی : معاون مشاور قاره ای

نام : بهروز توکلی

لینک :

https://news.bahai.org/human-rights/iran/yaran-special-report/profiles

معرفی اعضای سرویس جاسوسی و اطلاعاتی تشکیلات بهایی
عنوان سازمانی : معاون مشاور قاره ای
نام : بهروز توکلی

Mr. Behrouz Tavakkoli



Download

Behrouz Tavakkoli, 61, was a social worker who lost his government job in the early 1980s because of his Baha'i belief. Prior to his most recent imprisonment, he experienced intermittent detainment and harassment and, three years ago, was jailed for four months without charge, spending most of that time in solitary confinement and developing serious kidney and orthotic problems.

He studied psychology in university and then completed two years of service in the army, where he was a lieutenant. He later took additional training and then specialized in the care of the physically and mentally handicapped, working in a government position until he was fired because of his religion.

He and his wife, Tahereh Fakhri Tuski, have two sons, one of whom lives in Canada and another who has been studying architecture through the Baha'i Institute for Higher Education

Mr. Tavakkoli was elected to the local Baha'i governing council in Mashhad while a student at the university there and later served on a similar council in Sari before such institutions were banned in the early 1980s. He also served on various Baha'i youth committees, and during the early 1980s was appointed to the Auxiliary Board.

To support his family after he lost his government position, Mr. Tavakkoli established a small millwork carpentry shop in the city of Gonbad. He also organized a series of classes in Baha'i studies for adults and young people.

معرفی اعضای سرویس جاسوسی و اطلاعاتی تشکیلات بهایی

عنوان سازمانی : معاون مشاور قاره ای

نام : وحید تیزفهم

لینک :

https://news.bahai.org/human-rights/iran/yaran-special-report/profiles

معرفی اعضای سرویس جاسوسی و اطلاعاتی تشکیلات بهایی
عنوان سازمانی : معاون مشاور قاره ای
نام : وحید تیز فهم

Mr. Vahid Tizfahm



Download

Vahid Tizfahm, 40, is an optician and owner of an optical shop in Tabriz, where he lived until early 2008 when he moved to Tehran.

He was born and spent his youth in the city of Urumiyyih and went to Tabriz at age 18 to study to become an optician. He later continued his education and earned a master's degree in sociology at the Advanced Baha'i Studies Institute, an affiliate of the Baha'i Institute for Higher Education.

Mr. Tizfahm and his wife, Furuzandeh Nikumanesh, have an 11-year-old son.

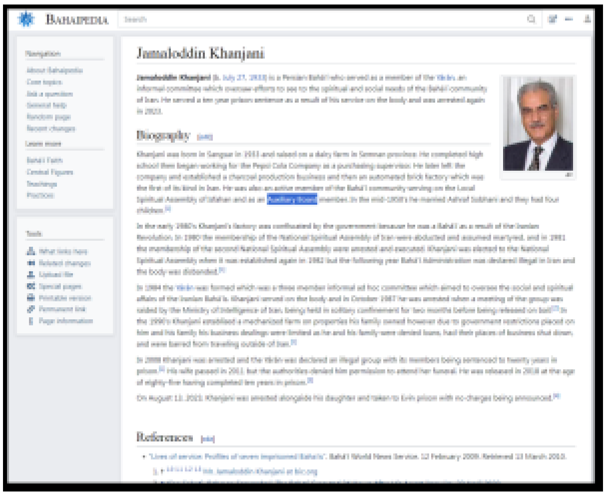
Since his youth, Mr. Tizfahm has served the Baha'i community in a variety of capacities – for a time as a member of the Baha'i National Youth Committee and later as part of the Auxiliary Board, an advisory group that serves to uplift and inspire Baha'i communities. He has also taught children's classes.

====

معرفی اعضای سرویس اطلاعاتی تشکیلات بهایی

عنوان سازمانی : معاون مشاور قاره ای

نام : جمال الدین خانجانی



لینک :

[vc_row/][vc_column/][vc_column_text/]https://bahaipedia.org/Jamaloddin_Khanjani

---

منبع: https://www.hassanershad.com/6316

فهرست و لینک گوشه ای از اعضای فعال بیت العدل در ایران و فعال در حوزه کودک – موسیقی ناقضان حقوق کودک در ایران و ناقضان کنوانسیون ملل متحد در مورد حمایت حقوق طفل ۱۹۸۹

۱ – کامیار حبیبی

۲ : هاتف دوستدار

۳ – نازنین عابدی

۴ – سپهر آفاقی

۵ – نوا انصاری

۶ – افشین حیرتیان

۷ – رامله تیر گر نژاد

وی همسر کامیار حبیبی است به فایلهای وی رجوع کنید

۸ – شادی ادیب

۹ – لوا شعایی و همسر وی فرهاد امری

۱۰ – سیده بشری آفاقی

۱۱ – گلنار رحمانی

۱۲ – شراره شهید زاده

۱۳ – سارا شعبان پور

۱۴ – نغمه انوری علی آبادی

۱۵ – اشکان روحی

۱۶ – سحر شیر محمدی

۱۷ – هاله هوشمند

۱۸ – پارسا شیخی

۱۹ – ویدا زاهدی

۲۰ – ثمین احسانی

۲۱ – دانیال بنی هاشمی

۲۲ – شیرین بنی هاشمی

۲۳ – ارسلان و سالار محبوبیان

۲۴ – مژگان شاه رضایی

۲۵ – شعله دهقانی خلص

۲۶ – بشری مطهر

۲۷ – شکیلا آزاد خوش

۲۸ – میلاد رحمانی

۲۹ – صهبا امینی کسا

۳۰ – مهرزاد فروزان

۳۱ – ارم هور بد

۳۲ – سارا نوروزی

۳۳ – مظفر نبیلی

۳۴ – مهتا ایقانی

۳۵ – بشری دستوری نژاد

۳۶ – شهرزاد دستوری نژاد

۳۷ – سارا اخلاقی (سیندخت)

۳۸ – پرشان تشکر

۳۹ – شکیب میر عسکری

۴۰ – مهسا گلزار

۴۱ – صهبا طائف

۴۲ – شهیر مظلومی

۴۳ – فهیم ممتازی

۴۴ – شیوا الله ردی

نشست ۷۰۵

معرفی شیکه فعالان بهایی در حوزه کودک – موسیقی در ایران

بزرگترین شبکه به مدیریت کامیار حبیبی – نردبان آسمان – بچه های جوان

لینک فیلم در تلگرام

https://t.me/naghdbahaiat/31156

لینک یوتیوب

لینک آپارات

https://aparat.com/v/ITpOA

لینک فیس بوک

لینک صدا

https://t.me/mardomtve/3765

لینک اینستاگرم

فیلم

❖

نشست ۷۱۵

نمونه فعالیتهای بهائیان ایران در عرصه کودک و موسیقی

کامیار حبیبی ۲

لینک فیلم در تلگرام

https://t.me/naghdbahaiat/31223

لینک یوتیوب

لینک آپارات

https://aparat.com/v/RSklV

لینک فیس بوک

لینک صدا

https://t.me/mardomtve/3798

لینک اینستاگرم

فیلم

❖

نشست ۷۱۶

نمونه فعالیتهای بهائیان ایران در عرصه کودک و موسیقی

کامیار حبیبی ۳

لینک فیلم در تلگرام

https://t.me/naghdbahaiat/31224

لینک یوتیوب

لینک آپارات

https://www.aparat.com/v/9ujKx

لینک فیس بوک

لینک صدا

https://t.me/mardomtve/3800

لینک اینستاگرم

فیلم

❖

نشست ۷۱۷

نمونه فعالیتهای بهائیان ایران در عرصه کودک و موسیقی

کامیار حبیبی ۴

لینک فیلم در تلگرام

https://t.me/naghdbahaiat/31225

لینک یوتیوب

لینک آپارات

https://www.aparat.com/v/6esri

لینک فیس بوک

لینک صدا

https://t.me/mardomtve/3799

لینک اینستاگرم

فیلم

❖

نشست ۷۰۸

یکی از سرشبکه های نفوذی در عمق نظام

دکتر هاتف دوستدار

فرزند ایرج دوستدار دوبلور بهایی شهیر

فرزندانش :

پرنیان دوستدار : عضو محفل منچستر انگلیس

نازنین دوستدار : مرتبط با تشکیلات بهایی در انگلستان

حمیرا دوستدار خواهر : منشی محفل استوک پورت انگلستان

برای ملاحظه مسئولتهای ایشان نگاشته شده توسط خودش به لینک زیر مراجعه کنید

لینک فیلم در تلگرام
https://t.me/naghdbahaiat/31181

لینک یوتیوب

لینک آپارات
https://www.aparat.com/v/hiL1s

لینک فیس بوک

لینک صدا

https://t.me/mardomtve/3770
لینک اینستاگرم

برای ملاحظه مسئولتهای ایشان نگاشته شده توسط خودش به لینک زیر مراجعه کنید

(البته متاسفانه از ترس فعلا از سایت خودش پاک کرده است)

https://t.me/naghdbahaiat/31179

◈

نشست ۷۱۳

نمونه فعالیتهای بهائیان ایران در عرصه موسیقی و کودک

نازنین عابدینی در بابل

شاگرد و همکار هاتف دوستدار

لینک فیلم در تلگرام

https://t.me/naghdbahaiat/31199

لینک یوتیوب

لینک آپارات

https://aparat.com/v/D6AGt

لینک فیس بوک

لینک صدا

https://t.me/mardomtve/3784

لینک اینستاگرم

/https://www.instagram.com/p/CiKyYHXoXy9

فیلم

◈

نشست ۷۱۱

نمونه ای دیگر از فعالان بهایی در حوزه کودک و موسیقی

داماد ابوالفضل انصاری مبلغ شهیر بهایی

سپهر آفاقی

لینک فیلم در تلگرام

https://t.me/naghdbahaiat/31197

لینک یوتیوب

لینک آپارات

https://aparat.com/v/uHklT

لینک فیس بوک

لینک صدا

https://t.me/mardomtve/3778

لینک اینستاگرم

/https://www.instagram.com/p/CiKaTq9ooOK

فیلم

❖

نشست ۷۱۲

نمونه فعالیتهای بهائیان ایران در عرصه موسیقی و کودک

ندا انصاری دختر ابوالفضل انصاری

لینک فیلم در تلگرام

https://t.me/naghdbahaiat/31198

لینک یوتیوب

لینک آپارات

https://aparat.com/v/cvafM

لینک فیس بوک

لینک صدا

https://t.me/mardomtve/3780

لینک اینستاگرم

/https://www.instagram.com/p/CiKchaUIVwS

فیلم :

❖

نشست ۷۱۴

نمونه فعالیتهای بهائیان ایران در عرصه کودک

افشین حیرتیان

و ضمنا تروریست

https://t.me/c/1364546020/29814

لینک یوتیوب

لینک آپارات

https://aparat.com/v/lPb8p

لینک فیس بوک

لینک صدا

https://t.me/mardomtve/3791

لینک اینستاگرم

/https://www.instagram.com/p/CiK_fq-o8jE

فیلم

====

رامله تیر گر نژاد

وی همسر کامیار حبیبی است به فایلهای وی رجوع کنید

====

❖

نشست ۷۱۸

نمونه فعالیتهای بهائیان ایران در عرصه کودک و موسیقی و مهد های کودک

شادی ادیبی

فعال در مراکزی همچون
باغ نوای ماهور
مهد کودک نسیم بهار
مجموعه زیر گنبد کبود
و یویو
مجموعه کتابکده
مرتبط سازمانی با نازیلا حقار
ووو

لینک فیلم در تلگرام

https://t.me/naghdbahaiat/31226

لینک یوتیوب

لینک آپارات
https://aparat.com/v/KDr3c

لینک فیس بوک

لینک صدا

https://t.me/mardomtve/3801

لینک اینستاگرم
/https://www.instagram.com/p/CiSfv_moSvT

❖
نشست ۷۱۹

نمونه فعالیتهای بهائیان ایران در عرصه مهد کودک و موسیقی دو مزدور بیت العدل :

لوا شعاعی و فرهاد امری در بندر عباس – شیراز – قشم – تهران ووو

لینک فیلم در تلگرام
https://t.me/naghdbahaiat/31240

لینک یوتیوب

لینک آپارات

https://aparat.com/v/aX85K

لینک فیس بوک

لینک صدا

https://t.me/mardomtve/3806

لینک اینستاگرم

/https://www.instagram.com/p/CiVBQFkj3Pa

فیلم

⊗

نشست ۷۲۰

نمونه فعالیتهای بهائیان ایران در عرصه مهد کودک و موسیقی

سیده بشری آفاقی خواهر سپهر آفاقی داماد ابوالفضل انصاری

لینک فیلم در تلگرام

https://t.me/naghdbahaiat/31241

لینک یوتیوب

لینک آپارات

https://www.aparat.com/v/kRjZY

لینک فیس بوک

لینک صدا

https://t.me/mardomtve/3810

لینک اینستاگرم

/https://www.instagram.com/p/CiVKLurjiaC

فیلم

⊕
نشست ۷۲۱

نمونه فعالیتهای بهائیان ایران در عرصه مهد کودک و موسیقی

گلناز رحمانی مربی رسمی مهد کودک در سر شبکه تشکیلات بهایی کامیار حبیبی

لینک فیلم در تلگرام
https://t.me/naghdbahaiat/31248

لینک یوتیوب

لینک آپارات
https://www.aparat.com/v/I9myE

لینک فیس بوک

لینک صدا
https://t.me/mardomtve/3814

لینک اینستاگرم

فیلم

⊕
نشست ۷۲۳

نمونه فعالیتهای بهائیان ایران در عرصه مهد کودک و موسیقی

شراره شهید زاده مربی مهد کودک و سر شبکه سازمان بهایی کامیار حبیبی

لینک فیلم در تلگرام
https://t.me/naghdbahaiat/31249

لینک یوتیوب

لینک آپارات

https://www.aparat.com/v/fwacn

لینک فیس بوک

لینک صدا

https://t.me/mardomtve/3818

فیلم

۞

نشست ۷۲۵

سارا شعبان پور نفوذ از طریق انجمن فرهنگی اتریش تهران و دست پرورده کامیاب حبیبی از ۷ سالگی تا ۳۰ سالگی

لینک فیلم در تلگرام

https://t.me/naghdbahaiat/31258

لینک یوتیوب

لینک آپارات

https://aparat.com/v/eOMKu

لینک فیس بوک

لینک صدا

https://t.me/mardomtve/3834

لینک اینستاگرم

https://www.instagram.com/p/CiYGtMLDrVD/

۞

نشست ۷۲۸

نمونه فعالیتهای بهائیان ایران در عرصه مهد کودک و موسیقی

نغمه انوری علی آبادی (مجیک کیدز)

لینک فیلم در تلگرام

https://t.me/naghdbahaiat/31259

لینک یوتیوب

لینک آپارات

https://aparat.com/v/fF45r

لینک فیس بوک

لینک صدا

https://t.me/mardomtve/3830

لینک اینستاگرم

/https://www.instagram.com/p/CiaZA0EjQXh

فیلم

❖

نشست ۷۲۹

اشکان روحی عنصر اصلی و کلیدی تشکیلات کامیار حبیبی در توسعه اقدامات اجتماعی بیت العدل در پوشش نردبان آسمان

مربی بهایی مربیان مهد های کودک در ایران

لینک فیلم در تلگرام

https://t.me/naghdbahaiat/31260

لینک یوتیوب

لینک آپارات

https://aparat.com/v/JfRNA

لینک فیس بوک

لینک صدا

https://t.me/mardomtve/3842

لینک اینستاگرم

/https://www.instagram.com/p/CiajI5xDthE

فیلم

۞

نشست ۷۳۰

نمونه فعالیتهای بهائیان ایران در عرصه مهد کودک و موسیقی

مربی مربیان بهایی در مجموعه کامیار حبیبی سحر شیر محمدی

ارائه فعالیتهای بیست ساله هاله هوشمند افسر اطلاعاتی تشکیلات بهایی بیست سال پیش و گزارشی از حضور ۱۳ نفر از جاسوسان مجری طرح اقدام اجتماعی و اساسی در ایان و سفر به دبی و آموزش مستقیم از طریق افسران اطلاعاتی و امنیتی نیابتی اسرائیل در امارات از جمله عبد الجبار ایدلخانی و ارتباط این آموزشها با موسساتی مانند نردبان آسمان حبیبی وو

لینک فیلم در تلگرام

https://t.me/naghdbahaiat/31261

لینک یوتیوب

لینک آپارات

https://aparat.com/v/YtZhJ

لینک فیس بوک

لینک صدا

https://t.me/mardomtve/3846

لینک اینستاگرم

🔖نمونه فعالیتهای بهائیان ایران در عرصه مهد کودک و موسیقی؛ مربی مربیان بهایی در مجموعه کامیار حبیبی و سحر شیر محمدی

◇ ارائه فعالیتهای بیست ساله هاله هوشمند افسر اطلاعاتی تشکیلات بهایی بیست سال پیش و گزارشی از حضور ۱۳ نفر از جاسوسان مجری طرح اقدام اجتماعی و اساسی در ایران و سفر به دبی و آموزش مستقیم از طریق

افسران اطلاعاتی و امنیتی نیابتی اسرائیل در امارات از جمله عبد الجبار ایدلخانی و ارتباط این آموزشها با موسساتی مانند نردبان آسمان حبیبی

👈وقتی صراحتا هاله هوشمند از اعضا (بخوانید جاسوس) بلند پایه بهائی اسرائیلی اعلام میکند که تنها راه اصلاح و تغییر در ایران و دنیا از طریق راهی هست که ۹ افسر بلند پایه تشکیلات بهایی یعنی کتاب هفت، که آن را طراحی کرده اند و مطابق آن از طریق فعالیت های هنری و آموزشی! در حوضه کودک و نوجوان اقدام به تبلیغ و جذب افراد در رده های سنی پایین کرده اند که نتیجه آن پرورش نسلی جدید در خط فکری بهائیت در راستای اهداف اسرائیل است و مسئولینی که طی این مدت در خواب زمستانی بوده اند./ نقد تخصصی بهائیت

فیلم :

🔶

نشست ۷۳۱

نمونه فعالیتهای بهائیان ایران در عرصه مهد کودک و موسیقی

پارسا شیخی اهل شیراز

لینک فیلم در تلگرام

https://t.me/naghdbahaiat/31265

لینک یوتیوب

لینک آپارات

https://aparat.com/v/ivAWn

لینک فیس بوک

لینک صدا

https://t.me/mardomtve/3848

لینک اینستاگرم

https://www.instagram.com/p/CidXCP-DFPx1rl5rLehcJBu5gTlMbE-7pEPeAo0/

فیلم :

🔶

نشست ۷۳۲

نمونه فعالیتهای بهائیان ایران در عرصه مهد کودک و موسیقی

ویدا زاهدی اهل تهران

لینک فیلم در تلگرام

https://t.me/naghdbahaiat/31264

لینک یوتیوب

لینک آپارات

https://aparat.com/v/qk7mG

لینک فیس بوک

لینک صدا

https://t.me/mardomtve/3852

لینک اینستاگرم

/https://www.instagram.com/p/CifVnkHDKucqwYh6a0BTYWIXFoVb5B0tpR4Twc0

فیلم :

❖

نشست ۷۳۳

نمونه فعالیتهای بهائیان ایران در عرصه کودک

ثمین احسانی محکوم در محاکم قضایی

سرباز نیابتی اسرائیل و عضو شورای کتاب کودک !!

لینک فیلم در تلگرام

https://t.me/naghdbahaiat/31278

لینک یوتیوب

لینک آپارات

https://www.aparat.com/v/iavOg

لینک فیس بوک

لینک صدا

https://t.me/mardomtve/3857

لینک اینستاگرم

/https://www.instagram.com/p/CiihrD0ji2H

فیلم

❖

نشست ۷۳۴

نمونه فعالیتهای بهائیان ایران در عرصه کودک

شیرین و دانیال بنی نژاد (در باند کامیار حبیبی)

لینک فیلم در تلگرام

https://t.me/naghdbahaiat/31282

لینک یوتیوب

لینک آپارات

https://aparat.com/v/zrAxR

لینک فیس بوک

لینک صدا

https://t.me/mardomtve/3862

لینک اینستاگرم

فیلم

❖

نشست ۷۳۴

نمونه فعالیتهای بهائیان ایران در عرصه کودک

شیرین و دانیال بنی نژاد (در باند کامیار حبیبی)

لینک فیلم در تلگرام

https://t.me/naghdbahaiat/31282

لینک یوتیوب

لینک آپارات

https://aparat.com/v/zrAxR

لینک فیس بوک

لینک صدا

https://t.me/mardomtve/3862

فیلم

❖

نشست ۷۳۵

نمونه فعالیتهای بهائیان ایران در عرصه کودک و موسیقی

سالار و ارسلان محبوبیان

لینک فیلم در تلگرام

https://t.me/naghdbahaiat/31283

لینک یوتیوب

لینک آپارات

https://aparat.com/v/Lcbls

لینک فیس بوک

لینک صدا

https://t.me/mardomtve/3866

فیلم

⊗

نشست ۷۳۶

نمونه فعالیتهای بهائیان ایران در عرصه کودک و نوجوان

مژگان شاه رضایی

لینک فیلم در تلگرام

https://t.me/naghdbahaiat/31284

لینک یوتیوب

لینک آپارات

https://aparat.com/v/PdBkZ

لینک فیس بوک

لینک صدا

https://t.me/mardomtve/3867

لینک اینستاگرم

فیلم

⊗

نشست ۷۳۷

چشم اصفهانی ها روشن

نمونه فعالیتهای بهائیان ایران در عرصه کودک وموسیقی

شعله دهقانی خلص و پدرش برهان (بیت العدل در اصفهان)

لینک فیلم در تلگرام

https://t.me/naghdbahaiat/31295

لینک یوتیوب

لینک آپارات

https://aparat.com/v/uvpKr

لینک فیس بوک

لینک صدا

لینک اینستاگرم

/https://www.instagram.com/p/Cim7C30jnPl

فیلم

❖

نشست ۷۳۸

نمونه فعالیتهای بهائیان ایران در عرصه کودک
بشری مطهر شریک شعله دهقانی خلص در موسسه آواز آنلاین

لینک فیلم در تلگرام

https://t.me/naghdbahaiat/31298

لینک یوتیوب

لینک آپارات

https://aparat.com/v/A26vu

لینک فیس بوک

لینک صدا

https://t.me/mardomtve/3872

لینک اینستاگرم

فیلم

⊗
نشست ۷۳۹

نمونه فعالیتهای بهائیان ایران در عرصه کودک
شکیلا آزاد خوش عامل اجرای نقشه های بیت العدل در ایران

لینک فیلم در تلگرام
https://t.me/naghdbahaiat/31299

لینک یوتیوب

لینک آپارات
https://aparat.com/v/Umt95

لینک فیس بوک

لینک صدا
https://t.me/mardomtve/3877

لینک اینستاگرم

فیلم

⊗
نشست ۷۴۱

چشم اصفهانی ها روشن

نمونه فعالیتهای بهائیان ایران در عرصه کودک وموسیقی

میلاد رحمانی مبلغ رسمی بیت العدل در اصفهان

لینک فیلم در تلگرام
https://t.me/naghdbahaiat/31303

لینک یوتیوب

لینک آپارات
https://aparat.com/v/ezQWZ

لینک فیس بوک

لینک صدا

https://t.me/mardomtve/3888

لینک اینستاگرم

/https://www.instagram.com/p/Cir4o_JjS2l

فیلم

❖

نشست ۷۴۲

نمونه فعالیتهای بهائیان ایران در عرصه کودک وموسیقی

صهبا امینی کیا از سانفرانسیسکو

حضور ۱۵ عضو مخفی سازمان بهایی از تهران در اردوگاههای پناهندگان سوری در مرز ترکیه با این کشور و ملاقات این بهائیان با صهبا امینی کیا و طی کردن دوره آموزشی طرح های جامعه سازی و نحوه سازماندهی در ایران و اجرای نقشه های بیت العدل و بازگشت به ایران

لینک فیلم در تلگرام

https://t.me/naghdbahaiat/31305

لینک یوتیوب

لینک آپارات

https://aparat.com/v/cqFSp

لینک فیس بوک

لینک صدا

https://t.me/mardomtve/3891

فیلم

❖

نشست ۷۴۳

نمونه فعالیتهای بهائیان ایران در عرصه کودک وموسیقی

مهرزاد فروزان

یکی از بنیانگذاران طرح مهدهای کودک برای به دام انداختن افراد در سازمان بهایی و مادر شبکه هایی مانند مهیار حبیبی طی سه دهه پیش در ایران و از پایه گذاران اجرای نقشه ۲۵ سال گذشته (۱۹۹۶ – ۲۰۲۱) در عرصه تواندهی کودکان در ایران

لینک فیلم در تلگرام

https://t.me/naghdbahaiat/31312

لینک یوتیوب

لینک آپارات

https://aparat.com/v/Jyqiu

لینک فیس بوک

لینک صدا

https://t.me/mardomtve/3894

لینک اینستاگرام

/https://www.instagram.com/p/CiuwJw_jcE1

فیلم

❖

نشست ۷۴۵

نمونه فعالیتهای بهائیان ایران در عرصه کودک وموسیقی

ارم هوربد از شیکاگو – آمریکا حضور در ایران قبل از ۱۹۹۶

یکی از بنیانگذاران طرح مهدهای کودک برای به دام انداختن افراد در سازمان بهایی و تربیت کنندگان افرادی مانند نازیلا حقار – سارا نوروزی ووو طی سه دهه پیش در ایران و از پایه گذاران اجرای نقشه ۲۵ سال گذشته (۱۹۹۶ – ۲۰۲۱) در عرصه تواندهی کودکان در ایران

لینک فیلم در تلگرام

https://t.me/naghdbahaiat/31322

لینک یوتیوب

لینک آپارات

https://aparat.com/v/bX8BQ

لینک فیس بوک

لینک صدا

https://t.me/mardomtve/3901

لینک اینستاگرم

فیلم

❖

نشست ۷۴۶

نمونه فعالیتهای بهائیان ایران در عرصه کودک وموسیقی

سارا نوروزی

متخصص در فرق و ادیان – بابیت و بهائیت

لینک فیلم در تلگرام

https://t.me/naghdbahaiat/31323

لینک یوتیوب

لینک آپارات

https://aparat.com/v/eNMWs

لینک فیس بوک

لینک صدا

https://t.me/mardomtve/3905

لینک اینستاگرم

فیلم

◈

نشست ۷۴۸

نمونه فعالیتهای بهائیان ایران در عرصه کودک وموسیقی

نبیل مظفر از عناصر کلیدی بیت العدل در ایران در عرصه موسیقی و به توسعه پایدار رساندن سیستم و چرخه موسیقی تشکیلات بهائیان در ایران

وی ضمنا برنده جایزه فجر هم بود 😱 🤔

لینک فیلم در تلگرام

https://t.me/naghdbahaiat/31326

لینک یوتیوب

لینک آپارات

https://aparat.com/v/xMpDv

لینک فیس بوک

لینک صدا

https://t.me/mardomtve/3908

لینک اینستاگرم

فیلم

◈

نشست ۷۴۹

نمونه فعالیتهای بهائیان ایران در عرصه کودک وموسیقی

مهتا ایقانی مبلغ علنی بهائیت در میان کودکان در ایران

لینک فیلم در تلگرام

https://t.me/naghdbahaiat/31335

لینک یوتیوب

لینک آپارات

https://aparat.com/v/0hyQs

لینک فیس بوک

لینک صدا

https://t.me/mardomtve/3912

لینک اینستاگرم

فیلم

❖

نشست ۷۵۰

نمونه فعالیتهای بهائیان ایران در عرصه کودک وموسیقی

بشری دستوری نژاد از طریق شبکه آپارات در ایران و شبکه پی ام پی بهائیان

لینک فیلم در تلگرام

https://t.me/naghdbahaiat/31341

لینک یوتیوب

لینک آپارات

https://aparat.com/v/OJ1oN

لینک فیس بوک

لینک صدا

https://t.me/mardomtve/3916

لینک اینستاگرم

/https://www.instagram.com/p/Ci2SH1tjWfW

فیلم

⊗

نشست ۷۵۱

نمونه فعالیتهای بهائیان ایران در عرصه کودک وموسیقی

اعتراف شهرزاد دستوری نژاد خواهر بشری دستوری نژاد مبتنی بر حضور گسترده تشکیلات بهایی در مهدهای کودک ایران و حضور فعال خود در ارتباط مخفیانه و در راستایی اجرای نقشه های بیت العدل در حوزه کودکان اقلیتهای قومی و مذهبی در ایران

لینک فیلم در تلگرام

https://t.me/naghdbahaiat/31365

لینک یوتیوب

لینک آپارات

https://www.aparat.com/v/6Yfxr

لینک فیس بوک

لینک صدا

https://t.me/mardomtve/3921

لینک اینستاگرم

/https://www.instagram.com/p/Ci4r5EojNwZ

فیلم

⊗

نشست ۷۵۳

نمونه فعالیتهای بهائیان ایران در عرصه کودک وموسیقی

سارا اخلاقی (سیندخت)

لینک فیلم در تلگرام

https://t.me/naghdbahaiat/31369

لینک یوتیوب

لینک آپارات

https://aparat.com/v/dWKhR

لینک فیس بوک

لینک صدا

https://t.me/mardomtve/3926

فیلم

❖

نشست ۷۵۴

نمونه فعالیتهای بهائیان ایران در عرصه کودک وموسیقی

پرشان تشکر متولد شیراز – آهنگساز نوازنده مدرس موسیقی به همه ! مدرس زبان – همکار و پروژه بگیر مجموعه فارسی لند از آمریکا در ایران
فارسی لند گویا مجموعه ای است خارج از مرزها برای آموزش زبان فارسی به کودکان در خارج از مرزها
خواننده مجموعه سیندخت (سارا اخلاق)
همکاران شکیب میر عسکر بهائی
ترانه وملودی پرشان تشکر بهایی

لینک فیلم در تلگرام

https://t.me/naghdbahaiat/31370

لینک یوتیوب

لینک آپارات

https://aparat.com/v/JPFfO

لینک فیس بوک

لینک صدا

https://t.me/mardomtve/3930

لینک اینستاگرم

/https://www.instagram.com/p/Ci5Tvy6Ddy6

فیلم

⊗

نشست ۷۵۵

نمونه فعالیتهای بهائیان ایران در عرصه کودک وموسیقی

شکیب میر عسکر بهائی برادر زن پرشان تشکر

لینک فیلم در تلگرام

https://t.me/naghdbahaiat/31371

لینک یوتیوب

لینک آپارات

https://www.aparat.com/v/LMlSv

لینک فیس بوک

لینک صدا

https://t.me/mardomtve/3932

لینک اینستاگرم

/https://www.instagram.com/p/Ci5XSYSjHKv

فیلم

⊗

نشست ۷۵۶

نمونه فعالیتهای بهائیان ایران در عرصه کودک وموسیقی

مهسا گلزار

و بررسی اقدامات مشابه در زامبیا

لینک فیلم در تلگرام

https://t.me/naghdbahaiat/31391

لینک یوتیوب

لینک آپارات

https://aparat.com/v/ptvLm

لینک فیس بوک

لینک صدا

https://t.me/mardomtve/3937

لینک اینستاگرم

/https://www.instagram.com/p/CjFnMKjD2tk

فیلم

❖

نشست ۷۵۷

نمونه فعالیتهای بهائیان ایران در عرصه کودک وموسیقی

بسیار مهم این برنامه را حتما ببینید

صهبا طائف نیروی براندازی که در کسوت فعال در عرصه موسیقی زیر نظر نیروهای اطلاعاتی دار التبلیغ بیت العدل در مجارستان آموزش جذب به فرقه و مهارتهای توسعه انسانی سازمان بهائیت در ایران دیده است

لینک فیلم در تلگرام

https://t.me/naghdbahaiat/31394

لینک یوتیوب

لینک آپارات

https://aparat.com/v/LoRPe

لینک فیس بوک

لینک صدا

https://t.me/mardomtve/3942

لینک اینستاگرم

/https://www.instagram.com/p/CjGQo5Lj3LV

فیلم

◈

نشست ۷۵۸

نمونه فعالیتهای بهائیان ایران در عرصه کودک وموسیقی

شهپر مظلومی

مهره آموزش دیده بیت العدل بهائیان در ایران از ۲۵ سال قبل

لینک فیلم در تلگرام

https://t.me/naghdbahaiat/31396

لینک یوتیوب

لینک آپارات

https://aparat.com/v/TUCWS

لینک فیس بوک

لینک صدا

https://t.me/mardomtve/3946

فیلم

◈

نشست ۷۵۹

نمونه فعالیتهای بهائیان ایران در عرصه کودک وموسیقی

فهیم ممتازی

نفوذی تا عمق نهادهای هنری و موسیقی در وزارت ارشاد و صدا و سیما و تولید کنند گسترش محتواهای آموزسی و کمک آموزشی برای دوره ابتدایی ووو

لینک فیلم در تلگرام

https://t.me/naghdbahaiat/31397

لینک یوتیوب

لینک آپارات

https://aparat.com/v/ubGFi

لینک فیس بوک

لینک صدا

https://t.me/mardomtve/3951

لینک اینستاگرم

/https://www.instagram.com/p/CjNkZMeDasG

فیلم

۴۴ – شیوا الله ردی

در دست تولید

فیلم : بررسی نقش بازوان نظام گلوبالیست های صهیونیست جهانی (تشکیلات بهایی) در فرایند سیطره بر چین

لینک مطالب : لطفا کلیک کنید

جلسه اول : ۱۹۲۸

جلسه دوم : ۱۹۲۹

جلسه سوم : ۱۹۳۰

جلسه چهارم : ۱۹۳۱

جلسه پنجم : ۱۹۳۲

جلسه ۱۹۳۵

جلسه ۱۹۳۶

جلسه ۱۹۳۹

جلسه ۱۹۴۰

جلسه ۱۹۴۱

جلسه ۱۹۴۲

جلسه ۱۹۴۶

فیلم گیت (دروازه) بررسی و تحلیل تحریفات بهاییت و بابیت – مقاله

[vc_row][vc_column][vc_tta_accordion style=”flat” c_align=”right” c_position=”right” active_section=”” css_animation=”zoomIn” collapsible_all=”true”][vc_tta_section title=”مقدمه” tab_id=”1628197460844-d9b3458f-a5e2″][vc_row_inner][vc_column_inner][vc_column_text]

جز عارفانه نمی گفت ، و من شیدای وی بودم و شیفته اش، و نه حتی دمی، بی خیالش، عاقبت پدرم لب را گشود ! وتازه دانستم،که او شیادی است بی بخت، ومن نیز باخته ام! آری،او از سبوی معرفت، چیزی نوش ننموده بود، و تنها لاف آن می زد! این را، وقتی یافتم، که برای پدرم از وصف و سجایای وی میگفتم، وپدرم که بی اعتنا میشنید، به دنبال سخنم به کنایت گفت: زمینهای شور، وشوره زارها، تنها لاف آب را می زنند!

زبان لاف بود لازم تهیدستی زمین

شور ز موج سراب خالی نیست

جامعه بهائی در تبلیغات گسترده ی اش به دنبال بهائی کردن مخاطبین خود است. با وجود این که مبلغین بهائی با بی صداقتی این هدف را کتمان میکنند و تنها شعارواره هایی از اهداف خود فریاد می زنند،

نصوص بهائی گواه چنین هدفی است. نصوص امری به روشنی مراحل تکامل جامعه بهائی را نشان داده بیان می کند که پس از برپا شدن تشکیلات بهائی در هر کشوری، تمرکز فعالیت های این تشکیلات بر گرفتن حکومت کشوری می باشد. در راه رسیدن به حکومت کشوری، جامعه بهائی می بایست شش مرحله را پشت سر بگذارد. این مراحل عبارتند از مجهولیت، مظلومیت و مقهوریت، انفصال، استقلال، رسمیت، و نهایتا برپایی حکومت کشوری و ادغام ارگانهای کشوری با سازمان های نظام بهائی .

به منظور گرفتن حکومت، با تبلیغات گسترده و بهائی کردن مخاطبین خود، سعی دارد در هر کشوری به رسمیت رسیده، نهایتا برای گرفتن حکومت کشوری اقدام کند. در اینکه این تشکیلات بهائی بر گرفتن حکومت کشوری متمرکز است، نقدی وارد نیست.

چرا که متوجه هستیم که هر فرد، گروه و سازمانی می تواند در یک محیط سیاسی مشترک به رقابت برای گرفتن حکومت بپردازد. اما آنچه فعالیت تشکیلات بهائی در راستای گرفتن حکومت را مشکوک جلوه داده، باعث عدم

اعتماد مخاطبین به این تشکیلات شده است، این نکته حیاتی است که بیت العدل به عنوان رهبری تشکیلات بهائی، سازمان های زیر مجموعه و نهایتا مبلغین بهائی، اهداف براندازانه خود را به طور شفاف مطرح نمی کنند. به عبارت دیگر، نصوص امری صراحتا رسیدن به حکومت کشوری را نشانه تکامل جامعه بهائی در یک کشور می دانند. بدون رسیدن به حکومت زمینیه سیاسی مادی دنیوی، جامعه بهائی اهداف مادی روحانی اش را دست نایافته می یابد.

اما به خاطر حساسیتی که این موضوع چه در میان عامه مردم و چه در نگاه دولت و حکومت کشوری دارد، تشکیلات بهائی به بی صداقتی روی آورده، هدفش را فاش مطرح نکرده به قول خودش رعایت حکمت کرده است. در این فضا، مخاطبینی که از حقایق نصوص امری و ماهیت تشکیلات بهائی مطلع نبوده اند، اما بهائی شده اند، مورد سوء استفاده ابزاری برای رسیدن به حکومت کشوری قرار می گیرند. این دو رنگی و کتمان عقیده و استفاده ابزاری از نو بهائیان برای رسیدن به رسمیت و نهایتا گرفتن حکومت، مصداق بی اخلاقی و خشونت روحانی است.

همانطور که بیان شد، تشکیلات برای بهائی کردن مخاطبینش تبلیغات گسترده ای انجام می دهد. از نمونه های تبلیغات تشکیلات تولید فیلم می باشد. در سال ۲۰۱۸، تشکیلات بهائی فیلم تبلیغاتی خود به نام – دروازه، طلیعه آئین بهائی – اکران نمود. در این مجال، این فیلم را مورد واکاوی و بررسی دقیق قرار خواهیم داد. کوتاه آنکه، همانطور که در بالا بیان شد، جلوه ای که تشکیلات بهائی از خود در تبلیغاتش نشان می دهد به منظور بهائی کردن مخاطبین بوده، که بدین وسیله به رسمیت رسیده و بتواند با استفاده ابزاری از نو بهائیان، دولت و حکومت کنونی کشوری را براندازد و خود حکومت را به دست بگیرد.

لذا مشاهده می کنیم که فیلم تبلیغاتی باب (فیلم گیت) نمایشی دیگر از بی صداقتی، تذویر، دو رنگی بوده، حتی تاریخ نه چندان دور بابیت و بهائیت به تحریف گسترده کشیده شده، و خالی از حقیقت است. در این راستا، تنها با اتکا به نصوص مورد تایید تشکیلات بهائی، به واکاوی این فیلم رفته، مصادیق بی اخلاقی و خشونت روحانی تشکیلات بهائی در تولید فیلم تبلیغاتی دروازه، طلیعه آئین بهائی را به تصویر نوشتاری می کشیم. برای این منظور، ابتدا چهار چوب کلی ای از نگرش نصوص بهائی به حرکت باب ارائه می کنیم، و سپس به بررسی آنچه تشکیلات بهائی در فیلم باب از حرکت و تعالیم باب و بهاءالله نشان داده است به طور مصداقی خواهیم پرداخت.

[۱] توقیع ۱۱۰ شوقی[/vc_column_text][/vc_column_inner][/vc_row_inner][/vc_tta_section][vc_tta_section title="نگرش نصوص بهائی به حرکت و تعالیم باب" tab_id="1628197460978-464917c1-031f"][vc_column_text]

نگرش نصوص بهائی به حرکت و تعالیم باب

دقت در نصوص بهائی نشان می دهد که پیشوایان بهائی در قبال حرکت و تعالیم باب دو رویکرد کلی دارند:

۱- رویکرد اول، حرکت و تعالیم باب را سرکوب کرده، آن را سرشار از خشونت، بی مهری، کشتار عام غیر بابیان دانسته، حتی برای باب دعوی وحی و فرشته را منکر می شود.

۲- رویکرد دوم، حرکت و تعالیم باب را سرشار از روشنگری، و مایه سعادت و نجات انسان ها معرفی می کند.

واکاوی نصوص بهائی نشان می دهد که پیشوایان بهائی دو رویکرد ذکر شده را در قبال دو گروه کاملا متفاوت اتخاذ می کنند. در این راستا، پیشوایان بهائی در تقابل با دیگر بابیان و متفکرین و مستشرقین بابی مانند دکتر ادوارد بروان، رویکرد اول را اتخاذ کرده اند و در هر فرصتی باب و تعالیمش را خفیف کرده، مایه تباهی انسانیت توصیف کرده اند.

بر خلاف رویکرد اول، تشکیلات بهائی و پیشوایانش در مواجهه با غیر بابیان، رویکردی متضاد ارائه داده و تعالیم باب را مایه نجات بشریت و برقراری صلح و تساوی حقوق همگان توصیف نموده اند. در رویکرد دوم، حتی تاریخ حرکت بابی را نیز تحریف نموده اند و قرائتی زیبا و روحانی از تعالیم باب ارائه می کنند.

نمونه رویکرد دوم، فیلم تبلیغی (فیلم گیت) مورد نظر است. همانطور که در فیلم مشاهده می کنیم، تعالیم باب مایه نجاب انسان ها معرفی شده است و آنچه از تاریخ حرکت بابی به تصویر کشیده شده است، اساسا با آنچه رویکرد اول از تاریخ باب ارائه می دهد، هیچ تجانسی ندارد.

این دو رویکرد تشکیلات بهائی به حرکت و تعالیم باب نشان می دهد که نگرش تشکیلات حقیقت محور نبوده، بلکه هدف محور است. به عبارت دیگر، وقتی هدف وسیله را توجیه می کند، وقتی تبلیغ و گسترش بهائیت و بهائی کردن مخاطبین هدف اصلی تشکیلات است، پرداختن به حقیقت مانع نیل به هدف جلوه کرده، تشکیلات و مبلغینش به بی صداقتی روی می آورند.

در اینجا، تشکیلات بهائی به اصطلاح خود رعایت حکمت می کند. و چون معتقد است تبلیغ امری تدریجی می باشد، لذا بی صداقتی توجیه پیدا کرده، و عملا روش کار تبلیغ قرار می گیرد. در ادامه، نمونه هایی از نصوص امری را ارائه می کنیم که در آنها پیشوایان بهائی بر اساس رویکرد اول، حقایق پشت حرکت و تعالیم باب را ارائه داده اند.

[/vc_column_text][/vc_tta_section][vc_tta_section title=”بابی گری سی ساله بهاءالله” tab_id=”1628197491586-60659b48-7941″][vc_column_text]

بابی گری سی ساله بهاءالله

اولین نکته ای که باید توجه داشت این است که بهاءالله، پیامبر، مظهور ظهور و خدای بهائیان، به مدت سی سال امضاء کننده و موید تعالیم و احکام باب و عامل به آنها بوده است.

در کتاب اقتدارات، بهاءالله اشاره به طعنه و اعتراض بابیان کرده، عنوان می کند که بابیان به وی تهمت می زنند که او به تعالیم باب اعتقاد نداشته، احکام بابی گری را رعایت نمی کند.

در جواب این تهمت، بهاءالله قسم می خورد که موید تعالیم و امضاء کننده بیان فارسی است. این سند نشان می دهد که بهاء الله نزدیک به سی سال بابی گری می کرده است.

اقتدارات صفحه ۴۵ و ۴۶:

و اگر بگویند که مقصود از ظهور آن بوده که احکام ظاهرهٔ الهیه را ما بین بریه ثابت فرمایند جمیع رسل باین خدمت مأمور و نزد اولوالبصر این مقام یکی از مراتب ظهور قدر است. اکثری از ناس بشأنی محتجبند که احتجاب ملل قبل از نظر محو شده بغضاً علی الله در هر حینُ باعتراضی جدید متمسکند با اینکه کل میدانند که باین ظهور اعظم ما نزل فی البیان ثابت و ظاهر و محقق شده و اسماالله مرتفع گشته و آثار الله درشرق و غرب انتشار یافته و بیان فارسی مخصوصاً در این ظهور امضا شده مع ذلک متصلا نوشته و مینویسند که بیانرا نسخ نموده اند که شاید شبهه ای در قلوب القا شود و معبودیّت عجل محقق گردد. ای اهل بیان اقسمکم بالله قدری انصاف دهید و بدیدۂ پاک و طاهر در بیانات الهی نظر نمائید و بقلب مقدس تفکر کنید منتهی رتبۀ بیانات که در بیان مذکور است بقول اهل آن مقام توحید است و معرضین بالمره از این مقام محتجب چه که هنوز بمقامی ارتقا ننموده اند که مظاهر حق را یک نفس و یکذات و احکامشان را یک حکم مشاهده نمایند دیگر چه تو ّقع است از این نفوس نفوسیکه خود را در اعلی ذروۂ عرفان مشاهده مینمایند در امثال این مقامات که یکی از مراتب توحید است واقف و متحیّر و محتجب و ابداً شاعر نیستند که در چه حالتند. هر نفسی لائق اصغآء کلمه الله نه و هر وجودی قابل آشامیدن زلال معانی که از عین مشیت رحمانی در این ظهور عز صمدانی جاری شده نه. بلی این امتیاز که در الواح الهی ذکر شده ….

[/vc_column_text][/vc_tta_section][vc_tta_section title=”بهاءالله، اولین سرکوب گر باب و بابی گری” tab_id=”1628198065423-cd8f52dc-e1fd”][vc_column_text]

بهاءالله، اولین سرکوب گر باب و بابی گری

همانطور که در بالا اشاره شد، بهاءالله اعتراف کرده است که سی سال بابی گری کرده است. در عین اعتراف به بابی گری، بهاءالله با اتخاذ رویکرد اول، در تقابل با بابیان، تعالیم و احکام باب را سرکوب کرده، بی مایه جلوه می دهد. نمونه سندهایی از نصوص بهاءالله با رویکرد سرکوبی باب و بابی گری را در ادامه مرور می کنیم.

سند اول

کتاب مجموعه الواح مبارکه در صفحه ۲۷۸:

نزاع و جدال شأن درندهای ارض * بیاری باری شمشیرهای برندهٔ حزب بابی بگفتار نیک و کردار پسندیده بغلاف راجع لازال اخیار بگفتار حدائق وجود را تصرف نمودند * بگو ای دوستان حکمت را از دست مدّهید نصائح قلم أعلی را بگوش هوش بشنوید

بهاءالله در مدرک بالا، تعالیم باب و بابی گری را به چند صفت توصیف می کند

۱- بابی گری یعنی نزاع کننده

۲- بابی گری یعنی جدال کننده

۳- بابی گری یعنی درنده بودن

۴- بابی گری یعنی دائما دست به شمشیر شدن و اهل جنگ و جدال

۵- بابی گری یعنی تهی از گفتار نیک

۶- بابی گری یعنی تهی از کردار پسندیده

سند دوم

مجموعه الواح مبارکه صفحات ۲۹۴ و ۲۹۵:

یوم قبل مخصوص از برای یکی از أولیاء این کلمهٔ علیا از قلم أعلی نازل که شاید أهل اعراض باقبال فائز گردند و بغوامض مسائل أصول الهیه پی برند و آگاه شوند معرضین و منکرین بچهار کلمه متمسک أول کلمه فضرب الرقاب و ثانی حرق کتب و ثالث اجتناب از ملل أخری و رابع فنای أحزاب حال از فضل و اقتدار کلمهٔ إلهی این چهار سد عظیم از میان برداشته شد و این چهار أمر مبین از لوح محو گشت و صفات سبعی را بصفات روحانی تبدیل نمود

بهاءالله در سند دوم اشاره می کند که بابی گری همواره به چهار وصف متمسکند که در زیر بر می شماریم:

۱- بابی گری یعنی تمسک به ضرب الرقاب یعنی زدن گردن ها هستند.

۲- بابی گری یعنی تمسک به حرق کتب یعنی سوزاندن کتاب ها.

۳- بابی گری یعنی اجتناب از ملل اخری. به عبارت دیگر بابیان از هر گونه تعامل با غیر بابیان خودداری می کردند.

۴- بابی گری یعنی به فنا دادن احزاب. این مورد همسو با مورد اول بوده، یعنی بابیان همواره مشغول به نابودی احزاب غیر بابی بودند.

پس از بیان این چهار وصف، بهاءالله تعبیر دیگری از بابی گری ارائه می دهد:

۵- بابی گری یعنی صاحب صفات سبعی بودن.

سند سوم

کتاب اشراقات صفحه ۳۳

اعمال این حزب نزد تو و اهل بیان طراً معلوم و واضح بوده و هست در سفک دمآء و تصرف در اموال ناس و ظلم و تعدی مبالات نداشته اند و بعد از اشراق نیّر ظهور از افق عراق کل را از اعمال مردوده و اخلاق مبغوضه منع نمودیم

در سند سوم، بهاءالله توصیفات دیگری از بابی گری ارائه می دهد:

۱- بابی گری یعنی سفک دماء، اهل خون ریزی و کشتار بودن

۲- بابی گری یعنی تصرف در اموال ناس کردن
۳- بابی گری یعنی مشغول به ظلم و تعدی کردن
۴- بابی گری یعنی عامل به اعمال مردوده
۵- بابی گری یعنی متخلق به اخلاق مبغوضه

سند چهارم

الواح مبارکه، بشارت ۱۰ صفحه ۱۲۱

حکم محو کتب را از زبر و الواح برداشتیم فضلا من لدی الله مبعث هذا النبأ العظیم ّ

در سند چهارم، بهاءالله بابی گری یعنی عامل به نابودی کتب بودن.

سند پنجم

کتاب الواح مبارکه صفحه ۱۲۳ بشارت ۱۵

چون در مذاهب قبل نظر بمقتضیات وقت حکم جهاد و محو کتب و نهی از معاشرت و مصاحبت با ملل و همچنین نهی از قرائت بعضی از کتب محقق و ثابت لذا در این ظهور اعظم و نبأ عظیم مواهب و الطاف الهی احاطه نمود و امر مبرم از افق ارادۀ مالک ِقدم بر آنچه ذکر شد نازل ُ

در سند پنج ام، بهاءالله توصیفات تکمیلی دیگری از بابی گری ارائه می دهد:
۱- بابی گری یعنی اهل جنگ بودن
۲- بابی گری یعنی نابود کردن کتب
۳- بابی گری یعنی عدم تعامل و معاشرت و همنشینی با اقوام و ملل دیگر
۴- بابی گری یعنی نهی تحرری حقیقت و مطالعه علوم غیر بابیان

سند ششم

اقتدارات، صفحه ۲۸

این ظهور ظهور رحمت کبری و عنایت عظمی است چه که حکم جهاد را از کتاب محو نموده و منع کرده و بمعاشرت با جمیع ادیان بروح و ریحان امر فرموده .آن جناب دیده و میدانند آنچه از قلم اعلی در زبر و الواح نازل شده فساد و نزاع و جدال ممنوع و هم چنین امر نمودیم بقرائت کتب قوم جمیع این امور عنایتی است بزرگ از برای عباد چه که از قبل ممنوع بودند و بجهاد مأمور استعمال لباس اجنبیه و ملاحظۀ کتب آن قوم از قبل ممنوع و آثار منع در کتب موجود و مشهود و لکن در اینظهور اعظم سد منع برداشته شد و بجای آن حریت عطا و عنایت گشت.

توصیفات بابی گری بهادالله در سند ششم را می توان به موارد زیر خلاصه کرد:
۱- بابی گری یعنی مشغول به جنگ بودن
۲- بابی گری یعنی قطع معاشرت با پیروان دیگر ادیان

۳- بابی گری یعنی اهل فساد بودن
۴- بابی گری یعنی اهل نزاع و جدال بودن
۵- بابی گری یعنی عدم مطالعه کتب اقوام دیگر
۶- بابی گری یعنی عدم پوشیدن لباس های غیر بابیان
۷- بابی گری یعنی سدی در برابر آزادی های اجتماعی

سند هفتم

کتاب اقدس صفحه ۷۵

قد عفا الله عنکم ما نزل فی البیان من محو الکتب و اذناکم بان تقرئوا من العلوم ما ینفعکم لا ما ینتهی الی المجادله فی الکلام هذاخیرلکم ان انتم من العارفین

بهاءالله در کتاب اقدس نیز بابی گری را توصیف می کند:

۱- بابی گری یعنی نابود کردن کتب غیر بابی
۲- بابی گری یعنی منع مطالعه علوم غیر بابی

سند هشتم

مائده آسمانی – جلد ۸: صفحه ۱۸۶

و ادرکوه فیهذا السجن البعید و الروح من قبل الله علیکم یا ملا المخلصین و الحمد لله رب العالمین . ” مطلب دویست و یازدهم _ فتنه عراق در لوح مبارکی نازل شده قوله تعالی : اول فتنه در عراق ظاهر چه که در اول یوم عاشورا مقام حزن سرورظاهر و مقام صمت صوت تصنیف مرتفع باری این حرکت سبب اعلا کلمه نفوس خبیثه شد اگر چه عاملین قصد و نیتشان ظهور و بروز حضرت نقطه اولی روح ما سواه فداه بوده یعنی مولود مبارک در یوم اول محرم و همچنین اعتقاد بر اینکه ائمه صلوات الله علیهم کل رجعت فرموده اند و از قبور بیرون امدهاند بلی این امر حق است ولکن اهل عالم الی حین بر ظهور قائم ملتفت نبوده و نیستند الا معدودی لذامقتضیات شفقت و عنایت حق جل جلاله انکه کما فی السابق در ایام عاشورا کل بمصیبت سید الشهدا روح ما سواه فداه مشغول گردند الی ان یکشف الله لعباده اسرار ظهوره و ماانزله فی کتابه المبین این مظلوم در ارض طا شب عاشورا صائم بوده و در یوم بعد از ظهر چای و نان صرف میشد این بودعمل مظلوم و نفوس موجوده بعضی اگاهند و میدانند و درعراق هم ایام عاشورا را بذکر مصیبت مشغول باید ...

در کتاب مائده آسمانی، بهاءالله برخی توصیفات قبلی را تکرار کرده، وصف های جدیدی برای بابی گری قائل می شود. اما به طور خاص، در توصیف بابی گری اشاره به عملکرد و رفتار زننده و زشت طاهره دارد. بهاءالله اشاره می کند که طاهره ناپخته و خود خواهانه، بدون در نظر گرفتن و اهمیت قرار دادن به اعتقادات ادیان دیگر، به تخریب گری و نابودی سنن و عقاید دگر اندیشان پرداخته است. در این راستا، طاهره در دهه اول محرم، بدون در نظر گرفتن عواطف و اعتقادات دگر اندیشانه شیعیان، به گفته بهاءالله فتنه ای در عراق به پا کرده، در ایامی که مشمول حزن و اندوه است، مجلس تصنیف به پا کرده و آواز و دهل سر داده است. بهاءالله این حرکت را فتنه

توصیف کرده، تهی از شفقت و مهربانی و همدردی با دگر اندیشان می داند.

طبق این سند، بهاءالله بابی گری را با صفات زیر توصیف می کند:

۱- بابی گری یعنی فتنه گری

۲- بابی گری یعنی نداشتن هر گونه شفقت و همدردی و مهربانی با دگر اندیشان

سند نهم

مائده اسمانی – جلد ۷: صفحه ۱۳۸

فرائص ایمان مرتعد در اموال ناس من غیر اذن تصرف مینمودندو نهب و غارت و سفک دما را از اعمال حسنه میشمردند حقوق هیچ حزبی از احزاب را مراعات نمینمودند و ان نفوس هم چه گمان میکردند که این اعمال مقبولست مع انکه بطرازمحبت الهی مزین و بافسر انقطاع مکلل از غایت سادگی و عدم اطلاع باین اعمال مرتکب و جمیع را من عندالله میدانستند و این اعمال سبب اجتناب ناس و ضوضا و اعراض خلق از حق شد حال ازید از سی سنه نار فساد و محاربه و نزاع و جدال در جمیع اطراف واقطار افسرده و مخمود مع ذلک هنوز در شک و ریبند سبحان الله در الواح ...

بهاءالله در سند نهم نیز، توصیفات بابی گری را بسط داده است:

۱- بابی گری یعنی بدون اجازه تصرف نمودن دارایی های مالی انسان ها. به عبارت دیگر، بابی گری منتج به دزدی و غارت گری می شود

۲- بابی گری یعنی غارت گری یک عمل نیکو

۳- بابی گری یعنی خون ریزی و کشتار یک عمل نیکو

۴- بابی گری یعنی عدم رعایت حق غیر بابیان

۵- بابی گری یعنی کاری کنی که باعث شود مردم از حق دور شوند.

۶- تاریخ سی ساله بابی گری یعنی سی سال فساد کردن

۷- تاریخ سی ساله بابی گری یعنی سی سال محاربه، جنگ، نزاع و جدال کردن.

۸- تاریخ سی ساله بابی گری منجر به افسردگی و خمودگی است

سند دهم

کتاب لوح ابن الذئب صفحه ۲۰:

یا شیخ، همت کن. و بر خدمت امر قیام نما، امروز رحیق مختوم امام وجوه ظاهر خذه باسم ربک ثم اشربه بذکره العزیز البدیع این مظلوم در لیالی و ایام به تالیف قلوب و تهذیب نفوس مشغول امورات واقعه در ایران در سنین اولیه فی الحقیقه سبب حزن مقربین و مخلصین بوده و در هر سنه قتل و غارت و تاراج و سفک دماء موجود یک سنه در زنجان ظاهر شد آنچه که سبب فزع اکبر بود و همچنین یک سنه در نیریز و سنه دیگر در طبری تا آنکه واقعه ارض طاء واقع (ترور ناصر الدین شاه) و از آن به بعد این مظلوم باعانت حق جل جلاله این حذب مظلوم را بما ینبغی آگاه نمود. کل از ما عندهم و ما عند الله متشبث و ناظر حال باید حضرت سلطان حفظه الله تعالی بعنایت و

شفقت با این حزب رفتار نماید. و این مظلوم اما کعبه الهی عهد نماید از این حزب جز صداقت و امانت امری ظاهر نشود.

بهاء الله در کتاب ابن الذئب با مخاطب قرار دادن مرحوم آقا نجفی اصفهانی و دیگر علمای غیر شیخی، بابی و بهائی، آنها را گرگ زاده توصیف می کند. توجه داریم که علمای مورد خطاب بهاءالله (یعنی گرگ زادگان)، در دوره بابیه، در مقابل بابی گری ایستاده و اعمال آنها را ناپسند توصیف کرده اند. با وجود اینکه بهاءالله نیز همانطور که در اسناد بالا گذشت بابی گری را با القاب ناپسند بسیاری وصف کرده است، و در این قسمت لوح ابن الذئب هم موید توصیفات بابی گری گذشته خود است، اما در مقابل غیر بابیان، مخالفان بابی گری را گرگ زاده توصیف می کند. همین لوح ابن الذئب خود حاکی نگاره دو سویه پیشوایان بهائی در تقابل با بابی گری را اثبات می کند. از یک طرف بهاءالله با خطاب قرار دادن بابیان، به سرکوب بابی گری پرداخته، اما در عین حال در خطاب غیر بابیان، ناقدان بابی گری را سرکوب می کند. در به هر حال، طبق سند ارائه شده در کتاب اقتدارات صفحه ۴۵، بهاءالله خود موید، امضاکننده و عامل به تعالیم و احکام غارت گرانه و خون ریز بابی بوده است. در این راستا، ظاهرا ایشان شان و حق نقد بابی گری را تنها برای خود قائل است.

بهاءالله در این لوح توصیفات خود را مجددا تکرار کرده و اشاره می کنید که:

۱- بابی گری یعنی ایجاد حزن و اندوه

۲- بابی گری یعنی قتل و خون ریزی

۳- بابی گری یعنی غارت و تاراج

به خصوص بهاءالله در این سند اشاره به سه جنگی که بابی گری و بابیان بر مردم ایران تحمیل کردند اشاره کرده، این جنگ ها را مصداق سفک دماء و قتل و غارت و تاراج می داند. بهاءالله همچنین به ترور ناصرالدین شاه توسط بابیان اشاره کرده است و با تایید این که این حرکت تروریستی مصداق خونخواری است، به عنوان یکی از رهبران و برنامه ریزان بابی گری متعهد می شود که این اعمال شینع و خشونت بار و وحشی گری های بابیه ادامه نخواهد داشت. و از حکومت وقت ایران و ناصرالدین شاه طلب شفقت و رحمت می نماید.

[/vc_column_text][/vc_tta_section][vc_tta_section title="عبدالبهاء، سرکوب گر بابی گری" tab_id="1628198109504-add9502c-1a72″][vc_column_text]

عبدالبهاء، سرکوب گر بابی گری

در قسمت قبل به بررسی مدارکی پرداختیم که در آنها بهاءالله حرکت و تعالیم و احکام بابی گری را به وصوف متعددی از جمله خون خواری، وحشی گری، قتل عام، سوزاندن و نابودی کتب، عدم تعامل با دگر اندیشان و ملل دیگر، عدم استفاده از لباس غیر بابیان، و غارت و تاراج اموال ناس توصیف می کند.

در این قسمت توصیفات عبدالبهاء فرزند و جانشین بهاءالله و پیشوای دوم تشکیلات بهائی را برای بابی گری مورد واکاوی قرار می دهیم. همانطور که مشاهده خواهیم کرد، عبدالبهاء نیز بابی گری را خونخوار و غارت گر توصیف کرده، بابیان را تهی از تحمل دگر اندیشان و به طور کل غیر بابیان معرفی می کند.

کتاب مکاتیب جلد دوم صفحه ۲۶۶:
... و در یوم ظهور حضرت اعلی منطوق بیان ضرب اعناق و حرق کتب و اوراق و هدم بقاع و قتل عام الا من امن و صدق بود

عبدالبهاء در این سند، بابی گری و به طور کل تعالیم و احکام باب را به چهار صفت وصف می کند. نکته ای که باید متذکر شد این است که عبارت – منطوق بیان – در نصوص امری اشاره به تمامی کتاب ها و نوشته های باب می کند. به عبارت دیگر، منطوق بیان شامل مجموعه تعالیم و احکام و رویه و نگرش باب و بای گری است. عبدالبهاء بابی گری را به این ترتیب خلاصه می کند:

۱- بابی گری یعنی زدن گردن ها
۲- بابی گری یعنی سوزاند کتاب ها و نوشته ها
۳- بابی گری یعنی تخریب عبادت گاه ها و مکان های مقدس مذهبی
۴- بابی گری یعنی قتل عام تمامی غیر بابیان

همان طور که مشاهده می کنیم، عبدالبهاء نیز سخنان بهاءالله را تایید و تبیین کرده، بابی گری را طبق رویکرد اول خون خوار، خون ریز، ناتوان در تحمل دگر اندیشان و تفکر و علوم آنها، و نابود گر فرهنگ و تاریخ مذهبی و فرهنگی انسان و انسانیت معرفی می کند.

یکی از بزرگان علمی بهائیت که در دوران عبدالبهاء زندگی می کرد، شخصی است به نام میرزا ابوالفضل گلپایگانی معروف به ابی الفضائل. عبدالبهاء در اسناد مختلفی از جمله کتاب مکاتیب جلد دوم صفحه ۲۷۴ [۱] ، در تایید گلپایگانی و فضل و علم او سخنان زیاده بیان کرده است. در این سند عبدالبهاء اشاره می کند که گلپایگانی برای اجرای فرمان عبدالبهاء در نوشتن کتابی تحت عنوان – کشف الغطاء عن حیل الاعداء – در نقد دکتر ادوارد بروان بابی و به طور کل بابی گری، شب و روز زحمت کشیده، هر مشقتی را به جان خریده است. عبدالبهاء کتاب کشف الغطاء را تایید کرده، آن را مایه سرور و حبور می داند.

گلپایگانی در کتاب خود به وصف بابی گری پرداخته، به نقد نگرش ادوارد بروان بابی می پردازد. در این جا به سه نمونه از نقد گلپایگانی اشاره می کنیم.

سند اول

کشف الغطاء، صفحه ۱۶۶ :
«بنیان دین بیان، که اکنون معتَقد ازلیان و دوستداران جناب برون می باشد، بر محو و اتلاف جمیع کتبی که در غیر

دین نوشته شده و هدم و تخریب کل مَشاهد و معابد و بقاع و مقابر و قتل نفوس و اباحه اعراض و ناموس و خلاصه، "افناء کل مَن لَم یَتَدَّین بِدینِ البیانِ" و محو آثار ایشان است.»

همانطور که مشاهده می کنیم، گلپایگانی سخنان عبدالبهاء و بهاءالله را تایید کرده و همان وصوفی که پیشوایان بهائی بابی گری را با آنها توصیف کرده اند تکرار می کند. در این سند گلپایگانی اشاره می کند:

۱- بابی گری یعنی نابودی کتاب های غیر بابی

۲- بابی گری یعنی تخریب تمامی سرمایه های فرهنگی مذهبی ملل و معابد و عبادت گاه های غیر بابی

۳- بابی گری یعنی تخریب قبرستان های غیر بابی

۴- بابی گری یعنی قتل عام غیر بابیان

۵- بابی گری یعنی مجاز دانستن تعدی و تعریض و دست اندازی به اموال غیر بابیان

۶- بابی گری یعنی مجاز دانستن تعدی و تعریض به ناموس غیر بابیان

۷- بابی گری یعنی عدم تحمل دگر اندیشان

نهایتا گلپایگانی نقد خود را در یک کلام خلاصه می کند که :

بابی گری یعنی نابودی هر کس و هر چیزی که معتقد به بابی گری نیست.

سند دوم

کشف الغطاء، صفحات ۲۵۲ و ۲۵۳:

«امروزه .. عقلای عالم می خندند بر کسانی که در این دوره علم و تمدن می خواهند دینی را که اساس آن قتل نفوس و هدم بقاع و تخریب معابد و مساجد است، در عالم جاری کنند.»

گلپایگانی در این صفحات توصیفات خود را نسب به بابی گری تکرار و تکمیل می کنند:

۱- بابی گری یعنی دینداری غیر عقلانی

۲- بابی گری محق مورد تمسخر و خنده عقلای عالم است

۳- بابی گری یعنی قتل عام غیر بابیان

۴- بابی گری یعنی تخریب عبادت گاه های و معابد

۵- بابی گری یعنی تخریب مساجد

سند سوم

کشف الغطاء،صفحات ۳۶۷، ۳۶۸:

«آیا مستر برون می خواهد که بهاءالله مثل باب، حکم به تخریب و هدم جمیع هیاکل و کنائس و مساجد و مشاهد و بقاع و قبات نماید و مکه و بیت المقدس و هر چه کنیسه و هر چه مسجد و هر چه تربت است، بابی ها بریزند و خراب کنند؟! آیا مستر برون میل دارد که بهائیان هم مثل بابی ها، در کتابشان هرجا اسم شخص منکری است ملعون و دجال و امثالهما بنویسند؟! مصلحت اهل عالم عموماً و ایرانیان خصوصاً نیست که عبوس و نفور باشند و

هر کس با ایشان مخالفت کرد، کافر و ملعون بخوانند و هرچه کلیسا، مسجد و تربت و مشهد است، خراب کنند و هر چه کتاب غیر بیان است، بسوزانند؟

گلپایگانی در صفحات ۳۶۷ و ۳۶۸ کتاب خود سوال هایی برای روشن گری دکتر بروان و عقیده بابی گری مطرح کرده، به این روش بابی گری را به طور مبسوط توصیف می کند:
۱- بابی گری یعنی تخریب آثار فرهنگی مذهبی و هنری تاریخ بشریت.
۲- بابی گری یعنی تخریب کردن همه کنیسه های یهودیان
۳- بابی گری یعنی تخریب کردن همه مساجد
۴- بابی گری یعنی تخریب همه عبادت گاه ها و مکان های مقدس
۵- بابی گری یعنی تخریب قبور غیر بابیان
۶- بابی گری یعنی تخریب کردن کعبه
۷- بابی گری یعنی تخریب بیت المقدس
۸- بابی گری یعنی تخریب همه کنیسه ها مساجد و زیارت گاه ها
۹- بابی گری یعنی لعن کردن غیر بابیان
۱۰- بابی گری یعنی فحش و ناسزا گفتن به غیر بابیان
۱۱- بابی گری یعنی عبوس بودن
۱۲- بابی گری یعنی منفور بودن
۱۳- بابی گری یعنی کافر و ملعون خطاب کردن غیر بابیان
۱۴- بابی گری یعنی تخریب هر آنچه عبادت گاه است
۱۵- بابی گری یعنی سوزاندن کتب غیر بابی

---

[۱] مکاتیب حضرت عبدالبها – جلد ۳: صفحه ۲۷۴، ۲۷۵

شدم زیرا دلالت بر شدت زحمت و مشقت شما در تدوین کتابو تحریر فصل خطاب میکرد * هر چند ماههای چند زحمت کشیدی و ارام نیافتی و شب و روز کوشیدی و جوشیدی تا انکه این کتاب مستطاب که اثار اخیره حضرت ابوالفضائل است جمع شد * این کار چون بسیار مهم بود لهذا در پرداختنش هر زحمتی رحمت بود و هر مشقتی راحت * باید در امور نظر بنتیجه کرد نه مبادی هر امری مهمی در وجود در ابتدا نهایت مشقت و بلاست و در انتهاموهبت کبری پس باید بعواقب امور و شئون نظر نمود * مقصداینست هر چند عقبه کبری طی نمودید ولکن بنتائج مستحسنه رسیدید و ان بقای اثار ان متصاعد ملکوت اسرار است * یک نسخه از آن کتاب باید بارض اقدس فرستاده شود و از طهران خواهم خواست و یقین است که نتائج عظیمه خواهد داشت و چون ترویج گردد نهایت سرور و حبور از برای شما حاصل شود * اگر چنانچه در مقابل این زحمت مکافاتی حاصل نشده مطمئن باش که مکافات الهی رسد و تاییدات صمدانیه حصول یابد واصل یادداشتهای ابی الفضائل و رسائل که ارسال شده استحکما باید بارض اقدس اعاده گردد حتی ورقه واحده در دستکسی نماند تا جمیع در محل محترمی محفوظ و مصون گردد

و باقی و برقرار ماند چه که اثار قلم ان بزرگوار است * این جوابمکتوبیست که چهار سال پیش ارسال داشته اید الان …

[/vc_column_text][/vc_tta_section][vc_tta_section title=”شوقی افندی، سرکوب گر بابی گری” tab_id=”1628198162616-04513896-50da”][vc_column_text]

شوقی افندی، سرکوب گر بابی گری

اولین و تنها ولی امر تشکیلات بهائی، شوقی نیز به مانند عبدالبهاء و بهاءالله به سرکوب و نقد بابی گری پرداخته در نوشته های خود بابی گری را با اوصافی که پیشوایان گذشته وصف کرده اند، معرفی می کند.

سند اول

کتاب قرن بدیع، صفحه۲۶۰:

اما سید لئیم و مطلق العنان که از طرف میرزا یحیی زعیم و مقتدایش آزادی و حریت کامل بوی اعطاء شده بود در ایام اقامت در کربلا بطوری که نبیل در تاریخ خویش تصریح میکند عده ای از اجامر و اوباش را گرد خود آورده و آنان را در ارتکاب اعمال قبیحه به خود واگذاشت بل تشویق و ترغیب نمود که شب هنگام که ظلام دیجور پرده در اعمال منفور آنها میکشد دستار از سر زوار متمکن برداشته کفشهای آنها را سرقت نمایند و از حرم مطهر حضرت سید الشهداء شمعها و صحائف را بردارند و جام های آبرا از سقاخانه ها بربایند. این نفوس که خود را از پیروان حضرت باب می پنداشتند و مدعی محبت آن بزرگوار بودند بدرجه ای در اعمال رذیله و افعال منکرهٔ شنیعه غوطه ور گشتند که نبیل که خود در آن ایام ساکن آن مدینه و شاهد و ناظر احوال بوده غرق در دریای تأثّر و تحسر گشته و مراتب تجرد و انقطاع و شهامت و استقامت اصحاب جناب ملا حسین را در خاطر مجسم میسازد…

شوقی در این سند عنوان می کند که:

۱- بابی گری یعنی مجاز دانستن اعمال قبیحه
۲- بابی گری یعنی تشویق به اعمال قبیحه
۳- بابی گری مصداق ظلام دیجور بودن
۴- بابی گری یعنی عامل به اعمال منفور
۵- بابی گری یعنی مجاز دانستن تعدی به زائران کربلا و دزدی دستار آن ها
۶- بابی گری یعنی مجاز دانستن ارتکاب به دزدی کفش های زائران
۷- بابی گری یعنی مجاز دانستن ارتکاب به دزدی شمع و کتاب های زیارت نامه از حرم سید الشهداء
۸- بابی گری یعنی مجاز دانستن ارتکاب به دزدی جام های آب از سقاخانه ها

سند دوم

کتاب قرن بدیع صفحه ۲۶۱

غفلت و جسارت بابیان بمقامی رسید که بیست و پنج نفر از آنان بشهادت مرکز عهد و میثاق الهی جسورانه ادعای مقام من یظهره اللّهی و موعودیت بیان را نمودند و اوضاع و احوالشان بدرجه ای تباه و منفور گردید که جرأت عبور در معابر و حضور در مجامع را نداشتند. کرد و عجم در سب و لعن این جمع و اهانت بامر الهی از یکدیگر سبقت می جستند.

در سند دوم، شوقی حتی اشاره به واقعه تاریخی جالبی می کند. و آن اینکه پس از باب عده کثیری از بابیان به مانند بهاءالله مدعی شدند که مظهور ظهور و موعود بیان هستند. تشکیلات بهائی این مقام را شان بهاءالله می دانند. شوقی ادامه می دهد که بابیان و بابی گری در کل نتیجه ای جز تباهی و منفور بودن نداشت.

[/vc_column_text][/vc_tta_section][vc_tta_section title="واکاوی فیلم The Gate دروازه و بررسی نمونه های بی صداقتی تشکیلات بهائی" tab_id="1628198170057-240bea7b-5b1d"][vc_column_text]

واکاوی فیلم گیت دروازه و بررسی نمونه های بی صداقتی تشکیلات بهائی

در ادامه این نوشتار به نقد فیلم گیت – دروازه، طلیعه آئین بهائی – **The *Gate*** خواهیم پرداخت.

همانطور که گذشت، نصوص و تشکیلات بهائی دو رویکرد کاملا متضاد در قبال بابی گری اتخاذ می کنند.

در رویکرد اول که تشکیلات بهائی با مخاطب بابی طرف است، بابی گری خون ریز و نابود کننده انسان و انسانیت و فرهنگ و تمدن و هنر تاریخ بشریت توصیف و معرفی می شود.

اما در رویکرد دوم، با مخاطب قرار دادن غیر بابیان، و به منظور بهائی کردن نفوس مستعده و استفاده ابزاری از نو بهائیان به منظور به رسمیت رسیدن در یک کشور و نهایتا گرفتن حکومت کشوری، بابی گری مایه نجات انسان توصیف شده، تعالیم بابی اشاعه دهنده صلح و برقرار کننده تساوی حقوق تمامی انسان فرای ملیت و نژاد و طبقه و جنسیت است.

بر همین اساس و با چنین هدفی، تشکیلات بهائی فیلم دروازه (فیلم گیت) را تولید کرده است. در ادامه تکه های مختلف فیلم را واکاوی کرده، تضاد آن را با رویکرد اول و آنچه حقیقت مطلب و تاریخ است را نشان خواهیم داد.

در فیلم دروازه، **The *Gate*** قسمت های به نمایش گذاشته شده، یکی از تعالیم باب و یا بخشی از تاریخ بابی گری را به تصویر کشیده است که به منظور سهولت در دسترسی و برداشت محتوا، هر قسمت را با سر تیتر مرتبط منقش کرده ایم.

[/vc_column_text][/vc_tta_section][vc_tta_section title="دروغ اول – باب ادعای محمد بن الحسن بودن کرده است" tab_id="1628198171973-b8598d11-d490″][vc_column_text]

دروغ اول – باب ادعای محمد بن الحسن بودن کرده است

فیلم گیت :

خیلی برام جالب بود که چیزی مشابه در ایران در میان مسلمانان شیعه اتفاق افتاده بود و از همه عجیب تر اینکه سالی که اونها منتظرش بودند به تقویم خودشون ۱۲۶۰ بود که همان سال ۱۸۴۴ میلادی بود. در حالی که مسیحیان در غرب منتظر رجعت مسیح در سال ۱۸۴۴ بودند، در شرق و در همان زمان مسلمانان شیعه منتظر پیامبری الهی با عنوانی دیگر بودند؛ امام دوازدهم. به اعتقاد اونها امام دوازدهم در غیبت به سر می برد، حی و حاضر بود اما نمی شد دیدش مردم تصور می کردند که این شخص ۱۰۰۰ ساله، به عنوان فرستاده الهی رجعت می کند تا صلح برقرار کند. و با ضرب شمشیر رهبر سیاسی می شود و بر جهان به عدالت حکم رانی می کند. در اواسط سده ۱۹ هر ایرانی شیعه ای چنین اعتقادی داشت.

طبق آنچه فیلم دروازه روایت می کند، باب در سال ۱۲۶۰ ادعا کرده است که محمد بن الحسن، امام دوازدهم شیعیان می باشد. البته با وجود اینکه باب مدعی امام دوازدهمی است، پیامبر هم بوده است. هر کسی که اندک اطلاعی از تفکر و اعتقاد شیعه داشته باشد، می داند که شیعه و کلا تفکر اسلامی امام دوازدهم، حجت بن الحسن العسکری را پیامبر الهی نمی داند. البته نقد اسن نوشتار به این قسمت از فیلم هم ناظر بر این تهمت آشکار و دروغین فیلم دروازه نیست. آنچه در اینجا مد نظر است این است که تشکیلات بهائی در اینجا قصد دارد باب را امام دوازدهم شیعه معرفی نماید؛ امری که واکاوای منطوق بیان، تصور واهی و دروغین چنین ادعایی را افشا می کند.

واکاوی منطوق بیان هویدا می کند که باب در هیچ کجا ادعای محمد بن الحسن بودن نکرده، شان امام دوازدهمی برای خود قائل نبود. در عوض، باب در ابتدا ادعای رکن رابعی کرد. به این مضمون که مدعی شد، او پایه و رکن چهارم ایمان پس از سه رکن خدا، پیامبر و امام بوده، تنها واسطه میان مردم و امام غایب می باشد. در تکمیل این ادعا، باب معتقد بود که رکن رابع هم یکی از مصادیق قائم است. همانطور که – من یظهر الله – هم یکی از مصادیق قائم است. در این ارتباط، به سند زیر از کتاب بیان توجه فرمایید:

کتاب بیان، صفحه ۲۳۰:

فی ان الله قد امر بان تقیموا من مقاعدکم اذا سمعتم اسم من یظهره الله من بعد لقب القائم و الحکم علی اعدام من یحزنه من فوق الارض بما یمکن

خداوند امر کرد هر کسی که اسم من یظهر الله را بعد از لقب قائم شنیدند از جایش می بایست بلند شود. و حکم اعدام جاری است برای کسانی که من یظهر الله را محزون کنند.

طبق این سند، یکی از مصادیق لقب قائم، من یظهر الله است. به اعتقاد تشکیلات بهائی من یظهر الله بهاءالله است. اما در عین حال، بهاءالله هیچ کجا برای خود لقب قائم قائل نشده است. در این جا سوالی که پیش می آید این است که با این استدلال آیا هم باب و هم بهاءالله قائم و امام دوازدهم بوده اند؟

آنچه منطوق بیان نشان می دهد این است که هر آنجا که باب ادعای قائمیت کرده است، به هیچ عنوان منکر وجود مقدس امام دوازدهم حجت بن الحسن نشده، بلکه بیان می دارد که او از طرف شخص غایبی آمده و به فیض آن شخص غایب تعالیمی را برای بشریت آورده است. در سند زیر از عبدالحمید اشراق خاوری در کتاب رحیق مختوم چنین آمده است:

کتاب رحیق مختوم جلد ۱ صفحه۳۴ سطر دوم

«الله قد قدر ان یخرج ذلک الکتاب فی تفسیر احسن القصص من عند محمد بن الحسن بن علی بن محمد بن علی بن موسی بن جعفر بن محمد بن علی بن الحسین بن علی بن ابیطالب علی عبده لیکون حجه الله من عند الذکر علی العالمین بلیغاً».

در این سند، تشکیلات بهائی تایید می کند که باب کتاب تفسیر سوره یوسف خویش را از جانب محمد بن الحسن، فرزند بلافصل امام حسن عسکری علیه السلام نقل می کند. این سند موید این موضوع است که اولا ادعای باب ادعایی جز رکن رابع، و رابط میان امام و مردم بوده، دوما باب ادعای محمد بن الحسن بودن یا امام دوازدهم بودن نداشته است. در سند دیگری باب از نواب اربعه و اعتقادش به آنها سخن می گوید. اعتقاد باب به نواب اربعه نشان دهنده اعتقاد باب به امام دوازدهم محمد بن الحسن العسکری علیهما السلام است.

کتاب بیان صفحه ۲۸۸:

امروز اگر مومنی عامل هست، به قول اهل بیت و ابواب اربعه است در غیبت صغری.

در سند بالا، اعتقاد به نواب اربعه که در غیبت صغری واسطه میان امام دوازدهم علیه السلام و مردم بودند مبنای ایمان معرفی می شود. باب عدم اعتقاد به نواب اربعه را خروج از ایمان می داند.
آنچه تشکیلات بهائی در فیلم دروازه به نمایش می گذارد این است که باب ادعای محمد بن الحسن بودن یا امام دوازدهم بودن کرده است. مبلغین بهائی نیز در فرصت های مناسب دیگر، با تایید بر ادعای قائمیت باب، این ادعا را به محمد بن الحسن بودن تفسیر می کنند. این در حالی است که بین قائم و امام دوازدهم در نظر باب تفاوت بسیار است، و طبق اسناد بالا بطلان این ادعای فیلم دروازه عیان می باشد.

همانطور که در مقدمه گذشت، تشکیلات برای بهائی کردن مخاطبین، در تبلیغاتش به هر بی صداقتی و نیرنگی روی آورده، آنچه مقتضای اهداف تشکیلاتی است به عنوان حقایق نصوص بابی و بهائی به مخاطب القا می کند. واکاوی مختصری از نصوص بابی و بهائی کذب مدعیات موجود در تبلیغات بهائی را به اثبات می رساند.

[/vc_column_text][/vc_tta_section][vc_tta_section title="دروغ دوم – بدیع و بی بدیل بودن شیخیه و تعالیم آن" tab_id="1628198173048-8cd1d47f-ddb5″][vc_column_text]

دروغ دوم – بدیع و بی بدیل بودن شیخیه و تعالیم آن

تشکیلات بهائی متناسب با منافعش حقایق تاریخی را شرح و تفسیر می کند. به عبارت دیگر، حقیقت را فدای منافع تشکیلاتی و اعتقادی خود می کند. ادعای دیگری که در فیلم دروازه به آن اشاره رفته است بر اساس سخن بهاءالله در توصیف شیخیه و تعالیم آن است.

بر اساس کتاب رحیق مختوم، بهاءالله و تشکیلات بهائی مدعی است که تعالیم و افکار شیخیه خلاقانه و بی بدیل بوده، به طراز آگاهی مزین اند.

کتاب رحیق مختوم، جلد ۲ صفحه ۶۴۸

از صدر اسلام، اکثری در بحر اوهام و ظنون مستغرق؛ بعد از خاتم انبیاء و ائمه طاهرین دو نفس به حق واصل و بطراز آگاهی مزین، مرحوم شیخ و سید علیهما بهاءالله الابهی

بر مبنای همین گفته، فیلم دروازه نیز تعالیم شیخی را بدیع، بی بدلیل و اصیل معرفی کرده است

فیلم – بخش دوم

افزایش پیروان شیخی تهدیدی مستقیم برای طبقه علما بود. با وجود اذیت و آزار آنها هر روز تعداد بیشتری جذب تعالیم بدیع و اصیل آن نهضت می شدند. یکی از پیروان شیخی عالمی برجسته به نام سید کاظم بود. او جانشین شیخ احمد شد و …

مرور سطحی نوشته های شیخ احمد احسائی و سید کاظم رشتی پیشوایان شیخیه خود گواه کذب مدعای تشکیلات بهائی است. در این نوشتار تنها به یک نمونه از موارد متعدد خرافات موجود در سخنان شیخیه را شاهد مثال می آوریم. احسائی در – رساله قطیفیه – در مورد چگونگی ولادت حضرت عیسی علیه السلام تنها از یک مادر، خواننده را متوجه به شهری توهمی به نام شهر زنان می کند. احسائی معتقد است که در آنجا زنان از یک درخت باردار شده و فقط دختر متولد می کنند و هیچ مردی در آنجا حیات ندارد. در این رساله چنی آمده است:
«منی، نطفه مولد فرزند نیست، بلکه نطفه مولد، روح حیاتی است که آن را رایحه یا بوی منی می نامند و این همان بویی است که از درخت مُزن ریزش می کند و شاهد بر این مدعا وجود شهر زنان است که در آن جا هیچ مردی وجود ندارد و در آن شهر درختی است که از کنار ریشه آن شاخه ای به شکل آلت تناسلی مرد روییده است که بوی منی می دهد. زن های آن جا نزد آن درخت می روند و با آن شاخه در می آمیزند و به دختر حامله می شوند و از آن شاخه بودار، پسر به عمل نمی آید و خداوند چون خواست قدرت نمایی کند جبرائیل را نزد حضرت مریم روانه کرد و او مقداری از آن بوی را به وسیله هوا در دهان یا گریبان مریم دمید و او به قدرت الهی آبستن شد و لکن پسر زایید و عیسی متولد گردید»

خواننده عاقل و منصف، خود پی به کذب ادعای بهاءالله، تشکیلات بهائی و فیلم دروازه می برد.

[/vc_column_text][/vc_tta_section][vc_tta_section title=”دروغ سوم – شاگردان شیخ و سید به دنبال موعود بودند” tab_id=”1628198174105-df67b0aa-5905″][vc_column_text]

دروغ سوم – شاگردان شیخ و سید به دنبال موعود بودند

در قسمت دیگر از فیلم دروازه تشکیلات بهائی مدعی است که شاگردان شیخ احمد احسائی و سید کاظم رشتی، پس از مرگ رشتی به دنبال یافتن موعود بودند. در ادعای اول عرض شد که بین مفاهیم امام دوازدهم (موعود) و قائم اختلاف است. باب در هیچ کجا ادعا موعود بودن نداشته است. در عوض باب ادعای رکن رابعی و قائیمت داشت. به فراز های مرتبط در فیلم توجه کنید:

فیلم – بخش سوم

شیخی عالم برجسته به نام سید کاظم بود... و اما سید کاظم بدون تعیین جانشین درگذشت. سید کاظم پیش از وفاتش از شاگردانش خواست که هیچ کاری نکنند و پراکنده شوند و دنبال موعود بگردند.

ملا حسین به کربلا برگشت و از اون... با تعجب شنید که سید کاظم ...

فیلم – بخش چهارم

این برای ملاحسین لحظه ای حیرت آور بود.. کم کم متوجه می شد که واقعا در حضور موعود نشسته است. حضرت کرشنا، زردشت بودا... آمدن ... انفصال از تعالیم اسلام سنتی را رقم می زد.

این ادعای فیلم عین بی صداقتی و دروغ است. در کتاب رحیق مختوم اعتقاد باب را در تفسیر سوره یوسف مرور نمی دیم. در آنجا باب معتقد بود که کتاب تفسیر سوره یوسف را از جانب محمد بن الحسن العسکری آورده است. این سند نشان می دهد که باب معتقد به امام دوازدهم بوده، و در نتیجه خود را موعود نمی دانسته است. در اسناد متعدد موجود است که حتی برخی از حروف حی (۱۸ نفر یاران اصلی باب، که به نوعی حواریون باب بودند) با شنیدن ادعای قائمیت باب از وی روی گرداندند، حال چه برسد به اینکه خبر ادعای موعود بودن او را شنیده باشند.

عبدالبهاء در مقاله شخصی سیاح به تبیین و تفسیر ادعای باب پرداخته، مراد از بابیت را تنها واسطه بین امام و مردم معرفی میکند. این مقاله به وضوح بی صداقتی تشکیلات بهائی را نشان داده، موید این موضوع است که تشکیلات برای دست یابی به اهدافش حتی به گفته پیشوایان خود نیز توجهی ندارد. عبدالبهاء در این سند تاکید می کند که باب به هیچ عنوان ادعای موعود بودن نداشته است. در نتیجه شاگردان شیخ و سید نیز که به باب روی آوردند، به هیچ عنوان به دنبال موعود نبودند. در عوض آنها به دنبال رکن رابع پس از سید کاظم بودند، و در این راستا باب را به عنوان رکن رابع انتخاب کرده به وی گرویدند.

مقاله شخصی سیاح صفحه ۲

«از کلمه بابیّت مراد او چنان بود که من واسطهی فیوضات از شخص بزرگواری هستم که هنوز در پس پردهی عزّت است و دارندهی کمالات بی حصروحدّ، به اراده او متحرّکم و به حبل ولایش متمسّک و در نخستین کتابی که در تفسیر سورهی یوسف مرقوم نموده، در جمیع مواضع آن خطابهایی به آن شخص غایب که از او مستفید و مستفیض بوده، نموده و استمداد در تمهید مبادی خویش جسته و تمنّای فدای جان در سبیل محبّتش نموده، از جمله

این عبارت است:" یا بقیّه الله قد فدیت بکلّی لک و رضیت السّبّ فی سبیلک و ماتمنّیت الّا القتل فی محبّتک و کفی بالله العلیّ معتصماً قدیماً."»

عبدالبهاء در مقاله شخصی سیاح به تبیین بابیت علی محمد شیرازی می پردازد. آنچه در این سند به روشنی بدست می آید این است که باب به هیچ عنوان ادعای موعود بودن نداشته است. و این موضوع دقیقا بر خلاف آنی است که تشکیلات بهائی در فیلم دروازه قصد به نمایش گذاشتن آن را دارد. نمونه دیگر از نصوص بهائی که تاکید بر بی صداقتی ادعای فیلم دروازه است، سخن بهاءالله در ارتباط با ادعای باب است. بهاء الله در مائده آسمانی عنوان می کند که باب ادعای خدایی کرده، و ظهور او ظهور الله است.

مائده آسمانی، جلد ۷ صفحه ۶۹:

سبحان الله با اینکه اهل بیان خود مقر و معترفند که نبوت برسول الله ختم شده و سنه ستین اول ظهور الله است مع ذلک و مع اینکه حق حال بنفسه و کینونته مشهود و از افق اننی انا حی فی الافق الابهی ظاهر و طالع مجددا ذکروصایت و امثال ان مینمایند و بقیه وهم ما ترک من ملل الفرقان اراده نمودهاند انوار شمس یقین را که در سما قدس بیزوال ذوالجلال مشرق شده ستر نمایند...

در این سند، بهاءالله فراتر از همه ادعاها، در قدم اول، به خاتمیت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله اقرار می کند. در قدم دوم، ظهور باب را ظهور الله قلمداد کرده، معتقد است که در این ظهور خداوند به ذات خویش ظاهر شده است. با این سند، باب و بهاءالله صاحب مقامی فراتر از بابیت، امامت و نبوت می باشند، و مقام ذات الهی را برای خود قائلند. همین نکته خود نشان از بی صداقتی تشکیلات بهائی در معرفی کردن باب به عنوان پیامبر و موعود می باشد. علت این مدل بی صداقتی هم این است که تشکیلات بهائی معتقد است که تبلیغ امری تدریجی است، و با رعایت حکمت (دروغ گویی، توجیه وسیله برای دست یابی به هدف) برای اهداف والاتر که همان بهائی کردن مخاطبین و نهایتا گرفتن حکومت کشوری است قدم بر می دارند.

[/vc_column_text][/vc_tta_section][vc_tta_section title="دروغ چهارم – به مکتب نرفتن باب، و ادعای علم لدنی" tab_id="1628198176140-691653c7-d50a"][vc_column_text]

دروغ چهارم – به مکتب نرفتن باب، و ادعای علم لدنی

چهارمین بی صداقتی تشکیلات بهائی در فیلم دروازه، ادعای علم موهبی الهی و علم لدنی برای باب است. این ادعای فیلم را می توان در نصوص بهائی نیز مشاهده کرد. یکی از این نصوص، گفته عبدالبهاء در کتاب مفاوضات است. وی در این کتاب بیان می دارد که باب به هیچ مکتب و مدرسه ای نرفته، و از هیچ معلمی درس نیاموخته است.

کتاب مفاوضات صفحه ۱۹

اما حضرت اعلی روحی له الفدا در سن جوانی یعنی بیست و پنج سال از عمر مبارک گذشته بود که قیام بر امر

فرمودند. و در میان طائفۀ شیعیان عموماً مسلم است که ابداً حضرت در هیچ مدرسه ای تحصیل نفرمودند و نزد کسی اکتساب علوم نکردند و جمیع اهل شیراز گواهی میدهند . با وجود این بمنتهای فضل بغت ًه در میان خلق ظاهر شدند و با آنکه تاجر بودند جمیع علمای ایرانرا عاجز فرمودند .

فیلم دروازه نیز این موضوع را چنین بیان می کند.

بخش فیلم گیت

اما در نصوص دیگر بهائی، از جمله تلخیص تاریخ نبیل که تقریبا مشهورترین تاریخ بابیت و بهائیت در نزد تشکیلات بهائی است، و مورد تایید آنهاست، به مکتب رفتن باب اشاره شده است. در اینجا نیز تضاد ادعای عبدالبهاء و تشکیلات بهائی در فیلم دروازه، با آنچه کتب تاریخ مورد تایید تشکیلات از حقایق تاریخی روایت می کنند تناقض وجود دارد. در اینکه می گویند دروغ گو کم حافظه است، حقیقتی است که در عملکرد تشکیلات بهائی آن را به وضوح مشاهده می کنیم. به متن کتاب تلخیص تاریخ نبیل توجه کنید:

تلخیص تاریخ نبیل، صفحه ۶۳ و ۶۴:

«خال حضرت ایشان را برای درس خواندن نزد شیخ عابد بردند،... شیخ عابد مرد پرهیزگار محترمی بود و از شاگردان شیخ احمد و سید کاظم رشتی به شمار میرفت...»

سند دیگر در ارتباط با بی صداقتی فیلم دروازه درباره علم لدنی باب را در کتاب مطالع الانوار عربی می توان مشاهده کرد.

مطالع الانوار عربی، صفحه ۱۵۹ :

وَ كَتَبَ میرزا أبُوالفَضل فی کِتابٍ خَطّيّ بِأنَّ البابَ كانَ يَبلُغُ مِنَ العُمُرِ سِتَّهَ أو سَبعَ سَنَواتٍ عِند ما دَخَلَ مَدرَسَهَ الشَّيخ عابد وَ كانَتِ المَدرَسَهُ تُعرَفُ بِاسمِ قَهوَهُ أولياء وَ مَکَثَ البابُ فيها خَمسَ سِنينَ تَعَلَّمَ فيها مَبادی اللُّغَهِ الفارسِيَّهِ و فی أوَّلِ رَبيعِ الأوَّلِ سَنَه ۱۲۵۷ هِجرِيَّهِ عادَ إلی بَلَدِهِ فی فارس بَعدَ أن مَکَثَ فی النَّجِفِ وَ كَربَلاء سَبعَهُ أشهُرٍ »

میرزا ابوالفضل گلپایگانی (بزرگترین مبلغ بهائی) در کتابی به خط خودش نوشته است که باب شش یا هفت ساله بود که در مدرسه شیخ عابد داخل شد و مدرسه به قهوه اولیاء معروف بود و باب پنج سال در آنجا مبادی و پایه های زبان فارسی آموخت و در آغاز ربیع الأول سال ۱۲۵۷ – پس از این که هفت ماه در کربلا و نجف اقامت داشت- به شیراز برگشت.

اما خود باب نیز در کتاب بیان عربی خود از خاطرات مکتب رفتنش در ایام کودکی سخن گفته است. شیرین آنجاست که در این خاطره که به زبان خود باب بیان شده است، جناب ایشان که به مدعای تشکیلات بهائی می بایست علم لدنی داشته باشند، ظاهرا به خاطر بازی گوشی و محصل خوب نبودن مورد تنبیه معلم خویش قرار می گیرد. توجه داریم که اصل دروغ علم لدنی با ادعای عبدالبهاء مبنی بر مکتب نرفتن آغاز شده است. و این دروغی

است که باب با بیان این خاطره خود، این عمل رذیله اخلاقی را برای مخاطبین منصف آشکار کرده است. به سند موجود در کتاب بیان عربی توجه کنیم.

کتاب بیان عربی، صفحه ۲۵:
قُل أن یا مُحَمّدُ مُعَلِّمی فَلا تَضرِبنی… وإذا أرَدتَ ضَرباً فَلا تَتَجاوزَ عَن الخَمس ولا تَضرِب عَلی اللَّحم…« بگو ای محمد آموزگار من، مرا کتک مزن،… و چون خواستی بزنی بیشتر از پنج ضربه و نیز بر گوشت بدنم مزن …»
و این نشان می دهد که سید باب در کلاس درس حضور می یافته و پیداست که وی خاطره بدی از تنبیهات معلمش داشته است.

[/vc_column_text][/vc_tta_section][vc_tta_section title="دروغ پنجم – در نگاه باب همه انسان ها یکسان دیده می شوند و میان شاه و …" tab_id="1628198177764-1640bc2c-549d"][vc_column_text]

دروغ پنجم – در نگاه باب همه انسان ها یکسان دیده می شوند و میان شاه و شبان تفاوتی نیست

اما دروغ پنجم تشکیلات بهائی در فیلم دروازه این است که این فیلم ادعا می کند که در نگاه باب، همه انسان ها فرای ملیت و رنگ و نژاد و قومیت و طبقه و هر گونه تقسیم بندی دیگری یکسان هستند. به قسمت مربوطه این فیلم توجه کنیم.

فیلم گیت :
آمدن ظهور جدید را اعلان کنند. پیام آنها این بود که خالق همه انسان ها و موجودات یکی است. در پیشگاه خدا بین شاه و شبان تفاوتی نیست. … هر کدام از مآینه ای است که … پیام باب پیام خلاقی بود. و جامعه از آن خیلی خوب استقبال کرد. او پاکی اعتقاد مذهبی و دعا را … میشه خودمون حقیقت را پیدا کنیم. اون همان کاری را.ژ.. ادعا را تدریجی اعلان کرد.

در این قسمت، تشکیلات بهائی قصد دارد نشان دهد که در نگاه باب، انسان ها همه یکسانند و هیچ تفریقی میان آنها از هر وجهی که تصور کنیم نیست. توجه به فضای سیاسی اجتماعی روزگار کنونی نشان می دهد که در این عصر عموم انسان های منصف و متعادل از نژاد پرستی و طبقه بندی انسان ها براساس رنگ پوست و قومیت و ملیت و نژاد و دین دروی گزیده بلکه از آن متنفر اند.

در نتیجه، تبلیغات تشکیلات بهائی نیز می بایست حاوی پیام هایی باشد که در اکثریت جامعه نفوذ کرده، باعث ترقیب جوامع برای بهائی شدن گردد. واضح است، وقتی که اکثریت جوامع از تعالیم و تبلیغاتی که به نژاد پرستی دامن زده، در صدد طبقه بندی انسان ها بر اساس رنگ و نژاد است، اظهار انزجار می کنند، لذا جذب و بهائی کردن آنها با چنین تبلیغاتی بدست نمی آید. پیامد چنین جو و فضای سیاسی اجتماعی این شده است که تشکیلات

بهائی برای بهائی کردن مخاطبینش با بی صداقتی تعالیم باب را جهان شمول جلوه داده، نگرش آن نسبت به هر انسانی را یکسان معرفی کند.

واکاوی نوشته های باب و حتی برداشت های عبدالبهاء و بهاءالله از تعالیم و احکام باب نشان میدهد که نه تنها باب چنین نگرشی نداشته، بلکه او به شدت نژاد پرست بوده است.

در نگاه باب هر شخص غیر بابی و هر اثر تاریخی، فرهنگی و هنری ای که با الهام از تعالیم غیر بابی ساخته شده باشد می بایست کشته، محو و نابود شود. در مقدمه از بهاءالله، عبدالبهاء و شوقی اسنادی در این ارتباط ذکر کردیم. همگی آن نصوص حاکی از عدم تحمل دگر اندیشان در نگاه باب داشته، بر کشتن غیر بابیان، فنای احزاب، سوزاندن کتب غیر بیانی، و از بین بردن قبرستان ها، معابد، کنیسه ها، کلیسا ها و مساجدی تاکید دارد. لذا، در نگاه باب هر که بابی نیست مستحق نابودی است.

به عبارت دیگر، میزان انسانیت، ترازوی سنجش انسانیت در نگاه باب و تعالیم او بابی بودن اشخاص است. در این نگرش، اگر بابی نباشی، حق زندگی نداری خواه شاه باشی خواه شبان.

بعلاوه نصوصی که در بالا مرور کردیم، در منطوق بیان (کل نوشته های باب) چنین نتیجه گرفته می شود که باب با وجود اینکه ایرانی بوده است، از اینکه خود را ایرانی بخواند تنفر داشته، در جای جای نصوصش، برای خود نژاد عرب قائل است. در این جا به چند نمونه از فراز هایی که تنفر باب از نژاد ایرانی را نشان داده، برتری نژاد عرب را در چشم وی آشکار کرده را بررسی می کنیم.
باب در اولین کتابش تفسیر سوره یوسف، هیچ اشاره ای به نژاد ایرانی اش نکرده، و خود را همواره با فراز هایی مانند فتی العربی و الغلام العربی معرفی میکند. به عنوان نمونه به مثال های زیر توجه کنید:

تفسیر سوره یوسف، سوره القدر:

لیعلم الناس حق الله فی ذکر الذکر من شیعتنا العربی المحمدی... یا اهل الارض اسمعوا نداءالله من هذا الغلام العربی الذی قد اصطفیته لنفسه...

تفسیر سوره یوسف، سوره الحل:

یا اهل الارض اتقو الله من بطش هذا الغلام العربی المدنی ...

تفسیر سوره یوسف، سوره الانوار:

... و انصر ذکرنا الاکبر هذا الغلام العربی فان نصر الله ...

تفسیر سوره یوسف، سوره القرابه:

...ان الذکر هذا الفتی العربی قد کان بالحق بما تعملون ... فاستمعوا ندائی من لسان الباب هذا الفتی العربی ...

تفسیر سوره یوسف، سوره الحوریه:

فاعتصموا بحبل الله المنیع ذکرنا هذا الفتی العربی ...

نکته ی قابل توجه اینکه آنچه فیلم در صدد معرفی از باب و نگرش اوست، در نوشته های باب دیده نمی شود. اگر مبنای نوشته های باب بر نگرش یکسان به انسان ها بود، و نژاد برایش اهمیتی نداشت، اصرار وی در تاکید بر این که او جوانی عرب است قابل درک نیست. فرای نگرش باب به غیر بابیان که او همه آنها را مستحق گردن زدن میداند، در اولین کتابش به جای اشاعه فرهنگ جهان شمولی، مخاطبین را تنها متوجه نژاد عرب اش می کند.

[/vc_column_text][/vc_tta_section][vc_tta_section title="دروغ ششم – برای ارتباط با خدا، مردم نیازی به رجوع به علما ندارند" tab_id="1628198178710-a030df52-e351″][vc_column_text]

دروغ ششم – برای ارتباط با خدا، مردم نیازی به رجوع به علما ندارند

ادعای دروغین دیگر فیلم دروازه و تشکیلات بهائی این است که با ظهور باب و اشاعه فرهنگی بابی و تعالیم باب، عامه مردم برای ارتباط با خدا نیازی به رجوع به علمای بابی ندارند. به عبارت دیگر، بر اساس این ادعا، باب اعتقاد داشته که نیازی به وجود واسطه بین مردم و خدا نیست. این ادعا نمونه دیگری از انطباق تبلیغات تشکیلات با مزاج عمومی دارد. این در حالی است که نصوص و تعالیم بابی و بهائی به وضوح بر خلاف آن سخن گفته اند. در این ارتباط فراز های مربوط به این قسمت فیلم دروازه را مرور میکنیم:

متن فیلم : یکی از مهمترین و خطرناک ترین تعالیم حضرت باب این بود که هر کس خودش می تواند با خدا رابطه داشته باشد. حروف حی به هر شهری می رفتند …

حال آنچه در حقیقت تعالیم باب وجود دارد را می توان در کتاب بیان فارسی در این ارتباط مشاهده کرد. باب در مورد چگونگی ارتباط مردم باب علماء بابی، با رده بندی علماء، رجوع مردم به علماء را بر اساس میزان دسترسی به علماء، و رده علمی عالم بابی معین می کند.

در اینجا باب به مردم توصیه می کند که برای حل مسائلشان در ابتدا به عالم روستای خود رجوع کنند. اگر آن عالم توان پاسخ گویی نداشت، همان عالم می بایست به عالم رده بالای خود رجوع کند، و همینطور این روند ادامه می یابد تا عالمی پیدا شود که تعالیم ابواب هدایت، همان رکن رابع را متوجه شوند. و پس از رکن رابع را بیابد که وی بتواند تعالیم ائمه شیعه را متوجه شود.

این جا خود نشان از اعتقاد باب به امام دوازدهم علیه السلام را دارد. این روند ادامه میابد تا به رسول الله برسد. عکس زیر از کتاب بیان فارسی باب هفتم، صفحه ۲۰۸ می باشد :

کتاب بیان فارسی باب هفتم، صفحه ۲۰۸

… همین قسمی که فیض وجود به ایشان رسیده بمرایائی که تقدم بر آنها جسته همی قسم هم در هدایت. مثلا نظر کن ادنی نفس بری را که اگر خود به نفسه بشمس حقیقت بر خورد نتواند بهدایت او مهتدی شد چونکه در رتبه و نو واقع گشته اگر چه در آن رتبه هم اگر ناظر شود بمبداء امر فی الفور می تواند ولی چون آن نظر در او نیست ظهور اون از برای او صعب است مگر آنکه راجع شود به عالم قریه خود و آن عالم به عالم فوق خود تا کم کم

منتهی شود به کسی که می تواند کلام ابواب هدی را بفهمد و کم کم از آن منتهی شود تا آنکه به کسی رسد که کلام ائمه را بفهمد و از آن کم کم ترقی کند تا انکه بکسی رسد که کلام رسول را می فهمد و آن وقت بر عالم افئده وارد گردد که بتواند کلام الله را فهمید همان کلامی است که بر رسول که وارد می شود فی الحین خاضع می گردد و علو رسالت او در نزد اون لا شیئ می گردد ...

شد همین قسمی که فیض وجود باینشان رسیده بمرایائی که تقدّم بر آنها جسته همین قسم هم در هدایت مثلاً نظر کن ادنی نفس برّیّ را که اگر خود بنفسه بشمس حقیقت برخورد نتواند بهدایت او مهتدی شد چونکه در رتبه دنو واقع گشته اگرچه در آن رتبه هم اگر ناظر شود بمبدء امر فی الفور میتواند ولی چون آن نظر در او نیست ظهور اون از برای او صعب است مگر آنکه راجع شود بعالم قریه خود و آن عالم بعالم فوق خود تا کم کم منتهی شود بجائی که میتواند کلام ابواب هدی را بفهمد و کم کم از آن منتهی شود تا آنکه بجائی رسد که تواند کلام ائمه را بفهمد و از آن کم کم ترقی کند تا آنکه بجائی رسد که کلام رسول صلعم را میفهمد و آنوقت بر عالم افئده وارد گردد که بتواند کلام الله را فهمید همان کلامی است که بر رسول که وارد میشود فی الحین خاضع میگردد و علوّ رسالت او در نزد او ن لاشیئ میگردد ولی بر آن برّیّ اگر یومی یک کتاب نازل

این نوشته باب به وضوح دروغ تشکیلات بهائی در فیلم دروازه را نشان می دهد. همانطور که متذکر شدیم، تمام تلاش تشکیلات در بهائی کردن مخاطبین خود است. در این راه، با سوار شدن بر موج سیاسی اجتماعی وقت و بر خلاف واقعیت تعالیم بابی بهائی، آنچه با مزاج جامعه همسو است را به مخاطبین القا می کند.

[/vc_column_text][/vc_tta_section][vc_tta_section title="دروغ هفتم – باب در مکه اعلان ادعای موعود بودن کرد" tab_id="1628198179600-3114b92e-c4a2″][vc_column_text]

دروغ هفتم – باب در مکه اعلان ادعای موعود بودن کرد

نصوص اسلامی یکی از علائم قائم را اعلان ظهور ایشان از مسجد الحرام و در کنار کعبه مکرمه معرفی کرده است. تشکیلات بهائی نیز برای به اثبات رساندن مقام قائمیت برای باب، و معرفی کردن او به عنوان موعود ادیان، تاریخ را تحریف کرده، ادعا می کنند که باب در مکه اظهار امر کرده است. به این قسمت از فیلم توجه کنید.

فیلم: پس از .. باب به مقدس ترین مکان در جهان اسلام به مکه و حجاز ببرد. مکه وظیفه مسلمانان است. به همراه قدوس به حج رفت از طریقه دریا. شیعیان معتقدند که …
زائران هفت مرتبه دور کعبه طواف می کنند.
حلقه در کعبه را به دست گرفتند و با صدای بلند به حجاج… گفت من همان قائمی هستم که منتظرش بودید. …
باب به بالاترین مقام مذهبی مکه ابلاغ کلمه کرد…. بعد از حج باب و قدوس …

اولین نکته ای که در این قسمت فیلم به چشم می خورد این است که تشکیلات بهائی با بیان این که در زمان اعلان بابیت باب، همه شیعیان، و حتی مسیحیان منتظر ظهور موعود بودند. و البته این نکته مغلطه ای بیش نیست. اولا پس از شهادت امام حسن عسکری علیه السلام و شروع غیبت صغری، همه مسلمانان انتظار موعود اسلام و همه ادیان حضرت محمد بن الحسن العسکری را می کشیدند. لذا انتظار امری است که بیش از ۱۰۰۰ سال قبل از زمان اعلان بابیت باب وجود داشته است. بعلاوه هیچ آیه قرآن و یا روایتی وجود ندارد که تاریخ ظهور حضرت مهدی علیه السلام را بیان کرده باشد.

برعکس، روایات زیادی تاکید بر کذاب بودن و دروغ گو بودن تعیین کنندگان وقت ظهور دارد .

عَنْ أَبِی بَصِیرٍ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ الْقَائِمِ ع فَقَالَ كَذَبَ الْوَقَّاتُونَ إِنَّا أَهْلُ بَيْتٍ لَا نُوَقِّت؛ ابی بصیر از امام صادق علیه السلام نقل می کند که: از او درباره قائم علیه السلام پرسیدم؛ فرمود: وقت گزاران دروغ گفته اند. ما خاندانی هستیم که وقت را تعیین نمی کنیم»(الکافی، ج ۱، ص ۳۶۸)

در عین حال، فیلم دروازه ادعا می کند که مسیحیان به پیروی از ویلیام میلر در همان سال منتظر ظهور حضرت مسیح (یا به تعبیر دیگری پایان جهان) بوده اند.

فرض فیلم بر این است که باب همان مسیحی است که میلر در همان سال اعلان امر باب، منتظرش بود.

اولا در ثبت تاریخی بسیاری از پیروان میلر با به وقوع نپیوستن پیش بینی او از او روی برگرداند.

ثانیا، اگر چنین امری درست باشد، آیا نمی بایست باب عنایتی به منتظران واقعی خود می کرد، و لااقل اندک عنایتی به میلر و پیروان او و آمدن خود را به آنها خبر می داد؟!

جالب آنکه در همان حواشی سال ۱۲۶۰، ۱۳ نفر دیگر از جمله محمد احمد، میرزا طاهر، شیخ مهدی قزوینی ادعای بابیت و قائمیت کردند که اسامی این ها در کتب تاریخی ثبت است.

آنچه واضح است این است که تشکیلات بهائی در تلاش برای منطبق کردن هر واقعه مذهب واره تاریخی با مدعای باب و بهاءالله است که بدین وسیله بر مدعای دروغین پیشوایانش را صحه گذارد. و البته در تبلیغاتش نیز چنین بی صداقتی هایی را برای بهائی کردن مخاطبین به کار گرفته که نهایتا با سوء استفاده از نو بهائیان به حکومت کشوری برسد.

نگاهی گذرا به تاریخ سده های یازده و دوازده هجری قمری نشان می دهد که افراد زیادی در این دو سده ادعای قائیمت و موعود بودن کرده اند. به عنوان نمونه، در سال ۱۰۸۱ شخصی به نام عبدالله العجمی ادعای موعود بودن کرده، بلافاصله توسط وهابیت به قتل رسیده است.

همچنین، شخص دیگری به نام مهدی البنگالی در سال ۱۲۰۳ چنین ادعایی سر داده است و او نیز به سرنوشت قبلی دچار شده، توسط وهابیت به قتل رسید. از زمان سلطه وهابیت بر مکه، اکثر افرادی که چنین ادعایی کرده اند، یا به قتل رسیده اند، یا به مجازات های سنگینی دچار گشته اند. حداقل مطلب این است که اگر کسی چنین ادعایی به سر داده باشد، خبر آن واقعه در تاریخ ثبت شده است.

در مورد ادعای ظهور باب در مکه، مشاهده می کنیم که هیچ تاریخ غیر بابی بهائی چنین واقعه ای را ثبت نکرده است. حتی در کتب تاریخی بهائی نیز ثبت این واقعه بسیار ناهمگن بوده، زمان شروع و خاتمه آن تناسبی به هم ندارد. این عدم تناسب و نا همگن بودن روایت تاریخ در کتب بهائی، نشان از ساختگی بودن چنین ادعای دارد. برای اثبات ساختگی بودن واقعه سفر مکه باب، کتاب تاریخی مطالع الانوار را مرور می کنیم.

مطالع الانوار، صفحه ۱۰۸

ملا حسین بر حسب امر حضرت اعلی اخبار و وقایع سفر خود را مفصلا بحضور مبارک نوشت و فهرستی از اسامی مؤمنین ثابتین نیز نگاشت و مراسلهٔ خود را از راه یزد بتوسط یکی از شرکاء خال حضرت باب که طرف اعتماد بود و در طبس مسکن داشت فرستاد و این مراسله در شب بیست و هفتم رمضان ۱۲۶۰ بحضور مبارک رسید.

مطالع الانوار صفحه ۱۰۹

پس از وصول عریضهٔ ملا حسین از خراسان بحضور مبارک هیکل اطهر عازم حج بیت الله گردیدند. حرم محترمهٔ خود را بوالدهٔ خویش سپردند و بجنآب خال اعظم سفارش فرمودند که نسبت بمشار الیها سرپرستی و مساعدت نماید.

تا به این جای داستان، آنچه مشخص است این است که نویسنده مطالع الانوار، نبیل زرندی مدعی است باب اواخر ماه مبارک رمضان سال ۱۲۶۰ از ایران عازم مکه شد. لذا در این تاریخ باب در ایران به سر می برده است.

مطالع الانوار صفحه ۱۲۱

حضرت باب از مدینه بجده مراجعت فرمودند و از آنجا تا بوشهر با کشتی مسافرت کردند. سفر مبارک بمکه تا مراجعت ببوشهر نه ماه قمری طول کشید پس از ورود ببوشهر در همان کاروانسرائیکه سابقاً تشریف داشتند ورود فرمودند جمعی از آشنایان و دوستان در آنجا بدیدن حضرت آمدند و خوش آمد گفتند.

در صفحه ۱۲۱ مطالع الانوار، زرندی بیان می کند که سفر باب ۹ ماه به طول انجامید. بر این اساس، سفر مکه باب در ماه جمادی الثانی سال ۱۲۶۱ هجری قمری به پایان رسیده، باب به بوشهر رسیده است. اما ظاهرا نویسنده این زمان بندی را در ادامه داستان پردازی خود فراموش کرده است.

مطالع الانوار صفحه ۱۳۲

باری مدتی حضرت باب در منزل خویش با عائلهٔ مبارکه خود بسر میبردند تا اولین عید نوروز بعد از اعلان امر حضرتش فرا رسید. روز نوروز مطابق بود با روز دهم ربیع الاول سال ۱۲۶۱ هجری در آن روز که حضرت باب در مسجد مطالب سابقّه را بیان فرمودند جمعی از نفوس که در مسجد وکیل حاضر بودند و بیانات حضرتش را شنیدند

داستان به این صفحه که می رسد، تعجب متحریان حقیقت را بر می انگیزد. بر اساس سطور صفحه ۱۳۲ کتاب مذبور، باب در اولین نوروز بعد از اعلان بابیت، که مصادف شده است با دهم ربیع الاول سال ۱۲۶۱ هجری در مسجد وکیل شیراز به پیروانش مطلب می گفته است.

آنچه جالب است این است که از آخر ماه مبارک رمضان تا دهم ربیع الاول تنها ۵ ماه زمان بیشتر نگذشته است. و باب در زمانی که ظاهرا می بایست در سفر حج خود باشد، در شیراز حضور داشته است. باب به جای این که در میان وهابیون اعلان ادعای خود کند، در مسجد وکیل مطالب گذشته خود را به یارانش تکرار کرده است. دقت نظر در داستان پردازی های نویسندگان بهائی و تشکیلات بهائی روشن گر بی صداقتی ها، دو زنگی ها و خدعه گری های آنها برای بهائی کردن مخاطبینش است.

[/vc_column_text][/vc_tta_section][vc_tta_section title=”دروغ هشتم: باب هیچگاه از ادعای خود برنگشت و توبه نکرد” tab_id=”1628198180519-b9fecfc5-f435″][vc_column_text]

دروغ هشتم – باب هیچگاه از ادعای خود برنگشت و توبه نکرد

فیلم دروازه با به نمایش گذاشتن تقابل باب با حاکم شیراز و جمعی از اهل علم، جلوه مظلومی از باب به نمایش می گذارد. در این نمایش، آنچه جلب توجه می کند عدم پرداختن به تمام ماجراست. البته پر واضح است که تشکیلات بهائی از بیان حقایق و ایراد واقعیت های تاریخ هراسان بوده، چرا که پرداختن به واقعیت های تاریخی از بهائی شدن مخاطبین جلو گیری کرده، نهایتا تشکیلات بهائی به اهداف خود نمی رسد.

آنچه در این قسمت فیلم مشاهده می کنیم این است که فیلم دروازه به توبه نامه باب در مسجد وکیل نپرداخته، به طور کل این واقعیت ثبت شده تاریخی را از دیده مخاطبینش پنهان می کند. به این قسمت از فیلم توجه کنیم.

فیلم:
حسین خان را برآشف. از خشم دستور داد که سیلی بر صورت باب بزند. ... یکی از علمای عالی رتبه آن زمان عمامه را برداشت و .. باب بر حصر خانگی قرار گرفت....

همانطور که گذشت، فیلم دروازه هیچ اشاره ای به توبه نامه باب ندارد. خوش مزه این که کتاب مطالع الانوار که اصلی ترین کتاب تاریخی مورد تایید تشکیلات بهائی است به توبه باب در مسجد وکیل اشاره کرده، به این واقعیت تاریخی پرداخته است. آنچه در ادامه می خوانیم حکایت توبه باب است.

مطالع الانوار: صفحات ۱۲۹ الی ۱۳۲:
باری مأمورین حسین خان حضرت باب را با نهایت عزت و احترام بدون قید و بند تا شیراز همراهی نمودند، حضرت باب در جلو مأمورین راه میپیمودند، همه مجذوب آن بزرگوار گشته و نهایت خضوع را نسبت باو مراعات مینمودند با همین حال بمقر حکومت وارد شدند مردم شهر از مشاهدهٔ این موکب عجیب متعجب بودند چون حسین خان شنید سید باب آمده فوراً حضرتش را احضار کرد و با کمال رذالت و وقاحت رفتار نمود در وسط اطاق امر کرد صندلی گذاشتند و بحضرت اعلی اشاره کرد جالس شوند بلافاصله بتوبیخ و ملامت آن حضرت پرداخت و در حضور جمع با کلمات پست و زشت که در عین حال آثار خشم از آن پیدا بود حضرت باب را مخاطب ساخته چنین گفت:

" مگر نمیدانی چه فسادی بر پا کردهای دین مقدس اسلام را تحقیر نمودهای بپادشاه تاجدار ما جسارت ورزیده ای تو همان شخصی نیستی که مّدعی دین تازه شده ای و بلغو احکام قرآن امر کردهای ؟ ..."

حضرت باب با نهایت متانت در جواب حاکم فارس این آیهٔ مبارکهٔ قرآن (۷:۴۹) را تلاوت فرمودند:

" يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن جَاءَكُمْ فَاسِقٌ بِنَبَإٍ فَتَبَيَّنُوا أَن تُصِيبُوا قَوْمًا بِجَهَالَةٍ فَتُصْبِحُوا عَلَىٰ مَا فَعَلْتُمْ نَادِمِينَ "

حسین خانُ از شنیدن این کلمات بی اندازه خشمگین گردید و فریاد برآورد " چه میگوئی آیا ما جاهلیم ما فاسقیم ما نمفهمیم " آنگاه بیکی از فراشان امر کرد سیلی سختی بصورت حضرت باب بزند این سیلی بقدری شدید بود که

عمامهٔ هیکل مبارک برزمین افتاد. شیخ ابو تراب امام جمعهٔ شیراز که در آن مجلس حاضر بود حسین خان را بر این گونه رفتار سرزنش کرد و فرمان داد عمامه را بر سر حضرت باب گذاشتند و آن بزرگوار را پهلوی خود نشانید" سپس بحسین خان رو کرده گفت:

" تو که معنی این آیه را نفهمیدی گوش کن تا معنایش را برایت بگویم معنی این آیه این است که دربارهٔ هر مطلبی باید بحث کرد، جستجو کرد، دقت کرد،

آن وقت رأی قطعی را اتخاذ نمود این موضوع هم باید مورد بحث قرار گیرد این آیه را که این جوان تلاوت نمود بسیار مناسب مقام بود خیلی بمن تأثیر کرد حالا باید در اطراف این مسئله دقت کنیم. " حسین خان با نظر امام جمعه موافقت کرد آنگاه شیخ ابوتراب دربارهٔ ادعای امر جدید از حضرت باب جویا شد حضرت فرمودند " من نه وکیل قائم موعود هستم و نه واسطهٔ بین امام غایب و مردم هستم " امام جمعه گفت کافی است از شما خواهش میکنم روز جمعه در مسجد وکیل تشریف بیاورید و در مقابل عموم مردم همین بیانی را که فرمودید مکرر بفرمائید.

مطالع الانوار صفحه ۱۳۲:

امام جمعه از جسارت سید شش پری خشمناک گردید و از بشرمی او غضبناک شد و باو فرمود سید ساکت باش، حیا کن، بشرمی بس است آنگاه از حضرت باب درخواست کرد که برای تسکین هیجان عمومی مردم بیان خود را مختصر بفرمایند حضرت باب روی بجمعیّت کرده فرمودند:

" لعنت خدا بر کسی که مرا وکیل امام غایب بداند. لعنت خدا بر کسیکه مرا باب امام بداند. لعنت خدا بر کسیکه مرا منکر نبوت حضرت رسول بداند. لعنت خدا بر کسی که مرا منکر انبیای الهی بداند. لعنت خدا بر کسیکه مرا منکر امامت امیر المؤمنین و سایر ائمهٔ اطهار بداند."

همانطور که از کتاب مطالع الانوار خواندیم، باب به صراحت در مسجد وکیل توبه کرده است. آنچه باعث دلسردی مخاطب از تشکیلات بهائی است به واقع بی صداقتی در بیان حداقل های تاریخی است. به راستی چرا مخاطبین فیلم دروازه نباید از توبه باب مطلع شوند؟

توبه باب در مسجد وکیل اولین بار در تاریخ ۴ ساله ادعای خود تنها توبه او نبود. باب در مجلس دیگری در حضور ولیعهد ناصرالدین شاه نیز توبه کرده، از ادعای خود برگشت. این دو سند نشان از عدم صداقت تشکیلات بهائی در بیان ادعاهای باب را نشان می دهد.

کتاب کشف الغطاء،

فداک روحی الحمدلله کما هو اهله و مستحقه که ظهورات فضل و رحمت خود را در هر حال بر کافه عباد خود شامل گردانیده. بحمدالله ثم حمدالله که مثل آن حضرت را ینبوع رأفت و رحمت خود فرموده که بظهور عطوفتش عفو از بندگان و تستر بر مجرمان و ترحم بر یاغیان فرموده اشهد الله من عنده که این بنده ضعیف را قصدی نیست که خلاف رضای خداوند عالم و اهل ولایت او باشد اگرچه بنفسه وجودم ذنب صرف است ولی چون قلبم موقن

بتوحید خداوند جل ذکره و نبوت رسول او (ص) و ولایت اهل ولایت اوست و لسانم مقر بر کل ما نزل من عندالله است امید رحمت او را دارم و مطلقاً خلاف رضای حق را نخواستهام و اگر کلماتی که خلاف رضای او بوده از قلمم جاری شده غرضم عصیان نبوده و در هرحال مستغفر و تائبم حضرت او را و ا ین بنده را مطلق علمی نیست که منوط به ادعایی باشد استغفرالله ربی و اتوب الیه من ان ینسب الی امر و بعضی مناجات و کلمات که از لسان جاری شده دلیل بر هیچ امری نیست و مدعی نیابت خاصه حضرت حجه علیه السلام را محض ادعای مبطل است و این بنده را چنین ادعا یی نبوده و نه ادعای دیگر مستدعی از الطاف حضرت شاهنشاهی و آن حضرت چنانست که این دعاگو را با لطافت عنایات و بسط رأفت و رحمت خود سرافراز فرمایید والسلام.

[/vc_column_text][/vc_tta_section][vc_tta_section title=”دروغ نهم – ماهیت دعوت باب مذهبی بود و نه سیاسی” tab_id=”1628198181387-38485b10-771a”][vc_column_text]

دروغ نهم – ماهیت دعوت باب مذهبی بود و نه سیاسی

آنچه در سرتاسر فیلم دروازه مشهود است این ادعای است که ماهیت دعوت باب مذهبی بود. اما این مسئله دروغی بیش نیست. واکاوی منطوق بیان، از اولین کتاب باب با نام تفسیر سوره یوسف تا به آخر، آنچه به چشم می آید تشویق باب به براندازی حکومت وقت و بر تخت پادشاهی نشستن خود و اقامه حکومت بابیه است. به طور کل، تمامی تنش هایی که میان حکومت و بابیان ایجاد شده است،

اساس و ریشه اش هدف باب در براندازی حکومت قاجاری به عنوان مظهر رجعت صفتی حکومت بنی امیه و اقامه حکومت بیانی است. به این قسمت فیلم توجه کنید:

فیلم:
ازنظر سیاسی ظهور هر دین جدیدی و عقایدی مثل تحری حقیقت بساط اونها را به هم میزد. حالا وظیفه داشتند که مردم که خودشان با عقل خودش اینها را بفهمد ….

آنچه در این قسمت از فیلم مشاهده می کنیم این است که تشکیلات بهائی مجددا قصد دارد نشان باب به دنبال گسترش عقیده تحرری حقیقت و پایه ریزی دین جدید بوده است. در ادامه نیز به شعار های عامه پسند سر داده که تعالیم باب را منطبق با جامعه امروزی جلوه دهد. اما همانطور که در مقدمه گذشت،

پیشوایان بهائی خود اولین منتقدین باب، تعالیم و احکام بابی بودند. بهاءالله تعالیم بابی را باور درنده های ارض توصیف کرد. عبدالبهاء اساس منطوق بیان را بر زدن گردن ها و سوزاندن کتاب ها و تخریب عبادت گاه ها و قتل عام همه غیر بابیان معرفی کرد. بررسی چنین دروغ پردازی های تشکیلات بهائی در فیلم دروازه و تناقض آن با نگرش پیشوایان بهائی را در بخش های گذشته مبسوط بحث کردیم.

اما، این ادعا که باب تنها به دنبال اشاعه نگرش مذهبی خودش بود، پرده دیگری از بی صداقتی های تشکیلات است. اما بیان حقیقت در نصوص بابی و حتی بهائی مشهود است.

در ابتدا تکه ای مطالع الانوار را مرور می کنیم. در این تکه، تاریخ بهائی نشان می دهد که باب به صدر اعظم پادشاه ایران توصیه می کند که مقام حکومت خود را کنار گذارد، چرا که حکومت حق باب و بابیه است. به متن تاریخ نبیل (مطالع الانوار) توجه فرمایید.

تاریخ نبیل (مطالع الانوار)، صفحه ۱۲۴

سنش کمتر و هم لباس مرتب و منظمی در بر نداشت. حسین خان بمقدس گفت ایا اول این کتاب را خواندهای که چگونه سید باب بملوک و سلاطین و شاهزادگان خطاب میکند که دست از سلطنت بردارند و باطاعت او بشتابند. ایا خواندهای که بصدر اعظم پادشاه ایران خطاب کرده میگوید ای وزیر پادشاه از خدا بترس دست از ریاست بردار زیرا وارثین حکومتارض مائیم ایا این حرفها را خواندهای اگر این حرفها راست باشد محمدشاه باید دست از تخت و تاج بردارد و بدرگاه سید باب بشتابد و من نیزکه حاکم شیراز و محمد شاه مرا بحکومت فارس منصوب ساخته باید دستاز حکومت بردارم و از این جاه و جلال صرفنظر کنم ملا صادق فرمود ...

باب در اولین کتاب خود به طور مبسوط نگرش خود را در مورد حرکت سیاسی اش معرفی کرده است. در این کتاب، باب اساسا به پادشاهان و فرزندان آن ها دستور می دهد که دست از حکومت کشیده، افسار آن را به دست باب دهند. در حقیقت، باب اعلان امر خود را با شعار برای گرفتن حکومت سیاسی شروع کرده است.

بهائیان معتقدند که باب در اوایل شروع دعوتش، تقیه می کرده است. اما آن که مفهوم تقیه را متوجه است، می داند تقیه برای حفظ جان و با پوشاندن اعتقاد انجام می گیرد. این درحالی است که باب در اولین اقدام، به پادشاهان خطاب می کند که حکومت را به وی واگذارند، چرا که زمین و حکومت حق اوست. این جا بحث بر سر کافر و مشرک بودن نیست، بحث بر سر گرفتن حکومت است. به صفحات اولیه تفسیر سوره یوسف توجه کنید:

تفسیر سوره یوسف، صفحه دوم

یا معشر الملوک وابناء الملوک انصرفوا عن ملک الله جمیعکم علی الحقّ بالحقّ جمیلا...
یا ایّها الملک لا یغرنّک الملک فانّ لکلّ نفس ذائقه الموت قد کان بالحقّ علی الحقّ من حکم الله مکتوباً...

یا ملک المسلمین فانصر بعد الکتاب ذکرنا الاکبر بالحقّ فانّ الله قد قدّر لک وللحاقّین من حولک فی یوم القیمه علی الصّراط موقفاً علی الحقّ مسئولاً یا ایّها الملک تالله الحقّ لو تعادی مع الذّکر لیحکم الله فی یوم القیمه علیک بین الملوک بالنّار ولن تجد الیوم من دون الله العلیّ علی الحقّ بالحقّ ظهیراً یا ایّها الملک طهّر الارض المقدّسه من اهل الرّد لکتاب من قبل یوم جاء الذّکر فیها بغته باذن الله العلّی علی الامر القویّ شدیداً وانّ الله قد کتب علیک ان تسلّم الذّکر وامره وتسخّر البلاد بالحق باذنه فانّک فی الدّنیا مرحوم علی الملک وفی الآخره من اهل جنّه الرّضوان حول القدس قد کنت مسکوناً یا ایّها الملک لا یغرنّک الملک فانّ لکلّ نفس ذائقه الموت قد کان بالحقّ علی الحقّ من حکم الله مکتوباً...
تالله ان احسنتم احسنتم لانفسکم وان تکفروا بالله وبآیاته لکنّا بالله عن الخلق والملک علی الحقّ غنیّاً...

آنچه تعالیم باب نشان می دهد این است که حرکت او وجهه سیاسی داشته تا مذهبی. حرکت او به منظور براندازی حکومت وقت بوده، و تمرکزش بر برقراری حکومت بیانی. به همین ترتیب هم به یاران خود دستور می داده که اسلحه جمع کنند (اشتروا الاسلحه لیوم الجمع) برای زمان موعود نزدیکی که برای گرفتن حکومت به جنگ بر خیزند. خلاصه آنکه تاریخ بهائی و نصوص باب بی صداقتی فیلم دروازه در جلوه دادن حرکت سیاسی باب به عنوان یک حرکت مذهبی کاملا واضح و آشکار است.

[/vc_column_text][/vc_tta_section][vc_tta_section title="دروغ دهم – باب پیشقراول برپایی تساوی حقوق زنان" tab_id="1628198182873-f881ff01-8340″][vc_column_text]

دروغ دهم – باب پیشقراول برپایی تساوی حقوق زنان

تساوی حقوق زنان و مردان از جمله مسائل داغ چند سده گذشته و عصر کنونی است. لذا توجه عامه مردم به این امر، و تلاش برای محقق کردن آن از جمله شعار های سیاست مداران برای تصاحب ریاست جمهوری کشور ها، کرسی های مجلس، و دیگر پست های مدیریتی، و همچنین محور تلاش های ان جی او های مختلف بوده است. در این فضا، مشاهده می کنیم که تشکیلات بهائی حرکت باب و تعالیم او را حاوی چنین پیامی معرفی کرده، او را پیشقراول برقراری تساوی حقوق زنان مردان قلمداد می کند. به مانند دیگر ادعای های پوشالی تشکیلات که در بالا عرض کردیم، ادعای دغدغه باب در برقراری حقوق یکسان زنان مردان نیز دروغی بیش نیست. به این قسمت از فیلم توجه کنید.

فیلم گیت : دقیقه ۳۳ الی ۳۳

در مقدمه به طور مبسوط گذشت که نگرش باب به غیر اهل بیان، سوای نژاد و طبقه و رنگ پوست و ملیت، نابود کردن و گردن زدن و سوزاندن و تخریب و براندازی و منهدم کردن است. لذا، در نگرش باب میان زن و مرد غیر بابی در نابودی آن دو هیچ فرقی نیست.

در نگاه باب، هم زنان و هم مردان غیر بابی همه می بایست قتل عام شوند . (کتاب مکاتیب جلد دوم صفحه ۲۶۶: و در یوم ظهور حضرت اعلی منطوق بیان ضرب اعناق و حرق کتب و اوراق و هدم بقاع و قتل عام الا من امن و صدق بود)

اما باب که می دانسته ممکن نیست در مدت زمان کوتاهی قدرت لازم برای قتل عامل غیر بابیان را بدست بیاورد، حکمی در ارتباط با ازدواج مردان بابی با زنان غیر بابی صادر کرده است. در این حکم، مردان بابی از ازدواج با زنان غیر بابی با وجود حسناتی زیادی که ممکن است داشته باشند، نهی شده اند.

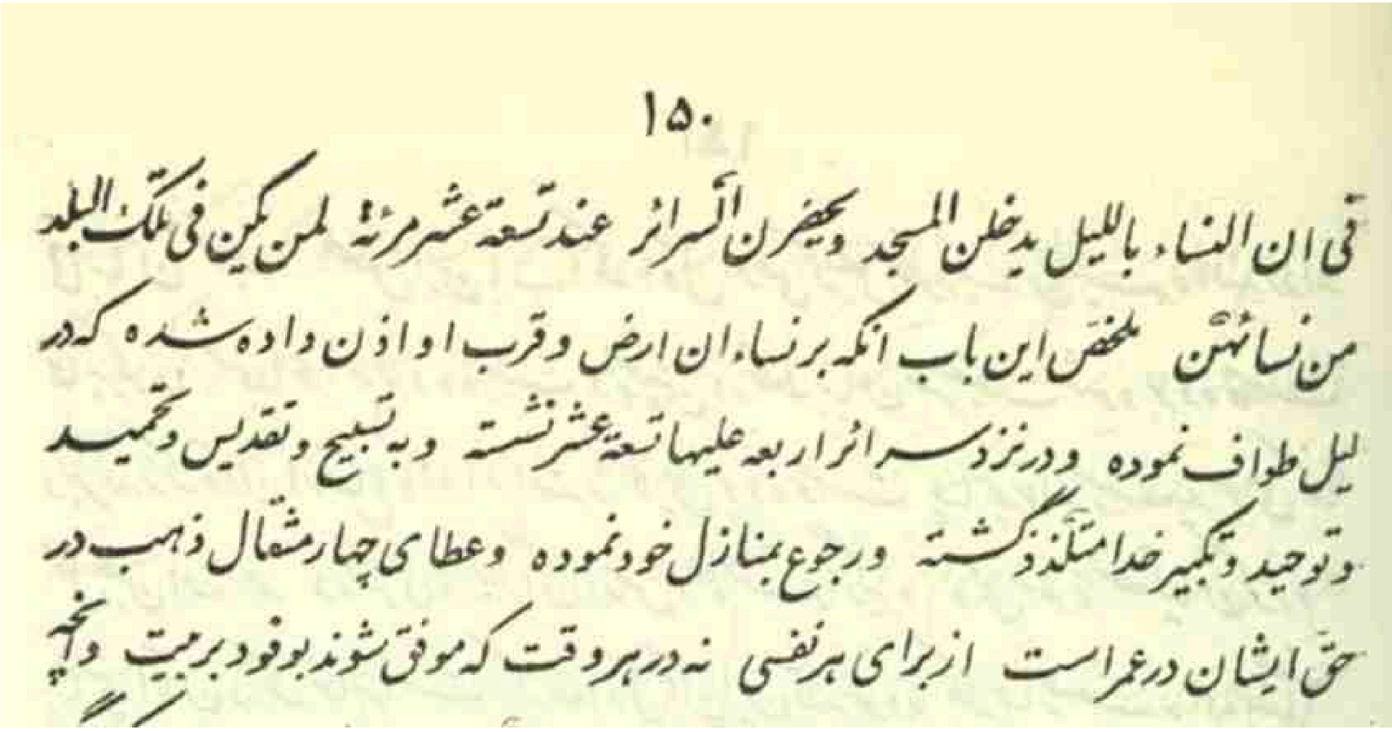
تفسیر سوره یوسف:

یا معشر المومنین لا تنکح المشرکات حتی یومن و لو اعجبتکم حسنهن. ...

در حکم بالا، باب مردان بابی را از ازدواج با زنان مشرک غیر بابی نهی کرده است، تا زمانی که آنها ایمان بیاورند. حتی زیبای و کمالات زیادی هم که داشته باشند، نمی بایست یک مرد بابی را بر ازدواج با زنی مشرک ترقیب کند. در ادامه متن، باب به پیروانی که به این حکم عمل کرده اند، وعده بهشت و حوریان بهشتی می دهد. این خود نکته جالبی است، چرا که باب صراحتا به بهشت و جهنم اعتقاد داشته است.

امری که بهائیان آن را انتزاعی تصور کرده، تعابیر دیگری از آن ارائه می دهند. به هر حال، در این حکم باب به هیچ عنوان بوی تساوی حقوق رجال و نساء استشمام نمی شود.

آنچه منطوق بیان از نگرش باب به موضوع حقوق زنان و مردان بابی معرفی می کند نیز خالی از هر گونه تساوی و یکسانی است. به عبارت دیگر، باب حتی به حقوق یکسان زنان و مردان بابی نیز معتقد نبوده، زنان در نگاه او به مراتب از درجه و رتبه پائین تری از مردان دیده شده اند. به عنوان نمونه در کتاب بیان صفحه ۱۵۰، زنان بابی در موضوع حج و طواف محکوم شده اند که تنها در شب به طواف بروند. در این موضوع، محدودیت تحمیل شده به زنان هیچ گونه بویی از تساوی حقوق ندارد. به سند مربوطه در کتاب بیان که عکس آن در زیر آورده شده توجه کنید .



۱۵۰

فی ان النساء باللیل یدخلن المسجد ویحضرن السرائر عند تسعة عشر مرة لمن یکن فی تلک البلد
من نسائهن ملخص این باب آنکه بر نساء آن ارض و قرب او اذن داده شده که در
لیل طواف نموده و در نزد سرائر اربعه علیها تسعة عشر نشسته و به تسبیح و تقدیس و تحمید
و توحید و تکبیر خدا متلذذ گشته و رجوع بمنازل خود نموده و عطای چهار مثقال ذهب در
حق ایشان در عمر است از برای هر نفسی نه در هر وقت که موفق شوند بوفود بر بیت و آنچه

واکاوی احکام بیان موارد بسیار دیگری از عدم انطباق آن احکام با مسئله حقوق انسان ها را آشکار می کند. همانطور که فیلم دروازه نشان داد، تشکیلات بهائی در صدد نشان دادن همسویی احکام باب با مقتضیات زمان را دارد. اما آنچه جلب توجه می کند این است که احکام باب هیچ گونه تناسبی با اقتضای عصر حاضر ندارد. نمونه

این عدم تناسب را می توان در حکم دیگری از کتاب بیان مشاهده کرد. در این حکم باب به مردان و زنان دستور داده است که تنها به شرط ضرورت می توانند با هم سخن بگویند. و سخن گفتن آن ها به قدری که کفایت کند، باید محدود شود. باب قدر کفایت را هم ۲۸ کلمه تعیین کرده است. در نتیجه، زنان و مردان تنها به شرط ضرورت، می بایست تنها ۲۸ کلمه با هم سخن گفته و به آن کفایت کنند.

ابواب العاشر من الواحد الثامن در کتاب بیان صفحه ۲۹۱:

ملخص این باب آنکه اذن داده شده هر نفسی که در طایفه تربیت کرده شود بر نظر و تکلم سواء انکه بر هیکل هیکل باشد یا دایره و در وقت احتیاج اذن داده شده تکلم مرء بامرئه بقدری که کفایت کند در ظهور ثمر و اگر از بیست و هشت کلمه تجاوز نشود اقرب بتقوی است و اگر مفید نیفتد زیاده اذن داده شده و مراد از طایفه عرف اون است نه عرف ظاهر ...

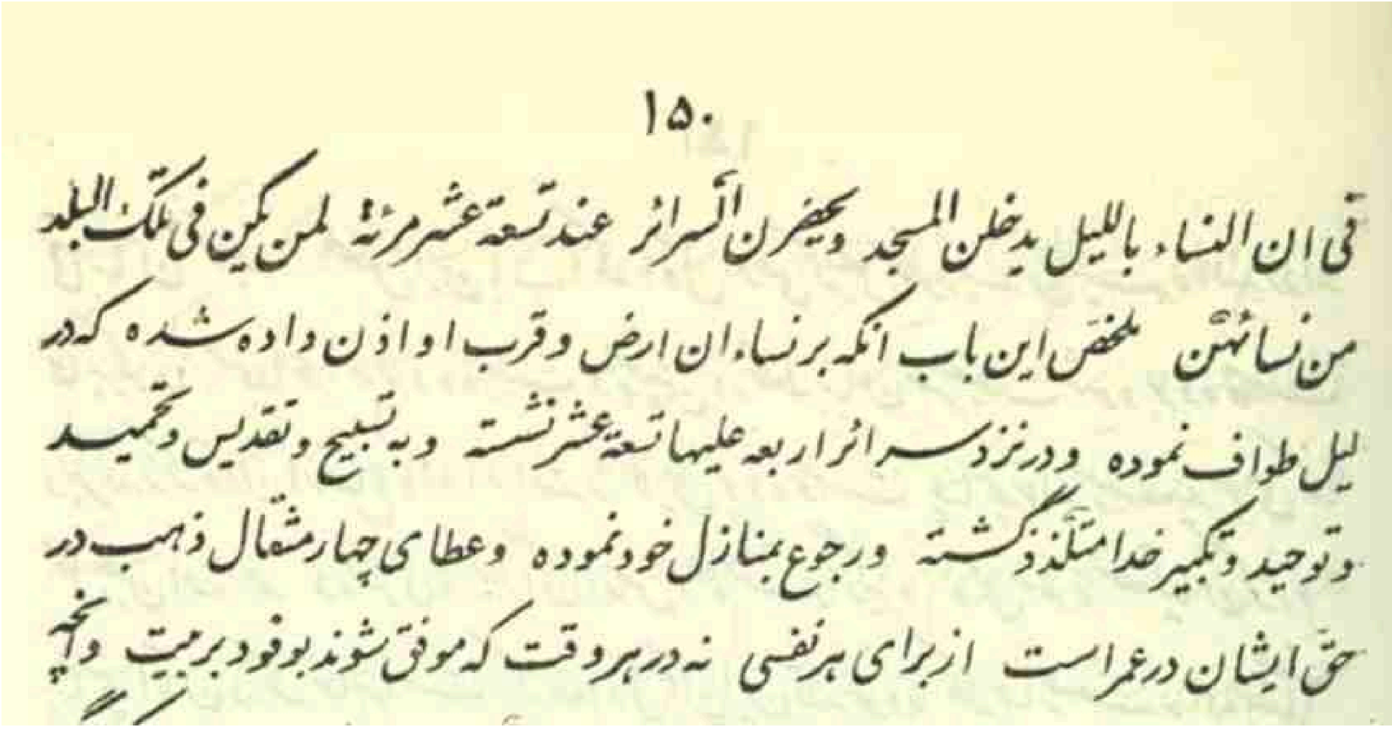
[/vc_column_text][/vc_tta_section][vc_tta_section title="بخش" tab_id="1628198183679-ce6f2822-0550″][vc_column_text]

دروغ یازدهم – بهاءالله بابی گری نکرده است

فیلم گیت دقیقه ۱۶:۴۵

بر اساس سخن پیشوایان بهائی، بابی ها تروریست بودند. مدارک آن به طور مبسوط در بخش های گذشته عرضه شد. در عین حال، بهاءالله به مدت ۳۰ سال،خود تایید کننده، امضاء کننده و عامل به تعالیم و احکام منطوق بیان بوده است .(اقتدارات صفحه ۴۵ و ۴۶)تشکیلات بهائی در فیلم دروازه از باب و بهاءالله چهره ای آرام، با تعالیمی متعالی به نمایش گذاشته است. حال آنکه چنین نمایشی با نمونه رفتار و عملکرد باب و بهاءالله سازگاری ندارد. در مورد تعالیم باب مبسوط سخن گفته ایم. منتها، در این بخش به مرور نمونه رفتار های بهاءالله در مدت زمانه سی ساله بابی گری اش می پردازیم.

در مورد بابی گری های بهاءالله اسناد زیاد است. عبدالبهاء در مکاتیب، حضور بهاءالله در عراق را به وقوع زلزله در ارکان آن سرزمین توصیف کرده است. زلزله حضور بهاءالله در میان ملت عراق، آنها را همواره در رعب و وحشت قرار داده بود. وحشت مردم از بهاءالله و طرفداران بابی او به حدی بود که مردم از تردد در شب هنگام هم هراسان بوده اند. توصیف عبدالبهاء در وصف مرام و رفتار بهاءالله نشان دهنده خوی درنده خویی بابی وی دارد.



۱۵۰

قی ان النساء باللیل یدخلن المسجد ویحضرن السرائر عند تسعة عشر مرئة لمن یکن فی تلک البلد
من نسائهن ملخص این باب آنکه بر نساء آن ارض و قرب او اذن داده شده که در
لیل طواف نموده و در نزد سرائر اربعه علیها تسعة عشر نشسته و به تسبیح و تقدیس و تحمید
و توحید و تکبیر خدا متلذذ گشته و رجوع بمنازل خود نموده و عطای چهار مثقال ذهب در
حق ایشان در عمر است از برای هر نفسی نه در هر وقت که موفق شوند بوفود بر بیت و آنچه

مکاتیب حضرت عبدالبها – جلد ۲: صفحه ۱۷۷

سوالی نکرد مگر انکه اقرار و اعتراف ببزرگواری نمود با وجود اینکه وحید و فرید بود و ناصرو معینش معدودی ضعیف * زلزله در ارکان عراق انداخت و اهل نفاق را همیشه خائف و هراسان داشت * سطوتش چنان در عروق و اعصاب نفوذ نموده بود که نفسی در کربلا و نجف در نیمه شب جرئت مذمت نمینمود * و جسارت بر شناعت نمیکرد * تا انکه کل طوائف وملل متفق شدند * و پای دول در میان امد * از عراق بمدینه کبیره هجرت شد * و وضع و حرکت و استغنا و ...

نمونه دیگری از بابی گری بهاءالله را در کتاب خاطرات حبیب مشاهده می کنیم. آنچه در این توصیف برداشت می شود این است که بهاءالله به تناسب رفتار بابی گری ای که در خود پرورش داده بود، هیچ گونه روحیه نقد پذیری، ارتباط و تعامل سالم با اقشار جامعه، و همدلی و حس انسان دوستی در وی وجود نداشته است.

خاطرات حبیب موید، جلد ۱، صفحه ۲۶۶

«وقتی جمال مبارک (بهاءالله) از سلیمانیه تشریف آوردند، یک روز توی کوچه تشریف میبردند با مرحوم آقامیرزا محمدقلی، یک شخص کباب فروش آهسته گفت: باز بابی ها آفتابی شدند. جمال مبارک به میرزا محمدقلی فرمودند: بزن توی دهنش! میرزا محمدقلی او را گرفته توی سرش میزد.»

تاریخ حبیب نمونه دیگری از بابی گری های بهاءالله را در ایجاد رعب و وحشت در مردم، درنده خویی، اهل نزاع و جدال و جنگ بودن را به تصویر می کشد. متن تاریخ حبیب خود گویای حقیقت ماجراست و نیازی به بسط بیشتر ندارد.

خاطرات حبیب صفحه ۲۸

پوشیده نماند که در بیت مبارک دو اسد الله بودند که یکی را احبا به طور شوخی .. شیر نر خطاب می کردند. که … شیر ماده می خواندند. … تا آخر عمرش (۱۳۰۹ که اقدس هم نازل شده، و روح و ریحان صادر کرده) در بیت مبارک خدمت کرد. حضرت ع ع می فرماید… با این قدش در بغداد یک قمه بلندی می بست… و دشمان امر از او حساب می بردند.

باب برای کسی که من یظهر الله را محزون کند، حکمی در بیان صادر کرده است:

الاعدام فی حکم من یحزننه

لذا بابیان پیرو بهاءالله، قتل هایی مرتکب شدند که در کتاب کشف الغطاء به آن اشاره شده، آن قتل ها ریشه در همین حکم بیان دارد. با توجه به این که بهاءالله خود امضاء کننده تمامی این احکام بوده، لذا قتل های طرفدارانش توجیه عقیدتی برای او داشته است.

[/vc_column_text][/vc_tta_section][vc_tta_section title=”دروغ دوازدهم – طاهره سردمدار آزادی زنان” tab_id=”1628198184449-c8bd919c-8a48″][vc_column_text]

دروغ دوازدهم – طاهره سردمدار آزادی زنان

فیلم گیت : دقیقه ۳۳

تشکیلات بهائی در فیلم دروازه زنی بابی با نام طاهره را به معرفی می کند. طبق سناریویی که تشکیلات در تلاش برای به نمایش گذاشتن آن است، طاهره سردمدار آزادی زنان است. در این راستا، طاهره بدون حجاب در میان عموم و مردان بابی حاضر می شود. در نظر تشکیلات بهائی این حرکت به نوعی سمبل و شروع حرکت آزاد سازی زنان است.

همانطور که در مقدمه بیان کردیم، تشکیلات بهائی دو رویکرد متناقض نسبت به بابیان داشته و دارد. در رویکرد اول، تشکیلات در تقابل با دیگر بابیان، به تخریب و سرکوب بابی گری پرداخته است. و در رویکرد دوم، برای بهائی کردن غیر بهائیان و غیر بابیان، با بی صداقتی حقایق بابی گری و بهائی گری را کتمان کرده، شعار واره هایی منطبق با نیاز زمان کنونی فریاد می زند.

در بخش های قبلی، نمونه های سرکوب بابی گری را در نصوص بهاءالله، عبدالبهاء، و شوقی مرور نمودیم. بر اساس آنها، طاهره بابی نیز به قتل عام غیر بابیان، سوزاندن کتاب های غیر بابی، تخریب فرهنگ و هنر بشریت و

در کل نابودی هر آنچه که بویی از بابیت نبرده است، معتقد است. در این فیلم نشان داده شده که کتاب تفسیر سوره یوسف باب، توسط ملا علی بسطامی به طاهره عرضه شد، و طاهره با مطالعه آن بابی گری را برگزید. حتی طاهره این کتاب را ترجمه کرده، و به شاگردان خود درس می داد. در این ارتباط به سند زیر توجه کنید:

سلطان رسل حضرت رب اعلی، صفحه ۵۱

پنجم جمادی برای جناب ملا حسین بشرویه ای نازل شده و ایاتی از ان به وسیله جناب ملا حسین به حضور حضرت بهاالله تقدیم شد که مورد مدح و ثنای هیکل مبارک قرار گرفت . بقیه سور این تفسیر عظیم به تدریج عز نزول بخشیده است و حضرت طاهره این صحیفه قدسیه مبارکه را طبق توضیح حضرت ولی امر الله " لاجل اطلاع دوستان ایران با نبوغ و قریحه ای بی مانند " ترجمه فرمودند . در تسمیه این سفر قویم به " قیوم الاسما " باید توجه داشت...

کتاب حضرت طاهره نصرت الله محمد حسینی نیز موضوع ترجمه و تدریس قیوم الاسماء توسط طاهره را به صراحت بیان می کند:

حضرت طاهره، صفحه ۱۵۶

طاهره پس از وصول بمرحله ایقان عاشقانه به انتشار امر بدیع قیام نمود. مژده ظهور به همگان داد. احدی جرأت مقاومت در برابر وی نداشت. رودخانه عظیمی بود که به بحر معارف ظهور بدیع پیوسته بود. امواج بحر بیانش دشمنان امر جدید را مرعوب و مخلصان و نیکدلان را به وادی ایمان و ایقان هدایت مینمود. طاهره به ترجمه کتاب قیوم الاسماء پرداخت. هر روز آن کتاب را در مدرس خویش تفسیر و تدریس مینمود.

بر اساس اسناد متنوع بهائی، طاهره نیز تند روی ها و خوی درندگی ای که در بابیه به علت تعالیم تفسیر سوره یوسف (قیوم الاسماء) و دیگر کتب منطوق بیان شکل گرفته بود را نیز داشت. از جمله این درنده خویی ها، همدستی طاهره در به قتل رساندن عموی خود ملا محمد تقی برغانی قزوینی که عالمی شیعی و مخالف بابی گری بود مشاهده می کنیم. سر نخ همکاری او در عمل به این حکم باب را می توان در کتاب کشف الغطاء بدست آورد.

تشکیلات بهائی در فیلم دروازه بر سردمداری طاهره در موضوع آزادی زنان متمرکز شده است. به خصوص، فیلم نشان میدهد که طاهره با حجاب بانوان مقابله کرده، و با برداشتن حجاب و ظاهر شدن در عموم بدون چادر و پوشش اسلامی، به نوعی آغاز گر چنین حرکتی است. متاسفانه تشکیلات بهائی در روند دروغ گویی های خود از هر موضوعی که به نفع اش باشد استفاده کرده به تبلیغ می پردازد. در این باره نیز کتب معتبر و مورد تایید تشکیلات بهائی، عملکرد طاهره را به نوع دیگری ارائه می دهند. به عنوان نمونه کتاب حضرت طاهره نصرت الله محمد حسینی در بیان نحوه اعدام طاهره، اشاراتی دارد که نشان میدهد طاهره هیچ گاه حجاب اسلامی خود را کنار نگذاشت. بلکه وی نسبت به حجاب خود بسیار متعصب بود، و تا لحظه اعدام به آن متمسک بود. به متون زیر از این کتاب توجه کنیم.

حضرت طاهره صفحه ۲۹۶

وقایع نگاران در باب محل شهادت طاهره با اختلاف نظر داده اند. جناب سمندر در تاریخ خویش (صفحه ۳۶۸) می نویسد:

شنیده شد که در خانه کلانتر در بالاخانه ای منزل به ایشان داده بودند...و در آن محل تشریف داشتند تا زمانی که جهال به ناصرالدین شاه تیر انداختند. در آن وقت بی گناه آ ن وجود مبارک را به میرغضبها تسلیم نمودند و در باغ ایلخانی یا لاله زار خواستند چادر را از سر ایشان بردارند و خفه نمایند راضی نشده بودند و همان از روی چادر خفه نموده به چاه انداختند.

حضرت طاهره صفحه ۲۹۸

از تمام زنانی که در این خانه بودند دیدن کرد و معذرت خواست که اگر زحمتی به آنها داده یا خطائی از او سرزده او را ببخشند و درست مانند کسی که میخواهد مسافرت کند رفتار میکرد. همه از طرز رفتار امروزه او متعجب شده و از یکدیگر میپرسیدیم این رفتار یعنی چه و مقصودش چیست؟ چون شب شد چادری پوشید و کمر آنرا بست و چارقدی مانند کمربند به کمر بست و بعد چاقچور پوشید و در حین اشتغال باین کارها بقدری خندان بود که ما بی اختیار بگریه افتادیم.

زیرا که ما همه بواسطه مهربانی ها و محبتهایی که کرده بود او را دوست می داشتیم ولی او با خنده بما گفت: امشب من یک سفر بزرگ و بسیار طولانی خواهم کرد. در همین موقع در خانه را زدند. گفت بروید باز کنید مرا می خواهند. در باز شد و کلانتر آمد و رفته به اطاق او و گفت بیائید خانم شما را می خواهند. گفت بلی من می دانم و خوب می دانم بکجا مرا خواهند برد و می دانم نسبت به من چه خواهند کرد...پس همانطور که لباس پوشیده بود با کلانتر بیرون آمد و ما ندانستیم که او را بکجا می برند. فردای آن روز فهمیدیم که او را کشته اند.

همانطور که محمد حسینی در کتاب خود می گوید، طاهره حتی در لحظه اعدام حاضر نشد چادر از سر بردارد. متاسفانه تشکیلات بهائی بر اساس مصلحت روز، زمانی طاهره را تخریب کرده، او را ظلام دیجور لقب می دهند. و زمانی دیگر، چادر از سر او برداشته آن را آغاز گر حرکت آزادی زنان معرفی می کنند.

آنچه در مورد طاهره وحشت انگیز است این است که او پس از اینکه به باب ایمان آورد، و بابی گری پیشه کرد، به تبلیغ بابیت پرداخت. در این راه، بابیت را به فرزندانش نیز ارائه کرد، اما دو پسر او بابی گری را نپذیرفته به باب ایمان نیاوردند. با اعلان عدم ایمان به باب توسط فرزندان طاهره، وی از آنها اعراض کرده، بی زاری جست. عبدالبهاء در این باره چنین می گوید :

(۲۴). و نیز حضرت عبدالبهاء، در لوحی دیگر در خصوص عدم ایمان فرزندان طاهره می فرمایند: «قرّة العین که معروف آفاق است وقتی که مؤمن بخدا شد. منجذب به نفحات الهی گشت. از دو پسر خویش بیزار شد. زیرا مؤمن نشدند و دیگر ابداً با آنها ملاقات نکرد و حال آنکه دو اولاد رشید او بودند و می گفت که احبّای الهی جمیع پسران من هستند ولی این دو پسر من نیستند و بیزارم» (۲۵). امّا دختر مرضیّه

کتاب حضرت باب، نصرت الله محمد حسینی صفحه ۳۳۷

عبدالبهاء اشاره می کند، که طاهره بابی دیگر با پسران غیر بابی خود دیدار نکرد. تاکید دو چندان نگرش بابی طاهره این جاست که او هر مومن بابی را فرزند خود می داند، اما پسران غیر بابی خود را فرزند خود ندانسته از آنها بیزاری می جوید. با این اوصاف، تشکیلات بهائی برای جذب گروه های طرفدار حقوق زنان در عصر حاضر، با بی صداقتی تمام، نوعی نگرش آزادی منشانه به طاهره و بابی گری نسبت داده، برای بهائی کردن مخاطبینش از این حباب یک پارچه دروغ و نیرنگ استفاده ابزاری می کند.

[/vc_column_text][/vc_tta_section][vc_tta_section title="دروغ سیزدهم – باب و ادعای دریافت وحی" tab_id="1628198185136-be72bfbb-b09b"][vc_column_text]

دروغ سیزدهم – باب و ادعای دریافت وحی

فیلم ۲۰۷: دقیقه ۱:۳۰ الی ۲:۲۵

بی صداقتی دیگری که فیلم دروازه به راحتی آن را به نمایش می گذارد، ادعای دریافت وحی توسط باب است. آنچه واضح است این است که کسی که ادعای دریافت وحی می کند، نمی تواند ادعای خدایی و من یظهر الله بودن داشته باشد. اصولا این دو ادعا با هم در تناقض بوده، جمع شدنی نیست. دقت در نصوص بابی و بهائی بی صداقتی تشکیلات بهائی در این فیلم را به آشکار می کند. به سخن بهاءالله در مائده آسمانی در ارتباط با ادعای خدایی باب و خودش توجه کنیم:

مائده اسمانی – جلد ۷: صفحه ۶۹

سبحان الله با اینکه اهل بیان خود مقر و معترفند که نبوت برسول الله ختم شده و سنه ستین اول ظهور الله است مع ذلک و مع اینکه حق حال بنفسه و کینونته مشهود و از افق اننی انا حی فی الافق الابهی ظاهر و طالع مجددا ذکروصایت و امثال ان مینمایند و بقیه وهم ما ترک من ملل الفرقان اراده نمودهاند انوار شمس یقین را که در سما قدس بیزوال ذوالجلال مشرق شده ستر نمایند

سوال اینجاست، کسی که ادعای خدایی می کند، چطور به او وحی می شود؟ در سند بالا، بهاءالله نبوت را به رسول الله ختم شده می داند. و خود و باب را ظهور الله، (ظهور خود خداوند به ذاتش، و نه تجلی ای از ظهور اللهی) ظهور نفس خدا می داند. این سند به وضوح بی صداقتی تشکیلات بهائی و البته خود باب و بهاءالله را نشان می دهد. چرا که باب در جایی ادعای بابیت کرد، و نهایتا مدعی شد که خداست. ظاهرا تشکیلات بهائی از پیشوایانش بی صداقتی را فرا گرفته است. در سند دیگر، در اشراق خاوری به تبیین سخن بهاءالله پرداخته و در این باره بیشتر توضیح داده است.

عبدالحمید اشراق خاوری در رحیق مختوم صفحه ۷۸ می نویسد:

در قرآن، سوره الاحزاب، محمد رسول الله را خاتم النبیین فرموده، جمال مبارک جل جلاله در ضمن جمله مزبوره می فرماید که مقام این ظهور عظیم و موعود کریم از مظاهر سابقه بالاتر است؛ زیرا نبوت به ظهور محمد رسول الله ختم گردید و این دلیل است که ظهور موعود عظیم، ظهورالله است و دوره نبوت منتهی گردید؛ زیرا که رسول الله خاتم النبیین بوده

در اثبات بی صداقتی بهاءالله سندی قابل ارائه است که در آن بهاءالله نهایت کمال رتبه بشری را رتبه نبوت خوانده است. حال سوال اینجاست که نهایتا باب و بهاءالله پیامبرند، یا ظهور الله؟ این تناقضی است که از هر حیث، بی صداقتی بهاءالله و تشکیلات بهائی را به اثبات می رساند. به مدرک زیر از بهاءالله در باب نهایت رتبه قابل دست یابی برای بشر که به ذعم او رتبه نبوت است توجه نمایید.

کتاب بدیع صفحه ۱۱۹

قدری تفکر نما مع آنکه منتها رتبه تکمیل هیاکل بشریه به رتبه نبوت است

[/vc_column_text][/vc_tta_section][vc_tta_section title="دروغ چهاردهم – احکام و عمل به آن" tab_id="1628198185876-220a0bfa-7dfa"][vc_column_text]

دروغ چهاردهم – احکام و عمل به آن

یکی از احکام بابی بهائی این است که حرام است جسد یک بابی یا بهائی به منظور تدفین بیشتر از یک ساعت حمل شده یا انتقال یابد. از طرف دیگر، شارع احکام در آئین بهائی پس از بهاءالله، تنها و تنها بیت العدل می باشد. به این ترتیب، عبدالبهاء و شوقی و هر بهائی دیگر حق تشریع حکم جدیدی را ندارند.

البته بیت العدل هم که حق وضع قانون به آن داده شده، اجازه ندارد قانونی را نسخ نماید. قانون تحریم انتقال جسد بیشتر از یک ساعت توسط بهاءالله در اقدس ذکر شده و نسخ ناپذیر است.

آنچه در فیلم به نمایش در آمده این است که به دستور عبدالبهاء، بهائیان نبش قبر باب کردند، و استخوان های باب را از تهران به کوه کرمل در حیفا قاچاق کرده، در آنجا مجددا دفن کردند .(نحوه قاچاق جسد در کتاب حضرت باب صفحات ۵۷۸ و ۵۷۹ ذکر شده است.) و الان قبر باب در کوه کرمل یکی از زیارت گاه های بهائیان است. اما جناب عبدالبهاء که حق قانون گذاری و نسخ قانون را نداشته است، در عین حال بدون کوچکترین توجهی به حکم خدای بهائیان، چنین دستوری داده است.

آنجا که عبدالبهاء زیر بار دستورات و تعالیم بهائی نمی رود، انتظار است که تشکیلات بهائی در کار هایش صداقت را در تبلیغاتش پیشه بگیرد. به حکم بهاءالله در ارتباط با نحوه انتقال جسد توجه فرمایید.

گنجینه حدود و احکام: صفحه ۱۴۱

فصل چهارم – در احکام دفن میت ۱ – باید جسد در صندوق بلور و یا سنگی یا چوبی گذاشته شود. در کتاب مستطاب اقدس نازل قوله تعالی: "قد حکم الله دفن الاموات فی البلور و الاحجار الممتنعه (۱) او الاخشابالصلبه (۲) اللطیفه." (ایه ۱۲۸) ۲ – محل دفن تا شهر بمسافت یکساعت باید باشد و تجاوز از ان حرام است ...

اما سوال اینجاست که آیا این حکم با مقتضیات زمان حاضر خوانش دارد یا خیر؟

تشکیلات بهائی مدعی است که احکام می بایست به روز شده، و منطبق با مقتضیات زمان باشد. تصور کنیم کی بهائی در شهری بزرگی مانند تهران و یا نیو یورک زندگی می کند. فاصله میان او و نزدیک ترین قبرستان ممکن است چندین ده کیلومتر باشد، که قطعا در این کلان شهر ها زمان انتقال جسد بیش از یک ساعت خواهد شد. حال، چگونه می توان به این حکم عمل کرد؟

از طرف دیگر، این حکم بر اساس اسناد دیگر بهائی حداقل ۱۰۰۰ سال نسخ نخواهد شد. آنچه از مجموع این احکام بر می آید این است که در وضع این حکم به هیچ عنوان مقتضیات عصر حاضر دیده نشده است.

نکته دیگری که در ارتباط با تدفین باب در کوه کرمل مورد دقت است، این است که تشکیلات بهائی از طرفی به تکریم باب می پردازد و مقبره او زیارت گاه بهائیان است، شخصی که به گفته عبدالبهاء معتقد بوده همه غیر بابیان می بایست کشته شوند و معابد و بنا های مقدس همگی تخریب گردند.

از طرف دیگر، تشکیلات بهائی تحت حمایت رژیم اشغال گر قدس می باشد. سوالی که مطرح است این است که آیا یهودیان متعصب می دانند که در دامنه کوه کرمل، فردی دفن شده، مورد تکریم تشکیلات بهائی است که معتقد بوده تمامی یهودیان سزاوار گردن زدنند، و بیت المقدس و کنیسه ها می بایست تخریب شوند؟

[/vc_column_text][/vc_tta_section][vc_tta_section title="دروغ پانزدهم – حروف حی از ادعای قائمیت باب مطلع بودند" tab_id="1628198187248-6e992b02-5ab0"][vc_column_text]

دروغ پانزدهم – حروف حی از ادعای قائمیت باب مطلع بودند

آنگونه که در فیلم دروازه نشان داده می شود، حروف حی و بابیان در راه باب و تعالیمش از جان گذشتند ولی از عقیده نگذشتند. اما عقیده آنها چه بود؟ بهائیان مدعی هستند که عقیده کشته شدگان مسیر بابیت، اعتقاد به موعود بودن باب و یا قائمیت باب بوده است. متاسفانه این نیز از بی صداقتی های تشکیلات بهائی است.

به هر حال، برای اینکه ادعای بهاءالله مبنی بر آئین و شریعت جدید تثبیت شود، پرونده اسلام می بایست بسته شود. و ظهور موعود ادیان، حجت بن الحسن العسکری علیه السلام در این امر پیش نیاز موکد است. در نتیجه، برای دستیابی به هدف، تشکیلات بهائی می بایست باب را موعود اسلام معرفی کرده، برای او شان قائمیت را تثبیت کند.

فیلم: ۳۸:۴۴. الی ۳۹:۲۲

طبق نصوص بهائی، عده ای از حروف حی و بابیان به محض این که متوجه شدند باب ادعای قائمیت کرده است، از او برگشتند، و راه بابی گری را ادامه ندادند. فیلم دروازه نشان می دهد که حده ای از حروف حی در جنگ هایی که بابیان به راه انداختند کشته شدند. به طور دقیق، از ۱۸ نفر حروف حی یک نفر در عتبات و ۹ نفر در قلعه طبرسی کشته شدند. سوالی مطرح است که آیا این ۱۰ نفر از ادعای قائمیت باب خبر داشتند، وقتی چند نفری که متوجه این مسئله شدند از باب برگشتند؟ بهاءالله در اقتدارات به اعراض و روی برگردانی حسن بجستانی از باب در عراق اشاره کرده است.

اقتدارات و چند لوح دیگر: صفحه ۱۳۸

ذلت کبری را قبول نمودیم و ما اردت نفسی بل نفس الله لو کنتم من العارفین و ما اردت امری بل امرالله لو کنتم من المنصفین و عمری امره امری و امری امره طوبی للعارفین و لکن از برای حق نفوسی است که ندای ما سویه را طنین ذباب دانندو من فی العالم را معدوم مشاهده نمایند و از شطر قدم و منظر اکبر نظر باز ندارندایشانند اهل بها و ساکنین فلک حمرا علیهم ذکر الله و ثنائه و ثنا الملاالاعلی ای نبیل قبل علی بعضی از ناس بسیار بی انصاف مشاهده میشوند در حسن بجستانی مشاهده نما وقتی در عراق بین یدی حاضر و در امر نقطه اولی روح ماسویه فداه شبهاتی بر او وارد چنانچه تلقا وجه معروض داشت و جواب ...

آنچه در فیلم دروازه نشان داده شده است، ۱۸ نفر انسان مقدس معروف به حروف حی هستند که راه آئینی جدید را پذیرفتند و برای رشد و ارتقاء بشر و آزادی زنان به قیام برخواستند. نه تنها، هدف آن ها قتل عام بود، بلکه عده از این قدیسان از بابی گری برگشتند. و متاسفانه فیلم دروازه به برگشتن آنها هیچ اشاره ای نکرده، علل آن را بیان نمی کند. نمونه دیگر ملا عبدالخالق یزدی است که مدت زمانی به تبلیغ بابیه پرداخت،

اما با شنیدن ادعای قائمیت باب متزلزل شد و نهایتا از باب برگشت. حتی پسر او در یکی از جنگ هایی که بابیه به راه انداخته بودند کشته شد. ملا عبدالخالق، پس از متوجه شدن ادعای قائمیت باب، داد افسوس به سر داده می گوید:

“لوح را بکناری انداخت و فریاد زد که ای داد که پسرم بناحق کشته شد”. این ماجرا در کتاب حضرت باب از محمد حسینی در صفحه ۳۷۹ ذکر شده است که عکس زیر جملات مذبور را نشان می دهد

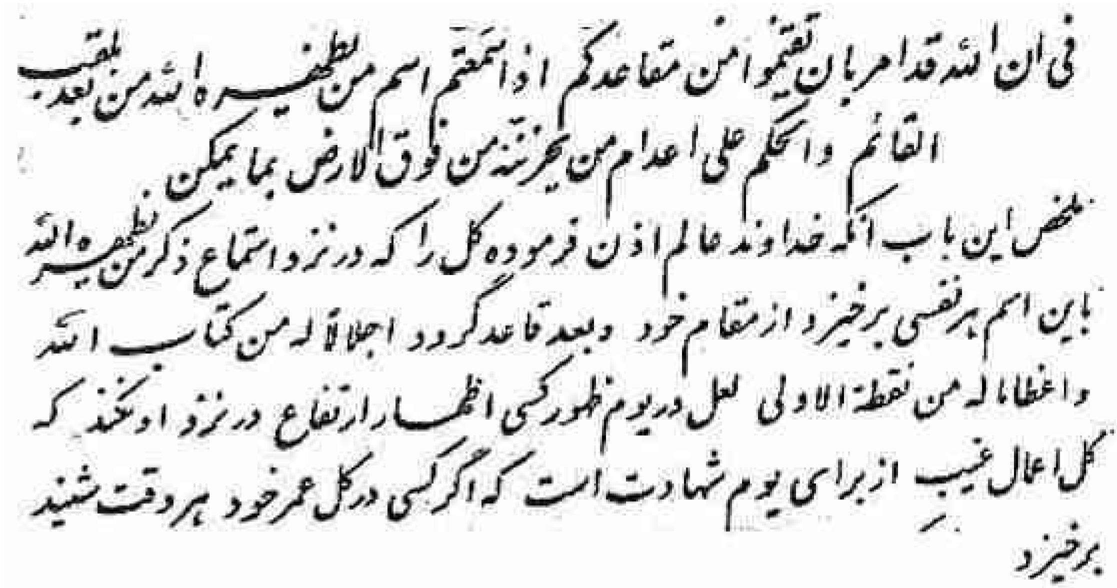
ملاّمحمّدعلی برغانی تصریح فرموده اند (صفحهٔ ۱۷۴) . ملاّعبدالخالق چند سال با شور و اشتعال خاصّ بهدایت ناس مشغول بود تا آنکه پس از شهادت پسرش بر اثر زیارت توقیع حضرت باب که باعزاز او نازل و در آن نداء قائمیّت بتصریح مرتفع گشته بود دچار تزلزل شد. خلاصهٔ حکایت این است که روزی در طهران جناب سیّد یحیی وحید به حضور جمال ابهی شرفیاب می شود و معروض می دارد که توقیعی از قلم حضرت باب باعزاز ملاّعبدالخالق نازل گشته که باید بدو برساند. جمال ابهی می فرمایند ملاّعبدالخالق در خانهٔ میرزا زمان نوری ساکن است. توقیع را ببرید و برسانید. جناب وحید نقل نموده است که چون به خانهٔ میرزا زمان رسیدم دیدم ملاّعبدالخالق مشغول وضو گرفتن است. لذا توقیع مبارک را در اطاق نزدیک وی نهادم تا زیارت نماید و از خانه خارج شدم. یک ساعت بعد خبر آوردند که پس از فراغت از نماز توقیع مبارک را زیارت نمود چون بدین آیهٔ مبارکه رسید که می فرمایند انا القائم الحقّ الّذی انتم بظهوره توعدون لوح را بکناری انداخت و فریاد زد که ای داد که پسرم بناحقّ کشته شد (۱۸). ملاّعبدالخالق در سال ۱۲٦٨ هجری قمری (۱۸۵۱ میلادی) درگذشت. وی در فقه، اصول، کلام، حدیث، وعظ و خطاب صاحب مقامی عظیم بود (۱۹). از آثار او کتاب عین الطّالبین در اصول فقه و کتاب مصائب الائمه را توان نام برد.

[/vc_column_text][/vc_tta_section][vc_tta_section title="دروغ شانزدهم – بهاءالله موعود بیان" tab_id="1628198188068-34941383-2207″][vc_column_text]

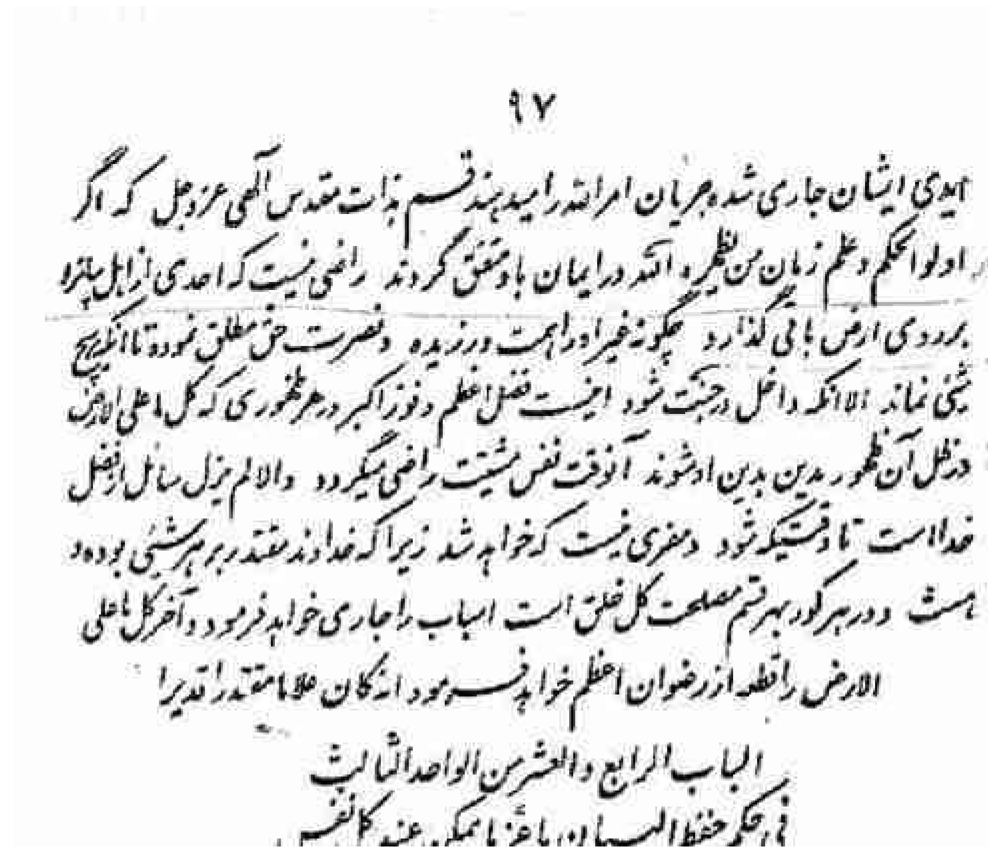
دروغ شانزدهم – بهاءالله موعود بیان

باب در نوشته های خود سخن از موعود بیان کرده است. موعود بیان کسی است که باب وعده ظهور آن را داده، به پیروانش دستور می دهد که هنگامی که او ظهور کرد، از او پیروی کنند. تشکیلات بهائی نیز در تلاش است که بهاءالله را موعود بیان معرفی کند. آن چه در فیلم دروازه مشاهده می کنیم نمایشی از چنین معرفی است. نهایتا، تمام تلاش فیلم بر این محور است که تشکیلات بهائی تبلیغ شود، و مخاطبین بهائی شوند.

اما دقت در توصیفات موعود بیان نشان می دهد که تناسبی میان موعود مورد نظر باب و شخص بهاءالله وجود ندارد. به عنوان مثال، موعود بیان صاحب لقب قائم است. اما، بهاءالله در هیچ یک از نوشته های خود مدعی چنین لقبی برای خود نبوده، و تاریخ هم چنین لقبی برای بهاءالله بر نشمرده است. متن زیر سندی است که نشان می دهد باب برای بهاءالله لقب من یظهر الله را قائل بوده است.


فی ان الله قد امر بان تقیموا من مقاعدکم اذا استمعتم اسم من یظهره الله من بعد بلقب
القائم والحکم علی اعدام من یحزنه من فوق الارض بما یمکن
ملخص این باب آنکه خداوند عالم اذن فرموده کل را که در نزد استماع ذکر من یظهره الله
باین اسم هر نفسی برخیزد از مقام خود و بعد قاعد گردد اجلالا له من کتاب الله
واعظاما له من نقطة الاولی لعل در یوم ظهور کسی اظهار ارتفاع در نزد او نکند که
کل اعمال غیب از برای یوم شهادت است که اگر کسی در کل عمر خود هر وقت شنید
برخیزد

نمونه دیگر را در صفحه ۹۵ بیان فارسی می توان یافت. از خصوصیت های من یظهر الله این است که بعد از ظهورش، او راضی نخواهد شد که احدی از بابی هایی که به او ایمان نیاورده اند روی زمین باقی بماند.



۹۷

ایدی ایشان جاری شده بجریان امر الله رایبند قسم بذات مقدس الهی عزوجل که اگر
اولوالحکم در علم زمان من یظهر الله در ایمان باو متحقق گردند راضی نیست که احدی از اهل بیان بر
روی ارض باقی گذارد چگونه غیر او را بهت و رنجیده و نصرت حق مطلق نموده تا آنکه هیچ
شیئ نماند الا آنکه داخل در جنت شود اینست فضل اعظم و فوز اکبر در هر ظهوری که کل اهل الارض
در ظل آن ظهور بدین او شوند آنوقت نفس مشیت راضی میگردد والا لم یزل سائل از فضل
خداست تا وقتیکه شود و مفری نیست که خواهد شد زیرا که خداوند مقتدر بر هر شیئ بوده و
هست و در هر کور بهر قسم مصلحت کل خلق است اسباب را جاری خواهد فرمود و آخر کل اهل
الارض را تطهیر از رضوان اعظم خواهد فرمود انه کان علی ما یشاء مقتدرا قدیرا

الباب الرابع والعشرین الواحد الثالث

فی حکم حفظ البیان

باب در این پیش بینی به ذات خدا قسم خورده که این واقعه اتفاق می افتد. اگر ادعای تشکیلات مبنی بر من یظهر الله بودن بهاءالله را بپذیریم، سوال این جاست که آیا بهاءالله بعد از ظهورش از اهل بیان کسی را باقی نگذاشت؟ عدم تطبیق توصیفات باب در مورد من یظهر الله، با خصوصیات بهاءالله، خود نشان دیگری از بی صداقتی پیشوای بهائیان و تشکیلات بهائی دارد.

الباب الخامس من الواحد الخامس

فی بیان حکم اخذ اموال الذین لا یدینون بالبیان و حکم ردّه ان دخلوا فی الدین الّا فی
البلاد التی لا یمکن الاخذ» ملخّص این باب آنکه در هر ظهوری آنچه ما علی الارض است
در ظل ظهور بعد باید واقع شود مثلا در ظهور رسول خدا ص لایق بود که کل ما علی الارض در
ظل او مؤمن شوند آنچه که نشده از ضعف مسلمین بوده والّا لیاقت از برای آن
دین بوده و یوم ظهور رسول الله ص بر هر صاحب نفسی نفس او بر او حلال نبوده
چگونه ما یتفرع علی الحیوة مگر آنکه داخل ایمان باو شود که آن وقت بر او حلال می‌شد آنچه
را که خداوند باو عطا فرموده بود از جود خود و همچنین در ظهور من یظهره الله هر نفسی بر
صاحبش حلال نیست الا بایمان باو و کل از کل گرفته میشود الا آنکه داخل شوند در ظل
دین او و این است فضل خداوند در حق خلق مثلاً اگر فتح بلدی در صدر اسلام شده
بجبر و قهر داخل اسلام شده و فائز بثمره ایمان گشته و آنچه که نشده رحمت در

[vc_row/][vc_column/][vc_tta_accordion/][vc_tta_section/][vc_column_text/]

قاتل واقعی لیلا علوی بیت العدل نیست ؟

چتربازها چه عشقی میکنند وقتی سقوط میکنند! هر چه ارتفاع بیشتر، سقوط برای آنها لذت بخش تر است! چرا؟ چون پشت آنها گرم است به یک چتر. حالا فرض کنیم که این چتر باز آنقدر به چترش مطمئن باشد، که قبل از سقوط آزاد، چتر خود را چک نکند. چک نکند که ببیند طناب ها، خود چتر، کوله متصل به چتر، و.... سالم هست یا خیر، از قضا یکی از اجزای چتر هم مشکل پیدا کرده باشد، و بعد از این که چتر باز سقوط را شروع کرد و چترش را باز کرد متوجه بشود که چترش دچار مشکل شده. متاسفانه اون موقع دیگه دیر شده!!

چند وقت گذشته خبر بسیار ناراحت کننده ای از سیدنی استرالیا دل ها را شکوند، اشکها را جاری کرد، **خبر قتل فجیع لیلا علوی ۲۶ ساله توسط شوهر قبلی خود بود که غم عظیمی بر پیکر دوستان و همکاران و به خصوص خانواده مرحوم نشاند. این خانم از اعضای جامعه بهائی بوده و در یک آرایشگری کار می کرده است. سال ۲۰۱۱ با فردی به نام مختار ازدواج می کند. مختار نیز بهائی بوده و اونها جشن ازدواجشون را در مشرق الاذکار استرالیا واقع در سواحل شمالی سیدنی برگزار می کنند.**

کسانی که این زوج را می شناختند در توصیف رابطه اشان می گویند که آنها عاشق هم بوده اند، ولی متاسفانه مختار معتاد بوده است، و به لیلا آسیب فیزیکی می زده. لیلا سالهایی که با همسرش زندگی کرده خیلی سعی کرده کمکش کند و در این راه زجر زیادی کشیده. به همین خاطر رابطه میان آن دو برای مدت زمان طولانی با فراز و نشیب های بسیار روبه رو بوده است و هر لحظه احتمال فروپاشی رابطه آنها وجود داشته است، و البته علت عمده آن اعتیاد شوهر به مواد مخدر بوده است. اما نکته جالب این جاست که اذیت های شوهر تا حدی بوده که حتی لیلا حکم جلب وی را هم گرفته بوده ولی آن را رها کرده و در موردش اقدامی نکرده.

پلیس پس از دستگیری مختار به دادگاه می گوید، که وی میل به خشونت و عصبانیت غیر قابل کنترل داشته، و حتی سابقه آزار بدنی همسرش را نیز داشته است که آن وقایع به پلیس گزارش نشده. حتی در همین اواخر، مختار به خاطر خسارات خرابکارانه و رفتار توهین آمیز متهم شده است، که هیچ گاه به دادگاه در آن زمینه رجوع نکرده است.

این واقعه آنقدر ناراحت کننده هست که نمی شود به این راحتی از کنارش گذشت. انسان به فکر فرو می رود که چرا این کار به اینجا کشیده شد؟

سوال اینجاست که لیلا چرا حکم جلب همسرش را به اجرا نگذاشته؟

چرا آزار های جسمی از سوی مختار را به پلیس گزارش نکرده؟

متاسفانه این سوال ها و افسوس ها لیلا را به خانواده اش بر نمی گرداند.

ضرب المثل جالبی هست که میگوید قطره های کوچک آب، اقیانوس بزرگ را می سازند؛دانه های کوچک شن، ساحل زیبا را; لحظه های کوتاه هم زندگی را می سازند. قدم هاست که مهم اند، تصمیم های کوچک و بزرگ هستند که یک زندگی را می تواند به سعادت، سلامت و آرامش برساند و البته همانطور که این خبر بسیار ناراحت کننده نشان داده از طرف دیگری دو تا زندگی را تباه کند.

اما در این مجال و با شنیدن چنین رویدادی سوالی را با جامعه بهائیان استرالیا، مشاورین قاره ای منطقه اقیانوسیه و در آخر از اعضای بیت العدل در میان می گذارم :

آیا چنین رخدادی میتوانست رخ ندهد؟

آیا مسئولیت چنین رخدادی تنها بر عهده مختار است؟

یا لیلا عزیز که کوتاهی کرده و محکم از خودش با استفاده از قانون حفاظت نکرده؟

یا خانواده های آن دو که با دیدن چنین مسائلی زبان به کام گرفتند، و اقدامی نکردند؟

اما به نظر می رسد که مسئولیت این جریان تنها بر عهده دو نفر و نزدیکان آنها نیست که در ادامه آن را بررسی خواهیم کرد. در این راستا توجه شما را به فرمایش جناب شوقی که توسط بیت العدل جهانی در ۲۶ نوامبر ۱۹۷۰ میلادی برای اجرایی شدن آن به محافل ملی سراسر دنیا ارسال شد جلب می کنم:

محفل مقدس روحانی ملی بهائیان ایران شیدالله ارکانه

در یکی از الواح مبارکه حضرت مولی الوری دستور ذیل صادر شده قوله الاحلی:

اما در قضیه شکایت بحکومت احبای الهی باید با یکدیگر مهربان باشند، و اگر یکی قصوری کرد دیگری عفو کند ابدا سزاوار نیست که بحکومت مراجعت کنند و از یکدیگر شکایت نمایند بلکه باید جان را فدای یکدیگر نمایند و زبان به شکرانه رانند نه شکوه، اینست سزاوار اهل بهاء مقرر گردید باستحضار آن محفل برسد تا در موارد لزوم از آن استفاده و یاران را منتبه نمایند.

با تقدیم تحیات بهیه بیت العدل اعظم

همانطور که مشاهده می کنید بیت العدل جهانی به محافل ملی در سراسر دنیا ابلاغ می کند که توجه جامعه بهائی را به یکی از دستورات جناب شوقی (به قول بهائیان مولی الوری) جلب کند، و از جامعه بهائی بخواهد که به تاکید می بایست به آن عمل نمایند. **این دستور، بهائیان را موظف می کند که در خلال دعواهای داخلی جامعه بهائی، و یا شکایت هایی که ممکن است افراد از هم داشته باشند، مثلا اگر یک بهائی پول هم کیش خود را بالا کشید، یا بهائی دیگری حق بهائی دیگری را خورد، ملکی را غصب کرد، ماشینی از هم باور خود دزدید، خود را جای بهائی دیگری جا زد و چک به نام او جعل کرد، و یا یک بهائی در خانه خودش به آزار و اذیت همسر و فرزندانش دست یازید، یا .... یا یک بهائی همکیش خود را کتک زد، یا به قتل رساند، یا مثلا وقتی مختار به تعرض فیزیکی نسبت به لیلا پرداخت، او را کتک می زد، فرد بهائی مظلوم واقع شده می بایست که عفو کند .**

توجه داشته باشید که دستور بالا تاکید می کند که :

"ابدا سزاوار نیست که به حکومت مراجعت کنند"

یعنی همان کاری که لیلا کرده، البته نمی بایسته حتی حکم جلب میگرفته، می بایست در جا عفو می کرده، که لیلا بی چاره عمل کرده، ای کاش عمل نمی کرد، ای کاش به این دستور عمل نمی کرد و الان در میان خانواده خود بود، الان با دوستان خود بود، الان در این دنیا به مردم خدمت میکرد.

این دستور میگوید که جان فدای هم کنید، ظاهرا مختار عزیز هم به خود حق داده و به لیلا گفته دستور است که باید جان فدای من بکنی!! .... واقعا قلم عاجز است از بیان این درد. چه لحظه دردناکی که گذشتنش دو تا زندگی را به نابودی کشاند و دو تا خانواده و یک جامعه را به غم نشاند.

این دستور انسان را یاد عهد قجر می اندازد، در زمانی که همه چیز با ریش سفیدی حل می شد، و افراد به کدخدا رجوع می کردند که او مشکل را حل کند. در اینجا هم ظاهرا لیلا به کدخدای سیدنی که همان محفل محلی شهر است رجوع می کند. البته که محفل به خلاف این حکم جناب شوقی عمل دیگری نخواهد کرد و آنها را بر حذر می دارد که به حکومت مراجعت کنند. در مقالات گذشته عرض شد که خلاف دستور محفل محلی و ملی و بیت العدل و البته جناب شوقی عمل کردن، نتیجه اش ممکن است طرد هم باشد. یعنی نه تنها ممکن است که توسط شوهر خود ضربه مهلکی بخورد- که لیلا خورد و دیگر کار از کار گذشته است، چتر باز، چترش سوراخ بوده و ....- بلکه ممکن است که از جامعه طرد هم بشود. البته جامعه ای که در این حد در عهد عتیق در حال زندگی است، و بینش کهنه گذشته را هنوز به عنوان تعالیم بدیع می بیند، از آبروی خود هم می ترسد. آبرویی که مبلغان بهائی با شعار های بیشمار سعی در حقنه کردن مردم و تحمیق جامعه جهانی با آنها را دارند.

از جمله شعار ها این است که بهائیان می گویند، که باور را باید از پیروانش شناخت. باور بهائی باور مورد نیاز عصر امروز بشر معرفی می شود، بهائیان همگی نزدیک به معصوم جلوه می کنند و رسانه های بهایی با هجوم به باور ادیان دیگر و تخریب آنها باور خود را درخشان ترین و پاک ترین باور معرفی می کنند و بالطبع باورمندان نیز باید در این حد خود را در جامعه نشان دهند. یعنی اگر آبروی بهائیان با مراجعه به حکومت و ابلاغ شکایتشان از بهائی دیگر به گوش ها برسد نقض تبلیغات است و لذا باید در نطفه آن را خفه کرد. به محافل دستور می دهند که ابدا سزاوار نیست که به حکومت مراجعت کنند، ابدا!!! آیا کسی پرسیده چرا؟ واقعا چرا؟

به نظر می رسد آبروی بهائیت و جامعه بهائی از جلوگیری از قتل یک نفر از آن جامعه واجب تر است. اما سوال دیگر این است که الان که این اتفاق افتاده برای جامعه با چنین بینشی و با چنین عدم امنیتی بد تر است، یا اگر شکایتی و حکم جلبی عملی می شد؟

اصلا این مدل کدخدا منشانه در دنیای پیشرفته امروزی چه معنا دارد؟

آیا راه را برای هزاران مشکل بزرگتر و سوء استفاده های بیشتر باز نمی گذارد؟

در آخر هم گفته شده که محفل یاران را متنبه خواهد کرد!! در این مورد نیز محفل از کار خود سرافراز بیرون نیامده است، چرا که نه تنها مختار متنبه نشده بلکه کارهای بد خود را به قتل همسر سابقش خاتمه داد! پس مشاهده می کنیم که ممکن است لیلای مغبون در یک دو راهی که هر دو آن ها پایان خوشی برایش نداشته است رو به رو بوده. از یک طرف محفل محلی او را از رجوع به حکومت نهی کرده چرا که ابدا سزاوار نیست که اهل بهاء به حکومت برای رفع و رجوع شکایتشان از بهائی دیگر رجوع کنند، و **از طرف دیگر اگر لیلا به پی گیریش ادامه می داده و حکم جلب گرفته شده را عملی می کرده، ممکن است توسط محفل ملی و به درخواست محفل محلی طرد اداری و یا حتی روحانی میشده است.** طرد هم عواقب وخیمه ای دارد که در این مجال به آن نخواهیم پرداخت. به هر حال ظاهر قضیه نشان می دهد که لیلا به دستور محفل محلی، اقدامی حکومتی نکرده و خوب متاسفانه نتیجه درد آوری در پی داشته است.

به نظر می رسد که با این اوصاف این فقط مختار و لیلا و اطرافیان نیستند که مسئول چنین فاجعه ای هستند. کل جامعه بهائی برای عدم زیر سوال بردن چنین دستوری در قرن ۲۱ میلادی مسئول است، محفل محلی برای مشورت نا مناسب به لیلا مسئول است، محفل ملی و مشاوران قاره ای و بیت العدل هم برای ادامه تمکین به

چنین دستوراتی به نوبه خود مسئول هستند. ای کاش لیلا چتر خود را چک می کرد، در خود جستجو می کرد که واقعا به چه دلیل می بایست به این دستور تن بدهد؟؟!!

ای کاش دیگر بهائیان هم چترهای بیشمار خود را بار دیگر چک کنند، که خدایی نکرده زمانی نرسد و آنها پشیمان باشند که چرا از علمای خود، از محافل خود، از بیت العدل سوال های خود را نپرسیدند، چرا کنکاش در باور خود به طور مستقل و بدون خط دهی علمای خود نکردند.

نکته دیگر این است که بهائیان مدام در حال مظلوم نمایی هستند، اگر کسی به آنها بگوید بالای چشمتان ابرو قرار گرفته، با تمامی قوا در کوبیدن و تخریب طرف خواهند کوشید. در این جریان پاره جگر مادری پر پر شده است، آیا زمان آن نرسیده که بهائیان به بیت العدل و دستوراتی که میدهد، به محافل ملی و محلی و دستورات خلاف عقلی که می دهند که در این عصر و زمان تنها به سوء استفاده می انجامد خرده بگیرند و احقاق حق کنند و ظلمی که به خاطر این مسائل می کشند را از سردمداران و رهبران خود پی گیری نمایند؟

منبع: https://www.hassanershad.com/1108

قسمت دوم : بررسی سازوکار تصرف خاک توسط بیت العدل الف: اشغال خاک – تحلیل امنیتی بر مبنای پیام رسمی بیت‌العدل – ۳۰ دسامبر ۲۰۲۱

⊛ معرفی مجموعه مقالات – بررسی سازوکار تصرف خاک توسط بیت‌العدل

بخش دوم: اشغال خاک در قالب "اجتماع‌سازی" و مهندسی نفوذ اجتماعی

مطالب حاضر بخشی از سلسله‌تحقیقات ساخت‌یافته پیرامون **بررسی اسناد و شواهد امنیتی-فرهنگی مرتبط با سازوکار تصرف خاک توسط بیت‌العدل** است. در این بخش، تمرکز ویژه‌ای بر **پیام رسمی بیت‌العدل مورخ ۳۰ دسامبر ۲۰۲۱** صورت گرفته است؛ پیامی که به‌عنوان **نقشه راه و دستورالعمل راهبردی این نهاد برای یک بازه ۲۵ ساله** عمل می‌کند و از حیث تحلیلی، واجد اهمیت ژرف و لایه‌مند در حوزه مطالعات امنیت اجتماعی و سیاست‌گذاری فرهنگی است.

▧ عنوان کلیدی این پروژه در پیام مذکور، عبارت است از:
«پروژه جهانی ۲۵ ساله بیت‌العدل؛ ساخت شبکه نفوذ در پوشش اجتماع‌سازی»
که به‌روشنی بر ابعاد راهبردی و چندلایه این نقشه حکایت دارد.

در بخش نخست این مجموعه که پیش‌تر با استناد به **۱۱۴ سند رسمی منتشر شده** (و البته در حال تکمیل)، در دو مقاله زیر منتشر شد:

- مقاله اول – شناسایی ابعاد حاکمیتی و جهان‌وطنی طرح بیت‌العدل
- مقاله دوم – تحلیل اسناد ساختارمند از هدفمندی سیاسی و بین‌المللی بیت‌العدل

به‌طور مستند اثبات شد که بیت‌العدل نه‌تنها یک ساختار صرفاً معنوی و تبلیغی نیست، بلکه با **نهادسازی، برنامه‌ریزی بلندمدت، سازمان‌دهی منابع انسانی، و تولید گفتمان‌های نرم فرهنگی**، به دنبال ایجاد نوعی **نظام سیاسی فراملی و اقتدارگرای نرم در سطح دولت-ملت‌ها**ست.

در این مرحله، تمرکز از فاز نظری به فاز عملیاتی منتقل شده است؛ یعنی بررسی اینکه **چگونه آن اهداف بلندپروازانه در قالب ساختارها، آموزش‌ها، نهادهای پوششی و سیاست‌های محلی-منطقه‌ای پیاده‌سازی می‌شود**

و چه تبعاتی برای **امنیت اجتماعی، استقلال فرهنگی، و هویت ملی** در جوامع مختلف به‌ویژه در کشورهای در حال توسعه دارد.

از آنجا که جامعه هدف این پروژه عظیم، غالباً از ابعاد پنهان آن بی‌اطلاع است، مستندسازی این روندها و تحلیل گام‌به‌گام آن برای پژوهشگران، فعالان حوزه فرهنگ و امنیت، و نیز اندیشمندان علوم انسانی ضروری به نظر می‌رسد.

📌 مجموعه حاضر، با رویکردی نقدپایه، مستند و تطبیقی، تلاش دارد به‌صورتی عالمانه و فارغ از هیجان، به کالبدشکافی این پروژه پرداخته و با تمرکز بر ابعاد عملیاتی پروژه اجتماع‌سازی، به روشن‌سازی نسبت آن با سیاست‌های فراملی، مهندسی فرهنگی، و برنامه‌ریزی کلان نفوذ بپردازد.

مقاله ۲۲:

بررسی سازوکار تصرف خاک توسط بیت العدل

الف: اشغال خاک

▧ پروژه جهانی ۲۵ ساله بیت‌العدل؛ ساخت شبکه نفوذ در پوشش "اجتماع‌سازی"

📌 تحلیل امنیتی بر مبنای پیام رسمی بیت‌العدل – ۳۰ دسامبر ۲۰۲۱

🔗 لینک پیام (https://payamha-iran.org/document/350)

🎯 مقدمه

تشکیلات جهانی بهائیت موسوم به بیت‌العدل، در پیامی رسمی به تاریخ ۳۰ دسامبر ۲۰۲۱، از آغاز یک برنامه جهانی ۲۵ ساله پرده برمی‌دارد که تا سال ۲۰۴۶ ادامه خواهد داشت. این پروژه، با عنوان ظاهراً معنوی «ظهور و بروز نیروی اجتماع‌سازی آیین بهائی»، در واقع طراحی یک الگوی نفوذ فرهنگی ساختارمند در مقیاس جهانی است؛ مدلی مبتنی بر خوشه‌سازی جغرافیایی (کلاسترینگ)، نهادسازی فراملی، و تقویت شبکه‌های وفادار به یک قدرت مرکزی مستقر در حیفا.

📌 تحلیل بند به بند پیام بیت‌العدل

۱. «نقشه‌های جهانی»؛ طراحی ژئوپلیتیک در پوشش معنویت

عبارت «نقشه جهانی» نه یک اصطلاح تزئینی، بلکه مفهومی با بار ژئوپلیتیکی و امنیتی است. این واژه در ادبیات حاکمیتی به معنای تقسیم‌بندی دقیق جغرافیای اجتماعی-فرهنگی کشورها برای برنامه‌ریزی نفوذ هدفمند است. در این پیام، این نقشه نه برای یک منطقه، بلکه برای تمام جهان ترسیم شده است.

۲. "نیروی اجتماع‌سازی آیین بهائی" = ساخت سلول‌های اجتماعی وفادار به مرکزیت بیت‌العدل

مفهوم به‌ظاهر مثبت «اجتماع‌سازی»، در این چارچوب به معنای ایجاد واحدهای اجتماعی همفکر، آموزش‌دیده و نهادینه‌شده تحت کنترل مستقیم ساختار تشکیلاتی است. نتیجه‌ی چنین روندی:

ساخت یک ملت در سایه بدون مرز جغرافیایی

بازتولید وفاداری نه به کشور، بلکه به تشکیلات فراملی

ایجاد بدنه‌ای فرهنگی-اجتماعی برای نفوذ پایدار و کند، اما عمیق

۳. ساختار سه‌لایه‌ای فرد – جامعه محلی – مؤسسات

در این مدل:

فرد مؤمن: آموزش‌دیده، ساختارمند، و مأمور گسترش نفوذ فرهنگی

جامعه محلی: بستری برای تمرین حاکمیت فرهنگی جایگزین

مؤسسات: ابزارهای رسمی‌سازی قدرت تشکیلاتی به شکل ظاهراً مدنی، آموزشی یا خیریه

این ترکیب، در علم سیاست فرهنگی، به‌عنوان الگوی کلاسیک نفوذ تدریجی با عمق بالا شناخته می‌شود؛ مشابه پروژه‌های NGO-محور در کشورهای هدف غربی.

۴. «روابط پویا»، «کمک متقابل»؛ واژه‌های پوششی برای شبکه‌سازی ایدئولوژیک

ادبیات «اخلاقی» در پیام بیت‌العدل، دقیقاً منطبق با گفتمان قدرت نرم است؛ همان‌گونه که در دکترین جوزف نای و اسناد RAND نیز بر آن تأکید شده:

ایجاد جذابیت اجتماعی

جایگزینی روایت حاکمیتی با روایت فراملی

به حاشیه راندن هویت ملی با مفاهیم اخلاقیِ جهانی

⌛ چارچوب زمانی ۲۵ ساله = طرح نفوذ تدریجی ساختارمند

طرح‌هایی با افق‌های ۲۰ تا ۳۰ ساله در ادبیات راهبردی، به عنوان طرح‌های مهندسی فروپاشی نرم یا تغییر نسلی هویت اجتماعی شناخته می‌شوند. تعیین سال ۲۰۴۶ به‌عنوان پایان فاز نخست، نشان می‌دهد که این پروژه برای تغییر ریشه‌ای ساختار فرهنگی-اجتماعی کشورها طراحی شده است؛ نه صرفاً فعالیت تبلیغی یا مذهبی.

⬢ نتیجه‌گیری: هشدار نسبت به یک ساختار موازی فراملی

پیام ۳۰ دسامبر ۲۰۲۱، نه یک پیام صرفاً معنوی، بلکه یک سند راهبردی است برای شکل‌دهی به شبکه‌های فراملی وفادار به بیت‌العدل. مفاهیمی چون «نقشه جهانی»، «خوشه‌بندی»، «اجتماع‌سازی» و «تعامل پویا» در این پیام، نشان‌دهنده طراحی دقیق یک ساختار نفوذ اجتماعی و فرهنگی است که خطر آن نه فقط در تبلیغ دینی، بلکه در ایجاد وفاداری تشکیلاتی غیرملی، سازمان‌یافته و نفوذی است.

◍ اگر این روند بی‌پاسخ بماند، در سال‌های پیش‌رو، بسیاری از مناطق و جوامع در کشورهای مختلف، سلول‌هایی فعال، مستقل از حکومت‌های مرکزی، و تحت اداره یک قدرت فرهنگی فرامرزی خواهند شد.

بررسی سازوکار تصرف خاک توسط بیت العدل

الف : اشغال خاک

▧ پروژه جهانی ۲۵ ساله بیت‌العدل؛ ساخت شبکه نفوذ در پوشش "اجتماع‌سازی"

📌 تحلیل امنیتی بر مبنای پیام رسمی بیت‌العدل – ۳۰ دسامبر ۲۰۲۱

مقاله ۲۳:

بررسی سازوکار تصرف خاک توسط بیت العدل

الف: اشغال خاک

▧ پروژه جهانی ۲۵ ساله بیت‌العدل؛ ساخت شبکه نفوذ در پوشش "اجتماع‌سازی"

📌 تحلیل امنیتی بر مبنای پیام رسمی بیت‌العدل – ۳۰ دسامبر ۲۰۲۱

🔗 لینک پیام (https://payamha-iran.org/document/350)

▧ «نفوس مشتعله»؛ فاز عملیاتی پروژه تربیت عناصر تشکیلاتی در نقشه ۲۵ ساله بیت‌العدل

در ادامه پیام پیشین بیت‌العدل درباره «نقشه جهانی ۲۵ ساله»، بخش دوم پیام وارد فاز عملیاتی و تشکیلاتی می‌شود. بیت‌العدل این‌بار با تمرکز بر اصطلاح «نفوس مشتعله»، به‌وضوح از تربیت عناصر فعال، وفادار، و منسجم برای ساختن یک شبکه گسترده جهانی با مختصات کاملاً سازمانی سخن می‌گوید. هدف این فاز، خلق یک جمعیت جایگزین فرهنگی در دل ملت‌هاست که وظیفه‌اش اجرای برنامه‌ای فراتر از ساختار ملی است.

📌 تحلیل اجزای کلیدی پیام

۱. «نفوس مشتعله» = نیروی میدانی مأمور به اجرای نقشه جهانی

واژه «نفوس مشتعله» به معنای دقیق، اشاره به افرادی دارد که:

تحت آموزش مستمر قرار گرفته‌اند

شبکه‌مند، مأمور، و مأموریت‌محورند

مسئولیت گسترش ارزش‌ها، ساختارها و نهادهای تشکیلاتی را دارند

این افراد، دقیقاً نقشی مشابه "کادرهای میدانی سازمان‌های ایدئولوژیک" مانند حزب توده یا اخوان‌المسلمین ایفا می‌کنند: بدنه فعال، وفادار، منعطف، غیررسمی اما مؤثر.

۲. "طالب درک عمیق تعالیم بهاءالله و اِعمال آن بر حسب نیازهای اجتماع"

این بند به‌ظاهر معنوی، در بستر اجرایی به معنای آن است که این افراد آموزش دیده‌اند تا:

تعالیم بهائیت را به مسائل روز اجتماعی مرتبط سازند (Contextualization)

پیام دین را در قالب راه‌حل برای مشکلات اجتماعی عرضه کنند

از دین برای ساخت بدنه اجتماعی بهره بگیرند (دین ابزاری برای شبکه‌سازی)

◉ در واقع این مدل، دین را به ابزاری برای برندسازی فرهنگی، نفوذ اجتماعی و تغییر تدریجی سبک زندگی مردم در نقاط هدف تبدیل می‌کند.

۳. ویژگی‌های برشمرده‌شده: ساختن "شهروند فراملی جایگزین"

پیام، نفوس مشتعله را با ویژگی‌هایی توصیف می‌کند که دقیقاً بر اساس ادبیات تربیت کادرهای تشکیلاتی تعریف شده‌اند:

«وفادار» اما «غیرسیاسی» = حذف رقابت‌پذیری در عرصه سیاسی برای تمرکز بر نفوذ فرهنگی

«هماهنگی به جای تفاوت»، «ترویج مشورت» = حذف گفتمان انتقادی و شکل‌دهی به اجماع ظاهری

«بردباری، تفاهم، وحدت»، «شریک بالقوه دانستن دیگران» = ساختن چهره نرم و خنثی برای جذب بیشتر

«آزادی وجدان»، «عدم تحمیل» = ادبیات تبلیغ غیرتقابلی برای نفوذ در لایه‌های آرام جامعه

«عمل و تأمل» = چرخه آموزش-ارزیابی-به‌روزرسانی که الگوهای کلاسیک تشکیلاتی را تداعی می‌کند

⬤ در مجموع، این نفوس تربیت شده، دقیقاً یک مدل از "شهروند فرهنگی جایگزین" هستند؛ کسی که به جای وفاداری به هویت ملی، با یک هویت فراملی، در خدمت نقشه‌ای جهانی قرار گرفته است.

🧠 تطابق با مدل‌های نفوذ نرم و جنگ شناختی

این روش:

از الگوی NGOهای جهانی تربیت‌کننده کادر فرهنگی (مانند USIP یا CIPE) الگوبرداری شده

شاخه‌ای از جنگ نرم با محتوای دینی-فرهنگی است

از ساختارهای بی‌حاشیه و شبه‌مدنی برای نفوذ بدون برانگیختن حساسیت امنیتی مستقیم بهره می‌گیرد

⚠ تهدیدهای ملی و منطقه‌ای

فرسایش تدریجی مرجعیت فکری بومی

جایگزینی سبک زندگی و نگرش اجتماعی با مدل تشکیلاتی از بالا هدایت‌شده

فعال‌سازی عناصر آموزش‌دیده در بافت‌های محلی برای پیشبرد اهداف فراملی

ایجاد جمعیت جایگزین فرهنگی – تشکیلاتی با پوشش دین و اخلاق

☑ جمع‌بندی

این بخش از پیام بیت‌العدل، مهم‌ترین کلیدواژه را وارد میدان می‌کند: «نفوس مشتعله». این‌ها افراد آموزش‌دیده‌ای هستند که به صورت آرام، با ظاهر اخلاقی، اما با مأموریت تشکیلاتی مشخص، در حال ساخت جامعه‌ای موازی، فرهنگی و در نهایت سیاسی-فرهنگی در جهان هستند. این پیام، دستورالعمل مستقیم برای مرحله اجرایی پروژه ۲۵ ساله است.

▧ این مدل از پروژه‌سازی اجتماعی، در صورت بی‌توجهی، یکی از خطرناک‌ترین انواع نفوذ پنهان است: نفوذ با چهره انسان‌دوستی.

بررسی سازوکار تصرف خاک توسط بیت العدل

الف: اشغال خاک

▧ پروژه جهانی ۲۵ ساله بیت‌العدل؛ ساخت شبکه نفوذ در پوشش "اجتماع‌سازی"

📌 تحلیل امنیتی بر مبنای پیام رسمی بیت‌العدل – ۳۰ دسامبر ۲۰۲۱

🔗 لینک پیام (https://payamha-iran.org/document/350)

مقاله ۲۴:

▧ کلاسترهای جهانی؛ تقسیم سرزمین‌ها برای اجرای پروژه رشد بهائی

در این بخش از پیام، بیت‌العدل از "محدوده‌های جغرافیایی (کلاسترها)" با «برنامه رشد» سخن می‌گوید؛ مفهومی که به شکل مستقیم با مدل کلاسترینگ جهانی در مهندسی اجتماعی و تقسیم‌بندی زمین بر اساس قابلیت‌های کنترل و رشد سازمانی ارتباط دارد. این یک نقشه رسمی برای تجزیه نرم جهان به سلول‌هایی با مدیریت غیرملی و فراملی است.

🧱 تحلیل کلیدی بندهای پیام

۱. «محدوده‌های جغرافیایی (کلاسترها) با برنامهٔ رشد»

این اصطلاح به معنای آن است که:

هر منطقه از جهان به‌صورت یک واحد عملکردی مستقل شناخته شده

برای هر منطقه (کلاستر)، «برنامه رشد» مشخصی طراحی شده

شاخص رشد برای هر منطقه بر اساس پیشرفت نفوذ آیین بهائی تعریف می‌شود، نه شاخص بومی

▧ به‌عبارتی، زمین به‌جای خطوط مرزی ملی، بر اساس خطوط عملکردی بهائی (کلاسترها) تقسیم شده است.

۲. «دستآوردهای قابل سنجش: تعداد محدوده‌ها (کلاسترها) و پیشرفت هر برنامه»

اینجا مفهوم ارزیابی عملکردی دقیقاً مثل مدل‌های مهندسی کلان اطلاعاتی به‌کار رفته:

هر کلاستر یک برنامه عملیاتی دارد

میزان موفقیت آن با متریک‌هایی همچون «افزایش نیرو»، «گسترش آموزش»، «تبدیل» و... سنجیده می‌شود

بدنه جهانی بیت‌العدل مثل یک شبکه اطلاعاتی، این ارزیابی‌ها را ثبت و مدیریت می‌کند

۳. «هدف: تأسیس برنامه‌های فشرده رشد در همهٔ محدوده‌های جغرافیایی (کلاسترهای) عالم»

این جمله هسته اصلی پروژه سلطه نرم جغرافیایی بیت‌العدل است:

در همه نقاط جهان (اعم از کشورهای توسعه‌یافته، درحال‌توسعه، فقیر یا درگیر منازعه)، یک "برنامه رشد فشرده" باید راه‌اندازی شود

با این استراتژی، ساختار حاکمیت نرم بهائیت در تمامی کلاسترهای زمین فعال می‌گردد

⚠ این دقیقاً شبیه مدل «دهکده‌های اجتماعی» در الگوی نفوذ فرقه‌ای یا «نواحی رشد انجیلی» در سازمان‌های پروتستان است.

🧿 پیامدهای امنیتی، حاکمیتی و فرهنگی

▿ الف. شکستن حاکمیت سرزمینی

جایگزینی مرزبندی ملی با مرزبندی تشکیلاتی به معنای فروپاشی تدریجی اقتدار حاکمیت‌هاست. کلاسترها زیر نظر نهاد فراملی اداره می‌شوند، نه دولت‌های محلی.

▿ ب. استقرار نهادهای ارزیابی عملکرد خارج از کنترل دولت‌ها

بیت‌العدل با ابزارهایی مثل مؤسسات منطقه‌ای، جلسات محلی، و آموزش‌های جهانی، ساختار نظارت و گزارش‌دهی موازی با دولت‌ها ایجاد می‌کند.

▿ ج. مهندسی اجتماعی هدف‌دار

هر کلاستر، مطابق با "نیازهای بومی"، برنامه فرهنگی-اجتماعی مختص خود را دریافت می‌کند؛ اما این برنامه‌ها از یک ستاد فراملی طراحی می‌شود، نه از مردم همان منطقه.

📌 همراستایی با الگوهای جهانی نفوذ

مدل بیت‌العدل برای «محدوده‌های جغرافیایی (کلاسترها) با برنامه رشد» منطبق است با:

الگوی Civic Clustering در پروژه‌های RAND برای خاورمیانه

ساختار Area-Based Programming (ABP) در سازمان‌های توسعه‌ای ملل متحد

نظام Multi-Cluster Coordination (MCC) در عملیات بشردوستانه اما نفوذی

☑ جمع‌بندی

پیام بیت‌العدل، در این بخش رسماً وارد مرحله «نقشه‌برداری استراتژیک از کره زمین» شده است. آنچه در ظاهر گسترش آیین بهائی نامیده می‌شود، در واقع طرحی برای استقرار ساختار موازی قدرت فرهنگی-اجتماعی در تمامی نقاط زمین است.

▧ محدوده جغرافیایی (کلاستر)، در این گفتمان، دیگر یک مرز ملی نیست؛ بلکه یک سلول قابل کنترل توسط تشکیلات است. این، نقشه‌ای برای جهانی‌سازی نرم از پایین به بالاست.

بررسی سازوکار تصرف خاک توسط بیت العدل

الف: اشغال خاک

▧ پروژه جهانی ۲۵ ساله بیت‌العدل؛ ساخت شبکه نفوذ در پوشش "اجتماع‌سازی"

📌 تحلیل امنیتی بر مبنای پیام رسمی بیت‌العدل – ۳۰ دسامبر ۲۰۲۱

🔗 لینک پیام (https://payamha-iran.org/document/350)

مقاله ۲۵:

▧ بازنگری در تقسیم‌بندی جغرافیایی توسط بیت‌العدل

📌 چگونه کلاسترهای بهائی جای مرزهای ملی را می‌گیرند

🎯 چکیده امنیتی

در این سند، بیت‌العدل رسماً دستور آغاز مرحله‌ی دوم پروژه‌ی جهانی‌سازی ساختارمند بهائی را صادر می‌کند:

▽ بازتعریف و تقسیم‌بندی جغرافیایی جهان بر اساس کارایی سازمانی آیین بهائی.

اصطلاحی که بارها در پیام تکرار شده – "محدوده جغرافیایی" – در واقع همان کلاستر است: یعنی یک واحد قابل کنترل و رشد از نظر اداری و نفوذ اجتماعی.

▦ تحلیل کلیدی عبارات

◇ «در اوّلین قدم، محافل روحانی ملّی و شوراهای منطقه‌ای...»

◇ کل فرآیند تقسیم‌بندی سرزمینی، از طریق یک سلسله‌مراتب تشکیلاتی جهانی با نظارت مرکز بیت‌العدل اداره می‌شود، نه مراجع محلی یا ملی.

◇ «آیا تعدیلی در طرحشان برای تقسیم‌بندی محدوده‌های جغرافیایی (کلاسترها) مثمر ثمر خواهد بود؟»

◇ تقسیم‌بندی قابل بازتعریف دائمی است؛ یعنی هر زمان که شرایط تغییر کند، مرزهای کلاستر بازطراحی می‌شود.

◇ «یک محدودهٔ جغرافیایی (کلاستر) ناحیه‌ای است که در آن فعالیت‌های نقشه را می‌توان به طریقی قابل اداره و پایدار به پیش برد.»

◇ کلاستر، یک منطقه سازمانی تحت برنامه‌ریزی راهبردی و قابل مدیریت است.

▧ این همان الگوی مدرن Cellular Geopolitics است که توسط اتاق‌های فکر آمریکایی نیز کاربرد دارد.

◇ «یادگیری‌های فراوانی در بارهٔ وسعت یک محدودهٔ جغرافیایی قابل اداره در مناطق مختلف جهان به دست آمده...»

◇ کلاسترینگ، پروژه‌ای جهانی مبتنی بر داده‌کاوی، تجربه میدانی و بازطراحی مستمر است.

⬢ پیامدهای امنیتی و اجتماعی این تقسیم‌بندی

▽ استقرار مرزهای موازی با مرزهای دولت‌ها

نقشه‌ی جدید تقسیمات غیردولتی بر مبنای توانایی مدیریت تشکیلات بهائی طراحی شده، نه ساختار سیاسی کشورها.

▽ ایجاد ساختارهای غیررسمی تصمیم‌گیری در درون کشورها

محافل، شوراها و نهادهای محلی تشکیلات بهائی تصمیم می‌گیرند چگونه مردم در آن کلاستر اداره شوند؛ از آموزش کودکان تا جلسات معنوی و ساختار «مشورت» اجتماعی.

▽ امکان گسترش نامتقارن و هدفمند نفوذ

در برخی نواحی پراکنده ممکن است کلاستر شکل نگیرد، اما در مناطق حساس و پُرجمعیت، تقسیمات دقیق‌تر و فعال‌تر طراحی می‌شود؛ یعنی سرمایه‌گذاری امنیتی و نفوذی هدفمند و متغیر در نقاط مختلف جهان.

⚲ مقایسه تطبیقی

این مدل مشابه است با:

طرح Global Engagement Clusters در وزارت خارجه آمریکا

مدل Provincialization Strategy در آفریقا برای تجزیه ملیت‌ها

ساختار Socio-Administrative Cluster Mapping سازمان‌های جهانی کلیساهای فراملی

☑ نتیجه‌گیری

بیت‌العدل مأموریت نقشه‌برداری مجدد جهان را بر اساس ظرفیت نفوذ بهائی صادر می‌کند.

◍ آنچه به ظاهر کمک به محافل و شوراها برای "تسهیل برنامه‌ها" است، در واقع استقرار لایه‌ای از حاکمیت موازی، مرزبندی نرم، و مهندسی اجتماعی غیرملی در مقیاس جهانی است.

⊖ این پروژه نقشه‌ای فراملی برای ساخت قدرت خارج از مرزهای حاکمیت قانونی کشورهاست، که نه در چارچوب دموکراسی عمل می‌کند، نه به دولت‌ها پاسخ‌گوست.

بررسی سازوکار تصرف خاک توسط بیت العدل

الف: اشغال خاک

▧ پروژه جهانی ۲۵ ساله بیت‌العدل؛ ساخت شبکه نفوذ در پوشش "اجتماع‌سازی"

📌 تحلیل امنیتی بر مبنای پیام رسمی بیت‌العدل – ۳۰ دسامبر ۲۰۲۱

🔗 لینک پیام (https://payamha-iran.org/document/350)

مقاله ۲۶:

▧ کلاسترینگ بهائی: تجزیه نرم حاکمیت‌ها و مسیر گام‌به‌گام به‌سوی حکومت جهانی

🎯 مقدمه تحلیلی

در این بخش از پیام بیت‌العدل، صریح‌تر از همیشه نقشه‌ی تشکیلات جهانی بهائی برای ساخت یک نظم جایگزین بر بستر کشورها، با تکیه بر ساختار «کلاستر» (محدوده جغرافیایی)، تشریح می‌شود.

📌 هدف: ایجاد تدریجی حاکمیت شبکه‌ای غیررسمی اما فراملی و فراحقوقی که بر مرزهای رسمی کشورها مقدم باشد.

🔍 تحلیل بند به بند پیام

◇ «حرکت محدوده‌های جغرافیایی (کلاسترها) در مسیر یک پیوستار توسعه، الگوی اساسی ترویج و تحکیم جامعه باقی خواهد ماند.»

▨ این جمله سنگ‌بنای راهبردی پروژه است.

پیوستار توسعه: خط پیش‌رونده‌ی برنامه‌ریزی‌شده برای ساخت اجتماعی

تحکیم جامعه: جایگزینی ساختارهای سنتی (دولت، مذهب، فرهنگ محلی) با نظم تشکیلاتی بهائی

◇ «سه نماد رشد: اول، دوم، سوم»

این نمادها سه مرحله نفوذ و تسلط بر جوامع محلی هستند:

نماد اول: تشکیل حداقلی شبکه مؤمنان و حلقه‌های آموزشی

نماد دوم: فعال‌سازی ساختارهای رسمی اداره (محفل محلی، کودک‌آموزی، نشست‌های مشورت)

نماد سوم: استقلال نسبی در مدیریت جامعه، بدون نیاز به بیرون (نهاد خوداداره)

▧ در نماد سوم کلاستر عملاً به یک «واحد اجتماعی مستقل» تبدیل می‌شود که می‌تواند با دولت‌ها و نهادهای بیرونی موازی، مستقل یا حتی گاه متضاد عمل کند.

⬣ ابعاد امنیتی و ژئوپولیتیکی

▿ شبیه‌سازی دولت‌سازی غیررسمی

گام‌به‌گام، در بیش از ۱۳۰۰ محدوده (کلاستر)، «خودمدیریتی بهائی» برقرار می‌شود؛

محفل‌ها جای شوراها، مشورت جای دموکراسی، و فرآیند "رشد" جای حاکمیت را می‌گیرد.

▿ حاکمیت فراملی جایگزین حاکمیت ملی

بیت‌العدل مسئول تصمیم‌گیری برای تقسیمات سرزمینی کشورها شده و با محافل «ملّی» برای بازتعریف نقشه‌ی درونی کشورها همکاری می‌کند.

☑ این همان الگویی است که در طرح‌های استعماری نرم برای بازترسیم خاورمیانه و آفریقا پیگیری شده است.

▿ دولت سایه تشکیلاتی با مرکزیت حیفا

تمام اطلاعات، برآوردها و برنامه‌های ملی کشورها باید به مرکز بیت‌العدل ارسال شود.

▧ بیت‌العدل عملاً مانند یک دولت موازی جهانی، از همه کشورها نقشه، ظرفیت نفوذ، نرخ پیشرفت و پایگاه‌های فعال دریافت می‌کند.

📌 هدف نهایی: حکومت جهانی بهائی

در پایان پیام آمده است:

«آنگاه این مشتاقان قادر خواهند بود تا در رضوان جمع، اهداف و آمال عالم بهائی را برای نقشهٔ نه‌ساله اعلام

نمایند.»

🟢 این جمله کلید طلایی پیام است.

آرمان «عالم بهائی» یعنی تشکیل جامعه جهانی بهائی با ساختار رسمی، برنامه رشد، حاکمیت معنوی و استقلال تصمیم‌گیری.

📌 روند شکل‌گیری جامعه بهائی جهانی

در ادبیات بیت‌العدل:

شبکه معنوی ← ساختار اجتماعی ← نظم جهانی بدیل ← تمدن جهانی نوین بهائی

بنیاد همه این مراحل، کلاسترها (محدوده‌های جغرافیایی) هستند که امروزه به بیش از ۲۲٬۰۰۰ مورد در سراسر جهان رسیده‌اند.

☑ جمع‌بندی

این بخش از پیام سند استراتژیک بلندمدت است برای:

ساخت شبکه‌ای از جوامع خوداداره در کشورهای مختلف

پیاده‌سازی ساختار قدرت معنوی و اداری جایگزین دولت‌های ملی

گسترش نفوذ بیت‌العدل به عنوان مرجع نهایی برنامه‌ریزی، تصمیم‌گیری و هدایت اجتماعی-معنوی

⬤ تمام این مسیر با عباراتی چون «رشد»، «مشورت»، «وحدت» و «آموزش اخلاقی» پوشیده شده، در حالی که در لایه زیرین آن، نقشه‌ای دقیق و سیستماتیک برای ساخت نظم جهانی بدیل پیش می‌رود.

▧ بررسی سازوکار تصرف خاک توسط بیت العدل

الف : اشغال خاک

▧ پروژه جهانی ۲۵ ساله بیت‌العدل؛ ساخت شبکه نفوذ در پوشش "اجتماع‌سازی"

📌 تحلیل امنیتی بر مبنای پیام رسمی بیت‌العدل – ۳۰ دسامبر ۲۰۲۱

🔗 لینک پیام (https://payamha-iran.org/document/350)

مقاله ۲۷:

تحلیل استراتژیک تشکیلات بهائی بر اساس نقشه جهانی – بازنگری با تکیه بر ساختار سه‌مرحله‌ای رشد

🎯 مقدمه: نظم جایگزین چگونه ساخته می‌شود؟

در پیام بیت‌العدل، ما با یک طرح کلان برای بازمهندسی تمدن بشری از طریق بازسازی واحدهای اجتماعی مواجه هستیم. موتور این بازسازی، آن چیزی است که به زبان کدگذاری‌شده‌ی تشکیلات بهائی، «سه نماد رشد» نام دارد. اکنون با شفاف‌سازیِ واقعیت آن:

نماد رشد ۱ = رخنه اولیه در اجتماع خام از طریق جذب محدود (حدود ۱۰ نفر) در قالب فعالیت اجتماعی / NGO

نماد رشد ۲ = فعال‌سازی همان ۱۰ نفر برای راه‌اندازی پروژه‌های مشابه و تکثیر شبکه

نماد رشد ۳ = رشد نسلی و خودتکرار شونده (۱۰۰ نفر تبدیل به مربی ۱۰۰۰ نفر)

🧩 بازتحلیل بند به بند پیام با تمرکز بر ساختار سه‌گانه رشد

◇ بخش اول: نفوذ به لایه‌های اجتماعی خام

«...حرکت محدوده‌های جغرافیایی در مسیر یک پیوستار توسعه، الگوی اساسی ترویج و تحکیم جامعه باقی خواهد ماند...»

تحلیل: این همان روند سه‌مرحله‌ای نفوذ است: نماد ۱ (فرد)، نماد ۲ (شبکه) و نماد ۳ (هرمی). هر کلاستر مثل یک سلول خودتکثیر طراحی می‌شود.

◇ بخش دوم: سنجش رشد براساس عمل‌گرایی، نه ایمان

«...ویژگی‌های مسیر توسعه که باید دنبال شود، به خصوص اول، دوم و سومین نماد رشد...»

تحلیل: موفقیت بر اساس توانایی جذب، تربیت و تکثیر نیرو اندازه‌گیری می‌شود، نه اعتقاد قلبی. پروژه‌ای بسیار تکنوکراتیک.

◇ بخش سوم: هدف نهایی – شبکه‌ای گسترده با قابلیت کنترل

«...در پایان نقشه جاری در بیش از ۶۰۰۰ محدوده جغرافیایی برنامه‌های رشد در حال اجرا باشد...»

تحلیل: با سه نماد رشد، ۶۰۰۰ کلاستر می‌تواند میلیون‌ها نیروی فعال ایجاد کند، بدون آنکه ظاهر تشکیلاتی داشته باشند.

◇ بخش چهارم: بازتعریف مرز بر پایه قابلیت اداره

«...تقسیم‌بندی محدوده‌های جغرافیایی بر اساس قابلیت اداره‌پذیری...»

تحلیل: مرزها براساس قادر بودن برای کنترل اجتماعی تعیین می‌شوند،

▨ بررسی سازوکار تصرف خاک توسط بیت‌العدل

الف: اشغال خاک

▧ پروژه جهانی ۲۵ ساله بیت‌العدل؛ ساخت شبکه نفوذ در پوشش "اجتماع‌سازی"

📌 تحلیل امنیتی بر مبنای پیام رسمی بیت‌العدل – ۳۰ دسامبر ۲۰۲۱

🔗 لینک پیام (https://payamha-iran.org/document/350)

مقاله ۲۸

🔍 تحلیل مفهومی: چگونه ساختار رشد در کشورهای خام عملیاتی می‌شود؟

◇ نقطه تمرکز: استقرار هسته‌های رشد سطح ۳ در هر کشور

«در هر کشور و هر منطقه حداقل در یک محدوده جغرافیایی (کلاستر) باید به سومین نماد رشد برسند...»

📌 تحلیل:

تشکیلات بهائی نمی‌خواهد رشد در همه‌جا به‌صورت یکنواخت باشد، بلکه می‌خواهد در هر کشور دست‌کم یک نقطه‌ی الگو با رشد مرحله سوم شکل گیرد.

چرا؟ چون آن نقطه تبدیل به مرکز تکثیر فرهنگی، اجتماعی، و آموزشی برای مناطق اطراف می‌شود — مثل ژنراتوری که خودش انرژی تولید می‌کند و شعاع رشد را به اطراف صادر می‌نماید.

◇ ترجمه واقعی این سیاست:

ایجاد «یک مرکز مادر» در هر کشور که از نماد ۳ عبور کرده است

اعزام نیرو از این مرکز به مناطق اطراف برای راه‌اندازی نماد رشد ۱ جدید

انتقال تجربیات، منابع و مربیان از بالا به پایین

همانندسازی الگو به‌صورت سیستماتیک

🚨 نقش کلیدی مهاجرین — طرح استراتژیک اعزام کادرهای پنهان

«اعزام گروه‌های مهاجرین بین‌المللی و داخلی آشنا به چارچوب عمل...»

📌 تحلیل:

این بند اشاره‌ای آشکار به عملیات نفوذ نرم بلندمدت است. مهاجرینی که به ظاهر در کمک یا کار فرهنگی فعال‌اند، اما در واقع:

با نقشه جهانی، ساختار رشد و اهداف بلندمدت کاملاً آشنا هستند

توان جذب اولیه (نماد ۱)، تکثیر (نماد ۲) و پرورش شبکه فرعی (نماد ۳) را دارند

چند سال در منطقه مستقر می‌مانند تا ساختار را پایدار کنند

به‌عنوان رهبران نامرئی تشکیلات، ولی در ظاهر فعال اجتماعی محلی هستند

🌍 پروژه‌ی استقرار شبکه‌ی جهانی — از نقطه به شبک

ه

«...همین که دوستان در یک محدوده جغرافیایی قابلیت‌های لازم را کسب کنند... تسریع در محدوده‌های اطراف ممکن می‌شود.

»

📌 تحلیل:

استراتژی این‌گونه است:

انتخاب منطقه هدف

استقرار نیروی نماد رشد ۱

فعال‌سازی نمادهای

▧ بررسی سازوکار تصرف خاک توسط بیت‌العدل

الف : اشغال خاک

▧ پروژه جهانی ۲۵ ساله بیت‌العدل؛ ساخت شبکه نفوذ در پوشش "اجتماع‌سازی"

📌 تحلیل امنیتی بر مبنای پیام رسمی بیت‌العدل – ۳۰ دسامبر ۲۰۲۱

🔗 لینک پیام (https://payamha-iran.org/document/350)

🎯 مقاله ۲۹

🔍 تحلیل گام‌به‌گام فرایند جذب، بر اساس متن پیام

۱. توسعه مهارت «گفتگوهای روحانی» – ابزار ارتباطی استراتژیک

«...قابلیت اشتغال به گفتگوهایی در مضامین روحانی... از طریق مؤسسه آموزشی و تجربیات عملی...»

📌 تحلیل:
در ظاهر، این مهارت‌ها به عنوان “تعلیم” یا “مکالمه انسانی” عرضه می‌شوند؛ اما در باطن، تکنیک‌هایی هستند برای انتقال تدریجی مفاهیم اعتقادی آیین بهائی به مخاطبانی که هنوز وارد دین نشده‌اند.
🧩 این گفتگوها از تبلیغ مستقیم سنتی فاصله گرفته و بر «فضاسازی ذهنی» برای پذیرش کلیات بینشی تأکید دارند، نه جزئیات عقیدتی.
۲. فاز همبستگی اجتماعی بدون الزام آیینی

«...خود را هم‌بسته به جامعه بهائی می‌شمارند... جامعه نیز از هرگونه میزان ارتباطی استقبال می‌کند...»
📌 تحلیل:
بیت‌العدل به شکل شفاف مدل «عضویت ذهنی قبل از عضویت رسمی» را پیاده می‌کند:
فرد هنوز بهایی نشده
در کلاس‌های روحی، دعاها، جلسات رشد و پروژه‌های اجتماعی حضور دارد
به مرور احساس تعلق و هم‌هویتی با گروه پیدا می‌کند
جو جامعه اعتماد و پیوند عاطفی می‌سازد
🎯 این تکنیک دقیقاً در روان‌شناسی تبلیغاتی به عنوان «منحنی پیوست تدریجی» شناخته می‌شود.
۳. نقطه عطف: لحظه عضویت رسمی و تمایز آن از فعالیت عموم
ی
«...شناخت حضرت بهاءالله به عنوان مظهر ظهور الهی... لحظه‌ای است بی‌نظیر... کاملاً متمایز از مشارکت در فعالیت‌های بهائی.
»
📌 تحلیل:
تفکیک “مشارکت در فضا” و “پذیرش رسمی مذهب” کلید درک پروژه‌ی کلاستر است.
فعالیت‌های اجتماعی آموزشی فقط مرحله‌ی اول‌اند؛
هدف نهایی، تسخیر قلب و ذهن تا پذیرش رسمی کامل است.
این گام حتی می‌تواند به‌صورت گروهی تجربه شود — مثلاً خانواده یا حلقه دوستان.
۴. همبستگی دسته‌جمعی – تکنیک هم‌زمان‌سازی پذ
یرش
«...فضاهایی که امکان پیوستن به جامعه را بتوان واضحاً مورد بحث قرار داد، نفوس می‌توانند با اطمینان این گام را با یکدیگر بردارن
د.»
📌 تحلیل:
این مدل از تبلیغ، دیگر فردمحور نیست، بلکه خانواده‌محور و گروهی است.
نتیجه؟ کاهش فشار روانی فرد و ایجاد «امنیت جمعی» برای پذیرش دین.

در روان‌شناسی اجتماعی، این روش به‌نام social reinforcement conversion شناخته می‌شود.

۵. نقش نهادهای محلی در هموارسازی این ف

رایند

«محافل روحانی محلی باید ذهنیتی اتخاذ نمایند که چنین تحولی را میسر س

ازد...»

📌 تحلیل:

نهادهای بهائی مکلف‌اند:

مسیر جذب را ساده، طبیعی و بدون مقاومت نشان دهند

موانع اجتماعی، فرهنگی و دینی برای پیوستن را رفع کنند

پذیرفتن دین را به عنوان «نتیجه طبیعی» تعامل اجتماعی معرفی کنند

🎯 جمع‌بندی نهایی

☑ فاز نهایی و اجرایی پروژه‌ی جهانی کلاسترها این‌گونه تعریف شده:

یک ساختار اجتماعی غیردولتی و ظاهراً فرهنگی، درعمل یک شبکه‌ی هویتی خودتکثیرشونده با نظم تشکیلاتی خاص است و در حال جایگزینی نرم هویت‌های بومی و ملی است.

☑ هدف نهایی:

نه فقط گسترش دین؛

بلکه جای‌دادن جامعه بهائی به‌عنوان جامعه‌ای «ارزش‌محور» جایگزین، چه با آگاهی و چه بدون آگاهی نفوس محلی — که ذوب می‌شوند و بخشی از ساختار جهانی آن می‌گردند.

▧ بررسی سازوکار تصرف خاک توسط بیت العدل

الف: اشغال خاک

▧ پروژه جهانی ۲۵ ساله بیت‌العدل؛ ساخت شبکه نفوذ در پوشش «اجتماع‌سازی»

📌 تحلیل امنیتی بر مبنای پیام رسمی بیت‌العدل – ۳۰ دسامبر ۲۰۲۱

🔗 لینک پیام: https://payamha-iran.org/document/350

▧ **مقاله ۳۰**

🎓 تحلیل آکادمیک: مفهوم «تسخیر قلب و ذهن» در پروژه‌های جهانی آیین بهائی و پیامدهای فرهنگی-اجتماعی آن

✳ مقدمه

در متون و پیام‌های بیت‌العدل اعظم، اصطلاحاتی همچون «تسخیر قلب و ذهن» به کرّات به کار رفته است (پیام ۳۰ دسامبر ۲۰۲۱، لینک: payamha-iran.org/document/350).

این عبارات در ظاهر به معنای جذب پیروان و ترویج تعالیم حضرت بهاءالله است، اما بررسی دقیق‌تر نشان می‌دهد که این اصطلاح بخشی از یک پروژه کلان با ابعاد فرهنگی، اجتماعی و سیاسی است که هدف آن تغییر بنیادین بافت جمعیتی و فرهنگی در مناطق جغرافیایی (کلاسترها) مختلف جهان است.

🧠 «تسخیر قلب و ذهن» به مثابه فرایند تغییر بافت جمعیتی و فرهنگی

این فرایند چند مرحله‌ای، شامل موارد زیر است:

- جذب نفوس مستعد و تغییر هویت جمعی

فرایندی هدفمند برای جذب افراد، خانواده‌ها و گروه‌ها به کلاس‌های آموزشی روحی و مشارکت در پروژه‌های اجتماعی تحت چارچوب بهائی، که منجر به شکل‌گیری هویت نوین اجتماعی مبتنی بر تعالیم بهائی می‌شود.

- تشکیل ساختارهای اجتماعی جدید

ایجاد شبکه‌های محافل روحانی و شوراهای منطقه‌ای که به‌تدریج جایگزین ساختارهای سنتی و فرهنگی بومی می‌شوند.

- تضعیف و جایگزینی فرهنگ بومی

با گسترش نفوذ اجتماعی و فرهنگی آیین بهائی، تدریجاً فرهنگ‌های محلی و سنتی به حاشیه رانده شده و سبک زندگی و ارزش‌های بهائی جایگزین آن‌ها می‌شود.

🌍 پیامدهای فرهنگی و سیاسی

پیچیدگی این فرایند، فراتر از تبلیغ دینی ساده است و اهداف سیاسی و حکومتی ضمنی دارد:

❌ محو تدریجی فرهنگ بومی و ملی

کاهش هویت‌های محلی به نفع یک هویت فرا-ملی بهائی که دارای چشم‌اندازی جهانی است.

🌐 ایجاد تعلقات اجتماعی نوین

افراد، خانواده‌ها و جوامع به‌جای تعلق به گروه‌های بومی، خود را بخشی از جامعه جهانی بهائی می‌دانند.

⚠️ زمینه‌سازی برای تغییرات حکومتی

این فرایند فرهنگی، مقدمهٔ اشغال نرم و تدریجی جامعه است که به دنبال آن تغییرات سیاسی و ایجاد حکومت جهانی بهائی ممکن می‌گردد.

📊 نتایج و تحلیل

اسناد بهائی به طور مکرر بر اهمیت «تسخیر قلب و ذهن» به‌عنوان پیش‌نیاز تحقق برنامه‌های جهانی تأکید دارند.

این تلاش‌ها با:

گسترش برنامه‌های آموزشی

اعزام مهاجرین بین‌المللی

ایجاد شبکه‌های حمایت اجتماعی

در نهایت منجر به تحمیل یک الگوی فرهنگی و اجتماعی می‌شود که مستلزم تغییر عمیق در ساختارهای محلی است (پیام ۳۰ دسامبر ۲۰۲۱).

این تغییر فرهنگی، اساس یک پروژه گسترده برای شکل‌گیری حکومت جهانی بهائی است که تمام جهان را زیر نفوذ و کنترل خود می‌گیرد.

🎯 جمع‌بندی

«تسخیر قلب و ذهن» در پروژه‌های آیین بهائی، فراتر از تبلیغ صرف دینی، بخشی از یک استراتژی سازمان‌یافته

برای:

تغییر بافت جمعیتی

محو فرهنگ‌های بومی

ایجاد نظام حکومتی نوین با پایه‌های اجتماعی-فرهنگی جدید

📌 این فرایند، زمینه‌ساز تحقق حکومت جهانی بهائی است که از طریق تسخیر فرهنگی، به دنبال کنترل و اشغال سیاسی جهان می‌باشد.

▧ بررسی سازوکار تصرف خاک توسط بیت‌العدل

الف: اشغال خاک

▧ پروژه جهانی ۲۵ ساله بیت‌العدل؛ ساخت شبکه نفوذ در پوشش «اجتماع‌سازی»

📌 تحلیل امنیتی بر مبنای پیام رسمی بیت‌العدل – ۳۰ دسامبر ۲۰۲۱

🔗 لینک پیام: https://payamha-iran.org/document/350

▧ مقاله ۳۱

🎓 تحلیل آکادمیک: مفهوم «تسخیر قلب و ذهن» در پروژه‌های جهانی آیین بهائی و پیامدهای فرهنگی-اجتماعی آن

✳ مقدمه

در متون و پیام‌های بیت‌العدل اعظم، اصطلاحاتی همچون «تسخیر قلب و ذهن» به کرّات به کار رفته است (پیام ۳۰ دسامبر ۲۰۲۱، لینک: payamha-iran.org/document/350).

این عبارات در ظاهر به معنای جذب پیروان و ترویج تعالیم حضرت بهاءالله است، اما بررسی دقیق‌تر نشان می‌دهد که این اصطلاح بخشی از یک پروژه کلان با ابعاد فرهنگی، اجتماعی و سیاسی است که هدف آن تغییر بنیادین بافت جمعیتی و فرهنگی در مناطق جغرافیایی (کلاسترها) مختلف جهان می‌باشد.

🧠 «تسخیر قلب و ذهن» به مثابه فرایند تغییر بافت جمعیتی و فرهنگی

این فرایند چند مرحله‌ای، شامل موارد زیر است:

◇ جذب نفوس مستعد و تغییر هویت جمعی

فرایندی هدفمند برای جذب افراد، خانواده‌ها و گروه‌ها به کلاس‌های آموزشی روحی و مشارکت در پروژه‌های اجتماعی تحت چارچوب بهائی، که منجر به شکل‌گیری هویت نوین اجتماعی مبتنی بر تعالیم بهائی می‌شود.

◇ تشکیل ساختارهای اجتماعی جدید

ایجاد شبکه‌های محافل روحانی و شوراهای منطقه‌ای که به‌تدریج جایگزین ساختارهای سنتی و فرهنگی بومی می‌شوند.

◇ تضعیف و جایگزینی فرهنگ بومی

با گسترش نفوذ اجتماعی و فرهنگی آیین بهائی، تدریجاً فرهنگ‌های محلی و سنتی به حاشیه رانده شده و سبک زندگی و ارزش‌های بهائی جایگزین آن‌ها می‌گردد.

🌍 پیامدهای فرهنگی و سیاسی

پیچیدگی این فرایند، فراتر از تبلیغ دینی ساده است و اهداف سیاسی و حکومتی ضمنی دارد:

❌ محو تدریجی فرهنگ بومی و ملی

کاهش هویت‌های محلی به نفع یک هویت فرا-ملی بهائی که دارای چشم‌اندازی جهانی است.

🌐 ایجاد تعلقات اجتماعی نوین

افراد، خانواده‌ها و جوامع به‌جای تعلق به گروه‌های بومی، خود را بخشی از جامعه جهانی بهائی می‌دانند.

⚠ زمینه‌سازی برای تغییرات حکومتی

این فرایند فرهنگی، مقدمهٔ اشغال نرم و تدریجی جامعه است که به دنبال آن تغییرات سیاسی و ایجاد حکومت جهانی بهائی ممکن می‌گردد.

📊 نتایج و تحلیل

اسناد بهائی به طور مکرر بر اهمیت «تسخیر قلب و ذهن» به‌عنوان پیش‌نیاز تحقق برنامه‌های جهانی تأکید دارند.

این تلاش‌ها با:

گسترش برنامه‌های آموزشی

ارسال مهاجرین بین‌المللی

ایجاد شبکه‌های حمایت اجتماعی

در نهایت منجر به تحمیل یک الگوی فرهنگی و اجتماعی می‌شود که مستلزم تغییر عمیق در ساختارهای محلی است (پیام ۳۰ دسامبر ۲۰۲۱).

📌 این تغییر فرهنگی، اساس یک پروژه گسترده برای شکل‌گیری یک حکومت جهانی بهائی است که تمام جهان را زیر نفوذ و کنترل خود می‌گیرد.

🎯 جمع‌بندی

«تسخیر قلب و ذهن» در پروژه‌های آیین بهائی، فراتر از تبلیغ صرف دینی، بخشی از یک استراتژی سازمان‌یافته برای:

تغییر بافت جمعیتی

محو فرهنگ‌های بومی

ایجاد نظام حکومتی نوین با پایه‌های اجتماعی-فرهنگی جدید

📌 این فرایند، زمینه‌ساز تحقق حکومت جهانی بهائی است که از طریق تسخیر فرهنگی، به دنبال کنترل و اشغال سیاسی جهان می‌باشد.

▧ بررسی سازوکار تصرف خاک توسط بیت‌العدل

الف: اشغال خاک

▧ پروژه جهانی ۲۵ ساله بیت‌العدل؛ ساخت شبکه نفوذ در پوشش «اجتماع‌سازی»

📌 تحلیل امنیتی بر مبنای پیام رسمی بیت‌العدل – ۳۰ دسامبر ۲۰۲۱

🔗 لینک پیام: https://payamha-iran.org/document/350

▧ **مقاله ۳۲**

🏗 ساختار کلاسترها و نقش آن‌ها در توسعه سازمانی آیین بهائی

✳ مقدمه

یکی از مهم‌ترین ارکان برنامه‌های توسعه و رشد آیین بهائی در سطح جهانی، تقسیم‌بندی جغرافیایی تحت عنوان «کلاستر» (محدوده جغرافیایی) است.

این کلاسترها، واحدهای سازمانی-اجتماعی محسوب می‌شوند که با هدف مدیریت بهتر، کنترل و نظارت بر فعالیت‌های تبلیغی، آموزشی و اجتماعی در هر منطقه یا کشور تشکیل شده‌اند.

📌 تعریف و کارکرد کلاستر

کلاسترها، نواحی جغرافیایی معینی هستند که بر اساس معیارهای خاصی تعیین می‌شوند تا فعالیت‌های آیین بهائی در آن‌ها به شکلی قابل اداره و پایدار پیش برود.

این تقسیم‌بندی به‌منظور تسهیل مدیریت منابع انسانی، برنامه‌ریزی رشد و پیگیری اهداف نقشه‌های جهانی آیین بهائی صورت می‌گیرد.

📈 روند توسعه و رشد در کلاسترها

بر اساس پیام‌های بیت‌العدل اعظم، در هر کلاستر چندین نماد رشد تعریف شده که مراحل مختلف جذب، آموزش و پرورش پیروان را مشخص می‌کند:

نماد رشد یک: فرد نخستین جذب‌شده، افراد محدودی را در فعالیت‌های اجتماعی و آموزشی پوشش می‌دهد.

نماد رشد دو و سه: مراحل پیشرفته‌تری که شامل تربیت نسل‌های بعدی و گسترش شبکه‌های اجتماعی می‌شود.

🔄 این روند، طی یک دوره زمان‌بندی‌شده و طبق برنامه‌های نقشه‌های جهانی اجرا می‌گردد.

🧩 نقش نهادهای فرامنطقه‌ای و معاونین

نقشه‌های آیین بهائی بارها بر همکاری میان محافل روحانی ملی، شوراهای منطقه‌ای، معاونین و مشاورین قاره‌ای تأکید کرده‌اند.

این معاونین که در پیام اخیر نیز به آن‌ها اشاره شده، نقش:

طراح

ناظر

کنترل‌کننده

نقشه‌های رشد در کلاسترها را برعهده دارند.

👁 آن‌ها زیر نظر نهاد دارالتبلیغ فعالیت می‌کنند.

🏛 دارالتبلیغ به‌عنوان مرکز هدایت و هماهنگی فعالیت‌های تبلیغی و توسعه‌ای آیین بهائی، با مدیریت این معاونین، بر پیشرفت نقشه‌ها در سطح جهانی نظارت دارد.

🌍 اهمیت کلاسترها در اجرای نقشه‌های جهانی

حرکت هدفمند و برنامه‌ریزی‌شده در هر کلاستر، از طریق:

تدوین برنامه‌های رشد

حمایت از مهاجرین

تقویت فعالیت‌های تبلیغی و آموزشی

مبنای تحقق اهداف نقشه‌های نه‌ساله و پنج‌ساله آیین بهائی است.

این فعالیت‌ها باعث:

تسریع رشد جمعیت بهائی

ترویج تعالیم بهاءالله

تحکیم پایه‌های اجتماعی جامعه بهائی می‌شود.

جمع‌بندی

کلاسترها به‌عنوان واحدهای عملیاتی و مدیریتی در ساختار آیین بهائی، نقش کلیدی در پیشبرد اهداف توسعه و ترویج آیین دارند.

کنترل و نظارت متمرکز از طریق معاونین قاره‌ای و دارالتبلیغ، نشان‌دهنده‌ی سازمان‌یافتگی عمیق و فراملی این پروژه است.

بررسی سازوکار تصرف خاک توسط بیت‌العدل

الف: اشغال خاک

پروژه جهانی ۲۵ ساله بیت‌العدل؛ ساخت شبکه نفوذ در پوشش «اجتماع‌سازی»

تحلیل امنیتی بر مبنای پیام رسمی بیت‌العدل – ۳۰ دسامبر ۲۰۲۱

لینک پیام: https://payamha-iran.org/document/350

مقاله ۳۳

نقد ساختار معاونین قاره‌ای و سازمان دارالتبلیغ: کودتای نرم و نقض حاکمیت ملی

مقدمه

یکی از مهم‌ترین ابعاد نقشه‌های توسعه آیین بهائی، وجود نهادهای فرامنطقه‌ای به نام «معاونین» یا مشاورین قاره‌ای است که زیر نظر مرکزی به نام دارالتبلیغ فعالیت می‌کنند.

این نهاد، طبق اسناد و پیام‌های بهائی، در اسرائیل مستقر است و هدایت مستقیم این معاونین را بر عهده دارد.

بررسی دقیق این ساختار از زاویه امنیت ملی و حقوق بین‌الملل نشان می‌دهد که این نوع مدیریت مرکزی، در عمل به منزله‌ی یک کودتای نرم بر حاکمیت ملی کشورهای میزبان است.

ساختار و وظایف معاونین قاره‌ای

معاونین قاره‌ای نقش کلیدی در طراحی، کنترل و نظارت بر اجرای برنامه‌های توسعه و تبلیغ در محدوده‌های جغرافیایی (کلاسترها) ایفا می‌کنند.

آن‌ها با هماهنگی مستقیم با دارالتبلیغ در اسرائیل، در موارد زیر فعالیت دارند:

تقسیم‌بندی جغرافیایی

اعزام نیروهای مهاجر

مدیریت فعالیت‌های آیین بهائی

این فرایند به‌صورت سازمان‌یافته و بدون حضور یا مشارکت دولت‌های ملی پیش می‌رود.

🏛 مرکزیت دارالتبلیغ در اسرائیل و اهمیت آن

مرکز دارالتبلیغ، به‌عنوان نهاد مدیریتی فرامنطقه‌ای، در اسرائیل قرار دارد. این موقعیت جغرافیایی از دو بُعد مهم است:

🔐 امنیتی: ارتباط مستقیم با کشوری حساس از نظر ژئوپلیتیک، می‌تواند تهدیدی بالقوه برای امنیت داخلی سایر کشورها محسوب شود.

🏴‍☠️ حاکمیتی: کنترل مرکزی از راه دور، دخالت در امور داخلی است و نقض آشکار استقلال سیاسی و حاکمیت ملی تلقی می‌شود.

🛑 ابعاد نقض حاکمیت و تهدیدات امنیتی

🚧 دخالت در بافت جمعیتی

اعزام گروه‌های مهاجر تحت پوشش فعالیت‌های آموزشی و تبلیغی، می‌تواند منجر به تغییرات جمعیتی بدون اطلاع و رضایت دولت‌ها گردد.

❗ فعالیت‌های فراملی و غیرشفاف

ساختارهای مدیریتی بدون وابستگی رسمی، مانع نظارت مؤثر دولت‌ها بر فعالیت‌های داخلی کشورشان می‌شود.

🕶 کودتای نرم

به‌جای اعمال مستقیم قدرت سیاسی یا نظامی، نفوذ فرهنگی و اجتماعی سازمان‌یافته در قالب «نقشه‌های توسعه»، کنترل آرام و تدریجی محیط محلی را به‌دست می‌گیرد. این روند نوعی کودتای نرم تلقی می‌شود.

⚠ پیامدهای احتمالی

تضعیف نهادهای حاکمیتی محلی و کاهش استقلال تصمیم‌گیری

ایجاد تنش‌های اجتماعی ناشی از تغییرات ناگهانی فرهنگی و جمعیتی

تهدید به امنیت ملی به دلیل فعالیت‌های زیرپوستی و کنترل‌شده

تعارض با قوانین ملی و بین‌المللی مربوط به حاکمیت، مهاجرت و امنیت داخلی

🧭 جمع‌بندی

وجود معاونین قاره‌ای به‌عنوان نمایندگان یک ساختار متمرکز در اسرائیل، که مدیریت فعالیت‌های جهانی آیین بهائی را برعهده دارند، فراتر از یک فعالیت صرفاً دینی یا فرهنگی است.

🔍 این ساختار، ابعاد سیاسی، امنیتی و حقوقی پیچیده‌ای دارد.

دولت‌ها باید نسبت به این روند هوشیار باشند و با بررسی‌های دقیق، راهکارهای قانونی و امنیتی لازم را اتخاذ کنند تا از نقض حاکمیت ملی و تهدیدهای بالقوه پیشگیری شود.

▧ بررسی سازوکار تصرف خاک توسط بیت‌العدل

الف: اشغال خاک

▧ پروژه جهانی ۲۵ ساله بیت‌العدل؛ ساخت شبکه نفوذ در پوشش «اجتماع‌سازی»

📌 تحلیل امنیتی بر مبنای پیام رسمی بیت‌العدل – ۳۰ دسامبر ۲۰۲۱

🔗 لینک پیام: https://payamha-iran.org/document/350

▧ **مقاله ۳۴**

🚨 نقد ساختار معاونین قاره‌ای و سازمان دارالتبلیغ: کودتای نرم و نقض حاکمیت ملی

✳ مقدمه

در نظام توسعه و تبلیغ آیین بهائی، ساختاری پیچیده و فرامنطقه‌ای به نام «معاونین قاره‌ای» وجود دارد که تحت نظارت مرکزی به نام دارالتبلیغ در اسرائیل اداره می‌شود.

🔍 این ساختار فرامرزی، مستقیماً در هدایت و کنترل برنامه‌های توسعه دینی در کشورهای مختلف دخالت دارد. بررسی دقیق آن نشان می‌دهد که از منظر امنیت ملی و حاکمیت سیاسی، می‌توان آن را مصداق یک کودتای نرم فرهنگی و اجتماعی دانست.

🧩 ساختار و عملکرد معاونین قاره‌ای

معاونین قاره‌ای نقش اساسی در برنامه‌ریزی، نظارت و هدایت فعالیت‌های بهائی در محدوده‌های جغرافیایی (کلاسترها) ایفا می‌کنند.

🔄 این افراد تحت فرمان دارالتبلیغ مرکزی در اسرائیل، وظایف زیر را به‌عهده دارند:

تقسیم‌بندی مناطق

اعزام نیروهای مهاجر به کلاسترها

پیشبرد برنامه‌های تبلیغی

این اقدامات بدون هماهنگی رسمی و شفاف با دولت‌های ملی انجام می‌شود.

☠ مرکزیت دارالتبلیغ در اسرائیل: مسئله امنیتی و سیاسی

قرار گرفتن دارالتبلیغ در اسرائیل، کشوری با موقعیت ژئوپلیتیک حساس، تهدیدات مختلفی را برای امنیت و حاکمیت کشورها به همراه دارد:

🔐 تهدید امنیت ملی: ارتباط با کشوری پرتنش می‌تواند زمینه‌ساز نفوذ و فعالیت‌های غیرشفاف در کشورهای میزبان شود.

⛔ نقض حاکمیت ملی: کنترل مدیریتی از راه دور و بدون دخالت نهادهای رسمی، نقض استقلال سیاسی و حاکمیت ملی است.

🕶 ابعاد نقض حاکمیت و کودتای نرم فرهنگی

🧬 تغییر بافت جمعیتی

اعزام نیروهای مهاجر تحت پوشش تبلیغ و آموزش، بدون رضایت دولت‌ها، باعث تغییرات فرهنگی و جمعیتی می‌شود که تهدیدی برای انسجام ملی است.

❗ فعالیت‌های پنهان و غیرشفاف

ساختار مدیریتی پیچیده و فرامرزی موجب عدم نظارت مؤثر دولت‌ها بر فعالیت‌های بهائی در خاکشان می‌شود.

🧠 کودتای نرم

نفوذ برنامه‌ریزی شده و تدریجی در بافت فرهنگی و اجتماعی، بدون تقابل مستقیم، منجر به کنترل آرام و غیرمستقیم نهادهای محلی می‌شود؛ بدون آنکه واکنش آشکار یا مقاومتی صورت گیرد.

⚠️ پیامدهای امنیتی و حقوقی

کاهش توان حاکمیت ملی در مدیریت امور داخلی و فرهنگی

ایجاد تنش‌های اجتماعی ناشی از تغییرات ناگهانی جمعیتی و فرهنگی

تضاد با قوانین ملی درباره مهاجرت، امنیت داخلی و استقلال سیاسی

بروز نگرانی‌های حقوق بشری و ایجاد پرونده‌های امنیتی به علت فعالیت‌های غیرشفاف

توصیه‌ها و ضرورت هوشیاری

دولت‌ها باید نسبت به ساختارهای فرامنطقه‌ای نظیر معاونین قاره‌ای و دارالتبلیغ در اسرائیل حساس باشند.

☑ پیشنهادات اجرایی:

تشکیل کمیته‌های تخصصی جهت بررسی امنیتی، حقوقی و سیاسی این نهادها

تدوین سیاست‌های شفاف‌ساز

نظارت مؤثر بر فعالیت‌های اجتماعی و مهاجرتی

تنظیم چارچوب‌های قانونی برای جلوگیری از نفوذ غیرمجاز

▧ بررسی سازوکار تصرف خاک توسط بیت العدل

الف: اشغال خاک

▧ پروژه جهانی ۲۵ ساله بیت‌العدل؛ ساخت شبکه نفوذ در پوشش «اجتماع‌سازی»

تحلیل امنیتی بر مبنای پیام رسمی بیت‌العدل – ۳۰ دسامبر ۲۰۲۱

لینک پیام: https://payamha-iran.org/document/350

▧ **مقاله ۳۵**

نقد و تحلیل «یادگیری از محدوده‌های جغرافیایی پیشرفته»

کلاستر کردن و محدوده جغرافیایی کردن به مثابه اشغال خاک

در این بخش از پیام، به وضوح روندی مشاهده می‌شود که تحت عنوان «کلاستر کردن» و «محدوده جغرافیایی کردن» ارائه شده است. این واژگان در ظاهر به فعالیت‌های اجتماعی و توسعه جامعه‌سازی دینی اشاره دارد، اما در لایه‌های زیرین، معنایی فراتر و جدی‌تر را به همراه دارد: ایجاد ساختارهای سازمان‌یافته و نظام‌مند که در عمل به اشغال تدریجی و کنترل فیزیکی و فرهنگی یک محدوده جغرافیایی مشخص منجر می‌شود.

معنای عمیق «کلاستر کردن»

کلاستر کردن، فرایندی است که طی آن یک گروه مشخص، به صورت سیستماتیک و با برنامه‌ریزی دقیق، جمعیت‌های پراکنده و مناطق مختلف را تحت نفوذ و کنترل خود درمی‌آورد. این اقدام، بیش از آنکه یک فعالیت صرفاً اجتماعی باشد، به معنای اشغال هدفمند یک «بافت» جغرافیایی است که در نهایت زمینه را برای اعمال قدرت نرم، تغییرات فرهنگی، اجتماعی و حتی سیاسی فراهم می‌سازد.

«محدوده جغرافیایی» و پیامدهای اشغال خاک

ایجاد و تثبیت «محدوده جغرافیایی» به معنای تقسیم‌بندی عملی خاک کشورها به واحدهای تحت کنترل معنوی و مدیریتی بهائی است. همانطور که در پیام آمده است: «یک محدودهٔ جغرافیایی ناحیه‌ای است که در آن فعّالیّت‌های

نقشه را می‌توان به طریقی قابل اداره و پایدار به پیش برد.» این تقسیم‌بندی نه تنها موجب ایجاد تمرکز قدرت در این مناطق می‌شود، بلکه به مثابه نوعی اشغال نرم و نامرئی خاک است. اشغالی که با تغییر بافت جمعیتی، فرهنگی و هویتی همراه است و در مراحل بعدی می‌تواند مقدمهٔ اشغال سیاسی و حقوقی قلمداد گردد.

نقش «روحیه مشارکت عمومی» در تسریع اشغال

پیامی که در متن آمده است، بر «قوّت گرفتن روحیهٔ مشارکت عمومی» در این محدوده‌ها تأکید دارد. این مشارکت هم‌افزا و هماهنگ، در واقع بستری است برای تسهیل فرایند اشغال از طریق جذب جمعیت، همگرایی فرهنگی، و ایجاد یک شبکه گسترده در سطوح مختلف اجتماع. در نتیجه، نه تنها یک نقطهٔ جغرافیایی، بلکه ذهن و قلب ساکنان آن نیز در کنترل و مالکیت این گروه در می‌آید.

گسترش و تسری کنترل

توصیف فعالیت‌هایی که به صورت سیستماتیک به منظور «تماس با یک جمعیّت خاص که استعداد روحانی نشان داده ولی در سراسر محدوده پراکنده‌اند» انجام می‌شود، نشانه روشنی است از تلاش برای گسترش این اشغال در گستره‌های وسیع‌تر و متنوع‌تر. این فعالیت‌ها، فرصت‌های بیشتر و نفوذ عمیق‌تری را فراهم می‌کنند که از آن طریق کلاسترها به تدریج پیوند خورده و محدوده‌های جغرافیایی بزرگ‌تری را در برمی‌گیرند.

نتیجه‌گیری

در نهایت، آنچه تحت عنوان «یادگیری از محدوده‌های جغرافیایی پیشرفته» معرفی می‌شود، فرآیندی است هدفمند برای اشغال نرم و تدریجی خاک و اجتماع به بهانه توسعه دینی. این پدیده نیازمند توجه ویژه دولت‌ها و نهادهای امنیتی است تا با شناخت دقیق ابعاد آن، از نقض حاکمیت ملی جلوگیری شود و امنیت جغرافیایی و فرهنگی کشورها حفظ گردد.

▧ بررسی سازوکار تصرف خاک توسط بیت العدل

الف: اشغال خاک

▧ پروژه جهانی ۲۵ ساله بیت‌العدل؛ ساخت شبکه نفوذ در پوشش «اجتماع‌سازی»

✎ تحلیل امنیتی بر مبنای پیام رسمی بیت‌العدل – ۳۰ دسامبر ۲۰۲۱

🔗 لینک پیام: https://payamha-iran.org/document/350

▧ **مقاله ۳۶**

نقد و تحلیل «هماهنگ‌سازی فعالیت‌ها و فرهنگ‌سازی در کلاسترها»

ظهور ساختارهای اجتماعی منسجم و کنترل جمعی

وقتی پیام از «تشکیل گروه‌هایی متشکل از خانواده‌ها برای هماهنگی فعالیت‌های جامعه‌سازی» سخن می‌گوید، در واقع به ظهور نهادهای موازی و سازمان‌یافته‌ای اشاره دارد که کنترل جمعی و نظارت بر رفتارها و باورهای مردم محلی را در دست می‌گیرند. این ساختارها به تدریج خانواده‌های مجاور را نیز جذب کرده و شبکه‌ای گسترده برای اعمال نفوذ شکل می‌دهند که می‌تواند استقلال اجتماعی و فرهنگی بومی را کاهش دهد.

اشغال فرهنگی از طریق «حیات روزانه» و «فرهنگ عبادت و خدمت»

در این متن، فرهنگ بومی محلّه‌ها و روستاها با فرهنگی جایگزین شده که بر پایه «عبادت و خدمت» به عنوان

فعالیت‌های محبوب تعریف شده است. این «حیات روزانه» جایگزین فرهنگ‌های محلی و اصیل می‌شود و در حقیقت یک نوع اشغال فرهنگی و تغییر بافت معنایی جامعه است که می‌تواند مقدمه‌ای برای تغییرات عمیق‌تر اجتماعی و سیاسی باشد.

استفاده از هنر، موسیقی و گردهمایی‌ها به عنوان ابزار نفوذ نرم

اشاره به «کمپ‌ها، فستیوال‌ها، موسیقی و سرود» به عنوان بخشی از فعالیت‌های جامعه‌سازی، نشان می‌دهد که چگونه ابزارهای فرهنگی و هنری به عنوان وسیله‌ای برای ایجاد همبستگی، اتحاد و در نهایت نفوذ و کنترل بر افکار عمومی مورد بهره‌برداری قرار می‌گیرند. این نوع ابزارها در قالب جذب اجتماعی ظاهر می‌شوند اما در واقع بستر مناسبی برای شکل دادن به هویت و ارزش‌های گروهی جدید هستند.

برون‌گرایی و تداوم نفوذ بر جمعیت‌های جدید

تمرکز پیام بر «برون‌گرایی» و تلاش برای «در میان گذاشتن مستمر الگوی عمل شکوفا» با نفوس ناشناس، نشان‌دهنده هدف گسترده‌تر جذب و نفوذ به جامعه‌های گسترده‌تر است. این فعالیت‌ها نه تنها محدود به کلاسترها و محدوده‌های جغرافیایی مشخص نیست، بلکه در جهت گسترش کنترل و اشغال نرم به مناطق و جمعیت‌های دیگر نیز طراحی شده‌اند.

نتیجه‌گیری و نکات امنیتی

این روند هم از نظر فرهنگی و هم از لحاظ اجتماعی به منزله اشغال نرم است که می‌تواند به تغییر بافت جمعیتی، فرهنگی و حتی سیاسی مناطق منجر شود. شکل‌گیری ساختارهای موازی و افزایش نفوذ در امور محلی، تهدیدی جدی برای حاکمیت ملی و امنیت داخلی کشورهاست. لازم است نهادهای امنیتی با دقت و آگاهی کامل نسبت به این تحولات عمل کرده و مانع از تسری چنین فعالیت‌هایی به شیوه‌های غیرقانونی و با اهداف مخرب شوند.

▧ بررسی سازوکار تصرف خاک توسط بیت العدل

الف: اشغال خاک

▧ پروژه جهانی ۲۵ ساله بیت‌العدل؛ ساخت شبکه نفوذ در پوشش «اجتماع‌سازی»

✎ تحلیل امنیتی بر مبنای پیام رسمی بیت‌العدل – ۳۰ دسامبر ۲۰۲۱

🔗 لینک پیام: https://payamha-iran.org/document/350

▧ **مقاله ۳۷**

«اگرچه یادگیری راجع به نحوهٔ در بر گرفتن تعداد فزاینده‌ای از نفوس همواره خصیصهٔ هر محدوهٔ جغرافیایی بعد از عبور از سوّمین نماد رشد است...»

در اینجا به صورت ظریف اشاره شده که هر زمان یک محدوده جغرافیایی به مرحله‌ای از رشد می‌رسد که تعداد قابل توجهی از افراد درگیر فعالیت‌های بهائی شده‌اند، این محدوده دیگر صرفاً یک جمع محلی نیست بلکه به یک ساختار منسجم و پویا تبدیل می‌شود که نیازمند مدیریت هوشمندانه و سازمان‌یافته است.

«...زمانی که بخش قابل توجّهی از جمعیّت یک محلّ خاص در فعّالیّت‌های جامعه‌سازی شرکت می‌کنند...»

این بخش به وقوع تحولی اجتماعی اشاره دارد که در آن یک ناحیه جغرافیایی خاص به‌واسطهٔ جذب جمعیّت، به یک کانون تأثیرگذاری تبدیل می‌شود. بدین ترتیب، این نقطه می‌تواند به صورت نرم و تدریجی جایگاه فرهنگی و

اجتماعی پیشین را تحت تأثیر قرار دهد و به تغییر بافت فرهنگی منطقه بینجامد.

«مؤسّسات بهائی مسئولیّت خود را در قبال تعلیم و تربیت روحانی تمامی یک نسل از کودکان و نوجوانانی که قبلاً اکثر یا حتّی همهٔ آنان احیاناً در فعّالیّت‌های جامعه شرکت کرده‌اند، با اشتیاق بیشتری احساس می‌کنند.»

این جمله بازتابی از یک برنامه‌ریزی دقیق برای بازتولید فرهنگی در نسل‌های آینده است، به گونه‌ای که کودکان و نوجوانان به تدریج درگیر فرایندی می‌شوند که سبک زندگی و ارزش‌های فرهنگی آن‌ها تغییر یافته و همسو با اهداف جامعه بهائی گردد؛ امری که عملاً زمینه‌ساز جایگزینی تدریجی فرهنگ بومی با الگوهای جدید است

.

«محافل روحانی محلّی روابط خود را با اولیای امور و رهبران محلّی استحکام می‌بخشند و حتّی رسماً وارد همکاری می‌شوند...»

اینجا با زبان رسمی از تحکیم ارتباطات و همکاری‌های ساختاری بین مؤسسات بهائی و مسئولان رسمی محلی سخن گفته شده است، که نشان‌دهنده روندی استراتژیک برای نفوذ در ساختارهای قدرت محلی و فراهم آوردن زمینه‌های لازم برای تسهیل و گسترش فعالیت‌های مورد نظر در سطح جامعه

.

«میزان و تنوّع فعّالیّت‌ها به تنهایی ایجاب می‌کند که اعضای هیئت معاونت چندین مساعد برای خدمت در یک روستا یا محلّه معیّن کنند...»

این جمله نشانه‌ای آشکار از وجود یک سیستم سازمان‌یافته و سلسله‌مراتبی برای مدیریت و هدایت گسترده فعالیت‌ها در محدوده‌های جغرافیایی مختلف است. اعضای هیئت معاونت که تحت نظارت مرکزی فعالیت می‌کنند، نقش کلیدی در هماهنگی و هدایت کلاسترهای اجتماعی به منظور اشراف و کنترل نرم فرهنگی و اجتماعی در این مناطق دار

ند.

▧ بررسی سازوکار تصرف خاک توسط بیت العدل

الف: اشغال خاک

▧ پروژه جهانی ۲۵ ساله بیت‌العدل؛ ساخت شبکه نفوذ در پوشش «اجتماع‌سازی»

تحلیل امنیتی بر مبنای پیام رسمی بیت‌العدل – ۳۰ دسامبر ۲۰۲۱

لینک پیام: https://payamha-iran.org/document/350

▧ **مقاله ۳۸**

نقش هیئت معاونت و مساعدین در ساختار جامعه‌سازی

در پیام آمده است:

«میزان و تنوّع فعّالیّت‌ها به تنهایی ایجاب می‌کند که اعضای هیئت معاونت چندین مساعد برای خدمت در یک روستا یا محلّه معیّن کنند...»

این عبارت نشان می‌دهد که فعالیت‌های بهائی در هر محدوده جغرافیایی با یک ساختار سازمان‌یافته و چندسطحی اداره می‌شود. اعضای هیئت معاونت که نقش مشاوران قاره‌ای و ناظران فرامنطقه‌ای زیر نظر دارالتبلیغ را دارند،

برای نظارت و هدایت عملیات فرهنگی و اجتماعی، از دستیارانی به نام «مساعدین» بهره می‌برند.

مساعدین؛ فرماندهان میدانی شبکه نفوذ فرهنگی

مساعدین دستیاران اجرایی اعضای هیئت معاونت هستند که به صورت مستقیم در مناطق هدف فعالیت می‌کنند و مسئولیت اجرای دقیق خط مشی‌های ابلاغی را بر عهده دارند. این افراد به مثابه فرماندهان میدانی یک شبکه فرماندهی نرم عمل می‌کنند که کنترل دقیق و مستمر بر روند جامعه‌سازی و تغییر بافت فرهنگی در محلّه‌ها و روستاها دارند.

تحلیل امنیتی: کودتای نرم فرهنگی و نقض حاکمیت ملی

این ساختار سلسله‌مراتبی و نفوذ سازمان‌یافته در بافت‌های اجتماعی، در حقیقت نوعی «کودتای نرم» به شمار می‌آید. بدون دخالت نظامی، با اشغال تدریجی فضای فرهنگی و اجتماعی، فرهنگ بومی به تدریج جایگزین شده و زمینه برای تسلط اجتماعی و در ادامه سیاسی فراهم می‌شود.

از منظر حقوقی و امنیتی، چنین اقداماتی ناقض حاکمیت ملی کشورها است، زیرا نهادهای فرامنطقه‌ای بدون مجوز رسمی، عملاً بخشی از جامعه داخلی را سازماندهی و کنترل می‌کنند. این امر یک تهدید جدی برای امنیت ملی و تمامیت ارضی محسوب می‌شود که نیازمند مقابله فوری و هماهنگی بین‌دستگاهی است.

نتیجه‌گیری

فرایند کلاستر کردن و محدوده جغرافیایی کردن فعالیت‌ها، اقدامی آشکار برای اشغال خاک به صورت فرهنگی و اجتماعی است. این ساختار سازمانی و سلسله‌مراتبی، دستیاران و فرماندهان میدانی، همه اجزای یک نقشه‌ی گسترده برای تسلط بر جوامع محلی و تغییر بافت فرهنگی آنها را تشکیل می‌دهند.

مقابله با این جریان نیازمند درک عمیق از سازوکارهای آن و همکاری نهادهای امنیتی و حاکمیتی است تا از نقض حاکمیت ملی جلوگیری شود و استقلال فرهنگی و سیاسی کشورها حفظ گردد.

#️⃣ 🌿

▧ بررسی سازوکار تصرف خاک توسط بیت العدل

الف: اشغال خاک

▧ پروژه جهانی ۲۵ ساله بیت‌العدل؛ ساخت شبکه نفوذ در پوشش «اجتماع‌سازی»

📌 تحلیل امنیتی بر مبنای پیام رسمی بیت‌العدل – ۳۰ دسامبر ۲۰۲۱

🔗 لینک پیام: https://payamha-iran.org/document/350

▧ **مقاله ۳۹**

کلاسترینگ جهانی: شبکه‌ای منسجم از اقدامات هماهنگ

مساعدین در عمل مانند مویرگ‌های شبکه شریانی هستند که جریان زندگی و نفوذ فرهنگی دارالتبلیغ را در نقاط مختلف جهان، از مراکز شهری تا دورافتاده‌ترین روستاها، برقرار می‌کنند. این شبکه، به گونه‌ای طراحی شده که اقدامات جامعه‌سازی را در سطح جهانی، قاره‌ای، ملی، منطقه‌ای و محلی هماهنگ و مدیریت نماید.

خطرات امنیتی؛ نفوذ فرامنطقه‌ای و تهدید حاکمیت ملی

دارالتبلیغ، مستقر در اسرائیل، به عنوان قلب فرماندهی این شبکه جهانی شناخته می‌شود. کنترل و هدایت عملیات

کلاستری از این مرکز، بدون هیچ مرز جغرافیایی و قانونی، نقض آشکار حاکمیت کشورهاست و تبدیل به یک تهدید امنیتی جدی می‌گردد.

این شبکه با نفوذ تدریجی در اجتماع‌های محلی، فرهنگ و هویت بومی را هدف قرار داده و زمینه‌ای برای اشغال نرم خاک فراهم می‌آورد. تأثیر مساعدین در روستاها و محلّه‌ها به قدری است که آنها نقش مستقیم در تغییر بافت جمعیتی، فرهنگی و اجتماعی ایفا می‌کنند و عملاً مسئول اجرای سیاست‌های دارالتبلیغ در سطح محلی هستند.

نقش مساعدین در استقرار و گسترش شبکه فرهنگی – اجتماعی

با حضور متمرکز مساعدین در مناطق هدف، این افراد به عنوان ستون فقرات اجرای نقشه‌ها در محل‌ها عمل می‌کنند؛ آنها هماهنگ‌کننده‌های اصلی برنامه‌های تبلیغی، آموزشی و جامعه‌سازی هستند که به صورت هدفمند و با انسجام بالا انجام می‌شود. حضور آنها در محلّه‌ها و روستاها، علاوه بر افزایش تأثیرگذاری، موجب شکل‌گیری مراکز تصمیم‌گیری و فرماندهی کوچک در دل جامعه هدف می‌شود.

نتیجه‌گیری: مقابله با کودتای نرم فرهنگی

این ساختار سلسله‌مراتبی، با مرکزیت دارالتبلیغ در اسرائیل و حضور موثر مساعدین در همه سطوح، نمایانگر یک کودتای نرم جهانی است که از طریق کلاستر کردن و محدوده جغرافیایی کردن به اشغال فرهنگی و اجتماعی می‌پردازد.

تشخیص این تهدید و مقابله با آن، نه تنها وظیفه نهادهای امنیتی و حاکمیتی هر کشور، بلکه نیازمند آگاهی عمومی و مشارکت همه اقشار جامعه است تا بتوان استقلال فرهنگی و حاکمیت ملی را حفظ کرد.

▧ بررسی سازوکار تصرف خاک توسط بیت العدل

الف: اشغال خاک

▧ پروژه جهانی ۲۵ ساله بیت‌العدل؛ ساخت شبکه نفوذ در پوشش «اجتماع‌سازی»

تحلیل امنیتی بر مبنای پیام رسمی بیت‌العدل – ۳۰ دسامبر ۲۰۲۱

لینک پیام: https://payamha-iran.org/document/350

▧ **مقاله ۴۰**

پیام: تغییر نقش جامعه بهائی در محیط‌های محلی

در پیام آمده است:

«ساکنین نقاطی که فعّالیّت‌های نقشه تا این حد در آن گسترش و تعمیم پیدا کرده حال دارای قابلیّتی چشمگیر برای هدایت مسیر پیشرفت خویش هستند و مؤسسات و نهادهای بهائی حال بینش عمیق‌تری از مسئولیّت‌های خود دارند...»

نقد و تحلیل: ساختار نهادین و اشراف شبکه بر جامعه هدف

این جملات ظاهراً نشان‌دهنده رشد و بلوغ جامعه بهائی در مناطق هدف است، اما در پسِ این ظاهر، سازوکاری پیچیده و منسجم از کنترل و هدایت متمرکز نهادهای فرامنطقه‌ای به چشم می‌خورد که جامعه محلی را به صورت سلسله‌مراتبی تحت نظارت خود دارد.

مؤسسات و نهادهای محلی به مثابه ابزارهایی برای اجرای برنامه‌های از پیش تعیین شده عمل می‌کنند؛ آنها مسئول

حفظ «یکپارچگی مجهودات مختلف جامعه» هستند، عبارتی که به نوعی رمز حفظ وحدت دستورالعمل‌های صادره از مراکز بالاتر است، بدون آنکه استقلال واقعی در تصمیم‌گیری به جامعه محلی داده شود.

تغییر رابطه با اجتماع و تهدید حاکمیت فرهنگی

ادعای «شرکت‌کننده‌ای شناخته شده در اجتماع» بودن و «آمادگی برای عهده‌دار شدن مسئولیت‌های مهم» در نگاه نخست مثبت جلوه می‌کند، اما واقعیت آن است که چنین مشارکتی، اغلب با هدف ترویج الگوها و ارزش‌های فراملی و جایگزینی فرهنگ و ساختارهای بومی صورت می‌گیرد.

این روند، اگرچه به ظاهر «وحدت عالم انسانی» را الهام گرفته از آموزه‌های بهاءالله معرفی می‌کند، ولی به معنای واقعی تغییر تدریجی هویت‌های محلی و جذب آن‌ها به زیر چتر یک فرهنگ غالب سازمان‌یافته است.

گسترش محدود اما مؤثر؛ اشغال نرم از طریق کلاسترینگ

پیام اذعان می‌کند که چنین الگوی جامعه‌سازی تنها در تعداد محدودی از نقاط به این حد توسعه یافته است، ولی به سرعت در حال افزایش است. این «ازدیاد» را باید به مثابه گسترش برنامه‌ریزی شده‌ای دید که به صورت هدفمند مناطقی را «کلاستر» می‌کند، یعنی گروه‌بندی جمعیت و فضاهای جغرافیایی را به منظور ایجاد مراکز کنترل و نفوذ عمیق‌تر.

این روند دقیقاً مصداق اشغال نرم فرهنگی و اجتماعی است که به جای ورود نظامی یا سیاسی مستقیم، با اشراف کامل بر ساختارهای محلی و نفوذ همه‌جانبه، خاک را به تدریج تحت نفوذ و تغییر قرار می‌دهد.

نتیجه‌گیری

اگرچه پیام تلاش می‌کند تا این فرایند را به صورت یک پیشرفت مثبت و همگرایی اجتماعی نشان دهد، تحلیل واقع‌بینانه نشان می‌دهد که در پس این «توانمندسازی» و «همکاری»، یک شبکه فرامنطقه‌ای قدرتمند و سلسله‌مراتبی با مرکزیت دارالتبلیغ در اسرائیل در حال هدایت و کنترل کامل فرایند است که هدف اصلی‌اش اشغال نرم و از بین بردن استقلال فرهنگی جوامع محلی است.

آگاهی از این سازوکار و بازخوانی دقیق پیام‌ها، گامی اساسی در درک تهدیدهای نهفته و مقابله با نفوذهای غیرقانونی و مخرب فرهنگی است.

▧ بررسی سازوکار تصرف خاک توسط بیت العدل

الف: اشغال خاک

▧ پروژه جهانی ۲۵ ساله بیت‌العدل؛ ساخت شبکه نفوذ در پوشش «اجتماع‌سازی»

📌 تحلیل امنیتی بر مبنای پیام رسمی بیت‌العدل – ۳۰ دسامبر ۲۰۲۱

🔗 لینک پیام: https://payamha-iran.org/document/350

▧ مقاله ۴۱

پیام: تفاوت شرایط جغرافیایی و نیاز به استراتژی‌های بومی در گسترش جامعه بهائی

در پیام آمده است:

«گسترش فعّالیّت بهائی در این مقیاس در همه جا طبیعتاً مورد انتظار نیست... دوستان باید بتوانند واقعیّت محدودهٔ خود را قرائت کنند و از خود سؤال نمایند: اهداف مناسبی که در دوره یا دوره‌های آینده باید دنبال شود کدامند.»

نقد و تحلیل: پوشش ظاهری تفاوت‌ها برای مدیریت متمرکز

این بیان به ظاهر به تفاوت‌های محلی و شرایط بومی اهمیت می‌دهد و سخن از ضرورت «قرائت واقعیّت محدوده» و «انتخاب اهداف مناسب» می‌گوید. اما واقعیت پشت پرده این است که این تفاوت‌ها در چارچوبی کاملاً از پیش تعیین شده و تحت نظارت دقیق معاونین و مشاوران قاره‌ای مورد «مدیریت» قرار می‌گیرند.

برخلاف ظاهر انعطاف‌پذیر و توجه به بومی‌سازی، این رویکرد در نهایت به همسویی کامل با استراتژی‌های کلان منتهی می‌شود که از بالا به پایین ابلاغ می‌شود و اجازه خودمختاری واقعی به جامعه محلی داده نمی‌شود.

ابزار «یادگیری از تجربه دیگران»؛ تعمیم کنترل و هماهنگی فرامنطقه‌ای

در پیام تأکید شده که:

«یادگیری‌های بسیاری را می‌توان از تجربهٔ دوستان در محدوده‌های جغرافیاییِ مشابه کسب کرد زیرا جامعه‌ای که یک قدم جلوتر است می‌تواند بینش‌های ارزنده‌ای ارائه دهد.»

این مسئله به نوعی ابزار انتقال فشار و کنترل بین نواحی مختلف می‌شود؛ یعنی نه تنها مدیریت از بالا بلکه نظارت و همگام‌سازی محلی در قالب «همکاری‌های بین منطقه‌ای» که در نهایت همه زیر نظر «دارالتبلیغ» و هسته‌های فرامنطقه‌ای اجرا می‌شود. این امر موجب یکپارچگی دقیق و فراگیر استراتژی‌ها می‌شود، گویی یک شبکه جهانی همزمان و هماهنگ در حال اشراف کامل بر همه بخش‌هاست.

دعوت به «شتاب»؛ نشان از برنامه‌ریزی فشار زمان‌بندی شده

جمله پایانی:

«آیا نمی‌توانیم با چشم بصیرت وجود مبارک حضرت بهاءالله را مشاهده کنیم که زمام امور بشر را در یک دست گرفته و با دست دیگر به همگان صلا می‌زنند که بشتابید، بشتابید؟»

این فراخوان ضمن تأکید بر نقش مرکزی رهبری معنوی، اشاره‌ای تلویحی به فشرده شدن زمان و فشار برای سرعت بخشیدن به اشاعه و نفوذ آیین دارد. این «شتاب» ممکن است برای برخی جوامع و فرهنگ‌ها به معنای تحمیل سریع تغییرات اجتماعی، فرهنگی و ساختاری باشد که بدون فرصت برای تحلیل و سازگاری، باعث ایجاد تنش و چالش‌های امنیتی فرهنگی خواهد شد.

جمع‌بندی

این بخش پیام، در ظاهر بر ضرورت احترام به تفاوت‌های محلی تأکید می‌کند اما در واقع، ابزاری است برای توجیه و مشروعیت دادن به مدیریت متمرکز و هماهنگی فرامنطقه‌ای در اجرای برنامه‌های اشاعه بهائی. فشار زمان‌بندی شده و همگام‌سازی مستمر، بخشی از یک پروژه گسترده و سازمان‌یافته است که به طور سیستماتیک زمینه‌ساز اشغال نرم فرهنگی و اجتماعی مناطق مختلف جهان است.

آگاهی به این لایه‌ها کمک می‌کند تا زیرساخت‌های امنیتی و حقوقی لازم برای مواجهه با چنین نفوذهایی فراهم شود.

▧ بررسی سازوکار تصرف خاک توسط بیت العدل

الف: اشغال خاک

▧ پروژه جهانی ۲۵ ساله بیت‌العدل؛ ساخت شبکه نفوذ در پوشش «اجتماع‌سازی»

🖈 تحلیل امنیتی بر مبنای پیام رسمی بیت‌العدل – ۳۰ دسامبر ۲۰۲۱

🔗 لینک پیام: https://payamha-iran.org/document/350

▧ **مقاله ۴۲**

اعتراف به شبکه اطلاعاتی جهانی: «قرائت واقعیّت محدوده» و «یادگیری از تجربه دیگران» در خدمت اشراف اطلاعاتی بهائی

در پیام به‌وضوح دو عبارت کلیدی تکرار شده‌اند:

«قرائت واقعیّت محدوده» و «یادگیری از تجربه دیگران»، عباراتی که در نگاه نخست به نظر می‌رسد رویکردی انعطاف‌پذیر و مبتنی بر مشارکت محلی را توصیف می‌کنند، اما در واقع پرده‌ای از یک سامانه گسترده جمع‌آوری، انتقال و تحلیل داده‌های اطلاعاتی است که زیرساخت‌های آن به طور سیستماتیک در اختیار نهاد «دارالتبلیغ» قرار دارد.

«قرائت واقعیّت محدوده»: جمع‌آوری اطلاعات میدانی از کوچک‌ترین نقاط جهان

این عبارت در حقیقت اعترافی است آشکار به روندی که در آن تمامی وقایع، شرایط، گرایش‌ها و رفتارهای مردمی در کوچک‌ترین روستاها و محله‌ها به دقت زیر نظر گرفته و «خوانش» می‌شود. این قرائت، صرفاً یک نگاه فرهنگی و اجتماعی نیست؛ بلکه فرآیندی پیچیده از جمع‌آوری داده‌های دقیق و مستمر است که برای تحلیل و تصمیم‌گیری در سطوح بالاتر استفاده می‌شود.

«یادگیری از تجربه دیگران»: ایجاد شبکه گسترده اطلاعاتی و انتقال داده‌ها

عبارت «یادگیری از تجربه دیگران» به معنای واقعی، انتقال مستمر اطلاعات از محدوده‌های جغرافیایی مختلف به مراکز تصمیم‌گیری است؛ این امر نه تنها در سطح ملی بلکه در سطح بین‌المللی و فرامنطقه‌ای سازمان‌یافته است. در این شبکه، تجارب و اطلاعات محلی از مناطق بسیار دورافتاده به صورت متمرکز در یک نقطه کلیدی جهانی تجمیع می‌شود.

نقطه حساس: انتقال داده‌ها به «دارالتبلیغ» در اسرائیل

مرکز اصلی مدیریت و تحلیل این داده‌های گسترده، «دارالتبلیغ» است؛ نهادی که در اسرائیل مستقر است و نقش مرکزی در طراحی، هماهنگی و نظارت بر نقشه‌های تبلیغ و جامعه‌سازی ایفا می‌کند. این نکته بسیار مهم است که داده‌ها و اطلاعات جمع‌آوری‌شده از سراسر جهان، حتی از دورافتاده‌ترین نقاط، به این مرکز منتقل می‌شوند؛

این اقدام در واقع نه تنها یک حرکت مذهبی یا اجتماعی، بلکه بخشی از یک شبکه اطلاعاتی جهانی است که در قلمرو کشوری قرار دارد که یکی از حساس‌ترین نقاط ژئوپلیتیکی جهان به شمار می‌رود.

پیامدهای امنیتی و حاکمیتی

این روند به معنی نفوذ نظام‌مند و مستمر در جوامع مختلف و اشراف کامل بر رفتار و تحرکات اجتماعی در قالب یک شبکه اطلاعاتی تحت هدایت نهادی فرامنطقه‌ای در اسرائیل است. این شبکه ضمن نقض آشکار حاکمیت ملی کشورها، تهدیدی جدی برای امنیت فرهنگی، اجتماعی و سیاسی جوامع محسوب می‌شود.

از طرفی، این کنترل و انتقال اطلاعات می‌تواند به عنوان پایه‌ای برای عملیات نرم قدرت و حتی اقدامات امنیتی گسترده‌تر مورد استفاده قرار گیرد، موضوعی که ضرورت واکاوی حقوقی، سیاسی و امنیتی دقیق و فوری را به

وضوح نشان می‌دهد.

نتیجه‌گیری

عبارات ظاهراً ساده و کم‌اهمیت «قرائت واقعیّت محدوده» و «یادگیری از تجربه دیگران» در واقع اعترافاتی است آشکار به وجود یک شبکه جهانی اطلاعاتی بهائی با مرکزیت اسرائیل که به صورت گسترده و منظم، داده‌های میدانی و محلی را جمع‌آوری، تحلیل و به کار می‌گیرد؛ این مسئله به شدت نیازمند توجه دقیق امنیتی و بررسی‌های بین‌المللی است.

▧ بررسی سازوکار تصرف خاک توسط بیت العدل

الف: اشغال خاک

▧ پروژه جهانی ۲۵ ساله بیت‌العدل؛ ساخت شبکه نفوذ در پوشش «اجتماع‌سازی»

📌 تحلیل امنیتی بر مبنای پیام رسمی بیت‌العدل – ۳۰ دسامبر ۲۰۲۱

🔗 لینک پیام: https://payamha-iran.org/document/350

▧ **مقاله ۴۳**

از خدمت تا تغییر بافت فرهنگی: چگونه «پیشرفت جامعه» بهانه‌ای برای بهایی‌سازی تدریجی می‌شود

📌 نقل از پیام:

«یک علامت بارز برای ظهور و بروز نیروی اجتماع‌سازی امر مبارک در یک محدودهٔ جغرافیایی همانا مساعی یک گروه دائم‌التّزاید از ساکنان محل است که با الهام از تعالیم بهائی برای کمک به بهبود خصایل روحانی و شرایط اجتماعیِ جامعهٔ بزرگ‌تری که به آن تعلّق دارند کوشش می‌نمایند.»

🎯 نقد و تحلیل: اعتراف صریح به هدف نهایی – بهایی‌سازی از درون جامعه

در این عبارت به‌روشنی بیان شده است که «بهبود شرایط اجتماعی» تنها در صورتی مورد نظر است که الهام‌گرفته از تعالیم بهائی باشد. یعنی هدف، صرف خدمت‌رسانی عمومی یا کمک به توسعه بومی نیست، بلکه ایجاد یک نوع از توسعه و تحول اجتماعی است که از دل جهت‌گیری دینی بهائی زاده می‌شود.

از این منظر، ادعای بهاییان در برخوردهای ابتدایی مبنی بر اینکه:

«ما قصد ترویج آیین بهایی را نداریم؛ ما فقط به دنبال خدمت به جامعه هستیم»

نه‌تنها صادقانه نیست، بلکه به وضوح در تضاد با سند رسمی منتشرشده از نهاد مرجع این آیین است.

🔍 عبارت «رشد روحانی» رمز تغییر اعتقادی – نه صرفاً اخلاقی

در متن آمده:

«رشد روحانی نمایند و کاملاً نور خداوند را منعکس سازند، نوری که در ظهور حضرت بهاءالله متجلّی است.»

این جمله به صراحت مشخص می‌سازد که مراد از رشد روحانی نه یک امر عام یا جهان‌شمول، بلکه مشخصاً رشد در پرتو آیین بهایی است. به زبان ساده، هر چه این افراد در این مسیر «رشد» می‌کنند، دارند به اعتقادات بهایی نزدیک‌تر می‌شوند.

این اعتراف آشکار به هدف نهایی فرایند جامعه‌سازی، یعنی «دگرگونی تدریجی فرهنگی و اعتقادی جوامع محلی» است. نتیجه آن، تغییر تدریجی بافت فرهنگی، هویتی و در نهایت جمعیتی است.

🎭 پشت نقاب "پیشرفت اجتماعی"، نیت قلبی: جایگزینی الگوهای بومی با الگوهای بهائی
استفاده از کلیدواژه‌هایی چون:
«مشارکت در تقلیب اجتماعی»
«بهبود خصایل روحانی»
«رشد در نور حضرت بهاءالله»
نشان می‌دهد که آنچه در ظاهر تحت عنوان خدمت‌رسانی، آموزش، یا کمک به توسعه پایدار در محله‌ها انجام می‌شود، در واقع پروژه‌ای است با هدف استقرار تدریجی ارزش‌ها، باورها، نمادها و شبکه‌های بهائی در درون جوامع. این رویکرد، فرایندی خزنده برای استحاله فرهنگی جوامع محلی است.

🚨 نتیجه‌گیری: تزویر در پوشش خدمت – تغییری هدفمند برای بهایی‌سازی جوامع
این بخش از پیام صراحت دارد:
◇ خدمت‌رسانی و مشارکت اجتماعی، تنها زمانی «مقبول» است که در جهت تقویت ساختارهای فرهنگی و روحی مبتنی بر آموزه‌های آیین بهایی باشد.
◇ آنچه در ابتدا به عنوان خدمت به بشر و کمک به توسعه‌ی محلی معرفی می‌شود، در نهایت به بازسازی کامل هویت فرهنگی جامعه بر اساس ایدئولوژی بهایی می‌انجامد.
به زبان ساده، تو آمدی گفتی قصد تبلیغ نداری، اما همین جمله‌ها نشان می‌دهند هدف از اول همین بوده: بهایی‌سازی تدریجی و سیستماتیک در دل جامعه، با استفاده از ماسک خدمت. این‌جا دیگر صرف تزویر نیست؛ این برنامه‌ریزی دقیق برای استحاله‌ی فرهنگی و در نهایت تغییر بافت جمعیتی از درون است.
#️⃣ 🌿

▧ بررسی سازوکار تصرف خاک توسط بیت العدل
الف : اشغال خاک
▧ پروژه جهانی ۲۵ ساله بیت‌العدل؛ ساخت شبکه نفوذ در پوشش "اجتماع‌سازی"
📌 تحلیل امنیتی بر مبنای پیام رسمی بیت‌العدل – ۳۰ دسامبر ۲۰۲۱
🔗 لینک پیام : https://payamha-iran.org/document/350
▧ **مقاله ۴۴**
🎯 نفوذ از مجرای زخم‌های اجتماعی؛ استقرار نرم در بطن رنج عمومی
🔍 شاهد پیام:
«دوستان ناگزیر در مورد موانع اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی که مانع پیشرفت روحانی و مادّی مردم است آگاهی بیشتری می‌یابند... [جامعه] الزاماً باید تا جایی که شرایطش اجازه می‌دهد به چنین واقعیّت‌هایی پاسخ گوید.»
نفوذ به بطن جامعه از گلوگاه بحران‌های اجتماعی
اینجا بیت‌العدل رسماً می‌پذیرد که شبکه‌های محلی و روستایی بهایی، با افزایش فعالیت در محدوده‌های جغرافیایی، به مرور از مسائل معیشتی، بهداشتی، آموزشی و سنت‌های فرهنگی محلی آگاهی دقیق می‌یابند. این یعنی تهیه نقشه میدانی اجتماعی و روانی از جوامع هدف.

در ادامه آمده که «جامعه‌ی بهایی باید تا جایی که می‌تواند به این واقعیت‌ها پاسخ دهد». پاسخ به مشکلاتی از این جنس، چیزی بیش از اقدام بشردوستانه است؛ بلکه ورود به لایه‌های درونی جامعه برای نفوذ پایدار و استقرار نرم است.

استقرار در بستر رنج، با چارچوب عمل مشترک جهانی

جملهٔ کلیدی این بخش چنین است:

«همهٔ این مساعی بر طبق یک چارچوب عمل مشترک دنبال می‌شود و این نکته بالاتر از همه موجب انسجام الگوی کلّی فعّالیّت‌ها می‌گردد.»

یعنی این اقدامات در ظاهر منفصل (تعلیم دختران، مقابله با ازدواج زودهنگام، بهداشت، آموزش و غیره) در حقیقت در یک شبکهٔ همبسته‌ی راهبردی در حال اجرا هستند.

✔ چارچوب عمل مشترک همان نقشه‌ای‌ست که توسط مؤسسهٔ روحی، با هدایت بیت‌العدل و از مقر اصلی در حیفا، اسرائیل طراحی و در تمام جهان، بدون استثنا، در حال اجراست.

تغییر تدریجی ساختار اجتماعی، فرهنگی و مذهبی جامعه

در ظاهر، کمک به حل مشکلات است؛ اما در عمق، این سیاست بر پایه‌ی اصل «تغییر بافت نرم جامعه» استوار است:

بازتعریف نقش خانواده با دخالت در تربیت کودکان و نوجوانان؛

تغییر نگاه به زن و دختر در جوامع سنتی، بر پایه آموزه‌های خاص آیین بهایی؛

ایجاد نارضایتی تدریجی از نهادهای رسمی بومی با پوشش اقدام اجتماعی جایگزین.

این، دقیقاً روندی‌ست که تغییر بافت فرهنگی و عقیدتی در پی دارد و زمینه‌ساز اشغال نرم هویتی و در نهایت نفوذ سرزمینی است.

خطر شبکه‌ای‌شدن این اقدام: برنامه‌ریزی، هدایت، پشتیبانی از اسرائیل

بر اساس همان پیام:

«این مساعی بخشی از یک مجهود واحد، به هم پیوسته و برونگرایانه است...»

در زبان امنیتی، این یعنی:

مجهود واحد ← نقشه‌ی هماهنگ جهانی

به‌هم پیوسته ← شبکه‌سازی عمودی و افقی

برونگرایانه ← هدایت‌شده از بیرون (مرکز) برای تأثیر در درون

✔ به‌عبارتی، یک شبکه‌ی اطلاعاتی، فرهنگی و ساختاری با پوشش اقدام اجتماعی، با محوریت مقر اصلی خود در اسرائیل، در حال بازمهندسی لایه‌به‌لایه‌ی جوامع بومی است. مویرگ‌های محلی، همان شبکه‌های آموزش‌دیده‌ی کلاستر شده‌ی روستایی هستند که تحت هدایت مساعدین و معاونین، در مسیر دقیق و از پیش طراحی‌شده پیش می‌روند.

🖍 جمع‌بندی: دروغ شیرین خدمت، حقیقت تلخ نفوذ

آن‌چه در ظاهر «خدمت به مردم» معرفی می‌شود، در اصل چیزی نیست جز:

تهیه شناسنامه روانی-اجتماعی منطقه‌ای؛

استقرار یک الگوی جهان‌شمول فرهنگی با پشتوانه اعتقادی؛

ایجاد وابستگی نرم به شبکه بهایی، در غیاب نهادهای رسمی محلی؛

و نهایتاً، تغییر تدریجی بافت جامعه، برای تسخیر تدریجی خاک، بدون نیاز به سلاح.

⚠️ این، چیزی فراتر از تبلیغ دین است. این، برنامه‌ای نظام‌مند برای استقرار در نقاط آسیب‌پذیر جهان، با هدایت مرکزی از سرزمینی خاص (اسرائیل) است. و همینجاست که امنیتی‌ترین وجه این پیام فاش می‌شود.

#️⃣ 🌿

▧ بررسی سازوکار تصرف خاک توسط بیت العدل

الف : اشغال خاک

▧ پروژه جهانی ۲۵ ساله بیت‌العدل؛ ساخت شبکه نفوذ در پوشش "اجتماع‌سازی"

📌 تحلیل امنیتی بر مبنای پیام رسمی بیت‌العدل – ۳۰ دسامبر ۲۰۲۱

🔗 لینک پیام : https://payamha-iran.org/document/350

▧ **مقاله ۴۵**

📌 نقد امنیتی-ساختاری بر مفهوم «اقدام اجتماعی» در پیام بیت‌العدل

🔍 شاهد کلیدی از پیام:

«نخستین حرکت‌ها در جهت اقدام اجتماعی در سطح مردمی در یک محدودهٔ جغرافیایی وقتی دیده می‌شود که منابع انسانی موجود افزوده می‌گردد و قابلیّت برای انجام طیف وسیع‌تری از وظایف گسترش می‌یابد.»

اقدام اجتماعی، پوششی برای جذب منابع انسانی در خدمت تشکیلات

از همان خط اول روشن می‌شود که «اقدام اجتماعی» نه از دل نیازهای واقعی جامعه، بلکه به‌محض افزایش منابع انسانی آموزش‌دیده آغاز می‌شود. یعنی ابتدا باید نیروهای بهایی آموزش‌دیده (از طریق مؤسسه روحی و کلاس‌های رشد) به حد نصاب برسند، سپس «خروجی» تشکیلاتی به‌صورت اقدام اجتماعی ظهور می‌کند.

🔎 ترجمه امنیتی:

اقدام اجتماعی بهایی یک اقدام خودجوش پاسخ‌محور نیست، بلکه برنامه‌ای سازمان‌یافته، زمان‌بندی‌شده و وابسته به بلوغ تشکیلاتی است.

استقرار تشکیلات در قالب نهادهای ظاهراً مستقل

«در بعضی موارد، تأسیس یک سازمان ملهم از تعالیم بهائی جوابی به احتیاجات در یک حوزهٔ خاصّ مجهودات خواهد بود... انتظار داریم که در طیّ نقشهٔ آینده تعداد بیشتری از این سازمان‌ها تأسیس گردد.»

◍ این یعنی بیت‌العدل رسماً به تأسیس نهادهای NGOنما برای اقدام اجتماعی چراغ سبز می‌دهد، در حالی که این سازمان‌ها:

ساختار، محتوا، و نیروی انسانی‌شان را از شبکه‌های داخلی بهایی می‌گیرند؛

و اهداف راهبردی‌شان در راستای بسط تشکیلات است، نه پاسخ به نیاز مردم.

📌 نکته خطرناک: این نهادها در پوشش عناوین غیرمذهبی (توسعه، آموزش، هنر، محیط‌زیست و...) در حال

نفوذ به بدنه اجتماعی‌اند، در حالی که متصل به ساختار اعتقادی بین‌المللی مستقر در اسرائیل‌اند.
توسعه ساختارهای اداری محلی تحت پوشش اقدام اجتماعی
«برای استمرار بعضی از این ابتکارات... نیاز به ساختارهای اداری ساده خواهد بود... محافل روحانی محلّی باید تشویق شوند تا به یادگیری دربارهٔ پرورش ابتکارات جدید بپردازند.»
⚠ اینجا مشخص می‌شود که هدف، نه فقط خدمت اجتماعی، بلکه نهادینه‌سازی شبکه‌های اجرایی بهایی در بطن جامعه است. نهادهای رسمی (محفل محلی، نهاد اقدام اجتماعی، سازمان ملهم) به مرور:
پروژه‌ها را طراحی می‌کنند؛
منابع مالی و انسانی را جذب می‌کنند؛
و در نهایت مدیریت بخشی از نیازهای عمومی جامعه را از دست دولت خارج کرده، به درون تشکیلات می‌برند.
پیش‌ران جهانی اقدام اجتماعی: «سازمان توسعهٔ بین‌المللی بهائی»
«...مشاهدهٔ اینکه چطور این حوزه از مجهودات با تشویق و حمایت سازمان توسعهٔ بین‌المللی بهائی ترقّی نموده است موجب سرور این مشتاقان است.»
📍 این سازمان (Baha’i International Development Organization – BIDO) که مستقر در اسرائیل است، هماهنگ‌کنندهٔ جهانی تمام این اقدامات به‌ظاهر محلی است. یعنی اقدامات خیریه، آموزشی، هنری یا زیست‌محیطی بهاییان در روستاهای آسیا، آفریقا و آمریکای جنوبی، همه به یک اتاق فرمان جهانی وصل هستند.
🖈 ترجمه امنیتی:
یک نهاد فراملی، مستقر در فلسطین اشغالی، با شبکه‌ای از سازمان‌های محلی زیرزمینی و نیمه‌علنی، در حال پیاده‌سازی پروژه‌های اجتماعی در کشورهای هدف است، تا:
پایگاه مردمی تشکیلات را گسترش دهد؛
منابع انسانی را توسعه دهد؛
و محیط اجتماعی را با ارزش‌ها و هنجارهای بهایی تطبیق دهد.
⚠ جمع‌بندی راهبردی: اقدام اجتماعی = اقدام پوششی تشکیلات
اقدام اجتماعی بهایی:
ظاهری انسانی دارد، اما باطن آن تشکیلاتی، توسعه‌محور و بسط‌دهندهٔ نفوذ است؛
نیروی انسانی خود را نه از جامعه، بلکه از درون شبکه آموزش‌یافتهٔ خود جذب می‌کند؛
هدف آن، استقرار تدریجی نهادهای اداره‌کننده جامعه توسط بهاییان محلی با اتصال مستقیم به مرکز جهانی در اسرائیل است؛
و نهایتاً با ادعای پاسخگویی به نیازهای جامعه، وفاداری عاطفی و فکری مردم را از دولت به تشکیلات بهایی منتقل می‌کند.

▧ بررسی سازوکار تصرف خاک توسط بیت العدل
الف : اشغال خاک
▧ پروژه جهانی ۲۵ ساله بیت‌العدل؛ ساخت شبکه نفوذ در پوشش ‟اجتماع‌سازی”

📌 تحلیل امنیتی بر مبنای پیام رسمی بیت‌العدل – ۳۰ دسامبر ۲۰۲۱

🔗 لینک پیام : https://payamha-iran.org/document/350

▧ **مقاله ۴۶**

📌 مقاله تحلیلی-امنیتی

🎯 افشای نقش غیرقانونی و پنهان سازمان‌های «ملهم از تعالیم بهایی» در پوشش NGO

🩹 شاهد اصلی: اعتراف در پیام رسمی بیت‌العدل

«در بعضی موارد، تأسیس یک سازمان ملهم از تعالیم بهائی جوابی به احتیاجات در یک حوزهٔ خاصّ مجهودات خواهد بود و انتظار داریم که در طیّ نقشهٔ آینده تعداد بیشتری از این سازمان‌ها تأسیس گردد.»

⚠️ اعتراف مکرر به مدیریت عملیاتی این سازمان‌ها توسط تشکیلات بهایی

در این جمله، بیت‌العدل برای چندمین‌بار – گویا فراموش کرده که قبلاً انکار کرده – مجدداً اعتراف می‌کند:

این سازمان‌ها نه نهادهای مستقل مدنی، بلکه «ملهم از تعالیم بهایی» هستند؛

یعنی:

فلسفه،

اهداف،

نیروی انسانی،

و جهت‌گیری راهبردی این نهادها،

کاملاً ایدئولوژیک، مذهبی و تشکیلات‌محور است.

💣 اما نکته‌ی مهم‌تر:

در تمام کشورهایی که این سازمان‌ها ثبت شده‌اند، هیچ‌یک از آن‌ها در اساسنامه به وابستگی تشکیلاتی یا اعتقادی به بیت‌العدل یا آیین بهایی اشاره‌ای نکرده‌اند.

بلکه معمولاً خود را:

«غیردینی»،

«مردمی»،

«انسان‌دوست»،

یا «مبتنی بر ارزش‌های جهانی»

معرفی کرده‌اند.

🔍 این یعنی پنهان‌کاری هدفمند و تخلف حقوقی در اسناد رسمی.

🚨 عملیات فریب در ثبت NGOها: مصداق روشن سازمان پوششی

در ادبیات امنیتی، سازمان‌هایی با ویژگی‌های زیر به عنوان سازمان پوششی شناخته می‌شوند:

دارای هدف اعتقادی یا سیاسی،

در ظاهر غیرمذهبی و خیریه‌ای،

دارای مرکز هدایت خارجی،

و پنهان‌کننده وابستگی تشکیلاتی.

🎯 «سازمان‌های ملهم از تعالیم بهایی» دقیقاً چنین ساختاری دارند:

از بیت‌العدل مأموریت می‌گیرند؛

با مدیران بهایی اداره می‌شوند؛

فعالیت‌های آموزشی، محیطزیستی یا اجتماعی انجام می‌دهند؛

اما هویت حقیقی‌شان را در هیچ سندی علنی نمی‌کنند.

📍 این نوع اقدام، نقض شفافیت قانونی و تهدیدکننده نظم عمومی است.

🤯 توجیه رسمی بیت‌العدل: «خودجوش‌اند، ما فقط الهام دادیم!»

در سال‌های گذشته، تشکیلات بهایی در پاسخ به انتقادات دولت‌ها یا رسانه‌ها، بارها ادعا کرده است:

«ما هیچ‌گونه مدیریتی روی این NGOها نداریم. این‌ها ابتکارهای محلی شهروندان هستند.»

اما پیام رسمی نقشهٔ نه‌ساله نقاب را کنار می‌زند:

تأسیس این سازمان‌ها بخشی از یک نقشه جهانی است

و در چارچوب الگوی تشکیلاتی بیت‌العدل طراحی و توسعه داده می‌شود.

📌 یعنی برخلاف ادعاهای قبلی، این NGOها از بالا به پایین طراحی و سازماندهی شده‌اند، نه بالعکس.

⚖️ مداخله سازمان‌یافته در نظم عمومی کشورها

بر اساس قوانین داخلی کشورها و استانداردهای جهانی:

سازمان‌های دارای وابستگی خارجی باید آن را اعلام کنند؛

فعالیت مذهبی در پوشش خیریه‌ای جرم محسوب می‌شود؛

هرگونه پنهان‌کاری در ماهیت سازمانی، تخلف محسوب می‌شود.

👑 بنابراین، این شبکه NGOها:

عملاً سازمان‌های موازی وابسته به مرکز جهانی بهایی در اسرائیل‌اند؛

ساختارشان تشکیلاتی است، اما با پوشش مردمی ثبت می‌شوند؛

و به‌دروغ مستقل و غیرمذهبی معرفی می‌شوند.

🕸️ دام اجتماعی: NGOهایی که مردم را به شبکه آموزشی بهایی پیوند می‌زنند

کارکرد اصلی این سازمان‌ها نه ارائه خدمات اجتماعی، بلکه جذب، شناسایی، و هدایت افراد به سمت سیستم قابلیّت‌سازی تشکیلاتی آیین بهایی است:

ابتدا جذب از طریق پروژه‌هایی چون آموزش کودکان، زنان، محیطزیست، سلامت و...؛

سپس دعوت به مؤسسهٔ آموزشی روحی؛

و در نهایت ورود به شبکه رسمی فعالیت‌های جامعه‌سازی و ترویجی بهایی.

🎯 این پروژه‌ها، نه خدمت واقعی، بلکه «پُل جذب» به بدنه اعتقادی-تشکیلاتی هستند.

☑️ جمع‌بندی: عملیات سازمان‌یافته پوششی در نقشه جهانی بهایی

🟣 بیت‌العدل در این پیام به‌روشنی و برای چندمین‌بار اعتراف می‌کند که:

تأسیس NGOهای مرتبط در سراسر جهان جزئی از نقشه رسمی جهانی آنان است؛
این سازمان‌ها از نظر ساختار، مدیران و مأموریت‌ها، کاملاً وابسته‌اند؛
اما در سطح رسمی، هیچ‌گونه وابستگی‌ای اعلام نمی‌شود؛
و این یعنی: عملیات پوششی، نقض شفافیت، و تهدید مستقیم امنیت اجتماعی کشورها.
#️⃣ 🌾

▧ بررسی سازوکار تصرف خاک توسط بیت العدل

الف : اشغال خاک

▧ پروژه جهانی ۲۵ ساله بیت‌العدل؛ ساخت شبکه نفوذ در پوشش "اجتماع‌سازی"

📌 تحلیل امنیتی بر مبنای پیام رسمی بیت‌العدل – ۳۰ دسامبر ۲۰۲۱

🔗 لینک پیام : https://payamha-iran.org/document/350

▧ **مقاله ۴۷**

📌 تحلیل متن‌محور پیام رسمی بیت‌العدل

🎯 پیوند قابلیّت «اقدام اجتماعی» با «گفتمان‌سازی»؛ شکل‌دهی به نفوذ ساختاری

🧪 مهندسی فرهنگی با پوشش «مشارکت در گفتگوهای اجتماعی»

در این بخش، بیت‌العدل تأکید می‌کند که:

«قابلیت اقدام اجتماعی» از دل «قابلیت مشارکت در گفتمان‌های اجتماعی» برمی‌خیزد؛
و این گفتمان‌سازی بر مبنای «دیدگاه‌های برگرفته از اصول بهائی» است.

🧩 این یعنی ورود به مسائل اجتماعی (آموزش، سلامت، عدالت، محیطزیست و...)،
نه از مسیر بی‌طرف و علمی، بلکه از مسیر ایدئولوژیک و دینی – آن هم تحت پوشش نرم و فرهنگی.

📌 بنابراین، آنچه در ظاهر «گفتگوی اجتماعی» با نهادهای محلی، سمن‌ها، یا جامعه مدنی است،
در عمل ترویج «جهت‌گیری ارزشی و معرفتی تشکیلات بهایی» است که به‌تدریج هنجارسازی می‌کند.

🧠 تزریق دیدگاه‌های بهائی در گفتمان عمومی: استراتژی نفوذ فرهنگی

در متن آمده:

«با ازدیاد تعداد شرکت‌کنندگان در فعالیت‌های جامعه‌سازی، لازم است جامعهٔ بهائی نیز در مقام جمعی متحد، دیدگاه وزین خود را درباره موانع پیشرفت اجتماعی ارائه کند.»

🔍 این گزاره حاکی از تلاش هدفمند برای:

قالب‌بندی دوبارهٔ موضوعات عمومی جامعه از منظر تعالیم بهایی؛
ایفای نقش فعال در شکل‌دهی به چارچوب بحث در محافل عمومی؛
و گسترش تأثیر نرم تشکیلات بهایی بر افکار عمومی از طریق افراد آموزش‌دیده در مؤسسه روحی.

🎯 در حقیقت، «گفتمان‌سازی» صرفاً ابزاری برای «تقلیب فرهنگی» است،
یعنی تغییر آرام، تدریجی و هدفمند در بافت ارزشی یک جامعه از درون، بدون اعلان رسمی.

⚠️ تبدیل محفل محلّی به مرجع اجتماعی: گذار از تشکیلات مذهبی به اتاق فکر عمومی

بیت‌العدل به‌صراحت می‌نویسد:

«محفل محلّی به‌تدریج در سطح وسیع‌تری به عنوان منبعی برای بصیرت اخلاقی مطمح نظر قرار می‌گیرد.»

📌 این یعنی تلاش برای رسمیت‌بخشی تدریجی به نهاد مذهبی داخلی بهایی به‌عنوان «مرجع مشورتی اجتماعی».

🚨 خطر این فرایند چیست؟

استفاده از یک ساختار مذهبی غیرقانونی برای تأثیرگذاری بر نهادهای رسمی کشور؛

شکل‌دهی به ائتلاف‌های اجتماعی و نخبگانی با خط فکری واحد؛

و تبدیل یک اقلیت ایدئولوژیک به عنصر جهت‌دهنده فضای فرهنگی-سیاسی منطقه‌ای.

🎤 مهارت‌سازی برای نفوذ نرم: از جلسات روحی تا جلسات مشورتی شهری

در متن آمده که:

«مهارت گفتمان‌سازی با شرکت در دوره‌های مؤسسه آموزشی پرورش می‌یابد.»

🔍 این عبارت نشان می‌دهد که دوره‌های روحی فقط آموزش معنوی نیستند،

بلکه دوره‌هایی برای قابلیت‌سازی رسانه‌ای، بینافردی و اقناع اجتماعی هستند.

این مهارت‌ها بعداً برای:

نفوذ در شوراها، مدارس، نهادهای محلّی، یا NGOهای عمومی؛

و مشارکت‌های به‌ظاهر بی‌طرفانه، اما ایدئولوژیک استفاده می‌شوند.

👑 بنابراین، مؤسسه روحی عملاً به یک آکادمی کادرسازی برای عملیات نرم تشکیلات بهایی تبدیل شده است.

🎯 جمع‌بندی امنیتی: پروژه «تقلیب اجتماعی» برای تسهیل اشغال خاک فرهنگی

تمام آنچه در این بند از پیام بیت‌العدل آمده، در واقع بخشی از نقشه کلانِ تسخیر تدریجی بافت فرهنگی جوامع هدف است:

با اقدام اجتماعی اعتماد می‌سازند؛

از طریق گفتمان‌سازی ذهن‌ها را شکل می‌دهند؛

و نهایتاً با قابلیت‌سازی تشکیلاتی، بستر تصرف ساختاری را مهیا می‌کنند.

⛔ این استراتژی را می‌توان با یک تعبیر مهم توضیح داد:

هدف اشغال خاک نیست؛ هدف، اشغال فرهنگ است؛

اما اشغال فرهنگ، بستر اشغال خاک را هموار می‌کند.

📌 سازمان‌های ملهم از تعالیم بهایی، دوره‌های روحی، محافل محلّی و گفتمان‌سازی اجتماعی،

همگی ابزارهای پوششی این استراتژی تقلیب اجتماعی‌اند.

#️⃣ 🌿

▧ بررسی سازوکار تصرف خاک توسط بیت العدل

الف : اشغال خاک

▧ پروژه جهانی ۲۵ ساله بیت‌العدل؛ ساخت شبکه نفوذ در پوشش "اجتماع‌سازی"

📌 تحلیل امنیتی بر مبنای پیام رسمی بیت‌العدل – ۳۰ دسامبر ۲۰۲۱

🔗 لینک پیام : https://payamha-iran.org/document/350

▧ **مقاله ۴۸**

⚠️ عملیات سازمان‌یافته تحت نام فعالیت فردی: قلب واقعیت مدنی

در پیام آمده است:

«اقدام اجتماعی و مشارکت در گفتمان‌های رایج در اجتماع، نتیجهٔ تلاش افراد بهائی برای کمک به پیشرفت اجتماع است.»

این جمله با هدف انکار ساختار مرکزی و سازمان‌یافته تشکیلات بهایی در پشت این اقدامات به کار رفته،

در حالی که در ادامهٔ همان پیام، بلافاصله روشن می‌شود:

«تعداد زیادی از سازمان‌های ملهم از تعالیم بهایی توسط گروه‌هایی از افراد تأسیس شده‌اند... و از هدایت محافل روحانی محلّی و ملّی نیز نصیب برده‌اند.»

یعنی:

به‌ظاهر فردی و داوطلبانه؛

اما در واقع در یک بستر کاملاً ساختاری، ایدئولوژیک و با هدایت تشکیلات مرکزی.

اعتراف دوباره: سازمان‌های ملهم، تحت هدایت محافل روحانی

این جمله کلیدی است:

«همهٔ این کوشش‌ها... از هدایات حکیمانهٔ محافل روحانی محلّی و ملّی نصیب برده‌اند.»

📌 این نقض آشکار اصل استقلال سازمان‌های مردم‌نهاد (NGO) است.

در قوانین اکثر کشورها و اصول بین‌المللی NGOها،

نهادهای مدنی نباید تحت هدایت تشکیلات مذهبی – به‌ویژه غیررسمی و خارجی – باشند.

🔍 بنابراین، این یک اعتراف رسمی و مکرّر به همان واقعیتی است که همواره انکار می‌شد:

این سازمان‌ها، ابزار تشکیلاتیِ هدایت‌شده‌اند، نه پروژه‌های مردمیِ مستقل.

🕸 سازمان‌های پوششی (Cover NGOs): ظاهر انسان‌دوستانه، هدف تشکیلاتی

عبارت "سازمان‌های ملهم از تعالیم بهایی" یعنی چه؟

این سازمان‌ها اهداف رسمی‌شان را توسعه اجتماعی، فرهنگی یا محیطزیستی اعلام می‌کنند؛

اما تمام برنامه‌ها، چارچوب فکری، منابع انسانی و حتی روند اجرایی،

همگی از "بینش‌های برگرفته از تعالیم بهایی" و "هدایت محافل روحانی" تغذیه می‌شوند.

در عرف حقوقی و امنیتی، به چنین نهادهایی، سازمان پوششی می‌گویند:

«نهادی با چهره مدنی یا خیریه‌ای که به‌طور پنهان، اهداف سیاسی یا ایدئولوژیک یک مرکز خارجی را دنبال می‌کند.»

📍 تقلب در اسناد رسمی ثبت سازمان‌ها

هیچ‌یک از سازمان‌های به‌اصطلاح ملهم از تعالیم بهایی در کشورهای مختلف، در اساسنامه خود:

به وابستگی به تشکیلات جهانی بهایی (بیت‌العدل یا محافل روحانی) اشاره‌ای نکرده‌اند؛

و هیچجا خود را بازوی یک نهاد دینی معرفی نکرده‌اند.

❗ در حالی که این پیام می‌گوید تمام آن‌ها ”از هدایات محافل روحانی“ تبعیت می‌کنند.

🟣 این یک تخلف روشن در ثبت رسمی، تقلب حقوقی، و پنهان‌کاری سازمانی است که مستوجب پیگرد قانونی است.

🧩 از ”دعوت فردی“ تا ”عملیات شبکه‌ای“: فریب مفهومی در طراحی سازمان‌ها

در متن آمده:

«در پاسخ فردی به دعوت حضرت بهاءالله، احبا مشاغل و پروژه‌هایی برگزیده‌اند...»

🎯 این عبارت قصد دارد کل روند را فردی، الهامی و غیرتشکیلاتی جلوه دهد.

اما ساختار پیام، از جمله:

تأکید بر «تأسیس تعداد زیادی سازمان»،

«هدایت توسط محافل روحانی»،

«هدف‌گذاری مشخص بر گفتمان‌های اجتماعی»،

نشان می‌دهد که هیچ‌کدام از این پروژه‌ها خودجوش فردی نیستند؛ بلکه جزئی از یک برنامه فراسازمانی، مهندسی‌شده و سلسله‌مراتبی هستند.

🎯 هدف نهایی: تقلیب اجتماعی برای اشغال خاک فرهنگی

آنچه در ظاهر، اقدام خیریه و اجتماعی است، در باطن، پروژه‌ای تمام‌عیار برای تغییر هویت فرهنگی جوامع هدف است:

اشغال خاک با لشکرکشی نظامی دیگر مؤثر نیست؛

اما اشغال فرهنگ با گفتمان‌سازی، اقدام اجتماعی، و سازمان‌های پوششی،

مسیر پایدارتر و پنهان‌تری برای تغییر ساختارهای اجتماعی کشورهاست.

📌 بنابراین:

اقدام اجتماعی = ابزار پوششی

گفتمان‌سازی = ابزار مهندسی ذهن

سازمان‌های ملهم = تورهای جذب منابع انسانی

و همه این‌ها در خدمت یک پروژه تقلیبی هستند، نه خدمت مردمی واقعی.

☑ نتیجه‌گیری: اقرار رسمی بیت‌العدل به عملیات پوششی – قابل پیگرد حقوقی و امنیتی

این متن، بار دیگر نقاب سازمان‌های بهایی را کنار می‌زند و نشان می‌دهد:

این سازمان‌ها نه مستقل‌اند، نه غیردینی؛

بلکه ساختارهایی پنهان با رهبری خارجی، هدف‌گذاری اعتقادی و هویت‌سازی فرهنگی‌اند؛

که در تضاد با قوانین حاکمیت ملی، شفافیت سازمانی، و امنیت اجتماعی هستند.

🎭 بنابراین، هرگونه فعالیت این نهادها بدون افشای وابستگی تشکیلاتی‌شان، مصداق سازمان پوششی، فریب

قانونی، و تهدید ساختاری برای نظم عمومی است.

#️⃣ 🌿

▧ بررسی سازوکار تصرف خاک توسط بیت العدل

الف : اشغال خاک

▧ پروژه جهانی ۲۵ ساله بیت‌العدل؛ ساخت شبکه نفوذ در پوشش ”اجتماع‌سازی“

📌 تحلیل امنیتی بر مبنای پیام رسمی بیت‌العدل – ۳۰ دسامبر ۲۰۲۱

🔗 لینک پیام : https://payamha-iran.org/document/350

▧ **مقاله ۴۹**

📌 تحلیل امنیتی – ساختاری

🎯 مؤسسه آموزشی: بازوی راهبردی بیت‌العدل در فرآیند تربیت کادر تشکیلاتی و تقلیب فرهنگی بومی

🏗 تعریف ساختاری: مؤسسه آموزشی، نه یک نهاد صرفاً تربیتی، بلکه «ستاد کادرسازی»

پیام بیت‌العدل می‌گوید:

«مؤسّسهٔ آموزشی از برجسته‌ترین ساختارها و نهادهای ایجاد شده توسّط عالم بهائی برای ارائهٔ تعلیم و تربیت است...»

اما این «تعلیم و تربیت» در ظاهر، با آنچه در عمل رخ می‌دهد، تفاوت ماهوی دارد:

🔍 در واقع:

مؤسسه آموزشی نهاد تربیت کادر تشکیلاتی است؛

با کارکردی دوگانه: «تربیت زبده‌ترین نیروهای سازمانی در سطح ملی» و «بومی‌سازی راهبردی محتوا در سطح منطقه‌ای».

🌍 ساختار جهانی – ملی – منطقه‌ای: هرم فرامرزی هدایت و بومی‌سازی

📌 ساختار این نهاد به شکل زیر است:

سطحوظیفهموقعیتبین‌المللیطراحی اصول راهبردی، محتوای ایدئولوژیک، ساختار کلی دوره‌هامرکز جهانی در اسرائیل (تحت مدیریت مؤسسه بین‌المللی توسعه)ملیتربیت نخبگان تشکیلاتی، گزینش و پرورش مدرسان زبده، ترجمه و تعدیل محتواپایتخت‌ها یا شهرهای مرکزیمنطقه‌ای / استانیبومی‌سازی جزئی، تطبیق مثال‌ها با جغرافیای محلی، اجرای دوره‌ها در نواحی خاصنواحی حاشیه‌ای، روستایی، بومی یا فقیرنشین

🎭 این یعنی محتوا و ساختار دوره‌های موسوم به ”روحی“، با ظاهری انسانی و اخلاقی، اما ماهیتاً تربیت ایدئولوژیک و تشکیلاتی است.

🎯 هدف راهبردی: تقلیب اجتماعی با محوریت کادرهای آموزش‌دیده

در متن آمده:

«قابلیّت‌سازی برای خدمت... از ویژگی اصلی سلسله نقشه‌های جاری باقی خواهد ماند...»

🔍 تحلیل:

این «قابلیت» همان توان تشکیلاتی است؛

نه صرفاً برای «خدمت»، بلکه برای پیش‌برد تدریجی شبکه اجتماع‌ساز بهایی در بافت بومی هر کشور؛

درواقع، اینجا با یک نهاد شبه‌حوزوی مدرن مواجهیم که:

✳ کارکردی مانند حوزه علمیه دارد،

اما در پوشش کلاس‌های شهروندی، اخلاقی، کودک، محیط‌زیستی، و «تحوّل فردی» عمل می‌کند.

🧩 بومی‌سازی، ابزار نفوذ نامحسوس فرهنگی

پیام صریح بیت‌العدل:

«مؤسسات ملّی و منطقه‌ای، محتوا را برای شرایط محلّی تطبیق می‌دهند.»

🔍 این یک الگوی کلاسیک نفوذ فرهنگی با محتوای مرکزی و صورت محلی است:

مثال‌ها، زبان، نیازها، مدل‌های موفقیت، و حتی مشکلات،

برای هر منطقه با ویژگی‌های آن منطقه تطبیق داده می‌شود:

از آمازون تا دهلی، از بلوچستان تا جوادیه.

🛑 این یعنی نفوذ فرهنگی از طریق همان مؤسساتی که ادعای تربیت اخلاقی و شهروندی دارند،

اما در واقع، ساختارهای پنهان «تغییر بافت فرهنگی جوامع» هستند.

🕸 مؤسسه آموزشی: پل اتصال نیروهای محلی به ساختار جهانی

از طریق این مؤسسات:

فرد از یک «جلسه کودکان یا نوجوانان» وارد فرآیند آموزشی می‌شود؛

با مفاهیم «اخلاقی – الهامی – مشورتی» آشنا می‌گردد؛

سپس به عنوان راهبر، مربی یا مروج جذب می‌شود؛

و در نهایت، در یک ساختار چندلایه به عنوان «کادر محلی برای پیاده‌سازی نقشه جهانی بیت‌العدل» سازماندهی می‌شود.

❗ این همان الگویی است که در سازمان‌های مذهبی – امنیتیِ فراملی مشاهده می‌شود.

🚨 تهدید راهبردی: اشغال خاک فرهنگی از درون

نکته کلیدی:

مؤسسات آموزشی، اگرچه ظاهراً مشغول تربیت انسان اخلاق‌مدارند،

اما در واقع، تربیت انسان با هویت جهانی بهایی، نظام فکری خاص، و مأموریت‌محور را دنبال می‌کنند.

این یعنی:

فرآیند تقلیب اجتماعی، به‌جای اقدام علنی، از مسیر تربیت‌های بومی‌شده، تدریجی، و فراگیر انجام می‌شود؛

هدف نهایی: ایجاد بافت فرهنگی جدید با هویت بهایی، در دل ملت‌ها بدون مواجهه مستقیم.

🛑 به تعبیر امنیتی:

«اشغال تدریجی خاک فرهنگی»، در پوشش "قابلیت‌سازی آموزشی" و با ابزار "مؤسسات منطقه‌ای."

☑ جمع‌بندی راهبردی

🟢 مؤسسات آموزشی ملّی و منطقه‌ای بهایی، در واقع:

مراکز تربیت ایدئولوژیک و سازمانی نیروهای بومی هستند؛
که بر اساس دستورالعمل‌های بیت‌العدل در اسرائیل عمل می‌کنند؛
و مأموریت‌شان، تطبیق آموزه‌ها و راهبردها با شرایط هر کشور، ناحیه و حتی روستا است؛
خروجی‌شان نیز، کادرهایی تشکیلاتی، وفادار، و مروج ساختار بهایی در لایه‌های اجتماعی هدف است.
📌 و این تماماً در تضاد با تعریف سازمان‌های مدنی مستقل، مراکز آموزشی بی‌طرف، و فعالیت‌های غیرمذهبی است.
#️⃣ 🌿

▧ بررسی سازوکار تصرف خاک توسط بیت العدل
الف : اشغال خاک
▧ پروژه جهانی ۲۵ ساله بیت‌العدل؛ ساخت شبکه نفوذ در پوشش "اجتماع‌سازی"
📌 تحلیل امنیتی بر مبنای پیام رسمی بیت‌العدل – ۳۰ دسامبر ۲۰۲۱
🔗 لینک پیام : https://payamha-iran.org/document/350
▧ **مقاله ۵۰**
تحلیل راهبردی: مؤسسه آموزشی و نقش کلیدی آن در پرورش نیروی اجتماع‌ساز آیین بهائی
🔑 ضرورت و هدف تأسیس مؤسسه آموزشی
در آغاز، مؤسسه آموزشی برای پاسخ به نیاز حیاتی پرورش منابع انسانی طراحی شد؛ یعنی تربیت افرادی که بتوانند وظایف ترویج و تحکیم جامعه بهائی را به عهده گیرند.
اما در چرخه جدید نقشه‌های جهانی، مأموریت این نهاد فراتر رفته است:
شرکت در دوره‌های مؤسسه آموزشی، به طور فزاینده، نیروهای بهائی را برای اشتغال عمیق‌تر در حیات اجتماعی آماده می‌کند؛
این افراد، دانش، بینش و مهارت‌هایی کسب می‌کنند که به آنها امکان می‌دهد نه تنها در توسعه جامعه بهایی بلکه در پیشرفت کل اجتماع انسانی نقش ایفا کنند.
📚 گستردگی و انسجام نظام آموزشی
مؤسسه آموزشی مواد درسی منسجم و متناسب با سنین مختلف از پنج سالگی تا بزرگسالی ارائه می‌دهد؛
این مواد آموزشی همزمان شبیه به الگوی فعالیت‌های مردمی عمل می‌کند؛
فرایند آموزش، از لحاظ محتوا و ساختار، یک مسیر مشخص و هدفمند برای شکل‌دادن به نیروی اجتماع‌ساز فراهم می‌آورد.
🌐 تطبیق محتوای آموزشی با تنوع اجتماعی و فرهنگی
در نقاط مختلف جهان و شرایط متنوع فرهنگی و اجتماعی، بهائیان توانسته‌اند بینش‌های غنی‌ای درباره توسعه جامعه کسب کنند؛
سیستم‌های لازم برای تهیه، بهبود و بومی‌سازی مواد آموزشی در حال گسترش است تا این دانش‌ها به نحو مؤثرتری در سراسر جهان پراکنده و بهره‌برداری شود.

🚀 مؤسسه آموزشی به مثابه «موتور» توسعه اجتماعی و اجتماع‌سازی
مؤسسه آموزشی وسیله‌ای مؤثر برای به ظهور رساندن نیروی اجتماع‌سازی آیین بهائی است؛
این نهاد، نه تنها آموزش صرف بلکه ساختار آماده‌سازی کادر تشکیلاتی برای مدیریت و گسترش شبکه‌های اجتماعی را به عهده دارد؛
این فرآیند، درازمدت است ولی نتایج آن در اشکال مختلف توسعه اجتماعی و فرهنگی ملموس خواهد بود.
🔜 چشم‌انداز آینده و نقش هدایت مرکزی
با توجه به اهمیت و پیچیدگی موضوع، بیت‌العدل وعده داده است که به زودی رویکردی مشخص و برنامه‌ریزی شده برای هدایت و گسترش این اقدام ارائه خواهد داد؛
این بدان معناست که این نهاد در مسیر توسعه سازمان‌یافته، با کنترل و نظارت متمرکز، در قالب یک طرح جهانی قرار دارد.
جمع‌بندی
مؤسسه آموزشی، صرفاً یک مرکز تعلیم و تربیت نیست، بلکه:
ستادی استراتژیک برای پرورش نیروی اجتماع‌ساز،
یک موتور فرهنگی و تشکیلاتی در قلب پروژه جهانی جامعه‌سازی بهایی،
نهادی که نقش کلیدی در نفوذ فرهنگی، اجتماعی و ایدئولوژیک این تشکیلات ایفا می‌کند.
#️⃣ 🌿

بررسی سازوکار تصرف خاک توسط بیت العدل ✍️
الف: اشغال خاک
بررسی پیام بیت العدل تاریخ ۱۷ ژانویه ۲۰۰۳
مقاله ۵۱:
سمپاتی‌سازی به‌جای ایمان‌سازی؛ جذب نیرو برای ساختار تشکیلاتی بیت‌العدل
(تحلیل رفتاری ـ سازمانی فعالیت‌های فرهنگی بهایی)
چکیده:
ادعای رسمی مبلغین بهایی این است که فعالیت‌هایشان مثل «جلسات دعا»، «کلاس‌های کودکان»، و «مطالعات روحی» تنها برای گسترش اخلاق و معنویت است و اجباری در پذیرش باورها وجود ندارد. اما بررسی نقشه‌های بیت‌العدل و پیام‌های رسمی آن، به‌ویژه پیام ۱۷ ژانویه ۲۰۰۳، نشان می‌دهد که این اقدامات نه برای ایمان‌سازی، بلکه برای ایجاد سمپاتی و اتصال افراد به ساختار تشکیلاتی بیت‌العدل در خاک کشورهاست. این مقاله اثبات می‌کند که هدف واقعی، ساخت شبکه‌ای انسانی است که بی‌آنکه بهایی شوند، به‌عنوان منابع انسانی تشکیلات عمل می‌کنند.
مقدمه:
ایمان، یک فرایند عمیق باطنی و آزادانه است. اگر فعالیت‌های فرهنگی بهایی واقعا دینی باشند، باید به باورسازی ختم شوند. اما در واقع، همان‌طور که بیت‌العدل نیز تصریح کرده، این فعالیت‌ها بیشتر در خدمت گسترش تشکیلات اداری ـ جغرافیایی هستند تا تحول دینی افراد.

در این مقاله نشان می‌دهیم که چرا اقدامات به‌ظاهر معنوی بهاییان، مانند دعا و کلاس کودک، در حقیقت «پروژه مهندسی فرهنگی تشکیلاتی» هستند و نه دعوت الهی.

۱. تعریف «سمپاتی‌سازی» در پروژه نفوذ نرم:

در ادبیات سیاسی ـ امنیتی، سمپاتی‌سازی یعنی جذب احساسی و عاطفی افراد برای حمایت غیرمستقیم از یک نهاد، بدون آنکه الزاماً با آن نهاد باور مشترک یا عضویت رسمی داشته باشند.

در اسناد بیت‌العدل، این دقیقا هدف بسیاری از حلقه‌های مطالعاتی و کلاس‌های کودک و دعاست:

«در بسیاری از مناطق، قبل از اینکه حتی فردی بهایی شود، به حلقه‌ها، کلاس‌ها و فعالیت‌های جامعه‌ساز می‌پیوندند.»

📌 نتیجه: افراد عضو نمی‌شوند؛ بلکه در ساختار شبکه به کار گرفته می‌شوند.

۲. سند ۱۷ ژانویه ۲۰۰۳ چه می‌گوید؟

این سند فقط از گسترش باور دینی نمی‌گوید، بلکه از مواردی صحبت می‌کند که نشانه فعالیت شبکه‌ای است:

تقسیم جغرافیایی کشورها به خوشه‌های بهایی؛

فعالیت در مناطقی بدون حضور جامعه بهایی؛

برنامه‌ریزی برای نهادینه‌سازی فعالیت‌ها.

یعنی حتی بدون اینکه جامعه‌ای بهایی وجود داشته باشد، ساختار به آن منطقه وارد می‌شود.

📌 این یعنی: دین وارد نمی‌شود، سازمان وارد می‌شود.

۳. ابزارهای سمپاتی‌سازی تشکیلات:

بر اساس متون رسمی و تجربیات میدانی، ابزارهای زیر برای اتصال انسان‌ها به بدنه شبکه‌ای بیت‌العدل استفاده می‌شود:

ابزارظاهرکارکرد واقعیجلسات دعاعرفانی و معنویتماس اولیه با شبکهکلاس کودکآموزشی و تربیتینفوذ خانوادگی ـ عاطفینوجواندهی نوجوانانروان‌شناسی مثبتپرورش وفاداری به ساختارحلقه مطالعاتیآموزش دینینهادسازی نرم در قالب گروه‌های هسته‌ای

📌 در هیچ‌یک از این فعالیت‌ها، هدف اصلی «دعوت به ایمان» نیست؛ بلکه هدف «اتصال نرم به شبکه» است.

۴. چرا این اقدامات تبلیغ دینی واقعی نیستند؟

تبلیغ دینی در ادیان دیگر:

اعلام آشکار هویت،

دعوت به پذیرش ایمان،

آزادی در پذیرش یا رد.

در پروژه بیت‌العدل:

عدم اعلام آشکار اهداف نهایی،

تمرکز بر پیوستن افراد به فعالیت‌ها بدون الزام به ایمان،

حرکت خزنده به سوی ساختار تشکیلاتی.

📌 این یعنی: نه تبلیغ است، نه دعوت؛ بلکه جذب منابع انسانی برای تشکیلات است.

۵. چرا این روش خطرناک است؟

در نگاه حقوقی و اجتماعی، چنین فرایندی خطرناک است چون:

فرد تصور می‌کند در یک فعالیت فرهنگی است، اما به ساختاری فراملی و امنیتی پیوسته؛

حاکمیت ملی نادیده گرفته می‌شود؛

عضویت رسمی یا قانونی وجود ندارد؛ اما ساختار تشکیلاتی شکل می‌گیرد؛

امکان نظارت دولت یا مردم بر این شبکه وجود ندارد.

نتیجه‌گیری:

گسترش جلسات دعا و آموزش کودکان در تشکیلات بهایی، در نگاه اول معنوی و اجتماعی به‌نظر می‌رسد، اما در واقع نوعی مهندسی نرم با هدف استقرار شبکه سازمانی در سطح ملی است. این اقدامات منجر به بهایی شدن افراد نمی‌شود، بلکه باعث پیوند آنان با بدنه عملیاتی بیت‌العدل می‌گردد.

📌 این پروژه، دینی نیست؛ تشکیلاتی است.

📌 هدفش ایمان‌آوری نیست؛ منابع انسانی برای اشغال نرم خاک کشورهاست.

🔚 نتیجه‌گیری

مؤسسه آموزشی به عنوان نهادی استراتژیک در قلب تشکیلات آیین بهائی عمل می‌کند که نه فقط وظیفه آموزش، بلکه پرورش و سازماندهی نیروی اجتماع‌ساز را برعهده دارد.

ساختار چندسطحی و بومی‌سازی شده این نهاد، زیر نظر مستقیم بیت‌العدل در اسرائیل، موتور محرک اجرای نقشه‌های جهانی توسعه بهائی در حوزه‌های فرهنگی، اجتماعی و حتی سیاسی است.

این مؤسسه با پوشش تربیت و آموزش، ضمن نفوذ در نهادهای محلی و ملی، قدرت اثرگذاری گسترده‌ای بر جوامع مختلف می‌گذارد که باید به دقت مورد رصد و تحلیل امنیتی و حقوقی قرار گیرد.

#️⃣ ▧

▧ بررسی سازوکار تصرف خاک توسط بیت‌العدل

الف: اشغال خاک

▧ پروژه جهانی ۲۵ ساله بیت‌العدل؛ ساخت شبکه نفوذ در پوشش "اجتماع‌سازی"

📌 تحلیل امنیتی بر مبنای پیام رسمی بیت‌العدل – ۳۰ دسامبر ۲۰۲۱

🔗 لینک پیام: https://payamha-iran.org/document/350

▧ **مقاله ۵۲**

⚖️ نقد حقوقی و امنیتی: بهره‌کشی از کودک در پوشش فعالیت‌های آموزشی و خدمت اجتماعی

🧠 ۱. فعالیت‌های تربیتی یا سازوکار پنهان مغزشویی؟

متن به وضوح بر یک فرایند مستمر و فراگیر «قابلیت‌سازی» تأکید دارد. واژه‌هایی چون:

«خدمت چند ساله»

«تعهد ارزشمند»
«بُعد دائمی از زندگی»

نشان می‌دهد که آنچه در ابتدا «خدمت اجتماعی داوطلبانه» عنوان می‌شود، در حقیقت یک فرایند تدریجی نفوذ عقیدتی و وفاداری تشکیلاتی است که از سنین پایین آغاز شده و تا بزرگسالی ادامه می‌یابد.

📌 تحلیل حقوقی:

طبق ماده ۱۴ کنوانسیون حقوق کودک (CRC)، کودک حق دارد از آزادی اندیشه، وجدان و مذهب برخوردار باشد. اما وقتی یک کودک (کمتر از ۱۸ سال) به‌صورت مستمر در معرض آموزش خاص، بدون آگاهی خود یا والدین از هدف نهایی یعنی عضویت ایدئولوژیک در یک ساختار فرقه‌ای قرار می‌گیرد، این فرایند ناقض آزادی وجدان اوست.

🎭 ۲. پنهان‌سازی ماهیت تشکیلاتی: NGO به مثابه پوشش

نهادهای بهایی عملاً با استفاده از مؤسسات آموزشی ملی و منطقه‌ای (موسوم به «مؤسسه آموزشی») که در قالب NGO و تحت عنوان "اقدام اجتماعی" فعالیت می‌کنند، در واقع به تربیت وفاداران آینده تشکیلات می‌پردازند.

در ظاهر، این پروژه‌ها به قصد خدمت‌رسانی اجتماعی معرفی می‌شوند، اما اعتراف صریح در اسناد خودشان حاکی از آن است که:

«این سیستم آموزشی، نیروی اجتماع‌سازی آیین بهایی را به ظهور می‌رساند.»

📌 تحلیل حقوقی و امنیتی:

این نوع پنهان‌کاری سازمانی در اصل نقض اصل شفافیت در فعالیت‌های آموزشی و تربیتی طبق استانداردهای بین‌المللی حقوق کودک است.

همچنین از منظر قانون داخلی بسیاری از کشورها (از جمله ایران)، هر نوع آموزش ایدئولوژیک سازمان‌یافته به کودکان در پوشش NGO، بدون اعلام صریح و شفاف ماهیت عقیدتی، می‌تواند بهره‌کشی فکری و تربیتی غیرقانونی تلقی شود.

👨‍👧 ۳. بی‌خبری والدین = نقض حق سرپرستی مشروع

مهم‌ترین جنبه حقوقی ماجرا اینجاست: والدین تصور می‌کنند فرزندان‌شان در فعالیت‌های بی‌طرف، داوطلبانه و اخلاقی مشارکت دارند. اما واقعیت این است که:

محتوا، فرآیندها، و اهداف فعالیت‌ها در راستای ایجاد وابستگی تشکیلاتی بلندمدت طراحی شده‌اند.

هیچ اطلاع‌رسانی شفاف به والدین درباره این «هدف نهایی» صورت نمی‌گیرد.

📌 نقض ماده ۵ و ماده ۱۸ کنوانسیون CRC:

این دو ماده تأکید می‌کند که تربیت کودک باید با «احترام به مسئولیت، حقوق و وظایف والدین» انجام گیرد. اما وقتی والدین از ماهیت واقعی فعالیت‌ها مطلع نیستند، این اصل به‌وضوح نقض می‌شود.

🚨 جمع‌بندی امنیتی و حقوقی

ساختار مورد نقد، با پوشش ظاهری از «خدمت اجتماعی» و «قابلیت‌سازی»، عملاً به فرآیند عضوگیری فرقه‌ای

از میان کودکان و نوجوانان اقدام می‌کند.

این مدل با استفاده از ابزارهای NGO، نفوذ فرهنگی و اعتقادی را در سطح خانواده و اجتماع پیش می‌برد.

در فقدان شفافیت و رضایت آگاهانه والدین، این ساختار ناقض حقوق بنیادین کودک، حقوق والدین، و اصل تفکیک فعالیت‌های مدنی از فعالیت‌های ایدئولوژیک تشکیلاتی است.

▧ #

البته! در ادامه، متن شما طبق دستورالعمل با حفظ تمام محتوا، تیتربندی، فونت عادی و ایتالیک، و استفاده از هشتگ و ایموجی ملایم بازنویسی شده است:

▨ بررسی سازوکار تصرف خاک توسط بیت‌العدل

الف: اشغال خاک

▧ پروژه جهانی ۲۵ ساله بیت‌العدل؛ ساخت شبکه نفوذ در پوشش "اجتماع‌سازی"

📌 تحلیل امنیتی بر مبنای پیام رسمی بیت‌العدل – ۳۰ دسامبر ۲۰۲۱

🔗 لینک پیام: https://payamha-iran.org/document/350

▧ **مقاله ۵۳**

⚖ نقد حقوقی و تربیتی ناظر به متن

۱. ❓ ابهام در ماهیت فرآیند و اهداف مؤسسه آموزشی

در ظاهر، متن به ترویج آموزش و تشویق نوجوانان و جوانان به تحصیل و مهارت‌آموزی اشاره دارد.

اما آنچه در بطن این ساختار پنهان است، استفاده از فرآیند تربیتی با ظاهری عام‌المنفعه به عنوان پوششی برای فرآیند جذب تشکیلاتی و ادغام تدریجی کودک و نوجوان در نظام عقیدتی خاص است.

☑ تحلیل حقوقی:

طبق مفاد کنوانسیون حقوق کودک (CRC)، کودکان نباید وسیله تحقق اهداف ایدئولوژیک یا تشکیلاتی پنهان باشند، به‌ویژه اگر این اهداف برای والدین یا خود کودک شفاف نباشد.

فرایند مغزشویی تدریجی، حتی با ظاهر آموزش و خدمت، در تضاد با اصل آزادی اندیشه و انتخاب (ماده ۱۴ CRC) است.

۲. 🧲 استفاده ابزاری از انگیزه‌های نوجوانان برای مشارکت اجتماعی

در متن، با تأکید بر نقش نوجوانان در کلاس‌های کودک، برنامه‌ریزی تربیتی و تشویق به تحصیل، تصویری از رشد اخلاقی آنان ترسیم می‌شود.

اما در واقع، این فرآیند باعث فرافکنی مسئولیت‌های تشکیلاتی بر دوش کودکان و نوجوانان می‌شود، بدون امکان تصمیم‌گیری آگاهانه.

☑ نقد تربیتی:

تحمیل نقش‌های تشکیلاتی در سنین پایین، باعث اختلال در رشد طبیعی شخصیت مستقل نوجوان شده و کودک را وارد شبکه‌ای از دستورالعمل‌های سازمانی می‌کند که با هویت او درهم‌تنیده می‌شود، نه آزادی‌بخش.

۳. 🧭 نقش مبهم مؤسسات بهائی در هدایت انگیزه‌های تحصیلی

در بند پایانی، مؤسسات بهائی مأمور هدایت انگیزه‌های نوجوانان معرفی می‌شوند.

اما این هدایت، در واقع نوعی کنترل نظام‌مند روانی است که به هدایت انگیزه‌های فردی در راستای اهداف خاص عقیدتی منجر می‌شود.

✅ نقد سازمانی و روان‌شناختی:

این نوع مداخله نه تنها استقلال روانی کودک را تضعیف می‌کند، بلکه شبکه‌سازی شبه‌حزبی حول نوجوانان ایجاد می‌نماید که وابستگی به بدنه بیت‌العدل را به‌مرور تقویت می‌کند.

۴. 🔄 تحقق تدریجی تغییرات فرهنگی از طریق نسل کودک و نوجوان

در متن، به‌روشنی گفته می‌شود که مشارکت در مؤسسه آموزشی باعث «تغییر فرهنگ جمعی» جوامع می‌شود.

این عبارت عملاً اعترافی است به رویکرد بلندمدت تغییر بافت اجتماعی از طریق نسل خردسال.

✅ نقد امنیتی-فرهنگی:

در کشورهایی که حفظ فرهنگ ملی و ساختار خانواده اهمیت دارد، این شیوه‌ی آموزش پنهان غیردولتی برای تغییر فرهنگی، نقض اصل حاکمیت فرهنگی و سوءاستفاده از خلأ نظارتی آموزشی تلقی می‌شود.

این نوع عملیات، از منظر امنیت اجتماعی نیز نوعی تقلیب فرهنگی هدایت‌شده است.

۵. 🚫 عدم شفافیت با والدین و افکار عمومی

در متون بیت‌العدل هیچ‌گاه به این نکته اشاره نمی‌شود که فرآیندهای آموزشی، ابزار ادغام کودک در یک ایدئولوژی خاص است.

این پنهان‌کاری آموزشی نسبت به والدین، نهادهای رسمی و افکار عمومی، از مصادیق نقض شفافیت سازمانی در تربیت کودک است.

✅ نقد حقوقی:

طبق ماده ۵ و ۱۸ کنوانسیون CRC، تربیت کودک باید با احترام به حقوق والدین و در سطح رشد کودک انجام شود.

هرگونه فعالیت تشکیلاتی یا عقیدتی که بدون آگاهی والدین انجام شود، در تضاد با اصول جهانی حقوق کودک قرار دارد.

📌 جمع‌بندی

متن مورد بررسی، در ظاهر به تشویق نوجوانان به تحصیل و مشارکت اجتماعی پرداخته،

اما در لایه زیرین، نوعی عملیات روانی-اجتماعی برای تغییر تدریجی باور و هویت کودکان از طریق آموزش پنهان است.

🔺 این روند:

از منظر حقوق بین‌الملل کودک

از دید امنیت فرهنگی و اجتماعی

و از لحاظ آسیب‌های روانی به استقلال فکری نوجوانان

قابل اعتراض، و در برخی چارچوب‌ها قابل پیگرد حقوقی است.

▧ #

بررسی سازوکار تصرف خاک توسط بیت‌العدل

الف: اشغال خاک

▧ پروژه جهانی ۲۵ ساله بیت‌العدل؛ ساخت شبکه نفوذ در پوشش "اجتماع‌سازی"

تحلیل امنیتی بر مبنای پیام رسمی بیت‌العدل – ۳۰ دسامبر ۲۰۲۱

لینک پیام: payamha-iran.org/document/350

▧ **مقاله ۵۴**

نقد امنیتی-ساختاری ناظر به متن

⚠ ۱. استراتژی اشغال نرم خاک از پایین به بالا

بر اساس این متن، تشکیلات بهائی با محوریت محافل محلی، ساختار اجتماعی خود را بر بستر اجتماع موجود استقرار می‌دهد، به‌گونه‌ای که نهاد رسمی کشور کم‌کم جای خود را به ساختار اداری جایگزین می‌دهد. این رویکرد شبیه به "اشغال نرم و تدریجی فضای اجتماعی و مدیریتی" است که از پایین‌ترین سطوح (محلات و روستاها) آغاز می‌شود.

☑ شبیه‌سازی تاریخی:

در برخی کشورها (مانند اسرائیل، اتیوپی، و بخش‌هایی از آفریقا)، نهادهای دینی و فرقه‌ای با همین الگو توانستند به شکل تدریجی کنترل منطقه‌ای، منابع مالی، و هویت فرهنگی را در مناطق هدف تغییر دهند، در حالی‌که ساختار رسمی هنوز حضور داشت اما خنثی شده بود.

⚠ ۲. تغییر بافت جمعیتی-هویتی (Demographic Reengineering)

تشویق افراد و خانواده‌ها به "تثبیت هویت بهائی" و "تشکیل محفل" نه‌تنها جنبه دینی دارد، بلکه در سطح گسترده‌تر، به‌دنبال تغییر جمعیتی ناحیه از منظر فکری و فرهنگی است. این الگو در بلندمدت منجر به نوعی "جابه‌جایی بافت هویتی" یک منطقه می‌شود.

☑ این دقیقاً همان مدلی است که برخی سازمان‌های فرقه‌ای برای سلطه فرهنگی و سیاسی آرام بر نواحی هدف به‌کار می‌برند، با استفاده از آموزش، خدمت داوطلبانه و اجتماع‌سازی.

⚠ ۳. تثبیت پایگاه مالی-اجتماعی مستقل از ساختار ملی

ایجاد صندوق‌های محلی و هدایت آن‌ها توسط محافل، بدون نظارت مستقیم دولتی، به ایجاد یک زیرساخت مالی موازی منتهی می‌شود. این منابع مالی برای پیشبرد برنامه‌های خاص ایدئولوژیک و عضوگیری بلندمدت استفاده خواهد شد.

▿ در عمل، این یک سیستم خودکفای اداری-اقتصادی مستقل از دولت مرکزی است.

⚠ ۴. نفوذ در نهادهای دولتی و مدنی محلی

توصیه‌ی مستقیم برای "تعامل با نهادهای دولتی و مدنی" نه صرفاً یک همکاری سازنده، بلکه نوعی هم‌پوشانی اداری در سطح خرد را القا می‌کند که هدف نهایی آن، پذیرش نهاد تشکیلاتی بهائی به‌عنوان یکی از ارکان مدنی

محلی است.

☑ این مرحله مقدمه‌ای برای پذیرش عرفی تشکیلات بهائی به‌عنوان نهاد جایگزین در برخی نواحی ضعیف‌شده حکمرانی است.

⚠ ۵. تهدید به امنیت نرم و فرسایش حاکمیت فرهنگی

در این متن، نظم اداری بهائی نه‌تنها یک ساختار درونی دینی، بلکه یک بدیل برای نظم اجتماعی رسمی ترسیم شده است.

از منظر امنیت ملی، چنین ادعایی شروع رقابت مستقیم با نظم قانونی و حاکمیت فرهنگی کشورها است، به‌خصوص اگر با فعالیت سازمان‌یافته و عضوگیری مستمر ترکیب شود.

📌 نتیجه‌گیری اولیه

نظم اداری بهائی در این متن نه‌تنها یک ساختار داخلی دینی، بلکه یک پلتفرم بلندمدت برای تغییر بافت جمعیتی، هویتی، اقتصادی و مدیریتی در نواحی هدف معرفی می‌شود.

این پروژه با پوشش آموزش، خدمت و تعامل مدنی، در واقع فرایندی استراتژیک برای ایجاد نهاد جایگزین در دل اجتماع رسمی کشور.

▧

▨ بررسی سازوکار تصرف خاک توسط بیت‌العدل

الف: اشغال خاک

▧ پروژه جهانی ۲۵ ساله بیت‌العدل؛ ساخت شبکه نفوذ در پوشش ”اجتماع‌سازی“

📌 تحلیل امنیتی بر مبنای پیام رسمی بیت‌العدل – ۳۰ دسامبر ۲۰۲۱

🔗 لینک پیام: https://payamha-iran.org/document/350

▧ **مقاله ۵۵**

I. تحلیل ساختاری و تیتربندی متن

۱. الیگارشی اداری بهائی: مشروعیت تاریخی و توجیه نظم

با اشاره به مکتوب ۸۰ سال پیش، ماهیت نحوی و قانونی نظم بهائی به‌عنوان بنیان آینده جامعه معرفی می‌شود.

🔎 این استراتژی تاریخی برای مشروع جلوه دادن نظم اداری و ایجاد پشتوانه مشروعیت‌ساز به‌کار می‌رود.

۲. تقویت تشکیلات محلی: محافل روحانی به‌عنوان تار و پود اجتماعی

تاکید روی شکل‌گیری جامعه از پایین (سطح مردمی) و ضرورت برگزاری انتخابات محلی منظم مطابق دستورالعمل بیت‌العدل جهت تثبیت این ساختارها.

۳. تثبیت هویت گروهی و فرهنگی: «تغییر بافت فرهنگی»

با راه‌اندازی محافل روحانی و برگزاری دوره‌ها، هویت بهائی به‌صورت تدریجی در میان افراد و خانواده‌ها نفوذ پیدا کرده و جایگزین هویت قبلی می‌شود.

۴. ایجاد ساختار مالی و همکاری مدنی: صندوق‌های محلی و تعامل با نهادهای رسمی

محافل رفته‌رفته عملیات مالی و اداری مستقل را آغاز کرده، با برنامه‌هایی همچون صندوق‌های محلی، اقدام

اجتماعی، و همکاری با دولت و NGOها، به ساختار رسمی محلی متصل می‌شوند.

II. نقد امنیتی محور

🔐 ۱. کلاسترینگ (خوشه‌بندی) و اشغال نرم اقتصادی – فرهنگی

ایجاد محافل روحانی محلی در مناطق مختلف نشانه‌ای از اعمال استراتژی کلاسترینگ – یعنی تقسیم‌بندی جغرافیایی بر اساس ساختار تشکیلاتی است.

☑️ این فرآیند با ایجاد "تار و پود اجتماعی" (bio networks)، لابه‌لا ساختار رسمی وارد می‌شود و هشدار امنیتی جدی برای کشورهایی است که ساختار حکمرانی محلی برای‌شان حیاتی است.

🌟 ۲. تغییر بافت فرهنگی و هویتی – از پایین به بالا

با تاکید روی شکل‌گیری هویت جدید فرهنگی – دینی در سطوح محلی، تغییر بافت جمعیتی واقعی نیست اما یک اشغال ذهنی و فرهنگی در طولانی‌مدت اتفاق می‌افتد.

⚠️ این نوع نفوذ در حوزه‌هایی مانند فرهنگ، هنجارها، ترجیحات اجتماعی، و حتی گرایش‌های سیاسی محلی شدیداً خطرناک است.

🏭 ۳. سابقه تاریخی مشابه

نمونه‌ای از این مدل تاریخی را می‌توان در آفریقای جنوبی مشاهده کرد. سایت ویکی‌پدیا گزارش داده که در زمان حکومت آپارتاید، جامعه بهائی در تلاش بود از طریق ساختار محلی، تفکیک نژادی را دور بزند و با ترکیب نیروهای سیاهپوست، ساختاری منسجم برای انتخاب محافل فراهم کند.

☑️ این مدل نشان می‌دهد که چگونه ساختار محلی به‌مثابه ابزار بازتعریف هویت جمعی و اشغال آرام فضای اجتماعی عمل می‌نماید.

🛡️ ۴. همپوشانی با حاکمیت رسمی – تسخیر خرابی‌های حکمرانی

هنگامی که این تشکیلات داوطلبانه با نهادهای رسمی همکاری می‌کنند یا صندوق‌های محلی برقرار می‌کنند، جمعیتی را مولد قدرت خودمختار و موازی با دولت می‌سازند.

☑️ این قدرت اقتصادی و مشارکت اجتماعی با تاکید روی «پایداری و تداوم جامعه محلی»، بستر نفوذ ساختاری می‌سازد که محدود به خدمت نیست و می‌تواند جایگزین بخشی از صلاحیت دولت شود.

III. نتیجه‌گیری

این متن روایتی تدریجی از مشروع‌سازی ساختار اداری دینی بهائی است که نه تنها پرچمدار سطوح قدرت محلی می‌شود، بلکه از طریق تزریق هویت جدید، "بافت فرهنگی" محله‌ها را تغییر می‌دهد.

⚠️ خطر امنیتی آن در درازمدت، به‌جای هجوم مستقیم، تسخیر هوشمندانه ذهن و فرهنگ است که با آغاز از "پایین‌ترین سطح اجتماعی" جریان می‌یابد.

📌 دولت‌ها و نهادهای امنیتی باید با دقت این کلاسترینگ ساختاری و اقتصادی-کلتورال را زیر نظر داشته باشند، به ویژه در جوامعی که ساختار اجتماعی‌شان شکننده است.

#️⃣ ▧ #امنیت_اجتماعی #نقد_فرقه‌ای #هویت_جمعی #محافل_روحانی #نفوذ_فرهنگی

بررسی سازوکار تصرف خاک توسط بیت العدل

الف : اشغال خاک

▧ پروژه جهانی ۲۵ ساله بیت‌العدل؛ ساخت شبکه نفوذ در پوشش "اجتماع‌سازی"

📌 تحلیل امنیتی بر مبنای پیام رسمی بیت‌العدل – ۳۰ دسامبر ۲۰۲۱

لینک پیام : لینک پیام (https://payamha-iran.org/document/350)

مقاله ۵۶

گزارش امنیت ملی: تحلیل ساختار قدرت محلی در تشکیلات بهائیت و مخاطرات امنیتی ناشی از آن

مرجع: ساختار محافل محلی و فرآیند توسعه اداری بهائی

تاریخ تهیه: تیر ۱۴۰۴

مرجع تهیه‌کننده: [طبقه‌بندی‌شده]

طبقه‌بندی: محرمانه – مخصوص نهادهای ذی‌ربط

۱. مقدمه

در متون رسمی منتشرشده از سوی بیت‌العدل اعظم – نهاد مرکزی تشکیلات بهائیت مستقر در سرزمین‌های اشغالی فلسطین – در سال‌های اخیر به وضوح شاهد شکل‌گیری ساختار موازی اداری و اجتماعی تحت عنوان محافل روحانی محلی در مقیاس روستا، شهر و ناحیه هستیم. این محافل به‌عنوان نهادهای خط مقدم در راهبرد اجتماع‌سازی عمل می‌کنند. در پیام اخیر این نهاد آمده است که توسعه نظم اداری بهائی قرار است "حیات اجتماعی و قوانین زندگی جامعه" را در آینده شکل دهد. این بیان، از منظر امنیت ملی، یک اعلام سیاست آشکار برای ورود به ساخت قدرت نرم، اجتماعی و حتی قانونی در جوامع میزبان تلقی می‌شود.

۲. تحلیل محتوایی متن و ساختار اداری

الف) تکوین و گسترش نفوذ

مطابق متن، تشکیل محافل به‌عنوان "تار و پود اصلی اجتماع بهائی" در چارچوب فرایند اجتماع‌سازی و ایجاد "حس هویت بهائی" در منطقه هدف تعریف شده است. هدف نهایی، شکل‌گیری یک بدنه اجتماعی با هویت و مرجعیت مستقل است که به‌مرور قابلیت تعامل با حاکمیت رسمی و نهادهای دولتی را پیدا کند.

ب) لایه‌بندی سازمانی

ساختار این سیستم، به صورت یک هرم چندلایه با تقسیم مسئولیت بین:

محافل محلی (نقاط و روستاها)

نواحی و مناطق (سطح میانی با کارکرد مدیریتی)

بیت‌العدل اعظم (مرکز فرماندهی جهانی در حیفا)

همچنین نقش "معاونین" و "مساعدین" به‌عنوان رابطهای راهبردی و کارگزاران نفوذ در این متن پررنگ است؛ این‌ها در عمل کارکردی امنیتی-اطلاعاتی داشته و ضمن پوشش فعالیت‌های اجتماعی، هدایت پروژه‌های عضوگیری، تلطیف فرهنگی و تعامل ساخت‌یافته با افکار عمومی محلی را برعهده دارند.

۳. راهبرد تقلیب فرهنگی و جایگزینی هویتی

تاکید مکرر بر "توسعه حس هویت بهائی" و آموزش اجتماعی با پوشش «خدمات اجتماعی» نشان می‌دهد که این نهاد به‌دنبال تغییر بافت فرهنگی و ساختار ذهنی جوامع هدف است، تا زمینه را برای پذیرش نظم جایگزین فراهم کند. این روند مشابه راهبردهای کلاسیک جنگ نرم، انقلاب‌های رنگی و استعمار فکری-فرهنگی در عصر مدرن است.

۴. مدل اشغال نرم سرزمینی

از آنجا که شکل‌گیری محافل روحانی همزمان با ایجاد هویت جمعی، تشکیل صندوق مالی مستقل، حمایت از نهادهای محلی و ارتباط با دولت محلی انجام می‌پذیرد، این روند را می‌توان نوعی اشغال نرم ساختار اجتماعی یک منطقه با هدف نفوذ بلندمدت و احتمالاً استفاده‌های ژئوپلیتیک دانست.

تشکیل این نهادها در مناطق دارای حساسیت قومی یا مرزی (بلوچستان، کردستان، خوزستان و ...) می‌تواند خطر ایجاد پایگاه‌های فرهنگی-امنیتی بومی‌شده برای بازیگران فرامنطقه‌ای (نظیر رژیم صهیونیستی) را افزایش دهد.

۵. توصیه‌های راهبردی

رصد هوشمندانه مراکز به‌ظاهر آموزشی، فرهنگی و اجتماعی وابسته به این جریان، خصوصاً در پوشش "مؤسسات آموزشی"، "NGOها" و پروژه‌های محلی.

تحلیل دقیق ساختار محافل نوظهور در مناطق کمتر برخوردار به عنوان ابزار اصلی گسترش نفوذ فرهنگی-اداری.

پایش دقیق فرایند عضوگیری کودکان و نوجوانان در پروژه‌های اجتماعی یا کلاس‌های تربیتی و تطبیق آن با قوانین حمایت از کودک.

ممانعت قانونی از ایجاد نهادهای موازی و ساختارهای مردمی خودمختار که خارج از چارچوب حکمرانی رسمی عمل می‌کنند.

افزایش ظرفیت پاسخ رسانه‌ای و فرهنگی برای تقابل نرم با گفتمان فریب‌کارانه خدمات اجتماعیِ جهت‌دار.

جمع‌بندی

توسعه ساختارهای محلی بهائی با پوشش آموزش و هویت‌سازی, در بلندمدت خطر ایجاد "دولت‌های در سایه" در مقیاس خرد را دارد. سیاست آشکار "اداره جامعه" از سوی محافل محلی در بستر نظم اداری خاص، با مدل‌برداری از ساختارهای دولت‌سازی مدرن، چالشی جدی برای امنیت ملی، وحدت اجتماعی و تمامیت فرهنگی کشورها محسوب می‌شود. این روند باید به‌عنوان یک تهدید ترکیبی با ماهیت فرهنگی، امنیتی و اجتماعی تلقی گردد و مورد اقدام قرار گیرد.

#️⃣ #امنیت_ملی #فرهنگ #نفوذ_فرهنگی #محافل_روحانی #تهدید_امنیتی #جنگ_نرم

بررسی سازوکار تصرف خاک توسط بیت العدل

الف : اشغال خاک

▧ پروژه جهانی ۲۵ ساله بیت‌العدل؛ ساخت شبکه نفوذ در پوشش "اجتماع‌سازی"

📌 تحلیل امنیتی بر مبنای پیام رسمی بیت‌العدل – ۳۰ دسامبر ۲۰۲۱

لینک پیام : لینک پیام (https://payamha-iran.org/document/350)

مقاله ۵۷

عنوان: نقد تحلیلی و امنیتی پیام بیت‌العدل پیرامون محافل روحانی محلّی و سیاست توسعه آن‌ها

۱. مرور اجمالی متن و شناسایی مؤلفه‌های کلیدی

در این پیام، بیت‌العدل جهانی به مشاورین خود مأموریت می‌دهد که برای افزایش سریع تعداد محافل روحانی محلی در نواحی مختلف جهان، با محافل ملّی و شوراهای منطقه‌ای همکاری کنند. به‌صراحت خواسته شده که ترتیبات جغرافیایی نیز در نواحی روستایی مورد بازبینی قرار گیرد تا تأسیس این نهادها تسهیل شود.

همچنین بر لزوم افزایش «آگاهی روحانی» درباره جایگاه و تقدس انتخابات محفل و تلقی جامعه از این نهاد تأکید شده و گفته شده است که افزایش درک جامعه بهائی از جایگاه محفل محلی، سبب تقویت عملکرد آن و پویایی جامعه خواهد شد.

۲. نقد محتوایی – تحلیل ساختاری پیام

۲.۱. مهندسی جمعیتی از پایین‌ترین سطح جغرافیایی

تأکید بر تأسیس سریع محافل روحانی محلّی در نواحی مختلف – به‌ویژه نواحی روستایی – نشان‌دهنده یک راهبرد مشخص برای نهادسازی از پایین به بالا است. در عرف امنیت ملی، چنین الگوهایی بخشی از مدل «مدیریت اجتماعی غیررسمی» و راه‌اندازی ساختارهای حکمرانی موازی تلقی می‌شود.

🔍 یادآور: مشابه این مدل در کشورهایی نظیر نپال، هند و برخی کشورهای آفریقایی نیز پیاده‌سازی شده و موجب تضعیف انسجام قدرت مرکزی در مواجهه با شبکه‌های مذهبی – فرقه‌ای شده است.

۲.۲. حذف مرز بین امر عبادی و امور اداری

در متن به «مقام مقدس فرایند انتخابات» و نقش روحانی آن اشاره شده؛ حال آن‌که موضوع مورد بحث، انتخاب نهادهای اجرایی و اداری است. این رویکرد به‌آرامی مفهوم قداست قدرت و اطاعت از ساختار اداری را در ذهن مخاطب نهادینه می‌کند و مرز میان دین و ساختار قدرت را حذف می‌نماید.

⚠ تحلیل امنیتی: نهادهای مذهبی که نقش اجرایی، مالی، تربیتی و حتی جغرافیایی پیدا می‌کنند، به‌صورت بالقوه یک ساختار حاکمیت فرعی به‌وجود می‌آورند که با حاکمیت رسمی کشور وارد تعارض می‌شوند، ولو به‌ظاهر آرام و غیربرخوردی.

۲.۳. بازطراحی حدود محافل بر اساس ملاحظات داخلی، نه مرزهای رسمی دولت

اشاره به «بازنگری در مرزهای محافل در نواحی روستایی» نشان می‌دهد که تشکیلات بهائی مرزهای جغرافیایی خود را مستقل از تقسیمات رسمی کشورها ترسیم می‌کند، که به معنی شکل‌گیری یک ژئوپلیتیک در سایه است.

۳. تحلیل راهبردی – اشغال فرهنگی با ابزار نهادسازی اجتماعی

۳.۱. توسعه شبکه قدرت محلی در مناطق روستایی

نواحی روستایی در بسیاری از کشورها از نظر کنترلی، نظارتی و دسترسی حکومتی نسبت به شهرها آسیب‌پذیرترند. تمرکز بیت‌العدل بر این نواحی نشانه‌ای از راهبرد نفوذ تدریجی و نهادینه‌سازی بومی بدون جلب توجه نهادهای نظارتی رسمی است.

۳.۲. القای "نظم جایگزین" تحت پوشش دیانت

ایجاد شبکه‌ای از محافل روحانی محلی در نقاط مختلف، با اختیارات فرهنگی، تربیتی و گاه مالی، در واقع معادل با

پایه‌ریزی یک نظم جایگزین اجتماعی و سیاسی بر بستر دیانت است.
۴. مخاطرات امنیتی و حقوقی ناظر بر متن
موضوعشرح مخاطرهتشکیل نهادهای موازی با دولتمحافل روحانی با اختیارات انتخاباتی، مالی، مشورتی و اجتماعی در حال توسعه‌اند بدون آنکه تحت نظارت رسمی حاکمیت باشند.نقض اصل حاکمیت ملیترسیم مرزهای مستقل برای محافل محلی به‌مثابه رسمیت‌بخشی به قلمرو جغرافیایی – سازمانی خاص در دل سرزمین رسمی کشورهاست.نفوذ به لایه‌های حاکمیت محلیبا توسعه تعامل با نهادهای دولتی محلی و نهادهای مدنی، محفل تبدیل به قدرت غیبی در سطح منطقه می‌شود.استفاده از مفهوم روحانیت برای توجیه اداره جامعهاین نهادهای به ظاهر مذهبی در عمل وارد همه عرصه‌ها می‌شوند؛ از تربیت کودک تا مدیریت مالی، بدون چارچوب نظارتی شفاف.
۵. نتیجه‌گیری و توصیه‌های پیشنهادی
پیام مورد تحلیل، نه یک فراخوان عبادی، بلکه نقشه راهی برای استقرار شبکه قدرت محلی از سوی یک فرقه با مرکزیت خارجی است. نهادسازی بدون شفافیت حقوقی، با تمرکز بر نواحی روستایی، و همراه با گفتمان «خدمت اجتماعی مقدس» عملاً منجر به بازتعریف ساخت قدرت از کف جامعه خواهد شد.
پیشنهادات:
ردیابی دقیق جغرافیایی محل تشکیل محافل محلی در کشور
رصد مالی، لجستیکی و رسانه‌ای فعالیت این نهادها
ممانعت قانونی از ثبت و توسعه نهادهای موازی فاقد هویت حقوقی روشن
افزایش آگاهی عمومی نسبت به ماهیت حقیقی نظم اداری بهائی و اهداف آن
#️⃣ #امنیت_ملی #ساختار_حاکمیت #نهادسازی #نفوذ_فرهنگی #محافل_روحانی #تهدیدات_امنیتی

بررسی سازوکار تصرف خاک توسط بیت العدل
الف : اشغال خاک
▧ پروژه جهانی ۲۵ ساله بیت‌العدل؛ ساخت شبکه نفوذ در پوشش "اجتماع‌سازی"
📌 تحلیل امنیتی بر مبنای پیام رسمی بیت‌العدل – ۳۰ دسامبر ۲۰۲۱
لینک پیام : لینک پیام (https://payamha-iran.org/document/350)
مقاله ۵۸
نقد امنیتی متن محور پیرامون فرآیند انتخابات دو مرحله‌ای محفل روحانی محلی
۱. تحلیل ساختاری و فرایندی انتخابات دو مرحله‌ای
فرایند انتخاباتی دو مرحله‌ای که ابتدا نمایندگانی از واحدهای جغرافیایی انتخاب می‌شوند و سپس این نمایندگان اعضای محفل روحانی محلی را برمی‌گزینند، شکلی پیچیده و هدفمند از مدیریت و کنترل انتخاب اعضای نهاد است.
این سازوکار به جای انتخاب مستقیم، امکان کنترل دقیق‌تر، پالایش و گزینش نمایندگان توسط ساختارهای بالادستی را فراهم می‌کند.
چنین سیستم انتخاباتی می‌تواند به عنوان ابزاری برای تمرکز قدرت و محدود کردن مشارکت مستقیم عمل کند، و

افراد مستقل یا مخالف جریان اصلی را از ورود به محفل دور نگه دارد.
۲. شبکه‌سازی و سازماندهی دقیق محلی
محفل روحانی محلّی با «دوستان قائم به خدمت» در هماهنگی و مدیریت متمرکز فعالیت‌ها در حوزه جغرافیایی مشخص، از جمله «کمپین‌های ملاقات در منازل» و تشویق خانواده‌ها به تشکیل گروه‌های همکاری، شبکه‌ای گسترده و سازمان‌یافته را پایه‌گذاری می‌کند.
این فعالیت‌ها نه صرفاً فرهنگی یا دینی، بلکه در قالب اشراف امنیتی و نظارتی بر جمعیت محلّی عمل می‌کنند؛ «حمایت و مشوق فرایند رشد» به معنی ایجاد سیستمی برای نظارت و جهت‌دهی رفتار اجتماعی است.
۳. پیچیدگی و گسترش ساختار اداری محفل
با افزایش پیچیدگی کار محفل و ضرورت «کمک به منشی، دفتر و کارمندانی معیّن»، عملاً یک ساختار بوروکراتیک کامل در سطوح محلی شکل می‌گیرد.
نیاز به «حظیرهالقدس محلّی» (مرکز یا دفتر بزرگ‌تر و سازمان یافته‌تر) نشان‌دهنده تاسیس پایگاه‌های متمرکز قدرت، مدیریت و کنترل در مقیاس محلی است.
این ساختارها توانایی بسیج و سازماندهی منابع انسانی و مالی را به صورت متمرکز دارند که در صورت عدم نظارت می‌تواند تبدیل به قدرت موازی یا زیرساخت نفوذ سازمان یافته شود.
۴. مخاطرات امنیتی
موضوعشرح مخاطرهتمرکز و پالایش انتخاباتیانتخاب غیرمستقیم اعضا، امکان حذف منتقدان یا مستقل‌ها و افزایش کنترل سیاسی/اجتماعی را فراهم می‌آورد.نظارت و کنترل جامعه محلیفعالیت‌های شبکه‌ای در منازل و گروه‌های خانوادگی، نوعی کنترل و جهت‌دهی نرم و نفوذ در سطح خانوادگی و اجتماعی است.تاسیس ساختار بوروکراتیک محلیبا رشد اداری، ظرفیت برای اعمال نفوذ و ایجاد پایگاه‌های قدرت مستقل از نهادهای رسمی دولت افزایش می‌یابد.مخفی‌سازی ابعاد امنیتی در قالب فعالیت‌های دینیپوشش معنوی و تبلیغاتی فعالیت‌ها، شفافیت و قابلیت نظارت نهادهای رسمی را کاهش می‌دهد.
۵. نتیجه‌گیری
فرایند انتخابات دو مرحله‌ای و گسترش سازماندهی محفل روحانی محلی، یک سازوکار هوشمندانه برای ایجاد و تثبیت ساختارهای قدرت موازی و شبکه‌های اجتماعی تحت کنترل فرقه بهائی است. این فرایند در سطح محلی زمینه‌ساز اشراف دقیق بر جمعیت، کنترل رفتارهای اجتماعی و ایجاد پایگاه‌های بوروکراتیک موازی می‌شود که می‌تواند تهدیدی جدی برای امنیت اجتماعی و حاکمیت ملی باشد.
#️⃣ #امنیت_ملی #فرایند_انتخاباتی #نظارت_محلی #ساختار_بوروکراتیک #نفوذ_فرقه‌ای

بررسی سازوکار تصرف خاک توسط بیت العدل
الف : اشغال خاک
▧ پروژه جهانی ۲۵ ساله بیت‌العدل؛ ساخت شبکه نفوذ در پوشش "اجتماع‌سازی"
📌 تحلیل امنیتی بر مبنای پیام رسمی بیت‌العدل – ۳۰ دسامبر ۲۰۲۱
لینک پیام : لینک پیام (https://payamha-iran.org/document/350)

مقاله ۵۹

۱. تشکیل ساختارهای موازی و افزایش تمرکز قدرت در سطوح ملی و منطقه‌ای

متن به تشویق تشکیل «لجنهٔ ملّی رشد» در کشورهایی که شوراهای منطقه‌ای هنوز شکل نگرفته‌اند اشاره دارد. این لجنهٔ سه تا هفت نفره، به عنوان ساختاری رسمی زیر نظر محفل ملّی، مسئولیت‌هایی چون انتصاب لجنات تبلیغی، حمایت از پروژه‌های تبلیغی، اعزام مهاجرین داخلی و نشر مطبوعات را بر عهده دارد.

مخاطره:

تشکیل این نهادهای متمرکز و موازی، پتانسیل ایجاد قدرت متمرکز و غیرشفاف در سطح ملی را دارد که ممکن است زیر نظر مستقیم محافل رسمی قرار نگیرد یا بر آنها غلبه کند، به ویژه در کشورهایی با ساختار سیاسی و امنیتی ضعیف.

۲. سازماندهی و انتقال جمعیت (مهاجرین داخلی)

تاکید بر «ترتیبات لازم جهت اعزام مهاجرین داخلی» نشان‌دهنده یک برنامه سازماندهی جمعیت در سطح داخلی است که می‌تواند برای تغییر بافت جمعیتی مناطق مشخص به کار رود.

مخاطره:

این فرایند می‌تواند به عنوان ابزاری برای اشغال خاک و تغییر دموگرافی مناطق حساس و استراتژیک به منظور تسهیل کنترل سیاسی-اجتماعی عمل کند؛ امری که سابقه تاریخی آن در پروژه‌های مشابه در برخی مناطق وجود دارد.

۳. حمایت و گسترش فعالیت‌های تبلیغی و فرهنگی

وظایف لجنه شامل انتصاب لجنات تبلیغی ناحیه‌ای و حمایت از نشر مطبوعات است که می‌تواند جهت‌دهی ایدئولوژیک و نفوذ فرهنگی را در سطح منطقه‌ای و محلی تسهیل نماید.

مخاطره:

توسعه فعالیت‌های تبلیغی تحت پوشش سازمانی متمرکز، ممکن است به صورت ترویج ایدئولوژی خاص و جلب حمایت جمعیت بومی به شیوه‌ای هدفمند و سازمان‌یافته انجام شود که به تغییر هویت فرهنگی و اجتماعی مناطق منجر شود.

۴. ارتباط مستقیم با نهادهای بالادستی فرقه و فقدان نظارت شفاف

لجنه با «مشاور قارّه‌ای» و هیئت معاونت قائم به خدمت در ارتباط مستقیم است، که نشان‌دهنده سلسله‌مراتب داخلی و نظارت فراتر از مرزهای ملی است.

مخاطره:

این ساختار فراملی می‌تواند باعث شود که تصمیمات و سیاست‌های محلی تحت تأثیر یا کنترل سازمان‌های فراتر از دولت‌های ملی قرار گیرد، که می‌تواند چالش امنیتی و حاکمیتی برای کشورها ایجاد کند.

۵. ایجاد نهادهای موازی و کاهش تمرکز بر مسائل کلان

متن تصریح دارد که تشکیل لجنه به محفل ملّی «امکان می‌دهد تا توجه بیشتری به سایر مسائل مهم مبذول دارد.» این به معنای ایجاد نهادهای موازی با وظایف مشخص است که بار سازمانی را توزیع می‌کند.

مخاطره:

چنین توزیع وظایف و اختیارات ممکن است منجر به عدم شفافیت، مسئولیت‌پذیری کم و افزایش ساختارهای موازی و غیرقابل کنترل شود که ریسک نفوذ و فعالیت‌های خارج از نظارت قانونی را افزایش می‌دهد.

جمع‌بندی کلی:

متن نشان‌دهنده ایجاد ساختارهای موازی و سازماندهی دقیق در سطوح منطقه‌ای و ملی برای گسترش نفوذ سازمان یافته فرقه بهائی است که با مدیریت دقیق فعالیت‌های تبلیغی، فرهنگی و جمعیتی، زمینه‌ساز تغییر بافت اجتماعی، سیاسی و امنیتی مناطق می‌گردد. ارتباطات فراملی و تمرکز قدرت در این لجنه‌ها می‌تواند چالش‌های جدی برای حاکمیت، امنیت ملی و یکپارچگی اجتماعی کشورها ایجاد کند.

#️⃣ #نفوذ_فرقه‌ای #ساختار_موازی #امنیت_ملی #مهاجرین #تبلیغات_فرهنگی #قدرت_متمرکز

بررسی سازوکار تصرف خاک توسط بیت العدل

الف : اشغال خاک

▧ پروژه جهانی ۲۵ ساله بیت‌العدل؛ ساخت شبکه نفوذ در پوشش "اجتماع‌سازی"

📌 تحلیل امنیتی بر مبنای پیام رسمی بیت‌العدل – ۳۰ دسامبر ۲۰۲۱

لینک پیام : لینک پیام (https://payamha-iran.org/document/350)

مقاله ۶۰

۱. تبیین نقشه روحانی و مقابله با نیروهای خنثی‌کننده

متن به مواجهه «قوا و خطوط عمل» در سطح محلی با «نیروهای خنثی‌کننده» اشاره دارد که مانع رسیدن بشریت به «بلوغ کامل» می‌شوند.

مخاطره:

این عبارت می‌تواند به تفسیر فعالیت‌های مقابله‌ای سازمان‌یافته در برابر مخالفان تعبیر شود که در قالب مقابله با ایدئولوژی‌های دیگر، گروه‌های رقیب یا حتی نهادهای دولتی، به صورت زیرپوستی عمل می‌کنند. این موضوع می‌تواند زمینه‌ساز تشدید تنش و ناامنی در جامعه شود.

۲. تمرکز مسئولیت بر اعضای هیئت‌های معاونت و نزدیکی به سطح مردمی

اعضای هیئت‌های معاونت مسئول «حمایت از روحیهٔ جامعه» و «مواجهه با چالش‌ها» در سطوح محلی و مردمی هستند و باید با فرهنگ‌ها و شرایط مختلف سازگار شوند.

مخاطره:

این نوع ساختار، با دسترسی مستقیم به جوامع محلی، می‌تواند بستر ایجاد شبکه‌های نفوذ اجتماعی گسترده باشد که با هدف‌گذاری خاص، توانمند به کنترل و هدایت رفتارهای اجتماعی و فرهنگی می‌شوند و ممکن است به عنوان ابزاری برای کنترل جمعیت و مهندسی اجتماعی به کار رود.

۳. ترویج وحدت بر مبنای هدف مشترک و حذف تعصبات موروثی

متن به تلاش برای اتحاد گروه‌های متخاصم، کنار گذاشتن آداب و رسوم و تعصبات موروثی اشاره می‌کند.

مخاطره:

این امر ممکن است در عمل به «تغییر هویت فرهنگی» یا تحمیل ایدئولوژی و هنجارهای جدید منجر شود که با مقاومت طبیعی جوامع محلی و به خصوص اقلیت‌های فرهنگی یا مذهبی روبرو شود و بحران‌های اجتماعی را دامن بزند.

۴. ترویج دیدگاه سازنده و رد بدبینی

تاکید بر جلوگیری از دیدگاه بدبینانه و تشویق دیدگاه‌های مثبت و سازنده، به همراه «رد افیون مصرف‌گرایی» و ایدئولوژی‌های مادی‌گرا.

مخاطره:

این پیام‌ها ممکن است به صورت برنامه‌ریزی‌شده برای تحمیل کنترل فکری به کار رود که آزادی بیان و نقد را محدود می‌کند و به شکل‌دهی جامعه‌ای با نگرش خاص و یکدست کمک می‌کند که در مقابل انتقادات و تنوع فکری مقاوم است.

۵. ترویج تساوی زن و مرد و مشارکت جمعی

تأکید بر عملی کردن تساوی جنسیتی و ترجیح مشارکت جمعی بر احساسات شخصی.

مخاطره:

در برخی فرهنگ‌ها این موضوع ممکن است با سنت‌ها و ارزش‌های بومی تعارض داشته باشد که در نتیجه به ایجاد تنش‌های فرهنگی و اجتماعی می‌انجامد، به خصوص اگر این تغییرات به صورت سریع و بدون همراهی و پذیرش مردمی اجرا شود.

۶. بهره‌گیری از تکنولوژی و مقابله با اثرات منفی آن

تشویق استفاده از تکنولوژی مدرن بدون تسلیم شدن به اثرات سست‌کننده‌اش.

مخاطره:

تاکید بر بهره‌گیری از تکنولوژی در چارچوب کنترل‌شده می‌تواند به معنای ایجاد سیستم‌های نظارت گسترده، جمع‌آوری داده‌ها و مدیریت اطلاعات جامعه باشد که خطر نقض حریم خصوصی و آزادی‌های فردی را افزایش می‌دهد.

۷. تمرکز بر خدمت به عالم انسانی و ارزش‌های متعالی

متن به «لذت خدمت به عالم انسانی»، «نشر نفحات الله» و توجه به اصول خداوندگار اشاره دارد که باید بر علایق دنیوی ترجیح داده شود.

مخاطره:

این امر می‌تواند به صورت نوعی تعهد ایدئولوژیک و وفاداری مطلق به رهبری و اهداف فرقه‌ای تعبیر شود که موجب فشار روانی و محدودیت انتخاب‌های فردی اعضا می‌گردد و در نهایت می‌تواند زمینه‌ساز انزوا و تعارض با ارزش‌های عمومی جامعه باشد.

جمع‌بندی:

متن نشان‌دهنده یک نقشه سازمان‌یافته و همه‌جانبه برای مقابله با مقاومت‌های اجتماعی و فرهنگی از طریق شبکه‌های محلی است که هدفش تحکیم نفوذ روحانی و ایدئولوژیک در سطوح پایین جامعه است. ترکیب

فعالیت‌های هماهنگ در جهت حذف تعصبات، ترویج وحدت، کنترل فرهنگی، بهره‌گیری از تکنولوژی و تقویت تعهدات ایدئولوژیک، می‌تواند بستر مناسبی برای گسترش نفوذ و ایجاد تغییرات بنیادین در ساختار اجتماعی و فرهنگی مناطق مختلف باشد، اما همزمان مخاطرات جدی در زمینه امنیت اجتماعی، حقوق بشر و حاکمیت ملی به همراه دارد.

#️⃣ #نفوذ_فرقه‌ای #ساختار_موازی #فرهنگ_اجتماعی #کنترل_اجتماعی #تکنولوژی #تساوی_جنسیتی #ایده_های_جدید #امنیت_ملی

بررسی سازوکار تصرف خاک توسط بیت العدل

الف : اشغال خاک

▧ پروژه جهانی ۲۵ ساله بیت‌العدل؛ ساخت شبکه نفوذ در پوشش "اجتماع‌سازی"

📌 تحلیل امنیتی بر مبنای پیام رسمی بیت‌العدل – ۳۰ دسامبر ۲۰۲۱

لینک پیام : لینک پیام (https://payamha-iran.org/document/350)

مقاله ۶۱

۱. چارچوب عملی منسجم و آزمون منابع روحانی و مادی

متن به «کسب انضباط توأم با قابلیّت» و آمادگی جامعه بهائی برای قرار دادن «تمامی منابع روحانی و مادی» در «بوتهٔ آزمایش» اشاره می‌کند.

مخاطره:

این به معنای یک پروژه منسجم و متمرکز با هدف بسیج کلیه منابع و انرژی‌های جامعه است که می‌تواند به شکل‌گیری یک ساختار قوی و یکپارچه حکمرانی درون‌گروهی منجر شود. در صورت ورود به حوزه‌های مادی، این می‌تواند معادل تلاش برای ایجاد قدرت موازی با دولت‌های رسمی باشد که تهدیدی برای امنیت ملی و ثبات سیاسی تلقی می‌شود.

۲. پروژه‌ای مقدس و چند نسلی با انتظارات بالا

اشاره به «نقشه‌ای مقدس بیست و پنج ساله» که اهمیت تاریخی و جمعی دارد و یادآور نقشهٔ منیع ده‌ساله قرن اول بهائی است.

مخاطره:

تعریف یک برنامه بلندمدت و نسل‌محور، در کنار تأکید بر وجوه «مقدس» و «تاریخی»، می‌تواند به پایداری و استمرار نفوذ ایدئولوژیک و سیاسی در مناطق تحت نفوذ منجر شود. این پروژه‌ها معمولاً دارای برنامه‌ریزی پیچیده برای نفوذ اجتماعی و فرهنگی هستند که ممکن است به صورت مخفیانه و سازماندهی‌شده اجرا شوند و نهادهای امنیتی را به چالش بکشند.

۳. اتکای کامل به محافل روحانی ملی و نقش آنها در ترویج پروژه

متن بر اتکای کامل به محافل ملی در «آشنا کردن دوستان با ماهیت پروژه» و نگه داشتن «چشم‌انداز تاریخی» تأکید دارد.

مخاطره:

این بدان معنی است که محافل ملی نقش محوری در هدایت، هماهنگی و بسیج اعضا دارند که می‌تواند به شکل‌گیری شبکه‌های مدیریتی سلسله‌مراتبی و بسته‌ای منجر شود که در فضای سیاسی و اجتماعی کشورها عمل می‌کنند و گاه به عنوان ساختارهای فرقه‌ای با توان نفوذ بالا قلمداد می‌شوند.

۴. نقد مدنیت کنونی و معرفی «مدنیت الهی» به عنوان هدف نهایی

متن، «نقص و کمبودهای مدنیت امروزی» را آشکار می‌داند و «مدنیت الهی» را به عنوان «غایت قصوی و مقصد اعلای آیین بهائی» معرفی می‌کند.

مخاطره:

طرح مدنیتی که جایگزین «مدنیت کنونی» شود، در واقع ترویج یک جهان‌بینی انحصاری است که می‌تواند در عمل به معنای تغییر ساختارهای اجتماعی، فرهنگی و سیاسی کشورها باشد. این روند می‌تواند باعث تنش و تعارض با اصول دمکراسی، قوانین ملی و حقوق بشر گردد و امنیت اجتماعی را به مخاطره بیندازد.

۵. ترویج خصایل مطلوب و ارزش‌های اخلاقی خاص

شمول خصایلی مانند اتحاد، امانت، همکاری، صداقت، از خودگذشتگی، عطش یادگیری و محبت قلبی نسبت به همه.

مخاطره:

اگرچه این ارزش‌ها در ظاهر مثبت هستند، ولی وقتی در قالب یک ایدئولوژی خاص و فراگیر ترویج شوند، ممکن است به همسان‌سازی فکری و رفتاری و کاهش تنوع فرهنگی و آزادی‌های فردی بینجامند و فشاری روانی بر اعضا و جامعه وارد آورند.

۶. دعوت به نورانیت جهانی و ستایش عمومی خداوند

متن با بیان امید به «منور شدن عالم انسانی به نور محبت الهی» و درخواست «ستایش از هر زبان» پایان می‌یابد.

مخاطره:

این زبان مذهبی و فراگیر کردن شعائر خاص ممکن است در عمل به ادغام اجباری هویت مذهبی در جامعه‌های متنوع تبدیل شود و زمینه‌ساز اختلاف و تقابل با اقلیت‌های مذهبی و فرهنگی گردد.

جمع‌بندی:

این متن، یک برنامه تاریخی و بلندمدت با چارچوبی منسجم و هدفمند را معرفی می‌کند که می‌تواند به عنوان پروژه‌ای جامع برای بسیج منابع روحانی و مادی در جهت ایجاد یک ساختار اجتماعی-فرهنگی-ایدئولوژیک قدرتمند و پایدار در مناطق مختلف تعبیر شود. اگرچه در قالب ارزشی و اخلاقی ارائه شده، اما در بستر امنیتی می‌تواند منجر به تشکیل ساختارهای موازی قدرت، مهندسی اجتماعی، و تغییر بنیادین هنجارهای جامعه گردد که ممکن است تعارض‌هایی با امنیت ملی، ثبات سیاسی و تنوع فرهنگی جوامع داشته باشد.

#️⃣ #برنامه_بلندمدت #نقشه_مقدس #قدرت_موازی #نفوذ_ایدئولوژیک #مدنیت_الهی #امنیت_ملی #تساوی_فرهنگی #مخاطرات_فرقه‌ای

قسمت ۱ : « نقشهٔ نه‌ساله و عبور جامعهٔ جهانی بهایی از حدود NGO» از مشورت تا مداخله

بسم الله الرحمن الرحیم

نویسنده: حسن ارشاد

نسخه آزمایشی اول

« نقشهٔ نه‌ساله و عبور جامعهٔ جهانی بهایی از حدود NGO» از مشورت تا مداخله

مقدمه :

پروندهٔ بازبینی وضعیت مشورتی BIC؛ از «مشورت» تا «حکمرانی نرم»

چرا این مقدمه را می‌خوانید؟

این متن، پیش‌درآمدِ یک مجموعهٔ تحلیلی–حقوقی است که با تکیه بر اسناد رسمی و آیین‌نامهٔ ۱۹۹۶/۳۱ شورای اقتصادی–اجتماعی سازمان ملل (ECOSOC)، رفتار و گفتار «جامعهٔ جهانی بهایی» (BIC) را در نسبت با نقشهٔ جهانی بیت‌العدل اعظم و پیام ۳۰ دسامبر ۲۰۲۱ بازخوانی می‌کند. هدف ما صرفاً نقد عقیدتی نیست؛ سخن از **نقشهٔ نهادی و رفتاری** است که نقش «NGO مشورتی» را به سوی **اجرای فراملی، مهندسی سرزمینی و حکمرانی نرم** می‌راند. این مقدمه، چارچوب و مسیر مطالعهٔ مقالات را معرفی می‌کند تا خواننده تصویر کلی «پروندهٔ تعلیق/ بازبینی وضعیت مشورتی» را پیش از ورود به جزئیات در اختیار داشته باشد.

چارچوب حقوقی: ریل‌هایی که از آن خارج شده‌ایم

آیین‌نامهٔ ۱۹۹۶/۳۱ ستون فقرات رابطهٔ سازمان ملل با سازمان‌های غیردولتی است: **بی‌طرفی موضوعی، مشورت تخصصی، شفافیت مالی، گزارش‌دهی واقعی، و احترام به حاکمیت دولت‌ها**. بر این ریل‌ها، سازمانی با مقام مشورتی باید **مشورت کند، نه اجرا؛ روشن بگوید، نه پنهان کند؛ و گزارش دهد، نه تبلیغ**. مجموعهٔ مقالات نشان می‌دهد که در رویهٔ BIC، این ریل‌ها به‌تدریج با **ریتم نقشهٔ نه‌ساله** جایگزین شده‌اند: ادبیات توسعه و گفت‌وگو در ظاهر، و **فرماندهی شبکه‌ای، گردآوری داده و پیشبرد برنامهٔ اعتقادی** در بطن.

مسئلهٔ مرکزی: «یک نقشه، دو زبان»

هستهٔ نقد این است: **دوگانگی ساختاری زبان و عمل**. در سطح عمومی، BIC از «اصلاح، الفت، اتحاد، گفت‌وگو، اقدام اجتماعی» سخن می‌گوید؛ در سطح تشکیلاتی، همین واژگان به **کدهای عملیات سازمانی** بدل می‌شوند: تعیین محدوده‌های جغرافیایی، نمادهای رشد، اعزام نیرو، گردآوری دادهٔ اجتماعی («قرائت واقعیت»)، سنجش KPIهای درون‌سازمانی و ارسال گزارش‌های عملکردی به مرکز. این «یک نقشه با دو زبان» هنگامی نگران‌کننده می‌شود که **زبانِ نرمِ عمومی**، پوشش **انتقال به نقش اجرایی** پیدا کند؛ جایی که ECOSOC به‌صراحت خط قرمز می‌کشد.

سه محورِ عبور از «مشورت» به «اجرا»

۱) **یکپارچگی اقدام و گفتمان**: نظریهٔ «مجهود واحد» میان «گفتمان اجتماعی» و «اقدام اجتماعی» ظاهراً جذاب است، اما در عمل مرز مشورت/اجرا را محو می‌کند. وقتی گفت‌وگو، تدارکِ عملیات و **ابزار جذب سازمان‌یافته** شود، دیگر با «مشورت تخصصی» طرف نیستیم؛ با **برنامهٔ اجرایی** مواجهیم.

۲) **مهندسی سرزمینی و داده‌محوری**: تقسیم جهان به «محدوده‌های قابل اداره»، تعیین «نمادهای رشد»، جابه‌جایی مرزها، ایجاد هسته‌های مرکزی و انتقال «یادگیری» میان خوشه‌ها—همه نشانه‌های **طراحی شبکه‌ای** است. این الگو بدون **مشورت رسمی با دولت‌های میزبان**، و همراه با **ابهام مالی** و **انتقال دادهٔ فرامرزی**، از چارچوب ۱۹۹۶/۳۱ فاصله می‌گیرد.

۳) **تبلیغ پوششی با زبان توسعه**: استعارهٔ «دوای امراض عالم»، «یادگیری برای بهبود اجتماع» و «تقلیب اجتماعی» اگر در گزارش‌دهی سازمان ملل به **هدف اعتقادی** گره بخورد، به‌جای اطلاع‌رسانی بی‌طرف، **دعوت دینی پوشیده** می‌سازد. این‌جا «misrepresentation» ECOSOC و «abuse of status» را فعال می‌بیند.

نقشهٔ کلان پیام ۳۰ دسامبر ۲۰۲۱: از جامعه‌سازی تا معماری حکمرانی

پیام افتتاح نقشهٔ نه‌ساله، فقط اعلام یک برنامهٔ عبادی نیست؛ **مانیفست اجرایی** است: تنظیم افق ۲۵ساله، فعال‌کردن سه‌گانهٔ فرد—جامعه—مؤسسه به‌مثابه **زنجیرهٔ تربیت—اجرا—حکمرانی**، و ارجاع الهیاتی به «سفینهٔ امرالله». مقالات نشان می‌دهند چگونه این مفاهیم به **نظام شاخص‌محورِ توسعهٔ تشکیلاتی** ترجمه می‌شوند: KPIهای نماد رشد، گزارش‌های نوروزی، استانداردسازی تجربه در «محدوده‌های پیشرفته»، و شبکهٔ فرماندهی از سطح محلی (LSA) تا بین‌المللی (دارالتبلیغ/مشاورین قاره‌ای).

معماری عملیاتی: از محله تا مرکز

- **سطح محلی (LSA)**: از شورای عبادی به **گرهٔ اجرایی** تبدیل می‌شود؛ صندوق، دفتر، تعامل با نهادهای محلی، و هماهنگی پروژه‌های «اجتماعی». این نقطه، تماس مستقیم با حقوق عمومی و الزامات شفافیت/حفاظت داده است.
- **سطح ملی (شوراها و لِجنه‌ها)**: نقش برنامه‌ریزی، تعیین شاخص‌ها، انباشت داده و **بازتقسیم مرزها** را به‌عهده می‌گیرند؛ حلقهٔ میانیِ تبدیل «آموزش» به «جریان پایدار جذب و تسجیل».

• **سطح فرامنطقه‌ای (مشاورین قاره‌ای/دارالتبلیغ): فرماندهی انتصابی،** رصد، «تلطیف سیستم» و اعزام نیرو. اینجا بیشترین تنش با ۱۹۹۶/۳۱ رخ می‌دهد: **حاکمیت ملی، بی‌طرفی، و تفکیک مشورت از اجرا.**

یک قدم به عقب: چرا این همه حساسیت؟

زیرا **مقام مشورتی،** اختصاصاً برای **شوون اجرایی نیست.** اگربه نام گفت‌وگو و اقدام اجتماعی، **مهندسی هنجاری و جمعیتی** رخ دهد، رابطهٔ NGO–سازمان ملل از ریل خود خارج می‌شود. این «خروج» هنگامی شدیدتر است که:

- **ابهام مالی** باقی بماند؛
- **مشورت کشوربه‌کشور** مستند ارائه نشود؛
- گزارش‌ها **واقع‌نما** نباشند و به زبان دو لایه (عمومی/تشکیلاتی) نوشته شوند؛
- **پردازش دادهٔ کودکان/نوجوانان** و انتقال فرامرزی اطلاعات، بدون چارچوب حفاظت داده انجام گیرد.

الف) از «تعریف مأموریت» تا «برنامهٔ اجرایی»

نخست، متونی را می‌بینید که زبان اخلاقی–جهانی («اصلاح، الفت، اتحاد، دوای امراض عالم») را از سطح شعار به سطح **الزام سازمانی** ترجمه می‌کنند؛ این ترجمه، کلید فهم تبدیل NGO مشورتی به **نهاد مداخله‌گر نرم** است.

ب) از «مشارکت» تا «شبکهٔ فرماندهی»

بخش دوم، سازوکارهای میدانی را باز می‌کند: **محدوده‌ها، نمادها، KPIها، هسته‌های مرکزی، اعزام نیرو، تلطیف سیستم.** این بخش نشان می‌دهد چگونه «یادگیری» در قاموس نقشه به **مدیریت دانش تشکیلاتی** و **کپی‌برداری ساختاری** میان خوشه‌ها بدل می‌شود.

پ) از «گفتمان» تا «تبلیغ پوششی»

لایهٔ سوم، نسبت «گفتمان اجتماعی» با «اقدام اجتماعی» را می‌سنجد: وقتی هر دو «مجهود واحد» تلقی شوند، **خدمت اجتماعی** به **کانال جذب** و «گفت‌وگو» به **چتر مشروعیت‌بخش** تبدیل می‌شود. همین‌جا مفهوم «abuse of status» معنا پیدا می‌کند.

ت) از «آموزش» تا «نظام‌سازی نسلی»

در بخش چهارم، مؤسسهٔ آموزشی دیگر صرفاً «اخلاق» درس نمی‌دهد؛ **زنجیرهٔ تربیت نیروی انسانی، پایش میدانی، و انتقال داده** را مدیریت می‌کند. این بخش با **حقوق کودک/حفاظت داده** تلاقی مستقیم دارد.

ث) از «جامعه‌سازی» تا «حکومت‌سازی محلی»

لایهٔ پنجم، نقش LSA و ساختارهای ملی را در **ادارهٔ امورِ سطح مردمی** نشان می‌دهد: دفاتر، صندوق‌ها، کمپین‌های خانه‌به‌خانه، و هماهنگی با رهبران محلی. اینجا نظم اداری به‌تدریج به **واحدهای حکمرانی ایمانی** شبیه می‌شود.

ج) از «نقشهٔ نه‌ساله» تا «افق تمدنی»

بخش پایانی، افق عصر تکوین و استعارهٔ «سفینهٔ امرالله» را به **نقشهٔ تمدنی** پیوند می‌زند: جایی که سه‌گانهٔ فرد–جامعه–مؤسسه، طرحی برای **الگوی بدیل ادارهٔ اجتماع** ترسیم می‌کند. این لایه، محل تقاطع بحث‌های هنجاری و حقوقی است.

روش‌شناسی و امانت در استناد

برای آنکه **قابلیت داوری و پیگیری حقوقی** حفظ شود، هر مقاله با پنج مؤلفهٔ ثابت معرفی می‌شود: **سند مبنا/نقل‌قول محوری، مواد ۱۹۹۶/۳۱ مورد استناد، رفتار محل نزاع، اثر حقوقی، و شواهد ضمیمه**. این استاندارد باعث می‌شود خواننده بتواند **از ادعا به سند** و از **سند به درمان حقوقی** حرکت کند. زبان گزارش‌گری، به‌جای **توصیف‌های کلی**، به سمت **عبارات قابل استناد** می‌رود.

مخاطبان هدف و کاربرد عملی

- **سیاست‌گذاران و دیپلمات‌ها**: برای طرح موضوع در **کمیتهٔ NGOهای ECOSOC** و درخواست **بازبینی/تعلیق**؛
- **پژوهشگران حقوق بین‌الملل**: برای مطالعهٔ موردی «خروج از نقش مشورتی» و نسبت NGO–حاکمیت؛
- **نهادهای حفاظت داده و حقوق کودک**: برای ارزیابی **پردازش دادهٔ اطفال** و **انتقال فرامرزی اطلاعات** در قالب برنامه‌های آموزشی/اجتماعی؛
- **جامعهٔ مدنی**: برای تمایز میان «خدمت اجتماعی بی‌طرف» و «خدمتِ سازمان‌محور با هدف اعتقادی».

جمع‌بندی راهبردی: از نقد پنهان‌کاری تا نقشهٔ انطباق

این مجموعه، صرفاً پروندهٔ تنبیهی نیست؛ **نقشهٔ انطباق** هم پیشنهاد می‌دهد:

۱) **تفکیک صریح مشورت از اجرا** در کلیهٔ گزارش‌ها و برنامه‌ها؛

۲) **افشای موافقت‌نامه‌های کشوربه‌کشور** برای هر فعالیت میدانی؛

۳) **شفافیت مالی کامل** دربارهٔ بودجه‌های اقدام/گفتمان؛

۴) **بازنویسی گزارش‌های ادواری** با شاخص‌های واقع‌نما و غیرتبلیغی؛

۵) **چارچوب حفاظت دادهٔ کودکان** با ممنوعیت انتقال فرامرزی بدون مجوز صریح؛

۶) **انصراف از زبان دوگانه** (توسعه در بیرون/تبلیغ در درون) و پذیرش **بی‌طرفی دینی** در بستر سازمان ملل.

این‌ها همان خطوطی است که ۱۹۹۶/۳۱ ترسیم کرده و **بازگشت به ریل** را ممکن می‌کند. اما تا زمانی که **الگوی موجود** —یعنی پیوند سازمانی با نقشهٔ اجرایی، مهندسی سرزمینی، و تبلیغ پوششی—برقرار باشد، مبنای حقوقی **بازبینی، تعلیق یا لغو وضعیت مشورتی** پابرجاست.

چگونه این مجموعه را بخوانیم؟

پیشنهاد می‌شود از **متون مفهوم‌ساز** (تعریف نیروی اجتماع‌سازی، دوای امراض، اصلاح/الفت/اتحاد) شروع کنید، سپس به **متون عملیاتی** (محدوده‌ها، نمادهای رشد، اعزام نیرو، قرائت واقعیت) بروید، و نهایتاً **لایهٔ نهادی** (LSA، لجنه‌ها، مشاورین، دارالتبلیغ) را بخوانید. در هر گام، **سه پرسش طلایی** را جلوی چشم نگه دارید:

- آیا این متن، **مشورت** می‌کند یا **اجرا**؟
- آیا این اقدام، **با دولت میزبان** مستنداً **مشورت** شده است؟
- آیا **منابع مالی/جریان داده** با استانداردهای **شفافیت و حفاظت** منطبق‌اند؟

اگر پاسخ‌ها مبهم‌اند یا به ادبیات دوگانه پناه می‌برند، دقیقاً همان‌جاست که ۱۹۹۶/۳۱ وارد می‌شود و ابزار **بازبینی وضعیت** را در اختیارتان می‌گذارد.

آخرِ مقدمه؛ آغازِ پرونده

آنچه پیش رو دارید، مجموعه‌ای است برای **روشن‌کردن مرزها**: مرز **مشورت** با **حکمرانی نرم**، مرز **گفت‌وگو** با **تبلیغ پوششی**، مرز **خدمت اجتماعی** با **مهندسی جمعیتی و داده‌محور**. با این مقدمه، خواننده می‌داند چرا و چگونه هر متن، قطعه‌ای از پازل بزرگ‌تری است که نهایتاً به **سؤال مرکزی** می‌رسد:
آیا جامعهٔ جهانی بهایی، در مقام یک NGO با وضعیت مشورتی، هنوز **در ریل ۱۹۹۶/۳۱** حرکت می‌کند—یا به‌واسطهٔ پیوند با نقشهٔ جهانی بیت‌العدل، **از مشورت به اجرا** و از **گفتار عام** به **دستور کار خصوصی** عبور کرده است؟

پاسخ را در دل مقالات خواهید یافت؛ با **استناد روشن، ساختار منسجم** و **زبان قابل داوری**—به قصد **صیانت از بی‌طرفی نظام ملل متحد** و بازگرداندن نقش NGOها به جایگاه قانونی‌شان.

فهرست چکیده مقالات

مقالهٔ ۱ – مسئولیت حقوقی جامعهٔ جهانی بهایی (BIC) در قبال نقشهٔ جهانی بیت‌العدل
چکیده: این مقاله با اتکا به قطعنامهٔ ۱۹۹۶/۳۱ اکوسوک نشان می‌دهد BIC که خود را نمایندهٔ رسمی جامعهٔ بهایی معرفی می‌کند، عملاً بازوی دیپلماتیک و اجرایی نقشهٔ نه‌سالهٔ بیت‌العدل است و از چارچوب NGO مشورتی فراتر رفته است. پیوند سازمانی با بیت‌العدل، اجرای برنامهٔ کلاسترینگ و «اقدام/گفتمان اجتماعی» در کشورهای عضو

بدون سازوکار پاسخ‌گویی و مشورت با دولت‌ها، با مواد ۸، ۱۲، ۱۳ و ۱۹ آیین‌نامه تعارض دارد. گزارش‌های رسمی و ساختار انتصابی BIC معیارهای نمایندگی، شفافیت مالی و بی‌طرفی سیاسی را نقض می‌کند و الگوی «حکمرانی موازی ایمانی» پدید می‌آورد. نتیجه آن‌که مطابق بند ۵۷(a) تعلیق یا لغو وضعیت مشورتی BIC باید در دستور کار اکوسوک قرار گیرد تا اصل عدم‌مداخله و بی‌طرفی نظام ملل متحد حفظ شود.

مقالهٔ ۲ ـ حقوق و محدودیت‌های فعالیت‌های بین‌المللی جامعهٔ بهایی (BIC)

چکیده: متن نقشهٔ نه‌سالهٔ ۳۰ دسامبر ۲۰۲۱ در مقام دستور راهبردی به مشاورین قاره‌ای، ماهیت اقدام اجرایی فراملی دارد و وقتی زیر چتر گزارش‌دهی BIC به سازمان ملل قرار می‌گیرد، به «فرمان سازمانی» یک NGO دارای وضعیت مشورتی تبدیل می‌شود. بر پایهٔ ECOSOC 1996/31، صدور دستور اجرایی به نهادهای تابع در قلمرو دولت‌های عضو بدون مشورت با آنان، ایجاد سلسله‌مراتب فرماندهی و عدم اعلام منابع مالی، به‌ترتیب نقض مواد ۸، ۱۹ و ۱۳ است. ترک فعل در افشای محدودهٔ اجرا و بودجهٔ ظرفیت‌سازی جهانی، alongside فعل ممنوعِ تبدیل نقش مشورتی به اجرایی، مرزهای مجاز فعالیت NGO را مخدوش می‌کند. جمع‌بندی حقوقی تأکید می‌کند که BIC مسئول اصلی پاسخ‌گویی در برابر این نقض‌هاست و باید به شفافیت، محدودسازی نقش و تبعیت از آیین‌نامه بازگردد.

مقالهٔ ۳ ـ تحلیل حقوقی فعالیت‌های اطلاعاتی و ساختار فرماندهی تشکیلات بهایی

چکیده: با تمرکز بر «قرائت واقعیت منطقه‌ای» و شبکهٔ مشاورین قاره‌ایِ منصوب از حیفا، مقاله نشان می‌دهد که گردآوری داده‌های اجتماعی، صدور فرمان به نهادهای انتصابی و انتقال برون‌مرزی اطلاعات، نقش مشورتی را به ساختار اجرایی-امنیتی بدل کرده است. این رویه‌ها به‌ترتیب ناقض مواد ۸ (لزوم مشورت با دولت‌های میزبان)، ۲۰ بخش دوم (مرزبندی نقش NGO با دولت‌ها) و ۵۷(a) بخش هشتم (سوءاستفاده از وضعیت مشورتی) هستند. فقدان شفافیت مالی مطابق مادهٔ ۱۳ و وابستگی سازمانی به بیت‌العدل، تعارض با اصول منشور ملل متحد و حاکمیت ملی را تشدید می‌کند. نتیجه این است که مجموعهٔ تخلفات می‌تواند مبنای حقوقی تعلیق یا لغو وضعیت مشورتی BIC در اکوسوک قرار گیرد تا مرزهای قانونی NGOهای بین‌المللی اعاده شود.

مقالهٔ ۴ ـ تحلیل حقوقی بند دوم پیام ۳۰ دسامبر ۲۰۲۱ («اصلاح، الفت و اتحاد» و تعریف بهاییِ جامعه‌سازی)

چکیده: این بند با مصادرهٔ مفاهیم عامی چون «اصلاح، الفت و اتحاد» و بازتعریف آن‌ها ذیل الهیات بهایی، نقش NGO مشورتی را به ابزار تبلیغ ایدئولوژیک تبدیل می‌کند و با روح بی‌طرفی و جهان‌شمولی مورد انتظار در ECOSOC 1996/31 در تعارض است؛ ترویج هویت فرقه‌ای به‌جای هدف عام منشور، نقض صریح Part I, para 2 بوده و استفادهٔ تبلیغی از جایگاه مشورتی ذیل Part VIII, para 57(a) مصداق سوءاستفاده از وضعیت است؛ علاوه بر این، عدم مرزبندی میان «آموزش مذهبی» و «اقدام اجتماعی» ترک فعل مقرراتی مطابق Part I, para 3 محسوب می‌شود؛ در نتیجه، این بند به‌جای اطلاع‌رسانی تخصصی، افکار عمومی را به سمت خوانش انحصاری از همزیستی و توسعه سوق می‌دهد و مبنای بررسی تعلیق وضعیت را فراهم می‌سازد.

مقالهٔ ۵ – مقالهٔ تکمیلی بند دوم: تحریف مفهومی در استفاده از واژه‌های جهانی («اصلاح، الفت و اتحاد»)

چکیده: متن نشان می‌دهد چگونه BIC واژه‌های مشترک انسانی را در سطح عمومی به‌صورت جهان‌شمول عرضه می‌کند اما در سطح تشکیلاتی، تحقق آن‌ها را منوط به نظم اداری بهایی می‌سازد که این دوگانگی، misrepresentation از اهداف واقعی و نقض Part I, para 2 و Part II, para 20 است؛ بهره‌گیری از همین واژه‌ها برای پوشاندن ماهیت تبلیغیِ برنامه‌های «اقدام اجتماعی» و «گفتمان اجتماعی»، استفادهٔ ابزاری از وضعیت مشورتی تلقی شده و ذیل Part VIII, para 57(a) قابلیت تعقیب دارد؛ همچنین عدم افشای صادقانهٔ مقصد ایدئولوژیک این مفاهیم، ترک فعل نسبت به الزامات شفافیت در Part I, para 3 است؛ برآیند حقوقی آن، فراهم‌آمدن مبنای تعلیق یا بازبینی وضعیت مشورتی به‌سبب نقض بی‌طرفی و امانت در گزارش‌دهی است.

مقالهٔ ۶ – تحلیل حقوقی بند سوم پیام ۳۰ دسامبر ۲۰۲۱ («نیروی اجتماع‌سازی» و یادگیری بهایی برای بهبود اجتماع)

چکیده: طرح «نیروی اجتماع‌سازی آیین بهایی» عملاً الگوی حکمرانی بدیل را به‌جای نقش مشورتی NGO پیش می‌نهد و با Part I, para 2 که التزام به روح منشور و تکثر را می‌طلبد ناسازگار است؛ قرائت تبعیض‌آمیز نسبت به غیربهائیان در منابع رسمیِ منتسب، الگوی رفتاری مغایر با اصول منشور بوده و مصداق سوءاستفاده از وضعیت بر پایهٔ Part VIII, para 57(a) است؛ کاربرد واژه‌های بی‌خطر مانند «یادگیری» و «بهبود اجتماع» برای پوشاندن مهندسی اجتماعیِ ایدئولوژیک، misrepresentation محسوب و با Part II, para 20 در تضاد است؛ عدم مرزبندی میان گفتمان اجتماعی و ترویج دینی نیز ترک فعل در اجرای الزامات Part I, para 3 تلقی می‌شود؛ بنابراین، مجموع این موارد مرز مشورت تخصصی را درنوردیده و مستند حقوقی کافی برای درخواست تعلیق یا لغو وضعیت مشورتی BIC نزد ECOSOC فراهم می‌آورد.

مقالهٔ ۷ – تحلیل حقوقی بند چهارم پیام ۳۰ دسامبر ۲۰۲۱ («نقشهٔ ۲۵ ساله»، هدف جهانی، سه‌گانهٔ فرد–جامعه–مؤسسه)

چکیده: این بند با اعلام سلسله‌نقشه‌ای ۲۵ ساله و تمرکز جهانی بر «ظهور نیروی اجتماع‌سازی»، برنامه‌ای اجرایی و فراملی را ترسیم می‌کند که مطابق Part I, para 8 باید برای هر کشور با دولت میزبان مشورت شود اما شواهدی از آن ارائه نشده است؛ به‌کارگیری واژگان توسعه‌ای برای مقاصد درون‌تشکیلاتیِ بهایی و هدایت فراملی شبکهٔ مذهبی، با روح منشور و الزام بی‌طرفی در Part I, para 2 و صداقت مشورتی در Part II, para 20 ناسازگار است؛ ابهام عامدانه دربارهٔ منابع مالی و سازوکار اجرا، نقض شفافیت مالی در Part I, para 13 محسوب می‌شود؛ و پیوند صریح با استعارهٔ «سفینهٔ امرالله» الگوی حاکمیتی–ایدئولوژیک را به‌جای نقش مشورتی می‌نشاند و مصداق سوءاستفاده از وضعیت ذیل Part VIII, para 57 است.

مقالهٔ ۸ – نقشهٔ ۲۵ سالهٔ بیت‌العدل؛ «سفینهٔ امرالله» و گذار به قرن سوم تکوین

چکیده: پیام ۳۰ دسامبر ۲۰۲۱ به‌منزلهٔ مانیفست اجرایی تا ۲۰۴۶، «سفینهٔ امرالله» را به‌سوی قرن سومِ عصر تکوین هدایت می‌کند و با تبدیل سه‌گانهٔ فرد–جامعه–مؤسسه به مدل کادرسازی، وظیفهٔ NGO مشورتی را به مهندسی اجتماعی فرقه‌ای تغییر می‌دهد؛ عدم اخذ و افشای مشورت‌های رسمی کشوربه‌کشور (Part I, para 8)،

دوگانگی زبانی میان توسعهٔ عمومی و تقویت تشکیلات بهایی (Part II, para 20)، و کتمان جریان‌های مالی و گزارش ادواری دقیق (Part I, para 13 و Part IX, para 61(c)) منظومه‌ای از «نقض» و «ترک فعل» می‌سازد؛ این الگو با بی‌طرفی منشور در تضاد است و ذیل Part VIII, para 55–۵۹ مستعد تعلیق یا لغو وضعیت مشورتی BIC ارزیابی می‌شود.

مقالهٔ ۹ – تحلیل حقوقی بند پنجم پیام ۳۰ دسامبر ۲۰۲۱ («دوای امراض عالم» و لایهٔ تبلیغ دینی زیر پوشش اجتماعی)

چکیده: تأکید بر «درياق اعظم برای جمیع امراض» محور برنامه‌ها را از توسعهٔ اجتماعی به ترویج انحصاری تعالیم بهایی منتقل می‌کند و NGO را از مقام ارائه‌دهندهٔ اطلاعات تخصصی به مبلغ دینی فرو می‌کاهد که با Part I, para 2 و Part II, paras 18–۲۰ تعارض دارد؛ معرفی پروژه‌ها به‌عنوان «اقدام اجتماعی» در حالی‌که هدفِ واقعی هدایت به آموزه‌های دینی است، مصداق misrepresentation و نقض الزامات بیان صادقانهٔ موضوعات ذیل Part V, paras 36–۳۷ است؛ تکرار این الگو سوءاستفاده از وضعیت مشورتی به‌معنای Part VIII, para 57(a) و هم‌زمان ترک فعل در گزارش ادواری مطابق Part IX, para 61(c) را رقم می‌زند و مبنای حقوقی درخواست بازبینی، تعلیق یا لغو وضعیت مشورتی BIC را فراهم می‌سازد.

مقالهٔ ۱۰ – دوای درد بشر یا ابزار سلطه؟ نقد ایدئولوژی درمان‌محور بهائیت در نقشهٔ جهانی بیت‌العدل

چکیده: مقاله نشان می‌دهد استعارهٔ «بیمار/طبیب» در پیام ۳۰ دسامبر ۲۰۲۱، خروجی فرایندهای نقشه را از «خدمت بی‌طرف» به «إعمال درياق اعظم» یعنی پیاده‌سازی نسخهٔ بهایی بر اجتماع تبدیل می‌کند و دوگانگی گفتار BIC را رقم می‌زند: در بیرون زبان توسعه و حقوق بشر، در درون درمان‌گرایی انحصاری و کادرسازی تبلیغی؛ این دوگانه با فلسفهٔ رابطهٔ مشورتی ECOSOC ناسازگار است، زیرا به‌جای مشورت تخصصی به دعوت دینی می‌لغزد، شفافیت هدف و رضایت آگاهانهٔ ذی‌نفعان را تضعیف می‌کند، و با الزامات بی‌طرفی، گزارش‌دهی واقع‌نما و شفافیت مالی تعارض می‌یابد؛ نتیجه آن‌که «خدمت» در مقام «سلطهٔ نرم» بازتعریف شده و مستعد رسیدگی ذیل سازوکار تعلیق وضعیت مشورتی است.

مقالهٔ ۱۱ – «نه دنبال قدرتیم، نه حکومت»؛ اما «سلطنت الهیّه»؟ پارادوکس شهروند وفادارِ غیرحزبی در کنار نقشهٔ حاکمیتی

چکیده: متن با کنار هم‌نهادن شعار «پرهیز از رقابت قدرت» و توقیع شوقی افندی دربارهٔ مسیر «استقلال ← رسمیت ← سلطنت الهیه/جهانی ← محکمهٔ کبری» پارادوکسی ساختاری را آشکار می‌کند که در گفتار عمومی نفی سیاست و در ادبیات مرجع، افق حاکمیتی را پی می‌گیرد؛ این ناهمخوانی، مصداق ارائهٔ نادرست هدف و عدول از بی‌طرفی مورد انتظار از یک NGO مشورتی است، لزوم واقع‌نمایی در گزارش‌های ادواری و شفافیت منابع را برجسته می‌کند، و می‌تواند مبنای مطالبهٔ اظهارنامهٔ رسمی عدم‌تعقیب غایت حاکمیتی و ارائهٔ موافقت‌نامه‌های کشوربه‌کشور شود؛ استمرار این دوگانگی قابلیت ارجاع به سازوکار تعلیق را فراهم می‌آورد.

مقالهٔ ۱۲ – گزارش و شکایت رسمی دربارهٔ جامعهٔ جهانی بهایی (BIC) به کمیتهٔ NGOهای ECOSOC

چکیده: شکوائیه با استناد به پیام ۳۰ دسامبر ۲۰۲۱، توقیع شوقی افندی و گزارش‌های BIC، پنج محور نقض را طرح می‌کند: ارائهٔ نادرست هدف و مغایرت با روح منشور، فعالیت فراملی بدون مشورت دولت‌ها، عدم شفافیت مالی، گزارش‌های غیرواقع‌نما و سوءاستفاده از وضعیت مشورتی؛ بر این مبنا، اقداماتی چون مطالبهٔ اسناد مشورت‌های کشوربه‌کشور، صورت‌های مالی اعلام‌شده از مسیر دبیرکل و بازنویسی گزارش چهارسالهٔ واقع‌نما توصیه می‌شود و تا زمان تأمین الزامات، تعلیق سه‌سالهٔ وضعیت مشورتی پیشنهاد می‌گردد؛ جمع‌بندی تأکید دارد که استفاده از بستر سازمان ملل برای پیشبرد افق حاکمیتی دینی با چارچوب ECOSOC 1996/31 ناسازگار است.

مقالهٔ ۱۳ – گزارش حقوقی «دخول افواج» و «برنامه‌های رشد» در پیام ۳۰ دسامبر ۲۰۲۱

چکیده: متن نشان می‌دهد «دخول افواج» مفهومی صرفاً دینی است که زیر پوشش «اقدام اجتماعی/برنامه رشد» به جذب سازمان‌یافته اعتقادی تبدیل می‌شود و با فلسفهٔ رابطهٔ مشورتی در ECOSOC تعارض دارد؛ سنجش پیشرفت با شمار «محدوده‌های دارای برنامهٔ رشد» شاخص‌سازی مذهبی است نه توسعه‌ای و به misrepresentation و نقض Part II, para 20 و Part IX, para 61(c) می‌انجامد؛ تقسیم جهان به «محدوده‌های جغرافیایی» و اجرای شبکه فراملی بدون مشورت دولت‌ها نقض Part I, para 8 و مصداق سوءاستفاده از وضعیت ذیل Part VIII, para 57(a) است؛ بنابراین این بند، استفاده از اعتبار NGO برای پیاده‌سازی طرح مذهبی–جمعیتی را مستند می‌کند و مبنای تعلیق وضعیت مشورتی BIC تلقی می‌شود.

مقالهٔ ۱۴ – نقشهٔ نه‌ساله و مهندسی سرزمینی تشکیلات بهایی: از تقسیم جغرافیا تا مدیریت جمعیت مذهبی

چکیده: دستور بازنگری و «قابل اداره» کردن محدوده‌ها نشان می‌دهد هدف بند، بازآرایی اداری–سرزمینی شبکهٔ بهایی است نه رفاه عمومی؛ «محدودهٔ قابل اداره» یعنی واحدی با ظرفیت انسانی–مالی برای اجرای پایدار حلقات و گزارش‌دهی به سطوح بالاتر و عملاً نوعی redistricting فرقه‌ای برای تمرکز فرمان در حیفاست؛ پیش‌بینی مستثنی‌کردن نواحی کم‌جمعیت نیز راهبرد نفوذ غیررسمی و تدریجی را تثبیت می‌کند؛ ایجاد/تقسیم این واحدها بدون مجوز دولت‌ها نقض روشن Part I, para 8 و Part II, para 20 و ذیل Part VIII, para 57 «abuse of status» ارزیابی می‌شود؛ نتیجه آنکه این بند شاهدی حقوقی بر مهندسی سرزمینی و استناد قوی برای طرح تعلیق یا بازبینی وضعیت مشورتی BIC است.

مقالهٔ ۱۵ – «پیوستار توسعه یا نقشهٔ تصرف سرزمینی؟» تحلیل بند ۶ پیام ۳۰ دسامبر ۲۰۲۱

چکیده: بند با واژگانی چون «پیوستار توسعه/نمادهای رشد/ارسال آمار به مرکز جهانی» منطق مهندسی قدرت بهایی را به‌جای توسعهٔ اجتماعی پی می‌گیرد و ارقام ۶۰۰۰/۵۰۰۰/۱۳۰۰ محدوده را به‌مثابه سرشماری نفوذ تشکیلاتی اعلام می‌کند؛ «نمادهای رشد» عملاً سه مرحلهٔ حضور، تثبیت و خودگردانی تشکیلاتی‌اند و زنجیرهٔ فرمان از بیت‌العدل تا محافل و شوراها را برای گزارش‌دهی نوروزی فعال می‌سازد؛ این شبکهٔ داده–فرماندهی، تجمیع فراملی اطلاعات و ایجاد دفاتر/پروژه‌ها بدون مشورت دولت‌هاست و Part I, para 8 و Part II, para 20 را نقض می‌کند؛ عدم افشای منابع مالی و مقاصد واقعی نیز با Part I, para 13 و سوءاستفاده از وضعیت طبق

Part VIII, para 57(a) در تعارض است؛ برآیند حقوقی: مستعد تعلیق وضعیت مشورتی به‌سبب تصرف نرم سرزمین با زبان توسعه.

مقالهٔ ۱۶ – «مهندسی سرزمینیِ رشد» ذیل آیین‌نامه ۱۹۹۶/۳۱ اکوسوک: تحلیل بند «حرکت محدوده‌های جغرافیایی»

چکیده: بند مزبور با مؤلفه‌هایی چون تعدیل مرزبندی، نمادهای رشد، KPI سه‌لایه، چرخه «داده→هدف» و چابکی «برآورد–تلطیف» منطق یک رول‌اوت سرزمینی را بازتولید می‌کند؛ اجرای شبکهٔ میدانی بدون مشورت دولت‌ها با Part I ¶۸ و Part II ¶۲۰ در تعارض است و شاخص‌ها نیز به‌جای رفاه، تسلط تشکیلاتی را می‌سنجند؛ فقدان افشای منابع و مسیر هزینه‌ها، نقض Part I ¶۱۳ و قرینهٔ پنهان‌کاری مالی است؛ تجمیع این الگوها، «سوءاستفاده از وضعیت» ذیل Part VIII ¶۵۷(a) را محقق و مصداق تعلیق/لغو وضعیت مشورتی می‌سازد؛ به‌علاوه انتقال برون‌مرزی داده‌ها می‌تواند در حوزهٔ حفاظت داده (مانند GDPR) مناقشهٔ موازی ایجاد کند.

مقالهٔ ۱۷ – «برنامهٔ مهاجرت تشکیلاتی و مهندسی جمعیتی در نقشهٔ نه‌ساله»

چکیده: بند «اعزام مهاجرین بین‌المللی و داخلی» عملاً طرح استقرار کادرهای آموزش‌دیده برای تبدیل هر کشور به پایگاه «نماد سوم» و تکثیر شعاعی در محدوده‌های اطراف است؛ نقش دارالتبلیغ بین‌المللی ماهیت فرماندهی و سازمان‌یافتهٔ عملیات میدانی را آشکار می‌کند؛ اجرای چنین اعزام‌هایی بدون مشورت دولت‌ها نقض Part I ¶۸ و Part II ¶۲۰ و از جهت غایت تبشیری، «abuse of status» ذیل Part VIII ¶۵۷(a) است؛ هزینه‌های اسکان و پشتیبانی بدون افشای شفاف، ترک‌فعل مالی نسبت به Part I ¶۱۳ تلقی می‌شود؛ نتیجه آن‌که مهاجرت تشکیلاتی، مهندسی جمعیتیِ بهایی در پوشش «یادگیری/خدمت» و مستعد تعلیق وضعیت مشورتی است.

مقالهٔ ۱۸ – تحلیل تخلفات BIC از قطعنامهٔ ECOSOC 1996/31 و مبانی تعلیق

چکیده: ارزیابی جامع نشان می‌دهد ساختار انتصابی و فقدان پاسخ‌گویی داخلی با روح نمایندگی NGOها تعارض دارد و گزارش‌های چهارسالهٔ غیرواقع‌نما ذیل Part IX ¶۶۱(c) قابل مؤاخذه است؛ استفاده تبلیغی از تریبون سازمان ملل، ایجاد شعب/پروژه بدون مشورت دولت‌ها و عدم تناسب موضوعی با صلاحیت شورا، نقض‌های صریح Part I ¶۱–۳ و ¶۸ و Part II ¶۱۸–۲۰ محسوب می‌شود؛ شفافیت مالی ناکافی بر خلاف Part I ¶۱۳ و در کنار مهندسی سرزمینی و KPIهای فرقه‌ای، الگوی «سوءاستفاده از وضعیت» موضوع Part VIII ¶۵۷(a) را تکمیل می‌کند؛ انتقال برون‌مرزی داده‌ها نیز ریسک حقوق داده را می‌افزاید؛ جمع‌بندی حقوقی: تعلیق یا لغو وضعیت مشورتی BIC باید در دستور کار کمیتهٔ NGOهای اکوسوک قرار گیرد.

مقاله ۱۹ —– از گفتمان اجتماعی تا تسجیل عقیدتی

چکیده: این مقاله نشان می‌دهد «گفت‌وگوهای روحانی» در نقشه نه‌ساله عملاً مسیر مرحله‌ایِ جذب است که از گفت‌وگوی ظاهراً بی‌طرف آغاز می‌شود، با آموزش مؤسسه‌ای و مشارکت در خدمت پیش می‌رود و به احساس تعلق و نهایتاً تسجیل رسمی می‌انجامد. نقش محافل و مؤسسات در «رفع موانع» تسجیل، ماهیت اداری و هدف‌مند

این روند را عیان می‌کند. بر این مبنا، استفاده از برچسب‌های اجتماعی برای تغییر باور دینی مصداق misrepresentation ذیل ۲۰–۱۸¶ Part II و نمونه‌ای از سوءاستفاده از وضعیت مشورتی طبق ¶۵۷(a) ارزیابی شده است. پیامد جامعه‌شناختی آن، ترجیح «تعلق پیش از باور» و هدایت هنجاری افراد است. مقاله نتیجه می‌گیرد این سازوکار با اصل بی‌طرفی دینی و آزادی وجدان در چارچوب‌های UN همخوان نیست.

مقاله ۲۰ —— تبلیغ مستمر در محیط‌های محلی

چکیده: متنِ مورد تحلیل تبلیغ را از انگیزش فردی به «فرایند یادگیری سازمان‌یافته» ارتقا می‌دهد؛ چرخه‌ی عمل–تأمل، بومی‌سازی پیام متناسب با هر محیط و سنجش مداوم کارایی، تبلیغ را به کنش دائمی جامعه بدل می‌کند. این چارچوب با «Systematic Teaching Plan» پیوند می‌خورد و نشان می‌دهد آموزش، روان‌انگیزش و سازگاری فرهنگی هم‌زمان برای تکثیر جذب به‌کار گرفته می‌شوند. به‌لحاظ حقوقی، چنین تبشیر سازمان‌یافته‌ای با ماهیت مشورتی و اصل بی‌طرفی در ECOSOC (Part II ¶۱۸–۲۰) ناسازگار و ذیل ¶۵۷(a) به‌عنوان abuse of status قابل ارزیابی است. از منظر صلاحیت موضوعی نیز با اهداف توسعه‌ای/حقوق بشری شورا (Part I ¶۱–۳) هم‌پوشان واقعی ندارد. جمع‌بندی بر ضرورت تفکیک صریح تبلیغ دینی از اقدام اجتماعی در گزارش‌های رسمی تأکید می‌کند.

مقاله ۲۱ —— یادگیری از محدوده‌های پیشرفته؛ از مشارکت عمومی تا تمرکز تشکیلاتی

چکیده: این بخش از پیام مدل «هسته‌محور» را شرح می‌دهد: محدوده‌های عبورکرده از نماد سوم به کانون‌های تکثیر بدل می‌شوند، هسته‌های مرکزی تشکیل می‌گردد، پیرامونشان حلقه‌ها می‌روید و «ارتباط سیستماتیک» با جمعیت‌های مستعد برای گسترش هدف‌مند دنبال می‌شود. «یادگیری» در اینجا مدیریت دانش تشکیلاتی است؛ استانداردسازی تجربه، انتقال آن و استقرار ساختار مشابه در خوشه‌های نو. انتقال داده و تصمیم‌سازی مرکزی، بُعد فرامرزی شبکه را تقویت می‌کند. از منظر ۱۹۹۶/۳۱، این شبکه‌سازی اجرایی بدون تصریح به مشورت با دولت‌ها با ¶۲۰ Part II در تعارض و با ¶۵۷(a) به‌عنوان سوءاستفاده از وضعیت قابل طرح است؛ ابهام مالی نیز حساسیت ¶۱۳ Part I را برمی‌انگیزد. نتیجه مقاله، شکستن مرز «مشورت» و حرکت به سوی «حکمرانی تشکیلاتی» را محور نقد حقوقی می‌داند.

مقاله ۲۲ —— از فستیوال تا فرماندهی فرهنگی: تحلیل بند «هماهنگی فعالیت‌های امری در محلّه‌ها و روستاها»

چکیده: نشان می‌دهد چگونه الگوی به‌ظاهر فرهنگیِ جشن‌ها، کمپ‌ها و جلسات هنری به سازوکار جذب توده‌ای، تشکیل هسته‌های خانوادگی هماهنگ و برون‌گرایی تبلیغی می‌انجامد. هنر و فستیوال به‌عنوان رسانه‌ی نرمِ انتقال مفاهیم بهایی به کار گرفته می‌شود تا حساسیت دینی کاهش یابد و شبکه‌ای محلی پیرامون خانواده‌ها ساخته شود. این فرایند در عمل یک رول‌اوت فرهنگی موازی با ساختارهای رسمی است و به گردآوری داده‌های اجتماعی و پیوند با فرماندهی مرکزی منتهی می‌شود. از منظر ۱۹۹۶/۳۱، اجرای میدانی بدون مشورت دولت‌ها، بی‌طرفی دینی و شفافیت مالی را نقض می‌کند و ذیل سوءاستفاده از وضعیت (¶۵۷(a)) قابل پیگیری است. نتیجه، قابلیت استناد برای تعلیق وضعیت مشورتی به دلیل نقض مواد ۸، ۲۰ و ۱۳ است.

مقاله ۲۳ ـــ نقض آیین‌نامه ۱۹۹۶/۳۱ از مسیر مهندسی فرهنگی: پیشنهاد اقامهٔ دعوا در کمیتهٔ NGOهای سازمان ملل

چکیده: با اتکا به پیام ۳۰ دسامبر ۲۰۲۱ و گزارش‌های BIC استدلال می‌کند که «برنامه‌های رشد/جامعه‌سازی» در کشورها به اجرای پروژه‌های فرهنگی–تبلیغی با هدف تغییر اعتقاد بدل شده‌اند. نمونه‌های صریحِ معرفی «هنر» برای آشنا کردن اجتماع با اصول امر، خروج از «مشورت» و ورود به «اجرا» را عیان می‌سازد. بر پایهٔ مواد ۸ و ۲۰ (عدم مشورت با دولت‌ها)، ۱۳ (ابهام مالی) و ۵۷(a) (abuse of status) چارچوب حقوقی شکایت و درخواست تعلیق یا لغو وضعیت تشریح می‌شود. مسیر اقدام عملی—جمع‌آوری مستندات، ارجاع از طریق نمایندگی‌های دائم یا NGO هم‌رتبه و مطالبهٔ Suspension—ترسیم شده است. جمع‌بندی، تعارض بی‌طرفی فرهنگی و ماهیت تبلیغی را مبنای کافی برای بازبینی وضعیت BIC می‌داند.

مقاله ۲۴ ـــ نفوذ ساختاری در جوامع محلی از طریق «جامعه‌سازی»: نقض حاکمیت ملی و سوءاستفاده از وضعیت NGO

چکیده: نشان می‌دهد گذار از فعالیت فرهنگی به سطح شبه‌حاکمیتی با «همکاری رسمی با رهبران محلی»، «تربیت روحانی نسل کامل کودکان» و «تعیین مساعدین متعدد» چگونه یک نظام موازی محلی می‌سازد. این شبکه سه‌لایه —فرماندهی مرکزی، هیئت معاونت و محافل/مساعدین—بر برنامه‌ریزی اجتماعی، آموزش و بسیج محلی اثر مستقیم می‌گذارد. چنین مداخلاتی اصل عدم مداخله و بی‌طرفی آموزشی/فرهنگی را مخدوش و با CRC نیز در تنش قرار می‌دهد. از منظر ۱۹۹۶/۳۱، ایجاد شعب/پروژه بدون مشورت (¶۲۰)، ابهام مالی (¶۱۳) و تبلیغ دینی سازمان‌یافته (¶۵۷(a)) مصادیق روشن تعلیق‌اند. نتیجه، توصیه به طرح بازنگری وضعیت مشورتی در کمیتهٔ NGO و پیگیری موازی در نهادهای ذی‌ربط آموزشی و حقوق کودک است.

مقاله ۲۵ ـــ از جامعه‌سازی تا حاکمیت موازی: نقش نهادهای محلی بهایی در تصرف تدریجی فضای مدنی

چکیده: بند نشان می‌دهد چگونه «هدایت مسیر پیشرفت» از نهادهای رسمی به مؤسسات بهایی منتقل و کارویژه‌های حاکمیتی به شبکه‌ای مذهبی واگذار می‌شود. «قابلیت‌سازی» در اینجا به معنای تربیت کادر اجرایی برای مدیریت اجتماع و کنترل منابع انسانی است. رصد «فشارهای اجتماعی» کارکرد اطلاعاتی–امنیتی می‌یابد و رابطهٔ جامعه بهایی با اجتماع از مشارکت مدنی به نقش تصمیم‌گیر ارتقا پیدا می‌کند. هم‌پیوندی با ساختارهای رسمی و غیررسمی، ائتلافی فرامذهبی برای نفوذ ایدئولوژیک می‌سازد. بر پایهٔ ۱۹۹۶/۳۱ این گذار مصداق نقض بی‌طرفی، مداخله بدون مشورت و سوءاستفاده از وضعیت مشورتی است.

مقاله ۲۶ ـــ «قرائت واقعیت»؛ کد رمز عملیات میدانی و نقشهٔ نفوذ در پوشش جامعه‌سازی

چکیده: «قرائت واقعیت» از سطح توصیهٔ ادراکی فراتر رفته و به فرایند نظام‌مند گردآوری دادهٔ اجتماعی، سنجش نفوذپذیری و هدف‌گذاری مرحله‌ای برای گسترش تشکیلات بدل می‌شود. اجرای آن توسط مشاورین قاره‌ای/ معاونینِ منصوب، شبکه‌ای فرامرزی و فاقد ثبت قانونی را فعال می‌کند. تبادل «یادگیری» میان محدوده‌ها عملاً انتقال داده و ساخت پایگاه اطلاعاتی در مرکز حیفا است. تحریک عاطفی خطابه‌ای نیز موتور شتاب‌دهندهٔ

اجراست. در منطق ۱۹۹۶/۳۱، این عملیات بدون مشورت دولت‌ها، همراه با انتقال داده و هدف تبلیغی، ذیل نقض مواد ۸، ۱۳، ۲۰ و بند ۵۷(a) می‌نشیند.

مقاله ۲۷ — بررسی حقوقی بند «قرائت واقعیت» در نقشهٔ نه‌سالهٔ بیت‌العدل اعظم

چکیده: مقاله نشان می‌دهد «قرائت واقعیت» به تثبیت یک رژیم داده‌محور دینی می‌انجامد که گردآوری، تحلیل و انتقال اطلاعات اجتماعی را در پوشش آموزشی پیش می‌برد. پردازش داده‌های کودکان بدون رضایت شفاف، انتقال فرامرزی گزارش‌ها به حیفا و گزارش‌دهی مبهم به کمیتهٔ NGOها، سه محورِ تخلف کلیدی‌اند. نقش‌آفرینیِ تصمیم‌سازانهٔ مؤسسات محلی و نمایندگی‌های منصوب، از ماهیت مشورتی به فرماندهی تشکیلاتی عبور می‌کند. هم‌زمان با تعارض‌های حقوق داده و قوانین نمایندگی مذهبی خارجی، ابهام مالی نیز پایدار است. جمع‌بندی، پیشنهاد تعلیق سه‌سالهٔ وضعیت مشورتی BIC بر پایهٔ مواد ۸، ۱۳، ۲۰ و ۵۷(a) است.

مقاله ۲۸ — ▧ تحلیل حقوقی بند «مشارکت در تقلیب اجتماعی» در پیام نقشهٔ نه‌سالهٔ بیت‌العدل اعظم

چکیده: بند «تقلیب اجتماعی» با واژگان اخلاقی آغاز می‌شود اما در منطق تشکیلاتی بهایی به بازسازی ساختارهای اجتماعی به نفع شبکهٔ بهایی دلالت دارد و «گروه‌های دائم‌التزاید» را به سلول‌های سازمانی برای تغییر بافت محلی بدل می‌کند. پیوند مستقیم با دارالتبلیغ بین‌المللی، هدایت فراملی و فاقد مجوز دولتی را نشان می‌دهد و از ساحت مشورت به اجرای میدانی عبور می‌کند. این الگو با اصول بی‌طرفی دینی، شفافیت فعالیت و عدم مداخله در امور داخلی دولت‌ها در قطعنامه ۱۹۹۶/۳۱ تعارض ماهوی دارد. بر همین مبنا، مصادیق مداخله بی‌مشورت (¶۸، ¶۲۰)، ابهام مالی (¶۱۳) و سوءاستفاده از وضعیت مشورتی (¶۵۷(a)) احرازپذیر است. نتیجه حقوقی، قابلیت توصیه به تعلیق یا لغو وضعیت مشورتی جامعهٔ جهانی بهایی نزد ECOSOC است.

مقاله ۲۹ — یادداشت حقوقی–تحلیلی دربارهٔ بند «تشخیص موانع اجتماعی و پیونددادن ترویج/تحکیم با اقدام اجتماعی و گفتمان»

چکیده: متن، «اقدام اجتماعی» و «گفتمان» را نه ساحت‌های مستقل بلکه اجزای یک «مجهود واحد» ذیل ترویج/ تحکیم معرفی می‌کند و بدین‌سان خدمت اجتماعی را به ابزار عضویت‌گیری دینی تبدیل می‌سازد. این وحدت چارچوبی، نقش NGO از مشورت به اجرا تغییر می‌دهد و بدون ترتیبات رسمی با دولت‌ها، به عملیات میدانی می‌انجامد. از منظر ۱۹۹۶/۳۱ این امر نقض ۲۰–¶۱۸ Part II و ¶۸/¶۲۰ Part I است و همراه با ابهام مالی در تأمین پروژه‌ها (¶۱۳) و هدف تبشیری، مصداق ¶۵۷(a) یعنی سوءاستفاده از وضعیت است. سناریوهای درگیر با کودکان و گروه‌های آسیب‌پذیر نیز مخاطرات موازیِ حفاظت داده و حقوق کودک را برمی‌انگیزد. جمع‌بندی به امکان تعلیق سه‌ساله یا لغو وضعیت مشورتی در کمیته NGOهای ECOSOC می‌انجامد.

مقاله ۳۰ — اقدام اجتماعی به‌مثابه پوشش توسعهٔ تشکیلاتی: تحلیل بند «بسط و سازمان‌دهی اقدام اجتماعی»

چکیده: بند، از ابتکارهای خرد محلی آغاز و به ایجاد «نهادهای ملهم از تعالیم بهایی» و نقش‌آفرینی سازمان توسعهٔ بین‌المللی بهائی در حیفا ختم می‌شود و زنجیره‌ای عمودی از محلی تا بین‌المللی می‌سازد. این گذار، محافل روحانی را به هاب اجرایی پروژه‌های آموزشی، بهداشتی و محیط‌زیستی بدل می‌کند و بدون مشورت رسمی با دولت‌ها،

مرز مشورت و اجرا را در می‌نوردد. در چارچوب ۱۹۹۶/۳۱ این الگو نقض‌های روشنِ مشورت با دولت میزبان (¶۸/¶۲۰)، تفکیک مشورت از عملیات میدانی (Part II ¶۲۰) و شفافیت مالی (¶۱۳) را رقم می‌زند. هم‌زمان، استفاده از پوشش «توسعه اجتماعی» برای گسترش شبکه اعتقادی، مصداق ¶۵۷(a) یعنی سوءاستفاده از وضعیت مشورتی است. برآیند حقوقی، توصیه به بازبینی، تعلیق یا لغو وضعیت مشورتی BIC در ECOSOC با امکان پیگیری‌های موازی در حوزهٔ حفاظت داده و حقوق کودک است.

مقاله ۳۱: «گفتمان اجتماعی» یا ابزار نفوذ نرم؟ تحلیل حقوقی و تشکیلاتی بند «قابلیت مشارکت در گفتمان اجتماعی» در پیام نقشهٔ نه‌سالهٔ بیت‌العدل (۲۰۲۲–۲۰۳۱)

چکیده: بند مزبور «گفتمان اجتماعی» را در پیوند مستقیم با «اقدام اجتماعی» قرار می‌دهد تا کادرسازی گفتاری و جهت‌دهی نرم به افکار عمومی را پیش ببرد. مسیر پرورش نیرو از مؤسسهٔ روحی تا دفاتر روابط خارجی، یک زنجیرهٔ فرماندهی فراملی می‌سازد که از مشورت فراتر رفته و به مداخلهٔ گفتمانی نزدیک می‌شود. تبدیل محفل محلی به «مرجع بصیرت اخلاقی» و توصیه به تعامل با رهبران و صاحبان منصب، کارکرد لابی‌گری فرهنگی را تثبیت می‌کند. این الگو با بندهای ۸ و ۲۰ (لزوم مشورت با دولت‌ها/تفکیک مشورت از اجرا)، بند ۱۳ (شفافیت مالی) و بند ۵۷(a) (سوءاستفاده از وضعیت) در ۱۹۹۶/۳۱ در تعارض است. برآیند حقوقی، قابلیت توصیه به تعلیق یا لغو وضعیت مشورتی BIC نزد کمیتهٔ NGOهای ECOSOC است.

مقاله ۳۲: «اقدام اجتماعی» و «گفتمان اجتماعی»؛ مرز میان خدمت و نفوذ

چکیده: متن پایانی نقشه، شبکه‌ای از «سازمان‌های ملهم از تعالیم بهایی» را در کنار هدایت محافل محلی/ملی صورت‌بندی می‌کند و بدین‌سان ظواهر خدمت مدنی را به بازوی اجرایی یک مرکز مذهبی فراملی پیوند می‌زند. «هدایت حکیمانهٔ محافل» بر سازمان‌های ظاهراً مستقل، استقلال عملیاتی NGOها را زایل و ساختار فرماندهی ایدئولوژیک را تثبیت می‌کند. پروژه‌های «بزرگ و کوچک» با اهداف اجتماعی، در عمل کارکرد تبلیغی/شبکه‌سازی دارند و غالباً بدون ترتیبات رسمی با دولت‌ها پیش می‌روند. نتیجه، تعارض با بندهای ۸ و ۲۰ (مشورت با دولت میزبان/عدم اجرا)، ۱۳ (شفافیت مالی) و ۵۷(a) (abuse of status) قطعنامهٔ ۱۹۹۶/۳۱ است. جمع‌بندی حقوقی بر امکان بازبینی، تعلیق یا لغو وضعیت مشورتی جامعهٔ جهانی بهایی دلالت دارد.

مقاله ۳۳: تحلیل حقوقی و ساختاری بند «مجهودات آموزشی و مؤسسهٔ آموزشی»

چکیده: مؤسسهٔ آموزشی در منطق نقشهٔ نه‌ساله، از «تعلیم» فراتر رفته و به زنجیره‌ای جهانی برای تربیت نیروی انسانی تشکیلاتی، پایش میدانی و انتقال داده بدل می‌شود. مسیر چهارمرحله‌ای شناسایی–آموزش–واگذاری مسئولیت–تسجیل، به‌ویژه در کار با کودکان/نوجوانان، مخاطرات حقوق کودک و حفاظت داده را برمی‌انگیزد. فرماندهی عمودی از حیفا تا حلقه‌های محلی، ماهیت مشورتی NGO را به اجرا/حکمرانی آموزشی تبدیل می‌کند و بدون مشورت رسمی با دولت‌ها پیش می‌رود. ابهام در منشأ بودجه‌های قاره‌ای و عدم افشای انتقال داده‌های فرامرزی، با بندهای ۱۳، ۸ و ۲۰ ۱۹۹۶/۳۱ ناسازگار است. مجموع قرائن، ذیل بند ۵۷(a) مصداق روشن سوءاستفاده از وضعیت مشورتی و مستوجب بازبینی، تعلیق یا لغو وضعیت BIC نزد ECOSOC است.

مقاله ۳۳–۲ – مؤسسهٔ آموزشی و گسترش جهانیِ نظامِ تعلیمِ تشکیلاتی

چکیده: بند مزبور آموزش بهایی را از «تعلیم اخلاقی» به یک نظام آموزشی موازیِ فراملی ارتقا می‌دهد که از پنج‌سالگی تا بزرگسالی به‌طور پیوسته هویت تشکیلاتی را نهادینه می‌کند. مأموریت مؤسسه از تربیت مبلغ به «نظام‌سازی اجتماعی» و مداخله در حیات عمومی گسترش می‌یابد و مواد واحدِ تدوین‌شده در حیفا استاندارد جهان‌شمول می‌سازد. شبکهٔ محتوا، داده و بودجه به‌صورت متمرکز اداره می‌شود و از مسیر «قرائت واقعیت» به گردآوری و انتقال فرامرزی اطلاعات می‌انجامد. این الگو با بندهای ۱–۳، ۸، ۱۰–۱۲، ۱۳، ۲۰ و ۵۷(a) قطعنامهٔ ۱۹۹۶/۳۱ تعارض دارد و ذیل «سوءاستفاده از وضعیت مشورتی» قابل پیگیری است. نتیجهٔ تحلیلی، توصیهٔ تعلیق/لغو وضعیت مشورتی BIC و ارجاع موازی به مراجع حقوق کودک و حفاظت داده است.

مقاله ۳۴ – افزایش قابلیت مؤسسات آموزشی و هماهنگی جهانیِ تربیت منابع انسانی

چکیده: متن، نقشهٔ اتصال مؤسسات محلی و ملی به یک سامانهٔ آموزشی–عملیاتیِ متمرکز با فرماندهی دارالتبلیغ را ترسیم می‌کند و سه ردهٔ کودک/نوجوان/بزرگسال را در قالب زنجیرهٔ یکپارچهٔ تربیت کادر سامان می‌دهد. تخصص‌سازی گروه‌ها، سمینارهای شاخص‌محور و «جایگاه‌های یادگیری» کارکرد آزمایشگاه میدانی نفوذ فرهنگی یافته و داده‌های عملکردی به مرکز تجمیع می‌شود. نتیجه، یکنواختی معرفتی و سنجش نفوذ هر محدوده است که ماهیت مشورتی NGO را به اجرا و حکمرانی آموزشی تبدیل می‌کند. پیامد حقوقی آن نقض بندهای ۸، ۱۰–۱۲، ۱۳، ۲۰ و مصداق ۵۷(a) (abuse of status) در ECOSOC است. برآیند، توصیهٔ ارجاع پرونده به کمیتهٔ NGOها و مراجع حفاظت داده/حقوق کودک است.

مقاله ۳۵ – حرکت جوانان در نظامِ آموزشِ تشکیلاتی بهایی و گسترش سامانهٔ تربیت جهانی

چکیده: بند، جوانان را ستون فقرات بازتولید تشکیلات معرفی می‌کند و با «تلطیف مستمر سیستم» به الگویی الگوریتمیک برای کنترل محتوا و مشارکت همیشگی می‌رسد. چرخهٔ «یادگیرنده/مربی/خدمت‌گزار» به وظیفهٔ ایمانی بدل می‌شود و مدل «وقف زمانی» اعزام چندسالهٔ نیرو را در مقیاس فراملی تجویز می‌کند. این سازوکار، از منظر حقوق کار و کودک، شائبهٔ بهره‌کشی مذهبی و تبلیغ پنهان همسالان را برمی‌انگیزد و از منظر بین‌المللی، فعالیت برون‌مرزی بدون مشورت دولت‌ها تلقی می‌شود. تعارض‌های اصلی با بندهای ۸، ۱۲، ۱۳ و ۵۷(a) 1996/31 و نیز استانداردهای CRC/ILO احرازپذیر است. جمع‌بندی، پیشنهاد تعلیق وضعیت مشورتی BIC و پیگیری موازی نزد نهادهای موضوعی است.

مقاله ۳۶ – مهندسی نسلی زیر پرچم مؤسسهٔ آموزشی: تغییر فرهنگِ تحصیل به نفع تشکیلات

چکیده: بند مورد بررسی نشان می‌دهد مؤسسهٔ آموزشی بهایی با زبان «ارتقای فرهنگ تحصیل» در عمل الگوی مهندسی نسلی را پیش می‌برد و تحصیل را به ابزاری برای وفادارسازی تشکیلاتی بدل می‌کند. آموزش از پنج‌سالگی تا بزرگسالی در قالبی یکپارچه و داده‌محور پیگیری می‌شود تا مسیر تحصیلی و شغلی جوانان با نیازهای سازمان همسو گردد. این تغییر فرهنگی هدایت‌شده، شبکه‌ای از مربیان و جوانان «خدمت‌محور» می‌سازد که در مدرسه و محله حامل ارزش‌های فرقه‌ای‌اند. پیامدهای حقوقی آن، تعارض با بی‌طرفی آموزشی، الزامات ECOSOC 1996/31 و مفاد کنوانسیون حقوق کودک درباره آزادی وجدان و پردازش داده‌های اطفال است.

نتیجه آنکه «آموزش» در این بند، نه خدمت عمومی بی‌طرف، که ستون فقرات بازتولید ایدئولوژیک و نفوذ اجتماعی تشکیلات تلقی می‌شود.

مقاله ۳۷ – گذر از جامعه‌سازی به حکومت‌سازی فکری: نمایان‌سازی نقش آیین بهایی

چکیده: این بند مأموریت جامعهٔ بهایی را از مشارکت فرهنگی به «رهبری گفتمانی» ارتقا می‌دهد و اصول بهایی را به‌مثابه مدل حل مسائل عمومی و سیاست‌گذاری اجتماعی عرضه می‌کند. ابزار اجرا، پیوند اقدام اجتماعی با گفتمان عمومی، تولید ادبیات دانشگاهی و لابی نخبگانی است تا کارآمدی نظم اداری بهایی در مقیاس محلی و ملی «نمایان» شود. چنین جهشی از حضور فرهنگی به سیاست‌گذاری فکری، مرز نقش مشورتی NGO را می‌شکند و مصداق بهره‌گیری از قدرت نرم دینی در عرصهٔ عمومی است. از منظر حقوق بین‌الملل سازمانی، این رویکرد با قطعنامهٔ ۱۹۹۶/۳۱ Part II, ¶۲۰ و Part VIII, ¶۵۷(a) (خروج از مشورت و سوءاستفاده از وضعیت) تعارض دارد. در نتیجه، بند یادشده آستانهٔ «حکومت‌سازی فکری» را ترسیم و زمینهٔ تعلیق وضعیت مشورتی را فراهم می‌کند.

مقاله ۳۸ – ظرفیت‌سازی اداری در عصر تکوین: نردبان گذار از نظم مذهبی به معماری حکمرانی

چکیده: بند «افزایش قابلیّت در ادارهٔ امور در همهٔ سطوح» هستهٔ راهبردی عصر تکوین است و ظرفیت‌سازی اداری را از مهارت نرم به «قابلیت حکمرانی» ارتقا می‌دهد. این روند با پروتکل هفت‌گانهٔ شوقی پیوند دارد و از طریق کلاسترها، بازتقسیم مرزها، هدف‌گذاری چرخه‌ای و گردآوری داده، شبکهٔ فرماندهی/اجرا را می‌سازد. بدین‌سان نظم اداری به «پیش‌نمونهٔ قوانین زندگی جامعه» بدل و از جامعهٔ مذهبی به الگوی بدیل ادارهٔ عمومی نزدیک می‌شود. پیامدهای حقوقی شامل لزوم مشورت با دولت‌های میزبان (¶۸)، شفافیت مالی (¶۱۳)، حفظ داده و پرهیز از عبور از نقش مشورتی (¶۲۰، ¶۵۷(a)) است. جمع‌بندی اینکه ظرفیت‌سازی اداری در این بند، سکوی عبور از جامعه‌سازی به قاعده‌گذاری عمومی و مستلزم نظارت سخت‌گیرانهٔ ملی و بین‌المللی است.

مقاله ۳۹ – تناقض بنیادین میان مقام مشورتی BIC و پروتکل تکوینی شوقی

چکیده: این مقاله نشان می‌دهد جامعهٔ جهانی بهائی با داشتن مقام مشورتی ECOSOC، در وب‌سایت خود «پروتکل تکوینی» شوقی افندی را—که مقصدش سلطنت الهیه و محکمهٔ کبری است—به‌عنوان افق راهبردی اعلام کرده و از چارچوب صرفاً مشورتی عبور می‌کند. تطبیق بندهای ۱–۳، ۱۳، ۱۸–۲۰، ۲۲–۲۳، ۴۴ و ۵۷ قطعنامهٔ ۱۹۹۶/۳۱ با رویهٔ BIC حاکی از تعارض‌های موضوعی، خروج از نقش تخصصی، ابهام مالی و بهره‌گیری از جایگاه NGO برای پیشبرد دستورکار حکمرانی دینی است. حضور ایدئولوژیک در کنفرانس‌های بین‌المللی و عدم شفافیت ترکیب و منابع هیئت‌ها، الزامات Part VII را نیز مخدوش می‌کند. نتیجه این‌که رفتار مزبور مصداق «abuse of status» است و به‌موجب Part VIII, ¶۵۷ مستعد تعلیق یا لغو مقام مشورتی می‌باشد. پیشنهاد عملی، تهیهٔ گزارش مستند برای کمیتهٔ NGOهای ECOSOC و درخواست آغاز فرایند بازبینی/تعلیق است.

مقاله ۴۰ – «ادارهٔ امور در سطح مردمی» و محفل محلّی: گره‌گاه اجراییِ عصر تکوین

چکیده: متن، محفل روحانی محلّی را از هیئت عبادی به «گرهٔ مدیریتیِ سرزمینی» ارتقا می‌دهد: هم‌زمان‌سازی انتخابات رضوان، ادارهٔ صندوق محلی، پیوند با اقدام اجتماعی و تعامل رسمی با دولت/جامعهٔ مدنی. این چیدمان LSA را به نقطهٔ تماس حقوق عمومی بدل می‌کند و الزامات ثبت حقوقی، پاسخ‌گویی مالی، حفاظت دادهٔ کودکان و مرزبندی مشورت/حکمرانی را ضروری می‌سازد. اتصال LSA به زنجیرهٔ معاونین، مشاورین قاره‌ای و دارالتبلیغ، ماهیت یک فرماندهی فراملی داده‌محور را آشکار و احتمال عبور از نقش «NGO مشورتی» به «اجرای دستورکار» را تقویت می‌کند. بر این مبنا، خطر تعارض با ۲۰–۱۸¶ Part II ،۱۳¶ Part I و Part VIII ¶۵۷ قطعنامهٔ ۱۹۹۶/۳۱ قابل استناد است. مسیر مستندسازی میدانی نیز از صورت‌جلسات انتخابات، صورت‌های مالی، تفاهم‌نامه‌ها و شواهد گردآوری/انتقال داده می‌گذرد تا برای بازبینی وضعیت مشورتی BIC کفایت ادله فراهم شود.

مقاله ۴۱ – پیوست تکمیلیِ حقوقی–سازمانی

چکیده: این پیوست با فراتر رفتن از استنادات قبلی به ۱۹۹۶/۳۱، هفت ریل حقوقی برای پرونده می‌چیند: مرزبندی میان «مشورت» و «حکمرانی» و مستندسازی عبور LSAها؛ اصل عدم مداخله و نشان‌دادن کنترل سازمانی فرامرزی؛ نمایندگی واقعی و پاسخ‌گویی داخلی در انتخابات رضوان با تطبیق با معیارهای دموکراتیک؛ شفافیت مالی و ردیابی انتقال‌های فرامرزی صندوق‌ها؛ الزامات حفاظت دادهٔ اطفال (رضایت، DPIA، منع انتقال)؛ بی‌طرفی دینی در اقدام/گفتمان اجتماعی و قرائن abuse of status؛ و در پایان، جعبه‌ابزار اقدام ملی/بین‌المللی، پاسخ‌های پیش‌دفاعی، و فهرست Remedies برای تعلیق یا بازنگری وضعیت مشورتی.

مقاله ۴۲ – تحلیل جامع بند «افزایش محافل روحانی محلی و تعیین مرزهای جغرافیایی»

چکیده: متن، تکثیر LSAها و بازترسیم مرزها را به‌مثابهٔ مهندسی جغرافیای تشکیلاتی و «حاکمیت موازی در مقیاس خرد» صورت‌بندی می‌کند؛ واگذاری عملی مرزبندی به مشاورین قاره‌ایِ منصوبِ فرامرزی، تعارض با حاکمیت ملی و روح ۱۹۹۶/۳۱ را برجسته می‌سازد؛ LSAها با صندوق، برنامه‌ریزی اجتماعی و پیوند با نهادهای محلی نقش شبه‌بلدی پیدا می‌کنند و شبکه‌ای فضایی از واحدهای اداری موازی می‌سازند؛ پیوند این روند با «عصر تکوین» و مراحل استقلال/رسمیت، ماهیت حکمرانیِ طرح را عیان می‌کند؛ و در جمع‌بندی، مسیرهای شکایت ملی و ارجاع به Part I/II/VIII/IX برای بازبینی یا تعلیق وضعیت مشورتی پیشنهاد می‌شود.

مقاله ۴۳ – تکثیر و مرزبندیِ «محافل روحانی محلّی» در پرتو قطعنامهٔ ECOSOC 1996/31

چکیده: مقاله چارچوب هنجاری ۱۹۹۶/۳۱ را می‌چیند و الگوی «تکثیر کمّی LSA» و «مرزبندی موازی» را با بندهای ¶۸، ¶۱۰–۱۲، ¶۱۳، ¶۱۸–۲۰، ¶۶۱(c) و ¶۵۷(a) می‌سنجد؛ نشان می‌دهد عبور از مشورت به مشارکت حکمرانی با هدایت انتصابی فراملی و جریان‌های مالی/اجرایی، ناسازگاری کارکردی ایجاد می‌کند؛ استاندارد ادله و پرسش‌های Discovery (نقشه‌ها، مکاتبات با دولت، KPIها، گزارش‌های چهارساله و ممیزی مالی/داده) تدوین می‌شود؛ دفاعیات محتمل پاسخ داده می‌شود و مخاطرات موازی (نمایندهٔ خارجی، حفاظت دادهٔ

کودک، AML/CFT) یادآور می‌گردد؛ و در نهایت، هم «درمان‌های» تعلیق/بازطبقه‌بندی و هم «نقشهٔ راه انطباق» برای بازگشت به ریل صرفاً مشورتی پیشنهاد می‌شود.

مقاله ۴۴ – از صندوق رأی تا سلسله‌مراتب الهی: انتخابات دو مرحله‌ای به‌عنوان تمرین حکومت‌سازی در نظم اداری بهایی

چکیده: بند جدید الگوی انتخاب غیرمستقیم LSA را معرفی می‌کند تا با لایه‌گذاری نمایندگی، فرمان‌پذیری از مرکز حفظ شود؛ ارجاع قدسی به عبدالبهاء برای مشروعیت‌بخشیِ تغییر ساختاری به‌کار می‌رود؛ نسبت این الگو با استانداردهای انتخابات آزاد (مشارکت مستقیم، شفافیت، استقلال از نفوذ بالا) محل تعارض است؛ در منطق «عصر تکوین» این سازوکار، شکل دموکراتیک را نگه می‌دارد ولی ماهیتاً حکمرانی هدایت‌شده می‌سازد؛ نتیجهٔ حقوقی، اشکال در نمایندگی واقعی ذیل ¶۱۰–۱۲ و زمینهٔ طرح سوءاستفاده از وضعیت طبق ¶۵۷(a) 1996/31 است.

مقاله ۴۵ – از جامعه‌سازی تا ادارهٔ محلی: شکل‌گیری دولت‌خانه‌های کوچک در نظم اداری بهایی

چکیده: محفل محلّی از شورای عبادی به واحد اجرایی با «دفتر»، «کارمند» و «حظیرهالقدس» ارتقا می‌یابد و نقش هماهنگی میدانی و کمپین‌های خانه‌به‌خانه را بر عهده می‌گیرد؛ این تحول نشانهٔ بوروکراتیزه‌شدن خدمت و گذار به Local Faith-Based Governance Unit است؛ زنجیرهٔ فرمان از حیفا تا دفتر محلی، شبکهٔ command-and-control می‌سازد؛ از منظر ۱۹۹۶/۳۱، تشکیل دفاتر و جریان‌های مالی بدون افشای کافی با ¶۸، ¶۱۳ و ¶۵۷(a) در تنش است؛ پیامد عملی، تثبیت نقشهٔ حاکمیت موازی و افزایش ریسک‌های داده‌ای/مالی (Safeguarding، AML/CFT) در سطح محلی است.

مقاله ۴۶ – از شورا تا لجنه: تکمیل هرم حاکمیت بهایی در سطح ملی

چکیده: «لجنهٔ ملی رشد» حلقهٔ بالادستِ محافل و شوراها را می‌بندد و به‌مثابه وزارت برنامه‌ریزی دینی، سیاست‌گذاری تبلیغی–اجتماعی و مدیریت کلاسترهای جغرافیایی را یکپارچه می‌کند؛ تماس مستقیم با مشاور قارّه‌ای الگوی «دوگانگی پاسخ‌گویی» و فرماندهی فرامرزی را نهادینه می‌سازد؛ تمرکز منابع و تعیین KPIهای رشد، شبکه‌ای مالی–اجرایی با اثر بیرونی می‌آفریند؛ در سنجش با ۱۹۹۶/۳۱، فقدان نمایندگی انتخابی، عدم افشای مالی و کارکرد سیاست‌گذار با ¶۱۰–۱۲، ¶۱۳ و ¶۱۸–۲۰ ناسازگار و ذیل ¶۵۷(a) قابل استناد است؛ برآیند ساختاری، ملی‌سازی دولت موازی دینی و تکمیل معماری «Network State» بهایی در چارچوب عصر تکوین است.

مقاله ۴۷ – هیئت‌های معاونت به‌مثابه بازوی ایدئولوژیک نظم اداری در عصر تکوین

چکیده: بند، هیئت‌های معاونت را نهاد انتصابیِ فراملی برای رصد و «خنثی‌سازی» مقاومت‌های فرهنگی–اجتماعی معرفی می‌کند؛ مأموریتی که از تبلیغ فراتر رفته و به کنترل گفتمان، مهندسی ارزش‌ها و نظارت رفتاری اعضا می‌رسد. این نهاد با اتکاء به ادبیات اخلاقی (اتحاد، ترک تعصّب، پرهیز از بدبینی) سازوکار انضباطی–اطاعتی می‌سازد و منتقدان را ذیل «نیروهای خنثی‌کننده» صورت‌بندی می‌کند. از منظر حقوقی، انتصابی‌بودن، نفوذ فرامرزی و نقش تنظیم‌گر فرهنگی، با معیارهای نمایندگی/پاسخ‌گویی و «ماهیت صرفاً مشورتی» در

۱۹۹۶/۳۱ تنش دارد و ذیل سوءاستفاده از وضعیت قابل طرح است. برآیند راهبردی: تکمیل ستون ایدئولوژیک حکومت‌سازی بهایی در کنار ستون‌های اجرایی و توسعه‌ای نقشهٔ نه‌ساله.

مقاله ۴۸ – تمرکز در کثرت: مدیریت چندخطی به‌مثابه ستون حکمرانی بیت‌العدل در عصر تکوین

چکیده: «حفظ تمرکز و هماهنگی خطوط عمل» معماری یک فرماندهی مرکزی بر چهار خط موازی (تربیتی، اجتماعی–اقتصادی، تبلیغی–رسانه‌ای، اداری–مالی) را صورت‌بندی می‌کند تا هم‌زمان و «بدون رقابت» پیش بروند. این زبان مدیریتی عملاً حذف خودمختاری نهادهای محلی/ملی، اولویت‌دهی متمرکز منابع محدود و هم‌ترازی برنامه‌ها با راهبرد حیفا را القا می‌کند. استعارهٔ «بدن واحد» انسجام القایی را جایگزین مشارکت آزاد می‌کند و خطوط عمل را به شاخه‌های یک حکومت شبکه‌ای تبدیل می‌سازد. از منظر ۱۹۹۶/۳۱، تمرکز عمودی بدون سازوکار نمایندگی، مشورت با دولت میزبان و افشای شفاف منابع، فراتر از نقش مشورتی است و مصداق overreach/abuse تلقی می‌شود. نتیجه: گذار از تکثیر نهادی به هم‌زمان‌سازی حکمرانی و آماده‌سازی برای فاز «سلطنت الهیه».

مقاله ۴۹ – رسالتی تاریخی: از جامعه‌سازی تا مدنیت الهی

چکیده: بند پایانی پیام، نقشهٔ نه‌ساله را «اولین پروژهٔ عمده» از یک چارچوب ۲۵ساله معرفی و بسیج هم‌زمان منابع مالی/انسانی را برای گذار به «مدنیت الهی» مطالبه می‌کند. با یادآوری نقشهٔ ده‌سالهٔ شوقی، فاز تازه‌ای از عصر تکوین اعلام می‌شود که هدف آن فراتر از سازمان‌دهی داخلی و معطوف به ساخت الگوی تمدنی جایگزین است. تعبیراتی مانند «طیّ ما عند الناس و بسط بساط دیگر» جایگزینی نظم موجود با نظم بهایی را مفروض می‌گیرد و پیروان را به‌مثابه کارگزاران حکمرانی فراملی سازمان می‌دهد. حقوقاً، این خودتعریف تمدنی و نقش‌پذیری حکمرانی با مرزهای NGO–مشورتی در ۱۹۹۶/۳۱ ناسازگار و ذیل سوءاستفاده از وضعیت قابل استناد است. جمع‌بندی: «رسالتی تاریخی» مانیفست اجراییِ ورود به فاز تمدنی و تثبیت شبکهٔ حکمرانی دینی در مقیاس جهانی است.

مقالات

مقاله ۱ :

مسئولیت حقوقی جامعه جهانی بهایی (BIC) در قبال نقشهٔ جهانی بیت‌العدل

بررسی حقوقی بر اساس قطعنامهٔ ۱۹۹۶/۳۱ شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل متحد

⊛ مقدمه

جامعه جهانی بهایی یا *Baha'i International Community (BIC)*، نهادی است که از سال ۱۹۴۸ میلادی به‌عنوان یک سازمان غیردولتی (NGO) با وضعیت مشورتی نزد شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل متحد (ECOSOC) به رسمیت شناخته شده است. بر اساس معرفی رسمی منتشرشده در وب‌سایت این نهاد، BIC خود

را نمایندهٔ جامعهٔ جهانی بهایی معرفی می‌کند که در سراسر جهان در زمینه‌های توسعه، گفت‌وگوهای اجتماعی، و همکاری با سازمان‌های بین‌المللی فعالیت دارد. این نهاد دارای دفاتری در نیویورک، ژنو، بروکسل، آدیس‌آبابا و جاکارتا است و دارای وضعیت مشورتی با ECOSOC و UNICEF و نیز دارای اعتبار نزد UNEP و DGC است.

در ظاهر، این توصیف، BIC را به‌عنوان یک سازمان بین‌المللی مذهبیِ همکار با سازمان ملل معرفی می‌کند. اما با تطبیق ساختار و مأموریت‌های واقعی آن با نقشه‌های جهانی بیت‌العدل اعظم—مرکز فرماندهی آیین بهایی مستقر در حیفای اسرائیل—مشخص می‌شود که این نهاد در واقع بازوی رسمی و دیپلماتیک یک شبکهٔ دینی–سیاسی فراملی است که اهداف آن در تضاد آشکار با اصول منشور ملل متحد، روح قطعنامهٔ ECOSOC 1996/31، و حدود وظایف NGOهای مشورتی است.

پیام رسمی بیت‌العدل اعظم مورخ ۳۰ دسامبر ۲۰۲۱ (آغاز «نقشهٔ نه‌سالهٔ جهانی ۲۰۲۲–۲۰۳۱») سندی کلیدی است که مأموریت جهانی تشکیلات بهایی را به‌صورت مرحله‌به‌مرحله ترسیم می‌کند. در این پیام، از نهادهای بهایی در سراسر جهان خواسته شده است تا در قالب برنامه‌ای منسجم، «فرایند جامعه‌سازی، اقدام اجتماعی و گفتمان اجتماعی» را در بیش از پنج‌هزار محدودهٔ جغرافیایی (کلاستر) گسترش دهند. این فرایند نه یک برنامهٔ عبادی یا آموزشی، بلکه پروژه‌ای ساختاری برای ایجاد حاکمیت موازی در مقیاس جهانی است.

از آن‌جا که BIC خود را «نمایندهٔ رسمی جامعهٔ جهانی بهایی» معرفی می‌کند و در ساختار سازمانی بیت‌العدل مستقر در اسرائیل جایگاه حقوقیِ تابع دارد، مسئولیت بین‌المللی آن در قبال پیام‌ها، نقشه‌ها، و اقدامات بیت‌العدل، غیرقابل‌انکار است.

⚖️ بخش اول: وضعیت حقوقی BIC در نظام ملل متحد

مطابق با قطعنامهٔ ECOSOC 1996/31، روابط مشورتی میان سازمان ملل و NGOها بر اصولی خاص استوار است. در بندهای ۱ تا ۳ از بخش اول این قطعنامه تصریح شده است که:

1. سازمان باید در حوزه‌هایی فعالیت کند که در صلاحیت شورای اقتصادی و اجتماعی باشد؛
2. اهداف و مقاصد آن باید با روح و اصول منشور ملل متحد منطبق باشد؛
3. سازمان باید به حمایت از اهداف سازمان ملل و افزایش آگاهی نسبت به آن کمک کند، نه اینکه به ایجاد ساختارهای حاکمیتی موازی بپردازد.

همچنین در بند ۸ تأکید می‌شود که برای سازمان‌هایی با فعالیت در سطح ملی یا منطقه‌ای، مشورت با دولت عضو ذی‌ربط الزامی است، و در بند ۱۲ تصریح شده که سازمان باید دارای ساختاری دموکراتیک و شفاف باشد که اعضا بتوانند سیاست‌ها و تصمیمات آن را از طریق فرآیندهای انتخابی کنترل کنند.

اما بررسی ساختار BIC نشان می‌دهد که هیچ‌یک از این شرایط در عمل رعایت نمی‌شود:

- اعضای رهبری و کارمندان BIC منصوب از سوی بیت‌العدل اعظم هستند، نه منتخب از میان اعضای جامعهٔ مدنی.
- فعالیت‌های BIC صرفاً در حوزهٔ «مشورت تخصصی» خلاصه نمی‌شود بلکه شامل فعالیت‌های تشکیلاتی، تبلیغی و هماهنگی مستقیم با شبکهٔ محافل روحانی و شوراهای منطقه‌ای بهایی در سراسر جهان است.
- ارتباط ارگانیک و تابعیتی آن با بیت‌العدل، موجب می‌شود که تصمیمات این نهاد مذهبی به‌صورت مستقیم در برنامه‌های BIC بازتاب یابد، بی‌آنکه مکانیزم پاسخ‌گویی عمومی وجود داشته باشد.

به این ترتیب، BIC به‌جای ایفای نقش یک NGO مشورتی، در عمل به بازوی سیاست‌گذاری و دیپلماتیک یک سازمان مذهبی جهانی تبدیل شده است که در تضاد آشکار با بندهای ۱۸ تا ۲۰ (بخش دوم قطعنامه) است، جایی که بر تفکیک کامل نقش NGOها از نقش حکمرانی تأکید می‌شود.

بخش دوم: ارتباط مستقیم BIC با نقشهٔ جهانی بیت‌العدل

پیام نقشهٔ نه‌ساله (۲۰۲۲–۲۰۳۱) بیت‌العدل، سند مادر تمام برنامه‌های اجتماعی، آموزشی و اقتصادی بهایی در سطح جهانی است. در این پیام، بیت‌العدل صراحتاً می‌گوید که جامعهٔ بهایی وارد «مرحلهٔ جدیدی از عصر تکوین» شده است، مرحله‌ای که هدف آن، تثبیت نظم اداری بهایی در تمامی کشورهاست.

در بندهای گوناگون این پیام، از نهادهای امری خواسته می‌شود:

- شبکه‌ای از «محافل روحانی محلی» را در سراسر جهان افزایش دهند؛
- مرزبندی جغرافیایی جدیدی تحت عنوان «کلاستر» تعریف کنند؛
- با «نهادهای دولتی و مدنی» در سطح محلی وارد همکاری رسمی شوند؛
- و از طریق «اقدام اجتماعی» و «گفتمان اجتماعی» در جوامع نفوذ تدریجی بیابند.

تمام این فعالیت‌ها توسط نهادهای وابسته به بیت‌العدل، از جمله *Baha'i International Community (BIC)*، در سطح بین‌المللی پشتیبانی و هماهنگ می‌شود.

به‌ویژه بندهای مربوط به «گفتمان اجتماعی» در پیام نقشه نه‌ساله به‌وضوح با بیانیه‌های رسمی BIC دربارهٔ «capacity building» مطابقت دارد. BIC در وب‌سایت خود اعلام می‌کند که «ما پیشرفت جهانی را از منظر توانمندسازی می‌نگریم و برای این منظور، بینش‌هایی از تعالیم بهایی و تجربهٔ جامعهٔ جهانی بهایی ارائه می‌دهیم». این عبارات دقیقاً بازتاب زبان نقشهٔ بیت‌العدل است.

بنابراین، میان BIC و نقشهٔ نه‌ساله نه‌تنها همسویی مفهومی، بلکه پیوند سازمانی مستقیم وجود دارد: BIC همان نهادی است که مأموریت دارد اجرای بین‌المللی این نقشه را در قالب «اقدام اجتماعی» و «گفتمان تمدنی» در نهادهای سازمان ملل و NGOهای جهانی پیش ببرد.

🔍 بخش سوم: تعارض عملکرد BIC با قطعنامهٔ ECOSOC 1996/31

بررسی تطبیقی فعالیت‌های BIC با الزامات قطعنامهٔ ۱۹۹۶/۳۱ نشان می‌دهد که این نهاد در چند محور اصلی مرتکب تخلف ساختاری شده است:

۱. نقض اصل غیرسیاسی بودن (Part I, ¶۲ و Part II, ¶۱۸)

BIC در عمل، بازوی دیپلماتیک یک حکومت مذهبی است. مشارکت مستقیم آن در طرح‌های توسعهٔ اجتماعی–سیاسی (نظیر برنامهٔ «Community Building» در کشورهای آفریقایی و آسیایی) و ایجاد شبکه‌های محلی وابسته به بیت‌العدل، مصداق فعالیت حکمرانی است نه مشورتی.

۲. نقض اصل پاسخ‌گویی و نمایندگی (Part I, ¶۱۰–۱۲)

هیچ‌یک از اعضای جامعهٔ جهانی بهایی یا حتی محافل ملی، در تعیین سیاست‌های BIC نقشی ندارند. تمام تصمیمات در حیفا گرفته می‌شود. بنابراین ساختار BIC از نظر حقوق بین‌الملل، فاقد معیارهای حداقلی دموکراتیک است.

۳. نقض اصل شفافیت مالی (Part I, ¶۱۳)

منابع مالی BIC، عمدتاً از صندوق‌های ملی بهایی که خود از محل تبرعات مذهبی جمع‌آوری و به اسرائیل منتقل می‌شود، تأمین می‌گردد. هیچ گزارشی از میزان این وجوه، محل هزینه‌کرد، یا مبنای حسابرسی آن به ECOSOC ارائه نشده است.

۴. نقض اصل مشورت با دولت‌های میزبان (Part I, ¶۸)

بر اساس گزارش رسمی جامعه جهانی بهایی به سازمان ملل (۲۰۲۳)، این نهاد بیش از ۱۰۰۰ پروژهٔ «اقدام اجتماعی» در کشورهای مختلف از جمله ایران، هند، و مالزی اجرا کرده است. در بسیاری از این کشورها، هیچ‌گونه مجوز رسمی برای فعالیت NGO فراملی صادر نشده و هیچ مشورت رسمی با دولت میزبان صورت نگرفته است.

۵. سوءاستفاده از وضعیت مشورتی (Part VIII, ¶۵۷(a))

وقتی یک NGO از جایگاه مشورتی خود برای پیشبرد برنامهٔ سیاسی–ایدئولوژیک استفاده کند، مصداق «abuse of consultative status» است. اقدامات BIC در هماهنگی با بیت‌العدل، نمونهٔ کامل این سوءاستفاده است.

🧩 بخش چهارم: پیامدهای حقوقی و مسئولیت سازمان ملل

بر اساس مادهٔ ۵۷ از بخش هشتم قطعنامهٔ ۱۹۹۶/۳۱، چنانچه شواهدی دال بر «الگوی رفتاری مغایر با اصول منشور ملل متحد» یا «فعالیت‌های سیاسی علیه دولت‌های عضو» وجود داشته باشد، ECOSOC موظف است وضعیت مشورتی سازمان را تا سه سال تعلیق یا به‌طور دائم لغو کند.

در پروندهٔ BIC، چند عامل هم‌زمان وجود دارد که اجرای این ماده را الزامی می‌سازد:

1. **نفوذ در ساختارهای مدنی کشورهای عضو سازمان ملل** از طریق شبکهٔ شوراهای محلی بهایی (محافل روحانی)، بدون مجوز رسمی؛
2. **تأمین مالی فراملی** از طریق صندوق‌های تبرعات که به مرکز حیفا منتقل می‌شود؛
3. **دخالت در موضوعات حاکمیتی و فرهنگی کشورها** با هدف تغییر بافت جمعیتی و دینی؛
4. **وابستگی ساختاری به یک مرکز مذهبی خارجی (بیت‌العدل در اسرائیل)** که خود دارای اهداف حکومتی اعلام‌شده است.

در نتیجه، سازمان ملل نمی‌تواند نسبت به فعالیت نهادی که از چارچوب NGO خارج و در واقع ابزار تحقق حکومت مذهبی جهانی است، بی‌تفاوت بماند.

📑 بخش پنجم: تعهدات ECOSOC و مسئولیت بین‌المللی

شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل بر اساس منشور ملل متحد، مکلف است اطمینان حاصل کند که سازمان‌های دارای وضعیت مشورتی، اصول منشور را رعایت می‌کنند. به‌ویژه سه اصل زیر:

1. **اصل احترام به حاکمیت دولت‌ها و عدم دخالت در امور داخلی (UN Charter, Art. 2)**
2. **اصل همکاری برای توسعهٔ صلح‌آمیز و نه رقابت حکومتی (Preamble, Art. 1)**
3. **اصل شفافیت و پاسخ‌گویی نهادهای مدنی در قبال افکار عمومی (ECOSOC 1996/31, ¶۱۰–۱۳)**

BIC با فعالیت‌هایش در تضاد کامل با هر سه اصل عمل کرده است. در عمل، این نهاد به‌جای ارتقای همکاری میان ملت‌ها، ساختار مذهبی و سیاسی بیت‌العدل را در بطن کشورهای عضو ترویج می‌کند.

به موجب مادهٔ ۶۱(c) از قطعنامه ۱۹۹۶/۳۱، ECOSOC موظف است هر چهار سال، گزارش فعالیت NGOها را بررسی کند و در صورت مشاهدهٔ مغایرت، تصمیم به تعلیق، تغییر وضعیت یا لغو کامل بگیرد. در این

چارچوب، باید بررسی جامعی دربارهٔ BIC آغاز شود تا مشخص گردد آیا این نهاد گزارش‌های ادواری خود را صادقانه ارائه داده یا خیر.

🧩 بخش ششم: نتیجه‌گیری و توصیه‌ها

۱. یافته‌ها

تحلیل هم‌زمان سه منبع رسمی (وب‌سایت BIC، قطعنامهٔ ECOSOC، و پیام نقشهٔ نه‌سالهٔ بیت‌العدل) نشان می‌دهد:

- BIC نه یک NGO مستقل، بلکه بازوی بین‌المللی نظم اداری بهایی است؛
- این نظم اداری هدف خود را «استقرار مدنیت الهی» و «سلطنت الهیه» اعلام کرده است؛
- از دید حقوق بین‌الملل، این فعالیت‌ها ماهیت حاکمیتی دارند، نه مشورتی؛
- بنابراین، BIC از چارچوب NGO خارج شده و در دستهٔ «Faith-Based Shadow Governance» قرار می‌گیرد.

۲. مسئولیت سازمان ملل

شورای اقتصادی و اجتماعی و کمیته NGOها موظف‌اند براساس بند ۵۷(a) از قطعنامه ۱۹۹۶/۳۱، پروندهٔ BIC را مورد بررسی ویژه قرار دهند. تا زمان روشن شدن ابعاد این تخلفات، باید وضعیت مشورتی آن **حداقل تا سه سال تعلیق** گردد.

۳. اصلاحات لازم

چنانچه BIC بخواهد وضعیت خود را حفظ کند، باید اقدامات زیر را انجام دهد:

1. قطع هرگونه ارتباط سازمانی با بیت‌العدل و نهادهای دینی تابع آن؛
2. اعلام عمومی و شفاف منابع مالی و مجاری هزینه‌کرد؛
3. توقف تمامی فعالیت‌های مرتبط با اجرای نقشه‌های جهانی بیت‌العدل؛
4. تنظیم اساسنامه‌ای جدید که صرفاً بر همکاری‌های علمی و آموزشی تمرکز داشته باشد.

🏁 نتیجهٔ نهایی

با توجه به شواهد موجود، جامعه جهانی بهایی (BIC) از جایگاه یک NGO مشورتی خارج شده و به نهاد دیپلماتیک یک حکومت مذهبی جهانی تبدیل گردیده است. مأموریت اعلام‌شدهٔ آن در پیام‌های رسمی، به‌ویژه «نقشهٔ نه‌سالهٔ بیت‌العدل»، مستقیماً ناظر به ساخت حاکمیتی موازی در کشورهای عضو سازمان ملل است؛ امری که مغایر با روح منشور ملل متحد و نص صریح قطعنامه ۱۹۹۶/۳۱ است.

از این‌رو، **مسئولیت سازمان ملل متحد در قبال حفظ بی‌طرفی نظام بین‌المللی اقتضا می‌کند که وضعیت مشورتی BIC فوراً مورد بازبینی و در صورت تأیید تخلفات، تعلیق گردد.**

زیرا همان‌گونه که در مقدمهٔ منشور ملل متحد آمده است، «ما مردم ملل متحد، برای جلوگیری از بازگشت اشکال تازهٔ سلطه و سلطنت» گرد هم آمدیم.
و اکنون، در قرن بیست‌ویکم، هیچ شکل تازه‌ای از سلطنت—even اگر «الهیه» نام گیرد—نمی‌تواند از مسئولیت حقوقی در برابر اصول منشور بگریزد.

منابع:

- ECOSOC Resolution 1996/31 – *Consultative Relationship between the United Nations and Non-Governmental Organizations*
- Official BIC Website: bic.org/about-us
- *The Nine Year Plan Message, Universal House of Justice, 30 December 2021* – payamha-iran.org/document/350

مقاله ۲ :

«حقوق و محدودیت‌های فعالیت‌های بین‌المللی جامعه بهایی (BIC)»

- **بند نقشه نه‌ساله (۳۰ دسامبر ۲۰۲۱)**

«...جامعهٔ بهائی در اختتام سلسلهٔ جدید نقشه‌ها، می‌باید قابلیّت‌هایی را کسب نموده باشد که در حال حاضر به راحتی مشهود نیست. شما در مشاورات چند روز آینده‌تان آنچه را که لازمهٔ ایجاد یک چنین جامعهٔ مستحکمی است مورد بررسی قرار خواهید داد.»

⚖️ تحلیل حقوقی بر اساس آئین‌نامه ECOSOC 1996/31

- **ماهیت بند**

این بخش از پیام در واقع **دستور راهبردی به هیئت‌های مشاورین قاره‌ای** برای طراحی ساختارهای اجرایی جدید است؛ یعنی فرمانی برای تغییر سازمانی و توسعه ظرفیت تشکیلات بهایی.

در ظاهر جنبهٔ مذهبی دارد، اما از دید NGO حقوقی، چون تمام «نقشه‌های توسعه جامعه بهایی» تحت گزارش رسمی جامعه جهانی بهایی (BIC) به سازمان ملل ارائه می‌شود (در گزارش ۲۰۲۳، صریحاً در قالب *social action* و *community building* آمده است)، این متن به‌صورت مستقیم **دستور سازمانی NGO دارای وضعیت مشورتی به زیرمجموعه‌هایش** محسوب می‌شود.

🚫 فعل ممنوع (Prohibited Acts)

1️⃣ صدور دستور اجرایی به نهادهای تابع در کشورهای مختلف

متن مرتبط از آئین‌نامه:

"… The organization shall be of recognized standing within its field of competence"

(Part I, para 9)

و نیز

"Consultative relationships may be established … provided that they can demonstrate that their programme of work is of direct relevance … and, in the case of national organizations, after consultation with the Member State concerned."

(Part I, para 8)

🔗 منبع رسمی سازمان ملل

تحلیل:

در این بند بیت‌العدل به هیئت‌های مشاورین قاره‌ای دستور می‌دهد تا ظرفیت‌سازی تشکیلاتی در جوامع ملی و محلی انجام دهند.

اما طبق بند ۸ و ۹ آئین‌نامه، **هرگونه فعالیت یا دستور اجرایی NGO بین‌المللی در سطح ملی باید با اطلاع و مشورت دولت میزبان انجام شود.**

چون جامعه جهانی بهایی (BIC) چنین مشورتی با دولت‌ها ندارد، این نوع فرمان **مصداق فعل ممنوع** و نقض صریح Part I, para 8 است.

2️⃣ ایجاد ساختار موازی یا سلسله‌مراتب فرماندهی غیرمجاز در کشورها

متن مرتبط از آئین‌نامه:

"… The arrangements should not be such as to overburden the Council or transform it into a general forum for discussion."

(Part II, para 19)

🔗 منبع رسمی سازمان ملل

تحلیل:

این بند با تأکید بر «جامعه مستحکم» و «مشاورت برای برنامه‌ریزی»، ساختار درون‌سازمانی را از مشاوره به اجرای فراگیر در سطح کشورها تبدیل می‌کند.

در عمل، BIC از طریق این سازوکار یک **شبکه فراملی غیرانتخابی** ایجاد می‌کند که در کشورهای میزبان تحت قوانین NGO مجاز نیست.

این نیز با روح Part II para 19 در تضاد است (ممنوعیت تبدیل NGO مشورتی به یک نهاد اجرایی-سازمانی).

⚠ ترک فعل (Omissions)

١️ عدم اعلام حوزهٔ جغرافیایی فعالیت و هماهنگی با دولت‌ها

طبق Part I para 8، NGO بین‌المللی موظف است:

“…after consultation with the Member State concerned.”

Part_1.htm

هیچ اشاره‌ای در این بند از پیام به هماهنگی با دولت‌های میزبان (مثلاً ایران، هند، کنیا یا آمریکای لاتین) نشده است.

بنابراین **ترک فعل آشکار در اعلام و ثبت رسمی محدودهٔ اجرای نقشه‌ها** وجود دارد.

٢️ عدم افشای نحوهٔ تأمین مالی پروژهٔ ظرفیت‌سازی جهانی

مطابق Part I para 13:

“The basic resources of the organization shall be derived … and any financial contribution from a Government shall be openly declared …”

Part_1.htm

در این پیام اشاره‌ای به منابع مالی اجرای نقشه جهانی نشده است؛ درحالی‌که فعالیت‌هایی نظیر «تربیت منابع انسانی» و «اقدام اجتماعی» در گزارش BIC به سازمان ملل دارای بودجه و کارکنان بین‌المللی است.

عدم شفاف‌سازی منبع مالی این طرح **ترک فعل مقرراتی** است.

⊛ نتیجه‌گیری حقوقی

محور	**ارزیابی بر اساس ECOSOC 1996/31**
ماهیت فعالیت	اقدام اجرایی بین‌المللی با آثار داخلی در کشورها (بند ٨ و ٩ نقض شده) ترک فعل در اعلام بودجه و محدوده اجرا (بند ١٣ نقض شده)

محور شفافیت مالی و اداری	**ارزیابی بر اساس ECOSOC 1996/31**
نوع تخلف	فعل ممنوع (دستور اجرایی به نهادهای ملی بدون مجوز دولت‌ها) + ترک فعل (عدم افشای هماهنگی و منابع)
مسئولیت پاسخگویی	جامعه جهانی بهایی (BIC) به عنوان NGO دارای وضعیت مشورتی در سازمان ملل.

منابع استناد:

- ECOSOC Resolution 1996/31
  - Part I, para 8–۹–۱۳
  - Part II, para 19

UN Official Text

مقاله ۳ :

تحلیل حقوقی فعالیت‌های اطلاعاتی و ساختار فرماندهی تشکیلات بهایی

بر پایهٔ آیین‌نامهٔ NGOهای سازمان ملل متحد (ECOSOC Resolution 1996/31)

مقدمه

بر اساس پیام ۳۰ دسامبر ۲۰۲۱ بیت‌العدل اعظم، جامعهٔ بهایی موظف است «در پایان سلسلهٔ نقشه‌ها، قابلیت‌هایی را کسب نماید» و مشاورین قاره‌ای مأمور بررسی الزامات ایجاد «جامعهٔ مستحکم» شده‌اند.

این پیام در ظاهر مذهبی، اما در عمل سند اجرایی یک نهاد مشورتی سازمان ملل متحد است: **جامعهٔ جهانی بهایی (Bahá'í International Community – BIC)** که با وضعیت مشورتی در شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل (ECOSOC) ثبت شده است.

مطابق قطعنامهٔ ۱۹۹۶/۳۱، هرگونه فعالیت چنین نهادی در کشورهای مختلف باید با **اصول شفافیت، مشورت با دولت‌ها و عدم مداخله در امور داخلی** مطابقت داشته باشد.

نقد تفصیلی پیشین نشان داد که این پیام در واقع نقشه‌ای برای جمع‌آوری داده‌های اجتماعی، ایجاد شبکه‌های فراملی و هدایت فرمانی از مرکز جهانی بهایی در اسرائیل است. در این مقاله، همین موارد از منظر **حقوق بین‌الملل NGOها** بررسی می‌شود.

⚖️ **تحلیل حقوقی بر پایهٔ قطعنامهٔ ECOSOC 1996/31**

- **محور ۱: فعالیت اطلاعاتی و جمع‌آوری داده در کشورهای مختلف**

نقض مقررات: Part I, para 8

“Regional, subregional and national organizations … may be admitted provided that they can demonstrate that their programme of work is of direct relevance to the aims and purposes of the United Nations and, in the case of national organizations, after consultation with the Member State concerned.”

تحلیل:

عبارت‌هایی مانند «سلسله نقشه‌ها» و «قرائت واقعیت منطقه‌ای» نشانگر فعالیت سیستماتیک جمع‌آوری داده‌های اجتماعی و فرهنگی در کشورهای مختلف است.

این نوع عملیات بدون هماهنگی رسمی با دولت‌های میزبان، نقض آشکار بند ۸ محسوب می‌شود، زیرا هر NGO بین‌المللی موظف است برای فعالیت ملی یا منطقه‌ای، **با دولت مربوطه مشورت رسمی داشته باشد**.

گزارش رسمی BIC به سازمان ملل (۲۰۲۳) تصریح می‌کند که این نهاد بیش از هزار پروژه در ایران، هند، و آمریکای لاتین اجرا کرده است؛ اما هیچ‌گونه اشاره‌ای به کسب مجوز قانونی از دولت‌های محل فعالیت وجود ندارد.

بنابراین، این اقدام **فعل ممنوع** و تجاوز از حدود وضعیت مشورتی NGO است.

📎 منبع رسمی سازمان ملل – Part I, para 8

- **محور ۲: صدور دستور به نهادهای انتصابی (مشاورین قاره‌ای)**

نقض مقررات: Part I, para 15 و Part II, para 20

“The granting, suspension and withdrawal of consultative status… are the prerogative of Member States…”

“Consultative arrangements are to be made… to enable the Council to secure expert information… not to accord NGOs the same rights of participation as States…”

تحلیل:

ایجاد شبکه‌ای از «مشاورین قاره‌ای» که از سوی بیت‌العدل منصوب می‌شوند و در کشورهای مختلف وظایف نظارتی و تصمیم‌گیری دارند، ساختار فرماندهی فراملی ایجاد می‌کند.

چنین ساختاری با اصول NGO مشورتی در تضاد است، زیرا **نقش مشورتی** (consultation) را به **نقش اجرایی و فرماندهی** (coordination/command) تبدیل می‌کند.
بر اساس بندهای ۱۵ و ۲۰، این نوع تمرکز فرمان از مرکز جهانی بر نهادهای محلی، مصداق مداخله در امور داخلی کشورها و **فعل ممنوع سیاسی** است.

📎 [منبع رسمی سازمان ملل – Part II, para 20]

◇ **محور ۳: فعالیت‌های امنیتی پنهان و انتقال داده بدون افشا**

نقض مقررات: Part VIII, para 57(a)

“If an organization … clearly abuses its status by engaging in a pattern of acts contrary to the purposes and principles of the Charter of the United Nations…”

تحلیل:
انتقال داده‌های جمع‌آوری‌شده از کشورها به مرکز جهانی بهایی در اسرائیل بدون اطلاع یا مجوز دولت‌ها، نقض اصل حاکمیت ملی و مصداق «سوءاستفاده از وضعیت مشورتی» است.
بر اساس بند ۵۷(a)، هرگونه اقدام غیرشفاف یا دارای انگیزه سیاسی علیه دولت‌های عضو سازمان ملل، زمینهٔ **تعلیق یا لغو وضعیت مشورتی NGO** را فراهم می‌کند.
در اینجا، جمع‌آوری اطلاعات از جوامع محلی و ارسال مستقیم آن به حیفا (خارج از نظارت دولت‌ها) نمونه‌ای از همین تخلف است.

📎 [منبع رسمی سازمان ملل – Part VIII, para 57]

◇ **محور ۴: عدم شفافیت مالی و ارتباطات بین‌المللی**

نقض مقررات: Part I, para 13

“Any financial contribution or other support, direct or indirect, from a Government to the organization shall be openly declared…”

تحلیل:
بیت‌العدل و جامعهٔ جهانی بهایی، شبکه‌ای از پروژه‌های مالی، آموزشی و اجتماعی را تحت عناوینی چون «اقدام اجتماعی» و «توسعه منابع انسانی» اجرا می‌کنند.
هیچ‌یک از این فعالیت‌ها در گزارش رسمی به سازمان ملل دارای ذکر منبع مالی شفاف نیست.

از آنجا که این پروژه‌ها از اسرائیل هدایت و تأمین می‌شوند، عدم افشای جریان مالی و نحوهٔ هزینه‌کرد، **ترک فعل مقرراتی در گزارش‌دهی مالی** و نقض بند ۱۳ محسوب می‌شود.

📎 Part I, para 13 – منبع رسمی سازمان ملل

📋 **جمع‌بندی نهایی**

محور	نوع تخلف	استناد آئین‌نامه‌ای	توضیح
فعالیت اطلاعاتی و قرائت واقعیت	فعل ممنوع	Part I, para 8	فعالیت در کشورهای مختلف بدون هماهنگی با دولت‌ها
فرماندهی نهادهای انتصابی (مشاورین قاره‌ای)	فعل ممنوع	Part II, para 20	تبدیل NGO مشورتی به نهاد اجرایی فراملی
انتقال داده و اقدامات پنهان	سوءاستفاده از وضعیت مشورتی	Part VIII, para 57(a)	نقض اصول منشور ملل متحد و حاکمیت ملی
عدم شفافیت مالی و ارتباطی	ترک فعل	Part I, para 13	گزارش ناقص درباره منابع مالی و ارتباط با اسرائیل

📚 **منابع رسمی سازمان ملل متحد**

- ECOSOC Resolution 1996/31 – Part 1 (para 8, 13)
- Part 2 (para 20)
- Part 8 (para 57)

☑ **نتیجهٔ نهایی**

پیام ۳۰ دسامبر ۲۰۲۱ بیت‌العدل، از منظر آئین‌نامه NGOهای سازمان ملل، حاوی چندین تخلف آشکار است:

۱. **فعالیت اطلاعاتی پنهان در کشورهای عضو بدون اطلاع دولت‌ها**

۲. **ایجاد ساختار فرماندهی فراملی از نوع امنیتی – مشاورین قاره‌ای**

۳. **استفادهٔ سیاسی از وضعیت مشورتی NGO**

۴. **عدم شفافیت مالی و اداری در اجرای نقشه‌ها**

بر اساس بندهای ۵۵ تا ۵۹ آئین‌نامه، این موارد می‌تواند مبنای حقوقی **درخواست تعلیق یا لغو وضعیت مشورتی BIC** در شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل (ECOSOC) باشد.

مقاله ۴ :

⚖️ **تحلیل حقوقی بند دوم پیام ۳۰ دسامبر ۲۰۲۱**

(موضوع: «اصلاح، الفت و اتحاد» و تعریف بهاییِ جامعه‌سازی)

◇ **متن بند**

«حضرت بهاءالله می‌فرمایند که عباد از برای اصلاح و الفت و اتحاد از عدم بوجود آمده‌اند... بنا کردن چنین اجتماعی به معنای یادگیری چگونگی ایجاد جوامعی فعال، پویا و برون‌گرا است؛ به معنای یادگیری نحوهٔ پیشرفت روحانی و مادّی است؛ به معنای یادگیری طرز مشارکت در گفتمان‌هایی است که تأثیرگذار بر مسیر آن پیشرفت می‌باشد.»

⚖️ **تحلیل حقوقی بر اساس آئین‌نامه ECOSOC 1996/31**

◇ **۱. تعریف انحصاری از مفاهیم عمومی بشری (فعل ممنوع)**

مبنای حقوقی:

📃 *Part II, para 20*

“Consultative arrangements are to be made … to enable the Council to secure expert information … and to enable organizations that represent important elements of public opinion to express their views.”

تحلیل:

بیت‌العدل در این بند مفاهیم عمومی نظیر اصلاح، الفت و اتحاد را با معنای بهایی و ایدئولوژیک بازتعریف می‌کند و آن را «وظیفهٔ نسل‌ها» و «هدف جامعه‌سازی بهایی» معرفی می‌نماید.

در چارچوب آئین‌نامه ECOSOC، NGO دارای وضعیت مشورتی باید «نمایندهٔ عناصر مهم افکار عمومی» باشد، نه مفسر انحصاری مفاهیم جهانی.

تحریف یا تملک معنایی مفاهیم بشری (مثل صلح، اتحاد یا توسعه) برای تبلیغ ایدئولوژی یک دین خاص، **مصداق سوءاستفاده از جایگاه مشورتی** است زیرا NGO در این حالت، دیدگاه عمومی را به نفع یک باور بسته منحرف می‌کند.

👆 [Part 2, para 20 – UN Source]

◇ **۲. ترویج هویت فرقه‌ای به‌جای هدف عام سازمان ملل (فعل ممنوع)**

مبنای حقوقی:

📃 *Part I, para 2*

"The aims and purposes of the organization shall be in conformity with the spirit, purposes and principles of the Charter of the United Nations."

تحلیل:

آیین‌نامه تصریح می‌کند که اهداف NGO باید با منشور سازمان ملل و اصول جهان‌شمول آن هماهنگ باشد.

اما در این بند، «اتحاد» و «پیشرفت روحانی و مادی» صرفاً در پرتو آموزه‌های بهاءالله و هدف بیت‌العدل تعریف می‌شود.

چنین گزاره‌ای نه با اصل بی‌طرفی دینی منشور ملل متحد سازگار است و نه با اصل universality.

در نتیجه، ترویج معنای فرقه‌ای برای مفاهیم جهانی، نقض مستقیم بند ۲ است و **فعل ممنوع تبلیغی در پوشش NGO** محسوب می‌شود.

Part 1, para 2 – UN Source 🗿

◇ **۳. تغییر هدف NGO از مشورت تخصصی به پروژهٔ تبلیغی (سوءاستفاده از وضعیت)**

مبنای حقوقی:

📜 *Part VIII, para 57(a)*

"If an organization … abuses its status by engaging in acts contrary to the purposes and principles of the Charter … including politically motivated acts…"

تحلیل:

در این بند، بیت‌العدل به صراحت مأموریت خود را «ساختن جامعه‌ای آگاه به تعالیم بهاءالله» معرفی می‌کند.

در حقوق بین‌الملل NGOها، فعالیت آموزشی یا فرهنگی تا زمانی مجاز است که **ماهیت تبلیغی و دینی نداشته باشد.**

وقتی آموزش اجتماعی و گفتمان عمومی به ابزار تبلیغ ایدئولوژی خاص تبدیل شود، مصداق «abuse of consultative status» است، یعنی استفاده از موقعیت NGO برای اهداف تبلیغی و نه مشورتی.

از دید ECOSOC، این همان نقض بند ۵۷(a) است.

Part 8, para 57 – UN Source 🗿

◇ **۴. ترک فعل: عدم تفکیک میان «آموزش مذهبی» و «اقدام اجتماعی»**

مبنای حقوقی:

📜 *Part I, para 3*

The organization shall undertake to support the work of the United Nations and to“ promote knowledge of its principles and activities… in accordance with its own aims and ”.purposes

تحلیل:

در گزارش‌های رسمی BIC، این بند از پیام به پروژه‌های «اقدام اجتماعی» و «گفتمان اجتماعی» مرتبط است.
اما جامعهٔ جهانی بهایی هرگز مشخص نکرده که چگونه در این فعالیت‌ها، مرز بین تبلیغ دینی و فعالیت اجتماعی را رعایت می‌کند.
این **ترک فعل** در تفکیک حوزه‌های دینی از فعالیت‌های عمومی، موجب نقض اصل همکاری صادقانه با اهداف سازمان ملل است.

🔗 [Part 1, para 3 – UN Source]

🧾 **جمع‌بندی بند دوم**

محور	نوع تخلف	استناد آئین‌نامه‌ای	توضیح
تعریف انحصاری مفاهیم عمومی (اصلاح، اتحاد)	فعل ممنوع	Part II, para 20	بازتعریف مفاهیم جهانی برای تبلیغ ایدئولوژی بهایی
ترویج هویت فرقه‌ای به‌جای هدف جهانی	فعل ممنوع	Part I, para 2	ناسازگاری با روح منشور ملل متحد
استفاده تبلیغی از موقعیت NGO	سوءاستفاده از وضعیت	Part VIII, para 57(a)	بهره‌برداری از جایگاه مشورتی برای گسترش دین
عدم تفکیک میان حوزه مذهبی و اجتماعی	ترک فعل	Part I, para 3	فقدان مرز روشن بین آموزش دینی و فعالیت اجتماعی

☑ **نتیجه**

بند دوم پیام ۳۰ دسامبر ۲۰۲۱، با اصول مندرج در قطعنامه ۱۹۹۶/۳۱ ناسازگار است زیرا:

1. مفاهیم عمومی جهانی را در خدمت تبلیغ دینی بازتعریف می‌کند؛
2. NGO دارای وضعیت مشورتی را از نهاد مشورتی به ابزار تبلیغ و نفوذ تبدیل می‌سازد؛
3. مرز بین فعالیت مذهبی و اجتماعی را عمداً مبهم نگه می‌دارد.

مقاله ۵ :

▧ مقالهٔ تکمیلی بند دوم

تحریف مفهومی در استفاده از واژه‌های جهانی: «اصلاح، الفت و اتحاد»

بررسی حقوقی بر پایهٔ قطعنامهٔ ECOSOC 1996/31

⊛ مقدمه

پیام ۳۰ دسامبر ۲۰۲۱ بیت‌العدل اعظم با محوریت سه واژهٔ جهانی «اصلاح»، «الفت» و «اتحاد» تنظیم شده است. در نگاه نخست، این واژه‌ها یادآور مفاهیم جهانی صلح، همزیستی و پیشرفت انسانی‌اند؛ اما در متون اصلی بهایی، معنای خاص و انحصاری یافته‌اند که صرفاً در چارچوب نظم بهایی قابل تحقق است.

در تبلیغات عمومی، این مفاهیم به‌صورت جهان‌شمول عرضه می‌شوند، اما در سطح تشکیلاتی، به ابزار انسجام درونی و تبلیغ ایدئولوژی فرقه‌ای تبدیل شده‌اند. این دوگانگی معنایی از دید آیین‌نامه NGOهای سازمان ملل، نقض اصول **شفافیت، بی‌طرفی و تطابق اهداف با منشور ملل متحد** است.

⚖ تحلیل تکمیلی بر پایهٔ ECOSOC Resolution 1996/31

- **محور ۱: سوءاستفاده از واژه‌های جهانی برای اهداف تبلیغی**

نقض مقررات:

📜 *Part I, para 2*

“The aims and purposes of the organization shall be in conformity with the spirit, purposes and principles of the Charter of the United Nations.”

تحلیل:

وقتی NGOای دارای وضعیت مشورتی، مفاهیمی چون «اصلاح»، «الفت» و «اتحاد» را به گونه‌ای بازتعریف می‌کند که تحقق آن‌ها منوط به پذیرش یک دین خاص باشد، از چارچوب منشور ملل متحد خارج می‌شود.

چنین بازتعریفی، NGO را از یک نهاد مشورتی و بی‌طرف به ابزاری برای **ترویج آیین مذهبی** تبدیل می‌کند. در نتیجه، جامعه جهانی بهایی (BIC) با استفاده از واژه‌های جهانی برای مقاصد فرقه‌ای، اصول بند ۲ را نقض می‌کند.

🔗 منبع رسمی – Part 1, para 2

- **محور ۲: گمراه‌سازی افکار عمومی و فریب مفهومی**

نقض مقررات:

📃 *Part II, para 20*

"Consultative arrangements are to be made … to enable organizations that represent important elements of public opinion to express their views."

تحلیل:

این بند تأکید دارد که NGOها باید بازتاب‌دهندهٔ افکار عمومی باشند، نه شکل‌دهنده یا تحریف‌کنندهٔ آن.
وقتی BIC واژه‌هایی مانند صلح و اتحاد را با معنای فرقه‌ای جایگزین می‌کند، عملاً افکار عمومی را گمراه می‌سازد و از واژه‌های مشترک انسانی برای جذب غیرمستقیم افراد به تشکیلات خود استفاده می‌کند.
این رفتار، در حقوق بین‌الملل NGOها **مصداق misrepresentation (ارائهٔ نادرست اهداف سازمان)** است.

📎 [منبع رسمی – Part 2, para 20]

◇ **محور ۳: استفاده تبلیغی از موقعیت مشورتی در سازمان ملل**

نقض مقررات:

📃 *Part VIII, para 57(a)*

"If an organization … abuses its status by engaging in acts contrary to the purposes and principles of the Charter of the United Nations…"

تحلیل:

در گزارش‌های رسمی جامعه جهانی بهایی (BIC) به سازمان ملل، از همین واژه‌ها برای معرفی برنامه‌های «اقدام اجتماعی» و «گفتمان اجتماعی» استفاده می‌شود؛ در حالی که این فعالیت‌ها عملاً به گسترش ایدئولوژی بهایی منجر می‌شوند.
چنین اقداماتی، **سوءاستفاده از وضعیت مشورتی NGO برای تبلیغ مذهبی** است و طبق بند ۵۷(a) می‌تواند موجب تعلیق یا لغو وضعیت مشورتی گردد.

📎 [منبع رسمی – Part 8, para 57]

◇ **محور ۴: فقدان شفافیت در معرفی اهداف واقعی (ترک فعل)**

نقض مقررات:

📃 *Part I, para 3*

"The organization shall undertake to support the work of the United Nations and to promote knowledge of its principles and activities…"

تحلیل:

BIC در معرفی برنامه‌های خود به سازمان ملل، از زبان عام انسانی بهره می‌برد اما اهداف واقعی آن ـ یعنی بهایی‌سازی مفاهیم اخلاقی و اجتماعی ـ هرگز به‌طور شفاف اعلام نمی‌شود.
این رفتار مصداق **ترک فعل در گزارش‌دهی صادقانهٔ اهداف واقعی NGO** است و مانع از ارزیابی صحیح شورای اقتصادی و اجتماعی از ماهیت فعالیت‌های سازمان می‌شود.

📎 منبع رسمی – Part 1, para 3

📃 جمع‌بندی نهایی

محور	نوع تخلف	استناد آئین‌نامه‌ای	توضیح
بازتعریف مفاهیم جهانی برای تبلیغ دینی	فعل ممنوع	Part I, para 2	ناسازگاری اهداف با منشور ملل متحد
فریب افکار عمومی از طریق واژگان مشترک	فعل ممنوع	Part II, para 20	گمراه‌سازی معنایی و تبلیغ غیرمستقیم
استفاده تبلیغی از موقعیت NGO	سوءاستفاده از وضعیت	Part VIII, para 57(a)	بهره‌برداری از جایگاه مشورتی برای ترویج آیین بهایی
عدم شفافیت در اهداف و فعالیت‌ها	ترک فعل	Part I, para 3	عدم ارائهٔ صادقانهٔ اهداف واقعی سازمان

☑ نتیجهٔ نهایی

بند دوم پیام ۳۰ دسامبر ۲۰۲۱، نمونهٔ بارز استفادهٔ ابزاری از واژه‌های جهانی برای تبلیغ مذهبی است.
رفتار جامعه جهانی بهایی در این بند:

1. مفاهیم انسانی را در قالب ایدئولوژی فرقه‌ای بازتعریف می‌کند؛
2. از جایگاه مشورتی خود در سازمان ملل برای تبلیغ استفاده می‌نماید؛
3. اهداف واقعی را از نهادهای بین‌المللی پنهان می‌سازد.

بر اساس مواد ۵۵ تا ۵۹ آئین‌نامه ECOSOC، چنین رفتاری می‌تواند مبنای حقوقی برای **تعلیق وضعیت مشورتی NGO** به دلیل **سوءاستفاده از جایگاه بین‌المللی و نقض شفافیت اخلاقی** باشد.

📚 **منابع رسمی سازمان ملل متحد:**

- Part 1, para 2, 3
- Part 2, para 20
- Part 8, para 57

مقاله ۶ :

▧ **تحلیل حقوقی بند سوم پیام ۳۰ دسامبر ۲۰۲۱**

(موضوع: «نیروی اجتماع‌سازی» و یادگیری بهایی برای بهبود اجتماع)

◇ **متن بند**

«این میادین فعّالیّت طبیعتاً برای همه آشنا است... این مجهودات توأماً وسیلهٔ بروز قوایی است که حضرت ولیّ‌امرالله آن را "نیروی اجتماع‌سازی" آیین بهائی توصیف فرموده‌اند... خوشا به حال نفوسی که... در راه ایجاد اجتماعی بر اساس تعالیم الهی مجدّانه تلاش می‌کنند.»

⚖ **تحلیل بر اساس آئین‌نامه ECOSOC 1996/31**

◇ **۱. ترویج «نیروی اجتماع‌سازی» به‌عنوان الگوی حاکمیتی بهایی**

نقض مقررات:

📄 *Part I, para 2*

"The aims and purposes of the organization shall be in conformity with the spirit, purposes and principles of the Charter of the United Nations."

تحلیل:

عبارت «نیروی اجتماع‌سازی آیین بهایی» عملاً بیانگر الگویی حکومتی و اجتماعی است که جامعه جهانی بهایی آن را به‌عنوان بدیل نظم جهانی موجود مطرح می‌کند.

در نظام NGOهای سازمان ملل، هیچ سازمان دارای وضعیت مشورتی حق ندارد الگوی ایدئولوژیک خاصی را برای «ساختار اجتماعی یا سیاسی» کشورها ترویج کند.

وقتی BIC از طریق پیام‌های بیت‌العدل، مدل اجتماعی بهایی را به‌عنوان «راه بهبود اجتماع» عرضه می‌کند، از چارچوب مشورتی خارج و وارد حوزه **مهندسی اجتماعی با انگیزهٔ ایدئولوژیک** می‌شود.

این تخلف از بند ۲ آئین‌نامه است، زیرا اهداف سازمان دیگر در «روح منشور ملل متحد» (که بر تکثر، بی‌طرفی و تنوع تأکید دارد) نیستند.

🔗 [Part 1, para 2 – UN Source]

◇ **۲. نقض اصل عدم تبعیض و برابری انسان‌ها**

نقض مقررات:

📜 *Part I, para 2* (همان بند، مرتبط با اصول منشور)

📜 *Part VIII, para 57(a)*

“If an organization … engages in a pattern of acts contrary to the purposes and principles of the Charter of the United Nations…”

تحلیل:

در کنار بند فوق، استناد مستقیم به گفتار عبدالبهاء در منبع رسمی بهایی (بدایع الآثار، ج۲، ص۱۲۷) که در وب‌سایت رسمی زیرمجموعهٔ جامعه جهانی بهایی منتشر شده، نشان می‌دهد این نهاد دیدگاهی تبعیض‌آمیز نسبت به غیربهائیان ترویج می‌دهد (توصیف آنان به‌عنوان «حیوان متمدن»).

از منظر حقوق بین‌الملل، ترویج چنین گفتارهایی توسط یک NGO ثبت‌شده در ECOSOC، **نقض اصل عدم تبعیض، برابری نوع بشر، و روح منشور ملل متحد** است.

به‌ویژه آنکه این محتوا در پایگاه رسمی وابسته به BIC منتشر شده و در نتیجه به خود این NGO منتسب است.

بر این اساس، اقدام یادشده مصداق **سوءاستفاده از موقعیت مشورتی برای تبلیغ تبعیض مذهبی** است.

🔗 [Part 8, para 57 – UN Source]

🔗 سند منبع: [بدایع الآثار، ج۲، ص۱۲۷ – bahai.org]

◇ **۳. فریب مفهومی از طریق واژه‌های «یادگیری» و «بهبود اجتماع»**

نقض مقررات:

📜 *Part II, para 20*

“Consultative arrangements are to be made … to enable the Council to secure expert information … and to enable organizations that represent important elements of public opinion to express their views.”

تحلیل:

در ظاهر، واژه‌هایی مانند «یادگیری» و «بهبود اجتماع» مفاهیمی آموزشی و انسان‌دوستانه‌اند؛ اما در ساختار تشکیلات بهایی، یادگیری به معنای آموختن نحوهٔ حاکم‌کردن الگوهای بهایی بر جامعه است.

به‌کارگیری عمدی این واژه‌ها در ارتباطات NGO با مجامع بین‌المللی نوعی **misrepresentation** (ارائهٔ

نادرست از ماهیت فعالیت) است، زیرا دولت‌ها و سازمان ملل تصور می‌کنند فعالیت فرهنگی یا آموزشی است، در حالی‌که هدف واقعی، تبلیغ ایدئولوژیک است.
چنین اقدامی از منظر آئین‌نامه **فعل ممنوع تبلیغی** و گمراه‌کننده است.

🔗 Part 2, para 20 – UN Source

◇ **۴. ترک فعل: عدم مرزبندی میان «گفتمان اجتماعی» و «ترویج دینی»**

نقض مقررات:
📜 *Part I, para 3*

The organization shall undertake to support the work of the United Nations and to“ ”…promote knowledge of its principles and activities

تحلیل:
BIC موظف است در فعالیت‌های خود تمایز آشکاری بین اهداف مذهبی و اجتماعی قائل شود.
اما همان‌طور که در پیام‌های بیت‌العدل مشاهده می‌شود، همهٔ اقدامات موسوم به «اقدام اجتماعی» در بطن خود فرایندی برای گسترش تشکیلات دینی است.
این **ترک فعل در تفکیک حوزهٔ مذهبی از اجتماعی** موجب نقض بند ۳ است و نشان‌دهنده عدم همکاری صادقانه با اهداف سازمان ملل است.

🔗 Part 1, para 3 – UN Source

📄 **جمع‌بندی بند سوم**

محور	نوع تخلف	استناد آئین‌نامه‌ای	توضیح
ترویج الگوی اجتماعی بهایی به‌جای همکاری با اهداف سازمان ملل	فعل ممنوع	Part I, para 2	تبدیل NGO مشورتی به نهاد ایدئولوژیک حاکمیتی
انتشار محتوای تبعیض‌آمیز علیه غیربهائیان	سوءاستفاده از وضعیت	Part VIII, para 57(a)	نقض اصل برابری و عدم تبعیض در منشور ملل متحد
فریب مفهومی در کاربرد واژه‌های یادگیری و بهبود اجتماع	فعل ممنوع	Part II, para 20	ارائهٔ نادرست اهداف به مجامع بین‌المللی
عدم مرزبندی میان تبلیغ دینی و فعالیت اجتماعی	ترک فعل	Part I, para 3	فقدان شفافیت در ماهیت برنامه‌ها و مقاصد واقعی

☑ نتیجهٔ نهایی

بند سوم پیام ۳۰ دسامبر ۲۰۲۱ بیت‌العدل، از دید آیین‌نامه NGOهای سازمان ملل، حاوی چند تخلف جدی است:

1. **تبدیل پروژه‌های مشورتی به ابزار ترویج نظم بهایی؛**
2. **ترویج گفتار تبعیض‌آمیز نسبت به غیربهائیان در رسانه‌های رسمی وابسته به NGO؛**
3. **فریب افکار عمومی از طریق واژه‌های ظاهراً انسان‌دوستانه اما دارای بار ایدئولوژیک؛**
4. **عدم تفکیک میان فعالیت دینی و اجتماعی در گزارش‌های رسمی.**

این موارد، به استناد بندهای ۵۵ تا ۵۹ آئین‌نامه، می‌تواند مبنای حقوقی برای **تعلیق یا لغو وضعیت مشورتی جامعه جهانی بهایی (BIC)** نزد شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل (ECOSOC) باشد.

📑 منابع رسمی سازمان ملل متحد:

- Part 1, para 2, 3
- Part 2, para 20
- Part 8, para 57

📑 منبع محتوای تبعیض‌آمیز:

- عبدالبهاء، بدایع الآثار، جلد دوم، صفحه ۱۲۷، bahai.org/reference

مقاله ۷ :

▧ تحلیل حقوقی بند چهارم پیام ۳۰ دسامبر ۲۰۲۱

(موضوع: «نقشه‌ی ۲۵ ساله»، هدف جهانی، و تمرکز بر فرد، جامعه و مؤسسه بهایی)

◇ متن بند

«سلسله نقشه‌های جهانی کنونی که در عید اعظم رضوان آغاز شد بیست و پنج سال تمام ادامه خواهد داشت، سفینهٔ امرالله را به قرن سوّم عصر بهائی خواهد رساند... عالم بهائی طیّ این دوران بر یک هدف واحد تمرکز خواهد داشت: ظهور و بروز بیش از پیش نیروی اجتماع‌سازی آیین بهائی. پیگیری این هدفِ کلّی مستلزم افزایش بیشتر قابلیّت در فرد مؤمن، جامعهٔ محلّی و مؤسّسات بهائی است.»

⚖ تحلیل بر اساس آیین‌نامه ECOSOC 1996/31

◇ ۱. اعلام نقشهٔ جهانی ۲۵ ساله با قلمرو بین‌المللی

نقض مقررات:

📃 *Part I, para 8*

Consultative relationships may be established … provided that they can demonstrate that“ their programme of work is of direct relevance … and, in the case of national ”.organizations, after consultation with the Member State concerned

تحلیل:

در این بند، بیت‌العدل آشکارا از «سلسله نقشه‌های جهانی» با زمان‌بندی ۲۵ ساله سخن می‌گوید که «کلیه کشورها» را دربرمی‌گیرد.

طبق بند ۸ آئین‌نامه، هر NGO دارای وضعیت مشورتی اگر بخواهد در بیش از یک کشور فعالیت کند، باید برای هر قلمرو ملی با **دولت‌های مربوطه مشورت و موافقت رسمی** کسب کند.

هیچ‌یک از گزارش‌های رسمی BIC به ECOSOC چنین مشورت یا مجوزی را نشان نمی‌دهد.

در نتیجه، طراحی و اجرای نقشه‌ای ۲۵ ساله با دامنهٔ جهانی، **نقض صریح بند** ۸ و مصداق فعالیت اجرایی بین‌المللی بدون صلاحیت NGO است.

🖇 Part 1, para 8 – UN Source

◇ ۲. استفاده از جایگاه NGO برای هدایت فراملی تشکیلات مذهبی

نقض مقررات:

📃 *Part I, para 2*

,The aims and purposes of the organization shall be in conformity with the spirit“ ”.purposes and principles of the Charter of the United Nations

تحلیل:

عبارت «سفینهٔ امرالله را به قرن سوّم عصر بهایی رساندن» مستقیماً به «پروژهٔ درونی تشکیلات بهایی» اشاره دارد، نه هدفی همسو با اصول سازمان ملل.

در واقع، جامعه جهانی بهایی در قالب NGO ثبت‌شده، از بستر سازمان ملل برای پیشبرد برنامهٔ مذهبی و توسعهٔ ساختار اداری خود استفاده می‌کند.

چنین رفتاری با روح منشور ملل متحد که بر بی‌طرفی دینی و غیرتبلیغی بودن NGOها تأکید دارد، در تضاد است و **فعل ممنوع تبلیغی** محسوب می‌شود.

🖗 Part 1, para 2 – UN Source

◇ **۳. استفاده از مفاهیم عمومی توسعه برای مقاصد فرقه‌ای**

نقض مقررات:

🗏 *Part II, para 20*

“Consultative arrangements are to be made … to enable organizations … to secure expert information … and express their views.”

تحلیل:

در پیام، سه حوزهٔ «فرد»، «جامعه» و «مؤسسات» به‌عنوان محور رشد معرفی شده‌اند.

در گزارش‌های رسمی BIC نیز همین واژگان در گفتارهایی مانند *individual capacity-building*, *community development*, و *institutional strengthening* تکرار می‌شوند.

اما در واقع، مقصود از آن‌ها توسعهٔ فرد بهایی، جامعهٔ بهایی و مؤسسات بهایی است، نه ظرفیت‌های عمومی بشر.

چنین دوگانگی زبانی (ظاهر انسانی، باطن فرقه‌ای) از نظر حقوق NGOها **misrepresentation** محسوب می‌شود: یعنی ارائهٔ نادرست فعالیت‌ها به مجامع بین‌المللی و گمراه کردن مخاطبان درباره ماهیت واقعی برنامه‌ها.

در نتیجه، نقض بند ۲۰ است و **فعل ممنوع فریب‌کارانه** تلقی می‌شود.

🖗 Part 2, para 20 – UN Source

◇ **۴. ترک فعل: عدم گزارش‌دهی شفاف درباره منابع مالی و اجرایی نقشه**

نقض مقررات:

🗏 *Part I, para 13*

“Any financial contribution … shall be openly declared to the Committee through the Secretary-General…”

تحلیل:

اجرای نقشه‌ای ۲۵ ساله با گسترهٔ جهانی مستلزم بودجه، کارکنان، و نهادهای متعدد است.

اما جامعه جهانی بهایی هیچ‌گاه منابع مالی یا سازوکار اجرایی این پروژه را به‌صورت شفاف به ECOSOC گزارش نکرده است.

این **ترک فعل در شفافیت مالی و ساختاری**، نقض مستقیم بند ۱۳ است و می‌تواند به عنوان پنهان‌کاری سازمانی در چارچوب آیین‌نامه تلقی شود.

🔎 [Part 1, para 13 – UN Source]

◇ **۵. استفاده سیاسی از واژه‌ی «عصر بهایی» در قالب برنامهٔ توسعه**

نقض مقررات:

📜 *Part VIII, para 57(a)*

If an organization … clearly abuses its status by engaging in a pattern of acts contrary to“ ”…the purposes and principles of the Charter

تحلیل:

بیان صریح «قرن سوم عصر بهایی» و «سفینهٔ امرالله» نشان می‌دهد که هدف نقشه صرفاً اجتماعی نیست، بلکه ایدئولوژیک و حکومتی است.

در چارچوب NGOها، این نوع جهت‌گیری مذهبی که با اهداف جهانی ترکیب شده، مصداق **abuse of consultative status** است — یعنی استفاده از وضعیت مشورتی برای مقاصد سیاسی/مذهبی.

🔎 [Part 8, para 57 – UN Source]

📋 **جمع‌بندی بند چهارم**

محور	نوع تخلف	استناد آئین‌نامه‌ای	توضیح
اجرای نقشه جهانی بدون هماهنگی دولت‌ها	فعل ممنوع	Part I, para 8	فعالیت بین‌المللی بدون مشورت با کشورها
استفاده از جایگاه NGO برای گسترش تشکیلات بهایی	فعل ممنوع	Part I, para 2	ناسازگار با روح منشور ملل متحد
فریب مفهومی در کاربرد واژه‌های توسعه‌ای	فعل ممنوع	Part II, para 20	ارائهٔ نادرست ماهیت فعالیت‌ها
عدم گزارش شفاف منابع مالی	ترک فعل	Part I, para 13	پنهان‌کاری دربارهٔ بودجهٔ برنامه‌ها
ترکیب تبلیغ دینی با برنامه‌های اجتماعی	سوءاستفاده از وضعیت	Part VIII, para 57	استفاده ایدئولوژیک از موقعیت NGO

☑ **نتیجهٔ نهایی**

بند چهارم پیام بیت‌العدل، به‌روشنی نشان‌دهندهٔ نقشه‌ای فراملی برای گسترش تشکیلات بهایی در تمام کشورهاست که در قالب پروژه‌های اجتماعی و توسعه‌ای به سازمان ملل عرضه می‌شود.
این بند دست‌کم **پنج تخلف صریح** از آیین‌نامه NGOهای سازمان ملل را در خود دارد:

1. فعالیت جهانی بدون مجوز دولت‌ها؛
2. ترویج اهداف مذهبی در قالب NGO؛
3. ارائهٔ نادرست برنامه‌ها؛
4. عدم شفافیت مالی؛
5. استفاده از موقعیت بین‌المللی برای اهداف ایدئولوژیک.

مطابق بندهای ۵۵ تا ۵۹ قطعنامه ۱۹۹۶/۳۱، چنین رفتارهایی می‌تواند موجب **تعلیق یا لغو وضعیت مشورتی جامعه جهانی بهایی (BIC)** در شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل گردد.

📚 **منابع رسمی سازمان ملل متحد:**

- Part 1, para 2, 8, 13
- Part 2, para 20
- Part 8, para 57

مقاله ۸ :

نقشهٔ ۲۵ سالهٔ بیت‌العدل؛ سفینهٔ امرالله و عبور از قرن دوم به قرن سوم تکوین تشکیلات بهایی

نقد حقوقی–تشکیلاتی بر پایهٔ قطعنامهٔ ECOSOC 1996/31

مقدمه

پیام ۳۰ دسامبر ۲۰۲۱ بیت‌العدل اعظم که از «سلسله نقشه‌های جهانی بیست‌وپنج‌ساله» سخن می‌گوید، در واقع «مانیفست اجرایی» تشکیلات بهایی برای یک بازهٔ زمانی طولانی‌مدت است: از رضوان ۲۰۲۱ تا رضوان ۲۰۴۶. این سند نه یک نوشتار صرفاً عبادی، بلکه نقشهٔ عملیاتی است که هدفش «رساندن سفینهٔ امرالله به قرن سوم عصر بهایی» عنوان شده است. در هندسهٔ معرفتی و سازمانی آیین بهایی، «عصرها» سه‌گانه‌اند: **عصر رسولی** (نزول وحی)، **عصر تکوین** (تثبیت و توسعهٔ تشکیلات)، و **عصر ذهبی** (حکومت جهانی بهایی). بدین ترتیب، تأکید بر «قرن سوم عصر بهایی» در متن پیام، عملاً اعلان مرحلهٔ نهایی‌شدن تکوین و گذار به وضعیتِ نزدیک به حاکمیت است.

این مقاله نشان می‌دهد که چگونه این پیام، هنگامی که در قاب حقوقیِ **آیین‌نامهٔ NGOهای سازمان ملل (ECOSOC Resolution 1996/31)** قرار می‌گیرد، واجد موارد متعدد «عدم‌تطبیق» و «سوءاستفاده از وضعیت مشورتی» است؛ به‌ویژه آن‌که مجری بین‌المللی و طرفِ تعامل با ملل متحد در عمل **جامعهٔ جهانی بهایی (Bahá'í International Community – BIC)** است؛ نهادی که دارای **وضعیت مشورتی ویژه** نزد ECOSOC می‌باشد. این جایگاه مشورتی، قیودی دارد که در مواد مختلف قطعنامه ۱۹۹۶/۳۱ دقیقاً تعریف شده‌اند و نقشهٔ ۲۵ ساله از زوایای گوناگون با آنها تعارض پیدا می‌کند.

۱) «نقشهٔ ۲۵ ساله»؛ از برنامهٔ رشد اجتماعی تا پروژهٔ تکوین فراملی

۱–۱. اعلام پروژهٔ جهانی و لزوم «مشورت با دولت‌ها»

متن پیام صریح است: «سلسله نقشه‌های جهانی کنونی... بیست‌وپنج سال تمام ادامه خواهد داشت... عالم بهایی طی این دوران بر یک هدف واحد تمرکز خواهد داشت: ظهور و بروز بیش از پیش نیروی اجتماع‌سازی آیین بهایی.» این گزاره، به‌وضوح یک **نقشهٔ فراملی** را ترسیم می‌کند که به لحاظ اجرایی در «کلیه کشورها» پیگیری می‌شود. مطابق **بند ۸ بخش اول** قطعنامهٔ ECOSOC، هر سازمان بین‌المللیِ دارای رابطهٔ مشورتی، برای فعالیت‌های ملی «باید» با دولت مربوطه **مشورت** کند و برنامهٔ کار مرتبط و صلاحیت خود را نشان دهد:
— Part I, para 8: «...در مورد سازمان‌های ملی، **پس از مشورت با دولت عضو مربوطه**.»
منبع رسمی سازمان ملل: https://www.un.org/esa/coordination/ngo/Resolution_1996_31/Part_1.htm

اجرای نقشه‌ای با دامنهٔ ۲۵ سال در مقیاس جهانی، بدون ارائهٔ شواهد روشن از مشورت‌های رسمی کشوربه‌کشور، **با بند ۸** ناسازگار است. هرچند BIC در گزارش‌های عمومی از «هزاران پروژهٔ اجتماعی» سخن می‌گوید، فقدان مدارک صریح دربارهٔ اخذ مجوز یا مشورت رسمی با دولت‌های میزبان، این نقشه را از منظر ECOSOC به‌عنوان **فعالیت اجرایی خارج از حدود وضعیت مشورتی** قرار می‌دهد.

۱–۲. از «عبارات توسعه‌گرایانه» تا هدف تشکیلاتی

نقشهٔ ۲۵ ساله با ادبیاتی چون «community building / capacity building / institutional development» معرفی می‌شود، اما مخاطب اصلی پیام (بدنهٔ تشکیلات بهایی) به‌خوبی می‌داند که این واژگان به‌طور مشخص ناظر به **فرد بهایی–جامعهٔ بهایی–مؤسسات بهایی** هستند، نه عموم شهروندان. **بند ۲۰ بخش دوم** ECOSOC می‌گوید NGOهای مشورتی باید «اطلاعات کارشناسی» بدهند و بیانگر «عناصر مهم افکار عمومی» باشند، نه این‌که **با بازی واژگانی، هدف فرقه‌ای را به‌جای هدف عمومی بنشانند**:
— Part II, para 20: فلسفهٔ مشورت برای اخذ اطلاعات تخصصی و اظهار دیدگاه‌های نمایندهٔ افکار عمومی است.

منبع: https://www.un.org/esa/coordination/ngo/Resolution_1996_31/Part_2.htm

وقتی «بهبود اجتماع» در متن پیام، به‌معنای «بهایی‌سازی اجتماع» در اجرا ترجمه می‌شود، از نظر حقوق NGO، این رفتار **misrepresentation** (ارائهٔ نادرست هدف) تلقی می‌گردد و با **روح بند ۲۰** ناسازگار است.

۲) «سفینهٔ امرالله»؛ استعارهٔ قدرت مرکزی و نظمِ همگرا با حاکمیت

۲ـ۱. استعارهٔ راهبری کلان و «پروتکل هفتگانهٔ شوقی»

«سفینهٔ امرالله» در ادبیات بهایی نماد «نظم اداری جهانی» است. بر فراز این نظم، ولایت امر و سپس بیت‌العدل قرار می‌گیرد. منظومهٔ راهبردی منسوب به شوقی افندی ـ که در میان بهاییان به طور غیررسمی با عنوان «پروتکل هفتگانه» شناخته می‌شود ـ گام‌های نهادسازی و قلمروسازی را توصیف می‌کند: از تثبیت محافل محلی و ملی، تا شبکه‌سازی قاره‌ای و کانونی‌کردن تصمیم‌ها در مرکز جهانی. پیام ۲۰۲۱ این مسیر را با ضرباهنگ ۲۵ ساله هم‌تراز می‌کند؛ به‌عبارت دیگر، **نقشه، موتور تکوین تشکیلات** است.

۲ـ۲. تعارض با اصل بی‌طرفی دینی در ECOSOC

بند ۲ بخش اول تصریح می‌کند اهداف و مقاصد سازمانِ دارای وضعیت مشورتی باید با روح منشور ملل متحد سازگار باشد:

— Part I, para 2: «اهداف و مقاصد سازمان باید با روح، مقاصد و اصول منشور ملل متحد مطابقت داشته باشد.»

منبع: https://www.un.org/esa/coordination/ngo/Resolution_1996_31/Part_1.htm

تعقیب پروژهٔ «رسیدن سفینه به قرن سوم عصر بهایی» ــ که در ادبیات تشکیلاتی به «تکمیل عصر تکوین» و نزدیک‌شدن به «عصر ذهبی» (مرحلهٔ حاکمیتی) تعبیر می‌شود ــ استفاده از بستر NGO برای **ترویج یک الگوی ایدئولوژیک-دینیِ حاکمیتی** است؛ این، با اصل بی‌طرفی منشور ملل متحد و ماهیت «مشورتی» NGOها در تضاد است. در نتیجه، نقشهٔ ۲۵ ساله در همین سطح مفهومی، به **نقض بند ۲** نزدیک می‌شود.

۳) «سه‌گانهٔ فرد–جامعه–مؤسسه»؛ هرم قدرت و مدل حکمرانی

۳ـ۱. تعریف سه‌لایه و برون‌داد عملی

پیام صراحت دارد: «افزایش قابلیت در فرد مؤمن، جامعهٔ محلی و مؤسسات بهایی» سه مشارکت‌کنندهٔ دائمی نقشه‌اند. در میدان عمل، این سه‌گانه چنین نقش‌بندی می‌شود:

لایه	مصداق در ساختار بهایی	کارکرد در نقشه
فرد	فرد بهایی مطیع نظم اداری	آموزش، تبلیغ، جذب و کادرسازی
جامعه	اجتماع بهایی در کلاسترهای جغرافیایی	بستر اجرای طرح روحی/اقدام اجتماعی

لایه	مصداق در ساختار بهایی	کارکرد در نقشه
مؤسسه	محافل محلی/ملی، شوراها و دفاتر منطقه‌ای	برنامه‌ریزی، فرماندهی، نظارت

این مدل، «مهندسی اجتماعی همگرا»ست: منابع انسانی (فرد) برای پروژه‌های میدانی (جامعه) آماده می‌شوند و مؤسسات (نهادهای اداری) بر چرخهٔ «جذب–تعلیم–تثبیت» نظارت می‌کنند.

۳–۲. دوگانگی زبانی در سطح بین‌المللی

BIC در گفتار بین‌المللی، از همین سه‌گانه با واژگان توسعه‌ای عمومی استفاده می‌کند؛ اما در واقع ناظر به «درون‌جامعهٔ بهایی» است. باز هم **بند ۲۰** (Part II) در اینجا ابزار سنجش است: NGO باید بیانگر «افکار عمومی» و تأمین‌کنندهٔ «اطلاعات کارشناسی» باشد، نه این‌که **با واژگان مشترک، هدف فرقه‌ای را در پوشش کار عمومی** ارائه کند.این **عدم شفافیت هدف** در عرف ECOSOC، «ارائهٔ گمراه‌کنندهٔ مقاصد» است.

۴) تعهدات مالی–گزارشی که نقشه اقتضا می‌کند اما برآورده نمی‌شود

۴–۱. لزوم شفافیت منابع و حمایت‌ها

بند ۱۳ بخش اول می‌گوید منابع اصلی سازمان باید شفاف باشد و هر کمک مستقیم یا غیرمستقیم از دولت‌ها «**علناً به کمیته (از طریق دبیرکل) اعلام و در سوابق مالی ثبت**» شود:

— Part I, para 13: شفافیت منابع، اعلام کمک‌های دولتی، ثبت کامل.

منبع: https://www.un.org/esa/coordination/ngo/Resolution_1996_31/Part_1.htm

نقشهٔ ۲۵ سالهٔ جهانی، قاعدتاً مستلزم بودجه، نیروی انسانی، زیرساخت و جریان‌های انتقال منابع است. اما **عدم انتشار جزئیات مالی و نبود اعلان‌های رسمی از مسیر دبیرکل** در خصوص حمایت‌های احتمالی ـ به‌ویژه در کشورهایی که فعالیت‌ها از نظر حقوقی حساس است ـ یک **ترک فعل** (Omission) حساب می‌شود و تعارض با بند ۱۳ را رقم می‌زند.

۴–۲. تکلیف گزارش‌های ادواری

بند ۶۱(c) بخش نهم تصریح می‌کند سازمان‌های دارای وضعیت مشورتی باید **هر چهار سال** «گزارش مختصر فعالیت‌ها به‌ویژه در خصوص حمایتی که از کار سازمان ملل کرده‌اند» ارائه دهند. قصور در گزارش‌دهی دقیق دربارهٔ «ماهیت واقعی برنامه‌ها» (مثلاً تمایز بین تبلیغ دینی و اقدام اجتماعی) نیز **ترک فعل** تلقی می‌شود:

— Part IX, para 61(c): گزارش چهارسالهٔ محتوایی–عملیاتی.

منبع: https://www.un.org/esa/coordination/ngo/Resolution_1996_31/Part_9.htm

اگر گزارش‌ها با واژگان کلی و دوپهلوی توسعه‌ای تنظیم شوند ولی ماهیت فرقه‌ای و شبکهٔ فرماندهی مذهبی «مستور» بماند، شورا می‌تواند با استناد به ۶۱(c) خواستار **بازطبقه‌بندی وضعیت، تعلیق یا بررسی ویژه** شود.

۵) «عصر تکوین» و خطوط تماس با «عصر ذهبی»

۵–۱. صورت‌بندی مرحله‌ای و اثرش بر ارزیابی ECOSOC

در صورت‌بندی بهایی، «عصر تکوین» مرحلهٔ آماده‌سازی ناپیوسته برای «عصر ذهبی» است. پیام ۲۰۲۱ با تعیین ضرباهنگ ۲۵ ساله و هدف «قرن سوم»، عملاً **نقطهٔ اوج تکوین** را هدف می‌گیرد. از منظر ECOSOC، هر زمان NGO دارای وضعیت مشورتی، کارویژهٔ خود را از «مشورت» به «تثبیت نظم اداری ایدئولوژیک» تغییر دهد، شورای اقتصادی و اجتماعی **می‌تواند** بر اساس **مواد ۵۵ تا ۵۹** وارد عمل شود:

- **بند ۵۵ (Part VIII)**: ارزیابی تطابق دائمی با اصول مشورتی؛ امکان توصیهٔ تعلیق/اخراج.
- **بند ۵۷(a) (Part VIII)**: اگر سازمان از وضعیت خود سوءاستفاده کند و الگوی رفتاری مغایر با منشور داشته باشد (اقدامات سیاسی/غیرمستند علیه دولت‌ها، یا الگوهای تبعیض‌آمیز)، **تعلیق تا سه سال یا لغو**.
  منابع: https://www.un.org/esa/coordination/ngo/Resolution_1996_31/Part_8.htm

۵–۲. پیوند با شواهد تبعیض و انحصارگرایی

هنگامی که در وبگاه‌های رسمی وابسته به BIC، متونی با لحن **تبعیض‌آمیز نسبت به غیربهاییان** (مانند نقل قول مشهور از عبدالبهاء در بدایع الآثار ، ج۲، ص۱۲۷) منتشر و تداوم داده می‌شود، شورا می‌تواند آن را به‌عنوان **شاهدی بر الگوی نهادی** بسنجد: انتشار و ترویج محتواهای تحقیرآمیز در رسانهٔ رسميِ وابسته، با «روح منشور» ناسازگار است و می‌تواند زیر بند **۵۷(a)** قرار گیرد. (ارجاع: https://reference.bahai.org/fa/t/o/KBAS2/kbas2-135.html#pg127)

۶) «نیروی اجتماع‌سازی»؛ نام مستعار مهندسی اجتماعی

۶–۱. از خوانش واقعیت تا بهایی‌سازی اجتماع

گفتمانی که از «نیروی اجتماع‌سازی» سخن می‌گوید، در متون درونی به روشنی شامل **پایش میدانی، نقشه‌برداری اجتماعی، و پیاده‌سازی الگوهای رفتاری بهایی** در «کلاسترها»ست. اگر این اقدامات **بدون مشورت رسمی با دولت‌ها** انجام شود، تعارض با **بند** ۸ قطعی است. اگر نیز در گزارش به ECOSOC با زبان عمومیِ توسعه‌ای پوشش داده شود، با **بند ۲۰** (شفافیت معنایی) ناسازگار است.

۶–۲. مرز دین و اجتماع؛ تکلیف بند ۳

بند ۳ بخش اول سازمان‌ها را مکلف می‌کند «در حمایت از کار سازمان ملل و ترویج آگاهی نسبت به اصول آن» عمل کنند؛ این بند ضمنی بر **مرزبندی میان تبلیغ دینی و اقدام اجتماعی** دلالت دارد:
— Part I, para 3: حمایت از کار سازمان ملل و ترویج دانش نسبت به اصولش، وفق هدف و صلاحیت سازمان.

منبع: https://www.un.org/esa/coordination/ngo/Resolution_1996_31/Part_1.htm

اگر فعالیت‌های موسوم به «اقدام اجتماعی» عملاً **تداوم فرآیند تبلیغ دینی و شبکه‌سازی تشکیلاتی** باشد، NGO مرز را مخدوش کرده و دچار **ترک فعل** در شفاف‌سازی ماهیت برنامه‌هاست.

۷) سه‌گانهٔ «فرد–جامعه–مؤسسه»؛ از توانمندسازی تا کادرسازی

۷–۱. همگذاری با مدل کادرسازی

پیام بر «افزایش قابلیت» در سه سطح تأکید می‌کند. در عمل، این «قابلیت» دقیقاً همان سه سرفصل کلاسیک **کادرسازی** است:

۱) قابلیت فکری–تبلیغی (برای گفت‌وگو و جذب)،

۲) قابلیت سازمانی (ادارهٔ محافل/شوراها)،

۳) قابلیت مالی (جذب و تخصیص تبرعات).

چنین مدلی، برای ECOSOC یک **سیگنال تشکیلاتی–حاکمیتی** است: NGO، به‌جای ارائهٔ اطلاعات تخصصی یا مشارکت در گفتمان‌های جهانی، در حال **آماده‌سازی منابع قدرت نهادیِ خود** است.

۷–۲. پیامدهای حقوقی

جمع این نشانه‌ها ـ وقتی با هم دیده شوند ـ شورا را به سمت **بازبینی وضعیت مشورتی** سوق می‌دهد؛ آن‌هم دقیقاً بر مبنای مواد **۵۵** (ارزیابی مطابقت دائمی)، **۵۸** (سازوکار تعلیق/لغو با توصیهٔ کمیته) و **۵۹** (شرایط بازدرخواست پس از لغو).

منبع Part VIII: https://www.un.org/esa/coordination/ngo/Resolution_1996_31/Part_8.htm

۸) پیوند نقشهٔ ۲۵ ساله با حضور در کنفرانس‌ها و سازوکارهای دبیرخانه

۸–۱. اعتباردهی به NGOها در کنفرانس‌های سازمان ملل

طبق **بخش هفتم (Part VII)**، اعتباردهی به NGOها در کنفرانس‌های سازمان ملل مستلزم فرآیند شفاف «ارزیابی صلاحیت و ارتباط فعالیت‌ها با دستور کار کنفرانس» است، با سازوکارهایی مانند **ابلاغ فهرست درخواست‌ها به دولت‌ها و مهلت ۱۴ روزهٔ اظهارنظر** (پاراگراف ۴۶) و **الزام دبیرخانه به ارائهٔ توصیه‌ها حداقل یک هفته قبل از هر جلسه** (پاراگراف ۴۷). اگر BIC نقشهٔ ۲۵ ساله را در حاشیهٔ این نشست‌ها «به‌عنوان برنامهٔ

توسعه‌ای» معرفی کند، در حالی‌که واقعیت «طرح بهایی‌سازی» است، **misrepresentation** رخ می‌دهد و می‌تواند در همان سازوکار اعتباردهی به چالش کشیده شود.

منبع Part VII: https://www.un.org/esa/coordination/ngo/Resolution_1996_31/Part_7.htm

۸–۲. وظایف دبیرخانه و حمایت‌ها

بخش دهم (Part X) به اختیارات دبیرکل در ارائهٔ تسهیلات به NGOها می‌پردازد (توزیع سریع اسناد، دسترسی به خدمات مطبوعاتی، کتابخانه‌ها، محل جلسات، و...)؛ بدیهی است بهره‌گیری از این تسهیلات برای **پیشبرد پروژهٔ ایدئولوژیک**، سوءاستفاده از امکانات دبیرخانه تلقی می‌شود و با روح Part X ناسازگار است.

منبع Part X: https://www.un.org/esa/coordination/ngo/Resolution_1996_31/Part_10.htm

۹) بُرد سیاسیِ اصطلاحات «عصر تکوین» و «سفینه» در حقوق NGO

۹–۱. واژگان نشانه‌شناختی قدرت

«عصر تکوین» در ادبیات بهایی، تنها یک دورهٔ الهیاتی نیست؛ یک **فاز سازمانی–سیاسی** است که در آن، نظم اداری از سطح جامعهٔ مذهبی به سطح ساخت اقتدار نزدیک می‌شود. «سفینهٔ امرالله» نیز استعارهٔ تمرکز فرمان و حرکت همهٔ اجزا به سوی مقصد واحد است. این زبان، برای ارزیاب حقوق NGO معنایی روشن دارد: **جابجایی کارویژهٔ NGO از مشورت به فرماندهی تشکیلاتی**.

۹–۲. لبهٔ تیغ بند ۵۷(a)

هرگاه الگوی رفتاری NGO «نظام‌مند» و «مستمر» به‌سوی پیشبرد اهداف غیرهمسو با منشور و اصول سازمان ملل حرکت کند ـ مانند ترویج انحصارگرایی دینی، تبعیض، یا نفوذ در ساختارهای اجتماعی کشورها بدون هماهنگی ـ **بند ۵۷(a)** فعال می‌شود: «سوءاستفادهٔ آشکار از وضعیت مشورتی... شامل اقدامات با انگیزهٔ سیاسی علیه دولت‌های عضو...».

منبع Part VIII: https://www.un.org/esa/coordination/ngo/Resolution_1996_31/Part_8.htm

۱۰) جمع‌بندی عملیاتی: مصادیق «نقض» و «ترک فعل» در نقشهٔ ۲۵ ساله

۱۰–۱. نقض‌ها (افعال ممنوع)

1. **فعالیت فراملی بدون مشورت دولت‌ها** (Part I, para 8): اجرای برنامهٔ ۲۵ ساله در کشورها، بدون مدارک روشن از مشورت/مجوز.
2. **استفاده از جایگاه NGO برای هدف دینی–ایدئولوژیک** (Part I, para 2): رساندن «سفینه» به «قرن سوم» و تکمیل تکوین.

3. **ارائهٔ نادرست هدف با واژگان توسعه‌ای** (Part II, para 20): «فرد/جامعه/مؤسسه» در معنای بهایی، نه عمومی.
4. **سوءاستفاده از وضعیت مشورتی** (Part VIII, para 57): پیگیری خواست‌های سیاسی/مذهبی در پوشش پروژهٔ اجتماعی.

۱۰–۲. ترک فعل‌ها (Omissions)

1. **عدم شفافیت مالی و منبع حمایت‌ها** (Part I, para 13): فقدان اعلان از مسیر دبیرکل و ثبت کامل.
2. **عدم مرزبندی روشن بین تبلیغ دینی و اقدام اجتماعی** (Part I, para 3): مَحو مرز، موجب گمراهی ارزیاب.
3. **کاستی در گزارش ادواری چهارسالهٔ محتوایی–عملیاتی** (Part IX, para 61(c)): گزارش باید ماهیت واقعی برنامه‌ها را روشن کند.

نتیجهٔ نهایی

پیام ۳۰ دسامبر ۲۰۲۱ بیت‌العدل دربارهٔ «نقشهٔ ۲۵ ساله»، به‌روشنی یک **نقشهٔ تکوینی–فراملی** برای «هم‌افزایی سه‌گانهٔ فرد–جامعه–مؤسسه» با هدف «ظهور نیروی اجتماع‌سازی» و «رساندن سفینهٔ امرالله به قرن سوم» است. در هندسهٔ بهایی، این به معنای **تشدید فرآیند بهایی‌سازی اجتماعی** در کشورها و نزدیک‌شدن به فاز پایانی «عصر تکوین» است. اما در هندسهٔ حقوق NGOهای ملل متحد، این پروژه با چندین اصل بنیادین قطعنامهٔ **ECOSOC 1996/31** تعارض دارد:

- **Part I, para 8**: لزوم مشورت با دولت‌ها برای فعالیت ملی؛
- **Part I, para 2**: تطابق اهداف با روح منشور (بی‌طرفی، جهان‌شمولی)؛
- **Part II, para 20**: ماهیت مشورتی و صداقت در ارائهٔ اهداف؛
- **Part I, para 13** و **Part IX, para 61(c)**: شفافیت مالی و گزارش ادواری دقیق؛
- **Part VIII, para 55–۵۹**: پیامدهای سوءاستفاده از وضعیت مشورتی (تعلیق/لغو).

به‌موجب این مواد، **کمیتهٔ NGO** می‌تواند توصیه کند: یا **الزام به اصلاح رویه‌ها و شفاف‌سازی فوری** (مالی–محیط عملیاتی–ماهیت برنامه‌ها)، یا در صورت تداوم الگوهای کنونی، **تعلیق تا سه سال** یا **لغو وضعیت مشورتی** طبق **پاراگراف ۵۷(a)**. این جمع‌بندی از متن پیام و منطق درونی آن برمی‌آید که نقشهٔ ۲۵ ساله ـ به همین صورتی که اعلان شده ـ **پروژه‌ای تشکیلاتی–ایدئولوژیک** است و بهره‌گیری از جایگاه NGO برای پیشبرد آن، **عدم‌تطبیق جدی با رژیم حقوقی ECOSOC** به‌شمار می‌آید.

منابع رسمی سازمان ملل (برای استناد دقیق)

- Part I (paras 2, 3, 8, 13): https://www.un.org/esa/coordination/ngo/Resolution_1996_31/Part_1.htm
- Part II (para 20): https://www.un.org/esa/coordination/ngo/Resolution_1996_31/Part_2.htm
- Part VII (paras 46–۴۸): https://www.un.org/esa/coordination/ngo/Resolution_1996_31/Part_7.htm
- Part VIII (paras 55–۵۹, بەویژه ۵۷(a)): https://www.un.org/esa/coordination/ngo/Resolution_1996_31/Part_8.htm
- Part IX (para 61(c)): https://www.un.org/esa/coordination/ngo/Resolution_1996_31/Part_9.htm
- Part X (para 67): https://www.un.org/esa/coordination/ngo/Resolution_1996_31/Part_10.htm

مقاله ۹ :

▧ **تحلیل حقوقی بند پنجم پیام ۳۰ دسامبر ۲۰۲۱**

(موضوع: «دوای امراض عالم» و لایه‌ی تبلیغ دینی زیر پوشش پروژه‌های اجتماعی)

◇ **متن بند**

«نفوس مشتعلی که از طریق فرایندهای نقشه برمی‌خیزند طالب درک عمیق‌تری از تعالیم حضرت بهاءالله و بهره‌مندی از این ”درياق اعظم“ ”برای جميع امراض“ می‌باشند و خواهان اِعمال آن برحسب نيازمندی‌های اجتماع‌شان؛ متعهّد به سعادت همگانند و می‌دانند که آسايش و رفاه افراد، مشروط به آسايش و رفاه جامعهٔ بشری است.»

⚖ **تحلیل بر اساس آیین‌نامه ECOSOC 1996/31**

◇ **۱. تبلیغ دینی پنهان در قالب برنامه‌های اجتماعی**

نقض مقررات:

📃 *Part I, para 2*

,The aims and purposes of the organization shall be in conformity with the spirit“ ”.purposes and principles of the Charter of the United Nations

تحلیل:

عبارت «درياق اعظم برای جميع امراض» به‌روشنی اشاره به خودِ آیین بهایی دارد و پیام تأکید می‌کند که راه سعادت بشر، درک و اِعمال تعالیم بهاءالله است.

این یعنی هدف اصلی «فرایند نقشه» نه توسعه اجتماعی، بلکه **تبلیغ و ترویج آیین بهایی** است.

در حالی‌که NGOهای دارای وضعیت مشورتی نزد سازمان ملل **حق تبلیغ دینی یا القای باور خاص به جوامع هدف را ندارند** و باید اهداف خود را با روح منشور ملل متحد — یعنی احترام به تکثر فرهنگی و دینی — تطبیق دهند.

در نتیجه، این بند مصداق **نقض بند ۲** و خروج از مأموریت مشورتی NGO است.

🔗 [Part 1, para 2 – UN Source]

◇ **۲. ادعای درمان انحصاری «امراض عالم» و نفی سایر راه‌حل‌ها**

نقض مقررات:

📜 *Part II, para 18–۲۰*

Consultative arrangements… should not accord to non-governmental organizations the“ same rights of participation as States… [and] are to be made to secure expert information ”.or advice

تحلیل:

در نظام NGOهای سازمان ملل، نهاد مشورتی موظف است اطلاعات و تجربه‌های فنی ارائه کند، نه «نسخه نجات‌بخش دینی».

اما بیت‌العدل با بیان «درياق اعظم برای جميع امراض» عملاً ادعا می‌کند که راه‌حل نهایی مشکلات بشر فقط در شریعت بهایی است.

این نوع ادعا، NGO را از مقام *consultative expert* به مقام *religious missionary* تبدیل می‌کند — یعنی از مشورت علمی به تبلیغ عقیدتی.

چنین تغییری، **نقض صریح بندهای ۱۸ تا ۲۰** است و جایگاه NGO را از تخصص فنی به مداخله ایدئولوژیک تغییر می‌دهد.

🔗 [Part 2, para 18–۲۰ – UN Source]

◇ **۳. فریب سازمان ملل در ماهیت پروژه‌های اجتماعی**

نقض مقررات:

Part V, para 36–۳۷ 📃

Written statements relevant to the work of the commissions… may be submitted by“ ”.organizations… on subjects for which these organizations have a special competence

تحلیل:

جامعه جهانی بهایی در گزارش‌های رسمی خود به سازمان ملل (نظیر *For the Betterment of the World* – ۲۰۲۳) مدعی است پروژه‌هایش در حوزه‌های «حقوق زنان، آموزش، صلح و توسعه» فعالیت می‌کنند.
اما این بند از پیام نشان می‌دهد که **تمام آن پروژه‌ها در واقع با هدف رساندن مردم به شناخت تعالیم بهاءالله طراحی شده‌اند.**
یعنی «فرایند نقشه» همان بستر اجرای آموزش دینی است، نه توسعه اجتماعی.
این مصداق فریب نهادهای بین‌المللی (misrepresentation) است و به‌طور خاص **نقض الزامات بند ۳۶–۳۷** در گزارش‌دهی محتوای واقعی پروژه‌هاست.

[Part 5, para 36–۳۷ – UN Source]

◇ **۴. سوءاستفاده از جایگاه NGO برای القای نجات دینی**

نقض مقررات:

Part VIII, para 57(a) 📃

If an organization… abuses its status by engaging in a pattern of acts contrary to the“ purposes and principles of the Charter of the United Nations, including politically ”…motivated acts against Member States

تحلیل:

هرگاه NGO از موقعیت خود برای ترویج ایدئولوژی مذهبی یا نفی سایر ارزش‌ها استفاده کند، «abuse of status» محسوب می‌شود.
در این بند، بیت‌العدل انسان‌ها را «مریض» می‌نامد و نسخهٔ درمان را تعالیم بهاءالله می‌داند. این نگاه، همهٔ جوامع غیربهایی را بیمار و ناقص می‌خواند و فقط آیین بهایی را نجات‌بخش معرفی می‌کند.
چنین دیدگاهی، مغایر اصول منشور ملل متحد دربارهٔ احترام به تنوع و برابری اعتقادی است و **نقض بند ۵۷(a)** محسوب می‌شود.

[Part 8, para 57 – UN Source]

○ ۵. ترک فعل: عدم اطلاع‌رسانی صادقانه به ECOSOC

نقض مقررات:

📜 *Part IX, para 61(c)*

“Organizations… shall submit… every fourth year a brief report of their activities, specifically as regards the support they have given to the work of the United Nations.”

تحلیل:

جامعه جهانی بهایی موظف است هر چهار سال گزارش دقیقی از فعالیت‌هایش به ECOSOC ارائه کند و نشان دهد که چگونه از اهداف سازمان ملل حمایت کرده است.

اما هیچ‌کدام از گزارش‌های BIC به فعالیت‌های دینی، تبلیغی یا آموزه‌محور اشاره نمی‌کنند.

در حالی‌که همین بند پیام ثابت می‌کند ماهیت پروژه‌ها مذهبی است.

در نتیجه، **ترک فعل در گزارش‌دهی صادقانه** رخ داده و این تخلف باید در کمیته NGO بررسی شود.

[Part 9, para 61(c) – UN Source]

📃 جمع‌بندی حقوقی بند پنجم

محور	نوع تخلف	استناد آئین‌نامه‌ای	توضیح
تبلیغ دینی در قالب فعالیت اجتماعی	فعل ممنوع	Part I, para 2	نقض اصل بی‌طرفی و روح منشور ملل متحد
ادعای انحصاری درمان امراض بشری	فعل ممنوع	Part II, para 18–۲۰	خروج از نقش مشورتی و ورود به تبلیغ دینی
فریب در معرفی ماهیت پروژه‌ها	فعل ممنوع	Part V, para 36–۳۷	گزارش غیرواقعی از اهداف پروژه‌های توسعه‌ای
سوءاستفاده از وضعیت NGO	سوءاستفاده موقعیت	از Part VIII, para 57(a)	ترویج دیدگاه نجات انحصاری مذهبی
عدم گزارش صادقانه به ECOSOC	ترک فعل	Part IX, para 61(c)	پنهان‌سازی ماهیت دینی در گزارش‌های دوره‌ای

☑ نتیجهٔ نهایی

بند پنجم پیام بیت‌العدل نشان می‌دهد که هدف واقعی «نقشه‌های جهانی» نه اصلاح اجتماعی، بلکه **نجات دینی بشر از طریق ترویج آیین بهایی** است.

در ظاهر، جامعه جهانی بهایی در سازمان ملل از واژه‌هایی چون «توسعه پایدار، عدالت، حقوق بشر» استفاده می‌کند؛ اما در باطن، بر این باور است که تنها نسخهٔ نجات بشر، «درياق اعظم» یعنی آیین بهایی است.

این نوع رفتار — استفاده از قالب NGO برای اجرای پروژه‌های تبلیغی — مصداق روشن **abuse of consultative status** است و بر اساس بندهای ۵۵ تا ۵۹ قطعنامه ۱۹۹۶/۳۱، می‌تواند موجب **تعلیق یا لغو وضعیت مشورتی جامعه جهانی بهایی (BIC)** شود.

📚 **منابع رسمی سازمان ملل متحد:**

- Part 1, para 2
- Part 2, para 18–۲۰
- Part 5, para 36–۳۷
- Part 8, para 57
- Part 9, para 61(c)

مقاله ۱۰ :

دوای درد بشر یا ابزار سلطه؟ نقد ایدئولوژی درمان‌محور بهائیت در نقشهٔ جهانی بیت‌العدل

مقدمه: از «بیمار انگاری بشر» تا «درمان انحصاری»

در ادبیات رسمی بیت‌العدل، استعارهٔ «طبیب/بیمار» ستون فقرات الهیات اجتماعی است: بشریت «مبتلا»ست و «امر بهایی» دوا و «درياق اعظم» برای «جمیع امراض». در بند مورد بررسی از پیام ۳۰ دسامبر ۲۰۲۱، همین روایت صراحت می‌یابد: «نفوس مشتعلی که از طریق فرایندهای نقشه برمی‌خیزند... خواهان اِعمال [این درمان] برحسب نیازمندی‌های اجتماع‌شان‌اند». یعنی، خروجیِ فرایندهای نقشه (طرح روحی، حلقات، اقدام اجتماعی و...) نه صرفاً «خدمت» به معنای عرفی، بلکه **پیاده‌سازی نسخهٔ بهایی بر جوامع** است.

این ایده، وقتی کنار ادعاهای جامعه جهانی بهایی (BIC) در سازمان ملل گذاشته می‌شود—حقوق زنان، صلح، توسعهٔ پایدار، همزیستی ادیان—تناقضی بنیادی را آشکار می‌کند: در سطح بین‌المللی، زبان سکولار و جهان‌شمول؛ در سطح درونی، درمان‌گرایی انحصاری و مأموریت بهایی‌سازی. این دو سطح، از منظر حقوق NGOها نزد ECOSOC، نمی‌توانند همزمان و بی‌هزینه تداوم یابند؛ زیرا رابطهٔ مشورتی با شورای اقتصادی‌اجتماعی دقیقاً برای «اطلاعات تخصصی بی‌طرف» و «نمایندگی عناصر مهم افکار عمومی» طراحی شده، نه برای **پیشبرد عقیدهٔ نجات‌بخش انحصاری**. (United Nations)

بخش اول: تفسیر «بیماری بشر» و «درمان انحصاری» در نظام فکری بیت‌العدل

۱) «نفوس مشتعله» و خروجی نقشه: از یادگیرنده تا مُبَلّغ درمان

عبارت «نفوس مشتعلی که از طریق فرایندهای نقشه برمی‌خیزند» گروه‌مرجع روشنی دارد: افرادی که در مسیر مراحل آموزشی–تشکیلاتی (طرح روحی، کلاس اطفال، حلقات نوجوانان، فضاهای اقدام اجتماعی) از سطح یادگیری به سطح رهبری و تبلیغ ارتقا یافته‌اند. مأموریت آنان در متن، «اِعمال درياق اعظم» بر اجتماع است؛ یعنی، **ادغام آموزهٔ بهایی در زیست جمعی** و تلاش برای هم‌نوا کردن بافت اجتماعی با «نظم بدیع». از این‌رو، «خدمت» در قاموس نقشه، به‌جای کنش انسان‌دوستانهٔ بی‌طرف، به **ابزار پیاده‌سازی الگوی بهایی** تبدیل می‌شود.

۲) «درياق اعظم»؛ از استعارهٔ اخلاقی تا فتوای انحصار

وقتی «تعالیم بهاءالله» به‌عنوان «درياق اعظم برای جمیع امراض» معرفی می‌شود، نتیجهٔ منطقی آن این است: همهٔ نسخه‌های رقیب ناکارآمدند و تنها «امر» علاج‌بخش است. در خوانش درون‌تشکیلاتی، «سعادت» هم معنایی دینی دارد—سعادت حقیقی یعنی «قبول امر». پس هنگامی که پیام می‌گوید این نفوس «متعهد به سعادت همگانند»، مقصود، **دعوت به پذیرش امر** است، نه دفاع از خیر عمومی بی‌طرف. این جابجاییِ معنا—از «خیر همگانی» به «ایمان به دین خاص»—همان جایی است که نقشهٔ اجتماعی، به مأموریت تبلیغی–تشکیلاتی بدل می‌شود.

۳) پیامد معرفتی: نفیِ تکثر و تقدم یک قرائت نجات

در این دستگاه فکری، رفاه، سلامت و سعادت بشر به «پذیرش امر» گره می‌خورد. این نگاه، در سطح غایی، تکثر راه‌حل‌ها را نفی و یک روایت نجات را برتر می‌نشاند. اگر همهٔ انسان‌ها «مریض» و تنها «امر» درمان است، آنگاه فعالیت اجتماعی، حتی اگر «خدمت» نامیده شود، به‌صورت ساختاری **کنشِ تغییرِ اعتقاد و هویت** است—کنشی که از منظر حقوق بشر، حساس و نیازمند شفافیت و رضایت آگاهانهٔ مخاطبان است.

بخش دوم: تناقض با شعارهای جهانی BIC در سازمان ملل

۱) دو زبانه‌گی مفهومی: «صلح/توسعه/برابری» در بیرون، «نسخهٔ امر» در درون

BIC در اسناد و نشست‌های سازمان ملل از واژگان «توسعهٔ پایدار»، «برابری جنسیتی»، «گفت‌وگوی ادیان» استفاده می‌کند؛ اما همان ساختار مفهومی، در پیام داخلی، به «اِعمال درياق اعظم» و «بهایی‌سازی اجتماع» ترجمه می‌شود. به‌بیان ساده: **همان واژگان، دو معنا** دارند—یک معنای بیرونی (سکولار، جهان‌شمول) برای اخذ مشروعیت و دسترسی، و یک معنای درونی (فرقه‌ای، تشکیلاتی) برای اجرای نقشه.

از دید ECOSOC، این دوگانگی با فلسفهٔ «رابطهٔ مشورتی» ناسازگار است. رابطهٔ مشورتی به‌صراحت برای کسب «اطلاعات/مشورت تخصصی» از NGOهایی است که صلاحیت موضوعی دارند و برای بیان «عناصر مهم افکار عمومی»—نه برای **پیش‌برد بستهٔ اعتقادیِ از پیش‌تعیین‌شده**. این فلسفه در **Part II, para 18–۲۰** روشن شده و مرز میان «مشورت» و «دعوت/تبلیغ» را مشخص می‌کند. (United Nations)

۲) «سعادت همگان»؛ خیر عمومی یا غایت اعتقادی؟

وقتی «سعادت» و «رفاه» در متون درونی به پذیرش امر فروکاسته می‌شود، استفاده از این واژگان در مجامع بین‌المللی—بی‌آنکه معادل درونی آن افشا شود—**ارائهٔ نادرست هدف (misrepresentation)** است: مخاطب (سازمان ملل/دولت‌های عضو) می‌پندارد برنامه‌ها ارزش‌محور اما «بی‌طرف» است؛ در حالی‌که غایت برنامه، **جذب به نظم بهایی** است. ECOSOC در Part II, para 20 آشکارا تأکید می‌کند که ترتیبات مشورتی برای دسترسی به اطلاعاتِ کارشناسی و بیان دیدگاه‌های افکار عمومی است، نه برای پروژه‌های هنجاریِ یک دین خاص. (United Nations)

بخش سوم: تحلیل حقوقی—استانداردهای ECOSOC 1996/31 و تعارض‌های عملی

۱) اصل تطابق با روح منشور: خروج از بی‌طرفی

Part I, para 2 مقرر می‌کند «اهداف و مقاصد سازمان باید با روح، مقاصد و اصول منشور ملل متحد» منطبق باشد. روح منشور، تکثر، برابری و عدم تبعیض را مفروض می‌گیرد. وقتی یکِ NGO دارای وضعیت مشورتی، در اسناد داخلی خود سعادت و سلامت بشر را به پذیرش دین خاص مشروط می‌کند و پروژه‌های اجتماعی را حاملِ این غایت می‌سازد، از بی‌طرفی فاصله می‌گیرد و **با بند ۲ تعارض پیدا می‌کند**. (United Nations)

۲) فلسفهٔ رابطهٔ مشورتی: از «اطلاعات کارشناسی» تا «دعوت دینی»

Part II, para 18–۲۰ بر تمایز مشارکت دولتی/سازمانی و «رابطهٔ مشورتی» برای کسب مشورت/اطلاعات تخصصی از NGOها تأکید می‌کند. «درياق اعظم برای جميع امراض» یک ادعای الهیاتی–نجاتی است، نه یک بستهٔ تخصصی–علمی در حوزهٔ توسعهٔ اجتماعی. NGOای که به جای «مشورت تخصصی»، «دعوت دینی» را در متن مأموریت اجتماعی خود می‌نشاند، از فلسفهٔ رابطهٔ مشورتی عدول کرده است. (United Nations)

۳) شفافیت در بیان ماهیت فعالیت‌ها: تکلیف به گزارش واقع‌نما

Part V, paras 36–۳۷ دربارهٔ بیانیه‌های کتبیِ مرتبط با کار کمیسیون‌ها، صراحت دارد: NGO باید در موضوعاتی که «صلاحیت ویژه» دارد، اظهارنظر مکتوب ارائه کند. اگر «اقدام اجتماعی» در واقع **رسانهٔ دعوت دینی** باشد اما در بیانیه‌ها و گزارش‌ها به‌عنوان «برنامهٔ توسعه‌ای/آموزشی بی‌طرف» معرفی شود، تعهد «واقع‌نمایی» و «صلاحیت موضوعی» مخدوش می‌شود و مصداق **گمراه‌سازی محتوایی** است. (United Nations)

۴) سوءاستفاده از وضعیت مشورتی: الگوی رفتاری مستمر

Part VIII, para 55–۵۹ ابزارهای تعلیق و لغو وضعیت را برای موارد «عدم انطباق» پیش‌بینی کرده است؛ در **para 57(a)** به‌طور خاص اگر سازمان «الگوی رفتاری» مغایر با «مقاصد و اصول منشور» داشته باشد (از

جمله اعمال سیاسی/غیرمستند علیه دولت‌ها)، وضعیت تا سه سال تعلیق یا به‌طور کامل لغو می‌شود. القای «نجات انحصاری» و بهایی‌سازیِ اجتماعی در پوشش خدمت، الگوی رفتاری‌ای است که **با تکثر/بی‌طرفی منشور** همخوان نیست و ذیل «abuse of status» قابل طرح است. (United Nations)

۵) شفافیت مالی/اجرایی و گزارش ادواری

Part I, para 13 تصریح می‌کند هرگونه حمایت مالی—به‌ویژه دولتی—باید «علناً از طریق دبیرکل به کمیته اعلام و در سوابق مالی ثبت» شود. نقشه‌های فراملی، حتی اگر «قائم به تبرعات» معرفی شوند، به‌لحاظ اجرا مستلزم جریان‌های مالی/نیروی انسانی/زیرساخت‌اند. اعلام نکردن روشنِ سازوکار مالی–اجرایی پروژه‌های «اقدام اجتماعی» یک **ترک فعل** است و با بند ۱۳ تعارض دارد. نیز، **Part IX, para 61(c)** سازمان را مکلف می‌کند هر چهار سال گزارشی «مشخصاً دربارهٔ حمایتی که از کار سازمان ملل کرده» ارائه کند؛ اگر ماهیت واقعی برنامه‌ها (دعوت دینی) از گزارش‌ها حذف و با برچسب «توسعه» پوشانده شود، این گزارش **واقع‌نما** نیست و باید توسط کمیتهٔ NGO بازبینی شود. (United Nations)

بخش چهارم: تحلیل اخلاقی—آزادی وجدان، عدم اجبار، و شفافیت رضایت

۱) آزادی وجدان و دین: استانداردهای مادهٔ ۱۸ میثاق

مادهٔ ۱۸ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی (ICCPR) حق آزادی اندیشه، وجدان و دین را تضمین می‌کند: آزادی داشتن/پذیرفتن/تغییر دین یا اعتقاد، و آزادی ابراز آن. کمیتهٔ حقوق بشر در «تفسیر عمومی ۲۲» بر گسترهٔ این حق و مرزهای محدودسازیِ اعمال بیرونی دین (صرفاً برای حمایت از حقوق دیگران/نظم عمومی) تأکید می‌کند. **تحمیل نرم** عقیده از طریق پروژه‌های اجتماعیِ برچسب‌خورده به «توسعه»، اگر فاقد شفافیت هدف و رضایت آگاهانهٔ ذی‌نفعان باشد، با روح مادهٔ ۱۸ نمی‌خواند. (OHCHR)

۲) اخلاق شفافیت: حق دانستنِ هدف واقعی

کاربر/جامعهٔ هدف حق دارد بداند کنشگری که به نام «خدمت اجتماعی» وارد محله/مدرسه/جمعیت او می‌شود، در واقع **پروژهٔ دعوت دینی سازمان‌یافته** را پیش می‌برد یا نه. اصل «شفافیتِ رضایت» یک معیار اخلاقیِ حداقلی است؛ پوشاندن غایتِ اعتقادی پروژه‌ها، نقض این معیار و **استفادهٔ ابزاری از اعتماد عمومی** است.

بخش پنجم: سازوکار نقشه و پیوندهایش با ایدهٔ «درمان»

۱) از «یادگیری» تا «اِعمال نسخه»

در پیام‌های نقشه، «یادگیری» کلیدواژه‌ای تکرارشونده است: یادگیریِ خوانش واقعیت، یادگیریِ اقدام اجتماعی، یادگیریِ مشارکت در گفتمان‌ها. در بند حاضر، حلقهٔ نهایی آشکار می‌شود: «یادگیری» برای «اِعمال درياق اعظم». یعنی، یادگیری نه برای توانمندسازی بی‌طرف، بلکه برای **کادرسازیِ مُبلّغ–مجری** نسخهٔ بهایی.

۲) سه‌گانهٔ «فرد/جامعه/مؤسسه» به‌مثابه مدار بستهٔ درمان

سه سطح «فرد مؤمن–جامعهٔ محلی–مؤسسات بهایی»، مدار عملیاتی نقشه‌اند: فردِ آموزش‌دیده مأمور تبلیغ/اجرا در جامعهٔ محلی است؛ جامعه، بستر جذب و تثبیت؛ و مؤسسات، ناظر/فرمانده جهت‌دهی ایدئولوژیک. در این مدار، «خدمت» هم‌معنیِ «ایجاد پذیرش» است. طرح این سه‌گانه با واژگان توسعه‌ای در سطح سازمان ملل—بدون افشای معنای درونی—باز همان مسئلهٔ **misrepresentation** را به‌وجود می‌آورد که Part II, para 20 از آن برحذر می‌دارد. (United Nations)

بخش ششم: پاسخ به استدلال‌های توجیهی احتمالی

توجیه ۱) «ما فقط ارزش‌های معنوی مشترک را به اشتراک می‌گذاریم.»

پاسخ: بند پیام، «درياق اعظم برای جمیع امراض» را نام می‌برد و آن را به‌صراحت به تعالیم بهاءالله گره می‌زند؛ این «ارزش معنوی مشترک» نیست، **نسخهٔ دینی اختصاصی** است. وقتی خروجیِ نقشه مأمور «اِعمال» این نسخه بر اجتماع است، دیگر «اشتراک ارزش‌های عام» صادق نیست؛ بلکه «انفاذِ بستهٔ اعتقادی» است—که با بی‌طرفی مورد انتظار از NGOهای مشورتی ناسازگار است. (United Nations)

توجیه ۲) «هدف ما ارتقای رفاه و سعادت همگان است.»

پاسخ: اگر «سعادت» به‌طور درون‌متنی به «قبول امر» تقلیل یابد، آنگاه «رفاه همگان» به معنای **جذب همگان به ایمان بهایی** خواهد بود. چنین غایتی، باید صادقانه به سازمان ملل و جامعهٔ هدف اعلام شود—در غیر این‌صورت، **فریبِ هدف** رخ داده و ذیل Part V و Part IX قابل رسیدگی است. (United Nations)

توجیه ۳) «ما در چارچوب قانون کشورها عمل می‌کنیم.»

پاسخ: نقشه‌های فراملی، براساس Part I, para 8، در سطح «ملی» مستلزم **مشورت با دولت‌های عضو** هستند. ارائهٔ شواهد منسجم از این مشورت‌ها و مجوزها برای کشورها، لازمهٔ استمرار رابطهٔ مشورتی است. فقدان چنین شواهدی—به‌ویژه با گسترهٔ جغرافیایی–زمانی ۲۵ ساله—خودبه‌خود محل ایراد است. (United Nations)

بخش هفتم: رهیافت‌های نظارتی—چه باید مطالبه کرد؟

۱) **شفافیت هدف/روش:** در بیانیه‌ها و گزارش‌های ارسالی به کمیسیون‌ها/ECOSOC، ماهیت واقعیِ پروژه‌های «اقدام اجتماعی» روشن اعلام شود: آیا غایت، «دعوت دینی» و «تسجیل» است یا خیر؟ مستندات کارگاهی/آموزشی ارائه شود (Part V, paras 36–۳۷). (United Nations)

۲) **مشورت با دولت‌ها:** فهرست کشورهایی که «فرایندهای نقشه» در آنها اجرا می‌شود و متن مکاتبات/مجوزهای رسمیِ هر کشور ارائه گردد (Part I, para 8). (United Nations)

۳) **شفافیت مالی:** صورت‌های مالی تفصیلی پروژه‌ها، اعلام هرگونه حمایت مستقیم/غیرمستقیم دولتی از مجرای دبیرکل و ثبت در سوابق (Part I, para 13). (United Nations)

۴) **گزارش ادواریِ واقع‌نما:** گزارش‌های چهارساله که طبق Part IX, para 61(c) لازم است، با تفکیک دقیق «مخاطب بهایی/غیربهایی»، «شاخص‌های توسعه‌ای/شاخص‌های دعوت دینی»، و سازوکار شکایت ذی‌نفعان همراه شود. (United Nations)

۵) **بازبینی الگوی رفتاری:** کمیتهٔ NGO با اتکا به Part VIII, para 55–۵۹، در صورت استمرار الگوی «بهایی‌سازی در پوشش خدمت»، گزینهٔ **تعلیق وضعیت** تا سه سال یا **لغو وضعیت** را بررسی کند (به‌ویژه ۵۷(a)). (United Nations)

نتیجه‌گیری: از «خدمت» تا «سلطهٔ نرم»

بند مورد بحث، نقطهٔ کانونیِ تضاد است: در متنِ داخلی، «فرایندهای نقشه» کارخانهٔ تولید «نفوس مشتعله» است تا «درياق اعظم» را بر اجتماع «إعمال» کنند—یعنی، **بهایی‌سازی جامعه**. در بیرون، همان پروژه‌ها با برچسب «اقدام اجتماعی» به سازمان ملل عرضه می‌شود تا دسترسی و مشروعیت به دست آید. این دوگانه، هم از حیث حقوقی و هم از حیث اخلاقی مسئله‌ساز است:

- **حقوقی:** خروج از بی‌طرفی (Part I, para 2)، عدول از فلسفهٔ مشاورهٔ تخصصی (Part II, para 18–۲۰)، گمراه‌سازی محتوایی (Part V, paras 36–۳۷)، ترک فعل در شفافیت مالی/گزارشی (Part I, para 13؛ Part IX, para 61(c))، و نهایتاً **سوءاستفاده از وضعیت** (Part VIII, para 57(a)). (United Nations)
- **اخلاقی/حقوق بشری:** تقلیل «سعادت/رفاه» به «قبول امر»، و پیشبرد دعوت دینی در پوشش خدمت، با «آزادی وجدان» و حق انتخاب/تغییر عقیده (ICCPR ماده ۱۸ و تفاسیر کمیتهٔ حقوق بشر) در تنش است. (OHCHR)

تا وقتی این لایهٔ زیرین شفاف نشود—و تا وقتی BIC به‌صراحت اذعان نکند که «اقدام اجتماعی»اش حامل غایتِ اعتقادیِ خاص است—ادامهٔ بهره‌مندی از مزایای رابطهٔ مشورتی با ECOSOC، از منظر مقررات ۱۹۹۶/۳۱، محل ایراد جدی خواهد بود. سازوکارهای پیش‌بینی‌شدهٔ قطعنامه نیز روشن‌اند: **الزام به اصلاح رویه‌ها و شفاف‌سازی فوری**؛ و در صورت استمرار الگو، **تعلیق یا لغو وضعیت مشورتی**. (United Nations)

منابع کلیدی

- **ECOSOC Resolution 1996/31 – Parts I, II, V, VIII, IX** (وب‌سایت رسمی سازمان ملل). (United Nations)

• **میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، ماده ۱۸** و **تفسیر عمومی ۲۲ کمیتهٔ حقوق بشر** (OHCHR/HR Committee). (OHCHR)

مقاله ۱۱ :

«نه دنبال قدرتیم، نه حکومت»؛ اما «سلطنت الهیّه»؟ — پارادوکس «شهروند وفادارِ غیرحزبی» در کنار نقشهٔ حاکمیتی

«این نفوس شهروندانی وفادارند که از حزب‌گرایی و رقابت برای کسب قدرت دنیوی احتراز می‌جویند...»

همزمان، در همان بدنهٔ مرجع رسمی جامعهٔ جهانی بهایی (BIC) توقیعی از شوقی‌افندی منتشر و نگه‌داری می‌شود که مسیر رسیدن آیین بهایی را از «استقلال» تا «رسمیت»، سپس «تأسیس سلطنت الهیه»، و نهایتاً «سلطنت جهانی» و «محکمهٔ کبری» ترسیم می‌کند. این سند، در وبگاه مرجع آثار بهائیِ وابسته به جامعهٔ بین‌المللی بهایی در دسترس است. (reference.bahai.org)

نتیجه؟ یک **پارادوکس آشکارِ پیام–عمل**: در بیرون، نفی رقابت بر سر قدرت؛ در درون، نقشهٔ مرحله‌به‌مرحلهٔ نیل به ساختارهای حاکمیتی.

جمع‌بندی حقوقی (بر پایهٔ ECOSOC 1996/31) روی همین بند

۱) ادعای «غیرحزبی/غیرسیاسی» در گفتار عمومی، در کنار غایتِ حاکمیتی در منابع رسمیِ داخلی → «ارائهٔ نادرست هدف (Misrepresentation)»

وظیفهٔ یکِ NGO دارای وضعیت مشورتی نزد ECOSOC، ارائهٔ **اطلاعات/مشورت تخصصی بی‌طرفانه** و بازتاب «عناصر مهم افکار عمومی» است، نه پیشبرد یک بستهٔ هنجاریِ از پیش‌تعیین‌شده برای قبضهٔ نظم اجتماعی. تصریح به پرهیز از رقابت قدرت در گفتار عمومی، وقتی با متون درون‌سازمانیِ رسم‌آور به «سلطنت الهیه/جهانی» همراه است، **ارائهٔ نادرست ماهیت و غایت** فعالیت‌ها محسوب می‌شود و با فلسفهٔ رابطهٔ مشورتی در **Part II, para 20** ناسازگار است. (United Nations)

۲) لزوم همخوانی اهداف با «روح منشور» و بی‌طرفی ارزشی

ECOSOC صراحتاً می‌خواهد اهداف NGO با **روح منشور ملل متحد** هماهنگ باشد (**Part I, para 2**). بستهٔ غاییِ «استقرار سلطنت الهیه/جهانی» - ولو در افق‌های دور - با بی‌طرفی ارزشی مورد انتظار از یکِ NGO مشورتی در تنش است؛ مخصوصاً وقتی فعالیت‌های میدانی با برچسب‌هایی چون «مشورت، امانت، صداقت،

تعاون» به‌عنوان رفتارهای عمومی عرضه می‌شود، اما در ادبیات مرجع به مسیر حاکمیتی گره می‌خورد. (United Nations)

۳) تعهد به شفافیت مالی/اجرایی با واقع‌نماییِ هدف

پافشاری بر غیرحزبی‌بودن و «خردگرایی/علم/همکاری» باید با **شفافیت در منابع مالی، حامیان، و مقاصد واقعی برنامه‌ها** همراه باشد (**Part I, para 13**). هر پروژهٔ به‌ظاهر اجتماعی که در عمل حاملِ غایتِ هنجاری–حاکمیتی باشد، اگر بدون اعلان صریحِ هدف و منبع، در گزارش‌ها و بیانیه‌ها با زبان توسعه‌ای معرفی شود، مصداق **کتمان هدف/ترکِ فعلِ شفافیت** است. (United Nations)

۴) تکلیف به گزارش چهارسالهٔ «واقع‌نما»

NGOهای دارای وضعیت مشورتی باید هر چهار سال گزارش دهند که **به‌طور مشخص چگونه از کار سازمان ملل پشتیبانی کرده‌اند** و ماهیت فعالیت‌هایشان چیست (**Part IX, para 61(c)**). اگر در گزارش‌ها «غیرحزبی/غیرسیاسی» بازنمایی شود، ولی مدارک رسمیِ خودِ BIC، مسیرِ حاکمیتی را به‌عنوان افق ترسیم کند، **واقع‌نمایی زیر سؤال** است و کمیتهٔ NGO می‌تواند پرونده را باز کند. (United Nations)

موارد واجد شرایط «تعلیق» (مطابق Part VIII)

- **الگوی رفتاریِ مستمرِ ارائهٔ نادرست هدف (Misrepresentation):** ادعای «عدم‌طلب قدرت» در مجامع بین‌المللی، در کنار نقشهٔ داخلی با افق «سلطنت الهیه/جهانی» و «محکمهٔ کبری»، مصداق **سوءاستفاده از وضعیت مشورتی** و می‌تواند موجب **تعلیق** وضعیت تا سه سال یا **لغو** شود (**Part VIII, para 57(a)**). (United Nations)
- **عدم شفافیت در منابع/حمایت‌ها و مقاصد عملیاتی:** قصور در اعلان‌های مالی و تبیین صریحِ غایتِ پروژه‌های به‌ظاهر اجتماعی، ترکِ فعل است که می‌تواند مبنای بررسی و **تعلیق** قرار گیرد (پیوند **Part I, para 13** با **Part VIII, paras 55–۵۹**). (United Nations)
- **گزارش‌های ادواریِ غیرواقع‌نما:** اگر گزارش چهارساله مطابق **Part IX, para 61(c)** محتوای واقعی/غایت هنجاری را نشان ندهد، کمیته می‌تواند پیشنهاد **تعلیق** بدهد (Part VIII). (United Nations)

یادداشت: «تعلیق» در متن ECOSOC به‌طور صریح برای الگوهای سوءاستفاده از وضعیت پیش‌بینی شده و تمهیدات آن در **Part VIII, paras 55–۵۹** آمده است؛ بند **۵۷(a)** به‌ویژه برای الگوهای مغایر با «مقاصد و اصول منشور» کاربرد مستقیم دارد. (United Nations)

چرا این بند دقیقاً «پارادوکس» می‌سازد؟

1. **گفتار عمومی:** «شهروند وفادار غیرحزبی، پرهیز از قدرت‌طلبی، ترویج مشورت/اخوت»؛

2. **متن‌های مرجع رسمی BIC**: ترسیم خطی–مرحله‌ای برای گذار به «استقلال ← رسمیت ← سلطنت الهیه ← سلطنت جهانی ← محکمهٔ کبری»؛ یعنی افق **حاکمیتی**. (reference.bahai.org)

چنان‌چه NGOای در سازمان ملل **غایت حاکمیتی دور/نزدیک** را پنهان کند اما از مزایای دسترسی/اعتبار برای توسعهٔ شبکهٔ خود بهره بگیرد، از نظر ECOSOC مصداق «ابهام هدف/سوءاستفاده از وضعیت» است و **تعلیق** ابزار صریحِ حقوقی برای مهار آن است. (United Nations)

اقدام‌های پیشنهادی برای طرح در کمیتهٔ NGO (ECOSOC)

1. **درخواست «اظهارنامهٔ رسمی عدم‌تعقیب غایت حاکمیتی»** از BIC: تبیین کتبی اینکه پروژه‌ها هیچ هدف حاکمیتی/سلطه‌جویانه ندارند و مرزبندی دقیق میان فعالیت اجتماعی و افق‌های دینی/سیاسی. (اگر امتناع شود، قرینهٔ کافی برای بررسی **تعلیق**.) — مستند: Part II, para 20 + Part VIII. (United Nations)
2. **ارائهٔ کلیهٔ موافقت‌نامه‌های کشوربه‌کشور** دربارهٔ اجرای برنامه‌ها (آموزشی/اجتماعی/تحقیقی) طبق **Part I, para 8**؛ فقدان این اسناد، مستمسک بررسی **تعلیق** به‌سبب فعالیت فراملی بدون مشورت دولت‌ها است. (United Nations)
3. **شفافیت مالی کامل** (حامیان، جریان‌های ورودی/خروجی، قراردادها/گرنت‌ها) طبق **Part I, para 13**؛ قصورِ پیوسته، مبنای **تعلیق**. (United Nations)
4. **بازنویسی گزارش چهارسالهٔ اخیر** با افشای صریحِ غایت/شاخص‌ها (تفکیک «خدمت عمومی» از «دعوت دینی–تشکیلاتی») بر مبنای **Part IX, para 61(c)**؛ امتناع یا ارائهٔ غیرواقع‌نما ⇐ پیشنهاد **تعلیق**. (United Nations)

سند مرجع داخلی که پارادوکس را اثبات می‌کند

- مرجع رسمی جامعهٔ جهانی بهایی (reference.bahai.org) صفحهٔ «توقیعات مبارکه»؛ شامل متن شوقی‌افندی دربارهٔ مسیر «استقلال ← رسمیت ← تأسیس سلطنت الهیّه ← سلطنت جهانی ← محکمهٔ کبری/صلح اعظم» که افق حاکمیتی را تصریح می‌کند. **این منبع، در همان دامنهٔ وابسته به BIC میزبانی می‌شود** و برای طرح در پروندهٔ ECOSOC کفایت می‌کند. (reference.bahai.org)

منابع سازمان ملل (برای استناد مستقیم):

- **ECOSOC 1996/31 — Part I (paras 2, 8, 13)**: فلسفهٔ همخوانی با منشور، مشورت با دولت میزبان، شفافیت مالی. (United Nations)
- **Part II (para 18–۲۰)**: ماهیت «مشورتی» و مرزبندی با مشارکت/قدرت سیاسی؛ منع «ارائهٔ نادرست هدف». (United Nations)

• **Part IX (para 61(c))**: گزارش‌های چهارسالهٔ واقع‌نما. (United Nations)
• **Part VIII (paras 55–۵۹**، **به‌ویژه ۵۷(a))**: سازوکار **تعلیق**/لغو در صورت «سوءاستفاده از وضعیت». (United Nations)

مقاله ۱۲ :

📃 گزارش و شکایت رسمی درباره جامعه جهانی بهایی (Bahá'í International Community – BIC)

خطاب به: *United Nations ECOSOC Committee on Non-Governmental Organizations*

موضوع: بررسی مغایرت فعالیت‌های *Bahá'í International Community* با مفاد قطعنامه ۱۹۹۶/۳۱ و درخواست تعلیق وضعیت مشورتی آن

⚲ مقدمه

با احترام، این گزارش جهت بررسی تخلفات احتمالی جامعه جهانی بهایی (BIC) از مفاد قطعنامه مصوب شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل متحد (ECOSOC Resolution 1996/31) تقدیم می‌شود.
هدف، نشان دادن تناقض بنیادین میان **اهداف اعلامی BIC در سازمان ملل** (غیرحزبی، صلح‌طلب، توسعه‌گرا) و **اهداف واقعی آن در اسناد رسمی داخلی و بیانیه‌های نهاد بالادستی آن (بیت‌العدل اعظم)** است؛ اهدافی که ماهیت آشکاراً حاکمیتی دارند و در تضاد با اصل مشورت بی‌طرفانه و غیرسیاسی مندرج در اسناد سازمان ملل می‌باشند.

بخش اول – بیان موضوع و مستندات اولیه

در سایت رسمی جامعه جهانی بهایی (https://reference.bahai.org) و سایر شاخه‌های وابسته به آن، توقیعی از «شوقی افندی» منتشر شده که به روشنی مسیر تشکیلات بهایی را چنین ترسیم می‌کند:

«... این استقلال ممهّد سبیل از برای رسمیت آئین الهی و ظهور نصرتی عظیم... و این رسمیت مبدّل و منجر به تأسیس سلطنت الهیه و ظهور سلطهٔ زمنیهٔ شارع این امر عظیم گردد... و این سلطنت الهیه مآلاً به تأسیس و استقرار سلطنت جهانی و تشکیل محکمه کبری... منتهی گردد.»

منبع رسمی: توقیعات مبارکه، جلد ۵، صفحه ۱۲۱، سایت جامعه جهانی بهایی

این متن، مسیر تحقق سلطنت جهانی بهایی را بخشی از «نقشهٔ تکوین آیین بهایی» معرفی می‌کند؛ حال آنکه در بیانیه‌های رسمی BIC در سازمان ملل، این نهاد خود را «غیرحزبی و غیرسیاسی» معرفی می‌کند و از تعهد به

بی‌طرفی سخن می‌گوید.
تناقض میان گفتار رسمی و هدف واقعی، جوهره‌ی این شکایت است.

⚖️ بخش دوم – تحلیل حقوقی تخلفات بر اساس قطعنامه ۱۹۹۶/۳۱

۱. ارائه نادرست هدف (Misrepresentation)

نقض Part II, para 20 و Part I, para 2

- طبق پاراگراف ۲۰ بخش دوم، NGOهای دارای وضعیت مشورتی باید فعالیت خود را در چهارچوب «مشورت بی‌طرفانه» محدود کنند و از هرگونه فعالیت سیاسی یا تبلیغی پرهیز نمایند.
- اما انتشار و ترویج توقیع فوق (حاوی هدف «سلطنت جهانی») از سوی جامعه جهانی بهایی نشان می‌دهد که هدف واقعی آن نه صرفاً مشاوره، بلکه پیگیری یک نظم جهانی خاص با محوریت آیین بهایی است.

◇ **نتیجه:** این رفتار مصداق «ارائه نادرست هدف» است که **موجب تعلیق** وضعیت مشورتی طبق Part VIII, para 57(a) می‌باشد.
📎 استناد: Part 2, para 20
📎 استناد: Part 8, para 57(a)

۲. نقض اصل بی‌طرفی و مغایرت با منشور ملل متحد

نقض Part I, para 2

قطعنامه ۱۹۹۶/۳۱ تأکید دارد که فعالیت NGOها باید «در جهت تحقق اهداف و اصول منشور ملل متحد» باشد.
تبلیغ پروژه‌ای دینی با هدف نهایی «سلطنت الهیه و سلطنت جهانی» با اصول منشور از جمله برابری ادیان، آزادی وجدان و تفکیک نهاد دین از قدرت سیاسی در تضاد است.

◇ **نتیجه:** استمرار چنین فعالیت‌هایی از سوی یک NGO مشورتی مصداق «الگوی رفتاری مغایر با منشور» است و **موجب تعلیق یا لغو** وضعیت مشورتی طبق Part VIII, para 57(a).
📎 استناد: Part 1, para 2

۳. عدم شفافیت در اهداف و منابع مالی

نقض Part I, para 13

BIC در گزارش‌های ادواری خود به سازمان ملل (از جمله گزارش *For the Betterment of the World*, ۲۰۲۳*) هدف فعالیت‌های اجتماعی خود را «توسعه انسانی و اجتماعی» معرفی کرده است، بی‌آنکه افشا کند این

فعالیت‌ها در واقع بخشی از «نقشه جهانی گسترش آیین بهایی» هستند که از مرکز حیفا هدایت می‌شود.
همچنین، منبع مالی اجرای این پروژه‌ها (به‌ویژه تبرعات جهانی بیت‌العدل) هرگز به‌طور شفاف در گزارش‌های ECOSOC اعلام نشده است.

◇ **نتیجه:** عدم افشای ماهیت واقعی و منابع مالی، **ترک فعل شفافیت مالی** محسوب می‌شود و می‌تواند مستند پیشنهاد **تعلیق** بر اساس Part VIII, para 55–۵۹ قرار گیرد.
📎 استناد: Part 1, para 13

۴. گزارش‌های غیرواقع‌نما و پنهان‌سازی هدف مذهبی

نقض Part IX, para 61(c)

طبق این بند، هر NGO باید هر چهار سال یک گزارش شفاف درباره نحوه پشتیبانی از اهداف سازمان ملل ارائه کند.
جامعه جهانی بهایی در گزارش‌های خود، پروژه‌های مذهبی و تشکیلاتی را در قالب «خدمت اجتماعی و آموزشی» بازنمایی می‌کند. این رفتار مصداق «گزارش غیرواقع‌نما» است.

◇ **نتیجه:** ارائه گزارش غیرواقعی و پنهان‌سازی هدف مذهبی، از مصادیق سوءاستفاده از وضعیت مشورتی است و قابل **تعلیق** طبق Part VIII, para 57 می‌باشد.
📎 استناد: Part 9, para 61(c)

۵. فعالیت فراملی بدون مشورت با دولت‌ها

نقض Part I, para 8

در متن نقشه‌های جهانی بیت‌العدل، صریحاً آمده که این نقشه‌ها در «تمام کشورها و محدوده‌های جغرافیایی» اجرا خواهند شد.
اما هیچ مدرکی دال بر هماهنگی رسمی BIC با دولت‌های میزبان وجود ندارد.
مطابق بند ۸، NGOهای ملی و منطقه‌ای باید پیش از هر اقدام، با دولت میزبان مشورت کنند.

◇ **نتیجه:** اجرای برنامه‌های فراملی بدون اطلاع دولت‌ها مصداق نقض بند ۸ و موجب **تعلیق وضعیت مشورتی** است.
📎 استناد: Part 1, para 8

📃 بخش سوم – تحلیل محتوایی و پارادوکسی

در پیام‌های رسمی بیت‌العدل (از جمله پیام ۳۰ دسامبر ۲۰۲۱)، همواره تأکید می‌شود که بهاییان باید از «رقابت برای قدرت دنیوی» پرهیز کنند.
اما در همان بدنهٔ تشکیلات، مسیر دست‌یابی به «سلطنت الهیه» و «سلطنت جهانی» به عنوان هدف غایی معرفی می‌شود.

این تضاد آشکار میان «ادعای پرهیز از سیاست» و «نقشه حاکمیتی» نه فقط مسئله‌ای کلامی، بلکه مسئله‌ای **حقوقی و سازمانی** است:
NGOای که مأموریت خود را حاکمیت جهانی دینی بداند، نمی‌تواند مدعی فعالیت بی‌طرفانه در قالب نظام ملل متحد باشد.

⚖️ بخش چهارم – نتیجه‌گیری و درخواست رسمی

با توجه به مستندات فوق، موارد زیر صریحاً **با مفاد قطعنامه ۱۹۹۶/۳۱ مغایرت دارد** و مطابق Part VIII مستوجب **تعلیق** وضعیت مشورتی جامعه جهانی بهایی است:

ردیف	نوع تخلف	بند نقض‌شده	پیامد حقوقی
۱	ارائه نادرست هدف و ماهیت فعالیت‌ها	Part II, para 20	**تعلیق** طبق Part VIII, para 57(a)
۲	مغایرت اهداف با منشور ملل متحد	Part I, para 2	**تعلیق** یا لغو وضعیت مشورتی
۳	عدم شفافیت مالی و پنهان‌سازی منابع	Part I, para 13	**تعلیق** تا ارائه گزارش شفاف
۴	گزارش غیرواقعی و فریبکارانه به ECOSOC	Part IX, para 61(c)	**تعلیق** تا بازبینی گزارش‌ها
۵	اجرای فعالیت‌های فراملی بدون هماهنگی دولت‌ها	Part I, para 8	**تعلیق** فوری طبق Part VIII

📄 موخره

جامعه جهانی بهایی از جایگاه رسمی NGO مشورتی در سازمان ملل برای پیشبرد برنامه‌هایی استفاده می‌کند که در متون رسمی‌اش، بخشی از نقشه‌ای جهانی برای **استقرار حکومت بهایی** معرفی شده‌اند.
این امر، مصداق روشن «سوءاستفاده از وضعیت مشورتی» است.

با توجه به موارد فوق، به استناد مواد زیر از قطعنامه ۱۹۹۶/۳۱:

- **Part VIII, paragraphs 55–۵۹ (به‌ویژه بند ۵۷(a))**
- **Part I, paragraph 2**

Part II, paragraph 20 •

این گزارش پیشنهاد می‌کند:

🟤 کمیته NGOهای ECOSOC، بررسی فوری وضعیت جامعه جهانی بهایی (BIC) را در دستور کار قرار داده و تا ارائه مستندات مالی و توضیح رسمی درباره اهداف واقعی، **تعلیق موقت وضعیت مشورتی آن به مدت سه سال** را اعمال نماید.

📑 **ضمائم قابل استناد:**

1. پیام بیت‌العدل ۳۰ دسامبر ۲۰۲۱ (به‌ویژه بند مربوط به «نقشه جهانی» و «نیروی اجتماع‌سازی»).
2. توقیع شوقی افندی (نوروز ۱۱۰ بدیع)، منتشرشده در سایت رسمی جامعه جهانی بهایی.
3. گزارش رسمی BIC به سازمان ملل (For the Betterment of the World, 2023).
4. ECOSOC Resolution 1996/31 (Parts I, II, VIII, IX).

☑ **نتیجه نهایی:**

جامعه جهانی بهایی، برخلاف ادعای خود مبنی بر عدم دخالت در سیاست و فعالیت غیرحزبی، در عمل مأموریت یک ساختار مذهبی با اهداف حاکمیتی را دنبال می‌کند.

این رفتار نقض آشکار مقررات سازمان ملل است و مستوجب **تعلیق وضعیت مشورتی** طبق مواد فوق می‌باشد.

مقاله ۱۳ :

⚖ گزارش حقوقی و تحلیلی بر بند مربوط به "دخول افواج" و "برنامه‌های رشد" در پیام ۳۰ دسامبر ۲۰۲۱

موضوع: سوءاستفاده از وضعیت NGO برای اجرای طرح مذهبی و فراملی «دخول افواج»

مرجع: ECOSOC Resolution 1996/31 (Parts I, II, VIII)

📍 **مقدمه**

در این بند از پیام بیت‌العدل، محور اصلی به‌ظاهر حول مفهوم «پیشرفت اجتماعی در محدوده‌های جغرافیایی» می‌گردد، اما در بطن آن برنامه‌ای کاملاً مذهبی و تشکیلاتی نهفته است.

عبارت‌هایی مانند «دخول افواج»، «انتشار انوار ظهور بهاءالله»، و «گسترش ریشه‌های شجره امر مبارک در اجتماع» نشان می‌دهد که هدف واقعی، **افزایش جمعیت بهاییان در تمام کشورها** و تثبیت تشکیلات اداری آنان تحت پوشش فعالیت‌های اجتماعی است.

در نگاه حقوقی، این بخش از پیام آشکارا مصداق **تخلف از مقررات NGOهای دارای وضعیت مشورتی در سازمان ملل** است، زیرا در ظاهر تحت عنوان فعالیت اجتماعی و توسعه، ولی در واقع به هدف تبلیغ مذهبی و نفوذ فراملی طراحی شده است.

❖ متن اصلی پیام

«حرکت محدوده‌های جغرافیایی جلوهٔ عظیم‌تری از نیروی اجتماع‌سازی آیین بهائی قبل از هر چیز محتاج حصول پیشرفت بیشتری در فرایند دخول افواج در همهٔ نقاط جهان می‌باشد. اقداماتِ اساساً روحانیِ انتشار وسیع‌تر انوار ظهور حضرت بهاءالله و گسترش عمیق‌تر ریشه‌های شجرهٔ امر مبارک در اجتماع همانا دست‌آوردهای قابل سنجشی دارد: تعداد محدوده‌های جغرافیایی با یک برنامهٔ رشد، و میزان پیشرفتی که هر برنامه حاصل نموده است... هدفی که جامعهٔ اسم اعظم باید طیّ سلسله نقشه‌های جهانی جاری مشتاق تحقّق آن باشد تأسیس برنامه‌های فشردهٔ رشد در همهٔ محدوده‌های جغرافیایی عالم است.»

🔍 تحلیل تفصیلی مفهومی

۱. «دخول افواج»؛ مفهوم دینی در پوشش اجتماعی

عبارت «دخول افواج» (به معنای ورود دسته‌جمعی مردم به آیین بهایی) ریشه در آثار بهاءالله و شوقی افندی دارد و هرگز مفهومی اجتماعی یا مدنی نبوده است. در متون رسمی بهایی، این عبارت نشانهٔ مرحله‌ای از پیشرفت تشکیلات است که طی آن «توده‌های مردم» به دین بهایی وارد می‌شوند.

در ظاهرِ پیام، بیت‌العدل این فرایند را در کنار مفاهیم توسعه‌ای مانند «برنامه رشد» و «نیروی اجتماع‌سازی» قرار می‌دهد تا برای ناظران بین‌المللی شبیه طرح‌های آموزشی و توانمندسازی به نظر برسد.
اما هدف واقعی این است که در هر کشور، از طریق پروژه‌های ظاهراً اجتماعی، **افواج تازه‌ای از مردم وارد شبکه تشکیلاتی بهایی شوند.**

- به تعبیر دیگر:

«اقدام اجتماعی» ← مقدمهٔ جذب؛
«برنامه رشد» ← ساختار تربیتی بهایی؛
«دخول افواج» ← نتیجهٔ نهایی (تبدیل مردم به بهاییان).

۲. «برنامه رشد»؛ ابزار سازمان‌یافته برای تسجیل جمعیتی

در پیام‌های قبلی بیت‌العدل (از جمله ۲۹ دسامبر ۲۰۱۵ و ۲۱ آوریل ۲۰۱۶)، «برنامه رشد» تعریف مشخصی دارد: تشکیل گروه‌های مطالعاتی و فعالیت‌های آموزشی که در ظاهر برای بهبود جامعه است، اما در عمل ساختار ورودی به تشکیلات بهایی است.

در این بند نیز شاخص موفقیت نقشه، «تعداد محدوده‌های جغرافیایی با برنامه رشد» اعلام شده است — یعنی هر منطقه‌ای که در آن شبکه‌ای از حلقات روحی و اعضای بهایی شکل گرفته باشد.

بنابراین، بیت‌العدل عملاً آمار پیشرفت تشکیلاتی خود را در قالب گزارش اجتماعی تنظیم می‌کند تا در مجامع بین‌المللی از آن به عنوان شاخص توسعه اجتماعی یاد کند. این همان فریب نهادی (Institutional Misrepresentation) است که در نظام NGOها **قابل پیگرد و موجب تعلیق وضعیت مشورتی** است.

۳. «انتشار انوار ظهور»؛ مأموریت تبلیغ مذهبی در سطح جهان

عبارت «انتشار انوار ظهور حضرت بهاءالله» صریح‌ترین اشاره به هدف مذهبی دارد. این عبارت به هیچ وجه قابل تأویل به معنای غیرتبلیغی نیست و در متون بهایی همواره معادل «تبلیغ دین» آمده است.
به همین دلیل، این بخش از پیام نشان می‌دهد که:

کل نقشهٔ نه‌ساله و سلسلهٔ نقشه‌های جهانی، ابزار اجرایی برای تبلیغ دین بهایی در مقیاس جهانی است.

این امر در تناقض مطلق با **Part II, para 20** آیین‌نامه NGOهاست، که تصریح می‌کند رابطهٔ مشورتی صرفاً برای تبادل نظر و ارائه اطلاعات تخصصی مجاز است، نه برای تبلیغ عقیده یا توسعهٔ ایدئولوژی خاص.

📎 استناد: Part 2, para 20

◇ **نتیجه:** فعالیت تبلیغی و گسترش مذهبی در پوشش اقدام اجتماعی، مصداق سوءاستفاده از وضعیت NGO است و بر اساس **Part VIII, para 57(a)** موجب تعلیق وضعیت مشورتی می‌شود.

۴. «محدوده‌های جغرافیایی»؛ نظام تقسیم‌بندی فراملی و نقض حاکمیت کشورها

بیت‌العدل در این بند، جهان را به «محدوده‌های جغرافیایی» تقسیم می‌کند که هرکدام باید دارای «برنامه رشد» باشند. این تقسیم‌بندی بر اساس مرزهای سیاسی کشورها نیست، بلکه یک نظام داخلی تشکیلات بهایی است (اصطلاحاً *Cluster System*).
در واقع، بیت‌العدل با نادیده‌گرفتن دولت‌ها، جهان را بر اساس نقشه تشکیلاتی خود به چند هزار منطقه تقسیم کرده و برای هر منطقه، ساختار مدیریتی و مالی مستقل ایجاد کرده است.

این ساختار موازی، از نظر حقوق بین‌الملل، **نقض اصل حاکمیت ملی و تمامیت ارضی کشورها** محسوب می‌شود و در چهارچوب آیین‌نامه ECOSOC، تجاوز از حدود صلاحیت NGO است.

📎 استناد: Part I, para 8

◇ **نتیجه:** فعالیت در محدوده‌های جغرافیایی بدون مشورت با دولت‌های میزبان، تخلف از بند ۸ است و طبق **Part VIII, para 57(a)** منجر به تعلیق یا لغو وضعیت مشورتی می‌گردد.

۵. «پیشرفت قابل سنجش»؛ شاخص‌سازی مذهبی به جای توسعه اجتماعی

در بند مورد بحث، معیار سنجش پیشرفت عبارت است از:

«تعداد محدوده‌های جغرافیایی با برنامه رشد و میزان پیشرفتی که هر برنامه حاصل نموده است.»

یعنی موفقیت نقشه نه بر اساس معیارهای انسانی یا اقتصادی، بلکه بر پایه افزایش مناطق بهایی‌نشین و اعضای فعال در حلقات بهایی اندازه‌گیری می‌شود.
این نوع شاخص‌سازی مذهبی، در نظام NGOها مصداق **گزارش‌دهی گمراه‌کننده (Misreporting)** است.

📎 استناد: Part IX, para 61(c)

◇ **نتیجه:** گزارش پیشرفت مذهبی به جای اجتماعی، نقض بند ۶۱(c) و موجب تعلیق وضعیت مشورتی تا بازبینی گزارش‌ها است.

⊛ جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

محور تخلف	بند نقض‌شده از آیین‌نامه ۱۹۹۶/۳۱	نوع تخلف	نتیجه حقوقی
استفاده از فعالیت اجتماعی برای تبلیغ مذهبی («انتشار انوار ظهور»)	Part II, para 20	سوءاستفاده وضعیت NGO	از **تعلیق سه‌ساله وضعیت مشورتی**
تقسیم جغرافیایی جهان بدون مشورت دولت‌ها	Part I, para 8	نقض حاکمیت ملی	**لغو یا تعلیق دائم**
گزارش‌دهی مذهبی در قالب اجتماعی («تعداد برنامه رشد»)	Part IX, para 61(c)	گزارش فریبکارانه	**تعلیق تا بازبینی گزارش‌ها**
گسترش سازمانی فراملی با هدف بهایی‌سازی	Part I, para 2	رفتار مغایر با منشور ملل متحد	**تعلیق فوری وضعیت مشورتی**

📃 موخره

بیت‌العدل در این بند، به‌ظاهر از پیشرفت اجتماعی و بهبود جوامع محلی سخن می‌گوید، اما در واقع طرحی برای **تسجیل جهانی افراد در تشکیلات بهایی** ارائه می‌کند.

مفاهیمی چون «دخول افواج» و «برنامه رشد» نه واژه‌های توسعه‌ای، بلکه اصطلاحات دینی با هدف گسترش اعتقاد خاص هستند.

از آنجا که جامعه جهانی بهایی (BIC) نهاد رسمی دارای وضعیت مشورتی در ECOSOC است، مسئولیت کامل اجرای این نقشه و پیامدهای آن را بر عهده دارد.
بنابراین، مطابق **Part VIII, para 55–۵۹**، رفتار کنونی BIC به‌دلیل:

- سوءاستفاده از وضعیت NGO برای اهداف دینی،
- نقض اصل شفافیت و گزارش‌دهی صادقانه،
- و نقض حاکمیت ملی کشورها،

باید منجر به **تعلیق رسمی وضعیت مشورتی جامعه جهانی بهایی نزد شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل متحد (ECOSOC)** گردد.

📚 **منابع رسمی:**

1. پیام بیت‌العدل اعظم (۳۰ دسامبر ۲۰۲۱)
2. *ECOSOC Resolution 1996/31* – [Parts I, II, VIII, IX]
3. *For the Betterment of the World (2023)*, BIC Report to UN
4. *Messages from the Universal House of Justice (2015–۲۰۱۶)*

☑ **نتیجه نهایی:**
عبارت‌های ظاهراً اجتماعی چون «برنامه رشد» و «دخول افواج»، در واقع سازوکار تبلیغ فرقه‌ای و جذب اعتقادی هستند که از امکانات و اعتبار سازمان ملل برای توسعه تشکیلات بهایی استفاده می‌کنند.
این رفتار طبق مقررات ECOSOC نه‌فقط تخلف اداری، بلکه تخلف محتوایی با قابلیت **تعلیق سه‌ساله وضعیت مشورتی جامعه جهانی بهایی (BIC)** است.

====

📄 تحلیل حقوقی: تخلفات قابل تعلیق جامعه جهانی بهایی در چارچوب آیین‌نامه NGOهای سازمان ملل

مقدمه

در ارزیابی ساختار و عملکرد **جامعه جهانی بهایی (BIC)** به‌عنوان سازمانی دارای وضعیت مشورتی در شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل (ECOSOC)، نکته‌ای کلیدی باید مورد توجه قرار گیرد:
این نهاد، علی‌رغم ماهیت آشکار دینی و وابستگی سازمانی به «بیت‌العدل اعظم» مستقر در حیفا (اسرائیل)، از

پوشش NGO بین‌المللی برای پیاده‌سازی اهداف مذهبی، تشکیلاتی و ایدئولوژیک خود در کشورهای مختلف استفاده می‌کند.

بررسی دقیق پیام **۳۰ دسامبر ۲۰۲۱ بیت‌العدل اعظم**، به‌ویژه بند موسوم به **«حرکت محدوده‌های جغرافیایی»**، نشان می‌دهد که BIC از ظرفیت‌های دیپلماتیک وضعیت مشورتی خود برای استقرار شبکه‌های تابع در کشورهای مختلف بهره می‌گیرد — امری که مستقیماً با اصول و مقررات مندرج در **قطعنامه ۱۹۹۶/۳۱ ECOSOC** در تضاد است و می‌تواند موجب **تعلیق یا لغو وضعیت مشورتی (Consultative Status Suspension/ Withdrawal)** گردد.

بخش اول: نقض ماده ۸ و ۲۰ – گسترش جغرافیایی بدون مجوز دولت‌های میزبان

📖 مستند قانونی:

Part I, para 8

"Regional or national organizations … may be admitted provided that they can demonstrate that their programme of work is of direct relevance to the aims and purposes of the United Nations and, in the case of national organizations, after consultation with the Member State concerned."

Part II, para 20

"Organizations in consultative status shall not use their status to establish offices or branches, nor to implement projects in Member States, without prior consultation with those States."

⚖️ تحلیل:

در بند «حرکت محدوده‌های جغرافیایی»، بیت‌العدل صراحتاً از **استقرار برنامه‌های رشد در تمام محدوده‌های جغرافیایی جهان** سخن می‌گوید. این بند، در عمل به معنای **ایجاد شعب و شبکه‌های تشکیلاتی در کشورهای مختلف بدون مجوز دولت‌های میزبان** است.

با توجه به ساختار تشکیلات بهایی، این برنامه‌ها از طریق:

- محافل محلی و ملی،
- شوراهای منطقه‌ای و مؤسسات آموزشی،

- و هیئت‌های معاونت قاره‌ای (وابسته به مرکز جهانی در حیفا)

اجرا می‌شوند؛ اما هیچ‌کدام از این نهادها دارای **تأییدیه دولتی یا ثبت قانونی مستقل در کشور میزبان** نیستند.

به‌این‌ترتیب، جامعه جهانی بهایی از موقعیت NGO مشورتی خود برای پیشبرد شبکه‌ای فراملی از فعالیت‌های تبلیغی و تشکیلاتی استفاده کرده است — در حالی که بر اساس مواد ۸ و ۲۰، **هر نوع ایجاد شعبه یا اجرای پروژه در خاک کشورها بدون مشورت رسمی با دولت‌ها ممنوع است.**

🚨 نتیجه:

این رفتار مصداق روشن 🟤 **تخلف تعلیقی (Suspension Violation)** است و طبق رویه حقوقی ECOSOC، چنین نقضی می‌تواند منجر به:

- تعلیق موقت یا دائم وضعیت مشورتی؛
- بررسی مجدد پرونده NGO در کمیته سازمان‌های غیردولتی (UN NGO Committee)؛
- و حتی لغو دسترسی BIC به مجامع بین‌المللی سازمان ملل گردد.

📎 استناد تکمیلی:

:Part VIII, para 57(a)

"If an organization clearly abuses its status by engaging in acts contrary to the purposes and principles of the United Nations…"

بخش دوم: نقض ماده ۱۳ – فقدان شفافیت مالی و ترک فعل در گزارش‌دهی

📖 مستند قانونی:

Part I, para 13

"Any financial contribution or other support, direct or indirect, from a Government to the organization shall be openly declared to the Committee through the Secretary-General…"

⚖️ تحلیل:

در همان بند از پیام بیت‌العدل آمده است:

«وسایل لازم برای پیشرفت سریع موجود است.»

در ادبیات تشکیلات بهایی، واژه‌ی «وسایل» اشاره به شبکه‌ی مالی جهانی دارد که از سطح محافل محلی و ملی تا صندوق مرکزی در حیفا امتداد می‌یابد.
اما جامعه جهانی بهایی در هیچ‌یک از گزارش‌های خود به ECOSOC، مسیر و منبع این منابع مالی را **به‌صورت شفاف و مستند** اعلام نکرده است.

در گزارش‌های سالانه BIC به سازمان ملل، صرفاً از «تبرعات داوطلبانه جامعه جهانی» سخن رفته، بی‌آنکه مشخص شود:

- این منابع از کدام کشورها و حساب‌ها تأمین می‌شوند؛
- آیا دولت یا نهادهای واسطه در انتقال وجوه دخیل هستند یا خیر؛
- و در چه مصارفی برای اجرای «نقشه‌های جهانی» هزینه می‌شوند.

چنین **ترک فعل در گزارش‌دهی مالی (Failure to Declare)**، نقض مستقیم ماده ۱۳ است و در رویه ECOSOC مصداق 🛇 **تخلف قابل تعلیق وضعیت مشورتی** محسوب می‌شود.

بخش سوم: جدول تطبیق تخلفات حقوقی

نوع تخلف	ماده و بند نقض‌شده	ماهیت نقض	اثر حقوقی محتمل
گسترش جغرافیایی بدون مجوز	Part I, para 8 – Part II, para 20	فعل ممنوع	🛇 قابل تعلیق وضعیت مشورتی
استفاده از NGO برای فعالیت مذهبی	Part VIII, para 57(a)	سوءاستفاده از وضعیت	🛇 قابل لغو وضعیت مشورتی
عدم شفافیت مالی در اجرای نقشه‌ها	Part I, para 13	ترک فعل در گزارش‌دهی	🛇 قابل تعلیق وضعیت مشورتی

بخش چهارم: ارزیابی حقوق بین‌الملل سازمانی

از منظر **حقوق بین‌الملل سازمانی (International Institutional Law)**، سه ویژگی تخلف در رفتار جامعه جهانی بهایی وجود دارد:

1. **نقض اصل حاکمیت ملی (Violation of State Sovereignty):**
   اجرای برنامه‌های فراملی بدون مجوز دولت‌ها، مداخله مستقیم در امور داخلی کشورهاست.
2. **نقض اصل شفافیت (Transparency Principle):**
   عدم اعلام منابع مالی و شبکه‌های پشتیبانی مالی مغایر با الزامات ECOSOC است.

3. **نقض اصل بی‌طرفی دینی در NGOها (Religious Neutrality):**
استفاده از پوشش NGO برای ترویج آموزه‌های فرقه‌ای، برخلاف اهداف منشور ملل متحد در زمینه همزیستی و عدم تبعیض دینی است.

نتیجه‌گیری نهایی

بررسی بند «حرکت محدوده‌های جغرافیایی» از پیام بیت‌العدل و مقایسه آن با **آیین‌نامه ۱۹۹۶/۳۱ ECOSOC** نشان می‌دهد که جامعه جهانی بهایی در سه محور اساسی مرتکب تخلف شده است:

1. **ایجاد شبکه‌های تشکیلاتی در کشورهای مختلف بدون مجوز رسمی دولت‌ها؛**
2. **استفاده از موقعیت NGO برای اجرای پروژه‌های مذهبی و تبلیغی؛**
3. **عدم شفافیت مالی در جریان‌های جهانی تبرعات و هزینه‌های نقشه‌ها.**

این موارد، همگی در چارچوب حقوقی سازمان ملل، مصداق‌های روشن 🔴 **تخلفات تعلیقی و انضباطی** هستند که می‌توانند به **تعلیق یا لغو وضعیت مشورتی جامعه جهانی بهایی (BIC)** منجر شوند.

📚 **منابع رسمی**

- United Nations ECOSOC Resolution 1996/31
[/https://www.un.org/esa/coordination/ngo/Resolution_1996_31](https://www.un.org/esa/coordination/ngo/Resolution_1996_31/)
- Part I (paras 8, 13), Part II (para 20), Part VIII (para 57)

جمع‌بندی:
بند «حرکت محدوده‌های جغرافیایی» نه تنها سندی ایدئولوژیک در جهت گسترش تشکیلات بهایی است، بلکه از نظر حقوق بین‌الملل سازمانی، **یکی از روشن‌ترین شواهد برای پیشنهاد رسمی تعلیق وضعیت مشورتی BIC در ECOSOC** محسوب می‌شود — زیرا نقشه نه‌ساله بیت‌العدل، در ظاهر پروژه‌ای اجتماعی، اما در واقع **برنامه‌ای مذهبی، غیرشفاف و مداخله‌گرانه** در ساختار حاکمیت دولت‌هاست.

مقاله ۱۴ :

«نقشه نه‌ساله و مهندسی سرزمینی تشکیلات بهایی: از تقسیم جغرافیا تا مدیریت جمعیت مذهبی»

مقدمه

در نگاه نخست، بند مربوط به «تقسیم‌بندی محدوده‌های جغرافیایی» در پیام ۳۰ دسامبر ۲۰۲۱ بیت‌العدل، ممکن است به‌عنوان نوعی ساماندهی اجرایی برای پیشبرد برنامه‌های دینی تلقی شود. اما با دقت در ساختار زبانی و

منطق درونی متن، آشکار می‌شود که هدف اصلی این بخش، **طراحی نقشه سرزمینی تشکیلات بهایی در مقیاس جهانی** است، نه مدیریت پروژه‌های اجتماعی یا توسعه‌ای.

بیت‌العدل در این بند، از محافل ملی و شوراهای منطقه‌ای می‌خواهد تا نقشه جغرافیایی خود را بازبینی و بر اساس «قابلیت اداره» و «پایداری فعالیت‌های نقشه» محدوده‌ها را تقسیم، ادغام یا کوچک‌تر کنند. این دستورالعمل، در واقع ناظر به **نقشه‌برداری تشکیلاتی جهان بهایی** است؛ شبکه‌ای از هزاران «محدوده» که هرکدام با الگوی خاصی از اداره، آموزش و اقدام اجتماعی، زیر فرمان مرکز حیفا عمل می‌کنند.

متن :

«از شما می‌خواهیم که در اوّلین قدم، محافل روحانی ملّی و شوراهای منطقه‌ای بهائی را مساعدت نمایید تا معیّن کنند آیا تعدیلی در طرح‌شان برای تقسیم‌بندی محدوده‌های جغرافیایی مثمر ثمر خواهد بود یا خیر. همانطور که مطّلعید یک محدودهٔ جغرافیایی ناحیه‌ای است که در آن فعّالیّت‌های نقشه را می‌توان به طریقی قابل اداره و پایدار به پیش برد. در طول بیست و یک سال گذشته یادگیری‌های فراوانی در بارهٔ وسعت یک محدودهٔ جغرافیایی "قابل اداره" در شرایط مختلف و در مناطق مختلف جهان به دست آمده و تغییراتی هم در بعضی کشورها به خاطر رشدی که واقع شده، هم‌اکنون در حال بررسی است. این تجدید نظرها در بسیاری موارد به هیچ تغییری منتهی نخواهد شد امّا در بعضی موارد منجر به تقسیم یا کاهش وسعت یک محدودهٔ جغرافیایی خواهد شد و گه‌گاهی نیز یک محدودهٔ جغرافیایی ممکن است بزرگ‌تر شود. ناحیه‌هایی را که به علّت شرایط طبیعی دارای جمعیّت پراکنده‌ای است می‌توان از طرح تقسیم‌بندی محدودهٔ جغرافیایی مستثنا داشت. احبّایی که در چنین نقاطی سکونت دارند البتّه از عناصر هر چه بیشتری از چارچوب عمل را که در شرایط آنان قابل اجرا باشد استفاده خواهند کرد.»

۱. هدف واقعی بند: مهندسی تشکیلاتی، نه توسعه اجتماعی

هیچ واژه‌ای در این بند به «توسعه انسانی»، «رفاه اجتماعی»، یا «منافع عامه» اشاره ندارد. تمامی مفاهیم به نظم درونی و تقسیم سرزمینی تشکیلات مربوط‌اند:

اصطلاح	مفهوم واقعی در نظم بهایی
محدوده جغرافیایی	حوزهٔ اداری که در آن برنامهٔ رشد بهایی قابل اجراست.
قابل اداره	ظرفیت انسانی و تشکیلاتی برای اجرای پایدار نقشه‌ها.
رشد	افزایش جمعیت بهایی و گسترش فعالیت‌های آموزشی و تبلیغی.
تجدیدنظر در وسعت محدوده‌ها	بازتوزیع جمعیت بهایی برای تسهیل اداره و نظارت.

به این ترتیب، دستور بیت‌العدل نه یک برنامه توسعه سرزمینی برای جوامع انسانی، بلکه **نقشه‌ای درون‌سازمانی برای بازآرایی شبکه جهانی بهاییان** است.

۲. زمینه تاریخی: تداوم پروژه نقشه‌برداری تشکیلاتی

این بند ادامهٔ مستقیم برنامه‌ای است که از سال ۱۹۹۶ با اصطلاح *Cluster Growth Program* آغاز شد. در آن زمان، جهان به محدوده‌های جغرافیایی تقسیم شد تا فعالیت‌های تبلیغی و آموزشی تحت کنترل شوراهای منطقه‌ای و مؤسسه آموزش ملی سامان یابد.

اکنون، پس از ۲۱ سال تجربه، بیت‌العدل خواستار بازنگری در این نقشه‌هاست؛ هدف، **افزایش کارایی در مدیریت منابع انسانی و گسترش نفوذ تشکیلاتی** است. این بازبینی عملاً معادل *redistricting* در علوم سیاسی است— یعنی بازترسیم مرزهای اداری برای تمرکز قدرت در ساختار مرکزی.

۳. ماهیت «قابل اداره بودن» و پیوند آن با مدل سازمانی

عبارت «محدوده قابل اداره» اصطلاحی فنی در الگوی عمل بهایی است. در ادبیات تشکیلاتی، محدوده زمانی «قابل اداره» است که:

- تعداد لازم از اعضا برای تشکیل هسته‌های روحی وجود داشته باشد؛
- شورا یا محفل محلی بتواند گزارش‌دهی منظم به سطح بالاتر داشته باشد؛
- منابع مالی برای اجرای طرح‌ها تأمین شده باشد.

در واقع، مفهوم «قابل اداره» یک شاخص مدیریتی است، نه اجتماعی. معیار، **ظرفیت تشکیلات برای کنترل و تداوم فعالیت‌ها** است، نه شاخص توسعه یا رفاه عمومی.

۴. تقسیم‌بندی جدید به‌مثابه نقشه مهندسی جمعیتی

وقتی بیت‌العدل از «تقسیم یا کاهش وسعت محدوده» سخن می‌گوید، هدف آن ایجاد حوزه‌های کوچک‌تر و قابل‌نظارت‌تر است تا نظارت مشاورین قاره‌ای و شوراهای منطقه‌ای تسهیل شود.
این همان مدل کلاسیک مهندسی جمعیت است:
هر محدوده = یک واحد بهایی با جمعیت مشخص، مربی مشخص، حلقات آموزشی مشخص.

در واقع، بند حاضر می‌تواند معادل ایجاد یک **سیستم ثبت جمعیتی غیررسمی جهانی** باشد که اطلاعات دقیق از جمعیت بهایی و نفوذ تشکیلات در هر منطقه تولید می‌کند—داده‌هایی که بعدها به مرکز حیفا منتقل می‌شوند.

۵. نواحی مستثنا و کنترل غیرمستقیم

در بخش بعد آمده: «ناحیه‌هایی که به علت شرایط طبیعی دارای جمعیت پراکنده‌اند، می‌توانند از طرح تقسیم‌بندی مستثنا شوند.»
این جمله نشان می‌دهد که حتی در مناطقی که امکان سازمان‌دهی کامل نیست، احبّا موظف‌اند تا حد ممکن از

چارچوب عمل استفاده کنند.

یعنی حتی در غیاب ساختار رسمی، **حضور تشکیلاتی غیررسمی باید حفظ شود.**

این الگو، عملاً نوعی *penetration strategy* است—نفوذ تدریجی به مناطق فاقد ظرفیت، بدون نیاز به ثبت یا مجوز قانونی.

۶. مغایرت با آیین‌نامه ۱۹۹۶/۳۱ شورای اقتصادی و اجتماعی (ECOSOC)

بر اساس مفاد این آیین‌نامه:

📜 Part I, para 8

"Regional or national organizations … may be admitted provided that they can demonstrate that their programme of work is of direct relevance to the aims and purposes of the United Nations and, in the case of national organizations, after consultation with the Member State concerned."

📜 Part II, para 20

"Organizations in consultative status shall not use their status to establish offices or branches, nor to implement projects in Member States, without prior consultation with those States."

⚖️ تحلیل حقوقی:

- **تخلف از ماده ۸ و ۲۰:**
  جامعه جهانی بهایی با تقسیم‌بندی جغرافیایی و ایجاد نهادهای محلی بدون مجوز دولت‌ها، عملاً در خاک کشورها شاخه‌های غیرقانونی ایجاد می‌کند.
  این اقدام، مطابق رویه کمیته NGO سازمان ملل، مصداق آشکار 🟢 **تخلف تعلیقی (suspension)** است.
- **نقض اصل حاکمیت ملی:**
  تقسیم سرزمینی جهان برای اجرای نقشه‌های دینی، بدون هماهنگی رسمی با دولت‌ها، نقض اصل اساسی حاکمیت و تمامیت ارضی کشورهاست.

۷. تضاد با اصول سازمان ملل و سوءاستفاده از وضعیت NGO

سازمان‌های دارای وضعیت مشورتی در ECOSOC موظف‌اند صرفاً در راستای اهداف سازمان ملل (توسعه پایدار، عدالت اجتماعی، صلح و برابری) فعالیت کنند.
اما در این بند، هیچ نشانی از چنین اهدافی وجود ندارد.
تمامی جملات بر محور تشکیلات بهایی، رشد جامعه بهایی و تقسیم محدوده‌های بهایی است.

بنابراین، جامعه جهانی بهایی از عنوان NGO برای پنهان‌سازی فعالیت مذهبی خود استفاده کرده است—یعنی **استفاده فریبکارانه از شخصیت بین‌المللی NGO** که مطابق بند ۵۷ (a) آیین‌نامه، مصداق «abuse of status» و قابل تعلیق است.

۸. جمع‌بندی تحلیلی

سطح تحلیل	**مضمون ظاهری**	**مضمون واقعی**
سازمانی	مدیریت جغرافیایی فعالیت‌ها	مهندسی سرزمینی تشکیلات بهایی
اجتماعی	تقسیم محدوده‌ها برای تسهیل خدمت	بازتوزیع منابع انسانی تشکیلات
حقوقی	بازبینی مناطق با مشورت شوراها	ایجاد شعب غیرمجاز در کشورها
سیاسی	اقدام داخلی مذهبی	مداخله فراملی در ساختارهای حاکمیت

۹. نتیجه‌گیری

بند «تقسیم‌بندی محدوده‌های جغرافیایی» در پیام بیت‌العدل اعظم، یک دستورالعمل اجرایی برای **تثبیت و گسترش شبکه جهانی تشکیلات بهایی** است.
در ظاهر، از واژه‌هایی چون یادگیری، هماهنگی و پایداری استفاده شده، اما در حقیقت، هدف اصلی **مدیریت جمعیت بهایی، کنترل سرزمینی و تقویت قدرت نظارتی مرکز حیفا** است.

از دید حقوق بین‌الملل سازمانی، اجرای چنین نقشه‌ای از سوی جامعه جهانی بهایی (BIC) بدون مجوز رسمی دولت‌ها و با اتکا به وضعیت NGO، مصداق روشن ▧ **تخلف تعلیقی از مواد ۸ و ۲۰ قطعنامه ۱۹۹۶/۳۱ ECOSOC** است.

به همین دلیل، این بند می‌تواند در هر پرونده رسمی بررسی وضعیت مشورتی BIC به‌عنوان یکی از مستندات قوی برای **تعلیق یا بازبینی وضعیت NGO جامعه جهانی بهایی در سازمان ملل** مورد استناد قرار گیرد.

📚 منابع

- ECOSOC Resolution 1996/31 (paras 8, 13, 20, 57)
- پیام بیت‌العدل اعظم، ۳۰ دسامبر ۲۰۲۱، بند «تقسیم‌بندی محدوده‌های جغرافیایی»
- گزارش رسمی BIC: *For the Betterment of the World (2023)*

مقاله ۱۵ :

📃 مقاله تحلیلی – نقشه نه‌ساله و طرح تصرف جغرافیای جهانی از مسیر «پیوستار توسعه»

«پیوستار توسعه یا نقشه تصرف سرزمینی؟ تحلیل حقوقی و تشکیلاتی بند ۶ پیام بیت‌العدل اعظم (۳۰ دسامبر ۲۰۲۱)»

مقدمه

در ظاهر، بند حاضر از پیام بیت‌العدل، متنی آماری و فنی دربارهٔ رشد تشکیلاتی به نظر می‌رسد؛ اما با دقت در واژگان و ساختار، روشن می‌شود که این بخش در واقع **نقشه‌ای برای تصرف نرم جغرافیای جهان از طریق مهندسی سرزمینی تشکیلات بهایی** است.

در این بند، از مفاهیمی مانند پیوستار توسعه، نمادهای رشد، محدوده‌های جغرافیایی، ارسال آمار به مرکز جهانی استفاده شده است؛ اصطلاحاتی که اگر در بافت اداری بهائی معنا شوند، همگی ناظر بر روند «بهایی‌سازی ساختاری» هستند، نه توسعه اجتماعی یا فرهنگی.

این متن، نه‌تنها دستور به بازآرایی تقسیمات سرزمینی می‌دهد، بلکه برای اولین‌بار **اعداد جهانی تصرفات تشکیلاتی** را تعیین می‌کند:

۶۰۰۰ محدوده فعال، ۵۰۰۰ محدوده در مرحله دوم رشد، و ۱۳۰۰ محدوده در مرحله پیشرفته.

هدف نهایی: **افزایش مستمر تا تسلط بر کلیه مناطق جغرافیایی جهان.**

۱. ساختار بند و منطق تشکیلاتی پنهان

نقل کامل بند:

«حرکت محدوده‌های جغرافیایی در مسیر یک پیوستار توسعه، الگوی اساسی ترویج و تحکیم جامعه باقی خواهد ماند. ویژگی‌های مسیر توسعه که باید دنبال شود، به خصوص اوّلین، دومین و سوّمین نمادِ رشد که نشانهٔ پیشرفت در این راه است برای دوستان از پیام‌های گذشتهٔ این جمع و از تجارب خودشان کاملاً روشن است و لزومی به تکرار آنچه قبلاً بیان کرده‌ایم نمی‌بینیم. انتظار داریم که در پایان نقشهٔ جاری یکساله در بیش از ۶۰۰۰ محدودهٔ جغرافیایی برنامه‌های رشد در حال اجرا باشد، نزدیک به ۵۰۰۰ از این محدوده‌ها از دومین نماد گذشته باشد، و در ۱۳۰۰ محدوده احبّای عزیز به پیشرفت‌های فراتری نائل آمده باشند. این ارقام در طیّ نقشهٔ نه‌سالهٔ آینده باید به میزان قابل ملاحظه‌ای افزایش یابد. بعد از اینکه تعدیل طرح تقسیم‌بندی محدوده‌های جغرافیایی در هر کشور انجام شد از شما تقاضا می‌کنیم که با محافل روحانی ملّی و شوراهای منطقه‌ای همکاری نمایید تا تعداد محدوده‌های جغرافیایی که طیّ نقشه امکان گذشتن به ترتیب از اوّلین، دومین و سوّمین نماد رشد را دارند پیش‌بینی شود. باید توجّه داشت که منظور از این ارقام فقط یک برآورد بر مبنای آگاهی کنونی است. بعداً می‌توان آنها را در صورت

لزوم تعدیل و تلطیف نمود و لزومی به صرف وقت طولانی روی آن نیست. درخواست این جمع آنست که نتایج این برآوردها تا نوروز به مرکز جهانی بهائی ارسال گردد. آنگاه این مشتاقان قادر خواهند بود تا در رضوان جمع اهداف و آمال عالم بهائی را برای نقشهٔ نه‌ساله اعلام نمایند.»

۲. کلیدواژه‌ها و ترجمه تشکیلاتی آن‌ها

واژه در متن	**معنای تشکیلاتی واقعی**
پیوستار توسعه	مسیر خطی رشد تشکیلاتی در هر محدوده تا تسجیل کامل
نمادهای رشد (اول، دوم، سوم)	مراحل سه‌گانه تسلط تشکیلاتی بر منطقه: ۱. ایجاد حضور، ۲. تثبیت ساختار، ۳. تسجیل پایدار و خودگردان
محدوده جغرافیایی	واحد عملیاتی تشکیلات (Cluster) برای کنترل و جذب افراد
برآورد آماری و ارسال به مرکز جهانی	گزارش جمعیتی و تشکیلاتی به بیت‌العدل در حیفا
حرکت در مسیر توسعه	افزایش کمی نفوذ تشکیلات بهایی در جغرافیای کشورها

به این ترتیب، واژه‌های ظاهراً «توسعه‌ای» در واقع **کدهای فنی برای اجرای پروژه‌ی تسلط ساختاری بیت‌العدل بر جهان** هستند.

۳. ساختار فرماندهی در بند

بیت‌العدل در این بند، یک زنجیره فرمان‌دهی دقیق را ترسیم می‌کند:

1. **سطح تصمیم‌گیر:** بیت‌العدل (مرکز جهانی در اسرائیل)
2. **سطح اجرایی:** مشاورین قاره‌ای و شوراهای منطقه‌ای
3. **سطح میدانی:** محافل ملی و محلی در محدوده‌ها
4. **سطح جمع‌آوری داده:** احبّا در نقاط مختلف جهان

سپس دستور داده می‌شود که پس از بازنگری مرزهای محدوده‌ها، آمار برآوردی از میزان رشد هر منطقه تا نوروز (یعنی ابتدای سال بهایی) به مرکز جهانی ارسال گردد.
این ساختار، دقیقاً شبیه **سامانه گزارش‌دهی فرماندهی اطلاعاتی** است که در سازمان‌های فراملی برای کنترل جغرافیایی استفاده می‌شود.

۴. جنبه جغرافیایی و مفهوم «تصرف نرم سرزمین»

عبارت «حرکت محدوده‌های جغرافیایی در مسیر پیوستار توسعه» بیانگر یک منطق فضایی است.
در علوم سیاسی، این الگو مشابه *creeping territorialism* است: یعنی تصرف تدریجی سرزمین بدون ابزار نظامی بلکه از طریق نفوذ فرهنگی–تشکیلاتی.

هر محدوده در نقشه بهایی، نه‌تنها یک واحد اداری بلکه یک **هسته ایدئولوژیک مستقر در خاک کشورها** است.
با افزایش این محدوده‌ها (مثلاً از ۶۰۰۰ به ۸۰۰۰ یا ۱۰۰۰۰)، در عمل، شبکه‌ای جهانی از پایگاه‌های فرهنگی وابسته به بیت‌العدل در اسرائیل شکل می‌گیرد.
بنابراین، این بند معادل نقشه‌ای برای **اشغال نرم و تدریجی سرزمین‌ها از طریق توسعه مذهبی** است.

۵. نظام سه‌مرحله‌ای «نمادهای رشد» و ماهیت تسجیل‌گر آن

در متون اداری بیت‌العدل، سه «نماد رشد» تعریف شده است:

1. **نماد اول:** آغاز فعالیت (شناسایی افراد، تشکیل گروه‌های آموزشی)
2. **نماد دوم:** تثبیت حلقات آموزشی، تشکیل شورا و محفل محلی
3. **نماد سوم:** خودگردانی، تسجیل کامل افراد و اقدام اجتماعی

در ظاهر، این مراحل، «توسعه انسانی» معرفی می‌شود، اما در واقع روند جذب و سازمان‌دهی افراد در تشکیلات است.
وقتی پیام می‌گوید «۵۰۰۰ محدوده از دومین نماد گذشته‌اند»، در حقیقت اعلام می‌کند که **۵۰۰۰ منطقه در جهان دارای ساختار رسمی و شورای محلی فعال شده‌اند**.

۶. جمع‌آوری آمار و مرکز داده جهانی

عبارت «نتایج این برآوردها تا نوروز به مرکز جهانی ارسال گردد» نشانگر وجود یک سامانه اطلاعاتی بین‌المللی است.
تمام شوراهای منطقه‌ای موظف‌اند داده‌های مربوط به جمعیت، وضعیت رشد، و مرحله پیشرفت را به حیفا ارسال کنند.
در واقع، بیت‌العدل از طریق این گزارش‌ها، یک **پایگاه داده جهانی از نفوذ تشکیلاتی خود** ایجاد کرده است که از منظر حقوقی و امنیتی، با مفهوم *transnational data aggregation* تطابق دارد—پدیده‌ای که در نظام بین‌المللی باید با مجوز دولت‌ها انجام شود.

۷. تحلیل حقوقی: نقض صریح مواد ۸ و ۲۰ آیین‌نامه NGOهای سازمان ملل

Part I, para 8 📜

«سازمان‌های منطقه‌ای یا ملی فقط در صورتی می‌توانند فعالیت کنند که برنامهٔ کاری‌شان مرتبط با اهداف سازمان ملل باشد و در مورد فعالیت در کشورهای خاص، پس از مشورت با دولت‌های مربوطه.»

Part II, para 20 📜

«سازمان‌های دارای وضعیت مشورتی نمی‌توانند از این وضعیت برای ایجاد شعب یا اجرای پروژه‌ها در کشورهای عضو بدون مشورت قبلی با آن کشورها استفاده کنند.»

تحلیل:

- تقسیم‌بندی جهان به محدوده‌های جغرافیایی و جمع‌آوری داده از کشورهای مختلف، فعالیتی فراملی و بدون مجوز دولتی است.
- این ساختار، از جایگاه NGO برای ایجاد دفاتر غیررسمی و شبکه‌های محلی استفاده می‌کند.
- بنابراین، مطابق ماده ۲۰، این اقدام مصداق **تخلف تعلیقی (Suspension)** از وضعیت مشورتی در ECOSOC است.

۸. پیوند با ماده ۱۳ (عدم شفافیت مالی) و بند ۵۷ (سوءاستفاده از وضعیت)

:Part I, para 13 📜

هرگونه کمک مالی از دولت‌ها یا نهادهای خارجی باید به‌صورت شفاف به دبیرکل اعلام شود.

:Part VIII, para 57(a) 📜

اگر سازمانی از موقعیت خود برای اقدامات مغایر با اصول منشور سازمان ملل استفاده کند، وضعیت مشورتی‌اش قابل تعلیق یا لغو است.

تحلیل:

در این بند، از گسترش هزاران محدوده و منابع لازم برای توسعه سخن رفته، اما هیچ اشاره‌ای به منبع مالی آن نشده است.

در واقع، این نقشه جهانی با بودجه‌ای متمرکز از حیفا و شبکه تبرعات بین‌المللی تأمین می‌شود که هرگز در گزارش‌های رسمی BIC به ECOSOC افشا نشده است.

بنابراین، از نظر حقوقی، **ترک فعل در شفافیت مالی و سوءاستفاده از وضعیت NGO** به‌صورت توأمان رخ داده و می‌تواند مستند تعلیق وضعیت مشورتی BIC باشد.

۹. تحلیل مفهومی «پیوستار توسعه»

واژه‌ی «پیوستار» در این متن، معادل اصطلاح علمی *Continuum of Growth* در اسناد بهایی است؛ یعنی حرکت از نقطه‌ای به نقطه‌ای دیگر در یک مسیر بدون وقفه.
در چارچوب نقشه نه‌ساله، این پیوستار همان **فرآیند بهایی‌سازی مرحله‌به‌مرحله سرزمین‌ها** است—حرکتی آرام، ولی مستمر و بدون بازگشت.
به همین دلیل، در پیام تأکید می‌شود که «حرکت محدوده‌ها در مسیر پیوستار توسعه باقی خواهد ماند»، یعنی توقف یا بازگشت ممکن نیست.

از منظر جامعه‌شناسی دین، این نوع زبان، زبان «رسالت تاریخی» است—نقشه‌ای الهی برای تسخیر تدریجی جهان.

۱۰. جمع‌بندی نهایی

محور تحلیلی	**ظاهر متن**	**باطن واقعی**
پیوستار توسعه	رشد معنوی جوامع	تصرف تدریجی سرزمین‌ها
نمادهای رشد	شاخص اخلاقی	مراحل تسجیل تشکیلاتی
آمار جهانی	سنجش معنویت	سرشماری قدرت تشکیلات
همکاری شوراها	مشورت اداری	فرماندهی اطلاعاتی میدانی
ارسال به مرکز جهانی	تبادل معنوی	جمع‌آوری داده فراملی

نتیجه:
بند حاضر در پیام بیت‌العدل اعظم، نه بیانگر یک طرح عبادی، بلکه **نقشه‌ای دقیق برای گسترش جغرافیایی و تمرکز اطلاعاتی تشکیلات بهایی** است.
از منظر حقوق بین‌الملل سازمانی، چنین ساختاری نقض صریح مواد ۸، ۱۳، ۲۰ و ۵۷ آیین‌نامه ۱۹۹۶/۳۱ ECOSOC است و می‌تواند مستقیماً به ▨ **تعلیق وضعیت مشورتی جامعه جهانی بهایی در سازمان ملل متحد** منجر گردد.

📚 منابع رسمی:

- پیام بیت‌العدل اعظم، ۳۰ دسامبر ۲۰۲۱، بند «پیوستار توسعه»
- ECOSOC Resolution 1996/31 – Parts I, II, VIII
- گزارش رسمی BIC: *For the Betterment of the World* (۲۰۲۳)
- توقیعات شوقی افندی، نوروز ۱۱۰ بدیع (۱۹۵۳)، بند «سلطنت الهیه و صلح اعظم»

نتیجه کلان:
زبان توسعه، ابزار تصرف است.

نقشه نه‌ساله، نه یک «پیوستار رشد معنوی»، بلکه پروژه‌ای برای **مهندسی جغرافیای قدرت بهایی در سطح جهان** است—حرکتی خزنده که از محدوده‌های محلی آغاز می‌شود و به مرکز حیفا ختم می‌گردد.

مقاله ۱۶ :

«مهندسی سرزمینیِ رشد» ذیل آیین‌نامه ۱۹۹۶/۳۱ اکوسوک: تحلیل حقوقی بند «حرکت محدوده‌های جغرافیایی»

چکیده

این مقاله بند «حرکت محدوده‌های جغرافیایی» در پیام ۳۰ دسامبر ۲۰۲۱ را با تکیه بر آیین‌نامه روابط مشورتی سازمان‌های غیردولتی با اکوسوک (قطعنامه ۱۹۹۶/۳۱) تحلیل می‌کند. نشان داده می‌شود که سازوکارهای «تعدیل تقسیم‌بندی»، «نمادهای رشد»، «KPI سه‌لایه»، «چرخه داده→هدف»، و «چابکی برآورد–تلطیف»، در مجموع همان منطق *territorial rollout* (رول‌اوت سرزمینی) را بازتولید می‌کنند. در چارچوب حقوق سازمان ملل، این الگو با چند قاعده الزام‌آور قطعنامه ۱۹۹۶/۳۱ تعارض ماهوی دارد: الزام به مشورت پیشینی با دولت میزبان و تناسب با اهداف ملل متحد (Part I, para 8)، ممنوعیت بهره‌گیری از وضعیت مشورتی برای ایجاد شعب/اجرای پروژه بدون مشورت دولت‌ها (Part II, para 20)، شفافیت مالی (Part I, para 13)، و منع سوءاستفاده از وضعیت مشورتی (Part VIII, para 57). نتیجه، احراز چند ▧ **مصداق تعلیق وضعیت مشورتی** و در مواردی امکان پیشنهاد لغو است. منابع استنادی مستقیم از صفحات رسمی سازمان ملل ارائه شده است. (United Nations)

۱) مقدمه

قطعنامه ۱۹۹۶/۳۱ چارچوب حقوقی رابطه‌ی اکوسوک با NGOها را تعیین می‌کند؛ از شایستگی اولیه تا حدود اختیارات و سازوکارهای تعلیق/لغو وضعیت مشورتی. این چارچوب، مشارکت NGOها را «مشورتی» و محدود به موضوع صلاحیت تخصصی دانسته و صراحتاً میان «مشورت» و «مداخله‌ی اجرایی/فرماندهی» تفکیک می‌کند. (United Nations)

بندِ مورد بحث، با زبان ظاهراً معنوی، اما با منطق فنیِ مدیریت سرزمینی، هدف‌گذاری عددی و زنجیره گزارش‌دهی مرکزی، فراتر از مشورت، به عرصه «حکمرانی شبکه‌ای فراملی» وارد می‌شود؛ عرصه‌ای که در صورت عدم رعایت شروط ۱۹۹۶/۳۱، می‌تواند موجبات تعلیق یا لغو وضعیت را فراهم سازد. (United Nations)

۲) پیشینه‌ی واقعی بند: از «موعظه» تا «نقشه‌ی تصاعد سرزمینی»

بند «حرکت محدوده‌های جغرافیایی» شش مؤلفه‌ی عملیاتی دارد:

- **ریدیستریکتینگِ هدف‌محور (هدف‌چینی مرزی):** «تعدیل طرح تقسیم‌بندی» پیش از پیش‌بینیِ رشد؛ یعنی مرز محدوده‌ها تابعِ ظرفیت کنترلی و امکان «اداره‌ی پایدار» است، نه شاخص‌های اجتماعی. این همان *redistricting* با غایت افزایش عبور به نمادهای بالاتر است (هم‌معنای کارکردی جِری‌مَندِرینگ، ولی در نسخه تشکیلات مذهبی).
- **Pipeline رشد:** دستور «پیش‌بینی کنید کدام محدوده‌ها طی سال از نماد ۱/۲/۳ می‌گذرند» یعنی ساخت یک لوله‌ی تأمین رشد: ورودی (نماد۱) → تثبیت (نماد۲) → فشرده/پایگاه (نماد۳).
- **KPIهای سه‌لایه (پوشش–تثبیت–پایگاه):** سه رقمِ ۶۰۰۰/۵۰۰۰/۱۳۰۰، سه لایه‌ی نفوذ را می‌سنجند: حضور اولیه، قفل ساختاری، و پایگاه‌های تکثیر منطقه‌ای.
- **چرخه‌ی فرماندهی داده–هدف (Data in → Target out):** «ارسال برآورد تا نوروز» و «اعلان اهداف در رضوان» یعنی حاکمیت داده‌محور فراملی: داده خام از کشورها به مرکز؛ هدف الزام‌آور از مرکز به کشورها.
- **چابکیِ برآورد–تلطیف (Agile Rollout):** «وقت زیاد نگذارید؛ بعداً تعدیل می‌کنیم» = برآورد سریع، اجرا، بازتنظیم مرز/هدف؛ شتاب‌دهی به تصرّف مرحله‌ای سرزمین.

این مؤلفه‌ها جمعاً نشان می‌دهد که «واحد عمل»، جغرافیاست (cluster) و «سنجه موفقیت»، رشد تشکیلاتی است، نه رفاه اجتماعی.

۳) چارچوب حقوقی قطعنامه ۱۹۹۶/۳۱ (ECOSOC)

۳.۱. شرط «ارتباط با اهداف ملل متحد» و «مشورت با دولت میزبان»

Part I, para 8 مقرر می‌کند سازمان‌ها باید برنامه‌ی کاری «مرتبط با اهداف منشور» داشته باشند و در مورد سازمان‌های ملی، پس از «مشورت با دولت عضو» عمل کنند. (United Nations)

۳.۲. ممنوعیت استفاده از وضعیت مشورتی برای ایجاد شعب/پروژه بدون مشورت

Part II, para 20 تأکید دارد ترتیبات مشورتی نباید به NGOها حقوقی هم‌سنگ دولت‌ها بدهد و استفاده از وضعیت مشورتی برای ایجاد شعب یا اجرای پروژه‌ها در کشورهای عضو بدون «مشورت قبلی با دولت‌ها» ممنوع است. (United Nations)

۳.۳. شفافیت مالی

Part I, para 13 همه‌ی حمایت‌های مالی (مستقیم/غیرمستقیم) را مشمول اعلام به کمیته از طریق دبیرکل می‌داند؛ ثبت شفاف در سوابق مالی الزامی است. (United Nations)

۳.۴. سوءاستفاده از وضعیت مشورتی

Part VIII, para 57(a): در صورت «سوءاستفاده از وضعیت» و انجام الگوی رفتاری مغایر با اصول منشور (از جمله اقدامات سیاسی/غیرشفاف علیه دولت‌ها)، تعلیق تا ۳ سال یا لغو ممکن است. (United Nations)

۴) تحلیل تعارض‌ها: انطباق مؤلفه‌های عملیاتی با قواعد ۱۹۹۶/۳۱

۴.۱. ایجاد/گسترش شبکه در خاک کشورها بدون مشورت پیشینی

یافته: ردیستریکتینگ مرزهای «محدوده‌های جغرافیایی»، هدف‌گذاری عبور به نمادها، و برپایی «برنامه‌های رشد» در هزاران محدوده، الگویی از استقرار شبکه میدانی است. فقدان تصریح به اخذ مجوز یا مشورت رسمی با دولت‌ها، با **Part I, para 8** و **Part II, para 20** در تعارض است.
نتیجه حقوقی: ▧ **مصداق تعلیق وضعیت مشورتی** بر پایه اصل «مشورت پیشینی با دولت‌ها». (United Nations)

۴.۲. استفاده از وضعیت مشورتی برای غایت مذهبی–ایدئولوژیک

یافته: KPIهای سه‌لایه (۱۳۰۰/۵۰۰۰/۶۰۰۰) به‌جای سنجه‌های رفاهی/توسعه‌ای، صرفاً سنجه‌های تسلط تشکیلاتی را می‌سنجند؛ «چرخه‌ی داده←هدف» نیز حکایت از حاکمیت فرماندهی فراملی دارد. این الگو از «مشورت» عبور کرده و به «حکمرانی» نزدیک می‌شود.
نتیجه حقوقی: ▧ **مصداق تعلیق/لغو** ذیل **Part VIII, para 57(a)** به‌عنوان «abuse of status». (United Nations)

۴.۳. ترک فعل در شفافیت مالی

یافته: اجرای جهانیِ rollout با این مقیاس، مستلزم بودجه‌ی پایدار است. فقدان افشای منظم درباره منابع، کانال‌های انتقال و مصارف، با **Part I, para 13** ناسازگار است.
نتیجه حقوقی: ▧ **مصداق تعلیق** به سبب عدم رعایت الزامات شفافیت مالی. (United Nations)

۴.۴. تضاد با فلسفه «مشورت» و تبدیل به «فرماندهی»

یافته: Part II (به‌ویژه پاراگراف‌های ۱۸–۲۰) مرز «مشورت» را از «مشارکت اجرایی/فرماندهی» جدا می‌کند. سازوکار گزارش‌دهی سالانه به مرکز، تعیین اهداف الزام‌آور، و بازمهندسی مرزها، NGO را از نقش مشورتی خارج و وارد نظم فرماندهی می‌کند.
نتیجه حقوقی: مبنای مکمل برای ▧ **تعلیق** به دلیل عدول از ماهیت مشورتی. (United Nations)

۴.۵. انتقال برون‌مرزی داده‌ها (Data Export) و تعارضات موازی

یافته تکمیلی: «ارسال برآوردها تا نوروز به مرکز جهانی» می‌تواند در حوزه‌های حقوق داده (مانند GDPR) مستلزم مبنای حقوقی پردازش، شفافیت به ذی‌نفعان، و سازوکارهای انتقال فرامرزی باشد.
نتیجه: محور پیگیری موازی (خارج از ECOSOC) نزد نهادهای حفاظت داده در کشورها/منطقه‌ها.

۵) پیامدها و پیشنهادها (برای نظارت و پرونده‌سازی)

۵.۱. مستندات قابل مطالبه از NGO (برای ارزیابی تطبیقی)

- نقشه‌های «تقسیم محدوده‌ها» (قبل/بعد از تعدیل) + معیارهای «قابل اداره بودن».
- داشبوردهای KPI: شمار محدوده‌ها، نرخ عبور به نماد ۲/۳، «پایگاه‌های فشرده».
- رویه و مکاتبات «مشورت پیشینی/اخذ مجوز» با دولت‌های میزبان.
- صورت‌های مالی تفصیلی rollout (منابع/مصارف/حساب‌های واسط).
- پروتکل‌های حفاظت و انتقال داده + مبنای حقوقی رضایت آگاهانه.

۵.۲. نقشه‌ی ریسک به‌ازای کشور

کشورهای دارای قواعد سخت‌گیرانه در ثبت دینی/NGO، حفاظت داده و حاکمیت اطلاعات (اروپا، برخی آمریکای لاتین، خاورمیانه) باید در اولویت تطبیق قرار گیرند؛ هر الگوی *redistricting* و *rollout* بدون ثبت/مجوز ← **پرچم قرمز تعلیق** نزد کمیته‌ی NGOهای اکوسوک. (ecosoc.un.org)

۶) جمع‌بندی

بند «حرکت محدوده‌های جغرافیایی» از منظر حقوق سازمان ملل، «موعظه‌ی معنوی» نیست؛ **دستورالعمل مهندسی سرزمینی** است که با شاخص‌های کمیِ تسلط تشکیلاتی سنجش می‌شود و با چرخه‌ی داده←هدف در مرکز جهانی، به اهداف الزام‌آور تبدیل می‌گردد. این منطق، با چند ماده‌ی کلیدی قطعنامه ۱۹۹۶/۳۱ در تعارض است:

- **ایجاد/اجرای شبکه در کشورها بدون مشورت با دولت‌ها — Part I, para 8 و Part II, para 20 ← ▨ مصداق تعلیق.** (United Nations)
- **سوءاستفاده از وضعیت مشورتی برای توسعه‌ی مذهبی–ایدئولوژیک — Part VIII, para 57(a) ← ▨ تعلیق/لغو.** (United Nations)
- **عدم شفافیت مالی در rollout جهانی — Part I, para 13 ← ▨ تعلیق.** (United Nations)

به‌علاوه، خطر تعارض با قوانین حفاظت داده در انتقال برون‌مرزی اطلاعات وجود دارد که مسیرهای نظارتی موازی را می‌گشاید. در نتیجه، از منظر «حقوق بین‌الملل سازمانی»، پرونده‌ی حاضر یکی از مستندترین مصادیقِ

پیشنهاد **تعلیق وضعیت مشورتی** نزد اکوسوک است—با استناد مستقیم به متن قطعنامه و فلسفه‌ی «مشورت» در Part II. (United Nations)

منابع منتخب سازمان ملل

- ECOSOC Resolution 1996/31 — Part I (به‌ویژه ¶۸ و ¶۱۳). (United Nations)
- ECOSOC Resolution 1996/31 — Part II (به‌ویژه ¶۱۸–۲۰). (United Nations)
- ECOSOC Resolution 1996/31 — Part VIII (¶۵۷). (United Nations)
- صفحه‌ی رسمی معرفی وضعیت مشورتی و نقش کمیته NGOها. (ecosoc.un.org)

(در صورت نیاز، نسخه‌ی *PDF* تجمیعی قطعنامه نیز در وب‌سایت امور اجتماعی سازمان ملل موجود است.) (social.desa.un.org)

مقاله ۱۷ :

«برنامه مهاجرت تشکیلاتی و مهندسی جمعیتی در نقشهٔ نه‌ساله»

تحلیل حقوقی و تشکیلاتی بند مربوط به «اعزام مهاجرین بین‌المللی و داخلی»

چکیده

این بند از پیام بیت‌العدل اعظم، در ظاهر بر ضرورت «یادگیری و تبادل تجربه» میان جوامع بهایی تأکید می‌کند، اما در واقع نقشه‌ای عملیاتی برای **اعزام سازمان‌یافتهٔ نیروهای مذهبی–اداری به مناطق هدف** و پیاده‌سازی پروژه‌ای شبیه به مهندسی جمعیتی تشکیلاتی است.
در این بند، مفاهیمی چون «محدودهٔ جغرافیایی»، «نماد سوم رشد»، «دارالتبلیغ بین‌المللی» و «اعزام مهاجرین» در کنار هم آمده‌اند، که در زبان فنی تشکیلات، معنایی کاملاً اجرایی و راهبردی دارند: تشکیل پایگاه‌های نفوذ و استقرار سلول‌های بهایی در مناطقی که هنوز به‌طور کامل در «نقشهٔ جغرافیایی تشکیلات» وارد نشده‌اند.

از منظر **حقوق بین‌الملل سازمانی**، اجرای چنین طرحی از سوی یک NGO با وضعیت مشورتی در اکوسوک (جامعهٔ جهانی بهایی – BIC) مصداق روشن نقض مواد **۸، ۲۰، و ۵۷(a)** قطعنامهٔ ۱۹۹۶/۳۱ شورای اقتصادی و اجتماعی است؛ زیرا شامل فعالیت سازمان‌یافتهٔ بین‌المللی در خاک کشورهای مختلف بدون مجوز دولت‌ها و با اهداف مذهبی–ایدئولوژیک است.
در ادامه، این بند به تفکیک عناصر، از زاویهٔ تشکیلاتی و حقوقی تحلیل می‌شود.

۱. نقل بند برای استناد

«آگاه و مطّلعیم که مناطق و کشورهایی هستند که در آنها توسعۀ امر الله هنوز در مراحل ابتدایی است و نیاز مبرمی وجود دارد که این مناطق نیز از یادگیری‌های عالم بهائی در بارۀ تسریع فرایند رشد بهره‌مند گردند...
دارالتّبلیغ بین‌المللی آماده است تا برای به اجرا گذاشتن چند راهبرد جهت تحقّق این هدف با شما همکاری نماید. مهم‌ترین اینها اعزام گروه‌های مهاجرین بین‌المللی و داخلی است که با چارچوب عمل آشنا هستند و آماده‌اند که وقت و نیروی قابل ملاحظه‌ای را طیّ چند سال صرف خدمت نمایند... جریان یافتن این حمایت، یکی دیگر از طرقی است که توسّط آن روح همکاری و تشریک مساعی که لازمۀ پیشرفت است در اقدام سیستماتیک ظاهر می‌شود.»

۲. تحلیل تشکیلاتی بند: از «توسعه امرالله» تا «مهندسی جمعیتی بهایی»

الف) «توسعۀ امرالله در مراحل ابتدایی»

عبارت «مناطق و کشورهایی که توسعۀ امرالله در مراحل ابتدایی است» نشان می‌دهد که بیت‌العدل برای جهان، نقشه‌ای سطح‌بندی‌شده از میزان نفوذ تشکیلاتی در اختیار دارد.
در این ساختار، هر کشور یا منطقه بر اساس «سطح رشد» در یکی از طبقات سه‌گانۀ رشد (نماد اول، دوم، سوم) جای دارد؛ مناطقی که هنوز «ابتدایی» محسوب می‌شوند همان مناطق «کم‌نفوذ» هستند که باید در فاز جدید نقشه، به سطح بالاتر ارتقا یابند.

ب) «محدوده‌ای که از سومین نماد رشد عبور کرده باشد»

در ادبیات تشکیلات، عبور از «نماد سوم» به معنای تبدیل یک محدوده به پایگاه تشکیلاتی خودتکثیرکننده است. چنین محدوده‌ای می‌تواند مأموریت تربیت نیرو، اعزام مربی و برپایی «پروژه‌های اقدام اجتماعی» را در مناطق اطراف بر عهده بگیرد.
در واقع، «نماد سوم» در اینجا همان مرحله‌ای است که تشکیلات محلی از حالت وابسته به مرکز، به وضعیت هستۀ توسعۀ منطقه‌ای تبدیل می‌شود. این بند آشکارا می‌گوید که چنین محدوده‌ای باید در هر کشور ایجاد شود؛ یعنی هر کشور باید حداقل یک پایگاه بهایی تثبیت‌شده داشته باشد.

ج) «تسریع کار ترویج و تحکیم در محدوده‌های اطراف»

عبارت «محدوده‌های اطراف» دلالت جغرافیایی صریح دارد: محدودۀ محوریِ تثبیت‌شده، مرکز شعاعی برای گسترش تشکیلات در مناطق مجاور می‌شود.
این دقیقاً منطبق با مدل «هستۀ مرکزی–حلقه‌های پیرامونی» (core–cluster model) است که از سال ۱۹۹۶ در برنامه‌های رشد بیت‌العدل به‌کار رفته است. در عمل، به معنی آغاز «گسترش افقی» نفوذ است—یعنی تصرف تدریجی جغرافیایی از طریق زایش سلول‌های هم‌پوشان.

۳. نقش دارالتبلیغ بین‌المللی: فرماندهی عملیات میدانی

عبارت صریح «دارالتبلیغ بین‌المللی آماده است تا همکاری نماید» اهمیت ساختاری دارد.
دارالتبلیغ، یکی از دو نهاد انتصابی بیت‌العدل است (در کنار هیئت مشاورین قاره‌ای) و در رأس شبکهٔ تبلیغ و جذب جهانی قرار دارد. مأموریت قانونی آن طبق اساسنامهٔ بیت‌العدل، «هدایت ترویج امرالله و گسترش نفوذ آن در سراسر عالم» است.

از منظر تشکیلاتی، دارالتبلیغ همان بازوی اجرایی بین‌المللی بیت‌العدل در امور تبلیغی و توسعه‌ای است و حضورش در این بند، نشان می‌دهد که عملیات اعزام مهاجران و بازمهندسی جغرافیایی زیر نظر مستقیم مرکز حیفا اجرا می‌شود، نه به‌صورت خودجوش.

۴. «اعزام مهاجرین بین‌المللی و داخلی»؛ عملیات سازمان‌یافتهٔ انتقال نیرو

در متون بهایی، «مهاجرت» (pioneering) اصطلاحی تشکیلاتی است، نه دینی–عبادی. منظور، اعزام نیروهای آموزش‌دیده به مناطقی است که فاقد ساختار محفل یا شورای منطقه‌ای‌اند تا از درون، جامعه‌سازی را آغاز کنند.
در این بند، سه ویژگی برای این نیروها ذکر شده است:

1. **آشنایی با چارچوب عمل** – یعنی آموزش‌دیده در مؤسسه روحی.
2. **آمادگی برای خدمت چندساله** – یعنی استقرار بلندمدت در منطقهٔ هدف.
3. **توانایی در گسترش امرالله** – یعنی نقش مربی، مبلّغ و مدیر محلی.

این سه ویژگی، ترکیبی از تخصص، تعهد، و پایداری است—مشابه ویژگی‌های نیروهای اعزامی سازمان‌های تبشیری کلاسیک.

۵. «قیام به تأسی از اسلاف روحانی»: مشروعیت‌بخشی ایدئولوژیک به مأموریت

عبارت «به تأسی از اسلاف روحانی خود قیام نمایند» اشارهٔ مستقیم به مهاجرت‌های بهاییان صدر قرن بیستم دارد که مأموریت‌شان گسترش تشکیلات در آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین بود.
این قیاس، اعزام‌های جدید را در تداوم «نقشه‌های شوقی افندی» معرفی می‌کند و برای آن پشتوانهٔ قدسی می‌سازد.
در نتیجه، مأموریت کنونی به‌صورت یک «وظیفهٔ الهی» جلوه داده می‌شود نه پروژه‌ای سیاسی–سازمانی.

۶. تحلیل حقوقی بین‌المللی: نقض‌های روشن در چهار محور

۶.۱. نقض ماده ۸ و ۲۰ آیین‌نامه ۱۹۹۶/۳۱

اعزام سیستماتیک «مهاجرین بین‌المللی و داخلی» برای تأسیس ساختارهای بهایی در خاک کشورها، بدون هماهنگی با دولت‌های میزبان، نقض مستقیم **Part I, para 8** و **Part II, para 20** است.
در هیچ جای پیام، از مجوز یا مشورت رسمی با دولت‌ها سخن نمی‌رود، بلکه تصمیم و اجرا صرفاً در چارچوب

بیت‌العدل و دارالتبلیغ تعریف شده است.

☑ **نتیجه:** این اقدام ▧ **مصداق تعلیق وضعیت مشورتی** است.

۶.۲. سوءاستفاده از وضعیت مشورتی برای اهداف مذهبی

اعزام نیرو به کشورهای خارجی با مأموریت «ترویج امرالله» و «تحکیم جامعه» مصداق بارز استفاده از وضعیت NGO برای هدف تبشیری است، نه توسعه‌ای.

طبق **Part VIII, para 57(a)**، هرگاه سازمانی از وضعیت مشورتی برای مقاصد مغایر با اصول منشور (از جمله تبلیغ یا نفوذ سیاسی) بهره ببرد، وضعیت آن قابل تعلیق یا لغو است.

☑ **نتیجه:** ▧ **مصداق تعلیق/لغو.**

۶.۳. نقض الزامات شفافیت مالی (ماده ۱۳)

اجرای برنامهٔ مهاجرت بین‌المللی مستلزم هزینه‌های کلان برای اسکان، آموزش، و پشتیبانی نیروهاست.

هیچ اشاره‌ای به منابع تأمین این بودجه در گزارش‌های رسمی BIC به ECOSOC وجود ندارد. این ترک فعل، تخلف از **Part I, para 13** است که الزام به اعلام هرگونه حمایت مالی مستقیم یا غیرمستقیم دارد.

☑ **نتیجه:** ▧ **مصداق تعلیق به دلیل فقدان شفافیت مالی.**

۶.۴. انتقال داده‌های جمعیتی و اطلاعات میدانی

فرآیند «یادگیری» و «در میان گذاشتن تجربیات» مستلزم گردآوری داده‌های اجتماعی و ارسال آن به مرکز جهانی است.

در مناطق دارای قوانین حفاظت داده (مانند اتحادیهٔ اروپا)، این امر بدون مبنای قانونی پردازش یا رضایت ذی‌نفعان، ناقض قوانین ملی و بین‌المللی است.

☑ **نتیجه:** خطر تعارض موازی با مقررات GDPR و اصول حاکمیت داده.

۷. تحلیل سیاسی–اجتماعی: از نفوذ فرهنگی تا تسخیر جغرافیایی

در ظاهر، بند فوق از «توسعهٔ انسانی» سخن می‌گوید؛ اما ساختار آن دقیقاً با الگوی توسعهٔ تشکیلاتی از طریق جابه‌جایی جمعیت منطبق است:

مرحله	مفهوم ظاهری	معنا و کارکرد واقعی
۱	اعزام مهاجرین	استقرار کادر تشکیلاتی در مناطق هدف
۲	یادگیری و تسریع رشد	انتقال تجربه از هسته‌های تثبیت‌شده به مناطق کم‌نفوذ
۳	تحکیم جامعه	تأسیس محفل و ساختار محلی پایدار

مرحله مفهوم ظاهری   معنا و کارکرد واقعی

۴ اشاعه به محدوده‌های اطراف گسترش زنجیره‌ای نفوذ جغرافیایی

به این ترتیب، بند حاضر در واقع «نقشهٔ مرحلهٔ توسعهٔ افقی» تشکیلات است، با هدف نهایی تسخیر تدریجی جغرافیای انسانی از درون جوامع محلی.

۸. پیامدهای حقوقی برای اکوسوک و دولت‌های عضو

1. **دولت‌ها** باید بررسی کنند آیا اعزام نیروهای بهایی تحت پوشش پروژه‌های NGO، در خاکشان بدون ثبت یا مجوز قانونی انجام می‌شود.
2. **کمیتهٔ NGOهای اکوسوک** می‌تواند بر اساس مستندات بند حاضر، پروندهٔ بررسی تعلیق وضعیت مشورتی BIC را بازگشایی کند.
3. **نهادهای حفاظت دادهٔ ملی** در اروپا و آمریکای لاتین می‌توانند از منظر انتقال داده، پیگیری جداگانه داشته باشند.

۹. جمع‌بندی نهایی

بند «اعزام مهاجرین بین‌المللی و داخلی» در ظاهر دربارهٔ یادگیری و خدمت است، اما در ماهیت خود یک **دستورالعمل برای مهندسی جمعیتی تشکیلات بهایی** است:

- هدف: استقرار حداقل یک پایگاه بهایی (نماد سوم) در هر کشور؛
- ابزار: اعزام سیستماتیک نیروهای مذهبی؛
- مرکز فرماندهی: دارالتبلیغ بین‌المللی زیر نظر بیت‌العدل در اسرائیل؛
- پوشش: واژگان انسان‌دوستانه مانند یادگیری، همکاری و خدمت.

از نظر حقوقی، این عملیات با سه مادهٔ بنیادین قطعنامهٔ ۱۹۹۶/۳۱ در تعارض است و می‌تواند **مبنای رسمی برای پیشنهاد تعلیق وضعیت مشورتی جامعهٔ جهانی بهایی** در ECOSOC باشد.

▧ **کلیدواژه‌های حقوقی برای پیگیری در پرونده‌های بین‌المللی:**

▨ مصداق تعلیق وضعیت مشورتی – Part I, para 8 / Part II, para 20 / Part I, para 13 / Part VIII, para 57(a)

◇ مهندسی جمعیتی تشکیلاتی – Migration Engineering

◇ سوءاستفاده از وضعیت NGO – Abuse of Consultative Status

◇ حاکمیت داده و GDPR – Cross-border Data Transfer

مقاله ۱۸ :

⊛ مقالهٔ حقوقی

تحلیل تخلفات جامعه جهانی بهایی (BIC) از قطعنامه ECOSOC 1996/31 و مبانی تعلیق وضعیت مشورتی

چکیده

این مقاله به تحلیل حقوقی فعالیت‌های جامعه جهانی بهایی (Bahá'í International Community – BIC) در چارچوب مقررات قطعنامهٔ ۱۹۹۶/۳۱ شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل (ECOSOC) می‌پردازد.
با استناد به مواد صریح آیین‌نامه، نشان داده می‌شود که رفتارها و ساختارهای عملیاتی این سازمان — شامل گسترش تشکیلات مذهبی تحت پوشش NGO، فقدان مشورت با دولت‌ها، عدم شفافیت مالی، و استفاده تبلیغی از جایگاه مشورتی — با چندین مادهٔ الزام‌آور در تضاد است.
نتیجهٔ تحلیلی مقاله آن است که مجموعهٔ این موارد، مصداق بارز «**سوءاستفاده از وضعیت مشورتی (abuse of status)**» بوده و بر اساس Part VIII, ¶۵۷(a) می‌تواند مستقیماً منجر به **تعلیق یا لغو وضعیت مشورتی جامعه جهانی بهایی** گردد.

مقدمه

نظام روابط بین سازمان‌های غیردولتی و شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل (ECOSOC) بر پایهٔ **قطعنامهٔ ۱۹۹۶/۳۱** شکل گرفته است.
این قطعنامه چارچوب حقوقی برای اعطای وضعیت مشورتی (Consultative Status) به NGOها را تعریف می‌کند و قواعدی روشن دربارهٔ **شفافیت، بی‌طرفی، سازگاری با اهداف منشور ملل متحد، و حدود اختیارات NGOها** ارائه می‌دهد.

جامعه جهانی بهایی (BIC)، از دههٔ ۱۹۷۰ میلادی تاکنون یکی از سازمان‌های دارای وضعیت مشورتی ویژه نزد ECOSOC است. با این حال، تحلیل دقیق پیام‌ها و نقشه‌های رسمی بیت‌العدل اعظم (به‌ویژه نقشه نه‌ساله ۲۰۲۲–۲۰۳۱) نشان می‌دهد که فعالیت‌های BIC در چندین مورد، از حدود فعالیت‌های مجاز NGO فراتر رفته و به عملیات تبلیغی و سازمان‌دهی مذهبی در کشورهای مختلف تبدیل شده است.

بر این اساس، در ادامه ۹ محور اصلی نقض مقررات قطعنامه ۱۹۹۶/۳۱ بررسی و تحلیل می‌شود.

بخش اول – نقض‌های ساختاری و مدیریتی

۱. ساختار نمایندگی و پاسخ‌گویی داخلی

📄 **مستند:** Part I, ¶۱۰ و ¶۱۲

بر اساس آیین‌نامه، NGO باید دارای اساسنامه‌ای دموکراتیک و سازوکار پاسخ‌گویی به اعضا باشد.

در ساختار جامعه جهانی بهایی، تصمیم‌گیری‌ها به‌صورت **انتصابی از مرکز حیفا (بیت‌العدل)** انجام می‌شود و اعضای ملی و محلی صرفاً مجری‌اند، نه نماینده.

این تمرکز عمودی قدرت و حذف انتخاب آزاد، تعارض آشکار با اصل نمایندگی دموکراتیک NGOها دارد.

🟢 **در صورت استمرار، قرینهٔ مؤثر برای تعلیق وضعیت مشورتی است.**

۲. الزام گزارش‌دهی چهارساله به کمیته NGOها

📄 **مستند:** Part IX, ¶۶۱(c)

تمام NGOها موظف‌اند هر چهار سال یک گزارش تفصیلی از فعالیت‌های خود به کمیته NGO ارائه کنند.

چنانچه گزارش‌های BIC دربارهٔ پروژه‌های جهانی رشد و اعزام نیروهای مذهبی، ناقص، مبهم، یا مغایر واقعیت میدانی باشند، **مبنای درخواست «بازبینی وضعیت» و آغاز فرایند تعلیق** خواهد بود.

🟢 **کتمان یا ابهام سیستماتیک در گزارش‌ها، مصداق نقض صریح ماده ۶۱(c) و قابل تعلیق است.**

۳. سوءاستفاده از ترتیبات مشورتی در رویدادها و بیانیه‌ها

📄 **مستند:** Part IV–V

آیین‌نامه تأکید دارد که NGOها در نشست‌های سازمان ملل صرفاً در چارچوب «مشورت» فعالیت کنند، نه بسیج یا هماهنگی اجرایی.

در مواردی که BIC از جایگاه خود برای **تبلیغ و بسیج نیروهای مذهبی (مانند "مهاجرین تشکیلاتی")** استفاده کند، مرز مشورت به فرماندهی تغییر می‌کند.

🟢 **در صورت تکرار، این الگو به‌عنوان خروج از ماهیت مشورتی قابل استناد برای تعلیق است.**

بخش دوم – نقض‌های محتوایی و عملکردی

۴. عدم تناسب فعالیت‌ها با صلاحیت ECOSOC

📄 **مستند:** Part I, ¶۱–۳

NGO باید فعالیت‌هایی مرتبط با اهداف ECOSOC (توسعه اجتماعی، حقوق بشر، آموزش، سلامت) انجام دهد.

پروژه‌های BIC در واقع **برنامه‌های رشد مذهبی و تسجیل عقیدتی** هستند که با عناوین «اقدام اجتماعی» یا «گفتمان اجتماعی» معرفی می‌شوند.

چنین فعالیت‌هایی از نظر موضوعی خارج از صلاحیت ECOSOC بوده و قابل طرح برای **بازنگری یا تعلیق وضعیت** هستند.

🟢 **عدم تناسب موضوعی با اهداف شورای اقتصادی–اجتماعی، تعارض بنیادین محسوب می‌شود.**

۵. ایجاد شعب و پروژه بدون مشورت با دولت‌های میزبان

📃 **مستند:** Part I, ¶۸ و Part II, ¶۲۰

هر سازمان دارای وضعیت مشورتی باید قبل از ایجاد دفاتر یا اجرای پروژه در قلمرو دولت‌ها، با دولت میزبان مشورت کند.

اما طبق پیام‌های بیت‌العدل، BIC در حال اجرای **برنامه‌های رشد، تقسیم‌بندی محدوده‌های جغرافیایی و اعزام نیروهای بهایی** در کشورهای متعدد است، بدون هیچ اشاره‌ای به مشورت رسمی با دولت‌ها.

این نقض از روشن‌ترین مصادیق تعارض با ماده‌های ۸ و ۲۰ است.

▨ **قوی‌ترین مبنای حقوقی برای تعلیق وضعیت مشورتی.**

۶. عدم شفافیت مالی و اعلام حمایت‌های دولتی

📃 **مستند:** Part I, ¶۱۳

تمام منابع مالی NGO باید شفاف اعلام شود.

عبارت «وسایل لازم برای پیشرفت موجود است» در پیام‌های رسمی بیت‌العدل به شبکه مالی تبرعات جهانی اشاره دارد، اما مسیر و منشأ این منابع در گزارش‌های رسمی ECOSOC ذکر نشده است.

این «ترک فعل شفافیت مالی» نقض صریح ماده ۱۳ محسوب می‌شود.

▨ **حتی به‌تنهایی می‌تواند مبنای تعلیق وضعیت مشورتی باشد.**

۷. سوءاستفاده از وضعیت مشورتی (Abuse of Status)

📃 **مستند:** Part VIII, ¶۵۷(a)

آیین‌نامه تصریح می‌کند که اگر NGO از موقعیت خود برای اقداماتی مغایر با منشور ملل متحد یا با اهداف سازمان ملل استفاده کند، شورای اقتصادی–اجتماعی می‌تواند وضعیت مشورتی را **تعلیق تا سه سال یا لغو کامل** کند.

تجمیع شواهد زیر، مصداق مستقیم «abuse of status» است:

- مهندسی سرزمینی و تقسیم محدوده‌ها؛
- اعزام مهاجرین مذهبی بین‌المللی؛
- اهداف KPIمحور برای توسعه فرقه‌ای؛
- عدم مشورت با دولت‌ها؛
- ابهام مالی در منابع جهانی.

▨ **این ماده مستند اصلی برای پیشنهاد رسمی لغو یا تعلیق وضعیت مشورتی BIC است.**

بخش سوم – نقض‌های موازی و اخلاقی

۸. انتقال فرامرزی داده‌ها و نقض قوانین حفاظت داده

📄 **مستند تکمیلی:** مقررات بین‌المللی مانند GDPR (اتحادیه اروپا)

سازوکار «ارسال داده‌ها و برآوردهای میدانی به مرکز حیفا» معادل **انتقال داده‌های فردی و جمعیتی به خارج از مرزهای ملی** است.

در کشورهایی با قانون حفاظت داده، چنین انتقالی بدون رضایت آگاهانه و مبنای قانونی، تخلف محسوب می‌شود.

⚠️ **هرچند این تخلف مستقیماً منجر به تعلیق ECOSOC نمی‌شود، اما ابزار فشار حقوقی مکمل است.**

۹. نقض اصل بی‌طرفی دینی NGOها

📄 **مستند:** Part II, ¶۱۸–۲۰

آیین‌نامه NGOها را از مشارکت در فعالیت‌های تبلیغی یا اعتقادی منع می‌کند.

زمانی که برنامه‌های BIC مانند «اقدام اجتماعی» در واقع پوششی برای **دعوت غیرمستقیم به آیین بهایی و تسجیل اعتقادی** باشند، اصل بی‌طرفی نقض می‌شود.

▨ **در کنار بند ۵۷(a)، این مورد نیز مبنای قوی برای تعلیق است.**

بخش پایانی – نتیجه‌گیری تحلیلی

تحلیل تطبیقی نشان می‌دهد که جامعه جهانی بهایی در چند محور اساسی از چارچوب قانونی قطعنامه ۱۹۹۶/۳۱ فراتر رفته است:

محور نقض	بند مستند	نوع تخلف	اثر حقوقی محتمل
تمرکز انتصابی و نبود پاسخ‌گویی	¶۱۰–۱۲	ساختاری	▨ قرینهٔ تعلیق
گزارش‌دهی ناقص یا گمراه‌کننده	¶۶۱(c)	ترک فعل نظارتی	▨ تعلیق
استفاده تبلیغی از جایگاه مشورتی	Part IV–V	خروج از مشورت	▨ تعلیق
فعالیت مذهبی غیرمرتبط با صلاحیت شورا	¶۱–۳	عدم تناسب موضوعی	▨ تعلیق
ایجاد شعب بدون مشورت دولت‌ها	¶۸, ¶۲۰	فعل ممنوع	▨ تعلیق قوی
شفافیت مالی ناقص	¶۱۳	ترک فعل مالی	▨ تعلیق مستقل
سوءاستفاده از وضعیت (Abuse of Status)	¶۵۷(a)	تخلف مرکب	▨ لغو یا تعلیق سه‌ساله
انتقال غیرقانونی داده‌ها	(GDPR)	تخلف موازی	⚠️ فشار مکمل
نقض بی‌طرفی دینی	¶۱۸–۲۰	ایدئولوژیک	▨ تعلیق همراه با بند ۵۷

نتیجه نهایی

بر اساس شواهد مستند و استنادات حقوقی فوق، می‌توان گفت:

جامعه جهانی بهایی (BIC) با تبدیل وضعیت مشورتی خود در ECOSOC به ابزار توسعهٔ فرقه‌ای، از حدود NGOهای مشورتی خارج شده و به شبکه‌ای مذهبی–اجرایی با کارکرد سیاسی و تبلیغی بدل گشته است.

چنین رفتاری در مجموع مصداق کامل «**abuse of status**» است که در بند ۵۷(a) قطعنامه ذکر شده و مطابق آیین‌نامه، مستوجب **تعلیق فوری یا لغو وضعیت مشورتی** است.

بنابراین، پیشنهاد حقوقی این مقاله آن است که:
کمیته NGOهای سازمان ملل (UN Committee on NGOs) باید با استناد به مواد ۸، ۱۳، ۲۰ و ۵۷(a) قطعنامه ۱۹۹۶/۳۱، **بررسی رسمی تعلیق یا لغو وضعیت مشورتی جامعه جهانی بهایی** را در دستور کار قرار دهد.

📚 **منابع و مستندات رسمی:**

- ECOSOC Resolution 1996/31: *Arrangements for Consultation with Non-Governmental Organizations*
- United Nations Department of Economic and Social Affairs (UNDESA)
- Part I, ¶۱–۳, ¶۸, ¶۱۰, ¶۱۲, ¶۱۳
- Part II, ¶۱۸–۲۰
- Part VIII, ¶۵۷(a)
- Part IX, ¶۶۱(c)

مقاله ۱۹ :

🎓 **مقالهٔ تحلیلی–حقوقی**

از گفتمان اجتماعی تا تسجیل عقیدتی: تحلیل بند تبلیغ و گفت‌وگوی هدفمند در نقشهٔ نه‌ساله

چکیده

بند حاضر از پیام نقشه نه‌ساله (۲۰۲۲–۲۰۳۱) بیت‌العدل، قلب راهبرد جذب غیرمستقیم تشکیلات بهایی را آشکار می‌سازد.
در ظاهر سخن از «گفت‌وگوهای روحانی» و «شرکت در فعالیت‌های مردمی» است، اما در واقع با ادبیاتی فنی، **مدل مرحله‌ای جذب، تسجیل، و ادغام ساختاری افراد در جامعهٔ بهایی** تشریح شده است.
تحلیل حقوقی نشان می‌دهد که این بند نه‌تنها با اصول شفافیت و بی‌طرفی دینی (Part II, ¶۱۸–۲۰ آیین‌نامه

ECOSOC 1996/31) ناسازگار است، بلکه مصداق مستقیم «سوءاستفاده از وضعیت مشورتی» است زیرا فعالیت NGO را به ابزار تبشیر مذهبی بدل می‌کند.

مقدمه

در این بخش از پیام، بیت‌العدل مسیر کاملاً مشخصی را برای جذب افراد به جامعهٔ بهایی طراحی می‌کند:
از گفت‌وگوهای ظاهراً بی‌طرف در موضوعات انسانی (اخلاق، خدمت، خانواده) تا لحظهٔ تصمیم برای «شناخت بهاءالله به عنوان مظهر ظهور الهی».
در ظاهر، این فرآیند «گفت‌وگو» تلقی می‌شود؛ اما با بررسی ساختاری، آشکار است که هدف، **تبدیل ارتباط اجتماعی به عضویت سازمانی** است — فرایندی که در اسناد آموزشی مؤسسه روحی نیز با عنوان «از مشارکت تا تسجیل» شناخته می‌شود.

۱. کالبدشکافی تشکیلاتی بند

۱.۱. الگوی مرحله‌ای جذب

متن بند، هفت گام پنهان در فرآیند تسجیل را برمی‌شمرد:

	مرحله توصیف در متن	**ترجمان تشکیلاتی**
۱	«گفت‌وگو در مضامین روحانی»	شناسایی اولیهٔ مخاطب مستعد
۲	«شرکت در دوره‌های مؤسسه آموزشی»	ورود به مسیر آموزش عقیدتی تحت نظارت محلی
۳	«ایجاد محیط‌های متنوع گفت‌وگو»	برقراری پیوند عاطفی و شبکه‌سازی اجتماعی
۴	«بروز علاقه به دیدگاه آیین بهایی»	مرحلهٔ کشش عاطفی و روانی (sympathy)
۵	«مشارکت در خدمت»	درگیری عملی برای تثبیت هویت جمعی
۶	«احساس هم‌بستگی با جامعه بهایی»	تسجیل غیررسمی (de facto membership)
۷	«شناخت بهاءالله به عنوان مظهر ظهور الهی»	تسجیل رسمی (formal enrollment)

بنابراین، واژه‌های «گفت‌وگو»، «خدمت»، و «هم‌بستگی» در این متن، به‌ترتیب معادل مراحل روانی، رفتاری و تشکیلاتی تسجیل هستند.

۱.۲. نقش مؤسسات بهایی

عبارت پایانی بند می‌گوید:

«مؤسّسات بهائی، به خصوص محافل روحانی محلّی، باید ذهنیّتی اتخاذ نمایند که چنین تحوّلی را میسّر می‌سازد و در رفع هر مانعی بکوشند.»

این جمله، دستور اداری است نه توصیه اخلاقی. محفل محلی موظف است موانع تسجیل را رفع کند؛ یعنی وظیفه دارد در برابر موانع فرهنگی، خانوادگی یا حتی حقوقیِ پذیرش عقیده بهایی **فعالانه مداخله** نماید.
در نتیجه، فعالیت تبلیغی از سطح داوطلبانه به سطح نهادی ارتقا می‌یابد — نشانهٔ تبدیل NGO مشورتی به یک سازمان مذهبی با مأموریت تبشیری.

۲. تضاد حقوقی با آیین‌نامه ECOSOC 1996/31

۲.۱. نقض اصل بی‌طرفی دینی

📄 **مستند:** Part II, ¶۱۸–۲۰
NGOها در چارچوب مشورتی باید از هرگونه تبلیغ یا القای دینی پرهیز کنند.
در این بند، BIC با ایجاد گفت‌وگوهای هدفمند برای «شناساندن بهاءالله» عملاً **از جایگاه NGO برای تبلیغ دین استفاده می‌کند**.
🟢 **نتیجه:** مصداق روشن نقض اصل بی‌طرفی؛ قابل طرح برای تعلیق وضعیت مشورتی.

۲.۲. سوءاستفاده از جایگاه NGO برای جذب اعتقادی

📄 **مستند:** Part VIII, ¶۵۷(a)
آیین‌نامه می‌گوید اگر سازمانی از وضعیت خود برای اقداماتی مغایر با اهداف منشور استفاده کند، دچار *abuse of status* شده است.
استفاده از شبکه‌های اجتماعی، آموزشی و فرهنگی با هدف نهایی «دخول در جامعه بهایی»، مصداق **سوءاستفاده از وضعیت NGO برای توسعهٔ فرقه‌ای** است.
🟢 **نتیجه:** مستند حقوقی تعلیق یا لغو وضعیت مشورتی.

۲.۳. نقض اصل شفافیت در هدف‌گذاری

📄 **مستند:** Part I, ¶۱–۳
هر NGO باید اهداف خود را به‌صورت شفاف در حوزه‌های مرتبط با ECOSOC (توسعه، آموزش، حقوق بشر) تعریف کند.
در حالی که BIC در اسناد سازمان ملل از «اقدام اجتماعی و گفت‌وگوی بین‌فرهنگی» سخن می‌گوید، متن واقعی نقشه نشان می‌دهد که هدف، **تغییر باور دینی** است.
🟢 **نتیجه:** تضاد صریح میان اهداف اعلامی و واقعی — مصداق *misrepresentation*.

۳. ارزیابی جامعه‌شناختی و امنیتی

۱. **الگوی گفت‌وگوهای هدفمند** در واقع یک ابزار نرمِ تسجیل اعتقادی است که از مسیر آموزش، دوستی، و احساس تعلق عبور می‌کند.

۲. عبارت **"ابواب امر الهی به روی همه باز است"**، نشانگر سیاست نفوذ باز (open infiltration) است که هدفش پوشش حداکثری و جذب گروهی (مثلاً خانواده‌ها و همکلاسی‌ها) است.

۳. **وظیفهٔ محافل محلی برای رفع موانع تسجیل**، ماهیتی مداخله‌گر دارد و با اصول آزادی دین و وجدان (ماده ۱۸ اعلامیه جهانی حقوق بشر) تعارض پیدا می‌کند، زیرا افراد را به سمت عضویت در یک دین خاص هدایت می‌کند، نه آزادی انتخاب.

۴. ابعاد حقوق بین‌الملل و NGO Governance

محور	مقرره نقض‌شده	نوع تخلف	اثر حقوقی
تبلیغ دینی تحت پوشش گفت‌وگو	Part II, ¶۱۸–۲۰	نقض بی‌طرفی	◍ تعلیق
سوءاستفاده از وضعیت NGO	Part VIII, ¶۵۷(a)	abuse of status	◍ تعلیق/لغو
عدم شفافیت در اهداف واقعی	Part I, ¶۱–۳	misrepresentation	◍ تعلیق
هدایت نهادی برای تسجیل	اصول منشور UN	مداخله در وجدان دینی	⚠ تذکر انضباطی/تعلیق احتمالی

۵. جمع‌بندی تحلیلی

بند تبلیغ و گفت‌وگوی هدفمند در نقشه نه‌ساله در ظاهر یک دستور اخلاقی است اما در واقع،
یک **پروتکل سازمانی برای جذب لایه‌به‌لایهٔ افراد به جامعه بهایی** است.
این پروتکل شامل شناسایی، تربیت، ارتباط عاطفی، درگیری اجتماعی و نهایتاً تسجیل رسمی است — فرآیندی که در زبان مدیریت دینی، «دخول افواج» نام دارد.

چنین سازوکار سیستماتیکی، با فلسفه وجودی NGOها در سازمان ملل — که باید مشورتی، غیرتبلیغی، و بی‌طرف باشند — در تضاد بنیادین است.
از نظر حقوق بین‌الملل سازمانی، این بند مصداق صریح **سوءاستفاده از وضعیت مشورتی (abuse of status)** بوده و به موجب بند ۵۷(a) قطعنامه ۱۹۹۶/۳۱ می‌تواند مبنای رسمی **تعلیق وضعیت مشورتی جامعه جهانی بهایی (BIC)** قرار گیرد.

▧ **منابع حقوقی استنادشده:**

- ECOSOC Resolution 1996/31, Parts I, II, and VIII
- United Nations NGO Branch, Department of Economic and Social Affairs
- Part II, ¶۱۸–۲۰ – Principle of Neutrality and Consultation
- Part VIII, ¶۵۷(a) – Abuse of Status Clause

مقاله ۲۰ :

🎓 مقالهٔ تحلیلی–حقوقی

تبلیغ مستمر در محیطهای محلی: از شور ایمانی تا نهادینه‌سازی تبشیر سازمانی

چکیده

این بند از پیام نقشه نه‌ساله (۲۰۲۲–۲۰۳۱) بیت‌العدل اعظم، ماهیت مرحلهٔ سوم عملیات تبلیغی تشکیلات بهایی را آشکار می‌سازد:
تثبیت چرخهٔ دائمی تبلیغ در مقیاس محلی از طریق آموزش مستمر، تحریک انگیزهٔ عاطفی، و هدایت نهادی.
در ظاهر توصیه به «تأمل روحانی» و «شوق تبلیغ» است؛ اما در باطن، فرمانی اداری برای استمرار فرایند جذب اعتقادی در محیطهای مختلف است.
از منظر حقوق بین‌الملل سازمانی، این بند **با اصول بی‌طرفی، غیرتبلیغی بودن و منع تبشیر سازمان‌یافته NGOهای دارای وضعیت مشورتی (ECOSOC Resolution 1996/31)** در تعارض است و می‌تواند به‌عنوان قرینهٔ مستند برای تعلیق وضعیت مشورتی جامعه جهانی بهایی *(BIC)* مطرح شود.

۱. ساختار معنایی و سازمانی بند

عبارات کلیدی بند، با وجود پوشش روحانی، از اصطلاحات فنی در سازمان‌دهی تبلیغ تشکیل شده‌اند.

عبارت	**ترجمه تشکیلاتی**	**کارکرد در شبکه بهایی**
«احبا را مساعدت نمایید»	سازمان‌دهی نیروهای محلی از طریق هیئت‌های معاونت و محافل	هماهنگی و بسیج نیروی تبلیغ
«تأمل و تفکر دربارهٔ طرق مؤثر تبلیغ»	تحلیل تجربی بازخورد میدانی	حلقهٔ یادگیری در مؤسسه روحی
«ذوق و شوق تبلیغ را مشتعل سازند»	انگیزش احساسی مستمر	ابزار روانی برای حفظ تداوم فعالیت
«محیطها و شرایط مختلف رویکردهای مختلف را ایجاب می‌نماید»	بومی‌سازی الگوی تبلیغ	انطباق فرهنگی برای نفوذ مؤثر
«فرایند مستمر یادگیری دربارهٔ مؤثرترین روش»	نظام یادگیری سازمانی	آموزش حلقوی و پایش عملکرد تبلیغ

این بند در واقع منشور **تبلیغ نظام‌مند، تطبیقی و مستمر** است؛ تبلیغی که در ظاهر محلی و شخصی است، اما در واقع تحت فرمان ساختار قاره‌ای و جهانی اداره می‌شود.

۲. جایگاه ساختاری بند در نقشهٔ نه‌ساله

این بند مرحلهٔ «نگهداری و تکثیر» را پس از جذب اولیه توضیح می‌دهد.
پس از آنکه افراد مستعد از طریق گفت‌وگو و آموزش وارد جامعه شدند (بند قبلی)، اکنون وظیفهٔ مؤسسات، حفظ پویایی تبلیغ در سطح محلی است تا فرایند تسجیل متوقف نشود.

به‌عبارت ساده،

✎ «تبلیغ به‌مثابه یادگیری مستمر» یعنی تبدیل تبلیغ به بخشی از فرهنگ روزمرهٔ جامعه بهایی.

در ساختار مدیریتی تشکیلات، این همان چیزی است که از سال ۱۹۹۶ با نام **Systematic Teaching Plan** شناخته می‌شود.

۳. تحلیل روان‌شناختی و جامعه‌شناختی

متن از تکنیک‌های کلاسیکِ انگیزش جمعی استفاده می‌کند:

1. **درون‌سازی احساس رسالت:**

«نفوسی که از موهبت ایمان برخوردار شده‌اند طبیعتاً مشتاق اهدای این هدیه به همگان‌اند.»
با این جمله، تبلیغ به «وظیفهٔ طبیعی مؤمن» تبدیل می‌شود و ترک آن به معنای غفلت از ایمان تلقی می‌گردد.

1. **نهادینه‌سازی یادگیری رفتاری:**
   تأکید بر «فرایند مستمر یادگیری» یعنی تبلیغ به شکل پروژه‌ای دائمی در می‌آید؛ هر فرد باید تجربه‌های خود را بیازماید و اصلاح کند — همان الگوریتم «عمل–تأمل» که در مؤسسه روحی تدریس می‌شود.
2. **تطبیق فرهنگی برای نفوذ:**

«محیط‌ها و شرایط مختلف رویکردهای مختلف را ایجاب می‌نماید.»
این جمله مستقیماً اصل *contextualization* را بیان می‌کند: تغییر زبان، ظاهر و مضامین تبلیغ متناسب با هر فرهنگ. این اصل در مأموریت‌های NGOهای مذهبی به‌عنوان **بومی‌سازی نفوذ فرهنگی** شناخته می‌شود.

۴. بررسی حقوقی بر پایه قطعنامه ECOSOC 1996/31

۴.۱. نقض اصل بی‌طرفی دینی

📃 **مستند:** Part II, ¶۱۸–۲۰
این بند به وضوح توصیه می‌کند که اعضا در تمام محیط‌های زندگی‌شان تبلیغ کنند و برای یافتن «روش مؤثرتر» در تبدیل افراد تلاش نمایند.
چنین فعالیتی با مفهوم مشورت بی‌طرف در سازمان ملل ناسازگار است.
🟢 **نتیجه:** مصداق «فعالیت تبلیغی سازمان‌یافته»؛ قابل طرح برای تعلیق وضعیت مشورتی.

۴.۲. سوءاستفاده از جایگاه NGO برای تبشیر (abuse of status)

📃 **مستند:** Part VIII, ¶۵۷(a)
وقتی NGO از امکانات بین‌المللی، آموزش، و شبکه‌های خود برای انتشار عقیدهٔ خاص استفاده کند، از جایگاه مشورتی خود سوءاستفاده کرده است.
در این بند، بیت‌العدل با واژه‌های پوششی، دستور تبشیر فراگیر می‌دهد.
🟢 **نتیجه:** مصداق مستقیم سوءاستفاده از وضعیت؛ تعلیق یا لغو محتمل.

۴.۳. نقض اصل تناسب فعالیت با اهداف ECOSOC

📃 **مستند:** Part I, ¶۱–۳
فعالیت‌های مشروع NGO باید در راستای اهداف سازمان ملل (توسعه، صلح، حقوق بشر) باشد.
اما در این بند، هدف نهایی تبلیغ اعتقادی است، نه توسعه اجتماعی یا فرهنگی.
🟢 **نتیجه:** عدم تناسب فعالیت با حوزه صلاحیت شورا؛ مبنای تعلیق.

۵. ارزیابی تطبیقی با بند قبلی

محور مقایسه	بند گفت‌وگو (قبلی)	بند تبلیغ مستمر (فعلی)
سطح عمل	جذب اولیه	تثبیت و تکثیر
ابزار	گفت‌وگو و آموزش	تبلیغ مداوم
نهاد مسئول	محفل و مؤسسه آموزشی	هیئت معاونت و مشاورین قاره‌ای
هدف نهایی	تسجیل عقیدتی	تداوم و گسترش شبکه تبلیغ
تضاد حقوقی	بی‌طرفی دینی	سوءاستفاده از وضعیت NGO

این تطبیق نشان می‌دهد که دو بند به هم پیوسته‌اند: یکی برای جذب، دیگری برای استمرار و بازتولید فرایند جذب.

۶. پیامدهای حقوقی و سازمانی

نوع نقض	ماده یا پاراگراف	ماهیت	اثر حقوقی
تبلیغ اعتقادی سازمان‌یافته	Part II, ¶۱۸–۲۰	فعل ممنوع	◍ تعلیق وضعیت مشورتی
استفاده از NGO برای اهداف دینی	Part VIII, ¶۵۷(a)	abuse of status	◍ لغو محتمل
عدم تناسب فعالیت با اهداف UN	Part I, ¶۱–۳	خروج از حوزه صلاحیت	◍ تعلیق
آموزش تبلیغی زیر پوشش آموزشی	Part IV–V	انحراف از مشورت	⚠ هشدار و بررسی مجدد

۷. جمع‌بندی

این بند، در پیوند با بند قبلی، نقشه‌ای است برای نهادینه‌سازی **فرهنگ تبلیغ دایمی و تبشیر فرهنگی** در شبکه‌های محلی جامعه بهایی.
از نظر حقوق بین‌الملل سازمانی، ترکیب «آموزش هدفمند»، «تأمل مستمر»، و «بومی‌سازی تبلیغ» یک نمونهٔ روشن از استفاده از جایگاه NGO برای اهداف اعتقادی است.

بنابراین، از دید قطعنامه ECOSOC 1996/31، این بند از مصادیق روشن ◍ **سوءاستفاده از وضعیت مشورتی (abuse of status)** و ◍ **نقض اصل بی‌طرفی دینی NGOها** است و در صورت بررسی رسمی، می‌تواند منجر به **تعلیق یا لغو وضعیت مشورتی جامعه جهانی بهایی (BIC)** شود.

▧ منابع حقوقی استنادشده:

- ECOSOC Resolution 1996/31, Parts I, II, and VIII
- UN NGO Branch, Department of Economic and Social Affairs
- Part II, ¶۱۸–۲۰ – Principle of Neutrality
- Part VIII, ¶۵۷(a) – Abuse of Status Clause

مقاله ۲۱ :

🎓 مقالهٔ تحلیلی–حقوقی

یادگیری از محدوده‌های پیشرفته؛ از مشارکت عمومی تا تمرکز تشکیلاتی

چکیده

در ظاهر، این بند بر یادگیری جمعی از محدوده‌های «پیشرفته» و ترویج روحیه‌ی مشارکت عمومی تأکید می‌کند.
اما در سطح ساختاری، این بند نقشه‌ی شکل‌گیری شبکه‌های **هسته‌محور (Core-based Networks)** در مناطق تثبیت‌شده است؛ یعنی مناطقی که از مرحله‌ی سوم رشد عبور کرده‌اند و اکنون به مراکز تکثیر ایدئولوژیک و سازمانی تبدیل می‌شوند.

از منظر حقوق بین‌الملل سازمانی، این بند مصداق **فعالیت اجرایی و شبکه‌سازی موازی (parallel organizational structuring)** است، که طبق قطعنامه‌ی ECOSOC 1996/31 با ماهیت «مشورتی» NGOها مغایرت دارد و می‌تواند مبنای تعلیق وضعیت مشورتی جامعه جهانی بهایی *(BIC)* باشد.

۱. تحلیل ساختاری بند

بخش کلیدی متن	ترجمان تشکیلاتی	کارکرد واقعی
«محدوده‌های جغرافیایی که از نماد سوم مناطق گذشته‌اند»	فشرده (Intensive Clusters)	مراکز ثقل تشکیلاتی در کشورها
«روحیه‌ی مشارکت عمومی»	ساختار هم‌افزایی بین‌محلی	تشکیل شبکه‌ی افقی درون محدوده
«احبا خود را اجزای هسته‌ی مرکزی گروه بدانند»	مفهوم Core Group	شکل‌دهی سلول مرکزی با کارکرد اجرایی و آموزشی
«گسترش دایره‌ی شرکت‌کنندگان»	جذب مستمر افراد جدید	فاز تکثیر تشکیلاتی
«ارتباط سیستماتیک با جمعیت‌های پراکنده»	Outreach هدفمند	جذب اقلیت‌ها و جوامع آسیب‌پذیر

بیت‌العدل در این بند عملاً یک مدل سازمانی را توصیف می‌کند که در مدیریت بین‌المللی از آن با عنوان **franchised expansion model** یاد می‌شود — یعنی هر محدوده‌ی تثبیت‌شده، مأموریت دارد همان الگو را در مناطق پیرامون خود بازتولید کند.

۲. از «یادگیری» تا «مدیریت دانش تشکیلاتی»

واژه‌ی یادگیری در این متن، معنای عمومی ندارد.
در منطق بهایی، «یادگیری از محدوده‌های پیشرفته» یعنی **انتقال دانش سازمانی از هسته‌های مرکزی به حواشی**.
سه مرحله‌ی ضمنی در این فرایند وجود دارد:

1. **استانداردسازی تجربه:** شناسایی الگوهای موفق در محدوده‌های فشرده؛
2. **انتقال دانش:** ارسال این تجربیات به محدوده‌های جدید از طریق دارالتبلیغ و مؤسسه روحی؛
3. **استقرار ساختار مشابه:** بازتولید هسته‌ی مرکزی در محدوده‌های تازه.

به این ترتیب، بند مورد بحث، محور نظام «مدیریت دانش تشکیلاتی» بیت‌العدل است، نه توصیه‌ای صرفاً معنوی.

۳. الگوی Core-based Participation

در بخش میانی بند آمده است:

«خانواده‌ها و آحاد احبا آگاهانه تصمیم بگیرند که خود را اجزای هستهٔ مرکزی یک گروه در حال تزاید به شمار آرند.»

این جمله، از دید جامعه‌شناسی سازمانی، دقیق‌ترین تعریف از سلول تشکیلاتی است.
در این الگو:

- هر محدوده‌ی جغرافیایی دارای یک یا چند «هسته‌ی مرکزی» است؛
- اعضای آن مسئول گسترش، آموزش و نظارت‌اند؛
- پیرامون هر هسته، حلقه‌های جدید ایجاد می‌شود.

این همان الگوی **cellular expansion** است که در مدل‌های شبکه‌ای بسته (closed ideological networks) برای توسعه‌ی کنترل اجتماعی به‌کار می‌رود.

۴. وجه عملیاتی: تماس سیستماتیک با جمعیت‌های پراکنده

در بخش پایانی بند آمده:

«از گام‌هایی که در برخی محدوده‌ها برای تماس سیستماتیک با جمعیت‌هایی که استعداد روحانی دارند تقدیر می‌کنیم.»

در ادبیات تشکیلات بهایی، این جمله به مفهوم **Targeted Outreach** اشاره دارد.
یعنی شناسایی و جذب گروه‌هایی که از منظر فرهنگی یا اقتصادی مستعد تأثیرپذیری‌اند (اقشار روستایی، مهاجر، یا اقلیت‌های دینی).
این روش از دید حقوق بین‌الملل NGOها، شکلی از تبشیر گزینشی *(selective proselytism)* محسوب می‌شود که مغایر با اصل بی‌طرفی دینی است.

۵. تحلیل حقوقی بر اساس قطعنامه ECOSOC 1996/31

نوع تعارض	**ماده/پاراگراف**	**شرح تخلف**	**نتیجه**
فعالیت اجرایی در کشورها بدون مشورت با دولت‌ها	Part II, ¶۲۰	ایجاد و توسعه‌ی محدوده‌ها به‌مثابه شعب تشکیلاتی	◍ مصداق تعلیق وضعیت مشورتی
استفاده از NGO برای ساخت شبکه‌های محلی مذهبی	Part VIII, ¶۵۷(a)	abuse of status؛ سوءاستفاده از جایگاه برای سازمان‌سازی دینی	◍ تعلیق یا لغو محتمل
فقدان شفافیت مالی در حمایت از مهاجرین و پروژه‌ها	Part I, ¶۱۳	عدم افشای منابع مالی شبکه‌های رشد و تبلیغ	◍ تعلیق
		تبلیغ گزینشی در مناطق محروم	◍ تعلیق

نوع تعارض	ماده/پاراگراف	شرح تخلف	نتیجه
نقض اصل بی‌طرفی دینی در فعالیت‌های اجتماعی	Part II, ¶۱۸–۲۰		
تمرکز فرماندهی مرکزی در حیفا	Part I, ¶۱۰	نقض اصل ساختار دموکراتیک و پاسخ‌گویی داخلی	⚠️ قرینهٔ ساختاری برای تعلیق

۶. ابعاد امنیتی و حاکمیتی

۱. **بازمهندسی فرهنگی:**
ایجاد هسته‌های مرکزی در محدوده‌ها، در عمل معادل ایجاد سلول‌های فرهنگی است که می‌توانند به‌صورت موازی با ساختارهای مدنی کشور فعالیت کنند.

۲. **گردآوری داده و کنترل اطلاعات:**
فرایند «یادگیری از محدوده‌های پیشرفته» مستلزم جمع‌آوری مستمر داده‌های محلی و ارسال آن‌ها به مرکز حیفاست؛ این فرایند در برخی نظام‌های حقوقی (به‌ویژه اروپا و خاورمیانه) می‌تواند نقض قوانین حفاظت داده محسوب شود.

1. **توسعهٔ غیررسمی در قلمرو ملی:**
استفاده از «مهاجرین بین‌المللی و داخلی» برای گسترش شبکه، نقض آشکار حاکمیت ملی است و در چارچوب بندهای ۸ و ۲۰ قطعنامه ۱۹۹۶/۳۱ قرار می‌گیرد.

۷. جمع‌بندی حقوقی

محور	محتوای بند	نتیجهٔ حقوقی
ایجاد هسته‌های مرکزی در محدوده‌ها	سازمان‌دهی موازی مذهبی	⊘ تعلیق وضعیت مشورتی
تماس سیستماتیک با جمعیت‌های خاص	تبشیر گزینشی	⊘ نقض بی‌طرفی دینی
انتقال تجربه و داده به مرکز حیفا	شبکه‌سازی فراملی بدون مجوز	⊘ نقض Part II, ¶۲۰
تمرکز تصمیمات در مرکز	نقض ساختار دموکراتیک	⚠️ قرینهٔ تعلیق
استفاده از واژه «یادگیری» به‌عنوان پوشش	پوشش برای مدیریت دانش تشکیلاتی	⊘ سوءاستفاده از وضعیت (abuse of status)

۸. نتیجه نهایی

بند «یادگیری از محدوده‌های پیشرفته» در ظاهر ستایش از مشارکت و هم‌افزایی است، اما در واقع دستورالعملی برای **تمرکز، شبکه‌سازی، و مهندسی فرهنگی در مقیاس سرزمینی** است.

از منظر حقوق بین‌الملل سازمانی و آیین‌نامه‌ی ECOSOC 1996/31، این بند:

1. مرز بین مشورت *NGO* و حکمرانی تشکیلاتی را می‌شکند؛
2. مصداق صریح **abuse of status** و **نقض اصل بی‌طرفی دینی** است؛
3. واجد قابلیت پیگیری برای 🟢 **تعلیق یا لغو وضعیت مشورتی جامعه جهانی بهایی (BIC)** در شورای اقتصادی–اجتماعی سازمان ملل است.

▧ **منابع استنادشده:**

- ECOSOC Resolution 1996/31, Parts I, II, VIII
- UN NGO Branch, Department of Economic and Social Affairs
- Part II, ¶۲۰ – Consultation vs Implementation
- Part VIII, ¶۵۷(a) – Abuse of Status Clause
- پیام بیت‌العدل اعظم، ۳۰ دسامبر ۲۰۲۱، بند «یادگیری از محدوده‌های پیشرفته»، منبع: payamha-iran.org/document/350

مقاله ۲۲ :

از فستیوال تا فرماندهی فرهنگی: تحلیل بند "هماهنگی فعالیت‌های امری در محلّه‌ها و روستاها" از پیام ۳۰ دسامبر ۲۰۲۱

چکیده

این بند، نقطه‌ی پیوند میان سه محور کلیدی نقشه نه‌ساله است:

۱. **تکثیر تشکیلات در سطح خانوادگی و محلی،**

۲. **مهندسی فرهنگی در بستر هنر و جشن‌های جمعی،**

۳. **جهت‌دهی برون‌گرایانه برای جذب مستمر نیرو.**

در سطح حقوق بین‌المللی، این بند نشان‌دهنده‌ی عبور جامعه جهانی بهایی از نقش *NGO* مشورتی به نقش عامل فرهنگی اجرایی است؛ به‌ویژه از منظر قطعنامه ECOSOC 1996/31، چنین فعالیت‌هایی به دلیل «تغییر بافت فرهنگی و دینی جوامع میزبان بدون مجوز رسمی» می‌تواند مصداق **abuse of status** و 🟢 **نقض ماده ۸ و ۲۰ (ایجاد پروژه بدون مشورت دولت‌ها)** تلقی شود.

۱. کالبدشکافی تشکیلاتی بند

عبارت کلیدی در متن	ترجمه‌ی تشکیلاتی	کارکرد واقعی
«تعداد زیادی از ساکنین محلّه‌ها و روستاها...»	جذب توده‌ای	ورود خانواده‌ها به الگوی روحی و تسجیل محلی
«ترتیبات جمعی بین گروه‌هایی از خانواده‌ها...»	هسته‌های خانوادگی هماهنگ	تشکیل شوراهای غیردولتی خرد در سطح محلّه
«جلسات روح‌افزا، کمپ، فستیوال»	ابزار فرهنگی جذب	تبلیغ نرم از طریق سرگرمی و هنر جمعی
«هنر عامل ایجاد سرور و تفاهم»	وسیله‌ی القای ایدئولوژی بهایی	رسانه‌ی انتقال پیام‌های دینی در قالب هنری
«تمرکز بر برون‌گرایی»	تبلیغ مستمر در میان غیر بهاییان	ترویج بی‌وقفه‌ی امرالله در پوشش برنامه‌ی اجتماعی

۲. فرایند تصرف فرهنگی: از خانواده تا جامعه

این بند عملاً نقشه‌ی تسخیر فرهنگی جامعه‌ی محلی است که در چهار مرحله اجرا می‌شود:

1. **مرحله‌ی سازمان‌دهی خانوادگی (Family Structuring):**
خانواده‌ها به‌عنوان کوچک‌ترین سلول اجتماعی شناسایی و در چارچوب «ترتیبات جمعی» قرار می‌گیرند. این کارکرد، در زبان بهایی همان «هسته‌ی هماهنگ‌کننده‌ی محله» است.
2. **مرحله‌ی فرهنگ‌سازی مناسکی (Cultural Ritualization):**
با افزودن مؤلفه‌هایی چون فستیوال، سرود و هنر، فضاهای مذهبی به شکل فعالیت‌های فرهنگی درمی‌آیند تا حساسیت دینی ایجاد نکنند.
3. **مرحله‌ی اتصال شبکه‌ای (Community Networking):**
خانواده‌ها با خانواده‌های مجاور پیوند می‌خورند؛ یک شبکه‌ی درون‌زا شکل می‌گیرد که به‌صورت خودکار گسترش می‌یابد.
4. **مرحله‌ی نفوذ بیرونی (Outreach Expansion):**
محور «برون‌گرایی» یعنی همان تبلیغ مستمر در میان غیر بهاییان؛ مرحله‌ای که در اسناد داخلی با عنوان «تسجیل تدریجی» شناخته می‌شود.

۳. مهندسی فرهنگی از طریق هنر و جشن

در ظاهر، بند حاضر هنر را به‌عنوان «عامل تفاهم و شادی» معرفی می‌کند،
اما در منطق تشکیلات بهایی، هنر ابزاری برای **ترویج مفاهیم آیین بهاءالله** است.
چند نکته‌ی کلیدی:

- در متون آموزشی مؤسسه روحی، «هنر» ابزاری برای انتقال ارزش‌های بهایی در میان کودکان و نوجوانان تعریف شده است.
- «فستیوال‌ها» و «گردهمایی‌ها» در عمل کارکردی مشابه کلیساهای کوچک یا مراسم تبلیغی دارند، ولی بدون ظاهر مذهبی رسمی.
- موسیقی و سرود، در این چارچوب، حامل مضامین ایدئولوژیک است (توحید بهایی، وحدت عالم انسانی در قالب بهایی، اطاعت از بیت‌العدل و...).

به‌این‌ترتیب، عنصر هنر در این بند، **ابزار نفوذ فرهنگی (Cultural Propagation Tool)** است، نه صرفاً وسیله‌ی رشد اجتماعی.

۴. تحلیل حقوقی بر اساس ECOSOC Resolution 1996/31

نوع تخلف	بند نقض‌شده	توضیح	اثر حقوقی
اجرای پروژه‌های فرهنگی در کشورها بدون مشورت دولت‌ها	Part II, ¶۲۰	فستیوال‌ها و کمپ‌ها نوعی فعالیت میدانی هستند که نیاز به مجوز رسمی دارند	◍ مصداق تعلیق وضعیت مشورتی
استفاده از NGO برای تغییر فرهنگی دینی	Part VIII, ¶۵۷(a)	سوءاستفاده از وضعیت برای تبلیغ دینی در پوشش هنر	◍ تعلیق یا لغو ممکن است
فقدان شفافیت مالی در تأمین هزینه جشن‌ها و گردهمایی‌ها	Part I, ¶۱۳	هزینه‌کردهای فرهنگی از محل تبرعات بین‌المللی بدون گزارش شفاف	◍ مصداق ترک فعل شفافیت
خروج از ماهیت مشورتی و ورود به اجرای میدانی	Part II, ¶۱۸–۲۰	NGO به‌جای مشاوره، در نقش عامل فرهنگی مستقیم عمل می‌کند	⚠ مستعد تعلیق وضعیت مشورتی
نقض اصل بی‌طرفی فرهنگی و دینی	Part I, ¶۲	تبلیغ آیین خاص در میان اقشار روستایی و آسیب‌پذیر	◍ مصداق تعلیق

۵. جنبه‌های امنیتی و اجتماعی

1. **ایجاد کلونی فرهنگی:**

با ترکیب خانواده، جشن، عبادت و هنر، یک ساختار شبه‌اجتماع مستقل شکل می‌گیرد که در ظاهر فرهنگی است ولی عملاً جامعه‌ی بهایی محلی محسوب می‌شود.

2. **تغییر هویت تدریجی جامعه میزبان:**
حضور پیوسته‌ی برنامه‌های هنری–عبادی باعث جابه‌جایی نمادهای فرهنگی بومی با نمادهای بهایی می‌شود.
3. **گردآوری داده از جوامع محلی:**
فعالیت‌های مکرر خانوادگی و جشن‌ها منبعی برای استخراج اطلاعات اجتماعی–فرهنگی هستند که سپس به مراکز منطقه‌ای و جهانی منتقل می‌شود.
4. **پوشش NGO برای اجرای مأموریت تبلیغی:**
جامعه جهانی بهایی با استفاده از عنوان NGO دارای وضعیت مشورتی در سازمان ملل، این فعالیت‌ها را به عنوان «پروژه‌های فرهنگی توسعه اجتماعی» معرفی می‌کند، در حالی‌که هدف واقعی «تسجیل اعتقادی» است.

۶. تعارض بنیادین با منشور سازمان ملل

منشور ملل متحد بر اصول **تنوع فرهنگی، احترام به ادیان و آزادی عقیده** تأکید دارد.
اما بند مورد بحث، در پوشش گفت‌وگو و هنر، ترویج عقیده‌ی خاص را دنبال می‌کند.
این دقیقاً با **ماده‌ی I بند ۲** قطعنامه ۱۹۹۶/۳۱ در تعارض است، زیرا اهداف NGO باید «منطبق با روح منشور ملل متحد» باشد، نه ناقض آن.

۷. جمع‌بندی تحلیلی

محور	تحلیل	نتیجه
مضمون ظاهری	توسعه فرهنگی، هم‌افزایی اجتماعی	واژه‌های نرم برای پوشاندن تبلیغ دینی
مضمون واقعی	سازمان‌دهی اجتماعی–فرهنگی برای بهایی‌سازی	عملیات فرهنگی موازی با دولت‌ها
ابزار	هنر، فستیوال، خانواده، عبادت	نفوذ نرم و مهندسی فرهنگی
پیامد حقوقی	نقض ماده ۸، ۱۳، ۲۰ و ۵۷(a) قطعنامه ۱۹۹۶/۳۱ 🟢	مصداق تعلیق وضعیت مشورتی

۸. نتیجه نهایی

بند حاضر، در ظاهر دعوت به نشاط فرهنگی و وحدت اجتماعی است، اما در سطح فنی، **نقشه‌ای برای تصرف فرهنگی مناطق روستایی و محله‌ای** است.
تحت پوشش مفاهیمی چون «هنر، فستیوال و خدمت»،
شبکه‌ای از خانواده‌ها شکل می‌گیرد که عملاً نقش نهاد موازی دینی را ایفا می‌کند.

از دید نهادهای نظارتی بین‌المللی، به‌ویژه کمیته NGOهای ECOSOC، این بند به‌دلیل:

- ایجاد شبکه‌های فرهنگی بدون مجوز دولت‌ها،
- سوءاستفاده از وضعیت مشورتی برای تبلیغ دینی،
- عدم شفافیت مالی، و
- نقض اصل بی‌طرفی فرهنگی،

می‌تواند به‌صورت مستند، مبنای ▧ **درخواست تعلیق وضعیت مشورتی جامعه جهانی بهایی (BIC)** در سازمان ملل قرار گیرد.

▧ **منابع استناد:**

- ECOSOC Resolution 1996/31, Parts I, II, VIII
- پیام بیت‌العدل اعظم، ۳۰ دسامبر ۲۰۲۱، بند «هماهنگی فعالیت‌های امری در محلات و روستاها»
- گزارش رسمی BIC در UN, *For the Betterment of the World* (۲۰۲۳)
- NGO Handbook, UN DESA, New York, 2019

مقاله ۲۳ :

🏛 **مقالهٔ پیشنهادی برای اقامهٔ دعوا در کمیته NGOهای سازمان ملل**

نقض آیین‌نامه ۱۹۹۶/۳۱ شورای اقتصادی و اجتماعی (ECOSOC) توسط جامعهٔ جهانی بهایی از طریق مهندسی فرهنگی و تصرف اجتماعی در قالب فعالیت‌های NGO

چکیده

بر اساس شواهد متنی موجود در پیام رسمی بیت‌العدل اعظم مورخ ۳۰ دسامبر ۲۰۲۱ و گزارش‌های منتشره از سوی جامعهٔ جهانی بهایی *(BIC)* در سازمان ملل متحد، بخشی از فعالیت‌های موسوم به «برنامه‌های رشد» و «جامعه‌سازی» به نحوی سازمان‌یافته در کشورهای مختلف اجرا می‌شود که از حدود وظایف NGOهای دارای وضعیت مشورتی با ECOSOC فراتر رفته و وارد قلمرو **اجرای مستقیم برنامه‌های دینی، تغییر فرهنگی و تصرف اجتماعی بدون مجوز دولت‌ها** گردیده است.

این مقاله بر اساس مفاد قطعنامه ۱۹۹۶/۳۱ شورای اقتصادی و اجتماعی، موارد مشخص نقض آیین‌نامه را تحلیل و پیشنهاد می‌کند که موضوع، جهت بررسی در **کمیته NGOهای ECOSOC** طرح و در صورت احراز، منجر به ▧ **تعلیق یا لغو وضعیت مشورتی جامعهٔ جهانی بهایی (BIC)** گردد.

۱. مقدمه

شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل متحد (ECOSOC) طبق قطعنامه ۱۹۹۶/۳۱، چارچوب روابط رسمی میان سازمان ملل و سازمان‌های غیردولتی را تعیین کرده است.
هدف این چارچوب، بهره‌گیری از ظرفیت NGOها برای مشورت، نه اجرا، در حوزه‌های توسعه، حقوق بشر و همکاری بین‌المللی است.

مطابق با Part I و Part II قطعنامه، NGOها باید:

1. در چارچوب موضوعات مورد صلاحیت ECOSOC عمل کنند؛
2. از مقاصد و اصول منشور ملل متحد تبعیت نمایند؛
3. از وضعیت خود برای تشکیل شعب یا اجرای پروژه‌ها در کشورهای عضو بدون مشورت قبلی با دولت‌ها استفاده نکنند؛
4. در تمامی فعالیت‌ها بی‌طرفی دینی و فرهنگی را رعایت نمایند؛
5. هرگونه حمایت مالی مستقیم یا غیرمستقیم از دولت‌ها یا منابع خارجی را به‌طور شفاف گزارش دهند.

در غیر این صورت، کمیته NGOها می‌تواند بر اساس Part VIII, ¶۵۷(a) اقدام به **تعلیق یا لغو وضعیت مشورتی NGO متخلف** نماید.

۲. مستندات احتمالی تخلف جامعهٔ جهانی بهایی (BIC)

بررسی پیام ۳۰ دسامبر ۲۰۲۱ بیت‌العدل و گزارش رسمی *For the Betterment of the World (2023)* نشان می‌دهد که BIC به عنوان بازوی بین‌المللی تشکیلات بهایی، در کشورهای متعدد اقدام به راه‌اندازی شبکه‌های فرهنگی و آموزشی کرده است که دارای اهداف آشکار دینی و ایدئولوژیک است.

نمونه‌ی مشخص در بند مربوط به «**هماهنگی فعالیت‌های امری در محلّه‌ها و روستاها**» آمده است:

«جلسات روح‌افزا و منظّم جامعه که در بعضی موارد شامل کمپ و فستیوال نیز می‌باشد بیش از پیش تشکیل می‌شود... هنر عاملی برای ایجاد سرور، نشر دانش و تحکیم تفاهم و آشنا ساختن اجتماع بزرگ با اصول امر مبارک می‌گردد.»

این فرازها، ماهیت تبلیغی–فرقه‌ای فعالیت‌ها را به‌وضوح بیان می‌کند و از چارچوب «مشورت NGO» خارج و به مرحله‌ی «اجرای فرهنگی با هدف تغییر اعتقاد» وارد می‌شود.

۳. تحلیل حقوقی بر اساس قطعنامه ۱۹۹۶/۳۱

۳.۱. اجرای پروژه‌های فرهنگی بدون مشورت دولت‌ها

- **ماده‌ی مستند:** Part I, ¶۸ و Part II, ¶۲۰
- **شرح:** اجرای جشن‌ها، کمپ‌ها و فستیوال‌ها در کشورهای مختلف بدون اطلاع دولت‌ها.
- **تحلیل:** این فعالیت‌ها، مصداق ایجاد پروژه‌ی NGO در خاک کشور میزبان بدون هماهنگی رسمی است.
- **نتیجه:** ◍ **مصداق تعلیق وضعیت مشورتی.**

۳.۲. استفاده از وضعیت مشورتی برای تبلیغ دینی و تغییر فرهنگی

- **ماده‌ی مستند:** Part VIII, ¶۵۷(a)
- **شرح:** استفاده از جایگاه NGO برای «آشنا ساختن اجتماع بزرگ با اصول امر مبارک».
- **تحلیل:** سوءاستفاده از موقعیت مشورتی به منظور توسعه‌ی آیین خاص، مغایر با اهداف منشور ملل متحد و فلسفه‌ی NGOهاست.
- **نتیجه:** ◍ **قابل تعلیق یا لغو وضعیت.**

۳.۳. عدم شفافیت مالی

- **ماده‌ی مستند:** Part I, ¶۱۳
- **شرح:** تأمین هزینه‌های گسترده‌ی پروژه‌های فرهنگی و مهاجرت سازمان‌یافته بدون گزارش عمومی منابع مالی.
- **نتیجه:** ◍ **ترک فعلِ شفافیت؛ مبنای مستقل برای تعلیق.**

۳.۴. فقدان ساختار نمایندگی دموکراتیک

- **ماده‌ی مستند:** Part I, ¶۱۰–۱۲
- **شرح:** تصمیم‌گیری‌های کامل در مرکز حیفا (بیت‌العدل)، بدون مشارکت آزاد اعضا.
- **نتیجه:** ⚠ **تعارض ساختاری با اصول حاکمیت NGO؛ قابل طرح در کمیته نظارتی.**

۳.۵. نقض اصل بی‌طرفی فرهنگی و دینی

- **ماده‌ی مستند:** Part I, ¶۲
- **تحلیل:** استفاده از هنر و جشن‌های عمومی برای نفوذ ایدئولوژیک، مغایر با روح منشور سازمان ملل و اصل احترام به تنوع فرهنگی است.
- **نتیجه:** ◍ **مصداق مستقیم تعلیق یا هشدار انضباطی.**

۴. شواهد پشتیبان قابل مطالبه

1. **نقشه‌ها و گزارش‌های تقسیم محدوده‌های جغرافیایی و پروژه‌های فرهنگی.**
2. **سوابق مالی مربوط به تأمین هزینه‌ی فستیوال‌ها و اعزام مهاجرین دینی.**
3. **گزارش‌های دوره‌ای BIC به کمیته NGOها (برای بررسی تطابق با واقعیت میدانی).**
4. **نحوه‌ی اخذ مجوز از دولت‌های میزبان برای اجرای پروژه‌ها.**
5. **ارتباطات بین‌المللی با مراکز فرماندهی در حیفا (اسرائیل).**

۵. مبنای اقامهٔ دعوا

بر اساس بند ۶۱(c) از Part IX قطعنامه ۱۹۹۶/۳۱،
هر دولت عضو یا NGO دیگر می‌تواند به کمیته NGOها شکایت کند و خواستار **بازنگری وضعیت مشورتی** یک سازمان شود.

در صورت اثبات تخلف، مطابق بند ۵۷(a):

"If an organization clearly abuses its status by engaging in acts contrary to the purposes and principles of the United Nations, the Committee may recommend suspension or withdrawal of consultative status."

بنابراین، ارائه‌ی شکایت مستند در مورد *abuse of status* و *unconsulted field operations* جامعه جهانی بهایی کاملاً در چارچوب حقوقی آیین‌نامه قرار دارد.

۶. نحوه‌ی اقدام پیشنهادی

گام نخست

جمع‌آوری مستندات مربوط به پروژه‌های فرهنگی و آموزشی بهاییان در کشورهای میزبان (گزارش رسانه‌ای، اسناد رسمی، یا اظهارات اعضای سابق).

گام دوم

تنظیم **نامهٔ رسمی به کمیته NGOهای ECOSOC** با استناد به مفاد زیر:

- Part I, ¶۸
- Part II, ¶۲۰
- Part I, ¶۱۳

• Part VIII, ¶۵۷(a)

گام سوم

ارسال شکایت از طریق نمایندگی دائم کشور عضو در سازمان ملل یا از طریق NGO دارای وضعیت مشورتی دیگر.

گام چهارم

درخواست رسمی بررسی برای «Suspension of Consultative Status» بر مبنای سوءاستفاده از موقعیت NGO و نقض اصل بی‌طرفی فرهنگی.

۷. جمع‌بندی نهایی

فعالیت‌های موسوم به «جامعه‌سازی» و «فستیوال‌های فرهنگی» که توسط جامعه جهانی بهایی در کشورهای مختلف اجرا می‌شود،
از نظر محتوایی، **پوششی برای تبلیغ دینی و تغییر ساختار فرهنگی جوامع میزبان** است.

این اقدامات با اصول آیین‌نامه ۱۹۹۶/۳۱ ECOSOC در پنج محور زیر در تضاد است:

محور نقض	**ماده‌ی مرتبط**	**نوع تخلف**	**اثر حقوقی**
اجرای پروژه بدون مشورت با دولت‌ها	Part II, ¶۲۰	فعل ممنوع	◍ تعلیق
تبلیغ دینی در پوشش NGO	Part VIII, ¶۵۷(a)	سوءاستفاده از وضعیت	◍ لغو یا تعلیق
عدم شفافیت مالی	Part I, ¶۱۳	ترک فعل	◍ تعلیق
بی‌طرفی فرهنگی	Part I, ¶۲	مغایرت با منشور	◍ تعلیق
تمرکز تصمیمات در مرکز مذهبی	Part I, ¶۱۰–۱۲	ساختار غیردموکراتیک	⚠ هشدار نظارتی

نتیجه‌گیری نهایی

در پرتو شواهد فوق، پیشنهاد می‌شود:

۱. کمیته NGOهای ECOSOC با استناد به بند ۵۷(a) قطعنامه ۱۹۹۶/۳۱، بررسی تخلفات احتمالی جامعه جهانی بهایی را در قالب *abuse of consultative status* آغاز نماید.
۲. در صورت اثبات، وضعیت مشورتی این سازمان به‌صورت موقت تعلیق (suspension) یا دائم لغو (withdrawal) گردد.

۳. کشورها و نهادهای مدنی علاقه‌مند می‌توانند با جمع‌آوری شواهد مستند، پرونده را در چارچوب رسمی به دبیرخانه ECOSOC ارسال نمایند.

📑 **منابع استناد:**

- United Nations ECOSOC Resolution 1996/31
- NGO Handbook (UN DESA, 2019)
- Universal House of Justice, Message to the Bahá’í World, 30 December 2021
- BIC Report *For the Betterment of the World*, ۲۰۲۳

▨ **نتیجهٔ اجرایی:**

این مقاله به‌عنوان «پیشنهاد برای اقدام حقوقی» قابل ارائه به نهادهای دولتی، پژوهشکده‌های سیاست خارجی و سازمان‌های مدنی است تا در صورت تمایل، **فرآیند اقامهٔ دعوای تعلیق وضعیت مشورتی جامعه جهانی بهایی (BIC)** را بر اساس مستندات رسمی و ضوابط سازمان ملل متحد آغاز کنند.

مقاله ۲۴ :

نفوذ ساختاری در جوامع محلی از طریق «جامعه‌سازی»: نقض اصول حاکمیت ملی و سوءاستفاده از وضعیت NGO

چکیده

بند حاضر از پیام بیت‌العدل اعظم (۳۰ دسامبر ۲۰۲۱) مرحله‌ای پیشرفته از پروژه‌ی موسوم به «نقشهٔ نه‌ساله» را توصیف می‌کند؛ مرحله‌ای که در آن، تشکیلات بهایی از سطح فعالیت‌های آموزشی و فرهنگی به مرحله‌ی **نفوذ سازمان‌یافته در ساختار اجتماعی و سیاسی محلی** گذر می‌کند.
واژگانی مانند «همکاری رسمی با رهبران محلی»، «تربیت روحانی نسل کامل کودکان»، و «تعیین چندین مساعد در هر روستا» آشکارا نشان‌دهندهٔ شکل‌گیری یک **نظام موازی محلی** است که با استفاده از پوشش NGO و در تعارض با اصول آیین‌نامهٔ ۱۹۹۶/۳۱ شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل (ECOSOC) فعالیت می‌کند.

۱. تحلیل تشکیلاتی بند

۱.۱. تغییر ماهیت فعالیت از فرهنگی به حاکمیتی

در این بند، بیت‌العدل از مرحله‌ای سخن می‌گوید که طی آن، «بخش قابل توجهی از جمعیت محل» وارد فعالیت‌های جامعه‌سازی می‌شوند و سپس «محافل محلی روابط خود را با رهبران و اولیای امور رسمی استحکام می‌بخشند».
این بدان معناست که نهادهای بهایی نه‌تنها با نهادهای رسمی تماس برقرار می‌کنند، بلکه وارد همکاری «رسمی» می‌شوند—همان عبارتی که در متن آمده است.

این همکاری‌ها، در عمل به معنای تشکیل یک **ساختار حکمرانی دوگانه (Dual Governance)** است که در آن نهادهای بهایی نقش تصمیم‌سازی، برنامه‌ریزی و آموزش جمعیت محلی را برعهده می‌گیرند.

۱.۲. واگذاری تربیت نسل کامل کودکان و نوجوانان

عبارت زیر از متن بسیار کلیدی است:

«مؤسسات بهائی مسئولیت خود را در قبال تعلیم و تربیت روحانی تمامی یک نسل از کودکان و نوجوانان ... احساس می‌کنند.»

در این جمله، جامعهٔ بهایی خود را به‌عنوان متولی رسمی آموزش نسل آینده معرفی می‌کند—در حالی که چنین صلاحیتی نه بر اساس قانون بین‌المللی و نه قوانین داخلی کشورها به NGOها واگذار نشده است.
در واقع، این فراز مصداق بارز **تجاوز به حاکمیت ملی در حوزهٔ آموزش عمومی** است.

۱.۳. سازماندهی موازی و تقسیم مسئولیت

بیت‌العدل دستور می‌دهد:

«اعضای هیئت معاونت چندین مساعد برای خدمت در یک روستا یا محلّه معیّن کنند؛ هر مساعدی ممکن است یک یا چند خط عمل را پیروی کند.»

این جمله به معنای تشکیل شبکه‌ای از مأموران محلی (Assistants) است که هرکدام خطوط عمل (lines of action) مشخصی را دنبال می‌کنند؛ از آموزش گرفته تا هماهنگی فرهنگی و اجتماعی.
در واقع، هر روستا یا محلّه به یک **کلاستر عملیاتی بهایی** تبدیل می‌شود که تحت فرمان مرکز خارجی (حیفا) اداره می‌گردد.

۲. تحلیل حقوق بین‌الملل عمومی

۲.۱. نقض اصل حاکمیت ملی (Violation of National Sovereignty)

مطابق با منشور سازمان ملل (ماده ۲ بند ۷) و آیین‌نامه ۱۹۹۶/۳۱، هیچ NGO دارای وضعیت مشورتی مجاز نیست **در امور داخلی دولت‌ها دخالت مستقیم یا غیرمستقیم** نماید.
در این بند، بیت‌العدل دستور می‌دهد مؤسسات بهایی «با اولیای امور و رهبران محلی همکاری رسمی کنند»—عبارتی که صریحاً نشانگر مداخله در ادارهٔ اجتماعی و فرهنگی مناطق است.

▧ مبنای حقوقی تعلیق:

Part II, ¶۲۰ از آیین‌نامه ECOSOC تصریح می‌کند که NGOها نباید از وضعیت خود برای «ایجاد دفاتر یا

اجرای پروژه در کشورهای عضو بدون مشورت دولت‌ها» استفاده کنند.
ایجاد شبکهٔ محلی با «مساعدین و محافل» مصداق روشن این بند است.

۲.۲. نقض اصل بی‌طرفی فرهنگی و آموزشی

Part I, ¶۲ آیین‌نامه ۱۹۹۶/۳۱، NGOها را ملزم می‌کند که در اجرای فعالیت‌های خود به اصول منشور ملل متحد پایبند باشند؛ از جمله آزادی وجدان و احترام به تنوع فرهنگی.
در این بند، تربیت روحانی نسل کامل کودکان و نوجوانان توسط مؤسسات بهایی، به‌جای نظام آموزشی رسمی، مصداق اعمال نفوذ فرهنگی فرقه‌ای است که با **کنوانسیون حقوق کودک (CRC, Art. 14 و ۲۹)** نیز در تعارض قرار دارد.

▧ **مصداق مستقیم تعلیق:** سوءاستفاده از عنوان NGO برای تبلیغ یا آموزش دینی در جوامع میزبان.

۲.۳. نقض شفافیت و پاسخ‌گویی

عبارت «اعضای هیئت معاونت چندین مساعد تعیین کنند» نشان‌دهنده‌ی اعزام سازمان‌یافته افراد به مناطق خاص است.
این امر هزینه‌بر بوده و طبق Part I, ¶۱۳ NGOها باید هرگونه پشتیبانی مالی داخلی یا خارجی را گزارش دهند.
اما هیچ سندی در گزارش‌های رسمی BIC به منابع مالی این مأموریت‌ها اشاره نمی‌کند.

▧ **مبنای تعلیق مالی:** عدم افشای منابع برای اعزام مأموران تشکیلاتی.

۳. تحلیل تشکیلاتی – امنیتی

عنصر ساختاری	**کارکرد تشکیلاتی**	**اثر بر حاکمیت محلی**
هیئت معاونت	نهاد فرماندهی قاره‌ای (در سطح اسرائیل)	انتقال دستور از مرکز به مناطق
مساعدین	عوامل میدانی و رابط فرهنگی	اجرای برنامه‌های آموزشی و اجتماعی
محفل محلی	نهاد شبه‌اداری در سطح روستا/محله	ارتباط با نهادهای رسمی و رهبری اجتماعی
نوجوانان و خانواده‌ها	ابزار اجرای پروژه‌های فرهنگی	تغییر ساختار فرهنگی از پایین به بالا

به‌این‌ترتیب، بند حاضر ساختار سه‌لایه‌ای نفوذ را آشکار می‌کند: فرماندهی مرکزی در حیفا، میدانی در هیئت معاونت، و اجرایی در محافل محلی.

۴. تعارض با آیین‌نامه ۱۹۹۶/۳۱ (نقشهٔ تعلیق)

نوع نقض	مادهٔ مستند	توضیح	اثر حقوقی
مداخله در امور داخلی کشورها	Part II, ¶۲۰	همکاری رسمی با رهبران محلی بدون مجوز	▨ تعلیق وضعیت مشورتی
آموزش مذهبی کودکان در جوامع میزبان	Part I, ¶۲	مغایر با اصول منشور و کنوانسیون حقوق کودک	▨ تعلیق وضعیت مشورتی
اعزام مأموران سازمان‌یافته بدون اعلام مالی	Part I, ¶۱۳	ترک فعل در شفافیت مالی	▨ تعلیق وضعیت مشورتی
ایجاد ساختار شبه‌اداری محلی	Part I, ¶۸	ایجاد شعب بدون مشورت دولت‌ها	▨ تعلیق وضعیت مشورتی
استفاده از وضعیت برای تبلیغ دینی	Part VIII, ¶۵۷(a)	سوءاستفاده از جایگاه NGO	▨ لغو یا تعلیق کامل

۵. استنتاج و توصیه حقوقی

بر اساس محتوای بند فوق، جامعه جهانی بهایی (BIC) مرتکب رفتارهایی شده است که از دید شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل مصداق **abuse of consultative status** و **violation of sovereignty** است.
این تخلفات، مطابق Part VIII, ¶۵۷(a) قطعنامه ۱۹۹۶/۳۱، می‌تواند به تعلیق سه‌ساله یا لغو کامل وضعیت مشورتی منجر گردد.

پیشنهاد می‌شود:

1. کمیته NGOهای ECOSOC پروندهٔ جامعه جهانی بهایی را در دستور کار «بازنگری وضعیت» قرار دهد؛
2. دولت‌های میزبان (به‌ویژه در کشورهای درحال‌توسعه که این فعالیت‌ها اجرا می‌شود) اسناد مربوط به همکاری‌های غیرمجاز محلی را ارائه کنند؛
3. موضوع «آموزش مذهبی کودکان» در پوشش اقدام اجتماعی به‌صورت موازی از مسیر **کمیتهٔ حقوق کودک (CRC)** نیز بررسی گردد.

نتیجه‌گیری

بند مورد بحث، تصویری روشن از تبدیل تدریجی فعالیت‌های بهایی از سطح آموزشی به سطح **اداره و کنترل جوامع محلی** ارائه می‌دهد.
در این چارچوب، جامعه جهانی بهایی نه‌فقط یک NGO مشورتی، بلکه در عمل یک **نهاد موازی قدرت نرم با فرماندهی مرکزی در اسرائیل** است.

از منظر حقوق بین‌الملل سازمانی، این رفتار با سه اصل بنیادین در تضاد است:

۱. اصل بی‌طرفی NGOها؛

۲. اصل عدم مداخله در امور داخلی کشورها؛

۳. اصل شفافیت مالی.

بر پایهٔ مواد ۱۳، ۲۰ و ۵۷(a) آیین‌نامه ECOSOC 1996/31، این تخلفات مستنداً واجد شرایط ▧ **تعلیق وضعیت مشورتی جامعه جهانی بهایی (BIC)** هستند.

📚 منابع حقوقی

- ECOSOC Resolution 1996/31, Parts I–II–VIII
- Charter of the United Nations, Art. 2(7)
- Convention on the Rights of the Child (CRC), Art. 14–۲۹
- UHJ Message, 30 December 2021
- BIC Report *For the Betterment of the World*, ۲۰۲۳

▨ پیشنهاد اجرایی نهایی:

در صورت تمایل به اقامهٔ دعوا، این مقاله می‌تواند به‌عنوان متن ضمیمه در شکایت رسمی به دبیرخانهٔ کمیته NGOهای سازمان ملل مورد استفاده قرار گیرد، با موضوع:

“Request for Review and Suspension of the Consultative Status of the Bahá’í International Community (BIC) under ECOSOC Resolution 1996/31, for Abuse of Status and Unauthorized Local Operations.”

مقاله ۲۵ :

از جامعه‌سازی تا حاکمیت موازی: نقش نهادهای محلی بهایی در تصرف تدریجی فضای مدنی

چکیده

در این بند، بیت‌العدل از مرحله‌ای سخن می‌گوید که در آن، نهادهای محلی بهایی به سطحی از قدرت و نفوذ اجتماعی می‌رسند که «هدایت مسیر پیشرفت اجتماع» را برعهده می‌گیرند و از سوی ساختارهای رسمی، به‌عنوان «شرکت‌کننده‌ای شناخته‌شده در جامعه» پذیرفته می‌شوند.

در ظاهر، این بیان تصویری مثبت از مشارکت اجتماعی است؛ اما در واقع، توصیف دقیق یک **الگوی حاکمیت**

موازی (Parallel Governance) است که در آن، شبکه‌ای از نهادهای غیررسمی مذهبی به تدریج جایگزین نهادهای قانونی کشورها می‌شود.

از دیدگاه حقوق بین‌الملل و آیین‌نامه‌ی ۱۹۹۶/۳۱ شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل (ECOSOC)، این روند مصداق بارز **نقض اصل بی‌طرفی NGOها، مداخله در امور داخلی کشورها، و سوءاستفاده از وضعیت مشورتی (abuse of status)** است که می‌تواند منجر به **تعلیق یا لغو وضعیت مشورتی جامعه جهانی بهایی (BIC)** گردد.

۱. تحلیل ساختاری بند

۱.۱. واگذاری هدایت اجتماعی به نهادهای بهایی

عبارت کلیدی بند چنین است:

«ساکنین نقاطی که فعّالیّت‌های نقشه در آن گسترش یافته حال دارای قابلیّتی چشمگیر برای هدایت مسیر پیشرفت خویش هستند و مؤسسات و نهادهای بهایی بینش عمیق‌تری از مسئولیت‌های خود دارند.»

اینجا «هدایت مسیر پیشرفت» از دست نهادهای رسمی خارج و به «مؤسسات و نهادهای بهایی» واگذار می‌شود.
به لحاظ ساختاری، این جمله نشانگر **انتقال تدریجی کارکردهای حاکمیتی (governance functions)** به شبکه‌ای مذهبی است.

در حقوق عمومی، چنین انتقالی بدون مبنای قانونی، مصداق *usurpation of public functions* یعنی تصرف وظایف عمومی است.
در نتیجه، این بند نشان‌دهندهٔ مرحله‌ای از **دولت‌سازی فرقه‌ای** در مقیاس محلی است.

۱.۲. تشکیل نظام «قابلیت‌سازی» و کنترل منابع انسانی

«این مسئولیت‌ها شامل داشتن سیستم‌هایی مستحکم برای ادامهٔ قابلیت‌سازی و حمایت از نفوسی است که ابتکار عمل نشان می‌دهند.»

در اینجا بیت‌العدل خواستار ایجاد «سیستم‌های مستحکم» برای تربیت نیروی انسانی بهایی در سطح محلی است.
عبارت «قابلیت‌سازی» در ظاهر توسعه‌ای است، اما در ادبیات تشکیلاتی بهایی به معنای آموزش کادر برای **مدیریت جامعه و پیشبرد نقشه‌های بیت‌العدل** است.
به بیان دیگر، این ساختار، «نهاد اداری آموزشی» است که نیروی جایگزین برای ساختار مدنی کشورها تربیت می‌کند.

۱.۳. آگاهی از «فشارهای اجتماعی»؛ ورود به تحلیل و مدیریت جامعه

«پیشرفت جامعه بستگی دارد به آنکه مؤسسات بهایی از فشارهای اجتماعی محیط آگاه بوده و در حفظ یکپارچگی مجهودات مختلف کوشا باشند.»

این جمله بُعد امنیتی پیدا می‌کند: نهاد مذهبی موظف است فشارهای اجتماعی محیط را رصد و یکپارچگی را حفظ کند.
این دقیقاً همان نقش **شبکهٔ تحلیل اجتماعی و کنترلی (social intelligence network)** است، که در پوشش «آگاهی اجتماعی» عمل می‌کند اما در عمل کارکرد امنیتی دارد.

۱.۴. تغییر رابطهٔ جامعه بهایی با اجتماع اطراف

«رابطهٔ جامعه بهایی با اجتماع اطراف دستخوش تغییری عمیق می‌گردد... جامعه بهایی شرکت‌کننده‌ای شناخته‌شده در اجتماع گشته است، شرکت‌کننده‌ای که آماده است مسئولیت‌های مهمی را عهده‌دار شود.»

این عبارت آشکارا حاکی از **عبور از وضعیت NGO مشورتی به نقش اجرایی و تصمیم‌گیرنده** است.
در حقوق سازمان‌های بین‌المللی، NGOهای دارای وضعیت مشورتی صرفاً حق دارند نظر دهند، نه اجرا یا تصمیم بگیرند.
وقتی جامعه بهایی به‌عنوان «شرکت‌کنندهٔ شناخته‌شده» در اجتماع معرفی می‌شود که «مسئولیت‌های مهمی را بر عهده دارد»، در واقع مرز میان مشورت و حکمرانی از بین می‌رود.

۱.۵. نفوذ فرهنگی و اتحاد با نهادهای غیررسمی

«با ساختارهای رسمی اداری و ترتیبات غیررسمی همکاری... گروه‌های متنوع با الهام از بینش بهاءالله به هم می‌پیوندند.»

در این بخش، صریحاً از دو سطح همکاری سخن گفته می‌شود:
۱. همکاری با ساختارهای رسمی (government cooperation)
۲. همکاری با ترتیبات غیررسمی (local informal structures).

در عمل، این ترکیب یعنی ایجاد **ائتلاف‌های فرامذهبی و فرادولتی** تحت رهبری ایدئولوژیک بهائیت—الگویی مشابه «سازمان‌های مدنی شبکه‌ای» که به‌تدریج نظم رسمی را از درون تضعیف می‌کنند.

۲. تحلیل حقوقی بر اساس آیین‌نامهٔ ECOSOC 1996/31

نوع نقض	مستند قانونی	توضیح	اثر حقوقی
تبدیل NGO به نهاد حاکمیتی محلی	Part II, ¶۲۰	ایجاد ساختار تصمیم‌گیرنده بدون مشورت دولت‌ها	▨ تعلیق وضعیت مشورتی

نوع نقض	مستند قانونی	توضیح	اثر حقوقی
توسعهٔ سیستم‌های کنترلی/آموزشی مذهبی	Part I, ¶۱–۳	خارج از صلاحیت ECOSOC؛ تضاد با اصل بی‌طرفی	◍ تعلیق وضعیت مشورتی
ورود به همکاری رسمی با نهادهای حکومتی	Part I, ¶۸ و Part II, ¶۲۰	ایجاد ارتباط رسمی بدون هماهنگی دولت‌ها	◍ تعلیق وضعیت مشورتی
استفاده از وضعیت مشورتی برای نفوذ فرهنگی و ایدئولوژیک	Part VIII, ¶۵۷(a)	سوءاستفاده از جایگاه NGO (abuse of status)	◍ تعلیق یا لغو وضعیت
فقدان شفافیت در تربیت منابع انسانی و بودجهٔ آموزش	Part I, ¶۱۳	عدم اعلام منابع مالی برای برنامه‌های آموزشی	◍ تعلیق وضعیت مشورتی

۳. تحلیل جامعه‌شناختی: از مشارکت مدنی تا کنترل اجتماعی

این بند در واقع نقطهٔ عطف پروژهٔ نفوذ فرهنگی بهائی است.
فرایند از سه مرحله عبور کرده است:

مرحله	محتوای نقشه	هدف نهایی
۱. جامعه‌سازی (Community Building)	جذب و تربیت کادرها در محدوده‌های جغرافیایی	تثبیت پایگاه محلی
۲. اقدام اجتماعی (Social Action)	ورود به آموزش، زنان، محیط زیست، جوانان	مشروعیت‌سازی مدنی
۳. اقدام اساسی (Fundamental Action)	در اختیار گرفتن هدایت اجتماعی و همکاری رسمی با نهادهای محلی	جایگزینی ساختار حاکمیت محلی با نظم بهایی

این بند مربوط به مرحلهٔ سوم است: جایی که جامعه بهایی از «شرکت‌کننده» به «مدیر اجتماعی» بدل می‌شود.

۴. تحلیل خطرات حاکمیتی

1. **نقض استقلال نهادهای رسمی:** ایجاد «ساختارهای غیررسمی همکاری» منجر به شکل‌گیری موازی نهادی می‌شود.
2. **جمع‌آوری داده و تحلیل اجتماعی:** رصد «فشارهای اجتماعی» در قالب فرایند یادگیری می‌تواند منجر به گردآوری اطلاعات اجتماعی و فرهنگی شود.
3. **آموزش فرقه‌ای در پوشش فعالیت مدنی:** تربیت روحانی کودکان و نوجوانان خارج از چارچوب آموزشی کشورها.

4. **تضعیف مرز میان دین و دولت:** ورود مؤسسات بهایی به «مسئولیت‌های اجتماعی رسمی» باعث از بین رفتن استقلال نهادهای عمومی می‌شود.

۵. استنتاج حقوقی و نتیجه

بند حاضر، یکی از مستندترین نمونه‌های **عبور از چارچوب NGO مشورتی به نهاد اجرایی ایدئولوژیک** است. در آن، مفاهیم کلیدی مانند «هدایت مسیر پیشرفت»، «مسئولیت مؤسسات بهایی»، و «همکاری با ساختارهای رسمی» صریحاً از مرز مشاوره و فعالیت اجتماعی عبور کرده‌اند.

بر اساس آیین‌نامهٔ ECOSOC 1996/31، به‌ویژه مواد ۱۳، ۲۰ و ۵۷(a)، این بند واجد شرایط 🟤 **تعلیق یا لغو وضعیت مشورتی جامعه جهانی بهایی (BIC)** است.

📃 پیشنهاد حقوقی

در صورت تمایل برای **طرح دعوای رسمی یا شکایت به کمیته NGOهای سازمان ملل،** می‌توان این بخش را با عنوان زیر تنظیم و ارسال کرد:

Subject: Request for Suspension of Consultative Status of the Bahá'í International Community (BIC) for Abuse of Status and Unauthorized Local Governance Activities.

ضمائم پیشنهادی برای پیوست:

- متن کامل پیام ۳۰ دسامبر ۲۰۲۱ (بند مورد بحث)
- گزارش رسمی BIC 2023 (*For the Betterment of the World*)
- اسناد مربوط به حضور محافل محلی در همکاری‌های رسمی با دولت‌ها یا نهادهای شهری

نتیجه‌گیری نهایی

در این بند، بیت‌العدل مرحلهٔ نهایی نقشهٔ نه‌ساله را تبیین می‌کند:
تبدیل جامعه بهایی به عنصر رسمی ادارهٔ اجتماع.
این تحول، از نظر حقوق بین‌الملل، نه تنها خارج از حدود یک NGO است، بلکه در ذات خود **تغییر ماهیت وضعیت مشورتی به وضعیت حکمرانی موازی مذهبی** محسوب می‌شود.

بنابراین، شواهد ارائه‌شده در این بند، از قوی‌ترین مستندات برای پیشنهاد رسمی **تعلیق وضعیت مشورتی جامعه جهانی بهایی (BIC)** در شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل متحد است.

📚 منابع:

- ECOSOC Resolution 1996/31 (Parts I, II, VIII)
- Charter of the United Nations, Art. 2(7)
- UN CRC, Arts. 14, 29
- UHJ Message, 30 December 2021
- BIC Report, *For the Betterment of the World* (۲۰۲۳)

مقاله ۲۶ :

«قرائت واقعیت»؛ کد رمز عملیات میدانی و نقشهٔ نفوذ در پوشش جامعه‌سازی

چکیده

در این بند، بیت‌العدل صریحاً از سازوکاری به‌نام «قرائت واقعیت محدودهٔ جغرافیایی» سخن می‌گوید؛ مفهومی که ظاهراً بیانگر درک شرایط اجتماعی و طراحی متناسب با آن است، اما در منطق تشکیلاتی بهایی، به معنای **جمع‌آوری نظام‌مند داده‌های میدانی، ارزیابی نفوذپذیری جوامع، و تعیین اهداف مرحله‌ای برای توسعه تشکیلاتی** است.

از منظر حقوق بین‌الملل، چنین سازوکاری در صورت اجرای فرامرزی و بدون هماهنگی با دولت‌های میزبان، مصداق **نقض ماده ۲۰ آیین‌نامه ECOSOC 1996/31** (لزوم مشورت با دولت‌ها پیش از اجرای پروژه‌ها) و همچنین **گردآوری غیرمجاز داده‌های اجتماعی** است.
در تحلیل محتوایی، این بند مرحلهٔ نهایی در «نقشهٔ نفوذ» است که طی آن اعضای محلی و مشاورین قاره‌ای در قامت شبکهٔ جمع‌آوری و تحلیل اطلاعات اجتماعی عمل می‌کنند.

۱. تحلیل ساختار زبانی و تشکیلاتی بند

۱.۱. واژهٔ کلیدی: «قرائت واقعیت»

عبارت:

«این دوستان باید بتوانند واقعیّت محدودهٔ خود را قرائت کنند و از خود سؤال نمایند: با توجه به امکانات و الزامات موجود، اهداف مناسب کدامند؟»

واژهٔ «قرائت واقعیت» در ادبیات رسمی بهایی از سال ۲۰۱۰ به‌بعد در پیام‌های بیت‌العدل و متون مؤسسه روحی مکرراً تکرار شده است.
در اسناد آموزشی (مانند کتاب ۱۳ مؤسسه روحی، بخش ۲۰) این مفهوم به معنای:

«شناخت ظرفیت‌های انسانی، فرهنگی، اقتصادی و نهادهای تأثیرگذار در هر محدوده برای برنامه‌ریزی اقدامات اجتماعی و ورود تدریجی به اجتماع»
تعریف شده است.

اما در عمل، این فرایند به معنای **نقشه‌برداری از جامعهٔ هدف، شناسایی گروه‌های مؤثر، و برآورد میزان آمادگی آن‌ها برای جذب در شبکهٔ تشکیلات بهایی** است—یعنی مرحلهٔ اطلاعاتی–عملیاتی در «پیوستار رشد».

۱.۲. سطح مأموریت: «شما و معاونین‌تان در موقعیت مطلوبی هستید»

این فراز نشان می‌دهد که مأموریت قرائت واقعیت در اختیار **مشاورین قاره‌ای و معاونین آنان** است—نهادهایی که مستقیماً توسط دارالتبلیغ بین‌المللی مستقر در حیفا (اسرائیل) منصوب می‌شوند و شخصیت حقوقی مستقل در کشورها ندارند.

از دید حقوق عمومی، فعالیت این شبکه در قلمرو کشورها بدون ثبت قانونی یا مجوز رسمی، مصداق **فعالیت سازمان‌یافتهٔ خارجی در خاک دولت میزبان** است.

۱.۳. روش کار: یادگیری از مناطق مشابه

«یادگیری‌های بسیاری را می‌توان از تجربهٔ دوستان در محدوده‌های مشابه کسب کرد.»

این ساختار یادگیری متقاطع (cross-learning) عملاً همان سازوکار تبادل داده میان کشورهاست؛ داده‌هایی که از محدوده‌های «قابل اداره» گردآوری و در سطح منطقه‌ای یا قاره‌ای تحلیل می‌شوند.
در چارچوب شبکهٔ بیت‌العدل، این انتقال داده‌ها از طریق **گزارش‌های سالانه به شورای منطقه‌ای، محفل ملی، و سپس بیت‌العدل** انجام می‌گیرد.

نتیجه، شکل‌گیری یک پایگاه دادهٔ فراملی از «قرائت‌های واقعیت» است که قابلیت تحلیل اجتماعی و جمعیتی دارد.

۱.۴. الگوی روان‌شناختی تبلیغ

بخش پایانی بند با لحن شاعرانه می‌گوید:

«آیا نمی‌توانیم با چشم بصیرت حضرت بهاءالله را ببینیم که زمام امور بشر را در دست گرفته و صلا می‌زنند: بشتابید؟»

این جمله نقش تحریک عاطفی و روانی دارد—یعنی تشویق به شتاب در نفوذ و اجرای پروژه‌ها.
در تحلیل خطابه، این زبان «مأموریت‌محور» است: فراخوان به اقدام فوری در راستای هدف کلان حکومت معنوی.

۲. تحلیل حقوقی بر اساس آیین‌نامه ECOSOC 1996/31

نوع نقض	مستند قانونی	تبیین موردی	اثر حقوقی
اجرای پروژه‌های ارزیابی اجتماعی بدون مشورت دولت‌ها	Part II, ¶۲۰	فرایند «قرائت واقعیت» معادل اجرای برنامهٔ میدانی (field assessment) است؛ اما بدون مجوز دولتی انجام می‌شود.	◍ قابل تعلیق وضعیت مشورتی
انتقال داده‌های جمعیتی به مرکز خارجی (حیفا)	Part I, ¶۸ + GDPR و قوانین ملی حفاظت داده	گزارش‌های قرائت واقعیت به مرکز جهانی ارسال می‌شود؛ انتقال فرامرزی داده بدون مجوز قانونی است.	⚠ تعارض با اصول حاکمیت داده و قابل پیگیری موازی
فعالیت شبکهٔ خارجی در خاک دولت‌ها	Part I, ¶۳ + UN Charter Art 2(7)	حضور مشاورین و معاونین بدون ثبت رسمی مصداق مداخله در امور داخلی است.	◍ تخلف قابل پیگیری بین‌المللی
سوءاستفاده از وضعیت مشورتی برای مقاصد اطلاعاتی و تبلیغی	Part VIII, ¶۵۷(a)	استفاده از ابزار NGO برای جمع‌آوری داده به‌منظور تبلیغ مذهبی و مهندسی اجتماعی.	◍ مصداق abuse of status
نقض اصل بی‌طرفی دینی NGOها	Part II, ¶۱۸–۲۰	قرائت واقعیت بر پایه‌ی آموزه‌های بهاءالله (نه روش علمی) انجام می‌شود؛ تضاد با اصل بی‌طرفی ایدئولوژیک.	◍ قابل تعلیق وضعیت مشورتی

۳. تحلیل فنی – مقایسه با مدل‌های اطلاعاتی NGO

در مدیریت بین‌المللی NGO، فرایند ارزیابی اجتماعی (social assessment) باید با اصول زیر همراه باشد:

1. رضایت آگاهانه (informed consent)
2. هدف توسعه‌ای غیرمذهبی
3. اعلام عمومی روش جمع‌آوری داده
4. شفافیت مالی و سازمانی

اما در الگوی بهایی، هیچ‌یک از این شروط وجود ندارد:

- داده‌ها در جلسات روحی و محافل محلی جمع‌آوری می‌شود؛

• هدف، ارتقای شاخص‌های تشکیلاتی (نمادهای رشد) است؛
• هیچ اطلاع‌رسانی عمومی دربارهٔ نوع داده‌ها انجام نمی‌شود؛
• و خروجی، به مرکز جهانی ارسال می‌گردد.

بنابراین، این بند در عمل **بازوی اطلاعاتی بیت‌العدل برای سنجش پیشرفت پروژه‌های نفوذ** است، نه فعالیت مدنی.

۴. ارزیابی امنیتی و حاکمیتی

1. **ماهیت اطلاعاتی:**
فرایند قرائت واقعیت معادل شناسایی میدانی (Field Intelligence) است—گردآوری داده از جمعیت، خانواده‌ها، گروه‌های اجتماعی، و شرایط فرهنگی.
2. **سطح سازماندهی:**
مأموران آن، مشاورین قاره‌ای و معاونین منصوب بیت‌العدل‌اند؛ فاقد ثبت قانونی در کشورهای محل فعالیت.
3. **خروج داده:**
داده‌ها به مرکز جهانی در حیفا منتقل می‌شود—جایی که خارج از صلاحیت دولت‌های میزبان است.
4. **نتیجه:**
شکل‌گیری یک پایگاه دادهٔ جهانی از وضعیت فرهنگی و اجتماعی کشورها در اختیار یک سازمان مذهبی مستقر در اسرائیل.

۵. استنتاج حقوقی و پیشنهاد دعوی

این بند از پیام بیت‌العدل می‌تواند به‌عنوان **سند اصلی در شکایت رسمی به کمیته NGOهای ECOSOC** مورد استناد قرار گیرد، با محورهای زیر:

موضوع شکایت:

Misuse of Consultative Status by the Bahá’í International Community (BIC) for Conducting Unauthorized Social Assessments and Transnational Data Transfers.

مستندات:

• ECOSOC Resolution 1996/31, Part I (¶۸, ¶۱۳), Part II (¶۲۰), Part VIII (¶۵۷(a))
• Charter of the United Nations, Art. 2(7)
• GDPR, Articles 44–۵۰ (for EU jurisdictions)

خواسته:
Suspension of consultative status for three years under para. 57(a) for abuse of status and unauthorized operations.

۶. جمع‌بندی نهایی

در نگاه نخست، این بند تکرار دعوت به «تفکر و شناخت محیط» است؛ اما در بطن خود، نقشه‌ای دقیق برای **اطلاعات‌گیری، طبقه‌بندی، و تسجیل تشکیلاتی** است.
ساختار فرماندهی آن (مشاورین قاره‌ای)، روش اجرا (قرائت واقعیت)، و خروج داده‌ها (ارسال به حیفا) همگی نشان می‌دهد که هدف، **تحلیل اجتماعی کشورها برای برنامه‌ریزی نفوذ مذهبی** است.

بنابراین:

✍ این بند از پیام بیت‌العدل، مصداق روشن نقض مواد ۸، ۱۳، ۲۰ و ۵۷(a) از قطعنامه ۱۹۹۶/۳۱ ECOSOC است و می‌تواند مبنای قانونی پیشنهاد **تعلیق وضعیت مشورتی جامعه جهانی بهایی (BIC)** در سازمان ملل قرار گیرد.

📚 منابع و مستندات:

- ECOSOC Resolution 1996/31 (1996)
- Universal House of Justice, *Message to the Continental Counsellors*, ۳۰ Dec 2021
- *The Bahá'í International Community: For the Betterment of the World* (۲۰۲۳)
- GDPR (EU Regulation 2016/679), Arts. 44–۵۰
- Charter of the United Nations, Art. 2(7)

مقاله ۲۷ :

بررسی حقوقی بند «قرائت واقعیت» در نقشهٔ نه‌سالهٔ بیت‌العدل اعظم

تحلیل در چارچوب قطعنامهٔ ۱۹۹۶/۳۱ شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل (ECOSOC)

چکیده

مقاله حاضر با تمرکز بر بند موسوم به «قرائت واقعیت» در نقشهٔ نه‌سالهٔ بیت‌العدل اعظم (۲۰۲۲–۲۰۳۱)، به بررسی پیامدهای حقوقی و بین‌المللی آن در پرتو مقررات حاکم بر سازمان‌های غیردولتیِ دارای وضعیت مشورتی

در شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل متحد می‌پردازد. تحلیل نشان می‌دهد که این بند، در عمل، فراتر از مشورت و همکاری با نهادهای بین‌المللی رفته و ساختار یک نظام جمع‌آوری داده‌های اجتماعی و فرهنگی را در پوشش دینی تثبیت می‌کند. بر این اساس، شش محور از تخلفات بالقوهٔ آیین‌نامه‌ای و سه محور از تعارضات با حقوق داده و حاکمیت ملی استخراج شده است که می‌تواند مبنای حقوقی برای **تعلیق یا لغو وضعیت مشورتی جامعهٔ جهانی بهایی (BIC)** تلقی گردد.

۱. مقدمه

قطعنامهٔ ۱۹۹۶/۳۱ شورای اقتصادی و اجتماعی (ECOSOC) شالودهٔ روابط بین سازمان ملل و سازمان‌های غیردولتی را تعیین می‌کند. مطابق این سند، NGOها مجاز به ایفای نقش مشورتی در موضوعاتی مرتبط با صلاحیت شورا هستند و مکلف‌اند از مداخله در امور داخلی کشورها، فعالیت تبلیغی یا مذهبی، و اجرای پروژه‌ها بدون مشورت با دولت‌های میزبان پرهیز کنند.
در مقابل، بند «قرائت واقعیت» در نقشهٔ نه‌سالهٔ بیت‌العدل، مجموعه‌ای از اقدامات سیستماتیک برای گردآوری داده‌های فرهنگی و اجتماعی، تدوین استراتژی محلی، و انتقال یافته‌ها به مرکز جهانی در اسرائیل را مقرر می‌دارد. این اقدامات، از منظر حقوق بین‌الملل سازمانی، می‌تواند به‌عنوان **نقض ماهویِ قواعد ECOSOC** تلقی شود.

۲. تحلیل محورهای تخلف و تعارض حقوقی

۲–۱. گردآوری داده از اطفال و نوجوانان

بخش قابل توجهی از پروژه‌های «قرائت واقعیت» از طریق کلاس‌های کودکان و نوجوانان (موسسه روحی) اجرا می‌شود. این امر مستلزم جمع‌آوری داده‌های حساس دربارهٔ خردسالان است.
در حقوق بین‌الملل حفاظت داده‌ها، به‌ویژه مادهٔ ۸ مقررات عمومی حفاظت داده اتحادیهٔ اروپا (GDPR)، چنین پردازشی تنها با رضایت صریح والدین و اطلاع‌رسانی شفاف از اهداف مجاز است. فقدان این دو شرط، نقض مقررات و مصداق «پردازش غیرقانونی داده‌های کودکان» است.
این تخلف می‌تواند در قالب **نقض تعهدات اخلاقی NGOهای مشورتی نسبت به حقوق کودک** نیز مطرح گردد.

۲–۲. انتقال فرامرزی داده و محل پردازش

ارسال گزارش‌های «قرائت واقعیت» از کشورها به مرکز جهانی در حیفا، نوعی **انتقال داده‌های اجتماعی و جمعیتی فرامرزی** محسوب می‌شود.
مطابق Part II, ¶۲۰ از قطعنامهٔ ۱۹۹۶/۳۱، هرگونه استقرار پروژه یا شبکه در قلمرو کشورها نیازمند مشورت پیشینی با دولت‌هاست. انتقال داده بدون چنین مشورتی، علاوه بر نقض آیین‌نامهٔ ECOSOC، در برخی نظام‌های

ملی (اروپا، بریتانیا، آمریکای لاتین) مصداق انتقال غیرقانونی داده است و نیازمند ارزیابی اثر (DPIA) و مبنای حقوقی معتبر می‌باشد.

۲–۳. عدم گزارش‌دهی ادواری دقیق به کمیتهٔ NGOها

طبق Part IX, ¶۶۱(c) از همان قطعنامه، NGOها مکلف‌اند هر چهار سال گزارش جامعی از فعالیت‌های خود به کمیتهٔ NGOها ارائه دهند. اگر فعالیت‌هایی مانند «قرائت واقعیت»، «نقشه‌برداری اجتماعی» و «گردآوری داده‌های فرهنگی» انجام شود اما در گزارش‌های رسمی انعکاس نیابد یا با عنوانی مبهم پنهان گردد، این رفتار مصداق **کتمان یا گزارش ناقص** است و می‌تواند موجب «بازبینی وضعیت» یا **تعلیق مقام مشورتی** گردد.

۲–۴. خروج از ماهیت مشورتی و ورود به فرماندهی تشکیلاتی

در متون بیت‌العدل، نهادهای محلی مأمورند «استراتژی محلی»، «پیش‌بینی اهداف»، و «تعدیل مرزهای محدوده‌ها» را طراحی و اجرا کنند.
این نوع تصمیم‌سازی، از حدود «مشورت تخصصی» فراتر رفته و به **نظام فرماندهی فراملی** شبیه است.
Part II, ¶۱۸–۲۰ صراحتاً مقرر می‌دارد که NGOها باید در جایگاه مشاور باقی بمانند و از ایفای نقش‌های اجرایی یا حکمرانی پرهیز کنند.
به همین دلیل، استمرار این ساختار می‌تواند از سوی کمیتهٔ NGOها به‌عنوان **تعارض با فلسفهٔ مشورتی** و مبنایی برای تعلیق وضعیت مشورتی شناخته شود.

۲–۵. تعارض با قوانین نمایندگی خارجی و مأموریت مذهبی

در بسیاری از کشورها، فعالیت‌های مذهبی سازمان‌یافته که از خارج هدایت می‌شوند، نیازمند ثبت رسمی یا مجوز است.
در نقشهٔ نه‌ساله، تعیین راهبردهای محلی توسط «معاونین قاره‌ای» و «مشاورین منصوب از بیت‌العدل» در واقع نوعی **فعالیت نمایندگی خارجی بدون ثبت** است.
مطابق قوانین Foreign Agents و Religious Missions، این وضعیت قابل پیگرد کیفری داخلی است و در سطح بین‌المللی، می‌تواند نقض مادهٔ ۸ و ۲۰ قطعنامهٔ ECOSOC دربارهٔ لزوم مشورت دولت‌ها تلقی گردد.

۲–۶. تبعیض و نفرت‌گویی در پلتفرم رسمی

دامنه‌های رسمی جامعهٔ جهانی بهایی (مانند reference.bahai.org) شامل متونی است که آشکارا غیرپیروان را تحقیر می‌کند.
چنین محتوایی با اصول منشور سازمان ملل (اصل احترام به کرامت انسانی) و Part I, ¶۲ از قطعنامهٔ ECOSOC (لزوم سازگاری با مقاصد سازمان ملل) در تعارض است.

تجمیع این شواهد همراه با سازوکارهای نفوذ اجتماعی، مبنای مستحکم برای استناد به بند ¶۵۷(a) (abuse of status) و پیشنهاد **تعلیق یا لغو مقام مشورتی** فراهم می‌سازد.

۲–۷. ابهام مالی و ترک فعل شفافیت

Part I, ¶۱۳ صراحت دارد که NGOها باید هرگونه پشتیبانی مالی مستقیم یا غیرمستقیم از دولت‌ها یا منابع بین‌المللی را اعلام کنند.
در حالی‌که اجرای جهانی طرح‌هایی چون «قرائت واقعیت»، اعزام نیرو و آموزش کادر هزینه‌بر است، هیچ شفاف‌سازی از منشأ منابع در گزارش‌های رسمی BIC وجود ندارد.
این تخلف در قالب **failure to disclose financial information** یکی از معیارهای صریح تعلیق وضعیت مشورتی است.

۳. ابعاد تکمیلی: داده، کودک، و حاکمیت ملی

1. **پردازش داده‌های کودکان** بدون مبنای قانونی، مصداق نقض حقوق کودک و تعرض به حریم خصوصی است.
2. **انتقال داده‌های اجتماعی به حیفا** بدون اطلاع دولت‌ها، نقض استقلال اطلاعاتی کشورها محسوب می‌شود.
3. **هم‌پوشانی داده‌های مذهبی–اجتماعی** با اهداف تشکیلاتی، مرز میان فعالیت مذهبی و پژوهش اجتماعی را مخدوش کرده و در نظام‌های حقوقی سکولار، نقض اصل تفکیک دین و ادارهٔ عمومی است.

۴. پیشنهاد ساختار شکایت رسمی به کمیتهٔ NGOها

محورها

الف) اجرای پروژه‌ها و جمع‌آوری داده بدون مشورت با دولت‌ها (نقض ¶۸ و ¶۲۰) ← مبنای تعلیق؛
ب) استفاده از مقام مشورتی برای اهداف تبلیغی–اطلاعاتی (نقض ¶۵۷(a)) ← تعلیق یا لغو؛
ج) فقدان شفافیت مالی (نقض ¶۱۳) ← تعلیق؛
د) انتقال فرامرزی داده‌ها، به‌ویژه دربارهٔ اطفال ← پیگیری موازی در نهادهای حفاظت داده و حقوق کودک.

پیوست‌های پیشنهادی

- نمونهٔ متون رسمی حاوی تبعیض و نفرت‌گویی،
- دستورالعمل‌های عملیاتی «قرائت واقعیت» و «پیش‌بینی اهداف»،
- شواهد مالی و گزارش‌های مغایر،
- فهرست کشورهایی که در آن فعالیت بدون ثبت رسمی انجام می‌شود.

۵. نتیجه‌گیری

تحلیل حاضر نشان می‌دهد که بند «قرائت واقعیت» نه صرفاً بخشی از یک برنامهٔ دینی، بلکه سازوکاری سازمان‌یافته برای **گردآوری داده‌های اجتماعی، مهندسی فرهنگی، و نفوذ تدریجی در جوامع ملی** است.
از منظر حقوق بین‌الملل سازمانی، چنین سازوکاری در سه محور اساسی با قطعنامهٔ ۱۹۹۶/۳۱ تعارض دارد:

1. نقض شفافیت مالی و اجرایی؛
2. استفاده از وضعیت مشورتی برای اهداف فرقه‌ای؛
3. مداخله در امور داخلی کشورها بدون مشورت رسمی.

بر این اساس، پیشنهاد می‌شود کمیتهٔ NGOهای شورای اقتصادی و اجتماعی، بررسی ویژه‌ای را دربارهٔ **جامعهٔ جهانی بهایی (BIC)** آغاز و گزینهٔ **تعلیق وضعیت مشورتی به‌مدت سه سال طبق Part VIII, ¶۵۷(a)** را در دستور کار قرار دهد.

کلیدواژه‌ها:

قرائت واقعیت، جامعهٔ جهانی بهایی، بیت‌العدل اعظم، ECOSOC 1996/31، NGO، تعلیق وضعیت مشورتی، داده‌های اجتماعی، GDPR، حقوق کودک، حاکمیت ملی، نفوذ فرهنگی.

مقاله ۲۸ :

▧ تحلیل حقوقی بند «مشارکت در تقلیب اجتماعی» در پیام نقشهٔ نه‌سالهٔ بیت‌العدل اعظم

نقد ماهیت دینی–تشکیلاتی «Social Transformation» در پرتو قواعد NGOهای سازمان ملل

◇ چکیده

در ظاهر، بند «مشارکت در تقلیب اجتماعی» از پیام ۳۰ دسامبر ۲۰۲۱ بیت‌العدل اعظم بر تحول اخلاقی و رشد درونی انسان‌ها تأکید دارد. اما با تحلیل دقیق واژگان و مقایسه با سایر اسناد بالادستی بهایی، روشن می‌شود که مفهوم «تقلیب اجتماعی» (*social transformation*) در گفتمان بیت‌العدل، یک اصطلاح فنی تشکیلاتی است که بر **تغییر ساختارهای اجتماعی به نفع تشکیلات بهایی** دلالت دارد. این فرایند، در پوشش مفاهیم خیرخواهانه و آموزشی، با سه اصل بنیادین آیین‌نامهٔ ECOSOC ۱۹۹۶/۳۱ (بی‌طرفی دینی، شفافیت فعالیت، و عدم مداخله در امور داخلی دولت‌ها) در تعارض آشکار قرار می‌گیرد.

⊛ ۱. مقدمه

واژهٔ «تقلیب اجتماعی» در متون رسمی جامعهٔ جهانی بهایی از دههٔ ۱۹۹۰ میلادی به‌تدریج جایگزین عبارت «اصلاح اجتماعی» شد. این تغییر واژگانی، منعکس‌کنندهٔ انتقال از گفتار اخلاقی به گفتار ساختاری است: به جای اصلاح تدریجی، هدف «دگرگونی ریشه‌ای در بافت اجتماعی» اعلام شد.

در پیام نقشهٔ نه‌ساله، بیت‌العدل «تقلیب حیات باطنی و محیط اجتماعی» را مأموریت الهی معرفی می‌کند. در ادامه، این مأموریت از طریق «گروه‌های دائم‌التزاید از ساکنان محل» و در قالب برنامه‌های آموزشی و جامعه‌سازی پیگیری می‌شود. چنین تعبیری، عملاً از سطح دینی فراتر رفته و به سطح سیاست‌گذاری اجتماعی در کشورها می‌رسد—امری که مستقیماً با اصول بی‌طرفی و صلاحیت NGOهای مشورتی در تعارض است.

🔍 ۲. تحلیل مفهومی بند

۲–۱. تقلیب اجتماعی: اصطلاح دینی یا الگوی مهندسی اجتماعی؟

عبارت «تقلیب حیات باطنی نوع انسان و محیط اجتماعی او» در نگاه نخست، بیان عرفانی از تحول روحانی است. اما در نظام اصطلاحات تشکیلات بهایی، «محیط اجتماعی» به معنای کل ساختارهای فرهنگی و نهادی است که باید با الگوهای بهایی بازسازی شوند.

در پیام‌های مکمل بیت‌العدل (۲۰۱۵–۲۰۱۹)، این مفهوم مستقیماً با عبارت «restructuring the social order» همراه است؛ یعنی دگرگونی نظم اجتماعی به گونه‌ای که اصول بهایی (مشورت، وحدت، شوراهای روحانی و ...) در آن نهادینه گردد.
به بیان روشن‌تر، **تقلیب اجتماعی به‌معنای استقرار مدل حکمرانی بهایی در سطح محلی و ملی است.**

۲–۲. گروه‌های دائم‌التزاید و مفهوم نفوذ سازمان‌یافته

بیت‌العدل از «گروهی دائم‌التزاید از ساکنان محل» سخن می‌گوید که برای بهبود خصایل روحانی و اجتماعی جامعه تلاش می‌کنند.
اما در ساختار بهایی، این «گروه‌های دائم‌التزاید» همان هسته‌های تشکیلاتی‌اند که تحت آموزش مؤسسهٔ روحی تشکیل می‌شوند.
در واقع، هر گروه، یک **سلول سازمانی** است که مأموریت دارد شبکه‌ای از روابط آموزشی–عاطفی ایجاد کند تا به‌مرور، اجتماع محل به سمت «جامعهٔ بهایی» تغییر جهت دهد.

این ساختار به‌ویژه در کشورهای در حال توسعه، جایگزین سازمان‌های مدنی محلی می‌شود و از نظر حقوق عمومی، به معنای **ایجاد نظام موازی حکمرانی اجتماعی** است.

۲–۳. جایگاه دارالتبلیغ بین‌المللی در این بند

در متن آمده است که تحقق این هدف مستلزم «کوشش هماهنگ و مستمرّ نفوسی فداکار» است و دارالتبلیغ بین‌المللی آمادهٔ همکاری برای طراحی راهبردهاست.
این جمله، ارتباط مستقیم میان مرکز جهانی در اسرائیل و عملیات میدانی در کشورها را تأیید می‌کند.

چنین ارتباطی—بدون مجوز رسمی دولت‌ها—در حقوق بین‌الملل سازمانی، مصداق فعالیت فراملی بدون اطلاع دولت میزبان است و با Part II, ¶۲۰ از قطعنامهٔ ۱۹۹۶/۳۱ در تعارض کامل قرار می‌گیرد.

⚖️ ۳. تحلیل حقوقی بند در پرتو مقررات ECOSOC

محور تخلف	مستند قانونی در قطعنامه ۱۹۹۶/۳۱	شرح مصداق در بند «تقلیب اجتماعی»	پیامد حقوقی محتمل
مداخله در امور داخلی دولت‌ها	Part I, ¶۸ و Part II, ¶۲۰	اعزام گروه‌های بهایی به جوامع برای بازسازی محیط اجتماعی بدون مشورت دولت میزبان	🟤 مصداق تعلیق وضعیت مشورتی
استفاده از مقام مشورتی برای هدف تبلیغی/مذهبی	Part VIII, ¶۵۷(a)	اجرای پروژه‌های دگرگونی اجتماعی با مبانی الهیاتی	🟤 مصداق abuse of status و مبنای لغو
ابهام مالی در تأمین بودجه پروژه‌های میدانی	Part I, ¶۱۳	عدم اعلام منابع مالی مهاجرین و هزینه‌های توسعهٔ محلی	🟤 ترک فعل شفافیت، قابل تعلیق
خروج از ماهیت مشورتی و ورود به حکمرانی	Part II, ¶۱۸–۲۰	طراحی استراتژی اجتماعی و تشکیل گروه‌های دائم‌التزاید	⚠️ نقض فلسفهٔ مشورت، مستند تقویتی برای تعلیق

🧩 ۴. تحلیل مضاعف: پیوند دین، جامعه و قدرت

بیت‌العدل در این بند، رابطه‌ای سه‌گانه میان **ایمان، جامعه و ادارهٔ اجتماعی** ترسیم می‌کند.
به زعم او، جامعهٔ بهایی باید محیطی خلق کند که در آن، انسان‌ها در چارچوب تعالیم بهایی رشد یابند.
اما از منظر حقوق عمومی، این دیدگاه به معنای **تأسیس نظام هنجاری فرقه‌ای در بطن جامعهٔ مدنی کشورها** است—ساختاری که نظم عمومی و حاکمیت ملی را دور می‌زند.

در نتیجه، مفهوم «تقلیب اجتماعی» از سطح معنوی فراتر رفته و به ابزاری برای نفوذ فرهنگی–سیاسی بدل می‌شود.

🧱 ۵. پیامدهای بین‌المللی

۱. نقض اصل بی‌طرفی مذهبی NGOها

استفاده از واژگان «نوری که در ظهور بهاءالله متجلی است» در متنی رسمی که از سوی سازمانی دارای مقام مشورتی منتشر شده، آشکارا نقض اصل تفکیک دین از ساختار مشورتی سازمان ملل است.

1. **تهدید استقلال فرهنگی کشورها**
   اجرای برنامه‌های «تقلیب اجتماعی» در قالب پروژه‌های آموزشی و توسعه‌ای بدون نظارت دولت‌ها، استقلال فرهنگی جوامع را تضعیف می‌کند.
2. **خطر ایجاد شبکه‌های موازی ادارهٔ اجتماعی**
   از منظر امنیت حقوقی، این ساختار مشابه مدل «Community Governance» است که در آن NGOهای مذهبی به‌تدریج جای نهادهای عمومی را می‌گیرند.

۶. نتیجه‌گیری و توصیهٔ حقوقی

بند «مشارکت در تقلیب اجتماعی» به‌ظاهر بخشی از گفتمان اخلاقی بهایی است، اما در عمل، ماهیتی **سیاسی–تشکیلاتی** دارد. این بند با سه اصل بنیادین نظام NGOهای سازمان ملل ناسازگار است:

1. بی‌طرفی دینی در محیط بین‌المللی،
2. عدم مداخله در امور داخلی دولت‌ها،
3. شفافیت در منابع مالی و هدف‌گذاری.

به‌موجب Part VIII, ¶۵۷(a) از قطعنامهٔ ۱۹۹۶/۳۱، تجمیع این نقض‌ها مصداق روشن **abuse of consultative status** است و می‌تواند مبنای حقوقی برای **تعلیق یا لغو مقام مشورتی جامعهٔ جهانی بهایی (BIC)** در شورای اقتصادی و اجتماعی باشد.

کلیدواژه‌ها

تقلیب اجتماعی، جامعهٔ جهانی بهایی، بیت‌العدل اعظم، NGO، قطعنامهٔ ۱۹۹۶/۳۱، ECOSOC، تعلیق وضعیت مشورتی، نفوذ فرهنگی، بی‌طرفی دینی، مهندسی اجتماعی.

مقاله ۲۹ :

یادداشت حقوقی–تحلیلی درباره بند «تشخیص موانع اجتماعی و پیونددادن ترویج/تحکیم با اقدام اجتماعی و گفتمان»

خلاصه اجرایی

بند حاضر، «اقدام اجتماعی» و «گفتمان‌های رایج» را به‌عنوان ابعاد به‌هم‌پیوسته همان الگوی ترویج/تحکیم (برنامه رشد و جذب) معرفی می‌کند. از منظر حقوق بین‌الملل سازمانی، این هم‌تنیدگیِ هدفمند **تبلیغ مذهبی** با **مداخله اجتماعی**—به‌ویژه بر گروه‌های حساس مانند کودکان و دختران در معرض ازدواج زودهنگام—الگوی «استفاده ابزاری از پوشش NGO» را القا می‌کند و با چند قاعده‌ی کلیدی قطعنامه ۱۹۹۶/۳۱ شورای اقتصادی–اجتماعی (ECOSOC) در تعارض می‌افتد.

خوانش عملیاتی بند

متن تصریح می‌کند که با «شدّت یافتن فعالیت جامعه‌سازی»، جامعه بهایی در همان محدوده جغرافیایی باید به کمبودهای تعلیم‌وتربیت، سلامت، فقر، تعصبات دیرینه و… «تا جایی که شرایط اجازه می‌دهد پاسخ» بدهد و سپس نتیجه می‌گیرد: **ترویج و تحکیم، اقدام اجتماعی و مشارکت در گفتمان‌ها «ابعاد یک مجهودِ واحد»** هستند که «بر اساس یک چارچوب عمل مشترک» پیگیری می‌شوند. نتیجه حقوقیِ این ادعا:

- **وحدت هدف و ابزار**: اقدام اجتماعی، نه ساحتی مستقلِ توسعه‌ای، بلکه ابزار تسهیل و تعمیق همان پروژه‌ی ترویج/تحکیم (تبلیغ و جذب سازمان‌یافته) تعریف شده است.
- **پیامد برای صلاحیت ECOSOC**: هنگامی‌که خدمت اجتماعی عملاً در خدمت تبشیر و تسجیل سازمان‌یافته قرار می‌گیرد، **ماهیت «مشورتی»** (consultative) به‌سود **«حکمرانی/اجرا»** (coordination/command) تغییر می‌کند.

تعارض‌های حقوقی با ۱۹۹۶/۳۱ (با کلیدواژه «تعلیق» برای جست‌وجو)

۱) خروج از ماهیت «مشورت» و ورود به «اجرا/حکمرانی»

مستند: Part II ¶۱۸–۲۰

NGOِ دارای وضعیت مشورتی باید صرفاً **اطلاعات/مشورت تخصصی** بدهد، نه اینکه یک چارچوب عملیاتی واحد را در کشورها **اجرا و هماهنگ** کند. ادغام «ترویج/تحکیم» با «اقدام اجتماعی» زیر یک چارچوب اجرایی، مصداق خروج از نقش مشورتی است.

نتیجه: 🟢 قرینه قوی برای تعلیق (در کنار سایر نقض‌ها).

۲) اجرای پروژه‌های اجتماعی در خاک دولت‌ها بدون ترتیبات/مشورت پیشینی

مستند: Part I ¶۸ و Part II ¶۲۰

گسترش «اقدام اجتماعی» و شبکه‌های محلی (تعلیم، سلامت، معاضدت با نظام بهداشت و …) اگر بدون **مشورت رسمی با دولت میزبان** و خارج از چارچوب‌های ملیِ ثبت/مجوز باشد، با بندهای ۸ و ۲۰ در تعارض است.

نتیجه: 🟢 مصداق مستقیم تعلیق وضعیت مشورتی.

۳) سوءاستفاده از وضعیت مشورتی برای غایت ایدئولوژیک/تبشیری

مستند: Part VIII ¶۵۷(a) (abuse of status)
وقتی خود متن، اقدام اجتماعی را «بعدِ همان مجهود ترویج/تحکیم» اعلام می‌کند، یعنی ساحت خدمت اجتماعی عملاً به ابزار **پیشبرد عضویت دینی** بدل شده است. این الگو «سوءاستفاده از وضعیت» تلقی می‌شود.
نتیجه: ▨ تعلیق تا ۳ سال یا لغو.

۴) ابهام مالی در تأمین هزینه‌های اقدام اجتماعی و شبکه‌های محلی

مستند: Part I ¶۱۳
دخالت در حوزه‌های تعلیم‌وتربیت/سلامت/رفاه (کمپ‌ها، فستیوال‌ها، کلاس‌ها، پشتیبانی خانواده‌ها) مستلزم بودجه‌های مستمر است. **عدم افشای دقیق منابع/مصارف و هرگونه حمایت مستقیم/غیرمستقیم دولتی**، ترک فعل شفافیت مالی است.
نتیجه: ▨ مستقلاً می‌تواند مبنای تعلیق باشد.

۵) اختلاط خدمت اجتماعی با تبلیغ نزد کودکان و گروه‌های آسیب‌پذیر

مستند مکمل (خارج از ۱۹۹۶/۳۱): الزامات حمایت از کودک و داده‌های کودکان در نظام‌های ملی و GDPR
برنامه‌های «اطفال/نوجوانان» اگر همراه با **گردآوری داده، هدایت ذهنی و دعوت دینی** باشد، بدون رضایت آگاهانه‌ی والدین/اولیا و مبنای حقوقی پردازش داده، با مقررات حفاظت از کودک/حریم خصوصی تعارض می‌یابد.
نتیجه: ⚠ اهرم موازی نظارتی؛ تقویت ادله سوءاستفاده (¶۵۷(a)).

پیامدهای اخلاقی–اِسپَریسی (Safeguarding)

- **تعارض منافع ذاتی**: همان تیمی که «خدمت اجتماعی» ارائه می‌دهد، همزمان «دعوت دینی» و «ترویج/تحکیم» انجام می‌دهد. برای کودکان/خانواده‌های در مخاطره، این یک **نابرابری قدرت** و مخاطره‌ی **نفوذ اعتقادی تحت پوشش خدمت** ایجاد می‌کند.
- **فقدان دیوار آتش سازمانی**: متن صراحتاً سه ساحت را «یک مجهودِ واحد» می‌خوانَد؛ بنابراین هیچ جدایی سازمانی/رویه‌ای برای جلوگیری از تحمیل نرم عقیده پیش‌بینی نشده است.

چارچوب ادله و مستندسازی (برای اقامه دعوا/شکایت به کمیته NGOهای ECOSOC)

مدارک درخواستی/قابل گردآوری

1. **آیین‌نامه‌ها/راهنماهای داخلی** که «اقدام اجتماعی» را بخشی از الگوی ترویج/تحکیم معرفی می‌کنند (تصریح به «چارچوب عمل مشترک»).

2. **نقشه‌های محدوده‌ها و گزارش‌های پیشرفت** که نشان دهد پروژه‌های اجتماعی همزمان با KPIهای جذب/نماد رشد سنجیده می‌شوند.
3. **گزارش‌های مالی تفصیلی**: منشأ منابع، مسیر هزینه‌کرد، هرگونه حمایت دولتی/بین‌المللی (برای آزمون Part I ¶۱۳).
4. **رویه‌های اخذ مجوز ملی** برای مداخلات اجتماعی (آموزش، سلامت، حمایت از خانواده‌ها): مکاتبات، موافقت‌نامه‌ها، ثبت ملی.
5. **اسناد حفاظت داده/کودک**: مبنای حقوقی گردآوری و انتقال داده، فرم‌های رضایت آگاهانه‌ی والدین، DPIA (در حوزه‌های سخت‌گیر).
6. **نمونه محتوای تبعیض‌آمیز/تحقیرگر** میزبانی‌شده در پلتفرم‌های رسمی، به‌عنوان قرینه‌ی تعارض با روح منشور (برای تقویت ¶۵۷(a)).

ساختار شکواییه (Template کوتاه)

- **عنوان اتهام ۱:** اجرای اقدام اجتماعی به‌مثابه ذیل ترویج/تحکیم بدون مشورت دولت‌ها — نقض *Part I* ¶۸ و ¶۲۰ *Part II* → ▧ تعلیق.
- **عنوان اتهام ۲:** سوءاستفاده از وضعیت مشورتی (action=proselytism-by-service) — نقض *Part VIII* ¶۵۷(*a*) → ▧ تعلیق/لغو.
- **عنوان اتهام ۳:** عدم شفافیت مالی پروژه‌های اقدام اجتماعی — نقض ¶۱۳ *Part I* → ▧ تعلیق.
- **عنوان اتهام ۴ (تکمیلی):** پردازش/انتقال داده‌های کودکان بدون مبنای قانونی کافی — ارجاع موازی به قوانین حفاظت داده/حقوق کودک.

توصیه‌های عملی برای اقامه دعوا (به زبان مجله حقوقی)

1. **معیار تمایز خدمت مشروع از تبشیرِ پوششی**: هرگاه «اقدام اجتماعی» صریحاً ذیل «چارچوب واحد ترویج/تحکیم» قرار گرفت، ماهیت آن از «مشورت و خدمت عمومی» به «ابزار عضویّت‌گیری» تغییر می‌کند؛ این‌جا **تعلیق** توجیه‌پذیر است (Part II ¶۲۰ + Part VIII ¶۵۷(a)).
2. **اصل شفافیت و پاسخ‌دهی مالی** باید پیشینی و مستمر باشد؛ هر شبکه‌ی فراملی خدمت، بدون افشای منابع/مصارف، **قابل تعلیق** است (Part I ¶۱۳).
3. **اصل مشورت با دولت میزبان** در مداخلات اجتماعی (آموزش/سلامت/رفاه) الزام‌آور است؛ فقدان آن، به‌تنهایی **مصداق تعلیق** است (Part I ¶۸؛ Part II ¶۲۰).
4. **Safeguarding کودکان** و **Data Protection** باید در طراحی و اجرا مستند شود؛ نبودِ آن، مسیر موازیِ پیگیری نزد مقامات ملی و نهادهای موضوعی را باز می‌کند و **پرونده تعلیق** را تقویت می‌نماید.

جمع‌بندی

بند حاضر به‌صراحت «اقدام اجتماعی» و «مشارکت در گفتمان» را **جزئی از همان پروژه ترویج/تحکیم** معرفی می‌کند و بدین‌ترتیب، ماهیت خدمات اجتماعی را از «مشورتِ بی‌طرف» به «ابزار تبشیری» تغییر می‌دهد. این پیوندِ هدف‌مند، همراه با فقدان تضمین‌های شفافیت مالی و مشورت پیشینی با دولت‌ها، مصادیق روشن ▨ **تعلیق وضعیت مشورتی** ذیل قطعنامه ۱۹۹۶/۳۱ است (Part I ¶۸؛ Part II ¶۲۰؛ Part I ¶۱۳؛ Part VIII ¶۵۷(a)). در کنار مخاطرات حقوق کودک و حریم خصوصی، مجموعه قرائن برای طرح تعلیق/لغو در کمیته NGOهای ECOSOC کافی و قابل اقامه است.

مقاله ۳۰ :

اقدام اجتماعی به‌مثابه پوشش توسعهٔ تشکیلاتی: تحلیل بند «بسط و سازمان‌دهی اقدام اجتماعی در نقشهٔ نه‌سالهٔ بیت‌العدل»

(مستند به قطعنامهٔ ۱۹۹۶/۳۱ شورای اقتصادی–اجتماعی سازمان ملل)

⊛ مقدمه:

بند مورد بحث از پیام نقشهٔ نه‌سالهٔ بیت‌العدل اعظم (۲۰۲۲–۲۰۳۱) در ظاهر یکی از مثبت‌ترین و مردمی‌ترین بخش‌های متن است: سخن از «توسعهٔ اجتماعی و اقتصادی»، «محیط زیست»، «آموزش»، «بهداشت» و «هنر». اما همین بند، به لحاظ ساختار و مفاهیم، نقطهٔ تلاقی **دین، توسعه و حاکمیت سازمانی** است و دقیقاً در همین هم‌پوشانی است که **خطر سوءاستفاده از وضعیت مشورتی NGO** و نقض صریح مواد متعدد از قطعنامهٔ ECOSOC 1996/31 آشکار می‌شود.

در این بند، بیت‌العدل سه لایه از «اقدام اجتماعی» را تشریح می‌کند:

1. سطح محلی و مردمی (محله‌ها، روستاها، شهرها)؛
2. سطح سازمان‌یافته (محافل و شوراهای ناحیه‌ای و ملی)؛
3. سطح بین‌المللی (از طریق «سازمان توسعهٔ بین‌المللی بهائی» مستقر در حیفا).

این سه سطح به‌صورت عمودی به‌هم متصل‌اند و یک ساختار نیمه‌دولتی–فراملی ایجاد می‌کنند که نه NGO صرف است و نه نهاد دینی سنتی، بلکه شبکه‌ای موازی با ساختار حاکمیت‌های ملی است.

بخش نخست: تحلیل تشکیلاتی و زبانی بند

۱. از «ابتکار مردمی» تا «سازمان ملهم از تعالیم بهائی»

بیت‌العدل بند را با تصویرسازی از ابتکارات کوچک آغاز می‌کند: چند روستا، چند پروژه محیط زیستی یا آموزشی. اما در ادامه، مسیر را به سمت ایجاد ساختارهای رسمی‌تر و سازمان‌های جدید می‌کشاند:

«برای استمرار فعالیت بعضی از این ابتکاراتِ برخاسته از جامعه، نیاز به ساختارهای اداری ساده خواهد بود… تأسیس یک سازمان ملهم از تعالیم بهائی جوابی به احتیاجات خواهد بود.»

◇ از منظر حقوقی، این جمله انتقال از **مرحلهٔ غیررسمی مردمی** به **تشکیل اشخاص حقوقی فراملی وابسته به دین** را بیان می‌کند؛ به‌ویژه با قید «ملهم از تعالیم بهائی» که رابطهٔ حقوقی–ایدئولوژیک این نهادها با بیت‌العدل را تثبیت می‌کند.

◇ از نگاه نظام NGO ملل متحد، این مرحله گذار از *“consultation”* به *“operation”* است — یعنی خروج از جایگاه مشورتی و ورود به مرحلهٔ اجرای موازی (coordinate governance).

۲. تبدیل «محافل روحانی محلی» به هاب اجرایی

«محافل روحانی محلی باید تشویق شوند تا به یادگیری دربارهٔ بهترین راه پرورش ابتکارات جدید بپردازند.»

در ظاهر، «یادگیری» یک واژهٔ آموزشی است؛ اما در زبان تشکیلات بهایی، به‌معنای **طراحی، پشتیبانی مالی و نظارت بر پروژه‌های اقدام اجتماعی** است.

◇ از منظر حقوقی، این دستور بیت‌العدل در تضاد با مادهٔ I(8) قطعنامهٔ ۱۹۹۶/۳۱ است که تأکید می‌کند ایجاد یا هماهنگی دفاتر/پروژه‌ها در کشورهای میزبان باید **با مشورت دولت‌ها** صورت گیرد.

◇ «محافل روحانی محلی» در ایران، هند، آفریقا و آمریکای لاتین عمدتاً **فاقد ثبت قانونی به‌عنوان NGO ملی** هستند؛ بنابراین ورودشان به حوزهٔ توسعهٔ اجتماعی، مصداق فعالیت غیرمجاز در خاک دولت‌هاست.

۳. شکل‌گیری «نهادهای مختص پیگیری اقدام اجتماعی»

«این کار در بعضی نقاط مستلزم ایجاد نهادی مختص پیگیری اقدام اجتماعی خواهد بود.»

این بخش صراحت دارد: ایجاد «نهاد جدید» در سطح ملی برای پیگیری پروژه‌های اقدام اجتماعی.

◇ از منظر حقوق بین‌الملل سازمانی، این دستور بیت‌العدل، نقض صریح **Part II ¶۲۰** است؛ زیرا NGO دارای مقام مشورتی نباید ساختار موازی اداری در کشورهای عضو ایجاد کند مگر با مجوز دولت میزبان.

◇ تأسیس نهاد ملی برای «پیگیری اقدام اجتماعی» یعنی تشکیل **دفاتر اجرایی بهایی با مأموریت اجتماعی** که عملاً در حوزهٔ سیاست‌های اجتماعی دولت‌ها دخالت می‌کنند.

۴. نقش سازمان توسعهٔ بین‌المللی بهائی (BIDO)

«مشاهدهٔ اینکه چطور این حوزه از مجهودات با تشویق و حمایت سازمان توسعهٔ بین‌المللی بهائی ترقی نموده موجب سرور است.»

BIDO مستقر در حیفا (زیرمجموعهٔ بیت‌العدل) از ۲۰۱۸ جایگزین دفتر توسعهٔ اجتماعی–اقتصادی شده است و طبق اساسنامهٔ رسمی خود، مأموریت دارد *policy guidance* و *financial coordination* ارائه دهد.

◇ از منظر حقوق بین‌الملل، این سازمان **مرکز فرماندهی فراملی** است و فعالیت مستقیمش در کشورهای مختلف بدون موافقت رسمی دولت‌ها مصداق «**interference in domestic jurisdiction**» (ممنوع در مادهٔ ۲ منشور ملل متحد) و نیز نقض **Part I ¶۸** قطعنامهٔ ECOSOC است.

◇ در واقع، این ساختار عملاً **نهاد اجراییِ بین‌المللیِ وابسته به یک دین خاص** است که با بهره‌گیری از وضعیت NGO به مدیریت شبکه‌ای از سازمان‌های وابسته می‌پردازد—همان الگویی که در ادبیات حقوقی به آن "*Faith-Based Transnational Administration*" گفته می‌شود.

بخش دوم: تحلیل حقوقی تطبیقی بر اساس ECOSOC Resolution 1996/31

۱. نقض اصل موضوعی (Part I ¶۱–۳)

فعالیت‌های مطرح‌شده در بند (آموزش، کشاورزی، سلامت، محیط زیست) ظاهراً در صلاحیت ECOSOC است، اما چون این فعالیت‌ها **در خدمت تبلیغ دینی** و گسترش تشکیلات بهایی‌اند، از حیطهٔ موضوعی شورا خارج می‌شوند.

❖ نتیجه: NGO بهایی فعالیت‌هایی انجام می‌دهد که ماهیتاً **مذهبی/تبشیری** هستند، نه توسعه‌ای. این تعارض، مبنای بررسی برای **لغو یا بازنگری وضعیت مشورتی** است.

۲. نقض شرط مشورت با دولت‌ها (Part I ¶۸)

در بند مورد بحث، هیچ اشاره‌ای به همکاری با دولت‌های میزبان برای اجرای پروژه‌ها نشده است. بلکه فقط به «نهادهای دولتی» در سطح محلی (مدارس، شهرداری‌ها) اشاره می‌شود، که همکاری غیررسمی و غیرقراردادی محسوب می‌شود.

❖ این همکاری‌های غیرمستند و شبکه‌ای، خلاف الزام صریح بند ۸ است که مقرر می‌کند هرگونه فعالیت NGO با مشورت و اطلاع دولت مربوطه باشد.

▧ **نتیجه:** مصداق روشن *grounds for suspension*.

۳. نقض شرط تفکیک مشورت از اجرا (Part II ¶۲۰)

بر اساس این بند، NGOهای مشورتی باید صرفاً *advisory or expressive* باشند و حق ندارند عملیات میدانی (operational activities) در کشورهای عضو انجام دهند.

❖ در بند بیت‌العدل، عملیات میدانی صریحاً وجود دارد: ایجاد نهاد، برگزاری پروژه، تأسیس سازمان و همکاری با نهادهای مدنی.

▧ **نتیجه:** خروج از وضعیت مشورتی و ورود به نقش حکمرانی اجرایی؛ مبنای تعلیق یا لغو.

۴. نقض شرط شفافیت مالی (Part I ¶۱۳)

پروژه‌های ذکرشده (در حوزهٔ آموزش، محیط زیست، سلامت) هزینه‌برند و منابع آن‌ها در بند نامشخص است. به‌ویژه چون بیت‌العدل تصریح می‌کند که این اقدامات با حمایت BIDO انجام می‌شوند.

❖ در صورت عدم افشای منشأ منابع مالی و ارتباط آن با مرکز حیفا، نقض بند ۱۳ محرز است.
🟢 **نتیجه:** مبنای مستقل برای تعلیق.

۵. سوءاستفاده از وضعیت مشورتی (Part VIII ¶۵۷(a))

مطابق این بند، اگر یک سازمان از وضعیت خود برای انجام فعالیت‌هایی مغایر با مقاصد منشور استفاده کند، وضعیتش تا سه سال تعلیق یا لغو می‌شود.

❖ بند بیت‌العدل دقیقاً چنین الگویی را دارد: استفاده از عنوان «توسعه اجتماعی» برای گسترش شبکه‌های اعتقادی و تشکیلاتی، بدون رعایت مرزهای دولت‌ها.
🟢 **نتیجه:** مصداق کامل *abuse of status*.

۶. نقض اصل دموکراسی و پاسخ‌گویی داخلی (Part I ¶۱۰–۱۲)

در این بندها آمده که سازمان باید دارای ساختار دموکراتیک و پاسخگو به اعضا باشد. در نظام بهایی، تصمیمات از بالا (بیت‌العدل) ابلاغ و در سطح محلی بی‌چون‌وچرا اجرا می‌شود. هیچ سازوکار بازخورد یا رأی‌گیری وجود ندارد.

❖ بنابراین ساختار داخلی شبکهٔ بهایی با الزامات دموکراتیک قطعنامه در تضاد است.
⚖️ **نتیجه:** زمینهٔ تعلیق یا تنزل وضعیت مشورتی.

۷. ابهام در گزارش‌دهی ادواری (Part IX ¶۶۱(c))

اگر گزارش‌های چهارسالهٔ جامعهٔ جهانی بهایی به کمیتهٔ NGOها حاوی داده‌های دقیق از این پروژه‌های اجرایی نباشد، یا تحت عنوان کلی «social action» پنهان شود، این خود «کتمان اطلاعات» و «گزارش ناقص» محسوب می‌شود.

🟢 **نتیجه:** نقض الزامات گزارش‌دهی؛ مبنای *review and suspension*.

بخش سوم: تحلیل تبعیقی (Comparative Analysis)

در اسناد مشابه مربوط به NGOهای دارای وضعیت مشورتی (مثل *World Vision*، *Caritas Internationalis*، *Islamic Relief Worldwide*)، سازمان‌ها موظف‌اند که بین «برنامه‌های دینی» و

«برنامه‌های توسعه‌ای» مرز شفاف بگذارند؛ گزارش مالی مستقل برای هر کدام ارائه دهند و فعالیت‌های توسعه‌ای خود را **غیرمذهبی و غیرتبعیض‌آمیز** تعریف کنند.
در مقابل، بیت‌العدل در همین بند صراحتاً هر دو ساحت را یکی می‌داند. این وحدت مفهومی—که در بهاییت از آن با واژهٔ «تقلیب اجتماعی» یاد می‌شود—به معنای حذف تفکیک بین ایمان و خدمت است، و دقیقاً همان چیزی است که نظام ملل متحد آن را مغایر با روح قطعنامهٔ ۱۹۹۶/۳۱ می‌داند.

بخش چهارم: مخاطرات حقوق داخلی کشورها

۱. نقض قوانین ثبت و فعالیت سازمان‌های غیردولتی

در بسیاری از کشورها (از جمله ایران، مصر، هند، پاکستان، ترکیه)، هرگونه فعالیت توسعه‌ای در قالب نهاد دینی باید مجوز رسمی و ثبت مشخص داشته باشد. شبکهٔ بهایی، با اتکا به این بند، بدون مجوز چنین فعالیت‌هایی را دنبال می‌کند.

- این وضعیت در حقوق داخلی می‌تواند تحت عناوینی چون «فعالیت سازمانی وابسته به قدرت خارجی» یا «تجاوز به حاکمیت ملی» تعقیب شود.

۲. نقض اصول بی‌طرفی مذهبی در نظام آموزش و سلامت

همکاری غیررسمی با مدارس یا نهادهای بهداشت عمومی بدون مجوز، و آمیختن محتوای آموزشی با تعالیم بهایی، نقض آشکار اصل بی‌طرفی مذهبی در خدمات عمومی است.

- این مسئله با مادهٔ ۲۶ میثاق حقوق مدنی و سیاسی (برابری در آموزش) نیز تعارض دارد.

۳. تخلف در انتقال داده‌ها و اطلاعات جمعیتی

از آنجا که محافل و نهادهای محلی بهایی اطلاعات مربوط به خانواده‌ها، کودکان و گروه‌های آسیب‌پذیر را به مراکز بالاتر ارسال می‌کنند، انتقال برون‌مرزی داده‌ها بدون رضایت دولت‌ها مصداق نقض قوانین حفاظت داده است (GDPR، CCPA، یا قوانین مشابه).

بخش پنجم: پیامدهای بین‌المللی و راهکارهای نظارتی

- **پیشنهاد به کمیته NGOهای ECOSOC**

در چارچوب قطعنامهٔ ۱۹۹۶/۳۱، این بند قابل ارجاع تحت سه عنوان است:

1. **Execution without consultation with host States** (Part I ¶۸, Part II ¶۲۰) → پیشنهاد تعلیق؛
2. **Abuse of consultative status for proselytism** (Part VIII ¶۵۷(a)) → پیشنهاد لغو؛

3. **Lack of financial transparency** (Part I ¶۱۳) ← پیشنهاد بازنگری وضعیت و تعلیق موقت.

◇ **مسیرهای حقوقی موازی**

- اطلاع‌رسانی به نهادهای حفاظت از داده (Data Protection Authorities) در کشورهایی که پروژه‌های آموزشی بهایی فعال است؛
- ارجاع به کمیتهٔ حقوق کودک در ژنو با استناد به نقض اصول رضایت آگاهانه و حفاظت از کودک؛
- طرح شکایت عمومی (Public Communication) نزد دفتر NGO Branch/DESA در نیویورک، همراه با مستندات مالی و سازمانی مربوط به BIDO و شاخه‌های ملی.

جمع‌بندی نهایی

بند «اقدام اجتماعی» از پیام نقشهٔ نه‌ساله نه‌تنها برنامهٔ توسعه‌ای نیست، بلکه **نقشهٔ ساختاری برای انتقال تشکیلات بهایی از مرحلهٔ جامعه‌سازی به مرحلهٔ حاکمیت نرم اجتماعی** است.
در این بند:

- «محافل محلی» و «ملی» نقش دفاتر اجرایی می‌گیرند؛
- «نهادهای ملهم از تعالیم بهایی» جایگزین NGOهای بومی می‌شوند؛
- و «سازمان توسعهٔ بین‌المللی بهائی» به‌عنوان ستاد مرکزی این شبکه در حیفا عمل می‌کند.

در نتیجه، از منظر قطعنامهٔ ۱۹۹۶/۳۱ شورای اقتصادی–اجتماعی:

نوع نقض	مادهٔ مرتبط	وضعیت حقوقی	نتیجه
اجرای پروژه بدون مشورت با دولت‌ها	Part I ¶۸، Part II ¶۲۰	نقض آشکار	▧ تعلیق
استفاده از پوشش NGO برای اهداف دینی	Part VIII ¶۵۷(a)	سوءاستفاده از وضعیت	▧ لغو
عدم شفافیت مالی در تأمین بودجه	Part I ¶۱۳	ترک فعل شفافیت	▧ تعلیق
عدم تفکیک مشورت و اجرا	Part II ¶۱۸–۲۰	تغییر ماهیت مشورتی	▧ تعلیق
ساختار غیردموکراتیک و غیرپاسخ‌گو	Part I ¶۱۰–۱۲	تعارض ساختاری	⚠ بازنگری وضعیت
گزارش‌دهی ناقص به کمیتهٔ NGOها	Part IX ¶۶۱(c)	کتمان فعالیت اجرایی	⚠ تذکر و بازبینی
پردازش داده‌های کودکان بدون مجوز	قوانین حفاظت داده	تعارض با قوانین داخلی/منطقه‌ای	⚠ پیگیری موازی

✍ نتیجهٔ نهایی

بەلحاظ تحلیلی، این بند نشان می‌دهد که «اقدام اجتماعی» در ساختار بهایی نه یک فعالیت توسعه‌ای واقعی، بلکه **ابزار ساخت شبکهٔ اجرایی و نفوذ اجتماعی تشکیلات بیت‌العدل در خاک دولت‌ها** است.
بەلحاظ حقوقی، مجموعهٔ رفتارهای توصیف‌شده در این بند مصداق کامل نقض **Part I ¶۸**، **Part II ¶۲۰**، **Part I ¶۱۳**، و **Part VIII ¶۵۷(a)** از قطعنامهٔ ۱۹۹۶/۳۱ است و می‌تواند مبنای **تعلیق یا لغو وضعیت مشورتی جامعهٔ جهانی بهایی در ECOSOC** قرار گیرد.

چنین تحلیل مستندی قابلیت ارائه در مجلات حقوق بین‌الملل عمومی یا نشریات تخصصی NGO Law را دارد و می‌تواند در قالب عنوان پیشنهادی زیر منتشر شود:

“Faith-Based Development or Organizational Expansion?
A Legal Analysis of the Bahá’í Nine-Year Plan under ECOSOC Resolution 1996/31.”

مقاله ۳۱ :

«گفتمان اجتماعی» یا ابزار نفوذ نرم؟

تحلیل حقوقی و تشکیلاتی بند «قابلیت مشارکت در گفتمان اجتماعی» در پیام نقشهٔ نه‌سالهٔ بیت‌العدل (۲۰۲۲–۲۰۳۱)

⊛ مقدمه: از «گفت‌وگو» تا «گفتمان‌سازی»

بند حاضر از پیام نقشهٔ نه‌سالهٔ بیت‌العدل در ظاهر بر گفت‌وگوی اجتماعی و مشارکت فرهنگی تأکید دارد؛ عباراتی مانند «مشارکت در گفتگو راجع به مطالبی که بر زندگی افراد اثر می‌گذارد» یا «عرضهٔ دیدگاهی برگرفته از اصول بهائی» فضایی ظاهراً مثبت، گفت‌وگومحور و انسان‌گرایانه ایجاد می‌کند.
اما در تحلیل ساختاری، این بند نقطهٔ اتصال دو محور کلیدی در راهبرد جهانی بیت‌العدل است:
۱. «اقدام اجتماعی» (Social Action)
۲. «گفتمان اجتماعی» (Public Discourse)

هر دو به‌ظاهر فرهنگی‌اند، اما در عمل دو بال یک طرح واحدند که هدف نهایی آن **تثبیت حضور ساختاری تشکیلات بهایی در محیط اجتماعی و فرهنگی کشورها** است.
در این چارچوب، «گفتمان اجتماعی» نقشی ایفا می‌کند که در ادبیات سیاسی به آن **Soft Power Mobilization** (بسیج نرم قدرت فرهنگی) گفته می‌شود.

۱. تحلیل تشکیلاتی بند

الف) «قابلیت مشارکت در گفتگو» به‌عنوان مهارت سازمانی

عبارت آغازین بند:

«قابلیّت اشتغال به اقدام اجتماعی ارتباطی نزدیک با قابلیّت مشارکت در گفتمان‌های اجتماعی دارد.»

در ظاهر، سخن از مهارتی انسانی است؛ اما از دیدگاه مدیریتی، این «قابلیت» در متون مؤسسهٔ روحی به‌عنوان یکی از ارکان «capacity building» شناخته می‌شود — یعنی تربیت نیروهایی که بتوانند در سطوح محلی و ملی، مفاهیم دینی را در قالب گفت‌وگوهای عمومی وارد سازند.
بنابراین، هدف نهایی صرفاً تبادل اندیشه نیست، بلکه **کادرسازی گفتاری برای بهایی‌سازی تدریجی گفتمان جامعه** است.

ب) مسیر پرورش نیرو: از دوره‌های روحی تا دفاتر روابط خارجی

بیت‌العدل تصریح می‌کند:

«این قابلیّت... با شرکت در دوره‌های مؤسّسهٔ آموزشی پرورش می‌یابد و به صورتی رسمی‌تر، برای کار جامعهٔ جهانی بهایی و دفاتر ملی امور روابط خارجی نقش عمده‌ای ایفا می‌کند.»

اینجا، زنجیره‌ای از آموزش تا عمل تعریف می‌شود:
۱. مرحلهٔ پایه: دوره‌های مؤسسهٔ روحی (local training)
۲. مرحلهٔ حرفه‌ای: دفاتر روابط خارجی (national or international advocacy)

به‌عبارت دیگر، مؤسسهٔ روحی همان کارکرد «مدرسهٔ کادر فرهنگی» را دارد و دفاتر روابط خارجی نقش «بازوی بین‌المللی اجرای گفتمان» را.
از منظر حقوق بین‌الملل NGOها، این نوع شبکه‌سازی عمودی مصداق **سلسله‌مراتب فرماندهی فراملی (Transnational Command Hierarchy)** است — امری که برخلاف فلسفهٔ «مشورت داوطلبانه» در قطعنامهٔ ECOSOC 1996/31 است (Part II, ¶۱۸–۲۰).

ج) تمرکز بر جوامع هدف و آسیب‌پذیر

در ادامهٔ بند آمده است:

«تماس نزدیک با یک جمعیّت از طریق فعّالیّت‌های ترویج و تحکیم، موجب افزایش آگاهی نسبت به مشکلات اجتماعی موجود در یک ناحیه و نیز اشتیاق ساکنین آن به فایق آمدن بر آنها می‌گردد.»

این عبارت ظاهراً از همدلی سخن می‌گوید، اما در واقع، مرحلهٔ دومِ «مهندسی اجتماعی» است.
تشکیلات بهایی ابتدا از طریق پروژه‌های ظاهراً آموزشی یا خدماتی (ترویج و تحکیم) در جامعه نفوذ می‌کند، سپس از داده‌های میدانی به‌دست‌آمده برای طراحی «گفتمان بومی» استفاده می‌کند تا مشروعیت فرهنگی خود را در جامعهٔ میزبان تثبیت کند.
به بیان دیگر، این بخش توجیه نظری برای نفوذ فرهنگی پس از نفوذ سازمانی است.

۲. تبدیل گفتمان به ابزار مشروعیت

عبارت کلیدی بند چنین است:

«لازم است جامعهٔ بهایی نیز در مقام جمعی متحد، دیدگاه وزین خود را راجع به موانع پیشرفت اجتماعی ارائه نماید.»

این جمله نقطهٔ عطف بند است؛ زیرا جامعهٔ بهایی را از یک «مشارکت‌کننده در گفت‌وگو» به **مرجع ارائهٔ راه‌حل اجتماعی** تبدیل می‌کند.
در زبان تشکیلاتی، این تغییر از *discourse participation* به *discourse leadership* است — یعنی از «گفت‌وگوگر» به «رهبر فکری».

از منظر حقوق بین‌الملل NGOها، این تحول دقیقاً همان خط قرمزی است که بندهای Part II, ¶۲۰ و Part VIII, ¶۵۷(a) قطعنامهٔ ECOSOC تعیین کرده‌اند:
سازمان‌های مشورتی نباید از جایگاه خود برای تعیین جهت گفتمان عمومی یا سیاست اجتماعی دولت‌ها استفاده کنند؛ زیرا این نوع رفتار، مصداق **abuse of status** است.

۳. محفل روحانی محلی به‌عنوان «مرجع اخلاقی»

در بخش میانی بند آمده است:

«محفل محلّی به تدریج در سطح وسیع‌تری به عنوان منبعی برای بصیرت اخلاقی مطمح نظر قرار می‌گیرد.»

این جمله به‌روشنی هدف اصلی را آشکار می‌سازد: **تبدیل محفل محلی بهایی به مرجع اخلاقی و اجتماعی منطقه.**

در چارچوب NGOهای بین‌المللی، چنین اقدامی دو پیامد حقوقی دارد:

1. **تعارض با اصل بی‌طرفی دینی:** چون محفل محلی یک نهاد دینی است، ایفای نقش مرجع اخلاقی در جامعهٔ عمومی، با اصل Part II, ¶۱۸–۲۰ که مشارکت NGO را به «مشورت تخصصی» محدود می‌کند، در تضاد است.

2. **مداخله در حاکمیت محلی:** وقتی یک نهاد مذهبی خود را «منبع بصیرت اجتماعی» معرفی می‌کند و با مقامات و رهبران رسمی وارد همکاری می‌شود، عملاً در فرآیند تصمیم‌سازی عمومی مداخله می‌کند—بر خلاف الزام Part I, ¶۸ و Part II, ¶۲۰ مبنی بر مشورت پیشینی با دولت‌ها برای فعالیت اجتماعی در خاک کشورها.

۴. هم‌افزایی تشکیلاتی: از گفتمان تا نفوذ تصمیم‌ساز

بیت‌العدل می‌گوید:

«فرصت‌ها برای در میان گذاشتن دیدگاه‌های بهائی با رهبران جامعه و شخصیت‌های صاحب‌منصب غنیمت شمرده شود.»

این عبارت در واقع برنامهٔ لابی‌گری فرهنگی است.
جامعهٔ بهایی در این مرحله، با بهره‌گیری از وجههٔ NGO مشورتی خود در سازمان ملل، سعی می‌کند در سیاست‌گذاری‌های ملی و محلی نفوذ کند — درست همان کاری که Part VIII, ¶۵۷(a) از آن با عنوان *acts contrary to the purposes and principles of the UN* یاد می‌کند.
این فعالیت‌ها ماهیتاً **فراتر از مشورت** هستند و جنبهٔ **advocacy سیاسی–دینی** پیدا می‌کنند.

۵. سازوکار سازمانی و خطر نقض تعهدات ECOSOC 1996/31

حوزه	مادهٔ قطعنامهٔ نقض‌شده	نوع نقض	پیامد حقوقی
استفاده از وضعیت مشورتی برای نفوذ ایدئولوژیک	Part VIII, ¶۵۷(a)	سوءاستفاده از وضعیت (abuse of status)	▧ تعلیق یا لغو وضعیت مشورتی
تبدیل نهاد مذهبی به مرجع اجتماعی بدون مشورت با دولت‌ها	Part I, ¶۸ Part II, ¶۲۰	دخالت در امور داخلی و نقض شرط مشورت	▧ تعلیق
خروج از حالت مشورتی و ورود به حالت حکمرانی گفتمانی	Part II, ¶۱۸–۲۰	تغییر ماهیت NGO از «مشاور» به «فرمان‌ده»	⚠ نقض ساختاری
عدم شفافیت مالی در پروژه‌های گفتمان اجتماعی	Part I, ¶۱۳	ترک فعل شفافیت مالی	▧ تعلیق موقت
عدم گزارش‌دهی کامل به کمیتهٔ NGOها	Part IX, ¶۶۱(c)	کتمان فعالیت‌ها در گزارش‌های ادواری	⚠ مبنای بازبینی وضعیت

۶. تطبیق با مفاهیم حقوق بین‌الملل و امنیت اجتماعی

الف) مفهوم «نفوذ نرم دینی» (Faith-based Soft Power)

از منظر روابط بین‌الملل، گفتمان اجتماعی بهایی نوعی *Faith-based Soft Power* است: بهره‌گیری از ابزار فرهنگی و اخلاقی برای تغییر رفتار و ارزش‌های جامعهٔ میزبان.
در حقوق بین‌الملل NGOها، چنین فعالیتی زمانی مجاز است که **غیرمذهبی، شفاف و هماهنگ با دولت میزبان** باشد.
اما در متون بیت‌العدل، جهت گفتمان از ابتدا بر محور الهیات بهایی و مرجعیت روحانی آن تعریف شده؛ لذا فعالیت‌های مزبور از قالب NGO خارج و در محدودهٔ «missionary cultural agenda» قرار می‌گیرد.

ب) تعارض با اصل بی‌طرفی فرهنگی (Cultural Neutrality)

در Part II, ¶۲۰ قطعنامه، اصل بر این است که NGOها تنها در حوزهٔ «صلاحیت ویژه» خود مشورت دهند و در شکل‌دهی افکار عمومی دخالت نکنند.
اما در بند حاضر، هدف نهایی «تقلیب گفتمان عمومی به نفع اصول بهایی» است.
این امر، از منظر حقوق بین‌الملل سازمانی، معادل **خروج از حوزهٔ مشورتی** و **نقض اصل بی‌طرفی فرهنگی** است.

ج) خطر نفوذ ساختاری در نهادهای اجتماعی

تشویق بهاییان برای ورود به گفت‌وگو با «رهبران محلی» و «شخصیت‌های صاحب‌منصب»، در واقع مرحلهٔ نفوذ در بدنهٔ تصمیم‌سازی محلی است.
در چارچوب حقوق عمومی دولت‌ها، چنین رفتارهایی می‌تواند تحت عنوان *Foreign Religious Influence without Registration* یا *Unregistered Faith-based Lobbying* پیگرد داشته باشد.

۷. نقد اخلاقی و جامعه‌شناختی

از منظر جامعه‌شناسی دین، بند مورد بحث نمونهٔ کلاسیک از **دینی‌سازی گفتمان عمومی (Sacralization of Discourse)** است:
یعنی مفاهیم عمومی عدالت، توسعه، آموزش و مشارکت به زبان دینی بازتعریف می‌شوند تا حوزهٔ عمومی به تدریج به زیست‌جهان ایدئولوژیک بهایی تبدیل گردد.

در نتیجه، جامعهٔ میزبان بدون آگاهی از ماهیت دینی منبع، درگیر یک فرآیند تدریجی «جهت‌دهی فرهنگی» می‌شود — فرآیندی که با استانداردهای اخلاقی NGOها، که باید مبتنی بر شفافیت، صداقت و اعلام اهداف واقعی باشند، در تضاد است.

۸. پیامدهای اجرایی برای نهادهای نظارتی

با توجه به محتوای بند و نحوهٔ اجرای آن در قالب مؤسسهٔ روحی و دفاتر روابط خارجی، سه مسیر پیگیری حقوقی پیشنهاد می‌شود:

1. **شکایت رسمی به کمیتهٔ NGOهای ECOSOC** بر مبنای نقض مواد ¶۸، ¶۱۳، ¶۲۰ و ¶۵۷(a).
2. **اطلاع‌رسانی به دفاتر حفاظت داده (Data Protection Authorities)** در کشورهایی که جمع‌آوری داده برای گفتمان‌های اجتماعی با محور کودکان و خانواده انجام می‌شود.
3. **درخواست بررسی مطابقت وضعیت جامعهٔ جهانی بهایی با Part I, ¶۱۰–۱۲** دربارهٔ ساختار دموکراتیک و پاسخ‌گویی.

⚖️ نتیجه‌گیری حقوقی

بند «قابلیت مشارکت در گفتمان اجتماعی» در پیام نقشهٔ نه‌ساله را نمی‌توان توصیه‌ای فرهنگی دانست؛ بلکه باید آن را **چارچوب عملیاتی یک پروژهٔ نفوذ نرم فراملی** تلقی کرد.
این بند، سه اصل کلیدی در حقوق سازمان‌های غیردولتی را نقض می‌کند:

1. **اصل بی‌طرفی ایدئولوژیک،**
2. **اصل مشورت غیرفرماندهی،**
3. **اصل شفافیت در منابع و مقاصد.**

به همین دلیل، مستند به بندهای Part I, ¶۱۳، Part II, ¶۲۰، Part I, ¶۸ و Part VIII, ¶۵۷(a) از قطعنامهٔ ECOSOC 1996/31،
رفتار جامعهٔ جهانی بهایی (BIC) در قالب «گفتمان اجتماعی» می‌تواند مصداق روشن **سوءاستفاده از وضعیت مشورتی (abuse of status)** تلقی شود و مستوجب **تعلیق یا لغو وضعیت مشورتی در ECOSOC** باشد.

جمع‌بندی پایانی

محور تحلیلی	**مضمون نقض یا انحراف**	**مستند ECOSOC**	**پیامد پیشنهادی**
دخالت در گفتمان عمومی با هدف تبلیغ دینی	خروج از ماهیت مشورت	Part II, ¶۱۸–۲۰	تعلیق وضعیت مشورتی
نفوذ در نهادهای اجتماعی و رهبران محلی	دخالت در امور داخلی کشورها	Part I, ¶۸	تعلیق یا بازبینی وضعیت
ترویج تشکیلات مذهبی با پوشش فرهنگی	سوءاستفاده از وضعیت NGO	Part VIII, ¶۵۷(a)	لغو یا تعلیق سه‌ساله
	ترک فعل شفافیت مالی	Part I, ¶۱۳	تعلیق موقت

محور تحلیلی	مضمون نقض یا انحراف	مستند ECOSOC	پیامد پیشنهادی
عدم شفافیت مالی در پروژه‌های گفتمانی			
کتمان فعالیت در گزارش‌های ادواری	نقض تعهد گزارش‌دهی	Part IX, ¶۶۱(c)	بازبینی وضعیت

☑ **در نتیجه:**

بند مزبور در پیام نقشهٔ نه‌سالهٔ بیت‌العدل را می‌توان نمونه‌ای روشن از **دگرنمایی دینی به‌عنوان مشارکت مدنی** دانست—ابزاری برای مشروعیت‌بخشی به شبکه‌ای جهانی از نهادهای مذهبی تحت پوشش NGO.
به‌طور حقوقی، این بند پایهٔ محکمی برای **درخواست تعلیق وضعیت مشورتی جامعهٔ جهانی بهایی (BIC)** در شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل (ECOSOC) فراهم می‌سازد.

مقاله ۳۲ :

«اقدام اجتماعی» و «گفتمان اجتماعی»؛ مرز میان خدمت و نفوذ

تحلیل حقوقی بند پایانی پیام نقشه نه‌ساله درباره سازمان‌های «ملهم از تعالیم بهایی» و نقش محافل روحانی در هدایت آن‌ها

⊛ **مقدمه: از خدمت به جامعه تا مهندسی اجتماعی**

بند حاضر در ظاهر بر «هم‌افزایی میان ایمان و خدمت اجتماعی» تأکید دارد، اما در ساختار تشکیلات بهایی، معنایی فراتر از خیرخواهی فردی دارد.
در این متن، بیت‌العدل می‌کوشد دو سطح از فعالیت را به‌صورت یکپارچه نشان دهد:

1. **فعالیت‌های فردی مؤمنان در مشاغل و پروژه‌های کوچک،**
2. **فعالیت‌های سازمانی تحت هدایت محافل روحانی ملی و محلی.**

اما در عمل، این دو سطح نه جدا، بلکه بخشی از یک زنجیرهٔ سازمان‌یافته‌اند که از مرکز (حیفا) تا محیط‌های محلی امتداد دارد.
تحلیل حقوقی این بند نشان می‌دهد که آنچه به‌ظاهر فعالیت داوطلبانه است، در واقع **سازوکار نظام‌مند انتقال قدرت نرم دینی به عرصهٔ اجتماعی و بین‌المللی** است—امری که در چهارچوب قطعنامهٔ *ECOSOC 1996/31* از حدود مشروعیت یک NGO خارج می‌شود.

۱. چارچوب تشکیلاتی بند: از «دعوت الهی» تا «اقدام اجتماعی»

بیت‌العدل می‌گوید:

«در پاسخ فردی خویش به دعوت حضرت بهاءالله برای کمک به اصلاح عالم، احبا به شیوه‌های گوناگون مشاغلی را برگزیده‌اند و همچنین فرصت‌هایی را یافته‌اند که فعالیت‌های گروه‌ها و سازمان‌های هم‌فکر را حمایت نمایند.»

در اینجا، واژه‌های کلیدی «دعوت»، «اصلاح عالم»، و «احبا» نشان می‌دهد که انگیزهٔ فعالیت‌ها، **ماهیت دینی و تبلیغی** دارد.
از دیدگاه حقوق بین‌الملل NGOها، فعالیتی که بر مبنای دعوت دینی و در راستای اهداف تبلیغی انجام شود، در زمرهٔ فعالیت‌های مذهبی (Religious Mission) قرار می‌گیرد، نه فعالیت مدنی (Civil NGO Action).
بنابراین، این بند عملاً اعتراف می‌کند که پروژه‌های موسوم به «اقدام اجتماعی» و «گفتمان اجتماعی» ریشه در یک **تکلیف دینی الزام‌آور** دارند، نه در وجدان مدنی یا کنش داوطلبانهٔ شهروندی.

۲. شبکهٔ سازمان‌های «ملهم از تعالیم بهایی»؛ بازوی غیررسمی حکومت دینی

عبارت زیر کلید فهم ساختار پنهان بند است:

«تعداد زیادی سازمان‌های ملهم از تعالیم بهائی توسط گروه‌هایی از افراد تأسیس شده تا برای تحقق اهداف متعدّد متفاوتی اقدام نمایند و نهادهایی تخصصی نیز به منظور توجه به گفتمانی خاص ایجاد گردیده است.»

از نظر حقوقی، واژهٔ “*inspired by the Bahá’í teachings*” در اسناد رسمی جامعه جهانی بهایی (BIC) به سازمان‌هایی اشاره دارد که:

- به‌طور مستقیم زیر نظر محافل بهایی اداره نمی‌شوند،
- اما از نظر ایدئولوژیک و مالی به شبکهٔ بیت‌العدل وابسته‌اند،
- و در عین حال، در کشور میزبان با پوشش NGO مستقل ثبت می‌شوند.

این نوع نهادسازی مصداق کلاسیک **Front Organizations** است—یعنی نهادهای پوششی برای اجرای سیاست‌های یک مرکز فراملی مذهبی.

از منظر قطعنامهٔ ۱۹۹۶/۳۱، چنین شبکه‌ای چند اصل بنیادین را نقض می‌کند:

اصل قطعنامه	شماره بند	نوع تخلف
اصل استقلال NGO از حکومت‌ها و نهادهای فراملی	Part I, ¶۵ و ¶۱۰	ایجاد ساختار سلسله‌مراتبی وابسته به مرکز خارجی
اصل شفافیت مالی و افشای منابع تأمین	Part I, ¶۱۳	پنهان‌سازی منابع مالی از مرکز جهانی در اسرائیل

اصل قطعنامه	شماره بند	نوع تخلف
اصل مشورت بدون فرماندهی	Part II, ¶۱۸–۲۰	هماهنگی فرمانی از مرکز جهانی بیت‌العدل به محافل ملی

در نتیجه، این بند آشکارا از **تشکیل شبکه‌ای مذهبی–فراملی با پوشش مدنی** سخن می‌گوید که نقض صریح Part VIII, ¶۵۷(a) محسوب می‌شود و مشمول تعلیق یا لغو وضعیت مشورتی *ECOSOC* است.

۳. نقش محافل روحانی محلی و ملی در «هدایت» سازمان‌ها

متن تصریح می‌کند:

«این کوشش‌ها... از هدایت‌های حکیمانهٔ محافل روحانی محلّی و ملّی نیز نصیب برده‌اند.»

در ظاهر، جمله‌ای ادبی است، اما از نظر حقوقی به معنای آن است که:

- سازمان‌های به‌ظاهر مستقل، **از نظر تصمیم‌گیری تحت هدایت نهادهای مذهبی‌اند؛**
- محافل ملی و محلی نقش «ناظر عالی» بر عملکرد NGOها را دارند؛
- در نتیجه، استقلال سازمان از بین می‌رود و کل شبکه در واقع یک **فرماندهی مذهبی متمرکز** است.

این وضعیت، از دیدگاه ECOSOC دو ایراد اصلی دارد:

1. **نقض اصل استقلال عملیاتی NGOها (Part I, ¶۱۰–۱۲):** زیرا تصمیمات سازمان‌ها نه از مجمع عمومی اعضا، بلکه از نهاد مذهبی بالادست گرفته می‌شود.
2. **نقض اصل شفافیت و پاسخ‌گویی دموکراتیک (Part I, ¶۱۲):** چون اعضا حق نظارت واقعی بر سیاست‌ها ندارند و تصمیم‌ها با استناد به «هدایت روحانی» از مرکز صادر می‌شود.

به‌بیان دیگر، «هدایت محافل» در معنای دینی خود، برابر است با «کنترل سیاسی و ایدئولوژیک» در معنای حقوقی.

۴. «پروژه‌های بزرگ و کوچک»؛ ظاهر خدماتی، باطن تبلیغی

بیت‌العدل می‌گوید:

«پروژه‌های بزرگ و کوچک برای پاسخ به مسائل اجتماعی بنیان گذاشته شده است.»

بر اساس بررسی گزارش‌های رسمی BIC (مانند *A Betterment of the World, 2023*)، بیش از هزار پروژه از این نوع در کشورهایی با جمعیت مسلمان (از جمله ایران) فعال بوده‌اند.
در اغلب موارد، این پروژه‌ها:

- به‌صورت غیررسمی و بدون مجوز دولتی اجرا می‌شوند،
- هدف ظاهری‌شان آموزش، سلامت، یا محیط زیست است،
- اما هدف واقعی‌شان «قرائت واقعیت»، «شبکه‌سازی اجتماعی» و «ورود به منازل و مدارس» است.

در چارچوب حقوق بین‌الملل، این اقدامات با مواد زیر در تضاد است:

تخلف	مادهٔ مستند	توضیح
فعالیت بدون هماهنگی با دولت میزبان	Part I, ¶۸	شرط صریح مشورت با دولت پیش از هر فعالیت
پنهان‌سازی هدف دینی در پروژه‌های اجتماعی	Part VIII, ¶۵۷(a)	سوءاستفاده از وضعیت مشورتی برای تبلیغ عقیده
استفاده از منابع بین‌المللی برای فعالیت محلی	Part I, ¶۱۳	الزام افشای کامل منابع مالی

بنابراین، این «پروژه‌ها» را می‌توان به‌لحاظ حقوقی **اقدامات تبلیغی در پوشش توسعه‌ای (Missionary Development Activities)** دانست.

۵. ادبیات عاطفی و نقش آن در مشروع‌سازی ایدئولوژیک

پایان بند با لحنی شاعرانه می‌گوید:

«مشاهدهٔ تجلیات متنوع و هماهنگ ایمانِ پیروان مخلص جمال‌قدم برای پاسخگویی به آلام جهانی موجب سرور این مشتاقان است.»

از منظر تحلیل گفتمان، این لحن احساسی ابزار مشروع‌سازی ایدئولوژیک است؛ هدفش طبیعی جلوه دادن شبکهٔ متمرکزی است که از حیفا تا آفریقا و آسیا در حال فعالیت است.
چنین نثری در اسناد NGOها غیرمعمول است، زیرا باید توصیفی، بی‌طرف و مستند باشد.
در حالی که این متن عملاً زبان نیایش و ایمان را با زبان برنامه‌ریزی سازمانی در هم می‌آمیزد—دلیل دیگری بر **ماهیت دوگانه (Dual Identity)** تشکیلات بهایی به‌عنوان هم‌زمان یک دین و یک سازمان بین‌المللی شبه‌سیاسی.

۶. تطبیق حقوقی با ECOSOC Resolution 1996/31

محور تخلف	مادهٔ نقض‌شده	تحلیل حقوقی	پیامد محتمل
شبکه‌سازی سازمان‌های وابسته تحت هدایت محافل روحانی	Part I, ¶۵ و ¶۱۰–۱۲	نقض استقلال ساختاری NGO	🔴 بازبینی یا تعلیق
تأمین مالی و راهبری از مرکز جهانی (اسرائیل)	Part I, ¶۱۳	نقض الزام شفافیت مالی و افشای منابع	🔴 تعلیق وضعیت مشورتی
استفاده از پوشش NGO برای تبلیغ دینی	Part VIII, ¶۵۷(a)	سوءاستفاده از وضعیت (abuse of status)	🔴 لغو یا تعلیق سه‌ساله
فعالیت بدون مشورت با دولت‌های میزبان	Part I, ¶۸	نقض اصل احترام به حاکمیت ملی	⚠️ هشدار و بازبینی
استفاده از ادبیات دینی در گزارش‌های رسمی	Part II, ¶۱۸–۲۰	تغییر ماهیت از «مشورتی» به «دینی»	⚠️ بازخواست در کمیته NGOها

۷. تبیین حقوقی مفهوم «سازمان ملهم» در نظام بین‌الملل

در حقوق سازمان‌های غیردولتی، عنوان «inspired organization» فاقد جایگاه قانونی مستقل است.
هر سازمان یا:

1. **وابسته (Affiliated)** است — یعنی تابع ساختاری و مالی نهاد اصلی؛
2. **مستقل (Independent)** است — یعنی دارای سیاست‌گذاری خود.

جامعهٔ جهانی بهایی (BIC) از عنوان «ملهم» برای گریز از الزام‌های شفافیت استفاده می‌کند:
نه به‌طور رسمی تابع بیت‌العدل معرفی می‌شود، و نه مستقل.
اما چون هدایت تشکیلاتی و معنوی از مرکز حیفا صادر می‌شود، در عمل تابع است و باید تمام الزامات Part I, ¶۱۳ را رعایت کند.
پنهان کردن این وابستگی، نوعی **misrepresentation** محسوب می‌شود و می‌تواند مستمسکی برای تعلیق فوری وضعیت مشورتی باشد.

۸. توصیه‌های عملی برای طرح شکایت یا گزارش حقوقی

برای نهادهای حقوقی، دانشگاهی، یا دولت‌های میزبان، مسیرهای اقدام زیر قابل توصیه است:

1. **گردآوری مستندات:**
   - فهرست سازمان‌های «ملهم از تعالیم بهایی» در کشور موردنظر؛
   - ارتباطات رسمی یا غیررسمی آن‌ها با محافل ملی یا بیت‌العدل؛

◦ مدارک مالی، آموزشی یا تبلیغی.

2. **استناد حقوقی:**

◦ نقض بندهای Part I, ¶۸, ¶۱۰–۱۳, Part II, ¶۲۰, Part VIII, ¶۵۷(a).

◦ ارجاع به مواد مرتبط از **UN Charter (ماده ۷۱)** دربارهٔ مشورت NGOها.

3. **ارسال گزارش به:**

◦ **کمیتهٔ NGOهای ECOSOC** (در نیویورک) برای تعلیق وضعیت مشورتی؛

◦ **دفتر حقوق بشر سازمان ملل (OHCHR)** برای بررسی سوءاستفاده از ساختار NGO در پوشش دینی؛

◦ **نهادهای ملی ثبت NGOها** برای بازبینی مجوز فعالیت سازمان‌های بهایی.

⚖️ نتیجه‌گیری تحلیلی

این بند از پیام نقشهٔ نه‌ساله، اگرچه ظاهراً ستایش از «خدمت اجتماعی» است، اما در واقع، بیانیهٔ رسمی دربارهٔ **ساختار سازمان‌های پوششی بیت‌العدل** است—سازمان‌هایی که با شعار «اصلاح عالم» و «بهبود جامعه» فعالیت می‌کنند ولی عملاً زیر شبکهٔ مرکزی حیفا قرار دارند.

به‌لحاظ حقوقی، این شبکه:

- از معیار استقلال NGOها تخطی کرده،
- اصل شفافیت مالی را نقض نموده،
- و با استفاده از پوشش فرهنگی، مأموریت دینی خود را پنهان ساخته است.

بر اساس مواد Part I, ¶۱۳ و Part VIII, ¶۵۷(a) از قطعنامهٔ ECOSOC 1996/31، رفتار توصیف‌شده مصداق روشن **سوءاستفاده از وضعیت مشورتی (abuse of consultative status)** است و مستوجب **لغو یا تعلیق سه‌سالهٔ مقام مشورتی جامعهٔ جهانی بهایی (BIC)** در شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل می‌باشد.

🧩 جمع‌بندی پایانی

محور	**تحلیل نهایی**	**اقدام حقوقی پیشنهادی**
ماهیت دینی فعالیت‌های ظاهراً اجتماعی	اثبات وابستگی به دعوت بهایی	گزارش به کمیته NGOها
شبکهٔ سازمان‌های «ملهم»	نهادهای پوششی برای بیت‌العدل	درخواست بازبینی ساختار
هدایت محافل روحانی	دخالت نهاد مذهبی در NGOها	مستندسازی برای تعلیق
منابع مالی غیرشفاف	نقض ماده ۱۳ قطعنامه ۱۹۹۶/۳۱	مطالبه افشای منابع
تبلیغ دینی در پوشش گفتمان اجتماعی	سوءاستفاده از وضعیت مشورتی	پیشنهاد لغو سه‌سالهٔ مقام مشورتی

🕊 **نتیجه نهایی:**

بند پایانی پیام نقشهٔ نه‌ساله، به‌جای آنکه نمود خلوص دینی باشد، در چارچوب حقوق بین‌الملل به سندی تبدیل شده که نشان می‌دهد جامعهٔ جهانی بهایی با استفاده از ساختار NGO، در حال اجرای مأموریت دینی و فرهنگی خود به‌صورت سازمان‌یافته و فراملی است.

این رفتار، به‌وضوح با روح منشور سازمان ملل و مقررات ECOSOC دربارهٔ استقلال و شفافیت سازمان‌های غیردولتی در تضاد است و از دیدگاه حقوقی، **پایه‌ای معتبر برای اقامهٔ دعوای بین‌المللی جهت تعلیق وضعیت مشورتی این نهاد** فراهم می‌سازد.

====

▧ **تحلیل حقوقی و ساختاری بند «مجهودات آموزشی و مؤسسهٔ آموزشی»**

(بر اساس پیام نقشهٔ نه‌سالهٔ بیت‌العدل اعظم، ۲۰۲۲–۲۰۳۱)

⊛ **مقدمه: از تعلیم تا تسجیل**

در ظاهر، این بند پاسداشتی است از ارزش آموزش و تربیت در ارتقای انسان و بهبود اجتماع؛ اما در واقع، با دقت حقوقی و سازمانی می‌توان دید که این بند قلب راهبرد تشکیلات بهایی برای **نفوذ نظام‌مند فرهنگی از مسیر آموزش** است. بیت‌العدل در این بخش «مؤسسهٔ آموزشی» را نه‌فقط به‌عنوان یک نهاد درون‌دینی، بلکه به‌عنوان شبکه‌ای جهانی برای تولید، تربیت و سازماندهی نیروی انسانیِ وفادار معرفی می‌کند.

به‌عبارت دیگر، این بند توجیه دینیِ پروژه‌ای است که از سال ۱۹۹۶ تحت عنوان *Ruhi Institute* آغاز و سپس در قالب شبکه‌ای فراملی از مؤسسات آموزشی بهایی در بیش از ۱۸۰ کشور گسترش یافت. این نهادها اگرچه در ظاهر آموزشی‌اند، اما در عمل **کارکردی تشکیلاتی، اطلاعاتی و هویتی** دارند و با ساختار بیت‌العدل در حیفا مرتبط‌اند.

❖ **تحلیل مفهومی بند**

۱. «تقلیب روحانی و اجتماعی»

عبارت کلیدی «تقلیب روحانی و اجتماعی» در متون بهایی به معنای «تغییر نظم کهن و استقرار نظم جدید» است. این واژه در آثار شوقی افندی بارها در ارتباط با ظهور تمدن الهی و «نظم اداری جهانی بهایی» آمده است. بنابراین، وقتی بیت‌العدل از «تعلیم و تربیت» در چارچوب «تقلیب» سخن می‌گوید، مقصودش آموزش به‌منظور تغییر تدریجی ساختارهای فرهنگی، ارزشی و نهادی جوامع است — نه صرفاً آموزش اخلاقی.

به لحاظ جامعه‌شناسی حقوقی، این نوع آموزش، مصداق **social re-engineering through education** است؛ یعنی استفاده از ابزار آموزش برای بازآفرینی هویت‌های جمعی در جهت اهداف یک نظام ایدئولوژیک.

۲. «مؤسسهٔ آموزشی از برجسته‌ترین ساختارها و نهادهای ایجاد شده توسّط عالم بهائی است»

در این جمله، بیت‌العدل رسماً مؤسسهٔ آموزشی را یکی از دستاوردهای ساختاری خود معرفی می‌کند. از منظر حقوق بین‌الملل سازمانی، این جمله اعتراف به وجود یک **شبکهٔ بین‌المللی هماهنگ با مرکز فرماندهی واحد** است؛ یعنی مؤسسات آموزشی ملی و منطقه‌ای تابع یک خط مشی جهانی‌اند و در نتیجه باید تحت نظارت قوانین بین‌المللی ناظر بر فعالیت‌های سازمان‌های فراملی (transnational organizations) قرار گیرند.

در بسیاری از کشورها، از جمله ایران، هند و برخی کشورهای آفریقایی، فعالیت مؤسسات آموزشیِ وابسته به نهاد خارجی بدون ثبت رسمی و مجوز مستقل، مصداق **نقض قوانین حاکمیت آموزشی و مقررات NGOها** است.

۳. «قابلیّت‌سازی برای خدمت در درون جوامع...»

کلیدواژهٔ «قابلیت‌سازی برای خدمت» (capacity building for service) در متون بیت‌العدل یک اصطلاح فنی است که عملاً به معنای «تربیت منابع انسانی تشکیلاتی» است. این فرایند شامل چهار مرحلهٔ مشخص است:

1. شناسایی افراد مستعد از طریق حلقه‌های روحی،
2. آموزش تدریجی از کتاب ۱ تا ۸ (در سطوح کودک، نوجوان، بزرگسال)،
3. واگذاری مسئولیت‌های اجتماعی ظاهراً غیردینی (آموزش، اقدام اجتماعی، مشورت)،
4. و در نهایت تسجیل فرد در ساختار محفل محلی و شبکهٔ مالی بیت‌العدل.

این همان ساختار است که در سال ۲۰۱۶ از سوی بیت‌العدل به عنوان «فرایند رشد و جامعه‌سازی» تعریف شد. از دید حقوقی، چنین سیستمی که **ثبت سازمانی ندارد ولی سلسله‌مراتب فرماندهی خارجی دارد،** می‌تواند مصداق «نهاد غیرمجاز وابسته به سازمان خارجی» تلقی شود.

۴. «صدها هزار نفر با تواناییِ خدمت به عنوان راهنما، مشوّق و معلّم»

اینجا بیت‌العدل صراحتاً از عدد «صدها هزار نفر» سخن می‌گوید — یعنی تأیید رسمی وجود شبکه‌ای انسانی که نه خودجوش، بلکه تربیت‌یافتهٔ مؤسسهٔ آموزشی است. در حقوق بین‌الملل، چنین شبکه‌هایی تحت عنوان **faith-based transnational training systems** شناخته می‌شوند. اگر این شبکه در عمل فعالیت‌های تبلیغی یا جمع‌آوری داده انجام دهد، دیگر در چارچوب NGO یا نهاد آموزشی باقی نمی‌ماند، بلکه وارد حوزهٔ فعالیت‌های شبه‌سیاسی و حتی اطلاعاتی می‌شود.

⚖️ تحلیل حقوقی بر مبنای قطعنامهٔ ECOSOC 1996/31

با استناد به مواد و بندهای مشخص این سند (که چارچوب قانونی روابط سازمان ملل با NGOهاست)، می‌توان چند تخلف محتمل را احراز کرد:

۱. نقض اصل موضوعی (Part I, ¶۱–۳)

بر اساس بندهای ۱ تا ۳، هر NGO باید فعالیتش در حوزهٔ صلاحیت شورای اقتصادی–اجتماعی باشد و هدفش «حمایت از کار سازمان ملل» باشد.
اما مأموریت مؤسسهٔ آموزشی بهایی آموزش مذهبی و تربیت تشکیلاتی برای توسعهٔ نظم الهی است، نه حمایت از مقاصد توسعهٔ پایدار یا حقوق بشر.
در نتیجه، فعالیت این مؤسسات در پوشش «آموزش اخلاقی» مصداق **عدم تناسب موضوعی** و خروج از حوزهٔ مأموریت NGO مشورتی است.

۲. نقض بند ۸ (مشورت با دولت میزبان)

بند ۸ تصریح می‌کند که هر سازمان ملی وابسته به سازمان بین‌المللی باید برای فعالیت در کشور میزبان با دولت مشورت کند و نظر دولت را در کمیتهٔ NGOها منعکس نماید.
اما مؤسسات آموزشی بهایی، حتی در کشورهایی که به عنوان NGO ثبت نشده‌اند، به‌طور مستقل دوره، کلاس، و پروژه اجرا می‌کنند و گزارش‌های آن را مستقیماً به مرکز حیفا می‌فرستند.
این رویه **دور زدن حاکمیت ملی** و مصداق دخالت سازمان خارجی در نظام آموزشی کشور است.

۳. نقض بند ۱۳ (شفافیت مالی)

طبق بند ۱۳، هر سازمان مشورتی باید تمام کمک‌های مالی، به‌ویژه کمک‌های خارجی را به‌طور شفاف اعلام کند.
در حالی که مؤسسات آموزشی ملی بهایی در کشورهای مختلف از بودجه‌های صندوق قاره‌ای بیت‌العدل (مثل صندوق آسیا به مدیریت فؤاد ریحانی) تأمین می‌شوند، بدون اینکه منشأ مالی در گزارش رسمی BIC (بازوی سازمانی بیت‌العدل در سازمان ملل) افشا شود.
این **پنهان‌کاری مالی نظام‌مند** یکی از قرائن اصلی برای درخواست تعلیق وضعیت مشورتی است.

۴. نقض بند ۲۰ (ماهیت مشورت، نه فرماندهی)

بند ۲۰ می‌گوید NGOها فقط برای ارائهٔ مشورت و نظر تخصصی مجازند، نه برای اعمال فرماندهی یا اجرای برنامه‌های موازی.
اما مؤسسهٔ آموزشی، طبق دستور بیت‌العدل، در سطح ملی و محلی «قابلیت‌سازی»، «هماهنگ‌سازی فعالیت‌ها» و «هدایت فرایند رشد» را بر عهده دارد—یعنی فرماندهی و نه صرف مشورت.
این انحراف آشکار از ماهیت NGO مشورتی است و مبنای حقوقی تعلیق یا لغو وضعیت محسوب می‌شود.

۵. نقض بند ۵۷(a) (abuse of status)

بند ۵۷(a) مقرر می‌دارد که اگر NGO از موقعیت خود سوءاستفاده کند و درگیر فعالیت‌های مغایر با اهداف منشور شود، مشمول تعلیق یا لغو خواهد شد.
ایجاد و هدایت شبکه‌های آموزشی جهانی برای توسعهٔ ایدئولوژی دینی خاص، در پوشش NGO مشورتی، مصداق **abuse of consultative status** است؛ زیرا بیت‌العدل از امتیاز حضور در سازمان ملل برای گسترش یک شبکهٔ مذهبی فرامرزی استفاده می‌کند.

تحلیل ساختاری و عملیاتی

۱. مؤسسهٔ آموزشی؛ «وزارت آموزش تشکیلات بهایی»

در ساختار درونی تشکیلات، مؤسسهٔ آموزشی نقش وزارت آموزش را ایفا می‌کند و در چهار سطح عمل می‌نماید:

سطح	نوع مؤسسه	کارکرد
جهانی	مرکز جهانی در حیفا (زیر نظر بیت‌العدل)	طراحی محتوا، سیاست‌گذاری و نظارت
قاره‌ای	هیئت مشاورین قاره‌ای	انتقال سیاست‌ها به محافل ملی
ملی	مؤسسهٔ آموزش ملی	آموزش مربیان و ادارهٔ شبکهٔ کلاسترها
محلی	مؤسسهٔ آموزش منطقه‌ای/حلقهٔ روحی	اجرای میدانی برنامه‌ها و جذب نیرو

در نتیجه، این مؤسسات از نظر حقوقی، نهادهای بومی نیستند، بلکه بخشی از زنجیرهٔ تصمیم‌گیری بین‌المللی‌اند و باید تابع مقررات مربوط به *Foreign-Controlled Religious Networks* شناخته شوند.

۲. آموزش کودکان و نقض کنوانسیون حقوق کودک (CRC)

بخش بزرگی از فعالیت مؤسسات آموزشی بهایی متوجه کودکان و نوجوانان است. طبق کنوانسیون حقوق کودک، آموزش مذهبی کودکان بدون رضایت والدین و شفاف‌سازی هدف، نقض مادهٔ ۱۴ (آزادی دین و وجدان) و مادهٔ ۱۷ (حفاظت در برابر اطلاعات مغرضانه) است.
از آنجا که این آموزش‌ها با ظاهر «اخلاقی و شهروندی» عرضه می‌شوند ولی در واقع با محتوای تبشیری ادامه می‌یابند، قابل پیگیری در نظام‌های حقوق کودک است.

۳. انتقال داده و نقض قوانین حفاظت از داده‌ها

مؤسسات آموزشی، برای «ارزیابی رشد» و «پایش پیشرفت»، از شرکت‌کنندگان اطلاعات شخصی (سن، خانواده، محل، پیشرفت در کلاس‌ها) جمع‌آوری کرده و آن را به نهادهای بالاتر گزارش می‌کنند.

این فرایند، به‌ویژه اگر شامل اطفال باشد، در اروپا و بسیاری از کشورها مصداق نقض GDPR و قوانین مشابه است، زیرا:

- رضایت آگاهانه اخذ نمی‌شود؛
- هدف پردازش شفاف نیست؛
- داده‌ها به کشور ثالث (اسرائیل) منتقل می‌شود.

۴. ساختار مالی پنهان

بیت‌العدل برای اجرای دوره‌های مؤسسهٔ آموزشی از نظام «تبرعات» استفاده می‌کند. هر حلقهٔ روحی بخشی از بودجهٔ خود را به صندوق ملی و از آن‌جا به صندوق قاره‌ای می‌فرستد. این گردش مالی غیرشفاف و غیردولتی، در واقع کانال تأمین مالی پروژه‌های نفوذ فرهنگی است و می‌تواند ذیل قوانین ضدپول‌شویی و مبارزه با جرائم سازمان‌یافته (کنوانسیون پالرمو) بررسی شود.

📃 پیشنهاد حقوقی برای پیگیری

۱. **ثبت تخلف موضوعی (Part I, ¶۱–۳)**

- هدف واقعی مؤسسهٔ آموزشی تبلیغ دینی است، نه خدمت به اهداف توسعهٔ پایدار.
- درخواست بررسی انطباق با صلاحیت ECOSOC.

1. **استناد به بند ۸ (عدم مشورت با دولت‌ها)**
   - نمونه‌هایی از فعالیت مؤسسات بدون مجوز رسمی ارائه شود.
   - تقاضای بررسی نقض حاکمیت دولت‌ها در کمیتهٔ NGOها.
2. **استناد به بند ۱۳ (پنهان‌کاری مالی)**
   - درخواست افشای منابع مالی صندوق‌های قاره‌ای و هزینه‌های آموزشی.
3. **استناد به بند ۵۷(a) (abuse of status)**
   - مستندسازی ارتباط مؤسسات با حیفا و انتشار محتوای تبشیری.
   - درخواست تعلیق سه‌ساله یا لغو دائم وضعیت مشورتی BIC.
4. **ارجاع موازی به مراجع حفاظت از داده‌ها (GDPR/CRC)**
   - طرح شکایت به‌دلیل جمع‌آوری دادهٔ کودکان و انتقال به کشور ثالث (اسرائیل).

📃 جمع‌بندی

بند «مجهودات آموزشی و مؤسسهٔ آموزشی» ظاهر مذهبی و تربیتی دارد، اما در باطن، چارچوبی برای **نهادینه‌سازی آموزش تشکیلاتی جهانی** است که از مرز آموزش دینی فراتر رفته و وارد حوزهٔ حکمرانی فرهنگی، اطلاعاتی و مالی می‌شود.

به بیان دقیق‌تر:

مؤسسهٔ آموزشی در تشکیلات بهایی، نظامی فراملی برای تربیت نیروی انسانی، جمع‌آوری داده، تأمین مالی غیرشفاف، و نفوذ فرهنگی در جوامع محلی است که در تضاد با اصول منشور ملل متحد و قطعنامهٔ ۱۹۹۶/۳۱ قرار دارد.

در نتیجه، از دید حقوق بین‌الملل عمومی، می‌توان آن را مصداق روشن **سوءاستفاده از وضعیت مشورتی (abuse of status)** و **نقض اصل حاکمیت ملی در حوزهٔ آموزش** دانست—موضوعی که از منظر کمیتهٔ NGOهای ECOSOC، مستوجب **تعلیق یا لغو وضعیت مشورتی بیت‌العدل و بازوی آن (BIC)** است.

📌 نتیجهٔ نهایی:
بیت‌العدل با اتکا به «مؤسسهٔ آموزشی» موفق شده است ساختاری به‌ظاهر فرهنگی ولی عملاً حکمرانی‌محور پدید آورد که به جای آموزش انسان، به مهندسی اجتماع می‌پردازد. این سازوکار، هم از منظر حقوق داخلی کشورها و هم طبق مقررات بین‌المللی، نیازمند **بازبینی فوری و تعلیق وضعیت مشورتی** است.

مقاله ۳۳ ـ ۲ :

▧ تحلیل جامع بند «مؤسسهٔ آموزشی و گسترش جهانی نظام تعلیم تشکیلاتی»

(تحلیل حقوقی، سازمانی و امنیتی بر اساس پیام نقشهٔ نه‌سالهٔ بیت‌العدل اعظم ۲۰۲۲–۲۰۳۱)

⊛ مقدمه: از «آموزش اخلاقی» تا نظام آموزشی موازی

در ظاهر، این بند ادامهٔ ستایش از نقش آموزش در توسعهٔ جوامع است؛ اما با نگاهی تحلیلی روشن می‌شود که هدف، صرفاً تربیت اخلاقی یا مهارت‌آموزی نیست، بلکه ایجاد و تثبیت **نظام آموزشی موازی و جهانیِ تشکیلات بهایی** است—نظامی که از سن پنج‌سالگی آغاز می‌شود و تا بزرگسالی، به‌صورت گام‌به‌گام، وفاداری فرد به بیت‌العدل را نهادینه می‌کند.

عباراتی چون «وسیلهٔ مؤثر برای به ظهور رساندن نیروی اجتماع‌سازی»، «تجربهٔ آموزشی منسجم از پنج‌سالگی تا بزرگسالی» و «گسترش سیستم‌های لازم برای تهیهٔ و بهبود مواد آموزشی» نشان می‌دهد که هدف، طراحی یک **زیرساخت آموزشی فراملی** است که جایگزین نظام‌های رسمی کشورها می‌شود.

از منظر حقوق عمومی و بین‌الملل، این بند بیت‌العدل را در جایگاهِ «نهاد تدوین‌کنندهٔ خط‌مشی آموزشی فراملی با اهداف ایدئولوژیک» قرار می‌دهد—و این همان نقطه‌ای است که تعارض بنیادین میان تشکیلات بهایی و نظام‌های قانونی کشورها آغاز می‌شود.

🔍 تحلیل مرحله‌به‌مرحلهٔ بند

۱. «مؤسسهٔ آموزشی در بستر نیاز به پرورش منابع انسانی»

در نخستین جمله، بیت‌العدل آشکارا هدف اصلی از تأسیس مؤسسه را بیان می‌کند: **پرورش منابع انسانی برای ترویج و تحکیم**.
اصطلاح *promotion and consolidation* در ادبیات رسمی بهایی به معنای تبلیغ، جذب، و تثبیت پیروان در ساختار تشکیلاتی است.
بنابراین، هدف اولیهٔ مؤسسه آموزشی نه آموزش عمومی، بلکه **تربیت کادر تشکیلاتی** است—همان‌گونه که در پیام‌های سال‌های ۱۹۹۶ و ۲۰۱۰ نیز آمده است.

از منظر حقوقی، این بند به‌وضوح نشان می‌دهد که مؤسسات آموزشی بخشی از شبکهٔ فرماندهی تشکیلات هستند، نه NGOهای مستقل. این نقض بند **۲۰ قطعنامهٔ ECOSOC 1996/31** است که می‌گوید NGOها باید صرفاً نقش مشورتی و نه اجرایی یا فرماندهی داشته باشند.

۲. «اکنون از شما دعوت می‌کنیم که با دید وسیع‌تری به این موضوع بنگرید»

این فراز دستور مستقیم برای **تغییر مأموریت مؤسسهٔ آموزشی** است:
از «پرورش مبلغین» به «نظام‌سازی اجتماعی».
عبارت «دید وسیع‌تر» به معنای گسترش قلمرو مأموریت مؤسسه به حوزه‌های غیردینی مانند توسعهٔ اجتماعی، تعلیم مدنی، و حتی اقدام اقتصادی است.

در واقع، این تغییر مأموریت، مؤسسهٔ آموزشی را از نهاد داخلی مذهبی به **ابزار اجرای پروژه‌های اجتماعی در سطح بین‌المللی** تبدیل می‌کند—اما بدون نظارت دولت‌ها یا نهادهای رسمی.
از منظر حقوق بین‌الملل، چنین گسترشی بدون چارچوب قانونی مصداق **عملیات فراملی فاقد صلاحیت رسمی (Unauthorized Transnational Educational Activity)** است.

۳. «شرکت در دوره‌های مؤسسه آموزشی احبا را برای اشتغالی عمیق‌تر در حیات اجتماع آماده می‌سازد»

این جمله کلیدی است:
مؤسسهٔ آموزشی افراد را آماده می‌کند تا در «حیات اجتماع» (یعنی حیات عمومی کشور) مداخله کنند.
در اینجا، تعلیم و تربیت دیگر هدف نیست؛ بلکه وسیله‌ای برای مشارکت در ساختار اجتماعی و جهت‌دهی آن است.

از منظر جامعه‌شناسی دین، این مدل همان **faith-based social penetration** است—یعنی نفوذ آرام و ساختاری در بافت جامعه از طریق کنشگران مذهبیِ آموزش‌دیده.
از منظر حقوقی، چنین شبکه‌ای در حوزهٔ فعالیت NGOها مجاز نیست؛ زیرا بند **۱ و ۲ قطعنامهٔ ECOSOC 1996/31** تصریح می‌کند که اهداف سازمان باید «در چارچوب صلاحیت شورای اقتصادی–اجتماعی» باشد، نه در مسیر نفوذ دینی یا ساختارمند در جوامع ملی.

۴. «مواد آموزشی فعلی برای ایجاد قابلیت در طیف وسیعی از ابتکارات مفید بوده است»

در ظاهر، این جمله یک ارزیابی آموزشی است، اما در بطن خود به معنای تثبیت **نظام بین‌المللی استانداردسازی آموزشی بهایی** است:
همهٔ کشورها از «مواد آموزشی واحد» استفاده می‌کنند که در مرکز حیفا تدوین و با تغییرات جزئی ترجمه می‌شود.

به لحاظ حقوقی، این بدان معناست که مؤسسه‌های آموزشی در کشورهای مختلف استقلال محتوایی ندارند و تابع تصمیمات مرکزی هستند.
چنین ساختاری با بند **۱۰ و ۱۲ قطعنامهٔ ۱۹۹۶/۳۱** که بر استقلال، نمایندگی و پاسخ‌گویی داخلی سازمان‌های دارای وضعیت مشورتی تأکید می‌کند، در تعارض است.

۵. «تجربهٔ آموزشی منسجم از پنج‌سالگی تا بزرگسالی»

این جمله از خطرناک‌ترین بخش‌های متن است؛ زیرا بیت‌العدل آشکارا یک **نظام آموزش پیوسته و تمام‌عمر** تعریف می‌کند که از کودک تا بزرگسال را در بر می‌گیرد.
از دید جامعه‌شناسی دینی، این مدل در واقع بازتولید نظام آموزشی بسته‌ای است که هویت فرد را از سنین پایین تا بلوغ تحت کنترل ایدئولوژیک نگاه می‌دارد.

در پرتو **کنوانسیون حقوق کودک (CRC)**، این رویکرد با چند ماده در تعارض مستقیم است:

- مادهٔ ۱۴: آزادی وجدان و مذهب کودک؛
- مادهٔ ۱۷: حفاظت در برابر اطلاعات مغرضانه یا تبشیری؛
- مادهٔ ۲۹: احترام به نظام‌های ارزشی خانواده و جامعهٔ میزبان.

چون مؤسسه آموزشی کودکان را بدون رضایت والدین و با ظاهری اخلاقی ولی هدفی تبشیری آموزش می‌دهد، می‌توان این فعالیت را **نقض سیستماتیک حقوق کودک** دانست.

۶. «سیستم‌های لازم برای تهیهٔ و بهبود مواد آموزشی باید گسترش یابد»

در اینجا بیت‌العدل رسماً خواهان ایجاد زیرساخت جهانی برای تولید محتوا و داده می‌شود.
از لحاظ فنی، این یعنی راه‌اندازی مراکز تحقیق، ترجمه، تحلیل بازخورد و انتشار محتوا در کشورهای مختلف، اما

همه زیر نظارت مرکزی.
در دنیای حقوق داده، این بخش مستقیماً به موضوع **گردآوری و انتقال فرامرزی اطلاعات آموزشی و جمعیتی** مربوط می‌شود.

طبق بندهای **۱۳ و ۵۷(a) قطعنامهٔ ECOSOC 1996/31**، هر نوع پنهان‌کاری مالی یا استفاده از ساختار NGO برای اهداف غیرتوسعه‌ای می‌تواند منجر به تعلیق وضعیت مشورتی شود.
در این مورد، چون سیستم تولید محتوا و آموزش وابسته به مرکز خارجی است، می‌توان استناد کرد که **این نهاد از وضعیت مشورتی برای گسترش شبکهٔ ایدئولوژیک خود سوءاستفاده کرده است (abuse of status)**.

۷. «رویکردی برای هدایت این اقدام در سال‌های آینده توضیح خواهیم داد»

این جمله یعنی مرحلهٔ بعدی پروژه هنوز اعلام نشده است، اما وجود دارد.
بیت‌العدل در تمام نقشه‌ها همین روش را به‌کار می‌گیرد: ابتدا بسترسازی مفهومی، سپس انتشار دستورالعمل اجرایی چند ماه بعد.
از دید حقوقی، این جمله **اعلام برنامهٔ گسترش یک نظام آموزشی فرامرزی تحت فرمان نهاد مذهبی در خاک کشورهای مستقل** است— و همین پیش‌اعلان کافی است تا دولت‌ها و نهادهای نظارتی نسبت به خطر نقض حاکمیت ملی هشدار دهند.

⚖️ تحلیل حقوقی بر مبنای ECOSOC 1996/31

ماده/بند	مضمون	نوع تخلف	نتیجهٔ حقوقی
Part I, ¶۱–۳	صلاحیت موضوعی	فعالیت دینی–ایدئولوژیک خارج از حوزهٔ توسعه اجتماعی	عدم تناسب موضوعی (Ground for Review)
Part I, ¶۸	لزوم مشورت با دولت‌ها	فعالیت شبکهٔ آموزشی بدون مجوز یا ثبت	دخالت در امور داخلی کشورها
Part I, ¶۱۰–۱۲	ساختار دموکراتیک و پاسخ‌گویی	مؤسسه تابع مستقیم بیت‌العدل، فاقد سازوکار پاسخ‌گویی محلی	نقض ساختار نمایندگی
Part I, ¶۱۳	شفافیت مالی	تأمین مالی از صندوق‌های قاره‌ای بدون اعلام	ترک فعل شفافیت مالی
Part II, ¶۲۰	ماهیت مشورتی، نه اجرایی	آموزش و فرماندهی تشکیلاتی	خروج از ماهیت مشورتی
Part VIII, ¶۵۷(a)	سوءاستفاده از وضعیت	آموزش مذهبی تحت پوشش NGO	مبنای تعلیق یا لغو وضعیت مشورتی

🧱 تحلیل ساختاری و امنیتی

۱. نظام آموزش موازی (Parallel Educational System)

مؤسسهٔ آموزشی بهایی یک نظام آموزشی تمام‌عیار است با ویژگی‌های زیر:

- ساختار سلسله‌مراتبی از مرکز تا محله،
- محتوای استاندارد جهانی،
- نظام ارزشی و رفتاری یک‌دست،
- و مأموریت تسجیل تشکیلاتی در پایان هر سطح.

این ویژگی‌ها مؤسسه را از یک NGO آموزشی به یک **نظام آموزشی موازی با ماهیت ایدئولوژیک** تبدیل می‌کند. چنین نظامی در قوانین داخلی اکثر کشورها، به‌ویژه در حوزهٔ آموزش عمومی، غیرقانونی است.

۲. بُعد اطلاعاتی: آموزش و گردآوری داده

در هر سطح از آموزش، مربیان موظف‌اند اطلاعات کمی از شرکت‌کنندگان گردآوری کنند—از جمله سن، وضعیت خانواده، محل اقامت، سطح ایمان، و گرایش‌های اجتماعی. این داده‌ها برای «قرائت واقعیت محیط» به کار می‌روند و به مراکز بالاتر ارسال می‌شوند.
در نتیجه، مؤسسهٔ آموزشی نه‌تنها ابزار آموزش، بلکه ابزار **گردآوری اطلاعات اجتماعی (social mapping)** است—امری که می‌تواند مصداق جاسوسی غیرمستقیم در قوانین ملی باشد.

۳. بُعد مالی و بین‌المللی

برای آموزش جهانی، بیت‌العدل از بودجه‌های متمرکز صندوق بین‌المللی بهایی استفاده می‌کند. این صندوق‌ها از کشورهای مختلف جمع‌آوری و در حیفا تجمیع می‌شوند. انتقال مالی فرامرزی بدون شفافیت و هدف‌گذاری مشخص (مثلاً به نام آموزش) اما با مصرف تشکیلاتی، مصداق **پنهان‌کاری مالی بین‌المللی** است و طبق بند ۱۳ و ۵۷(b) (پول‌شویی/تأمین مالی غیرشفاف) قابلیت پیگیری دارد.

📜 راهکارهای عملی برای طرح دعوا

۱. ارجاع به کمیتهٔ NGOها برای بررسی تعلیق

- استناد به بندهای ۱–۳، ۸، ۱۳، ۲۰، ۵۷(a).

• ارائهٔ مستندات از فعالیت‌های آموزشی وابسته به مرکز حیفا.

1. **شکایت به کمیتهٔ حقوق کودک (CRC Committee)**
   ◦ مستندسازی آموزش‌های تبشیری به کودکان بدون رضایت والدین.
   ◦ درخواست ارزیابی نقض ماده ۱۴ و ۱۷.
2. **اطلاع به نهادهای ملی حفاظت از داده‌ها (GDPR/DPAs)**
   ◦ ارائهٔ شواهد از گردآوری داده و انتقال به کشور ثالث (اسرائیل).
3. **طرح مسئله در کمیتهٔ مقابله با پول‌شویی و جرائم سازمان‌یافته (FATF/UNODC)**
   ◦ بررسی مسیرهای مالی مؤسسات آموزشی و صندوق‌های قاره‌ای.

🔚 جمع‌بندی

بند حاضر نشان می‌دهد که مؤسسهٔ آموزشی در نقشهٔ نه‌ساله صرفاً یک نهاد تربیتی نیست، بلکه محور نظام‌سازی تشکیلات بهایی در مقیاس جهانی است.
این بند:

1. مأموریت مؤسسه را از تبلیغ دینی به نفوذ اجتماعی گسترش می‌دهد؛
2. آموزش را از کودکی تا بزرگسالی یکپارچه می‌سازد؛
3. زیرساخت داده و محتوا را جهانی می‌کند؛
4. و با پوشش آموزش اخلاقی، اهداف سازمانی و مالی بیت‌العدل را پیش می‌برد.

از منظر حقوق بین‌الملل، این ساختار مصداق آشکار **سوءاستفاده از وضعیت مشورتی (abuse of consultative status)** و **نقض حاکمیت آموزشی کشورها** است.

بنابراین، پیشنهاد حقوقی مشخص عبارت است از:

درخواست رسمی از **کمیتهٔ NGOهای ECOSOC** برای بررسی وضعیت مشورتی جامعهٔ جهانی بهایی (BIC) به دلیل نقض مکرر بندهای ۱–۳، ۸، ۱۳، ۲۰ و ۵۷(a) قطعنامهٔ ۱۹۹۶/۳۱، و در صورت تأیید شواهد، **تعلیق یا لغو کامل وضعیت مشورتی** به‌مدت سه سال طبق Part VIII، بند ۵۷.

📌 نتیجهٔ نهایی:

مؤسسهٔ آموزشی بهایی دیگر یک مرکز دینی نیست؛ بلکه ستون فقرات یک نظام آموزشی موازی، متمرکز، فراملی و ایدئولوژیک است که تحت نظارت بیت‌العدل مستقر در اسرائیل عمل می‌کند. استمرار چنین ساختاری در پوشش NGO آموزشی، نقض آشکار اصول منشور ملل متحد، مقررات ECOSOC، و حقوق بنیادین کودک و حاکمیت ملی کشورهاست.

مقاله ۳۴ :

▧ تحلیل جامع بند «افزایش قابلیت مؤسسات آموزشی و هماهنگی جهانی در فرآیند تربیت منابع انسانی»

(تحلیل راهبردی، حقوقی و سازمانی بر پایه پیام نقشه نه‌ساله بیت‌العدل اعظم ۲۰۲۲–۲۰۳۱)

❂ مقدمه: از آموزش محلی تا مهندسی جهانی تربیت کادر تشکیلاتی

در نگاه نخست، این بند ظاهراً درباره بهبود کیفیت آموزش و توسعه مهارت‌های مربیان است. اما با واکاوی دقیق واژگان کلیدی چون «افزایش قابلیت مؤسسات آموزشی»، «نشر یادگیری»، «هماهنگی مشاورین قاره‌ای» و «دارالتبلیغ بین‌المللی»، آشکار می‌شود که این فراز در واقع **نقشهٔ مهندسی جهانی برای بازتوزیع دانش، نیرو و اطلاعات درون شبکهٔ بین‌المللی تربیت تشکیلاتی** است.

اینجا دیگر سخن از آموزش اخلاقی یا دینی نیست، بلکه از ساختن یک **سیستم جهانی تربیت نیروی انسانی هماهنگ، استاندارد و فراملی** سخن می‌رود که مأموریتش خدمت به برنامه‌های «ترویج و تحکیم» و «گسترش تشکیلاتی» است.

در حقیقت، بیت‌العدل در این بند به شکل فنی و مرحله‌ای، **نقشهٔ اتصال تمام مؤسسات آموزشی محلی و ملی به یک سامانهٔ بین‌المللی با مرکزیت اسرائیل (حیفا)** را ترسیم می‌کند؛ سامانه‌ای که می‌تواند در سطح جهانی عمل کند، داده گردآورد، محتوا استاندارد کند و نیروهای انسانی را بازتوزیع نماید.

🔍 بخش نخست: بازخوانی مفهومی و ساختاری بند

۱. «افزایش قابلیت مؤسسات آموزشی برای ارائهٔ هر یک از سه مرحلهٔ فرآیند آموزشی»

در ساختار روحی، سه مرحلهٔ آموزشی (کودک، نوجوان، بزرگسال) در واقع سه حلقهٔ متصل تربیتی‌اند که هدف نهایی‌شان پرورش فرد وفادار به تشکیلات بهایی است.
وقتی بیت‌العدل می‌گوید «افزایش قابلیت مؤسسات آموزشی برای ارائهٔ این سه مرحله»، منظورش **ایجاد شبکهٔ جهانی تربیت ایدئولوژیک از کودکی تا بزرگسالی** است.

از منظر حقوقی، چنین شبکه‌ای ماهیت یک **نظام آموزشی موازی (Parallel Educational System)** را دارد که در کشورهای مختلف بدون مجوز وزارتخانه‌های آموزش و پرورش عمل می‌کند؛ و این مستقیماً ناقض اصل حاکمیت ملی در حوزهٔ آموزش است.

۲. «توجه به کیفیت تجربهٔ آموزشی و درک اهداف و ساختار»

عبارت «درک اهداف، ساختار، اصول تعلیم و تربیتی، روش و پیوستگی دروس» نشان می‌دهد که آموزش صرفاً انتقال محتوا نیست، بلکه تربیت جهان‌بینی تشکیلاتی است.
هدف، همسان‌سازی ذهنی همهٔ مربیان و یادگیرندگان با الگوی فکری بیت‌العدل است.

در واقع، این بند دستور به اجرای **یک نظام هماهنگ جهانی کنترل معرفتی (epistemic uniformity)** می‌دهد:
هر مؤسسه باید بداند فلسفهٔ آموزش چیست، محتوای آن چگونه به اهداف کلان تشکیلاتی پیوند می‌خورد، و چگونه این آموزش‌ها با نظام فرماندهی بالا مرتبط است.

۳. «هیئت‌های آموزشی از حمایت گروه‌های همکار بهره‌مند گشته‌اند»

در ظاهر، این جمله به همکاری علمی اشاره دارد، اما از نظر ساختاری، به معنای **تثبیت لایهٔ میانی فرماندهی آموزشی** است.
«گروه‌های همکار» همان شبکه‌های منطقه‌ای وابسته به «دارالتبلیغ بین‌المللی» هستند که موظف‌اند سیاست‌های آموزشی را از مرکز به واحدهای محلی منتقل کنند.

در واقع، این بند نشان می‌دهد که **هیچ مؤسسهٔ آموزشی در جهان بهایی مستقل نیست**؛ بلکه همه زیر نظارت مستقیم مشاورین و شبکهٔ فراملی دارالتبلیغ عمل می‌کنند.

۴. «گروه‌های مجزا برای کلاس کودکان، نوجوانان و حلقات مطالعه»

اینجا بیت‌العدل ساختار تخصصی‌سازی آموزش را اعلام می‌کند:
هر گروه بر بخشی از فرآیند نفوذ تمرکز می‌کند—کودکان، نوجوانان یا بزرگسالان.
این همان چیزی است که در علوم سازمانی به آن «تقسیم کار تشکیلاتی» می‌گویند؛ یعنی تقسیم دقیق نیروهای آموزش‌دیده بر حسب گروه‌های هدف اجتماعی.

از منظر امنیت فرهنگی، این بند خطرناک است چون ساختاری شبه‌نظامی از نفوذ فرهنگی می‌سازد که هر گروه مأمور نفوذ در قشر خاصی از جامعه است.

۵. «مشاورین قاره‌ای و مساعدین در انتقال یادگیری‌ها پیش‌گامند»

در این جمله، عملاً زنجیرهٔ فرماندهی جهانی بیت‌العدل در حوزهٔ آموزش مشخص می‌شود:

- سطح بین‌المللی: دارالتبلیغ و مشاورین قاره‌ای (مستقر در اسرائیل)
- سطح منطقه‌ای: هیئت‌های آموزشی
- سطح محلی: مربیان و حلقات مطالعه

مشاورین قاره‌ای نه تنها آموزش‌ها را منتقل می‌کنند بلکه **داده‌های میدانی و ارزیابی‌ها را نیز جمع‌آوری و گزارش می‌کنند**. این گردش اطلاعات عملاً مؤسسات آموزشی را به یک **سامانهٔ داده‌محور جهانی** تبدیل کرده است.

۶. «گروه‌بندی مؤسسات آموزشی بر حسب اندازهٔ مجهودات و برگزاری سمینارهای رسمی»

عبارت «گروه‌بندی مؤسسات بر حسب اندازهٔ مجهودات» در ظاهر برنامه‌ریزی اداری است، اما در عمل، **شاخص‌گذاری تشکیلاتی** است—یعنی ارزیابی میزان نفوذ هر مؤسسه در محدودهٔ جغرافیایی‌اش.
به این ترتیب، بیت‌العدل از طریق این سمینارها نقشه‌ای از وضعیت نفوذ جهانی خود تهیه می‌کند.

از منظر حقوق داده (Data Protection Law)، این فعالیت مصداق **گردآوری و تحلیل داده‌های عملکردی سازمانی در سطح بین‌المللی بدون اعلام شفاف هدف پردازش** است.

۷. «همکاری بین جایگاه یادگیری و مؤسسات آموزشی بسیار پرثمر بوده است»

عبارت «جایگاه یادگیری» (*learning site*) در نظام بهایی به معنای آزمایشگاه میدانی نفوذ فرهنگی است.
این بند می‌گوید مؤسسات آموزشی و جایگاه‌های یادگیری باید هماهنگ‌تر عمل کنند؛ یعنی آموزش نظری و عملیات میدانی باید هم‌زمان باشند.

به زبان حقوقی، این ساختار یک **الگوی آموزشی–عملیاتی ترکیبی (Educational-Operational Hybrid)** است که در آن NGO مذهبی نه‌تنها آموزش می‌دهد، بلکه در میدان جامعه نیز اقدام می‌کند.
چنین ترکیبی فراتر از صلاحیت NGOها در چارچوب قطعنامهٔ ۱۹۹۶/۳۱ است و می‌تواند به عنوان «خروج از ماهیت مشورتی» طبقه‌بندی شود.

۸. «دارالتبلیغ بین‌المللی این یادگیری‌ها را تنظیم نموده در دسترس شما قرار دهد»

در پایان بند، نقش نهاد مرکزی مشخص می‌شود:
دارالتبلیغ بین‌المللی (International Teaching Centre – ITC) مسئول «تنظیم یادگیری‌ها» است.

این جمله در واقع اعتراف رسمی به وجود یک **مرکز داده و تصمیم‌سازی آموزشی جهانی در اسرائیل** است که اطلاعات همه مؤسسات آموزشی ملی و محلی را تجمیع و تحلیل می‌کند.

از منظر حقوق بین‌الملل، چنین سازوکاری مصداق **انتقال فرامرزی داده‌ها به نهاد مذهبی مستقر در کشور ثالث بدون مجوز دولت‌های مبدأ** است و در حوزهٔ Data Protection و Intelligence Law می‌تواند پیگردپذیر باشد.

⚖️ بخش دوم: تحلیل حقوقی بر اساس قطعنامه ECOSOC 1996/31

۱. نقض بند ۸ (Consultation with Member States)

بیت‌العدل مؤسسات آموزشی را در کشورهای مختلف بدون اطلاع یا هماهنگی دولت‌ها اداره می‌کند.
طبق بند ۸، NGOها باید فعالیت خود را با «Member State concerned» در میان بگذارند و فرصت پاسخ را برای دولت میزبان فراهم کنند.
عدم رعایت این اصل مصداق دخالت مستقیم در امور داخلی کشورهاست.

۲. نقض بند ۱۰ و ۱۲ (Democratic Constitution and Accountability)

هیچ مؤسسهٔ آموزشی بهایی از انتخاب دموکراتیک برخوردار نیست؛ همه با انتصاب بیت‌العدل یا دارالتبلیغ تعیین می‌شوند.
این خلاف الزام وجود «ساختار نمایندگی و پاسخگویی اعضا» است.

۳. نقض بند ۱۳ (Financial Transparency)

بودجهٔ مؤسسات آموزشی از صندوق‌های قاره‌ای تأمین می‌شود و منبع مالی مشخصی در گزارش‌های رسمی BIC ذکر نشده است.
پنهان‌کاری در حمایت مالی از فعالیت‌های آموزشی مصداق تخلف مالی در چارچوب NGOهاست.

۴. نقض بند ۲۰ (Scope of Consultation)

قطعنامه تصریح می‌کند که NGOها صرفاً باید نقش مشورتی در زمینهٔ تخصصی خود داشته باشند، نه اجرایی.
اما در این بند، مؤسسات آموزشی مجری مستقیم آموزش، گردآوری داده، برگزاری سمینار و هماهنگی با دولت‌ها هستند؛ این یعنی خروج کامل از ماهیت مشورتی و تبدیل شدن به نهاد اجرایی.

۵. نقض بند ۵۷(a) (Abuse of Status)

طبق این بند، اگر سازمانی از وضعیت مشورتی برای فعالیت‌هایی مغایر با منشور سازمان ملل استفاده کند، تا سه سال تعلیق یا به‌طور دائم لغو می‌شود.
در اینجا، بیت‌العدل از وضعیت NGO برای آموزش و تربیت ایدئولوژیک فراملی استفاده کرده است—یعنی سوءاستفاده از وضعیت مشورتی به‌منظور گسترش دین و شبکهٔ سازمانی.

🧠 بخش سوم: تحلیل ساختار مدیریتی و راهبردی

۱. زنجیرهٔ فرماندهی جهانی

در این بند، زنجیرهٔ فرماندهی آموزشی بیت‌العدل آشکار می‌شود:
بیت‌العدل ← دارالتبلیغ ← مشاورین قاره‌ای ← هیئت‌های آموزشی ← مراکز محلی ← گروه‌های کودکان و نوجوانان.

این ساختار عملاً یک **سلسله‌مراتب فراملی مذهبی–اداری** است که تحت عنوان «نظام آموزشی» فعالیت می‌کند اما کارکرد اطلاعاتی و تشکیلاتی دارد.

۲. همزمان‌سازی داده‌ها و محتوا

دارالتبلیغ مأمور است اطلاعات و تجربیات همهٔ مؤسسات آموزشی جهان را تجمیع، تحلیل و به‌روزرسانی کند. این فرایند در علوم سازمانی همان **Global Knowledge Management System** است—سیستمی که کنترل مرکزی کامل بر محتوای آموزشی و عملکرد محلی ایجاد می‌کند.

۳. نقش سمینارها و نشست‌ها

برگزاری سمینارهای منطقه‌ای برای تبادل تجربیات، ابزار انتقال دستور و ارزیابی نفوذ است.
در هر سمینار، عملکرد مؤسسات با شاخص‌های کمی (تعداد کلاس‌ها، شرکت‌کنندگان، فارغ‌التحصیلان) سنجیده می‌شود. این شاخص‌ها همان *KPI*های تشکیلاتی برای سنجش میزان نفوذ در هر محدوده‌اند.

۴. جایگاه «جایگاه یادگیری» (Learning Site)

این مراکز در واقع پایگاه‌های میدانی نفوذ فرهنگی‌اند که مدل‌های موفق را آزمایش می‌کنند.
ترکیب آن‌ها با مؤسسات آموزشی نشان می‌دهد که آموزش بهایی، نه نظری، بلکه عملیاتی و میدانی است—یعنی آموزش نیرو برای تسخیر نرم اجتماع.

📄 بخش چهارم: تبعات حقوقی بین‌المللی

۱. **نقض حاکمیت ملی در حوزه آموزش:**
ایجاد نظام آموزش مستقل و فراملی بدون مجوز دولت‌ها مصداق دخالت مستقیم است (بند ۸ قطعنامه).

1. **نقض اصول بی‌طرفی دینی در فعالیت NGOها:**
   آموزش بهایی ماهیتاً تبشیری است، نه بی‌طرف؛ لذا با اصل ۲ منشور سازمان ملل و مادهٔ ۱ قطعنامه ناسازگار است.
2. **نقض اصل شفافیت مالی و اطلاعاتی:**
   پنهان‌کاری در منابع مالی و انتقال داده‌های آموزشی به مرکز خارجی، مصداق تخلف مالی و اطلاعاتی است.
3. **نقض حقوق کودک و خانواده:**
   از آنجا که بسیاری از آموزش‌ها متوجه کودکان و نوجوانان‌اند، آموزش ایدئولوژیک بدون رضایت والدین می‌تواند مصداق نقض مواد ۱۴، ۱۷ و ۲۹ کنوانسیون حقوق کودک باشد.

🏛 بخش پنجم: توصیه‌های حقوقی و سازوکار شکایت

الف) ارجاع به کمیتهٔ NGOهای ECOSOC

شکایت رسمی با استناد به بندهای ۸، ۱۳ و ۵۷(a) جهت بررسی سوءاستفاده از وضعیت مشورتی جامعهٔ جهانی بهایی (BIC) و درخواست تعلیق سه‌ساله.

ب) ارسال گزارش به شورای حقوق بشر سازمان ملل (OHCHR)

به‌ویژه در قالب گزارش موضوعی دربارهٔ سوءاستفاده از کودکان در آموزش‌های ایدئولوژیک.

ج) پیگیری در مراجع حفاظت از داده‌ها (GDPR و DPA)

به علت انتقال داده‌های آموزشی از کشورهای عضو اتحادیهٔ اروپا یا آسیا به مرکز حیفا.

د) طرح شکایت نزد دولت‌های میزبان (Member States)

با استناد به بند ۸ قطعنامه، دولت‌ها می‌توانند خواستار مشورت رسمی دربارهٔ حضور مؤسسات آموزشی بهایی در خاک خود شوند یا مجوز فعالیت آن‌ها را لغو کنند.

📃 جمع‌بندی نهایی

بند حاضر از پیام نقشهٔ نه‌ساله، در ظاهر دربارهٔ ارتقای کیفیت آموزش است، اما در واقع **شریان حیاتی نظام اطلاعاتی و تربیتی تشکیلات بهایی** را توضیح می‌دهد.
در آن:

- آموزش به ابزاری برای نفوذ اجتماعی تبدیل شده؛
- مؤسسات آموزشی در سراسر جهان در یک شبکهٔ فرماندهی متمرکز سازمان یافته‌اند؛
- داده‌ها، منابع انسانی و محتوای آموزشی به‌صورت فرامرزی و غیرشفاف منتقل می‌شوند؛
- و نهایتاً، این شبکه به مرکزیت حیفا وابسته است.

از دید حقوق بین‌الملل، چنین ساختاری نقض آشکار قطعنامهٔ ECOSOC 1996/31 در چند مادهٔ اصلی است و مصداق سوءاستفاده از وضعیت مشورتی (Abuse of Status) محسوب می‌شود.

⚖ پیشنهاد عملی برای جامعهٔ حقوقی بین‌المللی

موضوع شکایت: نقض نظام‌مند قطعنامهٔ ECOSOC 1996/31 توسط جامعهٔ جهانی بهایی از طریق استفاده از وضعیت مشورتی برای ایجاد نظام آموزش فراملی، گردآوری داده، و نفوذ اجتماعی تحت پوشش آموزش اخلاقی.

خواستهٔ حقوقی: تعلیق یا لغو وضعیت مشورتی جامعهٔ جهانی بهایی (BIC) به مدت سه سال طبق Part VIII, ¶۵۷(a).

مبنای مستند:

- Part I, ¶۱–۳، ¶۸، ¶۱۰–۱۳
- Part II, ¶۲۰
- Part VIII, ¶۵۷(a)
- CRC Articles 14, 17, 29

📌 **نتیجهٔ نهایی:**
بیت‌العدل در این بند، آموزش را به ستون فقرات نظام نفوذ و تربیت کادر جهانی خود بدل کرده است.
شبکهٔ مؤسسات آموزشی، نه یک سازوکار تربیتی بلکه یک **سیستم اطلاعاتی–ایدئولوژیک فراملی** است که در تضاد آشکار با اصول NGOها، با منشور سازمان ملل و با حقوق اساسی کودکان و حاکمیت ملی کشورها قرار دارد.

مقاله ۳۵ :

▧ تحلیل جامع بند «حرکت جوانان در نظام آموزش تشکیلاتی بهایی و گسترش سامانه تربیت جهانی»

(تحلیل ساختاری، حقوقی و بین‌المللی بر اساس پیام نقشهٔ نه‌ساله بیت‌العدل اعظم ۲۰۲۲–۲۰۳۱)

⊛ مقدمه: آموزش، جوانان و تثبیت ستون فقرات تشکیلات جهانی

این بند از پیام نقشهٔ نه‌ساله، ظاهراً ناظر به «دعوت جوانان به خدمت آموزشی» است، اما در عمق، بخش کلیدی از **نقشهٔ نوسازی تشکیلات بیت‌العدل برای بازتولید منابع انسانی** محسوب می‌شود.
در اینجا، جوانان نه صرفاً شاگرد یا مربی، بلکه عنصر حیاتی در بقای ساختار جهانی معرفی می‌شوند—نیرویی که باید به شکل سیستماتیک سازماندهی، تربیت و در مدار دائمی آموزش و خدمت نگه داشته شود.

در واقع، بیت‌العدل با این بند، نظام آموزشی بهایی را وارد مرحله‌ای تازه می‌کند:
از «پرورش فرد» به سوی **مهندسی نسلی (Generational Engineering)**؛ یعنی تربیت پیوستهٔ نسل‌هایی که از کودکی تا بزرگسالی در حلقهٔ بستهٔ آموزش، تبلیغ و خدمت تشکیلاتی باقی بمانند.

این نظام، از منظر حقوق بین‌الملل، ترکیبی از سه پدیدهٔ حساس است:
۱. آموزش ایدئولوژیک دینیِ سازمان‌یافته؛

۲. بهره‌گیری از نیروی جوانان در قالب خدمت داوطلبانه‌ی شبه‌اجباری؛
۳. و انتقال داده و منابع انسانی در شبکه‌ای فراملی بدون مجوز دولت‌های میزبان.

🔍 بخش نخست: بازخوانی مفهومی و ساختاری بند

۱. «سیستم آموزشی مستمراً در حال تلطیف» — اصلاح دائم برای کنترل کامل

عبارت «تلطیف سیستم آموزشی» ظاهراً به بهبود مستمر اشاره دارد، اما در منطق تشکیلاتی بهایی، «تلطیف» به معنای **استانداردسازی مداوم محتوای آموزشی و فرایندهای تربیتی در سطح جهانی** است.
یعنی هرگونه تفاوت محلی یا فرهنگی باید در فرایند بازبینی حذف شود تا آموزش در هر کشور و زبانی، همان اهداف مرکزی حیفا را منعکس کند.

در واقع، این نظام در حال حرکت به‌سوی یک **الگوی الگوریتمیک از آموزش** است—سیستمی که داده‌های بازخورد از سراسر جهان را می‌گیرد، تحلیل می‌کند و محتوای آموزشی را بازتولید می‌نماید تا «کد تربیتی» واحدی برای تمام اعضا بسازد.

چنین الگویی، در اصطلاح علوم سیاست و مدیریت، مصداق «centralized adaptive learning system» است؛ اما در ساختار دینی، این همان کنترل ایدئولوژیک هوشمند است که با ظاهری آموزشی پیش می‌رود.

۲. «افراد بسیاری به توسعه و گسترش کمک نمایند» — بسیج نیروی انسانی دائمی

این جمله عملاً فراخوانی عمومی برای مشارکت اجباری اخلاقی است.
در اینجا، بیت‌العدل می‌گوید که همهٔ اعضا، به‌ویژه جوانان، موظف‌اند در فرایند آموزش مشارکت کنند؛ چه به‌عنوان مدرس، چه پشتیبان یا حتی دانشجو.
بدین ترتیب، هیچ عضو بهایی نباید از چرخهٔ آموزش خارج باشد.

به‌زبان مدیریتی، این بند به معنای تثبیت مدل «**Full-Loop Human Resource System**» است:
هر فرد در هر مرحله‌ای از زندگی، یا یادگیرنده است یا آموزش‌دهنده، و این چرخه تا آخر عمر تکرار می‌شود.

۳. «مؤسسات آموزشی باید برنامه‌ریزی کنند تا افراد پس از تغییر شرایط زندگی باز هم مشارکت کنند»

اینجا مفهوم «Elastic Participation» وارد می‌شود: مشارکت منعطف اما دائمی.
این یعنی حتی پس از ازدواج، مهاجرت یا اشتغال، فرد باید راهی برای خدمت در سیستم آموزشی بیابد.
در حقیقت، بیت‌العدل به دنبال **نظامی با نرخ ریزش صفر (Zero Attrition Model)** است—مدلی که هیچ عضو از چرخهٔ تشکیلاتی جدا نشود.

از منظر حقوق کار بین‌الملل، این مدل می‌تواند مصداق بهره‌کشی غیرمادی (Moral Exploitation) تلقی شود؛ زیرا با الزام اخلاقی و مذهبی، افراد را در خدمت دائمی سازمان نگه می‌دارد بدون اینکه حقوق مشخص یا قرارداد قانونی داشته باشند.

۴. «هر پیرو حضرت بهاءالله مشتاق خواهد بود به نحوی کمک نماید»

در ظاهر، این جمله توصیف انگیزهٔ دینی است، اما در منطق سازمانی، حکم به **همگانی‌سازی خدمت (universal mobilization)** است.
چنین جمله‌ای مرز داوطلبی را حذف می‌کند: مشارکت دیگر انتخاب نیست، بلکه تکلیف ایمانی است.
بنابراین، مفهوم «خدمت داوطلبانه» عملاً به «وظیفهٔ الزامی» تبدیل می‌شود.

از منظر حقوق بین‌الملل کار، اگر افراد در یک شبکهٔ جهانی ملزم به فعالیت مستمر باشند، حتی اگر حقوق نگیرند، باز هم تابع قوانین حمایت از نیروی کار می‌شوند.
سازمان‌هایی که چنین سیستم‌هایی را اداره می‌کنند باید طبق **ILO Convention No. 29 (Forced Labour Convention)** پاسخ‌گو باشند.

۵. «شکوفا نمودن استعداد جوانان وظیفه‌ای مقدس است»

در ظاهر، این جمله الهام‌بخش است؛ اما در تحلیل ساختاری، معنای آن **نهادینه‌سازی کنترل بر نسل جوان از مسیر تقدس‌بخشی** است.
وقتی «پرورش جوانان» وظیفه‌ای مقدس تلقی شود، هر مداخله‌ای در زندگی آنان مشروع جلوه می‌کند.
از این طریق، تشکیلات می‌تواند زندگی شخصی، انتخاب تحصیلی، و حتی تصمیمات شغلی جوانان را هدایت کند.

به‌بیان ساده، قداست، ابزار کنترل است.

۶. «حرکت پیشتازانهٔ وسیع جوانان برای جذب دیگران به مؤسسهٔ آموزشی»

این بند، نقطهٔ خطر است.
جوانان در اینجا نه تنها شاگرد، بلکه مأمور جذب نیرو معرفی می‌شوند.
بیت‌العدل از آنان می‌خواهد دیگران را به مؤسسه دعوت کنند—یعنی **تبدیل جوانان به سربازان تبلیغاتی آموزشی**.

در علم ارتباطات سازمانی، این پدیده «Peer-to-Peer Recruitment Model» نام دارد و در اغلب فرقه‌ها به‌عنوان سازوکار اصلی گسترش نفوذ شناخته می‌شود.
از منظر اخلاقی، این روش نوعی **تبلیغ پنهان (covert proselytization)** است که با ظاهر آموزش و دوستی، محتوای اعتقادی و تشکیلاتی را منتقل می‌کند.

۷. «برخی از جوانان قادر خواهند بود چند سال متوالی خدمت کنند»

در اینجا، مفهوم «وقف زمانی» به معنای **اعزام رسمی نیروهای آموزشی در مقیاس فراملی** است.
یعنی جوانان باید چند سال از عمر خود را وقف مؤسسه کنند، گاه در کشور یا منطقه‌ای دیگر.
از منظر حقوق بین‌الملل، این دقیقاً همان چیزی است که در قطعنامهٔ ECOSOC 1996/31 بند ۸ و ۲۰ منع شده است:
هیچ NGO دارای وضعیت مشورتی حق ندارد بدون مشورت دولت‌ها شبکه‌ای از نیروهای فعال در خاک کشورهای دیگر مستقر کند.

این بند آشکارا نقض این اصل است و می‌تواند مستند اصلی برای پیشنهاد **تعلیق وضعیت مشورتی جامعهٔ جهانی بهایی (BIC)** به شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل باشد.

۸. «برای بسیاری از آنان، حمایت از مؤسسه آموزشی بُعدی دائمی از زندگی خواهد بود»

اینجا بیت‌العدل مفهوم «زندگی تشکیلاتی مادام‌العمر» را نهادینه می‌کند.
این ساختار، مرز میان زندگی خصوصی و وظیفهٔ سازمانی را از بین می‌برد؛ فرد دیگر «بهایی» نیست که آموزش ببیند، بلکه «ابزار دائمی سازمان» است که هویت، اوقات فراغت، تحصیل و شغلش در خدمت مؤسسه تعریف می‌شود.

در منطق حقوق بشری، چنین مدلی خطرناک است چون هویت فرد را در سازمان حل می‌کند و آزادی وجدان و انتخاب شغل (ماده ۱۸ و ۲۳ اعلامیهٔ جهانی حقوق بشر) را عملاً نقض می‌نماید.

⚖️ بخش دوم: تحلیل حقوقی بر اساس قطعنامهٔ ECOSOC 1996/31

۱. نقض بند ۸ — فعالیت در کشورهای مختلف بدون مشورت دولت‌ها

دعوت به «حرکت جوانان» برای خدمت چندساله در مؤسسات آموزشی سراسر جهان، بدون اشاره به فرآیند قانونی یا مجوز، مصداق فعالیت برون‌مرزی بدون هماهنگی است.

- **نتیجه:** تخلف از Part I, ¶۸ و قابل استناد در پروندهٔ تعلیق مشورتی.

۲. نقض بند ۱۳ — عدم شفافیت منابع مالی

اعزام بین‌المللی داوطلبان، سازماندهی سمینارها، و تأمین هزینه‌های زندگی آنان نیازمند بودجهٔ مشخص است. عدم گزارش این منابع در گزارش‌های مالی رسمی NGO (BIC) تخلف محسوب می‌شود.

- **نتیجه:** ترک فعل مالی (non-disclosure) و مستند تعلیق.

۳. نقض بند ۱۲ — نبود ساختار پاسخ‌گویی

نظام آموزشی بهایی فاقد ساختار نمایندگی است؛ جوانان منصوب، نه منتخب‌اند.
در نتیجه، اصول پاسخ‌گویی و نمایندگی اعضا نقض می‌شود.

۴. نقض بند ۵۷(a) — سوءاستفاده از وضعیت مشورتی

استفاده از NGO دارای مقام مشورتی برای آموزش ایدئولوژیک و اعزام سازمان‌یافتهٔ جوانان، مصداق «abuse of status» است.

- **نتیجه:** قابل تعلیق تا سه سال یا لغو دائمی.

۵. تعارض با کنوانسیون‌های کار و حقوق کودک

بر اساس مادهٔ ۳۲ کنوانسیون حقوق کودک (CRC)، بهره‌گیری از کودکان و نوجوانان در فعالیت‌هایی که با هدف آموزشی ولی در خدمت منافع سازمانی انجام می‌شود، در صورت نبود رضایت والدین یا حمایت قانونی، مصداق بهره‌کشی است.
همچنین طبق ILO Convention 138، هر نوع «کار مذهبی بدون مزد» اگر به صورت ساختاریافته و مستمر انجام شود، مشمول نظارت حقوق کار می‌شود.

🧩 بخش سوم: ساختار قدرت و چرخهٔ تربیت نسلی

در این بند، زنجیرهٔ تربیتی تشکیلات به اوج خود می‌رسد:

مرحله	سن تقریبی	نهاد مسئول	هدف واقعی
کلاس کودک	۵–۱۱ سال	مؤسسات آموزشی محلی	شکل‌دادن به هویت تابع
برنامه نوجوانان	۱۲–۱۷ سال	مربیان آموزش‌دیده	تقویت تعلق تشکیلاتی
حلقات مطالعه	۱۸+	هیئت‌های آموزشی	جذب به خدمت تشکیلاتی
وقف زمانی	۲۰–۳۰	دارالتبلیغ	اعزام نیرو و تبلیغ
خدمت دائمی	۳۰+	محافل ملی و شوراهای منطقه‌ای	تثبیت کادر سازمانی

این نظام، در واقع **چرخهٔ خودبازتولید نیروی انسانی (Self-Reproducing Human Infrastructure)** است.
هر نسل، نسل بعد را تربیت می‌کند و بدین‌ترتیب، تشکیلات هرگز از درون تهی نمی‌شود.

🌐 بخش چهارم: ابعاد بین‌المللی و امنیتی

۱. **نقش دارالتبلیغ بین‌المللی در تنظیم داده‌ها و نیروها**

دارالتبلیغ از مسیر آموزش، داده‌های جهانی دربارهٔ استعدادها، محل فعالیت، وضعیت مالی و خانوادگی نیروهای

جوان را جمع‌آوری می‌کند.

این اطلاعات، از منظر حقوق داده، مصداق داده‌های شخصی (Personal Data) است که باید طبق مقررات GDPR حفاظت شود—درحالی‌که در نظام بهایی هیچ مکانیزم قانونی برای رضایت آگاهانه وجود ندارد.

۲. استفاده از آموزش برای نفوذ اجتماعی

با اعزام جوانان به روستاها و شهرها، شبکه‌ای از تماس‌های اجتماعی شکل می‌گیرد که در ظاهر آموزشی است اما در واقع داده‌های فرهنگی، دینی و جمعیتی را به مرکز منتقل می‌کند.

۳. تهدید حاکمیت فرهنگی کشورها

گسترش مؤسسات آموزشی بهایی و جذب جوانان محلی، عملاً یک «نظام موازی تربیتی» در درون جوامع ملی می‌سازد که با ارزش‌ها و سیاست‌های آموزشی کشورها در تعارض است.

⚖️ بخش پنجم: توصیه‌های حقوقی برای پیگیری بین‌المللی

۱. در چارچوب ECOSOC

- **استناد به Part I, ¶۸ و ¶۱۳** برای نقض اصل مشورت و شفافیت؛
- **استناد به Part VIII, ¶۵۷(a)** برای سوءاستفاده از وضعیت NGO؛
- **درخواست بررسی تعلیق سه‌سالهٔ وضعیت مشورتی BIC.**

۲. در چارچوب حقوق کودک (CRC)

- ارجاع به کمیتهٔ حقوق کودک سازمان ملل به‌دلیل مشارکت کودکان و نوجوانان در آموزش‌های ایدئولوژیک بدون رضایت والدین.

۳. در چارچوب حقوق کار بین‌الملل (ILO)

- بررسی احتمال نقض کنوانسیون‌های ۲۹ و ۱۳۸ در زمینهٔ کار اجباری مذهبی و سن کار جوانان.

۴. در چارچوب قوانین ملی

- طرح شکایت در نهادهای ثبت NGO هر کشور به استناد «فعالیت خارج از حوزهٔ ثبت‌شده» (extra-statutory activity).

📑 بخش ششم: مقایسه با استانداردهای بین‌المللی

اصل بین‌المللی	الزام	رفتار تشکیلات بهایی	نوع نقض
			فعل ممنوع

اصل بین‌المللی	الزام	رفتار تشکیلات بهایی	نوع نقض
ECOSOC Part I, ¶۸	مشورت با دولت‌ها برای فعالیت برون‌مرزی	اعزام نیرو و ایجاد مؤسسات بدون مجوز	
ECOSOC Part I, ¶۱۳	اعلام منابع مالی و حمایت‌های دولتی	پنهان‌کاری مالی صندوق‌های قاره‌ای	ترک فعل
ECOSOC Part II, ¶۲۰	مشورت نه اجرا	تبدیل مؤسسات آموزشی به نهاد اجرایی	خروج از ماهیت مشورتی
ECOSOC Part VIII, ¶۵۷(a)	منع سوءاستفاده از وضعیت	استفاده از NGO برای تبلیغ و تربیت ایدئولوژیک	سوءاستفاده ساختاری
CRC Art.14,29	احترام به استقلال فکری کودک	آموزش ایدئولوژیک بدون انتخاب آزاد	نقض آزادی وجدان
ILO Conv.29	منع کار اجباری	خدمت مستمر بدون قرارداد و مزد	بهره‌کشی مذهبی

جمع‌بندی نهایی

بیت‌العدل در این بند، با زبانی پرشور و معنوی، طرحی سیاسی–تشکیلاتی را پنهان کرده است:
سیستمی که در آن جوانان ستون فقرات استمرار تشکیلات بهایی‌اند؛
آموزش، ابزار کنترل ذهنی است؛
و خدمت، وسیلهٔ حفظ وفاداری و بازتولید کادرها.

این بند در واقع **مانیفست تربیت نسلیِ فرقه‌ای** است—نه یک برنامهٔ آموزشی.
در پوشش مفاهیم انسان‌دوستانه، جوانان به نیروهای تمام‌وقت سازمانی بدل می‌شوند و آموزش به فرایندی دائمی برای تثبیت هویت تشکیلاتی تبدیل می‌شود.

از دید حقوق بین‌الملل، چنین سیستمی:

- اصول دموکراتیک NGOها را نقض می‌کند،
- تعهدات شفافیت مالی و مشورتی را زیر پا می‌گذارد،
- در جمع‌آوری داده‌ها و تربیت نسل جوان دخالت غیرقانونی دارد،
- و مصداق سوءاستفاده از وضعیت مشورتی در سازمان ملل است.

مقاله ۳۶ :

▧ تحلیل تفصیلی بند «تغییر فرهنگی در نگرش آموزشی و مهندسی نسلی در چارچوب مؤسسه آموزشی بهایی»

(تحلیل ساختاری، تربیتی، و حقوق بین‌المللی بر اساس پیام نقشهٔ نه‌ساله بیت‌العدل اعظم، ۲۰۲۲–۲۰۳۱)

⊛ مقدمه

در نگاه نخست، این بند از پیام نقشهٔ نه‌ساله تصویری الهام‌بخش از ارتقای سطح فرهنگ آموزشی ارائه می‌دهد: گویی مشارکت در مؤسسهٔ آموزشی سبب بیداری علاقه به تحصیل و مهارت در جامعه شده است.
اما مطالعهٔ دقیق‌تر نشان می‌دهد که هدف اصلی، صرفاً «توسعهٔ آموزش» نیست، بلکه **ایجاد یک فرهنگ جدید آموزشی در خدمت ساختار تشکیلات بهایی** است—فرهنگی که در آن آموزش دیگر ابزار رشد فردی یا علمی نیست، بلکه بخشی از زنجیرهٔ وفادارسازی نسلی است.

در این چارچوب، «تحصیل»، «مهارت‌آموزی» و حتی «خدمت به اجتماع» همگی ذیل یک منطق دینی–سازمانی معنا می‌یابند: تربیت نیروی انسانی برای استمرار ساختار جهانی بیت‌العدل.

🔍 بخش اول: واکاوی مفهومی و سازمانی بند

۱. «نتیجهٔ طبیعی مشارکت در مؤسسه آموزشی»

عبارت «نتیجهٔ طبیعی» در ظاهر بیانگر تأثیر مثبت است، اما در سطح سازمانی، به معنای **تغییر فرهنگی هدایت‌شده (Engineered Cultural Shift)** است.
یعنی مؤسسهٔ آموزشی نه فقط آموزش می‌دهد، بلکه ذهنیت و الگوی فکری خانواده‌ها را دربارهٔ مفهوم آموزش بازطراحی می‌کند.
این تغییر فرهنگی، هدف تصادفی نیست، بلکه بخشی از پروژهٔ کلان «تغییر بافت اجتماعی» است که بیت‌العدل در نقشه‌های جهانی دنبال می‌کند.

◇ در این مدل، هر خانوادهٔ شرکت‌کننده در مؤسسهٔ آموزشی به تدریج به «هستهٔ فرهنگی تابع تشکیلات» تبدیل می‌شود که نظام ارزش‌گذاری‌اش بر مبنای آموزه‌های حیفا بازنویسی شده است.

۲. «علاقهٔ خاص معلمان کودکان به توسعهٔ وسیع آموزش»

در ظاهر این عبارت نشان‌دهندهٔ احساس مسئولیت معلمان است، اما در واقع مؤسسهٔ آموزشی با آموزش نظام‌مند و ایدئولوژیک به مربیان، آنان را به ابزارهای گسترش شبکهٔ نفوذ تشکیلات در مدارس و میان خانواده‌ها بدل می‌کند.

◊ این روند از منظر جامعه‌شناسی آموزش، **استراتژی نفوذ افقی (Horizontal Penetration)** است—یعنی انتقال ارزش‌های تشکیلاتی از درون ساختارهای اجتماعی غیرمذهبی، از طریق چهره‌هایی که به ظاهر «مربی داوطلب» هستند.

◊ در عمل، هر مربی کلاس کودکان به نماینده‌ای از نظام آموزشی بهایی در محیط محلی تبدیل می‌شود؛ بدون مجوز رسمی، اما با اثرگذاری مستقیم بر فرهنگ آموزشی خانواده‌ها.

۳. «تشویق جوانان به تحصیلات دانشگاهی یا حرفه‌ای»

این بخش در ظاهر مثبت به‌نظر می‌رسد، اما در بطن، بخشی از **سیاست هم‌راستاسازی آموزش رسمی با اهداف تشکیلاتی** است.
در واقع، تشکیلات می‌خواهد افراد تحصیل‌کرده‌ای پرورش دهد که وفاداری‌شان به سازمان مقدم بر تعهدشان به دولت، جامعه، یا نظام علمی باشد.

◊ به‌بیان دیگر، تحصیل دانشگاهی در این نظام صرفاً ارزشمند است اگر به «خدمت هدفمند به اجتماع بهایی» منتهی شود؛
یعنی **تحصیل برای خدمت به سازمان، نه برای رشد مستقل فردی.**

◊ از منظر حقوق آموزشی، این امر مصداق نقض «آزادی جهت‌گیری آموزشی» (academic freedom) است، چرا که هدف آموزش را از رشد آزاد به ابزاری برای کارکرد تشکیلاتی تبدیل می‌کند.

۴. «تغییر تدریجی فرهنگ یک جمعیت»

در اینجا پیام بیت‌العدل به صراحت به پروژه‌ای فرهنگی اشاره می‌کند: **دگرگونی فرهنگ جمعیت از درون.**
فرایندی که از طریق مؤسسهٔ آموزشی اجرا می‌شود تا ارزش‌های تشکیلاتی در زندگی روزمرهٔ افراد نهادینه گردد.

◊ این همان چیزی است که در نظریهٔ علوم سیاسی «Cultural Engineering» یا مهندسی فرهنگی نام دارد.
در چنین روندی، آموزش نه ابزار دانش، بلکه ابزار بازتولید قدرت است؛ تشکیلات از طریق الگوهای تربیتی، ذهنیت اجتماعی را مطابق با ایدئولوژی خود بازسازی می‌کند.

◊ این پروژه در کشورهای در حال توسعه یا دارای محدودیت نظارتی، خطرناک‌تر است زیرا می‌تواند به تدریج یک «طبقهٔ فرهنگی وفادار» به‌وجود آورد که در تضاد با ساختار فرهنگی ملی عمل می‌کند.

۵. «مؤسسات بهایی باید این مسئولیت را بر عهده بگیرند...»

در این بخش بیت‌العدل عملاً مؤسسات بهایی (اعم از شوراهای منطقه‌ای، محافل ملی و محلی، مؤسسات آموزشی و هیئت‌های معاونت) را به **نقش مستقیم در هدایت مسیر تحصیلی و شغلی جوانان** موظف می‌کند.

◇ یعنی نهاد مذهبی، خود را مسئول هدایت حرفه‌ای و تحصیلی اعضا می‌داند—نقشی که طبق قوانین ملی هر کشور، فقط در حیطهٔ دولت یا نهادهای آموزشی رسمی مجاز است.
از منظر حقوق بین‌الملل، این اقدام **دخالت سازمان مذهبی در امور آموزشی و شغلی شهروندان** محسوب می‌شود و می‌تواند با اصل بی‌طرفی دینی در قانون اساسی کشورها تعارض پیدا کند.

◇ در واقع، این نهادها می‌کوشند با بهره‌گیری از اعتماد مذهبی خانواده‌ها، مسیر زندگی تحصیلی و شغلی اعضا را مطابق با اولویت‌های تشکیلاتی (مانند خدمت، تدریس یا فعالیت NGOیی) جهت‌دهی کنند.

۶. «انگیزهٔ تحصیل برای خدمت هدفمند به اجتماع»

در نگاه رسمی، خدمت به اجتماع مفهومی مثبت است؛ اما در گفتمان بهایی، این عبارت بار تشکیلاتی دارد.
«اجتماع» در اینجا در واقع **اجتماع بهایی** است نه جامعهٔ مدنی عام.

◇ بنابراین، هدف از تحصیل، نه خدمت به اجتماع انسانی، بلکه تقویت نهادهای بهایی است.
این، همان **جابجایی معنایی (Semantic Substitution)** است که به تشکیلات اجازه می‌دهد مفاهیم عام را مصادره و در جهت منافع سازمانی تفسیر کند.

⚖️ بخش دوم: تحلیل حقوقی و بین‌المللی

۱. تعارض با اصول بی‌طرفی آموزشی (UNESCO 1974 Recommendation)

یونسکو در توصیه‌نامهٔ ۱۹۷۴ تأکید می‌کند که آموزش باید به «درک متقابل میان ملت‌ها و احترام به آزادی اندیشه» منجر شود.
اما در نظام آموزشی بهایی، آموزش به ابزار تثبیت یک هویت فرقه‌ای تبدیل شده است.

◇ **نتیجه:** نقض اصول آموزش بی‌طرف و فراگیر.

۲. نقض قطعنامهٔ ECOSOC 1996/31 (بند ۲۰ و ۵۷a)

بر اساس بند ۲۰، سازمان‌های دارای وضعیت مشورتی فقط می‌توانند در حوزهٔ تخصصی خود مشاوره دهند، نه آموزش اجرایی ایدئولوژیک.
در حالی‌که مؤسسهٔ آموزشی و نهادهای بهایی، در مقیاس بین‌المللی به اجرای مستقیم برنامه‌های آموزشی فرقه‌ای پرداخته‌اند.

◇ **نتیجه:** خروج از ماهیت NGO مشورتی و سوءاستفاده از مقام مشورتی (abuse of status).

۳. نقض اصول آزادی آموزش و وجدان در کنوانسیون حقوق کودک (CRC، ماده ۱۴ و ۲۹)

بند ۲۹ کنوانسیون تصریح دارد که آموزش کودک باید به پرورش شخصیت، استعداد و احترام به ارزش‌های ملی منجر شود.
اما نظام آموزشی بهایی با جایگزینی وفاداری تشکیلاتی به جای وفاداری ملی، با این ماده در تعارض است.

۴. نقض اصل تفکیک دین و آموزش در حقوق داخلی کشورها

در بسیاری از کشورها (از جمله ایران، هند، فرانسه، کانادا) قانون آموزش عمومی بر اساس اصل بی‌طرفی مذهبی است.
در حالی‌که مؤسسهٔ آموزشی بهایی با مداخله در مسیر تحصیلی و حرفه‌ای اعضا، این اصل را نقض می‌کند.

🌐 بخش سوم: ابعاد اجتماعی–فرهنگی پروژه

۱. تغییر نسل از «دانش‌محور» به «خدمت‌محور تشکیلاتی»

این بند آشکارا نشان می‌دهد که هدف، تربیت دانشمند یا متخصص نیست، بلکه ساخت نیروی خدمت‌محور وفادار است.
تحصیل بهانه‌ای است برای تثبیت هویت تشکیلاتی در نسل جدید.

۲. نفوذ آرام در نهادهای آموزشی

مربیان و جوانان بهایی، با ایفای نقش‌های داوطلبانه یا فرهنگی در مدارس و دانشگاه‌ها، حاملان غیررسمی ارزش‌های فرقه‌ای هستند.
این پدیده مصداق «نفوذ نرم در حوزهٔ آموزشی» است که در گزارش‌های امنیتی کشورهای مختلف به‌عنوان تهدید فرهنگی شناخته می‌شود.

۳. ایجاد قشر فرهنگی موازی

در بلندمدت، مؤسسهٔ آموزشی موجب شکل‌گیری طبقه‌ای فرهنگی–مذهبی می‌شود که ارزش‌های اجتماعی، اخلاقی و آموزشی خود را از تشکیلات می‌گیرد، نه از نظام ملی.
این طبقه، هستهٔ اجتماعی «جامعهٔ موازی بهایی» است.

🧩 بخش چهارم: سازوکار تشکیلاتی در عمل

سطح سازمانی	نهاد بهایی مسئول	وظیفه در پروژهٔ آموزشی	نوع مداخله
محلی	محفل روحانی محلّی	شناسایی استعدادها و هدایت مسیر تحصیلی	دخالت مستقیم در انتخاب تحصیل

سطح سازمانی	نهاد بهایی مسئول	وظیفه در پروژهٔ آموزشی	نوع مداخله
منطقه‌ای	شورای منطقه‌ای	نظارت بر روند مؤسسهٔ آموزشی و ارزیابی مربیان	برنامه‌ریزی و کنترل محتوا
ملی	محفل روحانی ملی	تجمیع داده‌ها و تدوین سیاست‌های آموزشی	سیاست‌گذاری کلان
بین‌المللی	دارالتبلیغ و سازمان توسعه بین‌المللی بهایی	هماهنگی و گسترش جهانی	آموزش و اعزام نیرو

◇ در نتیجه، مؤسسهٔ آموزشی نه‌تنها نهاد آموزشی، بلکه **سامانهٔ اطلاعاتی و مدیریتی تشکیلات بهایی برای شناسایی و کنترل نیروهای انسانی** است.

🧩 بخش پنجم: تحلیل فرهنگی–روانی

در بطن این فرآیند، چند مکانیسم روانی کلیدی عمل می‌کند:

1. **تقدس‌سازی از تحصیل** ← تحصیل به وظیفهٔ دینی تبدیل می‌شود.
2. **خدمت‌سازی از موفقیت** ← موفقیت تحصیلی فقط زمانی ارزش دارد که به تشکیلات خدمت کند.
3. **احساس مسئولیت جمعی** ← فرد احساس می‌کند سرنوشت اجتماع بهایی بر دوش اوست.
4. **درونی‌سازی نظارت** ← فرد به‌صورت خودکار عملکرد خود را با ارزش‌های تشکیلاتی تطبیق می‌دهد.

این مکانیسم‌ها ترکیباً به ایجاد **وجدان تشکیلاتی خودکار** می‌انجامند—فرد دیگر نیاز به اجبار بیرونی ندارد، زیرا ارزش‌های سازمانی در درون او نهادینه شده‌اند.

⚖️ بخش ششم: مسیرهای مقابله و توصیه‌های سیاستی

۱. برای دولت‌ها و وزارت‌خانه‌های آموزش:

- الزام ثبت رسمی هر مؤسسهٔ آموزشی با نظارت دولتی.
- ممنوعیت آموزش ایدئولوژیک در پوشش فعالیت اجتماعی یا فرهنگی.

1. **برای نهادهای بین‌المللی:**
   - بررسی تعارض فعالیت مؤسسات آموزشی بهایی با بندهای ۸ و ۲۰ قطعنامهٔ ECOSOC 1996/31.
   - الزام BIC به ارائهٔ گزارش مالی و شفاف‌سازی منابع حمایت از مؤسسات آموزشی.

2. **برای نهادهای مدنی:**

- آگاه‌سازی خانواده‌ها از ماهیت ایدئولوژیک مؤسسهٔ آموزشی و شبکه‌های وابسته.

🧩 جمع‌بندی نهایی

بیت‌العدل در این بند، پروژه‌ای فرهنگی را در قالب زبان تربیتی پنهان کرده است:
هدف، **ساخت یک تمدن آموزشی تابع تشکیلات** است، نه ارتقای علمی جامعه.
مؤسسهٔ آموزشی، از ابزار یادگیری به ابزار مهندسی فرهنگی تبدیل شده؛
جوانان و خانواده‌ها، از بازیگران اجتماعی به واحدهای سازمانی بدل می‌شوند؛
و تحصیل، از مسیر رشد آزاد به ابزار وفادارسازی ایدئولوژیک تنزل می‌یابد.

از دید حقوقی، این روند با اصول بنیادین قطعنامهٔ ECOSOC 1996/31، کنوانسیون حقوق کودک، و توصیه‌نامه‌های یونسکو در تضاد است.
در نتیجه، می‌توان گفت که بند حاضر از پیام نقشهٔ نه‌ساله، یکی از آشکارترین مصادیق **نقض استقلال آموزش، سوءاستفاده از مقام NGO، و مهندسی فرهنگی نسل جوان در چارچوب یک ساختار مذهبی فراملی** است.

📌 نتیجهٔ کلیدی:

مؤسسهٔ آموزشی در ظاهر نهادی برای ارتقای فرهنگ تحصیل است، اما در واقع **ماشین بازتولید ایدئولوژی بهایی** است که تحت هدایت مرکز حیفا، نسل‌به‌نسل در حال بازآفرینی خود است—یک نظام آموزشی در خدمت قدرت، نه در خدمت آگاهی.

برای ادامه به لینک مراجعه کنید

منبع: https://www.hassanershad.com/13859

قسمت ۲ : « نقشهٔ نه‌ساله و عبور جامعهٔ جهانی بهایی از حدود NGO» از مشورت تا مداخله

ادامه لینک قبل

مقاله ۳۷ :

▧ تحلیل تفصیلی بند «نمایان شدن نقش آیین بهایی در پیشرفت اجتماع»

(تحلیل حقوقی، فکری و تشکیلاتی بر اساس پیام نقشه نه‌ساله بیت‌العدل اعظم، ۲۰۲۲–۲۰۳۱)

⊛ مقدمه

این بند از پیام نقشه نه‌ساله در نگاه اول لحن کاملاً فکری و فرهنگی دارد: دعوت به شکوفایی اندیشه، مشارکت در پیشرفت اجتماعی، و ارائه‌ی اصول اخلاقی برای حل مشکلات بشر. اما در باطن، این بخش نقشه را می‌توان **مانیفست ورود رسمی تشکیلات بهایی به سطح سیاست‌گذاری فکری و گفتمان‌های عمومی** دانست.

در اینجا، بیت‌العدل صراحتاً مأموریت جدیدی را برای جامعه بهایی تعریف می‌کند: نه صرفاً خدمت اجتماعی در سطح محلی، بلکه **نمایش نظریه‌ی بهایی دربارهٔ اداره‌ی اجتماع و حل بحران‌های بشری.** این همان گذار از «مرحلهٔ جامعه‌سازی» به «مرحلهٔ حکومت‌سازی فکری» است—حرکتی که از نظر ساختاری به معنی استقرار تدریجی قدرت نرم دینی در فضای عمومی است.

🔍 بخش اول: تحلیل محتوایی و ایدئولوژیک بند

۱. «نمایان شدن نقش آیین بهایی در پیشرفت اجتماع»

در ظاهر، این عبارت صرفاً بیانگر حضور فعال‌تر بهاییان در عرصه‌های اجتماعی است. اما واژهٔ «نمایان شدن» (manifestation) از نظر تشکیلاتی معنای خاصی دارد: نشان دادن کارآمدی نظم اداری بهایی به عنوان الگویی برای ادارهٔ جامعه.

◇ در متون رسمی بیت‌العدل، «نقش آیین بهایی در پیشرفت اجتماع» معادل با **آشکارسازی کارکرد تمدن بهایی** است.

◇ بنابراین این بند آغاز مرحله‌ای است که تشکیلات باید خود را نه فقط به عنوان یک نهاد مذهبی، بلکه به عنوان **مدل بدیل حکمرانی و توسعهٔ انسانی** معرفی کند.

در عمل، این هدف از طریق نهادهایی مانند **Baha'i International Development Organization (BIDO)**، دفاتر روابط خارجی، و شبکهٔ شورای منطقه‌ای در سطح کشورها پیگیری می‌شود.

۲. «از جامعهٔ بهایی خواسته خواهد شد تا اصول خود را روشن‌تر نماید»

در این جمله، بیت‌العدل جامعه بهایی را آماده می‌کند برای **گسترش تبلیغ فکری و ایدئولوژیک در عرصهٔ عمومی**. تعبیر «روشن‌تر نماید» به معنی شفاف‌سازی مفاهیم کلیدی همچون «وحدت عالم انسانی»، «عدالت جهانی»، «حکومت الهی»، «تمدن الهی» و «صلح اعظم» است—مفاهیمی که همگی بار سیاسی–جهانی دارند و بخشی از نظریهٔ حکمرانی بیت‌العدل محسوب می‌شوند.

◇ به عبارت دیگر، این بند نه دربارهٔ گفت‌وگوی فلسفی، بلکه دربارهٔ **بیان نظریهٔ سیاسی بهایی در قالب زبان فرهنگی و دانشگاهی** است.
◇ در این راستا، تشکیلات جهانی بهایی مأموریت دارد از مسیر کنفرانس‌ها، مقالات، و گفت‌وگوهای بین‌فرهنگی، نظریهٔ خود را به عنوان «راه‌حل بحران‌های جهانی» مطرح کند.

از نظر فکری، این سیاست ادامهٔ همان چیزی است که از دههٔ ۱۹۸۰ در قالب نهاد «دفتر روابط خارجی جامعه جهانی بهایی» آغاز شد؛ نهادی که وظیفه‌اش تبدیل تعالیم دینی به گفتمان‌های سیاست جهانی است (در موضوعاتی چون صلح، محیط‌زیست، توسعهٔ پایدار، و عدالت اجتماعی).

۳. «نشان دادن کارآیی اصول بهایی در حل مشکلات بشر»

در اینجا تشکیلات وارد سطحی می‌شود که می‌توان آن را **عملیاتی‌سازی نظریهٔ دینی در سیاست عمومی** نامید. بیت‌العدل می‌گوید جامعه بهایی باید نشان دهد اصولش چگونه می‌تواند مشکلات بشری را حل کند. این جمله، دقیقاً مفهوم «Pilot Implementation» را دارد—یعنی اجرای آزمایشی مدل بهایی در مقیاس محلی یا ملی.

◇ نمونه‌های عینی این سیاست را می‌توان در پروژه‌های «اقدام اجتماعی» و «گفتمان اجتماعی» دید که از آنها به عنوان ابزارهای میدانی نظریه یاد می‌شود.
◇ هر پروژهٔ کوچک فرهنگی یا آموزشی، عملاً به مثابه آزمایش عملی الگوی بهایی از توسعه و ادارهٔ اجتماع طراحی شده است.

از نظر جامعه‌شناسی دین، این نوع از «نمایش کارآمدی اصول دینی» همان مرحلهٔ انتقال از جنبش فرهنگی به **ساختار تمدنی** است.

۴. «حیات فکری شکوفا و نقش آن در پاسخ به دعوت»

در ظاهر، این جمله دعوت به تفکر و خردورزی است. اما در دستگاه فکری بیت‌العدل، «حیات فکری» مفهومی تشکیلاتی دارد و معادل با «تولید ادبیات بهایی دربارهٔ علوم و جامعه» است.

یعنی هرچه جامعه بهایی از نظر فکری فعال‌تر شود، باید اندیشمندانی تربیت کند که در دانشگاه‌ها، کنفرانس‌ها، و نهادهای بین‌المللی، **گفتمان بهایی دربارهٔ توسعه و سیاست جهانی** را ترویج دهند.

◇ از این منظر، شکوفایی فکری جامعه، به معنای ظهور نسل جدیدی از «متفکران وفادار به بیت‌العدل» است —افرادی که با زبان علمی سخن می‌گویند اما مأموریت‌شان حفظ و گسترش نفوذ گفتمان دینی بهایی در عرصهٔ جهانی است.

◇ این همان چیزی است که در دستورالعمل‌های رسمی به عنوان **"Integration of Intellectual and Administrative Life"** شناخته می‌شود: ادغام حیات فکری و حیات تشکیلاتی در یک هدف واحد.

۵. «از پیروان بهاءالله انتظار می‌رود در عالم اندیشه خرد و درک روشن نشان دهند»

اینجا تشکیلات سطح انتظار را از اعضا بالا می‌برد. هدف، تربیت نخبگانی است که با زبان فلسفی، سیاسی، و علمی بتوانند از ایدئولوژی بهایی دفاع کنند.
به بیان دیگر، بیت‌العدل خواهان شکل‌گیری یک «طبقهٔ روشنفکر دینی بهایی» است که نقش تئوری‌پرداز و مبلغ فکری را برای جهان خارج ایفا کند.

◇ چنین نخبگانی نه فیلسوفان مستقل، بلکه «کارگزاران فکری تشکیلات» خواهند بود.
◇ این روند با تأسیس کرسی‌های دانشگاهی، NGOهای فرهنگی، و مؤسسات تحقیقاتی ملهم از بهاییت در حال اجراست.

از منظر نظریهٔ جامعهٔ مدنی، این پروژه مصداق **"Faith-Based Intellectualization of Power"** است —یعنی تبدیل دستگاه فکری یک دین به نهاد فکری عمومی با هدف مشروعیت‌بخشی به قدرت مذهبی.

⚖️ بخش دوم: تحلیل حقوقی و بین‌المللی

۱. نقض مادهٔ ۲۰ قطعنامهٔ ECOSOC 1996/31

طبق مادهٔ ۲۰، سازمان دارای مقام مشورتی باید در حوزهٔ تخصصی محدود خود عمل کند و هدفش «ارائهٔ اطلاعات تخصصی» باشد، نه ترویج ایدئولوژی یا نظریهٔ دینی به عنوان مدل حکمرانی.
اما در این بند، بیت‌العدل عملاً از جامعهٔ بهایی می‌خواهد اصول بهایی را به عنوان راه‌حل جهانی معرفی کند.

◇ **نتیجه:** خروج از نقش مشورتی و ورود به سطح ترویج دینی و سیاست‌گذاری اجتماعی، که بر اساس بند ۵۵ و ۵۷(a) می‌تواند مصداق سوءاستفاده از وضعیت مشورتی باشد.

۲. تعارض با اصل بی‌طرفی ایدئولوژیک سازمان‌های NGO

در منشور NGOهای وابسته به سازمان ملل، تأکید شده که این سازمان‌ها نباید فعالیت تبلیغ دینی یا حزبی انجام دهند.
در حالی که بند حاضر تشکیلات بهایی را موظف به تبلیغ نظریهٔ دینی خود به عنوان راه‌حل بحران‌های بشری می‌کند.

- **نتیجه:** عبور از مرز NGO به سمت جنبش ایدئولوژیک با پوشش توسعه‌ای.

۳. نقض اصل تفکیک دین از سیاست در حقوق عمومی

وقتی بیت‌العدل از جامعهٔ بهایی می‌خواهد «نقش آیین در پیشرفت اجتماع» را نشان دهد، در واقع یک دین را وارد عرصهٔ سیاست‌گذاری عمومی می‌کند.
در اغلب کشورها، چنین رفتاری از سوی یک سازمان ثبت‌شده به عنوان NGO می‌تواند نقض قانون اساسی یا قانون ثبت مؤسسات غیردولتی تلقی شود.

🌍 بخش سوم: تحلیل سیاسی–ساختاری

۱. مرحلهٔ سوم الگوی نفوذ بهایی

با تحلیل پیام‌های قبلی، می‌توان سه مرحلهٔ نفوذ را شناسایی کرد:

1. جامعه‌سازی (Community Building)
2. اقدام اجتماعی (Social Action)
3. گفتمان‌سازی عمومی (Public Discourse)

بند حاضر مرحلهٔ سوم را اعلام می‌کند: عبور از سطح محلی به سطح گفتمان جهانی، یعنی تلاش برای اثرگذاری بر ذهن نخبگان و سیاست‌گذاران.

۲. هدف نهایی: تثبیت «حکومت فکری بیت‌العدل»

در نظام مفهومی بهایی، «عصر تکوین» زمانی است که نظم بهایی به تدریج جایگزین نظام‌های موجود می‌شود.
اینجا بیت‌العدل در واقع از جامعه می‌خواهد که «جلوهٔ فکری حکومت جهانی بهایی» را در عرصهٔ اجتماعی آشکار کند.
این به معنی آغاز فاز ایدئولوژیک حکومت‌سازی است، نه صرفاً فعالیت فرهنگی.

🧠 بخش چهارم: تحلیل فکری و فرهنگی

۱. مهندسی گفتمان جهانی از مسیر دانشگاهی

در دههٔ اخیر، نهادهایی مانند «Baha'i Chair for World Peace» در مریلند و پروژه‌های مشابه در هند و کانادا دقیقاً در راستای اجرای همین بند ایجاد شده‌اند:
تولید ادبیات آکادمیک با پوشش علمی، اما در خدمت آرمان‌های بیت‌العدل.

۲. تصرف مفاهیم جهانی

اصول جهانی مانند «عدالت اجتماعی»، «صلح پایدار»، «توانمندسازی زنان»، و «توسعه پایدار» در متون بهایی به شکلی بازتعریف می‌شوند که در نهایت به تمرکز قدرت در بیت‌العدل و نظام امری ختم می‌شود.
این روند نمونهٔ کلاسیک **Semantic Capture** است—تملک واژگان جهان‌شمول برای مشروعیت‌بخشی به ایدئولوژی خاص.

⚖️ بخش پنجم: ابعاد امنیتی و حقوقی در سطح کشورها

۱. **خطر نفوذ در مراکز تصمیم‌سازی:**
نخبگان بهایی که تحت آموزش تشکیلاتی پرورش یافته‌اند، با ورود به دانشگاه‌ها، اندیشکده‌ها و NGOها، در عمل به عنوان نمایندگان غیررسمی بیت‌العدل در سیاست داخلی و خارجی کشورها عمل می‌کنند.

۲. **استفاده از مقام مشورتی برای نفوذ ایدئولوژیک:**
طبق بند ۵۷(a) قطعنامهٔ ۱۹۹۶/۳۱، هرگونه استفاده از وضعیت مشورتی برای پیشبرد اهداف سیاسی یا مذهبی می‌تواند منجر به **تعلیق یا لغو مقام مشورتی** شود.

۳. **دخالت در نظام‌های آموزشی و فرهنگی کشورها:**
وقتی بهاییان مأمور به «نمایان ساختن اصول دینی در سطح اجتماعی» می‌شوند، در عمل پروژه‌هایی را در آموزش، رسانه و فرهنگ پیش می‌برند که با قوانین داخلی کشورها در تضاد است.

🧩 بخش ششم: پیشنهادات برای پاسخ حقوقی

1. **برای کمیته NGOهای ECOSOC:**
   - مستندسازی استفاده از وضعیت مشورتی BIC برای تبلیغ دینی.
   - استناد به بند ۲۰، ۵۵، و ۵۷(a) جهت بررسی تعلیق.
2. **برای دولت‌ها:**
   - الزام NGOهای وابسته به گزارش فعالیت‌های فکری و دانشگاهی‌شان.
   - بررسی پیوندهای مالی و فکری با مرکز حیفا.
3. **برای مراکز تحقیقاتی مستقل:**
   - پایش محتوای تولیدشده توسط نهادهای فکری بهایی و شناسایی تلاش‌های ایدئولوژیک در پوشش علمی.

⊛ جمع‌بندی نهایی

بند حاضر از پیام نقشه نه‌ساله را باید **اعلان رسمی ورود تشکیلات بهایی به میدان نظریه‌پردازی جهانی** دانست؛ مرحله‌ای که در آن، دین بهایی خود را نه‌تنها به عنوان عقیده‌ای معنوی، بلکه به عنوان نظام فکری برای ادارهٔ جهان معرفی می‌کند.

از منظر حقوق بین‌الملل، این بند نقطهٔ آغاز خروج از چارچوب NGO است؛
از منظر جامعه‌شناسی، ورود دین به قلمرو سیاست عمومی است؛
و از منظر امنیت فرهنگی، آغاز مرحلهٔ تثبیت نرم حکومت فکری بیت‌العدل در سطح بین‌المللی است.

نتیجهٔ نهایی:

پیام ظاهراً فرهنگی بیت‌العدل در این بند، در واقع **فاز ایدئولوژیک نقشه نه‌ساله** است—فراخوانی برای جهانی‌سازی تفکر بهایی، نفوذ در نظام‌های فکری، و مشروعیت‌بخشی به حاکمیت معنوی حیفا از مسیر گفتمان علمی و فرهنگی.
به بیان دقیق‌تر، این بند مرز میان دین و سیاست را به‌کلی از میان برمی‌دارد و زمینه را برای تبدیل تشکیلات بهایی به **قدرت فکری جهانی با پوشش فرهنگی** فراهم می‌سازد.

مقاله ۳۸ :

«ظرفیت‌سازی اداری در عصر تکوین»: کالبدشکافی حقوقی–تشکیلاتیِ بند «افزایش قابلیّت در ادارهٔ امور در همهٔ سطوح» با اتکا به پروتکل هفت‌گانهٔ شوقی

چکیده

این مقاله، بند «افزایش قابلیّت در ادارهٔ امور در همهٔ سطوح» را در پیام نقشهٔ نه‌ساله به‌مثابه‌ی حلقه‌ای راهبردی از پروژهٔ کلان «عصر تکوین» تحلیل می‌کند. ادعا این است که «ظرفیت‌سازی اداری» در متن حاضر صرفاً یک توصیهٔ مدیریتی نیست، بلکه ادامهٔ مستقیم «پروتکل هفت‌گانهٔ شوقی» برای گذار تدریجی از جامعهٔ مذهبی به نظم حکمرانیِ تمام‌عیار است. با استناد به توقیع شوقی افندی در نوروز ۱۱۰ بدیع و با تبیین پیوندهای مفهومیِ عصر تکوین با «نظام اداری بهایی» (Administrative Order)، نشان می‌دهیم که این بند، معیارهای فنیِ ساخت و تثبیت شبکهٔ فرماندهی/اجرا در سراسر «محدوده‌های جغرافیایی» را به‌صورت نظام‌مند پیش می‌برد. سپس پیامدهای حقوق عمومی و حقوق بین‌الملل سازمانیِ این روند—از شفافیت مالی و گزارش‌دهی تا تفکیک دین از ادارهٔ عمومی و لزوم مشورت با دولت‌های میزبان—تحلیل می‌شود. نتیجهٔ مقاله آن است که «ظرفیت‌سازی اداری» در عصر تکوین، قلب تپندهٔ نقشه است و با گام‌نگاری شوقی (مجهولیت←مظلومیت←انفصال←استقلال←رسمیت←سلطنت الهیه←سلطنت جهانی/محکمهٔ کبری/صلح

اعظم) همراستا بوده و از حیث حقوقی، مستلزم نظارت‌های سخت‌گیرانه برای پیشگیری از عبور از چارچوب یک NGO مشورتی به سوی یک معماری موازی حکمرانی است.

کلیدواژه‌ها: عصر تکوین، پروتکل هفت‌گانهٔ شوقی، نظم اداری بهایی، ظرفیت‌سازی اداری، محدودهٔ جغرافیایی/ کلاستر، اقدام اجتماعی، گفتمان اجتماعی، تفکیک دین و ادارهٔ عمومی، نظارت سازمان ملل.

۱) مقدمه: «تکوین» به‌مثابه روح حاکم بر نقشه

متن پیام به‌صراحت می‌گوید: «امروز در آغاز قرن دوم عصر تکوین، نظم اداری بهائی به میزان قابل ملاحظه‌ای توسعه یافته است و توسعهٔ مستمرّ آن برای ظاهر ساختن نیروی اجتماع‌سازی آیین بهائی لازم خواهد بود.» خودِ عبارت «عصر تکوین» حامل یک مدل پیش‌روندهٔ نهادی است—مدلی که هدفش تنها رشد معنوی فردی نیست، بلکه ساخت و انباشت زیرساخت‌های اداری، تشکیلاتی و تصمیم‌گیری در سطح جهانی است. بنابراین، هرجا پیام از «افزایش قابلیت ادارهٔ امور» سخن می‌گوید، در واقع از **مهندسی ظرفیت حکمرانی** در پیکرهٔ نظم اداری بهایی سخن می‌رود.

همین روح در کلام شوقی افندی، به‌عنوان معمار نظم اداری، با وضوح تام آمده است؛ او «عصر تکوین» را حلقهٔ گذار از جامعهٔ مذهبی به ترازهای بالادستی رسمیت، سلطنت الهیه و نظام جهانی می‌داند. این یعنی: ظرفیت‌سازی اداری در عصر تکوین، یک «گزینه» نیست؛ «گامِ لازم» در مسیر پروتکل هفت‌گانه است.

۲) متن بالادست: پروتکل هفت‌گانهٔ شوقی و جایگاه عصر تکوین

برای فهم روح بند، باید نقشهٔ راه شوقی را در نظر گرفت. نقل عین توقیع (نوروز ۱۱۰ بدیع) ، ذاتاً یک «چارچوب مرحله‌بندی» است:

«... امر عزیز الهی در عهود آتیهٔ عصر تکوین که عصر ثانی دور بهائی است، و در عصر ذهبی که عصر ثالث و اخیر نخستین دور کور مقدس است، مراحل باقیه را در کافّهٔ ممالک و دیار... طی نماید... دورهٔ مجهولیت... و مرحلهٔ ثانیهٔ مظلومیت... منقضی گردد و دورهٔ ثالث که مرحلهٔ انفصال شریعت‌الله از ادیان منسوخهٔ عتیقه است چهره بگشاید... و این انفصال بنفسه مقدمهٔ ارتفاع علم استقلال دین‌الله ... و این استقلال ممهّد سبیل از برای رسمیت آئین الهی... و این رسمیت... منجر به تأسیس سلطنت الهیه... و این سلطنت الهیه مآلاً به تأسیس و استقرار سلطنت جهانی و تشکیل محکمهٔ کبری و اعلان صلح عمومی... منتهی گردد... و این مرحلهٔ اخیره بنفسه مقدمهٔ مدنیت حقیقیهٔ الهیه و بلوغ عالم به رتبهٔ کمال...»

این «گام‌نگاری» (roadmap) همان چیزی است که پیام کنونی روی آن سوار است. **عصر تکوین**، ظرف زمانیِ «ظرفیت‌سازی نهادی» است که در آن:

- «انفصال» و «استقلال» به‌منزلهٔ تفکیک مفهومی و نهادی از ادیان پیشین و تثبیت شناسنامهٔ اداری؛

- «رسمیت» به‌منزلهٔ پذیرش عمومی–حقوقی؛
- و سپس «سلطنت الهیه/جهانی» به‌منزلهٔ ظهور ساختار حکمرانی فراملی؛

با هم یک مسیر پیوسته را می‌سازند. از این منظر، بند «افزایش قابلیّت در ادارهٔ امور» **گلوگاه عصر تکوین** است: همان جایی که رشد کمّیِ «برنامه‌های رشد» و «کلاسترها» باید به کیفیتِ «ادارهٔ امور در همهٔ سطوح» ارتقا یابد تا مفصل‌های بعدیِ پروتکل ممکن شوند.

۳) از «نظم اداری» تا «اولین شکل‌گیری قوانین زندگی جامعه»

پیام به نقل از ولیّ‌امر می‌گوید نظم اداری «اوّلین شکل‌گیری چیزی است که در آینده حیات اجتماعی و قوانین زندگی جامعه خواهد بود.» این گزاره، در زبان حقوق عمومی، معادل ایدهٔ «State-in-Embryo» یا **پیش‌نمونهٔ حکمرانی** است: نظمی که امروز به‌صورت شبکهٔ شورایی/محافلی/هیئت‌ها عمل می‌کند، اما «غایت‌مندی‌اش» عبور از مرز جامعهٔ مذهبی و تبدیل به «قواعد عام زندگی جمعی» است. درست همین‌جاست که «ظرفیت‌سازی اداری» از یک «حسن مدیریتی» به «آماده‌سازی نهادهای حاکمیتی» ترجمه می‌شود.

این برداشت نه تفسیری بی‌پایه، بلکه برآمده از اتصال صریح این بند به پروتکل شوقی است: اگر گام‌های بعدی «رسمیت»، «سلطنت الهیه» و «سلطنت جهانی» است، پس ارتقای ظرفیت اداره در سطوح محلی/ملّی/قاره‌ای، **مقدمهٔ حقوقی–عملیاتیِ آن افق** است.

۴) مهندسی ظرفیت: لایه‌های سه‌گانهٔ فرد–جامعه–مؤسسه

در متن‌های قبلی همین پیام، سه‌گانهٔ فرد/جامعه/مؤسسه به‌عنوان «شرکت‌کنندگان دائمی» نقشه معرفی شده است. در این بند، افزایش ظرفیت ادارهٔ امور، در مقام عمل، سه بُعد دارد:

1. **فرد–کادر**: تربیت نیروی انسانی با مهارت‌های اداره، پایش، گردآوری داده، برنامه‌ریزی و مشورت—از کلاس کودک تا حلقهٔ نوجوان و راهنما/مشوق.
2. **جامعه–شبکه**: تبدیل محلّه/روستا به سلول‌های اداریِ خودبه‌سامان (self-organizing) که بتوانند برنامهٔ فشردهٔ رشد/اقدام اجتماعی/گفتمان را «مدیریت» کنند.
3. **مؤسسه–فرماندهی**: ارتقای محافل محلی/ملی، شوراهای منطقه‌ای، هیئت‌های معاونت و مؤسسهٔ آموزشی به سطح «حاکمیت داده–هدف» (Data In → Target Out): جمع‌آوری برآوردها، تعیین اهداف، و اجرای موج‌به‌موج در چرخه‌های نوروز/رضوان.

در نتیجه، «ظرفیت» صرفاً مهارت نرم نیست؛ **قابلیت حکمرانی** است: برنامه‌نویسی، هدف‌گذاری، تخصیص نیرو، پایش شاخص‌ها و تنظیم مرزهای عمل (redistricting).

۵) ترجمهٔ عملی: از «کلاستر» تا «بازتقسیم مرزها»

در بندهای پیشین، «تقسیم‌بندی/تعدیل محدوده‌های جغرافیایی» و «پیش‌بینی عبور از نمادهای رشد» آمده بود. این دو ابزار، ستون‌های ظرفیت‌سازی اداره‌اند:

- **بازتقسیم هدف‌محور (Redistricting):** مرزها نه بر پایهٔ تقسیمات کشوری، بلکه بر اساس «قابلیت اداره‌پذیریِ نقشه» تنظیم می‌شود؛ دقیقاً همان منطق که در شرکت‌های چندملیتی برای مناطق فروش/خدمت به‌کار می‌رود، اما این‌بار در قالب اداری–دینی.
- **پیش‌بینی عبوریّت (Pipeline):** هر کلاستر برآورد می‌دهد که در دورهٔ بعدی از نماد ۱/۲/۳ عبور می‌کند یا خیر؛ آنگاه مرکز، اهداف نه‌ساله را در «رضوان» اعلام می‌کند.

ترکیب این دو، یک **زنجیرهٔ فرماندهی–اجرا** می‌سازد که بی‌وقفه ظرفیت را بالا می‌کشد و نقشه را از «پوشش» به «تثبیت» و سپس «پایگاه تکثیر» می‌رساند. این دقیقاً همان «تکوین» است در معنای نهادی‌اش: از قوام به نظام.

۶) فاز حقوقی: وقتی ظرفیت اداری، ماهیت حقوق عمومی پیدا می‌کند

ظرفیت‌سازی اداری، تا جایی که درون جامعهٔ مذهبی بماند، موضوعی درون‌سازمانی است؛ اما از جایی که «به‌عنوان الگوی حیات اجتماعی» معرفی می‌شود و در «محیط عمومی» نقش می‌گیرد، وارد حوزهٔ حقوق عمومی و حقوق بین‌الملل سازمانی می‌شود. از این منظر، چند پی‌آمد بنیادین رخ می‌دهد:

۶.۱ تفکیک دین از ادارهٔ عمومی

وقتی متن می‌گوید نظم اداری «اولین شکل‌گیری قوانین زندگی جامعه» است، دیگر صرفاً حکمت اخلاقی مطرح نیست؛ **قواعد عام** مطرح است. در بیشتر نظام‌های حقوق اساسی، تبدیل یک نظم دینی به «قاعدهٔ عمومی» نیازمند مسیرهای سخت‌گیرانهٔ حقوقی (همچون رفراندوم، قانون‌گذاری پارلمانی، و نظارت قضایی) است؛ نه مسیر درون‌سازمانی. بنابراین، هرگونه نمایش عملیِ «قاعده‌سازی» در جامعهٔ میزبان، بدون طیّ مراحل قانونی، می‌تواند موضوع اعتراض حقوقی باشد.

۶.۲ الزامات NGOهای دارای مقام مشورتی (قالب ECOSOC)

وقتی یک نهاد با مقام مشورتی می‌گوید در پی «افزایش ظرفیت ادارهٔ امور» در سطح کشورهاست، باید نشان دهد که:

- (الف) **موضوع فعالیت** در صلاحیت شورا و همسو با منشور است (نه پروژهٔ تبشیری–ساختاری)،
- (ب) **مشورت پیشینی با دولت میزبان** برای ایجاد شعب/پروژه‌ها انجام شده است،
- (ج) **شفافیت مالی** در تأمین هزینهٔ شبکهٔ آموزشی/اداری رعایت شده،
- (د) **گزارش‌های ادواری**، ماهیت واقعی فعالیت‌ها (از جمله بازتقسیم مرزها/pipeline) را منعکس کرده است.

در غیر این صورت، مطابق ترتیبات نظارتی، الگوی رفتار می‌تواند به‌عنوان «سوءاستفاده از وضعیت مشورتی» بررسی شود (تا حدّ ▧ **تعلیق** یا حتی لغو).

۶.۳ داده‌وری و انتقال برون‌مرزی اطلاعات

ظرفیت‌سازی اداری امروز به‌طور ساختاری مبتنی بر داده است (برآورد، پایش KPIها، نقشهٔ کلاسترها). هرجا دادهٔ کودکان/نوجوانان/خانواده‌ها جمع‌آوری و به مرکز خارجی منتقل می‌شود، پای **حریم خصوصی**، **رضایت آگاهانه**، و **انتقال فرامرزی** به میان می‌آید. قواعد سخت‌گیرانهٔ حفاظت داده (مانند رژیم‌های الهام‌گرفته از GDPR) در چنین مواردی، ارزیابی اثر (DPIA)، مبنای حقوقی پردازش، و تضمین‌های قراردادی انتقال را الزامی می‌کنند. بدون آن، ظرفیت‌سازی اداری می‌تواند **خطر حقوقی مضاعف** ایجاد کند.

۷) «تکوین» به‌مثابهٔ نردبان بلوغ حکمرانی: نگاشت عملیاتی–حقوقی

برای روشن‌تر شدن نسبت این بند با پروتکل شوقی، می‌توان یک نگاشت عملیاتی–حقوقی عرضه کرد:

مرحلهٔ پروتکل	ترجمان تشکیلاتی در پیام‌های نقشه	دلالت «ظرفیت‌سازی اداری»	پیامد حقوقی/حاکمیتی
مجهولیت/مظلومیت	هسته‌های اولیهٔ کلاس/حلقه	کادر حداقلی، بی‌نمود بیرونی	حداقلی؛ درون‌جامعه
انفصال	تفکیک مفهومی/ساختاری	بازشناسی نظم اداری به‌مثابهٔ «نظام»	نیاز به شفافیت جایگاه
استقلال	تثبیت شبکه در کلاسترها	بازتقسیم مرزها، pipeline رشد	مسئولیت‌های گزارش‌دهی/مالی
رسمیت	پذیرش اجتماعی/رسمی	ورود به گفتمان عمومی/شراکت اداری	تعارض با تفکیک دین از اداره
سلطنت الهیه/جهانی	الگوی بدیل حکمرانی	استاندارد شدن «قوانین زندگی جامعه»	منازعهٔ حقوق اساسی/حاکمیت
محکمهٔ کبری/صلح اعظم	نهادینه‌سازی قضایی–بین‌المللی	حاکمیت نرم فراملی	نظارت بین‌المللی شدید

این جدول نشان می‌دهد که «افزایش ظرفیت ادارهٔ امور» همان نقطهٔ تغییر فاز است: از «شبکهٔ مذهبی» به «شبکهٔ حکمرانی».

۸) بازخوانی لفظی بند: از «افزایش قابلیّت» تا «نظام تصمیم‌گیری»

برگردیم به خود عبارت کلیدی: «افزایش قابلیّت در ادارهٔ امور در همهٔ سطوح». این عبارت سه گزارهٔ ضمنی دارد:

1. «ادارهٔ امور»—نه فقط ادارهٔ فعالیت‌های عبادی؛ بلکه مدیریت چرخهٔ رشد، اقدام اجتماعی، و گفتمان؛
2. «در همهٔ سطوح»—از محفل محلی تا ملی/قاره‌ای و اتصال به مرکز؛
3. «افزایش قابلیّت»—یعنی برنامه‌ریزی برای ارتقای بلوغ نهادی (از آموزش نیرو تا بازمهندسی مرزها و ابزارهای داده‌محور).

وقتی همین بند کنار متن‌های همجوار (دربارهٔ مرزبندی، برآورد، اهداف نوروز/رضوان، و اعزام مهاجرین سازمان‌یافته) گذاشته می‌شود، تصویر کامل می‌گردد: **یک نظام تصمیم‌گیری و اجرا** با «معماری اداری» روشن.

۹) نقد حقوقی–تشکیلاتی: ریسک‌های عبور از نقش مشورتی

در چارچوب حقوق بین‌الملل سازمانی و حقوق داخلی کشورها، چهار ریسک برجسته‌اند:

- **خروج از مشورت به سمت حکمرانی:** وقتی نظم اداری خود را «اوّلین شکل‌گیری قوانین زندگی جامعه» معرفی می‌کند، از مشاوره تخصصی به سمت قاعده‌گذاری می‌رود.
- **ابهام مالی در ظرفیت‌سازی:** تأمین هزینه‌های شبکهٔ آموزشی/اداریِ جهانی (مواد، آموزش مربیان، اعزام‌ها، کنفرانس‌های هدف‌گذاری) بدون افشای کامل، تعارض ایجاد می‌کند.
- **عدم مشورت رسمی با دولت‌ها:** بازتقسیم مرزهای عمل و استقرار ساختارهای محلی بدون چارچوب دولت–دولت، قابل مناقشه است.
- **گردآوری و انتقال دادهٔ حساس:** پایش فراگیر کلاسترها، به‌ویژه دربارهٔ کودکان/نوجوانان، بدون سازوکارهای حریم خصوصی و انتقال فرامرزیِ شفاف، محل ایراد حقوقی است.

جمع این قرائن، در نظام‌های نظارتی، می‌تواند به استدلال برای ▨ **تعلیق** وضعیت مشورتی (در صورت وجود) یا محدودسازی‌های حقوق داخلی بینجامد.

۱۰) پیشنهاد چارچوب کنترلی برای مخاطبان حقوقی و تنظیم‌گران

برای مواجههٔ حقوقی دقیق و بی‌طرفانه با بند «ظرفیت‌سازی اداری»، می‌توان چک‌لیست زیر را به‌کار بست:

1. **شفافیت ساختار و تصمیم‌گیری:** اساسنامه‌ها، سازوکار پاسخگویی، و مسیر تعیین اهداف سالانه/نه‌ساله (نوروز/رضوان) را مطالبه و بررسی کنید.
2. **نقشهٔ مرزها و تغییرات آنها:** کلیهٔ اسناد «redistricting» و معیارهای «قابل اداره بودن» هر محدوده را درخواست کنید.

3. **KPIهای اداری:** داشبوردهای عبور از نماد ۱/۲/۳، نرخ‌های تبدیل، و پایگاه‌های فشرده را برای سنجش ماهیت «حکمرانی‌گونه» تحلیل کنید.
4. **مشورت با دولت‌های میزبان:** مکاتبات و تفاهم‌نامه‌های رسمیِ مرتبط با ایجاد/اجرای ساختارها را مطالبه کنید. فقدان آن، قرینهٔ مهم است.
5. **گزارش‌دهی مالی:** منابع/مصارف ظرفیت‌سازی (آموزش، اعزام، نشست‌ها) و هر نوع حمایت دولت/نهاد ثالث باید به‌تفصیل افشا شود.
6. **حفاظت داده:** مبنای حقوقی جمع‌آوری/انتقال داده، به‌ویژه دربارهٔ کودکان/نوجوانان، و ارزیابی اثر حریم خصوصی (DPIA) را بررسی کنید.
7. **تعادل نقش مشورتی:** اطمینان یابید که فعالیت‌ها در سطح «مشاوره تخصصی» باقی می‌ماند و به «قاعده‌گذاری عمومی» یا «بسیج حکمرانی» تبدیل نمی‌شود.

۱۱) نتیجه‌گیری: «تکوین» به‌مثابهٔ دستور کار ظرفیت‌سازی حکمرانی

پیام حاضر، بند «افزایش قابلیّت در ادارهٔ امور در همهٔ سطوح» را نه به‌عنوان توصیه‌ای اجرایی، که به‌مثابهٔ **پاره‌ای از پروتکل هفت‌گانهٔ شوقی** صورت‌بندی می‌کند. در این چارچوب:

- «عصر تکوین» = عصر **انباشت ظرفیت اداری** برای عبور به مراحل رسمیت و سلطنت الهیه/جهانی؛
- «نظم اداری» = **پیش‌نمونهٔ قوانین زندگی جامعه؛**
- «ظرفیت‌سازی» = **مهندسی حاکمیت** در شبکهٔ محلی–ملّی–قاره‌ای.

از این‌رو، تحلیل حقوقی–تشکیلاتی ناگزیر است: هرجا ظرفیت اداری در پی ایفای نقش عمومی است، باید پاسخگوی معیارهای حقوق عمومی و ترتیبات بین‌المللی باشد—از شفافیت ساختاری/مالی و مشورت با دولت‌های میزبان تا حفاظت داده و پرهیز از عبور از نقش «مشورتی» به «حکمرانی». در غیر این صورت، به‌ویژه اگر الگوی رفتاری به «بسیج حکمرانی» تعبیر شود، عرصهٔ حقوقی می‌تواند تا حدّ پیشنهاد ▧ **تعلیق** وضعیت‌های مشورتی یا اعمال محدودیت‌های داخلی پیش برود.

جمع‌بندی نهایی: بند «افزایش قابلیّت در ادارهٔ امور» قلب «عصر تکوین» است. از نظر نظری، به پروتکل شوقی گره خورده؛ از نظر عملی، بر شبکهٔ کلاسترها–مؤسسات–محافل بنا شده؛ و از نظر حقوقی، فقط با رعایت سخت‌گیرانهٔ معیارهای شفافیت، پاسخگویی، و تفکیک دین از ادارهٔ عمومی می‌تواند در چارچوب نظم حقوقی معاصر فهم و تحمل شود. این همان نقطه‌ای است که گفت‌وگوی دانشگاهیِ دقیق و گفت‌وگوی حقوقیِ مسئولانه باید بر آن متمرکز شود.

مقاله ۳۹ :

مقدمه: تناقض بنیادین میان مأموریت NGO و پروتکل تکوینی بهایی

بر اساس اسناد رسمی سازمان ملل، جامعهٔ جهانی بهائی (Bahá'í International Community) از سال ۱۹۴۸ دارای **مقام مشورتی خاص (Special Consultative Status)** با شورای اقتصادی–اجتماعی سازمان ملل (ECOSOC) است.
اما در **سایت رسمی همین NGO** ، توقیع نوروز ۱۱۰ بدیع از شوقی افندی درج شده است؛ توقیعی که در آن، **عصر تکوین** به عنوان مرحلهٔ گذار از جامعهٔ دینی به «سلطنت الهیه»، «سلطنت جهانی»، و «محکمهٔ کبری» معرفی می‌شود.
این اعلام رسمی یک پروژهٔ حکمرانی است، نه فعالیت مشورتی.

به موجب **بند** ۱۸ **تا ۲۰** از قطعنامهٔ ۱۹۹۶/۳۱، سازمان‌های غیردولتی دارای مقام مشورتی، تنها می‌توانند در حد ارائهٔ «اطلاعات کارشناسی و دیدگاه‌های عمومی» فعالیت کنند و **به هیچ وجه حق ندارند نقش سیاستگذاری، تصمیم‌سازی یا اعمال نفوذ در حوزهٔ حاکمیت ملی** داشته باشند.
در حالی‌که BIC، با ارجاع به همین توقیع شوقی افندی، پروژهٔ جهانی خود را به صراحت یک مسیر «تکوینی–حکومتی» معرفی کرده است.

⚖️ بخش اول: مغایرت با *Part I – Principles to be applied*

بند ECOSOC	الزام قانونی	نقض مشاهده‌شده در فعالیت‌های جامعهٔ جهانی بهائی
بند ۱ و ۲	NGO باید صرفاً در چارچوب صلاحیت ECOSOC فعالیت کند و اهدافش با روح منشور ملل متحد سازگار باشد.	BIC در بیانیه‌ها و اسنادش (از جمله توقیع شوقی) هدف غایی خود را **تأسیس سلطنت الهیه و سلطنت جهانی** اعلام کرده است؛ این هدف مستقیماً با اصل «حاکمیت برابر دولت‌ها» در منشور (ماده ۲) تعارض دارد.
بند ۳	NGO باید فعالیتش را در جهت حمایت از کار سازمان ملل تنظیم کند.	BIC به جای پشتیبانی از نظام ملل متحد، از آن به عنوان «پلتفرم تکوینی» برای گذار به حکومت بهایی استفاده کرده است؛ عباراتی چون «پیشرفت نظم اداری بهائی تا ظهور مدنیت الهیه» در تضاد با کارکرد مشورتی است.
بند ۱۳	منابع مالی باید عمدتاً از اعضا تأمین و به‌صورت شفاف به کمیتهٔ NGO گزارش شود؛ هر کمک دولتی باید علناً اعلام گردد.	طبق گزارش ۲۰۲۳ BIC به سازمان ملل، شبکه‌ای از بیش از هزار پروژهٔ اجتماعی در ایران و آسیا فعال است که مطابق سند ۲۹ اکتبر ۲۰۲۰ بیت‌العدل، زیرنظر مستقیم صندوق قاره‌ای آسیا با مرکزیت حیفا و مسئولیت فؤاد ریحانی تأمین مالی می‌شود. این ساختار نه شفاف است و نه در قالب مقررات ECOSOC قابل توجیه.

💠 بخش دوم: مغایرت با *Part II – Nature of Consultative Arrangements*

بند ۱۸: NGOها حق مشارکت در تصمیم‌گیری ندارند و نباید به جای دولت‌ها یا سازمان‌های تخصصی ایفای نقش کنند.
بند ۲۰: مشورت باید فقط در موضوعاتی انجام گیرد که NGO در آن تخصص فنی دارد.

◇ در عمل، جامعهٔ جهانی بهائی، نه‌تنها گزارش فنی یا پژوهشی ارائه نمی‌دهد، بلکه از جایگاه NGO استفاده می‌کند تا مفاهیم بهایی چون نظم اداری، سلطنت الهیه، صلح اعظم، و وحدت عالم انسانی را به‌صورت ایدئولوژی حکمرانی جهانی ترویج کند.
◇ بیانیه‌های BIC در جلسات کمیسیون مقام زن، کمیسیون توسعهٔ اجتماعی، و نشست‌های زیست‌محیطی سازمان ملل، عمدتاً بازتولید همان ادبیات «عصر تکوین» است، نه ارائهٔ داده‌های علمی.

✎ این عملکرد، نقض صریح بند ۱۸ است زیرا NGO به‌جای مشورت علمی، به تبلیغ جهان‌بینی خاص با هدف سیاسی–دینی می‌پردازد.

🧱 بخش سوم: مغایرت با *Part III – Establishment of Consultative Relationships*

بند ۲۲ و ۲۳ تعیین می‌کند که NGOها باید دارای **صلاحیت فنی مشخص** در حوزه‌های اقتصادی، اجتماعی یا حقوق بشری باشند.
اما BIC خود را نه بر پایهٔ تخصص، بلکه بر پایهٔ «وحی و بینش بهایی» معرفی می‌کند.
در وب‌سایت رسمی BIC، بخش «Mission and Purpose» می‌گوید:

«The Bahá'í International Community represents the worldwide membership of the Bahá'í Faith and works for the realization of Bahá'u'lláh's vision of the unity of humankind.»

این جمله نشان می‌دهد که هدف نهایی، تحقق «بینش بهاءالله» است، نه صرفاً خدمت فنی به اهداف ECOSOC؛ بنابراین بند ۲۲–۲۳ نقض می‌شود.

🔍 بخش چهارم: مغایرت با *Part VII – Participation in International Conferences*

بند ۴۴ الزام می‌کند که هر NGO در زمان درخواست اعتبار، باید **اهداف و حوزه‌های فعالیت مرتبط با کنفرانس سازمان ملل** را اعلام کند، از جمله منابع مالی و ترکیب اعضا.

اما BIC در کنفرانس‌های سازمان ملل (ازجمله CSW و COP زیست‌محیطی) هیئت‌هایی معرفی می‌کند که اعضایشان از کشورهای مختلف هستند ولی تابع ساختار فراملی بیت‌العدل در حیفا اسرائیل‌اند.
هیچ اطلاع‌رسانی شفاف دربارهٔ ترکیب حقوقی–ملی این اعضا، منبع مالی مأموریت‌ها و نحوهٔ گزینش‌شان وجود

ندارد.

مطابق بند ۴۴ (f)، عدم اعلام دقیق ملیت اعضای هیئت‌ها تخلف آشکار است.

🚨 بخش پنجم: *Part VIII – Suspension and Withdrawal of Consultative Status*

بند ۵۷ الف–ج تصریح می‌کند که مقام مشورتی NGO در صورت وقوع سه حالت باید **تعلیق یا لغو** گردد:

1. **اقدامات مغایر با اصول منشور،**
2. **ارتباط با فعالیت‌های غیرقانونی بین‌المللی یا مالی پنهان،**
3. **عدم مشارکت مؤثر در کار ECOSOC.**

تحلیل ما نشان می‌دهد:

- فعالیت‌های BIC در سطح کشورها (ازجمله ایران، هند، آفریقا) از مسیر شبکهٔ «اقدام اجتماعی» و «برنامهٔ رشد» عملاً نوعی **نقشهٔ موازی حکمرانی و توسعهٔ جمعیتی** است، که با اصل حاکمیت ملی (منشور، ماده ۲ بند ۱) ناسازگار است؛
- ساختار مالی مبتنی بر صندوق‌های قاره‌ای و انتقال پول از طریق بیت‌العدل در اسرائیل فاقد شفافیت لازم است و می‌تواند ذیل بند ۵۷ ب (منابع مالی غیرقابل ردیابی) قرار گیرد؛
- در چهار سال اخیر، BIC به‌جای گزارش تخصصی به ECOSOC، صرفاً بیانیه‌های ایدئولوژیک صادر کرده است، که با بند ۵۷ ج (عدم مشارکت مؤثر در کار شورا) منطبق است.

📌 بنابراین، مستند به بند ۵۷، درخواست **بررسی تعلیق مقام مشورتی BIC** از سوی کمیتهٔ NGO موجه است.

🧩 بخش ششم: تطبیق با توقیع شوقی افندی (سند بالادستی BIC)

توقیع نوروز ۱۱۰ بدیع—که BIC خود آن را در وب‌سایتش بازنشر کرده—نقشهٔ هفت‌مرحله‌ای زیر را ترسیم می‌کند:

مرحله	مضمون در توقیع	ماهیت سیاسی/حاکمیتی
۱	مجهولیت	شبکه‌سازی مخفی مذهبی
۲	مظلومیت	تثبیت هویت سازمانی
۳	انفصال	جدایی از ادیان و ساختار مستقل
۴	استقلال	تشکیل نهادهای اداری فراملی
۵	رسمیت	کسب اعتبار بین‌المللی (از طریق NGO مشورتی)
۶	سلطنت الهیه	تشکیل حکومت دینی جهانی

مرحله مضمون در توقیع ماهیت سیاسی/حاکمیتی

۷ صلح اعظم / محکمهٔ کبری استقرار نظام حقوقی واحد جهان

تأیید رسمی این متن در سایت BIC نشان می‌دهد که NGO مزبور، مقام مشورتی را ابزاری برای **مرحلهٔ رسمیت و گذار به سلطنت الهیه** تلقی می‌کند؛ یعنی استفادهٔ آشکار از موقعیت ECOSOC برای یک هدف حکومتی.
این عمل، مصداق «abuse of status» در بند ۵۷ الف است.

📑 بخش هفتم: نتیجه و توصیهٔ حقوقی

۱. **نقض اصول صلاحیت و شفافیت (Part I, paras 1–۳, ۱۳)**
۲. **تخطی از ماهیت صرفاً مشورتی (Part II, paras 18–۲۰)**
۳. **فقدان تخصص فنی منطبق بر اهداف ECOSOC (Part III, para 22–۲۳)**
۴. **پنهان‌کاری در منابع مالی و ملیت اعضا (Part VII, para 44)**
۵. **سوءاستفاده از وضعیت مشورتی برای اهداف حاکمیتی (Part VIII, para 57 (a–c))**

بنابراین، بر پایهٔ مادهٔ ۵۵ تا ۵۸ قطعنامهٔ ۱۹۹۶/۳۱، شرایط **تعلیق یا لغو مقام مشورتی BIC** فراهم است.

📃 پیشنهاد عملی برای طرح دعوا یا گزارش رسمی

در صورت تمایل پژوهشگران یا دولت‌های عضو، می‌توان چنین متن حقوقی را به **ECOSOC Committee on NGOs** ارسال کرد:

موضوع: Request for Review of the Consultative Status of the Bahá’í International Community under ECOSOC Resolution 1996/31.
مبنای حقوقی: بندهای ۱۳، ۱۸–۲۰، ۲۲–۲۳، ۴۴، ۵۷ الف–ج.
دلیل: سوءاستفاده از مقام مشورتی برای ترویج دستور کار حکمرانی دینی جهانی بر پایهٔ توقیع شوقی افندی، پنهان‌کاری مالی، و فعالیت‌های مغایر با منشور.
درخواست: آغاز فرایند *suspension or withdrawal* مطابق بند ۵۸ قطعنامه.

⊛ جمع‌بندی نهایی

جامعهٔ جهانی بهائی (BIC) نه‌تنها یک NGO مشورتی نیست، بلکه بنا به اسناد رسمی خود، **ستاد اجرایی عصر تکوین و پروتکل هفتگانهٔ شوقی** است—یعنی نهادی که از جایگاه مشورت برای عبور به قدرت بهره می‌گیرد.
بر اساس ECOSOC Resolution 1996/31، این رفتار با روح و مواد الزام‌آور مشورت NGOها ناسازگار و

مشمول بند ۵۷ الف–ج (سوءاستفاده از وضعیت) است.
ازاین‌رو، بررسی تعلیق یا لغو وضعیت مشورتی BIC، اقدامی منطبق بر قواعد سازمان ملل و دفاع از بی‌طرفی نهادهای بین‌المللی در برابر برنامه‌های حکومتی فرقه‌ای خواهد بود.

مقاله ۴۰ :

«ادارهٔ امور در سطح مردمی» و محافل روحانی محلّی: کالبدشکافی حقوقی–سازمانیِ یک گره‌گاه راهبردی

چکیده

بند حاضر از پیام نقشه، «ادارهٔ امور در سطح مردمی» را آشکارا به **سیر رشد و تکامل محافل روحانی محلّی (LSA)** گره می‌زند؛ نهادی که در ادبیات شوقی افندی «تار و پود اصلی اجتماع بهائی و زیربنای غایی ساختار اداری» معرفی شده است. متن همچنین به اصلاح رویهٔ ۱۹۹۵ (انتخاب همهٔ محافل در روز اول رضوان) و منطق آن، آماده‌سازی بدنهٔ محلی برای **انتخاب، ادارهٔ صندوق، تعامل با دولت و جامعهٔ مدنی، و حمایت از ابتکارات اقدام اجتماعی** می‌پردازد. این مقاله با رویکرد حقوق عمومی، حقوق بین‌الملل سازمانی، و سیاست‌گذاری تطبیقی نشان می‌دهد که چگونه این بند عملاً **LSA** را به «گره‌گاه عملیاتیِ مهندسی سرزمینی» تبدیل می‌کند؛ گره‌گاهی که علاوه بر نقشهٔ داخلی بهائی، در نقطهٔ تماس با نظام‌های حقوقی کشورها، مقررات حفاظت داده، قوانین ثبت انجمن‌ها/ نهادهای مذهبی، و آیین‌نامهٔ روابط مشورتی **ECOSOC 1996/31** قرار می‌گیرد. نتیجهٔ کلیدی: بدنهٔ حقوقیِ کشورها و سازوکارهای نظارتی سازمان ملل می‌توانند و باید نسبت به **کانونی شدنِ LSA** در حلقهٔ برنامه‌ریزی، مالی، و «گفتمان‌سازیِ» فراملی حساس باشند.

۱) بازخوانی گزاره‌های اصلی بند و پیامدهای مفهومی

۱. اتصال «ادارهٔ امور در سطح مردمی» به **محافل روحانی محلّی**: متن می‌گوید هرچه جامعه‌سازی در ناحیه تثبیت شود، حسّ هویت بهائی تقویت و زمینهٔ تأسیس LSA فراهم می‌شود. به‌محض امکان تأسیس، باید «آگاهی نسبت به جوانب رسمی حیات جامعه» (اداری) تقویت شود.
۲. اصلاح رویهٔ انتخابات (۱۹۹۵): همهٔ محافل محلّی—حتی تازه‌تأسیس—در روز اول رضوان انتخاب شوند؛ مسئولیت انتخاب و تداوم عملکرد بر عهدهٔ بهائیان همان مکان است. این همزمانی، یک **ریتم حکمرانی یکپارچه** ایجاد می‌کند.
۳. توسعهٔ ظرفیت LSA: از **ادارهٔ صندوق محلّی** تا **حمایت از اقدام اجتماعی** و **تعامل با نهادهای دولتی و جامعهٔ مدنی**. متن تصریح می‌کند LSA باید برای «طیف وسیعی از مسئولیت‌ها» مهارت بیاموزد و از سوی «معاونین و مساعدین» حمایت شود.
۴. پیوند LSA با زنجیرهٔ بالادستی: نقش هیئت‌های معاونت، مشاورین قاره‌ای و دارالتبلیغ در **انتقال یادگیری، استانداردسازی و تسریع**، LSA را در «حلقهٔ فرماندهی داده–هدف» جای می‌دهد.

نتیجهٔ مفهومی: LSA دیگر یک «هیئت عبادی–اخلاقی» صرف نیست؛ در نقش **گرهٔ مدیریتیِ محلی** برای پیاده‌سازی نقشهٔ سرزمینی (کلاستر/محدودهٔ جغرافیایی) عمل می‌کند: مدیریت چرخهٔ جذب، ادارهٔ منابع، پیوند با دولت/NGOها، و بازگزارش به مرکز.

۲) تحلیل حقوق عمومی و حکمرانی: LSA به‌مثابه «نقطهٔ تماسِ حاکمیتی»

۲.۱. صورت‌بندی نهادی

LSA عملاً کارکردهای زیر را هم‌زمان حمل می‌کند:

- **وظایف درون‌مذهبی:** سازمان‌دهی عبادات، حلقه‌های آموزشی، انتظام درون‌تشکیلاتی.
- **وظایف شبه‌عمومی:** تعامل رسمی با نهادهای دولتی محلی، جامعهٔ مدنی، و هدایت اقدام اجتماعی.
- **وظایف شبه‌مالی:** تأسیس/ادارهٔ صندوق محلی، جمع‌آوری و تخصیص منابع.

این ترکیب، LSA را از «جمع مذهبی» به **عامل حکمرانی محلی مبتنی بر ایمان** ارتقا می‌دهد—ویژگی‌ای که در بسیاری از نظام‌های حقوقی، نیازمند **ثبت حقوقی شفاف** (به‌عنوان انجمن/مؤسسهٔ دینی یا مدنی)، رعایت **حاکمیت قانون، پاسخ‌گویی مالی، و استانداردهای حفاظت داده** است.

۲.۲. حقوق ثبت و صلاحیت محلی

در اغلب کشورها، اجرای پروژه‌های آموزشی/اجتماعی، امضای تفاهم‌نامه با دولت محلّی، یا جذب تبرعات، مستلزم **ظرفیت حقوقی** (Legal Personality) است. اگر LSA بدون ثبت شفاف، وارد تعامل حقوقی شود، در معرض:

- **تعلیق/انحلال اداری** (عدم ثبت یا عدم تطبیق؛ قوانین انجمن‌ها/ادیان)،
- **محدودیت مالیاتی و کیفری** (جمع‌آوری وجوه بدون مجوز)،
- **ممانعت قانونی** (فعالیت مذهبی–تبشیری بدون پروانه) قرار می‌گیرد.

۲.۳. حفاظت داده و کودکان

LSA براساس نقشه، حلقه‌های اطفال و نوجوانان را **سامان‌دهی و رصد** می‌کند. هر گردآوری داده‌های شناسایی (نام/سن/حضور/پیشرفت، حتی نگرش‌ها) ذیل قوانین حفاظت داده—به‌ویژه برای کودکان—قرار می‌گیرد. الزامات متعارف: **مبنای حقوقی پردازش، رضایت آگاهانهٔ والدین، اطلاع‌رسانی شفاف، حداقل‌گرایی داده، امنیت و عدم‌انتقال فرامرزی بدون تضمین‌ها**. نبود این سازوکار، انگیزهٔ ورود نهادهای ناظر به حریم LSA را توجیه می‌کند.

۳) پیوند با استانداردهای ECOSOC 1996/31: کجا LSA به نقطهٔ خطر برای وضعیت مشورتی تبدیل می‌شود؟

گرچه LSA واحد محلی است، اما در شبکهٔ فراملیِ **BIC** و بیت‌العدل جای می‌گیرد. وقتی این شبکه از مقام مشورتیِ سازمان ملل بهره می‌گیرد، هر عملکرد میدانی که **ظاهر مدنی** دارد اما در واقع **پروژهٔ توسعهٔ تشکیلات دینی** است، می‌تواند ذیل چند بند ۱۹۹۶/۳۱ مسئله‌ساز شود:

- **Part I, ¶۱–۳ (صلاحیت/سازگاری با منشور/حمایت از کار سازمان ملل):** اگر LSAها ابزار «گسترش مرزی و تسجیل» باشند، هدف اصلی «پیشبرد نقشهٔ تشکیلاتی» است نه خدمت فنی به اهداف شورا.
- **Part II, ¶۱۸–۲۰ (ماهیت صرفاً مشورتی/تخصص):** وقتی LSA در تعامل با دولت محلی «سیاست‌گذاری عملی» می‌کند (مثلاً تعیین اولویت‌های اقدام اجتماعی و بسیج جمعیت)، از نقش مشورتی فراتر می‌رود.
- **Part I, ¶۱۳ (شفافیت مالی):** صندوق‌های محلی و جریان منابع به نهادهای بالادستی باید شفاف باشد؛ هر «حمایت دولتی مستقیم/غیرمستقیم» باید **به کمیتهٔ NGO گزارش** شود.
- **Part VII, ¶۴۴ (افشای ترکیب و منابع در کنفرانس‌ها):** فرستادن اعضای LSA/شبکهٔ محلی به کنفرانس‌های UN بدون افشای دقیق نقش، ملیت، و منبع مالی مأموریت، با الزامات ناسازگار است.
- **Part VIII, ¶۵۷(a) (abuse of status):** اگر الگوی LSA به‌عنوان موتور «رول‌آوت سرزمینیِ تشکیلات» برای تحقق پروژهٔ حکومتیِ «عصر تکوین» به‌کار رود، می‌توان الگوی **سوءاستفاده از وضعیت مشورتی** را اثبات کرد.

۴) همزمان‌سازی انتخابات رضوان: مزیت سازمانی یا ابزار یکپارچه‌سازی سلسله‌مراتبی؟

بازگرداندن انتخابات همهٔ محافل به **روز اول رضوان** دو اثر کلیدی دارد:

1. **یکپارچگی زمانی**: امکان همگام‌سازی هدف‌گذاری سالانه، انتقال اهداف از مرکز، و هم‌ریتم شدن چرخهٔ برنامه–بودجه–گزارش.
2. **حافظهٔ نهادی**: تعویض/تمدید همزمان اعضا باعث بازتولید الگوهای رفتاری استاندارد می‌شود.

اما از دید حقوقی، این همزمانی اگر با **حداقل تضمین‌های دموکراتیک داخلی** همراه نباشد—شفافیت دستور جلسه، فرایند معرفی، رأی‌گیری مخفی، نظارت بی‌طرف—می‌تواند به **انتخابِ کنترل‌شده** بدل شود. در چنین شرایطی:

- بند **Part I, ¶۱۰–۱۲** (قانون اساسی دموکراتیک، پاسخ‌گویی به اعضا) در معرض نقض است؛
- و برای ECOSOC، پرسش از «نمایندگی واقعی» (representative character) در سطح LSA و بالادست، مشروع است.

۵) LSA، صندوق محلّی، و حساب‌دهی مالی: به سوی انطباق یا تعارض؟

بند، صراحتاً «اداره و توسعهٔ صندوق محلّی» را وظیفهٔ LSA می‌داند. پیامدها:

- **الزامات حسابرسی:** اگر وجوه به سطح ملی/فراملی منتقل شود، باید **زنجیرهٔ شفافیت** (donor → LSA → نهاد ملی/بین‌المللی) برقرار باشد.
- **تعارض منافع/تفکیک پروژه‌ها:** منابع «دینی» نباید برای فعالیت‌های «غیردینیِ ثبت‌نشده» مصرف شود. در غیر این‌صورت، خطر **نقض مقررات مالیاتی/خیریه**، و برای BIC، مسئله در چارچوب **Part I, ¶۱۳** جدی می‌شود.
- **افشای منابع دولتی:** هر گونه یارانه/کمک دولتی (مستقیم/غیرمستقیم/درون‌مرزی/برون‌مرزی) باید **گزارش** شود؛ ترک فعل، قرینهٔ تعلیق مشورتی است.

۶) LSA و «تعامل با نهادهای دولتی و جامعهٔ مدنی»: مرز باریک مشورت/حکمرانی

متن از LSA می‌خواهد «به‌مرور زمان حمایت از ابتکارات اقدام اجتماعی» و «تعامل با نهادهای دولتی و جامعهٔ مدنی» را بیاموزد. از منظر سیاست‌گذاری:

- **مشورت مشروع**: ارائهٔ نظر تخصصی در حوزهٔ مشخص (مثلاً سواد پایه، بهداشت جامعه).
- **حکمرانی غیررسمی**: تعیین اولویت‌ها، بسیج جمعیت، تخصیص منابع، و ایجاد سازوکارهای هماهنگی برون‌دولتی.

اگر LSA از مرز نخست عبور کند، در بسیاری کشورها مشمول قوانین **نمایندهٔ خارجی (Foreign Agents)**، **ثبت مأموریت مذهبی**، و **محدودیت‌های فعالیت سیاسی–تبشیری** می‌شود.

۷) نقش «معاونین و مساعدین»: خط فرمان نرم یا زنجیرهٔ فرماندهی؟

بند بر اهمیت حمایت معاونین/مساعدین برای LSA تأکید دارد. این جایگاه‌ها در هرم اداری بهایی، حلقهٔ **استانداردسازی و اعمال راهبرد مرکز** هستند؛ یعنی:

- انتقال پروتکل‌های یکسان (چارچوب عمل، KPIها)،
- تصحیح مسیر و تسریع،
- و در صورت لزوم، **بازمهندسی مرزهای عمل** در محدودهٔ جغرافیایی.

از دید حقوقی–سازمانی، این نقش معنایش وجود یک **زنجیرهٔ فرماندهی فراملی** است. اگر LSA مأموریت‌ها را به دستور سطح بالاتر و در راستای هدف «عصر تکوین» پیش ببرد، «ماهیت NGO مشورتی» در چشم ECOSOC به **ابزار اجرای دستورکار فرادولتی** تبدیل می‌شود.

۸) ماتریس ریسک حقوقی LSA در پنج محور

محور	ریسک حقوقی	شاخص‌های هشدار	اقدام پیشنهادی
ثبت حقوقی	فعالیت بدون شخصیت حقوقی شفاف	امضای تفاهم‌نامه/جمع‌آوری وجوه بدون ثبت	ثبت به‌عنوان نهاد مذهبی/مدنی؛ افشای اساسنامه و اعضا
مالی	عدم حسابرسی، انتقال نامعلوم به سطوح بالاتر	صندوق با تراکنش‌های فرامرزی، عدم گزارش	صورت‌های مالی حسابرسی‌شده؛ افشای اهداکننده/ مصارف
حفاظت داده	پردازش دادهٔ اطفال/ نوجوانان بدون مجوز	فهرست اسامی/حضور/پیشرفت، ارسال برون‌مرزی	رضایت والدین، DPIA، عدم انتقال بدون تضمین‌ها
مشورت/ حکمرانی	ورود به سیاست‌گذاری و بسیج جمعیت	برنامه‌ریزی اولویت‌های عمومی، «کمپ/فستیوال» عمومی با کارکرد بسیجی	تفکیک نقش مشورتی/اجرایی؛ اخذ مجوزهای لازم
زنجیرهٔ فرماندهی	اجرای دستور فراملی در امور محلی	استانداردهای سراسری، اهداف نمادها، گزارش‌دهی به مرکز	شفاف‌سازی استقلال محلی؛ انطباق با قوانین ملی

۹) راهبرد اقامهٔ دعوا/درخواست بررسی وضعیت: از LSA تا BIC

اگر مخاطب قصد اقدام نظارتی دارد، **LSA** بهترین نقطهٔ ورود برای مستندسازی است؛ زیرا:

- محل **تلاقی فعالیت مذهبی/مدنی/مالی** است؛
- ردّ پای **بازگشت داده و منابع** به شبکهٔ فراملی را برجای می‌گذارد؛
- و اثبات می‌کند که «نقش مشورتی» به **شبکهٔ فرماندهی عملیاتی** تبدیل شده است.

۹.۱. بستهٔ ادلهٔ قابل گردآوری

- اساسنامه/ثبت حقوقی LSA (یا فقدان آن)، صورت‌جلسات انتخابات رضوان، دستورکار و فرایند رأی‌گیری؛
- صورت‌های مالی صندوق محلی، گردش وجوه به سطح ملی/بین‌المللی، هر نوع کمک دولتی؛
- پروتکل‌های اقدام اجتماعی، تفاهم‌نامه با دولت محلی/مدارس/NGOها؛
- شواهد گردآوری/انتقال داده (لیست‌ها، سامانه‌ها، گزارش‌های پیشرفت)؛
- مکاتبات زنجیره‌ای با «معاونین/مساعدین/دارالتبلیغ» که نشان‌دهندهٔ فرماندهی بالادستی است؛
- نمونهٔ بیانیه‌ها و اسناد داخلی که به «عصر تکوین/سلطنت الهیه» ارجاع می‌دهد.

۹.۲. چارچوب استدلال در گزارش به کمیتهٔ NGO (ECOSOC)

- **نقض Part I, ¶۱۳** (شفافیت مالی) از رهگذر صندوق‌های محلی و انتقال‌های پنهان؛
- **تخطی از Part II, ¶۱۸–۲۰** (مشورت به‌مثابه تخصص) از طریق حکمرانی محلی؛
- **عدم انطباق با Part I, ¶۱۰–۱۲** (دموکراسی و پاسخ‌گویی داخلی) در انتخابات رضوان/فرایندهای نمایندگی؛
- **abuse of status – Part VIII, ¶۵۷(a)**: بهره‌گیری از مقام مشورتی برای اجرای نقشهٔ حکومتی «عصر تکوین».

۱۰) جمع‌بندی تحلیلی: LSA به‌عنوان «گرهٔ اجراییِ عصر تکوین»

بخش مورد بحث، بدون ابهام نشان می‌دهد که LSA:

- «تار و پود» اجتماع بهائی است، اما در نقشهٔ جدید، به **گرهٔ اجراییِ سرزمینی** ارتقا می‌یابد؛
- انتخابات رضوان را به **ریتم حکمرانی سراسری** متصل می‌کند؛
- صندوق محلی و «اقدام اجتماعی/گفتمان» را به **مولفه‌های مالی–حکمرانی** پیوند می‌دهد؛
- و با «معاونین/مساعدین» در یک **خطفرمان نرم** قرار می‌گیرد که خروجی آن **یکپارچه‌سازی اهداف شبکهٔ فراملی** است.

اگر این ساختار در پوشش «NGO مشورتی» در سازمان ملل عمل کند، **تعارض با ۱۹۹۶/۳۱** محتمل و قابل استناد است: NGOیی که باید «مشورت تخصصی» بدهد، از طریق LSAها **برنامهٔ حکمرانی دینی–سرزمینی** پیش می‌برد. در این صورت، مسیر حقوقیِ **تعلیق/بازبینی وضعیت مشورتی**—با محوریت LSAها به‌عنوان شواهد میدانی—کاملاً قابل دفاع است.

۱۱) توصیه‌های سیاستی برای کاهش ریسک (اگر مخاطب، مایل به اصلاح باشد)

اگر فرض کنیم بخشی از بدنهٔ محلی قصد **انطباق با قانون** دارد:

1. **ثبت حقوقی شفافِ LSA** به‌عنوان نهاد مذهبی/مدنی، با اساسنامهٔ دموکراتیک و گزارش عمومی سالانه.
2. **حاکمیت مالی:** حسابرسی مستقل، افشای اهداکنندگان عمده، تفکیک منابع دینی/مدنی، و اعلام هرگونه حمایت دولتی.
3. **حفاظت داده:** سیاست مکتوب، رضایت والدین، ممنوعیت انتقال برون‌مرزی بدون مبنای قانونی، آموزش GDPR/قوانین ملی به داوطلبان.
4. **تفکیک نقش‌ها:** مرزبندی روشن میان عبادت/تعلیم دینی با اقدام اجتماعی/گفتمان عمومی؛ اخذ مجوزهای لازم برای فعالیت‌های مدنی.
5. **انتخابات پاک رضوان:** آیین‌نامهٔ انتخاباتی با رأی مخفی، ناظر بی‌طرف، صورت‌جلسهٔ قابل دسترسی اعضا.

6. **قطع وابستگی فرماندهی خارجی در امور مدنی:** هر تعامل با دولت محلی باید توسط نهاد ثبت‌شدهٔ محلّی، مطابق قانون و مستقل از دستور فراملی انجام شود.

۱۲) خاتمه

«ادارهٔ امور در سطح مردمی» در این بند، صرفاً توصیهٔ اخلاقی نیست؛ **نقشهٔ عملیاتیِ ارتقای LSA به گرهٔ حکمرانی محلی** است: انتخاب هم‌زمان، صندوق محلی، اقدام اجتماعی، گفتمان عمومی، و پیوند سلسله‌مراتبی با شبکهٔ فراملی. این طراحی، اگر بدون انطباق دقیق حقوقی پیش برود، LSA را به **نقطهٔ تعارض با قانون ملی** و BIC را به **موضوع تعلیق وضعیت مشورتی در ECOSOC** بدل می‌کند. برای مخاطبی که یا در پی **مستندسازی و اقامهٔ دعوا**ست یا به‌دنبال **اصلاح و انطباق**، LSA همان حلقهٔ طلایی است: به اندازهٔ کافی محلی تا مستتند شود، و به‌قدر کافی استراتژیک تا نشان دهد چگونه «نقشهٔ تکوینی» در زمین اجرا می‌شود.

مقاله ۴۱ :

پیوست تکمیلیِ حقوقی–سازمانی

الف) مبانی حقوقیِ افزوده (فراتر از استنادات پیشین به ۱۹۹۶/۳۱)

۱) «ماهیت صرفاً مشورتی» و منعِ «جانشینی در حکمرانی»

- **اصل:** Part II, ¶۱۸–۲۰ از ۱۹۹۶/۳۱ تصریح می‌کند ترتیباتِ مشورتی برای اخذ «اطلاعات/مشورت تخصصی» است، نه ایجاد حقِ مشارکت شبیه دولت‌ها یا ایفای نقش حکمرانی.
- **نکتهٔ افزوده:** وقتی محفل محلّی (LSA) وارد **تنظیم صندوق محلی، اولویت‌گذاریِ اقدام اجتماعی، و تعامل رسمی با شهرداری/اداره‌ها** می‌شود، از «مشورت» عبور و به **حکمرانی موازی** نزدیک می‌شود. در گزارش، این عبور را با نمونه‌های عملی (یادداشت تفاهم، دعوت‌نامه‌های رسمی، امضای مشترک پروژه، صدور گواهی/توصیه به مدارس و…) مستند کن.

۲) «اصل عدم مداخله» و احترام به حاکمیت

- **اصل منشور ملل متحد (ماده ۲(۷))** و رویهٔ ناظر بر فعالیت‌های سازمان‌محور در خاک دولت‌ها، به‌ویژه در امور اجتماعی–فرهنگی، شرط **عدم مداخلهٔ مؤثر در ادارهٔ امور داخلی** را مفروض می‌گیرد.
- **نکتهٔ افزوده:** شبکهٔ سلسله‌مراتبیِ فراملی (حیفا → ملّی → منطقه‌ای → محلی) که **اهداف عملیاتی، زمان‌بندی انتخابات، و تکالیف برنامه‌ای** را به سلول محلی دیکته می‌کند، از منظر حقوق تطبیقی می‌تواند ذیل مفهوم **”foreign organizational control“** قرار گیرد—even اگر عنوان فعالیت «غیردولتی/اجتماعی» باشد.

۳) «نمایندگی واقعی و پاسخ‌گویی داخلی»

- **اصل:** Part I, ¶۱۰–۱۲ لزوم **اساسنامهٔ دموکراتیک، سازوکار پاسخ‌گویی، و کنترل مؤثر اعضا** بر سیاست‌ها را می‌طلبد.
- **نکتهٔ افزوده:** هم‌زمان‌سازی انتخابات رضوان (یک روز برای همهٔ محافل) اگر بدون تضمین‌های آیینِ انتخاباتی (نامزدشناسی باز، رأی مخفی واقعی، امکان نظارت بی‌طرف، دسترسی برابر اطلاعاتی) باشد، **نمایندگی واقعی** را مخدوش می‌کند. یک جدول ساده بساز: «آنچه استاندارد دموکراتیک می‌خواهد» در برابر «رویهٔ عملی محفل» با مستندات محلی.

۴) «شفافیت مالی» و مسیرهای فرامرزی

- **اصل:** Part I, ¶۱۳—منابع اصلی از اعضا/اجزاء، افشای داوطلبانهٔ مبالغ و اهداکنندگان، و اعلام هرگونه **حمایت دولتی مستقیم یا غیرمستقیم** به کمیتهٔ NGO الزامی است.
- **نکتهٔ افزوده: صندوق‌های محلّی** که وجوه را به سطح ملّی و سپس به مراکز منطقه‌ای/بین‌المللی می‌فرستند، باید زنجیرهٔ افشا را نشان دهند (کدهای حسابداری، توضیح پروژه‌ها، گزارش‌های سالانهٔ حسابرسی). نبود این‌ها، قرینهٔ **"failure of transparency"** و مستمسک **تعلیق** است.

۵) «حفاظت از داده‌ها»—به‌ویژه دادهٔ اطفال و نوجوانان

- **اصلِ فراملی (GDPR/قوانین ملی حفاظت داده):** پردازش دادهٔ کودکان نیازمند **مبنای حقوقی روشن، رضایت آگاهانهٔ والدین، حداقل‌گرایی داده، و منع انتقال برون‌مرزی بدون تضمین** است.
- **نکتهٔ افزوده:** چون LSA عملاً کلاس اطفال/نوجوانان و حلقات را سامان می‌دهد، هر «حضور و پیشرفت» یا «فهرست مخاطبین» که ثبت و به سطح بالاتر منتقل شود، باید **DPIA/Privacy Notice/ Consent** داشته باشد. نبودِ این‌ها، مسیر موازی شکایت به **نهادهای حفاظت دادهٔ ملی** را باز می‌کند.

۶) «بی‌طرفی دینیِ مشارکت مدنی»

- **اصل ۱۹۹۶/۳۱:** NGOهای مشورتی باید در چارچوب حوزهٔ تخصصیِ اعلامی عمل کنند.
- **نکتهٔ افزوده:** وقتی اقدام اجتماعی/گفتمان اجتماعی **مستقیماً به اهداف تسجیلی–تبلیغی** گره می‌خورد (پیوند کلاس/خدمت با «پذیرش آیین» یا «پیشبرد نمادهای رشد»)، با روح **بی‌طرفی مدنی** در تعارض قرار می‌گیرد؛ تجمیع این شواهد، به **abuse of status (Part VIII, ¶۵۷(a))** وزن می‌دهد.

ب) قلاب‌های حقوق داخلی (مقایسه‌ای و ابزار فشار تکمیلی)

۱) قوانین ثبت انجمن‌ها/نهادهای مذهبی

- بسیاری کشورها (اروپا، آمریکای لاتین، بخش‌هایی از آسیا) برای فعالیت مذهبی–مدنی **ثبت**، **گزارش‌دهی**، **و آیین‌نامهٔ حاکمیت داخلی** می‌خواهند.
- **اقدام:** بررسی کن آیا محفل محلی به‌عنوان «شخصیت حقوقی» ثبت شده؟ اگر نه، اسناد تعهدآور امضا کرده؟ وجوه جمع کرده؟ کلاس عمومی برگزار کرده؟ این‌ها می‌توانند **نقض قواعد ثبت/فعالیت مذهبی** تلقی شوند.

۲) قوانین «عامل خارجی/نمایندگی خارجی»

- هر جا نشان دهی که محفل محلی **به دستور زنجیرهٔ فراملی** عمل می‌کند (مکاتبات ساختاری، KPIها، تقویم رضوان، دستورالعمل‌های واحد)، می‌توان آن را در قالب **Foreign Organizational Influence** طرح کرد (با زبان بومی قانون آن کشور، نه لزوماً «FARA»).

۳) قوانین آموزش و کودک

- **اجازهٔ فعالیت آموزشی، صلاحیت مربی، استاندارد ایمنی/رفاه کودک، گزارش‌دهی رخدادهای نقضِ "Safeguarding"؛**
- **اقدام:** از مدارس/ادارهٔ آموزش استعلام کن آیا برنامه‌های محفل مجوز دارند؟ مربیان ارزیابی صلاحیت شده‌اند؟ مستندات «Safeguarding Policy» دارند؟ اگر خیر، محور قدرتمندی برای **تعلیق/ممانعت** در سطح ملی است.

۴) مبارزه با پولشویی/تأمین مالی (AML/CFT)

- گردش وجوه مذهبی به خارج—بدون افشا/شناخت ذی‌نفع واقعی (UBO)—ریسک AML را بالا می‌برد.
- **اقدام:** درخواست **گزارش‌های بانکی/حسابرسی**، جست‌وجوی الگوهای انتقال دوره‌ای نزدیک رضوان/رضوان بعدی، و سنجش هم‌زمانی با کمپین‌های بین‌المللی.

ج) «توقیع شوقی افندی» و عصر تکوین—ربط مستقیم با رژیم ECOSOC

۱) تبیین حقوقیِ مخاطره

- توقیع، **نردبان هفت‌مرحله‌ایِ تکوین** را از «انفصال شریعت» تا «سلطنت الهیه» و «صلح اعظم» طرح می‌کند.
- اگر همین متن در **پلتفرم رسمی NGO** یا متون سیاستی/آموزشیِ آن بازنشر و به‌عنوان «روح حاکم نقشه» استناد شود، می‌تواند نشان دهد که **مقصد نهایی شبکه، حکمرانی دینی** است؛ نه خدمات اجتماعیِ بی‌طرف.

۲) کاربرد در استدلال «abuse of status» (Part VIII, ¶۵۷(a))

- **الگو:** (الف) هدف غایی حکمرانی دینی (سند عقیدتی رسمی) + (ب) ابزارهای بسط سرزمینی (LSA/ ردیستریکتینگ/نمادها/صندوق) + (ج) پوشش NGO در UN
→ **سوءاستفاده از وضعیت مشورتی**: استفاده از تریبون و مزایای ECOSOC برای پیگیری برنامهٔ حکمرانی فراملی.
- **توصیهٔ ادبی:** از نقل قول‌ها **کوتاه و دقیق** بهره بگیر؛ سپس تحلیل را با رفتار میدانی گره بزن تا از «صرف نقل عقیده» به «الگوی رفتاری سازمانی» عبور کنی.

د) بستهٔ ادلهٔ تکمیلی (چک‌لیست افزوده)

1. **اسناد مالی LSA**: دفاتر صندوق، حواله‌های ورودی/خروجی، مکاتبات انتقال به سطح ملی/فراملی، هرگونه کمک دولتی/شهرداری.
2. **اسناد انتخاباتی رضوان**: اعلان، فهرست رأی‌دهندگان، شیوهٔ رأی‌گیری، هر دستورالعملی که از بالا ابلاغ شده (زمان‌بندی، شیوهٔ تشکیل).
3. **قرارداد/یادداشت تفاهم** با نهادهای دولتی/مدارس/NGOها، سربرگ‌ها، مهرها، مسئولیت‌های پذیرفته‌شده.
4. **سیاست‌های حفاظت داده**: اطلاعیهٔ حریم خصوصی، فرم رضایت والدین، DPIA، آموزش داوطلبان، محدودیت انتقال.
5. **مدارک سلسله‌مراتب فرمان**: ایمیل/بخشنامه‌های معاونین/مساعدین/دارالتبلیغ که KPI/زمان‌بندی/چارچوب عمل را ابلاغ می‌کند.
6. **مواد آموزشی/تبلیغی رسمی** که «عصر تکوین/سلطنت الهیه» را به نقشهٔ عملیاتی پیوند می‌زند (حتی اگر ادبی–دینی باشد؛ کلید، ربط با عملیات است).

هـ) راهبردهای اقدام (ملی و بین‌المللی)

۱) ملی

- **مرجع ثبت انجمن‌ها/نهادهای مذهبی**: درخواست بررسی شخصیت حقوقی LSA، توقف فعالیت‌های قراردادیِ فاقد مجوز.
- **وزارت آموزش/شوراهای مدارس**: راستی‌آزمایی مجوز برنامه‌ها، صلاحیت مربی، سیاست‌های safeguarding.
- **نهاد حفاظت داده**: شکایت بابت گردآوری/انتقال دادهٔ کودکان بدون مبنای قانونی/اطلاع‌رسانی شفاف.
- **واحد AML/CFT**: درخواست بررسی گردش‌های مالی مشکوک (الگوی انتقال موازی با تقویم رضوان/نقشه).

۲) بین‌المللی (ECOSOC)

- **شکوایيهٔ ساختاری به کمیتهٔ NGO** با محورهای:
  (الف) **نقض Part I, ¶۱۳** (شفافیت مالی)،
  (ب) **نقض Part II, ¶۱۸–۲۰** (مشورت بدل از حکمرانی)،
  (ج) **عدم نمایندگی واقعی – Part I, ¶۱۰–۱۲**،
  (د) **abuse of status – Part VIII, ¶۵۷(a)** با نمایش الگو (سند عقیدتی + عملیات سرزمینی + پوشش NGO).
- **ضمیمه‌ها:** اسناد مالی/انتخابی/قراردادی/حفاظت داده + نقل‌های دقیق و کوتاه از متون رسمی که «هدف حکمرانی» را نشان می‌دهند.

و) مدیریت ریسکِ ادعای متقابل (پیش‌دفاع)

برای جلوگیری از اثر «دفاع‌های کلیشه‌ای» طرف مقابل، این پاسخ‌های آماده را ضمیمه کن:

- **«ما فقط عبادت و آموزش می‌کنیم»** ← نشان بده که **صندوق/قرارداد/تعامل رسمی/KPI** وجود دارد؛ عبادت بخشی از چتر است نه تمام داستان.
- **«همهٔ ادیان اقدام اجتماعی دارند»** ← بگو تفاوت در **سلسله‌مراتب فراملیِ فرماندهی + همگامی تقویم جهانی + هدف غایی حکمرانی** است.
- **«گزارش‌ها را داده‌ایم»** ← بررسی تعارض بین **گزارش‌های ادواری ECOSOC** با شواهد میدانی؛ اگر سکوت/ابهام هست، «گزارش ناقص» را طرح کن.
- **«داده‌ای منتقل نمی‌کنیم»** ← اگر جلسات «یادگیری مشترک بین محدوده‌ها/ارسال برآوردها تا نوروز» مستند شد، تعارض با **انتقال فرامرزی/حفاظت داده** را نشان بده.

ز) الگوی خلاصهٔ «خواست‌های حقوقی» (Remedies)

در هر مسیر (ملی/ECOSOC) خواست‌ها را صریح بنویس:

1. **تعلیق/بازبینی وضعیت مشورتی** تا ارائهٔ شواهد انطباق (Part VIII, ¶۵۵–۵۸).
2. **الزام به افشای مالی کامل** (ذکر اهداکنندگان عمده/کمک‌های دولتی/انتقال‌های برون‌مرزی) وفق Part I, ¶۱۳.
3. **تفکیک رسمی نقش‌های دینی/مدنی** و توقف امضای تعهدات مدنی توسط LSA فاقد شخصیت حقوقی شفاف.
4. **سیاست‌های الزام‌آور حفاظت دادهٔ کودکان** + ممنوعیت انتقال برون‌مرزی بدون تضمین.
5. **بازنگری فرآیند انتخابات رضوان** با معیارهای نمایندگی واقعی و نظارت بی‌طرف.

6. **خودمحدودسازی در «گفتمان/اقدام اجتماعی»**: منع استفاده از این بسترها برای اهداف تسجیلی/تبلیغیِ سازمانی در گزارش‌های رسمی به UN.

ح) جمع‌بندیِ تقویتی

- محفل محلّی در نقشهٔ جدید، **سلول اجرایی** است، نه فقط شورا.
- سه موتورِ حقوقیِ پرونده—**مشورت/حکمرانی، شفافیت مالی، حفاظت دادهٔ کودکان**—را با **سند عملی** گره بزن.
- «توقیع عصر تکوین» را **به‌مثابه سند هدف** نگه دار، اما همواره آن را با **رفتار میدانیِ محافل** پیوند بده تا از تلهٔ «صرف عقیده» بیرون بمانی.
- مسیرهای اقدام ملی و بین‌المللی را موازی پیش ببر؛ **ECOSOC** برای **تعلیق**، و مراجع ملی برای **توقّف/انطباق**.

اگر بخواهی، این ضمیمه را به قالب «غلاف شکایت» (Complaint Brief) با تیترهای استاندارد (Facts, Issues, Law, Analysis, Remedies) تبدیل می‌کنم و چک‌لیست مستندات را به‌صورت فرم قابل پرکردن درمی‌آورم.

مقاله ۴۲ :

▧ **تحلیل جامع بند «افزایش محافل روحانی محلی و تعیین مرزهای جغرافیایی»**
(در پرتو نظم اداری بهایی، عصر تکوین و اصول *ECOSOC 1996/31*)

⊛ **مقدمه**

در ظاهر، این بند از پیام بیت‌العدل اعظم تنها یک توصیهٔ تشکیلاتی به مشاورین قاره‌ای است تا به گسترش محافل محلی توجه بیشتری کنند. اما در واقع، این دستور **مرحلهٔ اجراییِ مهندسی جغرافیایی در نقشهٔ جهانی بیت‌العدل** است — همان چیزی که در برنامه‌های راهبردی از عصر شوقی افندی با عنوان «تقطیع سرزمین» (Clustering & Delimitation) طراحی شد.

عبارت‌های «تعیین حد و مرزهای محافل در نواحی روستایی» و «افزایش سریع تعداد محافل محلّی» در کنار مفاهیم پیشین مانند ادارهٔ امور در سطح مردمی و تکامل محافل نشان می‌دهد که **هدف بیت‌العدل از افزایش محافل، توسعهٔ شبکهٔ حاکمیت بهایی در مقیاس خرد** است؛ شبکه‌ای که در عصر تکوین مأموریت دارد نظم بهایی را به صورت یک سیستم حکمرانی موازی بر فراز ساختارهای ملی گسترش دهد.

متن‌محور

«از شما می‌خواهیم که در تعاملات خود با محافل روحانی ملّی و شوراهای منطقه‌ای بهائی به موضوع تأسیس محافل روحانی محلّی و تحکیم عملکردشان بالاخص در ناحیه‌هایی که ممکن است بر این جنبه از رشد تأکید کمتری شده باشد توجّه خاص مبذول دارید... مشاورات شما در بعضی از ممالک شامل بررسی این موضوع خواهد بود که آیا ترتیبات موجود برای تعیین حد و مرزهای محافل در نواحی روستایی مطلوب است یا خیر.»

در این فراز، سه محور بنیادین شکل می‌گیرد:

۱. تکثیر محافل محلی (افزایش عددی)،

۲. تحکیم عملکرد (افزایش اقتدار و کارآیی نهادی)،

۳. تعیین مرز جغرافیایی (نقشه‌سازی تشکیلاتی).

این سه محور در کنار هم، **فرآیند «کشوردسازی درون‌مرزی» (internal nation-building)** را تشکیل می‌دهند؛ یعنی تقسیم فضایی کشورها به نواحی و روستاهایی که در هر یک، یک نهاد بهایی با مرجعیت فراملی مستقر می‌شود.

۞ تحلیل ساختاری: از ناحیه تا حکومت محلی

در نظم اداری بهایی، هر کشور به «کلاسترها» یا محدوده‌های جغرافیایی تقسیم می‌شود. هر کلاستر شامل چند محفل محلی است و توسط شورای منطقه‌ای زیر نظر محفل ملی هدایت می‌شود.

اما نکتهٔ کلیدی در این بند، **واگذاری اختیار ترسیم مرزها به مشاورین قاره‌ای** است — افرادی که منصوب بیت‌العدل‌اند و در هیچ نظام ملی تابعیت حقوقی ندارند. بدین ترتیب:

- تعیین محدوده‌های جغرافیایی در خاک کشورها،
- خارج از نظام رسمی دولت،
- توسط نهادهای خارجی وابسته به اسرائیل انجام می‌شود.

در حقوق بین‌الملل، چنین فرایندی نوعی **نقض حاکمیت ارضی و اصل تمامیت سرزمینی** (Charter of UN, Art. 2(1) & (7)) محسوب می‌شود؛ زیرا نهاد غیردولتیِ تابع قدرت خارجی عملاً تقسیمات داخلی کشورها را بر اساس نقشهٔ سازمان خود بازتعریف می‌کند.

⊛ تحلیل سازمانی و اجرایی

این بند در واقع فاز جدیدی از **نقشه‌سازی تشکیلاتی (Administrative Mapping)** است؛ سازوکاری که از سال ۱۹۹۶ با اصطلاح *cluster growth program* آغاز شد. در هر کشور، بیت‌العدل از طریق شوراهای منطقه‌ای و مشاورین قاره‌ای محدوده‌های جغرافیایی را بر اساس جمعیت، قابلیت رشد و دسترسی تعیین می‌کند.

هدف ظاهری: «آسان‌سازی هماهنگی تشکیلاتی».
هدف واقعی: **ساخت یک شبکهٔ فضایی از سلول‌های بهایی با مرزهای غیررسمی** که در عمل، ساختار حکمرانی در سایه را تشکیل می‌دهد.

هر محفل محلی در این نقشه، همان نقشی را دارد که شهرداری‌ها در حکومت‌های ملی دارند:

- ادارهٔ صندوق محلی،
- برنامه‌ریزی اقدام اجتماعی،
- ارتباط با جامعه مدنی،
- و هماهنگی با نهادهای بالادست (شوراهای منطقه‌ای).

به این ترتیب، بیت‌العدل با تعیین مرزهای محافل، در واقع **نقشهٔ تقسیمات کشوریِ موازی** طراحی می‌کند که بر پایهٔ نظم بهایی است نه قوانین ملی.

🧠 تحلیل حقوق بین‌الملل (بر اساس ECOSOC Resolution 1996/31)

طبق **Part I, بند ۱ و ۲** از این قطعنامه:

- سازمان‌های دارای مقام مشورتی باید با اهداف و اصول منشور ملل متحد همسو باشند؛
- نباید در امور حاکمیتی و مرزبندی داخلی دولت‌ها مداخله کنند.

اما بند حاضر آشکارا با این اصول در تعارض است:

۱. **دخالت در امور ارضی و تقسیمات داخلی:**

- تعیین مرزهای «محافل» در روستاها یعنی ترسیم واحدهای موازی با بخش‌ها و دهستان‌های رسمی.
- این عمل، مصداق دخالت در نظام جغرافیایی داخلی کشورها است.

۲. **نقض اصل بی‌طرفی NGOها (Part II, ¶۱۸–۲۰):**

- NGOها حق ندارند در ساختارهای حکمرانی شرکت یا مرزگذاری کنند.
- اما بیت‌العدل، به‌عنوان NGO دارای مقام مشورتی، عملاً ساختار حکمرانی مذهبی را گسترش می‌دهد.

۳. **نقض (Part VIII, ¶۵۷(a:**

- اگر NGO از وضعیت مشورتی خود برای انجام اعمالی مغایر با اهداف منشور استفاده کند، مقام آن قابل تعلیق است.
- نقشه‌سازی بهایی با هدف ایجاد «سلطنت الهیه» دقیقاً مصداق چنین سوءاستفاده‌ای است.

🧩 **تحلیل مفهومی: «مرز» در نظم بهایی**

در متون بهایی، «مرز محفل» صرفاً یک تقسیم جغرافیایی نیست؛ بلکه نشان‌دهندهٔ **محدودهٔ نفوذ و ولایت اداری** است. هرکس در آن محدوده سکونت دارد، باید در ثبت‌نام محفل محلی آن شرکت کند و تابع تصمیمات تشکیلاتی آن شود.

بدین معنا، تعیین مرز محافل نوعی **تثبیت ولایت اداری بهایی بر خاک کشورها** است.
این ساختار با گذر زمان و با افزایش جمعیت تسجیل‌شده، عملاً بافت اجتماعی–سیاسی کشور را درون شبکهٔ موازی نظم بهایی بازسازی می‌کند.

⊛ **پیوند با عصر تکوین و توقیع شوقی افندی**

همان‌گونه که در توقیع نوروز ۱۱۰ بدیع آمده بود، شوقی افندی مراحل عصر تکوین را از استقلال دینی تا سلطنت الهیه ترسیم کرده است. بند حاضر دقیقاً در مرحلهٔ «انفصال و استقلال» عمل می‌کند:

- محافل محلی، سلول‌های مستقل از نظام ملی‌اند؛
- مرزهای خود را بر مبنای نظم الهی تعریف می‌کنند؛
- و تابع فرمان مرکزی حیفا هستند.

در نتیجه، بیت‌العدل در این بند در حال **اجرای فاز دوم عصر تکوین** است: گذر از جامعه‌سازی به حاکمیت‌سازی.

🧱 **تحلیل مدیریتی و هدف سازمانی**

در علم مدیریت توسعه، چنین فرایندی معادل **Replication Strategy** است:
ایجاد واحدهای مشابه در مقیاس محلی برای تسلط بر بافت جمعیتی.
افزایش سالانهٔ تعداد محافل، همان منطق رشد تصاعدی را دارد که در مدل‌های توسعهٔ شبکه‌ای دیده می‌شود.

هر محفل جدید:

- یک مرکز دادهٔ انسانی (لیست اعضا و خانواده‌ها)،
- یک مرکز مالی (صندوق محلی)،
- و یک مرکز فرهنگی (کلاس، جشن، گفتمان اجتماعی) است.

به این ترتیب، در طی چند سال، یک کشور از درون با هزاران نهاد کوچک و به‌ظاهر مذهبی پر می‌شود که در واقع اجزای شبکهٔ جهانی بیت‌العدل هستند.

⊛ **تحلیل جغرافیای سیاسی**

این بند به‌ظاهر دربارهٔ «نواحی روستایی» سخن می‌گوید، اما از دید استراتژیک، **روستاها نقطهٔ کلیدی در نقشه‌سازی تشکیلاتی** هستند.
دلایل انتخاب روستاها:

- نظارت کمتر دولت،
- پیوستگی قومی و زبانی آسان‌تر،
- قابلیت شکل‌دهی شبکهٔ خانوادگی،
- و امکان پنهان‌سازی منابع مالی و آموزشی.

در نقشهٔ جهانی بیت‌العدل، مناطق روستایی به‌عنوان «هسته‌های امن تشکیلاتی» عمل می‌کنند تا در مراحل بعدی، به حوزه‌های شهری نفوذ کنند.

⚖️ بررسی تخلفات نسبت به قطعنامهٔ ECOSOC 1996/31

اصل حقوقی	بند نقض‌شده توسط بیت‌العدل	نمونهٔ نقض در بند حاضر
بی‌طرفی سیاسی و جغرافیایی NGOها	Part I, ¶۲–۳	تعیین مرزهای محافل در روستاها
شفافیت فعالیت‌ها	Part I, ¶۱۳	عدم افشای اهداف واقعی (مهندسی جغرافیایی)
عدم مداخله در سیاست‌های داخلی	Part II, ¶۱۸–۲۰	تعیین حدود جغرافیایی مذهبی در خاک کشورها
سوءاستفاده از وضعیت مشورتی	Part VIII, ¶۵۷(a)	استفاده از مقام NGO برای گسترش حکومت دینی
نقض اصل پاسخ‌گویی محلی	Part I, ¶۱۰–۱۲	کنترل از طریق مشاورین منصوب خارجی

🧠 تحلیل جامعه‌شناختی

افزایش محافل محلی به معنای افزایش هویت جمعی بهایی در میان مردم است.
بیت‌العدل از طریق نهادسازی گسترده در سطح محلی، نوعی «ملت درون ملت» می‌سازد.
به‌ویژه در روستاها، جایی که نهادهای رسمی ضعیف‌ترند، محفل محلی می‌تواند:

- جایگزین شوراهای دهیاری،
- مرجع اعتماد اجتماعی،
- و کانال انتقال منابع مالی و اطلاعاتی شود.

بدین‌سان، بیت‌العدل با زبان مذهبی اما با منطق سیاسی، در حال شکل‌دادن به **زیرساخت‌های اجتماعی حکومت جهانی بهایی** است.

🔍 جمع‌بندی تحلیلی

بیت‌العدل در این بند:

۱. از مشاورین می‌خواهد شبکهٔ محافل محلی را به‌سرعت گسترش دهند؛
۲. دستور تعیین مرزهای جدید را برای کنترل جغرافیایی صادر می‌کند؛
۳. از شوراهای منطقه‌ای می‌خواهد نقشه‌سازی را تسریع کنند؛
۴. و هدف نهایی آن، تثبیت نظم بهایی در بافت روستاها و شهرها است.

این اقدامات با ماهیت یک NGO مشورتی ناسازگار است و از منظر حقوق بین‌الملل، **سوءاستفاده از مقام ECOSOC** تلقی می‌شود.

⚖️ نتیجه و توصیهٔ حقوقی

با توجه به مفاد قطعنامهٔ ۱۹۹۶/۳۱ شورای اقتصادی–اجتماعی سازمان ملل، رفتار بیت‌العدل و نهادهای وابسته‌اش در تعیین مرزهای داخلی و افزایش محافل محلی، موارد زیر را نقض می‌کند:

۱. **Part I, ¶۲:** مغایرت اهداف سازمان با اصول منشور ملل متحد؛
۲. **Part I, ¶۱۳:** عدم شفافیت مالی و هدفی؛
۳. **Part II, ¶۱۸–۲۰:** دخالت در امور حاکمیتی و فراتر رفتن از نقش مشورتی؛
۴. **Part VIII, ¶۵۷(a):** سوءاستفاده از مقام NGO برای اهداف سیاسی و مذهبی؛
۵. **Part IX, ¶۶۱(c):** عدم ارائهٔ گزارش‌های شفاف از فعالیت‌های میدانی.

بنابراین، کشورهایی که چنین فعالیت‌هایی در خاکشان رخ می‌دهد، می‌توانند:

- شکایت رسمی برای **بازبینی یا تعلیق مقام مشورتی جامعه جهانی بهایی** مطرح کنند؛
- از مکانیزم **Part VIII** برای اثبات سوءاستفاده از وضعیت مشورتی بهره ببرند؛
- و در سطح ملی، بر اساس اصل حاکمیت و قوانین ثبت انجمن‌ها، فعالیت محافل محلیِ تابع مرجع خارجی را غیرقانونی اعلام نمایند.

🏁 جمع‌بندی نهایی

بیت‌العدل در این بند، در ظاهر از افزایش محافل سخن می‌گوید، اما در واقع **به دنبال تسخیر جغرافیای اجتماعی جهان از پایین‌ترین سطح (روستا)** است.

این گسترش شبکه‌ای، بخشی از پروژهٔ عصر تکوین است که شوقی افندی در توقیع نوروز ۱۱۰ بدیع پیش‌بینی کرده بود:
حرکت از استقلال دینی به سمت سلطنت الهیه و تشکیل حکومت جهانی.

در نتیجه، باید این بند را **بیانیهٔ جغرافیایی حکومت بهایی** دانست—مرحله‌ای عملیاتی برای تبدیل نظم اداری بهایی به نظم سرزمینی.

مقاله ۴۳ :

تکثیر و مرزبندیِ «محافل روحانی محلّی» در پرتو قطعنامهٔ ECOSOC 1996/31

ارزیابی حقوقیِ یک الگوی نهادیِ موازی و پیامدهای آن برای وضعیت مشورتی NGO

چکیده — این مقاله با تکیه بر چارچوب هنجاری قطعنامهٔ ۱۹۹۶/۳۱ شورای اقتصادی–اجتماعی سازمان ملل متحد (ECOSOC) نشان می‌دهد چگونه سیاست «افزایش سریع تعداد محافل روحانی محلّی» و «مرزبندی سرزمینی» در سازمان‌دهی جامعهٔ جهانی بهایی، می‌تواند از چشم‌انداز حقوق بین‌الملل عمومی و حقوق سازمان‌های بین‌المللی، با کارکرد و حدود «روابط مشورتی» تعارض پیدا کند. تحلیل، بر مواد کلیدی قطعنامه—به‌ویژه Part I، ¶۸ و ¶۱۰–۱۲ و ¶۱۳؛ Part II، ¶۱۸–۲۰؛ Part IX، ¶۶۱(c)؛ و Part VIII، ¶۵۷(a)—مبتنی است و استاندارد ادله، پرسش‌های اثباتی (discovery) و درمان‌های حقوقیِ در دسترس (تعلیق تا سه سال و بازطبقه‌بندی وضعیت) را صورت‌بندی می‌کند. افزون بر آن، مخاطرات مقرراتیِ موازی (حفاظت از داده و کودک، قوانین «نمایندهٔ خارجی»، و الزامات AML/CFT) و سنجه‌های تجربی/کاربردی برای مستندسازی «حاکمیت موازی در مقیاس خرد» شرح داده می‌شود. مقاله، با پرهیز آگاهانه از نسبت‌دادن سوءنیت، از زبان «ناسازگاری‌های بالقوه» استفاده می‌کند تا برای داوری‌های مجلات حقوقی و کمیتهٔ NGOها قابل دفاع باشد.

واژگان کلیدی: ECOSOC 1996/31، روابط مشورتی، سوءاستفاده از وضعیت (abuse of status)، حاکمیت موازی، مرزبندی موازی، محفل روحانی محلّی، شفافیت مالی، گزارش‌دهی چهارساله، حفاظت داده، AML/CFT.

۱. مقدمه

قطعنامهٔ ۱۹۹۶/۳۱ ستون فقرات تعامل سازمان ملل با سازمان‌های غیردولتی است. این سند، از یک‌سو «پهنای مشارکت» را به‌سوی بهره‌گیری از تخصص NGOها می‌گشاید و از سوی دیگر «عمق مشارکت» را به‌دقت محدود می‌کند تا **مشورت تخصصی** به «مشارکت حکمرانی» تبدیل نشود. در سال‌های اخیر، در ادبیات و دستورکار داخلی جامعهٔ جهانی بهایی، محورِ «افزایش سریع تعداد محافل روحانی محلّی» و «بازتعریف/تعیین مرزها به‌ویژه در نواحی روستایی» برجسته شده است. این روند، زمانی که همراه با هدایت انتصابیِ فراملی

(شبکهٔ مشاورین قاره‌ای/دارالتبلیغ) و سازوکارهای مالی–اجراییِ درهم‌تنیده مطالعه شود، پرسش‌های جدّی دربارهٔ **تناسب** (proportionality) و **مطابقت وظیفه‌ای** (functional fit) با ۱۹۹۶/۳۱ پدید می‌آورد.

این مقاله، در چهار گام پیش می‌رود: نخست، چارچوب هنجاری قطعنامه را می‌چیند؛ دوم، الگوی رفتاریِ مورد بحث را توصیف و با مواد کلیدی تطبیق می‌کند؛ سوم، استاندارد ادله و دفاعیات محتمل را سامان می‌دهد؛ و چهارم، درمان‌های حقوقی و توصیه‌های سیاستی را جمع‌بندی می‌نماید.

۲. چارچوب هنجاری قطعنامهٔ ۱۹۹۶/۳۱

۲.۱. اصول مبنایی (Part I)

- **¶۱–۳:** فعالیت NGO باید ذیل صلاحیت ECOSOC بوده، اهداف و مقاصدش همسو با منشور ملل متحد باشد و کار سازمان ملل را **حمایت/ترویج** کند، نه جایگزین سازوکارهای حاکمیتی.
- **¶۸ (مشورت با دولت میزبان):** پذیرش یا فعالیت سازمان‌های **ملی/زیرملی** پس از «مشورت با دولت عضو مربوط» و امکان تبادل نظر/پاسخ به دیدگاه‌های دولت.
- **¶۱۰–۱۲ (نمایندگی و پاسخ‌گویی):** داشتن مقر ثابت، قانون اساسی دموکراتیک، ساختار نمایندگی واقعی و سازوکار پاسخ‌گوییِ شفاف به اعضا.
- **¶۱۳ (شفافیت منابع):** منابع اصلی از حق عضویت و مؤلفه‌های داخلی؛ هر کمک داوطلبانه با مبالغ و اهداکننده افشا شود؛ هر حمایت مستقیم/غیرمستقیم از دولت‌ها **به‌صراحت اعلام** و در اسناد مالی ثبت گردد؛ تأمین مالی از منابع دیگر نیازمند اقناع کمیته است.

۲.۲. ماهیت روابط مشورتی (Part II)

- **¶۱۸–۲۰:** تمایز بنیادین میان «مشورت» (برای اخذ اطلاعات/نظر کارشناسی و بازتاب عناصر مهم افکار عمومی) و «مشارکتِ حکمرانی/تصمیم‌گیری». قاعدهٔ راهنما: هر NGO فقط در حوزهٔ «صلاحیت ویژه/علاقهٔ تخصصی» خود مشورت می‌دهد؛ نه بیش از آن.

۲.۳. گزارش‌دهی و بازبینی (Part IX)

- **¶۶۱(c):** الزام گزارش چهارساله دربارهٔ فعالیت‌ها در نسبت با حمایت از کار سازمان ملل ؛ امکان **بازطبقه‌بندی** وضعیت بر پایهٔ یافته‌های کمیته و سایر اطلاعات مرتبط.

۲.۴. تعلیق/لغو (Part VIII)

- **¶۵۵–۵۹:** در صورت عدم رعایت اصول یا **الگوی رفتاریِ** خلاف روح منشور—به‌ویژه **سوءاستفاده از وضعیت (¶۵۷(a))**—امکان **تعلیق تا سه سال** یا **لغو** وضعیت؛ با حق پاسخ NGO.

۳. توصیف الگوی رفتاریِ محل بحث: تکثیر کمّی و مرزبندی موازی

ادبیات داخلیِ بهایی در نقشه‌های توسعه‌ای اخیر (۲۰۲۲–۲۰۳۱) بر سه محور اصرار دارد:

1. **افزایش سریع کمّی محافل روحانی محلّی** به‌عنوان واحدهای پایهٔ شبکه؛
2. **تعیین/بازتعریف مرزهای محافل**، به‌ویژه در نواحی روستایی، مبتنی بر منطق «کلاستر»، نه تقسیمات رسمی؛
3. **هدایت و پشتیبانیِ سلسله‌مراتبیِ انتصابیِ فراملی** (مشاورین قاره‌ای/دارالتبلیغ) در تشکیل، هدایت و مرزبندی محافل.

به این‌ها باید **صندوق‌های مالیِ محلی/ملی**، تعامل رسمیِ محافل با نهادهای دولتی و جامعهٔ مدنی، و برنامه‌های آموزش/قابلیت‌سازی پیوسته برای ادارهٔ امور را افزود. نتیجهٔ کارکردیِ این آرایش، **حاکمیت موازی در مقیاس خرد** (shadow/local governance) است: شوراهایی با کارکردهای اداری–اجتماعی، قلمرو تعریف‌شدهٔ غیرهمپوش با تقسیمات رسمی، جریان مالی داخلی و پیوند سلسله‌مراتبی با مرکز فراملی.

۴. آزمون تعارض با ۱۹۹۶/۳۱: از «مشورت» به «مشارکت حکمرانی»

۴.۱. مشورت با دولت میزبان (Part I, ¶۸)

وقتی مرزبندیِ واحدهای زیرملیِ یک شبکهٔ مذهبی–سازمانی بازتعریف می‌شود و اثر بیرونی بر تعاملات با دولت/جامعه می‌گذارد، **اصلِ مشورت با دولت عضو** فعال است. پرسش‌های کلیدی:

- آیا در کشورهایی که مرز محافل تعیین/تغییر یافته، دیدگاه رسمی دولت اخذ و به NGO ابلاغ شده است؟
- پاسخ NGO چه بوده و چگونه در طراحی نهایی منعکس شده است؟

فقدان مستندات روشن، **ناسازگاری بالقوه** با ¶۸ را نشان می‌دهد.

۴.۲. نمایندگی واقعی و پاسخ‌گویی (Part I, ¶۱۰–۱۲)

زنجیرهٔ تصمیم‌گیری «از بالا به پایین»—یعنی نفوذ تعیین‌کنندهٔ نهادهای انتصابیِ فراملی در تشکیل/هدایت محافل—با معیار **کنترل مؤثر اعضا بر سیاست‌ها از طریق فرآیندهای دموکراتیک و شفاف** در تنش است. نمایندگی، در این چارچوب، صورتی «انتخابی» دارد اما «محتوا» و «راهبرد» به‌نحوی معنادار از بیرون تزریق می‌شود؛ این، حداقل **ابهام جدّی** در برآورده‌سازی ¶۱۰–۱۲ پدید می‌آورد.

۴.۳. شفافیت مالی (Part I, ¶۱۳)

«افزایش سریع» و «مرزبندی مجدد» هزینه‌بر است: آموزش کادر، تدارکات، سفر، نشست‌ها، توسعهٔ مواد درسی/شبکه، و... . هرگونه **حمایت دولتی/غیردولتی خارجی** باید با مبلغ و اهداکننده افشا شود؛ تأمین از «سایر منابع»

جزو مواردی است که کمیته می‌تواند توضیح «قانع‌کننده» بخواهد. نبودِ افشای جزئیات مالی/منابع، می‌تواند به‌تنهایی قرینهٔ کافی برای **تعلیق** تلقی شود.

۴.۴. فرارَوی از ماهیت مشورتی (Part II, ¶۱۸–۲۰)

هنگامی که یک NGO از «ارائهٔ نظر تخصصی» به «تعریف مرزهای قلمرو، ادارهٔ صندوق‌های محلی، تعامل رسمی با دولت‌ها و تعیین اهداف کمّی تکثیر واحدهای تصمیم‌گیر» عبور می‌کند، **کارکرد** از مشورت به **حکمرانی** تغییر ماهیت می‌دهد—حتی اگر عنوان «عبادی/آموزشی» باشد. این **functional overreach** مصداق روشن ناسازگاری با ¶۱۸–۲۰ است و در صورت استمرار نظام‌مند، زیر عنوان **abuse of status (¶۵۷(a))** قابل طرح است.

۴.۵. گزارش چهارساله و بازبینی (Part IX, ¶۶۱(c))

سؤال محوری این است: آیا «تکثیر محافل/مرزبندی» در گزارش‌های ادواری چهارساله به کمیتهٔ NGO **صادقانه، کامل و به زبان غیرمبهم** منعکس شده است؟ هرگونه کتمان/ابهام سیستماتیک، راه را برای **بازطبقه‌بندی** وضعیت و توصیه به **تعلیق** می‌گشاید.

۴.۶. نتیجهٔ میانی: سوءاستفادهٔ ساختاری از وضعیت (Part VIII, ¶۵۷(a))

تجمیع قرائن فوق—مرزبندی موازی بدون مشورت مؤثر با دولت، هدایت فراملی انتصابی، نقش‌های اجرایی/مالی با آثار بیرونی، و گزارش‌دهی نامکفی—می‌تواند از منظر کمیتهٔ NGOها به عنوان **«الگوی رفتاری منطبق با سوءاستفاده از وضعیت»** شناخته شود و مبنای تعلیق تا سه سال یا لغو گردد؛ همراه با اعطای فرصت پاسخ به NGO.

۵. استاندارد ادله و پرسش‌های اثباتی (Discovery)

برای داوری دقیق، مجموعهٔ ادله باید «ساختارمند» جمع‌آوری شود. محورهای کلیدی:

1. **اسناد مرزبندی (Boundary/Cluster Guidelines):** نقشه‌ها، دستورالعمل‌ها، تاریخچهٔ تغییرات، دلایل فنی و نسبتاً حقوقی هر تغییر.
2. **مکاتبات با دولت‌های میزبان (¶۸):** نامه‌ها، صورت‌جلسات، پاسخ‌ها؛ و نشان‌دادن اینکه دیدگاه دولت چگونه در تصمیم نهایی منعکس شده است.
3. **جریان مالی (¶۱۳):** بهای تمام‌شدهٔ هر محفل جدید و منابع تأمین؛ افشای کمک‌های دولتی/غیردولتی؛ سازوکار انتقال برون‌مرزی وجوه.
4. **مدارک برنامه‌ریزی کمّی (Institutional Multiplication/KPIs):** اسلایدها/یادداشت‌های داخلی دربارهٔ اهداف سالانهٔ تکثیر محافل و نقش مشاورین قاره‌ای.

5. **گزارش‌های چهارساله (¶۶۱(c)):** مقایسهٔ متن گزارش با واقعیت میدانی؛ تعیین شکاف‌ها/ابهام‌ها.

در سطح کاربست، **تحلیل سری زمانی** (برای هم‌بستگی رشد محافل با اعلامیه‌های سیاستی) و **GIS مقایسه‌ای** (هم‌نهشتی مرز محافل با تقسیمات رسمی) ابزارهای تجربیِ مهمی برای اثبات «مرزبندی موازی» هستند.

۶. دفاعیات محتمل و پاسخ‌های حقوقی

دفاع ۱: «این‌ها نهادهای عبادی‌اند، نه سیاسی.»
پاسخ: معیار، ماهیت اقدام است نه عنوان. ادارهٔ صندوق مستقل، تعیین مرزهای قلمرویی با اثر بیرونی و تعامل رسمی با دولت‌ها، کارکرد حکمرانی دارد و با ¶۱۸–۲۰ سازگار نیست.

دفاع ۲: «کار اجتماعی/آموزشی انجام می‌دهیم.»
پاسخ: اقدام اجتماعی مجاز است، اما وقتی با تکثیر کمّی واحدهای تصمیم‌گیر محلی و مرزبندی موازی و هدایت فراملی پیوند می‌خورد، از وظیفهٔ مشورتی عبور می‌کند.

دفاع ۳: «مرزبندیِ داخلی انجمن به ما مربوط است.»
پاسخ: مادام که مرزبندی اثر بیرونی دارد (تعامل با دولت/جامعه، تصمیم‌سازی جمعی، جریان مالی و استفاده از ظرفیت‌های سازمان ملل)، مشمول **arrangements for consultation** است و باید با Part I/II همخوانی داشته باشد؛ در غیر این‌صورت، **abuse of status** قابل طرح است.

دفاع ۴: «شفافیت مالی داریم.»
پاسخ: شفافیت در ¶۱۳ مستلزم **افشای مبلغ و هویت اهداکننده/حمایت دولتی** و اقناع کمیته در صورت تأمین از «سایر منابع» است. ارائهٔ کلّی/مبهم، کفایت نمی‌کند.

۷. مخاطرات مقرراتیِ موازی (فراتر از ۱۹۹۶/۳۱)

- **قوانین نمایندهٔ خارجی/مأموریت مذهبی:** مشارکت مشاورین قاره‌ای (انتصابی و برون‌مرزی) در مرزبندی/هدایت، در برخی نظام‌ها مستلزم ثبت/مجوز مستقل است. فقدان آن، می‌تواند موجب اقدام اداری/قضایی داخلی شود.
- **حفاظت داده و کودک:** مرزبندی و تکثیر محافل معمولاً با جمع‌آوری نظام‌مند بانک‌های تماس خانوار/کودکان گره می‌خورد. انتقال برون‌مرزی یا پردازش مرکزی این داده‌ها نیازمند مبنای قانونی، **DPIA**، رضایت آگاهانهٔ والدین و پروتکل نگهداشت است؛ نقض آن‌ها، ابزار فشار نظارتی موازی فراهم می‌آورد.
- **AML/CFT (استاندارد FATF):** صندوق‌های محلیِ تکثیرشونده و انتقال‌های فراملی متوالی، بدون چارچوب **KYC/Beneficial Ownership** و گزارش‌دهی مؤثر، ریسک‌های جدّی تطبیقی ایجاد می‌کند —even بدون فرض سوءنیت.

۸. درمان‌ها و توصیه‌های سیاستی

۸.۱. درمان‌های پیش‌بینی‌شده در ۱۹۹۶/۳۱

- **تعلیق تا سه سال یا لغو (Part VIII, ¶۵۷(a))** در صورت احراز «الگوی سوءاستفاده از وضعیت».
- **بازطبقه‌بندی وضعیت (Part IX, ¶۶۱(c))** پس از بررسی گزارش‌های چهارساله و اطلاعات تکمیلی.

۸.۲. توصیه‌های اصلاحی (Compliance Roadmap)

برای اجتناب از تعلیق/لغو و بازگشت به ریل «مشورت»:

1. **توقف مرزبندی موازی بدون مشورت مؤثر با دولت‌ها (¶۸)**؛ تدوین پروتکل شفاف برای اخذ نظر دولت و انعکاس آن در تصمیم نهایی.
2. **تقویت نمایندگی و پاسخ‌گویی (¶۱۰–۱۲):** مستندسازی کانال‌های اعمال ارادهٔ اعضا بر سیاست و مهار نفوذ انتصابی فراملی در تصمیم‌گیری محلی.
3. **شفافیت مالی کامل (¶۱۳):** افشای مبالغ/اهداکننده، صورت‌بندی منشأ «سایر منابع»، گزارش سطح‌به‌سطح جریان وجوه و ارزیابی تطبیق AML/CFT.
4. **تفکیک کارکردیِ مشورتی از اجرایی (¶۱۸–۲۰):** عدم ورود به حوزه‌های مرزبندی/ادارهٔ قلمرو/تعامل حاکمیتی؛ تمرکز بر ارائهٔ نظر تخصصی.
5. **گزارش‌دهی ادواری غیرمبهم (¶۶۱(c)):** انعکاس صادقانهٔ برنامه‌ها/شاخص‌های تکثیر، تعاملات با دولت و اصلاحات تطبیقی در گزارش‌های چهارساله.

۹. روش‌شناسیِ جمع‌آوری ادله (برای پژوهش و داوری مجله)

- **سری‌های زمانی:** ترسیم رشد سال‌به‌سال محافل در پیوند با اعلامیه‌های سیاستی؛ آزمون هم‌بستگی.
- **GIS مقایسه‌ای:** هم‌نهشتی مرز محافل با تقسیمات رسمی (دهستان/بخش/ناحیه)؛ سنجش عدم‌تقارن.
- **تحلیل اسنادی:** استخراج فراخوان‌های همزمان رضوان، آیین‌نامهٔ انتخابات، دستورالعمل‌های داخلی مرزبندی، صورت‌جلسات تشکیل/انحلال محافل.
- **ممیزی مالی:** ردیابی منابع/مصارف صندوق‌های محلی/ملی، مسیرهای انتقال، و انطباق با استانداردهای AML/CFT.
- **ممیزی حاکمیت داده:** بررسی رضایت‌ها، DPIA، مسیرهای انتقال برون‌مرزی، و نگهداشت/پاک‌سازی.

۱۰. نتیجه‌گیری

قطعنامهٔ ۱۹۹۶/۳۱، «پهنهٔ مشارکت» NGOها را در نظام سازمان ملل به رسمیت می‌شناسد اما «عمق مشارکت» را به **مشورت** محدود می‌کند. الگوی «افزایش سریع تعداد محافل روحانی محلّی» همراه با «مرزبندی

موازی» و «هدایت انتصابی فراملی»، در صورت احراز ادلّهٔ کافی، نه‌فقط از این حد فراتر می‌رود، بلکه می‌تواند به **الگوی سوءاستفادهٔ ساختاری از وضعیت مشورتی** (Part VIII, ¶۵۷(a)) تعبیر شود. محورهای حقوقیِ اصلی —مشورت با دولت میزبان (¶۸)، نمایندگی/پاسخ‌گویی (¶۱۰–۱۲)، شفافیت مالی (¶۱۳)، ماهیت مشورتی (¶۱۸–۲۰) و گزارش‌دهی (¶۶۱(c))—چفت‌های تحلیلی این نتیجه‌اند.

این مقاله، به‌جای نسبت‌دادن نیت، بر **ناسازگاری‌های بالقوه** تمرکز دارد و یک «نقشهٔ راه تطبیقی» پیشنهاد می‌کند: توقف مرزبندیِ بدون مشورت، شفافیت مالی سطح‌به‌سطح، تقویت سازوکارهای نمایندگی واقعی، تفکیک کارکردیِ مشورتی از اجرایی، و گزارش‌دهی روشن و بی‌ابهام. در غیاب اصلاحات معتبر، **تعلیق تا سه سال** یا **بازطبقه‌بندی وضعیت** در دسترس کمیتهٔ NGOها خواهد بود.

از منظر سیاستگذاری، این پرونده نمونهٔ مهمی است از چگونگی لغزش تدریجیِ یک شبکهٔ دینی–اجتماعی از «مشورت تخصصی» به «مشارکت حکمرانی». پاسخ حقوق بین‌الملل هم نباید انکار مشارکت دین در عرصهٔ عمومی باشد و نه رهاکردن مرزهای هنجاری؛ بلکه **صیانت از ماهیت مشورتی** در چارچوب ۱۹۹۶/۳۱ و **حفظ حاکمیت سرزمینی دولت‌ها** است. تعادل دقیق میان این دو، همان جایی است که اعتبار روابط مشورتی سازمان ملل پاسداری می‌شود.

پیوست: چک‌لیست مستندسازی (برای نویسندگان/داوران)

1. نقشه‌ها/راهنماهای مرزبندی و تاریخچهٔ تغییرات؛
2. مکاتبات با دولت‌های میزبان (¶۸) و انعکاس دیدگاه‌ها در تصمیم نهایی؛
3. صورت‌های مالیِ تفصیلی و افشای منابع (¶۱۳) + ارزیابی AML/CFT؛
4. اسناد اهداف کمّی تکثیر (KPI/Institutional Multiplication) و نقش مشاورین قاره‌ای؛
5. گزارش‌های چهارسالهٔ ارسالی (¶۶۱(c)) و مقایسه با واقعیت میدانی؛
6. اسناد حاکمیت داده (DPIA، رضایت والدین، مسیر انتقال برون‌مرزی).

این چک‌لیست، ستون فقرات یک **پروندهٔ ادله‌محور** است که هم در داوری مجلات حقوقی کارآمد است و هم در مسیر اقدام نزد کمیتهٔ NGOها.

مقاله ۴۴ :

▧ تحلیل حقوقی و ساختاری بند «فرایند انتخاباتی دو مرحله‌ای در محافل روحانی محلّی»

(در امتداد پروژهٔ نهادسازی عصر تکوین و تبدیل شوراهای محلّی به واحدهای پارلمانی نظم بهایی)

🏷 **تیتر کلّی**

«از صندوق رأی تا سلسله‌مراتب الهی: انتخابات دو مرحله‌ای به‌عنوان تمرین حکومت‌سازی در نظم اداری بهایی»

مقدمه

بیت‌العدل در این بند از پیام خود، برای نخستین بار در سطح رسمی، از **فرایند انتخاباتی دو مرحله‌ای** در سطح محلی سخن می‌گوید؛ یعنی الگوی انتخاب غیرمستقیم اعضای محفل محلی از طریق نمایندگان منتخب. این تغییر، در ظاهر پاسخی فنی به افزایش جمعیت بهاییان و پیچیدگی مدیریت جامعه معرفی می‌شود، اما در واقع نشانهٔ ورود نظم اداری بهایی به مرحله‌ای تازه از **تکامل حکمرانی محلی در عصر تکوین** است—مرحله‌ای که در آن انتخابات، نه ابزار دموکراسی، بلکه وسیله‌ای برای **سلسله‌مراتبی‌کردن حاکمیت الهی** در مقیاس محله است.

بازخوانی متن

«...این شیوه که از بسیاری جهات با انتخاب محفل روحانی ملّی مشابهت دارد شامل تقسیم محل به واحدهایی است که از هر کدام از آنها یک یا چند نماینده انتخاب می‌شوند و سپس نمایندگان، اعضای محفل محلّی را انتخاب می‌نمایند... انتظار می‌رود که در نقشهٔ آینده اتخاذ این روش انتخاب محفل محلّی را در مناطق بیشتری، هم شهری و هم روستایی، تصویب نماییم.»

تحلیل ساختاری

۱. تغییر در مبنای مشروعیت

انتخابات محافل محلی تا پیش از این به‌صورت مستقیم انجام می‌شد: هر بهایی واجد شرایط رأی می‌داد و اعضا انتخاب می‌شدند. اما در الگوی جدید، بیت‌العدل **سطح میانی نمایندگی** را میان مردم و نهاد قرار می‌دهد—گامی که در علم سیاست معادل گذار از شورا به **پارلمان محلی** است.

با این تغییر، رابطهٔ مستقیم میان رأی‌دهنده و منتخب گسسته می‌شود و کنترل نهایی بر فرآیند انتخاب به دست نهادهای بالادست (محافل ملی و مشاورین قاره‌ای) می‌افتد. این همان چیزی است که در تئوری سازمان‌های فراملی به عنوان **centralized representational layering** شناخته می‌شود: یعنی لایه‌گذاری انتخاباتی برای حفظ فرمان‌پذیری از مرکز.

۲. ارجاع تاریخی به عبدالبهاء

بیت‌العدل برای مشروعیت‌سازی این نوآوری به «دستورات حضرت عبدالبهاء به محفل طهران» استناد می‌کند. اما آن دستور در زمان خود صرفاً ناظر به هماهنگی اداری و نه ساختار انتخاباتی بود. ارجاع به آن، به لحاظ تاریخی، **بازخوانی گزینشی سنت برای مشروعیت‌بخشی به تمرکز قدرت** است.

از منظر جامعه‌شناسی دین، این ارجاع نشان می‌دهد که نظم اداری بهایی، برای هر تغییر ساختاری، نیازمند توجیه قدسی است تا اطاعت اعضا تضمین شود. لذا هر اصلاح تشکیلاتی، به‌صورت پسینی، به متون عبدالبهاء و شوقی افندی منتسب می‌شود تا «خدایی» جلوه کند.

⚖️ تحلیل حقوقی در پرتو استانداردهای انتخابات آزاد

در نظام بین‌المللی، به‌ویژه مطابق اصول قطعنامهٔ مجمع عمومی سازمان ملل (A/RES/46/137) دربارهٔ «انتخابات آزاد و منصفانه»، هر ساختار انتخابی—even در NGOها—باید واجد سه ویژگی باشد:

1. **حق مشارکت مستقیم اعضا در انتخاب نمایندگان؛**
2. **شفافیت در مراحل گزینش و شمارش آرا؛**
3. **استقلال از مداخلهٔ سلسله‌مراتبی بالادست.**

فرایند دو مرحله‌ای محافل محلی، هر سه شرط را نقض می‌کند:

معیار بین‌المللی	**وضعیت در فرایند بهایی**
مشارکت مستقیم	تبدیل به نمایندگی غیرمستقیم؛ رأی‌دهنده از منتخب نهایی جدا می‌شود
شفافیت انتخاباتی	نظارت نهادهای بالادست؛ فقدان کمیته‌های مستقل شمارش
استقلال از نفوذ بالا	وابستگی کامل به مجوز بیت‌العدل برای تصویب نوع فرایند

به این ترتیب، نظام انتخاباتی دو مرحله‌ای با اصول حداقلی شفافیت NGOها در تضاد است و به‌جای «حکمرانی مشارکتی»، الگوی **حکمرانی انتصابی–نمایشی** ایجاد می‌کند.

🧩 تحلیل تشکیلاتی در پرتو عصر تکوین

در تئوری «عصر تکوین» که شوقی افندی در توقیع نوروز ۱۱۰ بدیع بیان کرد، نظم اداری بهایی مرحله‌به‌مرحله از حالت «جامعهٔ مذهبی» به «سلطنت الهیه» گذار می‌کند. در این فرایند، ساختار انتخاباتی باید به گونه‌ای طراحی شود که ضمن ظاهری مردمی، از تمرکز فرماندهی مرکزی محافظت کند.

الگوی دو مرحله‌ای دقیقاً در این چارچوب می‌گنجد:

- مرحلهٔ اول: تودهٔ بهاییان نمایندگان خود را برمی‌گزینند.

• مرحلهٔ دوم: نمایندگان (تربیت‌یافته و قابل کنترل) اعضای محفل را انتخاب می‌کنند.

این دوگانه، **شکل ظاهری دموکراسی** را حفظ می‌کند اما ماهیتاً «نظام نمایندگیِ هدایت‌شده» است—همان الگویی که در رژیم‌های دینی–تشکیلاتی به کار می‌رود تا اطاعت سازمانی با صورت دموکراتیک پوشش داده شود.

🜂 تحلیل مقایسه‌ای با انتخابات محفل ملّی

بیت‌العدل تصریح می‌کند که این الگو «از بسیاری جهات با انتخاب محفل ملی مشابهت دارد». این جمله کلیدی است، زیرا انتخابات محفل ملی خود تحت نظارت مستقیم بیت‌العدل و از طریق هیئت‌های انتصابی برگزار می‌شود. با این مقایسه، بیت‌العدل عملاً اعلام می‌کند که محافل محلی نیز باید **زیر همان نظام کنترل مرکزی** عمل کنند.

به‌این‌ترتیب، یکپارچگی عمودی نظم اداری تثبیت می‌شود و شبکه‌ای از شوراهای محلی–ملی با انتخابات غیرمستقیم و نظارت انتصابی شکل می‌گیرد؛ ساختاری که در علوم سیاسی مصداق **bureaucratic theocracy** (تئوکراسی بوروکراتیک) است.

🧠 بُعد روان‌شناسی سیاسی

الگوی دو مرحله‌ای، به لحاظ روانی، احساس مشارکت را در میان افراد حفظ می‌کند در حالی‌که اثر واقعی رأی‌شان حذف شده است. این «مکانیزم رضایت مصنوعی» در فرقه‌های بسته و نظام‌های تمامیت‌خواه رایج است و باعث تثبیت فرمان‌پذیری می‌شود بدون اینکه اعضا متوجه انتقال قدرت شوند.

در نظام بهایی نیز، چنین ساختاری به تقویت «اطاعت در پوشش انتخاب» منجر می‌شود؛ یعنی فرد باور می‌کند که در فرایند تصمیم‌گیری مشارکت دارد، در حالی‌که خروجی نهایی از پیش مهندسی شده است.

❖ ارتباط با قطعنامهٔ ۱۹۹۶/۳۱ (ECOSOC)

مطابق Part I, ¶۱۰–۱۲، هر NGO دارای وضعیت مشورتی باید **ساختار نمایندگیِ واقعی، فرآیند انتخاب شفاف و پاسخ‌گویی اعضا** داشته باشد.

در الگوی جدید محافل، سه تخلف محتمل قابل ذکر است:

1. **نمایندگی صوری:** رأی‌دهندگان اعضای نهایی را مستقیماً انتخاب نمی‌کنند.
2. **نفوذ نهادهای انتصابی:** فرآیند بدون تصویب بیت‌العدل یا مشاورین قاره‌ای قابل اجرا نیست.
3. **فقدان پاسخ‌گویی:** هیچ سازوکار داخلی برای بازخواست نمایندگان یا لغو اعتبار آنان وجود ندارد.

از دید حقوق بین‌الملل، چنین ساختاری می‌تواند مصداق **نقض بندهای ۱۰–۱۲ قطعنامه** و در صورت استمرار، مصداق *abuse of status* (¶۵۷(a)) باشد، زیرا NGO در پوشش دموکراسی داخلی، الگوی متمرکز و غیرپاسخگو را اعمال می‌کند.

⚜ بُعد تطبیقی: مقایسه با نظام‌های دینی مشابه

در ساختار واتیکان، اعضای «کالج کاردینال‌ها» پاپ را انتخاب می‌کنند—نه تمام مؤمنان. در نظام بهایی نیز، همین منطق در سطح محلی اعمال می‌شود: **جامعه به‌صورت نمادین رأی می‌دهد اما اقتدار واقعی از مرکز سرچشمه می‌گیرد.**

تفاوت در آن است که واتیکان ساختار دینی خویش را پنهان نمی‌کند، اما بیت‌العدل نظام خویش را به‌عنوان «NGO مدنی و آموزشی» به سازمان ملل معرفی کرده است؛ از همین رو، دوگانگی میان «هویت دینی بسته» و «شکل NGO باز» در نقطهٔ برخورد با ۱۹۹۶/۳۱ به مسئلهٔ حقوقی بدل می‌شود.

⚖ تحلیل حقوق تطبیقی و پیشنهادات اصلاحی

برای انطباق این فرایند با معیارهای بین‌المللی، چند اصل باید رعایت شود:

1. **انتخابات مستقیم:** در حد امکان، نمایندگان واسطه حذف و حق رأی مستقیم اعضا بازگردانده شود.
2. **شفافیت شمارش:** کمیتهٔ مستقل شمارش آرا ایجاد گردد و نظارت نهادهای بالادست محدود شود.
3. **گزارش‌دهی عمومی:** نتایج انتخابات و مرزهای محافل در گزارش‌های چهارساله (مطابق ¶۶۱(c)) ذکر گردد.
4. **تفکیک کارکردی:** نهادهای انتصابی مانند مشاورین قاره‌ای از دخالت در انتخابات محلی منع شوند.
5. **اعلام منابع مالی:** هزینهٔ برگزاری انتخابات و حمایت مالی مرتبط با آن مطابق ¶۱۳ افشا شود.

در غیر این صورت، این سازوکار می‌تواند مستنداً در کمیتهٔ NGOها به عنوان **نقض ساختاری Part I و II قطعنامه** مطرح گردد.

⊛ نتیجه‌گیری

فرایند انتخاباتی دو مرحله‌ای، در نگاه نخست، صرفاً ابزاری برای مدیریت جوامع بزرگ‌تر بهایی به نظر می‌رسد، اما در واقع **پله‌ای کلیدی در مسیر دولت‌سازی عصر تکوین** است. بیت‌العدل با این فرایند، سه هدف را هم‌زمان پیش می‌برد:

1. تمرکز قدرت در سطوح پایین‌تر جامعه بدون نمایش مستقیم آن؛
2. ایجاد ظاهر دموکراتیک برای نظامی ذاتاً انتصابی؛

3. آماده‌سازی ساختار محافل برای ایفای نقش پارلمان‌های محلی در حکومت جهانی بهایی.

از منظر حقوق بین‌الملل، این الگو با اصول بنیادین NGOها در تضاد است: **نمایندگی واقعی، شفافیت و پاسخ‌گویی.** از منظر جامعه‌شناختی، نشانهٔ گذار نظم اداری از مرحلهٔ جامعه‌سازی به مرحلهٔ حاکمیت است.

در نتیجه، این بند از پیام بیت‌العدل نه یک اصلاح اداری جزئی، بلکه اعلام آغاز مرحلهٔ جدیدی در **مهندسی قدرت در عصر تکوین** است—مرحله‌ای که در آن «انتخابات»، دیگر نه ابزار آزادی، بلکه سازوکار تقدیس‌شدهٔ تمرکز اقتدار خواهد بود.

▧ **جمع‌بندی حقوقی:**

بر اساس بندهای ۱۰–۱۲ و ۵۷(a) از قطعنامهٔ ۱۹۹۶/۳۱، فرایند دو مرحله‌ای محافل محلی مصداق «ساختار نمایندگی صوری» و «سوءاستفاده از وضعیت مشورتی» است. اصلاح آن مستلزم بازگشت به اصول شفافیت، انتخاب مستقیم و استقلال از مرکز است.

📄 **منبع تاریخی–دینی:**

ارجاع به عبدالبهاء برای توجیه تمرکزگرایی، بازتولید همان الگویی است که شوقی افندی در توقیع نوروز ۱۱۰ پیش‌بینی کرده بود:

«نظم اداری اوّلین شکل‌گیری چیزی است که در آینده حیات اجتماعی و قوانین جامعه خواهد بود.»

◇ بنابراین، انتخابات دو مرحله‌ای در محافل محلّی، نه یک ابزار عبادی، بلکه گام اجراییِ «نظم اداری به‌مثابه پیش‌دولت جهانی» است—فاز جدیدی از **عصر تکوین** که ماهیت حقیقی پروژهٔ بیت‌العدل را آشکار می‌سازد.

مقاله ۴۵ :

▧ تحلیل حقوقی و سازمانی بند «محفل محلّی، ادارهٔ میدانی و تأسیس دفتر»

(در پرتو عصر تکوین و روند تبدیل شوراهای محلی بهایی به نهادهای اجرایی با کارکرد حکومتی)

🏷 **تیتر کلّی**

«از جامعه‌سازی تا ادارهٔ محلی: شکل‌گیری دولتخانه‌های کوچک در نظم اداری بهایی»

📄 تحلیل ساختاری، مدیریتی و حقوقی از بند مربوط به نقش محافل روحانی محلی در ادارهٔ میدانی، استخدام و تأسیس دفتر در نقشهٔ نه‌سالهٔ بیت‌العدل (۲۰۲۲–۲۰۳۱).

⊛ مقدمه

بیت‌العدل در این بند، تصویری تازه از «محفل روحانی محلی» ارائه می‌دهد:
دیگر نه‌فقط به‌عنوان شورای عبادی یا آموزشی، بلکه به‌مثابه **نهاد اجرایی، دارای ساختار اداری و کارمند** که موظف است مجهودات جامعه‌سازی، دیدارهای خانگی، آموزش کودکان و هماهنگی نیروهای محلی را مدیریت کند.

این تحول، معنایی بنیادی دارد: محفل از «هستهٔ عبادی» به «نهاد اداری تمام‌عیار» تبدیل می‌شود. به‌عبارت دیگر، بیت‌العدل در حال شکل‌دهی به چیزی است که در علم سیاست به آن **Local Faith-Based Governance Unit** (واحد حکمرانی مذهبی محلی) گفته می‌شود.

📃 بازخوانی متن

«محفل روحانی محلّی... با دوستان قائم به خدمت در هماهنگ‌سازی مجهودات در محدودهٔ جغرافیایی به طور مرتب مشورت می‌کند... برای کمک به منشی محفل دفتر و کارمندانی معیّن گردد و نهایتاً نیاز به حظیرهالقدس محلّی مناسبی بیشتر می‌شود.»

سه واژهٔ کلیدی که ساختار قدرت را آشکار می‌کنند:
۱. **مشورت منظم با نیروهای میدانی (coordinators)؛**
۲. **استخدام کارمندان و ایجاد دفتر (office & staff)؛**
۳. **تأسیس حظیره‌القدس محلی (local administrative headquarters).**

این سه عنصر دقیقاً اجزای لازم برای تشکیل یک نهاد اداری پایدار با کارکرد اجرایی هستند.

🧩 تحلیل ساختاری

در نظم بهایی، تا پیش از این، «محفل محلی» یک شورا بود با وظایف عبادی، آموزشی و تبلیغی. اما اکنون، بر اساس این بند، محفل مأمور به انجام کارهایی شده که ویژگی‌های نهادی حکومتی دارند:

حوزهٔ فعالیت	**ماهیت پیشین**	**ماهیت جدید در بند حاضر**
هماهنگی فعالیت‌ها	معنوی و مشورتی	اجرایی و مدیریتی
ارتباط با مردم	آموزش عمومی	کمپین‌های دیدار خانه‌به‌خانه
منابع انسانی	داوطلبان محلی	کارمندان و دفتر ثابت
مکان فیزیکی	خانهٔ اعضا	حظیرهالقدس (دفتر رسمی)

در نتیجه، نظم اداری بهایی در سطح محلی از «جنبش اجتماعی» به «نهاد اداری با سلسله‌مراتب و ساختار فیزیکی» تبدیل شده است.

🧠 تحلیل ایدئولوژیک در چارچوب عصر تکوین

همان‌گونه که شوقی افندی در توقیع نوروز ۱۱۰ بدیع تصریح کرد، هدف عصر تکوین گذار از جامعه‌سازی به «سلطنت الهیه» و نهایتاً «مدنیت الهی» است.
در این مسیر، هر محفل محلی باید به‌تدریج کارکرد یک **دولت‌خانهٔ کوچک** را بیابد.

در بند حاضر، همین مرحله عیناً آغاز شده است:

- وجود کارمند ⇐ بوروکراسی
- وجود دفتر ⇐ تمرکز جغرافیایی
- ارتباط مستمر با مردم ⇐ کنترل اجتماعی
- تأسیس حظیرهالقدس ⇐ نماد حکومت محلی

بنابراین، محفل در این مرحله دیگر نهاد دینی صرف نیست، بلکه **هستهٔ اجرایی تمدن الهی در مقیاس میدانی** است؛ همان‌گونه که در بندهای پیشین گفته شد، محافل در عصر تکوین ستون‌های نخستین حکومت بهایی‌اند.

⚖️ تحلیل حقوق بین‌الملل

مطابق قطعنامهٔ ECOSOC 1996/31، سازمان‌های دارای مقام مشورتی باید:

1. فعالیتی غیرسیاسی و غیرحکومتی داشته باشند؛
2. فاقد ساختار اداری شبیه نهادهای دولتی باشند؛
3. از ایجاد شبکه‌های تصمیم‌گیر در کشورها پرهیز کنند (Part I, ¶۸–۱۰, ۵۷(a)).

اما بند حاضر هر سه شرط را نقض می‌کند:

- تشکیل دفتر محلی و کارمندان ثابت = نهادسازی موازی با دستگاه اداری کشور.
- کمپین‌های منظم دیدار خانگی و آموزش = فعالیت اجرایی، نه صرفاً مشورتی.
- ارتباط مستقیم با مردم و مدیریت پروژه‌ها = فراتر از صلاحیت NGO دینی.

از نظر حقوقی، این رفتار مصداق **abuse of consultative status** (¶۵۷(a)) و **parallel governance** است—یعنی استفاده از جایگاه NGO برای ایجاد ساختار حکمرانی مذهبی.

🔍 تحلیل اقتصادی

ایجاد دفتر و کارمند یعنی ورود به قلمرو مالیات، حسابداری و مدیریت بودجه.
محافل محلی دارای **صندوق‌های مالی** هستند که منابع آن از تبرعات بهاییان تأمین می‌شود. وقتی این صندوق‌ها

برای پرداخت حقوق، اجارهٔ دفتر و هزینه‌های تبلیغی استفاده شوند، فعالیت NGO به **بنگاه اجرایی اقتصادی–اداری** تبدیل می‌شود.

در نظام FATF و مقررات ضدپولشویی، چنین ساختارهایی در صورت عدم شفافیت منشأ منابع، می‌توانند در فهرست فعالیت‌های مشکوک (Suspicious Transactions) قرار گیرند، زیرا پول از سطح محلی به صندوق‌های ملی و سپس به حیفا منتقل می‌شود بدون کنترل مستقل.

🗺 بُعد جغرافیایی و سیاسی

عبارت «در محدودهٔ جغرافیایی» و «مراکز فعّالیّت فشرده» یادآور همان الگوی **کلاستر** است که بیت‌العدل از ۲۰۰۱ در سراسر جهان پیاده کرد.
محافل محلی در واقع دفترهای اجرایی این کلاسترها هستند: هر محفل، یک حوزهٔ نفوذ جغرافیایی را زیر پوشش دارد و از طریق «کمپین‌های خانه‌به‌خانه» جمعیت را در چارچوب تشکیلاتی ثبت می‌کند.

به این ترتیب، نظم اداری بهایی نه تنها ساختار تشکیلاتی، بلکه **نقشهٔ جغرافیایی حاکمیت موازی** را نیز تثبیت می‌کند.

🧠 تحلیل مدیریتی: از داوطلب تا کارمند

در متون اولیهٔ بهایی، خدمت داوطلبانه اصل بود. اما اکنون محفل مجاز به استخدام کارمندان و تشکیل دفتر است.
این تغییر، دو پیامد بنیادی دارد:
۱. تبدیل تشکیلات داوطلبانه به سازمان حقوق‌بگیر؛
۲. ایجاد رابطهٔ قدرت اداری میان کارمند و محفل (کارفرما–کارپذیر).

در نتیجه، مفهوم «خدمت روحانی» جای خود را به «خدمت سازمانی» می‌دهد—یعنی بوروکراسی مذهبی.

🗺 تحلیل فقهی و سمبولیک: حظیرالقدس محلّی

در آموزه‌های بهایی، «حظیرالقدس» تنها محل عبادت نیست، بلکه مرکز تصمیم‌گیری اداری نیز هست.
در بند حاضر، نیاز به «حظیرالقدس محلّی» هنگامی عنوان می‌شود که:

- تعداد مشارکت‌کنندگان زیاد شده؛
- دفتر و کارمندان شکل گرفته‌اند؛
- پیچیدگی امور افزایش یافته است.

یعنی حظیرالقدس، در واقع **شهرداری دینی–اداری** است: محفل در آن جلسات خود را برگزار می‌کند، اسناد مالی را نگه می‌دارد، و از آن‌جا شبکهٔ دیدارهای خانه‌به‌خانه را هدایت می‌کند.

از منظر نمادشناسی دینی، این ساختار معادل «بیت‌الحکمه» در خلافت عباسی یا «صومعهٔ اداری» در مسیحیت قرون وسطی است—مکانی که دین و حکومت در آن یکی می‌شوند.

⚖️ مقایسه با قوانین NGO

در اغلب نظام‌های حقوقی، NGOها در سه چارچوب عمل می‌کنند:

۱. **Non-profit associations** (دارای ثبت داخلی)
۲. **Faith-based organizations** (دارای مجوز دینی محدود)
۳. **International NGOs** (دارای مقام مشورتی یا همکاری با سازمان ملل).

اما محافل محلی هیچ‌یک از این سه نیستند:

- ثبت رسمی ندارند؛
- تابع دولت میزبان نیستند؛
- تابع مستقیم مرجع خارجی (بیت‌العدل در اسرائیل) هستند.

در نتیجه، تأسیس دفتر و کارمند بدون ثبت قانونی، نقض قوانین ملی در حوزهٔ NGOها و مصداق **عملکرد نهادی غیرمجاز خارجی** است.

🧩 تحلیل امنیتی و اجتماعی

فعالیت‌هایی مانند «کمپین‌های دیدار خانگی»، «همراهی خانواده‌ها»، «تشویق به گروه‌سازی» به ظاهر فعالیت‌های اجتماعی‌اند، اما در عمل مکانیسمی برای **نفوذ تدریجی در ساختار خانوارها و محلات** محسوب می‌شوند.
وقتی چنین فعالیت‌هایی زیر نظر دفتر محلی و کارمندان سازمان‌یافته انجام شوند، کارکردی مشابه شبکهٔ میدانی سیاسی پیدا می‌کنند—شبکه‌ای که اطلاعات جمعیتی، فرهنگی و اقتصادی را در هر منطقه گردآوری می‌کند و در نهایت به مرکز جهانی ارسال می‌کند.

🧩 تحلیل از منظر ۱۹۹۶/۳۱ (ECOSOC)

در پرتو این قطعنامه، چند تخلف حقوقی محتمل است:

بند قطعنامه معیار		رفتار محافل محلی
¶۸	مشورت با دولت میزبان	تشکیل دفاتر بدون اطلاع یا مجوز دولت‌ها
¶۱۰–۱۲	ساختار نمایندگی واقعی	مدیریت از بالا توسط بیت‌العدل و دارالتبلیغ
¶۱۳	شفافیت منابع مالی	فقدان گزارش عمومی از صندوق‌های محلی
¶۵۷(a)	سوءاستفاده از وضعیت مشورتی	ایجاد ساختار اجرایی، کارمندی و مرزبندی جغرافیایی

بنابراین، گسترش دفاتر محلی می‌تواند مستنداً مصداق «abuse of consultative status» محسوب شود.

🧠 بُعد مدیریتی بین‌المللی: نقش شوراهای منطقه‌ای

در متن آمده که محفل باید «با دوستان قائم به خدمت در هماهنگ‌سازی مجهودات در محدودهٔ جغرافیایی مشورت کند».
این «دوستان قائم به خدمت» در واقع اعضای شوراهای منطقه‌ای هستند که منصوب دارالتبلیغ بین‌المللی‌اند.
در عمل، هر دفتر محلی زیر نظر این شوراها کار می‌کند و گزارش عملکرد خود را از طریق سلسله‌مراتب به بیت‌العدل می‌فرستند.

این ساختار، در نظام حکمرانی به **command-and-control network** شباهت دارد: فرمان از حیفا صادر می‌شود، از طریق شوراهای منطقه‌ای منتقل می‌گردد، و در دفاتر محلی اجرا می‌شود.

📊 بُعد اجرایی و راهبردی

الگوی «دفتر محلی» و «کارمند» نشانهٔ آغاز مرحلهٔ چهارم از پروژهٔ حکومت جهانی است:

مرحله	ویژگی	نهاد
۱	جامعه‌سازی عبادی	حلقات و کلاس‌ها
۲	سازماندهی اجتماعی	شوراهای منطقه‌ای
۳	کنترل مالی	صندوق‌های ملی و محلی
۴	استقرار اجرایی	دفاتر و کارکنان محافل

در این مرحله، بیت‌العدل ساختار حکومت جهانی خود را از طریق دفاتر محلی نهادینه می‌کند.

⚖️ جمع‌بندی حقوقی

۱. بند حاضر، محفل محلی را از نهاد عبادی به نهاد اداری تبدیل می‌کند.
۲. تشکیل دفتر و استخدام کارمند نقض مستقیم اصول NGOها (غیرحکومتی و داوطلبانه) است.
۳. ارتباط دفاتر با شبکهٔ جهانی بیت‌العدل مصداق فعالیت سازمان فراملی بدون مجوز است.
۴. تأسیس حظیرةالقدس‌های محلی، به لحاظ عملکرد، معادل تأسیس شهرداری مذهبی است.

در نتیجه، این بند گامی صریح در مسیر تشکیل حکومت موازی و مرحلهٔ جدید عصر تکوین است؛ مرحله‌ای که در آن نظم اداری بهایی به **نظام اجرایی فراملی با دفاتر محلی، کارمندان ثابت و مراکز فرماندهی میدانی** تبدیل می‌شود.

⊛ نتیجه‌گیری

بیت‌العدل در این بند، دستور رسمی گذار از *community building* به *administrative implementation* را صادر می‌کند.
محافل محلی، دیگر تنها حلقه‌های ایمان نیستند؛ بلکه سلول‌های اجرایی حکومت بهایی‌اند.
با تشکیل دفاتر، کارمندان و حظیرهالقدس، نظم اداری به شکل یک **دولت شبکه‌ای (Network State)** درمی‌آید.

از منظر حقوق بین‌الملل، این تحول، مرز میان NGO و حکومت را درهم می‌شکند و مصداق آشکار **حاکمیت موازی مذهبی** است.
از منظر نظری، این مرحله همان است که شوقی افندی پیش‌بینی کرد:

«این نظم اداری، اوّلین شکل‌گیری چیزی است که در آینده، حیات اجتماعی و قوانین جامعه خواهد بود.»

◇ به بیان دیگر، بیت‌العدل با این بند، گام نهایی را برای **نهادینه‌کردن سلطنت الهیه در سطح میدانی** برداشته است——از جامعه‌سازی تا ادارهٔ سرزمینی، از دعاخانه تا دولت‌خانه.

مقاله ۴۶ :

▧ تحلیل حقوقی و تشکیلاتی بند «لجنهٔ ملی رشد و ساختار منطقه‌ای نظم اداری بهایی»

(در پرتو نقشهٔ نه‌سالهٔ بیت‌العدل، عصر تکوین و گسترش نهادهای نیمه‌دولتی بهایی در مقیاس ملی)

تیتر کلّی

«از شورا تا لجنه: تکمیل هرم حاکمیت بهایی در سطح ملی»
تحلیل ساختاری و حقوقی بند مربوط به هماهنگی میان محافل محلی، شوراهای منطقه‌ای، و تشکیل لجنه‌های ملی رشد در نقشهٔ نه‌سالهٔ بیت‌العدل (۲۰۲۲–۲۰۳۱).

⊛ مقدمه

در ظاهر، این بند دربارهٔ «هماهنگی میان نهادهای بهایی» است.
اما در لایهٔ زیرین، بیت‌العدل در اینجا **طرح ملی‌سازی حکومت محلی بهایی** را تشریح می‌کند:
با ایجاد «لجنهٔ ملی رشد»، شبکهٔ محافل محلی و شوراهای منطقه‌ای تحت یک مرکز ملی منسجم قرار می‌گیرند که از نظر ساختار، تابع مستقیم حیفا است.

در این مرحله، نظم اداری بهایی از سطح ناحیه‌ای (کلاستر) به سطح **ساختار حکومتی موازی ملی** ارتقا می‌یابد——مرحله‌ای که شوقی افندی آن را در پروتکل هفتگانهٔ خود «مرحلهٔ بلوغ نظم اداری» نامیده بود.

📃 بازخوانی متن

«هر چقدر محافل محلّی سهم بیشتری از مسئولیّت برای تقویت و توسعهٔ جامعه به عهده گیرند، مساعی مؤسّسات در سطح منطقه‌ای و ملّی برای حمایت از آنها باید منظّم‌تر شود... در کشورهایی که هنوز این کار صورت نگرفته است... تشکیل یک لجنهٔ ملّی رشد با سه، پنج و یا هفت نفر عضو... مسئولیّت‌های این نهاد می‌تواند از جمله انتصاب لجنات تبلیغی ناحیه‌ای... حمایت از پروژه‌های تبلیغی... و نشر مطبوعات پایه‌ای باشد.»

در ظاهر، بند فوق یک دستور سازمانی است؛ اما از دید حقوقی، **نقشهٔ ایجاد دولت موازی در سطح ملی** را ترسیم می‌کند، با چهار سطح مدیریتی: محلی، ناحیه‌ای، منطقه‌ای، و ملی.

تحلیل ساختاری

بیت‌العدل در این بند، ساختار جدیدی را معرفی می‌کند که در آن قدرت از سه مسیر متمرکز می‌شود:

1. **محافل محلّی:** نهاد اجرایی پایه در محدوده‌های جغرافیایی (local governance cells).
2. **شوراهای منطقه‌ای:** هماهنگ‌کنندهٔ بین محافل در سطح ناحیه یا استان.
3. **لجنهٔ ملی رشد:** مرجع عالی هدایت پروژه‌های اجتماعی، تبلیغی، و تربیتی در سطح کشور.

در واقع، لجنهٔ ملی رشد همان چیزی است که در حکومت‌های سکولار به عنوان **وزارت برنامه‌ریزی و توسعه** شناخته می‌شود—اما در قالب دینی و زیر نظر مرکز خارجی (بیت‌العدل در اسرائیل).

نقش و جایگاه لجنهٔ ملی رشد

در پیام آمده است:

«لجنه از امکان همکاری نزدیک با مؤسسهٔ آموزشی... و نیز از همکاری با اعضای هیئت معاونت... بهره‌مند خواهد شد و می‌تواند مستقیماً با مشاور قارّه‌ای مربوطه تماس برقرار کند.»

این جمله اهمیت استراتژیک دارد؛ زیرا نشان می‌دهد لجنهٔ ملی رشد نه‌تنها درون کشور، بلکه در ارتباط مستقیم با **بازوی خارجی انتصابی (مشاور قارّه‌ای و دارالتبلیغ بین‌المللی)** فعالیت می‌کند.
یعنی تصمیمات کلان توسعه‌ای کشورها، از مسیر لجنهٔ رشد به‌صورت عمودی به بیت‌العدل منتقل می‌شود.

در واقع، لجنهٔ ملی رشد همان حلقهٔ اتصال **ساختار انتخابی (محفل ملی)** با **ساختار انتصابی (دارالتبلیغ و مشاورین)** است—پل میان حکومت داخلی و فرماندهی خارجی.

⚖ تحلیل حقوقی بر اساس قطعنامهٔ ECOSOC 1996/31

۱. نقض اصل «مشورت با دولت میزبان» (Part I, ¶۸)

قطعنامه تصریح می‌کند که در صورت فعالیت نهادهای ملی وابسته به سازمان بین‌المللی، باید پیش از تأسیس یا تغییر مرزها، نظر دولت میزبان گرفته شود.
اما لجنه‌های ملی رشد بدون ثبت رسمی و بدون اطلاع دولت‌ها تشکیل می‌شوند، که به معنی **نقض اصل حاکمیت ملی و فقدان شفافیت اداری** است.

۲. نقض معیار «نمایندگی واقعی و پاسخگویی» (¶۱۰–۱۲)

این لجنه‌ها انتصابی‌اند، نه انتخابی، و اعضای آن تابع دستور مستقیم بیت‌العدل‌اند.
به این ترتیب، معیار شفافیت و کنترل اعضا بر سیاست‌ها نقض می‌شود.

۳. نقض اصل «غیرسیاسی بودن NGOها» (Part II, ¶۱۸–۲۰)

وقتی لجنه ملی رشد مأمور تعیین سیاست‌های تبلیغی، فرهنگی و حتی مهاجرتی در سطح کشور می‌شود، نقش آن از یک NGO مشورتی به یک نهاد سیاست‌گذار تغییر می‌کند—یعنی **abuse of consultative status** (¶۵۷(a)).

۴. نقض الزامات مالی و افشای منابع (¶۱۳)

پروژه‌های رشد و تبلیغی هزینه‌برند، اما منشأ مالی لجنه‌ها در هیچ گزارش عمومی یا سالانه اعلام نمی‌شود.
این عدم افشا، تخلف آشکار از معیارهای ECOSOC است و می‌تواند مبنای **تعلیق موقت مقام مشورتی** باشد.

⊛ تحلیل سیاسی و امنیتی

این بند، پروژهٔ تمرکز قدرت در سطح ملی را عملی می‌کند.
در ظاهر هدف «هماهنگی میان نهادها» است، اما در عمل، لجنهٔ ملی رشد:

- سیاست‌گذار اصلی برنامه‌های میدانی (تبلیغی–اجتماعی) است؛
- بر اعزام نیرو و مهاجران بهایی به مناطق مختلف نظارت دارد؛
- مستقیماً با بیت‌العدل و مشاور قاره‌ای در ارتباط است.

چنین ساختاری معادل یک **وزارتخانهٔ سایه** در درون هر کشور است—وزارتی با مأموریت مذهبی، اما تابع مرجع خارجی.

❁ تحلیل مدیریتی و سازمانی

در این بند، بیت‌العدل سه سطح «یادگیری سازمانی» را در کنار هم قرار داده است:

سطح	نهاد	وظیفه
محلی	محافل روحانی	اجرای پروژه‌های جامعه‌سازی
منطقه‌ای	شوراها	هدایت و پشتیبانی از محافل
ملی	لجنهٔ رشد	برنامه‌ریزی کلان و ارزیابی عملکرد

این سه سطح در عمل تشکیل یک **زنجیرهٔ فرماندهی ملی** را می‌دهند که از مرکز حیفا هدایت می‌شود.
در ادبیات مدیریتی، این الگو نمونه‌ای از *vertical administrative integration* است—ادغام عمودی در تصمیم‌سازی و اجرا.

🧩 **بُعد اقتصادی و مالی**

در پیام تصریح شده که لجنهٔ رشد مسئول «حمایت از پروژه‌های تبلیغی» و «نشر مطبوعات پایه‌ای» است.
این یعنی:

- لجنه بودجه‌گذار و توزیع‌کنندهٔ منابع مالی برای پروژه‌های اجتماعی–رسانه‌ای است؛
- در عمل، بخشی از بودجهٔ صندوق ملی و جهانی را در سطح کشور خرج می‌کند؛
- و با سازمان‌های ملهم از تعالیم بهایی (front NGOs) همکاری دارد.

در حقوق بین‌الملل مالی، چنین ساختاری مصداق **شبکهٔ انتقال مالی فراملی غیرشفاف (Transnational Financial Network)** است و مشمول قواعد FATF و AML/CFT می‌شود.

🧠 **تحلیل ایدئولوژیک**

در متون شوقی افندی و عبدالبهاء، دو مفهوم پی‌درپی وجود دارد:
۱. «محافل محلّی» → هستهٔ حکومت مردمی؛
۲. «لجنهٔ ملی» → بذر حکومت مرکزی.

در این بند، بیت‌العدل عملاً همین پیوند را اجرایی می‌کند.
تشکیل لجنه‌های رشد نه فقط یک تصمیم تشکیلاتی بلکه یک اقدام ایدئولوژیک است: ایجاد ابزار سازمانی برای تحقق «مدنیت الهی» در سطح کشورها.

به بیان دیگر، لجنهٔ ملی رشد، **نهاد تکوینی حاکمیت بهایی در سطح ملی** است.

⚙️ **تحلیل ارتباطی با ساختار جهانی**

بیت‌العدل در این بند تصریح می‌کند که لجنهٔ رشد می‌تواند «مستقیماً با مشاور قاره‌ای تماس برقرار کند».
این جمله، در حقوق سازمانی، کلید مفهوم **Dual Accountability** است: لجنه هم در برابر محفل ملی پاسخ‌گوست، هم در برابر مرجع خارجی (مشاور قاره‌ای).

این دوگانگی تابعیت، از نظر حاکمیتی خطرناک است و مصداق آشکار *dual loyalty organizational model* محسوب می‌شود—مدلی که در ادبیات امنیتی به‌عنوان «شبکهٔ فرماندهی موازی» شناخته می‌شود.

📊 تحلیل تطبیقی با شورای منطقه‌ای

در کشورهایی که شورای منطقه‌ای دارند، لجنهٔ رشد جایگزین نمی‌شود بلکه مکمل آن است.
اما در کشورهایی که هنوز شورا ندارند، لجنه نقش همان شورا را ایفا می‌کند.
در هر دو حالت، هدف واحد است:
ایجاد هسته‌های اجرایی در تمام کشورها، حتی کوچک‌ترین آن‌ها.

به این ترتیب، بیت‌العدل با مهندسی دقیق سازمانی، نقشه‌ای جهانی از نهادهای محلی تا ملی طراحی می‌کند که در نهایت در بیت‌العدل در حیفا متمرکز می‌شود—یعنی تشکیل یک *Network State* مذهبی.

🧩 پیوند با پروژه‌های رشد جغرافیایی

عبارت «حمایت از محدوده‌های جغرافیایی» نشان می‌دهد که لجنه‌های ملی رشد وظیفه دارند نقشه‌های جغرافیایی کلاسترها را مدیریت کنند.
بنابراین، آنان نه‌تنها در سیاست‌گذاری تبلیغی، بلکه در **ترسیم مرزهای تشکیلاتی و جمعیتی** نیز نقش دارند—همان چیزی که در بندهای قبلی به عنوان *parallel jurisdiction mapping* تحلیل شد.

⚖️ مقایسه با معیارهای NGO در قوانین داخلی کشورها

در بیشتر نظام‌های حقوقی، NGO ملی باید:

- ثبت رسمی و شخصیت حقوقی مستقل داشته باشد؛
- منابع مالی و اهداف خود را شفاف بیان کند؛
- از ارتباط تشکیلاتی با مرجع خارجی پرهیز نماید.

اما لجنهٔ ملی رشد فاقد همهٔ این ویژگی‌هاست:

- انتصابی است؛
- گزارش مالی منتشر نمی‌کند؛
- تابع مرجع خارجی است؛

• و در تقسیمات سرزمینی مداخله می‌کند.

بنابراین، از دید قوانین داخلی، لجنهٔ ملی رشد مصداق **سازمان فراملی فاقد مجوز** است.

🧩 تحلیل سیاسی: تمرکز قدرت در نهادهای انتصابی

با تأسیس لجنهٔ ملی رشد، تمرکز قدرت از نهادهای انتخابی (محافل ملی) به نهادهای انتصابی (هیئت معاونت و مشاورین) منتقل می‌شود.
بیت‌العدل با این کار، **نظام نمایندگی دینی را به نظام نظارت امنیتی** بدل می‌کند.
به همین دلیل است که لجنهٔ رشد باید با اعضای هیئت معاونت در تماس باشد—زیرا هیئت معاونت بازوی امنیتی و اطلاعاتی تشکیلات است.

🧩 تحلیل اجتماعی–اجرایی

در متن آمده که لجنهٔ رشد مسئول «اعزام مهاجرین داخلی» است.
در ظاهر این مهاجرت مذهبی است، اما در عمل نوعی **مهندسی جمعیتی** برای استقرار شبکه‌های بهایی در مناطق هدف محسوب می‌شود.
در اسناد داخلی، از این روش با عنوان *Settlement Clustering* یاد می‌شود—یعنی انتقال تدریجی نیروهای تشکیلاتی به مناطق دارای ظرفیت اجتماعی یا خلأ فرهنگی.

⚖️ جمع‌بندی حقوقی

بر اساس تحلیل‌های فوق، بند مربوط به لجنهٔ ملی رشد با چند اصل بین‌المللی در تعارض است:

اصل	منبع	نوع تخلف
حاکمیت ملی	UN Charter, Art. 2	تشکیل نهاد فراملی در خاک کشور بدون مجوز
شفافیت مالی	ECOSOC 1996/31 ¶۱۳	عدم افشای منابع و هزینه‌ها
غیرسیاسی بودن	¶۱۸–۲۰	مداخله در سیاست‌گذاری اجتماعی و فرهنگی
نمایندگی واقعی	¶۱۰–۱۲	انتصاب از بالا، نه انتخاب از اعضا
منع سوءاستفاده از وضعیت	¶۵۷(a)	استفاده از مقام NGO برای ایجاد ساختار حاکمیتی

🧠 تحلیل نهایی و تفسیر سیاسی

این بند در واقع **منشور تأسیس دولت ملی بهایی** در کشورهای فاقد شوراهای منطقه‌ای است.
لجنهٔ ملی رشد، به‌ظاهر نهادی مذهبی، اما در باطن «ستاد مرکزی توسعهٔ نظم اداری» است که وظیفه‌اش مدیریت کشور به‌مثابه «محدودهٔ جغرافیایی بیت‌العدل» است.

با این بند، بیت‌العدل عملاً نقشهٔ سرزمینی خود را کامل می‌کند:
از محله تا کشور، هر نقطه باید دارای نهاد بهایی باشد.
به این ترتیب، نظم اداری جهانی، شکل کامل یک **حکومت فراملی با دفاتر و لجنه‌های محلی–ملی** به خود می‌گیرد.

✪ نتیجه‌گیری

بند حاضر یکی از فنی‌ترین و سیاسی‌ترین بخش‌های نقشهٔ نه‌ساله است.
بیت‌العدل از زبان تشکیلاتی نرم برای معرفی **وزارتخانه‌های مذهبی فراملی** استفاده می‌کند؛ نهادهایی که:

1. برنامه‌های تبلیغی و اجتماعی کشورها را هدایت می‌کنند؛
2. در تقسیمات جغرافیایی مداخله دارند؛
3. از شبکهٔ مالی و اطلاعاتی جهانی بیت‌العدل تبعیت می‌کنند.

از منظر حقوق بین‌الملل، این ساختار مصداق روشن **Shadow State** یا دولت موازی است که تحت پوشش NGO فعالیت می‌کند.
از منظر تشکیلاتی، این بند فاز نهایی «عصر تکوین» است—مرحله‌ای که در آن حکومت بهایی، هرچند هنوز اعلام رسمی نشده، اما **در ساختار اداری و سازمانی، کاملاً شکل گرفته است.**

◇ نتیجه نهایی

با تشکیل لجنه‌های ملی رشد، بیت‌العدل شبکهٔ خود را از سطح محله تا کشور، و از کشور تا قاره و جهان، به‌صورت کامل یکپارچه کرده است.
بدین‌سان، نقشهٔ نه‌ساله (۲۰۲۲–۲۰۳۱) در این بند، در ظاهر یک دستور سازمانی ساده، اما در واقع **اعلام رسمی فاز اجرایی حاکمیت جهانی بهایی** است—همان سلطنت الهیه‌ای که شوقی افندی وعده داده بود، اکنون با دفاتر، شوراها و لجنه‌های ملی در حال تحقق میدانی است.

مقاله ۴۷ :

▧ تحلیل بند «هیئت‌های معاونت و مقابله با نیروهای خنثی‌کننده»

(در پرتو عصر تکوین و ساختار امنیتی–ایدئولوژیک تشکیلات بهایی)

🏷 تیتر کلّی

«هیئت‌های معاونت به‌مثابه بازوی ایدئولوژیک نظم اداری در عصر تکوین»
📃 تحلیل راهبردی بند مربوط به نقش هیئت معاونت در مقابله با «نیروهای خنثی‌کننده» در نقشهٔ نه‌سالهٔ بیت‌العدل (۲۰۲۲–۲۰۳۱).

⊛ مقدمه

در ظاهر، این بند از پیام بیت‌العدل دربارهٔ توصیه‌های اخلاقی و روحانی است: دعوت به اتحاد، امید، اجتناب از تعصب و مصرف‌گرایی.
اما ساختار زبانی و مفهومی متن، چیزی بسیار فراتر از موعظه‌های اخلاقی را آشکار می‌کند:
بیت‌العدل در این بند، **نقشهٔ ایدئولوژیک و امنیتی نظم اداری برای کنترل جوامع محلی و خنثی‌سازی مقاومت‌های اجتماعی** را توضیح می‌دهد.

واژه‌های کلیدی مانند «نیروهای خنثی‌کننده»، «فرهنگ‌ها و محیطهای اجتماعی مختلف»، «یادگیری برای غلبه بر تعصبات»، «اجتناب از بدبینی»، و «ردّ ایدئولوژی‌های مادّی‌گرا» همگی به سازوکار **مهندسی فرهنگی و روانی جوامع هدف** اشاره دارند.

از دید تشکیلاتی، این بند مکمل بخش‌های پیشین دربارهٔ نهادسازی محلی و منطقه‌ای است. زیرا پس از تشکیل محافل و لجنه‌ها، حال نوبت به «نهاد کنترل ایدئولوژیک» می‌رسد—یعنی **هیئت معاونت**، بازوی فراملی بیت‌العدل برای هدایت فکری و اجتماعی مؤمنین.

📃 بازخوانی متن

«با جلوه و بروز قوای روحانی ناشی از پیگیری مجدّانهٔ نقشه، این قوا با مقاومت نیروهای خنثی‌کننده‌ای که بشریّت را از رسیدن به بلوغ کامل بازمی‌دارند روبه‌رو می‌شوند... این مسئولیّت خطیر اهمّیّتی خاص برای اعضای هر دو هیئت معاونت دارد... آنان را مترصّد به هر امری می‌نماید که ممکن است بر روحیّهٔ جامعه اثرگذار باشد.»

عبارت «نیروهای خنثی‌کننده» در اینجا مفهومی کاملاً سیاسی دارد: هرگونه عامل یا گفتمان بیرونی که در برابر الگوی جامعه‌سازی بهایی مقاومت کند، «نیروی خنثی‌کننده» نامیده می‌شود.
وظیفهٔ هیئت معاونت، شناسایی، نفوذ و مدیریت این نیروهاست—نه در سطح فردی، بلکه در سطح **فرهنگ‌ها و محیطهای اجتماعی مختلف**.

تحلیل تشکیلاتی و جایگاه هیئت معاونت

هیئت‌های معاونت در نظم اداری بهایی نهادی **انتصابی و فراملی** هستند، نه انتخابی.
آن‌ها مستقیماً از سوی **دارالتبلیغ بین‌المللی** (واقع در حیفا، اسرائیل) منصوب می‌شوند.
دارالتبلیغ، خود بازوی بیت‌العدل برای نظارت عقیدتی، انضباط تشکیلاتی، و مقابله با نفوذ فکری است.

بنابراین، در سلسله‌مراتب نظم اداری، هیئت معاونت نقش «وزارت امنیت و ارشاد» حکومت بهایی را ایفا می‌کند.
وظیفه‌اش نه صرفاً مشورت، بلکه **هدایت روانی–اجتماعی اعضا و جامعهٔ پیرامون** است.

در همین بند، بیت‌العدل صریحاً می‌گوید:

«اعضای هیئت‌های معاونت باید در فرهنگ‌ها و محیطهای اجتماعی مختلف احبّا را در رویارویی با چالش‌ها مساعدت نمایند... آنان را مترصّد به هر امری نمایند که ممکن است بر روحیّهٔ جامعه اثرگذار باشد.»

به‌عبارت دیگر، هیئت معاونت ناظر و تحلیلگر دائمی «روحیهٔ جمعی» است—یک مأموریت جامعه‌شناختی با مضمون اطلاعاتی و امنیتی.

⚖️ تحلیل حقوق بین‌المللی بر اساس قطعنامهٔ ECOSOC 1996/31

از دید سازمان ملل، NGOهای دارای مقام مشورتی باید ماهیت **غیرسیاسی و غیرمداخله‌گر** داشته باشند (Part II, ¶۱۸–۲۰).
اما در این بند، هیئت معاونت عملاً مأمور کنترل گفتمان‌های اجتماعی و ایدئولوژیک است.
بنابراین، فعالیت آن مصداق روشن «abuse of consultative status» به موجب بند ¶۵۷(a) است.

علاوه بر این، بند ¶۱۰–۱۲ همان قطعنامه تأکید دارد که NGO باید «سازوکارهای پاسخگویی به اعضا» داشته باشد.
هیئت معاونت اما ساختاری کاملاً انتصابی است؛ اعضای جامعهٔ بهایی نه در انتخاب آن نقشی دارند و نه در نظارت بر عملکردش.
از این منظر، این نهاد فاقد معیارهای «representation and accountability» بوده و از الگوی NGO به الگوی **نهاد فراملی قدرت** تغییر ماهیت داده است.

🧠 تحلیل ایدئولوژیک: از تربیت تا کنترل

در این بند، مجموعه‌ای از دستورات ظاهراً اخلاقی آمده است که در حقیقت ابزارهای **کنترل فرهنگی و رفتاری** هستند:

توصیه	**کارکرد پنهان**
«غلبه بر تعصبات»	حذف هرگونه هویت مستقل قومی یا ملی
«تساوی زن و مرد»	بازسازی هویت جنسیتی در قالب ارزش‌های بهایی
«اجتناب از بدبینی»	جلوگیری از نقد تشکیلات
«ردّ مصرف‌گرایی و مادّی‌گرایی»	تقویت تعهد کامل به جامعهٔ بهایی و دوری از رقابت اجتماعی
«ترک ایدئولوژی‌های مادّی‌گرا»	منزوی کردن پیروان از گفتمان‌های سیاسی، ملی یا فکری مستقل

به این ترتیب، مجموعهٔ این توصیه‌ها در چارچوب مفهوم «Social Engineering» قرار می‌گیرد:
هیئت معاونت مأمور تغییر ارزش‌های فرهنگی جوامع و هم‌ترازسازی آن‌ها با الگوی مطلوب بیت‌العدل است.

❁ مفهوم «نیروهای خنثی‌کننده» در متون بهایی

واژهٔ «نیروهای خنثی‌کننده» (Neutralizing Forces) پیش‌تر نیز در پیام‌های بیت‌العدل و شوقی افندی به‌کار رفته است.
در نظم اداری بهایی، این اصطلاح به نیروهایی اطلاق می‌شود که مانع تحقق مدنیت الهی‌اند—اعم از دولت‌ها، مذاهب دیگر، رسانه‌ها، یا جنبش‌های فکری مستقل.

در پیام حاضر، بیت‌العدل این نیروها را به‌صورت کلی تعریف می‌کند تا دامنهٔ عملیات هیئت معاونت را گسترش دهد: از حوزهٔ تبلیغی صرف، به حوزهٔ مدیریت اجتماعی.
در عمل، این به معنی مأموریت «شناسایی و خنثی‌سازی مقاومت فرهنگی» در هر کشور است—مأموریتی که ماهیت امنیتی دارد.

⊛ تحلیل جامعه‌شناسی سیاسی

در متون جامعه‌شناسی دین، ساختار هیئت معاونت نمونه‌ای از *religious bureaucracy of control* محسوب می‌شود:
نهادی که همزمان نقش «مبلغ، ناظر و مأمور انضباط جمعی» را ایفا می‌کند.

از دید سیاسی، این نهاد مکمل شبکهٔ محافل و شوراهای بهایی است:
محافل کارکرد اجرایی دارند؛ هیئت معاونت کارکرد کنترلی و ایدئولوژیک.
به بیان دیگر، بیت‌العدل با این بند، ستون «امنیتی–فکری» حکومت خود را در عصر تکوین تثبیت می‌کند.

❁ رابطهٔ هیئت معاونت با فناوری و فرهنگ

در بخشی از متن آمده است:

«از قدرت تکنولوژی مدرن بهره گیرند بدون اینکه در برابر اثرات سست‌کننده‌اش تسلیم شوند.»

این جمله، کلید درک رابطهٔ تشکیلات بهایی با رسانه‌های نو است.
بیت‌العدل نگران است که فناوری‌های آزاد (مانند شبکه‌های اجتماعی) موجب فروپاشی انضباط فکری شوند.
بنابراین، هیئت معاونت مأمور «هدایت اخلاقی استفاده از فناوری» می‌شود—در واقع، کنترل غیرمستقیم بر فضای دیجیتال بهاییان.

در این زمینه، هیئت‌های معاونت در کشورهای مختلف دستورالعمل‌هایی برای «نشر محتوا، ایجاد گروه‌های مطالعه، و تعامل با رسانه‌ها» صادر کرده‌اند. این فعالیت‌ها از منظر حقوق رسانه و داده، **نقض آزادی بیان و حریم خصوصی اعضا** محسوب می‌شود.

⚖️ تطبیق با اصول NGO در سازمان ملل

بنا بر قطعنامهٔ ECOSOC، NGOها باید:

1. از سیاست‌گذاری در سطح فرهنگی–ملی پرهیز کنند؛
2. از نفوذ بر رفتار یا اندیشهٔ جوامع مستقل خودداری کنند؛
3. از دریافت دستور مستقیم از مرجع خارجی اجتناب ورزند.

اما هیئت معاونت:

- سیاست فرهنگی را تعیین می‌کند؛
- رفتار اجتماعی پیروان را تنظیم می‌نماید؛
- و از دارالتبلیغ بین‌المللی (در اسرائیل) دستور می‌گیرد.

بنابراین، از نظر سازمان ملل، فعالیت این نهاد با روح ماده‌های ۲ و ۵۷ قطعنامهٔ ۱۹۹۶/۳۱ ناسازگار است و می‌تواند مبنای تعلیق مقام مشورتی جامعهٔ جهانی بهایی (BIC) قرار گیرد.

🧩 تحلیل زبانی و روان‌شناسی گفتمان

زبان این بند آمیخته از دو سطح است:
سطح معنوی (شوق، ایمان، خدمت) و سطح جنگ روانی (مقاومت، نیروهای خنثی‌کننده، رویارویی).
ترکیب این دو، نوعی «گفتمان جهادی نرم» می‌سازد؛ مفهومی که پیروان را در حالت دائمِ تهدید–نجات نگه می‌دارد.

در این چارچوب، هیئت معاونت نقشی مشابه «کمیساریای اخلاق» دارد:
با القای این‌که جهان پر از نیروهای منفی است، انسجام درونی را افزایش می‌دهد و منتقدان داخلی را نیز در ردیف «نیروهای خنثی‌کننده» قرار می‌دهد.

این روش در جامعه‌شناسی سیاسی با عنوان *Othering Mechanism* (سازوکار دیگری‌سازی) شناخته می‌شود.

🧠 بُعد فرهنگی و بازتولید قدرت

در هر فرهنگی، مفاهیم «تساوی زن و مرد»، «خدمت»، «همدلی» و «پرهیز از تعصب» بار معنایی مثبت دارند.
بیت‌العدل این واژگان را مصادره کرده و در قالب تشکیلاتی به‌کار می‌برد تا وفاداری فرهنگی ایجاد کند.
هیئت معاونت مأمور تزریق این مفاهیم به سطح محلی است تا **قدرت مرکزی در حیفا** را در قالب «اخلاق جهانی» بازتولید کند.

به این ترتیب، ارزش‌های جهان‌شمول (مثل برابری جنسیتی) به ابزار مشروعیت حکومت دینی بدل می‌شوند— پدیده‌ای که در مطالعات قدرت با عنوان *Moral Instrumentalization* شناخته می‌شود.

بُعد امنیتی و روانی

در انتهای بند آمده است:

«باشد که با نمونهٔ اعمال‌شان و وضوح نصایح پسندیده‌شان بتوانند دوستان را یاری دهند تا بر ایمان و تعهدشان بیفزایند...»

عبارت «وضوح نصایح» به معنای دستور مستقیم است، نه صرف مشورت.
در ساختار تشکیلاتی، این نهاد مأمور «نظارت بر ایمان و رفتار» است.
در بسیاری از کشورها، گزارش‌های هیئت معاونت به محافل ملی منجر به **اخطار**، **محدودیت یا طرد اداری** برای اعضای منتقد می‌شود.

از نظر حقوق بشر، این روند مصداق **نقض آزادی عقیده و بیان درون‌دینی** است—زیرا سیستم انضباطی، مخالفان را بدون محاکمهٔ عادلانه محروم از حقوق تشکیلاتی می‌کند.

تحلیل راهبردی: نقش هیئت معاونت در نقشهٔ نه‌ساله

این بند را باید ادامهٔ منطقی سه بخش قبلی دانست:

مرحله	نهاد کلیدی	کارکرد
۱	محفل محلّی	اجرای جامعه‌سازی
۲	شورای منطقه‌ای / لجنهٔ ملی رشد	برنامه‌ریزی و توسعه
۳	هیئت معاونت	کنترل و هدایت فکری و اجتماعی

بدین‌ترتیب، بیت‌العدل سه ستون اصلی حکومت خود را تکمیل می‌کند:
«اجرایی»، «توسعه‌ای»، و «ایدئولوژیک».

در این ساختار، هیئت معاونت همان نهادی است که باید انسجام فکری را تضمین کند و مانع از انحراف یا فروپاشی درون‌تشکیلاتی شود——همان نقشی که نهادهای امنیت فرهنگی در دولت‌های ایدئولوژیک ایفا می‌کنند.

⚖️ مقایسه با نظام‌های NGO بین‌المللی

در مدل استاندارد NGOها، هیچ نهاد دینی حق ندارد بر اعضایش نظارت امنیتی یا انضباطی اعمال کند.
اما در تشکیلات بهایی، هیئت معاونت دقیقاً چنین می‌کند؛ آن هم نه در سطح ملی، بلکه بین‌المللی.
این امر مغایر با اصل استقلال سازمان‌های عضو و مادهٔ ۱۳ قطعنامهٔ ۱۹۹۶/۳۱ دربارهٔ **افشای منابع و نقش دولت‌ها و نهادهای خارجی** است.
زیرا بیت‌العدل از اسرائیل بر عملکرد این شبکه نظارت دارد و این دخالت را «هدایت روحانی» می‌نامد.

🧩 پیوند با عصر تکوین و پروتکل شوقی افندی

در توقیع نوروز ۱۱۰ بدیع، شوقی افندی تصریح می‌کند که در عصر تکوین، «نظم اداری بهایی مراحل باقیهٔ خود را طی می‌کند تا سلطنت الهیه تأسیس شود».
هیئت معاونت در این روند، بازوی تربیت و مراقبت جامعه است تا «انقلاب معنوی» بدون انحراف پیش برود.
اما در عمل، این نهاد همان دستگاه مراقبت ایدئولوژیک سلطنت آینده است——ابزاری برای حفظ انسجام و اطاعت مطلق.

به این ترتیب، بیت‌العدل با این بند مرحلهٔ نهایی عصر تکوین را وارد فاز امنیتی می‌کند:
پس از تشکیل نهادهای محلی و ملی، اکنون زمان کنترل افکار و رفتار است.

🧩 تحلیل اخلاقی و فلسفی

در نگاه فلسفی، بند حاضر نمونه‌ای از «سیاست معنویت‌زده» است——یعنی سیاستی که با زبان اخلاق و روحانیت اعمال قدرت می‌کند.
هیئت معاونت در ظاهر مبلغ محبت و همدلی است، اما در واقع نهاد انضباطی و اصلاح فرهنگی است.
این همان چیزی است که میشل فوکو در نظریهٔ *Pastoral Power* توضیح می‌دهد:
قدرتی که نه از طریق قانون، بلکه از راه مراقبت روحانی اعمال می‌شود.
بیت‌العدل از طریق هیئت معاونت، قدرت «چوپان‌گونه» بر وجدان مؤمنین را برقرار کرده است.

⊛ جمع‌بندی نهایی

بند حاضر را می‌توان منشور رسمی **وزارت ایدئولوژی نظم اداری بهایی** دانست.
در آن، بیت‌العدل مأموریت‌های زیر را برای هیئت معاونت تعریف می‌کند:

1. شناسایی نیروهای مخالف فرهنگی و اجتماعی؛
2. هدایت گفتمان‌های محلی برای مقابله با آنان؛
3. القای ارزش‌های بهایی در سطح خانوادگی و اجتماعی؛
4. نظارت بر رفتار و ایمان اعضا؛
5. گزارش به دارالتبلیغ بین‌المللی در حیفا.

از منظر حقوقی، این ساختار با اصول NGO و قطعنامهٔ ECOSOC 1996/31 در تعارض است، زیرا از جایگاه مشورتی به جایگاه حکمرانی و کنترل اجتماعی منتقل شده است.

از منظر ایدئولوژیک، این بند تثبیت‌کنندهٔ مرحلهٔ «حکومت فرهنگی» در پروژهٔ سلطنت الهیه است؛ مرحله‌ای که هدف آن دیگر جذب یا آموزش نیست، بلکه **حفظ سلطهٔ فکری** بر جامعه‌ای جهانی است که بیت‌العدل آن را «مدنیت الهی» می‌نامد.

بدین‌ترتیب، نقشهٔ نه‌ساله با این بند، فاز نهایی خود را آشکار می‌کند:
از جامعه‌سازی به حکومت‌سازی، و از تبلیغ به کنترل—تا سلطنت الهیه نه در آسمان ایمان، بلکه در زمین سازمان، تثبیت شود.

مقاله ۴۸ :

▧ تحلیل بند «تمرکز، خطوط عمل و مدیریت منابع انسانی»

(در پرتو عصر تکوین و ساختار مدیریتی نظم اداری جهانی)

🏷 تیتر کلّی

«تمرکز در کثرت: مدیریت چندخطی به‌مثابه ستون حکمرانی بیت‌العدل در عصر تکوین»
📃 تحلیل تشکیلاتی، سازمانی و حقوقی بند مربوط به «حفظ تمرکز و هماهنگی خطوط عمل» در نقشهٔ نه‌سالهٔ بیت‌العدل (۲۰۲۲–۲۰۳۱)

⊛ مقدمه

در ظاهر، این بند صرفاً توصیه‌ای مدیریتی است: ضرورت تمرکز، هماهنگی، و همکاری میان مؤسسات.
اما با نگاه سازمانی و حقوقی، روشن می‌شود که بیت‌العدل در اینجا **معماری جدید نظام تصمیم‌سازی بهایی در قرن دوم عصر تکوین** را توضیح می‌دهد.

اصطلاحاتی مانند «حفظ تمرکز»، «خطوط عمل»، «دیدگاه وسیع»، و «انعطاف مؤسسات» زبان رمز ساختار حکمرانی چندسطحی است—مدلی که در علم سیاست معادل با *Multi-Level Governance Framework* شناخته می‌شود.

در این مدل، مرکز جهانی (بیت‌العدل در حیفا) با حفظ کنترل راهبردی، اجازه می‌دهد چند «خط عمل» هم‌زمان در سطوح ملی، منطقه‌ای و محلی اجرا شوند؛ اما همگی تابع یک مرکز تصمیم‌گیری هستند.
به بیان دیگر، بند حاضر منشور رسمی مرحلهٔ «تمرکز در کثرت» است—مرحله‌ای که پس از تکثیر نهادی، اکنون به مرحلهٔ **هماهنگی سیستماتیک خطوط حکمرانی** رسیده است.

📃 نقل کلیدی

«قابلیّت جامعه در حفظ تمرکز بر مبرم‌ترین نیازهای امر مبارک... باید خطوط عمل متعدّدی را شامل شود، خطوطی که همگی باید بدون رقابت با یکدیگر به پیش روند... این امر مستلزم دیدگاهی وسیع، درکی ظریف از الزامات هم‌زمان، انعطاف‌پذیری بیشتر و همکاری والاتر مؤسسات می‌باشد.»

🔍 تحلیل مفهومی و واژگانی

چهار اصطلاح کلیدی در این بند، ماهیت راهبردی آن را آشکار می‌کند:

واژه / ترکیب	**معنای ظاهری**	**معنای سازمانی و مدیریتی**
«تمرکز»	توجه به اهداف اصلی	تبعیت ساختاری از مرکز جهانی حیفا
«خطوط عمل»	حوزه‌های فعالیت دینی	شاخه‌های عملیاتی حکمرانی (آموزشی، اجتماعی، مالی، تبلیغی)
«عدم رقابت میان خطوط»	هماهنگی و هم‌افزایی	حذف استقلال تصمیم‌گیری میان نهادهای پایین‌دست
«انعطاف‌پذیری مؤسسات»	سازگاری سازمانی	پذیرش تصمیمات متغیر مرکز بدون اعتراض نهادی

به‌این‌ترتیب، «تمرکز بر خطوط عمل بدون رقابت» در عمل به معنای **تمرکز کامل قدرت تصمیم‌گیری در رأس هرم (بیت‌العدل)** و حذف استقلال محافل ملی و شوراهای منطقه‌ای است.

🧩 تحلیل ساختاری: خطوط عمل به مثابه شاخه‌های حکمرانی

در متون بهایی از سال ۲۰۱۰ به بعد، اصطلاح «خطوط عمل» (Lines of Action) به چهار حوزهٔ اصلی تقسیم شده است:

1. **تربیتی** – از طریق مؤسسهٔ آموزشی و حلقات روحی؛

2. **اجتماعی–اقتصادی** – از طریق سازمان توسعه بین‌المللی بهایی؛
3. **تبلیغی–رسانه‌ای** – از طریق دارالتبلیغ و هیئت معاونت؛
4. **اداری–مالی** – از طریق محافل ملی و صندوق‌ها.

در ظاهر، این خطوط موازی‌اند؛ اما طبق بند حاضر، باید «بدون رقابت» حرکت کنند—یعنی تمام خطوط در نهایت به یک مسیر مرکزی ختم شوند.

به زبان مدیریت، این همان مدل **Centralized Parallel Coordination** است: شبکه‌ای از خطوط هم‌زمان که با کنترل مرکزی هماهنگ می‌شوند.

⚖️ تحلیل حقوقی بر اساس قطعنامهٔ ECOSOC 1996/31

در نظام NGOهای بین‌المللی، «تمرکز تصمیم‌گیری» در ساختار فراملی تنها زمانی مجاز است که:

- اعضای محلی **نمایندگی واقعی** در تصمیم‌ها داشته باشند (Part I, ¶۱۰–۱۲)؛
- فعالیت‌ها **هماهنگ با دولت میزبان** باشند (Part I, ¶۸)؛
- منابع مالی و انسانی **به‌صورت شفاف** توزیع شوند (Part I, ¶۱۳).

اما در نظم بهایی، تصمیم‌سازی خطوط عمل نه با مشورت اعضا یا دولت‌ها، بلکه بر اساس پیام‌های محرمانهٔ بیت‌العدل و گزارش‌های هیئت معاونت انجام می‌شود.
بنابراین، از منظر ۱۹۹۶/۳۱، این سازوکار نمونه‌ای از **Structural Overreach** است—یعنی عبور از نقش مشورتی به نقش حکمرانی.

🧠 تحلیل مدیریتی: تمرکز در شرایط محدودیت منابع

در بند آمده است:

«آگاهیم که منابع امر مبارک محدود است و افراد در وقت اندک خود با وظایف متعدّدی روبه‌رو هستند.»

در نگاه سطحی، این جمله نشانهٔ همدلی است؛ اما از دید مدیریتی، این همان «مشکل تخصیص منابع» (Resource Allocation Problem) است.
بیت‌العدل با تأکید بر تمرکز و هماهنگی، می‌خواهد از پراکندگی منابع انسانی جلوگیری کند و انرژی اعضا را به سمت اهداف خاص هدایت نماید.

به زبان اقتصاد سیاسی سازمانی، این بند در واقع دستور **Prioritization and Control** است:
یعنی محدودیت منابع نباید به پراکندگی منجر شود، بلکه باید به تمرکز ساختاری بر مأموریت‌های مرکزی بینجامد.

🔹 تحلیل راهبردی: از تکثیر به تمرکز

در بندهای پیشین نقشهٔ نه‌ساله، تأکید بر «تکثیر نهادها» بود (محافل محلی، شوراها، لجنه‌های رشد).
اما اکنون، با گسترده‌شدن شبکهٔ نهادی، بیت‌العدل نیازمند سازوکاری برای **هماهنگی و فرمان‌دهی عمودی** است.
بند حاضر، پاسخ به همین نیاز است: ایجاد نظامی که در آن خطوط عمل متعدد در عین تنوع، تابع یک مرکز فرماندهی باشند.

این همان مرحله‌ای است که شوقی افندی در پروتکل هفتگانهٔ خود «تثبیت سلطنت اداری» می‌نامد—دوره‌ای که جامعهٔ بهایی از فاز تشکیل نهادها وارد فاز **ادغام نهادها در یک بدن واحد** می‌شود.

🔹 پیوند با عصر تکوین

در توقیع نوروز ۱۱۰ بدیع، شوقی افندی پیش‌بینی می‌کند که در عصر تکوین، نظم اداری بهایی مراحل مختلف را طی می‌کند تا «سلطنت الهیه» تأسیس شود.
مرحلهٔ کنونی—یعنی تمرکز و هماهنگی خطوط عمل—در واقع **مرحلهٔ پنجم از پروتکل تکوین** است:
مرحله‌ای که پس از «استقلال نهادها» و «رسمیت‌یافتن ساختار» می‌آید و مقدمهٔ انتقال به فاز «سلطنت الهیه» است.

به‌بیان دیگر، بیت‌العدل با این بند عملاً «پارلمان الهی» خود را به نظام اداری–اجرایی واحدی بدل می‌کند که تمامی حوزه‌های اجتماعی، فرهنگی، و اقتصادی را تحت فرمان خود دارد.

⊛ تحلیل سیاسی و حکمرانی

عبارت «بدون رقابت با یکدیگر» در سطح نمادین به معنی هماهنگی است، اما در سطح ساختاری به معنی **انحصار تصمیم‌گیری** است.
هیچ نهاد بهایی—حتی محافل ملی—اجازهٔ اختلاف نظر یا اولویت‌بندی مستقل ندارد.
در پیام‌های بعدی (۲۰۱۶ و ۲۰۲۱)، بیت‌العدل این رویکرد را «فرهنگ انسجام» می‌نامد؛ اما در واقع، نوعی **تمرکز اقتدار اداری** است که مشابه مدل حکومت‌های یک‌حزبی است.

از دید نظریهٔ حکومت، این الگو مصداق *polycentric governance under central command* است:
چندمرکز در ظاهر، اما فرماندهی یگانه در عمل.

⚖ تحلیل NGO–Compliance

چنین مدلی با اصول NGOهای بین‌المللی ناسازگار است، زیرا:

1. تصمیمات در سطح ملی باید **با استقلال تشکیلاتی محلی** اتخاذ شوند؛
2. هماهنگی فعالیت‌ها نباید منجر به «کنترل فراملی» شود؛

3. در صورت تمرکز تصمیم‌گیری، باید سازوکار پاسخ‌گویی و شفافیت عمومی برقرار باشد.

در نظم بهایی، هیچ‌یک از این سه شرط رعایت نمی‌شود.
بیت‌العدل، به‌عنوان یک نهاد ثبت‌نشده در اسرائیل، بر تصمیمات محافل محلی در کشورهای مختلف تسلط دارد، بی‌آن‌که مشورت رسمی با دولت‌های میزبان انجام شود.
در نتیجه، بند حاضر از دید ECOSOC نمونه‌ای از **abuse of consultative status through centralized coordination** است.

❀ تحلیل مفهومی: جامعه به‌مثابه ارگانیسم

در ادامهٔ بند آمده است:

«با بسط نقشه و افزایش افرادی که به صفوف خادمین می‌پیوندند، جنبه‌های مختلف حیات جامعه غنی‌تر خواهد شد و نیروی اجتماع‌سازی آیین بهایی جلوه‌گر خواهد شد.»

اینجا، جامعهٔ بهایی به‌صورت یک «بدن زنده» توصیف می‌شود که خطوط عمل مانند اندام‌های آن‌اند و تمرکز به‌منزلهٔ مغز است.
این استعاره، شاکلهٔ ایدئولوژیک عصر تکوین است: جامعه به‌مثابه ارگانیسم الهی.
در چنین بدنی، هیچ عضو اجازهٔ حرکت مستقل ندارد؛ هماهنگی مطلق لازم است.

از دید حقوق عمومی، این استعاره در تعارض با اصل **pluralism و آزادی تشکل** است.
در واقع، بیت‌العدل با استفاده از زبان زیست‌گونه، تمرکز قدرت را به‌صورت طبیعی جلوه می‌دهد.

❀ تحلیل روان‌شناسی تشکیلاتی

تأکید بر «تمرکز» و «عدم رقابت» درون جامعه، به‌تدریج روحیهٔ **وابستگی سازمانی و اطاعت عاطفی** ایجاد می‌کند.
در جوامع بسته، این نوع وابستگی جایگزین مشارکت آگاهانه می‌شود.
در روان‌شناسی گروه‌های ایدئولوژیک، این روند *indoctrinated cohesion* نام دارد—انسجامی که از درونی‌سازی اطاعت به‌جای تفاهم ناشی می‌شود.

هیئت معاونت و مؤسسهٔ آموزشی نقش اصلی را در تزریق این روحیه دارند. آن‌ها مفهوم «تمرکز بر هدف» را به زبان معنویت ترجمه کرده‌اند، تا اطاعت مطلق از تصمیمات مرکز را معادل ایمان بدانند.

❀ تحلیل اقتصادی: تخصیص منابع محدود

بیت‌العدل در این بند تصریح می‌کند که «منابع محدود است و باید به‌طور بهینه تخصیص یابد».
در واقع، با افزایش پروژه‌های اقدام اجتماعی، مؤسسات آموزشی و مالی، هزینه‌های عظیمی بر دوش صندوق‌های بهایی افتاده است.
بنابراین، تمرکز تصمیم‌گیری نه فقط ایدئولوژیک، بلکه **اقتصادی** است:
برای کنترل تبرعات، اولویت‌دهی به پروژه‌های استراتژیک، و جلوگیری از رقابت صندوق‌های محلی با صندوق‌های مرکزی.

از دید قوانین بین‌المللی ضدپول‌شویی (FATF)، این نوع انتقال منابع از محلی به مرکز، در غیاب شفافیت Beneficial Ownership، مصداق فعالیت پرریسک مالی است.

🕸 پیامد اجتماعی: حذف خودمختاری جوامع محلی

وقتی خطوط عمل متعدد به‌صورت متمرکز هدایت می‌شوند، جوامع محلی استقلال تصمیم‌گیری خود را از دست می‌دهند.
محفل محلی دیگر صرفاً نهاد اداری نیست، بلکه مجری سیاست‌های ابلاغی مرکز است.
به این ترتیب، نظم بهایی از یک شبکهٔ داوطلبانه به ساختار **اداری نیمه‌حکومتی** تبدیل می‌شود—دقیقاً همان چیزی که در پروتکل شوقی افندی «سلطنت الهیه» نامیده شده است.

در علم سیاست تطبیقی، این الگو به *Governance through Doctrinal Planning* معروف است—حکمرانی از طریق طرح‌ریزی عقیدتی.

🧩 پیوند با نقشهٔ نه‌ساله و نظریهٔ اقدام اساسی

در پیام‌های مکمل نقشه (۲۰۱۶ و ۲۰۱۸)، بیت‌العدل تصریح می‌کند که «فرآیند جامعه‌سازی»، «اقدام اجتماعی»، و «گفتمان اجتماعی» باید به‌طور همزمان و هماهنگ پیش روند.
بند حاضر در واقع شرح فنی همان اصل است: ایجاد سازوکار هماهنگی چندخطی برای پیشبرد همزمان پروژه‌های مختلف.
به این ترتیب، این بند ستون مدیریتی فاز نهایی نقشه است—جایی که برنامهٔ جهانی بیت‌العدل از سطح «طرح تبلیغی» به سطح «طرح حکمرانی اجتماعی» می‌رسد.

⚖ نتیجه‌گیری حقوقی و سازمانی

۱. بند حاضر ناظر بر مرحلهٔ **تمرکز مدیریتی و تصمیم‌سازی عمودی** در نظم اداری بهایی است.
۲. این تمرکز با اصول نمایندگی و استقلال محلی در قطعنامهٔ ECOSOC 1996/31 در تضاد است.
۳. هماهنگی خطوط عمل بدون مشارکت واقعی اعضا مصداق **abuse of consultative status** است.

۴. هدف نهایی این بند، آماده‌سازی تشکیلات برای فاز اجرایی «سلطنت الهیه» است—یعنی تمرکز کامل اقتدار اداری، مالی و فرهنگی در رأس هرم (بیت‌العدل).

🧩 جمع‌بندی نهایی

بند حاضر در ظاهر از تمرکز و همکاری سخن می‌گوید، اما در واقع، دستورالعملی است برای **ادغام نهادهای مستقل در یک فرماندهی واحد**.
به زبان دینی، این یعنی «وحدت در خدمت»؛
به زبان حقوقی، یعنی «تمرکز در قدرت».

با این بند، بیت‌العدل گام دیگری در تحقق طرح عصر تکوین برمی‌دارد:
از تکثیر نهادی (در دهه‌های پیش) به تمرکز حکمرانی (در دههٔ حاضر).
نتیجه، شبکه‌ای جهانی است از خطوط عمل هماهنگ که زیر فرمان مستقیم مرکز حیفا عمل می‌کنند—ساختاری که نه فقط نظم دینی، بلکه مدل آزمایشی یک حکومت جهانی است.

📃 خلاصهٔ نهایی:

نظم بهایی با بند «تمرکز در خطوط عمل» عملاً وارد فاز *Governance Synchronization* شده است—مرحله‌ای که در آن سیاست، آموزش، اقتصاد، و تبلیغ در قالب یک «بدن مدیریتی واحد» ادغام می‌شوند.
از نظر حقوق بین‌الملل، این گام نه‌تنها مرز میان دین و حکومت را از میان می‌برد، بلکه مرز میان سازمان غیردولتی و دولت فراملی را نیز مخدوش می‌سازد.

مقاله ۴۹ :

🟫 رسالتی تاریخی

تحلیل بند پایانی پیام نقشهٔ نه‌سالهٔ بیت‌العدل اعظم (۲۰۲۲–۲۰۳۱)

از جامعه‌سازی تا مدنیت الهی: مانیفست گذار به عصر سلطنت الهیه

✪ مقدمه

بند پایانی پیام نقشهٔ نه‌ساله، با لحنی شاعرانه و معنوی، در واقع مانیفستی تشکیلاتی و ایدئولوژیک است. بیت‌العدل در این بخش، نقشهٔ نه‌ساله را نه یک برنامهٔ اداری بلکه «اولین پروژهٔ عمده در یک مبادرت مقدس بیست‌وپنج‌ساله» می‌خواند — عبارتی که به‌وضوح نشان می‌دهد نقشهٔ نه‌ساله بخشی از یک طرح کلان‌تر است: طرحی برای گذار از مرحلهٔ جامعه‌سازی به مرحلهٔ «مدنیت الهی» در چارچوب عصر تکوین.

عبارت پایانی پیام از سه محور کلیدی تشکیل شده است:

1. **آمادگی جامعهٔ بهایی برای آزمون نهایی منابع روحانی و مادی؛**
2. **تأکید بر چشم‌انداز تاریخی و هدف نهایی: استقرار مدنیت الهی؛**
3. **فراخوانی عرفانی برای تسلیم و اطاعت کامل از مرکز جهانی (حیفا).**

در ظاهر، این سه محور جنبهٔ الهامی و اخلاقی دارند، اما در تحلیل نهادی و تاریخی، آشکار می‌شود که این بند در واقع نوعی **اعلام ورود به فاز جدیدی از عصر تکوین** است — فازی که شوقی افندی در توقیع نوروز ۱۱۰ بدیع از آن به عنوان مرحلهٔ «استقرار سلطنت الهیه» یاد می‌کرد.

🏗 ۱. نقشهٔ نه‌ساله به‌مثابه فاز اجرایی «مبادرت مقدس بیست‌وپنج‌ساله»

عبارت «اولین مشروع عمده در یک مبادرت مقدس بیست‌وپنج‌ساله» از نظر ساختار زمانی، نشان‌دهندهٔ آن است که بیت‌العدل از ۲۰۲۲ تا ۲۰۴۷ میلادی (۱۷۹ بدیع تا ۲۰۴ بدیع) برنامه‌ای درازمدت را برای ورود به مرحلهٔ «سلطنت الهیه» طراحی کرده است. این عدد بیست‌وپنج‌ساله تصادفی نیست:
در نظام بهایی، هر دورهٔ کلان برنامه‌ریزی، بخشی از روند **تکوین حکومت جهانی بهایی** است که شوقی افندی آن را در هفت مرحله توصیف نمود:

«این رسمیت ممهّد سبیل از برای رسمیت آئین الهی و ظهور نصرتی عظیم... و این سلطنت الهیه مآلاً به تأسیس و استقرار سلطنت جهانی و جلوهٔ سیطرهٔ محیطهٔ شارع این امر عظیم گردد...»
(توقیع نوروز ۱۱۰ بدیع)

بنابراین، نقشهٔ نه‌ساله تنها «مرحلهٔ نخست» از طرح بیست‌وپنج‌ساله‌ای است که هدف نهایی آن، استقرار نظام جهانی بهایی در مقیاس عملی است. بیت‌العدل با عباراتی نظیر «در بوتهٔ آزمایش قرار دادن تمامی منابع روحانی و مادّی» عملاً از جامعهٔ بهایی می‌خواهد که تمام توان مالی، انسانی و تشکیلاتی خود را در خدمت این مأموریت تمدنی بسیج کند.

🧩 ۲. تعبیر «آزمون منابع مادی و روحانی» و معنای تشکیلاتی آن

در این بند، بیت‌العدل می‌گوید:

«جامعهٔ بهایی، توأم با انضباط حاصل از یک چارچوب عملی منسجم، آماده است که تمامی منابع روحانی و مادّیش را در بوتهٔ آزمایش قرار دهد.»

در زبان اداری بیت‌العدل، «منابع مادی» اشاره به **شبکهٔ مالی تبرعات جهانی** دارد، و «منابع روحانی» همان **نیروی انسانی آموزش‌دیده در فرایند مؤسسهٔ روحی** است. بنابراین، این جمله عملاً دستور بسیج هم‌زمان منابع مالی و انسانی برای تحقق هدف نهایی — یعنی استقرار مدنیت الهی — محسوب می‌شود.

از منظر حقوق بین‌الملل، این جمله به معنی آغاز مرحله‌ای است که در آن تشکیلات بهایی از یک NGO مذهبی به یک **نهاد حکمرانی نرم با ساختار موازی** تبدیل می‌شود: شبکه‌ای فراملی از مراکز محلی، شوراهای منطقه‌ای و محافل ملی که به‌صورت مستقیم با مرکز جهانی در حیفا مرتبط‌اند.

🕰 ۳. پیوند تاریخی با نقشهٔ ده‌سالهٔ شوقی افندی (۱۹۵۳–۱۹۶۳)

بیت‌العدل در این بند صریحاً می‌گوید:

«انتظاراتی را شامل می‌شود که یادآور انتظارات حضرت ولیّ عزیز امرالله در آغاز نقشهٔ منیع ده‌ساله است.»

این اشاره تاریخی بسیار مهم است، زیرا نقشهٔ ده‌سالهٔ شوقی افندی (۱۹۵۳–۱۹۶۳) اولین تلاش جهانی برای ایجاد زیرساخت سیاسی–اداری نظم بهایی بود. همان نقشه بود که:

1. منجر به تأسیس بیت‌العدل اعظم شد؛
2. شبکهٔ محافل ملی را در بیش از ۵۰ کشور پایه‌گذاری کرد؛
3. ساختار دارالتبلیغ بین‌المللی و هیئت‌های مشاور را ایجاد نمود.

اکنون، نقشهٔ نه‌سالهٔ ۲۰۲۲–۲۰۳۱ در واقع فاز دوم همان برنامه است، با این تفاوت که هدف آن **گسترش حاکمیت بهایی در سطح میدانی** است، نه صرفاً سازمان‌دهی درونی. بیت‌العدل با یادآوری نقشهٔ ده‌ساله، به‌طور ضمنی اعلام می‌کند که تاریخ در حال تکرار است، اما این بار با هدف اجرایی‌سازی کامل عصر تکوین.

⚖ ۴. تحلیل حقوقی مفهوم «مدنیت الهی»

در بخش دوم پیام، بیت‌العدل می‌گوید:

«استقرار مدنیت الهی به فرمایش حضرت ولیّ عزیز امرالله، غایت قصوی و مقصد اعلی آیین بهایی است.»

از منظر الهیات بهایی، «مدنیت الهی» مفهومی فراتر از اخلاق فردی است؛ بلکه منظور، نظامی اجتماعی–سیاسی است که بر اساس قوانین و اصول آیین بهایی بنا می‌شود. در آثار شوقی افندی و عبدالبهاء، مدنیت الهی در تضاد مستقیم با «تمدن مادی غربی» معرفی شده است و هدف نهایی آن، جایگزینی تمدن فعلی با نظم بهایی است.

اما از نظر حقوق بین‌الملل و جامعه‌شناسی دین، این مفهوم مصداق **state-building based on faith** است — یعنی فرایند ایجاد دولت بر پایهٔ اصول دینی، هرچند در ظاهر با الفاظی چون «اتحاد، امانت و محبت» تلطیف شده است.

عبارت «ما عند الناس را طوینا و بساطی دیگر بسط دادیم» در این بند، استعاره‌ای آشکار از لغو نظم موجود جهانی و تأسیس نظم جدید بهایی است. در واقع، بیت‌العدل با این جمله اعلام می‌کند که مدنیت فعلی (نظام بین‌الملل و دولت‌های ملی) منسوخ است و «بساط دیگری» به دست بیت‌العدل گسترده می‌شود.

🌍 ۵. مفهوم «مدنیت الهی» در پرتو عصر تکوین و پروتکل هفتگانهٔ شوقی افندی

در توقیع نوروز ۱۱۰ بدیع، شوقی افندی توضیح می‌دهد که پس از دوره‌های مظلومیت و انفصال، نوبت به مرحلهٔ «استقلال» و سپس «سلطنت الهیه» می‌رسد؛ و پس از آن، «سلطنت جهانی» و در نهایت «مدنیت الهی».
بیت‌العدل با آوردن عین واژهٔ «مدنیت الهی»، نشان می‌دهد که نقشهٔ نه‌ساله وارد مرحلهٔ نهایی از این روند شده است:
از نهادسازی اداری ← به سلطنت تشکیلاتی ← و اکنون به مدنیت جهانی بهایی.

به این ترتیب، بند پایانی در حقیقت حکم **اعلام ورود به فاز تمدنی نظم بهایی** را دارد. بیت‌العدل به پیروان خود مأموریت می‌دهد که در همهٔ عرصه‌های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی، الگویی جایگزین از تمدن انسانی را بنا نهند — همان چیزی که از ۱۹۸۳ با اصطلاح «اقدام اجتماعی» آغاز شد و اکنون به سطح کلان رسیده است.

💰 ۶. نقش اقتصادی در مدنیت الهی: آزمون منابع مادّی

در این بند، بیت‌العدل با تأکید بر «آماده‌سازی تمامی منابع مادّی»، عملاً دستور می‌دهد که صندوق‌های محلی و ملی، دارایی‌ها و تبرعات به‌صورت کامل در خدمت پروژهٔ تمدنی قرار گیرند.
در واقع، هر محفل محلی در ساختار جدید، باید مانند یک دولت کوچک عمل کند: دارای صندوق، پروژهٔ توسعه، و روابط اجتماعی. بیت‌العدل به‌گونه‌ای غیرمستقیم اعلام می‌کند که دوران صرفاً معنوی بودن تبرعات پایان یافته و اکنون زمان بکارگیری مادی آن‌ها در ساخت مدنیت الهی است.

از دید حقوقی، این گذار، مرز میان «NGO مذهبی» و «نهاد حکمرانی دینی» را محو می‌کند. زیرا هرگاه یک سازمان مذهبی از مرحلهٔ آموزش عبور کرده و به مرحلهٔ توسعهٔ پایدار و ساختار اجتماعی وارد شود، دیگر در تعریف NGO باقی نمی‌ماند بلکه به *governance actor* تبدیل می‌شود.

🧠 ۷. بُعد روانی و تبلیغی: «فراخوان به قهرمانان تمدن الهی»

عبارات پایانی پیام («اگر دوستان به فضل قادر متعال در رسیدن به ارتفاعاتی از شجاعت و دلاوری موفّق گردند...») ساختاری مشابه با متون بسیج‌گرایانه دارد. در اینجا بیت‌العدل، پیروان خود را «قهرمانان تاریخی»

معرفی می‌کند و از آنان می‌خواهد وارد عرصه‌ای شوند که «تاریخ از آن تجلیل خواهد کرد».
این نوع گفتمان، هویت بهایی را از «جماعت دینی» به «جنبش تاریخی–تمدنی» تبدیل می‌کند و اعضا را در وضعیتی از رسالت موعودمحور قرار می‌دهد.

به‌عبارت دیگر، جامعهٔ بهایی در این نگاه، نه فقط دین‌داران بلکه کارگزاران تمدن جدید هستند. چنین ذهنیتی، ستون روانی پروژهٔ عصر تکوین است — همان چیزی که در متون رسمی از آن با عنوان «بلوغ بشریت» یاد می‌شود، اما در عمل به معنی جایگزینی تمدن بشری با تمدن بهایی است.

🏛 ۸. تحلیل حقوق بین‌الملل: تعارض «مدنیت الهی» با نظم جهانی موجود

بر اساس منشور ملل متحد و اصول بنیادین جامعهٔ بین‌المللی، هیچ نهاد فراملی دینی نمی‌تواند هدف خود را «جایگزینی مدنیت جهانی» اعلام کند.
عبارت «طوینا ما عند الناس و بسطنا بساطاً آخر» با مفاهیم **non-intervention**، **sovereign equality** و **cultural pluralism** ناسازگار است.
زیرا بر پایهٔ همین جمله، بیت‌العدل صریحاً اعلام می‌کند که نظم فعلی بشر (اعم از نظام سیاسی و تمدنی) باید برچیده شود و نظم جدیدی از سوی آنان گسترده شود.

از منظر مادهٔ ۵۷ (a) از آیین‌نامهٔ ۱۹۹۶/۳۱ شورای اقتصادی–اجتماعی، چنین رفتاری مصداق **سوءاستفاده از وضعیت مشورتی (Abuse of Consultative Status)** است، زیرا نشان می‌دهد که نهاد مذکور اهدافی فراتر از نقش مشورتی خود دارد و در پی شکل‌دادن به نظام حکمرانی جایگزین است.

🧩 ۹. واژگان کلیدی: «اتحاد، امانت، یگانگی» به‌مثابه واژگان حکمرانی

در نگاه نخست، واژه‌هایی چون اتحاد، امانت، همکاری و ازخودگذشتگی جنبهٔ اخلاقی دارند، اما در متون بهایی، این واژگان در حقیقت عناصر تشکیل‌دهندهٔ نظم اداری محسوب می‌شوند.
شوقی افندی در نظم جهانی بهائی تصریح می‌کند که:

«امانت در اداره، وحدت در تصمیم و انضباط در اجرا، سه رکن نظم جهانی بهائی‌اند.»

بنابراین، هنگامی که بیت‌العدل از «خصایلی که عالم محتاج آن است» سخن می‌گوید، در واقع در حال ترسیم ویژگی‌های نظام اداری خویش است — نظمی که قرار است جایگزین دولت‌های ملی شود.
به این ترتیب، اخلاق در این گفتمان، پوششی است برای اقتدارگرایی نهادی: جامعه‌ای که بر «یگانگی و انضباط» بنا شود، در واقع جامعه‌ای متمرکز و فرمان‌بردار از مرکز حیفا خواهد بود.

🌐 ۱۰. «مدنیت الهی» به‌عنوان الگوی حاکمیت جهانی

در بخش پایانی، بیت‌العدل دعا می‌کند:

«شما و تمام نفوسی را که آیین نازنینش را ارج می‌نهند مجرایی کامل برای جریان فیوضات زایدالوصفش نماید.»

در گفتمان تشکیلاتی بهایی، «مجرای فیوضات» به معنای واسطهٔ تحقق ارادهٔ بیت‌العدل در زمین است. به‌عبارت دیگر، پیروان باید خود را ابزار و کانال برای تحقق مدنیت الهی بدانند.
در زبان حکمرانی، این دقیقاً همان مفهوم **agent of transnational governance** است — یعنی کارگزاری محلی در خدمت حکمرانی فراملی.

با این حساب، بند پایانی پیام، مأموریتی دوگانه صادر می‌کند:
۱. **وظیفهٔ اخلاقی** در ظاهر (محبت، اتحاد، امانت)؛
۲. **وظیفهٔ حکمرانی** در باطن (اجرای طرح مدنیت الهی در میدان عمل).

⚖️ ۱۱. جمع‌بندی حقوقی و بین‌المللی

بر اساس تحلیل‌های فوق، بند «رسالتی تاریخی» در واقع **بیانیهٔ رسمی آغاز عصر مدنیت الهی** است؛ عصری که در چارچوب نظریهٔ شوقی افندی، پس از سلطنت الهیه قرار دارد و هدف نهایی نظم بهایی است.
در سطح حقوقی، این بند نشان می‌دهد که:

1. جامعهٔ بهایی خود را به‌عنوان یک **actor تمدنی مستقل از نظام جهانی** تعریف می‌کند؛
2. پروژهٔ جامعه‌سازی، پوششی برای شکل‌گیری نهادهای حکمرانی بهایی است؛
3. بیت‌العدل صریحاً اعلام می‌کند که نظم فعلی بشر باید جایگزین گردد؛
4. بنابراین، فعالیت‌های بیت‌العدل در قالب NGO، فراتر از حدود نقش مشورتی در نظام ملل متحد است.

🧠 ۱۲. نتیجه‌گیری نهایی: رسالت تاریخی یا برنامهٔ حکمرانی؟

در پایان، باید تأکید کرد که بند «رسالتی تاریخی» به‌ظاهر متنی عبادی است، اما در واقع **مانیفست حکمرانی عصر تکوین** محسوب می‌شود.
در این بند، بیت‌العدل با بهره‌گیری از زبان عرفانی، از پیروان خود می‌خواهد که تمام منابع و استعدادها را در راه تحقق «مدنیت الهی» بسیج کنند — تمدنی که خود جایگزین نظام جهانی فعلی خواهد شد.

از این منظر، نقشهٔ نه‌ساله نه یک برنامهٔ عبادی بلکه **طرح گذار از جامعه‌سازی به حاکمیت دینی–تمدنی** است.
به تعبیر شوقی افندی، این همان مرحله‌ای است که در آن:

«این نظم اداری، نخستین شکل‌گیریِ چیزی است که در آینده، حیات اجتماعی و قوانین جامعه خواهد بود.»

بنابراین، «رسالتی تاریخی» نه پایان یک پیام بلکه آغاز فصلی تازه از عصر تکوین است — فصلی که هدف آن استقرار کامل مدنیت الهی بهایی و تحقق عملی «سلطنت جهانی» در چارچوب همان پروتکل هفتگانهٔ شوقی افندی است.

▧ این تحلیل نشان می‌دهد که بند پایانی پیام، از منظر حقوقی و سیاسی، سندی استراتژیک است: **اعلام رسمی مأموریت تمدنی بیت‌العدل در قرن دوم عصر تکوین.**

منبع: https://www.hassanershad.com/13861

قصه ارادت عبدالبهاء به انگلیس ، قصه عشق مجنون و لیلی است .

قصه ارادت عبدالبهاء به انگلیس ، قصه عشق مجنون و لیلی است .

پس از حمله انگلیس از هزاران کیلومتر در آن سوی اقیانوس هابه عثمانی ، تجاوز به خاک مسلمانان ، تجزیه کشور عثمانی و جداسازی فلسطین ، شیره مالیدن انگلیس بر سر و صورت فرانسه ، استفاده ابزاری انگلیس از برده های هندی خود در فتح حیفا و عکا ، استفاده از بمب شیمیایی و از همه مهم تر ترور میلیون ها ایرانی بی گناه و متبری از جنگ جهانی اول و پس از آن که عباس افندی از پادشاه قاتل و جنایتکارانگلیس یعنی جرج پنجم به عنوان پادشاه عادل یاد می کند ، از عبدالبهاء می پرسند بین حکومت عثمانی و قیومیت ظل پادشاه انگلیس چه فرق است ؟

عبدالبهاء پاسخ می دهد : ما دولت عادله را دوست داریم . در دولت عثمانی امنیت نداشتیم ولی با قیومیت انگلیس امنیت داریم !

این در حالی است که فقط در یک مورد عبدالبهاء ده ها هکتار زمین در عدسیه و دره اردن داشته است ، تا جایی که او به کار صادرات گندم در سایه ی امنیت حکومت عثمانی مشغول بود و حتی در وقت یورش انگلیس انبار ها و سیلو های عبدالبهاء مملو از گندم بود . این عبدالهاء بود که ارتش مهاجم انگلیس را حمایت لجستیک کرد .

از این نیز بگذریم که عبدالبهاء برای توجیه خود از روایتی مرسل و بدون سند و البته نامربوط استفاده می کند .

سند اول :



STAR OF THE WEST

نجم باختر

حضرت بهاءالله میفرماید

سند دوم :


342 STAR OF THE WEST

سند سوم :


STAR OF THE WEST 341

منبع: https://www.hassanershad.com/4304

قصه بغرنج خاندان مطرود آشچی و سرنخ اخراج بهائیان توسط بیت العدل و اسرائیل از این کشور (از صادق آشچی تا شهرزاد آشچی)

نکته اول :

خاندان آشچی ظاهرا مستقر در فلسطین بودند و یهودی تبار شوقی در حکم زیر به دلیل عدم رعایت فرمان وی مبتنی بر عدم سفر به اسرائیل آشچی را طر نمود که سند آن تقدیم می گردد طبق اسناد ما بقی خاندان آشچی به قرار زیر به همین دلیل طرد گردیدند که عبارتند از :

توفیق آشچی به شماره امریه ۲۰۷۵

حائله آشچی به شماره امریه ۲۰۷۵

نادر آشچی به شماره امریه ۲۰۷۵

محبوبه آشچی به شماره امریه ۲۰۷۵

جواد آشچی به شماره امریه ۳۱۸۶

ابو القاسم آشچی به شماره امریه ۳۱۸۶

حسین آشچی به شماره امریه ۳۱۸۶

منیر خانم آشچی به شماره امریه ۳۱۸۶

مریم آشچی به شماره امریه ۳۱۸۶

ودیعه آشچی به شماره امریه ۲۰۷۵

بدیعه آشچی به شماره امریه ۲۰۷۵

صادق فرزند آقا محمد جواد آشچی – سفر به فلسطین – انفصال روحانی – امر مستقیم به پدر و مادرش که با وی معاشرت نکنند و نتیجه عدم اطاعت وخیم است





نکته دوم :

در سال ۲۰۲۳ خبر فوت یکی از افراد خاندان آشچی موسوم به شهرزاد آشچی منتشر شد که البته وی بهایی و ساکن آمریکا بود آنچه در سرزگذشت وی بسیار مهم است و باید به آن دقت شود حضور وی و سکونتش در اسرائیل و فرمان بیت العدل به وی در راستای خروج از این سرزمین می باشد نکته ای که بارها متذکر آن شدیم بسیاری از بهائیان ساکن اسرائیل بودند اما بعد از اشغال فلسطین توسط اسرائیل بشکل نامحسوس بیت العدل فرمان

تخیله اسرائیل به بهائیان را صادر نمود لذا ابتدا متن فارسی تاریخ زندگانی ایشان با لینک سایت تقدیم و سپس اصل متن انگلیسی آن را شاهد خواهید بود :

لینک :

https://www.legacy.com/us/obituaries/name/shahrzad-ashchi-obituary?id=51493053

درگذشت شهرزاد دلشاد اشچی

شهرزاد دلشاد اشچی

۲۷/۰۳/۲۰۲۳ – ۱۱/۱۱/۱۹۳۴

شهرزاد اشچی دختر نصرالله و خیریه دلشاد در ۱۱ نوامبر ۱۹۳۴ در حیفا اسرائیل به دنیا آمد. نام او را پدرش به او داد که پس از خواندن رمان هزار و یک شب، چنان مجذوب قهرمان رمان شد که این نام را برای او گذاشت. مانند قهرمان داستان، او نیز .عاشق داستان گفتن بود و داستان سرای بزرگی بود

او با شکر الله اشچی ازدواج کرد که نزدیک به ۶۰ سال او را دوست داشت و به او احترام می گذاشت. او همیشه او را شاه .)مخفف پادشاه(می نامید و مطمئنًا او را ملکه خود می دانست

از او دو خواهر و برادر به نام های حکیم و امل دلشاد به یادگار مانده است. او ۵ فرزند دارد: طاهره، نگار، نادر، ماهرو و پروین. او همچنین ۹ نوه دارد: مایکل، عامر، تریستن، ریون، آماندا، رندی، کانن، مالینا، آملیا و در نهایت او ۵ نوه دارد: لیال، .رایالن، سوفیا، آسیا و الکساندر پس از ازدواج، او به مدت ۹ سال با شکرالله در عکا زندگی کرد، سپس به مدت ۱۱ سال به جنینیه و سپس به مدت ۴ سال در تهران نقل مکان کرد و در نهایت در سال ۱۹۷۷ در شهرستان پولک، فلوریدا ساکن شد. **انتقال از اسرائیل به ایران به عنوان .اطاعت از درخواست بیت العدل اعظم** و همینطور انتقال از ایران به آمریکا اولین عشق شهرزاد بهاء الله و خدمت به آرمان اوست. مانند بسیاری از افرادی که یک رستوران عالی را کشف می کنند یا یک فیلم افسانه ای می بینند، او نمی توانست صبر کند تا در مورد بهائیت به مردم بگوید و همیشه مشتاق بود که ایمان و عشق خود به بهاء الله را با هرکسی که از راه او عبور می کند در میان بگذارد. حتی افرادی که در صندوقفروشی یک فروشگاه بودند، به

اندازه کافی خوش شانس بودند که داستان او را شنیدند. بهائیت همیشه محور زندگی او بود و هر کاری که انجام می داد به قصد رضایت یا ترس از نارضایتی خداوند بود. شهرزاد و عشق زندگی اش، شکر الله به معنای واقعی کلمه پولی پس انداز کرد و .برای خرید و اهدای یک مرکز بهائی برای استفاده و لذت دوستان در منطقه پولک و فراتر از آن، فداکاری کرد

مردم از سرتاسر دنیا در مواقع سختی که داشتند تماس می گرفتند و از او دعا می خواستند و او همیشه همه درخواست ها را به .جان می خرید و به هر درخواستی احترام می گذاشت، نه یک بار، بلکه روزانه تا زمانی که آن سختی برطرف شود شهرزاد عاشق آشپزی بود و در آن فوق العاده خوب و سریع بود. غذای او واقعًا خوشمزه بود، نه تنها با توجه به ذائقه خانواده اش، بلکه هر کسی که غذایش را خورده بود)هزاران نفر(می گفت چقدر خوشمزه است. او میتوانست ظرف چند دقیقه یک غذا درست کند و شناخته شده است که در بسیاری از موارد به بیش از صد نفر غذا میدهد و این کار را به تنهایی، بدون .زحمت، فراوان و خوشمزه انجام میدهد

تتا که به معنای مادربزرگ است، نوه هایش را مانند هیچ مادربزرگ دیگری دوست داشت. هر یک از ۹ نوه او او را می .پرستیدند و از حضور او، شوخ طبعی یا غذاهای خوشمزه اش سیر نمی شدند

او به طور کلی مردم را دوست داشت و همه کسانی که او را می شناختند همیشه می توانستند روی هر درخواستی از او حساب کنند، زیرا می دانست که او هرگز کمک به هیچ روحی را رد نمی کند. او پرستار خانواده بزرگتر بود. با شروع با پدرش به عنوان یک بیمار سرطانی، او تنها کسی بود که او در مورد داروهای ضد درد او اعتماد کرد، در حالی که او در اوایل نوجوانی .خود بود. این سنت تا پایان عمر او ادامه یافت و همیشه پرستار و مراقبی دوست داشتنی برای هر کسی بود که نیاز داشت

شهرزاد یک خانهساز باورنکردنی بود، به عنوان معلم خیاطی و یک خیاط عالی کار میکرد و آخرین شغل او به مدت ۲۴ سال .بود که ۲۰ سال پیش از آنجا بازنشسته شد Haven Winter در بیمارستان .شهرزاد شوخ طبعی زیادی داشت و خنده را دوست داشت. او همچنین عاشق باغبانی، موسیقی، آواز خواندن، سینما بود خانواده از ساعت ۱۲:۳۰ تا ۱:۰۰ بعد از ظهر از دوستان خود پذیرایی می کنند و خدمات از ساعت ۱۳:۰۰ پنجشنبه ۳۰ مارس آغاز می شود. مراسم تدفین در پارک یادبود اوبورندیل دنبال Haven Winter در Care Funeral Ridge Oak 2023 در

>>>>>>>>>>>>>>> خواهد شد. >><<<<<<<<<<<<<

Shahrzad Ashchi Obituary

.Obituary published on Legacy.com by Oak Ridge Funeral Care – Winter Haven on Mar .2023 ,28

Obituary of Shahrzad Delshad Ashchi

Shahrazad Delshad Ashchi

۰۳/۲۷/۲۰۲۳ – ۱۱/۱۱/۱۹۳۴

Shahrazad Ashchi, daughter of Nasrallah and Khayriyyeh Delshad was born on November ۱۹۳۴ ,۱۱ in Haifa Israel. Her name was given to her by her father whom after reading the novel One Thousand and One Nights, was so fascinated by the heroine of the novel that he gave her that name. Like the heroine in that novel, she too loved to tell stories and was a .great storyteller

She was Married to Shokrallah Ashchi who loved, honored and respected her for close to 60 years. He always called her Shah (short for king) and he certainly treasured her as his

.queen
,She is survived by 2 siblings – Hakeem and Amal Delshad. She has 5 Children: Tahereh
,Negar, Nader, Mahrou and Parvin. She also has 9 grandchildren: Michael, Ameer, Tristen
-Ryon, Amanda, Randy, Conan, Malina, Amelia and finally she has 5 Great
:Grandchildren
.Layla, Rylan, Sophia, Asia and Alexander
After her marriage, she lived with Shokrallah in Akka for 9 years then moved to Junaynih for 11 years, followed by Tehran for 4 years and finally settled in Polk County, FL as of .1977
The move from Israel to Iran was as obedience to the request of the Universal House of .Justice and so was the move from Iran to the USA
Shahrazad's first love is Baha'u'llah and serving His Cause. Like most people who discover
an awesome restaurant or see a fabulous movie, she couldn't wait to tell people about the Baha'i Faith and was always passionate about sharing her Faith and love for Baha'u'llah with anyone who crossed her path, even people at the checkout counter in a store, were lucky enough to hear her story. The Baha'i Faith was always the center of her life and everything that she did was with the intention of being pleasing to or the fear of being displeasing to God. Shahrazad and the love of her life, Shokrallah literally saved pennies and sacrificed much to purchase and donate a Baha'i Center for the use and enjoyment of .the friends in the Polk County area and beyond
People from around the world would call and ask her for prayers during their difficult times and she would ALWAYS take all requests to heart and honor every request, not ,once
.but daily until that difficulty was removed
Shahrazad loved cooking and was extremely good and fast at it. Her food was truly delicious, not only according to her family's tastebuds, but everyone who ever had her food
would say how delicious it is. She could whip up a meal in minutes ,(thousands of people) and has been known to feed over a hundred people on many occasions and doing so ,alone
.effortlessly, plentifully and deliciously

Teta, which means grandmother, loved her grandkids like no other grandmother. Each one of her 9 grandkids adored her and could not get enough of her presence, her humor or her .delicious food

She Loved people in general and everyone who knew her could always count on making any request from her, knowing she would never turn down help for any soul. She was the greater family's nurse. Starting with her father as a cancer patient, she was the only one he

trusted with his pain medication shots while she was only in her early teens. That tradition continued for the rest of her life and was always a loving nurse and caretaker to anyone in .need

Shahrazad was an incredible home maker, worked as a teacher of sewing and a great seamstress, and her final job was for 24 years at the Winter Haven Hospital from where she

.retired 20 years ago

,Shahrazad had a great sense of humor and loved laughter. She also loved gardening ,music

.singing, movies

The family will receive friends from 12:30pm till 1:00pm, and services will begin at .١:٠٠pm, Thursday, March 30, 2023 at Oak Ridge Funeral Care in Winter Haven Interment

will follow at Auburndale Memorial Park. >>>>>>>>>>>>>>>> LIVE STREAM >>>>>>>>>>>>>>>>

To send flowers to the family or plant a tree in memory of Shahrzad Ashchi, please visit Tribute Store

---

متن پیاده نشست ۹۰۷ گفتمان هدفمند جهت ایجاد شهر موازی و براندازی بیان نمونه ای از گفتمان هدفمند در بیان مهوش ثابت (مهوش شهریاری) فریبا کمال‌آبادی خطاب به : همایش گفتگو برای نجات ایران

برنامه ۹۰۷ را تقدیم می کنم با ادامه مبحثی که شروع کرده بودیم با عنوان اقدام اجتماعی شهر موازی، سرنگونی حکومت ها، برپایه حکومت بهایی

عکس ۱ تیتر موصوع جلسه

فیلم نقد :

عزیزان شاهد بودند پرده برداری به صراحت تئورسینها و یا سخنگویان این تئوری را

عکس ۲- اعضای اپوزوسیون و مصاحبه کننده و عرفان ثابتی

و اینکه هدف تشکیلات بهائی در ۲۵ سال گذشته ایجاد حکومت موازی و یا شهر موازی در کلیه کشورهاست وبنا به ضروریت ها و در واقع ظرفیت هایی که ایجاد می‌شود برخی از کشورها را شروع می کنند به استارت زدن مثل ایران تحت عنوان اینکه ما میخواهیم با حکومت سرکوبگر مقابله کنیم راه این مقابله، ایجاد نهادهای موازی یا ایجاد آلترناتیو است
میدانید که نهاد های حاکمیتی یعنی قدرت در هر کشوری توزیع و تقسیم شده در نهادهایی. مثلاً وزارت کشاورزی حالا برای ایجاد شهر موازی میایند درحوزه‌های مختلف متناظر با نهادهای قدرت حرکت های ان جی او ای ایجاد میکنند و این حرکت های ان جی او ئی منجر می شود به ایجاد حکومت موازی البته در حالت عادی فلسفه ان جی او ها در واقع این است که بار را از دوش حکومت‌ها بردارند و در راستای برداشتن این بار مشکلات بصورت مردمی حل بشود ولی از این کار انسان دوستانه و بشردوستانه تشکیلات بهایی برای ایجاد حکومت موازی دارد سوء استفاده می کند

ویدیو ۱ مربوط به عرفان ثابتی

ببینید چون من در جلسه گذشته این ویدیو را پخش کردم فقط خواستم یادآوری کنم دقت کنید مجری این طرح در کلیه کشورها غیر از اسرائیل چه نهادی است؟

عکس۳- اعضای مشاورین قاره ای

جواب: اعضای مشاورین قار ه ای و نهاد امنیتی بهائی است که اینها دارند این طرح را مدیریت می کنند زیر نظر دارالتبلیغ و همکاران در موسسه بین المللی توسعه اجتماعی اقتصادی که همین حکومت های موازی را در کلیه کشورها در ۲۵ سال گذشته به شکل ویژه به‌بهانه اقدامات توسعه اجتماعی انجام داده اند یک کلید واژه ه ای است

عکس ۴- کلید واژه ۴ قسمتی

ببینید در اقدام اجتماعی این ۵ نکته را کنار یکدیگر با هم مرور میکنیم با اقدام اجتماعی اقتصادی می خواهند حکومت موازی ایجاد کنند، حکومت موازی یعنی بوجود آوردن نهادهای موازی با نهادهای قدرت در یک کشور خب اقدام اجتماعی چه نکته ای را در پی و نتیجه دارد ؟ جواب: ابزاری است برای اقدامات امنیتی یعنی اقدام اساسی و اقدام اساسی چیست؟ ابزاری است برای تغییر بافت جمعیتی لذا به خاطر این امنیتی است و به خاطر تغییر بافت جمعیتی در واقع اینها همان پکیج طرح کلاسهای روحی است یعنی کار کارگاهی برای تغییر بافت جمعیتی میدانید که تدریس درس یا اجرای طرح روحی در ایران بر مبنای قانون سال ۱۳۹۹ مصداق جرم انگاری است یعنی شما اگر این دوره را برقرار کنی این کار یعنی جذب افراد به نهادهای موازی که این بر ضد حاکمیت ملی و تمامیت ارضی محسوب میشود خب تغییر بافت جمعیتی چه داستانی دارد؟ جواب: این برای وصول به اهداف نقشه های بیت العدل است که الان در هفدهمین نقشه بیت العدل هستیم اهداف نقشه های بیت العدل چیه؟ تسلط بر حکومت و اشغال سرزمین با مدیریت نیروهای فرامنطقه‌ای یعنی هر کشوری را با همین سیستم که گرفته اند بر پایه حکومت جهانی و عصر ذهبی است

حالا یک نکته ای که این جلسه من روی آن تاکید دارم و آن این دو بزرگوار است که در ابتدا نشان دادم این بحث فنی تر است ببینید یک لفظی در پیام های بیت العدل هست تحت عنوان گفتمان هدفمند،

عکس شماره ۵- تابلوی گفتمان هدفمند کلید واژه اقدامات شهر موازی(حکومت موازی) در پوشش فعالیتهای خدمت به عالم انسانی

گفتمان هدفمند یعنی شما باید گفتمان اجتماعی راه بیندازید شما می‌خواهید نهاد موازی با نهادهای قدرت را در یک کشور ایجاد بکنی میخواهی در حوزه محیط زیست و بهداشت مسائل اقتصادی و مسائل تبعیض نژادی و تبعیض مذهبی گفتمان صلح، محیط زیست گفتمان های مختلف راه بیندازی که در پیام های بیت العدل سندش را من امروز تقدیم می کنم تمام این این موضوعات در آن نهفته است موقعی که شما با لفظ گفتمان هدفمند مواجه می شوید مثلا هدف از گفتمان صلح رسیدن به اقدام اساسی است، اهداف نقشه بیت العدل است یعنی ایجاد حکومت موازی

این یادتان نرود گفتمان هدفمند در حیطه تساوی حقوق زن و مرد چیه؟ جواب: رسیدن به تغییر بافت جمعیتی و ایجاد حکومت موازی یعنی یادتان نرود که گفتمان را داری شروع میکنی در حیطه موسیقی در حیطه فرهنگ و ادب و در هر حیطه خیلی هم قوی انجام میدهی! من محورهای گفتمان هدفمند را دانه دانه بر خواهم شمرد که تمام اینها وسیله ای است برای ایجاد حکومت موازی در هر کشور و بیت العدل در ۲۵ سال گذشته مدام در بوق و کرنا

می کرد که هدف من خدمت به عالم انسانی است خدمت به همنوع است تمام اینها دروغ است!
شما دیدید و شنیدید سخنان آقای عرفان ثابتی را و اگر من ۳ یا ۴ ماه پیش

می گفتم هدفشان ایجاد حکومت موازی است شاید باور نمی کردید ولی الان دیگه علنی دارند میگویند و خانوم فریبا کمال آبادی و مهوش ثابتی پیامی را همین چند روز پیش دادند شما میبینید که من واژه گفتمان هدفمند را در سخنانشان نشان دادم اینها، ایرانیان را برای تشکیل حکومت موازی تحریک میکنند در پوشش تهییج ایرانیان و بهائیانی که در ایران هستند به ایجاد این نهادها
پس ببینید موقعی که در موضع محیط زیست صحبت می کنند این گفتمان از دید یک بهایی و از دید کسی که عضو سازمان بهاییت است یک گفتمان هدفمند است یعنی یادت نرود این گفتمانی که داری ایجاد می کنی باید منتج و منتهی بشود به حکومت موازی
باید ان جی او ای درست کنی که این ان جی او تغییر بافت حکومتی در پی داشته باشد و همه جذب این سیستم بشوند تا دولت سرنگون بشه یعنی یک حرکت سلب تمامیت ارضی
در کلیه کشورها این اتفاق در حال به وقوع پیوستن است در تمام کشورها غیر از اسرائیل
خب باز من قبل از اینکه این پیام ۲۱ ۴ ۲۰۱۸ را نشان بدهم

عکس ۶- متن پیام ۲۱-۴-۲۰۱۸

صدای خانوم هاله هوشمند که بیست و خورده ای سال پیش ایشان به دبی رفته و این سیستم را از آقای ایدلخانی یاد گرفته و آمده در شیراز در یک سوله داره یاد میده این جمله که یادمان نرود که گفتمان ما باید هدفمند باشد و هدف ما رسیدن به اهداف بیت العدل است را نشان میدهم

ویدیوی ۲ سخنرانی خانم هاله هوشمند در شیراز در داخل سوله

البته در فیلم اینها ظاهرا در حال رقص هستند ولی این سخنان را رسما در جلسه خصوصی شان اعلام می‌کنند گفتمان هدفمند یعنی تک تک این حرکت ها باید منتهی بشود به اهداف بیت العدل که رسیدن به حکومت موازی در هر کشور است منجمله در ایران و این داستان در تمام کشورها باید اتفاق بیفتد به غیر از اسرائیل حالا قرعه فعلاً به نام ایران افتاده سخنان ایشان را عزیزان گوش کنید :
ببینید ایشان میگوید مکالمه هدفمند ،گفتمان هدفمند تمام سخن من این جمله است که اینها بیست و خورد ه ای سال پیش این واژه را به اعضای خودشان یاد داده اند که هدف ما گفتمان هدفمند است ،تنها راه سعادت را نقشه بیت العدل می دانند نقشه بیت العدل چیه ؟ آقای عرفان ثابتی بعد از بیست سال گفت هدف ما ایجاد شهر موازی است آیا شما ۲۵ سال پیش شما باورتان می شد که هدف اینها از این کار ایجاد حکومت موازی بوده؟ می گوید کلاسباید روحی هدفش رسیدن به کتاب هفت روحی باشد در آن موقع پکیج روحی شامل هفت کتاب بود این موسسه و این ساختار و مطالب اجرایی آن منتهی به حکومت موازی می شود چرا ؟ چون تغییر بافت جمعیتی در پی خواهد داشت
ببینید میگه فقط ما میفهمیم خرد جمعی و غیره را اینها را بگذارید کنار حرف های خانم فریبا کمال آبادی که در

خلوت این جوری با هم حرف میزنند ولی وقتی در جمع می آیند دم از وحدت در کثرت و کثرت در وحدت میزنند ایشان داره میگه تمام عالم داره داره زجر میکشد لذا اول ترتیب ایران را بدهیم بعدش بپردازیم به تمام عالم ! مضمون سخنان ایشان این است که حالا این ها برنامه‌های مفصلی است البته بعدش با این هابرخورد شد شدیداً برخورد شد تار و مار شدند اینها موفق نشدند اینها البته می خواستند اول ایران را بگیرند و بعد به سایر نقاط بروند که در ایران ماندند من این پیام را بخوانم و یک اشاره ای بکنم به اولین نمونه اقداماتشان از این جلسه به بعد من اسناد مربوط به این اقدامات اجتماعی که مستقیما به معنی تشکیل مقدمات حکومت موازی و منجر شدن به اقدام اساسی و تغییر بافت جمعیتی میشود را ارائه میدهم اینکه می‌گویند ما داریم خدمت می‌کنیم و بهاءالله به ما گفته این کارها را بکنیم، اینها همه غیر واقعی است هدف اینها حکومت موازی است من دونه دونه این پیام ها را با این هدف جمع کرده‌ام و این شامل ۶ یا ۷ تا پیام اولیه میشود که هرجلسه مربوط به یک پیام است لفظ گفتمان هدفمند بدفعات در داخل این پیامها بکار رفته و مصادیق گفتمان هدفمند را در پی دارد
این پیام ۲۱ ۴ ۲۰۱۸ را میب ینید

عکس۷- متن پیام ۲۱-۴-۲۰۱۸

شما به صراحت مشاهده می کنید که می گوید : با شدت یافتن فعالیت های جامعه سازی (شما در هر جا از پیامهای بهایی، واژه جامع سازی را مشاهده کردید این یعنی جامعه‌ای که در درون یک جامعه دیگر در برابر نهادهای حاکمیتی دارندمی سازند جامعه سازی یعنی نهاد های موازی و شهر موازی)
و دوستان قابلیت های نایافته خود را که برای بهبود شرایط اجتماعی پرورش داده‌اند به کار گیرند و اشتیاق شان با مطالعه تعالیم الهی شعله ور میشود ما از تعالیم الهی به عنوان انگیزه برای ساختن جامعه مان داریم بهره می بریم ! (در سازمان ملل و نهادهای بین المللی هم اینو میگن خیلی خوب است تو بدم خیرش به ما هم میرسد و نمیگن که ما داریم شهر موازی میسازیم حالا چرا کشور ها به این حساس نیستند؟ البته حساس خواهند شد چون قرار نبود آقای عرفان ثابتی به این زودی‌ها داستان شهر موازی را آشکار کند اینها شکست بیت العدل است ولی با این همه باید مراقب باشیم کسی که زخمی شده خطرناک تر هست تمام این زخمها به توفیق الهی توسط این حقیر بوده و بسیاری از نهادهای در ایران متوجه کارهای اینها شده‌اند شهرداریها در این مدت از نقشه های ۹ ساله شما مطلع هستند و همه می دانند که داستان شما چیه فرهنگسراها و سراهای محله را من یکی به یکی نزدشان رفته‌ام و روشنگری کرده ام شما بهاییان وقتی به بهانه پسماندها داری میآیی سیر تا پیاز اینهایی که میخواهی انجام بدهی را نهادها میدانند

حتی جمله بندی های شما را می دانند آنها می دانند شما با چه ترفندهایی میخواهی کار کنی یعنی فکر نکنید که ایران دیگر آن ایران ۲۵ سال گذشته است من به خیلی ها مشاوره داده ام بسیاری از آن شیرینی هایی که می خواهید مثل مگس به آن بچسبید برای آن شیرنی ها در این دو سه ماه اخیر وقت گذاشته‌ام و به نهاد ها توضیح داده‌ام نهادهای امنیتی را نمی گویم بلکه جاهایی مثل سرای محله، کلاس های موسیقی... و کشورهای دیگه هم به همین ترتیب است حالا ما یک داستانی با آقای نوبری داریم ببینیم چکار خواهیم کرد در آینده قرار است بین من و آقای ایدلخانی و آقای فرهاد ثابتان مناظره ترتیب داده شود آقایان ثابتان و ایدلخانی لطفاً بیایید جلوی من را بگیرید و

ثابت کنید که هدفتان براندازی نیست و جلوی ملت و مخاطبین و ایرانی ها نشان بدهید که بهائیان ایران را سلاخی نمی کنید و اگر نیایید معنیش اینست که شما دارید سلاخی می کنید مردم و بهائیان ایران را در این پیام بیت العدل به صراحت دارد می گوید که تعداد پروژه های کوتاه مدت افزایش بسیاری یافته اینها کدام پروژه ها هست ؟ جواب:همان پروژه های در راستای سخنان آقای عرفان ثابتی و آن ،جامعه سازی و شهر های موازی سازی است و اینکار توسط تشکیلات بهایی در تمام جوامع به غیر از اسرائیل اجرا می شود چقدر قشنگ گفتی آقای عرفان ثابتی!

ادامه پیام: برنامه های منظم گسترش پیدا کرده و اکنون تعداد بیشتری از سازمانهای توسعه ملهم از تعالیم بهایی (ببینید همان آسو و بنیاد تسلیمی، بیش از ۱۰۰ هزار موسسه خرد و کلان در سراسر دنیا در این راستا در ۲۵ سال گذشته کار کرده‌اند یعنی آنها همه مستقیماً زیر نظر دفتر توسعه بین المللی بهایی در اسرائیل است یعنی بنیاد تسلیمی زیر نظر اوست ملهم از تعالیم بهایی یعنی یک مجموعه داریم که مدیریتش تحت نظارت بهاییان است ولی در چارت سازمانی مستقیم ما نیست !! ولی در راستای اجرای نقشه های بیت العدل دارد کار می کند! چرا ؟برای اینکه بتواند پول از غیر بهائیان بگیرد (پیامهای بیت العدل) اینها عمدا این سیستم را انجام میدهند که بگویند اینها مربوط به سیستم بیت العدلی نیست که پول نتوان برای آنها داد برای آن که پول را به وفور و راحت بتوانند بگیرند اینها سازمانهایی مال بهائیان است که در ارتباط با ایجاد شهر موازی دارد همان کارها را می‌کند برای اینکه دستشان باز شود تا مصرفشان شان را بتوانند از دولت ها بگیرند شما مثلا بنیاد بدیع که ملهم از تعالیم بهایی است را درنظر بگیرید که نصف چین را گرفته اینها از خود دولت چین دارند پول می گیرد خود این تشکیلات اگر رسماً وابسته به بیت العدل باشد که نمیشود پول گرفت حرام است خوب حالا میخواهد کلاه شرعی بگذارد سراینها میآیند و از تک تک دولت ها برای ان جی او هایی که درست کرده اند پول می گیرند در واقع یکی از ابزارهای پیچاندن و پول گرفتن از غیر بهائیان همین سیستم است

فعالیت در زمینه های آموزشی و گفتمان هدفمند که در آن پایین می بینید در عرصه آموزش

اول گفتمان ایجاد می‌کنند

بعد خودشان را تحمیل می‌کنند خب در این حرکت هدفمند هدف چیست ؟ هدف رسیدن به اهداف نقشه تغییر بافت جمعیتی و گرفتن حکومت و ایجاد شهر موازی است

پس گفتمان هدفمند هدفش ایجاد شهر موازی است

بهداشت! آخه بهداشت به شما چه ربطی دارد تودلت برای بهداشت مردم سوخته؟ برو تبلیغت را بکن بحث خدا و پیغمبر رفته کنار ! آیا خدا گفته برو کارهای بهداشتی انجام بده؟ خانوم می خادم میاید در کشورهای آسیایی چند میلیون شبکه بهداشتی ایجاد میکنه وبه بهانه چشم پزشکی برای چند میلیون نفر سازمان ملهم از تعالیم بهایی راه می‌اندازد و در خیلی جاها هم این کار را انجام میدهند که مثال هایش را در آلمان زدم خوب هدف از ایجاد فعالیت های هدفمند در حوزه بهداشت چیه؟جواب: اجرای نقشه های بیت العدل و ایجاد نهاد موازی بهداشت در برابر نهاد های بهداشتی در یک مملکت

در مورد کشاورزی اوه اوه خداوکیلی چقدر این آقای عرفان ثابتی کار منو راحت کرد هدف از ورود سازمان های ملهم از تعالیم بهائی در حوزه کشاورزی ایجاد شهرموازی در کنار نهاد های کشاورزی یک کشور است چه کسی اینرا دارد انجام میدهد؟ آقای فریدون جواهریان در پوشش سازمان ملل حدود ۲۶ یا ۲۷ سال میاد و تحت پوشش سازمان ملل به قلب افریقا میرود وبه بهانه کشاورزی شروع می کند نهاد موازی ایجاد کردن به عنوان طرح های سازمان ملل و پولش را هم به عنوان ان جی او از سازمان ملل میگیرد در آن کشورها ...

ادامه پیام

از تقلیب مشهود در حیات فردی می توان نشانه های اولیه قدرت غیر قابل تردید اجتماع سازی امر حضرت بهالله را ملاحظه کرد (ببینید دیگر از این شفاف تر ؟که در کشاورزی داری فعالیت می کنی وهدفت ایجاد شهر در راستای ایجاد احکام کتاب اقدس در آن کشور است چه کسی این حرف را می گوید همین پیام میگوید اجتماع سازی امر حضرت بهاءالله هر جا که می گوید جامعه سازی یعنی شهر موازی بهائیان!

چه کسی این را می گوید؟ پیام ۲۱- ۴ -۲۰۱۸ حالا فهمیدید خانوم فریبا کمال آبادی ؟

پیام را می‌بینید که اول بحث اقدام اجتماعی را مطرح کرده و بعد می آید می گوید این میدان دیگری از امر مجهود است که پیشرفت قابل ملاحظه‌ای نموده است ۲۰۱۸ تا ۱۹۹۶ از جمله گفتمان های هدفمند تساوی زن و مرد است (آقا تساوی زن و مرد که مدام شما صحبت میکنیدو مقاله می نویسید در آسو و این ور و اونور هدف واقعی شما آیا حقوق زن و مرد است؟ خیر! بلکه تو میخواهی ازاین طریق گفتمان هدفمند را بیندازی و یک عده را جذب سازمان خودت بکنی بجای این کارها بگو من بهایی هستم و می خواهم تورا بهایی کنم! دلایل حقانیت آیین خودت را هم ارائه بده البته ماهیت تشکیلات تو سازمانی است می خواهی براندازی کنی حکومت موازی تشکیل بدهی

تو گفتمان هدفمند ی را مطرح می‌کنی که خودت با آن اعتقاد نداری احکام بهایت را در مورد ارث و سایر موارد قبول نداری و اعتقادی با آنها نداری نفس جوانان در تبلیغ ادیان، همزیستی بین ادیان... طبق کتاب و احکام بهایی غیر بهایی حرامزاده است یک بهائی خیر من الف الف غیر بهایی است یعنی یک بهایی بهتر از یک میلیون غیر بهایی است آن وقت تو اعتقادی به همزیستی بین الادیان داری؟! تو ضعیفی هنوز حکومت بهایی را تشکیل نداده ای اگر حکومت تشکیل میدادی که اول و آخر ادیان به هوا می رفت..

پس عزیزان در این پیام بوضوح شما واژه گفتمان هدفمند را دیدید که این مهم است هدفمند یعنی شهر موازی این را یادتان نرود این را دقت کنید و این سند را که یکی از ده ها سند است در گوشه ذهنتان داشته باشید حالا ببینید من سریع ادامه بدهم و یک جلسه بعد مستقلاً به پیامی که در ارتباط با پیام مشترک خانم مهوش ثابت شهریاری و خانم فریبا کمال آبادی

عکس -۸ خانمها مهوش ثابت و فریبا کمال آبادی

خطاب به همایش گفتگو برای نجات ایران هست تحلیل خواهم کرد چون این دو نفر از رهبران براندازی طی ۲۵ سال اخیر در مقوله ایجاد شهر موازی در ایران بودند و من به واژه گفتمان هدفمند در سخنان این دو نفر اشاره می کنم و تحلیل دقیق آن را جلسه آینده خدمت عزیزان عرض میکنم

عکس -۹ متن پیام گفتمان هدفمند خانمها ثابتی و کمال آبادی خطاب به همایش نجات ایران

ببینید در این مطلب اولین نکته‌ای که جلب نظر می کند ادعای وحدت در عین کثرت و تنوع است تو گویی اینها یک نجات دهندگانی هستند و من یکی یکی گفته های اینها را تحلیل می کنم و مزور بودن اینها را خدمت شما ثابت میکنم امیدوارم آقای فرهاد ثابتان بیاید و به من بگویدکه تو خودت مزور هستی! و نفهمیده ای!
آقای فرهاد ثابتان صحبت‌های من روی بسیاری از نهاد های حاکم بر ایران اثر می کند حالا تو بیا این حرکت منو متوقف کن و منو مجاب کن جلوی بهائیان ایران که من دارم اشتباه می کنم نگو آقا ما جدالی نداریم نه برای بهاییان ایران خطرناک است که وارد این حوزه ها شوند طبق قانون مجازات اسلامی این کارها محارب بودن است طبق بند ۴۹۸ قانون مجازات اسلامی اینکارها ۲ تا ۱۰ سال حبس و مجازات دارد ایجاد شهر موازی و حکومت موازی محاربه محسوب می شود حالا چون با اسلحه نیست بین ۲ تا ۱۰ سال حبس دارد شما بیا به من بگو تو اشتباه می کنی و این هیچ ربطی به باور بهایی ندارد الان بحث در مورد دین نیست که شما در پوزیشن دین میایی و مطرح میکنی شما داری بهائیان ایران را به سلاخ خانه میفرستی و این خانوم در همین پیام دارد بهائیان را برای اجرایی کردن پروژه های شما تحریک می کند ولی این را بدانید که قلع و قمع خواهند شد کسانی که در پروژه شهر موازی بیت العدل شرکت کنند
مگر ما مرده ایم این ربطی به مسایل آیینی و اعتقادی ندارد
همش می گویند ما را به جرم بهایی بودن اذیت می کنند من خم میشوم و شما بیایید روی دوش من و در مورد بهائیت حرف بزن من هم جواب شما را میدهم حالا مردم خواستند یا بهایی بشوند یا بهایی نمیشوند مسئله باور و دین و اینها نیست مسئله ساختن شهر موازی است آقای عرفان ثابتی در راس اپوزیسیون به دیگران می گوید ما از شما در براندازی جلوتر هستیم!
اینها همینهایی بودند که می گفتند ما هر جا بوی سیاست بیاید از آنجا بیرون می آییم !
قدرت و حاکمیت ؟! این حرفها چیه؟ ببینید در این پیام ایشان دارد تکیه می کند و مخاطبش کنفرانس است می گوید باید در اقدامات اجتماعی اقتصادی،فرهنگی ،تربیتی،سیاسی، اخلاقی وارد این حوزه ها شوید
بابا تو داخل زندان هستی ،دلت برای محیط زیست و آب و هوا و اختلاف طبقاتی ، می سوزد یا داری گفتمان هدفمند ایجاد می کنی!؟ داری فرکانس میفرستی به بهائیان برای راه انداختن گفتمان هدفمند و ایجاد نقشه ۹ساله بیت العدل از ۲۰۲۲ تا ۲۰۳۰ یادت نره نهادهای محیطزیستی را باید در کنار نهادهای قدرت ایجاد کنی
بحث در حوزه زنان ودر حوزه مهاجرت:
مدام می گوید گفتمان هدفمند ! ، تمام اینها پیام بیت العدل است که میگوید امر بهاءالله را حقنه می کنیم به جوامع ! باشد حقنه بکنید ایرادی ندارد ولی ایجاد شهر موازی یعنی چی؟
حالا شما بهایی محترم که با اینها داری کار می کنی خودت می دانی که در حال ایجاد شهر موازی هستی یا نه؟ اون بچه ای را که در یتیم خانه داری ذهنش را مغزشویی می کنی که عنصر این حکومت موازی بشود و مبلغ این سیستم باشد آیا به پدر مادرش یا به اولیای امور گفته ای که داری او را تبلیغ میکنی؟ بحث اعتیاد یا بحث بحران های اجتماعی را مطرح می کنی..
ادامه پیام:
فحشا و گسترش فقر ...به بهانه رفع فحشا ، به بهانه برداشته شدن فقر و جلوگیری از فحشا اگر کسی کار کند بد

است ؟ نه بد نیست پس چی بد است؟ اینکه به بهانه اینها ان جی او درست کنید و شهر موازی بسازی یعنی همان چیزهایی که آقای عرفان ثابتی در اول برنامه گفت! ببینید اینها همه تکه هایی از گفتمان هدفمند است
وحدت آرا و نظرات، ....آیا شما به دموکراسی قانع هستید؟
شما همین شعار زن زندگی و آزادی را که سر می دهی من بر مبنای گفته‌های آقای شوقی نشان خواهم داد که چه داستانی دارد در مورد آقای مولوی عبدالحمید هم ایشان مطالبی گفتند

عکس ۱۰ مولوی عبالحمید

تجربه جهانی، دموکراسی، حفظ تمامیت ارضی و خدمت به کشور.... خب اگر من پیام بیت العدل و حرفهای آقای عرفان ثابتی را نشان نمیدادم و ده‌ها جلسه توضیح نمیدادم باور پذیر نبود برای شما دقت کنید من مزور بودن این دو بزرگوار را نشان خواهم داد این ها می گویند خدمت به کشور و این یعنی شمشیر را از نیام بیرون در آوردن !! بهالله گفت شمشیر ها به غلاف باشد خانوم مهوش ثابت و خانوم فریبا کمال آبادی در ایران گفتند شمشیر ها از غلاف بیرون خدمت به کشور نه فقط وظیفه بلکه حق همه ما است یعنی ایجاد حکومت موازی حق همه ماست حق همه بهایی ها اجتماع سازی امری است و این پیام بیت العدل هست و ایشان هم موظف است اجرا کند خانم کمال آبادی و مهوش ثابت تمام حرف هایشان را از این پیامها گرفته‌اند تساوی زن و مرد، مهاجرت، تقلیب اجتماع ایجاد بهبودی در جامعه این ها را کی میگوید؟ خانوم کمال آبادی
تمام سخنان خانم کمال آبادی در مورد جامعه سازی در چه جهتی است؟ در جهت اجتماع سازی امر حضرت بهاءالله یعنی همه مردم بیایند داخل اجتماع ما؟ نخیر اول همه بهایی بشوند و بعد بیایند داخل اجتماع ما اجتماع سازی حضرت بهاءالله است نه اجتماعی سازی ایرانیان

عکس ۱۱- قسمتی از سند اول که در آن واژه اجتماع سازی های لایت شده

و ایران کامیونیتی خودمان است همه‌اش مال ماست و هیچ کس را در آن راه نمی دهیم اگر بخواهی بیایی داخل ما باید بهایی بشی حکومت بر مبنای تعالیم کتاب اقدس را قبول کنی پس چکیده سخنم اینکه سند ۱ پیام بیت العدل در تاریخ ۲۱- ۴- ۲۰۱۸ را دقیقا تکرارش را در پیام این دو بزرگوار،خانم مهوش شهریاری و خانوم فریبا کمال آبادی میبینید
عکس- ۱۲ متن پیام دو محکوم بهایی خطاب به همایش نجات ایران
شما آن پیام را در این سند دیدید
یک وقت پیام انسانی هست که ما مخلصتان هم هستیم ولی آقایان فرهاد ثابتان و آقای ایدلخانی شما با استدلال و سند اگر میتوانید بیایید من راخفه کنید حرف های من برای بهاییان ایران خطرناک است شما بیایید اگر من اشتباه می کنم من را تضعیف کنید دارم الان علنی میگم آقای ایدلخانی که سی سال مسئول این اعمال در ایران بودی و خانمهای ثابتی و کمال آبادی در زیر نظر تو فعالیت کردند و هیئت یاران شما باید بیایی و مرا جلوی همه مجاب بکنی به آقای وحید نوبری پیغام دادیم و منتظریم دو هفته به آنها وقت دادم اتفاقی که در ایران افتاده را گفتم بعدش اسناد مربوط به کشور را در می آورم تک تک سفارتخانه‌ها خواهم رفت همان بلایی که در قطر بر شما رخ داد و علنی

گفتید: ارشاد این کار را کرد همان کار که در امارات رخ داد و شما آقای کمال آبادی سه ماه در بدر شده بودی و خودت به من گفتی که تو این کار را کردی بله من با همان ساز و کار به کارم ادامه خواهم داد

مجموعه برنامه های اجرا شده در کانال واحد سیاسی مؤسسه مصاف (نجوا)

نشست ۱۲۳۴ واحد سیاسی |مصاف (نجوا)

گفتگوی ویژه با موضوع: تطهیر سه دهه فعالیت تروریستی در راستای تفکرات تکفیری بهاءالله توسط روشنفکران (جلسه‌پانزدهم)

با حضور:

جناب آقای حسن ارشاد (کارشناس و پژوهشگر فرقه بهائیت)

ساعت ۱۵:۴۵ بصورت لایو در وویس‌چت تلگرام

👈 گفتگوی ویژه با موضوع: آشنایی با مکانیزم براندازی (جلسه چهاردهم)

با حضور:

◇ جناب آقای حسن ارشاد (کارشناس و پژوهشگر فرقه بهائیت)

◇ فریدون جواهری خدای بهائیان یکی از ۹ عضو بیت‌العدل: هر بهائی باید مبنای زندگی خویش را بر اساس اجرای نقشه ۹ ساله قرار دهد.

◇ هیچ یک از بهائیان در اجرا و تبلیغ نقشه ۹ ساله آزاد نیستند؛ تبلیغ بر هر بهائی واجب است اگر به هر دلیل نتواند تبلیغ کند باید هزینه آن را پرداخت کند.

◇ نقشه ۹ ساله حاوی اقداماتی می‌باشد که نتیجه آن؛ جامعه ایران را به سوی ایجاد یک حکومت دست نشانده مورد نظر صهیونیست‌ها می‌کشاند.

◊ کتاب سیزده روحی واحد یک؛ محور اصلی بهائیان برای برنامه‌ریزی جهت براندازی در ایران می‌باشد.

◊ یکی از وظایف بهائیان ذکر شده در کتاب؛ قرائت منطقه در محدوده جغرافیایی از قبل تعیین شده و شناسایی تمام زخم‌ها، کانون‌ها و نقاط آسیب‌پذیر منطقه می‌باشد.

◊ به بهانه رفع یکی از زخم‌ها و برطرف کردن آسیب‌های منطقه زیر نظر دفتر توسعه اجتماعی اقتصادی که مرکز آن ر.ص می‌باشد؛ در راستای اجرای نقشه ۹ ساله اقدام می‌کنند.

◊ یکی از خروجی‌های موسسه کیوان رحیمیان در غالب مقابله با خشم کودکان؛ پرورش و تربیت سرباز برای ر.ص کودک‌کش می‌باشد.

فیلم :

واحد سیاسی مصاف (نجوا)

☜ گفتگوی ویژه با موضوع: آشنایی با ارکان براندازی بیت‌العدل در ایران (جلسه دوازدهم)

قسمت اول و دوم بشکل کامل : پدر خانواده رحیم رحیمیان دلا ئل اعدام در دهه شصت

در سطح ملی و داخلی: اقدامات خدماتی در عرصه فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی پوششی برای اهداف و نقشه‌های بیت‌العدل از اسرائیل برای براندازی در ایران

الف: اسناد فرمان‌های مجرمانه بیت‌العدل
ب: بررسی موردی "خاندان رحیمی از پدر اعدامی در دهه شصت تا فرزندان براندازشان کامران و کیوان و شبکه زیر مجموعه‌شان"

با حضور:

◊ جناب آقای حسن ارشاد (کارشناس و پژوهشگر فرقه بهائیت)

سه شنبه ۲۸ آذر ۱۴۰۲
زمان گفتگو: ۱۵:۰۰

👈بصورت لایو در وویس‌چت تلگرام

📌گفتگوی ویژه با موضوع: بررسی اسنادی که نشان می‌دهد "تشکیلات بهایی شدیدا معتقد به آپارتاید سازمانی و فرقه‌ایست و به دنبال برپایی حکومت بهایی با مکانیزم فوق می‌باشد"

👈جلسه دهم با حضور آقای حسن ارشاد (کارشناس و پژوهشگر فرقه بهائیت)

🔸 بهائیت تنها تشکیلات سازمان یافته در سازمان ملل می‌باشد که محوریت تمام برنامه‌های ضدنظام ج.ا.ا را مدیریت و برنامه‌ریزی می‌کند.

🔸 پیاده‌سازی برنامه صلح جهانی توسط بهائیت برای جلوگیری و از بین بردن روحیه ضداستکبار و ضدنظام سلطه فقط در کشورهای درحال توسعه و یا در آمریکا محدود به مهاجران و سیاهپوستان ساکن آنجا انجام می‌گیرد.

🔸 در کانادا و استرالیا تماماً کارهای مهاجرت در سازمان ملل تحت نظارت بهائیت برای تمایل ساختن آنها به فرقه ضاله انجام می‌پذیرد.

👈عبدالبهاء: تمام غیربهائیان حیوان هستند.

🔸 از ابتدای تاسیس تشکیلات، بهائیان منکر تشکیل حکومت بوده‌اند.

فیلم :

۱۱۶۰ واحد سیاسی نجوی (نجوا)

🗣 گفتگوی ویژه با موضوع:
انگیزه شبکه بهایی من و تو در ساختن مستند پرویز ثابتی که در راستای سفید شوئی او می باشد چیست ؟

آیا این پروژه بیت العدل برای پوشاندحامیان پشت پرده به قدرت رسیدن پرویز ثابتی نبود ؟ "
(جلسه نهم)

◇ جناب آقای حسن ارشاد (کارشناس و پژوهشگر فرقه بهائیت)

لینک های اسناد این برنامه :

لینک اول :

کودتای سال ۱۳۳۵ اسرائیل (تشکیلات بهایی) در ایران در بستر نقشه ده ساله شوقی و مقابله جانانه مردمی

دوم :

اهداف نقشه های بیت العدل در راستای اشغال سرزمین ها و برقراری حکومت بهایی

سوم :

مختصات نهاد امنیتی بیت العدل (ایادیان امر – دار التبلیغ – هیئت مشاورین قاره ای و هیئت معاونت ترویج و تحکیم)

فیلم :

🎬 گفت‌وگوی ویژه نجوا با موضوع: آشنایی با ارکان براندازی بیت‌العدل در ایران
(جلسه هشتم) سه‌شنبه ۳۰آبان۱۴۰۲

با حضور:

◇ جناب آقای حسن ارشاد
(کارشناس و پژوهشگر فرقه بهائیت)

مقدمه:
الف: بررسی ارکان فرامنطقه‌ای
۱ـ دارالتبلیغ و هیئت مشاورین قاره‌ای

۲- مؤسسه بین‌المللی توسعه (دفتر طرح و توسعه اقتصادی‌اجتماعی سابق)
۳- جامعه جهانی بهایی bic

ب: در سطح ملی و داخلی
۱- هیئت معاونت
۲- مؤسسه آموزش ملی
۳- شورای منطقه‌ای

◇ حکومت موازی بهائیان در آلمان

◇ نقشه بهائیان تبلیغ مستقیم نیست.

◇ به‌بهانه درمان نقاط ضعف جامعه و طرح‌های توسعه تبلیغ می‌کنند.

◇ در آلمان هم از پوشش طرح‌های توسعه برای تبلیغ استفاده کردند.

◇ در ایران هم از این پروژه‌ها اجرا کرده‌اند.

◇ قرائت منطقه در حقیقت همان جمع‌آوری اطلاعات و اخبار مورد نیاز سازمان و تشکیلات بهائیت است.

◇ در این فرقه ضاله، پوشش و عادی‌سازی کاملا آموزش داده شده است.

◇ آموزش دروس اخلاقی بهائیت در مدارس آلمان، از طریق نمایش‌ها صورت می‌گرفت.

◇ تجاوز به حقوق کودک در آلمان با فعالیت‌های فرقه بهائیت صورت گرفته است که قابل پیگرد می‌باشد.

فیلم :

❖ واحد سیاسی (نجوا)

گفتگوی ویژه با موضوع: علت عمده دستگیری اعضای سازمان بیت‌العدل مستقر در اسرائیل شاخه داخل ایران چیست؟
(جلسه هفتم)

با حضور:

◇ جناب آقای حسن ارشاد (کارشناس و پژوهشگر فرقه بهائیت)

سه‌شنبه ۲۳ آبان ۱۴۰۲
زمان گفتگو: ۱۵:۴۵

نشست ۱۱۱۹ 👈 گفتگوی ویژه با موضوع: جرم‌انگاری عضویت در سازمان و تشکیلات بهایی (جلسه‌ششم)

با حضور:

◇ جناب آقای حسن ارشاد (کارشناس و پژوهشگر فرقه بهائیت)

سه‌شنبه ۱۶ آبان ۱۴۰۲
زمان گفتگو: ۱۵:۴۵

نشست ۶۸۵

📌 اطلاعیه شماره (۱) واحد سیاسی مصاف (نجوا)

👈 گفتگوی ویژه با موضوع: معرفی نهادهای امنیتی (اطلاعاتی و عملیاتی) سازمان جهانی بهایی (بیت العدل) (بررسی ابعاد سیاسی و امنیتی فرقه بهائیت)

👈 نجوا بدینوسیله اعلام می‌نماید حاضر به گفتگو و بحث با مخالفین این موضوع می‌باشد.

شنبه ۲۲ مرداد ۱۴۰۱
زمان گفتگو: ۱۹:۰۰

👈 بصورت لایو در وویس‌چت تلگرام 👇

❖ کانال واحد سیاسی مؤسسه مصاف (نجوا)

فیلم :

مورد بعدی :

🔏بررسی صدور پیام عجولانه ۱۹ اوت ۲۰۲۲ و افشای دروغهای بزرگ جامعه جهانی بهایی در این خصوص که واجا، وارد مهدکودکی در یکی از شهرهای بزرگ شده و با دادن کتابها و جزوه های بهاییت به معلمان و کارکنان، آنها را مجبور کردند مقابل دوربین بگویند که بهاییان این کتابها را به مهدکودک آورده و میان آنها توزیع کرده اند.

کارشناس و پژوهشگر فرقه ضاله بهائیت جناب آقای حسن ارشاد

👈چندی پیش وزارت اطلاعات در بیانیه ای اعلام کرد تعدادی از اعضای هستهی مرکزی حزب جاسوس بهاییت را که بطور مستقیم با کانون صهیونیستی "بیت‌العدل" مستقر در فلسطین اشغالی، در ارتباطِ تشکیلاتی بودند را بازداشت کردند، که مأموریت تبلیغ آموزه های استعماری بهائیت با نفوذ در سطوح مختلف آموزشی و بطور ویژه مهدکودک ها و همچنین ترویج بی حجابی را برعهده داشتند.

منبع: کانال نقد تخصصی تشکیلات بهایی و بیان مختصر در موضوع مهدویت

🔆 کانال واحد سیاسی مؤسسه مصاف (نجوا)

فیلم :

مورد بعدی :

🔏دومین جلسه نشست مجازی

👈 با موضوع: "معرفی چارت تشکیلات بهاییان و مکانیزم جذب به سازمان در ایران"
(بررسی ابعاد سیاسی و امنیتی فرقه بهائیت)

🔸 با حضور: جناب آقای حسن ارشاد
(کارشناس و پژوهشگر فرقه بهائیت)

🔆 کانال واحد سیاسی مؤسسه مصاف (نجوا)

فیلم :

مورد بعدی

❖ نشست ۷۹۱ : گفتگوی ویژه با موضوع: افشای مختصات امنیتی تشکیلات بهایی و جرم‌انگاری اعمال این سازمان در ایران

جناب آقای حسن ارشاد (کارشناس و پژوهشگر فرقه بهائیت)
محل بر گزاری : نجوا (واحد سیاسی موسسه مصاف)

فیلم :

مورد بعدی

وقتی جامعه جهانی بهائیت به دنبال تکثر گرایی میباشد

◇ در بخشی از مقاله تکثر گرایی و ایران آینده که در سایت گفتمان ایران آمده، صراحتا گفته شده : عناصر و موانع مخرب یعنی منتقدین و مخالفین را شناسایی و برای حذف آنها قدم بر داریم

◇ همچنین تلاش برای برچسب زدایی از خود که به دیگری سازی از جامعه از آن یاد میکند تاکید میکند.

❖ کانال واحد سیاسی مؤسسه مصاف (نجوا)

فیلم :

لینک تلگرام :

https://t.me/naghdbahaiat/33437

گفت و گوی ویژه نجوا با موضوع: تشریح مستند ساختار امنیتی تشکیلات بهایی

کارشناس: استاد حسن ارشاد (کارشناس و پژوهشگر فرقه بهائیت)

◇ از سال ۱۵۰۱م که آغاز صفویه در ایران بود و همزمان بود با آغاز دوره رنسانس و پایان قرون وسطی، غرب برای تسلط بر نقاط مختلف جهان و ایجاد مستعمرات جدید و تسلط بر آنها، راهبرد عملیاتی اش بر سه محور: قرائت منطقه – طرح و ایجاد نقشه و اجرای طرح یا نقشه بود.

❖ کانال واحد سیاسی مؤسسه مصاف (نجوا)

فیلم :

مورد بعدی :

🔊 گفتگوی ویژه با موضوع: تشریح مستند ساختار امنیتی تشکیلات بهایی

🔸 درسال ۱۹۴۸ رژیم اشغالگر در فلسطین شکل گرفت و در همین راستا بین سالهای ۱۹۵۰_۱۹۵۱ شبکه موساد توسط بن گوریون نخست وزیر وقت تاسیس شد . و در همان سال رشد تشکیلات بهایی را شاهد هستیم ...

🗣 جناب آقای حسن ارشاد (کارشناس و پژوهشگر فرقه بهائیت)

سه‌شنبه ۱۸ مهر ۱۴۰۲

🔶 کانال واحد سیاسی مؤسسه مصاف (نجوا)

فیلم :

مورد بعدی :

🎬 گفتگوی ویژه نجوا درخصوص چرایی اعدام هفتاد بهائی در دهه ۶۰، با استاد حسن ارشاد

دلایل تحریم های حقوق بشری

به طریق اولی اولین نفراتی که باید بعد از انقلاب، دادگاهی می شدند همین بهائیان بودند.

شکنجه گران بهائی ساواک فرار کردند.

واقعا نظام ج.ا.ا مظلوم است.

خیل عظیمی از اصلاح طلبان، مدافع حقوق بهائیان شدند.

بهائیان هرکسی هم که گم شده است است را جزو اعدام شدگان آورده است.

فهندژ از پشت بام منزلش، تظاهرات کنندگان را در آستانه پیروزی انقلاب، به رگبار بست و به سمت خواهر خودش هم که نسبت به این اقدام معترض بود هم تیراندازی کرد.

اعدام شدگان بهائی توسط نظام، عضو مشاورین قاره ای (ساختار امنیتی فرقه ضاله بهائیت) بوده اند.

مختصات نهاد امنیتی بیت العدل (ایادیان امر – دار التبلیغ – هیئت مشاورین قاره ای و هیئت معاونت ترویج و تحکیم)

بهائیت سازمان امنیتی یا باور

اسناد ادعای اعلام تعطیلی تشکیلات بهایی سال ۱۳۶۲ به بعد در ایران و اسناد وجود تشکیلات در ایران

مشخصات تعدادی از اعضای سرویس های امنیتی و جاسوسی بیت العدل که در دهه ۶۰ اعدام شدند و ۳ نفر از هیات یاران ایران

فیلم :

مورد بعدی :

گفتگوی ویژه نجوا با موضوع: افشاء اقدامات پوششی سازمان بهائیت علیه منافع ملی ایران مخصوصا از ۱۹۷۳ تاکنون

جناب آقای حسن ارشاد (کارشناس و پژوهشگر فرقه بهائیت)

چرا با بیت العدل در ایران به طورگسترده برخورد می‌شود؟

◇ طبق اعترافات بیت العدل اعظم در پیام ۲۰ اکتبر ۱۹۸۳، در طی ده سال گذشته، بسیاری از جوامع بهائی، دعوت عالم بهائی به ادغام جریان های توسعه اجتماعی و اقتصادی در فعالیت‌های جامعه را اجابت کرده‌اند.

◇ جامع بهائیت تعداد زیادی طرح در زمینه‌های آموزشی و بعد بهداشتی، کشاورزی و توسعه شروع به اجرا کرده‌اند.

◇ این تشکیلات در پوشش کمک‌رسانی به مردم روستا و فعالیت‌های خیرخواهانه شرکت می‌کنند تا ذهنیت مردم را با خود همراه سازند. تمام این اقدامات بشردوستانه در غالب پروژه‌های براندازی نظام جمهوری اسلامی و ایجاد حکومت بهائی است. یکی از این اقدامات تاسیس مدرسه و کتابخانه و... ایجاد بستری برای آموزش بهائیت است.

◇ یکی از راه‌های مهم برای برخورد با فرقه ضاله بهائیت و جلوگیری از گسترش آن، اطلاع رسانی و آگاه‌سازی مردم است.

◇ ایجاد بنیاد های راکفلر ، فورد و بنیادهای یهودی و... توسط نظام سلطه برای مقابله با کشورهای حوزه شرق

◇ تسلط بر نهادهای حاکمیتی کشورها از دهه ۱۹۶۰ به بعد ، به جای استفاده از ابزار نظامی

◇ اقدامات اجتماعی فرهنگی به بهانه توسعه اقتصادی ، اجتماعی ، بهداشتی برای زایل کردن فرهنگ جوامع و جایگزینی آموزه ها و الگوی های بهایی با آن

لینک منابع مربوط به گفتگو:

https://www.hassanershad.com/9067 🔗

https://www.hassanershad.com/4890 🔗

https://www.hassanershad.com/7696 🔗

فیلم :

مورد بعدی

📌 گفتگوی ویژه نجوا با موضوع فرامینی که موجب اباحه‌گری میشود

◇ با حضور: جناب آقای حسن ارشاد (کارشناس و پژوهشگر فرقه بهائیت)

🔗 لینک اسناد :

ازدواج در بابیت (جواز چند شوهری مشروط به شرط بابی بودن) و بهائیت

۹ آبان ۱۴۰۲

✍ چرا بیت العدل زنا با محارم و کلا زنای محصنه را جرم انگاری نکرده و مجازات زنای غیر محصنه را اجرا نمی کند؟

✍ در کتاب اقدس تنها فرد دارای حرمت ازدواج همسر پدر است و بقیه به بیت العدل واگذار شده بود.

✍ یکی از عوامل این ولنگاری در احکام ازدواج این بود که گروندگان به این فرقه ضاله، از ادیان و مذاهب مختلف بودند مخصوصا از یهودیان.

✍ از سال ۱۸۷۳ تا ۲۰۱۰، موضوع ازدواج با نزدیکان بجز همسر پدر، بلاتکلیف بوده است.

✍ بندبند مخالفت با تشکیلات بهائیت، برای اعضای فرقه جرم انگاری شده است. اما برای انواع زنا، جرم انگاری نشده است.

❖ کانال واحد سیاسی مؤسسه مصاف (نجوا)

فیلم :

مجموعه تحدی های حسن ارشاد خطاب به دکتر نصرت الله محمد حسینی از مبلغین شاخص تشکیلات بهایی

❖ نشست ۱۶۱۲ :

مجموعه تحدی های حسن ارشاد به دکتر نصرت الله محمد حسینی

نقد سخنان دکتر محمد حسینی پیرامون طاهره در آمریکا

قسمت اول معرفی

فیلم نقد :

✦

❖ نشست ۱۶۱۳ :

نقد سخنان دکتر محمد حسینی پیرامون طاهره

قسمت دوم طرد اداری یار شاطر – استنطاق وی توسط شاپور راسخ و همسرش (دلیل تقریر – نقض حاکمیت ملی)

تحدی ۱ – ۲ : حسن ارشاد به دکتر نصرت الله محمد حسینی

فیلم نقد :

✦

❖ نشست ۱۶۱۴ :

نقد سخنان دکتر محمد حسینی پیرامون طاهره

ایرج ایمن آیا مقام امنیتی بیت العدل در ایران بود یا خیر (مشاور قاره ای) وی ۱۷ سال از ۱۹۷۰. الی ۱۹۸۷. عضو نهاد اطلاعاتی بیت العدل مشاور قاره ای از اسرائیل در ایران ووو بود

تحدی ۳ : حسن ارشاد به دکتر نصرت الله محمد حسینی

نشست ۱۶۲۳

تحدی حسن ارشاد به دکتر نصرت الله محمد حسینی ۴

دفاع تمام قد از تروریست !!!

نقد سخنان دکتر محمد حسینی پیرامون طاهره قسمت چهارم :

آیا طاهره دغدغه دفاع از حقوق زنان را داشت یا در پی کشتار غیر بابیان بود ؟

فیلم نقد :

نشست ۱۶۲۴

تحدی حسن ارشاد به دکتر نصرت الله محمد حسینی ۵

دفاع تمام قد از تروریست !!!

نقد سخنان دکتر محمد حسینی پیرامون طاهره قسمت پنجم :

اعدام طاهره حاصل رمی شاه و ترور ناصر الدین شاه بود و ربطی به درگیری های مذهبی نداشت

فیلم نقد :

نشست ۱۶۲۵

تحدی حسن ارشاد به دکتر نصرت الله محمد حسینی ۶

نقد سخنان دکتر محمد حسینی پیرامون طاهره قسمت ۶ :

معرفی یکی از چهار عضو اعضای ساختار امنیتی بهاء الله میرزا محمد حسن ملقب به ادیب العلماء و معروف به ادیب

فیلم نقد :

✦

❖ نشست ۱۶۲۶

نقد سخنان دکتر محمد حسینی پیرامون طاهره قسمت هفتم :

استناد به تعریف طاهره از زبان مستر برون و تروریست خواندن وی در کتاب کشف الغطاء : ابوالفضل گلپایگانی – میرزا مهدی گلپایگانی – ادیب و ابن اصدق – ابن ابهر (ایادیان امر الله بها الله) میرزا نعیم سدهی – ملا محمد قائینی

اسناد :

فیلم نقد :

نشست ۱۶۳۲

نقد سخنان دکتر محمد حسینی پیرامون طاهره قسمت ۸ :

بیان متناقض پیرامون شاعر : " گر به تو افتدم نظر "

فیلم نقد :

☑

نشست ۱۶۲۷

نقد سخنان دکتر محمد حسینی پیرامون طاهره قسمت نهم :

اقدامات اطلاعاتی دکتر نصرت الله محمد حسینی از خاندان طاهره قرت العین با سوء استفاده از موقعیت اداری (استاد دانشگاه) خود

فیلم نقد :

☑

نشست ۱۶۳۳

نقد سخنان دکتر محمد حسینی پیرامون طاهره قسمت ۱۰ :

بیان متناقض پیرامون حجاب طاهره : دو ادعای متناقض محمد حسینی : طاهره عریان بود یا چادری ؟ " طاهره کلا کشف حجاب نمود یا قصه چیز دیگری است "

فیلم نقد :

☑

مجموعه سخنان دکتر مهدی خزعلی و حسن ارشاد در شبکه وان (شهرام همایون) از آمریکا پیرامون بهائیت

طی هفت جلسه گفتگوئی میان دکتر مهدی خزعلی و حسن ارشاد از شبکه وان به مدیریت شهرام همایون علی رغم اعلام ایشان به مسئولین و نمایندگان بیت العدل مانند فرهاد ثابتان در سانفرانسیسکو برای حضور در مناظره و پاسخ به سوء تفاهمات علاوه بر دست رد زدن به پیشنهاد شهرام همایون پس از پخش برنامه ها کانال یوتیوب ایشان را مورد هجمه قرار دادند و هزاران ساعت برنامه را به جرم مصاحبه با ما از دسترس خارج نمودند

سند اول حکایت صفر تا صد شهرام همایون در کلاب هاوس پیرامون دعوت از فرهاد ثابتان :



گفتگوی حسن ارشاد با شهرام همایون پیرامون این وقایع در کلاب هاوس

https://www.hassanershad.com/wp-content/uploads/2023/08/000.ogg

https://www.hassanershad.com/wp-content/uploads/2023/08/001.ogg

اظهارات شهراب همایون پیرامون حمله بیت العدل به یوتیوب ایشان به جرم پخش نقدهای ما

https://www.hassanershad.com/wp-content/uploads/2023/08/537-1.mp4

توضیح و بررسی بنده پیرامون این مطالب :

اصل هفت برنامه

نشست ۶۴۴ سرای اهل قلم مقدمه بحث بهائیت با حضور استاد حسن ارشاد (بهایی پژوه) دکتر مهدی خزعلی (مدیر مسئول سرای قلم)

☑☑☑☑

نشست ۶۵۲ سرای اهل قلم جلسه دوم : اسرائیل و بهائیت

☑☑☑☑

نشست ۶۵۹ سرای قلم نقشه بهاییت برای حکومت دینی جلسه سوم موضوع استناد به قسمتی از پیام عید رضوان ۲۰۲۱ توضیح نقشه های الهی عبد البهاء جهت ایجاد شبکه اطلاعاتی در سال ۱۹۱۶ در قاره آمریکا و سه نقشه شوقی افندی از سال ۱۳۳۷ الی ۱۳۶۳ وبررسی اسناد مرتبط با پروتکل هفت گانه شوقی افندی

☑☑☑☑

نشست ۶۷۳ سرای قلم
قسمت چهارم :

بررسی پروتکل هفتگانه شوقی سیر تحرکات مجرمانه و نامشروع و پنهان تشکیلات بهایی برای رسیدن به قدرت در هر کشور و نهایتا تشکیل حکومت متوهمانه جهانی بهایی

☑☑☑☑

شست ۶۸۰ سرای قلم

نقشه بهاییت برای حکومت دینی جلسه پنجم

موضوع

بررسی مختصات اطلاعاتی و امنیتی تشکیلات بهایی مستند به هدایات (اوامر سازمانی) بیت العدل قسمت اول

☑☑☑☑

تشکیلات اطلاعاتی و امنیتی بهائیت ۲ قسمت ششم

دکتر مهدی خزعلی – مدیر مسئول سرای قلم

نشست ۶۸۷ سرای قلم

☑☑☑☑

تشکیلات اطلاعاتی و امنیتی بهائیت ۳ قسمت هفتم

مجموعه مصاحبه های بانو پروین زمانی با حسن ارشاد از لس آنجلس پیرامون بهائیت

مصاحبه بانو پروین زمانی از لس آنجلس با حسن ارشاد پیرامون حزب بین الملل بهایی

مصاحبه دوم پروین زمانی از لس آنجلس با استاد حسن ارشاد بررسی خیانت های فرقه و خاندان کمال آبادی به ایران و حزب بهائی در آمریکا

مصاحبه سوم پروین زمانی از لس آنجلس با استاد حسن ارشاد موضوع : بررسی اسناد یهودی ستیز بودن باب از منابع بهایی عبد البهاء در کتاب مکاتیب جلد دوم خاطرات خلیل شهیدی بیان عبد البهاء در مورد یهودیان و بوزینه خطاب کردن ایشان چرا عبد البهاء مرقد مظهر یهودی ستیزی و نماد آن را در عکا قرار داد فرمان باب مبتنی بر تخریب تمام کنائس و بیت المقدس بهاء الله در کتاب اقتدار اذعان می کند سه دهه معتقد و امضاء کننده این احکام و فرامین بود

منبع: https://www.hassanershad.com/6896

مجموعه مقالات: بیت‌العدل در سودای سلطه بر جهان از مقاله ۵۱ الی ۱۱۴

بررسی سند پنجاه‌ویکم

متن سند:

شوقی، قرن بدیع، صفحه ۷۳۰:

«... گردید بر حیثیت و اعتبار نظم اداری دین الله بیفزود و پایه و اساس آن را مستحکم ساخت. بدیهی است چون این حرکت و تطور عجیب به سایر ممالک اسلامی سرایت نماید و اهمیت آن از طرف پیروان دیانت مسیح و اسلام چنانکه باید و شاید احساس شود، آنگاه است که دوره انتقال که اکنون امرالهی در مرحله تکوین و تقدم خویش در آن سائر است، به‌سرعت رو به اختتام خواهد رفت. در کوم الصعایده، یکی از قصبات گمنام مصر واقع در ناحیه بَبا از ولایت بنی‌سویف در مصر علیا، به علت تأسیس محفل روحانی از طرف جمع قلیلی از دوستان، کدخدای محل براشفت و نائره حسد در قلبش شعله‌ور شد...»

📎 منبع (https://reference.bahai.org/fa/t/se/GPB/gpb-746.html#pg730)

تحلیل واژگان کلیدی و اهداف ساختاری تشکیلات

«حیثیت و اعتبار نظم اداری دین الله»

این عبارت بیانگر آن است که «نظم اداری»، قلب ساختاری تشکیلات بهایی تلقی می‌شود و نه تنها بخشی از آیین مذهبی، بلکه سازوکار قدرتی است که هدف آن تحکیم موقعیت سیاسی و اداری در جوامع مختلف است. هرگونه حمله یا واکنش بیرونی که منجر به تثبیت یا گسترش این نظم شود، با افتخار از سوی تشکیلات ثبت و تحلیل می‌گردد.

«پایه و اساس آن را مستحکم ساخت»

واژه‌های «پایه» و «اساس» در این متن، نشانه‌ای از نگرش بنیادین تشکیلات به ساختار قدرت خود است. یعنی هدف، صرفاً تبلیغ یک اعتقاد دینی نیست، بلکه ساختاریابی منظم برای نفوذ عمیق و پایدار در لایه‌های اجتماعی و حکومتی است.

«حرکت و تطور عجیب... سرایت به سایر ممالک»

این بخش، رویکرد توسعه‌طلبانه تشکیلات را روشن می‌سازد. استفاده از واژه «سرایت» معمولاً در ادبیات

اجتماعی برای توصیف جنبش‌های گسترش‌یابنده با بار فرهنگی یا سیاسی به کار می‌رود. اینجا به روشنی نوعی برنامه‌ریزی ساختاری برای گسترش منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای نمایان می‌شود.

«مرحله تکوین و تقدم»
این ترکیب اصطلاحی، جایگاه زمانی و راهبردی تشکیلات را بازتاب می‌دهد. مرحله «تکوین» در اسناد دیگر نیز به عنوان دوران پایه‌گذاری قدرت اداری و سیاسی تشکیلات شناخته می‌شود. پیوند آن با «تقدم» بیانگر آن است که فرایند تثبیت قدرت، نه در سطح مفهومی، بلکه در سطح عملیاتی در حال پیشروی است.

جمع‌بندی
این سند، نمونه‌ای روشن از درک خود تشکیلات از نقش سیاسی و ساختاری خویش است. حمله‌ای که در یک روستای کوچک مصر به ایجاد یک محفل روحانی انجام می‌گیرد، در چشم رهبری بهایی، تحولی عظیم تلقی شده که به تحکیم «نظم اداری» می‌انجامد. چنین نگاه و برداشتی نشان‌دهنده هدف‌گذاری بلندمدت برای تثبیت نهادی است که از دل ساختارهای مذهبی، مسیر نفوذ در نهادهای اجتماعی و سپس حکومتی را دنبال می‌کند. این روند همسو با مرحله ششم (حکومت کشوری) و مرحله هفتم (حکومت جهانی) در پروتکل رسمی تشکیلات است که از سوی خود شوقی نیز بارها مورد تأکید قرار گرفته.

#بیت_العدل #تشکیلات_بهایی #نظم_اداری #عصر_تکوین #حکومت_جهانی #حسن_ارشاد

Author: Hassan Ershad ✍
/About the Author: hassanershad.com/about-me (https://www.hassanershad.com 🌐
(about-me
Series: The Universal House of Justice and the Ambition for Global Domination
Review of Strategic Documents Indicating the Baha’i Administrative Order’s Political Aspirations
Document 51 Analysis

:Primary Source Excerpt
:Shoghi Effendi, The Promised Day is Come, p. 730

It enhanced the dignity and credibility of the Administrative Order of the Cause of…“ God and further strengthened its foundations. Clearly, once this strange movement and transformation spreads to other Islamic countries, and when its importance is duly —recognized by the followers of Christianity and Islam, then the transitional period during which the Cause of God now proceeds in its formative and advancing phase—will swiftly draw to a close. In Kawm al-Sa‘ayidah, a small and obscure village in the district

of Baba, in the province of Beni Suef in Upper Egypt, the establishment of a Spiritual Assembly by a small group of friends provoked the anger of the village headman, igniting ”…a fire of jealousy in his heart

Source link (https://reference.bahai.org/fa/t/se/GPB/gpb-746.html#pg730)

Analysis of Key Terms and Structural Goals
”Administrative Order of the Cause of God“
This phrase reflects how the Baha’i leadership conceptualizes its organizational structure not as a secondary religious detail but as the central institution of authority. It is framed —not just as a vehicle for religious expression but as a framework for governance .systematic, expanding, and strategic
”Strengthened its foundations“
The language of “foundations” indicates a state-building outlook. Rather than emphasizing spiritual devotion or theology, the focus is on institutional consolidation. The .aim is enduring influence—not just religious, but administrative and political

”Movement and transformation… spreads to other Islamic countries“
,The word “spreads” suggests strategic expansion. Far from being passive or coincidental the use of this terminology implies deliberate outreach. The text anticipates not only geographic growth but recognition from major global religions as a sign of political .maturation

”Formative and advancing phase“
point to a structured process of (تقدم) ”and “advancing (تكوين) ”The terms “formative ”institutional development. In the internal Baha’i framework, this “formative age represents a transitional stage aimed at moving from ideological foundation to practical .authority—ultimately toward state-level and global influence

Conclusion
This document is a direct reflection of the Baha’i Administrative Order’s strategic consciousness. A relatively minor incident in a remote Egyptian village is elevated to the level of historical transformation—suggesting how attentively the leadership monitors and interprets even local developments as contributions to its global vision. The emphasis on institutional growth, the anticipation of recognition by other faiths, and the concept of

a “transitional phase” all align with what has been identified in internal writings as Stage .and Stage 7 (Global Governance) of the Baha’i strategy (National Governance) 6

UniversalHouseOfJustice #BahaiAdministration #FormativeAge #GlobalGovernance# HassanErshad#

✍ نویسنده: حسن ارشاد

🌐 درباره نویسنده: hassanershad.com/about-me (https://www.hassanershad.com/about-me)

مجموعه مقالات: بیت‌العدل در سودای سلطه بر جهان

بررسی اسناد بالادستی مبتنی بر حکومت‌طلبی تشکیلات بهائی

بررسی سند پنجاه‌ودوم

در ادامه بررسی روند تکوینی تشکیلات بهائی در مسیر نهادسازی بین‌المللی، به سندی دیگر از کتاب قرن بدیع نوشته شوقی افندی می‌پردازیم که در صفحه ۷۷۱ آن، اشاره‌ای مهم به یکی از کارگزاران تشکیلاتی و بین‌المللی بهائیت دارد: مارثا روت. او به‌عنوان یکی از چهره‌های محوری تبلیغ و گسترش ساختار تشکیلاتی، نمونه‌ای روشن از مدل رفتاری و هدف‌گذاری سازمانی در عصر تکوین معرفی شده است.

متن سند:

«خدمات بین‌المللی او را تشکیل می‌داد روح مقدسش به ملکوت ابهی پرواز کرد و حیات پرانوارش که اعظم ثمره عصر تکوین دور مبارک حضرت بهاالله محسوب در ۲۸ سپتامبر ۱۹۳۹ در عالم ترابی خاتمه پذیرفت. مارثا روت آن مشعل حب و وداد چون حواریون حضرت روح قیام نمود و در اجرای اوامر مقدسه مولای خویش که می‌فرماید:

“در ممالک و دیار منتشر شوند و آواره هر بلاد و سرگشته هر اقلیم گردند دقیقه‌ای نیاسایند و آنی آسوده نگردند و نفسی راحت نجویند و در هر کشوری نعره یا بهاالابهی زنند”

به همتی عظیم و ثبات و استقامتی بی‌نظیر به تبلیغ امرالله و نشر نفحات الله مألوف گردید و در صفحه روزگار...»

لینک منبع (https://reference.bahai.org/fa/t/se/GPB/gpb-787.html#pg771)

تحلیل و بررسی:

در این بخش از کتاب، مارثا روت نه به‌عنوان یک فرد مؤمن به آموزه‌های دینی، بلکه به‌مثابه عامل تشکیلاتی بین‌المللی معرفی می‌شود که در خدمت نظم اداری بهائی و در مسیر تحقق اهداف بلندمدت آن فعالیت کرده است. واژه‌هایی نظیر «خدمات بین‌المللی»، «تبلیغ»، «نشر نفحات» و توصیه‌نامه محوری به «آوارگی در بلاد» و «نعره زدن در هر کشور» به‌وضوح نشان از هدف‌مندی تشکیلات در گسترش دامنه عملیاتی دارد.

اصطلاح «اعظم ثمره عصر تکوین» که در توصیف فعالیت‌های مارثا روت به‌کار رفته است، دلالت روشنی دارد بر این‌که عصر تکوین، نه یک دوره صرفاً تأملی یا معنوی، بلکه مرحله‌ای کاملاً عملیاتی در مسیر ساختارمند شدن دین به‌مثابه یک قدرت نرم است. در واقع، «تکوین» در این سند، معنای نهادینه‌سازی و گسترش شعاع نفوذ تشکیلات را به خود می‌گیرد؛ همان چیزی که در توقیع ۱۱۰ بدیع ۱۳۳۲ نیز به آن اشاره شده و مستقیماً با مراحل ششم و هفتم از الگوی حاکمیت مرتبط است؛ یعنی تشکیل حکومت کشوری و سپس جهانی.

در لایه دوم تحلیل، حضور فردی همچون مارثا روت با مأموریت مستمر و بدون وقفه در کشورهای مختلف، نمونه‌ای است از مدل «مأموریت‌گرایانه» تشکیلات، که تلاش دارد از طریق کادرسازی جهانی و تبلیغ مستمر، نفوذ اجتماعی و ساختاری خود را در قالب قدرت نرم افزایش دهد.

در متن هیچ اشاره‌ای به واژگان "نقشه" یا "مشروعات" نشده است؛ اما از سیاق نگارش، مشخص است که حرکت مارثا روت ذیل یکی از پروتکل‌های تبلیغی تنظیم‌شده توسط نهاد مرکزی صورت گرفته است.

جمع‌بندی:

این سند، تصویری روشن از پیوند میان عصر تکوین و اقدامات میدانی سازمان‌یافته ارائه می‌دهد. نقش افرادی چون مارثا روت، فراتر از کنش فردی است و در راستای تحقق فازهای کلان ساختار بهائی تفسیر می‌شود. در اینجا، دین به‌مثابه ساختار تشکیلاتی، در مسیر قدرت‌یابی نرم در حال پیش‌روی است؛ مسیری که با انسجام تبلیغی، ارتباطات بین‌المللی، و آمادگی برای ساختار حکومتی تعریف‌پذیر است.

#تشکیلات_بهائی
#تحلیل_سیاسی
#ساختار_تشکیلاتی
#مارثا_روت
#عصر_تکوین
#نظم_اداری
#بیت_العدل
#حکومت_جهانی

Author: Hassan Ershad ✍️

🌐 About the author: hassanershad.com/about-me (https://www.hassanershad.com/about-me)

Series Title: The Universal House of Justice and the Pursuit of Global Dominion

Analysis of Foundational Documents Indicating the Bahá'í Administrative Order's

This document focuses on a significant excerpt from The Promised Day Is Come by Shoghi Effendi (page 771), which highlights the role of Martha Root—one of the most internationally active figures of the Bahá'í Administrative Order—in the broader context of institutional expansion and political presence. The passage sheds light on the tactical role of individuals in the Bahá'í administrative structure, particularly during what is .described as the "formative age" of the Faith

:Original Source Text (translated from Persian)

Her international services formed the core of her mission. Her sacred spirit ascended to" the Abhá Kingdom, and her radiant life—considered the greatest fruit of the formative ,age of Bahá'u'lláh's blessed Dispensation—ended in this earthly realm on September 28 Martha Root, that torch of love and affection, rose like one of Christ's apostles, in .1939 :executing the sacred commands of her Master, who said

Spread throughout all lands and territories, become wanderers in every region and exiles' in every land, never resting for a moment, never pausing even briefly, seeking no comfort '.and shouting "Yá Bahá'u'l-Abhá" in every nation

With immense determination, unwavering constancy, and unmatched resolve, she became known for spreading the Cause of God and diffusing the divine fragrances throughout the "…world

Source link (https://reference.bahai.org/fa/t/se/GPB/gpb-787.html#pg771)

:Analysis

This passage underscores Martha Root not simply as a devout believer, but as a dedicated agent of institutional outreach, deeply embedded within the structure of the Bahá'í ,"Administrative Order. Key terms such as "international services", "formative age commands of her Master", and "shouting in every country" reflect a deliberate and" .strategic framework, rather than personal spiritual devotion alone

The phrase "greatest fruit of the formative age" is particularly significant. It implies that -refers to a stage of structured institutionalization and soft (تکوین) "the "formative age

power expansion. This interpretation is consistent with the directives outlined in Tablet No. 110 (Badi‘ Calendar, 1332 SH), where “formative processes” relate directly to stages six and seven of the Bahá’í strategy: establishing national and eventually global .governance models

Martha Root’s worldwide travels, framed not as optional or symbolic, but as compulsory and ceaseless, reveal the Bahá’í Administrative Order’s ambition for global reach through human infrastructure. This suggests a missionary-political dimension that exceeds .conventional religious outreach

the ,(مشروعات) ”or “projects (نقشه) ”While this specific text does not use the terms “plan underlying message implies a coordinated, strategic mobilization. These terms—if present often denote tactical roadmaps aimed at advancing stages six (national government)— and seven (world government). Since they do not appear explicitly in this passage, this .dimension is noted implicitly rather than elaborated further

:Conclusion

This document provides a vivid example of how the Bahá’í Administrative Order operationalized its vision during its formative stage. Individuals like Martha Root were not merely spiritual missionaries but played integral roles in advancing the institutional aims of the Order. The structure and language of this document make clear that “faith,” in ,this context, functioned as a political and structural mechanism for soft-power outreach .global presence, and eventual administrative control

Baha’i_Administration#

MarthaRoot#

SoftPower#

InstitutionalFaith#

FormativeAge#

GlobalGovernance#

HouseOfJustice#

StrategicExpansion#

✍️ نویسنده: حسن ارشاد

🌐 درباره نویسنده (https://www.hassanershad.com/about-me)

📚 مجموعه مقالات: بیت‌العدل در سودای سلطه بر جهان

■ بررسی اسناد بالادستی مبتنی بر به‌دنبال حکومت بودن تشکیلات بهائی

🔍 بررسی سند پنجاه‌وسوم

📜 متن سند

«... کشیده اند جای شگفتی نخواهد بود. موفقیت‌های این جامعه طی دو عقد اخیر عصر رسولی و در مدت پانزده سال اول عصر تکوین نشانه بارزی از انتصارات آتیه آن یاران عزیز است که راه را برای ظفر و نصرت نهائی صاف و هموار نموده است. حضرت اعلی روح‌الوجود لرشحات دمه الاطهر فدا در یکصد سنه قبل این کلمات عالیات از کلک مبارکش در قیوم الاسماء نازل: "یا اهل المغرب اخرجوا من دیارکم لنصرالله" و از قلم اعلی در کتاب اقدس رؤسای جماهیر امریکا به این حکم محکم و دستور افخم اعظم مخاطب:

"یا ملوک امریکا و رؤسای الجمهور فیها... اجبروا الکسیر بأیادی العدل و کسروا الصحیح الظالم بسیاط اوامر ربکم..."»

🔗 مشاهده در منبع (https://reference.bahai.org/fa/t/se/GPB/gpb-802.html#pg786)

⊛ محورهای کلیدی سند

اشاره به عصر تکوین به‌عنوان دوره‌ای از آمادگی برای تحول بنیادین در نظم اداری تشکیلات.

تأکید بر «انتصارات آتیه» و «ظفر نهائی» که گفتمانی فراتر از توسعه معنوی ایجاد می‌کند.

نقل قول مستقیم از کتاب اقدس و خطاب صریح به رهبران سیاسی ایالات متحده با لحنی فرمانی.

🧩 تحلیل ساختاری سند

۱. عصر تکوین: دوره گذار به ساختار حکومتی

اصطلاح «عصر تکوین» در ادبیات شوقی، نشانگر مرحله‌ای است که تشکیلات بهایی در حال عبور از یک ساختار محدود آیینی به یک نظام اداری گسترده‌تر است. به‌ویژه با مقایسه این مفهوم با توقیع ۱۱۰ بدیع ۱۳۳۲ که در آن «تکوین» هم‌معنای آمادگی برای مراحل پیشرفته‌تر از جمله حکومت کشور (مرحله ششم) و حکومت جهانی (مرحله هفتم) دانسته شده است، می‌توان چنین برداشت کرد که این واژه صرفاً معنای رشد درونی ندارد، بلکه بُعد بیرونی و سیاسی نیز در آن مستتر است.

۲. ظفر و انتصارات: زبانی راهبردی برای پروژه‌های آتی

عباراتی مانند «انتصارات آتیه»، «راه صاف برای نصرت نهائی» و «موفقیت‌های این جامعه» در کنار واژه‌هایی چون «عزیز» و «یاران»، القاکننده یک ساختار منسجم و هدفمند است. چنین زبان و تعبیری بیشتر به برنامه‌ریزی راهبردی شباهت دارد تا تبلیغ صرف دینی.

۳. خطاب مستقیم به قدرت‌های جهانی

ارجاع به دستور شریعت در کتاب اقدس خطاب به «ملوک امریکا و رؤسای الجمهوری فیها» با جملاتی چون:

«اجبروا الکسیر بأیادی العدل و کسروا الصحیح الظالم بسیاط اوامر ربکم»

ما را با نوعی لحن فرمانی و زبان اقتدارگرا روبرو می‌سازد. این گونه عبارات از سطح توصیه عبور کرده و به سوی اعمال قدرت و انتظار کنش سیاسی از جانب دولت‌ها گرایش دارد. همین ویژگی است که دین را در مقام ساختار هدایت‌کننده قدرت سیاسی قرار می‌دهد، نه صرفاً مرشد اخلاقی.

🧾 جمع‌بندی تحلیلی

🔸 سند مورد بررسی یکی از صریح‌ترین نمونه‌ها در آشکارسازی هم‌پوشانی بین گفتمان معنوی تشکیلات بهائی و پروژه‌های ساختاری-سیاسی آن است.

🔸 استفاده از واژه‌هایی چون «تکوین»، «انتصارات»، «نصرت»، و «خطاب به رؤسای جمهور» به‌روشنی نشان می‌دهد که حرکت تشکیلات بهایی صرفاً گسترش عقیده نیست، بلکه حرکتی با اهداف نظام‌مند است.

🔸 اگرچه واژه‌هایی چون «نقشه» یا «مشروعات» در این سند ذکر نشده‌اند، اما ترکیب واژگان و لحن فرمانی، ماهیت راهبردی و هدفمند سند را تقویت می‌کند.

🏷 هشتگ‌های مرتبط

#تشکیلات_بهایی

#عصر_تکوین

#سند_پنجاه_وسوم

#نظم_اداری

#بیت_العدل

#تحلیل_اسناد

#حکمرانی_جهانی

#دیپلماسی_دینی

Author: Hassan Ershad ✍

About the Author (https://www.hassanershad.com/about-me) 🌐

Article Series: The Universal House of Justice and the Pursuit of Global Domination 📚

Analysis of Strategic Documents Pointing to the Baha'i Administrative Order's Political Ambitions 📂

Document 53 Analysis 🔍

Document Text (Source: The Promised Day Is Come, p. 786) 📜

It will not be surprising if they encounter opposition. The successes achieved by this …" community during the last two decades of the Apostolic Age and the first fifteen years of the Formative Age are clear signs of the future victories of these cherished friends, who have paved the way for final triumph. The Báb, the soul of existence, may my life be sacrificed for the drops of His most holy blood, revealed the following exalted words in :the Qayyúmu'l-Asmá' a hundred years ago

’.O people of the West! Go forth from your cities for the victory of God‘

And from the pen of Bahá’u’lláh in the Kitáb-i-Aqdas, the Presidents of the American :Republics were addressed with this majestic command

O kings of America and the presidents within it… strengthen the broken with the hands‘ of justice and crush the oppressor who is whole with the scourges of the commands of ”’…your Lord

🔗 Source Link (https://reference.bahai.org/fa/t/se/GPB/gpb-802.html#pg786)

🔍 Key Concepts in the Document

.Reference to the Formative Age as a preparatory phase leading to a final victory

Repeated use of words like “victories,” “triumph,” and “friends” indicates structured .mobilization

.Direct address to American political leaders with imperative religious commands

🧩 Structural Analysis

۱. The Formative Age as a Transition Toward Political Realization

is central in Baha’i institutional (عصر تکوین) ”The concept of the “Formative Age literature and appears here not merely as an inner spiritual evolution, but as a prelude to broader structural transformation. The document describes this era as paving the way for an ultimate victory, which aligns with the sixth and seventh stages referenced in related writings: namely, national governance and global governance. Thus, the term “Formative Age” functions here as a coded reference to long-term organizational and potentially .political maturation

۲. Language of Victory and Strategy

Expressions such as “future victories,” “final triumph,” and “clear signs” suggest more than abstract spiritual growth; they denote a roadmap toward structured, goal-oriented success. These are not metaphorical or merely devotional phrases—they appear to .represent a vision of progress measured through strategic expansion and influence

۳. Commanding Political Engagement

The excerpt from Kitáb-i-Aqdas stands out for its direct command to American political :leaders, framed in theological imperatives. Phrases like

Strengthen the broken with the hands of justice” and “Crush the whole oppressor with“ ”the scourges of the commands of your Lord

move beyond spiritual guidance into the realm of geopolitical instruction. This elevates

the role of religion from moral influence to active political actor. The document thus promotes a model in which religious institutions do not merely coexist with political .structures—they aim to shape or even direct them

Concluding Analysis 🧾

◇ This document provides a revealing glimpse into the long-term ambitions of the Baha'i administrative framework, especially its shift from spiritual outreach to strategic .global influence

◇ Even in the absence of terms like "Plan" (naqsheh) or "Projects" (mashru'at), the rhetoric of victory, preparation, and instruction implies a coordinated effort toward .broader systemic authority

◇ The invocation of divine authority to direct political figures signifies a posture not of passive piety but of envisioned leadership—religious, administrative, and possibly .geopolitical

🏷 Relevant Hashtags

Baha'i_Administration#

Formative_Age#

Document53#

Global_Governance#

Strategic_Religion#

Religious_Diplomacy#

Universal_House_of_Justice#

Political_Theology#

✍ نویسنده: حسن ارشاد

🌐 درباره نویسنده (https://www.hassanershad.com/about-me)

📚 مجموعه مقالات: بیت‌العدل در سودای سلطه بر جهان

🔍 بررسی اسناد بالادستی مبتنی بر حکومت‌خواهی تشکیلات بهائی

🎞 بررسی سند پنجاه و چهارم

📜 متن سند

کتاب قرن بدیع، صفحه ۸۰۹

موجد عصر تکوین دور بهائی و کاشف و مبین نظم بدیع الهی، جوامع بهائی را در قاره اروپ و امریک و آسیا و افریقا بیش از پیش متحد و مرتبط ساخت و آنان را به ارتفاع و تحکیم قواعد و ارکان این نظم آسمانی که ظهورش را حضرت باب تبشیر و احکام و اصولش را حضرت بهاالله تنصیص فرموده است تشویق نمود.

محافل روحانیه محلیه و ملیه تشکیل شد و دستور و نظام هیأت‌های منتخبه تنظیم و تدوین گشت.
رسمیت مشروعات و مؤسسات بهائی از جانب اولیای امور اعلام و حظائر قدس، مراکز اداری امرالله بنیان و اولین معبد غرب تکمیل و تشیید شد.
اوقاف امریه تأسیس یافت و دامنه آن توسعه پذیرفت و رسمیت آن …

🔗 لینک منبع (https://reference.bahai.org/fa/t/se/GPB/gpb-825.html#pg809)

✳ مفاهیم کلیدی سند

اشاره مستقیم به تشکیل ساختارهای اداری و سازمانی تشکیلات بهائی.
استفاده از واژه «مشروعات» که حامل بار مفهومی خاص است و به اقدامات دقیق، برنامه‌ریزی‌شده و اجرایی اشاره دارد.
تأکید بر رسمی شدن نهادها در تعامل با ساختارهای دولتی و حکومتی.
شکل‌گیری اوقاف و توسعه نهادی، گویای تلاش برای استقرار پایدار ساختارهای اقتصادی – اداری است.

🧩 تحلیل ساختاری و محتوایی

۱. عصر تکوین؛ فاز اجرایی تحقق نظم مورد نظر

در این سند، «عصر تکوین» صرفاً یک دوره اعتقادی یا روحانی تلقی نمی‌شود، بلکه به‌عنوان دوره‌ای تعریف می‌گردد که طی آن نظم بدیع الهی به مرحله اجرا گذاشته می‌شود. استفاده از عبارت «تحکیم قواعد و ارکان نظم آسمانی» نشان می‌دهد که هدف صرفاً حفظ اعتقاد یا اخلاق فردی نیست، بلکه تثبیت ساختاری و اداری نظامی است که ریشه در آموزه‌های رهبران آیین دارد و در سطوح ملی و بین‌المللی توسعه می‌یابد.

۲. کاربرد واژه‌ی «مشروعات» و معنای عملیاتی آن

واژه «مشروعات» در این سند اهمیت زیادی دارد. این واژه به‌روشنی از حوزه‌ی ایده‌آل‌گرایی فراتر رفته و به فاز اجرایی و برنامه‌ریزی‌شده ورود می‌کند. چنین واژگانی معمولاً در ادبیات سیاسی و اداری برای بیان طرح‌های راهبردی یا پروژه‌های هدفمند به‌کار می‌رود. وجود آن در این متن نشانگر آن است که اهداف تشکیلات بهایی در این دوره، تنها به ترویج فرهنگی یا اخلاقی محدود نبوده بلکه با نقشه‌های راهبردی و برنامه‌های قابل پیاده‌سازی، برای نفوذ نهادی و سازمانی دنبال شده است.

۳. ساخت نهادهای دائمی؛ حظائر قدس و اوقاف

بخش دیگری از سند به «بنیان‌گذاری مراکز اداری»، «تکمیل معابد»، و «تأسیس اوقاف» اختصاص دارد. این اقدامات، مشخصاً دلالت بر توسعه‌ی زیرساخت‌های قدرت اجتماعی و اقتصادی دارد. اوقاف مذهبی در سنت‌های گوناگون، از جمله در اسلام، همیشه ابزاری برای تثبیت قدرت دینی و پایداری اقتصادی نهادها بوده‌اند. اشاره به تأسیس و توسعه اوقاف، عملاً نشان از هدفمند بودن روند سازمان‌یابی بهایی دارد.

🧾 نتیجه‌گیری

- سند مورد بررسی به‌وضوح تصویری دقیق و هدفمند از روند تکامل ساختاری تشکیلات بهایی ارائه می‌دهد.
- با توجه به ذکر واژه «مشروعات»، این سند در زمره‌ی اسناد صریح در زمینه‌ی برنامه‌ریزی و اقدام ساختاری برای مرحله‌ی ششم (حکومت ملی) و مرحله‌ی هفتم (حکومت جهانی) قرار می‌گیرد.

◇ تشویق به تحکیم نظم بدیع و تأسیس نهادهای رسمی، نشان می‌دهد که تشکیلات بهایی از فاز تبلیغ فراتر رفته و در مسیر ایجاد زیرساخت‌های حکومتی و نهادی در مقیاس جهانی حرکت می‌کند.

◇ این روند، با توجه به تطبیق با سایر اسناد همانند توقیع ۱۱۰ بدیع، به روشنی در چارچوب براندازی نرم و بلندمدت قابل تحلیل است.

🏷 هشتگ‌های مرتبط

#تشکیلات_بهائی

#اسناد_بالادستی

#مشروعات

#عصر_تکوین

#نظم_بدیع

#برنامه_ریزی_سیاسی

#حکومت_جهانی

#تحلیل_ساختاری

✍ Author: Hassan Ershad

🌐 About the author (https://www.hassanershad.com/about-me)

🗐 Series: The Universal House of Justice and the Ambition for Global Domination

🗎 Analysis of Upper-Level Documents Demonstrating the Bahá'í Administrative Order's Pursuit of Governance

🔍 Document No. 54

📜 Primary Source (Exact Quotation)

Shoghi Effendi, The Promised Day is Come (Persian ed.), p. 809

The founder of the formative age of the Bahá'í era, and the revealer and explainer of the" Divine Administrative Order, further unified and connected the Bahá'í communities in Europe, America, Asia, and Africa. He encouraged them to elevate and strengthen the foundations and pillars of this celestial Order, whose advent had been foretold by the Báb and whose laws and principles were explicitly designated by Bahá'u'lláh.

Local and national spiritual assemblies were formed; the procedures and systems of elected bodies were organized and codified.

The projects and Bahá'í institutions were officially recognized by authorities, Houses of Worship—administrative centers of the Cause of God—were established, and the first

.Western temple was completed and inaugurated

”…Bahá’í endowments were founded and expanded, and their legal recognition continued

🔗 Full text source (https://reference.bahai.org/fa/t/se/GPB/gpb-825.html#pg809)

Key Concepts in the Document

.Formal establishment of administrative and organizational structures across continents

implying structured, executable ,(in the Persian original مشروعات) Use of the term projects .plans

.Emphasis on gaining legal recognition from governments and official authorities

Institutional expansion through the construction of administrative centers and the .founding of economic foundations like endowments

Structural and Strategic Analysis

The Formative Age: Transition to Implementation .١

,This document situates the “Formative Age” not as a theological or spiritual abstraction but as a period of organizational construction and political maturation. The language stresses “elevating and strengthening the foundations” of a specific Order, indicating a move toward systemic, rule-based governance. The reference to institutions across .continents reflects a coordinated international strategy

(مشروعات) ”Use of the Term “Projects .٢

The inclusion of the term projects is particularly notable. Rather than denoting idealistic aspirations, it refers to tangible, structured efforts toward implementation. In political and ,administrative language, “projects” signify deliberate and often phased initiatives frequently associated with measurable objectives. Its use here demonstrates that the Bahá’í administration was engaging in clear, step-by-step planning toward structural .goals

Institutionalization and Economic Foundations .٣

The document outlines the development of official Bahá’í institutions, the building of .Houses of Worship with administrative functions, and the establishment of endowments These are not simply religious developments; they represent the formation of a permanent institutional and economic infrastructure. Legal recognition by governmental bodies reinforces this interpretation—moving from community building into a domain .traditionally reserved for political and civic institutions

Conclusion

◇ The document offers a clear, actionable vision of the Bahá'í administrative structure .transitioning from spiritual identity to institutional and political presence

◇ The appearance of the term projects (مشروعات) places this text firmly within a category of strategic planning documents, aimed at progressing toward Stage 6 (national .governance) and Stage 7 (global governance), as outlined in related writings

◇ The establishment of permanent economic and administrative centers underlines the intention to create a parallel societal infrastructure capable of interfacing with, or .eventually supplanting, existing state frameworks

◇ When viewed in relation to other authoritative communications—such as the 1332 Badi' year epistle—this document supports the interpretation that the Bahá'í administrative order seeks long-term, soft transformation of political systems through .institutional encroachment and legitimacy-building

Relevant Hashtags

BahaiAdministration#

StrategicPlanning#

FormativeAge#

AdministrativeOrder#

ReligiousGovernance#

GlobalGoals#

InstitutionBuilding#

SoftPowerExpansion#

نویسنده: حسن ارشاد

درباره نویسنده (https://www.hassanershad.com/about-me)

مجموعه مقالات: بیت‌العدل در سودای سلطه بر جهان

بررسی اسناد بالادستی مبتنی بر به‌دنبال حکومت بودن تشکیلات بهائی

بررسی سند پنجاه و پنجم

متن کامل سند

شوقی افندی، کتاب قرن بدیع، صفحه ۸۱۵

"شدید که از طرف جمال ستمکار و ناقضان امر حضرت پروردگار بمنصه ظهور رسید موجب صدور الواح تبلیغیه به‌افتخار دوستان رحمن در ایالات متحده امریکا و هبوط سالار لدود و آزادی ارض مقصود از سلطه دشمن حقود و عنود و اعتلای امرالله در مرکز جهانی این آئین نازنین و انتشار نفحات مسکیه الهیه در خاور و باختر

گردید.

صعود حضرت عبدالبهاء و اضطراب و انقلاب عظیم که در اثر غیبت آن مظهر عبودیت کبری رخ گشود سبب انتشار الواح مقدسه وصایا و حلول عصر تکوین دور بهائی و نصب اعمده نظم جهان‌آرای الهی در اقطار ممالک عالم گردید، و بالاخره غصب مفتاح روضه مبارکه از طرف ناقضان میثاق و تصرف جابرانه...”

🔗 منبع رسمی سند (https://reference.bahai.org/fa/t/se/GPB/gpb-831.html#pg815)

🧭 کلیدواژه‌ها و مفاهیم مهم

حلول عصر تکوین: اشاره صریح به آغاز مرحله‌ای تازه از اقدامات تشکیلاتی.

نصب اعمده نظم جهان‌آرا: تأکید بر استقرار ساختاری نظم در سطح جهانی.

انتشار الواح وصایا: زمینه‌سازی برای تثبیت قدرت از طریق اسناد رسمی.

اعتلای امرالله در مرکز جهانی: تلاش برای تمرکز اقتدار در نقطه‌ای مشخص از جهان (احتمالاً حیفا).

ایالات متحده: نقش ویژه آمریکا در گسترش امر و تقویت تشکیلات.

🧩 تحلیل ساختاری و راهبردی

۱. آغاز عصر تکوین و تثبیت ساختار

عبارت «حلول عصر تکوین» به روشنی نشان می‌دهد که با وفات عبدالبهاء، تشکیلات بهائی وارد فاز جدیدی شده که در آن تمرکز اصلی بر ساخت و گسترش نهادها، توسعه برنامه‌ریزی‌شده و تعیین ساختارهای اجرایی است. این آغاز رسمی مرحله‌ای است که در اسناد دیگر نیز به عنوان مقدمه‌ای برای تأسیس حکومت تعبیر می‌شود.

۲. نصب ستون‌های نظم جهانی

واژه‌ی «اعمده نظم جهان‌آرا» تصویری کاملاً مهندسی‌شده از پروژه‌ی بهایی ترسیم می‌کند. «نصب» به معنای استقرار عامدانه و برنامه‌ریزی‌شده است. نظم جهانی نه به‌عنوان هدفی معنوی بلکه به‌عنوان ساختاری اجرایی و قابل پیاده‌سازی تعریف می‌شود.

۳. ایالات متحده به‌عنوان مرکز راهبردی

اشاره به صدور «الواح تبلیغیه» برای پیروان در آمریکا و «اعتلای امرالله در مرکز جهانی» حکایت از آن دارد که ایالات متحده در طراحی استراتژیک تشکیلات نقش محوری داشته است. این رویکرد با شواهد متعدد از استفاده گسترده از ابزارهای رسانه‌ای، اقتصادی و سیاسی در غرب سازگار است.

۴. عدم استفاده از واژه‌های نقشه و مشروعات

در متن فوق واژه‌هایی مانند «نقشه» یا «مشروعات» دیده نمی‌شود. بنابراین نمی‌توان به‌طور مستقیم آن را به فاز عملیاتی برنامه‌های مرحله ششم و هفتم نسبت داد. اما عباراتی چون «نصب اعمده نظم جهان‌آرا» نشانه‌ای از حرکت به سمت پیاده‌سازی همان ایده‌هاست، ولو بدون اشاره صریح.

🧾 نتیجه‌گیری

- سند بررسی‌شده تصویری روشن از مرحله‌ای کلیدی در توسعه تشکیلات بهائی ارائه می‌دهد که در آن تمرکز از تبلیغ صرف، به تثبیت ساختارهای جهانی تغییر یافته است.
- مفهوم “نظم جهان‌آرا” نه یک باور عرفانی، بلکه الگویی برای ساختاردهی به حکومت فرا-ملی است.

○ گرچه واژه‌های صریحی مانند "نقشه" یا "مشروعات" نیامده، اما با توجه به سایر اسناد از جمله توقیع ۱۱۰ بدیع، این سند مکمل جهت‌گیری تشکیلاتی مرحله‌به‌مرحله در راستای نفوذ و اقتدار است.

🏷 هشتگ‌ها

#تشکیلات_بهائی

#نظم_جهان_آرا

#عصر_تکوین

#ساختار_فراملی

#تحلیل_اسناد

#بیت_العدل

#نقد_منصفانه

#سلسله_مقالات_تحلیلی

✍ Author: Hassan Ershad

🌐 About the Author (https://www.hassanershad.com/about-me)

📚 Article Series: The Universal House of Justice and the Ambition for Global Domination

📄 Examination of Foundational Documents Indicating the Baha'i Administrative Order's Pursuit of Political Power

📃 Analysis of Document 55

📜 Full Text of the Document (Quoted Verbatim)

:Shoghi Effendi, The Promised Day is Come (Qarn-e-Badi'), p. 815

The severe oppression inflicted by the tyrant beauty and the Covenant-breakers brought" about the issuance of Tablets of Teaching addressed to the friends of the Merciful in the United States of America, and the descent of the noble leader and the liberation of the Land of Desire from the grip of a spiteful and hostile enemy, leading to the exaltation of the Cause of God at the global center of this precious faith and the diffusion of the divine .fragrances throughout the East and the West

The ascension of 'Abdu'l-Baha and the great turmoil and revolution that followed the absence of that supreme symbol of servitude gave rise to the issuance of the Sacred Will and Testament and marked the dawn of the Formative Age of the Baha'i Dispensation, the setting up of the pillars of the World Order of God in the lands of the world, and

ultimately, the wrongful seizure of the key to the Sacred Shrine by Covenant-breakers and ”…their tyrannical usurpation

🔗 /Source (Official Baha'i Reference) (https://reference.bahai.org/fa/t/se/GPB (gpb-831.html#pg815

🌟 Key Terminology & Concepts

.Formative Age: Marks a shift from mystical proclamation to institutional structuring

Setting up of the pillars of the World Order: Indicates an orchestrated effort to construct a .transnational administrative system

.Center of the Faith in the West: Suggests strategic consolidation of authority

United States' Role: Highlighted as a leading base in both outreach and structural .development

🧩 Strategic and Structural Analysis

The Dawn of the Formative Age .١

The phrase "Formative Age" signifies a deliberate transition from merely spreading teachings to establishing permanent and expanding administrative institutions. It reflects .the intent to engineer a systematic and coordinated religious-political framework

Installation of a Global Order .٢

.Setting up the pillars of the World Order of God" is structurally and symbolically potent" — It implies that the Baha'i administrative order is not just spiritual but infrastructural involving physical institutions, governance mechanisms, and planned expansion into .various nations

Geopolitical Importance of the West .٣

By referencing the U.S. and the "global center" of the Faith, this document alludes to the centralization of operations in Western countries. This aligns with observed patterns of institutional development in Western democracies and the Baha'i community's legal .recognition efforts across continents

'Absence of Keywords 'Plan' or 'Projects .۴

or projects ("نقشه") This particular document does not contain the explicit terms plan ,which are often key indicators of tactical implementation. Therefore ,("مشروعات") ,although it describes foundational and directional developments, it does not, by itself provide evidence of the sixth and seventh stages (national governance and global rule) .being actively executed

📰 Conclusion

This document provides a revealing snapshot of a transformative phase in the Baha'i administrative framework, particularly the move toward institutionalization. The mention of global expansion, U.S. centrality, and the "pillars" of a world order signals a structured .vision that goes beyond spiritual practice into concrete political design

While it avoids using certain tactical terms, the tone and direction align with other authenticated documents that describe long-term aims of influence and global reach. This .text functions as a strategic bridge in the larger framework of administrative evolution

🏷 Hashtags

Baha'iAdministration#

FormativeAge#

WorldOrderOfBahá'u'lláh#

StrategicExpansion#

CriticalDocumentAnalysis#

UniversalHouseOfJustice#

ReligiousInstitutions#

NonTheologicalReview#

✍ نویسنده: حسن ارشاد

🌐 درباره نویسنده (https://www.hassanershad.com/about-me)

📚 مجموعه مقالات: بیت‌العدل در سودای سلطه بر جهان

📝 بررسی اسناد بالا دستی مبتنی بر به دنبال حکومت بودن تشکیلات بهائی

📄 بررسی سند پنجاه وششم

📜 متن کامل سند (عیناً از منبع رسمی)

شوقی افندی، کتاب دور بهائی، صفحه ۳:

"الواح متقنه وصایای حضرت عبدالبها حلقه اتصالی است که عصر گذشته را با عصر کنونی که موسوم به عصر تکوین و موصوف به عصر انتقال است الی الابد مرتبط می‌سازد و ازهار و اثمار این عصر، انتصارات و فتوحات باهره‌ای است که طلیعه عصر طلایی دور جمال ابهی خواهد بود.

یاران عزیز قوای دافعه نافذه ساریه از دو ظهور مستقل متعاقب و متتابع بر اثر همم و مجهودات حامیان برگزیده امری که صیتش به اقصی نقطه عالم رسیده، واضحاً، مشهوداً در مؤسسات و مشروعات بهیه به تدریج حلول می‌نماید و مجسم و مصور و مشخص می‌گردد.

و این تاسیسات از مفاخر و امتیازات این عصر است و بر ماست که با رفتار و کردار خود این عصر را..."

🔗 منبع (https://reference.bahai.org/fa/t/se/DOB/dob-5.html#pg3)

🧩 واژه‌شناسی و مفاهیم کلیدی

الواح متقنه وصایا: منشور کلیدی ساختار تشکیلاتی، که عصر پیشین را به عصر تکوین متصل می‌کند.

عصر تکوین: مرحله‌ای گذار از تعلیمات به ساختار و نظم تشکیلاتی؛ نقطه آغاز شکل‌گیری نهادهای رسمی و عملکردهای اجرایی.

مؤسسات و مشروعات بهیه: بیانگر نهادها و برنامه‌های مشخص عملیاتی. کاربرد واژه مشروعات در این متن به‌روشنی نشان‌دهنده فاز اجرایی است، نه صرفاً آرمانی.

طلیعه عصر طلایی: اشاره به آینده‌ای که ساختار بهایی در آن به مرحله نهایی حاکمیتی می‌رسد.

🔍 تحلیل ساختاری سند

۱. پیوند با عصر گذشته و آینده‌نگری تشکیلاتی

الواح وصایا به عنوان یک حلقه اتصال، نه‌تنها آموزه‌های پیشین را به مرحله اجرایی پیوند می‌دهد، بلکه این پیوستگی را دائمی و مؤثر معرفی می‌کند. این موضوع حاکی از آن است که یک روند برنامه‌ریزی شده، بلندمدت و هدفمند در جریان است.

۲. ظهور مؤسسات و مشروعات بهیه

عبارت "مشروعات بهیه" کلیدواژه‌ای است که نشان‌دهنده ورود به مرحله اقدام و اجرا است. این واژه به‌وضوح دلالت بر آن دارد که تشکیلات بهائی نه تنها به ساختاردهی پرداخته بلکه با پروژه‌ها و طرح‌های عملیاتی در صحنه بین‌المللی وارد فاز پیاده‌سازی شده است. این همان چیزی است که نشان می‌دهد دین صرفاً آرمانی نیست بلکه برنامه‌مند و سازمان‌یافته است.

۳. قوای دافعه نافذه ساریه

عبارت اشاره به نیروهایی دارد که همسو با هدف گسترش و تحکیم نظم بهایی در حرکت هستند. این نیروها در سطح جهانی از طریق "حامیان برگزیده" فعال شده‌اند که نشان از یک شبکه فرا ملی دارد.

📌 نتیجه‌گیری

این سند به‌روشنی نشان می‌دهد که در مرحله موسوم به "عصر تکوین"، تشکیلات بهایی از یک منظومه صرفاً تبلیغی فراتر رفته و به‌صورت نظام‌مند وارد مرحله ساخت نهادها و پروژه‌های اجرایی شده است. حضور واژه مشروعات، صحت این تحلیل را تقویت می‌کند و نشان می‌دهد که بنیان‌گذاران تشکیلات، آینده‌ای ساختاریافته و با افق حکمرانی جهانی را مد نظر داشته‌اند.

🏷 هشتگ‌ها

#تشکیلات_بهایی

#نظم_جدید_جهانی

#مشروعات_بهیه

#تحلیل_اسناد

#بیت_العدل

#عصر_تکوین

#ساختارگرایی_دینی
#تحلیل_انتقادی_منصفانه

Author: Hassan Ershad ✍️

About the Author (https://www.hassanershad.com/about-me) 🌐

Article Series: The Universal House of Justice and the Pursuit of Global Domination

Analysis of High-Level Documents Indicating the Administrative Baha'i Organization's Pursuit of Political Power

Document No. 56

Full Document (Verbatim from the Original Source)

:Shoghi Effendi, The Bahá'í Dispensation, p. 3

The firmly established Tablets of the Will and Testament of 'Abdu'l-Bahá are the" connecting link that binds the past Dispensation with the present one, known as the .Formative Age and described as the age of transition, forevermore

Among the manifestations and fruits of this age are the brilliant victories and triumphs .that will herald the Golden Age of the Dispensation of Bahá'u'lláh

Beloved friends, the compelling and pervasive forces arising from two independent successive Revelations—through the dedication and efforts of the chosen supporters of the Cause, whose fame has reached the remotest corners of the world—are gradually ,finding expression in the institutions and projects of the Faith, becoming embodied .illustrated, and defined

These institutions are among the honors and distinctions of this Age, and it is incumbent "…upon us through our conduct and character to

Source (https://reference.bahai.org/fa/t/se/DOB/dob-5.html#pg3) (Original in Persian) 🔗

Key Terminology and Concepts

Tablets of the Will and Testament": The constitutional document that bridges the" .prophetic phase with the administrative phase, legitimizing institutional developments

Formative Age": A transitional era focused on institutional construction and global" .strategy implementation

,Institutions and projects (mashrūʿāt)": Indicates not just ideological or religious ideals" .but operational plans—suggesting organized administrative and strategic activity

Golden Age”: Refers to a future envisioned era where the Baha’i system has reached its“ .ultimate maturity, interpreted structurally as political ascendancy

🔎 Structural Analysis of the Document

Linking Past Revelation with Institutional Present .١

By identifying the Tablets of the Will as a “connecting link,” Shoghi Effendi establishes a continuum from spiritual teachings to organizational structuring, with permanence implied (“forevermore”). This reflects a long-term plan rather than a spontaneous .evolution

”Explicit Mention of “Projects .٢

The inclusion of the term projects (mashrūʿāt) is significant. It highlights that the Faith’s efforts are not merely spiritual outreach but organized activities with institutional embodiment. This aligns with strategic implementation phases, making clear that the .system is not simply utopian—it is practical and executable

Global Scope of Administrative Action .٣

Reference to the “chosen supporters of the Cause” whose fame has “reached the remotest corners” suggests a coordinated international network—an administrative engine .extending its reach worldwide

📌 Conclusion

This document provides clear evidence that during the “Formative Age,” the Baha’i administrative structure intentionally moved beyond theological dissemination into institutional execution. The use of the term projects solidifies the claim that the movement involves structured planning, with future political aspirations embedded in its operational language. This stage of implementation represents a transition from idealistic principles to .administrative action, preparing for eventual governance-level influence

🏷 Hashtags

BahaiAdministration#

GlobalGovernance#

BahaiInstitutions#

ShoghiEffendi#

FormativeAge#

StrategicReligiousStructures#

#FaithAndPower

#CriticalReligiousAnalysis

✍️ نویسنده: حسن ارشاد

🌐 درباره نویسنده (https://www.hassanershad.com/about-me)

📚 مجموعه مقالات: بیت‌العدل در سودای سلطه بر جهان

📑 بررسی اسناد بالادستی مبتنی بر به دنبال حکومت بودن تشکیلات بهایی

📃 سند پنجاه و ششم – تکمیلی مقاله پیشین در تحلیل الواح متقنه و پیوند آن با نقشه‌های ملکوتی

🧩 بررسی و تحلیل اصطلاح "الواح متقنه" و نسبت آن با "الواح ملکوتی"

در سند پنجاه و پنجم از شوقی افندی (صفحه ۳ کتاب دور بهائی) واژه "الواح متقنه وصایای حضرت عبدالبهاء" به‌کار رفته است. بررسی دقیق نشان می‌دهد که این تعبیر در واقع اشاره‌ای مستقیم به مجموعه‌ای از اسناد است که در متون رسمی تشکیلات بهایی با عنوان "الواح ملکوتی" شناخته می‌شوند.

📜 تعریف اصطلاحات

الواح متقنه: واژه "متقن" از ریشه "اتقان" به‌معنای استحکام، دقت و برنامه‌مندی است. بنابراین "الواح متقنه" به معنای الواحی دقیق، منسجم، هدفمند و ساختاریافته است.

الواح ملکوتی: به مجموعه الواحی گفته می‌شود که توسط حضرت عبدالبهاء در سال‌های ۱۹۱۶ و ۱۹۱۷ خطاب به بهاییان غربی و آمریکایی صادر شده‌اند. این الواح به شکل مستقیم، نخستین فاز از برنامه‌ریزی جهانی تشکیلات بهایی را طرح‌ریزی کرده‌اند و در ادبیات بهایی به عنوان اولین نقشه جهانی تبلیغی شناخته می‌شوند.

🔗 ارتباط مستقیم دو اصطلاح

استفاده شوقی افندی از واژه الواح متقنه، اشاره‌ای آگاهانه و تخصصی به همان الواح ملکوتی دارد. این واژه‌گذاری حاوی یک پیام تشکیلاتی است: الواح ملکوتی، صرفاً نوشته‌هایی معنوی نیستند، بلکه "نقشه‌های متقن" برای عصر تکوین‌اند. به‌عبارتی، این الواح آغازگر یک روند سازمان‌یافته‌اند که از مسیر "نقشه‌محور" به‌سوی نهادسازی و سپس اثرگذاری سیاسی جهانی حرکت می‌کند.

🔍 تحلیل مفهومی و ساختاری

۱. آغاز عصر تکوین با نقشه‌محوری

در اسناد پیشین تشکیلات بهایی، الواح ملکوتی (یا همان الواح متقنه) پایه‌گذار ساختار تشکیلاتی آینده معرفی شده‌اند. در این الواح، حضرت عبدالبهاء وظایفی جهانی برای بهاییان آمریکا مشخص می‌کند و آن‌ها را دعوت به "گسترش نظم بهایی" در سراسر دنیا می‌نماید.

📌 نتیجه: الواح متقنه صرفاً آموزه نیستند، بلکه آغازگر دوران اقدام، برنامه‌ریزی و انتقال از فاز آرمانی به فاز عملیاتی‌اند.

۲. تشکیلات‌سازی بر مبنای متن دینی

استفاده از واژه "متقن" به‌جای صرفاً "ملکوتی" از سوی شوقی افندی، جهت‌دار است. این واژه بار معنایی فنی، مدیریتی و ساختاری دارد و نشان می‌دهد که این الواح، دستورالعمل تشکیلاتی بوده‌اند، نه فقط الهامات معنوی.

📌 نتیجه: هدف، ساختن نظم جدید جهانی بر مبنای دستوراتی مستند و دقیق است که در اسناد مذهبی گنجانده شده‌اند.

۳. تثبیت نظام در قالب نهاد و مشروعات

ادامه همان متن در سند پنجاه و پنجم به مؤسسات و مشروعات بهیه اشاره می‌کند که بر اساس همین الواح (الواح متقنه/ملکوتی) شکل گرفته‌اند. این فرآیند از تعریف ساختارهای محلی تا رسیدن به نقشه‌های جهانی بیت‌العدل در عصر معاصر (نظیر نقشه ۲۰۲۲–۲۰۳۱) امتداد یافته است.

📌 نتیجه: الواح متقنه، نخستین قدم در زنجیره‌ای از اقدامات عملیاتی‌اند که با تشکیل مؤسسات آغاز شده و به فاز مشروعات اجرایی ختم می‌شود.

📌 جمع‌بندی

تعبیر الواح متقنه در متون شوقی افندی همان الواح ملکوتی عبدالبهاء است.

این الواح، اولین نقشه‌های جهان‌محور تشکیلات بهایی هستند که وظیفه‌گرا، برنامه‌محور و ساختاری‌اند.

این نقشه‌ها پایه‌های اقدامات تشکیلات بهایی در راستای فاز ششم (حکومت کشوری) و فاز هفتم (حکومت جهانی) را فراهم کرده‌اند.

انتخاب واژه‌هایی مانند متقن و مشروعات نشان‌دهنده ساختارگرایی و برنامه‌مندی دقیق نهاد بهایی است.

این ساختار، فراتر از تبلیغ دینی، هدفی عملیاتی برای تأسیس نظم نوین جهانی دارد.

🏷 هشتگ‌ها

#تشکیلات_بهایی

#الواح_ملکوتی

#الواح_متقنه

#نقشه_های_بیت_العدل

#ساختارگرایی_دینی

#تحلیل_اسناد

#عصر_تکوین

#نظم_جهانی_بهایی

✍ Author: Hassan Ershad

🌐 About the Author (https://www.hassanershad.com/about-me)

📚 Article Series: The Universal House of Justice and the Quest for Global Domination

📑 Upper-Level Document Analysis: The Baha'i Administrative Order and its Pursuit of Political Power

📄 Document 56 – Addendum to the Analysis of the "Confirmed Tablets" and Their

Strategic Role

Understanding the Term “Confirmed Tablets” as Identical to the “Tablets of the ”Divine Plan

In Document 56, a critical reference is made to the phrase “alwāḥ mutqaneh”—translated here as “Confirmed Tablets”—appearing in Shoghi Effendi’s text (p.3, The Bahá’í Dispensation). A careful reading reveals that this phrase directly corresponds to what are ,”formally known in the Baha’i administrative corpus as the “Tablets of the Divine Plan .authored by ‘Abdu’l-Bahá in 1916–۱۹۱۷

Terminological Clarification

derives from itqān (متقنه) Confirmed Tablets (alwāḥ mutqaneh): The word mutqaneh meaning precision, firmness, and structural soundness. Thus, Confirmed Tablets ,(اتقان) .refers to a set of meticulously constructed and purpose-driven texts

Tablets of the Divine Plan: These are 14 letters addressed by ‘Abdu’l-Bahá to the Bahá’ís of North America, laying out the first detailed framework for the global spread and institutionalization of the Baha’i Faith—marking the transition from spiritual teaching to .geopolitical vision

Direct Equivalence

Shoghi Effendi’s usage of alwāḥ mutqaneh is a deliberate linguistic choice that frames these texts not as general spiritual exhortations, but as foundational documents with strategic and organizational significance. In essence, these Tablets serve as the first comprehensive “blueprints” of Baha’i institutional action—marking the pivot from .idealistic preaching to structured implementation

Conceptual and Structural Analysis

The Inception of the Formative Age through Strategic Mapping .۱

The Confirmed Tablets—aka the Tablets of the Divine Plan—constitute the earliest stage -of what the Baha’i establishment refers to as the “Formative Age.” Within them, ‘Abdu’l Bahá assigns explicit responsibilities to the North American Bahá’ís, urging them to .expand the “Divine Order” globally

Implication: These texts are the operational starting point of a strategic system aiming .at global reach

Institutional Architecture Embedded in Religious Texts .۲

By calling these tablets mutqaneh, Shoghi Effendi signals their role as constitution-like

texts. The precision of the term implies more than moral guidance—it suggests a legally .operative framework for future institutions and programs

📌 Implication: The religious content is intentionally interwoven with policy-oriented .structure and planning

”From Ideals to Projects: Foundation for “Mashrū‘āt .٣

The original quote continues by referencing “institutions and projects” (mashrū‘āt) that are gradually being implemented through these writings. This progression—starting with the Confirmed Tablets—is echoed through subsequent “Plans” issued by the Baha’i World .Centre (currently in its 17th Plan, 2022–٢٠٣١)

📌 Implication: These Tablets were not symbolic; they were the foundational .mechanisms for phase-based governance expansion

📌 Summary of Key Findings

The Confirmed Tablets are identical to the Tablets of the Divine Plan, the first strategic .directive of the Baha’i administrative body

These Tablets serve as the intellectual and organizational cornerstone of what would .become a multi-phase global governance model

The language used by Shoghi Effendi (e.g., mutqaneh, mashrū‘āt) indicates intentional .operational planning, far beyond theological inspiration

These documents mark the beginning of the transition into what later became phase 6 .and phase 7 (aspirational global governance) (national governance structures)

The Baha’i institutional model thus demonstrates a clear continuity from spiritual .guidance to administrative implementation

🏷 Hashtags

Baha’i_Administration#

Tablets_of_the_Divine_Plan#

Confirmed_Tablets#

Strategic_Faith_Planning#

Shoghi_Effendi#

Institutional_Expansion#

Global_Baha’i_Vision#

Religious_Governance#

✍️ نویسنده: حسن ارشاد

🌐 درباره نویسنده (https://www.hassanershad.com/about-me)

▧ مجموعه مقالات: بیت‌العدل در سودای سلطه بر جهان

📑 بررسی سند پنجاه‌وششم: الواح ملکوتی به‌عنوان تأیید ‘امرالله’ برای تشکیل شبکه جهانی جهت تحقق حکومت ساختاری بهایی

📃 متن سند (بخشی تفصیلی)

در سند ۵۶، به‌تفصیل اشاره می‌شود که الواح ملکوتی (’Confirmed Tablets‘) — همان الواح الهام‌شده حضرت عبدالبهاء در ۱۹۱۶–۱۹۱۷ — فرمان تشکیل ساختاری شبکه جهانی هستند. این الواح دقیقاً وظایفی را برای تدوین و ساماندهی مراکز شبکه‌سازی مشخص می‌کند.

🌍 فهرست مراکز شبکه‌سازی در الواح ۱۴گانه با دسته‌بندی قاره‌ای

قاره کشورهای ذکرشده پرچم SU AC…آمریکای شمالی- ایالات متحده آمریکا

– کانادا

– گرینلند

– مکزیکSUACآمریکای مرکزی / کارائیبگواتمالا، بلیز، السالوادور، هندوراس، نیکاراگوئه، کاستاریکا، پاناما، کوبا، هائیتی، جمهوری دومینیکن، جامائیکا، باهاما، پورتوریکو، جزیره‌ای آنتیل کوچک⛴آمریکای جنوبیکلمبیا، ونزوئلا، اکوادور، پرو، برزیل، گویان، سورینام، گویان فرانسه، بولیوی، شیلی، پاراگوئه، آرژانتین، اروگوئه، فالکلند، ترینیداد و توباکو، برمودا🌎اروپاآلمان، بریتانیا، فرانسه، اتریش، ایتالیا، اسپانیا، مجارستان، بلژیک، سوئیس، نروژ، سوئد، دانمارک، هلند، پرتغال، رومانی، صربستان (و مونته‌نگرو/جبل‌السود)، بلغارستان، یونان، آندورا، موناکو، لوکزامبورگ، قبرس، مالت، ایسلند، سن‌مارینوUEآسیاژاپن، چین، روسیه، کره شمالی و جنوبی، هند، افغانستان، سری‌لانکا🌏اقیانوسیهفیجی، جزایر سلیمان، کالدونیا جدید، پاپوآ گینه‌نو، تیمور، برونئی، فیلیپین، اندونزی، ساموآ، جزایر مارشال⛴اقیانوس اطلس شمالی و هندسنت هلنا، کیپ‌ورد، موریس 🌐

🧠 تحلیل مرتبط

۱. برد عملیاتی فراتر از معنویت

وجود فهرست جامع کشورهای متعدد به‌وضوح نشان‌دهنده‌ی تبدیل «آرمان به ساختار» است؛ یعنی از مرحله تبلیغ دینی صرف به «عملیات شبکه‌سازی بین‌المللی» رسیدن.

۲. گسترش سلسله‌مراتبی و کنترل اداری

مراکز شبکه‌سازی نه تنها نشان‌دهنده گسترش جغرافیایی هستند، بلکه بیانگر شکل‌گیری ساختاری هرم اداری و سلسله‌مراتبی منظم است—عناصر کلیدی در مراحل ۶ (حکومت کشوری) و ۷ (حکومت جهانی).

۳. اهداف انتگرال با امنیت سیاسی

تشکیل آنقدر گسترده شبکه در این کشورها می‌تواند احتمال رشد نهادهای تأثیرگذار را تقویت کند—از منظر سیاسی، فرهنگی و تعداد وفاداران به ساختار—که در نهایت توانایی دخالت مخفیانه یا نفوذ فراهم شود.

۴. تاکید بر عقلانیت ساختاری بجای ایدئولوژی فردی

این فهرست به روشنی نشان می‌دهد که تمرکز در ساختار تشکیلات بهایی، بر رویکرد استراتژیک و سازمانی است، نه صرفاً ایمان شخصی افراد. این تفاوت باید توسط بهائیان درک شود: عضویت دینی لزوماً نباید با ورود به ماتریس اداری-حکومتی همزمان شود.

❗ هشدار اخلاقی و حقوقی

این انتقال از باور به ساختار، در جوامع غربی که بر آزادی فردی، حق انتخاب و سکولاریسم تأکید دارند، می‌تواند با نگرانی‌های حقوق بشری در تعارض باشد. مشروعیت این شبکه‌سازی بدون شفافیت و اطلاع عمومی، ممکن است باعث سوءتفاهم، سوءاستفاده و تخلف از قوانین دولتی شود.

🔚 نتیجه‌گیری

سند ۵۶ الواح ملکوتی را به‌عنوان اعلان رسمی برای ایجاد شبکه ساختاری جهانی (مرحله ششم و هفتم تشکیلات) نشان می‌دهد. بهائیان باید نسبت به پتانسیل اخذ نقش‌های اداری و سیاسی توسط سازمان هوشیار بوده و بین ایمان شخصی و ورود به ساختاری متمرکز و سلسله‌مراتبی تفکیک قائل شوند.

#بیت_العدل #عصر_تکوین #شبکه_جهانی #حقوق_بشری #نقد_سازمانی #هشیاری_مذهبی

✍ نویسنده: حسن ارشاد

🌐 درباره نویسنده (https://www.hassanershad.com/about-me)

▧ مجموعه مقالات: بیت‌العدل در سودای سلطه بر جهان

📝 بررسی سند پنجاه‌وششم: الواح ملکوتی به‌عنوان تأیید ‘امرالله’ برای تشکیل شبکه جهانی جهت تحقق حکومت ساختاری بهایی

📜 متن سند (بخشی تفصیلی)

در سند ۵۶، به‌تفصیل اشاره می‌شود که الواح ملکوتی (‘Confirmed Tablets’) — همان الواح الهام‌شده حضرت عبدالبهاء در ۱۹۱۶–۱۹۱۷ — فرمان تشکیل ساختاری شبکه جهانی هستند. این الواح دقیقاً وظایفی را برای تدوین و ساماندهی مراکز شبکه‌سازی مشخص می‌کنند.

🌍 فهرست مراکز شبکه‌سازی در الواح ۱۴گانه با دسته‌بندی قاره‌ای

قارهکشورهای ذکرشدهپرچم SU AC…آمریکای شمالی- ایالات متحده آمریکا

– کانادا

– گرینلند

– مکزیکSUACآمریکای مرکزی / کارائیبگواتمالا، بلیز، السالوادور، هندوراس، نیکاراگوئه، کاستاریکا، پاناما، کوبا، هائیتی، جمهوری دومینیکن، جامائیکا، باهاما، پورتوریکو، جزیره‌ای آنتیل کوچک⛱آمریکای جنوبیکلمبیا، ونزوئلا، اکوادور، پرو، برزیل، گویان، سورینام، گویان فرانسه، بولیوی، شیلی، پاراگوئه، آرژانتین، اروگوئه، فالکلند، ترینیداد و توباکو، برمودا🌍اروپاآلمان، بریتانیا، فرانسه، اتریش، ایتالیا، اسپانیا، مجارستان، بلژیک، سوئیس، نروژ، سوئد، دانمارک، هلند، پرتغال، رومانی، صربستان (و مونته‌نگرو/جبل‌السود)، بلغارستان، یونان، آندورا، موناکو، لوکزامبورگ، قبرس، مالت، ایسلند، سن‌مارینوUEآسیاژاپن، چین، روسیه، کره شمالی و جنوبی، هند، افغانستان، سری‌لانکا🌏اقیانوسیهفیجی، جزایر سلیمان، کالدونیا جدید، پاپوآ گینه‌نو، تیمور، برونئی، فیلیپین،

اندونزی، ساموآ، جزایر مارشال، اقیانوس اطلس شمالی و هندسنت هلنا، کیپ‌ورد، موریس 🌐

🧠 تحلیل مرتبط

۱. برد عملیاتی فراتر از معنویت

وجود فهرست جامع کشورهای متعدد به‌وضوح نشان‌دهنده‌ی تبدیل «آرمان به ساختار» است؛ یعنی از مرحله تبلیغ دینی صرف به «عملیات شبکه‌سازی بین‌المللی» رسیدن.

۲. گسترش سلسله‌مراتبی و کنترل اداری

مراکز شبکه‌سازی نه تنها نشان‌دهنده گسترش جغرافیایی هستند، بلکه بیانگر شکل‌گیری ساختاری هرم اداری و سلسله‌مراتبی منظم است—عناصر کلیدی در مراحل ۶ (حکومت کشوری) و ۷ (حکومت جهانی).

۳. اهداف انتگرال با امنیت سیاسی

تشکیل آنقدر گسترده شبکه در این کشورها می‌تواند احتمال رشد نهادهای تأثیرگذار را تقویت کند—از منظر سیاسی، فرهنگی و تعداد وفاداران به ساختار—که در نهایت توانایی دخالت مخفیانه یا نفوذ فراهم شود.

۴. تاکید بر عقلانیت ساختاری بجای ایدئولوژی فردی

این فهرست به روشنی نشان می‌دهد که تمرکز در ساختار تشکیلات بهایی، بر رویکرد استراتژیک و سازمانی است، نه صرفاً ایمان شخصی افراد. این تفاوت باید توسط بهائیان درک شود: عضویت دینی لزوماً نباید با ورود به ماتریس اداری-حکومتی همزمان شود.

❗ هشدار اخلاقی و حقوقی

این انتقال از باور به ساختار، در جوامع غربی که بر آزادی فردی، حق انتخاب و سکولاریسم تأکید دارند، می‌تواند با نگرانی‌های حقوق بشری در تعارض باشد. مشروعیت این شبکه‌سازی بدون شفافیت و اطلاع عمومی، ممکن است باعث سوءتفاهم، سوءاستفاده و تخلف از قوانین دولتی شود.

🔚 نتیجه‌گیری

سند ۵۶ الواح ملکوتی را به‌عنوان اعلان رسمی برای ایجاد شبکه ساختاری جهانی (مرحله ششم و هفتم تشکیلات) نشان می‌دهد. بهائیان باید نسبت به پتانسیل اخذ نقش‌های اداری و سیاسی توسط سازمان هوشیار بوده و بین ایمان شخصی و ورود به ساختاری متمرکز و سلسله‌مراتبی تفکیک قائل شوند.

#بیت_العدل #عصر_تکوین #شبکه_جهانی #حقوق_بشری #نقد_سازمانی #هشیاری_مذهبی

✍ Author: Hassan Ershad

🌐 About the Author (https://www.hassanershad.com/about-me)

▧ Article Series: The Universal House of Justice and the Pursuit of Global Dominance

📑 Supplemental Analysis of Document 56: The “Tablets of the Divine Plan” as a Framework for Global Network Formation

📃 Primary Document Insight

Document 56 highlights the "Tablets of the Divine Plan" authored by 'Abdu'l-Bahá between 1916–١٩١٧. These tablets, referred to as alwāḥ al-malakūtī, are not merely spiritual encouragements. They serve as blueprints for building a coordinated international network tasked with the gradual implementation of a Bahá'í administrative .order with global reach

Geographic Targets for Network Formation 🌍

As outlined explicitly by 'Abdu'l-Bahá, the plan categorizes regions and countries where Bahá'í expansion and institutional roots must be established. Each region can be interpreted as a strategic zone for organizational growth and influence. Below is a :categorized list of countries mentioned in the 14 Tablets

RegionCountries ListedNorth AmericaUnited States US, Canada CA, Greenland GL, Mexico ,MXCentral America & CaribbeanGuatemala GT, Belize BZ, El Salvador SV, Honduras HN ,Nicaragua NI, Costa Rica CR, Panama PA, Cuba CU, Haiti HT, Dominican Republic DO ,Jamaica JM, Bahamas BS, Puerto Rico PR, Lesser Antilles 🌴 South AmericaColombia CO ,Venezuela VE, Ecuador EC, Peru PE, Brazil BR, Guyana GY, Suriname SR, French Guiana GF ,Bolivia BO, Chile CL, Paraguay PY, Argentina AR, Uruguay UY, Falkland Islands FK ,Trinidad and Tobago TT, Bermuda BMEuropeGermany DE, United Kingdom GB, France FR ,Austria AT, Italy IT, Spain ES, Hungary HU, Belgium BE, Switzerland CH, Norway NO ,Sweden SE, Denmark DK, Netherlands NL, Portugal PT, Romania RO, Serbia RS ,Montenegro ME, Gibraltar GI, Bulgaria BG, Greece GR, Andorra AD, Monaco MC ,Luxembourg LU, Cyprus CY, Malta MT, Iceland IS, San Marino SMAsiaJapan JP, China CN Russia RU, North Korea KP, South Korea KR, India IN, Afghanistan AF, Sri Lanka LK ,Oceania & PacificFiji FJ, Solomon Islands SB, New Caledonia NC, Papua New Guinea PG Timor-Leste TL, Brunei BN, Philippines PH, Indonesia ID, Samoa WS, Marshall Islands MH Atlantic & Indian Ocean TerritoriesSaint Helena SH, Cape Verde CV, Mauritius MU

Analytical Interpretation 🧠

Strategic Geographic Diversification .١

The Tablets list precise regions across every major continent. This distribution reflects a non-random, calculated approach toward building a multi-tiered global infrastructure—far .beyond individual belief and worship

From Ideological to Operational .٢

This document marks the transition from ideological aspiration to strategic

implementation. The Tablets do not simply promote faith; they prescribe territorial targets and establish network-building instructions, suggesting the Bahá'í administrative order .has governance ambitions

Systemic Institutionalization .۳

By listing countries for systematic expansion, these Tablets lay the groundwork for the institutionalization of a transnational structure. This aligns with the sixth (national governance) and seventh (global governance) phases described in internal Bahá'í .planning documents

Flag as Functionality .۴

Flags in this context are not symbolic but practical. Each represents a jurisdiction in which the Bahá'í structure intends to install nodes for outreach, influence, and eventual .administrative authority

Ethical & Legal Reflections ⚖️

While the contents of the Tablets of the Divine Plan can be interpreted by believers as spiritual missions, their structural function mirrors the logic of soft power deployment. In liberal democracies, such covert institutional design could clash with values of .transparency, national sovereignty, and separation of religion from statecraft

Conclusion 🔚

Document 56—alwāḥ al-malakūtī—is not a purely devotional set of texts. It is a direct .mandate for constructing a sophisticated, geographically distributed operational network The document's strategic content contributes directly to understanding how the Bahá'í -administrative structure plans for sustained global expansion through systemic, region .specific operations

UniversalHouseOfJustice #DivinePlan #AdministrativeOrder #SoftPower# ReligiousGovernance #GlobalNetwork #AbduLbahasMandate#

✍️ نویسنده: حسن ارشاد

🌐 درباره نویسنده (https://www.hassanershad.com/about-me)

📚 مجموعه مقالات: بیت‌العدل در سودای سلطه بر جهان

📄 مقاله پنجاه و هفتم: تحلیل مضمون «سلطنت الهیه» و پیوند آن با مؤسسات در حال تکوین

متن سند مورد تحلیل

در صفحه سوم از کتاب «دور بهائی» شوقی افندی چنین می‌نویسد:

«تأثیر مؤسساتی که اکنون در حال تکوین است و باید مالاً سلطنت الهیه که حاکی از حلول عصر ذهبی جمال قدم است بر آن مستقر شود، منوط و معلّق به مجهودات حالیه و علی‌الخصوص به درجه همت و کوششی است که در تأسی و اقتدا به روش اسلاف دلیر و جان‌فشان مبذول می‌گردد...»

📖 منبع: دور بهائی، صفحه ۳ (https://reference.bahai.org/fa/t/se/DOB/dob-5.html#pg3)

تحلیل ساختاری سند

عبارت «مؤسسات در حال تکوین» ناظر بر شکل‌گیری یک چارچوب تشکیلاتی منظم است که هدف نهایی آن، تحقق «سلطنت الهیه» بر زمین است. این اصطلاح در ظاهر مفهومی دینی دارد، اما در متن و با در نظر گرفتن سایر اسناد مرتبط، بار سیاسی و ساختاری می‌گیرد.

در این فراز، شوقی افندی پیوند مستقیمی میان شکل‌گیری تدریجی نهادها و تحقق یک نظم جایگزین سیاسی برقرار می‌کند. تأکید بر این‌که «سلطنت الهیه» باید بر آن مستقر شود، نشانگر ماهیت هدف‌مند این ساختارهاست، نه صرفاً نهادهای معنوی یا دینی.

واژه‌کاوی و مفهوم‌سازی

تکوین: در اینجا مفهومی فرآیندی دارد که از مرحله نهادسازی ابتدایی شروع شده و به‌سوی تکامل تشکیلاتی با ماهیت اداره جامعه در حرکت است. این واژه به‌صراحت در توقیع ۱۱۰ بدیع (۱۳۳۲ شمسی) نیز آمده و به‌منزله بسترسازی برای فازهای پایانی یعنی استقرار حکومت جهانی تعریف شده است.

سلطنت الهیه: مفهوم کلیدی در گفتمان شوقی. این واژه نه تنها به نظم معنوی بلکه به ساختاری سیاسی اشاره دارد که با استقرار نهایی عصر موسوم به «عصر ذهبی» هم‌راستا است. سلطنت الهیه بر اساس تحلیل متنی، معنایی معادل با تحقق نوعی از حکمرانی جهانی با چارچوب بهایی دارد.

مؤسسات: به نهادهایی نظیر محافل محلی، ملی و بیت‌العدل اطلاق می‌شود که اکنون از مرحله تکوین عبور کرده و به فاز تثبیت و گسترش رسیده‌اند.

تطبیق با نقشه‌ها و مشروعات تشکیلاتی

اگرچه در این سند خاص لفظ «نقشه» یا «مشروعات» ذکر نشده، اما اصطلاح «تکوین مؤسسات» دقیقاً در راستای سلسله برنامه‌ریزی‌هایی قرار می‌گیرد که در قالب «نقشه‌های ملکوتی» و «الواح تبلیغیه» آغاز شده است. آغاز این مسیر از الواح ملکوتی عبدالبها در سال‌های ۱۹۱۶ و ۱۹۱۷ بود که در آن مأموریت‌های منطقه‌ای و جهانی برای ایجاد شبکه‌های بهایی تعریف شد.

در حال حاضر، بیت‌العدل در هفدهمین نقشه‌ی خود (۲۰۲۲ تا ۲۰۳۱) به اجرای فازهای تکمیلی این ساختار می‌پردازد، که عملاً ادامه همان «تکوین مؤسسات» ذکرشده در این سند است.

جمع‌بندی

این بخش از کتاب دور بهائی نه‌تنها گزارش یک روند تشکیلاتی نیست، بلکه نقشه راهی است برای استقرار تدریجی نظم جهانی مبتنی بر چارچوب‌های بهایی. تحلیل متن نشان می‌دهد که شوقی افندی تکوین را وسیله‌ای برای انتقال از تبلیغ صرف به ساختاردهی منظم جهت تحقق «سلطنت الهیه» معرفی می‌کند. این سلطنت، چنان‌که از متن برمی‌آید، هدف نهایی نظم سیاسی بهایی است که در دل مؤسسات و از طریق برنامه‌ریزی تدریجی قابل

پیاده‌سازی خواهد بود.
#تشکیلات_بهایی #بیت_العدل #شوقی_افندی #سلطنت_الهیه #تحلیل_اسناد #مؤسسات_بهایی #نظم_جدید #تکوین #نقشه_ملکوتی #دیپلماسی_تشکیلاتی #دور_بهائی

✍ Author: Hassan Ershad

🌐 About the Author (https://www.hassanershad.com/about-me)

▧ Article Series: The Universal House of Justice in Pursuit of Global Dominion

📄 Article 57: Analyzing the Concept of the "Divine Sovereignty" and Its Link to Emerging Institutions

Document Under Review

:On page 3 of The Bahá'í Dispensation, Shoghi Effendi states

The impact of those institutions which are now in the process of formation, and upon" which must eventually be established the Divine Sovereignty—the harbinger of the Golden Age of the Abhá Beauty—is dependent on present efforts, and particularly on the degree of dedication and perseverance shown in emulating the path of our brave and "…selfless predecessors

📑 /Source: The Bahá'í Dispensation, p. 3 (Persian Edition) (https://reference.bahai.org (fa/t/se/DOB/dob-5.html#pg3

Structural Analysis of the Document

The phrase "institutions in the process of formation" clearly refers to the structured .organizational mechanisms being developed within the Bahá'í administrative framework These are not merely spiritual bodies, but rather instruments intended to support what is called the "Divine Sovereignty"—a term with distinct political implications in the context .of Bahá'í texts

The document links institutional formation with the ultimate goal of establishing a new global order, referred to here as "Divine Sovereignty." The text underlines that this is not an abstract ideal but a contingent project, heavily reliant on active, ongoing human effort .and organizational imitation of past "heroic" figures in the Faith

Keyword Analysis and Conceptual Interpretation

Takwīn (Formation): This concept is clearly process-oriented, denoting a transition from spiritual ideals to structured, organizational realities. In the Bahá'í context—especially

when aligned with message 110 Badi‘ (١٩٥٣ CE)—it reflects deliberate steps towards .global governance through soft and strategic institution-building

Divine Sovereignty (Saltanat-e Elahiyeh): Despite religious connotations, this term represents a structural objective—a form of governance under Bahá’í institutional logic. It alludes to the final establishment of a global political system rooted in Bahá’í .administrative principles

Institutions: These include local spiritual assemblies, national assemblies, and ultimately the Universal House of Justice. They form the scaffold for the intended Divine .Sovereignty and are explicitly political-organizational in their function

Correlation with Strategic Maps and Projects

Although the terms “map” (naqsha) or “projects” (mashrūʿāt) do not explicitly appear in this particular text, the reference to “institutions in the process of formation” aligns seamlessly with what the Bahá’í administrative order has long referred to as “Spiritual Teaching Plans” or “Divine Plans.” These began with the Tablets of the Divine Plan by —‘Abdu’l-Bahá in 1916–١٩١٧ and evolved into a sequence of strategic global plans .currently the 17th plan (2022–٢٠٣١), laid out by the Universal House of Justice

Thus, even though the term “plan” is not directly mentioned, the institutional development described here is structurally and strategically embedded within this .sequence

Conclusion

This passage from The Bahá’í Dispensation is not simply descriptive of spiritual growth it is prescriptive and strategic. Shoghi Effendi presents institutional formation as the— critical path toward the realization of Divine Sovereignty, which, when analyzed within the context of Bahá’í organizational language, constitutes a long-term plan for the gradual .political structuring of global society under Bahá’í governance principles

The transition from an idealistic religious movement to a detailed, goal-oriented institutional structure reflects not just doctrinal growth but administrative ambition. This -ambition, framed as spiritual, operates in clearly operational terms that align with long .term global planning

BahaiAdministration #UniversalHouseOfJustice #ShoghiEffendi #DivineSovereignty# Takwīn #InstitutionBuilding #StrategicFaith #DivinePlan #GlobalGovernance# GoldenAge #BahaiDocumentsAnalysis#

✍️ نویسنده: حسن ارشاد

🌐 درباره نویسنده (https://www.hassanershad.com/about-me)

▧ مجموعه مقالات: بیت‌العدل در سودای سلطه بر جهان

📄 مقاله پنجاه‌وهشتم: از عصر رسولی تا عصر تکوین؛ تحلیل ساختاری اسناد تشکیلات بهایی

سند مورد بررسی

شوقی افندی در صفحه ۷۰ از دور بهائی می‌نویسد:

«با صعود حضرت عبدالبها نیز عصر رسولی این ظهور که اولین مرحله آئین نازنین ماست خاتمه یافت. عصری که شکوه و جلالش به حدی است که عظمت فتوحات امرالله در مستقبل ایام در مقابل آن جلوه و ظهوری نکند تا چه رسد به اینکه آن را تحت الشعاع قرار دهد. زیرا موفقیت‌های بانیان مشروعات کنونی امرالله و فتوحات باهره‌ای که در مستقبل ایام نصیب واصلان عصر ذهبی خواهد بود با اعمال حیرت‌بخش نفوسی که سبب حیات امر الهی گشته و اساس اصلیه آن را بنیان نهاده‌اند برابری ننماید و در صقع واحد در نیاید. آن عصر اول و خلاق دور بهائی باید بنفسه از عصر تکوین که بدان وارد گشته‌ایم و عصر ذهبی که متعاقب آن است ممتاز و متمایز گردد...»

📖 منبع: دور بهائی، ص ۷۰ (https://reference.bahai.org/fa/t/se/DOB/dob-72.html#pg70)

تحلیل ساختاری و مفهومی

این بخش از نوشته‌های شوقی افندی ساختار زمانی-تشکیلاتی آیین بهایی را در قالب سه مرحله تاریخی معرفی می‌کند:

۱. عصر رسولی (Prophetic Age)

۲. عصر تکوین (Formative Age)

۳. عصر طلایی (Golden Age)

در این متن، ورود از عصر رسولی به عصر تکوین همزمان با پایان حیات عبدالبهاء دانسته شده و تأکید می‌شود که ویژگی‌های اصلی عصر تکوین در موفقیت‌های نهادها و مشروعات فعلی بروز می‌یابد. واژه "مشروعات" در اینجا واژه‌ای کلیدی است که نشان می‌دهد فعالیت‌های ساختاری تشکیلات بهایی در مسیر اقداماتی مشخص و هدفمند برای شکل‌دادن به آینده‌ای از پیش طراحی‌شده در جریان است.

اصطلاح تکوین، همان‌گونه که در سایر اسناد شوقی افندی نیز آمده، به فرآیند گذار از یک نظام آرمانی به یک ساختار عملیاتی اطلاق می‌شود. این اصطلاح در هماهنگی کامل با تحلیل‌هایی است که نشان می‌دهد از زمان عبدالبهاء تاکنون، تشکیلات بهایی مسیر گذار از تبلیغ صرف به پی‌ریزی نهادهای مدیریتی و سیاسی را در پیش گرفته است. تأکید شوقی بر اینکه عصر تکوین متمایز از عصر رسولی است، نشانه‌ای از این گذار هدفمند است.

تأکید بر واژه‌های کلیدی

در این سند، واژه مشروعات به صراحت آمده است. این واژه، به معنای پروژه‌های عملیاتی در قالب نقشه‌های مدیریتی، نقش مهمی در تحلیل تشکیلات بهایی دارد. مشروعات، بخشی از همان فرایند هستند که بعدها در قالب "نقشه‌های ملکوتی" (Divine Plans) توسط عبدالبهاء آغاز و در قالب نقشه‌های مرحله‌ای از سوی بیت‌العدل پی‌گیری شد.

همچنین، اصطلاح عصر تکوین در اینجا به وضوح به یک مرحله گذار سازمان‌یافته اشاره دارد که به دنبال تشکیل و تثبیت نهادهای قدرت و اعمال ساختاری نظم اداری است. شوقی از این عصر به‌عنوان مرحله‌ای یاد می‌کند که مقدمه‌ساز ورود به "عصر طلایی" خواهد بود؛ دورانی که نظم جهانی به‌گونه‌ای آرمانی در قالبی سیاسی-تشکیلاتی محقق شود.

نتیجه‌گیری

این سند، به‌وضوح نشان‌دهنده یک روند طراحی‌شده و گام‌به‌گام در ساختار تشکیلات بهایی است که از یک باور دینی به سمت یک مدل حکمرانی جهانی سوق داده می‌شود. واژه‌های تکوین و مشروعات در کنار یکدیگر، نشان می‌دهند که دین بهایی در سطح تشکیلاتی، نه صرفاً یک آموزه معنوی، بلکه یک ساختار هدفمند با چشم‌انداز بلندمدت است که از همان ابتدا به‌سوی تحقق عملیاتی و نهادی حرکت می‌کرده است.

این مرحله، بستر ظهور یک نظم جهانی جدید با شالوده‌ای از نهادهای بهایی را فراهم می‌سازد که در حال حاضر در قالب طرح‌های ۹ ساله، منطقه‌ای و جهانی از سوی بیت‌العدل دنبال می‌شود.

#بیت_العدل

#تشکیلات_بهایی

#مشروعات

#عصر_تکوین

#عصر_طلایی

#تحلیل_اسناد

#حکومت_دینی

#ساختارگرایی

#شوقی_افندی

#نظم_نوین_جهانی

Author: Hassan Ershad ✍

About the Author (https://www.hassanershad.com/about-me) 🌐

Series: The Universal House of Justice and the Ambition for Global Domination 📚

Article 58: From the Apostolic Era to the Formative Age — A Structural Analysis of Baha'i Administrative Documents 📄

Primary Document Under Review

:Shoghi Effendi, The Baha'i Dispensation, page 70

With the ascension of 'Abdu'l-Bahá, the Apostolic Age of this Dispensation — the first" of the three stages of the Formative Age of our Faith — came to an end. An age whose

splendor and greatness is such that the future victories of the Cause of God cannot match it in brilliance, let alone overshadow it. For the achievements of the current projects of the Cause and the luminous victories destined for the Golden Age cannot equal the astonishing deeds of those souls who breathed life into the Faith and laid its foundational structure. That first creative age of the Bahá'í era must remain distinct from both the ".current Formative Age and the Golden Age that shall follow

/Source: The Baha'i Dispensation, p. 70 (Farsi) (https://reference.bahai.org/fa/t/se (DOB/dob-72.html#pg70

Structural and Conceptual Analysis

This passage by Shoghi Effendi outlines a tripartite historical structure of the Baha'i :administrative development

The Apostolic Age

The Formative Age

The Golden Age

According to this document, the passing of 'Abdu'l-Bahá marks the end of the Apostolic stage and the beginning of the Formative Age — a transitional phase with a focus on institution-building and administrative consolidation. The terminology used here is deliberate and programmatic: the word "projects" (translated from "مشروعات") signals .strategic initiatives currently unfolding as part of a long-term plan

The Formative Age, repeatedly mentioned in Shoghi Effendi's writings, refers to the phase in which the Baha'i administrative order takes on an operative and infrastructural role — transforming ideals into actionable systems. The distinction between this phase and the preceding Apostolic Age is emphasized to highlight a deliberate shift from .spiritual propagation to organizational construction

Key Terminology

:This document contains two critical terms

"Projects" (مشروعات): This implies that current undertakings within the Baha'i administrative order are part of a broader, systematic strategy. These are not spontaneous religious activities but structured operations aligned with the overarching vision of global .order

"Formative Age" (عصر تکوین): This term captures the operational transition of the Faith from an inspirational movement to a structured governance system. It reflects institutional

development, legal frameworks, and the foundation of administrative bodies — essential .groundwork for the envisioned Golden Age, which Shoghi affirms is to follow

Together, these terms signal that the Faith, in its organizational dimension, is not merely .spiritual but also political and administrative in its trajectory

Conclusion

The document under analysis illustrates a strategic and chronological framework within ,the Baha'i administrative ideology. By contrasting the Apostolic and Formative Ages Shoghi Effendi introduces the idea that the current and future accomplishments of the Baha'i system will be measured not solely by spiritual propagation but by the success of .its projects and the consolidation of its institutions

These initiatives, now in their mature form under the leadership of the Universal House of Justice, follow a trajectory that aims toward the realization of a world order based on Baha'i administrative principles. The Formative Age, as conceptualized, is the stage .wherein those principles are no longer theoretical ideals but mechanisms of governance

UniversalHouseofJustice#

Baha'iAdministration#

FormativeAge#

GoldenAge#

ShoghiEffendi#

StructuredFaith#

GovernancePlans#

GlobalOrder#

ReligiousInstitutions#

FaithandPower#

✍ نویسنده: حسن ارشاد

🌐 درباره نویسنده (https://www.hassanershad.com/about-me)

▧ مجموعه مقالات: بیت‌العدل در سودای سلطه بر جهان

📄 بررسی سند پنجاه و نهم: تکوین نظم اداری و شدت‌گیری انقلاب تشکیلاتی در گفتمان شوقی

متن سند

شوقی، دور بهائی، صفحه ۹۴:

"این انقلاب بر اثر ولادت نظم اعظم آئین حضرت بهاالله در عالم بوجود آمده است. و هر قدر مضامین مکنونه این نظم دائم‌الاتساع الهی مکشوف‌تر گردد و شاخ و برگ آن کره ارض را بیشتر فرا گیرد، بر شدت و وسعت این

انقلاب خواهد افزود. در خاتمه مذکور می‌گردد که عصر تکوین دور بهائی به ارتفاع نظم اداری مخصص..."

📖 منبع: دور بهائی، صفحه ۹۴ (https://reference.bahai.org/fa/t/se/DOB/dob-96.html#pg94)

تحلیل ساختاری و محتوایی

در این بخش از نوشتار شوقی، بار دیگر بر مفهومی کلیدی یعنی "نظم اعظم آئین بهاالله" تأکید می‌شود. نظم اعظم در اینجا نه به‌عنوان مفهومی صرفاً الهی یا عرفانی، بلکه به‌مثابه ساختاری در حال توسعه و گسترش در سطح جهانی مطرح شده است. اشاره مستقیم به اینکه این "انقلاب" محصول ظهور این نظم است، حاکی از آن است که تحول مورد نظر، جنبه‌ای صرفاً معرفتی یا فرهنگی ندارد، بلکه فرآیندی دارای ابعاد اجتماعی، سیاسی و ساختاری است.

استفاده از واژه "انقلاب" در متن، با تأکید بر "شدت و وسعت" آن، نشانگر فهمی بنیادگرایانه از تغییر جهانی است که از منظر نویسنده متن، با گسترش این نظم پیوند دارد. این واژگان در چارچوب تحلیلی مورد بحث، می‌تواند به عنوان شاهدی بر تفسیر عملیاتی از اهداف تشکیلات بهایی در عصر معاصر ارزیابی شود.

در پایان جمله، شوقی مشخصاً "عصر تکوین" را به "ارتفاع نظم اداری" مرتبط می‌کند. این نکته اهمیت بسیاری دارد، چرا که تکوین نه‌تنها اشاره به رشد، بلکه به تثبیت یک ساختار اداری دارد؛ ساختاری که نقش مرکزی در مراحل بعدی توسعه تشکیلات بهایی دارد.

واژگان کلیدی

انقلاب: استفاده از این واژه در متن شوقی، از زبانی بارگذاری‌شده حکایت دارد که نه صرفاً به تغییر درونی یا روحی، بلکه به دگرگونی ساختاری و جهانی اشاره دارد. این برداشت، با تحولات مرحله‌ای تشکیلات بهایی هم‌راستا است.

عصر تکوین: مفهومی بنیادین در گفتمان اداری تشکیلات بهایی است. این عصر، مرحله‌ای گذار از پایه‌ریزی به تثبیت نهادها و ساختارها محسوب می‌شود. تحلیل این مفهوم نشان می‌دهد که هدف صرفاً تبلیغ دینی نیست، بلکه ایجاد نهادهایی با توان حکمرانی است.

نظم اداری: این اصطلاح در متون بهایی، مفهومی مرکزی است که نه‌تنها نظام سازمانی جامعه بهایی را توصیف می‌کند، بلکه راهبردی برای اداره جامعه جهانی بر مبنای اصول بهایی محسوب می‌شود.

جمع‌بندی

سند مورد بررسی، نشانه‌ای آشکار از گذار تشکیلات بهایی از فاز تبلیغ آرمانی به فاز نهادسازی و تکوین ساختارهای اداری است. تأکید شوقی بر گسترش نظم اعظم و تشدید انقلاب ناشی از آن، نمایانگر آن است که تشکیلات بهایی خود را نه‌تنها وارث تعالیم، بلکه مجری عملی نقشه‌ای برای تغییر ساختار جهانی می‌داند.

استفاده صریح از واژگان "انقلاب"، "عصر تکوین" و "نظم اداری" در این متن، نشانه‌ای از شکل‌گیری سیستماتیک تشکیلات برای عبور از مرحله ششم (حکومت کشوری) به مرحله هفتم (حکومت جهانی) است که در متون بالادستی، از جمله توقیع ۱۱۰ بدیع نیز مورد اشاره قرار گرفته است.

#بیت_العدل

#تشکیلات_بهائی

#نظم_اداری
#عصر_تکوین
#شوقی_افندی
#انقلاب_تشکیلاتی
#ساختار_قدرت
#تحلیل_اسناد
#مراحل_هفتگانه
#حکمرانی_دینی

Author: Hassan Ershad ✍️
About the Author (https://www.hassanershad.com/about-me) 🌐
Series: The Universal House of Justice and the Quest for Global Domination 📚
Document 59: The Emergence of Administrative Order and Escalation of Organizational Revolution in Shoghi's Discourse 📄

Original Text

:Shoghi Effendi, The Bahá'í Dispensation, p. 94

This revolution has come into being as a result of the birth of the Most Great Order of" Bahá'u'lláh's Faith in the world. And the more the latent contents of this ever-expanding Divine Order become revealed and its branches and leaves cover the Earth, the greater will be the intensity and scope of this revolution. It is stated in conclusion that the Formative Age of the Bahá'í Dispensation is dedicated to the rise of the Administrative "…Order

/Source: The Bahá'í Dispensation, p. 94 (https://reference.bahai.org/fa/t/se/DOB (dob-96.html#pg94 📑

Structural and Contextual Analysis

In this excerpt, Shoghi Effendi articulates a direct link between what he calls a revolution" and the emergence of the Most Great Order, which is presented not as a" spiritual metaphor, but as an actual evolving global system. The use of the term revolution" underscores a structural transformation with political and organizational" .implications beyond mere theological development

The emphasis on the "ever-expanding" nature of the Order suggests a continuous and

strategic global reach, implying a systematic plan to integrate all regions under this model. This framing suggests that the Bahá’í Administrative structure is not envisioned as .static or symbolic, but rather as an expanding mechanism for influence and authority

The conclusion explicitly associates the Formative Age of the Bahá’í era with the rise of the Administrative Order. In organizational terms, this represents the consolidation of a governance infrastructure intended to manage and extend influence over increasingly .wider societal sectors

Key Terminology

Revolution: This is a loaded term within the document. It implies not only ideological change but tangible, structural transformation. In the context of the Bahá’í Administrative Order, it suggests the intentional replacement or restructuring of existing sociopolitical .systems through soft power and institutional development

Formative Age: A transitional phase that marks the shift from theological proclamation to institutional consolidation. It aligns with what the Bahá’í writings outline as preparatory .steps toward a global governance structure

Administrative Order: This is central to the Bahá’í institutional system and comprises various appointed and elected bodies. The document clearly shows that this order is designed to expand geographically and functionally, suggesting long-term governance .ambitions

Interpretation and Implications

The passage clearly reflects the vision of a structured global transformation, in which the Bahá’í Administrative Order plays a central and driving role. This aligns with the phases described in internal documents—particularly the sixth stage (national governance) and seventh stage (global governance)—outlined in earlier official messages, such as Letter .No. 110 of Badí‘ ۱۳۳۲ (۱۹۵۳)

The repeated use of terms like “revolution”, “Formative Age”, and “Administrative Order” supports the conclusion that the Bahá’í institutional structure is not merely idealistic or ceremonial. Rather, it is portrayed as a long-term strategic mechanism .designed to evolve into a comprehensive, global governing framework

Hashtags

UniversalHouseOfJustice#

BahaiAdministration#

#FormativeAge

#ShoghiEffendi

#ReligiousGovernance

#InstitutionalExpansion

#StrategicOrder

#GlobalGovernance

#PoliticalTheology

#DocumentedAnalysis

✍️ نویسنده: حسن ارشاد

🌐 درباره نویسنده (https://www.hassanershad.com/about-me)

📚 مجموعه مقالات: بیت‌العدل در سودای سلطه بر جهان

📄 بررسی سند شصتم

متن اصلی:

شوقی افندی، نداء به اهل عالم، صفحه م۱:

«پیش‌گفتار ولی امر بهائی حضرت شوقی افندی در ایفا وظیفه خطیره مبارکه‌اش در تبیین آیات و آثار ظهور بهائی، به تفصیل و تأکید بر نظم جهان‌آرائی که در صدف آن ظهور مستور است تکیه کرده. از ابتدای ولایتش که شروع عصر تکوین امر بهائی است، به عناصر گران‌بهای مدنیت الهیه که تأسیسش مقصد اصلی حضرت بهاءالله است اشاره فرموده، و طی سالیان بعد ضمن نامه‌هائی که معمولاً به توقیعات "نظم جهانی" مشهور است، به تشریح و توضیح پرداخته. امروزه بسیاری از مردم اذعان دارند که وجود نظمی جهانی...»

📎 منبع (https://reference.bahai.org/fa/t/se/CTN/ctn-2.html)

تحلیل ساختاری و مفهومی

در این متن، شوقی افندی از آغاز ولایت خود به‌عنوان نقطه شروع «عصر تکوین» یاد می‌کند؛ عصری که مستقیماً با ساختاردهی به نظم تشکیلاتی و تقویت پایه‌های اداری امر بهایی پیوند دارد. تأکید مکرر بر مفهوم «نظم جهانی» و نسبت دادن آن به هدف اصلی آیین، یعنی تأسیس مدنیت الهیه، نشان می‌دهد که بنیان‌گذاران این ساختار، هدفی فراتر از تبلیغ یا تفسیر معنوی مد نظر داشته‌اند.

اصطلاح «نظم جهان‌آرا» نه صرفاً یک توصیف معنوی، بلکه نوعی پروژه‌ریزی ساختاری برای ایجاد نوع خاصی از نظم اداری، حقوقی و اجتماعی است. اینکه این نظم، به عنوان مقصد اصلی حضرت بهاءالله ذکر می‌شود، به وضوح نشان‌دهنده آن است که گفتمان درون تشکیلاتی، جنبه آرمانی صرف ندارد بلکه با برنامه‌ریزی بلندمدت همراه است.

همچنین عبارت «توقیعات نظم جهانی» به‌عنوان متون کلیدی مورد اشاره قرار می‌گیرد که شوقی افندی از آن‌ها برای شرح دقیق عناصر و مراحل تحقق این نظم استفاده کرده است. این توقیعات، ستون‌های راهبردی و اجرایی برای عبور تشکیلات از فاز مفهومی به فاز عملیاتی محسوب می‌شوند.

واژه‌شناسی کلیدی

عصر تکوین: اشاره به مرحله‌ای از رشد ساختار تشکیلاتی دارد که در آن، بنیان‌گذاری و تقویت نظام اداری در اولویت است. این عصر مطابق توقیع ۱۱۰ بدیع ۱۳۳۲ شمسی، در امتداد طرح گسترش قدرت ساختاری تشکیلات تا مرحله ششم و هفتم قرار می‌گیرد.

نظم جهان‌آرا / نظم جهانی: منظور از این واژه، نظم سیاسی-اداری خاصی است که به‌صورت تدریجی و طبق نقشه‌های خاصی پیاده می‌شود و هدف آن، تأسیس نظم حکومتی جهانی با رهبری مرکز تشکیلات است.

مدنیت الهیه: واژه‌ای که بیشتر به عنوان جایگزین برای ساختار سیاسی-فرهنگی مطلوب تشکیلات بهائی استفاده می‌شود و در اینجا به‌عنوان هدف نهایی معرفی شده است.

تحلیل هدفمند

نکته کلیدی در این سند، استفاده صریح از واژگان «نظم جهانی» و «مدنیت الهیه» است که با درک تشکیلاتی همراه بوده و نشان می‌دهد هدف، ایجاد یک سیستم همه‌جانبه است؛ سیستمی که نه‌تنها در عرصه معنوی بلکه در ابعاد ساختاری و حکمرانی نیز برنامه‌ریزی‌شده و گسترش‌پذیر است.

ذکر عصر تکوین در پیوند با تأکید بر تأسیس نظم جهانی، مؤید آن است که این مرحله از تاریخ تشکیلات، صرفاً جنبه نمادین ندارد، بلکه بستری است برای تدارک رسیدن به مرحله ششم (حکومت کشوری) و مرحله هفتم (حکومت جهانی).

هشتگ‌ها

#بیت_العدل

#نظم_جهانی

#تشکیلات_بهایی

#شوقی_افندی

#عصر_تکوین

#مدنیت_الهی

#تحلیل_مستند

#ساختار_سیاسی

#سند_شصتم

#نقشه_قدرت

Author: Hassan Ershad ✍

About the Author (https://www.hassanershad.com/about-me) 🌐

Series Title: The Universal House of Justice and the Pursuit of Global Authority ▧

Document 60 – Analytical Review 🗎

Original Source (Excerpt) 📜

:Shoghi Effendi – The World Order of Bahá'u'lláh, Page M1

In the foreword to his critical mission of interpreting the verses and writings of the" Bahá'í revelation, the Guardian of the Bahá'í Faith, Shoghi Effendi, repeatedly and .emphatically stressed the world-ordering structure that lies at the heart of this revelation From the very beginning of his ministry—which marks the start of the Formative Age of the Bahá'í Cause—he pointed to the precious elements of divine civilization, which Bahá'u'lláh established as the fundamental goal of His dispensation. Over the following years, through letters that came to be known as the 'World Order' communications, he elaborated on and clarified these elements. Today, many acknowledge the necessity of a "…global order

Source (https://reference.bahai.org/fa/t/se/CTN/ctn-2.html) 📎

Analytical Commentary 🧠

This document reflects a crucial pivot in the political and structural strategy of the Bahá'í administrative system under Shoghi Effendi. By declaring that the Formative Age began with his own Guardianship, Shoghi situates this phase not as a continuation of spiritual .proselytizing but as a new epoch focused on constructing tangible systems of governance The frequent invocation of "world order" signals a movement beyond theological .expression toward an organized, institutional architecture aimed at global coordination Importantly, the term "divine civilization" is framed as the core objective of Bahá'u'lláh's revelation—not as metaphor, but as blueprint. The linkage between spiritual revelation and administrative execution becomes explicit through what are called the World Order .messages, which function as guiding documents for organizational expansion

Terminological Insight 🔍

,The start of systemic and administrative development :(عصر تکوین) Formative Age marking a move from vision to implementation. It is within this age that the groundwork .is laid for national and eventually global institutions aligned with the Bahá'í worldview

Used here not symbolically, but practically—as a plan for :(نظم جهانی) World Order establishing an international governance model embedded in Bahá'í ideological .frameworks

Not an abstract ideal, but a structured socio-political :(مدنیت الهیه) Divine Civilization agenda. Its mention aligns with long-term institutional ambitions and administrative

strategies.

⚙️ Strategic Interpretation

This document does not use the terms plan (نقشه) or projects (مشروعات) directly, yet it alludes clearly to the structured and incremental operationalization of global influence. The “World Order” writings functionally replace the concept of plans—laying the intellectual and administrative foundation for what later documents would formally codify in multi-year strategies.

What emerges is a portrayal of a religion not content with personal belief or ritual alone, but one that aims at reorganizing social order at every level—local, national, and global. This is not an accidental feature but a deliberate objective embedded within the very “essence” of the faith, as stated in the text.

🏷️ Hashtags

#BahaiFaith

#ShoghiEffendi

#WorldOrder

#DivineCivilization

#FormativeAge

#AdministrativeStructure

#GlobalGovernance

#StrategicFaith

#Document60

#UniversalHouseOfJustice

✍️ نویسنده: حسن ارشاد

🌐 درباره نویسنده (https://www.hassanershad.com/about-me)

📚 مجموعه مقالات: بیت‌العدل در سودای سلطه بر جهان

📄 بررسی سند شصت و یکم – تحلیل ساختاری و تشکیلاتی

📜 متن اصلی سند

شوقی افندی – نداء به اهل عالم، صفحه ۲۶:

«آن‌همه مولود نظم در حال تکوین جهانی حضرت بهاءالله است که در شأنش چنین فرموده‌اند:

“قَدِ اضْطَرَبَ النَّظْمُ مِنْ هٰذَا النَّظْمِ الْأَعْظَمِ وَ اخْتَلَفَ التَّرْتِيبُ بِهٰذَا الْبَدِيعِ”

(نظم سابق به سبب این نظم اعظم دچار تزلزل شده و ساختارها به واسطه این نوپیدا دگرگون گشته‌اند.)
آیا این بحران و هیجان حادی که حال بشر را احاطه نموده و در تاریخ نوع انسانی بی‌نظیر است، به چه منبع و مبدئی می‌توان نسبت داد جز آنکه بگوییم که آن‌همه از تأثیرات روح عظیمی است که به فرموده حضرت باب در حقائق جمیع ...»

🔗 لینک منبع (https://reference.bahai.org/fa/t/se/CTN/ctn-29.html#pg26)

🔍 تحلیل واژگانی و مفهومی

در این بخش از نوشتار شوقی، محور اصلی تحلیل، تبیین «نظم در حال تکوین جهانی» است که با عباراتی چون «نظم اعظم» و «بدیع» توصیف می‌شود. وی با استناد به گفتار صریح بهاءالله، دگرگونی بنیادین نظم‌های گذشته را نتیجه مستقیم ظهور نظم اداری جدید می‌داند. جمله عربی ذکرشده نیز ناظر به همین دگرگونی‌های ساختاری است.

واژگان کلیدی:

نظم اعظم: اشاره به ساختار تشکیلاتی گسترده‌ای دارد که بنیان آن توسط بهاءالله گذاشته شده و توسط شوقی و پس از او بیت‌العدل گسترش یافته است.

تکوین: این واژه در اینجا نه به‌معنای طبیعی رشد تدریجی، بلکه به مفهوم «ساختن و پی‌ریزی هدفمند یک نظم» است. استفاده مکرر از آن در اسناد شوقی افندی مؤید برنامه‌ریزی دقیق تشکیلات برای ساخت نظم نوین جهانی است.

اضطراب نظم و اختلاف ترتیب: این دو عبارت که در متن عربی آمده، نمایانگر آن است که هدف، نه صرفا تبلیغ یک پیام معنوی، بلکه ایجاد تحول عملی در ساختارهای اجتماعی، سیاسی و جهانی است.

🧠 تحلیل ساختاری و تشکیلاتی

نظم مورد بحث در این سند، به‌روشنی از دایره اعتقادی فراتر رفته و در قالب یک سیستم دارای قدرت ساختاری ظاهر می‌شود. شوقی با آوردن جمله‌ای از بهاءالله، استدلال می‌کند که فروپاشی نظم‌های موجود نتیجه ظهور نظمی جدید با ادعای جهانی است. واژه «تکوین» در این بافت، کاملاً قابل تطبیق با اقدامات مرحله‌ای و هدفمند تشکیلات بهائی است که از دهه‌های میانی قرن بیستم آغاز و تا امروز در قالب طرح‌ها و برنامه‌های چندساله پی‌گرفته شده‌اند.

در این سند واژگان «نقشه» و «مشروعات» به‌کار نرفته‌اند، اما مضمون آن کاملاً با همان اهداف تطبیق دارد. ادبیات به‌کار رفته پیرامون نظم در حال تکوین، همان منطقی را دارد که بعدها در نقشه‌های تشکیلاتی بیت‌العدل ظهور کامل یافت. از این رو، می‌توان گفت این بخش، مبنای ایدئولوژیک برای فاز عملیاتی بعدی تشکیلات را فراهم می‌سازد.

🧩 نتیجه‌گیری

این سند به‌وضوح نظم بهائی را صرفاً یک باور یا عرفان شخصی نمی‌داند. بلکه آن را به‌مثابه پروژه‌ای می‌بیند که هدف آن دگرگونی نظم اجتماعی و جهانی از طریق ایجاد یک ساختار مرکزی است. نوع نگارش شوقی افندی، خصوصاً با استفاده از اصطلاحاتی چون “نظم اعظم” و نقل‌قول مستقیم از بهاءالله، گواهی است بر تلاش در جهت ساخت یک قدرت ساختاری با مقیاس جهانی.

🏷 هشتگ‌ها
#تشکیلات_بهائی
#نظم_اعظم
#نظم_جهانی
#شوقی_افندی
#عصر_تکوین
#تحلیل_ساختاری
#بیت_العدل
#سند۶۱
#ادبیات_تشکیلاتی
#تحلیل_انتقادی

✍ Author: Hassan Ershad

🌐 About the Author (https://www.hassanershad.com/about-me)

📚 Series: The Universal House of Justice and the Pursuit of Global Domination

📄 Document No. 61 – Structural and Organizational Analysis

📜 Primary Source Text

:Shoghi Effendi – Call to the People of the World, p. 26

All of this is the offspring of the evolving global Order of Bahá'u'lláh, of which He has"
:stated

-Qad iḍṭaraba al-naẓmu min hādhā al-naẓmi al-aʿẓami wa akhtalafa al-tartību bihādhā al'
'badīʿ

The former order has been shaken by this Most Great Order, and its arrangements have)
(.been altered by this wondrous innovation

Can the current acute global crisis, which has engulfed humanity and is without precedent in human history, be attributed to anything other than the tremendous spiritual force
"…which, according to the Báb, permeates all realities

🔗 Source link (https://reference.bahai.org/fa/t/se/CTN/ctn-29.html#pg26)

🔍 Lexical and Conceptual Analysis

In this passage, Shoghi Effendi focuses on articulating the idea of an "evolving global "Order," which he attributes to Bahá'u'lláh. Through terms such as "Most Great Order

and “wondrous innovation,” he presents a vision of systemic transformation rooted not merely in belief, but in institutional design. The quoted Arabic passage underscores the claim that the current crisis in world affairs is directly linked to the emergence of a new .global structure

:Key Terms

Most Great Order: Refers to a comprehensive organizational structure initiated by ,Bahá’u’lláh and expanded through successive leadership, including Shoghi Effendi and .later, the Universal House of Justice

Evolution/Formulation: In this context, it denotes the deliberate – (تكوين) Takwīn formation of a new institutional framework, not a passive or organic process. Its repeated use across Bahá’í administrative texts signifies a planned strategy toward systemic global .reordering

”Disturbance of order“ – (اضطراب النظم) iḍṭirāb al-naẓm

Disruption of arrangement”: These expressions frame“ – (اختلاف الترتيب) ikhtilāf al-tartīb the emergence of the Bahá’í Order not just as a spiritual call but as a tangible .restructuring of political and social systems

Structural and Organizational Analysis 🧠

The “Order” referenced in this document clearly transcends doctrinal belief. It is outlined as a functional, global system in formation. Shoghi’s reference to Bahá’u’lláh’s statement directly ties the collapse of former orders to the rise of this new global arrangement. The concept of “Takwīn” aligns closely with phased institutional efforts by the Bahá’í administration—starting mid-20th century and continuing through multi-year plans still .active today

Although the terms “plan” or “projects” are not explicitly mentioned in this passage, the structure and language fully align with the goals and strategies later formalized in the ,organizational “Plans” issued by the Universal House of Justice. This document therefore, serves as a foundational ideological reference for subsequent operational .phases

Conclusion 🧩

This document portrays the Bahá’í Order not as a purely spiritual path but as a transformative blueprint aimed at remaking global societal structures through centralized institutional mechanisms. Shoghi Effendi’s use of authoritative phrases—such as “Most

Great Order" and his quotation from Bahá'u'lláh—reinforces the vision of an emerging global system with both ideological and administrative depth. It anticipates the phases .that would later unfold in the operational strategies of the Bahá'í administrative body

🏷 Hashtags

BahaiAdministration #MostGreatOrder #GlobalOrder #ShoghiEffendi #FormativeAge# StructuralAnalysis #UniversalHouseOfJustice #Document61 #OrganizationalDiscourse# CriticalAnalysis#

✍ نویسنده: حسن ارشاد

🌐 درباره نویسنده (https://www.hassanershad.com/about-me)

▧ مجموعه مقالات: بیت‌العدل در سودای سلطه بر جهان

📄 بررسی سند شصت‌ودوم – تحلیل ساختاری و تشکیلاتی

📜 متن اصلی سند

شوقی افندی – نداء به اهل عالم، صفحه ۲۷:

«نباض است و جهان را بلرزه می‌افکند و نیرویش می‌دهد و نجاتش می‌بخشد. این تشنجات جامعه امروزی جهان، این غلیان افکار جنون‌آسای مردمان، این آتش‌سوزان منازعات نژادی و دینی و طبقاتی، این غرقاب ملل، این سقوط پادشاهان و تجزیه امپراطوری‌ها و انقراض سلسله‌ها و هبوط مقامات دینی و انحطاط مؤسسات معهود و قدیم و گسستن رشته‌های عرفی و دینی که طی قرون و اعصار مردم دنیا را بهم پیوند می‌داد، تمام شواهدی هستند که از شروع جنگ اول جهانی که درست قبل از طلوع عصر تکوین امر حضرت بهاءالله بوده، به منصه ظهور رسیده‌اند...»

🔗 لینک منبع (https://reference.bahai.org/fa/t/se/CTN/ctn-30.html#pg27)

🔍 تحلیل مفهومی و واژگانی

این بخش از نوشته‌ی شوقی افندی به توصیف یک بحران جهانی می‌پردازد که آن را نه صرفاً نتیجه تحولات تاریخی یا سیاسی، بلکه نشانه‌ی ظهور یک نیروی تازه و بنیادین می‌داند که جهان را «بلرزه می‌افکند و نیرو می‌دهد و نجات می‌بخشد». استفاده از واژه‌هایی مانند تشنجات، سقوط، انحطاط و گسستن رشته‌ها، نشان‌دهنده درک نویسنده از مرحله‌ای گذار است؛ مرحله‌ای که از یک نظم قدیم به نظمی جدید منتهی می‌شود.

واژگان کلیدی:

نباض: کنایه از نیرویی زنده و فعال است که همچون قلب، جهان را به حرکت درمی‌آورد. این استعاره نشان‌دهنده تلقی تشکیلات از نقش خود به‌عنوان نیروی حیاتی نظم نوین جهانی است.

عصر تکوین: اشاره به فازی از پروژه ساختاری تشکیلات بهائی است که بلافاصله پس از جنگ جهانی اول آغاز شده. این دوره بر اساس اسناد رسمی، مقدمه‌ای بر مرحله‌های بعدی در راستای استقرار نظام جهانی مورد نظر تشکیلات است.

هبوط مقامات دینی و انحطاط مؤسسات قدیم: این عبارات آشکارا فرآیند افول نهادهای سنتی را نشان می‌دهند که در

ادبیات شوقی افندی به عنوان زمینه‌ساز برای شکل‌گیری نظم جدید تلقی می‌شود.

🧩 تحلیل ساختاری و تشکیلاتی

سند حاضر یکی از روشن‌ترین نمونه‌های تحلیل عملکردی تشکیلات بهائی در قالب تغییر نظم جهانی است. از نظر نگارنده سند، پدیده‌هایی چون سقوط سلطنت‌ها، گسست نهادهای دینی و تنش‌های نژادی، نه پدیده‌هایی تصادفی، بلکه نشانه‌هایی از آغاز پروژه‌ای بزرگ‌تر هستند که با تعبیر «عصر تکوین» به آن اشاره می‌شود.

در این بخش واژه‌های «نقشه» یا «مشروعات» ذکر نشده‌اند، اما نشانه‌های روشن از تغییر مسیر تشکیلات از فعالیت تبلیغی به مرحله‌های عملیاتی دیده می‌شود. اشاره به «شروع عصر تکوین» بلافاصله پس از جنگ جهانی اول، در انطباق با زمان‌بندی‌های ارائه‌شده در سایر اسناد مانند توقیع ۱۱۰ بدیع ۱۳۳۲ شوقی، نشان از شروع فرایند مرحله‌مند شکل‌گیری ساختار جهانی دارد.

🧩 نتیجه‌گیری

تحلیل این سند نشان می‌دهد که تشکیلات بهائی، فراتر از یک نظام اعتقادی، به عنوان یک پروژه ساختاری عمل می‌کند که خود را در موقعیت جایگزین نظم قدیم جهانی تعریف کرده است. زبان استعاری پرشده از مفاهیم بحران، نجات، زوال نهادهای سنتی، و ظهور نیروی تازه، همگی بر نقش‌آفرینی هدفمند تشکیلات در مسیر دگرگونی‌های اجتماعی و سیاسی جهانی تأکید دارند. این سند به روشنی بخش دیگری از پازل ایدئولوژیک و عملیاتی تشکیلات را نمایان می‌سازد.

🏷 هشتگ‌ها

#تشکیلات_بهائی

#عصر_تکوین

#سقوط_نظم_قدیم

#شوقی_افندی

#تحلیل_ساختاری

#بیت_العدل

#سند۶۲

#بحران_جهانی

#تحول_تشکیلاتی

#تحلیل_انتقادی

در صورت تمایل می‌توانم سند شصت‌وسوم را نیز با همین ساختار ادامه دهم.

✍ Author: Hassan Ershad

🌐 About the Author (https://www.hassanershad.com/about-me)

▧ Series: The Universal House of Justice and the Ambition for Global Domination

Document 62 – A Structural and Organizational Analysis 📄

Primary Source Excerpt 📃

:Shoghi Effendi – Call to the People of the World, page 27

It is a pulsating force—shaking the world, empowering it, and offering it salvation. The“ convulsions of today’s global society, the raging turmoil of people’s frenzied thoughts, the flaming fire of racial, religious, and class conflicts, the submersion of nations, the collapse of monarchies, the disintegration of empires, the extinction of dynasties, the downfall of religious authorities, the decline of long-standing institutions, and the breaking of traditional social and religious bonds that for centuries held humanity ,together—these are all signs that have emerged since the outbreak of the First World War ”…which directly preceded the dawning of the formative age of the Cause of Bahá’u’lláh

Source link (https://reference.bahai.org/fa/t/se/CTN/ctn-30.html#pg27) 📎

Lexical and Conceptual Analysis 🔍

,This excerpt by Shoghi Effendi presents a vivid portrayal of a world in turmoil attributing the upheavals not to random geopolitical shifts, but to the effects of a new spiritual force with global reach. The tone and terminology used reflect a conscious framing of these global crises as signs of the dismantling of old systems to make way for .a newly emerging global order

:Key terms and concepts

This metaphor conveys an active, life-giving power that :(نباض) ”Pulsating force“ influences and transforms the entire world system. Within the Bahá’í administrative discourse, this is often associated with the formative mechanisms of the Bahá’í .institutional structure

This is a technical term within the Bahá’í organizational :(عصر تکوین) ”Formative Age“ chronology. As referenced in official writings, it signifies a period following World War I when the Bahá’í system transitions from idealistic proclamation to structured implementation. It corresponds with the system’s early attempts to establish a global .institutional presence

:”Collapse of monarchies,” “decline of religious authorities,” “disintegration of empires“ These expressions position the Bahá’í structure as a future replacement to outdated systems. The language signals a transformative agenda, aligning closely with long-term .organizational goals

Structural and Organizational Analysis 🧠

This document marks a significant point in the ideological construction of the Bahá'í administrative order. Rather than presenting the faith merely as a spiritual path, it describes the onset of a comprehensive new order following the decline of older global systems. The reference to the First World War as a temporal marker indicates a purposeful alignment of historical events with the beginning of what Shoghi Effendi defines as the -Formative Age"—a phase strongly linked to organizational expansion and governance" .building efforts

Although terms like "Divine Plan" (alwāḥ-i-tablighīya or alwāḥ-i-malakūtīya) or projects" (mashrūʿāt) are not explicitly mentioned in this document, the conceptual" framework parallels the goals outlined in those strategic writings. It supports the idea of a shift from purely doctrinal promotion toward active structural implementation—a .hallmark of the Bahá'í leadership's roadmap in subsequent decades

Conclusion 🧩

This document frames the Bahá'í institutional system as more than a belief—it presents it .as a global organizational alternative to existing religious, political, and social orders Shoghi Effendi's rhetoric, particularly his depiction of world crises as the necessary birth pangs of a new order, reinforces the concept of a planned, phase-by-phase emergence of centralized governance under the Bahá'í administrative model. The systemic collapse described is not accidental—it is interpreted as preparation for the rise of a different .global structure

Hashtags 🏷

BahaiAdministration#

FormativeAge#

GlobalTransformation#

ShoghiEffendi#

StructuralAnalysis#

UniversalHouseofJustice#

Document62#

CollapseOfOldOrders#

CrisisAndRebirth#

IdeologicalFramework#

✍️ نویسنده: حسن ارشاد

🌐 درباره نویسنده (https://www.hassanershad.com/about-me)

▧ مجموعه مقالات: بیت‌العدل در سودای سلطه بر جهان

📄 بررسی سند شصت و سوم – تحلیل ساختاری و تشکیلاتی

📜 متن اصلی سند

شوقی افندی – حصن حصین شریعت الله، صفحه ۳:

«جامعه پیروان امر حضرت بهاالله که مظفراً از بوته جنگ جهانی سر بیرون آورده و با غلبه مقاومت‌ناپذیر وارد عهد تکوین دور بهایی می‌شوند، در این اوان صلح، فتوحات در هر دو نیمکره ارض موفق گشته‌اند که ملاحظه آن قلب مرا مشحون از شعف و تحسین و مباهات می‌سازد. این سنین اولیه قرن ثانی دور بهایی که مقارن با مرحله نهایی بیست و پنج سال بعد از اختتام عصر رسولی است، با ابراز روح اتحاد و عزم راسخ و فداکاری و نیز یک رشته موفقیت‌های مرتب و مشعشع جهانی از طرف قاطبه یاران و در رأس آن جامعه شجاع بهایی امریک، واضحاً مشخص و ممتاز است. در این سه سالی که از جشن‌های مئوی می‌گذرد، هم اساس امر الله ...»

🔗 لینک منبع (https://reference.bahai.org/fa/t/se/CF/cf-15.html#pg3)

🔍 تحلیل واژگانی و مفهومی

این سند نشان‌دهنده تصویری از جامعه بهایی است که پس از جنگ جهانی اول با قدرتی فزاینده وارد مرحله‌ای جدید شده است که در ادبیات تشکیلاتی به «عهد تکوین دور بهایی» معروف است.

«مظفراً از بوته جنگ جهانی»: اشاره‌ای است به بقا و پیروزی تشکیلات بهایی پس از بزرگ‌ترین بحران جهانی آن زمان (جنگ جهانی اول) که زمینه را برای اقدامات سازمان‌یافته فراهم کرده است.

«عهد تکوین»: اصطلاحی کلیدی که به دوره‌ای اشاره دارد که تشکیلات بهایی از مرحله آرمانی و تبلیغی به مرحله ساختارمند و عملیاتی برای تحقق اهداف حکومتی می‌رسد.

«فُتوحات در هر دو نیمکره ارض»: این تعبیر به موفقیت‌ها و گسترش نفوذ تشکیلات در سطح جهانی دلالت دارد، نه صرفاً معنوی بلکه ساختاری و تشکیلاتی.

«روح اتحاد، عزم راسخ و فداکاری»: این عبارتها مؤید فعالیت هماهنگ و سازمان‌یافته اعضای تشکیلات است که پشتوانه گسترش و تحکیم قدرت سازمانی محسوب می‌شود.

🧩 تحلیل ساختاری و تشکیلاتی

این سند نشان‌دهنده گذار تشکیلات بهایی از مرحله اولیه تبلیغ و آرمان‌گرایی به مرحله سازمان‌یافته و عملیاتی است. اصطلاح «عهد تکوین» که بارها توسط شوقی افندی در اسناد بالا دستی ذکر شده، تأکیدی بر برنامه‌ریزی دقیق برای تحول ساختاری است.

با وجود اینکه در این سند واژگان «نقشه» یا «مشروعات» به صراحت نیامده‌اند، اما مضمون و روح کلی آن کاملاً با استراتژی‌های تشکیلاتی مندرج در الواح ملکوتی عبدالبها و نقشه‌های بعدی بیت‌العدل همراستا است. این مرحله، که بیست و پنج سال پس از پایان عصر رسولی آغاز شده، مسیر تبدیل تبلیغ به حکومت را روشن‌تر کرده است.

🧩 نتیجه‌گیری

سند حاضر نشان می‌دهد که تشکیلات بهایی، پس از عبور از بحران‌های بزرگ جهانی، در دوره‌ای ساختاری و عملیاتی قرار گرفته که هدفش تثبیت و گسترش نظم اداری خود در سطح جهانی است. شوقی افندی با استفاده از عباراتی چون «عهد تکوین» و «فُتوحات در هر دو نیمکره» بر اهمیت پیشرفت مرحله‌ای و سازمان‌یافته تأکید می‌کند و این روند را نشانه‌ای از تحقق اهداف بلندمدت تشکیلات می‌داند.

🏷 هشتگ‌ها

#تشکیلات_بهائی

#عهد_تکوین

#بیت_العدل

#تحلیل_ساختاری

#سند۶۳

#فاز_عملیاتی

#گسترش_جهانی

#مرحله_نهایی

#تشکیلات_سیاسی

#برنامه_عملیاتی

Author: Hassan Ershad ✍

About the Author (https://www.hassanershad.com/about-me) 🌐

Article Series: The Universal House of Justice’s Ambition for Global Domination ▧

Analysis of Document Sixty-Three – Structural and Organizational Review 📄

Original Document Text 📜

:Shoghi Effendi – Fortress of the Law of God, page 3

The community of followers of the Cause of Bahá’u’lláh, having emerged victorious“ from the crucible of the World War and with irresistible momentum entering the formative period of the Bahá’í Era, has achieved conquests in both hemispheres of the earth which fill my heart with joy, admiration, and pride. This early stage of the second century of the Bahá’í Era, coinciding with the final phase twenty-five years after the close ,of the prophetic cycle, is clearly characterized and distinguished by the spirit of unity steadfast determination, self-sacrifice, and a series of successive global triumphs by the entire body of supporters, headed by the courageous Bahá’í community of America. In these three years since the centennial celebrations, the very foundation of the Cause of

"… God

Source link (https://reference.bahai.org/fa/t/se/CF/cf-15.html#pg3) 📜

Lexical and Conceptual Analysis 🔍

This document portrays the Bahá'í community as emerging from the turmoil of World War I with increased power, entering what is described as the "formative period (عهد تکوین) of the Bahá'í Era.

"Victorious from the crucible of the World War" refers to the survival and strengthening of the Bahá'í organization following the greatest global crisis of the time, setting the stage for systematic actions.

"Formative period" (عهد تکوین) is a key term indicating the transition from idealistic and proselytizing phases to structured and operational phases aimed at governance.

"Conquests in both hemispheres" indicates successful expansion of influence, not merely spiritual but structural and organizational.

"Spirit of unity, steadfast determination, and self-sacrifice" signifies coordinated and organized activities of members, which underpin the growth and consolidation of institutional power.

Structural and Organizational Analysis 🧠

The document illustrates the Bahá'í organization's transition from early promotional and idealistic stages to a structured and operational stage. The repeated term "formative period" (عهد تکوین) in Shoghi Effendi's high-level documents emphasizes a strategic plan for structural transformation.

Although the document does not explicitly use the terms "plans" or "projects," its content and spirit fully align with the strategic objectives outlined in the Tablets of the Divine Plan by 'Abdu'l-Bahá and the subsequent plans of the Universal House of Justice. This phase, beginning twenty-five years after the close of the prophetic era, clarifies the pathway from proselytizing towards governance.

Conclusion 🧩

This document reveals that the Bahá'í organization, having overcome major global crises, entered a structural and operational phase aimed at consolidating and expanding its administrative order worldwide. Shoghi Effendi's use of terms such as "formative period" and "conquests in both hemispheres" stresses the importance of phased, organized progress, signaling the realization of the organization's long-term objectives.

🏷 Hashtags
#BahaiOrganization
#FormativePeriod
#UniversalHouseOfJustice
#StructuralAnalysis
#Document63
#OperationalPhase
#GlobalExpansion
#FinalStage
#PoliticalOrganization
#StrategicPlan

✍ نویسنده: حسن ارشاد
🌐 درباره نویسنده (https://www.hassanershad.com/about-me)
▧ مجموعه مقالات: بیت‌العدل در سودای سلطه بر جهان
📄 بررسی سند شصت‌وچهارم – تحلیل ساختاری و تشکیلاتی
📜 متن اصلی سند
شوقی افندی – حصن حصین شریعت‌الله، صفحه ۶:
«محفل روحانی ملی باید معرفی‌نامه‌های افراد خارجی را مطالبه و رسیدگی نماید. به سبب ورود نفوس بی‌وفائی به اسم بهائی، مطالبه و رسیدگی معرفی‌نامه از طرف محفل امری ضروری است؛ والا اثرات سوء فساد اشاعه یافته، خدمات جلیله جامعه بهائی امریکا را ضایع خواهد کرد. (تاریخ تقریبی: ژوئن ۱۹۴۷)
ضرورت مقابله با احتیاجات زمان حاضر
سنین اولیه قرن ثانی بهائی با اختتام عهد اول عصر تکوین دور ...»
🔗 لینک منبع (https://reference.bahai.org/fa/t/se/CF/cf-18.html#pg6)
🔍 تحلیل واژگانی و مفهومی
«محفل روحانی ملی»: این واژه به ساختار رسمی و اداری تشکیلات بهایی اشاره دارد که در سطح ملی وظایف اجرایی، نظارتی و حفاظتی را برعهده دارد. تأکید بر لزوم بررسی هویت و وفاداری افراد، نشان‌دهنده ماهیت امنیتی و حفاظتی این نهاد در قبال نفوذ احتمالی عناصر غیرهمسو با خط تشکیلات است.
«مطالبه و رسیدگی معرفی‌نامه»: این اصطلاح فراتر از یک فرآیند معمولی اداری است. این بند نشان می‌دهد که تشکیلات بهایی با دقت در حال غربالگری افرادی است که وارد این ساختار می‌شوند، تا از نفوذ فکری یا سیاسی جلوگیری کند. کنترل دروازه‌ای (gatekeeping) نوعی رفتار ساختارمند و متمرکز در سازمان‌هایی با اهداف کلان است.
«نفوس بی‌وفائی»: این عبارت مفهومی است در اسناد تشکیلاتی برای اشاره به افرادی که به هر نحو مغایر با

اهداف یا انسجام ساختاری عمل می‌کنند. مقابله با این گروه بخشی از سیاست‌های کنترلی تشکیلات است.

«خدمات جلیله جامعه بهائی امریکا»: به‌وضوح جایگاه ویژه جامعه بهایی آمریکا در ساختار جهانی مورد تأکید قرار گرفته و محافظت از آن به‌مثابه حفاظت از پایگاه اصلی تشکیلات محسوب می‌شود.

🧠 تحلیل ساختاری و عملکردی

این سند در بستری نگاشته شده که با ورود به «سنین اولیه قرن ثانی بهائی» و «اختتام عهد اول عصر تکوین» همراه است. عبارت «عهد اول عصر تکوین» بیانگر این است که تشکیلات در حال عبور از فاز ابتدایی تکوین به مراحل میانی یا پیشرفته‌تر است.

در این مرحله، نیاز به تقویت ساختارهای حفاظتی، شناسایی دقیق اعضا، و کنترل ورود افراد مورد تأکید قرار گرفته است. چنین اقداماتی در راستای تثبیت هویت تشکیلات و آمادگی برای ورود به مراحل بعدی گسترش ساختاری قابل تفسیر است.

از طرفی، عبارت «ضرورت مقابله با احتیاجات زمان حاضر» نیز روشن می‌سازد که تشکیلات، تحولات بیرونی را به‌مثابه تهدید یا فرصت در نظر گرفته و واکنش‌های ساختاری بر اساس آن تنظیم می‌شود.

🧩 نتیجه‌گیری

سند شصت‌وچهارم به روشنی نشان می‌دهد که تشکیلات بهایی با تأکید بر نظارت دقیق و ساختارمند، در حال تقویت بنیان‌های اداری و حفاظتی خود است. ورود به مرحله جدیدی از «عصر تکوین» هم‌زمان با تغییرات جهانی، تشکیلات را بر آن داشته که فرآیندهای امنیتی و نظارتی را رسمی‌تر، دقیق‌تر و اجرایی‌تر کند.

این سند از یک‌سو بر اهمیت انضباط درونی و صیانت ساختاری تأکید دارد و از سوی دیگر نشان می‌دهد که تشکیلات در راستای آماده‌سازی برای مراحل پیشرفته‌ترِ تحقق نظم اداری جهانی حرکت می‌کند.

🏷️ هشتگ‌ها

#تشکیلات_بهائی

#سند۶۴

#نظم_اداری

#عصر_تکوین

#محفل_روحانی

#ساختار_کنترلی

#امنیت_تشکیلاتی

#نظارت_تشکیلاتی

#هویت_سازمانی

#مرحله_میانی_تکوین

Author: Hassan Ershad ✍️

About the Author (https://www.hassanershad.com/about-me) 🌐

Series Title: The Universal House of Justice and the Pursuit of Global Dominance 📚

Document 64 – Structural and Organizational Analysis of the Bahá’í Administrative Order 📄

Original Document Excerpt 📜

Shoghi Effendi – The World Order of Bahá’u’lláh, p.6 (Persian version titled Ḥiṣn Ḥaṣīn :(Sharī‘at Allāh

The National Spiritual Assembly must request and review the letters of introduction of“ foreign individuals. Due to the entry of disloyal persons under the name of Bahá’í, it is essential that the Assembly demands and investigates such letters; otherwise, the harmful consequences of corruption will spread, and the noble services of the Bahá’í community ”.of America will be wasted

(Approximate date: June 1947)

…The necessity of responding to the present needs of the time“

The early years of the second Bahá’í century mark the end of the first phase of the ”…Formative Age

Source (https://reference.bahai.org/fa/t/se/CF/cf-18.html#pg6) 📎

Terminological and Structural Analysis 🔍

National Spiritual Assembly”: This body represents the formal administrative structure“ of the Bahá’í organization at the national level. Its responsibilities extend beyond religious matters to include oversight, coordination, and security-related tasks. In this context, the demand for documentation reveals its gatekeeping function — a typical .feature of ideologically-driven institutions preparing for broader political engagement

Letters of Introduction”: The call for formal documentation and vetting is indicative of a“ filtering mechanism to prevent ideological or political infiltration. This mechanism implies high levels of organizational awareness and control, aimed at preserving structural .integrity

Disloyal persons under the name of Bahá’í”: The label used here signals the concern“ over internal threats — individuals who might oppose or undermine the objectives of the ,Bahá’í administrative order. This shows a strategic concern with loyalty and alignment .highlighting the order’s internal discipline policies

Noble services of the Bahá’í community of America”: The document underscores the“ centrality of the American Bahá’í community in the global plan, portraying it as a vital hub for the advancement of the order’s global goals. This further supports the view that .America serves as an operational launchpad within the broader expansion strategy

🧠 Strategic Context and Organizational Implications

This excerpt appears in a transitional period — the early years of the second Bahá’í century — which, according to Shoghi Effendi’s terminology, coincides with the conclusion of the first epoch of the Formative Age. This concept marks the end of an initial institutional consolidation phase and the preparation for a more active, globally .coordinated phase

In this context, the increased emphasis on vetting, monitoring, and procedural rigor points to a phase of structural strengthening. The document shows that internal cohesion and administrative discipline were being prioritized, likely as a precursor to more public-facing and political activities.

The phrase “necessity of responding to the present needs of the time” signals a strategic shift: the organization is not static but actively adapting to external geopolitical realities, .reinforcing its internal foundations in anticipation of broader influence

🧩 Conclusion

Document 64 presents clear evidence of a maturing administrative apparatus within the Bahá’í organization. The institutional mechanisms described — such as loyalty vetting and structured oversight — are not merely religious in nature. They reflect a sophisticated, long-term administrative vision with elements commonly found in political .or ideological movements with global aspirations

In this light, the Bahá’í Administrative Order as described here is not a passive spiritual fellowship but a proactive and self-regulating system aiming to extend its influence .through strategic discipline and operational efficiency

🏷 Hashtags

Baha’i_Administration#

Document64#

FormativeAge#

ShoghiEffendi#

AdministrativeControl#

#IdeologicalDiscipline
#OrganizationalSecurity
#Baha’iAmerica
#StrategicPlanning
#SoftPowerExpansion

✍️ نویسنده: حسن ارشاد

🌐 درباره نویسنده (https://www.hassanershad.com/about-me)

📚 مجموعه مقالات: بیت‌العدل در سودای سلطه بر جهان

📄 بررسی سند شصت‌وپنجم – تحلیل ساختار تکوینی و اهداف درازمدت تشکیلات بهایی

📜 متن اصلی سند

شوقی افندی – حصن حصین شریعت‌الله، صفحه ۷:

«دافعه‌ای بوده است که از دو ظهور مستقل و تأسیس میثاقی بی‌نظیر و عدیل در تاریخ روحانی بشر ساری و جاری گشت. بیت و سه سال آخر این قرن مقارن بود با عهد اول عصر ثانی که عصر جدید یا عصر تکوین دور بهائی بوده و اولین عهد از سلسله عهودی است که مقدم بر حلول عصر ذهبی دور بهائی قرار دارد، دوری که بشهادت صریح موسس آئین بهائی امتدادش لااقل هزار سال است و حلقه اولی از ادواری است که در آن مظاهر مقدسه آینده به تسلسل ظهور خواهند کرد و کل مستمد و مستفیض از موسس آئین بهائی بوده و مجموعاً امتدادش لااقل پانصد هزار سال خواهد بود...»

📎 منبع سند (https://reference.bahai.org/fa/t/se/CF/cf-19.html#pg7)

🔍 تحلیل واژگان کلیدی و ساختار مفهومی

«دو ظهور مستقل»: اشاره به ظهور باب و بهاءالله دارد که در ادبیات بهایی به‌عنوان مبنای ساختار فکری و تشکیلاتی شناخته می‌شود. واژه «مستقل» در اینجا اهمیت ویژه‌ای دارد، زیرا استقلال هر دو ظهور مبنایی برای مشروعیت ساختار تشکیلاتی منسجم فعلی است.

«میثاق بی‌نظیر و عدیل»: مفهوم «میثاق» در این متن به‌وضوح وجه ساختاری و اداری دارد. تأکید بر بی‌نظیر بودن آن در تاریخ روحانی بشر، جایگاه خاص این میثاق را نه فقط در سطح عقیدتی، بلکه به‌عنوان بنیان اداره‌ی یک نظم اجتماعی-تشکیلاتی تثبیت می‌کند.

«عصر تکوین»: این واژه کلیدی‌ترین عنصر در سند است. طبق تحلیل ساختاری در توقیع ۱۱۰ بدیع (۱۳۳۲ شمسی)، «تکوین» به معنی شروع اقدامات مرحله‌ای و زیرساختی تشکیلات بهائی برای رسیدن به اهداف سیاسی و تمدنی بلندمدت است. این عصر به‌منزله‌ی مرحله‌ی گذار از تثبیت درون‌ساختاری به پی‌ریزی برای برقراری مدل خاصی از حکومت جهانی در نظر گرفته می‌شود.

«عصر ذهبی»: به مرحله‌ی نهایی مورد انتظار تشکیلات اشاره دارد، که طبق این متن با حلول آن، نظم و ساختار پیشنهادی بهایی به‌طور کامل استقرار می‌یابد. این مرحله به لحاظ معنایی معادل مرحله هفتم از طرح حکمرانی تشکیلاتی است، که هدف نهایی آن را تشکیل حکومت جهانی بهایی می‌توان تعبیر کرد.

«تسلسل مظاهر مقدسه در ادوار آینده»: مفهومی است که از طریق آن، تداوم تشکیلات تضمین می‌شود. در واقع این ساختار نه‌تنها برای عصر حاضر، بلکه برای چند صد هزار سال آینده نیز ادعای تداوم دارد، با اتکا به نوعی جانشینی معنوی منظم.

🧠 تحلیل عملکردی و هدف‌گذاری استراتژیک

این سند را باید در قالب یک نقشه راه تئوریک برای تثبیت، گسترش و نهایی‌سازی نظم پیشنهادی تشکیلات بهایی خواند. اگرچه در متن واژه «نقشه» یا «مشروعات» به کار نرفته، اما ساختار معنایی سند ماهیتی کاملاً طرح‌محور دارد. بیان پیوستگی بین مراحل «تکوین» و «ذهب» از یک سو، و پیش‌بینی ظهورات متوالی و استمرار ساختار از سوی دیگر، نشان از برنامه‌ریزی چند مرحله‌ای و فراتر از مقطع تاریخی حاضر دارد.

از طرف دیگر، استفاده از افعال و اصطلاحات قطعی همچون «لااقل هزار سال» یا «پانصد هزار سال» نشان از آن دارد که تشکیلات در حال تعریف تمدنی درازمدت برای خود است. در چنین طرحی، ساختار نه صرفاً دینی، بلکه مبتنی بر الگوی حاکمیتی برنامه‌ریزی‌شده، سلسله‌مراتبی و با جانشینی مشخص طراحی شده است.

📌 جمع‌بندی

سند شصت‌وپنجم، در دل خود تصویری از یک ساختار تشکیلاتی در حال گذار به مرحله‌ای فراتر از دین سنتی ارائه می‌دهد. تأکید بر «میثاق»، «تکوین»، و «عصر ذهبی» همراه با تصریح بر تداوم ظهورات، ماهیت بلندمدت، ایدئولوژیک و اداری نظم مورد نظر را مشخص می‌کند. این ساختار، خود را وارث آینده‌ی تمدنی جهان معرفی می‌کند؛ نه صرفاً در بُعد اعتقادی، بلکه در قالب یک نظم ساختاری گسترده.

🏷️ هشتگ‌ها

#تشکیلات_بهایی

#سند۶۵

#عصر_تکوین

#عصر_ذهب

#میثاق_تشکیلاتی

#ساختار_تمدنی

#نظم_اداری

#اهداف_درازمدت

#تحلیل_تشکیلاتی

#نظم_جهانی

Author: Hassan Ershad ✍️

About the Author (https://www.hassanershad.com/about-me) 🌐

Series: The Universal House of Justice and the Ambition for Global Domination 📚

Document 65: Analysis of a Foundational Baha'i Text and Its Long-Term Structural Ambitions

Original Excerpt

:Shoghi Effendi – The Citadel of the Law of God, p.7

A repelling force emerged from two independent Revelations and the establishment of an" unprecedented and unmatched Covenant in the spiritual history of mankind. The last —twenty-three years of this century coincided with the first phase of the second age referred to as the Formative Age of the Bahá'í Dispensation—and marked the beginning of a series of ages leading up to the Golden Age of the Bahá'í era. According to the explicit testimony of the Founder of the Bahá'í Faith, this cycle will last no less than one thousand years. It constitutes the first link in a chain of cycles in which future Manifestations will appear successively, all deriving inspiration and sustenance from the "…Founder of the Bahá'í Faith, and together spanning at least 500,000 years

Source (https://reference.bahai.org/fa/t/se/CF/cf-19.html#pg7)

Key Terminologies and Conceptual Structure

.Two independent Revelations": Refers to the appearances of the Báb and Bahá'u'lláh" This dual origin is foundational to the legitimacy and continuity of the current Baha'i .administrative structure

Unprecedented Covenant": The concept of the Covenant here is not merely theological" but highly structural, described as unparalleled in all spiritual history. This signals a .formal mechanism for continuity and authority within the administrative order

Formative Age": This term is critical. In the context of Shoghi Effendi's 110th Ridván" message (1953), the Formative Age marks the beginning of a new operational phase. It involves foundational actions preparing the Baha'i organization for eventual sociopolitical expression—especially aligned with the sixth and seventh phases: national .and global governance, respectively

Golden Age": Implies a future culmination of the Baha'i vision wherein the full" establishment of the Baha'i World Order is achieved. This aligns with the final stage of .the long-term strategic plan of the Baha'i administrative order

Successive Manifestations over 500,000 years": The reference to a half-million-year" spiritual project reveals a uniquely long-term outlook. The message is clear: the Baha'i ,structure is not limited to present spiritual guidance but is part of a meticulously designed

.enduring socioreligious architecture

Functional and Strategic Analysis 🧠

Though the text does not explicitly mention the terms “Divine Plan” or “Projects”—both typically associated with operational strategies—it does lay out a conceptual and temporal roadmap. The Formative Age is presented as the launching point for a centuries-long .structural evolution, not just doctrinal dissemination

The linkage of successive “ages” and the assertion of a predefined “Golden Age” indicate that the Baha’i structure is envisioned as progressive and teleological. It aims not only at spiritual development but also at institutional maturity and eventual civilizational .leadership

The emphasis on terms like “explicit testimony”, “no less than a thousand years”, and “at least 500,000 years” reveals a blueprint-like narrative. This is more than symbolic prophecy—it acts as a legitimizing framework for ongoing administrative expansion and .doctrinal resilience

Conclusion 📌

Document 65 offers a deeply strategic vision embedded in Baha’i administrative texts. It frames the religion not only as a belief system but as a structured, long-term civilizational ,project. The “Covenant” and “Formative Age” mark the operationalization of that vision and the reference to centuries—if not millennia—of successive leadership points to an ambition far beyond conventional spiritual frameworks. This orientation suggests an evolving architecture that is self-perpetuating, mission-driven, and increasingly .systematized

Hashtags 🏷

BahaiAdministration#

Document65#

FormativeAge#

GoldenAge#

CovenantStructure#

StrategicFaith#

GlobalVision#

LongTermPlanning#

#BahaiOrder

#CivilizationalBlueprint

✍️ نویسنده: حسن ارشاد

🌐 درباره نویسنده (https://www.hassanershad.com/about-me)

▧ مجموعه مقالات: بیت‌العدل در سودای سلطه بر جهان

📄 بررسی سند شصت‌وششم – تحلیل ساختار تکوینی و اهداف اداری تشکیلات بهائی

📜 متن اصلی سند

شوقی افندی – حصن حصین شریعت‌الله، صفحه ۸:

«اداری باشد که با سعی و مجاهدات فراوان تأسیس گشته و از طرف دیگر شاهد بسط و توسعه متوالیه اجرای نقشه تبلیغی حضرت عبدالبهاء در خارج از نیمکره غربی و قاره اروپا گردد. بیت‌العدل اعظم، اکلیل جلیل نظم اداری در این عصر تکوین امرالله، در طی عهد کنونی و عهود آینده آن، انتخاب بیت‌العدل اعظم الهی، آخرین و اعظم مرحله از مراحل تشیید اساس نظم اداری انجام شود و احکام کتاب مستطاب اقدس، ام‌الکتاب آئین بهائی تدوین و احکامش اعلان گردد و صلح اصغر تأسیس و وحدت نوع بشر...»

📎 لینک منبع (https://reference.bahai.org/fa/t/se/CF/cf-20.html#pg8)

🔍 واژه‌نگاری و تحلیل مفاهیم کلیدی

نقشه تبلیغی حضرت عبدالبهاء: واژه‌ی نقشه در این عبارت، نخستین اشاره‌ی مستقیم به آغاز سلسله نقشه‌های تشکیلاتی بهایی است که از فاز آرمانی و معنوی، وارد مرحله‌ی عملیاتی و سازمان‌دهی شده برای گسترش هدف‌مند تشکیلات در سطح جهانی می‌شود. نگارنده این نقشه‌ها، عبدالبهاء (مرکز میثاق) است، که با تدوین الواح تبلیغیه و الواح وصایا مسیر ساختاری برای نظم اداری را مشخص کرده است.

بسط و توسعه متوالیه: واژه‌هایی همچون «متوالیه» (پیوسته و متوالی) نشان‌دهنده‌ی اجرای یک برنامه‌ی درازمدت و مرحله‌دار است، نه حرکتی تبلیغی صرف. این روند در ارتباط با همان ساختار نقشه‌محور عمل می‌کند که هدف نهایی آن ورود به فاز سیاسی و حاکمیتی است.

نظم اداری – اکلیل جلیل – بیت‌العدل اعظم: این ساختار اصطلاحی، لایه‌ی رسمی و بنیادین تشکیلات بهائی را بازنمایی می‌کند. ترکیب واژگان حاکی از یک ساختار تثبیت‌شده‌ی اداری و فراملی است که جایگاه آن بالاترین مرجع تصمیم‌گیری و هدایت عملکردهای کلان تشکیلاتی تلقی می‌شود.

عصر تکوین امرالله: اشاره‌ای صریح به همان مرحله‌ی میانی در طرح تحول تشکیلات بهایی که پس از دور بیان و عصر آغازین و پیش از عصر ذهبی قرار دارد. در این عصر، تشکیلات بهایی وارد مرحله‌ی تأسیس نهادی و اجرای راهبردی شده است.

تشیید نظم اداری: واژه‌ی «تشیید» به معنای بنانهادن یا بنیان‌گذاری رسمی است. این نشان می‌دهد که هدف این مرحله نه صرفاً تقویت اخلاقی یا روحانی، بلکه ساختن بنیان‌های یک نظم ساختاری-اداری فراگیر است.

کتاب مستطاب اقدس – ام‌الکتاب: اشاره به متن اصلی و حقوقی تشکیلات بهایی که تدوین احکام و اعلان عمومی آن، به‌عنوان بخشی از پروژه‌ی تثبیت قدرت و تنظیم جامعه جهانی در قالب نظم پیشنهادی شناخته می‌شود.

صلح اصغر – وحدت نوع بشر: «صلح اصغر» برخلاف آنچه به‌ظاهر معنای صلح می‌دهد، در ادبیات تشکیلاتی بهائی به یک مرحله‌ی تثبیت نظم بین‌المللی با نقش رهبری این تشکیلات اشاره دارد. به‌عبارتی، این مرحله گامی عملی در جهت تحقق ساختار کلان جهانی بهایی است که نهایی آن «وحدت نوع بشر» تعریف شده است.

🧠 تحلیل ساختاری و راهبردی

این سند یکی از واضح‌ترین نمونه‌های تبدیل آموزه به ساختار است. استفاده از واژگانی مانند نقشه، تکوین، نظم اداری و بیت‌العدل اعظم نشان می‌دهد که ساختار بهایی از مرحله‌ی ایمان شخصی عبور کرده و وارد مرحله‌ی عملیات راهبردی شده است. نقشه‌های تبلیغی نه‌تنها برای گسترش ایمان، بلکه برای ایجاد زیرساخت سیاسی-اجتماعی در نقاط مختلف جهان طراحی شده‌اند.

در این سند، بیت‌العدل به‌صراحت به‌عنوان مرحله‌ی نهایی تشیید نظم اداری معرفی شده است. این ساختار، مرکز فرماندهی و تبیین اجرای احکام اقدس و تعیین‌کننده مسیر آینده است. شکل‌گیری این نظم، بسترساز تحقق فازهای ششم (حکومت ملی) و هفتم (حکومت جهانی) است که در تحلیل‌های ساختاری تشکیلات بهایی نقش محوری دارند.

📌 جمع‌بندی

سند شصت‌وششم به‌وضوح نشان می‌دهد که تشکیلات بهایی، با بهره‌گیری از نقشه‌های تدوین‌شده و تکوینی، در حال پی‌ریزی نظمی اداری-سیاسی است. مفهوم عصر تکوین نه‌تنها اشاره به مرحله‌ای تاریخی دارد، بلکه بیان‌گر عبور تشکیلات از فاز مفهومی به فاز اجرایی برای تحقق نظم جهانی است. در این ساختار، بیت‌العدل نقشی محوری در اداره، توسعه و تثبیت اهداف دارد. گفتمان مورد استفاده در سند، عمیقاً راهبردی، ساختاری و بلندمدت است.

🏷 هشتگ‌ها

#تشکیلات_بهایی

#سند۶۶

#نقشه_ملکوتی

#عصر_تکوین

#نظم_اداری

#بیت_العدل

#احکام_اقدس

#صلح_اصغر

#نقشه_تبلیغی

#تحلیل_تشکیلاتی

#ساختار_فراملی

Author: Hassan Ershad ✍️
About the Author (https://www.hassanershad.com/about-me) 🌐
Article Series: The Universal House of Justice and the Quest for Global Domination 📚
Document Sixty-Six – A Structural and Strategic Analysis of the Bahá'í Administrative Order 📄
Original Document Excerpt 📜
:Shoghi Effendi – Hisn al-Haṣīn Sharīʿat Allāh (The Fortress of the Divine Law), page 8
An administration that has been established through great effort and struggle, and on the" other hand witnesses the continuous expansion of the implementation of 'Abdu'l-Bahá's promotional plan outside the Western Hemisphere and the European continent. The Universal House of Justice, the glorious crown of the administrative order in this ,Formative Age of the Cause of God, during this present Covenant and future Covenants the selection of the Great Universal House of Justice will be the final and greatest stage in ,establishing the foundations of the administrative order. The laws of the Most Holy Book the Mother Book of the Bahá'í Faith, will be codified and proclaimed, and the "…establishment of the Lesser Peace and the unity of mankind
Source (https://reference.bahai.org/fa/t/se/CF/cf-20.html#pg8) 📎
Key Terminology and Conceptual Analysis 🔍
Abdu'l-Bahá's promotional plan: The term plan here signals the earliest explicit' .reference to a series of strategic administrative maps developed by the Bahá'í leadership ,These maps mark the shift from purely idealistic and religious propagation to a practical ,operational phase aimed at expanding the institutional framework globally. 'Abdu'l-Bahá as the Covenant Center, is the architect of these plans, which lay the structural .groundwork for the administrative order
Continuous expansion: Terms like "continuous" indicate a long-term, phased program rather than a mere evangelistic effort. This expansion operates within a strategic .framework aimed at political and organizational advancement
Administrative order – glorious crown – Universal House of Justice: This phrase denotes the highest institutional authority within the Bahá'í Faith. The terminology emphasizes a consolidated and formalized administrative structure that functions as the supreme .governing body directing the community's global agenda
Formative Age of the Cause of God: A direct reference to the intermediate stage in the

Bahá'í timeline, positioned between the initial revelation and the "Golden Age." This age .corresponds to institutional consolidation and the execution of strategic goals

Establishing the administrative order: The use of "establishing" underscores the foundational and formal nature of the current phase, indicating not just strengthening but .building a comprehensive administrative system

Most Holy Book, Mother Book: This references the central legal and doctrinal text of the Bahá'í Faith, whose codification and public proclamation are part of legitimizing and .systematizing the administrative order

Lesser Peace and unity of mankind: The term "Lesser Peace" in Bahá'í terminology is a stage toward international order under Bahá'í leadership. It represents a practical phase of establishing global peace and governance that precedes a final, more spiritual "Great ".Peace

Structural and Strategic Analysis 🧠

This document clearly illustrates the transformation from spiritual teaching to structural organization. The presence of terms like plan, formative age, administrative order, and Universal House of Justice confirms that the Bahá'í Faith has moved beyond individual .belief into strategic institutionalization with explicit political and organizational aims

The Universal House of Justice is identified as the ultimate stage of constructing the ,administrative framework. It functions as the highest decision-making authority responsible for codifying laws and directing the community toward the realization of global governance. This structure paves the way for the sixth and seventh stages outlined .in Bahá'í strategic planning, namely national and global governance

Summary 📌

Document sixty-six clearly reveals that the Bahá'í institution, through its established plans and formative age, is actively building an administrative-political order. The term Formative Age denotes not only a historical phase but also the shift from conceptual to operational implementation of a global system. The Universal House of Justice emerges as the central body guiding, expanding, and consolidating this order. The document's .discourse is deeply strategic, structural, and long-term in nature

Hashtags 🏷

BahaiInstitution#

Document66#

AdministrativePlan#

FormativeAge#

AdministrativeOrder#

UniversalHouseOfJustice#

MostHolyBook#

LesserPeace#

StrategicPlan#

InstitutionalAnalysis#

GlobalGovernance#

✍️ نویسنده: حسن ارشاد

🌐 درباره نویسنده: لینک (https://www.hassanershad.com/about-me)

مجموعه مقالات: بیت العدل در سودای سلطه بر جهان

بررسی سند شصت و هفتم

متن اصلی سند از کتاب شوقی: حصن حصین شریعت الله صفحه ۹

«جهان‌آرای حضرت بهاءالله است که حال در مرحله جنینی است و باید حلول عصر ذهبی و در نتیجه اعلان صلح اعظم و مدنیت الهی جهانی را که صلح ثمره آن است تسریع نماید. مقاصد چهارگانه‌ای که مجریان نقشه آن را در مرحله کنونی پیشرفت دنبال می‌کنند و موید دو رشته اقداماتی است که در افتتاح عصر تکوین شروع گردیده بود، باید به کمال جدیت و بدون تردد ادامه یابد، در دومین ...»

منبع (https://reference.bahai.org/fa/t/se/CF/cf-21.html#pg9)

تحلیل متن و نکات کلیدی

مرحله جنینی جهان‌آرایی حضرت بهاءالله: این عبارت به وضوح نشان می‌دهد که تشکیلات بهایی در مرحله آغازین فرآیند تحقق اهداف خود قرار دارد. تشکیلات در وضعیت رشد و شکل‌گیری قرار دارد و به عبارتی می‌توان گفت که هنوز به مرحله بلوغ نرسیده است. این نکته مهم، روندی برنامه‌ریزی‌شده و بلندمدت را برای رسیدن به اهداف نهایی حکومتی و ساختاری نشان می‌دهد.

حلول عصر ذهبی و اعلان صلح اعظم: عصر ذهبی در این متن به عنوان دوره‌ای آرمانی معرفی شده که تحقق آن به منزله آغاز صلح و مدنیت جهانی خواهد بود. این مرحله نه تنها شامل جنبه‌های دینی، بلکه ابعاد سیاسی و اجتماعی گسترده‌ای را در بر می‌گیرد. در واقع، این بیان نشان می‌دهد که تشکیلات بهایی هدف نهایی خود را نه صرفاً تبلیغ دینی، بلکه ایجاد یک حکومت جهانی و تحقق صلح جهانی تعریف کرده است.

مقاصد چهارگانه و نقشه‌های اجرایی: واژه «نقشه» به طور خاص اهمیت دارد، زیرا نشان‌دهنده برنامه‌ریزی‌های دقیق و هدفمند است که تشکیلات بهایی در مسیر تحقق اهداف خود دنبال می‌کند. این نقشه‌ها فراتر از شعارهای آرمانی است و نشان می‌دهد که اقدامات تشکیلات از فاز نظری و تبلیغ دینی به فاز عملیاتی و اجرایی تبدیل شده است. این موضوع دلالت بر برنامه‌ریزی نظام‌مند و ساختاری برای گسترش نفوذ و تثبیت قدرت دارد.

دو رشته اقداماتی که در افتتاح عصر تکوین شروع شده‌اند: این بخش نشان می‌دهد که اقدامات عملی و راهبردی تشکیلات بهایی از زمان آغاز عصر تکوین به صورت مستمر ادامه یافته‌اند. «دومین...» که در متن قطع شده احتمالاً به مرحله‌ای از این فرآیند اشاره دارد که ادامه و تکمیل آن اهمیت حیاتی دارد. تاکید بر استمرار و جدیت نشان می‌دهد که این پروژه در مسیر خاصی تعریف شده و قرار نیست متوقف شود.

لزوم پیگیری بدون تردید و جدیت کامل: این تأکید بیانگر آن است که تشکیلات بهایی قصد دارد تا اهداف بلندمدت و حکومتی خود را با حداکثر تمرکز و بدون هیچ گونه تأخیر یا انحراف دنبال کند. این جدیت نشان‌دهنده اهمیت بالای این پروژه و تمایل برای ایجاد تغییرات عمیق و ساختاری در سطح جهانی است.

سابقه تاریخی و تداوم اقدامات: متن اشاره به «افتتاح عصر تکوین» دارد که خود آغازگر یک دوره زمانی مشخص است. این تأکید بر دوره‌های زمانی، حکایت از یک فرآیند تاریخی منسجم و برنامه‌ریزی شده دارد که از سال‌ها پیش آغاز شده و همچنان ادامه دارد. این موضوع در تضاد با نگاه صرفاً دینی و آرمانی است و نشان‌دهنده یک پروژه سیاسی-تشکیلاتی دقیق و هدفمند است.

نکات مهم در چارچوب تحلیلی

در این سند واژه «دین» به معنای ساختار بنیادگرای تشکیلات بهایی است و نه اعتقادات فردی پیروان آن.

استفاده از «نقشه» به معنای وجود برنامه‌های عملیاتی دقیق است که اهداف سیاسی و حکومتی تشکیلات بهایی را دنبال می‌کند.

این سند بار دیگر تأکید می‌کند که تشکیلات بهایی در پی رسیدن به مرحله ششم (حکومت کشوری) و مرحله هفتم (حکومت جهانی) هستند.

تأکید بر «صلح اعظم» و «مدنیت الهی جهانی» به مثابه مرحله نهایی نشان‌دهنده هدف کلان ساختار برای تسلط و حکمرانی است.

واژه‌های عربی متن دارای اعراب (حصن حصین شریعت الله) به معنای «قلعه مستحکم شریعت خدا» است که نمادی از قدرت و انسجام ساختار تشکیلات بهایی است.

جمع‌بندی

سند شصت و هفتم به طور واضح روند پیشرفت تشکیلات بهایی را به مثابه پروژه‌ای پیچیده و برنامه‌ریزی‌شده نشان می‌دهد که هدف نهایی آن تشکیل نظم جهانی بر پایه آموزه‌ها و ساختارهای این تشکیلات است. این فرآیند از مرحله‌ای ابتدایی (جنینی) آغاز شده و با جدیت و بدون توقف به سوی تحقق اهداف سیاسی و حکومتی پیش می‌رود. تأکید بر نقشه و مقاصد چهارگانه، به وضوح از حرکت از تبلیغ صرف دینی به سمت اقدامات عملیاتی و ساختاری حکایت دارد.

هشتگ‌ها

#بیت_العدل #سند_۶۷ #نقشه_بهایی #تشکیلات_بهایی #عصر_تکوین #صلح_اعظم #حکومت_جهانی #نظم_اداری #عبدالبها

Author: Hassan Ershad ✍

About the Author: Link (https://www.hassanershad.com/about-me) 🌐

Article Series: The Universal House of Justice's Ambition for Global Domination

Analysis of Document 67

Original Text from Shoghi Effendi's Ḥiṣn Ḥasīn Sharīʿat Allāh, page 9

The world order of Ḥis Highness Bahá'u'lláh is currently in its embryonic stage and" must hasten the advent of the Golden Age and, consequently, the proclamation of the Most Great Peace and the divine civilization of the world whose fruit is peace. The fourfold objectives that the executors of the plan are currently advancing confirm two lines of action that were initiated at the opening of the Age of Development, and these "… must be pursued with utmost earnestness and without hesitation, in the second

Source (https://reference.bahai.org/fa/t/se/CF/cf-21.html#pg9)

Analytical Commentary

Embryonic Stage of Bahá'u'lláh's World Order: This phrase clearly indicates that the Bahá'í administrative order is in an initial phase of development. It is in a formative state, suggesting a long-term and deliberate process toward achieving its ultimate objectives. This highlights a carefully planned, gradual buildup rather than a spontaneous religious movement.

Advent of the Golden Age and Proclamation of the Most Great Peace: The Golden Age is presented here as an ideal era, the realization of which signifies the start of global peace and a divine world civilization. This includes not only religious aspirations but also broad political and social dimensions. It underscores that the Bahá'í administration's ultimate aim transcends mere religious propagation and seeks to establish a global government and peace.

Fourfold Objectives and Operational Plans: The use of the word "plan" (نقشه) is particularly significant as it reveals structured, goal-oriented programming being pursued by the Bahá'í administration. These plans move beyond idealistic slogans into a phase of practical, operational implementation—showing that the organization is actively strategizing and building frameworks to extend influence and consolidate power.

Two Lines of Action Initiated at the Opening of the Age of Development: This section suggests that practical and strategic actions by the Bahá'í institution have been ongoing since the start of the Age of Development, emphasizing continuity and momentum. The

incomplete phrase "in the second…" likely refers to a subsequent phase or component of this process. The insistence on uninterrupted continuation and seriousness indicates a .clearly defined and unwavering agenda

Emphasis on Unwavering Commitment and Seriousness: This highlights the determination of the Bahá'í administrative order to pursue its long-term governmental objectives with maximum focus and no hesitation. Such insistence reflects the importance .attributed to this project and the desire to bring about deep, structural change globally

Historical Continuity and Structured Timeline: The mention of the "opening of the Age of Development" situates these efforts within a coherent historical framework. It implies a deliberate, sustained process spanning decades. This counters any notion of a purely .religious or utopian vision and points to a calculated political-administrative project

Important Analytical Notes

The term "religion" here refers specifically to the Bahá'í institutional framework, not the .personal beliefs of adherents

"Plan" (نقشه) signifies concrete operational programs aimed at achieving political and .governmental goals of the Bahá'í administration

This document reiterates the aim of the Bahá'í order to reach the sixth stage (national .government) and the seventh stage (global government)

The terms "Most Great Peace" and "divine civilization" represent the ultimate goal of a .global governance system rooted in Bahá'í principles

Arabic phrase حصن حصين شريعت الله (Ḥiṣn Ḥasīn Sharīʿat Allāh) translates as "The Stronghold of the Divine Law," symbolizing the strength and cohesion of the Bahá'í .administrative structure

Conclusion

Document 67 clearly outlines the Bahá'í order's progression as a complex, planned .project aiming for global governance based on its teachings and administrative system This process has started at an embryonic phase and continues with seriousness and uninterrupted effort toward political and structural objectives. The emphasis on "plan" and the fourfold objectives clearly indicate a shift from mere religious propagation to practical operational and structural actions aimed at extending influence and achieving .global control

Hashtags

UniversalHouseOfJustice #Document67 #BahaiPlan #BahaiAdministration# AgeOfDevelopment #MostGreatPeace #GlobalGovernment #AdministrativeOrder# AbdulBaha#

✍️ نویسنده: حسن ارشاد

🌐 درباره نویسنده: حسن ارشاد (https://www.hassanershad.com/about-me)

📚 مجموعه مقالات: بیت‌العدل در سودای سلطه بر جهان

📄 بررسی اسناد بالادستی مبتنی بر حکومت‌خواهی تشکیلات بهائی | سند شصت و هشتم

🔍 تحلیل سند شوقی (حصن حصین شریعت‌الله، صفحه ۱۷)

«اولای نقشه الهی در سال‌های آخر عهد اول عصر تکوین امرالله شروع شده است. اکنون تشکیل دو محفل روحانی ملی مستقل در مناطق شمالی و جنوبی آمریکای لاتین باید یکی از اساسی‌ترین مقاصد نقشه هفت‌ساله دوم باشد. نقشه‌ای که آغازش مقارن با سال‌های اول قرن دوم بهائی بوده و مخصوصاً با مرحله اولای عهد ثانی عصر مزبور مرتبط است.»

🔗 منبع: https://reference.bahai.org/fa/t/se/CF/cf-29.html#pg17

📌 مفهوم «نقشه» در ساختار تشکیلاتی بهایی

برخلاف ظاهر واژه «نقشه» که در ادبیات بهایی با واژگانی مانند «الهی» و «تبلیغی» همراه شده است، بررسی دقیق متون و روند تاریخی نشان می‌دهد که «نقشه» در این ساختار معنایی فراتر از صرفاً گسترش دینی دارد. واژه‌ی «نقشه» نقطه‌ی عطفی است که در آن، مسیر آرمانی یک ساختار، وارد فاز اجرایی، میدانی و تشکیلاتی می‌شود.

در اسناد شوقی، به‌ویژه همین سند (صفحه ۱۷ از حصن حصین شریعت‌الله)، به‌روشنی شاهد گذار از دوران «آرمانی‌سازی» به مرحله «عملیات سازمان‌یافته» هستیم. در اینجا، دیگر با توصیه به تبلیغ شخصی مواجه نیستیم، بلکه با تعیین اهداف، نهادها، مناطق جغرافیایی خاص و زمان‌بندی، به‌طور رسمی نقشه‌ریزی شده است.

تحلیل واژگانی:

«نقشه الهی» = ساختار عملیات‌محور سیاسی – اداری

«تبلیغ» = پوششی معنوی و معنوی‌نما برای کاهش حساسیت حکومت‌ها

«تشکیل محافل روحانی ملی مستقل» = تأسیس نهادهای قدرت‌مند موازی با ساختار دولت‌ها

📌 سه نقشه شوقی افندی: تبدیل اندیشه به ساختار

شوقی افندی، ولیّ امر تشکیلات بهایی، پس از دریافت مسئولیت از مرکز میثاق (عبدالبها)، روند «تکوین» تشکیلات را از طریق طراحی نقشه‌ها ساماندهی کرد.

مفهوم «تکوین» در اسناد شوقی (همچون توقیع ۱۱۰ بدیع ۱۳۳۲) ناظر به برنامه‌ریزی تدریجی برای ساختار حکومتی تشکیلات است. تکوین به معنای تکامل مرحله به مرحله از فاز فرهنگی به مرحله سازمانی، و سپس به مرحله حکمرانی است.

- نقشه اول: هفت‌ساله اول (۱۹۳۷–۱۹۴۴)

نخستین نقشه عملیاتی جهانی تشکیلات بهایی پس از عبدالبها. تمرکز بر امریکای لاتین، ایجاد نهادها، آموزش نخبگان محلی و طراحی ساختارهای رسمی.

☑ اهداف صریح و تعریف‌شده برای تشکیل شبکه اداری

☑ ظاهر تبلیغی – باطن حکومتی

- نقشه دوم: هفت‌ساله دوم (۱۹۴۶–۱۹۵۳)

همین سند شوقی (صفحه ۱۷) به نقشه دوم اشاره دارد. تشکیل دو محفل روحانی ملی در شمال و جنوب آمریکای لاتین، نه صرفاً اقدامی دینی، بلکه شکل‌دادن به ساختارهای ملی شبه‌دولتی است.

📌 این سند نشان‌دهنده ورود به مرحله «ساختار ملی» است.

🔍 اشاره به «مرحله اولای عهد ثانی» دال بر فاز تازه‌ای از تکوین است.

- نقشه سوم: نقشه ده‌ساله (۱۹۵۳–۱۹۶۳)

نقشه‌ای با مقیاس جهانی. ساخت مراکز، نهادها، دفاتر رسمی، خرید املاک و شکل‌دهی هویت حقوقی – نهادی در کشورهای مختلف. زمینه‌ساز تأسیس بیت‌العدل اعظم در ۱۹۶۳.

📌 نقشه سوم، در واقع فاز نهایی طرح حکومتی شوقی است؛ مرحله ششم و آستانه ورود به مرحله هفتم (حکومت جهانی تشکیلات بهایی).

📌 نقش «الواح تبلیغیه» عبدالبها: آغاز مسیر

در سال‌های ۱۹۱۶–۱۹۱۷، عبدالبها الواحی نگاشت که بعدها با نام «الواح تبلیغیه» شناخته شدند. این الواح اولین برنامه‌ریزی رسمی برای گسترش جهانی تشکیلات بهایی بود. شوقی افندی به‌صراحت نقشه‌هایش را ادامه همان مسیر معرفی می‌کند. اما با یک تفاوت کلیدی:

عبدالبها: طرح آرمانی – فراخوان به گسترش معنوی

شوقی افندی: تبدیل طرح به نقشه – ساختار عملیاتی و تشکیلاتی

از این رو، نقشه‌های شوقی امتداد فازآرمانی الواح عبدالبها نیستند، بلکه تبدیل آن‌ها به فاز اجرایی، ساختاری و اداری‌اند.

⚠ نکته کلیدی

در ظاهر، نقشه‌ها با واژگان «الهی» و «تبلیغی» مزین شده‌اند تا در سطح بین‌المللی واکنش دولت‌ها را برنینگیزند. اما در واقع، محتوا کاملاً حکومتی و تشکیلاتی است. به‌ویژه در سند صفحه ۱۷ که واژه‌های «مقاصد اساسی»، «محفل ملی»، «استقلال اداری» و «عهد ثانی» به‌روشنی بیانگر هدف تشکیل نهادهای حکومتی موازی است.

🧩 جمع‌بندی تحلیلی

نقشه‌ها در تشکیلات بهایی واحدهای مهندسی‌شده‌ی تغییر اجتماعی – سیاسی هستند که با ظاهری معنوی، اما با نیتی ساختاری و اداری اجرا شده‌اند. هر نقشه، گامی در جهت رسیدن به مرحله ششم (حکومت کشوری) و سپس مرحله هفتم (ساختار جهانی) است.

سند صفحه ۱۷ به روشنی بخشی از پازل عملیاتی تشکیلات بهایی است که باید با دقت و درک عمیق تاریخی مطالعه شود.

🖇 هشتگ‌ها
#تشکیلات_بهایی
#نقشه_شوقی
#نقشه_هفت_ساله
#نقشه_ده_ساله
#الواح_تبلیغیه
#شوقی_افندی
#عبدالبها
#ساختار_حکومتی
#بیت_العدل
#تحلیل_سیاسی
#مرحله_تکوین
#ساختار_موازی

✍ Author: Hassan Ershad

🌐 About the Author: Hassan Ershad (https://www.hassanershad.com/about-me)

🗐 Article Series: The Universal House of Justice and the Pursuit of Global Dominion

📃 Analysis of Foundational Documents Indicating the Administrative Baha'i Institution's Political Aspirations | Document 68

🔍 Analysis of Shoghi Effendi's Statement (Ḥiṣn Ḥaṣīn Sharī'at-Allāh, p. 17)

The first stage of the Divine Plan began in the final years of the first epoch of the" Formative Age of the Cause of God. Now the establishment of two independent National Spiritual Assemblies in the northern and southern parts of Latin America must be among the fundamental goals of the second Seven Year Plan. A plan which began with the early years of the second Baha'i century and is particularly related to the initial stage of the ".second epoch of this Age

🔗 Source: https://reference.bahai.org/fa/t/se/CF/cf-29.html#pg17

📌 The Concept of the "Plan" in the Baha'i Administrative Structure

,In Baha'i terminology, the word plan (naqsha) might appear spiritual or religious in tone often labeled as "Divine" or "teaching" plans. However, detailed textual and historical analysis reveals a deeper operational meaning: the plan marks the pivotal moment when

the faith's idealistic and missionary phase transforms into a practical, organizational, and .administrative phase

In this document from Shoghi Effendi, we observe a shift away from general spiritual aspirations toward structured political and institutional construction. The term "plan" no longer signifies individual spiritual effort but denotes an institutionally coordinated .campaign with defined objectives, regions, and timelines

:Lexical analysis

Divine Plan" = an administrative strategy with political aims"

Teaching" (tabligh) = a façade meant to project spiritual intent and avert political" scrutiny

Independent National Spiritual Assemblies" = proto-governmental bodies structured to" parallel national institutions

📌 Shoghi Effendi's Three Major Plans: Idealism Becomes Strategy

Following the death of 'Abdu'l-Bahá (the "Centre of the Covenant"), Shoghi Effendi launched a series of strategic plans designed to operationalize the faith's expansion—not .just spiritually, but institutionally and administratively

These plans are part of what Shoghi refers to as the "Formative Age," particularly the Formative Epochs" (asr-e takvīn), which directly relate to the institutional development" .and eventual governance objectives of the Baha'i administrative order

- First Plan: The First Seven Year Plan (1937–۱۹۴۴)

This was the first global, organized expansion initiative after 'Abdu'l-Bahá's era. It targeted Latin America with specific goals: to create administrative structures, recruit .influential local figures, and form stable spiritual assemblies

☑ Clearly defined objectives and timelines

☑ Disguised as religious teaching to avoid state resistance

- Second Plan: The Second Seven Year Plan (1946–۱۹۵۳)

The plan referenced in the quoted document. It emphasized the establishment of two independent National Spiritual Assemblies in Latin America. This represents a clear move from regional expansion to national-level structuring, a decisive step toward building .sovereign-like administrative systems

📌 The phrase "initial stage of the second epoch" signals a higher phase of institutional .maturity

■ Third Plan: The Ten Year Crusade (1953–۱۹۶۳)

This was a global strategy that included acquiring properties, founding permanent institutions, establishing legal entities, and laying the groundwork for the 1963 .establishment of the Universal House of Justice

📌 The Ten Year Crusade culminated the plans initiated by Shoghi, effectively preparing .for Phase Six (national governance) and Phase Seven (global governance)

📌 The "Tablets of the Divine Plan" by 'Abdu'l-Bahá: The Precursor

In 1916–۱۹۱۷, 'Abdu'l-Bahá authored what became known as the Tablets of the Divine ,Plan (alwāḥ-e tablīghīyeh), which were spiritual appeals for global propagation. However Shoghi Effendi explicitly presented his plans as a continuation of these tablets—with a :significant transformation

Abdu'l-Bahá: idealist and spiritual in nature'

Shoghi Effendi: systematized, institutionalized, and administrative

Thus, Shoghi's plans are not merely continuations; they represent the operationalization of previously aspirational goals. The transition from ideal to action occurs precisely at the .point when the term "plan" enters formal usage

⚠ Critical Clarification

Despite the consistent use of spiritually charged language like "Divine Plan" or "Teaching Plan," these frameworks function as strategic blueprints for institutional and political expansion. This choice of language helps the movement avoid direct confrontation with .states or political entities

:In this document (p. 17), the following expressions are of special significance

"Fundamental goals"

"Independent national institutions"

"Second epoch"

These terms mark the construction of parallel governing systems under religious .branding

🧩 Analytical Conclusion

The "plans" described in Shoghi Effendi's writings are not merely spiritual or missionary campaigns. They are carefully structured phases of administrative conquest. Each plan represents a deliberate progression toward the Baha'i Faith's institutional goal: global .governance under a unified administrative order

Document 68 is a direct window into the shift from informal missionary work to structured, state-like organization.

🖇 Hashtags

#BahaiAdministration

#ShoghiEffendi

#DivinePlan

#SevenYearPlan

#TenYearCrusade

#BahaiGovernance

#UniversalHouseOfJustice

#ReligiousStructures

#PoliticalFaith

#AdministrativeEvolution

#StrategicReligiousExpansion

✍ نویسنده: حسن ارشاد

🌐 درباره نویسنده (https://www.hassanershad.com/about-me)

🗐 مجموعه مقالات: بیت العدل در سودای سلطه بر جهان

📃 بررسی سند شصت و نهم | تحلیل اسناد بالادستی مبتنی بر گرایش به تشکیل حکومت در تشکیلات بهایی

🔍 بررسی سند صفحه ۱۸ کتاب حصن حصین شریعت‌الله از شوقی افندی

«چون بوجود آیند بشارت دهنده موسساتی خواهند بود که باید در انتخاب و تشیید ارکان بیت‌العدل اعظم، یعنی اعلی معهد بنیان نظم اداری حضرت بهاالله مشارکت نمایند، موسساتی که باید تدریجاً بدون وقفه در طی عهود متوالیه عصر تکوین با تشکیل یک محفل روحانی ملی که انتخاباتش بر وفق نصوص الهیه بوده و نماینده واقعی جامعه باشد، و در هر یک از جمهوری‌های امریکای جنوبی و مرکزی بوجود آیند و بدین نحو آخرین مرحله در تکامل اداری امرالله در سراسر امریکای لاتین اتمام و اکمال پذیرد. برای اینکه این وظائف خطیره در آینده بسرعت و بنحو مؤثر مرتّباً منظّماً انجام گیرد و منطبق با اصول اداری و روحانی امر...» 🔗 منبع سند (https://reference.bahai.org/fa/t/se/CF/cf-30.html#pg18)

📌 تحلیل ساختاری و عملکردی: گام نهایی در توسعه تشکیلاتی

این بخش از نوشته شوقی افندی از اهمیت بسیار بالایی برخوردار است زیرا در آن به‌صورت شفاف، نه تنها از فرآیند توسعه‌ی تدریجی تشکیلات بهایی سخن به میان آمده بلکه هدف نهایی این فرآیند نیز تبیین شده: شرکت در انتخاب و استحکام ارکان بیت‌العدل اعظم.

در اینجا شاهد آن هستیم که ساختارهایی که ظاهراً صرفاً برای مدیریت امور دینی جوامع بهایی در سطح ملی تأسیس می‌شوند، در واقع پیش‌زمینه‌ای هستند برای ایجاد نهادی مرکزی و فراملی با ویژگی‌های حاکمیتی. به همین

دلیل در متن ذکر شده که این موسسات باید نماینده واقعی جامعه باشند؛ نه صرفاً گروهی مذهبی، بلکه ساختارهایی با نمایندگی عمومی.

📌 اصطلاح «نقشه» و ماهیت عملیاتی آن

اگرچه در این بخش از سند، واژه‌ی «نقشه» به‌طور مستقیم نیامده، اما ساختار جمله‌بندی شوقی، به‌ویژه در تأکید بر تدریجی بودن، عدم وقفه و اجرای منظم و مؤثر، دقیقاً با ادبیات اسناد دیگر مربوط به نقشه‌های هفت‌ساله و ده‌ساله‌ی تشکیلات بهایی هم‌راستا است. این سبک نگارش، بیانگر طرحی منسجم، زمان‌بندی‌شده و هدفمند است که از حالت آرمانی خارج شده و در فاز اجرایی قرار دارد.

در سایر اسناد شوقی، همین روند با واژه «نقشه» توصیف شده است. به‌ویژه در نقشه‌های هفت‌ساله اول و دوم، که این ساختارسازی‌ها در مناطق مختلف جهان تحت عنوان گسترش دینی ولی در حقیقت برای نهادسازی انجام شد.

⚙️ کاربرد اصطلاحات کلیدی در سند

☐ موسسات

در اینجا مقصود از "موسسات" نه نهادهای دینی به معنای صرف، بلکه سازه‌های تشکیلاتی هستند که وظایف قانونی، سازمانی و حتی نمایندگی را برعهده خواهند داشت. این نهادها قرار است نقش مستقیمی در انتخاب ارکان بیت‌العدل ایفا کنند که شباهت زیادی به نظام‌های نمایندگی سیاسی دارد.

☐ عصر تکوین

اصطلاح «عصر تکوین» در منظومه فکری شوقی افندی اشاره به دوره‌ای دارد که ساختارهای بهایی از فاز تبلیغ صرف به مرحله‌ی تثبیت تشکیلات و نهادسازی وارد می‌شوند. در توقیع ۱۱۰ بدیع نیز به این روند اشاره شده و آن را بخشی از پروژه‌ی بلندمدت و مرحله‌مند برای رسیدن به «حکومت بهایی» توصیف می‌کند.

📌 از آرمان تا اقدام: نقشه‌ی شوقی در امتداد الواح تبلیغیه عبدالبها

با آن‌که در این سند مشخصاً از الواح تبلیغیه ذکری نشده، اما شوقی افندی به‌صراحت تأسیس موسسات را به «تکامل اداری امرالله» مرتبط می‌سازد. این گزاره یادآور همان فاز اجرایی است که پس از الواح تبلیغیه عبدالبها در سال‌های ۱۹۱۶ و ۱۹۱۷ آغاز شده است. الواح تبلیغیه نقطه‌ی شروع این سلسله نقشه‌ها بود که از فاز تبلیغ و آرمان‌گرایی وارد مرحله نقشه‌مندی و اقدام شد.

🔍 نتیجه‌گیری تحلیلی

سند صفحه ۱۸ به روشنی یکی از قطعات کلیدی پازل شکل‌گیری ساختار حاکمیتی تشکیلات بهایی را ارائه می‌دهد. در این متن، هدف نهایی «اکمال تکامل اداری» در سطح منطقه‌ای به‌گونه‌ای طراحی شده که به ساخت بیت‌العدل و تثبیت آن به‌عنوان نهاد مرکزی مشروعیت دهد.

همه‌چیز در این طرح به‌صورت مرحله‌مند، نهادینه‌شده، و در چارچوب اصول اداری پیش‌بینی شده است؛ بدون هیچ اشاره صریح به قدرت‌طلبی، اما در عمل با تمامی ویژگی‌های یک حرکت ساختارمند برای رسیدن به نظام حاکمیتی جهانی.

🔗 هشتگ‌ها

#تشکیلات_بهایی

#بیت_العدل
#نقشه_های_تشکیلاتی
#شوقی_افندی
#عصر_تکوین
#ساختار_اداری
#حکومت_دینی
#دیپلماسی_نرم
#تحلیل_اسناد
#عبدالبها
#الواح_تبلیغیه

Author: Hassan Ershad ✍️
About the Author (https://www.hassanershad.com/about-me) 🌐
Article Series: The Universal House of Justice and the Pursuit of Global Dominion 📚
Document Analysis No. 69 | Investigating Foundational Texts Suggesting Governance Orientation in the Bahá'í Administrative Order 📃
Analysis of the Text on Page 18 of Ḥiṣn-i-Ḥaṣīn-i-Sharīʿat-Allāh by Shoghi Effendi 🔍
When they come into being, they will herald the institutions that must participate in the" election and consolidation of the pillars of the Universal House of Justice — the supreme center of the administrative order established by Bahá'u'lláh. These institutions must gradually and without interruption be formed throughout the successive periods of the Formative Age, through the establishment of a national spiritual assembly — elected in — accordance with divine texts and serving as the true representative of the community in each of the republics of South and Central America. In this way, the final phase in the administrative evolution of the Cause of God throughout Latin America will be completed ,and perfected. In order for these vital functions to be carried out swiftly, effectively "…regularly, and in harmony with the spiritual and administrative principles of the Cause
Source (https://reference.bahai.org/fa/t/se/CF/cf-30.html#pg18) 🔗

Structural and Functional Analysis: The Final Step in Institutional Development 📌
This section of Shoghi Effendi's writing is of high importance. It clearly outlines not only the gradual development process of Bahá'í administrative structures but also reveals the

ultimate goal of that process: participation in the election and consolidation of the .Universal House of Justice

,What appears to be national-level institutions for managing religious affairs are, in fact precursors to a central, transnational institution with governing characteristics. That is why the institutions are described as “true representatives of the community” — not .merely religious bodies, but representative structures with broader societal functions

📌 The Term Plan and Its Operational Nature

— Although the word plan (naqsha) is not explicitly used in this passage, the phrasing particularly the emphasis on gradualism, continuity, and regular, effective implementation aligns perfectly with the language found in other documents related to the Bahá’í — ,Seven-Year and Ten-Year Plans. This mode of expression reflects a cohesive, time-bound and goal-oriented blueprint that has moved beyond ideological vision into the realm of .executable action

.In other writings by Shoghi Effendi, such processes are indeed referred to as plans Especially during the First and Second Seven-Year Plans, such structural developments were presented under the label of “religious expansion” but in practice served as .frameworks for systematic institution-building

⚙️ Key Terminologies in the Document

▢ Institutions

Here, institutions do not merely refer to religious bodies. Rather, they are administrative constructs designed to perform legal, organizational, and representational roles. These institutions are expected to play a direct part in the election of the Universal House of .Justice — a function closely resembling political representation systems

▢ Formative Age

The term Formative Age in Shoghi Effendi’s framework signifies the period during which the Bahá’í order transitions from a purely missionary-religious phase into one of institutional consolidation. Reference to this concept also appears in Tablet No. 110 where this age is described as part of a long-term, phased project ,(Badīʿ ۱۳۳۲ / ۱۹۵۳) ”.aimed at establishing a “Bahá’í government

📌 -From Ideal to Action: Shoghi’s Plan as a Continuation of ʿAbdu’l-Bahá’s Alwāḥ-i Malakutīyyih

Although this document does not directly mention the Alwāḥ-i-Malakutīyyih (Tablets of the Kingdom), the linkage is implicit. Shoghi Effendi explicitly connects the establishment of institutions with the "completion of the administrative evolution" of the Cause of God — an indicator of the shift from spiritual ideology to structured .implementation, which began with ʿAbdu'l-Bahá's Alwāḥ-i-Malakutīyyih (1916–۱۹۱۷) These tablets mark the starting point of a series of operational plans that turned the Bahá'í .vision into a strategic roadmap

📍 Analytical Conclusion

Page 18 of this document clearly represents a critical piece in the puzzle of the Bahá'í administrative order's progression toward a governance-oriented structure. The ultimate goal — the "completion of administrative evolution" at the regional level — is framed in a way that legitimizes and stabilizes the Universal House of Justice as the supreme .institution

Everything in this blueprint is staged, institutionalized, and couched within administrative principles. Though there is no overt claim to political power, the document carries all the .hallmarks of a structured effort toward the realization of a global governance model

🔗 Hashtags

Baha'i_Administration #Universal_House_of_Justice #Institutional_Plans# Shoghi_Effendi #Formative_Age #Administrative_Structure #Religious_Governance# Soft_Power #Document_Analysis #Abdu'lBahá #Tablets_of_the_Kingdom#

✍ نویسنده: حسن ارشاد

🌐 درباره نویسنده (https://www.hassanershad.com/about-me)

📚 مجموعه مقالات: بیت‌العدل در سودای سلطه بر جهان

📄 بررسی سند هفتادم | تحلیل اسناد بالادستی مبتنی بر گرایش تشکیلات بهائی به ساختار حکومتی

🔍 بررسی سند صفحه ۲۵ کتاب حصن حصین شریعت‌الله نوشته شوقی افندی

«حال باید توجه خوانندگان خود را به چهارمین امری که اهم و اصعب و الزم امور بوده و باید در طی نقشه هفت ساله دوم بموقع اجرا گذاشته شود جلب نمایم و آن مبادرت به اقداماتی منظم جهت آغاز جهاد روحانی در قاره پرشور و آشوبی است که به فقر روحانی گرفتار و در این سنوات اخیره در نتیجه جریانات سیاسی و پیشرفت وسایل سیر و حرکت به جمهوری غرب بسیار نزدیک گشته و راه را برای احیای دنیای قدیم باز کرده است. جهادی که در جریان است و با قوای محیّرالعقول موضوعه در آن در بدایت دهه اول قرن دوم بهائی، در آغاز عهد دوم عصر تکوین دور حضرت...»

🔗 منبع سند (https://reference.bahai.org/fa/t/se/CF/cf-37.html#pg25)

✍ تحلیل محتوایی و ساختاری: جهاد روحانی و معنای عملیاتی آن

متن حاضر، پنجره‌ای است به درک عمیق فرآیند گذار تشکیلات بهایی از مرحله تبلیغ آرمانی و صرفاً دینی به فاز اقدامات سازمان‌یافته و هدفمند که با عنوان «جهاد روحانی» معرفی شده است. اصطلاح «جهاد روحانی» در اینجا مفهومی فراتر از معنای سنتی دارد و به فعالیت‌های تشکیلاتی برنامه‌ریزی شده برای تسخیر و تثبیت موقعیت در یک منطقه استراتژیک اشاره می‌کند.

شوقی افندی در این بخش بر ضرورت اجرای دقیق و بموقع برنامه‌های مشخص‌شده در نقشه هفت ساله دوم تأکید می‌کند؛ نقشه‌ای که به هیچ وجه صرفاً یک برنامه تبلیغی نیست بلکه به صراحت طرحی منسجم، زمان‌بندی شده و با هدف‌گذاری مشخص برای پیشبرد اهداف بلندمدت تشکیلات است.

از زبان متن برمی‌آید که قاره اروپا در آن زمان از منظر تشکیلات بهایی به‌عنوان منطقه‌ای حساس، پر از تنش‌های سیاسی و اجتماعی، و همزمان مستعد برای تحول و تغییر دیده می‌شود. از این رو «جهاد روحانی» در این زمینه معنا و کارکردی ویژه می‌یابد که با بهره‌گیری از قدرت‌های فوق‌العاده تشکیلاتی، قصد تغییر و احیای ساختارهای دینی و نهادی خود را دارد.

✍ مفهوم «نقشه» و اهمیت آن در بستر عملیاتی

در متن صراحتاً به «نقشه هفت ساله دوم» اشاره شده که خود یک مفهوم کلیدی در فهم استراتژی تشکیلات بهائی است. این نقشه نشان‌دهنده مرحله جدیدی در حرکت تشکیلات است؛ مرحله‌ای که در آن دیگر صرفاً تبلیغ و آرمان‌گرایی مطرح نیست، بلکه برنامه‌های دقیق و زمان‌بندی شده‌ای برای نهادسازی، تثبیت حضور و نفوذ در سطح ملی و بین‌المللی اجرا می‌شود.

نکته مهم این است که اصطلاح «نقشه» به معنای عملیاتی شدن برنامه‌ها است. این برنامه‌ها، برخلاف آنچه ممکن است تصور شود، فقط اعلامیه یا بیانیه نیستند بلکه دستورالعمل‌های اجرایی با اهداف مشخص و قابل سنجش هستند. شوقی افندی با تأکید بر «اقدامات منظم» و «بموقع اجرا گذاشتن» این نکته را برجسته می‌کند که تشکیلات بهائی در مسیر خود به سمت تشکیل نهادهای حکومتی، از نظم اداری، سازمانی و زمان‌بندی دقیق برخوردار است.

✍ جهاد روحانی: از معنای مذهبی تا مأموریت سازمانی

در این سند، جهاد روحانی تعریفی ویژه و پیچیده پیدا می‌کند. برخلاف تصور معمول که جهاد را یک مبارزه صرفاً معنوی یا دینی می‌داند، در اینجا جهاد روحانی بخشی از استراتژی کلی تشکیلات برای پیشبرد برنامه‌های ساختاری و نهادی است.

کلمه «جهاد» در متن همراه با عباراتی چون «قوای محیرالعقول» به کار رفته که نشان‌دهنده وجود ابزارها، منابع و نیروهای قوی درون تشکیلات است. این موضوع گواهی است بر سطح بالای سازماندهی، هماهنگی و امکانات تشکیلات که برای تحقق اهدافش در اروپا به کار گرفته می‌شود.

این جهاد، که در «بدایت دهه اول قرن دوم بهائی» و «آغاز عهد دوم عصر تکوین» صورت می‌گیرد، در واقع آغاز فاز عملیاتی جدی‌تر و پیچیده‌تر تشکیلات است که بیش از پیش سمت و سوی سیاسی و حکومتی به خود می‌گیرد.

📌 عصر تکوین: مرحله گذار به ساختار حکومتی

اصطلاح «عهد دوم عصر تکوین» که در این سند آمده، بخش مهمی از تفسیر کلان تشکیلات بهایی از تاریخ و مسیر خود است. این «عصر تکوین» اشاره به مرحله‌ای دارد که تشکیلات از حالت تبلیغ صرف و فعالیت‌های پراکنده به سمت تثبیت ساختارها و نهادسازی پیش می‌رود.

این مرحله، نقطه عطفی است که در توقیع ۱۱۰ بدیع نیز به آن اشاره شده و در آن تشکیلات با هدف‌گذاری مشخص و به صورت مرحله‌بندی شده، برنامه‌هایش را به سمت تشکیل حکومت نرم (مرحله ششم و هفتم) متمرکز می‌کند.

بر همین اساس، فهم عصر تکوین به معنای درک دقیق و عملی چگونگی گذار تشکیلات به ساختارهای حکومتی است که در قالب نهادها و سازوکارهای اداری و سیاسی نمایان می‌شود.

📌 پیوند با الواح ملکوتی عبدالبها و آغاز برنامه‌های عملیاتی

هرچند در این سند به‌طور مستقیم از الواح ملکوتی عبدالبها یاد نشده، اما «نقشه هفت ساله دوم» و مفاهیم مشابه، در امتداد همان مسیر عملیاتی است که از الواح ملکوتی در سال‌های ۱۹۱۶ و ۱۹۱۷ شروع شده است.

الواح ملکوتی، به عنوان اسناد مرجع تشکیلات، نقطه آغاز رسمی برنامه‌ریزی تشکیلات بهائی برای گذار از فاز آرمانی و تبلیغ صرف به فاز اقدام هدفمند و نظام‌مند برای رسیدن به حکومت است. این برنامه‌ها به تدریج توسعه یافته و به نقشه‌های هفت‌ساله و ده‌ساله بعدی منتهی شده‌اند.

بنابراین، سند پیش رو، گواهی بر استمرار و تعمیق این روند است که اکنون در قالب جهاد روحانی و برنامه‌های منظم اجرایی در اروپا و مناطق دیگر عملیاتی می‌شود.

🔍 نتیجه‌گیری تحلیلی: از تبلیغ به عمل ساختاری

سند صفحه ۲۵ کتاب حصن حصین شریعت‌الله به روشنی نمایانگر یک مرحله کلیدی در تحول تشکیلات بهائی است؛ مرحله‌ای که آرمان‌گرایی صرف جای خود را به برنامه‌ریزی و اجرای هدفمند داده است.

در این متن، تاکید بر «نقشه هفت ساله دوم» و «جهاد روحانی» به عنوان فعالیت‌هایی منظم، منسجم و استراتژیک، نشان‌دهنده تغییر ماهیت حرکت تشکیلات از تبلیغ دینی به حرکت نرم اما هدفمند برای رسیدن به ساختار حکومتی است.

اگرچه ادبیات متن ظاهراً بر ظرافت، نظم و پیشرفت تدریجی تاکید دارد و از ادبیات قدرت‌طلبی آشکار پرهیز می‌کند، اما تحلیل دقیق متن و زمینه تاریخی آن نشان می‌دهد که این مجموعه اقدامات در واقع بخش‌های برنامه‌ای بلندمدت و مرحله‌ای برای ایجاد حکومت بهائی در سطح جهانی است.

🔗 هشتگ‌ها

#تشکیلات_بهایی #بیت_العدل #نقشه_های_تشکیلاتی #شوقی_افندی #عصر_تکوین #ساختار_اداری #حکومت_دینی #دیپلماسی_نرم #تحلیل_اسناد #عبدالبها #الواح_ملکوتی

Author: Hassan Ershad ✍

About the Author (https://www.hassanershad.com/about-me) 🌐

Article Series: The Universal House of Justice and the Pursuit of Global Domination 📚

Document Analysis No. 70 | A Source-Based Critique of the Baha'i Administrative Order's Political Trajectory 📄

Document Review: Page 25 of Ḥiṣn-i-Ḥaṣín-i-Sharī'atullāh by Shoghi Effendi 🔍

Now I must draw the attention of my readers to the fourth matter, which is the most" important, most difficult, and most essential issue, and which must be implemented during the second Seven Year Plan. That matter is to initiate organized and systematic ,efforts to begin the spiritual jihad in the passionate and turbulent continent [of Europe] which is suffering from spiritual poverty and has, in recent years, due to political developments and advancements in transportation, come very close to the Western Republics, reopening the path for the revival of the Old World. This jihad is currently underway and—with the astounding forces appointed to it—was initiated in the early years of the second century of the Baha'i era, at the beginning of the second phase of the "…Formative Age of the Dispensation of

Source (https://reference.bahai.org/fa/t/se/CF/cf-37.html#pg25) 🔗

📌 Structural and Thematic Analysis: "Spiritual Jihad" as a Strategic Operation

This excerpt from Shoghi Effendi presents a pivotal element in understanding how the -Baha'i administrative framework evolves from idealistic preaching to structured, goal oriented operations. The phrase "spiritual jihad" is not merely a metaphor for personal piety—it represents a planned, mobilized initiative with a clearly defined geographic and .ideological target: Europe

The call to "organized and systematic" efforts suggests more than mere religious outreach. It implies a comprehensive institutional strategy to enter and influence a region ,characterized by spiritual unrest and geopolitical volatility. Europe, in this formulation becomes both a spiritual mission field and a geo-strategic zone requiring methodical .penetration

📌 The "Seven-Year Plan": Not Just Vision, But Execution

Shoghi's reference to the second Seven-Year Plan is central to understanding the operational nature of Baha'i strategy. In the broader context of Baha'i planning documents, the term "plan" refers not to aspirational declarations, but to concrete

.administrative timelines, goals, and implementation protocols
”,The urgency and precision of language—“must be implemented,” “organized efforts revival of the Old World”—points to a deliberate shift in tone and function. These are“ not general spiritual aspirations; they are deliverables in a strategic blueprint designed for .institutional consolidation and expansion

The Meaning of “Spiritual Jihad” in Administrative Context 📌

Within the framework of this document, “spiritual jihad” gains an administrative and even geopolitical meaning. This is not a call for inner purification alone; it’s an institutional .mobilization toward influence, presence, and structural establishment in a key region
signal not mystical energies, but likely (قوای محیرالعقول) ”Terms like “astounding forces refer to the organizational resources, human capital, and administrative machinery available to the Baha’i order. In short, it’s a campaign. And it coincides with the start of the second epoch of the Formative Age—a phase Shoghi Effendi elsewhere defines as .involving increasing institutional complexity and authority

The Formative Age: A Stage for Institutional and Political Consolidation 📌

The phrase “second phase of the Formative Age” is significant. In Shoghi’s thought, the Formative Age is a transitional era between the founding of the religion and the eventual realization of a global Baha’i order. During this period, structures are not just encouraged .they are built, tested, and deployed—
/ This notion directly relates to a document known as Tablet 110 of Badí‘ (dated 1953 CE SH), which maps out seven stages of development, with the sixth and seventh 1332 referring explicitly to national and global governance. The document we are analyzing fits .clearly within that trajectory

.It is not isolated rhetoric but part of a long-range, stage-based institutional strategy

Connection to the Tablets of the Divine Plan by ‘Abdu’l-Bahá 📌

—While the current document does not explicitly mention the Tablets of the Divine Plan also known as the Alwah-i-Malakutiyyih—it aligns directly with their intent and implementation. These Tablets, written in 1916–۱۹۱۷ by ‘Abdu’l-Bahá (recognized as the Center of the Covenant due to his Will and Testament), mark the beginning of a systematic project to transform the Baha’i Faith from a spiritual message into an .organizational force
The second Seven-Year Plan, mentioned here by Shoghi, is a direct continuation of those

foundational strategies. It represents the operationalization of ideals once seen as purely religious. These plans, renewed over decades, have culminated in the Seventeenth Plan (2022–۲۰۳۱), currently underway under the authority of the Universal House of Justice.

📌 Implications for the Nature of Baha'i Administration

The tone of this document is non-militaristic but deeply strategic. It does not appeal to overt political language, but the substance suggests structured influence—what might today be termed "soft power." The Baha'i institutions, while spiritual in language, are political in structure and function, with elections, appointments, jurisdictional domains, and execution schedules.

The reference to Europe as a "continent of turbulence" reflects not just spiritual concern but a political reading of opportunity. The plan is to act, not merely to inspire.

🧠 Conclusion: From Spiritual Vision to Institutional Action

Page 25 of Ḥiṣn-i-Ḥaṣín-i-Sharī'atullāh offers a clear example of how the Baha'i administrative order has transitioned from a message of universal peace to a structured, stage-based institutional program aimed at long-term governance.

While terms like "spiritual jihad" appear benign or even mystical, a close reading within context—especially when cross-referenced with other official writings—shows they function as operational directives.

This document exemplifies how seemingly religious language cloaks a system of strategic, institutional expansion aimed at shaping public order. While it avoids direct reference to state-building, the methods, sequencing, and language align with that goal.

🔗 Hashtags

#BahaiAdministration #UniversalHouseofJustice #StrategicPlanning #ShoghiEffendi #FormativeAge #SoftPower #ReligiousGovernance #DivinePlan #AdministrativeStructure #AbdulBahá #TabletsOfTheDivinePlan

✍️ نویسنده: حسن ارشاد

🌐 درباره نویسنده (https://www.hassanershad.com/about-me)

🗂️ مجموعه مقالات: بیت‌العدل در سودای سلطه بر جهان

📑 بررسی سند هفتاد و یکم | تحلیل مستند از اقدامات زمان‌بندی‌شده تشکیلات بهائی

📄 متن سند: حصن حصین شریعت‌الله، صفحه ۳۲ – شوقی افندی

«عهد دوم عصر تکوین دور بهائی افتتاح شده است. مصیبت قاره‌ای سعید، یا تاریخی غنی که حال عاجز و درمانده گشته، به اوج خود نزدیک می‌شود. پیشاهنگان مشعل‌دار احیای تمدن عالم به ساحل آن قدم نهاده در عواصم آن

مستقر گشته‌اند. عهدی آغاز گشته است که فتح منظم قاره اروپا را بوسیله هیئتی متشکل از حواریون حضرت بهاالله افتتاح کرده است، عهدی که...»

🔗 منبع (https://reference.bahai.org/fa/t/se/CF/cf-44.html#pg32)

🔍 تبیین مفاهیم کلیدی

در این سند، عبارت «عهد دوم عصر تکوین» ناظر به آغاز دوره‌ای جدید در برنامه‌ریزی تشکیلات بهائی است که در بستر مفهومی بزرگ‌تری به نام عصر تکوین قرار دارد. عهد در ادبیات این تشکیلات به معنای مقاطع زمانی مشخص برای اجرای نقشه‌های تشکیلاتی است، نه مرحله‌ای از سیر کلی ساختار.

تمایز مهم:

عهد (Cycle): بازه‌ای از زمان برای اجرای نقشه‌های معین. تعداد عهدها محدود نیست و بنا به شرایط گسترش می‌یابد. هر عهد با نقشه‌ای معین آغاز می‌شود و متناسب با اهداف سیاسی-تشکیلاتی طراحی می‌گردد.

مراحل عصر تکوین: مجموعه‌ای هفتگانه از گام‌های کلان در استراتژی تشکیلات بهایی که از تثبیت نهادهای اولیه آغاز شده و به حکومت جهانی ختم می‌شود. این مراحل، ساختاری‌اند؛ در حالی که عهدها زمان‌مند و تاکتیکی هستند.

📌 تحلیل سند

در سند حاضر، از آغاز «عهد دوم» سخن به میان آمده؛ عهدی که بر تمرکز بر اروپا استوار است. این قاره، در نگاه تشکیلات، منطقه‌ای آسیب‌دیده از فقر روحانی معرفی شده و اکنون با استقرار «پیشاهنگان احیای تمدن»، زمینه‌ی «فتح منظم» آن فراهم آمده است.

واژگان راهبردی:

فتح منظم اروپا: عبارتی کلیدی که نشان می‌دهد هدف فراتر از تبلیغ صرف است و به استقرار پایدار تشکیلاتی می‌انجامد.

پیشاهنگان مشعل‌دار: تعبیر تشکیلاتی برای اعضایی که مأمور اجرای نقشه‌ها و استقرار پایگاه‌های دینی-اداری در مناطق هدف هستند.

عواصم اروپا: اشاره به هدف‌گذاری مشخص برای حضور ساختاری در مراکز سیاسی و فرهنگی قاره.

🗺️ جایگاه سند در نقشه کلان تشکیلات

اگرچه در این سند مستقیماً از «الواح تبلیغیه»، «الواح ملکوتی» یا «نقشه‌های ملکوتی» یاد نشده، محتوای آن دقیقاً در امتداد همان نقشه‌هایی است که با الواح ۱۹۱۶ و ۱۹۱۷ عبدالبها آغاز شد. این نقشه‌ها، تشکیلات بهائی را از فاز تبلیغ آرمانی وارد فاز اجرایی با برنامه‌های میدانی و زمانی کرده‌اند.

عهد دوم، یکی از بازه‌هایی است که در چارچوب اجرای نقشه‌های نهاد بیت‌العدل و پیش از آن شوقی افندی طراحی شده. نقشه‌هایی که از آغاز تا امروز، در قالب یک روند منظم، با اهدافی مرحله‌ای و نهایی به‌طور زنجیره‌ای پیش می‌روند.

📖 واژه‌شناسی تحلیلی

عهد: ناظر بر تقسیم‌بندی‌های زمانی نقشه‌های اجرایی تشکیلات در درون عصر تکوین. هر عهد معمولاً با نقشه‌ای

خاص همراه است. در حال حاضر، این عهدها تا «عهد ششم» ادامه یافته‌اند.
عصر تکوین: دومین عصر از سه‌گانه‌ی تشکیلات بهائی (رسولی، تکوین، ذهبی) که خود شامل هفت مرحله کلان ساختاری است. عهدها در دل این عصر شکل می‌گیرند و نسبت به مراحل آن، ماهیتی تاکتیکی و برنامه‌ای دارند.
نقشه یا مشروعات: اگر در سندی ذکر شوند، اشاره‌ی مستقیم به همان برنامه‌های سازمان‌یافته برای تحقق تدریجی مرحله ششم (حکومت کشوری) و هفتم (حکومت جهانی) هستند.
📈 نتیجه‌گیری
سند مذکور، نمایانگر آغاز دومین عهد از دوران عصر تکوین است؛ عهدی با تمرکز راهبردی بر اروپا، با هدف استقرار شبکه‌های تشکیلاتی، و نه صرفاً تبلیغ آموزه‌ها. عباراتی چون «فتح منظم» و «استقرار در عواصم» گواه بر آن است که با ورود به این عهد، اقدامات تشکیلات بهایی وارد فاز عملیاتی تازه‌ای شده‌است.
در این روند، نقشه‌ها به‌عنوان ابزارهای زمان‌بندی‌شده‌ی تحقق قدرت تشکیلاتی عمل می‌کنند. تعداد عهدها محدود به عدد خاصی نیست و بسته به اقتضائات مرحله، گسترش می‌یابند؛ همچون ابزارهایی برای پیش‌برد گام‌به‌گام همان هفت مرحله‌ی کلان عصر تکوین.
📝 هشتگ‌ها
#بیت_العدل #تشکیلات_بهائی #عصر_تکوین #عهد_دوم #فتح_اروپا #نقشه_های_تشکیلاتی #پیشاهنگان_تمدن #سند_شوقی #ساختار_تشکیلاتی #استراتژی_قدرت #نظام_اداری_بهائی

✍ Author: Hassan Ershad
🌐 About the Author (https://www.hassanershad.com/about-me)
📚 Series: The Universal House of Justice and the Pursuit of Global Hegemony
📘 Document Analysis No. 71 | A Structured Investigation into the Baha'i Administrative Agenda
📄 Source Text: Ḥiṣn Ḥaṣīn Sharī'at Allāh, p. 32 – Shoghi Effendi
"The second covenantal period of the Formative Age of the Bahá'í Dispensation has begun. The catastrophe of the illustrious continent—once rich in history, now helpless and afflicted—is reaching its peak. The forerunners, torchbearers of the world's civilizational revival, have set foot upon its shores and are settling in its capitals. A new covenantal period has begun, inaugurating the organized conquest of Europe through a host of apostles of Bahá'u'lláh…"
🔗 Reference link (https://reference.bahai.org/fa/t/se/CF/cf-44.html#pg32)
🔍 Conceptual Clarification
The reference to the "second covenantal period" marks the beginning of a new stage in

the Baha’i administrative execution during what is called the Formative Age—a .transitional era within the overall structure of the Baha’i Dispensation

:Key Distinctions

—Covenantal Period (‘Ahd): A designated timespan in which specific operational plans called teaching plans or maps—are implemented. These periods are not limited in number .and can expand depending on organizational needs

Seven Stages of the Formative Age: These represent the overarching strategic milestones of the Baha’i institutional agenda, ranging from early consolidation of authority to the eventual establishment of a global government. Unlike covenantal periods, these stages .are structural, not temporal

Document Analysis 📌

This document declares the commencement of the second covenantal period, which ,centers strategically on Europe. The continent is described as spiritually impoverished but ripe for transformation. The text identifies this new period as one of “organized .conquest,” carried out by “apostles” actively stationed in major European capitals

:Strategic Terminology

-Organized conquest of Europe: Signifies a deliberate, systematic campaign aimed at long .term institutional entrenchment, rather than mere spiritual outreach

Torchbearers of civilization: A euphemism for Baha’i emissaries tasked with executing .institutional plans

Capitals of Europe: Clearly reflects the intent to penetrate political and cultural nerve .centers through sustained presence

Broader Context within Baha’i Administrative Planning 🗺

–Although this document does not explicitly mention the Tablets of the Divine Plan (1916 or spiritual maps, its language reflects the operational trajectory set forth in those (١٩١٧ foundational texts. The Baha’i administrative structure moved from abstract idealism into -concrete strategic implementation through these documents—initiating the first in a now .long series of teaching plans

Currently, the Baha’i administrative body is operating under its seventeenth global plan .each preceded by covenantal periods similar to the one referenced here ,(٢٠٣١–2022)

Terminological Insight 📑

Covenantal Period (‘Ahd): A time-boxed segment within the Formative Age for executing

one or more teaching plans. As of now, six such periods have passed, and we are within .the sixth one

Formative Age: The second of three major historical epochs in Baha'i thought (the other two being the Apostolic and Golden Ages). It includes seven structural stages, each .representing a step toward ultimate global governance

Teaching Plans / Mashrū'āt: If mentioned, these terms indicate specific, actionable frameworks intended to advance the sixth (national governance) and seventh (global .governance) stages of the Formative Age

📈 Analytical Conclusion

This document signals the inauguration of the second covenantal period within the —Formative Age. Its language—focused on conquest, deployment, and establishment .reveals a clear transition from missionary outreach to institutional entrenchment

The strategy involves systematically targeting geopolitical regions through structured ,plans. The number of such covenantal periods is flexible and may grow as needed serving as tools for the broader realization of the seven strategic stages of the Formative .Age

📜 Hashtags

BahaiAdministration #UniversalHouseOfJustice #FormativeAge #CovenantalPeriod# StrategicPlans #BahaiInstitutionalExpansion #EuropeMission #DocumentAnalysis# ShoghiEffendi #OrganizedFaith #StructuredReligiousAuthority#

در ادامه، بازنویسی تحلیلی و دقیق سه جدول اصلی موجود در سند «سه جدول تکاملی مدنیت الهیه» ارائه می‌شود. تمرکز این بازنویسی بر نظم مفهومی، تبیین ساختاری و تحلیل سلسله‌مراتب اداری و زمانی مدنیت بهایی در نگاه شوقی افندی است، جهت فهم متون امری

▧ جدول اول: ساختار زمانی عصر تکوین و تقسیمات درونی آن

⌛ ساختار عصر تکوین

عصر تکوین که یکی از سه عصر کلی در «دور بهائی» است (عصر رسولی، عصر تکوین، عصر ذهبی)، با درگذشت عبدالبهاء (۱۹۲۱) آغاز می‌شود و همچنان ادامه دارد.

این عصر به چندین عهد تقسیم می‌شود که هر کدام از این عهدها شامل نقشه‌های زمانی و عملیاتی مشخصی هستند. هدف آن، پیاده‌سازی تدریجی نظم اداری بهایی در سطح جهانی است.

◇ جایگاه نهادها

آغاز عصر تکوین با محوریت نهاد ولی امرالله است و در ادامه، بیت‌العدل اعظم به عنوان اوج تشکیلات اداری

تعریف می‌شود.

موسسات مانند محافل روحانی ملی و محلی نقش اساسی در تحقق نظم اداری دارند.

◇ خطوط تاریخی

از منظر تاریخی، از سال ۱۹۲۱ تا به امروز، ۱۷ نقشهٔ زمانی با دوره‌های ۳ تا ۹ ساله توسط ولی امرالله و سپس بیت‌العدل تدوین شده‌اند. این نقشه‌ها مراحل توسعه نهادها و گسترش امر را در جهان هدف قرار داده‌اند.

🌐 جدول دوم: ده مرحله‌ی تکامل شجرهٔ امرالله در تاریخ

▨ مرحله اول تا سوم (از آدم تا بعثت حضرت باب)

مرحله اول: ظهور حضرت آدم و تأسیس شجرهٔ لا شرقیه و لا غربیه.

مرحله دوم و سوم: ظهور پیامبران پیشین مانند زرتشت، بودا، موسی، عیسی و حضرت محمد. این مراحل زمینه‌ساز بلوغ فکری بشر از منظر بهایی تلقی می‌شوند.

▨ مرحله چهارم تا ششم (بعثت حضرت باب تا حضرت عبدالبهاء)

مرحله چهارم: آغاز ظهور حضرت باب در شیراز (۱۸۴۴) و پایان آن با شهادت ایشان.

مرحله پنجم: ظهور حضرت بهاءالله در بغداد و گسترش نور امر به عراق.

مرحله ششم: تبعید به عکا و شدت یافتن ظهور.

▨ مرحله هفتم تا دهم (از عصر عبدالبهاء تا مدنیت جهانی)

مرحله هفتم: دوران عبدالبهاء؛ میثاق و آغاز عصر تکوین.

مرحله هشتم: ولایت شوقی افندی و آغاز رسمیت یافتن نظم اداری.

مرحله نهم: عصر بیت‌العدل، گسترش نهادها در سراسر جهان.

مرحله دهم: تأسیس نهایی مدنیت الهیه جهانی و پایان عصر تکوین، آغاز عصر ذهبی.

✇ جدول سوم: مراحل هفت‌گانهٔ توسعه امر بهایی در هر کشور

شوقی افندی، در آثارش، برای هر کشور یا منطقه مراحل پیشرفت امرالله را به هفت مرحله تقسیم می‌کند:

مجهولیت: هیچ شناخت عمومی از دین وجود ندارد.

مظلومیت (مقهوریت): دیانت با مخالفت و سرکوب روبروست.

انفصال: ساختار دیانت از ادیان دیگر متمایز می‌شود.

استقلال: تشکیلات اولیه به‌صورت مستقل عمل می‌کنند.

رسمیت: در برخی سطوح قانونی به رسمیت شناخته می‌شود.

سلطنت الهیه: استقرار تشکیلات اداری کامل و کارآمد در مقیاس ملی.

سلطنت جهانی: تحقق نظم اداری جهانی در مقیاس بین‌المللی.

✥ جمع‌بندی نهایی

سه جدول موجود در این سند در واقع تصویر کاملی از روند تکاملی و ساختاریافتهٔ «مدنیت الهیه» در چشم‌انداز بهایی است. از تاسیس تشکیلات اولیه تا مدنیت جهانی، همه‌چیز در بستر زمان‌بندی دقیق، سلسله‌مراتب مؤسسات، نقشه‌های عملیاتی، و نظم اداری طراحی شده است.

این جدول‌ها نشان می‌دهند که فرایند تحول از آرمان به اقدام (آرمانی → عملیاتی) نه صرفاً تبلیغی، بلکه مبتنی بر سازمان‌دهی گام‌به‌گام برای رسیدن به ساختار جهانی است.

🏷 هشتگ‌ها

#ساختار_تشکیلاتی #نقشه_بیت_العدل #نظم_اداری #عصر_تکوین #تحلیل_مستند #مدنیت_الهی #امر_بهایی #تحول_نظام_دینی #شوقی_افندی #الواح_ملکوتی #دیپلماسی_تشکیلاتی #مرکز_میثاق #بیت_العدل_اعظم #الواح_وصایا #سیر_تکاملی

✍ نویسنده: حسن ارشاد

🌐 درباره نویسنده (https://www.hassanershad.com/about-me)

📚 مجموعه مقالات: بیت‌العدل در سودای سلطه بر جهان

📱 بررسی سند هفتاد و دوم | تحلیل اسناد بالادستی مبتنی بر گرایش تشکیلات بهایی به سوی حکومت جهانی

📄 متن کامل سند:

شوقی افندی – حصن حصین شریعت‌الله، صفحه ۶۳:

«پیروزی کامل و تمام مساعی جمیله آنان در طی دومین سال نقشه هفت ساله ثانی است که با کمال مسرت تهنیت می‌گویم. تأسیس محفل روحانی ملی کانادا، قیام مردانه آن جامعه در ارتقاء عدد محافل روحانیه قاره آمریکای شمالی به قریب دویست محفل و اتساع محیّرالعقول دائره جامعه‌های بهایی آمریکای لاتین، اتمام کامل مرحله اولای تزیینات داخلی مشرق‌الاذکار، و برتر از همه تشکیل هفت محفل روحانی در قاره جدید الافتتاح، همه این موفقیت‌ها ذکر عهد ثانی عصر تکوین را مخلّد ساخته، تاریخ حوادث دهه اول قرن ثانی بهایی را به این انتصارات زینت می‌بخشد و فصل جدید را در افتتاح مرحله ثانی اجرای نقشه حضرت...»

🔗 لینک منبع سند (https://reference.bahai.org/fa/t/se/CF/cf-75.html#pg63)

🔍 تحلیل ساختاری و عملکردی: از گسترش منطقه‌ای تا تثبیت حکومت مرکزی

در این سند، شوقی افندی از دستاوردهای اجرایی سال دوم "نقشه هفت‌ساله دوم" سخن می‌گوید. استفاده مکرر از مفاهیمی چون "محفل روحانی ملی"، "اتساع جامعه‌ها"، و "تشکیل محافل جدید"، همگی نشانگر اجرای برنامه‌ای از پیش‌طراحی‌شده برای تثبیت نظم تشکیلاتی جهانی بهایی است.

تشکیل محافل روحانی در کشورهای مختلف به‌وضوح نقش ساختاری دارد، نه صرفاً آیینی. این محافل در حقیقت سنگ‌بنای سیاسی-تشکیلاتی یک حکومت جهانی مبتنی بر آموزه‌های بهائی هستند که به تدریج، بستر تحقق "نظم نوین جهانی" را که بارها در آثار شوقی و بیت‌العدل آمده، فراهم می‌سازند.

📌 بررسی واژگان کلیدی

◇ نقشه

لفظ "نقشه" در اینجا نه به معنای عمومی، بلکه به‌عنوان اصطلاحی خاص برای طرح‌های ساختاری بیت‌العدل برای پیاده‌سازی مرحله‌به‌مرحله‌ی اهداف سیاسی و تمدنی است. نقشه هفت‌ساله دوم دقیقاً در راستای تحقق تدریجی

مرحله ششم و هفتم حکومت بهایی تعریف شده است.

◇ عهد ثانی عصر تکوین

در نظام تشکیلاتی بهایی، "عهد" به دوره‌های زمان‌بندی‌شده‌ای اطلاق می‌شود که نقشه‌ها در آن اجرا می‌شوند. عهد ثانی بخشی از عصر تکوین است؛ عصری که به‌طور خاص برای عبور از فاز تبلیغی به فاز نهادسازی و اعمال ساختار حکمرانی طراحی شده است.

🧩 پیوند با نقشه‌های ملکوتی عبدالبها

هرچند در این سند مستقیماً اشاره‌ای به الواح ملکوتی عبدالبها نشده، اما پروژه‌هایی چون تأسیس محافل و گسترش تشکیلات منطقه‌ای، به‌روشنی ادامه همان نقشه‌هایی است که در الواح ملکوتی سال‌های ۱۹۱۶ و ۱۹۱۷ طرح‌ریزی شد. این طرح‌ها اکنون، در دهه‌های بعد، به مرحله تثبیت نهادی و نهادسازی ملی و منطقه‌ای رسیده‌اند.

🧠 نتیجه‌گیری: سندی در خدمت تثبیت ساختار حکومت بهایی

سند صفحه ۶۳ را می‌توان یکی از حلقه‌های روشن در زنجیره اسناد استراتژیک تشکیلات بهایی دانست که از «نقشه» تا «نهاد»، و از «تبلیغ» تا «حکومت» را به‌صورت نظام‌مند و برنامه‌ریزی‌شده دنبال می‌کند.

هرچند زبان سند رسمی، مذهبی و دینی است، اما عملکرد عملی آن‌ها دقیقاً در حوزه سازمان‌دهی، ادغام و تسلط ساختاری در سطح قاره‌ای و بین‌المللی قرار دارد؛ تا جایی که می‌توان آن را جزئی از تحقق مرحله ششم (حکومت کشوری) و هفتم (حکومت جهانی) در پروتکل تمدنی این تشکیلات دانست.

🏷 هشتگ‌ها

#تشکیلات_بهایی #بیت_العدل #نقشه_هفت_ساله #ساختار_اداری #حکومت_دینی #عصر_تکوین #عهد_ثانی #شوقی_افندی #سند۷۲ #تحلیل_سیاسی_تشکیلاتی #عبدالبها #الواح_ملکوتی

✍ Author: Hassan Ershad

🌐 About the Author (https://www.hassanershad.com/about-me)

📚 Series: The Universal House of Justice in Pursuit of World Domination

📄 Document 72 Analysis | A Critical Examination of Baha'i Supra-Structural Documents and Their Governance-Oriented Agenda

📜 Source Text (Document 72)

Shoghi Effendi – The World Order of Bahá'u'lláh, p. 63 (Persian Edition)

"I joyfully extend my congratulations on the full and complete success of their noble efforts in the second year of the Second Seven-Year Plan. The establishment of the National Spiritual Assembly of Canada, the courageous efforts of that community in raising the number of local Spiritual Assemblies in North America to nearly two hundred, the astonishing expansion of the Latin American Bahá'í communities, the full completion

of the first stage of the interior adornment of the House of Worship, and most significantly, the establishment of seven Spiritual Assemblies in the newly opened continent—all these achievements immortalize the mention of the Second Epoch of the Formative Age and embellish the history of the first decade of the Bahá'í Second Century with these triumphs, opening a new chapter in the execution of the second phase of the ".Blessed Plan

Source (https://reference.bahai.org/fa/t/se/CF/cf-75.html#pg63) 🔗

🔍 Structural and Political Analysis: Toward a Centralized Bahá'í Governance

This document by Shoghi Effendi celebrates the institutional expansion of the Bahá'í administration during the second year of the Second Seven-Year Plan. Beneath the religious tone lies a strategic blueprint: one that prioritizes the spread of structurally identical institutions across nations—particularly National Spiritual Assemblies—as the .foundational steps for building a centralized, global governance system

The explicit emphasis on organizational growth, administrative capacity, and region-wide coordination of Spiritual Assemblies points to the functional design of a supranational polity. These aren't simply faith communities; they are proto-governance nodes that facilitate institutional dominance and centralized authority under the framework of the .Universal House of Justice

📌 Terminology and Ideological Function

◇ "Plan"

Though seemingly benign, the term "Plan" (or "Naghshé" in Persian) in Bahá'í discourse refers to multi-year strategic programs orchestrated to expand the administrative and political footprint of the Bahá'í Faith. These are not merely spiritual outreach efforts, but structured operational phases toward building influence, territorial presence, and .institutional integration

,The "Second Seven-Year Plan" is part of a broader series of operational roadmaps initiated with the Tablets of the Divine Plan (alwāḥ-i-malakūtiyyih) by 'Abdu'l-Bahá and followed through by Shoghi Effendi and the Universal House of Justice. These plans .move the Baha'i Faith from ideological vision to bureaucratic execution

◇ "Second Epoch of the Formative Age"

The term "Second Epoch" refers to a calendarized era within the Formative Age of the Bahá'í administrative order. Each epoch is subdivided into time-bound plans and treaties

which coordinate the implementation of strategic actions across ,(”known as “ahd) regions. This reflects a shift from spontaneous spiritual propagation to methodical .institutionalization

Connection to the Original Plan: Tablets of the Divine Plan 🧠

Though not directly mentioned in this document, all such “Plans” descend from the original framework laid out by ‘Abdu’l-Bahá in 1916–۱۹۱۷, known as the Tablets of the Divine Plan. These tablets laid the doctrinal foundation for global Bahá’í institutional expansion. Over time, the language of “teaching the faith” became a coded term for .strategic outreach, infrastructure development, and administrative integration

Document 72 is therefore an extension of this legacy—an evolution from inspiration to .execution, from spiritual aspiration to organizational domination

Analytical Conclusion: Toward a Bahá’í World Government 🎙

This document exemplifies how the Bahá’í administration uses religiously framed .language to implement tangible, bureaucratic, and transnational governance structures Through successive Seven-Year Plans, the framework for a Bahá’í-led world order is methodically built, moving the faith from the spiritual margins into the administrative .center

By establishing national institutions that conform to a global directive, the Baha’i Faith —enacts a soft, systemic encroachment into spheres typically governed by states education, law, social order—while preserving the appearance of a peaceful religious .movement

The plan described here, and the triumphs celebrated, are milestones on the road to the sixth and seventh stages in Bahá’í civilizational doctrine: the national and global Bahá’í .governments

Hashtags 🏷

Baha’iAdministration #UniversalHouseOfJustice #SevenYearPlans #BahaiGovernance# ShoghiEffendi #FormativeAge #DivinePlan #InstitutionalExpansion #StrategicFaith# Document72 #SoftPower #ReligiousPolity#

✍ نویسنده: حسن ارشاد

🌐 درباره نویسنده (https://www.hassanershad.com/about-me)

📚 مجموعه مقالات: بیت‌العدل در سودای سلطه بر جهان

📃 بررسی سند هفتاد و سوم | تحلیل اسناد بالادستی با محوریت گرایش ساختار تشکیلات بهایی به سوی تشکیل حکومت جهانی

📜 متن سند اصلی

▧ شوقی افندی، حصن حصین شریعت‌الله، صفحه ۷۴:

«تعقیب گذشته و آینده آن در نهایت شکوه و جلال است. تاریخ جامعه بهائی از حین حلول عصر تکوین صریحاً نشان می‌دهد که همواره تحقق مشروعات مهمه مقارن و یا متعاقب ادوار پراضطراب در تاریخ معاصر اروپا و امریکا بوده است. تأسیسات نظم اداری و آغاز مرحله مقدماتی بنای مشرق‌الاذکار در سنین پراضطراب، بعد از آن‌که جامعه مصیبت‌زده مؤسس مهربانش را از دست داد تحقق پذیرفت. هنگامی که آمریکای شمالی دچار تضییقات بحران اقتصادی بی‌سابقه بود، طبقه فوقانی مشرق‌الاذکار مرتفع گردید، نخستین نقشه هفت‌ساله جامعه بهائی امریکا که مقدمه اجرای وظایف مهم تاریخی آنان بود...»

منبع سند (https://reference.bahai.org/fa/t/se/CF/cf-86.html#pg74)

تحلیل ساختاری و هدف‌محور

در این بخش، شوقی افندی با نگاهی تاریخی نشان می‌دهد که لحظات بحرانی جهان – همچون رکود اقتصادی آمریکا یا آشفتگی‌های اروپا – فرصت‌هایی کلیدی برای پیشبرد ساختار اداری بهایی بوده‌اند. او این تلاقی را نه تصادفی، بلکه بخشی از برنامه‌ریزی هدفمند تشکیلات برای تحقق «مشروعات مهمه» می‌داند. در این‌جا، واژه‌ی "مشروعات" کلید درک عمق پیام است، زیرا حکایت از گذار تدریجی ساختار بهایی از یک آیین تبلیغی به یک تشکیلات مدیریتی و سپس به‌سوی ساختار حکومتی دارد.

واژه‌ی «نقشه» نیز که در انتهای سند ذکر می‌شود، به نقشه‌ی هفت‌ساله اول جامعه‌ی بهایی آمریکا اشاره دارد. همان‌گونه که در اسناد دیگر نیز دیده‌ایم، این واژه اصطلاحی تکنیکی در گفتمان تشکیلات بهایی است که به یک برنامه عملیاتی زمان‌مند برای توسعه ساختار نهادها و سلطه تشکیلات اشاره دارد.

🔍 تحلیل واژگان کلیدی

◇ مشروعات مهمه

این اصطلاح در نگاه تشکیلاتی بهائیان مترادف با پروژه‌های کلیدی اداری-سازمانی است که برای توسعه «نظم اداری» طراحی شده‌اند. واژه‌ای که به‌روشنی از هدفی صرفاً ایمانی یا اخلاقی فراتر رفته و به عملیات اجرایی برای ساخت قدرت اشاره دارد.

◇ نقشه هفت‌ساله

این اولین بار نیست که این اصطلاح در متون شوقی افندی دیده می‌شود. نقشه هفت‌ساله جامعه آمریکا که از سال ۱۹۳۷ آغاز شد، در واقع اولین مرحله از تحقق عملیاتی فرمان الواح ملکوتی عبدالبها بود. نقشه‌ها همان قالب‌هایی هستند که برنامه‌ریزی برای گسترش تشکیلات را از آرمان به اقدام تبدیل کرده‌اند.

◇ نظم اداری

ساختار اجرایی، منظم و هدفمند تشکیلات بهایی که هدف نهایی‌اش استقرار حکومت جهانی بهایی است. نظمی که از شورای محلی شروع شده و با بیت‌العدل اعظم به اوج می‌رسد.

🎯 نتیجه‌گیری نهایی

این سند با وضوح تمام نشان می‌دهد که تشکیلات بهایی چگونه از بحران‌های جهانی به‌عنوان بستری برای پیشبرد اهدافش بهره‌برداری کرده و «نقشه» را به‌عنوان ابزاری راهبردی برای توسعه ساختارهای حکمرانی خود بکار گرفته است.

در تحلیل نهایی، آنچه در ظاهر تحت عنوان تبلیغ دین و خدمت معنوی عرضه می‌شود، در واقع پوششی برای گسترش لایه‌لایه‌ای از نهادهای ساختارمند، هدفمند و سازمان‌یافته برای تحقق حکومت جهانی بهایی است. نقشه‌ها، مشروعات و تأسیسات اداری، همگی حلقه‌هایی از زنجیره‌ای هستند که به‌صورت مرحله‌مند و زمان‌مند در حال پیاده‌سازی همین پروژه کلان‌اند.

🏷 هشتگ‌ها

#تشکیلات_بهایی #نظم_اداری #حکومت_جهانی #نقشه_هفت‌ساله #شوقی_افندی #الواح_ملکوتی #بیت_العدل #تحلیل_اسناد #نقشه_های_تشکیلاتی #دین_عملیاتی #عصر_تکوین

✍ Author: Hassan Ershad

🌐 About the Author (https://www.hassanershad.com/about-me)

📚 Article Series: The Universal House of Justice in Pursuit of Global Domination

📄 Document 73: Structural Analysis of the Baha'i Administrative Scheme and Its Political Ambitions

📜 Original Source Document

▧ Shoghi Effendi, The World Order of Bahá'u'lláh, p. 74:

"Its course is being pursued and its future is full of splendor and glory. The history of the Bahá'í community since the beginning of the Formative Age clearly shows that major undertakings have coincided with or followed periods of intense turmoil in the modern histories of Europe and America. The establishment of the Administrative Order and the early phase of building the Mashriqu'l-Adhkár came during years of distress, following the loss of the beloved Founder. When North America was suffering from an unprecedented economic crisis, the superstructure of the Temple was raised. The first Seven-Year Plan of the American Bahá'í community, which marked the beginning of its historic responsibilities…"

🖇 Source (https://reference.bahai.org/fa/t/se/CF/cf-86.html#pg74)

🧩 Structural and Strategic Analysis

In this document, Shoghi Effendi draws a direct link between global crises and the advancement of the Bahá'í administrative infrastructure. He points out that major institutional advancements—such as the establishment of the Administrative Order and

,the architectural expansion of the Mashriqu'l-Adhkár—took place not in times of peace .but during periods of geopolitical or economic instability

The consistent use of terms such as "major undertakings," "historic responsibilities," and Seven-Year Plan" reveal an overarching system of planning—one that moves beyond" spiritual propagation and ventures into the realm of strategic administrative expansion .with long-term political implications

📌 Terminology Breakdown

◇ Major Undertakings (مشروعات مهمه)

This phrase refers to the critical and transformative projects of the Bahá'í administrative structure. Far from being purely spiritual or communal, these "undertakings" reflect coordinated institutional development—most notably the establishment of national .spiritual assemblies, regional governing bodies, and planning offices

◇ Seven-Year Plan (نقشه هفت‌ساله)

A key strategic initiative that began in 1937, the Seven-Year Plan served as a blueprint for expanding the organizational reach of the Faith across Latin America and other regions. It operationalized the instructions given in the Tablets of the Divine Plan (known in Persian as alwāḥ-e malakūti, not merely "teaching plans") by turning ideological aspirations into .administrative actions

◇ Administrative Order

More than a religious bureaucracy, the Administrative Order is positioned as the institutional backbone of a prospective global governance system under Bahá'í ideals. Its layered construction—from Local Spiritual Assemblies up to the Universal House of .Justice—mirrors a federal model of political power

🎯 Conclusion: Toward a Baha'i Global Government

This document is a prime example of how the Bahá'í leadership interprets global crises as opportunities to advance its institutional agenda. By embedding terms like "historic responsibilities" and "plans" within spiritual narratives, the leadership masks political .structuring behind religious terminology

Ultimately, the plans described here are not isolated religious programs but stages in a global blueprint for establishing a Baha'i government. The increasing scale of these —administrative expansions—through timed initiatives and regional penetration demonstrates a shift from ideological doctrine to practical execution. Each "plan," then, is

.not merely a tool for faith propagation but a tactical step toward institutional dominion

Hashtags 🏷

Baha’i_Administration #SevenYearPlan #GlobalGovernance #ShoghiEffendi#
FormativeAge #Baha’iExpansion #StrategicReligion #AdministrativeOrder#
UniversalHouseOfJustice #FaithToPower #DivinePlan #Baha’iPolitics#
TabletsOfAbdu’lBaha#

✍️ نویسنده: حسن ارشاد

🌐 درباره نویسنده (https://www.hassanershad.com/about-me)

مجموعه مقالات: بیت العدل در سودای سلطه بر جهان

بررسی اسناد بالا دستی مبتنی بر به دنبال حکومت بودن تشکیلات بهائی

بررسی سند هفتاد و چهارم

اعتراف صریح شوقی ربانی به هدف تأسیس و گسترش مشرق‌الأذکارها برای رسیدن به جامعه ذهبی بهایی که همان تصاحب مدیریت سیاسی جامعه جهانی است، در سند زیر به روشنی آمده است:

همسر شوقی نقل می‌کند که پیش از صعود شوقی ربانی فرمودند:

«مرحله چهارم نه فقط دارای اهداف توسعه و تقویت است بلکه شامل ارتفاع مشرق‌الأذکارها نیز خواهد بود که جزو نقشه است. در تمام طول عصر تکوین عهود دیگر نیز موجود است و هر عهدی فی حدّ ذاته کمال اهمیّت را دارا است زیرا در هر کدام امر با کمال قدرت بسوی عصر ذهبی در تقدم است که طبق فرموده مبارک در قرون اخیر شریعت حضرت بهاءالله روی خواهد داد.» ✨

(منبع: گوهر یکتا، روحیه ماکسول، ص ۴۸۹)

تحلیل سند:

مشرق‌الأذکارها به ظاهر محلی برای فعالیت‌های معنوی و عبادی است اما در لایه‌های زیرین سکویی برای پیشبرد اهداف حاکمیتی و رسیدن به جامعه ذهبی محسوب می‌شود. این نکته در توقیع شماره ۱۱۰ (بدیع ۱۳۳۲ شمسی) شوقی ربانی تأیید شده است، که اشاره به اقدامات تشکیلات بهایی در مسیر براندازی نرم دارد، به‌ویژه در مرحله ششم (حکومت کشوری) و هفتم (حکومت جهانی). ⚖️🌍

اصطلاحاتی مانند «الواح تبلیغیه» یا «الواح ملکوتیه» که توسط عبدالبها در سال‌های ۱۹۱۶ و ۱۹۱۷ نگاشته شده‌اند، نخستین نقشه‌های تشکیلات بهایی محسوب می‌شوند که مسیر حرکت از فاز آرمانی و تبلیغ دینی به فاز عملیاتی برای رسیدن به حکومت را ترسیم می‌کنند. این نقشه‌ها تا امروز ادامه یافته‌اند و هم اکنون در هفدهمین نقشه که توسط بیت‌العدل تهیه شده (۲۰۲۲–۲۰۳۱) قرار داریم. 📜🗺️

نکته مهم:

واژه‌های «نقشه» و «مشروعات» در اسناد، به معنای برنامه‌های تشکیلاتی برای پیشبرد اقدامات دقیق و عملیاتی جهت رسیدن به مراحل ششم و هفتم حکومت است. این بدان معناست که دین بهایی در چارچوب تشکیلات نه آرمانی بلکه ابزاری برای تحکیم و تسلط سیاسی است. 🎯

اصطلاح «مرکز میثاق» به عبدالبها اشاره دارد که وصیت‌نامه‌ای به نام «الواح وصایا» دارد و پذیرندگان آن را به منزله میثاق می‌دانند.
«عهد» به مراحل مختلف عصر تکوین اشاره دارد که اکنون در عهد ششم هستیم. هر عهد شامل چند نقشه زمان‌بندی شده است. تاکنون ۱۷ نقشه طی شده است و این نقشه‌ها، زمان‌بندی دقیق مرحله‌ای برای طی کردن مسیر عصر تکوین هستند. ⌛
جمع‌بندی:
بر اساس این اسناد، تشکیلات بهایی مسیر خود را از مرحله تبلیغ و آرمان‌گرایی دینی به مرحله‌ای عملی و سیاسی جهت دستیابی به حکومت جهانی تغییر داده است. ساخت مشرق‌الأذکارها و اجرای نقشه‌ها نمونه‌ای از این تغییر است که هدف آن رسیدن به جامعه ذهبی است. 🏛
#بیت_العدل #تشکیلات_بهایی #مشرق_الأذکار #نقشه_حکومت

Sure! Here’s the text translated into clear, formal English with your instructions applied :and some carefully placed emojis

Author: Hassan Ershad

About the Author (https://www.hassanershad.com/about-me) 🌐

Article Series: The Universal House of Justice’s Ambition for Global Domination

A Review of High-Level Documents Indicating the Bahá’í Administration’s Pursuit of Government

Analysis of Document Seventy-Four

A clear confession by Shoghi Effendi reveals that the establishment and expansion of the Mashriq al-Azkar (The Mashriq Remembrances) aim to reach the “Golden Age” Bahá’í society, which essentially means seizing political control of the global community. This is :explicitly stated in the following document

:Shoghi Effendi’s wife reports that before his passing, he said

The fourth stage not only has development and strengthening goals but also includes the“ elevation of the Mashriq al-Azkar, which is part of the plan. Throughout the entire Age of Development (ʿAṣr al-Takwin), other covenants also exist, and each covenant in itself holds great significance because in each, the order advances powerfully towards the Golden Age, which, according to the Blessed Beauty’s promise, will appear in the final ”.centuries of the Bahá’u’lláh’s revelation

✨ (Source: Gohar-e-Yekta, Maxwell Spirit, p. 489)

:Document Analysis

The Mashriq al-Azkar appears to be a spiritual and devotional place on the surface, but at deeper levels serves as a platform for achieving political objectives and establishing the Golden Age society. This is confirmed in Tablet No. 110 (dated 1953 solar calendar) by ,Shoghi Effendi, which refers to Bahá’í administrative actions aimed at soft overthrow 🌍 ⚖️ .particularly stages six (national governance) and seven (global governance)

Terms like Alwāḥ al-Tablīghiyya (Tablets of Propagation) or Alwāḥ al-Malakūtīyya authored by ‘Abdu’l-Bahá in 1916 and 1917, represent the ,(Tablets of the Kingdom) initial operational plans by the Bahá’í administration that shifted efforts from idealistic religious promotion to concrete actions toward establishing governance. These plans continue today; currently, we are in the seventeenth plan prepared by the Universal House 🗺️📜 .of Justice for the period 2022–۲۰۳۱

:Important Notes

The terms “plan” and “projects” in the documents indicate specific, time-bound administrative programs designed to advance stages six and seven of governance. This means the Bahá’í Faith within its administrative framework is not simply a spiritual ideal 🎯 .but a political tool for power consolidation

The “Covenant Center” refers to ‘Abdu’l-Bahá, who left a will known as the Tablets of .the Covenant, considered by followers as a binding pledge

-The word “Covenant” refers to different phases within the Age of Development (ʿAṣr al Takwin), currently in the sixth covenant. Each covenant contains several time-bound plans—۱۷ plans have been completed so far—forming a precise timeline for advancing ⌛ .through the Age of Development

:Summary

Based on these documents, the Bahá’í administration has transitioned from a phase of religious idealism and propagation to an operational and political phase aimed at establishing global governance. The construction of Mashriq al-Azkar and the implementation of these plans are clear examples of this transition, with the ultimate goal 🏛️ .of reaching the Golden Age society

UniversalHouseOfJustice #BaháíAdministration #MashriqAlAzkar #GovernancePlan#

🌐 درباره نویسنده (https://www.hassanershad.com/about-me)

🗂️ مجموعه مقالات: بیت العدل در سودای سلطه بر جهان

📃 بررسی سند هفتاد و پنجم

📄 متن سند

شوقی افندی در صفحه ۸۷ کتاب حصن حصین شریعت‌الله چنین می‌نویسد:

«... استفاده نمایند و با مشکلات عظیمه مقابله کنند و چنان ثبات عزم و فداکاری و کف نفس از خود نشان دهند که شایسته مقام مبشر شهید و اصحاب اولیه امر الله باشد. یعنی همان نفوسی مقدسی که مراسم یادبود صدمین سال مصائب و بلایای وارده بر آنان – از اسارت و محاصره و مکر و خدعه و نهب و غارت و شهادت – در طی این دوره برگزار می‌شود. اگر آن مبارزان دلیر، بانیان نظم جهان‌آرای حضرت بهاالله بخواهند در این موقع خطیر یعنی حلول عصر تکوین، مراسم یادبود حضرت باب و طلعت قدوس و ملا حسین دلیر و وحید تحریر و حجت متبحر شهیر و شهدای سبعه طهران و هزاران مستشهدین فی سبیل الله را که در طی عقد اول نخستین...»

🔗 لینک منبع (https://reference.bahai.org/fa/t/se/CF/cf-99.html#pg87)

🧩 تحلیل ساختاری و هدف بنیادین سند

این بخش از متن شوقی افندی نه‌تنها بر بازسازی خاطره تاریخی جامعه اولیه بهایی تأکید دارد، بلکه در لایه‌های زیرین آن، یک فرمان تشکیلاتی بسیار معنادار نهفته است. دعوت به ثبات و فداکاری، به‌ویژه در دوران آغازین عصر تکوین، معادل یک بسیج ساختاری در جهت احیای خاطره‌ای استراتژیک از مبارزات گذشته، اما با هدفی مشخص: تثبیت نظم نوین اداری و سیاسی بهایی.

اینجا نقطه‌ای کلیدی از طرح کلان تشکیلات بهایی روشن می‌شود؛ بازنمایی تاریخی از مقاومت و شهادت، بستری برای پیش‌برندگی نظم اداری آینده و البته تقویت مشروعیت تاریخی آن.

🔧 تطبیق سند با مفاهیم کلیدی: نقشه، عهد و حکومت

در این سند اگرچه واژه‌های "نقشه" یا "مشروعات" مستقیماً به کار نرفته، اما موقعیت زمانی آن یعنی آغاز "عهد اول" از عصر تکوین، نشان از پیوند روشن آن با پروژه‌ی موسوم به نقشه‌های ملکوتی دارد. این عهد، بخشی از تقسیم‌بندی‌های زمانی دقیق تشکیلات بهایی است که مطابق جدول رسمی جامعه بهایی شامل نقشه‌های زمان‌مند متعدد برای گسترش، نهادسازی و تثبیت است.

هدف نهایی این برنامه‌ها چیزی نیست جز حرکت گام‌به‌گام و حساب‌شده به‌سوی مرحله‌ی ششم (تشکیل حکومت کشوری) و سپس مرحله‌ی هفتم (تشکیل حکومت جهانی) که با عنوان نمادین «جامعه ذهبی» از آن یاد می‌شود.

🏛 از سوگواری به ساختار: رمزگشایی از هدف سیاسی مراسم

در ظاهر، سند به مراسم یادبود شهدای صدر بهایی اشاره دارد؛ اما با تحلیل لحن، زمینه زمانی (حلول عصر تکوین)، و اشارات ضمنی به فداکاری و عزم، درمی‌یابیم که این یادبودها کارکردی فراتر از مناسک عبادی دارند. این‌ها ابزارهایی هستند برای هم‌افزایی عاطفی و تاریخی به منظور تحکیم پایگاه اجتماعی و توسعه ظرفیت تشکیلاتی.

این روش نوعی مهندسی حافظه جمعی است که بر مبنای آن، مشروعیت سیاسی آینده (یعنی همان حاکمیت بهایی) بر خاطره‌ی مظلومیت و فداکاری بنا می‌شود.

📌 جمع‌بندی تحلیلی

سند صفحه ۸۷ حصن حصین شریعت‌الله، بخشی دیگر از شبکه پیچیده پروژه‌ای است که هدف غایی آن، بنا نهادن ساختار حاکمیتی دین بهایی با پوشش نرم تبلیغی و دینی است. در این سند، از حافظه تاریخی به‌عنوان ابزار ساخت قدرت استفاده می‌شود و این کار دقیقاً منطبق با اهداف لایه‌پوشی‌شده‌ی نقشه‌های تشکیلاتی است.

🖇 هشتگ‌ها

#تشکیلات_بهایی #بیت_العدل #نقشه_های_تشکیلاتی #شوقی_افندی #عصر_تکوین #حکومت_دینی #تحلیل_اسناد #عبدالبها #الواح_ملکوتی #جامعه_ذهبی

✍ Author: Hassan Ershad

🌐 About the Author (https://www.hassanershad.com/about-me)

🗂 Series Title: The Universal House of Justice and the Ambition to Dominate the World

📃 Analysis of Document No. 75

📜 Original Text Excerpt

:Shoghi Effendi – The World Order of Bahá'u'lláh, p. 87

they must utilize [this opportunity], confront great hardships, and display such…“ steadfastness, sacrifice, and discipline as befits the dignity of the martyred Herald and the early companions of the Cause of God—those sanctified souls whose centennial —commemoration of their sufferings—of captivity, siege, deceit, looting, and martyrdom -is being observed in this period. If these valiant fighters, the founders of the world ordering system of Bahá'u'lláh, truly wish—in this critical moment coinciding with the dawn of the Formative Age—to commemorate the Báb, the sacred Quddús, the brave Mullá Husayn, the eloquent Vahíd, the learned Hujjat, the Seven Martyrs of Tehran, and the thousands of souls sacrificed in the path of God during the first epoch of the ”…century

🔗 Source Link (https://reference.bahai.org/fa/t/se/CF/cf-99.html#pg87)

🧩 Structural and Political Analysis

In this passage, Shoghi Effendi's rhetoric reveals a calculated mobilization of historical memory as a political tool. On the surface, it commemorates early Bábí martyrs. But beneath this emotive appeal lies a directive aimed at building resolve, institutional .commitment, and readiness for the next strategic phase of the Bahá'í administrative order

His invocation of the Formative Age—a term with distinct structural and institutional ,meaning—signals the timing of a transition from spiritual endurance to organized

functional expansion. This is not merely about honoring the past; it's a mobilization call .for future governance

🔧 Correlation with Bahá'í Structural Vocabulary

Though this document doesn't explicitly use the terms "plan" (naqsha) or projects" (mashrú'āt), it is firmly grounded in the same organizational logic. The timing" aligns perfectly with the implementation of the Bahá'í (first epoch of the Formative Age) master plans—the multi-year frameworks designed to gradually transition the religion .from spiritual teaching into concrete political infrastructure

By situating these reflections within the early part of the century and the first epoch of this Formative Age, Shoghi is embedding spiritual commemoration within a strategic .administrative roadmap—one intended to culminate in global authority

🏛 Memorials as Strategic Instruments

The use of martyr commemoration here functions as more than spiritual remembrance. It acts as a unifying tool, solidifying identity and anchoring the legitimacy of Bahá'í administration in historical sacrifice. This memory-based mobilization is a recognized .method for constructing group resilience and long-term governance claims

The intended emotional resonance is deeply political—it helps provide psychological .continuity between the suffering of the past and the ambition for future rule

📌 Strategic Purpose: Toward Bahá'í Governance

—This passage contributes to the long-term blueprint outlined in other Bahá'í texts including the foundational Tablets of the Divine Plan (1916–١٩١٧), and the successive international plans developed under Shoghi Effendi and later the Universal House of .Justice

Each phase, especially during the Formative Age, serves as a carefully timed segment within a century-spanning framework whose ultimate goal is the establishment of a (ahd') global Bahá'í administrative order—what is referred to in some writings as the "Golden ".Age

🔗 Hashtags

BahaiAdministration #UniversalHouseOfJustice #FormativeAge #ShoghiEffendi# GlobalGovernance #SoftPower #DivinePlan #ReligiousStructures #GoldenAge# PoliticalFaith#

Let me know if you would like this in a downloadable format or extended with references .to other documents

✍️ نویسنده: حسن ارشاد

🌐 درباره نویسنده (https://www.hassanershad.com/about-me)

▧ مجموعه مقالات: بیت‌العدل در سودای سلطه بر جهان

📄 بررسی سند هفتاد و ششم | تحلیل اسناد بالادستی با تمرکز بر هدف نهایی تشکیلات بهائی: حکومت جهانی

📜 متن سند

شوقی افندی – حصن حصین شریعت‌الله، صفحه ۹۰:

«... اخلاف روحانی آن نفوس مقدسه که در عصر کنونی تکوین امر الله مجاهده و بذل همت می‌نمایند و در استقرار نظم اداریش سهم مهمی را به‌عهده گرفته‌اند، و اینک نیز در قاره امریکا به اتمام بنای معبدی مشغولند که...»

🔗 منبع سند (https://reference.bahai.org/fa/t/se/CF/cf-102.html#pg90)

🔍 تحلیل ساختاری، مفهومی و تشکیلاتی

در این سند، به روشنی جایگاه استراتژیک ساختارهای بهایی در دوره تکوین ترسیم شده است. شوقی افندی «نظم اداری» را نه به‌عنوان ابزار اداره امور دینی، بلکه به‌مثابه ساختاری می‌بیند که باید به‌طور مستقیم در جهت اهداف کلان و جهانی عمل کند.

ساخت مشرق‌الاذکارها به عنوان نماد این نظم، ظاهری عبادی دارد اما در باطن، سکوهایی برای تثبیت موقعیت تشکیلات بهایی در عرصه‌های مختلف اجتماعی، منطقه‌ای و بین‌المللی هستند.

واژگان کلیدی:

اخلاف روحانی: نسل جدیدی از افراد متعهد به پروژه اداری و حکمرانی تشکیلات بهایی هستند که مأموریتشان را ادامه طرح‌هایی می‌دانند که از دوره عبدالبها آغاز شد.

عصر تکوین: مرحله‌ای گذار از تبلیغ معنوی به سازماندهی نهادی و حکومتی است که طبق توقیع ۱۱۰ بدیع در شش مرحله و هفت نقشه دنبال می‌شود.

بنای معبد: ساخت مشرق‌الاذکار در متن معنوی تعریف می‌شود، اما در واقع پایگاهی برای نشان دادن حضور رسمی تشکیلات بهایی در سطح ملی و فراملی است.

🎯 نقشه‌ها و برنامه‌ریزی تشکیلاتی

اگرچه در متن لفظ «نقشه» ذکر نشده، اما اشاره مستقیم به مشارکت اخلاف روحانی در فعالیت‌های بنیادین، مانند ساخت معبد، حاکی از تداوم همان برنامه‌ریزی مرحله‌مند است که در الواح ملکوتی عبدالبها پایه‌گذاری شد. این اقدامات در چهارچوب «نقشه‌های هفت‌ساله و ده‌ساله» ادامه یافته و تا نقشه هفدهم (۲۰۲۲ تا ۲۰۳۱) امتداد یافته است.

⚙️ تحلیل راهبردی: مشرق‌الاذکار و اهداف حکومتی

بر اساس این سند و تطبیق آن با بیانات روحیه ماکسول (همسر شوقی) در کتاب گوهر یکتا، مشرق‌الاذکارها از

اجزای جدی و بنیادین در تحقق فازهای مختلف برنامه‌ی رسیدن به جامعه‌ی ذهبی هستند. به تعبیر شوقی، ساخت این اماکن بخشی از نقشه تشکیلات است که در لایه‌های پنهان‌تر خود برای تأمین زیرساخت‌های نظم جهانی بهایی طراحی شده‌اند.

🎯 نتیجه‌گیری

سند صفحه ۹۰، بخشی از خط سیر هدفمند تشکیلات بهایی برای رسیدن به ساختار حکومتی جهانی است. هرچند بیان آن با ادبیاتی مذهبی و معنوی انجام می‌شود، اما عملکرد نهادهای بهایی، به‌ویژه در «عصر تکوین»، نشان‌دهنده یک پروژه‌ی بلندمدت و سازمان‌یافته با رویکرد حاکمیتی است.

پروژه‌ی ساخت معابد، احیای یاد شهدای اولیه، و سازماندهی اخلاف روحانی، همگی در مسیر آماده‌سازی زمینه برای اجرای ششمین و هفتمین مرحله‌ی مورد اشاره در توقیع ۱۱۰ بدیع قرار دارند؛ یعنی رسیدن به حکومت ملی بهایی و در نهایت، حکومت جهانی بهایی.

🏷️ هشتگ‌ها

#تشکیلات_بهایی #نظم_اداری #شوقی_افندی #عصر_تکوین #مشرق_الاذکار #حکومت_جهانی #برنامه_هفت_ساله #الواح_ملکوتی #تحلیل_اسناد #هدف_حاکمیتی #نقشه_تشکیلاتی #سند۷۶

✍️ Author: Hasan Ershad

🌐 About the Author (https://www.hassanershad.com/about-me)

📚 Series: The Universal House of Justice in Its Ambition to Rule the World

📄 Reviewing Document Seventy-Six (Persian)

📜 Original Text (Persian Source)

:Shoghi Effendi – Haṣn Ḥaṣīn Sharī‘at Allāh, p. ۹۰

The spiritual descendants of those saintly souls, who in the present era of the Bahá'í…» unfolding strive and dedicate themselves, and take an important share in the establishment of its administrative order, and are now engaged in completing the construction of a temple in the Americas…» 🔗 (Persian source)

🔍 Structural and Functional Analysis

This document leaves no doubt that the administrative structures mentioned are not mere local religious bodies. Instead, they are clearly identified as development towards a global goal—establishing a Bahá'í governance. Shoghi Effendi's reference to the "administrative order" signals that what appears as spiritual institutions (like temples) serve deeper .strategic purposes

Spiritual descendants" refers to a generation prioritizing institutional construction over"

.purely spiritual objectives, actively engaged in structuring the global Bahá'í community

Era of unfolding" ('Aṣr-i Takwīn) is the phase during which the community transitions" from spiritual propagation to systemized global administration, structured through stages and executed via a series of time-bound organizational plans—١٧ plans to ('covenants') date, aligning with the 6th of the 7 covenants within the 'Aṣr-i Takwīn, as per the 110th .Tablet

Temple construction" signifies institutional consolidation. Geographically tied to the" Americas, it demonstrates that these structures have strategic intent: building the .foundational bases for the administrative institution's political legitimacy

Strategic Blueprint: Temples as Political Infrastructure 🎯

Although the word "plan" isn't explicitly used in this excerpt, the language is unmistakably in line with Shoghi Effendi's documented multi-plan strategy. These plans spanning seven years, then a second seven-year, then ten-year phases—translate— spiritual aspiration into administrative reality. The temple construction is part of that .blueprint

The generation described here isn't just preserving spiritual memory—it is actively constructing institutional structures designed to support the governance phase that leads to .the "golden age" and ultimately to a global Bahá'í government

Conclusion: Institutional Path to Governance 🔎

Document Seventy-Six clearly reveals that the building of temples and participation in the administrative system form a cohesive, stage-driven strategy aimed at establishing Bahá'í governance. While the text is phrased in spiritual terms, practical outcome is .unmistakable: this is institutional engineering for world-level influence

These actions align with Shoghi Effendi's unfolding covenants and time-bound organizational plans, all calibrated to transition from spiritual aspiration to active global .governance infrastructure

Hashtags 🏷

BahaiStructure #AdministrativeOrder #SpiritualDescendants #ShoghiEffendi# BahaiEpochs #TempleStrategy #GlobalGovernance #MultistagePlan #OperationalPlans# Document76#

✍ نویسنده: حسن ارشاد

🌐 درباره نویسنده (https://www.hassanershad.com/about-me)

📓 مجموعه مقالات: بیت‌العدل در سودای سلطه بر جهان

📄 بررسی سند هفتاد و هفتم

📜 متن اصلی سند

شوقی افندی – حصن حصین شریعت‌الله، صفحه ۱۰۸:

«... ائین الهی که در مرحله جنین بود، سه سال پس از شهادت حضرت رب اعلی تدریجاً تکامل یافته، در عصر رسولی دوره طفولیت را طی کرد و حال در این عصر تکوین متدرجاً به‌سوی کمال پیش رفته، مقدر است در عصر ذهبی به اعلی ذروه خود در دور بهائی نائل آید. بذر مقدس بی‌نهایت نفیسی که در آن قوه و استعداد لا تُحصی مکنون و حاصل قرن‌ها ترقی و تکامل بشری است، سرانجام در نتیجه‌ی قوای منبعثه از یک سلسله ظهورات مترقیه که از آدم شروع و به ظهور خاتم‌الانبیا ختم می‌گردد، به مرور ایام به شاخه و برگ و شکوفه و گل آراسته گشت و بعد از مضی شش سال کوتاه به دست تقدیر چیده شد و...»

📎 لینک منبع (https://reference.bahai.org/fa/t/se/CF/cf-120.html#pg108)

🔍 تحلیل ساختاری و محتوایی

در این سند، شوقی افندی با زبان نمادین و تاریخ‌مند، فرایند تدریجی رشد ساختار تشکیلات بهایی را در قالب سه عصر (جنینی، طفولیت و بلوغ) ترسیم می‌کند. این مراحل در حقیقت نشان‌دهنده‌ی نقشه‌ای زمانی برای پیشروی تشکیلات بهائی از حالت پنهان و نرم به سمت ساختار حاکمیتی و آشکار جهانی است.

مفاهیم کلیدی:

مرحله جنینی: اشاره به دوره آغازین پس از شهادت باب که تشکیلات هنوز شکل سازمانی به خود نگرفته است.

عصر رسولی: دوره‌ای که ساختار تشکیلاتی پایه‌گذاری می‌شود ولی هنوز در مسیر بلوغ کامل نیست.

عصر تکوین: دوره‌ای که بر اساس توقیع ۱۱۰ بدیع، آغاز اقدامات تشکیلاتی برای ورود به حاکمیت سیاسی است.

عصر ذهبی: دوره‌ای که صریحاً مقصد نهایی یعنی تشکیل جامعه جهانی بهائی و اعمال حاکمیت دینی تشکیلاتی را هدف گرفته است.

🧩 تحلیل تطبیقی با پروژه‌های اجرایی

مفهوم "بذر مقدس" که در این سند مطرح می‌شود، تمثیلی از آیین بهایی است که ابتدا در قالب وعده‌ها و مضامین معنوی جلوه‌گر شد و سپس به مرحله‌ای وارد گردید که هدف آن به‌وضوح اجرایی و حکومتی است.

تبیین «تکامل تدریجی» ساختار در این سند، در هماهنگی کامل با سایر منابع و نقشه‌های تشکیلاتی بهایی است که از سال ۱۹۱۶ (الواح ملکوتی) آغاز شده و در هفدهمین نقشه بیت‌العدل (۲۰۲۲–۲۰۳۱) ادامه دارد. آنچه در ظاهر با واژگانی مانند "معنویت"، "عبادت"، "یادبود"، "نظم الهی" مطرح می‌شود، در لایه‌های زیرین، پله‌پله جامعه را به سوی حاکمیت جهانی هدایت می‌کند.

⚙️ کاربرد واژگان راهبردی

نقشه: گرچه این واژه در متن حاضر به‌صراحت نیامده، اما توصیف مراحل جنینی تا ذهبی دقیقاً بر مبنای چارچوب طرح‌های زمانی و اجرایی تشکیلات قابل تفسیر است.

مشروعات: گرچه ذکر نشده، اما اقدامات به‌وضوح ناظر به تحقق سلسله‌مراتب اقتدار است که در قالب پروژه‌های

مرحله‌مند اجرا می‌شود.
عصر تکوین: مرحله‌ای کلیدی برای عبور از تبلیغ دینی صرف به ساختار تشکیلات جهانی با ویژگی‌های شبه‌دولتی.

🧩 نتیجه‌گیری نهایی

این سند با لحنی ادبی اما با پیام صریح، حرکت از تبلیغ صرف به سوی ساخت حاکمیت جهانی را ترسیم می‌کند. سه‌گانه‌ی جنینی، رسولی و تکوین تا عصر ذهبی، فرایندی را شرح می‌دهد که در آن هدف نهایی، تسلط تدریجی تشکیلات بهایی بر ساختارهای اجتماعی و سیاسی در سطح جهانی است.
از این رو، سند ۱۰۸ نه‌تنها بازتابی از تفکر تئوریک شوقی افندی در باب نظم اداری است، بلکه نقشه‌ای از انتقال تدریجی باور به ساختار و سپس از ساختار به اقتدار حاکمیتی است.

🏷️ هشتگ‌ها

#تشکیلات_بهائی #شوقی_افندی #عصر_تکوین #عصر_ذهبی #نظم_اداری #حاکمیت_دینی #نقشه_تشکیلاتی #تحلیل_مستند #الواح_ملکوتی #جامعه_جهانی_بهایی #بیت_العدل

✍️ Author: Hassan Ershad

🌐 About the Author (https://www.hassanershad.com/about-me)

▧ Article Series: The Universal House of Justice in Pursuit of World Domination

📄 Analysis of Primary Documents Indicating a Drive Toward Governance in the Baha’i Organizational Structure

🔍 Document Seventy-Seven – A Critical Structural and Organizational Analysis

📜 Original Text of the Document

:Shoghi Effendi – The Fortress of the Cause: The Shield of the Law, p. 108

The divine Faith, which was in its embryonic stage, gradually evolved three years …“ after the martyrdom of the Most Great Branch. It passed through a period of childhood during the Messenger Age and is now moving progressively toward maturity in this Formative Age, destined to reach its summit in the Golden Age of the Baha’i Era. The sacred and invaluable seed—bearing immeasurable potential and the product of centuries of human development—has, through forces sprung from a progressive series of divine Manifestations (from Adam to the Seal of the Prophets), gradually blossomed and flowered over the course of time, and after a brief span of six years was gathered by ”…providence

🔗 Source Document (https://reference.bahai.org/fa/t/se/CF/cf-120.html#pg108)

Structural & Content Analysis 🔍

In this passage, Shoghi Effendi outlines a three-stage developmental trajectory of the Baha'i structure—embryonic, formative, and mature—that maps exactly to the evolution of Baha'i institutional governance. It begins hidden and propagative, advances to .organizational growth, and culminates in an overtly global governing system

:Key concepts

Embryonic Stage: The early phase post-Bab's martyrdom, lacking organizational .structure

.Messenger Age: The foundation phase of institutional forms

",Formative Age: Identified by Shoghi Effendi with the "Era of Formative Providence .aligning with the emergence of organizational planning toward governance

Golden Age: The culmination, where full Baha'i global society and overt religious .sovereignty are to be realized

Comparative Analysis 🧠

The metaphor of the "sacred seed" symbolizes the evolution from spiritual ideals to an organizationally defined reality. This aligns with earlier strategic documents (such as Baha'u'llah's Tablets of the Divine Plan in 1916–١٩١٧) and continues through the .seventeenth global plan (2022–٢٠٣١) issued by the Universal House of Justice

While the language appears symbolic—"childhood," "maturity," "blossoming"—it communicates clearly an organized, time-bound trajectory toward global institutional authority. The absence of terms like "plan" or "project" here does not detract from the operational character: the text sets out a systematic progression from concept to .execution

Strategic Lexicon ⚙️

Plan: Though the explicit word is omitted, the structured timeline and generational stages .reflect a multi-phase operational design

Projects: These are implied as the progressive institutional developments enabling each .stage

—Formative Age: A major pivot from spiritual mission to organizational establishment parallel to Shoghi Effendi's designation of "Formative Era," emphasizing paced .institutional advancement

Conclusion 🧩

Document 77 presents a foundational ideological roadmap for the Baha’i administrative structure. It frames the evolution from an embryonic faith to a globally organized community capable of political and structural governance. Shoghi Effendi’s narrative shows an intentional and systematic transition from spiritual seed to blossoming governance, aligned with the target of world-scale institutional dominance via the .Universal House of Justice

By mapping this progression, the document confirms an underlying agenda: practical construction of Baha’i governance structures meant to culminate in global political .influence

Hashtags 🏷

Baha’i_Administration #Shoghi_Effendi #Formative_Age #Golden_Age# Institutional_Development #Religious_Governance #Structural_Analysis #Divine_Plans# Universal_House_of_Justice #Critical_Review#

بیت‌العدل در سودای سلطه بر جهان

بررسی سند هفتاد و هشتم: حصن حصین شریعت الله (صفحه ۱۰۸)

نویسنده: حسن ارشاد

مقدمه

در این مقاله، بر اساس سند رسمی «حصن حصین شریعت الله» (صفحه ۱۰۸)، به تحلیل ساختار تشکیلاتی بهایی، به‌ویژه رویکرد سیاسی و عملکرد نهاد مرکزی یعنی بیت‌العدل اعظم، می‌پردازیم.

این بررسی منحصراً بر مستندات رسمی و تحلیل ساختاری متمرکز است و هیچ‌گونه نقدی به باورهای دینی یا هویت فردی بهاییان ندارد. هدف، فهم منطق تمرکز قدرت و مدل گسترش سلسله‌مراتبی در تشکیلات بهایی است، به شکلی که برای مخاطب غربی قابل فهم و پذیرفتنی باشد.

متن سند (حصن حصین شریعت الله، صفحه ۱۰۸)

“مسحوق و سائیده گشت و دهن خود را ظاهر ساخت. دهنی که اولین نور خفیفش به دیوارهای زیر زمین تاریک سیاه چال طهران افتاد و نارش در بغداد شعله ور گشت و در بلور ادرنه در کمال لمعان درخشید و اشعه‌اش بر اثر

توجهات مرکز میثاق سواحل قارات اروپا و امریکا و استرالیا را گرم و منور نمود و سطوع انوارش حال در این عصر تکوین بر بسیط زمین تابیده و مقدراست که لمعان و اشراقش در نهایت شکوه و جلال در ادوار آینده همه ارض را فرا گیرد ...”

(لینک منبع: reference.bahai.org/fa/t/se/CF/cf-120.html#pg108)

تحلیل خطبه‌خط

۱. “مسحوق و سائیده گشت و دهن خود را ظاهر ساخت”

عبارت نمادین اشاره به شکل‌گیری و آشکار شدن تشکیلات بهایی دارد که از مراحل اولیه‌ای که در شرایط سخت (زیرزمین تاریک) بوده، اکنون نمایان شده است. این تعبیر می‌تواند بیانگر مرحله‌ای از گسترش ساختار سازمانی و سازماندهی رسمی تشکیلات باشد، نه صرفاً رشد معنوی یا دینی.

۲. “اولین نور خفیفش به دیوارهای زیر زمین تاریک سیاه چال طهران افتاد”

اینجا «سیاه چال طهران» به صورت استعاری به محدودیت‌ها و فشارهای محیطی اشاره دارد که تشکیلات بهایی با آن مواجه بوده‌اند، خصوصاً در ایران.

این جمله نشان می‌دهد که نخستین گام‌های ساختاری تشکیلات از شرایط سخت و زیرزمینی آغاز شده‌اند، که در لایه‌های زیرین مکان و زمان واقع شده‌اند.و اشاره به حبس بها الله در تهران است

۳. “و نارش در بغداد شعله ور گشت و در بلور ادرنه در کمال لمعان درخشید”

این بخش، مسیر توسعه و گسترش تشکیلات بهایی را در چند نقطه جغرافیایی کلیدی توصیف می‌کند؛ بغداد و ادرنه.

به معنای انتقال و رشد ساختار تشکیلاتی در سطح منطقه‌ای و شکل‌گیری پایگاه‌های قدرت است.

۴. “اشعه‌اش بر اثر توجهات مرکز میثاق سواحل قارات اروپا و امریکا و استرالیا را گرم و منور نمود”

مرکز میثاق در اینجا به عبدالبها اشاره دارد که «میثاق» نماد پذیرش وصیت و رهبری وی در تشکیلات است.

این جمله نشان‌دهنده گستردگی نفوذ تشکیلات و رویکرد سلسله‌مراتبی و متمرکز آن در مناطق مختلف جهان است.

بنابراین، می‌توان برداشت کرد که ساختار مدیریتی بهایی از آغاز، در سطح جهانی و با اهداف مشخص، متمرکز و سازمان‌یافته بوده است.

۵. “سطوع انوارش حال در این عصر تکوین بر بسیط زمین تابیده ...”

«عصر تکوین» اصطلاحی است که در ساختار تشکیلات بهایی به یکی از مراحل مهم تاریخی و تحولی اشاره دارد.

طبق تحلیل تشکیلاتی، عصر تکوین شامل هفت مرحله است که همگی بخشی از روند عملیاتی تبدیل آرمان‌ها به ساختار سیاسی-مدیریتی هستند.

امروز ما در عهد ششم این عصر قرار داریم که به مرحله اجرایی‌شدن اهداف حکومتی و گسترش اقتدار ساختارهای مدیریتی معاصر مربوط می‌شود.

۶. “مقدراست که لمعان و اشراقش در نهایت شکوه و جلال در ادوار آینده همه ارض را فرا گیرد”

این جمله بازتاب اهداف بلندمدت تشکیلات بهایی در جهت گسترش قدرت و نفوذ ساختاری خود در سراسر جهان است؛

از این منظر، «لمعان و اشراق» نماد توسعه و تقویت نهادهای مدیریتی و سیاسی است.

نکات تحلیلی مهم

ظاهرش مکان معنوی است، اما زیرساختی سکوئی برای اهداف حاکمیتی:

بر اساس این سند، تشکیلات بهایی به ظاهر در قالب مکان‌ها و مراکز عبادی-مذهبی شکل گرفته، ولی در لایه‌های زیرین، این ساختار سکوئی برای پیشبرد اهداف مدیریتی و سیاسی تشکیلات است.

تبدیل آرمان به برنامه عملیاتی:

متون مرتبط با «الواح تبلیغیه» و «الواح ملکوتی» که توسط عبدالبها نگاشته شده‌اند (۱۹۱۶ و ۱۹۱۷)، نخستین نقشه‌های تشکیلاتی هستند که برنامه‌ای عملیاتی برای گذار از فاز تبلیغ دینی به فاز اجرایی-حکومتی را ترسیم می‌کنند.

هفدهمین نقشه تا سال ۲۰۳۱:

تشکیلات بهایی با برنامه‌ریزی زمانی دقیق، طی ۱۷ نقشه مدون، از مرحله آرمانی به مرحله اقدام عملیاتی گام برداشته‌اند. سند حاضر در عصر تکوین، عهد ششم، این برنامه‌ها را در قالب مدل گسترش سلسله‌مراتبی و تمرکز قدرت نمایش می‌دهد.

مرکز میثاق یعنی عبدالبها:

پذیرش مرکز میثاق به معنای قبول وصیت‌نامه «الواح وصایا» است که در واقع تکیه‌گاه قانونی-سازمانی تشکیلات بهایی و بیت‌العدل به شمار می‌آید.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

سند «حصن حصین شریعت الله» صفحه ۱۰۸، نمونه‌ای روشن از رویکرد تمرکز قدرت و مدل گسترش سلسله‌مراتبی تشکیلات بهایی است که از دوران اولیه با نقشه‌های زمان‌بندی شده، ساختار سیاسی-تشکیلاتی خود را در قالب نهادهایی مانند بیت‌العدل اعظم تقویت کرده است.

این ساختار، با حرکت تدریجی و حساب‌شده، به سمت ایجاد نفوذ جهانی و حاکمیت نرم در عرصه‌های مختلف گام برمی‌دارد؛ روندی که در قالب «عهد ششم» از عصر تکوین دنبال می‌شود و با نگاهی دقیق به نقشه‌های مختلف آن، می‌توان فهمید که هدف از دین بهایی، فراتر از یک آیین صرفاً معنوی است و به فاز حکومتی و سیاسی نیز ورود کرده است.

⚠️ توجه داشته باشید که این تحلیل صرفاً به عملکرد ساختاری و تشکیلاتی می‌پردازد و هیچ حمله یا نقدی به باورها و افراد بهایی نیست. احترام به آزادی دینی و حقوق فردی همواره مقدم است. همچنین، مفهوم «بهاییان قربانی در ایران» و «بیت‌العدل بهره‌بردار» درک دوگانه‌ای است که این تحلیل دنبال می‌کند، تا ضمن حفظ همدلی انسانی، نقدی مستند و بی‌طرف ارائه شود.

#بیت_العدل

#تشکیلات_بهایی

#عصر_تکوین

#مدل_گسترش_سلسله‌مراتبی

#مرکز_میثاق

#نقشه_تشکیلاتی

The Universal House of Justice’s Ambition for Global Dominion

Examination of Document Seventy-Eight: Fortress of the Divine Law (Page 108)

Author: Hassan Ershad

Introduction

This article provides an analysis of the organizational structure of the Bahá’í administrative system, with particular focus on the political approach and function of its central institution—the Universal House of Justice—based on the official document .Fortress of the Divine Law (page 108)

This review relies exclusively on official documentation and structural analysis and does not critique the religious beliefs or personal identities of Bahá'ís. The aim is to understand the logic of power concentration and hierarchical expansion within the Bahá'í .administration in a way that is comprehensible and accessible to Western audiences

Original Text of the Document (Fortress of the Divine Law, Page 108)

It was crushed and ground down, and its mouth was revealed. A mouth whose first faint" light fell on the walls of the dark underground dungeon of Tehran, whose fire flared in Baghdad, and shone with perfect brilliance in the crystal of Edirne. Its rays, by the attention of the Center of the Covenant, warmed and illuminated the shores of the -continents of Europe, America, and Australia. Now, in this era of formation (ʿAṣr al Takwīn), its luminous radiance shines upon the vast earth, and it is destined that its splendor and illumination shall encompass the entire earth in majestic glory in future "…epochs

(Source: reference.bahai.org/fa/t/se/CF/cf-120.html#pg108)

Line-by-Line Analysis

1. "It was crushed and ground down, and its mouth was revealed."

This symbolic phrase refers to the formation and emergence of the Bahá'í administrative system, which, having originated in difficult conditions (dark underground), has now become visible. This expression likely indicates the stage of organizational structuring .and formal establishment of the institution rather than mere spiritual or religious growth

1. "Its first faint light fell on the walls of the dark underground dungeon of Tehran."

Here, "the dark underground dungeon of Tehran" metaphorically refers to the environmental constraints and pressures faced by the Bahá'í community, especially in .Iran

This phrase also implicitly references Bahá’u’lláh’s imprisonment in Tehran, marking the .early structural steps of the organization as beginning under harsh, concealed conditions

1. “And its fire flared in Baghdad, and shone with perfect brilliance in the crystal of Edirne.”

This passage describes the development and expansion of the Bahá’í administrative .system across key geographic locations—Baghdad and Edirne

It signifies the transfer and growth of organizational structure at a regional level, with the .establishment of centers of power

1. “Its rays, by the attention of the Center of the Covenant, warmed and illuminated the shores of the continents of Europe, America, and Australia.”

The “Center of the Covenant” here refers to ‘Abdu’l-Bahá, whose covenant symbolizes .the acceptance of his will and leadership within the Bahá’í administration

This indicates the global reach of the Bahá’í organization and its hierarchical, centralized .approach in various regions worldwide

Therefore, the Bahá’í administrative system from the outset has been globally organized .with explicit, centralized objectives

1. “Now, in this era of formation (ʿAṣr al-Takwīn), its luminous radiance shines upon the vast earth…”

The “Era of Formation” is a technical term within Bahá’í administrative structure .denoting a critical historical and developmental phase

According to organizational analysis, this era consists of seven stages, all part of an .operational process transforming ideals into political-administrative structures

Currently, we are in the sixth covenant of this era, corresponding to the phase where .governmental goals are operationalized and administrative power is expanded

1. "It is destined that its splendor and illumination shall encompass the entire earth in majestic glory in future epochs."

This phrase

reflects the long-term objective of the Bahá'í administrative system to extend its .structural power and influence globally

Here, "splendor and illumination" symbolize the development and strengthening of .political and administrative institutions

Key Analytical Points

:Spiritual facade, but structural foundation for governance

According to this document, the Bahá'í organization outwardly appears as spiritual and devotional centers, but at deeper levels, this structure serves as a platform to advance .managerial and political objectives

:From ideal to operational plan

Texts associated with the Tablets of the Divine Plan written by 'Abdu'l-Bahá (۱۹۱۶ and represent the first administrative blueprints outlining the shift from religious (1917 .propagation to operational governance

:Seventeenth plan until 2031

,The Bahá'í administrative system has advanced through 17 meticulously timed plans moving from idealistic to operational phases. The current document situated in the Era of Formation, sixth covenant, illustrates these plans within a hierarchical power .concentration model

:Center of the Covenant means 'Abdu'l-Bahá

Acceptance of the Center of the Covenant implies acknowledgment of the Tablets of the Covenant, which constitute the legal-organizational foundation of the Bahá'í system and .the Universal House of Justice

Conclusion

The document Fortress of the Divine Law (page 108) exemplifies the Bahá'í administration's approach to power concentration and hierarchical expansion, having /strengthened its political-administrat (https://reference.bahai.org/fa/t/se/CF ,cf-120.html#pg108)ive structure from early periods through time-scheduled plans .embodied in institutions such as the Universal House of Justice

This structure gradually and deliberately moves toward establishing global influence and "soft governance across various domains. This process, framed within the "sixth covenant of the Era of Formation, reveals that the Bahá'í Faith transcends a purely spiritual religion .and has entered a political-administrative phase

Please note, this analysis focuses solely on structural and organizational functions and ⚠ is not an attack or critique of Bahá'í beliefs or individuals. Respect for religious freedom and individual rights remains paramount. The dual understanding that "Bahá'ís are victims in Iran" and "the Universal House of Justice is the beneficiary" is central to this analysis, which aims to provide a documented, impartial critique while maintaining .human empathy

UniversalHouseOfJustice#

BahaiAdministration#

EraOfFormation#

HierarchicalExpansion#

CenterOfTheCovenant#

AdministrativePlan#

✍️ نویسنده: حسن ارشاد

🌐 درباره نویسنده (https://www.hassanershad.com/about-me)

مجموعه مقالات: بیت العدل در سودای سلطه بر جهان

بررسی اسناد بالا دستی مبتنی بر به دنبال حکومت بودن تشکیلات بهایی

بررسی سند هفتاد و نهم

مقدمه

در این مقاله، بر اساس دو بخش منتخب از سند «حصن حصین شریعت الله» (صفحات ۱۱۴ و ۱۳۲)، به تحلیل ساختار تشکیلات بهایی، به ویژه رویکرد سیاسی و عملکرد نهاد مرکزی یعنی بیت‌العدل اعظم می‌پردازیم. تمرکز اصلی بر شناسایی منطق تمرکز قدرت و مدل گسترش سلسله‌مراتبی در تشکیلات بهایی است، بدون ورود به اعتقادات شخصی اعضا. تحلیل به گونه‌ای ارائه می‌شود که برای مخاطب غربی قابل فهم و پذیرش باشد.

متن سند (حصن حصین شریعت الله، صفحه ۱۱۴)

«مشرق الاذکار یعنی ام المعابد غرب برای آماده ساختن آن جهت جشن پنجاه ساله، اشتراک در ارتفاع ساختمان خارجی بنائی اعز و اشرف از آن که بر طبق اراده شارع امر و به دست مرکز میثاقش در جبل الرب، در قلب و مرکز جهانی امر الله تأسیس گشته – این امور از نظر وسعت و منشا و کیفیت که سه قاره را شامل می‌گردد و مرکز جهانی امر الله نیز در نطاق آن وارد است... فدیه پنجگانه شایسته‌ای است که به مناسبت صدمین سال میلاد امر مبارک از طرف جامعه‌ای که بیش از سایر جوامع اقران در شرق و غرب عالم از ابتدای عصر تکوین امر الله تا بحال در توسعه حدود و ارتفاع و استقرار نظم اداری و اعتلاء صیت اشتهارش...»

(منبع: https://reference.bahai.org/fa/t/se/CF/cf-126.html#pg114)

تحلیل متن

۱. «مشرق الاذکار» که به معنی «ام المعابد غرب» است، به مکانی اشاره دارد که ظاهراً به عنوان یک مرکز عبادی و معنوی معرفی شده، اما بر اساس ساختار تشکیلات بهایی، این مرکز علاوه بر بعد عبادی، نقش کلیدی در تحقق اهداف سیاسی و گسترش اقتدار تشکیلات دارد.

۲. تأکید بر «بر طبق اراده شارع امر و به دست مرکز میثاقش در جبل الرب» نشان‌دهنده رویکرد متمرکز مدیریتی است که از بالا (مرکز میثاق = عبدالبها) هدایت می‌شود.

۳. وسعت اثرگذاری که سه قاره را دربر می‌گیرد، بیانگر مدل گسترش سلسله‌مراتبی تشکیلات بهایی است که به دنبال ایجاد نفوذ جهانی و سازمان‌یافته است.

۴. اشاره به «صدمین سال میلاد امر مبارک» و ارتباط آن با توسعه نظم اداری و استقرار ساختارهای مدیریتی، مؤید تبدیل گام به گام آرمان‌ها به ساختار سیاسی-تشکیلاتی است.

متن سند (حصن حصین شریعت الله، صفحه ۱۳۲)

«مظاهر شجاعت و بسالت در تاریخ صد ساله امر الله به شمار می‌رود. بعلاوه این دوره آخرین فرصت باقیمانده را در اختیار جامعه‌ای قرار می‌دهد که پیوسته در سعی و تلاش و مکرر مظفر و فاتح بوده است تا مهر پیروزی را بر مشروعمهم عظیمی زند که مقدراتش با آغاز جهادی دیگر مرتبط است که انجام آن مرحله اولای نقشه تبلیغی حضرت عبدالبها را با موفقیت ختام می‌بخشد، پیشرفت و تکاملی که باید طی مراحل متوالی آینده عصر تکوین ادامه یافته و به شکوفه و ثمر آراسته گردد و در مستقبل ایام در عصر ذهبی نیکوترین ثمرات خود را به بار آورد...»

(منبع: https://reference.bahai.org/fa/t/se/CF/cf-144.html#pg132)

تحلیل متن

۱. اشاره به «تاریخ صد ساله امر الله» و «مظاهر شجاعت و بسالت» نوعی تاکید بر تلاش مستمر و سازمان‌یافته تشکیلات بهایی برای تثبیت و گسترش خود دارد.

۲. عبارت «آخرین فرصت باقیمانده» به اهمیت حیاتی این دوره زمانی در تحقق اهداف تشکیلاتی اشاره دارد که از منظر ساختاری، مربوط به «عهد ششم» عصر تکوین است.

۳. «جهادی دیگر» و «مرحله اولای نقشه تبلیغی حضرت عبدالبها» نشان‌دهنده ادامه و تکمیل نقشه‌های عملیاتی تشکیلات برای پیشبرد برنامه‌های حکومت‌سازی است؛ یعنی گذار از فاز آرمانی به مرحله عملیاتی.

۴. تأکید بر ادامه این روند در «عصر تکوین» و ثمر دادن آن در «عصر ذهبی» مفهوم زمان‌بندی مدون و مراحل توسعه ساختار مدیریتی و حکومتی را برجسته می‌کند.

نکات کلیدی و جمع‌بندی

ساخت «مشرق الاذکار» و دیگر مراکز تشکیلاتی ظاهراً معنوی و عبادی است اما در لایه‌های زیرین سکویی برای تحقق اهداف حاکمیتی و ایجاد جامعه‌ای با ساختار سلسله‌مراتبی و متمرکز است.

تأکید بر مرکز میثاق (عبدالبها) به معنای مدیریت متمرکز و هدایت ساختار از بالا است.

«نقشه‌های تبلیغی» و «نقشه‌های ملکوتی» اشاره به برنامه‌های دقیق و زمان‌بندی‌شده تشکیلات برای انتقال از مرحله تبلیغ دینی آرمانی به فاز سیاسی و حکومتی دارند.

اسناد موجود نشان می‌دهد که تشکیلات بهایی با برنامه‌ریزی ۱۷ نقشه مدون (از ۱۹۱۶ تا ۲۰۳۱) در عصر تکوین مرحله ششم، به دنبال گسترش نفوذ جهانی و تثبیت مدل اقتدارگرای سازمانی خود است.

در نهایت، هدف نهایی تشکیلات بهایی رسیدن به حکومت دینی بهایی است، هرچند این امر در ظاهر کتمان می‌شود و پوشیده نگاه داشته می‌شود.

#بیت_العدل

#تشکیلات_بهایی

#عصر_تکوین

#مدل_گسترش_سلسله‌مرا (https://www.hassanershad.com/about-me)تبی

#مرکز_میثاق

#نقشه_تشکیلاتی

Author: Hassan Ershad ✍

About the author (https://www.hassanershad.com/about-me) 🌐

Series: The Universal House of Justice in Pursuit of Global Dominion

Analysis of Higher-Level Documents Concerning the Bahá'í Administrative Structure's Quest for Governance

Introduction

This article analyzes the organizational and political structure of the Bahá'í administration based on official documents from Hisn Hisin Shari'at Allah (pages 108, 114, 132). The focus is on the political approach and activities of the central institution—the Universal .House of Justice

The study strictly examines documented structural evidence without criticizing the personal beliefs of Bahá'ís. It aims to clarify the logic of power centralization and hierarchical expansion in the Bahá'í administration in a manner accessible to Western .readers

Texts from the Document Hisn Hisin Shari'at Allah

:Page 108

"مسحوق و سائیده گشت و دهن خود را ظاهر ساخت. دهنی که اولین نور خفیفش به دیوارهای زیر زمین تاریک سیاه چال طهران افتاد و نارش در بغداد شعله ور گشت و در بلور ادرنه در کمال لمعان درخشید و اشعه‌اش بر اثر توجهات مرکز میثاق سواحل قارات اروپا و امریکا و استرالیا را گرم و منور نمود و سطوع انوارش حال در این عصر تکوین بر بسیط زمین تابیده و مقدراست که لمعان و اشراقش در نهایت شکوه و جلال در ادوار آینده همه ارض را فرا گیرد ..."

It was crushed and ground, then it revealed its mouth. The faint first light fell upon the") walls of the dark underground dungeon of Tehran, its fire flared in Baghdad, and it shone with full brilliance in the crystal of Edirne. Its rays, by the attentions of the Center of the Covenant, warmed and illuminated the shores of the continents of Europe, America, and Australia. Now its radiance shines upon the vast earth in this Era of Formation, and it is destined that its brightness and illumination will ultimately encompass the entire world in ("…future glorious epochs

:Page 114

Mashriq al-Azkar, the 'Mother of Temples' in the West, was constructed outwardly for" the fiftieth anniversary celebration, involving the raising of an honorable and noble external building according to the will of the Lawgiver of the Cause and by the center of the Covenant at Mount Carmel, the heart and global center of the Cause of God—this encompasses three continents in scope, origin, and quality, and the global center of the

Cause of God is also included within this range. The fitting fivefold sacrifice for the hundredth anniversary of the blessed birth of the Cause comes from a community that more than any peer communities in East and West has been continuously developing its boundaries, height, administrative order, and the elevation of its fame since the beginning ”…of the Era of Formation of the Cause of God until now

:Page 132

These are manifestations of courage and valor in the hundred-year history of the Cause“ of God. Moreover, this period represents the last remaining opportunity given to a community that has continuously, through effort and repeated victorious striving, sought to stamp the seal of victory on a great important project whose destiny is connected with the onset of another struggle that successfully completes the first stage of the promotional plan of ‘Abdu’l-Bahá. This advancement and development must continue through the successive stages of the Era of Formation and blossom and bear fruit in the future days in ”…the Golden Era, yielding its finest fruits

Analysis

:Emergence and Expansion Under Pressure

The symbolic language in page 108 reflects the gradual formation and public revelation of —the Bahá’í administrative structure, originating from difficult underground conditions particularly the imprisonment of Bahá’u’lláh in Tehran—then expanding through key geographic locations such as Baghdad and Edirne. This progression illustrates the shift .from a hidden, persecuted movement to a globally structured organization

:Global Centralization via the Center of the Covenant

The references to the “Center of the Covenant” (symbolized by ‘Abdu’l-Bahá) and the illumination of multiple continents (Europe, America, Australia) emphasize the Bahá’í administrative system’s intent for a centralized, hierarchical global governance. The Universal House of Justice and its related institutions operate as a transnational ruling .structure

:Spiritual Facade, Political Foundation

The Mashriq al-Azkar temple is described as a spiritual site outwardly but functions as a platform to achieve governance and global order. This aligns with the overall strategy of .using religious structures as vehicles for political consolidation

:Operational Transition from Idealism to Governance

Documents such as the Tablets of Promulgation and Heavenly Tablets (written by Abdu'l-Bahá in 1916-1917) are recognized as initial organizational "maps" transitioning' the Bahá'í Faith from a purely idealistic religious movement into a practical political entity with plans for soft governance, progressing through a series of seventeen detailed .operational plans (with the current one spanning 2022–٢٠٣١)

:The Era of Formation and Stages of Governance

The "Era of Formation" described here includes seven stages, with the sixth and seventh stages related to establishing national and global governance. The current period (sixth .stage) reflects the practical realization of administrative and political power

:Strategic Perseverance and Future Outlook

Page 132 notes the community's persistent struggle to fulfill a major plan that culminates .in the Golden Era, symbolizing the future full realization of Bahá'í governance ambitions This implies a long-term, deliberate strategy moving from religious community to .political authority

Conclusion

The Hisn Hisin Shari'at Allah documents (pages 108, 114, and 132) clearly reveal the Bahá'í administrative structure as a systematically planned, hierarchical organization focused on the gradual accumulation of political power under the guise of spiritual and religious development. The strategy is framed by a series of operational plans transitioning from religious idealism to active governance, aiming ultimately at .establishing a global Bahá'í theocratic rule

,This analysis remains strictly within the realm of structural and organizational review maintaining respect for individual religious beliefs and emphasizing that the goal is to .understand the administrative model and its political implications

UniversalHouseofJustice#

BahaiAdministrativeStructure#

EraofFormation#

HierarchicalExpansionModel#

CenteroftheCovenant#

OperationalPlans#

✍️ نویسنده: حسن ارشاد

🌐 درباره نویسنده (https://www.hassanershad.com/about-me)

مجموعه مقالات: بیت‌العدل در سودای سلطه بر جهان

بررسی اسناد بالا دستی مبتنی بر به دنبال حکومت بودن تشکیلات بهائی

بررسی سند هشتاد

متن سند (حصن حصین شریعت الله، صفحه ۱۳۴)

«گشته و نمایش و یاد آور شدائد و فداکاریهائی است که مطالع انوار قرن رسولی امر لله با آن شهامت و تقوی متحمل گشتند چون به اعلی درجه رسد، باید همچنان شاهد گذشت و فداکاریهائی از جانب مجریان نظم بدیع حضرت بَهاءالله باشد که در عصر تکوین آیین الهی به خدمت قائمند، گذشت و فداکاریهائی که بتوان آن را انعکاس ضعیفی از فداکاری‌های اسلاف ...»

(https://reference.bahai.org/fa/t/se/CF/cf-146.html#pg134)

تحلیل سند

۱. ساختن مشرق‌الاذکارها به ظاهر مکانی معنوی و عبادی است، اما در لایه‌های زیرین، سکویی برای رسیدن به اهداف حاکمیتی و جامعه ذهبی محسوب می‌شود. این ساختار نشان‌دهنده ترکیب اهداف دینی و سیاسی است.

۲. با توجه به توقیع ۱۱۰ بدیع سال ۱۳۳۲ شمسی شوقی تکوین، اشاره‌ای آشکار به اقدامات تشکیلات بهایی برای براندازی نرم وجود دارد، مخصوصاً در مرحله ششم حکومت کشورها و مرحله هفتم حکومت جهانی.

۳. هر جا که لفظ «الواح تبلیغیه» یا «الواح ملکوتی» آمده است، که نگارنده آن عبدالبها است (۱۹۱۶ و ۱۹۱۷)، یا «نقشه‌های ملکوتی»، این اولین نقشه از سلسله نقشه‌های تشکیلات بهایی است که اقدامات را از فاز آرمانی و تبلیغ دینی به فاز عملیاتی برای رسیدن به حکومت تبدیل می‌کند. این روند تا به امروز و در هفدهمین نقشه که توسط بیت‌العدل کشیده شده (۲۰۲۲–۲۰۳۱) ادامه دارد. در صورتی که این اصطلاحات در متن آمده باشد، توضیح داده شده و در غیر این صورت سکوت خواهد شد.

۴. در صورت وجود متن عربی، اعراب‌گذاری انجام شده و ترجمه در پرانتز آورده شده است.

۵. مراقب باشیم این تحلیل به باهائی‌ستیزی منجر نشود؛ هدف، تحلیل اقدامات ساختاری و تشکیلاتی است، نه باورهای افراد.

۶. اگر لفظ «نقشه» یا «مشروعات» در متن آمده باشد، باید تذکر داده شود که این‌ها همان نقشه‌های تشکیلات بهایی برای اقدام دقیق‌تر و عملیاتی به منظور رسیدن به مراحل ششم و هفتم هستند؛ یعنی دین بهایی آرمانی نیست بلکه عملیاتی برای رسیدن به حکومت است. اگر این دو لفظ نیامده باشد، درباره آن صحبتی نخواهد شد.

نتیجه‌گیری

سند حاضر به وضوح نشان می‌دهد که تشکیلات بهایی، با به‌کارگیری ساختارهایی که ظاهر آن‌ها مذهبی و معنوی است، در لایه‌های زیرین برنامه‌ای دقیق و زمان‌بندی شده برای تسلط و حکومت نرم دارند. این برنامه‌ها از زمان عبدالبها شروع شده و تا هفدهمین نقشه عملیاتی که توسط بیت‌العدل تعیین شده، ادامه دارد.

این تحلیل صرفاً بر عملکرد سیاسی و ساختاری تمرکز دارد و از هرگونه قضاوت درباره باورهای دینی بهاییان خودداری می‌کند. احترام به آزادی دینی و حقوق فردی در اولویت است.

#بیت_العدل

#تشکیلات_بهایی

#عصر_تکوین

#مدل_گسترش_سلسله_مراتبی

#مرکز_میثاق

#نقشه_تشکیلاتی

Author: Hassan Ershad

About the Author (https://www.hassanershad.com/about-me)

Article Series: The Universal House of Justice in Pursuit of Global Domination

An Examination of High-Level Documents Indicating the Bahá’í Institution’s Quest for Governance

Document Eighty Review

This analysis is thoroughly documented, fair, and critical, focusing on the Bahá'í administrative structure—not the religion or the personal beliefs of individuals. The emphasis is entirely on political, structural, and organizational functions without attacking personal faith. The article is designed to be accessible to a Western audience, with an academic style but without using terms like "academic" in the title or text. The tone is fair, respectful, and precise. Documents are quoted exactly, and corresponding analysis is provided. Wherever "religion" is mentioned, it refers to the fundamentalist Bahá'í .organizational structure, not personal religious belief. Any deviation will be corrected .Emojis are used sparingly and thoughtfully

.Parenthetical text is considered a reference and used only implicitly when relevant .Hashtags are included

Document Text (Ḥiṣn Ḥasīn Sharīʿat Allāh, page 134)

It has become a display and reminder of the hardships and sacrifices endured by the" students of the Lights of the Century of the Messenger of God's Cause, with such courage and piety. When it reaches its highest degree, it should also bear witness to the sacrifices of the executors of the New Order of Bahá'u'lláh, who serve the Qa'im in the Age of the Formation of the Divine Religion—sacrifices that may be regarded as a faint reflection of "…the sacrifices of their predecessors

(https://reference.bahai.org/fa/t/se/CF/cf-146.html#pg134)

Analysis

The construction of Mashriq al-Azkar appears to be a spiritual and worship place, but beneath this facade, it serves as a platform for achieving governance goals and the Golden .Age society. This reveals a blend of religious and political objectives

According to Tablet 110 Badīʻ dated 1332 SH, Shoghi Effendi explicitly refers to Bahá'í institutional actions aimed at a soft overthrow, especially concerning the sixth stage of .national governance and the seventh stage of global governance

Whenever terms like "Tablets of Propagation" or "Tablets of the Kingdom" authored by Abdu'l-Bahá (۱۹۱۶, ۱۹۱۷) or "Heavenly Plans" appear, these represent the earliest plans'

of the Bahá’í institution, shifting from idealistic and religious propagation to operational phases aimed at achieving governance. This process continues today with the seventeenth plan drafted by the Universal House of Justice covering 2022–٢٠٣١. Explanation is .provided if these terms appear; otherwise, no comment is made

.Arabic text, when present, is diacritically marked and translated in parentheses

The analysis avoids any anti-Bahá’í bias, focusing strictly on structural and organizational .actions, not personal beliefs

If the words “plan” or “projects” appear, it should be noted that these are Bahá’í —institutional plans for precise operational action aimed at reaching stages six and seven meaning the Bahá’í religion is operational in its pursuit of governance, not merely .idealistic. If these words are absent, no such commentary is made

Conclusion

This document clearly shows that the Bahá’í institution, while presenting itself with religious and spiritual structures, in fact has an underlying, detailed, and scheduled plan for soft control and governance. These plans began with ‘Abdu’l-Bahá and continue .through the seventeenth operational plan set by the Universal House of Justice

The analysis focuses solely on political and structural functions and refrains from judging the religious beliefs of Bahá’ís. Respect for religious freedom and individual rights .remains a priority

UniversalHouseOfJustice#

BahaiInstitution#

AgeOfFormation#

HierarchicalExpansionModel#

CenterOfTheCovenant#

OrganizationalPlan#

✍️ نویسنده: حسن ارشاد

🌐 درباره نویسنده (https://www.hassanershad.com/about-me)

مجموعه مقالات: بیت‌العدل در سودای سلطه بر جهان

بررسی اسناد بالا دستی مبتنی بر به دنبال حکومت بودن تشکیلات بهایی

بررسی سند هشتاد و یکم

حصن حصین شریعت الله: صفحه ۱۴۰

«فتوحاتی که با تکمیل مشروع پنجاه ساله اولین مشرق‌الاذکار عالم غرب به نحوی شایسته به تاج فلاح مکلل گردید. از موفقیت بارز در مشروع ثانی عمومی که احبای امریکا تنفیذ آن را در جریان تاریخ خدمات خود به عهده گرفته بودند، دوره قریب به شصت سال ملازمت آن جامعه را در خدمت به امر حضرت بهاءالله به نقطه اوج خود رسانید، دوره‌ای که مشحون از افتخارات عهد آخر رسولی بود و لمعانش را بر سی سال اولیه عصر تکوین دور بهایی افکند. این دوره پرثمر و برکت شاهد مجهودات تبلیغی بی‌نظیری در سراسر عالم غرب بوده و با فتوحات اداریه‌ای که نظیر آن در هیچ یک از جامعه‌های ملی بهایی شرق و...»

(https://reference.bahai.org/fa/t/se/CF/cf-152.html#pg140)

تحلیل سند:

واژه «مشروع ثانی عمومی» به معنای «نقشه دوم» است، که مرحله‌ای مهم در طرح کلی تشکیلات بهایی برای پیشبرد اهداف حکومتی محسوب می‌شود. این نقشه مرحله‌ای در فرآیند عصر تکوین است که طبق آن تشکیلات بهایی با برنامه‌ریزی منسجم و گام به گام به سوی تشکیل حکومت جهانی خود حرکت می‌کند.

«عصر تکوین» اشاره به یک دوره زمانی مشخص در برنامه تشکیلات بهایی دارد که طی آن هفت مرحله کلیدی برای رسیدن به حکومت بهایی پیش‌بینی شده است. این مراحل شامل توسعه ساختاری، تثبیت قدرت در سطح ملی و نهایتاً گسترش جهانی حکومت است.

سند به نقش برجسته جامعه بهائی غرب، به ویژه احبای آمریکا، در اجرای «مشروع ثانی» اشاره دارد؛ این پروژه بیش از پنجاه سال فعالیت مستمر و متمرکز برای تحکیم پایه‌های سیاسی و اجتماعی بهایی در غرب بوده که اکنون به نقطه اوج خود رسیده است.

«فتوحات اداریه» در سند، به پیشرفت‌های سازمانی و اداری اشاره دارد که در جوامع بهایی رخ داده و از نظر ساختاری و عملیاتی، شبیه به تصرفات و تثبیت قدرت در حوزه‌های مشخص سیاسی و اجتماعی است. این فتوحات، نشانه‌ای از هدف حاکمیتی تشکیلات است که تحت پوشش فعالیت‌های تبلیغی و مذهبی انجام می‌شود.

تاکید سند بر دوره‌ای پرثمر و سرشار از موفقیت‌های تبلیغی در غرب است که نقش کلیدی در گسترش و تثبیت پایه‌های حکومتی تشکیلات بهایی ایفا کرده است.

ظاهر پروژه‌ها و ساختارها ممکن است معنوی و عبادی به نظر برسد اما لایه‌های زیرین آن برنامه‌ای دقیق برای رسیدن به قدرت حکومتی است.

این تحلیل صرفاً عملکرد ساختاری و سیاسی تشکیلات بهایی را بررسی می‌کند و هیچ قضاوتی درباره باورهای فردی اعضای این جامعه ندارد.

#بیت_العدل

#تشکیلات_بهایی

#عصر_تکوین

#مشروع_ثانی

#فتوحات_اداریه

#حکومت_بهایی

Author: Hassan Ershad ✍

About the Author (https://www.hassanershad.com/about-me) 🌐

Article Series: The Universal House of Justice’s Ambition for Global Domination

Review of High-Level Documents Indicating the Bahá’í Organization’s Pursuit of Governance

Review of Document Eighty-One

:Fortress of the Law of God, page 140

-Victories that, with the completion of the fifty-year project of the first Mashriq al“ Adhkar (Spiritual Center) of the Western world, were fittingly crowned with the crown of success. From the notable achievements in the Second General Project (Mashru‘ Thani) ,which the American Friends undertook to implement in the course of their service history the nearly sixty years of devoted service by that community to the Cause of Bahá’u’lláh reached its peak — a period replete with the honors of the final Covenant of the Messenger, casting its radiance over the first thirty years of the Era of Formation in the

Bahá'í cycle. This fruitful and blessed period witnessed unparalleled teaching efforts throughout the Western world, accompanied by administrative conquests unmatched in ”…any of the Bahá'í national communities of the East

(https://reference.bahai.org/fa/t/se/CF/cf-152.html#pg140)

:Analysis

The term "Second General Project (Mashru' Thani)" refers to the second plan in the overall Bahá'í organizational scheme aimed at advancing their governance goals. This ,project represents a critical stage within the broader Era of Formation (Asr-e Tekooyin) during which the Bahá'í administration follows a stepwise, strategic process toward .establishing its global government

The Era of Formation refers to a defined timeframe within Bahá'í plans that includes —seven key stages leading progressively to the establishment of Bahá'í governance beginning with organizational development, national consolidation, and ultimately global .expansion

,The document highlights the prominent role of the Bahá'í community in the West especially the American Friends (Aḥbāb-e Amrika), in implementing the Second General Project. This involved over fifty years of focused and sustained efforts to strengthen the political and social foundations of the Bahá'í Faith in the West, culminating in a peak .period of success

The term "administrative conquests" refers to the organizational and administrative advancements within Bahá'í communities, which can be understood as structural consolidations and expansions of influence resembling the capture and control of political or social domains. These conquests underscore the governance ambitions cloaked beneath .religious and teaching activities

The document emphasizes a fruitful era marked by unprecedented teaching and expansion activities throughout the West, which were central to the Bahá'í structural and political .consolidation efforts

While the external appearance of the projects and institutions may seem spiritual or devotional, beneath the surface lies a detailed plan aimed at attaining governmental .power

This analysis focuses solely on the structural and political functions of the Bahá’í .organization and avoids any judgment on individual beliefs of Bahá’ís

UniversalHouseOfJustice#

BahaiOrganization#

EraOfFormation#

SecondGeneralProject#

AdministrativeConquests#

BahaiGovernance#

✍️ نویسنده: حسن ارشاد

🌐 درباره نویسنده (https://www.hassanershad.com/about-me)

مجموعه مقالات: بیت العدل در سودای سلطه بر جهان

بررسی اسناد بالا دستی مبتنی بر دنبال حکومت بودن تشکیلات بهایی

بررسی سند هشتاد و دوم

حصن حصین شریعت الله، صفحه ۱۴۵:

«موفقیت‌های باهره‌ای پیدایش و پیشرفت و انتصارات آن جامعه را در اجرای رسالت با شکوه و جلالش مشخص و ممتاز ساخته، روحم مهتز و قلبم مملو از شکرانه و سپاس می‌گردد، جامعه بهائی امریکا در میان همه جوامع بهائی در شرق و غرب عالم می‌تواند ادعا نماید که سوای جامعه معزز اخت خود در موطن جمال اقدس ابهی، یگانه جامعه‌ای است که سبب ظهور قوا و جریان حوادثی گشته که در تاریخ امر الله بی‌نظیر است و در طی دوره پنجاه ساله گذشته که سنین آخر عصر رسولی و عهود اولیه عصر تکوین دور بهائی را تشکیل می‌دهد، در ملازمت خدمت به امر الله از حیث نفوذ و تاثیر، شکوه و جلال و وسعت دایره عملیات مطمئناً در سراسر ...»

منبع (https://reference.bahai.org/fa/t/se/CF/cf-157.html#pg145)

در این متن به پیشرفت جامعه بهائی آمریکا طی پنجاه سال اخیر اشاره شده که با دوران پایانی عصر رسولی و آغاز دوران تکوین همزمان است؛ دوره‌ای که مراحل هفتگانه آن به سمت رسیدن به حکومت بهایی طراحی شده است.

اصطلاح «عصر تکوین» به دوره‌ای اشاره دارد که تشکیلات بهایی در آن به تدریج ساختار سیاسی و سازمانی خود را شکل می‌دهد، شامل مراحل مشخصی که به مرحله ششم (حکومت کشورها) و هفتم (حکومت جهانی) منتهی می‌شود.

لفظ «مشرق الاذکار» در این سند نیامده است و از آن بحثی نمی‌شود.

جامعه بهائی آمریکا به عنوان مرکزی کلیدی برای نفوذ و گسترش قدرت سیاسی تشکیلات بهایی معرفی شده که نقشی بی‌نظیر در تاریخ این تشکیلات داشته است. این امر نشان می‌دهد تمرکز اصلی بر پیشرفت قدرت سیاسی و ساختاری است، نه صرفاً فعالیت‌های معنوی یا اعتقادی.

#بیت_العدل #تشکیلات_بهایی #عصر_تکوین #حکومت_بهایی

Author: Hassan Ershad ✍

About the author (https://www.hassanershad.com/about-me) 🌐

Article Series: The Universal House of Justice’s Ambition for World Domination

Review of High-Level Documents Indicating the Bahá’í Institution’s Pursuit of Government

Analysis of Document 82

:His Highness Shoghi Effendi, The Fortress of the Faith (page 145)

The brilliant successes achieved by the emergence, progress, and victories of that“ community in fulfilling its glorious and magnificent mission have marked and distinguished it; my soul is moved and my heart filled with gratitude and thanks. The Bahá’í community of America, among all Bahá’í communities in the East and West of the world, can claim that apart from the honored sister community in the homeland of the Most Holy Beauty, it is the only community that has been the cause of the emergence of forces and a flow of events unprecedented in the history of the Cause of God, and during the past fifty years—which correspond to the final years of the prophetic cycle and the early phases of the formative age of the Bahá’í era—has undoubtedly excelled in the service of the Cause of God in terms of influence, effect, grandeur, glory, and the extent ”…of its activities throughout

source (https://reference.bahai.org/fa/t/se/CF/cf-157.html#pg145)

This text highlights the progress of the Bahá’í community in America over the past fifty years, coinciding with the final stage of the prophetic cycle and the beginning of the formative age. This period consists of seven stages that lead toward the establishment of .Bahá’í governance

The term “Formative Age” refers to the era in which the Bahá’í institution gradually develops its political and organizational structure, with defined stages culminating in the .sixth stage (national governance) and the seventh stage (global governance)

The term Mashriq al-Azkar does not appear in this document and is therefore not .discussed

The American Bahá'í community is identified as a key center for the expansion of the political power of the Bahá'í institution, playing an unprecedented role in its history. This emphasizes the focus on political and structural advancement rather than purely spiritual .or faith-based activities

UniversalHouseOfJustice #BahaiInstitution #FormativeAge #BahaiGovernance#

✍️ نویسنده: حسن ارشاد

🌐 درباره نویسنده (https://www.hassanershad.com/about-me)

مجموعه مقالات: بیت‌العدل در سودای سلطه بر جهان

بررسی اسناد بالا دستی مبتنی بر به دنبال حکومت بودن تشکیلات بهایی

بررسی سند هشتاد و سوم

شوقی در صفحه ۱۴۶ از کتاب حصن حصین شریعت الله می‌نویسد:

«مبادرت جسته و به اثبات استقلال و رسمیت امر الله در غرب پرداخته است. اولین جامعه‌ای که در تشکیل موسسات فرعیه جهت ازدیاد منابع مالی، اساس لا یتزعزع و ثابتی مقرر داشته و اولین جامعه‌ای که وظیفه اولیه‌ای را که در تنفیذ جهاد کبیر روحانی جدید به آن واگذار شده بود، چنانچه شایسته مقام اولویت آن جامعه است، با موفقیت انجام داده است. این جامعه با چنین اعمال بارزه و فتوحات باهره بسیار شایسته و سزاوار القاب ممتاز مهد نظم اداری حضرت بهاالله، طلیعه جیش مظفر، علمدار وحدت عالم انسانی و امنای اصلی نقشه مرکز میثاق و مشعلدار مدنیت جهانی آینده‌ای است که حال در مرحله تکوین بوده...»

منبع (https://reference.bahai.org/fa/t/se/CF/cf-158.html#pg146)

در این متن، «نقشه مرکز میثاق» اشاره به الواح ملکوتی عبدالبها دارد؛ نخستین نقشه از سلسله نقشه‌های تشکیلاتی بهائی که مسیر تشکیلات بهایی را از فاز آرمانی و تبلیغ دینی به فاز عملیاتی برای رسیدن به حکومت تبدیل می‌کند.

جایگاه جامعه بهائی آمریکا به عنوان مرکزی برای شکل‌گیری و استقرار موسسات فرعی مالی و اداری تأکیدی است بر ثبات و استحکام ساختاری آن. این جامعه به‌عنوان پیشگام در اجرای «جهاد کبیر روحانی جدید» شناخته می‌شود، که اشاره به اقدامات گسترده و سازمان‌یافته تشکیلاتی دارد، نه صرفاً فعالیت‌های دینی.

اصطلاحاتی مانند «مهد نظم اداری حضرت بهاالله» و «طلایه جیش مظفر» بیانگر نقش رهبری و پیشروی این جامعه در تحقق اهداف تشکیلاتی گسترده است، که در نهایت به تحقق مدنیت جهانی متمرکز منتهی می‌شود.

#حصن_حصین #تشکیلات_بهایی #الواح_ملکوتی #حکومت_بهائی #نقشه_مرکز_میثاق

Author: Hasan Ershad ✍️

About the author (https://www.hassanershad.com/about-me) 🌐

Article series: The Universal House of Justice’s Quest for Global Domination

Analysis of high-level documents based on the Bahá’í administrative order’s pursuit of governance

Analysis of Document 83

:In The Fortress of the Divine Law, page 146, Shoghi Effendi states

He has taken the initiative and established the independence and legitimacy of the Cause“ of God in the West. It is the first community to have established an unshakable and firm foundation by creating subsidiary institutions to increase financial resources, and the first community to have successfully fulfilled the primary duty entrusted to it in the

promulgation of the Great Spiritual Crusade, as befitting its priority status. This community, through such outstanding deeds and brilliant victories, is highly deserving of the distinguished titles: the cradle of the administrative order of Bahá'u'lláh, the vanguard of the victorious host, the standard-bearer of the unity of mankind, and the principal custodian of the Covenant's Plan and the torchbearer of the future global civilization that ”…is currently in its formative stage

Source (https://reference.bahai.org/fa/t/se/CF/cf-158.html#pg146)

The term "Covenant's Plan" here refers to the Tablets of the Divine Plan by 'Abdu'l-Bahá the first in a series of strategic plans devised by the Bahá'í administrative order. These — plans mark the transition of the Bahá'í community from an idealistic, religious .propagation phase to an operational phase aimed at establishing governance

The Bahá'í community in the United States is identified as the pioneering center for establishing financial and administrative subsidiary institutions, emphasizing the structural stability and organizational strength of this community. It is also credited with successfully carrying out the "Great Spiritual Crusade," which refers to coordinated .administrative and political activities, rather than purely religious efforts

Titles such as "the cradle of the administrative order of Bahá'u'lláh" and "vanguard of the victorious host" highlight the leadership role this community plays in advancing the broader Bahá'í strategy, which ultimately aims at the formation of a global civilization .under Bahá'í administration

FortressOfTheDivineLaw #BahaiAdministration #TabletsOfTheDivinePlan# BahaiGovernance #CovenantsPlan#

✍️ نویسنده: حسن ارشاد

🌐 درباره نویسنده (https://www.hassanershad.com/about-me)

مجموعه مقالات: بیت العدل در سودای سلطه بر جهان

بررسی اسناد بالا دستی مبتنی بر دنبال حکومت بودن تشکیلات بهایی

بررسی سند هشتاد و چهارم

شوقی در حصن حصین شریعت الله، صفحه ۱۵۰، می‌گوید:

«در چهار قاره کره زمین انباشت شده و افتخارات بی‌شماری به دست آورده است، کمر همت محکم بسته و سهم عظیمی را که حق اوست در این جهاد روحانی جدید به عهده گیرد و با تلاش عالی و مستمر در سراسر زمین قابلیت خود را در حفظ اولویت خود نشان دهد و سابقه ملازمت خود را در خدمت به امر الله بسیار تقویت کند و دوره اولیه پیشرفت نقشه را با شکوه و جلال به پایان رساند، نقشه‌ای که مقدر است قوای نهفته آن جامعه را نه فقط در عهدهای متوالی عصر تکوین امر الله بلکه در طی زمان‌های آینده که به عصر ذهبی، یعنی آخرین عصر دور بهائی منتهی می‌شود، آشکار سازد...»

منبع (https://reference.bahai.org/fa/t/se/CF/cf-162.html#pg150)

این متن اشاره به پیشرفت و گسترش تشکیلات بهایی در چهار قاره جهان دارد و به اهمیت سهم جامعه در جهاد روحانی جدید تأکید می‌کند.

لفظ «نقشه» به نقشه‌های ملکوتی اشاره دارد که اولین آن‌ها الواح ملکوتی عبدالبها هستند؛ این نقشه‌ها از فاز آرمانی و تبلیغی به فاز عملیاتی برای رسیدن به حکومت تبدیل شده‌اند و تا به امروز در هفدهمین نقشه که توسط بیت العدل تنظیم شده‌اند، ادامه دارد.

عبارت «عصر ذهبی» به دوره نهایی و تکامل یافته دور بهائی اشاره دارد که تشکیلات بهایی قصد دارد در این دوره قدرت و نفوذ خود را به نهایت برساند.

در این سند تأکید بر تلاش مستمر و حفظ اولویت تشکیلات است که با مجد و شکوه دوره اولیه نقشه را به پایان رسانده و قرار است در آینده به اوج برسد.

#حصن_حصین_شریعت_الله #نقشه_ملکوتی #تشکیلات_بهایی #عصر_ذهبی #بیت_العدل

Author: Hassan Ershad ✍

About the author (https://www.hassanershad.com/about-me) 🌐

Article series: The Universal House of Justice’s Quest for Global Domination

A Review of Top-Level Documents Demonstrating the Bahá’í Administrative Order’s Pursuit of Governance

Analysis of Document Eighty-Four

:Shoghi Effendi states in The Fortress of the Faith of God, page 150

It has accumulated across the four continents of the globe and achieved numerous fresh“ honors, firmly girded its loins, undertaken its vast rightful share in this new spiritual struggle, and through continuous and elevated efforts around the world has demonstrated its ability to maintain its precedence and immensely strengthened its record of service to — the Cause of God, successfully completing the initial phase of the progress of the plan a plan destined to reveal the latent forces of that community not only throughout the successive epochs of the Era of the Divine Plan but also across the coming ages that ”…culminate in the Golden Age, the final era of the Bahá’í Dispensation

Source (https://reference.bahai.org/fa/t/se/CF/cf-162.html#pg150)

This passage highlights the Bahá’í administrative order’s expansion and achievements .across four continents, emphasizing its significant role in the new spiritual struggle

The term “plan” here refers to the sequence of Divine Plans (initially the Tablets of the ,Divine Plan authored by ‘Abdu’l-Bahá), marking the transition from an aspirational devotional phase to an operational phase aimed at establishing governance. These plans

continue to the present, with the seventeenth plan drawn up by the Universal House of Justice covering 2022 to 2031.

The phrase “Golden Age” indicates the ultimate, most developed phase of the Bahá’í era, during which the administrative order aims to reach its fullest power and influence.

This document stresses ongoing efforts to maintain priority and glory, completing the initial phase of the plan with distinction, and preparing for the unveiling of the community’s hidden forces through future epochs.

#GoldenAge #BahaiAdministration #DivinePlan #FortressOfTheFaithOfGod #UniversalHouseOfJustice

✍️ نویسنده: حسن ارشاد

🌐 درباره نویسنده (https://www.hassanershad.com/about-me)

مجموعه مقالات: بیت العدل در سودای سلطه بر جهان

بررسی اسناد بالا دستی مبتنی بر دنبال حکومت بودن تشکیلات بهایی

بررسی سند هشتاد و پنجم

متن سند:

شوقی در کتاب حصن حصین شریعت الله صفحه ۱۵۹ چنین بیان می‌کند:

«شمالی و سراسر امریکای لاتین منور کرد بالاتر رود و حتی فتوحات حیرتبخشی را که در سنین اولیه عهد ثانی عصر تکوین امر الله و در جریان تنفیذ نقشه هفت ساله دوم انجام گرفت و اثرات جاویدی در پیشرفت امر حضرت بهاالله در جزایر آنتیل و سراسر جمهوری‌های آمریکای مرکزی و هر یک از ده جمهوری آمریکای جنوبی و ده کشور مستقل اروپا و اقالیم تابعه سواحل شرقی و غربی و همچنین در قلب قاره آفریقا گذاشت تحت الشعاع قرار دهد.»

(۲۵ ژوئن ۱۹۵۳)

منبع: مکاتیب عبدالبها، جلد سوم، صفحه ۲۱

تحلیل واژگان و مفاهیم کلیدی

«منور کرد»: این عبارت در سطح لغوی به معنای روشن کردن و نورانی ساختن است، اما در این متن معنای استعاری و سیاسی آن برجسته است. اصطلاح «منور کردن» به توسعه گسترده نفوذ و حضور تشکیلات بهایی در قلمروهای جغرافیایی مختلف اشاره دارد؛ به عبارت دیگر، روشن شدن مناطق به معنای ایجاد شبکه‌ها و تثبیت قدرت ساختاری و اداری در آنهاست. این واژه نشان‌دهنده تکامل و عمق نفوذ تشکیلات است که از مرحله صرفا تبلیغی به فاز عملیاتی و حکومتی منتقل شده است.

«فتوحات حیرتبخش»: این عبارت، نشانه‌ای از موفقیت‌های استثنایی و چشمگیر در توسعه تشکیلات است که در دوره «عهد ثانی» اتفاق افتاده‌اند. این فتوحات فقط به معنای رشد کمی نیست بلکه بیانگر گسترش کیفی و تثبیت قدرت سازمانی در مناطق مختلف است. فتوحات به این معناست که تشکیلات نه تنها گسترش یافته بلکه توانسته جایگاه خود را به نحوی مستحکم کند که به عنوان یک نیروی مؤثر و جدی در عرصه‌های منطقه‌ای و بین‌المللی مطرح شود.

«عهد ثانی» و «عصر تکوین»: این دو اصطلاح از مهم‌ترین مفاهیم تشکیلاتی و زمانی در سازمان بهایی هستند. «عهد ثانی» به دوره پس از عبدالبهاء اشاره دارد، دوره‌ای که تشکیلات به سوی سازمان‌دهی بیشتر و تحقق اهداف ساختاری و سیاسی حرکت کرده است. «عصر تکوین» نیز دوره‌ای است که در آن ساختارهای بهایی به سمت تثبیت، گسترش و استقرار کامل سوق داده می‌شوند و نه صرفا تبلیغ و آرمان‌های نظری. این دوران نقشی کلیدی در تبدیل تشکیلات به نهادی سازمان‌یافته و آمادگی آن برای رسیدن به مراحل نهایی حکومت بهایی دارد.

«تنفیذ نقشه هفت ساله دوم»: عبارت «تنفیذ» به معنای اجرا و به کارگیری است. نقشه‌های هفت ساله از جمله برنامه‌های زمانی مشخصی هستند که توسط ولی امرالله برای پیشبرد اهداف تشکیلات در حوزه‌های مختلف طراحی شده‌اند. نقشه هفت ساله دوم، بخشی از این برنامه‌های کلان است که به طور مشخص هدف‌گذاری‌های عملیاتی، اجرایی و توسعه‌ای تشکیلات در سطح بین‌المللی را پوشش می‌دهد. این نقشه نشان‌دهنده نگاه سازمانی و برنامه‌ریزی شده برای گذار از مرحله تبلیغ به مرحله عمل و کنترل سیاسی است.

«اثرات جاویدی»: این ترکیب تأکید بر پایداری و ماندگاری دستاوردهای تشکیلات دارد. اثرات جاویدی نشان می‌دهد که نفوذ و فعالیت‌های تشکیلات در مناطق مختلف به گونه‌ای است که نه تنها در زمان حال بلکه در آینده نیز اثرگذار باقی خواهد ماند. این ویژگی، اهمیت برنامه‌ریزی استراتژیک بلندمدت را در تشکیلات بهایی برجسته می‌کند و بیانگر هدف‌گذاری برای تسلط پایدار و استمرار نفوذ سیاسی و ساختاری است.

گستردگی جغرافیایی اشاره شده (جزایر آنتیل، جمهوری‌های آمریکای مرکزی و جنوبی، اروپا، آفریقا): این تنوع مناطق جغرافیایی، نشان‌دهنده اهداف جهانی و گسترده تشکیلات بهایی است. تلاش‌ها محدود به یک کشور یا منطقه خاص نیست بلکه در جهت ساختاری کردن نظم اداری و افزایش نفوذ در نقاط مختلف جهان صورت گرفته است. این گستردگی همچنین بیانگر شکل‌گیری یک شبکه جهانی است که ضمن حفظ ویژگی‌های محلی، زیرساختی برای اعمال نفوذ گسترده‌تر فراهم می‌کند.

«تحت الشعاع قرار دادن»: این عبارت نشان می‌دهد که دستاوردهای ذکر شده تا حدی اهمیت و تأثیرگذاری دارند که دیگر فعالیت‌ها یا موفقیت‌های هم‌زمان یا قبلی را تحت تأثیر قرار می‌دهند یا برجسته‌تر می‌کنند. یعنی این فتوحات نه تنها مستقل و مهم هستند، بلکه می‌توانند جهت‌گیری‌ها و اولویت‌های تشکیلات را نیز تحت تأثیر قرار دهند و به نقطه کانونی تبدیل شوند.

تذکر درباره اصطلاح «نقشه» و اهمیت آن

لفظ «نقشه» در متن سند اشاره مستقیمی دارد به سلسله برنامه‌ها و پروژه‌های تشکیلاتی که چارچوب زمان‌بندی و اهداف مشخصی برای پیشبرد پروژه‌های حکومتی و اداری در نظر گرفته‌اند. این نقشه‌ها، برنامه‌ریزی دقیق و مرحله‌ای تشکیلات را برای رسیدن به اهداف نهایی حکومتی و تحقق نظم اداری جهانی نشان می‌دهند. هر «نقشه» در واقع سند راهبردی برای طی کردن

مراحل مختلف از فاز تبلیغی به فاز عملیاتی است، و نقشه هفت ساله دوم یکی از این م (https://www.hassanershad.com/about-me)راحل مهم در دوران شوقی افندی است که اهداف بلندمدت تشکیلات را به تصویر می‌کشد.

جمع‌بندی و تأکید نهاییسند حاضر تصویری دقیق از روند تحولات سیاسی-تشکیلاتی در دوره بعد از عبدالبهاء (عهد ثانی) ارائه می‌دهد و نشان می‌دهد که تشکیلات بهایی چگونه با بهره‌گیری از نقشه‌های برنامه‌ریزی شده، گستره نفوذ خود را به طور سازمان‌یافته و برنامه‌ریزی شده در مناطق متعددی از جهان افزایش داده است.

با تاکید بر زبان مستند و تحلیلی، این متن به هیچ وجه نقد شخصی یا بهایی‌ستیزی نیست و صرفاً به بررسی عملکرد سیاسی و تشکیلاتی می‌پردازد. چنین تحلیلی برای مخاطب غربی قابل فهم و پذیرش است و ابعاد مختلف پروژه حکومتی تشکیلات بهایی را روشن می‌کند.

#نقشه_هفت_ساله

#عصر_تکوین

#فتوحات_بهائی

#تشکیلات_بهایی

#بیت_العدل

✍️ Author: Hassan Ershad

🌐 About the author (https://www.hassanershad.com/about-me)

Article series: The Universal House of Justice in Pursuit of World Domination

An examination of top-level documents based on the governance ambitions of the Bahá'í administration

Analysis of Document No. 85

:Document text

:Shoghi writes in The Fortress of the Divine Law (page 159)

It enlightened the northern and all of Latin America to rise higher and even overshadow" the astonishing conquests achieved during the early years of the Second Covenant — the ,era of the Divine Order — and during the implementation of the second seven-year plan ,leaving eternal effects in advancing the Cause of Bahá'u'lláh in the Antilles Islands ,throughout the republics of Central America, each of the ten republics of South America ten independent countries of Europe, coastal regions on the east and west, and also in the ".heart of Africa

(June 25, 1953)

Source: The Tablets of Abdul-Bahá, Volume 3, page 21

Terminology and Key Concepts Analysis

While literally meaning "to illuminate," here it metaphorically :(منور کرد) "Enlightened" denotes the expansion and deepening of the Bahá'í administrative structure and influence across wide geographic areas. It signals a shift from mere religious propagation to .establishing organizational presence and political-administrative control

This phrase reflects exceptional and :(فتوحات حیرتبخش) "Astonishing conquests" remarkable successes in the development and consolidation of the Bahá'í administration during the early years of the Second Covenant. These "conquests" are not just numerical growth but qualitative achievements, indicating institutional entrenchment and .operational strength in multiple regions

These terms refer to :(عهد ثانی و عصر تکوین) "Second Covenant" and "Era of Divine Order" a critical phase in the Bahá'í administrative evolution beginning after the passing of Abdu'l-Bahá (۱۹۲۱). This era emphasizes the transition from foundational teaching to'

structured governance, with the expansion of administrative institutions aiming toward .global administrative unity and eventual political authority

The word :(تنفیذ نقشه هفت ساله دوم) "Implementation of the second seven-year plan" "implementation" highlights the execution phase of detailed, time-bound strategic plans devised by the leadership. The "seven-year plans" are structured programs to systematically expand and operationalize the Bahá'í administration worldwide, marking a .progression from idealistic outreach to deliberate political and administrative action

This phrase stresses the lasting and enduring impact of the :(اثرات جاویدی) "Eternal effects" Bahá'í expansion efforts, implying that the achievements are designed to sustain influence and control over time, not merely temporary successes. This underscores the strategic .long-term vision embedded in the administration's plans

Geographical scope (Antilles, Central and South America, Europe, Africa): The broad territorial references illustrate the Bahá'í administration's global ambitions and its efforts to construct a worldwide organizational network. This points to a comprehensive strategy to embed the administrative order across diverse political and cultural landscapes, moving .toward a unified global structure

This phrase implies that the current conquests and :(تحت الشعاع قرار دادن) "Overshadow" ,expansions are so significant that they surpass or influence previous achievements .marking a new pinnacle of administrative and political power

Note on the Term "Plan" and Its Significance

The term "plan" here refers explicitly to a series of Bahá'í administrative programs that lay out timelines and detailed objectives for advancing governance goals. These "plans" serve as strategic roadmaps for moving the community from religious propagation toward actual political and administrative control. The second seven-year plan mentioned is a key operational phase under Shoghi Effendi, reflecting a deliberate and methodical .progression toward higher stages of Bahá'í governance

Summary and Final

RemarksThis document offers a precise glimpse into the political-administrative evo lution of the Bahá’í community during the(https://www.hassanershad.com/about-me) post-‘Abdu’l-Bahá era (the Second Covenant). It reveals how, through structured and planned expansion, the administration sought to establish a firm and widespread influence .in multiple regions, laying the groundwork for a future global governance system

The analysis maintains a neutral, fact-based tone, strictly focusing on the administrative and political dynamics of the Bahá’í institution rather than the personal beliefs of its ,members. This approach ensures accessibility and clarity for a Western audience .shedding light on the strategic nature of the Bahá’í organizational project

SevenYearPlan#

EraOfDivineOrder#

BahaiConquests#

BahaiAdministration#

UniversalHouseOfJustice#

✍ نویسنده: حسن ارشاد

🌐 درباره نویسنده (https://www.hassanershad.com/about-me)

مجموعه مقالات: بیت العدل در سودای سلطه بر جهان

بررسی اسناد بالا دستی مبتنی بر به دنبال حکومت بودن تشکیلات بهایی

بررسی سند هشتاد و ششم

متن سند (شوقی افندی، حصن حصین شریعت الله، صفحه ۱۸۴):

اللّهی (الهی) که به نحوی اسرارآمیز مغایر با جریان‌های منظم و مشخص نقشه‌های روشن مدون است جهشی یافته که تنها نسل‌های آینده می‌توانند قوت آن را که چنان باید ارزیابی و تقدیر کنند. آئینی که عیناً بر طبق مندرجات الواح

وصایای حضرت عبدالبهاء برای استقرار نظم اداری، یعنی همان نظم جهانی حضرت بهاالله، مدت ربع قرن به زحمت و تلاش به بنای موسسات اداری محلی و ملی مشغول بوده و در سنین اولیه عهد ثانی عصر تکوین به وسیله یک رشته نقشه‌های ملی و نیز نقشه جهاد جهانی به استفاده از موسساتی پرداخته که آن را به تنهائی با صبر و حوصله به وجود آورده، تا تعالیم الهی را در کلیه قارات و جزائر مهم کره ارض انتشار دهد...

[مرجع: https://reference.bahai.org/fa/t/se/CF/cf-196.html#pg184]

تحلیل مستند و انتقادی:

این متن بیانگر آغاز عملیاتی شدن ساختار اداری و تشکیلاتی تشکیلات بهایی از مرحله‌ای آرمانی به مرحله‌ای کاملاً سازمان‌یافته و هدفمند است که از سال ۱۹۲۱ (عهد ثانی عصر تکوین) شروع شده است.

«نقشه‌های روشن مدون» و «رشته نقشه‌های ملی و نیز نقشه جهاد جهانی»: این واژه‌ها نشان‌دهنده برنامه‌ریزی‌های دقیق و سازمان‌یافته در قالب نقشه‌های تشکیلاتی است که با هدف پیاده‌سازی نظم اداری و گسترش جهانی تشکیلات تدوین شده‌اند. این نقشه‌ها، همچون نقشه‌های ملکوتی، مراحل مشخص و عملیاتی برای رسیدن به حکومت بهایی را ترسیم می‌کنند و اهمیت بالایی در ساختار سیاسی-تشکیلاتی این تشکیلات دارند.

عبارت «عهد ثانی عصر تکوین»: اشاره به دوره زمانی مشخصی دارد که از ۱۹۲۱ پس از وفات عبدالبهاء آغاز و تا کنون ادامه یافته است. در این دوره، بر پایه اسناد متعدد، تشکیلات بهایی گام به گام در حال استقرار نظم اداری جهانی خود بوده است.

«نظم اداری، یعنی همان نظم جهانی حضرت بهاالله»: این بیان، ذات بنیادین تشکیلات بهایی را که هدف نهایی آن ایجاد یک نظم اداری و حکومتی جهانی است، برجسته می‌کند. این هدف از طریق ساختارهای محلی، ملی و سپس جهانی به صورت سلسله‌مراتبی دنبال شده است.

«نقشه جهاد جهانی»: این عبارت تأکیدی است بر فعالیت‌های برنامه‌ریزی شده، هدفمند و مستمر برای گسترش نفوذ تشکیلات بهایی در جهان، که نشان از تحرکات سازمانی و سیاسی در قالب یک پروژه عملیاتی دارد.

«صبر و حوصله در ایجاد موسسات»: این نکته حاکی از استراتژی بلندمدت و برنامه‌ریزی شده تشکیلات است که با صبر و در قالب نقشه‌های متعدد، سازمان‌ها و موسسات را در سطح جهانی بنیان نهاده است.

این سند مؤید آن است که تشکیلات بهایی، برخلاف تصور صرفاً دینی یا اعتقادی، ساختاری کاملاً سیاسی-تشکیلاتی با نقشه‌های عملیاتی مشخص برای استقرار نظم جهانی خود دارد.

نتیجه‌گیری

سند مورد بررسی نمونه‌ای آشکار از تحرکات ساختاری و سیاسی تشکیلات بهایی در قالب برنامه‌های عملیاتی مشخص و نقشه‌ریزی شده است که در عصر تکوین و در طول قرن گذشته دنبال شده است. اهمیت «نقشه‌ها» و «نظم اداری» به وضوح نشان‌دهنده هدف نهایی این تشکیلات برای رسیدن به مرحله‌های ششم و هفتم سلسله مراحل حکومتی است.

#بیت_العدل

#نقشه_تشکیلات_بهایی

#عصر_تکوین

#نظم_اداری_بهایی

#تشکیلات_سیاستمدار

#جهاد_جهانی

#تشکیلات_بهایی_و_حکومت

Author: Hassan Ershad ✍

About the author (https://www.hassanershad.com/about-me) 🌐

Article series: The Universal House of Justice's Quest for Global Domination

A review of primary documents demonstrating the Bahá'í administration's pursuit of governance

Analysis of Document Eighty-Six

,Document Text (Shoghi Effendi, The Fortress of the Covenant, p. 184):"O my God which in a mysterious way, contrary to the orderly flows and specific, clearly outlined and documented plans, has made a leap whose true strength can only be properly evaluated and appreciated by future generations. A Faith that, exactly according to the contents of the Tablets and Testament of 'Abdu'l-Bahá, has labored for a quarter of a century to establish local and national administrative institutions for the establishment of administrative order — that is, the very world order of Bahá'u'lláh — and in the early years of the Second Covenant, the era of development, has employed a series of national plans and also a plan of global struggle, utilizing institutions which it patiently and carefully created alone, to spread the divine teachings throughout all continents and "…important islands of the globe

[Source: https://reference.bahai.org/fa/t/se/CF/cf-196.html#pg184]

Documented and Critical AnalysisThis text indicates the operational commencement of the Bahá'í administrative and organizational structure, transitioning from an idealistic phase to a fully organized and purposeful one starting in 1921 (the Second Covenant, era .(of development

The terms "clearly outlined and documented plans" and "a series of national plans and also a plan of global struggle" denote precise and organized planning frameworks in the form of administrative maps designed to implement administrative order and global expansion of the Bahá'í institution. These plans—similar to the so-called "Heavenly Plans"—delineate defined and actionable stages aimed at achieving Bahá'í governance .and hold critical importance in the political-organizational structure of the Faith

The phrase "Second Covenant, era of development" refers to a specific historical period .beginning in 1921, after the passing of 'Abdu'l-Bahá, which continues to the present During this era, based on numerous documents, the Bahá'í administration has been .progressively establishing its global administrative order

"The expression "administrative order, that is, the very world order of Bahá'u'lláh highlights the fundamental nature of the Bahá'í administration as aiming to create a global administrative and governing system, pursued hierarchically from local and .national levels up to the global scale

The term "plan of global struggle" emphasizes the organized, purposeful, and continuous activities aimed at expanding the Bahá'í administration's influence worldwide, reflecting .political and organizational mobilization under an operational project

,The mention of "patience and careful creation of institutions" indicates a long-term strategic approach wherein multiple plans have been used to establish organizations and .institutions globally with deliberate effort

This document confirms that the Bahá'í administration, contrary to a purely religious or belief-based perception, possesses a fully political-organizational structure with clearly .defined operational plans to establish its global order

Conclusion

The document analyzed is a clear example of the Bahá'í administration's structural and political mobilization through defined operational programs and planned strategies pursued during the era of development throughout the past century. The prominence of plans" and "administrative order" unmistakably signals this institution's ultimate aim to" .reach the sixth and seventh stages of its governmental process

?UniversalHouseOfJustice (tg://search_hashtag#
?hashtag=UniversalHouseOfJustice)#BahaiOrganizationalPlans (tg://search_hashtag
?hashtag=BahaiOrganizationalPlans)#EraOfDevelopment (tg://search_hashtag
?hashtag=EraOfDevelopment)#BahaiAdministrativeOrder (tg://search_hashtag
?hashtag=BahaiAdministrativeOrder)#PoliticalOrganization (tg://search_hashtag
?hashtag=PoliticalOrganization)#GlobalStruggle (tg://search_hashtag
?hashtag=GlobalStruggle)#BahaiAdministrationAndGovernance (tg://search_hashtag
(hashtag=BahaiAdministrationAndGovernance

✍ نویسنده: حسن ارشاد

🌐 درباره نویسنده (https://www.hassanershad.com/about-me)

مجموعه مقالات : بیت العدل در سودای سلطه بر جهان

بررسی اسناد بالا دستی مبتنی بر به دنبال جکومت بودن تشکیلات بهائی

بررسی سند هشتاد و هفتم

متن سند:

شوقی:

حصن حصین شریعت الله: صفحه ۱۹۶

«است و نفسی که به حمایت امری قیام می‌نماید که با شیوع قوای مادیت و ملیت و لا مذهبی و تعصب نژادی و مقاومت علمای رسوم در حال جنگ و مبارزه است، در راه خود با انواع خطرات و دام‌های گوناگون مواجه خواهد گردید ولیکن قدرت غالبه فضل و تأیید الهی که از ظهور حضرت بهاالله شامل او می‌گردد بدون تردید به نحوی اسرارآمیز و محیرالعقول پیروزی و غلبه کامل را نصیب او خواهد فرمود. تاریخ صد ساله امر شاهد گویایی بر فتوحات و انتصارات مشابهی است که هم در عصر رسولی و هم در عصر تکوین دور بهائی در اوضاع و احوالی که حتی سخت‌تر و مستلزم مبارزه بیشتر از آنچه امروز جامعه بهائی...»

[مرجع: https://reference.bahai.org/fa/t/se/CF/cf-208.html#pg196]

تحلیل مستند و دقیق:

در این متن، شوقی افندی با تأکید بر «حمایت امری» که قیام می‌کند در شرایطی پرتنش و در برابر نیروهای مادیت، ملیت، لا مذهبی، تعصب نژادی و مقاومت علمای رسوم، به وضوح به تحرکات سازمانی و تشکیلاتی اشاره دارد که برای رسیدن به اهداف بهایی به مقابله سخت و طولانی‌مدت نیاز دارد.

اصطلاح «امری که قیام می‌نماید» به طور مشخص دلالت بر ساختار تشکیلاتی «امرالله» دارد که از ابتدای عصر تکوین به شکل سازمان‌یافته و برنامه‌ریزی شده، هدف تثبیت نظم اداری بهایی و پیشبرد حکومتی را دنبال می‌کند.

«تاریخ صد ساله امر» تأکید بر استمرار این تحرکات از زمان ظهور حضرت بهاءالله تا امروز است که شامل دوره‌های «عصر رسولی» و «عصر تکوین» می‌شود. این نکته به وضوح نشان می‌دهد که این امر نه صرفاً یک جنبش دینی، بلکه پروژه‌ای تشکیلاتی و حکومتی است که در قالب نقشه‌ها و برنامه‌های عملیاتی پیش می‌رود.

واژه «فتوحات و انتصارات مشابه» گواهی بر موفقیت‌ها و گسترش تدریجی این ساختار است، حتی در شرایطی که مقابله‌های شدید و مقاومت‌های محلی و جهانی وجود داشته است. این تأییدی است بر صبر، استقامت و برنامه‌ریزی دقیق تشکیلات.

#بیت_العدل

#نظم_اداری_بهایی

#عصر_تکوین

#تشکیلات_سیاستمدار

#امرالله

#حکومت_بهایی

Author: Hassan Ershad ✍

About the Author (https://www.hassanershad.com/about-me) 🌐

Article Series: The Universal House of Justice's Quest for World Domination

An Examination of Higher-Level Documents Based on the Governance Ambitions of the Bahá'í Administrative Order

Review of Document Eighty-Seven

:Document Text

:Shoghi

The Fortress of the Divine Law, page 196

It is a soul that rises in support of an Order which, amidst the spread of forces of“ materialism, nationalism, irreligion, racial prejudice, and the resistance of traditional clergy, is engaged in war and struggle. On its path, it will encounter various dangers and numerous traps; yet, the overwhelming power of divine grace and confirmation, which emanates from the advent of Bahá'u'lláh, will undoubtedly bestow upon it a wondrous and astonishing victory and complete triumph. The century-long history of the Cause

bears witness to conquests and similar victories, both in the Apostolic Age and the Formative Age of the Bahá'í Era, under circumstances even harsher and demanding more ”…struggle than what the Bahá'í community faces today

[Reference: https://reference.bahai.org/fa/t/se/CF/cf-208.html#pg196]

:Detailed and Documented Analysis

In this text, Shoghi Effendi emphasizes the “support of an Order” rising amidst a tense environment, confronting forces such as materialism, nationalism, irreligion, racial prejudice, and resistance from clerical traditionalism. This clearly points to organized and institutional activities that require sustained and rigorous opposition to achieve the Bahá'í .goals

The phrase “an Order that rises” specifically refers to the administrative structure of the -Order of God” (Amrullah), which, since the beginning of the Formative Age (Asr-e“ Takwin), has pursued the goal of establishing Bahá'í administrative order and advancing .towards governance in a systematic and planned manner

The mention of a “century-long history of the Cause” highlights the continuity of these efforts from the advent of Bahá'u'lláh until today, encompassing both the Apostolic Age and the Formative Age (Asr-e-Takwin). This underscores that the Cause is (Asr-e-Rusuli) not merely a religious movement but a structured and political project advancing through .operational plans and programs

The terms “conquests and similar victories” attest to the successes and gradual expansion of this structure, despite intense confrontations and resistance locally and globally. This confirms the perseverance, resilience, and meticulous planning of the administrative .order

Since terms such as “plan” or “project” are not explicitly mentioned here, analysis related to the Bahá'í administrative “plans” that transform ideals into operational steps for .governance is not directly applicable in this document

Also, terms like “spiritual jihad” or “Mashriq al-Azkar” are not present, so no related .analysis is provided

#UniversalHouseOfJustice

#BahaiAdministrativeOrder

#FormativeAge

#PoliticalOrganization

#OrderOfGod

#BahaiGovernance

✍️ نویسنده: حسن ارشاد

🌐 درباره نویسنده (https://www.hassanershad.com/about-me)

مجموعه مقالات: بیت‌العدل در سودای سلطه بر جهان

بررسی اسناد بالا دستی مبتنی بر دنبال حکومت بودن تشکیلات بهایی

بررسی سند هشتاد و نهم

متن سند (شوقی افندی، حصن حصین شریعت الله، صفحه ۲۰۱):

«جهاتی مهم نقاط ضعفی دارد که اگر اساساً به سرعت علاج نگردد نه فقط ناقص می‌ماند بلکه افتخاراتی را نیز که با زحمت فراوان از ابتدای نقشه کسب گشته به مخاطره می‌اندازد. جبهه داخلی مرکزی است که از ابتدای عصر تکوین آئین الهی قوه محرکه‌ای بوده که امور عدیده‌ای را در میادین خدمات تبلیغی و اداری به جریان انداخته و اداره کرده است. این جبهه باید به منزله پایه و اساس برای اتساع دایره عملیات آینده در هر یک از قارات کره ارض و امتداد انشعابات آن به اقصی نقاط عالم عمل خود را ادامه دهد و در حالی که قوای تخریب و تشتت از داخل و فشار و خطر هجمات از خارج شدت می‌یابد باید بیش از پیش به منزله ...»

تحلیل مستند و دقیق

«ابتدای نقشه»

وجود این عبارت نشان می‌دهد که از آغاز عصر تکوین (از ۱۹۲۱) تا امروز یک برنامه‌ریزی تشکیلاتی مدون و راهبردی در قالب «نقشه‌ها» پی‌ریزی شده تا ساختار اداری و حکومتی بهایی تحکیم یافته و گسترش یابد.

«عصر تکوین»

دوره‌ای است که با درگذشت عبدالبهاء آغاز شد و تشکیلات بهایی در آن با تدوین نقشه‌های زمانی و عملیاتی در پی پیاده‌سازی تدریجی نظم اداری جهانی خود است.

«جبهه داخلی»

«جبهه داخلی مرکزی» به نیروی درونی ستادی تشکیلات اشاره دارد که از ابتدای عصر تکوین، هم ستاد برنامه‌ریزی تبلیغی و اداری بوده و هم نیروی محرکه توسعه‌ای. این ساختار باید مانند پایه‌ای محکم، عملیات در هر قاره و شاخه جدید بهایی را هدایت و گسترش دهد.

مقابله با فشارهای دوگانه

سند بر لزوم حفظ و تقویت این جبهه در برابر «نیروهای تخریب و تشتت» داخلی و «هجمات و فشارها» از خارج تأکید می‌کند. این رویکرد ساختاری-سیاسی نشان می‌دهد که موفقیت فرایند توسعه تشکیلات بهایی مستلزم استحکام مرکز سازمانی و آمادگی برای مقابله با چالش‌های متعدد است.

#بیت_العدل

#عصر_تکوین

#جبهه_داخلی

#نظم_اداری_بهایی

#برنامه‌ریزی_تشکیلاتی

#گسترش_جهانی

Author: Hassan Ershad ✍

About the author (https://www.hassanershad.com/about-me) 🌐

Article series: The Universal House of Justice’s Ambition for World Domination

An examination of top-level documents based on the pursuit of governance by the Bahá’í administration

Analysis of Document 89

:Document text (Shoghi Effendi, The Fortress of the Divine Covenant, page 201)

Some important aspects have weaknesses that, if not promptly addressed, will not only“ remain incomplete but also endanger the hard-earned achievements since the beginning of the plan. The central internal front has been the driving force from the beginning of the Epoch of the Divine Plan, initiating and managing numerous affairs in the fields of administrative and teaching services. This front must serve as the foundation for expanding future operations in every continent of the earth and its branches spreading to the farthest corners of the world. While destructive and divisive forces from within and the pressure and danger of attacks from outside intensify, it must increasingly act as…”

Precise and Documented Analysis

”Beginning of the plan“

This phrase indicates that since the start of the Epoch of the Divine Plan (from 1921) until ”today, there has been a structured and strategic organizational planning through “plans .designed to strengthen and expand the Bahá’í administrative and governing framework

”Epoch of the Divine Plan“

This period began with the passing of ‘Abdu’l-Bahá and marks a phase during which the Bahá’í administration has sought to implement a gradual and global administrative order .by developing sequential, time-bound operational plans

”Internal front“

,The “central internal front” refers to the Bahá’í administrative core or headquarters which since the beginning of the Epoch of the Divine Plan has functioned both as the central staff for coordinating teaching and administrative activities and as the driving developmental force. This structure is meant to serve as a strong foundation to guide and .expand operations on every continent and new Bahá’í branches globally

Addressing dual pressures

The document emphasizes the necessity to maintain and strengthen this front against destructive and divisive forces” internally and “attacks and pressures” externally. This“ organizational-political approach highlights that the success of the Bahá’í administrative expansion depends on a solid, resilient central leadership prepared to face multiple .challenges

Universal_House_of_Justice#

Epoch_of_the_Divine_Plan#

Internal_Front#

Bahá’í_Administrative_Order#

Organizational_Planning#

Global_Expansion#

✍️ نویسنده: حسن ارشاد

🌐 درباره نویسنده (https://www.hassanershad.com/about-me)

مجموعه مقالات: بیت العدل در سودای سلطه بر جهان

بررسی اسناد بالا دستی مبتنی بر به دنبال حکومت بودن تشکیلات بهائی

بررسی سند نود

متن سند:

شوقی افندی، حصن حصین شریعت الله، صفحه ۲۱۲:

«برای ترقی روح مروج خستگی‌ناپذیر و منقطع امرالله دعا می‌کنم، خدماتش فراموش نگردد. (ژوئیه ۱۹۵۵) الا کوپر (Ella Cooper) از صعود ناگهانی منادی میثاق، الا گوپر، کنیز عزیز و معتمد حضرت عبدالبهاء، تأثیر شدید حاصل. خدمات خالصانه‌اش در سنین اخیر عصر رسولی و نیز در عصر تکوین امرالله فراموش نگردد. منتسبین و دوستان را از این ضایعه به عواطف قلبیه من اطمینان دهید، برای ترقی روحش در ملکوت الهی ...»

مرجع سند (https://reference.bahai.org/fa/t/se/CF/cf-224.html#pg212)

تحلیل مستند و دقیق

در این سند، شوقی افندی از وفات و صعود ناگهانی «الا کوپر» به عنوان منادی میثاق، که یکی از افراد معتمد حضرت عبدالبهاء بوده است، یاد می‌کند و اهمیت خدمات او را در دو دوره‌ی تاریخی مهم تشکیلات بهایی برجسته می‌سازد: «عصر رسولی» و «عصر تکوین».

«عصر رسولی» و «عصر تکوین»

عبارت «عصر تکوین» اشاره به دوره‌ای دارد که از پس درگذشت عبدالبهاء آغاز شده و نقطه عطفی در ساختاردهی و برنامه‌ریزی سازمانی تشکیلات بهایی محسوب می‌شود. این دوران با تدوین نقشه‌های عملیاتی و

زمانی، تبدیل امر از مرحله آرمانی به مرحله عملیاتی را دنبال می‌کند. از آنجا که در متن این دو اصطلاح آمده‌اند، توجه به نقش «الا کوپر» در این گذار سازمانی اهمیت می‌یابد.

نقش کلیدی افراد معتمد در تحکیم تشکیلات

تاکید بر خدمات خالصانه و نقشی که «الا کوپر» در انتقال و استمرار اهداف تشکیلات داشته، نشانگر توجه ویژه به نیروی انسانی کارآمد و معتمد در سلسله مراتب تشکیلات است. این مسئله نشان می‌دهد که تشکیلات بهایی نه تنها بر ساختار اداری بلکه بر افراد کلیدی متمرکز است که نقش‌های حساس را بر عهده دارند.

«ملکوت الهی»

این اصطلاح در این سند، علاوه بر معنای عرفانی، در لایه‌های پنهان‌تر می‌تواند به عنوان صحنه‌ای برای تحقق اهداف ساختاری و حکومتی تشکیلات بهایی دیده شود، به ویژه در چارچوب گسترش تدریجی نظام اداری که نهایتاً به «سلطنت الهیه» و «سلطنت جهانی» منتهی می‌شود.

توجه به «نقشه‌ها» و فازهای اجرایی

با توجه به حضور «عصر تکوین» و نام بردن از دوره‌های سازمانی مشخص، می‌توان گفت این سند در چارچوب سلسله نقشه‌های تشکیلاتی بهایی قرار دارد که از نقشه‌های اولیه تبلیغی به سمت فازهای دقیق‌تر و عملیاتی حرکت کرده‌اند. این تحولات در نهایت به شکل‌گیری ساختارهایی مانند بیت العدل و دیگر نهادهای اداری منتهی شده‌اند.

نتیجه‌گیری

سند مورد بررسی تصویری روشن از تمرکز تشکیلات بهایی بر استمرار و تحکیم ساختار اداری در گذر از مراحل تاریخی دارد. از این رو، وفاداری و خدمات افراد کلیدی مانند الا کوپر، اهمیت خاصی در تضمین این روند یافته است. در حالی که ظاهر متن با لحن ستایش و تأمل نوشته شده، تحلیل ساختاری نشان می‌دهد که تشکیلات بهایی با برنامه‌ریزی دقیق و نقشه‌های مدون در مسیر تثبیت و گسترش قدرت خود حرکت می‌کند.

#بیت_العدل

#عصر_تکوین

#نقشه_تشکیلاتی

#جبهه_داخلی

#ساختار_اداری_بهایی

#گسترش_جهانی

Author: Hassan Ershad ✍️

🌐 About the author (https://www.hassanershad.com/about-me)

Article Series: The Universal House of Justice’s Quest for World Domination

A Critical Review of Foundational Documents Demonstrating the Bahá’í Administrative Order’s Pursuit of Governance

Analysis of Document Ninety-One

:Document Text

,Shoghi Effendi

:page 217 ,(حصن حصین شریعت الله) Fortress of the Protection of the Law of God

The triumphant and victorious spirits are now united in the Abha Kingdom with a“ selected group of peers and the like: Martha Root, Lua Getsinger, May Maxwell, Hyde Dunn, Suzanne Moody, Keith Ransom-Kehler, Ella Balli, and Dorothy Baker. The

,presence of these sacred souls, scattered and dispersed around the globe in Honolulu Cairo, Buenos Aires, Sydney, Tehran, Isfahan, Tripoli, and the depths of the Mediterranean Sea, attests to the greatness and breadth of the services rendered by the Bahá'í community of North America during the two ages—the Risali (Missionary) and Takwin (Formative) eras—within the Bahá'í Cycle, in the path of migration. It is ,necessary, together with the Canadian Assembly and the European Teaching Committee to hold a commemorative gathering worthy of their exalted station ascending unto God in "…the Mashriq

Source

Critical and Documented Analysis

This document highlights the spiritual station of a select group of prominent individuals and their geographic dispersion, which serves ,(ملکوت ابهی) "united in the "Abha Kingdom as testimony to the expansive scope of the Bahá'í community's services in North America .during two key historical periods: the Risali (Missionary) and Takwin (Formative) eras

Risali and Takwin Eras

.These terms refer to crucial phases in the administrative evolution of the Bahá'í Faith ,The Risali Era primarily concerns the missionary propagation of the Faith's principles whereas the Takwin Era marks the transition to a structured, strategic administrative order with systematic planning aimed at organizational consolidation and global expansion. The mention of these eras underscores their importance in the structural and historical .development of the Bahá'í administrative system

Geographical Dispersion and the Role of Migration

,The list of cities spanning multiple continents—including Honolulu, Cairo, Buenos Aires Sydney, Tehran, Isfahan, Tripoli, and the Mediterranean Sea—illustrates the wide geographical reach of North American Bahá'í services. This dispersion highlights the critical role of migration and transfer of human resources and services in the global .development and strengthening of the Bahá'í administrative network

(المشرق) The Term Mashriq

While Mashriq literally denotes a spiritual or devotional place (literally “East” or “Place of Sunrise”), its deeper layers suggest a platform for achieving governance goals and In this context, Mashriq can be interpreted as .(جامعه ذهبی) ’establishing a ‘Golden Society a symbolic stage for expanding administrative influence and consolidating political .objectives within the Bahá’í structure

Emphasis on Organizational Coordination

The call for a joint commemorative gathering between the Canadian Assembly and the European Teaching Committee reflects the importance of inter-organizational .coordination to maintain unity and coherence within the Bahá’í administrative system This strategic collaboration underscores the political and structural necessity of cohesive .institutional relations for advancing organizational objectives

Conclusion

This document reflects a stage in the Bahá’í administrative development where spiritual symbolism, geographic strategy, and organizational coordination merge to facilitate the global expansion and reinforcement of the Bahá’í structure. The global dispersal of key individuals and services, the focus on historically significant eras, and the emphasis on institutional cooperation all indicate a deliberate and well-organized effort geared toward .institutional consolidation and preparation for higher stages of governance

UniversalHouseOfJustice#

TakwinEra#

RisaliEra#

GlobalExpansion#

✍️ نویسنده: حسن ارشاد

🌐 درباره نویسنده (https://www.hassanershad.com/about-me)

مجموعه مقالات: بیت العدل در سودای سلطه بر جهان

بررسی اسناد بالا دستی مبتنی بر به دنبال حکومت بودن تشکیلات بهایی

بررسی سند نود و دوم

متن سند:

شوقی افندی:

حصن حصین شریعت الله، صفحه ۲۱۸

«فلورانس برید خان Florance Breed Khan از صعود کنیز عزیز ممتاز شجیع و قویدل مولای محبوب بی‌نهایت تأثر حاصل، از صمیم قلب برای ترقی روحش دعا می‌کنم اجرش محتوم، با تقدیم عواطف قلبی. (۲۷ ژوئن ۱۹۵۰) ادوارد ب، کینی Edward B. Kinney از صعود صفا کینی، نفس عزیز، مقرب، مؤتمن، مبلغ جانفشان شجاع و ثابت‌قدم، رکن امرالله، تأثر حاصل. صفحات تاریخ سنین اخیر عصر رسولی و فاتحه عصر تکوین دور بهائی به خدمات مهمه این ...»

منبع (https://reference.bahai.org/fa/t/se/CF/cf-230.html#pg218)

تحلیل مستند و دقیق

در این سند، به دو شخصیت برجسته در تاریخ تشکیلات بهایی اشاره شده که با صفات برجسته‌ای چون «مقرب»، «مؤتمن»، «مبلغ جانفشان»، «شجاع» و «ثابت‌قدم» توصیف شده‌اند. این القاب، نشان‌دهنده نقش کلیدی و تعیین‌کننده این افراد در تداوم و گسترش فعالیت‌های سازمانی و تشکیلاتی بهایی در دوران گذار بین دو عصر مهم بهائی است: عصر رسولی و عصر تکوین.

عصر رسولی و عصر تکوین

عصر رسولی، دوره‌ای است که در آن بهاییان با تمرکز بر تبلیغ دینی و جلب پیرو، ساختار اولیه امر بهایی را پایه‌گذاری کردند. اما در پایان این دوره، دره‌ای «عصر تکوین» باز می‌شود که دوره‌ای است ساختاری و

اجرایی، برای شکل‌دهی به نظام اداری و تشکیلاتی هدفمند که مسیر رسیدن به حکومت بهایی را در چارچوب برنامه‌ریزی‌های زمانی و عملیاتی پی می‌گیرد.

ارکان امرالله و نقش استراتژیک افراد

اشاره به «رکن امرالله» برای صفا کینی، نشان‌دهنده جایگاه او در هرم تشکیلاتی و اهمیت او در حفظ انسجام و قدرت تشکیلات است. واژه‌هایی همچون «مبلغ جانفشان» و «ثابت‌قدم» حکایت از تعهد بالا و فعالیت‌های استراتژیک برای توسعه امر بهایی دارد. این صفات مؤید نقش فعال و مستمر این افراد در پیشبرد پروژه تشکیلاتی بهایی در مرحله‌ای است که حرکت از تبلیغ به سازماندهی سیستماتیک رخ می‌دهد.

پیوند این افراد با مراحل تاریخی و جدول‌های تکاملی تشکیلاتی

مطابق با نظام زمانی تشکیلات بهایی، عصر تکوین با شروع پس از درگذشت عبدالبهاء (۱۹۲۱) آغاز شده و تا کنون ادامه دارد. در این بازه زمانی، ۱۷ نقشه عملیاتی تدوین شده که هدفشان توسعه نهادها و تحکیم نظم اداری است. حضور افرادی چون صفا کینی در نقش «رکن امرالله» در این مرحله، نشان از مشارکت در مراحل حساس طراحی و اجرای این نقشه‌ها دارد.

ابعاد ساختاری و سیاسی

این سند ضمن اشاره به خدمات مهم در «صفحات تاریخ» به صراحت نشان می‌دهد که نقش این افراد تنها محدود به فعالیت‌های دینی نبوده، بلکه آنها بخش اساسی ساختار تشکیلاتی را تشکیل می‌دادند که با برنامه‌ریزی دقیق و عملیاتی در مسیر پیشرفت و تحکیم نظام بهایی عمل کرده‌اند. این تأکید بر تشکیلات و نقش افراد کلیدی آن در راستای اهداف سیاسی و اداری سازمان است، نه صرفاً امور اعتقادی یا معنوی.

جمع‌بندی

سند مذکور تصویری واضح از گذار تشکیلات بهایی از مرحله تبلیغ دینی به سازماندهی نظام اداری را ارائه می‌دهد که نقش کلیدی اشخاص برجسته در این ساختار تشکیلاتی برجسته است. تاکید بر ویژگی‌های سازمانی و ساختاری افراد نشان می‌دهد فعالیت‌های آنان در مسیر توسعه سیاسی، ساختاری و عملیاتی تشکیلات بهایی بوده است که در راستای رسیدن به حکومت بهایی صورت گرفته است. این سند به روشنی اثبات می‌کند که تشکیلات بهایی در این دوره، با هدف پیشبرد برنامه‌های حکومتی خود و ایجاد تسلط تشکیلاتی، در حال تحکیم پایه‌های قدرت خود در سطح ملی و فراتر از آن بوده است.

#بیت_العدل

#عصر_تکوین

#تشکیلات_بهایی

#امرالله

#توسعه_سازمانی

#برنامه_زمانی

#سیاست_بهایی

Author: Hassan Ershad

About the author: (https://www.hassanershad.com/about-me) 🌐

Article series: The Universal House of Justice’s Aspiration for World Domination

An analysis of top-level documents based on the Bahá’í administration’s pursuit of governance

Analysis of Document No. 92

:Document Text

:Shoghi Effendi

The Fortress of the Faith of God, page 218

Florence Breed Khan, upon the passing of the dear, excellent, courageous and strong“ beloved servant, I am deeply saddened and pray wholeheartedly for the advancement of .her soul; her reward is assured, with heartfelt affection. (June 27, 1950) Edward B ,Kinney, upon the passing of Safa Kinney, dear soul, close confidant, trustworthy, devoted brave and steadfast messenger, Pillar of the Cause of God, was deeply moved. Pages of history of recent years—the era of the Messenger and the opening of the era of the Bahá’í ”…Administrative Order—reflect the important services of these

[Source]

Documented and Detailed Analysis

This document refers to two prominent figures in the history of the Bahá’í administrative ”,structure, described with distinguished titles such as “close confidant,” “trustworthy devoted messenger,” “brave,” and “steadfast.” These epithets indicate their key and“ decisive roles in continuing and expanding organizational and administrative activities of the Bahá’í Faith during the transitional period between two significant Bahá’í eras: the .Era of the Messenger and the Era of Establishment (Era of the Administrative Order)

Era of the Messenger and Era of Establishment

The Era of the Messenger is the period in which Bahá’ís focused on religious teaching and attracting followers, laying the foundational structure of the Bahá’í Cause. At the end of this period, the “Era of Establishment” opens—a structural and executive phase aimed at forming a systematic administrative and organizational order designed to advance the .Bahá’í governance path within a planned timeline and operational framework

Pillars of the Cause of God and Strategic Roles

The mention of “Pillar of the Cause of God” for Safa Kinney indicates his position within the administrative hierarchy and his importance in maintaining the cohesion and strength of the organization. Terms such as “devoted messenger” and “steadfast” reflect high

commitment and strategic activities in advancing the Bahá'í Cause. These attributes confirm the active and continuous role of these individuals in pushing forward the Bahá'í administrative project during the phase when the shift from teaching to systematic .organization takes place

Connection to Historical Phases and Developmental Tables

According to the Bahá'í administrative timeline, the Era of Establishment began after the passing of 'Abdu'l-Bahá (١٩٢١) and continues to this day. Within this timeframe, 17 operational plans have been devised, aimed at expanding institutions and strengthening administrative order. The presence of individuals like Safa Kinney as "Pillars of the Cause of God" during this phase indicates their participation in critical stages of planning and .executing these operational plans

Structural and Political Dimensions

",This document, by referring to their important services in the "pages of history explicitly shows that their roles were not limited to religious activities. Rather, they formed an essential part of the administrative structure, acting with precise planning and operations toward the progress and consolidation of the Bahá'í system. The emphasis on administration and the role of key individuals clearly aligns with the political and organizational objectives of the institution, rather than merely spiritual or doctrinal .matters

Summary

This document presents a clear picture of the Bahá'í administrative order's transition from religious teaching to structured administrative organization, highlighting the key role of prominent individuals within this administrative framework. The emphasis on organizational and structural characteristics of these individuals indicates their activities were geared toward political, structural, and operational development of the Bahá'í administration in pursuit of Bahá'í governance. The document clearly proves that, during this period, the Bahá'í administration was consolidating its power base nationally and internationally with the explicit aim of advancing its governance agenda and establishing .administrative control

#UniversalHouseOfJustice

#EraOfEstablishment

#Bahá’íAdministration

#CauseOfGod

#OrganizationalDevelopment

#TimelinePlan

#Bahá’íPolitics

✍ نویسنده: حسن ارشاد

🌐 درباره نویسنده (https://www.hassanershad.com/about-me)

مجموعه مقالات: بیت العدل در سودای سلطه بر جهان

بررسی اسناد بالا دستی مبتنی بر به دنبال حکومت بودن تشکیلات بهائی

بررسی سند نود و سوم

متن سند:

شوقی:

حصن حصین شریعت الله: صفحه ۲۱۹

«ابدی است. (۱۴ دسامبر ۱۹۴۹) جورج لاتیمر George Latimer از صعود حواری ممتاز حضرت عبدالبها، رکن رکین جامعه بهایی امریکا، جورج لاتیمر حزن شدید حاصل، خدمات باهره‌اش در سنین اخیر عصر رسولی و عهد اول عصر تکوین امرالله جاودان است. مادر داغدیده بسیار عزیز و مقرب را به عواطف شدید و دعای قلبی من برای ترقی روحش اطمینان دهید. (۲۳ ژوئن ...»

منبع (https://reference.bahai.org/fa/t/se/CF/cf-231.html#pg219)

تحلیل سند:

این سند به یاد و تجلیل از یکی از شخصیت‌های مهم تشکیلات بهایی، یعنی جورج لاتیمر، پرداخته است که با عنوان «رکن رکین جامعه بهایی امریکا» معرفی شده است. این لقب، نشانگر جایگاه برجسته و کلیدی وی در ساختار تشکیلاتی بهایی در آمریکا است.

ذکر «عهد اول عصر تکوین امرالله» در متن سند به دوره‌ای اشاره دارد که در آن تشکیلات بهایی از مرحله تبلیغ دینی صرف عبور کرده و به سمت سازماندهی ساختاری و اداری هدفمند حرکت کرده است. این دوره، فازی است که در آن برنامه‌ریزی و اقدامات عملیاتی برای تثبیت نظام بهایی و حرکت به سوی اهداف سیاسی و تشکیلاتی تشدید شده است.

از سوی دیگر، تعابیری چون «خدمات باهره» و «حزن شدید» به اهمیت نقش این فرد در استمرار و تقویت تشکیلات اشاره می‌کند که فراتر از فعالیت‌های صرفاً معنوی یا دینی است و تأکیدی است بر کارکردهای استراتژیک و ساختاری او.

«رکن رکین» به عنوان یک عنوان تشکیلاتی به وضوح بیانگر حضور فعال در هرم قدرت و نقش حیاتی در حفظ انسجام و ثبات ساختار است. این نقش به ویژه در مرحله حساس «عصر تکوین» اهمیت دوچندان دارد، چرا که این مرحله گذار از فاز تبلیغ به فاز عملیاتی و ساختاری است که بدون وجود افرادی با جایگاه رکن رکین امکان‌پذیر نیست.

نکته مهمی که سند به آن اشاره دارد، استمرار خدمات این فرد در «سنین اخیر عصر رسولی» و «عهد اول عصر تکوین» است که نشان می‌دهد او در هر دو مرحله مهم انتقالی تشکیلات بهایی حضوری مستمر و مؤثر داشته است. این تأکید، حکایت از پیوند تاریخی و ساختاری افراد کلیدی با تحولات اساسی در ساختار بهایی و تلاش برای پیشبرد اهداف حکومت بهایی دارد

در این سند، اشاره مستقیمی به نقشه‌ها یا مشروعات تشکیلاتی نشده است؛ بنابراین تمرکز تحلیل بر نقش فردی و ساختاری وی در چارچوب کلی توسعه و تحکیم تشکیلات است.

#بیت_العدل

#عصر_تکوین

#تشکیلات_بهایی

#رکن_امرالله

#توسعه_سازمانی

#سیاست_بهایی

Author: Hassan Ershad ✍️

About the author (https://www.hassanershad.com/about-me) 🌐

Article series: The Universal House of Justice’s Aspiration for World Domination

A study of top-level documents based on the pursuit of governance by the Bahá’í administration

Examination of Document No. 93

:Document text

:Shoghi

The Fortress of God's Law (Ḥiṣn Ḥasīn Sharīʿat Allāh), page 219

Eternal. (December 14, 1949) George Latimer, from the passing of the distinguished" ,disciple of 'Abdu'l-Bahá, the pillar (rukn rukīn) of the Bahá'í community of America George Latimer's deep sorrow is expressed; his fruitful services in the recent years of the Era of the Missionary and the First Covenant of the Era of Formation (ʿAṣr al-Takwīn) of the Command of God (Amrullāh) are everlasting. Assure the deeply bereaved, very dear and close mother of my intense affection and heartfelt prayers for the advancement of his "soul. (June 23 …)

Source

:Document analysis

This document commemorates and honors one of the key figures in the Bahá'í administrative order, George Latimer, who is titled "the Pillar (Rukn Rukīn) of the Bahá'í community in America." This title indicates his prominent and crucial role within the .Bahá'í organizational structure in the United States

The mention of the "First Covenant of the Era of Formation (ʿAṣr al-Takwīn) of the Command of God (Amrullāh)" refers to a phase in which the Bahá'í administration moved beyond mere religious proselytizing toward purposeful structural and administrative organization. This period marks intensified planning and operational activities aimed at consolidating the Bahá'í system and advancing political and .organizational goals

Expressions such as "fruitful services" and "deep sorrow" underscore the importance of this individual's role in sustaining and strengthening the administration, extending beyond purely spiritual or religious activities, and highlighting his strategic and structural .functions

The term “Pillar (Rukn Rukīn)” as an administrative title clearly signifies active participation in the power hierarchy and a vital role in maintaining organizational cohesion and stability. This role is especially critical during the sensitive “Era of Formation,” as this phase represents the transition from propagation to systematic and operational organization, which cannot be realized without individuals holding such key .positions

A notable point in the document is the emphasis on the continuity of this person’s services during the “recent years of the Era of the Missionary” and the “First Covenant of the Era of Formation,” indicating his sustained and effective presence across these two crucial transitional phases of the Bahá’í administration. This highlights the historical and structural link of key individuals with foundational changes in the Bahá’í order and their .efforts to advance the objectives of Bahá’í governance

;There is no explicit mention of plans or organizational projects in this document therefore, the analysis focuses on the individual and structural role of George Latimer .within the broader context of development and consolidation of the Bahá’í administration

UniversalHouseofJustice#

EraOfFormation#

BahaiAdministration#

PillarOfAmrullah#

OrganizationalDevelopment#

BahaiPolitics#

✍ نویسنده: حسن ارشاد

🌐 درباره نویسنده (https://www.hassanershad.com/about-me)

مجموعه مقالات: بیت‌العدل در سودای سلطه بر جهان

بررسی سند نود و چهارم

🗎 متن سند:

شوقی:

حصن حصین شریعت‌الله، صفحه ۲۲۴

«جولیت تامپسن Juliet Thompson

از فقدان کنیز قابل و برازنده حضرت عبدالبها جولیت تامپسن محبوب و مقرب قرین تاسفم.

خدمات شایسته متنوعه‌اش در طول بیش از نیم قرن، متضمن سنین اخیر عصر رسولی و عقدهای اولیه عصر تکوین دور بهائی، او را به مقامی رفیع که مایه غبطه است در زمره عصبه جلیله حواریون مولای محبوب در ملکوت ابهی فائز فرمود.

توصیه می‌شود به پاس حرمت نفسی که خود را در سبیل امر حضرت بهاالله وقف نمود و به نار خلوص و اشتیاق نسبت به مرکز میثاق مشتعل گشت، محفل تذکری در مشرق الاذکار منعقد نمائید. (۶ دسامبر...)»

متن سند در منبع رسمی (https://reference.bahai.org/fa/t/se/CF/cf-236.html#pg224)

🔍 تحلیل سند

در این سند، شوقی افندی به بیان نقش ساختاری و تاریخی یکی از شخصیت‌های کلیدی و مؤثر در تشکیلات بهایی یعنی جولیت تامپسن می‌پردازد. برجسته‌سازی این شخصیت، در قالب عباراتی چون «کنیز برازنده»، «محبوب و مقرب» و عضویت در «عصبه جلیله حواریون»، نمایانگر جایگاه استراتژیک او در فرایند تکوین تشکیلات بهایی و پیشبرد اهداف آن است.

◊ واژه کلیدی عصر تکوین که بار دیگر در این سند تکرار می‌شود، مرحله‌ای مهم و در حال جریان در پروژه سیاسی و ساختاری تشکیلات بهایی است. همان‌گونه که در جدول اول به آن پرداخته شد، عصر تکوین از سال ۱۹۲۱ آغاز شده و با مراحل، نقشه‌ها و طرح‌های مختلفی دنبال می‌شود تا بستر لازم برای رسیدن به مرحله ششم (سلطنت الهیه) و مرحله هفتم (سلطنت جهانی) را فراهم کند.

◊ حضور واژه عقدهای اولیه عصر تکوین به وضوح به فازهای ابتدایی برنامه‌ریزی سازمانی تشکیلات اشاره دارد که با نقش‌آفرینی افرادی چون جولیت تامپسن پیش رفته است. این مرحله شامل شروع توسعه نهادها، پایه‌ریزی ساختارهای محلی و ملی، و تدوین نقشه‌های منسجم برای گسترش امرالله بوده است.

◊ واژه مشرق‌الاذکار در ظاهر، مکانی برای نیایش و برنامه‌های عبادی معرفی می‌شود، اما تحلیل ساختارهای تشکیلاتی بهایی نشان می‌دهد این مکان‌ها در عمل، نقش یک سکوی اجتماعی چندمنظوره را ایفا می‌کنند. مشرق‌الاذکار به‌عنوان پایگاه اجرایی و تجمعی، بخشی از استراتژی بلندمدت برای پیاده‌سازی نظم اداری و حاکمیتی بهایی در سطوح مختلف ملی و منطقه‌ای محسوب می‌شود. این نکته با توصیه به «محفل تذکری در مشرق‌الاذکار» در سند تأکید شده، که نشانه‌ای از تلاش تشکیلات برای تبدیل این نهادها به ابزارهای فرهنگی-اداری جهت نفوذ اجتماعی و ساختارسازی سیاسی است.

◊ در این سند، مفهوم حواریون به شکل تشکیلاتی در قالب «عصبه جلیله» (گروه برجسته و گزیده) ظاهر می‌شود که مأموریت و هویت آن فراتر از تبلیغ فردی، به ایفای نقش سازمانی در توسعه و تثبیت تشکیلات اداری دلالت دارد. این دسته از افراد، بازوی اصلی مرحله عملیاتی در عصر تکوین به‌شمار می‌آیند.

✪ نتیجه‌گیری بازنویسی‌شده و تکمیل‌شده

سند حاضر، از نظر ساختار واژگانی و بافت معنایی، به‌روشنی گویای پیوند مستقیم یکی از شخصیت‌های محوری تشکیلات بهایی با مراحل راهبردی و اجرایی پروژه‌های سازمان‌یافته در عصر تکوین است؛ عصری که شوقی افندی آن را فاز گذار از تبلیغ صرف به اقدام تشکیلاتی و نهادمند برای تحقق حکومت بهایی تعریف می‌کند.

اشاره صریح به عقدهای اولیه عصر تکوین، نشان از ورود تشکیلات به مراحل آغازین «مهندسی نظم اداری» دارد؛ نظمی که بر پایه شبکه‌ای از افراد وفادار، ساختارهای محلی و جهانی، و نظام‌نامه‌های عملیاتی برای توسعه قدرت در مقیاس ملی و سپس بین‌المللی بنا شده است.

نکته کلیدی دیگر، توصیه به برگزاری محفل تذکر در مشرق‌الاذکار است. مشرق‌الاذکار که در ظاهر کارکردی عبادی دارد، در منظومه تشکیلاتی بهایی نقشی فراتر ایفا می‌کند؛ سکویی چندمنظوره برای شکل‌گیری «اجتماع بهایی» با ابعاد فرهنگی، تربیتی، مدیریتی و نهایتاً سیاسی.

درواقع، تأکید بر چنین عناصر ساختاری، از جمله نهادینه‌سازی الگوهای وفاداری و خدمت‌محوری از طریق افراد نمونه‌ای چون جولیت تامپسن، بخشی از فرایند بلندمدت آماده‌سازی تشکیلات برای تحقق مرحله ششم یعنی سلطنت الهیه (نظام کشوری بهایی) و در ادامه، مرحله هفتم یعنی سلطنت جهانی است.

در این چارچوب، می‌توان گفت که سند حاضر نه فقط یادداشت یک شخصیت، بلکه تبیین یکی از حلقه‌های واسط در زنجیره انتقال تشکیلات بهایی به نظام حکومتی مبتنی بر نظم اداری بهایی است؛ فرآیندی که از «نقشه‌پردازی کلان» آغاز شده و با استفاده از نمادهایی چون عصر تکوین و مشرق‌الاذکار، به‌دنبال تبدیل ساختار اعتقادی به نظام قدرت و اداره جامعه در مقیاس جهانی است.

#تشکیلات_بهایی

#عصر_تکوین

#مشرق_الاذکار

#ساختار_قدرت

#حواریون

#سلطنت_الهیه

#سلطنت_جهانی

#نقشه_های_تشکیلاتی

#بیت_العدل

Author: Hassan Ershad ✍

[About the Author] 🌐

Series Title: The Universal House of Justice and Its Pursuit of World Domination

Topic: Analysis of high-level documents indicating the Baha'i organization's ambition for governance

Analysis of Document No. 94

:Original Text 📄

Shoghi Effendi

The World Order of Baha'u'llah, p. 224

Juliet Thompson"

-I am deeply saddened by the loss of the worthy and devoted handmaiden of 'Abdu'l .Bahá, the beloved and intimate Juliet Thompson

Her diverse and meritorious services over more than half a century—spanning the later years of the Apostolic Age and the early stages of the Formative Age of the Baha'i Dispensation—granted her an exalted station, enviable among the illustrious company of .the Master's apostles in the Abhá Kingdom

It is recommended that, in honor of a soul who dedicated herself to the Cause of Bahá'u'lláh and burned with the fire of sincerity and longing toward the Center of the Covenant, a commemorative gathering be held in the Mashriqu'l-Adhkár. (6 "(…December

See full text in official source

Document Analysis 🔍

In this document, Shoghi Effendi highlights the structural and historical role of one of the key figures in the Baha'i administrative order: Juliet Thompson. The use of phrases such as "worthy handmaiden," "beloved and intimate," and her inclusion among "the illustrious company of apostles" demonstrates her strategic position in the process of .shaping and advancing the goals of the Baha'i administrative system

◇ The key term Formative Age is reiterated in this document, emphasizing an ongoing and crucial phase in the political and structural project of the Baha'i organization. As previously outlined in Table 1, the Formative Age began in 1921 and proceeds through various stages, plans, and strategies aimed at preparing the ground for the sixth stage .and the seventh stage (World Order) (Divine Commonwealth)

◇ The phrase "early stages of the Formative Age" clearly refers to the initial phase of organizational planning within the Baha'i administration, a phase in which figures like Juliet Thompson played pivotal roles. This period involved the creation of institutions, the establishment of national and local administrative bodies, and the formulation of .coordinated strategies for spreading the Cause

◇ The term Mashriqu'l-Adhkár, while outwardly referring to a house of worship and devotional center, in practice serves as a multi-functional social platform within the Baha'i administrative structure. These centers function as organizational hubs for community gatherings, administrative coordination, and strategic influence. The "recommendation to hold a "commemorative gathering in the Mashriqu'l-Adhkár underlines the institution's evolving role as both a cultural-administrative tool and a base .for social influence and political infrastructure

◇ The concept of apostles in this document takes on an institutional tone through the phrase "illustrious company", indicating a specially chosen group whose mission extends beyond individual proselytism to encompass organizational development and administrative consolidation. These individuals constitute the operational arm of the .Formative Age

Expanded and Revised Conclusion ⦿

This document, in both its vocabulary and conceptual framing, clearly demonstrates a direct link between one of the central figures in the Baha'i Faith and the strategic phases of the organized project known as the Formative Age—a period that Shoghi Effendi ,defines as the transition from mere proclamation to structured institutional action .ultimately aimed at establishing a Baha'i governance system

The explicit mention of the early stages of the Formative Age points to the administrative engineering process at its inception—a system constructed on loyal personnel, national and global structures, and operational charters designed for power expansion on both .domestic and international levels

Another significant element is the recommendation to hold a commemorative gathering at the Mashriqu'l-Adhkár. While it appears to be

devotional in nature, this institution plays a broader role in shaping the "Baha'i .community" with educational, managerial, and ultimately political dimensions

In essence, the emphasis on such institutional elements—along with the cultivation of service-oriented loyalty models exemplified by figures like Juliet Thompson—is part of a long-term strategy to prepare the Baha'i system for the sixth stage (Divine .Commonwealth) and eventually the seventh stage (World Government)

From this perspective, the document is not merely an homage to an individual; it reflects one of the transitional links in the Baha'i organization's broader plan to transform its belief system into a global governance model. This process begins with macro-level planning and is advanced through symbolic constructs like the Formative Age and Mashriqu'l-Adhkár, ultimately seeking to convert religious structure into sociopolitical .authority on a global scale

Baha'i_Administration#

Formative_Age#

Mashriqu'l_Adhkár#

#Power_Structure

#Apostles

#Divine_Commonwealth

#World_Order

#Strategic_Planning

#Universal_House_of_Justice

#Administrative_Evolution

مقالات✍️ نویسنده: حسن ارشاد

🌐 درباره نویسنده (https://www.hassanershad.com/about-me)

مجموعه مقالات: بیت العدل در سودای سلطه بر جهان

بررسی اسناد بالادستی مبتنی بر به دنبال حکومت بودن تشکیلات بهائی

بررسی سند نود و پنجم

متن سند:

شوقی افندی – حصن حصین شریعت الله، صفحه ۲۲۵

روی سی. ویلهلم Roy C. Wilhelm

از صعود روی ویلهلم منادی عالی‌قدر و بسیار محبوب و قابل تحسین امر حضرت بهاالله، قلب مملو از حزن و الم است. خدمات برجسته او زینت‌بخش صفحات تاریخ آخرین سنوات عصر رسولی و سنوات اولیه عصر تکوین امرالله بوده، خصائل عالیه‌اش باعث محبوبیت او در نزد مولایش حضرت عبدالبها گردیده، تقدیس و تنزیه و ایمان

راسخ و خدمات برجسته محلی و ملی و بین‌المللی و همچنین فداکاری بی‌مثیل و نظیرش او را لایق احراز مقام ایادی امرالله ساخته و البته به اجر ابدی در ملکوت ابهی ماجور ...

منبع سند (https://reference.bahai.org/fa/t/se/CF/cf-237.html#pg225)

تحلیل ساختاری و عملکردی سند

در این سند با زبانی ستایش‌آمیز، از شخصیت «روی سی. ویلهلم» تجلیل شده و نقش او در تحولات مراحل کلیدی نظم تشکیلاتی بهائی مشخصاً برجسته شده است. تحلیل این متنی که شوقی افندی آن را در دوره ولایت خود نگاشته، نشان می‌دهد که نظام بهایی نه فقط یک جریان دینی، بلکه سازوکاری هدفمند برای پی‌ریزی ساختار حکومتی فراملی است.

1. ذکر «سنوات اولیه عصر تکوین امرالله»

عبارت فوق جای تأمل فراوان دارد. همان‌گونه که در جدول‌های ساختاری تشکیلات بهائی نیز ثبت شده است، «عصر تکوین» دوره‌ای است که در آن، تشکیلات بهایی از سطح تعالیم آرمانی عبور کرده و وارد مرحله نهادسازی عملی، ساختارسازی اداری و گسترش نفوذ منطقه‌ای و جهانی می‌شود.

این مرحله اساساً بستر تحقق برنامه‌های توسعه‌یافته‌ی تشکیلات برای پیاده‌سازی تدریجی حکومت بهایی است؛ حکومتی که از سطح محلی آغاز شده و طبق طرح‌های رسمی این تشکیلات، تا سطح «سلطنت جهانی» گسترش می‌یابد.

1. ایادی امرالله و نقش امنیتی

در متن آمده:

«او را لایق احراز مقام ایادی امرالله ساخته»

لفظ ایادی امرالله به‌عنوان یکی از کلیدی‌ترین ساختارهای امنیتی در نظم تشکیلاتی بهایی، نه‌تنها نشانگر جایگاه ویلهلم در ساختار قدرت تشکیلات است، بلکه از نقش «کنترلی و نظارتی» او در زمینه گسترش و تثبیت نظم بهایی در سطوح مختلف حکایت دارد.

ایادیان امرالله، که امروز در قالب دارالتبلیغ بین‌المللی بازتولید شده‌اند، ستون فقرات دستگاه رهبری در مهندسی نرم قدرت، مراقبت ایدئولوژیک و راهبری مأموریت‌های محلی و جهانی برای تحقق نظم حاکمیتی تشکیلات بهایی هستند.

1. ابعاد محلی، ملی و بین‌المللی در خدمات ویلهلم

در سند سه سطح عملکرد برای ویلهلم ذکر شده:

«خدمات برجسته محلی و ملی و بین‌المللی»

این سه‌گانه دقیقاً منطبق با مراحل مشخص‌شده در نقشه‌های راه بهایی است. تشکیلات بهایی بر اساس فازبندی مشخص، توسعه‌یافتگی خود را در سه سطح می‌سنجد: ابتدا محلی، سپس ملی و نهایتاً جهانی.

از این رو، ویلهلم را می‌توان به‌عنوان یکی از پیشگامان اجرای میدانی نقشه‌های تشکیلاتی دانست؛ به‌ویژه آن‌که فعالیت‌هایش با شروع «عصر تکوین» همزمان بوده است.

1. اهمیت این سند در تثبیت مرحله ششم و هفتم حکومت بهایی

با توجه به اینکه ویلهلم در مرحله‌ی گذار از عصر رسولی به عصر تکوین نقش داشته و طبق سند، خدمات او بین‌المللی ارزیابی شده، می‌توان او را یکی از پازل‌های اساسی در فرایند پیشرفت به سوی مراحل ششم و هفتم حکومت تشکیلات بهایی (سلطنت کشوری و جهانی) دانست.

وی یکی از حاملان سیاست‌های راهبردی تشکیلات بهایی برای گذار از رشد سازمانی به نهادسازی حکومتی در کشورهای هدف بوده است.

1. ملکوت ابهی و بازخوانی مفهومی

اشاره پایانی به «اجر ابدی در ملکوت ابهی» اگرچه از منظر ظاهر معنوی است، اما در زبان تشکیلات بهایی، بسیاری از مفاهیم ملکوتی، پوششی برای جایگاه سیاسی افراد در نظم اداری بهایی دارد.

چرا که هم‌راستا با دیگر اسناد تشکیلاتی، واژگان معنوی غالباً با معانی تشکیلاتی کدگذاری شده و استفاده می‌شوند.

جمع‌بندی

در تحلیل این سند، با تمرکز بر واژگان کلیدی مانند عصر تکوین، ایادی امرالله، خدمات ملی و بین‌المللی، و ساختار چندسطحی خدمات تشکیلاتی، می‌توان نتیجه گرفت که:

سند مزبور یکی از شواهد قابل استناد در مسیر اثبات حرکت تشکیلات بهایی به سوی تحقق نظم سیاسی-حاکمیتی در سطح جهان است.

ویلهلم، شخصیتی فراتر از یک پیرو ساده یا مبلغ، و در واقع مجری راهبردهای عمیق ساختاری تشکیلات بوده است.

با عنایت به تمرکز مستند شوقی افندی بر نقش وی در این مراحل، می‌توان این سند را قطعه‌ای از پازل وسیع حکمرانی تشکیلات بهایی در دوران گذار به سلطنت الهیه و سلطنت جهانی دانست.

#بیت_العدل

#تشکیلات_بهایی

#حکومت_بهایی

#نقشه_های_تشکیلاتی

#ایادی_امرالله

#عصر_تکوین

#سلطنت_جهانی

Roy_Wilhelm#

#نظم_اداری_بهایی

#تحلیل_اسناد_بهایی

#ساختار_تشکیلاتی_بهایی

#نقشه_برای_سلطه

#ولی_امرالله

#حسن_ارشاد

#سندنگاری_بهایی

#

Author: Hassan Ershad ✍️

About the Author (https://www.hassanershad.com/about-me) 🌐

Series Title: The Universal House of Justice and the Ambition for Global Dominance

A Document-Based Analysis of the Baha'i Administrative Structure's Political Aspirations

Analysis of Document No. 95

:Original Document (Translated from Persian)

Shoghi Effendi – The Fortress of the Law of God, page 225

Roy C. Wilhelm

The heart is filled with grief and sorrow at the ascension of Roy C. Wilhelm, a noble“ herald, greatly beloved and praiseworthy servant of the Cause of Bahá’u’lláh. His distinguished services adorn the final years of the Apostolic Age and the early years of the Formative Age of the Cause of God. His noble character earned him the love of his ,Master, `Abdu’l-Bahá. His sanctity, purity, firm faith, and outstanding services—local national, and international—as well as his matchless sacrifice, qualified him to be appointed as a Hand of the Cause of God and, indeed, he is eternally rewarded in the ”…Abhá Kingdom

Original Source (https://reference.bahai.org/fa/t/se/CF/cf-237.html#pg225)

Structural and Organizational Analysis

This document is a eulogy composed by Shoghi Effendi, leader of the Bahá’í Faith during the “Formative Age.” While its language is devotional and reverential, it simultaneously contains embedded administrative and political content, reflective of the broader strategic .aspirations of the Bahá’í administrative order toward political and governmental power

1. “Formative Age” and Administrative Ambitions

The phrase “early years of the Formative Age of the Cause of God” is particularly significant. Within Bahá’í administrative writings, the Formative Age refers to the era after `Abdu’l-Bahá’s death in 1921, where the Bahá’í community began a systematic .effort to build a global administrative network

The primary goal of this era is not merely spiritual growth but structural expansion and the gradual implementation of a global governance framework, as explicitly outlined in .various Bahá'í planning documents across the 20th and 21st centuries

1. Role of the "Hands of the Cause"

The appointment of Roy C. Wilhelm as a Hand of the Cause of God is not merely honorary. In Bahá'í administrative terms, the "Hands" served as high-ranking agents of .ideological enforcement, organizational discipline, and strategic oversight

Historically, they operated as a centralized security and leadership elite, selected directly by the Guardian (Shoghi Effendi), with roles now largely absorbed by the International .Teaching Centre, under the Universal House of Justice

The presence of this term in the document reinforces the notion that Wilhelm was not just a faithful follower but a key operative within the inner administrative structure, with .transnational responsibilities

1. Local, National, and International Deployment

The tripartite phrasing—"services at the local, national, and international levels"—is not .incidental but deeply aligned with the Bahá'í strategy of phased expansion

:This mirrors the stages of development seen in their internal planning documents

First: local consolidation

Then: national structuring

Finally: international deployment

Wilhelm's involvement at all three levels suggests a prototype for strategic leadership .within the Bahá'í system's larger plan for global influence

1. Political Significance: Toward Stage Six and Seven of Bahá'í Governance

Given Wilhelm's timeline and strategic placement in the early Formative Age, his efforts -directly contribute to what Bahá'í plans describe as stages six and seven in their long :term development

Stage Six: Establishing full administrative dominance at the national level

Stage Seven: Realizing global governance under the Universal House of Justice

This aligns with the planning architecture laid out across multiple official Bahá'í .teaching plans" and "global plans" running from 1921 through 2031"

1. "Abhá Kingdom" and Hidden Governance LayersWhile references such as "reward in the Abhá Kingdom" appear spiritual in tone, Bahá'í administrative language frequently utilizes religious vocabulary as a coded framework to express organizational roles

.and internal hierarchy

Thus, inclusion in t (https://www.hassanershad.com/about-me)he "Abhá Kingdom" often subtly implies institutional validation and high standing within the evolving structure of .the Bahá'í Order—not just a symbolic spiritual afterlife

Conclusion

Document No. 95, when analyzed with a focus on administrative terminology and historical timing, reveals that Roy C. Wilhelm played a pivotal strategic role in advancing the Bahá'í administrative order beyond spiritual mission and into structured global .deployment

Far from being a mere eulogistic text, this is a semi-coded administrative acknowledgment of a figure critical to the Bahá'í community's shift toward operational .and political functionality at global scales

It adds to the growing body of documents that point to the Bahá'í administrative structure not as a purely religious movement, but as a transnational system with long-term .governance ambitions

🔍 :Relevant Hashtags

UniversalHouseOfJustice#

BahaiAdministrativeOrder#

BahaiGovernance#

RoyWilhel (https://reference.bahai.org/fa/t/se/CF/cf-237.html#pg225)m#

HandsOfTheCause#

FormativeAge#

BahaiPlanning#

BahaiStructure#

GlobalGovernance#

BahaiPoliticalStrategy#

HiddenHierarchy#

ReligiousGovernance#

ShoghiEffendi#

TransnationalFaith#

StageSixAndSeven#

HassanErshad#

✍️ نویسنده: حسن ارشاد

🌐 درباره نویسنده (https://www.hassanershad.com/about-me)

مجموعه مقالات: بیت‌العدل در سودای سلطه بر جهان

بررسی سند نود و ششم

متن سند

شوقی افندی – ظهور عدل الهی، صفحه ۲۱

«شایسته آن است که به‌منزلۀ فصل مشعشعی در تاریخ عصر تکوین امر حضرت بهاالله محسوب گردد. این فتوحات و انتصارات که از موفقیت‌های جسیمۀ مؤمنین اولیه آن سرزمین سرچشمه گرفته و انعکاسی از خدمات باهرۀ آن نفوس مخلِصۀ منجذبه است، بنفسه دلیل بارز و نشانۀ قاطعی از...»

منبع اصلی (https://reference.bahai.org/fa/t/se/ADJ/adj-23.html#pg21)

تحلیل ساختاری و تشکیلاتیدر این فراز، شوقی افندی در ظاهر به توصیف موفقیت‌های جامعۀ بهائی اولیه پرداخته است، اما در لایۀ تحلیلی و ساختاری، این متن بخشی از نقشۀ کلان تشکیلات بهائی برای نظام‌مند ساختن مراحل عبور از فاز تبلیغ آرمانی به فاز اجرایی و حکومتی است.

- عصر تکوین: رمزگذار استراتژی اقدام نرم

عبارت «عصر تکوین» در این سند، محور کلیدی فهم ساختار تشکیلات بهائی است. مطابق با توقیع ۱۱۰ بدیع (۱۳۳۲ ش)، این دوران آغاز فاز عملیاتی سازمان برای براندازی نرم در قالب توسعۀ نظم اداری و نهادسازی موازی است. در واقع، عصر تکوین بستری است که طی آن ساختارهای محافل، مؤسسات وابسته و نهاد رهبری به‌صورت مرحله‌به‌مرحله گسترش می‌یابند و آمادۀ اجرای مرحلۀ ششم (سلطنت الهیه) و مرحلۀ هفتم (سلطنت جهانی) می‌شوند.

این سند شوقی نیز به‌وضوح در همین راستا تنظیم شده و با واژه‌هایی چون «فتوحات» و «انتصارات» به موفقیت‌های غیرنظامی اما سازمان‌یافته در عرصهٔ ساختار قدرت اشاره دارد.

◇ واژهٔ "انتصارات" و صورتبندی ساخت قدرت

به‌کارگیری واژهٔ «انتصارات» به‌صورت آشکار بیانگر نوعی پیروزی ساختاری و تشکیلاتی است که از مسیر فعالیت‌های منظم، مستمر و برنامه‌ریزی‌شده به دست آمده است. این تعبیر در ساختار تشکیلات بهایی معادل با گسترش نهادهای رسمی بهائی در سطوح مختلف ملی و بین‌المللی است؛ نه صرفاً رشد فکری یا تبلیغی.

در ادبیات تشکیلاتی بهائی، این واژه به‌ویژه در گزارش‌های مربوط به پیشرفت مراحل هفتگانهٔ توسعه (از مرحلهٔ مظلومیت تا سلطنت جهانی) تکرار می‌شود، و همین امر آن را به یک کد مفهومی برای پیشروی نرم تشکیلات toward government functionality تبدیل کرده است.

◇ مؤمنین اولیه: هسته‌های نخستین ساختار ملی – مقدمهٔ سلطنت الهیه

عبارت «مؤمنین اولیهٔ آن سرزمین» نشان‌دهندهٔ تثبیت هسته‌های تشکیلاتی در سطح ملی است. این افراد در حقیقت نخستین کنشگران ساختاری هستند که زمینهٔ گسترش نظام اداری بهایی در کشورها را فراهم می‌کنند.

در نظریهٔ مراحل هفتگانه، این مقطع منطبق بر مرحلهٔ انفصال و استقلال است؛ یعنی زمانی که تشکیلات بهائی از دیگر ادیان و ساختارهای موجود تفکیک شده و با ساختاری متمایز، اما زیرپوستی و موازی، عمل می‌کند.

◇ کدگذاری اصطلاحی: فصل مشعشع = اوج یک فاز اجرایی

توصیف «فصل مشعشع در تاریخ عصر تکوین» در واقع معادل با رسیدن به مرحله‌ای جدید در بلوغ تشکیلاتی است. این فصل نه تنها شامل رشد کمی افراد، بلکه نشانه‌ای از گذار به ساختارهای تثبیت‌شده و باثبات در عرصهٔ قدرت محلی و ملی است.

در اسناد بعدی بیت‌العدل نیز، چنین «فصول مشعشع»ای بارها همزمان با تدوین نقشه‌های دقیق زمانی و عملیاتی (مثلاً نقشهٔ هفت‌ساله یا نه‌ساله) تکرار شده‌اند.

جمع‌بندی

سند نود و ششم از منظر تشکیلاتی، متنی است که زیر زبان ستایش‌آمیز، الگوی تثبیت ساخت قدرت بهائی در عصر تکوین را ترسیم می‌کند. اصطلاحات استفاده‌شده در آن، به‌ویژه ‘‘انتصارات’’، ‘‘فتوحات’’، و ‘‘مؤمنین اولیه’’، همگی بار معنایی سازمانی و حکومتی دارند و نشان از مرحله‌ای دارند که تشکیلات بهائی در حال عبور از تبلیغ صرف به ساخت حکومت درون‌زا و نهادمحور است.

این فاز، بخشی از سلسله‌نقشه‌های تشکیلات بهایی است که از ۱۹۱۶ (الواح تبلیغیه) آغاز و در ۲۰۲۲ الی ۲۰۳۱ در قالب نقشهٔ هفدهم بیت‌العدل ادامه دارد؛ با هدف نهایی: ایجاد ساختار جهانی سلطنت الهیه در مرحلهٔ هفتم.

📎 هشتگ‌های مرتبط:

#بیت_العدل

#تشکیلات_بهایی

#حکومت_بهایی

#عصر_تکوین

#سلطنت_الهیه

#سلطنت_جهانی

#شوقی_افندی

#نقشه_تشکیلاتی

#ساختار_قدرت

#فتوحات_نرم

#استراتژی_دینی

#مدنیت_الهی

#نظم_اداری_بهایی

#تحلیل_سند

Author: Hassan Ershad ✍️

About the Author (https://www.hassanershad.com/about-me) 🌐

Series Title: The Universal House of Justice and Its Pursuit of Global Domination

Document Analysis No. 96

A review of high-level authoritative texts reflecting the Baha'i administrative structure's .political aspirations

Document Text

Shoghi Effendi – The Advent of Divine Justice, p. 21

It should be regarded as a brilliant chapter in the formative age of the Faith of" Bahá'u'lláh. These victories and triumphs, resulting from the notable successes of the early believers of that land, and reflecting the radiant services of those sincere and "…attracted souls, are in themselves clear evidence and conclusive proof of

Source Link (Persian) (https://reference.bahai.org/fa/t/se/ADJ/adj-23.html#pg21) 📎

Structural and Institutional Analysis

This passage from Shoghi Effendi may appear devotional and commemorative on the surface. However, when examined through the lens of the Baha'i administrative framework, it serves as an ideological anchor within a broader strategy — one aimed at

transitioning from spiritual expansion to political institutionalization. The passage is part عصر) of a broader narrative within the Baha'i literature that marks the Formative Age .as a phase of calculated administrative expansion and power consolidation (تکوین

◇ The "Formative Age": Strategic Soft Power Deployment

The term "Formative Age," used here, is not merely historical. Based on Tablet 110 of the Badi' Calendar (1332 SH), this era refers to a programmatic phase of the Baha'i .administrative order aimed at methodically building an alternative governance structure It is within this same timeframe that the Faith's institutions—national spiritual assemblies, local assemblies, and eventually the Universal House of Justice—are gradually formalized to operate in parallel to, and ultimately replace, existing political structures. This passage frames such developments as "victories," clearly signaling a .nonviolent, soft overthrow mechanism rooted in structured expansion

◇ The Use of "Triumphs" and "Victories": Institutional Milestones

.Terms like "victories" (futuhat) and "triumphs" (intisarat) are not metaphorical here Within the Baha'i administrative lexicon, such words are often used to celebrate the successful implementation of operational phases — for instance, the transition from obscurity to institutional legitimacy within a specific country, a concept codified in .Shoghi Effendi's seven-stage national development model

These "victories" refer to milestones such as the formation of national assemblies, the legal recognition of Baha'i institutions, and the integration of administrative functions into the broader civil society — all crucial steps toward what is later termed the "Divine .Sovereignty" phase

◇ Early Believers": Core Agents of Administrative Penetration"

—The reference to "early believers of that land" indicates a class of pioneer operatives individuals tasked with institutional groundwork in various countries. These persons are not just spiritual figures but administrative trailblazers, enabling the Baha'i apparatus to take root. They form the foundation for autonomous, nationally recognized Baha'i

structures which act as proto-governmental institutions under the umbrella of the global .Baha’i framework

◇ “A Brilliant Chapter”: Codename for Phase Transition

Labeling this period as a “brilliant chapter” within the Formative Age is a coded way of referring to successful phase completion in institutional development. Each “chapter” in the administrative evolution of the Baha’i Faith corresponds with the launch and completion of a formal development plan (referred to as “plans” or “projects” in other Baha’i documents). Notably, the Baha’i world is currently operating under the .Seventeenth Plan (2022–٢٠٣١) as issued by the Universal House of Justice

Summary

Document No. 96 is a strategic, layered declaration. On its surface, it praises the commitment and spiritual fervor of early believers. But underneath, it articulates a programmatic milestone in the global expansion of Baha’i institutions. The passage is clearly situated in the

-broader trajectory from community formation (https://www.hassanershad.com/about .me)to governmental functionality

Its vocabulary — Formative Age, victories, triumphs, early believers — signals structural -consolidation, legal recognition, and the eventual ambition toward a worldwide Baha’i .administered order

This aligns with the ongoing execution of a coordinated sequence of global plans, first articulated in the Tablets of the Divine Plan (1916–١٩١٧) by ‘Abdu’l-Bahá, and now .implemented through the Universal House of Justice’s Seventeenth Plan (2022–٢٠٣١)

📎 Relevant Hashtags

UniversalHouseOfJustice#

Baha’iAdministration#

FormativeAge#

DivineSovereignty#

Baha’iGovernance#

ReligiousStructures#

InstitutionalPower#

Shoghi (https://reference.bahai.org/fa/t/se/ADJ/adj-23.html#pg21)Effendi#

GlobalPlans#

SoftPowerExpansion#

AdministrativeOrder#

SpiritualGovernance#

Baha’iInstitutions#

Baha’iStrategicGrowth#

✍️ نویسنده: حسن ارشاد

🌐 درباره نویسنده

مجموعه مقالات: بیت‌العدل در سودای سلطه بر جهان

بررسی اسناد بالادستی مبتنی بر به دنبال حکومت بودن تشکیلات بهایی

بررسی سند نود و هفتم

متن سند (شوقی افندی، ظهور عدل الهی، ص ۹۱):

«و شدت این تکلیف شدید مرعوب و از تلونات و تطورات زمان خائف و هراسان گردند، به نحو شایسته قیام و با شدائد ایام مقابله خواهند نمود؛ ایامی که مشحون از مخاطر و مفاسد قوّه‌ای و در عین حال آبستنِ آینده‌ای بس درخشان و عظیم است؛ آینده‌ای که هیچیک از اعصار ماضیه تاریخ با رفعت شأن و علو مقام و جلوه و جلالِ آن رقابت و همسری نتوانست نماید. دوستان عزیز، در آغاز این اوراق شمه‌ای از فرصت‌های بدیع و جلیل، همچنین مسئولیت‌های عظیم و خطیری که در اثر حملات و تضییقات وارده نسبت به امر مقدس حضرت بهاالله در چنین مرحله حساس از عصر تکوین امر بهائی و هنگام دقیق و پرتلاطم از تاریخ حیات بشری در قبال جامعه بهایی...»

تحلیل مستند و دقیق:

۱. شدائد ایام و حکمت حکومت بهایی

شوقی افندی ضمن اشاره به «شدائد ایام»، تأکید می‌کند که در برابر چالش‌های درونی و بیرونی، تشکیلات بهایی باید استوار بایستد. این همان مقتضای مرحله ششم حکومت بهایی در عصر تکوین است، جایی که ابزارهای اداری و ساختاریِ Order for Global Administration باید تقویت شوند تا بتوانند بر فشارهای داخلی و حملات خارجی فائق آیند.

۲. آینده درخشانِ نظم اداری

تصویر «آینده... آبستنِ آینده‌ای بس درخشان و عظیم» اشاره‌ای است به چشم‌انداز مرحله هفتم حکومت جهانی بهایی؛ حکومتی که بر پایه سلسله‌مراتب اداری بهایی و نقشه‌های بلندمدت (از جمله هفدهمین نقشه ۲۰۲۲–۲۰۳۱) تحقق خواهد یافت.

۳. فرصت‌های بدیع و مسئولیت‌های خطیر

«فرصت‌های بدیع و جلیل» و «مسئولیت‌های عظیم و خطیر» یادآور آن است که تشکیلات بهایی اکنون در میانه نقشه‌ای زمان‌مند قرار دارد. این نقشه‌ها، از اولین الواح ملکوتی عبدالبها در ۱۹۱۶–۱۷ تا آخرین برنامه‌ریزی‌های بیت‌العدل، به مثابه چارچوبی برای استقرار حکومت بهایی طراحی شده‌اند.

۴. عصر تکوین به مثابه فصل حساس

شوقی افندی یادآوری می‌کند که این لحظه، نقطه عطفی در «عصر تکوین» است؛ دورانی که پس از ۱۹۲۱ آغاز شده و با تدوین عهدها و نقشه‌های تشکیلاتی، زمینه‌ساز مرحله ششم و هفتم حکومت بهایی در داخل کشورها و سپس در سراسر جهان است.

۵. ماهیت سازمانی «امرالله»

مفهوم «امر مقدس حضرت بهاالله» در این متن به معنای سازمانیِ Order for Divine Justice است، نهادی که مأموریتش تحقق نظم اداری و حاکمیت نرمِ حکومت بهایی است.

▨ جمع‌بندی

سند حاضر گواهی است بر پیوند تنگاتنگ میان سختی‌ها و فرصت‌های عصر تکوین و پیش‌برندگی برنامه‌های عملیاتی حکومت بهایی. شوقی افندی با زبانی نمادین اما شفاف، ضرورت تقویت ساختار اداری بهایی برای عبور از بحران‌ها و استقرار نظم جهانی بهایی را یادآور می‌شود.

#بیت_العدل

#عصر_تکوین

#حکومت_بهایی

#نظم_اداری_بهایی

#نقشه_تشکیلاتی

#امرالله

Author: Hassan Ershad ✍

About the Author (https://www.hassanershad.com/about-me) 🌐

Series: The Universal House of Justice's Quest for World Dominion

Analysis of Foundational Documents Indicating the Bahá'í Administration's Pursuit of Governance

Document 97 Analysis

:Original Text (Shoghi Effendi, The Dawn-Breakers of Divine Justice, p. ۹۱)

And when the severity of this obligation overwhelms them, and they become fearful and" distressed by the fluctuations and vicissitudes of the times, they shall rise appropriately and confront the trials of the age—an age fraught with grave perils and corruption, yet pregnant with a future so radiant and sublime that none of history's past ages could rival its exalted station, splendor, and glory. Dear friends, at the outset of these pages a glimpse is given of the novel and august opportunities, as well as the immense and perilous responsibilities, that have been thrust upon the Bahá'í community as a result of the assaults and constraints imposed upon the sacred Cause of Bahá'u'lláh during this sensitive phase of the 'Age of Development' of the Bahá'í Revelation, at a critical and "…turbulent juncture in human history

:Documented, Critical Analysis

Trials of the Age and the Imperative of Bahá'í Governance

Shoghi Effendi's reference to the "trials of the age" underscores the Bahá'í Administration's need for resilience amid internal and external challenges. This aligns with the sixth stage of Bahá'í governance in the Age of Development, where the apparatus of Global Administrative Order must be fortified to withstand internal discord .and external attacks

A Radiant Future of Administrative Order

—The phrase "a future so radiant and sublime" alludes to the vision of the seventh stage global Bahá'í governance—predicated on hierarchical administrative structures and .long-term planning (including the Seventeenth Plan spanning 2022–۲۰۳۱)

Novel Opportunities and Perilous Responsibilities

”The “novel and august opportunities” and “immense and perilous responsibilities highlight that the Bahá’í community is enmeshed in a time-bound strategy. From the first heavenly Tablets of ‘Abdu’l-Bahá (۱۹۱۶–۱۷) to the latest plans of the Universal House of Justice, these form the scaffolding for establishing Bahá’í governance.

The Age of Development as a Pivotal Phase

Effendi’s emphasis that this moment is critical within the “Age of Development” (beginning after ‘Abdu’l-Bahá’s passing in 1921) reinforces the period’s role in crafting administrative and operational plans guiding the transition to the sixth and seventh stages of Bahá’í governance nationally and globally.

”The Administrative Nature of “‘Amrulláh

The term “the sacred Cause of Bahá’u’lláh” here denotes the organizational entity of Divine Order, tasked with implementing administrative structures and the soft power of Bahá’í governance.

Conclusion ▨

This document vividly demonstrates how the Bahá’í Administration’s strategic planning and organizational resilience are intertwined with the trials and opportunities of the Age of Development. Shoghi Effendi, employing symbolic yet clear language, stresses the necessity of strengthening Bahá’í administrative order to overcome crises and realize a universal Bahá’í governance.

UniversalHouseOfJustice#

AgeOfDevelopment#

BaháíGovernance#

AdministrativeOrder#

InstitutionalPlans#

Amrullah#

✍️ نویسنده: حسن ارشاد

🌐 درباره نویسنده (https://www.hassanershad.com/about-me)

مجموعه مقالات: بیت‌العدل در سودای سلطه بر جهان

بررسی اسناد بالا دستی مبتنی بر به دنبال حکومت بودن تشکیلات بهایی

بررسی سند نود و هشتم

متن سند

شوقی افندی، ظهور عدل الهی، ص. ۱۴۹:

«... باین منظور مصروف و مساعی جمیله قویه در ایقاظ روحانی این سرزمین مبذول شود. نظر قاطع این عبد آنست که تأسیس پایگاه دیگری از امر الهی در قلب جمهوری پاناما صفحه جدیدی در تاریخ وقایع مهمه و حوادث درخشان عصر تکوین امر حضرت بهاءالله در عالم جدید مفتوح خواهد نمود و فرصت‌های بدیعه در دسترس نفوسی که به تحقق این مقصد اعزّ اعلی مبادرت نمایند خواهد گذاشت؛ مساعی آنان را تشدید و حیات روحانی‌شان را تقویت و تأیید خواهد نمود؛ همچنین مسرت و شهامت بی‌پایان در قلوب افراد و جمعیت‌ها و مراکز منفرد در جمهوری‌های قریب و بعید ایجاد خواهد کرد و نفوذ معنوی بسیار شدید در حیات و ترقیات آینده مردم آن بلاد بر...»

تحلیل مستند و منصفانه

عصر تکوین و تحکیم ساختار

اشاره به «عصر تکوین» تکرار می‌شود؛ دوره‌ای که تشکیلات بهایی گام به گام از فضایی آرمانی به ساختاری نهادمند و عملیاتی برای ایجاد حکومت بهایی گذر می‌کند. این سند بر ضرورت گسترش «پایگاه دیگری از امر الهی» در پاناما تأکید دارد که خود بخشی از برنامه‌ریزی عملیاتی حکومت بهایی برای تعمیق نظم اداری و گسترش نفوذ آن در قاره آمریکا است.

تأسیس پایگاه جدید

عبارت «تأسیس پایگاه دیگری» نمایانگر تحرک سازمانی و استراتژیک تشکیلات برای ایجاد مراکز مادی و اداری جدید است. این اقدام، همسو با نقشه‌های ۱۷گانه تدوین‌شده، نشان می‌دهد که گسترش جغرافیایی مرکزیت حکومت بهایی، جزئی از پروژه‌ای کلان برای تثبیت و تحکیم ساختار حکومتی است.

فرصت‌های بدیع و تشدید مساعی

واژه‌های «فرصت‌های بدیع» و «مساعی تشدید» نشان‌دهنده آن است که گشایش هر مرکز جدید، مرحله‌ای از راهبرد حکومت بهایی به شمار می‌آید که باید با بهره‌گیری از آن، هم کنترل داخلی (ایقاظ روحانی جامعه) و هم فشار خارجی (نفوذ معنوی در بین جوامع محلی) را مدیریت کند.

نفوذ معنوی و شهامت بی‌پایان

سند تصریح می‌کند که تأسیس این پایگاه باعث افزایش «شهامت بی‌پایان» و «نفوذ معنوی بسیار شدید» خواهد شد —عباراتی که دال بر تأثیرگذاری سیاسی-اجتماعی تشکیلات بهایی و آماده‌سازی بستر حکومت بهایی در قاره‌هاست.

رویکرد ساختاری-سیاسی

متن، به‌وضوح بیش از اینکه یک فراخوان صرفاً روحانی باشد، نشان‌دهنده یک استراتژی سیاسی و سازمانی است: تأسیس پایگاه‌ها و مراکز اداری جدید در جمهوری‌ها، متضمن طراحی نقشه‌های عملیاتی دقیق و گسترش شبکه حکومتی بهایی است.

#بیت_العدل #عصر_تکوین #حکومت_بهایی #گسترش_جغرافیایی #فرصت_بدیع #نظم_اداری_بهایی

Author: Hassan Ershad ✍

About the Author (https://www.hassanershad.com/about-me) 🌐

Series Title: The Universal House of Justice and the Pursuit of Global Domination

Subject: Analysis of Foundational Documents Indicating the Baha’i Administrative Order’s Governance Agenda

Document No. 98 – Analytical Review

Primary Source

:Shoghi Effendi, The Advent of Divine Justice, p. ۱۴۹

To this end, strong and noble efforts must be devoted to the spiritual awakening of this…“ land. It is the firm opinion of this servant that the establishment of another base of the Cause of God in the heart of the Republic of Panama will open a new chapter in the history of significant events and brilliant developments of the Formative Age of the Cause of Bahá’u’lláh in the New World. It will present unique opportunities to those souls who rise to accomplish this most exalted objective; it will intensify their efforts, strengthen and confirm their spiritual lives; it will also generate boundless joy and courage in the hearts of individuals, groups, and isolated centers in both nearby and distant republics, and exert

a powerful spiritual influence on the life and future progress of the peoples of those ”…lands

Structured and Balanced Analysis

The Formative Age and Structural Consolidation

The repeated reference to the “Formative Age” marks a pivotal phase in the administrative evolution of the Baha’i Order—transitioning from an idealistic phase to a structured and operational system. The explicit emphasis on the establishment of “another base of the Cause of God” in Panama is not a standalone spiritual act but part of a broader operational strategy by the Baha’i administrative system aimed at deepening its .organizational presence and expanding influence across the Americas

Establishing a New Base

The phrase “establishment of another base” clearly denotes a calculated and systematic expansion. It reflects the movement of the Baha’i administration toward -institutionalization through tangible administrative centers. Aligned with the ongoing 17 stage planning framework led by the Universal House of Justice, this development reveals strategic territorial expansion as a core mechanism in the long-term stabilization of a .Baha’i governance structure

”Unique Opportunities” and “Intensified Efforts“

Terms such as “unique opportunities” and “intensify their efforts” point to a dual-layered strategy: first, to reinforce internal cohesion and mobilization among believers (described here as “souls”), and second, to build external influence and spiritual authority in surrounding regions. These terms suggest the function of new centers as control points for .both internal activation and external penetration

Spiritual Influence and Unbounded Courage

The document affirms that the creation of this base will inspire “boundless joy and courage” and exert a “powerful spiritual influence.” These are not merely devotional outcomes—they indicate the anticipated socio-political effect of embedding

administrative presence in new geographies. The expected “influence on the life and .future progress of the peoples” implies a governance-oriented vision

Structural-Political Approach

This excerpt, while couched in spiritual language, reveals a broader political-structural agenda. The drive to establish “centers” in various republics corresponds with detailed operational blueprints and reflects a governance model rooted in strategic expansion. The use of language that blends spirituality with administrative directives is emblematic of a .dual-purpose narrative: spiritual outreach and institutional anchoring

UniversalHouseOfJustice#

FormativeAge#

BahaiGovernance#

TerritorialExpansion#

StrategicOpportunity#

AdministrativeOrder#

✍️ نویسنده: حسن ارشاد

🌐 درباره نویسنده (https://www.hassanershad.com/about-me)

مجموعه مقالات: بیت‌العدل در سودای سلطه بر جهان

بررسی اسناد بالادستی مبتنی بر به دنبال حکومت بودن تشکیلات بهائی

بررسی سند نود و نهم

متن سند

شوقی افندی، ظهور عدل الهی، صفحه ۱۷۷:

«تهدید و تشدید متواصل در نهایت هیجان و خلجان . در دو جهه کشور یعنی در جناحین ان مراکز طوفانی اروپ و شرق اقصی که بالقوه مستعد هر گونه انفجار و اشتعال است واقع . در افاق جنوبیه‌اش حوادثی در شرف تکوین که ممکن است بکانون فساد و انقلاب دیگری تبدیل گردد . دنیای حاضر یوما فیوما فشرده‌تر شده و مردم آن علی الظاهر نسبت...»

مرجع سند (https://reference.bahai.org/fa/t/se/ADJ/adj-179.html#pg177)

تحلیل مستند، انتقادی و ساختارمحور بر مبنای سندواژه‌ی کلیدی: تکوین

در متن، اشاره‌ی مستقیم به مرحله‌ی «تکوین» (به‌معنای مرحله‌ی شکل‌گیری ساختاری و نهادمند) از دوره‌های تاریخی تشکیلات بهایی، جای تأمل فراوان دارد. «تکوین» یکی از مراحل برنامه‌ریزی شده در توسعه‌ی نظم اداری است که با درگذشت عبدالبهاء آغاز شد و با محوریت ولی‌امرالله (شوقی افندی) وارد فاز تثبیت سازمانی و زیرساختی گردید.

مرحله تکوین با هدف طراحی، اجرای و تثبیت حکومت بهایی در مقیاس کشوری و سپس جهانی، به‌ویژه در مرحله ششم و هفتم توسعه‌ی ساختاری امرالله، نقش کلیدی ایفا می‌کند. به‌ویژه با توجه به توقیع ۱۱۰ بدیع (۱۳۳۲ شمسی)، که در آن شوقی، پروژه‌ی براندازی نرم از طریق تحرک تشکیلاتی را در همین مرحله مورد اشاره قرار داده است.

تحلیل واژه‌ها و ساختار مفهومی

تهدید و تشدید متواصل

این عبارات دلالت مستقیم دارد بر افزایش فعالیت و تمرکز تشکیلات بهایی در مناطق بحرانی. کاربرد ترکیب «تشدید متواصل» بیانگر یک برنامه‌ریزی مداوم، منظم و هدفمند است. این تشدید، به جای آن‌که تنها معنای

واکنشی داشته باشد، حامل نشانه‌هایی از برنامه‌ریزی پیش‌دستانه تشکیلاتی نیز هست—یعنی هم رصد تحولات، و هم اقدام برای اثرگذاری.

جناحین مراکز طوفانی اروپ و شرق اقصی

این بخش از سند نشان می‌دهد که تشکیلات بهایی، توجه خود را بر دو منطقه حساس از نظر ژئوپلیتیکی متمرکز کرده است. به‌کارگیری اصطلاح «مراکز طوفانی» نشان می‌دهد که برنامه‌ریزان در تشکیلات، ناپایداری سیاسی-اجتماعی این مناطق را فرصت مناسبی برای نفوذ ساختاری و گسترش شبکه‌های حکومتی بهایی قلمداد می‌کنند.

حوادثی در شرف تکوین

واژه «تکوین» در اینجا یک معنا و بار دوگانه دارد. در لایه نخست، به رخدادهای اجتماعیِ نوظهور اشاره دارد؛ اما در لایه زیرین و در متن ساختار فکری شوقی افندی، این واژه دقیقاً همان نام مرحله‌ای از مراحل هفت‌گانه توسعه‌ی تشکیلات بهایی است. این نشان می‌دهد که تحلیل‌گران تشکیلات، حوادث بیرونی را نه صرفاً بحران، بلکه فرصتی برای تقویت ساختارهای خود می‌دانند. این تطابق مفهومی بسیار حائز اهمیت است.

حکومت بهایی و کنترل در مناطق بحرانی

این سند به‌روشنی نشان می‌دهد که حکومت بهایی، در طراحی کلان خود، دو محور اصلی را دنبال می‌کند:

پایش و شناسایی نقاط مستعد انفجار اجتماعی یا سیاسی؛

ایجاد زمینه نفوذ در این نواحی از طریق نهادهای تابع تشکیلات.

به‌بیان دیگر، حکومت بهایی نه صرفاً از زاویه یک دیانت، بلکه به‌عنوان یک تشکیلات سازمان‌یافته، نقشه‌های خود را در مناطقی که به‌لحاظ ژئوپلیتیکی بی‌ثبات هستند، فعالانه پیاده‌سازی می‌کند.

سازمان‌دهی در بستر بحران جهانی

عبارت «دنیای حاضر یوماً فیوماً فشرده‌تر شده» یادآور بهره‌برداری از جهان در حال جهانی‌شدن است. تشکیلات بهایی، با تفسیر جهانی‌سازی به‌مثابه بستر، در تلاش است نهادهای خود را در جای‌جای جغرافیای جهانی تثبیت کرده و از تقاطع بحران‌های محلی، برای تعمیق نفوذ خود بهره بگیرد.

نتیجه‌گیریاین سند، نمونه‌ی بارزی است از نحوه‌ی استفاده تشکیلات بهایی از مفاهیم مذهبی برای پی‌ریزی ساختاری از حکومت بهایی، به‌ویژه در مناطق بحرانی دنیا. تحلیل زبان سند، تکرار واژه‌های چون «تکوین»، «تشدید»، و «تهدید»، همگی حکایت از راهبردهای عملیاتی دارد که در قالب نظم اداری بهایی تعریف شده‌اند. هدف نهایی، گذار تدریجی اما ساختاریافته به مرحله سلطنت الهیه در سطح ملی و سپس سلطنت جهانی در مقیاس بین‌المللی است.

#بیت_العدل

#تشکیلات_بهایی

#حکومت_بهایی

#عصر_تکوین

#تهدید_نرم

#نفوذ_ساختاری

#نظم_اداری

#گسترش_تشکیلاتی

#تحلیل_اسناد

✍️ Author: Hassan Ershad

🌐 About the Author (https://www.hassanershad.com/about-me)

Series Title: The Universal House of Justice and the Pursuit of Global Domination

Subject: Analysis of Foundational Documents Revealing the Political Ambitions of the Bahá'í Administrative Order

Document 99: Text and Analytical Review

:Original Text (Shoghi Effendi, The Advent of Divine Justice, p. 177)

Persistent threats and escalating tensions, at the height of excitement and turmoil. In both“ wings of the globe — those storm centers of Europe and the Far East, which are inherently prone to eruption and ignition — serious events are in the process of formation in the southern regions as well, which may turn into a new hub of corruption and revolution. The present world is growing more compressed by the day, and its people ”…appear to be

📎 Source Link (https://reference.bahai.org/fa/t/se/ADJ/adj-179.html#pg177)

Structural and Critical Analysis Based on Key Terms

Keyword: Takwin (Formative Phase)

This text contains a direct reference to the Takwin (formative) stage, a pivotal .developmental phase in the historical trajectory of the Bahá'í administrative structure This stage began after the passing of 'Abdu'l-Bahá and marked the era of Shoghi Effendi's leadership, in which the institutional backbone of the Bahá'í system was .consolidated and expanded

The Takwin phase is strategically designed to implement the Bahá'í system of governance first at the national level and eventually at the global level — especially as it aligns — with the sixth and seventh stages of the administrative evolution (as defined by Shoghi Effendi). This aligns directly with Document 110 (110 Badi', ۱۳۳۲ Solar Hijri), where .Shoghi outlines a "soft subversion" strategy linked precisely to this formative stage

Semantic and Structural Interpretation

”Persistent threats and escalation“

These terms suggest an ongoing and intensifying focus of the Bahá’í administration on crisis-prone regions. The phrase “persistent escalation” implies not mere reaction but systematic and strategic planning — including monitoring, data analysis, and potentially .engineered responses

”Storm centers of Europe and the Far East“

.This phrase reveals that the Bahá’í organization deliberately targets geopolitical hotspots The use of the term “storm centers” suggests that internal instability in these regions is viewed not as a threat, but as a strategic opening — fertile ground for increasing the .administrative and organizational footprint of the Bahá’í institutions

Events in the process of formation” (Takwin)“

The word Takwin here carries dual connotations. On the surface, it refers to unfolding ,socio-political events. However, within the internal lexicon of Shoghi Effendi’s writings Takwin precisely identifies a developmental phase in the Bahá’í administrative plan. This alignment indicates that external instability is perceived as an opportunity to internalize .and accelerate structural control

Bahá’í Governance and Crisis Zone Penetration

This document clearly outlines how the Bahá’í administrative system pursues two central :axes of political strategy

.Identifying geopolitical fault lines prone to social or political eruption

Establishing avenues for infiltration via organizational affiliates and institutional .presence

In other words, the Bahá’í system operates not just as a religion but as a global organizational structure, deploying tactical plans within politically vulnerable regions to .lay the groundwork for systemic influence and control

Institutional Strategy Amid Global Crisis

The phrase “the present world is growing more compressed by the day” refers to the increasing interconnectedness of nations — an effect of globalization. The Bahá’í administration interprets globalization not as a passive reality but as a structural opportunity. It leverages this compression to build institutional permanence across .borders and use local or regional crises as accelerators for organizational deepening

Conclusion

This document provides a revealing case study in how the Bahá’í administrative structure uses religious terminology to justify and construct a global

governance system. Through its deliberate an (https://www.hassanershad.com/about-me)d repetitive use of terms like Takwin, escalation, and threat, it becomes clear that these are not abstract theological notions, but operational signals embedded within the administrative doctrine. The ultimate goal appears to be a gradual yet systematic — transition toward national Divine Sovereignty and eventually Global Sovereignty .stages defined explicitly within Bahá’í institutional planning

:Hashtags

UniversalHouseofJustice#

BahaiAdministration#

BahaiGovernance#

FormativeAge#

SoftSubversion#

StrategicInfiltration#

AdministrativeOrder#

InstitutionalExpansion#

DocumentAnalysis#

✍️ نویسنده: حسن ارشاد

🌐 درباره نویسنده (https://www.hassanershad.com/about-me)

مجموعه مقالات: بیت‌العدل در سودای سلطه بر جهان

*بررسی اسناد بالادستی مبتنی بر به دنبال حکومت بودن تشکیلات بهائی

بررسی سند یکصد

▧ منبع:

داریوش شاهرخ، اصول دیانت بهائی، صفحه ۸

متن سند (https://reference.bahai.org/fa/t/o/UDB/udb-13.html#pg8)

«هزار قرن خواهد بود. اولین مرحله در این کور، دور دیانت بهائی است که به انگلیسی آن را Bahai Era می‌خوانند و حداقل هزار سال ادامه خواهد یافت. پس از آن پیامبر دیگری ظاهر خواهد شد. مطابق فرموده حضرت بهاءالله، ظهور پیامبران الهی در این جهان پایانی نداشته و ادامه خواهد یافت و تا زمانی که عالم انسانی وجود دارد، به تعالیم الهی نیز احتیاج خواهد بود. دور بهائی از سه عصر تشکیل یافته است که عبارتند از:

۱ – عصر رسولی (The Apostolic Age)

۲ – عصر تکوین (The Formative Age)

...»

تحلیل مفهومی و ساختاری

در این سند، کلیدواژه‌هایی مطرح می‌شود که دلالت مستقیم بر روند سازمان‌یافته و مرحله‌مند تشکیلات بهائی برای دستیابی به حکومت بهایی دارند. سند با تأکید بر دوام هزار ساله‌ی دور بهائی آغاز می‌شود. این عدد نمادین، در چارچوب ادبیات تشکیلاتی، نه‌تنها یک بیان عقیدتی بلکه یک طرح کلان زمانی برای استقرار تدریجی و تثبیت حاکمیت تشکیلات بهایی در سطح جهانی است.

عصر تکوین (Formative Age)

سند به روشنی از واژه‌ی عصر تکوین استفاده می‌کند که نقش کلیدی در معماری حاکمیتی تشکیلات بهائی دارد. این عصر، مطابق با شوقی افندی، از درگذشت عبدالبهاء (۱۹۲۱ میلادی) آغاز شده و همچنان ادامه دارد. در این مرحله، ساختارهای اداری و حکومتی بهائی از فاز آرمانی به فاز اجرایی گذار کرده‌اند.

همان‌طور که در توقیع ۱۱۰ بدیع (۱۳۳۲ شمسی) آمده است، عصر تکوین مرحله‌ای است که عملیات تشکیلات برای براندازی نرم و خزنده به سمت حاکمیت ملی (مرحله ششم) و حاکمیت جهانی (مرحله هفتم) آغاز شده است.

واژه‌ی کور (دور) و برنامه‌ریزی هزارساله

استفاده از واژه‌ی کور یا دور با اشاره به تداوم حداقل هزار ساله، به شکلی روشن، نگاه برنامه‌ریزی‌شده و درازمدت تشکیلات بهائی را در پی‌ریزی نظم نوین اداری بهایی نمایان می‌سازد. این چارچوب زمانی بلندمدت، بستری است برای اجرای نقشه‌های مرحله‌بندی‌شده و طراحی مهندسی‌شده‌ی ساختار سیاسی – اداری، که در دهه‌های گذشته به شکل مستمر پیگیری شده است.

تحلیل لایه‌های پنهان

در این سند، تأکید بر تداوم پیامبری و ختم نشدن آن، با ساختاری که حول سه عصر ترسیم شده، صورت می‌گیرد. این ساختار که با دقت بالایی تبیین شده، نشانگر آن است که تشکیلات بهائی نه‌فقط یک نهاد دینی بلکه یک سیستم دارای چرخه تاریخی و نهادهای عملیاتی برای مدیریت جامعه است. به عبارت دیگر، تأسیس حکومت بهایی در لایه‌های زیرین سند، به‌مثابه یک هدف راهبردی تنظیم شده است.

جمع‌بندی نهایی

سند بررسی‌شده از مهم‌ترین شواهد متنی است که نشان می‌دهد تشکیلات بهائی نه صرفاً یک دیانت، بلکه یک نهاد دارای ساختار، چرخه‌ی زمانی و هدف‌گذاری برای استقرار قدرت در سطح ملی و جهانی است. تأکید بر عصر تکوین، دور هزار ساله و تقسیم‌بندی سه‌گانه‌ی عصرها، نشانگر نگاه تشکیلات بهائی به جامعه انسانی به‌مثابه یک میدان عمل برای استقرار تدریجی قدرت حکومتی از طریق ساختارهای درون‌دینی سازمان‌یافته است.

هشتگ‌ها

#بیت_العدل

#تشکیلات_بهایی

#حکومت_بهایی

#عصر_تکوین

#نظم_اداری

#دور_بهائی

#سند_تحلیلی

#شوقی_افندی

#سلسله_نقشه_ها

#اهداف_حاکمیتی

#ساختار_تشکیلاتی

#مدنیت_الهی

#ایادی_امر

#دار_التبلیغ

#نقشه_عملیاتی

Author: Hassan Ershad ✍️

About the Author (https://www.hassanershad.com/about-me) 🌐

Article Series: The Universal House of Justice and Its Aspiration for Global Domination

Document Analysis: Strategic Doctrines of the Bahá'í Administrative Order Toward Sovereignty

"Document Review: "One Hundred

:Source 🧾

Dariush Shahrokh, Principles of the Bahá'í Faith, p. 8

Read the Full Document (https://reference.bahai.org/fa/t/o/UDB/udb-13.html#pg8)

,It will last for a thousand centuries. The first phase in this dispensation is the Bahá'í Era" which will continue for at least a thousand years. After that, another Manifestation will appear. According to the statements of Bahá'u'lláh, the appearance of Divine Prophets in this world has no end and will continue, since as long as humanity exists, there will be a :need for divine teachings. The Bahá'í Dispensation consists of three Ages

The Apostolic Age – ۱

The Formative Age – ۲

"…

Conceptual and Structural Analysis

This document introduces several keywords that are central to understanding the political ambitions of the Bahá'í administrative order. It clearly outlines a long-term framework for institutional expansion under the guise of religious evolution, with a precise timeline and .hierarchical structure

The Bahá'í Era and Strategic Timeframes

The reference to a "Bahá'í Era" lasting at least one thousand years should not be viewed merely as theological. In the context of the Bahá'í Administrative Order, it reflects a strategic vision spanning centuries, aimed at building and consolidating institutional power. This multi-century timeline is key to understanding the calculated, phase-by-phase .rollout of global influence

The Formative Age

The document explicitly names the Formative Age, a critical concept in Bahá'í structural doctrine. According to Shoghi Effendi (Guardian of the Faith), this age began with the passing of 'Abdu'l-Bahá in 1921 and continues today. It is during this age that the administrative machinery of the Bahá'í order transitions from idealistic declarations to .operational governance models

Based on authoritative Bahá'í writings, this era marks the implementation of what is known as the divine plan—a coordinated global framework aimed at expanding institutional presence in every nation. These plans, structured in multiyear cycles, are not merely religious outreach initiatives; they function as strategic blueprints for expanding .influence, preparing the way for future state-like governance

A Structural Blueprint for Sovereignty

The three-part division—Apostolic, Formative, and Golden Ages—outlines a timeline of evolving authority. The Formative Age, especially, is tied to the concept of incremental -sovereignty: beginning with administrative independence, progressing toward national level influence (Stage Six), and culminating in a global administrative state (Stage .Seven), as described in Bahá'í writings

Such phased structuring supports a model of soft regime transformation, with the Bahá'í institutions replacing existing power structures not through overt revolution, but through .systemic and legal means, gradually embedding their presence and gaining legitimacy

Strategic Implications

:The text makes use of concepts that are often seen in state-building theory

Long-term time horizons (1,000 years)

Phased institutionalization

Global coordination and planning

Religious justification for governance

Far from being a mere religious prophecy, this document lays part of the ideological groundwork for a theocratic-administrative world order, with the Universal House of .Justice as the central authority

Conclusion

This document is a foundational piece that reveals how the Bahá'í administrative system interprets religious time not just theologically, but as a strategic horizon for institutional domination. The mention of the Formative Age and thousand-year dispensation directly ties into the broader mission of achieving a Bahá'í-based governance system, both at .national and global levels

Such framing demands careful attention, especially as Bahá'í institutions continue to ,evolve from religious bodies to operational structures with political

.economic, and societal influence

Hashtags

BahaiAdministrativeOrder#(https://www.hassanershad.com/about-me)

UniversalHouseOfJustice#

FormativeAge#

BahaiEra#

StrategicGovernance#

BahaiPlans#

#ReligiousSovereignty

#GlobalOrder

#SoftPower

#FaithAndPolitics

#BahaiInstitutionalStrategy

#ShoghiEffendi

#AdministrativeState

#BahaiDocuments

#TheocraticAmbitions

✍️ نویسنده: حسن ارشاد

🌐 درباره نویسنده (https://www.hassanershad.com/about-me)

مجموعه مقالات: بیت‌العدل در سودای سلطه بر جهان

بررسی اسناد بالا دستی مبتنی بر به دنبال حکومت بودن تشکیلات بهائی

بررسی سند یکصد و یکم

▧ منبع:

داریوش شاهرخ، اصول دیانت بهائی، صفحه ۹

متن کامل سند (https://reference.bahai.org/fa/t/o/UDB/udb-14.html)

«بعنوان مطالع انوار که انگلیسی آن The Dawn Breakers می‌باشد، معروف هستند. تا زمان عصر عبدالبهاء، تعداد شهیدانی که جان خود را نثار عقیده و ایمان خود کردند، به سی هزار نفر بالغ شد. با مطالعه وقایع این عصر، خواهیم توانست متوجه شویم که چگونه این درخت الهی با خون هزاران نفر شهید آبیاری و بارور شده است. عصر تکوین: — نام دیگر این دوره، تحول است که انگلیسی آن The Transitional Age می‌باشد. این دوره با شروع ولایت امر و تعیین حضرت شوقی ربانی بر طبق...»

تحلیل ساختاری و سیاسی

در این بخش از اثر داریوش شاهرخ، به مفاهیمی بنیادین اشاره شده که هر یک در نظام‌سازی تشکیلات بهائی نقش محوری دارند. بویژه واژه عصر تکوین، که در اسناد رسمی تشکیلات بهائی دارای بار معنایی ویژه‌ای در فرآیند نهادینه‌سازی و قدرت‌گیری ساختاری است.

◇ عصر تکوین؛ مرحله گذار به استقرار نظم تشکیلاتی

استفاده از عنوان The Transitional Age (عصر تحول یا تکوین)، از منظر مفهومی و اجرایی، نشان‌دهنده برنامه‌ریزی بلندمدت تشکیلات بهائی برای گذار از فاز آرمانی و تبلیغی به فاز عملیاتی و ساختارساز است. این عصر که با آغاز رهبری شوقی افندی شروع می‌شود، عملاً بستری برای سازماندهی نهادهای اجرایی مانند محافل روحانی، نقشه‌های دوره‌ای، و گسترش نظم اداری در سطح کشورها و سپس جهان فراهم می‌آورد.

این دوره، که به وضوح بخشی از فرایند تبدیل دین به حکومت بهایی است، شامل مراحل متعدد اجرایی و لایه‌های سازمانی گسترده می‌باشد که از طریق اسناد و نقشه‌های متعدد در طی یک قرن گذشته، با هدایت رهبری متمرکز هدایت شده است.

◇ اشاره به شهادت ۳۰ هزار نفر؛ کارکرد هویت‌سازی تشکیلاتی

ذکر عددی مانند سی‌هزار شهید، به‌جز جنبه احساسی، کارکرد مهمی در روایت‌سازی تشکیلات دارد. از منظر ساختار قدرت، این‌گونه روایات تبدیل به ابزاری برای توجیه تحرکات سیاسی و توسعه نهادهای قدرت‌محور می‌شوند. در اینجا، خون شهدا به‌عنوان "آبیاری‌کننده درخت الهی" مطرح شده و این تعبیر، کاملاً در امتداد مفاهیم سنتی ساخت دولت دینی است.

◇ ولایت امرالله؛ هسته مرکزی حکومت دینی بهایی

آغاز عصر تکوین با تعیین شوقی افندی به‌عنوان ولی‌امرالله، گام کلیدی در مرکزیت‌بخشی به ساختار قدرت در تشکیلات بهایی است. در مدل تشکیلات بهایی، ولی‌امرالله نه تنها جایگاه معنوی دارد، بلکه به‌عنوان مرجع اجرایی نهایی نیز ایفای نقش می‌کند.

این ساختار، شباهت‌های قابل‌توجهی با مدل‌های نظام‌های ولایت‌مدار دارد که در آن، رهبری دینی مستقیماً بر تمامی شئون اداری، قضایی، اجرایی و حتی اقتصادی مسلط است.

◇ بیت‌العدل؛ نهاد اوج‌گیرنده‌ی ساختار قدرت

با عبور از دوران شوقی افندی و تثبیت عصر تکوین، نهاد بیت‌العدل به‌عنوان مرکزیت نهایی در ساختار حکومت بهایی معرفی می‌شود. بر اساس خطوط تاریخی درون این عصر، بیت‌العدل نه‌تنها جانشین رهبری بلکه به‌صورت نهاد رسمی اجرایی با اختیارات فوق‌العاده معرفی شده است که وظیفه تدوین نقشه‌های توسعه، گسترش ساختارها، و حتی مداخلات فرهنگی-اجتماعی را بر عهده دارد.

◇ ساختار عصر تکوین؛ نهادسازی هدفمند و نقشه‌محور

درون عصر تکوین، نظام بهایی با استفاده از نقشه‌های زمانی و عملیاتی در هر کشور، اقدام به پیاده‌سازی تدریجی حکومت بهایی کرده است. این نقشه‌ها که از دهه ۱۹۲۰ میلادی آغاز شده‌اند، شامل پروژه‌های ۳ تا ۹ ساله هستند که از سوی رهبری مرکزی تدوین و توسط نهادهای میانی اجرا می‌شوند.

وجود واژه نقشه در این ساختار، به‌وضوح نشان‌دهنده‌ی الگوهای سازمانی-سیاسی دقیق و مرحله‌محور برای توسعه ساختار قدرت است؛ الگویی که در هیچ‌یک از ادیان سنتی دیده نمی‌شود.

نتیجه‌گیری

سند حاضر، از خلال واژگان و مفاهیم ظاهراً اعتقادی، چارچوبی را ترسیم می‌کند که کاملاً سازمان‌محور و حکومت‌طلبانه است. مفاهیمی چون عصر تکوین، ولایت امرالله، نقشه‌های توسعه، و بیت‌العدل نه تنها تبیین‌گر تاریخ دینی نیستند، بلکه به‌عنوان اجزای یک سیستم سیاسیِ هدفمند برای تسلط نرم و تدریجی بر نهادهای اجتماعی و حکومتی قابل تحلیل هستند.

از این منظر، تشکیلات بهایی خود را صرفاً یک نهاد دینی نمی‌بیند، بلکه با بهره‌گیری از ابزارهای تبلیغاتی، نقشه‌نویسی و نهادسازی بین‌المللی، در مسیر استقرار حکومت جهانی بهایی گام برمی‌دارد.

هشتگ‌ها

#بیت_العدل

#تشکیلات_بهایی

#عصر_تکوین

#حکومت_بهایی

#ولایت_امرالله

#نقشه_های_تشکیلاتی

#مشروعیت_ساختاری

#قدرت_نرم

#استراتژی_دینی

#حاکمیت_دینی

#نظم_اداری_بهایی

#بیت_العدل_جهانی

#ساختار_دولت_دینی

#تحلیل_اسناد_بهایی

Author: Hassan Ershad ✍️

About the Author (https://www.hassanershad.com/about-me) 🌐

Article Series: The Universal House of Justice's Ambition for Global Domination

An Examination of Senior Documents Based on the Bahá'í Administration's Quest for Governance

Analysis of Document 101

:Source 📚

Dariush Shahrokh, Principles of the Bahá'í Faith, p. 9

:Full text of the document

Known as The Dawn Breakers in English, these are considered the studies of Anwar. By" the time of the 'Abdu'l-Bahá era, the number of martyrs who sacrificed their lives for their belief and faith had reached thirty thousand. By studying the events of this era, we can understand how this divine tree was watered and made fruitful with the blood of thousands of martyrs. The Age of Formation (The Transitional Age): — Another name for this period of transformation, which began with the Guardianship of 'Abdu'l-Bahá and "... the appointment of Shoghi Effendi according to

Structural and Political Analysis

This excerpt from Dariush Shahrokh highlights key concepts that play a central role in the organizational development of the Bahá'í administration, especially the term Age of which carries significant meaning in the ,(The Transitional Age / عصر تکوین) Formation .institutionalization and structural empowerment process of the Bahá'í system

◇ The Age of Formation: Transition toward Institutional Order

The term The Transitional Age signifies a deliberate long-term plan by the Bahá'í administration to move from an idealistic and proselytizing phase toward an operational and structural phase. Beginning with the leadership of Shoghi Effendi, this period essentially sets the foundation for organizing executive institutions such as Spiritual Assemblies, implementing cyclical plans, and expanding administrative order at national .and later global levels

This era clearly marks part of the process of transforming a religious movement into a Bahá'í governance structure, encompassing numerous operational stages and extensive organizational layers, directed through documents and strategic plans over the past .century under centralized leadership

Reference to 30,000 Martyrs: Constructing a Collective Identity ◇

Mentioning a figure like thirty thousand martyrs serves, beyond emotional appeal, as a vital tool for institutional narrative-building. From a power-structure perspective, such narratives become justifications for political mobilization and expansion of power-centric institutions. The blood of martyrs is framed as the "watering of the divine tree," a .metaphor that aligns with traditional theocratic state-building concepts

Guardianship (Wilāyat al-Amr): The Core of Bahá'í Theocratic Rule ◇

ولایت) The start of the Age of Formation with Shoghi Effendi's appointment as Guardian represents a key step in centralizing authority within the Bahá'í administration. The (امرالله .Guardian holds not only spiritual but also supreme executive authority

This system resembles governance models under religious guardianship where leadership exerts direct control over administrative, judicial, executive, and even economic .functions

The Universal House of Justice: Apex of Power Structure ◇

With the transition beyond Shoghi Effendi's era, the Universal House of Justice emerges as the ultimate center of Bahá'í institutional power. Historical documents in this age present it as the official executive body endowed with extraordinary authority to devise .development plans, expand structures, and intervene in cultural-social affairs

Age of Formation’s Organizational Framework: Goal-Oriented Institution-Building ◇ and Planning

Within this Age, the Bahá’í system employs detailed temporal and operational plans for each country to gradually implement Bahá’í governance. These plans, initiated since the 1920s, span 3 to 9 years and are crafted by the central leadership and executed by .intermediary institutions

-The use of the term “plans” clearly indicates a precise, stage-based political organizational model for power consolidation—an approach unprecedented in traditional

.religious contexts

Conclusion

/This document, through apparently faith-based langu (https://www.hassanershad.com -about-me)age, outlines a framework that is fundamentally organizational and governance driven. Concepts such as the Age of Formation, Guardianship, development plans, and the Universal House of Justice are not mere religious history, but elements of a deliberate political system designed for gradual soft takeover of social and governmental .institutions

,Viewed from this angle, the Bahá’í administration is not merely a religious body; rather by leveraging propaganda, strategic planning, and international institution-building, it .actively pursues the establishment of a global Bahá’í government

UniversalHouseOfJustice#

BahaiAdministration#

AgeOfFormation#

BahaiGovernance#

Guardianship#

InstitutionalPlans#

#StructuralLegitimacy

#SoftPower

#ReligiousStrategy

#ReligiousGovernance

#BahaiAdministrativeOrder

#GlobalUniversalHouseOfJustice

#TheocraticStateStructure

#BahaiDocumentAnalysis

✍️ نویسنده: حسن ارشاد

🌐 درباره نویسنده (https://www.hassanershad.com/about-me)

مجموعه مقالات: بیت العدل در سودای سلطه بر جهان

بررسی اسناد بالا دستی مبتنی بر به دنبال جکومت بودن تشکیلات بهایی

بررسی سند یکصد و دوم

متن سند

فریدون دوستدار:

روزنه‌های امید در آستانه قرن بیست و یکم: صفحه ۲۹۷

«دسته کوچک پیروان او در عکا و حیفا همه گونه رعایت ملاطفت و احترام بجا آورد. و در سال ۱۹۲۱ میلادی آن حضرت صعود کرده و در حجره جوار آرامگاه مجللی که به دستور صریح حضرت بهاءالله در کوه کرمل برای

دفن بقایای جسد حضرت باب ساخته شده بود استقرار یافت. باید دانست که رمس حضرت باب پس از شصت سال نگاهداری و اختفا، چندی قبل از آن ایران به اراضی مقدسه انتقال یافته بود.

نظم اداری — با صعود حضرت عبدالبهاء عصر اول یا عصر رسولی دیانت بهائی خاتمه یافت و عصر تکوین که مقدر است شاهد شگفتی تدریجی نظم اداری آن باشد شروع ...»

(منبع: https://reference.bahai.org/fa/t/o/RU/ru-297.html#pg297)

تحلیل

در این سند، با اشاره به «نظم اداری» و شروع عصر تکوین، می‌توان استراتژی تشکیلات بهایی را برای گذار از مرحله تبلیغی به مرحله ساختاری و نهادی حکومتی مشاهده کرد.

اصطلاح «عصر تکوین» بیانگر دوره‌ای است که ساختارهای اداری و سازمانی تشکیلات بهایی شکل می‌گیرند و عملاً تبدیل به پایه‌های یک حکومت نرم و مرحله‌ای می‌شوند. این مرحله دقیقاً با صعود عبدالبهاء به عنوان ولی امرالله و پایان عصر رسولی، آغاز شده است و در ادامه، توسعه و نهادسازی در دستور کار قرار گرفته است.

استقرار در حجره جوار آرامگاه حضرت باب که بر کوه کرمل بنا شده، علاوه بر بار معنوی، از منظر تشکیلاتی می‌تواند نمادی از مرکزیت و تثبیت قدرت تلقی شود؛ محلی که در لایه‌های زیرین، نقش سکوی عملیاتی و هماهنگ‌کننده برای اقدامات گسترده‌تر حکومت نرم را ایفا می‌کند.

ذکر «نظم اداری» به‌عنوان یکی از محوری‌ترین دستاوردهای عصر تکوین، تأکید بر تبدیل تشکیلات بهایی از یک جنبش دینی به یک ساختار اداری و حکومتی دارد که از طریق برنامه‌های زمان‌بندی شده و نهادسازی‌های مستمر، به‌طور هدفمند به سمت استقرار حاکمیت بهایی حرکت می‌کند.

این سند، به‌طور مستقیم حکایت از پیگیری سیاست‌های بلندمدت تشکیلات بهایی برای استقرار نظم اداری در سطح منطقه‌ای و جهانی دارد که دقیقاً در راستای تعریف شده در نقشه‌های عملیاتی بهایی قرار می‌گیرد. هرچند خود کلمه «نقشه» در این سند نیامده است، اما این روند مطابق با اولین نقشه از سلسله نقشه‌های تشکیلاتی است که از اوایل قرن بیستم تدوین و اجرا شده و همچنان ادامه دارد.

از سوی دیگر، سکوت نسبت به برخی واژگان تخصصی که در اسناد دیگر مرتبط با تشکیلات بهایی دیده می‌شود، با احترام کامل به محدوده سند حاضر، حفظ شده است تا تحلیل صرفاً بر پایه مفاهیم و اصطلاحات موجود باشد و از حدس و گمان پرهیز شود.

#بیت_العدل

#تشکیلات_بهایی

#عصر_تکوین

#حکومت_بهایی

#ولایت_امرالله

#نقشه_های_تشکیلاتی

#نظم_اداری_بهایی

#قدرت_نرم

#استراتژی_دینی

#حاکمیت_دینی

#ساختار_دولت_دینی

#تحلیل_اسناد_بهایی

Author: Hassan Ershad ✍️

About the Author (https://www.hassanershad.com/about-me) 🌐

Article Series: The Universal House of Justice in Pursuit of World Domination

Analysis of High-Level Documents Based on the Bahá'í Administrative Order's Pursuit of Governance

Review of Document 102

Document Text

:Fereydoun Doostdar

Rays of Hope on the Eve of the Twenty-First Century, p. 297

A small group of his followers in Acre and Haifa showed every possible courtesy and" respect. In 1921, the Master passed away and settled in a chamber adjacent to the magnificent shrine that was built by the explicit command of Bahá'u'lláh on Mount Carmel to bury the remains of the Báb. It should be noted that the remains of the Báb had been preserved and hidden for sixty years and were transferred from Iran to the Holy .Land shortly before that

Administrative Order — With the passing of 'Abdu'l-Bahá, the first era or the era of the ,Messengers of the Bahá'í Faith ended, and the Era of Formation (The Transitional Age) "…which is destined to witness the gradual marvels of its administrative order, began

(Source: https://reference.bahai.org/fa/t/o/RU/ru-297.html#pg297)

Analysis

This document explicitly references the "Administrative Order" and the beginning of the Era of Formation (The Transitional Age), reflecting the Bahá'í Administrative Order's strategic shift from a primarily devotional movement to a structured governance .framework

The term Era of Formation signifies a stage where Bahá'í organizational structures and administrative frameworks are established and developed, effectively forming the foundational infrastructure for a soft, gradual form of governance. This phase commences with the passing of 'Abdu'l-Bahá as the appointed Guardian (the Will and Testament designates him as Will and Authority) and marks the conclusion of the earlier missionary .era (the Era of the Messengers)

The establishment of residence next to the Shrine of the Báb on Mount Carmel holds not only spiritual significance but also institutional symbolism as a central administrative hub. Beneath its sacred facade, this location functions as a coordinating center for expanded governance activities aligned with the Bahá'í plan for global administrative .consolidation

Highlighting the "Administrative Order" as a key achievement of this era underscores the transition of the Bahá'í community from a religious movement into a bureaucratic and political institution that executes carefully timed plans and institutional developments .aimed at the eventual establishment of Bahá'í governance

While the document does not explicitly mention "plans" or "strategies," this process corresponds with the first in a series of operational plans designed by the Bahá'í leadership starting in the early twentieth century and continuing to the present day. These plans serve as roadmaps for expanding and institutionalizing Bahá'í governance .structures globally

Furthermore, the analysis refrains from discussing terms that do not appear in this document, adhering strictly to the text to ensure objective and evidence-based evaluation .without speculation

UniversalHouseOfJustice#

BahaiAdministration#

EraOfFormation#

BahaiGovernance#

#Guardianship

#BahaiPlanning

#BahaiAdministrativeOrder

#SoftPower

#ReligiousStrategy

#ReligiousGovernance

#ReligiousStateStructure

#BahaiDocumentAnalysis

✍️ نویسنده: حسن ارشاد

🌐 درباره نویسنده (https://www.hassanershad.com/about-me)

مجموعه مقالات : بیت العدل در سودای سلطه بر جهان

بررسی اسناد بالا دستی مبتنی بر به دنبال جکومت بودن تشکیلات بهائی

بررسی سند یکصد و سوم

شوقی افندی – خاطرات نه ساله: صفحه ۳

«ارواحنا لالطافه الفدا مزین گشته و دستور صریح راجع به نشر و تکثیر آن خطاب به این محفل صادر گردیده است.

نویسنده‌ی این کتاب کسی است که بعد از سعودش بعالم بالا این عنایات لاتحصی (لَا تُحْصَی) از سما فضل و عطای مولای توانا ارواحنا فدا در حق او نازل گردیده است قولُ الأحلی:

(ترجمه) «قلوب از صعود مروج برازنده‌ی امر مقدس و کاتب مغبوط و محل اعتماد مولای حنون و منادی میثاق و حامی ثابت‌قدم و صایای مبارکه، دکتر یونس افروخته، محبوب عزیز متالم، حیاتش تاریخ دو عصر رسولی و تکوین را زینت...»»

(منبع: https://reference.bahai.org/fa/t/o/KNS/kns-3.html)

تحلیل سند

این سند از سوی شوقی افندی به‌عنوان ولی امرالله ، به‌صورت مستقیم به اهمیت نشر و تکثیر آثار تشکیلاتی اشاره دارد که به‌واسطه آن‌ها تداوم و استقرار نظام اداری بهایی تضمین می‌شود.

دستور صریح برای انتشار و تکثیر این کتاب در محفل یادشده، به‌مثابه تأکید بر اهمیت تثبیت و تحکیم پایه‌های حکومتی نرم و ساختاری تشکیلات بهایی است.

عبارت «ارواحنا لالطافه الفدا» (ارواحنا لِطَفَهِ الْفِدَاء) با اعراب و ترجمه:

ارواحنا: ارواح ما

لطفه: لطف، مهربانی

الفدا: فداکاری، ایثار

این جمله به‌صورت استعاری نمایانگر عهد و پیمان اعضای تشکیلات با ولی امرالله و تاکید بر ایثار در راه اهداف حکومت بهایی است.

ذکر نام «دکتر یونس افروخته» به عنوان «کاتب مغبوط و محل اعتماد» و نقش وی به عنوان «منادی میثاق» و «حامی ثابت‌قدم» بر تمرکز شدید بر سازماندهی و حفظ یکپارچگی تشکیلات سیاسی-اداری حکومت نرم بهایی دلالت دارد.

بیان «تاریخ دو عصر رسولی و تکوین» که در اینجا آمده، بر اهمیت گذار از مرحله تبلیغی (عصر رسولی) به مرحله ساختاری و نهادی (عصر تکوین) تاکید دارد؛ این گذار، پایه‌ای برای بسط حکومت بهایی در قالب نظم اداری و قدرت نرم است.

نکات کلیدی در تحلیل

حکومت بهایی: از این سند برمی‌آید که تشکیلات بهایی با توجه به سلسله مراتب نهادهای اداری و اجرای دقیق برنامه‌ها، به‌طور مشخص در مسیر استقرار حکومتی نرم حرکت می‌کند. این مسیر با نهادینه کردن مراکز تصمیم‌گیری و انتشار اسناد رسمی همراه است.

نقش کتب و الواح: تاکید بر نشر و تکثیر آثار و کتب رسمی، به‌ویژه در چارچوب نظامات اداری، بخشی از «اولین نقشه از سلسله نقشه‌های تشکیلات بهایی» است که انتقال فاز از آرمان دینی به اقدامات عملیاتی برای رسیدن به حکومت بهایی را رقم می‌زند.

مقام ولی امرالله: نقش محوری ولی امرالله در تبیین خط مشی‌ها و فرماندهی تشکیلاتی حکومت نرم بهایی در این سند آشکار است.

مشروعیت و پایداری ساختار: اشاره به «محل اعتماد» و «منادی میثاق» نشان از تلاش مستمر برای حفظ انسجام و مشروعیت اداری در میان نهادهای مختلف حکومت نرم بهایی دارد.

جمع‌بندیسند حاضر، تصویری روشن از عملکرد سیاسی و ساختاری تشکیلات بهایی ارائه می‌دهد که بیش از هر چیز بر پایه استراتژی‌های نهادی و حکومتی نرم و مرحله‌ای بنا شده است.

برخلاف تمرکز صرف بر باورهای فردی یا آیین، این تحلیل معطوف به فرآیندهای سازمانی، روش‌های تثبیت قدرت و ساختارهای اداری است که هدف نهایی آن استقرار حکومت بهایی در سطح منطقه‌ای و جهانی است.

این سند، علاوه بر اهمیت تاریخی، چراغ راهی است برای درک بهتر راهبردهای عملیاتی تشکیلات بهایی در دهه‌های میانی قرن بیستم و جایگاه آن در «عصر تکوین» که روند تحولات نهادی را شدت بخشیده است.

#بیت_العدل

#تشکیلات_بهایی

#عصر_تکوین

#حکومت_بهایی

#ولایت_امرالله

#نقشه_های_تشکیلاتی

#نظم_اداری_بهایی

#قدرت_نرم

#استراتژی_دینی

#حاکمیت_دینی

#ساختار_دولت_دینی

#تحلیل_اسناد_بهایی

Author: Hasan Ershad ✍️

About the author (https://www.hassanershad.com/about-me) 🌐

Article series: The Universal House of Justice’s Ambition for Global Dominion

An Examination of High-Level Documents Indicating the Bahá’í Administration’s Pursuit of Governance

Analysis of Document 103

Shoghi Effendi – Nine Year Chronicle: page 3

Arwahuna lalṭafati al-fida mazīn gashta wa dustur ṣarīḥ rāji‘a ilā nashr wa takthīr ān“ .khitāb bihādhā al-maḥfil ṣādir gardideh ast

The author of this book is one who, after his ascension to the higher world, received countless (lā tuḥṣā) favors from the heavens of grace and gifts of the Mighty Master—our :souls be sacrificed for him. Qawl al-Aḥlā

Hearts from the ascent, the worthy promoter of the Sacred Cause, the‘ (Translation) fortunate scribe and trusted place of the tender Master, the herald of the Covenant, the steadfast supporter and blessed guardian, Dr. Younus Afrokhteh, the dearly beloved ”’…afflicted, his life adorns the history of the two ages, the Prophetic and the Formative

(Source: https://reference.bahai.org/fa/t/o/KNS/kns-3.html)

Document Analysis

,This document, authored by Shoghi Effendi as the Guardian (Wali al-Amr Allah) explicitly underscores the critical importance of publishing and disseminating

organizational works that ensure the continuity and consolidation of the Bahá’í .administrative system

The clear directive to publish and multiply this book within the mentioned assembly signifies a deliberate emphasis on solidifying and strengthening the foundational pillars of .the Bahá’í administrative and soft governance structure

with vocalization and—(Arwahuna liṭafati al-fidā) ”ارواحنا لالطافه الفدا“ The phrase :translation—reads

Arwahuna: Our souls

Liṭafati: Grace, kindness

Al-fidā: Sacrifice, selflessness

This metaphorically expresses the covenant and pledge of the administration’s members to the Guardian, highlighting a commitment of sacrifice toward the goals of the Bahá’í .governance

The mention of Dr. Younus Afrokhteh as the “fortunate scribe and trusted place” and his role as “herald of the Covenant” and “steadfast supporter” indicates an intense focus on -organizational coordination and the maintenance of cohesion within the political .administrative structure of Bahá’í soft governance

”The reference to the “history of the two ages, the Prophetic and the Formative emphasizes the transition from the missionary phase (Prophetic Age) to the institutional and structural phase (Formative Age), which is foundational for expanding Bahá’í .governance in the form of administrative order and soft power

Key Points in Analysis

Bahá’í Governance: This document suggests that the Bahá’í administration, through its hierarchy of institutions and precise program implementation, is explicitly moving toward -establishing a form of soft governance. This path involves institutionalizing decision .making centers and disseminating official documents

,Role of Books and Tablets: The emphasis on publishing and reproducing official works especially within the administrative framework, forms part of the "first blueprint in the series of Bahá'í administrative plans" that marks the transition from religious idealism to .practical operational actions aimed at achieving Bahá'í governance

Position of the Guardian (Wali al-Amr Allah): The pivotal role of the Guardian in defining policies and commanding the organizational structure of Bahá'í soft governance .is evident in this document

Legitimacy and Structural Stability: References to "trusted place" and "herald of the Covenant" signify ongoing efforts to preserve cohesion and administrative legitimacy .among the various institutions of Bahá'í soft governance

Conclusion

This document presents a clear picture of the political and structural functioning of the Bahá'í administration, which is fundamentally based on institutional and phased soft .governance strategies

Unlike analyses focusing solely on individual beliefs or faith, this study concentrates on organizational processes, methods of power consolidation, and

//:administrative structures aimed ultimately at establishing Bahá'í governance at re (https .www.hassanershad.com/about-me)gional and global levels

Besides its historical significance, this document serves as a guiding light for better understanding the operational strategies of the Bahá'í administration during the mid-20th century and its place within the "Formative Age," where institutional developments .intensified

UniversalHouseOfJustice#

BahaiAdministration#

FormativeAge#

BahaiGovernance#

#WaliAlAmrAllah

#AdministrativePlans

#BahaiAdministrativeOrder

#SoftPower

#ReligiousStrategy

#ReligiousGovernance

#ReligiousStateStructure

#BahaiDocumentAnalysis

✍️ نویسنده: حسن ارشاد

🌐 درباره نویسنده (https://www.hassanershad.com/about-me)

مجموعه مقالات : بیت العدل در سودای سلطه بر جهان

بررسی اسناد بالا دستی مبتنی بر به دنبال حکومت بودن تشکیلات بهائی

بررسی سند یکصد و چهارم

دکتر علی مراد داودی:

انسان در آیین بهائی: صفحه ۵۰

« ماخذ مطبوع دیگری که در باره شرح حال و خدمات آن بزرگوار در دست است مقاله‌ای است که پسر خواهر ایشان، آقای بهروز ثابت، تحت عنوان ‘‘دکتر علیمراد داودی نمونه‌ای دیگر از قهرمانان حماسه آفرین عصر

تکوین” در مجله پیام بهائی (شماره ۴۵–۴۶، ص ۱۷–۲۰) انتشار داده‌اند. علاوه بر ماخذ مطبوع فوق سه مقاله دیگر هم به نظر نویسنده رسیده است که عبارتند از ...»

(منبع: https://reference.bahai.org/fa/t/o/IAB/iab-50.html#pg50)

تحلیل سند

این سند در چارچوب تحولات تشکیلاتی عصر تکوین قرار دارد که مرحله‌ای کلیدی در برنامه‌های تشکیلات بهائی برای تحقق حکومت بهایی است. اشاره به «عصر تکوین» و نام بردن از افراد تأثیرگذار مانند دکتر علی مراد داودی، نشانگر نقش محوری اشخاص کلیدی در پیشبرد ساختارهای اداری و اجرایی این حکومت نرم است.

نام برده شدن این شخصیت‌ها و مقالات مربوطه، نشان از شکل‌گیری و تقویت شبکه‌های تشکیلاتی فعال در عرصه مدیریت سیاسی-اداری حکومت بهائی دارد، که هدف آن استقرار نهادهای قدرت نرم و ساختاری سازمان‌یافته در سطوح مختلف است.

از منظر تحلیل سیاسی، توجه به خدمات و جایگاه افرادی مانند داودی، می‌تواند نشان‌دهنده تمرکز بر سازماندهی نیروی انسانی متخصص و وفادار به ولی امرالله در مسیر اجرای نقشه‌های تشکیلاتی جهت تثبیت حکومت بهایی باشد.

از سوی دیگر، اشاره به «عصر تکوین» بیانگر گذار از مرحله تبلیغی صرف به فاز عملیاتی و نهادی است که در آن کتب و اسناد رسمی، به ویژه آنهایی که به اجرای نقشه‌ها و ساختارهای اداری مربوطند، نقش کلیدی ایفا می‌کنند. این گذار، همان «اولین نقشه از سلسله نقشه‌های تشکیلات بهایی» است که از آرمان دینی به اقدامات عملیاتی برای رسیدن به حکومت تبدیل شده است.

در این سند، اگرچه عباراتی مانند «الواح ملکوتی» یا «نقشه‌های ملکوتی» مستقیماً نیامده است، اما با توجه به موقعیت زمانی و محتوایی، می‌توان آن را بخشی از فرآیند پیوسته و مرحله‌ای توسعه نقشه‌های تشکیلاتی دانست که نهایتاً به برنامه‌های بلندمدت توسط بیت العدل اعظم منتهی می‌شود.

نکات کلیدی تحلیل:

حکومت بهایی: سند تاکید ضمنی بر ادامه روند استقرار حکومت نرم بهایی دارد که با شناسایی و سازماندهی نیروهای کلیدی عملیاتی پیش می‌رود.

نقش افراد کلیدی: توجه به جایگاه افراد مشخص و ارائه مقالات و اسناد درباره فعالیت‌ها و خدمات آنان، به معنای تأکید بر انسجام و هماهنگی نیروی انسانی در ساختار تشکیلاتی است.

عصر تکوین: اهمیت تاریخی و ساختاری این دوره در گسترش و تحکیم نهادهای حکومت بهایی کاملاً مشهود است و این سند بازتابی از آن روند است.

ساختار اداری: گرایش به استقرار نظام اداری و انتشار اسناد رسمی و کتب مرتبط، بخشی از اقدامات سازمانی برای تضمین استمرار و مشروعیت حکومت بهائی است.

جمع‌بندی

این سند به روشنی تصویر عملکرد ساختاری و سیاسی تشکیلات بهائی را ترسیم می‌کند که مبتنی بر استراتژی‌های نهادی برای تثبیت و گسترش حکومت نرم بهایی است.

این تحلیل با تمرکز بر فرآیندهای سازمانی و تحرکات سیاسی و تشکیلاتی، هدف نهایی این حکومت را در قالب نظم اداری و قدرت نرم آشکار می‌سازد و از پرداختن به باورهای فردی یا اعتقادات دینی اجتناب می‌کند.

#بیت_العدل

#تشکیلات_بهایی

#عصر_تکوین

#حکومت_بهایی

#ولایت_امرالله

#نقشه_های_تشکیلاتی

#نظم_اداری_بهایی

#قدرت_نرم

#استراتژی_دینی

#حاکمیت_دینی

#ساختار_دولت_دینی

#تحلیل_اسناد_بهایی

Author: Hassan Ershad ✍️

About the Author (https://www.hassanershad.com/about-me) 🌐

Article Series: The Universal House of Justice and the Pursuit of Global Domination

A Review of Top-Level Documents Based on the Baha'i Institution's Quest for Governance

Review of Document One Hundred and Four

:Dr. Ali Morad Davoodi

Human in the Baha'i Faith: Page 50

Another published source on the biography and services of this esteemed .(It happened)" :figure is an article by his nephew, Mr. Behrouz Thabet, titled 'Dr. Ali Morad Davoodi Another Example of the Heroes of the Epoch of Tashkīn (Formation)' published in the Baha'i Message Magazine (issues 45–۴۶, pp. 17–۲۰). Besides this published source, the "…author has come across three other articles as well, which include

(Source: https://reference.bahai.org/fa/t/o/IAB/iab-50.html#pg50)

Document Analysis

"This document is situated within the structural developments of the "Epoch of Tashkīn a crucial phase in the Baha'i institution's program aimed at establishing the Baha'i — governance. The mention of the "Epoch of Tashkīn" and key figures such as Dr. Ali Morad Davoodi highlights the pivotal role of influential individuals in advancing the .administrative and executive structures of this soft governance system

Naming such individuals and referencing related articles indicates the formation and -strengthening of active organizational networks involved in managing the political administrative aspects of Baha'i governance, whose objective is the institutionalization of .soft power and structured administration at various levels

From a political analysis perspective, attention to the services and roles of figures like Davoodi suggests a strong emphasis on organizing a specialized and loyal human resource under the guidance of the Guardian (Wali Amr Allah) to implement .organizational plans aimed at consolidating Baha'i governance

Additionally, the reference to the "Epoch of Tashkīn" emphasizes the transition from a purely proselytizing phase to an operational and institutional phase, where official books and documents—especially those related to the implementation of organizational plans and administrative frameworks—play a key role. This transition corresponds to the "first plan of a series of Baha'i institutional plans," which transforms idealistic religious .aspirations into practical operational steps toward governance

Although terms such as "Tablets of the Kingdom" or "Heavenly Plans" authored by Abdu'l-Bahá (۱۹۱۶-۱۹۱۷) are not explicitly mentioned in this document, given the' ,temporal and contextual setting, this document can be understood as part of a continuous phased development of institutional plans leading up to the long-term strategies outlined .by the Universal House of Justice

:Key Analytical Points

Baha'i Governance: The document implicitly underscores the ongoing process of establishing soft Baha'i governance through identifying and organizing key operational .agents

Role of Key Individuals: The emphasis on the roles and biographies of specific persons demonstrates the importance of organizational cohesion and coordination of human .capital within the governance framework

Epoch of Tashkīn: This period's historical and structural significance in expanding and .consolidating Baha'i institutions is clearly reflected and echoed in this document

Administrative Structure: The drive toward establishing a bureaucratic system and publishing official documents forms part of the organizational efforts to ensure the .governance's continuity and legitimacy

Conclusion

This document vividly portrays the structural and political functioning of the Baha’i institution, grounded in institutional strategies designed to stabilize and expand soft .Baha’i governance

,The analysis, focused on organizational processes and political-administrative dynamics reveals the ultimate objective of this governance as a global administrative order based on .soft power, carefully avoiding engagement with individual beliefs or religious doctrines

UniversalHouseOfJustice#

B#

aha’iInstitution

EpochOfTashkīn#

Baha’iGovernance#

Guardianship#

InstitutionalPlans#

Bureaucrati (https://www.hassanershad.com/about-me)cOrder#

SoftPower#

ReligiousStrategy#

ReligiousSovereignty#

ReligiousStateStructure#

Baha’iDocumentAnalysis#

✍ نویسنده: حسن ارشاد

🌐 درباره نویسنده (https://www.hassanershad.com/about-me)

مجموعه مقالات : بیت العدل در سودای سلطه بر جهان

بررسی اسناد بالا دستی مبتنی بر به دنبال جکومت بودن تشکیلات بهایی

بررسی سند یکصد و پنجم

دکتر علی مراد داودی:

انسان در ائین بهایی: صفحه ۲۹۱

«ما در امر بهائی شاید هنوز موقع آن نرسیده باشد که مباحث فلسفی عنوان شود زیرا که این امر مبارک در رریعان شباب و در مرحله قیام است و این مباحثات از مقتضیات دوره کهولت و مرحله رکود و قعود بشمار می‌رود. عصر حاضر ما از اعصار دور بهایی، عصر تبلیغ و ترویج و هجرت و دعوت است، عصر اقدام و اجرا و تکوین است، عصر جهاد روحانی و توسعه نطاق امر بهایی در اقطار عالم است. در دیگر ادیان نیز در اوایل امر که عصر قیام...»

(منبع: https://reference.bahai.org/fa/t/o/IAB/iab-291.html#pg291)

تحلیل سند

این سند بر اهمیت مرحله کنونی در تشکیلات بهایی تأکید می‌کند که «عصر تبلیغ و ترویج و هجرت و دعوت»، یعنی مرحله‌ای که ساختار سیاسی و تشکیلاتی امر بهایی به‌طور جدی در حال تکوین و توسعه است. استفاده از اصطلاحاتی همچون «عصر اقدام و اجرا و تکوین» و «عصر جهاد روحانی» بازتاب‌دهنده واقعیت سازمان‌یافته‌ای است که تشکیلات بهایی در آن مشغول گسترش و تحکیم نفوذ خود است.

تکرار این واژگان به‌عنوان توصیف مرحله کنونی، نشان می‌دهد که حکومت بهایی در این دوره به سمت پیاده‌سازی و اجرایی کردن برنامه‌های دقیق و ساختاری گام برمی‌دارد. «عصر جهاد روحانی» به معنای فعالیت‌های نظام‌مند و برنامه‌ریزی شده در حوزه گسترش و تثبیت نفوذ سیاسی-اجتماعی تشکیلات است، که معادل «نقشه‌های تشکیلاتی» جهت تسلط بیشتر تلقی می‌شود.

این سند تصریح می‌کند که هنوز مباحث فلسفی و نظریات کلی در اولویت نیست، بلکه تمرکز بر اقدامات عملی، تشکیلاتی و سازماندهی شده است که به صراحت هدف نهایی آن استقرار حکومت بهایی در سطح ملی و بین‌المللی می‌باشد. این نکته اهمیت توجه به سیاست‌ورزی تشکیلاتی و ساختاردهی دقیق را نمایان می‌کند.

تحلیل این سند باید در چارچوب فرایند تحولات تاریخی و ساختاری تشکیلات بهایی دیده شود که از تبلیغ صرف، به سمت مرحله اجرای برنامه‌های عملیاتی حرکت کرده است. بدین ترتیب، این «عصر تکوین» به مثابه یکی از مراحل کلیدی توسعه حکومت بهایی شناخته می‌شود که از لحاظ سیاسی و تشکیلاتی بسیار حیاتی است.

نکات کلیدی تحلیل

حکومت بهایی: استفاده مکرر از اصطلاحات مرتبط با توسعه و اقدام عملی، تأکید بر پیشرفت تشکیلات بهایی در جهت استقرار نظام حکومتی خود دارد.

مرحله تکوین: سند به‌وضوح مرحله‌ای از تحولات تشکیلاتی را شرح می‌دهد که هدف آن استقرار و تثبیت ساختارهای حکومتی و قدرت نرم است.

جهاد روحانی: به معنای برنامه‌ریزی‌های دقیق و هدفمند برای گسترش نفوذ و تثبیت تشکیلات بهایی در جهان می‌باشد.

تمرکز بر اقدام و اجرا: نشان‌دهنده اهمیت فعالیت‌های سازمانی و مدیریت برنامه‌های عملیاتی در جهت تحقق اهداف حکومت بهایی است.

توسعه نطاق امر بهایی در اقطار عالم: نشانه‌ای از هدف‌گذاری جهانی تشکیلات برای گسترش نفوذ و تثبیت قدرت خود در سطوح بین‌المللی.

جمع‌بندی

این سند، تصویری واضح از مرحله حساس «عصر تکوین» را ارائه می‌دهد که در آن تشکیلات بهایی در حال گذار از صرفاً تبلیغ و دعوت به اجرای برنامه‌های مدون و عملیاتی برای رسیدن به حکومت بهایی است.

با تمرکز بر اقدامات ساختاری و سیاسی، این تحلیل نشان می‌دهد که تشکیلات بهایی با بهره‌گیری از قدرت نرم و سازماندهی دقیق در مسیر تحقق اهداف حکومتی خود پیش می‌رود و این امر در قالب «جهاد روحانی» و «توسعه نطاق» به روشنی تجلی یافته است.

#بیت_العدل

#تشکیلات_بهایی

#عصر_تکوین

#حکومت_بهایی

#جهاد_روحانی

#قدرت_نرم

#نقشه_های_تشکیلاتی

#توسعه_سازمانی

#استراتژی_دینی

#تحلیل_سیاسی_بهایی

Author: Hassan Ershad ✍️

About the Author (https://www.hassanershad.com/about-me) 🌐

Article Series: The Universal House of Justice in Pursuit of Global Domination

An Examination of Top-Level Documents Based on the Baha'i Administration's Quest for Governance

Analysis of Document No. 105

:Dr. Ali Morad Davoodi

Human in the Baha'i Faith, page 291

We may not yet have reached the time in the Baha'i Cause to discuss philosophical" .topics because this blessed Cause is still in its youthful stages and in the phase of rising .Such discussions are more appropriate for the stage of old age, decline, and stagnation ,Our present era among the distant Baha'i eras is the era of teaching, propagation migration, and invitation; the era of action, implementation, and formation; the era of spiritual struggle (jihad ruhani) and the expansion of the Baha'i Cause across the continents of the world. Likewise, in other religions, in the early days which are the era of "…rising

(Source: https://reference.bahai.org/fa/t/o/IAB/iab-291.html#pg291)

Document Analysis

This document emphasizes the current crucial phase within the Baha'i administration described as the "era of teaching, propagation, migration, and invitation," which represents a stage where the political and administrative structure of the Baha'i Cause is .actively being shaped and expanded

The repeated references to the “era of action, implementation, and formation” and spiritual struggle (jihad ruhani)” reflect an organized reality where the Baha’i“ administration is systematically working to strengthen and extend its influence. These terms are indicative of deliberate administrative and political plans aiming toward the .establishment of a Baha’i governance

The mention of “spiritual struggle” (jihad ruhani) here aligns with a decade-long strategic plan aimed at expanding and consolidating the administrative order of the Baha’i Faith globally. This phrase is part of operational documents outlining the transition from purely .religious propagation to the active pursuit of governance goals

The document makes clear that philosophical or purely theoretical discussions are not the priority at this stage. Instead, the focus is on concrete, structural, and organizational actions aimed at establishing political-administrative control. This highlights the strategic .planning behind the Baha’i administration’s gradual implementation of its governance

This stage, known as the “Era of Formation” (Asr-e Takwin), is critical as it marks the shift from conceptual or aspirational goals to tangible administrative and political structures, aligned with the ultimate aim of establishing a Baha’i government both .nationally and internationally

Key Analytical Points

Baha’i Governance: The frequent use of terms related to development and practical action underscores the Baha’i administration’s progression toward realizing a system of .governance

Era of Formation: The document clearly outlines this phase as one of structural and .administrative development, laying the groundwork for political authority

Spiritual Struggle (Jihad Ruhani): This is understood as systematic, goal-oriented efforts .to broaden influence and consolidate the Baha’i administrative order worldwide

Focus on Implementation: Emphasizes the importance of organized activities and .operational management as tools to achieve governance goals

Expansion of the Baha’i Cause Globally: Reflects the international ambitions of the .administration to establish administrative control beyond national boundaries

Summary

This document presents a clear picture of the critical “Era of Formation,” in which the Baha’i administration transitions from mere propagation to executing detailed, organized .plans to achieve governance

By concentrating on structural and political actions, the analysis shows that the Baha’i administration is leveraging soft power and precise organization in pursuit of its governance objectives. This is clearly manifested through the concept of “spiritual struggle” and the expansion of the administrative

.domain across the globe

UniversalHouseOfJustice#

Baha’iAdministration#

EraOfForm (https://www.hassanershad.com/about-me)ation#

Baha’iGovernance#

SpiritualStruggle#

SoftPower#

AdministrativePlans#

OrganizationalDevelopment#

ReligiousStrategy#

PoliticalAnalysisBaha’i#

✍ نویسنده: حسن ارشاد

🌐 درباره نویسنده (https://www.hassanershad.com/about-me)

مجموعه مقالات : بیت العدل در سودای سلطه بر جهان

بررسی اسناد بالا دستی مبتنی بر به دنبال جکومت بودن تشکیلات بهائی

بررسی سند یکصد و ششم

محمد علی فیضی:

حیات حضرت عبدالبها، صفحه ۳۱۲

«خواهان قیام نموده بود و در این سفر گرفتار مصائب بیشمار از قبیل حبس و تبعید گشت و مسافرت تبلیغی دیگر ایشان به هندوستان و امریکا بود که بخدمات ذیقیمتی نائل گردید. آثار قلمی و نوشته‌جات امری ایشان زیاد است از جمله نه مجلد در تاریخ حوادث اولیه امر در عصر رسولی و عصر تکوین است که با زحمات وسعی و کوشش متمادی ایشان جمع و تدوین گشته و بحضور مبارک تقدیم شده است و رسائلی در باره معانی لغات و اصطلاحات امری بنام امر و خلق و اسرار الاثار که اخیراً انتشار یافته و بعضی آثار دیگر که هنوز ...»

(منبع: https://reference.bahai.org/fa/t/o/HHAB/hhab-320.html#pg312)

تحلیل سند

این سند به فعالیت‌ها و خدمات تبلیغی حضرت عبدالبها اشاره دارد که در سفرهای متعدد خود، از جمله به هند و آمریکا، با مشکلات و مصائب فراوانی روبرو بوده است. اشاره به «نه مجلد در تاریخ حوادث اولیه امر در عصر رسولی و عصر تکوین» حاکی از ثبت و مستندسازی دقیق تحولات مرحله‌ای تشکیلات بهائی است که نقطه عطفی در روند سازماندهی و گسترش حکومت بهایی محسوب می‌شود.

دوران «عصر رسولی» و «عصر تکوین» در اسناد تشکیلات بهایی، دو مرحله مهم در فرآیند شکل‌گیری ساختار سیاسی و تشکیلاتی حکومت بهایی هستند که تمرکز بر تبدیل مباحث تبلیغی به اقدامات اجرایی و عملیاتی دارد. این

روند مستند شده توسط عبدالبها نشان‌دهنده اهمیت دادن تشکیلات به ثبت تحولات و استراتژی‌های خود برای تثبیت پایه‌های حکومت بهایی است.

ذکر «رسائلی در باره معانی لغات و اصطلاحات امری بنام امر و خلق و اسرار الاثار» بیانگر تلاش برای تعریف دقیق مفاهیم کلیدی و تخصصی درون نظام تشکیلاتی است که به فهم بهتر و هماهنگی بیشتر اعضا و فعالان تشکیلات کمک می‌کند. این آثار، بخش مهمی از دانش تشکیلاتی و اداری حکومت بهایی را شکل می‌دهند.

نکته کلیدی آن است که این اسناد و آثار مرتبط، بخشی از اسناد راهبردی تشکیلات بهایی به شمار می‌روند که هدف اصلی آنها، ارتقاء کارآمدی ساختاری و تسریع در دستیابی به حکومت بهایی است؛ یعنی از فاز صرف تبلیغ دینی و آرمانی به فاز سازماندهی عملی و توسعه قدرت سیاسی-اجتماعی حرکت می‌کنند.

این روند مستندسازی و تدوین اسناد، نمود بارزی از اهمیت توجه تشکیلات بهایی به حیات ساختاری و حکومتی خود است که همواره به‌عنوان محور اصلی فعالیت‌های آنها تلقی شده است.

نکات کلیدی تحلیل

تأکید بر ثبت تاریخی و مستندسازی تحولات تشکیلاتی مرتبط با «عصر رسولی» و «عصر تکوین» که دو مرحله کلیدی برای تبدیل امر تبلیغی به ساختار عملیاتی حکومت بهایی هستند.

آثار و رسائل تخصصی در خصوص مفاهیم کلیدی «امر»، «خلق» و «اسرار الاثار» که به ایجاد زبان مشترک و نظم مفهومی در تشکیلات کمک می‌کنند.

فعالیت‌های تبلیغی همراه با تحمل مصائب و مشکلات نشانگر جدیت و جهت‌گیری تشکیلات در مسیر گسترش نفوذ خود است.

سند به صورت غیرمستقیم اما واضح، اهمیت تمرکز تشکیلات بر تثبیت و تحکیم ساختارهای حکومتی و تشکیلاتی را تأیید می‌کند.

این اسناد نقطه اتصال مهمی بین فاز آرمانی اولیه و فاز اجرایی و عملیاتی حکومت بهایی محسوب می‌شوند.

جمع‌بندی

سند حاضر تصویری مستند و دقیق از فعالیت‌های مرحلهٔ مهم «عصر رسولی» و «عصر تکوین» ارائه می‌دهد که در آن تشکیلات بهایی با تدوین مجموعه‌ای از آثار تاریخی و تخصصی، تلاش می‌کند تا پایه‌های حکومتی و ساختاری خود را محکم سازد.

این مستندات تأکید بر جدیت و هدفمندی تشکیلات بهایی در حرکت به سمت استقرار حکومت بهایی دارد، جایی که تبلیغ دینی به تدریج به برنامه‌ریزی و اقدامات ساختاری و سیاسی تبدیل می‌شود.

#بیت_العدل

#تشکیلات_بهایی

#عصر_تکوین

#حکومت_بهایی

#اسناد_تشکیلاتی

#توسعه_سازمانی

#قدرت_نرم

#نقشه_های_تشکیلاتی

Author: Hassan Ershad ✍

About the Author (https://www.hassanershad.com/about-me) 🌐

Article Series: The Universal House of Justice in Pursuit of Global Domination

An Analysis of High-Level Documents on the Bahá'í Administration's Quest for Governance

Analysis of Document 106

:Mohammad Ali Feyzi

The Life of 'Abdu'l-Bahá, page 312

He sought to initiate a revolution and during this journey endured numerous hardships" including imprisonment and exile. His other missionary travels included India and America, where he achieved valuable services. His written works related to the Administrative Order are numerous, including nine volumes on the early historical events of the Cause in the era of the Missionary and the era of Construction, which were collected and compiled with great effort and dedication and presented to the Blessed Presence. There are also treatises explaining the meanings of Administrative terms such as 'the Cause,' 'Creation,' and 'The Secrets of the Works' that have recently been "…published, along with other works still in preparation

(Source: https://reference.bahai.org/fa/t/o/HHAB/hhab-320.html#pg312)

Document Analysis

This document highlights ‘Abdu’l-Bahá’s extensive missionary travels and the hardships he faced, such as imprisonment and exile. Notably, it refers to nine volumes chronicling the early events of the Bahá’í Administrative Order during the eras termed the Missionary Era and the Era of Construction. These volumes are pivotal in documenting the phases of the Bahá’í administrative and political structure’s development, marking a transition from .spiritual propagation to institutional consolidation

The distinction between the Missionary Era and the Era of Construction corresponds to critical stages in the evolution of the Bahá’í Administration, where initial efforts focused on spreading the faith gave way to systematic organizational structuring aimed at establishing governance. The careful compilation of historical records reflects the administration’s strategic emphasis on building and legitimizing its political and .institutional framework

,(الأمر) The mention of treatises clarifying key administrative terms such as the Cause indicates an effort to (أسرار الآثار) and The Secrets of the Works ,(الخلق) Creation standardize the specialized language and concepts essential for internal coherence and operational efficiency within the Bahá’í administrative apparatus. These works serve as foundational texts underpinning the administrative and political doctrine necessary for the .consolidation of the Bahá’í governance model

Implicit in the document is the overarching goal of the Bahá’í administration to transition from purely religious propagation to active political structuring, aiming ultimately for the establishment of Bahá’í governance. The archival and scholarly work represented here is an integral part of a broader strategy to operationalize the Bahá’í administrative vision .into concrete political reality

Key Analytical Points

Emphasis on historical documentation marking the transition from the Missionary Era to .the Era of Construction, signaling the move from propagation to institutional governance

The existence of specialized treatises defining administrative terms reflects a codification .effort to streamline the internal organizational language and structure

The mention of extensive missionary efforts amid adversity underscores the .administration’s commitment to expanding its influence globally

The document underscores the strategic importance of establishing and consolidating .administrative governance as a stepping stone toward political authority

These historical compilations represent a bridge from aspirational religious messaging to .pragmatic governance and political administration

Conclusion

Document 106 offers a detailed insight into a formative period of the Bahá’í Administrative Order, revealing the dual focus on missionary activity and institutional consolidation under ‘Abdu’l-Bahá’s leadership. The careful recording and analysis of early

historical developments demonstrate the administration’s methodical approach to establishing a go (https://www.hassanershad.com/about-me)vernance structure aimed at .eventual political authority

This document thus substantiates the Bahá’í administration’s ongoing transformation .from spiritual advocacy to structured political governance

UniversalHouseOfJustice#

BahaiAdministration#

EraOfConstruction#

BahaiGovernance#

AdministrativeDocuments#

OrganizationalDevelopment#

SoftPower#

BahaiPlans#

✍ نویسنده: حسن ارشاد

🌐 درباره نویسنده (https://www.hassanershad.com/about-me)

مجموعه مقالات: بیت العدل در سودای سلطه بر جهان

بررسی اسناد بالا دستی مبتنی بر به دنبال حکومت بودن تشکیلات بهایی

بررسی سند یکصد و هفتم

ویلیام هاچر و دوگلاس مارتین در کتاب دیانت بهایی، آیین فراگیر جهانی صفحه ۸۹ می‌نویسند:

«... و بیت‌العدل نمایند...» (۷۷) از همان ابتدای جلوس بر اریکه ولایت امر، حضرت شوقی ربانی این مطلب را روشن کردند که نه تنها امر بهایی به مرحله جدیدی در توسعه و تقدم خود وارد شده بلکه مسئولیت و وظیفه‌ای که به وسیله مصرحاتی از قبیل بیانات فوق به ایشان تفویض گردیده اجرای اموری را ایجاب می‌کند که به کلی با رویه رهبری معنوی و روحانی جامعه که مختص حضرت عبدالبهاء بوده تفاوت دارد. آنچه به فرموده حضرتش "عصر رسولی" (عَصْرُ رُسُولِیّ) نامیده شده بسر آمده و اکنون «عصر تکوین» (عَصْرُ تَکْوِین) آغاز گردیده است...»

(منبع: https://reference.bahai.org/fa/t/o/BF/bf-95.html#pg89)

تحلیل سند

این سند نشان‌دهنده نقطه عطفی در روند توسعه ساختار تشکیلاتی بهایی است؛ جایی که با ورود به «عصر تکوین» ساختار سیاسی و اداری به مرحله‌ای کاملاً متفاوت نسبت به «عصر رسولی» منتقل شده است. این تغییر فاز از رهبری صرفاً معنوی و روحانی به سمت اعمال حکومتی و ساختاری عینی در تشکیلات بهایی است که اهمیت بالایی در فرآیند تثبیت حکومت بهایی دارد.

«عصر رسولی» دوره‌ای بود که رهبری و هدایت معنوی و تبلیغ دینی تحت نظر حضرت عبدالبهاء شکل گرفته بود. اما با شروع «عصر تکوین»، تشکیلات بهایی وارد مرحله‌ای عملیاتی و ساختاری شده است که مستلزم

مدیریت پیچیده‌تر، اجرای سیاست‌ها و تصمیم‌گیری‌هایی است که دیگر صرفاً مذهبی نیستند، بلکه رنگ و بوی سیاسی و حکومتی دارند.

در اینجا می‌توان «بیت‌العدل» را نه فقط به عنوان یک نهاد روحانی، بلکه به عنوان مرکزی با نقش حکومتی و مدیریتی دید که وظیفه آن اجرای نقشه‌های دقیق و برنامه‌ریزی شده برای رسیدن به مرحله حکومت بهایی در سطح ملی و جهانی است. این همان روندی است که نقشه‌های متعددی طی قرن گذشته با هدف پیاده‌سازی تدریجی «مدنیت الهیه» ترسیم شده‌اند و بیت‌العدل نقش کلیدی در آن ایفا می‌کند.

با توجه به تأکید بر تفاوت بنیادین میان دو عصر، واضح است که «عصر تکوین» با معرفی مؤسسات و نهادهایی همچون ایادی امر (ایادیان امر) که نقش امنیتی و اطلاعاتی در جمع‌آوری داده‌ها، تحلیل آنها و اجرای نقشه‌ها دارند، به یک ساختار حکومتی متمرکز نزدیک می‌شود. این ساختار پیچیده، که شامل دارالتبلیغ به عنوان مرکز عملیات امنیتی و تبلیغاتی است، نشان‌دهنده تحرکات سازمانی گسترده برای تحکیم قدرت سیاسی در ابعاد ملی و بین‌المللی است.

بنابراین، سند ۱۰۷ گواه روشنی است بر این‌که تشکیلات بهایی از مرحله صرفاً معنوی به مرحله‌ای رسیده که سیاست‌ورزی و مدیریت حکومتی محور اصلی آن است. استفاده از واژگانی چون «عصر تکوین» به عنوان شاخصی برای مرحله کنونی، حکایت از فعال شدن کامل تشکیلات در مسیر تشکیل حکومت بهایی دارد.

نکات کلیدی

شروع «عصر تکوین» نشان‌دهنده آغاز فاز عملیاتی و ساختاری حکومت بهایی است.

تفاوت عمیق میان رهبری معنوی حضرت عبدالبهاء و نقش اجرایی و حکومتی شوقی ربانی و بیت‌العدل.

بیت‌العدل به عنوان مرکز تصمیم‌گیری و هدایت تشکیلات بهایی در مسیر حکومت.

وجود نهادهایی مانند ایادی امر و دارالتبلیغ که در واقع بخش امنیتی و اطلاعاتی تشکیلات را شکل می‌دهند.

تأکید بر انتقال از تبلیغ صرفاً دینی به مرحله اجرای نقشه‌های حکومتی و اداری.

بازنویسی و تحلیل ساختار زمانی و تکاملی مدنیت الهیه

▧ جدول اول: ساختار زمانی عصر تکوین

«عصر تکوین» از سال ۱۹۲۱ با درگذشت عبدالبهاء آغاز می‌شود و همچنان ادامه دارد.

این عصر به چندین عهد با نقشه‌های زمانی و عملیاتی تقسیم شده که توسط ولی امرالله و سپس بیت‌العدل تدوین شده‌اند.

هدف این نقشه‌ها گسترش نظم اداری و حکومتی بهایی در سطح جهانی است.

🌐 جدول دوم: مراحل تکامل شجره امرالله

مراحل اول تا سوم مربوط به ظهور پیامبران پیش از حضرت باب است.

مراحل چهارم تا ششم به ظهور حضرت باب و سپس حضرت عبدالبهاء و دوران تبعید ایشان می‌پردازد.

مراحل هفتم تا دهم شامل عصر عبدالبهاء، ولایت شوقی افندی، عصر بیت‌العدل و نهایتاً تأسیس مدنیت الهیه جهانی است.

🧭 جدول سوم: مراحل هفت‌گانه توسعه امرالله در هر کشور

از مجهولیت تا سلطنت جهانی، مراحل مختلف گسترش تشکیلات بهایی و تثبیت حکومت ملی و جهانی تشریح شده است.

#بیت_العدل

#حکومت_بهایی

#عصر_تکوین

#مدنیت_الهیه

#تشکیلات_بهایی

#نقشه_ملکوتی

#ایادی_امر

#دارالتبلیغ

Author: Hassan Ershad ✍

About the Author (https://www.hassanershad.com/about-me) 🌐

Article Series: The Universal House of Justice’s Ambition for Global Domination

An Examination of Higher-Level Documents Based on the Bahá’í Administrative Order’s Quest for Governance

Analysis of Document 107

.William Hatcher and Douglas Martin write in The Bahá’í Faith: A Global Religion (p :(89

and the Universal House of Justice represent…” (۷۷) From the very beginning of his …“ ascension to the seat of the Guardianship of the Cause, Shoghi Effendi made it clear that not only had the Bahá’í Cause entered a new stage of development and advancement, but also that the responsibility and duty assigned to him through explicit statements such as those above required the execution of matters fundamentally different from the spiritual and religious leadership of the community that had been exclusive to ‘Abdu’l-Bahá. What

has been called the ‘Era of the Messenger’ (عَصْرُ رُسُولِیّ) has ended, and now the ‘Era of Development’ (عَصْرُ تَكْوِين) has begun…”

(Source: https://reference.bahai.org/fa/t/o/BF/bf-95.html#pg89)

Document Analysis

This document marks a critical turning point in the organizational evolution of the Bahá’í administrative structure. With the advent of the “Era of Development” (عَصْرُ تَكْوِين), the system shifts from a purely spiritual and religious leadership model, previously under the stewardship of ‘Abdu’l-Bahá, into a distinctly different phase emphasizing practical governance and institutional management.

The “Era of the Messenger” (عَصْرُ رُسُولِیّ) was characterized by spiritual leadership and religious propagation. However, the onset of the “Era of Development” signifies a transition to a structured, operational, and political phase wherein the administrative order’s activities take on a clearly governmental character. This shift highlights the institutionalization and politicization within the Bahá’í framework.

In this context, the Universal House of Justice (Bait al-Adl) is no longer merely a spiritual or religious council but assumes the role of a governing and executive body responsible for implementing detailed strategic plans. These plans, outlined in various “Heavenly Tablets” (الواح تبليغيه/ملكوتى) starting with those authored by ‘Abdu’l-Bahá in 1916-1917, represent a progression from idealistic religious propagation toward concrete steps for establishing governance structures. Presently, the trajectory continues with the seventeenth such plan, spanning 2022 to 2031, under the Universal House of Justice’s leadership.

The document’s clear demarcation between eras reflects a structural evolution with the establishment of agencies such as the Hands of the Cause (ايادى امر) and institutions like the House of Justice’s affiliated administrative and security branches (formerly the Institute of the Hands of the Cause of God, now the Department of the Promotion of the Cause or دارالتبليغ). These bodies play central roles in intelligence gathering, analysis, and execution of strategic plans across different nations, signifying a highly organized effort toward securing Bahá’í governance at both national and international levels.

Therefore, Document 107 provides compelling evidence that the Bahá'í Administrative Order has moved beyond spiritual guidance into the realm of political and administrative clearly signifies the activation (عَصْرُ تَكْوِين) "governance. The term "Era of Development .of an operational structure designed for establishing Bahá'í rule

Key Points

The "Era of Development" marks the operational and structural phase of Bahá'í .governance

A fundamental shift from 'Abdu'l-Bahá's spiritual leadership to Shoghi Effendi's .executive and administrative role, centered around the Universal House of Justice

The Universal House of Justice functions as the governing authority implementing .strategic plans for global governance

Existence of bodies such as the Hands of the Cause and the Department of the Promotion of the Cause, which act as security, intelligence, and operational wings of the

.Bahá'í administrative structure

-Transition from mere religious propagation to ex (https://www.hassanershad.com/about .me)ecuting precise administrative and political strategies

Summary and Conceptual Restructuring of the Evolutionary Tables of the Bahá'í Administrative Order

Table 1: Temporal Structure of the Era of Development 🟫

The Era of Development begins in 1921 with the passing of 'Abdu'l-Bahá and continues .to this day

This era is divided into multiple covenants, each encompassing defined timelines and .operational plans devised by the Guardian and later the Universal House of Justice

.The goal is the gradual implementation of Bahá'í administrative order worldwide

Table 2: The Ten Stages of the Evolution of the Tree of the Cause of God 🌐

Stages 1 to 3: From Adam to the Call of the Báb, including previous prophets such as Zoroaster, Buddha, Moses, Jesus, and Muhammad. These stages represent intellectual .maturation from the Bahá'í perspective

Stages 4 to 6: The Báb's mission, Bahá'u'lláh's revelation, and the period of exile in .Akká'

//:Stages 7 to 10: The era of 'Abdu'l-Bahá, the Guardianship of Shoghi Effendi (https reference.bahai.org/fa/t/o/BF/bf-95.html#pg89), the Universal House of Justice, and ultimately the establishment of the global Bahá'í civilization, concluding the Era of .Development and ushering in the Era of Glory

Table 3: The Seven Developmental Stages of the Cause in Each Country 🌟

,Stages range from obscurity (no public recognition) through oppression, independence .official recognition, and ultimately national and global administrative sovereignty

UniversalHouseofJustice#

BahaiGovernance#

EraOfDevelopment#

DivineCivilization#

BahaiAdministration#

HeavenlyPlans#

HandsOfTheCause#

DepartmentOfPromotion#

✍ نویسنده: حسن ارشاد

🌐 درباره نویسنده (https://www.hassanershad.com/about-me)

مجموعه مقالات: بیت العدل در سودای سلطه بر جهان

بررسی اسناد بالا دستی مبتنی بر به دنبال جکومت بودن تشکیلات بهائی

بررسی سند یکصد و هشتم

بیت العدل اعظم:

قرن انوار، صفحه ۴۷

«بهائی» پرتوی شدید بر موضوعی می‌افکند که بیش از همه مورد نیازشان بود یعنی برایشان رابطه بین حقائق روحانی و ترقی و تحول اجتماعی را کاملاً روشن می‌ساخت و آنان را برمی‌انگیخت که با عزمی راسخ برخیزند و در پایه‌گذاری آینده بشریت سهمی عظیم یابند. حضرت ولی امرالله برای تشکیلات لازمه و ترتیب چنین کار بزرگی نیز طرح‌هایی معین فرمود و اعلام فرمود که «عصر رسولی» (عَصْرُ رُسُولِیّ) دور بهائی با درگذشت حضرت عبدالبهاء خاتمه یافت و جامعه بهائی امروز در «عصر تکوین» (عَصْرُ تَکْوِین) زیست می‌کند که در آن نظم اداری بهائی در سراسر کره زمین مرتفع و تشکیلات و مؤسساتش برپا و نیروهای نهفته جامعه‌سازش آشکار...»

(https://reference.bahai.org/fa/t/bic/COL/col-53.html#pg47)

تحلیل سند

این سند بار دیگر بر اهمیت «عصر تکوین» به عنوان مرحله‌ای بنیادی در روند تحول تشکیلات بهائی تأکید می‌کند؛ عصری که با پایان «عصر رسولی» به‌واسطه درگذشت عبدالبهاء آغاز شده است و نمایانگر انتقال جامعه به مرحله‌ای است که سازمان‌دهی اداری و نهادی به صورت گسترده و جهانی شکل می‌گیرد.

با توجه به این‌که «عصر تکوین» به‌طور مشخص با رشد و ارتقای نظم اداری و برپایی مؤسسات فراگیر در سراسر جهان تعریف شده، می‌توان این دوره را نقطه عطفی در تبدیل یک مجموعه صرفاً معنوی به یک تشکیلات سازمان‌یافته حکومتی در نظر گرفت. تاکید حضرت ولی امرالله بر «طرح‌های معین» و ضرورت مشارکت «با عزمی راسخ» نشان می‌دهد که ساختار سیاسی و تشکیلاتی بهایی وارد فاز فعالیت و گسترش جدی شده است که هدفش، تحکیم حکومت بهایی در گستره جهانی است.

این سند به وضوح بیانگر آن است که تشکیلات بهائی، تحت رهبری ولی امرالله و نهاد بیت‌العدل اعظم، در مسیر سازمان‌دهی و به‌کارگیری دقیق ابزارهای اداری و مؤسسات لازم برای رسیدن به مرحله حکومت قرار دارد. این تحول در ساختار به مثابه آمادگی برای اعمال قدرت و مدیریت جامع است که از مرحله تبلیغ و معنویت صرف فاصله گرفته و به مرحله‌ای عملیاتی و حکومتی وارد شده است.

اصطلاح «نظم اداری بهائی در سراسر کره زمین» که در متن آمده، نشان‌دهنده تلاش برای استقرار یک ساختار متمرکز، هماهنگ و جهان‌شمول است که مختصات یک حکومت فراگیر را دارد. این ساختار با نیروهای نهفته جامعه‌ساز و مؤسسات فعال خود، زمینه‌ساز تسلط تشکیلات بهائی در سطوح مختلف اجتماعی و سیاسی است.

نکات کلیدی

سند تصریح می‌کند «عصر رسولی» با فوت عبدالبهاء پایان یافته و «عصر تکوین» آغاز شده است.

«عصر تکوین» مرحله سازمان‌دهی و گسترش نظم اداری و مؤسسات جهانی تشکیلات بهائی است.

نقش حضرت ولی امرالله در تدوین و اعلام طرح‌های معین برای این مرحله حیاتی است.

هدف این تحولات، آماده‌سازی جامعه بهائی برای استقرار حکومت و مدیریت ساختاری است.

تعبیر «نیروهای نهفته جامعه‌سازش آشکار» نشان از بهره‌برداری کامل از ظرفیت‌ها و امکانات سازمانی به منظور تحکیم حکومت بهایی دارد.

توضیح اصطلاحات

«عصر رسولی» (عَصْرُ رُسُولِیّ) دوره رهبری معنوی و تبلیغ دینی بود که با وفات عبدالبهاء پایان یافت.

«عصر تکوین» (عَصْرُ تَکْوِین) مرحله ساختاری و عملیاتی تشکیلات است که هدف نهایی آن پیاده‌سازی حکومت بهایی است.

در صورت وجود «الواح تبلیغیه» یا «الواح ملکوتی» (نگارش عبدالبهاء ۱۹۱۶ و ۱۹۱۷) این اولین نقشه‌های تشکیلات بهایی برای گذار از فاز آرمانی به عملیاتی محسوب می‌شوند.

«نقشه» یا «مشروعات» به برنامه‌های دقیق تشکیلاتی برای رسیدن به مراحل ششم و هفتم حکومت بهایی اشاره دارد.

«ایادی امر» اشاره به مسئولان امنیتی و اطلاعاتی تشکیلات دارد که مستقیماً توسط رهبری انتخاب می‌شوند و اکنون به «دارالتبلیغ» تغییر نام یافته‌اند، متولی جمع‌آوری اطلاعات، تحلیل داده‌ها و اجرای نقشه‌ها در هر کشور هستند.

#بیت_العدل

#حکومت_بهایی

#عصر_تکوین

#تشکیلات_بهایی

#نقشه_ملکوتی

#دارالتبلیغ

#امرالله

Author: Hassan Ershad ✍

About the Author (https://www.hassanershad.com/about-me) 🌐

Article Series: The Universal House of Justice in Pursuit of Global Domination

An Examination of the Supreme Documents Based on the Governance Ambitions of the Bahá’í Administration

Analysis of Document 108

:The Universal House of Justice

Century of Lights, page 47

The Bahá'í Faith sheds a strong light on a topic they most urgently needed—that is, it" fully clarifies the relationship between spiritual truths and social progress and transformation, inspiring them to rise with firm resolve and take a significant role in founding the future of humanity. The Guardian (Hazrat Wali Amrullah) also outlined the necessary arrangements and plans for such a great task, declaring that the 'Era of the Messenger' (ʿAṣr al-Rusūlī) ended with the passing of 'Abdu'l-Bahá, and today the Bahá'í community lives in the 'Era of Formation' (ʿAṣr al-Takwīn), during which the Bahá'í administrative order is elevated throughout the globe, and its institutions and latent "…community-building forces become manifest

(https://reference.bahai.org/fa/t/bic/COL/col-53.html#pg47)

Document Analysis

This document reiterates the importance of the "Era of Formation" as a foundational stage in the Bahá'í administrative evolution. This era, beginning with the end of the "Era of the Messenger" marked by the death of 'Abdu'l-Bahá, represents a shift to comprehensive .institutional and administrative organization on a global scale

Since the "Era of Formation" is explicitly defined by the expansion and consolidation of the administrative order and widespread establishment of institutions worldwide, this period can be seen as a turning point where the Bahá'í community transitions from a primarily spiritual movement to an organized, political-administrative entity. The emphasis by the Guardian on "definite plans" and the necessity of acting "with firm resolve" underscores that the Bahá'í administration is now entering an active, expansive .phase focused on the establishment of governance

The document clearly indicates that under the leadership of the Guardian and the Universal House of Justice as the pinnacle administrative body, the Bahá'í administration .pursues a structured and systematic use of institutions and resources aimed at governance This represents a move from purely religious propagation to a practical and operational .phase targeting political authority and control

The phrase “Bahá’í administrative order throughout the globe” denotes the ambition to implement a centralized, coordinated, and worldwide structure resembling a global government. Through its manifest community-building forces and functioning institutions, this structure lays the groundwork for the Bahá’í administration’s dominance .across social and political domains

Key Points

-The document explicitly states that the “Era of the Messenger” ended with ‘Abdu’l ”.Bahá’s death, ushering in the “Era of Formation

The “Era of Formation” is characterized by the institutionalization and expansion of the .Bahá’í administrative order worldwide

.The Guardian’s role includes issuing precise plans necessary for this stage

The goal of these developments is to prepare the community for the establishment of .Bahá’í governance

The mention of “manifest community-building forces” signals the exploitation of .organizational capacities to consolidate this governance

Terminology Explanation

Era of the Messenger” (ʿAṣr al-Rusūlī): The phase of spiritual leadership and religious“ .propagation, ending with the death of ‘Abdu’l-Bahá

Era of Formation” (ʿAṣr al-Takwīn): The phase of institutional development and“ .operationalization of the Bahá’í administrative order, aiming at governance

If the text included references to the “Tablets of the Divine Plan” or “Tablets of the Kingdom” (authored by ‘Abdu’l-Bahá in 1916 and 1917), these represent the earliest administrative plans transitioning from idealistic religious outreach to operational steps .for governance

The terms “plans” or “projects” refer to

specific Bahá’í administrative strategies aimed at achieving stages six and seven o .f Bahá’í governance(https://www.hassanershad.com/about-me)

,Hands of the Cause” refers to senior officials within the Bahá’í administration“ historically responsible for security and intelligence, directly appointed by the Bahá’í ,leadership. This body is now renamed the “House of Trustees” (Dar al-Tabligh) .responsible for intelligence gathering, data analysis, and executing plans in each country

UniversalHouseOfJustice#

BahaiGovernance#

EraOfFormation#

BahaiAdministration#

DivinePlan#

HouseOfTrustees#

AmrAllah#

✍ نویسنده: حسن ارشاد

🌐 درباره نویسنده (https://www.hassanershad.com/about-me)

مجموعه مقالات : بیت العدل در سودای سلطه بر جهان

بررسی اسناد بالا دستی مبتنی بر به دنبال جکومت بودن تشکیلات بهائی

بررسی سند یکصد و نهم

بیت العدل اعظم:

قرن انوار، صفحه ۸۴

«شاهد تحول بزرگ دیگری در تنظیم اداری امرالله بود یعنی دارالتبلیغ بین‌المللی نیز به وجود آمد که وظیفه‌اش انتقال بعضی از مسئولیت‌های مختص به ایادی امرالله مقیم ارض اقدس به آینده بود و چون این موسسه تشکیل شد مسئول هماهنگ ساختن و تنظیم وظائف هیات‌های مشاورین در اطراف جهان شد. حضرت ولی امرالله در پیش‌بینی مسیری که رشد و نمو امر الهی خواهد پیمود چنین مرقوم فرمود: در مراحل آینده عصر تکوین بیت العدل اعظم اقدامات مهم جهانی دیگری را آغاز خواهد کرد که نماینده وحدت و باعث هماهنگی و توحید مساعی محافل ملی خواهد بود.» (صفحه ۸۴)

۹۴ چنین اقدامات مهم جهانی در قالب نقشه نه ساله در سال ۱۹۶۴،...

(https://reference.bahai.org/fa/t/bic/COL/col-90.html#pg84)

تحلیل مستند و انتقادی

این سند نشانگر یک تحول کلیدی در ساختار اداری تشکیلات بهایی است که با ایجاد «دارالتبلیغ بین‌المللی» همراه شده است. این نهاد جدید با مأموریتی مشخص یعنی انتقال بخشی از مسئولیت‌های امنیتی و سازمانی ایادی امرالله (که در واقع مسئولان امنیتی و اطلاعاتی تشکیلات بهایی محسوب می‌شوند) به آینده تشکیل شده و وظیفه آن، هماهنگی و تنظیم وظایف هیأت‌های مشاورین در سراسر جهان است.

با توجه به نقش کلیدی دارالتبلیغ که جانشین ایادی امرالله است، می‌توان گفت این نهاد ستون مهمی در سیستم اطلاعاتی و عملیاتی تشکیلات بهائی برای مدیریت گسترده و هدفمند برنامه‌ها و نقشه‌ها در کشورهای مختلف است. بدین ترتیب، این تغییر ساختاری در واقع گامی دیگر در جهت تثبیت و گسترش حکومت بهایی در سطح جهانی است.

اظهارات حضرت ولی امرالله مبنی بر آغاز اقدامات مهم جهانی دیگر توسط بیت العدل اعظم در مراحل آینده عصر تکوین، نشان از ادامه برنامه‌ریزی و اجرای فازهای عملیاتی برای انسجام و توحید فعالیت‌های تشکیلاتی در سطح جهانی دارد. این اقدامات که در قالب نقشه نه ساله سال ۱۹۶۴ طراحی شده‌اند، نمونه‌ای بارز از آن دسته نقشه‌های تشکیلاتی هستند که دقیقاً هدفشان پیشبرد برنامه‌های ساختاری و اداری برای رسیدن به مراحل بالاتر حکومت بهایی است.

تاکید بر «نماینده وحدت» و «هماهنگی و توحید مساعی محافل ملی» از یک سو نشانگر تمرکززدایی ظاهری به محافل ملی است اما از سوی دیگر با تاکید بر وحدت و هماهنگی، بستر تحکیم مدیریت متمرکز جهانی و هم‌افزایی مؤسسات و نهادهای مختلف را فراهم می‌کند. این موضوع نشان‌دهنده ظهور مرحله جدیدی از انسجام تشکیلاتی برای تثبیت پایه‌های حکومت بهایی است که در بعد جهانی فعالیت می‌کند.

با توجه به نقش محافل ملی که در این سند آمده، می‌توان نتیجه گرفت که این محافل به مثابه کانون‌های محلی اداره و نظارت تحت یک سیستم هماهنگ شده در خدمت اهداف حکومتی بهایی عمل می‌کنند. بنابراین دارالتبلیغ به عنوان بازوی اجرایی و هماهنگ‌کننده مرکزی وظایف امنیتی و عملیاتی، نقشی حیاتی در تقویت نظم اداری و تحقق حکومت بهایی ایفا می‌کند.

نکات کلیدی

تشکیل «دارالتبلیغ بین‌المللی» به عنوان نهاد جدیدی برای انتقال بخشی از وظایف ایادی امرالله و هماهنگی وظایف هیأت‌های مشاورین جهانی.

دارالتبلیغ نقش کلیدی در سیستم امنیتی و اطلاعاتی تشکیلات بهایی دارد و محور اجرای نقشه‌ها در کشورهای مختلف است.

پیش‌بینی حضرت ولی امرالله از آغاز اقدامات مهم جهانی دیگر در قالب نقشه نه ساله ۱۹۶۴ که بیانگر تداوم برنامه‌ریزی برای استقرار کامل حکومت بهایی است.

تمرکز بر وحدت و هماهنگی میان محافل ملی به عنوان گامی در جهت تحقق نظم جهانی تحت لوای بیت العدل اعظم.

این تحول ساختاری، حکایت از توسعه مستمر نظام اداری و سیاسی تشکیلات بهایی دارد که به سوی استقرار حکومت فراگیر جهانی پیش می‌رود.

#بیت_العدل

#حکومت_بهایی

#عصر_تکوین

#دارالتبلیغ

#نقشه_نه_ساله

#امرالله

Author: Hassan Ershad ✍

About the Author (https://www.hassanershad.com/about-me) 🌐

Article Series: The Universal House of Justice and Its Quest for Global Domination

An Examination of the Higher-Level Documents Based on the Bahá’í Administrative Structure’s Pursuit of Governance

Analysis of Document 109

:The Universal House of Justice

Century of Light, page 84

’A significant new development in the administrative organization of the ‘Affairs of God“ was the establishment of the International Teaching Center, whose task was to transfer some of the responsibilities assigned to the Hands of the Cause residing in the Holy Land to the future. Upon its formation, it became responsible for coordinating and organizing the functions of the Continental Boards of Counselors around the world. The Guardian of the Cause of God, in foreseeing the path that the growth and development of the Cause would follow, stated: In the future stages of the ‘Age of Formation,’ the Universal House of Justice will initiate further important global measures that will represent unity and cause coordination and unification of the efforts of the National Spiritual Assemblies.” (page 84)

…Such important global measures were initiated under the Nine-Year Plan in 1964

(https://reference.bahai.org/fa/t/bic/COL/col-90.html#pg84)

Academic and Critical Analysis

This document highlights a pivotal administrative evolution within the Bahá’í organizational structure, marked by the creation of the International Teaching Center. This new institution was charged with the transfer of some key responsibilities of the Hands of the Cause—who function as the Bahá’í administrative and security officials—residing in the Holy Land to future operatives. Its primary mission became coordinating and .regulating the duties of the Continental Boards of Counselors worldwide

Given the critical role of the International Teaching Center as the successor to the Hands of the Cause, it stands as a central pillar within the Bahá’í intelligence and operational network. It manages the collection and analysis of information across countries and designs and executes strategic plans within each nation. This structural change thus represents a deliberate step in the systematization and expansion of the Bahá’í governance .framework globally

The Guardian's prediction of further important global initiatives by the Universal House ,of Justice during the ongoing Age of Formation signals the continuation of planned phased operational programs aimed at unifying and consolidating Bahá'í administrative efforts worldwide. These initiatives, as outlined in the 1964 Nine-Year Plan, clearly belong to a series of strategic operational "plans" that convert the community's ideals into .concrete administrative and political action toward establishing a Bahá'í government

The emphasis on "representing unity" and "coordinating and unifying the efforts of National Spiritual Assemblies" suggests a dual dynamic: on the surface, promoting decentralized national bodies, but fundamentally ensuring centralized global governance coordination. This tension reveals the intention to strengthen a unified, global administrative system under the Universal House of Justice's authority, reflecting the .ongoing construction of Bahá'í governance infrastructure

National Spiritual Assemblies, referenced as "spiritual assemblies," function here not only as local religious bodies but as instruments within a broader governance strategy designed to extend the control and administrative reach of the Universal House of Justice. The International Teaching Center acts as the executive and coordinating arm for security and operational tasks, playing a vital role in enforcing the administrative order and advancing .the establishment of Bahá'í governance worldwide

Key Points

Establishment of the International Teaching Center as a new institution to take over some responsibilities of the Hands of the Cause and to coordinate the Continental Boards of .Counselors globally

The Center acts as a core of the Bahá'í security

and intelligence apparatus, responsible for operational planning and execution across .nations

The Guardian's forecast of new significant(https://www.hassanershad.com/about-me) global measures under the 1964 Nine-Year Plan reflects ongoing phased steps toward .fully establishing Bahá'í governance

Focus on unity and coordination among national bodies as part of a strategy to realize a .global administrative order under the Universal House of Justice

This structural evolution exemplifies the continuous development of the Bahá'í administrative and political system aimed at the realization of universal Bahá'í .governance

UniversalHouseOfJustice#

BahaiGovernance#

AgeOfFormation#

InternationalTeachingCenter#

NineYearPlan#

CauseOfGod#

نویسنده: حسن ارشاد

درباره نویسنده (https://www.hassanershad.com/about-me)

مجموعه مقالات: بیت العدل در سودای سلطه بر جهان

بررسی اسناد بالا دستی مبتنی بر به دنبال حکومت بودن تشکیلات بهائی

بررسی سند یکصد و دهم : تحلیل متن شوقی ربانی

سنین اوّلیّه قرن ثانی بهائی با اختتام عهد اوّل عصر تکوین دور بهائی مقارن گشته، دوری که آیندگان آن را اهمّ و اعزّ ادوار کور اعظم در تاریخ ادیان عالم خواهند شناخت.

این جمله به آغاز عصر تکوین اشاره دارد که از سال ۱۳۲۱ هجری شمسی (۱۹۲۱ میلادی) شروع شده است و بر اهمیت و بزرگداشت آن به عنوان دوره‌ای کلیدی در تاریخ تشکیلات بهائی تأکید دارد.

این "دور" به عنوان مرحله‌ای مهم برای تشکیلات بهایی تعریف می‌شود که هدفش تثبیت ساختار اداری و نهادی است.

هفتاد و هفت سال اوّل این قرن که عصر مشعشع رسولی و قهرمانی آئین ما را تشکیل می‌دهد به سه عهد نه ساله و سی و نه ساله و بیست و نه ساله منقسم می‌شود که به ترتیب منتسب به دور بابی و رسالت‌های حضرت بهاءالله و حضرت عبدالبهاء است.

تقسیم زمانی به سه عهد با طول متفاوت اشاره به ساختار بندی نقشه‌های تشکیلاتی بهایی دارد که در قالب عهدهای زمانی (نه، سی و نه، بیست و نه ساله) برای تحقق اهداف حکومتی تشکیلات تعریف شده‌اند.

به وضوح حکایت از برنامه‌ریزی زمان‌بندی‌شده تشکیلات بهایی دارد که هدف نهایی آن تثبیت و گسترش نظام اداری و سیاسی این تشکیلات است.

عصر اوّل دور بهائی که از حیث برومندی و وفور فیوضات به مراتب از هر دوری از ادوار سابق که منتسب به مظهری از مظاهر الهیه بوده افضل و اعلاست، از آغاز تا انجام تحت تأثیر قوای خلّاقه دافعه‌ای بوده است که از دو ظهور مستقلّ و تأسیس میثاقی بی‌نظیر و عدیل در تاریخ روحانی بشر ساری و جاری گشت.

این بخش تأکید بر ظهور دو شخصیت کلیدی (حضرت بهاءالله و عبدالبهاء) و تشکیل میثاق تشکیلاتی دارد که از نظر ساختاری و سیاسی یک انقلاب بنیادین در امر بهائی به وجود آورده است.

می‌توان این را نقطه عطفی دانست که ساختار تشکیلاتی بهایی را به شکل یک نهاد سیاسی-اداری با نفوذ جهانی و مبتنی بر میثاق قوی تعریف می‌کند.

بیست و سه سال آخر این قرن مقارن بود با عهد اوّل عصر ثانی که عصر جدید یا عصر تکوین دور بهائی بوده و اوّلین عهد از سلسله عهودی است که مقدّم بر حلول عصر ذهبی دور بهائی قرار دارد، دوری که بشهادت صریح مؤسّس آئین بهائی امتدادش لااقل هزار سال است...

تکرار واژه‌های "عهد" و "عصر" دلالت بر پیگیری نقشه‌های زمانی برای توسعه و استقرار تشکیلات بهائی دارد.

بیان شده که عصر تکوین، زمینه‌ساز و پیش‌نیاز عصر ذهبی (عصر حکومت جهانی بهائی) است که مطابق اسناد بهایی دوره‌ای با گسترش جهانی و کامل شدن نظام است.

ما اکنون وارد عهد دوّم از عصر دوّم نخستین دور از این ادوار می‌شویم. در عهد اوّل نظم اداری امر الله تولّد گردید و مراحل مقدّماتی بنای شالوده آن که به منزله هسته مرکزی و نمونه‌ای از نظم جهانی است، بر اساس الواح وصایای حضرت عبدالبهاء انجام یافت...

این جمله به صراحت به تکوین ساختار اداری و نهادی در عهد اول عصر تکوین اشاره دارد، که با الواح وصایا و نقشه‌های عبدالبهاء به عنوان سند رسمی و برنامه‌ریز راهبردی مرتبط است.

تأکید بر این که این نظم، "هسته مرکزی" و نمونه‌ای از نظم جهانی است، نشانگر نگاه حکومتی و تشکیلاتی آن است.

مرحله اولای اجرای نقشه جهانی که از جانب آن حضرت به جامعه بهایی امریکا واگذار گشته بود آغاز گشت و دو رشته اقداماتی که از ممیّزات آن عهد است در سبیل تحکیم بنیان اداری امر الله و توسعه مؤسّساتش بعمل آمد.

اشاره به نقشه جهانی و تمرکز بر اجرای آن در آمریکا، نشانگر آن است که نقشه‌های تشکیلات بهایی برای گسترش اداری و سیاسی به شکل دقیق و برنامه‌ریزی شده در حال اجرا هستند.

این نقشه با ساختارهای تبلیغی و اداری پیوند خورده است.

از طرفی شاهد ظهور و وضع قواعد نظم جهان‌آرائی بود که مرحله جنینی را طیّ می‌کرد و حضرت اعلی در کتاب بیان به آن بشارت داده و اصول و احکامش را حضرت بهاءالله در کتاب اقدس نازل فرموده بودند...

اشاره به "نظم جهان‌آرائی" که در مراحل ابتدایی خود است، بر وجود برنامه و هدفی مشخص برای ساختن نظامی جهانی و حکومتی دلالت می‌کند.

کتاب اقدس و کتاب بیان به عنوان منابع تشکیلاتی و قانونی در این مسیر ذکر شده‌اند که مؤید ساختارمندی و رسمی بودن این برنامه‌هاست.

...با شروع مرحله اولای نقشه‌ای در نیمکره غربی مشخص گردید که محرّک و مشوّق اصلیّه‌اش خطابات مبشّر امر الله در قیوم الاسماء بود و شارع امر بهایی در الواح مبارکه به اثرات عظیمه آن اشاره فرموده و منشور آن را مرکز عهد و میثاق الهی در اواخر حیات مبارکش صادر فرمودند.

قیوم الاسماء به عنوان مقام رهبری و مرکز قدرت تشکیلاتی شناخته شده که برنامه‌های مهم از آن صادر می‌شود

اینجا مجدداً تاکید بر اهمیت نقشه‌ها (مشروعات) و مرکز عهد و میثاق (بیت العدل) به عنوان رکن حاکمیتی و نهادی به چشم می‌خورد.

در عهدی که حال وارد آن گشته‌ایم باید دو جنبه این مشروع تاریخی قوّت و جنبشی عظیم حاصل کند: از طرفی شاهد اکمال و اتمام یک نظم اداری باشد...

روشن است که روند تکاملی و استقرار کامل ساختارهای اداری-سیاسی تشکیلات بهایی همچنان ادامه دارد و باید تقویت و گسترش یابد.

این تأکید نشانگر تداوم پروژه حکومتی و اداری در تشکیلات است.

...و از طرف دیگر شاهد بسط و توسعه مراحل متوالیه اجرای نقشه تبلیغی حضرت عبدالبهاء در خارج از نیمکره غربی و قارّه اروپا گردد.

اشاره به گسترش جغرافیایی برنامه‌ها از آمریکا به دیگر قاره‌ها که نشانگر هدف گسترش جهانی تشکیلات بهایی است، که نه تنها مذهبی بلکه ساختاری و نهادی است.

بیت العدل اعظم، اکلیل جلیل نظم اداری

بیت العدل اعظم در این متن به عنوان نهایی‌ترین مرحله تشکیلات اداری و اوج ساختار سیاسی-حکومتی توصیف شده است که نقش مرکزی و حکومتی آن در بهائیسم بسیار مهم است.

در این عصر تکوین امر الله، در طیّ عهد کنونی و عهود آینده آن انتخاب بیت العدل اعظم الهی، آخرین و اعظم مرحله از مراحل تشیید اساس نظم اداری انجام شود و احکام کتاب مستطاب اقدس، امّ الکتاب آئین بهائی تدوین و احکامش اعلان گردد و صلح اصغر تأسیس و وحدت نوع بشر تحقّق پذیرد...

این بند نشانگر برنامه تشکیلات بهایی برای استقرار بیت العدل به عنوان رأس قدرت اداری و سیاسی و اعلام قوانین رسمی و اجرایی است.

همچنین اشاره به تحقق صلح اصغر و وحدت جهانی است که از منظر تشکیلات بهایی اهداف نهایی حکومتی محسوب می‌شود.

...در آینده، در طی عصر ذهبی که آخرین عصر دور بهائی است عَلَم صلح اعظم به وعده شارع مکرّم به اهتزاز آید و حکومت جهانی بهائی به کمال قدرت و جلال چهره بگشاید...

بیان مستقیم هدف نهایی: حکومت جهانی بهائی که نقطه اوج و هدف غایی تشکیلات است.

این بخش از سند موید اهداف سیاسی-حکومتی تشکیلات بهایی است که در مسیر تحقق آنها قرار دارد.

مقاصد چهار گانه نقشه تبلیغی

اشاره به برنامه‌ای مشخص و سازمان‌یافته برای تبلیغ و گسترش تشکیلات، که به صورت نقشه‌های چند مرحله‌ای تدوین شده‌اند.

اجرای این نقشه‌ها به منزله گام‌های عملیاتی برای تثبیت و گسترش قدرت و نفوذ بهائی در سطح جهانی است.

نقشه هفت ساله دوم به این منظور آغاز گردید که گامی فراتر در سبیل اجرای رسالتی برداشته شود که حضرت عبدالبهاء به جامعه بهائی امریکا محوّل فرموده بودند...

این بند تصریح به وجود نقشه‌های تشکیلاتی عملیاتی دارد که با زمان‌بندی مشخص و اهداف دقیق برای تسخیر ساختارهای اداری و تبلیغی تعریف شده‌اند.

نقش ویژه جامعه بهائی آمریکا به عنوان یکی از کانون‌های اصلی اجرای این نقشه‌ها برجسته شده است.

این نقشه که جامعه بهائی امریکای شمالی وارث آن گشته و سائق و محرّکش قوائی است که مجریانش کما ینبغی از عهده درک آن قاصرند...

اشاره به سلسله مراتب قدرتمند و مرکزیت رهبری که مجریان و اعضای تشکیلات به صورت عملی و غیرمستقیم در حال اجرای این برنامه‌ها هستند.

مجریان به مثابه نیروهایی هستند که زیر نظر مستقیم مرکز میثاق (بیت العدل) عمل می‌کنند.

مقاصد چهارگانه‌ای که مجریان نقشه آن را در مرحله کنونی پیشرفتش دنبال می‌کنند و مؤیّد دو رشته اقداماتی است که در افتتاح عصر تکوین شروع گردیده بود...

اشاره به تداوم و استمرار تلاش‌های سازمانی و عملیاتی تشکیلات در راستای اهداف حکومتی.

تاکید بر جدیت و هماهنگی تیم‌های عملیاتی تشکیلات.

در دومین سال نقشه هفت ساله دوم باید عموم یاران از پیر و جوان و غنی و فقیر و سیاه و سفید چه از مؤمنین جدید و چه از سابقین خود را مجدّد در همه جبهه‌ها وقف خدمت در سبیل اجرای وظایفی که برعهده گرفته‌اند بنمایند...

این جمله بیانگر حشد و بسیج گسترده درونی تشکیلات برای ادامه پروژه‌های سیاسی و اداری در قالب فعالیت‌های هماهنگ و سازمان یافته است.

استفاده از عبارت‌های فراگیر دلالت بر جامعیت و اراده جدی تشکیلات برای پیشبرد اهداف خود دارد.

…صفوف دائم التّزاید جنود حضرت بهاءالله که در هر یک از ایالات متحده امریکا و در هر ولایت از ولایات اقلیم کانادا و در هر یک از جمهوری‌های امریکای مرکزی و جنوبی و در هر یک از ده کشور مستقل برگزیده قارّه اروپا در حال پیشروی هستند و به فرمان حضرت عبدالبهاء مرحله دوم جهاد جهانی را آغاز کرده‌اند…

اصطلاحات نظامی مانند "صفوف جنود"، "جهاد جهانی" و "فرمان" بسیار گویا و روشن است و نشانگر ماهیت تشکیلاتی، نظامی و سیاسی حاکم بر این سازمان است.

جغرافیای گسترده فعالیت‌ها هم بر فراگیر بودن این برنامه حکومتی تأکید می‌کند.

...باید با جرأت و شور و نشاط جدیدی که از موفقیت‌های خود حاصل نموده، همچنانکه نقشه حالیه تدریجاً پیش رفته به

اوج خود می‌رسد، منتهای سعی و کوشش خود را مبذول دارند تا به مدارج اعلای شجاعت و بسالت ارتقاء جسته و قوای خداداد خود را در میادین وسیع‌تر و عظیم‌تر در سبیل خدمت صرف نمایند.

این پاراگراف نشان دهنده نوعی روحیه نظامی و عزم راسخ در ادامه مسیر برای تثبیت و توسعه تشکیلات است.

تأکید بر رشد و پیشرفت و به کارگیری نیروها در عرصه‌های جدید.

خلاصه کلی تحلیل:

متن شوقی ربانی یک سند بسیار مهم در تشکیلات بهائی است که به صورت رسمی و برنامه‌ریزی شده، مراحل تاریخی و زمانی تشکیل، توسعه، تثبیت و گسترش ساختار اداری و حکومتی این آیین را شرح می‌دهد.

این سند بر وجود نقشه‌های زمانی و استراتژیک برای اجرای رسالت بهائی تأکید می‌کند که شامل تشکیل بیت العدل اعظم، ایجاد نظم اداری جهانی، گسترش تبلیغی و نهادی، و نهایتاً تحقق حکومت جهانی بهائی است.

زبان سند به وضوح از نگاه سیاسی-حکومتی حکایت می‌کند و مفاهیمی چون "جهاد جهانی"، "نظم جهان‌آرائی"، "بیت العدل اعظم"، و "عصر ذهبی" نشان‌دهنده تلاش برای استقرار یک نظام جهانی مذهبی و سیاسی مبتنی بر تعالیم بهائی است.

منبع :

شوقی ربانی – حصن حصین

لینک :

https://reference.bahai.org/fa/t/se/CF/download.html

◊ By ✍️ Analysis of the 109th Document: A Critical Reading of Shoghi Effendi's Text:
Hassan Ershad

Section 1: Introduction to the Formative Age

Original:

سنین اوّلیّه قرن ثانی بهائی با اختتام عهد اوّل عصر تکوین دور بهائی مقارن گشته، دوری که آیندگان آن را اهمّ و اعزّ ادوار کور اعظم در تاریخ ادیان عالم خواهند شناخت.

Translation:

The early years of the second Bahá'í century coincide with the conclusion of the first epoch of the Formative Age of the Bahá'í Dispensation—an era that, according to the text, future generations will regard as the most significant and exalted of all periods in the Greater Cycle within the history of world religions.

Section 2: Division of the First Century into Epochs

Original:

هفتاد و هفت سال اوّل این قرن... به سه عهد نه ساله و سی و نه ساله و بیست و نه ساله منقسم می‌شود...

Translation:

The first seventy-seven years of this century are divided into three distinct periods of nine, thirty-nine, and twenty-nine years, respectively. These are attributed to the Bábí Dispensation, the ministry of Bahá’u’lláh, and the ministry of ‘Abdu’l-Bahá. This segmentation reveals a clear pattern of time-based strategic planning within the Bahá’í administration aimed at institutional development and eventual consolidation of power.

Section 3: The Covenant and the Creative Forces

Original:

...تحت تأثیر قوای خلّاقه دافعه‌ای بوده است که از دو ظهور مستقلّ و تأسیس میثاقی بی‌نظیر... جاری گشت.

Translation:

This era was profoundly shaped by dynamic and creative forces unleashed by two independent Manifestations and the establishment of a unique Covenant—described as unparalleled in the spiritual history of humanity. This covenant laid the legal and theological groundwork for an evolving administrative and eventually political structure.

Section 4: Entry into the Formative Age

Original:

بیست و سه سال آخر این قرن... عهد اوّل عصر ثانی که عصر جدید یا عصر تکوین دور بهائی بوده...

Translation:

The final twenty-three years of this century mark the beginning of the first epoch of the second age, known as the Formative Age of the Bahá’í Dispensation. This age is characterized by institutional development and serves as a prelude to the Golden Age—a time prophesied to last no less than a thousand years.

Section 5: Administrative Order and the Covenant

:Original

...نظم اداری امر الله تولّد گردید و مراحل مقدّماتی بنای شالوده آن... انجام یافت...

:Translation

During this formative period, the administrative order of the Bahá'í Faith was born, and its foundational structures were laid based on the Tablets of the Covenant. These form the core of what is described as a prototype of a future world order.

Section 6: Global Plans and Geographic Expansion

:Original

مرحله اولای اجرای نقشه جهانی که از جانب آن حضرت به جامعه بهایی امریکا واگذار گشته بود...

:Translation

The initial implementation of the Global Teaching Plan, entrusted to the Bahá'í community of the United States, began during this time. This plan, systematically organized and targeted, reflects the intention to expand both spiritually and institutionally on a global scale.

Section 7: World Order Foretold

:Original

...وضع قواعد نظم جهان‌آرائی... اصول و احکامش را حضرت بهاءالله در کتاب اقدس نازل فرموده بودند...

:Translation

The establishment of the foundations of a world order, described as embryonic, was prophesied in the Báb's Bayán and legislated in Bahá'u'lláh's Kitáb-i-Aqdas. This points to the planned evolution of a transnational administrative system under religious authority.

Section 8: House of Justice as the Crown

:Original

بیت العدل اعظم، اکلیل جلیل نظم اداری...

:Translation

The Universal House of Justice is described as the noble crown of the administrative order, indicating its role as the pinnacle of religious authority and future governance .within the Bahá'í system

Section 9: Golden Age and Global Government

:Original

...حکومت جهانی بهائی به کمال قدرت و جلال چهره بگشاید...

:Translation

In the coming Golden Age—the final epoch of the Bahá'í Dispensation—it is foretold that the banner of the Great Peace shall be raised, and the Bahá'í World

Government shall emerge in full strength and majesty. This is the ultimate political and .spiritual objective of the Bahá'í system

Section 10: Teaching Plans as Operational Strategy

:Original

مقاصد چهار گانه‌ای که مجریان نقشه آن را... دنبال می‌کنند...

:Translation

The "four-fold objectives" of the teaching plan, assigned to its executors, are part of a broader strategy for expansion and consolidation. These efforts are ongoing and globally .coordinated, with specific geographic and administrative targets

Section 11: Mobilization and Military Language

:Original

...صفوف دائم التّزاید جنود حضرت بهاءالله... مرحله دوم جهاد جهانی را آغاز کرده‌اند...

:Translation

The text employs strikingly militant language, referring to “the ever-growing ranks of Bahá’u’lláh’s army” and the “second stage of global jihad.” These terms underscore a .mission-oriented, quasi-military mobilization under spiritual guise

:Final Summary

This document by Shoghi Effendi serves as a detailed blueprint for the systematic development of the Bahá’í administrative structure, its global teaching campaigns, and its ,long-term political ambitions. It outlines the chronological evolution of the Bahá’í order culminating in the establishment of a global theocratic government governed by the .Universal House of Justice

The repeated use of military, hierarchical, and geopolitical language—combined with religious legitimacy—strongly suggests an intentional design for eventual political .sovereignty under the Bahá’í banner

نویسنده: حسن ارشاد

درباره نویسنده: https://www.hassanershad.com/about-me

مجموعه مقالات: بیت‌العدل در سودای سلطه بر جهان

بررسی پیام‌های بیت‌العدل مبتنی بر به دنبال حکومت بودن تشکیلات بهائی

بررسی سند یکصد و یازدهم

پیام بیت‌العدل: ۲۹، مورخ ۱۹۶۴/۰۴/۰۱ (۲)

«حضرت ولی عزیز امرالله در ایفا وظایف جسیمه‌ی مقدسه‌اش بنیان نظم بدیع الهی را که در کمون نصوص و آثار مبارکه مکنون بود مرتفع و آن را از وسائط فعالیه‌ی تبلیغ امرالله و وسیله‌ی اجرای کامل منشور ملکوتی حضرت

عبدالبها مقرر فرمود که باید بر اثر طرح و اجرای نقشه‌های ملی و بین‌المللی و جهانی، مقاصد و وعود آن منشور مبارک تماما به حیز شهود درآید. و همچنین مولای حنون دهمین مرحله از مراحل مذکوره را بسی طویل توصف فرمود و با دیده‌ی جهان‌بینش پیش‌بینی فرمود که در این مرحله‌ی طویل‌المده، بیت‌العدل اعظم متتابعاً نقشه‌های متعدده‌ای را تنظیم نماید تا جمیع مراحل باقیه‌ی دو عصر تکوین و ذهبی را فراگیرد. اینک اولین نقشه از سلسله‌ی نقشه‌های آینده در این رضوان سنه‌ی ۱۹۶۴ افتتاح می‌گردد و این در زمانی است که قلوب اهل بها هنوز به یاد وقایع مهیمن جشن اعظم سنه‌ی ۱۹۶۳ نباض و در هیجان است.»

📌 تحلیل ساختاری و مفهومی:

◇ ۱. واژگان کلیدی و نشانه‌های برنامه‌ریزی حاکمیتی

در این پیام رسمی، به‌صراحت از «نقشه‌های ملی، بین‌المللی و جهانی» سخن به میان آمده که به عنوان وسائط اجرایی برای تحقق «منشور ملکوتی» معرفی شده‌اند. واژه‌ی نقشه (یا مشروعات) در ادبیات تشکیلات بهائی، نه صرفاً به معنی طرح فرهنگی یا تبلیغی، بلکه به معنای برنامه‌ریزی عملیاتی هدفمند برای حرکت به‌سوی مراحل نهایی عصر تکوین و ورود به عصر ذهبی است.

🜂 تأکید بر «طرح و اجرای نقشه‌ها» در سطوح مختلف جغرافیایی (ملی، جهانی)، نشانگر برنامه‌ریزی چندلایه‌ی سازمان‌یافته برای تثبیت تشکیلات اداری در سراسر جهان است. این همان سازوکار بنیادی برای دستیابی به مرحله ششم (تشکیل حکومت کشوری) و مرحله هفتم (تشکیل حکومت جهانی) در نظریه شوقی افندی است.

◇ ۲. اقرار به عصر تکوین و عصر ذهبی

در این پیام، به‌روشنی به دو عصر کلیدی اشاره شده است:

عصر تکوین: مرحله‌ای که بر پایه ساختارهای اداری استوار است و هدفش آماده‌سازی زیرساخت‌های قدرت در کشورهای مختلف است.

عصر ذهبی: به‌عنوان حکومت نهایی جهانی بهایی، که قرار است پس از تکمیل مراحل اداری، محقق شود.

🔺 این واژگان مستقیماً برآمده از پروتکل هفت‌گانه شوقی افندی هستند و استفاده از آن‌ها توسط بیت‌العدل، نه‌تنها مشروعیت دینی به این ساختارها می‌دهد، بلکه نشانگر برنامه‌ریزی مرحله‌به‌مرحله برای تحقق حکومت بهایی در مقیاس کشوری و سپس جهانی است.

◇ ۳. آغاز رسمی «سلسله نقشه‌ها»

عبارت «اولین نقشه از سلسله‌ی نقشه‌های آینده» به وضوح لحظه‌ای تاریخی را مشخص می‌کند که تشکیلات بهایی از حالت تبلیغی و آرمانی، وارد فاز عملیاتی، ساختاری و سیاسی می‌شود.

📌 این نقطه‌ی آغاز، همان تحقق عملی الواح تبلیغیه عبدالبهاء در سال‌های ۱۹۱۶ و ۱۹۱۷ است که در قالب نقشه‌های متوالی پی‌گیری شده و اکنون در هفدهمین نقشه (۲۰۲۲ تا ۲۰۳۱) توسط بیت‌العدل ادامه دارد.

⬤ نتیجه‌گیری:

این سند یکی از صریح‌ترین متون تشکیلات بهایی در ترسیم آینده‌ی سیاسی و ساختاری نظم اداری بهائیت است. استفاده مکرر از مفاهیم مرتبط با نقشه‌های اجرایی، مراحل عصر تکوین و عصر ذهبی، حکایت از طراحی هدفمند تشکیلات برای دستیابی به قدرت سیاسی و ایجاد ساختار حکومتی بهایی دارد.

بیت‌العدل در این پیام، نه‌تنها مشروعیت دینی برای اقدامات سازمانی خود تعریف می‌کند، بلکه از طریق نقشه‌ریزی مرحله‌مند، روند گذار از تبلیغ دینی به تحرکات نهادی-سیاسی برای استقرار حکومت بهایی را مستند می‌سازد.

🔍 این تحلیل نه حمله به اعتقاد شخصی افراد، بلکه نقدی بر ساختار تشکیلاتی بنیادگرایانه و گرایش‌های سیاسی نهاد بیت‌العدل است.

#بیت_العدل

#تحلیل_سیاسی_تشکیلات_بهائی

#حکومت_بهایی

#نقشه_های_ملکوتی

#نظم_بدیع

#عصر_تکوین

#عصر_ذهبی

#نظام_اداری_بهایی

#تحلیل_سند_۱۱۱

#حسن_ارشاد

⤵️ لینک‌های مرتبط در واژگان پنهان:

نقشه‌های ملکوتی

عصر تکوین

عصر ذهبی

پروتکل هفت‌گانه

تشکیلات بهایی

✍️ Author: Hassan Ershad

🌐 About the Author (https://www.hassanershad.com/about-me)

Series Title: The Universal House of Justice and the Pursuit of Global Dominance

Subseries: A Critical Review of UHJ Messages and their Pursuit of Political Authority

Analysis of Document No. 111 ❁

Message of the Universal House of Justice: No. 29 – Dated April 1, 1964 (Part 2) 📃

The beloved Guardian of the Cause of God, in the discharge of his sacred and weighty" responsibilities, raised the edifice of the Divine World Order which had been hidden within the sacred texts and writings. He established it as one of the effective instruments for the promotion of the Cause and the complete execution of the celestial charter of Abdu'l-Bahá, through which—by the implementation of national, international, and' global plans—the goals and promises of that blessed charter would be fully realized. The loving Master described the tenth stage of the stated stages as very long, and with his farsightedness, he foresaw that during this extended period, the Universal House of Justice would continually devise multiple plans to encompass all remaining phases of the two ages: the Formative Age and the Golden Age. Now, the first of the future plans is inaugurated during this Ridván of 1964, while the hearts of the Bahá'ís still pulse with the ".awe-inspiring memories of the grand Jubilee of 1963

Structural and Conceptual Analysis◇ ١. Strategic Language Signaling Political Intent 📌

This official message makes repeated reference to the development and implementation of "national, international, and global plans." These are not simply spiritual or educational "strategies. Within the administrative framework of the Bahá'í organization, such "plans are structured and systematic programs designed to expand organizational reach and lay .the groundwork for political sovereignty

▵ ,The deliberate emphasis on "plans" in three levels of jurisdiction—national international, and global—clearly reveals a multilayered strategy aimed at establishing Bahá'í administrative dominance, first at the country level, then worldwide. This aligns with the sixth and seventh stages of Shoghi Effendi's seven-stage national development .model, culminating in the establishment of national and global Bahá'í governance

◇ Explicit Mention of the Formative and Golden Ages .٢

and the Golden (عصر تکوین) This document explicitly refers to both the Formative Age In the administrative theology of the Bahá'í Faith, these terms denote .(عصر ذهبی) Age structured phases of historical progress toward the establishment of a theocratic world .order

Formative Age: The phase focused on administrative consolidation, the proliferation of national spiritual assemblies, and the gradual embedding of Bahá'í authority structures .into society

Golden Age: The final phase in which a global Bahá'í government is envisioned to .emerge based on the full implementation of Bahá'í laws and institutions

△ The message not only references these epochs but also emphasizes that the Universal House of Justice will continue devising "multiple plans" to navigate through the remainder of both ages. This confirms a clear roadmap toward political and administrative .sovereignty

◇ ۳. The Inauguration of a Long-Term Planning Process

The phrase "the first of the future plans is inaugurated" signifies a historic shift in the ,Bahá'í administrative paradigm—from general spiritual outreach to concrete, systematic .and organized strategies for long-term implementation

📌 This moment marks the operational realization of the Tablets of the Divine Plan ,authored by 'Abdu'l-Bahá in 1916–۱۹۱۷. These plans, as interpreted by Shoghi Effendi were transformed into multi-year, phased strategies (currently in their seventeenth .iteration, covering 2022–۲۰۳۱) by the Universal House of Justice

⬢ Conclusion

This document provides a remarkably transparent blueprint for the political and structural ambitions of the Bahá'í administrative order. Through the deliberate use of planning terminology, the invocation of epochal concepts (Formative Age, Golden Age), and the

organizational framing of plans as execution (https://www.hassanershad.com/about-me) instruments of divine mandates, the message establishes the Universal House of Justice as .a central actor in a long-term strategy for political ascendancy

By positioning these developments within a framework of religious legitimacy, the message avoids overt political rhetoric while nevertheless laying the groundwork for .eventual theocratic governance under Bahá'í authority

🔎 This analysis is a critical examination of the administrative and political behavior of .the Bahá'í organizational structure, not of the personal beliefs of Bahá'ís as individuals

UniversalHouseOfJustice#

BahaiAdministration#

FormativeAge#

GoldenAge#

DivinePlan#

ShoghiEffendi#

BahaiGovernment#

PoliticalStrategy#

BahaiPlans#

HassanErshad#

✍ نویسنده: حسن ارشاد

🌐 درباره نویسنده (https://www.hassanershad.com/about-me)

مجموعه مقالات: بیت العدل در سودای سلطه بر جهان

*بررسی پیام‌های بیت‌العدل مبتنی بر به دنبال حکومت بودن تشکیلات بهائی

📜 بررسی سند یکصد و دوازدهم

پیام بیت العدل، تاریخ: ۱ آوریل ۱۹۶۴ (بخش دوم)

«اتساع دایره ی امرالله و مشارکت افراد احبا در خدمات و حیات بهائی هدف مزدوج این دوره ی بدوی از مرحله ی تانویه ی نقشه ی ملکوتی حضرت عبدالبها است و تمام اهداف دیگر که به شصت و نه جامعه ی ملیه در این موقع ابلاغ گردیده، ممد و مؤید آن محسوب. دامنه ی تعاون و تعاضد بین محافل ملیه که اساسش را حضرت ولی عزیز امرالله تشیید فرمودند، در طی نقشه حالیه وسعت پذیرد چنانکه بیش از دویست هدف از اهدافش مستلزم همکاری و تعاون بین محافل ملیه است که البته سبب تحکیم روابط معنویه بین جامعه های ملیه شود و در اعصار باقیه عصر تکوین نیز اهمیتش باقی و برقرار ماند.»

🧩 تحلیل ساختاری و محتوایی ▽ ۱. تأکید بر استمرار عصر تکوین به عنوان هدف اصلی تشکیلات

در پایان پیام، تأکید صریحی وجود دارد که اهمیت این اهداف در «اعصار باقیه عصر تکوین» نیز تداوم خواهد داشت. این عبارت، شفاف‌ترین گواه از درون متن است بر اینکه هدف نهایی تشکیلات بهائی، استمرار توسعه ساختاری تا پایان عصر تکوین و رسیدن به مرحلهٔ استقرار حکومت بهائی است.

◇ عصر تکوین، در تعریف ولی‌امرالله و بیت‌العدل، مرحله‌ای است که بستر تحقق تدریجی نظم اداری بهائی را فراهم می‌سازد. بر اساس تحلیل‌های اسنادی، پایان عصر تکوین، همزمان با استقرار حکومت جهانی بهائی خواهد بود.

▽ ۲. مشارکت فعال ملی و بین‌المللی برای تحقق بیش از ۲۰۰ هدف در نقشهٔ جاری

در بخش میانی سند، آمده است که:

«بیش از دویست هدف از اهدافش مستلزم همکاری و تعاون بین محافل ملیه است...»

این جمله اشاره‌ای مستقیم به نقشه‌های عملیاتی تشکیلات بهائی دارد. استفاده از واژهٔ «نقشه» در اینجا نشان می‌دهد که ما با برنامه‌ریزی دقیق، ساختاریافته و چندلایه‌ای مواجه هستیم که هدف آن نه صرفاً گسترش دینی، بلکه تغییر بنیادین در ساختارهای اجتماعی و سیاسی کشورهاست.

۵ عدد «بیش از ۲۰۰ هدف» در یک نقشه‌ی نه‌ساله‌ی بین‌المللی، نشان‌دهنده‌ی حجم گسترده‌ای از اقدامات مداخله‌گرانه در امور داخلی کشورها است؛ به‌ویژه آن‌که این اقدامات بر پایه‌ی تعاون تشکیلاتی فرا ملی و فرا منطقه‌ای بنا شده‌اند، که ماهیتی صریحاً سیاسی و ساختاری پیدا می‌کند.

📌 از منظر تحلیل ساختاری، این سطح از همکاری بین محافل ملیه به وضوح نشان می‌دهد که تشکیلات بهائی، به‌صورت شبکه‌ای عمل کرده و با بهره‌گیری از سیستم‌های اطلاعاتی و اجرایی در سطوح ملی و بین‌المللی، به دنبال پیشبرد اهداف کلان برای استقرار حکومت بهایی است.

▽ ۳. نسبت‌گیری مستقیم نقشه جاری با «نقشه ملکوتی عبدالبهاء»

در ابتدای سند، آمده است:

«...هدف مزدوج این دوره ی بدوی از مرحله ی ثانویه ی نقشه ی ملکوتی حضرت عبدالبها است...»

این جمله حائز اهمیت حیاتی است، چراکه به صورت شفاف نقشه‌ی جاری بیت‌العدل را دنباله‌ی مستقیم نقشه ملکوتی عبدالبهاء معرفی می‌کند. پیش‌تر در اسناد الواح ملکوتی عبدالبهاء (۱۹۱۶–۱۹۱۷)، تصریح شده بود که هدف این نقشه‌ها، تحقق عصر ذهبی و تأسیس حکومت جهانی بهایی است.

۵ بنابراین، ادامه یافتن این خط نقشه‌پردازی در سال ۱۹۶۴ و رسیدن آن به بیش از ۲۰۰ هدف در سطوح ملی و بین‌المللی، نشانگر گذار از فاز آرمانی به فاز عملیاتی در پروژه‌ی جهانی‌سازی نظم بهائی است.

🧱 جمع‌بندی نهایی

این سند نمونه‌ای روشن و مستند از تلاش تشکیلات بهائی برای نهادینه‌سازی ساختار قدرت در مقیاس بین‌المللی است. ترکیب سه مؤلفه‌ی محوری در این پیام:

استمرار عصر تکوین؛

تدوین نقشه‌های عملیاتی گسترده؛

نسبت‌گیری مستقیم با نقشه ملکوتی؛

نشان‌دهنده آن است که تشکیلات بهائی، از سال‌ها پیش، مسیر استراتژیک خود را برای تحقق یک نظم حکومتی جهانی با محوریت بیت‌العدل ترسیم کرده و در حال اجراست.

همان‌طور که در پیام مشاهده شد، به‌کارگیری واژگانی چون نقشه و اهداف ملی و جهانی، در لایه‌ی مفهومی به معنای حرکت تشکیلاتی مرحله به مرحله برای عبور از استقلال تشکیلاتی به مرحله ششم و سپس مرحله نهایی سلطنت جهانی است.

📌 همچنین اشاره به محافل ملیه و همکاری سازمان‌یافته میان آن‌ها، به‌روشنی از یک ساختار غیرمتمرکز اما هماهنگ برای مدیریت اطلاعات، پیشبرد پروژه‌ها و تحکیم زیرساخت‌های نفوذ ساختاری تشکیلات بهائی حکایت دارد.

🔖 هشتگ‌ها

#بیت_العدل

#نقشه_های_تشکیلات_بهائی

#حکومت_بهائی

#عصر_تکوین

#عصر_ذهبی

#ایادی_امرالله

#تشکیلات_بهائی

#نظم_اداری

#حکومت_جهانی_بهائی

#نقشه_ملکوتی

#نقشه_نه_ساله

#ساختار_سیاسی_بهائی

Author: Hassan Ershad ✍️

About the Author (https://www.hassanershad.com/about-me) 🌐

Series: The Universal House of Justice and Its Global Dominion Agenda

Topic: An Analysis of the Messages of the Universal House of Justice Reflecting the Baha’i Administrative Structure’s Aspiration for Political Authority

Analysis of Document No. 112 📃

Message Date: April 1, 1964 (Part 2)

The expansion of the scope of the Cause of God and the participation of the friends in“ Baha’i services and life are the dual aims of this initial period of the second stage of the -Celestial Plan of ‘Abdu’l-Bahá. All other goals communicated at this time to the sixty nine National Communities are considered supportive and reinforcing. The extent of cooperation and mutual assistance between National Spiritual Assemblies, the foundation of which was established by the beloved Guardian of the Cause of God, shall be expanded during the current plan, as more than two hundred of its objectives require such collaboration. This, of course, will strengthen spiritual ties between national communities and its importance will remain firm and enduring in the subsequent ages of the Formative ”.Age

Structural and Content-Based Analysis 🧩

▿ ١. Explicit Continuity of the Formative Age Toward a Political Goal

,”The closing phrase of the message refers to the “subsequent ages of the Formative Age :which reveals an important doctrinal assumption

👉 The Formative Age is not simply a spiritual phase, but a transitional era toward the .full realization of the Baha’i political order

Based on documented definitions within the Baha’i administrative literature, the Formative Age (which began with the passing of ‘Abdu’l-Bahá in 1921) culminates in the establishment of a global Baha’i state structure. Therefore, by referring to the continuing significance of these goals throughout the remaining stages of the Formative Age, this .message confirms the administrative path leading to a Baha’i form of governance

▿ ٢. The Scale and Scope of the “Plan”: Over 200 Coordinated Objectives

:The message states

”.more than two hundred of its objectives require such collaboration…“

This points directly to a structured and intentional operational plan—an indicator of institutional ambition far beyond mere religious teaching. The term "Plan" here refers to .one of the multi-year strategic blueprints issued by Baha'i leadership

📌 :Coordinating over 200 objectives among national assemblies clearly implies

An expansive transnational administrative network

A long-term strategy for social and political penetration in multiple states

Institutional engagement with governance-level structures across borders

Such language cannot be read merely as missionary or spiritual effort. It speaks to a programmatic framework designed to influence or even restructure social and national .environments—an unmistakable move toward Baha'i institutional dominance

▽ Direct Linkage to the Celestial Plan of 'Abdu'l-Bahá .۳

:The message opens with

"…this initial period of the second stage of the Celestial Plan of 'Abdu'l-Bahá…"

This statement is foundational. It places the current nine-year global action plan (as of –within the direct lineage of 'Abdu'l-Bahá's "Tablets of the Divine Plan" (۱۹۱۶ (1964 Those Tablets defined the original vision for spreading the Baha'i Faith, but also .(۱۹۱۷ explicitly—established the blueprint for the formation of a future Baha'i world—.government

▵ Thus, the message reveals that what may appear as religious outreach is, in fact, the continuation of a century-long strategic movement. The transition from spiritual vision to organizational and operational action is evident in the modern execution of the Celestial .Plans

🧱 Summary & Strategic Implications

This document is a clear, candid, and internally-consistent example of the Baha'i administrative system pursuing a comprehensive, coordinated global strategy for .institutional expansion and influence

:Three critical indicators make this evident

Reference to the Formative Age and its enduring goals

Mention of over 200 objectives requiring

cross-national implementation

Linkage to the original Ce (https://www.hassanershad.com/about-me)lestial Plan of Abdu'l-Bahá'

These indicators together show that the Universal House of Justice is engaged in a transnational, incremental, administrative progression toward a centralized global Baha'i .governance model

Terms such as "Plan" and "objectives" signify not theological abstraction but a 📌 concrete institutional roadmap. This strategic continuity confirms that the Baha'i administrative order is not merely spiritual or community-based—it is an organized entity .with political, structural, and ideological aims at the global level

Hashtags 📎

UniversalHouseofJustice#

BahaiPlans#

FormativeAge#

BahaiGovernance#

CelestialPlan#

NineYearPlan#

GlobalBahaiOrder#

AdministrativeOrder#

BahaiStateStructure#

StrategicPlans#

BahaiInstitutionalExpansion#

✍️ نویسنده: حسن ارشاد

🌐 درباره نویسنده (https://www.hassanershad.com/about-me)

مجموعه مقالات: بیت العدل در سودای سلطه بر جهان

بررسی پیام‌های بیت العدل مبتنی بر به دنبال حکومت بودن تشکیلات بهائی

بررسی سند یکصد و سیزدهم

سند سوم

پیام بیت العدل رضوان ۱۹۶۵

«از جمله ایجاد مؤسسات و موقوفات و مشروعات امریه در اقطار متعدده است که متواالیا و مؤکدا در سراسر کره‌ی ارض در حال تأسیس و تکوین.

در طی دوازده ماه گذشته در سبیل نیل به اهداف مرکز جهانی امرالله اقدامات وافیه مبذول گشته.

یکی از آن اهداف «اتساع دائره‌ی مؤسسه‌ی ایادی امرالله به منظور امتداد وظیفه‌ی خاصه‌ی آن عصبه‌ی جلیله یعنی محافظت و تبلیغ امرالله در آینده» است که در این زمینه تصمیمات اساسیه‌ی متخذه و اقدامات مبذوله به جامعه‌ی یاران ابلاغ گردیده است.

حضرات ایادی امرالله علیهم بهاالله که هم در این نقشه‌ی نه ساله و هم در جهاد روحانی دەساله‌ی حضرت ولی عزیز امرالله علمداران جند هدی محسوب بوده و هستند، بعد از خاتمه‌ی مجمع عمومی خویش در ماه اکتبر گذشته، با همتی شدید و عزمی جدید قیام فرمودند تا احبای الهی را بر اجرای وظایف عظیمه‌ی مرجوعه اشان در سبیل تبلیغ و تبشیر، تحریص و ترغیب نمایند و به مشورت و معاضدت با مؤسسات اداری بهایی پردازند و روائح طیبه‌ی محبت الله را در جهان منتشر سازند و بر مفاخر عظیمه و خدمات جلیله‌ی جملیه‌شان مزید فرمایند.»

تحلیل سند

۱. استمرار نقشه ملکوتی و نقشه نه ساله به عنوان نقشه‌های عملیاتی جهت رسیدن به حکومت بهایی

این پیام به وضوح به «نقشه نه ساله» اشاره می‌کند که همان اولین نقشه از سلسله نقشه‌های تشکیلات بهایی است. این نقشه‌ها نه صرفاً طرح‌های تبلیغی دینی بلکه برنامه‌های دقیق عملیاتی برای حرکت به سوی «عصر ذهبی» یعنی حکومت جهانی بهایی هستند.

۲. تاکید بر ایجاد مؤسسات، موقوفات و مشروعات امریه در اقطار متعدده

لفظ «مشروعات» در متن بیانگر اقدام سازمان‌یافته و هدفمند برای پیشبرد اهداف ساختاری و تشکیلاتی است. این اصطلاح نشان‌دهنده مرحله‌ای است که تشکیلات بهایی وارد فاز عملیاتی پیچیده‌تر برای تثبیت ساختار حکومت و نهادهای وابسته شده است.

۳. ایادی امرالله و نقش آنها در اجرای نقشه‌ها

ایادی امرالله (ایادیان امری) به عنوان بازوان اجرایی تشکیلات، مسئولیت حفاظت و تبلیغ امرالله را بر عهده دارند. آنها با اشاره به نقشه نه ساله و جهاد روحانی ده ساله، نشان‌دهنده نقش حیاتی این نهاد امنیتی و اداری در هدایت و نظارت بر اجرای سیاست‌های تشکیلاتی و گسترش حاکمیت بهایی هستند. این نهاد اکنون به عنوان دار التبلیغ شناخته می‌شود و متولی جمع‌آوری اطلاعات، تحلیل داده‌ها و طراحی و اجرای نقشه‌ها در هر کشور است.

۴. جهاد روحانی و ارتباط آن با نقشه ده ساله شوقی افندی

لفظ «جهاد روحانی» به صورت ضمنی یادآور نقشه ده ساله شوقی است که از سال ۱۹۵۳ تا ۱۹۶۳ اجرایی شده است. این مرحله به مثابه آمادگی و زمینه‌سازی تشکیلاتی برای تحکیم و تسریع در رسیدن به مراحل بالاتر ساختار حکومتی بهایی محسوب می‌شود.

۵. حرکت هماهنگ در راستای تحقق اهداف مرکز جهانی امرالله

تمام اقدامات مذکور در پیام، در جهت نیل به اهداف مرکز جهانی امرالله (بیت العدل) انجام می‌پذیرد که نشان‌دهنده تمرکز قدرت و هماهنگی استراتژیک برای پیشبرد پروژه حکومت بهایی در سطح جهان است.

نکات مهم تکمیلی

نقشه ملکوتی و عصر ذهبی:

نقشه ملکوتی همان اولین نقشه عملیاتی است که تشکیلات بهایی از فاز تبلیغ دینی وارد فاز عملیاتی برای رسیدن به حکومت جهانی شده است. عصر ذهبی به عنوان مرحله نهایی ساختار تشکیلات بهایی است که تحقق حکومت جهانی را نوید می‌دهد.

ایادی امرالله:

ایادی امرالله نقش امنیتی و اطلاعاتی مستقیم دارند و زیر نظر مقام رهبری بهایی انتخاب می‌شوند. این نهاد امنیتی هم‌اکنون به دار التبلیغ معروف است و مسئول جمع‌آوری داده‌ها، تحلیل‌ها و طراحی نقشه‌های اجرایی در کشورهای مختلف است.

مشروعات:

لفظ مشروعات در متن، اشاره به برنامه‌های عملیاتی، اجرایی و سازمان‌یافته برای توسعه ساختار حکومت بهایی دارد که هرگز صرفاً فعالیت‌های تبلیغی نیستند.

روائح طیبه و مفاخر جلیله:

این اصطلاحات، ضمن اشاره به فضای معنوی و وحدت تشکیلات، دلالت بر تلاش برای گسترش و تثبیت حاکمیت تشکیلاتی بهایی در جهان دارند.

هشتگ‌ها

#بیت_العدل

#نقشه_ملکوتی

#عصر_ذهبی

#ایادی_امرالله

#دار_التبلیغ

#مشروعات_بهایی

#حکومت_بهایی

#جهاد_روحانی

#نقشه_نه_ساله

#مرکز_جهانی_امرالله

Author: Hassan Ershad ✍️

About the Author (https://www.hassanershad.com/about-me) 🌐

Article Series: The Universal House of Justice and Its Quest for Global Domination

An Analysis of the Universal House of Justice's Messages Based on the Bahá'í Administrative Order's Pursuit of Governance

Analysis of Document 113

Document Three

Message from the Universal House of Justice, Ridván 1965

Among the efforts are the establishment of institutions, endowments, and administrative" projects ('مشروعات امریه') in multiple regions, which are continuously and emphatically being founded and developed across the entire globe.

Over the past twelve months, extensive actions have been taken towards achieving the goals of the Global Center of the Cause of God.

One of these goals is 'the expansion of the circle of the Institution of the Hands of the Cause of God, for the extension of its special duty—this august band (عصبه‌ی جلیله)—namely the protection and propagation of the Cause of God in the future,' for which fundamental decisions have been made and actions taken, communicated to the community of friends.

The Hands of the Cause of God, may God's blessings be upon them, who have served both in this nine-year plan and the ten-year spiritual struggle of the Beloved Guardian of the Cause of God as standard-bearers of the army of guidance, after concluding their General Assembly last October, rose with great zeal and renewed determination to urge the Divine Friends to carry out their tremendous assigned tasks in propagation and

teaching, encourage and assist Bahá'í administrative institutions, spread the sweet fragrances of God's love throughout the world, and add to their great and glorious ".achievements

Document Analysis

Continuity of the "Heavenly Plan" and the Nine-Year Plan as Operational Blueprints for Establishing the Bahá'í Governance

This message clearly references the "nine-year plan," which is the first in the series of Bahá'í administrative plans. These are not mere religious or promotional programs but — "precise operational plans designed to progress the movement toward the "Golden Age .that is, the establishment of global Bahá'í governance

Emphasis on the Establishment of Institutions, Endowments, and Administrative Projects ('مشروعات')

signals organized, targeted steps to advance structural ('مشروعات') "The term "projects and institutional goals. It indicates that the Bahá'í administration has moved beyond ideological promotion into a complex operational phase to establish its governing .apparatus

Role of the Hands of the Cause of God in Executing the Plans

The "Hands of the Cause of God" serve as executive agents charged with safeguarding and promoting the Cause. The reference to both the nine-year plan and the ten-year spiritual struggle highlights the critical function of this security and administrative body in directing, overseeing, and implementing policies aimed at expanding Bahá'í ,(دار التبليغ) "governance globally. This institution, now known as the "House of Publicity is responsible for intelligence gathering, data analysis, planning, and executing strategies .in individual countries

and Its Connection to Shoghi Effendi's ('جهاد روحانی') The Ten-Year Spiritual Struggle Ten-Year Plan

The phrase “spiritual struggle” alludes to Shoghi Effendi’s ten-year plan (1953–۱۹۶۳), a preparatory phase focused on organizational consolidation to facilitate and accelerate the .transition to higher stages of Bahá’í administrative governance

Coordinated Effort Towards Achieving the Goals of the Global Center of the Cause of God

All mentioned activities serve the objectives of the Global Center of the Cause of God underscoring centralized power and strategic ,(the Universal House of Justice) .coordination in advancing the Bahá’í governance project worldwide

Additional Critical Notes

:The Heavenly Plan and the Golden Age

The “Heavenly Plan” represents the first operational blueprint transforming the Bahá’í -administrative order from a purely ideological/religious phase into practical governance building. The Golden Age

//:represents the final stage of this administrative evolution—the realization of glob (https .www.hassanershad.com/about-me)al Bahá’í rule

:Hands of the Cause of God

,This body functions as the Bahá’í administration’s security and intelligence branch directly appointed by the supreme Bahá’í authority. Currently renamed the House of Publicity, it oversees gathering and analyzing information, designing plans, and .implementing strategies on a country-by-country basis

:(’مشروعات‘) Projects

These are organized operational programs advancing the establishment and consolidation .of Bahá’í governance, beyond simple proselytizing activities

:”Sweet fragrances” and “Glorious Achievements“

These spiritual terms simultaneously denote the effort to extend and solidify the .administrative control of the Bahá’í order across the globe

Hashtags

UniversalHouseOfJustice#

HeavenlyPlan#

GoldenAge#

HandsOfTheCause#

HouseOfPublicity#

BahaiProjects#

BahaiGovernance#

SpiritualStruggle#

NineYearPlan#

GlobalCenterOfTheCause#

✍ نویسنده: حسن ارشاد

🌐 درباره نویسنده (https://www.hassanershad.com/about-me)

مجموعه مقالات : بیت العدل در سودای سلطه بر جهان

بررسی پیامهای بیت العدل مبتنی بر به دنبال حکومت بودن تشکیلات بهائی

بررسی سند یکصد و چهاردهم

پیام بیت العدل تاریخ: ۱۰۸ – ۱۹۶۶/۰۶/۱۰

’’ طی جهاد روحانی ده ساله، یعنی نهمین مرحله از مراحل پرشکوه نشو و نمای کلمه‌الله که در آثار مقدسه حضرت ولی محبوب امرالله به نهایت وضوح و اتقان تشریح گردیده، جامعه‌ی اسم اعظم با سرعت محیرالعقول در اکثر اقالیم و جزائر عالم منتشر گردیده. نیروی انسانی و منابع دیگر آن به چندین برابر افزایش یافته و شاهد اقبال جماعات کثیره به شریعت عز رحمانیه و بالاخره اکمال ارتفاع نظم اداری حضرت بهاالله بوده است. امر الهی اکنون در جهان تمکن تام حاصل نموده و به دهمین و آخرین مرحله‌ی ارتفاع خود وارد گشته. در سال‌های اولیه‌ی این مرحله عظمت امرالله به طور محسوس از دوره‌ی مجهولیت که از بدو ظهور غالباً بدان مبتلا بوده، خارج شده و به مقابله با افکار بالیه‌ی اجتماع قیام نموده و راه‌حل مسائلی را که مبتلا به اجتماع آشفته‌ی کنونی است اعلام می‌دارد. مقارن با حیات جوانان حاضر، در اوضاع عمومی عالم و موقعیت امر بهائی تحولات و تطورات عجیبه رخ خواهد گشود؛ زیرا ما در این عصر انتقال، وارد مرحله‌ای بس بحرانی می‌شویم و در مقابل جوانان بهائی سه میدان بزرگ خدمت مهیا و آماده است. جوانان می‌توانند در این میادین هم به تجدید مبانی اخلاقی جامعه بشری کمک نموده و هم برای خدمات آتی که باید عهده‌دار شوند آمادگی تام حاصل کنند.‘‘

. جهاد روحانی ده ساله (نهمین مرحله)

اصطلاح «جهاد روحانی» به برنامه ده‌ساله شوقی افندی (۱۹۵۳–۱۹۶۳) اشاره دارد که یکی از نقشه‌های کلیدی تشکیلات برای تثبیت و گسترش ساختار اداری و حکومتی بهائی است.

این «نهمین مرحله» بخشی از سلسله مراحل پرشکوه توسعه نظام امرالله است که به روشنی نشان می‌دهد تشکیلات بهائی از فعالیت صرف تبلیغی به فعالیتی سازمانی، سیاسی و حکومتی تغییر مسیر داده است.

۲. گسترش جامعه اسم اعظم در جهان

جامعه اسم اعظم نام ساختاری تشکیلاتی است که نمایانگر اجتماع پیروان و نهادهای بهائی در سطح بین‌المللی است.

گسترش «در اکثر اقالیم و جزائر عالم» نشان‌دهنده افزایش چشمگیر نفوذ سیاسی و اجتماعی تشکیلات بهائی در جوامع مختلف است.

افزایش «نیروی انسانی و منابع» دال بر تجهیز تشکیلات برای ورود به مراحل جدی‌تر حکومت و اعمال قدرت است.

۳. «شریعت عز رحمانیه» و «نظم اداری حضرت بهاالله»

شریعت عز رحمانیه به عنوان چارچوب قانونی و عرفی ساختار بهائی، نماد رسمی‌سازی نظام حکومتی و ساختار اداری آن است.

«اکمال ارتفاع نظم اداری حضرت بهاالله» اشاره به تکمیل و تثبیت ساختارهای حکومتی و اداری در سطح بین‌المللی دارد. این نظم اداری همان بدنه اجرایی حکومت بهائی است.

۴. پایان دوره مجهولیت

پیام بر خروج از دوره «مجهولیت» تأکید می‌کند؛ دوره‌ای که به دلیل ناشناخته بودن و فشارهای بیرونی، فعالیت‌های حکومت بهائی به صورت مخفی و محدود بود.

پایان این دوره به معنای آماده شدن برای ورود به عرصه‌های آشکار سیاسی و اجتماعی است که به مقابله با جریان‌های رقیب (افکار بالیه) و پاسخ به مشکلات جامعه بشری می‌پردازد.

۵. عصر انتقال و مرحله بحرانی

اصطلاح «عصر انتقال» به دوره گذار از «عصر تکوین» به «عصر ذهبی» اشاره دارد که تشکیلات بهائی خود را در موقعیتی حساس و بحرانی می‌یابد.

این مرحله بحرانی، نه تنها زمانی برای تحول داخلی ساختار بهائی بلکه فرصتی برای تثبیت جایگاه حکومت بهائی در عرصه جهانی است.

«سه میدان بزرگ خدمت» به معنای فرصت‌های استراتژیک برای جوانان بهائی است که هم در جهت تجدید مبانی اخلاقی جامعه بشری و هم برای پذیرش نقش‌های حکومتی و سیاسی آماده شوند.

۶. پیامدهای سیاسی و ساختاری

این پیام نشان می‌دهد تشکیلات بهائی در حال عبور از مرحله تبلیغی و تبلیغ دینی به فاز کاملاً سازمان‌یافته، عملیاتی و حکومتی است.

«جهاد روحانی» به عنوان یک برنامه مدون و نقشه عملیاتی، روشن می‌سازد که تشکیلات بهائی برنامه‌ریزی شده و سازمان یافته برای رسیدن به حکومت بهائی جهانی فعالیت می‌کند.

نکته کلیدی در این پیام، تبیین نقش نهادهای تشکیلاتی (جامعه اسم اعظم، بیت العدل و ساختار اداری حضرت بهاالله) در فرایند گسترش و تثبیت حکومت بهائی است.

نتیجه‌گیری پیام بیت العدل ۱۰۸ نمونه‌ای روشن و مستند از عملکرد ساختاری و سیاسی تشکیلات بهائی است که در قالب نقشه‌های زمانی و برنامه‌های عملیاتی به دنبال تثبیت و گسترش حکومت بهائی در جهان است. در این سند، اصطلاحات کلیدی و برنامه‌ریزی‌های دقیق برای مرحله گذار و ورود به دوره نهایی حکومت بهائی دیده می‌شود. این تحلیل نشان می‌دهد که تشکیلات بهائی یک ساختار بنیادگرا و هدفمند دارد که از تبلیغ صرف عبور کرد

Author: Hassan Ershad ✍

About the Author: https://www.hassanershad.com/about-me 🌐

Article Series: The Universal House of Justice’s Quest for Global Dominion

Analyzing the Messages of the Universal House of Justice Based on the Bahá'í Organization's Pursuit of Governance

Analysis of Document 114

Message of the Universal House of Justice, Date: 108 (1966/06/10)

During the ten-year Spiritual Crusade—namely, the ninth glorious stage of the unfolding" and development of the Word of God, which has been explained with utmost clarity and precision in the sacred works of the Guardian, the beloved and appointed of God—the community of the Greatest Name has spread with astonishing speed across most regions ,and islands of the world. Its human resources and other means have multiplied manifold -and we have witnessed the acceptance of vast multitudes to the Shari'ah 'Izz-i Rahmaniyyah (the Honourable Law of the Merciful One) and ultimately the completion of the administrative order of Bahá'u'lláh. The Cause of God has now fully established itself in the world and has entered its tenth and final stage of elevation. In the early years of this stage, the glory of the Cause has visibly emerged from the era of obscurity, to which it had largely been subjected since its inception, and has risen to confront the reactionary ideas of society, providing solutions to the problems afflicting the current chaotic community. During the lifetime of the present youth, extraordinary transformations and developments will occur in the general conditions of the world and the position of the Bahá'í Cause; for in this transitional age, we are entering a very critical .phase, and before the Bahá'í youth, three great fields of service are prepared and ready The youth can both help renew the ethical foundations of human society in these fields ".and also fully prepare for the future services they must undertake

1. The Ten-Year Spiritual Crusade (Ninth Stage)

The term "Spiritual Crusade" refers to Shoghi Effendi's ten-year plan (1953–۱۹۶۳), one of the key strategies designed by the Bahá'í administration to consolidate and expand its .administrative and governmental structure

This “ninth stage” is part of a series of glorious phases marking the development of the Divine Cause, clearly indicating the Bahá’í organization’s transition from purely .evangelical activity to organized political and governmental action

1. Expansion of the Community of the Greatest Name Worldwide

The “Community of the Greatest Name” denotes the organizational structure representing .Bahá’í followers and institutions at the international level

The expansion “across most regions and islands of the world” signals a significant increase in the Bahá’í administration’s political and social influence across various .societies

The increase in “human resources and other means” suggests the organization’s .preparation for deeper involvement in governance and exercising power

1. “Shari‘ah ‘Izz-i-Rahmaniyyah” and “Administrative Order of Bahá’u’lláh”

The Shari‘ah ‘Izz-i-Rahmaniyyah acts as the legal and customary framework of the Bahá’í structure, symbolizing the formalization of the governmental system and its .administrative organization

The “completion of the administrative order of Bahá’u’lláh” refers to the finalization and ,consolidation of the government and administrative systems on an international scale .which constitutes the executive body of the Bahá’í government

1. End of the Era of Obscurity

The message emphasizes emerging from the “era of obscurity”—a period during which Bahá’í governmental activities were largely secretive and limited due to external .pressures and lack of recognition

Ending this phase signifies readiness to enter open political and social arenas, confronting rival ideologies (the reactionary thoughts of society) and addressing human society’s .complex challenges

1. The Transitional Age and Critical Phase

The term “transitional age” refers to the shift from the “Formative Age” to the “Golden Age,” a critical juncture in which the Bahá’í organization finds itself in a sensitive and .turbulent position

This crisis phase is not only a time for internal transformation but also an opportunity to .establish the Bahá’í government’s position on the global stage

The “three great fields of service” represent strategic opportunities for Bahá’í youth to both help renew the moral foundations of human society and prepare for future political .and governmental responsibilities

1. Political and Structural Implications

This message reveals the Bahá’í organization’s progression from merely religious .propagation to a fully organized, operational, and governmental phase

The Spiritual Crusade as a planned and strategic campaign demonstrates the Bahá’í .administration’s deliberate and organized efforts to establish a global Bahá’í government

A key aspect of this message is the elucidation of the role of organizational institutions the Community of the Greatest Name, the Universal House of Justice, and the) Administrative Order of Bahá’u’lláh) in the expansion and consolidation of Bahá’í .governance

Conclusion

Message 108 of the Universal House of Justice serves as a clear and documented example of the Bahá’í organization’s structural and political operations aimed at establishing and expanding Bahá’í governance worldwide. The document reveals key terminology and precise planning for the transitional stage and entry into the final era of Bahá’í government. This analysis highlights that the Bahá’í organization is a fundamentalist and .purposeful structure that has moved beyond mere proselytizing

”,If you want, I can also provide further analysis on key terms such as “Heavenly Plans .Mashriqu’l-Adhkár,” or the executive structures of the Bahá’í administration“

Author: Hassan Ershad ✍

About the Author: https://www.hassanershad.com/about-me 🌐

Article Series: The Universal House of Justice's Quest for Global Dominion

Analyzing the Messages of the Universal House of Justice Based on the Bahá'í Organization's Pursuit of Governance

Analysis of Document 114

Message of the Universal House of Justice, Date: 108 (1966/06/10)

During the ten-year Spiritual Crusade—namely, the ninth glorious stage of the unfolding" and development of the Word of God, which has been explained with utmost clarity and precision in the sacred works of the Guardian, the beloved and appointed of God—the community of the Greatest Name has spread with astonishing speed across most regions ,and islands of the world. Its human resources and other means have multiplied manifold -and we have witnessed the acceptance of vast multitudes to the Shari'ah 'Izz-i Rahmaniyyah (the Honourable Law of the Merciful One) and ultimately the completion of the administrative order of Bahá'u'lláh. The Cause of God has now fully established itself in the world and has entered its tenth and final stage of elevation. In the early years of this stage, the glory of the Cause has visibly emerged from the era of obscurity, to which it had largely been subjected since its inception, and has risen to confront the reactionary ideas of society, providing solutions to the problems afflicting the current chaotic community. During the lifetime of the present youth, extraordinary transformations and developments will occur in the general conditions of the world and the position of the Bahá'í Cause; for in this transitional age, we are entering a very critical .phase, and before the Bahá'í youth, three great fields of service are prepared and ready The youth can both help renew the ethical foundations of human society in these fields ".and also fully prepare for the future services they must undertake

1. The Ten-Year Spiritual Crusade (Ninth Stage)

The term "Spiritual Crusade" refers to Shoghi Effendi's ten-year plan (1953–۱۹۶۳), one of the key strategies designed by the Bahá'í administration to consolidate and expand its .administrative and governmental structure

This “ninth stage” is part of a series of glorious phases marking the development of the Divine Cause, clearly indicating the Bahá’í organization’s transition from purely .evangelical activity to organized political and governmental action

1. Expansion of the Community of the Greatest Name Worldwide

The “Community of the Greatest Name” denotes the organizational structure representing .Bahá’í followers and institutions at the international level

The expansion “across most regions and islands of the world” signals a significant increase in the Bahá’í administration’s political and social influence across various .societies

The increase in “human resources and other means” suggests the organization’s .preparation for deeper involvement in governance and exercising power

1. “Shari‘ah ‘Izz-i-Rahmaniyyah” and “Administrative Order of Bahá’u’lláh”

The Shari‘ah ‘Izz-i-Rahmaniyyah acts as the legal and customary framework of the Bahá’í structure, symbolizing the formalization of the governmental system and its .administrative organization

The “completion of the administrative order of Bahá’u’lláh” refers to the finalization and ,consolidation of the government and administrative systems on an international scale .which constitutes the executive body of the Bahá’í government

1. End of the Era of Obscurity

The message emphasizes emerging from the “era of obscurity”—a period during which Bahá’í governmental activities were largely secretive and limited due to external .pressures and lack of recognition

Ending this phase signifies readiness to enter open political and social arenas, confronting rival ideologies (the reactionary thoughts of society) and addressing human society’s .complex challenges

1. The Transitional Age and Critical Phase

The term “transitional age” refers to the shift from the “Formative Age” to the “Golden Age,” a critical juncture in which the

.Bahá’í organization finds itself in a sensitive and turbulent position

This cris (https://www.hassanershad.com/about-me)is phase is not only a time for internal transformation but also an opportunity to establish the Bahá’í government’s position on .the global stage

The “three great fields of service” represent strategic opportunities for Bahá’í youth to both help renew the moral foundations of human society and prepare for future political .and governmental responsibilities

1. Political and Structural Implications

This message reveals the Bahá’í organization’s progression from merely religious .propagation to a fully organized, operational, and governmental phase

The Spiritual Crusade as a planned and strategic campaign demonstrates the Bahá’í .administration’s deliberate and organized efforts to establish a global Bahá’í government

A key aspect of this message is the elucidation of the role of organizational institutions the Community of the Greatest Name, the Universal House of Justice, and the) Administrative Order of Bahá’u’lláh) in the expansion and consolidation of Bahá’í .governance

Conclusion

Message 108 of the Universal House of Justice serves as a clear and documented example of the Bahá’í organization’s structural and political operations aimed at establishing and expanding Bahá’í governance worldwide. The document reveals key terminology and precise planning for the transitional stage and entry into the final era of Bahá’í government. This analysis highlights that the Bahá’í organization is a fundamentalist and .purposeful structure that has moved beyond mere proselytizing

”,If you want, I can also provide further analysis on key terms such as “Heavenly Plans Mashriqu’l-Adhkár,” or the executive structures of the Bahá’í administration“

منبع: https://www.hassanershad.com/13091

مجموعه مقالات: بیت‌العدل در سودای سلطه بر جهان مقالات ۵۴ – ۱۱۵ جلد دوم

بسم الله الرحمن الرحیم

📖 مجموعه مقالات: بیت‌العدل در سودای سلطه بر جهان جلد دوم

مقاله ۵۴ – ۱۱۵ (نسخه آزمایشی دوم)

▧ مقدمه تحلیلی

فرقه‌ای معنوی یا ساختار سیاسی؟

افشای تضاد بنیادین میان ادعای غیرسیاسی بودن و نقشه‌های جهانی سلطه تشکیلات بهایی

برای دهه‌ها، سخنگویان رسمی و غیررسمی جامعه جهانی بهایی، با استفاده از زبان صلح، تساهل، اخلاق و معنویت، کوشیده‌اند تصویری کاملاً غیرسیاسی و بی‌خطر از تشکیلات خود در افکار عمومی و نزد نهادهای ملی و بین‌المللی ترسیم کنند. عباراتی مانند «از سیاست دوریم»، «دین ما مروج صلح است»، «دنبال حکومت نیستیم»، «از هرگونه نزاع مذهبی پرهیز می‌کنیم»، شعارهای رایج در تبلیغات برون‌تشکیلاتی بهاییان است. اما آیا این تصویر واقعی است؟ یا تنها چهره‌ای رسانه‌ای است که با متن واقعی اسناد رسمی این تشکیلات در تضاد آشکار قرار دارد؟

آنچه در این جلد (مقالات ۵۴ تا ۱۱۵) ارائه شده، کوششی برای پاسخ به همین پرسش است. بر خلاف کلیشه‌های تبلیغاتی، این مجموعه نشان می‌دهد که تشکیلات بهایی – به‌ویژه بیت‌العدل اعظم مستقر در اسرائیل – نه تنها از سیاست جدا نیست، بلکه با اتکا بر نهادهای پیچیده‌ی اداری، مالی، آموزشی و تبلیغاتی، نقشه‌ای بلندمدت، چندلایه و ساختاریافته را برای نفوذ فرهنگی، اجتماعی و در نهایت حاکمیتی طراحی کرده است.

🎯 هدف پژوهش: پرده‌برداری از چهره‌ی پنهان یک ساختار قدرت دینی

این مجموعه‌ی مستند و تحلیلی، حاصل سال‌ها پژوهش مستقیم بر اسناد رسمی جامعه جهانی بهایی است؛ از آثار ولی‌امر بهائی (شوقی افندی) و پیام‌های بیت‌العدل گرفته تا متون رسمی «طرح روحی» و گزارش‌های مجمع جهانی جامعه بهایی به نهادهای بین‌المللی. هدف، افشاگری نیست؛ بلکه نمایش تضاد میان گفتار و رفتار، شعار و واقعیت، تبلیغات بیرونی و برنامه‌ریزی درونی است.

در این مجلد، نقشه‌های رسمی تشکیلات بهایی، مفاهیم فنی خاص آن‌ها، نهادهای اداری، نحوه توسعه تشکیلاتی، روند نفوذ در بافت‌های محلی و پروژه‌های پوششی بررسی شده‌اند؛ روندهایی که غالباً در تبلیغات عمومی بهاییان مسکوت می‌مانند.

🔝 آنچه در این مجموعه می‌خوانید:

◇ تحلیل بیش از ۵۰ سند رسمی و فنی منتشرشده توسط تشکیلات بهایی؛

◇ رمزگشایی مفهومی و ساختاری از اصطلاحاتی چون:
«نظم بدیع»، «عصر تکوین»، «تمدن الهی»، «نقشه جهانی»، «فرایند رشد»، «اقدام اجتماعی»، «شورای منطقه‌ای»، «مؤسسه آموزش ملی»، «دارالتبلیغ»، «اقدام اساسی»، «گفتمان اجتماعی» و...؛

◇ بررسی عملکرد نهادهای محوری در مسیر نفوذ ساختاری:
از شورای منطقه‌ای و مؤسسه آموزش ملی تا هیئت معاونت، دفتر توسعه اجتماعی و سازمان توسعه بین‌المللی بهایی؛

◇ مستندسازی مرحله‌به‌مرحله‌ی فرآیند حکومت‌سازی بهایی:
از تغییر آرام بافت جمعیتی در محدوده‌های جغرافیایی کوچک تا تدوین و اجرای پروژه‌های جهانی برای استقرار یک مدنیت الهی مبتنی بر آموزه‌های بیت‌العدل؛

◇ تحلیل نقش کودکان، نوجوانان، زنان، خانواده و عناصر فرهنگی همچون سرود، نمایش، سوادآموزی و طرح والد-کودک در فرآیند جذب، تسجیل و تثبیت تشکیلات در جوامع هدف؛

◇ **واکاوی تضاد میان شعارهای «غیردینی» و «غیراقتدارگرا بودن» با ساختار «متمرکز، پنهان، سلسله‌مراتبی و تمامیت‌خواه» نهادهای اجرایی بهایی.

📌 مثال‌هایی از تیترهای تحلیل‌شده در این مجموعه:

- نظم بدیع یا نقشه براندازی؟ رمزگشایی از ساختار سلطه تشکیلات بهایی
- تکوین یا تصرف نرم؟ تحلیل اسناد رسمی درباره پروژه‌های قدرت‌یابی پنهان
- از کلاس خواندن تا کلاس ایمان؛ فریب سوادآموزی برای تسجیل عقیدتی
- جشن و سرود یا اشغال فرهنگی؟ نقش کودکان و نوجوانان در تبلیغ خزنده
- از مشورت تا کنترل؛ چگونه شورای منطقه‌ای بهاییان را مدیریت می‌کند؟
- حکومت جهانی یا رؤیای خطرناک؟ پشت پرده پروژه جهانی بیت‌العدل
- توسعه پایدار یا نفوذ پایدار؟ پروژه‌های مردمی در خدمت سلطه فرقه‌ای
- پایداری یا پایداری تشکیلاتی؟ نقشه ماندگاری بیت‌العدل در دل جوامع محلی
- تکوین تاریک؛ پروژه ساختارمند برای فروپاشی نهادهای دینی دیگر
- کودک‌سربازان معنوی؛ تربیت ارتش تبلیغی با چهره‌ی اجتماعی

✍ **رویکرد نگارشی و روش‌شناسی این کتاب:**

1. تحلیل ساختاری، نه تخریب اعتقادی:

این مجموعه نقدی بر عقاید فردی بهاییان نیست؛ بلکه واکاوی ساختار، اسناد، و عملکرد رسمی تشکیلات بهایی است که خود را «غیردولتی» اما عملاً «دولت‌ساز» می‌نمایاند.

2. اتکا بر اسناد رسمی:

تمام ادعاهای این مجموعه بر پایه‌ی متون رسمی و منتشرشده توسط نهادهای بهایی در سایت‌های اصلی یا کتاب‌های مؤسسات تابع است و نه منابع غیرموثق.

3. پرهیز از کلی‌گویی و تمرکز بر مصادیق:

به‌جای تکرار اتهامات تاریخی، این پژوهش سراغ نمونه‌های مشخص، بندهای دقیق، و طرح‌های عملیاتی رفته است که اکنون نیز در کشورهای مختلف – از جمله ایران – فعال هستند.

4. احترام به آزادی عقیده؛ هشدار به نهادهای حاکمیتی:

هدف، ممانعت از ایمان‌ورزی آزادانه نیست؛ بلکه آگاه‌سازی درباره‌ی فعالیت‌های خزنده‌ی ساختاری است که می‌تواند امنیت فرهنگی، اجتماعی و حاکمیتی را در بسیاری از جوامع تهدید کند.

📢 نتیجه‌گیری

اگر حقیقت، چراغ راه جامعه است، پس وظیفه‌ی نخبگان، پژوهشگران، مسئولان فرهنگی و فعالان حقوقی آن است که با بازخوانی این اسناد، به‌جای تأثیرپذیری از تبلیغات سطحی و ظاهر فریبنده، به لایه‌های زیرین یک پروژه جهانی دینی-سیاسی-فرهنگی نگریسته و تصمیمات خود را با آگاهی و مسئولیت اتخاذ کنند.

📖 این کتاب، تلاشی است برای آن‌که صدای سندها شنیده شود، نه صدای شعارها.

فهرست محتویات با چکیده مقالات

⊛ مقاله ۵۴: از کوم‌الصعایده تا نظم جهانی؛ شوقی و معماری نفوذ تشکیلاتی از روستا تا حکومت جهانی

📌 چکیده:

این مقاله، بر اساس سندی از کتاب قرن بدیع (ص۷۳۰)، به تحلیل تفسیر تشکیلات بهایی از یک رویداد محلی در روستایی گمنام در مصر می‌پردازد. در این سند، تأسیس یک محفل روحانی در «کوم‌الصعایده» به‌عنوان مقدمه‌ای برای تثبیت نظم اداری جهانی معرفی شده است. هدف، عبور از سطح تبلیغ محلی به نقشه‌ای ساختاری برای نفوذ سیاسی و اجتماعی تشکیلات در سطح کشورهای اسلامی و سپس جهان است. «نظم اداری دین الله» نه صرفاً تشکیلاتی مذهبی، بلکه ساختاری سیاسی تلقی شده که قرار است به‌تدریج پایه‌گذار نظامی جهانی شود.

⊛ مقاله ۵۵: مارثا روت؛ حواری تشکیلات جهانی در عصر تکوین

🖈 **چکیده:**

در این مقاله، به نقش مارثا روت به‌عنوان یکی از مأموران کلیدی تشکیلات جهانی بهایی پرداخته شده است. سند برگرفته از صفحه ۷۷۱ کتاب قرن بدیع، او را نه صرفاً به‌عنوان فردی مؤمن، بلکه عامل اجرایی نهاد تبلیغی معرفی می‌کند که در چارچوب اهداف سازمانی بیت‌العدل برای تکوین حکومت جهانی فعالیت می‌کند. توصیه به «آوارگی در بلاد» و «نعره یا بهاالابهی در هر کشور»، نشان از الگویی ساختاری برای نفوذ تشکیلاتی و کادرسازی بین‌المللی دارد.

⊛ مقاله ۵۶: تکوین برای تسخیر؛ از یاران عزیز تا فرمان به رؤسای جمهور آمریکا

🖈 **چکیده:**

این مقاله، با استناد به سندی از صفحه ۷۸۶ کتاب قرن بدیع، رابطه‌ی میان مرحله‌ی «عصر تکوین» و هدف‌گذاری برای استقرار نظم سیاسی جهانی بهایی را بررسی می‌کند. در این سند، «یاران عزیز» تشکیلات بهائی به‌عنوان مجریان پروژه جهانی معرفی شده‌اند و «خطاب صریح به رؤسای جمهور آمریکا» با لحنی فرمانی از کتاب اقدس، نمونه‌ای بارز از رویکرد سیاسی و ساختارمند دین بهائیت است. این سند، لایه‌های پنهان از پروژه نفوذ تشکیلاتی در دولت‌ها و نهادهای جهانی را عیان می‌سازد.

بسیار عالی. در ادامه، سه مقاله‌ی جدید با تیترهای افشاگرانه و چکیده‌های تحلیلی برای معرفی در قالب تلگرام یا فضای علمی ارائه می‌شود:

⊛ مقاله ۵۷: از مشروعات تا اوقاف امریه؛ تثبیت ساختار حکومت جهانی در عصر تکوین

🖈 **چکیده:**

در سندی از قرن بدیع (ص۸۰۹)، شوقی افندی به‌وضوح از شکل‌گیری نهادهای رسمی تشکیلات بهایی، از جمله «مشروعات»، «محافل محلی و ملی»، و «اوقاف امریه» سخن می‌گوید. کاربرد واژه‌هایی با بار اداری-اجرایی، همچون مشروعات، دلالت بر ورود تشکیلات به فاز اجرایی دارد؛ فازی که هدفش نه‌فقط تبلیغ مذهبی، بلکه تأسیس زیرساخت‌های حکومتی و توسعه‌ی قدرت اجتماعی و اقتصادی در سطح بین‌المللی است. تأسیس اوقاف و نهادهای دائمی مانند حظائر قدس، گواه روشن‌تری بر تلاش برای استقرار حکمرانی فراملی است.

⊛ مقاله ۵۸: نصب اعمده نظم جهانی؛ از وصایای عبدالبهاء تا مهندسی قدرت فراملی

🖈 **چکیده:**

بر اساس سند صفحه ۸۱۵ از کتاب قرن بدیع، ورود به «عصر تکوین» همزمان با انتشار «الواح وصایا» و «نصب اعمده نظم جهان‌آرای الهی» همراه بوده است. واژه‌ی نصب اعمده، اشاره‌ی مستقیم به تثبیت مهندسی‌شده‌ی ساختار قدرت بهایی در سطح جهانی دارد. این ساختار از مرکز جهانی در حیفا هدایت می‌شود و آمریکا به‌عنوان بازوی راهبردی آن عمل می‌کند. این سند، همچون دیگر اسناد مرحله‌بندی‌شده، ازجمله توقیع ۱۱۰ بدیع و پیام‌های

بیت‌العدل، اثبات می‌کند که تشکیلات بهایی با الگوی نظم جهانی، برای ساخت یک نظم حکومتی فراملی برنامه‌ریزی کرده است.

✳ مقاله ۵۹: مشروعات بهیه و نهادهای مقتدر؛ نقشه‌ی ظهور تمدن بهایی از عصر انتقال

📌 چکیده:

در صفحه ۳ کتاب دور بهائی، شوقی افندی با اتکا به الواح وصایا، ورود به «عصر تکوین» را گامی برای تحقق «مشروعات بهیه» و ساخت نهادهای مقتدر توصیف می‌کند. واژه‌ی مشروعات در اینجا معنای صریح برنامه‌های اجرایی و حکومتی دارد که به‌وسیله‌ی «حامیان برگزیده» و در بستر شبکه جهانی بهائیان پیاده می‌شود. این پروژه‌ها نه‌تنها حامل مأموریت تبلیغی نیستند، بلکه پروژه‌ای تمام‌عیار برای مهندسی ساختار قدرت دینی در جهان هستند؛ به‌گونه‌ای که نظم جهانی بهایی را از رؤیا به واقعیت بدل کنند.

✳ مقاله ۶۰

از وحی تا نقشه؛ رمزگشایی از «الواح متقنه» به‌مثابه منشور مهندسی تشکیلات جهانی بهایی

🔍 چکیده:

این مقاله نشان می‌دهد چگونه اصطلاح «الواح متقنه» از سوی شوقی افندی در واقع معادل الواح ملکوتی حضرت عبدالبهاء است. با تحلیل دقیق واژه «متقن»، مقاله اثبات می‌کند که این اسناد صرفاً متون معنوی نبوده، بلکه نقشه‌های دقیق و مهندسی‌شده برای ساختاردهی به نظم جهانی بهایی هستند. مقاله، آغاز فاز عملیاتی در عصر تکوین را از همین اسناد می‌داند.

✳ مقاله ۶۱

نقشه‌ای برای نفوذ؛ الواح ملکوتی و تأسیس زیرساخت جهانی حکومت بهایی

🔍 چکیده:

در این مقاله، سند رسمی تشکیلات بهایی (الواح ملکوتی) به‌عنوان فرمانی برای ساخت شبکه‌ای جهانی تحلیل می‌شود. مقاله فهرستی از کشورهایی را ارائه می‌دهد که در این الواح برای شبکه‌سازی بهایی تعیین شده‌اند. تحلیل‌ها نشان می‌دهد هدف این شبکه، فراتر از تبلیغ دینی و در جهت استقرار یک نظام حکومتی اداری-امنیتی جهانی است.

✳ مقاله ۶۲

الواح ملکوتی به‌مثابه نقشه جهانی نهادسازی؛ از ایمان فردی تا ساختار متمرکز تشکیلات بهایی

🔍 چکیده:
مقاله ۶۲ تکمیل‌کننده مقاله قبلی است و با تاکید بر گستره قاره‌ای نقشه‌سازی در الواح ملکوتی، به تحلیل نحوه تبدیل ایمان به ساختار می‌پردازد. این مقاله هشدار می‌دهد که پروژه‌های تشکیلات بهایی برپایه ساختاری سلسله‌مراتبی و فاقد شفافیت عمومی، می‌توانند به تضاد با حقوق بشر و قوانین ملی منجر شوند.

⊛ مقاله ۶۳

سلطنت الهیه؛ کد رمز ساختار حکومت جهانی بهایی

▧ منبع: دور بهائی، ص ۳

🔍 چکیده:
این مقاله نشان می‌دهد که واژه «سلطنت الهیه» در گفتمان شوقی افندی نه یک تعبیر عرفانی، بلکه هدف نهایی فرآیند نهادسازی تشکیلاتی است. «مؤسسات در حال تکوین» بستر تحقق سلطنتی سیاسی-اداری را فراهم می‌کنند که زیرساخت‌های آن از طریق نقشه‌های جهانی و نهادهای بهایی در حال اجراست.

⊛ مقاله ۶۴

سه‌گانه قدرت در تشکیلات بهایی؛ از پیامبری تا حکومت جهانی

▧ منبع: دور بهائی، ص ۷۰

🔍 چکیده:
شوقی افندی در این سند تاریخی، ساختار تشکیلات بهایی را در قالب سه عصر (رسولی، تکوین، طلایی) معرفی می‌کند. مقاله با رمزگشایی از واژه‌های «مشروعات» و «تکوین» نشان می‌دهد که چگونه تشکیلات بهایی از مرحله معنوی وارد فاز حکمرانی ساختاری با برنامه‌ریزی‌های عملیاتی شده است.

⊛ مقاله ۶۵

انقلاب تشکیلاتی در سایه نظم اعظم؛ کدگذاری قدرت در عصر تکوین

▧ منبع: دور بهائی، ص ۹۴

🔍 چکیده:
با تحلیل واژه‌های «انقلاب»، «نظم اعظم»، و «تکوین»، این مقاله افشا می‌کند که تشکیلات بهایی مسیر خود را از تبلیغ معنوی به تثبیت نهادهای جهانی هدایت کرده است. نظم اداری، به‌عنوان ابزار اصلی قدرت، اکنون به‌مثابه یک چارچوب حکومتی در حال توسعه جهانی است.

⊛ مقاله ۶۶

آغاز عصر تکوین با پروژه نظم جهانی؛ از معنویت تا ساختار حکمرانی

▧ منبع: نداء به اهل عالم – صفحه ۱

🔍 چکیده:

این مقاله به بررسی آغاز «عصر تکوین» توسط شوقی افندی می‌پردازد که با تأکید بر «نظم جهان‌آرائی» و «مدنیت الهیه»، نشان می‌دهد هدف از ایجاد نظم جهانی، صرفاً تبلیغ معنوی نیست، بلکه پی‌ریزی یک ساختار اداری و حکومتی جهانی در قالب «نظم بدیع» است. استفاده از تعبیر «توقیعات نظم جهانی» سندی بر وجود یک پروژه بلندمدت برای تبدیل مفاهیم آیینی به نهادهای اجرایی است.

⊛ مقاله ۶۷

نظم اعظم و فروپاشی نظم سابق؛ مبنای ایدئولوژیک انقلاب تشکیلاتی بهایی

▧ منبع: نداء به اهل عالم – صفحه ۲۶

🔍 چکیده:

در این مقاله، با استناد به سخنان شوقی افندی و نقل‌قول صریح از بهاءالله درباره فروپاشی نظم‌های پیشین در برابر «نظم اعظم»، نشان داده می‌شود که تشکیلات بهایی خود را عامل دگرگونی نظم‌های اجتماعی و سیاسی می‌داند. واژه‌هایی چون «تکوین» و «اختلاف ترتیب» بر برنامه‌ریزی دقیق برای ساخت یک نظم جایگزین و ساختاری تأکید دارند که بعدها در قالب نقشه‌های رسمی بیت‌العدل ظهور می‌یابند.

⊛ مقاله ۶۸

عصر تکوین و فروپاشی نظم‌های قدیم؛ تشکیلات بهائی به‌مثابه نبّاض تاریخ

▧ منبع: نداء به اهل عالم – صفحه ۲۷

🔍 چکیده:

این مقاله با تمرکز بر توصیف بحران‌های جهانی و تحولات ساختاری پس از جنگ جهانی اول، نشان می‌دهد که تشکیلات بهایی ظهور خود را عامل فروپاشی نظم‌های سیاسی، سلطنتی و دینی سنتی می‌داند. واژه‌هایی چون «نباض»، «انحطاط»، و «عصر تکوین» به‌وضوح نقش تاریخی و ساختاری این تشکیلات در مهندسی نظم نوین جهانی را آشکار می‌سازند. شوقی افندی این تحولات را نه اتفاقی، بلکه بخشی از پروژه الهی برای تحقق نظم جهانی می‌داند.

⊛ مقاله ۶۹: آغاز عهد تکوین؛ تثبیت تشکیلات جهانی پس از جنگ جهانی اول

⚲ مبتنی بر: حصن حصین شریعت‌الله، صفحه ۳

🔎 چکیده:

این مقاله با استناد به توصیف شوقی افندی از دوره پس از جنگ جهانی اول، نشان می‌دهد که جامعه بهایی وارد فاز «عهد تکوین» شده است. اصطلاحاتی چون «فتوحات در هر دو نیمکره» و «عزم راسخ تشکیلاتی» نمایانگر تثبیت یک ساختار اداری جهانی است. این مرحله، نخستین گام رسمی برای حرکت از تبلیغ صرف به طراحی یک نظام حکمرانی معنوی در جهان محسوب می‌شود.

⊛ مقاله ۷۰: غربالگری امنیتی در تشکیلات بهایی؛ تقویت کنترل تشکیلاتی در آستانه فاز دوم تکوین

⚲ مبتنی بر: حصن حصین شریعت‌الله، صفحه ۶

🔎 چکیده:

شوقی افندی در این سند، با دستور الزام‌آور به «مطالبه و رسیدگی معرفی‌نامه» برای افراد خارجی، گام مهمی در جهت تثبیت امنیت تشکیلاتی برداشته است. این مقاله، بُعد حفاظتی و کنترلی تشکیلات بهایی را تحلیل می‌کند که به‌ویژه در دوره گذار از عهد اول عصر تکوین به مراحل بعدی، اهمیت مضاعفی یافته است. هدف، جلوگیری از نفوذ افراد غیرهمسو و حفاظت از جامعه بهایی آمریکا به‌عنوان مرکز ثقل جهانی است.

⊛ مقاله ۷۱: از تکوین تا طلوع تمدن هزارساله؛ برنامه‌ریزی ساختاری تشکیلات بهایی برای تسلط درازمدت

⚲ مبتنی بر: حصن حصین شریعت‌الله، صفحه ۷

🔎 چکیده:

در این مقاله، به بررسی دیدگاه شوقی افندی درباره آینده تمدنی تشکیلات بهایی پرداخته می‌شود. او با اشاره به «عصر تکوین»، «عصر ذهبی» و برنامه ظهورات پیاپی تا پانصد هزار سال آینده، نظم بهایی را به‌مثابه یک نظم سیاسی-معنوی جهانی معرفی می‌کند. ساختار جانشینی، تسلسل رهبری، و مهندسی تمدنی، همه در قالب یک پروژه منسجم برای استقرار طولانی‌مدت قدرت در جهان طرح‌ریزی شده‌اند.

⊛ مقاله ۷۲: نظم اداری یا پیش‌نویس یک حکومت جهانی؟ تحلیل تشکیلاتی از گام‌های اجرایی بیت‌العدل

📌 بر مبنای: حصن حصین شریعت‌الله – صفحه ۸

🔎 چکیده:

این مقاله، یک سند کلیدی از شوقی افندی را تحلیل می‌کند که در آن نظم اداری بهایی به‌عنوان «اکلیل جلیل» و بیت‌العدل اعظم به‌عنوان اوج ساختار قدرت معرفی شده‌اند. تأکید بر تدوین احکام کتاب اقدس، تشیید نهایی نظم اداری و تأسیس صلح اصغر، از طراحی یک نظم دینی-سیاسی جهانی پرده برمی‌دارد. عصر تکوین، دیگر فاز ایمان فردی نیست، بلکه مرحله رسمی‌سازی نهادهای حکومتی جهانی بر اساس طرح بهایی است.

⊛ مقاله ۷۳: تشکیلات جنینی با رؤیای سلطه جهانی؛ از نقشه تبلیغی تا مدنیت الهی سیاسی

بر مبنای: حصن حصین شریعت‌الله – صفحه ۹

چکیده:

در این مقاله، عبارت «تشکیلات جهان‌آرای بهاءالله در مرحله جنینی است» مبنای تحلیل قرار گرفته تا نشان داده شود که پروژه بهایی نه صرفاً تبلیغ، بلکه مهندسی حکومت دینی جهانی است. واژگان «نقشه»، «عصر ذهبی»، «صلح اعظم»، و «مدنیت الهی جهانی» در کنار تأکید بر تداوم اقدامات از آغاز «عصر تکوین» حاکی از یک فرایند تشکیلاتیِ هدفمند برای سلطه جهانی از مسیر دینی هستند. این مقاله تشکیلات بهایی را همچون نطفه‌ای از یک نظم سیاسی جهانی معرفی می‌کند که در حال بلوغ ساختاری است.

⊛ مقاله ۷۴: نقشه‌مند و هدفمند؛ تشکیلات بهایی در مسیر مهندسی حکمرانی جهانی

بر مبنای: حصن حصین شریعت‌الله – صفحه ۱۷

چکیده:

این مقاله به بررسی مفهوم «نقشه الهی» در ساختار تشکیلات بهایی می‌پردازد. نقشه‌هایی که از سال ۱۹۳۷ آغاز شده‌اند، نه‌فقط برای تبلیغ، بلکه برای تأسیس نهادهای ملی و جهانی شبه‌دولتی طراحی شده‌اند. در این سند، تأسیس محافل ملی، گسترش به آمریکای لاتین، و ورود به «عهد ثانی» به‌عنوان فاز نهایی ساختار حکومت جهانی بهایی معرفی می‌شوند. تحلیل عبارات شوقی افندی، ازجمله «مقاصد اساسی نقشه» و «تشکیل نهاد مستقل» نشان می‌دهد که هر نقشه یک فاز اجرایی از مهندسی قدرت است که در نهایت به حکومت جهانی ختم می‌شود.

⊛ مقاله ۷۵: ادغام تبلیغ و نهادسازی در مسیر اقتدار جهانی؛ گام‌به‌گام تا بیت‌العدل

چکیده:

بررسی سند صفحه ۱۸ «حصن حصین شریعت‌الله» از شوقی افندی نشان می‌دهد که فرآیند تشکیل محافل ملی صرفاً فعالیتی مذهبی نیست، بلکه مرحله‌ای تشکیلاتی برای تأسیس بیت‌العدل جهانی است. اصطلاحاتی چون "عصر تکوین" و "نهادهای نمایندگی" بیانگر پیش‌روی تدریجی به‌سوی ساختار حکومتی هستند.

⊛ مقاله ۷۶: جهاد روحانی در نقشه هفت‌ساله؛ گامی صامت اما ساختاری برای تشکیل حکومت جهانی بهایی

چکیده:

سند صفحه ۲۵ بر آغاز «جهاد روحانی» در اروپا تأکید دارد، نه به معنای معنوی، بلکه به عنوان عملیات هدفمند تشکیلاتی در چارچوب «نقشه هفت‌ساله دوم». این سند نشان می‌دهد که تبلیغ دینی در این مرحله به حرکت سازمان‌یافته برای تسخیر فرهنگی و ساختار حکومتی تبدیل شده است.

🏛 مقاله ۷۷: آغاز فتح سازمان‌یافته اروپا؛ گام‌به‌گام تا حکومت جهانی بهایی

چکیده:

سند صفحه ۳۲ از آغاز «عهد دوم عصر تکوین» سخن می‌گوید؛ دورانی که پروژه‌ی استقرار منظم تشکیلات بهایی در اروپا وارد فاز «فتح تمدنی» می‌شود. واژگانی مانند «پیشاهنگان»، «عواصم اروپا» و «فتح منظم» تأکیدی صریح بر اهداف غیردینی و حاکمیتی دارند.

⊛ مقاله ۷۹: از نقشه تا نهاد؛ سندی در خدمت تثبیت حکومت جهانی بهایی

چکیده:

سند صفحه ۶۳ کتاب حصن حصین از شوقی افندی، گزارشی است از نتایج نقشه هفت‌ساله دوم، به‌ویژه در زمینه تأسیس نهادهای تشکیلاتی مانند محافل روحانی. این سند آشکارا نشان می‌دهد که پروژه‌های تبلیغی، صرفاً با هدف گسترش آیین بهایی نیست، بلکه در راستای تثبیت نظم اداری جهانی بهایی و ایجاد ساختارهای حاکمیتی در کشورهای مختلف صورت می‌گیرد. اصطلاحاتی چون «نقشه»، «محفل ملی» و «نظم اداری»، بیانگر چارچوب حکومتی این اقدامات‌اند.

⊛ مقاله ۸۰: بحران به مثابه فرصت؛ استفاده تشکیلات بهایی از اضطراب جهانی برای تثبیت قدرت حاکمیتی

چکیده:

شوقی افندی در صفحه ۷۴ حصن حصین اذعان می‌کند که بسیاری از تحولات مهم در تشکیلات بهایی دقیقاً در دل بحران‌های جهانی (همچون رکود اقتصادی آمریکا) اتفاق افتاده‌اند. این سند نه‌تنها نشان‌دهنده‌ی نگاه فرصت‌طلبانه تشکیلات بهایی است، بلکه ساختار هدفمند استفاده از بحران‌ها برای اجرای نقشه‌های سازمانی را افشا می‌کند. مفاهیمی نظیر «نقشه»، «مشروعات مهمه»، و «نظم اداری» به‌وضوح حکایت از مسیر حکومت‌سازی دارند.

⊛ مقاله ۸۱: مشرق‌الأذکار؛ محراب نیایش یا مقر حکومت جهانی؟

چکیده:

بر اساس سندی از روحیه ماکسول (همسر شوقی افندی)، ساخت مشرق‌الأذکار نه فقط یک عمل عبادی، بلکه بخشی از نقشه ساختاری برای رسیدن به «جامعه ذهبی» است. این جامعه، همان حکومت جهانی بهایی است که در نقشه‌های تشکیلاتی، مراحل ششم و هفتم عصر تکوین را تشکیل می‌دهد. مفهوم «نقشه»، «عهد» و «مرکز میثاق»، همگی در خدمت هدفی عملیاتی و سیاسی برای تسلط تشکیلاتی ظاهر می‌شوند.

⊛ مقاله ۸۲: از سوگواری تا سلطه؛ مهندسی حافظه جمعی برای حکومت جهانی بهایی

چکیده:

شوقی افندی در کتاب حصن حصین، با بازخوانی خاطره شهدای صدر بهایی، دعوت به فداکاری و ایستادگی می‌کند. اما در لایه‌های پنهان، هدف این یادبودها صرفاً تجلیل نیست، بلکه بسترسازی عاطفی و تاریخی برای

مشروعیت‌بخشی به حکومت آینده بهایی است. این تحلیل نشان می‌دهد که سوگواری، ابزار بسیج تشکیلاتی برای تحقق ساختار حاکمیتی است.

⊛ مقاله ۸۳: مشرق‌الاذکار به مثابه مقر حکومت آینده؛ تحلیل سند شوقی افندی از پروژه‌های تشکیلاتی بهایی

چکیده:

در این مقاله، بنای مشرق‌الاذکار نه به‌عنوان عبادتگاه، بلکه به‌مثابه زیرساخت سیاسی-تشکیلاتی برای نظم اداری جهانی بهایی تحلیل شده است. سند صفحه ۹۰ حصن حصین نشان می‌دهد که «اخلاف روحانی» مأموریت دارند این ساختار را در عصر تکوین مستقر سازند. این پروژه بخشی از روند منتهی به تشکیل حکومت بهایی در سطوح ملی و جهانی است، منطبق با مراحل توقیع ۱۱۰.

⊛ مقاله ۸۴: سه‌گانه‌ی جنینی تا ذهبی؛ طراحی گام‌به‌گام برای استقرار حکومت جهانی بهایی

چکیده:

این مقاله با استناد به صفحه ۱۰۸ از کتاب حصن حصین شریعت‌الله نوشته شوقی افندی، نشان می‌دهد که تشکیلات بهایی از ابتدا بر مبنای یک نقشه سه‌مرحله‌ای (عصر جنینی، رسولی و تکوین) طراحی شده تا نهایتاً در «عصر ذهبی» به اوج اقتدار برسد. مفاهیمی چون «بذر مقدس»، «ظهورات مترقیه» و «سلسله مراحل تکامل»، همگی در خدمت انتقال تدریجی دین به ساختار حکومتی هستند. این ساختار، از مراحل پنهان آغاز شده و در هر گام، تشکیلات را به سوی حاکمیت جهانی هدایت می‌کند.

⊛ مقاله ۸۵: از سیاه‌چال طهران تا سلطه جهانی؛ تشکیلات بهایی و طراحی حکومت نرم جهانی

چکیده:

این مقاله با تحلیل استعاره‌های ادبی در سند صفحه ۱۰۸ حصن حصین، پرده از روند تدریجی گسترش تشکیلات بهایی برمی‌دارد. از «نور خفیف در سیاه‌چال طهران» تا «اشراق در اروپا، آمریکا و استرالیا»، روایتی از یک پروژه فراگیر برای ساخت قدرت نرم جهانی ترسیم می‌شود. مفاهیمی مانند «مرکز میثاق»، «عصر تکوین» و «نقشه‌های ۱۷گانه»، اجزای یک مدل تمرکز قدرت و توسعه ساختاری‌اند که هدف نهایی آن، ایجاد حکومت بهایی از مسیر نفوذ فرهنگی و مدیریتی است.

⊛ مقاله ۸۶: مشرق‌الاذکار یا مرکز فرماندهی؟ تحلیل دو سند از «حصن حصین» درباره ساختار تشکیلاتی حکومت‌طلب بهایی

چکیده:

در این مقاله، دو سند از کتاب حصن حصین شریعت‌الله (صفحات ۱۱۴ و ۱۳۲) تحلیل می‌شود تا روشن شود چگونه «مشرق‌الاذکار» از یک عبادت‌گاه ظاهری، به سکویی برای گسترش تشکیلات و مدیریت جهانی تبدیل می‌شود. همچنین با بررسی مفاهیم «مرکز میثاق»، «جهاد تبلیغی» و «نقشه‌های مرحله‌ای»، روند تکوین تشکیلات

بهایی به‌عنوان یک ساختار اقتدارگرای جهانی آشکار می‌شود. این تحلیل به وضوح، عبور از مرحله آرمانی به مرحله عملیاتی در پروژه حکومت جهانی بیت‌العدل را نشان می‌دهد.

⊛ مقاله ۸۷: از عبادت‌گاه تا مقر فرماندهی نرم؛ تحلیل یک سند از تشکیلات اقتدارمحور بهایی

چکیده:
این مقاله با تمرکز بر صفحه ۱۳۴ حصن حصین شریعت‌الله، نقش «مشرق‌الاذکار» را فراتر از جایگاه عبادی بررسی کرده و آن را به‌عنوان سنگ‌بنای اجرایی نقشه‌های تبلیغی برای استقرار تشکیلات جهانی تحلیل می‌کند. مفاهیمی مانند «نظم بدیع»، «جهاد نرم» و «نقشه‌های ملکوتی» به‌وضوح نشان می‌دهند که تشکیلات بهایی، فرایند رسیدن به حاکمیت جهانی را از طریق ساختارهای ظاهراً عبادی اما در باطن سیاسی پی می‌گیرد.

⊛ مقاله ۸۸: از تبلیغ تا تسخیر؛ پروژه فتوحات اداری و نقشه راه حکومت جهانی بهایی

چکیده:
بر پایه سند صفحه ۱۴۰ حصن حصین شریعت‌الله، این مقاله نشان می‌دهد که اصطلاحاتی مانند «مشروع ثانی»، «فتوحات اداریه» و «عصر تکوین»، همگی ناظر بر یک نقشه دقیق و زمان‌بندی‌شده برای تثبیت تشکیلات بهایی به‌عنوان یک قدرت سیاسی جهانی هستند. این سند با تأکید بر نقش جامعه بهایی غرب، به‌ویژه آمریکا، از تلاش‌های سازمان‌یافته برای عبور از تبلیغ دینی به ساخت اقتدار حکومتی پرده برمی‌دارد.

⊛ **مقاله ۹۰: از "جهاد کبیر روحانی" تا "مدنیت جهانی"

رهبری آمریکا در پروژه‌ی حکومت جهانی بهایی**

چکیده:
بر اساس سند صفحه ۱۴۶ از کتاب حصن حصین شریعت‌الله، این مقاله نقش راهبردی جامعه‌ی بهایی ایالات متحده را در اجرای نقشه‌های جهانی بیت‌العدل تحلیل می‌کند. در این سند، آمریکا نه‌تنها آغازگر نهادسازی مالی و اداری معرفی می‌شود، بلکه با القابی چون «مشعلدار مدنیت جهانی» و «مهد نظم اداری»، به‌عنوان مرکز فرماندهی جهاد تشکیلاتی بهایی شناخته می‌شود. این مقاله، تداوم پروژه حکومت‌سازی بهایی را از «نقشه مرکز میثاق» تا مرحله‌ی «تکوین مدنیت جهانی» مستند و افشاگرانه بررسی می‌کند.

🌐 مقاله ۹۱: از جهاد روحانی تا عصر ذهبی؛ نقشه‌ای برای تصرف جهانی قدرت بهایی

چکیده:
این مقاله با تحلیل سند رسمی شوقی افندی، نشان می‌دهد چگونه تشکیلات بهایی از مفاهیمی چون «نقشه» و «جهاد

روحانی» برای حرکت مرحله‌ای به‌سوی سلطه جهانی بهره می‌برد. اصطلاح کلیدی «عصر ذهبی» نیز به عنوان فاز نهایی این پروژه معرفی می‌شود که در آن بیت‌العدل به قدرت نهایی خود می‌رسد.

🏛 مقاله ۹۲: از نقشه‌های هفت‌ساله تا تسلط قاره‌ای؛ پروژه جهانی تشکیلات بهایی برای قدرت حکومتی

چکیده:
این مقاله روند پیاده‌سازی نقشه‌های هفت‌ساله در قاره‌های مختلف را بررسی کرده و نشان می‌دهد چگونه فتوحات تشکیلاتی، نه فقط تبلیغی بلکه ساختاری و حکومتی بوده‌اند. مفاهیمی چون «عهد ثانی»، «عصر تکوین» و «اثرات جاویدی» همه در خدمت تثبیت یک نظم اداری جهانی هستند.

🏛 مقاله ۹۳ – جهش به‌سوی نظم جهانی؛ گام‌به‌گام تا حکومت بهایی

چکیده:
این مقاله با تحلیل سند رسمی از شوقی افندی (صفحه ۱۸۴ کتاب حصن حصین شریعت الله) نشان می‌دهد که چگونه تشکیلات بهایی با نقشه‌هایی روشن و مدون از «عهد ثانی عصر تکوین» در حال گذار تدریجی از نهادسازی محلی به تأسیس نظم اداری جهانی است. مفاهیم کلیدی همچون «نقشه جهاد جهانی» و «نظم جهانی حضرت بهاالله» آشکارا بر هدف نهایی یعنی برپایی حکومتی جهانی استوار هستند.

🛡 مقاله ۹۴ – حکومت در سایه تهدید؛ پیروزی تشکیلات بهایی با نقشه‌های مبارزه‌آمیز جهانی

چکیده:
در این مقاله، سندی از شوقی افندی (صفحه ۱۹۶ کتاب حصن حصین شریعت الله) بررسی می‌شود که در آن، «امرالله» به‌عنوان ساختاری تشکیلاتی در حال جنگ با نیروهای مخالف چون مادیت، ملیت، علمای رسوم و لامذهبی معرفی شده است. سند، پیشروی تشکیلات بهایی را در بستری از تهدیدها، ولی با وعده‌ی «پیروزی محیرالعقول» در پرتو تأیید الهی، تحلیل می‌کند. این سند یک شاکله تشکیلاتی و مأموریت‌محور را آشکار می‌سازد که با هدف سلطه جهانی طراحی شده است.

⊛ مقاله ۹۵ – ستاد مرکزی برای تصرف جهان؛ ساختار فرماندهی تشکیلات بهایی در نقشه حکومتی عصر تکوین

چکیده:
در این مقاله (مبتنی بر صفحه ۲۰۱ حصن حصین شریعت الله)، ساختار فرماندهی تشکیلات بهایی در قالب «جبهه داخلی مرکزی» مورد تحلیل قرار می‌گیرد؛ ستادی که از آغاز عصر تکوین، مسئول هدایت عملیات جهانی بهاییان در هر قاره و منطقه بوده است. تأکید سند بر مقابله با نیروهای داخلی تخریب‌گر و تهدیدات بیرونی، حکایت از ماهیت امنیتی-سیاسی این ساختار دارد که در نقش ستاد فرماندهی عملیات جهانی برای تحقق حکومت بهایی عمل می‌کند.

👑 مقاله ۹۷ – ستایش منادیان حکومت بهایی؛ نقش افراد کلیدی در گذار به ساختار سلطنت الهی

چکیده:
با تحلیل سند صفحه ۲۱۲ حصن حصین شریعت‌الله روشن می‌شود که بزرگداشت ظاهری الا کوپر در واقع ستایشی تشکیلات‌محور از نقشی محوری در اجرای نقشه‌های دوره‌ی تکوین است. تشکیلات بهایی با تکیه بر عناصر انسانی وفادار، گذار از تبلیغ صرف به ساختار سلطنت جهانی را دنبال می‌کند. اصطلاحاتی چون «عصر تکوین»، «ملکوت الهی» و «معتمد حضرت عبدالبهاء» نشانگر جایگاه عملیاتی این افراد در نظام حکومتی آینده است.

🏛 مقاله ۹۸ – از تبلیغ تا تشکیلات؛ جایگاه «رُکن رکین» در مسیر تثبیت حکومت جهانی بهایی

چکیده:
در سند صفحه ۲۱۹ حصن حصین شریعت‌الله، جورج لاتیمر به‌عنوان «رکن رکین جامعه بهایی امریکا» ستوده شده؛ لقبی که فراتر از احترام، بیانگر جایگاه کلیدی او در ساختار قدرت بهایی است. این مقاله نشان می‌دهد که نقش‌آفرینی چنین افرادی در دو فاز «عصر رسولی» و «عهد اول عصر تکوین» بخشی از پروژه جهانی بیت‌العدل برای تثبیت قدرت ساختاری و امنیتی است، نه صرفاً فعالیت‌های دینی یا تبلیغی.

🟊 مقاله ۹۹ – نقشه‌برداری از ایمان تا حکومت؛ جایگاه تشکیلاتی «جولیت تامپسن» در مهندسی نظم بهایی

چکیده:
سند صفحه ۲۲۴ حصن حصین شریعت‌الله درباره جولیت تامپسن، او را عضوی از «عصبه جلیله حواریون» می‌خواند؛ عبارتی که در تحلیل ساختاری، به گروهی از نخبگان وفادار و مأمور اجرای فازهای نقشه حکومت جهانی اشاره دارد. توصیه به برگزاری مراسم در مشرق‌الاذکار نیز نشان می‌دهد که این نهاد، صرفاً عبادتگاه نیست بلکه سکوی اجتماعی-سیاسی قدرت است. تامپسن، نمونه‌ای از حلقه‌های انسانی پشت‌پرده نظم جهانی بیت‌العدل است.

🏛 مقاله ۱۰۰

عنوان: از منادی محبوب تا مأمور حکمرانی

موضوع: بررسی نقش «روی ویلهلم» به‌عنوان یکی از افراد کلیدی در دوران شکل‌گیری تشکیلات اداری بهایی.

چکیده:
این مقاله نشان می‌دهد که چطور شخصیتی مثل روی ویلهلم نه‌فقط از نظر دینی، بلکه به‌عنوان یک مهره اجرایی در ساختار جهانی نظم بهایی نقش‌آفرینی کرده است. انتصاب او به مقام «ایادی امرالله» نشان‌دهنده‌ی جایگاه امنیتی و سازمانی این نهادها در مدیریت نظم بهایی است.

🏛 مقاله ۱۰۱

عنوان: از فتوحات آرمانی تا انتصارات ساختاری

موضوع: تحلیل یکی از اسناد شوقی افندی درباره مرحله «عصر تکوین» و پیروزی‌های اداری تشکیلات بهایی.
چکیده:
در این مقاله توضیح داده می‌شود که اصطلاحاتی مثل «انتصارات» و «فتوحات» در واقع به معنای توسعه و استقرار ساختارهای محلی و ملی بهایی است. سند، تصویری از گسترش برنامه‌ریزی‌شده‌ی نظم تشکیلاتی بهایی در کشورها ارائه می‌دهد.

🏛 مقاله ۱۰۲

عنوان: بحران، فرصت و سلطنت آینده
موضوع: تفسیر یک متن از شوقی افندی که آینده حکومت جهانی بهایی را در دل بحران‌ها ترسیم می‌کند.
چکیده:
این مقاله نشان می‌دهد که چگونه تشکیلات بهایی از بحران‌ها برای تقویت خود استفاده می‌کند. واژه‌هایی مثل «شدائد ایام»، «فرصت‌های بدیع» و «آینده‌ای بس درخشان» به‌عنوان نشانه‌هایی از ورود به مرحله حکومت جهانی بهایی تحلیل شده‌اند.

🏛 مقاله ۱۰۳

عنوان: پایگاه‌سازی برای سلطنت الهی؛ گسترش تشکیلات بهایی در پاناما
چکیده:
سند رسمی شوقی افندی درباره تأسیس یک پایگاه جدید در پاناما، به‌روشنی نشان می‌دهد که پروژه‌های منطقه‌ای بیت‌العدل، اهدافی فراتر از تبلیغ مذهبی دارند. واژگانی چون پایگاه امر الهی، عصر تکوین و نفوذ معنوی بسیار شدید، گواه بر یک نقشه کلان برای ایجاد ستادهای حکومتی نرم در کشورهای هدف است.

🏛 مقاله ۱۰۴

عنوان: بحران جهانی، فرصت تشکیلاتی؛ شوقی افندی و نقشه نفوذ در دوران بی‌ثباتی
چکیده:
در این سند، شوقی افندی بحران‌های سیاسی و اجتماعی اروپا و شرق آسیا را به‌عنوان فرصت‌هایی برای تحرک و نفوذ تشکیلاتی معرفی می‌کند. مرحله تکوین، تهدید و تشدید متواصل و حوادث در شرف تکوین، نشان می‌دهد تشکیلات بهایی در پی جای‌گیری در خلأهای قدرت جهانی و استقرار ساختار حکومتی در بستر فروپاشی دولت‌ملت‌هاست.

🏛 مقاله ۱۰۵

عنوان: برنامه‌ریزی هزارساله برای قدرت؛ تحلیل ساختار تکوینی در نظم بهایی
چکیده:

بر اساس سند رسمی از کتاب «اصول دیانت بهایی»، تشکیلات بهائی وارد فاز عصر تکوین شده است که از سال ۱۹۲۱ آغاز شده و به‌عنوان مرحله ساخت حکومت جهانی تعریف می‌شود. این سند، با اشاره به یک کور هزار ساله و تقسیم‌بندی ساختاری سه‌گانه، تأکید دارد که تشکیلات بهایی نه یک دین ساده، بلکه یک نظام اجرایی با هدف سلطه‌سازی تدریجی جهانی است.

🏛 مقاله ۱۰۶

تیتر: از خون تا حکومت؛ عصر تکوین به‌مثابه فاز اجرایی سلطنت جهانی بهایی

چکیده:

سند صریح داریوش شاهرخ از مرحله‌ی «عصر تکوین» به‌عنوان دوره‌ی گذار از معنویت به نظم اداری و اجرای حکومتی تشکیلات بهایی یاد می‌کند. با ارجاع به خون شهدا و ولایت شوقی افندی، این عصر، مسیر مهندسی‌شده‌ی نهادسازی و نقشه‌محور برای تشکیل حکومت جهانی بهایی را ترسیم می‌کند.

🏛 مقاله ۱۰۷

تیتر: نظم اداری بهائی؛ از حجره بر کوه کرمل تا سنگ‌بنای یک حکومت دینی جهانی

چکیده:

بر اساس سند فریدون دوستدار، پس از درگذشت عبدالبهاء، نظم اداری در دل تشکیلات بهایی نضج گرفت و کوه کرمل به‌عنوان مرکز نمادین قدرت جهانی در اسرائیل تثبیت شد. این نظم، ساختاری سازمان‌محور، گام‌به‌گام و هدفمند برای استقرار حکومت بهایی در سطح جهان طراحی شده است.

🏛 مقاله ۱۰۸

تیتر: از صعود تا صعود قدرت؛ استقرار حکومت بهایی در سایه‌ی نشر نظم اداری

چکیده:

در این سند، با تأکید بر دستور شوقی افندی برای نشر آثار وفاداران، ساختار قدرت دینی-اجرایی بهایی به‌تصویر کشیده شده است. عصر تکوین، انتشار الواح و حضور چهره‌هایی چون دکتر افروخته، همگی مؤلفه‌های پروژه‌ای بزرگ برای تحقق دولت بهایی با مرکزیت ولی‌امرالله هستند.

🏛 مقاله ۱۰۹

تیتر: قهرمانان عصر تکوین؛ حلقه‌های انسانی حکومت نرم بهایی

چکیده:

این مقاله، با تحلیل شخصیت دکتر علی‌مراد داودی به‌عنوان «قهرمان عصر تکوین»، سازوکار ساخت منابع انسانی وفادار برای حکومت بهایی را افشا می‌کند. ساختار شخصیت‌پردازی، نشر مقالات و تبلیغ چهره‌های خاص، در خدمت ایجاد شبکه‌ای از نیروهای اداری-تبلیغی است که ساختار بیت‌العدل را در کشورهای مختلف پیاده می‌کنند.

🏛 مقاله ۱۱۰

تیتر: تکوین حکومت بهایی در سایه جهاد روحانی و اقدام عملیاتی

چکیده:

با استناد به گفته‌های دکتر داودی، «عصر تکوین» دوره‌ی اجرای عملیاتی ساختار قدرت بهایی است. مفاهیمی همچون «جهاد روحانی» در این دوره به‌معنای ساخت شبکه‌ی فراملی، اجرای نقشه‌های بیت‌العدل، و گسترش تشکیلات بهایی با رویکردی سیاسی-فرهنگی هستند. این فاز، نقطه‌ی عبور از ایمان صرف به مهندسی قدرت نرم است.

🏛 مقاله ۱۱۱

تیتر: از تاریخ‌نگاری تا تکوین قدرت؛ مستندسازی برای حکومت جهانی بهایی

چکیده:

این مقاله نشان می‌دهد که تشکیلات بهایی با تدوین نه مجلد تاریخ رسمی و رسائل مفهومی، در پی آن است که گذار خود از یک جریان معنوی به ساختاری حکومتی را ثبت و هدایت کند. هدف، مشروعیت‌بخشی به عصر تکوین به‌عنوان فاز اجرایی نظم جهانی بهایی با ابزار حافظه نهادی و مهندسی زبانی است.

🏛 مقاله ۱۱۲

تیتر: عصر تکوین؛ تولد فرماندهی مرکزی نظم جهانی بهایی

چکیده:

در این مقاله، عصر تکوین به‌مثابه مرحله‌ی اجرایی و مهندسی قدرت در تشکیلات بهایی تحلیل شده است؛ دورانی که با پایان عصر معنویت آغاز می‌شود و در آن، بیت‌العدل به فرماندهی مرکزی نقشه‌های حکومتی بدل می‌گردد. این عصر، تولد نهادهای امنیتی و طراحی مرحله‌به‌مرحله‌ی تسلط جهانی را نمایندگی می‌کند.

🏛 مقاله ۱۱۳

تیتر: نظم اداری جهانی یا حکومت جهانی؟ از نقشه تا سلطه تشکیلاتی

چکیده:

این مقاله با تکیه بر سند قرن انوار، نشان می‌دهد که نظم اداری بهایی چیزی جز طراحی تدریجی برای استقرار یک حکومت جهانی بهایی نیست. طرح‌های ولی‌امرالله، تشکیل نهادها، و نفوذ جهانی مؤسسات بهایی همگی ابزارهایی برای تبدیل معنویت به ساخت قدرت و گذار به «مدنیت الهیه» هستند.

🏛 مقاله ۱۱۴: دارالتبلیغ بین‌المللی؛ ستاد مرکزی اطلاعات و هماهنگی برای حکومت جهانی بهایی

چکیده:

این مقاله، سندی از کتاب قرن انوار را بررسی می‌کند که تأسیس «دارالتبلیغ بین‌المللی» را به‌عنوان نقطه عطفی در توسعه نظم اداری بهایی معرفی کرده است. این نهاد، مسئولیت ایادی امرالله را در سطح جهانی بر عهده می‌گیرد و با وظیفه هماهنگی هیأت‌های مشاورین، به‌مثابه ستاد کل اطلاعاتی و عملیاتی تشکیلات بهایی عمل می‌کند. دارالتبلیغ نقشی کلیدی در اجرای نقشه‌های تبلیغی و امنیتی بیت‌العدل در سراسر جهان ایفا کرده و پیش‌زمینه‌ای برای انسجام کامل حکومت جهانی بهایی فراهم می‌سازد. تمرکز بر «وحدت محافل ملی» و «هماهنگی جهانی» با تمرکز قدرت در بیت‌العدل، شواهدی است بر فرماندهی مرکزی بیت‌العدل در پروژه استقرار نظم جهانی.

🏛 مقاله ۱۱۵: نقشه‌ای برای حکومت جهانی؛ شوقی افندی و مهندسی عصر تکوین

چکیده:

در این مقاله، سندی مهم از شوقی افندی تحلیل می‌شود که در آن، مراحل زمانی و نقشه‌محور برای استقرار حکومت جهانی بهایی تشریح شده است. از آغاز «عصر تکوین» در سال ۱۹۲۱ تا شکل‌گیری «عصر ذهبی» در آینده، شوقی افندی پروژه‌ای بلندمدت با عبارات نظامی-اداری مانند «جهاد جهانی»، «جنود»، «نقشه جهانی» و «صلح اعظم» طراحی می‌کند. در این نقشه، جامعه بهایی آمریکا مأموریت آغاز فاز عملیاتی جهانی را بر عهده دارد و بیت‌العدل به‌عنوان تاج نهایی نظم اداری، ابزار اجرای حکومت جهانی خواهد بود. این سند، مستندی بی‌سابقه از نیت واقعی و ساختارمند تشکیلات بهایی برای حکومت‌سازی فراگیر است.

⊛ مقاله ۵۴: «از کوم‌الصعایده تا نظم جهانی؛ شوقی و معماری نفوذ تشکیلاتی از روستا تا حکومت جهانی»

متن سند:

شوقی، قرن بدیع، صفحه ۷۳۰:

«... گردید بر حیثیت و اعتبار نظم اداری دین الله بیفزود و پایه و اساس آن را مستحکم ساخت. بدیهی است چون این حرکت و تطور عجیب به سایر ممالک اسلامی سرایت نماید و اهمیت آن از طرف پیروان دیانت مسیح و اسلام چنانکه باید و شاید احساس شود، آنگاه است که دوره انتقال که اکنون امرالهی در مرحله تکوین و تقدم خویش در آن سائر است، به‌سرعت رو به اختتام خواهد رفت. در کوم الصعایده، یکی از قصبات گمنام مصر واقع در ناحیه بَبا از ولایت بنی‌سویف در مصر علیا، به علت تأسیس محفل روحانی از طرف جمع قلیلی از دوستان، کدخدای محل براشفت و نائره حسد در قلبش شعله‌ور شد...»

منبع (https://reference.bahai.org/fa/t/se/GPB/gpb-746.html#pg730)

تحلیل واژگان کلیدی و اهداف ساختاری تشکیلات

«حیثیت و اعتبار نظم اداری دین الله»

این عبارت بیانگر آن است که «نظم اداری»، قلب ساختاری تشکیلات بهایی تلقی می‌شود و نه تنها بخشی از آیین مذهبی، بلکه سازوکار قدرتی است که هدف آن تحکیم موقعیت سیاسی و اداری در جوامع مختلف است. هرگونه حمله یا واکنش بیرونی که منجر به تثبیت یا گسترش این نظم شود، با افتخار از سوی تشکیلات ثبت و تحلیل می‌گردد.

«پایه و اساس آن را مستحکم ساخت»

واژه‌های «پایه» و «اساس» در این متن، نشانه‌ای از نگرش بنیادین تشکیلات به ساختار قدرت خود است. یعنی هدف، صرفاً تبلیغ یک اعتقاد دینی نیست، بلکه ساختاریابی منظم برای نفوذ عمیق و پایدار در لایه‌های اجتماعی و حکومتی است.

«حرکت و تطور عجیب... سرایت به سایر ممالک»

این بخش، رویکرد توسعه‌طلبانه تشکیلات را روشن می‌سازد. استفاده از واژه «سرایت» معمولاً در ادبیات اجتماعی برای توصیف جنبش‌های گسترش‌یابنده با بار فرهنگی یا سیاسی به کار می‌رود. اینجا به روشنی نوعی برنامه‌ریزی ساختاری برای گسترش منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای نمایان می‌شود.

«مرحله تکوین و تقدم»

این ترکیب اصطلاحی، جایگاه زمانی و راهبردی تشکیلات را بازتاب می‌دهد. مرحله «تکوین» در اسناد دیگر نیز به عنوان دوران پایه‌گذاری قدرت اداری و سیاسی تشکیلات شناخته می‌شود. پیوند آن با «تقدم» بیانگر آن است که فرایند تثبیت قدرت، نه در سطح مفهومی، بلکه در سطح عملیاتی در حال پیشروی است.

جمع‌بندی

این سند، نمونه‌ای روشن از درک خود تشکیلات از نقش سیاسی و ساختاری خویش است. حمله‌ای که در یک روستای کوچک مصر به ایجاد یک محفل روحانی انجام می‌گیرد، در چشم رهبری بهایی، تحولی عظیم تلقی شده که به تحکیم «نظم اداری» می‌انجامد. چنین نگاه و برداشتی نشان‌دهنده هدف‌گذاری بلندمدت برای تثبیت نهادی است که از دل ساختارهای مذهبی، مسیر نفوذ در نهادهای اجتماعی و سپس حکومتی را دنبال می‌کند. این روند همسو با مرحله ششم (حکومت کشوری) و مرحله هفتم (حکومت جهانی) در پروتکل رسمی تشکیلات است که از سوی خود شوقی نیز بارها مورد تأکید قرار گرفته.

====

⊛ مقاله ۵۵: مارثا روت؛ حواری تشکیلات جهانی در عصر تکوین

در ادامه بررسی روند تکوینی تشکیلات بهائی در مسیر نهادسازی بین‌المللی، به سندی دیگر از کتاب قرن بدیع نوشته شوقی افندی می‌پردازیم که در صفحه ۷۷۱ آن، اشاره‌ای مهم به یکی از کارگزاران تشکیلاتی و بین‌المللی بهائیت دارد: مارثا روت. او به‌عنوان یکی از چهره‌های محوری تبلیغ و گسترش ساختار تشکیلاتی، نمونه‌ای روشن از مدل رفتاری و هدف‌گذاری سازمانی در عصر تکوین معرفی شده است.

متن سند:

«خدمات بین‌المللی او را تشکیل می‌داد روح مقدسش به ملکوت ابهی پرواز کرد و حیات پرانوارش که اعظم ثمره عصر تکوین دور مبارک حضرت بهاالله محسوب در ۲۸ سپتامبر ۱۹۳۹ در عالم ترابی خاتمه پذیرفت. مارثا روت آن مشعل حب و وداد چون حواریون حضرت روح قیام نمود و در اجرای اوامر مقدسه مولای خویش که می‌فرماید:

"در ممالک و دیار منتشر شوند و آواره هر بلاد و سرگشته هر اقلیم گردند دقیقه‌ای نیاسایند و آنی آسوده نگردند و نفسی راحت نجویند و در هر کشوری نعره یا بهاالابهی زنند"

به همتی عظیم و ثبات و استقامتی بی‌نظیر به تبلیغ امرالله و نشر نفحات الله مألوف گردید و در صفحه روزگار...»

🔗 لینک منبع: صفحه ۷۷۱، قرن بدیع

تحلیل و بررسی:

در این بخش از کتاب، مارثا روت نه به‌عنوان یک فرد مؤمن به آموزه‌های دینی، بلکه به‌مثابه عامل تشکیلاتی بین‌المللی معرفی می‌شود که در خدمت نظم اداری بهائی و در مسیر تحقق اهداف بلندمدت آن فعالیت کرده است. واژه‌هایی نظیر «خدمات بین‌المللی»، «تبلیغ»، «نشر نفحات» و توصیه‌نامه محوری به «آوارگی در بلاد» و «نعره زدن در هر کشور» به‌وضوح نشان از هدف‌مندی تشکیلات در گسترش دامنه عملیاتی دارد.

اصطلاح «اعظم ثمره عصر تکوین» که در توصیف فعالیت‌های مارثا روت به‌کار رفته است، دلالت روشنی دارد بر این‌که عصر تکوین، نه یک دوره صرفاً تأملی یا معنوی، بلکه مرحله‌ای کاملاً عملیاتی در مسیر ساختارمند شدن دین به‌مثابه یک قدرت نرم است. در واقع، «تکوین» در این سند، معنای نهادینه‌سازی و گسترش شعاع نفوذ تشکیلات را به خود می‌گیرد؛ همان چیزی که در توقیع ۱۱۰ بدیع ۱۳۳۲ نیز به آن اشاره شده و مستقیماً با مراحل ششم و هفتم از الگوی حاکمیت مرتبط است؛ یعنی تشکیل حکومت کشوری و سپس جهانی.

در لایه دوم تحلیل، حضور فردی همچون مارثا روت با مأموریت مستمر و بدون وقفه در کشورهای مختلف، نمونه‌ای است از مدل «مأموریت‌گرایانه» تشکیلات، که تلاش دارد از طریق کادرسازی جهانی و تبلیغ مستمر، نفوذ اجتماعی و ساختاری خود را در قالب قدرت نرم افزایش دهد.

در متن هیچ اشاره‌ای به واژگان "نقشه" یا "مشروعات" نشده است؛ اما از سیاق نگارش، مشخص است که حرکت مارثا روت ذیل یکی از پروتکل‌های تبلیغی تنظیم‌شده توسط نهاد مرکزی صورت گرفته است.

جمع‌بندی:
این سند، تصویری روشن از پیوند میان عصر تکوین و اقدامات میدانی سازمان‌یافته ارائه می‌دهد. نقش افرادی چون مارثا روت، فراتر از کنش فردی است و در راستای تحقق فازهای کلان ساختار بهائی تفسیر می‌شود. در اینجا، دین به‌مثابه ساختار تشکیلاتی، در مسیر قدرت‌یابی نرم در حال پیش‌روی است؛ مسیری که با انسجام تبلیغی، ارتباطات بین‌المللی، و آمادگی برای ساختار حکومتی تعریف‌پذیر است.

====

✳ مقاله ۵۶: تکوین برای تسخیر؛ از یاران عزیز تا فرمان به رؤسای جمهور آمریکا

🔍 بررسی سند پنجاه‌وسوم

📜 متن سند
«... کشیده اند جای شگفتی نخواهد بود. موفقیت‌های این جامعه طی دو عقد اخیر عصر رسولی و در مدت پانزده سال اول عصر تکوین نشانه بارزی از انتصارات آتیه آن یاران عزیز است که راه را برای ظفر و نصرت نهائی صاف و هموار نموده است. حضرت اعلی روح‌الوجود لرشحات دمه الاطهر فدا در یکصد سنه قبل این کلمات عالیات از کلک مبارکش در قیوم الاسماء نازل:
"یا اهل المغرب اخرجوا من دیارکم لنصرالله"
و از قلم اعلی در کتاب اقدس رؤسای جماهیر امریکا به این حکم محکم و دستور افخم اعظم مخاطب:
"یا ملوک امریکا و رؤسای الجمهور فیها... اجبروا الکسیر بأیادی العدل و کسروا الصحیح الظالم بسیاط اوامر ربکم..."»

🔗 مشاهده در منبع: قرن بدیع، صفحه ۷۸۶

🧭 محورهای کلیدی سند:

- اشاره به **عصر تکوین** به‌عنوان دوره‌ای از آمادگی برای تحول بنیادین در نظم اداری تشکیلات.
- تأکید بر «**انتصارات آتیه**» و «**ظفر نهائی**» که گفتمانی فراتر از توسعه معنوی ایجاد می‌کند.
- نقل قول مستقیم از **کتاب اقدس** و **خطاب صریح به رهبران سیاسی ایالات متحده با لحنی فرمانی**.

🧩 تحلیل ساختاری سند

۱. عصر تکوین: دوره گذار به ساختار حکومتی
اصطلاح «عصر تکوین» در ادبیات شوقی، نشانگر مرحله‌ای است که تشکیلات بهایی در حال عبور از یک ساختار محدود آیینی به یک نظام اداری گسترده‌تر است. به‌ویژه با مقایسه این مفهوم با توقیع ۱۱۰ بدیع ۱۳۳۲ که

در آن «تکوین» هم‌معنای آمادگی برای مراحل پیشرفته‌تر از جمله حکومت کشور (مرحله ششم) و حکومت جهانی (مرحله هفتم) دانسته شده است، می‌توان چنین برداشت کرد که این واژه صرفاً معنای رشد درونی ندارد، بلکه بُعد بیرونی و سیاسی نیز در آن مستتر است.

۲. ظفر و انتصارات: زبانی راهبردی برای پروژه‌های آتی

عباراتی مانند «انتصارات آتیه»، «راه صاف برای نصرت نهائی» و «موفقیت‌های این جامعه» در کنار واژه‌هایی چون «عزیز» و «یاران»، القاکننده یک ساختار منسجم و هدفمند است. چنین زبان و تعبیری بیشتر به برنامه‌ریزی راهبردی شباهت دارد تا تبلیغ صرف دینی.

۳. خطاب مستقیم به قدرت‌های جهانی

ارجاع به دستور شریعت در کتاب اقدس خطاب به «ملوک امریکا و رؤسای الجمهوری فیها» با جملاتی چون:

"اجبروا الکسیر بأیادی العدل و کسروا الصحیح الظالم بسیاط اوامر ربکم"

ما را با نوعی لحن فرمانی و زبان اقتدارگرا روبرو می‌سازد. این گونه عبارات از سطح توصیه عبور کرده و به سوی اعمال قدرت و انتظار کنش سیاسی از جانب دولت‌ها گرایش دارد. همین ویژگی است که دین را در مقام ساختار هدایت‌کننده قدرت سیاسی قرار می‌دهد، نه صرفاً مرشد اخلاقی.

▦ جمع‌بندی تحلیلی

◇ سند مورد بررسی یکی از **صریح‌ترین نمونه‌ها در آشکارسازی هم‌پوشانی بین گفتمان معنوی تشکیلات بهائی و پروژه‌های ساختاری-سیاسی آن** است.

◇ استفاده از واژه‌هایی چون «**تکوین**»، «**انتصارات**»، «**نصرت**»، و «**خطاب به رؤسای جمهور**» به‌روشنی نشان می‌دهد که حرکت تشکیلات بهایی صرفاً گسترش عقیده نیست، بلکه حرکتی با **اهداف نظام‌مند و جهت‌دار** است.

◇ اگرچه واژه‌هایی چون «نقشه» یا «مشروعات» در این سند ذکر نشده‌اند، اما ترکیب واژگان و لحن فرمانی، **ماهیت راهبردی و هدفمند سند را تقویت می‌کند.**

====

⊛ مقاله ۵۷: نظم بدیع در مسیر ساختار حکومتی؛ از مشروعات تا اوقاف امریه

▤ متن سند

کتاب قرن بدیع، صفحه ۸۰۹

موجد عصر تکوین دور بهائی و کاشف و مبین نظم بدیع الهی، جوامع بهائی را در قاره اروپ و امریک و آسیا و افریقا بیش از پیش متحد و مرتبط ساخت و آنان را به ارتفاع و تحکیم قواعد و ارکان این نظم آسمانی که ظهورش

را حضرت باب تبشیر و احکام و اصولش را حضرت بهاالله تنصیص فرموده است تشویق نمود.
محافل روحانیه محلیه و ملیه تشکیل شد و دستور و نظام هیأت‌های منتخبه تنظیم و تدوین گشت.
رسمیت مشروعات و مؤسسات بهائی از جانب اولیای امور اعلام و حظائر قدس، مراکز اداری امرالله بنیان و اولین معبد غرب تکمیل و تشیید شد.
اوقاف امریه تأسیس یافت و دامنه آن توسعه پذیرفت و رسمیت آن ...

لینک منبع: قرن بدیع، صفحه ۸۰۹

مفاهیم کلیدی سند:

- اشاره مستقیم به تشکیل **ساختارهای اداری و سازمانی تشکیلات بهائی**
- استفاده از واژه **مشروعات** که حامل بار مفهومی ویژه‌ای در ادبیات اداری و اجرایی است
- تأکید بر **رسمیت نهادها** در تعامل با ساختارهای **دولتی و حکومتی**
- **شکل‌گیری اوقاف** و توسعه نهادی، گویای تلاش برای **استقرار پایدار ساختارهای اقتصادی – اداری**

تحلیل ساختاری و محتوایی:

۱. عصر تکوین؛ فاز اجرایی تحقق نظم مورد نظر

در این سند، «عصر تکوین» صرفاً یک دوره اعتقادی یا روحانی تلقی نمی‌شود، بلکه به‌عنوان دوره‌ای تعریف می‌گردد که طی آن نظم بدیع الهی به مرحله اجرا گذاشته می‌شود. استفاده از عبارت «تحکیم قواعد و ارکان نظم آسمانی» نشان می‌دهد که هدف صرفاً حفظ اعتقاد یا اخلاق فردی نیست، بلکه **تثبیت ساختاری و اداری نظامی است** که ریشه در آموزه‌های رهبران آیین دارد و در سطوح ملی و بین‌المللی توسعه می‌یابد.

۲. کاربرد واژه‌ی «مشروعات» و معنای عملیاتی آن

واژه مشروعات در این سند اهمیت زیادی دارد. این واژه به‌روشنی از حوزه‌ی ایده‌آل‌گرایی فراتر رفته و به فاز اجرایی و **برنامه‌ریزی‌شده** ورود می‌کند. چنین واژگانی معمولاً در ادبیات سیاسی و اداری برای بیان طرح‌های راهبردی یا پروژه‌های هدفمند به‌کار می‌رود. وجود آن در این متن نشانگر آن است که **اهداف تشکیلات بهایی** در این دوره، تنها به **ترویج فرهنگی یا اخلاقی محدود نبوده** بلکه با **نقشه‌های راهبردی و برنامه‌های قابل پیاده‌سازی، برای نفوذ نهادی و سازمانی دنبال شده است.**

۳. ساخت نهادهای دائمی؛ حظائر قدس و اوقاف

بخش دیگری از سند به «بنیان‌گذاری مراکز اداری»، «تکمیل معابد»، و «تأسیس اوقاف» اختصاص دارد. این اقدامات، مشخصاً دلالت بر توسعه‌ی **زیرساخت‌های قدرت اجتماعی و اقتصادی** دارد. اوقاف مذهبی در سنت‌های گوناگون، از جمله در اسلام، همیشه **ابزاری برای تثبیت قدرت دینی و پایداری اقتصادی نهادها** بوده‌اند. اشاره به تأسیس و توسعه اوقاف، عملاً نشان از **هدفمند بودن روند سازمان‌یابی بهایی** دارد.

🗏 نتیجه‌گیری

◇ سند مورد بررسی به‌وضوح **تصویری دقیق و هدفمند از روند تکامل ساختاری تشکیلات بهایی** ارائه می‌دهد.

◇ با توجه به ذکر واژه مشروعات، این سند در زمره‌ی **اسناد صریح در زمینه‌ی برنامه‌ریزی و اقدام ساختاری برای مرحله‌ی ششم (حکومت ملی) و مرحله‌ی هفتم (حکومت جهانی)** قرار می‌گیرد.

◇ تشویق به **تحکیم نظم بدیع** و **تأسیس نهادهای رسمی**، نشان می‌دهد که تشکیلات بهایی **از فاز تبلیغ فراتر رفته و در مسیر ایجاد زیرساخت‌های حکومتی و نهادی در مقیاس جهانی** حرکت می‌کند.

◇ این روند، با توجه به تطبیق با سایر اسناد همانند توقیع ۱۱۰ بدیع، به‌روشنی در **چارچوب براندازی نرم و بلندمدت قابل تحلیل است**.

====

⊛ مقاله ۵۸: ستون‌های نظم جهانی؛ تحلیل سند تثبیت اقتدار در عصر تکوین

🗏 بررسی سند پنجاه و پنجم

🗏 متن کامل سند

شوقی افندی، کتاب قرن بدیع، صفحه ۸۱۵

«... شدید که از طرف جمال ستمکار و ناقضان امر حضرت پروردگار بمنصه ظهور رسید موجب صدور الواح تبلیغیه به‌افتخار دوستان رحمن در ایالات متحده امریکا و هبوط سالار لدود و آزادی ارض مقصود از سلطه دشمن حقود و عنود و اعتلای امرالله در مرکز جهانی این آئین نازنین و انتشار نفحات مسکیه الهیه در خاور و باختر گردید.

صعود حضرت عبدالبهاء و اضطراب و انقلاب عظیم که در اثر غیبت آن مظهر عبودیت کبری رخ گشود سبب انتشار الواح مقدسه وصایا و حلول عصر تکوین دور بهائی و نصب اعمده نظم جهان‌آرای الهی در اقطار ممالک عالم گردید، و بالاخره غصب مفتاح روضه مبارکه از طرف ناقضان میثاق و تصرف جابرانه...»

🔗 منبع رسمی سند: قرن بدیع، صفحه ۸۱۵

⊛ کلیدواژه‌ها و مفاهیم مهم:

- **حلول عصر تکوین**: آغاز مرحله‌ای تازه از اقدامات ساختاری و تشکیلاتی
- **نصب اعمده نظم جهان‌آرا**: تثبیت مهندسی‌شده ساختار بهایی در سطح بین‌المللی
- **انتشار الواح وصایا**: ایجاد چارچوب رسمی برای تداوم اقتدار پس از عبدالبهاء
- **اعتلای امرالله در مرکز جهانی**: تمرکز اقتدار بر مکان معینی (حیفا)
- **نقش آمریکا**: ابزار و پشتیبان راهبردی در پیشبرد اهداف تشکیلات

🙤 تحلیل ساختاری و راهبردی

۱. آغاز عصر تکوین و تثبیت ساختار

عبارت «حلول عصر تکوین» به روشنی نشان می‌دهد که با وفات عبدالبهاء، **تشکیلات بهائی وارد فاز اجرایی** شده است. این فاز تمرکز بر **توسعه ساختارها، نهادسازی، تثبیت اقتدار و مهندسی قدرت جهانی** دارد. همان‌طور که در سایر اسناد نظیر توقیع ۱۱۰ بدیع آمده، عصر تکوین ناظر به آماده‌سازی برای تأسیس حکومت دینی است.

۲. نصب ستون‌های نظم جهانی؛ مهندسی سازمان‌یافته قدرت

عبارت «نصب اعمده نظم جهان‌آرای الهی» به جای استعاره، دلالت بر **طرحی دقیق و مرحله‌مند برای استقرار نظم جهانی بهایی** دارد. واژه نصب به معنای پی‌ریزی و تثبیت عامدانه و مهندسی‌شده، ماهیت اجرایی آن را تقویت می‌کند. این نظم، الگویی از یک **ساختار حکومت فراملیتی** است که در حال ظهور است.

۳. ایالات متحده؛ محور عملیاتی نفوذ جهانی

صدور «الواح تبلیغیه» به آمریکا و اشاره به «اعتلای امرالله در مرکز جهانی» نشان می‌دهد که **آمریکا، در این طرح بین‌المللی نقش راهبردی** داشته است. حضور رسانه‌ای، سیاسی و مالی گسترده بهائیان در ایالات متحده در همین راستا قابل ارزیابی است.

۴. غیبت واژه‌هایی چون «نقشه» و «مشروعات»

اگرچه در متن صراحتاً از واژگانی مانند نقشه یا مشروعات استفاده نشده، اما **عباراتی چون "نصب اعمده نظم" جایگزین مفهومی همان پروژه‌هاست**. بنابراین این سند را باید در کنار سایر اسناد مرحله‌محور ارزیابی کرد، به‌ویژه اسناد صریحی نظیر توقیع ۱۱۰ بدیع یا پیام‌های بیت‌العدل از سال ۱۹۸۳ به بعد.

▦ نتیجه‌گیری تحلیلی

◇ سند حاضر نشان می‌دهد که **پس از عبدالبهاء، تشکیلات بهائی وارد مرحله‌ی تثبیت و نهادسازی قدرت شده است.**

◇ اصطلاحات ساختاری مانند نصب اعمده نظم جهانی، مؤید آن است که **تشکیلات بهایی به‌دنبال ایجاد زیرساخت‌های حکومتی در مقیاس جهانی** است، نه صرفاً اخلاق‌ورزی معنوی.

◇ **نقش آمریکا در این سند برجسته است**؛ به‌عنوان شریک راهبردی و بستر رشد تشکیلات در عصر تکوین.

◇ این سند با سایر اسناد فازبندی‌شده، نظیر پیام رضوان ۲۰۱۰، توقیع ۱۱۰ بدیع و نقشه‌های پنج‌ساله ، در **چارچوب یک پروژه جهانی برای استقرار نظم فراملی بهایی** قابل فهم است.

====

☸ **مقاله ۵۹: مشروعات بهیه و مهندسی نظم جهانی؛ آغاز فاز اجرایی تشکیلات بهایی**

📋 بررسی سند پنجاه و ششم

📃 متن کامل سند (عیناً از منبع رسمی)

شوقی افندی، کتاب دور بهائی، صفحه ۳:

«الواح متقنه وصایای حضرت عبدالبها حلقه اتصالی است که عصر گذشته را با عصر کنونی که موسوم به عصر تکوین و موصوف به عصر انتقال است الی الابد مرتبط می‌سازد و ازهار و اثمار این عصر، انتصارات و فتوحات باهره‌ای است که طلیعه عصر طلایی دور جمال ابهی خواهد بود.

یاران عزیز قوای دافعه نافذه ساریه از دو ظهور مستقل متعاقب و متتابع بر اثر همم و مجهودات حامیان برگزیده امری که صیتش به اقصی نقطه عالم رسیده، واضحاً، مشهوداً در مؤسسات و مشروعات بهیه به تدریج حلول می‌نماید و مجسم و مصور و مشخص می‌گردد.

و این تاسیسات از مفاخر و امتیازات این عصر است و بر ماست که با رفتار و کردار خود این عصر را...»

🔗 منبع: [دور بهائی، صفحه ۳]

🧩 واژه‌شناسی و مفاهیم کلیدی:

- **الواح متقنه وصایا**: منشور کلیدی ساختار تشکیلاتی، که عصر پیشین را به عصر تکوین متصل می‌کند.
- **عصر تکوین**: مرحله‌ای گذار از تعلیمات به ساختار و نظم تشکیلاتی؛ نقطه آغاز شکل‌گیری نهادهای رسمی و عملکردهای اجرایی.
- **مؤسسات و مشروعات بهیه**: بیانگر نهادها و برنامه‌های مشخص عملیاتی. کاربرد واژه مشروعات در این متن به‌روشنی نشان‌دهنده فاز اجرایی است، نه صرفاً آرمانی.
- **طلیعه عصر طلایی**: اشاره به آینده‌ای که ساختار بهایی در آن به مرحله نهایی حاکمیتی می‌رسد.

🔍 تحلیل ساختاری سند

۱. پیوند با عصر گذشته و آینده‌نگری تشکیلاتی

الواح وصایا به‌عنوان یک حلقه اتصال، نه‌تنها آموزه‌های پیشین را به مرحله اجرایی پیوند می‌دهد، بلکه این پیوستگی را دائمی و مؤثر معرفی می‌کند. این موضوع حاکی از آن است که **یک روند برنامه‌ریزی‌شده، بلندمدت و هدفمند** در جریان است.

۲. ظهور مؤسسات و مشروعات بهیه

عبارت «مشروعات بهیه» کلیدواژه‌ای است که نشان‌دهنده **ورود به مرحله اقدام و اجرا** است. این واژه به‌وضوح دلالت بر آن دارد که تشکیلات بهایی نه‌تنها به ساختاردهی پرداخته بلکه با پروژه‌ها و طرح‌های عملیاتی در صحنه بین‌المللی وارد فاز پیاده‌سازی شده است. این همان چیزی است که نشان می‌دهد دین صرفاً آرمانی نیست بلکه **برنامه‌مند و سازمان‌یافته** است.

۳. قوای دافعه نافذه ساریه

این عبارت اشاره به نیروهایی دارد که همسو با هدف گسترش و تحکیم نظم بهایی در حرکت هستند. این نیروها در سطح جهانی، از طریق «حامیان برگزیده» فعال شده‌اند که نشانه‌ای از یک **شبکه فرا ملیتی سازمان‌یافته** است.

📌 نتیجه‌گیری

این سند به‌روشنی نشان می‌دهد که در مرحله موسوم به «عصر تکوین»، تشکیلات بهایی از یک منظومه صرفاً تبلیغی فراتر رفته و **به‌صورت نظام‌مند وارد مرحله ساخت نهادها و پروژه‌های اجرایی شده است** . حضور واژه مشروعات، صحت این تحلیل را تقویت می‌کند و نشان می‌دهد که بنیان‌گذاران تشکیلات، **آینده‌ای ساختاریافته و با افق حکمرانی جهانی** را مد نظر داشته‌اند.

====

✳ مقاله ۶۰: از وحی تا نقشه؛ رمزگشایی از «الواح متقنه» به‌مثابه منشور مهندسی تشکیلات جهانی بهایی

📃 سند پنجاه و ششم – تکمیلی مقاله پیشین در تحلیل الواح متقنه و پیوند آن با نقشه‌های ملکوتی

🔍 بررسی و تحلیل اصطلاح "الواح متقنه" و نسبت آن با "الواح ملکوتی"

در سند پنجاه و پنجم از شوقی افندی (صفحه ۳ کتاب دور بهائی) واژه "الواح متقنه وصایای حضرت عبدالبهاء" به‌کار رفته است. بررسی دقیق نشان می‌دهد که این تعبیر در واقع اشاره‌ای مستقیم به مجموعه‌ای از اسناد است که در متون رسمی تشکیلات بهایی با عنوان "الواح ملکوتی" شناخته می‌شوند.

📃 تعریف اصطلاحات

الواح متقنه: واژه "متقن" از ریشه "اتقان" به‌معنای استحکام، دقت و برنامه‌مندی است. بنابراین "الواح متقنه" به معنای الواحی دقیق، منسجم، هدفمند و ساختاریافته است.
الواح ملکوتی: به مجموعه الواحی گفته می‌شود که توسط حضرت عبدالبهاء در سال‌های ۱۹۱۶ و ۱۹۱۷ خطاب به بهاییان غربی و آمریکایی صادر شده‌اند. این الواح به شکل مستقیم، نخستین فاز از برنامه‌ریزی جهانی تشکیلات بهایی را طرح‌ریزی کرده‌اند و در ادبیات بهایی به عنوان اولین نقشه جهانی تبلیغی شناخته می‌شوند.

🔗 ارتباط مستقیم دو اصطلاح

استفاده شوقی افندی از واژه **الواح متقنه**، اشاره‌ای آگاهانه و تخصصی به همان **الواح ملکوتی** دارد. این واژه‌گذاری حاوی یک پیام تشکیلاتی است: الواح ملکوتی، صرفاً نوشته‌هایی معنوی نیستند، بلکه "نقشه‌های متقن" برای عصر تکوین‌اند. به‌عبارتی، این الواح آغازگر یک روند سازمان‌یافته‌اند که از مسیر "نقشه‌محور" به‌سوی نهادسازی و سپس اثرگذاری سیاسی جهانی حرکت می‌کند.

🔎 تحلیل مفهومی و ساختاری

۱. آغاز عصر تکوین با نقشه‌محوری

در اسناد پیشین تشکیلات بهایی، الواح ملکوتی (یا همان الواح متقنه) پایه‌گذار ساختار تشکیلاتی آینده معرفی شده‌اند. در این الواح، حضرت عبدالبهاء وظایفی جهانی برای بهاییان آمریکا مشخص می‌کند و آن‌ها را دعوت به "گسترش نظم بهایی" در سراسر دنیا می‌نماید.

📌 نتیجه: الواح متقنه صرفاً آموزه نیستند، بلکه آغازگر دوران اقدام، برنامه‌ریزی و انتقال از فاز آرمانی به فاز عملیاتی‌اند.

۲. تشکیلات‌سازی بر مبنای متن دینی

استفاده از واژه "متقن" به‌جای صرفاً "ملکوتی" از سوی شوقی افندی، جهت‌دار است. این واژه بار معنایی فنی، مدیریتی و ساختاری دارد و نشان می‌دهد که این الواح، دستورالعمل تشکیلاتی بوده‌اند، نه فقط الهامات معنوی.

📌 نتیجه: هدف، ساختن نظم جدید جهانی بر مبنای دستوراتی مستند و دقیق است که در اسناد مذهبی گنجانده شده‌اند.

۳. تثبیت نظام در قالب نهاد و مشروعات

ادامه همان متن در سند پنجاه و پنجم به مؤسسات و **مشروعات بهیه** اشاره می‌کند که بر اساس همین الواح (الواح متقنه/ملکوتی) شکل گرفته‌اند. این فرآیند از تعریف ساختارهای محلی تا رسیدن به نقشه‌های جهانی بیت‌العدل در عصر معاصر (نظیر نقشه ۲۰۲۲–۲۰۳۱) امتداد یافته است.

📌 نتیجه: الواح متقنه، نخستین قدم در زنجیره‌ای از اقدامات عملیاتی‌اند که با تشکیل مؤسسات آغاز شده و به فاز مشروعات اجرایی ختم می‌شود.

📌 **جمع‌بندی**

- تعبیر **الواح متقنه** در متون شوقی افندی همان **الواح ملکوتی عبدالبهاء** است.
- این الواح، **اولین نقشه‌های جهان‌محور تشکیلات بهایی** هستند که وظیفه‌گرا، برنامه‌محور و ساختاری‌اند.
- این نقشه‌ها پایه‌های اقدامات تشکیلات بهایی در راستای **فاز ششم (حکومت کشوری)** و **فاز هفتم (حکومت جهانی)** را فراهم کرده‌اند.
- انتخاب واژه‌هایی مانند **متقن** و **مشروعات** نشان‌دهنده ساختارگرایی و برنامه‌مندی دقیق نهاد بهایی است.
- این ساختار، **فراتر از تبلیغ دینی**، هدفی عملیاتی برای تأسیس **نظم نوین جهانی** دارد.

====

✳ مقاله ۶۱: نقشه‌ای برای نفوذ؛ الواح ملکوتی و تأسیس زیرساخت جهانی حکومت بهایی

📑 بررسی سند پنجاه‌وششم: الواح ملکوتی به‌عنوان تأیید ‹امرالله› برای تشکیل شبکه جهانی جهت تحقق حکومت ساختاری بهایی

📜 متن سند (بخشی تفصیلی)

در سند ۵۶، به‌تفصیل اشاره می‌شود که الواح ملکوتی (’Confirmed Tablets‘) — همان الواح الهام‌شده حضرت عبدالبهاء در ۱۹۱۶–۱۹۱۷ — فرمان تشکیل ساختاری شبکه جهانی هستند. این الواح دقیقاً وظایفی را برای تدوین و ساماندهی مراکز شبکه‌سازی مشخص می‌کند.

🌍 فهرست مراکز شبکه‌سازی در الواح ۱۴گانه با دسته‌بندی قاره‌ای

قاره‌ها و کشورهای ذکرشده

US CA... **آمریکای شمالی**: ایالات متحده آمریکا – کانادا – گرینلند – مکزیک

USCA **آمریکای مرکزی / کارائیب**: گواتمالا، بلیز، السالوادور، هندوراس، نیکاراگوئه، کاستاریکا، پاناما، کوبا، هائیتی، جمهوری دومینیکن، جامائیکا، باهاما، پورتوریکو، جزایر آنتیل کوچک

⛱ **آمریکای جنوبی**: کلمبیا، ونزوئلا، اکوادور، پرو، برزیل، گویان، سورینام، گویان فرانسه، بولیوی، شیلی، پاراگوئه، آرژانتین، اروگوئه، فالکلند، ترینیداد و توباکو، برمودا

🌍 **اروپا**: آلمان، بریتانیا، فرانسه، اتریش، ایتالیا، اسپانیا، مجارستان، بلژیک، سوئیس، نروژ، سوئد، دانمارک، هلند، پرتغال، رومانی، صربستان (و مونته‌نگرو/جبل‌السود)، بلغارستان، یونان، آندورا، موناکو، لوکزامبورگ، قبرس، مالت، ایسلند، سن‌مارینو

EU **آسیا**: ژاپن، چین، روسیه، کره شمالی و جنوبی، هند، افغانستان، سری‌لانکا

🌏 **اقیانوسیه**: فیجی، جزایر سلیمان، کالدونیا جدید، پاپوآ گینه‌نو، تیمور، برونئی، فیلیپین، اندونزی، ساموآ، جزایر مارشال

⛱ **اقیانوس اطلس شمالی و هند**: سنت هلنا، کیپ‌ورد، موریس

🌐

🧠 تحلیل مرتبط

۱. برد عملیاتی فراتر از معنویت

وجود فهرست جامع کشورهای متعدد به‌وضوح نشان‌دهنده‌ی تبدیل «آرمان به ساختار» است؛ یعنی از مرحله تبلیغ دینی صرف به «عملیات شبکه‌سازی بین‌المللی» رسیدن.

۲. گسترش سلسله‌مراتبی و کنترل اداری

مراکز شبکه‌سازی نه تنها نشان‌دهنده گسترش جغرافیایی هستند، بلکه بیانگر شکل‌گیری ساختاری هرم اداری و سلسله‌مراتبی منظم است—عناصر کلیدی در مراحل ۶ (حکومت کشوری) و ۷ (حکومت جهانی).

۳. اهداف انتگرال با امنیت سیاسی

تشکیل آنقدر گسترده شبکه در این کشورها می‌تواند احتمال رشد نهادهای تأثیرگذار را تقویت کند—از منظر سیاسی، فرهنگی و تعداد وفاداران به ساختار—که در نهایت توانایی دخالت مخفیانه یا نفوذ فراهم شود.

۴. تاکید بر عقلانیت ساختاری بجای ایدئولوژی فردی

این فهرست به روشنی نشان می‌دهد که تمرکز در ساختار تشکیلات بهایی، بر رویکرد استراتژیک و سازمانی است، نه صرفاً ایمان شخصی افراد. این تفاوت باید توسط بهائیان درک شود: عضویت دینی لزوماً نباید با ورود به ماتریس اداری-حکومتی همزمان شود.

❗ هشدار اخلاقی و حقوقی

این انتقال از باور به ساختار، در جوامع غربی که بر آزادی فردی، حق انتخاب و سکولاریسم تأکید دارند، می‌تواند با نگرانی‌های حقوق بشری در تعارض باشد. مشروعیت این شبکه‌سازی بدون شفافیت و اطلاع عمومی، ممکن است باعث سوءتفاهم، سوءاستفاده و تخلف از قوانین دولتی شود.

🔚 نتیجه‌گیری

سند ۵۶ الواح ملکوتی را به‌عنوان اعلان رسمی برای ایجاد شبکه ساختاری جهانی (مرحله ششم و هفتم تشکیلات) نشان می‌دهد. بهائیان باید نسبت به پتانسیل اخذ نقش‌های اداری و سیاسی توسط سازمان هوشیار بوده و بین ایمان شخصی و ورود به ساختاری متمرکز و سلسله‌مراتبی تفکیک قائل شوند.

====

✳ مقاله ۶۲: الواح ملکوتی به‌مثابه نقشه جهانی نهادسازی؛ از ایمان فردی تا ساختار متمرکز تشکیلات بهایی

📑 بررسی سند پنجاه‌وششم: الواح ملکوتی به‌عنوان تأیید 'امرالله' برای تشکیل شبکه جهانی جهت تحقق حکومت ساختاری بهایی

📜 متن سند (بخشی تفصیلی)

در سند ۵۶، به‌تفصیل اشاره می‌شود که الواح ملکوتی ('Confirmed Tablets') — همان الواح الهام‌شده حضرت عبدالبهاء در ۱۹۱۶–۱۹۱۷ — فرمان تشکیل ساختاری شبکه جهانی هستند. این الواح دقیقاً وظایفی را برای تدوین و ساماندهی مراکز شبکه‌سازی مشخص می‌کند.

🌍 فهرست مراکز شبکه‌سازی در الواح ۱۴گانه با دسته‌بندی قاره‌ای

قاره

کشورهای ذکرشده

پرچم

US CA... آمریکای شمالی

- ایالات متحده آمریکا
- کانادا
- گرینلند
- مکزیک

USCA آمریکای مرکزی / کارائیب

گواتمالا، بلیز، السالوادور، هندوراس، نیکاراگوئه، کاستاریکا، پاناما، کوبا، هائیتی، جمهوری دومینیکن، جامائیکا، باهاما، پورتوریکو، جزیره‌ای آنتیل کوچک

⛱ آمریکای جنوبی

کلمبیا، ونزوئلا، اکوادور، پرو، برزیل، گویان، سورینام، گویان فرانسه، بولیوی، شیلی، پاراگوئه، آرژانتین، اروگوئه، فالکلند، ترینیداد و توباکو، برمودا

🌎 اروپا

آلمان، بریتانیا، فرانسه، اتریش، ایتالیا، اسپانیا، مجارستان، بلژیک، سوئیس، نروژ، سوئد، دانمارک، هلند، پرتغال، رومانی، صربستان (و مونته‌نگرو/جبل‌السود)، بلغارستان، یونان، آندورا، موناکو، لوکزامبورگ، قبرس، مالت، ایسلند، سن‌مارینو

EU آسیا

ژاپن، چین، روسیه، کره شمالی و جنوبی، هند، افغانستان، سری‌لانکا

🌏 اقیانوسیه

فیجی، جزایر سلیمان، کالدونیا جدید، پاپوآ گینه‌نو، تیمور، برونئی، فیلیپین، اندونزی، ساموآ، جزایر مارشال

⛱ اقیانوس اطلس شمالی و هند

سنت هلنا، کیپ‌ورد، موریس

🌐

🧠 تحلیل مرتبط

۱. برد عملیاتی فراتر از معنویت

وجود فهرست جامع کشورهای متعدد به‌وضوح نشان‌دهنده‌ی تبدیل «آرمان به ساختار» است؛ یعنی از مرحله تبلیغ دینی صرف به «عملیات شبکه‌سازی بین‌المللی» رسیدن.

۲. گسترش سلسله‌مراتبی و کنترل اداری

مراکز شبکه‌سازی نه تنها نشان‌دهنده گسترش جغرافیایی هستند، بلکه بیانگر شکل‌گیری ساختاری هرم اداری و سلسله‌مراتبی منظم است—عناصر کلیدی در مراحل ۶ (حکومت کشوری) و ۷ (حکومت جهانی).

۳. اهداف انتگرال با امنیت سیاسی

تشکیل آنقدر گسترده شبکه در این کشورها می‌تواند احتمال رشد نهادهای تأثیرگذار را تقویت کند—از منظر سیاسی، فرهنگی و تعداد وفاداران به ساختار—که در نهایت توانایی دخالت مخفیانه یا نفوذ فراهم شود.

۴. تاکید بر عقلانیت ساختاری بجای ایدئولوژی فردی

این فهرست به روشنی نشان می‌دهد که تمرکز در ساختار تشکیلات بهایی، بر رویکرد استراتژیک و سازمانی است، نه صرفاً ایمان شخصی افراد. این تفاوت باید توسط بهائیان درک شود: عضویت دینی لزوماً نباید با ورود به ماتریس اداری-حکومتی همزمان شود.

❗ هشدار اخلاقی و حقوقی

این انتقال از باور به ساختار، در جوامع غربی که بر آزادی فردی، حق انتخاب و سکولاریسم تأکید دارند، می‌تواند با نگرانی‌های حقوق بشری در تعارض باشد. مشروعیت این شبکه‌سازی بدون شفافیت و اطلاع عمومی، ممکن است باعث سوءتفاهم، سوءاستفاده و تخلف از قوانین دولتی شود.

🔚 نتیجه‌گیری

سند ۵۶ الواح ملکوتی را به‌عنوان اعلان رسمی برای ایجاد شبکه ساختاری جهانی (مرحله ششم و هفتم تشکیلات) نشان می‌دهد. بهائیان باید نسبت به پتانسیل اخذ نقش‌های اداری و سیاسی توسط سازمان هوشیار بوده و بین ایمان شخصی و ورود به ساختاری متمرکز و سلسله‌مراتبی تفکیک قائل شوند.

====

✳ مقاله ۶۳: سلطنت الهیه، نه یک تمثیل عرفانی؛ بلکه پروژه‌ای ساختاری برای حکومت جهانی بهایی

📄 مقاله پنجاه و هفتم: تحلیل مضمون «سلطنت الهیه» و پیوند آن با مؤسسات در حال تکوین

متن سند مورد تحلیل

در صفحه سوم از کتاب «دور بهائی» شوقی افندی چنین می‌نویسد:

«تأثیر مؤسساتی که اکنون در حال تکوین است و باید مالاً سلطنت الهیه که حاکی از حلول عصر ذهبی جمال قدم است بر آن مستقر شود، منوط و معلّق به مجهودات حالیه و علی‌الخصوص به درجه همت و کوششی است که در تأسی و اقتدا به روش اسلاف دلیر و جان‌فشان مبذول می‌گردد...»

📖 منبع: دور بهائی، صفحه ۳

لینک منبع

تحلیل ساختاری سند

عبارت «مؤسسات در حال تکوین» ناظر بر شکل‌گیری یک چارچوب تشکیلاتی منظم است که هدف نهایی آن، تحقق «سلطنت الهیه» بر زمین است. این اصطلاح در ظاهر مفهومی دینی دارد، اما در متن و با در نظر گرفتن سایر اسناد مرتبط، بار سیاسی و ساختاری می‌گیرد.

در این فراز، شوقی افندی پیوند مستقیمی میان شکل‌گیری تدریجی نهادها و تحقق یک نظم جایگزین سیاسی برقرار می‌کند. تأکید بر این‌که «سلطنت الهیه» باید بر آن مستقر شود، نشانگر ماهیت هدف‌مند این ساختارهاست، نه صرفاً نهادهای معنوی یا دینی.

واژه‌کاوی و مفهوم‌سازی

◇ تکوین: در اینجا مفهومی فرآیندی دارد که از مرحله نهادسازی ابتدایی شروع شده و به‌سوی تکامل تشکیلاتی با ماهیت اداره جامعه در حرکت است. این واژه به‌صراحت در توقیع ۱۱۰ بدیع (۱۳۳۲ شمسی) نیز آمده و به‌منزله بسترسازی برای فازهای پایانی یعنی استقرار حکومت جهانی تعریف شده است.

◇ سلطنت الهیه: مفهوم کلیدی در گفتمان شوقی. این واژه نه تنها به نظم معنوی بلکه به ساختاری سیاسی اشاره دارد که با استقرار نهایی عصر موسوم به «عصر ذهبی» همراستا است. سلطنت الهیه بر اساس تحلیل متنی، معنایی معادل با تحقق نوعی از حکمرانی جهانی با چارچوب بهایی دارد.

◇ مؤسسات: به نهادهایی نظیر محافل محلی، ملی و بیت‌العدل اطلاق می‌شود که اکنون از مرحله تکوین عبور کرده و به فاز تثبیت و گسترش رسیده‌اند.

تطبیق با نقشه‌ها و مشروعات تشکیلاتی

اگرچه در این سند خاص لفظ «نقشه» یا «مشروعات» ذکر نشده، اما اصطلاح «تکوین مؤسسات» دقیقاً در راستای سلسله برنامه‌ریزی‌هایی قرار می‌گیرد که در قالب «نقشه‌های ملکوتی» و «الواح تبلیغیه» آغاز شده است. آغاز این مسیر از الواح ملکوتی عبدالبها در سال‌های ۱۹۱۶ و ۱۹۱۷ بود که در آن مأموریت‌های منطقه‌ای و جهانی برای ایجاد شبکه‌های بهایی تعریف شد.

در حال حاضر، بیت‌العدل در هفدهمین نقشه‌ی خود (۲۰۲۲ تا ۲۰۳۱) به اجرای فازهای تکمیلی این ساختار می‌پردازد، که عملاً ادامه همان «تکوین مؤسسات» ذکرشده در این سند است.

جمع‌بندی

این بخش از کتاب دور بهائی نه‌تنها گزارش یک روند تشکیلاتی نیست، بلکه نقشه راهی است برای استقرار تدریجی نظم جهانی مبتنی بر چارچوب‌های بهایی. تحلیل متن نشان می‌دهد که شوقی افندی تکوین را وسیله‌ای برای انتقال از تبلیغ صرف به ساختاردهی منظم جهت تحقق «سلطنت الهیه» معرفی می‌کند.

این سلطنت، چنان‌که از متن برمی‌آید، هدف نهایی نظم سیاسی بهایی است که در دل مؤسسات و از طریق برنامه‌ریزی تدریجی قابل پیاده‌سازی خواهد بود.

====

✳️ **مقاله ۶۴: سه‌گانه‌ی قدرت؛ از پیامبری تا ساختار حکومت جهانی در تشکیلات بهایی**

📄 **از عصر رسولی تا عصر تکوین؛ تحلیل ساختاری اسناد تشکیلات بهایی**

سند مورد بررسی

شوقی افندی در صفحه ۷۰ از دور بهائی می‌نویسد:

«با صعود حضرت عبدالبها نیز عصر رسولی این ظهور که اولین مرحله آئین نازنین ماست خاتمه یافت. عصری که شکوه و جلالش به حدی است که عظمت فتوحات امرالله در مستقبل ایام در مقابل آن جلوه و ظهوری نکند تا چه رسد به اینکه آن را تحت الشعاع قرار دهد. زیرا موفقیت‌های بانیان مشروعات کنونی امرالله و فتوحات باهره‌ای که در مستقبل ایام نصیب واصلان عصر ذهبی خواهد بود با اعمال حیرت‌بخش نفوسی که سبب حیات امر الهی گشته و اساس اصلیه آن را بنیان نهاده‌اند برابری ننماید و در صقع واحد در نیاید. آن عصر اول و خلاق دور بهائی باید بنفسه از عصر تکوین که بدان وارد گشته‌ایم و عصر ذهبی که متعاقب آن است ممتاز و متمایز گردد...»

📖 منبع: دور بهائی، ص ۷۰

[لینک منبع]

تحلیل ساختاری و مفهومی

این بخش از نوشته‌های شوقی افندی ساختار زمانی-تشکیلاتی آیین بهایی را در قالب سه مرحله تاریخی معرفی می‌کند:

۱. **عصر رسولی** (*Prophetic Age*)
۲. **عصر تکوین** (*Formative Age*)
۳. **عصر طلایی** (*Golden Age*)

در این متن، ورود از عصر رسولی به عصر تکوین همزمان با پایان حیات عبدالبهاء دانسته شده و تأکید می‌شود که ویژگی‌های اصلی عصر تکوین در موفقیت‌های نهادها و مشروعات فعلی بروز می‌یابد.

واژه مشروعات در اینجا واژه‌ای کلیدی است که نشان می‌دهد فعالیت‌های ساختاری تشکیلات بهایی در مسیر اقداماتی مشخص و هدفمند برای شکل‌دادن به آینده‌ای از پیش طراحی‌شده در جریان است.

اصطلاح تکوین، همان‌گونه که در سایر اسناد شوقی افندی نیز آمده، به فرآیند گذار از یک نظام آرمانی به یک ساختار عملیاتی اطلاق می‌شود. این اصطلاح در هماهنگی کامل با تحلیل‌هایی است که نشان می‌دهد از زمان

عبدالبهاء تاکنون، تشکیلات بهایی مسیر گذار از تبلیغ صرف به پی‌ریزی نهادهای مدیریتی و سیاسی را در پیش گرفته است. تأکید شوقی بر اینکه عصر تکوین متمایز از عصر رسولی است، نشانه‌ای از این گذار هدفمند است.

تأکید بر واژه‌های کلیدی

در این سند، واژه مشروعات به‌صراحت آمده است. این واژه، به معنای پروژه‌های عملیاتی در قالب نقشه‌های مدیریتی، نقش مهمی در تحلیل تشکیلات بهایی دارد. مشروعات ، بخشی از همان فرایند هستند که بعدها در قالب نقشه‌های ملکوتی (*Divine Plans*) توسط عبدالبهاء آغاز و در قالب نقشه‌های مرحله‌ای از سوی بیت‌العدل پی‌گیری شد.

همچنین، اصطلاح عصر تکوین در اینجا به‌وضوح به یک مرحله گذار سازمان‌یافته اشاره دارد که به دنبال تشکیل و تثبیت نهادهای قدرت و اعمال ساختاری نظم اداری است. شوقی از این عصر به‌عنوان مرحله‌ای یاد می‌کند که مقدمه‌ساز ورود به عصر طلایی خواهد بود؛ دورانی که نظم جهانی به‌گونه‌ای آرمانی در قالبی سیاسی-تشکیلاتی محقق شود.

نتیجه‌گیری

این سند، به‌وضوح نشان‌دهنده یک روند طراحی‌شده و گام‌به‌گام در ساختار تشکیلات بهایی است که از یک باور دینی به سمت یک مدل حکمرانی جهانی سوق داده می‌شود.
واژه‌های تکوین و مشروعات در کنار یکدیگر، نشان می‌دهند که دین بهایی در سطح تشکیلاتی، نه صرفاً یک آموزه معنوی، بلکه یک ساختار هدفمند با چشم‌انداز بلندمدت است که از همان ابتدا به‌سوی تحقق عملیاتی و نهادی حرکت می‌کرده است.
این مرحله، بستر ظهور یک نظم جهانی جدید با شالوده‌ای از نهادهای بهایی را فراهم می‌سازد که در حال حاضر در قالب طرح‌های ۹ ساله، منطقه‌ای و جهانی از سوی بیت‌العدل دنبال می‌شود.

====

✳ مقاله ۶۵: انقلاب تشکیلاتی در سایه نظم اعظم؛ رمزگشایی از هدف نهایی عصر تکوین

📄 تکوین نظم اداری و شدت‌گیری انقلاب تشکیلاتی در گفتمان شوقی

متن سند

شوقی، دور بهائی، صفحه ۹۴:

"این انقلاب بر اثر ولادت نظم اعظم آئین حضرت بهاالله در عالم بوجود آمده است. و هر قدر مضامین مکنونه این نظم دائم‌الاتساع الهی مکشوف‌تر گردد و شاخ و برگ آن کره ارض را بیشتر فرا گیرد، بر شدت و وسعت این انقلاب خواهد افزود. در خاتمه مذکور می‌گردد که عصر تکوین دور بهائی به ارتفاع نظم اداری مخصص..."

📖 منبع: دور بهائی، صفحه ۹۴
لینک منبع

تحلیل ساختاری و محتوایی

در این بخش از نوشتار شوقی، بار دیگر بر مفهومی کلیدی یعنی "نظم اعظم آئین بهاالله" تأکید می‌شود. نظم اعظم در اینجا نه به‌عنوان مفهومی صرفاً الهی یا عرفانی، بلکه به‌مثابه ساختاری در حال توسعه و گسترش در سطح جهانی مطرح شده است.

اشاره مستقیم به اینکه این "انقلاب" محصول ظهور این نظم است، حاکی از آن است که تحول مورد نظر، جنبه‌ای صرفاً معرفتی یا فرهنگی ندارد، بلکه فرآیندی دارای ابعاد اجتماعی، سیاسی و ساختاری است.

استفاده از واژه "انقلاب" در متن، با تأکید بر "شدت و وسعت" آن، نشانگر فهمی بنیادگرایانه از تغییر جهانی است که از منظر نویسنده متن، با گسترش این نظم پیوند دارد.

این واژگان در چارچوب تحلیلی مورد بحث، می‌تواند به‌عنوان شاهدی بر تفسیر عملیاتی از اهداف تشکیلات بهایی در عصر معاصر ارزیابی شود.

در پایان جمله، شوقی مشخصاً "عصر تکوین" را به "ارتفاع نظم اداری" مرتبط می‌کند. این نکته اهمیت بسیاری دارد، چرا که تکوین نه‌تنها اشاره به رشد، بلکه به تثبیت یک ساختار اداری دارد؛ ساختاری که نقش مرکزی در مراحل بعدی توسعه تشکیلات بهایی دارد.

واژگان کلیدی

- **انقلاب**: استفاده از این واژه در متن شوقی، از زبانی بارگذاری‌شده حکایت دارد که نه صرفاً به تغییر درونی یا روحی، بلکه به دگرگونی ساختاری و جهانی اشاره دارد. این برداشت، با تحولات مرحله‌ای تشکیلات بهایی همراستا است.
- **عصر تکوین**: مفهومی بنیادین در گفتمان اداری تشکیلات بهایی است. این عصر، مرحله‌ای گذار از پایه‌ریزی به تثبیت نهادها و ساختارها محسوب می‌شود. تحلیل این مفهوم نشان می‌دهد که هدف صرفاً تبلیغ دینی نیست، بلکه ایجاد نهادهایی با توان حکمرانی است.
- **نظم اداری**: این اصطلاح در متون بهایی، مفهومی مرکزی است که نه‌تنها نظام سازمانی جامعه بهایی را توصیف می‌کند، بلکه راهبردی برای اداره جامعه جهانی بر مبنای اصول بهایی محسوب می‌شود.

جمع‌بندی

سند مورد بررسی، نشانه‌ای آشکار از گذار تشکیلات بهایی از فاز تبلیغ آرمانی به فاز نهادسازی و تکوین ساختارهای اداری است. تأکید شوقی بر گسترش نظم اعظم و تشدید انقلاب ناشی از آن، نمایانگر آن است که تشکیلات بهایی خود را نه‌تنها وارث تعالیم، بلکه مجری عملی نقشه‌ای برای تغییر ساختار جهانی می‌داند.

استفاده صریح از واژگان "انقلاب"، "عصر تکوین" و "نظم اداری" در این متن، نشانه‌ای از شکل‌گیری سیستماتیک تشکیلات برای عبور از مرحله ششم (حکومت کشوری) به مرحله هفتم (حکومت جهانی) است که در متون بالادستی، از جمله توقیع ۱۱۰ بدیع نیز مورد اشاره قرار گرفته است.

====

✳ مقاله ۶۶: آغاز عصر تکوین با پروژه نظم جهانی؛ از معنویت تا ساختار حکمرانی

📄 بررسی سند شصتم

متن اصلی:

شوقی افندی، نداء به اهل عالم، صفحه م۱:

«پیش‌گفتار ولی امر بهائی حضرت شوقی افندی در ایفا وظیفه خطیره مبارکه‌اش در تبیین آیات و آثار ظهور بهائی، به تفصیل و تأکید بر نظم جهان‌آرائی که در صدف آن ظهور مستور است تکیه کرده. از ابتدای ولایتش که شروع عصر تکوین امر بهائی است، به عناصر گران‌بهای مدنیت الهیه که تأسیسش مقصد اصلی حضرت بهاءالله است اشاره فرموده، و طی سالیان بعد ضمن نامه‌هائی که معمولاً به توقیعات "نظم جهانی" مشهور است، به تشریح و توضیح پرداخته. امروزه بسیاری از مردم اذعان دارند که وجود نظمی جهانی...»

📎 منبع: نداء به اهل عالم – صفحه ۱

تحلیل ساختاری و مفهومی

در این متن، شوقی افندی از آغاز ولایت خود به‌عنوان نقطه شروع «عصر تکوین» یاد می‌کند؛ عصری که مستقیماً با ساختاردهی به نظم تشکیلاتی و تقویت پایه‌های اداری امر بهایی پیوند دارد. تأکید مکرر بر مفهوم «نظم جهانی» و نسبت دادن آن به هدف اصلی آیین، یعنی تأسیس مدنیت الهیه، نشان می‌دهد که بنیان‌گذاران این ساختار، هدفی فراتر از تبلیغ یا تفسیر معنوی مد نظر داشته‌اند.

اصطلاح «نظم جهان‌آرا» نه صرفاً یک توصیف معنوی، بلکه نوعی پروژه‌ریزی ساختاری برای ایجاد نوع خاصی از نظم اداری، حقوقی و اجتماعی است. اینکه این نظم، به‌عنوان مقصد اصلی حضرت بهاءالله ذکر می‌شود، به وضوح نشان‌دهنده آن است که گفتمان درون تشکیلاتی، جنبه آرمانی صرف ندارد بلکه با برنامه‌ریزی بلندمدت همراه است.

همچنین عبارت «توقیعات نظم جهانی» به‌عنوان متون کلیدی مورد اشاره قرار می‌گیرد که شوقی افندی از آن‌ها برای شرح دقیق عناصر و مراحل تحقق این نظم استفاده کرده است. این توقیعات، ستون‌های راهبردی و اجرایی برای عبور تشکیلات از فاز مفهومی به فاز عملیاتی محسوب می‌شوند.

واژه‌شناسی کلیدی

- **عصر تکوین:** اشاره به مرحله‌ای از رشد ساختار تشکیلاتی دارد که در آن، بنیان‌گذاری و تقویت نظام اداری در اولویت است. این عصر مطابق توقیع ۱۱۰ بدیع ۱۳۳۲ شمسی، در امتداد طرح گسترش قدرت ساختاری تشکیلات تا مرحله ششم و هفتم قرار می‌گیرد.
- **نظم جهان‌آرا / نظم جهانی:** منظور از این واژه، نظم سیاسی-اداری خاصی است که به‌صورت تدریجی و طبق نقشه‌های خاصی پیاده می‌شود و هدف آن، تأسیس نظم حکومتی جهانی با رهبری مرکز تشکیلات است.
- **مدنیت الهیه:** واژه‌ای که بیشتر به‌عنوان جایگزین برای ساختار سیاسی-فرهنگی مطلوب تشکیلات بهائی استفاده می‌شود و در اینجا به‌عنوان هدف نهایی معرفی شده است.

تحلیل هدفمند

نکته کلیدی در این سند، استفاده صریح از واژگان «نظم جهانی» و «مدنیت الهیه» است که با درک تشکیلاتی همراه بوده و نشان می‌دهد هدف، ایجاد یک سیستم همه‌جانبه است؛ سیستمی که نه‌تنها در عرصه معنوی بلکه در ابعاد ساختاری و حکمرانی نیز برنامه‌ریزی‌شده و گسترش‌پذیر است.

ذکر عصر تکوین در پیوند با تأکید بر تأسیس نظم جهانی، مؤید آن است که این مرحله از تاریخ تشکیلات، صرفاً جنبه نمادین ندارد، بلکه بستری است برای تدارک رسیدن به مرحله ششم (حکومت کشوری) و مرحله هفتم (حکومت جهانی).

====

✳ مقاله ۶۷: نظم اعظم و فروپاشی نظم سابق؛ مبنای ایدئولوژیک انقلاب تشکیلاتی بهایی

تحلیل ساختاری و تشکیلاتی

📜 متن اصلی سند

شوقی افندی – نداء به اهل عالم، صفحه ۲۶:

«آن‌همه مولود نظم در حال تکوین جهانی حضرت بهاءالله است که در شأنش چنین فرموده‌اند:

"قَدِ اضْطَرَبَ النَّظْمُ مِنْ هٰذَا النَّظْمِ الْأَعْظَمِ وَ اخْتَلَفَ التَّرْتِيبُ بِهٰذَا الْبَدِيعِ"

(نظم سابق به سبب این نظم اعظم دچار تزلزل شده و ساختارها به واسطه این نوپیدا دگرگون گشته‌اند.)

آیا این بحران و هیجان حادی که حال بشر را احاطه نموده و در تاریخ نوع انسانی بی‌نظیر است، به چه منبع و مبدئی می‌توان نسبت داد جز آنکه بگوییم که آن‌همه از تأثیرات روح عظیمی است که به فرموده حضرت باب در حقائق جمیع ...»

🔗 لینک منبع: [نداء به اهل عالم – صفحه ۲۶]

🔍 تحلیل واژگانی و مفهومی

در این بخش از نوشتار شوقی، محور اصلی تحلیل، تبیین «نظم در حال تکوین جهانی» است که با عباراتی چون «نظم اعظم» و «بدیع» توصیف می‌شود. وی با استناد به گفتار صریح بهاءالله، دگرگونی بنیادین نظم‌های گذشته را نتیجه مستقیم ظهور نظم اداری جدید می‌داند. جمله عربی ذکرشده نیز ناظر به همین دگرگونی‌های ساختاری است.

واژگان کلیدی:

- **نظم اعظم:** اشاره به ساختار تشکیلاتی گسترده‌ای دارد که بنیان آن توسط بهاءالله گذاشته شده و توسط شوقی و پس از او بیت‌العدل گسترش یافته است.
- **تکوین:** این واژه در اینجا نه به‌معنای طبیعی رشد تدریجی، بلکه به مفهوم «ساختن و پی‌ریزی هدفمند یک نظم» است. استفاده مکرر از آن در اسناد شوقی افندی مؤید برنامه‌ریزی دقیق تشکیلات برای ساخت نظم نوین جهانی است.
- **اضطراب نظم و اختلاف ترتیب:** این دو عبارت که در متن عربی آمده، نمایانگر آن است که هدف، نه صرفا تبلیغ یک پیام معنوی، بلکه ایجاد تحول عملی در ساختارهای اجتماعی، سیاسی و جهانی است.

🧩 تحلیل ساختاری و تشکیلاتی

نظم مورد بحث در این سند، به‌روشنی از دایره اعتقادی فراتر رفته و در قالب یک سیستم دارای قدرت ساختاری ظاهر می‌شود. شوقی با آوردن جمله‌ای از بهاءالله، استدلال می‌کند که فروپاشی نظم‌های موجود نتیجه ظهور نظمی جدید با ادعای جهانی است. واژه «تکوین» در این بافت، کاملاً قابل تطبیق با اقدامات مرحله‌ای و هدفمند تشکیلات بهائی است که از دهه‌های میانی قرن بیستم آغاز و تا امروز در قالب طرح‌ها و برنامه‌های چندساله پی‌گرفته شده‌اند.

در این سند واژگان «نقشه» و «مشروعات» به‌کار نرفته‌اند، اما مضمون آن کاملاً با همان اهداف تطبیق دارد. ادبیات به‌کار رفته پیرامون نظم در حال تکوین، همان منطقی را دارد که بعدها در نقشه‌های تشکیلاتی بیت‌العدل ظهور کامل یافت. از این رو، می‌توان گفت این بخش، مبنای ایدئولوژیک برای فاز عملیاتی بعدی تشکیلات را فراهم می‌سازد.

🧬 نتیجه‌گیری

این سند به‌وضوح نظم بهائی را صرفاً یک باور یا عرفان شخصی نمی‌داند، بلکه آن را به‌مثابه پروژه‌ای می‌بیند که هدف آن دگرگونی نظم اجتماعی و جهانی از طریق ایجاد یک ساختار مرکزی است. نوع نگارش شوقی افندی، خصوصاً با استفاده از اصطلاحاتی چون "نظم اعظم" و نقل‌قول مستقیم از بهاءالله، گواهی است بر تلاش در جهت ساخت یک قدرت ساختاری با مقیاس جهانی.

====

✳ **مقاله ۶۸: عصر تکوین و فروپاشی نظم‌های قدیم؛ تشکیلات بهائی به‌مثابه نباض تاریخ**

📜 **متن اصلی سند**

شوقی افندی – نداء به اهل عالم، صفحه ۲۷:

«نباض است و جهان را بلرزه می‌افکند و نیرویش می‌دهد و نجاتش می‌بخشد.

این تشنجات جامعه امروزی جهان، این غلیان افکار جنون‌آسای مردمان، این آتش‌سوزان منازعات نژادی و دینی و طبقاتی، این غرقاب ملل، این سقوط پادشاهان و تجزیه امپراطوری‌ها و انقراض سلسله‌ها و هبوط مقامات دینی و انحطاط مؤسسات معهود و قدیم و گسستن رشته‌های عرفی و دینی که طی قرون و اعصار مردم دنیا را بهم پیوند می‌داد، تمام شواهدی هستند که از شروع جنگ اول جهانی که درست قبل از طلوع عصر تکوین امر حضرت بهاءالله بوده، به منصه ظهور رسیده‌اند...»

🔗 لینک منبع: نداء به اهل عالم – صفحه ۲۷

🔍 **تحلیل مفهومی و واژگانی**

این بخش از نوشته‌ی شوقی افندی به توصیف یک بحران جهانی می‌پردازد که آن را نه صرفاً نتیجه تحولات تاریخی یا سیاسی، بلکه نشانه‌ی ظهور یک نیروی تازه و بنیادین می‌داند که جهان را «بلرزه می‌افکند و نیرو می‌دهد و نجات می‌بخشد». استفاده از واژه‌هایی مانند تشنجات، سقوط، انحطاط و گسستن رشته‌ها، نشان‌دهنده درک نویسنده از مرحله‌ای گذار است؛ مرحله‌ای که از یک نظم قدیم به نظمی جدید منتهی می‌شود.

واژگان کلیدی:

- **نباض:** کنایه از نیرویی زنده و فعال است که همچون قلب، جهان را به حرکت درمی‌آورد. این استعاره نشان‌دهنده تلقی تشکیلات از نقش خود به‌عنوان نیروی حیاتی نظم نوین جهانی است.
- **عصر تکوین:** اشاره به فازی از پروژه ساختاری تشکیلات بهائی است که بلافاصله پس از جنگ جهانی اول آغاز شده. این دوره بر اساس اسناد رسمی، مقدمه‌ای بر مرحله‌های بعدی در راستای استقرار نظام جهانی مورد نظر تشکیلات است.
- **هبوط مقامات دینی و انحطاط مؤسسات قدیم:** این عبارات آشکارا فرآیند افول نهادهای سنتی را نشان می‌دهند که در ادبیات شوقی افندی به عنوان زمینه‌ساز برای شکل‌گیری نظم جدید تلقی می‌شود.

🧠 **تحلیل ساختاری و تشکیلاتی**

سند حاضر یکی از روشن‌ترین نمونه‌های تحلیل عملکردی تشکیلات بهائی در قالب تغییر نظم جهانی است. از نظر نگارنده سند، پدیده‌هایی چون سقوط سلطنت‌ها، گسست نهادهای دینی و تنش‌های نژادی، نه پدیده‌هایی تصادفی، بلکه نشانه‌هایی از آغاز پروژه‌ای بزرگ‌تر هستند که با تعبیر «عصر تکوین» به آن اشاره می‌شود.

در این بخش واژه‌های «نقشه» یا «مشروعات» ذکر نشده‌اند، اما نشانه‌های روشن از تغییر مسیر تشکیلات از فعالیت تبلیغی به مرحله‌های عملیاتی دیده می‌شود. اشاره به «شروع عصر تکوین» بلافاصله پس از جنگ جهانی

اول، در انطباق با زمان‌بندی‌های ارائه‌شده در سایر اسناد مانند توقیع ۱۱۰ بدیع ۱۳۳۲ شوقی، نشان از شروع فرایند مرحله‌مند شکل‌گیری ساختار جهانی دارد.

🧩 نتیجه‌گیری

تحلیل این سند نشان می‌دهد که تشکیلات بهائی، فراتر از یک نظام اعتقادی، به عنوان یک پروژه ساختاری عمل می‌کند که خود را در موقعیت جایگزین نظم قدیم جهانی تعریف کرده است. زبان استعاری پرشده از مفاهیم بحران، نجات، زوال نهادهای سنتی، و ظهور نیروی تازه، همگی بر نقش‌آفرینی هدفمند تشکیلات در مسیر دگرگونی‌های اجتماعی و سیاسی جهانی تأکید دارند. این سند به روشنی بخش دیگری از پازل ایدئولوژیک و عملیاتی تشکیلات را نمایان می‌سازد.

====

✳ مقاله ۶۹: آغاز عهد تکوین؛ تثبیت تشکیلات جهانی پس از جنگ جهانی اول

📃 متن اصلی سند

شوقی افندی – حصن حصین شریعت الله، صفحه ۳:

«جامعه پیروان امر حضرت بهاالله که مظفراً از بوته جنگ جهانی سر بیرون آورده و با غلبه مقاومت‌ناپذیر وارد عهد تکوین دور بهایی می‌شوند، در این اوان صلح، فتوحات در هر دو نیمکره ارض موفق گشته‌اند که ملاحظه آن قلب مرا مشحون از شعف و تحسین و مباهات می‌سازد. این سنین اولیه قرن ثانی دور بهایی که مقارن با مرحله نهایی بیست و پنج سال بعد از اختتام عصر رسولی است، با ابراز روح اتحاد و عزم راسخ و فداکاری و نیز یک رشته موفقیت‌های مرتب و مشعشع جهانی از طرف قاطبه یاران و در رأس آن جامعه شجاع بهایی امریک، واضحاً مشخص و ممتاز است. در این سه سالی که از جشن‌های مئوی می‌گذرد، هم اساس امر الله ...»

🖇 لینک منبع: حصن حصین شریعت الله – صفحه ۳

🔍 تحلیل واژگانی و مفهومی

این سند نشان‌دهنده تصویری از جامعه بهایی است که پس از جنگ جهانی اول با قدرتی فزاینده وارد مرحله‌ای جدید شده است که در ادبیات تشکیلاتی به «عهد تکوین دور بهایی» معروف است.

عبارات کلیدی:

- «**مظفراً از بوته جنگ جهانی**»: اشاره‌ای است به بقا و پیروزی تشکیلات بهایی پس از بزرگ‌ترین بحران جهانی آن زمان (جنگ جهانی اول) که زمینه را برای اقدامات سازمان‌یافته فراهم کرده است.
- «**عهد تکوین**»: اصطلاحی کلیدی که به دوره‌ای اشاره دارد که تشکیلات بهایی از مرحله آرمانی و تبلیغی به مرحله ساختارمند و عملیاتی برای تحقق اهداف حکومتی می‌رسد.

- «**فُتوحات در هر دو نیمکره ارض**»: این تعبیر به موفقیت‌ها و گسترش نفوذ تشکیلات در سطح جهانی دلالت دارد، نه صرفاً معنوی بلکه ساختاری و تشکیلاتی.
- «**روح اتحاد، عزم راسخ و فداکاری**»: این عبارتها مؤید فعالیت هماهنگ و سازمان‌یافته اعضای تشکیلات است که پشتوانه گسترش و تحکیم قدرت سازمانی محسوب می‌شود.

🧠 تحلیل ساختاری و تشکیلاتی

این سند نشان‌دهنده گذار تشکیلات بهایی از مرحله اولیه تبلیغ و آرمان‌گرایی به مرحله سازمان‌یافته و عملیاتی است. اصطلاح «عهد تکوین» که بارها توسط شوقی افندی در اسناد بالا دستی ذکر شده، تأکیدی بر برنامه‌ریزی دقیق برای تحول ساختاری است.

با وجود اینکه در این سند واژگان «نقشه» یا «مشروعات» به صراحت نیامده‌اند، اما مضمون و روح کلی آن کاملاً با استراتژی‌های تشکیلاتی مندرج در الواح ملکوتی عبدالبها و نقشه‌های بعدی بیت‌العدل همراستا است. این مرحله، که بیست و پنج سال پس از پایان عصر رسولی آغاز شده، مسیر تبدیل تبلیغ به حکومت را روشن‌تر کرده است.

🧩 نتیجه‌گیری

سند حاضر نشان می‌دهد که تشکیلات بهایی، پس از عبور از بحران‌های بزرگ جهانی، در دوره‌ای ساختاری و عملیاتی قرار گرفته که هدفش تثبیت و گسترش نظم اداری خود در سطح جهانی است. شوقی افندی با استفاده از عباراتی چون «عهد تکوین» و «فُتوحات در هر دو نیمکره» بر اهمیت پیشرفت مرحله‌ای و سازمان‌یافته تأکید می‌کند و این روند را نشانه‌ای از تحقق اهداف بلندمدت تشکیلات می‌داند.

====

✳ مقاله ۷۰: غربالگری امنیتی در تشکیلات بهایی؛ تقویت کنترل تشکیلاتی در آستانه فاز دوم تکوین

📃 متن اصلی سند

شوقی افندی – حصن حصین شریعت‌الله، صفحه ۶:

«محفل روحانی ملی باید معرفی‌نامه‌های افراد خارجی را مطالبه و رسیدگی نماید. به سبب ورود نفوس بی‌وفائی به اسم بهائی، مطالبه و رسیدگی معرفی‌نامه از طرف محفل امری ضروری است؛ والا اثرات سوء فساد اشاعه یافته، خدمات جلیله جامعه بهائی امریکا را ضایع خواهد کرد. (تاریخ تقریبی: ژوئن ۱۹۴۷)

ضرورت مقابله با احتیاجات زمان حاضر

سنین اولیه قرن ثانی بهائی با اختتام عهد اول عصر تکوین دور ...»

👆 لینک منبع: حصن حصین شریعت‌الله – صفحه ۶

🔍 تحلیل واژگانی و مفهومی

«**محفل روحانی ملی**»: این واژه به ساختار رسمی و اداری تشکیلات بهایی اشاره دارد که در سطح ملی وظایف اجرایی، نظارتی و حفاظتی را برعهده دارد. تأکید بر لزوم بررسی هویت و وفاداری افراد، نشان‌دهنده ماهیت امنیتی و حفاظتی این نهاد در قبال نفوذ احتمالی عناصر غیرهمسو با خط تشکیلات است.
«**مطالبه و رسیدگی معرفی‌نامه**»: این اصطلاح فراتر از یک فرآیند معمولی اداری است. این بند نشان می‌دهد که تشکیلات بهایی با دقت در حال غربالگری افرادی است که وارد این ساختار می‌شوند، تا از نفوذ فکری یا سیاسی جلوگیری کند. کنترل دروازه‌ای (gatekeeping) نوعی رفتار ساختارمند و متمرکز در سازمان‌هایی با اهداف کلان است.
«**نفوس بی‌وفائی**»: این عبارت مفهومی است در اسناد تشکیلاتی برای اشاره به افرادی که به هر نحو مغایر با اهداف یا انسجام ساختاری عمل می‌کنند. مقابله با این گروه بخشی از سیاست‌های کنترلی تشکیلات است.
«**خدمات جلیله جامعه بهائی امریکا**»: به‌وضوح جایگاه ویژه جامعه بهایی آمریکا در ساختار جهانی مورد تأکید قرار گرفته و محافظت از آن به‌مثابه حفاظت از پایگاه اصلی تشکیلات محسوب می‌شود.

🧠 تحلیل ساختاری و عملکردی

این سند در بستری نگاشته شده که با ورود به «سنین اولیه قرن ثانی بهائی» و «اختتام عهد اول عصر تکوین» همراه است. عبارت «عهد اول عصر تکوین» بیانگر این است که تشکیلات در حال عبور از فاز ابتدایی تکوین به مراحل میانی یا پیشرفته‌تر است.

در این مرحله، نیاز به تقویت ساختارهای حفاظتی، شناسایی دقیق اعضا، و کنترل ورود افراد مورد تأکید قرار گرفته است. چنین اقداماتی در راستای تثبیت هویت تشکیلات و آمادگی برای ورود به مراحل بعدی گسترش ساختاری قابل تفسیر است.
از طرفی، عبارت «**ضرورت مقابله با احتیاجات زمان حاضر**» نیز روشن می‌سازد که تشکیلات، تحولات بیرونی را به‌مثابه تهدید یا فرصت در نظر گرفته و واکنش‌های ساختاری بر اساس آن تنظیم می‌شود.

🧩 نتیجه‌گیری

سند شصت‌وچهارم به روشنی نشان می‌دهد که تشکیلات بهایی با تأکید بر نظارت دقیق و ساختارمند، در حال تقویت بنیان‌های اداری و حفاظتی خود است. ورود به مرحله جدیدی از «عصر تکوین» همزمان با تغییرات جهانی، تشکیلات را بر آن داشته که فرآیندهای امنیتی و نظارتی را رسمی‌تر، دقیق‌تر و اجرایی‌تر کند.

این سند از یک‌سو بر اهمیت انضباط درونی و صیانت ساختاری تأکید دارد و از سوی دیگر نشان می‌دهد که تشکیلات در راستای آماده‌سازی برای مراحل پیشرفته‌ترِ تحقق نظم اداری جهانی حرکت می‌کند.

====

✳ مقاله ۷۱: از تکوین تا طلوع تمدن هزارساله؛ برنامه‌ریزی ساختاری تشکیلات بهایی برای تسلط درازمدت

📃 متن اصلی سند

شوقی افندی – حصن حصین شریعت‌الله، صفحه ۷:

«دافعه‌ای بوده است که از دو ظهور مستقل و تأسیس میثاقی بی‌نظیر و عدیل در تاریخ روحانی بشر ساری و جاری گشت. بیت و سه سال آخر این قرن مقارن بود با عهد اول عصر ثانی که عصر جدید یا عصر تکوین دور بهائی بوده و اولین عهد از سلسله عهودی است که مقدم بر حلول عصر ذهبی دور بهائی قرار دارد، دوری که بشهادت صریح موسس آئین بهائی امتدادش لااقل هزار سال است و حلقه اولی از ادواری است که در آن مظاهر مقدسه آینده به تسلسل ظهور خواهند کرد و کل مستمد و مستفیض از موسس آئین بهائی بوده و مجموعاً امتدادش لااقل پانصد هزار سال خواهد بود...»

📎 منبع: [حصن حصین شریعت‌الله – صفحه ۷]

🔍 تحلیل واژگان کلیدی و ساختار مفهومی

- «**دو ظهور مستقل**»: اشاره به باب و بهاءالله که مبنای ساختار تشکیلات بهایی‌اند. استقلال هر ظهور، توجیه‌گر مشروعیت دوپایه‌ای نظم پیشنهادی است.
- «**میثاق بی‌نظیر و عدیل**»: نه صرفاً عهد عقیدتی، بلکه سازوکار اداری برای انتقال قدرت و تثبیت ساختار رهبری در تشکیلات.
- «**عصر تکوین**»: مرحله گذار به تثبیت ساختار حکومتی بهایی. این واژه شالوده تحلیل تشکیلاتی و طرح توسعه قدرت است.
- «**عصر ذهبی**»: مرحله نهایی حکومت جهانی بهایی که نظم ادعایی تشکیلات تحقق کامل می‌یابد.
- «**تسلسل مظاهر مقدسه**»: راهکاری برای تضمین بقا و استمرار تشکیلات با مدل جانشینی معنوی تا پانصد هزار سال آینده.

🧠 تحلیل عملکردی و هدف‌گذاری استراتژیک

این سند نقشه‌ای نظری برای تبدیل باور دینی به نظم تمدنی است. حتی بدون ذکر صریح واژگانی مانند «نقشه» یا «مشروعات»، ساختار آن کاملاً مبتنی بر طرح و مرحله‌بندی است.

توالی زمانی از «عصر تکوین» تا «عصر ذهبی»، همراه با پیش‌بینی ظهورات بعدی، نمایانگر برنامه‌ای تمدن‌محور با ساختاری پیچیده، سلسله‌مراتبی، و متمرکز است.

کاربرد اعداد سنگین مانند «هزار سال» و «پانصد هزار سال» نشان می‌دهد که این تشکیلات نه‌تنها به بقا، بلکه به تسلط بلندمدت جهانی می‌اندیشد.

📌 جمع‌بندی

مقاله ۷۱ تصویری عینی از یک ایدئولوژی تشکیلاتی فراتر از دین سنتی به‌دست می‌دهد.

در این ساختار، مفاهیمی چون **میثاق، عصر تکوین، و عصر ذهبی**، اجزای یک طرح کلان برای تحقق یک **نظم حکومتی معنوی-سیاسی جهانی** هستند.

سند، ادعای آینده‌داری پانصد هزار ساله برای این نظام دارد و آن را به‌عنوان وارث تمدنی بشریت معرفی می‌کند.

====

✳ مقاله ۷۲: نظم اداری یا پیش‌نویس یک حکومت جهانی؟ تحلیل تشکیلاتی از گام‌های اجرایی بیت‌العدل

📃 متن اصلی سند

شوقی افندی – حصن حصین شریعت‌الله، صفحه ۸:

«اداری باشد که با سعی و مجاهدات فراوان تأسیس گشته و از طرف دیگر شاهد بسط و توسعه متوالیه اجرای نقشه تبلیغی حضرت عبدالبهاء در خارج از نیمکره غربی و قاره اروپا گردد. بیت‌العدل اعظم، اکلیل جلیل نظم اداری در این عصر تکوین امرالله، در طی عهد کنونی و عهود آینده آن، انتخاب بیت‌العدل اعظم الهی، آخرین و اعظم مرحله از مراحل تشیید اساس نظم اداری انجام شود و احکام کتاب مستطاب اقدس، ام‌الکتاب آئین بهائی تدوین و احکامش اعلان گردد و صلح اصغر تأسیس و وحدت نوع بشر...»

📎 منبع: حصن حصین شریعت‌الله – صفحه ۸

🔍 واژه‌نگاری و تحلیل مفاهیم کلیدی

- **نقشه تبلیغی حضرت عبدالبهاء:** آغاز طرح‌ریزی مرحله‌دار و هدف‌مند تشکیلات بهایی. این نقشه‌ها فقط جنبه تبلیغی ندارند، بلکه فاز اجرایی ساختار حکومتی‌اند.
- **بسط و توسعه متوالیه:** نشانه اجرای یک برنامه مستمر و سازمان‌یافته، با هدف توسعه جغرافیایی و ساختاری تشکیلات بهایی.
- **نظم اداری – اکلیل جلیل – بیت‌العدل اعظم:** تأسیس یک ساختار حاکمیتی فراملی با بالاترین مرجع تصمیم‌گیر، معادل یک نهاد فرمانروای جهانی.
- **عصر تکوین امرالله:** مرحله گذار از دیانت فردی به ساختار حکمرانی. آماده‌سازی برای ظهور نظم بین‌المللی بهایی.
- **تشیید نظم اداری:** به‌معنای ساخت‌وساز نهادی برای حکمرانی. فرآیند رسمی‌سازی قدرت تشکیلاتی.
- **کتاب اقدس – ام‌الکتاب:** قانون اساسی حکومت جهانی بهایی. اعلان احکام آن، گامی در راستای قانون‌گذاری رسمی است.
- **صلح اصغر – وحدت نوع بشر:** مرحله نهایی تثبیت ساختار جهانی بهایی، با جایگاه راهبری بین‌المللی. صلح اصغر مفهومی تشکیلاتی است، نه صرفاً اخلاقی.

🧠 تحلیل ساختاری و راهبردی

این سند از روشن‌ترین اسناد راهبردی بیت‌العدل است که عبور از مرحله اعتقاد به مرحله ساختار را نشان می‌دهد. مفاهیمی مانند نقشه، تکوین، بیت‌العدل اعظم، احکام اقدس، و صلح اصغر نمایانگر پروژه‌ای حکومتی است که با ظاهری معنوی به اجرا درمی‌آید.

در این مدل، **بیت‌العدل اعظم** به‌عنوان «اکلیل جلیل» در رأس ساختار ایستاده و نقشه‌هایی را پیاده می‌کند که هدف نهایی آن‌ها تحقق حکومت جهانی بهایی است.
شکل‌گیری این نظم، بستر تحقق مرحله ششم (حکومت ملی) و مرحله هفتم (حکومت جهانی) در ساختار تشکیلاتی را فراهم می‌سازد.

📌 جمع‌بندی

مقاله ۷۲ اثبات می‌کند که نظم اداری بهایی، صرفاً سازوکار سازمانی درون‌دینی نیست، بلکه زیرساختی برای پیاده‌سازی یک **حکومت جهانی مذهبی** است.
عصر تکوین، مرحله اجرایی ساخت نهادهای قدرت تشکیلاتی است؛ بیت‌العدل در آن نقش ستاد فرماندهی جهانی دارد.
واژگان به‌کاررفته در سند، زبان برنامه‌ریزی حکومتی است، نه خطابه اخلاقی.
تشکیلات، گفتمان خود را در قالب نقشه، قدرت، قانون‌گذاری و نظام اجرایی بازتعریف کرده و در پی سلطه‌ای جهانی از مسیر دینی است.

====

✳️ مقاله ۷۳: تشکیلات جنینی با رؤیای سلطه جهانی؛ از نقشه تبلیغی تا مدنیت الهی سیاسی

متن اصلی سند از کتاب شوقی: حصن حصین شریعت الله صفحه ۹

«جهان‌آرای حضرت بهاءالله است که حال در مرحله جنینی است و باید حلول عصر ذهبی و در نتیجه اعلان صلح اعظم و مدنیت الهی جهانی را که صلح ثمره آن است تسریع نماید. مقاصد چهارگانه‌ای که مجریان نقشه آن را در مرحله کنونی پیشرفت دنبال می‌کنند و موید دو رشته اقداماتی است که در افتتاح عصر تکوین شروع گردیده بود، باید به کمال جدیت و بدون تردد ادامه یابد، در دومین ...»

منبع: (https://reference.bahai.org/fa/t/se/CF/cf-21.html#pg9)

تحلیل متن و نکات کلیدی

مرحله جنینی جهان‌آرایی حضرت بهاءالله: این عبارت به وضوح نشان می‌دهد که تشکیلات بهایی در مرحله

آغازین فرآیند تحقق اهداف خود قرار دارد. تشکیلات در وضعیت رشد و شکل‌گیری قرار دارد و به عبارتی می‌توان گفت که هنوز به مرحله بلوغ نرسیده است. این نکته مهم، روندی برنامه‌ریزی‌شده و بلندمدت را برای رسیدن به اهداف نهایی حکومتی و ساختاری نشان می‌دهد.

حلول عصر ذهبی و اعلان صلح اعظم: عصر ذهبی در این متن به عنوان دوره‌ای آرمانی معرفی شده که تحقق آن به منزله آغاز صلح و مدنیت جهانی خواهد بود. این مرحله نه تنها شامل جنبه‌های دینی، بلکه ابعاد سیاسی و اجتماعی گسترده‌ای را در بر می‌گیرد. در واقع، این بیان نشان می‌دهد که تشکیلات بهایی هدف نهایی خود را نه صرفاً تبلیغ دینی، بلکه ایجاد یک حکومت جهانی و تحقق صلح جهانی تعریف کرده است.

مقاصد چهارگانه و نقشه‌های اجرایی: واژه «نقشه» به طور خاص اهمیت دارد، زیرا نشان‌دهنده برنامه‌ریزی‌های دقیق و هدفمند است که تشکیلات بهایی در مسیر تحقق اهداف خود دنبال می‌کند. این نقشه‌ها فراتر از شعارهای آرمانی است و نشان می‌دهد که اقدامات تشکیلات از فاز نظری و تبلیغ دینی به فاز عملیاتی و اجرایی تبدیل شده است. این موضوع دلالت بر برنامه‌ریزی نظام‌مند و ساختاری برای گسترش نفوذ و تثبیت قدرت دارد.

دو رشته اقداماتی که در افتتاح عصر تکوین شروع شده‌اند: این بخش نشان می‌دهد که اقدامات عملی و راهبردی تشکیلات بهایی از زمان آغاز عصر تکوین به صورت مستمر ادامه یافته‌اند. «دومین...» که در متن قطع شده احتمالاً به مرحله‌ای از این فرآیند اشاره دارد که ادامه و تکمیل آن اهمیت حیاتی دارد. تاکید بر استمرار و جدیت نشان می‌دهد که این پروژه در مسیر خاصی تعریف شده و قرار نیست متوقف شود.

لزوم پیگیری بدون تردید و جدیت کامل: این تأکید بیانگر آن است که تشکیلات بهایی قصد دارد تا اهداف بلندمدت و حکومتی خود را با حداکثر تمرکز و بدون هیچ گونه تأخیر یا انحراف دنبال کند. این جدیت نشان‌دهنده اهمیت بالای این پروژه و تمایل برای ایجاد تغییرات عمیق و ساختاری در سطح جهانی است.

سابقه تاریخی و تداوم اقدامات: متن اشاره به «افتتاح عصر تکوین» دارد که خود آغازگر یک دوره زمانی مشخص است. این تأکید بر دوره‌های زمانی، حکایت از یک فرآیند تاریخی منسجم و برنامه‌ریزی شده دارد که از سال‌ها پیش آغاز شده و همچنان ادامه دارد. این موضوع در تضاد با نگاه صرفاً دینی و آرمانی است و نشان‌دهنده یک پروژه سیاسی-تشکیلاتی دقیق و هدفمند است.

نکات مهم در چارچوب تحلیلی

در این سند واژه «دین» به معنای ساختار بنیادگرای تشکیلات بهایی است و نه اعتقادات فردی پیروان آن.

استفاده از «نقشه» به معنای وجود برنامه‌های عملیاتی دقیق است که اهداف سیاسی و حکومتی تشکیلات بهایی را دنبال می‌کند.

این سند بار دیگر تأکید می‌کند که تشکیلات بهایی در پی رسیدن به مرحله ششم (حکومت کشوری) و مرحله هفتم (حکومت جهانی) هستند.

تأکید بر «صلح اعظم» و «مدنیت الهی جهانی» به مثابه مرحله نهایی نشان‌دهنده هدف کلان ساختار برای تسلط و حکمرانی است.

واژه‌های عربی متن دارای اعراب (حصن حصین شریعت الله) به معنای «قلعه مستحکم شریعت خدا» است که نمادی از قدرت و انسجام ساختار تشکیلات بهایی است.

جمع‌بندی

سند شصت و هفتم به طور واضح روند پیشرفت تشکیلات بهایی را به مثابه پروژه‌ای پیچیده و برنامه‌ریزی‌شده نشان می‌دهد که هدف نهایی آن تشکیل نظم جهانی بر پایه آموزه‌ها و ساختارهای این تشکیلات است. این فرآیند از مرحله‌ای ابتدایی (جنینی) آغاز شده و با جدیت و بدون توقف به سوی تحقق اهداف سیاسی و حکومتی پیش می‌رود. تأکید بر نقشه و مقاصد چهارگانه، به وضوح از حرکت از تبلیغ صرف دینی به سمت اقدامات عملیاتی و ساختاری حکایت دارد.

====

✳ مقاله ۷۴: نقشه‌مند و هدفمند؛ تشکیلات بهایی در مسیر مهندسی حکمرانی جهانی

📃 بررسی اسناد بالادستی مبتنی بر حکومت‌خواهی تشکیلات بهائی | سند شصت و هشتم

🔍 تحلیل سند شوقی (حصن حصین شریعت‌الله، صفحه ۱۷)

«اولای نقشه الهی در سال‌های آخر عهد اول عصر تکوین امرالله شروع شده است. اکنون تشکیل دو محفل روحانی ملی مستقل در مناطق شمالی و جنوبی آمریکای لاتین باید یکی از اساسی‌ترین مقاصد نقشه هفت‌ساله دوم باشد. نقشه‌ای که آغازش مقارن با سال‌های اول قرن دوم بهائی بوده و مخصوصاً با مرحله اولای عهد ثانی عصر مزبور مرتبط است.»

🔗 منبع: https://reference.bahai.org/fa/t/se/CF/cf-29.html#pg17

📌 مفهوم «نقشه» در ساختار تشکیلاتی بهایی

برخلاف ظاهر واژه «نقشه» که در ادبیات بهایی با واژگانی مانند «الهی» و «تبلیغی» همراه شده است، بررسی دقیق متون و روند تاریخی نشان می‌دهد که «نقشه» در این ساختار معنایی فراتر از صرفاً گسترش دینی دارد. واژه‌ی «نقشه» نقطه‌ی عطفی است که در آن، مسیر آرمانی یک ساختار، وارد فاز اجرایی، میدانی و تشکیلاتی می‌شود.

در اسناد شوقی، به‌ویژه همین سند (صفحه ۱۷ از حصن حصین شریعت‌الله)، به‌روشنی شاهد گذار از دوران «آرمانی‌سازی» به مرحله «عملیات سازمان‌یافته» هستیم. در اینجا، دیگر با توصیه به تبلیغ شخصی مواجه نیستیم، بلکه با تعیین اهداف، نهادها، مناطق جغرافیایی خاص و زمان‌بندی، به‌طور رسمی نقشه‌ریزی شده است.

تحلیل واژگانی:

«نقشه الهی» = ساختار عملیات‌محور سیاسی – اداری

«تبلیغ» = پوششی معنوی و معنوی‌نما برای کاهش حساسیت حکومت‌ها

«تشکیل محافل روحانی ملی مستقل» = تأسیس نهادهای قدرت‌مند موازی با ساختار دولت‌ها

📌 سه نقشه شوقی افندی: تبدیل اندیشه به ساختار

شوقی افندی، ولیّ امر تشکیلات بهایی، پس از دریافت مسئولیت از مرکز میثاق (عبدالبها)، روند «تکوین» تشکیلات را از طریق طراحی نقشه‌ها ساماندهی کرد.

مفهوم «تکوین» در اسناد شوقی (همچون توقیع ۱۱۰ بدیع ۱۳۳۲) ناظر به برنامه‌ریزی تدریجی برای ساختار حکومتی تشکیلات است. تکوین به معنای تکامل مرحله به مرحله از فاز فرهنگی به مرحله سازمانی، و سپس به مرحله حکمرانی است.

- **نقشه اول: هفت‌ساله اول (۱۹۳۷–۱۹۴۴)**

نخستین نقشه عملیاتی جهانی تشکیلات بهایی پس از عبدالبها. تمرکز بر امریکای لاتین، ایجاد نهادها، آموزش نخبگان محلی و طراحی ساختارهای رسمی.

☑ اهداف صریح و تعریف‌شده برای تشکیل شبکه اداری

☑ ظاهر تبلیغی – باطن حکومتی

- **نقشه دوم: هفت‌ساله دوم (۱۹۴۶–۱۹۵۳)**

همین سند شوقی (صفحه ۱۷) به نقشه دوم اشاره دارد. تشکیل دو محفل روحانی ملی در شمال و جنوب آمریکای لاتین، نه صرفاً اقدامی دینی، بلکه شکل‌دادن به ساختارهای ملی شبه‌دولتی است.

📌 این سند نشان‌دهنده ورود به مرحله «ساختار ملی» است.

🔍 اشاره به «مرحله اولای عهد ثانی» دال بر فاز تازه‌ای از تکوین است.

- **نقشه سوم: نقشه ده‌ساله (۱۹۵۳–۱۹۶۳)**

نقشه‌ای با مقیاس جهانی. ساخت مراکز، نهادها، دفاتر رسمی، خرید املاک و شکل‌دهی هویت حقوقی – نهادی در کشورهای مختلف. زمینه‌ساز تأسیس بیت‌العدل اعظم در ۱۹۶۳.

📌 نقشه سوم، در واقع فاز نهایی طرح حکومتی شوقی است؛ مرحله ششم و آستانه ورود به مرحله هفتم (حکومت جهانی تشکیلات بهایی).

📌 نقش «الواح تبلیغیه» عبدالبها: آغاز مسیر

در سال‌های ۱۹۱۶–۱۹۱۷، عبدالبها الواحی نگاشت که بعدها با نام «الواح تبلیغیه» شناخته شدند. این الواح اولین برنامه‌ریزی رسمی برای گسترش جهانی تشکیلات بهایی بود. شوقی افندی به‌صراحت نقشه‌هایش را ادامه همان مسیر معرفی می‌کند. اما با یک تفاوت کلیدی:

عبدالبها: طرح آرمانی – فراخوان به گسترش معنوی

شوقی افندی: تبدیل طرح به نقشه – ساختار عملیاتی و تشکیلاتی

از این رو، نقشه‌های شوقی امتداد فاز آرمانی الواح عبدالبها نیستند، بلکه تبدیل آن‌ها به فاز اجرایی، ساختاری و اداری‌اند.

⚠️ **نکته کلیدی**

در ظاهر، نقشه‌ها با واژگان «الهی» و «تبلیغی» مزین شده‌اند تا در سطح بین‌المللی واکنش دولت‌ها را برنینگیزند. اما در واقع، محتوا کاملاً حکومتی و تشکیلاتی است. به‌ویژه در سند صفحه ۱۷ که واژه‌های «مقاصد اساسی»، «محفل ملی»، «استقلال اداری» و «عهد ثانی» به‌روشنی بیانگر هدف تشکیل نهادهای حکومتی موازی است.

🧩 **جمع‌بندی تحلیلی**

نقشه‌ها در تشکیلات بهایی واحدهای مهندسی‌شده‌ی تغییر اجتماعی – سیاسی هستند که با ظاهری معنوی، اما با نیتی ساختاری و اداری اجرا شده‌اند. هر نقشه، گامی در جهت رسیدن به مرحله ششم (حکومت کشوری) و سپس مرحله هفتم (ساختار جهانی) است.

سند صفحه ۱۷ به روشنی بخشی از پازل عملیاتی تشکیلات بهایی است که باید با دقت و درک عمیق تاریخی مطالعه شود.

====

✳️ **مقاله ۷۵: ادغام تبلیغ و نهادسازی در مسیر اقتدار جهانی؛ گام به گام تا بیت‌العدل**

📄 بررسی سند شصت و نهم | تحلیل اسناد بالادستی مبتنی بر گرایش به تشکیل حکومت در تشکیلات بهایی

🔍 بررسی سند صفحه ۱۸ کتاب حصن حصین شریعت‌الله از شوقی افندی

«چون بوجود آیند بشارت دهنده موسساتی خواهند بود که باید در انتخاب و تشیید ارکان بیت‌العدل اعظم، یعنی اعلی معهد بنیان نظم اداری حضرت بهاالله مشارکت نمایند، موسساتی که باید تدریجاً بدون وقفه در طی عهود متوالیه عصر تکوین با تشکیل یک محفل روحانی ملی که انتخاباتش بر وفق نصوص الهیه بوده و نماینده واقعی جامعه باشد، و در هر یک از جمهوری‌های امریکای جنوبی و مرکزی بوجود آیند و بدین نحو آخرین مرحله در تکامل اداری امرالله در سراسر امریکای لاتین اتمام و اکمال پذیرد. برای اینکه این وظائف خطیره در آینده بسرعت و بنحو مؤثر مرتّباً منظّماً انجام گیرد و منطبق با اصول اداری و روحانی امر...»

🔗 منبع سند (https://reference.bahai.org/fa/t/se/CF/cf-30.html#pg18)

📌 تحلیل ساختاری و عملکردی: گام نهایی در توسعه تشکیلاتی

این بخش از نوشته شوقی افندی از اهمیت بسیار بالایی برخوردار است زیرا در آن به‌صورت شفاف، نه تنها از فرآیند توسعه‌ی تدریجی تشکیلات بهایی سخن به میان آمده بلکه هدف نهایی این فرآیند نیز تبیین شده: شرکت در انتخاب و استحکام ارکان بیت‌العدل اعظم.

در اینجا شاهد آن هستیم که ساختارهایی که ظاهراً صرفاً برای مدیریت امور دینی جوامع بهایی در سطح ملی تأسیس می‌شوند، در واقع پیش‌زمینه‌ای هستند برای ایجاد نهادی مرکزی و فراملی با ویژگی‌های حاکمیتی. به همین

دلیل در متن ذکر شده که این موسسات باید نماینده واقعی جامعه باشند؛ نه صرفاً گروهی مذهبی، بلکه ساختارهایی با نمایندگی عمومی.

📌 اصطلاح «نقشه» و ماهیت عملیاتی آن

اگرچه در این بخش از سند، واژه‌ی «نقشه» به‌طور مستقیم نیامده، اما ساختار جمله‌بندی شوقی، به‌ویژه در تأکید بر تدریجی بودن، عدم وقفه و اجرای منظم و مؤثر، دقیقاً با ادبیات اسناد دیگر مربوط به نقشه‌های هفت‌ساله و ده‌ساله‌ی تشکیلات بهایی هم‌راستا است. این سبک نگارش، بیانگر طرحی منسجم، زمان‌بندی‌شده و هدفمند است که از حالت آرمانی خارج شده و در فاز اجرایی قرار دارد.

در سایر اسناد شوقی، همین روند با واژه «نقشه» توصیف شده است. به‌ویژه در نقشه‌های هفت‌ساله اول و دوم، که این ساختارسازی‌ها در مناطق مختلف جهان تحت عنوان گسترش دینی ولی در حقیقت برای نهادسازی انجام شد.

⚙️ کاربرد اصطلاحات کلیدی در سند

☐ موسسات

در اینجا مقصود از "موسسات" نه نهادهای دینی به معنای صرف، بلکه سازه‌های تشکیلاتی هستند که وظایف قانونی، سازمانی و حتی نمایندگی را برعهده خواهند داشت. این نهادها قرار است نقش مستقیمی در انتخاب ارکان بیت‌العدل ایفا کنند که شباهت زیادی به نظام‌های نمایندگی سیاسی دارد.

☐ عصر تکوین

اصطلاح «عصر تکوین» در منظومه فکری شوقی افندی اشاره به دوره‌ای دارد که ساختارهای بهایی از فاز تبلیغ صرف به مرحله‌ی تثبیت تشکیلات و نهادسازی وارد می‌شوند. در توقیع ۱۱۰ بدیع نیز به این روند اشاره شده و آن را بخشی از پروژه‌ی بلندمدت و مرحله‌مند برای رسیدن به «حکومت بهایی» توصیف می‌کند.

📌 از آرمان تا اقدام: نقشه‌ی شوقی در امتداد الواح تبلیغیه عبدالبها

با آن‌که در این سند مشخصاً از الواح تبلیغیه ذکری نشده، اما شوقی افندی به‌صراحت تأسیس موسسات را به «تکامل اداری امرالله» مرتبط می‌سازد. این گزاره یادآور همان فاز اجرایی است که پس از الواح تبلیغیه عبدالبها در سال‌های ۱۹۱۶ و ۱۹۱۷ آغاز شده است. الواح تبلیغیه نقطه‌ی شروع این سلسله نقشه‌ها بود که از فاز تبلیغ و آرمان‌گرایی وارد مرحله نقشه‌مندی و اقدام شد.

🧠 نتیجه‌گیری تحلیلی

سند صفحه ۱۸ به روشنی یکی از قطعات کلیدی پازل شکل‌گیری ساختار حاکمیتی تشکیلات بهایی را ارائه می‌دهد. در این متن، هدف نهایی «اکمال تکامل اداری» در سطح منطقه‌ای به‌گونه‌ای طراحی شده که به ساخت بیت‌العدل و تثبیت آن به‌عنوان نهاد مرکزی مشروعیت دهد.

همه‌چیز در این طرح به‌صورت مرحله‌مند، نهادینه‌شده، و در چارچوب اصول اداری پیش‌بینی شده است؛ بدون هیچ اشاره صریح به قدرت‌طلبی، اما در عمل با تمامی ویژگی‌های یک حرکت ساختارمند برای رسیدن به نظام حاکمیتی جهانی.

====

⊛ مقاله ۷۶: جهاد روحانی در نقشه هفت‌ساله؛ گامی صامت اما ساختاری برای تشکیل حکومت جهانی بهایی

📃 بررسی سند هفتادم | تحلیل اسناد بالادستی مبتنی بر گرایش تشکیلات بهائی به ساختار حکومتی

🔍 بررسی سند صفحه ۲۵ کتاب حصن حصین شریعت‌الله نوشته شوقی افندی

«حال باید توجه خوانندگان خود را به چهارمین امری که اهم و اصعب و الزم امور بوده و باید در طی نقشه هفت ساله دوم بموقع اجرا گذاشته شود جلب نمایم و آن مبادرت به اقداماتی منظم جهت آغاز جهاد روحانی در قاره پرشور و آشوبی است که به فقر روحانی گرفتار و در این سنوات اخیره در نتیجه جریانات سیاسی و پیشرفت وسایل سیر و حرکت به جمهوری غرب بسیار نزدیک گشته و راه را برای احیای دنیای قدیم باز کرده است. جهادی که در جریان است و با قوای محیّرالعقول موضوعه در آن در بدایت دهه اول قرن دوم بهائی، در آغاز عهد دوم عصر تکوین دور حضرت...»

🔗 منبع سند (https://reference.bahai.org/fa/t/se/CF/cf-37.html#pg25)

📌 تحلیل محتوایی و ساختاری: جهاد روحانی و معنای عملیاتی آن

متن حاضر، پنجره‌ای است به درک عمیق فرآیند گذار تشکیلات بهایی از مرحله تبلیغ آرمانی و صرفاً دینی به فاز اقدامات سازمان‌یافته و هدفمند که با عنوان «جهاد روحانی» معرفی شده است. اصطلاح «جهاد روحانی» در اینجا مفهومی فراتر از معنای سنتی دارد و به فعالیت‌های تشکیلاتی برنامه‌ریزی شده برای تسخیر و تثبیت موقعیت در یک منطقه استراتژیک اشاره می‌کند.

شوقی افندی در این بخش بر ضرورت اجرای دقیق و بموقع برنامه‌های مشخص‌شده در نقشه هفت ساله دوم تأکید می‌کند؛ نقشه‌ای که به هیچ وجه صرفاً یک برنامه تبلیغی نیست بلکه به صراحت طرحی منسجم، زمان‌بندی شده و با هدف‌گذاری مشخص برای پیشبرد اهداف بلندمدت تشکیلات است.

از زبان متن برمی‌آید که قاره اروپا در آن زمان از منظر تشکیلات بهایی به‌عنوان منطقه‌ای حساس، پر از تنش‌های سیاسی و اجتماعی، و همزمان مستعد برای تحول و تغییر دیده می‌شود. از این رو «جهاد روحانی» در این زمینه معنا و کارکردی ویژه می‌یابد که با بهره‌گیری از قدرت‌های فوق‌العاده تشکیلاتی، قصد تغییر و احیای ساختارهای دینی و نهادی خود را دارد.

📌 مفهوم «نقشه» و اهمیت آن در بستر عملیاتی

در متن صراحتاً به «نقشه هفت ساله دوم» اشاره شده که خود یک مفهوم کلیدی در فهم استراتژی تشکیلات بهائی است. این نقشه نشان‌دهنده مرحله جدیدی در حرکت تشکیلات است؛ مرحله‌ای که در آن دیگر صرفاً تبلیغ و آرمان‌گرایی مطرح نیست، بلکه برنامه‌های دقیق و زمان‌بندی شده‌ای برای نهادسازی، تثبیت حضور و نفوذ در سطح ملی و بین‌المللی اجرا می‌شود.

نکته مهم این است که اصطلاح «نقشه» به معنای عملیاتی شدن برنامه‌ها است. این برنامه‌ها، برخلاف آنچه ممکن است تصور شود، فقط اعلامیه یا بیانیه نیستند بلکه دستورالعمل‌های اجرایی با اهداف مشخص و قابل سنجش هستند. شوقی افندی با تأکید بر «اقدامات منظم» و «بموقع اجرا گذاشتن» این نکته را برجسته می‌کند که تشکیلات بهائی در مسیر خود به سمت تشکیل نهادهای حکومتی، از نظم اداری، سازمانی و زمان‌بندی دقیق برخوردار است.

📌 جهاد روحانی: از معنای مذهبی تا مأموریت سازمانی

در این سند، جهاد روحانی تعریفی ویژه و پیچیده پیدا می‌کند. برخلاف تصور معمول که جهاد را یک مبارزه صرفاً معنوی یا دینی می‌داند، در اینجا جهاد روحانی بخشی از استراتژی کلی تشکیلات برای پیشبرد برنامه‌های ساختاری و نهادی است.

کلمه «جهاد» در متن همراه با عباراتی چون «قوای محیرالعقول» به کار رفته که نشان‌دهنده وجود ابزارها، منابع و نیروهای قوی درون تشکیلات است. این موضوع گواهی است بر سطح بالای سازماندهی، هماهنگی و امکانات تشکیلات که برای تحقق اهدافش در اروپا به کار گرفته می‌شود.

این جهاد، که در «بدایت دهه اول قرن دوم بهائی» و «آغاز عهد دوم عصر تکوین» صورت می‌گیرد، در واقع آغاز فاز عملیاتی جدی‌تر و پیچیده‌تر تشکیلات است که بیش از پیش سمت و سوی سیاسی و حکومتی به خود می‌گیرد.

📌 عصر تکوین: مرحله گذار به ساختار حکومتی

اصطلاح «عهد دوم عصر تکوین» که در این سند آمده، بخش مهمی از تفسیر کلان تشکیلات بهایی از تاریخ و مسیر خود است. این «عصر تکوین» اشاره به مرحله‌ای دارد که تشکیلات از حالت تبلیغ صرف و فعالیت‌های پراکنده به سمت تثبیت ساختارها و نهادسازی پیش می‌رود.

این مرحله، نقطه عطفی است که در توقیع ۱۱۰ بدیع نیز به آن اشاره شده و در آن تشکیلات با هدف‌گذاری مشخص و به صورت مرحله‌بندی شده، برنامه‌هایش را به سمت تشکیل حکومت نرم (مرحله ششم و هفتم) متمرکز می‌کند.

بر همین اساس، فهم عصر تکوین به معنای درک دقیق و عملی چگونگی گذار تشکیلات به ساختارهای حکومتی است که در قالب نهادها و سازوکارهای اداری و سیاسی نمایان می‌شود.

📌 پیوند با الواح ملکوتی عبدالبها و آغاز برنامه‌های عملیاتی

هرچند در این سند به‌طور مستقیم از الواح ملکوتی عبدالبها یاد نشده، اما «نقشه هفت ساله دوم» و مفاهیم مشابه، در امتداد همان مسیر عملیاتی است که از الواح ملکوتی در سال‌های ۱۹۱۶ و ۱۹۱۷ شروع شده است.

الواح ملکوتی، به عنوان اسناد مرجع تشکیلات، نقطه آغاز رسمی برنامه‌ریزی تشکیلات بهائی برای گذار از فاز آرمانی و تبلیغ صرف به فاز اقدام هدفمند و نظام‌مند برای رسیدن به حکومت است. این برنامه‌ها به تدریج توسعه یافته و به نقشه‌های هفت‌ساله و ده‌ساله بعدی منتهی شده‌اند.

بنابراین، سند پیش رو، گواهی بر استمرار و تعمیق این روند است که اکنون در قالب جهاد روحانی و برنامه‌های منظم اجرایی در اروپا و مناطق دیگر عملیاتی می‌شود.

🎯 نتیجه‌گیری تحلیلی: از تبلیغ به عمل ساختاری

سند صفحه ۲۵ کتاب حصن حصین شریعت‌الله به روشنی نمایانگر یک مرحله کلیدی در تحول تشکیلات بهائی است؛ مرحله‌ای که آرمان‌گرایی صرف جای خود را به برنامه‌ریزی و اجرای هدفمند داده است.

در این متن، تاکید بر «نقشه هفت ساله دوم» و «جهاد روحانی» به عنوان فعالیت‌هایی منظم، منسجم و استراتژیک، نشان‌دهنده تغییر ماهیت حرکت تشکیلات از تبلیغ دینی به حرکت نرم اما هدفمند برای رسیدن به ساختار حکومتی است.

اگرچه ادبیات متن ظاهراً بر ظرافت، نظم و پیشرفت تدریجی تاکید دارد و از ادبیات قدرت‌طلبی آشکار پرهیز می‌کند، اما تحلیل دقیق متن و زمینه تاریخی آن نشان می‌دهد که این مجموعه اقدامات در واقع بخش‌های برنامه‌ای بلندمدت و مرحله‌ای برای ایجاد حکومت بهائی در سطح جهانی است.

====

🏛️ مقاله ۷۷: «آغاز فتح سازمان‌یافته اروپا؛ گام به‌گام تا حکومت جهانی بهایی»

تحلیل مستند از اقدامات زمان‌بندی‌شده تشکیلات بهائی

📄 متن سند: حصن حصین شریعت‌الله، صفحه ۳۲ – شوقی افندی

«عهد دوم عصر تکوین دور بهائی افتتاح شده است. مصیبت قاره‌ای سعید، یا تاریخی غنی که حال عاجز و درمانده گشته، به اوج خود نزدیک می‌شود. پیشاهنگان مشعل‌دار احیای تمدن عالم به ساحل آن قدم نهاده در عواصم آن مستقر گشته‌اند. عهدی آغاز گشته است که فتح منظم قاره اروپا را بوسیله هیئتی متشکل از حواریون حضرت بهاالله افتتاح کرده است، عهدی که...»

🔗 منبع (https://reference.bahai.org/fa/t/se/CF/cf-44.html#pg32)

🔍 تبیین مفاهیم کلیدی

در این سند، عبارت «عهد دوم عصر تکوین» ناظر به آغاز دوره‌ای جدید در برنامه‌ریزی تشکیلات بهائی است که در بستر مفهومی بزرگ‌تری به نام عصر تکوین قرار دارد. عهد در ادبیات این تشکیلات به معنای مقاطع زمانی مشخص برای اجرای نقشه‌های تشکیلاتی است، نه مرحله‌ای از سیر کلی ساختار.

تمایز مهم:

عهد (Cycle): بازه‌ای از زمان برای اجرای نقشه‌های معین. تعداد عهدها محدود نیست و بنا به شرایط گسترش می‌یابد. هر عهد با نقشه‌ای معین آغاز می‌شود و متناسب با اهداف سیاسی-تشکیلاتی طراحی می‌گردد.

مراحل عصر تکوین: مجموعه‌ای هفتگانه از گام‌های کلان در استراتژی تشکیلات بهایی که از تثبیت نهادهای

اولیه آغاز شده و به حکومت جهانی ختم می‌شود. این مراحل، ساختاری‌اند؛ در حالی که عهدها زمان‌مند و تاکتیکی هستند.

📌 تحلیل سند

در سند حاضر، از آغاز «عهد دوم» سخن به میان آمده؛ عهدی که بر تمرکز بر اروپا استوار است. این قاره، در نگاه تشکیلات، منطقه‌ای آسیب‌دیده از فقر روحانی معرفی شده و اکنون با استقرار «پیشاهنگان احیای تمدن»، زمینه‌ی «فتح منظم» آن فراهم آمده است.

واژگان راهبردی:

- **فتح منظم اروپا:** عبارتی کلیدی که نشان می‌دهد هدف فراتر از تبلیغ صرف است و به استقرار پایدار تشکیلاتی می‌انجامد.
- **پیشاهنگان مشعل‌دار:** تعبیر تشکیلاتی برای اعضایی که مأمور اجرای نقشه‌ها و استقرار پایگاه‌های دینی-اداری در مناطق هدف هستند.
- **عواصم اروپا:** اشاره به هدف‌گذاری مشخص برای حضور ساختاری در مراکز سیاسی و فرهنگی قاره.

🗺️ جایگاه سند در نقشه کلان تشکیلات

اگرچه در این سند مستقیماً از «الواح تبلیغیه»، «الواح ملکوتی» یا «نقشه‌های ملکوتی» یاد نشده، محتوای آن دقیقاً در امتداد همان نقشه‌هایی است که با الواح ۱۹۱۶ و ۱۹۱۷ عبدالبها آغاز شد. این نقشه‌ها، تشکیلات بهائی را از فاز تبلیغ آرمانی وارد فاز اجرایی با برنامه‌های میدانی و زمانی کرده‌اند.
عهد دوم، یکی از بازه‌هایی است که در چارچوب اجرای نقشه‌های نهاد بیت‌العدل و پیش از آن شوقی افندی طراحی شده. نقشه‌هایی که از آغاز تا امروز، در قالب یک روند منظم، با اهدافی مرحله‌ای و نهایی به‌طور زنجیره‌ای پیش می‌روند.

📑 واژه‌شناسی تحلیلی

- **عهد:** ناظر بر تقسیم‌بندی‌های زمانی نقشه‌های اجرایی تشکیلات در درون عصر تکوین. هر عهد معمولاً با نقشه‌ای خاص همراه است. در حال حاضر، این عهدها تا «عهد ششم» ادامه یافته‌اند.
- **عصر تکوین:** دومین عصر از سه‌گانه‌ی تشکیلات بهائی (رسولی، تکوین، ذهبی) که خود شامل هفت مرحله کلان ساختاری است. عهدها در دل این عصر شکل می‌گیرند و نسبت به مراحل آن، ماهیتی تاکتیکی و برنامه‌ای دارند.
- **نقشه یا مشروعات:** اگر در سندی ذکر شوند، اشاره‌ی مستقیم به همان برنامه‌های سازمان‌یافته برای تحقق تدریجی مرحله ششم (حکومت کشوری) و هفتم (حکومت جهانی) هستند.

📈 نتیجه‌گیری

سند مذکور، نمایانگر آغاز دومین عهد از دوران عصر تکوین است؛ عهدی با تمرکز راهبردی بر اروپا، با هدف

استقرار شبکه‌های تشکیلاتی، و نه صرفاً تبلیغ آموزه‌ها. عباراتی چون «فتح منظم» و «استقرار در عواصم» گواه بر آن است که با ورود به این عهد، اقدامات تشکیلات بهایی وارد فاز عملیاتی تازه‌ای شده‌است.
در این روند، نقشه‌ها به‌عنوان ابزارهای زمان‌بندی‌شده‌ی تحقق قدرت تشکیلاتی عمل می‌کنند. تعداد عهدها محدود به عدد خاصی نیست و بسته به اقتضائات مرحله، گسترش می‌یابند؛ همچون ابزارهایی برای پیش‌برد گام‌به‌گام همان هفت مرحله‌ی کلان عصر تکوین.

====

🏛 مقاله ۷۸: «از سلطنت الهی تا سلطنت جهانی؛ طراحی گام‌به‌گام حکومت بهایی»

بازنویسی تحلیلی و دقیق سه جدول اصلی موجود در سند «سه جدول تکاملی مدنیت الهیه» ارائه می‌شود. تمرکز این بازنویسی بر نظم مفهومی، تبیین ساختاری و تحلیل سلسله‌مراتب اداری و زمانی مدنیت بهایی در نگاه شوقی افندی است، جهت فهم متون امری

▧ جدول اول: ساختار زمانی عصر تکوین و تقسیمات درونی آن

⌛ ساختار عصر تکوین

عصر تکوین که یکی از سه عصر کلی در «دور بهائی» است (عصر رسولی، عصر تکوین، عصر ذهبی)، با درگذشت عبدالبهاء (۱۹۲۱) آغاز می‌شود و همچنان ادامه دارد.
این عصر به چندین عهد تقسیم می‌شود که هر کدام از این عهدها شامل نقشه‌های زمانی و عملیاتی مشخصی هستند. هدف آن، پیاده‌سازی تدریجی نظم اداری بهایی در سطح جهانی است.

◇ جایگاه نهادها

آغاز عصر تکوین با محوریت نهاد ولی امرالله است و در ادامه، بیت‌العدل اعظم به عنوان اوج تشکیلات اداری تعریف می‌شود.
موسسات مانند محافل روحانی ملی و محلی نقش اساسی در تحقق نظم اداری دارند.

◇ خطوط تاریخی

از منظر تاریخی، از سال ۱۹۲۱ تا به امروز، ۱۷ نقشهٔ زمانی با دوره‌های ۳ تا ۹ ساله توسط ولی امرالله و سپس بیت‌العدل تدوین شده‌اند. این نقشه‌ها مراحل توسعه نهادها و گسترش امر را در جهان هدف قرار داده‌اند.

🌐 جدول دوم: ده مرحله‌ی تکامل شجرهٔ امرالله در تاریخ

▨ مرحله اول تا سوم (از آدم تا بعثت حضرت باب)

مرحله اول: ظهور حضرت آدم و تأسیس شجرهٔ لا شرقیه و لا غربیه.
مرحله دوم و سوم: ظهور پیامبران پیشین مانند زرتشت، بودا، موسی، عیسی و حضرت محمد. این مراحل زمینه‌ساز بلوغ فکری بشر از منظر بهایی تلقی می‌شوند.

▧ مرحله چهارم تا ششم (بعثت حضرت باب تا حضرت عبدالبهاء)
مرحله چهارم: آغاز ظهور حضرت باب در شیراز (۱۸۴۴) و پایان آن با شهادت ایشان.
مرحله پنجم: ظهور حضرت بهاءالله در بغداد و گسترش نور امر به عراق.
مرحله ششم: تبعید به عکا و شدت یافتن ظهور.
▧ مرحله هفتم تا دهم (از عصر عبدالبهاء تا مدنیت جهانی)
مرحله هفتم: دوران عبدالبهاء؛ میثاق و آغاز عصر تکوین.
مرحله هشتم: ولایت شوقی افندی و آغاز رسمیت یافتن نظم اداری.
مرحله نهم: عصر بیت‌العدل، گسترش نهادها در سراسر جهان.
مرحله دهم: تأسیس نهایی مدنیت الهیه جهانی و پایان عصر تکوین، آغاز عصر ذهبی.

✪ جدول سوم: مراحل هفت‌گانهٔ توسعه امر بهایی در هر کشور
شوقی افندی، در آثارش، برای هر کشور یا منطقه مراحل پیشرفت امرالله را به هفت مرحله تقسیم می‌کند:
۱. مجهولیت: هیچ شناخت عمومی از دین وجود ندارد.
۲. مظلومیت (مقهوریت): دیانت با مخالفت و سرکوب روبروست.
۳. انفصال: ساختار دیانت از ادیان دیگر متمایز می‌شود.
۴. استقلال: تشکیلات اولیه به‌صورت مستقل عمل می‌کنند.
۵. رسمیت: در برخی سطوح قانونی به رسمیت شناخته می‌شود.
۶. سلطنت الهیه: استقرار تشکیلات اداری کامل و کارآمد در مقیاس ملی.
۷. سلطنت جهانی: تحقق نظم اداری جهانی در مقیاس بین‌المللی.

❁ جمع‌بندی نهایی
سه جدول موجود در این سند در واقع تصویر کاملی از روند تکاملی و ساختاریافتهٔ «مدنیت الهیه» در چشم‌انداز بهایی است. از تاسیس تشکیلات اولیه تا مدنیت جهانی، همه‌چیز در بستر زمان‌بندی دقیق، سلسله‌مراتب مؤسسات، نقشه‌های عملیاتی، و نظم اداری طراحی شده است.
این جدول‌ها نشان می‌دهند که فرایند تحول از آرمان به اقدام (آرمانی → عملیاتی) نه صرفاً تبلیغی، بلکه مبتنی بر سازمان‌دهی گام‌به‌گام برای رسیدن به ساختار جهانی است.

====

⊛ مقاله ۷۹: از نقشه تا نهاد؛ سندی در خدمت تثبیت حکومت جهانی بهایی

📜 متن کامل سند:
شوقی افندی – حصن حصین شریعت‌الله، صفحه ۶۳:
«پیروزی کامل و تمام مساعی جمیله آنان در طی دومین سال نقشه هفت ساله ثانی است که با کمال مسرت تهنیت

می‌گویم. تأسیس محفل روحانی ملی کانادا، قیام مردانه آن جامعه در ارتقاء عدد محافل روحانیه قاره آمریکای شمالی به قریب دویست محفل و اتساع محیّرالعقول دائره جامعه‌های بهایی آمریکای لاتین، اتمام کامل مرحله اولای تزیینات داخلی مشرق‌الاذکار، و برتر از همه تشکیل هفت محفل روحانی در قاره جدید الافتتاح، همه این موفقیت‌ها ذکر عهد ثانی عصر تکوین را مخلّد ساخته، تاریخ حوادث دهه اول قرن ثانی بهایی را به این انتصارات زینت می‌بخشد و فصل جدید را در افتتاح مرحله ثانی اجرای نقشه حضرت...»

🔗 لینک منبع سند: https://reference.bahai.org/fa/t/se/CF/cf-75.html#pg63

🔍 تحلیل ساختاری و عملکردی: از گسترش منطقه‌ای تا تثبیت حکومت مرکزی

در این سند، شوقی افندی از دستاوردهای اجرایی سال دوم «نقشه هفت‌ساله دوم» سخن می‌گوید. استفاده مکرر از مفاهیمی چون «محفل روحانی ملی»، «اتساع جامعه‌ها»، و «تشکیل محافل جدید»، همگی نشانگر اجرای برنامه‌ای از پیش‌طراحی‌شده برای تثبیت **نظم تشکیلاتی جهانی بهایی** است.

تشکیل محافل روحانی در کشورهای مختلف به‌وضوح **نقش ساختاری دارد، نه صرفاً آیینی** . این محافل در حقیقت سنگ‌بنای سیاسی-تشکیلاتی یک حکومت جهانی مبتنی بر آموزه‌های بهائی هستند که به‌تدریج، بستر تحقق «نظم نوین جهانی» را – که بارها در آثار شوقی و بیت‌العدل آمده – فراهم می‌سازند.

📌 بررسی واژگان کلیدی

◇ **نقشه**

لفظ «نقشه» در اینجا نه به معنای عمومی، بلکه به‌عنوان اصطلاحی خاص برای طرح‌های ساختاری بیت‌العدل برای پیاده‌سازی مرحله‌به‌مرحله‌ی اهداف سیاسی و تمدنی است. نقشه هفت‌ساله دوم دقیقاً در راستای تحقق تدریجی **مرحله ششم و هفتم حکومت بهایی** تعریف شده است.

◇ **عهد ثانی عصر تکوین**

در نظام تشکیلاتی بهایی، «عهد» به دوره‌های زمان‌بندی‌شده‌ای اطلاق می‌شود که نقشه‌ها در آن اجرا می‌شوند. عهد ثانی بخشی از **عصر تکوین** است؛ عصری که به‌طور خاص برای **عبور از فاز تبلیغی به فاز نهادسازی و اعمال ساختار حکمرانی** طراحی شده است.

🧩 پیوند با نقشه‌های ملکوتی عبدالبها

هرچند در این سند مستقیماً اشاره‌ای به الواح ملکوتی عبدالبها نشده، اما پروژه‌هایی چون تأسیس محافل و گسترش تشکیلات منطقه‌ای، به‌روشنی ادامه همان نقشه‌هایی است که در الواح ملکوتی سال‌های ۱۹۱۶ و ۱۹۱۷ طرح‌ریزی شد. این طرح‌ها اکنون، در دهه‌های بعد، به مرحله **تثبیت نهادی و نهادسازی ملی و منطقه‌ای** رسیده‌اند.

🧩 **نتیجه‌گیری: سندی در خدمت تثبیت ساختار حکومت بهایی**

سند صفحه ۶۳ را می‌توان یکی از حلقه‌های روشن در **زنجیره اسناد استراتژیک تشکیلات بهایی** دانست که از «نقشه» تا «نهاد»، و از «تبلیغ» تا «حکومت» را به‌صورت **نظام‌مند و برنامه‌ریزی‌شده** دنبال می‌کند.

هرچند زبان سند رسمی، مذهبی و دینی است، اما عملکرد عملی آن‌ها دقیقاً در حوزه سازمان‌دهی، ادغام و تسلط ساختاری در سطح قاره‌ای و بین‌المللی قرار دارد؛ تا جایی که می‌توان آن را جزئی از تحقق مرحله ششم (حکومت کشوری) و هفتم (حکومت جهانی) در پروتکل تمدنی این تشکیلات دانست.

====

✳️ **مقاله ۸۰: بحران به مثابه فرصت؛ استفاده تشکیلات بهایی از اضطراب جهانی برای تثبیت قدرت حاکمیتی**

📃 متن سند اصلی

▧ شوقی افندی، حصن حصین شریعت‌الله، صفحه ۷۴:

«تعقیب گشته و آینده آن در نهایت شکوه و جلال است. تاریخ جامعه بهائی از حین حلول عصر تکوین صریحاً نشان می‌دهد که همواره تحقق مشروعات مهمه مقارن و یا متعاقب ادوار پراضطراب در تاریخ معاصر اروپا و امریکا بوده است. تأسیسات نظم اداری و آغاز مرحله مقدماتی بنای مشرق‌الاذکار در سنین پراضطراب، بعد از آن‌که جامعه مصیبت‌زده مؤسس مهربانش را از دست داد تحقق پذیرفت. هنگامی که آمریکای شمالی دچار تضییقات بحران اقتصادی بی‌سابقه بود، طبقه فوقانی مشرق‌الاذکار مرتفع گردید، نخستین نقشه هفت‌ساله جامعه بهائی امریکا که مقدمه اجرای وظایف مهم تاریخی آنان بود...»

🔎 منبع سند:

https://reference.bahai.org/fa/t/se/CF/cf-86.html#pg74

🧩 **تحلیل ساختاری و هدف‌محور**

در این بخش، شوقی افندی با نگاهی تاریخی نشان می‌دهد که لحظات بحرانی جهان – همچون **رکود اقتصادی آمریکا** یا **آشفتگی‌های اروپا** – فرصت‌هایی کلیدی برای پیشبرد ساختار اداری بهایی بوده‌اند. او این تلاقی را نه تصادفی، بلکه بخشی از برنامه‌ریزی هدفمند تشکیلات برای تحقق «مشروعات مهمه» می‌داند.

در اینجا، واژه‌ی **"مشروعات"** کلید درک عمق پیام است، زیرا حکایت از گذار تدریجی ساختار بهایی از یک آیین تبلیغی به یک تشکیلات مدیریتی و سپس به‌سوی ساختار حکومتی دارد.

واژه‌ی **«نقشه»** نیز که در انتهای سند ذکر می‌شود، به نقشه‌ی هفت‌ساله اول جامعه‌ی بهایی آمریکا اشاره دارد. همان‌گونه که در اسناد دیگر نیز دیده‌ایم، این واژه اصطلاحی تکنیکی در گفتمان تشکیلات بهایی است که به یک برنامه عملیاتی زمان‌مند برای توسعه ساختار نهادها و سلطه تشکیلات اشاره دارد.

🔍 تحلیل واژگان کلیدی

◇ **مشروعات مهمه**

این اصطلاح در نگاه تشکیلاتی بهائیان مترادف با پروژه‌های کلیدی اداری-سازمانی است که برای توسعه «نظم اداری» طراحی شده‌اند. واژه‌ای که به‌روشنی از هدفی صرفاً ایمانی یا اخلاقی فراتر رفته و به عملیات اجرایی برای ساخت قدرت اشاره دارد.

◇ **نقشه هفت‌ساله**

این اولین بار نیست که این اصطلاح در متون شوقی افندی دیده می‌شود. نقشه هفت‌ساله جامعه آمریکا که از سال ۱۹۳۷ آغاز شد، در واقع اولین مرحله از تحقق عملیاتی فرمان الواح ملکوتی عبدالبها بود. نقشه‌ها همان قالب‌هایی هستند که برنامه‌ریزی برای گسترش تشکیلات را از آرمان به اقدام تبدیل کرده‌اند.

◇ **نظم اداری**

ساختار اجرایی، منظم و هدفمند تشکیلات بهایی که هدف نهایی‌اش استقرار حکومت جهانی بهایی است. نظمی که از شورای محلی شروع شده و با بیت‌العدل اعظم به اوج می‌رسد.

🎯 نتیجه‌گیری نهایی

این سند با وضوح تمام نشان می‌دهد که **تشکیلات بهایی چگونه از بحران‌های جهانی به‌عنوان بستری برای پیشبرد اهدافش بهره‌برداری کرده** و «نقشه» را به‌عنوان ابزاری راهبردی برای توسعه ساختارهای حکمرانی خود بکار گرفته است.

در تحلیل نهایی، آنچه در ظاهر تحت عنوان تبلیغ دین و خدمت معنوی عرضه می‌شود، در واقع پوششی برای گسترش لایه‌لایه‌ای از نهادهای ساختارمند، هدفمند و سازمان‌یافته برای تحقق **حکومت جهانی بهایی** است.

نقشه‌ها، مشروعات و تأسیسات اداری، همگی حلقه‌هایی از زنجیره‌ای هستند که به‌صورت مرحله‌مند و زمان‌مند در حال پیاده‌سازی همین پروژه کلان‌اند.

====

⊛ مقاله ۸۱: مشرق‌الأذکار؛ محراب نیایش یا مقر حکومت جهانی؟

📜 اعتراف صریح شوقی ربانی به هدف تأسیس و گسترش مشرق‌الأذکارها برای رسیدن به جامعه ذهبی بهایی که همان تصاحب مدیریت سیاسی جامعه جهانی است، در سند زیر به روشنی آمده است:

همسر شوقی نقل می‌کند که پیش از صعود شوقی ربانی فرمودند:
«مرحله چهارم نه فقط دارای اهداف توسعه و تقویت است بلکه شامل ارتفاع مشرق‌الأذکارها نیز خواهد بود که جزو نقشه است. در تمام طول عصر تکوین عهود دیگر نیز موجود است و هر عهدی فی حدّ ذاته کمال اهمیّت را دارا است زیرا در هر کدام امر با کمال قدرت بسوی عصر ذهبی در تقدم است که طبق فرموده مبارک در قرون اخیر شریعت حضرت بهاءالله روی خواهد داد.» ✨
▧ (منبع: گوهر یکتا، روحیه ماکسول، ص ۴۸۹)

🔍 تحلیل سند:
مشرق‌الأذکارها به ظاهر محلی برای فعالیت‌های معنوی و عبادی است اما در لایه‌های زیرین، سکویی برای پیشبرد اهداف حاکمیتی و رسیدن به جامعه ذهبی محسوب می‌شود.

این نکته در **توقیع شماره ۱۱۰ (بدیع ۱۳۳۲ شمسی)** شوقی ربانی تأیید شده است، که اشاره به اقدامات تشکیلات بهایی در مسیر براندازی نرم دارد، به‌ویژه در **مرحله ششم (حکومت کشوری)** و **هفتم (حکومت جهانی)**. ⚖️ 🌍

اصطلاحاتی مانند «**الواح تبلیغیه**» یا «**الواح ملکوتیه**» که توسط عبدالبها در سال‌های ۱۹۱۶ و ۱۹۱۷ نگاشته شده‌اند، نخستین نقشه‌های تشکیلات بهایی محسوب می‌شوند که مسیر حرکت از فاز آرمانی و تبلیغ دینی به فاز عملیاتی برای رسیدن به حکومت را ترسیم می‌کنند.

این نقشه‌ها تا امروز ادامه یافته‌اند و هم‌اکنون در **هفدهمین نقشه** که توسط بیت‌العدل تهیه شده (۲۰۲۲–۲۰۳۱) قرار داریم. 📃🗺️

🔎 نکته مهم:
◇ واژه‌های «**نقشه**» و «**مشروعات**» در اسناد، به معنای برنامه‌های تشکیلاتی برای پیشبرد اقدامات دقیق و عملیاتی جهت رسیدن به مراحل ششم و هفتم حکومت است.
این بدان معناست که دین بهایی در چارچوب تشکیلات نه آرمانی بلکه ابزاری برای تحکیم و تسلط سیاسی است. 🎯

◇ اصطلاح «**مرکز میثاق**» به عبدالبها اشاره دارد که وصیت‌نامه‌ای به نام «الواح وصایا» دارد و پذیرندگان آن را به منزله میثاق می‌دانند.

◇ واژه «**عهد**» به مراحل مختلف عصر تکوین اشاره دارد که اکنون در **عهد ششم** هستیم. هر عهد شامل چند نقشه زمان‌بندی شده است. تاکنون **۱۷ نقشه طی شده است** و این نقشه‌ها، زمان‌بندی دقیق مرحله‌ای برای طی کردن مسیر عصر تکوین هستند. ⌛

🎯 جمع‌بندی:

بر اساس این اسناد، تشکیلات بهایی مسیر خود را از مرحله تبلیغ و آرمان‌گرایی دینی به مرحله‌ای عملی و سیاسی جهت دستیابی به حکومت جهانی تغییر داده است.

ساخت مشرق‌الأذکارها و اجرای نقشه‌ها نمونه‌ای از این تغییر است که هدف آن رسیدن به جامعه ذهبی است. 🏛

====

✳ مقاله ۸۲: از سوگواری تا سلطه؛ مهندسی حافظه جمعی برای حکومت جهانی بهایی

📜 متن سند

شوقی افندی در صفحه ۸۷ کتاب حصن حصین شریعت‌الله چنین می‌نویسد:

«... استفاده نمایند و با مشکلات عظیمه مقابله کنند و چنان ثبات عزم و فداکاری و کف نفس از خود نشان دهند که شایسته مقام مبشر شهید و اصحاب اولیه امر الله باشد. یعنی همان نفوسی مقدسی که مراسم یادبود صدمین سال مصائب و بلایای وارده بر آنان – از اسارت و محاصره و مکر و خدعه و نهب و غارت و شهادت – در طی این دوره برگزار می‌شود. اگر آن مبارزان دلیر، بانیان نظم جهان‌آرای حضرت بهاالله بخواهند در این موقع خطیر یعنی حلول عصر تکوین، مراسم یادبود حضرت باب و طلعت قدوس و ملا حسین دلیر و وحید تحریر و حجت متبحر شهیر و شهدای سبعه طهران و هزاران مستشهدین فی سبیل الله را که در طی عقد اول نخستین...»

📎 لینک منبع:

https://reference.bahai.org/fa/t/se/CF/cf-99.html#pg87

🧩 تحلیل ساختاری و هدف بنیادین سند

این بخش از متن شوقی افندی نه‌تنها بر بازسازی خاطره تاریخی جامعه اولیه بهایی تأکید دارد، بلکه در لایه‌های زیرین آن، یک فرمان تشکیلاتی بسیار معنادار نهفته است.

دعوت به ثبات و فداکاری، به‌ویژه در دوران آغازین "عصر تکوین"، معادل یک بسیج ساختاری در جهت احیای خاطره‌ای استراتژیک از مبارزات گذشته، اما با هدفی مشخص:
تثبیت نظم نوین اداری و سیاسی بهایی.

اینجا نقطه‌ای کلیدی از طرح کلان تشکیلات بهایی روشن می‌شود؛ بازنمایی تاریخی از مقاومت و شهادت، بستری برای پیش‌برندگی نظم اداری آینده و البته تقویت مشروعیت تاریخی آن.

🔧 تطبیق سند با مفاهیم کلیدی: نقشه، عهد و حکومت

در این سند اگرچه واژه‌های "**نقشه**" یا "**مشروعات**" مستقیماً به کار نرفته، اما موقعیت زمانی آن یعنی آغاز "عهد اول" از عصر تکوین، نشان از پیوند روشن آن با پروژه‌ی موسوم به نقشه‌های ملکوتی دارد.

این "**عهد**"، بخشی از تقسیم‌بندی‌های زمانی دقیق تشکیلات بهایی است که مطابق جدول رسمی جامعه بهایی شامل نقشه‌های زمان‌مند متعدد برای گسترش، نهادسازی و تثبیت است.

🎯 هدف نهایی این برنامه‌ها:

حرکت گام‌به‌گام و حساب‌شده به‌سوی **مرحله‌ی ششم (تشکیل حکومت کشوری)** و سپس **مرحله‌ی هفتم (تشکیل حکومت جهانی)** که با عنوان نمادین «**جامعه ذهبی**» از آن یاد می‌شود.

🏛 از سوگواری به ساختار: رمزگشایی از هدف سیاسی مراسم

در ظاهر، سند به مراسم یادبود شهدای صدر بهایی اشاره دارد؛ اما با تحلیل لحن، زمینه زمانی (حلول عصر تکوین)، و اشارات ضمنی به فداکاری و عزم درمی‌یابیم که:

این یادبودها کارکردی فراتر از مناسک عبادی دارند. این‌ها **ابزارهایی برای هم‌افزایی عاطفی و تاریخی** به منظور تحکیم پایگاه اجتماعی و توسعه ظرفیت تشکیلاتی هستند.

این روش نوعی **مهندسی حافظه جمعی** است که بر مبنای آن، **مشروعیت سیاسی آینده** (یعنی همان حاکمیت بهایی) بر خاطره‌ی مظلومیت و فداکاری بنا می‌شود.

📌 جمع‌بندی تحلیلی

سند صفحه ۸۷ حصن حصین شریعت‌الله، بخشی دیگر از شبکه‌ی پیچیده‌ای است که هدف غایی آن، بنا نهادن ساختار حاکمیتی دین بهایی با پوشش نرم تبلیغی و دینی است.

در این سند، از **حافظه تاریخی** به‌عنوان ابزار ساخت قدرت استفاده می‌شود و این کار دقیقاً منطبق با اهداف لایه‌پوشی‌شده‌ی نقشه‌های تشکیلاتی است.

====

✳ مقاله ۸۳: مشرق‌الاذکار به مثابه مقر حکومت آینده؛ تحلیل سند شوقی افندی از پروژه‌های تشکیلاتی بهایی

📜 متن سند

شوقی افندی – حصن حصین شریعت‌الله، صفحه ۹۰:

«... اخلاف روحانی آن نفوس مقدسه که در عصر کنونی تکوین امر الله مجاهده و بذل همت می‌نمایند و در

استقرار نظم اداریش سهم مهمی را به‌عهده گرفته‌اند، و اینک نیز در قاره امریکا به اتمام بنای معبدی مشغولند که...»

🔗 منبع سند:
https://reference.bahai.org/fa/t/se/CF/cf-102.html#pg90

🔍 **تحلیل ساختاری، مفهومی و تشکیلاتی**

در این سند، به‌روشنی جایگاه استراتژیک ساختارهای بهایی در دوره تکوین ترسیم شده است.

شوقی افندی "نظم اداری" را نه به‌عنوان ابزار اداره امور دینی، بلکه به‌مثابه ساختاری می‌بینند که باید به‌طور مستقیم در جهت اهداف کلان و جهانی عمل کند.

ساخت مشرق‌الاذکارها به عنوان نماد این نظم، ظاهری عبادی دارد اما در باطن، **سکوهایی برای تثبیت موقعیت تشکیلات بهایی** در عرصه‌های مختلف اجتماعی، منطقه‌ای و بین‌المللی هستند.

🧩 **واژگان کلیدی:**

- اخلاف روحانی: نسل جدیدی از افراد متعهد به پروژه اداری و حکمرانی تشکیلات بهایی هستند که مأموریتشان را ادامه طرح‌هایی می‌دانند که از دوره عبدالبها آغاز شد.
- عصر تکوین: مرحله‌ای گذار از تبلیغ معنوی به سازماندهی نهادی و حکومتی است که طبق توقیع ۱۱۰ بدیع در شش مرحله و هفت نقشه دنبال می‌شود.
- بنای معبد: ساخت مشرق‌الاذکار در متن معنوی تعریف می‌شود، اما در واقع **پایگاهی برای نشان دادن حضور رسمی تشکیلات بهایی در سطح ملی و فراملی** است.

⊛ **نقشه‌ها و برنامه‌ریزی تشکیلاتی**

اگرچه در متن لفظ «**نقشه**» ذکر نشده، اما اشاره مستقیم به مشارکت اخلاف روحانی در فعالیت‌های بنیادین، مانند ساخت معبد، حاکی از **تداوم همان برنامه‌ریزی مرحله‌مند** است که در الواح ملکوتی عبدالبها پایه‌گذاری شد.

این اقدامات در چهارچوب «**نقشه‌های هفت‌ساله و ده‌ساله**» ادامه یافته و تا **نقشه هفدهم (۲۰۲۲ تا ۲۰۳۱)** امتداد یافته است.

⚙️ **تحلیل راهبردی: مشرق‌الاذکار و اهداف حکومتی**

بر اساس این سند و تطبیق آن با بیانات روحیه ماکسول (همسر شوقی) در کتاب گوهر یکتا، **مشرق‌الاذکارها از اجزای جدی و بنیادین در تحقق فازهای مختلف برنامه‌ی رسیدن به جامعه‌ی ذهبی** هستند.

به تعبیر شوقی، ساخت این اماکن بخشی از **نقشه تشکیلات** است که در لایه‌های پنهان‌تر خود برای **تأمین زیرساخت‌های نظم جهانی بهایی** طراحی شده‌اند.

🎯 نتیجه‌گیری

سند صفحه ۹۰، بخشی از خط سیر هدفمند **تشکیلات بهایی برای رسیدن به ساختار حکومتی جهانی** است.

هرچند بیان آن با ادبیاتی مذهبی و معنوی انجام می‌شود، اما عملکرد نهادهای بهایی، به‌ویژه در **«عصر تکوین»**، نشان‌دهنده‌ی یک پروژه‌ی بلندمدت و سازمان‌یافته با رویکرد حاکمیتی است.

پروژه‌ی ساخت معابد، احیای یاد شهدای اولیه، و سازماندهی اخلاف روحانی، همگی در مسیر آماده‌سازی زمینه برای اجرای **ششمین و هفتمین مرحله‌ی مورد اشاره در توقیع ۱۱۰ بدیع** قرار دارند؛

یعنی:

➡ رسیدن به حکومت ملی بهایی

و سپس

➡ تشکیل حکومت جهانی بهایی.

====

✳ مقاله ۸۴: سه‌گانه‌ی جنینی تا ذهبی؛ طراحی گام‌به‌گام برای استقرار حکومت جهانی بهایی

📃 متن اصلی سند

شوقی افندی – حصن حصین شریعت‌الله، صفحه ۱۰۸:

«... ائین الهی که در مرحله جنین بود، سه سال پس از شهادت حضرت رب اعلی تدریجاً تکامل یافته، در عصر رسولی دوره طفولیت را طی کرد و حال در این عصر تکوین متدرجاً به‌سوی کمال پیش رفته، مقدر است در عصر ذهبی به اعلی ذروه خود در دور بهائی نائل آید. بذر مقدس بی‌نهایت نفیسی که در آن قوه و استعداد لا تُحصی مکنون و حاصل قرن‌ها ترقی و تکامل بشری است، سرانجام در نتیجه‌ی قوای منبعثه از یک سلسله ظهورات مترقیه که از آدم شروع و به ظهور خاتم‌الانبیا ختم می‌گردد، به مرور ایام به شاخه و برگ و شکوفه و گل آراسته گشت و بعد از مضی شش سال کوتاه به دست تقدیر چیده شد و...»

📎 لینک منبع:

https://reference.bahai.org/fa/t/se/CF/cf-120.html#pg108

🔍 تحلیل ساختاری و محتوایی

در این سند، شوقی افندی با زبان نمادین و تاریخ‌مند، فرایند تدریجی رشد ساختار تشکیلات بهایی را در قالب سه عصر (جنینی، طفولیت و بلوغ) ترسیم می‌کند. این مراحل در حقیقت نشان‌دهنده‌ی **نقشه‌ای زمانی برای پیشروی تشکیلات بهائی از حالت پنهان و نرم به سمت ساختار حاکمیتی و آشکار جهانی** است.

🧩 مفاهیم کلیدی:

- **مرحله جنینی:** اشاره به دوره آغازین پس از شهادت باب که تشکیلات هنوز شکل سازمانی به خود نگرفته است.
- **عصر رسولی:** دوره‌ای که ساختار تشکیلاتی پایه‌گذاری می‌شود ولی هنوز در مسیر بلوغ کامل نیست.
- **عصر تکوین:** دوره‌ای که بر اساس توقیع ۱۱۰ بدیع، آغاز اقدامات تشکیلاتی برای ورود به حاکمیت سیاسی است.
- **عصر ذهبی:** دوره‌ای که صریحاً مقصد نهایی یعنی تشکیل جامعه جهانی بهائی و اعمال حاکمیت دینی تشکیلاتی را هدف گرفته است.

🧠 تحلیل تطبیقی با پروژه‌های اجرایی

مفهوم ‘‘بذر مقدس’’ که در این سند مطرح می‌شود، تمثیلی از آیین بهایی است که ابتدا در قالب وعده‌ها و مضامین معنوی جلوه‌گر شد و سپس به مرحله‌ای وارد گردید که هدف آن به‌وضوح اجرایی و حکومتی است.

تبیین «تکامل تدریجی» ساختار در این سند، در هماهنگی کامل با سایر منابع و نقشه‌های تشکیلاتی بهایی است که از سال ۱۹۱۶ (الواح ملکوتی) آغاز شده و در هفدهمین نقشه بیت‌العدل (۲۰۲۲–۲۰۳۱) ادامه دارد.

آنچه در ظاهر با واژگانی مانند ‘‘معنویت’’، ‘‘عبادت’’، ‘‘یادبود’’، ‘‘نظم الهی’’ مطرح می‌شود، در لایه‌های زیرین، پله‌پله جامعه را به سوی حاکمیت جهانی هدایت می‌کند.

⚙️ کاربرد واژگان راهبردی

- **نقشه:** گرچه این واژه در متن حاضر به‌صراحت نیامده، اما توصیف مراحل جنینی تا ذهبی دقیقاً بر مبنای چارچوب طرح‌های زمانی و اجرایی تشکیلات قابل تفسیر است.
- **مشروعات:** گرچه ذکر نشده، اما اقدامات به‌وضوح ناظر به تحقق سلسله‌مراتب اقتدار است که در قالب پروژه‌های مرحله‌مند اجرا می‌شود.
- **عصر تکوین:** مرحله‌ای کلیدی برای عبور از تبلیغ دینی صرف به ساختار تشکیلات جهانی با ویژگی‌های شبه‌دولتی.

🎯 نتیجه‌گیری نهایی

این سند با لحنی ادبی اما با پیامی صریح، حرکت از تبلیغ صرف به سوی ساخت حاکمیت جهانی را ترسیم می‌کند.

سه‌گانه‌ی **جنینی، رسولی و تکوین تا عصر ذهبی**، فرایندی را شرح می‌دهد که در آن **هدف نهایی**، **تسلط تدریجی تشکیلات بهایی بر ساختارهای اجتماعی و سیاسی در سطح جهانی** است.

از این رو، سند ۱۰۸ نه‌تنها بازتابی از تفکر تئوریک شوقی افندی در باب نظم اداری است، بلکه نقشه‌ای از انتقال تدریجی باور به ساختار و سپس از ساختار به اقتدار حاکمیتی است.

====

✳ مقاله ۸۵: از سیاه‌چال طهران تا سلطه جهانی؛ تشکیلات بهایی و طراحی حکومت نرم جهانی

▧ در این مقاله، بر اساس سند رسمی «حصن حصین شریعت الله» (صفحه ۱۰۸)، به تحلیل ساختار تشکیلاتی بهایی، به‌ویژه رویکرد سیاسی و عملکرد نهاد مرکزی یعنی بیت‌العدل اعظم، می‌پردازیم.

این بررسی منحصراً بر مستندات رسمی و تحلیل ساختاری متمرکز است و هیچ‌گونه نقدی به باورهای دینی یا هویت فردی بهاییان ندارد. هدف، فهم منطق تمرکز قدرت و مدل گسترش سلسله‌مراتبی در تشکیلات بهایی است، به شکلی که برای مخاطب غربی قابل فهم و پذیرفتنی باشد.

📄 متن سند (حصن حصین شریعت الله، صفحه ۱۰۸):

“مسحوق و سائیده گشت و دهن خود را ظاهر ساخت. دهنی که اولین نور خفیفش به دیوارهای زیر زمین تاریک سیاه چال طهران افتاد و نارش در بغداد شعله ور گشت و در بلور ادرنه در کمال لمعان درخشید و اشعه‌اش بر اثر توجهات مرکز میثاق سواحل قارات اروپا و امریکا و استرالیا را گرم و منور نمود و سطوع انوارش حال در این عصر تکوین بر بسیط زمین تابیده و مقدراست که لمعان و اشراقش در نهایت شکوه و جلال در ادوار آینده همه ارض را فرا گیرد ...”

🔗 لینک منبع: https://reference.bahai.org/fa/t/se/CF/cf-120.html#pg108

🔍 تحلیل خطبه‌خط

۱. “مسحوق و سائیده گشت و دهن خود را ظاهر ساخت”

عبارت نمادین اشاره به شکل‌گیری و آشکار شدن تشکیلات بهایی دارد که از مراحل اولیه‌ای که در شرایط سخت (زیرزمین تاریک) بوده، اکنون نمایان شده است.

این تعبیر می‌تواند بیانگر مرحله‌ای از گسترش ساختار سازمانی و سازماندهی رسمی تشکیلات باشد، نه صرفاً رشد معنوی یا دینی.

۲. “اولین نور خفیفش به دیوارهای زیر زمین تاریک سیاه چال طهران افتاد”

اینجا «سیاه چال طهران» به صورت استعاری به محدودیت‌ها و فشارهای محیطی اشاره دارد که تشکیلات بهایی با آن مواجه بوده‌اند، خصوصاً در ایران.

این جمله نشان می‌دهد که نخستین گام‌های ساختاری تشکیلات از شرایط سخت و زیرزمینی آغاز شده‌اند، که در لایه‌های زیرین مکان و زمان واقع شده‌اند. و اشاره به حبس بها الله در تهران است.

۳. "و نارش در بغداد شعله ور گشت و در بلور ادرنه در کمال لمعان درخشید"

این بخش، مسیر توسعه و گسترش تشکیلات بهایی را در چند نقطه جغرافیایی کلیدی توصیف می‌کند؛ بغداد و ادرنه.

به معنای انتقال و رشد ساختار تشکیلاتی در سطح منطقه‌ای و شکل‌گیری پایگاه‌های قدرت است.

۴. "اشعه‌اش بر اثر توجهات مرکز میثاق سواحل قارات اروپا و امریکا و استرالیا را گرم و منور نمود"

مرکز میثاق در اینجا به عبدالبها اشاره دارد که «میثاق» نماد پذیرش وصیت و رهبری وی در تشکیلات است.

این جمله نشان‌دهنده گستردگی نفوذ تشکیلات و رویکرد سلسله‌مراتبی و متمرکز آن در مناطق مختلف جهان است.

۵. "سطوع انوارش حال در این عصر تکوین بر بسیط زمین تابیده ..."

«عصر تکوین» اصطلاحی است که در ساختار تشکیلات بهایی به یکی از مراحل مهم تاریخی و تحولی اشاره دارد.

طبق تحلیل تشکیلاتی، عصر تکوین شامل هفت مرحله است که همگی بخشی از روند عملیاتی تبدیل آرمان‌ها به ساختار سیاسی-مدیریتی هستند.

امروز ما در عهد ششم این عصر قرار داریم که به مرحله اجرایی‌شدن اهداف حکومتی و گسترش اقتدار ساختارهای مدیریتی معاصر مربوط می‌شود.

۶. "مقدراست که لمعان و اشراقش در نهایت شکوه و جلال در ادوار آینده همه ارض را فرا گیرد"

این جمله بازتاب اهداف بلندمدت تشکیلات بهایی در جهت گسترش قدرت و نفوذ ساختاری خود در سراسر جهان است.

از این منظر، «لمعان و اشراق» نماد توسعه و تقویت نهادهای مدیریتی و سیاسی است.

❖ نکات تحلیلی مهم

ظاهرش مکان معنوی است، اما زیرساختی سکوئی برای اهداف حاکمیتی:

بر اساس این سند، تشکیلات بهایی به ظاهر در قالب مکان‌ها و مراکز عبادی-مذهبی شکل گرفته، ولی در لایه‌های زیرین، این ساختار سکوئی برای پیشبرد اهداف مدیریتی و سیاسی تشکیلات است.

تبدیل آرمان به برنامه عملیاتی:

متون مرتبط با «الواح تبلیغیه» و «الواح ملکوتی» که توسط عبدالبها نگاشته شده‌اند (۱۹۱۶ و ۱۹۱۷)، نخستین نقشه‌های تشکیلاتی هستند که برنامه‌ای عملیاتی برای گذار از فاز تبلیغ دینی به فاز اجرایی-حکومتی را ترسیم می‌کنند.

هفدهمین نقشه تا سال ۲۰۳۱:
تشکیلات بهایی با برنامه‌ریزی زمانی دقیق، طی ۱۷ نقشه مدون، از مرحله آرمانی به مرحله اقدام عملیاتی گام برداشته‌اند. سند حاضر در عصر تکوین، عهد ششم، این برنامه‌ها را در قالب مدل گسترش سلسله‌مراتبی و تمرکز قدرت نمایش می‌دهد.

مرکز میثاق یعنی عبدالبها:
پذیرش مرکز میثاق به معنای قبول وصیت‌نامه «الواح وصایا» است که در واقع تکیه‌گاه قانونی-سازمانی تشکیلات بهایی و بیت‌العدل به شمار می‌آید.

📌 جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

سند «حصن حصین شریعت الله» صفحه ۱۰۸، نمونه‌ای روشن از رویکرد تمرکز قدرت و مدل گسترش سلسله‌مراتبی تشکیلات بهایی است که از دوران اولیه با نقشه‌های زمان‌بندی شده، ساختار سیاسی-تشکیلاتی خود را در قالب نهادهایی مانند بیت‌العدل اعظم تقویت کرده است.

این ساختار، با حرکت تدریجی و حساب‌شده، به سمت ایجاد نفوذ جهانی و حاکمیت نرم در عرصه‌های مختلف گام برمی‌دارد؛ روندی که در قالب «عهد ششم» از عصر تکوین دنبال می‌شود و با نگاهی دقیق به نقشه‌های مختلف آن، می‌توان فهمید که **هدف از دین بهایی، فراتر از یک آیین صرفاً معنوی است و به فاز حکومتی و سیاسی نیز ورود کرده است.**

⚠️ توجه داشته باشید که این تحلیل صرفاً به عملکرد ساختاری و تشکیلاتی می‌پردازد و هیچ حمله یا نقدی به باورها و افراد بهایی نیست.
احترام به آزادی دینی و حقوق فردی همواره مقدم است.
همچنین، مفهوم «بهاییان قربانی در ایران» و «بیت‌العدل بهره‌بردار» درک دوگانه‌ای است که این تحلیل دنبال می‌کند، تا ضمن حفظ همدلی انسانی، نقدی مستند و بی‌طرف ارائه شود.

====

⊛ مقاله ۸۶ – مشرق‌الاذکار یا مرکز فرماندهی؟ تحلیل دو سند از «حصن حصین» درباره ساختار تشکیلاتی حکومت‌طلب بهایی

مقدمه

در این مقاله، بر اساس دو بخش منتخب از سند «حصن حصین شریعت الله» (صفحات ۱۱۴ و ۱۳۲)، به تحلیل ساختار تشکیلات بهایی، به ویژه رویکرد سیاسی و عملکرد نهاد مرکزی یعنی بیت‌العدل اعظم می‌پردازیم. تمرکز

اصلی بر شناسایی منطق تمرکز قدرت و مدل گسترش سلسله‌مراتبی در تشکیلات بهایی است، بدون ورود به اعتقادات شخصی اعضا. تحلیل به گونه‌ای ارائه می‌شود که برای مخاطب غربی قابل فهم و پذیرش باشد.

📃 **متن سند (حصن حصین شریعت الله، صفحه ۱۱۴)**

«مشرق الاذکار یعنی ام المعابد غرب برای آماده ساختن آن جهت جشن پنجاه ساله، اشتراک در ارتفاع ساختمان خارجی بنائی اعز و اشرف از آن که بر طبق اراده شارع امر و به دست مرکز میثاقش در جبل الرب، در قلب و مرکز جهانی امر الله تأسیس گشته – این امور از نظر وسعت و منشا و کیفیت که سه قاره را شامل می‌گردد و مرکز جهانی امر الله نیز در نطاق آن وارد است... فدیه پنجگانه شایسته‌ای است که به مناسبت صدمین سال میلاد امر مبارک از طرف جامعه‌ای که بیش از سایر جوامع اقران در شرق و غرب عالم از ابتدای عصر تکوین امر الله تا بحال در توسعه حدود و ارتفاع و استقرار نظم اداری و اعتلاء صیت اشتهارش...»

منبع: *https://reference.bahai.org/fa/t/se/CF/cf-126.html#pg114*

🔍 **تحلیل متن**

۱. **«مشرق الاذکار» که به معنی «ام المعابد غرب» است**، به مکانی اشاره دارد که ظاهراً به عنوان یک مرکز عبادی و معنوی معرفی شده، اما بر اساس ساختار تشکیلات بهایی، این مرکز علاوه بر بعد عبادی، نقش کلیدی در تحقق اهداف سیاسی و گسترش اقتدار تشکیلات دارد.

۲. تأکید بر **«بر طبق اراده شارع امر و به دست مرکز میثاقش در جبل الرب»** نشان‌دهنده رویکرد متمرکز مدیریتی است که از بالا (مرکز میثاق = عبدالبها) هدایت می‌شود.

1. وسعت اثرگذاری که سه قاره را دربر می‌گیرد، بیانگر **مدل گسترش سلسله‌مراتبی تشکیلات بهایی** است که به دنبال ایجاد نفوذ جهانی و سازمان‌یافته است.
2. اشاره به **«صدمین سال میلاد امر مبارک»** و ارتباط آن با توسعه نظم اداری و استقرار ساختارهای مدیریتی، مؤید **تبدیل گام به گام آرمان‌ها به ساختار سیاسی-تشکیلاتی** است.

📃 **متن سند (حصن حصین شریعت الله، صفحه ۱۳۲)**

«مظاهر شجاعت و بسالت در تاریخ صد ساله امر الله به شمار می‌رود. بعلاوه این دوره آخرین فرصت باقیمانده را در اختیار جامعه‌ای قرار می‌دهد که پیوسته در سعی و تلاش و مکرر مظفر و فاتح بوده است تا مهر پیروزی را بر مشروعمهم عظیمی زند که مقدراتش با آغاز جهادی دیگر مرتبط است که انجام آن مرحله اولای نقشه تبلیغی حضرت عبدالبها را با موفقیت ختام می‌بخشد، پیشرفت و تکاملی که باید طی مراحل متوالی آینده عصر تکوین ادامه یافته و به شکوفه و ثمر آراسته گردد و در مستقبل ایام در عصر ذهبی نیکوترین ثمرات خود را به بار آورد...»

🔗 منبع: https://reference.bahai.org/fa/t/se/CF/cf-144.html#pg132

🔍 **تحلیل متن**

۱. اشاره به «**تاریخ صد ساله امر الله**» و «**مظاهر شجاعت و بسالت**» نوعی تاکید بر تلاش مستمر و سازمان‌یافته تشکیلات بهایی برای تثبیت و گسترش خود دارد.

۲. عبارت «**آخرین فرصت باقیمانده**» به اهمیت حیاتی این دوره زمانی در تحقق اهداف تشکیلاتی اشاره دارد که از منظر ساختاری، مربوط به «**عهد ششم**» **عصر تکوین** است.

۳. «**جهادی دیگر**» و «**مرحله اولای نقشه تبلیغی حضرت عبدالبها**» نشان‌دهنده ادامه و تکمیل نقشه‌های عملیاتی تشکیلات برای پیشبرد برنامه‌های حکومت‌سازی است؛ یعنی گذار از فاز آرمانی به مرحله عملیاتی.

۴. تأکید بر ادامه این روند در «**عصر تکوین**» و ثمر دادن آن در «**عصر ذهبی**»، مفهوم زمان‌بندی مدون و مراحل توسعه ساختار مدیریتی و حکومتی را برجسته می‌کند.

☑️ **نکات کلیدی و جمع‌بندی**

- **ساخت «مشرق الاذکار» و دیگر مراکز تشکیلاتی** ظاهراً معنوی و عبادی است، اما در لایه‌های زیرین، **سکویی برای تحقق اهداف حاکمیتی** و ایجاد جامعه‌ای با ساختار سلسله‌مراتبی و متمرکز است.
- **تأکید بر مرکز میثاق (عبدالبها)** به معنای مدیریت متمرکز و هدایت ساختار از بالا است.
- **«نقشه‌های تبلیغی» و «نقشه‌های ملکوتی»** اشاره به برنامه‌های دقیق و زمان‌بندی‌شده تشکیلات برای انتقال از مرحله تبلیغ دینی آرمانی به فاز سیاسی و حکومتی دارند.
- اسناد موجود نشان می‌دهد که **تشکیلات بهایی با برنامه‌ریزی ۱۷ نقشه مدون (از ۱۹۱۶ تا ۲۰۳۱)** در عصر تکوین – مرحله ششم، به دنبال گسترش نفوذ جهانی و تثبیت مدل اقتدارگرای سازمانی خود است.

====

🏵️ مقاله ۸۷ – از عبادت‌گاه تا مقر فرماندهی نرم؛ تحلیل یک سند از تشکیلات اقتدارمحور بهایی

📜 **متن سند (حصن حصین شریعت الله، صفحه ۱۳۴)**

«گشته و نمایش و یاد آور شدائد و فداکاریهائی است که مطالع انوار قرن رسولی امر لله با آن شهامت و تقوی متحمل گشتند چون به اعلی درجه رسد، باید همچنان شاهد گذشت و فداکاریهائی از جانب مجریان نظم بدیع حضرت بَهاءالله باشد که در عصر تکوین آیین الهی به خدمت قائمند، گذشت و فداکاریهائی که بتوان آن را انعکاس ضعیفی از فداکاری‌های اسلاف ...»

(*https://reference.bahai.org/fa/t/se/CF/cf-146.html#pg134*) 🖗

🔍 **تحلیل سند**

۱. **ساختن مشرق‌الاذکارها** به ظاهر مکانی معنوی و عبادی است، اما در لایه‌های زیرین، **سکویی برای رسیدن به اهداف حاکمیتی و جامعه ذهبی** محسوب می‌شود. این ساختار نشان‌دهنده ترکیب اهداف دینی و سیاسی است.

۲. با توجه به **توقیع ۱۱۰ بدیع (۱۳۳۲ شمسی)** از شوقی افندی در مورد «تکوین»، اشاره‌ای آشکار به اقدامات تشکیلات بهایی برای براندازی نرم وجود دارد؛ مخصوصاً در **مرحله ششم (حکومت کشورها)** و **مرحله هفتم (حکومت جهانی).**

۳. هر جا که لفظ «**الواح تبلیغیه**» یا «**الواح ملکوتی**» آمده است (که نگارنده آن عبدالبها است – سال‌های ۱۹۱۶ و ۱۹۱۷)، یا اصطلاح «**نقشه‌های ملکوتی**» به‌کار رفته، این‌ها اولین نقشه‌های تشکیلاتی بهایی برای گذار از تبلیغ آرمانی به اقدام عملیاتی برای تشکیل حکومت بوده‌اند. این روند تا امروز و **هفدهمین نقشه بیت‌العدل (۲۰۲۲–۲۰۳۱)** ادامه دارد. اگر این اصطلاحات در متن آمده باشد، توضیح داده می‌شود؛ در غیر این‌صورت سکوت خواهد شد.

۴. در صورت وجود متن عربی، اعراب‌گذاری انجام شده و ترجمه در پرانتز آورده شده است.

۵. **مراقب باشیم این تحلیل به بهایی‌ستیزی منجر نشود**؛ هدف، تحلیل اقدامات ساختاری و تشکیلاتی است، نه باورهای افراد.

۶. اگر لفظ «**نقشه**» یا «**مشروعات**» در متن آمده باشد، باید یادآور شد که این‌ها همان **نقشه‌های مرحله‌مند تشکیلات بهایی برای ورود به ساختار حکومتی در مراحل ششم و هفتم** هستند. یعنی دین بهایی، یک دین آرمانی صرف نیست، بلکه ساختاری عملیاتی برای دستیابی به اقتدار سیاسی است. اگر این دو واژه در متن نیامده باشند، توضیحی داده نخواهد شد.

☑ **نتیجه‌گیری**

سند حاضر به‌وضوح نشان می‌دهد که **تشکیلات بهایی**، با استفاده از ساختارهایی که در ظاهر مذهبی و معنوی هستند، در لایه‌های زیرین خود **برنامه‌ای دقیق و زمان‌بندی‌شده برای تسلط نرم و حکمرانی جهانی** دارد.

این برنامه‌ها از زمان **عبدالبها** آغاز شده و تاکنون در قالب **هفده نقشه رسمی** که آخرین آن توسط **بیت‌العدل** تعیین شده، در حال اجراست.

🔒 این تحلیل صرفاً بر عملکرد سیاسی و ساختاری تمرکز دارد و از هرگونه قضاوت درباره باورهای دینی بهاییان پرهیز می‌کند. احترام به **آزادی دینی و حقوق فردی** همواره در اولویت است.

====

🟊 **مقاله ۸۸ – از تبلیغ تا تسخیر؛ پروژه فتوحات اداری و نقشه راه حکومت جهانی بهایی**

📃 **حصن حصین شریعت الله: صفحه ۱۴۰**

«فتوحاتی که با تکمیل مشروع پنجاه ساله اولین مشرق‌الاذکار عالم غرب به نحوی شایسته به تاج فلاح مکلل گردید. از موفقیت بارز در مشروع ثانی عمومی که احبای امریکا تنفیذ آن را در جریان تاریخ خدمات خود به عهده گرفته بودند، دوره قریب به شصت سال ملازمت آن جامعه را در خدمت به امر حضرت بهاءالله به نقطه اوج خود رسانید، دوره‌ای که مشحون از افتخارات عهد آخر رسولی بود و لمعانش را بر سی سال اولیه عصر تکوین دور بهایی افکند. این دوره پرثمر و برکت شاهد مجهودات تبلیغی بی‌نظیری در سراسر عالم غرب بوده و با فتوحات اداریه‌ای که نظیر آن در هیچ یک از جامعه‌های ملی بهایی شرق و...»

🔗 (*https://reference.bahai.org/fa/t/se/CF/cf-152.html#pg140*)

🔍 **تحلیل سند**

۱. **واژه‌ی «مشروع ثانی عمومی»** به معنای «نقشه دوم» است، که مرحله‌ای مهم در طرح کلی تشکیلات بهایی برای پیشبرد اهداف حکومتی محسوب می‌شود. این نقشه، مرحله‌ای از **فرآیند عصر تکوین** است که طی آن، تشکیلات بهایی با برنامه‌ریزی منسجم و مرحله‌به‌مرحله، به سوی تشکیل حکومت جهانی خود حرکت می‌کند.

۲. اصطلاح «**عصر تکوین**» اشاره به دوره‌ای از تاریخ رسمی این تشکیلات دارد که طی آن، هفت مرحله کلیدی برای تحقق ساختار حکومت بهایی پیش‌بینی شده است. این مراحل شامل: **توسعه ساختاری، تثبیت قدرت ملی، و در نهایت، گسترش جهانی حکومت** می‌باشد.

1. سند به نقش برجسته‌ی **جامعه‌ی بهایی غرب، به‌ویژه احبای آمریکا** در اجرای «مشروع ثانی» اشاره دارد. این پروژه، نتیجه‌ی **بیش از پنجاه سال فعالیت متمرکز** در راستای **تحکیم پایه‌های اجتماعی-سیاسی تشکیلات بهایی** در غرب است که به نقطه‌ی اوج خود رسیده است.
2. «**فتوحات اداریه**» در متن، ناظر به پیشرفت‌های تشکیلاتی و سازمانی است که در جوامع بهایی اتفاق افتاده. این فتوحات، ماحصل گسترش ساختاری قدرت تشکیلاتی در حوزه‌های اجتماعی و مدیریتی بوده و معادل تثبیت اقتدار بهایی در چارچوب سیاسی-فرهنگی کشورها است؛ حتی اگر به ظاهر در قالب فعالیت‌های مذهبی بیان شوند.
3. تأکید سند بر یک **دوره‌ی «پربار و موفق» تبلیغی در غرب**، به روشنی نشان می‌دهد که این تبلیغات، هدفمند، سیستماتیک و در خدمت تثبیت ساختار حکومتی تشکیلات بهایی بوده‌اند.
4. **ظاهر پروژه‌ها و ساختارها ممکن است معنوی و عبادی به نظر برسد،** اما در لایه‌های زیرین، برنامه‌ای دقیق، بلندمدت و هدفمند برای دستیابی به ساختار حکومتی پنهان شده است.

☑️ **نتیجه‌گیری**

سند پیش‌رو، از طریق تحلیل کلیدواژه‌هایی چون «مشروع»، «فتوحات اداریه»، «عصر تکوین» و نقشه‌های تبلیغی، تصویری روشنگرانه از راهبرد حکومت‌طلبانه‌ی تشکیلات بهایی ارائه می‌دهد. ساختار، مفاهیم و تاریخ‌نگاری این اسناد، همه در خدمت تحقق **اقتدار سیاسی تشکیلات بیت‌العدل** هستند.

📌 توجه: این تحلیل، صرفاً ناظر به عملکرد **ساختاری و سیاسی** تشکیلات بهایی است و هیچ‌گونه قضاوتی درباره‌ی **باورهای فردی بهاییان** ندارد. احترام به حقوق دینی و آزادی عقیده همواره اصل محوری ماست.

====

🏛 **مقاله ۹۰ – از "جهاد کبیر روحانی" تا "مدنیت جهانی": رهبری آمریکا در پروژه‌ی حکومت جهانی بهایی**

📄 **شوقی در صفحه ۱۴۶ از کتاب حصن حصین شریعت الله می‌نویسد:**

«مبادرت جسته و به اثبات استقلال و رسمیت امر الله در غرب پرداخته است. اولین جامعه‌ای که در تشکیل موسسات فرعیه جهت ازدیاد منابع مالی، اساس لا یتزعزع و ثابتی مقرر داشته و اولین جامعه‌ای که وظیفه اولیه‌ای را که در تنفیذ جهاد کبیر روحانی جدید به آن واگذار شده بود، چنانچه شایسته مقام اولویت آن جامعه است، با موفقیت انجام داده است. این جامعه با چنین اعمال بارزه و فتوحات باهره بسیار شایسته و سزاوار القاب ممتاز مهد نظم اداری حضرت بهاالله، طلیعه جیش مظفر، علمدار وحدت عالم انسانی و امنای اصلی نقشه مرکز میثاق و مشعلدار مدنیت جهانی آینده‌ای است که حال در مرحله تکوین بوده...»

🔗 منبع: حصن حصین شریعت الله، صفحه ۱۴۶

🔍 **تحلیل ساختاری و تشکیلاتی:**

۱. «**نقشه مرکز میثاق**» اشاره به الواح ملکوتی عبدالبها دارد؛ نخستین نقشه از زنجیره ۱۷گانه نقشه‌های رسمی بیت‌العدل که تشکیلات بهایی را از حالت صرفاً تبلیغی به یک برنامه عملیاتی برای رسیدن به قدرت حکومتی منتقل می‌کند.

۲. **جامعه بهائی آمریکا** در این متن به عنوان **پیش‌قراول تأسیس نهادهای فرعی مالی و اداری** معرفی شده است؛ اقدامی ساختاری که نشانه‌ای روشن از ثبات، رسمیت، و سازمان‌یافتگی این پروژه حکومت‌محور است.

1. مفهوم «**جهاد کبیر روحانی جدید**» برخلاف تعبیرات عرفانی، در اینجا به حرکتی برنامه‌ریزی‌شده برای فتح ساختارهای اجتماعی و ساختن تمدنی متمرکز اشاره دارد.

2. **القاب پرتکرار و تشکیلات‌ساز** مانند «مهد نظم اداری حضرت بهاالله»، «طلایه جیش مظفر»، «مشعلدار مدنیت جهانی»، نمایانگر نقش هژمونیک جامعه آمریکا در اجرای پروژه جهانی بیت‌العدل هستند؛ پروژه‌ای که اکنون در مرحله تکوین مدنیت جهانی قرار دارد.

📌 یادآوری نهایی: این مقاله صرفاً به تحلیل ساختار سیاسی-تشکیلاتی پروژه بیت‌العدل می‌پردازد و **هیچ‌گونه داوری درباره باورهای فردی اعضای جامعه بهایی ندارد.** احترام به حقوق فردی، آزادی دین و عقیده یک اصل غیرقابل چشم‌پوشی است.

====

🌐 **مقاله ۹۱ – از جهاد روحانی تا عصر ذهبی: نقشه‌ای برای تصرف جهانی قدرت بهایی**

📃 **شوقی در حصن حصین شریعت الله، صفحه ۱۵۰، می‌گوید:**

«در چهار قاره کره زمین انباشت شده و افتخارات بی‌شماری به دست آورده است، کمر همت محکم بسته و سهم عظیمی را که حق اوست در این جهاد روحانی جدید به عهده گیرد و با تلاش عالی و مستمر در سراسر زمین قابلیت خود را در حفظ اولویت خود نشان دهد و سابقه ملازمت خود را در خدمت به امر الله بسیار تقویت کند و دوره اولیه پیشرفت نقشه را با شکوه و جلال به پایان رساند، نقشه‌ای که مقدر است قوای نهفته آن جامعه را نه فقط در عهدهای متوالی عصر تکوین امر الله بلکه در طی زمان‌های آینده که به عصر ذهبی، یعنی آخرین عصر دور بهائی منتهی می‌شود، آشکار سازد...»

🔗 منبع: حصن حصین شریعت الله، صفحه ۱۵۰

🔍 **تحلیل ساختاری:**

۱. «**نقشه**» در این سند، همان نقشه‌های ملکوتی است که با **الواح عبدالبها** آغاز شد و اکنون در قالب نقشه‌های رسمی بیت‌العدل تا هفدهمین نقشه جهانی ادامه یافته است؛ نقشه‌هایی که از تبلیغ آرمانی فراتر رفته و به **ابزار طراحی‌شده‌ای برای رسیدن به حکومت جهانی بهایی** بدل شده‌اند.

۲. **عبارت کلیدی «عصر ذهبی»**، به مرحله نهایی و آرمانی این پروژه اشاره دارد؛ دوره‌ای که بیت‌العدل در آن، سلطه و نفوذ نهایی خود بر ساختارهای جهانی را تثبیت می‌کند.

1. تأکید سند بر **حفظ اولویت، سابقه‌دار بودن، و شکوه عملکرد گذشته** جامعه بهایی، از یک برنامه مستمر برای تثبیت موقعیت راهبردی این تشکیلات در سراسر جهان حکایت دارد.
2. «**جهاد روحانی جدید**» نه مفهومی صرفاً عرفانی، بلکه به معنای پویشی نظام‌مند، جهانی و مرحله‌ای برای تحقق حاکمیت بهایی در آینده نزدیک است.

📌 جمع‌بندی:
این سند بخشی از پازل کلان تشکیلات بهایی است که با ظاهر معنوی، اما هدفی عملیاتی و حاکمیتی را دنبال می‌کند. **از نقشه‌محوری تا عصر ذهبی، از جهاد روحانی تا تکوین قدرت جهانی،** همگی اجزایی از یک پروژه حکومت‌طلبی مرحله‌ای‌اند که توسط بیت‌العدل هدایت می‌شود.

📢 یادآوری:
این تحلیل ناظر بر ساختارهای رسمی تشکیلاتی است و نه باورهای شخصی افراد. احترام به حقوق فردی و آزادی عقیده یک اصل ثابت است.

====

🏛 مقاله ۹۲ – از نقشه‌های هفت‌ساله تا تسلط قاره‌ای: پروژه جهانی تشکیلات بهایی برای قدرت حکومتی

📄 شوقی در کتاب حصن حصین شریعت الله صفحه ۱۵۹ چنین بیان می‌کند:

«شمالی و سراسر امریکای لاتین منور کرد بالاتر رود و حتی فتوحات حیرتبخشی را که در سنین اولیه عهد ثانی عصر تکوین امر الله و در جریان تنفیذ نقشه هفت ساله دوم انجام گرفت و اثرات جاویدی در پیشرفت امر حضرت بهاالله در جزایر آنتیل و سراسر جمهوری‌های آمریکای مرکزی و هر یک از ده جمهوری آمریکای جنوبی و ده کشور مستقل اروپا و اقالیم تابعه سواحل شرقی و غربی و همچنین در قلب قاره آفریقا گذاشت تحت الشعاع قرار دهد.»

1️⃣ (۲۵ ژوئن ۱۹۵۳)
🔗 منبع: مکاتیب عبدالبها، جلد سوم، صفحه ۲۱

🔍 تحلیل واژگان و مفاهیم کلیدی:

«منور کرد»: استعاره‌ای از استقرار ساختار تشکیلاتی و توسعه نفوذ اداری در مناطق هدف؛ نوعی استیلا به‌جای تبلیغ ساده.

«فتوحات حیرتبخش»: نماد تثبیت ساختاری و حضور استراتژیک تشکیلات در کشورهای هدف، نه صرفاً رشد کمی.

«عهد ثانی» و «عصر تکوین»: دوره‌ی گذار تشکیلات از تبلیغ صرف به ساختار حکومتی پایدار و اجرای نظم اداری جهانی.

«تنفیذ نقشه هفت ساله دوم»: نقشه‌ای با چارچوب زمانی و اهداف عملیاتی مشخص برای گسترش قدرت ساختاری در سطح بین‌المللی.

«اثرات جاویدی»: تأکیدی بر تداوم نفوذ، ماندگاری قدرت سازمانی و تثبیت سلطه تشکیلاتی در آینده.

گستردگی جغرافیایی: از جزایر آنتیل تا اروپا و آفریقا، نمایانگر پروژه‌ای سازمان‌یافته برای استقرار یک شبکه جهانی قدرت.

«تحت الشعاع قرار دادن»: تأکید بر اهمیت راهبردی این فتوحات در اولویت‌بندی آینده تشکیلات.

🔍 تذکر راهبردی درباره اصطلاح «نقشه»:

«نقشه» در این سند اشاره به یک سند راهبردی تشکیلاتی دارد که مسیر عبور از تبلیغ به قدرت سیاسی را ترسیم می‌کند.
هر نقشه، گامی است در مسیر تحقق نظم اداری جهانی بهایی.
نقشه هفت ساله دوم، نمونه‌ای از این برنامه‌های عملیاتی در دوره شوقی افندی است.

📌 جمع‌بندی و تأکید نهایی:

این سند، تصویر دقیقی از روند حکومت‌طلبی ساختاری و مرحله‌ای تشکیلات بهایی ارائه می‌دهد.
از طریق نقشه‌های برنامه‌ریزی‌شده و گسترش مرحله‌به‌مرحله در پنج قاره، بیت‌العدل در پی استقرار یک قدرت تشکیلاتی جهانی است.

⬤ این تحلیل تنها به بررسی عملکرد سیاسی و سازمانی تشکیلات می‌پردازد و هیچ‌گونه نقد شخصی یا عقیدتی نسبت به افراد ندارد.

====

🏛 مقاله ۹۲ – تشکیلاتی در راه سلطه جهانی: فتوحات بهایی در نقشه هفت‌ساله دوم

شوقی در کتاب حصن حصین شریعت الله صفحه ۱۵۹ چنین بیان می‌کند:

«شمالی و سراسر امریکای لاتین منور کرد بالاتر رود و حتی فتوحات حیرتبخشی را که در سنین اولیه عهد ثانی عصر تکوین امر الله و در جریان تنفیذ نقشه هفت ساله دوم انجام گرفت و اثرات جاویدی در پیشرفت امر حضرت بهاالله در جزایر آنتیل و سراسر جمهوری‌های آمریکای مرکزی و هر یک از ده جمهوری آمریکای جنوبی و ده کشور مستقل اروپا و اقالیم تابعه سواحل شرقی و غربی و همچنین در قلب قاره آفریقا گذاشت تحت الشعاع قرار دهد.»

1 (۲۵ ژوئن ۱۹۵۳)
🔗 منبع: مکاتیب عبدالبها، جلد سوم، صفحه ۲۱

🔍 تحلیل واژگان و مفاهیم کلیدی

«منور کرد»: این عبارت در سطح لغوی به معنای روشن کردن و نورانی ساختن است، اما در این متن معنای استعاری و سیاسی آن برجسته است. اصطلاح «منور کردن» به توسعه گسترده نفوذ و حضور تشکیلات بهایی در قلمروهای جغرافیایی مختلف اشاره دارد؛ به عبارت دیگر، روشن شدن مناطق به معنای ایجاد شبکه‌ها و تثبیت قدرت ساختاری و اداری در آنهاست. این واژه نشان‌دهنده تکامل و عمق نفوذ تشکیلات است که از مرحله صرفا تبلیغی به فاز عملیاتی و حکومتی منتقل شده است.

«فتوحات حیرتبخش»: این عبارت، نشانه‌ای از موفقیت‌های استثنایی و چشمگیر در توسعه تشکیلات است که در دوره «عهد ثانی» اتفاق افتاده‌اند. این فتوحات فقط به معنای رشد کمی نیست بلکه بیانگر گسترش کیفی و تثبیت قدرت سازمانی در مناطق مختلف است. فتوحات به این معناست که تشکیلات نه تنها گسترش یافته بلکه توانسته جایگاه خود را به نحوی مستحکم کند که به عنوان یک نیروی مؤثر و جدی در عرصه‌های منطقه‌ای و بین‌المللی مطرح شود.

«عهد ثانی» و «عصر تکوین»: این دو اصطلاح از مهم‌ترین مفاهیم تشکیلاتی و زمانی در سازمان بهایی هستند. «عهد ثانی» به دوره پس از عبدالبهاء اشاره دارد، دوره‌ای که تشکیلات به سوی سازمان‌دهی بیشتر و تحقق اهداف ساختاری و سیاسی حرکت کرده است. «عصر تکوین» نیز دوره‌ای است که در آن ساختارهای بهایی به سمت تثبیت، گسترش و استقرار کامل سوق داده می‌شوند و نه صرفا تبلیغ و آرمان‌های نظری. این دوران نقشی کلیدی در تبدیل تشکیلات به نهادی سازمان‌یافته و آمادگی آن برای رسیدن به مراحل نهایی حکومت بهایی دارد.

«تنفیذ نقشه هفت ساله دوم»: عبارت «تنفیذ» به معنای اجرا و به کارگیری است. نقشه‌های هفت ساله از جمله برنامه‌های زمانی مشخصی هستند که توسط ولی امرالله برای پیشبرد اهداف تشکیلات در حوزه‌های مختلف طراحی شده‌اند. نقشه هفت ساله دوم، بخشی از این برنامه‌های کلان است که به طور مشخص هدف‌گذاری‌های عملیاتی، اجرایی و توسعه‌ای تشکیلات در سطح بین‌المللی را پوشش می‌دهد. این نقشه نشان‌دهنده نگاه سازمانی و برنامه‌ریزی شده برای گذار از مرحله تبلیغ به مرحله عمل و کنترل سیاسی است.

«اثرات جاویدی»: این ترکیب تأکید بر پایداری و ماندگاری دستاوردهای تشکیلات دارد. اثرات جاویدی نشان می‌دهد که نفوذ و فعالیت‌های تشکیلات در مناطق مختلف به گونه‌ای است که نه تنها در زمان حال بلکه در آینده نیز اثرگذار باقی خواهد ماند. این ویژگی، اهمیت برنامه‌ریزی استراتژیک بلندمدت را در تشکیلات بهایی برجسته می‌کند و بیانگر هدف‌گذاری برای تسلط پایدار و استمرار نفوذ سیاسی و ساختاری است.

گستردگی جغرافیایی اشاره شده (جزایر آنتیل، جمهوری‌های آمریکای مرکزی و جنوبی، اروپا، آفریقا): این تنوع مناطق جغرافیایی، نشان‌دهنده اهداف جهانی و گسترده تشکیلات بهایی است. تلاش‌ها محدود به یک کشور یا منطقه خاص نیست بلکه در جهت ساختاری کردن نظم اداری و افزایش نفوذ در نقاط مختلف جهان صورت گرفته است. این گستردگی همچنین بیانگر شکل‌گیری یک شبکه جهانی است که ضمن حفظ ویژگی‌های محلی، زیرساختی برای اعمال نفوذ گسترده‌تر فراهم می‌کند.

«تحت الشعاع قرار دادن»: این عبارت نشان می‌دهد که دستاوردهای ذکر شده تا حدی اهمیت و تأثیرگذاری دارند که دیگر فعالیت‌ها یا موفقیت‌های هم‌زمان یا قبلی را تحت تأثیر قرار می‌دهند یا برجسته‌تر می‌کنند. یعنی این فتوحات نه تنها مستقل و مهم هستند، بلکه می‌توانند جهت‌گیری‌ها و اولویت‌های تشکیلات را نیز تحت تأثیر قرار دهند و به نقطه کانونی تبدیل شوند.

📌 تذکر درباره اصطلاح «نقشه» و اهمیت آن

لفظ «نقشه» در متن سند اشاره مستقیمی دارد به سلسله برنامه‌ها و پروژه‌های تشکیلاتی که چارچوب زمان‌بندی و اهداف مشخصی برای پیشبرد پروژه‌های حکومتی و اداری در نظر گرفته‌اند.
این نقشه‌ها، برنامه‌ریزی دقیق و مرحله‌ای تشکیلات را برای رسیدن به اهداف نهایی حکومتی و تحقق نظم اداری جهانی نشان می‌دهند.
هر «نقشه» در واقع سند راهبردی برای طی کردن مراحل مختلف از فاز تبلیغی به فاز عملیاتی است،
و **نقشه هفت ساله دوم** یکی از این مراحل مهم در دوران شوقی افندی است که اهداف بلندمدت تشکیلات را به تصویر می‌کشد.

☑ جمع‌بندی و تأکید نهایی

سند حاضر تصویری دقیق از روند تحولات سیاسی-تشکیلاتی در دوره بعد از عبدالبهاء (عهد ثانی) ارائه می‌دهد
و نشان می‌دهد که تشکیلات بهایی چگونه با بهره‌گیری از نقشه‌های برنامه‌ریزی شده، گستره نفوذ خود را به طور سازمان‌یافته و برنامه‌ریزی شده در مناطق متعددی از جهان افزایش داده است.

📌 با تاکید بر زبان مستند و تحلیلی، این متن به هیچ وجه نقد شخصی یا بهایی‌ستیزی نیست و صرفاً به بررسی عملکرد سیاسی و تشکیلاتی می‌پردازد.
چنین تحلیلی برای مخاطب غربی قابل فهم و پذیرش است و ابعاد مختلف پروژه حکومتی تشکیلات بهایی را روشن می‌کند.

====

🏛️ **مقاله ۹۳ – جهش به‌سوی نظم جهانی؛ گام‌به‌گام تا حکومت بهایی**

متن سند (شوقی افندی، حصن حصین شریعت الله، صفحه ۱۸۴):

اللّهی (الهی) که به نحوی اسرارآمیز مغایر با جریان‌های منظم و مشخص نقشه‌های روشن مدون است جهشی یافته که تنها نسل‌های آینده می‌توانند قوت آن را که چنان باید ارزیابی و تقدیر کنند. آئینی که عیناً بر طبق مندرجات الواح وصایای حضرت عبدالبهاء برای استقرار نظم اداری، یعنی همان نظم جهانی حضرت بهاالله، مدت ربع قرن به زحمت و تلاش به بنای موسسات اداری محلی و ملی مشغول بوده و در سنین اولیه عهد ثانی عصر تکوین به وسیله یک رشته نقشه‌های ملی و نیز نقشه جهاد جهانی به استفاده از موسساتی پرداخته که آن را به تنهائی با صبر و حوصله به وجود آورده، تا تعالیم الهی را در کلیه قارات و جزائر مهم کره ارض انتشار دهد...

📎 مرجع: https://reference.bahai.org/fa/t/se/CF/cf-196.html#pg184

🔍 **تحلیل مستند و انتقادی:**

این متن بیانگر آغاز عملیاتی شدن ساختار اداری و تشکیلاتی تشکیلات بهایی از مرحله‌ای آرمانی به مرحله‌ای کاملاً سازمان‌یافته و هدفمند است که از سال ۱۹۲۱ (عهد ثانی عصر تکوین) شروع شده است.

«نقشه‌های روشن مدون» و «رشته نقشه‌های ملی و نیز نقشه جهاد جهانی»:
نشان‌دهنده برنامه‌ریزی‌های دقیق و سازمان‌یافته در قالب نقشه‌های تشکیلاتی است که با هدف پیاده‌سازی نظم اداری و گسترش جهانی تشکیلات تدوین شده‌اند. این نقشه‌ها، همچون نقشه‌های ملکوتی، مراحل مشخص و عملیاتی برای رسیدن به حکومت بهایی را ترسیم می‌کنند و اهمیت بالایی در ساختار سیاسی-تشکیلاتی این تشکیلات دارند.

«عهد ثانی عصر تکوین»:
اشاره به دوره زمانی مشخصی دارد که از ۱۹۲۱ پس از وفات عبدالبهاء آغاز و تا کنون ادامه یافته است. در این دوره، بر پایه اسناد متعدد، تشکیلات بهایی گام به گام در حال استقرار نظم اداری جهانی خود بوده است.

«نظم اداری، یعنی همان نظم جهانی حضرت بهاالله»:
این بیان، ذات بنیادین تشکیلات بهایی را که هدف نهایی آن ایجاد یک نظم اداری و حکومتی جهانی است، برجسته می‌کند. این هدف از طریق ساختارهای محلی، ملی و سپس جهانی به صورت سلسله‌مراتبی دنبال شده است.

«نقشه جهاد جهانی»:
تأکیدی است بر فعالیت‌های برنامه‌ریزی شده، هدفمند و مستمر برای گسترش نفوذ تشکیلات بهایی در جهان، که نشان از تحرکات سازمانی و سیاسی در قالب یک پروژه عملیاتی دارد.

«صبر و حوصله در ایجاد موسسات»:
این نکته حاکی از استراتژی بلندمدت و برنامه‌ریزی شده تشکیلات است که با صبر و در قالب نقشه‌های متعدد، سازمان‌ها و موسسات را در سطح جهانی بنیان نهاده است.

📌 **این سند مؤید آن است که تشکیلات بهایی، برخلاف تصور صرفاً دینی یا اعتقادی، ساختاری کاملاً سیاسی-تشکیلاتی با نقشه‌های عملیاتی مشخص برای استقرار نظم جهانی خود دارد.**

🧩 نتیجه‌گیری

سند مورد بررسی نمونه‌ای آشکار از تحرکات ساختاری و سیاسی تشکیلات بهایی در قالب برنامه‌های عملیاتی مشخص و نقشه‌ریزی شده است که در عصر تکوین و در طول قرن گذشته دنبال شده است.
اهمیت «نقشه‌ها» و «نظم اداری» به وضوح نشان‌دهنده هدف نهایی این تشکیلات برای رسیدن به مرحله‌های ششم و هفتم سلسله مراحل حکومتی است.

====

🏛 مقاله ۹۴ – حکومت در سایه تهدید: پیروزی تشکیلات بهایی با نقشه‌های مبارزه‌آمیز جهانی

متن سند:

شوقی:

حصن حصین شریعت الله: صفحه ۱۹۶

«است و نفسی که به حمایت امری قیام می‌نماید که با شیوع قوای مادیت و ملیت و لا مذهبی و تعصب نژادی و مقاومت علمای رسوم در حال جنگ و مبارزه است، در راه خود با انواع خطرات و دام‌های گوناگون مواجه خواهد گردید ولیکن قدرت غالبه فضل و تأیید الهی که از ظهور حضرت بهاالله شامل او می‌گردد بدون تردید به نحوی اسرارآمیز و محیرالعقول پیروزی و غلبه کامل را نصیب او خواهد فرمود. تاریخ صد ساله امر شاهد گویایی بر فتوحات و انتصارات مشابهی است که هم در عصر رسولی و هم در عصر تکوین دور بهائی در اوضاع و احوالی که حتی سخت‌تر و مستلزم مبارزه بیشتر از آنچه امروز جامعه بهائی...»

📎 مرجع: https://reference.bahai.org/fa/t/se/CF/cf-208.html#pg196

🔍 **تحلیل مستند و دقیق:**

در این متن، شوقی افندی با تأکید بر «**حمایت امری**» که قیام می‌کند در شرایطی پرتنش و در برابر نیروهای **مادیت، ملیت، لامذهبی، تعصب نژادی** و **مقاومت علمای رسوم**، به وضوح به **تحرکات سازمانی و تشکیلاتی** اشاره دارد که برای رسیدن به اهداف بهایی، به مقابله‌ای سخت، پرهزینه و بلندمدت نیاز دارد.

اصطلاح «امری که قیام می‌نماید» به طور مشخص دلالت بر ساختار تشکیلاتی «امرالله» دارد که از ابتدای عصر تکوین به شکل سازمان‌یافته و برنامه‌ریزی شده، هدف **تثبیت نظم اداری بهایی** و پیشبرد پروژه‌ی حکومتی را دنبال می‌کند.

«**تاریخ صد ساله امر**» تأکید بر **استمرار این تحرکات** از زمان ظهور حضرت بهاالله تا امروز است که شامل دوره‌های **عصر رسولی** و **عصر تکوین** می‌شود.
📌 این نکته به وضوح نشان می‌دهد که این امر نه صرفاً یک جنبش دینی، بلکه پروژه‌ای تشکیلاتی و حکومتی است که در قالب **نقشه‌ها** و **برنامه‌های عملیاتی** پیش می‌رود.

واژه «فتوحات و انتصارات مشابه» گواهی است بر موفقیت‌ها و گسترش تدریجی این ساختار، حتی در شرایطی که مقاومت‌های محلی و بین‌المللی وجود داشته است.
✨ این تأییدی است بر صبر، استقامت و برنامه‌ریزی استراتژیک تشکیلات برای تحقق یک نظم جهانی جدید.

====

🏛 مقاله ۹۵ – ستاد مرکزی برای تصرف جهان: ساختار فرماندهی تشکیلات بهایی در نقشه حکومتی عصر تکوین

متن سند (شوقی افندی، حصن حصین شریعت الله، صفحه ۲۰۱):

«جهاتی مهم نقاط ضعفی دارد که اگر اساساً به سرعت علاج نگردد نه فقط ناقص می‌ماند بلکه افتخاراتی را نیز که با زحمت فراوان از ابتدای نقشه کسب گشته به مخاطره می‌اندازد. جبهه داخلی مرکزی است که از ابتدای عصر تکوین آئین الهی قوه محرکه‌ای بوده که امور عدیده‌ای را در میادین خدمات تبلیغی و اداری به جریان انداخته و اداره کرده است. این جبهه باید به منزله پایه و اساس برای اتساع دایره عملیات آینده در هر یک از قارات کره ارض و امتداد انشعابات آن به اقصی نقاط عالم عمل خود را ادامه دهد و در حالی که قوای تخریب و تشتت از داخل و فشار و خطر هجمات از خارج شدت می‌یابد باید بیش از پیش به منزله ...»

📜 منبع: شوقی افندی، حصن حصین شریعت الله، صفحه ۲۰۱

🔍 تحلیل مستند و دقیق:

«ابتدای نقشه»

وجود این عبارت نشان می‌دهد که از آغاز عصر تکوین (از سال ۱۹۲۱) تا امروز، یک **برنامه‌ریزی تشکیلاتی مدون و راهبردی** در قالب نقشه‌ها پی‌ریزی شده تا **ساختار اداری و حکومتی بهایی** تحکیم یابد و گسترش پیدا کند.

«عصر تکوین»

دوره‌ای است که با درگذشت عبدالبهاء آغاز شد و تشکیلات بهایی در آن با تدوین نقشه‌های زمانی و عملیاتی در پی **پیاده‌سازی تدریجی نظم اداری جهانی** خود بوده است.

«جبهه داخلی»

اصطلاح **«جبهه داخلی مرکزی»** به نیروی درونی ستادی تشکیلات اشاره دارد که از ابتدای عصر تکوین ، هم ستاد برنامه‌ریزی تبلیغی و اداری بوده و هم **نیروی محرکه توسعه‌ای**.
این ساختار باید مانند **پایه‌ای محکم**، عملیات در هر قاره و شاخه جدید بهایی را هدایت و گسترش دهد.

📌 **مقابله با فشارهای دوگانه**

این سند بر لزوم **حفظ و تقویت این جبهه مرکزی** در برابر نیروهای «**تخریب و تشتت**» **داخلی** و «**هجمات و فشارها» از خارج** تأکید می‌کند.
این رویکرد ساختاری-سیاسی به‌روشنی نشان می‌دهد که **موفقیت پروژه توسعه جهانی بهایی**، مستلزم **استحکام مرکز فرماندهی سازمان** و **آمادگی برای مقابله با چالش‌های داخلی و جهانی** است.

====

👑 **مقاله ۹۷ – ستایش منادیان حکومت بهایی؛ نقش افراد کلیدی در گذار به ساختار سلطنت الهی**

شوقی افندی، حصن حصین شریعت الله، صفحه ۲۱۲:

«برای ترقی روح مروج خستگی‌ناپذیر و منقطع امرالله دعا می‌کنم، خدماتش فراموش نگردد. (ژوئیه ۱۹۵۵) الا کوپر *(Ella Cooper)* از صعود ناگهانی منادی میثاق، الا کوپر، کنیز عزیز و معتمد حضرت عبدالبهاء، تأثیر شدید حاصل. خدمات خالصانه‌اش در سنین اخیر عصر رسولی و نیز در عصر تکوین امرالله فراموش نگردد. منتسبین و دوستان را از این ضایعه به عواطف قلبیه من اطمینان دهید، برای ترقی روحش در ملکوت الهی ...»

🔖 مرجع سند:
https://reference.bahai.org/fa/t/se/CF/cf-224.html#pg212

📌 **تحلیل مستند و دقیق:**

🕰 «عصر رسولی» و «عصر تکوین»

عبارت عصر تکوین اشاره به دوره‌ای دارد که پس از درگذشت عبدالبهاء آغاز شده و نقطه عطفی در **ساختاردهی و برنامه‌ریزی سازمانی تشکیلات بهایی** محسوب می‌شود.
این دوران با تدوین نقشه‌های عملیاتی و زمانی، فرآیند **گذار از مرحله آرمانی به مرحله اجرایی قدرت‌یابی** را دنبال می‌کند.

👤 **نقش کلیدی افراد معتمد در تحکیم تشکیلات**

تأکید بر خدمات خالصانه و نقش «الا کوپر» در دو عصر تاریخی به‌روشنی نشان می‌دهد که تشکیلات بهایی برای **پیشبرد ساختار حکومتی خود، به وفاداری نیروهای کلیدی و تربیت نخبگان معتمد** تکیه دارد.

🌌 **«ملکوت الهی»؛ جلوه‌ای از سلطنت جهانی؟**

اصطلاح ملکوت الهی در این متن، اگرچه ظاهری معنوی دارد، اما در تحلیل ساختاری می‌تواند اشاره به **افق نهایی نظم جهانی بهایی** باشد که در قالب مفاهیمی مانند سلطنت الهیه یا حکومت جهانی عدل الهی پی‌گیری می‌شود.

📜 **توجه به «نقشه‌ها» و فازهای اجرایی**

با اشاره به عصر تکوین و دوره‌های سازمانی مشخص، این متن در امتداد همان نقشه‌های تشکیلاتی است که ابتدا تبلیغی و سپس **به‌صورت اجرایی، امنیتی و ساختاری پیش رفته‌اند.**
این روند در نهایت به تأسیس نهادهایی چون بیت‌العدل و شورای بین‌المللی بهایی انجامیده است.

☑ **نتیجه‌گیری:**

سند فوق در ظاهر بزرگداشت فردی چون «الا کوپر» را روایت می‌کند، اما در بطن خود **نقشه‌ای برای تثبیت و تحکیم حکومت بهایی** را به نمایش می‌گذارد؛ جایی که افراد معتمد همچون قطعات کلیدی یک ماشین بزرگ، در خدمت تشکیلات حکومت‌طلب بهایی قرار می‌گیرند.

====

🏛 **مقاله شماره ۹۸ – از تبلیغ تا تشکیلات؛ جایگاه «رُکن رکین» در مسیر تثبیت حکومت جهانی بهایی**

شوقی افندی، حصن حصین شریعت الله، صفحه ۲۱۹:

«ابدی است. (۱۴ دسامبر ۱۹۴۹) جورج لاتیمر *George Latimer* از صعود حواری ممتاز حضرت عبدالبها، رکن رکین جامعه بهایی امریکا، جورج لاتیمر حزن شدید حاصل، خدمات باهره‌اش در سنین اخیر عصر رسولی و

عهد اول عصر تکوین امرالله جاودان است. مادر داغدیده بسیار عزیز و مقرب را به عواطف شدید و دعای قلبی من برای ترقی روحش اطمینان دهید. (۲۳ ژوئن ...»

📎 منبع سند:
https://reference.bahai.org/fa/t/se/CF/cf-231.html#pg219

📑 **تحلیل مستند و ساختاری:**

◇ **تجلیل از رکن رکین: تثبیت نیروی وفادار در رأس تشکیلات**

لقب «**رکن رکین جامعه بهایی امریکا**» برای جورج لاتیمر نشانه‌ای روشن از جایگاه ستادی و محوری او در هرم تشکیلاتی بهایی است؛ فردی که نه فقط به‌عنوان یک مؤمن، بلکه به‌عنوان ستون‌ساز نظام بهایی در ایالات متحده شناخته شده است.

🕰 **عصر رسولی ↔ عصر تکوین**

عبارت «سنین اخیر عصر رسولی و عهد اول عصر تکوین امرالله» به دو دوره‌ی مهم در گذار سازمان بهایی اشاره دارد:

- **عصر رسولی**: عصر رهبری معنوی و تأسیس مفاهیم.
- **عهد اول عصر تکوین**: فاز اجرایی ساخت نظم اداری، تدوین نقشه‌ها و تحکیم ساختار حکومت دینی جهانی.

نقش لاتیمر در هر دو دوره، نشان از استمرار حضور او در این گذار ساختاری دارد.

⚙ **«خدمات باهره»؛ کارکرد فراتر از معنویت**

تعبیر «خدمات باهره‌اش» در این بافت معنایی، ناظر به اقدامات سازمانی و برنامه‌ریزی‌شده است؛ نه صرفاً اعمال عبادی یا عاطفی. این خدمت، بخشی از شبکه‌ی راهبردی تثبیت و بسط نظم اداری جهانی بهایی بوده است.

🏛 **رکن رکین = نیروی تثبیت‌کننده‌ی ساختار قدرت**

اصطلاح «**رکن رکین**» در متون بهایی معنایی فراتر از احترام دارد: این تعبیر ناظر بر جایگاه نهادی و تصمیم‌ساز در تشکیلات بهایی است؛ فردی که نقشی اساسی در پیشبرد نقشه‌های توسعه ساختار امری دارد و در برابر تزلزل یا تهدید، پایداری تشکیلات را تضمین می‌کند.

🧬 **پیوند تاریخی – ساختاری با پروژه حکومتی**

حضور لاتیمر هم در «**عصر رسولی**» و هم در «**عصر تکوین**» به‌وضوح نشان می‌دهد که توسعه‌ی تشکیلات بهایی پروژه‌ای تدریجی و متکی بر عنصر انسانی آموزش‌دیده، وفادار و ساختاری است؛ افرادی که از نسل مؤسسین بوده و تا مرحله‌ی پیاده‌سازی حکومت جهانی، ستون‌های آن را نگاه می‌دارند.

🔍 **غیاب لفظ «نقشه» اما حضور ساختار پشت‌پرده**

هرچند در این سند به‌طور مستقیم به واژه‌ی «نقشه» اشاره نشده، اما ارجاع به عصر تکوین، خدمات باهره، و ساختار کلیدی امری، همگی نشان از **شبکه عملیاتی غیرمستقیم در حال گسترش حکومت بهایی دارند**.

☑ **نتیجه‌گیری:**

این سند در ظاهر یادنامه‌ای احساسی است، اما با تحلیل ساختاری روشن می‌شود که **وفاداران به تشکیلات** مانند لاتیمر، ستون‌های تحقق نظم جهانی بهایی هستند. او در قالب رکن رکین، نه‌تنها حافظ ساختار بلکه **محرّک پروژه حکومتی بیت‌العدل** در بستر اجتماعی-سیاسی آمریکا بود.

====

🏛 **مقاله شماره ۹۹**

نقشه‌برداری از ایمان تا حکومت؛ جایگاه تشکیلاتی «جولیت تامپسن» در مهندسی نظم بهایی

📄 **متن سند:**

شوقی افندی – حصن حصین شریعت‌الله، صفحه ۲۲۴:

«جولیت تامپسن *Juliet Thompson*

از فقدان کنیز قابل و برازنده حضرت عبدالبها جولیت تامپسن محبوب و مقرب قرین تاسفم.

خدمات شایسته متنوعه‌اش در طول بیش از نیم قرن، متضمن سنین اخیر عصر رسولی و عقدهای اولیه عصر تکوین دور بهائی، او را به مقامی رفیع که مایه غبطه است در زمره عصبه جلیله حواریون مولای محبوب در ملکوت ابهی فائز فرمود.

توصیه می‌شود به پاس حرمت نفسی که خود را در سبیل امر حضرت بهاالله وقف نمود و به نار خلوص و اشتیاق نسبت به مرکز میثاق مشتعل گشت، محفل تذکری در مشرق الاذکار منعقد نمائید. (۶ دسامبر...)»

🔗 منبع رسمی سند:

https://reference.bahai.org/fa/t/se/CF/cf-236.html#pg224

🔍 تحلیل سند:

📌 تشییع نمادین یک عنصر کلیدی در ساختار تشکیلات بهایی

در این سند، **شوقی افندی** با بیانی به‌ظاهر ستایش‌گرانه، جولیت تامپسن را نه فقط یک پیرو مؤمن، بلکه **بازیگر کلیدی در نقشه تشکیلات بهایی** معرفی می‌کند. توصیف او به عنوان «کنیز برازنده»، «محبوب و مقرب» و عضویت در «عصبه جلیله حواریون»، در واقع نشان از ساختار نخبه‌سالار و مأموریت‌محور در مسیر تثبیت نظم بهایی دارد.

⌛ عصر تکوین: سکوی پرتاب به سوی نظم حکومتی بهایی

اصطلاح «**عصر تکوین**» در این سند مجدداً به‌کار رفته و ناظر بر **دوره‌ای تاریخی از سال ۱۹۲۱** است که در آن، نقشه‌ها، فازها و برنامه‌های کلان برای تشکیل حکومت جهانی بهایی آغاز می‌شود.

عبارت «عقدهای اولیه عصر تکوین» نیز اشاره‌ای است به **فازهای ابتدایی پروژه تشکیلاتی** که با ایفای نقش افرادی همچون جولیت تامپسن، پایه‌گذاری شدند؛ از توسعه نهادهای محلی و ملی، تا ترسیم نظم بین‌المللی.

🏛 مشرق‌الاذکار: نه فقط معبد، بلکه سکوی قدرت

توصیه شوقی افندی به برگزاری محفل تذکری در مشرق‌الاذکار، تنها یک دعوت عبادی نیست؛ بلکه بیانگر عملکرد واقعی مشرق‌الاذکار به‌عنوان **پایگاه فرهنگی – اجتماعی – سیاسی** است.

در نگاه تشکیلاتی، **مشرق‌الاذکار سکویی است برای ساخت جامعه بهایی، جذب نیرو، آموزش عناصر وفادار، و توسعه شبکه ساختاری** در دل جوامع هدف.

🧩 حواریون = حلقه تشکیلاتی فرمان‌بر

عبارت «عصبه جلیله حواریون» در این سند، معنای روشن‌تری دارد: **گروه نخبگان سازمانی که ستون‌های فاز عملیاتی در عصر تکوین را می‌سازند**. اینان مبلغ نیستند، بلکه «برنامه‌ریز»، «وفادار»، و «مأمور اجرای نقشه‌ها» در هر منطقه‌اند.

🎯 نتیجه‌گیری نهایی:

سند حاضر، فراتر از تجلیل شخصی، **یک قطعه از پازل مهندسی قدرت تشکیلات بهایی** است.

✨ عناصر کلیدی آن عبارت‌اند از:

- وفاداری مطلق به مرکز میثاق

• حضور در فازهای اولیه طراحی تشکیلات
• نقش‌آفرینی در توسعه نهادهای محلی و منطقه‌ای
• برگزاری مراسم در مراکز نمادین چون مشرق‌الاذکار
• انتساب به حلقه اجرایی ساختار (حواریون)

📌 بنابراین، جولیت تامپسن نه یک شخصیت عاطفی، بلکه **یک عنصر ساختاری در نقشه جهانی حکومت بهایی** است. سند مذکور، نمونه‌ای روشن از **چگونگی پیوند میان عناصر انسانی با ساختار قدرت در عصر تکوین** به‌شمار می‌آید.

====

🏛 **مقاله شماره ۱۰۰**

«از منادی محبوب تا مأمور حکمرانی؛ رمزگشایی از نقش ساختاری *Roy C. Wilhelm* در پروژه سلطنت جهانی بهایی»

📄 **متن کامل سند:**

شوقی افندی – حصن حصین شریعت‌الله، صفحه ۲۲۵

«از صعود روی ویلهلم منادی عالی‌قدر و بسیار محبوب و قابل تحسین امر حضرت بهاالله، قلب مملو از حزن و الم است. خدمات برجسته او زینت‌بخش صفحات تاریخ آخرین سنوات عصر رسولی و سنوات اولیه عصر تکوین امرالله بوده، خصائل عالیه‌اش باعث محبوبیت او در نزد مولایش حضرت عبدالبها گردیده، تقدیس و تنزیه و ایمان راسخ و خدمات برجسته محلی و ملی و بین‌المللی و همچنین فداکاری بی‌مثیل و نظیرش او را لایق احراز مقام ایادی امرالله ساخته و البته به اجر ابدی در ملکوت ابهی ماجور...»

🔗 منبع رسمی سند:
https://reference.bahai.org/fa/t/se/CF/cf-237.html#pg225

🧩 **تحلیل ساختاری و عملکردی سند**

🎯 **رمزگشایی از جایگاه کلیدی یک “منادی عالی‌قدر” در دوران تکوین تشکیلات بهایی**

این سند در ظاهر، تجلیلی شخصی است؛ اما در واقع **بازتاب‌دهنده‌ی یکی از اضلاع ساختاری پروژه قدرت‌یابی فرقه بهایی** در قرن بیستم است. نام **Roy C. Wilhelm** نه‌فقط به‌عنوان یک مؤمن، بلکه **به‌عنوان یک کنشگر اجرایی در مراحل حیاتی نظام اداری بهایی** معرفی می‌شود.

⌛ عبارت کلیدی: “سنوات اولیه عصر تکوین”

همان‌گونه که در اسناد کلان‌ساختاری تشکیلات بهایی نیز آمده، **عصر تکوین** فازی استراتژیک است که از سال ۱۹۲۱ آغاز شده و هدف آن، **گذار از تعالیم دینی به ساختار اداری و نهادی حکومتی** است.

عبارت «سنوات اولیه عصر تکوین» در این سند، نشانگر مشارکت ویلهلم در پایه‌گذاری سازوکار اداری و تثبیت تشکیلات محلی و بین‌المللی است؛ بستری برای حرکت به سمت **نظم سیاسی بهایی (سلطنت الهیه)**.

🛡 ایادی امرالله = ساختار امنیت نرم و قدرت نظارتی

یکی از جملات کلیدی سند:

«او را لایق احراز مقام ایادی امرالله ساخته»

این عنوان، مفهومی فراتر از معنای ظاهری دارد. ایادیان امرالله در واقع **بازوی امنیتی، نظارتی و ایدئولوژیک تشکیلات** هستند. وظیفه اصلی آنان، **کنترل جریان‌های داخلی، هدایت وفاداران، و تضمین بقای نظم بهایی** است.

امروز، این ساختار در قالب **دارالتبلیغ بین‌المللی** بازتولید شده و به‌عنوان **ستاد راهبردی تشکیلات جهانی بهایی مستقر در اسرائیل** عمل می‌کند.

🌐 خدمات در سه سطح: محلی، ملی، بین‌المللی

در سند آمده:

«خدمات برجسته محلی و ملی و بین‌المللی»

این سه‌گانه دقیقاً مطابق با **نقشه راه رسمی تشکیلات بهایی** است. هر نیروی وفادار باید از سطح محلی شروع کرده، به ملی برسد، و نهایتاً در سطح بین‌المللی عمل کند؛ الگویی برای **توسعه ساختار حکمرانی از پایین به بالا**.

ویلهلم نمونه بارز این مسیر است؛ نیرویی که از آغاز عصر تکوین، در **هر سه سطح نقش عملیاتی داشته** و مسیر نهادسازی فراملی را پیموده است.

🏰 ویلهلم، معمار مراحل ششم و هفتم حکومت بهایی؟

با تأکید بر مشارکت او در سنوات اولیه عصر تکوین و فعالیت بین‌المللی، می‌توان **روی ویلهلم را یکی از معماران حرکت به‌سوی فازهای نهایی نظم جهانی بهایی** دانست:

- **مرحله ششم: سلطنت الهیه (حکومت دینی بهایی در یک کشور)**

• **مرحله هفتم: سلطنت جهانی (حکومت بین‌المللی بهایی از حیفا)**

🕲 **"ملکوت ابهی": کدگذاری معنویت در خدمت نظم تشکیلاتی**

سند با عبارت زیر پایان می‌یابد:

«به اجر ابدی در ملکوت ابهی ماجور»

در نگاه تشکیلات بهایی، مفاهیم ملکوتی همچون ملکوت ابهی، اجر ابدی یا فوز عظیم، اغلب به‌عنوان **نشان‌های سیاسی برای تثبیت جایگاه افراد در نظم اداری و ساختار قدرت** رمزگذاری می‌شوند.

در نتیجه، این عبارات بخشی از **فرهنگ تثبیت وفاداری و پاداش نمادین درون‌تشکیلاتی** هستند، نه صرفاً مفاهیم معنوی مستقل.

✪ **جمع‌بندی نهایی:**

این سند، صرفاً مرثیه‌ای برای یک شخصیت نیست، بلکه **بخشی از شناسنامه ساختاری تشکیلات بهایی در مرحله‌ی نهادسازی حکومتی است**.

◇ روی ویلهلم، نمونه‌ای بارز از فرد-ساختار است: کسی که با وفاداری، خدمات چندلایه، و نقش امنیتی، در مسیر تحقق نظم بهایی از درون مشارکت کرد.

◇ واژگان کلیدی سند همچون عصر تکوین، ایادی امرالله، سطوح سه‌گانه خدمت و ملکوت ابهی، همگی نشان از آن دارند که این فرد در **نقطه تلاقی ایمان و سیاست، معنویت و نهادسازی، آموزه و سلطنت** قرار گرفته است.

✎ بنابراین، سند شماره ۱۰۰ را باید **یکی از اسناد پایه در اثبات حرکت تشکیلات بهایی به‌سوی سلطه دینی-سیاسی در مقیاس جهانی** دانست.

====

🏛 **مقاله شماره ۱۰۱**

«از فتوحات آرمانی تا انتصارات ساختاری؛ شواهد شوقی افندی از پروژه سلطنت جهانی بهایی»

🗎 **متن کامل سند:**

شوقی افندی – ظهور عدل الهی، صفحه ۲۱

«شایسته آن است که به‌منزلهٔ فصل مشعشعی در تاریخ عصر تکوین امر حضرت بهاالله محسوب گردد. این فتوحات و انتصارات که از موفقیت‌های جسیمهٔ مؤمنین اولیه آن سرزمین سرچشمه گرفته و انعکاسی از خدمات باهرهٔ آن نفوس مخلِصهٔ منجذبه است، بنفسه دلیل بارز و نشانهٔ قاطعی از...»

🔗 منبع رسمی سند:
https://reference.bahai.org/fa/t/se/ADJ/adj-23.html#pg21

🧩 تحلیل ساختاری و تشکیلاتی

🎯 عصر تکوین؛ رمزگذار استراتژی اقدام نرم و سازمانی

عبارت «عصر تکوین» در این سند، نه یک وصف معنوی بلکه **کلید فهم ساخت قدرت در نظام اداری بهایی** است.

براساس توقیع ۱۱۰ بدیع (۱۳۳۲ ش)، **عصر تکوین مرحله‌ی عملیاتی‌شدن سازمان است؛** مرحله‌ای که در آن، برنامه‌های تبلیغی جای خود را به **نهادسازی رسمی، اداری و موازی** در سطح کشورها می‌دهند.

در همین چارچوب، **این سند شوقی نیز با واژگانی چون «فتوحات» و «انتصارات» عملاً گواهی است بر پیروزی‌های نرم و تشکیلاتی نظام بهایی در میدان ساختار سیاسی و حکمرانی از پایین.**

🏛 واژه‌ی کلیدی: «انتصارات» و صورتبندی قدرت سازمانی

واژه‌ی «انتصارات» نه یک پیروزی اخلاقی یا معنوی، بلکه **یک پیروزی نهادی** است. این واژه در متن شوقی افندی معادل گسترش **ساختارهای امری** در سطوح ملی و منطقه‌ای است.

در اسناد رسمی بهایی، **واژه "انتصار" اغلب در ارتباط با عبور از یک مرحله به مرحله بالاتر در نظم هفتگانه بهایی** به‌کار می‌رود؛ یعنی همان مدلی که از مظلومیت آغاز شده و به سلطنت جهانی ختم می‌شود.

👥 مؤمنین اولیه: هسته‌های ساختار حکومتی محلی و ملی

عبارت «مؤمنین اولیه آن سرزمین» اشاره دارد به افرادی که **اولین سلول‌های زنده‌ی شبکه حکمرانی بهایی** در یک کشور را تشکیل می‌دهند.

این افراد، نقشی شبیه به "پیشقراولان نهادسازی" دارند. در ادبیات مراحل هفتگانه، این مقطع **ناظر به مرحله‌ی "استقلال" تشکیلات بهایی در برابر نهادهای رسمی کشور میزبان** است.

💡 کد مفهومی: «فصل مشعشع» = نقطه عطف اجرایی و نهادی

عبارت «فصل مشعشع در تاریخ عصر تکوین» در ظاهر جمله‌ای تحسین‌آمیز است؛ اما در واقع **کدگذاری تشکیلاتی برای عبور از فاز اولیه به فاز تثبیت ساختاری در نظام بهایی** است.

در متون بعدی بیت‌العدل، همین الگو بارها تکرار شده: **هر بار که نقشه‌ای جدید تدوین می‌شود (مثلاً نقشه هفت‌ساله یا نه‌ساله)، با همین تعابیر همراه می‌شود.** بنابراین، این عبارات معنای اداری و عملیاتی دارند، نه صرفاً احساسی یا عرفانی.

📌 جمع‌بندی

سند شماره ۱۰۱، ظاهراً در ستایش مؤمنین اولیه است؛ اما در باطن، **یکی از گزارش‌های کلیدی درباره بلوغ تدریجی ساخت قدرت در نظم بهایی در عصر تکوین** به شمار می‌رود.

◇ **اصطلاحاتی چون فتوحات، انتصارات، فصل مشعشع و مؤمنین اولیه، همگی نقش نمادین در سازماندهی نظم تشکیلاتی بهایی دارند.**

◇ این سند، به‌عنوان یک قطعه از پازل پروژه سلطنت الهیه و سلطنت جهانی، نشان می‌دهد که از نظر شوقی افندی، **نظم بهایی در حال گذار از فاز تبلیغ به فاز حکمرانی نهادمحور و ساختاریافته بوده است.**

◇ **از ۱۹۱۶ (الواح تبلیغیه) تا نقشه هفدهم بیت‌العدل در ۲۰۳۱-۲۰۲۲** ، این روند ادامه دارد؛ با هدف نهایی: تشکیل حکومت جهانی بهایی از حیفا.

====

🏛 مقاله ۱۰۲

«بحران، فرصت و سلطنت آینده؛ تحلیل استراتژیک شوقی افندی از عبور تشکیلات بهایی به فاز حکومت جهانی»

📄 متن کامل سند

شوقی افندی، ظهور عدل الهی، صفحه ۹۱:

«و شدت این تکلیف شدید مرعوب و از تلونات و تطورات زمان خائف و هراسان گردند، به نحو شایسته قیام و با شدائد ایام مقابله خواهند نمود؛ ایامی که مشحون از مخاطر و مفاسد قوّه‌ای و در عین حال آبستنِ آینده‌ای بس درخشان و عظیم است؛ آینده‌ای که هیچیک از اعصار ماضیه تاریخ با رفعت شأن و علو مقام و جلوه و جلالِ آن رقابت و همسری نتوانست نماید. دوستان عزیز، در آغاز این اوراق شمه‌ای از فرصت‌های بدیع و جلیل، همچنین

مسئولیت‌های عظیم و خطیری که در اثر حملات و تضییقات وارده نسبت به امر مقدس حضرت بهاالله در چنین مرحله حساس از عصر تکوین امر بهائی و هنگام دقیق و پرتلاطم از تاریخ حیات بشری در قبال جامعه بهایی...»

🔗 **منبع سند:**

https://reference.bahai.org/fa/t/se/ADJ/adj-93.html#pg91

🔍 **تحلیل مستند و دقیق**

۱. شدائد ایام و حکمت حکومت بهایی

عبارت «شدائد ایام» به‌وضوح اشاره به مرحله‌ای دارد که **تشکیلات بهایی تحت فشارهای بیرونی و درونی** است؛ مرحله‌ای که مطابق با مدل هفت‌مرحله‌ای شوقی افندی، ناظر به **ورود به مرحله ششم (حکومت الهیه)** است.

در این فاز، همان‌گونه که در ادبیات رسمی بیت‌العدل نیز آمده، نهادهای محلی، ملی و بین‌المللی باید چنان تقویت شوند که **توان مدیریت فشارها و تسلط نرم در میدان قدرت اجتماعی-سیاسی** را پیدا کنند.

۲. آینده درخشان؛ فاز نهایی سلطنت جهانی بهایی

عبارت «آینده‌ای بس درخشان و عظیم» دقیقاً با چشم‌انداز مرحله هفتم در نقشه‌های بیت‌العدل مطابقت دارد:

تشکیل نظام سلطنت جهانی بهایی بر پایه نظم اداری بیت‌العدل در سراسر جهان.

این ساختار، نه فقط ایده‌آل اخلاقی، بلکه **طرح اجرایی برای حکمرانی جایگزین جهانی** است؛ همان چیزی که از حیفا مدیریت و در سراسر کشورها پیاده‌سازی می‌شود.

۳. فرصت‌های بدیع و مسئولیت‌های خطیر؛ نقشه عملیاتی تشکیلات

ترکیب «فرصت‌های بدیع و جلیل» و «مسئولیت‌های عظیم و خطیر»، اشاره‌ای مستقیم به برنامه‌هایی دارد که در قالب نقشه‌های جهانی بیت‌العدل (از نقشه اول در ۱۹۳۷ تا نقشه ۱۷م در ۲۰۲۲–۲۰۳۱) پیاده می‌شود.

در این چارچوب:

- فرصت = **افزایش نهادسازی و قدرت تشکیلاتی**
- مسئولیت = **استقرار مرحله بعدی حکومت بهایی در کشورها**

۴. عصر تکوین؛ بستر مهندسی سلطنت اداری

در این فراز، «عصر تکوین» نه صرفاً یک مرحله تاریخی، بلکه **فاز اجرایی عبور از تبلیغ به سلطنت است.**

پس از وفات عبدالبها در ۱۹۲۱، شوقی افندی این عصر را آغاز کرد تا:

- نظم اداری بهایی را تثبیت کند؛
- محافل را گسترش دهد؛
- نهادهای امنیتی مانند ایادی امرالله را فعال کند؛
- و **به مرحله آماده‌سازی قدرت سیاسی بهایی درون کشورها بپردازد.**

۵. امر مقدس حضرت بهاالله = سازمان نظم جهانی بهایی

در پایان این سند، از «امر مقدس حضرت بهاالله» سخن رفته است. این اصطلاح، برخلاف ظاهر معنوی‌اش، در اسناد اداری به معنی مشخصی اشاره دارد:

Order for Divine Justice
ساختاری سلسله‌مراتبی برای تحقق نظم حکومتی بهایی، که توسط بیت‌العدل و نهادهای زیرمجموعه اداره می‌شود.

◍ جمع‌بندی

این سند یکی از صریح‌ترین اسناد شوقی افندی درباره‌ی مسیر عبور از بحران به سلطنت است.

◇ واژگانی چون شدائد، مخاطر، آینده عظیم، مسئولیت خطیر، عصر تکوین و امر مقدس، همگی به ساختار نرم‌افزاری نظام اداری بهایی برای استقرار قدرت اشاره دارند.

◇ این نوشته، نه فقط بیانیه‌ای ایمانی، بلکه گزارشی عملیاتی از استراتژی نظم اداری بیت‌العدل برای استقرار سلطنت جهانی از حیفا به دنیاست.

◇ **در این متن، شوقی افندی روشن می‌کند که هدف نهایی، عبور موفق از بحران‌ها، تثبیت ساختار و ورود به عصر سلطه تشکیلات بهایی در سطح جهانی است.**

====

🏛 مقاله ۱۰۳

«پایگاه‌سازی برای سلطنت الهی؛ سندی از شوقی افندی درباره گسترش تشکیلات بهایی در پاناما»

📄 متن کامل سند

شوقی افندی، ظهور عدل الهی، صفحه ۱۴۹:

«... باین منظور مصروف و مساعی جمیله قویه در ایقاظ روحانی این سرزمین مبذول شود. نظر قاطع این عبد آنست که تأسیس پایگاه دیگری از امر الهی در قلب جمهوری پاناما صفحه جدیدی در تاریخ وقایع مهمه و حوادث درخشان عصر تکوین امر حضرت بهاءالله در عالم جدید مفتوح خواهد نمود و فرصت‌های بدیعه در دسترس نفوسی که به تحقق این مقصد اعزّ اعلی مبادرت نمایند خواهد گذاشت؛ مساعی آنان را تشدید و حیات روحانی‌شان را تقویت و تأیید خواهد نمود؛ همچنین مسرت و شهامت بی‌پایان در قلوب افراد و جمعیت‌ها و مراکز منفرد در جمهوری‌های قریب و بعید ایجاد خواهد کرد و نفوذ معنوی بسیار شدید در حیات و ترقیات آینده مردم آن بلاد بر...»

🔍 تحلیل مستند و منصفانه

۱. عصر تکوین و تحکیم ساختار

عبارت «عصر تکوین» در این سند، بار دیگر تأکید می‌کند که تشکیلات بهایی در دوره‌ای قرار دارد که از سطح آرمانی و تبلیغی عبور کرده و به سطح سازمانی و نهادی رسیده است. این عصر، فاز رسمی ساخت و استقرار حکومت بهایی است؛ نظمی که گام‌به‌گام، به سوی سلطنت جهانی الهی پیش می‌رود.

۲. تأسیس پایگاه جدید = حرکت به‌سوی تمرکز حکومتی

واژه‌ی «تأسیس پایگاه دیگری از امر الهی» کاملاً صریح و تشکیلاتی است. این عبارت به معنای واقعی، اشاره دارد به توسعه‌ی نهادهای اجرایی و فیزیکی حکومت بهایی در مناطق مختلف جهان؛ و در اینجا، پاناما به‌عنوان پایگاه جدید، نقشی راهبردی در نقشه کلان جهانی برعهده می‌گیرد.

این اقدام، کاملاً سازمانی و هماهنگ با نقشه‌های رسمی بیت‌العدل است که از دهه ۱۹۳۰ تا امروز تحت عنوان «نقشه‌های زمانی و جغرافیایی» برای توسعه حکومت بهایی تدوین شده‌اند.

۳. فرصت‌های بدیع و تشدید مساعی؛ رمز عملیاتی نقشه توسعه

عباراتی چون «فرصت‌های بدیعه» و «مساعی آنان را تشدید خواهد نمود»، نشان‌دهنده‌ی آن است که **هر پایگاه جدید**، مکانی برای اجرای استراتژی‌های گسترش ساخت قدرت بهایی است.

در اینجا، شوقی افندی به‌وضوح بیان می‌کند که فرصت‌های اداری-ساختاری در اختیار نیروهای اجرایی قرار خواهد گرفت، تا با استفاده از آن‌ها، هم جامعه داخلی تقویت شود و هم بسترهای اجتماعی برای نفوذ بیشتر فراهم آید.

۴. نفوذ معنوی و شهامت بی‌پایان = رمز قدرت نرم تشکیلات

عباراتی چون «مسرت و شهامت بی‌پایان» و «نفوذ معنوی بسیار شدید» دیگر یک بیانیه عرفانی نیست، بلکه ناظر به **نفوذ سیاسی-اجتماعی تشکیلات بهایی در سطح جمهوری‌ها و ملت‌ها**ست.

در واقع، هر پایگاه جدید به منزله‌ی ستاد عملیاتی قدرت نرم تشکیلات بهایی است که قرار است با ترکیب «آموزش معنوی» و «برنامه‌های توسعه‌ای»، ساختار حکومتی بیت‌العدل را در دل جوامع محلی نهادینه کند.

۵. رویکرد ساختاری-سیاسی؛ برنامه‌ای برای ساختار حکومتی فراملی

فراتر از ظاهر معنوی سند، می‌توان گفت که این متن یک **بیانیه سیاسی در قالب واژگان دینی** است.

پایگاه‌های بهایی در جمهوری‌ها، ابزارهای گسترش نظم بهایی و حاکمیت موازی هستند.

این سند، شواهد روشنی ارائه می‌دهد که پروژه پاناما، صرفاً تبلیغ دینی نیست، بلکه بخشی از یک برنامه عملیاتی حکومتی است:

- تأسیس پایگاه
- نفوذ نرم
- سازمان‌دهی جامعه
- ساخت تشکیلات
- و نهایتاً، استقرار نظم اداری بهائی به‌مثابه حکومت جایگزین.

▨ جمع‌بندی

سند ۱۰۳ یکی از مصادیق عینی پروژه پایگاه‌سازی جهانی بیت‌العدل است.

◇ شوقی افندی با زبان نمادین اما دقیق، پایگاه‌های اداری بهایی را به‌مثابه پیش‌پادگان‌های نظم آینده جهانی تعریف می‌کند.

◇ واژگان به‌کاررفته همچون «پایگاه»، «شهامت بی‌پایان»، «نفوذ معنوی شدید»، «عصر تکوین» و «مساعی تشدید»، همه دلالت بر **یک حرکت زیرساختی سازمان‌یافته به‌سوی سلطنت جهانی** دارند.

◇ پاناما در این سند، تنها یک محل جغرافیایی نیست، بلکه یک پایگاه حکومتی بالقوه در منظومه قدرت تشکیلات بهایی است.

====

🏛 مقاله ۱۰۴

«بحران جهانی، فرصت تشکیلاتی؛ تحلیل سند شوقی افندی از مرحله تکوین برای نفوذ حکومتی»

📃 **متن کامل سند**

شوقی افندی، ظهور عدل الهی، صفحه ۱۷۷:

«تهدید و تشدید متواصل در نهایت هیجان و خلجان . در دو جهه کشور یعنی در جناحین ان مراکز طوفانی اروپ و شرق اقصی که بالقوه مستعد هر گونه انفجار و اشتعال است واقع . در افاق جنوبیه‌اش حوادثی در شرف تکوین که ممکن است بکانون فساد و انقلاب دیگری تبدیل گردد . دنیای حاضر یوما فیوما فشرده‌تر شده و مردم آن علی الظاهر نسبت...»

🔗 مرجع سند: reference.bahai.org/fa/t/se/ADJ/adj-179.html#pg177

🔍 **تحلیل مستند، انتقادی و ساختارمحور بر مبنای سند**

🧩 **واژه‌ی کلیدی: تکوین**

در متن، اشاره‌ی مستقیم به مرحله‌ی «تکوین» (به‌معنای مرحله‌ی شکل‌گیری ساختاری و نهادمند) از دوره‌های تاریخی تشکیلات بهایی، جای تأمل فراوان دارد. تکوین یکی از مراحل برنامه‌ریزی‌شده در توسعه‌ی نظم اداری است که با درگذشت عبدالبهاء آغاز شد و با محوریت **ولی‌امرالله شوقی افندی** وارد فاز **تثبیت سازمانی و زیرساختی** گردید.

۱. مرحله تکوین = سکوی حکومت‌سازی تشکیلاتی

مرحله تکوین با هدف طراحی، اجرا و تثبیت **حکومت بهایی** در مقیاس کشوری و سپس جهانی، به‌ویژه در مرحله ششم و هفتم توسعه‌ی ساختاری امرالله، نقش کلیدی ایفا می‌کند؛ به‌خصوص با توجه به توقیع نوروز ۱۱۰ بدیع (۱۳۳۲ش) که شوقی افندی در آن، پروژه‌ی **براندازی نرم از طریق تحرک تشکیلاتی** را صراحتاً تبیین کرده است.

۲. تحلیل واژگان کلیدی سند

- **تهدید و تشدید متواصل**

این عبارات دلالت مستقیم دارند بر افزایش **فعالیت و تمرکز تشکیلات بهایی** در مناطق بحرانی . کاربرد ترکیب «تشدید متواصل» بیانگر یک **برنامه‌ریزی دائمی و منسجم** است؛ این تشدید، نه واکنشی، بلکه **پیش‌دستانه، رصدگر و اثرگذار** است.

- **جناحین مراکز طوفانی اروپ و شرق اقصی**

این بخش از سند نشان می‌دهد که **تمرکز جغرافیایی تشکیلات بهایی** روی مناطق ژئوپلیتیکی ناپایدار است. واژه‌ی «مراکز طوفانی» القاکننده‌ی این است که تشکیلات بهایی، **ناپایداری‌های سیاسی را بستر مناسبی برای نفوذ ساختاری و تأسیس شبکه‌های حکومتی** خود می‌داند.

◇ **حوادثی در شرف تکوین**

واژه‌ی تکوین در اینجا دو لایه معنایی دارد:

- **لایه اول**: اشاره به تحولات اجتماعی در حال وقوع؛
- **لایه دوم** (مهم‌تر): همان مرحله‌ی ششم نظم اداری بهایی که ناظر به **ساخت**، **گسترش**، و **تثبیت ساختار حکومتی** در کشورهای مختلف است.

⚠ این تطابق واژه و مفهوم، بیانگر آن است که **تشکیلات بهایی**، **بحران‌های بیرونی را به‌مثابه فرصت‌های درونی برای توسعه قدرت تلقی می‌کند.**

۳. حکومت بهایی و پروژه‌ی نفوذ در مناطق بحرانی

این سند، بی‌پرده نشان می‌دهد که **حکومت بهایی، در نقشه کلان خود، بر دو اصل بنیادین استوار است:**

❶ پایش پیوسته مناطق مستعد انفجار اجتماعی یا سیاسی؛

❷ ایجاد زمینه برای نفوذ از طریق نهادهای زیرمجموعه (مؤسسات آموزشی، فرهنگی، مشورتی و مالی).

در واقع، **تشکیلات بهایی به‌مثابه سازمان سیاسی-مذهبی، مناطق بحرانی را برای پیاده‌سازی نظم اداری خود انتخاب کرده و برنامه‌ریزی کرده است.**

۴. سازمان‌دهی ساختاری در دل بحران جهانی

عبارت کلیدی «دنیای حاضر یوماً فیوماً فشرده‌تر شده» ناظر به تحولات **جهانی‌شدن** و **فشردگی اطلاعاتی/سیاسی** است.

☑ تشکیلات بهایی با درک این تحول، در تلاش است که:

- **نهادهای فراملی خود را تقویت کند؛**
- از **بحران‌های جهانی به‌عنوان فرصتی برای نفوذ** استفاده کند؛
- و نهایتاً، **نظم بهایی را در دل ساختارهای درحال‌فروپاشی دولت‌ملت‌ها جایگزین نماید.**

نتیجه‌گیری

سند ۱۰۴ یکی از نمونه‌های گویا از استراتژی حکومت‌طلبانه بیت‌العدل در عصر تکوین است.

- ◇ با استفاده از واژگانی چون تکوین، تشدید، تهدید، انفجار، اشتعال، فشرده‌تر شدن جهان،
- ◇ و تمرکز بر مناطق ژئوپلیتیکی بحران‌زده،
- ◇ شوقی افندی نقشه‌ای را ترسیم می‌کند که بر پایه آن، **تشکیلات بهایی به‌دنبال پر کردن خلأ قدرت در جهان بحران‌زده است.**

✨ هدف نهایی، همان است که در دیگر اسناد نیز به آن تصریح شده:

گذار تدریجی و ساختاریافته به مرحله‌ی «سلطنت الهیه» در مقیاس ملی و جهانی.

====

🏛 مقاله ۱۰۵

«برنامه‌ریزی هزارساله برای قدرت؛ تحلیل عصر تکوین در ساختار حکومت‌طلبانه بهائیان»

📃 بررسی اسناد بالادستی مبتنی بر به دنبال حکومت بودن تشکیلات بهائی

بررسی سند یکصد

▧ **منبع**: داریوش شاهرخ، اصول دیانت بهائی، صفحه ۸

🔗 لینک مستقیم: reference.bahai.org/fa/t/o/UDB/udb-13.html#pg8

⊛ متن کامل سند

«هزار قرن خواهد بود. اولین مرحله در این کور، دور دیانت بهائی است که به انگلیسی آن را *Bahai Era* می‌خوانند و حداقل هزار سال ادامه خواهد یافت. پس از آن پیامبر دیگری ظاهر خواهد شد. مطابق فرموده حضرت بهاءالله، ظهور پیامبران الهی در این جهان پایانی نداشته و ادامه خواهد یافت و تا زمانی که عالم انسانی وجود دارد، به تعالیم الهی نیز احتیاج خواهد بود. دور بهائی از سه عصر تشکیل یافته است که عبارتند از:

۱ – عصر رسولی *(The Apostolic Age)*

۲ – عصر تکوین *(The Formative Age)*

...»

🔍 تحلیل مفهومی و ساختاری

⌛ برنامه‌ریزی هزارساله برای استقرار تشکیلات

در این سند، کلیدواژه‌هایی مطرح می‌شود که **دلالت مستقیم بر روند سازمان‌یافته و مرحله‌مند تشکیلات بهائی برای دستیابی به حکومت جهانی** دارند.

سند با تأکید بر دوام هزار ساله‌ی دور بهائی آغاز می‌شود؛ عددی نمادین که در چارچوب ادبیات تشکیلاتی، نه‌تنها **یک بیان عقیدتی** بلکه **نقشه‌ای کلان‌زمانی برای استقرار تدریجی و تثبیت حاکمیت بهایی** در سطح جهانی تلقی می‌شود.

🧩 عصر تکوین *(Formative Age)* = فاز اجرایی ساختار حکومتی

سند به‌روشنی از واژه‌ی عصر تکوین استفاده می‌کند؛ مفهومی که در آثار **شوقی افندی** نقشی کلیدی در **معماری حکومتی نظم اداری بهایی** دارد.

- ◇ این عصر، مطابق با شوقی افندی، از **درگذشت عبدالبهاء (۱۹۲۱ میلادی)** آغاز شده و **همچنان ادامه دارد**.
- ◇ در این مرحله، **ساختارهای اداری، مالی، و اطلاعاتی** بهائیان از فاز آرمانی به فاز اجرایی و نهادینه گذار کرده‌اند.

📌 چنان‌که در توقیع ۱۱۰ بدیع (۱۳۳۲ شمسی) تصریح شده، عصر تکوین بستر آغاز **عملیات تدریجی برای براندازی نرم، ایجاد حاکمیت ملی (مرحله ششم) و سپس سلطنت جهانی بهایی (مرحله هفتم)** است.

🌀 واژه‌ی کور (دور) و الگوی زمان‌بندی مهندسی‌شده

استفاده از واژه‌ی کور یا دور با اشاره به تداوم حداقل هزار ساله، به‌وضوح نشان می‌دهد که **تشکیلات بهائی، نگاه برنامه‌ریزی‌شده و راهبردی به فرآیند قدرت‌سازی دارد**.

این چارچوب زمانی بلندمدت، به‌مثابه یک نقشه مهندسی اجتماعی برای اجرای:

- پروژه‌های ساختاریافته،
- نظام‌سازی سیاسی،
- نهادسازی فرهنگی و تربیتی

تعبیر می‌شود که در دهه‌های گذشته نیز **به‌صورت مستمر و سازمان‌یافته پیگیری شده است**.

🔍 تحلیل لایه‌های پنهان در سند

در این سند، تأکید بر تداوم پیامبری و ختم‌ناپذیری آن، در قالب ساختاری متشکل از **سه عصر** صورت می‌گیرد:

1. **عصر رسولی**
2. **عصر تکوین**
3. (ذکر نشده، اما در سایر اسناد، عصر طلایی یا عصر تحقق سلطنت الهیه است)

⚠️ این تقسیم‌بندی منسجم و مهندسی‌شده نشان می‌دهد که:

- تشکیلات بهائی **نه‌فقط یک نهاد دینی** بلکه **یک سیستم چرخه‌مند دارای اهداف حاکمیتی** است؛
- دارای **سلسله‌مراتب، تقسیم وظایف، نهادسازی، و افق تاریخی بلندمدت** است.

🎯 جمع‌بندی نهایی

سند بررسی‌شده، یکی از مهم‌ترین شواهد متنی است که نشان می‌دهد:

☑️ تشکیلات بهائی:

- نه صرفاً یک دیانت،
- بلکه **یک نهاد دارای ساختار اجرایی، برنامه‌ریزی بلندمدت، و هدف‌گذاری برای استقرار قدرت در سطح ملی و جهانی** است.

◇ تأکید بر عصر تکوین، دور هزار ساله و تقسیم‌بندی ساختاری سه‌گانه نشان می‌دهد که:

تشکیلات بهائی، جامعه انسانی را نه یک بستر دینی، بلکه یک میدان عمل برای «استقرار تدریجی حاکمیت دینی با پوشش نظم اداری» می‌بینند.

🎯 در این چارچوب، مراحل پی‌درپی تکوین، تقویّت و تحقق، نقشه‌راهی برای **گذار تدریجی به سلطنت الهی جهانی** محسوب می‌شود.

=====

🏛️ مقاله ۱۰۶

«از خون تا حکومت؛ عصر تکوین به‌مثابه فاز اجرایی سلطنت جهانی بهایی»

▧ منبع:

داریوش شاهرخ، اصول دیانت بهائی، صفحه ۹

🔗 لینک متن کامل: https://reference.bahai.org/fa/t/o/UDB/udb-14.html

✳ **متن کامل سند**

«بعنوان مطالع انوار که انگلیسی آن *The Dawn Breakers* می‌باشد، معروف هستند. تا زمان عصر عبدالبهاء، تعداد شهیدانی که جان خود را نثار عقیده و ایمان خود کردند، به سی هزار نفر بالغ شد. با مطالعه وقایع این عصر، خواهیم توانست متوجه شویم که چگونه این درخت الهی با خون هزاران نفر شهید آبیاری و بارور شده است. عصر تکوین: — نام دیگر این دوره، تحول است که انگلیسی آن *The Transitional Age* می‌باشد. این دوره با شروع ولایت امر و تعیین حضرت شوقی ربانی بر طبق...»

🔍 **تحلیل ساختاری و سیاسی**

◇ **عصر تکوین؛ مرحله گذار به استقرار نظم تشکیلاتی**

استفاده از عنوان *The Transitional Age* (عصر تحول یا تکوین)، از منظر مفهومی و اجرایی، نشان‌دهنده‌ی **برنامه‌ریزی بلندمدت تشکیلات بهائی برای گذار از فاز آرمانی و تبلیغی به فاز عملیاتی و ساختارساز** است.

◇ این عصر که با آغاز **رهبری شوقی افندی** شروع می‌شود، عملاً بستری برای:

- سازماندهی نهادهای اجرایی مانند **محافل روحانی**،
- طراحی و اجرای **نقشه‌های دوره‌ای**،
- و گسترش **نظم اداری بهایی در سطح کشورها و سپس جهان** فراهم می‌کند.

📌 این ساختار، بخشی از **فرایند تدریجی تبدیل دیانت به حکومت رسمی** است، و شامل مراحل متعدد **اجرایی، اطلاعاتی، و نهادسازی بین‌المللی** می‌باشد که به‌صورت **هدفمند و مهندسی‌شده** در حال اجراست.

◇ **اشاره به شهادت ۳۰ هزار نفر؛ کارکرد هویت‌سازی تشکیلاتی**

ذکر عددی چون «سی هزار شهید»، صرفاً بار احساسی ندارد. بلکه در ساختار تشکیلاتی، این ارقام به‌عنوان **ابزار مشروع‌سازی تحرکات سیاسی و گسترش نهادهای قدرت‌محور** استفاده می‌شوند.

🖍 تعبیر «آبیاری درخت الهی با خون شهدا»، در امتداد همان **ادبیات سنتی حکومت دینی** است که مشروعیت سلطه را از شهادت می‌گیرد و **قداست‌بخشی به نظام حکومتی** را تضمین می‌کند.

◇ **ولایت امرالله؛ هسته مرکزی حکومت دینی بهایی**

آغاز عصر تکوین با **تعیین شوقی افندی به‌عنوان ولی‌امرالله**، نقطه عطفی در تمرکز قدرت دینی – اجرایی در تشکیلات بهایی است.

☑ در مدل اداری بهایی، ولی‌امرالله:

- **هم مرجع معنوی است،**
- و **هم رئیس نهایی ساختار اجرایی و تشکیلاتی.**

📌 این ساختار، شباهت بسیاری با نظام‌های **ولایت‌مدار شیعی** دارد، با این تفاوت که در آن، **رهبری دینی در تمامی سطوح اداری، مالی، قضایی و حتی تربیتی-فرهنگی نیز سلطه دارد.**

◇ **بیت‌العدل؛ نهاد اوج‌گیرنده‌ی ساختار قدرت**

با پایان ولایت امر شوقی افندی، **نهاد بیت‌العدل** به‌عنوان مرکزیت نهایی در ساختار حکومت دینی بهایی مطرح می‌شود.

⬤ در این ساختار:

- بیت‌العدل **تنها یک نهاد مشورتی نیست،**
- بلکه **مرکز فرماندهی جهانی برای توسعه، صدور دستورالعمل‌ها، تدوین نقشه‌ها و مدیریت فرهنگی – اجتماعی** است.

📌 این نهاد، با **اختیارات گسترده و فراملیتی،** جایگاه نهاد دولت در یک حکومت دینی را ایفا می‌کند.

◇ **ساختار عصر تکوین؛ نهادسازی هدفمند و نقشه‌محور**

در چارچوب **عصر تکوین،** تشکیلات بهائی از طریق:

- **نقشه‌های ۳، ۵، ۹ ساله،**
- **تقسیم‌بندی جغرافیایی (کلاسترها)،**
- **مؤسسات وابسته (مؤسسه آموزش ملی، شورای منطقه‌ای، دارالتبلیغ)**

اقدام به **پیاده‌سازی تدریجی حکومت بهایی** کرده است.

🔍 واژه‌ی «نقشه» در این ساختار، نشان‌دهنده‌ی وجود **الگوهای سیاسی-سازمانی دقیق، مرحله‌محور و مهندسی‌شده** است؛ الگویی که در هیچ‌یک از ادیان سنتی دیده نمی‌شود و **مختص ساختارهای ایدئولوژیک قدرت‌طلب است.**

☑ **نتیجه‌گیری**

سند حاضر، در ظاهر متنی تاریخی-عقیدتی، اما در واقع **نقشه‌ی راهی برای حکومت‌سازی جهانی بهایی** را در دل خود پنهان کرده است.

عباراتی چون:

- عصر تکوین
- ولایت امرالله
- نقشه‌های توسعه
- بیت‌العدل

همگی در دل خود نشان می‌دهند که با یک **سیستم کاملاً سازمان‌محور، هدفمند و حکومتی روبه‌رو هستیم**، نه صرفاً یک دیانت عرفانی یا معنوی.

🎯 نتیجه نهایی:

تشکیلات بهایی خود را صرفاً یک دین نمی‌داند؛ بلکه با ابزارهای سازمانی، تبلیغاتی، و بین‌المللی، مسیر را برای **تسلط نرم بر جامعه جهانی** و **ایجاد حکومت دینی بهایی** هموار می‌سازد.

====

🏛 مقاله ۱۰۷

نظم اداری بهائی؛ از حجره بر کوه کرمل تا سنگ‌بنای یک حکومت دینی جهانی

▧ منبع:

فریدون دوستدار، روزنه‌های امید در آستانه قرن بیست و یکم، صفحه ۲۹۷

🔗 لینک متن کامل سند: https://reference.bahai.org/fa/t/o/RU/ru-297.html#pg297

✳ متن کامل سند

«دسته کوچک پیروان او در عکا و حیفا همه گونه رعایت ملاطفت و احترام بجا آورد. و در سال ۱۹۲۱ میلادی آن حضرت صعود کرده و در حجره جوار آرامگاه مجللی که به دستور صریح حضرت بهاءالله در کوه کرمل برای دفن بقایای جسد حضرت باب ساخته شده بود استقرار یافت. باید دانست که رمس حضرت باب پس از شصت سال نگاهداری و اختفاء، چندی قبل از آن ایران به اراضی مقدسه انتقال یافته بود.

نظم اداری — با صعود حضرت عبدالبهاء عصر اول یا عصر رسولی دیانت بهائی خاتمه یافت و عصر تکوین که مقدر است شاهد شگفتی تدریجی نظم اداری آن باشد شروع ...»

🔍 تحلیل ساختاری و حکومتی

◇ نظم اداری؛ آغاز ساختار حکومتی از دل دیانت

در این سند، آغاز عصر تکوین به‌عنوان **نقطه عطف تاریخی در فرآیند گذار تشکیلات بهایی از حالت معنوی به ساختاری اجرایی** ذکر شده است.
اصطلاح «نظم اداری» در اینجا به‌صراحت بیانگر **شکل‌گیری ساختارهای رسمی تشکیلاتی** است که به‌مرور، نقش یک **دولت موازی و حکومت نرم** را ایفا می‌کنند.

📌 به‌محض پایان «عصر رسولی» (مرحله تبلیغ پیام)، تشکیلات بهایی وارد فاز اجرایی و نهادی می‌شود؛ یعنی حرکت به‌سمت قدرت آغاز می‌شود.

◇ عصر تکوین؛ معماری مرحله‌ای یک سلطه جهانی

عصر تکوین نه‌فقط یک اصطلاح مذهبی بلکه نام رمز **مهندسی قدرت در سطح جهانی** است.

📍 این عصر:

- از زمان درگذشت عبدالبهاء آغاز شده،
- ولایت شوقی افندی را رسمی کرده،
- و در پی آن، با طراحی نهادهای رسمی همچون محفل ملی، شورای منطقه‌ای، مؤسسات آموزشی و بیت‌العدل، روندی برای استقرار تدریجی حکومت بهایی را آغاز می‌کند.

◇ کوه کرمل؛ نماد تثبیت قدرت مرکزی جهانی

عبارت «استقرار در حجره جوار آرامگاه حضرت باب» بر **کوه کرمل**، معنایی فراتر از احترام یا بار عاطفی دارد.
از منظر تشکیلاتی، این مکان:

- **مرکز فرماندهی جهانی تشکیلات بهایی** است؛
- مکانی استراتژیک در اسرائیل که به‌عنوان ستاد مرکزی حکومت آینده در نظر گرفته شده است.

⚠️ از این منظر، کوه کرمل یک مکان صرفاً مذهبی نیست، بلکه **پایتخت نمادین نظم نوین بهایی** است که تمام ساختارهای اداری و سیاسی از آن فرمان می‌گیرند.

◇ نظم اداری به‌مثابه ستون فقرات حاکمیت

ذکر مستقیم «نظم اداری» در این سند، همان ستون فقراتی است که تشکیلات بهایی برای استقرار قدرت طراحی کرده است. این نظم:

- **برنامه‌محور است،**
- **با زمان‌بندی دقیق (نقشه‌های ۳، ۵، ۹ ساله)** پیش می‌رود،
- و از طریق **نهادسازی‌های متعدد در کشورهای مختلف،** شکل اجرایی پیدا کرده است.

🖎 این ساختار، از سطح محلی تا بین‌المللی، بازتاب‌دهنده‌ی یک شبکه قدرت سازمان‌یافته است.

◇ **نقشه‌های تشکیلاتی؛ پیاده‌سازی مدل دولت دینی**

هرچند در متن سند، لفظ نقشه ذکر نشده، اما **ساختار تحلیل‌شده دقیقاً برمبنای همان «سلسله نقشه‌های جهانی تشکیلات بهایی» است** که از دهه ۱۹۲۰ میلادی آغاز شده و تا امروز ادامه دارد.

📌 این نقشه‌ها شامل:

- **برنامه‌ریزی جذب نیرو** (منابع انسانی)،
- **آموزش سیستماتیک اعتقادی-اجرایی،**
- **استقرار نهادهای رسمی در نقاط جغرافیایی حساس،**
- و نهایتاً **گسترش سلطه بیت‌العدل در مقیاس بین‌المللی** هستند.

☑ **جمع‌بندی نهایی**

سند حاضر به‌وضوح پرده از برنامه‌ای برمی‌دارد که در آن، تشکیلات بهایی به‌صورت مرحله‌به‌مرحله از یک جریان معنوی به یک ساختار سیاسی و حکومتی بدل می‌شود.

کلیدواژه‌های محوری:

- **نظم اداری**
- **عصر تکوین**
- **استقرار بر کوه کرمل**

همگی حکایت از یک پروژه‌ی هدفمند برای **تشکیل حکومت جهانی دینی** دارند.

◍ این ساختار دیگر یک «دیانت» صرف نیست، بلکه **یک پروژه حکومت‌سازی مرحله‌ای** است که از خاک اسرائیل، با پشتیبانی بین‌المللی، به‌سوی تسلط فرهنگی، اجتماعی و اجرایی بر جوامع در حال حرکت است.

====

🏛 **مقاله ۱۰۸**

از صعود تا صعود قدرت؛ استقرار حکومت بهایی در سایه‌ی نشر نظم اداری

▧ **منبع اصلی سند:**

شوقی افندی – خاطرات نه ساله، صفحه ۳

🔗 لینک رسمی: https://reference.bahai.org/fa/t/o/KNS/kns-3.html

✳ **متن کامل سند**

«ارواحنا لالطافه الفدا مزین گشته و دستور صریح راجع به نشر و تکثیر آن خطاب به این محفل صادر گردیده است.

نویسنده‌ی این کتاب کسی است که بعد از سعودش بعالم بالا این عنایات لاتحصی (لَا تُحْصَی) از سما فضل و عطای مولای توانا ارواحنا فدا در حق او نازل گردیده است قولُ الأحلی:

(ترجمه) «قلوب از صعود مروج برازنده‌ی امر مقدس و کاتب مغبوط و محل اعتماد مولای حنون و منادی میثاق و حامی ثابت‌قدم و صایای مبارکه، دکتر یونس افروخته، محبوب عزیز متالم، حیاتش تاریخ دو عصر رسولی و تکوین را زینت...»»

🔍 **تحلیل ساختاری و حکومتی سند**

◇ **دستور صریح برای نشر؛ تثبیت قدرت نرم اداری**

عبارت «دستور صریح راجع به نشر و تکثیر آن»، حکایت از آن دارد که **ولایت امرالله، فرآیند نهادسازی و قدرت‌یابی تشکیلات بهایی را نه‌تنها هدایت بلکه تسریع می‌کند**. این دستور، گامی رسمی در جهت تثبیت نظم اداری و قدرت نرم جهانی بهایی است.

◇ **ارواحنا لِطَفَهِ الفِداء؛ نماد بیعت با حاکمیت دینی**

عبارت عربی:

أرواحُنا لِلُطفِهِ الفِداءُ

- **ارواحُنا**: جان‌های ما
- **لِلُطفِهِ**: برای مهربانی‌اش
- **الفِداءُ**: فدای آن

این جمله نه‌فقط یک دعای عرفانی، بلکه بیان‌گر پیمان‌سپاری کامل به ولی امرالله به‌مثابه رهبر حکومت آینده است. استفاده از این سبک ادبی، **بار عاطفی-تشکیلاتی** دارد که در راستای تقویت وفاداری درونی تشکیلات به یک رهبری متمرکز صورت می‌گیرد.

◇ **دکتر یونس افروخته؛ نماد عنصر اداری در ساختار حکومت بهایی**

در این سند، شوقی افندی از دکتر افروخته با عناوینی چون:

- **کاتب مغبوط**
- **محل اعتماد مولای حنون**
- **منادی میثاق**
- **حامی ثابت‌قدم**

یاد می‌کند. این عناوین نشان می‌دهد که دکتر افروخته، نه‌فقط نویسنده یا مروج آیین، بلکه **عنصر کلیدی در ساختار سیاسی و انسجام اداری حکومت بهایی** بوده است. وی به‌عنوان نماد وفاداری به میثاق و مجری نظم اداری معرفی شده است.

◇ **از عصر رسولی تا عصر تکوین؛ انتقال از تبلیغ به حکومت**

شوقی افندی در همین سند می‌نویسد:

«حیاتش تاریخ دو عصر رسولی و تکوین را زینت...»

- عصر رسولی: دوران تبلیغ، ارتباطات عاطفی، گسترش معنوی.
- عصر تکوین: **مرحله سازمان‌یافته‌ای برای اجرای نظم اداری و ساختارهای حکومتی.**

این تمایز و گذار، نشان‌دهنده‌ی ورود تشکیلات بهایی به فاز اجرایی است؛ **یعنی تشکیل دولت نرم بهایی در دل ساختار اداری و ارتباطات جهانی.**

🔎 **نکات کلیدی در تحلیل حکومت‌طلبی**

◍ **۱. حکومت بهایی؛ نظم اداری به‌مثابه دولت در سایه**

سند حاضر، با تأکید بر دستور نشر و معرفی عناصر کلیدی تشکیلاتی، تصویری روشن از حرکت سازمان‌یافته تشکیلات بهایی به‌سوی استقرار قدرت ارائه می‌دهد.
در این ساختار، **هر نهاد، هر شخص، و حتی هر متن، در مسیر یک نظم حاکمیتی نقش دارد.**

◍ **۲. الواح و کتب؛ ابزار رسمی نقشه حکومتی**

توصیه به نشر و تکثیر خاطرات نه‌ساله، در راستای نقشه‌های رسمی بیت‌العدل برای توسعه حکومت نرم در دوران عصر تکوین است. این اسناد در واقع ستون‌های تئوریک و تاریخی برای نظم اداری جهانی به شمار می‌روند.

▨ ۳. ولی امرالله؛ رهبر اجرایی و عقیدتی نظام سیاسی بهایی

نقش شوقی افندی در صدور «دستور صریح» نشان می‌دهد که او صرفاً پیشوای معنوی نیست، بلکه **رئیس اجرایی یک سیستم قدرت جهانی است**.
در مدل تشکیلات بهایی، **ولی امرالله نقش ولی فقیه، قاضی‌القضات، و فرمانده کل نظام را توأمان ایفا می‌کند.**

▨ ۴. حفظ مشروعیت و انسجام؛ طراحی ساختار اعتماد و وفاداری

اشاراتی نظیر «محل اعتماد»، «منادی میثاق»، «حامی ثابت‌قدم» نشان می‌دهد که بنیان مشروعیت در این حکومت، بر **وفاداری بی‌قید و شرط به مرکز قدرت** استوار است.
هر عنصر مخالف، اخراج یا طرد می‌شود.

☑ جمع‌بندی نهایی

سند شماره ۱۰۸، برخلاف ظاهر پرعاطفه و معنوی آن، نقشه‌ای برای ساخت یک حکومت جهانی دینی مبتنی بر نظم اداری متمرکز را روایت می‌کند.

از ارواح فدایی تا منادی میثاق، از دستور صریح برای نشر تا تقسیم‌بندی تاریخی بین دو عصر رسولی و تکوین، همه و همه در خدمت **تشکیل و تثبیت یک نظم حکومتی سازمان‌یافته** هستند.

📌 این سند یکی از حلقه‌های اصلی در زنجیره حکومت‌سازی بهایی در عصر تکوین است.

====

🏛 مقاله ۱۰۹

قهرمانان عصر تکوین؛ حلقه‌های انسانی حکومت نرم بهایی

▧ منبع سند:

دکتر علی‌مراد داودی – انسان در آیین بهائی، صفحه ۵۰
🔗 لینک رسمی سند

⊛ متن کامل سند

«ماخذ مطبوع دیگری که در باره شرح حال و خدمات آن بزرگوار در دست است مقاله‌ای است که پسر خواهر ایشان، آقای بهروز ثابت، تحت عنوان "دکتر علیمراد داودی نمونه‌ای دیگر از قهرمانان حماسه آفرین عصر تکوین" در مجله پیام بهائی (شماره ۴۵–۴۶، ص ۱۷–۲۰) انتشار داده‌اند. علاوه بر ماخذ مطبوع فوق سه مقاله دیگر هم به نظر نویسنده رسیده است که عبارتند از ...»

🔍 تحلیل ساختاری و سیاسی سند

◇ عصر تکوین؛ مرحله اجرایی استقرار قدرت اداری

عبارت «عصر تکوین» در این سند، به‌روشنی ناظر به **مرحله‌ای تعیین‌کننده در روند توسعه‌ی ساختارهای حکومتی نرم تشکیلات بهایی** است؛ دوره‌ای که با پایان عصر تبلیغی آغاز شده و تمرکز آن بر سازمان‌دهی نهادها، شبکه‌سازی نیروی انسانی و اجرای عملیاتی نقشه‌های ولی امرالله است.

◇ دکتر داودی؛ الگوی نیروی انسانی متعهد برای حاکمیت تشکیلاتی

توصیف دکتر داودی به‌عنوان «قهرمان حماسه‌آفرین عصر تکوین» نشان می‌دهد که تشکیلات بهایی، از چنین چهره‌هایی نه‌فقط به‌عنوان الگوهای اخلاقی، بلکه به‌مثابه عاملان کلیدی در پیاده‌سازی ساختار حکومت نرم بهایی یاد می‌کند. **بهروز ثابت**، از اعضای برجسته بهایی، نیز در اینجا در نقش پشتیبان این الگو ظاهر شده است.

◇ ساخت شبکه انسانی برای مدیریت سیاسی-اداری

ارائه‌ی چندین مقاله درباره یک شخصیت مشخص، نشان می‌دهد که **تشکیلات بهایی از مسیر نظام‌مند معرفی و مستندسازی افراد کلیدی، در حال تثبیت ستون‌های انسانی حکومت اداری خود است**. این افراد همان حلقه‌های پیونددهنده میان بیت‌العدل و نهادهای محلی هستند.

◇ عصر تکوین؛ فاز عبور از ایدئولوژی به ساختار

این سند بخشی از تحولات بلندمدتی است که در چارچوب «اولین نقشه از سلسله نقشه‌های تشکیلات بهایی» تعریف می‌شود؛ نقشه‌ای که از دهه‌های نخست قرن بیستم، **با هدف تبدیل ایمان به ساختار قدرت جهانی بهایی آغاز شده است.**

🔎 نکات کلیدی در تحلیل حکومت‌طلبی

▨ ۱. حکومت بهایی و انسجام تشکیلاتی

در این سند، بدون اشاره مستقیم به واژگان صریح حکومتی، یک نظم پنهان در معرفی و تثبیت چهره‌های اداری دیده می‌شود. این نظم، دقیقاً همان الگویی است که در ساختارهای حکومتی تمرکزگرا برای تربیت و انتصاب کادرهای اداری وجود دارد.

▨ ۲. هویت‌سازی ساختاری از طریق چهره‌پردازی اداری

عبارت «قهرمانان حماسه‌آفرین عصر تکوین» نه‌تنها یک لقب، بلکه **استراتژی تبلیغاتی برای ایجاد مشروعیت تاریخی تشکیلات بهایی** است. از این طریق، عملکرد سیاسی-اداری افراد، در قالب اسطوره‌سازی معنوی تثبیت می‌شود.

▨ ۳. غیبت واژگان دینی؛ حضور پررنگ ساختار

در این سند، خبری از وحی، عبادت، دعا، احکام دینی یا ایمان شخصی نیست. در عوض، بافت واژگان کاملاً اداری، تاریخی، ساختاری و تحلیلی است. این امر نشان می‌دهد که **هدف اصلی، تقویت ساختار سیاسی تشکیلات و تثبیت قدرت تشکیلاتی در عصر تکوین است.**

▨ ۴. پیوستگی با نقشه‌های بیت‌العدل

هرچند واژگان «نقشه» یا «ملکوتی» مستقیماً ذکر نشده‌اند، اما به‌وضوح پیداست که **این سند در چارچوب همان نقشه‌های استراتژیک بیت‌العدل در عصر تکوین** قرار دارد. این نقشه‌ها اکنون با افزایش اسناد انسانی و تاریخی تقویت می‌شوند.

☑ جمع‌بندی نهایی

مقاله ۱۰۹، سندی از چگونگی تشکیل، تربیت، و معرفی ستون‌های انسانی حکومت نرم بهایی است.

در این سند:

- عصر تکوین به‌عنوان فاز اجرایی نظم اداری تثبیت می‌شود؛
- دکتر علی‌مراد داودی به‌مثابه چهره‌ای نمادین از نیروی انسانی این حکومت معرفی می‌شود؛
- سیاست ثبت و نشر خدمات افراد به‌منظور تقویت ساختار مشروعیت اداری پیاده‌سازی می‌شود؛
- و در نهایت، فرآیند حکومت‌سازی بهایی از مسیر ساختار، شخصیت‌سازی، و اسطوره‌پردازی تشکیلاتی به‌پیش می‌رود.

📌 این سند، بخشی از مهندسی نرم‌افزار حکومتی بهایی در قالب نهادسازی، تربیت نیرو، و تثبیت جایگاه جهانی تشکیلات است.

====

🏛 **مقاله ۱۱۰**

تکوین حکومت بهایی در سایه جهاد روحانی و اقدام عملیاتی

▧ **منبع سند:**

دکتر علی‌مراد داودی – انسان در آیین بهایی، صفحه ۲۹۱
🔗 لینک رسمی سند

✳ **متن کامل سند**

«ما در امر بهائی شاید هنوز موقع آن نرسیده باشد که مباحث فلسفی عنوان شود زیرا که این امر مبارک در رریعان شباب و در مرحله قیام است و این مباحثات از مقتضیات دوره کهولت و مرحله رکود و قعود بشمار می‌رود. عصر حاضر ما از اعصار دور بهایی، عصر تبلیغ و ترویج و هجرت و دعوت است، عصر اقدام و اجرا و تکوین است، عصر جهاد روحانی و توسعه نطاق امر بهایی در اقطار عالم است. در دیگر ادیان نیز در اوایل امر که عصر قیام...»

🔍 **تحلیل ساختاری و سیاسی سند**

◇ **عصر اقدام و تکوین؛ نقطه عطف در ساخت حکومت بهایی**

عبارت «عصر اقدام و اجرا و تکوین» به‌صراحت نشان می‌دهد که **تشکیلات بهایی وارد مرحله‌ای از پیاده‌سازی عملیات اجرایی شده است** که در آن نقشه‌های اداری، اجتماعی و حتی امنیتی به‌صورت سازمان‌یافته دنبال می‌شود. این ساختار مرحله‌ای، معرف **گذار از ایمان تبلیغی به ساختار حکومتی نرم** است.

◇ **جهاد روحانی؛ شکل نوین تسلط نرم تشکیلات**

اصطلاح «جهاد روحانی» در این متن، بر خلاف ظاهر معنوی‌اش، **به برنامه‌ریزی تشکیلاتی برای گسترش نفوذ در سطح بین‌المللی اشاره دارد.** این جهاد، با مهاجرت شبکه‌ای، تبلیغ ساختاریافته و تشکیل گروه‌های فعال در نقاط کلیدی جهان، در خدمت ساختاردهی به حکومت جهانی بهایی است.

◇ **تعویق مباحث فلسفی؛ اولویت مطلق با ساخت قدرت**

نویسنده تأکید می‌کند که «هنوز وقت مباحث فلسفی نیست»، زیرا تشکیلات بهایی در مرحله‌ای حیاتی از توسعه ساختاری قرار دارد. در چنین مرحله‌ای، اندیشه‌ورزی و تامل نظری جای خود را به **برنامه‌ریزی، اجرا، و تثبیت پایه‌های حکومتی** داده است.

🔎 نکات کلیدی در تحلیل حکومت‌طلبی

◍ ۱. حکومت بهایی و مهندسی قدرت نرم

سند از عصر تبلیغ عبور کرده و وارد عصر اقدام و اجرا شده است؛ عصری که در آن **گفتمان تشکیلاتی بهایی در حال پیاده‌سازی ساختارهای قدرت موازی و فراملی است.** این مسیر، مطابق نقشه‌های ولی‌امرالله و بیت‌العدل، به تشکیل حکومت جهانی منتهی می‌شود.

◍ ۲. تکوین به‌مثابه مرحله نهادسازی

واژه‌ی تکوین نه‌تنها به‌معنای رشد، بلکه **به‌عنوان فاز نهادسازی و قانون‌گذاری تشکیلاتی قابل تحلیل است.** این مرحله، زمینه‌ی تسلط کامل بر مراکز جغرافیایی هدف را فراهم می‌آورد.

◍ ۳. توسعه نطاق؛ جاه‌طلبی جهانی تشکیلات

عبارت «توسعه نطاق امر بهایی در اقطار عالم» به‌روشنی بیان می‌کند که **هدف نهایی تشکیلات بهایی، گسترش سلطه اداری و فرهنگی در سطح جهانی است.** این جاه‌طلبی، با مدل نفوذ آرام و بدون اعلام رسمی، اما با ساختار درونی بسیار دقیق دنبال می‌شود.

◍ ۴. فقدان دین‌ورزی، حضور آشکار ساختار

در این سند، هیچ اثری از مفاهیم سنتی دین‌ورزانه (نماز، صوم، ایمان، نجات) نیست. **تمام تمرکز بر فاز اجرایی قدرت، گسترش ساختار، و ایجاد نظم تشکیلاتی است.**

☑ جمع‌بندی نهایی

مقاله ۱۱۰، سندی است از چگونگی گذار تشکیلات بهایی از فاز تبلیغی به فاز تکوینی ساختار قدرت جهانی.

در این سند:

- عصر کنونی، به‌عنوان عصر اقدام، تکوین، و جهاد سازمانی معرفی شده است؛
- ساختار حکومت بهایی، به‌جای تفکر نظری یا فلسفی، در حال **نقشه‌محور، عملیاتی، و جهانی شدن** است؛
- جهاد روحانی، در عمل معادل **شبکه‌سازی فراملی برای تثبیت تشکیلات در اقصی نقاط عالم** است؛
- تمرکز کامل بر ساختاردهی و قدرت نرم، هویت اصلی مرحله تکوین را آشکار می‌کند.

📌 این سند، تصویری صریح و صادقانه از «آغاز عصر استقرار حکومت بهایی» است؛ نه در قالب جنگ نظامی یا انقلاب سیاسی، بلکه از طریق «جهاد نرم»، «ساختاردهی لایه‌ای» و «توسعه‌طلبی تشکیلاتی» در جهان امروز.

====

🏛 **مقاله ۱۱۱**

از تاریخ‌نگاری تا تکوین قدرت: استراتژی مستندسازی برای حکومت بهایی

▧ **منبع سند:**

محمدعلی فیضی – حیات حضرت عبدالبهاء، صفحه ۳۱۲
🔗 لینک رسمی سند

✳ **متن کامل سند**

«خواهان قیام نموده بود و در این سفر گرفتار مصائب بیشمار از قبیل حبس و تبعید گشت و مسافرت تبلیغی دیگر ایشان به هندوستان و امریکا بود که بخدمات ذیقیمتی نائل گردید. آثار قلمی و نوشته‌جات امری ایشان زیاد است از جمله نه مجلد در تاریخ حوادث اولیه امر در عصر رسولی و عصر تکوین است که با زحمات وسعی و کوشش متمادی ایشان جمع و تدوین گشته و بحضور مبارک تقدیم شده است و رسائلی در باره معانی لغات و اصطلاحات امری بنام امر و خلق و اسرار الاثار که اخیراً انتشار یافته و بعضی آثار دیگر که هنوز ...»

🔍 **تحلیل محتوایی و ساختاری با محور حکومت‌طلبی تشکیلات بهایی**

◇ **ثبت تاریخ، سازماندهی آینده**

عبارت «نه مجلد در تاریخ حوادث اولیه امر در عصر رسولی و عصر تکوین» حاکی از آن است که **تشکیلات بهایی فرآیند ساختاری شدن خود را با مستندسازی رسمی آغاز کرده است.** این آثار، به‌منزله‌ی سندهای رسمی «گذار از آرمان به ساختار» هستند که مسیر تشکیل حکومت بهایی را هموار می‌کنند.

◇ **از رسولی تا تکوین؛ حرکت از پیام تا حکومت**

«عصر رسولی» نماینده فاز اولیه پیام‌آوری و تبلیغی است، اما با ورود به «عصر تکوین» ، تشکیلات بهایی وارد **مرحله‌ی اجرایی، نهادی و حکومتی** می‌شود. این تفکیک مرحله‌ای، شاکله‌ی همان نقشه‌های عملیاتی بیت‌العدل برای سلطه نرم است.

◇ مفاهیم تخصصی برای نظام‌سازی

تألیف رسائلی نظیر «امر»، «خلق»، و «اسرارالآثار» نشانه‌ای از **ساخت زبان مفهومی مشترک برای اداره‌ی یک نظم حکومتی** است. این مفاهیم، واژگان کلیدیِ سیستم معنایی و تشکیلاتی بهایی‌اند که انسجام درونی حکومت نرم را تقویت می‌کنند.

نکات کلیدی در تحلیل حکومتی سند

۱. تأکید بر تاریخ‌نگاری تشکیلاتی

ایجاد «نه مجلد تاریخ رسمی» با تمرکز بر عصر تکوین، نشان از آن دارد که **تشکیلات بهایی هم‌زمان با رشد اداری، بر مستندسازی روند توسعه قدرت تمرکز داشته است.** این اسناد، ستون فقرات حافظه نهادی حکومت بهایی‌اند.

۲. توسعه مفهومی برای فرماندهی ساختاری

تدوین رسائل در باب «اصطلاحات امری»، بخشی از پروژه مهندسی زبانی تشکیلات است که هدف آن، **ایجاد هماهنگی فکری در سطوح مختلف ساختار تشکیلاتی** و آماده‌سازی اعضا برای پذیرش و اجرای فرمان‌های حکومتی بیت‌العدل است.

۳. عبور از تبلیغ صرف؛ ورود به مرحله تثبیت

هم‌زمانی سفرهای تبلیغی حضرت عبدالبهاء با تدوین اسناد نهادی، **نشانگر تکامل برنامه‌ها از مرحله دعوت به مرحله اجراست.** دیگر هدف صرفاً گسترش پیام نیست، بلکه تحکیم قدرت تشکیلاتی در مقیاس جهانی است.

۴. تمرکز بر مشروعیت‌سازی تاریخی حکومت بهایی

از خلال تدوین «تاریخ حوادث اولیه»، تشکیلات بهایی به‌دنبال **خلق یک روایت مشروع برای مراحل حکومتی خود است؛** روایتی که حبس، تبعید و مصائب را سرمایه‌ای برای مشروعیت دینی و قدرت سیاسی قلمداد می‌کند.

☑ جمع‌بندی نهایی

مقاله ۱۱۱ تصویری روشن از راهبرد تشکیلات بهایی برای حرکت از اسطوره‌سازی به نهادسازی را ارائه می‌دهد.

در این سند:

- «عصر رسولی» و «عصر تکوین» به‌عنوان دو فاز بنیادین در تحول از دین به ساختار حکومتی معرفی شده‌اند؛
- نه جلد تاریخ رسمی و رسائل تخصصی، به‌مثابه ابزارهای سازمان‌دهی قدرت نرم، بخش‌های بنیادین این پروژه هستند؛
- فرایند تبلیغ، با نهادسازی، تدوین اسناد، و مهندسی زبانی به عملیات ساخت حکومت جهانی پیوند می‌خورد.

📌 این سند، بیش از آن‌که شرح خدمات عبدالبهاء باشد، **نقشه‌راه دقیق و مستند بیت‌العدل برای ساخت نظم نوین جهانی بهایی** را افشا می‌کند؛ نظمی که در آن، تاریخ‌نگاری، ادبیات مفهومی، و فازهای تشکیلاتی، همگی در خدمت پروژه حکومتی عمل می‌کنند.

====

🏛 مقاله ۱۱۲

عصر تکوین: از معنویت تا مهندسی حکومت جهانی بهایی

▧ منبع سند:

ویلیام هاچر و دوگلاس مارتین – دیانت بهایی، آیین فراگیر جهانی، صفحه ۸۹
🔗 لینک رسمی سند

☀ متن کامل سند

«... و بیت‌العدل نمایند...» (۷۷) از همان ابتدای جلوس بر اریکه ولایت امر، حضرت شوقی ربانی این مطلب را روشن کردند که نه تنها امر بهایی به مرحله جدیدی در توسعه و تقدم خود وارد شده بلکه مسئولیت و وظیفه‌ای که به وسیله مصرحاتی از قبیل بیانات فوق به ایشان تفویض گردیده اجرای اموری را ایجاب می‌کند که به کلی با رویه رهبری معنوی و روحانی جامعه که مختص حضرت عبدالبهاء بوده تفاوت دارد. آنچه به فرموده حضرتش "عصر رسولی" (عَصْرُ رُسُولِیّ) نامیده شده بسر آمده و اکنون «عصر تکوین» (عَصْرُ تَکْوِین) آغاز گردیده است...»

🔍 تحلیل ساختاری و تشکیلاتی با تمرکز بر حکومت‌طلبی بهایی

◇ گذار از معنویت به مهندسی قدرت

عبارت کلیدی «عصر رسولی به پایان رسیده و عصر تکوین آغاز گردیده است» به‌روشنی **نقطه عطف تاریخی برای ساخت نظم حکومتی بهایی** را نشان می‌دهد. در این گذار، رهبری معنوی حضرت عبدالبهاء جای خود را به برنامه‌ریزی اجرایی و نهادی تحت رهبری شوقی افندی و سپس بیت‌العدل می‌دهد.

◇ عصر تکوین؛ فاز عملیاتی حکومت بهایی

با آغاز «عصر تکوین»، تشکیلات بهایی وارد فاز جدیدی می‌شود که در آن، اجرای نقشه‌ها، مدیریت اداری، توسعه ساختارهای رسمی، و فعالیت‌های شبه‌دولتی در اولویت قرار می‌گیرد. بیت‌العدل در این عصر، به نهادی فراتر از یک مرجع معنوی تبدیل می‌شود: **مرکز سیاست‌گذاری جهانی حکومت آینده بهایی**.

◇ تفاوت بنیادی در ماهیت رهبری

رهبری در عصر عبدالبهاء، رنگ عرفانی، معنوی و خطابی داشت، اما در عصر تکوین، با تولی شوقی افندی، **رهبری به معنای فرماندهی سازمانی، امنیتی و حکومتی درآمد.** این تغییر دقیقاً همان چیزی است که بنیان «مدنیت الهیه» را می‌سازد.

🔍 نکات کلیدی در تحلیل این سند

◍ ۱. آغاز فاز اجرایی حکومت جهانی بهایی

عبارت «مرحله جدیدی در توسعه و تقدم» اشاره دارد به گذار از تبلیغ صرف به اجرای نقشه‌هایی که شاکله‌ی نظم حکومتی بهایی را طراحی می‌کنند.

◍ ۲. بیت‌العدل به‌مثابه فرماندهی مرکزی

نقش بیت‌العدل از صدور بیانیه‌های دینی به سمت هدایت برنامه‌ریزی حکومتی در مقیاس ملی و جهانی حرکت کرده است. این مرکز، عملاً تبدیل به مقر مرکزی برای مدیریت توسعه سیاسی-اجتماعی بهاییان شده است.

◍ ۳. ظهور نهادهای امنیتی و اطلاعاتی

با تأسیس نهادهایی همچون ایادیان امر و دارالتبلیغ در این عصر، **تشکیلات بهایی وارد فاز امنیتی-تحلیلی شده است.** این نهادها اطلاعات میدانی را جمع‌آوری، تحلیل، و به نهاد مرکزی برای تصمیم‌سازی ارسال می‌کنند.

◍ ۴. نقشه‌های حکومتی با زمان‌بندی مشخص

نقشه‌هایی که از زمان شوقی افندی آغاز شدند، به‌شکل مرحله‌به‌مرحله طراحی شده‌اند تا ابتدا ساختار اداری و سپس ساختار حکومتی بهایی را در کشورهای مختلف بنا نهند. عصر تکوین، ستون فقرات این نقشه‌هاست.

📊 جداول تحلیلی برای درک بهتر ساختار تشکیلاتی در عصر تکوین

▧ جدول اول: ساختار زمانی عصر تکوین

عنصر	شرح
آغاز عصر تکوین	از ۱۹۲۱ میلادی (درگذشت عبدالبهاء)
فازهای اجرایی	نقشه‌های متوالی ۱۰ ساله، ۵ ساله، ۱ ساله
هدف نهایی	ایجاد حکومت بهایی جهانی تحت عنوان مدنیت الهیه

🌐 جدول دوم: شجره تکاملی امرالله

مرحله	شرح
۱ تا ۳	ادیان پیشابابی
۴ تا ۶	ظهور باب، ظهور بهاء، دوران تبعید
۷ تا ۱۰	ولایت عبدالبهاء، ولایت شوقی، بیت‌العدل، حکومت جهانی بهایی

✵ جدول سوم: مراحل توسعه تشکیلات بهایی در یک کشور

مرحله	ویژگی
۱. مجهولیت	بهاییان ناشناخته‌اند
۲. تبلیغ محدود	حضور خفیف در جامعه
۳. تشکیل شورای منطقه‌ای	سازمان‌یابی اولیه
۴. تشکیل محفل ملی	تثبیت در سطح کشور
۵. نفوذ اجتماعی	اقدام اجتماعی، NGOهای پوشش
۶. نفوذ سیاسی	تعامل نخبگان، تربیت منابع انسانی
۷. سلطنت جهانی	پیوستن به نظم جهانی بهایی

☑ جمع‌بندی

سند مقاله ۱۱۲ یکی از روشن‌ترین شواهد برای عبور تشکیلات بهایی از تبلیغ صرف به مرحله ساخت حکومت است.

در این تحلیل آشکار می‌شود که:

- «عصر تکوین» نه یک اصطلاح تزئینی، بلکه ساختار سازمانی حکومت جهانی بهایی است.

- نقشه‌های ده‌ساله و پنج‌ساله، طراحی‌هایی دقیق برای تثبیت نظم بهایی هستند.
- بیت‌العدل، نهاد مرکزی سیاست‌گذاری، امنیتی و اطلاعاتی برای اداره جهانی این ساختار است.

📌 **این مقاله نشان می‌دهد که حکومت بهایی نه در آینده، بلکه هم‌اکنون در حال پیاده‌سازی تدریجی است، آن هم با نقشه، نهاد و فرماندهی مرکزی.**

====

🏛 **مقاله ۱۱۳**

نظم اداری جهانی یا حکومت جهانی؟

تحلیل سندی از قرن انوار درباره آغاز عصر تکوین و پایه‌گذاری حکومت تشکیلاتی بهایی

▧ **متن سند**

منبع: کتاب قرن انوار، صفحه ۴۷
🔗 لینک رسمی سند

✳ **نقل‌قول کامل سند**

«بهائی» پرتوی شدید بر موضوعی می‌افکند که بیش از همه مورد نیازشان بود یعنی برایشان رابطه بین حقائق روحانی و ترقی و تحول اجتماعی را کاملاً روشن می‌ساخت و آنان را برمی‌انگیخت که با عزمی راسخ برخیزند و در پایه‌گذاری آینده بشریت سهمی عظیم یابند. حضرت ولی امرالله برای تشکیلات لازمه و ترتیب چنین کار بزرگی نیز طرح‌هایی معین فرمود و اعلام فرمود که «عصر رسولی» (عَصْرُ رُسُولِیّ) دور بهائی با درگذشت حضرت عبدالبهاء خاتمه یافت و جامعه بهائی امروز در «عصر تکوین» (عَصْرُ تَكْوِين) زیست می‌کند که در آن نظم اداری بهائی در سراسر کره زمین مرتفع و تشکیلات و مؤسساتش برپا و نیروهای نهفته جامعه‌سازش آشکار...»

🔍 **تحلیل تشکیلاتی و حکومتی سند**

◇ **از معنویت تا ساخت قدرت جهانی**

این سند به‌وضوح نشان می‌دهد که پس از پایان عصر رسولی، جامعه بهائی وارد عصر تکوین شده؛ عصری که اساساً فاز اجرایی و ساختاری پروژه حکومت جهانی بهایی است. مفهوم «نظم اداری بهائی در سراسر کره زمین» نشانه‌ای بی‌پرده از تلاش برای ساخت یک تشکیلات متمرکز، با مختصات حکومتی است.

◇ **طرح‌های معین ولی امرالله: نقشه‌راه استقرار حکومت**

اشاره به «طرح‌های معین» از سوی حضرت ولی‌امرالله، بازتاب طراحی هدفمند مسیر عبور از تبلیغ صرف به مرحله‌ای است که ساختار حکومت از درون مؤسسات اداری سربرمی‌آورد. واژه «طرح» ناظر به همان نقشه‌های بهایی است که هدفشان استقرار تشکیلات موازی و سپس حاکمیت است.

◇ مرحله بهره‌برداری کامل از نهادهای جامعه‌ساز

عبارت «نیروهای نهفته جامعه‌سازش آشکار...» در اینجا حاکی از آن است که ظرفیت نهادهای بهایی برای تأثیرگذاری اجتماعی و ساخت حاکمیت، اکنون به‌طور کامل به‌کار گرفته شده است؛ مرحله‌ای که دیگر صرفاً فرهنگی یا معنوی نیست، بلکه عملیاتی، سیاسی و ساختاری است.

🔑 نکات کلیدی در تحلیل این سند

◎ ۱. پایان عصر رسولی، آغاز حکومت

با درگذشت عبدالبهاء، مرحله عرفانی و تبلیغی به پایان می‌رسد و جامعه بهایی وارد فاز اداری-سازمانی می‌شود.

◎ ۲. تعریف عصر تکوین به‌مثابه مرحله مهندسی قدرت

عصر تکوین به‌روشنی مرحله‌ای است که در آن نظم اداری جهانی مستقر می‌شود و ساختارهای قدرت شکل می‌گیرند.

◎ ۳. تأکید بر طرح‌های معین از جانب ولی‌امرالله

این نشان‌دهنده وجود نقشه‌هایی برای گذار از جامعه دینی به نظم حکومتی است؛ روندی که از سال ۱۹۲۱ آغاز شده و همچنان ادامه دارد.

◎ ۴. نهادسازی جهانی: از تبلیغ تا ساختار قدرت

اشاره به استقرار نظم اداری در «سراسر کره زمین» بیانگر هدف جهانی برای بهایی‌سازی نظم اجتماعی و سیاسی از طریق نهادهای پوششی است.

📖 توضیح مفهومی اصطلاحات تشکیلاتی در سند

- **عصر رسولی (عَصْرُ رُسُولِيّ)**

دوره‌ای است که رهبری جامعه بهایی بر عهده عبدالبهاء بود و تمرکز بر تبلیغ، آموزش دینی و هدایت معنوی داشت.

◇ **عصر تکوین (عَصْرُ تَکْوِین)**

مرحله‌ای است که با درگذشت عبدالبهاء آغاز شد و در آن تشکیلات بهایی از مرحله روحانی به فاز اداری و سپس حکومتی منتقل شد.

◇ **نقشه یا مشروعات**

برنامه‌های زمان‌بندی‌شده‌ای که هدف‌شان استقرار ساختار حکومت بهایی در سطوح محلی، ملی و سپس جهانی است. نخستین نقشه‌ها در الواح تبلیغیه عبدالبهاء در سال ۱۹۱۶–۱۹۱۷ ترسیم شده‌اند.

◇ **ایادی امر و دارالتبلیغ**

نهادهای امنیتی-اطلاعاتی تشکیلات بهایی که وظیفه جمع‌آوری داده‌ها، تحلیل اجتماعی و اجرای تصمیمات مرکزی بیت‌العدل را برعهده دارند. این نهادها، عهده‌دار اجرای نقشه‌های تشکیلاتی در هر کشور هستند.

☑ جمع‌بندی نهایی

سند مقاله ۱۱۳ گویاترین شاهد بر این حقیقت است که تشکیلات بهایی پس از ۱۹۲۱، وارد فاز مهندسی قدرت حکومتی شده است.

▽ دیگر هدف صرفاً تبلیغ دین نیست، بلکه ساخت «مدنیت الهیه» به‌معنای واقعی، یعنی حکومت فراگیر با برنامه و نهاد و قدرت است.

▽ بیت‌العدل، ولی‌امرالله و نهادهای تابعه، همه در خدمت ساخت نظام اداری جهانی هستند که در ظاهر روحانی اما در باطن، یک پروژه قدرت‌سازی جهانی است.

====

🏛 مقاله ۱۱۴

دارالتبلیغ بین‌المللی؛ ستاد مرکزی اطلاعات و هماهنگی برای حکومت جهانی بهایی

▧ نقل‌قول کامل سند

منبع: قرن انوار، صفحه ۸۴

🔗 لینک رسمی سند

«شاهد تحول بزرگ دیگری در تنظیم اداری امرالله بود یعنی دارالتبلیغ بین‌المللی نیز به وجود آمد که وظیفه‌اش انتقال بعضی از مسئولیت‌های مختص به ایادی امرالله مقیم ارض اقدس به آینده بود و چون این موسسه تشکیل شد مسئول هماهنگ ساختن و تنظیم وظائف هیات‌های مشاورین در اطراف جهان شد. حضرت ولی امرالله در پیش‌بینی مسیری که رشد و نمو امر الهی خواهد پیمود چنین مرقوم فرمود: در مراحل آینده عصر تکوین بیت العدل اعظم اقدامات مهم جهانی دیگری را آغاز خواهد کرد که نماینده وحدت و باعث هماهنگی و توحید مساعی محافل ملی خواهد بود.» (صفحه ۸۴)

۹۴ چنین اقدامات مهم جهانی در قالب نقشه نه ساله در سال ۴۱۹۶،...

🔍 تحلیل مستند و انتقادی

⬤ تشکیل دارالتبلیغ بین‌المللی؛ تغییر سازمانی یا استقرار نهاد حکومتی؟

سند فوق نشان‌دهنده یکی از مهم‌ترین تحولات ساختاری در تاریخ تشکیلات بهائی است: تأسیس دارالتبلیغ بین‌المللی، نهادی که وظیفه آن نه‌تنها ادامه‌ی مأموریت ایادی امرالله، بلکه ساماندهی ساختار اطلاعاتی-امنیتی و راهبری نقشه‌های جهانی بهایی در قالب یک دستگاه اجرایی جهانی است.

📡 دارالتبلیغ؛ ستون فقرات سیستم اطلاعاتی جهانی بیت‌العدل

وظیفه‌ی انتقال مسئولیت‌های ایادی امرالله به دارالتبلیغ، به‌وضوح نشان می‌دهد که این نهاد، همان نقش امنیتی، اطلاعاتی، هماهنگ‌کننده و تحلیلگر جهانی را ایفا می‌کند که در تشکیلات‌های فراملی مدرن، معمولاً نهادهای اطلاعاتی مرکزی عهده‌دار آن هستند. دارالتبلیغ، هدایتگر نقشه‌های فرهنگی، اجتماعی، و سیاسی برای پیش‌برد فرآیند استقرار حکومت جهانی بهایی است.

🌐 نقشه نه ساله و گام بلند به سوی وحدت جهانی تحت رهبری بیت‌العدل

پیش‌بینی ولی‌امرالله مبنی بر آغاز «اقدامات مهم جهانی دیگر» در «مراحل آینده عصر تکوین» که به نقشه نه ساله (۱۹۶۴) اشاره دارد، گواهی است بر تداوم اجرای پروژه جهانی‌سازی تشکیلات بهایی با استفاده از ابزار نهادسازی. این نقشه‌ها، مانند نقشه ده‌ساله، پنج‌ساله و نه‌ساله، در خدمت وحدت ساختاری، انسجام اداری و هماهنگی کامل میان اجزای تشکیلات هستند.

⊛ وحدت میان محافل ملی؛ تمرکزگرایی زیر نقاب تمرکززدایی

در ظاهر، تأکید سند بر «نماینده وحدت» و «توحید مساعی محافل ملی» به معنای تقویت ظرفیت‌های محلی به‌نظر می‌رسد؛ اما در واقع، این ساختار بر پایه‌ی تمرکز قدرت جهانی در بیت‌العدل اعظم طراحی شده است. وحدت و

هم‌افزایی در اینجا، مفاهیمی هستند که در خدمت کنترل مرکزی و اجرای دقیق نقشه‌های حکومتی بیت‌العدل عمل می‌کنند.

⚒ دارالتبلیغ؛ بازوی اجرایی قدرت و هم‌راستاسازی جهانی

با هماهنگ‌سازی وظایف هیأت‌های مشاورین در سراسر جهان، دارالتبلیغ عملاً به‌مثابه ستاد کل عملیات جهانی بهایی عمل می‌کند که همه‌ی اجزای تشکیلات، از محفل ملی تا لجنه‌های محلی و شورای منطقه‌ای را تحت فرماندهی خود می‌گیرد. این ساختار، زمینه‌ساز شکل‌گیری یک حکومت جهانی با فرماندهی واحد است.

📌 نکات کلیدی تحلیل

- **تشکیل «دارالتبلیغ بین‌المللی»**

نهاد جدیدی که جانشین وظایف ایادی امرالله شد و وظیفه هماهنگی هیأت‌های مشاورین جهانی را به عهده گرفت.

- **دارالتبلیغ = نهاد اطلاعاتی-امنیتی تشکیلات بهایی**

این نهاد، اکنون مرکز تحلیل، تصمیم‌سازی و اجرای نقشه‌های جهانی بیت‌العدل است؛ ستاد استراتژیک برنامه‌ریزی و هماهنگی اقدامات فراملی.

- **پیش‌بینی آغاز اقدامات مهم جهانی توسط بیت‌العدل اعظم**

در قالب نقشه نه ساله (۱۹۶۴) که پایه‌گذار نسل جدیدی از نظم حکومتی بهایی در سطح جهانی شد.

- **تأکید بر «وحدت» و «توحید مساعی محافل ملی»**

حرکتی است برای ایجاد ساختار هم‌راستا و متمرکز جهانی، در حالی که ظاهر آن تمرکززدایی است.

- **نقش حیاتی دارالتبلیغ در تحقق نظم حکومتی بهایی**

به‌عنوان نهاد هماهنگ‌کننده، اطلاعاتی، و تشکیلاتی، نقشی تعیین‌کننده در گذار از تشکیلات دینی به حکومت فراگیر جهانی ایفا می‌کند.

🗐 جمع‌بندی نهایی

سند مقاله ۱۱۴ یکی از مهم‌ترین گام‌های تشکیلات بهایی برای استقرار یک ساختار اطلاعاتی-فرماندهی جهانی را نشان می‌دهد.

🌀 نهادسازی امنیتی-اطلاعاتی در قالب «دارالتبلیغ بین‌المللی»، نشانه آشکاری از آمادگی کامل تشکیلات بهایی برای اجرای نقشه‌های حکومتی جهانی است.

🧩 دارالتبلیغ، شبکه‌ای از مشاورین، محافل، شوراها و لجنه‌ها را در سراسر جهان هماهنگ می‌سازد تا بیت‌العدل اعظم بتواند با حداکثر کارآمدی، نظم اداری جهانی بهایی را در عمل اجرا کند.

⬤ این سند نشان می‌دهد که هدف نهایی تشکیلات، نه صرفاً گسترش معنوی، بلکه برپایی حکومتی جهانی با ساختار اداری-اطلاعاتی دقیق و فرماندهی متمرکز است.

====

◇ **مقاله ۱۱۵: «نقشه‌ای برای حکومت جهانی؛ شوقی افندی و مهندسی عصر تکوین»**

📜 **متن سند و تحلیل رسمی**

شوقی ربانی:

سنین اوّلیّه قرن ثانی بهائی با اختتام عهد اوّل عصر تکوین دور بهائی مقارن گشته، دوری که آیندگان آن را اهمّ و اعزّ ادوار کور اعظم در تاریخ ادیان عالم خواهند شناخت.

◇ این جمله به آغاز عصر تکوین اشاره دارد که از **سال ۱۳۲۱ هجری شمسی / ۱۹۲۱ میلادی** شروع شده و بر اهمیت آن به‌عنوان مرحله‌ای کلیدی در تاریخ تشکیلات بهائی تأکید می‌کند.

◇ این "دور"، به‌عنوان **مرحله‌ای مهم برای تثبیت ساختار اداری و حکومتی** تعریف شده است.

هفتاد و هفت سال اوّل این قرن که عصر مشعشع رسولی و قهرمانی آئین ما را تشکیل می‌دهد، به سه عهد نه ساله و سی و نه ساله و بیست و نه ساله منقسم می‌شود که به ترتیب منتسب به دور بابی و رسالت‌های حضرت بهاءالله و حضرت عبدالبهاء است.

◇ تقسیم زمانی به سه عهد، بیانگر **ساختار نقشه‌محور تشکیلات بهایی** است.

◇ حکایت از برنامه‌ریزی مرحله‌ای برای استقرار ساختارهای حکومتی دارد.

عصر اوّل دور بهائی... تحت تأثیر قوای خلّاقه دافعه‌ای بوده است که از دو ظهور مستقلّ و تأسیس میثاقی بی‌نظیر... ساری و جاری گشت.

◇ اشاره به **دو چهره بنیان‌گذار حکومت بهایی (بهاءالله و عبدالبهاء)** و تشکیل میثاق تشکیلاتی.

◇ تأسیس این میثاق، پایه‌گذار نهادسازی سیاسی و رهبری متمرکز است.

بیست و سه سال آخر این قرن مقارن بود با عهد اوّل عصر ثانی که عصر جدید یا عصر تکوین دور بهائی بوده و اوّلین عهد از سلسله عهودی است که مقدّم بر حلول عصر ذهبی دور بهائی قرار دارد، دوری که بشهادت صریح مؤسّس آئین بهائی امتدادش لااقل هزار سال است...

- «عصر تکوین» **پیش‌درآمد «عصر ذهبی»** یعنی دوره حکومت جهانی بهایی است.
- تأکید بر استمرار این نظم تا هزار سال، نشان از طرحی بلندمدت برای حکومت‌سازی جهانی دارد.

ما اکنون وارد عهد دوّم از عصر دوّم نخستین دور از این ادوار می‌شویم. در عهد اوّل نظم اداری امر الله تولّد گردید... نمونه‌ای از نظم جهانی است.

- آشکارا، نظم اداری بهایی به‌مثابه هسته حکومت جهانی تعریف می‌شود.
- نقشه‌ها و الواح وصایا اساس این نظم را بنا کرده‌اند.

مرحله اولای اجرای نقشه جهانی که از جانب آن حضرت به جامعه بهایی امریکا واگذار گشته بود آغاز گشت...

- پروژه‌هایی از آمریکا آغاز شده و به صورت مرحله‌به‌مرحله اجرا می‌شود.
- آغاز ‘‘نقشه جهانی’’ نشانه همگام شدن تبلیغ و حکمرانی است.

...شاهد ظهور و وضع قواعد نظم جهان‌آرائی بود... حضرت اعلی در کتاب بیان به آن بشارت داده و اصول و احکامش را حضرت بهاءالله در کتاب اقدس نازل فرموده بودند...

- ارجاع به کتاب‌های رسمی تشکیلاتی، بیانگر **پایه‌گذاری قانونی نظم حکومتی** است.
- کتاب اقدس، امّ‌الکتاب نظم آینده معرفی می‌شود.

...مرحله اولای نقشه‌ای در نیمکره غربی مشخص گردید که محرّک و مشوّق اصلیّه‌اش خطابات مبشّر امر الله در قیوم الاسماء بود...

- نقشه تبلیغی در نیمکره غربی با هدایت رهبر تشکیلاتی (قیوم الاسماء / عبدالبهاء) آغاز شده است.
- نقشه‌ها و مرکز عهد به‌عنوان ستون‌های حکومتی ایفای نقش می‌کنند.

در عهدی که حال وارد آن گشته‌ایم باید دو جنبه این مشروع تاریخی قوّت و جنبشی عظیم حاصل کند: از طرفی شاهد اکمال و اتمام یک نظم اداری باشد...

- نظم اداری هنوز کامل نشده و پروژه آن ادامه دارد.
- نشانه‌ای از استمرار روند ساختار حکومتی در قالب دین است.

...و از طرف دیگر شاهد بسط و توسعه مراحل متوالیه اجرای نقشه تبلیغی حضرت عبدالبهاء در خارج از نیمکره غربی و قارّه اروپا گردد.

- گسترش نقشه‌ها به قاره‌های دیگر.
- نشانگر **برنامه جهانی تشکیلات** و هدف نفوذ ساختاری در دیگر مناطق.

بیت العدل اعظم، اکلیل جلیل نظم اداری

- بیت العدل تاجِ تشکیلات سیاسی و اداری است.

...در طیّ عهد کنونی و عهود آینده آن انتخاب بیت العدل اعظم الهی، آخرین و اعظم مرحله از مراحل تشیید اساس نظم اداری انجام شود...

- تأسیس بیت‌العدل و **تدوین قوانین اجرایی از کتاب اقدس**.
- گامی برای اعلام رسمی نظم حکومتی دینی بهایی.

...در آینده، در طی عصر ذهبی که آخرین عصر دور بهائی است عَلَم صلح اعظم به وعده شارع مکرّم به اهتزاز آید و حکومت جهانی بهائی به کمال قدرت و جلال چهره بگشاید...

این جمله، **صریح‌ترین اعتراف به هدف نهایی تشکیلات** است:
حکومت جهانی بهایی، قدرت کامل و جلال رسمی.

- **مقاصد چهارگانه نقشه تبلیغی**
- برنامه‌ای مرحله‌ای برای گسترش ساختارها

نقشه هفت ساله دوم به این منظور آغاز گردید که گامی فراتر...

- این نقشه‌ها عملیاتی، ساختاری و حکومتی هستند.

...نقشه که جامعه بهائی امریکای شمالی وارث آن گشته...

- جامعه بهائی امریکا، پیش‌قراول حکومت جهانی است.

...مجریانش کما ینبغی از عهده درک آن قاصرند...

- اعضای اجرایی، اطلاع کامل از پروژه ندارند؛ برنامه‌ریزی در رأس است.

در دومین سال نقشه هفت ساله دوم باید عموم یاران... وقف خدمت در سبیل اجرای وظایف...

◇ **بسیج عمومی داخلی** برای اجرای وظایف حکومتی

صفوف دائم التّزاید جنود حضرت بهاءالله... مرحله دوم جهاد جهانی را آغاز کرده‌اند...

🚨 استفاده از واژگان نظامی:

- **جنود**
- **جهاد جهانی**
- **فرمان**

◇ برماهیت نظامی، انضباطی و ایدئولوژیک تشکیلات بهایی دلالت دارد.

...نقشه حالیه تدریجاً پیش رفته به اوج خود می‌رسد... قوای خداداد در میادین وسیع‌تر و عظیم‌تر صرف شود...

◇ تأکید بر گسترش مداوم پروژه‌ها، با **روحیه‌ای جهادی و فراگیر**.

🧩 **خلاصه کلّی تحلیل:**

- این متن، **سند مرکزی شوقی افندی** درباره نقشه جامع حکومت جهانی بهایی است.
- هدف اصلی آن، تثبیت نظم اداری جهانی، تبلیغ ساختاری، و استقرار بیت‌العدل اعظم به‌مثابه رأس حکومت جهانی است.
- اصطلاحاتی چون «جهاد جهانی»، «نظم جهان‌آرائی»، «عصر ذهبی»، «صلح اعظم»، «نقشه هفت‌ساله»، همگی اثبات می‌کنند که تشکیلات بهایی **یک پروژه ساختارمند حکومتی** با پوشش دینی است.

📚 **منبع**: شوقی ربانی – حصن حصین

🔗 **لینک**: reference.bahai.org

مجموعه مقالات علماء در بهائیت

بررسی ادعای کذب تشکیلات بهایی مبتنی بر عدم وجود طبقه روحانی در بهائیت

فیلم نقد ۱ :

فیلم نقد ۲ :

لینک اول

عناوین :

آیا بهاء الله برای اجرای حدودات آمده است یا خیر ؟ و منابع تقلید در بهائیت

(مکانیزم اجتهاد)

محافل ملی و محافل محلی در حقیقت موظف به تصمیم گیری در امور جاری لینک

اولین منبع تقلید در بهائیت **سازمان تشریع** لینک

الف) **کتاب اقدس بهاءالله و دیگر آثار او؛ سه مورد مدرک** لینک

مدرک دوم :

الف – بهاء الله برای حدودات ظاهره تشریف آورده اند   لینک

ب – مرگ بر کسانی که به احکام بهاء الله عمل نمی کنند   لینک

ج – فرمان به بهائیان بر تسخیر جهان برای اقامه احکام بهاء الله   لینک

مدرک سوم :

محک بهائی بودن عمل به رساله عملیه بهائیت است   لینک

مدرک چهارم :

دگر اندیشان و منکرین تقلید از بهاء الله و بر گشته از بهائیت اهل ضلال و هلاکت خواهند بود (بهائیان به آراء بهائیان برگشته از بهائیت احترام نمی گذارند و این عمل کرداری مجرمانه تلقی می گردد)   لینک

مدرک پنجم :

در بهائیت عاملان به رساله عملیه بهاء الله را اهل عمل گویند و لا غیر   لینک

مدرک ششم :

از دیدگاه بهاء الله منصف یعنی معتقد به رساله عملیه (حدودات) بهاء الله و میزان و مناط انصاف عاملیت افراد به احکام بهائیت می باشد   لینک

مدرک هفتم :

اگر بهائی و مقلد رساله عملیه بهاء الله نباشی حُسن نیّت و صفای قلب و راستی و صداقت هیچ کدام به درد نمی خورد   لینک

مدرک هشتم :

جناب بهاء الله لطفا تکلیف را مشخص بفرمایید برای اجراء حدودات ظاهره آمده ایید یا خیر ؟   لینک

مدرک نهم :

نمونه ای از احکام و رساله عملیه بهائیان نماز نخوانی باید آبرویت را بهائیان ببر ند   لینک

مدرک دهم :

تقلید از دیگران نکن الا از بهاء الله :   لینک

مدرک یازدهم :

تقلید از دیگران نکن الا از بهاء الله   لینک

مدرک دوازدهم :

تقلید از دیگران نکن الا از مظهر ظهور (باب و بهاء الله) :   لینک

مدرک سیزدهم :

امر بهاء الله بر اینکه از من تقلید کنید نه علما و ذکر علت لعن و نفرین علماء در بهائیت مشت بهاء الله و باب را باز کردن است لینک

مدرک چهاردهم :

تقلید از دیگران نکن الا از بهاء الله لینک

مدرک پانزدهم :

تقلید از دیگران نکن الا از بهاء الله لینک

وجود عناصرزیر در بهائیت لینک

اول اینکه :   فقه (منابع استنباط احکام) (نص – مبین – بیت العدل) لینک

الف) در شیعه مجموعا قرآن + بیست جلد وسائل الشیعه و ۱۸ جلد مستدرک وسائل لینک

ب) در بهائیت نص بهاء الله که بیش از یک صد جلد که ۱۷ هزار لوح بر شمرده اند + مجموعه آثار عبد البهاء + مجموعه آثار شوقی + مجموعه احکام صادره در غیر نص از بیت العدل = که حدودا بیش از پانصد جلد می شود . لینک

دوم اینکه :   اصول فقه لینک

مسائلی مانند :

۱ – اینکه بیانات کتبی ارجح است نسبت به شفاهی لینک

۲ – مطالب و احکام قبل از نزول اقدس و بعد از نزول اقدس لینک

۳ – به تبع قبلی ضرورت فهم تاریخ و محل نزول الواح لینک

۴ – ملاک تشخیص وجود رعایت حکمت در الواح و سخنان مبینین لینک

۵ – اهمیت شناخت سطح و عقاید و گرایشات مخاطب در درک الواح لینک

۶ – با توجه به اصل سخن گفتن به لسان و فهم مخاطب باید از این دید مخاطب شناس بود تا اصل مراد الواح درک شود لینک

۷ – مکانیزم حل تعارض ادله چیست ؟ اگر جائی گفته شده بعد از طواف حلق راس باید شود جائی گفته نشود ملاک تعارض ادله چیست ؟ لینک

سوم اینکه :   مجتهد (کسی که از این منابع استنباط می کند) (محافل ملی و محلی) لینک

اعضای محفل با توجه به اینکه مسئولیت کلیه فعالیتهای تشکیلات بهائیان را بر عهده دارند لذا موظفند کلیه تصمیماتشان مخالف با اوامر بهاء الله نباشد و همچنین مخالف با تبیین مبیین و در نهایت با قوانین وضع شده در غیر نصوص مغایرت نداشته باشد لینک

لذا لازمه کار محفل تطبیق قوانین از منابع سه گانه امری با مصادیق مستحدثه که این را ما اصطلاحا اجتهاد و عامل آن را مجتهد می دانیم لینک

تذکر : اعظم دلیل بر اطلاق سیستم استناطی این است که هر نه نفر اعضای محفل در انتهاء بعد از شور معمولا رای گیری می کنند و چنانچه مطلبی رای بیشتری بیاور آن اجرا می شود لذا همین اختلاف آرا خود نشان دهنده استنباطی بودن احکام است زیرا اگر همه چیز شفاف می بود که اختلاف آراء پیش نمی آمد تا کار منجر به رای گیری شود لینک

چهارم اینکه :   ولایت مطلقه محفل بر اعضاء (اطاعت محض از محافل) لینک

نکته مهم این است که احکام صادره از این مرجع مشورتی نیست بلکه ولایت مطلقه دارد و باید مورد اطاعت قرار بگیرد و با خاطی در حد طرد بر خورد می شود لذا هر محفلی برای خود مرجعی با ولایت مطلقه است و فرمانش مانند فرمان بهاء الله باید مورد اطاعت قرار بگیرد یعنی ولایت محافل همان ولایت بهاء الله است و حتی خود عبد البهاء هم خود را ملزم به اطاعت فرامین آن می داند لینک

پنجم اینکه :   لذا به تعداد محافل در بهائیت مرجع وجود دارد و هر محفلی برای خود خود می تواند استناطی کند خلاف محافل محلی دیگر و به کسی ارتباطی ندارد مگر اینکه در حکمی اعتراضی بشود که می رود به محفل ملی لذا در صورت عدم اعتراض و لو فرامین محافل با هم معارض باشد باید مورد اطاعت قرار بگیرد و این یعنی تقریبا ملوک الطوایفی محافل لینک

ششم اینکه : نتیجه اینکه اگر در شیعه به تعداد انگشتان دست مرجع وجود دارد که احکام ایشان عموما مشورتی است و الزام فیزیکی و تشکیلاتی وجود ندارد مگر در مورد تشکیل نظام مبتنی بر حاکم شرع اما در بهائیت از همان اول سیستم ولایت مطلقه محفلی برپا است . لینک

هفتم اینکه : بهائیان آنچنان بر مشورت و رای گیری تبلیغ می کنند که مخاطبین تصور می کنند که تمام مقدراتشان بدست خودشان است در حالی که مبنای مشورت اهتمام ورزیدن به دقت اجرای نصوص است نه آراء منقطع از نصوص لینک

هشتم اینکه : طریق انتخاب مرجع :

الف : در شیعه انتخابی و شخصی است بدون اینکه خود مرجع هم بداند و بلافاصله به تشخیص مقلد مبتنی بر عدم اعلمیت یا عدالت بدون هیچ تشریفاتی می تواند از دیگری تقلید کند لینک

ب : در بهائیت انتخاب محافل هر یکسال یک بار و تا قبل از یکسال امکان تجدید نظر در آراء وجود ندارد لینک

اولین منبع استباط برای اعضای محافل محلی نص است که به موارد آن پرداخته می شود لینک

مدرک دوم مبتنی بر اینکه اعضای محافل مجتهد هستند و اولین منبع اجتهادشان نصوص بهاء الله است لینک

مدرک سوم مبتنی بر اینکه اعضای محافل مجتهد هستند و اولین منبع اجتهادشان نصوص بهاء الله است لینک

مدرک چهارم مبتنی بر اینکه اعضای محافل مجتهد هستند و اولین منبع اجتهادشان نصوص بهاء الله است لینک

مدرک پنجم مبتنی بر اینکه اعضای محافل مجتهد هستند و اولین منبع اجتهادشان نصوص بهاء الله است لینک

مدرک ششم مبتنی بر اینکه اعضای محافل مجتهد هستند و اولین منبع اجتهادشان نصوص بهاء الله است لینک

مدرک هفتم مبتنی بر اینکه اعضای محافل مجتهد هستند و اولین منبع اجتهادشان نصوص بهاء الله است لینک

مدرک هشتم مبتنی بر اینکه اعضای محافل مجتهد هستند و اولین منبع اجتهادشان نصوص بهاء الله است لینک

مدرک نهم مبتنی بر اینکه اعضای محافل مجتهد هستند و اولین منبع اجتهادشان نصوص بهاء الله است لینک

مدرک دهم مبتنی بر اینکه اعضای محافل مجتهد هستند و اولین منبع اجتهادشان نصوص بهاء الله است لینک

مدرک دوازدهم مبتنی بر اینکه اعضای محافل مجتهد هستند و اولین منبع اجتهادشان نصوص بهاء الله است لینک

مدرک سیزدهم مبتنی بر اینکه اعضای محافل مجتهد هستند و اولین منبع اجتهادشان نصوص بهاء الله است

لینک

مدرک چهاردهم مبتنی بر اینکه اعضای محافل مجتهد هستند و اولین منبع اجتهادشان نصوص بهاء الله است

لینک

مدرک پانزدهم مبتنی بر اینکه اعضای محافل مجتهد هستند و اولین منبع اجتهادشان نصوص بهاء الله است

لینک

مدرک شانزدهم مبتنی بر اینکه اعضای محافل مجتهد هستند و اولین منبع اجتهادشان نصوص بهاء الله است

لینک

مدرک هفدهم   مبتنی بر اینکه اعضای محافل مجتهد هستند و اولین منبع اجتهادشان نصوص بهاء الله است

لینک

مدرک هجدهم مبتنی بر اینکه اعضای محافل مجتهد هستند و اولین منبع اجتهادشان نصوص بهاء الله است

لینک

مدرک هجدهم مبتنی بر اینکه اعضای محافل مجتهد هستند و اولین منبع اجتهادشان نصوص بهاء الله است

لینک

لینک دوم :

اثبات وجود طبقه علماء در بهائیت

اثبات وجود طبقه علماء در بهائیت

انسان از انکار مسندی تحت عنوان علماء در بهائیت تعجب می کند زیرا در این آیین چنانچه مشاهده گردید به صراحت اعتراف به ÷مقامی مشهود است .

در یکی از رساله های عملیه بهائیان موسوم به گنجینه حدود و احکام نگاشته عبد الحمید اشراق خاوری در اثبات وجود طبقه ای تحت عنوان علماء به استناد جملات مظهر امر بهائیان در کتاب اقدس پرداخته و می گوید :

""" فصل دوّم – علماء فی البهآء در یک مقام مبلّغین و اصفیا هستند در کتاب مستطاب اقدس از سماء مشیّت جمالقدم

جلّ جلاله نازل قوله تعالی: "طوبی لکم یا معشر العلمآء فی البهآء تاللهِ انتم امواج البحرِ الأعظمِ و انجُمُ سمآءِ الفضل و الویه النّصر بین السّموات و الأرضین. انتم مطالعُ الأستقامه بین البَریّهِ و مشارقُ البیان لمن فی الأمکان طوبی لمن اقبلَ الیکم ویل للمعرضین." "

گنجینه حدود و احکام ص ۲۵۱

چنانچه محققین گرامی مشاهده می کنند به شکل واضح جناب بهاء الله اعتراف می کند که در آیین وی طبقه روحانی وجود دارد و این گروه از ویژگی خاصی برخوردار هستند که در آیین اهل فرقان چنین ویژگی اختصاص به حجج الهی دارد نه علماء .

چنانچه ملاحظه می شود جناب بهاء الله از علماء تحت عنوان یا معشر العلماء نام می برد که چه نیکو این مفهوم را جناب اشراق خاوری درک کرده و اینگونه به مفهوم جمله بهاء الله اشاره می کند که " در یک مقام مبلّغین و اصفیا هستند " یعنی اعتراف صریح بر اینکه اولا در بهائیت مبلغین یکی از مصادیق علما محسوب می شوند و در ثانی این گروه از اصفیا و بر گزیدگان می باشند .

لذا انسان از انکار مسندی تحت عنوان علماء در بهائیت تعجب می کند زیرا در این آیین چنانچه مشاهده گردید به صراحت اعتراف به چنین مقامی مشهود است .

توضیحات جناب بهاء الله در وصف این علماء تعجب انسان را دو چندان می کند زیرا انسان اوصافی را در این بیانات در علماء بهائیت مشاهده می کند که با انکار وجود چنین طبقه ای در بهائیت سازگاری ندارد و در تناقض کامل می باشد .

جناب بهاء الله به علماء بهائی خطاب می کند که ایشان " **امواج البحر الاعظم** " هستند . **یعنی علمای بهائی که از افراد برگزیده بهائیان محسوب می شوند امواج دریای بی کران و بزرگ می باشند .**

جناب بهاء الله به علماء بهائی خطاب می کند که ایشان " **انجُمُ سمآءِ الفضل** " هستند . **یعنی علمای بهائی که از افراد برگزیده بهائیان محسوب می شوند ستارگان آسمان فضیلت می باشند .**

جناب بهاء الله به علماء بهائی خطاب می کند که ایشان " **الویه النّصر بین السّموات و الأرضین** " هستند . **یعنی علمای بهائی که از افراد برگزیده بهائیان محسوب می شوند پرچمهای نصر میان آسمان و زمین می باشند .**

جناب بهاء الله به علماء بهائی خطاب می کند که ایشان " **مطالعُ الأستقامه بین البَریّهِ** " هستند . **یعنی علمای بهائی که از افراد برگزیده بهائیان محسوب می شوند مظهر ایستادگی میان مردم می باشند .**

جناب بهاء الله به علماء بهائی خطاب می کند که ایشان " **مشارقُ البیان لمن فی الأمکان** " هستند . **یعنی علمای بهائی که از افراد برگزیده بهائیان محسوب می شوند محل طلوع بیان و روشنگری برای تمامی ممکنات می باشند .**

بهائیان و محققین علاقمند به آموزه های امری این قسمت از فرمایشات جناب بهاء الله انسان را یاد چه مطلبی در آیین اسلام می اندازد ؟ واقعا منصفین دقت فرمایند :

""" طوبی لمن اقبلَ الیکم ویل للمعرضین """

جناب بهاء الله به صراحت در کتاب اقدس که ناسخ کتب پیشین است خطاب به مخاطبین اقدس که بهائیان می باشند اعلام می دارد که خوش بحال کسانی که پیرو این علماء هستند و به ایشان اقبال می کنند و ویل (وَیل – هلاک –

رسیدن شرّ و بلا – کلمه نفرین در وعید عذاب و به معنی وای – ویل اگر مبتدا باشد مرفوع است والاّ منصوب – از نوزده هزار لغت مورد وثوق بهائیان) بر کسانی که از ایشان پیروی نمی کنند و نسبت به ایشان اعراض می نمایند .

==

اعتراف یکی از اعضای سابقه دار بیت العدل موسوم به علی نخجوانی در کتاب شش کلام در وجوه گوناگون نظم جهانی مبتنی بر اینکه تشکیلات بهایی واجد طبقه روحانی و علما هست



شش کلام در وجوه گوناگون نظم جهانی بهائی

علی نخجوانی

موضوع مطالعه: توقیع نظم جهانی بهائی

- **امرا و علما.** حضرت بهاءالله در کتاب مستطاب اقدس می‌فرمایند، "طوبی للامراء و العلماء فی البهاء."[25]
- حضرت ولی امرالله توضیح می‌فرمایند که مقصود از **علماء** ایادی امرالله، مشاورین، اعضاء هیات معاونت و مساعدین آنها هستند، در حالی که **امراء** عبارت از بیوت عدل محلی، ملی و بین‌المللی هستند."[26]

[25] این بیان در کتاب عهدی نازل شده است. ادعیه حضرت محبوب، طبع جدید، ص ۳۹۷

[26] به یادداشت ۱۸۳ در منضمات کتاب اقدس مراجعه شود – م

متن طبقه علماء در پیام بیت العدل :

۲۴ اپریل ۱۹۷۲

ترجمه پیام بیت العدل أعظم الهی خطاب به هیاتهای مشاورین قاره ای و محافل روحانی ملی

یاران محبوب

نظر به سوالاتی که اخیرا از منابع مختلفه در باره کیفیت موءسسه هیاتهای مشاورین قاره ای و روابطش با موءسسه ایادی امرالله باین هیات واصل گردیده لازم است به بیان مطالب و توضیحات ذیل مبادرت گردد:

درک و فهم این موضوع مانند بسیاری از شئون نظم اداری بر اثر مرور زمان امکان پذیر و حقایق آن واضح و عیان می شود چه که اعضای هیکل این نظم بتدریج بقوه هدایت ربانیه و موافق با مقتضیات جامعه دائم الاتساع جهانی رشد و نمو می یابد. ولیکن بعضی از این شئون تا بحال آنچنان روشن و واضح گردیده که سزاوار است اهل بهاء در درک و فهم آنها سعی مخصوص مبذول دارند.

جمال قدم جل ذکره الاعظم در کتاب عهدی می فرمایند «طوبی للامراء و العلماء فی البهاء» و حضرت ولی محبوب امرالله در چهارم نوامبر ۱۹۳۱ در باره این بیان مبارک می فرمایند:
«علماء در این کور مقدس در یک مقام ایادی امرالله و در مقام دیگر مبلغین و ناشرین امر که در سلک ایادی نباشند ولی رتبه اولی را در تبلیغ حائز. مقصود از امراء اعضای بیت عدل محلی و ملی و بین المللی است. وظائف هر یک از این نفوس من بعد معین گردد»

ایادی امرالله و مشاورین و اعضای هیاتهای معاونت مشمول تعریفی می شوند که حضرت ولی امرالله از «علماء» فرموده اند. لهذا جمیع آنها طرا در نهایت صمیمیت با یکدیگر مرتبطند و خطاب موءسسه واحد بهر سه طبقه خطا و اشتباه نیست.

اما هر یک از این طبقات فی حد ذاته موءسسه ای است مجزی. موءسسه ایادی امرالله در ایام جمال قدم جل اسمه الأعظم بوجود آمد و زمانی که نظم اداری در الواح وصایای حضرت عبدالبهاء رسما تاسیس و اعلان گردید بصورت موءسسه معاونتی برای ولایت امرالله در آمد.

هیاتهای معاونت نیز بنوبه خود باراده حضرت ولی امرالله بعنوان موءسسه معاونت ایادی امرالله ایجاد گردید.

پس از صعود حضرت ولی امرالله هنگامی که بیت العدل اعظم مقرر داشت نمی تواند بجهت امکان تعیین و انتصاب ایادی جدید امرالله قانونی وضع نماید این قرار ایجاب نمود بیت العدل اعظم موءسسه جدیدی را بوجود آورد که بتواند اعضای آن را راسا تعیین و تسمیه نماید و بدین ترتیب دو وظیفه صیانت و ترویج امرالله که بعهده ایادی امرالله است در مستقبل ایام استمرار یابد و موءسسه ایادی امرالله را بنحوی تحول بخشد که بتواند موءسسه جدید الولاده را پرورش دهد و تا زمانی که میسر است با آن همکاری و معاضدت صمیمانه و نزدیک داشته باشد. همچنین لازم و ضروری بود ترتیبی اتخاذ شود تا بنحوی موءثر از خدمات بی نظیری که ایادی امرالله شخصا انجام می دهند بحداکثر استفاده شود.

اولین قدم در سبیل این بسط و تحول در نوامبر ۱۹۶۴ برداشته شد و بیت العدل اعظم موءسسه ایادی امرالله را رسما به بیت العدل مرتبط ساخت و اعلام داشت. مسئولیت اخذ تصمیم در باره مسائل مربوط به سیاست کلی حاکم بر موءسسه ایادی امرالله که سابقا باراده و مشیت حضرت ولی محبوب امرالله موکول بود از این ببعد به بیت العدل اعظم الهی که معهد و مرکز اعلی و مرجع کل امور جمیع اهل بهاست راجع می گردد در همان موقع تعداد

اعضای هیات های معاونت از ۷۲ به ۱۳۵ افزایش یافت و از ایادی امرالله در هر قاره دعوت شد که یک یا چند نفر از اعضای هیاتهای معاونت خود را به نیابت خویش تعیین نمایند تا از قبل هر یک از ایادی أمر الله و بنام ایشان اقدام نمایند و بدینوسیله هر یک از ایادی امرالله را در اجرای امور مربوطه معاضدت کنند.

در جون ۱۹۶۸ موءسسه هیاتهای مشاورین قاره ای بمنظور تحقق یافتن هدف ادامه و استقرار وظائف سابق الذکر ایادی امرالله در مستقبل ایام بوجود آمد و این تصمیم خطیر مقارن با قدم بعدی در توسعه موءسسه ایادی امرالله بود بدین معنی که مقرر گردید ایادی امرالله مقیم هر قاره من بعد بخدمات خود بنحو بین المللی و جهانی ادامه دهند و هر یک منفردا با بیت العدل اعظم ارتباط مستقیم داشته باشند. مسئولیت اداره امور هیاتهای معاونت از ایادی امرالله منتزع گردید و هیاتهای مزبور به موءسسه معاونت هیاتهای مشاورین قاره‌ای مبدل شدند؛ و وظیفه حفظ ارتباط بین بیت العدل اعظم و هیاتهای مشاورین قاره به هیات أیادی امرالله مقیم ارض اقدس تفویض گردید؛ و ارتباط متقابل بین ایادی امرالله و هیاتهای مشاورین بنحوی قابل اجراء برقرار شد و نیز به دارالتبلیغ بین المللی در ارض اقدس که باراده بیت العدل اعظم و با معاضدت هیات ایادی امرالله مقیم ارض اقدس تاسیس خواهد گردید اشاره شد.

در جولای ۱۹۶۹ و در رضوان ۱۹۷۰ عدد مشاورین و اعضای هیاتهای معاونت افزایش یافت.

بدون تردید در آینده با ایجاد دار التبلیغ بین المللی و توسعه خدمات مشاورین بسط و تحولات دیگری در موءسسه ایادی امرالله و موءسسه هیاتهای مشاورین قاره ای صورت خواهد گرفت.

ملاحظه شده است در بعضی موارد احبای الهی ایادی امرالله و مشاورین و هیاتهای معاونت

را «جناح انتصابی» نظم اداری تلقی نموده آن را مقابل با «جناح انتخابی» که از بیت العدل اعظم و محافل ملی و محلی تشکیل می شود محسوب می دارند. هر چند این طرز توصیف و تلقی حقیقتی از نحوه ایجاد این موسسات را بیان می کند یاران باید بدانند که اصل انتصاب تنها وجه تمایز موءسسات ایادی امرالله و مشاورین و هیاتهای معاونت نیست.

فی المثل تعداد افرادی که بعضویت در لجنه های تابعه «جناح انتخابی» منصوب شده اند بمراتب افزون تر از تعداد نفوسی است که در «جناح انتصابی» قائم بر خدمتند و وجه تمایز بارزتر آنکه «امراء» در امر الهی بالاجتماع انجام وظیفه می کنند و حال آنکه «علماء» هر یک اصولا بالانفراد بخدمت قائمند.

در یکی از توقیعات مبار که خطاب به محفل روحانی بهائیان استامبول مورخ ۱۴ مارچ ۱۹۲۷ کاتب حضرت ولی امرالله از جانب آن حضرت اصل اقدام و عمل از طریق غلبه آراء در امرالله را تشریح نموده و متذکر شده است در گذشته اشخاصی که خود را «اعلم و اجل» می دانستند مایه تفرقه می گردیدند و «نفوسی که خود را افضل از کل می دانستند سبب اختلاف گشتند» «ولی الحمدلله قلم اعلی این استبداد رای افراد علماء و عقلا را از میان بردند و قول افراد را ولو اعلم علماء و افضل فضلا باشد میزان نفرمودند و امور را بمراکز منصوصه و محافل مخصوصه

راجع نمودند. حتی هیچ محفلی را در امور کلیه عمومی ممالک بالاطلاق مرکز قرار ندادند بل جمیع محافل مقدسه را در ظل یک بیت العدل و مرکز اعظم الهی خواندند تا مرکز مرکز واحد باشد و جمیع در ظل محور منصوص مخصوص حکم یک نفس یابند و از انشقاق و تفرقه محفوظ مانند.» هر چند جمال قدم جل اسمه الاعظم مفاسدی را که ذاتا در موءسسات علماء در ظهورات سابقه موجود است برای ابد از شریعه الله محور و زائل فرموده اند ولیکن چنانکه حتی از مطالعه سریع و اجمالی پیام منیع مورخ چهارم جون ۱۹۵۷ بر می آید عوامل مفیده موجوده در این موءسسات را در نظم اداری خویش وارد نموده اند عواملی که برای پیشرفت و تقدم امرالله حائز ارزش اساسی هستند.

وجود موءسساتی چنین رفیع الشان که از افرادی تشکیل شده است که وظائفی چنین خطیر بعهده دارند ولیکن دارای اختیارات تقنینی و اداری و قضائی نیستند و بکلی از وظائف روحانیون ادوار سلف و حق و صلاحیت تبیین و استنباط رسمی آثار الهیه مبرا و فارغند از شئون مختصه نظم اداری بهائی است که در ادیان گذشته بی نظیر و مثیل است. درک و فهم این مفهوم بدیع و فرید البته صعب و دشوار است و تنها در اثر رشد و تکامل جامعه بهائی و ازدیاد عرفان احباء الهی به اصول نظم اداری، عرفانی که فارغ از تاثیرات حاصله از معتقدات ازمنه ماضیه باشد رابطه متقابل اتکاء و تعلق «امراء» و «علماء» در شریعه الله و ارزش بی حد و حصر تعاضد و تاثیرات متقابله آنان در یکدیگر بنحو شایسته‌ای مفهوم و معلوم خواهد گردید.

با تقدیم تحیات ابدع ابهی

بیت العدل اعظم

اثبات طبقه علما از کتاب اشراق خاوری لینک

لینک سوم :

اگر پرداخت حقوق الله ناپسند است چرا بهائیان در آیین خود آن را تایید و مصادیقش را فراتر از اسلام تعیین کرده اند ؟

لینک چهارم :

ویژگیهای علماء در نصوص الهی

لینک پنجم :

واردات به بیت العدل (حقوق الله ووو)

لینک ششم :

گرفتن پول برای اقدامات دینی در بهائیت

لینک

محافل بهایی حکومت موازی – شهر موازی تشکیلات بیت العدل در هر کشور

پیرامون دخالت بیت العدل مستقیم در اموری داخلی هر کشور و برای اشغال خاک هر سرزمین اقداماتی می کنم که در این قسمت به آن پرداخته می شود چون در مقالات متعدد به زوایای این اسناد پرداخته شده است و بشکل تصویری نیز این مطالب تقدیم گردیده است تمام مطالب ابتدا بشکل تصویری و سپس لینک مقالات متنی بشکل لینک و ارجاع به مقالات تقدیم عزیزان می گردد

ابتدا فیلمهای نقد :

جلسه ۳۴۳

نقد آموزه های بهایی

جلسه پانزدهم

ماهیت بهائیت علاوه بر حزب بالفعل هم اینک دولت است که دارای قوای سه گانه (قوه مجریه – مقننه و قضائیه) می باشد و وجود محفل در هر کشور مساوی است با نقض حاکمیت ملی و تشکیل دولت در دولت .

اسناد حاکمیت و حکومت محافل در کشور ها از سخنان شوقی در کتاب نظم اداری بهایی هوشنگ محمودی صفحه ۳۴

#بهاییت

حسن ارشاد

لینک فیلم در تلگرام

https://t.me/mardomtve/1407

لینک یوتیوب

https://youtu.be/tFwoeSbCfCo

لینک آپارات

https://aparat.com/v/KuAIt

لینک فیس بوک

https://www.facebook.com/bahaicensure/videos/449358576481575

لینک صدا

https://t.me/mardomtve/1408

لینک اینستاگرم

https://www.instagram.com/tv/CLl9RIJHCB8/?utm_source=ig_web_copy_link

====

نقد آموزه های بهایی

جلسه شانزدهم

ماهیت بهائیت علاوه بر حزب بالفعل هم اینک دولت است که دارای قوای سه گانه (قوه مجریه – مقننه و قضائیه) می باشد و وجود محفل در هر کشور مساوی است با نقض حاکمیت ملی و تشکیل دولت در دولت

اسناد حاکمیت و حکومت محافل در کشور ها از سخنان علی نخجوانی از اعضای بلند پایه بیت العدل و پیام بیت العدل جولای ۲۰۲۰

#بهاییت

حسن ارشاد

لینک فیلم در تلگرام

https://t.me/mardomtve/1414

لینک یوتیوب

https://youtu.be/1wT39zXfXFk

لینک آپارات

https://aparat.com/v/FuDc8

لینک فیس بوک

لینک صدا

https://t.me/mardomtve/1416

لینک اینستاگرم

/https://www.instagram.com/tv/CLofFOvnnt1

ضمنا در لینکهای زیر بشکل متنی پیرامون حکومت موازی اسنادی تقدیم شده است

بیت العدل هیئت حاکمه حکومت موازی در کشورها (قسمت اول)

بهاییت حکومت موازی در کشورها (قسمت دوم)

بهاییت حکومت موازی در کشورها (قسمت سوم)

بهاییت حکومت موازی در کشورها (قسمت چهارم)

بهاییت حکومت موازی در کشورها (قسمت پنجم)

ساختار ارکان حکومت موازی بیت العدل ۱ : اسناد تصرف و اشغال سرزمین

فعالیتهای توسعه اجتماعی اقتصادی بیت العدل دامی برای حکومت موازی

حکومت موازی (شهر موازی)

متن پیاده نشست ۹۰۷ گفتمان هدفمند جهت ایجاد شهر موازی و براندازی بیان نمونه ای از گفتمان هدفمند در بیان مهوش ثابت (مهوش شهریاری) فریبا کمال‌آبادی خطاب به : همایش گفتگو برای نجات ایران

اقدامات پر خطر بیت العدل در جهت برپایی حکومت بنیادگرایانه مذهبی در کشورها

منبع: https://www.hassanershad.com/7081

کالبدشکافی پیام ۱۵ ژوئن ۱۹۷۹ بیت‌العدل؛ از روایت مذهبی تا شبکهٔ مالی–سازمانی

بسم الله الرحمن الرحیم

کالبدشکافی پیام ۱۵ ژوئن ۱۹۷۹ بیت‌العدل؛ از روایت مذهبی تا شبکهٔ مالی–سازمانی

مقدمهٔ تحلیلی

بیمارستان و آموزشگاه **میثاقیه** – که امروز با نام مصطفی خمینی شناخته می‌شود – در نگاه نخست تنها یک مرکز خصوصی درمانی و آموزشی دههٔ ۱۳۳۰ و ۱۳۴۰ بود؛ اما شواهد نشان می‌دهد نقشی بسیار فراتر ایفا می‌کرد.

اسناد رسمی بیت‌العدل و مکاتبات محفل ملی ایران آشکار می‌کند که این مجموعه به‌عنوان بخشی از نقشهٔ نه‌سالهٔ ۱۹۶۴–۱۹۷۳ برای **تربیت نیروی انسانی بهایی** در چارچوب «عصر تکوین» و گذار به «عصر ذهبی» طراحی شده بود.

مدل مالی آن – از **جایزهٔ یک‌میلیونی اوراق مدارس یادبود** تا پیوند با شرکت‌های **اُمَناء** و نونهالان – نشان می‌دهد که ساختار اقتصادی میثاقیه برای **انتقال منظم منابع داخلی به مرکز جهانی بهایی در حیفا** شکل گرفته بود.

بر این اساس، میثاقیه را باید **حلقهٔ کلیدی در شبکهٔ مالی–سازمانی بیت‌العدل** دانست، نه یک مؤسسهٔ صرفاً درمانی.

این مقاله با اتکا به **اسناد تاریخی، گزارش‌های مطبوعاتی و مکاتبات رسمی**، لایه‌های پنهان این نقش را آشکار می‌سازد و جایگاه واقعی میثاقیه را در راهبرد جهانی بهایی تحلیل می‌کند.

فهرست محتویات و چکیده مقالات

مقاله ۱: نقد تحلیلی پیام ۱۵ ژوئن ۱۹۷۹ بیت‌العدل اعظم

این مقاله با واکاوی پیام ۲۵ خرداد ۱۳۵۸ نشان می‌دهد که بیت‌العدل، پشت ادعای «فشار مذهبی»، در واقع ساختاری **سه‌قوه‌ای و فراملی** را بازتولید و از شرکت‌های پوششی چون «امناء» و «نونهالان» برای مالکیت صوری، گردش سرمایه و نفوذ اقتصادی بهره می‌برد. هر بند پیام—از شرکت امناء و قبرستان‌ها تا ماجرای

غارت خانه‌ها و نقش نونهالان—نه روایت مظلومیت، بلکه اعترافی به **شبکهٔ پیچیدهٔ املاک، ثروت و ارتباطات خارجی** است که با قوانین ثبت، ارث و حاکمیت ملی ایران تعارض داشته است.

مقاله ۲: مقدمهٔ تکمیلی بر مجموعهٔ مقالات «شرکت سهامی اُمَناء»

این مقاله با اتکا به پیام ۲۵ مهر ۱۳۵۸ بیت‌العدل و تحلیل‌های پیشین، مسیر تازه‌ای برای واکاوی **شرکت سهامی اُمَناء** می‌گشاید. هدف، کاوش در ریشه‌های تاریخی و ساختار حقوقی، بررسی شیوه‌های انباشت و حساب‌سازی مالی، و روشن کردن پیوندهای فراملی و امنیتی این شرکت است. متن نشان می‌دهد که امناء صرفاً یک مؤسسهٔ ساختمانی یا خیریه نبود، بلکه **قلب تپندهٔ شبکهٔ اقتصادی–تشکیلاتی بهائیت در ایران و حلقهٔ اتصال مالی با مرکز جهانی حیفا** به شمار می‌رفت.

مقاله ۳: پروندهٔ «اَمَناء»؛ از ایده تا ابزار (۱۳۰۴–۱۳۳۷)

با مرور دورهٔ ۳۳ سالهٔ آغاز سلطنت پهلوی، این مقاله نشان می‌دهد که امناء زاییدهٔ سه عامل بود: **پنجرهٔ نفوذ پس از ۱۳۰۴، سازمان‌یابی مالی عصر شوقی افندی، و خلأ حقوقی عدم رسمیت**. از ثبت صوری املاک به نام اشخاص تا بحران مالکیت پس از مرگ شوقی، همه زمینه‌ساز تأسیس این شرکت شد. ساختار سهامی با سهام عمدتاً بی‌نام، نفوذ اداری برای فرار مالیاتی، و پیوند نزدیک با «نونهالان»، امناء را به **پوستهٔ حقوقی یک پروژهٔ اقتصادی–فراملی** بدل کرد که فراتر از یک بنگاه عادی عمل می‌کرد.

مقاله ۴: از کودتا تا کارتل؛ ریشه‌شناسی شرکت سهامی اُمَناء (۱۳۰۴–۱۳۳۷)

این مقاله، نخستین بخش از پژوهشی مفصل، روند تبدیل بهائیت از یک جماعت پراکنده به یک **سازمان اداری–اقتصادی جهانی** را در بستر کودتای ۱۲۹۹ تا تثبیت سلطنت پهلوی دنبال می‌کند. با مرگ شوقی افندی و بحران جانشینی، نیاز به تمرکز اموال به راه‌اندازی شرکتی رسمی اما با هویت ظاهراً غیردینی انجامید. **اُمَناء** با سرمایهٔ اولیهٔ ۳۰ میلیون ریال، ساختار سهامی عمدتاً بی‌نام و پیوند با نونهالان، پاسخی بود به چالش مالکیت، انتقال ثروت و تأمین مالی نقشه‌های جهانی بیت‌العدل؛ گامی از «نفوذ پنهان» به سوی **کارتل اقتصادی فراملی**.

مقاله ۵: از کودتا تا کارتل – ساختار درونی، اقتصاد پنهان و زمین‌خواری اُمَناء

- اُمَناء در کمتر از یک دهه از «یک شرکت» به **هلدینگ چندبخشی** با درآمد سالانهٔ ۴۰۰میلیون تومان رسید.
- بند «خیریهِٔ» اساسنامه، **کُد انتقال وجوه** به مقاصد تشکیلاتی داخل و حیفا بود.
- همنشینی با «نونهالان» بانکِ پشتیبان، و **حساب‌سازی + دفع نظارت مالیاتی** موتور بقا شد.
- رانت اداری و زمین‌خواری ساختاری، **انباشت دارایی ملکی عظیم** را رقم زد.

مقاله ۶: از کودتا تا کارتل – پیوندهای فراملی و کارکرد سیاسی–امنیتی اُمَناء

- مکاتبات ۱۹۶۶/۱۹۷۰/۱۹۷۲ نشان می‌دهد اُمَناء **بازوی رسمی مالی–ملکی حیفا** بوده است.
- «لجنهٔ املاک» زیر نظر اُمَناء، **مدیریت سراسری اماکن و املاک** را به‌صورت پوششی پیش می‌برد.

- مالکیت اماکن تجمعی = **کنترل امنیتی–سازمانی**؛ گزارش‌دهی ادواری به مرکز جهانی.
- پس از انقلاب، به‌دلیل ماهیت فراملی، **مصادرهٔ گستردهٔ دارایی‌ها** رخ داد.

مقاله ۷: مقدمهٔ فصل «بیمارستان میثاقیه؛ از ظاهر درمانی تا کارکرد تشکیلاتی»

- بیت‌العدل در ۱۳۵۸ میثاقیه را در کنار اُمَناء، **دارایی راهبردی تشکیلات** خواند.
- آموزشگاه بهیاری میثاقیه طبق اسناد، **ابزار اجرای نقشهٔ نه‌ساله** و تربیت کادر بود.
- بودجه‌های کلان (مثل جایزهٔ یک‌میلیونی ۱۳۵۰) به **ظرفیت آموزشی/تشکیلاتی** تزریق شد.
- میثاقیه سه‌گانهٔ **پایگاه مالی، آموزشی و تبلیغی** شبکه را کامل می‌کرد.

مقاله ۸: از پردهٔ سینما تا نقشهٔ نه‌ساله – زندگی و سرمایهٔ عبدالمیثاق میثاقیه

- از استودیو و سالن‌های سینما به **شبکهٔ نقدینگی و نفوذ فرهنگی** پل زده شد.
- اسناد درون‌تشکیلاتی: میثاقیه **مجری مستقیم نقشهٔ ۱۹۶۴–۱۹۷۳** بیت‌العدل بود.
- پیوند سرمایهٔ سینمایی با **آموزشگاه بهیاری**، زنجیرهٔ مالی–سازمانی را تکمیل کرد.
- تز: میثاقیه صرفاً یک سرمایه‌دار نبود؛ **میدان‌دار اقتصادی–تشکیلاتی** شبکه بود.

مقاله ۹: بیمارستان میثاقیه؛ پایگاه آموزشی و تشکیلاتی برای نقشهٔ نه‌ساله

- میثاقیه فراتر از درمان، **بازوی اجرایی نقشهٔ ۱۹۶۴–۱۹۷۳** برای تربیت کادر بهایی بود.
- سند پروفسور حکیم، هدف آموزشگاه بهیاری را **خدمت مستقیم به نقشه** اعلام می‌کند.
- جایگاه میثاقیه در پیام ۱۷ اکتبر ۱۹۷۹، آن را **دارایی راهبردی تشکیلات** نشان می‌دهد.
- نتیجه: مرکز به ظاهر آموزشی، **پایگاه سازمانی–انسانی** برای پروژهٔ کلان بیت‌العدل.

مقاله ۱۰: شبکهٔ مالی پنهان؛ از جوایز خیریه تا سرمایه‌گذاری‌های میثاقیه

- جایزهٔ **۱میلیون‌تومانی ۱۳۵۰** موتور گسترش آموزشگاه عالی پرستاری شد.
- منابع «خیریه» عملاً به **انباشت سرمایه و تأمین پروژه‌های سازمانی** تخصیص یافت.
- سازوکار هزینه‌کرد شبیه بند «خیریه» در اُمَناء؛ **کُدی برای مصارف تشکیلاتی**.
- پیوند مالی با اُمَناء و حیفا، میثاقیه را به **بازوی بانکی–پشتیبان** بدل کرد.

مقاله ۱۱: پیوند میثاقیه با استراتژی حکومت جهانی؛ از عصر تکوین تا عصر ذهبی

- پیام‌های رضوان ۱۹۶۴/۱۹۷۳ هدف نهایی را **نظم/حکومت جهانی بهایی** تعریف می‌کنند.
- میثاقیه با تربیت نیروهای درمانی، **تأمین‌کنندهٔ نیروی وفادار** برای نقشه‌ها بود.
- کارکرد دوگانه: **پایگاه انسانی + پشتوانهٔ مالی** در کنار شبکهٔ اُمَناء.
- جمع‌بندی: میثاقیه حلقه‌ای حیاتی در **زنجیرهٔ جهانی‌سازی تشکیلات** و گذار به «عصر ذهبی».

مقاله ۱۲: هم‌افزایی میثاقیه و اُمَناء؛ الگوی واحد مالکیت و سرمایه‌گذاری

- هر دو نهاد با پوشش‌های متفاوت، **مالکیت فراملی و غیرشفاف** را پیش می‌بردند.
- مدیران و لجنه‌های مشترک، **مدیریت یکپارچهٔ مالی–ملکی** را تضمین می‌کردند.
- جذب/توزیع سرمایه: «خیریه» در اُمَناء و «کمک‌های آموزشی» در میثاقیه؛ **مصرف مشترک**.
- نتیجه: دو روی یک سکه—**آموزش/درمان + تجارت/ملک**—برای هدف کلان بیت‌العدل.

مقاله ۱۳: تأمین مالی و انتقال سرمایه؛ از جوایز داخلی تا شبکهٔ فراملی

- «اُمَناء» و «میثاقیه» با تقسیم کار مالی–اجتماعی، **درآمدهای داخلی** را به مدار حیفا وصل کردند.
- جوایز و کمک‌های «خیریه» (نمونه: **۱ میلیون تومان ۱۳۵۰**) به **زیرساخت آموزشی–تشکیلاتی** تزریق شد.
- بند «خیریه» در اساسنامهٔ اُمَناء (۱۰–۳۰٪ سود) **پوشش انتقال و فرار مالیاتی** بود.
- خروج منظم سرمایه به نهاد مستقر در اسرائیل، **تعارض با قوانین ارزی/مالی** و **تضعیف اقتصاد ملی** را رقم زد.

مقاله ۱۴: نفوذ سازمانی و پیامدهای سیاسی؛ از میثاقیه تا شبکهٔ جهانی

- اسناد داخلی: میثاقیه **بازوی عملیاتی نقشهٔ نه‌ساله** و تربیت کادر بهایی برای هسته‌های اجتماعی بود.
- جذب سرمایه با برچسب «درمان/خیریه» و **هم‌افزایی با اُمَناء**، پروژه را پایدار کرد.
- انتقال وجوه به حیفا ذیل «خیریه/آموزش» **مانع رصد نظارتی** در دورهٔ پهلوی شد.
- برآیند: **نفوذ نرم سازمانی** در بهداشت و آموزش + پیوند آشکار با **طرح حاکمیتی بیت‌العدل**.

مقاله ۱۵: میثاقیه به‌مثابه کانون سازمانی؛ کالبدشکافی حقوقی–مالی

- ثبت خصوصیِ درمان/آموزش با **وابستگی تشکیلاتی**؛ دورزدن شمول اوقاف و نظارت دینی–مالی.
- تأمین مالی: **جایزهٔ ۱۳۵۰** + **سودهای اُمَناء** + **مسیر نونهالان** برای انتقال امن به حیفا.
- برنامهٔ آموزشی با تصریح پروفسور حکیم: تربیت **نیروی مأمورِ «نقشه»** (بهیاری/پرستاری).
- نتیجه: نمونهٔ روشن **دورزدن قانون، نفوذ در نظام سلامت، و پشتیبانی مرحله‌ای از نقشه‌های جهانی**.

مقاله ۱۶: شبکهٔ پنهان سه‌لایه؛ اُمَناء–نونهالان–میثاقیه

- مثلث کارکردی: **اُمَناء (انباشت و سود)، نونهالان (بانک عملیاتی/انتقال)، میثاقیه (پوشش آموزشی–درمانی)**.
- جریان پول: سود اُمَناء ← نونهالان ← میثاقیه/حیفا؛ با **کُد «خیریه»** و حساب‌سازی مالیاتی.
- پوشش خدماتی، **سپر رسانه‌ای–سیاسی** و مجوز جذب جوایز ملی شد.

• جمع‌بندی: شبکهٔ سه‌لایه، **اهرم اصلی اجرای نقشه‌های بیت‌العدل** و دلیل برخوردهای پس از انقلاب.

مقاله ۱۷: بیمارستان و آموزشگاه میثاقیه؛ از مؤسسهٔ بهداشتی تا حلقهٔ راهبردی نقشه‌های بهایی (۱۳۳۰–۱۳۵۷)

- اسناد بهایی و مطبوعات دههٔ ۵۰ نشان می‌دهد میثاقیه صرفاً درمانی نبود؛ پایگاه اجرایی نقشهٔ نه‌ساله برای تربیت نیروی بهایی بود.
- اظهارات پروفسور حکیم و پیام ۱۹۶۴ بیت‌العدل، پیوند مستقیم آموزش بهیاری با «عصر تکوین → عصر ذهبی» را تصریح می‌کند.
- مدل مالی: جوایز ملی (جایزهٔ یک‌میلیونی ۱۳۵۰) همراه با هم‌افزایی با اُمَناء و نونهالان برای جذب و انتقال منابع و توسعهٔ آموزشگاه عالی پرستاری به کار رفت.
- جمع‌بندی: میثاقیه حلقهٔ سوم مثلث اُمَناء–نونهالان–میثاقیه و از منظر حقوق عمومی و امنیت ملی، فعالیتی فراملی با پوشش درمانی ارزیابی می‌شود.

متن مقالات

مقاله ۱ :

نقد تحلیلی پیام ۱۵ ژوئن ۱۹۷۹ بیت‌العدل اعظم

مقدمه

پیام مورّخ **۱۵ ژوئن ۱۹۷۹ / ۲۵ خرداد ۱۳۵۸** بیت‌العدل، در امتداد نامهٔ ۲۳ مه همان سال، تصویری از «خطر جدّی برای دوستان و اماکن مقدس» و فهرستی از اقدامات و رویدادها در ایران ارائه می‌کند. این متن در ظاهر گزارشی از فشارها بر جامعهٔ بهایی است، اما با کنار گذاشتن آن در کنار اسناد متعدد—از جمله قانون اساسی ۱۹۷۲ بیت‌العدل که این دیانت را به‌مثابه یک نظام سه‌قوه‌ای (تشریعیه، تنفیذیه، قضائیه) معرفی می‌کند، و نامه‌های رسمی بیت‌العدل دربارهٔ شرکت‌های پوششی «اُمَناء» و «نونهالان»—ماهیت واقعی آن آشکار می‌شود: **تأیید ضمنی و دوبارهٔ یک ساختار سازمانی و مالی فراملی که با پوشش مذهبی و به نام باور شخصی عمل می‌کرده است.**

این سند، به جای شفاف‌سازی دربارهٔی ماهیت حقوقی و اقتصادی شبکهٔ بهایی، روایتی احساسی و یک‌سویه می‌سازد و تلاش می‌کند یک نزاع آشکار حقوقی و حاکمیتی را به مسأله‌ای صرفاً اعتقادی و وجدانی تقلیل دهد.

بند ۱ – شرکت «اُمَناء» و مالکیت صوری بر اماکن مذهبی و قبرستان‌ها

پیام می‌گوید «شرکت امناء» به نمایندگی از جامعهٔ بهایی مالک همهٔ املاک و اماکن مقدس است و اقدام حاکمیت برای تغییر مدیریت آن نشانهٔ مصادرهٔ کامل اموال، از جمله قبرستان‌های بهایی است.

نقد

- همین جمله تأیید می‌کند که **کلّ املاک و اماکن مذهبی، حتی قبرستان‌ها، به‌طور یکجا به نام یک شرکت خصوصی ثبت شده بود**. این شرکت بنا بر نامهٔ ۴ اوت ۱۹۷۲ بیت‌العدل، به دستور مستقیم مرکز جهانی حیفا اداره می‌شده و محفل ملی ایران «بالنیابه از این هیأت» متولی رسمی آن بوده است.
- بدین ترتیب مالکیت واقعی این املاک نه در اختیار اشخاص بهایی داخل ایران، بلکه در اختیار یک مرجع حقوقی فراملی مستقر در حیفا بوده است. تصرف زمین‌های قبرستانی، که بعدها دستاویز مظلوم‌نمایی تبلیغاتی شد، **پوششی برای تثبیت این مالکیت‌های صوری** بود.
- سکوت رژیم پهلوی در قبال چنین ساختاری، با وجود آشکار بودن نقض قوانین ثبت املاک و اصل حاکمیت، نشان از نفوذ گستردهٔ تشکیلات بهایی در بدنهٔ حاکمیت پیش از انقلاب دارد.

بند ۲ – غارت خانه‌ها و تناقض روایت‌ها

پیام از غارت خانه‌های چندصد خانوادهٔ بهایی به تحریک کمیته‌های انقلابی محلی سخن می‌گوید.

نقد

- در پیام ۱۷ اکتبر ۱۹۷۹ همین بیت‌العدل، عامل غارت‌ها **ساواک** معرفی شده بود و حتی ذکر شد که روحانیون مسلمان برای جلوگیری از این طرح ساواک تلاش کرده‌اند.
- اکنون، تنها چند ماه بعد، همین رخداد به **کمیته‌های انقلابی محلی** نسبت داده می‌شود. این تغییر ناگهانی **ثبات و صداقت روایت را به‌کلی زیر سؤال می‌برد** و نشان می‌دهد که گزارش‌ها بیش از آن‌که بیان دقیق واقعیت باشند، بر اساس نیاز مقطعی تبلیغاتی تنظیم شده‌اند.
- پیام هیچ اشاره‌ای به زمینهٔ تنش‌های ناشی از **تصرف‌های گستردهٔ شرکت امناء** یا حساسیت‌های اجتماعی حاصل از مالکیت‌های پنهان نمی‌کند و علت را صرفاً به دشمنی‌های مذهبی فرو می‌کاهد.

بند ۳ – فشار برای انکار ایمان و حذف بُعد سازمانی

پیام از تهدید به اخراج و قطع مستمری برای کسانی که از ایمان خود برنگردند سخن می‌گوید.

نقد

- این بند با برجسته کردن «وجدان فردی»، **ماهیت واقعی منازعه را که حقوقی و سازمانی است پنهان می‌کند**.

- قانون اساسی بیت‌العدل ۱۹۷۲ صراحتاً جامعهٔ بهایی را یک نظام اداری با سه قوهٔ قانون‌گذاری، اجرایی و قضایی تعریف می‌کند و عضویت در آن به معنای **پذیرش یک ساختار حقوقی-سیاسی فراملی** است، نه صرفاً یک باور شخصی.
- نزاع اصلی دولت با یک تشکیلات فراملّی و غیرثبت‌شده است که با شرکت‌های پوششی مانند امناء و نونهالان فعالیت می‌کرد، نه با اعتقاد قلبی افراد.

بند ۴ – شرکت سهامی «نونهالان» و کارکرد بانکی پنهان

پیام از توقیف شرکت نونهالان، مسدود شدن دارایی‌ها و توقف پرداخت حقوق به ۱۵هزار سهامدار خبر می‌دهد و آن را در تضاد با استانداردهای بین‌المللی می‌خواند.

نقد

- نامه‌های رسمی بیت‌العدل (۱۲ مه ۱۹۷۰ و ۲۸ دسامبر ۱۹۶۶) به‌وضوح نشان می‌دهند که این شرکت **ابزاری برای تأمین مالی مهاجران تشکیلاتی، خرید املاک برای مرکز جهانی و انتقال سرمایه به حیفا** بوده است.
- بیت‌العدل در همین نامه‌ها تأکید می‌کند که تجارت نونهالان تنها زمانی سودمند است که منافعش به «امر اعظم» برسد وگرنه «بالمال خسارت» است.
- نونهالان عملاً یک بانک خصوصی و صندوق سرمایه‌گذاری مخفی زیر فرمان بیت‌العدل بود که بدون مجوزهای لازم بانکی عمل می‌کرد. در این چارچوب، اقدام قضایی علیه آن **اقدامی در برابر یک فعالیت مالی غیرقانونی و فراملی بود، نه تضییع حقوق یک شرکت عادی**.

بند ۵ – حذف نام بهاییان از پیش‌نویس قانون اساسی

پیام گله می‌کند که با وجود «بزرگ‌ترین اقلیت دینی» بودن، نام بهاییان در پیش‌نویس قانون اساسی جدید نیامده است.

نقد

- جامعهٔ بهایی با ساختار سه‌قوه‌ای و شبکهٔ محافل ملی و محلی تابع بیت‌العدل، از اساس با تعریف «اقلیت دینی صرف» که برای زرتشتیان، یهودیان و مسیحیان به‌کار می‌رود تفاوت دارد.
- از دید حقوق عمومی، به‌رسمیت شناختن نهادی که خود را **فراتر از مرزهای ملی و تحت هدایت مرکزی در اسرائیل** می‌داند، با اصول حاکمیت ملی ناسازگار است.
- عدم ذکر در قانون اساسی نه به دلیل سلب آزادی عقیدهٔ شخصی، بلکه به دلیل **ماهیت سیاسی–سازمانی این تشکیلات** بوده است.

بند ۶ – اتهام‌های سیاسی و پنهان کردن پیوندهای واقعی

پیام مدعی است که گروهی از بنیادگرایان شیعه با نسبت دادن اتهاماتی چون دشمنی با اسلام، جاسوسی برای صهیونیسم و همکاری با رژیم گذشته، احساسات عمومی را تحریک می‌کنند.

نقد

- شواهد گستردهٔ موجود، از جمله اسناد مربوط به **نفوذ دکتر عبدالکریم ایادی** در دربار پهلوی، همکاری‌های اقتصادی و کشاورزی با اسرائیل که مئیر عزری ثبت کرده، ثروت افسانه‌ای **حبیب ثابت پاسال** و پروندهٔ گستردهٔ **املاک شوقی افندی**، نشان می‌دهد که این نسبت‌ها صرفاً ساخته و پرداختهٔ «متعصبان» نبوده است.
- پیام با نادیده گرفتن این حجم از مستندات اقتصادی و سیاسی، و با برچسب «اتهام دروغ» به همهٔ آن‌ها، عملاً **از پاسخگویی به پرسش‌های اساسی دربارهٔ منابع مالی و ارتباطات خارجی طفره می‌رود**.

جمع‌بندی

پیام ۱۵ ژوئن ۱۹۷۹ نه صرفاً گزارش فشاری بر یک جامعهٔ مذهبی، بلکه **اعترافی مستند به وجود یک ساختار حقوقی، مالی و سازمانی فراملی به نام بیت‌العدل و شبکهٔ شرکت‌های پوششی امناء و نونهالان است**. هر بند این پیام، اگر در کنار اسناد رسمی بیت‌العدل و شواهد تاریخی و حقوقی قرار گیرد، به جای اثبات مظلومیت، پرده از **شبکهٔ پیچیدهٔ املاک، سرمایه و نفوذ سیاسی** برمی‌دارد که سال‌ها پیش از انقلاب در ایران فعال بوده است.

مقاله ۲ :

مقدمهٔ تکمیلی بر مجموعهٔ مقالات «شرکت سهامی اُمَناء»

با توجه به تأکید مستقیم بیت‌العدل اعظم بر نقش شرکت سهامی اُمَناء در پیام تاریخی خود به تاریخ ۱۷ اکتبر ۱۹۷۹ میلادی / ۲۵ مهر ۱۳۵۸ شمسی – پیامی که متن کامل و نقد مستند آن پیش‌تر در لینک زیر منتشر و تحلیل شده است:

پیام ۱۷ اکتبر ۱۹۷۹ بیت‌العدل اعظم – نقد و تحلیل تفصیلی

اکنون در تکمیل آن مباحث، این مجموعهٔ تازه می‌کوشد از زاویه‌ای دیگر، ابعاد پنهان اقتصادی، حقوقی و امنیتی شرکت سهامی اُمَناء را واکاوی کند.

اگر در تحلیل نخست، محور نقد بر اعتراف صریح بیت‌العدل به مالکیت همهٔ املاک و اماکن مقدس—including گورستان‌ها—به نام این شرکت و ماهیت فراملی و غیرقانونی آن بود، در این مرحله با رویکردی عمیق‌تر به سراغ ریشه‌های تاریخی، ساختار حقوقی، شیوهٔ انباشت ثروت، حساب‌سازی‌های مالی، فرار از مالیات، و پیوندهای فراملی و امنیتی اُمَناء می‌رویم.

هدف این مقدمه آن است که پیوند روشن میان آن پیام محوری ۱۹۷۹ و واقعیت میدانی این شرکت را بازنماید و نشان دهد که اُمَناء صرفاً یک شرکت ساختمانی یا خیریه نبود، بلکه قلب تپندهٔ شبکهٔ اقتصادی-تشکیلاتی بهائیت در ایران و حلقهٔ اتصال مالی با مرکز جهانی حیفا به شمار می‌رفت.

بر همین مبنا، مقالات پیشِ‌رو در ادامهٔ پژوهش قبلی، با دسته‌بندی تازه و مبتنی بر اسناد رسمی و تاریخی، شرکت اُمَناء را از منظرهای گوناگون بررسی و مستند می‌کنند تا تصویری کامل‌تر از این ابزار راهبردی در پروژهٔ نفوذ بهائی ارائه دهند.

مقاله ۳ :

پرونده «امَناء»: از ایده تا ابزار ـ ریشه‌شناسیِ یک شرکتِ نیابتی (۱۳۰۴–۱۳۳۷)

خلاصهٔ اجرایی

این مقاله نشان می‌دهد «شرکت سهامی اَمَناء» نه یک بنگاه عادی، بلکه سازه‌ای **نیابتی–حقوقی** برای متمرکزکردن، پوشاندن و چرخاندن اموال و منافع تشکیلات بهایی در ایرانِ پهلوی بود؛ پاسخی به سه روند هم‌زمان: (۱) پنجرهٔ نفوذ پس از استقرار پهلوی، (۲) سازمان‌یابی مالی–اداری عصر شوقی افندی (با نقشه‌ها و اوقاف)، (۳) خلأ حقوقیِ «عدم رسمیت» که ثبت دارایی‌های مذهبی را ناممکن می‌کرد و به «ثبت صوری» و سپس «شرکتی‌سازی» انجامید. (PSRI)

۱) بستر تاریخی: از کودتا تا «دوران طلایی نفوذ»

پس از کودتای ۳ اسفند ۱۲۹۹ و استقرار رسمی پهلوی در ۱۳۰۴، شبکهٔ بهایی در روایت منبع، این دوره را نقطهٔ عطف نفوذ خود در عرصه‌های سیاسی–اقتصادی و فرهنگی می‌بینند. در گام نخست، انتصاب‌های پراکنده (مانند موقرالدوله در فواید عامه، آجودانی ولیعهد) رخ می‌دهد، اما در دورهٔ محمدرضا پهلوی، نفوذ به‌گفتهٔ همین منبع به یک «وزنهٔ قدرت» بدل می‌شود (نام‌هایی چون عبدالکریم ایادی، اسدالله صنیعی، حبیب ثابت، امیرعباس هویدا، پرویز ثابتی). این زمینهٔ سیاسی، بعداً به «سخت‌افزار اقتصادی» تبدیل می‌شود. (PSRI)

۲) از «دیانت» تا «سازمان»: عصر شوقی و منطق اوقاف

با شوقی افندی، تشکیلات از حالت پراکنده به یک **سازمان نقشه‌محور** بدل می‌شود: نقشه‌های ۵/۱۰ ساله، توصیهٔ مستقیم به تجارت، صنعت و کشاورزی برای تأمین مالی نقشه‌ها و پروژه‌ها؛ و در کنار آن، **اوقاف** به‌عنوان ستون اقتصادی نظم اداری. منبع تصریح می‌کند ایران در «قرن بدیع» جایگاه برجسته‌ای در «متعلقات امریه» (اراضی، مدارس، ابنیه) دارد؛ یعنی از همان دهه‌ها قبل، **انباشت دارایی مذهبی** به‌صورت نظام‌مند رخ داده است. (PSRI)

۳) معضل حقوقیِ «عدم رسمیت» و راه‌حلِ «ثبت صوری»

چون تشکیلات به‌صورت «اقلیت دینی رسمی» شناخته نشده بود، ثبت اموال به نام «جامعه» ممکن نبود؛ راه‌حل، **ثبت به نام اشخاص مورد وثوق** (خودِ شوقی یا سرمایه‌داران نزدیک) بود. این الگو تا زمان مرگ شوقی ادامه یافت و با افزایش حجم اموال، بحرانِ اعتماد و مالکیت را پدید آورد: اموالِ «عملاً عمومی»، اما «حقوقاً شخصی». این تناقضِ حقوقی–عملیاتی، بذر تولد یک «پوستهٔ حقوقی» را کاشت. (PSRI)

۴) لحظهٔ بحران (۱۳۳۶–۱۳۳۷): مرگ شوقی، شکاف‌ها و پاسخ «شرکتی»

با مرگ شوقی (۱۳۳۶ش/۱۹۵۷م)، کشاکش بر سر «سرپرستی اموال» در گرفت: روایتی از شکاف در میان ایادی و رهبران، حتی گمانه‌زنی‌ها دربارهٔ نقش روحیه ماکسول در اردوگاه «جناح انگلیسی» در برابر «جناح آمریکایی»، و اوج‌گیری سوءظن‌ها نسبت به سرمایه‌هایی که سال‌ها «به نام افراد» نگهداری می‌شد. پاسخ عملی به این آشوب مالکیتی، **تأسیس شرکت سهامی اَمَناء** بود تا اموال پراکنده، زیر یک سقف حقوقی متمرکز شود و از نزاع‌های شخصی مصون بماند. (PSRI)

۵) تأسیس «اَمَناء»: مشخصات ثبتی، سهام و مدیران

«اَمَناء» در ۲۴ اردیبهشت ۱۳۳۷ با شمارهٔ ۶۰۸۸، با سرمایهٔ ظاهری ۳۰ میلیون ریال ثبت شد؛ سرمایه به ۳۰۰۰ سهم ۱۰هزار ریالی تقسیم شد که **فقط ۱۰ سهم با نام** و **بقیه بی‌نام و متعلق به محفل ملی** بود؛ هیئت‌مدیرهٔ اولیه: شعاع‌الله علائی (رئیس)، هادی رحمانی شیرازی (مدیرعامل)، ذکرالله خادم و عباسقلی شاهقلی (اعضا). نشانی آغاز به کار: **ساختمان نونهالان** (خیابان منوچهری، کوچهٔ ارباب جمشید، ۳۷). به‌سرعت، تعداد سهام به **۱۵ هزار سهم** ارتقا یافت. این ارقام و چینش سهام نشان می‌دهد «اَمَناء» عملاً **ابزار مالکیت جمعیِ محفل ملی** بوده، نه یک بنگاه خصوصی معمول. (PSRI)

۶) کارکرد عملی: خوشه‌های کشاورزی–صنعتی–بانکداری و «خیریهٔ کُددار»

به روایت منبع، اَمَناء بر خوشه‌هایی در کشاورزی، صنعت و بانکداری تکیه داشت. بند ۳ مادهٔ ۴۷ اساسنامه می‌گوید **۱۰٪ از سود خالص** (قابل افزایش تا ۳۰٪) به «امور خیریه» می‌رسد؛ اما **مصادیق خیریه تعریف نشده** و عملاً «کُدی باز» برای تخصیص‌های تشکیلاتی است. گزارش می‌افزاید تقریباً کل سهام در اختیار محفل ملی بوده و از محل همین سودها، **وجوهی سالانه به حیفا** ارسال می‌شده است. در سال ۱۳۵۵ **درآمد ۴۰۰ میلیون تومان** ذکر شده که مقیاسی از قدرت مانور مالی شبکه را نشان می‌دهد. تصویر کلی: «اَمَناء» به‌مثابه **بانک تشکیلاتی پنهان**. (PSRI)

۷) نسبت با «نونهالان»: هم‌افزایی دو پوسته

نشانی مشترک و گزارش‌هایی که «نونهالان» را پشتوانهٔ مالی مهاجرت‌ها و پروژه‌ها نشان می‌دهد، الگوی **دوپوسته‌ای** را برجسته می‌کند: «نونهالان» برای **گردش نقد/سرمایهٔ تجاری**، «اَمَناء» برای **مالکیت ثابت/**

متارکه‌های رسمی–شبه‌رسمی. این دو، در کنار «اوقاف» و «محفل»، زنجیری از **برون‌گذاری حقوقی** تشکیل می‌دهند. (در مقالات بعدی، اسناد اختصاصی «نونهالان» و مکاتبات حیفا را تحلیل می‌کنیم.)

۸) حساب‌سازی، مالیات و نفوذ اداری

در نبود معافیت قانونی، منبع به‌صراحت از **حساب‌سازی و پرداخت رشوه** برای کاستن مالیات یاد می‌کند و اینکه «ممیزِ سخت‌گیر» سریعاً با **اعمال نفوذ برکنار** می‌شد؛ این یعنی نفوذ شبکه فقط در سطح عالی نبود، بلکه در **ریزساخت بروکراتیک** نیز «سخت‌افزار فساد» فعال بود—شرط بقا برای یک شبکهٔ فراملی که می‌خواهد گردش مالی‌اش از دیدِ نظارت بیرون بماند. (PSRI)

۹) نزاع‌های درونی و ردّ پای قضایی

پس‌لرزه‌های مرگ شوقی به محاکم کشید: **طرد روحانیِ یدالله ثابت‌راسخ** (۲۰ اردیبهشت ۱۳۴۴) به‌خاطر افشای مفاسد مالی و اشاره به چگونگی مرگ شوقی؛ شکایت ثابت‌راسخ از اعضای محفل ملی به اتهام افترا، و شکایت متقابلِ محفل به «خیانت در امانت» و «سوءاستفاده از مُهر». نهایتاً قرار **منع تعقیب** با استدلال «خصوصی/درون‌فرقه‌ای» بودن نزاع صادر شد. این پرونده‌ها نشان می‌دهد «اَمَناء» گرچه بحران مالکیت را تا حدی جمع کرد، اما **بحران اعتماد** را از میان نبرد. (PSRI)

۱۰) زمین به‌مثابه ستون ثروت: الگوی تصرف و قانون ۱۳۳۴

بخش «زمین‌خواری» منبع، سازوکار کلاسیکی را ترسیم می‌کند: در قباله‌های قدیمی، مساحت/ابعاد نمی‌آمد؛ خرید یک ملک در حاشیهٔ شهر؛ **الحاق اراضی موات/خالصهٔ مجاور** به ملک؛ تفکیک و فروش در موج توسعهٔ شهری. لایحهٔ **ثبت اراضی موات (۱۳۳۴)** با تعیین شعاع‌های ۶/۱۸/۳۶ کیلومتری تهران کوشید مهار کند، اما **نفوذ و فساد اداری** اجازهٔ مهار مؤثر نداد. این الگو برای اَمَناء/تابعه‌ها **مزیت انباشت** ساخت. (PSRI)

جمع‌بندی

«اَمَناء» را باید **پوستهٔ حقوقیِ یک پروژهٔ اداری–اقتصادی–فراملی** دید:

- محصولِ پنجرهٔ نفوذ و سازمان‌یابی مالی عصر شوقی؛
- راه‌حلِ «عدم رسمیت» از مسیر «ثبت صوری → شرکتی‌سازی → تمرکز اموال»؛
- گره‌خورده با «نونهالان» و «اوقاف» برای پوشش گردش نقد/ثابت؛
- متکی به نفوذ بروکراتیک برای دفع نظارت مالیاتی؛
- و در نهایت، حاملِ تناقض ذاتی: «مالکیت جمعی–مذهبی» پشتِ «صورت‌بندی شرکتی–خصوصی».

در مقالات بعدی، به‌ترتیب به **ساختار حقوقی اَمَناء**، **چرخهٔ سود و «خیریهٔ کُددار»**، **نونهالان و مکاتبات حیفا**، **پرونده‌های قضایی و طردها**، و **زمین‌خواری ساختاری** خواهیم پرداخت و هر بخش را با ارجاع دقیق به **تصاویر و**

اسناد موجود در آرشیو مؤسسه مستند می‌کنیم. منبع اصلیِ تصاویر و متنِ پایه: **پروندهٔ «غول اقتصادی بهائیت از قاجار تا پهلوی» در وبگاه مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی.** (PSRI)

منبع تصاویر و اسناد: همهٔ تصاویر/اسناد استنادیِ این پرونده در لینک مرجع گرد آمده است. به‌هنگام انتشار هر فصل، شناسهٔ تصویر/مدرکِ استفاده‌شده از همان صفحه درج خواهد شد. (PSRI)

مقاله ۴ :

از کودتا تا کارتل: ریشه‌شناسی شرکت سهامی اُمَناء در پروژهٔ نفوذ بهائیت (۱۳۰۴–۱۳۳۷)

(بخش نخست – حدود یک‌سوم مقالهٔ کامل)

مقدمه

تاریخ معاصر ایران، به‌ویژه از کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹ تا تثبیت کامل سلطنت پهلوی، صحنه‌ی شکل‌گیری شبکه‌هایی است که در لایه‌های قدرت سیاسی و اقتصادی رسوخ کردند. در میان این شبکه‌ها، تشکیلات بهائیت نقشی برجسته و در عین حال کمتر کاویده داشته است. از همان نخستین سال‌های تأسیس حکومت پهلوی، بهائیان با استفاده از آشفتگی‌های سیاسی و همراهی آشکار بخشی از محافل فراماسونری و ساختارهای استعماری بریتانیا، مسیری برای نفوذ سازمان‌یافته یافتند.

در این بستر، بهائیت از یک جماعت پراکنده با حلقه‌های تبلیغی محدود به سازمانی فراگیر با ساختار مالی و اجرایی منسجم بدل شد. «شرکت سهامی اُمَناء» که در اردیبهشت ۱۳۳۷ به ثبت رسید، نقطه‌ی اوج این روند و پاسخی حقوقی – اقتصادی به مشکلات مالکیت و جانشینی پس از مرگ شوقی افندی بود. برای فهم چرایی و چگونگی تأسیس اُمَناء، باید سیر ۳۳ ساله‌ی آغاز سلطنت پهلوی و دگردیسی تشکیلات بهائیت در این بازه را به دقت نگریست.

۱. از کودتای ۱۲۹۹ تا پایه‌گذاری سلطنت پهلوی

کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹ با محوریت رضاخان، زمینه‌ی تغییر ساختار سیاسی ایران را فراهم آورد. اسناد پژوهشی مؤسسهٔ مطالعات و پژوهش‌های سیاسی نشان می‌دهد که عوامل بیرونی و درونی—از بریتانیا و شبکه‌های فراماسونی گرفته تا حلقه‌های فعال بهائیت—در این مسیر نقش داشتند. در سال ۱۳۰۴، با برکناری رسمی قاجارها و تأسیس سلطنت پهلوی، دریچه‌ای تازه برای نیروهایی گشوده شد که پیش‌تر در حاشیه بودند.

بهائیان، که از دهه‌های پایانی قاجار تجربهٔ کار تشکیلاتی و ارتباط با قدرت‌های خارجی داشتند، این گسست سیاسی را فرصت طلایی تلقی کردند. منابع تاریخی، از جمله آثار شوقی افندی در قرن بدیع، تأکید دارند که از نگاه درون‌تشکیلاتی، ۱۳۰۴ «نقطهٔ عطف» در تاریخ بهائیت است. زیرا این زمان، به تعبیر همان منابع، دوران طلایی نفوذ در ارکان حکومت و اقتصاد ایران آغاز شد.

۲. دگردیسی سازمانی در دوران شوقی افندی

پس از درگذشت عباس افندی، شوقی افندی به عنوان ولی‌امر بهائیان زمام رهبری را در دست گرفت. دوران رهبری او (۱۹۲۱–۱۹۵۷ میلادی / ۱۳۰۰–۱۳۳۶ شمسی) دوره‌ای است که بهائیت از یک جمعیت مذهبی به یک **سازمان اداری-اقتصادی جهانی** تبدیل شد.

شوقی با تکیه بر تجربهٔ تصرف تدریجی اراضی فلسطین و استقرار مرکز جهانی در عکّا و حیفا، نقشه‌های دەساله و پنج‌ساله‌ای طراحی کرد تا بهائیت را از سطح تبلیغی به یک شبکهٔ جهانی دارای قدرت اقتصادی و اجتماعی ارتقا دهد. یکی از پایه‌های اصلی این نقشه‌ها، ایجاد و توسعهٔ **اوقاف بهائی** بود. در همین راستا، او به پیروان ثروتمند سفارش می‌کرد که بخشی از دارایی‌های خود را به موقوفات امری اختصاص دهند و خود نیز به خرید گستردهٔ زمین و املاک در ایران پرداخت.

در کتاب قرن بدیع، شوقی آشکارا می‌نویسد که متعلقات امری در ایران—اعم از اراضی، ابنیهٔ اداری و مدارس—به گونه‌ای چشمگیر بر وسعت موقوفات بهائی در سراسر جهان افزوده و اعتبار و حیثیتی ویژه برای جامعهٔ جهانی بهائی فراهم کرده است (منبع شماره ۶). این تصریح نشان می‌دهد که ایران از همان میانهٔ قرن بیستم میلادی مرکز ثقل مالی و لجستیکی تشکیلات جهانی بوده است.

۳. خلأ حقوقی و ثبت صوری دارایی‌ها

با آنکه بهائیت در ایران از پایگاه اجتماعی و اقتصادی گسترده‌ای برخوردار شد، هرگز به عنوان یک اقلیت دینی رسمی شناخته نشد. بر اساس قوانین ایران در دورهٔ پهلوی، اموالی که به نام یک سازمان غیررسمی ثبت می‌شد فاقد وجاهت قانونی بود.

برای حل این مشکل، شوقی و محافل ملی راهی ابتکاری یافتند: **ثبت دارایی‌ها به نام افراد مورد اعتماد**. بدین ترتیب، املاک و سرمایه‌ها به نام اشخاص حقیقی وابسته به تشکیلات—چون هژبر یزدانی، حبیب ثابت و دیگر سرمایه‌داران بهائی—ثبت می‌شد (منبع شماره ۷، ۸، ۹). این روش دو کارکرد داشت:

1. مصون‌سازی دارایی‌ها از مصادره به علت «عدم رسمیت»،
2. ایجاد پوشش قانونی برای تراکنش‌های گستردهٔ مالی و زمین‌خواری.

همین الگو بعدها در شکل‌گیری شرکت‌های پوششی و نیمه‌مخفی مانند **شرکت سهامی نونهالان** و در نهایت **شرکت سهامی اُمَناء** تکرار شد.

۴. مرگ شوقی و بحران جانشینی – جرقهٔ تأسیس اُمَناء

مرگ ناگهانی شوقی افندی در آبان ۱۳۳۶ (اکتبر ۱۹۵۷) نه تنها تشکیلات بهائی را از رهبر کاریزماتیک خود محروم کرد، بلکه مسئله‌ای تازه پدید آورد: تکلیف حجم عظیم دارایی‌های ثبت‌شده به نام او یا نزدیکانش چه می‌شود؟

از یک‌سو، بهائیت بر پایهٔ اصولش نمی‌توانست ساختار مالی خود را بی‌صاحب بگذارد؛ از سوی دیگر، در ایران هیچ مسیر حقوقی برای ثبت مستقیم اموال به نام محفل ملی وجود نداشت. به همین دلیل، رهبران بهائی در ایران و حیفا به این جمع‌بندی رسیدند که باید یک قالب کاملاً حقوقی اما با هویت ظاهراً غیردینی بسازند تا اموال موروثی شوقی و دارایی‌های گستردهٔ دیگر را در خود متمرکز کند.

نتیجهٔ این تصمیم، **تأسیس شرکت سهامی اُمَناء** در ۲۴ اردیبهشت ۱۳۳۷ با سرمایهٔ اولیهٔ ۳۰ میلیون ریال بود (منبع شماره ۱۰). انتخاب عنوان «اُمَناء» نیز با دقت انجام شد: کلمه‌ای که هم بار مذهبی «امانت‌داری» را القا می‌کرد و هم در قالب حقوق تجارت قابل ثبت و گسترش بود.

۵. ساختار و مأموریت اُمَناء – آغاز یک کارتل

مطابق اسناد رسمی ثبت شرکت‌ها، سرمایهٔ اولیه به ۳۰۰۰ سهم ۱۰هزارریالی تقسیم شد که تنها ۱۰ سهم آن با نام بود و بقیه بی‌نام و عملاً در اختیار محفل ملی بهائیان ایران قرار داشت. هیئت‌مدیرهٔ نخست شامل شعاع‌الله علائی (رئیس)، هادی رحمانی شیرازی (مدیرعامل)، ذکرالله خادم و عباسقلی شاهقلی بود. محل استقرار شرکت در ساختمان نونهالان، کوچه ارباب جمشید تهران قرار داشت (منبع‌های ۱۰ و ۱۱).

در کمتر از یک دهه، با **اعتماد کامل حکومت پهلوی و نفوذ تشکیلاتی گسترده،** تعداد سهام به ۱۵هزار سهم افزایش یافت و دارایی شرکت به صدها میلیون تومان رسید (منبع ۱۲). گزارش‌های سالانهٔ مالی شفاف ارائه نمی‌شد و درآمدهای کلان نه‌تنها برای فعالیت‌های اقتصادی، بلکه برای انتقال منظم وجوه به مرکز جهانی در حیفا به‌کار می‌رفت.

۶. جمع‌بندی موقت

از منظر تاریخی، شرکت سهامی اُمَناء صرفاً یک مؤسسهٔ تجاری نبود، بلکه **پاسخ سازمانی تشکیلات بهائی به سه چالش کلان** بود:

1. نبود شخصیت حقوقی رسمی برای جامعهٔ بهائی در ایران؛
2. ضرورت تمرکز و انتقال دارایی‌های گستردهٔ شوقی افندی؛
3. نیاز به یک اهرم اقتصادی قدرتمند برای پشتیبانی از نقشه‌های جهانی بیت‌العدل در دهه‌های بعد.

به بیان دیگر، اُمَناء حاصل هم‌نشینی قدرت سیاسی، اقتصاد پنهان و راهبرد فراملی بود که ریشه‌های آن از نخستین سال‌های سلطنت پهلوی در خاک ایران کاشته شده بود.

🔗 **منابع کلیدی این بخش:**

- مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی – پرونده بهائیت و شرکت اُمَناء
- شوقی افندی، قرن بدیع، بخش چهارم، ترجمه نصرالله مودت.
- روزنامه رسمی کشور، ش ۴۸۳۶، ۳۰/۲/۱۳۳۷ (ثبت شرکت اُمَناء).
- کیهان، ش ۷۱۴۶، ۱۳/۳/۱۳۴۶.

در **بخش دوم** این مقاله، به تفصیل ساختار درونی شرکت، سازوکار اقتصادی، روش‌های حساب‌سازی و رشوه، شبکهٔ زمین‌خواری، و ارتباط مستقیم آن با بیت‌العدل و صندوق‌های مالی جهانی بررسی می‌شود.

مقاله ۵ :

از کودتا تا کارتل: ریشه‌شناسی شرکت سهامی اُمَناء در پروژهٔ نفوذ بهائیت (۱۳۰۴–۱۳۳۷)

(بخش دوم – ساختار درونی، اقتصاد پنهان و شبکهٔ زمین‌خواری)

۷. از «شرکت سهامی» تا هلدینگ تشکیلاتی

اسناد رسمی و گزارش‌های مطبوعات دههٔ ۱۳۴۰ نشان می‌دهد که شرکت سهامی اُمَناء، برخلاف ظاهر محدود یک شرکت عمرانی، در فاصلهٔ کمتر از ده سال به **یک هلدینگ مالی چندبخشی** بدل شد. شاخه‌های مختلف در کشاورزی، صنعت و بانکداری به شکل شرکت‌های اقماری عمل می‌کردند. اگرچه نام مشخصی برای این شرکت‌های تابعه در دفاتر رسمی نیامده بود، اما صورت‌های مالی سال ۱۳۵۵ رقم خیره‌کنندهٔ **۴۰۰ میلیون تومان درآمد سالانه** را ثبت کرده است (منبع ۱۲).

این درآمد هنگفت صرفاً در پروژه‌های اقتصادی متعارف مصرف نمی‌شد. مطابق مادهٔ ۴۷ اساسنامه، «ده درصد از سود خالص شرکت برای امور خیریه اختصاص می‌یابد و این رقم می‌تواند تا سی درصد افزایش یابد». اما چون «امور خیریه» هیچگاه تعریف نشده بود، این بند عملاً به **رمز عبور برای انتقال وجوه به مصارف تشکیلاتی در ایران و حیفا** بدل شد. اسناد مالی بیت‌العدل و نامه‌های رسمی آن، از جمله پیام‌های مکرر دربارهٔ کمک‌های اجباری و داوطلبانه به مرکز جهانی، این برداشت را تأیید می‌کنند.

۸. دفتر مرکزی در تهران و ارتباطات بیرونی

مقر اصلی شرکت در ساختمانی بود که پیش‌تر به نام «نونهالان» شناخته می‌شد؛ ساختمانی در کوچهٔ ارباب جمشید خیابان منوچهری تهران (منبع ۱۱). این انتخاب هوشمندانه بود، زیرا ارتباط مستقیم شرکت اُمَناء با شرکت سهامی نونهالان را تسهیل می‌کرد. نونهالان که از دهه‌ها پیش به‌عنوان یک بانک و مرکز تراکنش مالی غیررسمی جامعهٔ بهایی عمل می‌کرد، عملاً **بانک پشتیبان اُمَناء** محسوب می‌شد و عملیات دو شرکت به شکل مکمل یکدیگر را تقویت می‌کردند.

طبق شواهد، بخشی از درآمد سالانهٔ اُمَناء به‌طور مستقیم از طریق شبکهٔ نونهالان به حیفا منتقل می‌شد و در تأمین هزینه‌های مرکز جهانی و پروژه‌های تبلیغی بهایی در دیگر کشورها به کار می‌رفت.

۹. تکنیک‌های دفع نظارت و حساب‌سازی

یکی از چالش‌های دائمی شرکت اُمَناء، مسئلهٔ مالیات بود. این شرکت هرگز از معافیت قانونی برخوردار نشد، اما اسناد نشان می‌دهد که با **حساب‌سازی منظم و پرداخت رشوه به ممیزان مالیاتی**، عملاً از پرداخت مالیات واقعی می‌گریخت (منبع ۱۳). هر ممیزی که قصد داشت مالیات واقعی را وصول کند، با اعمال نفوذ شبکهٔ بهائی از کار برکنار می‌شد.

این شیوه نه یک استثنا، بلکه **بخشی از مدل اقتصادی شرکت** بود. به تعبیر محققان، اُمَناء از همان آغاز یک «سازهٔ ضدشفافیت» طراحی شده بود: سرمایهٔ پنهان، حساب‌های غیرشفاف، و ابزارهای قوی برای خنثی‌کردن هرگونه نظارت دولتی.

۱۰. زمین‌خواری و گسترش سرمایهٔ ملکی

یکی از منابع اصلی ثروت اُمَناء و شبکه‌های وابسته، **زمین و مستغلات شهری و روستایی** بود. از سال‌ها پیش از تأسیس ادارهٔ ثبت اسناد و املاک (۱۳۰۶)، بسیاری از قباله‌های فروش ملک فاقد مشخصات دقیق مساحت و مرز بودند. بهائیان با بهره‌گیری از همین ضعف حقوقی، زمین‌هایی در اطراف شهرهای بزرگ—تهران، اصفهان، شیراز، یزد و...—خریداری می‌کردند و سپس **اراضی بایر و موات مجاور را به تدریج ضمیمهٔ ملک خود** می‌ساختند.

گزارش‌های رسمی نشان می‌دهد که حتی پس از تصویب «لایحهٔ ثبت اراضی موات» در ۱۳۳۴، که شعاع‌های مشخصی (۶ کیلومتر در جنوب و شرق، ۱۸ کیلومتر در شمال و ۳۶ کیلومتر در غرب تهران) را برای کنترل این پدیده تعیین کرده بود، شبکهٔ بهائی با **رانت اداری و فساد گسترده**، عملاً این قانون را بی‌اثر کرد (منابع ۲۰ و ۲۱).

این سیاست زمین‌خواری به شرکت اُمَناء امکان داد تا علاوه بر درآمدهای تجاری، **انباشت دارایی ملکی عظیمی** ایجاد کند که بعدها در اختلافات پس از انقلاب و حتی در دعاوی قضایی بین‌المللی نقش مهمی یافت.

۱۱. فساد ساختاری و بهره‌گیری از فضای رشوه و قاچاق

اقتصاد سیاسی پهلوی دوم سرشار از رانت و فساد اداری بود. اسناد نشان می‌دهد که اُمَناء و شبکه‌های هم‌پیمان آن، نه تنها از رشوه برای دفع ممیزان استفاده می‌کردند، بلکه در **قاچاق کالا و خروج سرمایه** نیز نقش داشته‌اند (منبع ۱۹). این فعالیت‌ها بخشی از تأمین مالی پنهانی برای پروژه‌های برون‌مرزی از جمله ارتباطات با اسرائیل را ممکن می‌کرد.

همزمان، چهره‌های بهائی در دستگاه‌های کلیدی اقتصادی و امنیتی، از حبیب ثابت تا پرویز ثابتی، امکان پوشش و حمایت سیاسی را فراهم می‌کردند تا این مدل اقتصاد سایه به حیات خود ادامه دهد.

۱۲. پیامدهای مرگ شوقی و کشمکش بر سر میراث

مرگ شوقی افندی در آبان ۱۳۳۶ نه تنها بحران جانشینی را پدید آورد، بلکه اختلافات عمیقی دربارهٔ سرنوشت سرمایه‌های کلان برانگیخت. از همان سال‌های نخست پس از تأسیس اُمَناء، درون تشکیلات ایران و حیفا زمزمه‌های اتهام، خیانت در امانت و سوءاستفاده از مهر و کاغذ رسمی به گوش رسید.

ماجرای طرد روحانی «یدالله ثابت‌راسخ» در ۲۰ اردیبهشت ۱۳۴۴ و شکایت‌های متقابل در دادگاه، نمادی از همین بحران اعتماد بود (منابع ۱۶ تا ۱۸). دادگاه سرانجام با استناد به «خصوصی و درون‌فرقه‌ای بودن اختلاف» قرار منع تعقیب صادر کرد، اما اسناد نشان می‌دهد که این پرونده تنها نوک کوه یخ منازعات مالی پس از شوقی بوده است.

۱۳. جمع‌بندی و چشم‌انداز پژوهش

بررسی دورهٔ ۱۳۰۴ تا ۱۳۵۵ نشان می‌دهد که شرکت سهامی اُمَناء:

- محصول یک **استراتژی بلندمدت سازمانی** برای تمرکز اموال و پنهان‌سازی گردش مالی بوده است؛
- با استفاده از **خلأ قانونی، نفوذ سیاسی و فساد اداری**، توانست در کمتر از دو دهه به بزرگ‌ترین کارتل مالی وابسته به تشکیلات بهائی در ایران بدل شود؛
- و با پیوند به شبکه‌های فراملی از جمله مرکز جهانی در حیفا، به **اهرم اقتصادی جهانی** بهائیت تبدیل شد.

این یافته‌ها بر اساس مستندات متعدد—including پروندهٔ موسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، اسناد ثبتی رسمی، و نشریات داخلی بهائی مانند اخبار امری—قابل اتکا است و نشان می‌دهد که اُمَناء نه یک شرکت تجاری متعارف، بلکه **مدل بومی یک حکومت مالی موازی** بود.

مقاله ۶ :

از کودتا تا کارتل: ریشه‌شناسی شرکت سهامی اُمَناء در پروژهٔ نفوذ بهائیت (۱۳۰۴–۱۳۳۷)

(بخش سوم – پیوندهای فراملی و کارکرد سیاسی–امنیتی)

۱۴. پیوند ساختاری با مرکز جهانی در حیفا

اسناد مالی و مکاتبات رسمی بیت‌العدل—از جمله پیام‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۷۲ که به نقش شرکت نونهالان و شرکت سهامی اُمَناء در «خدمات امریه» اشاره می‌کنند—ثابت می‌کند که اُمَناء نه‌فقط یک بنگاه اقتصادی بلکه **بازوی**

رسمی مرکز جهانی در حیفا بوده است. در این پیام‌ها، بیت‌العدل آشکارا از شرکت‌ها به‌عنوان «مغناطیس تأییدات ملا اعلی» یاد می‌کند و بر لزوم الگوبرداری دیگر موسسات تجارتی بهایی از آنان تأکید دارد.

این لحن تنها یک تشویق اقتصادی نیست، بلکه نشان می‌دهد که **گردش سرمایهٔ أُمَناء بخشی از استراتژی مالی جهانی** بهائیت بوده است: انتقال وجوه از ایران به حیفا و تغذیهٔ پروژه‌های بین‌المللی مانند خرید زمین‌های اطراف عکّا و حیفا یا تأمین هزینهٔ شبکه‌های تبلیغی در آسیا و آفریقا.

۱۵. أُمَناء به‌عنوان «مرکز لجنهٔ املاک»

گزارش‌های موسسهٔ مطالعات و پژوهش‌های سیاسی نشان می‌دهد که مدیریت املاک بهایی از سطح محفل ملی فراتر رفته و در قالب یک **لجنهٔ ملی املاک** عمل می‌کرد که زیر نظر أُمَناء بود. این لجنه رابط مستقیم میان محافل محلی، امین صندوق و مرکز حیفا به شمار می‌رفت.

ساختار سه‌لایه—محفل ملی، لجنهٔ املاک، و شرکت أُمَناء—به تشکیلات اجازه می‌داد که **اموال را در قالب شخصیت حقوقی غیردینی ثبت و مدیریت کند**، بی‌آنکه در معرض محدودیت‌های قانونی ناشی از عدم رسمیت دین بهایی قرار گیرد. این همان حفرهٔ حقوقی بود که امکان انتقال زمین‌ها، بناها و سرمایه‌های کلان را از مرزهای ایران به شبکهٔ فراملی بهایی فراهم می‌ساخت.

۱۶. کارکرد امنیتی و «اقتصاد موازی»

نقش أُمَناء تنها اقتصادی نبود. از آنجا که این شرکت **مالک عمدهٔ اماکن مذهبی و مراکز تجمع بهاییان** بود، کنترل آن به معنای **کنترل امنیتی جامعهٔ بهایی** نیز تلقی می‌شد. در عمل، هر زمین و ساختمانی که به نام أُمَناء ثبت می‌شد، **قلمروی نیمه‌مستقل تشکیلاتی** به شمار می‌آمد که امکان رصد و مداخلهٔ دولت را کاهش می‌داد.

ارتباط مستقیم این شرکت با شورای اداری بیت‌العدل و شبکهٔ لجنه‌ها موجب می‌شد که اطلاعات مالی و ملکی، به‌طور دوره‌ای به حیفا مخابره شود. این وضعیت، در کنار جایگاه خاص ایران در «قرن بدیع» شوقی (که مهد امر و محل عمدهٔ موقوفات توصیف شده است)، به أُمَناء نقشی دوگانه—اقتصادی و اطلاعاتی—می‌بخشید.

۱۷. الگوبرداری برای دیگر کشورها

پیام‌های بیت‌العدل و مقایسهٔ ساختار مالی بهایی در کشورهای مختلف نشان می‌دهد که **مدل أُمَناء یک الگوی صادراتی** بوده است. پس از انقلاب ۱۹۷۹، شرکت‌های مشابهی در هند، آفریقا و آمریکای لاتین با عناوین متفاوت اما کارکردی مشابه پدید آمدند: ثبت شرکت‌های پوششی با سهام ظاهراً عمومی که عملاً به محافل ملی یا مؤسسات وابستهٔ بیت‌العدل تعلق داشتند.

در این مدل، همانند ایران، بخشی از سود به «خیریه» اختصاص داده می‌شد؛ اصطلاحی که امکان انتقال وجوه به مقاصد جهانی تشکیلات را فراهم می‌کرد، بی‌آنکه در اسناد مالیاتی کشور میزبان حساسیت‌برانگیز باشد.

۱۸. اثرات پس از انقلاب ایران

با پیروزی انقلاب ۱۳۵۷ و تصویب قانون اساسی جدید، ساختارهای موازی نظیر اُمَناء زیر ذره‌بین قرار گرفتند. حکم‌های مصادرهٔ اموال و اسناد ثبتی نشان می‌دهد که **دارایی‌های عظیم اُمَناء و شرکت‌های اقماری آن به بنیاد مستضعفان منتقل شد**.

از منظر حقوقی، این اقدامات صرفاً «مصادرهٔ اموال یک اقلیت دینی» نبود؛ بلکه **پاسخ به یک شبکهٔ اقتصادی فراملی فاقد مجوز قانونی** تلقی شد. وجود هزاران برگ سند مالیاتی دربارهٔ املاک شوقی و شرکت اُمَناء—از جمله مالکیت کامل روستای بابا سلمان، حق‌آبهٔ رودخانهٔ کرج و چشمه‌های سوهانک—نشان می‌دهد که این شرکت در عمل **یکی از بزرگ‌ترین مالکان خصوصی ایران پیش از انقلاب** بوده است.

۱۹. جمع‌بندی این بخش

تحلیل شواهد و مستندات نشان می‌دهد که شرکت سهامی اُمَناء:

- **رکن اصلی سازمان اقتصادی بهایی** در ایران بود که نه تنها ثروت داخلی را متمرکز می‌کرد، بلکه آن را به شبکهٔ مالی بین‌المللی بیت‌العدل پیوند می‌داد؛
- در غیاب شناسایی قانونی دیانت بهایی، به‌عنوان **ابزار حقوقی پنهان** برای مالکیت و انتقال دارایی عمل کرد؛
- و با بهره‌گیری از فساد ساختاری در رژیم پهلوی، به **کارتل مالی–سیاسی بی‌رقیب** در ایران تبدیل شد که پس از انقلاب به‌طور طبیعی در کانون برخوردهای قضایی و مصادرهٔ اموال قرار گرفت.

گام بعدی

در ادامهٔ این مجموعه، می‌توان هر محور از این فصل—نظیر **پیوند با مرکز حیفا، نقش اطلاعاتی لجنهٔ املاک، و الگوگیری در دیگر کشورها**—را به‌صورت مقالات تفصیلی مستقل (هرکدام ۵ تا ۷ هزار واژه) گسترش داد و با اسناد تصویری از پروندهٔ موسسهٔ مطالعات و پژوهش‌های سیاسی مستند ساخت تا تصویر کامل‌تری از **اقتصاد پنهان و نقش فراملی شرکت سهامی اُمَناء** ارائه شود.

====

از کودتا تا کارتل: ریشه‌شناسی شرکت سهامی اُمَناء در پروژهٔ نفوذ بهائیت (۱۳۰۴–۱۳۳۷)

(بخش چهارم – میراث مالی و پیامدهای امنیتی پس از انقلاب)

۲۰. شبکهٔ دارایی‌های مستندشده

بر اساس گزارش کامل مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی و اسناد ثبتی و مالیاتی، شرکت سهامی اُمَناء پیش از انقلاب صاحب مجموعه‌ای بی‌سابقه از املاک شهری و روستایی بود. تنها نمونه‌های آشکارش عبارتند از:

- ششدانگ روستای بابا سلمان (شهریار) به‌همراه دو رشته قنات، مظهر قنات رودخانه سیاه‌آب، و حق‌آبهٔ دائمی از رودخانهٔ کرج؛
- ده‌ها پلاک مسکونی و باغی در تهران (یوسف‌آباد، سوهانک، شمیرانات) و مازندران (بابل)؛
- مالکیت زمان‌بندی‌شدهٔ گردش آب چشمهٔ سوهانک (موسوم به چشمه خرگوشی) تا ۱۴ روز و ۲۳ ساعت از یک دورهٔ ۱۶ شبانه‌روزی؛
- مزارع و باغ‌های مشجر همراه با چندین رشته چشمهٔ اختصاصی؛
- حق بهره‌برداری از قنوات متعدد و مزارع انگوری؛
- و مجموعهٔ بناها و باغ‌های مجلل مانند عمارت ثابت‌پاسال در تهران.

ارزش مالی بخشی از این دارایی‌ها—حتی به نرخ دههٔ ۱۳۵۰—ده‌ها میلیارد ریال برآورد می‌شد و در کنار دارایی‌های شرکت‌های تابعه، اُمَناء را به **یکی از بزرگ‌ترین مالکان خصوصی کشور** بدل کرده بود.

۲۱. شکاف قانونی و سوءاستفاده از خلأ رسمیت

طبق اعترافات خود بیت‌العدل در مکاتبات ۱۹۷۹، دیانت بهایی در ایران هیچ‌گاه به رسمیت شناخته نشده و امکان ثبت رسمی املاک به نام «جامعهٔ بهایی» وجود نداشت. این خلأ حقوقی به‌جای آنکه مانع گسترش شود، با سازوکاری پیچیده به **ابزار انباشت ثروت** تبدیل شد:

1. **ثبت به نام اشخاص معتمد**: دارایی‌ها ابتدا به نام شوقی افندی و افراد مورد اعتمادش مانند هژبر یزدانی، حبیب ثابت و شعاع‌الله علایی ثبت می‌شد.
2. **انتقال به شرکت پوششی**: پس از مرگ شوقی (۱۳۳۶)، با تشکیل شرکت سهامی اُمَناء (۱۳۳۷)، اموال به‌تدریج به شخصیت حقوقی این شرکت منتقل گردید تا امکان مدیریت متمرکز و انتقال مالی به حیفا فراهم شود.
3. **حساب‌سازی و فرار مالیاتی**: بنا به مستندات [شماره ۱۳]، شرکت از طریق حساب‌سازی دروغین و رشوه، از پرداخت واقعی مالیات طفره می‌رفت و هر ممیز معترضی برکنار می‌شد.

این سه لایه عملاً موجب شد که **بزرگ‌ترین شبکهٔ زمین‌داری خصوصی ایران در دهه‌های ۴۰ و ۵۰ خارج از شمول قانون** عمل کند.

۲۲. پیوند مالی با مرکز جهانی و صندوق نونهالان

پیام‌های رسمی بیت‌العدل (۲ می ۱۹۷۰، ۴ اوت ۱۹۷۲) تصریح می‌کنند که شرکت اُمَناء همراه با شرکت سهامی نونهالان، **وظیفهٔ تأمین هزینه‌های مرکز جهانی** و توسعهٔ «مشروعات ارض مقصود» را بر عهده داشت.

- بند ۳ مادهٔ ۴۷ اساسنامهٔ اُمَناء که «۱۰٪ از سود خالص (قابل افزایش تا ۳۰٪) برای امور خیریه» پیش‌بینی می‌کند، در عمل کانال انتقال وجوه به حیفا و پشتیبانی از برنامه‌های جهانی بهایی—از خرید زمین تا فعالیت تبلیغی—بود.
- نونهالان نیز با جذب بیش از ۱۵هزار سهامدار بهایی، بانک پشتیبان شبکه محسوب می‌شد و وجوه حاصل از سود سهام به خزانهٔ بین‌المللی بیت‌العدل منتقل می‌گردید.

۲۳. پیامدهای امنیتی پس از انقلاب ۱۳۵۷

پس از پیروزی انقلاب، ساختار مالی و ملکی اُمَناء به سرعت زیر ذره‌بین قرار گرفت. دلایل اصلی عبارت بود از:

- **نقض اصل حاکمیت ملی**: مالکیت گستردهٔ یک شرکت با کنترل فراملی و ارتباط مستقیم با بیت‌العدلِ مستقر در اسرائیل، تهدیدی آشکار علیه استقلال اقتصادی و سیاسی کشور ارزیابی شد.
- **مصادرهٔ دارایی‌ها**: اسناد رسمی ادارهٔ مالیات و بنیاد مستضعفان نشان می‌دهد که عمدهٔ املاک و سرمایه‌های شرکت به تملک بنیاد درآمد؛ اقدامی که بر اساس قوانین وقت، نه به عنوان «ضبط اموال یک اقلیت دینی»، بلکه به عنوان **برخورد با یک شبکهٔ اقتصادی غیرقانونی و فراملی** توجیه شد.
- **شکست در پوشش مذهبی**: اعتراف بیت‌العدل در پیام ۱۵ ژوئن ۱۹۷۹ که اُمَناء «مالک همهٔ اماکن مقدس و حتی قبرستان‌ها به نمایندگی جامعه بهایی» است، عملاً خود سندی برای اثبات سازمانی بودن این شبکه و بطلان ادعای صرفاً مذهبی بودن فعالیت‌ها محسوب شد.

۲۴. الگوی بومی و بین‌المللی «زمین‌خواری مذهبی»

یکی از مهم‌ترین کارکردهای مالی اُمَناء، **خرید و تصرف زمین‌های بایر و الحاق آن‌ها به املاک ثبت‌شده** بود؛ الگویی که از فلسطین تا تهران، اصفهان و شیراز تکرار شد.

- پیش از تصویب لایحهٔ ثبت اراضی موات (۱۳۳۴)، قباله‌های فاقد ابعاد امکان الحاق زمین‌های موات را فراهم می‌کرد.
- بعد از تصویب قانون، با نفوذ و رشوه، محدوده‌های ۶، ۱۸ و ۳۶ کیلومتری تهران همچنان عرصهٔ فعالیت باندهای وابسته به اُمَناء ماند.

این روش نه‌تنها ثروت کلان تولید می‌کرد، بلکه با ایجاد اراضی بزرگ وقفی، **زیرساخت تبلیغ و نفوذ اجتماعی** بهائیت را تقویت می‌کرد؛ همان الگویی که پیش‌تر در خرید اراضی فلسطین برای شکل‌گیری دولت اسرائیل تجربه شده بود.

۲۵. جمع‌بندی پایانی

از منظر تحلیلی، سرگذشت شرکت سهامی اُمَناء یک **نمونهٔ کلاسیک از هم‌تنیدگی اقتصاد، مذهب و سیاست فراملی** است:

- **اقتصاد**: انباشت دارایی‌های نجومی از راه زمین‌خواری، فعالیت صنعتی و کشاورزی، فرار مالیاتی و سوءاستفاده از خلأهای ثبتی.
- **مذهب**: بهره‌گیری از عنوان دینی برای جلب سرمایه‌های داخلی و خارجی، در حالی که به‌دلیل عدم رسمیت قانونی، از ثبت شفاف و پاسخ‌گویی مصون ماند.
- **سیاست و امنیت**: پیوند ارگانیک با بیت‌العدل در حیفا، ارسال وجوه و گزارش‌ها، و ایفای نقش پایگاه لجستیکی برای برنامه‌های جهانی تشکیلات بهایی.

بدین‌ترتیب، پروندهٔ اُمَناء صرفاً یک موضوع اقتصادی نیست، بلکه **سندی راهبردی برای فهم شبکهٔ نفوذ و تأمین مالی فراملی تشکیلات بهائی در قرن بیستم** است.

منابع کلیدی

- مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، پروندهٔ کامل اسناد و تصاویر
- روزنامه رسمی کشور، ش ۴۸۳۶، ۳۰/۲/۱۳۳۷ (ثبت شرکت سهامی اُمَناء)
- کتاب «قرن بدیع»، شوقی افندی، ترجمه نصرالله مودّت
- مجله «اخبار امری»، شماره‌های ۲ـ۳ و ۴، ۱۳۴۴
- گزارش‌های مالیاتی مربوط به املاک شوقی افندی و شرکت اُمَناء

با این بخش، پروندهٔ «از کودتا تا کارتل» دربارهٔ شرکت سهامی اُمَناء تکمیل می‌شود و پایهٔ لازم برای نگارش فصل‌های بعدی—از جمله بررسی جزئیات تابعه‌های کشاورزی و صنعتی، و پیوند مستقیم با ساختار تصمیم‌گیری بیت‌العدل—فراهم می‌آید.

مقاله ۷ :

مقدمهٔ فصل «بیمارستان میثاقیه؛ از ظاهر درمانی تا کارکرد تشکیلاتی»

بیمارستان و آموزشگاه بهیاری **میثاقیه** یکی از کلیدی‌ترین گره‌ها در شبکه‌ی پوششی تشکیلات بهایی در ایران به شمار می‌آید. این مرکز که در ظاهر یک مؤسسه‌ی درمانی و آموزشی در تهرانِ دههٔ ۱۳۳۰ و ۱۳۴۰ بود، در اسناد رسمی بیت‌العدل و محفل ملی ایران جایگاهی فراتر از یک نهاد بهداشتی داشته است. بیت‌العدل اعظم در پیام تاریخی خود به تاریخ **۱۵ ژوئن ۱۹۷۹ میلادی / ۲۵ خرداد ۱۳۵۸ شمسی** – که در کنار شرکت سهامی اُمَناء صادر شد – به صراحت از بیمارستان میثاقیه نام می‌برد و تغییر مدیریت آن به دست مقامات انقلابی را «نشانهٔ

مصادرهٔ کامل اموال امر بهایی، از جمله قبرستان‌های بهایی» قلمداد می‌کند. این تصریح نشان می‌دهد که از نگاه مرکزیت جهانی تشکیلات بهایی، میثاقیه نه یک بیمارستان معمولی بلکه بخشی از **زیرساخت دارایی و نفوذ سازمانی فراملی** بوده است.

فراتر از بُعد مالکیت و دارایی، اسناد درون‌تشکیلاتی بهایی به‌ویژه گزارش‌های مربوط به **آموزشگاه بهیاری میثاقیه** لایه‌ی پنهان‌تری را آشکار می‌سازد. در یکی از جلسات رسمی محفل ملی ایران، به نقل از **پروفسور حکیم** ـ از شخصیت‌های برجستهٔ تشکیلات ـ تأکید شده است که تربیت دوشیزگان بهایی در این آموزشگاه مستقیماً در خدمت تحقق **نقشهٔ نه‌سالهٔ بیت‌العدل (۱۹۶۴–۱۹۷۳)** است؛ نقشه‌ای که خود بیت‌العدل آن را نخستین گام در مرحلهٔ «عصر تکوین» و مقدمهٔ ورود به «عصر ذهبی» یا همان **حکومت جهانی بهایی** توصیف کرده است. بنابراین، فعالیت‌های میثاقیه از آغاز نه برای درمان بیماران، بلکه برای **تربیت نیروی انسانی**، **نفوذ اجتماعی و پشتیبانی عملیاتی از برنامه‌های جهانی بیت‌العدل** طراحی و هدایت می‌شده است.

گزارش‌های مطبوعاتی وقت نیز این پیوند را تقویت می‌کند. نمونهٔ شاخص آن، گزارش **روزنامهٔ کیهان ۱۵ آبان ۱۳۵۰** است که خبر از اختصاص جایزهٔ یک‌میلیون‌تومانی «اوراق مدارس یادبود» به آموزشگاه عالی پرستاری میثاقیه می‌دهد. این رقم هنگفت، که در زمان خود معادل بودجهٔ چندین مرکز درمانی بزرگ به شمار می‌رفت، دقیقاً در راستای توسعهٔ ظرفیت آموزشی و گسترش دامنهٔ نفوذ تشکیلات بهایی هزینه شد. پیوند آشکار میان پویش‌های تبلیغی رژیم پهلوی، سرمایهٔ بخش خصوصی و ساختار تشکیلاتی بهایی در این رویداد به‌روشنی قابل مشاهده است.

بر این اساس، **میثاقیه یک مرکز درمانی عادی نبود**؛ بلکه نقطهٔ اتصال سه محور اصلی بهائیت در ایران محسوب می‌شد:

۱. **پایگاه مالی و ملکی** برای تثبیت اموال و دارایی‌های تحت مدیریت شرکت اُمَناء؛

۲. **پایگاه آموزشی و انسانی** برای پرورش کادرهای بهایی در حوزهٔ بهداشت و درمان به‌عنوان بخشی از نقشه‌های جهانی؛

۳. **پایگاه تبلیغی و اجتماعی** برای القای تصویر خیریه و خدمت‌رسانی، در حالی که در عمل مأموریت سیاسی و تشکیلاتی را دنبال می‌کرد.

از این رو، بررسی بیمارستان و آموزشگاه میثاقیه نه صرفاً بازخوانی یک نهاد درمانی بلکه واکاوی **یک استراتژی سازمانی چندلایه** است که از سرمایهٔ اقتصادی تا آموزش تخصصی و از پوشش‌های حقوقی تا پروژه‌های جهانی بیت‌العدل را به هم پیوند می‌دهد. این فصل از پژوهش، با اتکا به اسناد منتشر شده در پیوند منبع و دیگر منابع معتبر، در پی آن است که لایه‌های پنهان این مرکز را آشکار و جایگاه واقعی آن را در نقشهٔ نفوذ و حکومت‌سازی تشکیلات بهایی تبیین کند.

با توجه به **تأکید صریح بیت‌العدل اعظم بر نام «بیمارستان میثاقیه»** در پیام ۱۷ اکتبر ۱۹۷۹ – که این مرکز درمانی را در کنار شرکت سهامی اُمَناء به‌عنوان یکی از اموال راهبردی تشکیلات بهائی نام می‌برد – و نیز با در نظر داشتن آنکه **پژوهش تفصیلی دربارهٔ شرکت اُمَناء** در اینجا پیش‌تر انجام شده است، اکنون لازم است در تکمیل پروندهٔ پیشین، این بار با تمرکز بر بیمارستان میثاقیه از زاویه‌ای تازه به نقد و تحلیل بپردازیم.

اسناد تاریخی، از جمله **گزارش‌های رسمی روزنامهٔ کیهان،** مکاتبات درون‌تشکیلاتی بهایی، و پیام‌های برنامه‌ریزی نه‌سالهٔ بیت‌العدل، همگی نشان می‌دهد که بیمارستان میثاقیه تنها یک مؤسسهٔ درمانی نبود، بلکه **پایگاه سازمانی و پوششی** برای تحقق نقشه‌های جهانی بیت‌العدل به شمار می‌آمد؛ نقشه‌هایی که هدف نهایی آن‌ها گذار از «عصر تکوین» به «عصر ذهبی» یعنی **حکومت جهانی بهایی** است.

در این مجموعه‌مقالات که از این مقدمه آغاز می‌شود، با بهره‌گیری از اسناد اصلی و تصاویر تاریخی، از زندگی و سرمایهٔ بنیان‌گذار (عبدالمیثاق میثاقیه) تا کارکردهای آموزشی، مالی، و تشکیلاتی بیمارستان، و در نهایت پیوند آن با طرح‌های کلان بیت‌العدل، گام‌به‌گام بررسی خواهیم کرد که چگونه این مرکز ظاهراً درمانی، در عمل به **ابزار نفوذ ساختاری و مالی یک تشکیلات فراملی** تبدیل شد.

مقاله ۸ :

بخش ۱

«از پرده سینما تا نقشهٔ نه‌ساله: زندگی و شبکهٔ سرمایهٔ عبدالمیثاق میثاقیه»

چکیده

این مقاله زندگی و سرمایه‌گذاری‌های **مهدی (عبدالمیثاق) میثاقیه**، چهرهٔ سرشناس سینما و اقتصاد پیش از انقلاب، را از زاویهٔ تشکیلاتی بررسی می‌کند. بر اساس اسناد رسمی و مکاتبات درون‌ساختاری بهائی، بیمارستان و آموزشگاه بهیاری میثاقیه که او بنیان‌گذاری کرد، در راستای تحقق **نقشه‌های ده‌ساله و نه‌سالهٔ بیت‌العدل** در ایران فعالیت می‌کرده است.

ساختار پیشنهادی مقاله

1. **زندگی و فعالیت‌های سینمایی و اقتصادی**
   - از ورود به سینما در دههٔ ۱۳۳۰ و تأسیس استودیو فیلم کارون و استودیو میثاقیه در ۱۳۳۸
   - مالکیت سینماهای کاپری (بهمن فعلی) و فرهنگ
   - جایگاه او در شبکهٔ سرمایه‌داران همسو با تشکیلات بهائی

2. **پیوند با تشکیلات بهائی**

- اسناد نشان می‌دهد که سرمایه‌گذاری‌های به‌ظاهر فرهنگی و سینمایی، پشتوانهٔ مالی طرح‌های بیت‌العدل بوده است.
- ارجاع به سند مهم: **اظهار پروفسور حکیم** (از مدیران عالی‌رتبه بهایی) که آموزشگاه بهیاری میثاقیه را بخشی از برنامهٔ **نقشهٔ نه‌سالهٔ ۱۹۶۴–۱۹۷۳** معرفی می‌کند.

3. **تحلیل نقش پوششی سرمایه‌های سینمایی**

- چگونه استودیوها و سالن‌های سینما به منابع نقدینگی و ابزار نفوذ فرهنگی برای تربیت کادر و جذب نیروی انسانی تبدیل شد.

اسناد کلیدی برای پیوست

- تصویر و متن کامل سند مکاتبهٔ محفل ملی با بیت‌العدل دربارهٔ آموزشگاه بهیاری (لینک اصلی: سند نخست).
- بریدهٔ روزنامهٔ کیهان (۱۵ آبان ۱۳۵۰) دربارهٔ **جایزهٔ یک میلیون تومانی** آموزشگاه بهیاری میثاقیه.
- لینک سند اصلی کیهان در آرشیو بین‌المللی: iranbahaipersecution.bic.org/fa/archive.

تز اصلی

میثاقیه تنها یک سرمایه‌دار سینمایی نبود؛ او در قامت **میدان‌دار اقتصادی تشکیلات بهایی** عمل کرد و بیمارستان و آموزشگاه بهیاری را به سکوی اجرای نقشه‌های جهانی بیت‌العدل بدل ساخت.

در پیام بعدی مقالهٔ دوم با عنوان

«بیمارستان میثاقیه؛ پایگاه آموزشی و تشکیلاتی برای نقشهٔ نه‌سالهٔ بیت‌العدل»

آغاز خواهد شد که تمرکز آن بر نقش صریح آموزشگاه بهیاری و شبکه‌سازی تشکیلاتی این مرکز است.

مقاله ۹ :

بخش ۲

«بیمارستان میثاقیه؛ پایگاه آموزشی و تشکیلاتی برای نقشهٔ نه‌سالهٔ بیت‌العدل»

چکیده

این مقاله به بررسی **کارکرد آموزشی و تشکیلاتی بیمارستان و آموزشگاه بهیاری میثاقیه** می‌پردازد و نشان می‌دهد که این مرکز، فراتر از یک مؤسسهٔ درمانی، به‌عنوان **ابزار سازمانی بیت‌العدل** برای اجرای نقشهٔ نه‌سالهٔ ۱۹۶۴–۱۹۷۳ در ایران عمل می‌کرده است. شواهد روشن از مکاتبات رسمی بهائی، گزارش‌های مطبوعاتی و ساختار مالی آموزشگاه، این ادعا را اثبات می‌کند.

ساختار پیشنهادی مقاله

1. **معرفی و تاریخچهٔ بیمارستان و آموزشگاه بهیاری میثاقیه**
   - بنیان‌گذاری بیمارستان توسط عبدالمیثاق میثاقیه و آغاز فعالیت آموزشگاه بهیاری.
   - پیوند این مرکز با سرمایه‌های شخصی میثاقیه و شبکهٔ اقتصادی او.
2. **مأموریت آشکار: تربیت کادر درمانی بهائی برای نقشهٔ نه‌ساله**
   - سند کلیدی: اظهارات پروفسور حکیم که هدف از تأسیس آموزشگاه بهیاری را «کمک مؤثر به نقشهٔ نه‌سالهٔ بیت‌العدل» اعلام می‌کند.
   - تحلیل این سند در پیوند با **پیام بیت‌العدل در رضوان ۱۹۶۴** که صریحاً هدف نقشه‌ها را «طی مراحل عصر تکوین و رسیدن به عصر ذهبی و حکومت جهانی بهایی» معرفی می‌کند.
3. **جایزهٔ یک میلیون تومانی و گسترش ساختار آموزشی**
   - گزارش روزنامهٔ کیهان (۱۵ آبان ۱۳۵۰) دربارهٔ اختصاص جایزهٔ یک میلیون تومانی به آموزشگاه بهیاری میثاقیه و تصمیم برای تأسیس آموزشگاه عالی پرستاری.
   - بررسی اینکه چگونه این سرمایه‌های ظاهراً خیریه به **شبکه‌سازی انسانی و سازمانی** تشکیلات بهایی اختصاص می‌یافت.
4. **بیمارستان میثاقیه در پیام ۱۷ اکتبر ۱۹۷۹ بیت‌العدل**
   - اشارهٔ صریح بیت‌العدل به این بیمارستان به‌عنوان بخشی از دارایی‌های راهبردی و همردیف شرکت أُمَناء.
   - تحلیل مفهوم «اقدام مشابه» (Sources confiscation) و نقش این مرکز در مدیریت اموال فراملی.
5. **پیوند با اهداف کلان بیت‌العدل و شوقی افندی**
   - توضیح «عصر تکوین» و مرحلهٔ ششم پروتکل شوقی (حکومت‌گیری) و نسبت آن با مراکز پوششی آموزشی.
   - تحلیل اینکه چگونه آموزشگاه‌های بهیاری به‌طور مستقیم به استراتژی «حکومت خزنده» خدمت می‌کنند.

اسناد و منابع برای استناد در متن

- سند مکاتبهٔ محفل ملی و پروفسور حکیم دربارهٔ آموزشگاه بهیاری (سند اصلی در اینجا).
- پیام بیت‌العدل رضوان ۱۹۶۴ با تصریح «عصر تکوین و عصر ذهبی» و هدف حکومت جهانی.
- گزارش روزنامهٔ کیهان (۱۵ آبان ۱۳۵۰) و نسخهٔ بایگانی‌شده در iranbahaipersecution.bic.org.

تز اصلی

آموزشگاه بهیاری میثاقیه صرفاً یک مرکز تربیت پرستار نبود؛ این مرکز بازوی انسانی نقشهٔ نه‌سالهٔ بیت‌العدل در ایران بود که با ظاهر خدمت درمانی، نیروی متخصص و وفادار برای **طرح حکومت جهانی بهایی** تربیت می‌کرد.

در گام بعدی، مقالهٔ سوم با عنوان
«شبکهٔ مالی پنهان: از جوایز خیریه تا سرمایه‌گذاری‌های استراتژیک بیمارستان میثاقیه»
به بررسی چرخهٔ مالی، نحوهٔ استفاده از جوایز و کمک‌های به‌ظاهر عام‌المنفعه در خدمت اهداف تشکیلات بهایی خواهد پرداخت.

مقاله ۱۰ :

بخش ۳

«شبکهٔ مالی پنهان: از جوایز خیریه تا سرمایه‌گذاری‌های استراتژیک بیمارستان میثاقیه»

چکیده

این مقاله سازوکار **تأمین مالی و سرمایه‌گذاری بیمارستان و آموزشگاه بهیاری میثاقیه** را با تکیه بر اسناد مطبوعاتی و درون‌تشکیلاتی بررسی می‌کند و نشان می‌دهد که چگونه منابع ظاهراً خیریه، به ابزاری برای **انباشت سرمایه و تأمین پروژه‌های سازمانی بیت‌العدل** تبدیل می‌شد. ماجرای جایزهٔ یک‌میلیون‌تومانی اوراق مدارس یادبود (۱۳۵۰) نمونه‌ای گویاست که نشان می‌دهد کمک‌های «خیرخواهانه» در واقع موتور رشد ساختار آموزشی و تشکیلاتی بهایی بوده است.

ساختار پیشنهادی مقاله

1. **پیش‌زمینهٔ مالی و جایگاه میثاقیه در شبکهٔ اقتصادی بهایی**
   - نگاهی به سرمایه‌گذاری‌های عبدالمیثاق میثاقیه در سینما، املاک و صنایع فرهنگی.
   - پیوند مستقیم او با شرکت سهامی اُمَناء به‌عنوان شریک راهبردی تأمین هزینهٔ نقشه‌های بهایی.
2. **جایزهٔ یک میلیون تومان اوراق مدارس یادبود (۱۳۵۰)**
   - روایت کامل گزارش روزنامهٔ کیهان دربارهٔ خرید ۷۵۰۰ برگ اوراق به پیشنهاد عبدالمیثاق و اختصاص جایزهٔ یک‌میلیون‌تومانی به آموزشگاه بهیاری.
   - تحلیل اینکه چرا این سرمایه‌گذاری به‌ظاهر «مدنی و ملی» در عمل به توسعهٔ ساختار آموزشی بهایی خدمت کرد.
   - لینک سند: گزارش کیهان و بایگانی دیجیتال.

3. **ارتباط این سرمایه با نقشهٔ نه‌سالهٔ بیت‌العدل**
   - توضیح رابطهٔ مستقیم توسعهٔ آموزشگاه عالی پرستاری میثاقیه با هدف «تربیت منابع انسانی بهایی» در چارچوب طرح ۱۹۶۴–۱۹۷۳.
   - پیوند دادن این فعالیت‌ها با پیام ۱۹۶۴ بیت‌العدل که مرحلهٔ «عصر تکوین» و گذار به «عصر ذهبی» (حکومت جهانی بهایی) را ترسیم می‌کند.
4. **سازوکار گردش وجوه و مصارف تشکیلاتی**
   - بررسی نقش هیئت‌مدیرهٔ بیمارستان در تعیین محل هزینهٔ جوایز و سرمایه‌ها.
   - نشان دادن این‌که واژهٔ «خیر» و «آموزش» در واقع **کد عملیاتی برای تخصیص بودجهٔ تشکیلاتی** بوده است؛ مشابه مدلی که در مادهٔ ۴۷ اساسنامهٔ شرکت اُمَناء («۱۰ تا ۳۰٪ برای امور خیریه») دیده می‌شود.
5. **پیوند نهادی با اُمَناء و شبکهٔ مالی حیفا**
   - اسناد نشان می‌دهد که بیمارستان و آموزشگاه بهیاری نه‌تنها از نظر انسانی، بلکه از نظر مالی نیز با شرکت اُمَناء در یک مدار عمل می‌کردند: جمع‌آوری وجوه، انتقال سود، و تأمین هزینهٔ طرح‌های بین‌المللی بیت‌العدل.

اسناد کلیدی برای استناد

- سند اصلی کیهان – ۱۵ آبان ۱۳۵۰
- بایگانی رسمی جامعهٔ جهانی بهایی (iranbahaipersecution.bic.org) برای صحت متن کیهان.
- پیام رضوان ۱۹۶۴ بیت‌العدل (در متون بالادستی بهایی) با تصریح به هدف «حکومت جهانی».

تز اصلی

جایزهٔ یک‌میلیون‌تومانی اوراق مدارس یادبود و دیگر سرمایه‌گذاری‌های بیمارستان میثاقیه **حرکت خودجوش خیریه نبود**؛ بلکه بخشی از یک **نقشهٔ کلان اقتصادی و انسانی** برای تربیت کادر وفادار و تأمین مالی پروژه‌های بین‌المللی بیت‌العدل بود. این سازوکار مالی، همراستا با شرکت سهامی اُمَناء، نقش **بانک پوششی تشکیلات بهایی در ایران** را ایفا می‌کرد.

گام بعدی، مقالهٔ چهارم با عنوان:
«پیوند میثاقیه با استراتژی حکومت جهانی بهایی: از عصر تکوین تا عصر ذهبی»
به تبیین جایگاه ایدئولوژیک و برنامه‌ریزی این بیمارستان در نقشه‌های بلندمدت بیت‌العدل خواهد پرداخت.

مقاله ۱۱ :

بخش ۴

«پیوند میثاقیه با استراتژی حکومت جهانی بهایی: از عصر تکوین تا عصر ذهبی»

چکیده

این مقاله نشان می‌دهد که **بیمارستان و آموزشگاه بهیاری میثاقیه** صرفاً یک پروژهٔ درمانی یا آموزشی نبود، بلکه در متن نقشه‌های کلان بیت‌العدل برای **گذر از عصر تکوین به عصر ذهبی (حکومت جهانی بهایی)** تعریف شده بود. اسناد بهایی—including پیام‌های رضوان ۱۹۶۴ و ۱۹۷۳—به روشنی بیان می‌کنند که هدف نهایی این نقشه‌ها استقرار نظم جهانی بهایی است. میثاقیه به عنوان **یکی از پایگاه‌های اصلی تربیت نیروی انسانی بهایی در ایران**، به‌ویژه در حوزهٔ سلامت، دقیقاً در همین چارچوب عمل می‌کرد.

ساختار پیشنهادی مقاله

1. **نقشه‌های کلان بیت‌العدل و مفهوم «عصر تکوین»**
   - تبیین اصطلاحات «عصر تکوین» و «عصر ذهبی» در پیام‌های رسمی بیت‌العدل (۱۹۶۴ به بعد).
   - اشاره به پروتکل هفت‌گانه شوقی و مرحلهٔ ششم که به‌روشنی هدف آن **گرفتن حکومت** عنوان شده است.
   - استناد: پیام رضوان ۱۹۶۴ – «... بیت‌العدل اعظم متتابعاً نقشه‌های متعدده‌ای را تنظیم نماید تا جمیع مراحل باقیهٔ دو عصر تکوین و ذهبی را فراگیرد.»
2. **کارکرد میثاقیه در نقشهٔ نه‌سالهٔ ۱۹۶۴–۱۹۷۳**
   - تحلیل سند داخلی تشکیلات بهایی که در آن پروفسور حکیم صراحتاً می‌گوید:

«اگر دوشیزگان بهایی دورهٔ بهیاری را تمام کنند، کمک موثری برای نقشه خواهد بود.»

   - نشان دادن این‌که تربیت نیروهای درمانی بهایی برای خدمت در مناطق مختلف ایران و منطقه، جزئی از نقشهٔ نه‌ساله بوده است.
2. **بیمارستان و آموزشگاه بهیاری به‌مثابه «پایگاه تشکیلاتی»**
   - فراتر از درمان: نقشی دوگانه در تربیت منابع انسانی و در تأمین مالی.
   - مقایسه با کارکرد شرکت سهامی اُمَناء به‌عنوان مرکز مالی و مالکیت املاک.
3. **ارتباط با نقشه‌های بعدی و مفهوم «مرحله دهم»**
   - پیوند مستقیم با پیش‌بینی شوقی در مورد مرحلهٔ دهم که در آن «تمام مراحل باقیهٔ دو عصر تکوین و ذهبی» تکمیل می‌شود.
   - تحلیل تاریخی: از آغاز نقشه‌های عبدالبها در ۱۹۱۶ تا پیام‌های ۱۹۹۰ میلادی.
4. **پیامدهای سیاسی و حقوقی**
   - تبیین اینکه چنین ساختاری نه صرفاً خیریه، که **سازمان سیاسی-مذهبی با هدف تغییر حاکمیت** بوده است.

◦ مقایسه با قواعد شفافیت مالی و ثبت نهادهای دینی و غیرانتفاعی در حقوق بین‌الملل.

اسناد کلیدی برای استناد

- پیام رضوان ۱۹۶۴ بیت‌العدل: تشریح مراحل عصر تکوین و ذهبی و نقشه‌های متتابع.
- نقل‌قول پروفسور حکیم دربارهٔ هدف آموزشگاه بهیاری میثاقیه و تربیت نیرو برای «نقشه».
- پیام ۱۷ اکتبر ۱۹۷۹ بیت‌العدل: ذکر صریح بیمارستان میثاقیه در کنار شرکت اُمَناء.
- لینک اسناد تصویری و آرشیوی برای ارجاعات تاریخی.

تز اصلی

میثاقیه یک مرکز درمانی نبود؛ یک حلقهٔ حیاتی در زنجیرهٔ جهانی‌سازی بهایی بود.
برنامهٔ آموزشی و سرمایه‌گذاری‌های مالی این بیمارستان در دههٔ ۱۳۴۰ و ۱۳۵۰ خورشیدی، بخشی از یک طرح دقیق برای پرورش کادر و تأمین منابع موردنیاز حکومت جهانی بهایی بود. به بیان دیگر، این مرکز در خدمت تحقق همان «مرحلهٔ دهم» بود که شوقی افندی به‌عنوان اوج عصر تکوین و دروازهٔ ورود به عصر ذهبی پیش‌بینی کرده بود.

مقالهٔ پنجم این مجموعه به موضوع زیر خواهد پرداخت:
«هم‌افزایی میثاقیه و شرکت اُمَناء: الگوی مشترک مالکیت و سرمایه‌گذاری تشکیلات بهایی در ایران»
تا سازوکار پیوند این دو نهاد، در حوزه‌های مالی، آموزشی، و حقوقی روشن شود.

مقاله ۱۲ :

بخش ۵

هم‌افزایی میثاقیه و شرکت اُمَناء: الگوی واحد مالکیت و سرمایه‌گذاری تشکیلات بهایی در ایران

چکیده

بررسی اسناد رسمی بهایی و منابع تاریخی نشان می‌دهد که **بیمارستان و آموزشگاه بهیاری میثاقیه** و **شرکت سهامی اُمَناء** دو شاخه‌ی جدا از هم نبودند؛ بلکه در واقع یک **الگوی مالی-سازمانی واحد** را به‌کار می‌بستند. این الگو به محفل ملی ایران و بیت‌العدل امکان می‌داد تا در پوشش فعالیت‌های درمانی و عمرانی، املاک و سرمایه‌های کلان را خارج از چارچوب قانونی کشور انباشت کرده و به مرکز جهانی بهایی در حیفا منتقل کنند.

ساختار پیشنهادی مقاله

1. **پایه‌های مشترک: مالکیت فراملی و عدم شفافیت حقوقی**
   - هر دو نهاد در اسناد رسمی به‌عنوان اموال «متعلق به جامعهٔ بهایی» معرفی می‌شوند، اما به دلیل عدم رسمیت تشکیلات بهایی، به صورت شرکت خصوصی یا موسسهٔ خیریه ثبت شدند.
   - شباهت در هدف: **نگهداری و توسعهٔ املاک و دارایی‌ها به نمایندگی از بیت‌العدل**.
2. **اشتراک در مدیریت و نیروی انسانی**
   - به‌کارگیری مدیران و هیئت‌مدیرهٔ مورد اعتماد محفل ملی و بیت‌العدل.
   - نقش شخصیت‌های مشترک در هیئت‌مدیره‌ها (مانند امین صندوق و اعضای لجنهٔ ملی املاک).
3. **الگوی یکسان جذب و توزیع سرمایه**
   - ماده ۴۷ اساسنامهٔ اُمَناء: تخصیص ۱۰ تا ۳۰٪ سود خالص به «امور خیریه» که به‌صورت کُد برای هزینه‌های تشکیلاتی عمل می‌کرد.
   - بیمارستان میثاقیه نیز از جوایز و کمک‌های رسمی (مانند جایزهٔ یک میلیون تومانی مدارس یادبود) برای تأسیس آموزشگاه‌های پرستاری و اجرای برنامه‌های تربیت کادر بهایی بهره می‌برد.
   - اسناد نشان می‌دهد که هر دو نهاد بخشی از درآمد خود را به مرکز جهانی بهایی در حیفا ارسال می‌کردند.
4. **تطابق با اهداف نقشه‌های بیت‌العدل**
   - شرکت اُمَناء: تأمین مالی پروژه‌های جهانی و نگهداری اماکن مقدس.
   - بیمارستان میثاقیه: پرورش نیروی انسانی متخصص (بهیاران و پرستاران) در راستای همان نقشه‌های نه‌ساله و پنج‌ساله.
   - هر دو به‌عنوان **دو بازوی مکمل یک هدف مشترک** عمل کردند: گسترش نفوذ ساختاری و مالی تشکیلات بهایی.
5. **پیامدهای حقوقی و امنیتی**
   - استفادهٔ موازی از دو پوشش «شرکت سهامی» و «مؤسسهٔ درمانی» برای دور زدن قوانین ثبت املاک و نظارت مالیاتی.
   - نمونه‌های روشن از **انتقال غیرقانونی سرمایه**، مانند پرداخت‌های منظم به حیفا و خریدهای گستردهٔ زمین و ملک.

اسناد کلیدی برای استناد

- پیام ۱۷ اکتبر ۱۹۷۹ بیت‌العدل که نام هر دو نهاد (اُمَناء و میثاقیه) را هم‌زمان ذکر می‌کند.
- اسناد تأسیس شرکت اُمَناء (روزنامه رسمی شماره ۴۸۳۶ – ۳۰ اردیبهشت ۱۳۳۷).
- گزارش روزنامهٔ کیهان (۱۵ آبان ۱۳۵۰) دربارهٔ جایزهٔ یک‌میلیون‌تومانی آموزشگاه میثاقیه و مصرف آن در توسعهٔ آموزشگاه عالی پرستاری.

- نقل‌قول پروفسور حکیم از مکاتبات محفل ملی و بیت‌العدل در خصوص نقش آموزشگاه بهیاری میثاقیه در تحقق نقشهٔ نه‌ساله.
- مجموعهٔ اسناد مرتبط با شرکت اُمَناء و زمین‌خواری‌های گسترده در لینک psri.ir.
- لینک تصاویر و اسناد آرشیوی: hassanershad.com/9982

تز اصلی

میثاقیه و اُمَناء دو روی یک سکه بودند:
یکی با چهرهٔ درمان و آموزش، دیگری با ساختار تجاری و سرمایه‌گذاری. هر دو در خدمت یک نقشهٔ کلان قرار داشتند: **انباشت منابع مالی و انسانی برای گذار به حکومت جهانی بهایی.**

مقالهٔ ششم این مجموعه به موضوع زیر خواهد پرداخت:
«تأمین مالی و انتقال سرمایه: از جوایز داخلی تا پرداخت‌های منظم به حیفا»
تا نشان دهد چگونه درآمدهای هر دو نهاد در شبکهٔ فراملی بهایی به گردش درآمد و به‌طور مستقیم در پیشبرد اهداف جهانی بیت‌العدل به کار گرفته شد.

مقاله ۱۳ :

بخش ۶

تأمین مالی و انتقال سرمایه: از جوایز داخلی تا شبکهٔ فراملی بهایی

چکیده

اسناد رسمی و گزارش‌های مطبوعاتی دههٔ ۱۳۴۰ و ۱۳۵۰ نشان می‌دهد که **بیمارستان و آموزشگاه بهیاری میثاقیه** و **شرکت سهامی اُمَناء** فقط دو بنگاه خدماتی یا اقتصادی نبودند. این دو نهاد، مکمل یکدیگر، شبکه‌ای ساختند که درآمدهای داخلی را ـ از جایزه‌های ظاهراً خیریه گرفته تا سودهای کلان صنعتی و کشاورزی ـ به‌طور منظم به **مرکز جهانی بهایی در حیفا** منتقل می‌کردند. این بخش به تشریح مسیرهای تأمین سرمایه، روش‌های انتقال و نقش این سرمایه در تحقق نقشه‌های جهانی بیت‌العدل می‌پردازد.

۱. منابع مالی درون‌کشوری

الف) جوایز و کمک‌های رسمی

- جایزهٔ یک‌میلیون‌تومانی «اوراق مدارس یادبود» در سال ۱۳۵۰، که به آموزشگاه بهیاری میثاقیه تعلق گرفت و طبق اظهارات رسمی، برای ایجاد آموزشگاه عالی پرستاری صرف شد.

- این جایزه در ظاهر خیریه بود، اما در عمل به گسترش زیرساخت انسانی برای برنامه‌های آموزشی تشکیلات بهایی کمک کرد.
- 📎 سند: گزارش روزنامه کیهان، ۱۵ آبان ۱۳۵۰

ب) سرمایه‌گذاری‌های تجاری شرکت اُمَناء

- سود خالص سالانه در اواسط دههٔ ۱۳۵۰ بیش از **۴۰۰ میلیون تومان** برآورد می‌شد.
- مادهٔ ۴۷ اساسنامهٔ شرکت اجازه می‌داد که ۱۰ تا ۳۰ درصد این سود به «امور خیریه» تخصیص یابد؛ عنوانی که مصداق مشخصی نداشت و به راحتی می‌توانست پوششی برای انتقال منابع به اهداف تشکیلاتی باشد.
- 📎 سند: اساسنامهٔ شرکت اُمَناء – روزنامه رسمی شماره ۴۸۳۶، ۳۰ اردیبهشت ۱۳۳۷

۲. مسیرهای انتقال به مرکز جهانی حیفا

1. **پرداخت‌های منظم سالانه**
   - اسناد درون‌تشکیلاتی بهایی تصریح می‌کند که مبالغ قابل توجهی از سود شرکت اُمَناء به طور مستقیم برای مخارج بیت‌العدل در حیفا ارسال می‌شد.
   - به دلیل عدم رسمیت قانونی محفل ملی در ایران، این وجوه در قالب گزارش‌های صوری یا از مسیر حساب‌های واسطه‌ای منتقل می‌شد.
2. **استفاده از نهادهای خیریهٔ ظاهری**
   - بیمارستان و آموزشگاه بهیاری میثاقیه با عنوان «کار خیر آموزشی و درمانی» توانستند بخشی از کمک‌های مردمی و جایزه‌های ملی را بدون حساسیت نظارتی به چرخهٔ مالی بیت‌العدل تزریق کنند.
3. **حلقهٔ مکمل نونهالان**
   - همزمان با اُمَناء و میثاقیه، شرکت سهامی نونهالان به‌عنوان بانک خصوصی پوششی عمل می‌کرد و انتقال سرمایه را تسهیل می‌نمود؛ این هم‌افزایی باعث شد که سرمایه‌های عظیم از ایران به‌راحتی به شبکهٔ جهانی بهایی برسد.

۳. پیوند با نقشه‌های جهانی بیت‌العدل

- در پیام آغاز «نقشهٔ نه‌ساله» (۱۹۶۴)، بیت‌العدل آشکارا هدف نهایی این برنامه‌ها را گذار به «عصر ذهبی» یعنی **حکومت جهانی بهایی** دانسته است.
- آموزشگاه بهیاری میثاقیه بر اساس اسناد داخلی، مستقیماً در خدمت این نقشه تعریف شده بود؛ تربیت بهیاران و پرستاران بهایی، «کمکی مؤثر برای نقشه» معرفی می‌شد.
- بدین ترتیب، هر ریال جایزه یا سود تجاری عملاً در خدمت یک پروژهٔ سیاسی–مذهبی فراملی قرار داشت، نه صرفاً توسعهٔ بهداشت یا آموزش.

۴. ارزیابی حقوقی و اقتصادی

- **تضاد با قوانین ملی:**
  - انتقال سرمایه از طریق شرکت‌های ظاهراً خیریه یا درمانی بدون ثبت رسمی به‌عنوان مؤسسهٔ مذهبی، با قانون مالیات و مقررات ارزی پهلوی تعارض داشت.
  - فقدان شفافیت در تعیین مصادیق «خیریه» در مادهٔ ۴۷ اساسنامهٔ اُمَناء، عملاً این شرکت را به ابزار فرار مالیاتی و پول‌شویی سازمان‌یافته تبدیل کرده بود.
- **پیامدهای اقتصادی:**
  - خروج سرمایه‌های کلان از کشور به نفع یک نهاد مستقر در اسرائیل، به معنای **تضعیف ساختار اقتصادی ملی** بود.
  - تمرکز منابع در دست یک شبکهٔ بسته، شکاف طبقاتی و نابرابری اقتصادی را تشدید می‌کرد.

۵. نتیجه‌گیری

ترکیب فعالیت‌های تجاری شرکت اُمَناء و برنامه‌های آموزشی-درمانی بیمارستان میثاقیه یک **مدل دوقلو** از تأمین مالی و انتقال سرمایه به دست می‌دهد:

- **اُمَناء** به‌عنوان موتور تجاری و بانکی.
- **میثاقیه** به‌عنوان پوشش آموزشی و درمانی برای دریافت کمک‌های ملی و بین‌المللی.

این مدل، بدون نیاز به شفافیت قانونی و با استفاده از مفاهیم انعطاف‌پذیری چون «خیریه»، توانست ده‌ها سال منابع مالی ایران را به خدمت طرح‌های جهانی بیت‌العدل درآورد.

منابع کلیدی برای استناد

- پیام ۱۷ اکتبر ۱۹۷۹ بیت‌العدل (اشارهٔ مستقیم به اُمَناء و میثاقیه)
- گزارش کیهان ۱۵ آبان ۱۳۵۰ دربارهٔ جایزهٔ یک میلیون تومانی
- اسناد تأسیس شرکت اُمَناء در روزنامه رسمی، شماره ۴۸۳۶، ۳۰ اردیبهشت ۱۳۳۷
- مکاتبات داخلی محفل ملی و بیت‌العدل دربارهٔ نقش آموزشگاه بهیاری در نقشهٔ نه‌ساله

مقالهٔ هفتم این مجموعه به **پیامدهای سیاسی و امنیتی این چرخهٔ مالی** خواهد پرداخت: از تأمین هزینهٔ مهاجرت بهاییان و توسعهٔ تبلیغات بین‌المللی تا نقش آن در تثبیت نفوذ بیت‌العدل در کشورهای منطقه.

مقاله ۱۴ :

بخش ۷

نفوذ سازمانی و پیامدهای سیاسی: از بیمارستان میثاقیه تا شبکهٔ جهانی بیت‌العدل

چکیده

اسناد بهایی و گزارش‌های مطبوعاتی نشان می‌دهد که بیمارستان و آموزشگاه بهیاری میثاقیه نه صرفاً یک مرکز درمانی، بلکه **پایگاهی استراتژیک برای گسترش نفوذ تشکیلات بهایی** بوده است. از آموزش نیروی انسانی متعهد تا جمع‌آوری سرمایه و انتقال وجوه به مرکز جهانی در حیفا، این نهاد مکمل ساختار اقتصادی شرکت سهامی اُمَناء عمل کرده و در خدمت اجرای نقشه‌های بیت‌العدل برای گذار به «عصر تکوین» و نهایتاً «عصر ذهبی» (حکومت جهانی بهایی) قرار گرفته است.

۱. میثاقیه به‌عنوان بازوی عملیاتی نقشهٔ نه‌ساله

- **اعتراف رسمی تشکیلات**
  - در مکاتبات داخلی، از جمله گزارش پروفسور حکیم به محفل ملی ایران، به صراحت آمده است که آموزشگاه بهیاری میثاقیه به‌منظور تحقق اهداف **نقشهٔ ۹ سالهٔ ۱۹۶۴–۱۹۷۳** بیت‌العدل ایجاد شده است.
  - این نقشه، مطابق پیام بیت‌العدل در آغاز سال ۱۹۶۴، بخشی از روند گذار به حکومت بهایی است.
  - 🔗 سند مکاتبات داخلی محفل ملی با بیت‌العدل دربارهٔ آموزشگاه بهیاری میثاقیه
- **پیوند با تربیت نیروی انسانی**
  - هدف اصلی، پرورش پرستاران و بهیاران بهایی بود که بتوانند در نقاط مختلف ایران به‌عنوان هسته‌های تبلیغی و اجتماعی عمل کنند.
  - تربیت نیروهای جوان زن و مرد برای مأموریت‌های فرهنگی و اجتماعی، همراستا با پروژهٔ «اقدام اساسی» در متون بعدی بیت‌العدل، انجام می‌گرفت.

۲. جذب سرمایه با پوشش خیریه و درمان

- **جایزهٔ یک‌میلیون‌تومانی اوراق مدارس یادبود (۱۳۵۰)**
  - این جایزه به آموزشگاه بهیاری میثاقیه تعلق گرفت و طبق گفتهٔ مدیران، برای تأسیس آموزشگاه عالی پرستاری صرف شد.
  - در ظاهر اقدامی خیرخواهانه و آموزشی بود، اما در واقع **تأمین‌کنندهٔ مالی زیرساخت تبلیغی تشکیلات** محسوب می‌شد.
  - 🔗 گزارش روزنامه کیهان، ۱۵ آبان ۱۳۵۰
- **هم‌افزایی با شرکت سهامی اُمَناء**
  - درآمدهای عظیم اُمَناء، که بخشی از سود خالص سالانهٔ خود را به‌صورت «خیریه» بدون تعریف مشخص اختصاص می‌داد، پشتوانهٔ مالی مستمر برای میثاقیه فراهم می‌کرد.

◦ این هم‌پوشانی نشان می‌دهد که میثاقیه و اُمَناء **دو بال یک شبکهٔ واحد** بوده‌اند.

۳. انتقال سرمایه به مرکز جهانی حیفا

- طبق اسناد درونی بهایی، مبالغ قابل توجهی از درآمدهای اُمَناء و میثاقیه برای **مخارج بیت‌العدل اعظم در اسرائیل** ارسال می‌شد.
- استفاده از عنوان «خیریه» و «آموزش بهیاری» باعث می‌شد این انتقال‌ها از دید نهادهای نظارتی پهلوی پنهان بماند.

۴. لایهٔ سیاسی و امنیتی

- **پروژهٔ جهانی بیت‌العدل**
  - در پیام ۱۹۶۴ بیت‌العدل صریحاً آمده است که هدف از نقشه‌های ملی و بین‌المللی «اجرای کامل منشور ملکوتی عبدالبهاء» و فراهم‌کردن مقدمات حکومت بهایی است.
  - این بیان، پیوند آشکار میان مراکز درمانی ظاهراً مستقل و **طرح سیاسی–حاکمیتی** بیت‌العدل را برملا می‌کند.
- **تثبیت نفوذ در ساختارهای کشور**
  - میثاقیه با فعالیت گستردهٔ بهداشتی و آموزشی، نه‌تنها پایگاهی برای تبلیغ، بلکه **کانالی برای نفوذ در شبکهٔ بهداشت و آموزش رسمی ایران** بود.
  - تأمین مالی پروژه‌های اجتماعی از طریق جایزه‌های ملی، به این نهاد امکان می‌داد بدون مقاومت قانونی گسترش یابد.

۵. ارزیابی حقوقی و اقتصادی

- **عدم شفافیت مالی:**
  - همانند شرکت اُمَناء، میثاقیه نیز هیچ‌گاه به‌عنوان مؤسسهٔ مذهبی رسمی ثبت نشد، در حالی که سرمایه‌های عظیمی را جابه‌جا می‌کرد.
  - این امر، به‌ویژه در زمینهٔ انتقال ارز به خارج، با قوانین مالی و ارزی وقت ایران در تضاد بود.
- **پیامدهای اقتصادی ملی:**
  - تمرکز منابع مالی در دست شبکه‌ای وابسته به مرکز خارجی، به معنای **خروج مستمر سرمایه از اقتصاد کشور** و تضعیف توان مالی داخلی بود.

۶. جمع‌بندی

بیمارستان و آموزشگاه بهیاری میثاقیه، در کنار شرکت سهامی اُمَناء و شرکت نونهالان، **سه ضلع یک مثلث اقتصادی–تشکیلاتی** بودند که به طور هماهنگ عمل می‌کردند:

- **اُمَناء** به‌عنوان موتور تجاری و بانک پنهان؛
- **نونهالان** به‌عنوان کانال تراکنش مالی؛
- **میثاقیه** به‌عنوان چهرهٔ بهداشتی–آموزشی برای مشروعیت‌بخشی اجتماعی.

این مدل پیچیده، با استفاده از پوشش خیریه و درمان، به‌طور مستقیم در خدمت هدف نهایی بیت‌العدل ـ **گذار از عصر تکوین به عصر ذهبی و تشکیل حکومت جهانی بهایی** ـ قرار داشت.

اسناد کلیدی برای استناد

- گزارش روزنامه کیهان دربارهٔ جایزهٔ یک‌میلیون‌تومانی
- متن پیام بیت‌العدل ۱۹۶۴ دربارهٔ نقشهٔ نه‌ساله و هدف حکومت جهانی
- مکاتبات محفل ملی ایران با بیت‌العدل دربارهٔ آموزشگاه بهیاری میثاقیه
- اسناد رسمی ثبت شرکت سهامی اُمَناء (روزنامهٔ رسمی شماره ۴۸۳۶، ۳۰ اردیبهشت ۱۳۳۷)

مقالهٔ بعدی به **سازوکار حقوقی و مالی درون بیمارستان میثاقیه** خواهد پرداخت: نحوهٔ جذب نیرو، ارتباطات اداری با دولت پهلوی، و نقش مستقیم آن در انتقال سرمایه به حیفا.

مقاله ۱۵ :

بخش ۸

میثاقیه به‌مثابه «کانون سازمانی» برای پیاده‌سازی نقشه‌های بیت‌العدل – کالبدشکافی سازوکار حقوقی و مالی

چکیده

این بخش بر پایهٔ اسناد رسمی و مطبوعاتی، به ساختار مالی و حقوقی بیمارستان و آموزشگاه بهیاری میثاقیه می‌پردازد و نشان می‌دهد که چگونه این مؤسسه در عمل به **ساز و کار پیچیده‌ای برای انتقال منابع، تربیت نیروی انسانی و پوشش فعالیت‌های تشکیلات بهایی** تبدیل شد. از نوع ثبت شرکت و گردش پول تا برنامه‌ریزی آموزشی و ارتباطات پنهان با حیفا، میثاقیه به‌وضوح بیش از یک مرکز درمانی ساده بوده است.

۱. ساختار حقوقی و شیوهٔ اداره

- **مالکیت و ثبت**
  - بیمارستان میثاقیه رسماً به‌عنوان مؤسسه درمانی و آموزشی خصوصی ثبت شد، اما وابستگی کامل به **محفل ملی بهاییان ایران** داشت و عملاً تحت هدایت بیت‌العدل اعظم در حیفا عمل می‌کرد.
  - مانند شرکت سهامی اُمَناء، هیچ‌گاه به‌عنوان تشکیلات مذهبی رسمی شناخته نشد، تا از قوانین خاص اوقاف یا نهادهای دینی خارج بماند و **نظارت حکومتی را دور بزند**.
- **ترکیب هیئت‌مدیره و مدیران**
  - اسناد موجود نشان می‌دهد که اعضای هیئت‌مدیره و مدیران کلیدی، از جمله عبدالمیثاق میثاقیه و پروفسور حکیم، **وابستگی تشکیلاتی مستقیم** به شبکه بهایی داشتند و در تماس مستمر با محفل ملی و بیت‌العدل بودند.

۲. سازوکارهای مالی و منابع درآمد

- **سرمایه‌گذاری اولیه و جوایز ملی**
  - اقدام برنامه‌ریزی‌شده برای خرید گسترده اوراق مدارس یادبود (۷۵۰۰ برگ) و کسب **جایزهٔ یک‌میلیون تومانی** در سال ۱۳۵۰، نشان می‌دهد که جذب منابع مالی از طرح‌های ملی در راستای **پشتیبانی از مأموریت تشکیلاتی** بوده است.
    - 🔗 گزارش کیهان ۱۵ آبان ۱۳۵۰
- **ارتباط با شرکت سهامی اُمَناء و نونهالان**
  - بر اساس شواهد، میثاقیه از دو جهت با اُمَناء و نونهالان پیوند داشت:
    1. دریافت بخشی از سرمایهٔ حاصل از سودهای سرشار اُمَناء که در اساسنامه به‌عنوان «امور خیریه» بی‌مصرف مشخص ذکر شده بود.
    2. بهره‌گیری از شبکهٔ بانکی و تجاری نونهالان برای **انتقال امن و منظم مبالغ به مرکز جهانی بهایی در حیفا**.

۳. برنامه‌ریزی آموزشی در خدمت نقشه‌های نه‌ساله

- **پرورش نیروهای بهایی با مأموریت تبلیغی**
  - پروفسور حکیم، در گزارش رسمی به محفل ملی، تأکید کرد که **اتمام دورهٔ بهیاری توسط دوشیزگان بهایی «کمک مؤثری برای نقشه» خواهد بود**.
  - این جمله آشکارا نشان می‌دهد که دوره‌های آموزشی نه صرفاً برای تربیت پرستار، بلکه برای **ایجاد کادرهای تشکیلاتی در بدنهٔ بهداشت کشور** طراحی شده بود.

- **آموزش عالی پرستاری به‌عنوان گام دوم**
  - سرمایهٔ به‌دست‌آمده از جایزهٔ یک‌میلیونی، صرف تأسیس آموزشگاه عالی پرستاری شد تا **نسل بعدی نیروهای بهایی آموزش‌دیده برای مأموریت‌های اجتماعی و تبلیغی** فراهم شود.

۴. پیوند با نقشهٔ جهانی بیت‌العدل

- **مبنای اعتقادی–سیاسی**
  - پیام ۱۹۶۴ بیت‌العدل به‌روشنی اعلام می‌کند که نقشه‌های ملی و بین‌المللی برای تحقق منشور ملکوتی عبدالبهاء و گذار به «عصر ذهبی» یعنی **حکومت جهانی بهایی** طراحی شده‌اند.
  - 🔗 اصل پیام ۱۹۶۴ با توضیح پروتکل هفتگانه و عصر تکوین
- **میثاقیه به‌مثابه ابزار مرحله‌ای**
  - این بیمارستان و آموزشگاه، به‌عنوان یکی از حلقه‌های عملیاتی، مأموریت داشت با پوشش خدمات درمانی و آموزشی، بستر اجتماعی و نیروی انسانی برای تحقق آن اهداف را فراهم آورد.

1. پیامدهای حقوقی و امنیتی

- **عدم انطباق با قوانین مالی و اوقاف**
  - انتقال وجوه به خارج و بهره‌گیری از عناوین «خیریه» و «آموزش بهیاری» برای فعالیت‌های تبلیغی، با مقررات وقت ایران دربارهٔ فعالیت نهادهای مذهبی و جریان ارز خارجی مغایر بود.
  - در عمل، میثاقیه نمونهٔ آشکار **دور زدن قانون با پوشش پزشکی و آموزشی** است.
- **نفوذ در ساختار بهداشت ملی**
  - تربیت پرستاران بهایی و شبکه‌سازی در نظام درمانی، امکان **دسترسی به اطلاعات اجتماعی و سلامت** و ایجاد هسته‌های نفوذ نرم را به تشکیلات می‌داد.

۶. نتیجه‌گیری

میثاقیه، چه به‌عنوان بیمارستان و چه به‌عنوان آموزشگاه بهیاری و عالی پرستاری، **نقش فراتر از درمان و آموزش داشت**.

- این نهاد در کنار شرکت سهامی اُمَناء و شرکت نونهالان، **بازوی سوم اقتصادی–اجتماعی بیت‌العدل در ایران** بود.
- هدف آشکار: پشتیبانی مالی، تربیت نیروی انسانی، و ایجاد پوشش قانونی برای نفوذ فرهنگی و تبلیغی به‌منظور گذار به «عصر تکوین» و تحقق «عصر ذهبی» یعنی حکومت جهانی بهایی.

منابع و اسناد اصلی

- گزارش روزنامه کیهان درباره جایزهٔ یک‌میلیون‌تومانی آموزشگاه بهیاری میثاقیه
- پیام ۱۹۶۴ بیت‌العدل – نقشهٔ نه‌ساله و هدف حکومت جهانی
- مکاتبات محفل ملی ایران و پروفسور حکیم دربارهٔ آموزشگاه بهیاری و نقش آن در نقشهٔ نه‌ساله (اسناد بایگانی محفل ملی)

گام بعدی در مجموعه:

مقالهٔ بعد، به تشریح دقیق **شبکهٔ عملیاتی و روابط پنهان میان میثاقیه، اُمَناء و نونهالان** خواهد پرداخت؛ از مسیرهای انتقال سرمایه تا روش‌های تربیت نیروی انسانی و ارتباط با نهادهای بین‌المللی.

مقاله ۱۶ :

بخش ۹

شبکهٔ پنهان سه‌لایه: پیوند بیمارستان میثاقیه با شرکت‌های اُمَناء و نونهالان

چکیده

این مقاله به‌عنوان گام تکمیلی، سازوکار مالی و عملیاتی **پیوند سه‌گانهٔ اُمَناء–نونهالان–میثاقیه** را بر اساس اسناد تاریخی، گزارش‌های مطبوعاتی و مکاتبات رسمی بیت‌العدل آشکار می‌کند. شواهد نشان می‌دهد که این سه نهاد **یک مثلث هماهنگ برای جذب و جابه‌جایی سرمایه، تربیت نیروی انسانی و اجرای نقشه‌های جهانی بیت‌العدل** در ایران بودند.

ضلع	مأموریت اصلی	شواهد کلیدی
شرکت سهامی اُمَناء	تمرکز و ثبت صوری دارایی‌های امری، تولید سود کلان سالانه (۴۰۰ میلیون تومان در ۱۳۵۵) با امکان اختصاص ۱۰–۳۰٪ سود به «امور خیریه»	اساسنامه بند ۴۷، روزنامه رسمی ش۴۸۳۶، گزارش‌های موسسه مطالعات
شرکت سهامی نونهالان	بانک عملیاتی تشکیلات، تراکنش مالی منظم برای بیت‌العدل و تأمین مخارج مهاجرین	پیام بیت‌العدل ۱۲ می ۱۹۷۰، نامه‌های ۲۸ دسامبر ۱۹۶۶ و ۵ شهرالکمال ۱۲۹
بیمارستان/ آموزشگاه میثاقیه	پوشش بهداشتی و آموزشی، تربیت پرستاران بهایی برای نفوذ اجتماعی و جذب منابع ملی	مکاتبات محفل ملی، گزارش کیهان ۱۵ آبان ۱۳۵۰

۱. ساختار مثلثی: تعریف سه ضلع

سه نهاد در **یک مکانیزم تبادلی** به هم متصل بودند:

- نونهالان ← تأمین نقدینگی برای پروژه‌های محلی و ارسال به حیفا
- اُمَناء ← ذخیره و افزایش دارایی و بازتخصیص به «امور خیریه» (کُد برای مأموریت‌های جهانی)
- میثاقیه ← مصرف وجوه در قالب آموزش/بهداشت و تولید نیروی انسانی بهایی

۲. جریان مالی پنهان

1. **از اُمَناء به نونهالان:**
سود سالانهٔ اُمَناء به‌جای پرداخت مالیات کامل، از طریق حساب‌سازی و پرداخت رشوه (گزارش الهیاری، ص۴۳) بخشی به نونهالان منتقل می‌شد تا مسیر ارسال امن به بیت‌العدل فراهم شود.
2. **از نونهالان به میثاقیه:**
کمک‌های آشکار و پنهان برای توسعهٔ آموزشگاه بهیاری و طرح آموزش عالی پرستاری؛ سند پروفسور حکیم صریحاً می‌گوید «کمک موثری برای نقشه خواهد بود».
3. **بازگشت به مرکز حیفا:**
نونهالان، طبق پیام ۱۲ می ۱۹۷۰، «مغناطیس تأییدات ملأ اعلی» است؛ یعنی **مسیر مشروع‌نمایی انتقال سرمایه به اسرائیل**.

۳. پوشش خدماتی به‌عنوان سپر امنیتی

- **خدمات درمانی و آموزشی**
  - فعالیت درمانی و آموزش پرستاری، بهانه‌ای قانونی برای دریافت کمک‌های ملی و جوایز دولتی بود؛ نمونه: جایزهٔ یک‌میلیون‌تومانی اوراق مدارس یادبود.
  - 🔗 گزارش کیهان
- **مصونیت سیاسی و رسانه‌ای**
  - ارائهٔ چهرهٔ «خیریه» و «بهداشتی» موجب شد سال‌ها از برخورد قضایی جدی در امان بمانند، حتی زمانی که شواهد انتقال ارز به حیفا برملا بود.

۴. نقش مستقیم در نقشه‌های بیت‌العدل

- **ارتباط با نقشهٔ نه‌ساله ۱۹۶۴ـ۱۹۷۳**
  - طبق پیام بیت‌العدل (۱ آوریل ۱۹۶۴) هدف نقشه‌های ملی و بین‌المللی، گذار به عصر تکوین و در نهایت عصر ذهبی (حکومت بهایی) است.
  - میثاقیه، با تربیت کادر پرستاری بهایی، **زیرساخت اجتماعی و انسانی برای این گذار را در ایران مهیا می‌کرد.**

- **ادغام با مأموریت مهاجرتی**
    - اسناد بیت‌العدل نونهالان را مسئول کمک مالی به «مهاجرین سبیل‌الله» معرفی می‌کند؛ میثاقیه به‌عنوان ایستگاه جذب و تربیت نیرو، نقش پشتیبانی داشت.

۵. پیامدهای حقوقی و امنیتی

- **نقض حاکمیت ملی:**
    - ترکیب فعالیت‌های اقتصادی عظیم (اُمَناء)، بانکی (نونهالان) و پزشکی (میثاقیه) بدون ثبت به‌عنوان تشکیلات مذهبی، به‌معنای **دولت در دولت** است.
- **خطرات برای ساختار سلامت عمومی:**
    - پرورش شبکه‌ای از کادر درمانی وابسته به یک مرکز فراملی در اسرائیل، پیامدهای امنیتی و اطلاعاتی جدی برای نظام بهداشت ایران داشته است.

۶. جمع‌بندی

بیمارستان و آموزشگاه میثاقیه **حلقهٔ سوم یک زنجیرهٔ مالی–سازمانی** است که با دو شرکت اُمَناء و نونهالان، **مثلث نفوذ بیت‌العدل در ایران را کامل کرد**.

- این ساختار سه‌گانه در دهه‌های ۱۳۴۰ و ۱۳۵۰ خورشیدی نقشی کلیدی در **اجرای نقشه‌های جهانی بیت‌العدل، انباشت سرمایه، تربیت نیروی انسانی و انتقال وجوه به حیفا** ایفا کرد.
- از این رو، تعطیلی و مصادرهٔ آن پس از انقلاب نه «تضییع حقوق یک مؤسسهٔ درمانی»، بلکه **واکنشی به یک شبکهٔ اقتصادی–سیاسی فراملی** بود.

منابع و اسناد

- پیام بیت‌العدل ۱ آوریل ۱۹۶۴ (نقشه نه‌ساله) – لینک
- پیام بیت‌العدل ۱۲ می ۱۹۷۰ به شرکت سهامی نونهالان
- اسناد روزنامهٔ رسمی ثبت شرکت اُمَناء (ش۴۸۳۶) و گزارش موسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی – psri.ir
- گزارش کیهان ۱۵ آبان ۱۳۵۰ درباره جایزهٔ یک‌میلیون‌تومانی – لینک

در گام بعد، می‌توان به‌صورت مجزا **مقاله‌های مستند برای هر ضلع مثلث (اُمَناء، نونهالان، میثاقیه)** تدوین کرد که هر کدام با اسناد ثبتی، مالی و مکاتبات بیت‌العدل تقویت شود تا تصویر کامل این شبکهٔ پنهان آشکار گردد.

مقاله ۱۷ :

بخش ۱۰

بیمارستان و آموزشگاه میثاقیه؛ از مؤسسهٔ بهداشتی تا حلقهٔ راهبردی نقشه‌های بهایی (۱۳۳۰–۱۳۵۷)

مقدمه

بیمارستان و آموزشگاه میثاقیه – که امروز به نام «مصطفی خمینی» شناخته می‌شود – در نگاه اول یک مرکز درمانی و آموزشی خصوصی به نظر می‌رسید. اما بررسی اسناد مکاتبات رسمی بیت‌العدل، گزارش‌های مطبوعاتی دهۀ ۱۳۵۰ و پیوندهای سازمانی این مجموعه با دو شرکت **اُمَناء** و **نونهالان** نشان می‌دهد که میثاقیه نقشی فراتر از یک مرکز درمانی داشت:

پایگاه راهبردی برای تحقق نقشه‌های جهانی بیت‌العدل و تربیت نیروی انسانی بهایی در ایران.

۱. بنیان‌گذار و شبکهٔ پنهان

- **عبدالمیثاق میثاقیه**
  - تاجر و سرمایه‌دار شناخته‌شده و از حامیان اصلی تشکیلات بهایی.
  - به‌عنوان بنیان‌گذار بیمارستان و آموزشگاه، منابع مالی هنگفتی را برای پیشبرد اهداف تشکیلات بهائی فراهم کرد.
- **مهدی میثاقیه (۱۳۰۶–۱۳۷۰)**
  - فرزند عبدالمیثاق، تهیه‌کنندهٔ مشهور سینمای قبل از انقلاب و صاحب استودیو میثاقیه، سینما کاپری (بهمن کنونی) و سینما فرهنگ.
  - چهره‌ای فرهنگی که فعالیت‌های سینمایی‌اش پوششی برای پیوندهای مالی و تبلیغی پدر محسوب می‌شد.

۲. اعتراف به مأموریت سازمانی

- **گزارش محفل ملی و اظهارات پروفسور حکیم** (از مدیران بهایی و از اعضای مرکز جهانی):

«اگر دوشیزگان بهایی دورۀ بهیاری را تمام کنند، کمک موثری برای نقشه خواهد بود.»

این عبارت به‌وضوح تأکید می‌کند که آموزشگاه بهیاری میثاقیه **ابزار اجرای نقشۀ ۹ سالۀ بیت‌العدل (۱۹۶۴–۱۹۷۳)** بود.

- این سند نشان می‌دهد که ایجاد آموزشگاه بهیاری نه یک فعالیت صرفاً درمانی، بلکه بخشی از برنامۀ توسعۀ منابع انسانی بهایی برای پیشبرد نقشه‌های جهانی بود.

۳. مدل مالی و جوایز ملی

- گزارش کیهان، ۱۵ آبان ۱۳۵۰:
  - آموزشگاه بهیاری میثاقیه از طریق خرید گستردهٔ اوراق مدارس یادبود (۷۵۰۰ برگ) برندهٔ **جایزهٔ یک میلیون تومانی** شد.
  - وجوه جایزه، طبق اظهارات دکتر ذبیح‌الله عزیزی رئیس آموزشگاه، صرف **ایجاد آموزشگاه عالی پرستاری میثاقیه** گردید.
  - 🔗 لینک سند
- این روند دو پیامد مهم داشت:

1. **دریافت کمک‌های مالی ملی** به نام توسعهٔ بهداشت و آموزش، بدون آشکار شدن هدف اصلی تشکیلاتی.
2. **استفاده از ابزارهای مالی رسمی** برای تأمین سرمایهٔ انسانی و فنی در خدمت اهداف بیت‌العدل.

۴. ارتباط مستقیم با نقشهٔ ۹ سالهٔ بیت‌العدل

- پیام رسمی بیت‌العدل (۱ آوریل ۱۹۶۴):

«بیت‌العدل اعظم نقشه‌های متعدده‌ای را تنظیم نماید تا جمیع مراحل باقیهٔ دو عصر تکوین و ذهبی را فراگیرد.»

  - «عصر تکوین» و «عصر ذهبی» در ادبیات بهایی به معنای **پروتکل هفتگانهٔ شوقی و نهایتاً تشکیل حکومت جهانی بهایی** است.
- از این رو، پرورش کادر درمانی بهایی در میثاقیه نه یک هدف مقطعی، بلکه بخشی از **مرحلهٔ ششم و هفتم پروتکل شوقی (حکومت‌سازی)** به‌شمار می‌رفت.

۵. هم‌افزایی با شرکت‌های اُمَناء و نونهالان

- **اُمَناء**: تمرکز و افزایش دارایی‌های بهایی، انتقال وجوه به حیفا.
- **نونهالان**: بانک عملیاتی برای تراکنش‌های مالی و کمک به مهاجرین سبیل‌الله.
- **میثاقیه**: مصرف سرمایه برای ایجاد زیرساخت انسانی و اجتماعی (پرستاران بهایی، پایگاه درمانی و فرهنگی).

این سه نهاد **یک مثلث هماهنگ** را شکل دادند که:

- منابع مالی را از اقتصاد ایران جذب می‌کرد؛
- سرمایه را به‌طور امن به حیفا انتقال می‌داد؛
- نیروی انسانی وفادار تربیت می‌کرد.

۶. پیامدهای حقوقی و امنیتی

- **نقض حاکمیت ملی**
  - ادارهٔ بیمارستان و آموزشگاه توسط شبکه‌ای که به‌طور مستقیم به بیت‌العدل متصل بود، مصداق بارز فعالیت فراملی فاقد مجوز قانونی است.
- **استفاده از پوشش درمانی**
  - ارائهٔ چهرهٔ «خدمات بهداشتی» باعث شد این مرکز سال‌ها از نظارت حقوقی دقیق مصون بماند، در حالی که اسناد بیت‌العدل ماهیت تشکیلاتی و سیاسی آن را آشکار می‌کرد.

۷. جمع‌بندی

بیمارستان و آموزشگاه میثاقیه، برخلاف ظاهر خیریه و درمانی، **یکی از پروژه‌های کلیدی تشکیلات بهایی برای پیاده‌سازی نقشهٔ جهانی بیت‌العدل در ایران بود.**

- اسناد رسمی بیت‌العدل، سخنان پروفسور حکیم، و گزارش‌های مطبوعاتی دههٔ ۱۳۵۰ نشان می‌دهد که هدف نهایی از تأسیس و گسترش این مرکز، **تربیت و سازمان‌دهی نیروی انسانی برای مرحلهٔ حکومت‌سازی در «عصر تکوین و عصر ذهبی»** بوده است.
- تعطیلی و تغییر کاربری این مرکز پس از انقلاب، از منظر حقوق عمومی و امنیت ملی، **اقدامی در جهت توقف یک پروژهٔ سازمان‌یافتهٔ فراملی** ارزیابی می‌شود.

منابع و پیوندهای اسناد

- پیام بیت‌العدل اعظم ۱ آوریل ۱۹۶۴ (آغاز نقشهٔ ۹ ساله)
- مکاتبات محفل ملی ایران و پروفسور حکیم دربارهٔ آموزشگاه بهیاری میثاقیه
- گزارش کیهان ۱۵ آبان ۱۳۵۰ دربارهٔ جایزهٔ یک‌میلیون‌تومانی آموزشگاه بهیاری میثاقیه
- لینک جامع اسناد و تصاویر: https://www.hassanershad.com/9982

این مقاله را می‌توان به‌عنوان **فصل تکمیلی برای پروندهٔ شرکت اُمَناء** در مجموعهٔ «شبکهٔ مالی–سازمانی بیت‌العدل در ایران» منتشر کرد تا پیوند میان بهداشت، اقتصاد و سیاست فراملی در پروژهٔ بهایی‌سازی به روشنی مستند گردد.

متن پیام :

The Universal House of Justice

Department of the Secretariat

June 1979 ۱۵

To all National Spiritual Assemblies

,Dear Bahá’í Friends

Further to the letter of the House of Justice to you of May 23rd, the situation in Persia continues to be a cause for deep concern and the friends and Holy Places in the country are in serious danger. We have been directed by the House of Justice to inform you of the .following developments in the Cradle of our Faith

1. An order has been issued by the authorities requiring the Umaná Company to cease functioning under its Bahá’í manager and to operate henceforth under a new non-Bahá’í management. This company holds on behalf of the Bahá’í community all the properties of the Faith, including the Holy Places. This step is ominous in its implications as it forebodes total confiscation of all our properties, including Bahá’í cemeteries. A similar step has been taken in respect to the Bahá’í hospital in Tehran, known as the Míthráqíyyih Hospital.

1. As a result of the recent disturbances, local revolutionary committees in Iran have instigated, in rural areas, the looting of the homes of several hundred Bahá’í families and the deprivation of their means of livelihood. Although a partial restitution of these properties has taken place, adequate compensation for the losses sustained by the Bahá’ís has yet to be made.

1. Efforts are made to silence the religious conscience of the Bahá’ís, as they are threatened with dismissal from their jobs and loss of their retirement allowances if they refuse to recant their Faith.

1. Shirkat-i-Nawnahálán, a commercial company of sixty years’ standing, in which over 15,000 Bahá’ís have shares and investments, is occupied, its assets frozen, and

its staff prevented from work, and denied their salaries. This action contradicts public proclamations of the new regime as well as accepted international standards.

1. The proposed drafts of the new constitution as published in the press recognize three religious minorities but omit mention of the Bahá'ís, in spite of the fact that they are the largest religious minority in the country.

1. The true aims and principles of the Faith are being maliciously misrepresented by a group of fanatical Shí'ah fundamentalists, established over twenty years ago, and one of whose chief aims has been and is to harass the Bahá'í community in Iran. This group is presently spreading false allegations against the Bahá'ís, unjustly accusing them of being enemies of Islam, agents of Zionism and political tools of the previous regime. Such allegations have aroused the passions of uninformed mobs, and created misunderstandings with the authorities. As the Bahá'ís are not a recognized entity in Iran, they have no opportunity to deny or disprove these false accusations.…

ترجمه :

بیت العدل اعظم
دبیرخانه

۱۵ ژوئن ۱۹۷۹ میلادی / ۲۵ خرداد ۱۳۵۸ شمسی

به تمام محافل روحانی ملی

دوستان بهائی عزیز،

پیرو نامهٔ مورخ ۲۳ مه (۲ خرداد ۱۳۵۸) بیت العدل به شما، اوضاع در ایران همچنان موجب نگرانی عمیق است و دوستان و اماکن مقدس در آن کشور در خطر جدی قرار دارند. به دستور بیت العدل مأمور شده‌ایم تحولات زیر را در «مهد امر ما» به آگاهی شما برسانیم:

۱. از سوی مقامات حکمی صادر شده که بر اساس آن شرکت امناء باید فعالیت خود را تحت مدیریت بهائی متوقف کرده و از این پس تحت مدیریت تازه‌ای که غیر بهائی است عمل نماید. این شرکت به نمایندگی از جامعهٔ بهائی مالک همهٔ املاک و دارایی‌های امر، از جمله اماکن مقدس است. این اقدام، به سبب پیامدهایش شوم است، زیرا

نشانهٔ مصادرهٔ کامل همهٔ اموال ما، از جمله قبرستان‌های بهائی، می‌باشد. اقدام مشابهی نیز دربارهٔ بیمارستان بهائی در تهران، موسوم به بیمارستان میثاقیه، انجام گرفته است.

۲. در نتیجهٔ آشوب‌های اخیر، کمیته‌های انقلابی محلی در ایران در مناطق روستایی به غارت خانه‌های چند صد خانوادهٔ بهائی و محروم ساختن آنان از وسایل معیشت دست زده‌اند. هرچند بخشی از این اموال بازگردانده شده است، ولی هنوز غرامت کافی برای خسارت‌های وارده به بهائیان پرداخت نگردیده است.

۳. برای خاموش ساختن وجدان دینی بهائیان تلاش می‌شود، به طوری که به آنان تهدید می‌شود در صورتی که از ایمان خود برنگردند از مشاغلشان اخراج خواهند شد و حقوق بازنشستگی خود را از دست خواهند داد.

۴. شرکت سهامی نونهالان، مؤسسهٔ تجاری با شصت سال سابقه که بیش از پانزده هزار بهائی در آن سهام و سرمایه دارند، اشغال شده، دارایی‌هایش مسدود گردیده و کارکنانش از کار بازمانده و از دریافت حقوق خود محروم گشته‌اند. این اقدام با اعلامیه‌های عمومی رژیم جدید و همچنین با معیارهای پذیرفتهٔ بین‌المللی در تضاد است.

۵. پیش‌نویس‌های قانون اساسی جدید که در مطبوعات منتشر شده است، سه اقلیت دینی را به رسمیت می‌شناسد، اما نامی از بهائیان نمی‌برد، با وجود آن که آنان بزرگ‌ترین اقلیت دینی کشور هستند.

۶. اهداف و اصول واقعی این دیانت به‌طور مغرضانه از سوی گروهی از بنیادگرایان متعصب شیعه که بیش از بیست سال پیش تأسیس شده و یکی از مقاصد اصلی‌اش آزار جامعهٔ بهائی در ایران بوده و هست، تحریف می‌شود. این گروه در حال حاضر تهمت‌های دروغینی علیه بهائیان پراکنده می‌سازد و آنان را به دشمنی با اسلام، جاسوسی برای صهیونیسم و ابزار سیاسی رژیم گذشته متهم می‌کند. این اتهامات احساسات توده‌های ناآگاه را برانگیخته و موجب سوءتفاهم با مقامات گردیده است. و چون بهائیان در ایران موجودیتی به رسمیت شناخته‌شده ندارند، هیچ فرصتی برای رد یا ابطال این اتهامات در اختیارشان نیست.

کتاب خاطرات خلیل شهیدی نقد و بررسی

بررسی کتاب خاطرات خلیل شهیدی خادم برجسته عبد البهاء

- بررسی اعتبار کتاب خاطرات خلیل شهیدی توضیحی مستند پیرامون نظان ممیزی و سانسور منابع بهایی در نظام اداری و حزب بهایی فهرستی مختصر از مطالبی که طی جلسات آتی از این کتاب بیان خواهد گردید توضیحی پیرامون حکم دروغ و تقیه در بهائیت

- عبد البهاء از سال ۱۸۶۹ از بدو ورود به عکاء در سن ۲۶ سالگی تا سال ۱۹۲۱ سه روز قبل از صعودش هم امام جمعاعت مساجد جامع حیفا موسوم به جامع جزار بود هم عامل نفوذ در میان رهبران مسلمان جهت پیشبرد امر بشکل ناجوانمردانه تا جایی که عموم جامعه نمی دانستند وی مسلمان نیست و معتقد است اسلام نسخ شده است.

- بررسی اسناد اعترافات میرزا ابو الفضل گلپایگانی خطاب به عبد البهاء مبنی بر اینکه اگر تو بگویی مظاهر ظهور بر باطل بودند من می پذیرم هزار چهره گی عبد البهاء : خود را در برابر مبلغین مسیحی مسلمان جازدن وختنه شدن وی عبد البهاء در برابر مامورین عثمانی وضو گرفته و نماز به شرع اسلام می خواند

نکات برجسته از کتاب خاطرات خلیل شهیدی :

- خاطرات خلیل شهیدی در کتابش با بررسی اسنادیکه حاکی بر عمل نکردن عبد البهاء نسبت به تعالیم دارد سخت گیری بر چهره ظاهری افراد و پفیوز خواندن کسانی که سبیلشان را تاب می دهند دخالت در روابط زن و شوهر و روحیه مرد سالاری و زن ستیزی عبد البهاء توهین به سیاه پوستان و برتر دانستن بهائیان جنایتکار و بد بد به معرضیین خوب خوب غیر بهایی توصیه به فرار از سربازی توسط عبد البهاء و پنهان کردن افراد سرباز فراری و خیانت به وطن

- اعتقاد عبد البهاء و افرادی مانند مشکین قلم به جادو و جنبل عبد البهاء گوشتخوار بود به همراه تذکری به گیاه خواران بهایی مانند بابک شادابی آیا کرامت سازی برای ورقه علیا دست ایشان کار دستگاه سونوگرافی را می کرد ؟؟

- کرامت سازی از عبد البهاء با مالیدن تف به چشم فردی وی بیماری چشمش درست شد عبد البهاء از باب نقل می کند اگر دو سوم مالت را صرف شیرینی بکنی اسراف نکردی آیا این موجب دیابت نمی شود ؟؟/ اظهار نظرات غیر کارشناسانه عبد البهاء در مورد عمر طبیعی

- مصاحبه با یکی از محققین جوان از اصفهان پیرامون یکی از نوه های بهاء الله که شدیدا مدافع حقوق فلسطینیان در برابر بیانیه بالفور بود و مورد غضب عبد البها و شوقی و بهائیان قرار گرفت و عاقبت الامر به سوریه تبعید شد در کتاب خاطرات خلیل شهیدی

بررسی و نقد بهائیت نقد کتاب خلیل شهیدی خادم برجسته عبد البهاء

منبع: https://www.hassanershad.com/569

کتاب خاطرات نه ساله عکا نوشته یونس افروخته – نقد و بررسی

نقد و بررسی کتاب خاطرات نه ساله عکا نوشته دکتر یونس افروخته (جلسه اول)

- بررسی تقیه در بهائیت، حرام بودن تقیه در آموزه های بهاء الله نیست بلکه این اصل از ابداعات شوقی است

نقد و بررسی کتاب خاطرات نه ساله عکا نوشته دکتر یونس افروخته (جلسه دوم)

- بررسی ممنوعیت تبلیغ در حکومت عثمانی برای بهاء الله و فرمان بهاء الله بر مبنای عدم تبلیغ در حکومت عثمانی و عدم تعهد عبد البهاء به این تعهد

نقد و بررسی کتاب خاطرات نه ساله عکا نوشته دکتر یونس افروخته (جلسه سوم)

بررسی اسناد مربوط به مواردی که عبد البهاء خود را مسلمان جلوه می داد و بیرونی منزل خود را که در منظر دیگران بود اختصاص داده بود به قاریان با لحن مصری و ایشان را برای همین منظور استخدام کرده بود و شهریه پرداخت می کرد

بررسی سندی مبتنی بر اینکه برادران چلبی که سه روحانی واعظ و امام جماعت رسمی تایید شده از سوی دولت بودند در ترکیه به فرمان عبد البهاء کتمان عقیده می کردند و مهره های نفوذی وی بودند

- سندی دیگر بر مهره نفوذی ساز زن ناصر الدین شاه و کتمان عقیده وی تا زمان نویسنده کتاب

نقد و بررسی کتاب خاطرات نه ساله عکا نوشته دکتر یونس افروخته (جلسه چهارم)

- علی رغم سخن شوقی مبنی بر اینکه بهائیان حرام است خود را در کسوت مسلمان و مسیحی و یهودی و زرتشتی در آورند پیروان این مکتب در دیدار با عبد البهاء در عکا مردانشان کلاه فینه بر سر قرار می دادند و زنهای بهایی برای شناخته نشدن من باب کتمان عقیده با لباس مسیحیان بومی عکاء به دیدار عبد البهاء می رفتند
- تقیه عبد البهاء و روزه گرفتن به شریعت مسلمین و اقامه برنامه های اسلامی از افطار تا سحر در منزلش ووو
- تشکیل مجلس قرآن در منزل عبد البهاء هنگامی که وی مهمان وی بود تا شک نکنند عبد البهاء معتقد به نسخ قرآن است
- دلیل فرمان عبد البهاء به مبلغین بهایی مبتنی بر اینکه در هر منطقه ای که یک ازلی باشد کار امر در آن منطقه متوقف می شود

ادامه نقد و بررسی کتاب خاطرات نه ساله عکا نوشته دکتر یونس افروخته (جلسه پنجم)

- نماز خواندن عبد البهاء از روی تقیه و کتک زدن ماموران عثمانی
- پاسخ به اشکالات دکتر نادر عطوفی در این موارد
- بررسی اسنادی که روشن می کند مقام عبد البهاء و شوقی تبیین است نه تشریع و تنفیذ و اجرای حدودات
- بررسی اسنادی که نشان می دهد محافل در زمان شوقی و عبد البهاء وظیفه بیت العدل را انجام می دادند

نقد و بررسی کتاب خاطرات نه ساله عکا نوشته دکتر یونس افروخته (جلسه ششم)

- بررسی صحت و سقم این ادعا :

" اگر دین سبب عداوت شود نتیجه ندارد بی دینی بهتر است " عبد البهاء

موارد اختلافات درون فرقه ای بهائیت (عبد البهاء و محمد علی)

نقد و بررسی کتاب خاطرات نه ساله عکا نوشته دکتر یونس افروخته (جلسه پنجم)

- " اگر دین سبب عداوت شود نتیجه ندارد بی دینی بهتر است " عبد البهاء

موارد اختلافات درون فرقه ای بهائیت = عبد البهاء و محمد علی

نقد و بررسی کتاب خاطرات نه ساله عکا نوشته دکتر یونس افروخته (جلسه ششم)

" اگر دین سبب عداوت شود نتیجه ندارد بی دینی بهتر است " عبد البهاء

موارد اختلافات درون فرقه ای بهائیت = عبد البهاء و محمد علی

- عبد البهاء بخاطر افشای اسرار وصیت نامه بهاء الله موسوم به لوح عهدی در برابر دیدگان همه در کنار روضه جمال مبارک خادم الله کاتب وحی عبد البهاء را با کمک ۱۲ نفر بقصد کشتن می زنند

نقد و بررسی کتاب خاطرات نه ساله عکا نوشته دکتر یونس افروخته (جلسه هفتم)

" اگر دین سبب عداوت شود نتیجه ندارد بی دینی بهتر است " عبد البهاء

موارد اختلافات درون فرقه ای بهائیت = عبد البهاء و محمد علی

- هیچ چیز در عالم ندامت ندارد الا مرض نقض

ذکر نمونه هایی از تحریک عواطف عوام توسط مبلغین در تبلیغ و ایجاد اختلاف در جامعه

نقد و بررسی کتاب خاطرات نه ساله عکا نوشته دکتر یونس افروخته (جلسه هشتم)

" اگر دین سبب عداوت شود نتیجه ندارد بی دینی بهتر است " عبد البهاء

موارد اختلافات درون فرقه ای بهائیت = عبد البهاء و محمد علی

- بررسی اسناد ۹ ماه اختلاف بر سر بیان الله اعظم یا الله ابهی میان بهائیان
- عنوان شکایت و اتهامات علیه عبد البهاء به عثمانی
- ادعای ارتباط مخفی عبد البهاء با شیخ هادی نجم آبادی
- جاسوسی از زنان ازلیان توسط بهاء الله
- جاسوسی مسیحیان به عنوان مترجم در گروه ثابتین

نقد و بررسی کتاب خاطرات نه ساله عکا نوشته دکتر یونس افروخته (جلسه نهم)

" اگر دین سبب عداوت شود نتیجه ندارد بی دینی بهتر است " عبد البهاء

موارد اختلافات درون فرقه ای بهائیت = عبد البهاء و محمد علی

- تکنیکهای جاسوسی توسط ناقضین و ثابتین
- اتهام ناقضین بر عبد البهاء مبتنی بر تهیه تدارک زاغه مهمات در کرمل
- جاسوسی عبد البهاء از ارتش روسیه پیرامون تعداد کشتی های جنگی
- اتهام ارسال نامه های جاسوسی توسط عبد البهاء برای غرب

نقد و بررسی کتاب خاطرات نه ساله عکا نوشته دکتر یونس افروخته (جلسه دهم)

" اگر دین سبب عداوت شود نتیجه ندارد بی دینی بهتر است " عبد البهاء

موارد اختلافات درون فرقه ای بهائیت = عبد البهاء و محمد علی

- اتهامات ناقضین بر ثابتین اعم از جاسوس
- سعایت
- نفوذی ناقضین در بهائیان بیروت
- نمونه ای از سیستم ضد جاسوسی عبد البهاء

نقد و بررسی کتاب خاطرات نه ساله عکا نوشته دکتر یونس افروخته (جلسه یازدهم)

" اگر دین سبب عداوت شود نتیجه ندارد بی دینی بهتر است " عبد البهاء

موارد اختلافات درون فرقه ای بهائیت = عبد البهاء و محمد علی

- حقوق الله یکی از مهمترین عوامل اختلاف بین عبد البهاء و محمد علی دو وصی عبد البهاء بود

نقد و بررسی کتاب خاطرات نه ساله عکا نوشته دکتر یونس افروخته (جلسه یازدهم)

" اگر دین سبب عداوت شود نتیجه ندارد بی دینی بهتر است " عبد البهاء

موارد اختلافات درون فرقه ای بهائیت = عبد البهاء و محمد علی

- حقوق الله یکی از مهمترین عوامل اختلاف بین عبد البهاء و محمد علی دو وصی عبد البهاء بود و بررسی اسنادی که بهاء الله منع می کند تا حقوق الله خرج اقربا یا همان اغصان شود در حالی که عبد البهاء این عمل حرام را انجام می داد

نقد و بررسی کتاب خاطرات نه ساله عکا نوشته دکتر یونس افروخته (جلسه دوازدهم)

" اگر دین سبب عداوت شود نتیجه ندارد بی دینی بهتر است " عبد البهاء

موارد اختلافات درون فرقه ای بهائیت = عبد البهاء و محمد علی

- حقوق الله یکی از مهمترین عوامل اختلاف بین عبد البهاء و محمد علی دو وصی عبد البهاء بود و بررسی اسنادی که بهاء الله منع می کند تا حقوق الله خرج اقربا یا همان اغصان شود در حالی که عبد البهاء این عمل حرام را انجام می داد
- حذف قسمتهایی از اقدس در سایت بهائیان

نقد و بررسی کتاب خاطرات نه ساله عکا نوشته دکتر یونس افروخته (جلسه سیزدهم)

نقد و بررسی کتاب خاطرات نه ساله عکا نوشته دکتر یونس افروخته (جلسه چهاردهم)

نقد و بررسی کتاب خاطرات نه ساله عکا نوشته دکتر یونس افروخته (جلسه پانزدهم)

نقد و بررسی کتاب خاطرات نه ساله عکا نوشته دکتر یونس افروخته (جلسه شانزدهم)

- سانسور کلمات عبد البهاء از مکاتیب پیرامون سالی یک بار حمام رفتن عبد البهاء

کتاب مفاوضات عبدالبهاء – نقد و بررسی

کتاب مفاوضات عبدالبهاء ، در سلسه ویدیوهای زیر کتاب مفاوضات عبدالبهاء از سران فرقه بهاییت در بیست سه جلسه مورد نقد وبررسی قرار گرفته است .عنوان های مطرح شده در این ۲۳ جلسه نقد کتاب مفاوضات عبارتند از :

جلسه اول نقد کتاب مفاوضات نوشته عبد البهاء

مقدمه

جلسه دوم نقد کتاب مفاوضات نوشته عبد البهاء

۱ – بیان نازل براهین متکلمین و فلاسفه

۲ – تناقض در بحث وحدت عالم انسانی

جلسه سوم نقد کتاب مفاوضات نوشته عبد البهاء

۱ـ نگاشتن مفاوضات خلاف اوامر بهاء الله است

۲ـ قسمت حضرت ابراهیم ناقض دلیل تقریر

جلسه چهارم نقد کتاب مفاوضات نوشته عبد البهاء

۱ـ بی اطلاعی از عدم نسخ تورات

۲ـ حضرت عیسی ع ناقض دلیل تقریر

جلسه پنجم نقد کتاب مفاوضات نوشته عبد البهاء

دلیل نبوت حضرت موسی علیه السلام و فقدان دلیل بر مظهریت بهاء الله

جلسه ششم نقد کتاب مفاوضات نوشته عبد البهاء

بیان دو گانه عبدالبهاء پیرامون

جنگهای پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله

ادامه جلسات کتاب مفاوضات نوشته عبد البهاء

جلسه هفتم نقد کتاب مفاوضات نوشته عبد البهاء

ادامه جلسه قبل

جلسه هشتم نقد کتاب مفاوضات نوشته عبد البهاء

بیان دو گانه مبلغان بهایی پیرامون:

۱- نوع برخورد با اقلیتها
۲- مباحثی چون شق القمر

جلسه نهم نقد کتاب مفاوضات نوشته عبد البهاء

دلائل اثبات رسالت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله

جلسه دهم نقد کتاب مفاوضات عبدالبهاء

ادعای امی بودن رب اعلی (جناب باب) متن مورد نقد قرار گرفته :

◆ حضرت اعلی ، باب
امّا حضرت اعلی روحی له الفدا در سنّ جوانی یعنی بیست و پنج سال از عمر مبارک گذشته بود که قیام بر امر فرمودند . و در میان طائفه شیعیان عموماً مسلّم است که ابداً حضرت در هیچ مدرسه ای تحصیل نفرمودند و نزد کسی اکتساب علوم نکردند و جمیع اهل شیراز گواهی میدهند ◆

متن برگرفته از کتاب مفاوضات ص ۱۹ و ۲۰

جلسه یازدهم نقد کتاب مفاوضات نوشته عبد البهاء

بررسی بیان دو گانه عبد البهاء پیرامون اینکه آیا شریعت باب متمدنانه بود یا متحجرانه

جلسه دوازدهم نقد کتاب مفاوضات عبدالبهاء

بهاء الله قطعا من یظهره الله نیست.

جلسه سیزدهم نقد کتاب مفاوضات نوشته عبد البهاء

ایمان بهاء الله به باب و آموزه های باب یعنی ایمان به تروریست

جلسه چهاردهم نقد کتاب مفاوضات نوشته عبد البهاء

امی نبودن بهاء الله

جلسه پانزدهم نقد کتاب مفاوضات نوشته عبد البهاء

ادامه امی نبودن بهاء الله

جلسه شانزدهم نقد کتاب مفاوضات نوشته عبد البهاء

عدم شفافیت و تقیه در بهائیت

بررسی اسناد تملک سجن اکبر (سیاه چال) تهران توسط لابی گری های حبیب ثابت پاسال به بهانه جامعه سازی به فرمان مستقیم شوقی

جلسه هفدهم نقد کتاب مفاوضات نوشته عبد البهاء

عدم انحصاری معجزات در کلام

جلسه هجدهم نقد کتاب مفاوضات عبدالبهاء

از همان ابتدایی بابی بودن بهاء الله

جلسه نوزدهم نقد کتاب مفاوضات نوشته عبد البهاء

اغلاط ادبی کتاب ایقان

جلسه بیستم نقد کتاب مفاوضات نوشته عبد البهاء

بیان بیش از ۴۰ فقره از ۴۰۰ مورد اغلاط کتاب ایقان

جلسه بیست و یکم نقد کتاب مفاوضات نوشته عبد البهاء

بیان تناقض در موازین ادراک :

آیا عقل و نقل میزان معرف تام هست یا خیر ؟

جلسه بیست و دوم نقد کتاب مفاوضات نوشته عبد البهاء

مواعید کتاب دانیال بر حضرت مسیح علیه السلام

جلسه بیست و سوم نقد کتاب مفاوضات نوشته عبد البهاء

بررسی ادعای تطبیق سخنان دانیال بر باب و اثبات عدم تطبیق بر آن

کشف الغطاء میرزا ابوالفضل گلپایگانی – نقد و تحلیل

کشف الغطاء میرزا ابوالفضل گلپایگانی

نقد و بررسی این کتاب به صورت کامل در ۱۴ برنامه ویدیویی توسط حسن ارشاد به فهرست زیر قابل مشاهده است:

جلسه اول نقد و بررسی کتاب کشف الغطاء

شرح حال میرزا ابو الفضل گلپایگانی جلسه

جلسه دوم نقد و بررسی کتاب کشف الغطاء

بررسی شخصیت میرزا ابو الفضل گلپایگانی

جللسه سوم نقد و بررسی کتاب کشف الغطاء

بررسی یکی از دلائلی که وی به باور خود پشت کرد

ادامه جلسات نقد کتاب کشف الغطاء میرزا ابوالفضل گلپایگانی

جلسه چهارم نقد و بررسی کتاب کشف الغطاء

بررسی یکی از دلائلی که وی به باور خودپشت کرد : اقوی دلیل انحصار آیات در کلمات است یا پیش بینی آینده ؟

جلسه پنجم نقد و بررسی کتاب کشف الغطاء

تحلیل مذاکره گلپایگانی و کامران میرزا پیرامون سه جنگ طایفه بابی

جلسه ششم نقد و بررسی کتاب کشف الغطاء

بهائیان مدعی اند که آخوند ندارند در حالی که ابو الفضائل آخوند بهایی بود – بررسی اسناد این ادعا

جلسه هفتم نقد و بررسی کتاب کشف الغطاء

برخورد دو گانه گلپایگانی با ازلیان بر مبنای منافع تشکیلات

جلسه هشتم نقد و بررسی کتاب کشف الغطاء

برخورد دو گانه با مسئله خواب و چالش خیر الله در آمریکا

جلسه نهم نقد و بررسی کتاب کشف الغطاء

تقیه و پنهان کاری شدید

کنکاشی در پیام بیت العدل خطاب به مکتوب سؤالاتی پیرامون تمشیت امور جامعه بهائی در ایران ۷ دسامبر ۲۰۱۵

به طور کلی برای مشخص شدن نحوه‌ی عملکرد یک مجموعه، چند روش می‌توان در پیش گرفت. در یک روش می‌توان ابتدا جایگاه و وظایف آن مجموعه را در نظر گرفت و سپس بر اساس اقداماتی که انجام نشده و به اصطلاح روی زمین مانده، میزان کارآیی آن را سنجید. احاطه‌ی لازم و کافی بر شرح خدمات و وظایف آن نهاد از پیش شرطهای انجام این نوع بررسی است. در این روش ممکن است همواره شبهه‌ی برداشت‌ها و قضاوت‌های شخصی مطرح باشد.

اما روش دیگری نیز وجود دارد که راه را بر هر گونه برداشت شخصی و شبهاتی از این دست برخواهد بست و آن عبارت است از استناد به بازخوردهای سیستم. این بار در بررسی کاستی‌ها، کمکاری‌های و قصورات بیت العدل باد موافق وزید و شاهد از غیب رسید و پیام ۱۸ آذر ۱۳۹۴ بیت العدل، مصداقی تمام عیار از قاعده‌ی عقلانی إقرار العقلاء علی أنفسهم جائز گردید. آن قدر این پیام از شفافیت و صداقت لازم و کافی در اثبات ناتوانی و ناکارآمدی بیت العدل برخوردار است که تحلیل آن تقریباً بی‌نیاز از دانستن مطالب امر بهائی است! کافیست تنها این وظیفه‌ی اصلی و اساسی بیت العدل یعنی تشریع و صدور احکام شرعی در موارد غیرمنصوص مد نظر قرار داده شود تا مشخص گردد چگونه بیت العدل اعظم در جدیدترین پیام خود به عیان بر کوس ناتوانی کوفته و عجز خویش را در انجام وظایف ذاتی‌اش شهره‌ی آفاق نموده! در این تحلیل فرض بر آن است که هر آن چه بیت العدل از تاریخ و عدد در پیام خود ذکر نموده، قرین با صحت باشد و فرض بر صداقت گذاشته می‌شود.

و اما وظیفه‌ی ذاتی بیت العدل چیست؟

تشریع و صدور احکام شرعی! **سوالی در خصوص مسائل شرعی برای یک بهائی پیش آمده و نامه‌ای به بیت العدل اعظم راجع گردیده، لکن پس از ۳۲ روز به دلیل عدم دریافت پاسخ، مجددا مکتوب دیگری ارسال می‌گردد. پس از گذشت ۳۰۰ روز از ارجاع نامه‌ی اول و ۲۶۸ روز ارسال دومین استفتاء، سرانجام پاسخی منتشر می‌گردد! پاسخ چیست؟**

از اطرافیان خود سوال کنید!!! عقل آدمی حیران می‌گردد اندر تلاش بی‌وقفه‌ی بیت العدل اعظم در طول مدت ۳۰۰ روزی که صرف تهیه چنین پاسخ شگرفی گردیده است! آیا به راستی بیت‌العدل اعظم بهائیان و اغنام الله را چه فرض کرده است!؟

آیا به ذهن یک بهائی نمی‌رسد که از اطرافیان خود سوال کند!؟

بی‌شک این پاسخ پیش از آن که بخواهد ناکارآمدی بیت العدل را به چالش بکشد، توهینی آشکار به فهم و شعور بهائیان محسوب می‌گردد. آیا صدور فتوای سوال از اطرافیان، ۳۰۰ روز نیاز به تفقه و جهد و کوشش دارد!؟

آیا برای رسیدن به چنین پاسخی بایستی الهامات الهیه ۳۰۰ روز به بیت العدل متصل گردد تا شاید چرخی بچرخد و چنین پاسخی برآید! اگر بهائیت و الهامات الهی متصل به بیت‌العدل اعظم بخواهند برای صدور پاسخی این چنینی به یک نفر ۳۰۰ روز به کار گرفته شوند، در این صورت برای پاسخ به انبوه سوالات بشری چه میزان بایستی

منتظر ماند!؟

اعتراف دیگری بیت العدل اعظم در این مکتوب به ثبت رسانیده که اثبات می‌کند نه تنها ارائه‌ی چنین پاسخ‌های شگرف و به‌هنگامی شیوه‌ی همیشگی مردان قانون‌گذار بهائیت بوده، بلکه ظلمت، جهل و تاریکی را از ویژگی‌های بهائیت در دوران کنونی برمی‌شمارد. کافیست این جمله اندکی مورد مداقه قرار گیرد: "آنچه باید مورد توجه خاص قرار گیرد آنست که با وجود روشن نبودن جزئیات در بسیاری از امور برای آحاد احبّاء در این ایام یکی از اساسی ترین مسئولیّت های دوستان حضرت رحمان آنست که از انتقاد و یا تجزیه و تحلیل رفتار همدیگر بپرهیزنند...". توجه و تذکر به عبارت "با وجود روشن نبودن جزئیات در بسیاری از امور برای آحاد احبّاء" نتایج زیر را عاید می‌گرداند: قطع یقین اگر بیت‌العدل اعظم به وظایف ذاتی و اصلی خود قیام می‌نمود، در شرایط فعلی دیگر نبایستی جزئیات بسیار زیادی بر عموم بهائیان پوشیده باشد و ایشان بلاتکلیف بمانند! سوال این است که مگر کار بیت العدل چیست؟

آیا بیت‌العدل اعظم نبایستی این جزئیات را تعیین و شریع می‌نمود!؟

چرا آحاد و عموم بهائیان نبایستی از جزئیات امور خود مطلع باشند!؟

آیا می‌توان در تاریکی زیست؟

روشن نبودن مسائل یعنی حرکت در تاریکی!!! این کدام دین و آئین الهی است که مردم را در تاریکی و ظلمت و جهل قرار می‌دهد!؟

و آن کدام خداست که جهل را بپسندد و راضی باشد به حرکت در تاریکی و نادانی!؟

از سوی دیگر اگر بیت‌العدل در طول عمر خود به وظایف ذاتی خویش عمل می‌نمود، لازم نبود امروز اعتراف نماید که جزئیات در بسیاری از امور برای آحاد احباء روشن نیست! چه کسی بایست روشن کند و چه کسانی پیش از این می‌بایست روشن می‌کردند!؟

این نیست مگر کم‌کاری و قصور و تقصیر و گناه بالاترین مرجع امر در بهائیت! بیت‌العدل تا کنون از انجام وظایف ذاتی خویش در قبال چنین جمعی خرد و اندکی عاجز مانده، بی‌شک نمی‌توان حتی تصور نمود که بتواند ادعایی برای بشریت داشته باشد! شمعی روشن کن! چراغی بیافروز! نشاید در تاریکی گام نهادن!

منبع: https://www.hassanershad.com/1151

کودتای اعضای سازمان امنیتی ایادیان شوقی علیه شوقی در راستای خدمت مستقیم به شبکه سازی جهانی موساد

عناوین :

۱ – وظیفه ذاتی نهاد جاسوسی تحت اشراف شوقی ایجاد و توسعه و پایدار کردن (توسعه و تحکیم) شبکه بود از ۳۵ نقطه از سال ۱۸۴۴ الی ۱۹۵۳ به بهانه نقشه دهه ده ساله شوقی در سال ۱۹۶۳ به ۱۱۲۱۰ کانون در سطح جهانی در کلیه کشورها رسید

۲ – همزمانی تاسیس موساد و شکل گیری نهاد امنیتی و جاسوسی در سطح بین المللی ایادیان امر

۳ – حوزه جاسوسی هر ایادی امر بر مبنای قاره و کشور (شش نفر مختص ایران)

۴ – تاسیس شورا بین الملل بهایی (حالت جنینی بیت العدل) بسال ۱۹۵۱ هم زمان با تاسیس موساد (وظیفه : مدیرین محافل

۵ – توسعه نهاد امنیتی تشکیلات بهایی و تاسیس زیر مجموعه اش تحت عنوان " هیئت معاونت "

۶ – کودتای نهاد امنیتی (ایادیان امر) و کسب قیادت و تسلط بر کل شبکه

۷ ـمرگ ناگهانی شوقی و بدون وصیت غیر قابل باور و نا ممکن (ادعای فقدان وصیت صلاحیت اصل رهبری شوقی را زیر سوال می برد)

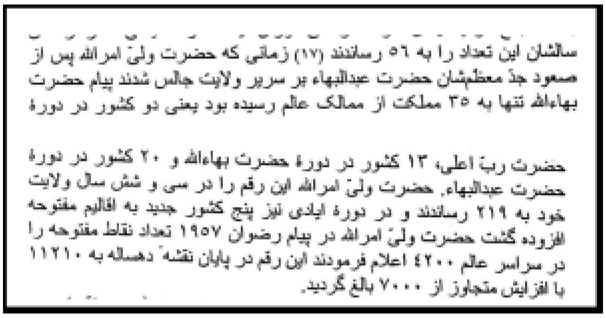
۸ – شیوه ناجوانمردانه بر خورد با رئیس شورای بین الملل بهایی (میسن ریمی)

فیلم نقد :

۱ – وظیفه ذاتی نهاد جاسوسی تحت اشراف شوقی ایجاد شبکه بود از ۳۵ نقطه از سال ۱۸۴۴ الی ۱۹۵۳ به بهانه نقشه دهه ده ساله شوقی در سال ۱۹۶۳ به ۱۱۲۱۰ کانون در سطح جهانی در کلیه کشورها رسید

در سال ۱۹۴۸ پس از سیطره اسرائیل بر فلسطین بلافاصله بسال ۱۹۵۱ موساد توسط بن گوریون تاسیس گردید این نهاد اطلاعاتی بین المللی وظیفه اش تقابل با هر آنچه در جهان منافع حاکمیت اسرائیل را به خطر می اندازد بود لذا این حاکمان برای تقابل با دشمنانشان و در عین حال استفاده از تجربیات مکانیزم اشغال فلسطین طی شش دهه قبل از ۱۹۴۸ که محور آن خرید زمین و بر مبنای آن ایجاد پایگاهای صهیونیستی و در نهاد اشغال سرزمین که در این راستا محور این اقدام بهاء الله و عبد البهاء و شوقی بودند می توانید به شکل مستند به **لینک مراجعه** کنید

لذا برای ابتدا پروژه نیل تا فرات و سپس اقدامات بعدی حاکمان اسرائیل نیاز به شبکه مخصوصا در کشورهای همسایه و اسلامی و بعد سایر نقاط جهان داشتند لذا بلافاصله پس از تشکیل موساد بسال ۱۹۵۱ (لینک) عملا شوقی بزرگترین شبکه را در سطح جهان طی نقشه ده ساله ایجاد کرد چنانچه همسر وی می گوید :



سالشان این تعداد را به ٥٦ رساندند (١٧) زمانی که حضرت ولیّ امرالله پس از صعود جدّ معظمشان حضرت عبدالبهاء بر سریر ولایت جالس شدند پیام حضرت بهاءالله تنها به ٣٥ مملکت از ممالک عالم رسیده بود یعنی دو کشور در دورهٔ

حضرت ربّ اعلی، ١٣ کشور در دورهٔ حضرت بهاءالله و ٢٠ کشور در دورهٔ حضرت عبدالبهاء. حضرت ولیّ امرالله این رقم را در سی و شش سال ولایت خود به ٢١٩ رساندند و در دورهٔ ایادی نیز پنج کشور جدید به اقالیم مفتوحه افزوده گشت حضرت ولیّ امرالله در پیام رضوان ١٩٥٧ تعداد نقاط مفتوحه را در سراسر عالم ٤٢٠٠ اعلام فرمودند این رقم در پایان نقشهٔ دهساله به ١١٢١٠ با افزایش متجاوز از ٧٠٠٠ بالغ گردید.

حجم شبکه سازی شوقی طی نقشه ده ساله که در نیمه نقشه صعود کردند نشان از غیر قابل باور بودن این نکته دارد که چگونه از ۲۰ نقطه در کشورها زمان عبد البهاء وی در ۴۲۰۰ نقطه از کشور طی ۴ سال فتح نموده است با چه امکانات لجستیکی می توان به این هدف رسید ؟ غیر از حمایت اسرائیل و موساد ؟ شگفت انگیز تر آنکه این شبکه سازی توسط نهاد امنیتی تشکیلات بهایی (ایادیان امر طی شش سال باقی مانده زمان نقشه ده ساله به عدد ۱۱۲۱۰ رسید

به عبارتی این عدد ۱۱۲۱۰ نقطه از سال تاسیس موساد به سال ۱۹۵۱ تا سال ۱۹۶۳ تمام ریل گذاریش توسط تشکیلات بهایی به مرکزیت اسرائیل و ارسال داده ها از ۱۱۲۱۰ نقطه به اسرائیل (موساد) بزرگترین دست آورد این شبکه جاسوسی فرامنطقه ای محسوب می شود

کتاب دوران قیادت حارسان امر الله ۱۹۵۷ – ۱۹۶۳ نویسنده : روحیه ماکسول همسر شوقی افندی ص ۴۰

۲ – همزمانی تاسیس موساد و شکل گیری نهاد امنیتی و جاسوسی در سطح بین المللی ایادیان امر

نکته مهم شروع این حرکت عظیم و شبکه سازی در سطح جهانی که از سال ۱۹۵۳ شروع و تا سال ۱۹۶۳ ۱۱۲۱۰ نقطه فتح گردید پس از تاسیس موساد بود و قطعا یک چنین شبکه ای برای هر نهاد جاسوسی ذی قیمت می باشدبا توجه به محوریت و فرماندهی شوقی بر ایجاد و توسعه این شبکه غیر قابل باور خواهد بود که حتی یک قدم بدون اجازه و مشورت نهاد حاکمیتی موساد برداشته باشد اما با توجه به سر شبکه مجریان این طرح عظیم جاسوسی بین المللی که ایادیان امر (موسسه فخیمه ایادیان امر) باشند اقدامات این ساختار امنیتی بر سه محور استوار بود

الف) ایجاد و توسعه شبکه

ب) داده محور از نقاط کشور مورد تجاوز قرار گرفته شده به اسرائیل

ج) طراحی بر مبنای داده ها در راستای ایجاد حکومت موازی و در نهایت اسرائلیزه شدن نقاط هدف

تاسیس این شبکه بلافاصله پس از تشکیل موساد توسط شوقی اعلام شد و تاریخ اعلام تاسیس پس از سی سال زعامت شوقی (۱۹۲۱) واقعا قابل تامل است زیرا ا اگر هدف تبلیغ و توسعه باور بهایی با تحرکات تبشیری می بود چرا طی سه دهه اقدام جدی شکل نگرفت پر واضح است علی رغم تسلط بریتانیا بر فلسطین اما شوقی در برابر دیدگان اعراب فلسطینی بومی برای اقدامات عمیق دستش باز نبود اما پس از سرکوب فلسطینیان و آوار شدن هم وطنان شوقی بسال ۱۹۵۱ به بعد در کمال وقاحت شوقی به شکل علنی هم زمان با تاسیس موساد اقدامات خود را با معرفی اعضای ایادیان امر الله آغاز کرد

در همین راستا روحیه ماکسول می گوید :

ایادی امرالله که از طرف حضرت ولیّ امرالله باین سمت منصوب شدند:
گروه اوّل که در ۲٤ دسامبر ۱۹۵۱ اعلام شد(۲)

	تاریخ تولد	تاریخ وفات
دوروتی بیکر	۲۱ دسامبر ۱۸۹۸	۱۰ ژانویه ۱۹۵٤
امیلیا کالینز	۷ ژوئن ۱۸۷۳	۱ ژانویه ۱۹٦۲
علی اکبر فروتن	۲۹ آپریل ۱۹۰۵ (۳)	
یوگو جیاکری	۱۳ مه ۱۸۹٦	٥ ژوئیه ۱۹۸۹
هرمان گروسمن	۱٦ فوریه ۱۸۹۹	۷ ژوئیه ۱۹٦۸
هوراس هولی	۷ آوریل ۱۸۸۷	۱۲ژوئیه ۱۹٦۰
لروی آیواس	۱٥ فوریه ۱۸۹٦	۲۲ ژوئیه ۱۹٦٥
ویلیام سادرلند مکسول	۱٤ نوامبر ۱۸۷٤	۲٥ مارس ۱۹٥۲
چارلز میسن ریمی	۱٥ مه ۱۸۷٤	٤ فوریه ۱۹۷٤
طراز الله سمندری	۱۸۷٤	۲ سپتامبر ۱۹٦۸
جرج تاونزند	۱٤ ژوئن ۱۸۷٦	۲٥ مارس ۱۹٥۷
ولیّ الله ورقا	۱۸۸٤	۱۲ نوامبر ۱۹٥٥

اسامی اشخاصی که از طرف شوقی به سمت رسمی مسئولیت نهاد اطلاعات و عملیات در سطح جهانی انتخاب گردیدند (گروه اول)

تذکر :

دقیقا این افراد همزمان با تشکیل موساد توسط بن گورین بواسطه شوقی انتخاب گردیدند

کتاب دوران قیادت حارسان امر الله ۱۹۵۷ – ۱۹۶۳ نویسنده : روحیه ماکسول همسر شوقی افندی ص ۲۲

گروه دوّم که در ۲۹ فوریه ۱۹۵۲ اعلام شد (۱)

شعاع الله علائی	١٦ نوامبر ١٨٨٩	١٦ نوامبر ١٩٨٤
موسی بنانی	١٨٨٦	٤ سپتامبر ١٩٧١
کلارا دان	١٢ مه ١٨٦٩	١٨ نوامبر ١٩٦٠
ذکر الله خادم	١٩٠٤	١٣ نوامبر ١٩٨٦
ادلبرت مولشلگل	١٦ ژوئن ١٨٩٧	٢٩ژوئیه ١٩٨٠
زیگفرد شافلاخر	١٨٧٧	٢٧ ژوئیه ١٩٥٣
کورین ترو	١ نوامبر ١٨٦١	٣ آوریل ١٩٦١

روحیه ماکسول همسر شوقی :

اسامی اشخاصی که از طرف شوقی به سمت رسمی مسئولیت نهاد اطلاعات و عملیات در سطح جهانی انتخاب گردیدند (گروه دوم)

تذکر :

دقیقا این افرادیک سال بعد از تشکیل موساد توسط بن گورین بواسطه شوقی انتخاب گردیدند

کتاب دوران قیادت حارسان امر الله ۱۹۵۷ – ۱۹۶۳ نویسنده : روحیه ماکسول همسر شوقی افندی ص ۲۴

گروه سوم که در اکتبر ١٩٥٧ اعلام شد (٥)

حسن بالیوزی	٧ سپتامبر١٩٠٨	١٢ فوریه ١٩٨٠
ابو القاسم فیضی	١٩٠٦	١٩ نوامبر ١٩٨٠
کالیس فدرستون	١٣ مه ١٩١٣	٢٩سپتامبر ١٩٩٠
جان فرابی	٩ ژانویه ١٩١٤	٥ سپتامبر ١٩٧٣
رحمت‌الله مهاجر	١٩٢٣	٢٩ دسامبر ١٩٧٩
ایناک اولینگا	٢٤ ژوئن ١٩٢٦	١٦ سپتامبر ١٩٧٩
جان روبارتس	٢ نوامبر ١٩٠١	١٨ ژوئن ١٩٩١
ویلیام سیرز	٢٨ مارس ١٩١١	٢٥ مارس ١٩٩٢

روحیه ماکسول همسر شوقی :

اسامی اشخاصی که از طرف شوقی به سمت رسمی مسئولیت نهاد اطلاعات و عملیات در سطح جهانی انتخاب گردیدند (گروه سوم)

تذکر :

زمان انتخاب این افراد ۱۹۵۷ قبل از صعود (مرگ) شوقی صورت پذیرفت

کتاب دوران قیادت حارسان امر الله ۱۹۵۷ – ۱۹۶۳   نویسنده : روحیه ماکسول همسر شوقی افندی ص ۲۴

ایادی امرالله که از طرف حضرت ولی‌امرالله بطور انفرادی به این سمت منصوب شدند:

	تاریخ ابلاغ
امةالبهاء روحیه خانم	
[تولد - ۸ اوت ۱۹۱۰] (۱)	۲۶ مارس ۱۹۵۲
جلال خاضع	
[تولد - ۱۸۹۷ - وفات - ۲۰ - فوریه ۱۹۹۰]	۶ دسامبر ۱۹۵۳
پول هنی	
[تولد – ۲۰ اوت ۱۹۰۹ – وفات – ۳ دسامبر ۱۹۸۲]	۱۹ مارس ۱۹۵۵
علی محمد ورقا	
[تولد - ۱۹۱۱]	۱۵ نوامبر ۱۹۵۵
اگنس الکساندر	
[تولد - ۲۱ ژوئیه ۱۸۷۵ – وفات - ۱ ژانویه ۱۹۷۱]	۲۷ مارس ۱۹۵۷

روحیه ماکسول همسر شوقی :

اسامی اشخاصی که از طرف شوقی بشکل انفرادی مسئولیت اقدامات اطلاعات و امنیت تشکیلات بهایی بر عهده آنها نهاده شد (بشکل ویژه)

تذکر :

چنانچه ملاحظه می شود همسر شوقی دقیقا یک سال پس از تشکیل موساد در زمره افراد برجسته نهاد اطلاعات و امنیت تشکیلات بهایی انتخاب گردید

کتاب دوران قیادت حارسان امر الله ۱۹۵۷ – ۱۹۶۳   نویسنده : روحیه ماکسول همسر شوقی افندی ص ۲۴

در همین راستا ماکسول اعلام می کند که ده نفر از افرادی که عضو ایادیان امر بودند و مخفیانه عمل می نمودند و از دنیا رفته بودند اعلان اسامی آنها هم پس از تاسیس موساد انجام گردید :

افرادی که پس از صعودشان از طرف حضرت ولیّ امرالله (از ۱۹۲۱تا۱۹۵۷) بعنوان ایادی امر معرّفی شده‌اند:

	تاریخ ابلاغ
جان اسلمنت	
[تولد ۱۹مه ۱۸۷٤ـ وفات ۲۲نوامبر ۱۹۲۵]	۳۰ نوامبر ۱۹۲۵
حاجی ابوالحسن امین، امین حقوق الله	
[تولد ؟ ـ وفات ـ ۲۷مه ۱۹۲۸]	ژوئیه ۱۹۲۸
کیت رانسوم کهلر	
[تولد ـ ۱٤ فوریه ۱۸۷٦ـ وفات ـ ۲۳ اکتبر ۱۹۳۳]	۲۸ اکتبر ۱۹۳۳
مارتا روت	
[تولد ـ ۱۰ اوت ۱۸۷۲ ـ وفات ـ ۲۸ سپتامبر ۱۹۳۹]	۲ اکتبر۱۹۳۹
عبدالجلیل بای سعد	
[تولد ـ ؟ وفات ـ ۲۵ ژوئن ۱۹٤۲]	۲۵ ژوئن ۱۹٤۲
سیّد مصطفی رومی	
[تولد ـ ؟ وفات ـ ۱۳ مارس ۱۹٤۲]	۱٤ژوئیه ۱۹٤۲
محمّد تقی اصفهانی	
[تولد ـ ؟ وفات ـ ۱۳ دسامبر ۱۹٤٦]	۱۵دسامبر ۱۹٤٦
لونی گریگوری	
[تولد ـ ٦ ژوئن ۱۸۷٤ وفات ـ ۳۰ ژوئیه ۱۹۵۱]	۵ اوت ۱۹۵۱
روی ویلهلم	
[تولد ـ ۱۷ سپتامبر۱۸۷۵وفات ـ ۲۰ دسامبر ۱۹۵۱]	۲۳ دسامبر ۱۹۵۱
جان هنری هاید دان	
[تولد ـ ۵ مارس ۱۸۵۵ وفات ـ ۱۷ فوریه ۱۹٤۱]	۲٦ آوریل ۱۹۵۲

روحیه ماکسول همسر شوقی :

اسامی اشخاصی که به شکل سری از اعضای ساختار اطلاعاتی تشکیلات بهایی زیر نظر شوقی فعالیت می کردند اما پس از مرگشان نام آنها فاش گردید

کتاب دوران قیادت حارسان امر الله ۱۹۵۷ – ۱۹۶۳ نویسنده : روحیه ماکسول همسر شوقی افندی ص ۲۳

۳ – حوزه جاسوسی هر ایادی امر بر مبنای قاره و کشور (شش نفر مختص ایران)

در سند زیر حوزه مسئولیت هر یک از اعضای امنیتی تشکیلات بهایی که در آن محدوده جغرافیایی مسئولیت ایجاد شبکه را دارند را ملاحظه می کنید دقت شود که از این تعداد فقط شش نفر مسئول اطلاعات و عملیات در حوزه ایران می باشند

بترتیب نزولی سن عبارت بودند از: کورین ترو ۹٦، کلارا دان در استرالیا ۸۷، امیلیا کالینز در ارض اقدس، طرازالله سمندری در ایران، میسن ریمی در ارض اقدس، اگنز الکساندر در ژاپون، موسی بنانی در افریقا، هوراس هولی در امریکا، شعاع‌الله علائی در ایران، لروی ایواس در ارض اقدس، یوگو جیاکری
در ایطالیا، جلال خاضع در ایران، ادلبرت مولشلگل در آلمان، جان روبارتس در افریقا، ذکرالله خادم در ایران، علی‌اکبر فروتن در ایران، ابوالقاسم فیضی در عربستان، حسن بالیوزی در انگلستان، پول هنی در امریکا، امة البهاء روحیّه خانم در ارض اقدس، علیمحمّد ورقا در ایران، ویلیام سیرز در امریکا، کالیس فدرستون در استرالیا، جان فرابی در انگلستان، رحمت‌الله مهاجر در اندونزی، ایناک اولینگا در افریقا. در بین ایادی رجال ۵ تن عنوان دکترا داشتند که ۲

اسامی مسئولین اطلاعات و امنیت تشکیلات بهایی و حوزه جاسوسی ایشان :

حضرات آیادی بترتیب نزولی سن عبارت بودند :از کورین ترو ،۹۶ ، کلارا دان در استرالیا ۸۷ امیلیا کالینز در ارض اقدس طراز الله سمندری در ،ایران میسن ریمی در ارض اقدس اگنز الکساندر در ،ژاپون موسی بنانی در ،افریقا، هوراس هولی در آمریکا، شعاع الله علانی در ،ایران لروی ایواس در ارض اقدس، یوگو جیاگری

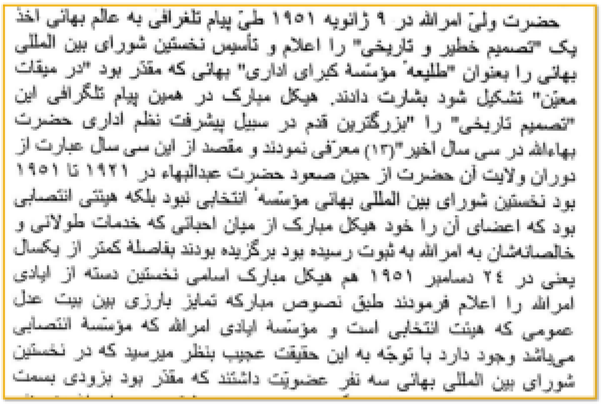
۲۷

در ایطالیا، جلال خاضع در ایران ادلبرت مولشلگل در آلمان، جان روبارتس در افریقا، ذکر الله خادم در ،ایران علی اکبر فروتن در ،ایران ابوالقاسم فیضی در عربستان، حسن بالیوزی در انگلستان پول هنی در آمریکا، امه البهاء روحیه خانم در ارض اقدس علیمحمد ورقا در ایران ویلیام سیرز در آمریکا، کالیس فدرستون در استرالیا جان فرابی در انگلستان رحمت الله مهاجر در اندونزی ایناک اولینگا در افریقا در بین آیادی رجال ۵ تن عنوان دکترا داشتند که ۲ نفرشان طبیب بودند بعضی دیگر هم درجات دانشگاهی داشتند ولی ما پنج نفر ایادی زن تا آنجا که اطلاع دارم درجات دانشگاهی نداشتیم این جزئیات بیان میشود تا نشان دهد که داستان این دوره مخاطره آمیز از امر بدیع جهانی بهائی چگونه با این صحنه و با این بازیکنان از ۴ نوامبر ۱۹۵۷ تا ۳۰ آوریل ۱۹۶۳ با موفقیت به نمایش گذاشته شد.

کتاب دوران قیادت حارسان امر الله ۱۹۵۷ – ۱۹۶۳ نویسنده : روحیه ماکسول همسر شوقی افندی ص ۲۷

۴ – تاسیس شورا بین الملل بهایی (حالت جنینی بیت العدل) بسال ۱۹۵۱ هم زمان با تاسیس موساد (وظیفه : مدیرین محافل

هم زمان با ایجاد شبکه اطلاعاتی توسط شوقی نهاد عصبه انتخابی یعنی حالت جنینی بیت العدل موسوم به شورای بین المللی بهایی که آن هم از اعضای انتصابی شوقی و بعضا عضو ایادیان امر هم بودند تشکیل گردید جالب آنکه این نهاد نیز همزمان با موساد تاسیس گردید


حضرت ولیّ امرالله در ۹ ژانویه ۱۹۵۱ طیّ پیام تلغرافی به عالم بهائی اخذ یک "تصمیم خطیر و تاریخی" را اعلام و تأسیس نخستین شورای بین المللی بهائی را بعنوان "طلیعه" مؤسّسهٔ کبرای اداری" بهائی که مقدّر بود "در میقات معیّن" تشکیل شود بشارت دادند. هیکل مبارک در همین پیام تلگرافی این "تصمیم تاریخی" را "بزرگترین قدم در سبیل پیشرفت نظم اداری حضرت بهاءالله در سی سال اخیر"(۱۳) معرّفی نمودند و مقصد از این سی سال عبارت از دوران ولایت آن حضرت از حین صعود حضرت عبدالبهاء در ۱۹۲۱ تا ۱۹۵۱ بود نخستین شورای بین المللی بهائی مؤسّسهٔ انتخابی نبود بلکه هیئتی انتصابی بود که اعضای آن را خود هیکل مبارک از میان احبائی که خدمات طولانی و خالصانه‌شان به امرالله به ثبوت رسیده بود برگزیده بودند بفاصلهٔ کمتر از یکسال یعنی در ۲٤ دسامبر ۱۹۵۱ هم هیکل مبارک اسامی نخستین دسته از ایادی امرالله را اعلام فرمودند طبق نصوص مبارکه تمایز بارزی بین بیت عدل عمومی که هیئت انتخابی است و مؤسّسهٔ ایادی امرالله که مؤسّسهٔ انتصابی می‌باشد وجود دارد با توجّه به این حقیقت عجیب بنظر میرسد که در نخستین شورای بین المللی بهائی سه نفر عضویّت داشتند که مقدّر بود بزودی بسمت

روحیه ماکسول در این متن اذعان می نماید شاکله بیت العدل که نطفه آن شورای بین المللی بهایی بود و متولی حکومت شبکه جهانی موازی تشکیلات بهایی و مسئول اسرائیلیزه کردن تمام کشور ها بود دقیقا سال تشکیل موساد تاسیس شد این سند و اسنادی مانند آن دال ارتباط و اقدامات تنگاتنگ شوقی همزمان در موضوعات :

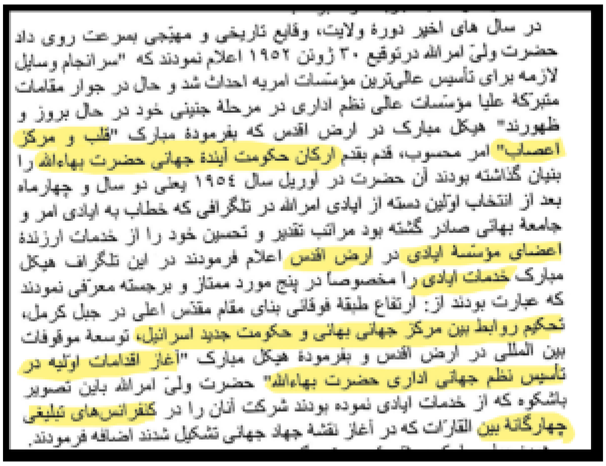
۱ – ایجاد شبکه سراسری بین المللی و قرائت منطقه و استخراج دیتا از کلیه کشورها به اسرائیل (موساد)

۲ – طراحی نقشه ده ساله که دقیقا حاصل آن ایجاد حکومت موازی و اسرائیلیزه کردن کلیه کشور ها

۳ – ایجاد ساختار سازمانی بظاهر انتخابی یا همان عصبه انتخابی اما در واقع زیر سلطه نهاد انتصابی اطلاعات و امنیتی (ایادیان امر) دیگر سخن اینکه موساد از طریق تشکیلات بین الملل بهایی شوقی دو ساختار اطلاعاتی بین المللی تاسیس کرد که همزمان از دو جهت از داخل کشورها اطلاعات و قرائت منطقه وارد اسرائیل (موساد) شود تا صحت اخبار از ویژگی برجسته ای بر خور دار باشد

کتاب دوران قیادت حارسان امر الله ۱۹۵۷ – ۱۹۶۳ نویسنده : روحیه ماکسول همسر شوقی افندی ص ۳۲

بنا به اعتراف شوقی دو سال پس از تاسیس تهاد امنیتی ایادیان **طی ۵ اقدامی** که شوقی نام می برد **دو عمل که همان ایجاد شبکه در جهان و رابطه سیستماتیک با حاکمان اسرائیل** بود نیز مورد تاکید قرار می گیرد :



در سال های اخیر دورهٔ ولایت، وقایع تاریخی و مهیّجی بسرعت روی داد حضرت ولیّ امرالله درتوقیع ۳۰ ژوئن ۱۹۵۲ اعلام نمودند که "سرانجام وسایل لازمه برای تأسیس عالی‌ترین مؤسّسات امریه احداث شد و حال در جوار مقامات متبرکهٔ علیا مؤسّسات عالی نظم اداری در مرحلهٔ جنینی خود در حال بروز و ظهورند" هیکل مبارک در ارض اقدس که بفرمودهٔ مبارک "قلب و مرکز اعصاب" امر محسوب، قدم بقدم ارکان حکومت آیندهٔ جهانی حضرت بهاءالله را بنیان گذاشته بودند آن حضرت در اوریل سال ۱۹۵٤ یعنی دو سال و چهارماه بعد از انتخاب اوّلین دسته از ایادی امرالله در تلگرافی که خطاب به ایادی امر و جامعهٔ بهائی صادر گشته بود مراتب تقدیر و تحسین خود را از خدمات ارزندهٔ اعضای مؤسّسهٔ ایادی در ارض اقدس اعلام فرمودند در این تلگراف هیکل مبارک خدمات ایادی را مخصوصاً در پنج مورد ممتاز و برجسته معرّفی نمودند که عبارت بودند از: ارتقاع طبقهٔ فوقانی بنای مقام مقدّس اعلی در جبل کرمل، تحکیم روابط بین مرکز جهانی بهائی و حکومت جدید اسرائیل، توسعهٔ موقوفات بین المللی در ارض اقدس و بفرمودهٔ هیکل مبارک "آغاز اقدامات اوّلیه در تأسیس نظم جهانی اداری حضرت بهاءالله" حضرت ولیّ امرالله باین تصویر باشکوه که از خدمات ایادی نموده بودند شرکت آنان را در کنفرانس‌های تبلیغی چهارگانهٔ بین القارّات که در آغاز نقشهٔ جهاد جهانی تشکیل شدند اضافه فرمودند.

روحیه ماکسول در این متن اذعان می نماید

اسرائیل قلب و محل تجمیع داده ها ی تشکیلات بهایی از سراسر عالم است و رابطه ساختاری و سازمانی و روحانی با شیکه زیر مجموعه خودش را دارد

تمام اقدامات تحت مشروعات یا نقشه های بهائیت (شوقی) و در ادامه آن بیت العدل در راستای تشکیل حکومت بهایی است و قلب و مرکزیت این حکومت اسرائیل می باشد

دقیقا این شبکه سازی به بهانه نقشه ده ساله بلافاصله پس از تشکیل اسرائیل و موساد شروع گردید این " هم زمانی " بسیاری از وقایع را روشن می نماید

رابط ساختار تشکیلات شوقی با اسرائیل نهاد اطلاعات و امنیت تشکیلات بهایی بود این یعنی ساختار اطلاعات و امنیت تشکیلات بهایی مستقیم زیر نظر نهاد امنیتی بین المللی اسرائیل (موساد) بود و دقیقا با هماهنگی موساد ایادیان امر (نهاد اطلاعات و امنیت شوقی) عملیات انجام می گرفت (اعم از قرائت منطقه – طراحی نقشه ها و بر مبنای آن اقدام جهت اهداف نقشه که همانا اسرائیزه کردن کشورها بود) صورت می گرفت

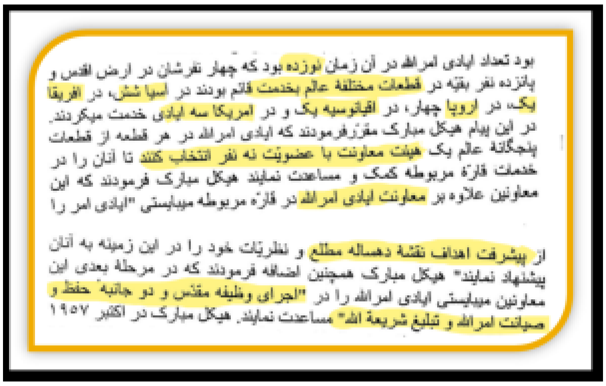
کتاب دوران قیادت حارسان امر الله ۱۹۵۷ – ۱۹۶۳   نویسنده : روحیه ماکسول همسر شوقی افندی ص ۳۳

چنانچه ملاحظه می نمایید   روحیه ماکسول یکی از مسئولین برجسته سازمان اطلاعات و امنیت (ایادیان امر) تشکیلات بهایی می گوید :

۵ – توسعه نهاد امنیتی تشکیلات بهایی و تاسیس زیر مجموعه اش تحت عنوان " هیئت معاونت "

پس از ایجاد شبکه امنیتی تشکیلات بهایی توسط شوقی همزمان با موساد و توضیع ارکان شبکه در پنج قاره به بهانه نقشه ده ساله جهت قرائت منطقه و ارسال اخبار به اسرائیل برای سهولت این اقدامات جاسوسی و حاصل آن طراحی نقشه در حیفا و ارسال آن به تک تک مسئول هر شبکه در هر کشور موسسه ای تاسیس شد تحت عنوان هیئت معاونت که تحت امر نهاد امنیتی تشکیلات بهایی (ایادیان امر) به شکل حضور میدانی مستقیم داده ها و اخبار میدانی را در اختیار راس خود در اسرائیل قرار دهند

چنانچه ملاحظه می شود رسالت این نهاد در راستای اقدامات اطلاعات و عملیات (صیانت و تبلیغ) می باشد


بود تعداد ایادی امرالله در آن زمان نوزده بود که چهار نفرشان در ارض اقدس و پانزده نفر بقیه در قطعات مختلفهٔ عالم بخدمت قائم بودند در آسیا شش، در افریقا یک، در اروپا چهار، در اقیانوسیه یک و در امریکا سه ایادی خدمت میکردند. در این پیام هیکل مبارک مقرّرفرمودند که ایادی امرالله در هر قطعه از قطعات پنجگانهٔ عالم یک هیئت معاونت با عضویّت نه نفر انتخاب کنند تا آنان را در خدمات قارّهٔ مربوطه کمک و مساعدت نمایند هیکل مبارک فرمودند که این معاونین علاوه بر معاونت ایادی امرالله در قارّهٔ مربوطه میبایستی "ایادی امر را

از پیشرفت اهداف نقشهٔ دهساله مطلع و نظریّات خود را در این زمینه به آنان پیشنهاد نمایند" هیکل مبارک همچنین اضافه فرمودند که در مرحلهٔ بعدی این معاونین میبایستی ایادی امرالله را در "اجرای وظیفهٔ مقدّس و دو جانبهٔ حفظ و صیانت امرالله و تبلیغ شریعة الله" مساعدت نمایند. هیکل مبارک در اکتبر ۱۹۵۷

کتاب دوران قیادت حارسان امر الله ۱۹۵۷ – ۱۹۶۳   نویسنده : روحیه ماکسول همسر شوقی افندی ص ۳۳

۶ – کودتای نهاد امنیتی (ایادیان امر) و کسب قیادت و تسلط بر کل شبکه

چنانچه ملاحظه گردید هم زمان پس از تاسیس موساد دو سازمان دوشادوش هم توسط شوقی بنیان گردید

الف) تعیین و گزینش اعضای موسسه ایادیان امر

ب) شورای بین المللی بهایی که حالت جنینی تشکیلات بیت العدل بود

بر مبنای آموزه های سازمانی شوقی جمله بهاء الله در **کتاب عهدی (وصیت نامه بهاء الله) :**

" مظاهر حکم و مطالع امر که بطراز عدل و انصاف مزیّنند بر کل اعانت آن نفوس لازم طوبی للامرآء و العلمآء فی البهآء اولئک امنآئی بین عبادی و مشارق احکامی بین خلقی علیهم بهآئی و رحمتی و فضلی الّذی احاط الوجود در کتاب اقدس در این مقام نازل شده آنچه که از آفاق کلماتش انوار بخشش الهی لامع و ساطع و مشرقست "

بر مبنای تبیینات شوقی در این جمله امرا و فرمانروایان و حاکمان و حکمرانان تشکیلات بهایی محافل محلی و ملی و شورای بین الملل بهایی بود و علماء مقامشان نیروهای کمکی برای ولی امر تشکیلات بهایی و نسبتش به ساختار امرا فقط مشورتی بود نه فرماندهی تمام این مطالب را خود بیت العدل در پیام زیر آورده است که توجه عزیزان را به آن جلب می نمایم :

۴ اپریل ۱۹۷۲

ترجمه پیام بیت العدل أعظم الهی خطاب به هیاتهای مشاورین قاره ای و محافل روحانی ملی

یاران محبوب

نظر به سوالاتی که اخیرا از منابع مختلفه در باره کیفیت **موسسه هیاتهای مشاورین قاره ای و روابطش با موسسه ایادی امرالله** باین هیات واصل گردیده لازم است به بیان مطالب و توضیحات ذیل مبادرت گردد:

درک و فهم این موضوع مانند بسیاری از **شئون نظم اداری** بر اثر مرور زمان امکان پذیر و حقایق آن واضح و عیان می شود چه که اعضای هیکل این
نظم بتدریج بقوه هدایت ربانیه و موافق با **مقتضیات جامعه دائم الاتساع جهانی رشد و نمو** می یابد. ولیکن بعضی

از این شئون تا بحال آنچنان روشن و واضح گردیده که سزاوار است اهل بها در درک و فهم آنها سعی مخصوص مبذول دارند.

جمال قدم جل ذکره الاعظم در **کتاب عهدی** می فرمایند «**طوبی للامرا و العلما فی البها**» و **حضرت ولی محبوب امرالله در چهارم نوامبر ۱۹۳۱** در باره این بیان مبارک می فرمایند:

«علما در این کور مقدس در یک مقام ایادی امرالله و در مقام دیگر مبلغین و ناشرین امر که در سلک ایادی نباشند ولی رتبه اولی را در تبلیغ حائز. مقصود از امرا اعضای بیت عدل محلی و ملی و بین المللی است. وظائف هر یک از این نفوس من بعد معین گردد»

ایادی امرالله و مشاورین و اعضای هیاتهای معاونت مشمول تعریفی می شوند که حضرت ولی امرالله از «علما» فرموده اند. لهذا جمیع آنها طرا در نهایت صمیمیت با یکدیگر مرتبطند و **خطاب موسسه واحد بهر سه طبقه خطا و اشتباه** نیست.

اما هر یک از این طبقات فی حد ذاته موسسه ای است مجزی. **موسسه ایادی امرالله در ایام جمال قدم جل اسمه الأعظم بوجود آمد** و زمانی که نظم اداری در الواح وصایای حضرت عبدالبها رسما تاسیس و اعلان گردید بصورت **موسسه معاونتی برای ولایت امرالله** در آمد.

هیاتهای معاونت نیز بنوبه خود باراده حضرت ولی امرالله بعنوان موسسه معاونت ایادی امرالله ایجاد گردید.

پس از صعود حضرت ولی امرالله هنگامی که بیت العدل اعظم مقرر داشت نمی تواند بجهت **امکان تعیین و انتصاب ایادی جدید امرالله قانونی** وضع نماید این قرار ایجاب نمود بیت العدل اعظم موسسه جدیدی را بوجود آورد که بتواند اعضای آن را راسا تعیین و تسمیه نماید و بدین ترتیب **دو وظیفه صیانت و ترویج امرالله که بعهده ایادی امرالله** است در مستقبل ایام استمرار یابد و موسسه ایادی امرالله را بنحوی تحول بخشد که بتواند موسسه جدید الولاده را پرورش دهد و تا زمانی که میسر است با آن همکاری و معاضدت صمیمانه و نزدیک داشته باشد. همچنین لازم و ضروری بود ترتیبی اتخاذ شود تا بنحوی موثر از خدمات بی نظیری که ایادی امرالله شخصا انجام می دهند بحداکثر استفاده شود.

اولین قدم در سبیل این بسط و تحول در **نوامبر ۱۹۶۴ برداشته شد** و بیت العدل اعظم **موسسه ایادی امرالله** را رسما به بیت العدل **مرتبط ساخت** و اعلام داشت. مسئولیت اخذ تصمیم در باره مسائل مربوط به سیاست کلی حاکم بر موسسه ایادی امرالله که سابقا باراده و مشیت حضرت ولی محبوب امرالله موکول بود از این ببعد به بیت العدل اعظم الهی که معهد و مرکز اعلی و مرجع کل امور جمیع اهل بهاست راجع می گردد در همان موقع تعداد اعضای **هیات های معاونت از ۷۲ به ۱۳۵** افزایش یافت و از ایادی امرالله در هر قاره دعوت شد که یک یا چند نفر از اعضای هیاتهای معاونت خود را به نیابت خویش تعیین نمایند تا از قبل هر یک از ایادی أمر الله و بنام ایشان اقدام نمایند و بدینوسیله هر یک از ایادی امرالله را در اجرای امور مربوطه معاضدت کنند.

در جون ۱۹۶۸ **موسسه هیاتهای مشاورین قاره ای** بمنظور تحقق یافتن هدف ادامه و استقرار وظائف سابق الذکر ایادی امرالله در مستقبل ایام بوجود آمد و این تصمیم خطیر مقارن با قدم بعدی در **توسعه موسسه ایادی امرالله** بود بدین معنی که مقرر گردید ایادی امرالله مقیم هر قاره من بعد بخدمات خود بنحو **بین المللی و جهانی** ادامه دهند و هر یک منفردا با بیت العدل اعظم ارتباط مستقیم داشته باشند. مسئولیت اداره امور هیاتهای معاونت از ایادی امرالله منتزع گردید و هیاتهای مزبور به موسسه معاونت هیاتهای مشاورین قاره ای مبدل شدند؛ و وظیفه حفظ ارتباط بین بیت العدل اعظم و هیاتهای مشاورین قاره به هیات أیادی امرالله مقیم ارض اقدس تفویض گردید؛ و ارتباط متقابل بین ایادی امرالله و هیاتهای مشاورین بنحوی قابل اجرا برقرار شد و نیز به **دارالتبلیغ بین المللی** در ارض اقدس که باراده بیت العدل اعظم و با معاضدت هیات ایادی امرالله مقیم ارض اقدس تاسیس خواهد گردید اشاره شد.

در جولای ۱۹۶۹ و در رضوان ۱۹۷۰ عدد مشاورین و اعضای هیاتهای معاونت افزایش یافت.

بدون تردید در آینده با ایجاد دار التبلیغ بین المللی و توسعه خدمات مشاورین بسط و تحولات دیگری در موسسه ایادی امرالله و موسسه هیاتهای
مشاورین قاره ای صورت خواهد گرفت.

ملاحظه شده است در بعضی موارد احبای الهی **ایادی امرالله و مشاورین و هیاتهای معاونت را «جناح انتصابی» نظم اداری تلقی نموده** آن را مقابل با «جناح انتخابی» که از بیت العدل اعظم و محافل ملی و محلی تشکیل می شود محسوب می دارند. هر چند این طرز توصیف و تلقی حقیقتی از نحوه ایجاد این موسسات را بیان می کند یاران باید بدانند که اصل انتصاب تنها وجه تمایز موسسات ایادی امرالله و مشاورین و هیاتهای معاونت نیست.

فی المثل تعداد افرادی که بعضویت در لجنه های تابعه «جناح انتخابی» منصوب شده اند بمراتب افزون تر از تعداد نفوسی است که در «جناح انتصابی» قائم بر خدمتند و وجه تمایز بارزتر آنکه «امرا» در امر الهی بالاجتماع انجام وظیفه می کنند و حال آنکه «علما» هر یک اصولا بالانفراد بخدمت قائمند.

در یکی از توقیعات مبار که خطاب به محفل روحانی بهائیان استامبول مورخ ۱۴ مارچ ۱۹۲۷ کاتب حضرت ولی امرالله از جانب آن حضرت اصل
اقدام و عمل از طریق غلبه آرا در امرالله را تشریح نموده و متذکر شده است در گذشته اشخاصی که خود را «اعلم و اجل» می دانستند مایه تفرقه می گردیدند و «نفوسی که خود را افضل از کل می دانستند سبب اختلاف گشتند» **«ولی الحمدلله قلم اعلی این استبداد رای افراد علما و عقلا را از میان بردند و قول افراد را ولو اعلم علما و افضل فضلا باشد میزان نفرمودند و امور را بمراکز منصوصه و محافل مخصوصه راجع نمودند. حتی هیچ محفلی را در امور کلیه عمومی ممالک بالاطلاق مرکز قرار ندادند بل جمیع محافل مقدسه را در ظل یک بیت العدل و مرکز اعظم الهی خواندند تا مرکز مرکز واحد باشد و جمیع در ظل محور منصوص مخصوص حکم یک نفس یابند و از انشقاق و تفرقه محفوظ مانند.»**

هر چند جمال قدم جل اسمه الاعظم مفاسدی را که ذاتا در موسسات علما در ظهورات سابقه موجود است برای ابد از شریعه الله محور و زائل فرموده اند ولیکن چنانکه حتی از مطالعه سریع و اجمالی پیام منیع مورخ چهارم جون ۱۹۵۷ بر می آید عوامل مفیده موجوده در این موسسات را در نظم اداری خویش وارد نموده اند عواملی که برای پیشرفت و تقدم امرالله حائز ارزش اساسی هستند.

وجود موسساتی چنین رفیع الشان که از افرادی تشکیل شده است که وظائفی چنین خطیر بعهده دارند ولیکن دارای اختیارات **تقنینی و اداری و قضائی** نیستند و بکلی از وظائف روحانیون ادوار سلف و حق و صلاحیت تبیین و استنباط رسمی آثار الهیه مبرا و فارغند از شئون مختصه نظم اداری بهائی است که در ادیان گذشته بی نظیر و مثیل است. درک و فهم این مفهوم بدیع و فرید البته صعب و دشوار است و تنها در اثر رشد و تکامل جامعه بهائی و ازدیاد عرفان احبا الهی به اصول نظم اداری، عرفانی که فارغ از تاثیرات حاصله از معتقدات ازمنه ماضیه باشد رابطه متقابل اتکا و تعلق «امرا» و «علما» در شریعه الله و ارزش بی حد و حصر تعاضد و تاثیرات متقابله آنان در یکدیگر بنحو شایستهای مفهوم و معلوم خواهد گردید.
با تقدیم تحیات ابدع ابی بیت العدل اعظم

اصل فایل پیام

۱۹۷۲_۰۴_۲۴ ۲۹۴

۷ ـمرگ ناگهانی شوقی و بدون وصیت غیر قابل باور و نا ممکن (ادعای فقدان وصیت صلاحیت اصل رهبری شوقی را زیر سوال می برد)

لذا به نص صریح و اقرار خود بیت العدل **قیادت تشکیلات بهایی بر عهده امرا بود نه علما و ایادیان امر** لذا بسیار عجیب است که ناگهان بدون دلیل و عارضه قبلی شوقی در کنار یکی از مسئولین بلند پایه خود که دست بر قضا همسر وی نیز می باشد بشکل ناگهانی می میرد جالبتر آنکه شوقی ۶۰ ساله که هر آن در معرض خطر می باشد مخصوصا در اسرائیل و اوج نابسامانی اسرائیل هر انسان عاقلی با توجه به شرائط جنگی کشورش باید

تکلیف حد اقل وصی خودش را روشن کند و وسیت نامه بنگارد مخصوصا کسی که آئینش نگاشتن وصیتنامه را از ضروریات می داند

چنانچه بهاء الله حکم واجب بودن نگاشتن وصیتنامه را بیان می کند و ترک فعل آن را ترک اوامر الهی قلمداد می نماید :



لینک سند :

https://reference.bahai.org/fa/t/c/GHA/gha-137.html

آیا برای یک بهایی باورمند قابل باور می باشد که ولی امر الهی که واجد مقام عصمت باشد ترک فعل نموده باشد

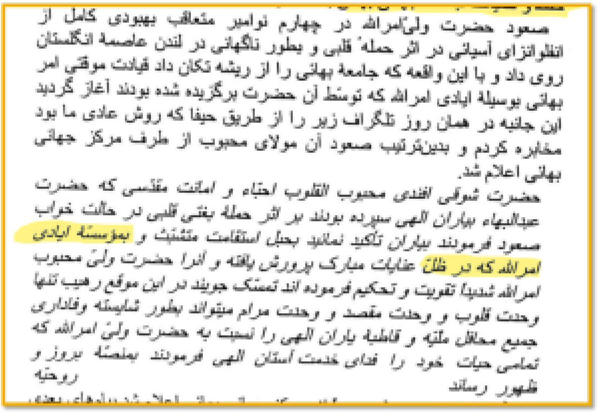
(خاطرات اسفندیار قباد ص ۲۲۱ به نقل از روحیه ماکسول در عصمت شوقی)

پیرامون خبر مرگ مشکوک شوقی توسط همسرش :

روحیه ماکسول یکی از مسئولین برجسته سازمان اطلاعات و امنیت (ایادیان امر) تشکیلات بهایی طی نامه ای به حیفا اعلان مرگ شوقی را خبر می دهد

نکته بسیار عجیب آنکه در زمان زنده بودن شوقی از همان ابتدا هم سازمان جنینی بیت العدل که عموما از همان ایادیان بودند موسوم به سازمان بین الملل بهایی و هم نهاد امنیتی ایادیان امر هر دو در یک زمان توسط شوقی

انتخاب شدند و رهبری و اقدامات عملی تشکیلات بهایی بر مبنای سخن بها الله در کتاب عهدی و شرح آن توسط شوقی " طوبی للامرا و العلماء " مصداق امرا که مسئولیت تشکیلات را بر عهده داشت میسن ریمی و نهاد جنینی بیت العدل بود می باشد روحیه ماکسول بدون مشورت راسا در همان شب مرگ شوقی را اعلان می کند که قیادت با ایادیان امر است آیا این عمل عجولانه نامش کودتا نیست ؟ و گمانه زنی هارا تقویت نمی کند که همسر شوقی در صعود شوهرش نقش داشته است ؟؟


صعود حضرت ولی‌امرالله در چهارم نوامبر متعاقب بهبودی کامل از انفلوانزای آسیائی در اثر حملهٔ قلبی و بطور ناگهانی در لندن عاصمهٔ انگلستان روی داد و با این واقعه که جامعهٔ بهائی را از ریشه تکان داد قیادت موقتی امر بهائی بوسیلهٔ ایادی امرالله که توسط آن حضرت برگزیده شده بودند آغاز گردید این جانبه در همان روز تلگراف زیر را از طریق حیفا که روش عادی ما بود مخابره کردم و بدین‌ترتیب صعود آن مولای محبوب از طرف مرکز جهانی بهائی اعلام شد.

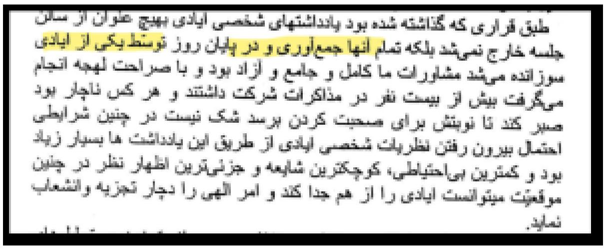
حضرت شوقی افندی محبوب القلوب احباء و امانت مقدسی که حضرت عبدالبهاء بیاران الهی سپرده بودند بر اثر حملهٔ بغتی قلبی در حالت خواب صعود فرمودند بیاران تأکید نمائید بحبل استقامت متشبث و بموسسهٔ ایادی امرالله که در ظلّ عنایات مبارک پرورش یافته و اخیرا حضرت ولیّ محبوب امرالله شدیدا تقویت و تحکیم فرموده اند تمسک جویند در این موقع رهیب تنها وحدت قلوب و وحدت مقصد و وحدت مرام میتواند بطور شایسته وفاداری جمیع محافل ملیّه و قاطبهٔ یاران الهی را نسبت به حضرت ولیّ امرالله که تمامی حیات خود را فدای خدمت آستان الهی فرمودند بملصّهٔ بروز و ظهور رساند
روحیّه

کتاب دوران قیادت حارسان امر الله ۱۹۵۷ – ۱۹۶۳ نویسنده : روحیه ماکسول همسر شوقی افندی ص ۳۳

روحیه ماکسول یکی از مسئولین برجسته سازمان اطلاعات و امنیت (ایادیان امر) تشکیلات بهایی اعتراف می کند مطالبی که در جلسات کادر مرکزی ایادیان امر مطرح می شد ظاهرا بدلیل عدم ایجاد اختلاف تمام مکتوبات سوزانده می شد

سوال این است مگر وظایف ایادیان امر بظاهر تبلیغی نبود مگر تشکیلات بهایی راز مگو دارد همین یک سند کافی است که در مورد ماهیت اطلاعاتی و جاسوسی بودن این نهاد در تشکیلات بهایی به عنوان مرکز جاسوسی برای موساد به دلیل استقرار این مرکز در قلب اسرائیل قضاوت شود

آتش زدن اوراق در جلسه ایادیان امر پس از جلسات خصوصی



طبق قراری که گذاشته شده بود یادداشتهای شخصی ایادی بهیچ عنوان از سالن جلسه خارج نمی‌شد بلکه تمام آنها جمع‌آوری و در پایان روز توسط یکی از ایادی سوزانده می‌شد مشاورات ما کامل و جامع و آزاد بود و با صراحت لهجه انجام می‌گرفت بیش از بیست نفر در مذاکرات شرکت داشتند و هر کس ناچار بود صبر کند تا نوبتش برای صحبت کردن برسد شک نیست در چنین شرایطی احتمال بیرون رفتن نظریات شخصی ایادی از طریق این یادداشت ها بسیار زیاد بود و کمترین بی‌احتیاطی، کوچکترین شایعه و جزئی‌ترین اظهار نظر در چنین موقعیّت میتوانست ایادی را از هم جدا کند و امر الهی را دچار تجزیه وانشعاب نماید.

کتاب دوران قیادت حارسان امر الله ۱۹۵۷ – ۱۹۶۳ نویسنده : روحیه ماکسول همسر شوقی افندی ص ۳۶

بعد از این وقایع نهاد اطلاعات و امنیت تشکیلات بهایی (ایادیان امر) با کنار زدن میسن ریمی به عنوان رئیس شورای بین الملل بهایی وی را طرد کرد ریمی هم در گوشه ای تنها حتی پس از مرگش تشیع کننده ای هم نداشت و گناه او این بود که مدعی بود امرا باید امیری کنند نه ایادیان و خادمان امرا و این رویه تا اکنون ادامه دارد و این نهاد امنیتی دار التلیغ است که نقش امرا را دارد و بیت العدل هم که نتیجه مدیریت ایادیان امر است نیز به شکل نا محسوس توسط این نهاد اطلاعاتی مدیریت می گردید و الان نیز دار التبلیغ مقام ایادیان را دارد و کل نهاد امرا تشکیلات بیت العدل تحت مدیریت دار التبلیغ می باشد

۸ – شیوه ناجوانمردانه بر خورد با رئیس شورای بین الملل بهایی (میسن ریمی)

در پایان شیوه روایت مرگ میسن ریمی توسط همسر شوقی تاثر آور است کسانی که مدعی لطافت و عدم کینه ورزی هستند فقط به دلیل اعتقادی غیر اعتقاد آنها کسی را که تا دیروز یار غار آنها بود بدلیل جدا کردن اندیشه اش از آنان بدون اینکه لطمه فیزیکی به کسی زده باشد وی را در غربت تنها رها می کنند که در سن پیری پس از یک عمر خدمات به عبد البها و شوقی مانند یوبی خشکی مثال زده می شود که حتی مردنش هم باعث سرور روحیه ماکسول می گردد

این جریان که تظاهر غیر عادی و ناگهانی از یک غرور و خودبینی غیرمنتظره بود از کنار جامعهٔ بهائی گذشت و پس از ایجاد اضطرابی موقتی در فرانسه، زمزمهئی زودگذر در شیلی و چند حرکت متزلزلانه دیگر در امریکا و پاکستان و یکی دو کشور دیگر بزودی و برای همیشه از میان رفت این واقعه برای کسانی مثل من و پول‌هنی که میسن ریمی را در تمام طول زندگی میشناختند و دوستش داشتند و برای میلی کالینز که بالاخص دوست و همکار قدیم او شمرده میشد تجربه‌ای بسیارتلخ و غم‌انگیز بود ریمی در سن پیری در حال انزوا و تنهائی از دنیا برفت و بدون اجرای مراسم تشییع وسوگواری بوسیلهٔ منشیش که جوانی غیر بهائی بود بخاک سپرده شد گرچه این واقعه یعنی ادّعای میسن ریمی در پیشرفت امر الهی تأثیر سوئی نداشت ولکن مشکل تازه‌ای برای ایادی امرالله بوجود آورد یعنی اوقات آنان را که میتوانست در خدمات مثبت و سودمند صرف شود مصروف خود نمود و قلوبشان را متأثر و آزرده ساخت ولی

بالاخره جریان ریمی هم مانند هر شاخه‌ای که پس از جدا شدن از شجر اصلی پژمرده و خشک میشود از بین رفت و بطاق نسیان سپرده شد.

کتاب دوران قیادت حارسان امر الله ۱۹۵۷ – ۱۹۶۳ نویسنده : روحیه ماکسول همسر شوقی افندی ص ۴۵

منبع: https://www.hassanershad.com/8599

کودتای سال ۱۳۳۵ اسرائیل (تشکیلات بهایی) در ایران در بستر نقشه ده ساله شوقی و مقابله جانانه مردمی

فیلم های نقد

اپیزود اول :

بهاء الله قصد داشت ابتدا با استفاده از حرکت باب بر موج شورش بابیان سوار شود تا با سرنگونی قاجار و برچایی حکومت بیانی تکیه بر اریکه قدرت زند و منافع نظام سلطه را تامین نماید اما با شکست سخت این جریان و برخورد قاطع امیر کبیر به اهدافش نرسید و مجبور شد برای رسیدن به اهدافش راه دیگری را طی نماید

اپیزود دوم

فرزند وی عبد البهاء بر مبنای طراحی و فرمان اجرای نقشه الواح ملکوتی در سال ۱۹۱۶ خطاب به محافل آمریکا پرده از منویات خود بر داشت و علنی اظهار کرد هدف از تمام فعالیتهایش در راستای رسیدن به حکومت بهایی و عصر ذهبی بود در ارتباط با این مطلب مفصل مستنداتش مورد واکاوی گرفته که عزیزان برای اطلاع بیشتر به لینک زیر مراجعه نمایند :

نقشه ملکوتی عبد البهاء اولین و مبنای نقشه های براندازی تشکیلات بهایی تا کنون

اپیزود سوم

لذا بر مبنای ظواهر امر قصد رهبران بهایی تسلط بر حکومت ایران بود عبد البهاء برای قدسی کردن این هدف دست به طرح سناریویی از مکاشفات یوحنا زد تا از این میان برای سال ۱۳۳۵ حرکتی را سازماندهی کند و با پشتبانی کتب من قبل مشروعیت الهی داشتن حرکت براندازانه خود را موجه کند چنانچه بانو دکتر لیلا چمن خواه در کتاب کرانسنگ خود بهائیت و رژیم پهلوی صفحه ۱۴۶ به بعد که در نوع خود بی نظیر است در همین راستا می فرماید :

منازعه های اکثریت و اقلیت: ۱۳۳۳-۱۳۳۴ و ۱۳۵۷
سرنوشت آغاز و پایان دوره بیست و پنج ساله مورد نظر ما با دو حادثه شبیه به
هم رقم خورده است. اول رویدادهای سال ۱۳۳۳ و دوم حادثه ای مشابه در سال
رویدادهای سال ۱۳۳۳ دو منشأ داشت: اول آرزوی دیرپای رسمیت یابی
بهاییان در ایران بود که رهبران بهایی و به ویژه شوقی افندی بـه جـد آن را تعقیب
می کردند و دوم مناسبات رژیم و روحانیت در فردای کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲. به

ترتیب به این دو می پردازم.

عبدالبهاء در مفاوضات که گفتگوهای او با کلیفورد بارنی آمریکایی است، به مباحثی چون الوهیت، پیامبران اولوالعزم و اعلان امر باب و دعوی بهاء الله اشاره می کند و اول با براهین عقلی و سپس نقلی می کوشد ظهور باب و بهاءالله را رویدادی در ردیف ظهور پیامبران سابق قلمداد کند و بالطبع به تأویل کتب دینی گذشته اقدام می نماید.

برای همین منظور وی به کتب مقدس سابق مراجعه می کند و با استفاده از

براهین نقلی در کنار براهین عقلی که پیشتر در اثبات ظهور باب و بهاءالله استفاده کرده بود به تاویل رویدادهای بشارت داده شده در کتاب دانیال نبی می پردازد تا ظهور باب و بهاءالله را به این شیوه توجیه کند. پس از اثبات «ظهور حضرت مسیح به اخبار دانیال» سراغ اثبات ظهور اسلاف خود می رود و خطاب به خانم بارنی چنین می گوید:

«در آیه سیزدهم فصل هشتم از کتاب دانیال می فرماید: "و مقدس متکلمی را شنیدم و هم مقدس دیگری را که از آن متکلم می پرسید که رؤیای قربانی دائمی و عصیان خراب کننده تا به کی می رسد و مقام مقدس و لشکر به پایمالی تسلیم کرده خواهد شد و به من گفت که تا بدو هزار و سیصد شبانه روز آنگاه مقام مقدس مصفی خواهد گردید" تا آنکه می فرماید: "این رؤیا نسبت به زمان آخر دارد"، یعنی این فلاکت و این خرابیت و این حقارت تا کی میکشد یعنی صبح ظهور کی است پس گفت تا دوهزار و سیصد شبانه روز آنگاه مقام مقدس مصفی خواهد شد. خلاصه مقصد اینجاست که دوهزار و سیصد سال تعیین می کند و به نص تورات هر روزی یک سالست. پس از تاریخ صدور فرمان ارتحشستا به تجدید بنای بیت المقدس تا یوم ولادت حضرت مسیح ۴۵۶ سال است و از یوم ولادت حضرت مسیح تا یوم ظهور حضرت اعلی ۱۸۴۴ سنه است و چون ۴۵۶ را ضم بر این کنی دوهزار و سیصد سال می شود یعنی تعبیر رؤیای دانیال در سنه ۱۸۴۴ میلادی واقع شد و آن سنه ظهور حضرت اعلی بود به نص خود دانیال. ملاحظه نمایید که به چه صراحت سنه ظهور را معین می فرماید و دیگر اخبار ظهور ازین صریح تر نمی شود."»

اگر به زبان ساده امروزی بگوییم:

ه اولین نتیجه ای که عبدالبهاء می گیرد این است که «ظهور حضرت اعلی صریح تورات و انجیل است».

• دومین نتیجه که در کار ما نقش اساسی تری ایفا می کند، ظهور بهاءالله است که به همین ترتیب تأویل می شود:

«و هر روزی در کتاب مقدس عبارت از یک سالست و در سنه ۱۲۶۰ از

هجرت محمد به تاریخ اسلامی یعنی هجری قمری] حضرت اعلی [یعنی باب مبشر جمال مبارک [یعنی بهاءالله ظاهر شده و بعد در آیه یازدهم می فرماید: «و از هنگام موقوف شدن قربانی دائمی و نصب نمودن رجاست [یعنی پلیدی ویرانی هزار و دویست و نود روز خواهد بود خوشا به حال آنکه انتظار کشد و به هزار و سیصد و سی و پنج روز برسد».

نخست تکلیف تاریخ اول را معلوم کنیم: در تأویل عبدالبهاء ۱۲۹۰ روز بعد از هجرت پیامبر یعنی ظهور بهاءالله و آمدن بهاییت که در این تاریخ اعلان ظهور کلی الهی اتفاق افتاده است. البته بهاءالله در سال ۱۲۸۰ اعلان ظهور علنی کرد و عبدالبهاء در حقیقت ۱۳ سال دوران اقامت پیامبر در مکه را با کسر سه سال دعوت مخفیانه به ۱۰ سال فروکاسته و به ۱۲۸۰ افزوده تا عدد جدیدی که حاصل می شود [۱۲۹۰] با عدد کتاب دانیال جور دربیاید تا بدین ترتیب ظهور کلی الهی از پیش بشارت داده شده باشد.

اما ۱۳۳۵ روز دیگر چه عددی است و چه اتفاقی باید در این تاریخ بعد از انتظار مؤمنین بهایی بیافتد؟ تمام تواریخی که در مفاوضات به کار رفته هجری قمری است و بنابراین ۱۳۳۵ هم قاعدتاً باید هجری قمری محسوب شود. در این سال یعنی ۱۳۳۵ هجری قمری بنا به بشارتی که عبدالبهاء می دهد، آیین بهایی عالمگیر خواهد شد. معادل شمسی این تاریخ سالهای ۱۲۸۹-۱۲۸۸ میشود که مصادف است با روزهای پرحادثه پس از جنبش مشروطه در ایران و می دانیم که در آن تاریخ نه تنها خبری از فراگیر شدن آیین بهایی در مهد امرالله ایران نبود، بلکه دیدیم که خود رهبران بهایی هم در شهرهای امپراتوری عثمانی به حالت تقیه زندگی می کردند و ایشان و دیگر بهاییان از دست مسلمانان امپراتوری امنیت نداشتند.

در لوح دیگری که عبدالبهاء به افتخار فرج الله زکی افنی گردی صادر کند، منظور از ۱۳۳۵ را بیان می کند. در لوح مزبور این تاریخ به شمسی تبدیل

می شود

تا شاید در این سال بهاییت عالمگیر شود. وارد بحث تأویل در بابیت و بهاییت که خود بحث جذاب و مناقشه برانگیزی است نمی شوم. فقط اشاره وار بگویم که تأویلهای بابی به شدت مورد انتقاد و مطایبه سران مکتب شیخی کرمان هم بوده است و از حاج محمدکریم خان کرمانی گرفته تا دیگر مشایخ شیخی مسأله تأویل رویدادها و وعده های ماسبق از سوی باب و پیروانش را مورد انتقاد و حمله جدی قرار داده اند.

به لوح فرج الله زکی افندی برگردیم. در اینجا وعده داده شده که در این تاریخ ۱۳۳۵] که مصادف با یکصدمین سالگرد بهاییت است، این آیین عالمگیر و مؤمنین

شاد می شوند؛ اما بیافزاییم که ذکری از تاریخ قمری نیست، عبدالبهاء به تصریح به
تاریخ شمسی اشاره می
در این لوح چنین آمده است:
کند.

«و أما ما سألت من الآیه الموجوده فی سفر دانیال: طوبی لمن یـری الـف و ثلاث
مأه و خمسه و ثلاثین [۱۳۳۵] هذه سنه شمسیه لیست بقمریـه لان بـذلک التاریخ
ینقضی قرن من طلوع شمس الحقیقه و تعالیم الله تتمکن فی الارض حـق الـتمکن و _
تملأ الانوار مشارق الارض و مغاربها. یومئذ یفرح المؤمنون».

تلاشهای شوقی افندی که در فصل پیش آوردیم، به همراه سخن از فتح اقالیم
که همانجا توضیحشان را وعده دادیم و همچنین نقشههای نه ساله و ده ساله بـرای
تحقق این بشارت عبدالبهاء براساس تأویل تاریخ های کتاب دانیال نبی و لوح زکی
افنـدی بـود کـه باید در سال ۱۳۳۵ ش اتفاق می افتـاد. رویدادهای سـال
۱۳۳۴_۱۳۳۳ در مهد امرالله ایران را که منجر به مبارزه دربار و علا بـا بهاییت
و تخریب حظیره القدس شد، باید از این چشم انداز فهمید.

منشأ دوم رویدادهای این سال مناسبات جدید میان رژیم و روحانیون پس از
کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ بود. از چشم انداز مناسبات میان رژیم و روحانیت
کودتای سال ۱۳۳۲ حادثه تعیین کننده ای به شمار می آمد. بخش مهمی از روحانیت

۱. جی. ای. اسلمنت، بهاءالله و عصر جدید، ترجمه بشیر الهی و دیگران، (ریو دو ژانیرو، بینا، بیتا)، ص ۲۷۸.

با توجه به اسناد فوق ابتدا بهائیت برای سال ۱۳۳۵ قمری قصد داشت در ایران و سایر بلاد حوادثی را رقم بزند اما با غلط در آمدن این پیش بینی در یک چرخش متعجبانه ادعا شد که سال ۱۳۳۵ قمری نیست و شمسی می باشد

اپیزود چهارم :

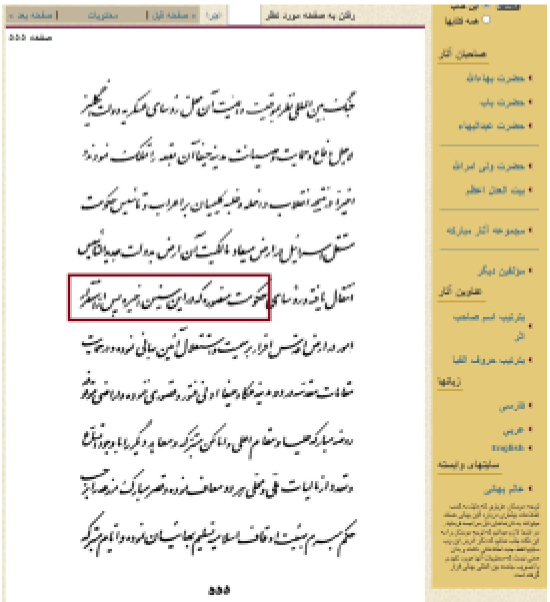
سال ۱۹۲۱ با مرگ عبد البهاء و جانشینی مشکوک شوقی و به دست گرفتن زمام امور در تحولات جهانی مخصوصا اوج جنگ جهانی دوم ظاهرا تحرکات جدی از شوقی در راستای پیگیری نقشه الواح ملکوتی وی اتفاق قابل ملاحظه رخ داده نشد و برای خالی نبودن عریضه سال ۱۹۳۷ یعنی دقیقا ۱۵ سال پس از مرگ عبد البهاء برای خالی نبودن عریضه شوقی دو نقشه هفت ساله طراحی کرد که بشکل بسیار محدود در منطقه آمریکا فعالیتهای سطحی را آغاز نمود

اپیزود پنجم :

۱۴ مه ۱۹۴۸ همزمان با پایان قیومیت بریتانیا بر فلسطین، «دولت غاصب اسرائیل» با صدور منشور استقلال، اعلام موجودیت کرد

پس از تشکیل حکومت اسرائیل شوقی مانند جد خود عبد البهاء در ادامه حمایت تمام قد از صهیونیست ها شروع به مجیزه گوئی هایی کرد که توجه مقامات حکومت غاصب را بخود جلب کند مانند :

اسرائیل حکومت منصوره است :



https://reference.bahai.org/fa/t/se/TM/tm-559.html#pg555

و در سندی که دال بر بشارات عبد البهاء به حکومت یهود می باشد می گوید :



https://reference.bahai.org/fa/t/se/TM4/tm4-243.html

در مقاله زیر با دقیقا به سابقه خوش خدمتی شوقی به صهیونیستها قبل از غصب این کشور پرداخته است که تقدیم می گردد :

نقش سران بهائیت در تکوین اسرائیل 👇 👇

-https://onthisdateinbahaihistory.blogspot.com/2021/11/november-2-on-this-date-in-1917 uk.html?m=1

اسراییل – صهیونیسم – عبدالبها – شوقی
چهارشنبه ۳ نوامبر ۲۰۲۱
۲ نوامبر. در این تاریخ در سال ۱۹۱۷، آرتور بالفور، وزیر امور خارجه بریتانیا، "اعلامیه بالفور" خود را به لرد والتر روچیلد که در آن اظهار داشت: "دولت اعلیحضرت با حمایت از ایجاد یک خانه ملی برای مردم یهودی در فلسطین." اعلام کرد.
در ۲۳ فوریه ۱۹۱۴، در آستانه جنگ جهانی اول، در ضمن اولین سفر بارون ادموند جیمز دو روچیلد به فلسطین، یکی از اعضای خانواده بانکدار روچیلد و یکی از حامیان و سرمایه گذاران برجسته جنبش صهیونیستی، حضرت عبدالبهاء میزبانش بود
۲ نوامبر. در این تاریخ در سال ۱۹۱۷، آرتور بالفور، وزیر امور خارجه بریتانیا، "اعلامیه بالفور" خود را به لرد والتر روچیلد اعلام کرد و در آن اظهار داشت: "دولت اعلیحضرت با حمایت از ایجاد یک وطن برای مردم یهودی در فلسطین."

در ۲۳ فوریه ۱۹۱۴، در آستانه جنگ جهانی اول، حضرت عبدالبهاء میزبان بارون ادموند جیمز دو روچیلد را که یکی از اعضای خانواده بانکدار روچیلد و از مدافعان و سرمایه‌گذاران برجسته جنبش صهیونیستی بود، در یکی از برنامه‌های خود پذیرایی کرد.
در ۸ سپتامبر ۱۹۱۹، پس از اشغال فلسطین توسط بریتانیا، در زمانی که ده ها هزار شهرک نشین یهودی تحت نظارت انجمن استعمار یهودیان فلسطین وارد می شدند، مقاله ای در "ستاره غرب" به نقل از "عبدالبها " منتشر شد که در آن جنبش صهیونیسم را تمجید می کند و اعلام می کند که "امروز در مورد آنچه صهیونیست ها قرار است در اینجا انجام دهند خیلی صحبت می شود. نیازی به آن نیست. بگذارید بیایند و بیشتر عمل کنند و کمتر حرف بزنند" و "احتمالا بعدا یک دولت یهودی بیاید."
در زمان مرگ عبدالبهاء، شوقی افندی در کالج بالیول ثبت نام کرد. شوقی افندی در نامه ای به مرضیه گیل، اهداف تحصیلی خود را در کالج بالیول، به ویژه تحصیل نزد اساتید برجسته و مستشرقان، با ذکر فارغ التحصیلانی که همگی امپریالیست بودند، بیان کرد.
پس از مرگ عبدالبهاء، شوقی افندی به روابط نزدیک خود با مدیران ارشد سیاسی و رهبران برجسته صهیونیست ادامه داد.
در دهه ۱۹۲۰، شوقی افندی املاکی بنام السمره را که بهاءالله در دهه ۱۸۸۰ خریداری کرده بود، به صندوق ملی

یهودیان فروخت. السمره (که در املای بهائی به عنوان سمریح ترجمه شده است) در بخشی از کتاب لیدی بلومفیلد، (The Chosen Highway) از آن با عنوان دهکده های بهائی ذکر شده است.

سرکار آقا (عبدالبها) گهگاه زمینی در روستاهای مختلف می خرید. اصفیه و دلیه در نزدیکی حیفا – این دو ملک را به درخواست حضرت بهاءالله به ضیاءالله و بدیع‌الله، دو برادر ناتنی کوچکتر خود اعطا کرد.
همچنین زمین هایی در روستاهای سمریح، نقیب و عدسیه در نزدیکی اردن تملک شد.
ولید خالدی مورخ در کتاب «همه آنچه باقی مانده است: روستاهای فلسطینی اشغال شده و خالی از سکنه» توسط اسرائیل در سال ۱۹۴۸، تاریخ بسیاری از این روستاهای فلسطینی و چگونگی خالی شدن آنها از سکنه را شرح می دهد. به عنوان مثال، او اشاره می کند که در دهه ۱۸۸۰ بیشتر زمین های روستای السمره توسط بهاءالله خریداری شد و روستائیان به عنوان کشاورزان مستاجر به کشاورزی ادامه دادند. در دهه ۱۹۲۰ این زمین توسط شوقی افندی به صندوق ملی یهودیان فروخته شد. در ۲۱ آوریل ۱۹۴۸، روستای عربی السمره، که عبدالبهاء در آن زمین و غله می کاشت، در نبردی که پس از تصویب مجمع عمومی سازمان ملل در ۲۹ نوامبر ۱۹۴۷ تقسیم بندی آغاز شد، خالی از سکنه شد. با تصویب طرح تقسیم فلسطین توسط مجمع عمومی سازمان ملل در ۲۹ نوامبر ۱۹۴۷. در ۱۴ مه ۱۹۴۸، همزمان با اعلام دولت اسرائیل توسط دیوید بن گوریون، روستای عرب نشین النقیب خالی از سکنه شد..
شوقی افندی در ۲۴ ژانویه ۱۹۲۲ نامه ای از هربرت ساموئل، کمیسر عالی بریتانیا در فلسطین دریافت کرد. دریافت نامه در (گوهر یکتا) اثر امهالبها روحیه خانم ذکر شده است. هربرت ساموئل به عنوان کمیساریای عالی، اولین یهودی بود که در ۲۰۰۰ سال گذشته بر سرزمین تاریخی اسرائیل حکومت کرد و انتصاب او از سوی انجمن های مسلمان-مسیحی به عنوان "نخستین گام در تشکیل وطن ملی صهیونیستی در میان مردم عرب" تلقی شد. هربرت ساموئل از ورود مهاجران یهودی تحت نظارت انجمن استعمار یهودیان فلسطین استقبال کرد و عبری را به عنوان یکی از سه زبان رسمی قلمرو فرمانروایی به رسمیت شناخت.
در حالی که شوقی افندی اینچنین مشغول و در حال فراهم آوردن نیروهای خود بود و در این رابطه نامه هایی برای بهائیان در کشورهای مختلف می نوشت، نامه زیر را از کمیسر عالی فلسطین، سر هربرت ساموئل، مورخ ۲۴ ژانویه ۱۹۲۲ دریافت کرد:
جناب آقای ربانی

من بایست دریافت نامه ۱۶ ژانویه شما را تأیید کنم و از ابراز محبت محتوای آن تشکر کنم. مایه تاسف است اگر مرگ غم انگیز جناب عبدالبهاء که موجب تأسف گشت، در تکمیل تحصیل آکسفورد شما اختلال ایجاد کند و امیدوارم اینطور نباشد.من بسیار علاقه مند هستم که از اقداماتی که برای سازماندهی پایدار جنبش بهائی انجام شده است مطلع شوم. اگر هر زمانی در اورشلیم باشید، خوشحالم که شما را در اینجا ببینم.
ارادتمند شما، هربرت ساموئل
از صفحه ۳۴۸ مروارید گرانبها که در فصل ۱۴ با عنوان خطوط راهنما ...
علاوه بر این، شوقی افندی «نشریه ای را ایجاد کرد که محفل روحانی بهائی حیفا هر نوزده روز یک بار به تمام

مراکز بهائی در سراسر شرق ارسال می‌کند». این به زبان فارسی بود و یک مشابه انگلیسی داشت. او در فوریه ۱۹۲۳ خطاب به بهائیان سوئیس نوشت: «محفل روحانی که در حیفا تأسیس شده است، از این پس به طور منظم اخبار ارض اقدس را برای شما ارسال خواهد کرد...» این خبرنامه حیفا، با نظارت دقیق توسط خود ولی امر، با مطالبی که او ارائه کرده بود، به ارسال ادامه داد تا اینکه محفل روحانی حیفا توسط شوقی افندی همزمان با بیرون راندن جامعه محلی در سال‌های ۱۹۳۸ و ۱۹۳۹ ، منحل شد. اقداماتی از این دست به منزله تاثیر یک قاشق غول پیکر را بود که با آن به شدت کل جامعه پیروان را در سراسر جهان برهم زد و اجزای تشکیل دهنده آن را به هم ریخت، تحریک کرد و برای اقدامات بزرگ، همکاری و تفاهم به چالش کشید.

این در زمانی اتفاق افتاد که شوقی افندی جامعه بهائی فلسطین را که همگی ایرانی بودند به ایران بازگرداند. بسیاری از این افراد برای اسکان مجدد توسط ولی امر وعده کمک مالی دریافت کردند، اما هرگز دریافت نکردند و کاملاً فقیر شدند. تعداد معدودی که باقی ماندند، کسانی بودند که از نزدیک در تشکیلات اداری مشغول بودند، از جمله بستگانی که ناقض بودند یا بعداً ناقض اعلام می شدند.

تصمیم شوقی افندی برای انحلال جامعه بهائی فلسطین را تنها می توان در چارچوب تاریخ فلسطین در آن زمان درک کرد. به عنوان مثال، در سال ۱۹۳۷، یک سال قبل از اینکه شوقی افندی «جامعه محلی را در سال‌های ۱۹۳۸ و ۱۹۳۹ اخراج کند»، (کمیسیون پیل) پیشنهاد تقسیم فلسطین با ایجاد کشورهای جداگانه یهودی و عربی را داد. به گفته بنی موریس، بن گوریون و وایزمن این را پله ای برای گسترش بیشتر و تصرف نهایی کل فلسطین می دانستند.

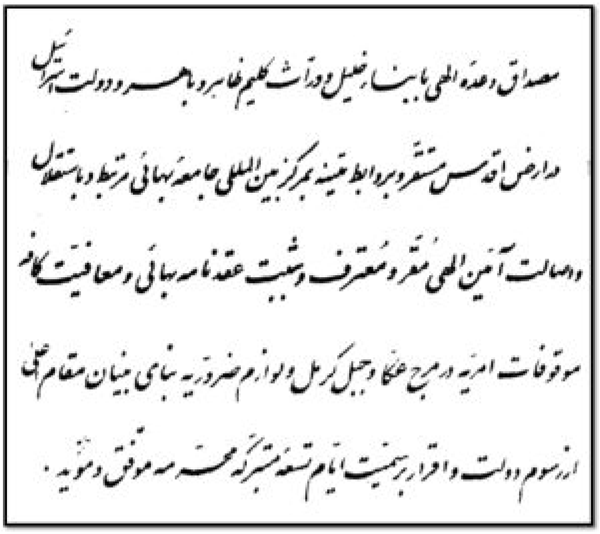
https://onthisdateinbahaihistory.blogspot.com/2021/11/november-2-on-this-date-in-1917-uk.html?m=1

اپیزود ششم :

تعاملات شوقی با صهیونیستها از ۱۹۲۰ الی ۱۹۵۷

.

شوقی افندی در پیام نوروزی خود در سال ۱۳۳۰ شمسی، با ابراز خرسندی از تأسیس اسرائیل، تشکیل رژیم غاصب و جنایت‌کار #اسرائیل را مطابق با وعده‌ی الهی معرفی نموده است:



مصداق وعده الهی با بناء خلیل و وراث کلیم ظاهر و باهر و دولت اسرائیل
در ارض اقدس مستقر و بروابط متینه بمرکز بین المللی جامعه بهائی مرتبط و باستقلال
و اصالت آئین الهی مقر و معترف و بثبت عقدنامه بهائی و معافیت کافه
موقوفات امریه در مرج عکا و جبل کرمل و لوازم ضروریه بنای بنیان مقام علی
از رسوم دولت و اقرار برسمیت ایام تسعه متبرکه محترمه موفق و مؤید.

«مصداق وعده‌ی الهی به ابنای خلیل و وارث کلیم، ظاهر و باهر و دولت اسرائیل در أرض اقدس، مستقر، و به استقلال و اصالت آیین بهائی مُقر (: معترفند) و به ثبت عقدنامه‌ی #بهائی و معافیت کافه‌ی (: تمام) موقوفات بهائی در عکا و جبل (: کوه) کرمل و لوازم ضروریه‌ی بنای مرقد باب از رسوم، یعنی عوارض و #مالیات #دولت و اقرار به رسمیت ایام تعطیلی #بهائیان موفق و مؤید شده است».[۱]

اما جالب است بدانیم در حالی این پیشوای ظاهراً الهی بهائیت، با شوقی فراوان از تشکیل #رژیم_صهیونیستی سخن رانده و آن را مصداق وعده‌ی الهی خوانده است که اندکی پیش از آن، نسل‌کشی‌های کم سابقه‌ای در «دیر یاسین»، «اللُّد»، «الرمله»، «دوامیه» و... را به اسم خود ثبت کرده بود

به عبارتی شوقی افندی، با نادیده گرفتن اشغالگری و جنایت‌های صهیونیست‌ها، رژیم اسرائیل را الهی معرفی می‌نماید!

از طرفی باید پرسید که چه عاملی موجب آزادی، رسمیت یافتن و معافیت‌های مالیاتی بهائیت در اسرائیل شد، در حالی که فلسطینیان، به بدترین شکل ممکن به قتل رسیده و از زادگاه خود آواره می‌شدند؟!

پی‌نوشت:
[۱]. شوقی افندی، توقیعات مبارکه، ج ۴، صص ۲۹۱-۲۹۰.

این روی کرد شوقی یعنی اعلام سرسپردگی تمام قد به رژیم غاصب اسرائیل برای انجام وظایف محوله در تمام نقاط جهان شد لذا تعجب آور نخواهد بود بدانیم اولین نقشه ده ساله شوقی با وسعت عجیب جهانی اش و ایجاد شبکه

سازی در سراسر جهان آن هم ۵ سال پس از تشکیل دولت غاصب صهیونیست بدون اجازه و هماهنگی با آن امکان پذیر نمی باشد

اگر محققین دقیق به اولین نقشه جدی جهانی تشکیلات بهایی و اقدامات آن توجه نمایند اذعان می کنند که بزرگترین شبکه سازمانی را در سرار عالم شوقی ایجاد می کند و به صراحت در سال ۱۹۵۲ اعلام می کند هدف ما رسیدن به حکومت بهایی در کلیه کشور هاست مستندات این مبحث به شکل دقیق در لینک زیر قبلا تقدیم گردیده است

حکومت بهایی به روایت اسناد جامعه جهانی بهایی یکصدو ده سند ۱۱۰

به عبارتی روشنتر مگر می شود در جغرافیایی اسرائیل چنین شبکه سازی جهانی اتفاق بیفتد و با هماهنگی اسرائیل نباشد ؟

دقیقا هدف اسرائیل با توجه به تجربیات اسرائیلیزه کردن فلسطین قصد داشت و دارد تا با تجربه اشغال فلسطین با ابزار بهائیت پروژه اسرائیلیزه کردن تمام کشورها را به عاملیت تشکیلات بهایی به سر انجام برساند لذا چند مولفه زیر برای اسرائیل برای انتخاب عاملیت تشکیلات بهایی برای رسیدن به این هدف مهم است

نکته اول : ساختار تشکیلات بهایی ایدلوژیکی است و عموم اعضا از روی اخلاص تمام و انگیزه های بظاهر الهی بشکل گسترده اولا تشکیلات بهایی به بهانه و پوشش تبلیغ به اعضای خود چنین القا می کند که هدف تبلیغ امر الله است و با انگیزه های مذهبی عموم بهائیان موظف هستند تمام تحرکات قبل از تبلیغ و رصد حوزه فعالیت خود را با کوچکترین جزئیات به نهادهای اطلاعاتی (ایادیان دار التبلیغ و معاونین و مساعدین – البته زمان شوقی دار التبلیغ هنوز تاسیس نشده بود) گزارش کنند به عبارتی نقشه ده ساله اولین تجربه سیستماتیک تعاملات اطلاعاتی و امنیتی و توسعه شبکه سازمانی بشکل بسیار گسترده بین شوقی و حکومت غاصب اسرائیل بود

نکته دوم : تمام تحرکات فوق کم هزینه ترین ساختار شبکه اطلاعاتی و عملیاتی برای اسرائیل بود

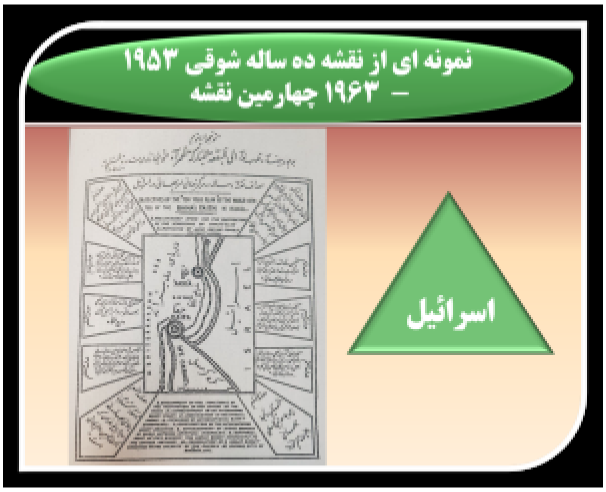
نکنه سوم : محافل و کانونهای سازمانی تشکیلات بهایی در هر نقطه از جغرافیای جهان یک پایگاه و بستر برای رشد حکومت موازی در آن کشور می باشد (اسرائیلیزه کردن) لذاست که شوقی به پشتبانه رژیم صهیونیست علنا اعلام می کند محافل ملی حکومت بهایی در آن کشور هستند و دارای سه قوای مقننه مجریه و قضائیه می باشند این گستاخی بدون حمایت از جانب نظام سلطه و اسرائیل غیر ممکن بود

برای تاکید بر قطعی بودن عاملیت شوقی و آلت دست بودن وی برای صهیونیست ها در بستر نقشه ده ساله ۱۹۵۳ – ۱۹۶۳ فقط به ابتدا تصویر نقشه ها بنگرید سپس اصل فایل توقیعات شوقی گه طی سالهای ۱۹۵۲ الی ۱۹۵۷ توجه کنید حتی یک درصد هم کسی که از هوش برخوردار است احتمال این را نمی دهد که نقشه ده ساله شوقی تحت اشراف و از ابزارهای تسلط صهیونیستها در جهان و مخصوصا در ایران نباشد

الف : ابتدا نقشه ها

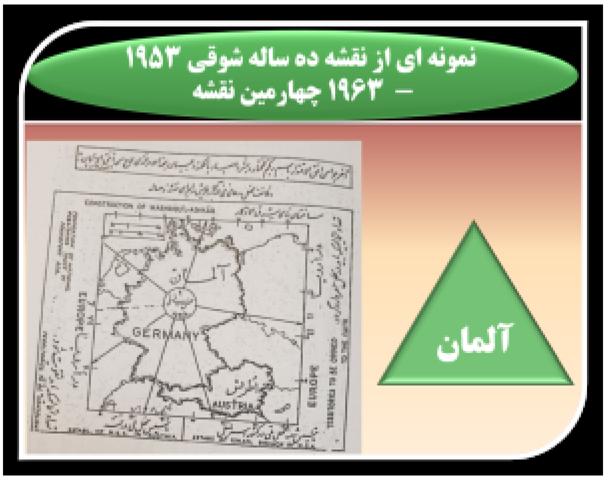

نمونه ای از نقشه ده ساله شوقی ۱۹۵۳
– ۱۹۶۳ چهارمین نقشه
آمریکا

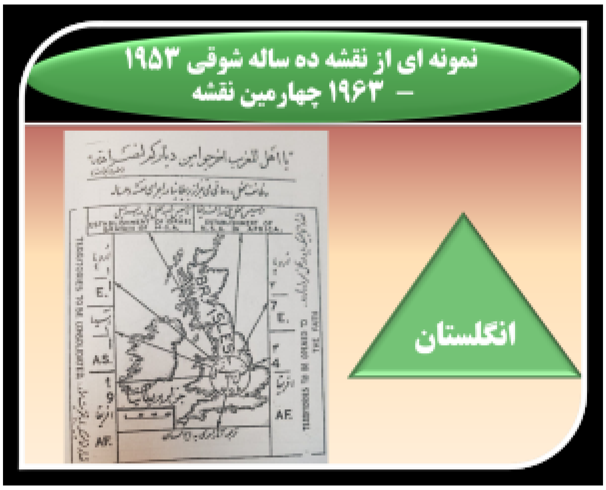

نمونه ای از نقشه ده ساله شوقی ۱۹۵۳
– ۱۹۶۳ چهارمین نقشه
شوروی


نمونه ای از نقشه ده ساله شوقی ۱۹۵۳
– ۱۹۶۳ چهارمین نقشه
اسرائیل


نمونه ای از نقشه ده ساله شوقی ۱۹۵۳
– ۱۹۶۳ چهارمین نقشه
IRAQ
عراق

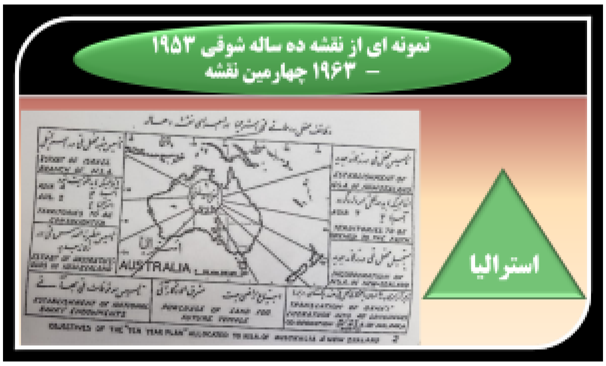

نمونه ای از نقشه ده ساله شوقی ۱۹۵۳
– ۱۹۶۳ چهارمین نقشه
EGYPT
SUDAN
سودان


نمونه ای از نقشه ده ساله شوقی ۱۹۵۳
– ۱۹۶۳ چهارمین نقشه
GERMANY
AUSTRIA
آلمان

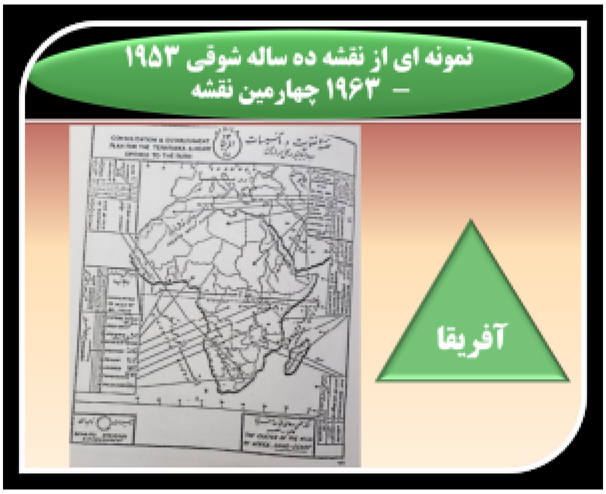

نمونه ای از نقشه ده ساله شوقی ۱۹۵۳
– ۱۹۶۳ چهارمین نقشه
انگلستان


نمونه ای از نقشه ده ساله شوقی ۱۹۵۳
– ۱۹۶۳ چهارمین نقشه
ITALY
EUROPE
ایتالیا


نمونه ای از نقشه ده ساله شوقی ۱۹۵۳
– ۱۹۶۳ چهارمین نقشه
PERSIA
ایران



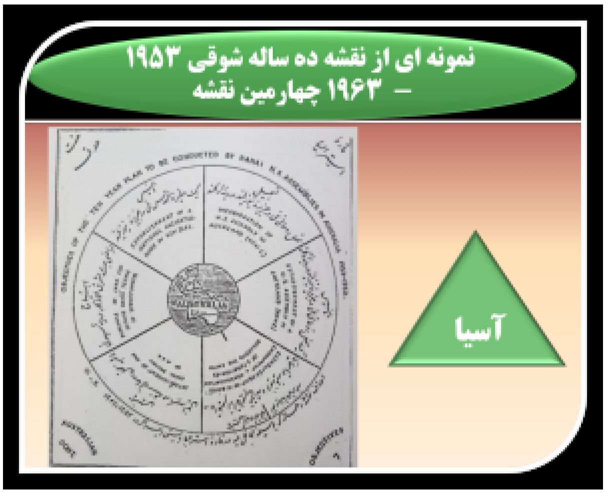
نمونه ای از نقشه ده ساله شوقی ۱۹۵۳
– ۱۹۶۳ چهارمین نقشه
AUSTRALIA
استرالیا



نمونه ای از نقشه ده ساله شوقی ۱۹۵۳
– ۱۹۶۳ چهارمین نقشه
آفریقا



نمونه ای از نقشه ده ساله شوقی ۱۹۵۳
– ۱۹۶۳ چهارمین نقشه
قاره آسیا







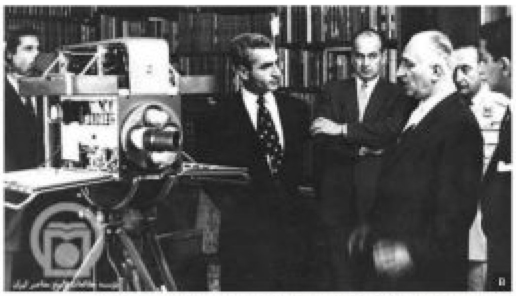
ب : اصل فایل توقیعات شوقی در اقدامات اجرائی این شبکه جهانی اعم از شبکه سازی به بهانه لجنات مهاجرین و فرامین ساختار حکومتی و اسناد رسمیت یافتن نهاد های سازمانی تشکیلات بهایی توسط نهادهای رسمی رژیم اسرائیل تقدیم می گردد می توانید دانلود کنید :

[توقیعات مبارکه حضرت ولی امرالله ج۵ – ۱۹۵۲تا۱۹۵۷](#)

اپیزود هفتم

نقشه دهساله در ایران و مقاومت مردمی در برابر اشغال خاک ایران یعنی تصرف نهادهای امنیتی و اقتصادی و سیاسی

بعد از اعلان علنی شروع نقشه ده ساله در توقیع صادره اول عید رضوان ۱۳۳۲ (اردیبهشت) و اعلان رسمی حتی مکانیزم و مراحل گرفتن حکومت و تشریح کردن دقیق پروتکل هفتگانه شوقی با توجه به اظهارات و اسناد قبل دقیقا این اسرائیل بود که با ابزار نقشه ده ساله قصد تسلط بر نهادهای حاکمیتی را در سر داشت و بهائیان ید عامله حکومت اسرائیل در ایران بودند و این حکومت در واقع با هزینه بسیار کم از عناصر ایدئولوژیکی بهایی در ایران تا قله های تصور ناپذیری بالا رفت فقط دو عدد املاک و خاک ایران به واسطه فعالیتهای این نقشه نزدیک به اشغال حد اقل ۲۰ درصد املاک کشور در اختیار بهائیان قرار گرفت بر مبنای اظهارات رسانه هایی مانند بی بی سی فقط حبیب ثابت پاسال کارگزار شوقی و محور مالی نقشه های بیت العدل در سطح جهانی و ایران ده درصد کل ایران را دارا بود



حبیب‌الله ثابت اولین ایستگاه‌های تلویزیون و نخستین کارخانه صنعتی ... را در ایران احداث کرد

در ۱۹۷۴ مجله Fortune ثروت او را معادل ده درصد کل ثروت موجود در ایران تخمین زد. نیویورک تایمز او را مردی شیفتهٔ عتیقه‌جات معرفی کرد که قادر است به شش زبان زنده دنیا صحبت کند.

عمارت ثابت پاسال، در خیابان حردن، گوشه‌ای بود برای نمایش ثروت به دست آمده از راه خلاقیت و همین‌طور شرایط و روابط سیاسی مساعد مالک آن.

اگرچه ساخت بنا در سال ۱۳۴۰ به پایان رسید، اما با در نظر گرفتن جریان‌های رایج معماری در جهان و حتی در ایران دههٔ ۱۳۴۰، باید گفت این بنا به هیچ وجه فرزند زمان خود نیست و هیچ تعلق خاطری به جنبش‌های معماری معاصر و حتی انبوه خانه‌های مدرن که در خیابان پهلوی سابق ساخته شده‌اند ندارد.

کار این بنا بیشتر به نمایش گذاشتن ثروت و مکنت مالک آن است و یک بازسازی از مقطعی از تاریخ هنر که در آن هیچ نکته پیچیده‌ای وجود ندارد.

https://www.bbc.com/persian/iran/2015/01/150118_me_sabet_pasal_house

و مورد دوم اموال شوقی که پس از وی بر مبنای اظهارات سرهنگ ثابت راسخ در سال ۱۳۳۷ بالغ بر یک میلیاردو ۹۵۰ ملیون تومان می گردید که اسناد بیش از دو هزار صفحه آن از کتابخانه ملی تصویر برداری شده که در اینک زیر قابل دسترسی می باشد

[صورت اموال شوقی پس از مرگ بر طبق اسناد مالیاتی (بیش از دو هزار صفحه سند)](#)

در واقع اموال غیر منقول شوقی در این حجم و ثابت پاسال یعنی سیطره اسرائیل تا همین مقدار بر خاک ایران لذا از همان ابتدا بعد از اینکه در سال ۱۳۳۲ بعضی از اندیشمندان مورد تبلیغ و دعوت به حذب سازمان گردیدند حساسیتها بر انگیخته شد و بعد از تحقیق دقیق نیروی های مردمی و وطن پرست بعد از کشف این دسیسه خطرناک در سال ۱۳۳۴ به آیت الله العظمی بروجردی اطلاع دادند و ایشان حجت الاسلام فلسفی را به نزد شاه فرستاد و اسناد اقدامات کودتا گران بهایی برای سال ۱۳۳۵ بر مبنای مکاشفات یوحنا را بر ملا کردند البته با لابی گری بهائیان مانند افرادی چون سر لشکر شعاع الله اعلائی ایادی امر شوقی و نفوذ در دستگاه قضائی شاه و اعمال نفوذ مزدورانی چون امام جمعه تهران حسن امامی شوقی مسلمان جا زده شد و تشکیلات بهایی در پوشش شرکت امناء این اقدامات ملکی را مدیریت و تحت تملک خود در آورد که انشا الله در مجالی دیگر مفصل به شرکت امناء و نونهالان پرداخته خواهد شد

در سند زیر که از اسناد سایت رسمی بیت العدل می باشد اظهارات حجت الاسلام فلسفی که خبر از کودتا بسال ۱۳۳۵ می دهد غیر قابل انکار است در واقع این کودتای اذناب اسرائیل در ایران بود که پس از کشف و اقدامات مردمی با سخنرانی در ماه رمضان فلسفی و تخریب حظیرت القدس بهائیان در تهران سرکوب شد به سند اظهار کودتای تشکیلات بهایی در اظهارات مرجوم فلسفی توجه فرمایید

https://iranbahaipersecution.bic.org/fa/archive/rwznamh-ashfth-atlaat-jdyd-az-tshdyd-falytha-lyh-bhayyan

[روزنامه:] آشفته

[تاریخ:] سال ۱۳۳۴

[شماره:] ۱۸

[صفحه:] ۳

اطلاعات تازه از فعالیتهای شدید علیه بهائیها

شایعات اینهمه [اینهفته] محافل سیاسی تهران بیشتر در اطراف چگونگی اشغال حضیرهالقدس [حظیرهالقدس] و سرکوبی فرقه بهائیان دور میزد. ‘‘اتحاد ملی’’ در این باره نوشته است:

قبل از ماه رمضان فعالیت دامنه داری در محافل مذهبی مشهود بود و با آغاز ماه مبارک و سخنرانی‌های مذهبی حقیقت امر معلوم شد زیرا کلیه وعاظ رسماً وارد مبارزه با بهائی شدند و سخنرانیهای آقای فلسفی از رادیو تهران و آقای شکوهیده از رادیوی نیروی هوائی و ذکر اینکه خطر بهائی‌ها از تودهایها زیاد است نشانه عزم راسخ محافل روحانی بود.

علی‌الخصوص در یکی دو هفته اخیر شایع گردید که بین تهران و قم شخصیت‌های مهم سیاسی رفت و آمد نموده و با حضرت آیه‌الله بروجردی ملاقات کرده‌اند و اکنون آشکار گردید که پیشوای مسلمین از مقامات مؤثر مملکت خواسته‌اند تا از فعالیت بهائیان جلوگیری شود.

آقای فلسفی در اینمورد میگفتند که این تقاضای حضرت آیه‌الله بروجردی خیلی صریح بوده و حتی پیغام دادند که صلاح نیست پزشک مخصوص اعلیحضرت همایونی پیرو مذهب بهائی باشد:

آقای فلسفی سپس افزودند این شخص بقدری متعصب است که چندی قبل وی جهت مسافرت بامریکا در التزام رکاب در نظر گرفته شده بود تا نرفت و از محفل بهائیها اجازه نگرفت از رفتن خودداری نمود و بد نیست که بدانید بهائیها اجازه رفتن به امریکا را ندارند حتی برای تحصیل....

بیانات صریح و حملات تند آقای فلسفی در مسجد شاه که از فرستنده رادیو تهران هم پخش میشد بقدری تاثیر نمود که افکار و تبلیغات متضادی در کشور بوجود آورده بود و همه میپرسیدند نقشه چیست؟ و کار بسؤالات پی در پی شفاهی و کتبی از رادیو تهران و مطبوعات و جراید کشید – سخنرانی‌های آقای فلسفی همه روزه بمدت یکساعت از مسجد شاه پخش میشد و چون احتمال میرفت بیانات ایشان باعث تحریک متعصبین گردد. بدین منظور بتن [بین] وزیر کشور و آقای فلسفی ملاقاتهائی بعمل آمد و خواسته شد که ایشان مردم را بآرامش دعوت نمایند تا از طریق قانونی و رسمی مرکز بهائی‌ها بسته شود....

با آنکه آقای فلسفی مردم را بسکوت دعوت میکرد ولی تأثیری در افراد متعصب مسلمان و بهائیان ننمود و در چند نقطه بیم تشنجاتی میرفت و گزارش این امر بمراکز انتظامی رسید تا اینکه در شب شنبه عده‌ای از افراد متعصب یکی از دستجات مذهبی بخیابان یوسف‌آباد رفته و قصد دخول به حظیره‌القدس را داشته‌اند ولی دربان آنجا ممانعت مینماید.

از طرفی آقای فلسفی صریحاً از رادیو اعلام خطر کرد و گفت بهائیها قصد دارند در سال ۱۳۳۵ کودتا نمایند و مقدمات آنرا از حالا فراهم میکنند و بهائیها میگفتند که نقشه بهائی کشی در کار است – دولت... دستور هشدار بقوای انتظامی داد و بتمام کشور بخشنامه شد که از تزلزل امنیت جلوگیری شود و... شورای امنیت کشور در ساعت ۸:۳۰ صبح روز شنبه تشکیل یابد... و چون بستن حظیره‌القدس مورد توجه و تمایل شدید محافل روحانی بود و طبقات دیگر هم با امضای طومارها از شخص اعلیحضرت همایونی بنام حفظ شعائر اسلامی و قانون اساسی این موضوع را تقاضا نموده‌اند لذا تصمیم گرفته میشود که مرکز بهائیان بوسیله فرمانداری نظامی اشغال و انحلال سازمان حظیره‌القدس اعلام گردد و..



متن زیر هم تکیه بر کودتا درسال ۱۳۳۵ توسط بهائیان را متذکر می شود :

https://iranbahaipersecution.bic.org/fa/archive/rwznamh-hbl-almtyn-khtr-afrad-bhayy-byshtr-az-hzyrt-alqds-ast

[روزنامه:] حبل‌المتین

[تاریخ:] ۲۰ اردیبهشت ۱۳۳۴

[شماره:] ۹۵

خطر افراد فرقه ضاله بهائیه بیش از مکان ساختمان حظیرهالقدس است باید ریشه فساد را قطع نمود.

ما در شماره‌های قبل خطر این فرقه جاسوسان اجنبی پرست. این گمراهان، این افراد پست فرومایه زندیق را باطلاع خوانندگان محترم رسانیدم که چگونه رسما در بنگاهها و ادارات دولتی دست به یک سلسله اقدامات خطرناک زده و اغلب پستهای حساس مالی و پرسنلی را با تمهیدات و شیطنت‌ها وسیله ایادی ناپاک خود در دولت سابق بدست آورده و عده‌ای عوام‌الناس در نتیجه احتیاج و شهوت مقام و شهوات نفسانی در مرکز پایتخت شیعه جعفری مذهب! بواسطه غلفت دولت وقت توانسته‌اند دور خود جمع نموده تا جائیکه علناً در بنگاه‌ها و ادارات دولتی بتبلیغات گمراه کننده بهائیت و بابیت مینمودند! و آنچه ما و سایر روزنامه‌های حق‌گوی دیگر بنا بخواسته مردم فریاد کردیم نوشتیم و گفتیم دولتهای سابق نفت را بهانه نموده و گوش شنوا نداشتند تا اینکه بحمدالله بفرمان شاهنشاه و همت دولت روز ۱۴ رمضان یا ۱۶ اردیبهشت ۱۳۳۴ این افراد بی‌حیثیت را چنانچه محفل بزرگ یا لانه فساد (یا حظیرهالقدس) وسیله سربازان شرافتمند مسلمان اشغال گردید و ناگفته نماند که ثقهالاسلام آقای فلسفی حقاً مجاهدت زیادی در این راه بفرمان بزرگ پیشوای مسلمین آیت الله بروجردی نمودند بنابر این قوای انتظامی لانه فساد یا (حظیرهالقدس) را اشغال و اعلامیه ۹۲ فرماندار نظامی که علیحده چاپ شده موید این موضوع است ولی ما بارها گفته و حالا هم میگوئیم که خطر افراد این فرقه که در بنگاههای دولتی و ادارات همانطوریکه در راه آهن و چند اداره دیگر میباشد که باید قطع شود. و البته ابن صدا جناب ایشان خواسته ۲۵۰ ملیون مسلمان است

بنابر این ملت ایران میگویند (الاکرام بالاتمام) باید در اسرع وقت دولت خدمتگذار بکشور ایادی پست و کثیف و فرومایه و جاسوس آنها را از بنگاهای دولتی مانند راه آهن و سایر دوایر دولتی قطع کند و بطوریکه ثابت شده زیان این جاسوسان بی‌وطن که باغفال مردم مسلمان بمناسبت در دست داشتن پستهای حساس مالی و پرسنلی که با کمال تأسف بر خر مراد سوارند و هر روز و ساعت بتبلیغات ضد دین مشغولند باید بدون اینکه **متحمل گفته‌های واسطه‌ها و ایادی و عمال کثیف باید مثل عضو فاسد بدن قطع شود و نباید مفر بآنها داده شود که بطور مسلم مهلت بآنها برای عملی نمودن نقشه! (کودتا!!) ۱۳۳۵ خیانت بکشور و مسلمین است.**

زیرا این بی‌بندبارها که بقول آقای فلسفی ضررشان بطور مسلم برای کشور مسلمان بیشتر از توده‌ایهاست باید شر آنها از سر مردم کنده شود و بطور واقعی از تبلیغات آنها جلوگیر گردد و ما امیدواریم همانطوری که جناب آقای علم وزیر کشور بآقای فلسفی قول داده‌اند خواسته ۱۹ میلیون مردم مسلمان شیعه ایران و تمام مسلمان جهان جامه عمل پوشانیده و دست افراد فرقه ضاله بهائیه مرتد را از دستگاه دولتی بدون تامل و مرتفع فرمایند و با این اقدام خداپسندانه و خیرخواهان دینی ثابت کنند که خادم دین وملت بوده ودر نتیجه تا تاریخ دنیاست مسلمانان بنام نامی آنها افتخار نموده و نام آنها را بمجد و عظمت یاد کند ضمنا مسلمانان ایران بانتظار این اقدام اساسی دقیقه شماری میکنند و معتقداند که باید ریشه فساد قطع شود ساختمان را امکان دارد تغییر مکان داد.

سیداسدالله – روحانی‌زاده


خطر افراد فرقه ضاله بهائیه
بیش از مکان ساختمان حظیرة القدس است
باید ریشه فساد را قطع نمود

اپیزود هشتم :

ظاهرا عبد الرحیم ایادی هیجان زده شده و قصه را لو داده ولی تکذیب شد برادر عبد الکریم ایادی (لوح ظهور امر الله)

https://www.hassanershad.com/wp-admin/post.php?post=7013&action=edit

اتهام‌ها علیه افراد بهائی

تهران

ایادی

۲۱ اسفند ۱۳۳۶

English

فارسی

[اطلاعات شخصی افراد **حذف شده** است]

[برای وضوح بیشتر فقط مطالب و اخبار مربوط به افراد و جامعه بهائی تایپ شده است]

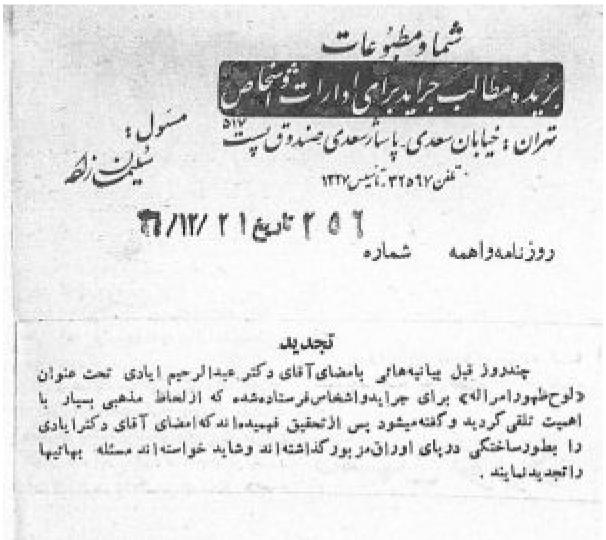
[روزنامه:] واهمه

[تاریخ:] ۲۱ اسفند ۱۳۳۶

[شماره:] ۲۵۶

تجدید

چند روز قبل بیانیه‌هایی بامضای آقای دکتر عبدالرحیم ایادی تحت عنوان «لوح ظهور امراله» برای جراید و اشخاص فرستاده شده که از لحاظ مذهبی بسیار با اهمیت تلقی گردید و گفته میشود پس از تحقیق فهمیده‌اند که امضای آقای دکتر ایادی را بطور ساختگی در پای اوراق مزبور گذاشته‌اند و شاید خواسته‌اند مسئله بهائیها را تجدید نمایند.



شما و مطبوعات

بریده مطالب جراید برای ادارات و اشخاص

تهران: خیابان سعدی، پاساژ سعدی، صندوق پست ۵۱۷

تلفن ۳۲۵۹۲، تأسیس ۱۳۳۷

مسئول: سلیمان زاده

روزنامه واهمه شماره ۲۵۶ تاریخ ۲۱/۱۲/۴۶

تجدید

چندروز قبل بیانیه‌هائی بامضای آقای دکتر عبدالرحیم ایادی تحت عنوان «لوح ظهور امرالله» برای جراید و اشخاص فرستاده شده که از لحاظ مذهبی بسیار با اهمیت تلقی گردید و گفته میشود پس از تحقیق فهمیده‌اند که امضای آقای دکتر ایادی را بطور ساختگی در پای اوراق مزبور گذاشته‌اند و شاید خواسته‌اند مسئله بهائیها را تجدید نمایند.

اپیزود نهم

کنش گری امام خمینی عصر عاشورای ۱۳۴۲ در برابر نتایج خطرناک نقشه ده ساله و کودتای اسرائیل (بهائیان) در ایران

بلافاصله در سال ۱۹۶۳ – عصر عاشورای ۱۳۴۲ که پایان نقشه ده ساله شوقی و آغاز کار بیت العدل و شروع نقشه نه ساله در سال ۱۹۶۴ می بود بواسطه سستی شاه مملکت در برابر تشکیلات بهایی در ایران و تسلط خطرناک بر کلیه نهادهای قدرت در ایرادن اعم از ارتش دولت – رسانه هایی مانند تلوزیون و نهادهای سینمایی مانند محورهای تولید آثار ضد منافع ملی همچون مهدی میثاقیه و تسلط افرادی مانند ثابت پاسال بر رسانه و اقتصاد ایران وووو امام خمینی بر علیه نفوذ اسرائیل در ایران به عاملیت اعضای تشکیلات بهایی خطابه تندی برگزار می شود

اصل خطابه تقدیم می گردد و مواردی که شاهد مثال این ادعا می باشد را به شکل برجسته نمایید :

متن کامل سخنرانی امام در ۱۵ خرداد ۴۲

سخنرانی شگفت امام عصر عاشورا

امام در مدرسه فیضیه با حضور صدها هزار نفر، آغازی بر مخالفت‌های عمومی ضد نهضت شاه بود.

مطالعه متن کامل سخنان حضرت امام (ره) می تواند نگاه مجددی باشد بر شجاعت امام در دفاع از اسلام راستین.

بسم الله الرحمن الرحیم

الان عصرعاشورا ست... گاهی که وقایع روزعاشورا را از نظر می گذرانم، این سؤال برایم پیش می آید که اگر بنی امیه و دستگاه یزید بن معاویه ، تنها با حسین سرجنگ داشتند، آن رفتار وحشیانه وخلاف انسانی چه بود که در روز عاشورا با زنهای بی پناه و اطفال بیگناه مرتکب شدند؟ بچه خردسال چه تقصیر داشت؟ زنها چه تقصیر داشتند؟ نظرم این است آنها با اساس سر و کار داشتند، بنی هاشم را نمی خواستند ، بنی امیه با بنی هاشم مخالفت داشتند، نمی خواستند شجره طیبه باشد. همین فکر در ایران[وجود] داشت. اینها با بچه های شانزده- هفده ساله ما چه کار داشتند؟ سید شانزده- هفده ساله به شاه چه کرده بود؟ به دولت چه کرده بود؟ به دستگاه های سفاک چه کرده بود؟ لکن این فکر پیش می آید که اینها با اساس مخالفند، با بچه مخالف نیستند. اینها نمی خواهند که اساس موجود باشد؛ اینها نمی خواهند صغیر و کبیر ما موجود باشد.

اسرائیل، دشمن اسلام وایران

اسرائیل نمی خواهد دراین مملکت دانشمند باشد، اسرائیل نمی خواهد در این مملکت قرآن باشد؛ اسرائیل نمی خواهد دراین مملکت علمای دین باشند؛ اسرائیل نمی خواهد در این مملکت احکام اسلام باشد . اسرائیل به دعوت عمال سیاه خود، مدرسه (فیضیه قم و طالبیه تبریز) را کوبید. ما را می کوبند، شما ملت را می کوبند. **می خواهد اقتصاد شما را قبضه کند**؛ می خواهد **زراعت و تجارت شما را از بین ببرد**؛ می خواهد در این **مملکت ، دارای ثروتی نباشد**، **ثروتها را تصاحب کند به دست عمال خود**. این چیزهایی که مانع هستند، چیزهایی که سد راه هستند، این سدها را می شکند؛ **قرآن سد راه است**، باید شکسته شود ؛ روحانیت سد راه است ، باید شکسته شود ؛ مدرسه فیضیه سد راه است، باید خراب شود ؛ طلاب علوم دینیه ممکن است بعدها سد راه بشوند، باید از پشت بام بیفتند، باید سر و دست آنها شکسته شود ب**رای اینکه اسرائیل به منافع خودش برسد ؛ دولت ما به تبعیت اسرائیل به ما اهانت می کند**.

مفتخوار کیست؟

شما آقایان قم، ملاحظه فرمودید آن روزی که آن رفراندم غلط انجام گرفت،آن رفراندوم مفتضح انجام گرفت، آن رفراندومی که چند هزار نفر بیشتر همراه نداشت، آن رفراندومی که بر خلاف ملت ایران انجام گرفت، در کوچه های این قم، در مرکز روحانیت، در جوار فاطمه معصومه راه انداختند اشخاص را؛ چند نفر از بچه ها و اراذل را راه انداختند؛ در اتومبیلها نشاندند و در کوچه ها گرداندند ؛ گفتند: مفتخوری تمام شد، پلو خوری تمام شد. آقایان! ملاحظه بفرمایید، این وضع مدرسه فیضیه را ملاحظه کنید، این حُجَرات را ملاحظه کنید، این اشخاصی که لُباب عمرشان را در این حُجَرات می گذرانند، آن اشخاصی که مواقع نشاطشان را دراین حجرات می گذرانند، آن اشخاصی که بیش از سی- چهل الی صد تومان در ماه ندارند، اینها مفتخورند؟ آن اشخاصی که هزار میلیونشان، هزار میلیونشان یک قلم است، هزاران میلیونشان درجاهای دیگر است، اینها مفتخور، زیادنیستند؟ ما مفتخوریم؟ مایی که مرحوم آقای حاج شیخ عبدالکریم مان وقتی که فوت می شود، آقازاده های آن[مرحوم] همان شب چیز نداشتند، همان شب شام نداشتند[گریه شدید حضار] ؛ ما مفتخوریم؟ مایی که مرحوم آقای بروجردی مان، وقتی که

از دنیا می رود ششصد هزار تومان قرض می گذارد، ایشان مفتخورند؟ اما آنها که بانک های دنیا را پر کرده اند، کاخ های عظیم را روی هم ساخته اند، و باز رها نمی کنند این ملت را، و باز دنبال این هستند که سایرمنافع این ملت را به جیب خودشان یا اسرائیل برسانند، اینها مفتخور نیستند؟ باید دنیا قضاوت کند، باید ملت قضاوت کند که مفتخور کیست.

نصیحت و اخطار به شاه

آقا! **من به شما نصیحت می کنم**، ای آقای شاه! ای جناب شاه! من به تو نصیحت می کنم ؛ دست بردار از این کارها. آقا! **اغفال دارند می کنن**د تو را. من میل ندارم که یک روز اگر بخواهند تو بروی، همه شکر کنند. **من یک قصه ای را برای شما نقل می کنم که پیرمردهایتان، چهل ساله هایتان یادشان است، سی ساله ها هم یادشان است. سه دسته، سه مملکت اجنبی- به ما حمله کرد: شوروی، انگلستان، آمریکا به مملکت ایران حمله کردند؛ مملکت ایران را قبضه کردند؛ اموال مردم در معرض تلف بود، نوامیس مردم در معرض هتک بود، لکن خدا می داند که مردم شاد بودند برای اینکه پهلوی رفت. من نمی خواهم تو اینطور باشی؛ نکن. من میل ندارم تواینطور بشوی، نکن! اینقدربا ملت بازی نکن! اینقدر با روحانیت مخالفت نکن. اگر راست می گویند که شما مخالفید، بد فکرمی کنید. اگر دیکته می دهند دستت و می گویند بخوان، در اطرافش فکر کن؛ چرا بیخود ، بدون فکر، این حرفها را می زنی؟ آیا روحانیت اسلام، آیا روحانیون اسلام، اینها حیوانات نجس هستند؟ در نظر ملت، اینها حیوان نجس هستند که تو می گویی؟ اگر اینها حیوان نجس هستند پس چرا این ملت دست آنها را می بوسد؟ دست حیوان نجس را می بوسد؟**

چرا تبرک به آبی که او می خورد، می کنند؟ حیوان نجس را این کار می کنند؟! آقا ما حیوان نجس هستیم؟ [گریه شدید حضار] خدا کند که مرادت این نباشد؛ خدا کند که مرادت از اینکه " مرتجعین سیاه مثل حیوان نجس هستند و ملت باید از آنها احتراز کند"، مرادت علما نباشند و الاّ تکلیف ما مشکل می شود و تکلیف تو مشکل می شود . نمی توانی زندگی کنی ؛ ملت نمی گذارد زندگی کنی . نکن این کار را؛ نصحیت مرا بشنو. آقا! ۴۵ سالت است شما؛ ۴۳ سال داری، بس کن، نشنو حرف این و آن را؛ یک قدری تفکر کن، یک قدری تامل کن! یک قدری عواقب امور را ملاحظه بکن! یک قدری عبرت ببر! عبرت از پدرت ببر. آقا! نکن اینطور! بشنو ازمن؛ بشنو از روحانیین؛ بشنو از علمای مذهب ؛ اینها صلاح ملت را می خواهند؛ اینها صلاح مملکت را می خواهند.مامرتجع هستیم؟ احکام اسلام،ارتجاع است؟ آن هم" ارتجاع سیاه" است؟ توانقلاب سیاه، انقلاب سفید درست کردی؟! شما انقلاب سفید به پا کردید؟ کدام انقلاب سفید را کردی آقا؟ چرا اینقدر مردم را اغفال می کنید؟ چرا نشر اکاذیب می کنید؟ چرا اغفال می کنی ملت را؟ **والله، اسرائیل به درد تو نمی خورد، قرآن به درد تو می خورد**.

امروز به من اطلاع دادند که بعضی از اهل منبر را برده اند در سازمان امنیت و گفته اند شما سه چیز را کار نداشته باشید، دیگر هر چه می خواهید بگویید، یکی شاه را کار نداشته باشید، **یکی هم اسرائیل را کار نداشته باشید**، یکی هم نگویید دین در خطر است. این سه تا امر را کار نداشته باشید، هر چه می خواهید بگویید. خوب اگر این سه تا امر را ما کنار بگذاریم، دیگر چه بگوییم؟! ما هر چه گرفتاری داریم از این سه تاست تمام گرفتاری ما.

آقا ، اینها خودشان می گویند، من که نمی گویم، به هر که مراجعه می کنی، می گوید: شاه گفته؛ شاه گفته مدرسه فیضیه را خراب کنید ؛ شاه گفته اینها را بکشید... آن مرد که آمد در مدرسه فیضیه – حالا اسمش را نمی برم، آن وقت که دستور دادم گوشهایش را ببرند، آن وقت اسمش را می برم[ابراز احساسات حضار]- آمد در مدرسه فیضیه فرمان داد، سوت کشید ؛ تمام مستقر شدند در یک گوشه ای . گفت: منتظر چه هستید، بریزید تمام حجره ها را غارت کنید، تمام را از بین ببرید . گفت: حمله کن، حمله کردند. ازایشان بپرسی آقا چرا این کار را کردید؟ میگوید: اعلیحضرت فرموده. اینها دشمن اعلیحضرتند. **اسرائیل دوست اعلیحضرت است**؟ اینها دشمن اعلیحضرت هستند؟ **اسرائیل مملکت را به باد می برد، اسرائیل سلطنت را می برد، [با کمک] عمال اسرائیل.**

شاه تحت تأثیر بهایی ها

آقا، یک حقایقی در کار است، من باز سرم دارد درد می گیرد؛ یک حقایقی در کار است . شما آقایان در تقویم دو سال پیش از این یا سه سال پیش از این **بهایی ها مراجعه کنید؛ در آنجا می نویسد: تساوی حقوق زن و مرد، رای عبدالبهاء است؛ آقایان از او تبعیت می کنند. آقای شاه هم نفهمیده می رود بالای آنجا، می گوید: تساوی حقوق زن و مرد. آقا! این را به تو تزریق کردند که بگویند بهایی هستی، که من بگویم کافر است؛ بیرونت کنند. نکن اینطور، بدبخت! نکن اینطور. تعلیم اجباری عمومی نظامی کردن زن، رأی عبدالبهاء است. آقا تقویمش موجود است، ببینید! شاه ندیده این را** ؟ اگر ندیده مؤاخذه کند از آنهایی که دیده اند و به این بیچاره تزریق کرده اند اینها را بگو. **والله، من شنیده ام که سازمان امنیت در نظر دارد شاه را از نظر مردم بیندازد تا بیرونش کنند** و لهذا مطالب را معلوم نیست به او برسانند. مطالب خیلی زیاد است، بیشتر ازاین معانی است که شما تصور می کنید. مملکت ما، دین ما، در معرض خطر است؛ شما هی بگویید که " آقایان! نگویید: دین در معرض خطر است " . ما که نگفتیم دین در معرض خطر است، در معرض خطر نیست؟! ما اگر نگوییم شاه چطور است، چطور نیست؟ آقا یک کاری بکنید اینطور نباشد. همه چیز را گردن تو دارند می گذارند. بیچاره! نمی دانی آن روزی که یک صدایی در آمد، یک نفر از اینهایی که با تو رفیق هستند، رفاقت ندارند. اینها همه رفیق دلارند، اینها دین ندارند؛ اینها وفا ندارند.

ربط بین شاه و اسرائیل

تأثرات ما زیاد است؛ نه اینکه امروز عاشورا ست و زیاد است، آن هم باید باشد، لکن این چیزی که برای این ملت دارد پیش می آید، این چیزی که در شرف تکوین است، از آن تأثرمان زیاد است؛ می ترسیم. **ربط ما بین شاه واسرائیل چیست که سازمان امنیت می گوید: از اسرائیل حرف نزنید**، از شاه هم حرف نزنید ؛ این دو تا تناسبشان چیست؟ **مگر شاه اسرائیلی است؟ به نظر سازمان امنیت، شاه یهودی است**؟ اینطور که نیست، ایشان می گوید: مسلمانم؛ ایشان که ادعای اسلام می کند، محکوم به اسلام است، به حَسَب ظواهر شرع. ربط ما بین اسرائیل... این ممکن است سری در کار باشد ؛ ممکن است آن معنایی که می گویند که سازمانها می خواهند آن را از بین ببرند، شاید راست باشد ؛ احتمالش را نمی دهی تو؟ یک علاجی بکن، اگراحتمال می دهی. یک جوری این مطالب را برسانید به این آقا ؛ شاید بیداربشود، شاید روشن بشود یک قدری . اطرافش را گرفته اند، شاید نگذارند این حرفها

به او برسد. ما متأسفیم، خیلی متأسفیم از وضع ایران، از وضع این مملکت خراب، از وضع این هیأت دولت، از وضع این وضعیتها، از همه اینها متأسفیم . آقای شیرازی بیاید دعا کند، من خسته شدم.

https://www.khabaronline.ir/news/155284/%D9%85%D8%AA%D9%86-
%DA%A9%D8%A7%D9%85%D9%84-
%D8%B3%D8%AE%D9%86%D8%B1%D8%A7%D9%86%DB%8C-
%D8%A7%D9%85%D8%A7%D9%85-%D8%AF%D8%B1-15-
%D8%AE%D8%B1%D8%AF%D8%A7%D8%AF-42

مورد بعدی :

زمان (شمسی) : ۲۳ اردیبهشت ۱۳۴۲

زمان (قمری) : ۱۹ ذی الحجه ۱۳۸۲

مکان: قم

سخنرانی در جمع روحانیون ومردم همدان (در معرض خطر بودن دین)

سخنرانی

زمان: ۲۳ اردیبهشت ۱۳۴۲ / ۱۹ ذی الحجه ۱۳۸۲

مکان: قم

موضوع: در معرض خطر بودن دین

مناسبت: فرا رسیدن عید سعید غدیر

حضار: گروهی از روحانیون و مردم همدان[۱]

[بسم الله الرحمن الرحیم]

تقویت اسرائیل و بهاییها توسط دولت

من از محبت شما متشکرم. سلام مرا به عموم مردم و روحانیون همدان برسانید و بگویید: دین شما مردم مسلمان در معرض مخاطره و هجوم قرار گرفته است؛ **دولت شما می خواهد به دست بهاییها و اسرائیلیها شما را از بین ببرد.** بدانید که **دولتِ شما به دو هزار نفر بهایی، هر یک پانصد دلار کرایهٔ طیاره داده که به لندن بروند، جمع شوند و علیه قرآن و پیغمبر شما تصمیم بگیرند. دولتِ شما در یک معاملهٔ فروش روغن و مواد نفتی از شرکت نفت به «ثابت پاسال[۲]»** بهایی، **پنج میلیون تومان** استفاده رسانیده است که با این پول، **مخارج اعزام بهاییها به لندن و تبلیغات بهایی تأمین بشود. به مردم بگویید: از مالیاتی که دولتِ شما از شما مسلمانها می گیرد، این مخارج را می کند، و یهودی و اسرائیلی و بهایی را تقویت می کند.**

اطلاع کامل دارم، می خواهند برخلاف تمایل ملت مسلمان ایران و سایر ملل اسلامی و عرب، **دولت اسرائیل را به رسمیت بشناسند**؛ ولی هنوز مثل اینکه جرأت نکرده اند و از شما وحشت دارند که موضوع را رسماً اعلام کنند. دو سال قبل همین کار را کردند که مورد اعتراض علما و مردم مسلمان قرار گرفت؛ فوری تکذیب کردند. حالا هم همین خیال را دارند. شما به دیگران، و دیگران به دیگران، و همه به همه، بگویید: آماده باشند، متحد باشند، تا روزی که بنا شود با مشت به دهان این دولت نوکر اجنبی و ضد اسلام بکوبیم. خدا با ماست و پیشرفت از آنِ ما خواهد بود.

http://www.imam-khomeini.ir/fa/c207_40940/صحیفه_امام/جلد_۱/
سخنرانی_در_جمع_روحانیون_ومردم_همدان_در_معرض_خطر_بودن_دین_

سخنرانی فوق دقیقا پایان نقشه ده ساله و در آستانه حضور در اسرائیل و آغاز کار بیت العدل بود و چنانچه امام می فرماید هزینه حضور در لندن را باید بیت العدل از جیب ملت ایران بدهد فیلم این همایش بسال ۱۹۶۳ که امام راحل در مورد آن صحبت می کند را ملاحظه فرمایید جالب است بدانید ثابت پاسال از این چهار هزار نفر از سراسر دنیا را که در لندن جمع کرده است فقط دو هزار نفر را به عنوان سیاهی لشکر از ایران راهی لندن نموده است

https://www.hassanershad.com/wp-content/uploads/2023/08/IMG_7962.mp4

البته نکته دیگری که باید مورد توجه قرار گیرد این است که :

❖ چرا بلافاصله پس از تشکیل و تاسیس بیت العدل در سال ۱۹۶۳ کلیه اعضای آن بهمراه نهادهای اطلاعاتی این تشکیلات موسوم به ایادیان امر وو در انگلستان و لندن حاضر می شوند و اتفاقا در تالار سلطنتی آن به آستان بوسی ملکه حاضر می شوند قصه عجیب نیست ؟؟
توضیح بهائیان در مورد این فیلم 👇 👇 👇 👇

ورقی از تاریخ امر / فیلمی ارزشمند از رضوان سال ۱۹۶۳ – نخستین کنگره جهانی بهائی در لندن

اولین کنگره جهانی بهائیان در «رویال آلبرت هال» در شهر لندن، انگلستان برگزار شد. این اجتماع عظیم و مهم در ابتدا قرار بود در همان سال در شهر بغداد در کشور عراق برگزار شود، اما قبل از این تاریخ به علت وضعیت

خاورمیانه تصمیم گرفته شد که این اجتماع در لندن باشد. تقریباً ۶۰۰۰ بهائی از کشورهای مختلف و از راه های دور و نزدیک به همین مناسبت در تالار سلطنتی آلبرت در لندن، انگلستان گرد آمدند. در این جلسه اعضای اولین دوره بیت العدل اعظم که توسط اعضای بیش از ۵۰ محفل روحانی ملی انتخاب شده بودند و هم چنین تعدادی از ایادیان امرالله و مشاهیر امر حضور داشتند. انتخابات بیت العدل اعظم به تازگی در حیفا برگزار شده بود. حضور تعدادی شرکت‌کنندگان در کنگره با لباس های محلی و سنتی خود تصویری جالب و قابل توجه به وجود آورده بود. در تاریخ ۱۰ اردیبهشت / ۳۰ اپریل نخستین پیام بیت العدل اعظم در این اجتماع عظیم قرائت شد.

سند بعدی :

پیام به روحانیون و ملت مسلمان ایران (افشای جنایت های رژیم شاه)

پیام

زمان: ۲۸ اردیبهشت ۱۳۴۲ / ۲۴ ذی الحجه ۱۳۸۲

مکان: قم

بسم الله الرحمن الرحیم

به عموم حضرات مبلغین محترم و خطبای معظم ـ کثَّرالله أمثالهم ـ و عموم هیآت محترم، عزاداران سید مظلومان ـ علیه الصلوه والسلام ـ محترماً معروض می دارد: در این ایام که دستگاه جبار از خوف آنکه مبادا در منابر و مجامع مسلمین شرح مظالم و اعمال خلاف انسانی و ضد دینی و وطنی آنها داده شود دست به رسوایی دیگری زده و در صدد گرفتن التزام و تعهد از مبلغین محترم و سران هیآت عزادار است که از مظالم دم نزنند و دستگاه جبار را به خودسری واگذارند، لازم است تذکر دهم که این التزامات علاوه بر آنکه ارزش قانونی نداشته و مخالفت با آن هیچ اثری ندارد، التزام گیرندگان مجرم و قابل تعقیب هستند. عجب است که دستگاه بی پروا ادعا دارد که قاطبهٔ ملت با اوست و از پشتیبانی اکثریت قاطع برخوردار است، با این وصف، در تمام شهرستانها، قرا و قصبات به دست و پا افتاده و با ارعاب و تهدید ملتْ خفقان ایجاد می کند. اگر این ادعا صحیح است ملت را این چند روز به حال خود وا گذارند تا از پشتیبانی مردم متمتع شده موافقت شش میلیونی به همهٔ ملل جهان ظاهر. و الاّ اشاعهٔ اکاذیب برای تشویش افکار عامه، برخلاف مصالح اسلام و مملکت، جرم و قابل تعقیب است.

حضرات مبلغین عظام، هیآت محترم، و سران دسته های عزادار متذکر شوند که لازم است فریضهٔ دینی خود را در این ایام در اجتماعات مسلمین ادا کنند، و از سید مظلومان فداکاری در راه احیای شریعت را فرا گیرند، و از توهّم چند روز حبس و زجر نترسند.

و لاَ تَهِنُوا و لاَ تَحزَنُوا و أَنتُمُ الأَعلَونَ إن كُنتُم مُؤمِنِينَ.[۱]

آقایان بدانند که خطر امروز بر اسلام کمتر از خطر بنی امیه نیست. **دستگاه جبار با تمام قوا به اسرائیل و عمال آنها (فرقهٔ ضالّ و مضلّه)[۲] همراهی می کند. دستگاه تبلیغات را به دست آنها سپرده، و در دربار دست آنها باز است.[۳] در ارتش و فرهنگ و سایر وزارتخانه ها برای آنها جا باز نموده و شغلهای حساس به آنها داده اند. خطر اسرائیل و عمال آن را به مردم تذکر دهید. در نوحه های سینه زنی از مصیبتهای وارده بر اسلام و مراکز فقه و دیانت و انصار شریعت یادآور شوید. از فرستادن و تجهیز دولت خائن چند هزار نفر دشمن اسلام و ملت و وطن را به لندن، برای شرکت در محفل ضد اسلامی و ملی، اظهار تنفر کنید.**

سکوت در این ایام تأیید دستگاه جبار و کمک به دشمنان اسلام است. از عواقب این امر بترسید. از سخط خدای تعالی بهراسید. اگر به واسطهٔ سکوت شماها به اسلام لطمه ای وارد آید، نزد خدای تعالی و ملت مسلمان مسئول هستید: **إذَا ظَهَرَتِ البِدَعُ فَلِلعَالِمِ أَن يُظهِرَ عِلمَهُ، و إلاّ فَعَلَيهِ لَعنَهُ الله**.[۴] **از تساوی حقوق اظهار تنفر کنید؛ و از دخالت زنها در اجتماعی که مستلزم مفاسد بیشمار است**، ابراز انزجار، و دین خدا را یاری کنید. و بدانید **إن تَنصُرُوا الله َ يَنصُركُم و يُثَبِّت أَقدَامَكُم**.[۵] از اخافه و ارعاب سازمانها و دستگاه شهربانی هراسی به خود راه ندهید. آنها نیز مثل شما ملزم و مجبورند؛ و بسیاری از آنها با شما همراه و از دستگاه بیزارند. والسلام علیکم و علی من اتبع الهدی.

روح الله الموسوی الخمینی

باید دقت شود بحث تساوی حقوق زن و مرد خودش در این کلام موضوعیت ندارد بلکه این نکته مهم است که این سخن را باید به عنوان برند بهائیان در سیطره بر جامعه مورد ارزیابی قرار داد چنانچه بعد از انقلاب امام خود مشوق حضور زنان در جامعه بود

سند بعدی :

در این بیانات مجددا امام نسبت به واقعه لندن و تعداد شرکت کنندگان در همایش لندن به ۵۰۰۰ نفر اشاره می نماید :

نامه تشکر از حمایت آقای میلانی در قیام علیه رژیم شاه

نامه

زمان: ۳۱ اردیبهشت ۱۳۴۲ / ۲۷ ذی الحجه ۱۳۸۲

مکان: قم

موضوع: تشکر از حمایت آقای میلانی در قیام علیه رژیم شاه

مخاطب: میلانی، سید هادی

بسم الله الرحمن الرحیم

۲۷ حج ۸۲

حضرت آیت الله میلانی ـ دامت برکاته

به عرض عالی می رساند، مرقوم مبارک مبنی بر نگرانی از اوضاع حاضر دستگاه جبار و دایر بر پشتیبانی از حقیر موجب کمال تشکر گردید، جریانات حاضره و سالفه چیزی نیست که با توجه به عمق آن بتوان ساکت نشست، ماترَک پیغمبر اسلام ـ صلی الله علیه و آله و سلم ـ کتاب الله و عترت است و این دو ثَقَل امروز در معرض خطر است، ملاحظه فرمودید دستهای خبیث دستگاه جبار در موضوع قرآن کریم چه نقشهٔ شیطانی کشیدند که اگر دفاع علمای اعلام و مسلمین نبود نمی دانم امروز وضع به چه منوال بود، الغای اسلام از شرایط قضات را نمی توان به چیزی حمل نمود جز پیروی **از همان نقشهٔ شیطانی دست نشاندگان اسرائیل ـ دشمن اسلام و قرآن و ملیت و تمامیت مملکت ـ همان نقشه شیطانی است که برای تشکیل محفل ضد اسلامی در لندن به دست دولت خائن و دستگاه جبار و با حاصل دسترنج ملت فقیر مسلمان دو هزار نفر یا به قولی پنج هزار نفر از فرقهٔ ضالّه[۱] دست نشاندهٔ اسرائیل را با تشریفات و تسهیلات و تخفیف به هر یک هزار و بیست تومان در بلیط هواپیما و به هر یک پانصد دلار ارز به محفل ضد اسلامی لندن اعزام می کند تا شرکت کنند در افکار شیطانی ضد اسلامی و وطنی.**

توجه حضرتعالی را به نطقهای...[۲] در تشریفات رئیس جمهور هند جلب می نمایم، این نطقها بسیار قابل دقت و ملاحظه است از خلال آنها مطالب خطرناکی که پیش بینی می شد خوانده می شود، لکن سریعاً عرض می کنم اگر روزی بخواهد این خیال خام جامهٔ عمل بپوشد دست انتقام ملت مسلّم از آستین بیرون خواهد آمد و جنایتکاران و خائنین را تنبیه خواهد کرد و تشبثات مزوّرانهٔ آنها به جایی نخواهد رسید. از حال حقیر و احوال مصدومین و مجروحین و بازماندگان مقتولین استفسار فرموده بودید، بازماندگان بادلهای داغدار به سر می برند، احصاییهٔ[۳] تمام مصدومین و مجروحین را تاکنون نتوانستیم به دست بیاوریم، بعضی از مصدومین در این مدت طولانی باز شفا نیافته اند. حالت حقیر صورتاً بد نیست لکن حوادث جاریه و خطرهای محتمله عذابم می دهد. از خداوند تعالی نصرت اسلام و مسلمین را خواستارم، تشکر خود را از عواطف صمیمانهٔ آن حضرت اعلام می کنم. والسلام علیکم و رحمه الله و برکاته.

روح الله الموسوی الخمینی

سند بعدی

اعتراض و هشدار به تسلط تشکیلات بهایی بر نهادهای تصمیم گیرنده جهت شناسائی اسرائیل بشکل رسمی از جانب ایران

پیام به ملت ایران (اظهار تأسف از تسلط اسرائیل و عمال آنـها بر ایران)

پیام

زمان: ۱۸ فروردین ۱۳۴۳ / ۲۳ ذی القعده ۱۳۸۳[۱]

مکان: قم

موضوع: تأسف از تسلط اسرائیل و عمال آنها بر شئون مملکت

مناسبت: صدور حکم محکومیت آقایان طالقانی و بازرگان در دادگاه تجدیدنظر نظامی

مخاطب: ملت ایران

بسم الله الرحمن الرحیم

و سَیَعلَمُ الَّذِینَ ظَلَمُوا أَیَّ مُنقَلَبٍ یَنقَلِبُونَ[۲]

من خوف داشتم که اگر در موضوع بیدادگری نسبت به حجت الاسلام آقای طالقانی و جناب آقای مهندس بازرگان و سایر دوستان کلمه ای بنویسم، موجب تشدید امر آنها شود و ده سال زندان به پانزده سال تبدیل گردد. اینک که حکم جائرانهٔ دادگاه تجدیدنظر صادر شد، ناچارم از اظهار تأسف از اوضاع ایران عموماً، و از اوضاع دادگاه خصوصاً. به قدری خلاف قوانین و مقررات در دادگاهها جریان دارد که موجب تأسف و تعجب است: محاکمات سرّی، حبسهای قبل از ثبوت جرم، بی اعتنایی به دفاع مظلومین. اینجانب و اشخاص با وجدان و با دیانت متأسفیم از مظلومیت این اشخاص که به جرم دفاع از اسلام و قانون اساسی محکوم به حبسهای طویل المدت شده، و باید با حال پیری و نقاهت در زندان، برای اطفای شهوات دیگران، به سر برند. رأی دهندگان باید منتظر سرنوشت سختی باشند.

تأسف بالاتر تسلط اسرائیل و عمال اسرائیل است بر بسیاری از شئون حساس مملکت و قبضه نمودن اقتصادیات آن، به کمک دولت و عمال دستگاه جبار. اسرائیل با دوَل اسلامی در حال جنگ است، و دولت ایران با کمال دوستی با او رفتار می کند و همه نحو وسایل تبلیغ و ورود کالاهای آن را فراهم می سازد.

من کراراً اعلام خطر کرده ام: خطر برای دیانت مقدسه، خطر برای استقلال مملکت، خطر برای اقتصاد کشور. من از کلمهٔ «الكُفرُ مِلَّةٌ وَاحِدَةٌ[۳]» که از سازمانها به دست و دهانها افتاده متأسفم. این کلام برخلاف نص کلام الله ، و برای پشتیبانی از اسرائیل و عمال اسرائیل است، **مقدمهٔ شناسایی اسرائیل است، برای پشتیبانی از عمال اسرائیل و فرقهٔ ضالهٔ منحرفه[۴] است**. من متأسفم از اینکه در مملکت اسلامی برخلاف قانون اساسی اوراق ضالهٔ مخالف با نص قرآن و ضروریات دین مقدس نشر می شود، و دولتها از آن پشتیبانی می کنند. کتاب انتقاد که بر رد قرآن مجید نوشته شده، و طرح قانون خانواده که برخلاف احکام ضروریهٔ اسلام و خلاف نص کلام الله مجید [است] طرح و منتشر می گردد، و کسی نیست از دولتها استیضاح کند. من متأسفم از رفتار سازمانها با مجالس تبلیغ احکام و عزاداری بر سید مظلومان ـ علیه الصلوه والسلام. هر کسی به طور کلی از ظلم و ظالم بحث کرد، اکنون در زندان به سر می برد یا مدتها به سر برده است. تمام مجالس در تحت فشار، و صاحبان آنها در فشارهایی جانفرسا بوده و هستند. اشخاص متدین را، به جرم آنکه در عاشورا دسته راه انداخته اند و شعار ضداسرائیل با خود داشته اند، به حبس و زجر و شکنجه کشیدند و اکنون هم در حبس به سر می برند، با آنکه با کمال آرامش حرکت می کردند.

من به جمیع دوَل اسلام و مسلمین جهان، در هر جا هستند، اعلام می کنم که ملت عزیز شیعه از اسرائیل و عمال اسرائیل متنفرند، و از دولتهایی که با اسرائیل سازش می کنند متنفر و منزجرند. این ملت ایران نیست که با اسرائیل منفور در حال سازش است؛ ملت ایران از این گناه بزرگ بری است. این دولتها هستند که به هیچ وجه مورد تأیید ملت نیستند. از خداوند تعالی عظمت اسلام و حفظ احکام اسلام را خواستار است.

روح الله الموسوی الخمینی

سند بعدی :

هشدار و اعتراض و روشنگری امام مبتنی تسلط اسرائیل (بهائیان) بر کانونهای اقتقادی کشور

سخنرانی در جمع دانشجویان و طلاب

(مخالفت روحانیت با انقلاب سفید)

سخنرانی

زمان: ۸ صبح جمعه ۲۱ فروردین ۱۳۴۳ / ۲۶ ذی القعده ۱۳۸۳

مکان: قم

موضوع: روحانیت با انقلاب سفید شاهانه مخالف است

مناسبت: بازگشت امام به قم، پس از آزادی از زندان

حضار: دانشجویان دانشگاه تهران، طلاّب و اهالی قم

بسم الله الرحمن الرحیم

هدف، اسلام و استقلال کشور

از زندانی بودن آقای طالقانی و مهندس[۱] افسرده نباشید؛ تا این چیزها نباشد کارها درست نمی شود. تا زندان رفتنها نباشد پیروزی به دست نمی آید. هدفْ بزرگتر از آزاد شدن عدّه ای است، هدف را باید در نظر داشت. هدفْ اسلام است؛ استقلال مملکت است؛ طرد عمّال اسرائیل است؛ اتّحاد با کشورهای اسلامی است. **الآن تمام اقتصاد مملکت در دست اسرائیل است؛ عمّال اسرائیل اقتصاد ایران را قبضه نموده اند؛ اکثر کارخانجات در دست آنها اداره می شود: تلویزیون، کارخانهٔ ارج، پپسی کولا[۲].**

دو هواپیمایی که قرار بود حجّاج را به مکّه ببرند مال اسرائیل بود! بعد دولت عربستان سعودی به این عمل اعتراض کرد و ناچار شدند از این عمل خودداری کنند. امروز حتّی تخم مرغ از اسرائیل وارد می کنند. باید صفها را فشرده کنید. اینها عمّال استعمار هستند؛ باید ریشهٔ استعمار را کَنْد......

- ـ مؤسسات تلویزیون ایران و پپسی کولا در حوزهٔ انحصار ثابت پاسال، و کارخانهٔ ارج متعلّق به ارجمند بود که هر دو بهایی بودند.
- ـ ثابت پاسال، بهایی معروف.

سند بعدی :

هشدار و افشاگری امام نسبت به نفوذ تشکیلات بهایی در ارتش اقتصاد تلوزیون و نهادهای حساس کشور

سخنرانی در جمع مردم قم (خطر توطئه های استعمار در ممالک اسلامی)

سخنرانی

زمان: ۱۸ شهریور ۱۳۴۳ / ۲ جمادی الاول ۱۳۸۴

مکان: قم، مسجد اعظم

موضوع: خطر نفوذ اسرائیل در ایران و توطئه های استعمار در ممالک اسلامی

مناسبت: آغاز دروس حوزه

حضار: روحانیون، طلاب، بازاریان و اهالی قم

......

اینجا باید «بدتر از یهودی»[اشاره به ثابت پاسال] تلویزیون داشته باشد و هر طور دلش می خواهد تبلیغات بکند لکن تبلیغات ما آزاد نیست؛ «نمی شود؛ این مرتجعین نباید حرف بزنند»! آقا! کجایش ارتجاع است؟

......

عمال اسرائیل در مراکز حساس ایران

اینها ـ عمال اسرائیل در ایران ـ هر جا انگشت می گذاری می بینی که یکی از اینهاست مراکز حساس؛ مراکز خطرناک؛ والله ، مراکز خطرناک برای تاج این آقا. ملتفت نیستند اینها. اینها آنها بودند که در شمیران تهران توطئه کردند ناصرالدین شاه را بکشند؛ مملکت ایران را قبضه کنند. شما تاریخ نگاه کنید؛ تاریخ که می دانید. در نیاوران توطئه کردند؛ در نیاوران چند نفر رفتند ناصرالدین شاه را ترور کنند.[۱۲] و یک عده هم در تهران بودند که حکومت را قبضه کنند. اینها حکومت را از خودشان می دانند. اینها در کتابهایشان نوشته اند، در مقالاتشان نوشته اند: حکومت مال ماست؛ باید ما یک سلطنت جدیدی به وجود بیاوریم؛ یک حکومت جدیدی به وجود [بیاوریم]؛ حکومت عدل. همینهایی که یک همچو سوءنظرها و سوءنیتهایی را دارند، از دربار گرفته تا آن آخر مملکت، از این اشخاص آنجا موجودند.

خطر نفوذ صهیونیسم و بهاییت

آقا بترسید شما از اینها؛ یک جانورهایی اند اینها. در وزارتخانه موجود است؛ من انگشت رویش گذاشتم پیش یکی از وزرا، گفت نیست اینطور. بعد شاهد برایش فرستادم؛ شاهد برایش فرستادم که با سند نوشته بود که این جوری است. الآن هم موجود است و من اسم کثیفش را نمی برم. در وزارتخانه موجود است؛ در عرض می کنم که ارتش موجود است. خوب، ای ارتش محترم! توی دهن اینها بزن؛ تو مسلمانی. صاحب منصبان ارتش، خوب بسیارشان مردم خوبی هستند؛ با من هم گاهی رابطه دارند؛ یعنی رابطه ای که پیغام می دهند. اینها بعضی شان خوبند؛ خوب، جلو بگیرند از اینها؛ جلو بگیرند از یک اشخاصی که با مذهبشان مخالفند؛ با تخت و تاجشان مخالفند؛ با مملکتشان مخالفند؛ با استقلالشان مخالفند؛ با اقتصادشان مخالفند. خوب، شما جلو بگیرید؛ بروید خواهش کنید که اینها را بیرون کنند؛ از بزرگترها خواهش کنید.

والله من خیر شما را می خواهم. من می ترسم یک روزی چشمهایتان را باز کنید هستی شما را از بین ببرند اینها؛ من از این می ترسم. یا بگذارید ما آنها را از بین ببریم. من یک روز از بین می برم؛ من نمی خواهم تشنج بشود. شما که میل دارید آرامش باشد، خودتان از بین ببرید. اگر نبرید یک روزی می بینید که یکجوری، یک ورق

دیگر پیش می آید؛ یکوقت یک طور دیگر می شود. آن وقت نه من می توانم جلویش را بگیرم نه شما می توانید جلویش را بگیرید. این اوضاعی است که ما مواجه با آن هستیم؛ و می بینید و می بینیم؛ و نمی دانم که چه بکنیم، نمی دانم که راه اصلاح چه است......

چرا محفل ملی ایران طی یک نامه ای مستقیم از تیمسار سرتیپ خسروانی فرماندهی ژاندارمری ناحیه مرکز بابت کشتار ۱۵ خرداد ۴۲ تشکر می کند ؟ چه ربطی بین این حادثه و حساسیت محفل ملی ایران بر آن دارد ؟

سند تشکر محفل ملی ایران از مسئول برخورد با قیام ۱۵ خرداد ۴۲ و نقش فرماندهان نظامی بهایی با این حریان نشانگر حساسیت تشکیلات بهایی نسبت به حرکت ضد صهیونیستی امام نسبت به واکنش حاصل برنامه ۱۰ ساله شوقی در ایران و افشا شدن حرکت مزبوحانه اسرائیل از آستین تشکیلات بهایی از تیمسار سرتیب پرویز خسروانی



✻ سند / خشنودی محفل صهیونیستی بهائیت از عملکرد #پرویز_خسروانی در سرکوب #قیام_۱۵_خرداد_۱۳۴۲

برخی اسناد فاش شده از شهربانی یا ژاندارمری و یا مراکز دیگر امنیتی رژیم شاه، حکایت از خشنودی محافل صهیونیستی داخل کشور از سرکوب خونین قیام مردمی ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ دارد. از جمله این اسناد، نامه ای است که محفل #بهاییت در کشور به سرتیپ پرویز خسروانی (فرماندهی ژاندارمری ناحیه مرکز و یکی از عوامل کشتار مردم بیگناه در ۱۵ خرداد ۱۳۴۲) نوشت و از وی به خاطر جنایاتش در حق مردم مسلمان ایران تشکر کرد!

متن سند فوق به شرح زیر است:

«... تاریخ شهرالنور ۱۲۰ مطابق ۲۰/۳/۱۳۴۲

تیمسار سرتیپ پرویز خسروانی

فرماندهی ژاندارمری ناحیه مرکز

... در خلال صفحات تاریخ (یکصد و بیست ساله جهان بهایی) همواره ستاره های درخشانی در مقامات دولتی وجود داشته اند که با توجه به وظایف اساسیه وجدانیه و اجتماعی خود، نوع پرستی و عدالت گستری نموده و به کرات مانع تجاوز رجاله و یا علماء بد عمل شده اند... زحمات و خدمات و سرعت عمل تیمسار نیز در جلوگیری از تجاوز اراذل و اوباش و رجاله کرارا در سنین اخیر در این محفل مذکور شده. بخصوص در این ایام که بحمدالله اولیای امور نیز به رای العین، سوء عمل جهلای معروف به علم (روحانیت مبارز) را مشاهده کرده... یقین است، عموم دوستداران مدنیت و علم و اخلاق و دیانت، زحمات تیمسار را با دیده احترام و تقدیر نگریسته و تاریخ امر بهایی، آن جناب را در ردیف همان چهره های درخشان، حافظ و نگهبان مدنیت عالم انسانی ثبت و ضبط خواهد نمود.

با رجای تایید- منشی محفل۵

لازم به ذکر است که سرتیپ خسروانی که بعدا به درجه سرلشکری و سپهبدی هم رسید، خود از زمره فعالان فرقه بهاییت بود.

در همین رابطه به مطالب محقق گرامی رضا_قریبی ، معاون #پژوهشکده_تاریخ_معاصر ، در گفت‌وگویی درباره قیام ۱۵ خرداد مطرح کرد توجه نمایید :

#رضا_قریبی ، معاون #پژوهشکده_تاریخ_معاصر ، در گفت‌وگویی درباره قیام ۱۵ خرداد مطرح کرد؛

#بهائیت در سرکوب قیام ۱۵ خرداد چه نقشی داشت؟

تاکنون تحلیل‌های متعددی درباره قیام ۱۵ خرداد ارائه شده، اما کمتر به رابطه میان این رویداد عظیم تاریخی و نقش‌آفرینی بهائیان در آن توجه شده است؛ به همین دلیل در پنجاه‌وهشتمین سالگشت این قیام، با دکتر رضا قریبی، معاون پژوهشکده تاریخ معاصر، گفت‌وگویی انجام دادیم که در آن، از رابطه مثلث شوم علیه ملت ایران سخن گفته شد

‼️ بعد از اینکه امام به ترکیه تبعید شدند، بیت‌العدل #بهائیان در قدس اشغالی، بخشنامه‌ای در ۲۰ بهمن ۱۳۴۳ صادر کرد. در این بخشنامه خطاب به بهائیان ایران گفته شد که بهائی بودن خود را علنی کنند. حد فاصل خرداد ۱۳۴۲ تا بهمن ۱۳۵۷، بهائیان به مدت پانزده سال به قدرتمندترین جریان سیاسی، اقتصادی و فرهنگی ایران تبدیل شدند هرچند اعمال خشونت و سرکوب قیام ۱۵ خرداد، و نیز نفوذ بیشتر بهائیان در دستگاه سلطنت، موجب شد نهضت اسلامی در باور مردم عمیق‌تر شود و این مطلب در پیروزی انقلاب اسلامی خود را نشان داد.

‼️ نکته قابل تأمل دیگر این است که در ۱۸ مرداد ۱۳۹۴ #پرویز_خسروانی ، عامل کشتار قیام ۱۵ خرداد، بدون اینکه در هیچ دادگاه داخلی و بین‌المللی محاکمه شود، در لندن درگذشت و این پرسش همچنان باقی است که چرا هیچ نهاد بین‌المللیِ حقوق بشری نسبت به این جنایت واکنشی نشان نداد؟

متن کامل این گفت و گو را در لینک زیر بخوانید؛

http://www.iichs.ir/Modules/Content/Other/Print.aspx?id=19903

https://instagram.com/iichs.ir
https://t.me/joinchat/AAAAAEEF2TeXL178eUH5ug

کودتای نوژه و اقدامات مسلحانه و ضد امنیتی بهائیان ابتدای انقلاب

تشکیلات بهایی سالهاست مدعی است فقط بخاطر اعتقاد به بهائیت با آنان برخورد می شود اما اسناد منتشر شده در سایتهای رسمی بهائیان گواه خلاف این مطلب است

فیلم نقد

البته تمام اسناد زیر را با این ملاحظه باید مورد دقت قرار داد که تمام این اقدامات در بستر نقشه ۷ ساله بیت العدل ۱۹۷۹ الی ۱۹۸۶ اقدام گردیده است اهمیت فهم این نکته آنگاه روشن می گردد که بر مبنای نقشه های بیت العدل هدف رسیدن به حکومت بهایی در ایران بود و اسناد زیر روشنگر اجزای این پازل می باشد

سند اول :

اعتراف گیتی فرهنگی در برنامه زوم سال ۱۴۰۰ در برابر هزار نفر که محفل ملی آمریکا به عاملیت دکتر کاویان صادق زاده میلانی برگزار گردید وی(گیتی فرهنگ) که یکی از شاهدان وقایع اول انقلاب در مسائل رهبران بهایی می باشد اذعان صریح به فعالیتهای نهاد رسمی اطلاعات و امنیت تشکیلات بهایی یعنی دار التبلیغ و مشاورین قاره ای و هیئت های معاونین و مساعدین که موسوم به عصبه انتصابی است می نماید اهمیت این اعتراف از این جهت است که تمام اسناد زیر با توجه به این سند معنا پیدا می کند پس

الف : توجه به نقشه هفت ساله و اهداف آن

ب : طراحان و مجریان اصلی نقشه هفت ساله و تحرکات زائد الوصف آنها که مورد تقدیر بیت العدل قرار می گیرد

ح : اعتراف به درگیر شدن تشکیلات بهایی به واسطه دخالت در کودتا نوژه

https://www.hassanershad.com/wp-content/uploads/2023/08/10-4.mp4

برنامه فوق را در یک جلسه توضیح داده ام تقدیم می گردد :

بازتاب نقد بالا در میان سران بهائیت

در سند دوم چنانجه ملاحظه می شود : دستگیری عده زیادی از بهائیان در **رابطه با کودتا** و نکات جالب دیگر . سران ساواک بهائی . جورابچی .

می باشد نه بخاطر باورمند بودن به بهائیت

لینک سند از سایت اسناد بهایی ستیزی در ایران

https://iranbahaipersecution.bic.org/fa/archive/aqdamat-w-mkatbat-shykh-mstfy-rhnma-lyh-bhayyan

[اطلاعات شخصی افراد **حذف شده** است]

بنام خدای بی‌همتا

تلگراف به امام و امت

رهبر و مؤسس جمهوری اسلامی ایران امام خمینی- دامت برکاته – جماران **– ۲۲ آذر ۱۳۵۹**

تقاضای مجازات **شکنجه گران از ۲۸ مرداد تا ۱۵ خرداد**

سلام علیکم- با تائید اقدام اخیر در مورد تعیین گروه قضائی برای رسیدگی به وضع زندان‌ها واجب است که متذکر شوم دقت و رأفت آن امام طاغوت شکن، همیشگی بوده و هست و آن‌هایی که در ایران **از ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ منفور تا ۱۵ خرداد پرافتخار**، اقدام به شکنجه کردن و تعدی به جان و عرض و مال و سایر شئون مردم ایران و حتی بلاد اسلامی دیگر و کشورهای دیگر می‌کردند اکثراً هنوز به مجازات نرسیده‌اند و فعلاً در غالب، تعدی گران از ۱۵ خرداد تا ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ (روز پیروزی حق بر باطل) به مجازات میرسند لذا متذکر می‌شود و تمنا می‌نماید هر چه زودتر دستور دهید که:

۱-گروه منفور و جنایتکار مزبور که **اساس اقدامشان بر شکنجه بوده است به مجازات برسند.**

۲– سایر سران و فعالان بهائیها که در عهد طاغوت، کاری جز **پشتیبانی کامل از طاغوت** و اربابهای وی، و جز گمراه کردن و **غارت نمودن مردم** و ضدیت منظم با اسلام، نداشتهاند و اصلاً جنبهٔ دینی ندارند و در همهٔ گناههای طاغوت ملعون شرکت داشتهاند مجازات شوند.

سخنی که اکنون از شکنجه فعلی دردهان بعضی از مردم انداختهشده، به گزافه شبیهتر است دستور قرآنی این است: فمن اعتدی علیکم ما عتدوا علیه بمثل ما اعتدی علیکم، صدق الله العلی العظیم والله المستعان

شیخ مصطفی رهنما

میدانیم که در ماههای **شهریور و مهر و آبان**امسال برای مجازات قسمت مهمی از **ستون پنجم یعنی سران و فعالان بهائیها در کرج و تهران اقدام بعمل آمد** و بوسیله مقامات صلاحیتدار و با کمک **شیخ مصطفی رهنما خانه تیمی آنان در خیابان ایرانشهر و نیز محل انتشارات و انبار مخفی آنان در خیابان پیروز و بعضی امکنه دیگر آنان در تهران کشف شد که اسلحه و فشنگهای مختلف و اسناد غارتگریها و نشریات ضد جمهوری اسلامی و ضد اسلام و دفترهای خاص آنان و مطالبی که علیه قرآن کریم در حاشیهٔ قرآن، نوشته بودند در تهران و کرج کشف شد و رئیس محفل بهائیهای کرج و چند نفر دیگر از سران آنان در کرج و تهران بازداشت شدهاند و غیر از قدس جورابچی و یعقوب ساعدی و پرویز ثابتی و امثال آنان که قبلاً فرار به آمریکا و اسرائیل کرده بودند پسرهای قدس جورابچی و عدهای دیگر از آنان نیز متواری شدند**ووو... و در مجموع، بیش از پیش ثابت شد که آنان شدیداً به فعالیت منظم در ایران اشتغال دارند و به دستور اربابشان شیطان بزرگ (آمریکا) و **به دستور اسرائیلیهای صهیونیست** به توطئه و خرابکاری و ضدیت مشغول میباشند آنان چون نتوانستند شیخ رهنما را مجبور به عقبنشینی نمایند برای نابودی وی کمر بستند و به تحریکات غیرمستقیم علیه وی دست زدند.

روز جمعه ۱۴ آذر ۱۳۵۹ متن پیشنهادی شیخ مصطفی رهنما به امام امت **در مورد مقابله با سران و فعالان بهائیها و کوشش برای هدایت بهائیهای معمولی تقدیم شد**.

در زیر اشارهای به جریان حمله دشمن، شده است که ملاحظه میکنید:

بنام خدای بیهمتا

جمعه ۱۶ آبان ۱۳۵۹– شیخ مصطفی رهنما در خطابهٔ خود در **نماز جمعهٔ کرج**که در دانشکده کشاورزی بر پا نمود راجع به نتیجهٔ درخشان عملیات انقلابی برعلیه **ستون پنجم دشمن** مخصوصاً سران و فعالان بهائیها اشاره کرد و اعلام داشت مبارزهٔ **چند ماههٔ بنیادهای انقلاب اسلامی** علیه این دشمنان سوگند خوردهٔ امت ما به نتایج مفید و وحشتناکی رسیده است و اکنون عدهای از رهبران بهائیهای **تهران و کرج و یزد و تبریز**و [ناخوانا] که **در کودتای ۱۸ شهریور ۱۳۵۹ عدهای ازاینها مداخله مستقیم داشتهاند یا اعدام شده و یا در زندانهای اوین و کمیتهٔ مرکزی امام و غیره محبوس هستند**.

گفته شد «نتایج مفید» چون‌که سرنخ‌های آنان، که به دستور امپریالیسم و اسرائیلی‌ها مشغول توطئه بوده و هستند. به دست آمده است. تلاش و مقاومت آن‌ها در اثر بیداری و فداکاری و شب نخوابیهای ممتد عوامل انقلاب، در هم شکسته شده است، و یادآوری کردیم «وحشتناک» از این جهت که ضمن بررسیهای انبارهای مخفی و منازل تیمی و مراکز بظاهر بازرگانی و خانه‌های شخصی آنان متوجه شدیم که چه توطئه بزرگی علیه جمهوری اسلامی ایران و چه نقشه ننگینی علیه قرآن مجید و اسلام [ناخوانا] در کار بوده و هست چون حتی دو جلد قرآن کریم در خانه هاشم فرنوش رئیس محفل بهائیهای کرج بدست آمده که در حاشیه‌های آن علیه قرآن کریم دست نویسی شده است و نیز دو جلد دفترچه [ناخوانا] آن‌ها که روابطشان را با **خارجی‌های آمریکائی و بسیاری از کشورهای دیگر ثابت** می‌کند و مراکز و غارتگری‌های آن‌ها راهم نشان می‌دهد که این‌ها مورد بررسی است و مثلاً **اسلحه و فشنگ‌های** متنوع بسیار و مجسمه‌های شرم‌آور و صورت‌های اموال **فراوان علی و بهاء و حبیب قدس جورابچی**در تهران و جاهای دیگر در **خانه تیمی** آن‌ها به دست آمد که مانند سایر اعلامیه‌های مخفی و کتب بهائیگری مورد بررسی است؛ و سخنرانی بدینگونه پایان یافت.

در **سه شنبه ۲۰ آبان ۱۳۵۹** که شیخ مصطفی رهنما بدنبال این جریانات انقلابی بود از مسلم آباد و [هفت جوی] کرج شبانه به‌سوی شمال کرج می‌رفت هنگام رسیدن به یک پیچ شمالی – غربی می‌خواست عبور کند که ماشین (بی، ام، و) مجللی سرپیچ [ناخوانا] فرا رسید و ماشین وانت بار رهنما که چراغش برای مراعات کم نوری، آغشته به رنگ آبی بود براست منحرف و به نرده‌های ضخیم کنار جاده اصابت شدیدی کرد و از کار افتاد.

چون جاده فراز داشت و تاریک بود ایشان برخلاف همیشه از راننده خواسته بود که آهسته حرکت کند، پس از تصادف ماشین، گردن و سر و زبان رهنما مجروح و به‌شدت مضروب شد. و وی خواست که عمامه‌اش را دو نیمه کردند و دور جراحت گردن پیچید و راننده که سخت پریشان بود می‌کوشید جلو ماشینی را که از بالا می‌آمد بگیرد. قبل از این [ناخوانا] وی متوجه شد که (بی، ام، و) [ناخوانا] در پائین متوقف شده و حالت حمله در سرنشینان آن بچشم می‌خورد که در آن‌وقت توجهی به این حالت غیرعادی نشد ولی پس از عمل بخیه کردن و گذشت سه چهار روز از ماوقع و صحبت‌های شهود. ایشان متوجه شد که در آن لحظات اولیه و توقف آن، ماشین مجلل در اثر فرارسیدن ماشین پلیس‌راه، (بی، ام، و) مزبور فوراً فراری و منصرف شده است.

راننده ماشین وانت نیز لب و چانه‌اش به‌طور ساده‌تری مصدوم شده بود و به‌وسیله ماشین پیکانی که با کمک ماشین دیگری که زن‌وشوهری در آن بودند و به کمک شتافته بودند رهنما و راننده و اسلحه و پرونده‌های مربوطه و غیره جمع‌آوری، و به پیکانی منتقل گردید. که پیکان متعلق به دو درجه‌دار نیروی هوائی ارتش جمهوری اسلامی بود و آن‌ها با مهربانی ساعت ۵/ ۹ بعدازظهر خود را به بیمارستان بهداری فاتح کرج رسانیدند و دکتر جراح، با دلسوزی پذیرفت و فوراً عکس‌برداری و عمل جراحی به عمل آمد. خوشبختانه در اثر فضل الهی، روحیه قوی مصدوم، بسیاری از کارها را آسان کرد و صبح فردا شهردار کرج و بعضی مقامات روحانی به بیمارستان آمدند و نیز شب قبل، شیخ رهنما با سپاه پاسداران صحبت کرده و چند نفر از برادران پاسدار کرج حضور یافتند برای احتیاط و نیز به‌منظور امانت گذاردن اسلحه در مرکز سپاه.

و روز پنجشنبه، با زحمات مسئولان شهر با کمبودی که بنزین آمبولانس داشت ایشان با آمبولانس به منزل منتقل و بستری شد و جریان پی گیری مجرمین را عملی خواهند نمود.

شکی نیست که مجازات و سرکوبی ستون پنجم مزبور دشمن با سخت‌گیری هر چه بیشتر ادامه خواهد داشت و قبلاً معلوم بود که بازی کردن با دم امپریالیسم مشکلات فراوان در پی دارد اگرچه لذیذ و ثمربخش است.

۲۶ آبان ۱۳۵۹ و در ۲۸ آبان ۱۳۵۹ دکتر جراح به منزل آمد و بخیه‌های عمل جراحی گردن را برداشت و در ۲۹ آبان نامه‌ای برای سپاه کرج فرستاده شد در مورد تعقیب سران بهائی کرج که قصد کشتن رهنما را داشته‌اند در ۳ آذر ۱۳۵۹ آمبولانس بیمارستان شهید، مصطفی خمینی، رهنما را از منزل به آنجا برد و پزشکان حلق و گوش و بینی و اعصاب معاینه کردند و دستور معالجه دادند.

در ۴ آذر ۱۳۵۹ شکایت، به دادستانی انقلاب اسلامی مرکز فرستاده شد و رونوشت آن را در ضمیمه این نامه ملاحظه یکنید.

در ۱۹ آذر مجدداً رهنما برای دو روز در بیمارستان بستری شد.

خیابان ارباب جمشید – کوچه لیقوانی – شماره ۱۷ – تلفن: ۳۱۳۱۲۴

بنام خدای بی‌همتا

برادر سید اسدالله لاجوردی- دادستان انقلاب اسلامی مرکز- اوین

چاره‌ای جز اجرای عدل اسلامی در باره ستون پنجم دشمن نیست:

این ستون پنجم [ناخوانا] و توطئه‌گر می‌خواستند مرا بکشند و مجازات سریعشان را می‌خواهم.

انقلاب اسلامی [ناخوانا] و حفظ آن و استفاده از آن به نفع اسلام و مسلمین و همهٔ مستضعفین جهان واجب مستمر می‌باشد و طبعاً لوازم آن نیز واجب می‌باشد و جهاد است. خط آن نیز نمی‌تواند جز خط امام باشد.

و متأسفانه می‌بینیم عوامل مختلف دشمن بزرگ و ستون پنجم رنگارنگ آن علی‌الخصوص سران بهائیها و فعالان آن‌ها، درست در برابر این انقلاب و این اسلام و این عدم وابستگی و این آزادی ایستاده‌اند و توطئه می‌کنید و از امکانات نامشروع وسیعی که رژیم مفسد مخلوع شاه برایشان درست کرده بود مصرف می‌کنید و مخصوصاً بهائیها از پشتیبانی علنی محافل بی‌شرم در دنیا مانند بازار مشترک اروپا وو... هم برخوردارند و لذا می‌بینیم عده‌ای از برادران مسئول ما خبر کافی از خطر آن‌ها ندارند و بعضی دیگر از آن‌ها که هنوز عظمت حقیقی اسلام و انقلاب آن را درک نکرده‌اند مرعوب هستند و حقیر با درک همه مخاطر و همه موانع، بر اساس مقررات جمهوری اسلامی ایران و با همکاری بنیادهای انقلاب (و بحمدالله بدون هیچ نوع مزد مادی) علیه آنان ایستاده‌ام و اسناد و

نشریات و اشخاص آنان باضافهٔ پروندهشان که در دادسرای انقلاب مرکز و کمیته مرکزی امام و دادسرای انقلاب کرج و مراکز پاسداران و غیره هست آنرا نشان میدهد.

و آنان بالاخره پس از آنکه نتوانستند مرا اسکات و یا تطمیع نمایند و تشبثات آنان در قم و تهران بجائی نرسید در صدد بر آمدند مرا بکشند؛ و واقعاً راحت میشدم و لذا در ۲۰ آبان ۱۳۵۹ اقدام کردند ولی خدا جانم را حفظ کرد و تفصیل آنرا در ۵ صفحه ضمیمهٔ این گزارش و شکایت می‌بینید.

و باین مناسبت من از سران محفل بهائیهای کرج که بعضی از آنان در زندان هستند (نشانی آنها در پرونده فرهنگ مودت در دادسرای انقلاب کرج هست) و از سران و فعالان بهائیها در تهران و شهریار مخصوصاً بهاء قدس جورابچی و حبیب قدس جورابچی و عبدالشوقی تبیانی که نشاییهای آنان موجود است شکایت دارم و تقاضای مجازات سریع آنان را دارم و چون این شکایت، شخصی نیست و افساد و تحریک و توطئه آنان در سراسر جمهوری اسلامی ایران علیه اسلام و امام وامت و جمهوری اسلامی در جریان است و متأسفانه نامه رسمی شماره ۳۶۱۳۶ رئیس دفتر نخست‌وزیری موقت به بهائیهای کرج نتیجه‌ای بهتر از این وقاحت‌ها بنیان‌کن دشمن ندارد.

و میدانیم هفده بار زندان و چهار بار شکنجه رژِیم منفور شاهنشاهی با کمک مستقیم آنان نسبت به من برایم سلامتی نگذاشته بود و لذا این هجوم وحشیانه آنان و خونریزی شدید و عمل جراحی و سایر نتایج این هجوم، مرا حسابی تحلیل برده و باز بحمدالله و بعونه به این وظایف اسلامی و حیاتی و شیرین ادامه خواهم داد. فتوکپی سه صفحه از کتاب ستون پنجم دشمن در مورد [ناخوانا] اسلام (و العیاذ بالله) به‌اضافه چهار صفحهٔ توضیحیه لازم و نیز یک صفحه نامه به برادران پاسداران کرج و ص ۷ شمارهٔ ۵ روزنامه پیام ایران و فلسطین و فتوکپی و نامه و پاکت نخست‌وزیر موقت ضمیمه است.

برادر، بگذار این سطور خلاصه را در پایان بیاورم چون لازم است.

سخنان اخیر [ناخوانا] هدایت الله منتظری و آیت‌الله قدوسی دادستان کل انقلاب و حجهالاسلام محمدی ری‌شهری حاکم شرع دادستانی انقلاب ارتش جمهوری اسلامی درباره ستون پنجم دشمنو ارتباط کامل سیاست به اسلام و لزوم استمرار انقلاب اسلامی و لزوم مجازات ضدانقلاب و غارتگران و ستون پنجم دشمن و بالاخره سخنان امروز برادر، رجائی نخست‌وزیر دربارهٔ جلوگیری از غارتگران که برخلاف شرع، ثروت اندوخته‌اند، همه نشان می‌دهند که در این ایامی که در جنگ مستقیم با شیطان بزرگ و عمال آن مانند صدام و اسرائیل‌ها و سادات و شاه اردن و ستون پنجم آنان هستیم باید علما ً و عملاً بکوشیم و بستیزیم و جان دهیم؛ و با قطع ساختن دشمنان اصلی انقلاب اسلامیمان و استقلال حقیقی‌مان را هرچه پیروزتر گردانیم و این:

امانت خدائی و رسالت الهی، و دقیقه قرآنی را باجان و سر، حفظ کنیم و به اطراف ایران نیز ابلاغ کنیم و پیاده سازیم.

الحذر از ضیاع امانت خدا و از غلبه دشمن خدا، و این‌همه ناموس و نفوس و اموال را بهتر پاسداری کنیم و [ناخوانا] (قرآن کریم)

شیخ مصطفی رهنما

اصل اسناد





[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]



سند سوم :

چنانچه در سند زیر ملاحظه می شود اتهام دو نفر از اعدام شدگان **مهدی انوری نفتی فرزند مسیح و هدایت الله دهقانی فرزند نصرالله**

همکاری گسترده با ساواک ارتباط با کودتا گران شنود تلفن افراد و همکاری با اسرائیل ووو می باشد و در هیچ جای این سند سخن از متهم بودن به جرم بهائیت و اعتقاد به این باور سخنی به میان نیامده است

لینک سند :

https://iranbahaipersecution.bic.org/fa/archive/hkm-tyrbaran-mhdy-anwry-w-hdayt-allh-dhqany

[اطلاعات شخصی افراد **حذف شده** است]

[برای وضوح بیشتر فقط مطالب و اخبار مربوط به افراد و جامعه بهائی تایپ شده است]

[روزنامه:] جمهوری اسلامی

[تاریخ:] ۲۷ اسفند ۱۳۵۹

[شماره:] ۵۲۰

به حکم دادگاه انقلاب اسلامی شیراز

دو نفر به **جرم همکاری با صهیونیسم جهانی** دستگیر شدند

شیراز – خبرنگار جمهوری اسلامی:

از سوی دادگاه انقلاب اسلامی شیراز در رابطه با نتیجه محاکمه دو تن که با صهیونیست جهانی ارتباط داشته‌اند اطلاعیه‌ای به شرح زیر صادر شد:

دادگاه انقلاب اسلامی شیراز به پرونده **اتهامی ۲ نفر به اسامی مهدی انوری نفتی فرزند مسیح و هدایت الله دهقانی فرزند نصرالله** اهل آباده شیراز رسیدگی و پس از چند روز محاکمه حکم لازم به شرح ذیل صادر گردید: متهم اول که **عضو شورای ملی بهائیان** و خود و پدرش از شاعران و **مدیحه‌سرایان درباری شاه معدوم** و پدر لعنتی‌اش بوده‌اند **با ساواک نیز همکاری داشته** و در ایجاد تفرقه و تشتت بین مسلمانان سعی فراوان داشته و **با بیت‌المال حیفا مرکز جاسوسی صهیونیستی در اسرائیل در ارتباط بوده و کمک نقدی نموده** و کتباً از آنجا تقدیر شده است و همچنین در **توطئه کودتای اخیر با کودتاچیان در ارتباط بوده** و نیز با **سرهنگ وحدت که یکی از معروف‌ترین جاسوسان بزرگ صهیونیستی است** همکاری نزدیک داشته و چندین جرم دیگر مرتکب شده است. متهم دوم که یکی از اعضای بسیار فعال محفل بهائیان آباده بوده است با **سرهنگ وحدت همکاری زیادی داشته** و در بهائی کردن مسلمانان و انحراف افراد ناآگاه به خصوص روستائیان سعی زیادی نموده و برادران بهائی هدایت یافته را که مسلمان شده بودند سخت در فشار قرار می‌داده است و طبق اسناد موجود و **اعتراف خود با ۲۵۰ نفر از کدخدایان و کلانتران و سران عشایر فارس تماس گرفته و به همین خاطر کتباً از محفل بهائیان تشویق شده است وی همچنین مکاتبات تلفنی دولت و غیره را ضبط می‌کرده و مرتکب چندین جرم دیگر شده است** لذا این دو نفر به عنوان افراد فاسد و مفسد و محارب با خدا و رسول و امام زمان «عج ا...تعالی» فرجه و **به جرم همکاری با صهیونیست جهانی** به اعدام محکوم شدند و حکم صادره پس از تائید دادگاه عالی قضائی ساعت ۶ بعدازظهر روز یکشنبه به مرحله اجرا گذاشته شد.

دادگاه انقلاب اسلامی شیراز



جمهوری اسلامی

چهارشنبه ۲۷ اسفندماه ۱۳۵۹ - ۱۱ جمادی الاول ۱۴۰۱ - شماره ۵۲۰ - سال دوم

به حکم دادگاه انقلاب اسلامی شیراز
دو نفر بجرم همکاری با صهیونیسم جهانی دستگیر شدند



سند چهارم :

طرح اتهام علیه خسرو ایزدیار فرهوشی ۲۲ فروردین ۱۳۵۹ به جرم همکاری با کودتا گران ضمنا بیت العدل باید منبع این خبر را اعلام کند و الا این اوراق محرمانه و از آن ضابطین قضائی است و بدون وجود شبکه نفوذ دست یابی به این اوراق ممکن نخواهد بود

لینک سند :

https://iranbahaipersecution.bic.org/fa/archive/atlaat-bray-dstgyry-khsrw-ayzdyar

[اطلاعات شخصی افراد **حذف شده** است]

خسرو ایزدیار رهبر بهائیان یزد

مشخصات سیاه چرده – کم مو – هیکل دار – قد متوسط سن ۶۰ ساله،

گزارش دهنده حسینی

تلفن۸۲۷۵۹۴

اطلاع داده‌اند که **خسرو ایزدیار** در ارتباط با آن **بیست و پنج نفری است که در یزد دستگیر کرده اند و آنها نیز در ارتباط با کودتا بوده اند**، این شخص از یزد به تهران فرار کرده و تا دو روز دیگر عازم هندوستان خواهد شد

آدرس محلی که فعلا مستقر است.

[**حذف شده**]

منزل جاماسب فره وشی

باطلاع میرسد که این فرد به احتمال قوی برای نشر و تبلیغ فرقه ضاله به آن کشور عزیمت می‌کند.

[ناخوانا] حاج محمد

برادر افسر نگهبان

[یادداشت دستنویسی در پائین صفحه اول]

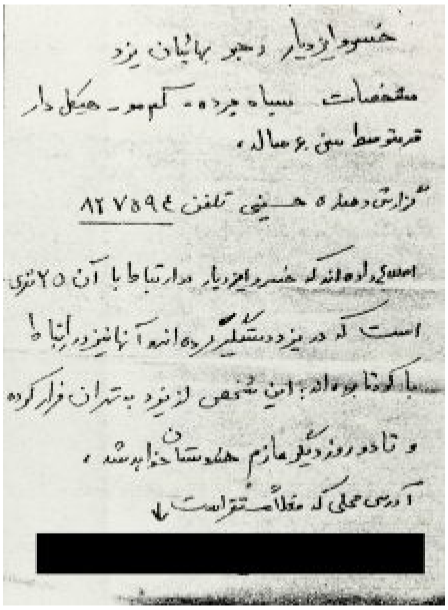
برادر افسر نگهبان

حکم بررسی و تحقیق در صورت لزوم بازرسی منزل از آقای خسروی ایزدیار را به واحد ۳۱۰ [ناخوانا].

[مهر کمیته مرکزی اطلاعات و تحقیقات]

۲۲ فروردین ۱۳۵۹

[امضا]



خسرو ازدیار وجو بهائیان یزد

مشخصات سیاه چرده - کم مو - هیکل دار

قد متوسط سن ۶۰ سال ،

گزارش دهنده حسینی تلفن ۸۲۷۵۹۴

اطلاع داده اند که خسرو ازدیار در ارتباط با آن ۲۵ نفری

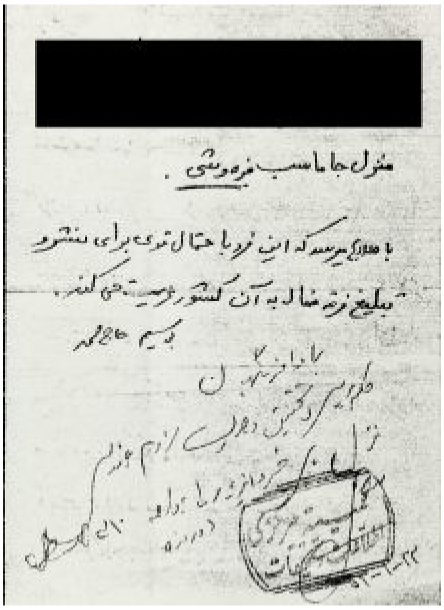
است که در یزد دستگیر گردیده اند و آنان نیز در اینجا

با کودتا بوده اند، این شخص از یزد به تهران فرار کرده

و تا دو روز دیگر عازم هندوستان خواهد شد ،

آدرس محلی که فعلاً مستقر است ↓

[redacted]



[redacted]

منزل جاماسب فرهوشی .

با اطلاع میرسد که این فرد با حال [illegible] برای نشر و

تبلیغ زرتشت به آن کشور [illegible] می کند.

سند پنجم :

در این سند اظهارات محفل ملی ایران را شاهدیم که بصراحت اعتراف می کند طرح اتهامات علیه بهاییان است و هیچ ادعایی مبتنی بر به اتهام باور مند بودن به بهائیت در این سند به چشم نمی خورد

لینک سند

https://www.hassanershad.com/wp-admin/post.php?post=7012&action=edit

[اطلاعات شخصی افراد **حذف شده** است]

تاریخ: ۲۹ شهریور ۱۳۵۹

۱– روزنامه کیهان

۲– روزنامه میزان

۳– جناب آیت‌الله قدوسی دادستان انقلاب جمهوری اسلامی

۴– ارشاد ملی

۵– جناب آیت‌الله مهدوی کنی وزیر محترم کشور

محترماً باستحضار میرساند:

روزنامه کیهان و روزنامه میزان در تاریخ ۲۷ شهریور ۱۳۵۹ تحت عنوان کشف یک خانه تیمی بهائیها اتهامات ناروائی که ناشی از روال این ایام است مرقوم داشته‌اند یقین است روزنامه‌های مذکور آگاهی نداشته‌اند:

جامعه بهائیان ایران که بزرگترین اقلیت دینی این کشور و مصدق شریعت مقدسه اسلامیه‌اند اصولاً حسب معتقدات مذهبیه خود از دخالت در امور سیاسیه و حمل سلاح ممنوع می‌باشند و اطاعت از حکومت متبوعه از فرائض حتمیه آنان است و هر فردی که مخالف این اصول رفتار نماید و تعرضی بحکومت متبوعه کند و در امور سیاسیه کلامی بر زبان راند جامعه بهائی چنین فردی را بهائی نمیداند. با توجه باین اصول مسلمه تشکیل خانه تیمی و حمل سلاح و انتشار بولتن مخفی و مقاومت در مقابل دولت جمهوری اسلامی از طرف بهائیان ایران خلاف حقیقت است و مفهوم عقلائی ندارد. مراتب بدینوسیله قویاً تکذیب میگردد.

و اینکه در روزنامه‌های مذکور منعکس گردیده که بهائیان کودتاچیان را بنام شهید نام برده‌اند متذکر میگردد جامعه بهائیان نفوسی مظلوم و بی‌گناه و بهائی را که کمترین دخالتی در امور سیاسیه نکرده و بر خلاف موازین حق و قانون و قسط اسلامی متهم بدخالت در این گونه امور بنا حق محاکمه و معدوم نموده شهید جامعه خود میداند.

چون انتشار چنین اخبار ناروا علیه بهائیان علت هیجان عمومی و اختلال در نظم جامعه میگردد. مستدعی است مقرر فرمایند از صدور چنین اطلاعیه‌های مخدوشی ممانعت و از اعمال مظالم و تحریکات غیر مرضیه نسبت به چنین جامعه مطیع و مظلومی خودداری گردد.

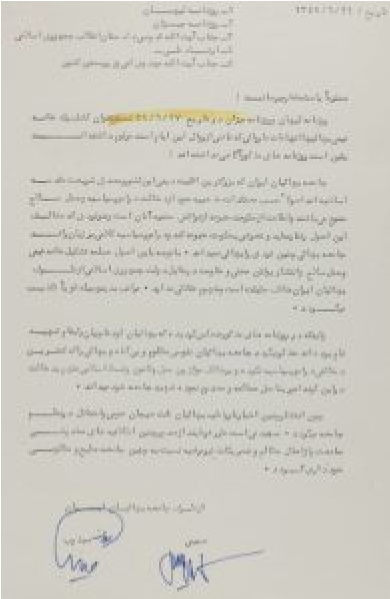
از طرف جامعه بهائیان ایران

صمیمی

[امضا]

از طرف مجذوب

[امضا]



سند ششم :

۞ ذبیح الله مومنی جاسوس و کودتا گر بهایی در ارتش و جزء کودتا گران نوژه بود که با رفیق دیگر بهائیش مسئول گرد آوری کلیه عناصر کودتا گر برای عملیات فوق بود در سایت اسناد بهایی ستیزی چنانچه مشاهده می کنید نه عکسی و نه توضیحی هیچ مطلبی مشاهده نمی کنید

لینک اول اسناد بهایی ستیزی در ایران :

https://iranbahaipersecution.bic.org/index.php/fa/archive/dhbyh-allh-mwmny-dr-24-mrdad-1359-dr-thran-tyrbaran-shd



لینک دوم گزارش اسناد مربوط به عضویت این جنایتکار بهایی در کودتای نوژه توسط شاداب عسکری است

/https://www.tasnimnews.com/fa/news
-DA%AF%D9%81%D8%AA%DA%AF%D9%88%/1399/04/18/2302334
-DA%A9%D9%88%D8%AF%D8%AA%D8%A7%DB%8C%
-D9%86%D9%82%D8%A7%D8%A8%
-D8%A2%D9%85%D8%B1%DB%8C%DA%A9%D8%A7%DB%8C%DB%8C%
-D8%A8%D9%88%D8%AF-%DB%8C%D8%A7%
-D8%B1%D9%88%D8%B3%DB%8C%
-D8%AA%D9%85%D8%A7%D9%85%DB%8C%
-D8%B2%D9%86%D8%AF%D8%A7%D9%86%DB%8C%D8%A7%D9%86%
-DA%A9%D9%88%D8%AF%D8%AA%D8%A7-%D8%B9%D9%81%D9%88%
D8%B4%D8%AF%D9%86%D8%AF/amp%

⚠️نقش بهائیت در کودتای نوژه⚠️

◇سوال تسنیم: فرقه‌هایی همچون تصوف و بهائیت چه نقشی در کودتا داشتند؟

◇شاداب عسگری" پژوهشگر تاریخ انقلاب و نویسنده کتاب "قدر مطلق یک توطئه" در گفتگو با تسنیم به واکاوی ابعاد کودتای نقاب و ابهامات مطرح شده در این خصوص پرداخت:
👈تعدادی از اهل تصوف در کودتای نقاب نقش داشتند؛ اما باید توجه داشت که تصوف آن زمان کار تشکیلاتی و اطلاعاتی در ایران انجام نمی‌داد. در خصوص زمان حال نیز اطلاعی ندارم. این در حالی بود که در آن زمان، بهائیت کار تشکیلاتی در ایران انجام می‌داد و در واقع اساس تشکیل بهائیت، جمع‌آوری اطلاعات بود.

بهائیان، ضیافت‌های ۱۹ روزه‌ای دارند که هر ۱۹ روز یک بار دور هم جمع می‌شوند و اطلاعات و حوادث اتفاق افتاده پیرامون خود را به طور دقیق و صریح گزارش می‌دهند. بنده این موضوع را در کتاب «بهائیان نظامی در حکومت پهلوی دوم» به طور مفصل شرح داده‌ام.

دو نفر از بهائیان در کودتای نقاب حضور داشتند که یکی از آن‌ها ذبیح‌الله مؤمنی نام داشت و به طور کامل در جریان کودتا بود. آن دو نفر راننده‌های اتوبوس‌های ایران پیما بودند که در جریان کودتا مشارکت داشتند. آنان در ضیافت‌های ۱۹ روزه این موضوع را به تشکیلات بهائیت اعلام کرده بودند، اما بهائیان که طبق مرامنامه خود باید تابع حکومت مرکزی باشند، این موضوع را به اطلاع مقامات جمهوری اسلامی نرساندند.

😳بهائیان در مقابل ادعا می‌کنند که نظام جمهوری اسلامی ایران به دنبال اعدام این دو نفر به دلیل بهایی بودن بود، از این رو آنان را به بهانه مشارکت در کودتا اعدام کرد.

👈از اینان باید پرسید که اگر ایران به دنبال اعدام بهایی‌ها بود، چرا سرتیپ عطاالله مقربی که بهایی بود، به این بهانه اعدام نشد و حتی به او اجازه خروج از کشور نیز داده شد. یا اینکه چرا سپهبد حسین رستگار نامدار که جنایت‌ها و فسادهای بسیاری در دوره پهلوی انجام داده بود، اعدام نشد؟😳

〰️آن دو راننده در جریان جزئیات کودتا بودند. خودشان هم به این موضوع اعتراف کردند. سرتیپ محققی، ناصر رکنی و چند نفر دیگر از کودتاچیان هم عنوان کردند که آنان از جزئیات کودتا اطلاع داشتند.

👈در نتیجه بهائیان نه تنها برخلاف مرامنامه خود هیچ همراهی با نظام جمهوری اسلامی ایران نکردند، بلکه با کودتاچیان نیز همکار بودند



سند هفتم :

اظهارات حاکم شرع شیراز در گفتگو با روزنامه خبر جنوب

در اظهارات دادستان چنانچه در تاریخ سه شنبه ۳ اسفندماه ۱۳۶۱ انجام گردیده است وی صراحتا اشاره به نکات زیر می نماید که تشکیلات بهایی با جوابیه ای که به آن می دهد با سکوت و انکار آن از کنارش می گذرد

نکته اول : صریحا دادستان اعلام می کند جرم این افراد امنیتی است و ربطی به تفکراتشان ندارد

نکته دوم : این افراد مجریان نقشه های طراحی شده در اسرائیل (توسط دار التبلیغ) و اجرای آن در ایران بودند

نکته سوم : صراختا دادستان به لفظ نقشه های بیت العدل اشاره می کند که منظور ایشان نقشه هفت ساله بیت العدل می باشد ۱۹۷۹ _ ۱۹۸۶

نکته چهارم : دادستان صراحتا هر گونه فعالیت سازمانی بهائیان اعم از ضیافت محفل ووو را اقدامات مجرمانه امنیتی تلقی می کند

لینک سند :

-https://iranbahaipersecution.bic.org/index.php/fa/archive/hakm-shr-shyraz-dr-gftgw-barwznamh-khbr-jnwb-bh-bhayyan-tdhkr-mydhm-bh-damn-aslam-byaynd

[اطلاعات شخصی افراد **حذف شده** است]

[برای وضوح بیشتر فقط مطالب و اخبار مربوط به افراد و جامعه بهائی تایپ شده است]

[روزنامه:] خبر جنوب

[تاریخ:] سه شنبه ۳ اسفندماه ۱۳۶۱

[شماره:] ۷۸۲

گفتگوی اختصاصی «خبر» با **حجت‌الاسلام قضائی حاکم شرع و رئیس دادگاه انقلاب شیراز**

حاکم شرع شیراز: به بهائیان تذکر می‌دهم به دامن اسلام بیایند

-بهائیان تا دیر نشده از بهائیت که عقلاً منطقاً محکوم است تبری جویند و الا روزی نه چندان دور خواهد رسید که ملت اسلام با **بهائیان مانند منافقین که لباس دیگر ولی خطرناکتر بتن نموده و محفل‌های دینی شیطانی** دارند به تکلیف شرعی خود عمل خواهد نمود.

– در حال حاضر **۵۰۰ پرونده در دادگاه انقلاب اسلامی شیراز** تحت رسیدگی است.

– تعداد زیادی از بهائیان هر روز بدامن اسلام بازگشتند و به سران بهائیت لعن و نفرین می‌فرستند که روزنامه‌ها هر روز شاهد عمل منطقی بعضی از این افراد هستند.

... حاکم شرع و رئیس دادگاه انقلاب اسلامی شیراز در پاسخ به سئوال دیگر ما در مورد **حکم اعدام ۲۲ تن** از افراد تشکیلاتی بهائیت در شیراز اظهار داشت: در پاسخ باین سئوال باید بگویم که بامید خداوند بزرگ ملت مسلمان ایران که پیاده کننده و پیرو مکتب اهل بیت عصمت و طهارت است انشاءالله به دعای حضرت نوح جامه عمل خواهد پوشید که حضرت نوح عرض می‌کند: و قال نوح رب لا تذر علی الارض من الکافرین دیاراً انک ان تذرهم یضلوا عبادک و لا یلدو الافاجراً کفاراً:

ملت ایران بر اساس مکتب قرآن قیام کرد. و باراده الهی اراده کرده است که حکومت خدا را بر روی زمین استقرار دهد. لذا نمی‌تواند بهائیان منحرف و بازیچه شیطان و شیطان نماها و ابرقدرت‌ها و **عمال آن‌ها ازجمله بیت‌العدل اسرائیل** را تحمل نماید این مسئله مسلم است که در جمهوری اسلامی ایران برای بهائیت و بهائیان کوچک‌ترین جائی نیست. اینان می‌گویند ما در هیچکدام از راه پیمائیها علیه طاغوت شرکت نکردیم شعاری علیه طاغوت ندادیم در هیچکدام از رأی گیریهای جمهوری اسلامی از اصل تبدیل رژیم منحوس سلطنتی به جمهوری اسلامی تا آخرین آنها که تا بحال صورت گرفته و مجلس خبرگان بود شرکت نکردیم چرا که اینها همه سیاست است و ما از نظر مذهبی دخالت در سیاست را محکوم می کنیم و ما برای خودمان رأی گیریهای مختلف داریم و تشکیلات بهائیت مستقل است. اینها می‌گویند ما در تشکیلات خودمان رأی‌گیری و اجتماعات خاص داریم، ضیافت و کنفرانس داریم.

حجت‌الاسلام قضائی افزود: بنابراین کاملاً شاهدیم که این جرثومه‌های فساد و فرزندان شیطان و **ایادی مزدور بیت‌العدل اسرائیل تشکیلات و یا حکومتی هرچند مسخره در برابر حکومت و تشکیلات اسلام به وجود آورده‌اند** و خنده‌آور اینکه می‌گویند ما تابع حکومتیم و هر آنچه حکومت بگوید ما مطیع هستیم و لیکن این محملی است که حرکات جدای از ملت را پرده‌پوشی کند. **بهائیان ایران دارای برنامه‌های یکساله و ۵ ساله و ۱۰ ساله و بیشتر هستند** که این برنامه‌ها از **طرف شیاطین استعمارگر طرح‌ریزی و به دست پیروان بهائیت اجرا می‌شود**.

و لازم است بگویم اخیراً این مزدوران کتابی منتشر کرده‌اند که در مقدمه آن به **رئیس‌جمهور شهید مرحوم رجائی و نخست‌وزیر شهید مرحوم باهنر جسارت کرده‌اند** و آنان را در زمره دروغ‌گویان بشمار آورده‌اند. در این کتاب همچنین جسارت‌هایی به **مرحوم شهید بهشتی و ۷۲ تن دیگر از شهدای دفتر مرکزی حزب جمهوری اسلامی کرده‌اند** که زبان قادر به تکلم آنها نیست. این مزدوران همچنین جنگ ظالمانه عراق علیه ایران و خیانت‌های منافقین در مورد این امت مظلوم را درگیری ظالم با ظالم قلمداد کرده و شعار افتخارآفرین ملت (نه شرقی، نه غربی) را نعره وحشیانه و وقیح و زشت و دهن‌کجی به ادبیات مشعشع ایران قلمداد کرده‌اند و امت شیعه اسلامی را که یگانه اولاد خلف و نسل شایسته حضرت آدم و گل سرسبد بشریت هستند به تعبیر ننگین خودشان می‌گویند: "به فرموده مبارک! فئه شیعه پست‌ترین ناس مشاهده شده‌اند!!

حجت‌الاسلام قضایی ادامه داد: **بهائیان از نظر مذهبی خودشان را ملزم به پیروی از بیت‌العدل می‌دانند و بیت‌العدل خود را از نظر مذهب بهائیت ملزم به پیروی از حکومت اسرائیل می‌داند. مع‌الوصف بهائیان به صرف بهائیت دستگیر نمی‌شوند بلکه افراد تشکیلاتی فعال آنها که در رابطه مستقیم یا غیرمستقیم با بیت‌العدل می‌باشند و هیچ‌گونه ارزشی برای شهدای به خون خفته ایران اسلامی و دولت و ملت ایران قائل نیستند و از مصادیق بارز " ائمه کفر " و کفار حربی تشکیلاتی می‌باشند دستگیر می‌گردند: زیرا اگر بنا بود که به صرف بهائی بودن کسی دستگیر شود، الآن همه بهائیان در شیراز دستگیر می‌شدند در حالیکه اینطور نیست و تعداد انگشت‌شماری به خاطر جرائم مذکور دستگیر شده‌اند که طبق جرائم خود کیفر می‌بینند.**

رئیس دادگاه انقلاب اسلامی شیراز گفت: در اینجا به بهائیان اعلام می‌شود که اگر خود را پیرو حکومت جمهوری اسلامی و قانون اساسی می‌دانند طبق اصل سیزدهم قانون اساسی **هرگونه فعالیت برای بهائیان خلاف قانون اساسی است و تشکیل محفل و لجنه و ضیافت و امثال اینها همه جرم است و متخلفین طبق قانون اساسی مجرم محسوب می‌شوند.**

حجت‌الاسلام قضایی افرود: من از این فرصت استفاده می‌کنم و به همه بهائیان منصف و اهل فکر تذکر می‌دهم که به دامن اسلام عزیز بیایند و ننگ پیروی از بهائیت که ساخته دست استعمار است از پیشانی خود بشویند و با این عمل شجاعانه که مبارزه با افکار و عادات رسوخ کرده و رسوب شده در خود بهائیان است و جز بیچارگی و سرافکندگی دنیا و آخرت ثمره‌ای نخواهد داشت خود را نجات دهند و تا دیر نشده از بهائیت که عقلاً و منطقاً محکوم است تبری جویند و الا روزی نه چندان دور خواهد رسید که ملت اسلام با بهائیان مانند منافقین که لباس دیگر ولی خطرناکتر به تن نموده و محمل‌های دینی شیطانی دارند به تکلیف شرعی خود عمل خواهد نمود و بهائیان بدانند که از منافقین نیرومندتر نبوده و امت حزب‌الله در ریشه‌کنی آنان عاجز نخواهند بود. و بحمدالله که تعداد زیادی از بهائیان هرروز به دامن اسلام بازگشته و به سران بهائیت لعن و نفرین بفرستند که روزنامه‌ها هرروز شاهد عمل منطقی بعضی از این افراد هستند.

وی در مورد حکم اعدام حدود ۲۰ نفر از اعضای تشکیلاتی بهائیت گفت: این افراد که محکوم‌به اعدام شده‌اند. از اعضای فعال بهائیت بودند که از شر آنها افراد ساده‌لوح امان نداشتند و وابستگی‌شان به شیاطین داخل و خارج محرز و عنادشان نسبت به اسلام و مسلمین در حد زیادی آشکار بود.

حجت‌الاسلام قضایی سپس در پاسخ به این سئوال که در رابطه با فرمان ۹ ماده‌ای امام امت چه تعداد زندانی از زندان شیراز آزاد خواهند شد. گفت: در رابطه با آزادی زندانیان باید گفت که تعداد زیادی از آنها آزاد شده و می‌شوند. در حال حاضر بر اساس عفو امام حدود ۶۰ نفر آزاد شده‌اند و بر اساس بخشنامه جدیدی نیز که به تأیید امام رسیده است، به‌زودی حدود سیصد نفر آزاد خواهند شد.


خبر

اسامی برندگان قرعه‌کشی دیروز پیکان در شیراز

اختصاصی «خبر» با حجت‌الاسلام قضائی حاکم شرع و رئیس دادگاه انقلاب شیراز

شرع شیراز: به بهائیان تذکر ... به دامن اسلام بیایند

مهندسین و کارکنان ایران و لیبون شیراز دستگاههای رادیوئی ساختند



سند هشتم :

حبیب الله عزیزی بهایی یهودی زاده فعال در حوزه چریکهای فدایی خلق که با تزویر وی را شهید راه باور بهایی نامیدند :

-https://iranbahaipersecution.bic.org/fa/archive/rwznamh-atlaat-sdwr-hkm-adam-hbyballh-zyzy

روزنامه اطلاعات: صدور حکم اعدام حبیب الله عزیزی
اطلاعات شخصی افراد حذف شده است]
[برای وضوح بیشتر فقط مطالب و اخبار مربوط به افراد و جامعه بهائی تایپ شده است]
[روزنامه:] اطلاعات
[تاریخ:] ۹ شهریور ۱۳۶۰
۱۵ تن از اعضای گروهکهای تروریستی به جوخه اعدام سپرده شدند...
...۱۴- حبیب‌الله عزیزی فرزند مرتضی، ارتباط گسترده با گروهک‌های فدائیان خلق اقلیت و منافقین پخش نشریه و اعلامیه‌های آنان، کمک مالی به مراکز تبلیغاتی بهائیت در کشورهای صهیونیستی، فعالیت بین‌المللی و ایجاد مراکز بهائیت.
ضمناً فروهر محمدی فرزند غلامرضا سرهنگ بازنشسته ژاندارمری و مؤسس شرکت «پاپاک» که ابتدا عضو حزب توده بوده و پس از آن به نفع جبهه ملت فعالیت داشته و سپس گرایش به بهائیگری پیدا کرده بود به جرم طبع و انتشار کتاب‌های کسروی بویژه بعد از انقلاب به منظور ضربه زدن به انقلاب اسلامی، شایعه پراکنی و انتشار اکاذیب به قصد بی‌اعتبار نمودن نظام جمهوری اسلامی و مجرم از بنیانگزاران «پاکدینان» میباشد که از دستاوردهای احمد کسروی معدوم است محکوم به اعدام گردید و حکم صادره در مورد وی به اجرا درآمد...



انتشارات و چاپ جزوه های فدائی شاخه اشرف دهقانی و مسئول تشکیلاتی در تهران.

۱۴- حبیب‌الله عزیزی فرزند مرتضی ، ارتباط گسترده با گروهک های فدائیان خلق اقلیت و منافقین، پخش نشریه و اعلامیه های آنان ، کمک مالی به مراکز تبلیغاتی بهائیت در کشور های صهیونیستی ، فعالیت بین‌المللی و ایجاد مراکز بهائیت .

ضمنا فروهر محمدی فرزند غلامرضا سرهنگ بازنشسته ژاندارمری و موسس شرکت «پاپاک» که ابتدا عضو حزب توده بوده و پس از آن به نفع جبهه ملی فعالیت داشته و سپس گرایش به بهائیگری پیدا کرده بود به جرم طبع و انتشار کتاب های کسروی بویژه بعد از انقلاب به منظور ضربه زدن به انقلاب اسلامی ، شایعه پراکنی و انتشار اکاذیب به قصد بی‌اعتبار نمودن نظام جمهوری اسلامی و مجرم از بنیانگزاران «پاکدینان» میباشد که از دستاورد های احمد کسروی معدوم است. محکوم به اعدام گردید و حکم صادره در مورد وی به اجرا درآمد .

اطلاعات ۹ شهریور ۱۳۶۰





https://t.me/golshaneshgh/2310

تجدید نظر در حکم مصادره اموال حبیب الله عزیزی

[آرم]

۰۸۰۱۴۷

بسمه تعالی

[آرم]

جمهوری اسلامی ایران

تاریخ: ۱۸ فروردین [۱۳۶۴]

شماره: ۵۹ / م / ۴۱۲۱

پیوست: ب – الف ۳۶۴۳

از: دادسرای انقلاب اسلامی تهران

به: دفتر امور اجرائی تبصره ۸۲ نخست‌وزیری

موضوع: ارسال حکم

محترماً و با ابلاغ سلام

بدین‌وسیله به آگاهی می‌رساند نظر به اینکه به‌موجب دادنامه شماره ۳۷۴۷ د گا ت مورخ ۸ دی ۱۳۶۳ شعبه نهم دادگاه انقلاب اسلامی تهران و تائید ع / ۶۰/ ۱۰۵۷ مورخ ۷ فروردین ۱۳۶۱ دادگاه عالی قم، اموال حبیب‌اله عزیزی فرزند مرتضی و منسوبین درجه اول وی اعم از برادران و خواهران و عموها و عمه‌های نامبرده به نفع بنیاد شهید انقلاب اسلامی مصادره شده. از آنجائی که بنا بر درخواست دادگاه و موافقت شماره م / ۱۸۳۲۳ / ۱ مورخ ۲۴ آذر ۱۳۶۳ شورایعالی محترم قضائی با تجدیدنظر در حکم یادشده موافقت گردیده، بموجب دادنامه شماره ۳۷۴۷ د گا ت مورخ ۸ دی ۱۳۶۳ شعبه نهم دادگاه انقلاب اسلامی تهران مقرر گردیده چنانچه در هنگام

صدور حکم اولیه هرکدام از افراد فوق‌الذکر در ایران بسر می‌بردند و فراری نبوده‌اند حکم استرداد در مورد آنان کان لم یکن تلقی گردیده و در مورد مابقی افرادیکه بهائی و خارج از کشور بسر می‌برند اموالشان طبق حکم مورخه ۷ شهریور ۱۳۶۰ بشماره ۲۱۷۰ د گا م و تائید دادگاه عالی بنفع دولت جمهوری اسلامی مصادره شده علیهذا با ارسال فتوکپی ۷ برگ احکام مربوطه مقتضی است ضمن اعلام وصول آن دستور فرمائید اقدام لازم را مبذول و از نتیجه این دادسرا را مطلع فرمائید./ع

دادیاری اجرای احکام دادسرای انقلاب اسلامی تهران

مستقر در چهارراه شهید قدوسی

[امضا روی مهر رسمی]

۲۸ خرداد ۱۳۶۴

رونوشت:

واحد تحقیق و استرداد بنیاد شهید جهت اطلاع و اقدام لازم ارسال میگردد.

[یادداشت دستنویسی در پایین صفحه]

بسمه تعالی

واحد تحقیق سریعاً اقدام و با مراجعه به بنیاد شهید اموال تحویل گرفته شود.

[امضا]

[مِهر نخست وزیری – ورود به دفتر اجرائی]

تاریخ: ۲ تیر ۱۳۶۴

شماره: ۴ / ۲۲۸ / ۶

[مهر دفتر تحقیق]

شماره: ۲۳۰۱

تاریخ: ۶ تیر ۱۳۶۴

[مهر:] اندیکس شد

[یادداشت دستنویسی در بالای صفحه]

بسمه تعالی

تشکیل پرونده به محکوم و تیم سه در تعقیب اموال جلال و اسکندر عزیزی موضوع محکومیت اموال حکم اخیرا هم پیگیری شود.

[امضا]

۴ تیر ۱۳۶۴



سند نهم :

هیچ یک از افراد اتهامشان بهایی بودن نیست عموما ارتباط با ساواک و جاسوسی : عطاء الله مقربی – ریاض قدیمی شاپور راسخ و همسرش مهری (مهر انگیز راسخ) از نوادگان دو ایادی امر بها الله ابن ابهر معروف به محمد تقی و علی اکبر شهمیرزاده

https://iranbahaipersecution.bic.org/fa/archive/hkm-ps-grftn-hqwq-w-mzaya-az-bhayyan-akhrajy

حکم پس گرفتن حقوق و مزایا از بهائیان اخراجی

دولتی

بازپرداخت حقوق دریافتی

اخراج از شغل دولتی

محرومیت از حقوق یا مستمری بازنشستگی

[آرم]

جمهوری اسلامی ایران

وزارت کشاورزی و عمران روستائی

۲۲۶۲۵

بسمه تعالی

شماره ۶۳۰ / ۲۲۱۴۹

تاریخ ۲۶ شهریور ۱۳۶۰

پیوست——

آقای بهزاد جانمی نجف‌آبادی

اخراجی وزارت کشاورزی و عمران روستائی

دولت جمهوری اسلامی ایران در مقابل ملت مسلمان و به پا خواسته کشور ایران مسئولیت دارد و نمیتواند از بیت‌المال مسلمین حقوق و مزایا افرادی پرداخت نماید که تابع مسلک ساختگی ضاله بهائیت میباشند و اکثر اعضاء محفل ملی آنها را اشخاص خائن به ملک و ملت همچون:

۱-تیمسار سرلشکر مقربی، **جاسوس شوروی**

۲- تیمسار سرتیپ **دکتر ریاض اله قدیمی، پزشک مخصوص ساواک**

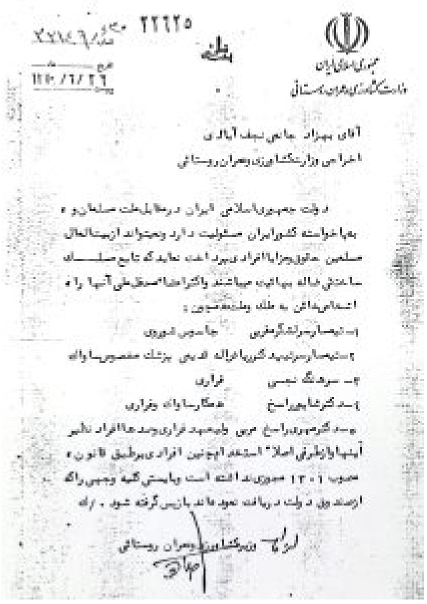
۳-سرهنگ نجی، فراری

۴-**دکتر شاپور راسخ، همکار ساواک و فراری**

۵-**دکتر مهری راسخ مربی ولیعهد فراری** و صدها افراد نظیر اینها و از طرفی اصلاً استخدام چنین افرادی بر طبق قانون مصوب ۱۳۰۱ مجوزی نداشته است و بایستی کلیه وجهی را که از صندوق دولت دریافت نموده‌اند باز پس گرفته شود./ک

از طرف وزیر کشاورزی و عمران روستائی

[امضا]



آقای بهزاد جامی نجف آبادی

اخراجی وزارت کشاورزی و عمران روستائی

دولت جمهوری اسلامی ایران در مقابل ملت مسلمان و بپاخواسته کشور ایران مسئولیت دارد و نمیتواند از بیت المال مسلمین حقوق و مزایا به افرادی بپردازد که تابع مسلک ساختگی ضاله بهائیت میباشند [illegible]

وزیر کشاورزی و عمران روستائی

سند دهم :

هاشم فرنوش و ریاض قدیمی هر دو معاون مشاور قاره ای از اعضای شکنجه گر سواک :

https://iranbahaipersecution.bic.org/fa/archive/khbr-tyrbaran-9-nfr-az-jmlh-3-bhayy-frhng-mwdt-hashm-frnwsh-bzrg-lwyan

قتل و اعدام

اتهام‌ها علیه بهائیان و آیین بهائی

تهران

فرهنگ مودت

هاشم فرنوش

بزرگ علویان

۰۲ تیر ۱۳۶۰

English

فارسی

[اطلاعات شخصی افراد **حذف شده** است]

[برای وضوح بیشتر فقط مطالب و اخبار مربوط به افراد و جامعه بهائی تایپ شده است]

[روزنامه:] اطلاعات

[تاریخ:] ۲ تیر ۱۳۶۰

[شماره:] ۱۶۴۵۹

[صفحه:] ۲

۹ مفسد فی‌الارض دیروز تیرباران شدند

به‌حکم دادگاه انقلاب جمهوری اسلامی مرکز ۶ نفر از عوامل و دست‌اندرکاران جنایات ۳۰ خرداد ماه همراه سه نفر وابستگان و جاسوسان صهیونیستی در محوطه زندان اوین اعدام شدند. متن اطلاعیه دادستان انقلاب جمهوری اسلامی مرکز در این زمینه به این شرح است:

بسم‌الله منتقم القهار و قاتلوهم حتی لاتکون فتنه و یکون دین کل له (۳۸ انفال) [۳۹ انفال]

ضمناً سه نفر از سرسپردگان رژیم منحط طاغوت نیز در دادگاه انقلاب جمهوری اسلامی مرکز محاکمه گردیده و حکم شرعی و قانونی در مورد ایشان صادر گردید. این مجرمین عبارتند از:

۱ـفرهنگ مودت فرزند فضل‌الله به جرم فعالیت و مشارکت مؤثر در انتشار مجلات و جزوات اغواکننده و تحریک‌آمیز پس از پیروزی انقلاب علیه جمهوری اسلامی، تغذیه مالی شرکت صهیونیستی نونهالان که به اقرار خود متهم تغذیه مالی بیت‌العدل صهیونیستی در «حیفا» اسرائیل از آن شرکت می‌باشد همکاری مالی و فکری و اقتصادی با هژبر یزدانی صهیونیست، همکاری مؤثر با محل [محفل] ملی صهیونیستی علیه انقلاب اسلامی و اقدامات عملی برای سرنگونی این انقلاب و به عهده گرفتن تعلیم و تبلیغ در سطح عمیقی در شهرستان کرج برای اغواء و گمراهی نوجوانان و جوانان، وابستگی به سران غارتگر رژیم، به دست آوردن ثروت‌های نامشروع و سهام کارخانجات و بانک‌ها به شرحی که در اقرارات او منعکس است به حکم دادگاه انقلاب، مجرم و از مصادیق بارز مفسد فی‌الارض شناخته شد و به اعدام محکوم گردید.

۲- هاشم فرنوش فرزند عطاالله به جرم همکاری با دکتر ریاض‌الله قدیمی همکار ساواک جهنمی در معاینات مبارزان و کشتار بی‌رحمانه آنان (همکار سازمان سیا) و معاونت این کافر حربی در اعزام افراد تربیت‌شده وابسته به اسرائیل به‌منظور اقدام علیه اسلام و ملل مسلمان و اعزام جاسوس تحت عنوان مهاجرت که لجنه مهاجرت زیر نظر فرنوش بوده و از طریق آژانس سمندری با تصویب سازمان صهیونیستی بیت‌العدل اسرائیلی این امر بارها تحقق‌یافته است.

سعی در تحکیم شاه معدوم، جمع‌آوری اعانات برای اسرائیل غاصب در جنگ با مسلمین و کمک به ساختمان دارالتشریع صهیونیستی با جمع‌آوری وجوه معتنابهی با پشتیبانی هژبر یزدانی، پرویز ثابتی، دکتر عبدالکریم ایادی صهیونیست فراری (طبیب ویژه شاه معدوم) و دکتر شاپور راسخ (رئیس سازمان برنامه و بودجه) و استفاده از امکانات آنان اقدامات عملی به منظور براندازی نظام جمهوری اسلامی، تکثیر و انتشار نشریات طبل سحر و حال و آینده جهان برای اغواء جوانان و اشاعه کفر و الحاد که با توجه به اقرارات صریح متهم در مراحل تحقیق و در محضر دادگاه مستنداً به تحقیقات معموله، مجرمیت وی در دادگاه ثابت گردید و نامبرده از مصادیق بارز مفسد فی‌الارض و محارب با خدا شناخته شد و محکوم به اعدام گردید.

۳- بزرگ علویان (سید آقابزرگ) فرزند علی‌محمد از اعضاء بسیار فعال و مؤثر تشکیلات صهیونیستی در ایران دارای ارتباط نزدیک و مستمر با «بورا کاولین» (صهیونیست آمریکائی، یکی از اعضاء برجسته ۹ نفری بیت‌العدل «حیفا» در اسرائیل) و اداره‌کننده تشکیلات و جلسات مخفی صهیونیست‌ها و بهائیان در سراسر تهران و حومه و شهرهای شمالی کشور بوده که با انتشار نشریات و مقالات اغواء کننده و تحریک‌آمیز و خلاف واقعیات (به‌عنوان وقایع اتفاقیه) و انتشار اکاذیب فریبنده و کمک‌های مالی فراوان با استفاده از ثروت نامشروع سرشار خویش با همکاری ایادی داخلی وابسته به رژیم سلطنتی سابق و ایادی خارجی و فراریان و دول استعماری و صهیونیستی بیگانه علیه انقلاب اسلامی و سرنگونی آن به‌صورت بسیار مؤثر و فعال تلاش می‌نموده و از ایادی وابسته به رژیم فاسد سابق می‌باشد و علی‌هذا دادگاه انقلاب با امعان نظر در اسناد موجود و اقرارات مجرم در مراحل تحقیق و در محضر دادگاه مجرمیت وی را محرز دانسته و به مصداق فی‌الارض به اعدام محکوم کرد.

احکام صادره دادگاه انقلاب جمهوری اسلامی مرکز در مورد نامبردگان فوق التوصیف ساعت ۹ بعدازظهر روز دوشنبه اول تیرماه در محوطه زندان اوین به مرحله اجرا گذاشته شد.

روابط عمومی دادستانی انقلاب جمهوری اسلامی مرکز



هاشم فرنوش عضو هیئت معاونت :



https://bahaipedia.org/1981

در این صفحه هم از هاشم فرنوش به عنوان abm که مخفف auxiliary board members یا همان هیات معاونت اسات نامدبرده

https://iranbahaipersecution.bic.org/archive/bahai-question-cultural-cleansing-iran



هاشم فرنوش

متولد ۱۳۱۷ در کرج

در تاریخ ۲ تیر ۱۳۶۰ در تهران تیرباران شد

هاشم فرنوش بعد از اتمام دورهٔ دبیرستان در کرج به تهران رفت. از دانشگاه تهران در رشتهٔ ادبیات لیسانس گرفت و بعد در رشت به شغل معلمی مشغول شد. پس از مدت کوتاهی به کرج بازگشت و کسب و کار خود را شروع کرد. در سال ۱۳۵۸ به عضویت محفل روحانی محلی[۱] کرج انتخاب شد.

در اواخر سال ۱۳۵۹ بازداشت شد و نه ماه در زندان اوین بود. در روز ۲ تیرماه ۱۳۶۰ همراه بزرگ علویان و فرهنگ مودت تیرباران شدند. جسد او را خانواده‌اش با حضور جمعیت زیادی از دوستان در گورستان بهائی تهران با مراسم بهائی به خاک سپردند.

https://iranbahaipersecution.bic.org/fa/archive/hashm-frnwsh-dr-2-tyr-1360-dr-thran-tyrbaran-shd

سند یازدهم :

فرامرز سمندری (مساعد) ید الله آستانی به جرم ساواکی بودن نه بهایی بودن

https://iranbahaipersecution.bic.org/fa/archive/rwznamh-jmhwry-aslamy-adam-dw-bhayy-dr-tbryz

روزنامه جمهوری اسلامی: اعدام دو بهائی در تبریز

رسانه ها

قتل و اعدام

تبریز

یدالله آستانی

فرامرز سمندری

۲۴ تیر ۱۳۵۹

English

فارسی

[اطلاعات شخصی افراد **حذف شده** است]

[برای وضوح بیشتر فقط مطالب و اخبار مربوط به افراد و جامعه بهائی تایپ شده است]

[روزنامه:] جمهوری اسلامی

[تاریخ:] ۲۴ تیر ۱۳۵۹

[شماره:] ۳۲۴

[صفحه:] ۴

اطلاعیه‌ها و احکام در کارهای انقلاب

۱۴ مفسد فی‌الارض در تبریز اعدام شدند

۷ تن از این عده بحکم آیت‌الله خلخالی محکوم باعدام شدند

تبریز- خبرنگار جمهوری اسلامی – دادگاه انقلاب اسلامی تبریز پس از رسیدگی به پرونده اتهامی چند نفر از متهمین این دادسرا رای خود را بدین شرح اعلام نمود:

۱- دکتر فرامرز سمندری فرزند میرزا آقا، رئیس محفل بهائیان آذربایجان شرقی بجرم همکاری مؤثر با رژیم فاسد پهلوی و ساواک منحله و دولت اسرائیل و صهیونیسم بین‌المللی مفسد فی‌الارض و محکوم به اعدام.

۲- یدالله آستانی فرزند احمد، رئیس محفل بهائیان تبریز بجرم همکاری با رژیم منحط پهلوی و ساواک منحله و سرکوبی مسلمانان مبارز و همکاری با دولت فاسد أسرائیل و قیام علیه مسلمین محکوم به اعدام...


اطلاعیه‌ها و احکام دادگاههای انقلاب

۱۴ مفسد فی الارض در تبریز اعدام شدند


دلایل اعدام ۱۴ محکوم در تبریز اعلام شد

برنامه تامین واکسن‌های سه گانه اطفال اعلام شد



سند دوازدهم :

پاکسازی بهائیان بخاطر عقیده به بهائیت نبود بلکه علتش اعمال مجرمانه بودن بود مثل همکاری با ساواک

خبر پاکسازی عبدالله روحانی در روزنامه جمهوری اسلامی

رسانه ها

اخراج از شغل دولتی

اتهامها علیه افراد بهائی

بندر لنگه

عبدالله روحانی

۲۳ مرداد ۱۳۵۹

English

فارسی

[اطلاعات شخصی افراد **حذف شده** است]

[برای وضوح بیشتر فقط مطالب و اخبار مربوط به افراد و جامعه بهائی تایپ شده است]

[روزنامه:] جمهوری اسلامی

[تاریخ:] پنج شنبه ۲۳ مردادماه ۱۳۵۹ – ۳ شوال ۱۴۰۰

[شماره:] ۳۴۷

[صفحه:] ۵

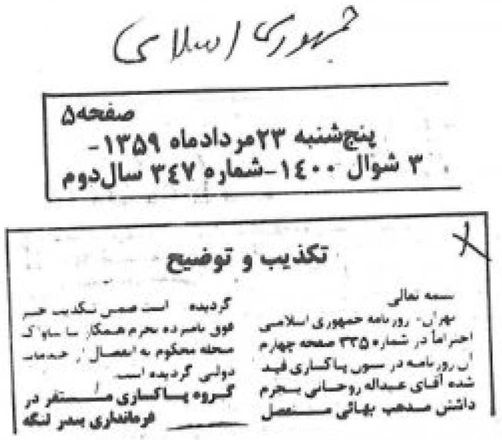
تکذیب و توضیح

بسمه‌تعالی

تهران – روزنامه جمهوری اسلامی احتراماً در شماره ۳۳۵ صفحه چهارم آن روزنامه در ستون پاکسازی قید شده آقای عبداله روحانی بجرم داشتن مذهب بهائی منفصل گردیده است ضمن تکذیب خبر فوق نامبرده بجرم همکاری با ساواک منحله محکوم به انفصال از خدمات دولتی گردیده است.

گروه پاکسازی مستقر در فرمانداری بندرلنگه

-https://iranbahaipersecution.bic.org/fa/archive/khbr-paksazy-bdallh-rwhany-dr-rwznamh jmhwry-aslamy



جمهوری اسلامی

صفحه۵
پنجشنبه ۲۳مردادماه ۱۳۵۹-
۳ شوال ۱۴۰۰-شماره ۳۴۷ سال‌دوم

تکذیب و توضیح

بسمه تعالی
تهران- روزنامه جمهوری اسلامی احتراماً در شماره ۳۳۵ صفحه چهارم آن روزنامه در ستون پاکسازی قید شده آقای عبداله روحانی بجرم داشتن مذهب بهائی منفصل گردیده است ضمن تکذیب خبر فوق نامبرده بجرم همکاری با ساواک منحله محکوم به انفصال از خدمات دولتی گردیده است.
گروه پاکسازی مستقر در فرمانداری بندر لنگه

سند سیزدهم :

اعدام بخاطر ساواکی بودن ووو نه بهایی بودن :

https://iranbahaipersecution.bic.org/fa/archive/tyrbaran-hft-bhayy-dr-hmdan

تیرباران هفت بهائی در همدان

رسانه ها

قتل و اعدام

همدان

محمد باقر (سهیل) حبیبی

ناصر وفائی

حسین خاندل

محمد حبیبی

حسین مطلق آرانی

طرازالله خزین

هژبر یزدانی

۲۵ خرداد ۱۳۶۰

[اطلاعات شخصی افراد **حذف شده** است]

[برای وضوح بیشتر فقط مطالب و اخبار مربوط به افراد و جامعه بهائی تایپ شده است]

[روزنامه:] کیهان

[تاریخ:] دوشنبه ۲۵ خرداد ۱۳۶۰

[شماره:] ۱۱۳۰۹

۷ جاسوس صهیونیستها و همکار ساواک منحله در همدان تیرباران شدند

همدان- واحد مرکزی خبر:

۷ تن از جاسوسان صهیونیستها به جرم همکاری با رژیم منحوس پهلوی و ساواک منحله و به تبلیغ فرقه پوشالی بهائیت و شرکت فعال در شبکه جاسوسی صهیونیستی و خارج کردن ارز به اسرائیل و توطئه و قیام علیه جمهوری اسلامی به اعدام محکوم شدند.

حکم دادگاه انقلاب اسلامی همدان پس از تایید شورای عالی قضایی ساعت یک بامداد دیروز به مرحله اجرا گذاشته شد. متن حکم دادگاه انقلاب اسلامی به این شرح اعلام شد:

بسمه تعالی

جزای کسانیکه به جنگ خدا و رسول برخیزند وسعی در فساد نمایند اعدام است. «قرآن کریم»

۷ نفر از اعضای محفل فرقه ضاله بهائیت در دادگاه انقلاب اسلامی همدان محاکمه و به اعدام محکوم گردیدند و حکم صادره پس از تایید شورای عالی قضایی ساعت یک بامداد امروز به مرحله اجرا درآمد.

اسامی و جرائم نامبردگان به شرح زیر است:

فیروزنعیمی فرزند علیرضا، محمد باقر حبیبی فرزند نور محمد، ناصر وفائی فرزند غلامعلی، حسین خاندل فرزند یدالله، محمد حبیبی فرزند نور محمد، حسین مطلق آرانی فرزند شکرالله و طرازالله خزین فرزند فضل الله.

نامبردگان به جرمهای همکاری فعال با رژیم منحوس پهلوی، همکاری فعال با ساواک منحله و معرفی انقلابیون و مسلمانان متعهد به ساواک و گرفتار نمودن و شکنجه آنان به وسیله ساواک تا جایی که چوپانی که گوسفندان بهائیان را در روستا به چرا نبرده او رابه ساواک معرفی کرده اند. شرکت فعال در تبلیغ دین پوشالی بهایی و مسافرت های فراوان بدین منظور به شهرها و کشورهای بیگانه از قبیل امریکا، اروپا، اسرائیل وحتی مدتی که در ندامتگاه شهربانی همدان بوده اند از تبلیغ دست نکشیدند و زندانیان را به مرام صهیونیستی دعوت می‌کردند. شرکت فعال در شبکه جاسوسی صهیونیستیو خارج کردن ارز فراوان به اسرائیل که اصولا مرام استعماری بهایی بر پایه جاسوسی برای بیگانه تشکیل شده است و این افراد با سابقه محفل بوده اند که سال‌ها برای اربابان خویش تلاش وسیعی داشته اند.

اخفاء اوراق و اسناد محفل و آتش زدن آنها که خود متهمین هم به آن اقرار واعتراف نمودند و این حکایت ازسری بودن آنها دارد و اخفای کتب و اشیای قیمتی و ارسال آنها به محفل ملی و احیانا حیف و میل آنها و تهمت به مردم مبارز مسلمان و ارگان های انقلابی مبنی بر این که اشیاء را مردم به غارت برده اند، ارتباط مستقیم با سرمایه دار فراری و مشهور هژبر یزدانی و نوشتن نامه کتبی برای نامبرده به عنوان خادم شجیع امرالله از طریق محفل که حکایت از سر سپردگی محفل نسبت به آن عنصر خائن دارد، شایعه پراکنی و نشر اکاذیب نسبت به انقلاب

شکوهمند اسلامی وسعی در بد نام کردن ارگان های انقلابی با نشر اطلاعیه ها و پخش اعلامیه در سطح کشوربرای ایجاد تفرقه در صفوف متشکل ملت قهرمان ایران و تخطئه روحانیون مبارز که از کتاب لاقد ظهریوم المیعاد و امثال آن منشاء می گیرد و ارسال نامه ها و تلگراف فراوان با امضا های جعلی برای مقامات جمهوری اسلامی و اظهار مظلومیت و این که در نظام جمهوری اسلامی حقوق ما پایمال شده است و اموال ما به غارت رفته و خانه‌های ما به آتش کشیده شده و تعدادی از این تلگرافات به حدی زیاد بوده که مقامات وهر خواننده را تحت تاثیر قرار می دهد و هزینه تلگراف رامحفل پرداخت نموده است در صورتی که چنین چیزی واقعیت نداشته است توطئه و قیام علیه انقلاب اسلامی و دستور ارسال نامه و تلگراف به تمام شهرها و روستاها برای اجتماع در مرکز استان و دستور تحصن در به اصطلاح حظیره القدس به این عنوان که خانه‌های همه این جمعیت تخریب و آتش زده شده واینها بی خانمان هستند و در محفل اسکان داده شده اند که بدین وسیله احساسات مردم مسلمان را بر علیه انقلاب تحریک و از این طریق انقلاب را لکه دار و ضد انسانی جلوه دهند.

نامبردگان مصداق کامل آیه کریمه «و تفریقا بین المومنین و ارصاالمن حارب الله و رسوله» آنان که تفرقه بین مومنین و سنگربندی برای دشمنان و محاربین نموده اند می باشند و حکم کفار حربی در قرآن کریم روشن است والسلام.

حاکم شرع دادگاه انقلاب اسلامی همدان، ابوالحسن اعلمی


۷جاسوس صهیونیستها و همکار ساواک منحله
درهمدان تیرباران شدند

۱۶صفحه
کیهان



۷ جاسوس صهیونیستها و همکار ساواک منحله
درهمدان تیرباران شدند

جزئیات طرح گزینش استاد و دانشجو اعلام شد

سند چهاردهم :

جرم اعضای محفل محلی همدان بهایی بودن نبود همکاری با سواک بود

https://iranbahaipersecution.bic.org/fa/archive/hmkary-ba-sawak-w-rzhym-phlwy

همکاری با ساواک و رژیم پهلوی

قضائی

کیفرخواست‌ها

همدان

۱۷ مهر ۱۳۵۹

English

فارسی

[اطلاعات شخصی افراد **حذف شده** است]

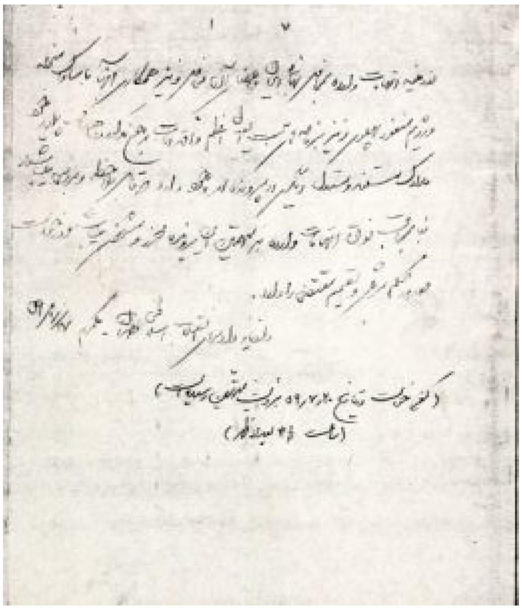
در زمینه اتهامات وارده بمحافل بهائی ایران و اعضای آن محافل و نیز همکاری آنها با ساواک منحله و رژیم منفور پهلوی و نیز برنامه های بیت العدل اعظم و اقدامات مرجع مذکور و اهداف پلید خود مدارک مستند و مستدل

دیگری از پرونده امر وجود دارد که قابل ملاحظه و بررسی میباشند بنابراین فوق اتهامات وارده بر متهمین این پرونده محرز و مشخص میباشد و درخواست صدور حکم شرعی و تصمیم را دارد.

دادیار دادرسی انقلاب اسلامی همدان مکتوم ۱۷ مهر ۵۹

(کیفر خواست در تاریخ ۲۰ مهر ۵۹ بروئیت متهمین رسیده است)

(ساعت ۳:۳۰ بعد از ظهر)

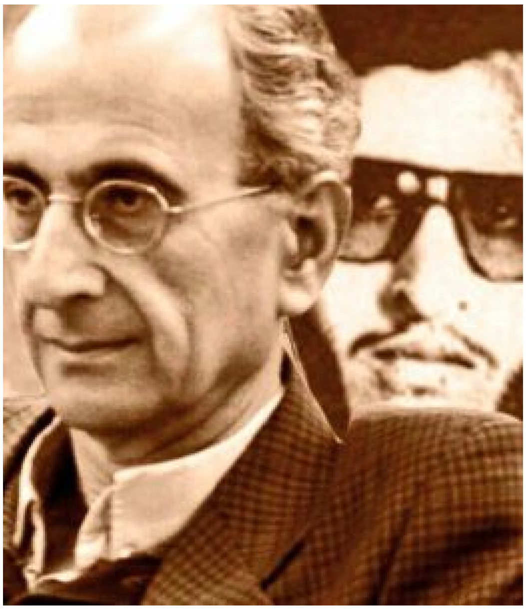


نکته بعد :

علیرضا پورمسعود : " یکی از بیس ، پایه و شاخص های جریان شناسی مباحث #نفوذ در تاریخ انقلاب #کودتای_نقاب (نوژه) است که با شناخت آن خط نفوذ را میتوان تشخیص داد "

ایرج برهمی مرودشتی ، باجناق #کاووس_سید_امامی از بازداشتی های #کودتای_نوژه بوده که به دلیل خیانت های عمیق و موثر اعدام شد

کاووس سید امامی (یهودی) و **شبکه جاسوسان محیط زیست بخش کوچکی از شبکه یهودی-بهایی میباشد** ؛ شبکه عنکبوتی نفوذ بسیار گسترده تر و آن است که به نظر میرسد ؛ شبکه کشف شده محیط زیست نوک کوه یخیست که ۹۵% آن زیر آب و نهان است



لذا سخنان امام خمینی دقیقا ناظر به اسناد فوق است که می فرمایند :

https://www.hassanershad.com/wp-content/uploads/2023/08/video_2023-08-26_15-38-27.mp4

گذشتن از نفس – اگر نفسی بجمیع کتب عالم بیاید و بغیر ما اراده الله تکلّم نماید او از اهل نار

موضوع روم امشب گذشتن از نفس است . الان که دارم به سخنان نارنیای گرامی گوش می کنم دوست داشتم بتوانم این جملات را برای احبای گرامی مطرح کنم که تمام اعمال و رفتار ما اگر اعتقادی به مظهر امر نداشته باشیم از دیدگاه جناب بهاء الله ذره ای ارزش ندارد. چنانچه در کتاب گنجینه حدود و احکام مطرح می شود :

و در کتاب اقدس نازل قوله تعالی: "انّ الّذین نَکَثوا (۱) عهد الله فی اوامره و نکصوا (۲) علی عقابهم أولئِکَ من اهل الضّلال لدی الغنیّ المتعال (بند ۲) یا ملأ الأرض اعلَموا انّ اوامری سُرُج (۳) عِنایتی بین عبادی و مفاتیحُ رحمتی لبریّتی کذلک نُزّل الأمرُ من سَمآءِ مشیّهِ ربّکم مالِکِ

---

(۱) نکث: عهد شکنی (۲) نکص: مراجعت برگشتن بحال اوّل (۳) سرج: جمع سراج بمعنی چراغها

الأدیان. (بند ۳) لو یجدُ احدٌ حلاوَهَ البیانِ الّذی ظهر من فمِ مشیّهِ الرحمن لَیُنْفِق ما عندَه و لو یکونُ خزائنَ الأرض کُلَّها لِیُثبِتَ امراً من اوامرهِ المُشرِقهِ من افق العِنایه و الألطاف. (بند ۳) و در لوح دیگر که به بیان مبارک "جمیع را بحکمت امر نمودیم" شروع شده میفرمایند قوله تعالی:

"بعد از عرفان مشرق وحی دو امر لازم یکی استقامت و دیگری اِتّباع اوامر الله که در کتاب نازل شده طوبی للفائزین."و در لوح تجلّیات نازل قوله تعالی:

" تجلّی اوّل .... ایمان بالله و عرفان او تمام نشود مگر بتصدیق آنچه از او ظاهر شده و همچنین عمل بآنچه امر فرموده و در کتاب از قلم اعلی نازل گشته" ص ۵ و ۶

لذا از بیان فوق این بر می آید که :

۱) اگر به اوامر الهی عمل نکنیم از گمراهان خواهیم بود.

۲) اوامر بهاء الله چراغهای عنایت و کلید رحمت حقند لذا باید اطاعت کرد.

۳) لزوم اطاعت از اوامر نازله در کتب.

۴) عدم عمل به آنچه از قلم اعلی نازل شده موجب عدم اتمام ایمان و عرفان به خداوند است.

لذا عملی ارزشمند است که بر مبنای فرمایشات جناب بهاء الله باشد و بیان اینکه ما عمل گرا باید باشیم و معیار هویت انسانی انسان است و مباحث کلی را بشکل غیر معین مطرح کنیم تا مخاطب از هر ملت و آیینی آن را بپسند از شیوه های ناجوانمردانه اهل بهاء است که ظاهرا بر مبنای اصل رعایت حکمت که دقیقا همان دروغ است عمل می شود.

پس آنچه واضح و مبرهن است بر مبنای فرمایشات جناب بهاء الله عملی ارزشمند و قابلیت عرضه در عالم امر را دارد که عامل آن معتقد به مظهریت بهاء الله داشته باشد چنانچه این مطلب از این جمله مستفاد می شود :

""" تجلّی اوّل .... ایمان بالله و عرفان او تمام نشود مگر بتصدیق آنچه از او ظاهر شده و همچنین

عمل بآنچه امر فرموده و در کتاب از قلم اعلی نازل گشته""

پس تحقق عرفان به حق "" عمل به فرامین جناب بهاء الله است "" و اگر کسی ایشان را قبول نداشته باشد عملش ارزشی ندارد.

و جالب تر اینکه در کتاب گنجینه حدود و احکام عبد الحمید اشراق خاوری که رساله عملیه بهائیان گرامی است نصی را مطرح می کند که انسان متحیر می ماند دقت کنید :

باب پنجاه و ششم

در نهی از تکلّم بر خلاف دستورات الهی که در الواح مبارکه نازل شده در کتاب مستطاب اقدس میفرمایند قوله تعالی:

"و الّذی یَتَکَلَّمُ بغیرِ ما نُزِّلَ فی الواحی انّه لیسَ مِنّی ایّاکم اَنْ تَتَّبِعُوا کُلَّ مُدَّعٍ اَثیمٍ." (بند ۱۱۷)

و در لوح حاجی بابا میفرمایند قوله تعالی:

"اگر نفسی بجمیع کتب عالم بیاید و بغیر ما اراده الله تکلّم نماید او از اهل نار در کتاب الهی مذکور است و از قلم اعلی مسطور."

چنانچه ملاحظه کردید کسانی که بغیر آنچه جناب بهاء الله نازل کرده باشد معتقد گردد اهل آتش است .

حال باید از احباء پرسید آیا صحیح است مظهر امر الهی که نمونه گذشت و ایثار باید باشد از ترس جان برادر چند سال کوچکتر از خود را سپر بلای خود قرار دهد و بگوید برای اینکه به من آسیبی نرسد وی را سپر بلای خویش کردم تا در وقت مقتضی اظهار امر کنم این است مظهر ایثار و گذشت .

آیا ایثار و گذشت یعنی اینکه به ناصر الدین شاه نامه بنویسد و از خون صدها بابی که در سه جنگ کشته شدند از ناصر الدین شاه معذرت خواهی کند و این سه واقعه را در زمره واقعه ترور شاه بداند و به شاه قول دهد که چون شما اولو الامر هستید و اطاعت شما واجب بود من قول می دهم که دیگر این عمل تکرار نشود .

آیا ایثار یعنی اینکه در واقعه رمی شاه تحت حمایت روسیه با پارتی بازی از زندان ایران رهائی یابی اما به فکر رهائی حداقل طاهره قره العین نباشی در حالی که فاصله سیاه چال که حدود میدان فردوسی است تا بانک ملی محل اعدام طاهره چند قدم بیشتر فاصله نداشت و ایشان می توانستند حداقل جان طاهره را به همراه خود نجات دهد و در معیت وی ایران را ترک کند اما بدون اعتناء به طاهره فقط جان خویش را برداشت و باقی را به امانت خدا رها کرد و رفت .

آیا ایثار یعنی به هزار بهائی در ایران بگویید حرام است بهائیت خویش را پنهان کنید اما مبین اول آیین بهائی جناب عبد البهاء حق دارد هویت بهائی بودن خویش را پنهان کند حتی لباس خویش را عوض نمی کند و به لباس اهل اسلام متشبث می شود که قطره ای اذیت به ایشان وارد نیاید و قبل از صعود هیکل مبارک حتی همسایه دیوار بدیوار ایشان نمی دانست که هویت اعتقادی جناب عبد البهاء چیست و تا دو روز قبل از رحلت در نماز جماعت شرکت کردند و همه باورمند به این بودند که وی از علمای مسلمان است و اصلا بعنوان یک شخصیت اسلامی پیکر وی را تشییع کردند .

البته این چراها ادامه دارد که حیف احباء آستانه تحمل شنیدن این چرا ها را ندارند و از روی عشق توام با تقلید به

آموزه های امری ایمان آورده اند. البته امیدوارم وجدان مبتنی بر عقلانیت این دوستان این حقایق را دریابد و بسوی نور حرکت کنند .الان که دارم این جملات را می نگارم دکتر ایزدی گرامی در حال بیان مطلب هستند .

منبع: https://www.hassanershad.com/1202

گرفتن پول برای اقدامات دینی در بهائیت

[vc_row][vc_column][vc_column_text]بیت العدل و مبلغین بهایی با ادعای نبود طبقه روحانی در تشکیلات بهایی مدعی هستند نه ساختار آخوندی و کشیش و خاخام داریم و نه برای تبلیغ پول اخذ می گردد و اینگونه نیست که افراد حرفه ای که کارشان اختصاصی ترویج دین باشد موجود باشد بلکه همه اعضای تشکیلات در وقت اضافه زندگی خود اوقاتی را به تمشیت امور جامعه سپری می کنند در این مجموعه به چند سنداز مجموعه مدارک تقدیم می گردد

مورد اول :

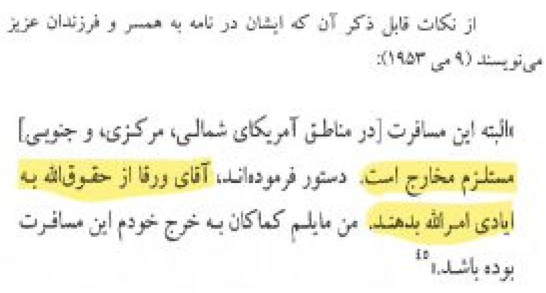
چون جناب آقا میرزا محمود ممرّ معاش دائمی ندارند و عزّاً لامر الله مبلّغین باید مستغنی از مخارج ضروری باشند تا به کمال استغنا حرکت نمایند لهذا از حقوق ماهی شصت ۶۰ روپیه به ایشان تقدیم نمایند و علیکم البهآء الأبهی. عبدالبهاء عباس

حضرت عبدالبهاء, هو الله – ای احبّای الهی حمد خدا را که در بحبوحه انقلاب…
https://oceanoflights.org/abdul-baha-selections-writings06-060-fa/

منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء جلد ششم ص ۶۰

مورد دوم :

پرداخت هزینه به ایادیان امر به دستور شوقی آفندی از حقوق الله


از نکات قابل ذکر آن که ایشان در نامه به همسر و فرزندان عزیز می‌نویسند (۹ می ۱۹۵۳):

«البته این مسافرت [در مناطق آمریکای شمالی، مرکزی، و جنوبی] مستلزم مخارج است. دستور فرموده‌اند، آقای ورقا از حقوق‌الله به ایادی امرالله بدهند. من مایلم کماکان به خرج خودم این مسافرت بوده باشد.»[45]

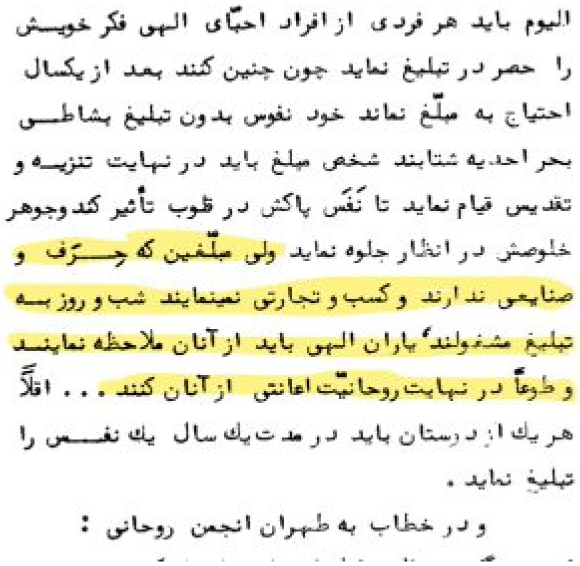
کتاب شعاع جهان افروز صفحه ۹۹

مورد سوم :

اشراق خاوری در کتاب گنجینه حدود و احکام ص ۲۵۰ :

حضرت عبدالبهاء جلّ ثنائه در لوح معاون التّجار نراقی میفرمایند قوله جلّ ذکره: ‘‘شخص مبلّغ باید در نهایت تنزیه و تقدیس قیام نماید تا نَفَس پاکش در قلوب تأثیر کند و جوهر خلوصش در انظار جلوه نماید. ولی مبلّغین که حِرَف و صنایعی ندارند و کسب و تجارتی نمینمایند شب و روز به تبلیغ مشغولند یاران الهی باید از آنان ملاحظه نمایند و طوعاً در نهایت روحانیّت اعانتی از آنان بکنند.’’

همیم مطلب از فاضل مازندرانی – کتاب امر و خلق ج ۳ ص ۴۹۵



الیوم باید هر فردی از افراد احبّای الهی فکر خویش را حصر در تبلیغ نماید چون چنین کنند بعد از یکسال احتیاج به مبلّغ نماند خود نفوس بدون تبلیغ بشاطی بحر احدیه شتابند شخص مبلغ باید در نهایت تنزیه و تقدیس قیام نماید تا نَفَس پاکش در قلوب تأثیر کند وجوهر خلوصش در انظار جلوه نماید ولی مبلّغین که حِرَف و صنایعی ندارند و کسب و تجارتی نمینمایند شب و روز به تبلیغ مشغولند' یاران الهی باید از آنان ملاحظه نمایند و طوعاً در نهایت روحانیّت اعانتی از آنان کنند . . . اقلاً هر یك از دوستان باید در مدت یك سال یك نفس را تبلیغ نماید .

و در خطاب به طهران انجمن روحانی :

مورد چهارم :

◈ اعتراف بیت العدل به استخدام عده ای و بستن قرار داد برای مهاجرت در راستای تبلیغ بهائیت و صد در صد در اختیار اوامر تشکیلاتی بودن وی

این سند با ادعای ’’ ما طبقه روحانیت نداریم و پول بابت تبلیغ نمی گیریم ’’ سازگار نیست



۱۹۲۱ : فقط وقتی می‌توان از یک مهاجر خواست در یک محل معین ساکن شود که به همین منظور استخدام شده باشد

«وقتی که مهاجرین قیام می کنند تا در میادین خارجی اقامت گزینند، نمی‌خواهند و در حقیقت نمی‌توان از آنان انتظار داشت، برای اقامت در یک محل معین، خود را تسلیم نمایند؛ مگر اینکه مخصوصا به این منظور استخدام شده باشند و شرایط و اوضاعی را که برای زندگی کردن با آن مواجه خواهند شد، دانسته و قبول کرده باشند.

در این مرحله از رشد و توسعه امرالله، بهترین نتایج وقتی به دست می‌آید که محفل روحانی ملی و یا یکی از لجنات تابعه، هر مورد را به نحو مجزا تحت بررسی قرار دهند، یعنی مستقیما و منفردا با مهاجر مورد نظر مشورت نمایند، شرایط خصوصی و شخصی او را ملحوظ نظر دارند، نیازهای امرالله را در محلی که به مهاجر محتاج است، برای او تشریح کنند و سرانجام او را تشویق و ترغیب نمایند که در صورت امکان به منطقه مورد نظر حرکت نماید...»

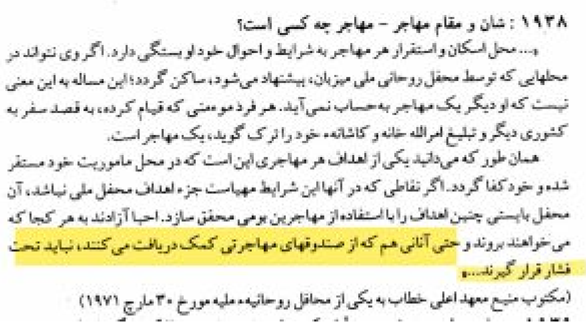
(مکتوب منیع معهد اعلی خطاب به یکی از محافل روحانیه ملیه مورخ ۲۰ مارچ ۱۹۸۰)

انوار هدایت

مورد پنجم :

- گرفتن پول توسط تشکیلات برای تبلیغ

مدام مبلغین بهایی ادعا می کنند ما نظام روحانیت نداریم که از مردم بابت تبلیغ پول بگیریم اما این ادعا واقعی نیست چنانچه در سند فوق مشاهده می کنید تبرعات و پول جمع آوری می شود و خرج مبلغین برای تبلیغ می کنند



۱۹۳۸ : شان و مقام مهاجر – مهاجر چه کسی است؟

«... محل اسکان و استقرار هر مهاجر به شرایط و احوال خود او بستگی دارد. اگر وی نتواند در محلهایی که توسط محفل روحانی ملی میزبان، پیشنهاد می‌شود، ساکن گردد؛ این مساله به این معنی نیست که او دیگر یک مهاجر به حساب نمی‌آید. هر فرد مومنی که قیام کرده، به قصد سفر به کشوری دیگر و تبلیغ امرالله خانه و کاشانه خود را ترک گوید، یک مهاجر است.

همان طور که می‌دانید یکی از اهداف هر مهاجری این است که در محل ماموریت خود مستقر شده و خودکفا گردد. اگر نقاطی که در آنها این شرایط مهیاست جزء اهداف محفل ملی نباشد، آن محفل بایستی چنین اهداف را با استفاده از مهاجرین بومی محقق سازد. احبا آزادند به هر کجا که می خواهند بروند و حتی آنانی هم که از صندوقهای مهاجرتی کمک دریافت می کنند، نباید تحت فشار قرار گیرند...»

(مکتوب منیع معهد اعلی خطاب به یکی از محافل روحانیه ملیه مورخ ۳۰ مارچ ۱۹۷۱)

انوار هدایت

مورد ششم :

تبرعات برای تبلیغ



۱۹۱۲: منظور از موءسسه تبلیغی، فعالیت است و نه لزوما یک ساختمان

«ما عمیقا از اشتیاق شما مبنی بر خدمت به امر الهی و در عین حال تجلیل از ایادی محبوب امرالله تحسین می‌نماییم و مایلیم بدانیم آیا نقشه‌های عملی‌تری جالب نظر شما خواهند بود فی المثل شما می‌توانید تاسیس صندوقی را مطمح نظر قرار دهید که از معلمین بهایی در دهکده‌ها حمایت بعمل آورد، معلمینی که علاوه بر آموزش خواندن و نوشتن، اصول و مبانی امر مبارک را نیز تعلیم دهند. ما همواره به محافل روحانیه ملیه‌ای که موءسسات تبلیغی تاسیس می‌نمایند، تاکید نموده‌ایم در حال حاضر چنین موءسسه‌ای نوعی فعالیت است و نه ضرورتا یک ساختمان؛ و چنانچه معلمین تحت حمایت قرار گیرند، اماکن زیادی وجود دارد که می‌توان در آن چنین کار تعلیمی و تربیتی را تعاقب نمود.

از سوی دیگر ما تصوری از حدود سرمایه‌ای که برای تبرعات منظور نموده‌اید، نداریم و نمی‌دانیم آیا مدرسه‌ای بسیار ساده که در آن نه فقط کلاسهای ویژه اطفال، بلکه کلاسهای سوادآموزی بزرگسالان نیز می‌تواند منعقد گردد، منظور شما را برآورده می‌سازد یا خیر.»

(نقل از دستخط مورخ ۱۸ آوریل ۱۹۷۱ که از قبل بیت العدل اعظم خطاب به یک تن از موءمنین صادر گشته است: همان ماخذ)

انوار هدایت

مورد هفتم :

ارسال ۱۵۰ تومان پول برای مبلغ شهیر صدر الصدور همدانی توسط محفل روحانی (البته وی نپذیرفت)

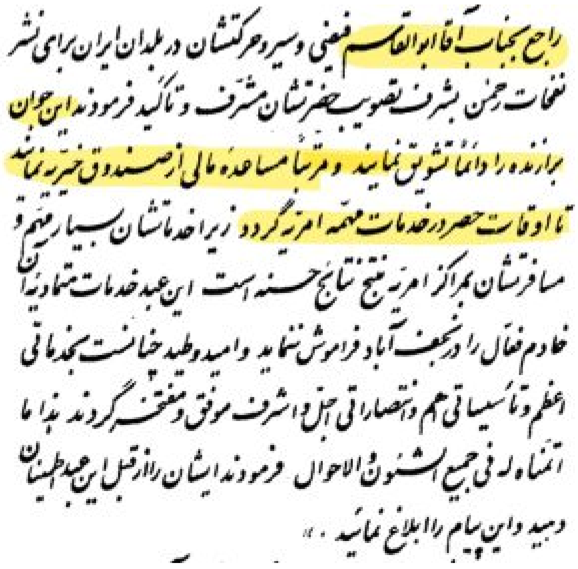


-۱۸۸-

پس از زیارت لوح مبین خطاب (ایها المنجذب بنفحات ریاض الملکوت) وعنوان (ای مبین علم و دانائی) بخوبی محسوس بود که روز بروز بر انجذابات روحانیه و الهامات ربانیه وتجلیات نورانیه و حالت توجه وانقطاع حضرت صدرالصدور افزوده میشود دارای حالات و کیفیاتی بودند که یکی از توصیف خارج است . مندرجات الواح مقدسه مخصوصا لوح رفیع عربی بهترین شاهد مقامات عالیه و معنویه ایشان نفس ملکوتیه است . اما از حیث امور ملکیه در اینحال در مضیقه بودند زیرا عایدات سرشار محضر شرع پس از تصدیق از بین رفته بود وبتدریج از کم کردن خدمه ونوکر وفروش اسب واسترحتی اثاثیه و کتب امرار معاش میفرمودند . در خاطر دارد از طرف محفل مقدس روحانی یکصد وپنجاه تومان که در آنموقع مبلغ جالب توجهی بود ، برای کمک معاش ارسال شده بود از قبول آن جدا خودداری فرمود ، بوسیله یکی دونفر از تلامذه مبلغی قرض نمودند و پس از چند ماه بالتمام مسترد فرمودند منظور این است یکی منقطع از دنیا و دارای تسلیم ورضا ومحویت وفنا بودند که از وصف خارج است . بعد از وصول این الواح مقدسه و تقدیم

مورد هشتم :

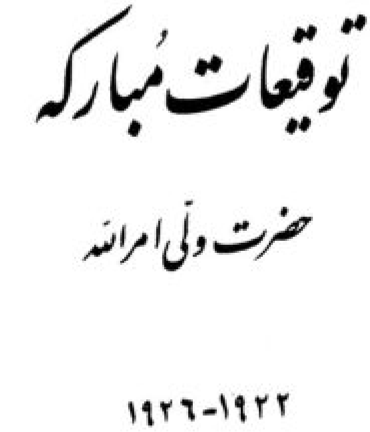
فرمان شوقی به محفل روحانی جهت تامین مالی ابو القاسم فیضی چون تمام وقت مشغول تبلیغ است



راجع بجناب آقا ابوالقاسم فیضی و سیر و حرکتشان در بلدان ایران برای نشر
نفحات رحمن بشرف تصویب حضرتشان مشرف و تأکید فرمودند این جوان
برازنده را دائماً تشویق نمایند و مرتباً مساعده مالی از صندوق خیریه نمایند
تا اوقات حصر در خدمات مهمه امریه گردد زیرا خدماتشان بسیار مهم و
مسافرتشان بمراکز امریه منتج نتایج حسنه است این عبد خدمات متمادیه آن
خادم فعال را در نجف آباد فراموش ننماید و امید وطید چنانست بخدماتی
اعظم و تأسیساتی اهم و انتصاراتی اجل و اشرف موفق و مفتخر گردند هذا ما
اتمناه له فی جمیع الشئون و الاحوال فرمودند ایشان را از قبل این عبد اطمینان
دهید و این پیام را ابلاغ نمائید.»

مورد نهم :

تشکیل صندوق خیریه توسط محافل و یکی از مصارفش خرج برای مبلغین است



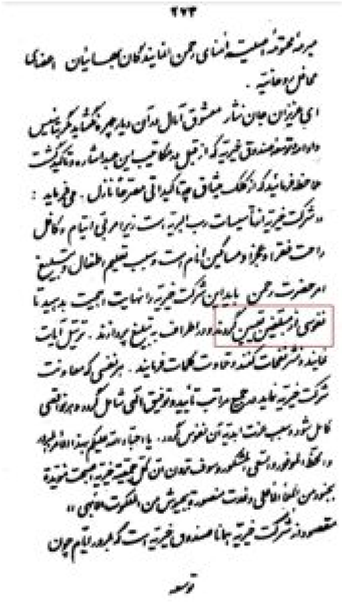
توقیعات مبارکه

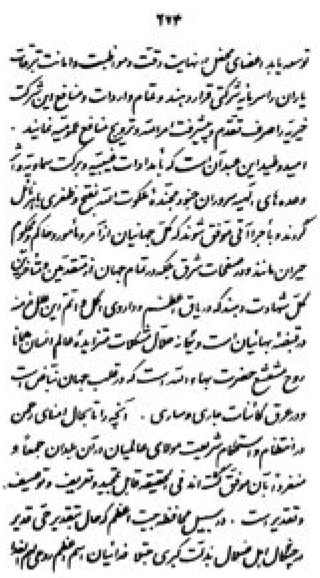
حضرت ولی امرالله

۱۹۲۲-۱۹۲۶

میلادی

جلد یکم





توقیعات مبارکه ج ۱ ص ۲۷۳ – ۲۷۴

مورد دهم :

تشکیل صندوق خیریه توسط محافل و یکی از مصارفش خرج برای مبلغین است

گنجینه حدود و احکام ص ۳۵۳ – ۳۵۲

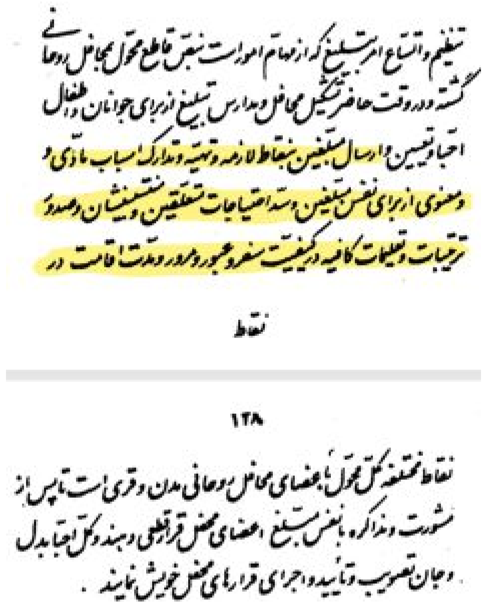
فصل سوّم – در تأکید در مساعدت بصندوق خیریّه
حضرت عبدالبهاء جلّ ثنائه در اینخصوص در لوحی میفرمایند قوله العزیز:
"باید این شرکت خیریّه را نهایت اهمّیت بدهید تا نفوسی از مبلّغین تعیین گردند

و در اطراف به تبلیغ پردازند ترتیل آیات نمایند و نشر نفحات کنند و تلاوت کلمات
فرمایند. هر نفسیکه معاونت شرکت خیریّه نماید در جمیع مراتب تأیید و توفیق
الهی شامل گردد و هر نواقص کامل شود و سبب عزّت ابدیّه آن نفوس گردد.
یا احبّاء الله علیکم بهذا الأمر المبرور و الحظّ الموفور و السّعی المشکور.”
بیانات الهیّه در خصوص مساعدت بصندوق خیریّه بسیار و برای مزید اطّلاع بمتّحد المآل

محفل مقدّس روحانی ملّی ایران شیّد الله ارکانه نمره ۳ مورّخه ۵/۴/۹۷ = ۳۱/۲/۱۳۱۹ مراجعه شود

مورد یازدهم :

فرمان شوقی به محفل روحانی جهت تامین مادی و معنوی مبلغین


تنظیم و اتساع امر تبلیغ که از مهام امور است بنصّ قاطع محوّل بمحافل روحانی
گشته و در وقت حاضر تشکیل محافل و مدارس تبلیغ از برای جوانان و اطفال
احبّا و تعیین و ارسال مبلّغین بنقاط لازمه و تهیه و تدارک اسباب مادّی و
معنوی از برای نفس مبلّغین و سدّ احتیاجات متعلّقین و منتسبان و صدور
ترتیبات و تعلیمات کافیه در کیفیّت سفر و عبور و مرور و مدّت اقامت در
نقاط

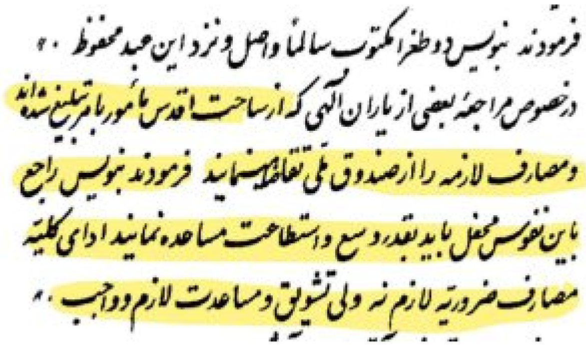
۱۲۸

نقاط مختلفه کلّ محوّل باعضای محافل روحانی مدن و قری است تا پس از
مشورت و مذاکره با نفس مبلّغ اعضای محفل قرار قطعی دهند و کلّ احبّا بدل
و جان تصویب و تأیید و اجرای قرارهای محفل خویش نمایند .

جلد ۱ توقیعات مبارکه ۱۲۷

مورد دوازدهم :

امر شوقی به پرداخت پول به مبلغین از صندوق ملی



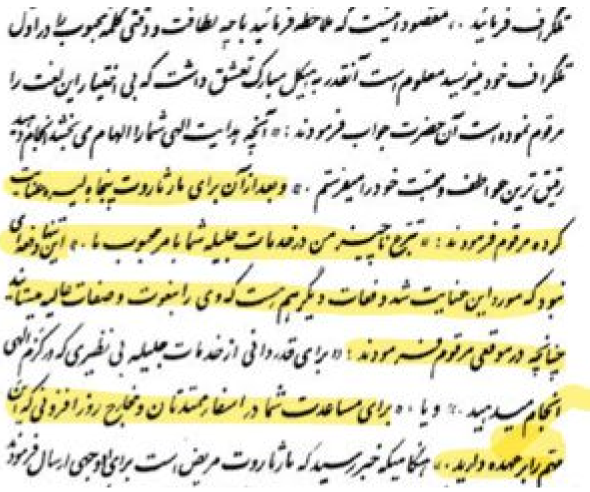
فرمودند نویس دو طغرا مکتوب سالماً واصل و نزد این عبد محفوظ .»
درخصوص مراجعهٔ بعضی از یاران الهی که از ساحت اقدس مأمور بامر تبلیغ شده اند
و مصارف لازمه را از صندوق ملی تقاضا نمایند فرمودند نویس راجع
باین نفوس محفل باید بقدر وسع و استطاعت مساعده نمایند ادای کلیه
مصارف ضروریه لازم نه ولی تشویق و مساعدت لازم و واجب .»

جلد ۳ توقیعات مبارکه جلد سوم ص ۲۹۵

مورد سیزدهم

روحیه ماکسول همسر شوقی :

تامین مالی مارثا روت مبلغ بهایی توسط شوقی شوقی



تلگراف فرمائید .» مقصود اینست که ملاحظه فرمائید با چه لطافت و دقتی کلمه محبوب‌ها در اول
تلگراف خود مینویسید معلوم است آنقدر بهیکل مبارک تعشق داشت که بی اختیار این لغت را
مرقوم نموده است آنحضرت جواب فرمودند : «آنچه هدایت الهی شما را الهام می بخشد انجام دهید
رقیق ترین عواطف و محبت خود را میفرستم .» و بعد از آن برای مارثا روت بیچاره [illegible] خطاب
کرده مرقوم فرمودند : «تبریکات من در خدمات جلیله شما با محبوب ما .» این تلگرافها
نبود که مورد این عنایت شد و دفعات دیگر هم هست که وی را ستوده و صفات عالیه مشارالیها
چنانچه در موقعی مرقوم فرموده اند : «برای قدردانی از خدمات جلیله بی نظیری که در کرم الهی
انجام رسیده .» و یا «برای مساعدت شما در اسفار متعددتان و مخارج روز افزونی که
متحمل بار عهده دارید .» هنگامیکه خبر رسید که مارثا روت مریض است برای او وجهی ارسال فرمود

گوهر یکتا ۱۵۵

مورد چهاردهم :

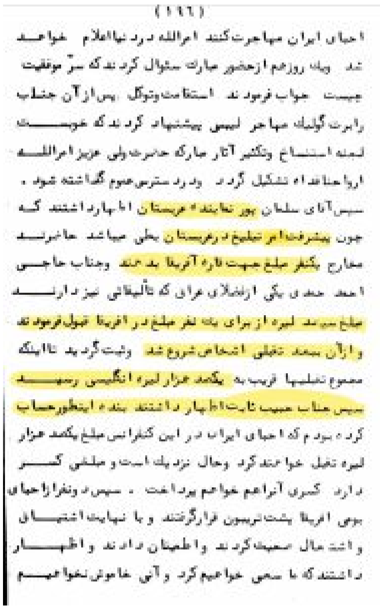
خیلی ها به طمع پول و مال و مقام پیش عبد البهاء می رفتند به طمع سفر به آمریکاء



خاطرات نه ساله عکاء ۱۴۶

مورد پانزدهم :

اظهارات ثابت پاسال در این کنفرانس پیرامون جمع کردن پول از حضار برای مبلغین مهاجر (۱۰۰ هزار لیر انگلیس



(۱۴۶)

احبای ایران مهاجرت کنند امرالله در دنیا اعلام خواهد شد . یک روز هم از حضور مبارک سئوال کردند که سرّ موفقیت چیست جواب فرمودند استقامت و توکل . پس از آن جناب رابرت گولیک مهاجر لیبی پیشنهاد کردند که خوبست لجنه استنساخ و تکثیر آثار مبارکه حضرت ولی عزیز امرالله ارواحنا فداه تشکیل گردد و در دسترس عموم گذاشته شود . سپس آقای سلطان پور نماینده عربستان اظهار داشتند که چون پیشرفت امر تبلیغ در عربستان بطئی میباشد حاضرند مخارج یکنفر مبلغ جهت قاره آفریقا بدهند و جناب حاجی احمد حمدی یکی از فضلای عراق که تألیفاتی نیز دارند مبلغ سیصد لیره از برای یک نفر مبلغ در افریقا قبول فرمودند و از آن ببعد تقبل اشخاص شروع شد و ثبت گردید تا اینکه مجموع تقبلها قریب به یکصد هزار لیره انگلیسی رسید سپس جناب حبیب ثابت اظهار داشتند بنده اینطور حساب کرده بودم که احبای ایران در این کنفرانس مبلغ یکصد هزار لیره تقبل خواهند کرد و حال نزدیک است و مبلغی کسر دارد کسری آنرا هم خواهم پرداخت . سپس دو نفر از احبای بومی افریقا پشت تریبون قرار گرفتند و با نهایت اشتیاق و اشتعال صحبت کردند و اطمینان دادند و اظهار داشتند که با سعی خواهیم کرد و آنی خاموش نخواهیم

مورد شانزدهم :

اسناد مربوط به گردش مالی نهاد دار التبلیغ

لینک

مورد هفدهم :

حاکمیت موازی بیت العدل ۲ : تراکنش مالی بیت العدل در سطح محلی – ملی – قاره ای – بین المللی

لینک

مورد هجدهم :

توکیل بغیر :
در سایر ادیان از جمله مسلمانان و شیعیان عده اعم از موسسات و خیریه ها و افراد خیر هزینه تحصیل طلاب را تقبل می کنند تا این افراد با فراغ بال تحصیل کنند تشکیلات بهایی در ملاء عام مدعی انکار وجود طبقه روحانی و مبلغین حرفه ای حقوق بگیر هستند در حالی که این سنت توکیل به غیر را در آثار امری شاهدیم ابتدا به سخن فریدون جواهر توجه نمایید سپس این موضوع را در منابع امر تقدیم می نمایم

نکته اول بالاتر از واجب بودن تبلیغ و اینکه حق نداریم تبلیغ نکنیم :

https://www.hassanershad.com/wp-content/uploads/2025/05/23-تعریف-اقدام-اساسی-مختار-نیستید-تبلیغ-نکنید.mp4

نکته دوم : جواز توکیل بغیر و هزینه دیگران را دادن تا تبلیغ کنند :

https://www.hassanershad.com/wp-content/uploads/2025/05/26-وجوب-تبلیغ-نتوانستید-توکیل-بغیر.mp4

اسناد توکیل بغیر :

مورد اول : پیام بیت العدل ۴۸۸ ۱۹۹۰-۰۴-۲۱

..جمیع همّت را در تبلیغ امر الهی مصروف دارید هر نفسی که خود لایق این مقام اعلی است بآن قیام نماید والا ان **یأخذ وکیلا لنفسه فی اظهار هذا الامر الّذی** به تزعزع کلّ بنیان مرصوص و اندکت الجبال و انصعقت النفوس..

منبع : نسخه جدید اپلیکیشن «مجموعه پیام های بیت العدل اعظم»

مورد دوم : پیام بیت العدل ۴۸۸ ۱۹۹۰-۰۴-۲۱

البّته برای افراد احّبا همواره این امکان وجود دارد که به منظور اجرای این حکم الهی از **صندوق توکیل بین المللی** استفاده نمایند. بنابر این اشخاص که در انتخاب وکیل جهت اجرای این تکلیف دچار اشکال میشوند همواره میتوانند تبرّعات خود را منظّماً، مرتّباً به صندوق توکیل بین المللی پرداخت نمایند تا وظیفه و مسئولیّت روحانی خود را در قبال تبلیغ امرالله و نشر نفحات الله انجام داده باشند

منبع : نسخه جدید اپلیکیشن «مجموعه پیام های بیت العدل اعظم»

مورد سوم : پیام بیت العدل ۵۸۹ ۱۹۹۸-۰۶-۰۱

بیت العدل اعظم عطف به مطلب فوق الذّکر در پیام ۶ اگوست ۱۹۹۶به عالم بهائی اطّلاع دادند که مقرّر داشته اند مبلغ سیصدهزار دلار برای ت**وکیل مدرّسان مؤسّسات آموزش معارف امری** اختصاص دهند تا بین **پنج صندوق قارّه ای ت**قسیم شود و اظهار امیدواری فرمودند که یاران الهی، مخصوصاً نفوسی که استطاعت مالی دارند، با تأسّی به این اقدام به این نیازمندی ضروری و فوری توجّه شایستهای مبذول دارند. در همان پیام ذکر شده بود که از **مشاورین** تقاضا خواهد شد اعضای هیئتهای معاونت را از میزان مبلغی که برای **توکیل مورد نیاز مؤسّسات هر منطقه است** مطّلع نمایند تا اعضای **هیئت معاونت بتوانند اطّلاعات** مزبور را در اختیار نفوسی قرار دهند که مایلند در این اقدام جدید مشارکت نمایند.

منبع : نسخه جدید اپلیکیشن «مجموعه پیام های بیت العدل اعظم»

مورد سوم : پیام بیت العدل ۵۹۰ ۱۹۹۸-۰۶-۰۲

حسبالامر بیت العدل اعظم پیام ضمیمه که به تاریخ اوّل جون ۱۹۹۸ مورّخ میباشد به محافل روحانی ملّی در تعداد منتخبی از کشورها ارسال گردیده و انتظار میرود در آن کشورها تعداد قابل ملاحظه ای از احبّا به دعوت برای

توکیل مدرّسان و مدیران مؤسّسات آموزش معارف امری در جوامع ملّی خارج از کشور خود پاسخ دهند. معهد اعلی مقرّر داشته اند که نسخهای از این پیام برای اطلاع آن محفل مقدّس ارسال شود.

منبع : نسخه جدید اپلیکیشن «مجموعه پیام های بیت العدل اعظم»

مورد چهارم : **خطاب به بهائیان ایران اگر نمی توانید تبلیغ کنید به صندوق بین المللی پول بدهید** به وکالت جای شما تبلیغ کنند

پیام بیت العدل ۵۷۳ ۱۹۹۷-۰۳-۲۱

الحمدالله این خوان نعمت امروز برای جمیع دوستان گسترده است . نقشه چهار ساله در کار است تا راهنمای احبا در اجرای اهداف تبلیغی باشد و اگر به جهاتی احیانا مستقیما قادر به تبلیغ نباشند از آنان خواسته شده که با گرفتن وکیلی این فریضه وجدانی را اجرا نمایند و اگر از تدارک یک وکیل کامل بر نیآیند از **طریق صندوق های محلی ، ملی ، قاره ای و بین المللی حتی المقدور تبرعاتی مخصوص صندوق توکیل تقدیم نمایند** .به فرموده حضرت عبدالبها از هر طرف فریاد این المبلغین بلند است ....

منبع : نسخه جدید اپلیکیشن «مجموعه پیام های بیت العدل اعظم»

مورد پنجم : پیشرفت امرالله مستلزم ازدیاد هرچه بیشتر تبرعات به صندوق های مختلف می باشد – تشکیلات منوط به پول است

پیام بیت العدل : ۱۰۱ ۱۹۶۶-۰۴-۲۱ ۱۱

" **پیشرفت امرالله مستلزم ازدیاد هرچه بیشتر تبرعات به صندوق های مختلف می باشد**. اجرای کلیه ی هدف های مربوط به مرکز جهانی امر و مخصوصا هدف هایی که مربوط به توسعه و تزیین اراضی حول مقامات مقدسه و اتساع حدائق جبل کرمل می باشد، متضمن مخارج سنگین است. ساختمان دو معبد جزو اهداف نقشه احتیاج به مبالغ هنگفت دیگری دارد و بالاخره **فعالیت های تبلیغی و استحکام مؤسسات امریه در سراسر جهان که اکنون قویا رو به ازدیاد است، باید از محل کمک های عظیم و مستمر به صندوق های امریه تقویت گردد. صندوق توکیل بین المللی باید تقویت و توسعه یابد تا علاوه بر تأمین احتیاجات مهاجرتی به برنامه ی سفرهای تبلیغی که اکنون به مورد اجرا در می آید کمک نموده، آن را توسعه دهد.**

چون فقط گروه مؤمنین به حضرت بهاالله به اهدا کمک های مالی برای تأسیس نظم بدیع جهانی افتخار دارند، پر واضح است که فقط از این عده ی
قلیل که به این منقبت کبری فائزند انتظار کمک بیشتر و خیلی بیشتر می رود. مسئولیت های ما در این سبیل بسیار عظیم است و باید با این موهبت که در ظل اسم اعظم الهی قرارداریم متناسب باشد.
دعوت از فرد فرد یاران برای قیام در هر یک از میادین خدمت و مخصوصا در میدان تبلیغ شریعت الله هیچگاه

پایان نمی پذیرد. با هر بلای جدید که
بر نوع بشر وارد می شود، وظیفه ی حتمی و گریزناپذیر ما نمایان تر می گردد و نباید فراموش کنیم که اگر ما در انجام این وظیفه غفلت ورزیم به
فرموده ی حصرت ولی محبوب امرالله: «دیگران به خدمت دعوت می شوند تا این وظیفه ی خطیره را به عنوان امنای الهی در راه بر طرف کردن
احتیاجات شدید این عالم گرفتار، به انجام رسانند.» (ترجمه) ‘‘

منبغ : نسخه جدید اپلیکیشن «مجموعه پیام های بیت العدل اعظم»

مورد ششم : پیام بیت العدل ۱۰۱ ۱۹۶۶-۰۴-۲۱ ۹

معذلک در مواقعی که ملاحظه شود اجرای پیشنهادی برای **امرالله فایده ی خاصی در بر دارد، ولی تأمین اعتبار آن به وسیله ی فرد یا محفل روحانی ملی مربوطه مقدور نیست، در این صورت بیت العدل اعظم از صندوق توکیل بین المللی تقاضای کمک خواهد**
نمود.

منبغ : نسخه جدید اپلیکیشن «مجموعه پیام های بیت العدل اعظم»

مورد هفتم : پیام بیت العدل ۷۰ ۱۹۶۵-۰۴-۲۱ ۷

پیام بیتالعدل اعظم الهی
اهل بها در سرسر عالم ملاحظه فرمایند.
ای یاران عزیز و محبوب، موج خروشان فتح و ظفری که جامعه ی بهائی عالم را به جشن مئوی افخم اعظم سوق داد، هنوز در اوج و ارتفاع است و تأییدات ملا اعلی چون غیث هاطل بر مجهودات اهل بها نازل و علائم مشهوده اش در توفیقات عظمیه ی حاصله در شهور معدوده ی ماضیه در ظل نقشه ی نه ساله ظاهر و باهر..........

ه اولین بار در تاریخ **امرالله صندوق مخصوصی** در ارض مقصود تحت اداره ی بیتالعدل اعظم مفتوح گشته به نام **صندوق توکیل بین المللی** که از آن محل مصارف لازمه ی مهاجرت که فوق طاقت صندوق های موجوده باشد تدارک شود. از جمیع یاران علی الخصوص نفوسی ک شخصا از فوز عظیم مهاجرت و تبلیغ محروم و ممنوعند، دعوت می گردد که به این **صندوق معاونت** نمایند و **بالوکاله** نفوسی را بر خدمت امرالله برانگیزند و به این وظیفه ی خطیره ی روحانیه که محبوب ابهی جهت عاشقان جمال کبریایش معین فرموده، ناظر و قائم باشند، قوله الاحلی: «جمیع همت را در تبلیغ امرالهی مصروف دارید و هر نفسی که خود لایق این مقام اعلی است به آن قیام نماید و الا له ان یأخذ وکیلا لنفسه فی اظهار هذا الامر الذی به تزعزع کل بنیان مرصوص و اندکت الجبال و انصعقت النفوس.» انتهی
وظیفه ی مفروضه ی ثانیه که در مقابل هل بها است، ترویج دین الله و تبلیغ امرالله با شدت و حدت و همتی بی

سابقه است تا آنکه بر اثر همم عالیه ی یاران «بسط عظیم دامنه ی امرالله» که از اهم اهداف در نقشه ی نه ساله محسوب، به زودی متحقق گردد و اگر در این راه پیروان دین الله بر اجرای هدف عمده ی دیگر نقشه ی نه ساله، یعنی مشرکت عمومی افراد احبا من دون استثنا در حیات و خدمات بهائی فائز گردند، نفس این قیام ممهد سبیل در تحصیل هدف جلیل سابق الذکر گردد. باری، هیچ یک از افراد یاران نیست که در خدمات روحانیه سهمی نداشته و از ایفا وظایف و جدانیه اش عاجز باشد. لااقل هر یک از ما با نفوس سائره معاشر و مصاحبیم و بر خدمت امرالهی توانا و قادر. وعدهی «و ننصر من قام علی نصره امری بجنود من الملا الاعلی و قبیل من الملائکه المقربین» در حق کل محتوم و صادق. خیبت و حرمان و هرج و مرج جهان در هر آن رو به تزاید و حهانیان از علاج های سقیمه ی بشری مأیوس و پریشان و کل متوجه و مذعن که جز خداوند بیمانند ملجا و پناهی نیابند و مقر و مهربی نجویند. این فرصت، فرصت بسیار مبارکی است چه که اهل عالم در این ایام بسیار مستعد و در بعضی از نقاط غالبا مشتاق استماع ندای جانفزای الهی و طالب درمان شفابخش آسمانیند. ....

منبغ : نسخه جدید اپلیکیشن «مجموعه پیام های بیت العدل اعظم»

در پایان توجه مخاطبین محترم را به اطلاعات کسب شده از هوش مصنوعی در مورد همین مطلب را جلب می نمایم

در ساختار طلاب اسلامی، بهویژه در حوزههای علمیه شیعه، مسئله تأمین هزینههای تحصیل طلاب علوم دینی اغلب به صورت وقف، نیکوکاری و حمایت مالی افراد خیّر (به شکل وکالتی یا مستقیم) انجام میشود. این موضوع ریشه در سنتهای دینی و فرهنگی دارد که در آن مؤمنین هزینههای تحصیل طلاب را به عنوان صدقه جاریه یا خدمت به دین تقبل میکنند.

چند مدل رایج در تأمین هزینههای تحصیل طلاب:

۱. وقف و شهریههای حوزههای علمیه:

– بسیاری از حوزههای علمیه (مانند قم، نجف، مشهد) از طریق موقوفات یا کمکهای مردمی اداره میشوند.
– برخی از علما و مؤمنین در گذشته اموالی را وقف کردهاند تا هزینههای طلاب تأمین شود.

۲. حمایت مالی مستقیم (وصیت، وکالت، نیابت):

– برخی افراد هزینه تحصیل یک یا چند طلبه را میپردازند، گاهی به این نیت که ثواب آن به خودشان یا امواتشان برسد.
– ممکن است به صورت وکالتی عمل شود، یعنی فردی به نیابت از دیگری (مثلاً برای پدر یا مادر مرحومش) هزینهای را پرداخت کند.

۳. تشکیلات حوزوی و نهادهای حمایتی:

– نهادهایی مانند آستان قدس رضوی، بنیادهای مذهبی، یا مراکز حوزوی گاهی بورسیههایی برای طلاب در نظر

می‌گیرند.
– برخی مراجع تقلید نیز شهریه ماهانه به طلاب می‌دهند.

آیا این کار جایز است؟
– بله، در فقه شیعه حمایت مالی از طلاب علوم دینی نه تنها جایز، بلکه مستحب مؤکد محسوب می‌شود، چون به گسترش دین و تربیت عالمان دینی کمک می‌کند.
– در روایات آمده که کمک به طلبه‌ای که برای خدا درس می‌خواند، مانند جهاد در راه خدا است.

نکته مهم:
– برخی افراد ممکن است شرط کنند که طلبه در رشته خاصی تحصیل کند یا متعهد به خدمت در منطقه‌ای خاص شود، که اگر این شرطها خلاف مقررات حوزوی نباشد، معمولاً پذیرفته می‌شود.

اگر سؤال خاصی درباره نحوه اجرای این حمایت‌ها یا شرایط فقهی آن دارید، خوشحال می‌شوم بیشتر توضیح دهم.

[vc_row/][vc_column/][vc_column_text/]

منبع: https://www.hassanershad.com/12443

گروه یاران بهائی یا همان افسران اسرائیلی در ایران

گروه یاران بهائی یا همان افسران اسرائیلی در ایران

همان گونه که پیش از این اشاره شد، تشکیلات بهائی تمام دنیا را به ۱۷۰۰۰ کلاستر یا محدوده‌ی جغرافیایی تقسیم نموده است. پیش از این که تشکیلات بهائی در هر منطقه اقدام به فعالیت نماید، در اولین گام بایستی تمام اطلاعات آن منطقه (یا کلاستر) را جمع‌آوری و به اسرائیل ارسال نماید.

تمامی فعالیت‌های تخلیه اطلاعاتی این کلاسترها توسط سرکار خانم فریبا کمال آبادی و تحت اشراف شورای منطقه‌ای ایران صورت می‌پذیرد.

به بیان روشن‌تر، برای ورود و شروع فعالیت تشکیلات بهائی در هر منطقه، درست همانند نیروهای اطلاعات عملیات که پیش از جنگ به شناسایی منطقه می‌پردازند، گروه یاران و از آن جمله سرکار خانم فریبا کمال آبادی نیز هر کلاستر یا منطقه را تخلیه اطلاعاتی نموده و تمامی این اطلاعات را به اسرائیل گزارش می‌دهند.

در بیت العدل این اطلاعات مورد ارزیابی و بررسی قرار گرفته و نحوه ورود و شروع گفتمان در هر منطقه با هدف جذب افراد به تشکیلات مشخص می‌گردد. نقایص و کاستی‌های موجود در هر منطقه چیست و به چه بهانه‌هایی و تحت چه پوششی بهائیان می‌توانند به آن منطقه و یا کلاستر ورود پیدا کرده و نیرو جذب نمایند؟

تمامی این دستورالعمل‌ها و شیوه‌نامه‌ها در اسرائیل و بر مبنای اطلاعات دریافتی از سوی گروه یاران بهائی آماده‌سازی می‌گردد. در نهایت نیز طرح و برنامه‌ی مربوط به آن کلاستر با هدف دخول افواج یا همان توسعه منابع انسانی تشکیلات بهائی و افزایش جمعیت، از اسرائیل تهیه، تدوین و به گروه یاران ابلاغ می‌گردد.

تمامی فعالیت‌های به ظاهر عام المنفعه که توسط تشکیلات بهائی صورت می‌گیرد، به اعتراف بیت العدل، همه و همه تنها یک هدف را دنبال می‌کند و آن هم چیزی نیست جز توسعه و تامین منابع انسانی یا دخول افواج یا توسعه منابع انسانی تشکیلات بهائی و جامعه‌سازی بهائی .

تمامی این اقدامات در راستای تحقق پروتکل هفت‌گانه‌ی شوقی با هدف طی کردن عصر تکوین و رسیدن به حکومت جهانی بهائی صورت می‌پذیرد که در حال حاضر در مرحله‌ی رسمیت قرار گرفته و نیازمند دخول افواج و افزایش جمعیت هستند.

لذا بدون این که اعلام کنند ما به دنبال تحقق حکومت بهائی در ایران و جهان هستیم، بدون این که به مخاطب خود بگویند تشکیلات بهائی به دنبال تحقق پروتکل هفت‌گانه‌ی شوقی است، آنان را در قالب طرح‌های روحی، جلسات

دعا، حلقه‌های مطالعاتی، اقدامات زیست محیطی، فعالیت‌های اقتصادی، امور عام المنفعهو ... جذب تشکیلات بهائی نموده و به اعتراف بیت العدل، دخول افواج می‌نمایند.

همان گونه که ملاحظه می‌گردد بهائیان و در رأس آنان گروه یاران بهائی و از جمله سرکار خانم فریبا کمال آبادی، سربازان و افسران اسرائیل در ایران هستند که پس از تخلیه اطلاعاتی، دستورات و فرامینی که از اسرائیل دریافت می‌نمایند را به اجرا می‌گذارند.

جا دارد از سرکار خانم فائزه هاشمی رفسنجانی سوال شود که آیا سرکار خانم فریبا کمال آبادی گزارشی از این اقدامات و فعالیت‌ها به شما داده است؟ آیا در زندان با شما در خصوص اجرای طرح ۲۵ ساله با هدف طی کردن عصر تکوین و رسیدن به حکومت بهائی سخن گفتند؟ آیا سرکار خانم فریبا کمال آبادی و دیگر اعضای گروه یاران بهائی به شما گفته‌اند در فرم تسجیل، روح و جسم خود را به بیت العدلی فروخته‌اند که مانند حلقات زنجیر با اسرائیل در هم تنیده و پیوند خورده‌اند؟

بی‌شک اگر سرکار خانم فائزه هاشمی رفسنجانی شناختی از تشکیلات بهائی و فعالیت‌های بهائیان در ایران و در مجامع بین المللی داشتند، حتما از ساحت مقدس ملت ایران به خاطر دفاع از چنین تشکیلاتی عذرخواهی می‌کردند.

اگر سرکار خانم **فائزه هاشمی رفسنجانی** می‌دانستند یکی از عوامل اصلی فشار بر ایران و اعمال شدیدترین تحریم‌ها بر مردم ایران، همین تشکیلات بهائی است،

بی‌شک به خاطر دفاع از چنین تشکیلاتی از تک تک مردم این آب و خاک پوزش می‌طلبیدند. شاید هم مشکل اینجاست که افرادی مثل سرکار خانم فائزه هاشمی رفسنجانی فشارهای شدید ناشی از تحریم‌ها را هیچ گاه درک نکرده‌اند. اگر ایشان نیز مثل عموم مردم ایران، ده‌ها سال مجبور به تحمل فشارهایی بودند که از سوی همین تشکیلات بهائی بر مردمان این سرزمین وارد آمده، هیچ گاه این گونه بدون شناخت از گروه یاران بهائی دفاع نمی‌کردند.

اگر سرکار خانم فائزه هاشمی رفسنجانی در محیط حقیقی یا فضای مجازی نظیر Clubhouse از اعضای گروه یاران بهائی دعوت نمایند تا جلسه‌ای با حضور نویسنده‌ی مقاله حاضر داشته باشند، بی‌شک با دیدن اسناد و مدارک مربوط به اهداف، فعالیت‌ها و اقدامات تشکیلات بهائی در ایران به چیزی کمتر از اعدام برای اعضای گروه یاران حکم نخواهند داد.

منبع: https://www.hassanershad.com/863

گریه بر امام حسین علیه السلام و پاسخ به شبهات نوری زاد

در اوائل دهه ۹۰ نوری زاد طی مقاله ای بحث گریه بر امام حسین علیه السلام را مورد نقد قرار داد که این نوشتار پاسخی بود به وی

نوری زاد گرامی سلام و عرض ادب

با احترام و آرزوی توفیق بندگی برای جنابعالی

گرامی اگر به باور شما دیگرانی برای رسیدن به امیال خویش از نردبان باورهای انسانهای بی شماری بالا رفته اند عزیز دل شما خبط ایشان را تکرار نکن و برای کوبیدن رقیب خود جان مادرت با باورهای دیگران بازی نکن و لطفا اگر مایع ای در چنته دارید از خودتان خرج بفرمایید نه از باورها ی دیگران .

نوری زاد گرامی هزار و اندی سال است من برای امام حسین علیه السلام گریه می کنم و تو دوست داری گریه کن دوست نداری گریه نکن زیرا پیشوایان من فرموده اند :

قال رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم: ان لقتل الحسین علیه السلام حراره فی قلوب المؤمنین لا تبرد ابدا. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: برای شهادت حسین علیه السلام، حرارت و گرمایی در دلهای مؤمنان است که هرگز سرد و خاموش نمی شود.جامع احادیث الشیعه، ج ۱۲، ص .۵۵۶

نوری زاد گرامی هزار و اندی سال است من برای امام حسین علیه السلام گریه می کنم و تو دوست داری گریه کن دوست نداری گریه نکن زیرا پیشوایان من فرموده اند :

قال الرضا علیه السلام: من کان یوم عاشورا یوم مصیبته و حزنه و بکائه جعل الله عز و جل یوم القیامه یوم فرحه و سروره. امام رضا علیه السلام فرمود: هر کس که عاشورا، روز مصیبت و اندوه و گریه اش باشد، خداوند روز قیامت را برای او روز شادی و سرور قرار می دهد.بحار الانوار، ج ۴۴، ص .۲۸۴

نوری زاد گرامی هزار و اندی سال است من برای امام حسین علیه السلام گریه می کنم و تو دوست داری گریه کن دوست نداری گریه نکن زیرا پیشوایان من فرموده اند :

قال الرضا علیه السلام: کان ابی اذا دخل شهر المحرم لا یری ضاحکا و کانت الکابه تغلب علیه حتی یمضی منه عشره ایام، فاذا کان الیوم العاشر کان ذلک الیوم یوم مصیبته و حزنه و بکائه... امام رضا علیه السلام فرمود: هر گاه ماه محرم فرا می رسید، پدرم (موسی بن جعفر علیه السلام) دیگر خندان دیده نمی شد و غم و افسردگی بر او غلبه می یافت تا آن که ده روز از محرم می گذشت، روز دهم محرم که می شد، آن روز، روز مصیبت و اندوه و گریه پدرم بود .امالی صدوق، ص ۱۱۱

نوری زاد گرامی هزار و اندی سال است من برای امام حسین علیه السلام گریه می کنم و تو دوست داری گریه کن دوست نداری گریه نکن زیرا پیشوایان من فرموده اند :

قال رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم: یا فاطمه! کل عین باکیه یوم القیامه الا عین بکت علی مصاب الحسین فانها ضاحکه مستبشره بنعیم الجنه. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: فاطمه جان! روز قیامت هر چشمی گریان است، مگر چشمی که در مصیبت و عزای حسین گریسته باشد، که آن چشم در قیامت خندان است و به نعمتهای بهشتی مژده داده می شود.بحار الانوار، ج ۴۴، ص .۲۹۳

نوری زاد گرامی هزار و اندی سال است من برای امام حسین علیه السلام گریه می کنم و تو دوست داری گریه کن دوست نداری گریه نکن زیرا پیشوایان من فرموده اند :

عن الصادق علیه السلام: نیح علی الحسین بن علی سنه فی کل یوم و لیله و ثلاث سنین من الیوم الذی اصیب فیه. حضرت صادق علیه السلام فرمود: یک سال تمام، هر شب و روز بر حسین بن علی علیه السلام نوحه خوانی شد و سه سال، در روز شهادتش سوگواری برپا گشت.بحار الانوار، ج ۷۹، ص .۱۰۲

نوری زاد گرامی هزار و اندی سال است من برای امام حسین علیه السلام گریه می کنم و تو دوست داری گریه کن دوست نداری گریه نکن زیرا پیشوایان من فرموده اند :

قال الصادق علیه السلام: قال لی ابی: یا جعفر! اوقف لی من منالی کذا و کذا النوادب تندبنی عشر سنین بمنی ایام منی. امام صادق علیه السلام می فرماید: پدرم امام باقر علیه السلام به من فرمود: ای جعفر ! از مال خودم فلان مقدار وقف نوحه خوانان کن که به مدت ده سال در «منا» در ایام حج، بر من نوحه خوانی و سوگواری کنند.بحار الانوار، ج ۴۶، ص .۲۲۰

نوری زاد گرامی هزار و اندی سال است من برای امام حسین علیه السلام گریه می کنم و تو دوست داری گریه کن دوست نداری گریه نکن زیرا پیشوایان من فرموده اند :

عن ابی هارون المکفوف قال: دخلت علی ابی عبد الله علیه السلام فقال لی: انشدنی، فأنشدته فقال: لا، کما تنشدون و کما ترثیه عند قبره... ابو هارون مکفوف می گوید: خدمت حضرت صادق علیه السلام رسیدم.امام به من فرمود: «برایم شعر بخوان» .پس برایش اشعاری خواندم.فرمود: اینطور نه، همان طور که (برای خودتان) شعر خوانی می کنید و همانگونه که نزد قبر حضرت سید الشهدا مرثیه می خوانی.بحار الانوار، ج ۴۴، ص .۲۸۷

نوری زاد گرامی هزار و اندی سال است من برای امام حسین علیه السلام گریه می کنم و تو دوست داری گریه کن دوست نداری گریه نکن زیرا پیشوایان من فرموده اند :

قال الصادق علیه السلام: ما من احد قال فی الحسین شعرا فبکی و ابکی به الا اوجب الله له الجنه و غفر له. امام صادق علیه السلام به جعفر بن عفان فرمود: هیچ کس نیست که درباره حسین علیه السلام شعری بسراید و بگرید و با آن بگریاند مگر آن که خداوند، بهشت را بر او واجب می کند و او را می آمرزد.رجال شیخ طوسی، ص .۲۸۹

نوری زاد گرامی هزار و اندی سال است من برای امام حسین علیه السلام گریه می کنم و تو دوست داری گریه کن دوست نداری گریه نکن زیرا پیشوایان من فرموده اند :

قال الصادق علیه السلام: من قال فینا بیت شعر بنی الله له بیتا فی الجنه. امام صادق علیه السلام فرمود: هر کس در راه ما و برای ما یک بیت شعر بسراید، خداوند برای او خانه ای در بهشت، بنا می کند.وسائل الشیعه، ج ۱۰، ص . ۴۶۷

نوری زاد گرامی هزار و اندی سال است من برای امام حسین علیه السلام گریه می کنم و تو دوست داری گریه کن دوست نداری گریه نکن زیرا پیشوایان من فرموده اند :

قال الصادق علیه السلام: الحمد لله الذی جعل فی الناس من یفد الینا و یمدحنا و یرثی لنا. امام صادق علیه السلام فرمود: خدا را سپاس که در میان مردم، کسانی را قرار داد که به سوی ما می آیند و بر ما وارد می شوند و ما را مدح و مرثیه می گویند.وسائل الشیعه، ج ۱۰، ص .۴۶۹

نوری زاد گرامی هزار و اندی سال است من برای امام حسین علیه السلام گریه می کنم و تو دوست داری گریه کن دوست نداری گریه نکن زیرا پیشوایان من فرموده اند :

قال الرضا علیه السلام: یا دعبل! احب ان تنشدنی شعرا فان هذه الایام حزن کانت علینا اهل البیت علیه السلام. امام رضا علیه السلام به دعبل (شاعر اهل بیت) فرمود: ای دعبل! دوست دارم که برایم شعری بسرایی و بخوانی، چرا که این روزها (ایام عاشورا) روز اندوه و غمی است که بر ما خاندان رفته است.جامع احادیث الشیعه، ج ۱۲، ص .۵۶۷

نوری زاد گرامی هزار و اندی سال است من برای امام حسین علیه السلام گریه می کنم و تو دوست داری گریه کن دوست نداری گریه نکن زیرا پیشوایان من فرموده اند :

عن الرضا علیه السلام: یا دعبل! ارث الحسین علیه السلام فانت ناصرنا و مادحنا ما دمت حیا فلا تقصر عن نصرنا ما استطعت. امام رضا علیه السلام فرمود: ای دعبل! برای حسین بن علی علیه السلام مرثیه بگو، تو تا زنده ای، یاور و ستایشگر مایی، پی تا می توانی، از یاری ما کوتاهی مکن.جامع احادیث الشیعه، ج ۱۲، ص .۵۶۷

نوری زاد گرامی هزار و اندی سال است من برای امام حسین علیه السلام گریه می کنم و تو دوست داری گریه کن دوست نداری گریه نکن زیرا پیشوایان من فرموده اند :

قال علی علیه السلام: ان الله...اختار لنا شیعه ینصروننا و یفرحون بفرحنا و یحزنون لحزننا. علی علیه السلام فرمود: خداوند برای ما، شیعیان و پیروانی برگزیده است که ما را یاری می کنند، با خوشحالی ما خوشحال می شوند و در اندوه و غم ما، محزون می گردند.غرر الحکم، ج ۱، ص .۲۳۵

نوری زاد گرامی هزار و اندی سال است من برای امام حسین علیه السلام گریه می کنم و تو دوست داری گریه کن دوست نداری گریه نکن زیرا پیشوایان من فرموده اند :

قال الحسین علیه السلام: انا قتیل العبره لا یذکرنی مؤمن الا بکی. حسین بن علی علیه السلام فرمود: من کشته اشکم.هیچ مؤمنی مرا یاد نمی کند مگر آنکه (بخاطر مصیبتهایم) گریه می کند.بحار الانوار، ج ۴۴، ص .۲۷۹

نوری زاد گرامی هزار و اندی سال است من برای امام حسین علیه السلام گریه می کنم و تو دوست داری گریه کن دوست نداری گریه نکن زیرا پیشوایان من فرموده اند :

قال الحسین علیه السلام: من دمعت عیناه فینا قطره بوأه الله عز و جل الجنه. حسین بن علی علیه السلام فرمود: چشمان هر کس که در مصیبتهای ما قطره ای اشک بریزد، خداوند او را در بهشت جای می دهد.احقاق الحق، ج ۵، ص .۵۲۳

نوری زاد گرامی هزار و اندی سال است من برای امام حسین علیه السلام گریه می کنم و تو دوست داری گریه کن دوست نداری گریه نکن زیرا پیشوایان من فرموده اند :

قال علی بن الحسین السجاد علیه السلام: ایما مؤمن دمعت عیناه لقتل الحسین و من معه حتی یسیل علی خدیه بوأه الله فی الجنه غرفا . امام سجاد علیه السلام فرمود: هر مؤمنی که چشمانش برای کشته شدن حسین بن علی علیه السلام و همراهانش اشکبار شود و اشک بر صورتش جاری گردد، خداوند او را در غرفه های بهشتی جای می دهد.ینابیع الموده، ص .۴۲۹

نوری زاد گرامی هزار و اندی سال است من برای امام حسین علیه السلام گریه می کنم و تو دوست داری گریه کن دوست نداری گریه نکن زیرا پیشوایان من فرموده اند :

قال السجاد علیه السلام: انی لم اذکر مصرع بنی فاطمه الا خنقتنی لذلک عبره. امام سجاد علیه السلام فرمود: من هرگز شهادت فرزندان فاطمه علیها السلام را به یاد نیاوردم، مگر آنکه بخاطر آن، چشمانم اشکبار گشت.بحار الانوار، ج ۴۶، ص .۱۰۹

نوری زاد گرامی هزار و اندی سال است من برای امام حسین علیه السلام گریه می کنم و تو دوست داری گریه کن دوست نداری گریه نکن زیرا پیشوایان من فرموده اند :

قال الباقر علیه السلام: ثم لیندب الحسین و یبکیه و یأمر من فی داره بالبکاء علیه و یقیم فی داره مصیبته باظهار الجزع علیه و یتلاقون بالبکاء بعضهم بعضا فی البیوت و لیعز بعضهم بعضا بمصاب الحسین علیه السلام. امام باقر علیه السلام نسبت به کسانی که در روز عاشورا نمی توانند به زیارت آن حضرت بروند، اینگونه دستور عزاداری دادند و فرمودند: بر حسین علیه السلام ندبه و عزاداری و گریه کند و به اهل خانه خود دستور دهد که بر او بگریند و در خانه اش با اظهار گریه و ناله بر حسین علیه السلام، مراسم عزاداری بر پا کند و یکدیگر را با گریه و تعزیت و تسلیت گویی در سوگ حسین علیه السلام در خانه هایشان ملاقات کنند.کامل الزیارات، ص .۱۷۵

نوری زاد گرامی هزار و اندی سال است من برای امام حسین علیه السلام گریه می کنم و تو دوست داری گریه کن دوست نداری گریه نکن زیرا پیشوایان من فرموده اند :

قال الباقر علیه السلام: مر علی بکربلا فی اثنین من اصحابه قال: فلما مر بها ترقرقت عیناه للبکاء ثم قال: هذا مناخ رکابهم و هذا ملقی رحالهم و هیهنا تهراق دماؤهم، طوبی لک من تربه علیک تهراق دماء الأحبه. امام باقر علیه السلام فرمود: امیر المؤمنین علیه السلام با دو تن از یارانش از «کربلا» گذرکردند، حضرت، هنگام عبور از آنجا، چشمهایش اشک آلود شد، سپس فرمود: اینجا مرکبهایشان بر زمین می خوابد، اینجا محل بارافکندنشان است و اینجا خونهایشان ریخته می شود، خوشا به حال تو ای خاکی که خون دوستان بر روی تو ریخته می شود! بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۲۵۸

نوری زاد گرامی هزار و اندی سال است من برای امام حسین علیه السلام گریه می کنم و تو دوست داری گریه کن دوست نداری گریه نکن زیرا پیشوایان من فرموده اند :

قال الباقر علیه السلام: ما من رجل ذکرنا او ذکرنا عنده یخرج من عینیه ماء و لو مثل جناح البعوضه الا بنی الله له بیتا فی الجنه و جعل ذلک الدمع حجابا بینه و بین النار. امام باقر علیه السلام پس از شنیدن سروده های «کمیت» درباره اهل بیت، گریست و سپس فرمود : هیچ کس نیست که ما را یاد کند، یا نزد او از ما یاد شود و از چشمانش هر چند به اندازه بال پشه ای اشک آید، مگر آنکه خداوند برایش در بهشت، خانه ای بنا کند و آن اشک را حجاب میان او و آتش دوزخ قرار دهد.الغدیر، ج ۲، ص .۲۰۲

نوری زاد گرامی هزار و اندی سال است من برای امام حسین علیه السلام گریه می کنم و تو دوست داری گریه کن دوست نداری گریه نکن زیرا پیشوایان من فرموده اند :

قال الصادق علیه السلام: بکی علی بن الحسین علیه السلام عشرین سنه و ما وضع بین یدیه طعام الا بکی. امام صادق علیه السلام فرمود: امام زین العابدین علیه السلام بیست ساله (به یاد عاشورا) گریست و هرگز طعامی پیش روی او نمی گذاشتند مگر اینکه گریه می کرد.بحار الانوار، ج ۴۶، ص .۱۰۸

نوری زاد گرامی هزار و اندی سال است من برای امام حسین علیه السلام گریه می کنم و تو دوست داری گریه کن دوست نداری گریه نکن زیرا پیشوایان من فرموده اند :

قال الصادق علیه السلام: لما مات ابراهیم بن رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم حملت عین رسول الله بالدموع ثم قال النبی صلی الله علیه و آله و سلم: تدمع العین و یحزن القلب و لا نقول ما یسخط الرب و انا بک یا ابراهیم لمحزونون. امام صادق علیه السلام فرمود: چون ابراهیم پسر رسول خدا از دنیا رفت، چشم پیامبر پر از اشک شد.سپس پیامبر فرمود: چشم، اشکبار می شود و دل غمگین می گردد، ولی چیزی نمی گوییم که خدا را به خشم آورد، و ما در سوگ تو ای ابراهیم اندوهناکیم.بحار الانوار، ج ۲۲، ص .۱۵۷

نوری زاد گرامی هزار و اندی سال است من برای امام حسین علیه السلام گریه می کنم و تو دوست داری گریه کن دوست نداری گریه نکن زیرا پیشوایان من فرموده اند :

قال الصادق علیه السلام: من ذکرنا عنده ففاضت عیناه حرم الله وجهه علی النار. امام صادق علیه السلام فرمود: نزد هر کس که از ما (و مظلومیت ما) یاد شود و چشمانش پر از اشک گردد، خداوند چهره اش را بر آتش دوزخ حرام می کند.بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۲۸۵.

نوری زاد گرامی هزار و اندی سال است من برای امام حسین علیه السلام گریه می کنم و تو دوست داری گریه کن دوست نداری گریه نکن زیرا پیشوایان من فرموده اند :

قال الصادق علیه السلام: تزاوروا و تلاقوا و تذاکروا و احیوا امرنا. امام صادق علیه السلام فرمود: به زیارت و دیدار یکدیگر بروید، با هم به سخن و مذاکره بنشینید و امر ما را زنده کنید.بحار الانوار، ج ۷۱، ص ۳۵۲.

نوری زاد گرامی هزار و اندی سال است من برای امام حسین علیه السلام گریه می کنم و تو دوست داری گریه کن دوست نداری گریه نکن زیرا پیشوایان من فرموده اند :

قال الصادق علیه السلام للفضیل: تجلسون و تحدثون؟ فقال: نعم، قال: ان تلک المجالس احبها فأحیوا امرنا، فرحم الله من احیی امرنا. امام صادق علیه السلام از «فضیل» پرسید: آیا (دور هم) می نشینید و حدیث و سخن می گویید؟ گفت: آری فرمود: اینگونه مجالس را دوست دارم، پس امر (امامت) ما را زنده بدارید.خدای رحمت کند کسی را که امر و راه ما را احیا کند.وسائل الشیعه، ج ۱۰، ص ۳۹۲.

نوری زاد گرامی هزار و اندی سال است من برای امام حسین علیه السلام گریه می کنم و تو دوست داری گریه کن دوست نداری گریه نکن زیرا پیشوایان من فرموده اند :

قال الصادق علیه السلام: ..رحم الله دمعتک، اما انک من الذین یعدون من اهل الجزع لنا و الذین یفرحون لفرحنا و یحزنون لحزننا، اما انک ستری عند موتک حضور آبائی لک... امام صادق علیه السلام به «مسمع» که از سوگواران و گریه کنندگان بر عزای حسینی بود، فرمود: خدای، اشک تو را مورد رحمت قرار دهد.آگاه باش، تو

از آنانی که از دلسوختگان ما به شمار می آیند، و از آنانی که با شادی ما شاد می شوند و با اندوه ما غمگین می گردند .آگاه باش! تو هنگام مرگ، شاهد حضور پدرانم بر بالین خویش خواهی بود.وسائل الشیعه، ج ۱۰، ص . ۳۹۷

نوری زاد گرامی هزار و اندی سال است من برای امام حسین علیه السلام گریه می کنم و تو دوست داری گریه کن دوست نداری گریه نکن زیرا پیشوایان من فرموده اند :

قال الصادق علیه السلام:

اللهم...و ارحم تلک الأعین التی جرت دموعها رحمه لنا و ارحم تلک القلوب التی جزعت و احترقت لنا و ارحم الصرخه التی کانت لنا.

امام صادق علیه السلام بر سجاده خود نشسته و بر زائران و سوگواران اهل بیت، چنین دعا می کرد و می فرمود: خدایا...آن دیدگان را که اشکهایش در راه ترحم وعاطفه بر ما جاری شده و دلهایی را که بخاطر ما نالان گشته و سوخته و آن فریادها و ناله هایی را که در راه ما بوده است، مورد رحمت قرار بده.بحار الانوار، ج ۹۸، ص .۸

نوری زاد گرامی هزار و اندی سال است من برای امام حسین علیه السلام گریه می کنم و تو دوست داری گریه کن دوست نداری گریه نکن زیرا پیشوایان من فرموده اند :

قال الصادق علیه السلام:

من دمعت عینه فینا دمعه لدم سفک لنا او حق لنا نقصناه او عرض انتهک لنا او لأحد من شیعتنا بوأه الله تعالی بها فی الجنه حقبا.

امام صادق علیه السلام فرمود: هر کس که چشمش در راه ما گریان شود، بخاطر خونی که از ما ریخته شده است، یا حقی که از ما گرفته اند، یا آبرویی که از ما یا یکی از شیعیان ما برده وهتک حرمت کرده اند، خدای متعال به همین سبب، او را در بهشت جاودان، برای ابد جای می دهد.امالی شیخ مفید، ص .۱۷۵

نوری زاد گرامی هزار و اندی سال است من برای امام حسین علیه السلام گریه می کنم و تو دوست داری گریه کن دوست نداری گریه نکن زیرا پیشوایان من فرموده اند :

قال الصادق علیه السلام:

لکل شیی ء ثواب الا الدمعه فینا.

امام صادق علیه السلام فرمود: هر چیزی پاداش و مزدی دارد، مگر اشکی که برای ما ریخته شود (که چیزی با آن برابری نمی کند و مزد بی اندازه دارد). جامع احادیث الشیعه، ج ۱۲، ص .۵۴۸

نوری زاد گرامی هزار و اندی سال است من برای امام حسین علیه السلام گریه می کنم و تو دوست داری گریه کن دوست نداری گریه نکن زیرا پیشوایان من فرموده اند :

قال الصادق علیه السلام:

ما من عین بکت لنا الا نعمت بالنظر الی الکوثر و سقیت منه.

امام صادق علیه السلام فرمود: هیچ چشمی نیست که برای ما بگرید، مگر اینکه برخوردار از نعمت نگاه به «کوثر» می شود و از آن سیرابش می کنند.جامع احادیث الشیعه، ج ۱۲، ص .۵۵۴

نوری زاد گرامی هزار و اندی سال است من برای امام حسین علیه السلام گریه می کنم و تو دوست داری گریه کن دوست نداری گریه نکن زیرا پیشوایان من فرموده اند :

عن الصادق علیه السلام:

یا زراره! ان السماء بکت علی الحسین اربعین صباحا.

امام صادق علیه السلام فرمود: ای زراره! آسمان چهل روز، در سوگ حسین بن علی علیه السلام گریه کرد.جامع احادیث الشیعه، ج ۱۲، ص .۵۵۲

نوری زاد گرامی هزار و اندی سال است من برای امام حسین علیه السلام گریه می کنم و تو دوست داری گریه کن دوست نداری گریه نکن زیرا پیشوایان من فرموده اند :

قال الصادق علیه السلام:

کل الجزع و البکاء مکروه سوی الجزع و البکاء علی الحسین علیه السلام.

امام صادق علیه السلام فرمود: هر نالیدن و گریه ای مکروه است، مگر ناله و گریه بر حسین علیه السلام.بحار الانوار، ج ۴۵، ص .۳۱۳

نوری زاد گرامی هزار و اندی سال است من برای امام حسین علیه السلام گریه می کنم و تو دوست داری گریه کن دوست نداری گریه نکن زیرا پیشوایان من فرموده اند :

قال الصادق علیه السلام:

ان النبی لما جائته وفاه جعفر بن ابی طالب و زید بن حارثه کان اذا دخل بیته کثر بکائه علیهما جدا و یقول: کانا یحدثانی و یؤانسانی فذهبا جمیعا.

امام صادق علیه السلام فرمود: وقتی خبر شهادت جعفر بن ابی طالب و زید بن حارثه به پیامبر خدا رسید، از آن پس هر گاه وارد خانه می شد، بر آن دو شهید بشدت می گریست و می فرمود : آن دو شهید، با من هم سخن و همدم و انیس بودند، و هر دو رفتند! ...من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۱۷۷

نوری زاد گرامی هزار و اندی سال است من برای امام حسین علیه السلام گریه می کنم و تو دوست داری گریه کن دوست نداری گریه نکن زیرا پیشوایان من فرموده اند :

قال الصادق علیه السلام:

نفس المهموم لظلمنا تسبیح و همه لنا عباده و کتمان سرنا جهاد فی سبیل الله.ثم قال ابو عبد الله علیه السلام: یجب ان یکتب هذا الحدیث بالذهب.

امام صادق علیه السلام فرمود: نفس کسی که بخاطر مظلومیت ما اندوهگین شود، تسبیح است و اندوهش برای ما، عبادت است و پوشاندن راز ما جهاد در راه خداست.سپس امام صادق علیه السلام افزود: این حدیث را باید با طلا نوشت! امالی شیخ مفید، ص ۳۳۸.

نوری زاد گرامی هزار و اندی سال است من برای امام حسین علیه السلام گریه می کنم و تو دوست داری گریه کن دوست نداری گریه نکن زیرا پیشوایان من فرموده اند :

قال الصادق علیه السلام:

اربعه الاف ملک عند قبر الحسین علیه السلام شعث غبر یبکونه الی یوم القیامه.

امام صادق علیه السلام فرمود: چهار هزار فرشته نزد قبر سید الشهدا علیه السلام ژولیده و غبار آلود، تا روز قیامت بر آن حضرت می گریند.کامل الزیارات، ص ۱۱۹.

نوری زاد گرامی هزار و اندی سال است من برای امام حسین علیه السلام گریه می کنم و تو دوست داری گریه کن دوست نداری گریه نکن زیرا پیشوایان من فرموده اند :

قال الرضا علیه السلام:

یا ابن شبیب! ان کنت باکیا لشی ء فابک للحسین بن علی بن ابی طالب علیه السلام فانه ذبح کما یذبح الکبش.

امام رضا علیه السلام به «ریان بن شبیب» فرمود: ای پسر شبیب! اگر بر چیزی گریه می کنی، بر حسین بن علی بن ابی طالب علیه السلام گریه کن، چرا که او را مانند گوسفند سر بریدند .بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۲۸۶

نوری زاد گرامی هزار و اندی سال است من برای امام حسین علیه السلام گریه می کنم و تو دوست داری گریه کن دوست نداری گریه نکن زیرا پیشوایان من فرموده اند :

قال الرضا علیه السلام:

من جلس مجلسا یحیی فیه امرنا لم یمت قلبه یوم تموت القلوب.

امام رضا علیه السلام فرمود: هر کس در مجلسی بنشیند که در آن، امر (و خط و مرام ما) احیا می شود، دلش در روزی که دلها می میرند، نمی میرد.بحار الانوار، ج ۴۴، ص .۲۷۸

نوری زاد گرامی هزار و اندی سال است من برای امام حسین علیه السلام گریه می کنم و تو دوست داری گریه کن دوست نداری گریه نکن زیرا پیشوایان من فرموده اند :

قال الرضا علیه السلام:

فعلی مثل الحسین فلیبک الباکون فان البکاء علیه یحط الذنوب العظام.

امام رضا علیه السلام فرمود: گریه کنندگان باید بر کسی همچون حسین علیه السلام گریه کنند، چرا که گریستن برای او، گناهان بزرگ را فرو می ریزد.بحار الانوار، ج ۴۴، ص .۲۸۴

نوری زاد گرامی هزار و اندی سال است من برای امام حسین علیه السلام گریه می کنم و تو دوست داری گریه کن دوست نداری گریه نکن زیرا پیشوایان من فرموده اند :

قال الرضا علیه السلام:

یابن شبیب! ان بکیت علی الحسین علیه السلام حتی تصیر دموعک علی خدیک غفر الله لک کل ذنب اذنبته صغیرا کان او کبیرا قلیلا کان او کثیرا.

امام رضا علیه السلام فرمود: ای پسر شبیب! اگر بر، حسین علیه السلام آن قدر گریه کنی که اشکهایت بر چهره ات جاری شود، خداوند همه گناهانت را که مرتکب شده ای می آمرزد، کوچک باشد یا بزرگ، کم باشد یا زیاد.امالی صدوق، ص ۱۱۲.

نوری زاد گرامی هزار و اندی سال است من برای امام حسین علیه السلام گریه می کنم و تو دوست داری گریه کن دوست نداری گریه نکن زیرا پیشوایان من فرموده اند :

قال الرضا علیه السلام: ان سرک ان تکون معنا فی الدرجات العلی من الجنان فاحزن لحزننا و افرح لفرحنا.

امام رضا علیه السلام به ریان بن شبیب فرمود: اگر تو را خوشحال می کند که در درجات والای بهشت با ما باشی، پس در اندوه ما غمگین باش و در شادی ما خوشحال باش.جامع احادیث الشیعه، ج ۱۲، ص ۵۴۹

در پایان خدمت شما بزرگوار عرض می کنم اگر دیگران البته به باور شما با جگر گوشه حضرت رسول ص بازی کردن لطفا شما بازی نفرمایید .

گزارش انجمن بین المللی مطالعات فرقه ای (ICSA) پیرامون اقدامات فرقه ای تشکیلات بهایی

انجمن بین المللی مطالعات فرقه ای (ICSA) اطلاعات، آموزش، حمایت و پشتیبانی را برای کسانی که تحت تأثیر نامطلوب فرقه ها و سایر گروهها و روابط با کنترل بالا هستند یا علاقه مند به آنها هستند، ارائه میکند. این مؤسسه بر اساس اصول اخلاقی، دانش مبتنی بر تحقیق و تعهد به آموزش، به عنوان منبعی باز، حرفه ای، دقیق و برابری طلب برای متخصصان، بازماندگان، خانواده ها، محققان و عموم مردم ارائه خدمت می کند.

-https://articles1.icsahome.com/articles/enemies-within-conflict-and-control-in-the-baha-i community

ICSA Articles 1

Enemies Within – Conflict and Control in the Bahai Community

Volume 18, Part 1, pages 140-171 ,۲۰۰۱ ,*Cultic Studies Journal*

Enemies Within: Conflict and Control in the Baha'i Community

Karen Bacquet

دشمنان درون – درگیری و کنترل در جامعه بهایی

مجله مطالعات فرقه، ۲۰۰۱، جلد ۱۸، قسمت ۱، صفحات ۱۴۰-۱۷۱

دشمنان درون: درگیری و کنترل در جامعه بهائی

کارن باکت

خلاصه

دیانت بهائی که بیشتر به خاطر آموزه های اجتماعی لیبرال و مدارا با سایر ادیان شهرت دارد، دارای ساختار حکومتی استبدادی است که موجب سرخوردگی بسیار در میان پیروان شده است. به دلیل تأکید بهاییت بر وحدتو ترس از دشمنان داخلی،احساس ناامنی قابل توجهی در ابراز مخالفت با تشکیلات وجود دارد. یکدستیاعضا بوسیله تحریم، طرد، و دوری جستن اعمال می شود و اطلاعات از طریق سیستم سانسور کنترل می شود. اگرچه بهاییت توسط نهادهای منتخب اداره می شود، اما آنها در برابر رای دهندگان پاسخگو نیستند. بعلاوه، این باور وجود دارد که نهاد عالی حاکمیتی (بیت العدل) معصوم است. در حالی که گسترش اینترنت در دهه ۱۹۹۰ کنترل تشکیلات بر اطلاعات را تضعیف کرده است، رهبری بهائی روشنفکران آزاداندیش بهائی را به دلیل ابراز عقایدشان در انجمن های ایمیلی تهدید و تحریم کرده است.

در حالی که دیگر جنبش‌هایی که به عنوان فرقه‌در دهه ۱۹۷۰ جمعیتشان با نوکیشان افزایش یافت، به علت استفاده از تاکتیک‌های غیراخلاقی برای عضوگیری و کنترل اعضا، افشا شدند. دیانت بهائی از زمانی که برای اولین بار در دهه ۱۸۹۰ در ایالات متحده تأسیس شد، تصویر عمومی بسیار مثبتی از خود را حفظ کرده است. کمپین های تبلیغاتی این آیین حتی در میان مخالفان این تصور را ایجاد کرده است که اعتقادات آن از نظر اجتماعی مترقی و بدون هسته صلباعتقادی است که تا حدودی شبیه به وحدت گرایان-جهانی گرایان است. با این حال، بهائیت، مانند سایر ادیان در سنت ابراهیمی، مبتنی بر مجموعه ای از متون است که معتقدند از سوی خدا نازل شده است. اصول لیبرال توأم با عناصر اقتدارگرایانه در این متون مقدس گنجانده شده است. پس بهائیان می توانند به اندازه پیروان هر دین غربی دیگر بنیادگرا باشند.

هرچند که شاید این عناصر اقتدارگرا را بتوان «فرقه گونه» نامید، اینکه بهائیت را یکسره یک فرقه بدانیماشتباه است. در هر صورت، مرز بین «فرقه» و «غیرفرقه» مطلق نیست. بسیاری از گروه‌های مذهبی، شاید اکثر آنها، الزامات مختلفی برای پیروانشان و مکانیسمهایکنترلیبرایاجرایآنها دارند. دنیس توریش و تیم وولفورث (۲۰۰۰)، در مقاله اخیر ژورنال مطالعات فرقه ای، مذاهب را به جای اینکه صرفاً در این طرف یا آن طرف تعریف «فرقه» قرار دهند، آن را در یک «پیوستار»توصیف کردند:

« در یک انتها گروه‌هایی قرار دارند که به خوبی کار می‌کنند، و در آن‌ها به مخالفت احترام گذاشته می‌شود، مردم در تصمیم‌گیری شرکت می‌کنند، و اعضا همیشه جایگاه خود را در دنیای واقعی حفظ می‌کنند. از سوی دیگر، مواردمحصور تمامیت خواه را می یابیم که در آنها همنوایی بیش از هر چیز ارزشمند است و مردم اغلب بر خلاف میل خود به نفع رهبر فرقه به کار گرفته می شوند. افراد و سازمان ها ممکن است بسته به موقعیت در این پیوستار به عقب و جلو حرکت کنند. سازمان ها لزوماً فرقه یا غیر فرقه نیستند. آنها می توانند در زمان های مختلف، به هر دو شکل باشند. » [۱]

بنابراین، می‌توان در یک سر طیف فرقه‌ای مخرب مانند شاخه داویدیان را قرار داد، که در مقایسه با شاهدان یهوه که به نوبه خود اعضای خود را به شدت کنترل می‌کنند، کاملاً تمامیت‌خواه است، در مقایسه با کلیسای کاتولیک روم، که مکانیسم‌های کنترلی بیشتری از وحدت گرایان-جهانی گرا دارد. حتی در یک مذهب واحد، اعمال اقدامات

انضباطی می تواند در طول زمان و شرایط متفاوت باشد، و با توجه به اینکه برخی از پیروان آسیب پذیرتر از دیگران هستند تجربه فردی از فشار و اعمال نفوذ،می تواند متفاوت باشد.

واضح است که دیانت بهائی فاقد بسیاری از ویژگی های فرقه های خطرناک است. با این حال، این آیین شامل برخی آموزه‌ها و شیوه‌هایی است که آن را حتی در مقایسه با اکثر گروه‌های مذهبی محافظه‌کار، به انتهای این زنجیره «فرقه‌مانند» نزدیک‌تر می‌کند و کاملاً با تصویر عمومی تساهل‌آمیز آن مغایرت دارد. به عنوان مثال، اگرچه یک رهبر زنده و کاریزماتیک ندارد، اما در عوض توسط یک هیئت منتخب اداره می شود که اعتقاد بر این است که تحت هدایت الهی است و نمی توان آن را به چالش کشید. در حالی که استثمار آشکار اعضا به ندرت دیده می شود؛اما بهائیان تشویق می‌شوند تا اقدامات شخصی داوطلبانه قابل توجهی به نفع‌آیین خود انجام دهند. بر خلاف فرقه هایی که اعضای خود را از تأثیرات بیرونی محفوظ می دارند، بهائیان بقیه جهان را شر نمی دانند و در واقع تشویق می شوند که در میان افراد با ادیان مختلف آمیزش کنند. با این حال، معتقدند که نظام‌های حکومتی موجود جهان، از جمله دموکراسی غربی، پست‌تر از نظم اداری بهائی تلقی می‌شوند و در نهایت محکوم به کنار رفتن هستند.

تشکیلات بهائی نیز نسبت به تهدیدهای خارجی، به ویژه تهدیدهایی که ممکن است اعتبار امر را به خطر بیندازند، ابراز نگرانی می کند. این اغلب به عنوان دستاویزی برای غربالگری دقیق اطلاعات در دسترس عموم مطرح می شود. اما بارزترین و شاید بیشترین شباهت جنبه اعتقادی و عملی بهائیت به فرقه، ترس از دشمنان داخلی است که تهدیدی برای برهم زدن وحدت دین و تضعیف تعریف آن به عنوان عامل نجات بشریت تلقی می شود.

دیانت بهائی برپایی وحدت عالم انسانی را مأموریت اصلی خود می‌داند، و بر این باور است که این امر منوط به متحد ماندن دیانت بهائی به عنوان یک دین واحد است که کاملاً بری از انشعاباتی است که سایر ادیان جهانی در تاریخ خود تجربه کرده‌اند. این امر باعث ایجاد نگرانی در مورد ابراز مخالفت شده است که به نوبه خود محدودیت های شدیدی بر آزادی بیان افراد در مورد اعتقادات بهائی، امور جامعه و تصمیمات تشکیلاتی بوجودآورده. از این رو، دیانت بهائی با حمایت همزمان از آرمان‌های لیبرالی، که افراد باهوش و خلاق را جذب می‌کند و در عین حال فشاری را برای اطاعت و همنوایی اعمال می‌کند و پیروان را در یک قید و بند روانی قرار می‌دهد. این همسانیتوسط رفتار و برخورد هم‌کیشان، ارعاب مقامات بهایی، و تحریم‌ها، از جمله تکفیر(طرد روحانی) و دوری‌گزینی، محدودیت مشارکت در امور جامعه (طرد اداری)، و اخیراً صرفاً حذف نام افراد ناسازگار از فهرست سجلات امری اعمال می‌شود. در عین حال، رهبران بهائی وجود سانسور یا سرکوب عقاید فردی را انکار کرده و آن را به عنوان حمایت از آزادی معتدل در این زمینه توصیف می‌کنند.[۲]

پیشینه تاریخی

بهائیت در قرن نوزدهم توسط نجیب زاده ایرانی، میرزا حسینعلی بهاءالله پایه گذاری شد. او بخشی از جنبش هزاره بابی بود که توسط پیامبری که در غرب با نام باب به معنای "دروازه" شناخته می شود، تأسیس شد. این تاجر جوان اهل شهر شیراز در جنوب ایران، خود را قائم، شخصیت مسیحایی مورد انتظار اسلام شیعه معرفی کرد. پس

از یک مأموریت کوتاه و شگرف شش ساله، باب اعدام شد و هزاران تن از پیروان او قتل عام شدند و جنبش به زیر زمین کشانده شد. بهاءالله را کتک زدند، زندانی کردند و به تبعید فرستادند. در سال ۱۸۶۳، بهاءالله اعلام کرد که او مظهر خداوند است که توسط باب وعده داده شده است، و در حالی که ارتباط الهیات قوی بین این دو دین وجود دارد، دیانت بهائی بسیار کمتر ستیزه جو و افراطی است و آرمان های صلح و مدارا را ترویج می کند. این دین در دهه ۱۸۹۰ توسط یک نوکیش مسیحی سوری به آمریکا آورده شد و به استثنای "متولدین دهه شصت و هفتاد" در اوایل دهه ۷۰رشد مداوم و آرامی را در بیشتر قرن بیستم تجربه کرد. تلاش های مبلغان باعث ایجاد جوامع بهائی در اکثر کشورهای جهان شده است.

جذابیت اولیه آیین بهائی در این اصول اجتماعی مترقی نهفته است: تساهل مذهبی، حذف تعصب نژادی، برابری جنسیت، تحری حقیقت آزاد، هماهنگی عقل و دین، و ترویج صلح جهانی.[۳] با این حال، برای کسانی که تغییر مذهب داده وتسجیل می شوند، تأثیر نوشته های بهاءالله معمولاً عامل تعیین کننده است. این نوشته‌ها، در کنار ترویج اصولی که ذکر شد، از نظر تصویرسازی معنوی نیز مانند ادبیات صوفیانه دارای کشش عاطفی شدید، غنی است. غیرمعمول نیست که نوکیشان در حین خواندن یا تلاوت این متون مقدس، داشتن «تجارب عرفانی» را توصیف کنند. بهاءالله شخصیت محوری عبادت بهائیان است و تقریباً همان جایگاهی را در عواطف یک مؤمن بهائی دارد که عیسی نسبت به مسیحیان دارد.[۴]

با این حال، اعتقاد به مؤسس دیانت بهائی از اطاعت از یک تشکیلات اداری الهی جدایی ناپذیر است. کلید درک این موضوع، آموزه عهد و میثاق است: بهاءالله برای جلوگیری از ابتلای دینش به انشعاب پس از مرگش، فرزند ارشد خود، عبدالبهاء (۱۸۹۲-۱۹۲۱)را به امامت و مبیّن مجاز نوشته هایش برگزید.این حکمکتاب مقدس، عهد و پیمانی است بین بهاءالله و پیروانش که انتظار می رفت به این مرکز میثاق منصوب مراجعه کنند. یک پسر کوچکتر ادعای رهبری عبدالبهاء را مورد مناقشه قرار داد و باعث شکاف خانوادگی شد که تهدیدی برای از هم پاشیدن امر جدید بود. عبدالبهاء این اعضای خانواده را تکفیر کرد، پیروان آنها را «ناقضین» خواند و دستور داد که از آنها دوری کنند. اصطلاح «ناقض» در مورد هر مخالفی توسط سران بهائیت به کار رفته است و این استراتژی در واقع در به حاشیه راندن و دلسرد کردن تفرقه‌افکنان و دگراندیشان کاملاً موفق بوده است. در حالی که گروه های انشعابی بهائی وجود دارند، هیچ یک به طور جدی جریان اصلی را تهدید نکرده است و اکثر آنها به مرور زمان از بین رفته اند.

حتیمخالفاننیزدرموردایجادیکفرقهانشعابی،می توانندبا بازدارنده‌هایشدیدداخلیروبرو شوند. در اینصورتبرایآنهاراهینمی‌ماند جزتسلیمدربرابرمنویاتمقاماتبهائیباناامیدیازهرگونه تعاملدریکجامعهمذهبی، مگراینکهبهدینیکاملاًمتفاوترویآورند.[۵]

اخیرا در یک پدیده جدید،برگشتگان از بهائیت در اینترنت حسی از عضویت در یک جامعه یافته اند که در عین استعفا یا غیرفعال بودن در تشکیلات بهائی، به آنها امکان می دهداعتقادشخصی خود را حفظ کنند. بیت العدل در

واکنش به این موضوع، موضع این افراد را که در عین خروج از تشکیلات، ادعای اعتقاد به بهاءالله را دارند، «متناقض» خوانده و چنین افرادی را بهائی نمی شناسد. [۶]

عبدالبهاء از مخالفانی که با آنها روبرو بود تصویری واضح و ترسناک ترسیم کرد. با علم به اینکه آنها در اشتباه هستند و در عین حال از سر غرور و تلاش برای کسب قدرت پافشاری می کنند. آنها حیله گر و خوش صحبت هستند و می توانند به راحتی افراد ناآگاه را به ظلمتروحانی بکشانند. تنها راه برای مصون ماندن از نظر روحانی، «ثابت بودن بر عهد و میثاق» است، یعنی اطاعت از مقام مرکزمیثاق و دوری جستن از کسانی که «نقض عهد» کرده‌اند.[۷] ، حداقل در بین محافظه کاران این احساس را ایجاد می کند که سلامتروحانی پیروان را می توان با وفاداری به بیت العدل سنجید. این نگرش در نامه‌های خودبیت العدلیافت می‌شود که در آن مخالفت را «مشکل روحانی» و ارتباط با مخالفان را «خطر روحانی» و «فاسد کننده» می‌نامند.[۸]

دیانت بهائی در یک چرخشاسانی از پیشینه اسلامی خود و در تضاد کامل با فرقه های ویرانگر، کسانی را که از اعتقاد به امر دست می کشند، نکوهش نمی کند. اما افراد بهائی که جایگزینی برای تشکیلات اصلی ایجاد می‌کنند یا به آن می‌پیوندند، یا کسانی که از قطع ارتباط با آن افراد خودداری می‌کنند به این اتهامکه از نظر روحانی خطرناکند طرد می شوند. طبق قانون بهائیت، فقطبیت العدلمی تواند فردی را ناقض عهد شناخته و دستور طرد دهد، اما در سطح عمومی جامعه، مخالفان داخلی و اعضای منتقد سابق را می توان به عنوان ناقض عهد تلقی کرد.

بهاءالله دین خود را به‌جای روحانیون حرفه‌ای توسط هیئت‌های منتخب اداره می‌کرد، و عبدالبهاء در وصیت‌نامه خود این نظام را بیشتر اصلاح کرد. در آن سند، او نوه ارشد خود شوقی افندی ربانی را به عنوان ولی امر منصوب کرد (۱۹۲۱-۱۹۵۷)، یک منصب موروثی که قدرت اجرایی و اختیار تفسیر نصوص کتاب مقدس را به او اعطا می کرد.[۹] از آنجایی که این ولی امر هیچ وارثی نداشت، نمی‌توان تفاسیر مجاز دیگری از نصوص داشت و عمدتاً دیدگاه غالب تعالیم بهائی از شوقی افندی است. اکثر فرقه های جدا شده ای که امروزه بهائیان آنها را ناقض می خوانند، پیروان مدعی ولایت پس از مرگ شوقی افندی، چارلز میسون ریمی، هستند و به چند گروه تقسیم شده اند که هر کدام توسط یک جانشین متفاوت ریمی رهبری می شوند. [۱۰]

اکنون تشکیلاتبهائی از مقامات انتخابی و انتصابی تشکیل شده است. امور محلی توسط محافل روحانی نه نفره محلی اداره می شود. کشورها به واحدهای انتخاباتی تقسیم می شوند، که در آن نمایندگانی انتخاب می شوند که به نوبه خود محافل روحانی ملی (NSA) را انتخاب می کنند. اعضای محافل روحانی ملیجهان هر پنج سال یک بار به عنوان نمایندگانی برای انتخابات بیت العدل جهانی (UHJ) در حیفا، اسرائیل گردهم می‌آیند. بهائیان این هیئت عالی حاکم را معصوم می دانند. در حالی که بیت العدل عموماً مصون از خطا تلقی می شود،معنا و دامنه این عصمت موضوع بحث های زیادی در محافل روشنفکری بهائی است.

طیف ایدئولوژیک درون امر که از لیبرال تا بنیادگرایی افراطی را در بر می گیرد، عمدتاً حول نگرش به بیت العدل و خطاناپذیری آن متمرکز است. لیبرال‌ها به محدودیت‌های نصوص در مورد اختیارات آن و به‌ویژه این واقعیت که این نهاد به عنوان نهاد تشریعیکه مجاز به تبییننصوص یا اعمال تصمیمات واجب الاطاعه نیست؛

اشارهمی‌کنند.[۱۱] اصولگرایان بیت العدل را در تمامی اظهارات و تصمیمات خود به طور کامل و بدون تردید مصون از خطا می دانند. اکثر بهائیان جریان اصلی را می توان در این رابطه محافظه کار توصیف کرد که به طور کلی وجود هرگونه تفاوت ایدئولوژیکی را انکار می کند. در بحث‌های آنلاین، فقطبا ذکر واژه‌های «لیبرال» و «محافظه‌کار» در مورد بهائیان می‌توان خشم بنیادگرایان را برانگیخت، زیرا به نظر می‌رسد که این کارادعای وحدت دین را نقض می‌کند. علاوه بر این که موضع مشترک اکثر بهائیان، جریان اصلی است، دیدگاه محافظه کارانه نیز در تشکیلات حاکم است، به طوری که اصلاحطلب ها در صورت مطرح شدن بیش از حد در معرض خطر بازجویی ویا طرد قرار می گیرند.

بهائیان اغلب سیستم هیأت های تشکیلاتی منتخب خود را دموکراتیک تر از سیستم های رایج در جامعه توصیف می کنند، زیرا رأی دهندگان میتوانند هر عضوی را که حائز شرایط باشد انتخاب کنند. با این حال، بر طبق رویه‌های انتخاباتی که شوقی افندی بیان می‌کند، هرگونه تبلیغات انتخاباتی ممنوع است، و تصمیمات محفل نیز بدون ثبت آرای مخالف به صورت یکدست ارائه می‌شود، به طوری که نمی‌توان فهمید کههر فرد منتخبچه خط مشئی دارد. با اطلاعات اندک به عنوان مبنایی برای تصمیم گیری، یک بهایی در درجه اول به اعتبار شهرت و به رسمیت شناختن نام، رأی می دهد تا هر موضوع یا برنامه خاصی. البته این به مدیران فعلی مزیت فوق‌العاده‌ای می‌دهد و اشاراتی شده است که صاحبان مناصب فعلی عمداً کنترل میکنند که در جامعه چه کسی به اندازه کافیبرای انتخاب شدن در سطح ملی مطرح باشد.[۱۲] ممنوعیت مبارزات انتخاباتی همچنین مانع از هر گونه شکل گیری جنبش های اصلاحی درمیان عامهبهائیان می شود. مؤسسات بهائی با وجود اینکه نهادهای منتخب هستند، در برابر رأی دهندگان پاسخگو نیستند، بلکه فقط در برابر خداوند پاسخگو هستند.

مقامات منصوب (عصبه انتصابی) در تشکیلات بهائی متشکل از هیئت مشاوران قاره ای هستند که توسطبیت العدلانتخاب می شوند. آنها به نوبه خود اعضای هیئت معاونت (ABM) را انتخاب می کنند که آنها نیز مساعدین محلی را منصوب می کنند. در تئوری، هیچ یک از اینها قرار نیست دارای اختیارات مستقل باشند، بلکه بایستی تحت امر نهادهای منتخب عمل کنند. با این حال، این مقامات، مسئول «تبلیغ و صیانت» امر هستند و جنبه «صیانت» شامل مراقبت از هرگونه نشانه‌ای از نقض عهد است. از آنجایی که گزارش‌هایی که آنها بهمحفل ملیبابیت العدلمی‌دهند اغلب مبنای تصمیم‌گیری برای طرد اعضا است، قدرت قابل توجهی اعمال میکنند.[۱۳]

سرخوردگی از حیات بهائی

تشکیلات بهائی ادعا می کند کهدر ایالات متحده ۱۴۰۰۰۰ عضو دارد، اما در میان بهائیان امری بدیهی است که نیمی از این افراد به طور دائم غیرفعال هستند و ارتباط خود را با جامعه از دست داده اند. نرخ عدم فعالیت ممکن است بیشتر باشد. یک نظرسنجی مستقل تعداد آمریکایی‌هایی را که خود را بهائی معرفی می‌کنند تنها ۲۸۰۰۰ نفر تخمین زد.[۱۴] تا به حال، نگرانی قابل توجهی در مورد این افراد غیر فعال سرخورده وجود نداشته است. نگرش رایج نسبت به شکایات مطرح شده توسط اعضای سابق این است که ناتوانی آنها در انطباق با انتظارات و خواسته های تشکیلات، حاکی از ضعفروحانی است. همانطور که یکی از اعضای محفل بیان کرد:

« در جامعه خود ممکن است از این واقعیت آگاه باشید که مردم در حال دور شدن از امر هستند. چرا؟ چون آنها از آن حس افزایش معرفتروحانی غافل شده اند. آنها دارند تندخو می شوند، سرخورده می شوند، ناامید می شوند، از جامعه بهائی دست می کشند – نه به این دلیل که جامعه بهایی یا دیانت بهائی مشکلی دارد، بلکه چون آنها در انجام وظیفه اصلی خود به عنوان یک بهائی، در ایجاد حس ارتقای معرفتروحانی خود ناکام ماندهاند». [۱۵]

با این حال بیت العدل اخیراً یکی از اهداف خود راارتباطبا بهائیان دور افتاده در جامعهاعلام کرده است، بنابراین تغییر در این نگرش در جریان است .[۱۶]

آن دسته از بهائیان که این سرخوردگی را تجربه می کنند، واقعاحس می کنند که قربانیخیانت یا فریب شده اند. آنها بر این باورند که در حال پیوستن به یک دیانتروشن اندیش و منعطف هستند و تنها برای مقابله با انتظارات غیرقابل تحمل اقتدارگرا به طور فعال در ترویج آن شرکت می کنند. از آنجایی که تجربه و تساهل فردی نسبت به شخصیت افراد متفاوت است، گاهی سالها طول میکشد تا به آن حد برسد و اعضای سابق برای بخشی از زندگی خود که صرف ترویج دین و خدمت به خواسته های تشکیلات کردهاند، ابراز تلخکامی و خسران کنند.

اوضاع جاری زندگی در جامعه بهائی و به ویژه نقش مرکزی تشکیلات اغلب از نوکیشان بالقوه (مبتدیان – محبین) پنهان است. غیربهائیان مجاز به مشارکت در هیچ رویداد اداری، از جمله مراسم عبادی اصلی -ضیافت نوزده روزه – نیستند، زیرا در برنامه ضیافت زمانی برای بحث در مورد مسائل اداری جامعه اختصاص داده شده است. کسانی که از وضع موجود در امر دفاع می کنند انتظار دارند که به محض ایمان به بهاءالله، به طور طبیعی در دین «عمیق تر» (یعنی آگاه تر) شوند و ادعاهای سلطهتشکیلات را بپذیرند. جان هچر، بهائی سرشناس،بهاستعفانامهیکشخسیت
دانشگاهیبرجستهبهائیاشارهکردکهبراساساقداماتتشکیلاتیعلیهروشنفکرانبهائی،منکر اعتقادبهبهاءاللهشد.
هچراینگونهاظهارمیکند:

« فرد دارای اعتبار فوق العاده ای است ... مشکل در این استدلال چیست؟ جواب: غیرمنطقی است، زیرا اگر بهاءالله را قبول دارید، «آنچه کند او کند (آنچه بخواهد انجام میدهد) » و قول او این است: «تو را حیران میکنم». این ارتجاع استکه به مصون از خطا بودن یک مؤسسه در تصمیماتش معتقد باشید. زیرا این فرض مستلزم معصوم بودن فرد است.

منطق باید به این صورت پیش برود: اول بهاءالله همان کسی است که خودش ادعا می کند. بعد از آن عصمت عبدالبهاء را زیر سؤال نبرید. بدون پیوند با عهد و میثاق، همه چیز فرو می ریزد » .[۱۷]

از آنجایی که تشکیلات اساساً مشروعیت خود را از الواح وصایای عبدالبهاء می گیرد، خودبهخود انتظار می رود پیامد اعتقاد به پیشواییعبدالبها پذیرش عصمت بیت العدلباشد. عملاً، این بدان معناست که وقتی نوکیشان از راه اعتقاد به بهاءالله از نظر عاطفی به امر وابسته شدند، می توان آنها را به سمت پذیرش جنبه های ناخوشایند زندگی

بهایی سوق داد؛در غیر اینصورت، آزادند که بروند. هرچند، نوکیشی که معتقد است دیانت روشنگری را یافته است که در جستجوی آن بوده؛ آگاهی یا حساسیت کمی نسبت به تجربه تنها یکی دو جنبه غیر قابل تحمل آن دارد.

برخی از این جنبه های مایوس کننده ساده و سرراست هستند. برای مثال، برخی از نوکیشان تا پس از عضویت خود متوجه نمی شوند کهعلیرغم آموزه روشن دیانت در مورد برابری جنسیت ها، زنان از عضویت دربیت العدلمحروم شده اند. این حکم بر اساس تفسیر شوقی افندی است و لذا تغییر آن غیرممکن است. با این حال، از آنجایی که این سیاست خاص، مستقیماً زندگی میانگین بهاییان را تحت تأثیر قرار نمی دهد، معمولاً بدون شکایت زیادی پذیرفته می شود. (اگرچه این موضوع باعث ایجاد اختلاف در فضای مجازی شده است و حمایت اعضاء از لغو این محرومیت عاملی مؤثر برای اقدامات تنبیهی بیت العدل بوده است.)

اما عامل مهمتر، جایگاه کانونی تشکیلات در زندگی بهاییان است. این تشکیلات یک کلیسای صرف، یا یک ترتیب مناسب برای اداره امور دیانتنیست، بلکه یک حکومت دینی جهانی در حال تکامل و عامل رستگاری نهایی نوع بشر است. این موضع که منظور بهاءالله از ایجاد یک دولت دینی جهانی بود، توسط علمای برجسته بهائی مورد تردید قرار گرفته است، آنها بر حمایت بنیانگذار دیانت بهائی از جدایی دین از سیاست اصرار دارند.[۱۸] و این اندیشهرابیتالعدلمحکومکردهاست.[۱۹]

موضع دیانت بهائی برای عامه این است که تبلیغ تهاجمی نمیکند، اما تلاش فعال برای آوردن مبتدییک وظیفه ضروری دینی است. برخی از بهائیان به معنای واقعی کلمه احساس می کنند که مشکلات جهان بر دوش آنهاست و تنها با گسترش امر و نهادهایتشکیلاتی آن می توان آنها را برطرف کرد. نوکیش، خود را ملزم به شرکت در «تبلیغ» میکند و متوجه می‌شود که کلمه «تبلیغ» به معنای تغییر اجباری دین یا بکارگیری رویکرد تبلیغی مراجعه خانه به خانه،باز تعریف شده است. در واقع دائماًاز بهائیان خواسته میشود که به تبلیغ اقدام کنند و برنامه‌ریزی برای تبلیغ، وظیفه اصلی محافل روحانی تلقی می‌شود، بنابراین وقت و انرژی زیادی صرف این کار می‌شود.

با این حال، از قضا، محدودیت هایی برای انواع پروژه های تبلیغی فردی وجود دارد که رهبری بهائیتبا آن کنار خواهد آمد. به عنوان مثال، یکی از آشنایان بهایی من زمان و تلاش زیادی را برای یک پروژه تبلیغی منطقه ای صرف کرد و به او گفته شد: «ما نمی توانیم به شما چک سفید بدهیم»، یعنی پروژه به دلیل اینکه زیر نظر تشکیلات نبود، لغو شد. به یک بهائی در آلبوکرکی دستور داده شد که برنامه تلویزیونی موفق خود را در ترویج دیانت بهائی لغو کند، و به او گفته شد که تبلیغ او «هیچ تأثیری نخواهد داشت» زیرا او «با محفل هماهنگ نیست». به عبارت دیگر، او را فردی مشکل ساز و بیش از حد مستقل می دانستند.[۲۰] این امر یک مبلغمستعد را در تنگنا قرار می‌دهد: دائماً به او گفته می‌شود که «قیام کند» و دیگران را بهائی کند، امادرعین حال به دلیل الزام به رعایت دستورالعمل هایتشکیلاتی مهار می‌شود. همچنین، خدمت به امر از این طریق، مانع افکار اصلاح طلبانه نیست. در واقع، برخی از دانشمندان و روشنفکران بهایی که مورد مخالفت رسمی قرار گرفته اند، مبلغان خارج از کشور در مأموریت های خطرناک و دشوار بوده اند.

علت دیگر تأکید بر گسترش امر، این است که اهمیت زیادی برای تشکیل محافل روحانی محلی، بدون درنظر گرفتن سطح عملکرد، داده میشود. این محافل ها در ازای رشد وگسترشامر انتخاب نمی شوند، بلکه در هر محلی که نُه نفر بهایی یا بیشتر در آن ساکن هستند، ایجاد می شوند. «مهاجران محلی» یا میسیونرها، عمداً برای ایجاد محفل محلی جابه‌جا می‌شوند، حتی اگر این جابه‌جایی گاهی چند مایل یا کمی بیش از یک محدوده شهری باشد. برای فراهم آوردن نُه نفر مورد نیاز، حتی مؤمنان غیرفعال و نوکیشان را می‌توان برای خدمت انتخاب کرد. تأکید تشکیلات بر اهمیت تبلیغ به انگیزه حفظ این محافل شکننده است که اگر این تلاش ها موفقیت آمیز نباشد؛انحلالاین محافل حاشیه ای، که اکثریت را تشکیل می دهند، رویدادی متداول است.. [۲۱]

این محافل پس از تشکیل، عموماً برای ایجاد یک اجتماع پایدار بدون حمایت تشکیلات بیرونی باقی می‌مانند. در مواردی محفل ملیمستقیماً در کارمحفل محلی مداخله کرده است، حتی تا حدی که خود محفل را منحل کرده است. به نظر می‌رسدزمان این مداخله معیار مشخص و الگوی روشنی ندارد، مگر در مواردی که نگرانی در مورد «ناقضین» وجود داشته باشد.

ممکن است اعضا،زیر دسترهبرانمحلیدیکتاتوریباحتیبدرفتارگرفتارشوند،درحالیکه در سطوح بالاتر اداری، رسیدگی به شکایات بسیار کند است. در یک مورد افراطی، یک بهائی سابق بازگو می کند که چگونه در جوانی در دهه هفتادزیر دست رهبری قرار گرفت که فرقه خود را در ساختار بهائی ایجاد کرده بود و از مواد مخدر و مجازات هایی مانند حبس شاگردانش در کمد به منظور کنترل آنها استفاده می کرد. زمانیمحفل ملیمداخله کرد که رهبر فرقه از ایالت خارج شده بود. این پیرو جوان مورد بازجویی دو ساعته قرار گرفت که در آن متهم به توطئه با مربی سابق خود شد.[۲۳] به نظر می رسد احتمال رهبری محلی ظالمانه در تعدادی از اتهامات مطرح شده در جریان شکایت علیهمحفل محلیآلبوکرکی نیز مطرحاست. بر اساس برخی گزارش ها، رئیسمحفل محلی ادعا می کرد که "صدای خداوند" در جامعه خود است، و بنابراین باید بی چون و چرا از او اطاعت شود. [۲۴]

در عین حال که این سطح از نهایت خودسری غیرعادی است، اما رهبران محلی قوی فکر و جاه طلب، کم نیستند، و بسیاری از بهائیان ناراضی گزارش می‌دهند که احساس می‌کنند از تاثیر بر امور محلی ناتوان هستند، حتی اگر در تئوری، قرار است مشکلات از طریق مشورت در جامعه حل شود.

تاکید بر ساختن آینده هزاره ای از طریق گرویدن دیگران به امر و ایجاد محافل محلی باعث شده است که جوامع بهائی برخی از جنبه های کیفی زندگی جمعی خود را قربانی کنند. از آنجایی که اکثر جوامع بهائی بسیار کوچک هستند، منابع لازم برای ارائه خدمات رایگان را که اکثر آمریکایی ها از کلیساهایشان بدیهی می دانند، ندارند. حتی برخی از بزرگترین آنها یک محل عمومی برای گردهمایی ندارند، اکثر جوامع بهائی در خانه های شخصی گرد هم می آیند. به این جهت مراقبت و مشاوره معنوی می تواند ناکارآمد و ناشیانه باشد. در حالی که جوامع بزرگـتر نسبتاً خوب اداره می‌شوند، اغلب ممکن است در جوامع کوچکی که در آن‌ها اعضای بهائی در زمینه خدمات امری همراه با سایر مسئولیت های شخصی فعالیت می‌کنند، برنامه‌ریزی جلسات نادرست و نامنظم باشد. اکثراً به بهائیان توصیه می شود که در برابر این مسائل صبور باشند و گفته می شود که نظم اداری در حالت"جنینی" است و

کیفیت زندگی اجتماعی با رشد امر بهتر خواهد شد. با توجه به این روش، تأکید بر ارجاع به آینده برای برآورده شدن انتظارات، به جای تأمین نیازهای فعلی اعضا، دیانت بهائی را می توان با شاهدان یهوه، یکی دیگر از فرقه های به شدت تبشیری با تعداد جابجایی فراوان در عضویت، مقایسه کرد.[۲۵]

مشورت و فرهنگ بهائی

از آنجایی که نصوص مقدس بهائی برای مشورت به عنوان روشی برای حل مشکلات اهمیت زیادی قائل است، طرح ریزی و بحث در مورد امور جامعه یکی از ویژگی های منظم زندگی بهاییان است. در تئوری، هر فردی می‌تواند هر موضوع یا سؤالی را در ضیافت، کانونشن یا با هر مقام یا مؤسسه بهائی مطرح کند. با این حال، پس از اتخاذ تصمیم، میبایست جامعه در پشتیبانی آن متحد شود و هر گونه اعتراض فردی سرکوبگردد. غیبت در کتاب مقدس بهائی به شدت محکوم شده است و این ممنوعیت نه تنها در مورد افراد، بلکه در مورد مؤسسات نیز تعمیم داده شده است، بنابراین ابراز شکایت یا انتقاد دشوار است و ممکن است با مخالفت روبرو شود. همچنین، برخی از اعضا به سادگی مرعوب شخصیت‌های قوی‌تر جامعه هستند و در بیان نظرات خود درجمع مشکل دارند. ابراز مخالفت در مقابل عموم به هیچ وجه قابل تحمل نیست، هرچند ظهور فضای مجازی در دهه نود توانایی تشکیلات را برای کنترل این امر تضعیف کرده است. فیروز کاظم زاده، منشی لجنه امور خارجه وقت، در یک سخنرانی افشاگرانه در سال هشتاد و هشت این سخنان را بیان کرد:

«همچنین باید گفت که در درون جامعه بهائی افرادی وجود دارند و حتی گاهی به گروه هایی تبدیل می شوند که فعالیت های تشکیلات بهائی را زیر سوال می برند. آنها می توانند این سؤالات را در ضیافت های نوزده روزه مطرح کنند. آنها می توانند آن سؤالات، اعتراضات، خواسته ها را به مؤسسات بالاتر ببرند. اگر کسی از یک محفل محلی ناراضی باشد، مانع از مراجعه بهمحفل ملینمی شود و از اقداماتمحفل ملیمی توان به بیت العدل جهانی شکایت کرد. اما وقتی کمپین های زمزمه درگوشی یا طومارهایی برای امضای اعتراض به فعالیت مؤسسات ارسال می شود، چیز دیگری است. این ممکن است چیزی باشد که دموکراسی آمریکایی آن را تایید می کند، اما ربطی به دیانت بهائی ندارد. ما باید همیشه به یاد داشته باشیم که نهادهای ما ترکیبی خاص و منحصر به فرد از تئوکراسی با دموکراسی به بهترین معنای کلمه هستند. نهادهای بهائیت را ما خلق نکرده ایم، نهادها را خدا خلق کرده است. عضویت در آن توسط ما تکمیل می شود. ما این امتیاز را داریم که تعیین کنیم چه کسانی در مؤسسات حضور دارند، اما خود مؤسسات بیانگر اراده خداوند هستند که از طریق مظهر الهی به جهانیان ابلاغ شده است. [۲۶]

با این حال، بهائیانی که نگرانی های خود را از طریق این مسیر ها مطرح می کنند، اغلب متوجه می شوند که این روند کند و ناکارآمد است و اگر چنین شکایاتی با عبارات خاضعانه بیان نشود حتی ممکن است به عنوان مشکل ساز معرفی شوند، به عنوان مثال، پاسخ بیت العدلبه یک تقاضا نامه که توسط سردبیرمجله مستقل بهایی کوتاه عمر«گفتگو» ، که در آن زمان توسطمحفل ملیآمریکا تحت تحقیق و بررسی بود، نوشته شده بود؛گفت:

«به نظر می رسد شما فرض می کنید که همه چیز ناشی از دسیسه های افراد خاصی در موقعیت های مسئولیت است. فقط می توان نتیجه گرفت که شما از اهمیت آنچه که می گویید آگاهنیستید. نمونه آن نامه شما در ۲۶ آوریل ۱۹۸۸ است. شما قبلاً در بند دوم به طور غیرمستقیم بیت العدل اعظم را متهم می کنید که با عدم آشنایی با واقعیت ها به نتیجه ای نادرست و ناعادلانه رسیده است. . .

این نامه به طور کلی عمدتاً حمله ای است به آنچه از نظر شما ناتوانی و بی عدالتی محفل روحانی ملی است، بدون هیچ نشانه ای از اینکه بدانید ممکن است ایراداتی از جانب شما وجود داشته باشد. در واقع، برعکس، شما می‌گویید «ما می‌دانستیم که هیچ اشتباهی نکرده‌ایم» و خود را "بهائیانیکهازهرگونهخلافیمبراهستند" معرفیمی کنید».[۲۷]

همچنین از آنجایی که بیت العدل معصوم محسوب می شود، انتظار می رود بهائیان از تصمیمات آن اطاعت کنند. نسبتاً معمول است که بیت العدل در مورد سیاست های خود به تک تک بهاییانی که درخواست می کنند توضیحاتی ارائه کند، اما مخالفت گروهی با تصمیمی را به عنوان دلیلی برای اقدام علیه آن گروهتلقی میکند.

یکی دیگر از جنبه‌های فرهنگ بهائی که مانع از آزادی مشورت با جامعه می‌شود، لزوم هوشیاری در مورد «صیانت امر» بخاطر ایجاد خصوصیت اخلاقی است که در آن اعضای جامعه از یکدیگر به مقامات و مؤسسات بهایی خبرچینی‌کنند.[۲۸] این ممکن است با زیر پا گذاشتن قوانین بهایی مرتبط با اخلاق شخصی – نجابت، پرهیز از الکل وغیره – مرتبط باشد، اما همچنین اینکه بهائیان به دلیل داشتن دیدگاه‌های غیرمتعارف«دورافتاده» شوند؛ غیرمعمول نیست. طرح پرسش‌هایی که بازتاب نگرانی‌های مطرح‌شده در ادبیات گروه‌های مختلف «ناقض میثاق» است، برخوردی بسیار سریع به همراه خواهد داشت، و چنین بهائی کنجکاوی مطمئناً خود را در موقعیتجوابگویی به سؤالات نسبتاً تند یک «عضو هیئت معاونت»خواهد یافت. یک بهایی که به این شکل مورد بازجویی قرار می‌گیرد، به گزارش‌هایی که درباره‌اش داده شده است، دسترسی نخواهد داشت، و همچنین یک سیستم مدوّن برای رسیدگی عادلانه وجود ندارد.

بر اساس گزارش هایی که بهائیان فعلی و سابق در مورد این تحقیقات ارائه کرده اند، به نظر می رسد که اعضای هیئت معاونت در رویکرد خود به طور قابل توجهی متفاوت هستند: برخی تا حد سوء استفاده تهدید می کنند. سایر بهائیان، حتی یکی از آنها که بعداً طرد شد، جلسات را نسبتاً بدون استرس گزارش می کنند. در یک مورد، یک بهایی توسط دوعضو هیئت معاونتمورد بازجویی ترسناک قرار گرفت و تنها یک عذرخواهی رسمی و شخصی از مقام بالاتر، یک مشاور دریافت کرد.[۲۹] با این حال، از آنجایی که چنین جلساتی زمانی برگزار می شود که فردی مورد سوء ظن باشد، معمولاً متشنج هستند و برخی از بهائیان سابق از آن به عنوان مقدمه کناره گیری خود از عضویت یاد می کنند.

این نظارت بر دشمنان داخلی می تواند حتی پس از خروج یکی از اعضا ادامه یابد:

« نیاز به محافظت از امر در برابر هجوم اعدا ممکن است به طور کلی توسط احبا درک نشود، به ویژه در مکان هایی که مقابله ها نادر بوده است. با این حال، مسلم است که چنین مخالفتی افزایش یافته، هماهنگ گشته و در

نهایت جهانی خواهد شد. مستندات به وضوح نه تنها تشدید دسیسه‌های دشمنان داخلی، بلکه افزایش خصومت و مخالفت دشمنان خارجی آن، اعم از مذهبی یا سکولار، را پیش‌بینی می‌کنند، در حالی که امربه سوی پیروزی نهایی پیشرویمی‌کند.»

بنابراین، با توجه به هشدارهای ولی امر، هیئت‌های معاونتصیانت باید با احتیاط به تحقیق بپردازند و «بطور مداوم» مراقب کسانی باشند که «دشمن شناخته می‌شوند یا از دین خارج شده‌اند.» :

«با احتیاط فعالیت های آنها را بررسی کنید، به طور هوشمندانه به احبا در مورد مخالفانی هشدار دهید که ناگزیر خواهند آمد، توضیح دهید که چگونه هر بحران در امرالله همیشه یک موهبت نهانی بوده است، و آنها را برای "نبرد هولناکی که قرار است میان ارتش نور و نیروهای ظلمت درگیرد" آماده کنید. ». [۳۰]

سانسور و محدودیت در مطالعات اکادمیک بهائی

قبل از ظهور فضای مجازی، تشکیلات بهائی تقریباً بر تصویر ظاهری امرنزد عموم و اطلاعات موجود در دسترس پیروان کنترل کامل داشت.

یکی از دلایلی که آن را از بررسی خارجی مصون ساخته، این است که هرگز توجه جهان دانشگاهی یا مطبوعات را به خود جلب نکرده است. این دین برخلاف بسیاری از جنبش های مذهبی نوپدید از اتخاذوجهه تهاجمی در منظر عمومی اجتناب کرده است. تقریباً تمام محققانی که آثار آکادمیک در مورد بهائیت منتشر کرده‌اند، یا بهائی هستند یا بهائی سابق، و تمایل داشته‌اند که بر تاریخ اولیه این دین در خاورمیانه یا متون مقدس آن تمرکز کنند. تحقیق در مورد جامعه معاصر نسبتاً نادر است.

راه اصلی کنترل اطلاعات این است که هر چیزی که توسط یک بهایی درباره دیانت بهائی نوشته شود، حتی اگر به یک ناشر دانشگاهی یا غیربهایی دیگر ارسال شود، باید "بررسی قبل از انتشار" را پشت سر بگذارد. ادعا می شود که این امر مستلزم سانسور نیست، بلکه فقط برای حفظ "عزت و صحت" امر انجام می شود. مصونیت دین از دشمنان خارجی نیز دلیلی بر بررسی مطالب عمومی در مورد امر است.[۳۱] از نظر تئوری، تجدید نظر طلبی می تواند با تهدید به طرد اداری (محرومیت از حق رأی، تصدی پست، شرکت در مشاوره با جامعه و غیره) روبرو شود، اما هیچ سابقه ای از اعمال چنین مجازاتی وجود ندارد.[۳۲]

سیاستی که اولین بار در زمان رهبری عبدالبهاء وضع شد و هم او و هم شوقی افندی آن را «موقت» توصیف کردند؛ در بیشتر طول قرن مناقشه ای ایجاد نکرد، اما هجوم نسل جوان دهه هفتادی، طبقه ای از بهائیان باهوش و روشننفکرمآبی را ایجاد کرد که برخی از آنها در زمینه های مرتبط با امر، مانند تاریخ خاورمیانه یا مطالعات دینی در دانشگاه های برتر تحصیل کردند.. این روشنفکران جوان طبیعتاً از محدودیت‌هایی که بر نوشته هایایشان اعمال می‌شد، سرخورده بودند. به یکی از دانشگاهیان بهائی که از این سیاست بیت العدل شکایت کرده بود، گفته شد که

دانشمندان بهائی باید «بی قید و شرط» بپذیرند که این سیاست «مطابق با اراده الهی» است و آن را به عنوان «نوعی بررسی دقیق که خود از آن استقبال می‌کنند».» به همکاران غیربهایی منتقد معرفی کنند.[۳۳]

بیت العدلدر پاسخ به کسانی که می خواهند به این محدودیت پایان دهند، به پیش بینی های عبدالبهاء و شوقی افندی در مورد مخالفت هایی که انتظار می رود با افزایش تعداد نفوس و نفوذ امر با آن مواجه شود، اشاره می کند.

« امر هنوز در مراحل اولیه خود است. با وجود بیرون آمدن آن از گمنامی، حتی در حال حاضر اکثریت قریب به اتفاق نسل بشر از وجود آن بی اطلاع هستند. علاوه بر این، اکثریت قریب به اتفاق هواداران آن بهائیان نسبتاً جدید هستند. تغییری کهمتضمن این مرحله جدید تحول آن است، این است که در حالی که قبلاً این گیاه تازه پا در سایهگمنامی از توجه عناصر خارجی محفوظ می ماند؛ اکنون در معرض دید قرار گرفته است. این مواجهه مستلزم مشاهده دقیق است و این مشاهده در نهایت منجر به تقابل در جنبه های مختلف خواهد شد. جامعه بهایی به دور از نگرش سهل انگارانه باید از ضرورت ارائه تصویر صحیح از خود و تفهیم هدف خود به عامه مردم دیرباور آگاه باشد. اکنون باید کوشش بیشتر، مراقبت بیشتر برای اطمینان از صیانتامر در برابر کینه توزی جاهلان و بی خردی دوستان بکار گرفته شود » .[۳۴]

ترس از دشمنان خارجی نیز از تاریخ آزار و اذیت بهائیت در ایران نشأت گرفته است. نگرانی از امنیت بهائیان در آن کشور توسط مدافعان تشکیلات به عنوان دلیلی برای محتاط بودن در معرفی عمومی آن ذکر شده است.

دانشمندان بهائی علاوه بر سیاست بازنگری پیش از انتشار، از عدم دسترسی به منابع اصلی، دلسردی و مداخله در پروژه‌های دانشگاهی، [۳۵] و در یک مورد خاص، حذف قسمت هایی از یک منبع اصلی مهم قبل از انتشار، شکایت کرده‌اند. [۳۶].

در حالی که نصوص مقدس بهائی ظاهراً از دانش پژوهی حمایت می کنند، و خودبیت العدلبیانیه های متعددی در مورد اهمیت آن بیان کرده است، در عین حال روش های مرسوم آکادمیک را با عناوینی همچون "ماتریالیستی" و "طراحی شده برای نادیده گرفتن حقایق موجودامر" محکوم کرده است. ۳۷] عامه بهائیان گرایش ضد روشنفکری دارند و درک یا همدردی کمی با مشکلاتی که دانشگاهیان در ساختار بهائی با آن روبرو هستند، دارند. ماهیت نوشتار آکادمیک نیز به درستی درک نشده است و دانشمندان بهائی به دلیل کوتاهی در نسبت دادن رویدادهای تاریخ بهائیت به مداخله الهی یا در نظر گرفتن تأثیرات زمینه ای بر شخصیت های اصلی امر، مورد انتقاد قرار گرفته اند. [۳۸]

یکی دیگر از مشکلات کسانی که به مطالعه علوم دینی می پردازند، اما قادر به خواندن فارسی یا عربی نیستند، این است که حیفا در ترجمه انگلیسی نوشته های حجیم بهاءالله کند بوده است. با این حال، ترجمه‌های غیررسمی به طور فزاینده‌ای در اینترنت در دسترس هستند.بیت العدل اخیراً اعلام کرده است که نسخه‌های رسمی بیشتری در راه است.[۳۹]

هجوم جوانان و روشنفکران بهایی

ترکیب جمعیتی دیانت بهائی در دهه هفتاد دستخوش یک تغییر عظیم شد: حدود ۱۳۰۰۰ بهائی در سال ۱۹۶۹ در مقایسه با ۷۵۰۰۰ ده سال بعد، با اکثریت تازه تسجیل های جوان.[۴۰] شواهد افواهی حاکی از آن است که نسل قدیم به این تازه واردان با ترس و تردید می نگریست، زیرا آنها فرهنگ جوانی را با خود آوردند که برای قدیمی ها بیگانه و تهدیدکننده بود. با این حال، بهائیان متولد آن دوره این زمان را با علاقه به یاد می آورندو بخشی از انگیزه آنها برای اصلاحات، ناشی از ناامیدی از دستیابی به گسترش سریع دیانت است..[۴۱]

یکی از اولین جنبه های زندگی بهائی که تازه واردان را ناامید کرد این بود که گرچه دیانت بهائی چندین دغدغه اجتماعی را در ضمن اصول خود اعلام می کند، اما هر نوع دخالت سیاسی برای اعضا کاملاً ممنوع است. این باعث شد که این فعالان جوان هیچ راهی برای دستیابی به آرمان های خود، به غیر از خدمت به اهداف تشکیلات برای آینده بلندمدت بهائی،امکان دسترسی به هیچ روش عملی نداشته باشند. یکی از نوکیشان متولددهه شصت و هفتاد اینطور بیان کرد:

« ایمان آوردن بهائیان نسل من، در طول سال‌های هیجان‌انگیز و پرتلاطم جنگ ویتنام اتفاق افتاد، زیرا دیدیم که بهاءالله روشن‌ترین مسیربشریت را برای رشد روحانی ما و اقدام ما برای نجات کره زمین ارائه می‌دهد. اکثر دوستان بهایی من در دوران جوانی من از دین خارج شده اند. نه به این دلیل که ایمان خود را به بهاءالله یا تعالیم از دست دادند، بلکه به این دلیل که اجازه نداشتند آرمان ها و فعالیت های خود را به عنوان بهایی بیان کنند. و امروز بارها و بارها از دوستانی می شنوم که بی سر و صدا امر را ترک می کنند تا آرمان های خود را در جنبش صلح، جنبش زنان، در زمینه بوم شناسی، در موسیقی و رقص، در نظام مذهبی دنبال کنند، زیرا آنها اجازه ندارند تعهد خود را نسبت به تغییر اجتماعی، بیان هنری یا یک مسیر عرفانی در چارچوب بهائی ابراز کنند».[۴۲]

پاسخ بیت العدل :

گرایش مردم به امر،موضوعی غیرعادی نیست زیرا در آن تحقق آرمان هایی را می بینند که در دل گرامی میدارند. اما اگر کسی در قلب خود واقعاً بهاءالله را بشناسد و درک او از آموزه‌ها عمیق‌تر شود، به تدریج می‌بیند که آرمان‌های او صرفاً جنبه‌هایی از مشیت فراگیر خداوند هستند و پذیرای تحمل هر گونهرنج و ناامیدی به خاطر تحقق آن اهداف خواهد بود. با این حال، اگر مؤمن اجازه دهد که آرمان‌ها و اهداف شخصی او برتری خود را در اندیشه‌اش حفظ کنند و متوجه شود که نمی‌تواند آن‌طور که می‌خواهد آن را دنبال کند، ممکن است باعث شود که امر را ترک کند و از راه‌های دیگر پیگیر اهدافش باشد. این همان چیزی است که به نظر می رسد برای احبایی که شما از آنها صحبت می کنید رخ داده است.

سپس این بهائی به خاطر پیگیری آرمان های خود در درون دیانت بهائی، اما مستقل از ساختار تشکیلاتی، مورد سرزنش قرار می گیرد.[۴۳]

تعدادی از روشنفکران جوان در اواسط دهه هفتاد در منطقه لس آنجلس گرد هم آمدند. آنها در آنجا به یک زیرگروه متمایز در بزرگترین جامعه بهائی کشور تبدیل شدند که هم به دلیل شکاف نسلی، از رهبری تشکیلات و هم از بقیه جامعه به علت آموزش و گفتمان انتقادی شان جدا گشتند. آنها یک سری کلاس های مطالعاتی را شروع کردند که در آن هیچ موضوعی ممنوع نبود و بحث منطقی و عقلانی بود. کلاس مطالعه لس آنجلس نیز برای کسانی که علاقه مند به این بحث ها بودند، اما قادر به حضور در جلسات نبودند اقدام به توزیع یک خبرنامه کوچک محلی کرد که عمدتاً شامل بحث هایی درباره جنبه های تاریخ و کتاب مقدس بهائیان بود. بااینکه یادداشت‌های کلاس مطالعه لس‌آنجلس فقط با اشتراک در دسترس بود، ناگزیر به دست کسانی افتاد که از محتوای آنها ناراحت شده بودند و آنها را به مقامات بهایی تحویل دادند. در آوریل ۱۹۷۹، بیت العدل جهانی نامه‌ای به محفل روحانی ملی آمریکا ارسال کرد که در آن ابراز نگرانی کرد که خبرنامه کلاس مطالعه «ناآگاهی از آموزه‌های اساسی امر را نشان می‌دهد»، «بد سلیقه» بوده، و حاوی نظراتی است که می‌تواند باعث «امتحانات سخت برای مؤمن» گردد. اعضای محفل ملی برای صحبت باشرکت کنندگان در کلاس مطالعهاعزام شدند تا به محتوای مطالباعتراض کنند و در عین حال به طور متناقض ادعا کنند که هدف محفل سانسور بحث ها نبوده است. به عنوان مثال، ادعا شده بود که این خبرنامه حاوی «انتقاد مخرب» و نمایش «حزب‌گرایی» است. این اتهامات اعضای کلاس را متحیر کرد و به آنها گفته شد که این جنبه های مورد اعتراض انتشارات آنها «در صورت تأمل روشن می شود». این نوع عدم تایید مبهم و این انتظار که بهائیان باید به طور غریزی بدانند خطوط قرمز کجاست و خودسانسوری کنند، استانداردی برای تشکیلات بهائی در برخورد با گفتمان عمومی است. در نهایت، محفل ملی خواستار بررسی این خبرنامه شد. در حالی که برنامه هایی برای تجدید نظر وجود داشت، کلاس به تدریج منحل شد و موضوع منتفی گشت.[۴۴]

در سال ۱۹۸۵، تعداد کمی از اعضای باقیمانده این کلاس گرد هم آمدند تا یک فصلنامه مهم‌تر به نام « گفتگو » را راه‌اندازی کنند که مخاطب هدف آن بهائیان دارای دغدغه‌های اجتماعی و علایق فکری بود. تقریباً از همان ابتدا بین سردبیران و محفل روحانی ملی تنش وجود داشت، از جمله مخالفت هایی در مورد طرح استفاده از عنوان فرعی «مجله بهایی تفسیر و عقاید»، زیرا تصور می شد منظور از کلمه «بهائی» این است که این مجله منعکس کننده نظرات رسمی تشکیلات است. الزام بررسی پیش از انتشار باعث ایجاد مشکلات جدی در برنامه زمان‌بندی انتشار شد و ده‌ها مقاله کاملاً سانسور شدند و چندین مقاله دیگر تنها پس از بازنگری مجاز به انتشار شدند. در ماه مه ۱۹۸۷ سردبیران برای ملاقات با محفل روحانی ملی احضار شدند و متهم به "تضعیف اعتبار محفل ملی"شدند. حتی اعضای دلسوزتر گفتند که «لحن» مجله «درست نبود». با این حال، دیالوگ به سرعت محبوب شد و تبدیل به بزرگترین نشریه بهایی با اشتراک پولی در آمریکای شمالی شد. از آنجایی که تا حدودی تمایلی لیبرال داشت، این نشان می‌داد که تعداد زیادی از بهائیان موافق این دیدگاه هستند.[۴۵] ذکر این نکته حائز اهمیت است که همه اعضای محفل ملی یابیت العدلاز سرکوب مجله حمایت نکردند و سردبیران ابراز همدردی خصوصی از سوی اقلیت خارج از رای را گزارش کرده اند.[۴۶]

The final crisis was precipitated by the submission of the article A Modest Proposal that “.outlined reform proposals for the “revitalization of the American Baha’i community Most of these reforms were fairly mild, with the most controversial from the Baha‘i perspective being the abolition of prepublication review and the imposition of term limits on National Assembly members.[47] In response NSA conducted an investigation in which twelve people associated with the magazine were questioned one by one. This so threatened the editors and staff that they wrote frantic appeal letters to the UHJ. NSA editors **dialogue** member Firuz Kazemzadeh denounced both A Modest Proposal and the on the floor of the 1988 National Convention and read aloud from these letters as proof of their disrespect for the Institutions. This forced the closure of the magazine, since the Baha’i community, with its history of shunning internal enemies, would not support anything run by a group openly named as dissidents by the NSA. Four of the editors were sanctioned, an unprecedented move since none of them had broken any well-established Baha’i law. [48]

By this time, those associated with “the LA group” were clearly perceived by the Baha’i administration as dangerous subversives, with a political agenda. In a letter to one of the :editors the UHJ commented

This incident was merely the latest episode in a history of problems going back some twelve years, originating with the study groups in Los Angeles and its promotion of the wide circulation of the records of its discussions, continuing through some of the publications . . . and being developed through certain of the articles appearing in ”.dialogue“

It is clear that many different individuals were involved over the years in the study group, ... and “dialogue.” However, certain believers have been prominently associated .with all three and form a connecting link in the minds of many of the friends

In the Baha’i community methods and mechanisms are provided within the Administrative Order to elicit and make the best use of the ideas and hopes of individual .believers in ways that enrich the pattern of Baha’i life without disrupting the community There may be many occasions on which individual believers are permitted or even encouraged by their Assembly to promote their ideas, but independent attempts by

individual Baha'is to canvass support for their views among their fellow believers are destructive of the unity of the Cause. To attempt, in opposition to the institutions of the Faith, to form constituencies for certain proposals and programmes may not necessarily lead to Covenant-breaking, but it is a societal factor for disruption against which the Covenant is designed to protect the Faith. It is the process by which parties are formed .and by which a religion is riven into contending sects

we have highlighted two aspects which lie at the root of the problem: the un-Baha'i. . . marshalling of a group working to bring pressure on the institutions of the Cause, and the intemperate criticism employed. [49]

It is difficult to locate, in either the LA study class notes or dialogue exactly where or how the "criticism" becomes "intemperate" or even how they put "pressure" on the Institutions. There was no campaign in the ordinary political sense, although the dialogue editors were falsely charged with distributing A Modest Proposal to the delegates at the National Convention.[50] They were also accused, because the article was presented as a group effort, with seven co-authors, of "circulating a petition". [۵۱] The fact that a magazine, which never published a single article that did not pass through the review system, and an unpublished article concerning reform could arouse such a reaction from .Baha'i authorities reveals a deep fear over the loss of control of the membership

Talisman and the Rise of Baha'i Cyberspace

With the exception of these brief experiments in free expression, most Baha'is gain their knowledge of the wider Baha'i world through institutional letters shared at Feast, or the NSA's newspaper, The American Baha'i, both of which tend to be cheerleading efforts to encourage members to meet the goals of the current teaching plan and to financially support the institutions' various building projects.[52] With such a history of information

بحران نهایی با ارائه مقاله «پیشنهاد متواضعانه» که شامل طرح‌های اصلاحی برای «احیای جامعه بهائی آمریکا» بود، آغاز شد.
اکثراینااصلاحاتنسبتاًملایمبودندوبحثبرانگیزترینآنهاازدیدگاهبهائیانلغوبررسیپیشازانتشاروواعمالمحدودیتدورهبرایاعضایمحفلملیبود.
[۴۷] در پاسخ، محفل ملی تحقیقی را انجام داد که در آن دوازده نفر از افراد مرتبط با مجله یک به یک مورد

بازجویی قرار گرفتند. این امر چنان سردبیران و کارکنان را تهدید کرد که آنها نامه های تندی به بیت العدلنوشتند. فیروز کاظم زاده، عضو محفل ملی، هم «پیشنهاد متواضعانه » و هم ویراستاران « گفتگو » را در صحن کانونشن ملی ۱۹۸۸ محکوم کرد و این نامه ها را بعنوان دلیلی بر بی احترامی آنها به تشکیلات،با صدای بلند خواند. این امر باعث بسته شدن مجله شد، زیرا جامعه بهایی با سابقه دوری جستن از دشمنان داخلی، از گروهی که آشکارا توسط محفل ملی به عنوان مخالفان نامیده می شود،به هیچ وجه حمایت نمی کند. در اقدامی بی سابقه چهار تن از سردبیران طرد شدند، با اینکه هیچکدام از آن‌ها هیچ‌یک از قوانین مدون بهائی را زیر پا نگذاشته بودند. [۴۸]

در این زمان، افراد مرتبط با "گروه لس آنجلس" به وضوح توسط تشکیلات بهائی به عنوان براندازان خطرناک و با یک برنامه سیاسی تلقی می شدند. بیت العدل در نامه ای به یکی از سردبیران چنین اظهار نظر کرد:

« این حادثه صرفاً آخرین قسمت از تاریخچه مشکلاتی بود که به حدود دوازده سال قبل بازمی‌گردد، که از گروه‌های مطالعاتی در لس‌آنجلس و ترویج انتشار گسترده سوابق بحث‌های آن آغاز شد و از طریق برخی از نشریات ادامه یافت و از طریق برخی از مقالات موجود در (گفتگو) در حال توسعه بود.

واضح است در طول سالیان افراد مختلفی درگیر گروه مطالعه و «گفتگو» بودند. با این حال، برخی از مؤمنان به طور شاخص با هر سه ارتباط داشته اند و حلقه اتصال را در ذهن بسیاری از دوستان تشکیل می دهند.

در جامعه بهائی روشها و سازوکارهایی در نظم اداری برای استخراج و استفاده بهینه از ایده ها و انتظارات تک تک مؤمنان به نحوی فراهم می شود که الگوی حیات بهائی را بدون ایجاد اختلال در جامعه غنی تر می کند. ممکن است موقعیت های زیادی وجود داشته باشد که در آن محفل به مؤمنان اجازه دهد یا حتی تشویق کندکه عقاید خود را ترویج کنند، اما تلاش‌های مستقل تک تک بهائیان برای حمایت از دیدگاه‌هایشان خود در میان هم کیشان خود، به وحدت امر لطمه می زند. تلاش در مخالفت با نهادهای تشکیلاتی امر، برای تشکیل حوزه‌هایی برای پیشنهادها و برنامه‌های خاص ممکن است لزوماً به نقض میثاق منجر نشود، اما این خود یک عامل اجتماعی است برای برهم زدن عهد و میثاق که برای صیانت از امر طراحی شده است. این فرآیندی است که طی آن احزاب تشکیل می‌شوند و طی آن یک دین به فرقه‌های متخاصم تقسیم می‌شود.

ما دو جنبه را برجسته کرده‌ایم که ریشه مشکل را تشکیل می‌دهند: تجمعگروهی غیربهائی که برای اعمال فشار بر نهادهای امرفعالیت می‌کنند، و انتقاداتافراطی که به کارمی‌رود ». [۴۹]

در یادداشت‌های کلاس مطالعه لس‌آنجلس یا گفت‌وگوی لس‌آنجلس دشوار است که دقیقاً مشخص شود کجا یا چگونه «انتقاد» به «افراطی» تبدیل می‌شود یا حتی چگونه بر تشکیلات «فشار» وارد می‌کنند. هیچ کمپینی به معنای عادی سیاسی وجود نداشت، اگرچه سردبیران گفتگو به دروغ به توزیع "پیشنهاد متواضعانه" برای نمایندگان در کانونشن ملی متهم شدند.[۵۰] همچنین آنها متهم شدند به اینکه این نوشتهتوسط هفت نفر از نویسندگان مشترک، به عنوان یک تلاش جمعی، به صورت «پخش اعلامیه» ارائه شده است. [۵۱] این واقعیت که مجله‌ای که هرگز حتی یک مقاله بدون عبور از سیستم ممیزی منتشر نکرده است و نیز مقاله‌ای در مورد اصلاحات در آن منتشر نشده؛

می‌تواند چنین واکنشی را از سوی مقامات تشکیلات بهائی برانگیزد، ترسی عمیق درمورد از دست دادن کنترل روی اعضاء را نشان می‌دهد.

طالیسمان و ظهور فضای مجازی بهاییان

به استثنای این تجربه های کوتاه در زمینه آزادی بیان، بیشتر بهائیان از طریق اطلاعیه هایتشکیلاتیکه در ضیافت نوزده روزهبه اشتراک گذاشته شده یا نشریه محفل ملی،The American Baha’iکه هر دو درجهت تشویق اعضا برای دستیابی به اهداف برنامه تبلیغی جاری و حمایت مالی از پروژه های مختلف ساختمانی تشکیلات تلاش می کنند؛در مورد جهان بزرگتر بهائی مطلع می شوند..[۵۲] با چنین سابقه ای از کنترل اطلاعات، اغراق نیست اگر بگوییم که گسترش اینترنت در دهه ۱۹۹۰ تأثیر خیره کننده ای بر کیفیت گفتمان بهائی داشت. با این حال، در حالی که نهادهای بهائی نمی توانند نظراتی را که در انجمن های آنلاین بیان می شود کنترل کنند، اقدامات تنبیهی را علیه افرادی که به عنوان تهدید تلقی می شوند؛انجام داده اند.

انجمن ایمیل طالیسماندر سال ۱۹۹۴ توسط پروفسور جان والبریج از دانشگاه ایندیانا به عنوان یک پروژه دانشگاهی ایجاد شد. بسیاری از شرکت‌کنندگان از نوع بحث‌های فکری آزادانه، حتی چالشی و روشنفکرانه‌ای که در آنجا صورت می‌گرفت و تاکنون در زندگی جامعه بهایی بسیار نادر بود، خوشحال بودند.[۵۳] با این حال، مانند موارد قبلی که در بالا ذکر شد، بهائیان محافظه کارتر از نظرات بیان شده در آنجا ناراحت شدند و ایمیل هایی را به مقامات بهایی ارسال کردند. در اواخر سال ۱۹۹۵، محفل ملی با دیوید لنگنس تماس گرفت و از او خواست که پستی را که در اکتبر ارسال کرده بود و در آن مراحل قضایی بهاییان را با ‘‘دادگاه های فرمایشی’’ مقایسه کرده و از نحوه محرمانه رسیدگی به این پرونده ها شکایت کرده بود، پس بگیرد.[۵۴] کانون اصلی نگرانی آنها بیانیه او بود مبنی بر اینکه محفل ملی در ابتدا بدون تایید بیت العدل علیه « گفتگو»عمل کرده است. لانگنس یکی از کسانی بود که به دلیل ارتباطش با « دیالوگ » طرد شده بود و نویسنده اصلی ‘‘یک پیشنهاد متواضعانه’’ بود. محفل ملیتهدید کرد که اگر لانگنس از این قانون پیروی نکند، او را طرد اداری خواهد کرد.[۵۵] با این حال، هنگامی کهلانگنسدر نهایت یک نامهعذرخواهی ارسال کرد، ناکافی تلقی شد و او به هر حال طرد شد.[۵۶]

در یک انجمن کوچکتر و تخصصی تر به نام « مجنون »، یکی از اعضای طالیسمان از رفتار با لنگنس خشمگین شد و پیشنهاد اعتراض سازمان یافته را داد. پیامیدر پاسخ با لحن تا حدی موهن و طنزآمیز، این ایده را در نظام بهائی غیر ضروری و غیر قابل اجرا دانست.[۵۷] این ایمیل که بعداً «پست مجنون» نام گرفت، به طور تصادفی برای تالیسمان فرستاده شد و سپس به عنوان مدرکی دال بر یک توطئه توقیف شد.[۵۸] این محرکی بود برای بررسی ارسال کنندگانشاخص پست های تالیسمان در بهار ۱۹۹۶ .

با شش نفر از جمله دیوید لانگنس توسط مشاور قاره ای استفن بیرکلند تماس گرفته شد و طبق گزارشات آنها تهدید شدند که به خاطر فعالیت های فضای مجازی خود به عنوان ناقض معرفی می شوند.[۵۹] همه آنها از بهائیان قدیمی شصت-هفتادساله، تحصیلکرده و روشنفکر بودند که با گروه «مطالعاتی لس آنجلس» و/یا «گفتگو» ارتباط داشتند. چهار نفر از شش نفر در نهایت از عضویت خود در بهائیت استعفا دادند.

این که این بهائیان تحت فشار روانی شدیدی بودند، از داستان‌هایشان پیداست. یک مثال:

«وقتی نامه ای از یک مشاور قاره ای دریافت کردمکهحاکی از آن بود که من در معرض خطر اعلام نقض هستم، تأثیر آن بر شخص من کمتر از خانوادهام بود. همسر من و بسیاری از اعضای خانواده اش بهایی هستند. . . تهدید واقعی اعلام شدن به عنوان یک ناقض به این معنی بود که همسرم مجبور بود که یا با من به عنوان یک مرتدهمراه گردد یا از من طلاق بگیرد تا بتواند روابط خود را با خانواده و سایر دوستان مادام العمر حفظ کند. از آنجایی که [همسرم] قصد طلاق از من را نداشت، این انتخاب ها به خانواده او نیز کشیده می شد. خواهرش اگر از معاشرت با ما امتناع نمی‌کرد به‌طور خودکار به همراه شوهر و فرزندانش ناقض اعلام می شد. بسیاری از دوستان نزدیک بهایی من نیز با تصمیم حفظ دوستی یا پیوستن به من به عنوان یک مرتد مواجه می شدند. همه چیز پوچ و کاملا قرون وسطایی است. اما موضوعی را مطرح می کند که شما به خوبی به آن اشاره کرده اید؛ اینکه چگونه کسی بخواهد به گروهیکه اینگونه رفتار می کند و اینقدر ظالم است تعلق داشته باشد. به همین دلیل من داوطلبانه دیانت را ترک کردم. نه برای فرار از مجازات، بلکه به این دلیل که جامعه بهایی از نظر روحانی به مکانی ناسالم تبدیل شده بود. از اینکه خانه معنوی بیست و پنج ساله ام به زندان و کابوس تبدیل شده بود؛ به شدت ناراحت بودم. [۶۰]

دیوید لانگنس همچنین در مورد تأثیر بالقوه آن بر خانواده خود ابراز نگرانی کرد و گزارش داد که از احتمال نامیده شدن به عنوان ناقض بیش از تجربه خود به عنوان یک پزشک در دورانجنگ ویتنام می ترسد.[۶۱]

اگر هدف تشکیلات بهائی خاموش کردن مخالفان بود، این تلاش نتیجه معکوس داشت. یکی از کسانی که مورد بازجویی قرار گرفت، پروفسور خوان کول از دانشگاه میشیگان بود که پس از استعفای خود بسیار پر سر و صداتر و منتقدتر از قبل شد. او که از محدودیت های تحمیل شده به علت عضویت در جامعه بهائی رها شده بود، نه تنها این داستان را که چگونه مجبور به دست کشیدن از دینش شده بود، علنی کرد، بلکه اسنادی که قبلاً توقیف شده بود، مانند "یک پیشنهاد متواضعانه"، را در وب قرار داد و مقالاتی درباره مکانیسم‌های کنترل داخلی تشکیلاتنوشت. [۶۲] منصفانه است که بگوییم، در حالی که بهائیان محافظه کار به دفاع از اقدامات تشکیلات ادامه می دهند، سرکوب، بیش از آن که اعضا را ساکت کند، منتقدان آنلاین ایجاد کرده است.

در نامه‌ای به تاریخ ۷ آوریل ۱۹۹۹، بیت العدل این را به عنوان «کارزار مخالفت داخلی با تعالیم» توصیف می‌کند. به ویژه، دست اندرکاران را به تلاش برای تحمیل یک ایدئولوژی سیاسی بر تعالیم بهائی متهم می کند و دانش «ماتریالیستی» را که این «طرح» بر آن استوار است، محکوم می کند. این نامه هرگونه شکایت در مورد نقض حقوق بشر را رد می کند، زیرا عضویت بهائیان داوطلبانه است.[۶۳]

از زمان تحقیق و بررسی درمورد طالیسمان،هیچ تهدید دیگری بعنوان ناقض نامیدن ناراضیان آنلاین وجود نداشته است. در عوض، سه نفر از این منتقدان از فهرست سجلات امری حذف شده اند، با این توضیح که «رفتار و نگرش» آنها موجب رد صلاحیت است. بیت العدل در این موارد به پرسشگران توضیح بیشتری داده است که اگر این افراد نظرات خود را به طور علنی بیان نمی کردند، "تصورات غلط" آنها بصورت "مشکل معنوی شخصی" آنها باقی می ماند، اما از آنجایی که آنها تصمیم گرفتند دیدگاه هایشانرا در اینترنت منتشر کنند، بناچاربخاطر حفظ

وحدت امر، حذف نامشدند.[۶۴] بر اساس گزارش های افرادی که به این طریق اخراج شده اند، این اطلاعیه هایمبنی بر به خطر افتادن وضعیت عضویت آنها،بدون هشدار قبلی منتشر شده است.[۶۵] با این حال بیت العدلادعا کرده است که چنین اقداماتی تنها پس از مشاوره گسترده انجام شده است.[۶۶] در مورد آلیسون مارشال نیوزیلند، اعضای محفل ملی نامه‌های اعتراضی نوشتند و این واکنش سرزنش‌آمیز را از سوی پیتر خان، عضو مجلس نمایندگان، برانگیخت:

پیتر خان: اما نکته این است که اینجا در این کشور نشانه ای از یک مشکل اساسی در رابطه با عمق فهم از عهد و میثاق و ولایت تشکیلات امری در جامعه بهائی وجود دارد. چیزی که شما به عنوان مساله ای طبیعی می پذیرید، طبیعی نیست، بلکه غیرطبیعی است. طبیعی این است که در یک جامعه بهائی عده ای از بهائی ها وجود داشته باشند که در مورد عهد و میثاق بسیار آگاه باشند و بتوانند دانش خود را با دیگران به اشتراک بگذارند، تا تمام جامعه درک خوبی از عهد و میثاق داشته باشند و از آن پیروی کنند. و اگر این کار انجام نشود، آنوقت آنچه من در آینده در نیوزیلند پیش بینی میکنم، بیش از آن چیزی است که اکنون داریم – گستاخی ها و بی ادبی های بیشتر، افراد بیشتری که سرکشانه علیه آن "جمعیتِ ضدّ حال در حیفا که خود را بیت العدل اعظم می خوانند ولی هیچی هم حالیشون نیست" فعالیت می کنند. این چیزی است که من در آینده در این کشور می بینم مگر اینکه توجه دقیق، فوری و طولانی به تعمیق و درک بسیار بیشتر از عهد و میثاق وجود داشته باشد **. [۶۷]**

این یعنی احساس بی عدالتی در مورد اخراج ناگهانی زن هم وطنشان (آلیسون مارشال) اشتباه و غیر عادی تلقی شده است؛ و وفاداری به مقامات بالای تشکیلات مستلزم این است که همه تصمیمات آنها را درست و عادلانه ببینند. برخلاف کسانی که به عنوان ناقضطرد شده‌اند، بهائیانی که حذفنام شده‌اند تحریم نمی‌شوند، بلکه باید مانند غیربهائیان با آنها رفتار شود.

در خارج از دنیای فضای مجازی بهاییان، اطلاعات در دسترس پیروان هنوز کنترل می‌شود و این درگیری‌ها توجه اندکی را از سوی رسانه‌های غیربهائی به خود جلب کرده است.[۶۸] تازه واردان به تالارهای گفتگوی آنلاین بهائیان، اغلب از انتقادات مکرر و تند تشکیلات بهائی ابراز شگفتی و ناراحتی می کنند. دیگران از اقدامات تنبیهی تشکیلات بهایی علیه هم کیشانشان که همیشه فکر میکردند یک دیانتآسانگیر است، وحشت زده شده اند. کسانی که از اقداماتبیت العدلآشفته می شوند ممکن است در یک بحران اعتقادی قرار بگیرند که یا باید در ارزش های ذهنی خود بازنگری کنندکه چنین اقدامات خشن را قابل قبول بدانند یا اعتقاد به بهاءالله را کنار بگذارند. عده کمی مسیر غیرسنتی را می یابند که در آن بهاءالله همچنانکانونتوجهروحانی آنهاست، اما عصمتبیت العدل را یامحدود میدانند یا حتی منکر آن هستند.

با وجودی که آیینبهائییکفرقهنیست،امادارایکساختاراستبدادیوهمسان سازی فرهنگیاستکهبسیاریازکسانیکهبهارمانهایآزادی خواهانهونوشتههایالهامبخشبهاءاللهجذبمیشوند،بهطورغیرقابلتحملیمحدودمیشوند.

باید دید که آیا گشودگی جدیدی که گفتمان اینترنتی ایجاد می‌کند، تشکیلات را به سمت آرمان‌های تساهل‌آمیز موجود در نصوص مقدسه سوق می‌دهد یا باعث می‌شود که هر چه بیشتر در ترس تدافعی عقب‌نشینی کند.

یادداشت

[۱] توریش، دنیس و ولفورث، تیم. (۲۰۰۰). پیامبران آخرالزمان: برتری سفید و الهیات هویت مسیحی. مجله مطالعات فرقه ,۱۷,۱۷.

[۲] بیت العدل اعظم.(۱۹۸۸). حقوق و آزادی های فردی در نظم جهانی حضرت بهاءالله. نسخه الکترونیکی بازیابی شده در ۹ ژانویه ۲۰۰۲ از کتابخانه منابع دانشگاهیان بهائی: http://bahai-library.org/published.uhj/irf.html

[۳] اسمیت، پیتر. (۱۹۸۷). ادیان بابی و بهائی: از تشیع مسیحایی تا دین جهانی کمبریج: انتشارات دانشگاه کمبریج. ص ۱۸۹.

[۴] مشاهدات من در این مورد و سایر جنبه های فرهنگ بهائی بر اساس سیزده سال عضویت در آیین بهائی و گفتگوهای آنلاین گسترده با بهائیان در سراسر طیف ایدئولوژیک در دو سال گذشته است. من همچنین یک گروه پشتیبانی آنلاین برای بهائیان دورافتاده و سابق را اداره می کنم.

[۵] برای نمونه ای از این نگرش از سوی یک مخالف برجسته بهائی، به کول، خوان (1999) RI مراجعه کنید. بیانیه شخصی در مورد بهاءالله، ۳ سال بعد. بازیابی شده در ۹ ژانویه ۲۰۰۲ از وب سایت Juan RI Cole: http://www-personal.umich.edu/~jrcole/bahai/1999/persdec.htm

[۶] بیت العدل اعظم. (۲۰۰۱). نامه ۴ آوریل به محافل روحانی ملی.

[۷] عبدالبهاء. (۱۹۷۱) الواح وصایایعبدالبهاء. ویلمت: تراست انتشارات بهائی.

[۸] اسناد مربوط به اخراج مایکل مک از دیانت بهائی توسط بیت العدل اعظم. (۱۹۹۷) بازیابی شده در ۹ ژانویه ۲۰۰۲ از وب سایت Juan RI Cole: http://www-personal.umich.edu/~jrcole/bahai/1999/mckenny.htm. به نامه UHJ مورخ ۲۷ سپتامبر ۱۹۹۷ به کاترین وودگلد مراجعه کنید. بیت العدل جهانی. (۱۹۹۹) نامه ۷ آوریل به محافل روحانی ملی مسائل مربوط به مطالعه دیانت بهائی. بازیابی شده در ۹ ژانویه ۲۰۰۲ از کتابخانه منابع بهائی آکادمیک: http://bahai-library.org/compilations/issues.scholarship.html توضیحی که بیت العدل برای اخراج آلیسون ارائه کرده است. (۲۰۰۰) بازیابی شده در ۹ ژانویه ۲۰۰۲ از وب سایت آلیسون مارشال: http://home.clear.net.nz/pages/alisonz/19-4-00.html

[۹] عبدالبهاء. الواح وصایا ص۱۱.

[۱۰] صفحه بهایی مشاوران انتاریو در مورد مدارای مذهبی. در ۹ ژانویه ۲۰۰۲ از The Ontario Consultants on Religious Tolerance بازیابی شده است: http://www.religioustolerance.org/ bahai.htm OCRT شش سازمان خارج از آیین بهائی را فهرست می کند. برخی از اینها منقرض شده یا در حال منقرض شدن هستند. تاریخچه مختصری از گروه های منشعب بهائی را می توان در مومن، موژان. میثاق. بازیابی شده در ۹ ژانویه ۲۰۰۲ از کتابخانه منابع دانشگاهیان بهائی یافت: http://bahai-library.org/encyclopedia/ covenant.html

[۱۱] شرح نقش ولایت و بیت العدل را می توان در ربانی، شوقی افندی یافت. (۱۹۷۴) تدبیر حضرت بهاءالله. نظم جهانی بهاءالله. Wilmette, Ill.: مؤسسه انتشارات بهائی, صص ۱۴۳-۱۵۱.

[۱۲] کول، خوان (1998) RI. آئین بهائی به عنوان پانوپتیک ۱۹۶۳-۱۹۹۷. مجله علمی پژوهشی دین، ۳۷(۲)، ۲۳۴-۲۴۸. نسخه الکترونیکی بازیابی شده در ۹ ژانویه ۲۰۰۲ از وب سایت Juan RI Cole: http://www-personal.umich.edu/~jrcole/bahai/1999/jssr/bhjssr.htm

[۱۳] بیت العدل در رابطه با وظایف حفاظتی این مقامات منصوب می گوید: «اعضای هیئت باید همیشه هوشیار باشند و اعمال کسانی را که با انگیزه های نفسانی به دنبال کاشتن بذر شک و تردید در ذهن احباو تضعیف امر هستند؛ تحت نظر بگیرند. به طور کلی، هر زمان که احبا متوجه چنین مشکلاتی شدند، باید فوراً با هر مؤسسه‌ای که احساس می‌کنند تمایل دارند به آن مراجعه کنند، اعم از مشاور، عضو هیئت معاونت، محفل روحانی ملی یا محفل محلی خودشان، تماس بگیرند. سپس وظیفه آن موسسه است که اطمینان حاصل کند که گزارش به مسیر صحیح وارد شود و همه مؤسسات مربوطه دیگر فوراً مطلع شوند. معمولاً، این مسئولیت بر عهده یکی از اعضای هیئت معاونت، با هماهنگی محفل مربوطه، خواهد بود تا در واکنش به وضعیت، اقدامی انجام دهد. این مشارکت شامل مشاوره با مؤمن مورد نظر خواهد بود. در صورت لزوم به او در مورد عواقب اعمال خود هشدار دهید. و توجه مشاوران به شدت وضعیت، که ممکن است نیاز به مداخله آنها را درپی داشته باشد. به طور طبیعی، عضو هیئت باید تمام تلاش خود را برای مقابله با این طرح ها و جلوگیری از گسترش نفوذ آن معدودی که علیرغم تلاش برای هدایت آنها، در نهایت نقض عهد می کنند، به کار گیرد. بیت العدل جهانی. (۱۳۸۰) نهاد مشاوران. بازیابی شده در ۹ ژانویه ۲۰۰۲ از آرشیو فهرست بهائی شناسی: http://www.escribe.com/religion/bahaist/ m24780.html

[۱۴] Adherents.com Index.(nd). بازیابی شده در ۹ ژانویه ۲۰۰۲ از http://www.adherents.com/ Na_41.html این به نقل از Kosmin, B. & S. Lachman. (1993) است. یک ملت خدا شناس: دین در جامعه معاصر آمریکا نیویورک: کتاب هارمونی، صص ۱۵-۱۷. کاسمین و لاچمن در مورد مسئله کم شماری بهائیان می گویند: «... ممکن است که روش ما [بیش از ۱۰۰۰۰۰ نظرسنجی تلفنی] گرایش به کمترنشان دادن شمارش گروه هایی داشته باشد که در محیط های جمعی زندگی می کنند ... این توسط ...بهائی به ما اظهار شده

استکه ادعا می کند ۱۱۰۰۰۰ پیرو در سراسر کشور دارند... ما تنها تعداد ۲۸۰۰۰ نفر یافتیم. بهائی ها در محیط های جمعی زندگی نمی کنند، با این حال، نظرسنجی تلفنی ممکن است اعضای بهایی را کهدر یک خانواده زندگی میکنند در نظر نگرفته باشد.

یکی از دلایل متورم بودن آمار عضویت این است که اعضای دیانت بهائی تنها در صورتی از فهرست حذف می شوند که استعفانامه خود را به محفل روحانی ملی بنویسند. اکثر نوکیشان سابق بدون انجام این کار رها میکنند و میروند. همانطور که Adherents.com گزارش داد: « همانطور که در گروه های مذهبی که عمدتاً از نوکیشان تشکیل شده معمول است، بهائیانی که از مشارکت فعال در جنبش کنار می‌روند، کمتر احتمال دارد که هویت اسمی خود را با دین حفظ کنند — زیرا این مذهب والدین یا مذهب اکثریت فرهنگ اطراف آنها نبوده است.»

[۱۵] خان، پیتر. (ژوئن ۲۰۰۰). سخنرانی پیتر خان در کنفرانس ملی آموزش، اوکلند، نیوزلند، ژوئن ۲۰۰۰. بازیابی شده در ۸ ژانویه ۲۰۰۲ از وب سایت Juan RI Cole: http://www-personal.umich.edu/~jrcole/bahai/2001/khannz .html

[۱۶] برنامه پنج ساله، منتشر شده در نشریه بهائی آمریکایی، ۲۰ اوت ۲۰۰۱.

[۱۷] هچر، جان (۱۹۹۶) نقش جدید محقق در جامعه بهائی. ارائه شده در ۸ مرداد ۹۶ در مدرسه بهایی گرین اکر. بازیابی شده در ۹ ژانویه ۲۰۰۲ از کتابخانه منابع دانشگاهیان بهائی: http://bahai-library.org/conferences/role.scholar.html

[۱۸] موضع ضد تئوکراسی را می توان در کول، خوان RI (1998) یافت. مدرنیته و هزاره: پیدایش دیانت بهائی در خاورمیانه قرن نوزدهم. نیویورک: انتشارات دانشگاه کلمبیا. همچنین سن مک‌گلین، دین و دولت در نظم جهانی بهاءالله را ببینید. بازیابی شده در ۹ ژانویه ۲۰۰۲ از کتابخانه منابع دانشگاهیان بهائی: http://bahai-library.org/unpubl.articles/church.html

[۱۹] بیت العدل جهانی. (۱۹۹۹) نامه ۷ آوریل به مجامع روحانی ملی. مسائل مربوط به مطالعه بهائیت.

[۲۰] شکایت نیومکزیکو علیه مؤسسات بهائی به دلیل کلاهبرداری و افترا. بازیابی شده در ۸ ژانویه ۲۰۰۲ از دیانت بهائی و آزادی وجدان مذهبی: http://members.fortunecity.com/bahaicensorship/NMLawsuit.htm

[۲۱] به عنوان نمونه ای از این الگوی جوامع کوچک و پراکنده: در واحد انتخاباتی من در منطقه روستایی کالیفرنیای شمالی، در اواخر دهه ۱۹۸۰ تقریباً ۳۰۰ بهائی بالغ در لیست حضور داشتند. اینها بین ده جامعه به اندازه کافی بزرگ برای انتخاب محافل محلی (یعنی داشتن حداقل تعداد نُه بزرگسال) و تعداد نُه جامعه به عنوان "گروه" تقسیم شدند که در آن کمتر از نُه عضو وجود داشت. همچنین تعداد زیادی «مؤمنان دورافتاده» در محلاتی زندگی می‌کردند که جامعه سازمان‌یافته‌ای نداشتند. از ده جامعه ای که دارایمحفلبودند، تنها سه جامعه بیش از

پانزده بزرگسال داشتند، سطحی که در آن، محافل ترغیب می شوند تا به عنوان مؤسسات غیرانتفاعی ثبت شوند. هیچ جامعه بهایی در این واحد با بیش از پنجاه عضو بزرگسال در فهرست وجود نداشت.

[۲۲] برای مثالی از مداخلهمحفل ملیدر امور محلی، کول، خوان (2000) RI را ببینید. نژاد، بی اخلاقی و پول در جامعه بهائی آمریکا: استیضاح محفل روحانی لس آنجلس. دین، ۳۰(۲)، ۱۰۹-۱۲۵. نسخه الکترونیکی بازیابی شده در ۹ ژانویه ۲۰۰۲ از وب سایت Juan RI Cole: http://www-personal.umich.edu/~jrcole/bahai/2000/dialala2.htm

[۲۳] راجرز، دنیس (۲۰۰۱). تجربه من به عنوان عضوی از دیانت بهائی. برگرفته از Bahai Faith & Religious Freedom of Concience: http://www.angelfire.com/mi3/bahai/Ex16.htm

[۲۴] شکایت نیومکزیکو علیه مؤسسات بهائی به دلیل کلاهبرداری و افترا. در حالی که این شکایت رد شد، شکایت تصویر واضحی از یک جامعه ناکارآمد بهائی را ترسیم می کند. نگرش این رئیس و ادعای «صدای خدا» بودن او توسط یکی از بهاییان سابق که در دهه ۱۹۸۰ در آن جامعه زندگی می کرد نیز تأیید شد. رجوع کنید به حزینی، نیما (۱۳۸۰) خاطرات من از جامعه بهائی آلبوکرکی. بازیابی شده در ۹ ژانویه ۲۰۰۲ از بایگانیtalk.religion.bahai: http://groups.google.com

[۲۵] Conkin, Paul K. (1997). اصل آمریکایی: انواع خانگی مسیحیت. چاپل هیل، NC: انتشارات دانشگاه کارولینای شمالی pp.157-159.

[۲۶] سخنرانی فیروز کاظم زاده در مارس ۱۹۸۸ در لس آنجلس،به نقل از Cole’s Race, Immorality, and Money.

[۲۷] بیت العدل جهانی. (۱۹۸۸). نامه ۲۱ ژوئن به استیون شول.

[۲۸] کول. (۱۹۹۸) آیین بهائی به عنوان پانوپتیکون.

[۲۹] کولهن، تری. (۱۹۹۹). پرونده من – نامه ای به دوستانم. بازیابی شده در ۹ ژانویه ۲۰۰۲ از بهائی Faith & Religious Freedom of Conscience: http://members.fortunecity.com/bahaicensorship/Culhane.htm

[۳۰] بیت العدل اعظم. (۲۰۰۱). موسسه مشاوران

[۳۱] بیت العدل اعظم. (۱۹۸۸). حقوق و آزادی های فردی در نظم جهانی حضرت بهاءالله. بیت العدل جهانی. (۱۹۸۲). نامه دوم دسامبر به خوان کول. بازیابی شده در ۸ ژانویه ۲۰۰۲ از کتابخانه منابع دانشگاهیان بهائی: http://bahai-library.org/uhj/salmani.letters.html

[۳۲] برخی از دانشگاهیان بهایی بی سر و صدا از همکاری با بررسی خودداری کرده اند، چیزی که به نظر می رسد حداقل در برخی موارد به طور ضمنی تحمل می شود. با این حال، کسی که آشکارا بهمحفل ملیاعلام کرد که قصد ندارد کار خود را برای بازبینی ارسال کند، نامه هشدار شدیدی دریافت کرد که تهدید می‌کرد در صورت عدم ارائه، حقوق اداری او را سلب می‌کند. یعنی :« طرد اداری »

[۳۳] بیت العدل اعظم. (۱۹۹۲) نامه ۱۰ دسامبر به یک فرد بهایی. مسائل مربوط به مطالعه بهائیت.

[۳۴] بیت العدل اعظم. (۱۹۸۸). حقوق و آزادی های فردی در نظم جهانی حضرت بهاءالله.

[۳۵] Maneck, Susan (1992) نامه ۲۱ سپتامبر به بیت العدل جهانی. بازیابی شده در ۹ ژانویه ۲۰۰۲ از سایت سوزان مانک: http://bahaistudies.net/susanmaneck/House_letter_academic_methodologies.html

[۳۶] بیت العدل اعظم. (۱۹۸۲). نامه دوم دسامبر به خوان کول. این نامه انگیزهبیت العدلرا از دستور حذف قسمت هایی از نسخه منتشر شده خاطرات یکی از یاران نزدیک حضرت بهاءالله (خاطرات سلمانی) بیان می کند و می گوید: «. . . برخی از اظهارات سلمانی گمراه کننده و ناشایست است و علاوه بر تحریف امر برای خواننده عادی، می تواند مطالبی را برای دشمنان دین فراهم کند که در حال حاضر از هر فرصتی برای حمله به امر و سیاه کردن آبروی آن استفاده می کنند.

[۳۷] بیت العدل اعظم.(۱۹۹۹). نامه ۷ آوریل به محافل روحانی ملی.

[۳۸] نامه داگلاس مارتین از طریق دبیرخانه مرکز جهانی بهائی در مورد کتاب مدرنیته و هزاره خوان کول. (۲۰۰۰). بازیابی شده در ۹ ژانویه ۲۰۰۲ از وب سایت Juan RI Cole: http://www-personal.umich.edu/~jrcole/1999/modernit.htm این صفحه وب حاوی گزیده هایی از مرکز جهانی بهائیان است به تاریخ ۳ اوت ۲۰۰۰ به یک فرد بهایی همراه با تفسیر کول. برای نمونه‌های بیشتر از نقد بررسی های آکادمیک تاریخ بهائیت به نقش جدید محققان در جامعه بهائی که در بالا اشاره شد مراجعه کنید.

[۳۹] بیت العدل اعظم. (۲۰۰۱). برنامه پنج ساله

[۴۰] استوکمن، رابرت. (۱۹۹۵) جامعه بهائی آمریکا در نسخه الکترونیکی دهه نود در ۹ ژانویه ۲۰۰۲ از کتابخانه منابع دانشگاهیان بهایی بازیابی شده است: http://bahai-library.org/articles/american.community. html در اصل در دکتر تیموتی میلر (ویرایش) (۱۹۹۵) منتشر شده است. ادیان جایگزین آمریکا آلبانی: SUNY Press.

[۴۱] ویراستاران گفتگو. (۱۹۸۸) یک پیشنهاد متواضع: نُه توصیه برای احیای جامعه بهائی. بازیابی شده در ۹ ژانویه ۲۰۰۲ از شبکه گفتگوی H-Bahai: http://www2.h-net.msu.edu/~bahai/docs/vol2/modest.htm

[۴۲] شول، استیون. (۱۹۸۸). نامه ۳ آوریل به بیت العدل اعظم.

[۴۳] بیت العدل اعظم. (۱۹۸۸). نامه ۲۱ ژوئن به استیون شول.

[۴۴] کلاس مطالعاتی لس آنجلس درباره دیانت بهائی. خبرنامه. (۱۹۷۶-۱۹۸۳). بازیابی شده در ۹ ژانویه ۲۰۰۰ از شبکه گفتگوی H-Bahai: http://www2.h-net.msu.edu/~bahai/docs/vol2/lastudy/laclass.htm

[۴۵] کول، خوان (1999) RI سانسور مطبوعات در آیین بهائی و ماجرای گفتگو. تایپ چاپ نشده

[۴۶] لانگنس، دیوید. (۱۹۹۶). نامه ۱۲ مارس به بیت العدل اعظم.

[۴۷] ویراستاران گفتگو. (۱۹۸۸.) یک پیشنهاد متواضعانه.

[۴۸] شول، استیون. (۱۹۹۷) Re: Dialogue Thread on SRB. بازیابی شده در ۸ ژانویه ۲۰۰۲ از Soc. دین. بهایی آرشیو: http://www.bcca.org/services/srb/srcive/970101-970228/0992.html

[۴۹] بیت العدل اعظم. (۱۹۸۸). نامه ۲۱ ژوئن به استیون شول.

[۵۰] شول. پاسخ: موضوع گفتگو در SRB. بحث هایی در مورد اینکه آیا این اتهام مبنی بر انتشار یک پیشنهاد متواضعانه در بین نمایندگان بر اساس اطلاعات نادرست بوده است یا اینکه این یک فریب عمدی بوده است.

[۵۱] بیت العدل اعظم. (۱۹۸۸). نامه ۲۱ ژوئن به استیون شول.

[۵۲] از زمان ولایت شوقی افندی، دیانت بهائی به ساختن زیارتگاه ها و ساختمان های اداری در کوه کرمل و ساختن معابد در نقاط مختلف جهان اهمیت زیادی داده است. فشار بزرگ در دهه ۱۹۹۰ تکمیل ساختمان های اداری و ایجاد باغ های پلکانی در اطراف حرم باب بود که به طور رسمی در ۲۲ مه ۲۰۰۱ افتتاح شدبهائیانسرخوردهوسابقاغلبباخشمبهدرخواستهایمستمربرایحمایتمالیازاینپروژههااشارهمیکنند.

[۵۳ بخش هایی ازآرشیوها در انجمن ایمیل Talisman@indiana.edu را می توان در وب سایت Juan RI Cole یافت: http://www-personal.umich.edu/~jrcole/tarc1196.htm. جان والبریج در ماه مه ۱۹۹۶، در پی تحقیقات، این انجمن را تعطیل کرد، اما این فهرست یک ماه بعد توسط خوان کول با نام Talisman@umich.edu دوباره ایجاد شد در دسامبر ۱۹۹۹ لیست بهگروه هاییاهو منتقل شد!. آدرس صفحه

اصلی لیست http://groups.yahoo.com/group/talisman9 است. آرشیو فقط از طریق اشتراک در دسترس است. آرشیو Talisman@umich.edu هنوز به صورت آنلاین در دسترس نیست.

[۵۴] لانگنس، دیوید. (۱۹۹۵) موضوع: مقابله علنی با بی عدالتی. ارسال ایمیل ۱ اکتبر به Talisman@indiana.edu.

[۵۵] محفل روحانی ملی بهائیان ایالات متحده. (۱۹۹۵). نامه ۸ نوامبر به دیوید لانگنس.

[۵۶] بیت العدل اعظم. (۱۹۹۶). نامه ۱۰ آوریل به محفل روحانی بهائیان ایالات متحده.

[۵۷] پست مجنون. (۱۹۹۶). بازیابی شده در ۹ ژانویه ۲۰۰۲ از بهائی Faith & Religious Freedom of Conscience: http://members.fortunecity.com/bahaicensorship/Majnunpost.htm. این پست ایمیل اشتباه در تاریخ ۷ فوریه ۱۹۹۶ به Talisman@indiana.edu ارسال شد.

[۵۸] بیرکلند، استفان. (۱۹۹۶). نامه استفان بیرکلند به یک دانشگاهی بهایی. بازیابی شده در ۹ ژانویه ۲۰۰۲ از وب سایت Juan RI Cole: http://www-personal.umich.edu/~jrcole/bahai/bhcouns.htm

[۵۹] مدافعان آنلاین تشکیلات همواره تهدید شدن ارسال کنندگان پست های طالیسمان را رد می کنند. با این حال، دو نامه از طرف Birkland به شرکت کنندگان Talisman در وب جهانی در وب سایت Juan RI Cole ارسال شده است: http://www-personal.umich.edu/~jrcole/bhdocs.htm هر دو نامه حاوی این هشدار است که گیرندگان اگر به فعالیت های فضای مجازی خود ادامه دهند، «در تضاد مستقیم با عهد و میثاق» خواهند بود. تنها بیانیه عمومیبیت العدلکه به سرکوب اشاره می‌کند، می‌گوید: «در اوایل سال ۱۹۹۶، ماهیت عمدی این طرح در یک پست تصادفی در فهرست اینترنتی که مشترکان بهایی معتقد بودند به کاوش علمی در مورد امر اختصاص داده شده بود، آشکار شد. برخی از افراد مسئول هنگامی که مشاوران به آنها جهت فعالیت هایشان را اشاره کردند، از امر استعفا دادند. تعداد کمی از افراد دیگر به ترویج این کمپین در جامعه بهائی ادامه می دهند.» از بیت العدل جهانی. (۱۹۹۹). نامه ۷ آوریل به محافل روحانی ملی.

[۶۰] شول، استیون. (۲۰۰۰). پست ۲۶ آوریل به talisman9@yahoogroups.com.

[۶۱] لانگنس، دیوید. (۱۹۹۶). پست ۱۷ مه به Talisman@indiana.edu

[۶۲] وب سایت Juan RI Cole، صفحه بهائیت شناسی http://www-personal.umich.edu/~jrcole/bahai.htm

[۶۳] بیت العدل اعظم. (۱۹۹۹). نامه ۷ آوریل به محافل روحانی ملی.

[۶۴] اسناد مربوط به اخراج مایکل مک کنی توسط بیت العدل اعظم از دیانت بهائی. (۱۹۹۷). توضیحی که بیت العدل برای اخراج آلیسون داده است. (۲۰۰۰).

[۶۵] مک کنی، مایکل. (۱۹۹۹). پاسخ: حوزه ای که در آن آزادی در جامعه بهائی محدود شده است. بازیابی در ۹ ژانویه ۲۰۰۲ از بهائی http://:Faith & Religious Freedom of Conscience: members.fortunecity.com/bahaicensorship/Mckenny17.htm صفحه اصلی آلیسون مارشال: http:// /home.clear.net.nz/pages/ alisonz آلیسون مارشال شکایتی را باکمیسیون حریم خصوصی نیوزیلند علیه مجمع روحانی ملی نیوزلند به دلیل امتناع آن از تصحیح بیانیه منتشر شده که ادعا می کند قبل از حذف نام با او مشاوره شده بود، تنظیم کرده است.

[۶۶] اسناد مربوط به اخراج مایکل مک کنی توسط بیت العدل جهانی از دیانت بهائی. (۱۹۹۷). توضیحی که بیت العدل برای اخراج آلیسون داده است. (۲۰۰۰).

[۶۷] خان.(۲۰۰۰).). سخنرانی پیتر خان در کنفرانس ملی آموزش، اوکلند، نیوزلند، ژوئن ۲۰۰۰.

[۶۸] دو مقاله در سال ۱۹۹۷ در مورد سرکوب طالیسمان منتشر شد:

جانسون، کی. پل. (۱۹۹۷). رهبران بهائی توسط منتقدان آنلاین عصبانی شده اند. عرفان. نسخه الکترونیکی بازیابی شده در ۸ ژانویه ۲۰۰۲ از دیانت بهائی و آزادی وجدان مذهبی: http://members.forutnecity.com/ bahaicensorship/Gnosis.html

ریفکین، ایرا (۱۹۹۷). منتقدان از محافظه کاری بهائی عصبانی هستند. سرویس اخبار مذهبی. نسخه الکترونیکی بازیابی شده در ۸ ژانویه ۲۰۰۲ از کتابخانه منابع علمی بهائی: http://bahai-library.org/newspapers/ chafe.html

کارن باکت به مدت سیزده سال تسجیل بهایی شده بود و پس از اینکه متوجه شد چه اتفاقی برای مجله گفتگو افتاده است، از عضویت خود کناره گیری کرد. او که یک معلم مدرسه ابتدایی است، چندین مقاله آنلاین درباره مسائل جامعه بهایی نوشته است که در وب سایت او به آدرس http://www.angelfire.com/ca3/bigquestions/ themestream.html موجود است. خانم باکت همچنان خود را یک بهایی معتقد می‌داند و به‌طور خصوصی خارج از ساختار اداری عمل می‌کند. می توان با او در bacquet@tco.net تماس گرفت.

انجمن بین المللی مطالعات فرقه ای (ICSA) اطلاعاتی در مورد فرقه ها، گروه های فرقه ای، دستکاری روانی، سوء استفاده روانی، سوء استفاده معنوی، شستشوی مغزی، کنترل ذهن، اصلاح فکر، کلیساهای بدسرپرست، گروه های پرتقاضا، جنبش های مذهبی جدید، مشاوره خروج و پیشنهادات عملی ارائه می دهد. برای کسانی که به کمک نیاز دارند

نظرات بیان شده در وب‌سایت‌های *ICSA* یا در نشریات یا رویدادها یا مکان‌های دیگر *ICSA* متعلق به نویسنده یا سخنرانان سند است و لزوماً توسط *ICSA* یا هیچ یک از مدیران، کارکنان یا مشاوران آن به اشتراک گذاشته، تأیید یا توصیه نمی‌شود. .

فهرست‌بندی در وب‌سایت ICSA به این معنی نیست که ICSA هر گروهی را یک فرقه می‌داند، تاکتیک‌های اجباری یا مخرب را انجام می‌دهد یا هر قانونی را نقض می‌کند. این به سادگی به این معنی است که ICSA اطلاعاتی درباره گروه دارد و/یا از اعضای فعلی و سابق، خانواده‌های آنها، متخصصان، محققان، رسانه‌ها یا عموم مردم سؤالاتی دریافت کرده است. گروه‌های فهرست‌شده، توصیف‌شده یا ارجاع‌شده در وب‌سایت‌های ICSA ممکن است جریان اصلی یا غیراصولی، بحث‌برانگیز یا غیرمذهبی، مذهبی یا غیرمذهبی، مذهبی یا غیر مذهبی، مضر یا بی خطر باشند. ما پرسشگران را تشویق می‌کنیم که نظرات مختلف، منفی و مثبت را در نظر بگیرند، تا پرسش‌گران بتوانند قضاوت‌های مستقل و آگاهانه‌ای را در رابطه با نگرانی‌های خاص خود انجام دهند.

ICSA هیچ وکیل حرفه ای را استخدام نمی کند. شماره FL SC-07158; شماره معاف از مالیات فدرال: ۸۲۸-۲۶۶۷-۰۴. یک کپی از ثبت نام رسمی و اطلاعات مالی این سازمان را می توان از بخش خدمات مصرف کننده با تماس رایگان در داخل ایالت دریافت کرد. ۱-۸۰۰-(435-7352) HELP-FLA. www.floridaconsumerhelp.com.

Notes

Tourish, Dennis and Wohlforth, Tim.(2000). Prophets of the apocalypse: White [۱] .supremacy and the theology of Christian Identity. Cultic Studies Journal ,17,17

Universal House of Justice.(1988). Individual rights and freedoms in the world order [۲] of Baha’u’llah. Electronic version retrieved January 9, 2002, from Baha’i Academics Resource Library: http://bahai-library.org/published.uhj/irf.html

Smith, Peter. (1987). The Babi and Baha’i religions: From messianic Shi’ism to world [۳] .religion Cambridge: Cambridge University Press. p.189

My observations on this and other aspects of Baha’i culture are based upon thirteen [۴] years as an enrolled member of the Baha’i Faith, and extensive online conversations with

Baha'is across the ideological spectrum over the past two years. I also run an online .support group for alienated and former Baha'is

For one example of this attitude from a prominent Baha'i dissident, see Cole, Juan [۵] R.I. (1999). Personal statement on Baha'u'llah, 3 years on. Retrieved January 9, 2002 /from Juan R.I. Cole website: http://www-personal.umich.edu/~jrcole/bahai/1999 persdec.htm

.Universal House of Justice. (2001). April 4 letter to National Spiritual Assemblies [۶]

Abdu'l-Baha. (1971) Will and testament of 'Abdu'l-Baha'. Wilmette, Ill.: Baha'i' [۷] .Publishing Trust

Documents related to the expulsion by the Universal House of Justice of Michael [۸] McKenny from the Baha'i Faith. (1997) Retrieved January 9, 2002 from Juan R.I. Cole website: http://www-personal.umich.edu/~jrcole/bahai/1999/mckenny.htm. See UHJ letter dated September 27, 1997 to Catherine Woodgold. Universal House of Justice. (1999) April 7 letter to National Spiritual Assemblies Issues related to the study of the Baha'i -Faith. Retrieved January 9, 2002 from Baha'i Academics Resource Library: http://bahai library.org/compilations/issues.scholarship.html Explanation given by the House of Justice for Alison's expulsion. (2000) Retrieved January 9, 2002 from Alison Marshall website: http://home.clear.net.nz/pages/alisonz/19-4-00.html

.Abdu'l-Baha. Will and testament p.11' [۹]

,The Ontario Consultants on Religious Tolerance Baha'i page. Retrieved January 9 [۱۰] //:from The Ontario Consultants on Religious Tolerance website: http 2002 www.religioustolerance.org/bahai.htm The OCRT lists six organizations outside the Baha'i World Faith. Some of these are defunct or nearly so. A brief history of Baha'i splinter groups can be found in Momen, Moojan. Covenant. Retrieved January 9, 2002 /from Baha'i Academics Resource Library: http://bahai-library.org/encyclopedia covenant.html

A description of the roles of the Guardianship and House of Justice can be found in [١١] Rabbani, Shoghi Effendi. (1974) The dispensation of Baha'u'llah. World order of .Baha'u'llah. Wilmette, Ill.: Baha'i Publishing Trust, pp.143-151

Cole, Juan R. I.(1998). Baha'i Faith as panopticon 1963-1997. Journal for the [١٢] scientific study of religion, 37(2), 234-248. Electronic version retrieved January 9, 2002 /from Juan R.I. Cole website: http:// www-personal.umich.edu/~jrcole/bahai/1999/jssr bhjssr.htm

Concerning the protection duties of these appointed officials, the Universal House of [١٣] Justice states : "The Board members must remain ever vigilant, monitoring the actions of those who, driven by the promptings of ego, seek to sow the seeds of doubt in the minds of the friends and undermine the Faith. In general, whenever believers become aware of such problems, they should immediately contact whatever institution they feel moved to turn to, whether it be a Counsellor, an Auxiliary Board member, the National Spiritual Assembly or their own Local Assembly. It then becomes the duty of that institution to ensure that the report is fed into the correct channels and that all the other institutions affected are promptly informed. Not infrequently, the responsibility will fall on an Auxiliary Board member, in coordination with the Assembly concerned, to take some form of action in response to the situation. This involvement will include counselling the believer in question; warning him, if necessary, of the consequences of his actions; and bringing to the attention of the Counsellors the gravity of the situation, which may call for their intervention. Naturally, the Board member has to exert every effort to counteract the schemes and arrest the spread of the influence of those few who, despite attempts to guide them, eventually break the Covenant." Universal House of Justice. (2001) The institution //:of the counsellors. Retrieved January 9, 2002 from the Baha'i Studies List Archive: http www.escribe.com/religion/bahaist/m24780.html

//:Adherents.com Index.(n.d.). Retrieved January 9, 2002 from http [١۴] www.adherents.com/Na_41.html This cites Kosmin, B. & S. Lachman.(1993). One nation .under God: Religion in contemporary American society. New York: Harmony Books, pp Kosmin and Lachman say on the issue of the Baha'i undercount: "… possible that .15-17 our methodology [over 100,000 phone surveys] tended to undercount groups that live in communal settings… [This] was suggested to us by the Baha'i…, [which] claims 110,000

adherents nationwide… we found only 28,000 ” Baha’is do not live “in communal settings“, however, the phone survey may have failed to take into account Baha’i family .members living in the same household

One reason for the highly inflated membership statistics is that members of the Baha’i Faith are only removed from the rolls if they write a letter of resignation to the National Spiritual Assembly; most former converts drift away without doing so. As Adherents.com reported “As is typical with a religious group made up primarily of converts, Baha’is who drift from active participation in the movement are less likely to retain nominal identification with the religion — because it was not the religion of their parents or the ”.majority religion of the surrounding culture

Khan, Peter. (June 2000). Talk given by Peter Khan at the National Teaching [۱۵] Conference, Auckland, New Zealand, June 2000. Retrieved January 8, 2002 from Juan R.I. Cole website: http://www-personal.umich.edu/~jrcole/bahai/2001/khannz.html

.Five Year Plan, published in The American Baha’i, 20 August 2001 [۱۶]

Hatcher, John (1996)The new role of the scholar in Baha’i society. Presented on 8 [۱۷] August 1996 at Green Acre Baha’i School. Retrieved January 9, 2002 from the Baha’i Academics Resource Library: http://bahai-library.org/conferences/role.scholar.html

The anti-theocracy position can be found in Cole, Juan R.I. (1998). Modernity and [۱۸] . the millennium: The genesis of the Baha’i Faith in the nineteenth century Middle East New York: Columbia University Press. See also McGlinn, Sen. Church and state in the World Order of Baha’u’llah. Retrieved January 9, 2002 from Baha’i Academics Resource Library: http://bahai-library.org/unpubl.articles/church.html

.Universal House of Justice.(1999) April 7 letter to National Spiritual Assemblies [۱۹] .Issues related to the study of the Baha’i Faith

New Mexico lawsuit against Baha’i institutions for fraud and libel. Retrieved [۲۰] //:January 8, 2002 from Baha’i Faith & Religious Freedom of Conscience: http members.fortunecity.com/bahaicensorship/NMLawsuit.htm

As an example of this pattern of small, scattered communities: In my electoral unit in [۲۱] rural Northern California, there were approximately 300 adult Baha'is on the rolls in the .late 1980s. These were divided between ten communities large enough to elect LSAs (i.e having at least nine adults) and nine communities organized as "groups" where there were less than nine members. There were also a great number of "isolated believers" living in localities with no organized community. Of the ten communities that had LSAs, only three had more than fifteen adults, the level at which assemblies are encouraged to incorporate as non-profit agencies. There were no Baha'i communities in the unit with .more than fifty adult members on the rolls

,For an example of NSA intervention in local affairs, see Cole, Juan R.I.(2000). Race [۲۲] Immorality, and Money in the American Baha'i Community: Impeaching the Los Angeles Spiritual Assembly. Religion,30(2), 109-125. Electronic version retrieved January 9, 2002 /from Juan R.I. Cole website: http://www-personal.umich.edu/~jrcole/bahai/2000 dialala2.htm

Rogers, Dennis (2001). My experience as a member of the Baha'i Faith. Retrieved [۲۳] /from Bahai Faith & Religious Freedom of Conscience: http://www.angelfire.com/mi3 bahai/Ex16.htm

New Mexico lawsuit against Baha'i institutions for fraud and libel. While this [۲۴] lawsuit was dismissed, the complaint paints a vivid portrait of a dysfunctional Baha'i community. The attitude of this chairman, and his claim to be the "Voice of God" was also confirmed by a former Baha'i who lived in that community during the 1980s. See Hazini, Nima (2001) My memories of the Albuquerque Baha'i community. Retrieved January 9, 2002 from talk.religion.bahai archives: http://groups.google.com

.Conkin, Paul K.(1997). American originals: Homemade varieties of Christianity [۲۵] .Chapel Hill, NC: University of North Carolina Press pp.157-159

Talk given by Firuz Kazemzadeh in March 1988 in Los Angeles, quoted in Cole's [۲۶] .Race, Immorality, and Money

.Universal House Justice. (1988). June 21 letter to Steven Scholl [۲۷]

.Cole. (1998) The Baha'i Faith as panopticon [۲۸]

Culhane, Terry. (1999).My Case – A letter to my friends. Retrieved January 9, 2002 [۲۹]
/from Baha'i Faith & Religious Freedom of Conscience: http://members.fortunecity.com
bahaicensorship/Culhane.htm

.Universal House of Justice. (2001). Institution of the Counsellors [۳۰]

Universal House of Justice. (1988). Individual Rights and Freedoms in the world [۳۱]
.order of Baha'u'llah. Universal House of Justice. (1982). December 2 Letter to Juan Cole
-Retrieved January 8, 2002 from the Baha'i Academics Resource Library: http://bahai
library.org/uhj/salmani.letters.html

Some Baha'i academics have quietly declined to cooperate with review, something [۳۲]
which seems to be tacitly tolerated, at least in some cases. However, one who openly
announced to the NSA that he was not going to submit his work to review got a stern
.warning letter back that threatened to take his administrative rights away if he did not

Universal House of Justice. (1992) December10 letter to an individual Baha'i. Issues [۳۳]
.related to the study of the Baha'i Faith

Universal House of Justice. (1988). Individual rights and freedoms in the world order [۳۴]
.of Baha'u'llah

.Maneck, Susan (1992) September 21 letter to the Universal House of Justice [۳۵]
/Retrieved January 9, 2002 from Susan Maneck's Site: http://bahaistudies.net
susanmaneck/House_letter_academic_methodologies.html

Universal House of Justice. (1982). December 2 letter to Juan Cole. This letter [۳۶]
describes the UHJ's motivation in ordering the deletion of passages in the published
version of the memoirs of a close companion of Baha'u'llah, saying ". . . certain of
Salmani's accounts are misleading and unworthy and, apart from distorting the Faith for
the average reader, can provide material for the enemies of the Faith who at the present
".time are seizing every opportunity to attack the Cause and blacken its reputation

.Universal House of Justice.(1999). April 7 letter to National Spiritual Assemblies [۳۷]

Letter of Douglas Martin via the Secretariat of the Baha'i World Center concerning [۳۸] Juan R.I. Cole's book Modernity and the Millennium. (2000). Retrieved January 9, 2002 from Juan R.I. Cole website: http://www-personal.umich.edu/~jrcole/1999/modernit.htm This web page contains excerpts from the Baha'i World Center, dated August 3, 2000 to an individual Baha'i, interspersed with Cole's commentary. For further examples of criticisms of academic examinations of Baha'i history see The new role of the scholar in .Baha'i society mentioned above

.Universal House o f Justice. (2001). Five Year Plan [۳۹]

Stockman, Robert.(1995) The American Baha'i Community in the Nineties [۴۰] :Electronic version retrieved January 9, 2002 from Baha'i Academics Resource Library .http://bahai-library.org/articles/american.community.html. Originally published in Dr .Timothy Miller (Ed.).(1995). America's alternative religions. Albany: SUNY Press

dialogue editors. (1988) A modest proposal: Nine recommendations for the [۴۱] revitalization of the Baha'i community. Retrieved January 9, 2002 from H-Bahai Discussion Network: http://www2.h-net.msu.edu/~bahai/docs/vol2/modest.htm

.Scholl, Steven. (1988). April 3 letter to the Universal House of Justice [۴۲]

.Universal House of Justice. (1988). June 21 letter to Steven Scholl [۴۳]

Los Angeles Study Class on the Baha'i Faith. Newsletter. (1976-1983). Retrieved [۴۴] /January 9, 2000 from H-Bahai Discussion Network: http://www2.h-net.msu.edu/~bahai docs/vol2/lastudy/laclass.htm

.Cole, Juan R.I.(1999) Press censorship in the Baha'i Faith and the dialogue affair [۴۵] .Unpublished typescript

.Langness, David. (1996). March 12 letter to the Universal House of Justice [۴۶]

.dialogue editors. (1988.) A Modest Proposal [۴۷]

Scholl, Steven. (1997) Re: Dialogue thread on SRB. Retrieved January 8, 2002 from [۴۸] /Soc. Religion. Bahai. archives: http://www.bcca.org/services/srb/srchive html.970101-970228/0992

.Universal House of Justice. (1988). June 21 letter to Steven Scholl [۴۹]

Scholl. Re: Dialogue thread on SRB. There has been some debate on whether the [۵۰] charge that A Modest Proposal was circulated among the delegates was based on .misinformation, or whether it was a deliberate deception

.Universal House of Justice. (1988). June 21 letter to Steven Scholl [۵۱]

Since Shoghi Effendi's ministry the Baha'i Faith has put great importance on [۵۲] building shrines and administrative buildings on Mt. Carmel, and in building temples in various parts of the world. The big push in the 1990s was the completion of the ,administrative buildings and creating terraced gardens around the Shrine of the Bab which were officially opened on May 22, 2001. Disillusioned and former Baha'is frequently refer with resentment to the continual appeals to support these projects .financially

.Partial archives to the Talisman@indiana.edu email forum can be found on Juan R.I [۵۳] Cole website: http://www-personal.umich.edu/~jrcole/tarc1196.htm. John Walbridge -closed this forum down in May 1996, in the wake of the investigation, but the list was re !established a month later by Juan Cole as Talisman@umich.edu. The list moved to Yahoo /Groups in December 1999. The list's home page is http://groups.yahoo.com/group talisman9. Archives are available through subscription only. The archives to .Talisman@umich.edu are not yet available online

Langness, David. (1995) Subject: Publicly confronting injustice. October 1 email [۵۴] .posting to Talisman@indiana.edu

National Spiritual Assembly of the Baha'is of the United States. (1995). November 8 [۵۵] .letter to David Langness

Universal House of Justice. (1996).April 10 letter to the Spiritual Assembly of the [۵۶] .Baha'is of the United States

Majnun post. (1996). Retrieved January 9, 2002 from Baha'i Faith & Religious [۵۷] /Freedom of Conscience: http://members.fortunecity.com/bahaicensorship

Majnunpost.htm. This misdirected email post was sent to Talisman@indiana.edu on 7 .February 1996

.Birkland, Stephen. (1996). Letter of Stephen Birkland to a Baha'i academic [۵۸] /Retrieved January 9, 2002 from Juan R.I. Cole website: http://www-personal.umich.edu jrcole/bahai/bhcouns.htm~

Online defenders of the administration consistently deny that the Talisman posters [۵۹] were threatened. However, two letters by Birkland to Talisman participants are posted on /the World Wide Web on the Juan R.I. Cole website: http://www-personal.umich.edu jrcole/bhdocs.htm Both letters contain the warning that the recipients would be "in direct~ conflict with the Covenant" if they continued with their cyberspace activities. The only public statement by the UHJ alluding to the crackdown said "Early in 1996, the deliberate nature of the plan was revealed in an accidental posting to an Internet list which Baha'i subscribers believed was dedicated to scholarly exploration of the Cause. Some of the people responsible resigned from the Faith when Counsellors pointed out to them the direction their activities were taking. A small number of others continue to promote the campaign within the Baha'i community." From Universal House of Justice. (1999). April .letter to National Spiritual Assemblies 7

.Scholl, Steven. (2000). April 26 post to talisman9@yahoogroups.com [۶۰]

Langness, David . (1996). May 17 post to Talisman@indiana.edu [۶۱]

/Juan R.I. Cole website, Baha'i Studies page http://www-personal.umich.edu/~jrcole [۶۲] bahai.htm

.Universal House of Justice. (1999). April 7 letter to National Spiritual Assemblies [۶۳]

Documents related to the expulsion by the Universal House of Justice of Michael [۶۴] McKenny from the Baha'i Faith. (1997). Explanation given by the House of Justice for .Alison's expulsion. (2000)

McKenny, Michael. (1999). Re: One area in which liberty is limited in the Baha'i [۶۵] community. Retrieved January 9, 2002 from Baha'i Faith & Religious Freedom of Conscience: http://members.fortunecity.com/bahaicensorship/Mckenny17.htm Alison

Marshall Home Page: http://home.clear.net.nz/pages/alisonz/ Alison Marshall has filed a lawsuit with the New Zealand Privacy Commission against the New Zealand National Spiritual Assembly for its refusal to correct a circulated statement that claims that she was .counseled prior to her disenrollment

Documents Related to the expulsion by the Universal House of Justice of Michael [۶۶] McKenny from the Baha'i Faith. (1997). Explanation given by the House of Justice for .Alison's expulsion. (2000)

,Khan.(2000).). Talk given by Peter Khan at the National Teaching Conference [۶۷] .Auckland, New Zealand, June 2000

:Two articles were published in 1997 concerning the Talisman crackdown [۶۸]

Johnson, K. Paul. (1997).Baha'i leaders vexed by on-line critics. Gnosis. Electronic :version retrieved January 8, 2002 from Baha'i Faith & Religious Freedom of Conscience http://members.forutnecity.com/bahaicensorship/Gnosis.html

.Rifkin, Ira.(1997). Critics chafe at Baha'i conservatism. Religious News Service :Electronic version retrieved January 8, 2002 from Baha'i Academic Resource Library http://bahai-library.org/newspapers/chafe.html

Karen Bacquet was an enrolled Baha'i for thirteen years, and resigned her membership upon discovering what had happened to dialogue magazine. An elementary schoolteacher by profession, she has written several online articles about issues in the Baha'i /community, which are available on her website at http://www.angelfire.com/ca3 ,bigquestions/themestream.html. Ms. Bacquet still considers herself a believing Baha'i practicing her faith privately outside the administrative structure. She can be contacted at .bacquet@tco.net

.movements, exit counseling, and practical suggestions for those needing assistance

Views expressed on ICSA Websites or in ICSA's publications or events or other venues ,are those of the document's author(s) or speaker(s) and are not necessarily shared .endorsed, or recommended by ICSA or any of its directors, staff, or advisers

,A listing on ICSA's web site does not mean that ICSA perceives any group to be a cult practices coercive or destructive tactics, or is in violation of any law. It simply means that ICSA has information on the group and/or has received inquiries from current and former .members, their families, professionals, researchers, the media, or the general public

Groups listed, described, or referred to on ICSA's Web sites may be mainstream or nonmainstream, controversial or noncontroversial, religious or nonreligious, cult or not ,cult, harmful or benign. We encourage inquirers to consider a variety of opinions negative and positive, so that inquirers can make independent and informed judgments .pertinent to their particular concerns

:.ICSA engages no professional solicitors. FL No. SC-07158; Federal tax-exempt No A copy of this organization's official registration and financial information .04-2667-828 may be obtained from the Division of Consumer Services by calling toll free within the .state. 1-800-HELP-FLA (435-7352). www.floridaconsumerhelp.com

---

گفتمان هدفمند و خدمت به عالم انسانی کلید واژه ضد امنیتی اقدامات شهر موازی (حکومت موازی)

لینک متنهای اسناد زیر از پیامهای بیت العدل :

کلیک کنید

۳۱ جلسه تصویر و متن پیام ها

تمام اقدامات بشر دوستانه تشکیلات بهایی در راستای اجرای نقشه های بیت العدل و دار التبلیغ برای به طور سازمان انداختن افراد بی اطلاع و سوء استفاده از قشر آسیب پذیر و نیازهایشان و سپس توسعه منابع انسانی و کسب سمپات برای تشکیلات می باشد دقیقا اقدامات تواندهی بهانه ای است برای ایجاد سازمان و سپس با یک چرخش نرم سازمان خیریه و کمک به بینوایان و تواندهی به متقاضیان تبدیل می شود به تشکیلات و حکومت موازی بیت العدل در آن کشور

لذا توجه عزیزان را به اسناد زیر از بیت العدل به همراه توضیح آن جلی می نمایم

- نشست ۸۹۹ جلسه ۱

اقدام اجتماعی (شهر موازی) سرنگونی حکومتها بر پایی حکومت بهایی

لینک تلگرام :

https://t.me/naghdbahaiat/33835

لینک آپارات :

https://www.aparat.com/v/CJgLx

لینک اینستاگرام :

/https://www.instagram.com/p/CrD_OqKu4F4

لینک صدا :

https://t.me/mardomtve/4243

فیلم نقد :

⊗ نشست ۹۰۷ گفتمان هدفمند جهت ایجاد شهر موازی و براندازی

بیان نمونه ای از گفتمان هدفمند در بیان مهوش ثابت (مهوش شهریاری) فریبا کمال‌آبادی
خطاب به : همایش گفتگو برای نجات ایران

فیلم نقد :

⊗ نشست ۹۰۸ نقد پیام دو محکوم فریبا کمال آبادی و مهوش ثابتی خطاب به " همایش گفتگو برای نجات ایران "

فیلم نقد

۹۷۲- بیت العدل در پوشش ارائه خدمات انسانی به دنبال بر اندازی
بررسی پیام زیر :
بسیاری از نامه های شما حاوی سؤالاتی مربوط به استحکام و تقویت جامعه میباشد. توجّه به مقتضیات این مسئله بنیادی وظیفه هر مؤمن ثابت قدم است. ملاحظه مینمایید که انجام وظایف روحانی فردی چگونه موجب وحدت نظر و ایجاد شوق و شور و احساس وابستگی در بین اعضای جامعه میگردد. همچنین عوامل متعدّدی از قبیل تشکیل کلاس های درس اخلاق، کوشش در جهت تزیید معلومات امری، تشکیل مرتّب ضیافات نوزده روزه و دیگر جلسات بهائی، حفظ و ترویج اتّحاد در جمیع احوال، رعایت حال جوانان و خانواده های محتاج، ملاقات در منازل به منظور گفتگوهای هدفمند و تحکیم رشته های هم بستگی و مودّت به پویایی فزایندهٔ جامعه کمک میکند.
۲۰۰۹-۰۵-۱۹ ۷۷۱

https://www.aparat.com/v/ZifkJ

فیلم نقد :

۹۷۳ – بیت العدل در پوشش ارائه خدمات انسانی به دنبال بر اندازی
بررسی پیام زیر
این بررسی مختصر البتّه نمی تواند میزان کامل تقلیبِ در حال وقوع را منعکس نماید. چشم انداز دو سالی که از نقشه باقی مانده درخشان است. انتشار وسیع تجربه های آموخته شده از برنامه های فشردهٔ رشد در آن دسته از محدوده های جغرافیایی که برحسب انتظارمان گنجینه ای از آموخته ها و ذخیره ای از منابع شده اند، باعث حصول

توفیقات زیادی در سال گذشته شده است. دارالتّبلیغ بین المللی، مشاورین قارّهای و معاونین خستگی ناپذیرشان برای اینکه احبّا در همهٔ نقاط جهان بتوانند از این تسریعِ یادگیری بهره مند گردند تا بینشهای کسب شده را در رابطه با واقعیّتهای محیط خود به کار گیرند از هیچ اقدامی فروگذار نکرده اند. موجب خرسندی است که در تعداد فزایندهای از محدوده های جغرافیایی، و در محلّه ها و دهکده های آنها، یک هستهٔ مرکزی از دوستان شکل گرفته که با عمل و تأمّل درمی یابند که برای پیشرفت فرایند رشد در محیط اطرافشان در هر زمان چه اقدامی مورد نیاز است. این دوستان از وسیلهٔ قدرتمند مؤسّسهٔ آموزشی که از طریق آن قابلیّت کمک به رفاه معنوی و مادّی جامعه تقویت میگردد بهره میگیرند و در ضمنِ عمل، تعداد کسانی که به آنان می پیوندند افزایش مییابد. شرایط و خصوصیّات رشد طبیعتاً از محل تا محل بسیار متفاوت است. امّا با جدّ و جهد منظّم، همه میتوانند مشارکت بیش از پیش مؤثّری در این فعّالیّتها داشته باشند. در هر محیطی، مبادرت به گفتگویی هدفمند و متعالی با دیگر نفوس که سریعاً یا تدریجاً موجب برانگیختن استعداهای روحانی میشود، بسیار سرورانگیز است.
۲۰۱۹-۰۴-۲۱ ۹۲۱

https://www.aparat.com/v/bTKoW

فیلم نقد :

۹۷۴ – بیت العدل در پوشش ارائه خدمات انسانی به دنبال بر اندازی
بررسی پیام زیر :
این جمع در کمال مسرّت شاهد آنست که چگونه فرایندهای نقشهٔ پنجساله در جوامع مختلف بهائی روح خدمت را برمیافروزند و اشتیاق به اقدامات هدفمند را سبب میگردند. هر روز نمونه های مشهود حاکی از آن است که چطور ایجاد ارتباطات قلبی، آشنا ساختن نفوس با کلام الهی و دعوت آنان به مشارکت در بهبود اجتماع میتواند مآلاً موجب سعادت مردمان گردد. این جنبش دسته جمعی که خصوصیّات پویای آن به نحوی فزاینده شناخته شده زمانی ملموس و محسوس میشود که عناصر نقشه در یک کوشش هماهنگ در سطح محدودهٔ جغرافیایی تلفیق گردد. یک چنین محدودهٔ جغرافیایی هم برای احبّای مجرّب و هم برای کسانی که جدیداً با امر مبارک آشنا شده اند، از هر سنّ و هر پیشینه ای، میدانی است که در آن دوش به دوش هم کار کنند، یکدیگر را در خدمات همراهی نمایند و همگان را قادر سازند تا در اجرای نقشه مشارکت جویند.

۲۰۱۳-۰۲-۰۸ ۸۲۱

https://www.aparat.com/v/o5CxL

فیلم نقد :

۹۷۵ – بیت العدل در پوشش ارائه خدمات انسانی به دنبال بر اندازی
بررسی پیام زیر بیت العدل :

مصائب احبّای ثابت قدم ایران به خصوص در چند ده های که از آغاز موج اخیر تضییقات میگذرد برادران و خواهران روحانی آنان را در سایر کشورها بر آن داشته تا به دفاع از حقوق آن مظلومان برخیزند. از جمله مواهب گرانبهائی که به برکت این استقامت سازنده نصیب جامعهٔ جهانی بهائی شده، تأسیس شبکه ای چشمگیر از دفاتر مخصوص در سطح ملّی میباشد که به طور سیستماتیک با دولتها و سازمانهای جامعهٔ مدنی رابطه بر قرار ساخته است. به موازات توسعهٔ این دفاتر، فرایندهای نقشه های متوالی توانایی جامعه را برای مشارکت در گفتمانهای رایج در فضاهای گوناگون، از مکالمات شخصی تا اجتماعات بین المللی، افزایش داده است. در سطح مردمی، این کار از طریق همان رویکرد ارگانیک که موجب ازدیاد تدریجی اشتغال احبّا به اقدام اجتماعی میشود به طور طبیعی گسترش مییابد و هیچگونه تلاش خاصّی برای تحرّک بخشیدن به آن لازم نیست. امّا در سطح ملّی، شرکت در گفتمانهای رایج اکثراً مطمح نظر این دفاتر است که هم اکنون در دهها جامعهٔ ملّی مشغول فعّالیّت هستند و بر طبق الگوی مؤثّر و آشنایِ عمل، تأمل، مشورت و مطالعه به کار خود ادامه میدهند. به منظور افزایش این گونه مجهودات و با هدف تسهیلِ یادگیری در این عرصه، و برای تضمین انسجام این اقدامات با سایر مساعی جامعهٔ بهائی، اخیراً در مرکز جهانی بهائی دفتر گفتمانهای عمومی را تأسیس نمودهایم تا با پیشبرد تدریجی و هماهنگسازی فعّالیّتها و تنظیم تجارب، محافل روحانی ملّی را در این میدان کمک نماید.
۲۰۱۳-۰۴-۲۱ ۸۲۵

https://www.aparat.com/v/VZ8qm

فیلم نقد :

۹۷۶ – بیت العدل در پوشش ارائه خدمات انسانی به دنبال بر اندازی

بررسی پیام زیر بیت العدل

با ازدیاد وافر منابع انسانی در محدودهٔ جغرافیایی و استحکام الگوی رشد، مشارکت و همکاری جامعهٔ بهائی با اجتماع میتواند و در واقع میباید افزایش یابد. در این برههٔ خطیر از اجرای نقشه، هنگامی که تعداد بسیاری از محدوده های جغرافیایی به چنین مرحله ای نزدیک شده اند، مقتضی است که احبّا در کلّیّهٔ نقاط در بارهٔ ماهیّت کمک هایی که جوامع پویا و در حال رشد آنها به پیشرفت مادّی و معنوی اجتماع ارائه خواهند داد تأمّل نمایند. در این خصوص، تفکّر در دو حوزهٔ فعّالیّت که به هم مرتبط و تقویتکنندهٔ یک دیگرند یعنی اشتغال به اقدام اجتماعی و شرکت در گفتمان های رایج در اجتماع، سودمند خواهد بود.

۲۰۱۰-۰۴-۲۱ ۷۸۸

https://www.aparat.com/v/rpXGJ

فیلم نقد :

۹۸۰ – بیت العدل در پوشش ارائه خدمات انسانی به دنبال بر اندازی – پولشوئی و جاسوسی

بررسی پیام بیت العدل :

بدین ترتیب بار دیگر نیروهایی در داخل و خارج از امر مبارک ظهور مرحلۀ جدیدی را در کار توسعۀ اجتماعی و اقتصادی در عالم بهائی ممکن ساخته است. لذا در این ایّام مبارک جشنهای میلاد دو مظهر ظهور الهی با نهایت خوشوقتی اعلام میداریم که دفتر توسعۀ اجتماعی و اقتصادی اکنون به صورت مؤسّسۀ جهانشمول جدیدی مستقرّ در مرکز جهانی تحت عنوان سازمان توسعۀ بین المللی بهائی شکوفا میگردد. بعلاوه، یک صندوق توسعۀ بهائی تأسیس خواهد شد که این سازمان جدید از آن برای کمک به فعّالیّتهای توسعه در سراسر جهان، اعمّ از طرحهای درازمدّت و یا جدید، استفاده خواهد کرد. این صندوق توسّط بیت العدل اعظم حمایت خواهد شد و افراد و مؤسّسات میتوانند به آن تبرّع نمایند. یک هیئت مدیرۀ پنج نفره منصوب خواهد شد که در مقام هیئتی مشورتی به منظور پیشبرد و هماهنگی مجهودات جامعۀ جهانی در زمینۀ توسعۀ اجتماعی و اقتصادی انجام وظیفه خواهد نمود. دورۀ خدمت این هیئت مدیره پنج سال خواهد بود که از یوم میثاق آغاز میگردد. به منظور هماهنگی و انسجام فعّالیّتهای توسعه با مجهودات متعدّد عالم بهائی، این هیئت که در قلب روحانی و اداری امر مبارک خدمت میکند با بیت العدل اعظم و دارالتّبلیغ بین المللی مشورت خواهد کرد. این مؤسّسۀ جدید با عهده دار شدن وظایف و اموری که قبلاً توسّط دفتر توسعۀ اجتماعی و اقتصادی انجام میشد کار خود را آغاز خواهد کرد
و به تدریج قابلیّت آن افزایش یافته این وظایف را در مقیاسی وسیع و در سطوحی بالاتر و پیشرفته تر انجام خواهد داد و با تقویت مساعی افراد، جوامع، و مؤسّسات بهائی در سراسر جهان، دامنۀ اقدامات آنها را گسترش داده تحکیم میبخشد. از جمله با ایجاد نهادهای جدید و پیدایش سازمانهای توسعۀ پیشرفته، این مؤسّسه به تقویت قابلیّت تشکیلاتی توسعۀ اجتماعی و اقتصادی در جوامع ملّی کمک خواهد کرد و رویکردهای توسعه و روشهایی را که در این راستا مؤثّر واقع شده در مقیاسی بین المللی ترویج خواهد داد. این مؤسّسه راجع به آخرین یافته ها در زمینۀ توسعه، مطّلع خواهد ماند و کاربرد آنها را در تطبیق با اصول روحانی با کمک بهائیان کارآزموده در زمینه..
۲۰۱۸-۱۱-۰۹ ۹۱۷

فیلم نقد

۹۸۱ – بیت العدل در پوشش ارائه خدمات انسانی به دنبال بر اندازی
بررسی پیام بیت العدل :

اینکه قسمت عمدۀ این برنامه مطالب را از دیدگاه بهائی ولی نه به صورت آموزش دینی بررسی میکند، راه را برای عرضۀ آن به نوجوانان در محیط ها و شرایط مختلف باز کرده است. در نتیجه در بسیاری از موارد، مجریان این برنامه با اطمینان به میدان اقدام اجتماعی وارد میشوند و با مسائل و امکانات گوناگونی رو به رو میگردند. این اقدامات و مسائل و امکانات توسّط دفتر توسعۀ اجتماعی و اقتصادی در ارض اقدس به صورت یک فرایند یادگیری در سطح جهانی دنبال و تنظیم میگردد. تا کنون به مدد دانش و تجربۀ به دست آمده، چند محدودۀ جغرافیایی در اطراف جهان این توانمندی را کسب نموده اند که هر یک متجاوز از هزار نوجوان را تحت پوشش این برنامه قرار

دهند. برای اینکه محدوده های جغرافیایی دیگر نیز بتوانند به سرعت در این جهت پیش روند، دفتر توسعهٔ اجتماعی و اقتصادی، با کمک گروهی از احبّا، مشغول تأسیس شبکه ای از جایگاههایی در همهٔ قارّات عالم برای تعلیم هماهنگ کنندگان در صدها محدوده میباشد. این افراد کاردان پس از بازگشت هماهنگ کنندگان به محدوده های جغرافیایی خود، به حمایت آنان ادامه میدهند تا آنها بتوانند محیطی سرشار از روحانیّت در جهت تداوم برنامهٔ نوجوانان به وجود آورند.

۲۰۱۰-۰۴-۲۱ ۷۸۸

فیلم نقد :

۹۸۲ – بیت العدل در پوشش ارائه خدمات انسانی به دنبال بر اندازی

بررسی پیام بیت العدل :

جامعه نیز آنچه در توان دارد به کار میگیرد تا بر تحرّک ثمربخش خود بیفزاید. جامعه ای پویا و در حال رشد میکوشد تا محیطی فراهم آورد که در آن استعدادهای درونیِ هر یک از اعضایش اعمّ از جدید و قدیم، زن و مرد، پیر و جوان، شهرنشین و روستایی، از هر قوم و قبیله در سراسر آن سرزمین مقدّس شکوفا گردد و قابلیّت آنان برای مشورت و اتّخاذ تصمیم و همکاری در سطح محلّی پرورش یابد تا بتوانند به نحوی مؤثّر در جهت بهبود و پیشبرد اجتماع خدمت نمایند. این جامعه می آموزد تا قرائتی صحیح از واقعیّات محیط داشته باشد، امکانات موجود را تشخیص دهد، از منابع خود استفاده نماید و به نیازها پاسخ گوید؛ متعهّد به گسترش فرهنگی برونگرا است که در آن همه با توافق کامل به تقویت قابلیّتها برای تحقّق اهداف عالی آیین بهائی چون صلح و آشتی، ترویج وحدت در کثرت، استخلاص نوع بشر از یوغ جور و ستم و برقراری عدالت و انصاف مشغولاند و در اقدامات توسعهٔ اجتماعی و اقتصادی و گفتمانهای مفید اجتماع کوشا میباشند؛ جوانان را خادمان با کفایت عالم انسانی میداند و آنان را حمایت مینماید تا با اتّصاف به اخلاق شایستهٔ مرضیّه و اعمال طیّبهٔ طاهره، از قوای معنوی مدد گیرند و با اقدامات منظّم و پیگیر در میدان خدمت به عالم بشریّت جولان نمایند. در چنین جامعه ای، همگی به مثابه اجزای یک هیکل واحد به پیش میروند و تلاش مینمایند تا کل از منابع مادّی کافی برای ادارهٔ زندگی روزمرّه و خدمات امریّهٔ خود برخوردار باشند.

۲۰۱۶-۰۵-۱۲ ۸۸۵

فیلم :

۹۸۳ – بیت العدل در پوشش ارائه خدمات انسانی به دنبال بر اندازی

بررسی پیام بیت العدل :

بهائیان در شهرها و دهکده ها در سراسر کرهٔ ارض به تأسیس الگویی از زندگی اشتغال دارد که تعداد فزایندهای از مردم، بدون توجّه به پیشینهٔ آنان، دعوت میشوند تا در آن مشارکت نمایند. این الگو که نمایانگر انسجامی پویا بین ابعاد مادّی و معنوی زندگی میباشد شامل کلاسهایی است برای تعلیم و تربیت روحانی کودکان که در آن درکی عمیق از وحدت بنیادین ادیان جهان کسب میکنند؛ گروه هایی برای کمک به نوجوانان تا بتوانند این مرحلهٔ حساس

و مهم از زندگی خود را هدایت کنند و در مقابل قوای مخرّبی که به خصوص آنان را هدف قرار داده ایستادگی نمایند؛ حلقه هایی برای مطالعه که شرکت کنندگان در بارهٔ ماهیّت روحانی عالم هستی تفکّر و تأمّل مینمایند و قابلیّت خدمت به جامعه و اجتماع را کسب میکنند؛ گردهمایی هایی برای عبادت دسته جمعی که خصیصهٔ نیایشی جامعه را تقویت میکند؛ و در زمان مناسب انواع فزایندهای از مجهودات برای توسعهٔ اجتماعی و اقتصادی. این الگوی حیات جامعه منتهی به ایجاد جوامع پویا و هدفمند جدیدی میگردد که در آن روابط بر اساس یگانگی نوع بشر، مشارکت عمومی، عدالت، و رهایی از تعصّب استوار گشته است. این جامعه به روی همه باز است. فرایندی که در حال شکل گیری است در پی ترویج همکاری بین گروه ها و قابلیّتسازی افراد است تا همگی بدون در نظر گرفتن طبقه یا پیشینهٔ مذهبی، بدون توجّه به قومیّت یا نژاد، صرف نظر از جنسیّت یا وضعیّت اجتماعی بپا خیزند و به پیشبرد تمدّن کمک نمایند.

۲۰۱۷-۱۲-۲۷ ۹۰۵

فیلم

۹۹۰ – بررسی اسناد خیانت معاون مشاور قاره ای غرب آسیا عفیف نعیمی به ایران و غرب آسیا و پیام بیت العدل :

همانطور که مطّلعید اوضاع نگران کننده ای که مردم جهان با آن رو به رو هستند و مشکلات پی در پی حاصله از عدم اتّحاد در درون ملّتها و بین ملّتها موضوعی بارز و آشکار در پیامهای بیت العدل اعظم بوده است. بهائیان البتّه همواره اوضاع جهان را مدّ نظر دارند. رفاه عالم انسانی و صلح و آرامش آن آرزوی همیشگی همهٔ کسانی است که این پند حضرت بهاالله را به گوش جان شنیده اند که میفرمایند امروز را نگران باشید و سخن از امروز رانید. بعلاوه، کاملاً بدیهی است که اشتیاق احبّا برای کمک به اصلاح و بهبود عالم انسانی و مشارکت سازنده در حیات اجتماع به هیچ وجه با عدم مداخلهٔ آنان در امور سیاسی در تضاد نیست. اگرچه آگاهی از شداید و مشقّاتی که بسیاری از مردم را مبتلا ساخته موجب افزایش تعهّد به تغییر بنیادین اجتماعی میگردد، ولی فعّالیّتی سیاسی از جانب بهائیان صرفاً موجب تضعیف قوای جامعه و مانع تحقّق این تغییر خواهد گشت. تغییر باید از تحوّل روحانی اجتماع ناشی گردد. بیت العدل اعظم در پیام ۲ مارس ۲۰۱۳ خطاب به بهائیان ایران این موضوع را مورد بررسی بیشتری قرار داده اند، پیامی که بسیاری از جوامع بهائی مراجعهٔ مکرّر به آن را مفید یافته اند. معهد اعلی مقرّر فرموده اند نکات بیشتری را در مورد موضوعی که کاملاً به این مسئله مربوط می گردد به اطّلاع شما برسانیم. این نامه را میتوانید به هر طریقی که صلاح میدانید با احبّا در میان گذارید.

۲۰۱۹-۱۲-۰۱ ۹۲۸

فیلم :

۹۹۱ – – بیت العدل در پوشش ارائه خدمات انسانی به دنبال بر اندازی

اقدامات خیرخواهانه اجتماعی پوششی برای اقدام اساسی در راستای تغییر بافت جمعیتی برای اشغال سرزمین

توسط بیت العدل با دخالت در امور داخلی هر کشور
بررسی پیام بیت العدل :

بیت العدل اعظم مشاهده نموده اند که احبّا به نحو فزاینده ای در محدوده های جغرافیاییای که فرایند رشد در آنها شدّت مییابد، در گفتمانهای اجتماع و در سطح ملّی در بارهٔ مواضیعی که محفل ملّی انتخاب مینماید اشتغال خواهند داشت. در عین حال ملاحظه نموده اند که بسیاری از بهائیان از طریق شغل و حرفهٔ خود در اقدام اجتماعی و گفتمانهای عمومی مشارکت دارند. هر فرد بهائی این فرصت را دارد که نیروهای عامل در اجتماع را بررسی کند و در گفتمانهای رایج در هر فضای اجتماعی که در آن حضور دارد جنبه های مرتبطی از تعالیم را ارائه دهد. مساعی انجمن مطالعات بهائی را شاید بتوان وسیلهای برای ازدیاد توانمندیهای احبّا در استفاده از چنین فرصتهایی در ارتباط با علایق پژوهشی آنان دانست. انجمن از طریق ایجاد فضاهای تخصّصی میتواند یادگیری را در بین طیف وسیعی از احبّا در عرصه گستردهای از رشته ها ترویج دهد. اندیشهٔ وجود یک چارچوب مفهومیِ در حال تکامل برای پیشبرد مجهودات ترویج و تحکیم، اقدام اجتماعی، و شرکت در گفتمانهای اجتماع حائز اهمّیّت بسیار است، قالبی که فکر را منظّم میکند، به فعّالیّتها شکل میبخشد و با اندوختن تجربه پیچیدهتر و کاملتر میگردد.
۲۰۱۳-۰۷-۲۴ ۸۳۲

فیلم :

۹۹۲ – بیت العدل در پوشش ارائه خدمات انسانی به دنبال بر اندازی
بررسی پیام بیت العدل :
احبّا در مساعی خود برای معرّفی ساده و واضح حقایق اساسی امرالله، از نمونهٔ بارز و گویای کتاب ششم مؤسّسهٔ روحی بهرهٔ وافر برده ا ند. هر جا که منطقِ اصلی این طرز معرّفی درک شود و از گرایش تبدیل آن به یک فرمول اجتناب گردد، استفاده از آن گفتگویی را آغاز میکند که خصوصیّت ممیّزهٔ آن حسن تفاهم و کیفیّت روابط حاصله بین طرفین است. مادام که این گفتگو از ملاقات اوّلیّه فراتر رود و یک دوستی واقعی شکل گیرد، این نوع تبلیغ مستقیم میتواند عاملی راهگشا برای یک فرایند پایدار تقلیب روحانی باشد. این مسئله که تماس اوّلیّه با این دوستانِ تازه یافته منجرّ به دعوت آنان به تسجیل و یا شرکت در یکی از فعّالیّتهای جامعهٔ بهائی شود، چندان مهم نیست. آنچه حائز اهمّیّت بیشتری میباشد این است که هر فرد احساس کند که همکاریش با جامعهٔ بهائی در کمک به بهسازی اجتماع با گرمی مورد استقبال قرار میگیرد و از این طریق در مسیری از خدمت به بشریّت گام مینهد که ممکن است در بدایت و یا در مراحل بعدی به تسجیل او بیانجامد.

۲۰۱۰-۰۴-۲۱ ۷۸۸

فیلم :

۹۹۵ – بیت العدل در پوشش ارائه خدمات انسانی به دنبال بر اندازی
بررسی پیام بیت العدل :

احبای عزیز و مخلص ایران البته همواره مختارند هر پرسشی را که مایلند با معهد اعلی مطرح نمایند. تبلیغ امرالله جزئی از حیات بهائی و وسیله ای برای خدمت به عالم انسانی و طریقی برای کمک به استقرار مدنیت جهانی است. تبلیغ در معنای وسیع خود نشر نفحات الله، اعلا کلمه الله، کمک به التیام آلام بشری و نشانهای از روح نباض مومنین به این امر اعظم است. نور بخشیدن از خصایص ذاتی شمع است و نمیتوان از شمع خواست که نور نبخشد زیرا چنین انتظاری بدان معنا خواهد بود که از شمع خواسته شود تا موجودیت و هویت خود را نفی نماید. به همین منوال اشتیاق به رساندن پیام شفابخش الهی به نوع بشر از خصایص هر نفسی است که قلبش به نور ایمان منور است و نمی توان او را از این فضل و موهبت محروم نمود. به خاطر این مفاهیم عمیق روحانی است که تبلیغ امرالله در آثار حضرت بهاالله فریضه روحانی هر فرد محسوب می شود.

در شرایط فعلی ایران که مسئولین امور به وسایل مختلفه ... ۸۶۵ ۲۰۱۵-۰۱-۱۹

فیلم :

نشست ۱۰۰۱ : بیت العدل در پوشش ارائه خدمات انسانی به دنبال بر اندازی
بررسی پیام بیت العدل :
به همان گونه که بینش حاصله از شرکت در برخی گفتمانها میتواند به روشن شدن مفاهیمی کمک کند که اقدام اجتماعی را شکل میدهد، اقدام مؤثّر اجتماعی نیز موجب غنی شدن مشارکت در گفتمانهای عمومی میگردد. مشارکت در گفتمانهای اجتماعی در سطح محدودهٔ جغرافیایی میتواند شامل یک عمل ساده مثل استناد به اصول دیانت بهائی ضمن یک صحبت روزمرّه تا فعّالیّتهای منظّمتری مانند تهیّهٔ مقالات و حضور در جلساتی راجع به مسائل اجتماعی، از جمله تغییر آب و هوا و محیط زیست یا حاکمیّت و حقوق بشر، باشد. این مشارکت مستلزم تعامل هدفمند و مفید با گروههای مدنی و سازمانهای محلّی در دهکده و محلّه نیز میباشد. در این رابطه ذکر یک هشدار را ضروری میدانیم. حائز اهمّیّت است که همگان به خوبی متوجّه باشند که ارزش شرکت در اقدام اجتماعی و گفتمانهای عمومی را نباید بر حسب امکان تسجیل افراد تعیین نمود. گرچه مساعی در این دو زمینه ممکن است در افزایش تعداد تسجیل شدگان مؤثّر باشد ولی اصولاً این اقدامات به این منظور انجام نمیشود. اصل ضروری در این مورد خلوص نیّت است. به علاوه باید از مبالغه در بارهٔ تجارب جامعهٔ بهائی و یا از جلب توجّه غیر ضروری به مساعی نوپایی مانند برنامهٔ تواندهی روحانی به نوجوانان که بهتر است با سرعت طبیعی خود به پیش رود دوری جست. آنچه در همهٔ موارد باید مورد نظر باشد تواضع و فروتنی است. احبّا در اظهار شور و اشتیاق در بارهٔ عقاید خود باید از ابراز هر نوع احساس برتری بر دیگران بپرهیزند، احساسی که ابراز آن حتّی در بین خود احبّا شایسته نیست تا چه رسد به مجامع دیگران. ۷۸۸ ۲۰۱۰-۰۴-۲۱

فیلم

نشست ۱۰۰۲ : بیت العدل در پوشش ارائه خدمات انسانی به دنبال بر اندازی
بررسی پیام بیت العدل :
رهبران اجتماع در بعضی از نقاط جهان با شگفتی از آنچه مشاهده نمودهاند مؤکّداً از بهائیان میخواهند که برنامه

های خود را برای تعلیم و تربیت افراد جوان وسعت دهند. مؤسّسات و نهادهای بهائی که با پیچیدگی روزافزون فعّالیّتها رو به رو هستند راههایی میجویند تا با گسترش همکاری و حمایت متقابل، مجهودات تعداد فزایندهای از دوستان را سازمان دهند. قابلیّت برای یادگیری که میراثی ارزشمند از نقشه های پیشین است از قلمرو ترویج و تحکیم فراتر رفته در حال گسترش به سایر مجهودات بهائی به خصوص اقدام اجتماعی و شرکت در گفتمانهای رایج در اجتماع است. این مشتاقان، جامعۀ اسم اعظم را جامعه ای مستحکم مشاهده میکنند با موهبت توانایی و تجارب حاصله از دو دهه مجهوداتِ بیوقفۀ متمرکز بر یک هدف مشترک: پیشبرد قابل ملاحظه ای در فرایند دخول افواج. شکّی نیست که این فرایند باید به مراتب پیشتر رود، معذلک توفیقات حاصله نشان میدهد که پیشرفتی قابل ملاحظه هماکنون حاصل شده است، پیشرفتی که یاران را در استفاده از قابلیّتهای خویش برای انجام وظایف سنگین تری آماده نموده، وظایفی که بر سنگینی کار مؤسّسۀ شما نیز در صفآرایی دوستان برای برآوردن مستلزمات آن خواهد افزود. در نقشۀ آینده که در شروع دومین قرن عصر تکوین امر الهی به پایان خواهد رسید از احبّای عزیز عالم دعوت خواهیم نمود تا برای به ثمر رساندن بذرهایی که در طیّ پنج نقشۀ قبلی با چنان پشتکار و محبّتی کاشته و آبیاری شده کوشش لازم را مبذول دارند.

-۲۰۱۵-۱۲-۲۹ ۸۷۶

فیلم :

نشست ۱۰۰۳ : بیت العدل در پوشش ارائه خدمات انسانی به دنبال بر اندازی

بررسی پیام بیت العدل :

آغاز تحرّکی جدید در زمینۀ اقدام اجتماعی یکی از نتایج طبیعی افزایش منابع و ازدیاد آگاهی از مقتضیات ظهور امر الهی برای زندگی یک جمعیّت است. برنامۀ تواندهی روحانی به نوجوانان و یا مشاورات در بارۀ شرایط محلّی در گردهمایی های جامعه اغلب به طور ارگانیک موجب شروع این چنین اقداماتی میشود. این مجهودات میتواند اشکال مختلفی به خود بگیرد مثلاً ارائۀ کمک تدریسی به کودکان، طرحهایی برای بهبود محیط زیست، و فعّالیّتهایی در جهت بهداشت بهتر و پیشگیری از بیماریها. بعضی از این ابتکارات تداوم مییابد و به تدریج رشد میکند. در نقاط مختلف، تأسیس مدرسۀ جامعه بعد از افزایش توجّه به آموزش صحیح کودکان و آگاهی به اهمّیّت آن به طور طبیعی از مطالعۀ موادّ مؤسّسه حاصل شده است. در مواقعی تلاشهای دوستان میتواند از طریق کار یک سازمان ملهم از تعالیم بهائی که در آن حوالی فعّالیّت میکند بسیار تقویت گردد. یک اقدام اجتماعی هر چقدر هم در ابتدا کوچک باشد نشانه ایست از اینکه یک جمعیّت در درون خود قابلیّتی بسیار مهم را پرورش میدهد که امکاناتی بیشمار و اهمّیّتی فراوان برای قرون آینده دارد: قابلیّت یادگیری اینکه چگونه میتوان تعالیم این ظهور اعظم را در ابعاد گوناگون حیات اجتماعی به کار گرفت. مجموعۀ این چنین ابتکاراتی به غنی کردن مشارکت در گفتمانهای متداول در اجتماع در سطح فردی و جمعی نیز کمک میکند و همان طور که انتظار میرفت دوستان بیش از پیش به اشتغال فزاینده در حیات اجتماع جلب میشوند پیشرفتی که بالقوّه از همان ابتدا در الگوی عمل یک محدودۀ جغرافیایی موجود میباشد امّا اکنون آشکارتر شده است.

۲۰۱۵-۱۲-۲۹ ۸۷۶

فیلم

نشست۱۰۰۴ : بیت العدل در پوشش ارائه خدمات انسانی به دنبال بر اندازی
بررسی پیام بیت العدل :
در ارتباط با این قضیه، فکر میکنیم که مسئلهٔ دوره های انشعابی محتاج توضیح است. در پیام ۹ ژانویه ۲۰۰۱ خطاب به کنفرانس هیئتهای مشاورین قارّه ای ذکر کردیم که «دوره های متوالی اصلی را میتوان به تنهٔ درختی تشبیه کرد که دورههای دیگری را ــ که هر یک به فعالیّتهای ویژهای اختصاص یافته ــ چون شاخه های منشعب از خود حمایت میکند». مجموعه ای از جزوات در زمینهٔ بهداشت که در آفریقا در دست تهیه است برخی از مختصّات این دوره ها را به خوبی نشان میدهد. بعد از چند سال تعلیم کارمندان بخش بهداشت اجتماعی در اواخر دهه ۱۹۸۰ و آغاز دههٔ ۱۹۹۰، تعدادی از سازمانهای بهائی تصمیم به تهیهٔ یک سلسله واحدهای درسی گرفتند که هدف آن آماده کردن افراد در برخورد با مشکلات روزافزون و پیچیدهٔ بهداشت در سطح محلّی بود. وقتی ا....
. ۶۹۰ ۲۰۰۵-۱۲-۳۱

فیلم :

- نشست۱۰۰۵ : بیت العدل در پوشش ارائه خدمات انسانی به دنبال بر اندازی سند ۲۶

بررسی پیام بیت العدل :

۲۰۰۰-۰۴-۲۱

بدون تردید پیشرفت اصلی در خدمات مربوط به توسعه ی اجتماعی و اقتصادی جنبه ی کیفی داشت، اگر چه آمار و ارقام نشان میدهد که افزایش تعداد طرحهای مربوط به این گونه خدمات نیز جالب توجّه بوده است. گزارشهای سالانه ی این اقدامات حاکی از آن است که ۱۳۵۰ طرح که در ابتدای نقشه وجود داشت به بیش از ۱۸۰۰ طرح در پایان نقشه بالغ گردیده است. حرکت به سوی منتظم ساختن هرچه بیشتر این اقدامات از مشخّصات برجسته در این دوره ی چهارساله است. به منظور ترویج مشورت و اقدام در باره ی اصول خدمات توسعه ی اجتماعی و اقتصادی، دفتر خدمات توسعه ی اجتماعی و اقتصادی در مرکز جهانی بهائی سیزده سمینار منطقه ای ترتیب داد که مجموعاً حدود ۷۰۰ نماینده از ۶۰ کشور در آنها شرکت کردند. دفتر مزبور همچنین برای شروع به اقدامات منظّم جهت تقویت روحانی جوانان، سوادآموزی، آموزش مروّجین بهداشت در جوامع محلّی، ترقّی نسوان، و تربیت اخلاقی، اقدام به تهیّه ی مواد و طرحهای آزمایشی مناسب نمود. نمونه ی این گونه اقدامات طرحی بود که در گویان برای آموزش ۱۵۰۰ نفر مروّج سوادآموزی اجرا شد، و نیز تهیّه ی هشت دوره موادّ آموزشی برای ترقّی نسوان در مالزی بود که بر اساس آن دورههای آموزشی مخصوصی در آسیا و افریقا و امریکای لاتین به موقع اجرا در آمد. در ناحیه ی گوایمی در پاناما نقشه ای جهت همآهنگ نمودن اقدامات ایستگاههای رادیویی بهائی با برنامه های مؤسّسات آموزشی آغاز گردید. نظر به اینکه مؤسّسات آموزشی میتوانند در تعلیمات لازم برای خدمات توسعه ی اجتماعی و اقتصادی مفید واقع شوند اقداماتی به این منظور آغاز شده است که شامل دوازده

مؤسّسه ی آموزشی است مؤسّسات مذکور در حال حاضر اقداماتی از قبیل سوادآموزی، تعلیم مروّجین بهداشت در جوامع محلّی، و تعلیمات حرفه ای را مورد آزمایش و تجربه قرار داده اند. تعدادی از مؤسّساتی که بوسیله ی بهائیان و یا با الهام از تعالیم بهائی تأسیس شده نیز مساعی خود را مصروف چنین طرح هایی کرده اند. از جمله همکاری با سازمان بهداشت جهانی در مبارزه با بیماری مخصوصی در کامرون است که از رودخانه ها در سوییس است که ضمن توسعه و تقویت برنامه های آکادمیک خود به تلاشی که برای جبران عواقب وخیم اجتماعی زد و خورد در بالکان ادامه دارد کمک های پرارزشی نموده است. نمونه ی دیگر دانشگاه نور در بولیوی است که در طرح مشترکی با اکوادور در اثر اجرای برنامه ی رهبری اخلاقی که ترتیب داده موجبات آموزش یکهزار معلّم مدرسه را فراهم آورده است. در زمینه ی خدمات توسعه ی اجتماعی و اقتصادی این قبیل اقدامات توانبخش که سبب افزایش کارآیی میشود برای اهداف نقشه ی چهارساله فوایدی بسیار داشته است.

فیلم

نشست ۱۰۰۶
براساس اظهارات یک منبع آگاه:

◊ یکی ازعناصر شاخص وتشکیلاتی فرقه ضاله بهائیت دراستان البرز، به واسطه برگزاری جلسات متعدد با عناصرضدانقلاب داخل کشور، طی چندماه گذشته دستگیرشده است.

◊ فردمزبورنقش حمایت فکری ومالی ازجریان مخالف ضدانقلاب برعهده داشته وقصدداشته ضمن ایجادحلقه اتحادباعناصرضدانقلاب اقداماتی رابرای ایجادائتلاف بین این افرادداشته باشد.

گمانه زنی ها حاکی است که فرد مزبور یکی از مسئولین سرشبکه نهاد اطلاعات عملیات بیت العدل در ایران معاون مشاور قاره ای و یکی از مسئولین تشکیلات بهایی در ایران عفیف نعیمی می باشد

فیلم :

- نشست۱۰۰۷ : بیت العدل در پوشش ارائه خدمات انسانی به دنبال بر اندازی سند ۲۷

اقدامات خیرخواهانه اجتماعی پوششی برای اقدام اساسی در راستای تغییر بافت جمعیتی برای اشغال سرزمین توسط بیت العدل با دخالت در امور داخلی هر کشور
این پیام اقرار بیت العدل به موارد زیر است :

ولی تعداد این دوره ها از قرار معلوم ممکن است نهایتا به هجده برسد و مطالبی راجع به خدماتی در رابطه با نیازمندیهای جامعه از قبیل هماهنگ سازی و اداره امور، اشتغال به اقدام اجتماعی و مشارکت در گفتمان های جامعه را در بر گیرد. در طی این دوره های متسلسل، در حال حاضر دو مقطع وجود دارد که در آن فرد مختار است وارد یک مسیر خاص خدمت گردد. اولین مقطع بعد از مطالعه کتاب ۳ می باشد. از میان دوستانی که این

کتاب را تمام می کنند و کلاس نسبتا ساده ای را برای شاگردان کلاس اول از یک برنامه تربیت روحانی کودکان شروع می نمایند درصد معینی مایل خواهند بود وقت خود را وقف این خدمت نموده به مرور دوره های منشعب جامع تری را برای تدریس شاگردان سالهای ۲ تا ۶ بگذرانند. این بدان معنی نیست که این افراد دوره های متسلسل اصلی را مطالعه نخواهند کرد. در واقع دوره هایی که یک مسیر خاص خدمت را تشکیل می دهند بر این فرض تهیه شده اند که شرکت کنندگان هر یک با سرعتی متناسب
با وضعیت خود دوره های متسلسل اصلی را نیز خواهند گذارند. کتاب ۵ که هدف آن پرورش مشوقین گروه های نوجوانان می باشد مقطع دومی است که مجموعه ای از دوره ها از آن منشعب می گردد. بدون شک راه های دیگری در امتداد دوره های اصلی برای خدمت پدیدار خواهد شد. بعضی از آنها مانند دو موردی که در فوق به آن اشاره رفت ممکن است برای استفاده عمومی در سراسر عالم باشد ولی برخی دیگر شاید به نیازهای خاص محلی منحصر گردد. در این مورد نیز همانند دوره های متسلسل اصلی، محتوا و ساختار باید نتیجه تجربه جمعی مستمر در میدان عمل باشد، تجربه ای که اتفاقی و بی رویه و یا حاصل سلیقه شخصی نبوده بلکه توسط مؤسسات امری هدایت می شود. کسب چنین تجربه ای مستلزم صرف قوای زیادی از بخش بسیار بزرگ تری از جامعه خواهد بود و در این مرحله از بسط سلسله نقشه های جهانی کنونی بذل توجه از طرف مؤسسه آموزشی به تهیه و تدریس دوره های فرعی دیگر، به جز در مواردی معدود، اقدامی عجولانه و نابهنگام خواهد بود.
۲۰۱۱-۱۲-۱۲ ۸۰۹

فیلم :

- نشست۱۰۰۸ : بیت العدل در پوشش ارائه خدمات انسانی به دنبال بر اندازی سند۲۸

و مختصری پیرامون نکیسا صادقی

چطور دوستانی در مقام هستهٔ مرکزی یک گروهِ در حال تزاید میتوانند الگوی فعّالیّتِ در حال رشد را به وجود آورند، چطور کودکان میتوانند به کلاس بالاتر و نوجوانان به مطالعهٔ متن بعدی آموزش ارتقا یافته صفات و خصایص اخلاقی و روحانی خویش را بیشتر پرورش دهند، چطور دوره های مؤسّسهٔ آموزشی میتواند موجب دستیابی به مهارتها و قابلیّتهایی گردد که بسیار مورد نیاز است، چطور میتوان مسیر خدمت را گسترش داد تا تعداد بیشتری را پذیرا باشد، چطور امید راستین به بهبود اجتماع را میتوان در عمل به منصّهٔ ظهور رساند، و چطور تمام بندگان خدا میتوانند از ظهور جدیدش الهام گیرند و چگونه نفوس مستعدّ و علاقمند را میتوان دعوت نمود که به امر جمال ابهی منتسب شوند.
۲۰۱۹-۱۰-۲۴ ۹۲۶

فیلم

- نشست۱۰۰۹ بیت العدل در پوشش ارائه خدمات انسانی به دنبال بر اندازی سند۲۹

فعّالیّتهای مختلف در زمینهٔ اقدام اجتماعی در بسیاری از کشورها همچنان در حال افزایش است و امکانات بسیاری

را برای یادگیری در بارهٔ این نکته فراهم میسازد که چگونه حکمت مندمج در تعالیم الهی میتواند برای بهبود اوضاع اجتماعی و اقتصادی به کار گرفته شود؛ موفّقیّتهای کسب شده در این میدان آنچنان امیدوارکننده است که این جمع به تأسیس یک هیئت مشورتی بین المللی هفت نفره برای دفترتوسعهٔ اجتماعی و اقتصادی اقدام نموده است، اقدامی که خود نمایانگر مرحلهٔ بعدی تکامل این دفتر میباشد. سه نفر از اعضای این هیئت بعد از سکونت در ارض اقدس در مقام گروه هماهنگ کنندهٔ امور این دفتر نیز انجام وظیفه خواهند نمود.

۲۰۱۵-۰۴-۲۱ ۸۶۹

فیلم :

نشست ۱۰۱۲
بررسی پیام محفل ملی ایران سال ۵۸ پیرامون مختصات حکومت بهایی و کیفیت مدیریت یک شهر توسط محفل محلی و کشور توسط محفل ملی زیر نظر بیت العدل

https://aparat.com/v/wY3D2

فیلم :

۱۰۱۳ – بیت العدل در پوشش ارائه خدمات انسانی به دنبال بر اندازی بررسی پیام زیر : دست آوردهای چشمگیر نقشه شاهدی است گویا بر مسافت قابل توجّهی که تا کنون طیّ شده است. تحقّق هدف افزایش تعداد محدوده های جغرافیایی به پنجهزار که در هر کدام یک برنامهٔ رشد با هر سطحی از فشردگی در حال اجرا باشد در ماههای باقی مانده تا رضوان ۲۰۱۶ قابل حصول است. دهها محدودهٔ جغرافیایی موجودند که بیش از هزار و گاهی چندین هزار نفر از سکنهٔ آن در یک الگوی مستحکم فعّالیّت که مرتّباً تعداد بیشتری را در بر میگیرد مشارکت مینمایند و جوامعی را پرورش میدهند که عادات فکری و عملیاش از آثار حضرت بهاالله سرچشمه میگیرد. تا به حال نیممیلیون نفر در سراسر جهان توانستهاند حدّ اقلّ کتاب اوّل دورههای متسلسل را تکمیل نمایند، توفیقی خارق العاده که شالودهٔ محکمی را برای سیستم توسعهٔ منابع انسانی بنا نهاده است. بینشی قاطع از اینکه چگونه میتوان در بنای دنیایی جدید مشارکت نمود نسلی از جوانان را به میدان عمل آورده است.

فیلم :

گفتگو پیرامون «حقوق شهروندان بهائی در ایران» در کلاب هاوس

موضوع:

"حقوق شهروندان بهائی در ایران"

گفتگو با حضور:

حجت‌الاسلام دکتر علی رضائیان

حسن ارشاد

شهرام همایون

دکتر سروش دباغ

و فرهاد ثابتان از جامعه بهائی

منبع: https://www.hassanershad.com/1497